منتخب

گنج‌الذکر

عربی ـ فارسی

محمدی شهری

۱ـ۴

با همکاری
رسول افشین

تنظیم
حبیب ضیائی

نهج الذکر: فارسی - عربی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : نهج الذکر: فارسی - عربی/ محمدی ری شهری؛ باهمکاری رسول افقی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1387 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 154.

شابک : 25000 ریال: دوره : 978-964-493-302-8 ؛ ج.1 : 978-964-493-303-5 ؛ ج.2 : 978-964-493-304-2 ؛ ج.3 978-964-493-305-9 : ؛ ج.4 978-964-493-306-6 :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : ج.2، 3 و 4 (چاپ اول: 1387).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : ذکر -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : افقی، رسول، 1345 -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

رده بندی کنگره : BP136/9 /م3ن9 1387

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 1581849

ص: 1

جلد 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتاریاد خدا ، رمز خودسازی و سازندگی و صعود به قلّه کمالات انسانی است . یاد خدا ، بهترین سرمایه تأمین سعادت فردی و اجتماعی ، مادّی و معنوی ، و دنیا و آخرت است و در یک جمله : یاد خدا ، یاد خویش است و فراموشی او ، فراموشی خود! برای بهره برداری از این سرمایه عظیم ، آگاهی نسبت به ارزش و اهمّیت آن ، و شناخت روش ها ، آداب ، آفات و آثار آن از منظر قرآن و احادیث ، لازم و ضروری است . برای تأمین شناخت های بایسته در این باره ، تلاش های ارزنده و فراوانی صورت گرفته است ؛ امّا همان گونه که در مقدّمه کتاب نهج الدعاء بیان شد ، با عنایت به نیاز روزافزون تشنگان معارف اسلام ناب ، بویژه مراکز پژوهشی و پژوهشگران علوم اسلامی ، میدان برای تلاش بیشتر و ارائه مجموعه هایی کاربردی تر ، باز است . نهج الذکر ، حرکتی نوین در جهت رسیدن به این آرمان بلند است که با نظمی نوین و سهل الوصول و درآمدها و تحلیل هایی کارآمد ، در ده بخش ، در خدمت فرهیختگان و تشنگان معارف زلال اسلامی قرار می گیرد . در این کتاب ، افزون بر تبیین مسائل کلّی مربوط به یاد خدا ، در باره ده عنوان

.

روش تدوین کتاب

از بارزترین مصادیق ذکر در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام به تفصیل مطالبی ارائه می گردد . این اذکار ، عبارت اند از : «بَسمَله» ، «تسبیح» ، «تحمید» ، «تهلیل» ، «تکبیر» ، «حَوقَله» ، «استثناء» ، «استعاذه» ، «استغفار» و «صلوات» بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان .

روش تدوین کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه ، متّکی به عناصر زیر است : 1 . از دیدگاه ما ، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند ، در واقع ، حدیث پیامبر خدایند ، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود : إنّا عَنِ اللّهِ و عَن رَسولِهِ نُحَدِّثُ . (1) ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوییم . و نیز امام صادق علیه السلام فرمود : حَدیثی حَدیثُ أبی ، و حَدیثُ أبی حَدیثُ جَدّی ، و حَدیثُ جَدّی حَدیثُ الحُسَینِ ، و حَدیثُ الحُسَینِ علیه السلام حَدیثُ الحَسَنِ علیه السلام ، و حَدیثُ الحَسَنِ حَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام ، و حَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ حَدیثُ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، و حَدیثُ رَسولِ اللّهِ قَولُ اللّهِ عز و جل . (2) سخن من ، سخن پدرم است و سخن پدرم ، سخن جدّم است و سخن جدّم ، سخن حسین است و سخن حسین ، سخن حسن است و سخن حسن ، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان ، سخن پیامبر خداست و

.

1- .رجال الکشّی : ج 2 ص 490 ش 401 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 250 ح 62 .
2- .الکافی : ج 1 ص 53 ح 14 ، الإرشاد : ج 2 ص 186 ، منیه المرید : ص 373 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 179 ح 28 . نیز ، ر . ک : اهل بیت در قرآن و حدیث : ج 1 ص 261 (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست) .

سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند متعال است . به همین دلیل ، در این کتاب ، از همه احادیثِ روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . 2 . کوشیده ایم تا در حدّ توان ، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگونِ شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترینِ آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هستند ، بهره گرفته ایم . 3 . سعی کرده ایم از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است ؛ ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است ؛ ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است . 4 . در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد بوده اند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن ، و نشانی روایات ائمّه علیهم السلام با ذکر عنوان و منبع ، در پانوشت می آید ، مگر آن که حدیث آنان ، نکته تازه ای داشته باشد که در این صورت ، آن حدیث نیز در متن ، آورده می شود . 5 . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، روایات پیشوایان ، به

.

ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) آورده می شوند ، مگر آن که روایتی در تفسیر آیاتِ یاد شده باشد (که در این صورت ، پیش از روایات دیگر می آید) ، یا آن که تناسب موضوعی روایات ، ترتیب دیگری را ایجاب کند . 6 . در آغاز هر روایت ، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است ، مگر آن که راوی ، فعل آنان را نقل کرده باشد ، یا سؤال و جوابی در میان باشد و یا راوی ، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست . 7 . به دلیل تعدّد نام ها و لقب های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ، نام واحدی را برای هر یک از آنان برگزیده ایم که به صورت ثابت ، در اوّلِ روایت می آید و بر شخص مورد نظر ، دلالت می کند . 8 . در پانوشت ها ، منابع احادیث ، به ترتیب معتبرترینِ آنها تنظیم شده اند ؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محقّقان پوشیده نیست (از جمله : پرهیز از تکرار ، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده) ، این ترتیب را پس از نخستین منبع ، مراعات نکرده ایم . 9 . هر گاه دسترسی به منابع اوّلیه ممکن باشد ، حدیث مستقیما از آنها نقل می شود . آن گاه ، نشانیِ بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمّال (در احادیث اهل سنّت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنّت ، افزوده می شود . 10 . پس از ذکر منابع ، گاه با نشانه «ر. ک : » ، به منابع دیگر ارجاع داده می شود؛ چرا که در مواردی متن ارجاعی ، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال ، با متن اصلی و موضوع بحث ، مرتبط است .

.

11 . ارجاع به ابواب دیگر این کتاب ، به جهت تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست . 12 . هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب ، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج هایی که در پیِ احادیث آمده است ، ارائه چشم انداز کلّی روایات آن بخش یا آن فصل است . گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث ، پرداخته شده است . 13 . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . 14 . یکی از آداب مهمّ نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. کلینی در الکافی از امام علی علیه السلام روایت کرده است : إذا حَدَّثتُم بِحَدیثٍ فَأسنِدوهُ إلَی الَّذی حَدَّثَکُم ؛ فَإن کانَ حَقّا فَلَکُم و إن کانَ کَذِبا فَعَلَیهِ . (1) هنگامی که حدیثی را نقل می کنید ، آن را به کسی نسبت دهید که که آن را روایت نموده ، که اگر درست باشد ، به سود شماست و اگر دروغ باشد ، بر عهده راوی است . بنا بر این ، برای رعایت احتیاط ، توصیه اکید داریم که کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی ، حدیثی برای دیگران نقل کنند ، آن را مستقیما به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت ندهند ؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است ، به آنان منسوب نمایند . برای نمونه ، نگویند : «پیامبر صلی الله علیه و آله چنین

.

1- .الکافی : ج 1 ص 52 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 161 ح 15 .

فرمود» یا : «امام علیه السلام چنین فرمود» ؛ بلکه بگویند : «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند : «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است» .

سپاس و تقدیرخداوند منّان را سپاس گزارم که به ما توفیق تدوین این مجموعه نورانی و روشنگر را عنایت فرمود و از همه همکاران عزیز و بزرگوارم در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» که در گردآوری ، تدوین ، ارزیابی ، تصحیح ، ویرایش و نشر آن مساعدت کرده اند ، صمیمانه تشکّر می کنم ، بویژه از فضلای ارجمند ، آقایان رسول افقی که این کتاب با تلاش ایشان به ثمر رسید و احسان سرخه ای که در تهیّه بخشی از متون اوّلیه آن ، همکاری داشت و از خداوند مهربان ، پاداشی درخور فضل حضرتش برای آنان ، مسئلت دارم . رَبَّنا ! تَقَبَّل مِنّا ؛ إنَّکَ أنتَ العَزیزُ الحَکیمُ . وَ اجعَل لِسانَنا بِذِکرِکَ لَهِجا وقُلوبَنا بِحُبِّکَ مُتَیَّما . محمّدی ری شهری هشتم مرداد 1385 چهارم رجب 1427

.

بخش یکم : یاد کردن و فراموش کردن خدا

اشاره

بخش یکم : یاد کردن و فراموش کردن خداشامل:درآمدفصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدافصل دوم: ویژگی های یاد خدافصل سوم: معنای یاد خدافصل چهارم: اقسام یاد خدافصل پنجم: عوامل یاد خدافصل ششم: آفت های یاد خدافصل هفتم: آداب یاد خدافصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدافصل نهم: برکت های یاد خدافصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا

.

ص: 14

..

درآمد

واژه شناسی «ذکر»

درآمدواژه شناسی «ذکر»واژه شناسان برای مادّه «ذکر» ، دو معنا بیان کرده اند : یکی «یادکرد» در مقابل «فراموشی» ، و دیگری «نَری» در مقابل «مادگی» . ابن فارس ، در این باره می گوید : ذال و کاف و راء ، دو اصل را تشکیل می دهد که همه کلمات این مادّه ، از این دو اصل ، متفرّع می شوند . «مُذکر» ، یعنی زنی که پسر زاییده است ... «ذکور البقل» ، یعنی گیاهان علفی ستبر ، مانند اسطوخودوس ... . اصل دیگر به معنای یادآوری است ، در مقابل فراموش کردن و از یاد بردن . سپس یادکرد زبانی نیز بر این معنا حمل شده و می گویند : «اِجْعله منک علی ذُکر» به ضمّ ذال ، یعنی : او را فراموش مکن . (1) راغب اصفهانی ، در تبیین معنای «ذکر» در مقابل «نسیان» می گوید : معنای ذکر ، حالتی است برای نفس که انسان به سبب آن ، می تواند آنچه را آموخته ، ج در ذهنج نگه دارد و از این جهت ، مانند «حفظ» است ؛ منتها حفظ به معنای به یاد سپاری است ، و ذکر به معنای یادآوری . معنای دیگر «ذکر» ، حاضر کردن چیزی در دل یا آوردن آن به زبان است .

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 2 ص 358 .

ذِکر ، در قرآن و حدیث

لذا گفته می شود : ذکر ، دو گونه است : ذکر قلبی و ذکر زبانی (لسانی) ، و هر یک از این دو نیز بر دو گونه است : یکی یادآوری چیزی است که فراموش شده است ، و دیگری به معنای ادامه حفظ و به یادسپاری است . به هر گفته ای نیز ذکر می گویند . (1) ریشه یابی واژه ذکر ، نشان می دهد که اصل در معنای آن ، «یاد» در مقابل «فراموشی» است و استعمال آن در معانی دیگر ، بدان مناسبت است که مورد استعمال ، دارای خصوصیتی است که موجب یاد و توجّه انسان به آن می شود ، چنان که به پسر ، از آن جهت «ذَکَر» و «مذکّر» گفته شده که موجب زنده ماندن و بقای یاد و نام پدر می گردد .

ذِکر ، در قرآن و حدیثکلمه «ذکر» در قرآن و احادیث اسلامی کاربردهای فراوانی دارد ؛ 2 لیکن آنچه در

.

1- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 328 .

این جا مورد بررسی است ، «یاد خداوند متعال» در مقابل «نسیان» و یا «غفلت» از اوست . بر پایه آیات و احادیثی که در این بخش خواهد آمد ، یاد خدا ، فلسفه همه عبادات ، هدف همه برنامه های تکامل آفرین اسلام ، و بهترین و سازنده ترین اعمال جوارحی و جوانحی است ، چنان که از پیامبر خدا روایت شده است : إنَّه لَیسَ عَمَلٌ أحَبَّ إلَی اللّهِ تَعالی و لا أنجی لِعَبدٍ مِن کُلِّ سَیِّئَهٍ فِی الدُّنیا وَ الآخِرَهِ مِن ذِکرِ اللّهِ . (1)

.

1- .ر . ک : ص 100 ح 153 .

هیچ کاری در نزد خداوند متعال ، محبوب تر ، و در رهانیدن بنده از هر گونه بدی ، در دنیا و آخرت ، مؤثّرتر از یادکرد خدا نیست . بر این اساس ، یاد خدا ، تنها عبادتی است که در مقرّرات دینی ، حدّ و مرزی برای آن معیّن نشده ؛ بلکه در هر حال و در هر زمان و در هر مکانی مطلوب است و هر چه بیشتر ، بهتر : قالَ الصّادِقُ علیه السلام : ما مِن شَی ءٍ إلّا و لَهُ حَدٌّ یَنتَهی إلَیهِ إلَا الذِّکرَ ؛ فَلَیسَ لَهُ حَدٌّ یَنتَهی إلَیهِ ، فَرَضَ اللّهُ عز و جل الفَرائِضَ فَمَن أدّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ ، و شَهرَ رَمضانَ فَمَن صامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ ، والحَجَّ فَمَن حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ ، إلَا الذِّکرَ ؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل لَم یَرضَ مِنه بِالقَلیلِ ، و لَم یَجعَل لَهُ حَدّا یَنتَهی إلَیهِ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآیَهَ : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اذْکُرُواْ اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَ أَصِیلاً» . (1) فَقالَ : لَم یَجعَلِ اللّهُ عز و جل لَهُ حَدّا یَنتَهی إلَیهِ . قالَ : و کانَ أبی علیه السلام کَثیرَ الذِّکرِ ، لَقَد کُنتُ أمشی مَعَهُ و إنَّهُ لَیَذکُرُ اللّهَ ، و آکُلُ مَعَهُ الطَّعامَ و إنَّهُ لَیَذکُرُ اللّهَ ، و لَقَد کانَ یُحَدِّثُ القَومَ و ما یَشغَلُهُ ذلِکَ عن ذِکرِ اللّهِ ، و کُنتُ أری لِسانَهُ لازِقا بِحَنَکِهِ یَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . و کانَ یَجمَعُنا فَیَأمُرُنا بِالذِّکرِ حَتّی تَطلُعَ الشَّمسُ . و یَأمُرُ بِالقِراءَهِ مَن کانَ یَقرَأُ مِنّا و مَن کانَ لا یَقرَأُ مِنّا أمَرَهُ بِالذِّکرِ . (2) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست ، مگر این که حدّ و نهایتی دارد که بدان پایان می پذیرد ، بجز یاد خدا که آن را حد و پایانی نیست . خداوند ، فرایض (نمازهای واجب) را قرار داد . پس هر که آنها را به جا آورد ، این خود ، حدّ آنهاست . ماه رمضان را قرار داد که هر کس روزه آن را بگیرد ، این ، حدّ آن است و حج را قرار داد که هر کس حج بگزارد ، این ، حدّ آن است ؛ مگر یاد خدا که خداوند به اندکِ از آن ، رضایت نداده و برای آن ، مرزی که به آن منتهی شود ، قرار نداده است .

.

1- .احزاب : آیه 41 و 42 .
2- .ر . ک : ص 40 ح 31 .

معنای ذکر

امام صادق علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! خدا را یاد کنید ، یادکردی بسیار ، و هر بام و شام ، او را تسبیح گویید» و فرمود : خداوند عز و جلبرای آن ، حد و مرزی که بِدان پایان پذیرد ، قرار نداد . ج همچنین ج فرمود : پدرم بسیار ذکر می گفت . من با ایشان راه می رفتم و ایشان ، ذکر خدا می گفت . با ایشان غذا می خوردم و ایشان ، ذکر خدا می گفت . گاه با مردم سخن می گفت و در عین حال ، این کار ، او را از یاد خدا باز نمی داشت . او را می دیدم که زبانش بر کامش چسبیده است و «لا إله إلّا اللّه » می گوید . ما را جمع می کرد و دستور می داد ذکر بگوییم تا آن که آفتاب ، طلوع می کرد . به کسانی از ما که قرآن خواندن بلد بودند ، دستور می داد آن را قرائت کنند و به آنهایی که قرائت بلد نبودند ، دستور می داد ذکر بگویند .

معنای ذکرحقیقت ذکر ، عبارت است از توجّه دل به آفریدگار جهان و احساس این واقعیت که جهان ، محضر خداست و انسان ، در حضور اوست ، و این معنا تحقّق نمی یابد ، مگر با دو شرط : یکی معرفت حقیقی نسبت به خداوند متعال ، و دیگری توجّه به او . به بیان روشن تر ، تا انسان ، آفریدگار حقیقی جهان را نشناسد ، نمی تواند او را یاد کند . بنا بر این ، کسانی که چیزی غیر از معبود حقیقی را عبادت می کنند ، در واقع ، او را یاد نکرده اند ؛ بلکه پندار خود را یاد کرده اند : «إِنْ هِیَ إِلَا أَسْمَاءٌ سَمَّیْتُمُوهَا أَنتُمْ وَ ءَابَاؤُکُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَنٍ إِن یَتَّبِعُونَ إِلَا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَی الْأَنفُسُ . (1) این جبتانج ، جز نام هایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نام گذاری کرده اید،

.

1- .نجم : آیه 23 .

دشوارترین فریضه

و خدا بر حقّانیت آنها هیچ دلیلی نفرستاده است . آنان ، جز از گمان و آنچه که دلخواهشان است ، پیروی نمی کنند » . هنگامی که انسان ، خدای حقیقی را شناخت و خود را در محضر او دید ، نخستین اثر یاد خداوند متعال ، فرمانبری از اوست . از این رو ، هر چه معرفت انسان نسبت به آفریدگار خود بیشتر گردد و بیشتر به یاد او باشد ، اطاعتش از حضرت حق ، افزون تر می شود . بنا بر این ، انجام دادن واجبات الهی و ترک محرّمات ، نشانه معرفتِ حقیقی و ذکر حقیقی است و کسی که با زبان ذکر می گوید ، ولی کردارش با گفتار او هماهنگ نیست ، غافل و ناسی (فراموشکار) شمرده می شود ، نه ذاکر ؛ چنان که از پیامبر خدا روایت شده است : مَن أطاعَ اللّهَ فَقَد ذَکَرَ اللّهَ ، و إن قَلَّت صَلاتُهُ و صِیامُهُ و تِلاوَتُهُ . و مَن عَصَی اللّهَ فَقَد نَسِیَ اللّهَ ، و إن کَثُرَت صَلاتُهُ و صِیامُهُ و تِلاوَتُهُ لِلقُرآنِ . (1) کسی که از خدا اطاعت کند ، در واقع او را یاد کرده است ، هر چند نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد ، و کسی که خدا را نافرمانی کند ، در واقع ، خدا را فراموش کرده است ، هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد . این تفسیر از ذکر ، روشن می کند که حقیقت ذکر ، توجّه قلبیِ برآمده از معرفت حقیقی خدا و همراه با مسئولیت شناسی است .

دشوارترین فریضهنکته قابل تأمّل ، این که احادیث اهل بیت علیهم السلام ذکر را به مفهومی که بیان شد ، دشوارترین فریضه ای می دانند که در هر حال ، انجام دادن آن ، لازم است ، (2) بدین

.

1- .ر . ک : ص 108 ح 166 .
2- .ر . ک : ص 109 (حقیقت یاد خدا) .

انواع ذکر

معنا که شخص مؤمن ، باید نفس خود را چنان تربیت کند که ذکر ، مَلَکه او گردد ؛ یعنی یاد خدا به گونه ای در جانش نفوذ کند که وقتی گناهی برای او پیش می آید ، یاد خدا مانع از انجام دادن آن شود و انواع ذکرها مقدّمه پیدایش این حالت معنوی است .

انواع ذکرذکر ، گاه به اعتبار ابزارها و راه آن ، به : ذکر زبان ، ذکر قلب ، ذکر نفس ، ذکر روح ، ذکر عقل ، ذکر معرفت و ذکر سِرّ ، تقسیم می شود . (1) گاه نیز به اعتبار همراهی دل با زبان ، به : ذکر خالص که در آن ، قلب ، همراه زبان ذاکر است و ذکر صارف 2 که در آن ، ذاکر ، تنها یاد دیگران را نفی می نماید ؛ امّا یاد خدا در عمق دل وی وارد نمی گردد ، تقسیم می شود (2) . گاه نیز به اعتبار موقعیت ذکر ، به : یاد خدا هنگام انجام دادن واجبات ، یاد خدا هنگام ترک محرّمات ، یاد خدا هنگام مصائب و مشکلات زندگی ، یاد خدا هنگام خشم ، یاد خدا هنگام شادی (3) و ... تقسیم می شود . همچنین گاهی ذکر ، به اعتبار آگاهی دیگران از آن ، به : ذکر جَلی (4) و ذکر

.

1- .ر . ک : ص 123 (هفت گونه یاد کردن) .
2- .ر . ک : ص 123 (یاد کردن خالص و یاد کردن صارف) .
3- .ر . ک : ص 121 (یاد کردن زبانی ، یاد کردن در ...) .
4- .ر . ک : ص 129 (یاد کردن آشکار) .

عوامل ذکر

1 . پیکار با موانع یاد خدا

2 . تقویت خداشناسی

خَفی (1) تقسیم می شود .

عوامل ذکرمهم ترین مسئله در این بخش ، شناخت اسباب و عوامل ذکر و عوامل تداوم آن در زندگی است . آنچه با الهام از قرآن و احادیث اسلامی در تبیین این مسئله می توان گفت ، این است که مهم ترین عوامل یاد خدا و تداوم آن ، از این قرارند :

1 . پیکار با موانع یاد خدانخستین اقدام لازم برای تحصیل ذکر و تداوم آن ، آفت زدایی از ذِکر و مبارزه با موانع یاد خداست . بر پایه ره نمودهای قرآن و احادیث اسلامی ، هر کاری که قدرت تعقّل را در انسان ضعیف و ناکارآمد می کند (مانند : دنیاپرستی ، شرابخواری ، قماربازی ، سرگرمی های نامشروع ، آرزوی دراز و پُرخوری) ، موجب سلطه یافتن شیطان بر مجاری ادراکی انسان و مانع از یاد خدا بودن است . (2)

2 . تقویت خداشناسیپس از آفت زدایی از ذکر ، هر اقدامی که به تقویت بنیه خداشناسی انسان بینجامد ، به تداوم یاد او کمک می کند ؛ زیرا خداوند متعال ، کمال و جمال مطلق است . از این رو ، هر چه بر معرفت انسان نسبت به او افزوده شود ، بر محبّتش افزوده می گردد و هر چه او را بیشتر دوست داشته باشد ، بیشتر به یاد اوست : مَن أحَبَّ شَیئا لَهِجَ بِذِکرِهِ . (3) هر کس چیزی را دوست داشته باشد ، مشتاق یاد اوست .

.

1- .ر . ک : ص 125 (یاد کردن نهانی) .
2- .ر . ک : ص 143 (آفت های یاد خدا) .
3- .ر . ک : ص 134 ح 214 .

3 . یاد مرگ

4 . دعا برای الهام شدن ذکر

عاشق ، نمی تواند به یاد معشوق خود نباشد . از این رو ، شیرینیِ یاد محبوب ، در کام اهل معرفت ، شیرین تر از خواب است : سَهَرُ العُیونِ بِذِکرِ اللّهِ خُلصانُ العارِفینَ ، وحُلوانُ المُقَرَّبینَ . (1) بیداری چشم ها به یاد خدا ، عشق و علاقه عارفان و شیرینیِ مقرّبان است . و چنان که در حدیث قدسی آمده است : کَذَبَ مَن زَعَمَ أنَّهُ یُحِبُّنی فَإذا جَنَّهُ اللَّیلُ نامَ عَنّی . أ لَیسَ کُلُّ مُحِبٍّ یُحِبُّ خَلوَهَ حَبیبِهِ ؟! (2) دروغ می گوید کسی که مدّعی است مرا دوست دارد ، امّا چون شب می شود ، می خوابد . مگر نه این است که هر عاشقی دوست دارد با معشوقش خلوت کند؟ !

3 . یاد مرگدر کنار آفت زدایی از یاد خدا و تقویت بنیه خداشناسی ، یاد مرگ و پیامدهای آن نیز می تواند در توجّه بیشتر انسان به خداوند متعال ، مؤثّر باشد . (3)

4 . دعا برای الهام شدن ذکریکی از مهم ترین عوامل ذکر ، الهام است . به تعبیری که در حدیث نبوی آمده ، الهام شدن ذکر خدا به دل ، بزرگ ترین نعمت الهی است : ما مَنَّ اللّهُ تَعالی عَلی عِبادِهِ بِمِثلِ أن یُلهِمَهُم ذِکرَهُ . (4)

.

1- .ر . ک : ص 198 ح 327 .
2- .الأمالي ، صدوق : ص 438 ح 577 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 329 . نیز ، ر. ک : أعلام الدین : ص 263 ، إرشاد القلوب: ص 93 ، عیون الأخبار ، ابن قتیبه : ج 2 ص 300 .
3- .ر . ک : ص 139 (به یاد آوردن قبر) .
4- .ر . ک : ص 136 ح 216 .

آداب ذکر

مهم ترین موارد ذکر

خداوند متعال به بندگانش نعمتی نداده که چون الهام کردنِ یاد خود به آنان باشد . یکی از بزرگان اهل معرفت می فرمود : «تلاش کنید که خداوند متعال ، خود ، ذکرش را به شما الهام کند . الهامِ ذکر ، همه لوازم آن و از جمله تداوم ذکر را به همراه دارد» . بر اساس رهِ نمودهای اهل بیت علیهم السلام ، دعا ، یکی از مؤثّرترین تلاش ها برای دستیابی به الهام ذکر و چشیدن حلاوت آن است . لذا پیشوایان اسلام ، ضمن دعا ، مکرّر از خداوند متعال می خواهند که ذکر خود را به قلب آنها الهام نماید ، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده : إلهی ! و ألهِمنی وَلَها بِذِکرِکَ إلی ذِکرِکَ . (1) خداوندا ! با یادت ، در من شیدایی به یاد خودت را الهام کن .

آداب ذکریاد خدا کردن ، آدابی دارد که رعایت آنها برای بهره گیری بیشتر از برکات ذکر ، ضروری است . مهم ترینِ این آداب ، عبارت اند از : طهارت ، خشوع ، خلوص ، تعظیم ، نشاط ، فراموش کردن خواسته های نفسانی ، شوق نسبت به دیدار قلبی خدا ، و از همه مهم تر ، پرهیز از گناه . (2)

مهم ترین موارد ذکرنیکو بودن یاد خدا ، اختصاص به زمان ، مکان و حال خاصّی ندارد ؛ بلکه ذکر در هر حالی نیکوست ؛ امّا با این وصف ، در موارد خاصّی یاد خدا مورد تأکید قرار

.

1- .ر . ک : ص 136 ح 219 .
2- .آیات و احادیثی که دلالت بر تبیین آداب یاد شده دارند ، در فصل هفتم آمده اند .

گرفته است و این ، بدان معناست که یاد خدا در این موارد ، ضرورت بیشتری دارد و آثار و برکات آن برای زندگیِ فردی و اجتماعی انسان ، بیشتر است . این موارد عبارت اند از : 1 . بامدادان و شامگاهان ، 2 . از اوّل تا سیزدهم ماه ذی حجّه ، 3 . ماه رمضان ، 4 . روز جمعه ، 5 . هنگام جنگ ، 6 . هنگام آهنگ کاری کردن ، داوری و قسمت کردن ، 7 . هنگام رعد و برق ، 8 . هنگام غافل بودن مردم ، 9 . در تنهایی، 10. هنگام گفتن، 11. هنگام خوردن، 12. هنگام خواب، 13 . دل شب ، 14 . هنگام برخاستن ، 15 . در مسجد ، 16 . در مکّه ، 17 . در خانه ، 18 . در بازار ، 19 . در سفر ، 20 . هنگام گذر از کوه یا دشت، 21 . با هر یاد کننده خدا . (1)

آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعییاد خدا ، آثار و برکات فراوانی برای زندگی فردی و اجتماعی ، مادّی و معنوی ، و دنیوی و اُخرویِ انسان دارد . در فصل نهم از این بخش ، 34 اثر برجسته یاد خدا مطرح شده که شماری از آنها آثار ذکر انفرادی و شماری دیگر برکات ذکر جمعی است . (2) به دلیل اهمّیت این موضوع ، در پایان این بخش ، آثار و برکات یاد خدا و همچنین زیان های فراموشیِ او ، ضمن تحلیلی به طور مستقل مورد بررسی قرار خواهند گرفت . (3)

.

1- .ر . ک : ص 171 211 .
2- .ر . ک : ص 213 279 .
3- .ر . ک : ص 301 (تحلیلی درباره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : الحثّ على ذكرِ اللّه1 / 1الحَثُّ عَلى كَثرَهِ الذِّكرِالكتاب«يَاأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا* وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً» . (1)

«وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّکَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً» . (2)

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوهُ فَانتَشِرُواْ فِى الْأَرْضِ وَ ابْتَغُواْ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» . (3)

«قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّى ءَايَةً قَالَ ءَايَتُکَ أَلَا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَثَهَ أَيَّامٍ إِلَا رَمْزًا وَاذْكُر رَّبَّکَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِىِّ وَالْاِبْكَرِ» . (4)

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِى صَدْرِى * وَ يَسِّرْ لِى أَمْرِى * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى * يَفْقَهُواْ قَوْلِى * وَ اجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى * هَرُونَ أَخِى * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِى * وَ أَشْرِكْهُ فِى أَمْرِى * كَىْ نُسَبِّحَکَ كَثِيرًا * وَ نَذْكُرَکَ كَثِيرًا» . (5)

.

1- .الأحزاب : 41 و 42 .
2- .الإنسان : 25 .
3- .الجمعه : 10 .
4- .آل عمران : 41 .
5- .طه : 24 34 .

1 / 1 خدا را بسیار یاد کنید

فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا1 / 1خدا را بسیار یاد کنیدقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار ، و صبح و شام ، او را به پاکی بستایید» .

«و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، یاد کن» .

«و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.»

«گفت: «پروردگارا! برای من ، نشانه ای قرار ده» . فرمود: «نشانه ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره ، سخن نگویی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را]تسبیح گوی»» .

«گفت: «پروردگارا! سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشای ، [تا] سخنم را بفهمند، و برای من ، دست یاری از کسانم قرار ده؛ هارون ، برادرم را . پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گوییم، و بسیار به یاد تو باشیم» .

.

«وَ الشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُ نَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِی كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ وَ ذَكَرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُواْ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُواْ أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ» . (1)

«إِنَّ الْمُنَفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِعُهُمْ وَإِذَا قَامُواْ إِلَى الصَّلَوهِ قَامُواْ كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَا قَلِيلاً» . (2)

الحديثسنن الترمذى عن أبى سعيد الخدرى :إنّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه وآله سُئِلَ : أىُّ العِبادِ أفضَلُ دَرَجَةً عِندَ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ؟ قالَ : «وَ الذَّ كِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّ كِرَ تِ» (3) . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ ، فَقَد بَرِئَ مِنَ النِّفاقِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يُكثِر ذِكرَ اللّهِ ، فَقَد بَرِئَ مِنَ الإِيمانِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ اللّهِ عَلَمُ الإِيمانِ ، وبَراءَهٌ مِنَ النِّفاقِ ، وحِصنٌ مِنَ الشَّيطانِ ، وحِرزٌ مِنَ النّارِ . (7)

.

1- .الشعراء : 224 227 .
2- .النساء : 142 .
3- .الأحزاب : 35 .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 458 ح 3376 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 151 ح 11720 ، مشكاه المصابيح : ج 1 ص 699 ح 2280 ، كنز العمّال : ج 1 ص 415 ح 1759 وفيه صدره .
5- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 86 ح 6931 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 77 ، الفردوس : ج 3 ص 564 ح 5768 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 425 ح 1827 .
6- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 620 نقلاً عن الطبرانى فى المعجم الأوسط عن أبى هريره .

7- .تنبيه الغافلين : ص 395 ح 598 عن أنس ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 285 ح 5868 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .

«و شاعران را گم راهان پیروی می کنند. آیا ندیده ای که آنان در هر وادی ای سرگردان اند؟ و آنان اند که چیزهایی می گویند که انجام نمی دهند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده اند و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته اند ، یاری خواسته اند. و کسانی که ستم کرده اند ، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه ، برخواهند گشت» .

«منافقان، با خدا نیرنگ می کنند و حالْ آن که او با آنان ، نیرنگ خواهد کرد ، چون به نماز ایستند ، با کسالت می ایستند [و] با مردم ، ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند» .

حدیثسنن الترمذی به نقل از ابو سعید خُدری : از پیامبر خدا سؤال شد : در روز رستاخیز ، کدام بنده نزد خداوند ، منزلت والاتری دارد؟ فرمود : «آن مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که خدا را بسیار یاد کند ، از نفاق ، رها شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که بسیار یاد خدا نکند ، از ایمان ، دور شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد خدا ، نشانه ایمان ، مایه رهیدن از نفاق ، دژی در برابر شیطان ، و نگه دارنده از آتش است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ذَكَرَ اللّهَ كَثيرا كُتِبَت لَهُ بَراءَتانِ : بَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، وبَراءَةٌ مِنَ النِّفاقِ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام :أربَعٌ لا تَصيرُ إلّا لِلعَجَبِ : طولُ الصَّمتِ إلّا مِن خَيرٍ ، وقِلَّةُ الشَّيءِ ، وَالتَّواضُعُ ، وذِكرُ اللّهِ عز و جل كَثيرا ؛ فَإِنَّهُ مَن ذَكَرَ اللّهَ كَثيرا كَتَبَ اللّهُ لهُ تَعالى بَراءَةً مِنَ النّارِ ، وبَراءَةً مِنَ النِّفاقِ . (2)

عنه عليه السلام :أفيضوا فى ذِكرِ اللّهِ جَلَّ ذِكرُهُ ؛ فَإِنَّهُ أحسَنُ الذِّكرِ ، وهُوَ أمانٌ مِنَ النِّفاقِ ، وبَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، وتَذكيرٌ لِصاحِبِهِ عِندَ كُلِّ خَيرٍ يَقسِمُهُ اللّهُ جَلَّ وعَزَّ ، ولَهُ دَوِيٌّ تَحتَ العَرشِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عَجَزَ مِنكُم عَنِ اللَّيلِ أن يُكابِدَهُ (4) ، وبَخِلَ بِالمالِ أن يُنفِقَهُ ، وجَبُنَ عَنِ العَدُوِّ أن يُجاهِدَهُ ، فَليُكثِر مِن ذِكرِ اللّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ ، أظَلَّهُ اللّهُ فى جَنَّتِهِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جل ، حَتّى يَقولَ المُنافِقونَ : إنَّكُم مُراؤونَ . (7)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 3 عن داوود بن سرحان عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .الجعفريّات : ص 235 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
3- .تحف العقول : ص 149 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 290 ح 2 .
4- .مكابده الأمرِ : معناه مشقّته ، وكابَدْت الأمر : إذا قاسَيت شدّته (لسان العرب : ج 3 ص 376 «كبد») .
5- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 291 ح 508 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 70 ح 11121 وليس فيه «وبخل بالمال أن ينفقه» وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 1 ص 429 ح 1852 ؛ الأمالى للشجرى : ج 1 ص 256 نحوه ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 295 ح 5093 نقلاً عن درر اللآلى وكلاهما عن ابن عبّاس .

6- .الكافى : ج 2 ص 122 ح 4 وص 500 ح 5 كلاهما عن داوود الحمّار ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 191 عن عبد الرحمن بن الحجّاج وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 127 ح 26.
7- .الزهد لابن حنبل : ص 134 ، الزهد لابن المبارک : ص 362 ح 1022 وفيه «يظنّ» بدل «يقول» وكلاهما عن أبى الجوزاء ، المعجم الكبير : ج 12 ص 131 ح 12786 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 81 كلاهما عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 414 ح 1754 وص 439 ح 1898 و 1897 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بسیار یاد خدا کند ، دو برات برایش نوشته شود : یکی بَرات رهایی از آتش ، و دیگری بَرات رهایی از نفاق .

امام علی علیه السلام :چهار چیز است که پایانشان جز خوشایندی نیست : دم فرو بستن بسیار ، مگر از خوبی ؛ تنگ دستی با فروتنی ؛ و فراوان یاد خداوند عز و جل نمودن ؛ زیرا کسی که بسیار یاد خدا کند ، خداوند متعال برایش برات آزادی از آتش و بَرات آزادی از نفاق می نویسد .

امام علی علیه السلام :خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید ؛ زیرا که یاد خدا بهترین یاد است ، و مایه ایمنی از نفاق و رهایی از آتش است و صاحبش (ذاکر) را در هنگام هر خیری که خداوند عز و جل قسمت می کند ، به یاد خدا می آورد ، و یاد خدا در زیر عرش ، طنین می افکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از شما که نمی تواند رنج شب خیزی را تحمّل کند و از خسیسی نمی تواند مالی انفاق کند و از جهاد کردن با دشمن می ترسد ، پس خدا را بسیار یاد کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خدا را بسیار یاد کند ، خداوند عز و جل او را در سایه سار بهشتش جای دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل را فراوان یاد کنید تا جایی که منافقان بگویند : شما ریاکارید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جل عَلى كُلِّ حالٍ ؛ فَلَيسَ عَمَلٌ أحَبَّ إلَى اللّهِ ولا أنجى لِعَبدِهِ مِن ذِكرِ اللّهِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَكثِروا مِنَ الباقِياتِ الصّالِحاتِ . قيلَ : وما هِىَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : المِلَّهُ . قيل : وما هِىَ يا رَسولَ اللّهِ؟ . . . . قالَ : التَّكبيرُ ، وَالتَّهليلُ ، وَالتَّسبيحُ ، وَالتَّحميدُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (2)

المعجم الكبير عن مربع عن اُمّ أنس أنَّها قالَت لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا رَسولَ اللّهِ أوصِنى! قالَ : اُهجُرِى المَعاصِىَ فَإنَّها أفضَلُ الهِجرَهِ ، وحافِظى عَلَى الفَرائِضِ فَإنَّها أفضَلُ الجِهادِ ، وأكثِرى مِن ذِكرِ اللّهِ فَإنَّكِ لا تَأتينَ (3) اللّهَ بِشَىءٍ أحَبَّ إلَيهِ مِن كَثرَهِ ذِكرِهِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يَقبَلُ تَوبَهَ عَبدِهِ ما لَم يُغَرغِر (5) . توبوا إلى رَبِّكُم قَبلَ أن تَموتوا ، وبادِروا بِالأعمالِ الزّاكِيَهِ قَبلَ أن تُشغَلوا ، وصِلوا الَّذى بَينَكُم وبَينَهُ بِكَثرَهِ ذِكرِكُم إيّاهُ . (6)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 395 ح 521 عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 1 ص 426 ح 1836 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11713 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 694 ح 1889 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 132 ح 1379 ، تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 15 ص 255 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 159 ، كنز العمّال : ج 15 ص 951 ح 43654 .
3- .فى المصدر : «لا تأتى» ، والصواب ما أثبتناه كما فى المصادر الأُخرى .
4- .المعجم الكبير : ج 25 ص 129 ح 313 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 21 ح 6735 وص 51 ح 6822 ، كنز العمّال : ج 2 ص 245 ح 3935 نقلاً عن الترغيب فى الذكر .
5- .ما لَم ، يُغَرغِرْ: أى ما لم تبلغ روحُه حُلقومه ، فيكون بمنزله الشىء الذى يتغرغر به المريض ؛ والغرغره : أن يُجعل المشروب فى الفم ويردّد إلى أصل الحلق ولا يُبلع (النهايه : ج 3 ص 360 «غرغر») .

6- .الدعوات : ص 237 ح 659 ، مستدرک الوسائل : ج 6 ص 10 ح 6294 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب ولیس فیه «إنّ اللّه یقبل توبه عبده ما لم یغرغر» ، بحار الأنوار : ج 6 ص 19 ح 5 وج 81 ص 240 ح 26 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در همه حال ، خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید ؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند محبوب تر و برای بنده ، نجات بخش تر از یاد خدا در دنیا و آخرت نیست .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا فرمود : «ماندگارهای نیک ، بسیار انجام دهید» . گفته شد : ماندگارهای نیک ، چیستند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «آیین» . گفته شد : آیین چیست ، ای پیامبر خدا ؟ فرمود : «گفتنِ اللّه اکبر و لا إله إلّا اللّه و سبحان اللّه و الحمد للّه و لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » .

المعجم الکبیر به نقل از مِربع : اُمّ انس به پیامبر خدا گفت : مرا سفارشی نما ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «از گناهان دوری کن ، که این ، برترین هجرت است و واجبات را پاس بدار ، که این ، برترین جهاد است و بسیار یاد خدا باش ؛ زیرا نزد خداوند ، چیزی که برایش محبوب تر از بسیاریِ یاد او باشد ، نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، توبه بنده اش را تا آن گاه که به جان دادن نیفتاده است ، می پذیرد . [پس] پیش از آن که بمیرید ، به درگاه پروردگارتان توبه کنید و پیش از آن که از کارهای نیک باز مانید ، به آنها مبادرت ورزید و با یاد کردن بسیار از خداوند ، میان خود و او رابطه برقرار کنید .

.

تهذيب الكمال عن سعيد بن المسيّب :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ، أخبِرنى بِجُلَساءِ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ ، قالَ : هُمُ الخائِفونَ ، الخاضِعونَ ، المُتَواضِعونَ ، الذّاكِرونَ اللّهَ كَثيرا . (1)

مسند ابن حنبل عن معاذ عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، قال :إنَّ رَجُلاً سَأَلَهُ فَقالَ : أىُّ المُجاهِدينَ أعظَمُ أجرا ؟ قالَ : أكثَرُهُم للّهِ تَبارَكَ وتَعالى ذِكرا . قالَ : فَأىُّ الصائِمينَ أعظَمُ أجرا؟ قالَ : أكثَرُهُم للّهِ تَبارَكَ وتَعالى ذِكرا . ثُمَّ ذَكَرَ لَنَا الصَّلاةَ ، وَالزَّكاةَ ، وَالحَجَّ ، وَالصَّدَقَةَ ، كُلُّ ذلِكَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : أكثَرُهُم للّهِ تَبارَكَ وتَعالى ذِكرا . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُكُم بِخَيرِ أعمالِكُم لَكُم ، وأرفَعِها فى دَرَجاتِكُم ، وأزكاها عِندَ مَليكِكُم ، وخَيرٍ لَكُم مِنَ الدِّينارِ والدِّرهَمِ ، وخَيرٍ لَكُم مِن أن تَلقَوا عَدُوَّكُم فَتَقتُلوهُم ويَقتُلوكُم؟ فَقالوا : بَلَى ! فَقالَ : ذِكرُ اللّهِ عز و جل كَثيرا . (3)

عنه عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : مَن خَيرُ أهلِ المَسجِدِ ؟ فَقالَ : أكثَرُهُم للّهِ ذِكرا . (4)

.

1- .تهذيب الكمال : ج 31 ص 173 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 143 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 309 ح 15614 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 186 ح 407 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 416 ، كنز العمّال : ج 1 ص 428 ح 1846 وراجع الزهد لابن المبارک : ص 501 ح 1429 .
3- .الكافى : ج 2 ص 499 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 109 ح 96 كلاهما عن ابن القدّاح ، بحار الأنوار : ج 93 ص 157 ح 29 .
4- .الكافى : ج 2 ص 499 ح 1 ، عدّه الداعى : ص 234 وليس فيه «للّه » وكلاهما عن ابن القدّاح ، بحار الأنوار : ج 93 ص 161 ح 42 .

تهذیب الکمال به نقل از سعید بن مسیّب : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! مرا از همنشینان خدا در روز رستاخیز ، خبر بده . فرمود : «همنشینان خدا ، عبارت اند از : بیمناکان ، فروتنان ، خاکساران ، و آنان که بسیار خدا را یاد می کنند» .

مسند ابن حنبل به نقل از مُعاذ : مردی از پیامبر خدا بپرسید : پاداش کدام مجاهدان ، بزرگ تر است ؟ فرمود : «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند» . پرسید : پاداش کدام روزه داران ، بزرگ تر است ؟ فرمود : «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند» . به همین سان [آن مرد] از نماز و زکات و حجّ و صدقه (/ زکات) پرسید و هر بار ، پیامبر خدا می فرمود : «آنان که بیشتر خداوند تبارک و تعالی را یاد کنند» .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «آیا به شما از بهترین اعمالتان که از همه اعمالتان بلند پایه تر و نزد خداوندگارتان ، پاکیزه تر و برایتان از [انفاق]درهم و دینار بهتر است و از این که با دشمنتان رو به رو شوید و بکُشید و کشته شوید ، با ارزش تر است ، خبر ندهم ؟» . گفتند : چرا . فرمود : «یاد کردن بسیار از خداوند عز و جل » .

امام صادق علیه السلام :مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : بهترینِ اهل مسجد کیست؟ فرمود : «آن که بیشتر خدا را یاد کند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :اِعلَموا أنَّ الجِهادَ الأَكبَرَ جِهادُ النَّفسِ ، فَاشتَغِلوا بِجِهادِ أنفُسِكُم تَسعَدوا ، وَارفُضُوا القالَ وَالقيلَ تَسلَموا ، وأكثِروا ذِكرَ اللّهِ تَغنَموا . (1)

عنه عليه السلام :قَد أبلَغَ اللّهُ عز و جل إلَيكُم بِالوَعدِ ، وفَصَّلَ لَكُمُ القَولَ ، وعَلَّمَكُمُ السُّنَّةَ ، وشَرَحَ لَكُمُ المَناهِجَ ؛ لِيُزيحَ العِلَّةَ ، وحَثَّ عَلَى الذِّكرِ ، ودَلَّ عَلَى النَّجاهِ ، وإنَّهُ مَن انتَصَحَ للّهِ وَاتَّخَذَ قَولَهُ دَليلاً هَداهُ لِلَّتى هِىَ أقوَمُ ، ووَفَّقَهُ لِلرَّشادِ ، وسَدَّدَهُ ويَسَّرَهُ لِلحُسنى ، فَإنَّ جارَ اللّهِ آمِنٌ مَحفوظٌ ، وعَدُوَّهُ خائِفٌ مَغرورٌ ، فَاحتَرِسوا مِنَ اللّهِ عز و جل بِكَثرَةِ الذِّكرِ . (2)

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ : فَإنَّ أحَبَّ إخوانى إلىَّ أكثَرُهُم للّهِ ذِكرا ، وأشَدُّهُم مِنهُ خَوفا . وأنَا أرجو أن تَكونَ مِنهُم إن شاءَ اللّهُ . (3)

عنه عليه السلام :إنَّ أولِياءَ اللّهِ لَأَكثرُ النّاسِ لَهُ ذِكرا ، وأدوَمُهُم لَهُ شُكرا ، وأعظَمُهُم عَلى بَلائِهِ صَبرا . (4)

عنه عليه السلام :إنَّ مِن أحَبِّ عِبادِ اللّهِ إلَيهِ عَبدا أعانَهُ اللّهُ عَلى نَفسِهِ ، فَاستَشعَرَ (5) الحُزنَ ، وتَجَلبَبَ (6) الخَوفَ ، فَزَهَرَ مِصباحُ الهُدى فى قَلبِهِ ، وأعَدَّ القِرى لِيَومِهِ النّازِلِ بِهِ ، فَقَرَّبَ عَلى نَفسِهِ البَعيدَ ، وهَوَّنَ الشَّديدَ ، نَظَرَ فَأبصَرَ ، وذَكَرَ فَاستَكثَرَ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 11005 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 552 ح 10183 .
2- .الكافى : ج 8 ص 389 ح 586 عن محمّد بن الحسين عن أبيه عن جدّه عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 368 ح 34 .
3- .تحف العقول : ص 177 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 586 ح 733 .
4- .غرر الحكم : ح 3571 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 155 ح 3376 .
5- .استَشعَرَ فلانٌ الخوفَ : أضمَرَهُ (تاج العروس : ج 7 ص 36 «شعر»). أى جعل الخوف شعارا له (بحار الأنوار : ج 2 ص 57) .

6- .تَجَلْبَبَتِ المرأةُ : لبست الجلباب ؛ وهو ما يغطّى البدن من ثوب وغيره (المصباح المنير : ص 104 «جلبب») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 87 ، أعلام الدين : ص 127 وفيه «فأكثر» بدل «فاستكثر» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 56 ح 36 .

امام علی علیه السلام :بدانید که جهاد بزرگ ، جهاد با نفس است . پس به جهاد با نفس های خویش بپردازید تا سعادتمند شوید و قیل و قال را وا نهید تا به سلامت مانید ، و خدا را بسیار یاد کنید تا سود برید .

امام علی علیه السلام :خداوند عز و جل پیام را به شما ابلاغ کرده و حقیقت را برایتان روشن ساخته و راه و رسم را به شما آموخته و راه ها را برایتان هویدا کرده است تا عذر و بهانه را از میان بردارد ، و به یاد او کردن [و دوری از غفلت] ، تشویق کرده و راه نجات را نشان داده است . هر کس پند خداوند را گوش کند و سخن او را راه نمای خود گیرد ، خداوند ، به درست ترین راه ، ره نمونش می شود و به طریق حق ، توفیقش می دهد و راه نمایی می کند و او را برای کار نیک ، آماده می سازد ؛ زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن او ، ترسان و فریب خورده است . پس با بسیاری یاد [خدا] خویشتن را از [عذاب] خداوند نگه دارید .

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به محمّد بن ابی بکر : محبوب ترینِ برادرانم نزد من ، آن کس است که بیشتر به یاد خدا باشد و از خداوند ، بیشتر بترسد ، و من امیدوارم که تو به خواست خدا از جمله ایشان باشی .

امام علی علیه السلام :اولیای خداوند ، بیش از هر کس به یاد خدا هستند و پیوسته ، او را سپاس می گویند و بر بلای او شکیباترین اند .

امام علی علیه السلام :از جمله محبوب ترینِ بندگان خدا نزد او ، آن بنده ای است که خداوند ، او را در برابر نفسش یاری کرده است ، و او جامه اندوه در پوشیده و ردای ترس [از خدا] به تن کرده است . پس چراغ هدایت در دلش روشن شده و برای آن روزی که میهمان او می شود (مرگ و پس از مرگ) ، سفره پذیرایی (اعمال صالح) را آماده ساخته و دور (یعنی مرگ و قیامت) را نزدیک می بیند و سختی ها را بر خود آسان کرده ، می نگرد و می بیند ، و [خدا را]یاد می کند و فراوانْ یاد می کند .

.

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ : اللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن یُکثِرُ ذِکرَکَ ، ویُتابِعُ شُکرَکَ ، ویَلزَمُ عِبادَتَکَ . (1)

عنه علیه السلام فی صِفَهِ المُؤمنِ : خاشِعا قَلبُهُ ، ذاکِرا رَبَّهُ . . . مُحکَما أمرُهُ ، کَثیرا ذِکرُهُ . (2)

عنه علیه السلام :المُؤمِنُ . . . وَقورٌ ذَکورٌ . (3)

عنه علیه السلام مِمّا کانَ یوصی بِهِ أصحابَهُ : اُوصیکُم بِالخَشیَهِ مِنَ اللّهِ فِی السِّرِّ وَالعَلانِیَهِ . . . وَلیَکُن نَظَرُکُم عِبَرا ، وصَمتُکُم فِکرا ، وقَولُکُم ذِکرا . (4)

الإمام الباقر علیه السلام فی ذِکرِ صِفاتِ شیعَهِ أهلِ البَیتِ علیهم السلام : ما کانوا یُعرَفونَ . . . إلّا بِالتَّواضُعِ ، وَالتَّخَشُّعِ ، وَالأمانَهِ ، وکَثرَهِ ذِکرِ اللّهِ . (5)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیهماالسلام :أکثِروا مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ ؛ فَإِنَّهُ لَیسَ شَیءٌ أحَبَّ إلَی اللّهِ عز و جل مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ . (6)

.

1- .فلاح السائل : ص 439 ح 302 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 113 ح 1 .
2- .الکافی : ج 2 ص 230 ح 1 عن عبد اللّه بن یونس عن الإمام الصادق علیه السلام ، صفات الشیعه : ص 99 ح 35 ، الأمالی للصدوق : ص 668 ح 897 کلاهما عن عبد الرحمن بن کثیر الهاشمی عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام ، کنز الفوائد : ج 1 ص 91 عن نوف البکالی ولیس فیه «محکما أمره» ، التمحیص : ص 72 ح 170 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 344 ح 51 .
3- .الکافی : ج 2 ص 227 ح 1 عن عبد اللّه بن یونس عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 365 ح 70 .
4- .تحف العقول : ص 390 عن الإمام الکاظم علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 142 ح 30 وج 78 ص 305 ح 1 .
5- .الکافی : ج 2 ص 74 ح 3 ، صفات الشیعه : ص 90 ح 22 ، الأمالی للطوسی : ص 735 ح 1535 ، مستطرفات السرائر : ص 143 ح 10 وفیه

«الإنابه» بدل «الأمانه» وكلّها عن جابر ، تحف العقول : ص 295 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 175 ح 28 .
6- .الكافى : ج 2 ص 506 ح 2 ، عُدّه الداعى : ص 246 ، ثواب الأعمال : ص 18 ح 13 كلّها عن فضيل ، بحار الأنوار : ج 93 ص 202 ح 38 وص 219 ح 3 .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز عشا : بار خدایا ! مرا از آنانی قرار ده که فراوان یاد تو می کنند و پیاپی ، سپاسِ تو می گویند و پیوسته به عبادت تو می پردازند .

امام علی علیه السلام در توصیف مؤمن : دلش خاشع است ، پروردگارش را یاد می کند ... کارش استوار است و بسیار ذکر می گوید .

امام علی علیه السلام :مؤمن ... باوقار و همواره به یاد خداست .

امام علی علیه السلام از اندرزهایی که به یارانش می داد : شما را به ترس از خدا در نهان و آشکار ، سفارش می کنم ... و باید نگاه کردنتان ، عبرت آموز باشد و سکوتتان ، توأم با اندیشیدن و سخنتان ، یاد خدا باشد .

امام علی علیه السلام در بیان صفات پیروان اهل بیت علیهم السلام : شناخته نمی شوند ... مگر با فروتنی و خاکساری و امانتداری و بسیار یاد خدا بودن .

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :ذکر «لا إله إلّا اللّه » و«اللّه أکبر» را بسیار بگویید ؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عز و جل محبوب تر از گفتن «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» نیست .

.

الإمام الصادق عليه السلام لَمّا قيلَ لَهُ مَن أكرَمُ الخَلقِ عَلَى اللّهِ ؟ : أكثَرُهُم ذِكرا للّهِ ، وأعمَلُهُم بِطاعَتِهِ . (1)

الكافى عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام :ما مِن شَىءٍ إلّا ولَهُ حَدٌّ يَنتَهى إلَيهِ إلَا الذِّكرَ ؛ فَلَيسَ لَهُ حَدٌّ يَنتَهى إلَيهِ ، فَرَضَ اللّهُ عز و جل الفَرائِضَ فَمَن أدّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ ، وشَهرَ رَمضانَ فَمَن صامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ ، والحَجَّ فَمَن حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ ، إلَا الذِّكرَ ؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل لَم يَرضَ مِنه بِالقَليلِ ، ولَم يَجعَلْ لَهُ حَدّا يَنتَهى إلَيهِ. ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً» (2) . فَقالَ : لَم يَجعَلِ اللّهُ عز و جل لَهُ حَدّا يَنتَهى إلَيهِ . قالَ : وكانَ أبى عليه السلام كَثيرَ الذِّكرِ ، لَقَد كُنتُ أمشى مَعَهُ وإنَّهُ لَيَذكُرُ اللّهَ ، وآكُلُ مَعَهُ الطَّعامَ وإنَّهُ لَيَذكُرُ اللّهَ ، ولَقَد كانَ يُحَدِّثُ القَومَ وما يَشغَلُهُ ذلِكَ عن ذِكرِ اللّهِ ، وكُنتُ أرى لِسانَهُ لازِقا بِحَنَكِهِ يَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . وكانَ يَجمَعُنا فَيَأمُرُنا بِالذِّكرِ حَتّى تَطلُعَ الشَّمسُ . ويَأمُرُ بِالقِراءَةِ مَن كانَ يَقرَأُ مِنّا ومَن كانَ لا يَقرَأُ مِنّا أمَرَهُ بِالذِّكرِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :أنصِفِ النّاسَ مِن نَفسِكَ ، وواسِهِم فى مالِكَ ، وَارضَ لَهُم بِما تَرضى لِنَفسِكَ ، وَاذكُرِ اللّهَ كَثيرا ، وإيّاكَ وَالكَسَلَ والضَّجَرَ . (4)

.

1- .المحاسن : ج 2 ص 432 ح 2499 ، تحف العقول : ص 364 ، مشكاه الأنوار : ص 112 ح 257 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 204 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 164 ح 43 .
2- .الأحزاب : 41 و 42 .
3- .الكافى : ج 2 ص 498 ح 1 ، عدّه الداعى : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 161 ح 42 .
4- .الأمالى للمفيد : ص 182 ح 4 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 19 ح 43 كلاهما عن عجلان أبى صالح ، مشكاه الأنوار : ص 142 ح 341 عن علاء بن صالح وليس فيه «وإيّاک والكسل والضجر» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 227 ح 99 .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که : گرامی ترین بندگان نزد خداوند کیست؟ : آن که بیشتر به یاد خدا باشد و در طاعت او بیشتر بکوشد .

الکافی به نقل از ابن قدّاح : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر چیزی حدّ و مرزی دارد که در آن جا به پایان می رسد ، مگر یاد خدا که آن را حدّ و مرزی پایان پذیر نیست . خداوند عز و جل فرایض را واجب گردانید و هر کس آنها را به جای آورَد ، همان ، حدّ آنهاست . ماه رمضان را واجب گردانید و هر کس این ماه را روزه بدارد ، همان ، حدّ اوست . حج را واجب گردانید و هر کس حج بگزارد ، همان ، حدّ اوست ؛ بجز یاد خدا که خداوند عز و جل به اندک از آن رضایت نداده و برایش حدّی که در آن جا پایان پذیرد ، قرار نداده است» . سپس این آیه را تلاوت فرمود : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! خدا را بسیار یاد کنید ، و بام و شام ، او را به پاکی بستایید» . سپس فرمود : «خداوند عز و جل برای ذکر ، حدّی پایان پذیر ، قرار نداده است . پدرم [امام زین العابدین علیه السلام] بسیار [خدا را] یاد می کرد . من به همراه او می رفتم و او یاد خدا می کرد . با او غذا می خوردم و می دیدم که خدا را یاد می کند . با مردم ، سخن (/برایشان حدیث) می گفت ؛ ولی این کار ، او را از یاد خدا باز نمی داشت . من زبانش را می دیدم که پیوسته به کامش چسبیده و لا إله إلّا اللّه می گوید . ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب ، ذکر بگوییم و به هر یک از ما که قرآن خواندن بلد بودیم ، می فرمود که قرآن بخوانیم و به آن که قرآن خواندن نمی دانست ، دستور می داد ذکر بگوید .

امام صادق علیه السلام :با مردم ، به انصاف باش و در دارایی خود ، شریکشان گردان و برای ایشان ، آن بپسند که برای خود می پسندی ، و خدا را فراوان یاد کن و از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز .

.

عنه عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل لِموسى عليه السلام : اِجعَل لِسانَکَ مِن وَراءِ قَلبِکَ تَسلَم ، وأكثِر ذِكرى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ . (1)

الكافى عن علىّ بن عيسى رفعه :إنَّ موسى عليه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى ، فَقالَ لَهُ فى مُناجاتِهِ : يا موسى . . . أكثِر ذِكرى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ تَغنَم . (2)

إرشاد القلوب :كانَ مِمّا ناجى بِهِ البارى تَعالى داوودَ عليه السلام : . . . يا داوودُ ! إذا جَنَّ عَلَيکَ اللَّيلُ فَانظُر إلَى ارتِفاعِ النُّجومِ فِى السَّماءِ، وسَبِّحنى وأكثِر مِن ذِكرى ، حَتّى أذكُرَکَ . (3)

راجع : ص 98 (خصائص الذكر / أفضل الأعمال) وص 112 (من يعدّ كثير الذكر) .

1 / 2الحَثُّ عَلى ذِكرِ اللّهِ فى كُلِّ حالٍالكتاب«إِنَّ فِى خَلْقِ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَفِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَايَتٍ لِّأُوْلِى الْأَلْبَبِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً سُبْحَنَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 498 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 343 ح 23 .
2- .الكافى : ج 8 ص 42 ح 8 ، تحف العقول : ص 493 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 335 ح 13 .
3- .إرشاد القلوب : ص 86 .
4- .آل عمران : 190 و 191 .

امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود : «زبانت را در پسِ دلت قرار ده تا به سلامت مانی ، و شب و روز ، فراوان از من یاد کن» .

الکافی به نقل از علی بن عیسی ، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او فرمود : «ای موسی ! ... شب و روز ، مرا بسیار یاد کن تا سود بَری» .

إرشاد القلوب :از جمله سخنانی که آفریدگار متعال در گفتگویش با داوود علیه السلام فرمود ، این بود که : « ... ای داوود! چون شب بر تو فرا رسد ، به برآمدن ستارگان در آسمان ، بنگر و مرا به پاکی بستای و فراوان ، مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم» .

ر . ک : ص 99 (ویژگی های یاد خدا / برترینِ اعمال) . و ص 113 (کسانی آنان که بسیار یاد کننده خدا به شمار می آیندَ) .

1 / 2ترغیب به یاد خدا در همه احوالقرآن«مسلّماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پیِ یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان ، نشانه هایی [قانع کننده] است ؛ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده ، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که:] «پروردگارا ! اینها را بیهوده نیافریده ای. منزّهی تو! پس ما را از عذابِ آتش دوزخ ، در امان بدار»» .

.

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَوهَ فَاذْكُرُواْ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُواْ الصَّلَوهَ إِنَّ الصَّلَوهَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَبًا مَّوْقُوتًا» . (1)

الحديثمعانى الأخبار عن أبى بصير :سَأَلتُ أَبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «اتَّقُواْ اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» (2) ، قالَ : يُطاعُ فَلا يُعصى ، ويُذكَرُ فَلا يُنسى ، ويُشكَرُ فَلا يُكفَرُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَأَلَ مُوسى عليه السلام رَبَّهُ . . . قالَ : يا رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أتقى ؟ قالَ : الَّذى يَذكُرُ ولا يَنسى . (4)

عدّه الداعى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ لا يُصيبُهُنَّ إلّا مؤمِنٌ : الصَّمتُ ؛ وهُوَ أوَّلُ العِبادَهِ ، وَالتَّواضُعُ للّهِ سُبحانَهُ وتَعالى ، وذِكرُ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، وقِلَّهُ الشَّىءِ يَعنى قِلَّهَ المالِ . (5)

تاريخ الطبرى عن ابن عبّاس :سَأَلَ موسى عليه السلام رَبَّهُ عز و جل فَقالَ : أى رَبِّ ، أىُّ عِبادِكَ أحَبُّ إلَيكَ ؟ قالَ : الَّذى يَذكُرُنى ولا يَنسانى . (6)

الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمدُ ، إن أحبَبتَ أن تَكونَ أورَعَ النّاسِ فَازهَد فِى الدُّنيا وَارغَب فِى الآخِرَهِ . فَقالَ : إلهى ، كَيفَ أزهَدُ فِى الدُّنيا؟ فَقالَ : خُذ مِنَ الدُّنيا حَفنا مِنَ الطَّعامِ والشَّرابِ وَاللِّباسِ ، ولا تَدَّخِر لِغَدٍ ،ودُم عَلى ذِكرى . قالَ اللّهُ عز و جل : . . . يا أحمَدُ ، هَل تَدرى أىُّ عَيشٍ أهنَأُ وأىُّ حَياهٍ أبقى ؟ قالَ : اللّهُمَّ لا . قالَ : أمَّا العَيشُ الهَنِىءُ فَهُوَ الَّذى لا يَفتُرُ صاحِبُهُ عَن ذِكرى ، ولا يَنسى نِعمَتى ، ولا يَجهَلُ حَقّى ، يَطلُبُ رِضاىَ لَيلَهُ ونَهارَهُ . (7)

.

1- .النساء : 103 .
2- .آل عمران : 102 .
3- .معانى الأخبار : ص 240 ح 1 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 17 ح 37 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 194 ح 120 ، المحاسن : ج 1 ص 323 ح 648 ، تحف العقول : ص 362 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 292 ح 31 .

4- .صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 101 ح 6217 عن أبى هريره ، الدرّ المنثور : ج 3 ص 541 نقلاً عن كتاب العلم عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 15 ص 899 ح 43549 .
5- .عدّه الداعى : ص 234 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 162 ح 42 .
6- .تاريخ الطبرى : ج 1 ص 371 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 419 نقلاً عن ابن جرير وابن المنذر وابن أبى حاتم والخطيب وابن عساكر عن ابن عبّاس ؛ بحار الأنوار : ج 13 ص 281 ح 1 نقلاً عن البيضاوى .
7- .إرشاد القلوب : ص 199 و 204 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 21 و 28 ح 6 .

«و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلوآرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید؛ زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معیّن ، مقرّر شده است» .

حدیثمعانی الأخبار به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «از خدا پروا کنید ، چنان که حقّ پروا کردن از اوست» . فرمود : «یعنی این که فرمانش بُرده شود و نافرمانی نشود ، و همواره به یاد باشد و فراموش نشود ، و سپاس گزاری شود و ناسپاسی نگردد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید ... و گفت : ای پروردگار ! پرهیزگارترینِ بندگانت کیست؟ فرمود : «کسی که به یاد من باشد و فراموشم نکند» .

عدّه الداعی :پیامبر خدا فرمود : «چهار چیز است که جز مؤمن ، کسی به آنها دست نمی یابد : سکوت که آغازینْ عبادت است ؛ فروتنی برای خداوند پاک و بلندمرتبه ؛ یاد کردن خدا در همه حال ؛ و کم چیز بودن» یعنی دارایی اندک داشتن .

تاریخ الطبری به نقل از ابن عبّاس : موسی علیه السلام از پروردگارش عز و جلپرسید و گفت : ای پروردگار من ! کدام بنده ات نزد تو محبوب تر است ؟ فرمود : «آن که به یاد من باشد و فراموشم نکند» .

امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جلفرمود : «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترینِ انسان ها باشی ، پس به دنیا زاهد و به آخرت ، راغب باش» . پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : خداوندا ! چگونه نسبت به دنیا زاهد باشم؟ فرمود : «از دنیا مُشتی آب و غذا و لباس بردار و برای فردا اندوخته مکن و همواره به یاد من باش» . خداوند عز و جل فرمود : « ... ای احمد ! آیا می دانی که کدام زندگی ، گواراتر و کدام حیات ، ماندگارتر است؟» . پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : بار خدایا ! نه . فرمود : «زندگی گوارا ، آن زندگی ای است که صاحبش از یادکردِ من ، سست نشود و نعمت مرا فراموش نکند و حقّ مرا نادیده نگیرد و شب و روز ، خشنودی مرا بجوید» .

عنه علیه السلام مِن وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام : کُن للّهِ ذاکِرا عَلی کُلِّ حالٍ . (1)

عنه علیه السلام :عَلَیکَ بِلُزومِ الحَلالِ ، وحُسنِ البِرِّ بِالعِیالِ ، وذِکرِ اللّهِ فی کُلِّ حالٍ . (2)

عنه علیه السلام :المُؤمِنُ دائِمُ الذِّکرِ ، کَثیرُ الفِکرِ ، عَلَی النَّعماءِ شاکِرٌ ، وفِی البَلاءِ صابِرٌ . (3)

عنه علیه السلام :بِدَوامِ ذِکرِ اللّهِ تَنجابُ (4) الغَفلَهُ . (5)

عنه علیه السلام :مُداوَمَهُ الذِّکرِ خُلصانُ الأَولِیاءِ (6) . (7)

.

1- .الأمالی للمفید : ص 222 ح 1 ، الأمالی للطوسی : ص 8 ح 8 کلاهما عن الفجیع العقیلی عن الإمام الحسن علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 152 ح 7 .
2- .غرر الحکم : ح 6131 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 334 ح 5693 .
3- .غرر الحکم : ح 1933 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 58 ح 1479 وفیه «دائم الفکر وکثیر الذکر» .
4- .انجابَ السَّحابُ عن المدینهِ : أی انجمع وتقبّض بعضه إلی بعض وانکشف عنها (النهایه : ج 1 ص 310 «جوب»).
5- .غرر الحکم : ح 4269 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 188 ح 3864.
6- .فلانٌ خِلصی کما تقول خِدنی وخُلصانی : أی خالصتی ؛ إذا خَلَصَت مَودَّتُهُما ، وهم خُلصانی ، یستوی فیه الواحد والجماعه (لسان العرب : ج 7 ص 28 «خلص») .
7- .غرر الحکم : ح 9757 .

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به پسرش امام حسن علیه السلام : در همه حال ، به یاد خدا باش .

امام علی علیه السلام :بر تو باد چنگ زدن به حلال ، خوش رفتاری با خانواده ، و یاد خدا در همه حال !

امام علی علیه السلام :مؤمن ، همواره به یاد خداست ، بسیار می اندیشد ، بر نعمتْ سپاس گزار است و در گرفتاری ، شکیباست .

امام علی علیه السلام :با مداومت بر یاد خداست که غفلت ، زدوده می شود .

امام علی علیه السلام :مداومت بر یاد خدا ، دوست صمیمی اولیاست .

.

عنه عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، إنَّ ذُنوبَکَ أكثَرُ مِن حَسَناتِکَ ، وغَفلَتَکَ أكثَرُ مِن ذِكرِکَ ، ونِعَمَ اللّهِ عَلَيکَ أكثَرُ مِن عَمَلِکَ . يا كُمَيلُ ، إنَّکَ لا تَخلو مِن نِعَمِ اللّهِ عِندَکَ وعافِيَتِهِ إيّاکَ ، فَلا تَخلُ مِن تَحميدِهِ ، وتَمجيدِهِ ، وتَسبيحِهِ ، وتَقديسِهِ ، وشُكرِهِ ، وذِكرِهِ عَلى كُلِّ حالٍ . (1)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ المَعروفِ بدُعاءِ كُمَيلٍ : يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، أسأَلُکَ بِحَقِّکَ وقُدسِکَ ، وأعظَمِ صِفاتِکَ وأسمائِکَ ، أن تَجعَلَ أوقاتى مِنَ اللَّيلِ وَالنَّهارِ بِذِكرِکَ مَعمورَةً وبِخِدمَتِکَ مَوصولَةً ، وأعمالى عِندَکَ مَقبولَةً ، حَتّى تَكونَ أعمالى وأورادى كُلُّها وِردا واحِدا ، وحالى فى خِدمَتِکَ سَرمَدا . يا سَيِّدى يا مَن عَلَيهِ مُعَوَّلى ، يا مَن إلَيهِ شَكَوتُ أحوالى ، يا رَبِّ يا رَبِّ ، قَوِّ عَلى خِدمَتِکَ جَوارِحى ، وَاشدُد عَلَى العَزيمَهِ جَوانِحى ، وهَب لِىَ الجِدَّ فى خَشيَتِکَ ، وَالدَّوامَ فِى الاِتِّصالِ بِخِدمَتِکَ ، حَتّى أسرَحَ إلَيکَ فى مَيادينِ السّابِقينَ ، وأُسرِعَ إلَيکَ فِى البارِزينَ ، وأشتاقَ إلى قُربِکَ فِى المُشتاقينَ ، وأدنُوَ مِنکَ دُنُوَّ المُخلِصينَ ، وأخافَکَ مَخافَهَ الموقِنينَ ، وأجتَمِعَ فى جِوارِکَ مَعَ المُؤمِنينَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِيَكُن أحَدُكُم رَطبا مِن ذِكرِ رَبِّهِ ، فَلا تَكُن مِنَ الغافِلينَ . (3)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن بسر :أتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله أعرابِيّانِ ، فَقالَ أحَدُهُما : مَن خَيرُ الرِّجالِ يا مُحَمَّدُ؟ قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : مَن طالَ عُمرُهُ، وحَسُنَ عَمَلُهُ . وقالَ الآخَرُ : إنَّ شَرائِعَ الإسلامِ قَد كَثُرَت عَلَينا ، فَبابٌ نَتَمَسَّکُ بِهِ جامِعٌ . قالَ : لا يَزالُ لِسانُکَ رَطبا مِن ذِكرِ اللّهِ عز و جل . (4)

.

1- .تحف العقول : ص 174 ، بشاره المصطفى : ص 28 عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 273 ح 1 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 849 ، الإقبال : ج 3 ص 336 وفيه «المبادرين» بدل «البارزين» وكلاهما عن كميل .
3- .إرشاد القلوب : ص 95 .

4- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 210 ح 17696 وص 214 ح 17714 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 519 ح 6526 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 458 ح 3375 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1246 ح 3793 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 673 ح 1822 وليس فى الثلاثه الأخيره صدره ، كنز العمّال : ج 1 ص 427 ح 1841 ؛ الأمالى للشجرى : ج 1 ص 255 .

امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به کمیل بن زیاد : ای کمیل! گناهان تو بیش از کارهای نیک توست ، و غفلتت بیش از متذکّر بودنت ، و نعمت های خدا به تو بیش از عمل توست . ای کمیل! تو از نعمت های خدا و عافیت او بر کنار نیستی . پس هیچ گاه از ستایشگویی او و یاد کردنش به بزرگی و پاکی و قداست ، و از سپاس گزاری اش ، برکنار مباش و همواره او را یاد کن .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان ، معروف به «دعای کمیل» : ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای پروردگار ! به حقّ تو و به مقام قُدست ، و به بزرگ ترین صفات و نام هایت ، از تو درخواست می کنم که اوقات شب و روز مرا به یاد خودت ، آباد گردانی و پیوسته ، در خدمت خودت قرارم دهی و اعمالم را به درگاهت بپذیری تا آن که همه اعمال و آورادم یک وِرد شوند و تا ابد ، در خدمت تو باشم . سرورم ، ای آن که تکیه ام به اوست ، ای آن که از احوال خویش به او شِکوه می کنم ، ای پروردگار ، ای پروردگار! اندام های مرا در خدمت به خودت ، نیرومند گردان و دلم را در عقیده ، استوار بدار و در ترس از خودت ، به من کوشایی بخش و پیوسته مرا در خدمت خویش بدار ، تا در میدان های مسابقه دهندگان ، به سوی تو بدوانم و در میان پیشی گیرندگان به کوی تو بشتابم و در میان مشتاقان ، شوق نزدیک شدن به تو ، جانم را فرا گیرد و چونان نزدیک شدن اخلاص مندان ، به تو نزدیک شوم و آن سان که اهل یقین از تو می ترسند ، از تو بترسم و در کنار و پناه تو ، با مؤمنانْ گِرد آیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما باید از یاد پروردگارش تَر و تازه باشد . بنا بر این ، از غافلان مباش .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن بُسر : دو بادیه نشین به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند . یکی از آن دو گفت : ای محمّد ! بهترینِ مردان ، چه مردی است ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آن مردی که عمرش دراز و کردارش نیک باشد» . دیگری گفت : احکام اسلام بر ما افزون شده است . دستور العملی بده که جامع باشد و ما به آن ، چنگ زنیم . فرمود : «همواره زبانت از یاد خداوند عز و جل تَر و تازه باشد» .

.

كنز العمّال عن معاذ :آخِرُ كَلامٍ فارَقتُ عَلَيهِ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أىُّ العَمَلِ خَيرٌ وأقرَبُ إلَى اللّهِ؟ قالَ : أن تُمسِىَ وتُصبِحَ ولِسانُکَ رَطبٌ مِن ذِكرِ اللّهِ عز و جل . (1)

الزهد لابن مبارک عن عبد اللّه بن بسر :قالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللّهِ! أىُّ العَمَلِ أفضَلُ؟ قالَ : لا يَزالُ لِسانُکَ رَطبا مِن ذِكرِ اللّهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَرَرتُ لَيلَةَ اُسرِىَ بى بِرَجُلٍ مَغيبٍ فى نورِ العَرشِ ؛ فَقُلتُ : مَن هذا! مَلَکٌ؟ قيلَ : لا ، قُلتُ : نَبِىٌّ؟ قيلَ : لا ، قُلتُ : مَن هُوَ؟ قالَ : هذا رَجُلٌ كانَ فِى الدُّنيا لِسانُهُ رَطبا مِن ذِكرِ اللّهِ ، وقَلبُهُ مُعَلَّقا بِالمَساجِدِ ، ولَم يَستَسِبَّ (3) لِوالِدَيهِ قَطُّ . (4)

صحيح ابن حبّان عن معاذ بن جبل :سَأَلتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أىُّ الأعمالِ أحَبُّ إلَى اللّهِ ؟ قالَ : أن تَموتَ ولِسانُکَ رَطبٌ مِن ذِكرِ اللّهِ . (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 2 ص 242 ح 3929 وج 1 ص 440 ح 1903 وج 8 ص 319 ح 23099 وفى الأخيرين بزياده «و إلى رسوله» بعد «إلى اللّه » وكلّها نقلاً عن ابن النجّار .
2- .الزهد لابن المبارک : ص 328 ح 935 ، التاريخ الكبير : ج 1 ص 416 ح 1328 وليس فيه صدره .
3- .لم يَسْتَسِبَّ لوالديه : أى لم يعرّضهما للسبّ ويجرّه إليهما ؛ بأن يسبّ أبوَى غيره فيسبّ أبويه مجازاً له (اُنظر النهايه : ج 2 ص 330 «سبب») .
4- .الأولياء لابن أبى الدنيا : ص 92 ح 95 عن أبى المخارق .
5- .صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 100 ح 818 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 93 ح 181 وص 106 ح 208 وص 107 ح 212 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 6 ح 2 ، كنز العمّال : ج 2 ص 247 ح 3939 نقلاً عن ابن شاهين وابن النجّار .

کنز العمّال به نقل از مُعاذ : آخرین سخنی که با آن از پیامبر خدا جدا شدم ، این بود که گفتم : ای پیامبر خدا ! کدام عمل ، بهتر و نزد خداوند ، مقرّب تر است ؟ فرمود : «این که صبح و شام ، زبانت از یاد خداوند عز و جل تَر و تازه باشد» .

الزهد ، ابن مبارک به نقل از عبد اللّه بن بُسر : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! کدام عمل ، برتر است؟ فرمود : «این که زبانت ، پیوسته از یاد خدا تَر و تازه باشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که مرا به معراج بردند ، به مردی برخوردم که در نور عرش ، گُم بود . گفتم : این کیست ؟ فرشته است؟ گفته شد : «نه» . گفتم : پیامبر است؟ گفته شد : «نه» . گفتم : او کیست؟ گفتند : «این ، مردی است که در دنیا زبانش از یاد خدا تَر و تازه ، و دلش آویخته به مسجدها بود و هرگز برای پدر و مادرش ناسزا نخرید» . (1)

صحیح ابن حِبّان به نقل از مُعاذ بن جبل : از پیامبر خدا پرسیدم : کدامین اعمال نزد خدا محبوب تر است ؟ فرمود : «این که تا دَم مرگ ، زبانت از یاد خدا تَر و تازه باشد» .

.

1- .یعنی به پدر و مادر دیگران ، ناسزا نگفت تا آنها نیز ، متقابلاً ، به پدر و مادر او ناسزا بگویند یا به این معناست که با اعمال ناشایست خود ، موجب نفرین فرستادن مردم به پدر و مادرش نشد .

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الَّذينَ لا تَزالُ ألسِنَتُهُم رَطبَةً مِن ذِكرِ اللّهِ ، يَدخُلُ أحَدُهُمُ الجَنَّةَ وهَوُ يَضحَكُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَنزِل بِأَحَدِكُمُ المَوتُ إلّا وفُوهُ رَطبٌ مِن ذِكرِ اللّهِ ، لا يَخلُوَنَّ قَلبُ أحَدِكُم أبَدا مِن ذِكرِ اللّهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : أفضَلُ الأَعمالِ أن تَموتَ ولِسانُکَ رَطبٌ بِذِكرِ اللّهِ سُبحانَهُ . (3)

عنه عليه السلام :لِسانُ البَرِّ مُستَهتَرٌ (4) بِدَوامِ الذِّكرِ . (5)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مُخُّ الإيمانِ التَّقوى وَالوَرَعُ ، وهُما مِن أفعالِ القُلوبِ ، وأحسَنُ أفعالِ الجَوارِحِ ألّا تَزالَ مالِئا فاکَ بِذِكرِ اللّهِ سُبحانَهُ . (6)

عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ وَاجعَلنى مِنَ الَّذينَ يُسَبِّحونَ لَکَ آناءَ اللَّيلِ وَالنَّهارِ لا يَفتُرونَ . (7) اللّهُمَّ وَاجعَلنى مِنَ الَّذينَ لا يَمَلّونَ ذِكرَکَ، ولا يَستأمونَ عَن عِبادَتِکَ، ويُسَبِّحونَ لَکَ ولَکَ يَسجُدونَ . اللّهُمَّ وَاجعَلنى مِنَ الَّذينَ يَذكُرونَکَ قِياما وقُعودا وعَلى جُنوبِهِم . (8)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 295 ح 5904 نقلاً عن درر اللآلى عن أبى الدرداء ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 72 ح 8 وج 8 ص 168 ح 8 وص 236 ح 7 ، الزهد لابن حنبل : ص 169 كلّها عن أبى الدرداء من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 1 ص 427 ح 1839 وص 440 ح 1904 .
2- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 116 .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 347 ح 984 وراجع جامع الأخبار : ص 116 ح 208 .
4- .يقال : اُهتر فلان بكذا واستُهتر فهو مُهتر ومستهتَر : أى مولع به لايتحدّث بغيره ، ولا يفعل غيره (النهايه : ج 5 ص 242 «هتر») .
5- .غرر الحكم : ح 7617 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 419 ح 7099 .

6- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 347 ح 988 .
7- .الفَتْرَه : الانكِسار والضعف (لسان العرب : ج 5 ص 43 «فتر»).
8- .الدروع الواقيه : ص 229 وص 141 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 169 ح 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آنان که زبان هایشان پیوسته از یاد خدا تَر و تازه باشد ، هر یک از ایشان ، خندانْ وارد بهشت می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مبادا مرگ به سراغ یکی از شما بیاید ، مگر آن که دهانش از یاد خدا تَر و تازه باشد ! مبادا دل هر یک از شما از یاد خدا تهی باشد !

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : برترینِ اعمال ، این است که تا دمِ مرگ ، زبانت به یاد خداوند پاک ، تَر و تازه باشد .

امام علی علیه السلام :زبانِ نیکوکاران ، شیفته مداومت بر یاد خداست .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : مغز ایمان ، پرهیزگاری و پارسایی است ، و این دو از اعمال دل اند . بهترین اعمال جوارح ، این است که همواره ، دهانت را به ذکر خداوند پاک ، پُر کنی .

امام علی علیه السلام در دعا : بار خدایا ! مرا از آنانی قرار ده که در اوقات شب و روز ، تسبیح تو را می گویند و سست نمی شوند . بار خدایا ! مرا از آنانی قرار ده که از یاد تو خسته نمی شوند و از عبادتت به ستوه نمی آیند و پیوسته ، تو را تسبیح می گویند و سجده ات می کنند . بار خدایا ! مرا از آنانی قرار ده که ایستاده و نشسته و خفته ، تو را یاد می کنند .

.

الزهد لابن مبارک عن عبد اللّه بن سلام :إِنَّ مُوسی صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِ قالَ لِرَبِّهِ عز و جل : یا رَبِّ! مَا الشُّکرُ الَّذِی یَنبَغی لَکَ ؟ قال : یا مُوسی ! لا یَزالُ لِسانُکَ رَطبا مِن ذِکری . (1)

الإمام الباقر علیه السلام :إِنَّ أَبناءَ الآخِرَهِ . . . لا یَمَلّونَ مِن ذِکرِ اللّهِ . (2)

مصباح الشریعه فیما نَسَبَهُ إِلَی الإِمامِ الصّادِقِ علیه السلام : أَفضَلُ الوَصایا وأَلزَمُها أن لا تَنسی رَبَّکَ، وأَن تَذکُرَهُ دائِما ، ولا تَعصِیَهُ، وتَعبُدَهُ قاعِدا وقائِما ، ولا تَغتَرَّ بِنِعمَتِهِ ، وَاشکُرهُ أَبَدا . (3)

1 / 3الحَثُّ عَلی ذِکرِ اللّهِ فی کُلِّ مَکانٍرسول اللّه صلی الله علیه و آله :أُذکُرِ اللّهَ حَیثُما کُنتَ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله فی وَصِیَّتِهِ لِمَعاذِ بنِ جَبَلٍ : أُوصیکَ بِتَقوَی اللّهِ ، وصِدقِ الحَدیثِ ، وَالوَفاءِ بِالعَهدِ . . . وَاذکُر رَبَّکَ عِندَ کُلِّ شَجَرٍ وحَجَرٍ . (5)

.

1- .الزهد لابن المبارک : ص 330 ح 942 ، شُعب الإیمان : ج 4 ص 104 ح 4428 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 370 نقلاً عن ابن أبی شیبه وابن أبی الدنیا .
2- .تحف العقول : ص 287 عن جابر الجعفی ، بحار الأنوار : ج 78 ص 165 ح 2 .
3- .مصباح الشریعه : ص 402 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 200 ح 27 .
4- .کنز العمّال : ج 1 ص 443 ح 1913 نقلاً عن الترغیب فی الذکر عن أبی ذرّ.
5- .تحف العقول : ص 26 ، نزهه الناظر : ص 30 ح 92 ، إرشاد القلوب : ص 73 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 127 ح 33 وراجع المعجم الکبیر : ج 20 ص 159 ح 331 وص 175 ح 374 وشعب الإیمان : ج 1 ص 405 ح 548 والزهد لهنّاد : ج 2 ص 521 ح 1074 وص 531 ح 1092.

الزهد ، ابن مبارک به نقل از عبد اللّه بن سلام : موسی که درودهای خداوند بر او باد به پروردگارش عز و جل گفت : ای پروردگار من ! آن سپاسی که سزاوار توست ، چیست؟ فرمود : «ای موسی! این که زبانت ، پیوسته به ذکر من ، تَر و تازه باشد» .

امام باقر علیه السلام :آخرت گرایان ... از یاد خدا ، خسته و بیزار نمی شوند .

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : برترین و ضرورترین توصیه ها این است که : پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به یاد او باشی و نافرمانی اش نکنی ، و ایستاده و نشسته ، او را بندگی نمایی و به نعمتش مغرور نشوی و همواره ، سپاس گزارش باشی .

1 / 3تشویق به یاد خدا در همه جاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر جا که هستی ، به یاد خدا باش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به مُعاذ بن جبل : سفارش می کنم تو را به خداپَروایی ، راستگویی ، وفای به عهد ... و این که در کنار هر درخت و سنگی به یاد پروردگارت باش .

.

عنه صلى الله عليه و آله لِمِخنَفِ بنِ يَزيدٍ : يا مِخنَفُ . . . اُذكُرِ اللّهَ عِندَ كُلِّ حَجَرٍ ومَدَرٍ (1) ، يَشهَدُ لَکَ يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يا أبا بَكرٍ ، إذا رَأَيتَ النّاسَ يُسارِعونَ فِى الدُّنيا فَعَلَيکَ بِالآخِرَهِ ، وَاذكُرِ اللّهَ عِندَ كُلِّ حَجَرٍ ومَدَرٍ يَدعوکَ (3) إذا ذَكَرتَهُ ، ولا تُحَقِّرَنَّ أحَدا مِنَ المُسلِمينَ ؛ فَإِنَّ صَغِيرَ المُسلِمينَ عِندَ اللّهِ كَبيرٌ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :اُذكُرُوا اللّهَ فى كُلِّ مَكانٍ فَإِنَّهُ مَعَكُم . (5)

لقمان عليه السلام لِابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ : يا بُنَىَّ ، أقِلَّ الكَلامَ ،وَاذكُرِ اللّهَ عز و جل فى كُلِّ مَكانٍ ؛ فَإِنَّهُ قَد أنذَرَکَ ، وحَذَّرَکَ ، وبَصَّرَکَ ، وعَلَّمَکَ . (6)

1 / 4ذِكرُ اللّهِ حَسَنٌ عَلى كُلِّ حالٍالإمام الباقر عليه السلام :مَكتوبٌ فِى التَّوراهِ الَّتى لَم تُغَيَّر أنَّ موسى عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ فَقالَ : إلهى إنَّهُ يَأتى عَلَىَّ مَجالِسُ اُعِزُّکَ واُجِلُّکَ أن أذكُرَکَ فيها ! فَقالَ : يا موسى ، إنَّ ذِكرى حَسَنٌ عَلى كُلِّ حالٍ . (7)

.

1- .المَدَر : قِطَع الطين اليابس (القاموس المحيط : ج 2 ص 131 «مدر»)
.
2- .كنزالعمّال : ج 15 ص 853 ح 43393 نقلاً عن أبى نعيم عن مخنف بن يزيد ، الفردوس : ج 5 ص 403 ح 8558 عن مخيف بن زيد وفيه «مضر» بدل «مدر».
3- .فى كنز العمّال : «يذكرک» بدل «يدعوک» .
4- .الفردوس : ج 5 ص 302 ح 8256 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 15 ص 851 ح 43385 نقلاً عن السلمى وج 16 ص 237 ح 44297 .
5- .الخصال : ص 613 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 103 وليس فيه «فإنّه معكم» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 154 ح 16 .
6- .الاختصاص : ص 336 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 427 ح 22 نقلاً عن النوادر لجعفر بن الحسين وكلاهما عن الأوزاعى .

7- .الكافى : ج 2 ص 497 ح 8 ، عدّه الداعى : ص 239 كلاهما عن أبى حمزه ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 27 ح 68 ، عوالى اللآلى : ج 2 ص 190 ح 78 كلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص 18 ح 6 والثلاثه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 160 ح 41 .

1 / 4 یاد خدا ، در همه حال ، نیکوست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مِخنَف بن یزید : ای مِخنَف ! ... نزد هر سنگ و کلوخی خدا را یاد کن تا روز قیامت ، به سود تو گواهی دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابو بکر ! هر گاه دیدی مردم در دنیا می شتابند ، تو به آخرت روی آور و خدا را نزد هر سنگ و کلوخی یاد کن ؛ زیرا هر گاه او را یاد کنی ، او نیز تو را یاد می کند . هرگز هیچ مسلمانی را کوچک مشمار ؛ زیرا کوچکِ مسلمانان هم نزد خدا بزرگ است .

امام علی علیه السلام :خدا را در هر مکانی یاد کنید ؛ زیرا او با شماست .

لقمان علیه السلام در اندرز به پسرش : پسرم ! کم سخن گو و خداوند عز و جل را در همه جا یاد کن ، که او به تو هشدار داده و بر حَذَرت داشته و بینایت نموده و آگاه و دانایت ساخته است .

1 / 4یاد خدا ، در همه حال ، نیکوستامام باقر علیه السلام :در توراتِ تحریف نشده ، نوشته شده است که موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت : معبود من ! گاه وضعیتی برایم پیش می آید که من ، تو را ارجمندتر و گرامی تر از آن می دانم که در آن وضعیت ، تو را یاد کنم ! خداوند فرمود : «ای موسی ! یاد من ، در هر حالی نیکوست» .

.

عنه عليه السلام لِمُحَمَّدِ بنِ مُسلِمٍ : يا مُحَمَّدَ بنَ مُسلِمٍ ، لا تَدَعَنَّ ذِكرَ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، ولَو سَمِعتَ المُنادِيَ يُنادى بِالأَذانِ وأنتَ عَلَى الخَلاءِ ، فَاذكُرِ اللّهَ عز و جلوقُل كَما يَقولُ المُؤَذِّنُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :لا بَأسَ بِذِكرِ اللّهِ وأنتَ تَبولُ ؛ فَإِنَّ ذِكرَ اللّهِ عز و جل حَسَنٌ عَلى كُلِّ حالٍ ، فَلا تَسأَم مِن ذِكرِ اللّهِ . (2)

تهذيب الأحكام عن زراره ومحمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال :قُلتُ : الحائِضُ وَالجُنُبُ يَقرَآنِ شَيئا؟ قالَ : نَعَم ، ما شاءا إلَا السَّجدَةَ ، ويَذكُرانِ اللّهَ تَعالى عَلى كُلِّ حالٍ . (3)

راجع : ص 42 (الحث على ذكر اللّه فى كلّ حال) .

1 / 5فَضلُ الذّاكِرِالكتاب«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ الْقَنِتِينَ وَ الْقَنِتَتِ وَ الصَّدِقِينَ وَ الصَّدِقَتِ وَ الصَّبِرِينَ وَالصَّبِرَ تِ وَ الْخَشِعِينَ وَ الْخَشِعَتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَتِ وَ الصَّئِمِينَ وَالصَّئِمَتِ وَ الْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ وَ الذَّ كِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّ كِرَ تِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا» . (4)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 288 ح 892 ، علل الشرائع : ص 284 ح 2 عن محمّد بن مسلم وليس فيه «المؤذّن» ، بحار الأنوار : ج 84 ص 176 ح 6.
2- .الكافى : ج 2 ص 497 ح 6 ، عدّه الداعى : ص 239 كلاهما عن الحلبى ، بحار الأنوار : ج 80 ص 190 ح 47.
3- .تهذيب الأحكام : ج 1 ص 27 ح 67 ، الاستبصار : ج 1 ص 115 ح 384 ، علل الشرائع : ص 288 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 44 ح 9.
4- .الأحزاب : 35 .

امام باقر علیه السلام به محمّد بن مسلم : ای محمّد بن مسلم ! یاد خدا را در هیچ حال وا مگذار . اگر در آبریزگاه بودی و بانگ اذان مؤذّن را شنیدی ، خدا را یاد کن و هر چه مؤذّن می گوید ، تو نیز بازگو .

امام صادق علیه السلام :در حال ادرار کردن هم ذکر خدا گفتن عیبی ندارد ؛ چرا که یاد خداوند عز و جل در هر حالی خوب است . بنا بر این ، از ذکر خدا خسته مشو .

تهذیب الأحکام به نقل از زراره و محمّد بن مسلم : به امام [باقر علیه السلام] گفتم : آیا حائض و جُنب ، می توانند قرآن بخوانند؟ فرمود : «آری ؛ هر اندازه خواستند ، بجز [آیات] سجده را ، و می توانند در هر شرایطی خدا را یاد کنند» .

ر . ک : ص 43 (ترغیب به یاد کردن از خدا در همه احوال) .

1 / 5جایگاه یادکننده خداقرآن«مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاک دامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، خدا برای [همه] آنان ، آمرزشی و پاداشی بزرگ ، فراهم ساخته است» .

.

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِأَبى رَزِينٍ : يا أبا رَزِينٍ ، إذا خَلَوتَ فَحَرِّک لِسانَکَ بِذِکرِ اللّهِ عز و جل ، فَإِنَّکَ لا تَزالُ فى صَلاهٍ ما ذَکَرتَ رَبَّکَ ؛ إن کُنتَ فى عَلانِيَهٍ فَکَصَلاهِ العَلانِيَهِ ، وإن کُنتَ خالِيا فَکَصَلاهِ الخَلوَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ مُصَلِّيا قانِتا ما ذَکَرتَ اللّهَ قائِما وقاعِدا ، أو فى سوقِکَ ، أو فى ناديکَ (3) ، أو حَيثُ کُنتَ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :لا يَزالُ المُؤمِنُ فى صَلاهٍ ما کانَ فى ذِکرِ اللّهِ عز و جل ؛ قائِما کانَ أو جالِسا أو مُضطَجِعا ، إنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : «الَّذِينَ يَذْکُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَکَّرُونَ فِى خَلْقِ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً سُبْحَنَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (5) . (6)

.

1- .المعارج : 23 .
2- .أُسد الغابه : ج 6 ص 106 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 366 كلاهما عن عبد الرحمن بن عوف .
3- .النادى : المنتدى ؛ وهو مجلس القوم ما داموا مجتمعين فيه (المعجم الوسيط : ج 2 ص 912 «ندا») .
4- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 412 ح 569 عن يحيى بن أبى كثير ، كنز العمّال : ج 1 ص 446 ح 1927 .
5- .آل عمران : 191 .
6- .الأمالى للمفيد : ص 310 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 79 ح 116 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 211 ح 172 وص 214 ح 185 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 159 ح 34 .

«همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو رَزین : ای ابو رزین! هر گاه خلوت کردی ، زبانت را به ذکر خداوند عز و جل بجنبان ؛ زیرا تا زمانی که ذکر پروردگارت را بگویی ، پیوسته در حال نمازی . اگر در آشکار باشی ، مانند نمازِ آشکار است ، و اگر در خلوت باشی ، مانند نمازِ در خلوت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا زمانی که خدا را یاد کنی ، ایستاده باشی یا نشسته ، در بازار یا در انجمن و یا هر کجای دیگر که باشی ، پیوسته در حال نماز و عبادتی .

امام باقر علیه السلام :مؤمن ، تا زمانی که خدا را یاد کند ، ایستاده باشد یا نشسته و یا دراز کشیده ، پیوسته در حال نماز است . خداوند متعال می فرماید : «آنان که خدا را ، ایستاده و نشسته و به پهلو خفته ، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند ، [می گویند :] ای پروردگار ما ! تو این همه را بیهوده نیافریده ای . منزّهی تو! پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] ، نگه دار» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : عَبدى ، أنَا عِندَ ظَنِّکَ بى ، وأنَا مَعَکَ إذا ذَکَرتَنى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : أنَا مَعَ عَبدى إذا هُوَ ذَکَرَنى وتَحَرَّکَت بى شَفَتاهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَکتوبٌ فِى التَّوراهِ الَّتى لَم تُغَيَّر أنَّ موسى عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ فَقالَ : يا رَبِّ ، أقَريبٌ أنتَ مِنّى فَأُناجِيَکَ ، أم بَعيدٌ فَأُنادِيَکَ ؟ فَأَوحى إلَيهِ : يا موسى ، أنَا جَليسُ مَن ذَکَرَنى . فَقالَ موسى : فَمَن فى سِترِکَ يَومَ لا سِترَ إلّا سِترُکَ؟ فَقالَ : الَّذينَ يَذکُرونى فَأَذکُرُهُم ، ويَتَحابّونَ فِىَّ فَاُحِبُّهُم ، فَاُولئِکَ الَّذينَ إذا أرَدتُ أن اُصيبَ أهلَ الأَرضِ بِسوءٍ ذَکَرتُهُم فَدَفَعتُ عَنهُم بِهِم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام لَمّا ناجى رَبَّهُ قالَ : يا رَبِّ أبَعيدٌ أنتَ مِنّى فَاُنادِيَکَ ، أم قَريبٌ فاُناجِيَکَ ؟ فَأَوحَى اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ إلَيهِ : أنَا جَليسُ مَن ذَکَرَنى . فَقالَ موسى عليه السلام : يا رَبِّ إنّى أکونُ فى حالٍ اُجِلُّکَ أن أذکُرَکَ فيها ! فَقالَ : يا موسى ، اُذکُرنى عَلى کُلِّ حالٍ . (4)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 674 ح 1828 عن أنس ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 43 وج 7 ص 109 کلاهما عن أبى هريره ، کنز العمّال : ج 3 ص 135 ح 5847 وص 137 ح 5859 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1246 ح 3792 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 647 ح 10968 ، تاريخ دمشق : ج 70 ص 52 کلّها عن أبى هريره وص 53 وفيهما «ما ذکرنى» بدل «إذا هو ذکرنى» ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 673 ح 1824 کلاهما عن أبى الدرداء ، کنز العمّال : ج 1 ص 433 ح 1869 .
3- .عدّه الداعى : ص 235 ، الکافى : ج 2 ص 496 ح 4 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 13 ص 342 ح 20 .
4- .التوحيد : ص 182 ح 17 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 127 ح 22 کلاهما عن داوود بن سليمان الفرّاء عن الإمام الرضا عن آبائه

عليهم السلام ، علل الشرائع : ص 284 ح 1 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 28 ح 58 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 175 ح 6 ؛ حليه الأولياء : ج 6 ص 42 عن كعب وزاد فيه «قال : وماهى؟ قال : الجنابه والغائط» قبل «فقال : يا موسى اذكرنى» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای عز و جل فرمود : «بنده من! من ، آن جایم که تو به من گمان بری ، و هر گاه مرا یاد کنی ، من با تو هستم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای عز و جل می فرماید : «من با بنده خویش هستم ، هر آن گاه که او مرا یاد کند و لبانش به یاد من بجنبد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در تورات تحریف ناشده ، نوشته شده است که موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت : ای پروردگار من! آیا تو به من نزدیکی تا با تو نجوا کنم ، یا دوری تا آوازت دهم؟ خداوند به او وحی فرمود : «ای موسی! من ، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند» . موسی علیه السلام گفت : در آن روز که پرده ای جز پرده تو نیست ، چه کسی در پرده توست؟ فرمود : «آنان که مرا یاد می کنند و من ، یادشان می کنم و برای من ، یکدیگر را دوست می دارند و من نیز دوستشان می دارم . اینان ، کسانی هستند که هر گاه بخواهم به زمینیان گزندی برسانم ، به یاد ایشان می رفتم و به خاطر آنان ، گزند را از زمینیان می گردانم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی بن عمران علیه السلام آن گاه که با پروردگارش به راز و نیاز پرداخت ، گفت : ای پروردگار من! آیا تو از من دوری تا که آوازت دهم ، یا نزدیکی تا آهسته بخوانمت ؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود : «من ، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند» . موسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من! [گاه] در وضعیتی هستم که تو را ارجمندتر از آن می دانم که در آن وضع ، یادت کنم ! فرمود : «ای موسی ! در هر وضعیتی مرا یاد کن» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام : يا رَبِّ ، أقَريبٌ أنتَ [فَ] اُناجِيَکَ ، أم بَعيدٌ [فَ] اُنادِيَکَ؟ فَإنّى اُحِسُّ حِسَّ صَوتِکَ ولا أراکَ ! فَأينَ أنتَ؟ فَقالَ اللّهُ : خَلفَکَ ، وأمامَکَ ، وعَن يَمينِکِ ، وعَن شِمالِکَ . يا موسى ! إنّى جَليسُ عَبدى حينَ يَذكُرُنى ، وأنَا مَعَهُ إذا دَعانى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : يَابنَ آدَمَ ، إنَّکَ إذا ما ذَكَرتَنى شَكَرتَنى ، وإذا نَسيتَنى كَفَرتَنى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ذَكَرَهُ فَقَد شَكَرَهُ ، ومَن كَتَمَهُ فَقَد كَفَرَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَقومُ بِفَلاهٍ مِنَ الأَرضِ يُريدُ الصَّلاةَ ، إلّا تَزَخرَفَت لَهُ الأَرضُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن صَباحٍ ولا رَواحٍ (6) إلّا وبِقاعُ الأَرضِ يُنادى بَعضُها بَعضا : يا جارَهُ ، هَل مَرَّ بِکِ اليَومَ ذاكِرٌ للّهِ تَعالى ، أو عَبدٌ وَضَعَ جَبهَتَهُ عَلَيکِ ساجِدا للّهِ؟ فَمِن قائِلَهٍ : لا ، ومِن قائِلَهٍ : نَعَم . فَإذا قالَت : نَعَم ، اِهتَزَّت وَانشَرَحَت ، وتَرى أنَّ لَها فَضلاً عَلى جارَتِها . (7)

.

1- .ما بين المعقوفين أثبتناه فى هذا المورد وفى سابقه من كنز العمّال .
2- .الفردوس : ج 3 ص 192 ح 4533 عن ثوبان مولى رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 1 ص 433 ح 1871 .
3- .حليه الأولياء : ج 4 ص 338 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 200 ح 7265 وفيه «إذا ذكرتنى» ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 11 ، الفردوس : ج 3 ص 181 ح 4491 وفيهما «وما نسيتنى» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 444 ح 1915 وج 3 ص 256 ح 6427 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 296 ح 5905 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى .
5- .مسند أبى يعلى : ج 4 ص 148 ح 4096 ، تنبيه الغافلين : ص 537 ح 868 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 423 ح 1817 نقلاً عن أبى الشيخ فى كتاب العظمه.

6- .الرَّواحُ : نقيضُ الصباح ، وهو اسمٌ للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح : ج 1 ص 368 «روح»).
7- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 373 ح 2661 ، أعلام الدين : ص 197 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 84 ح 3.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من ! آیا تو نزدیکی تا آهسته بخوانمت ، یا دوری که صدایت بزنم؟ زیرا من ، همهمه صدای تو را می شنوم ؛ امّا نمی بینمت ! پس تو کجایی؟ خداوند فرمود : «پشت سرِ تو ، و پیش روی تو ، و در سمت راست و سمت چپ تو . ای موسی ! من ، آن گاه که بنده ام مرا یاد کند ، همنشین اویم و هر گاه مرا بخواند ، با او هستم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرمود : «ای پسر آدم ! تو هر گاه مرا یاد کنی ، سپاسم گفته ای و هر گاه فراموشم کنی ، ناسپاسی ام کرده ای» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خدا را یاد کند ، در واقع ، سپاسش گفته است و هر که یادش نکند ، در واقع ، ناسپاسی اش کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که در بیابانی از زمین به قصد نماز بِایستد ، مگر آن که زمین برایش آراسته می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ صبحگاه و شبانگاهی نیست ، مگر آن که قطعات زمین به یکدیگر می گویند : «ای همسایه ! آیا امروز ، یادکننده خدای متعال بر تو گذشت ، یا بنده ای که پیشانی خویش را برای سجده خداوند متعال بر تو بگذارد؟» . پس یکی می گوید : «نه» و دیگری می گوید : «چرا» . اگر بگوید : «چرا» ، به وجد می آید و شادمان می شود و خود را بر هم کنارش برتر می بیند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلامَهُ حُبِّ اللّهِ حُبُّ ذِكرِ اللّهِ ، وعَلامَهُ بُغضِ اللّهِ بُغضُ ذِكرِ اللّهِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :ذاكِرُ اللّهِ سُبحانَهُ مُجالِسُهُ . (2)

عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ قُوتُ النُّفوسِ ، ومُجالَسَهُ المَحبوبِ . (3)

عدّه الداعى عنهم عليهم السلام: إنَّ فِى الجَنَّهِ قِيعانا (4) ، فَإِذا أخَذَ الذّاكرُ فِى الذِّكرِ أخَذَتِ المَلائِكَهُ فى غَرسِ الأشجارِ ، فَرُبَّما وَقَفَ بَعضُ المَلائِكَهِ ، فَيُقالُ لَهُ : لِمَ وَقَفتَ؟ فيقول : إنَّ صاحِبى قَد فَتَرَ يَعنى عَنِ الذِّكرِ . (5)

إحياء علوم الدين :فى أخبارِ داوودَ عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَعالى قالَ : يا داوودُ ، أبلِغ أهلَ أرضى أنّى حَبيبٌ لِمَن أحَبَّنى ، وجَليسٌ لِمَن جالَسَنى ، ومُؤنِسٌ لِمَن أنِسَ بِذِكرى ، وصاحِبٌ لِمَن صاحَبَنى ، ومُختارٌ لِمَنِ اختارَنى ، ومُطيعٌ لِمَن أطاعَنى . (6)

شُعب الإيمان عن أبى سعيد الخدرى :قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ، أىُّ النّاسِ أعظَمُ دَرَجَهً ؟ قالَ : الذّاكِرينَ اللّهَ . (7)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 367 ح 410 ، معجم السفر : ص 193 ح 617 كلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 417 ح 1776 ؛ جامع الأخبار : ص 352 ح 979 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 252 ح 32 .
2- .غرر الحكم : ح 5159 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4740 .
3- .رر الحكم : ح 5166 وح 322 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1600 وفيهما «الذكر مجالسه المحبوب» .
4- .القاعُ : أرض واسعه سهله مطمئنّه مستويه حُرّه ، لاحُزونه فيها ولا ارتفاع ولا انهباط ، والجمع : أقواع وأقوُع وقيعان (لسان العرب : ج 8 ص 304 «قوع»).
5- .عدّه الداعى : ص 239 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 163 ح 42.
6- .إحياء علوم الدين : ج 4 ص 469 ، مسكّن الفؤاد : ص 27 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 26 ح 28 .

7- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 419 ح 589 ، كنز العمّال : ج 1 ص 426 ح 1835 وص 415 ح 1759 نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه دوست داشتن خدا ، دوست داشتن یاد خداست ، و نشانه بیزاری از خدا ، بیزاری از یاد خداست .

امام علی علیه السلام :یاد کننده خدای سبحان ، همنشین اوست .

امام علی علیه السلام :یاد خدا ، خوراک جان ها ، و همنشینی با محبوب است .

عدّه الداعی از معصومان علیهم السلام : در بهشت ، دشت هایی است که هر گاه یاد کننده [ی خدا] شروع به ذکر گفتن کند ، فرشتگان ، شروع به کاشتن درخت می کنند . گاه فرشته ای دست از کار می کشد . به او گفته می شود : چرا دست از کار کشیدی؟ می گوید : دوستم باز ایستاد (یعنی از گفتن ذکر خدا) .

إحیاء علوم الدین :در خبرهای داوود علیه السلام آمده است : خدای متعال فرمود : «ای داوود! به اهل زمینم برسان که من ، دوستدار کسی هستم که دوستم بدارد ، و همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند ، و مونس کسی هستم که با یاد من ، انس گیرد ، و یار کسی هستم که یار من باشد ، و برگزیننده کسی هستم که مرا برگزیند ، و فرمان بُردار کسی هستم که از من فرمان بَرَد» .

شُعب الإیمان به نقل از ابو سعید خُدری : گفته شد : ای پیامبر خدا ! کدام یک از مردمان ، درجه اش بالاتر است ؟ فرمود : «یادکنندگان خدا» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :ذاكِرُ اللّهِ مِنَ الفائِزينَ . (1)

عنه عليه السلام :أهلُ الذِّكرِ ، أهلُ اللّهِ وخاصَّتُهُ . (2)

إرشاد القلوب :قالَ سُبحانَهُ فى بَعضِ كُتُبِهِ : أهلُ ذِكرى فى ضِيافَتى . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا مُحَمَّدُ ! وَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَحابّينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَعاطِفينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَواصِلينَ فِىَّ ، ووَجَبَت مَحَبَّتى لِلمُتَوَكِّلينَ عَلَىَّ . . . نَعيمُهُم فِى الدُّنيا ذِكرى ومَحَبَّتى ورِضائى عَنهُم . (4)

مسند ابن حنبل عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ الرَّبُّ عز و جل : سَيَعلَمُ أهلُ الجَمعِ اليَومَ مَن أهلُ الكَرَمِ . فَقيلَ : ومَن أهلُ الكَرَمِ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : أهلُ الذِّكرِفِى المَساجِدِ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خِيارُ اُمَّتى فيما أنبَأَنِىَ المَلَأُ الأَعلى : قَومٌ يَضحَكونَ جَهرا فى سَعَةِ رَحمَةِ رَبِّهِم عز و جل ، ويَبكونَ سِرّا مِن خَوفِ شِدَّةِ عَذابِ رَبِّهِم عز و جل ، يَذكُرونَ رَبَّهُم بِالغَداةِ وَالعَشِىِّ فِى البُيوتِ الطَّيِّبَةِ المَساجِدِ ، ويَدعونَهُ بِأَلسِنَتِهِم رَغَبا ورَهَبا . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 5164 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4742 .
2- .غرر الحكم : ح 1467 .
3- .إرشاد القلوب : ص 82 ، أعلام الدين : ص 279 ، عدّه الداعى : ص 238 وفيهما «نعمتى» بدل «ضيافتى» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 42 ح 10 .
4- .إرشاد القلوب : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 151 ح 11722 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 138 ح 1399 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 98 ح 816 وفيه «أهل مجالس الذِكر فى المساجد».
6- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 19 ح 4294 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 478 ح 765 كلاهما عن عياض بن سليمان ، كنز العمّال : ج 1 ص 162 ح 815 وج 2 ص 27 ح 3000 .

امام علی علیه السلام :یادکننده خدا ، از کامیابان است .

امام علی علیه السلام :اهل ذکر ، اهل خدا و خاصّگان اویند .

إرشاد القلوب :خداوند سبحان ، در یکی از کتاب هایش فرموده است : «اهل یاد من ، در میهمانی من هستند» .

امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای متعال فرمود : « ... ای محمّد! آنان که برای من یکدیگر را دوست بدارند ، مستوجب محبّت من هستند . آنان که برای من به یکدیگر مهر ورزند ، مستوجب محبّت من هستند . آنان که برای من با یکدیگر پیوند زنند ، مستوجب محبّت من هستند . آنان که بر من توکّل کنند ، مستوجب محبّت من هستند ... . نعمت و خوشی آنان در دنیا ، یاد من و محبّت من و خشنودی من از آنان است» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدری پیامبر خدا فرمود : «[در روز قیامت]خداوند عز و جل می فرماید : امروز ، به زودی اهل محشر خواهند دانست که اهل کَرَم کیان اند » . گفته شد : اهل کرم کیان اند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «آنان که در مسجدها به ذکر خدا می پردازند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینان امّت من ، آن گونه که ساکنان عالم بالا به من خبر داده اند ، مردمانی هستند که در گستره رحمت پروردگار خویش ، آشکارا می خندند و نهانی از ترس عذاب سخت پروردگارشان می گِریند . بام و شام ، در خانه های پاک ، مسجدها ، پروردگارشان را یاد می کنند ، و از سرِ امید و بیم با زبان های خویش ، او را می خوانند .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ المُتَّقينَ : فَمِن عَلامَهِ أحَدِهِم أنَّک تَرى لَهُ قُوَّهً فى دينٍ . . . يَعمَلُ الأعمالَ الصّالِحَهَ وهُوَ عَلى وَجَلٍ ، يُمسى وهَمُّهُ الشُّکرُ ، ويُصبِحُ وهَمُّهُ الذِّکرُ . . . . إن کانَ فِى الغافِلينَ کُتِبَ فِى الذّاکرينَ ، وإن کانَ فِى الذّاکِرينَ لَم يُکتَب مِنَ الغافِلينَ . (1)

عنه عليه السلام فى وَصفِ شيعَتِهِ : صُفرُ الوُجوهِ مِنَ التَّهَجُّدِ ، عُمشُ (2) العُيونِ مِنَ البُکاءِ ، ذُبُلُ الشِّفاهِ مِنَ الذِّکرِ . (3)

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ . . . حَىٌّ قَلبُهُ ، ذاکِرٌ لِسانُهُ . (4)

عنه عليه السلام فى وَصفِ مَن هُوَ مِن شيعَتِهِ : يُصبِحُ وشُغلُهُ الذِّکرُ ، ويُمسى وهَمُّهُ الشُّکرُ . . . خاشِعا قَلبُهُ ، ذاکِرا رَبَّهُ . . . بَيِّنا صَبرُهُ ، کَثيرا ذِکرُهُ . (5)

عنه عليه السلام :طوبى لِنَفسٍ أدَّت إلى رَبِّها فَرضَها ، وعَرَکَت بِجَنبِها بُؤسَها (6) ، وهَجَرَت فِى اللَّيلِ غُمضَها (7) . . . فى مَعشَرٍ أسهَرَ عُيونَهُم خَوفُ مَعادِهِم ، وتَجافَت عَن مَضاجِعِهِم جُنوبُهُم ، وهَمهَمَت بِذِکرِ رَبِّهِم شِفاهُهُم ، وتَقَشَّعَت (8) بِطُولِ استِغفارِهِم ذُنوبُهُم ، «أُوْلَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (9) . (10)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 193 ، التمحيص : ص 72 ح 170 ، تحف العقول : ص 161 وليس فيه «وإن کان فى الذاکرين ...» ، روضه الواعظين : ص 481 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 316 ح 50 ؛ مطالب السؤول : ص 53 وليس فيه «يعمل الأعمال الصالحه وهو على وجلٍ» .
2- .العَمَش : ضعف البصر ، مع سيلان الدمع فى أکثر الأوقات (القاموس المحيط : ج 2 ص 280 «عمش») .
3- .الأمالى للطوسى : ص 576 ح 1189 عن نوف بن عبد اللّه البکالى ، مشکاه الأنوار : ص 127 ح 293 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إنّ شيعه علىّ خمص البطون ، ذبل الشفاه من الذِکر» ، بحار الأنوار : ج 68 ص 177 ح 34 .
4- .مطالب السؤول : ص 53 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 26 ح 92 .

5- .مطالب السؤول : ص 54 عن نوف البكالى ؛ التمحيص : ص 72 ح 170 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 29 ح 96 .
6- .«وعَرَكَتْ بجنبِها بؤسَها» : أى صبرت على بؤسِها والمشقّه التى تنالها. يقال : قد عَرَک فلانٌ بجنبِه الأذى : أى أغضى عنه وصبر عليه (شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 295) .
7- .الغُمْض : النوم (لسان العرب : ج 7 ص 199 «غمض»).
8- .انقشع السحاب : إذا انكشف . وتقشَّع مثله (المصباح المنير : ص 503 «انقشع») . أى تفرّقت عنهم ذنوبهم وزالت وانكشفت كما يتقشّع السحاب.
9- .المجادله : 22 .
10- .نهج البلاغه : الكتاب 45 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 476 ح 686 .

امام علی علیه السلام در توصیف پرهیزگاران : از جمله نشانه های هر یک ایشان ، آن است که در دین نیرومندش می بینی ... کارهای نیک می کند و با این حال ، بیمناک است ، شب خود را می آغازد ، در حالی که همّ و غمّش سپاس گزاری [از خداوند] است ، و صبح خویش را آغاز می کند ، در حالی که همّ و غمّش یاد خداست ... . اگر در جمع غافلان باشد ، از شمارِ یاد کنندگان [خدا] نوشته شود و اگر در جمع یاد کنندگان باشد ، از شمارِ غافلان ، نوشته نمی شود [زیرا در هر دو صورت ، به یاد خداست] .

امام علی علیه السلام در توصیف پیروانش : از شب زنده داری ، رخسارشان زرد شده است ، از [بسیاری] گریه ، چشمانشان کم سو شده است و از یاد خدا ، لبانشان خشکیده است .

امام علی علیه السلام :مؤمن ... دلش زنده و زبانش گویا به ذکر خداست .

امام علی علیه السلام در توصیف کسی که از پیروان اوست : شب خود را با ذکر [خدا]به صبح می رساند و روز خود را در حالی به شب می برد که همّ و غمّش سپاس گزاری است ... دلش خاشع است ، پیوسته به یاد پروردگار خویش است ... شکیبایی اش آشکار است ، بسیار به یاد خداست .

امام علی علیه السلام :خوشا به حال آن کس که وظیفه خویش را نسبت به پروردگارش به جای آورد و در برابر سختی ها ، شکیبایی ورزید و شب هنگام ، از خوابْ دوری کرد ... در میان گروهی که ترس از معاد ، خواب را از چشمان آنان رُبوده است و از بسترهایشان ، پهلو تهی دارند ، و لب هایشان به یاد پروردگارشان زمزمه می کند و با آمرزش خواهی های طولانی ، گناهانشان زدوده شده است . «اینان ، حزب خدا هستند ، و راستی که حزب خدا رستگارند» .

.

الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ أبناءَ الآخِرَهِ هُمُ المُؤمِنونَ ، العامِلونَ ، الزّاهِدونَ ، أهلُ العِلمِ وَالفِقهِ ، وأهلُ فِکرَهٍ وَاعتِبارٍ وَاختِبارٍ ، لا یَمَلّون مِن ذِکرِ اللّهِ . (1)

عنه علیه السلام :الآخِرَهُ دارُ قَرارٍ ، وَالدُّنیا دارُ فَناءٍ وزَوالٍ ، ولکِنَّ أهلَ الدُّنیا أهلُ غَفلَهٍ ، وکَأنَّ المُؤمِنینَ هُمُ الفُقَهاءُ ؛ أهلُ فِکرَهٍ وعِبرَهٍ ، لَم یُصِمَّهُم عَن ذِکرِ اللّهِ جَلَّ اسمُهُ ما سَمِعوا بِآذانِهِم ، ولَم یُعمِهِم عَن ذِکرِ اللّهِ ما رَأوا مِنَ الزِّینَهِ بِأعیُنِهِم ، فَفازوا بِثَوابِ الآخِرَهِ ، کَما فازوا بِذلِکَ العِلمِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :اِتَّقوا اللّهَ عِبادَ اللّهِ تَقِیَّهَ ذی لُبٍّ شَغَلَ التَّفَکُّرُ قَلبَهُ ، وأنصَبَ (3) الخَوفُ بَدَنَهُ ، وأسهَرَ التَّهَجُّدُ غِرارَ نَومِهِ (4) ، وأظمَأَ الرَّجاءُ هَواجِرَ (5) یَومِهِ ، وظَلَفَ الزُّهدُ شَهَواتِهِ (6) ، وأوجَفَ الذِّکرُ بِلِسانِهِ (7) . (8)

.

1- .تحف العقول : ص 287 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 165 ح 2 .
2- .الکافی : ج 2 ص 133 ح 16 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 73 ص 36 ح 17 ؛ البدایه والنهایه : ج 9 ص 310 عن جابر نحوه .
3- .النَّصَب : التّعب (النهایه : ج 5 ص 62 «نصب»).
4- .غِرارُ النَّوم : قِلّتُه (النهایه : ج 3 ص 356 «غرر») .
5- .هواجر : جمع هاجره ؛ وهی اشتداد الحرّ نصف النهار (النهایه : ج 5 ص 246 «هجر»).
6- .ظَلَف الزّهدُ شهواتِه : أی کفّها ومنعها (النهایه : ج 3 ص 159 «ظلف») .
7- .أوجفَ الذِّکرَ بِلسانه : أی حرّکه مسرعا (النهایه : ج 5 ص 157 «وجف») .
8- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، غرر الحکم : ح 6600 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 426 ح 44 .

امام باقر علیه السلام :فرزندان آخرت ، آنان اند که ایمان دارند و عمل می کنند و به دنیا ، دل نبسته اند و اهل دانش و فهم ، و اهل اندیشیدن و عبرت گرفتن و آزمودن هستند ، و از یاد خدا خسته نمی شوند .

امام باقر علیه السلام :آخرت ، سرای ماندن است و دنیا ، سرای نابودی و رفتن . امّا اهل دنیا غافل اند و گویا تنها مؤمنان اند که می فهمند و اهل اندیشیدن و پند آموختنِ اند . آنچه با گوش هایشان شنیده اند ، آنان را از یادِ خداوندِ عز و جل ، کَر نساخته است ، و هر زرق و برقی که چشمانشان دیده ، از یاد خدا کورشان نگردانیده است . از این رو ، به پاداش آخرت رسیده اند ، چنان که به این دانش رسیده اند .

امام علی علیه السلام :بندگان خدا! از خدا پروا دارید ، به سانِ پروا داشتن خردمندی که اندیشیدن ، دل او را به خود داشته است و ترس [از خدا و معاد] پیکرش را به رنج افکنده است و شب زنده داری ، خواب از چشم او رُبوده است و به امید [ثواب] ، روزهای داغ را به تشنگی [روزه] گذرانیده است و بی رغبتی به دنیا ، جلو خواهش های او را گرفته است و یاد خدا ، پیوسته زبانش را به حرکت در آورده است .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :قالَ موسَى بنُ عِمرانَ عليه السلام : يا رَبِّ ، مَن أهلُكَ الَّذينَ تُظِلُّهُم فى ظِلِّ عَرشِكَ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّكَ ؟ قالَ : فَأَوحَى اللّهُ إلَيهِ : الطّاهِرَةُ قُلوبُهُم ، وَالتَّرِبَةُ (1) أيديهِم ، الَّذينَ يَذكُرونَ جَلالى إذا ذَكَروا رَبَّهُم . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :طوبى لِمَن صَمَتَ إلّا مِن ذِكرِ اللّهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ أبا بَصيرٍ : اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ قَولَ التَّوّابينَ وعَمَلَهُم . . . وعَمَلَ الذّاكِرينَ ويَقينَهُم . (4)

مستدرک الوسائل عن لبّ اللباب :قالَ موسى عليه السلام : إلهى مَن أهلُکَ؟ قالَ : المُتَحابّونَ فِى الدِّينِ ؛ يَعمُرونَ مَساجِدى، ويَستَغفِرونَ بِالأَسحارِ ، الَّذينَ إذا ذُكِرتُ ذَكَروا ، وَالَّذينَ يُنيبونَ (5) إلى ذِكرى كَما تُنيبُ النُّسورُ إلى أوكارِها ، وَالَّذينَ إذَا استُحِلَّت مَحارِمى غَضِبوا . (6)

راجع : ص 260 (بركات الذكر / نزول الملائكه) .

.

1- .تَرِبَ الرَّجلُ : إذا افتَقَر ، أى لصق بالتراب (النهايه : ج 1 ص 184 «ترب») .
2- .المحاسن : ج 1 ص 79 ح 45 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح ، مشكاه الأنوار : ص 253 ح 748 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 13 ص 351 ح 42 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 95 ، الأولياء لابن أبى الدنيا : ص 53 ح 37 كلاهما عن عطاء بن يسار نحوه .
3- .غرر الحكم : ح 5936 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 313 ح 5475 .
4- .الكافى : ج 2 ص 593 ح 33 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : ص 278 ح 383 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 303 ح 10 .
5- .أناب يُنيب إنابةً : أقبل ورجع (النهايه : ج 5 ص 123 «نوب») .
6- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 224 ح 13945 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

امام زین العابدین علیه السلام :موسی بن عمران گفت : ای پروردگار من ! خانواده تو که در آن روزی که سایه ای جز سایه تو نیست ، آنان را در سایه عرشت در می آوری ، کیستند؟ خداوند به او وحی فرمود : «پاک دلانِ تهی دست ؛ آنان که هر گاه پروردگار خویش را یاد کنند ، به یاد شکوه من می افتند» .

امام علی علیه السلام :خوشا آن که زبانش را جز از یاد خدا فرو بندد !

امام صادق علیه السلام از دعایی که به ابو بصیر آموخت : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم گفتار و کردار توبه کنندگان را ... و کردار و یقین یادکنندگان را .

مستدرک الوسائل به نقل از لبّ اللّباب : موسی علیه السلام گفت : معبودا ! خانواده تو چه کسانی هستند؟ فرمود : «آنان که در دین با یکدیگر دوستی می ورزند ، مسجدهای مرا [از وجود و ذکر خود] آباد می کنند و سحرگاهان ، آمرزش می طلبند ؛ آنان که هر گاه یاد من به میان آید ، یاد کنند و آنان که به یاد من باز آیند ، چنان که عقاب ها به لانه هایشان باز می گردند . آنان که هر گاه حرام های من روا شمرده شود ، به خشم می آیند» .

ر . ک : ص 261 (برکت های یاد خدا / فرود آمدن فرشتگان) .

.

1 / 6رِجالُ الذِّكرِالكتاب«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَیْعٌ عَن ذِکرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوهِ وَ إِیتَاءِ الزَّکَوهِ یَخَافُونَ یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِیهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَرُ» . (1)

الحدیثحلیه الأولیاء عن عقبه بن عامر :کُنّا نَتَناوَبُ الرِّعیَهَ ، فَلَمّا کانَ نَوبَتی سَرَحتُ (2) إبِلی فَجِئتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله وهُوَ یَخطُبُ ، فَسَمِعتُهُ یَقولُ : یُجمَعُ النّاسُ فی صَعیدٍ واحِدٍ ، یَنفُذُهُمُ (3) البَصَرُ ویُسمِعُهُمُ الدّاعی ، ثُمَّ ینادی مُنادٍ : سَیَعلَمُ أهلُ الجَمعِ لِمَنِ العِزُّ وَالکَرَمُ ثَلاثَ مَرّاتٍ . ثُمَّ یَقولُ : أینَ الَّذینَ کانَت «تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (4) الآیَهَ . ثُمَّ یُنادی : سَیَعلَمُ أهلُ الجَمعِ لِمَنِ العِزُّ وَالکَرَمُ . ثُمَّ یَقولُ : أینَ الَّذینَ کانَت «لَا تُلْهِیهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ . ثُمَّ یَقولُ : أینَ الحَمّادونَ الَّذینَ کانوا یَحمَدون اللّهَ ؟ (5)

.

1- .النور : 36 و 37 .
2- .سَرَحتُ الماشیَهَ : أخرجتها بالغَداهِ إلی المرعی (لسان العرب : ج 2 ص 478 «سرح»).
3- .یُقال : نَفَذَ فیّ بَصَرُه : إذا بَلَغَنی و جاوزَنی (النهایه : ج 5 ص 91 «نفذ»).
4- .السجده : 16 .
5- .حلیه الأولیاء : ج 2 ص 9 ، مسند إسحاق بن راهویه : ج 5 ص 180 ح 2305 ، المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 457 ح 1581 کلاهما عن أسماء بنت یزید نحوه ، کنز العمّال : ج 15 ص 852 ح 43391 و 43392 .

1 / 6مردانِ یاد خداقرآن«در خانه هایی که خدا رخصت داده که رفعت یابند و نامش در آنها یاد شود. در آنها ، هر بامداد و شامگاه ، مردانی او را نیایش می کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی دارد [و] از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود ، می هراسند» .

حدیثحلیه الأولیاء به نقل از عقبه بن عامر : ما به نوبت ، شبانی می کردیم و چون نوبت من شد ، شترانم را در چراگاه رها ساختم و نزد پیامبر خدا که خطبه می خواند ، آمدم . شنیدم که می فرماید : «[در روز رستاخیز ،]مردم در بیابانی چنان هموار ، گرد می آیند که چشم ، همه آنها را می بیند و صدای جارزننده ، به همه آنها می رسد . سپس جارزننده ای سه بار جار می زند که : به زودی ، اهل محشر خواهند دانست که عزّت و بزرگواری ، از آنِ کیست! . سپس می گوید : کجایند آنان که «پهلوهایشان را از بسترهایشان جدا می کنند و با بیم و امید ، پروردگارشان را می خوانند و از آنچه روزی شان داده ایم ، انفاق می کنند» ؟ . آن گاه بانگ می زند که : به زودی ، اهل محشر خواهند دانست که عزّت و بزرگواری ، از آنِ کیست! . سپس سه بار می گوید : کجایند آنان که «نه تجارت و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد؟» . آن گاه می گوید : کجایند ستایندگانی که خدا را می ستودند ؟ » .

.

الإمام علىّ عليه السلام مِن كَلامٍ قالَهُ عِندَ تِلاوَتِهِ : «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّهِ» : إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ وتَعالى جَعَلَ الذِّكرَ جِلَاءً لِلقُلوبِ ، تَسمَعُ بِهِ بَعدَ الوَقرَهِ (1) ، وتُبصِرُ بِهِ بَعدَ العَشوَهِ (2) ، وتَنقادُ بِهِ بَعدَ المُعانَدَهِ. وما بَرِحَ للّهِ عَزَّت آلاؤُهُ فِى البُرهَهِ بَعدَ البُرهَهِ ، وفى أزمانِ الفَتَراتِ (3) ، عِبادٌ ناجاهُم فى فِكرِهِم ، وكَلَّمَهُم فى ذاتِ عُقولِهِم ، فَاستَصبَحوا بِنورِ يَقَظَهٍ فِى الأبصارِ وَالأسماعِ وَالأفئِدَهِ ، يُذَكِّرونَ بِأيّامِ اللّهِ ، ويُخَوِّفونَ مَقامَهُ ، بِمَنزِلَهِ الأدِلَّهِ فِى الفَلَواتِ (4) ، مَنِ أخَذَ القَصدَ (5) حَمِدوا إلَيهِ طَريقَهُ ، وبَشَّروهُ بِالنَّجاهِ ، ومَن أخَذَ يَمينا وشِمالاً ذَمُّوا إلَيهِ الطَّريقَ ، وحَذَّروهُ مِنَ الهَلَكَهِ ، وكانوا كَذلِكَ مَصابيحَ تِلكَ الظُّلُماتِ ، وأدِلَّهَ تِلكَ الشُّبُهاتِ . وإنَّ لِلذِّكرِ لَأهلاً ، أخَذوهُ مِنَ الدُّنيا بَدَلاً ، فَلَم تَشغَلهُم تِجارَهٌ ولا بَيعٌ عَنهُ ، يَقطَعونَ بِهِ أيّامَ الحَياهِ ، ويَهتِفونَ بِالزَّواجِرِ عَن مَحارِمِ اللّهِ فى أسماعِ الغافِلينَ ، ويَأمُرونَ بِالقِسطِ ويَأتَمِرونَ بِهِ ، ويَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ ويَتَناهَونَ عَنهُ ، فَكَأنّما قَطَعوا الدُّنيا إلَى الآخِرَهِ وهُم فيها ، فَشاهَدوا ما وَراءَ ذلِكَ ، فَكَأنَّمَا اطَّلَعوا غُيوبَ أهلِ البَرزَخِ فى طُولِ الإقامَهِ فِيهِ ، وحَقَّقَتِ القِيامَهُ عَلَيهِم عِداتِها ، فَكَشَفوا غِطاءَ ذلِكَ لِأهلِ الدُّنيا ، حَتّى كَأنَّهُم يَرَونَ ما لا يَرَى النّاسُ ، ويَسمَعونَ ما لا يَسمَعونَ . فَلَو مَثَّلتَهُم لِعَقلِكَ فى مَقاوِمِهِمُ (6) المَحمودَهِ ، ومَجالِسِهِمُ المَشهودَهِ ، وقَد نَشَروا دَواوينَ أعمالِهِم ، وفَرَغوا لِمُحاسَبَهِ أنفُسِهِم عَلى كُلِّ صَغيرَهٍ وكَبيرَهٍ اُمِروا بها فَقَصَّروا عَنها ، أو نُهوا عَنها فَفَرَّطوا فيها ، وحَمَّلوا ثِقَلَ أوزارِهِم ظُهورَهُم ، فَضَعُفوا عَنِ الاِستِقلالِ بِها ، فَنَشَجوا (7) نَشيجا ، وتَجاوَبوا نَحيبا ، يَعِجّونَ إلى رَبِّهِم مِن مَقامِ نَدَمٍ وَاعتِرافٍ لَرَأيتَ أعلامَ هُدىً ، ومَصابيحَ دُجىً ، قَد حَفَّت بِهِمُ المَلائِكَهُ ، وتَنَزَّلَت عَلَيهِمُ السَّكينَهُ ، وفُتِحَت لَهُم أبوابُ السَّماءِ ، وأُعِدَّت لَهُم مَقاعِدُ الكَراماتِ ، فى مَقعَدٍ اطَّلَعَ اللّهُ عَلَيهِم فيهِ ، فَرَضِىَ سَعيَهُم ، وحَمِدَ مَقامَهُم . يَتَنَسَّمونَ (8) بِدُعائِهِ رَوحَ (9) التَّجاوُزِ . رَهائِنُ فاقَهٍ إلى فَضلِهِ ، وأُساری ذِلَّهٍ لِعَظَمَتِهِ . جَرَحَ طُولُ الأسى قُلوبَهُم ، وطُولُ البُكاءِ عُيونَهُم . لِكُلِّ بابِ رَغبَهٍ إلَى اللّهِ مِنهُم يَدٌ قارِعَهٌ ، يَسأَلونَ مَن لا تَضيقُ لَدَيهِ المَنادِحُ (10) ، ولا يَخيبُ عَلَيهِ الرّاغِبونَ . فَحاسِب نَفسَكَ لِنَفسِكَ ، فَإنَّ غَيرَها مِنَ الأنفُسِ لَها حَسيبٌ غَيرُكَ . (11)

.

1- .الوَقْره : هى المرّه من الوَقْر ؛ ثِقَل السمع (النهايه : ج 5 ص 213 «وقر») .

2- .العَشْوَه : المرّه من العشا ؛ أى سوء البصر بالليل والنهار ، أو العمى (القاموس المحيط : ج 4 ص 362 «عشا») .
3- .الفَتْره : ما بين الرسولين من رسل اللّه تعالى من الزمان الذى انقطعت فيه الرساله (النهايه : ج 3 ص 408 «فتر») .
4- .الفلاه : القَفْر أو المفازه لا ماءَ فيها ، أو الصحراء الواسعه (القاموس المحيط : ج 4 ص 375 «فلا») .
5- .القصد : الرشد . قصد فى الأمر قصدا : توسّط وطلب الأسَدّ ، ولم يُجاوز الحدّ (المصباح المنير : ص 505 «قصد») .
6- .جمع مقام (بحار الأنوار : ج 69 ص 328) .
7- .نشج الباكى ينشِجُ نشيجا : غصّ بالبكاء فى حلقه من غير انتحاب (القاموس المحيط : ج 1 ص 209 «نشج») .
8- .النَّسَم : نَفَس الريح إذا كان ضعيفا كالنسيم. وتَنَسَّم : تنفّس. وتَنَسَّمَ النسيمَ : تشمّمه (القاموس المحيط : ج 4 ص 180 «نسم») .
9- .الرَّوح : الراحه والرحمه ونسيم الريح (القاموس المحيط : ج 1 ص 224 «روح»). أى يدعون ويتوقّعون بدعائه تجاوزه عن ذنوبهم (بحار الأنوار : ج 69 ص 329).
10- .النُّدْح : الأرض الواسعه ، والمنادح : المفاوز (الصحاح : ج 1 ص 409 «ندح») .
11- .نهج البلاغه : الخطبه 222 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 325 ح 39 .

امام علی علیه السلام از سخن ایشان در هنگام تلاوت این آیه : «و در آنها ، هر بامداد و شامگاه ، مردانی نیایش می کنند که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» » : خداوندِ پاک و والا ، یاد [خود] را جلا دهنده دل ها قرار داد ، به طوری که به سبب آن ، دل های ناشنوا ، شنوا ، و دل های نابینا ، بینا ، و دل های سرکش ، رام می شوند . خداوند که نعمت هایش گران سنگ است ، در هر برهه ای و در هر دوره ای ، همواره بندگانی داشته که با آنان ، در ژرفای اندیشه شان نجوا کرده ، و در اندرون خِردهایشان ، با ایشان سخن گفته است و در نتیجه ، نور بیداری ، در چشم و گوش و دل های آنان ، فروزان گشته بوده است . [آنان]روزهای خدا را [به مردم]یادآور می شدند و از مقام او می ترسانیدند ، چونان راه نمایان در بیابان ها که هر کس راه راست را در پیش می گرفت ، راهش را می ستودند و نوید رهایی و نجاتش می دادند ، و هر که را به راست و چپ می رفت ، راهش را می نکوهیدند و از نابودی بر حذرش می داشتند . آری . این چنین ، چراغ هایی در آن تاریکی ها و راه نمایانی در آن شبهات بودند . یاد خدا ، اهلی دارد که آن را به جای این دنیا گرفته اند و از این رو ، نه تجارتی و نه خرید و فروشی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد . [آنان] روزهای زندگی را با یاد خدا می گذرانند و عوامل بازِ دارنده از حرام های خدا را در گوش بی خبران ، فریاد می زنند و به دادگری فرمان می دهند و خود به این فرمان ، عمل می کنند ، و از زشتی ها باز می دارند و خود ، از آنها باز می ایستند . پس ، با آن که در دنیا به سر می برند ، گویا دنیا را در نوردیده و به آخرت رسیده اند و فراسوی دنیا را مشاهده کرده اند، و گویا بر احوال نهان برزخیان که روزگار درازی است در آن به سر می برند ، پی برده اند ، و [گویا] قیامت ، وعده های خویش را برای ایشان ، تحقّق بخشیده است . پس ، پرده آن را برای اهل دنیا کنار زده اند ، تا جایی که گویا چیزهایی را می بینند که مردم نمی بینند و چیزهایی را می شنوند که مردم نمی شنوند . اگر آنان را در ذهن خود ، مجسّم نمایی که با وجود آن مقام های پسندیده و جایگاه های شکوهمندشان ، کارنامه های خویش را گشوده اند و به حساب اعمال خود ، رسیدگی می کنند، از هر عمل خُرد و کلانی که می بایست انجام می دادند و نداده اند ، یا از انجام دادن آنها نهی شده اند ، ولی آنها را به جا آورده اند ، و بارِ گناهان خویش بر پشت می کشند و از حمل آنها ناتوان اند ، و هِق هِق کنان، می گریند و زارزنان ، هم نوایی می کنند و از سر پشیمانی و اعتراف [به گناهان] ، به درگاه پروردگارشان فریاد کمک خواهی سر می دهند ، آنان را نشانه های

راهیابی و چراغ های تاریکی ها خواهی یافت که فرشتگان ، آنان را در میان گرفته اند و آرامش بر ایشان فرود آمده است و درهای آسمان ، به رویشان گشوده شده و کرسی های کرامت ها در جایی که خداوند از آن جا بر ایشان اشراف دارد ، آماده شده است و [خداوند] از تلاش آنان خرسند است و مقام ایشان را ستوده است . [آنان] با نیایش به درگاهش نسیم عفو و بخشش را استشمام می کنند ، گروگانِ نیازمندی به فضل اویند ، و در برابر عظمتش اسیرانی ذلیل اند . درازیِ اندوه ، دل هایشان را ریش ساخته و گریه های طولانی ، چشمانشان را خسته کرده است . به هر دری به درگاه خداوند ، دست نیاز و زاری می کوبند و از او که عرصه های فراخِ بخشایشش ، تنگی ندارد و هیچ خواهنده ای از درگاهش نومید باز نمی گردد ، درخواست می کنند . پس ، تو خود به حساب خویش رسیدگی کن ، که دیگران ، خود حسابرسی دارند .

.

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» : هُمُ الرِّجالُ مِن بَينِ الرِّجالِ عَلَى الحَقيقَهِ ؛ لِأَنَّ اللّهَ حَفِظَ سَرائِرَهُم عَنِ الرُّجوعِ إلى غَيرِهِ ، فَلا تَشغَلُهُمُ الدُّنيا وزَهرَتُها ، ولَا الآخِرَهُ ونَعيمُها عَنِ اللّهِ تَعالى ، لِأَنَّهُم فى بَساتينِ الأُنسِ . (1)

.

1- .إحقاق الحقّ : ج 12 ص 273 نقلاً عن نزهه المجالس .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» : اینان ، در میان دیگر مردان ، مردان راستین اند ؛ زیرا خداوند ، درون های آنان را از پرداختن به غیر خود ، نگه داشته است . از این رو ، نه دنیا و زرق و برق آن ، و نه آخرت و نعمت های آن ، آنان را از یاد خداوند بزرگ ، باز نمی دارد ؛ چرا که در بوستان های اُنس به سر می برند .

.

تنبيه الخواطر :جاءَ فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : «لا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّهِ» أنَّهُم كانوا حَدّادينَ وخَرّازينَ ، فَكانَ أحَدُهُم إذا رَفَعَ المِطرَقَةَ أو غَرَزَ الإشفى (1) فَيَسمَعُ الأذانَ ، لَم يُخرِجِ الإشفى مِنَ المَغرَزِ ، ولَم يَضرِب بِالمِطرَقَةِ ورَمى بِها ، وقامَ إلَى الصَّلاةِ . (2)

الكافى عن الحسين بن بشّار عن رجل رفعه فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّهِ» قالَ : هُمُ التُّجّارُ الَّذينَ لا تُلهيهِم تِجارَهٌ ولا بَيعٌ عَن ذِكرِ اللّهِ عز و جل ، إذا دَخَلَ مَواقيتُ الصَّلاةِ أدَّوا إلَى اللّهِ حَقَّهُ فيها . (3)

الكافى عن أسباط بن سالم :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَسَأَلَنا عَن عُمَرَ بنِ مُسلِمٍ ما فَعَلَ؟ فَقُلتُ : صالِحٌ ، ولكِنَّهُ قَد تَرَكَ التِّجارَةَ . فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : عَمَلُ الشَّيطانِ ثَلاثا أما عَلِمَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله اشتَرى عِيرا أتَت مِنَ الشّامِ فَاستَفضَلَ فيها ما قَضى دَينَهُ ، وقَسَّمَ فى قَرابَتِهِ؟ ! يَقولُ اللّه عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّهِ» إلى آخِرِ الآيَهِ يَقولُ القُصّاصُ : إنَّ القَومَ لَم يَكونوا يَتَّجِرونَ ، كَذَبوا ! ولكِنَّهُم لَم يَكونوا يَدَعونَ الصَّلاةَ فى ميقاتِها ، وهُوَ أفضَلُ مِمَّن حَضَرَ الصَّلاةَ ولَم يَتَّجِر . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : إنَّ أولِيائى مِن عِبادى وأحِبّائى مِن خَلقِى الَّذينَ يُذكَرونَ بِذِكرى ، وأُذكَرُ بِذِكرِهِم . (5)

.

1- .الإشفى : المِثقَب (لسان العرب : ج 14 ص 438 «شفى») .
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 43 .
3- .الكافى : ج 5 ص 154 ح 21 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 4 .
4- .الكافى : ج 5 ص 75 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 326 ح 897 .
5- .حليه الأولياء : ج 1 ص 6 عن عمرو بن الجموح ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 203 ح 651 عن عمرو بن الحمق وسقط منه «قال اللّه عز و جل» ، كنز العمّال : ج 1 ص 440 ح 1902 .

تنبیه الخواطر :در تفسیر این سخن خداوند متعال : «نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» ، آمده است که : اینان ، آهنگر و چرمدوز بودند و هر یک از ایشان ، اگر پتک را بالا برده و یا درفش را در چرم فرو برده بود و صدای اذان را می شنید ، درفش را بیرون نمی کشید و پتک را فرود نمی آورد و آن را به کناری می انداخت و به نماز می ایستاد .

الکافی به نقل از حسین بن بشّار ، از مردی که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است ، در باره این سخن خداوند عز و جل : «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» : آنان ، بازرگانانی هستند که تجارت و داد و ستد ، از یاد خدا بازشان نمی دارد . هر گاه وقت نماز شود ، به گزاردن حقّ خدا (نماز) می پردازند .

الکافی به نقل از اَسباط بن سالم : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم . پرسید : «از عمر بن مسلم ، چه خبر؟» . گفتم : خوب است ؛ امّا تجارت را رها کرده است . امام صادق علیه السلام فرمود : «کار شیطان است ! (سه بار) . مگر نمی داند که پیامبر صلی الله علیه و آله [کالای] کاروانی را که از شام آمده بود ، خرید و در آن ، چندان سود کرد که قرضش را پرداخت و [باقی مانده اش را] در میان خویشاوندانش تقسیم کرد؟ خداوند عز و جل می فرماید : «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات ، باز نمی دارد [و] از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود ، می هراسند» . ناقلان می گویند : این مردان ، تجارت نمی کرده اند . دروغ می گویند! [اینان داد و ستد و تجارت می کرده اند؛] امّا نمازِ در وقت را رها نمی کرده اند و چنین کسی ، بهتر از کسی است که تجارت نمی کند و در نماز ، حاضر می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرموده است : «اولیای من از بندگانم و دوستان من از آفریدگانم ، کسانی هستند که هر گاه یاد من به میان آید ، از آنان نیز یاد می شود و هر گاه یاد آنان به میان آید ، از من نیز یاد می شود» .

.

الإمام الحسين عليه السلام :سَأَلتُ أبى عَن مَجلِسِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لا يَجلِسُ ولا يَقومُ إلّا عَلى ذِكرٍ . (1)

مستدرک الوسائل عن أبى سعيد الخدرىّ :لَمّا نَزَلَ قَولُهُ تُعالى : «اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (2) اِشتَغَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِذِكرِ اللّهِ تَعالى ، حَتّى قالَ الكُفّارُ : إنَّهُ جُنَّ . (3)

صحيح مسلم عن عائشه :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَذكُرُ اللّهَ عَلى كُلِّ أحيانِهِ . (4)

الإمام الهادى عليه السلام فى الزِّيارَهِ الجامِعَهِ الكَبيرَهِ : وأذهَبَ عَنكُمُ الرِّجسَ وطَهَّرَكُم تَطهيرا ، فَعَظَّمتُم جَلالَهُ ، وأكبَرتُم شَأنَهُ ، ومَجَّدتُم كَرَمَهُ ، وأدمَنتُم ذِكرَهُ . (5)

عدّه الداعى :يُروى عَن سَيِّدِنا أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّهُ لَمّا كانَ يَفرَغُ مِنَ الجِهادِ ، يَتَفَرَّغُ لِتَعليمِ النّاسِ وَالقَضاءِ بَينَهُم ، فَإِذا يَفرَغُ مِن ذلِکَ اشتَغَلَ فى حائِطٍ (6) لَهُ يَعمَلُ فيهِ بِيَدِهِ ، وهُوَ مَعَ ذلِکَ ذاكِرٌ للّهِ جَلّ جَلالُهُ . (7)

.

1- .الطبقات الكبرى : ج 1 ص 424 ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 147 .
2- .الأحزاب : 41 .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 296 ح 5905 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 282 ح 117 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 5 ح 18 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 110 ح 302 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 342 ح 24464 ، كنز العمّال : ج 7 ص 65 ح 17980 .
5- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 97 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 611 ح 3213 كلاهما عن موسى بن عبد اللّه النخعى ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 274 ح 1 عن موسى بن عمران النخعى ،

البلد الأمين : ص 299 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 344 ح 30 وج 102 ص 129 ح 4 وفى الثلاثه الأخيره «أدمتم ذكره» .
6- .الحائِط : البستان من النخيل إذا كان عليه حائط ؛ وهو الجدار (النهايه : ج 1 ص 462 «حوط»).
7- .عدّه الداعى : ص 101 ، إرشاد القلوب : ص 218 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 16 ح 70 .

امام حسین علیه السلام :از پدرم [امام علی علیه السلام] در باره نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم . فرمود : «پیامبر خدا ، نمی نشست و بر نمی خاست ، مگر با یاد کردن از خدا» .

مستدرک الوسائل به نقل از ابو سعید خُدری : چون این سخن خداوند متعال : «خدا را بسیار یاد کنید» نازل شد ، پیامبر خدا ، چندان سرگرم یاد خداوند متعال شد که کافران گفتند : او دیوانه شده است!

صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله در همه اوقاتش ، خدا را یاد می کرد .

امام هادی علیه السلام در زیارت «جامعه کبیره» : و پلیدی را از شما زدود و پاکِ پاکتان نمود . پس شما نیز در برابر مقام پُرشکوه او تعظیم کردید و منزلتش را بزرگ داشتید و بزرگواری اش را ارج نهادید و پیوسته ، به یاد او پرداختید .

عدّه الداعی :در باره سَرورمان امیر مؤمنان ، روایت شده است که چون از جهاد فراغت می یافت ، به آموزش دادن مردم و قضاوت میان آنان می پرداخت و چون از این کار می آسود ، در باغ خرمایی که داشت ، به کار می پرداخت و در همان حال ، ذکر خداوند عز و جل می گفت .

.

الإمام الرضا علیه السلام فی زِیارَهِ الإمامِ الحُسَینِ علیه السلام : السَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکرِ اللّهِ . (1)

راجع : ص 40 ح 31 .

1 / 7مَفاتیحُ الذِّکرِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ مِنَ النّاسِ مَفاتیحَ لِذِکرِ اللّهِ ؛ إذا رُؤوا ذُکِرَ اللّهُ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله فی قَولِهِ تَعالی : «أَلَا إِنَّ أَوْلِیَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ» (3) : یُذکَرُ اللّهُ بِرُؤیَتِهِم . (4)

نوادر الأُصول عن ابن عبّاس :قیل : یا رَسولَ اللّهِ ، مَن أولِیاءُ اللّهِ؟ قالَ : الَّذینَ إذا رُؤوا ذُکِرَ اللّهُ . (5)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ألا اُنَبِّئُکُم بِخِیارِکُم؟ . . . خِیارُکُمُ الَّذینَ إذا رُؤوا ذُکِرَ اللّهُ عز و جل . (6)

نوادِر الأُصول عن أنس :قالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، أیُّنا أفضَلُ کَی نَتَّخِذَهُ جَلیسا مُعَلِّما؟ قالَ : الَّذینَ إذا رُؤوا ذُکِرَ اللّهُ لِرُؤیَتِهِم . (7)

.

1- .الکافی : ج 4 ص 578 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 102 ح 178 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 608 ح 3212 کلاهما فی زیاره الإمام الکاظم علیه السلام وکلّها عن علیّ بن حسّان ، بحار الأنوار : ج 100 ص 407 ح 66 .
2- .المعجم الکبیر : ج 10 ص 205 ح 10476 عن عبد اللّه بن مسعود ، کنز العمّال : ج 1 ص 419 ح 1789 .
3- .یونس : 62 .
4- .المعجم الکبیر : ج 12 ص 11 ح 12325 عن ابن عبّاس ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 80 ح 16778 نقلاً عن الطبرانی وفیه «بذِکرهم» بدل «برؤیتهم» ، الدرّ المنثور : ج 4 ص 370 نقلاً عن ابن أبی شیبه وأبی الشیخ وابن مردویه عن سعید بن جبیر .

5- .نوادر الاُصول : ج 1 ص 302 ، الأولياء لابن أبى الدنيا : ص 48 ح 27 عن سعيد بن جبير ، كنز العمّال : ج 1 ص 418 ح 1783 .
6- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1379 ح 4119 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 442 ح 27670 وص 443 ح 27672 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 6 كلّها عن أسماء بنت يزيد ، كنز العمّال : ج 1 ص 419 ح 1788 وص 440 ح 1901 .
7- .نوادر الاُصول : ج 1 ص 304 ، كنز العمّال : ج 1 ص 419 ح 1784 .

امام رضا علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام : سلام بر جایگاه های یاد خدا !

ر . ک : ص 41 ح 31 .

1 / 7کلیدهای یاد خداپیامبر خدا علیه السلام :برخی از مردمان ، کلیدهای یاد خدایند . دیدن آنان ، یادآور خداست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند متعال : «هان! اولیای خدا ، نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند» : با دیدن آنها ، انسان به یاد خدا می افتد .

نوادر الأُصول به نقل از ابن عبّاس : گفته شد : ای پیامبر خدا ! اولیای خدا کیستند؟ فرمود : «کسانی که دیدن آنها ، یادآور خداست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا به شما از بهترینتان خبر ندهم ؟ ... بهترینِ شما ، آنانی هستند که هر گاه دیده شوند ، خداوند عز و جل به یاد می آیَد .

نوادر الأُصول به نقل از اَنَس : گفتند : ای پیامبر خدا ! برترین ما ، چه کسی است تا او را همنشین و آموزگار خود بگیریم؟ فرمود : «کسانی که هر گاه دیده شوند ، دیدنشان ، آدمی را به یاد خدا می اندازد» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ عِبادا إذا رُؤوا ذُكِرَ اللّهُ تَعالى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَتِ الحَوارِيّونَ لِعيسى عليه السلام : يا روحَ اللّه مَن نُجالِسُ ؟ قالَ : مَن يُذَكِّرُكُمُ اللّهَ رُؤيَتُهُ ، ويَزيدُ فى عِلمِكُم مَنطِقُهُ ، ويُرَغِّبُكُم فِى الآخِرَهِ عَمَلُهُ . (2)

الأمالى للطوسى عن ابن عبّاس :قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أىُّ الجُلَساءِ خَيرٌ؟ قالَ : مَن ذَكَّرَكُم بِاللّهِ رُؤيَتُهُ ، وزادَكُم فى عِلمِكُم مَنطِقُهُ ، وذَكَّرَكُم بِالآخِرَهِ عَمَلُهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قولوا الخَيرَ تُعرَفوا بِهِ ، وَاعمَلوا الخَيرَ تَكونوا مِن أهلِهِ ، ولا تَكونوا عُجُلاً (4) مَذاييعَ (5) ، فَإنَّ خِيارَكُمُ الَّذينَ إذا نُظِرَ إلَيهِم ذُكِرَ اللّهُ ، وشِرارُكُمُ المَشّاؤونَ بِالنَّميمَهِ ، المُفَرِّقونَ بَينَ الأَحِبَّهِ ، المُبتَغونَ لِلبُرَآءِ المَعايِبَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ المُسلِمَ إذا رَأى أخاهُ ، كانَ حَياهً لِدينِهِ إذا ذَكَرَ اللّهَ عز و جل (7) . (8)

.

1- .الزهد لابن المبارک : ص 340 ح 958 عن الحسن .
2- .الكافى : ج 1 ص 39 ح 3 عن الفضل بن أبى قرّه عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 44 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 203 ح 18 نقلاً عن عوالى اللآلى ؛ كنز العمّال : ج 9 ص 178 ح 25588 نقلاً عن العسكرى فى الأمثال عن ابن عبّاس نحوه .
3- .الأمالى للطوسى : ص 157 ح 262 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 186 ح 3 ؛ نوادر الأُصول : ج 1 ص 303 عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 1 ص 419 ح 1787 وج 9 ص 28 ح 24764 وفيه «خير جلسائكم من يذكّركم» .
4- .عُجُلاً : جمع عَجول .
5- .مذاييع : جمع مذياع ؛ وهو الذى لا يكتم السرّ ، والإذاعه ضدّها التقيّه (مجمع البحرين : ج 1 ص 650 «ذيع») .

6- .الكافى: ج2 ص225 ح12 عن أبيالحسن الأصبهانى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار: ج75 ص81 ح29.
7- .«إذا ذكر اللّه » : أى ذلک المسلم أو الأخ . ويمكن أن يُقرأ على المجهول فيشملهما (مرآه العقول : ج 26 ص 419) .
8- .الكافى : ج 8 ص 316 ح 496 عن أبى خديجه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بندگانی دارد که مشاهده آنها ، یادآور خداوند متعال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حواریان به عیسی علیه السلام گفتند : ای روح خدا ! با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود : «با کسی که دیدن او ، شما را به یاد خدا می اندازد و سخنش ، بر دانش شما می افزاید و کردارش ، شما را به آخرت ، راغب می سازد» .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابن عبّاس : گفته شد : ای پیامبر خدا ! کدام همنشین ، خوب تر است ؟ فرمود : «کسی که مشاهده او ، شما را به یاد خدا بیاندازد و گفتارش ، بر دانش شما بیفزاید و کردارش ، آخرت را به یاد شما آورَد».

امام علی علیه السلام :نیک بگویید تا بدان شناخته شوید ، و نیک انجام دهید تا از اهل آن باشید ، و شتابکار و سخن پراکن مباشید ؛ زیرا بهترین شما ، کسانی هستند که دیدن آنها خدا را به یاد می آورد ، و بدترینتان ، سخن چینان اند ؛ آنان که میان دوستان ، جدایی می افکنند و برای بی گناهان ، عیب می تراشند .

امام صادق علیه السلام :مسلمان ، هر گاه برادرش را ببیند ، چنانچه خداوند عز و جل را یاد کند ، مایه زنده شدن دین او می شود .

.

الإمام الرضا عليه السلام :كانَ نَقشُ خاتَمِ عيسى عليه السلام حَرفَينِ اشتَقَّهُما مِنَ الإِنجيلِ : طوبى لِعَبدٍ ذُكِرَ اللّهُ مِن أجلِهِ ، ووَيلٌ لِعَبدٍ نُسِيَ اللّهُ مِن أجلِهِ . (1)

1 / 8النَّوادِرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ ساعاتِ المُؤمِنِ حينَ يَذكُرُ اللّهَ عز و جل . (2)

عنه صلى الله عليه و آله فى وَصفِ أولِياءِ اللّهِ : تَنَعَّمَ النّاسُ بِالدُّنيا ، وتَنَعَّموا بِذِكرِ اللّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ خِيارَ عِبادِ اللّهِ الَّذينَ يُراعونَ (4) الشَّمسَ ، وَالقَمَرَ ، وَالنُّجومَ ، وَالأَظِلَّةَ ؛ لِذِكرِ اللّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :ما تَوَطَّنَ رَجُلٌ مُسلِمٌ المَساجِدَ لِلصَّلاةِ وَالذِّكرِ ، إلّا تَبَشبَشَ (6) اللّهُ لَهُ كَما يَتَبَشبَشُ أهلُ الغائِبِ بِغائِبِهِم إذا قَدِمَ عَلَيهِم . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ ساعٍ غايَةً ، وغايَةُ ابنِ آدَمَ المَوتُ ، فَعَلَيكُم بِذِكرِ اللّهِ فَإِنَّهُ يُسَهِّلُكُم (8) ويُرَغِّبُكُم فِى الآخِرَهِ . (9)

.

1- .الأمالى للصدوق : ص 542 ح 726 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 55 ح 206 كلاهما عن الحسين بن خالد الصيرفى ، بحار الأنوار : ج 11 ص 63 ح 1 .
2- .الفردوس : ج 2 ص 43 ح 2244 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 4 ص 355 ح 10871 .
3- .إرشاد القلوب : ص 135 .
4- .راعَى النُّجوم : راقبَها ، وانتظر مغيبها (القاموس المحيط : ج 4 ص 335 «رعى») . أى يراعون الشمس والقمر و... ويراقبونها لمعرفه أوقات الصلوات والعبادات.
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 115 ح 163 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 558 ح 1781 ، الدعاء للطبرانى : ص 524 ح 1876 كلّها عن ابن أبى أوفى ، كنز العمّال : ج 7 ص 683 ح 20902 .

6- .البَشّ : فرح الصديق بالصديق ، واللطف فى المسأله ، والإقبال عليه ، وقد بَشِشتُ به اُبَشُّ. وهذا مَثَل ضربه لتلقّيه إيّاه ببرّه وتقريبه وإكرامه (النهايه : ج 1 ص 130 «بشش») .
7- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 262 ح 800 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 220 ح 8358 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 332 ح 771 وليس فيه «والذِكر» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 579 ح 20341 .
8- .كذا فى المصدر ، وفى فيض القدير ج 2 ص 645 ح 2412 : «يُسَلِّيكُم» وهو الأنسب . والمراد أنّ ذكر اللّه عز و جلينسيكم هموم الدنيا (اُنظر لسان العرب : ج 14 ص 394 «سلا») .
9- .اُسد الغابه : ج 1 ص 550 ، كنز العمّال : ج 1 ص 416 ح 1765 وج 15 ص 550 ح 42131 كلاهما نقلاً عن البغوى وكلّها عن جلاس بن عمرو .

امام رضا علیه السلام :نقش انگشتری عیسی علیه السلام ، دو جمله بود که آنها را از انجیل گرفته بود : «خوشا به حال بنده ای که به واسطه او ، خداوند به یاد آورده می شود! و بدا به حال بنده ای که به واسطه او خداوند ، فراموش می گردد !» .

1 / 8گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ اوقات مؤمن ، زمانی است که خداوند عز و جل را یاد می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف اولیای خدا : مردم ، به دنیا خوش اند و آنان به یاد خدا خوش اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین بندگان خدا ، آنان اند که برای یاد کردن خدا ، خورشید و ماه و ستارگان و سایه ها را زیر نظر دارند . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مرد مسلمانی در مسجدها برای نماز و یاد خدا اقامت گزیند ، خداوند ، از وجود او چنان شاد می شود که کسانِ مسافر از باز گشتن مسافرشان به نزد خود ، شادمان می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر دَونده ای ، خطّ پایانی دارد و خطّ پایان آدمیزاد ، مرگ است . پس بر شما باد یاد خدا ، که کارِ شما را سهولت می بخشد (2) و به آخرت ، راغب می گرداند !

.

1- .یعنی برای شناخت اوقات نماز و عبادات ، طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان را زیر نظر دارند .
2- .در فیض القدیر ، «شما را آرامش می بخشد» آمده که این ، مناسب تر است و مقصود ، این است که یاد خداوند ، غم و تشویش های دنیا را از یاد شما می برد .

عنه صلى الله عليه و آله :تَحابّوا بِذِكرِ اللّهِ وروحِهِ (1) . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ أفضَلُ الغَنيمَتَينِ . (3)

عنه عليه السلام :كُن للّهِ مُطيعا، وبِذِكرِهِ آنِسا ، وتَمَثَّل فى حالِ تَوَلّيکَ عَنهُ إقبالَهُ عَلَيکَ ؛ يَدعوکَ إلى عَفوِهِ ، ويَتَغَمَّدُکَ بِفَضلِهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فى خُطبَةٍ يَذكُرُ فيها حالَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وَالأَئِمَّةِ عليهم السلام : فَبَلَّغَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ما اُرسِلَ بِهِ ، وصَدَعَ (5) بما اُمِرَ ، وأدّى ما حُمِّلَ مِن أثقالِ النُّبُوَّةِ ، وصَبَرَ لِرَبِّهِ، وجاهَدَ فى سَبيلِهِ، ونَصَحَ لِاُمَّتِهِ ، ودَعاهُم إلَى النَّجاهِ ، وحَثَّهُم عَلَى الذِّكرِ . (6)

.

1- .قال السيّد الرضى رحمه الله فى ذيل الحديث : «أراد بالروح هاهنا القرآن، تشبيها له بالروح القائمه بالحيوان المصحِّحه لانتفاع الأبدان». والمعنى : تحابّوا بذكر اللّه وبقرآنه . وراجع النهايه : ج 2 ص 272 «روح» .
2- .المجازات النبويّه : ص 43 ح 24 .
3- .غرر الحكم : ح 1672 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 223 ، غرر الحكم : ح 7187 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 192 ح 59 .
5- .يقال: صَدَعتُ بالحقّ ؛ إذا تكلّمت به جهارا (الصحاح: ج 3 ص 1242 «صدع») .
6- .الكافى : ج 1 ص 445 ح 17 عن إسحاق بن غالب ، بحار الأنوار : ج 16 ص 369 ح 80 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با یاد خدا و با روح او (1) یکدیگر را دوست بدارید .

امام علی علیه السلام :یاد خدا ، بهترین غنیمت است .

امام علی علیه السلام :فرمان بُردار خدا و همدمِ یاد او باش و در آن حال که از او روی می گردانی ، روی آوردن او را به خود ، در نظر آور . او تو را به عفو خویش فرا می خواند و در فضل خویش ، غوطه وَرَت می سازد .

امام صادق علیه السلام در سخنرانی ای که در آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام یاد می کند : پیامبر خدا ، پیامی را که برای آن فرستاده شده بود ، ابلاغ کرد و مأموریتش را اجرا نمود و بارهای نبوّت را که بر دوش او نهاده شده بود ، به منزل رساند و برای پروردگارش ، شکیبایی ورزید و در راه او جهاد کرد و امّتش را راه نمایی نمود و آنان را به نجات ، فرا خواند و به یاد خدا تشویقشان کرد .

.

1- .سیّد رضی رحمه الله ، در ذیل این حدیث می گوید : «مقصود از روح در این جا قرآن است ، از باب تشبیه آن به روح که جانداران را زنده می دارد و باعث می شود که بدن ها قابل استفاده باشند» و معنایش این است که با یاد خدا و قرآن او ، یکدیگر را دوست بدارید . نیز ، ر . ک : النهایه : ذیل «روح» .

الفَصلُ الثّانی : خصائص الذّکر2 / 1حِکمَهُ العِبادَهِالکتاب«وَ أَقِمِ الصَّلَوهَ لِذِکْرِی» . (1)

«وَ أَقِمِ الصَّلَوهَ إِنَّ الصَّلَوهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنکَرِ وَ لَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ» . (2)

الحدیثرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّما جُعِلَ الطَّوافُ بِالبَیتِ ، وبَینَ الصَّفا وَالمَروَهِ ، ورَمیُ الجِمارِ ؛ لِاِءقامَهِ ذِکرِ اللّهِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّما فُرِضَتِ الصَّلاهُ ، واُمِرَ بِالحَجِّ وَالطَّوافِ ، واُشعِرَتِ المَناسِکُ ؛ لِاِءقامَهِ ذِکرِ اللّهِ . (4)

.

1- .طه : 14 .
2- .العنکبوت : 45. وراجع : برکات الذکر / ذکر اللّه لذاکره .
3- .سنن أبی داوود : ج 2 ص 179 ح 1888 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 331 ح 24405 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 630 ح 1685 ، السنن الکبری : ج 5 ص 236 ح 9646 کلّها عن عائشه ، کنز العمّال : ج 5 ص 49 ح 12005 .
4- .عوالی اللآلی : ج 1 ص 323 ح 60 .

2 / 1 حکمت عبادت

فصل دوم: ویژگی های یاد خدا2 / 1حکمت عبادتقرآن«و به یاد من ، نماز برپا دار» .

«و نماز را بر پا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند ، باز می دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :طواف کعبه ، و [سعی] میان صفا و مروه ، و رَمْی جَمَرات ، برای زنده داشتن یاد خدایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :واجب گشتن نماز ، و دستور گزاردن حج و طواف ، و تعیین مناسک [حج] ، در واقع برای زنده داشتن یاد خدایند .

.

الإمام الرضا عليه السلام فيما جَمَعَهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن كَلامِهِ فى عِلَلِ الفَرائِضِ : إن قالَ قائِلٌ : لِمَ أمَرَ اللّهُ العِبادَ ونَهاهُم؟ قيلَ : لِأَنَّهُ لا يَكونُ بَقاؤُهُم وصَلاحُهُم إلّا بِالأَمرِ وَالنَّهيِ ، وَالمَنعِ عَنِ الفَسادِ وَالتَّغاصُبِ . فَإن قالَ قائِلٌ : لِمَ تَعَبَّدَهُم؟ قيلَ : لِئَلّا يَكونوا ناسينَ لِذِكرِهِ ، ولا تارِكينَ لِأَدَبِهِ ، ولا لاهينَ عَن أمرِهِ ونَهيِهِ ، إذ (1) كانَ فيهِ صَلاحُهُم وفَسادُهُم وقِوامُهُم ، فَلَو تُرِكوا بِغَيرِ تَعَبُّدٍ لَطالَ عَلَيهِمُ الأَمَدُ ، وقَسَت قُلوبُهُم . (2)

2 / 2فَريضَةٌ عَلَى القَلبِ وَاللِّسانِالإمام علىّ عليه السلام :اِعلَموا أنَّهُ [اللّهَ] عز و جل لَن يَرضى عَنكُم بِشَىءٍ سَخِطَهُ عَلى مَن كانَ قَبلَكُم ، ولَن يَسخَطَ عَلَيكُمُ بِشَىءٍ رَضِيَهُ مِمَّن كانَ قَبلَكُم ، وإنَّما تَسيرونَ فى أثَرٍ بَيِّنٍ ، وتَتَكَلَّمونَ بِرَجعِ قَولٍ قَد قالَهُ الرِّجالُ مِن قَبلِكُم ، قَد كَفاكُم مَؤونَةَ دُنياكُم ، وحَثَّكُم عَلَى الشُّكرِ ، وَافتَرَضَ مِن ألسِنَتِكُمُ الذِّكرَ . (3)

عنه عليه السلام فى بَيانِ ما فَرَضَ اللّهُ سُبحانَهُ عَلى جَوارِحِ الإنسانِ :فَأَمّا ما فَرَضَ عَلَى القَلبِ مِنَ الإيمانِ : فَالإقرارُ ، وَالمَعرِفَةُ ، وَالعَقدُ عَلَيهِ ، وَالرِّضا بِما فَرَضَهُ عَلَيهِ ، وَالتَّسليمُ لِأَمرِهِ ، وَالذِّكرُ ، وَالتَّفَكُّرُ . (4)

.

1- .فى المصدر : «إذا» ، والتصويب من بحار الأنوار.
2- .علل الشرائع : ص 256 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 103 ح 1 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 6 ص 63 ح 1 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 319 ح 3 .
4- .بحار الأنوار : ج 69 ص 74 ح 29 نقلاً عن تفسير النعمانى : ج 93 ص 50 .

2 / 2 وظیفه دل و زبان

امام رضا علیه السلام از سخنان ایشان در باره علّت واجبات که فضل بن شاذان ، آنها را گردآوری کرده است : اگر کسی بگوید : «چرا خدا ، به بندگانْ امر و نهی کرده است؟»، گفته می شود : چون ماندگاری و درستی آنان ، جز با امر و نهی و جلوگیری از تباهی و تجاوز به یکدیگر ، ممکن نیست . اگر کسی بگوید : «چرا از آنان عبادت خواسته شده است ؟»، گفته می شود : تا او را فراموش نکنند و تعالیمش را وا ننهند و از امر و نهی او غافل نشوند ؛ چرا که درستی و تباهی و پایداری آنان ، در گرو این است ، و اگر بدون [دستور به] عبادت ، رها می شدند ، پس از گذشت زمانی دراز ، سنگ دل می شدند .

2 / 2وظیفه دل و زبانامام علی علیه السلام :بدانید که خداوند عز و جل هرگز آنچه را از پیشینیان شما نپسندیده است ، از شما نیز نخواهد پسندید و هرگز آنچه را از مردمان پیش از شما پسندیده است ، از شما ناپسند نمی دارد . شما در راهی روشن ، گام برمی دارید [که گذشتگانِ شما رفته اند] و همان سخنی را واگویه می کنید که مردان پیش از شما گفته اند . خداوند ، روزیِ دنیای شما را عهده دار شده و به سپاس گزاری تشویقتان کرده است و یاد کردن [از خود] را بر زبان هایتان واجب ساخته است .

امام علی علیه السلام در بیان وظایفی که خدای سبحان بر عهده اعضای انسان نهاده است : آنچه بر دلْ واجب ساخته ، ایمان است که عبارت است از : اقرار ، و شناخت ، و اعتقاد به او ، و خرسندی به آنچه بر آن ، واجب ساخته است ، و گردن نهادن به فرمان او ، و یاد کردن از او ، و اندیشیدن .

.

الإمام الحسن عليه السلام :اِعلَموا أنَّ اللّهَ لَم يَخلُقكُم عَبَثا ، ولَيسَ بتارِكِكُم سُدىً (1) . . . قَد كَفاكُم مَؤونَةَ الدُّنيا ، وفَرَّغَكُم لِعِبادَتِهِ ، وحَثَّكُم عَلَى الشُّكرِ ، وَافتَرَضَ عَلَيكُمُ الذِّكرَ . (2)

2 / 3فَريضَةٌ عَلى أهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ : يا اللّهُ ، يا مَن وَجَبَ ذِكرُهُ عَلى أهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ . (3)

2 / 4أفضَلُ الأَعمالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ خَيرَ أعمالِكُم، وأذكاها عِندَ مَليكِكُم ، وأرفَعَها عِندَ رَبِّكُم فى دَرَجاتِكُم ، وخَيرَ مَا اطَّلَعَت عَلَيهِ الشَّمسُ ؛ ذِكرُ اللّهِ سُبحانَهُ وتَعالى . (4)

سنن ابن ماجه عن أبى الدرداء عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا اُنَبِّئُكُم بِخَيرِ أعمالِكُم ، وأرضاها عِندَ مَليكِكُم ، وأرفَعَها فى دَرَجاتِكُم ، وخَيرٍ لَكُم مِن إعطاءِ الذَّهَبِ وَالوَرِقِ (5) ، و مِن أن تَلقَوا عَدُوَّكُم فَتَضرِبوا أعناقَهُم ويَضرِبوا أعناقَكُم؟ قالوا : وما ذاكَ يا رَسولَ اللّهِ؟ ! قالَ : ذِكرُ اللّهِ . (6)

.

1- .السُّدى : المهمل (الصحاح : ج 6 ص 2374 «سدا») .
2- .تحف العقول : ص 232 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 110 ح 5 .
3- .البلد الأمين : ص 420 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 265 ح 1 .
4- .إرشاد القلوب : ص 60 .
5- .الوَرِق : الفضّه (النهايه : ج 5 ص 175 «ورق») .
6- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1245 ح 3790 ، الموطّأ : ج 1 ص 211 ح 24 ، مسند ابن حنبل : ج8 ص164 ح21761 ، المستدرک على الصحيحين : ج1 ص673 ح1825 كلّها عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج1 ص416 ح 1767 ؛ الكافى : ج 2 ص 499 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 109 ح 96 كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه وفيهما «ذكر اللّه كثيرا» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 157 ح29.

2 / 3 وظیفه آسمانیان و زمینیان

2 / 4 برترینِ اعمال

امام حسن علیه السلام :بدانید که خداوند ، شما را بیهوده نیافریده و سرِخود ، رهایتان نکرده است ... . روزیِ شما را در دنیا بر عهده گرفته و شما را برای عبادتش فراغت بخشیده و به شکرگزاری ، تشویقتان کرده و یاد کردن [از خود]را بر شما واجب ساخته است .

2 / 3وظیفه آسمانیان و زمینیانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا : ای خدا ، ای آن که یادش بر آسمانیان و زمینیان ، واجب است !

2 / 4برترینِ اعمالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که بهترینِ اعمال شما و پاک ترینِ آنها در نزد مالکتان ، و بلند مرتبه ترینِ آنها در پیشگاه پروردگارتان و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کرده ، یاد خداوند پاک و بلندمرتبه است .

سنن ابن ماجه به نقل از ابو درداء : پیامبر خدا فرمود : «آیا شما را از بهترینِ اعمالتان و پسندیده ترینِ آنها در نزد مالکتان ، و بلندمرتبه ترینِ آنها که برایتان از انفاق کردن زر و سیم و [حتّی] از این که با دشمنتان رو به رو شوید و گردن آنها را بزنید و گردنتان را بزنند ، بهتر است ، آگاهتان نسازم ؟» . گفتند : آن چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «یاد خدا» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعودٍ : لا تَختَر عَلى ذِكرِ اللّهِ شَيئا ؛ فَإِنَّ اللّهَ يَقولُ : «وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (1) ، ويَقولُ : «فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِى وَ لَا تَكْفُرُونِ» (2) . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لَذِكرُ اللّهِ عز و جل بِالغُدُوِّ وَالآصالِ ، خَيرٌ مِن حَطمِ السُّيوفِ فى سَبيل اللّهِ عز و جل (4) . (5)

كنز العمّال عن معاذ عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جل عَلى كُلِّ حالٍ ؛ فَإِنَّه لَيسَ عَمَلٌ أحَبَّ إلَى اللّهِ تَعالى ولا أنجى لِعَبدٍ مِن كُلِّ سَيِّئَةٍ فِى الدُّنيا وَالآخِرَةِ مِن ذِكرِ اللّهِ . قيلَ : وَلَا القِتالُ فى سَبيلِ اللّهِ ؟ قالَ : لَولا ذِكرُ اللّهِ لَم يُؤمَر بِالقِتالِ فى سَبيلِ اللّهِ ، ولَو اجتَمَعَ النّاسُ عَلى ما اُمِروا بِهِ مِن ذِكرِ اللّهِ تَعالى ما كَتَبَ اللّهُ القِتالَ عَلى عِبادِهِ ، فَإِنَّ ذِكرَ اللّه تَعالى لا يَمنَعُكُم مِنَ القِتالِ فى سَبيلِهِ ، بَل هُوَ عَونٌ لَكُم عَلى ذلِكَ . . . . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، فَإِنَّ ذِكرَ اللّهِ لا يَكفينا مِنَ الجِهادِ ! قال : وَلَا الجِهادُ يَكفى مِن ذِكرِ اللّهِ ، ولا يَصلُحُ الجِهادُ إلّا بِذِكرِ اللّهِ ، وإنَّمَا الجِهادُ شُعبَةٌ مِن شُعَبِ ذِكرِ اللّهِ ، وطوبى لِمَن أكثَرَ فِى الجِهادِ مِن ذِكرِ اللّهِ ، وكُلُّ كَلِمَةٍ بِسَبعينَ ألفَ حَسَنَةٍ ، كُلُّ حَسَنَةٍ بِعَشرٍ ، وعِندَ اللّهِ مِن المَزيدِ ما لا يُحصيهِ غَيرُهُ . (6)

.

1- .العنكبوت : 45 .
2- .البقره : 152 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 358 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 107 ح 1 .
4- .قال الصدوق قدس سره : يعنى : فمن ذكر اللّه عز و جل بالغدوّ ، ويذكر ما كان منه فى ليله من سوء عمله ، واستغفر اللّه وتاب إليه ، فإذا انتشر فى ابتغاء ما قسم اللّه له انتشر وقد حطّت عنه سيّئاته وغفرت له ذنوبه . وإذا ذكر اللّه عز و جل بالآصال وهيالعشيّات راجع نفسه فيما كان منه فى يومه ذلک؛ من سرفٍ على نفسه، وإضاعهٍ لأمر ربّه ، فإذا ذكر اللّه عَزَّ وجَلَّ واستغفر اللّه تعالى وأناب، راح إلى أهله وقد غفرت له ذنوب يومه . وإنّما تحمد الشهاده أيضا إذا كانت من تائب إلى اللّه استغفر من معصيه اللّه عَزَّ وجَلَّ (معانى الأخبار : ص 411) .

5- .معانى الأخبار : ص 411 ح 100 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 86 ص 298 ح 61 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 72 ح 5 وج 8 ص 235 ح 2 كلاهما عن ابن عمر من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، الفردوس : ج 3 ص 454 ح 5402 عن أنس وفيها «بالغداه والعشىّ» ، كنز العمّال : ج 1 ص 426 ح 1838 .
6- .كنز العمّال : ج 2 ص 243 ح 3931 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه ، وص 246 ح 3937 نقلاً عن ابن شاهين في الترغيب فى الذكر نحوه وليس فيه من «قالوا : يا رسول اللّه ، فإنّ ذكر اللّه ...» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود : هیچ چیز را بر یاد خدا ترجیح مده ؛ چرا که خداوند می فرماید : «و قطعا یاد خدا بالاتر است» و می فرماید : «پس یادم کنید تا یادتان کنم ، و سپاسم گویید و ناسپاسی ام مکنید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کردن از خداوند در بام و شام ، از شکستن شمشیرها (1) در راه خدا بهتر است . (2)

کنز العمّال به نقل از مُعاذ : پیامبر خدا فرمود : «در هر حالی ، خداوند عز و جلرا بسیار یاد کنید ؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند متعال ، محبوب تر و در رهانیدن بنده از هر بدی ای در دنیا و آخرت ، کارگرتر از یاد خدا نیست» . گفته شد : حتّی جنگیدن در راه خدا ؟ فرمود : «اگر به خاطر یاد خدا نبود ، به جنگ در راه خدا دستور داده نمی شد و اگر همه مردم به یاد خداوند متعال که بِدان فرمان داده شده اند می بودند ، خداوندْ جنگیدن را بر بندگانش واجب نمی ساخت . یاد خداوند متعال ، مانع شما از جنگ در راه او نمی شود ؛ بلکه کمک شما در این راه است ...» . گفتند : ای پیامبر خدا ! یاد خدا [به تنهایی کافی نیست و] ما را از جهاد ، بی نیاز نمی کند ! فرمود : «جهاد هم شما را از یاد خدا بی نیاز نمی کند و جهاد ، جز با یاد خدا ، ارزشی ندارد . جهاد ، در واقع ، شاخه ای از شاخه های یاد خداست . خوشا به حال کسی که در جهاد ، بسیار یاد خدا کند ! هر کلمه ای [از ذکر خدا] برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک ، ده برابر به شمار می آید [و ده پاداش دارد] ، و پاداش خداوند ، چندان فراوان است که جز خود او ، کسی از عهده شمارش آن بر نمی آید» .

.

1- .یعنی : آن قدر شمشیر بزنی که شمشیر ، در هم شکسته شود .
2- .شیخ صدوق قدس سره می گوید : منظور ، این است که هر کس خداوند عز و جل را در بامدادان ، یاد کند و عمل بد شبش را به یاد آورد و از خداوند ، آمرزش بخواهد و توبه نماید و آن گاه در پی روزیِ تقدیرشده خدا برود ، گناهانش فرو می ریزند و آمرزیده می شود ، و هر گاه شامگاهان ، خدا را به یاد آورد و در باره وضعیتی که در روز از زیاده روی و تباه کردن فرمان پروردگارش داشته ، به خود آید و خدای عز و جل را به

یاد آورد و از آن خدای والا ، آمرزش بخواهد و به درگاه او بنالد ، به خانواده اش باز می گردد ، در حالی که گناهان آن روزش آمرزیده شده اند . شهادت هم ، وقتی از سوی شخص توبه کننده به پیشگاه خداوند و آمرزش خواه از نافرمانی خداوند عز و جل باشد ، ستوده است .

الإمام الباقر عليه السلام :ما مِن شَیءٍ أحَبُّ إلَی اللّهِ مِنَ الذِّکرِ وَالشُّکرِ . (1)

راجع : ص 26 (الحثّ علی کثره الذکر) .

2 / 5أشرَفُ الحَدیثِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :أشرَفُ الحَدیثِ ذِکرُ اللّهِ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ أشرَفَ الحَدیثِ ذِکرُ اللّهِ تَعالی ، ورَأسَ الحِکمَهِ طاعَتُهُ ، وأصدَقَ القَولِ وأبلَغَ المَوعِظَهِ وأحسَنَ القَصَصِ کِتابُ اللّهِ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام :إنَّ أحسَنَ الحَدیثِ ذِکرُ اللّهِ . (4)

.

1- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 368 نقلاً عن ابن أبی شیبه .
2- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 291 ، الاختصاص : ص 342 عن أبی عبد اللّه البرقی ، بحار الأنوار : ج 77 ص 133 ح 43 ؛ الدرّ المنثور : ج 2 ص 692 نقلاً عن البیهقی فی الدلائل ، کنز العمّال : ج 15 ص 919 ح 43587 نقلاً عن أبی نصر السجزی فی الإبانه .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 402 ح 5868 ، الأمالی للصدوق : ص 576 ح 788 کلاهما عن أبی الصباح الکنانی عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 114 ح 8 .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 521 ح 1484 ، أعلام الدین : ص 100 وفیه «أنصتوا إلی ذکر اللّه فإنّه أحسن الحدیث» .

2 / 5 پُرارج ترین سخن

امام باقر علیه السلام :هیچ چیزی نزد خدا ، محبوب تر از یاد او و سپاس گزاری [از او]نیست .

ر . ک : ص 27 (خدا را بسیار یاد کنید) .

2 / 5پُرارج ترین سخنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پُرارج ترین سخن ، یاد خداوند است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پُرارج ترین سخن ، یاد خداوند متعال است ، و سرآمد حکمت [و خردمندی] ، فرمان بُرداری از اوست ، و راست ترین گفته و رساترین پند و نیکوترین داستان ، کتاب خداست .

امام علی علیه السلام :نیکوترین سخن ، یاد خداست .

.

2 / 6نورُ الإِيمانِالإمام علىّ عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ نورُ الإِيمانِ . (1)

2 / 7شِيمَةُ المُتَّقينَالإمام علىّ عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ شِيمَةُ (2) المُتَّقينَ . (3)

عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ سَجِيَّةُ كُلِّ مُحسِنٍ ، وشِيمَةُ كُلِّ مُؤمِنٍ . (4)

2 / 8لَذَّةُ المُحِبّينَرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا مَن ذِكرُهُ حُلوٌ ، يا مَن فَضلُهُ عَميمٌ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله فى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ اجعَلنا مَشغولينَ بِأَمرِکَ . . . شاكِرينَ عَلى نَعمائِکَ ، مُتَلَذِّذينَ بِذِكرِکَ . (6)

الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ لَذَّةُ المُحِبّينَ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 5161 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4716 .
2- .الشِّيمَه : الخُلُق (الصحاح : ج 5 ص 1964 «شيم»).
3- .غرر الحكم : ح 5163 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4713 .
4- .غرر الحكم : ح 5173 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4744 .
5- .البلد الأمين : ص 406 ، المصباح للكفعمى : ص 340 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 390 .
6- .جامع الأخبار : ص 364 ح 1013 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 360 ح 16 .
7- .غرر الحكم : ح 670 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 32 ح 545 .

2 / 6 روشنایی ایمان

2 / 7 خوی پرهیزگاران

2 / 8 لذّت عاشقان خدا

2 / 6روشنایی ایمانامام علی علیه السلام :یاد خدا ، روشنایی ایمان است .

2 / 7خوی پرهیزگارانامام علی علیه السلام :یاد خدا کردن ، خوی پرهیزگاران است .

امام علی علیه السلام :یاد خدا کردن ، خصلت هر نیکوکار و خوی هر مؤمنی است .

2 / 8لذّت عاشقان خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای آن که یادش شیرین است ! ای آن که احسانش فراگیر است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا : خداوندا ! ما را به کار خودت سرگرم بدار ... و [ما را]بر نعمت هایت ، سپاس گزار و از یادت ، لذّت بَرنده قرار بده .

امام علی علیه السلام :یاد خدا ، لذّت عاشقان است .

.

عنه علیه السلام :ذِکرُ اللّهِ مَسَرَّهُ کُلِّ مُتَّقٍ ، ولَذَّهُ کُلِّ موقِنٍ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :أوحَی اللّهُ عز و جل إلی داوودَ علیه السلام : یا داوودُ، بی فَافرَح ، وبِذِکری فَتَلَذَّذ ، وبِمُناجاتی فَتَنَعَّم ، فَعَن قَریبٍ اُخلِی الدّارَ مِنَ الفاسِقینَ ، وأجعَلُ لَعنَتی عَلَی الظّالِمینَ. (2)

.

1- .غرر الحکم : ح 5174 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 256 ح 4745 .
2- .الأمالی للصدوق : ص 263 ح 280 عن یونس بن ظبیان ، روضه الواعظین : ص 505 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 34 ح 3 .

امام علی علیه السلام :یاد خدا ، مایه شادی هر پرهیزگار و لذّت هر اهل یقینی است .

امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که : «ای داوود! به من شاد باش و از یاد من لذّت ببر و به راز و نیاز با من خوش باش ؛ چرا که به زودی ، خانه را از نابه کاران ، خالی می گردانم و لعنتم را بر ستمکاران قرار می دهم» .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : تفسير الذّكر3 / 1حَقيقَةُ الذِّكرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أطاعَ اللّهَ فَقَد ذَكَرَ اللّهَ ، وإن قَلَّت صَلاتُهُ وصِيامُهُ وتِلاوَتُهُ . ومَن عَصَى اللّهَ فَقَد نَسِىَ اللّهَ ، وإن كَثُرَت صَلاتُهُ وصِيامُهُ وتِلاوَتُهُ لِلقُرآنِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِعَلِىٍّ عليه السلام : يا عَلِىُّ ، ثَلاثٌ لا تُطيقُها هذِهِ الاُمَّةُ : المُواساةُ لِلأَخِ فى مالِهِ ، وإنصافُ النّاسِ مِن نَفسِهِ ، وذِكرُ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، ولَيسَ هُوَ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» ، ولكِن إذا وَرَدَ عَلى ما يَحرُمُ عَلَيهِ خافَ اللّهَ عز و جلعِندَهُ وتَرَكَهُ . (2)

.

1- .معانى الأخبار : ص 399 ح 56 عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الاختصاص : ص 248 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 156 ح 22 ؛ المعجم الكبير : ج 22 ص 154 ح 413 ، اُسد الغابه : ج 5 ص 403 كلاهما عن واقد مولى رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 17 ح 70 عن خالد بن أبى عمران ، حليه الأولياء : ج 10 ص 387 عن عبد اللّه بن مسعود وليس فيه «ومن عصى اللّه ...» .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 358 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 125 ح 122 عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

3 / 1 حقیقت یاد خدا

فصل سوم: معنای یاد خدا3 / 1حقیقت یاد خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از خدا فرمان بَرد ، در حقیقت ، از خدا یاد کرده است ، اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد ، و هر کس خدا را نافرمانی کند ، در حقیقت ، او را فراموش کرده است ، اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی! سه چیز است که این امّت ، طاقت آنها را ندارد : کمک مالی کردن به برادر خویش ، انصاف داشتن با مردم ، و به یاد خدا بودن در همه حال ، و آن ، گفتن «سبحان اللّه و الحمد للّه ولا إله إلّا اللّه واللّه أکبر» نیست ؛ بلکه این است که هر گاه با آنچه بر او حرام گشته است رو به رو شود ، از خداوند عز و جل بترسد و آن را مرتکب نشود .

.

معانى الأخبار عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام :مِن أشَدِّ ما عَمِلَ العِبادُ : إنصافُ المَرءِ مِن نَفسِهِ ، ومُواساهُ المَرءِ أخاهُ ، وذِكرُ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ . قالَ : قُلتُ : أصلَحَكَ اللّهُ ، وما وَجهُ ذِكرِ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ؟ قالَ : يَذكُرُ اللّهَ عِندَ المَعصِيَهِ يَهُمُّ بِها، فَيَحولُ ذِكرُ اللّهِ بَينَهُ وبَينَ تِلكَ المَعصِيَهِ ، وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مِن أشَدِّ ما فَرَضَ اللّهُ عَلى خَلقِهِ ذِكرُ اللّهِ كَثيرا ثُمّ قالَ : لا أعنى : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» وإن كانَ مِنهُ ، ولكِن ذِكرَ اللّهِ عِندَ ما أحَلَّ وحَرَّمَ ؛ فَإِن كانَ طاعَةً عَمِلَ بِها، وإن كانَ مَعصِيَةً تَرَكَها . (3)

الكافى عن عبد الأعلى بن أعين :كَتَبَ بَعضُ أصحابِنا يَسأَلونَ أبا عَبدِ اللّهِ عليهِ السلام عَن أشياءَ ، وأمَرونى أن أسأَلَهُ عَن حَقِّ المُسلِمِ عَلى أخيهِ ، فَسَأَلتُهُ فَلَم يُجِبنى ، فَلَمّا جِئتُ لِاُوَدِّعَهُ ، فَقُلتُ : سَأَلتُكَ فَلَم تُجِبنى؟! فَقالَ : إنّى أخافُ أن تَكفُروا ! (4) إنَّ مِن أشَدِّ مَا افتَرَضَ اللّهُ عَلى خَلقِهِ ثَلاثا : إنصافُ المَرءِ مِن نَفسِهِ حَتّى لا يَرضى لِأَخيهِ مِن نَفسِهِ إلّا بِما يَرضى لِنَفسِهِ مِنهُ ، ومُواساهُ الأَخِ فِى المالِ ، وذِكرُ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، لَيسَ «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ»، ولكِن عِندَ ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ فَيَدَعُهُ . (5)

.

1- .الأعراف : 201 . وطَيفُ الشيطان وطائفُه : إلمامُه بمَسٍّ أو وسوَسَه (المصباح المنير : ص 383 «طاف») .
2- .معانى الأخبار : ص 192 ح 2 ، الخصال : ص 131 ح 138 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 189 ، تحف العقول : ص 378 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 379 ح 36 .
3- .الكافى : ج 2 ص 80 ح 4 عن أبى عبيده وص 145 ح 8 ، معانى الأخبار : ص 193 ح 3 كلاهما عن الحسن (الحسين) البزّار ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 187 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 29 ح 20 .
4- .قال المجلسى قدس سره : قوله عليه السلام : «أن تكفُروا» ، قيل : أى تخالِفوا بعد العِلم ، وهو أحد معانى الكفر. و أقول : لعلّ المراد به أن

تشُكّوا في الحكم أو فينا ؛ لعظمته وصعوبته. أو تستخفّوا به وهو مظنّه الكفر (مرآه العقول : ج 9 ص 32).
5- .الكافى : ج 2 ص 170 ح 3 وص 144 ح 3 عن جارود أبى المنذر وفى ذيله «لكن إذا ورد عليک شىء أمر اللّه عز و جل به أخذت به ، أو إذا ورد عليک شىء نهى اللّه عز و جل عنه تركته» وص 145 ح 9 ، معانى الأخبار : ص 192 ح 1 كلاهما عن أبى أسامه زيد الشحّام نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 242 ح 41.

معانی الأخبار به نقل از ابو بصیر : امام باقر علیه السلام فرمود : «از جمله سخت ترین کارهای بندگان ، سه چیز است : انصاف داشتن ، کمک مالی کردن انسان به برادر خویش ، و به یاد خدا بودن در همه حال» . گفتم : به سلامت باشید! به یاد خدا بودن در همه حال ، به چه معناست ؟ فرمود : «در هنگام رو به رو شدن با گناه و تصمیم به انجام دادن آن ، خدا را به یاد آورد . پس یاد خدا ، میان او و آن گناه ، حائل می شود . این است سخن خداوند عز و جلکه می فرماید : «آنان که پرهیزگاری می کنند ، چون وسوسه ای از شیطان به آنان برسد ، خدا را یاد می کنند و به ناگاه ، بینا می شوند» » .

امام صادق علیه السلام :از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته ، بسیار یاد کردنِ خداست . مقصودم ، «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» نیست ، هر چند این هم یاد خداست . مقصودم ، به یاد آوردن خدا در هنگام مواجه شدن با حلال و حرام اوست ، که اگر فرمان بود ، آن را به کار ببندد و اگر نافرمانی بود ، رهایش کند .

الکافی به نقل از عبد الأعلی بن اَعیَن : برخی از شیعیان ، ما نامه نوشتند و از امام صادق علیه السلام سؤالاتی کردند و به من مأموریت دادند که از ایشان در باره حقّ مسلمان بر برادرش بپرسم . من پرسیدم ؛ امّا ایشان پاسخم را نگفت . چون برای خداحافظی خدمت ایشان رفتم ، گفتم : از شما سؤالی کردم ؛ امّا پاسخم را ندادید ! فرمود : «می ترسم کافر شوید! (1) همانا از سخت ترین وظایفی که خداوند بر عهده خلقش نهاده ، سه چیز است : انصاف داشتن آدمی به طوری که از جانب خود برای برادرش همان چیزی را بپسندد که از جانب او برای خود می پسندد ، و شریک کردن برادرش در مال خود ، و به یاد خدا بودن در همه حال . یاد خدا هم [فقط] گفتنِ «سبحان اللّه و الحمد للّه » نیست ؛ بلکه به این معناست که هنگام مواجه شدن با آنچه خدا بر او حرام کرده است ، به یاد او باشد و آن حرام را وا نهد» .

.

1- .علّامه مجلسی قدس سره می گوید : این که فرمود : «[می ترسم] کافر شوید» ، به قولی ، یعنی بعد از دانستن ، خلاف آن عمل کنید ، و این ،

یکی از معانی کفر است . من می گویم : شاید مراد ، این باشد که : [می ترسم]در حکم یا در باره ما شک کنید ؛ چرا که حقّی بزرگ و دشوار است ، یا به این معناست که [می ترسم] آن را سبُک بشمارید ، و این خود ، از مصادیق کفر است .

الإمام علىّ عليه السلام :لا تَذكُرِ اللّهَ سُبحانَهُ ساهِيا ، ولا تَنسَهُ لاهيا ، وَاذكُرهُ كامِلاً يُوافِقُ فيهِ قَلبُکَ لِسانَکَ ، ويُطابِقُ إضمارُکَ إعلانَکَ ، ولَن تَذكُرَهُ حَقيقَةَ الذِّكرِ حَتّى تَنسى نَفسَکَ فى ذِكرِکَ ، وتَفقِدَها فى أمرِکَ . (1)

3 / 2مَن يُعَدُّ ذاكِراالإمام علىّ عليه السلام :سامِعُ ذِكرِ اللّهِ ذاكِرٌ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :أيُّما مُؤمِنٍ حافَظَ عَلى صَلاهِ الفَريضَهِ فَصَلّاها لِوَقتِها فَلَيسَ هُوَ مِنَ الغافِلينَ ، فَإِن قَرَأَ فيها بِمِئَهِ آيَهٍ فَهُوَ مِنَ الذّاكِرينَ . (3)

3 / 3مَن يُعَدُّ كَثيرَ الذِّكررسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَيقَظَ مِنَ اللَّيلِ وأيقَظَ امرَأَتَهُ فَصَلّيا رَكعَتَينِ جَميعا ، كُتِبا مِنَ الذّاكِرينَ اللّهَ كَثيرا وَالذّاكِراتِ (4) . (5)

.

1- .غررالحكم : ح 10359 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 525 ح 9567.
2- .غرر الحكم : ح 5579 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 283 ح 5092 .
3- .المحاسن : ج 1 ص 123 ح 135 عن زراره ، بحار الأنوار : ج 83 ص 20 ح 34 وج 85 ص 41 ح 28 .
4- .إشاره إلى الآيه 35 من سوره الأحزاب .
5- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 70 ح 1451 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 424 ح 1335 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 452 ح 3561 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 706 ح 4645 كلّها عن أبى سعيد الخدرى وأبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 784 ح 21400 ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 561 عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج 87 ص 158 ح 44 .

3 / 2 کسانی که یاد کننده خدا به شمار می آیند

3 / 3 کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند

امام علی علیه السلام :نه خدای سبحان را با بی توجّهی یاد کن و نه از او غافل شو و [به کلّی]فراموشش کن ؛ بلکه با تمام وجودت او را یاد کن ، آن سان که دلت با زبانت هم نوا باشد و نهانت با آشکارت ، سازگار . تو حقیقتا به یاد خدا نخواهی بود ، مگر آن گاه که خودت را در یادی که می گویی ، از یاد ببری و در وقت ذکر گفتن ، خویشتن را گم کنی [و فانی در مذکور شوی] .

3 / 2کسانی که یاد کننده خدا به شمار می آیندامام علی علیه السلام :شنونده یاد خدا [نیز] یاد کننده خداست .

امام باقر علیه السلام :هر مؤمنی که نماز واجب را پاس بدارد و آن را به وقتش بخواند ، از غافلان نیست و اگر در آن نماز یکصد آیه بخواند ، از یادکنندگان است .

3 / 3کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شب ، بیدار شود و همسرش را هم بیدار کند و هر دو ، دو رکعت نماز بخوانند ، در شمارِ مردان و زنانی نوشته می شوند که بسیار یاد خدا می کنند . (1)

.

1- .اشاره است به آیه 35 از سوره احزاب .

الإمام علىّ عليه السلام :مَن ذَكَرَ اللّهَ عز و جل فِى السِّرِّ فَقَد ذَكَرَ اللّهَ كَثِيرا ، إنَّ المُنافِقينَ كانوا يَذكُرونَ اللّهَ عَلانِيَةً ولا يَذكُرونَهُ فِى السِّرِّ ، فَقالَ اللّهُ عز و جل : «يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَا قَلِيلاً» (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام حِينَ سُئِلَ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (3) ما هذَا الذِّكرُ الكَثيرُ؟ : مَن سَبَّحَ تَسبيحَ فاطِمَةَ عليهاالسلام فَقَد ذَكَرَ اللّهَ الذِّكرَ الكَثيرَ . (4)

عنه عليه السلام :تَسبيحُ فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليهاالسلام مِنَ الذِّكرِ الكَثيرِ الَّذِى قالَ اللّهُ عز و جل : «اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» . (5)

عنه عليه السلام :تَسبيحُ فاطِمَةَ عليهاالسلام مِن ذِكرِ اللّهِ الكَثيرِ الَّذى قالَ اللّهُ عز و جل : «فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ» (6) . (7)

عنه عليه السلام :مَن باتَ عَلى تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلام، كانَ مِنَ الذّاكِرينَ اللّهَ كَثيرا وَالذّاكِراتِ . (8)

تهذيب الأحكام عن ابن بكير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : قَولُ اللّهِ عز و جل : «اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» ماذَا الذِّكرُ الكَثيرُ؟ قالَ : أن يُسَبِّحَ فى دُبُرِ المَكتوبَهِ ثَلاثينَ مَرَّةً . (9)

.

1- .النساء : 142 .
2- .الكافى : ج 2 ص 501 ح 2 ، الدعوات : ص 20 ح 14 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 160 ح 41 .
3- .الأحزاب : 41 .
4- .معانى الأخبار : ص 193 ح 5 عن محمّد بن مسلم ، المقنعه : ص 140 وفيه «من سبّح فى عقب كلّ فريضه تسبيح الزهراء فاطمه صلوات اللّه عليها...» ، مجمع البيان : ج 8 ص 568 عن زراره وحمران ابنى أعين ، بحار الأنوار : ج 85 ص 331 ح 8 وص 335 ح 22 .
5- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 4 عن زراره بن أعين ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 454 ح 15 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام .

6- .البقره : 152.
7- .معانى الأخبار : ص 194 ح 5 عن محمّد بن مسلم ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 67 ح 122 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 155 ح 19 .
8- .مجمع البيان : ج 8 ص 561 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 176 وج 85 ص 335 ح 22 وج 87 ص 174 .
9- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 107 ح 405 ، قرب الإسناد : ص 169 ح 621 وفيه «ما أدنى» بدل «ماذا» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 24 ح 25 .

امام علی علیه السلام :هر که خداوند عز و جل را در نهانْ یاد کند ، خدا را بسیار یاد کرده است . منافقان ، خداوند را در آشکار ، یاد می کردند ؛ امّا در نهان ، یادش نمی کردند . پس خداوند عز و جل فرمود : «و با مردم ، ریا می کنند و خدای را یاد نمی کنند ، مگر اندکی» .

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که : «یاد بسیار» در این سخن خداوند عز و جل : «خدا را یاد کنید ، یادی بسیار» چیست؟ : کسی که تسبیح فاطمه علیهاالسلامرا بگوید ، خدا را بسیار یاد کرده است .

امام صادق علیه السلام :تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام از جمله همان «یاد بسیار» است که خداوند عز و جلفرموده : «خدا را یاد کنید ، یادی بسیار» .

امام صادق علیه السلام :تسبیح فاطمه علیهاالسلام از جمله یاد بسیار خداست که خداوند عز و جلفرموده : «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» .

امام صادق علیه السلام :هر کس شب در هنگام خوابیدن ، تسبیح فاطمه علیهاالسلام را بگوید ، از شمارِ مردان و زنانی است که بسیار یاد خدا می گویند .

تهذیب الأحکام به نقل از ابن بکیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : مقصود از «یاد بسیار» در این سخن خداوند عز و جل : «خدا را یاد کنید ، یادی بسیار» چیست؟ فرمود : «این که در پایان نماز واجب ، سی مرتبه سبحان اللّه بگوید» .

.

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» : إذا ذَكَرَ العَبدُ رَبَّهُ فِى اليَومِ مِئَةَ مَرَّةٍ ، كانَ ذلِکَ كَثيرا . (1)

راجع : ص 26 (الحثّ على كثره الذكر) .

3 / 4مَن ذِكرُهُ عِبادَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ اللّهِ عز و جل عِبادَهُ ، وذِكرى عِبادَهُ ، وذِكرُ عَلِيٍّ عِبادَهُ ، وذِكرُ الأَئِمَّهِ مِن وُلدِهِ عِبادَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ عَلِيٍّ عِبادَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ الأَنبِياءِ مِن العبادَهِ ، وذِكرُ الصّالِحينَ كَفّارَهُ ، وذِكرُ المَوتِ صَدَقَهُ ، وذِكرُ القَبرِ يُقَرِّبُكُم مِن الجَنَّهِ . (4)

.

1- .النوادر للأشعرى : ص 137 ح 357 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 93 ص 160 ح 38 .
2- .الاختصاص : ص 224 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 36 ص 370 ح 234 وج 94 ص 69 ح 58 .
3- .الفردوس : ج 2 ص 244 ح 3151 ، المناقب لابن المغازلى : ص 206 ح 243 كلاهما عن عائشه ، كنز العمّال : ج 11 ص 601 ح 32894 ؛ مائه منقبه : ص 123 ح 68 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 202 كلاهما عن عائشه ، بحار الأنوار : ج 38 ص 199 .
4- .كنز العمّال : ج 11 ص 477 ح 32247 وج 15 ص 864 ح 43438 كلاهما نقلاً عن الفردوس ، و ص 918 ح 43584 نقلاً عن الديلمى نحوه وكلّها عن معاذ بن جبل ، كشف الخفاء : ج 1 ص 419 ح 1345 .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «خدا را یاد کنید ، یادی بسیار» : هر گاه بنده در روز ، صد مرتبه پروردگارش را یاد کند ، این ، همان [یادِ]بسیار است .

ر . ک : ص 27 (خدا را بسیار یاد کنید) .

3 / 4کسانی که یاد کردن از آنان ، عبادت استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل را یاد کردن ، عبادت است . مرا یاد کردن ، عبادت است . علی را یاد کردن ، عبادت است ، و امامانِ از نسل او را یاد کردن ، عبادت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علی را یاد کردن ، عبادت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کردن از پیامبران ، عبادت است . یاد کردن از نیکان ، عبادت است . یاد کردن از مرگ ، صدقه است ، و یاد کردن از قبر ، شما را به بهشت ، نزدیک می کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :عِندَ ذِكرِ الصّالِحينَ تَنزِلُ (1) الرَّحمَةُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ لِمُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ وأهلِ مِصرَ لَمّا وَلّاهُ عَلَيهِم : يا عِبادَ اللّهِ ! إنِ اتَّقَيتُمُ اللّهَ، وحَفِظتُم نَبِيَّكُم فى أهلِ بَيتِهِ ؛ فَقَد عَبَدتُموهُ بِأفضَلِ ما عُبِدَ ، وذَكَرتُموهُ بِأفضَلِ ما ذُكِرَ ، وشَكَرتُموهُ بِأفضَلِ ما شُكِرَ ، وأخَذتُم بِأفضَلِ الصَّبرِ وَالشُّكرِ ، وَاجتَهَدتُم بِأفضَلِ الاِجتِهادِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :شِيعَتُنَا الرُّحَماءُ بَينَهُم ، الَّذينَ إذا خَلَوا ذَكَرُوا اللّهَ ، (إنَّ ذِكرَنا مِن ذِكرِ اللّهِ) (4) إنّا إذا ذُكِرنا ذُكِرَ اللّهُ ، وإذا ذُكِرَ عَدُوُّنا ذُكِرَ الشَّيطانُ. (5)

عنه عليه السلام لِداوودَ بنِ سِرحانَ :يا داوودُ ، أبلِغ مَوالِيَّ عَنِّى السَّلامَ ، وأنِّى أقُولُ : رَحِمَ اللّهُ عَبداً اجتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذاكَرا أمرَنا ، فَإنَّ ثالِثَهُما مَلَكٌ يَستَغفِرُ لَهُما ، ومَا اجتَمَعَ اثنانِ عَلى ذِكرِنا إلّا باهَى اللّهُ تَعالى بِهِمَا المَلائِكَةَ . فَإذَا اجتَمَعتُم فَاشتَغِلوا بِالذِّكرِ ؛ فَإنَّ فِى اجتِماعِكُم ومُذاكَرَتِكُم إحياءَنا ، وخَيرُ النّاسِ مِن بَعدِنا مَن ذاكَرَ بِأمرِنا ، ودَعا إلى ذِكرِنا . (6)

.

1- .فى بحار الأنوار : «يَنزِل» ، وما أثبتناه من كشف الخفاء .
2- .بحار الأنوار : ج 93 ص 349 ح 15 نقلاً عن مجموعهٍ بخطّ بعض الأفاضل ؛ كشف الخفاء : ج 2 ص 70 ح 1772 .
3- .الأمالى للمفيد : ص 263 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 27 ح 31 كلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، تحف العقول : ص 178 ، بشاره المصطفى : ص 45 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 544 .
4- .ما بين الهلالين لا يوجد فى بحار الأنوار ، و الظاهر زيادته أو كونه نسخه بدل عمّا بعده.
5- .الكافى : ج 2 ص 186 ح 1 عن علىّ بن أبى حمزه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 258 ح 55 .
6- .الأمالى للطوسى : ص 224 ح 390 ، بشاره المصطفى : ص 110 وليس فيه «وما اجتمع اثنان على ذكرنا إلّا باهى اللّه تعالى بهما الملائكه» وكلاهما عن معتّب مولى الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 200 ح 8 وج 74 ص 354 ح 31 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در هنگام یاد کردن از نیکان ، رحمت نازل می شود .

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به محمّد بن ابی بکر و مردم مصر ، آن گاه که او را به حکومت بر ایشان گماشت : ای بندگان خدا ! اگر از خدا پروا دارید و [حقّ و حرمت] خاندان پیامبرتان را نگه دارید ، بی گمان ، خدا را به بهترین وجه بندگی کرده اید و به بهترین وجه ، یادش نموده اید و به بهترین وجه ، سپاسش گفته اید و به برترین مرتبه شکیب و سپاس ، دست یازیده اید و به برترین کار و تلاش پرداخته اید .

امام صادق علیه السلام :شیعیان ما ، با یکدیگر مهربان اند . آنان اند که در خلوت و تنهایی خویش ، خدا را یاد می کنند . یاد کردن از ما ، یاد کردن از خداست . هر گاه از ما یاد شود ، از خدا یاد شده است و هر گاه از دشمن ما یاد شود ، از شیطان ، یاد شده است .

امام صادق علیه السلام به داوود بن سِرحان : ای داوود! سلام مرا به دوستانم برسان و از قول من به آنان بگو : خدا رحمت کناد آن بنده ای را که با دیگری گرد آید و از کار ما سخن بگویند ؛ زیرا که سومینِ آن دو ، فرشته ای است که برایشان آمرزش می طلبد ! هرگز دو نفر با هم گرد نیامدند و از ما یاد نکردند ، مگر آن که خداوند متعال ، به آن دو ، بر فرشتگان ، مباهات کرد . پس هر گاه با هم جمع شدید ، به یاد کردن [از ما]بپردازید ؛ زیرا در گردهمایی و گفتگوی شما ، زنده شدن [یاد و نام و مکتب] ماست . بهترینِ مردمان ، پس از ما ، کسی است که در باره کار ما گفتگو کند و به یاد کردن از ما فرا بخواند .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : أقسامِ الذّكر4 / 1الذِّكرُ بِاللِّسانِ وَالذِّكرُ عِندَ المُصيبَهِ وعِندَ ما حَرَّمَ اللّهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الذِّكرُ ذِكرانِ : ذِكرُ اللّهِ بِاللِّسانِ فَحَسَنٌ ، وذِكرُ اللّهِ عِندَ ما حَرَّمَ عَلَيکَ فَتُمسِکُ نَفسَکَ عَنهُ فَذلِکَ أفضَلُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ ذِكرانِ : ذِكرُ اللّهِ عز و جل عِندَ المُصيبَهِ ، وأفضَلُ مِن ذلِکَ ذِكرُ اللّهِ عِندَ ما حَرَّمَ عَلَيکَ فَيَكونُ حاجِزا . (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : الذِّكرُ ذِكرانِ : أحَدُهُما ذِكرُ اللّهِ وتَحميدُهُ ، فَما أحسَنَهُ وأعظَمَ أجرَهُ ! وَالثّانى ذِكرُ اللّهِ عِندَ ما حَرَّمَ اللّهُ ، وهُوَ أفضَلُ مِنَ الأوَّلِ . (3)

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 249 ح 3172 عن أنس .
2- .الكافى : ج 2 ص 90 ح 11 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 16 ، مشكاه الأنوار : ص 112 ح 258 كلّها عن الأصبغ بن نباته ، تحف العقول : ص 216 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 164 ح 43 .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 347 ح 985 .

فصل چهارم: اقسام یاد خدا4 / 1یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجههپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کردن [از خدا] ، دو گونه است : یاد کردن از خدا با زبان ، که خوب است ؛ و به یاد خدا بودن در هنگام رو به رو شدن با آنچه بر تو حرام کرده است و خویشتنداری از ارتکاب آن ، که این ، برتر است .

امام علی علیه السلام :یاد کردن از خدا ، دو گونه است : یاد خدا کردن در هنگام مصیبت ، و از این برتر ، یاد خدا کردن در هنگام رو به رو شدن با حرام های اوست ؛ زیرا تو را از ارتکاب آنها باز می دارد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : یاد خدا ، دو گونه است : یکی بردن نام خدا و ستودن اوست ، و چه نیکوست این یاد و چه بزرگ است پاداش آن! و دوم ، به یاد خدا بودن در هنگام مواجه شدن با آنچه خدا حرام کرده است ، و این ، برتر از اوّلی است .

.

4 / 2ذِكرٌ خالِصٌ وذِكرٌ صارِفٌمصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمام الصّادِقِ عليه السلام : الذِّكرُ ذِكرانِ : ذِكرٌ خالِصٌ بِمُوافَقَهِ القَلبِ ، وذِكرٌ صارِفٌ (1) يَنفى ذِكرَ غَيرِهِ . كَما قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنّى لاَ اُحصى ثَناءً عَلَيكَ ؛ أنتَ كَما أثنَيتَ عَلى نَفسِكَ . فَرَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَم يَجعَل لِذِكرِهِ مِقدارا عِندَ عِلمِهِ بِحَقيقَهِ سابِقَهِ ذِكرِ اللّهِ عز و جل لَهُ مِن قَبلِ ذِكرِهِ لَهُ ، فَمَن دونَهُ أولى . فَمَن أرادَ أن يَذكُرَ اللّهَ ، فَليَعلَم أنَّهُ ما لَم يَذكُرِ اللّهُ العَبدَ بِالتَّوفيقِ لِذِكرِهِ ، لا يَقدِرُ العَبدُ عَلى ذِكرِهِ . (2)

4 / 3الأَذكارُ السَّبعَهُالخصال عن عبد اللّه بن حامد رفعه إلى بعض الصالحين عليهم السلام :الذِّكرُ مَقسومٌ عَلى سَبعَهِ أعضاءَ : اللِّسانِ ، وَالرُّوحِ ، وَالنَّفسِ ، وَالعَقلِ ، وَالمَعرِفَهِ ، وَالسِّرِّ ، وَالقَلبِ . وكُلٌّ واحِدٍ مِنها يَحتاجُ إلَى الاِستِقامَهِ . فَأَمَّا استِقامَهُ اللِّسانِ فَصِدقُ الإقرارِ ، وَاستِقامَهُ الرّوحِ صِدقُ الاِستِغفارِ ، وَاستِقامَهُ القَلبِ صِدقُ الاِعتِذارِ ، وَاستِقامَهُ العَقلِ صِدقُ الاِعتِبارِ ، وَاستِقامَهُ المَعرِفَهِ صِدقُ الاِفتِخارِ ، وَاستِقامَهُ السِّرِّ السُّرورُ بِعالَمِ الأَسرارِ ، وَاستِقامَهُ القَلبِ صِدقُ اليَقينِ ومَعرِفَهُ الجَبّارِ . فَذِكرُ اللِّسانِ الحَمدُ وَالثَّناءُ ، وذِكرُ النَّفسِ الجَهدُ وَالعَناءُ ، وذِكرُ الرُّوحِ الخَوفُ وَالرَّجاءُ ، وذِكرُ القَلبِ الصِّدقُ وَالصَّفاءُ ، وذِكرُ العَقلِ التَّعظيمُ وَالحَياءُ ، وذِكرُ المَعرِفَهِ التَّسليمُ وَالرِّضاءُ ، وذِكرُ السِّرِّ عَلى رُؤيَهِ اللِّقاءِ (3) . (4)

.

1- .فى الطبعه المعتمده : «وذكرٌ صادقٌ» ، والأصحّ ما أثبتناه كما فى نسخه اُخرى و بحار الأنوار .
2- .مصباح الشريعه : ص 50 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 159 ح 33 .
3- .فى مشكاه الأنوار : «وذِكرُ السِّرِّ الرُّؤيَهُ وَاللِّقاءُ» .
4- .الخصال : ص 404 ، مشكاه الأنوار : ص 113 ح 261 ، روضه الواعظين : ص 427 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 153 ح 14 .

4 / 2 یاد کردن خالص و یاد کردن صارف

4 / 3 هفت گونه یاد کردن

4 / 2یاد کردن خالص و یاد کردن صارفمصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : یاد کردن از خدا ، دو گونه است : یکی یاد کردن خالص که با دل ، سازگار و همراه است ؛ و دیگری یاد کردن صارف (1) که یادِ جز او را از دل می زُداید ، چنان که پیامبر خدا فرمود : «من ، ثنای تو را شمارش نمی توانم کرد . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای» . بنا بر این [حتّی] پیامبر خدا ، برای یاد کردن از خداوند ، حدّی تعیین نکرد ؛ چون به راستی می دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد ، خداوند عز و جل به یاد او بوده و هست . پس دیگران به طریق اولی نمی توانند [برای یاد کردن از خدا ، حدّی تعیین کنند] . پس هر که می خواهد خدای متعال را یاد کند ، باید بداند که اگر خداوندْ توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد ، بنده ، قادر به یاد کردن از او نیست .

4 / 3هفت گونه یاد کردنالخصال به نقل از عبد اللّه بن حامد ، از یکی از اهل بیت علیهم السلام :یاد [خدا] میان هفت عضو ، تقسیم شده است : زبان ، روان ، نفْس (/ تن) ، خِرد ، شناخت ، درون ، و دل . و هر یک از اینها را درستی باید . درستی زبان ، به اقرار راستین است . درستی روان ، به آمرزش خواهی راستین است . درستی نفْس ، (2) به پوزش خواهی راستین است . درستی خِرد ، به پند آموختن راستین است . درستی شناخت ، به افتخار راستین است . درستی درون ، به شاد بودن به جهان نهان هاست ، و درستی دل ، به یقین راستین و شناخت [خدای] جبّار است . پس ، یاد کردن به زبان ، ستایش و تمجید [خدا] است و یاد کردن به نفْس (/ تن) ، کوشش و رنج بردن است و یاد کردن به روان ، بیم و امید است و یاد کردن به دل ، راستی و یک دلی است و یاد کردن به خِرد ، بزرگداشت و شرم [از خدا] است و یاد کردن به شناخت ، گردن نهادن و خرسندی است و یاد کردن به درون ، دیدار [و]ملاقات اوست .

.

1- .در باره ذکر صارف ، ر.ک : ص 21 (پانوشت 2) .

2- .به قرینه ذکر «استقامه القلب» در ادامه متن حدیث ، یا باید این جا «النفس» باشد و در استنساخ ، خطایی رخ داده باشد و یا مراد از «القلب» ، همان نفْس و جان باشد .

4 / 4الذِّكرُ الخَفِيُّالكتاب«وَاذْكُر رَّبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْاصَالِ وَلَا تَکُن مِّنَ الْغَفِلِينَ» . (1)

الحديثالإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :لا يَكتُبُ المَلَکُ إلّا ما سَمِعَ ، وقالَ اللّهُ عز و جل : «وَاذْكُر رَّبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً» فَلا يَعلَمُ ثَوابَ ذلِکَ الذِّكرِ فی نَفسِ الرَّجُلِ غَيرُ اللّهِ عز و جللِعَظَمَتِهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «وَاذْكُر رَّبَّکَ فِی نَفْسِکَ» يَعنی مُستَكينا «وَخِيفَةً» يَعنی خَوفا مِن عَذابِهِ «وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» يَعنی دونَ الجَهرِ مِنَ القِراءَةِ «بِالْغُدُوِّ وَالْاصَالِ» يَعنی بِالغَداةِ وَالعَشِیِّ . (3)

.

1- .الأعراف : 205.
2- .الكافی : ج 2 ص 502 ح 4 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 53 ح 144 وليس فيه «لعظمته» ، عدّه الداعی : ص 244 ، تفسير العيّاشی : ج 2 ص 44 ح 134 وفيه «اسمع نفسه» بدل «سمع» وكلّها عن زراره ، بحار الأنوار : ج 93 ص 159 ح 36 وص 342 ح 11.
3- .تفسير العيّاشی : ج 2 ص 44 ح 135 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 159 ح 37.

4 / 4یاد کردن نهانیقرآن«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با زاری و ترس و بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

حدیثامام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :فرشته ، جز آنچه را می شنود ، نمی نویسد ، و خداوند عز و جلفرموده است : «و پروردگارت را در دل خویش با زاری و ترس ، یاد کن» . پس [اندازه] پاداش این یاد کردن درونیِ آدمی را به خاطر عظمتی که دارد ، کسی جز خداوند عز و جل نمی داند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و پروردگارت را در دل خویش با تضرّع ، یاد کن» یعنی با حال خواری «و ترس» ، یعنی ترس از عذاب او ، «و بی صدای بلند» ، یعنی آهسته تر از قرائت ، «در بامدادان و شامگاهان» ، یعنی در صبح و شب .

.

الكافى عن العلاء بن كامل :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام یَقولُ : «وَاذْكُر رَّبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِیفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» عِندَ المَساءِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحَدهُ لا شَرِیکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، یُحیی ویُمیتُ ، ویُمیتُ ویُحیی ، وهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» . قالَ : قُلتُ : بِیَدِهِ الخَیرُ ! قال : إنَّ بِیَدِهِ الخَیرَ ، ولکِن قُلِ کَما أقولُ لَکَ ، عَشرَ مَرّاتٍ ، و«أعوذُ بِاللّهِ السَّمیعِ العَلیمِ» حینَ تَطلُعُ الشَّمسُ وحینَ تَغرُبُ ، عَشرَ مَرّاتٍ . (1)

الأمالی للطوسی عن أبی ذرّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا أباذَرٍّ ، اُذکُرِ اللّهَ ذِکرا خامِلاً . قُلتُ : یا رَسولَ اللّهِ ، مَا الذِّکرُ الخامِلُ؟ قالَ : الذِّکرُ الخَفِیُّ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :خَیرُ الذِّکرِ الخَفِیُّ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :الذِّکرُ (4) الَّذی لا یَسمَعُهُ الحَفَظَهُ یَزیدُ عَلَی الذِّکرِ الَّذی یَسمَعُهُ الحَفَظَهُ سَبعینَ ضِعفا . (5)

مسند أبی یعلی عن عائشه :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُفَضِّلُ الذِّکرَ الخَفِیَّ الَّذی لا یَسمَعُهُ الحَفَظَهُ سَبعینَ ضِعفا فَیَقولُ : إذا کانَ یَومُ القِیامَهِ وجَمَعَ اللّهُ الخَلائِقَ لِحِسابِهِم ، وجاءَتِ الحَفَظَهُ بِما حَفِظوا وکَتَبوا ، قالَ اللّهُ لَهُم : اُنظُروا هَل بَقِیَ لَهُ مِن شَیءٍ؟ فَیَقولونَ : رَبَّنا ما تَرَکنا شَیئا مِمّا عَلِمناهُ وحَفِظناهُ إلّا وقَد أحصَیناهُ وکَتَبناهُ ! فَیَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی لَهُ : إنَّ لَکَ عِندی خَبئا (6) لا تَعلَمُهُ وأنَا أجزیکَ بِهِ ؛ وهُوَ الذِّکرُ الخَفِیُّ . (7)

.

1- .الکافی : ج 2 ص 527 ح 17 ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 45 ح 136 عن الحسین بن المختار وزاد فیه «من همزات الشیاطین ، وأعوذ بک ربّ أن یحضرون ، إنّ اللّه هو السمیع العلیم ، عشر مرّات» بعد «العلیم» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 261 ح 30.

2- .الأمالی للطوسی : ص 530 ح 1162 ، عدّه الداعی : ص 243 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 56 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 342 ح 11 ؛ الزهد لابن المبارک : ص 50 ح 155 عن ضمره بن حبیب ، کنزالعمّال : ج 1 ص 415 ح 1757.

3- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 364 ح 1477 وص 381 ح 1559 ، مسند أبى يعلى : ج 1 ص 345 ح 727 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 407 ح 552 كلّها عن سعد بن مالک وح 554 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 91 ح 809 كلاهما عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : ج 1 ص 417 ح 1771.
4- .فى الفردوس : «الذكر الخفى الذى ...» .
5- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 407 ح 555 ، الفردوس : ج 2 ص 249 ح 3170 كلاهما عن عائشه ، كنز العمّال : ج 1 ص 414 ح 1750 وص 447 ح 1929.
6- .الخَبْ ءُ : المُدَّخَرُ (المعجم الوسيط : ج 1 ص 213 «خبأ») .
7- .مسند أبى يعلى (طبعه دار الثقافه العربيّه) : ج 8 ص 182 ح 4738.

الکافی به نقل از علاء بن کامل : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید : «در هنگام شب ، «پروردگارت را در دل خویش ، با زاری و ترس و بی صدای بلند ، یاد کن» [و بگو] : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میرانَد ، و می میرانَد و زنده می کند ، و او بر هر چیزی تواناست» . من گفتم : خیر ، در دست اوست . (1) فرمود : «البتّه که خیر ، در دست اوست ؛ امّا چنان که به تو گفتم ، بگو . ده بار [این جملات را بگو] و نیز هنگام طلوع و غروب خورشید ، ده بار [بگو] : به خدای شنوای دانا پناه می برم » .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا فرمود : «ای ابو ذر! خدا را با یاد خامل ، یاد کن» . گفتم : یاد خامل چیست؟ فرمود : «یاد کردن نهانی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین یاد کردن [از خدا] ، یاد کردن نهانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کردن نهانی [از خدا] که [حتّی] فرشتگان نگهبان [انسان] ، آن را نشنوند ، هفتاد بار بهتر از آن یاد کردنی است که فرشتگان نگهبان بشنوند .

مُسنَد أبی یَعلی به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، یاد کردن نهانی را که [حتّی] فرشتگان نگهبان آن را نمی شنوند ، هفتاد بار [بر یاد کردن آشکار از خدا] برتری می داد و می فرمود : «چون روز قیامت شود و خداوند ، خلایق را برای حسابرسی گرد آورد و فرشتگان نگهبان ، آنچه را حفظ کرده اند و نوشته اند ، بیاورند ، خداوند به ایشان می فرماید : ببینید آیا چیزی از [اعمال] او باقی مانده است؟ . آنان می گویند : ای پروردگار ما ! هر آنچه از او داشته ایم و حفظ کرده ایم ، شمارش کرده و نوشته ایم . پس خداوند تبارک و تعالی به او می گوید : تو در نزد من ، اندوخته ای داری که خودت از آن ، بی خبری و برای آن ، پاداشت می دهم ، و آن ، یاد کردن نهانی است » .

.

1- .یعنی : این جمله را بر سخن امام علیه السلام افزودم .

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أولِياءَ اللّهِ سَكَتوا فَكانَ سُكوتُهُم ذِكرا ، ونَظَروا فَكانَ نَظَرُهُم عِبَرةً ، ونَطَقوا فَكانَ نُطقُهُم حِكمَةً . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ المُؤمِنِ : حُزنُهُ فى قَلبِهِ ، وبِشرُهُ فى وَجهِهِ . . . قَلبُهُ بِذِكرِ اللّهِ مَعمورٌ . (2)

راجع : ص 190 (أهمّ مواطن الذكر / عند الخلوه) وص 214 ح 355 360 .

4 / 5الذِّكرُ الجَلِيُّالإمام علىّ عليه السلام :طوبى لِمَن شَغَلَ قَلبَهُ بِالفِكرِ ، ولِسانَهُ بِالذِّكرِ . (3)

عنه عليه السلام :اِشغَلوا أنفُسَكُمِ بِالطّاعَهِ ، وألسِنَتَكُم بِالذِّكرِ ، وقُلوبَكُم بِالرِّضا فيما أحبَبتُم وكَرِهتُم . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 237 ح 25 عن عيسى النهريرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 380 ح 482 عن عيسى النهريرى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : ص 222 ح 615 وفيهما بزياده «فكرا وتكلّموا فكان كلامهم» بعد «سكوتهم» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 288 ح 23 .
2- .ذكره الخواصّ : ص 138 عن ابن عبّاس ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 73 ح 41.
3- .غررالحكم : ح 5942 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 314 ح 5499.
4- .غررالحكم : ح 2498 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 87 ح 2080.

4 / 5 یاد کردن آشکار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اولیای خدا ، سکوت می کنند و سکوتشان یاد [خدا] است ، و می نگرند و نگریستنشان توأم با عبرت آموختن است ، و سخن می گویند و سخنشان حکمت است .

امام علی علیه السلام در توصیف مؤمن : اندوه او در دلش است و شادی او در چهره اش ... . دل او به یاد خدا ، آباد است .

ر . ک : ص 191 (مهم ترین اوقات یاد خدا / در تنهایی) و ص 215 ح 355 . 360

4 / 5یاد کردن آشکارامام علی علیه السلام :خوشا به حال کسی که دلش را به اندیشیدن ، مشغول داشت و زبانش را به یاد خدا .

امام علی علیه السلام :جان های خویش را به طاعت ، مشغول دارید و زبان هایتان را به ذکر و دل هایتان را به رضایت از آنچه خوش دارید و خوش نمی دارید .

.

عنه علیه السلام :لِیَکُن جُلُّ کَلامِکُم ذِکرَ اللّهِ عز و جل . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ألا أدُلُّکُم عَلی أبخَلِ النّاسِ ، وأکسَلِ النّاسِ ، وأسرَقِ النّاسِ . . . . أمّا أکسَلُ النّاسِ : فَعَبدٌ صَحیحٌ فارِغٌ لا یَذکُرُ اللّهَ بِشَفَهٍ ولا بِلِسانٍ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :کانَ فیما وَعَظَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی بِهِ عِیسَی بنَ مَریَمَ علیه السلام : . . . یا عیسی ، أحیِ ذِکری بِلِسانِکَ ، وَلیَکُن وُدّی فی قَلبِکَ . . . . یا عیسی ، اِبکِ عَلی نَفسِکَ فِی الصَّلاهِ ، وَانقُل قَدَمَیکَ إلی مَواضِعِ الصَّلَواتِ ، وأسمِعنی لَذاذَهَ نُطقِکَ بِذِکری ، فَإِنَّ صَنیعی إلَیکَ حَسَنٌ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام مِن دُعائِهِ المَعروفِ بِدُعاءِ کُمَیلٍ : وَاجعَل لِسانی بِذِکرِکَ لَهِجا (4) ، و قَلبی بِحُبِّکَ مُتَیَّما (5) . (6)

الإمام زین العابدین علیه السلام فِی الدُّعاءِ : وأنطِق بِحَمدِکَ وشُکرِکَ وذِکرِکَ وحُسنِ الثَّناءِ عَلَیکَ لِسانی . (7)

.

1- .الخصال : ص 620 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تحف العقول : ص 110 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 99 ح 1.
2- .عدّه الداعی : ص 34 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 237 ، إرشاد القلوب : ص 80 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39.
3- .الأمالی للصدوق : ص 607 ح 841 عن أبی بصیر ، الکافی : ج 8 ص 132 ح 103 عن علیّ بن أسباط عنهم علیهم السلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 138 ، تحف العقول : ص 497 وفیها «الخلوات» بدل «الصلاه» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 290 ح 14.
4- .لَهِج بالشیء : إذا وَلِع به (النهایه : ج 4 ص 281 «لهج») .
5- .متیَّم : أی معبَّد مذلَّل. وتیّمه الحبُّ : إذا استولی علیه (النهایه : ج 1 ص 203 «تیم») .

6- .مصباح المتهجّد : ص 850 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 337 كلاهما عن كميل ، المصباح للكفعمى : ص 743 ، البلد الأمين : ص 191 .
7- .الصحيفه السجّاديّه : ص 98 الدعاء 23.

امام علی علیه السلام :باید بیشترین گفتار شما ، یاد خداوند عز و جل باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا بخیل ترین و تنبل ترین و دزدترینِ مردم را به شما نشناسانم؟ ... تنبل ترینِ مردم ، آن بنده تن درست و بیکاری است که با لب و زبان ، ذکر خدا نگوید .

امام صادق علیه السلام :از جمله اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که : « ... ای عیسی! یاد مرا با زبانت ، زنده بدار و محبّتم را در دلت بدار ... . ای عیسی! در نماز ، بر حال خویشتن ، گریه کن و به سوی جایگاه های نماز ، گام بردار و لذّت زبان گشودنت به یاد مرا به من بشنوان ؛ چرا که من با تو نیکی کرده ام» .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان معروف به «دعای کمیل» : زبانم را پیوسته به یاد خودت ، گویا کن و دلم را اسیر محبّتت گردان .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : زبانم را به ستایش و سپاس و یاد و ثناگویی شایسته ات ، گویا کن .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلِ اليَقينَ فى قَلبى ، وَالنّورَ فى بَصَرى ، وَالنَّصيحَةَ فى صَدرى ، وذِكرَکَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عَلى لِسانى . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ اجعَلِ النّورَ فى بَصَرى ، وَالبَصيرَةَ فى دينى ، وَاليَقينَ فى قَلبى ، وَالإِخلاصَ فى عَمَلى ، وَالسَّعَةَ فى رِزقى ، وذِكرَکَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عَلى لِسانى ، وَالشُّكرَ لَکَ أبَدا ما أبقَيتَنى . (2)

راجع : ص 42 (الحثّ على ذكر اللّه فى كلّ حال) .

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 75 ح 233 ، المقنعه : ص 176 ، مصباح المتهجّد : ص 547 ح 637 ، الإقبال : ج 1 ص 101 ، المصباح للكفعمى : ص 752 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 374 ح 1.
2- .فلاح السائل : ص 251 ح 153 عن وهب بن عبد ربّه ، جمال الأُسبوع : ص 136 عن أبى بصير ، الإقبال : ج 2 ص 230 ، العُدد القويّه : ص 322 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 287 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 6 ح 6.

ص: 133

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و در دلم یقین ، و در دیده ام روشنایی ، و در سینه ام خلوص قرار بده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا ساز .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! در نگاهم روشنایی ، و در دینم بینش ، و در دلم یقین ، و در کردارم اخلاص ، و در روزی ام گشایش قرار ده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا گردان و همواره تا زنده ام ، مرا سپاس گزار خودت بدار .

ر . ک : ص 43 (ترغیب به یاد خدا در همه احوال) .

.

الفَصلُ الخامِس : أسباب الذّكر5 / 1المَعرِفَهُالإمام علىّ عليه السلام :سَهَرُ العُيونِ بِذِكرِ اللّهِ خُلصانُ العارِفينَ ، وحُلوانُ المُقَرَّبينَ . (1)

إرشاد القلوب :كانَ مِمّا ناجى بِهِ البارى تَعالى داوودَ عليه السلام : ... يا داوودُ ، إنَّ العارِفينَ كَحَلوا أعيُنَهُم بِمروَدِ (2) السَّهَرِ، وقاموا لَيلَهُم يَسهَرونَ يَطلُبونَ بِذلِکَ مَرضاتى. (3)

5 / 2المَحَبَّهُالإمام علىّ عليه السلام :مَن أحَبَّ شَيئا لَهِجَ بِذِكرِهِ . (4)

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : حُبُّ اللّهِ إذا أضاءَ عَلى سِرِّ عَبدٍ أخلاهُ عَن كُلِّ شاغِلٍ ، وكُلُّ ذِكرٍ سِوَى اللّهِ تَعالى ظُلمَهٌ . (5)

.

1- .غرر الحكم : ح 5612 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 286 ح 5163 وفيه «ودأب» بدل «وحلوان» .
2- .المِرْوَد : المِيل الّذى يُكتحل به (تاج العروس : ج 4 ص 466 «رود») .
3- .إرشاد القلوب : ص 86 .
4- .غررالحكم : ح 7851 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 453 ح 8118.
5- .مصباح الشريعه : ص 521 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 23 ح 23.

فصل پنجم: عوامل یاد خدا

5 / 1 شناخت

5 / 2 دوست داشتن

فصل پنجم: عوامل یاد خدا5 / 1شناختامام علی علیه السلام :شب زنده داری با یاد خدا ، یار دمساز عارفان و شیرینی مقرّبان است .

إرشاد القلوب :از جمله نجواهای آفریدگار بزرگ با داوود علیه السلام این بود که : «... ای داوود! عارفان ، چشمان خود را با میلِ شب زنده داری ، سرمه می کشند و شب هایشان را نمی خوابند و با این کار ، خشنودی مرا می طلبند» .

5 / 2دوست داشتنامام علی علیه السلام :هر که چیزی را دوست بدارد ، نام آن ، همواره وِرد زبانش می شود .

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : عشق به خدا ، هر گاه درون بنده ای را روشن گردانَد ، او را از هر هوسی تهی می کند . هر یادی جز یاد خداوند بزرگ ، تاریکی است .

.

5 / 3الإلهامُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن يَومٍ ولا لَيلَةٍ ولا ساعَةٍ إلّا وللّهِ فيهِ صَدَقَةٌ يَمُنُّ بِها عَلى مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ ، وما مَنَّ اللّهُ تَعالى عَلى عِبادِهِ بِمِثلِ أن يُلهِمَهُم ذِكرَهُ . (1)

2 الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ لَيسَ مِن مَراسِمِ اللِّسانِ ، ولا مِن مَناسِمِ الفِكرِ ، ولكِنَّهُ أوَّلٌ مِنَ المَذكورِ ، وثانٍ مِنَ الذّاكِرِ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أتَقَرَّبُ إلَيكَ بِذِكرِكَ ، وأستَشفِعُ بِكَ إلى نَفسِكَ ، وأسَأَلُكَ بِجودِكَ أن تُدنِيَنى مِن قُربِكَ ، وأن تُوزِعَنى شُكرَكَ ، وأن تُلهِمَنى ذِكرَكَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إلهى ، وألهِمنى وَلَها بِذِكرِكَ إلى ذِكرِكَ . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام فِى المُناجاهِ الإنجيلِيَّهِ : سَيِّدى ، قَد ذَكَرتُكَ بِالذِّكرِ الَّذى ألهَمتَنيهِ . (5)

عنه عليه السلام :إلهى ، فَاجعَلنا مِمَّن . . . ألهَمتَهُ ذِكرَكَ ، وأوزَعتَهُ شُكرَكَ . (6)

.

1- .تفسير القرطبى : ج 9 ص 347 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 363 نقلاً عن ابن أبى الدنيا ، كنز العمّال : ج 7 ص 808 ح 21510 نقلاً عن البزّار وكلّها عن أبى ذرّ وص 809 ح 21511 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء.
2- .غررالحكم : ح 2091.
3- .مصباح المتهجّد : ص 845 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 332 كلاهما عن كميل ، المصباح للكفعمى : ص 738 ، البلد الأمين : ص 188.
4- .الإقبال : ج 3 ص 298 عن ابن خالويه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 98 ح 13 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
5- .بحار الأنوار : ج 94 ص 167 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 148 ح 21 نقلاً عن بعض الكتب.

5 / 3الهامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ روز و شبی و ساعتی نیست ، مگر این که خداوند در آن ، صدقه ای دارد و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد ، عطا می کند و خداوند متعال به بندگانش ، چیزی چونان الهام کردن یادش عطا نکرده است .

امام علی علیه السلام :خدا را یاد کردن ، نه از آداب زبان است و نه از راه های اندیشه ؛ بلکه نخست از یاد شونده (خدا) است و سپس از یاد کننده . (1)

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! با یاد تو ، به درگاه تو تقرّب می جویم و تو را شفیع خویش در پیشگاهت قرار می دهم و به بخشندگی ات ، از تو می خواهم که مرا به مقام قُربَت نزدیک گردانی و سپاس گزاری از خودت را در دلم افکنی و یاد خودت را به من الهام فرمایی .

امام علی علیه السلام :معبودا ! شیفتگی یاد پیاپی خودت را در دلم افکن .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجیلیه» : آقای من ! با یادی که تو آن را به من الهام فرمودی ، یاد تو کردم .

امام زین العابدین علیه السلام :معبودا ! ما را از کسانی قرار ده ... که یادت را به آنان الهام فرمودی و سپاس گزاری از خودت را در دل آنان افکندی .

.

1- .یعنی این ، خداوند متعال است که به بنده توفیق می دهد و اسباب یاد خود را برای بنده فراهم می آورد . پس ذکر ، در مرتبه اوّل ، از جانب خود خداست و سپس از بنده که به آن می پردازد و بر زبانش می آورد .

عنه علیه السلام فی مُناجاهِ الذّاکِرینَ : إلهی ، فَأَلهمنا ذِکرَکَ فِی الخَلأِ (1) وَالمَلأِ ، وَاللَّیلِ وَالنَّهارِ ، وَالإِعلانِ وَالإِسرارِ ، وفِی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ . (2)

عنه علیه السلام فی مُناجاهِ العارِفینَ : إلهی ، ما أَلَذَّ خَواطِرَ الإِلهامِ بِذِکرِکَ عَلَی القُلوبِ ! (3)

عنه علیه السلام فی زِیارَهِ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام المَعروفَهِ بِزِیارَهِ أمینِ اللّهِ : اللّهُمَّ فَاجعَل نَفسی مُطمَئِنَّهً بِقَدَرِکَ ، راضِیَهً بِقَضائِکَ ، مولَعَهً بِذِکرِکَ ودُعائِکَ . (4)

5 / 4ذِکرُ القَبرِسعد السعود :مِن زَبورِ داوودَ علیه السلام . . . : لَو تَفَکَّرتُم فی خُشوعِهِ الثَّری (5) ، ووَحشَهِ القَبرِ وظُلمَتِهِ ، لَقَلَّ کَلامُکُم ، وکَثُرَ ذِکرُکُم وَاشتِغالُکُم لی . (6)

5 / 5العَمَلُ بِمَرضاهِ اللّهِالإمام علیّ علیه السلام فی ذِکرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل : . . . مَن عَمِلَ بِرِضائی أُلزِمُهُ ثَلاثَ خِصالٍ : أُعَرِّفُهُ شُکرا لا یُخالِطُهُ الجَهلُ ، وذِکرا لا یُخالِطُهُ النِّسیانُ ، ومَحَبَّهً لا یُؤثِرُ عَلی مَحَبَّتی مَحَبَّهَ المَخلوقینَ . (7)

.

1- .کذا ، والمنصوص علیه فی اللغه : «الخَلاء».
2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 151 ح 21 نقلاً عن بعض الکتب.
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 151 ح 21 نقلاً عن بعض الکتب.
4- .کامل الزیارات : ص 92 ح 93 عن أبی علی مهدی بن صدقه الرقّی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، مصباح المتهجّد : ص 738 ح 829 ، الإقبال : ج 2 ص 273 ، المزار للشهید الأوّل : ص 115 والثلاثه الأخیره عن جابر الجعفی ، المصباح للکفعمی : ص 639 والأربعه الأخیره عن الإمام الباقر عنه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 264 ح 2.
5- .فی المصدر : «خسوفه الثری» ، والتصویب من بحار الأنوار.
6- .سعد السعود : ص 47 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 44 .
7- .إرشاد القلوب : ص 204 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 28 ح 6.

5 / 4 به یاد آوردن قبر

5 / 5 کار کردن برای خشنودی خدا

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات ذاکران» : معبودا ! یاد خودت را در تنهایی و در میان جمع ، و در شب و روز ، و در آشکار و نهان ، و در آسایش و سختی به ما الهام فرما .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات عارفان» : معبودا ! چه لذّتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل ها !

امام زین العابدین علیه السلام در زیارت امیر مؤمنان علیه السلام ، معروف به «زیارت امین اللّه » : بار خدایا ! جان مرا به تقدیرت مطمئن ، به قضایت خرسند ، و به یاد و مناجاتت آزمند گردان .

5 / 4به یاد آوردن قبرسعد السعود :از زبور داوود علیه السلام ... است که : «اگر در باره درشتی خاک [گور] و تنهایی و تاریکی قبر می اندیشیدید ، بی گمان ، کمتر سخن می گفتید و بیشتر مرا یاد می کردید و به من سرگرم می شدید» .

5 / 5کار کردن برای خشنودی خداامام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : « ... هر کس برای خشنودی من کار کند ، سه ویژگی را به او می دهم : شُکری را به او می شناسانم که جهل با آن آمیخته نباشد ، یادی را به او می شناسانم که فراموشی با آن نباشد ، و محبّتی را به او می شناسانم که هیچ گاه محبّت به مخلوق را بر محبّت من برنگزیند» .

.

5 / 6تِلکَ الخِصالُالإمام علیّ علیه السلام فی ذِکرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَیلَةَ المِعراجِ فَقالَ : . . . إلهی کَیفَ أزهَدُ فِی الدُّنیا؟ فَقالَ : خُذ مِنَ الدُّنیا حَفنا (1) مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَاللِّباسِ، ولا تَدَّخِر لِغَدٍ ، ودُم عَلی ذِکری . فَقالَ : یا رَبِّ کَیفَ أدومُ عَلی ذِکرِکَ؟ فَقالَ : بِالخَلوَهِ عَنِ النّاسِ ، وبُغضِکَ الحُلوَ وَالحامِضَ ، وفَراغِ بَطنِکَ وبَیتِکَ مِنَ الدُّنیا . (2)

.

1- .حَفَنتُ لفلانٍ حَفنَةً : أعطیتُه قلیلاً (الصحاح : ج 5 ص 2102 «حفن») .
2- .إرشاد القلوب : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 21 ح 6.

5 / 6چند عامل دیگرامام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : در شب معراج ، پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند سبحان پرسید : ... معبودا ! چگونه به دنیا زهد ورزم؟ فرمود : «از دنیا ، مشتی غذا و آب و لباس برگیر و [چیزی] برای فردا ذخیره مکن و بر یاد من ، مداومت کن» . [پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : پروردگارا ! چگونه بر یاد تو مداومت ورزم؟ فرمود : «با خلوت گزیدن از مردم ، و خوش نداشتن شیرین و ترش ، و تهی داشتن شکم و خانه ات از دنیا» .

.

الفَصلُ السّادِسُ : آفات الذّكر6 / 1وَسوَسَهُ الشَّيطانِالكتاب«اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُوْلَئِکَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَسِرُونَ» . (1)

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَ وَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِى الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَوهِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ» . (2)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :كُلُّ ما ألهى عَن ذِكرِ اللّهِ فَهُوَ مِن إبليسَ . (3)

عنه عليه السلام :كُلُّ ما ألهى عَن ذِكرِ اللّهِ فَهُوَ مِنَ المَيسِرِ . (4)

.

1- .المجادله : 19.
2- .المائده : 91.
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 170.
4- .الأمالى للطوسى : ص 336 ح 681 عن عبد اللّه بن علىّ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 157 ح 2.

فصل ششم: آفت های یاد خدا

6 / 1 وسوسه شیطان

فصل ششم: آفت های یاد خدا6 / 1وسوسه شیطانقرآن«شیطان ، بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است . آنان ، حزب شیطان اند. آگاه باش که حزب شیطان ، همان زیانکاران اند» .

«همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار (بُرد و باخت) ، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز ، باز دارد. پس آیا شما دست بر می دارید؟» .

حدیثامام علی علیه السلام :هر آنچه از یاد خدا غافل گردانَد ، از ابلیس است .

امام علی علیه السلام :هر آنچه از یاد خدا غافل گردانَد ، از بُرد و باخت است .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَا اجتَمَعَ مِن أصحابِنا جَماعَةٌ فى ذِكرِ اللّهِ أو فى شَىءٍ مِن ذِكرِنا ، إلّا بَعَثَ إبليسُ شَيطانا فى عُنُقِهِ شَريطٌ لِيُفَرِّقَ جَماعَتَهُم . (1)

عنه عليه السلام :ما قَعَدَ قَومٌ قَطُّ يَذكُرونَ اللّهَ تَعالى ، إلّا بَعَثَ إلَيهِم إبليسُ شَيطانا يَقطَعُ حَديثَهُم عَلَيهِم . (2)

6 / 2العالِمُ المَفتونُ بِالدُّنياالإمام الكاظم عليه السلام :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى داوودَ عليه السلام : قُل لِعِبادى لا يَجعَلوا بَينى وبَينَهُم عالِما مَفتونا بِالدُّنيا ؛ فَيَصُدَّهُم عَن ذِكرى وعَن طَريقِ مَحَبَّتى ومُناجاتى ، أُولئِکَ قُطّاعُ الطَّريقِ مِن عِبادى ، إنَّ أدنى ما أنَا صانِعٌ بِهِم أن أنزِعَ حَلاوَةَ مَحَبَّتى ومُناجاتى مِن قُلوبِهِم . (3)

6 / 3حُبُّ الدُّنياالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَ لُكُمْ وَ لَا أَوْلَدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْخَسِرُونَ» . (4)

.

1- .شرح الأخبار : ج 3 ص 459 ح 1344 عن علىّ بن حمزه.
2- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 79 عن هشام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 160 ح 40 نقلاً عن الأمالى للطوسى عن هشام بن سالم.
3- .تحف العقول : ص 397 عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 78 ص 312 ح 1.
4- .المنافقون : 9.

ص: 145

6 / 2 عالِم فریفته دنیا

6 / 3 دنیا دوستی

امام صادق علیه السلام :هیچ گاه گروهی از یاران ما برای یاد کردن از خدا یا برای یاد کردن از ما گرد نمی آیند ، مگر آن که ابلیس ، شیطانی شلّاق به گردن را می فرستد تا جمع آنان را بپراکنَد .

امام صادق علیه السلام :هرگز عدّه ای برای یاد کردن از خداوند متعال گرد هم نمی نشینند ، مگر آن که ابلیس ، شیطانی نزد آنان می فرستد تا رشته سخن آنان را قطع کند .

6 / 2عالِم فریفته دنیاامام کاظم علیه السلام :خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود : «به بندگانم بگو که : عالِم فریفته دنیایی را میان من و خود ، قرار ندهند ؛ چرا که آنان را از یاد من و از راه محبّت من و راز و نیاز با من ، باز می دارد . اینان ، راهزنان بندگان من هستند . کمترین کاری که من با ایشان می کنم ، این است که شیرینی محبّتم و راز و نیاز با خودم را از دل هایشان می گیرم» .

6 / 3دنیا دوستیقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! [زنهار] اموال شما و فرزندانتان ، شما را از یاد خدا غافل نگرداند و کسانی که چنین کنند، آنان ، زیانکاران اند» .

.

«فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَا الْحَيَوهَ الدُّنْيَا» . (1)

راجع : سوره ص ، الآيه 32 .

الحديثالإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ وَداعِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام : اللّهُمَّ لا تَشغَلنى فِى الدُّنيا عَن شُكرِ نِعمَتِکَ ، ولا بِإِكثارٍ فيها فَتُلهِيَنى عَجائِبُ بَهجَتِها ، وتَفتِنَنى زَهرَتُها . (2)

6 / 4سوءُ العَمَلِالكتاب«كَلَا بَلْ رَانَ (3) عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ * كَلَا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ» . (4)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :مَن صَدِئَ بِالإِثمِ ، عَشا (5) عَن ذِكرِ اللّهِ عز و جل . (6)

.

1- .النجم : 29.
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 598 ح 3200 ، كامل الزيارات : ص 436 ح 669 كلاهما عن يوسف الكناسى وص 439 ح 670 عن أبى حمزه الثمالى نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 281 ح 1 وراجع تهذيب الأحكام : ج 6 ص 68 ح 19 والمزار للمفيد : ص 129 ومصباح المتهجّد : ص 728 ح 819 والمزار للشهيد الأوّل : ص 138.
3- .أى غلب على قلوبهم كسب الذنوب كما يرين الخمر على عقل السكران ، والرَّيْن : الحجاب الكثيف (مجمع البحرين : ج 2 ص 761 «رين»).
4- .المطفّفين : 14 و 15 .
5- .قال الطريحى : قوله تعالى : «وَ مَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ» (الزخرف : 36): أى يُظلِمُ بَصَرُه عن ذِكر اللّه ، كأنّ عليه غشاوه. يقال : عَشَوتُ إلى النّار : إذا استَدلَلتَ عليها ببصر ضعيف. وقيل : يُعرِضُ عنه (مجمع البحرين : ج 2 ص 1220 «عشا»). وفى بحارالأنوار : «أعشى» .
6- .الخصال : ص 633 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 10 ص 112 .

«پس، از هر که از یاد ما روی بر تافته و جز زندگی دنیا را نخواسته ، روی برتاب» .

ر . ک : ص : آیه 32 .

حدیثامام صادق علیه السلام از دعای ایشان هنگام وداع با قبر امام حسین علیه السلام :بار خدایا ! مرا در دنیا از شکر نعمتت غافل مگردان و نه چندان در دنیا بر نعمتم بیفزای که خرّمی شگفت آن ، مرا سرگرم سازد و زرق و برقش مرا بفریبد .

6 / 4بدی کردارقرآن«نه چنین است ؛ بلکه آنچه مرتکب می شدند ، بر دل هایشان زنگار نشانده است . زهی پندار! آنان در آن روز، از پروردگارشان ، سخت در پرده اند» .

حدیثامام علی علیه السلام :هر که [دلش] از گناهْ زنگار بگیرد ، نسبت به یاد خداوند عز و جلکور می شود .

.

6 / 5طولُ الأَمَلِالإمام علىّ عليه السلام :اِعلَموا أنَّ الأَمَلَ يُسهِى العَقلَ ، ويُنسِى الذِّكرَ . (1)

6 / 6اِتِّباعُ الشَّهوَهِالإمام علىّ عليه السلام :لَيسَ فِى المَعاصى أشَدُّ مِنِ اتِّباعِ الشَّهوَهِ ، فَلا تُطيعوها فَيَشغَلَكُم عَنِ اللّهِ . (2)

6 / 7فُضولُ النَّظَرِالإمام علىّ عليه السلام :لَيسَ فِى البَدَنِ شَىءٌ أقَلُّ شُكرا مِنَ العَينِ ، فَلا تُعطُوها سُؤلَها فَتَشغَلَكُم عَن ذِكرِ اللّهِ عز و جل . (3)

6 / 8الاِشتِغالُ بِذِكرِ النّاسِالإمام علىّ عليه السلام :مَنِ اشتَغَلَ بِذِكرِ النّاسِ ، قَطَعَهُ اللّهُ سُبحانَهُ عَن ذِكرِهِ . (4)

عنه عليه السلام :إذا رَأَيتَ اللّهَ يُؤنِسُکَ بِخَلقِهِ ، ويُوحِشُکَ مِن ذِكرِهِ ، فَقَد أبغَضَکَ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 86 .
2- .غرر الحكم : ح 7520 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 411 ح 6989 وفيه «فيقطعكم» بدل «فيشغلكم».
3- .الخصال : ص 629 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 119 ، غرر الحكم : ح 7519 وفيه «الجوارح» بدل «البدن» ، بحار الأنوار : ج 10 ص 107 ح 1.
4- .غرر الحكم : ح 8234 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7833.
5- .غرر الحكم : ح 4041 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 135 ح 3071.

6 / 5 درازی آرزو

6 / 6 پیروی از هوس

6 / 7 نگاه بیهوده

6 / 8 پرداختن به یاد مردم

6 / 5درازی آرزوامام علی علیه السلام :بدانید که آرزو ، خِرد را غافل می کند و یاد خدا را به فراموشی می سپارد .

6 / 6پیروی از هوسامام علی علیه السلام :در میان گناهان ، [گناهی] بدتر از پیروی کردن از هوس نیست . پس ، آن را فرمان نبرید که شما را از خدا باز می دارد .

6 / 7نگاه بیهودهامام علی علیه السلام :در بدن ، عضوی کم سپاس تر از چشم نیست . پس ، خواهش آن را بر آورده نسازید ؛ چرا که شما را از یاد خدا باز می دارد .

6 / 8پرداختن به یاد مردمامام علی علیه السلام :هر که به یاد مردم بپردازد ، خداوند سبحان ، او را از یاد خودش محروم می سازد .

امام علی علیه السلام :هر گاه دیدی که خداوند ، تو را با خلقش مأنوس و از یاد خودش بیگانه ساخته است ، بی گمان ، تو را دشمن داشته است .

.

6 / 9الخُصومَهُالإمام الصادق عليه السلام :إيّاكُم وَالخُصومَةَ فِى الدِّينِ ؛ فَإِنَّها تَشغَلُ القَلبَ عَن ذِكرِ اللّهِ عز و جل . (1)

6 / 10عَدَمُ العَمَلِ بِالعِلمِعدّه الداعى :أوحَى اللّهُ إلى داوودَ عليه السلام : إنَّ أهوَنَ ما أنَا صانِعٌ بِعَبدٍ غَيرِ عامِلٍ بِعِلمِهِ ، مِن سَبعينَ عُقوبَةً باطِنِيَّةً ؛ أن أُخرِجَ مِن قَلبِهِ حَلاوَةَ ذِكرى . (2)

6 / 11المَلاهيالإمام الصادق عليه السلام :المَلاهِى الَّتى تَصُدُّ عَن ذِكرِ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى مَكروهَةٌ ؛ كَالغِناءِ وضَربِ الأَوتارِ . (3)

6 / 12الجَهلُتحف العقول فى ذِكرِ مَسائِلِ شَمعونَ الرّاهِبِ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : قالَ شَمعونُ : فَأَخبِرنى عَن أعلامِ الجاهِلِ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : . . . لا يُحِبُّ اللّهَ ولا يُراقِبُهُ ، ولا يَستَحيى مِنَ اللّهِ ولا يَذكُرُهُ . (4)

.

1- .الأمالى للصدوق : ص 503 ح 691 ، الكافى : ج 2 ص 301 ح 8 وليس فيه «فى الدين» ، كشف الغمّه : ج 2 ص 398 وليس فيهما «عن ذكر اللّه » وكلّها عن عنبسه العابد ، بحار الأنوار : ج 2 ص 128 ح 6.
2- .عدّه الداعى : ص 69 ، مصباح الشريعه : ص 345 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 2 ص 32 ح 25.
3- .الخصال : ص 610 ح 9 عن الأعمش ، تحف العقول : ص 423 عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه «مكروهه» ، بحار الأنوار : ج 10 ص 229 ح 1.
4- .تحف العقول : ص 18 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 119 ح 11.

6 / 9 ستیزه گری

6 / 10 عمل نکردن به علم

6 / 11 سرگرمی ها

6 / 12 نادانی

6 / 9ستیزه گریامام صادق علیه السلام :از ستیزه گری در دین بپرهیزید ؛ زیرا دل را از یاد خداوند عز و جلباز می دارد .

6 / 10عمل نکردن به علم4988.عنه علیه السلام :عدّه الداعی :خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که : «از میان هفتاد کیفر درونی ، کمترین کاری که با بنده عمل نکننده به علمش می کنم ، این است که شیرینی یادم را از دلش بیرون می برم» .6 / 11سرگرمی ها4987.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :سرگرمی هایی که از یاد خداوند تبارک و تعالی باز می دارند ، ناپسندند ، مانند : آوازه خوانی و تار زدن .6 / 12نادانی4990.الإمام علیّ علیه السلام (فی تَعظیمِ اللّه ِ جَلَّ جَلالُهُ) تحف العقول در بیان پرسش های شمعونِ راهب از پیامبرِ صلی الله علیه و آله : شمعون گفت : مرا از نشانه های نادان ، خبر ده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « ... خدا را دوست ندارد و از او حساب نمی برد و از خدا شرم نمی کند و او را در یاد ندارد» .

.

6 / 13البِطنَهُ وَالغِرَّهُ4991.امام على عليه السلام (در يادكردِ عظمت خداوند عز و جل) الإمام زين العابدين عليه السلام :اِعلَم وَيحَكَ يَابنَ آدَمَ ! إنَّ قَسوَهَ البِطنَهِ (1) ، وكِظَّهَ (2) المِلأهِ ، و سُكرَ الشِّبَعِ ، وغِرَّهَ (3) المُلكِ ، مِمّا يُثَبِّطُ ويُبطِئُ عَنِ العَمَلِ ، ويُنسِى الذِّكرَ . (4) .

1- .البطنه : امتلاء البطن من الطعام (لسان العرب : ج 13 ص 53 «بطن»)
2- .الكِظَّهُ : غمٌّ وغلظهٌ يجدها فى بطنه وامتلاء (لسان العرب : ج 7 ص 457 «كظظ») .
3- .غِرَّه : أى اغترار(النهايه : ج 3 ص 355 «غرر»).
4- .تحف العقول : ص 273 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 129 ح 1.

6 / 13پُرخوری و غرور4994.عنه علیه السلام (فِی المَخلوقاتِ) امام زین العابدین علیه السلام :بدان ای بیچاره آدمیزاد که پُرخوری و سنگینی معده و مستیِ سیری و غرور قدرت ، از عوامل باز دارنده و کند کننده عمل اند و یاد خدا را به فراموشی می سپارند .

.

الفَصلُ السّابِعُ : آداب الذّكر7 / 1الطَّهارَهُالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَوهِ فَاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُواْ وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْجَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُواْ مَاءً فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» . (1)

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقْرَبُواْ الصَّلَوهَ وَأَنتُمْ سُكَرَى حَتَّى تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلَاجُنُبًا إِلَا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُواْ وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْجَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُواْ مَاءً فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا» . (2)

.

1- .المائده : 6.
2- .النساء : 43 . جدير بالذكر أنّ الآيتين تدلّان على وجوب الطهاره فى الصلاه لا فى مطلق الذكر .

7 / 1 پاک بودن

فصل هفتم: آداب یاد خدا7 / 1پاک بودنقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! چون به [عزم] نماز برمی خیزید، صورتتان را و دست هایتان را تا آرنج بشویید و سرهای خودتان را و پاهایتان را تا برآمدگی پیشین ، مسح کنید و اگر جُنُب بودید ، خود را پاک کنید (غسل نمایید) و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنانْ نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید ، پس با خاکی پاک ، تیمّم کنید و از آن ، به صورت و دست هایتان بکشید. خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد ؛ لیکن می خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند ، باشد که سپاس [او] بگزارید» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی ، به نماز ، نزدیک نشوید ، تا زمانی که بدانید چه می گویید ، و [نیز] در حال جنابت مگر این که راهگذر باشید تا این که غسل کنید . و اگر بیمارید ، یا در سفرید ، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد ، یا با زنانْ آمیزش کرده اید و آب نیافته اید، پس بر خاکی پاک ، تیمّم کنید و صورت و دست هایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است» .

.

الحديث5001.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنّى كَرِهتُ أن أذكُرَ اللّهَ عز و جل إلّا عَلى طُهرٍ . (1)7 / 2الخُشوعُالكتاب«أَلَمْ يَأنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ أن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُواْ كَالَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ» . (2)

«وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّبِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِيمِى الصَّلَوهِ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ» . (3)

«وَاذْكُر رَّبَّکَ فِى نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالاصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَفِلِينَ» . (4)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَنًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» . (5)

الحديث5005.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل لِموسى عليه السلام : أكثِر ذِكرى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ، وكُن عِندَ ذِكرى خاشِعا ، وعِندَ بَلائى صابِرا ، وَاطمَئِنَّ عِندَ ذِكرى ، وَاعبُدنى ولا تُشرِک بى شَيئا ، إلىَّ المَصيرُ . (6) .

1- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 5 ح 17 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 272 ح 592 كلاهما عن المهاجر بن قنفذ ، كنزالعمّال : ج 1 ص 426 ح 1834.

2- .الحديد : 16.

3- .الحجّ : 34 و 35. والمخبتين : أى المتواضعين (مفردات ألفاظ القرآن : ص 272 «خبت») .

4- .الأعراف : 205. والأصيل : العشىّ ؛ وهو ما بعد صلاه العصر إلى الغروب ، والجمع : أُصُل وآصال (المصباح المنير : ص 16 «أصل») .

5- .الأنفال : 2.

6- .الكافى : ج 2 ص 497 ح 9 ، عدّه الداعى : ص 234 وفيه صدره إلى «خاشعا» ، بحار الأنوار : ج 13 ص 343 ح 22 وراجع تحف العقول : ص 491.

حدیث5004.امام علی علیه السلام (به هنگام دیدن هلال ماه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من خوش ندارم که خداوند عز و جل را یاد کنم ، مگر آن که باطهارت باشم .7 / 2خشوعقرآن«آیا برای کسانی که ایمان آورده اند ، هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده ، نرم [و فروتن]گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش ، بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار ، بر آنان به درازا کشید و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟» .

«و فروتنان را بشارت ده ؛ همانان که چون خدا یاد شود، دل هایشان خشیت می یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید ، صبر پیشه گان اند و بر پا دارندگان نمازند و از آنچه روزی شان داده ایم ، انفاق می کنند» .

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با تضرّع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

«مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد شود ، دل هایشان می ترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود ، بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگار خود ، توکّل می کنند» .

حدیث5007.امام علی علیه السلام (درباره مخلوقات) امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود : «در شب و روز ، مرا بسیار یاد کن و هنگام یاد کردن از من ، خاشع و در بلایم ، شکیبا باش و به گاه یاد کردن از من ، آرام باش و مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مدار . حرکت ، به سوی من است» .

.

5008.امام على عليه السلام :الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : يا عيسى . . . اِعلَم أنَّ دُنياکَ مُؤَدِّيَتُکَ إلَىَّ ، وأنّى آخِذُکَ بِعِلمى ، فَکُن ذَليلَ النَّفسِ عِندَ ذِکرى ، خاشِعَ القَلبِ حينَ تَذکُرُنى ، يَقظانَ عِندَ نَومِ الغافِلينَ . (1)7 / 3الخُلوصُ5011.امام على عليه السلام (در حكمتى منسوب به ايشان) الإمامِ علىّ عليه السلام :أُذکُروا اللّهَ ذِکرا خالِصا ؛ تَحيَوا بِهِ أفضَلَ الحَياهِ ، وتَسلُکوا بِهِ طَريقَ النَّجاهِ . (2)7 / 4التَّقوى5014.الإمام الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَقبَلُ اللّهُ ذِکرَهُ إلّا مِمَّن اتَّقى وطَهَّرَ قَلبَهُ ، وأکرِمُوا اللّهَ أن يَرى مِنکُم ما نَهاکُم عَنهُ . (3)5015.جامع الأخبار :عنه صلى الله عليه و آله :وَيلٌ لِمَن يُکثِرُ ذِکرَ اللّهِ بِلِسانِهِ ، ويَعصِى اللّهَ فى عَمَلِهِ . (4) .

1- .الكافى : ج 8 ص 131 ح 103.
2- .الكافى : ج 8 ص 17 ح 3 عن محمّد بن إسماعيل الهمدانى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 16.
3- .كنز العمّال : ج 2 ص 243 ح 3931 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه عن معاذ.
4- .الفردوس : ج 4 ص 400 ح 7160 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 16 ص 16 ح 43738.

5016.الإمام علیّ علیه السلام (مِن مُناجاتِهِ فی شَهرِ شَعبانَ) الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام : از جمله اندرزهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : «ای عیسی !... بدان که دنیایت ، تو را به سوی من می کشاند و من با علم خویش ، بر تو احاطه دارم . پس در هنگام یاد کردن از من ، فروتن باش و آن گاه که مرا یاد می کنی ، دلت خاشع باشد و آن گاه که غافلان در خواب [غفلت]اند ، تو بیدار باش» .7 / 3خلوص5015.جامع الأخبار :امام علی علیه السلام :خدا را خالصانه یاد کنید تا بدین وسیله ، به بهترین وجه ، زندگی کنید و راه نجات را بپویید .7 / 4پرهیزگاری5018.الإمام علیّ علیه السلام (مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ نَوفا البِکالِیَّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، ذکر خویش را نمی پذیرد ، مگر از کسی که پرهیزگار و پاک دل باشد . حرمت خدا را نگه دارید و کاری نکنید که از شما آن عملی را ببیند که از آن ، نهیتان کرده است .5019.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وای بر کسی که با زبانش ذکر خدا بسیار بگوید و در عمل ، معصیت او کند !

.

5020.نور البراهين عن كُمَيل (لِعَلِيٍّ عليه السلام) عنه صلى الله عليه و آله :الذّاكِرُ بِلا عَمَلٍ ، كَالرّامى بِلا وَتَرٍ . (1)7 / 5التَّعظيمُ5019.امام على عليه السلام :رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ الغِفارِىِّ : يا أبا ذَرٍّ ، لِيَعظُم جَلالُ اللّهِ فى صَدرِكَ ، فَلا تَذكُرهُ كَما يَذكُرُهُ الجاهِلُ عِندَ الكَلبِ : «اللّهُمَّ أخزِهِ» ، وعِندَ الخِنزِيرِ : «اللّهُمَّ أخزِهِ» . (2)5020.نور البراهين:عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ عَقيبَ كُلِّ رَكعَتينِ مِن نَوافِلِ الزَّوالِ : وَارزُقنِى الرَّهبَةَ مِنكَ ، وَالرَّغبَةَ إلَيكَ ، وَالخُشوعَ لَكَ ، وَالوَقارَ والحَياءَ مِنكَ ، وَالتَّعظيمَ لِذِكرِكَ ، وَالتَّقديسَ لِمَجدِكَ أيّامَ حَياتى ، حَتّى تَتَوَفّانى وأنتَ عَنّى راضٍ . (3)5021.الإمام الصادق عليه السلام :مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إنَّ العَبدَ إذا ذَكَرَ اللّهَ تَعالى بِالتَّعظيمِ خالِصا ؛ ارتَفَعَ كُلُّ حِجابٍ بَينَهُ وبَينَ اللّهِ مِن قَبلِ ذلِكَ . . . وإذا غَفَلَ عَن ذِكرِ اللّهِ ؛ كَيفَ تَراهُ بَعدَ ذلِكَ مَوقوفا مَحجوبا ، قَد قَسا وأظلَمَ مُنذُ فارَقَ نورَ التَّعظيمِ . (4)7 / 6النَّشاطُ5023.الإمام علىّ عليه السلام (مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ نَوفا البِكالِىَّ) الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ صِفّينَ : وأسأَلُكَ أن تَرزُقَنى . . . قُوَّةً فى عِبادَتِكَ ، ونَشاطا لِذِكرِكَ مَا استَعمَرتَنى فى أرضِكَ . (5) .

1- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 79.
2- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 370 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 58 ، أعلام الدين : ص 196 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 82 ح 3.
3- .فلاح السائل : ص 255 ح 154 عن عبد اللّه بن الحسن بن الحسن عن فاطمه بنت الحسن عن أبيها الإمام الحسن بن علىّ عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 42 ح 51 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 65 ح 19.
4- .مصباح الشريعه : ص 22 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 55 ح 25.
5- .مُهَج الدعوات : ص 130 عن محمّد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 239 ح 9.

7 / 5 بزرگداشت

7 / 6 نشاط

5022.الكافى (به نقل از محمّد بن يزيد رفاعى ، بدون ذكر سلسله) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :ذكرگوى بى عمل ، مانند كسى است كه با كمانِ بى چلّه تيراندازى مى كند .7 / 5بزرگداشت5025.الإمام علىّ عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله در سفارش هاى ايشان به ابو ذر غفارى : اى ابوذر! بايد كه شُكوه خداوند در سينه ات بزرگ باشد . او را چنان ياد مكن كه شخص نادان در هنگام ديدن سگ ، ياد مى كند كه : «خدايا! به حسابش برس» يا در هنگام ديدن خوک كه : «خدايا! به حسابش برس» .5024.امام على عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله از دعاى ايشان پس از هر يک از نافله هاى دو ركعتى ظهر : بيم از خودت را ، و اميد به خودت را ، و كُرنش در برابر خودت را ، و آزرم و شرم از خودت را ، و بزرگداشت يادت را ، و مقدّس دانستن مقام با عظمتت را ، در تمام مدّت عمرم ، روزى ام فرما تا آن كه چون جان مرا مى ستانى ، از من راضى باشى .5025.امام على عليه السلام :مصباح الشريعه در حديثى كه به امام صادق عليه السلام نسبت داده شده است : هر گاه بنده ، خداوند متعال را با بزرگى و اخلاص ياد كند ، هر حجابى كه پيش از آن ، ميان او و خدا بوده است ، كنار مى رود ... و هر گاه از ياد خدا غافل شود ، او را چگونه مى بينى ؟ در حبس و حجاب است و بر اثر جدا شدن از نورِ عظمت [خدا] ، سخت و تاريک شده است .7 / 6نشاط5028.الإمام علىّ عليه السلام :امام على عليه السلام از دعاى ايشان در روز صفّين : از تو درخواست مى كنم كه ... نيرومندى در عبادتت و بانشاط بودن در يادت را روزى ام كنى ، تا زمانى كه در زمينت ، زنده ام مى دارى .

.

5029.عنه علیه السلام :الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ یَومَ الأَربِعاءِ : اِجعَل قُوَّتی فی طاعَتِکَ ، ونَشاطی فی عِبادَتِکَ ، ورَغبَتی فی ثَوابِکَ . (1)5026.امام علی علیه السلام (در وصف خدای عز و جل) عنه علیه السلام فِی المُناجاهِ الإنجیلِیَّهِ : أسأَلُکَ مِنَ الشَّهادَهِ أقسَطَها ، ومِنَ العِبادَهِ أنشَطَها . (2)7 / 7نِسیانُ النَّفسِ5029.امام علی علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :لا تَذکُرِ اللّهَ سُبحانَهُ ساهِیا ، ولا تَنسَهُ لاهیا ، وَاذکُرهُ کامِلاً یُوافِقُ فیهِ قَلبُکَ لِسانَکَ ، ویُطابِقُ إضمارُکَ إعلانَکَ ، ولَن تَذکُرَهُ حَقیقَهَ الذِّکرِ حَتّی تَنسی نَفسَکَ فی ذِکرِکَ ، وتَفقِدَها فی أمرِکَ . (3)7 / 8الشَّوقُ إلَی اللِّقاءِ5032.عنه علیه السلام (أیضا) الإمام الرضا علیه السلام :مَن ذَکَرَ اللّهَ وَلم یَشتَق إلی لِقائِهِ ، فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ . (4) .

1- .المصباح للکفعمی : ص 169 ، البلد الأمین : ص 132 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 200 ح 31.
2- .حار الأنوار : ج 94 ص 155 ح 22 نقلاً عن کتاب أنیس العابدین .
3- .غررالحکم : ح 10359 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 525 ح 9567.
4- .تنبیه الخواطر : ج 2 ص 111 ، کنزالفوائد : ج 1 ص 330 عن أیّوب بن نوح وفیه «یستبق» بدل «یشتق» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11.

7 / 7 فراموش کردن خود

7 / 8 شوق داشتن به دیدار

5033.عنه علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز چهارشنبه : نیروی مرا در طاعتت ، و نشاطم را در عبادتت ، و رغبتم را به ثوابت قرار ده .5034.الإمام علیّ علیه السلام (مُخاطِبا اللّه َ عَزَّ وجَلَّ) امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات اِنجیلیّه» : از گواهی دادن ، عادلانه ترین آن را ، و از عبادت ، بانشاط ترینش را از تو درخواست می کنم .7 / 7فراموش کردن خود5032.امام علی علیه السلام (در وصف خدای عز و جل) امام علی علیه السلام :خداوند سبحان را نه با بی توجّهی یاد کن و نه از سرِ غفلت ، فراموشش کن ؛ بلکه او را کامل یاد نما ، آن سان که دلت با زبانت ، هم نوا باشد و نهانت با آشکارت ، سازگار . تو به راستی به یاد خدا نخواهی بود ، مگر آن گاه که خودت را در [هنگام] یاد کردنت [از خدا] ، از یاد ببری و در وقت ذکر گفتن ، خویشتن را گم کنی .7 / 8شوق داشتن به دیدار5035.عنه علیه السلام :امام رضا علیه السلام :کسی که خدا را یاد کند و مشتاق دیدارش نباشد ، در واقع ، خویش را ریشخند کرده است .

.

7 / 9النَّوادِرُ5038.عنه عليه السلام :الدرّ المنثور عن جابر :إنَّ رَجُلاً كانَ يَرفَعُ صَوتَهُ بِالذِّكرِ ، فَقالَ رَجُلٌ : لَو أنَّ هذا خَفَضَ صَوتَهُ !

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : دَعهُ فَإِنَّهُ أوّاهٌ . (1)5039.عنه عليه السلام (مُخاطِبا اللّه َ عَزَّ وجَلَّ) مسند ابن حنبل عن عقبه بن عامر :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قالَ لِرَجُلٍ يُقالُ لَهُ ذُو البِجادَينِ : «إنَّهُ أوّاهٌ» ، وذلِكَ أنَّهُ كانَ رَجُلاً كَثيرَ الذِّكرِ للّهِ عز و جل فِى القُرآنِ ، ويَرفَعُ صَوتَهُ فِى الدُّعاءِ . (2)5035.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مِن صِفاتِ المُؤمِنِ أن يَكونَ جَوّالَ الفِكر ، جَهوَرِيَّ الذِّكرِ (3) . (4)5036.امام على عليه السلام (خطاب به خداى عز و جل) عنه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى داوودَ عليه السلام أن قُل لِلظَّلَمَةِ لا يَذكُرونى ، فَإِنّى أذكُرُ مَن ذَكَرَنى ، وإنَّ ذِكرى إيّاهُم أن ألعَنَهُم . (5)5037.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :طوبى لِمَن أخلَصَ للّهِ العِبادَةَ وَالدُّعاءَ ، ولَم يَشغَل قَلبَهُ بِما تَرى عَيناهُ ، ولَم يَنسَ ذِكرَ اللّهِ بِما تَسمَعُ اُذُناهُ ، ولَم يَحزُن صَدرَهُ بِما اُعطِىَ غَيرُهُ . (6) .

1- .الدرّ المنثور : ج 4 ص 305 نقلاً عن ابن مردويه.
2- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 149 ح 17460.
3- .فى المصدر : «جوهرى الذكر» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار . قال العلّامه المجلسى قدس سره : «جوّال الفكر» أى فكره فى الحركه دائما. «جهوريّ الذكر» فى القاموس : كلام جهوريّ : أى عال ، أى يعلن ذكر اللّه ، أو ذكره عال فى الناس. وفى بعض النسخ : «جوهريّ» وكأنّه كنايه عن خلوص ذكره ونفاسته ، والظاهر أنّه تصحيف(بحار الأنوار : ج 67 ص 313).
4- .التمحيص : ص 74 ح 171 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 310 ح 45.
5- .الفردوس : ج 1 ص 141 ح 498 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 466 ح 9 وج 8 ص 115 ح 9 ، الزهد لابن حنبل : ص 92 ، شُعب الإيمان : ج 6 ص 55 ح 7483 كلّها عن ابن عبّاس وفى الأربعه الأخيره من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 3 ص 502 ح 7615 نقلاً عن ابن عساكر ؛ فلاح السائل : ص 94 ح 30 عن داوود الرقّى عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 437 ح 1231 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 3 كلاهما عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 75 ص 319 ح 42 وراجع عدّه الداعى : ص 129.

6- .الكافى : ج 2 ص 16 ح 3 عن علىّ بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 229 ح 5.

7 / 9گوناگون5040.عنه علیه السلام (فی تَنزیهِ اللّه ِ سُبحانَهُ) الدرّ المنثور به نقل از جابر : مردی با صدای بلند ، ذکر می گفت که مردی گفت : کاش صدایش را پایین بیاورد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «رهایش کن . او نالنده (1) است» .5041.عنه علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از عُقبه بن عامر : پیامبر صلی الله علیه و آله در باره مردی که او را «ذو البِجادین» می گویند ، فرمود : «او نالنده است» ، بِدان سبب که او مردی بود که با خواندن قرآن ، بسیار یاد خداوند عز و جل می نمود و با صدای بلند ، دعا می کرد .5042.عنه علیه السلام (فی تَنزیهِ اللّه ِ سُبحانَهُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از صفات مؤمن ، آن است که اندیشه ای پویا دارد و با صدای بلند ، ذکر می گوید .5043.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که : «به ستمکاران بگو که از من یاد نکنند ؛ زیرا هر که مرا یاد کند ، من نیز او را یاد می کنم ، و یاد کردن من از ستمکاران ، این است که لعنتشان می کنم» .5044.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :خوشا آن که عبادت و دعا را برای خدا خالص گردانَد و دلش را به آنچه چشمانش می بیند ، مشغول نسازد و به خاطر آنچه گوش هایش می شنود ، یاد خدا را به فراموشی نسپارد و به خاطر آنچه به دیگران داده شده است ، سینه اش را اندوهگین نکند !

.

1- .واژه «أوّاه» در عربی ، به معنای : آوخ گوی ، لابه کننده به درگاه خدا ، و بسیار دعاکننده است .

5045.عنه عليه السلام :المصنّف لعبد الرزّاق عن أبى قِلابه :ذُكِرَ عِندَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ ، فَقالَ لَهُ (1) : «فيهِ خيرٌ» ، قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، خَرَجَ مَعَنا حاجّا ، فَإذا نَزَلنا لَم يَزَل يُصَلّى حَتّى نَرتَحِلَ ، وإذَا ارتَحَلنا لَم يَزَل يَقرَأُ ويَذكُرُ حَتّى نَنزِلَ .

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : فَمَن كانَ يَكفيهِ عَلَفَ ناقِتِهِ وصُنعَ طَعامِهِ؟

قالوا : كُلُّنا !

قالَ صلى الله عليه و آله : كُلُّكُم خَيرٌ مِنهُ . (2)5040.امام على عليه السلام (در تنزيه خداى عز و جل) مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : مَن كانَ ذاكِرا للّهِ عَلَى الحَقيقَهِ فَهُوَ مُطيعٌ ، ومَن كانَ غافِلاً عَنهُ فَهُوَ عاصٍ . وَالطّاعَهُ عَلامَهُ الهِدايَهِ ، وَالمَعصِيَهُ عَلامَهُ الضَّلالَهِ ، وأصلُهُما مِنَ الذِّكرِ وَالغَفلَهِ .

فَاجعَل قَلبَکَ قِبلَهً لِلِسانِکَ ، لا تُحَرِّکهُ إلّا بِإشارَهِ القَلبِ ، ومُوافَقَهِ العَقلِ ، ورِضَى الإيمانِ ؛ فَإنَّ اللّهَ عالِمٌ بِسِرِّکَ وجَهرِکَ ، وهُوَ عالِمٌ بِما فِى الصُّدورِ فَضلاً عَن غَيرِهِ .

وكُن كَالنّازِعِ روحَهُ أو كَالواقِفِ فِى العَرضِ الأَكبَرِ ، غَيرَ شاغِلٍ نَفسَکَ عَمّا عَناکَ مِمّا كَلَّفَکَ بِهِ رَبُّکَ ؛ فى أمرِهِ ونَهيِهِ ووَعدِهِ ووَعيدِهِ . وَاغسِل قَلبَکَ بِماءِ الحُزنِ ، ولا تَشغَلها بِدونِ ما كَلَّفَکَ .

وَاجعَل ذِكرَ اللّهِ مِن أجلِ ذِكرِهِ لَکَ ؛ فَإنَّهُ ذَكَرَک وهُوَ غَنِىٌّ عَنکَ، فَذِكرُهُ لَکَ أجَلُّ وأشهى وأتَمُّ مِن ذِكرِکَ لَهُ وأسبَقُ .

ومَعرِفَتُکَ بِذِكرِهِ لَکَ يورِثُکَ الخُضوعَ، وَالاِستِحياءَ، وَالاِنكِسارَ ، ويَتَوَلَّدُ مِن ذلِکَ رُؤيَهُ كَرَمِهِ وفَضلِهِ السّابِقِ ، وتَخلُصُ لِوَجهِهِ ، وتَصغُرُ عِندَ ذلِکَ طاعاتُکَ وإن كَثُرَت فى جَنبِ مِنَنِهِ .

ورُؤيَتُکَ ذِكرَکَ لَهُ تورِثُکَ الرِّياءَ، وَالعُجبَ، وَالسَّفَهَ، وَالغِلظَهَ فى خَلقِهِ ، وَاستِكثارَ الطّاعَهِ ، ونِسيانَ كَرَمِهِ وفَضلِهِ ، ولا يَزدادُ بذلِکَ مِنَ اللّهِ إلّا بُعدا ، ولا يَستَجلِبُ بِهِ عَلى مُضِىِّ الأيّامِ إلّا وَحشَهً .

وَالذِّكرُ ذِكرانِ ؛ ذِكرٌ خالِصٌ بِمُوافَقَهِ القَلبِ ، وذِكرٌ صارِفٌ (3) يَنفى ذِكرَ غَيرِهِ ، كَما قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنّى لا اُحصى ثَناءً عَلَيكَ ؛ أنتَ كَما أثنَيتَ عَلى نَفسِكَ .

فَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَم يَجعَل لِذِكرِهِ مِقدارا عِندَ عِلمِهِ بِحَقيقَهِ سابِقَهِ ذِكرِ اللّهِ عز و جل لَهُ مِن قَبلِ ذِكرِهِ لَهُ ، فَمَن دونَهُ أولى.

فَمَن أرادَ أن يَذكُرَ اللّهَ ، فَليَعلَم أنَّهُ ما لَم يَذكُرِ اللّهُ العَبدَ بِالتَّوفيقِ لِذِكرِهِ ، لا يَقدِرُ العَبدُ عَلى ذِكرِهِ . (4) .

1- .فى مكارم الأخلاق : «فقيل له» بدل «فقال له» ، والظاهر أنّه الصواب.
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 244 ح 20442 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 564 ح 1955 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 274 ح 28.
3- .فى الطبعه المعتمده : «وذِكرٌ صادِقٌ» ، والأصحّ ما أثبتناه كما فى نسخه اُخرى وبحار الأنوار .
4- .مصباح الشريعه : ص 43 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 158 ح 33.

5041.امام علی علیه السلام :المصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از ابو قِلابه : نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی سخن به میان آمد و گفته شد : او مردی نیک است . [سپس] گفته شد : ای پیامبر خدا ! یک بار ، او با ما ره سپار حج شد و هر گاه در جایی فرود می آمدیم ، او پیوسته نماز می خواند تا کوچ می کردیم . در راه نیز پیوسته قرآن می خواند و ذکر می گفت تا باز در منزلی فرود می آمدیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس ، چه کسی شترش را علف می داد و برای خود او غذا تهیّه می کرد ؟» .

گفتند : همه ما .

فرمود : «همه شما از او نیک ترید» .5042.امام علی علیه السلام (در تنزیه خدای عز و جل) مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : کسی که حقیقتا به یاد خداوند باشد ، فرمان بُردار خداست و کسی که از خدا غافل باشد ، نافرمان است . فرمان بُرداری ، نشانه ره یافتگی است و نافرمانی ، نشانه گم راهی ، و ریشه این هر دو ، یاد [خدا] و غفلت [از او] است .

پس ، دلت را قبله زبانت قرار ده و آن را جز با اشارت دل و موافقت خِرد و رِضایت ایمان ، مَجُنبان ؛ چرا که خداوند ، به نهان و آشکار تو داناست و به آنچه در سینه هاست ، آگاه است ، چه رسد به آنچه در غیر سینه هاست [و از اعمال ظاهر است] .

و همانند کسی باش که در حال جان کندن است ، یا همانند کسی که در صحنه بزرگ [قیامت برای حسابرسی]ایستاده است ، و خویشتن را از وظیفه ای که پروردگارت بر عهده تو نهاده است (یعنی امر و نهی و وعده و تهدیدش) ، غافل مدار و دلت را با آبِ اندوه بشوی و آن را به غیر تکلیفی که بر تو نهاده است ، مشغول مدار .

به یاد خدا باش ، از آن روی که او به یاد توست . او تو را یاد می کند ، با آن که بی نیاز از توست . پس ، یاد کردن او از تو ، ارزشمندتر و خواستنی تر و کامل تر و پیش تر از یاد کردن تو از اوست .

آگاهی تو از این که او به یاد توست ، موجب فروتنی و شرمداری و شکسته نفسی تو می شود ، و از این [آگاهی] ، مشاهده کَرَم او و لطف ازلی اش زاده می شود و [در این صورت ،] برای او خالص می شوی و طاعاتت ، هر چند بسیار باشند ، در برابر نعمت ها و الطاف او به نظرت خُرد می آیند .

و این که به یادِ او بودَنَت را در نظر آوری ، موجب ریا و خودپسندی و گستاخی و درشتی با خلق او و بسیار دیدن طاعت و فراموش کردن لطف و کَرَم او می شود و اینها ، جز بر دور شدن از خداوند نمی افزاید و با گذشت ایّام ، جز تنهایی [و جدا شدن مردم از او را] به بار نمی آورد .

یاد خدا ، دو گونه است : یکی یاد خالص که با دل ، سازگار است ؛ و یاد صارِف که یاد جز او را از دل می زداید ، چنان که پیامبر خدا فرمود : «من ، ثنای تو را شمارش نمی توانم کرد . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای» .

پس ، پیامبر خدا برای یاد خدا ، اندازه ای قرار نداد ؛ چون به راستی می دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد ، خداوند عز و جل به یاد اوست . پس ، دیگران ، حتماً نمی توانند [برای یاد خدا اندازه ای تعیین کنند] .

بنا بر این ، هر که می خواهد خدای متعال را یاد کند ، باید بداند که اگر خداوند ، توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد ، بنده ، قادر به یاد کردن از او نیست . .

ص: 168

..

ص: 169

..

الفَصلُ الثّامِنُ : أهمّ مواطن الذّكر8 / 1الغَداةُ وَالعَشِيُّالكتاب«وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوهِ وَ الْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاکَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَهَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطاً» . (1)

«وَاذْكُر رَّبَّکَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِىِّ وَالْاءِبْكَرِ» . (2)

«وَاذْكُر رَّبَّکَ فِى نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِيفَهً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْاصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَفِلِينَ» . (3)

«وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَلُهُم بِالْغُدُوِّ وَ الْاصَالِ» . (4)

.

1- .الكهف : 28.
2- .آل عمران : 41.
3- .الأعراف : 205.
4- .الرعد : 15.

8 / 1 بامدادان و شامگاهان

فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا8 / 1بامدادان و شامگاهانقرآن«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آنان بر مگیر که زیور زندگی دنیا را بجویی ، و از آن کس که قلبش را از یاد خود ، غافل ساخته ایم و از هوس خود ، پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است، اطاعت مکن» .

«و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان ، [او را] تسبیح گوی» .

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با تضرّع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» .

«و هر که در آسمان ها و زمین است ، خواه و ناخواه ، و [نیز] سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند» .

.

الحديث5052.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : يَابنَ آدَمَ ، اُذكُرنى بَعدَ الفَجرِ ساعَةً ، وَاذكُرنى بَعدَ العَصرِ ساعَةً ، أكفِكَ ما أهَمَّكَ . (1)5053.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَأَن أذكُرَ اللّهَ مَعَ قَومٍ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ إلى طُلوعِ الشَّمسِ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الدُّنيا وما فيها . ولَأَن أذكُرَ اللّهَ مَعَ قَومٍ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ إلى أن تَغيبَ الشَّمسُ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الدُّنيا وما فيها . (2)5054.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَأَن أجلِسَ مَعَ قَومٍ يَذكُرونَ اللّهَ بَعدَ صَلاهِ الصُّبحِ إلى أن تَطلُعَ الشَّمسُ أحَبُّ إلَىَّ مِمّا طَلَعَت عَلَيهِ الشَّمسُ . (3)5055.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ اللّهِ ما بَينَ طُلوعِ الفَجرِ إلى طُلوعِ الشَّمسِ ، أبلَغُ فى طَلَبِ الرِّزقِ مِنَ الضَّربِ فِى الأَرضِ . (4)5056.عنه عليه السلام :كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ إبليسَ إنَّما يَبُثُّ جُنودَ اللَّيلِ مِن حينِ تَغيبُ الشَّمسُ إلى مَغيبِ الشَّفَقِ ، ويَبُثُّ جُنودَ النَّهارِ مِن حينِ يَطلُعُ الفَجرُ إلى مَطلَعِ الشَّمسِ .

وذَكَرَ أنَّ نَبِىَّ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ :

أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جل فى هاتَينِ السّاعَتَينِ ، وتَعَوَّذوا بِاللّهِ عز و جل مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ ، وعَوِّذوا صِغارَكُم فى هاتَينِ السّاعَتَينِ ، فَإِنَّهُما ساعَتا غَفلَةٍ . (5) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 138 ح 536 ، ثواب الأعمال : ص 69 ح 3 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 329 ح 965 ، الأمالى للصدوق : ص 398 ح 514 عن وهب بن وهب القاضى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفى الثلاثه الأخيره «الغداه» بدل «الفجر» ، بحار الأنوار : ج 85 ص 319 ح 3 ؛ الجامع الصغير : ج 2 ص 244 ح 6055 نقلاً عن أبى نعيم فى الحليه عن أبى هريره نحوه.
2- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 409 ح 559 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 421 ح 1799.
3- .السنن الكبرى : ج 8 ص 68 ح 15960 وص 139 ح 16180 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 153 ح 4111 ، مسند الطيالسى : ص 281 ح 2104 ،

الفقيه والمتفقّه : ج 1 ص 11 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 148 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 153 ح 3551 نقلاً عن شُعب الإيمان وكلّها عن أنس نحوه.
4- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 79 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 240 ح 119 عن الحسين بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بعد طلوع الفجر» بدل «ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 73 ح 2179 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 129 ح 2.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 501 ح 1440 ، الكافى : ج 2 ص 522 ح 2 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 73 ح 2180 ، عدّه الداعى : ص 242 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 245 ح 2.

حدیث5058.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود : «ای پسر آدم! پاسی پس از سپیده دم ، مرا ذکر گوی و پاسی پس از عصر ، مرا ذکر گوی تا خواسته های تو را برآورده سازم» .5059.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این که خدای را به همراه عدّه ای ، پس از نماز صبح تا بر آمدن آفتابْ یاد کنم ، برایم از دنیا و آنچه در آن است ، خوش تر است ، و این که خدای را به همراه عدّه ای پس از نماز عصر تا غروب آفتابْ یاد کنم ، برایم از دنیا و آنچه در آن است ، خوش تر است .5054.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این که با عدّه ای که پس از نماز صبح تا طلوع خورشید به ذکر خدا می پردازند ، بنشینم ، برایم محبوب تر از هر آن چیزی است که آفتاب بر آن طلوع می کند .5055.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پرداختن به ذکر خدا از طلوع فجر تا طلوع خورشید ، برای به دست آوردن روزی ، مؤثّرتر از سفر [تجارت] است .5056.امام علی علیه السلام :کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر : امام باقر علیه السلام فرمود : «ابلیس ، سپاهیان شب را ، از آن هنگام که خورشید غروب می کند تا ناپدید شدن شَفَق ، [همه جا]پخش می کند و سپاهیان روز را ، از آن هنگام که سپیده می دمد تا سر زدن آفتاب ، [همه جا] پخش می کند» .

امام باقر علیه السلام فرمود که پیامبر خدا می فرمود : «در این دو هنگام ، خداوند عز و جلرا بسیار یاد کنید و از شرّ ابلیس و سپاهیانش به خدای عز و جل پناه ببرید و کودکانتان را نیز در این دو وقت ، در پناه خدا در آورید ؛ چرا که این دو وقت ، اوقات غفلت اند» . .

5057.امام علی علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام :إذا تَغَيَّرَتِ الشَّمسُ فَاذكُرِ اللّهَ عز و جل ، وإن كُنتَ مَعَ قَومٍ يَشغَلونَكَ فَقُم وَادعُ . (1)راجع : ص 360 و 488 (الصباح والمساء) و ج 2 ص 232 (الصباح والمساء) .

8 / 2ذُو الحِجَّهِ إلَى اليَومِ التّالِثَ عَشَرَالكتاب«وَاذْكُرُواْ اللَّهَ فِى أَيَّامٍ مَّعْدُودَتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ اعْلَمُواْ أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» . (2)

«وَ أَذِّن فِى النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِّيَشْهَدُواْ مَنَفِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ فِى أَيَّامٍ مَّعْلُومَتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَهِ الْأَنْعَمِ فَكُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» . (3)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 524 ح 9 ، فلاح السائل : ص 382 ح 253 ، محاسبه النفس لابن طاووس : ص 26 كلّها عن شهاب بن عبد ربّه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 245 ح 3.
2- .البقره : 203.
3- .لحجّ : 27 و 28. والضامر من الفَرس : الخفيف اللحم من الأعمال لا من الهزال (مفردات ألفاظ القرآن : ص 512 «ضمر»). والفجّ : الطريق الواسع بين جبلين. أى مسلک بعيد غامض (مجمع البحرين : ج 3 ص 1363 «فجج»).

5064.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه خورشید غروب کرد ، به ذکر خداوند عز و جل بپرداز و اگر با عدّه ای بودی که تو را از ذکر خدا باز می دارند ، از نزدشان برخیز و به دعا بپرداز .ر . ک : ص 361 و 489 (بامداد و شامگاه) و ج 2 ص 233 (بامداد و شامگاه) .

8 / 2از اوّل تا سیزدهم ذی حجّهقرآن«و خدا را در روزهایی معیّن ، یاد کنید . پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد] ، گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] ، گناهی بر او نیست. [این اختیار ،] برای کسی است که [از محرّمات] پرهیز کرده باشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که نزد او آورده می شوید» .

«و در میان مردم ، برای [ادای]حج ، بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دام های زبان بسته ای که روزیِ آنان کرده است ، ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید» .

.

«فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَسِكَكُمْ فَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِى الْاخِرَهِ مِنْ خَلَقٍ» . (1)

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَتٍ فَاذْكُرُواْ اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» . (2)

الحديث5066.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ أبى : قالَ عَلِىٌّ عليه السلام : اُذكُروا اللّهَ «فِى أَيَّامٍ مَّعْلُوماتٍ» (3) ؛ قالَ : قالَ : عَشرُ ذِى الحِجَّهِ ، و «أَيَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ» (4) ؛ قالَ : أيّامُ التَّشريقِ . (5)5067.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَاذْكُرُواْ اللَّهَ فِى أَيَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ» : هِىَ أيّامُ التَّشريقِ ؛ كانوا إذا أقاموا بِمِنى بَعدَ النَّحرِ تَفاخَروا ، فَقالَ الرَّجُلُ مِنهُم : كانَ أبى يَفعَلُ كَذا وكَذا ، فَقالَ اللّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ : «فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَتٍ [فَاذْكُرُواْ اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ * ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَسِكَكُمْ] (6) فَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» .

قالَ : وَالتَّكبيرُ : «اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، وللّهِ الحَمدُ ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِن بَهيمَهِ الأنعامِ» . (7) .

1- .البقره : 200.
2- .البقره : 198.
3- .إشاره إلى الآيه 28 من سوره الحجّ : «وَ يَذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ فِى أَيَّامٍ مَّعْلُومَتٍ» .
4- .إشاره إلى الآيه 203 من سوره البقره : «وَاذْكُرُواْ اللَّهَ فِى أَيَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ» .
5- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 447 ح 1558 ، قرب الإسناد : ص 17 ح 55 كلاهما عن حمّاد بن عيسى ، تفسير القمّى : ج 1 ص 71 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 307 ح 12 وراجع معانى الأخبار : ص 297 ح 1 3 .
6- .ذُكِر فى المصدر أوّل الآيه وآخرها وأتممناها للفائده .

7- .الكافى : ج 4 ص 516 ح 3 عن منصور بن حازم وراجع دعائم الإسلام : ج 1 ص 321 وبحار الأنوار : ج 99 ص 313 ح 47.

«و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم ، کسی است که می گوید: «پروردگارا! به ما در همین دنیا عطا کن» و حال آن که برای او در آخرت ، نصیبی نیست» .

«بر شما گناهی نیست که [در سفر حج ،] فضل پروردگارتان (روزی خویش) را بجویید . پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام ، یاد کنید . و یادش کنید ، چنان که شما را که پیش تر از بی راهان بودید، فرا راه آوْرْد» .

حدیث5068.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :پدرم [امام باقر علیه السلام] فرمود که علی علیه السلام در باره [فرمان الهیِ] «خداوند را «در روزهایی معلوم» یاد کنید (1) ، فرمود : یعنی در دهه ذی حجّه ، و در باره «روزهای تعیین شده» (2) فرمود : یعنی ایّام تشریق . (3)5069.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و خدا را در روزهایی معیّن ، یاد کنید» : مقصود ، ایّام تشریق است . [مردم در جاهلیت ،] آن گاه که پس از قربانی کردن ، در مِنا می ایستادند ، بر یکدیگر فخر می فروختند . یکی از ایشان گفت : پدر من ، چنین و چنان می کرد . پس خداوند عز و جل فرمود : «پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید ، چنان که شما را که پیش تر از بی راهان بودید، فرا راه آوْرْد . پس، از همان جا که [انبوه] مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند ، آمرزش بخواهید ، که خدا آمرزنده مهربان است . و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» . (4)

و خدا را به بزرگی یاد کردن ، این گونه است : «خدا بزرگ است . خدا بزرگ است . معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است . خدا بزرگ است و ستایش ، خدای راست . خدا بزرگ است که ما را راه نمایی کرد . خدا بزرگ است که از حیوانات بی زبان ، روزیِ ما فرمود» . .

1- .اشاره است به آیه 28 از سوره حج : «و نام خدا را در روزهایی معلوم ... بیاورند» .

2- .اشاره است به آیه 203 از سوره بقره : «و خدا را در روزهایی معیّن یاد کنید» .
3- .به روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی حجّه ، «ایّام التشریق» می گویند .
4- .در مصدر ، اوّل و آخر آیه آمده و ما ، آن را به طور کامل آوردیم .

5070.الخصال (به نقل از شُرَيح بن هانى) مستطرفات السرائر عن الحلبي :سَأَلْتُهُ [الإمامَ الصّادِقَ عليه السلام] عَن قَولِ اللّهِ : «فَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» ، قالَ عليه السلام :

كانَ المُشرِكونَ يَفتَخِرونَ بِمِنى إذا كانَ أيّامُ التَّشريقِ ، فَيَقولونَ : كانَ أبونا كَذا ، وكانَ أبونا كَذا ، فَيَذكُرونَ فَضلَهُم ، فَقالَ : «فَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» . (1)5071.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن أيّامٍ أعظَمُ عِندَ اللّهِ ولا أحَبُّ إلَيهِ مِنَ العَمَلِ فيهِنَّ مِن هذِهِ الأيّامِ العَشرِ ، فَأكثِروا فيهِنَّ مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ وَالتَّحميدِ . (2)5072.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أيّامٍ أفضَلُ عِندَ اللّهِ ، ولَا العَمَلُ فيهِنَّ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن هذِهِ الأيّامِ العَشرِ ، فَأكثِروا فيهِنَّ مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ وذِكرِ اللّهِ ؛ فَإنَّها أيّامُ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ وذِكرِ اللّهِ ، وإنَّ صِيامَ يَومٍ منها يَعدِلُ بِصِيامِ سَنَةٍ ، وَالعَمَلَ فيهِنَّ يُضاعَفُ سَبعَمِئَةِ ضِعفٍ . (3)5073.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فى يَومِ النَّحرِ : إنَّ هذا يَومٌ حُرمَتُهُ عَظيمَةٌ ، وبَرَكَتُهُ مَأمولَةٌ ، وَالمَغفِرَةُ فيهِ مَرجُوَّةٌ ، فَأكثِروا ذِكرَ اللّهِ تعالى ، وَاستَغفِروهُ وتوبوا إلَيهِ ، إنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (4) .

1- .مستطرفات السرائر : ص 35 ح 50 ، بحار الأنوار : ج 99 ص 311 ح 32.
2- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 365 ح 5447 ، شُعب الإيمان : ج 3 ص 354 ح 3750 وح 3751 وكلّها عن ابن عمر ، المعجم الصغير : ج 2 ص 45 عن ابن عبّاس نحوه ، كنزالعمّال : ج 12 ص 318 ح 35192.
3- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 356 ح 3758 عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 12 ص 318 ح 35194.
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 520 ح 1484 ، مصباح المتهجّد : ص 664 ح 730 عن جندب وفيه «وتعرّضوا لثوابه بالتوبه والإنابه والخضوع...» بدل «واستغفروه وتوبوا إليه إنّه هوالتوّاب الرحيم» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 100 ح 4.

5074.عنه علیه السلام (فی قَولِ المُؤَذِّنِ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا ا) مستطرفات السرائر به نقل از حلبی : از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره این سخن خداوند : «همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» پرسیدم . فرمود : «مشرکان ، در ایّام تشریق ، در مِنا بر یکدیگر می نازیدند و می گفتند : پدر ما چنین بود ! پدر ما چنان بود ! و از امتیازات آنان یاد می کردند . پس خداوند فرمود : «همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» » .5071.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ ایّامی نزد خدا باعظمت تر ، و عمل کردن در آنها نزد او محبوب تر از این ده روز نیست . پس ، در این روزها خداوند را به یگانگی و بزرگی و ستودگی ، بسیار یاد کنید .5072.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ ایّامی نزد خدا برتر ، و عمل کردن در آنها نزد خداوند عز و جلمحبوب تر از این ده روز نیست . پس ، در این روزها خدا را به یگانگی و بزرگی ، فراوان یاد کنید و نام او را بسیار ببرید ؛ چرا که این روزها ، روزهای تهلیل و تکبیر و ذکر خداست . روزه یک روز از این ده روز ، با روزه یک سال ، برابری می کند و عمل در این روزها هفتصد برابر می شود .5073.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام در روز قربان : امروز ، روزی محترم و بابرکت است و در این روز ، به آمرزش امید می رود . پس خدای متعال را بسیار یاد کنید و از او آمرزش بطلبید و به درگاهش توبه کنید ، که او آمرزگار و مهربان است . .

8 / 3شَهرُ رَمَضانَ5076.عنه علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ذاکِرُ اللّهِ فی رَمَضانَ مَغفورٌ لَهُ ، وسائِلُ اللّهِ فیهِ لا یُخَیَّبُ . (1)5075.امام علی علیه السلام (در یکی از سخنرانی هایش) عنه صلی الله علیه و آله :رَمَضانُ شَهرُ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی اِستَکثِروا فیهِ مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ وَالتَّحمیدِ وَالتَّمجیدِ وَالتَّسبیحِ . (2)8 / 4یَومُ الجُمُعَهِالکتاب«یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَوهِ مِن یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْاْ إِلَی ذِکْرِ اللَّهِ وَ ذَرُواْ الْبَیْعَ ذَ لِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ» . (3)

الحدیث5078.امام علی علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تَسبیحَهٌ فی یَومِ الجُمُعَهِ ، أفضَلُ مِن ألفِ تَسبیحَهٍ فی غَیرِ یَومِ الجُمُعَهِ . (4)راجع : ج 4 ص 342 (قیمه الصلاه علی النبی وآله یوم الجمعه ولیلتها) .

.

1- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 226 ح 7341 ، شُعب الإیمان : ج 3 ص 311 ح 3627 کلاهما عن عمر بن الخطّاب ، کنزالعمّال : ج 8 ص 464 ح 23676.

2- .النوادر للأشعری : ص 17 ح 2 عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 381 ح 6 .

3- .الجمعه : 9.

4- .الفردوس : ج 3 ص 383 ح 5166 عن أنس ، کنز العمّال : ج 7 ص 719 ح 21079.

8 / 3 ماه رمضان

8 / 4 روز جمعه

8 / 3ماه رمضان5082.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یادکننده خدا در رمضان ، آمرزیده می شود و درخواست کننده از خدا در این ماه ، ناکام نمی شود .5083.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان ، ماه خداوند تبارک و تعالی است . در این ماه ، ذکر «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» و «الحمد للّه » و تمجید (1) و «سبحان اللّه » ، بسیار بگویید .8 / 4روز جمعهقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را وا گذارید. این برای شما بهتر است ، اگر بدانید» .

حدیث5084.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک بار تسبیح گفتن خدا در روز جمعه ، فضیلتش از هزار تسبیح در غیر روز جمعه ، بیشتر است .ر . ک : ج 4 ص 343 (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه) .

.

1- .مقصود از تمجید ، گفتن هر گونه ذکری است که در آن ، حمد و ثنا و شکر و تعظیم خداوند باشد (ر.ک : جواهر الکلام : ج 11 ص 209 ، ثواب الأعمال : ص 1314) . م .

8 / 5عِندَ القِتالِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُواْ وَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» . (1)

الحديث5086.امام على عليه السلام :سنن الترمذى عن عماره بن زَعكَره :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : إنَّ عَبدى كُلَّ عَبدى : الَّذى يَذكُرُنى وهُوَ مُلاقٍ قِرنَهُ يَعنى عِندَ القِتالِ . 5087(2).امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحَهُ مِنَ الغازى سَبعونَ ألفَ حَسَنَةٍ ، وَالحَسَنَةُ بِعَشرٍ . (3)5088.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن كَبَّرَ تَكبيرَةً فى سَبيلِ اللّهِ ، كانَت كَصَخرَةٍ فى ميزانِهِ يَومَ القِيامَهِ أثقَلَ مِنَ السَّماواتِ وَالأَرضِ وما فيهِنَّ . ومَن قالَ فى سَبيلِ اللّهِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» رافِعا صَوتَهُ بِها ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها رِضوانَهُ الأَكبَرَ ، ومَن يَكتُب لَهُ رِضوانَهُ الأَكبَرَ جَمَعَ اللّهُ بَينَهُ وبَينَ مُحَمَّدٍ وإبراهيمَ وسائِرِ الأَنبِياءِ عليهم السلام . (4)5089.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إذا لَقيتُم عَدُوَّكُم فِى الحَربِ فَأَقِلُّوا الكَلامَ ، وَاذكُروا اللّهَ عز و جل ، ولا تُوَلُّوهُمُ الأَدبارَ فَتُسخِطُوا اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى ، وتَستَوجِبوا غَضَبَهُ . (5)راجع : ص 100 ح 153.

.

1- .الأنفال : 45.
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 570 ح 3580 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 416 ح 1764.
3- .الفردوس : ج 2 ص 76 ح 2425 عن معاذ بن جبل ، كنزالعمّال : ج 4 ص 340 ح 10797.
4- .تنبيه الغافلين : ص 499 ح 788 عن ابن عمر.
5- .الكافى : ج 5 ص 42 ح 5 عن مفضّل بن عمر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ص 617 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، تحف العقول : ص 107 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 317 ح 1016 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 154 ح 16.

8 / 5هنگام جنگقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! چون با گروهی برخورد می کنید ، پایداری ورزید ، و خدا را بسیار یاد کنید ، باشد که رستگار شوید» .

حدیث5096.عنه علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از عماره بن زَعکَره : از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «خداوند عز و جل می فرماید : بنده تمام عیار من ، کسی است که در هنگام رو در رو شدن با هماوَردش» در هنگام جنگ ، «مرا یاد کند» .5090.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سبحان اللّه گفتنِ رزمنده[ی راه خدا] ، برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک هم ، ده برابر پاداش دارد .5091.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا تکبیری بگوید ، روز قیامت ، آن تکبیر در ترازوی [اعمال] او ، چونان کوهی خواهد بود سنگین تر از آسمان ها و زمین و هر آنچه در آسمان ها و زمین است . و هر کس در راه خدا با صدای بلند بگوید : «لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» ، خداوند ، در ازای آن ، بزرگ ترین خشنودی اش را برای او می نویسد و هر که خداوند ، بزرگ ترین خشنودی خود را برای او بنویسد ، او را با محمّد و ابراهیم و دیگر پیامبران علیهم السلام گرد می آورد .5092.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر گاه در جنگ با دشمن رو در رو شدید ، سخنتان را کوتاه کنید و خدا را یاد کنید و به دشمنان پشت نکنید ، که [با این کار ،] خداوند تبارک و تعالی را می رنجانید و موجب خشم او می شوید .ر . ک : ص 101 ح 153 .

.

8 / 6عِندَ الهَمِّ وَالحُكومَهِ وَالقِسمَهِ5096.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اُذكُرِ اللّهَ عِندَ هَمِّکَ إذا هَمَمتَ ، وعِندَ لِسانِکَ إذا حَکَمتَ ، وعِندَ يَدِکَ إذا قَسَمتَ . (1)8 / 7عِندَ الصّاعِقَهِ5099.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعتُمُ الرَّعدَ فَاذكُرُوا اللّهَ ، فَإِنَّهُ لا يُصيبُ ذاكِرا . (2)5100.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصّاعِقَهَ تُصيبُ المُؤمِنَ وَالكافِرَ ، ولا تُصيبُ ذاكِرا . (3)5101.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :إنَّ الصّاعِقَهَ لا تُصيبُ ذاكِرا للّهِ عز و جل . (4)5102.عنه عليه السلام :الكافى عن بريد بن معاويه عن الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصَّواعِقَ لا تُصيبُ ذاكِرا .

قالَ : قُلتُ : ومَا الذّاكِرُ؟ قالَ : مَن قَرَأَ مِئَهَ آيَهٍ . (5)5103.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :يَموتُ المُؤمِنُ بِكُلِّ ميتَهٍ إلَا الصّاعِقَهَ ، لا تَأخُذُهُ وهُوَ يَذكُرُ اللّهَ عز و جل . (6)5187.امام على عليه السلام :الكافى عن أبى بصير :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن ميتَهِ المُؤمِنِ ، قالَ : يَموتُ المُؤمِنُ بِكُلِّ ميتَهٍ ؛ يَموتُ غَرَقا ، ويَموتُ بِالهَدمِ ، ويُبتَلى بِالسَّبُعِ ، ويَموتُ بِالصّاعِقَهِ ؛ ولا تُصيبُ ذاكِرَ اللّهِ عز و جل . (7) .

1- .كنز الفوائد : ج 2 ص 31 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 171 ح 7.
2- .المعجم الكبير : ج 11 ص 132 ح 11371 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 6 ص 156 ح 15209.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 544 ح 1516 ، علل الشرائع : ص 463 ح 7 عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 93 ص 157 ح 26 ؛ حليه الأولياء : ج 3 ص 181 عن زياد بن خيثمه عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الصواعق» بدل «إنّ الصاعقه» و«غير المؤمن» بدل «الكافر».
4- .الأمالى للصدوق : ص 550 ح 734 عن عبد اللّه بن حمّاد ، المحاسن : ج 1 ص 459 ح 1062 وليس فيه «للّه عز و جل» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 86 ح 2231 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 147 ح 4.
5- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 385 ح 34.
6- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 1 عن أبى الصباح الكنانى ، عدّه الداعى : ص 232 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 380 ح 22.
7- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 385 ح 35.

8 / 6 هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن

8 / 7 هنگام رعد و برق

8 / 6هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن5191.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه آهنگ کاری کردی ، خداوند را در هنگام تصمیم خود یاد کن ، و هر گاه خواستی داوری کنی ، خدا را با زبانت یاد کن ، و هر گاه خواستی [چیزی را] قسمت کنی ، خدا را در کارِ دستت یادآور شو .8 / 7هنگام رعد و برق5188.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه صدای رعد شنیدید ، ذکر خدا بگویید ؛ زیرا رعد به کسی که ذکر بگوید ، آسیب نمی زند .5187.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :صاعقه ، به مؤمن و کافر اصابت می کند ؛ امّا به آن که ذکر خدا بگوید ، اصابت نمی کند .5186.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :صاعقه به یادکننده خداوند عز و جل اصابت نمی کند .5185.امام علی علیه السلام :الکافی به نقل از برید بن معاویه : امام صادق علیه السلام فرمود : «صاعقه ها به کسی که ذکر خدا می گوید ، گزند نمی رسانند» .

گفتم : ذاکر ، چه کسی است؟

فرمود : «کسی که صد آیه بخواند» .5184.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :مؤمن به هر نوع مُردنی می میرد ، مگر به صاعقه . صاعقه ، مؤمن را که در حال ذکر خداوند عز و جل باشد ، نمی گیرد .5183.امام علی علیه السلام :الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام در باره نوع مُردن مؤمن پرسیدم . فرمود : «مؤمن به هر مرگی می میرد : غرق می شود ، زیر آوار می رود ، طعمه درندگان می شود ، با صاعقه می میرد ؛ امّا صاعقه به یادکننده خداوند عز و جل اصابت نمی کند» .

.

8 / 8عِندَ غَفلَهِ النّاسِ5180.امام على عليه السلام :المعجم الكبير عن عصمه بن مالک عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أحَبُّ العَمَلِ إلَى اللّهِ عز و جل سُبحَهُ الحَديثِ . . . قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ وما سُبحَهُ الحَديثِ؟

قالَ : القَومُ يَتَحَدَّثونَ وَالرَّجلُ يُسَبِّحُ . (1)5186.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّ السُّبحَهِ إلَى اللّهِ عز و جل سُبحَهُ الحَديثِ . . . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما سُبحَهُ الحَديثِ؟

قالَ : يَكونُ النّاسُ فى خَوضِها وباطِلِها ولَهوِها ، فَنِعمَ (2) الرَّجُلُ عِندَ ذلِکَ ، فَيَدعُو اللّهَ تَعالى ويَذكُرُهُ ويُسَبِّحُهُ . (3)5185.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ أحَبَّ السُّبحهِ إلَى اللّهِ عز و جل سُبحَهُ الحَديثِ . . . قيل : يا رَسولَ اللّهِ ، وما سُبحَهُ الحَديثِ؟

قالَ : الرَّجُلُ يَسمَعُ حِرصَ الدُّنيا وباطِلَها فَيَغتَمُّ عِندَ ذلِکَ ، فَيَذكُرُ اللّهَ عز و جل . (4)5184.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ عز و جل فِى الغافِلينَ كَالمُقاتِلِ عَنِ الفارّينَ ، والمُقاتِلُ عَنِ الفارّينَ لَهُ الجَنَّهُ . (5) .

1- .المعجم الكبير : ج 17 ص 185 ح 496 ، الفردوس : ج 1 ص 367 ح 1478 وليس فيه «قلنا : يا رسول اللّه ، وما سبحه الحديث؟ قال» ، كنز العمّال : ج 16 ص 101 ح 44060.
2- .وفى نسخه : «فيغمّ».
3- .الجعفريّات : ص 223 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
4- .معانى الأخبار : ص 258 ح 1 عن السكونى ، بحار الأنوار : ج 72 ص 325 ح 2.
5- .الكافى : ج 2 ص 502 ح 2 عن السكونى ، عدّه الداعى : ص 242 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 110 ح 99 عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام وفيه «فى» بدل «عن» فى كلا الموضعين و «نزوله الجنّه» بدل «له الجنّه» ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 79 وليس فيه «والمقاتل عن الفارّين» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 373 ح 2661 عن أبى ذرّ نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 158 ح 32.

8 / 8هنگام غافل بودن مردم5181.عنه علیه السلام :المعجم الکبیر به نقل از عصمه بن مالک : پیامبر خدا فرمود : «محبوب ترین کار در نزد خداوند عز و جل ، تسبیح سخن است ...» .

گفتیم : ای پیامبر خدا ! تسبیح سخن چیست؟

فرمود : «این که عدّه ای سرگرم سخن گفتن باشند و انسان ، تسبیح بگوید» .5180.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «محبوب ترین تسبیح در نزد خداوند عز و جلتسبیحِ سخن است ...» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! تسبیح سخن چیست؟

فرمود : «[وقتی] مردم ، غرق در یاوه و باطل و غفلت خود هستند ، چه نیکوست که در این میان ، آدمی مشغول دعا و ذکر و تسبیح خدا شود !» .5179.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود : «محبوب ترین تسبیح در نزد خداوند عز و جل ، تسبیحِ سخن است ...» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! تسبیح سخن چیست؟

فرمود : «این که انسان ، سخنانی در باره آزمندی به دنیا و [زرق و برقِ] باطل آن بشنود و از شنیدن آنها اندوهناک شود و خداوند عز و جل را یاد کند» .5178.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که در میان غافلان به یاد خداوند عز و جل باشد ، همانند کسی است که به جای فراریان می جنگد و کسی که به جای فراریان بجنگد ، [پاداشِ] بهشت دارد .

.

5177.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ بِمَنزِلَهِ الصّابِرِ فِى الفارّينَ . (1)5176.امام على عليه السلام :شعب الإيمان عن ابن عمر عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ فِي الغافِلينَ مِثلُ الَّذى يُقاتِلُ عَنِ الفارّينَ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ مِثلُ الشَّجَرَهِ الخَضراءِ فى وَسَطِ الشَّجَرِ الَّذى قَد تَحاتَّ (2) ؛ يَعنى مِنَ الصَّرِيبِ (3) . (4)5175.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ كَالمُقاتِلِ عَنِ الفارّينَ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ كَالمِصباحِ فِى البَيتِ المُظلِمِ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلِينَ يُعَرِّفُهُ اللّهُ مَقعَدَهُ ولا يُعَذِّبُ بَعدَهُ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ لَهُ مِنَ الأَجرِ بِعَدَدِ كُلِّ فَصيحٍ فِى السّوقِ وأعجَمِيٍّ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِ نَظرَهً لا يُعَذِّبُهُ اللّهُ بَعدَها أبَدا ، وذاكِرُ اللّهِ فِى السّوقِ لَهُ بِكُلِّ شَعرَهٍ نورٌ يَومَ (5) يَلقَى اللّهَ . (6)5174.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ كَالَّذى يُقاتِلُ عَنِ الفارّينَ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ مِثلُ المِصباحِ فِى البَيتِ المُظلِمِ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ مِثلُ الشَّجَرَهِ الخَضراءِ فى وَسَطِ الشَّجَرِ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ يُعَرِّفُهُ اللّهُ مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّهِ ، وذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلينَ يَغفِرُ اللّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ فَصيحٍ وأعجَمِيٍّ ، فَالفَصيحُ بَنو آدَمَ وَالأَعجَمِيُّ البَهائِمُ . (7) .

1- .المعجم الكبير : ج 10 ص 16 ح 9797 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 268 ، الفردوس : ج 2 ص 242 ح 3139 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنزالعمّال : ج 1 ص 425 ح 1831.
2- .تَحاتّ : أى تساقط (النهايه : ج 1 ص 337 «حتت»).
3- .الصَّريب : هو الجَلِيد (النهايه : ج 3 ص 80 «ضرب») .
4- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 411 ح 565 ، كنز العمّال : ج 1 ص 430 ح 1857.
5- .فى المصدر : «... يوم القيامه يلقى اللّه » ، والصواب ما أثبتناه كما فى كنزالعمّال. ولعلّ «القيامه» نسخه بدل «يلقى اللّه » .
6- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 412 ح 567 عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 430 ح 1856.
7- .حليه الأولياء : ج 6 ص 181 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 425 ح 1832.

5173.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد ، به سانِ کسی [در میدان جهاد]است که دیگران می گریزند و او پایداری می کند .5172.امام علی علیه السلام :شعب الإیمان به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا فرمود : «کسی که در میان غافلان به یاد خداوند باشد ، همانند کسی است که دیگران می گریزند و او می رزمد . کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد ، همانند درختی سرسبز است در میان درختانی که برگ هایشان از سرمای شدید ، ریخته باشد» .5171.امام علی علیه السلام (در تمجید خداوند عز و جل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کننده خدا در میان غافلان ، همچون رزمنده در مقایسه با فراریان است . یاد کننده خدا در میان غافلان ، همچون چراغ در اتاق تاریک است . آن که خدا را در میان غافلان یاد می کند ، خداوندْ جایگاه او [در بهشت] را به وی می شناسانَد و از آن پس ، او عذاب نمی شود . یاد کننده خدا در میان غافلان ، به شمار همه انسان ها و بهایم در بازار ، مزد دارد . خداوند به یاد کننده خدا در میان غافلان ، نظری می افکند و از آن پس ، هرگز او را عذاب نمی کند . و کسی که در بازار به یاد خدا باشد ، در روزی که خدا را دیدار می کند ، به عدد هر تارِ مویی نوری دارد .5179.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کننده خدا در جمع غافلان ، مانند کسی است که دیگران می گریزند و او می جنگد . یاد کننده خدا در جمع غافلان ، مانند چراغ در اتاق تاریک است . یاد کننده خدا در جمع غافلان ، مانند درخت سرسبز در میان درختان [خشکیده] است . آن که خدا در جمع غافلان یاد می کند ، خداوندْ جایگاه او در بهشت را به وی می شناساند . آن که یاد کننده خدا در جمع غافلان یاد می کند ، خداوند به عدد هر گویا و گنگی ، گناهانش را می آمرزد . گویا ، آدمیان اند و گنگ ، جانوران . .

5178.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : ذاكِرُ اللّهِ فِى الغافِلين كَالشَّجَرَهِ الخَضراءِ فى وَسَطِ الهَشيمِ (1) ، وكَالدّارِ العامِرَهِ بَينَ الرُّبوعِ الخَرِبَهِ . (2)5177.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :الذّاكِرُ للّهِ عز و جل فِى الغافِلينَ كَالمُقاتِلِ فِى المُحارِبينَ (3) . (4)5176.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :يا أهلَ الإيمانِ ومَحَلَّ الكِتمانِ ، تَفَكَّروا وتَذَكَّروا عِندَ غَفلَهِ السّاهينَ . (5)5175.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَدُ ، إنَّ أهلَ الخَيرِ وأهلَ الآخِرَهِ . . . أعيُنُهُم باكِيَهٌ ، وقُلوبُهُم ذاكِرَهٌ ؛ إذا كُتِبَ النّاسُ مِنَ الغافِلينَ كُتِبوا مِنَ الذّاكِرينَ . (6)راجع : ص 206 (فى السوق) .

8 / 9عِندَ الخَلوَهِ5171.الإمام علىّ عليه السلام (فى تَمجيدِ اللّهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا خَلَوتَ فَأَكثِر ذِكرَ اللّهِ . (7) .

1- .الهشيم من النبات : اليابس المتكسّر (النهايه : ج 5 ص 264 «هشم»).
2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 347 ح 983.
3- .قوله : «فى المحاربين» : أى الهاربين ، أو الحاضرين فى الحرب الذين لم يحاربوا. وفى بعض النسخ : «فى الهاربين» (مرآه العقول : ج 12 ص 143).
4- .الكافى : ج 2 ص 502 ح 1 عن الحسين بن المختار ، عدّه الداعى : ص 242 وفيه «عن الهاربين» بدل «فى المحاربين».
5- .تحف العقول : ص 373 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 258 ح 141.
6- .إرشاد القلوب : ص 201 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 24 ح 6.
7- .جامع الأخبار : ص 512 ح 1435.

5170.امام صادق علیه السلام :امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : یاد کننده خدا در میان غافلان ، همانند درخت (/ بوته) سرسبز در میان گیاهان خشکیده ، و همانند خانه آباد در میان خانه های ویران است .5169.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :یاد کننده خدا در جمع غافلان ، همانند رَزم آور (1) در میان جنگجویان است .5168.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :ای اهل ایمان و ای رازداران ! بیندیشید و آن گاه که فراموشکاران در غفلت اند ، شما یادآور [خدا] باشید .5167.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای متعال فرمود : « ... ای احمد ! نیکان و آخرت گرایان ... دیدگانشان [همواره] گریان است و دل هایشان یادآور [خدا] . آن گاه که مردم از غافلان نوشته می شوند ، آنان از یاد کنندگان قلمداد می شوند» .ر . ک : ص 207 (در بازار) .

8 / 9در تنهایی5168.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه تنها شدی ، خدا را بسیار یاد کن .

.

1- .در فرهنگ قدیم عرب ، «المُقاتل (رزم آور)» به کسی گفته می شد که پیش از شروع جنگ دو سپاه ، برای رزم تن به تن با برجستگان سپاه مقابل ، پیشگام شود .

5167.عنه علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :ذاکِرُ اللّهِ خالِیا، کَبارِزٍ إلَی الکافِرِ فِی الصُّفوفِ خالِیا (1) . (2)5166.عنه علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :سَبعَهٌ یُظِلُّهُمُ اللّهُ فی ظِلِّهِ یَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّهُ : . . . ورَجُلٌ ذَکَرَ اللّهَ خالِیا فَفاضَت عَیناهُ . (3)5165.امام علی علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :اِشحَنِ (4) الخَلوَهَ بِالذِّکرِ ، وَاصحَبِ النِّعَمَ بِالشُّکرِ . (5)5164.امام علی علیه السلام :عنه علیه السلام :کُن فِی المَلأِ وَقورا ، وکُن فِی الخَلأِ (6) ذَکورا . (7)5163.امام علی علیه السلام :الإمام الباقر علیه السلام :تَعَرَّض لِرِقَّهِ القَلبِ بِکَثرَهِ الذِّکرِ فِی الخَلَواتِ . (8)5162.امام علی علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام :شیعَتُنَا الَّذینَ إذا خَلَوا ذَکَرُوا اللّهَ کَثیرا . (9)5161.امام علی علیه السلام :الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ فِی التَّوراهِ مَکتوبا ، فیما ناجَی اللّهُ تَعالی بِهِ موسی علیه السلام أن قالَ لَهُ :

یا موسی . . . اُذکُرنی فی خَلوَتِکَ وعِندَ سُرورِ لَذَّتِکَ ، أذکُرکَ عِندَ غَفَلاتِکَ . (10) .

1- .خالیا الأُولی : أی محلّ خالٍ لا یطّلع علیه فیه إلّا اللّه والحفظه. وخالیا الثانیه : أی لیس معه أحد . فذکرُ اللّه فی الخلوات یعدل فی الثواب جوده بنفسه فی القتال فی الفلَوات (فیض القدیر : ج 3 ص 748) .
2- .الفردوس : ج 2 ص 243 ح 3142 عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 1 ص 426 ح 1833 نقلاً عن الشیرازی فی الألقاب.
3- .صحیح البخاری : ج 1 ص 234 ح 629 ، صحیح مسلم : ج 2 ص 715 ح 91 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 440 ح 9671 ، السنن الکبری : ج 4 ص 319 ح 7836 کلّها عن أبی هریره ، سنن الترمذی : ج 4 ص 598 ح 2391 عن أبی هریره أو عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 15 ص 904 ح 43561 ؛ الخصال : ص 343 ح 7 عن أبی سعید الخدری أو عن أبی هریره وزاد فی آخره «من خشیه اللّه عز و جل» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 330 ح 12.
4- .اشحَنْ : أی املأ ؛ من شحَنَ السفینه : ملأها (اُنظر القاموس المحیط : ج 4 ص 239 «شحن»).
5- .غرر الحکم : ح 2374 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 84 ح 2037.
6- .کذا ، و المنصوص علیه فی اللغه : «الخلاء».
7- .غرر الحکم : ح 7145 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 393 ح 6658.

8- .تحف العقول : ص 285 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 164 ح 1.
9- .الكافى : ج 2 ص 499 ح 2 ، عدّه الداعى : ص 234 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 93 ص 162 ح 42.
10- .الأمالى للمفيد : ص 210 ح 46 ، الأمالى للصدوق : ص 327 ح 384 كلاهما عن حبيب السجستانى ، إرشاد القلوب : ص 105 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 165 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 328 ح 6 .

5160.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کننده خدا در تنهایی ، همانند کسی است که به تنهایی بر صف کافران ، حمله ور شود .5159.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هفت نفرند که خداوند ، آنان را در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست ، در سایه خویش در می آورد : ... و مردی که در تنهایی ، خدا را یاد کند و دیدگانش اشکبار شود .5165.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :تنهایی را با یاد خدا پُر کن و نعمت ها را با سپاس گزاری همراه ساز .5164.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :در جمع ، باوقار باش و در تنهایی ، ذکرگو .5163.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام :با ذکر گفتن بسیار در تنهایی هایت ، رقّت قلب بجوی .5162.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :شیعیان ما ، آنان اند که هر گاه خلوت کنند ، خدا را فراوان یاد می کنند .5161.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام :در تورات نوشته شده است که از جمله سخنانی که خدای متعال در مناجات با موسی گفت ، این بود که به او فرمود : «ای موسی! ... در تنهایی ات و در هنگام شادی لذّت هایت ، مرا یاد کن تا من نیز در گاهِ غفلت هایت به یاد تو باشم» . .

5160.عنه علیه السلام :الکافی عن علیّ بن أسباط عنهم علیهم السلام :فیما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عیسی علیه السلام : . . . یا عیسی ، أطِب لی قَلبَکَ ، وأکثِر ذِکری فِی الخَلَواتِ . (1)راجع : ص 124 (الذکر الخفیّ) و ص 214 ح 355 360 .

8 / 10عِندَ الکَلام5156.امام علی علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :کُلُّ کَلامٍ لَا یُبدَأُ فی أوَّلِهِ بِذِکرِ اللّهِ فَهُوَ أبتَرُ . (2)5155.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :کُلُّ کَلامٍ لا یُذکَرُ اللّهُ فیهِ فَیُبدَأُ بِهِ ویُصَلّی عَلَیَّ فیهِ ، فَهُوَ أقطَعُ أکنَعُ (3) مَمحوقٌ (4)

مِن کُلِّ بَرَکَهٍ . (5)5154.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :کُلُّ أمرٍ ذی بالٍ لا یُبدَأُ فیهِ بِذِکرِ اللّهِ أقطَعُ . (6)5104.عنه علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :أوصانی رَبّی بِتِسعٍ : . . . وأن یَکونَ صَمتی فِکرا ، ومَنطِقی ذِکرا ، ونَظَری عِبَرا . (7) .

1- .الکافی : ج 8 ص 141 ح 103 وج 2 ص 502 ح 3 وفیه «ألن» بدل «أطب» ، تحف العقول : ص 500 ، أعلام الدین : ص 233 ، عدّه الداعی : ص 24 وفیه «أذلّ» بدل «أطب» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 298 ح 14.
2- .عمل الیوم واللیله للنسائی : ص 346 ح 497 عن الزهری ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 281 ح 8720 عن أبی هریره وفیه «کلّ کلام أو أمر ذی بال لایفتح...» ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 163 ح 20208 وفیه «کلّ حدیث ذی بال» .
3- .أکنع : أی ناقص أبتر (النهایه : ج 4 ص 204 «کنع») . و فی کنزالعمّال : «أکتع» و هو تصحیف.
4- .المَحْق : النقص والمحو والإبطال (النهایه : ج 4 ص 303 «محق»).
5- .کنزالعمّال : ج 3 ص 263 ح 6463 نقلاً عن أحمد بن محمّد بن میمون فی فضائل علیّ عن أبی هریره.
6- .سنن الدارقطنی : ج 1 ص 229 ح 2 عن أبی هریره.
7- .تحف العقول : ص 36 ، مشکاه الأنوار : ص 116 ح 272 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 138 ح 8.

5105.عنه علیه السلام (فی دُعاءٍ عَلَّمَهُ کُمَیلَ بنِ زیادٍ) الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام :از اندرزهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : « ... ای عیسی! دلت را برای من پاک گردان و در تنهایی ها مرا بسیار یاد کن» .ر . ک : ص 125 (یاد کردن نهانی) و ص 215 ح 355 360 .

8 / 10هنگام گفتن5100.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گفتاری که با نام خدا آغاز نشود ، بی فرجام است .5101.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گفتاری که با یاد خدا آغاز نگردد و در آن ، بر من درود فرستاده نشود ، گفتاری بُریده و بی فرجام و تهی از هر برکتی است .5102.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کار مهمّی که با نام خدا آغاز نشود ، ناقص است .5103.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارم مرا به نُه چیز ، سفارش فرمود : ... و این که سکوتم همراه با اندیشیدن ، و سخنم همراه با ذکر گفتن ، و نگاهم عبرت آموز باشد .

.

5104.امام على عليه السلام :المُؤمِنُ إذا نَظَرَ اعتَبَرَ ، وإذا سَكَتَ تَفَكَّرَ ، وإذا تَكَلَّمَ ذَكَرَ ، وإذا اُعطِيَ شَكَرَ ، وإذَا ابتُلِيَ صَبَرَ . (1)5105.امام على عليه السلام (در دعايى كه به كميل بن زياد آموخت) عنه عليه السلام :العاقِلُ إذا سَكَتَ فَكَّرَ ، وإذا نَطَقَ ذَكَرَ ، وإذا نَظَرَ اعتَبَرَ . (2)5106.الإمام علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :العاقِلُ مَن عَقَلَ (3) لِسانَهُ إلّا عَن ذِكرِ اللّهِ . (4)5107.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :كُلُّ قَولٍ لَيسَ للّهِ فيهِ ذِكرٌ فَلَغوٌ . (5)5108.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، اللّهُمَّ بِذِكرِكَ أستَفتِحُ مَقالى ، وبِشُكرِكَ أستَنجِحُ سُؤالى . (6)8 / 11عِندَ الأكلِ5106.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :اُذكُروا اللّهَ عز و جل عَلَى الطَّعامِ ، ولا تَلغَطوا (7)

؛ فَإِنَّهُ نِعمَهٌ مِن نِعَمِ اللّهِ ، ورِزقٌ مِن رِزقِهِ ، يَجِبُ عَلَيكُم فيهِ شُكرُهُ وذِكرُهُ وحَمدُهُ . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 2075 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 63 ح 1633.
2- .غررالحكم : ح 1813 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 54 ح 1399.
3- .عَقَلَه : حَبَسَه (لسان العرب : ج 11 ص 459 «عقل») .
4- .غرر الحكم : ح 1741 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1359.
5- .الإرشاد : ج 1 ص 297 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 45 ح 6.
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 153 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
7- .اللَّغْطُ ويُحَرَّكُ : الصَّوتُ والجَلَبَهُ (القاموس المحيط : ج 2 ص 383 «لغط»).
8- .الكافى : ج 6 ص 296 ح 23 ، المحاسن : ج 2 ص 213 ح 1635 كلاهما عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 107 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 374 ح 21.

5107.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :مؤمن ، هر گاه بنگرد ، عبرت می گیرد ، هر گاه سکوت کند ، می اندیشد ، هر گاه سخن بگوید ، ذکر خدا می گوید ، هر گاه به او عطا شود ، سپاس گزاری می کند ، و هر گاه گرفتار شود ، شکیبایی می ورزد .5108.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :خردمند ، هر گاه خاموش بماند ، می اندیشد ، هر گاه سخن بگوید ، ذکر می گوید ، و هر گاه بنگرد ، پند می آموزد .5109.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :خردمند ، کسی است که زبانش را جز از یاد خدا فرو می بندد .5110.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر سخنی که در آن یادی از خدا نباشد ، سخنی یاوه است .5111.عنه علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام :به نام خدای مهرگستر مهربان . بار خدایا ! با نام تو ، گفتارم را آغاز می کنم و با سپاس گزاری از تو ، برآورده شدن درخواستم را می جویم .8 / 11هنگام خوردن5114.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :هنگام غذا [خوردن] ، خداوند عز و جل را یاد کنید و هیاهو نکنید ؛ چرا که آن ، نعمتی از نعمت های خدا و روزی ای از روزی های اوست و در برابر آن ، وظیفه دارید که از خداوند ، سپاس گزاری کنید و از او یاد نمایید و ستایش او گویید .

.

8 / 12عِندَ النَّوم5117.عنه علیه السلام :مصباح الشریعه فیما نَسَبَهُ إلَی الإمامِ الصّادِقِ علَیه السلام : اِجعَل کُلَّ نَومِکَ آخِرَ عَهدِکَ مِنَ الدُّنیا ، وَاذکُرِ اللّهَ بِقَلبِکَ ولِسانِکَ ، وخَفِ اطِّلاعَهُ عَلی سِرِّکَ . (1)8 / 13جَوفُ اللَّیلِ5153.امام علی علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :سَهَرُ العُیونِ بِذِکرِ اللّهِ فُرصَهُ السُّعَداءِ ، ونُزهَهُ الأولِیاءِ . (2)5152.امام علی علیه السلام (خطاب به خداوند عز و جل) عنه علیه السلام :سَهَرُ اللَّیلِ بِذِکرِ اللّهِ غَنیمَهُ الأولِیاءِ ، وسَجِیَّهُ (3) الأتقِیاءِ . (4)5158.عنه علیه السلام :عنه علیه السلام :سَهَرُ العُیونِ بِذِکرِ اللّهِ خُلصانُ العارِفینَ ، وحُلوانُ (5) المُقَرَّبینَ . (6)5157.عنه علیه السلام :عنه علیه السلام :أفضَلُ العِبادَهِ سَهَرُ العُیونِ بِذِکرِ اللّهِ سُبحانَهُ . (7)5156.عنه علیه السلام :الإمام زین العابدین علیه السلام فِی الدُّعاءِ : إلهی ومَولایَ وغایَهَ رَجائی ، أشرَقتَ مِن عَرشِکَ عَلی أرَضیکَ ومَلائِکَتِکَ وسُکّانِ سَماواتِکَ ، وقَدِ انقَطَعَتِ الأصواتُ ، وسَکَنَتِ الحَرَکاتُ ، وَالأحیاءُ فِی المَضاجِعِ کَالأمواتِ ، فَوَجَدتَ عِبادَکَ فی شَتَّی الحالاتِ : فَمِنهُ خائِفٌ لَجَأ إلَیکَ فَآمَنتَهُ . . . وناسِکٌ أفنی بِذِکرِکَ لَیلَهُ فَأحظَیتَهُ، وبِالفَوزِ جازَیتَهُ . . . إلهی فَبِحَقِّ الاِسمِ الَّذی إذا دُعیتَ بِهِ أجَبتَ ، وَالحَقِّ الَّذی إذا أقسِمتَ بِهِ أوجَبتَ ، وبِصَلَواتِ العِترَهِ الهادِیَهِ ، وَالمَلائِکَهِ المُقَرَّبینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنی مِمَّن خافَ فَآمَنتَهُ . . . وأفنی بِذِکرِکَ لَیلَهُ فَأحظَیتَهُ ، وبِالفَوزِ جازَیتَهُ . (8) .

1- .مصباح الشریعه : ص 254 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 189 ح 18.
2- .غرر الحکم : ح 5642 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 285 ح 5156.
3- .سَجیّهٌ : أی طبیعهٌ من غیر تکلّف (النهایه : ج 2 ص 345 «سجا»).
4- .غرر الحکم : ح 5614.
5- .أی لذّه ؛ حلا لی الشیء : لَذّ (المصباح المنیر : ص 149 «حلا»).
6- .غرر الحکم : ح 5612 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 286 ح 5163 وفیه «دأب» بدل «حلوان».
7- .غرر الحکم : ح 3149 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 112 ح 2428.
8- .بحار الأنوار : ج 94 ص 130 ح 19 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی.

8 / 12 هنگام خوابیدن

8 / 13 دل شب

8 / 12هنگام خوابیدن5153.الإمام علیّ علیه السلام :مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : هر خُفتَنت را آخرین دیدارت از دنیا بدان ، و با دل و زبانت خدا را یاد کن ، و از آگاهی او بر نهانت بترس .8 / 13دل شب5150.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :شب زنده داری با یاد خدا ، فرصت نیک بختان و تفرّج دوستان خداست .5149.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :شب خیزی با یاد خدا ، غنیمت دوستان [خدا] و خوی خداترسان است .5148.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :شب زنده داری با یاد خدا ، دوست صمیمی عارفان و شیرینی مقرّبان است .5147.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :برترین عبادت ، شب زنده داری با یاد خداوند سبحان است .5146.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در دعا : معبودا ، سَرورا ، و ای فرجامین امید من ! تو از فراز عرشت بر زمین ها و فرشتگان و ساکنان آسمان هایت تابیدی . صداها خاموش شده و جُنب و جوش ها آرام گرفته و زندگان در بسترها چونان مردگان ، افتاده اند ، و بندگانت را در حالت های گونه گون یافته ای : یکی ترسان است و به تو پناه آورده و تو در امانش داشته ای ... . دیگری عابدی است که شب خویش را به یاد تو سپری کرده و تو بهره مندش ساخته ای و رستگاری و کامیابی را پاداشش داده ای ... . معبودا ! پس به حقّ آن نامی که هر گاه بِدان خوانده شوی ، پاسخ می دهی و به حقّ آن کسی که هر گاه به او سوگند داده شوی ، می پذیری ، و با درودهای خاندان هدایتگر [پیامبر صلی الله علیه و آله] و فرشتگان مقرّب ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا از آنانی قرار ده که ترسیدند و تو در امانشان داشتی ... و شب خود را به یاد تو گذراندند و تو بهره مندشان ساختی و رستگاری و کامیابی را پاداششان دادی .

.

5145.امام على عليه السلام :الكافى ِعن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام :إن شِئتَ أخبَرتُکَ بِأبوابِ الخَيرِ؟ قُلتُ : نَعَم ، جُعِلتُ فِداکَ !

قالَ : الصَّومُ جُنَّةٌ ، وَالصَّدَقَةُ تَذهَبُ بِالخَطيئَةِ ، وقِيامُ الرَّجُلِ فى جَوفِ اللَّيلِ بِذِكرِ (1) اللّهِ . ثُمَّ قَرَأَ عليه السلام : «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (2) . (3)8 / 14عِندَ القِيامِ5149.عنه عليه السلام :سنن الترمذى عن ابن عمر :قَلَّما كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقومُ مِن مَجلِسٍ حَتّى يَدعوَ بِهؤُلاءِ الدَّعَواتِ لِأصحابِهِ :

اللّهُمَّ اقسِم لَنا مِن خَشيَتِکَ ما يَحولُ بَينَنا وبَينَ مَعاصِيکَ ، ومِن طاعَتِکَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ جَنَّتَکَ ، ومِنَ اليَقينِ ما تُهَوِّنُ بِهِ عَلَينا مُصيباتِ الدُّنيا ، ومَتِّعنا بِأسماعِنا وأبصارِنا و قُوَّتِنا ما أحيَيتَنا ، وَاجعَلهُ الوارِثَ مِنّا ، وَاجعَل ثَأرَنا عَلى مَن ظَلَمَنا ، وَانصُرنا عَلى مَن عادانا ، ولا تَجعَل مُصيبَتَنا فى دينِنا ، ولا تَجعَلِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّنا ، ولا مَبلَغَ عِلمِنا ، ولا تُسَلِّط عَلَينا مَن لا يَرحَمُنا . (4) .

1- .فى المحاسن وبحار الأنوار : «يَذكُرُ».
2- .السجده : 16.
3- .الكافى : ج 2 ص 24 ح 15 ، المحاسن : ج 1 ص 451 ح 1039 نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 392 ح 70.
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 528 ح 3502 ، الزهد لابن المبارک : ص 144 ح 431 نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 203 ح 3764 وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 709 ح 1934.

5148.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از سلیمان بن خالد امام باقر علیه السلام فرمود : «اگر می خواهی ، تو را از دروازه های نیکی آگاه سازم» .

گفتم : آری ، فدایت شوم !

فرمود : «روزه ، سپر [در برابر شهوات و آتش دوزخ] است . صدقه ، گناه را می زداید و شب زنده داریِ انسان با یاد خدا [نیز گناه را می زداید]» .

ایشان سپس این آیه را خواند : «پهلوهایشان ، از خوابگاه ها جدا می گردد» .8 / 14هنگام برخاستن5145.الإمام علیّ علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از ابن عمر : کمتر پیش می آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و برای یارانش چنین دعا نکند : «بار خدایا ! چنان ترسی از خود ، قسمت ما کن که مانع ما از نافرمانی کردن تو شود ، و [نیز] چنان طاعتی از خود که با آن ، ما را به بهشتت رسانی ، و چنان یقینی که با آن ، [تحمّل]مصیبت های دنیا را بر ما آسان گردانی ، و ما را تا زمانی که زنده می داری ، از شنوایی و بینایی و نیرویمان برخوردار بدار و آنها را وارث ما گردان (تا آخر عمر ، برایمان باقی بدار) ، و انتقام ما را از کسی که به ما ستم کرده است ، بستان ، و بر ضدّ کسی که با ما دشمنی می کند ، یاری مان رسان ، و مصیبت ما را در دینمان قرار مده ، و دنیا را بزرگ ترین خواست ما و نهایتِ شناخت ما مگردان ، و کسی را که به ما رحم نمی کند ، بر ما مسلّط مساز» .

.

5144.امام على عليه السلام :منيه المريد :إنَّهُ صلى الله عليه و آله كانَ إذا فَرَغَ مِن حَديثِهِ وأرادَ أن يَقومَ مِن مَجلِسِهِ ، يَقولُ : اللّهُمَّ اغفِر لَنا ما أخطَأنا وما تَعَمَّدنا ، وما أسرَرنا وما أعلَنّا ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّا ، أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ ، لا إلهَ إلّا أنتَ . (1)5143.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ أن يَكتالَ بِالمِكيالِ الأوفى مِنَ الأجرِ يَومَ القِيامَهِ ، فَليَكُن آخِرُ كَلامِهِ فى مَجلِسِهِ : «سُبْحَنَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (2) . (3)راجع : ص 512 (أوقات التسبيح / عند القيام من المجلس) . و ج 4 ص 140 (ما ينبغى فيه الاستغفار من الأحوال / خِتام المجالس) .

8 / 15فِى المَسجِدِ5139.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لأَبِى ذَرٍّ الغِفارِىِّ : يا أباذَرٍّ ، كُلُّ جُلوسٍ فِى المَسجِدِ لَغوٌ إلّا ثَلاثَهً : قِراءَهُ مُصَلٍّ ، أو ذِكرُ اللّهِ ، أو سائِلٌ عَن عِلمٍ . (4) .

1- .منيه المريد : ص 220 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 63 ح 13.
2- .الصافّات : 180 182.
3- .مجمع البيان : ج 8 ص 722 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 496 ح 3 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، عدّه الداعى : ص 241 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 468 ح 20 ؛ حليه الأولياء : ج 7 ص 123 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 375 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 62 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 83 ص 370 ح 30 وراجع الفردوس : ج 3 ص 258 ح 4764 وكنز العمّال : ج 7 ص 671 ح 20840.

5144.عنه علیه السلام :مُنْیهُ المُرید :پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه سخنش را به پایان می رساند و می خواست از جایش برخیزد ، می گفت : «بار خدایا ! گناهانی را که به خطا یا عمد ، و در نهان یا آشکار ، از ما سر زده است و تو بدانها داناتر از ما هستی ، بر ما ببخشای . تویی که مقدّم می داری و تویی که وا پس می نهی . معبودی جز تو نیست» .5143.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که می خواهد در روز رستاخیز ، برترین پیمانه مزد را دریافت کند ، آخرین سخنش در مجلسش این باشد : «منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند! و درود بر فرستادگان! و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است» .ر . ک : ص 513 (اوقات تسبیح گفتن/ هنگام برخاستن از مجلس) و ج 4 ص 141 (مواقع مناسب برای آمرزش خواهی / در پایان مجلس) .

8 / 15در مسجد5139.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر غفاری : ای ابو ذر! هر نشستنی در مسجد ، بیهوده است ، مگر برای سه کار : قرآن خواندن نمازگزار ، یا ذکر خدا گفتن ، یا پرسیدن در باره دانشی .

.

5138.امام على عليه السلام :الإمامِ الصادقِ عليه السلام :إذا دَخَلتَ المَسجِدَ فَاحمَدِ اللّهَ وأثنِ عَلَيهِ ، وصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله . (1)5137.امام على عليه السلام :الإمام الصادق والإمام العسكرى عليهماالسلام فيما يُقالُ عِندَ دُخولِ المَسجِدِ : اللّهُمَّ افتَح مَسامِعَ قَلبى لِذِكرِكَ . (2)5136.امام على عليه السلام (در دعايى كه به كميل بن زياد آموخت) الإمام الصادق عليه السلام :مَن دَخَلَ سوقا أو مَسجِدَ جَماعَةٍ فَقالَ مَرَّةً واحِدَةً : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، واللّهُ أكبَرُ كَبيرا ، وَالحَمدُ للّهِ كَثيرا ، وسُبحانَ اللّهِ بُكرَةً وأصيلاً ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ» عَدَلَت لَهُ حَجَّةً مَبرورَةً . (3)8 / 16فى مَكَّةَ5137.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :تَسبيحَهُ بِمَكَّةَ ، أفضَلُ مِن خَراجِ العِراقَينِ يُنفَقُ فى سَبيلِ اللّهِ . (4)8 / 17فِى البَيتِ5134.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَثَلُ البَيتِ الَّذى يُذكَرُ اللّهُ فيهِ ، وَالبَيتِ الَّذى لا يُذكَرُ اللّهُ فيهِ ، مَثَلُ الحَىِّ وَالمَيِّتِ . (5) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 65 ح 233 عن أبى بصير.
2- .فلاح السائل : ص 183 ح 291 ، جمال الأُسبوع : ص 150 عن رجاء بن يحيى بن سامان العبرتائى الكاتب عن الإمام العسكرى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 27 ح 21.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 199 ح 3753 ، المحاسن : ج 1 ص 111 ح 102 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 84 ص 19 ح 4 وج 76 ص 173 ح 6.
4- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 468 ح 1640 عن خالد بن عماد القلانسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 227 ح 2258 وفيه «تعدل» بدل «أفضل من» ، المحاسن : ج 1 ص 144 ح 195 عن الإمام الصادق عليه السلام ، وفيه «تسبيح» بدل «تسبحه» و«يعدل» بدل «أفضل من» ، بحار الأنوار : ج 99 ص 82 ح 33 .
5- .صحيح مسلم : ج 1 ص 539 ح 211 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 410 ح 7269 ، الفردوس : ج 4 ص 143 ح 6442 كلّها عن أبى موسى ، كنز العمّال : ج 1 ص 424 ح 1820 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 85 ح 2226.

8 / 16 در مكّه

8 / 17 در خانه

5133.امام على عليه السلام (خطاب به خداوند عز و جل) امام صادق عليه السلام :هر گاه وارد مسجد شدى ، حمد و ثناى خدا بگو و بر پيامبر صلى الله عليه و آله درود فرست .5132.امام على عليه السلام :امام صادق و امام عسكرى عليهماالسلام در باره آنچه هنگام وارد شدن به مسجد گفته مى شود : بار خدايا ! گوش هاى دلم را براى ياد خودت بگشاى .5131.امام على عليه السلام :امام صادق عليه السلام :هر كس وارد بازارى يا مسجد قومى شود و يک بار بگويد : «گواهى مى دهم كه معبودى جز خداى يگانه و بى انباز نيست ، و خدا ، بسى بزرگ است ، و ستايش فراوان ، خداى راست ، و خدا را هر بام و شام ، به پاكى مى ستايم ، و هيچ نيرو و توانى نيست ، مگر از خداى بلندمرتبه و باعظمت . و درود خدا بر محمّد و خاندان او باد !» ، اين ، براى او با يک حجّ پذيرفته شده ، برابرى مى كند .8 / 16در مكّه5128.امام علي عليه السلام :امام زين العابدين عليه السلام :يک بار تسبيح گفتن در مكّه ، برتر از انفاق كردن خراجِ دو عراق [عرب و عجم] در راه خداست .8 / 17در خانه5133.عنه عليه السلام (مُخاطِبا اللّه َ عَزَّ وجَلَّ) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :حكايت خانه اى كه در آن خدا ياد مى شود و خانه اى كه در آن خدا ياد نمى شود ، حكايت زنده و مرده است .

.

5132.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ البَيتَ الَّذى يُذكَرُ فيهِ اسمُ اللّهِ ، لَيُضىءُ لِأَهلِ السَّماءِ كما تُضىءُ النُّجومُ لِأَهلِ الأَرضِ .

5131(1).عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :البَيتُ الَّذى يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ ويُذكَرُ اللّهُ عز و جل فيهِ ، تَكثُرُ بَرَكَتُهُ ، وتَحضُرُهُ المَلائِكَهُ ، وتَهجُرُهُ الشَّياطينُ ، ويُضىءُ لِأَهلِ السَّماءِ كما تُضىءُ الكَواكِبُ لِأَهلِ الأَرضِ .

وإنَّ البَيتَ الَّذى لا يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ ، ولا يُذكَرُ اللّهُ عز و جل فيهِ ، تَقِلُّ بَرَكَتُهُ ، وتَهجُرُهُ المَلائِكَهُ ، وتَحضُرُهُ الشَّياطينُ . (2)8 / 18فِى السُّوقِ5128.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن ذَكَرَ اللّهَ فِى السّوقِ مُخلِصا عِندَ غَفلَهِ النّاسِ وشُغلِهِم بما هُم فيهِ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفَ حَسَنَهٍ ، ويَغفِرُ اللّهُ لَهُ يَومَ القِيامَهِ مَغفِرَهً لَم تَخطُر عَلى قَلبِ بَشَرٍ .

5127(3).الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن دَخَلَ السّوقَ فَقالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيِى ويُميتُ وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ» كَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ ، ومَحا عَنهُ ألفَ ألفِ سَيِّئَهٍ ، ورَفَعَ لَهُ ألفَ ألفِ دَرَجَهٍ . (4) .

1- .كنز العمّال : ج 1 ص 424 ح 1818 نقلاً عن أبى نعيم فى المعرفه عن سابط.
2- .الكافى : ج 2 ص 610 ح 3 ، عدّه الداعى : ص 233 من دون إسنادٍ إلى الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 161 ح 42.
3- .عدّه الداعى : ص 242 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 102 ح 47.
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 491 ح 3428 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 747 ح 2592 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 722 ح 1974 وفيه «و بنى له بيتا فى الجنّه» بدل «و رفع له ألف ألف درجه» ، حليه الأولياء : ج 2 ص 355 كلّها عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : ج 4 ص 48 ح 9443.

5126.امام علی علیه السلام (در دیوان منسوب به ایشان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانه ای که در آن ، نام خدا برده می شود ، برای اهل آسمان ، چنان پرتوافشان است که ستارگان برای اهل زمین ، پرتو افشان اند .5125.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :خانه ای که در آن قرآن خوانده و نام خداوند عز و جل برده شود ، برکتش فراوان می شود و فرشتگان در آن ، حاضر می شوند و شیاطین از آن ، دور می شوند و برای اهل آسمان ، چنان می درخشد که اختران برای اهل زمین می درخشند .

و خانه ای که در آن قرآن خوانده نمی شود و نام خداوند عز و جل در آن برده نمی شود ، برکتش کم می شود و فرشتگان از آن ، دور و شیاطین در آن ، حاضر می شوند .8 / 18در بازار5122.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در بازار ، آن گاه که مردم در غفلت [از خدا] به سر می برند و سرگرم کار خویش اند ، از سرِ اخلاص ، خدا را یاد کند ، خداوند ، هزار ثواب برایش می نویسد و در روز رستاخیز ، او را می آمرزد ؛ آمرزشی که به دل هیچ بشری خطور نکرده باشد .5121.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که چون به بازار درآید ، بگوید : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میراند و خود ، زنده نامیراست . خیر ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست» ، خداوند به خاطر این ، برای او هزار هزار ثواب می نویسد و هزار هزار گناه از او پاک می کند و هزار هزار بار درجه اش را بالا می برد .

.

5120.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جل إذا دَخَلتُمُ الأَسواقَ عِندَ اشتِغالِ النّاسِ ؛ فَإِنَّهُ كَفّارَةٌ لِلذُّنوبِ ، وزِيادَةٌ فِى الحَسَناتِ ، ولا تُكتَبوا فِى الغافِلينَ . (1)5126.عنه عليه السلام (فى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ) الإمام الصادق عليه السلام :مَن ذَكَرَ اللّه عز و جل فِى الأَسواقِ ، غَفَرَ لَهُ بِعَدَدِ أهلِها . (2)راجع : ص 186 (عند غفله الناس) و ص 204 ح 337 .

8 / 19فِى السَّفَرِ5122.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : اِعلَم أنَّ مُروءَهَ المَرءِ المُسلِمِ مُروءَتانِ : مُروءَهٌ فى حَضَرٍ ، ومُروءَهٌ فى سَفَرٍ . . .

وأمّا مُروءَهُ السَّفَرِ : فَبَذلُ الزّادِ ، وقِلَّهُ الخِلافِ عَلى مَن صَحِبَکَ ، وكَثرَهُ ذِكرِ اللّهِ عز و جلفى كُلِّ مَصعَدٍ ومَهبَطٍ ونُزولٍ وقِيامٍ وقُعودٍ . (3)8 / 20عِندَ المُرورِ بِالجَبَلِ أو بِقاعِ الأَرضِ5119.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ إذا مَرَّ بِالجَبَلِ فَذَكَرَ اللّهَ عِندَهُ ، شَمَخَ يَومَئِذٍ عَلَى الجِبالِ فَخرا حَيثُ يُذكَرُ اللّهُ عِنَدهُ . (4) .

1- .الخصال : ص 614 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 104 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 96 ح 19.
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 200 ح 3756.
3- .الخصال : ص 54 ح 71 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 200 ح 5.
4- .الفردوس : ج 1 ص 196 ح 739 عن أنس.

8 / 19 در سفر

8 / 20 هنگام گذر از کوه یا دشت

5118.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر گاه به بازارها وارد می شوید و مردم سرگرم کارند ، خدای عز و جلرا بسیار یادآور شوید ؛ زیرا این کار ، گناهان را می زداید و بر حسنات می افزاید و از غافلان نوشته نمی شوید .5117.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر که در بازارها ذکر خداوند عز و جل بگوید ، به شمار اهل آنها از گناهانش آمرزیده می شود .ر . ک : ص 187 (هنگام غافل بودن مردم) و ص 205 ح 337 .

8 / 19در سفر5113.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام از سفارش ایشان به فرزندش محمّد بن حنفیّه :بدان که رادمردیِ مسلمان ، دو گونه است : رادمردی در غیر سفر و رادمردی در سفر .

رادمردی در سفر ، عبارت است از : بخشیدن توشه [به هم سفر] ، کمتر ناسازگاری کردن با آن که هم سفر توست ، فراوان یاد کردن از خداوند عز و جل در هر فراز و نشیبی و فرود آمدنی و برخاست و نشستی .8 / 20هنگام گذر از کوه یا دشت5240.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ، هر گاه از کوهی گذر کند و نام خدا را ببرد ، آن کوه ، فخرکنان ، دیگر کوه ها را تحقیر می کند که نزد او خدا یاد شده است .

.

5239.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن صَباحٍ ولارَواحٍ (1) إلّا وبِقاعُ الأَرضِ تُنادی بَعضُها بَعضا : یا جارَةُ هَل مَرَّ بِکِ الیَومَ عَبدٌ صالِحٌ صَلّی عَلَیکِ أو ذَکَرَ اللّهَ ؟ فَإن قالَت : نَعَم ! رَأَت لَها بِذلِکَ عَلَیها فَضلاً . (2)5238.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن عَبدٍ سَلَکَ وادِیا فَیَبسُطُ کَفَّیهِ فَیَذکُرُ اللّهَ ویَدعو ، إلّا مَلَأَ اللّهُ ذلِکَ الوادِیَ حَسَناتٍ ، فَلیَعظُم ذلِکَ الوادی أو لِیَصغُر . (3)8 / 21مَعَ کُلِّ ذاکِرٍ5242.عنه علیه السلام :علل الشرائع عن زراره :قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ علیه السلام : ما أقولُ إذا سَمِعتُ الأَذانَ ؟ قالَ : اُذکُرِ اللّهَ مَعَ کُلِّ ذاکِرٍ . (4) .

1- .الرَّواح : نقیض الصباح ، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلی اللیل (الصحاح : ج 1 ص 368 «روح») .
2- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 177 ح 562 ، حلیه الأولیاء : ج 6 ص 174 کلاهما عن أنس ، کنز العمّال : ج 7 ص 290 ح 18929.
3- .ثواب الأعمال : ص 183 ح 1 عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، جامع الأحادیث للقمّی : ص 119 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 292 ح 15.
4- .علل الشرائع : ص 284 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 176 ح 6.

5241.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ صبح و عصری نیست ، مگر آن که هر یک از قطعات زمین ، دیگری را ندا می دهد که : ای همسایه ، آیا امروز ، بنده ای شایسته بر تو گذشت که روی تو نماز بگزارد یا خدا را یاد کند؟ اگر بگوید : «آری» ، او این را دلیل برتری آن قطعه بر خود می بیند .5240.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که از وادی ای گذر کند و دو دستش را بگشاید و خدا را یاد کرده و دعا کند ، مگر آن که خداوند ، آن وادی را از ثواب می آکَنَد ، خواه آن وادی ، بزرگ باشد یا کوچک .8 / 21با هر یاد کننده خدا5237.عنه علیه السلام :علل الشرائع به نقل از زراره : به امام باقر علیه السلام گفتم : هر گاه اذان را می شنوم ، چه بگویم؟

فرمود : «با هر یاد کننده ای ، تو نیز خدا را یاد کن» .

.

الفَصلُ التّاسِعُ : بركات الذّكر9 / 1ذِكرُ اللّهِ لِذاكِرِهِالكتاب«فَاذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُواْ لِی وَ لَا تَكْفُرُونِ» . (1)

الحديث5230.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن اُعطِیَ أربَعا اُعطِیَ أربَعا ، وتَفسيرُ ذلِکَ فی كِتابِ اللّهِ عز و جل : مَن اُعطِیَ الذِّكرَ ذَكَرَهُ اللّهُ ؛ لِأَنَّ اللّهَ يَقولُ : «اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ» . . . . (2)5235.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله : «اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ» يَقولُ : اُذكُرونی يا مَعشَرَ العِبادِ بِطاعَتی ، أذكُركُم بِمَغفِرَتی . (3)5234.الإمام علیّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ : اُذكُرُونی بِطاعَتی أذكُركُم بِمَغفِرَتی ، فَمَن ذَكَرَنی وهُوَ مُطيعٌ فَحَقٌّ عَلَیَّ أن أذكُرَهُ بِمَغفِرَتی ، ومَن ذَكَرَنی وهُوَ لی عاصٍ فَحَقٌّ عَلَیَّ أن أذكُرَهُ بِمَقتٍ . (4) .

1- .البقره : 152.
2- .شُعب الإيمان : ج 4 ص 126 ح 4529 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 360 نقلاً عن الطبرانی وابن مردويه وكلاهما عن عبد اللّه بن مسعود.
3- .الفردوس : ج 3 ص 150 ح 4405 عن ابن عبّاس.
4- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 360 نقلاً عن ابن لال والديلمی وابن عساكر عن أبی هند الدارى .

9 / 1 یاد کردن خدا از یاد کننده اش

فصل نهم: برکت های یاد خدا9 / 1یاد کردن خدا از یاد کننده اشقرآن«پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه ام را به جای آرید؛ و با من ، ناسپاسی نکنید» .

حدیث5227.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هر کس چهار چیز داده شود ، چهار چیز دیگر نیز عطا می شود ، و تفسیر این در کتاب خداوند عز و جل آمده است . به هر کس یاد کردن از خدا داده شود ، خداوند نیز او را یاد می کند ؛ زیرا خداوند می فرماید : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» ... .5226.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [در باره آیه] «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» : ای گروه بندگان! با فرمانبَری از من ، مرا یاد کنید تا من هم با آمرزش خود ، شما را یاد کنم .5225.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید : «با اطاعت از من ، مرا یاد کنید تا من نیز با آمرزش خود ، شما را یاد کنم . پس ، هر که مرا یاد کند و فرمان بُردار باشد ، بر من است که با آمرزش خویش ، او را یاد کنم ، و هر که مرا یاد کند ، در حالی که نافرمان است ، بر من است که با خشم [خویش] ، او را یاد کنم» .

.

5224.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :قالَ سُبحانَهُ : «فاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ» بِنِعمَتى ، وَاذكُرونى بِالطّاعَهِ وَالعِبادَهِ أذكُرْكُم بِالنِّعَمِ وَالإِحسانِ وَالرَّحمَهِ وَالرِّضوانِ . (1)5229.عنه علیه السلام (لَمّا سُئِلَ عَن مَشِيَّهِ اللّه ِ وإرادَتِهِ) عنه صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : إذا ذَكَرَنى عَبدى خالِيا ذَكَرتُهُ خالِيا ، وإن ذَكَرَنى فى مَلَأٍ ذَكَرتُهُ فى مَلَأٍ خَيرٍ مِنَ المَلَأِ الَّذى ذَكَرَنى فيهِ . (2)5208.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :يَقولُ اللّهُ تَعالى : أنَا عِندَ ظَنِّ عَبدى بى ، وأنَا مَعَهُ إذا ذَكَرَنى ؛ فَإن ذَكَرَنى فى نَفسِهِ ذَكَرتُهُ فى نَفسى ، وإن ذَكَرَنى فى مَلَأٍ ذَكَرتُهُ فى مَلَأٍ خَيرٍ مِنهُم . (3)5207.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : لا يَذكُرُنى عَبدى فى نَفسِهِ إلّا ذَكَرتُهُ فى مَلَأٍ مِن مَلائِكَتى ، ولا يَذكُرُنى فى مَلَأٍ إلّا ذَكَرتُهُ فِى الرَّفيقِ الأَعلى . (4)5211.عنه علیه السلام (فى دُعاءٍ عَلَّمَهُ كُمَيلَ بنَ زِيادٍ) المحاسن عن بشير الدهّان عن الإمام الصادق علیه السلام :قالَ اللّهُ تَعالى : اِبنَ آدَمَ ، اُذكُرنى فى نَفسِكَ أذكُرکَ فى نَفسى . اِبنَ آدَمَ ، اُذكُرنى فى خَلاءٍ أذكُرکَ فى خَلاءٍ . اِبنَ آدَمَ ، اُذكُرنى فى مَلَأٍ أذكُرکَ فى مَلَأٍ خَيرٍ مِن مَلَئِكَ .

وقالَ : ما مِن عَبدٍ يَذكُرُ اللّهَ فى مَلَأٍ مِنَ النّاسِ ، إلّا ذَكَرَهُ اللّهُ فى مَلَأٍ مِنَ المَلائِكَهِ . (5) .

1- .عدّه الداعى : ص 238 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 163 ح 42.
2- .الفردوس : ج 3 ص 172 ح 4458 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 406 ح 551 نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 432 ح 1866 نقلاً عن الطبرانى وكلّها عن ابن عبّاس.
3- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2694 ح 6970 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2061 ح 2 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 581 ح 3603 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1255 ح 3822 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 406 ح 550 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 225 ح 1135.
4- .المعجم الكبير : ج 20 ص 182 ح 391 عن معاذ بن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 420 ح 1796.
5- .المحاسن : ج 1 ص 110 ح 98 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 125 ح 59 عن أبى هريره نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 158 ح 31.

5210.عنه علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند سبحان می فرماید : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» با نعمتْ بخشیدنم به شما . و مرا از طریق فرمانبری و بندگی ، یاد کنید تا من نیز از طریق نعمت ها و نیکی و مهربانی و خشنودی [خویش] ، شما را یاد کنم .5209.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل می فرماید : «هر گاه بنده ام مرا در خلوت یاد کند ، من او را در خلوت یاد می کنم ، و اگر در میان جمع یاد کند ، من او را در میان جمعی بهتر از آن جمع که او مرا یاد کرده است ، یاد می کنم» .5208.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال می فرماید : «من آن گونه ام که بنده ام نسبت به من گمان می برد ، و هر گاه مرا یاد کند ، من با او هستم . پس اگر در درونش مرا یاد کند ، من نیز در درونم او را یاد کنم ، و اگر در میان جمعی مرا یاد کند ، من او را در میان جمعی بهتر از آنان ، یادش می کنم» .5207.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال می فرماید : «هر گاه بنده ام در تنهایی اش مرا یاد کند ، من در میان جمعی از فرشتگانم یادش می کنم ، و هر گاه در میان جمعی یادم کند ، من در میان جمع بَرین (رَفیق اعلی)، (1) یادَش می کنم» .5206.امام علی علیه السلام :المحاسن به نقل از بشیر دهّان امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال می فرماید : ای پسر آدم ! مرا در درونت یاد کن ، تو را در درونم یاد کنم . ای پسر آدم ! مرا در خلوت یاد کن ، تو را در خلوت ، یاد می کنم . ای پسر آدم ! مرا در میان جمع یاد کن ، من تو را در میان جمعی بهتر از جمع تو ، یاد می کنم » .

[سپس] فرمود : «هیچ بنده ای نیست که در میان جمعی از مردم خدا را یاد کند ، مگر آن که خداوند در میان جمعی از فرشتگان ، از او یاد می کند» . .

1- .مقصود ، پیامبران یا پیامبران و صدّیقان و شهیدان یا فرشتگان مقرّب اند . م .

5205.امام على عليه السلام (در نامه اش به قيصر) الكافى عن ابن فضّال رفعه ، قال :قالَ اللّهُ عز و جل لِعيسى عليه السلام : يا عيسى ، اُذكُرنى فى نَفسِكَ أذكُرکَ فى نَفسى ، وَاذكُرنى فى مَلَإٍ(کَ) أذكُرکَ فى مَلَإٍ خَيرٍ مِن مَلَإِ الآدَمِيِّينَ . (1)5204.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل : مَن ذَكَرنى سِرّا ذَكَرتُهُ عَلانِيَةً . (2)5203.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «وَ لَذِكْرُ اللّهِ أَكْبَرُ» (3) ذِكرُ اللّهِ تَعالى إيّاكُم أكبَرُ مِن ذِكرِكُم إيّاهُ . (4)5202.امام على عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ لَذِكْرُ اللّهِ أَكْبَرُ» : يَقولُ : ذِكرُ اللّهِ لِأَهلِ الصَّلاهِ أكبَرُ مِن ذِكرِهِم إيّاهُ ، ألا تَرى أنَّهُ يَقولُ : «اذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ» ؟ (5)5201.امام على عليه السلام :مستدرک الوسائل :قالَ جَبرَئيلُ عليه السلام لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : أعطَيتُ اُمَّتَکَ ما لم اُعطِ اُمَّةً مِنَ الاُمَمِ .

فَقالَ : وما ذاکَ يا جَبرَئيلُ؟

قالَ : قَولُهُ تَعالى : «فاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ» ، ولَم يَقُل هذِهِ لِأَحَدٍ مِنَ الاُمَمِ . (6)5206.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِقِسرَةَ بِنتِ رَواسٍ الكِندِيَّهِ : أيا قِسرَهُ ! اُذكُرِى اللّهَ عِندَ الخَطيئَهِ يَذكُرُكِ عِندَ المَغفِرَهِ ، وأطيعى زَوجَكِ يَكفِكِ شَرَّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وبِرِّى والِدَيكِ يَكثُر خَيرُ بَيتِكِ . (7) .

1- .الكافى : ج 2 ص 502 ح 3 وج 8 ص 138 ح 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 143 عن أبى عبد اللّه عليه السلام ، تحف العقول : ص 498 ، أعلام الدين : ص 232 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 60 ص 300 ح 10.

2- .الكافى : ج 2 ص 501 ح 1 ، عدّه الداعى : ص 244 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 342 ح 11.

3- .العنكبوت : 45 .

4- .الفردوس : ج 4 ص 406 ح 7178 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 466 نقلاً عن ابن السنى وابن مردويه وكلاهما عن ابن عمر.

5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 150 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 82 ص 199.

6- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 286 ح 5871 نقلاً عن مجموعه الشهید قدس سره .
7- .الإصابه : ج 8 ص 287 ، اُسد الغابه : ج 7 ص 237 کلاهما عن قسره بنت رواس الکندیه ، کنز العمّال : ج 15 ص 852 ح 43388 نقلاً عن أبی نعیم عن بسره.

5205.عنه علیه السلام (فی کِتابِهِ إلی قَیصَرَ) الکافی به نقل از ابن فضّال ، در حدیثی که سندش را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام فرمود : «ای عیسی! مرا در دلت یاد کن تا من نیز در دلم تو را یاد کنم ، و در میان جمع یادم کن ، تا من نیز در میان جمعی بهتر از آدمیان ، تو را یاد کنم» .5204.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل فرموده است : «هر کس در نهانْ مرا یاد کند ، من در آشکار ، یادش می کنم» .5203.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» ، [یعنی] یاد کرد خداوند متعال از شما ، بزرگ تر از یادکرد شما از اوست .5202.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» : یادکرد خدا از نمازگزاران ، بزرگ تر از یادکرد ایشان از اوست . نمی بینی که می فرماید : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» ؟5201.عنه علیه السلام :مستدرک الوسائل :جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : خدای متعال می فرماید : «به امّت تو چیزی عطا کرده ام که به هیچ امّتی عطا نکرده ام» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آن چیست ، ای جبرئیل؟

گفت : «این فرموده او : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» ، و این را به هیچ یک از امّت ها نفرموده است» .5200.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قِسره دختر رَواس کِنْدی : ای قسره! به گاهِ گناه به یاد خدا باش تا او نیز به گاه آمرزش به یاد تو باشد ، و از شوهرت اطاعت کن تا خداوند ، تو را از گزند دنیا و آخرت ، نگه دارد ، و به پدر و مادرت نیکی کن تا خیر [و برکت]خانه ات افزون شود . .

5199.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَا اجتَمَعَ قَومٌ يَذكُرونَ اللّهَ عز و جل ، إلّا ذَكَرَهُمُ اللّهُ فيمَن عِندَهُ . (1)5198.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ إذا أسكَنَ أهلَ الجَنَّهِ الجَنَّهَ . . . فَناداهُمُ الرَّبُّ : عِبادى ، اِرفَعوا رُؤوسَكُم فَإنَّها لَيسَت بِدارِ عَمَلٍ ولا دارِ نَصَبٍ ، إنَّما هِىَ دارُ جَزاءٍ وثَوابٍ ، وعِزَّتى ما خَلَقتُها إلّا مِن أجلِكُم ، وما مِن ساعَهٍ ذَكَرتُمونى فيها فى دارِ الدُّنيا إلّا ذَكَرتُكُم فَوقَ عَرشى . (2)5197.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :اِعلَموا أنَّ اللّهَ لا يَنسى مَن ذَكَرَهُ ، ولا يَخذُلُ مَن نَصَرَهُ . (3)5196.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَن ذَكَرَ اللّهَ ذَكَرَهُ . (4)5200.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ فى يَومِ الجُمُعَهِ : اُذكُرُوا اللّهَ يَذكُركُم ؛ فَإنَّهُ ذاكِرٌ لِمَن ذَكَرَهُ ، وَاسأَلُوا اللّهَ مِن رَحمَتِهِ وفَضلِهِ ؛ فَإنَّهُ لا يَخيبُ عَلَيهِ داعٍ دَعاهُ . (5)5199.عنه عليه السلام :الإمام الحسن عليه السلام لِرَجُلٍ بَرِئَ مِن عِلَّهٍ كانَت بِهِ : إنَّ اللّهَ قَد ذَكَرَكَ فَاذكُرهُ ، وأقالَكَ فَاشكُرهُ . (6)5198.عنه عليه السلام :الإمام الحسين عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ : يا مَن ألبَسَ أولِياءَهُ مَلابِسَ هَيبَتِهِ فَقاموا بَينَ يَدَيهِ مُستَغفِرينَ ، أنتَ الذّاكِرُ قَبلَ الذّاكِرينَ . (7)5197.عنه عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ لِوَداعِ شَهرِ رَمَضانَ : أنتَ الَّذى دَلَلتَهُم [العِبادَ]بِقَولِكَ مِن غَيبِكَ وتَرغيبِكَ الَّذى فيهِ حَظُّهُم ، عَلى ما لَو سَتَرتَهُ عَنهُم لَم تُدرِكهُ أبصارُهُم ، ولَم تَعِهِ أسماعُهُم ، ولَم تَلحَقهُ أوهامُهُم ، فَقُلتَ : «اذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُواْ لِى وَ لَا تَكْفُرُونِ» ، وقُلتَ : «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ» (8) . . . فَذَكَروكَ بِمَنِّكَ ، وشَكَروكَ بِفَضلِكَ . (9) .

1- .التاريخ الكبير : ج 1 ص 383 الرقم 1226 عن أبى سعيد الخدرى.
2- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 607 نقلاً عن ابن جرير عن أنس.
3- .تاريخ المدينه : ج 2 ص 598 عن محمّد بن إسحاق عن مشيخه بنى عامر.
4- .غرر الحكم : ح 7758.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 432 ح 1263 ، مصباح المتهجّد : ص 384 ح 509 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 239 ح 68.
6- .تحف العقول : ص 234 وص 280 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 106 ح 8.

7- .الإقبال (طبعه دار الكتب الإسلاميّه) : ص 350 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 226 ح 3.
8- .إبراهيم : 7.
9- .الصحيفه السجّاديّه : ص 173 الدعاء 45.

5196.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گروهی برای یاد کردن از خداوند عز و جل گِرد هم نیامدند ، مگر آن که خداوند از آنان در میان کسانی که نزد او هستند ، از ایشان یاد کرد .5195.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، هر گاه اهل بهشت را در بهشت جای دهد ... پروردگار ، ایشان را بانگ می دهد که : «ای بندگان من ! سرهایتان را بلند کنید ؛ زیرا این جا دیگر سرای عمل و خانه رنج [و زحمت] نیست ، بلکه سرای مزد و پاداش است . به عزّتم سوگند که این را جز به خاطر شما نیافریدم . هیچ لحظه ای در سرای دنیا نبود که در آن از من یاد کنید ، مگر آن که من نیز در فراز عرشم از شما یاد کردم» .5194.الإرشاد (هنگامی که روحانی ای یهودی ، پرسید که : آیا خدا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که خداوند ، کسی را که به یاد او باشد ، فراموش نمی کند ، و کسی را که یاری اش دهد ، وا نمی گذارد .5195.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که به یاد خدا باشد ، خدا به یاد اوست .5194.الإرشاد (عِندَما سَأَلَ حِبرٌ یَهودِیٌّ عَنِ اللّه ِ أ ه) امام علی علیه السلام از خطبه ایشان در روز جمعه : به یاد خدا باشید تا به یاد شما باشد ؛ زیرا هر کس به یاد او باشد ، خدا نیز به یاد اوست ، و از خداوند ، از رحمت و فضلش درخواست کنید ؛ زیرا هیچ کس نیست که از او بخواهد و از درگاهش نومید برگردد .5193.امام علی علیه السلام :امام حسن علیه السلام به مردی که از بیماری بهبود یافته بود : خداوند به یاد تو بوده است ، پس به یاد او باش ؛ و تو را بخشیده است ، پس از او سپاس گزاری کن .5192.امام علی علیه السلام :امام حسین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : ای آن که جامه های هیبتش را بر قامت دوستانش پوشانده است و از این رو ، در پیشگاه او به آمرزش خواهی ایستاده اند ! تو پیش از آن که یاد کنندگانْ از تو یاد کنند ، از آنان یاد می کنی .5191.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام از دعای وداع ایشان با ماه رمضان : تو آنی که با سخنان غیبی ات و با ترغیباتت که سعادت بندگانت در آنهاست ، آنان را به چیزی (حقایق غیبی) راه نمایی کردی که اگر آن را از ایشان پوشیده می داشتی ، نه دیدگانشان آن را در می یافت ، و نه گوش هایشان می شنید ، و نه اندیشه هایشان به آنها می رسید . پس فرمودی : «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه ام را به جای آرید؛ و با من ناسپاسی نکنید» ، و فرمودی : «اگر سپاس گزارید ، افزونتان دهم و اگر ناسپاسی کنید ، بی

گمان ، عذاب من سخت است» ... و بندگانت هم به لطف تو یادت کردند ، و به فضل تو سپاست گفتند . .

5190.امام على عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الحَمدُ للّهِ الأَوَّلِ قَبلَ الإنشاءِ وَالإحياءِ ، وَالآخِرِ بَعدَ فَناءِ الأَشياءِ ، العَليمِ الَّذى لا يَنسى مَن ذَكَرَهُ ، ولا يَنقُصُ مَن شَكَرَهُ ، ولا يُخَيِّبُ مَن دَعاهُ ، ولاَ يَقطَعُ رَجاءَ مَن رَجاهُ . (1)5189.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل : مَن ذَكَرَنى فى مَلأٍ مِنَ النّاس ذَكَرتُهُ فى مَلاَ مِنَ المَلائِكَهِ . (2)5188.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :إنَّ فِى التَّوراهِ مَكتوبا : يَابنَ آدَمَ ، اُذكُرنى حينَ تَغضَبُ أذكُرکَ عِندَ غَضَبى ؛ فَلا أمحَقُکَ فيمَن أمحَقُ . وإذا ظُلِمتَ بِمَظلَمَهٍ فَارضَ بِانتِصارى لَکَ ؛ فإنَّ انتِصارى لَکَ خَيرٌ مِنِ انتِصارِکِ لِنَفسِکَ . (3)5290.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام فى رِسالَتِهِ إلَى جَماعَهٍ مِن شيعَتِهِ وأصحابِهِ : أكثِروا ذِكرَ اللّهِ مَا استَطَعتُم فى كُلِّ ساعَهٍ مِن ساعاتِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، فَإنَّ اللّهَ أمَرَ بِكَثرَهِ الذِّكرِ لَهُ ، وَاللّهُ ذاكِرٌ لِمَن ذَكَرَهُ مِنَ المُؤمِنينَ ، وَاعلَموا أنَّ اللّهَ لَم يَذكُرهُ أحَدٌ مِن عِبادِهِ المُؤمِنينَ إلّا ذَكَرَهُ بِخَيرٍ . (4)5289.امام على عليه السلام (در سخنرانى اش در مسجد كوفه) عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ : وَاذكُرنى يا رَبِّ بِرِضاکَ ، ولا تَنسَنى حينَ تَنشُرُ رَحمَتَکَ ، وأقبِلَ عَلَىَّ بِوَجهِکَ الكَريمِ . (5) .

1- .المصباح للكفعمى : ص 138 ، البلد الأمين : ص 87 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 134 ح 2.
2- .الكافى : ج 2 ص 498 ح 13 ، المحاسن : ج 1 ص 110 ح 98 عن بشير الدهّان ، عدّه الداعى : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 158 ح 31. وراجع : ص 75 (الذكر الخفىّ) وص 77 (الذكر الجلىّ) .
3- .الكافى : ج 2 ص 304 ح 10 عن إسحاق بن عمّار.
4- .الكافى : ج 8 ص 7 ح 1 عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلّد السرّاج ، تحف العقول : ص 314.
5- .الإقبال : ج 2 ص 127 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 246 ح 4.

5289.عنه علیه السلام (فی خُطبَتِهِ فی مَسجِدِ الکوفَهِ) امام زین العابدین علیه السلام :به نام خدای مهرگستر مهربان . ستایش ، خداوند را که پیش از آن که چیزی بیافریند و حیاتی خلق کند ، وجود داشته است ، و پس از نیستی همه چیزها خواهد بود ؛ آن دانایی که هر کس را به یاد او باشد ، فراموش نمی کند ، و از [نعمت] آن کس که سپاسش گوید ، نمی کاهد ، و آن کس را که بخواندش ، نومید نمی گرداند ، و امید آن کس را که به او امید بندد ، قطع نمی کند .5288.امام علی علیه السلام (هنگامی که از مردم خواست برای بار دوم به جنگ با) امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل فرموده است : «هر آن که مرا در جمعی از مردم یاد کند ، او را در جمعی از فرشتگان ، یاد می کنم» .5288.عنه علیه السلام (عِندَمَا استَنهَضَ النّاسَ فی حَربِ مُعاوِیَهَ) امام صادق علیه السلام :در تورات نوشته است : «ای فرزند آدم! در زمانی که به خشم می آیی، به یاد من باش تا در هنگام خشمم به یاد تو باشم و تو را با آنان که نابود می کنم ، نابود نکنم ؛ و هر گاه به تو ستمی شد ، به انتقام گیری من برایت رضایت ده ؛ زیرا من برای تو انتقام بگیرم ، برایت بهتر است تا تو خود ، انتقام خویش را بگیری» .5287.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در نامه اش به گروهی از پیروان و یارانش : تا می توانید ، در هر ساعتی از ساعات شبانه روز ، فراوان یاد خدا گویید ؛ زیرا که خداوند فرمان داده است او را بسیار یاد کنند ، و آن کس از مؤمنان که به یاد خدا باشد ، خدا نیز به یاد اوست ؛ و بدانید که هیچ یک از بندگان مؤمن خدا او را یاد نمی کند ، مگر آن که خداوند از او به نیکی یاد نماید .5286.امام علی علیه السلام (در تشویق به شناخت خدای متعال و یگانه دانستن او) امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : ای پروردگار من ! از من با خشنودی ات یاد کن ، و آن گاه که رحمتت را پخش می کنی ، مرا از یاد مبر ، و روی مبارکت را به من بنما . .

5287.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ اذكُرنى بِرَحمَتِکَ ولا تَذكُرنى بِخَطيئَتى ، وتَقَبَّل مِنّى ، وزِدنى مِن فَضلِکَ ، إنّى إلَيکَ راغِبٌ . (1)5286.عنه عليه السلام (فِى الحَثِّ عَلى مَعرِفَتِهِ تَعالى وَالتَّوحيد) مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : اِجعَل ذِكرَ اللّهِ مِن أجلِ ذِكرِهِ لَکَ ؛ فَإنَّهُ ذَکَرَکَ وهُوَ غَنِىٌّ عَنکَ ، فَذِکرُهُ لَکَ أجَلُّ وأشهى وأتَمُّ مِن ذِکرِکَ لَهُ وأسبَقُ .

ومَعرِفَتُکَ بِذِکرِهِ لَکَ يورِثُکَ الخُضوعَ، وَالاِستِحياءَ، وَالاِنکِسارَ ، ويَتَوَلَّدُ مِن ذلِکَ رُؤيَهُ کَرَمِهِ وفَضلِهِ السّابِقِ ، وتَخلُصُ لِوَجهِهِ ، وتَصغُرُ عِندَ ذلِکَ طاعاتُکَ وإن کَثُرَت فى جَنبِ مِنَنِهِ .

ورُؤيَتُکَ ذِکرَکَ لَهُ تورِثُکَ الرِّياءَ، وَالعُجبَ، وَالسَّفَهَ، وَالغِلظَهَ فى خَلقِهِ ، وَاستِکثارَ الطّاعَهِ ونِسيانَ کَرَمِهِ وفَضلِهِ ، ولا يَزدادُ بِذلِکَ مِنَ اللّهِ إلّا بُعدا ، ولا يَستَجلِبُ بِهِ عَلى مُضِىِّ الأيّامِ إلّا وَحشَهً . (2)5285.امام على عليه السلام :الزهد للحسين بن سعيد عن زيد بن علىّ :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى نَبِيِّهِ داوودَ عليه السلام : إذا ذَکَرَنى عَبدى حينَ يَغضَبُ ، ذَکَرتُهُ يَومَ القِيامَهِ فى جَميعِ خَلقى ، ولا أمحَقُهُ فيما أمحَقُ . (3)5285.الإمام علىّ عليه السلام :الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : . . . يا عيسى ، کُن رَحيما مُتَرَحِّما ، وکُن کَما تَشاءُ أن يَکونَ العِبادُ لَکَ ، وأکثِر ذِکرَ المَوتِ ومُفارَقَهَ الأهلينَ ، ولا تَلهُ فَإنَّ اللّهوَ يُفسِدُ صاحِبَهُ ، ولا تَغفُل فَإنَّ الغافِلَ مِنّى بَعيدٌ ، وَاذکُرنى بِالصّالِحاتِ حَتّى أذکُرَکَ . (4) .

1- .الكافى : ج 2 ص 586 ح 24 عن ابن أبى يعفور ، مصباح المتهجّد : ص 274 ، جمال الأُسبوع : ص 141 ح 17 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 300 ح 10.
2- .مصباح الشريعه : ص 47.
3- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 28 ح 67 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 266 ح 18.
4- .الكافى : ج 8 ص 131 134 ح 103 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 291 ح 14.

5284.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! با لطف و رحمت خود ، از من یاد کن و با گناه من ، مرا یاد مکن ، و از من بپذیر ، و از فضلت بر من بیفزای . به [درگاه] تو التماس می کنم .5283.امام علی علیه السلام :مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : خدای را از آن روی یاد کن که او تو را یاد کرده است ؛ چه ، او با آن که از تو بی نیاز است ، یادت کرده است . پس یاد کردن او از تو ، مهم تر و خواستنی تر و کامل تر و پیش تر از یاد تو برای اوست .

این که بدانی او تو را یاد می کند ، خود ، برایت فروتنی و شرمساری و شکسته نفسی به بار می آورد ، و این خود ، باعث می گردد که بزرگواری ولطف پیشین او را نسبت به خودت ببینی و به او اخلاص ورزی ، و در این هنگام ، طاعت هایت ، هر اندازه بسیار باشد ، در کنار نواخت های او کوچک می آید .

ولی اگر یادکرد خویش از او را در نظر آوری ، این ، برایت خودنمایی و خودپسندی و نابخردی و درشتی کردن با خلق او ، و افزون شمردن طاعت خویش و از یاد بردن بزرگواری و لطف او را به بار آورد ، و بدین سان ، جز بردوری تو از خدا افزوده نمی گردد ، و با گذشت روزها ، جز تنهایی به دست نمی آید .5284.عنه علیه السلام :الزهد ، حسین بن سعید به نقل از زید بن علی : خداوند عز و جل به پیامبرش داوود علیه السلام وحی فرمود : «هر گاه بنده ام ، در آن هنگام که خشمگین می شود ، مرا یاد کند ، من به روز رستاخیز در میان همه آفریدگانم از او یاد می کنم و با آنان که هلاکشان می کنم ، وی را به هلاکت نمی رسانم» .5283.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام : از پندهای خداوند عز و جلبه عیسی علیه السلام این بود که : «... ای عیسی ! مهربان و مِهرخواه (1) باش ، و چنان باش که می خواهی بندگان [من] نسبت به تو باشند ، و از مرگ و جدا شدن از خویشان ، بسیار یاد کن ، و سرگرم مشو؛ زیرا سرگرمی صاحبش را تباه می کند ، و غافل مباش ؛ زیرا شخص غافل ، از من دور است ، و با کارهای نیکْ مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم» . .

1- .یعنی از خداوند برای مردم ، طلب مهر و رحمت کن .

5282.امام على عليه السلام :جامع الأخبار :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى عيسَى بنِ مَريَمَ عليه السلام : يا عيسى ، إنّى لا أنسى مَن يَنسانى ، فَكَيفَ أنسى مَن يَذكُرُنى ! أنَا لا أبخَلُ عَلى من عَصانى ، فَكَيفَ أبخَلُ عَلى مَن يُطيعُنى !

5281(1).امام على عليه السلام :لقمان عليه السلام فى مَواعِظِهِ لِابنِهِ :يا بُنَيَّ ، ومَن ذَا الَّذى ذَكَرَهُ فَلَم يَذكُرهُ !

5280(2).امام على عليه السلام :مسكّن الفؤاد :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى بَعضِ الصِّدِّيقينَ : إنَّ لى عِبادا مِن عِبادى يُحِبّونى وأُحِبُّهُم ، ويَشتاقونَ إلَىَّ وأشتاقُ إلَيهِم ، ويَذكُرونى وأذكُرُهُم ، فَإن أخَذتَ طَريقَتَهُم أحبَبتُكَ ، وإن عَدَلتَ عَنهُم مَقَتُّكَ .

(3)9 / 2طَردُ الشَّيطانِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» .

(4)

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَحِشَةً أَوْظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُواْ اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّواْ عَلَى مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» .

(5)

الحديث5278.عنه عليه السلام :تفسيرِ العيّاشى عن علىّ بن أبى حمزه عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَألتُهُ فى قَولِ اللّهِ (6) : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» ما ذلِكَ الطّائِفُ؟ فَقالَ : هُوَ السَّيِّئُ يَهُمُّ العَبدُ بِهِ ، ثُمَّ يَذكُرُ اللّهَ فَيُبصِرُ ويُقصِرُ (7) .

(8) .

1- .جامع الأخبار : ص 509 ح 1417.
2- .الاختصاص : ص 337.
3- .مسكّن الفؤاد : ص 28 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 26 ح 28.
4- .الأعراف : 201.
5- .آل عمران : 135.
6- .فى بحار الأنوار : «عن قول اللّه » .
7- .أقصر فلانٌ عن الشىء يُقصِر إقصارا : إذا كفّ عنه وانتهى. وأقصرت عن الشىء : كففت ونزعت مع القدره عليه (لسان العرب : ج 5 ص 97 «قصر»).
8- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 44 ح 129 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 201 نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 287 ح 14.

5277.امام علی علیه السلام :جامع الأخبار :خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که : «ای عیسی! من [حتّی]کسی را که فراموشم کند ، فراموش نمی کنم . پس چگونه کسی را که به یاد من است ، فراموش کنم ؟! من [حتّی] به کسی که نافرمانی ام کند ، بخل نمی ورزم . پس چگونه به کسی که فرمانم می برد ، بخل ورزم ؟!» 5276.امام علی علیه السلام :لقمان علیه السلام در اندرزهایش به پسرش : پسر عزیزم! کیست که او (خدا) را یاد کرد و او یادش نکرد ؟!5275.امام علی علیه السلام (خطاب به خداوند عز و جل) مسکّن الفؤاد :خدای متعال به یکی از صدّیقان وحی فرمود که : «مرا در میان بندگانم ، بندگانی است که دوستم می دارند و دوستشان می دارم ، و مشتاق من اند و من ، مشتاق آنانم ، و مرا یاد می کنند و من ، یادشان می کنم . پس اگر راه آنان در پیش گیری ، تو را نیز دوست دارم ، و اگر از راه آنان منحرف شوی ، دشمنت می دارم» .9 / 2راندن شیطانقرآن«در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد ، [خدا را] به یاد می آورند و به ناگاه ، بینا می شوند» .

«و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند ، و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آن که می دانند [که گناه است] ، پافشاری نمی کنند» .

حدیث5273.عنه علیه السلام :تفسیر العیّاشی به نقل از علی بن ابی حمزه : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند که : «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد ، [خدا را] به یاد می آورند و به ناگاه ، بینا می شوند» پرسیدم که : این وسوسه چیست؟

فرمود : «مقصود ، گناه است که بنده قصد آن می کند ، سپس به یاد خدا می افتد و چشمش باز می شود و خودداری می ورزد» .

5272.امام على عليه السلام :الكافي عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» ؟

قالَ : هُوَ العَبدُ يَهُمُّ بِالذَّنبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيُمسِكُ ، فَذلِكَ قَولُهُ : «تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» . (1)5271.امام على عليه السلام :تفسير القمّى : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» ؛قالَ : وإذا ذَكَّرَهُمُ الشَّيطانُ المَعاصِيَ وحَمَلَهُم عَلَيها ، يَذكُرونَ اللّهَ فإذا هُم مُبصِرونَ . (2)5270.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعَ الشَّيطانُ ذِكرَ اللّهِ ، ذَهَبَ حَتّى يَكونَ كَمَكانِ الرَّوحاءِ (3) . (4)5269.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :عَلى كُلِّ قَلبٍ جاثِمٌ (5) مِنَ الشَّيطانِ ، فإذا ذَكَرَ اسمَ اللّهِ خَنَسَ الشَّيطانُ وذابَ ، وإذا تَرَكَ الذِّكرَ التَقَمَهُ الشَّيطانُ فَجَذَبَهُ وأغواهُ واستَزَلَّهُ وأطغاهُ . (6) .

1- .الكافى : ج 2 ص 434 ح 7 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 43 ح 128 عن زيد بن أبى اُسامه وص 44 ح 130 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 273.
2- .تفسير القمّى : ج 1 ص 253 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 273.
3- .الرَّوحاء : موضع بين الحرمين على ثلاثين أو أربعين ميلاً من المدينه ، وقريه من رحبه الشام (القاموس المحيط : ج 1 ص 225 «الرُّوحُ»). والمراد أنّه ينأى بعيدا.
4- .مسند أبى يعلى : ج 2 ص 471 ح 2289 عن جابر.
5- .يَجثِم فى الأرض : أى يلزمها ويلتصق بها ، وجَثَم الطائر جثوما ، وهو بمنزله البُروک للإبل (النهايه : ج 1 ص 239 «جثم») .
6- .عدّه الداعى : ص 192 ، إرشاد القلوب : ص 61 وفيه «خادم» بدل «جاثم» ، أعلام الدين : ص 279 وفيه «خاتم» بدل «جاثم» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 61 ح 42.

5268.امام علی علیه السلام :الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که : «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد ، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه ، بینا می شوند» .

فرمود : «مقصود ، این است که بنده ، آهنگ گناه می کند ؛ امّا یادآور [خدا] می شود (به خود می آید) و خودداری می ورزد . این است فرموده او که : «[خدا را] به یاد آورند و به ناگاه ، بینا می شوند» .5267.امام علی علیه السلام :تفسیر القمّی :[در باره آیه] «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد ، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا می شوند» ، فرمود : «هر گاه شیطان ، آنان را به یاد گناهان بیندازد و بر آنها وادارشان کند به یاد خدا می افتند و به ناگاه ، بینا می شوند» .5272.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان ، هر گاه نام و یاد خدا را بشنود ، تا محلّ روحاء (1) دور می شود .5271.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان ، بر روی هر دلی بختک انداخته است . هر گاه آن دل ، نام خدا را یاد کند ، شیطان ، وا پس می رود و ذوب می شود ، و هر گاه یاد خدا را وا نهد ، شیطان او را فرو می بلعد و به سوی خود می کِشَد و فریبش می دهد و می لغزاند و به سرکشی می افکند . .

1- .محلّی میان مکه و مدینه در سی و یا چهل میلی مدینه است و نیز روستایی در رحبه شام است . به هر حال ، مراد ، جای دور دست است .

5270.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّيطانَ واضِعٌ خَطمَهُ (1) عَلى قَلبِ ابنِ آدَمَ ، فَإن ذَكَرَ اللّهَ خَنَسَ ، و إن نَسِيَ التَقَمَ قَلبَهُ ؛ فَذلِكَ الوَسواسُ الخَنّاسُ . (2)5269.الإمام علىّ عليه السلام :علل الشرائع عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الخَنّاسِ ؟ قالَ : إنَّ إبليسَ يَلتَقِمُ القَلبَ ؛ فإذا ذُكِرَ اللّهُ خَنَسَ ، فَلِذلِكَ سُمِّيَ الخَنّاسُ . (3)5268.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذَا اجتَمَعَ قَومٌ يَذكُرونَ اللّهَ تَعالى ، اعتَزَلَ الشَّيطانُ وَالدُّنيا عَنهُم ، فَيَقولُ الشَّيطانُ لِلدُّنيا : ألا تَرَينَ ما يَصنَعونَ؟

فَتَقولُ الدُّنيا : دَعهُم ، فَلَو قَد تَفَرَّقوا أخَذتُ بِأَعناقِهِم . (4)5267.عنه عليه السلام :فضائل الأشهر الثلاثه عن عبد الرحمن بن هبيره :كُنّا عِندَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَوما ، فَقالَ : رَأَيتُ البارِحَةَ عَجائِبَ ! قالَ : فَقُلنا : يا رَسولَ اللّهِ وما رَأَيتَ ، حَدِّثنا فِداكَ أنفُسُنا و أهلُونا وأولادُنا؟

فَقالَ : . . . رَأَيتُ رَجُلاً مِن اُمَّتى قَدِ احتَوَشَتهُ الشَّياطينُ ، فَجاءَهُ ذِكرُ اللّهِ عز و جل فَنَجّاهُ مِن بَينِهِم . (5)5266.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيتَهُ ، فَذَكَرَ اللّهَ عِندَ دُخولِهِ وعِندَ طَعامِهِ ، قالَ الشَّيطانُ : لا مَبيتَ لَكُم ولا عَشاءَ .

وإذا دَخَلَ فَلَم يَذكُرِ اللّهَ عِندَ دُخولِهِ ، قالَ الشَّيطانُ : أدرَكتُمُ المَبيتَ . وإذا لَم يَذكُرِ اللّهَ عِندَ طَعامِهِ ، قالَ : أدرَكتُمُ المَبيتَ وَالعَشاءَ . (6) .

1- .الخَطْم فى السباع : مقاديم اُنوفها وأفواهها (النهايه : ج 2 ص 50 «خطم»).
2- .مسند أبى يعلى : ج 4 ص 222 ح 4285 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 403 ح 540 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 268 ، مكائد الشيطان لابن أبى الدنيا : ص 43 ح 22 كلّها عن أنس وليس فيها «فذلک الوسواس الخنّاس» ، كنز العمّال : ج 1 ص 418 ح 1782 ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 194.
3- .علل الشرائع : ص 526 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 197 ح 7.
4- .أعلام الدين : ص 273 ، إرشاد القلوب : ص 60 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 189 ح 18.
5- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 112 ح 107 ، الأمالى للصدوق : ص 301 ح 342 عن عبد الرحمن بن سمره ، روضه الواعظين : ص 428 وفيه ذيله

فقط ، بحار الأنوار : ج 7 ص 290 ح 1 ؛ المعجم الكبير : ج 25 ص 282 ح 39 عن عبد الرحمن بن سمره نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 926 ح 43592.

6- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1598 ح 103 ، سنن أبى داوود : ج 3 ص 347 ح 3765 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1279 ح 3887 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 115 ح 14735 نحوه وكلّها عن جابر بن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 15 ص 396 ح 41534.

5265.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان ، پوزه خود را بر روی دل آدمی نهاده است . هر گاه آدمی یاد خدا کند ، شیطان ، وا پس می رود ، و هر گاه فراموش کند ، دل او را فرو می بلعد . این است [معنای] وسوسه گرِ وا پس رونده .5264.امام علی علیه السلام :علل الشرائع به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام در باره معنای «خنّاس» پرسیدم . فرمود : «ابلیس ، دل را فرو می بلعد ، و هر گاه خدا یاد شود ، وا پس می رود . پس ، بدین سبب ، او را خنّاس (وا پس رونده) نامیده اند .5263.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه عدّه ای گِرد آیند و به یاد خدای متعال بپردازند ، شیطان و دنیا از ایشان کناره می گیرند ، و شیطان به دنیا می گوید : نمی بینی چه می کنند؟ دنیا می گوید : مهم نیست ؛ زیرا پراکنده که شدند ، گردنشان را می گیرم .5262.امام علی علیه السلام :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از عبد الرحمان بن هبیره : روزی نزد پیامبر خدا بودیم که فرمود : «دیروز عجایبی دیدم !» .

گفتیم : چه دیدی ، ای پیامبر خدا؟ خودمان و زنان و فرزندانمان به فدایت ! برایمان باز گو .

فرمود : « ... مردی از امّتم را دیدم که اهریمنان ، او را در میان گرفته اند ، و یاد خداوند عز و جل به یاری او آمده ، از میان اهریمنان نجاتش داد» .5266.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مرد وارد خانه اش شود و در هنگام ورودش و در هنگام غذا خوردنش نام خدا را بَرَد ، شیطان می گوید : «شب و شام ، مرگتان باد !» .

و هر گاه وارد شود و هنگام ورودش نام خدا را نَبَرد ، شیطان می گوید : «شب بر شما خوش !» و هر گاه در هنگام غذا خوردنش نام خدا را نَبَرد ، شیطان می گوید : «شب و شام ، گوارایتان باد !» . .

5265.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ مَعصومونَ مِن إبليسَ وجُنودِهِ : الذّاكِرونَ للّهِ ، وَالباكونَ مِن خَشيَهِ اللّهِ ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأَسحارِ . (1)5264.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنّ اللّهَ أَمَرَ يَحيَى بنَ زَكَرِيّا بِخَمسِ كَلِماتٍ أن يَعمَلَ بِها ويَأمُرَ بَنى إسرائيلَ أن يَعمَلوا بِها . . . فَقالَ : . . . آمُرُكُم أن تَذكُرُوا اللّهَ ؛ فَإِنَّ مَثَلَ ذلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ العَدُوُّ فى أثَرِهِ سِراعا ، حَتّى إذا أتى عَلى حِصنٍ حَصينٍ فَأحرَزَ نَفسَهُ مِنهُم ؛ كَذلِكَ العَبدُ لا يُحرِزُ نَفسَهُ مِنَ الشَّيطانِ إلّا بِذِكرِ اللّهِ . (2)5263.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ مَطرَدَهُ الشَّيطانِ . (3)5262.الإمام علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ رَأسُ مالِ كُلِّ مُؤمِنٍ ، ورِبحُهُ السَّلامَهُ مِنَ الشَّيطانِ . (4)5261.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ دِعامَهُ الإيمانِ ، وعِصمَهٌ مِنَ الشَّيطانِ . (5)5260.امام على عليه السلام (وقتى از عدل پرسيده شد) الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ بِذِكرِكَ أستَعيذُ وأعتَصِمُ ، وبِرُكنِكَ ألوذُ وأتَحَرَّمُ . (6) .

1- .إرشاد القلوب : ص 196 عن ابن عبّاس ؛ كنز العمّال : ج 15 ص 841 ح 43343 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب نحوه.
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 148 ح 2863 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 90 ح 17170 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 583 ح 1534 ، صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 124 ح 6233 كلّها عن الحارث الأشعرى نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 914 ح 43577.
3- .غرر الحكم : ح 5162 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4717.
4- .غرر الحكم : ح 5171 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4746.
5- .غرر الحكم : ح 5172 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4747.
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 153 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

5261.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه دسته اند که از اهریمن و سپاهش مصون اند : یادکنندگانِ خدا ، گریه کنندگانِ از بیم خدا ، و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان .5260.عنه علیه السلام (وسُئِلَ عَنِ العَدلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به یحیی پسر زکریا ، پنج فرمان داد که هم خود به کار ببندد و هم به بنی اسرائیل بفرماید که به کارشان بندند ... . پس فرمود : « ... شما را فرمان می دهم که خدارا یاد کنید ؛ زیرا داستان یاد خدا کردن ، داستان آن مردی است که دشمن در پیِ او شتابان روان گشته است ، و او به دژی استوار می رسد و خود را از گزند دشمن ، نگه می دارد . بنده نیز خویشتن را از گزند شیطان ، نگه نمی دارد ، مگر با یاد و نام خدا .5259.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، مایه رانده شدن شیطان است .5258.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، سرمایه هر مؤمنی است ، و سود آن ، به سلامت ماندن از شیطان .5257.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، ستون ایمان و نگه دارنده از شیطان است .5256.امام علی علیه السلام (به هنگامی که از معنای سخن آنان که می گویند : «ل) امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! به یاد تو پناهنده و متوسّل می شوم ، و به کُنج حمایت تو می گریزم و پناه می آورم . .

5255.امام على عليه السلام :مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : لا يَتَمَكَّنُ الشَّيطانُ بِالوَسوَسَهِ مِنَ العَبدِ إلّا وقَد أعرَضَ عَن ذِكرِ اللّهِ ، وَاستَهانَ بِأمرِهِ ، وأسكَنَ إلى نَهيِهِ ، ونَسِيَ اطّلاعَهُ عَلى سِرِّهِ . (1)5259.عنه عليه السلام :مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إذا أتاكَ الشَّيطانُ مُوَسوِسا لِيُضِلَّكَ عَن سَبيلِ الحَقِّ ويُنسيَكَ ذِكرَ اللّهِ ، فَاستَعِذ مِنهُ بِرَبِّكَ ورَبِّهِ ؛ فَإنَّهُ يُؤَيِّدُ الحَقَّ عَلَى الباطِلِ ، ويَنصُرُ المَظلومَ ، بِقَولِهِ عز و جل : «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (2) . ولَن تَقدِرَ عَلى هذا ومَعرِفَهِ إتيانِهِ ومَذاهِبِ وَسوَسَتِهِ إلّا بِدَوامِ المُراقَبَهِ وَالاِستِقامَهِ عَلى بِساطِ الخِدمَهِ وهَيبَهِ المُطَّلَعِ وكَثرَهِ الذِّكرِ ، وأمَّا المُهمِلُ لِأوقاتِهِ فَهُوَ صَيدُ الشَّيطانِ . (3)9 / 3اطمِئنانُ القَلبِالكتاب«الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» . (4)

الحديث5253.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنّى لَمّا اُسرِىَ بى إلَى السَّماءِ . . . نُوديتُ : . . . يا مُحَمَّدُ ، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ مِن اُمَّتِكَ فَلِيَدعُنى سِرّا ، وَلِيَقُل : . . . وبِذِكرِكَ تَطمَئِنُّ القُلوبُ ، يا مُقَلِّبَ القُلوبِ وَالأبصارِ قَلِّب قَلبى مِنَ الهُمومِ إلَى الرَّوحِ وَالدَّعَهِ ، ولا تَشغَلنى عَن ذِكرِكَ بِتَركِكَ ما بى مِنَ الهُمومِ ، إنّى إلَيكَ مُتَضَرِّعٌ . (5) .

1- .مصباح الشريعه : ص 225 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 124 ح 2.
2- .النحل : 99.
3- .مصباح الشريعه : ص 227 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 124 ح 2.
4- .الرعد : 28.
5- .البلد الأمين : ص 506 عن الإمام الباقر عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 309 ح 1 .

5252.امام علی علیه السلام :مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :شیطان ، نمی تواند بنده را وسوسه کند ، مگر آن که خدا را از یاد ببرد و فرمان او را سبُک شمرده ، و به نهی او روی آورده و فراموش کرده باشد که خداوند ، از درون او آگاه است .5251.امام علی علیه السلام :مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : هر گاه شیطان ، وسوسه کنان نزد تو آمد تا از راه حق ، بیرونت ببَرَد و یاد خدا را فراموشت گردانَد ، از او به آن که پروردگار تو و اوست ، پناه ببر ، زیرا خداوند ، حق را در برابر باطل کمک می کند ، و ستم دیده را یاری می رساند ، بنا به این فرموده خودش : «چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکّل می کنند، تسلّطی نیست» . تو هرگز بر این کار ؛ توانا نمی شوی و آمدن او و راه های وسوسه اش را نمی شناسی ، مگر با مراقبت پیوسته و پایداری بر بساط خدمت و ترس از مرگ و رستاخیز و بسیاری یاد خدا ؛ امّا آن که اوقات خویش را به غفلت بگذرانَد ، شکار شیطان است .9 / 3آرامش دلقرآن«همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا ، دل ها آرامش می یابد» .

حدیث5250.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در آن شبی که به آسمان (معراج) برده شدم ... به سویم ندا آمد که : « ... ای محمّد! هر آن کس از امّت تو که دغدغه هایش بسیار شود ، در نهان ، مرا بخواند و بگوید : ... و با یاد توست که دل ها آرام می گیرد . ای دگرگون کننده دل ها و دیده ها ! دل مرا از دغدغه ها به آسودگی و آرامش ، دگرگون ساز و مگذار که دغدغه ها مرا از یاد تو باز بدارد . به تو التماس می کنم » .

.

5249.امام على عليه السلام (درباره سخن خداى متعال : {Q} «ما وقتى چيزى را ار) الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ : «أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» قالَ : ذاكَ مَن أَحَبَّ اللّهَ ورَسولَهُ ، وأَحَبَّ أهلَ بَيتى صادِقا غَيرَ كاذِبٍ ، وأَحَبَّ المُؤمِنينَ شاهِدا وغائِبا ، ألا بِذِكرِ اللّهِ يَتَحابّونَ . (1)5248.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ جِلاءُ الصُّدورِ ، وطُمَأنينَةُ القُلوبِ . (2)9 / 4اِنشِراحُ القَلبِالكتاب«أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْاءِسْلَمِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَسِيَهِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُوْلَئِکَ فِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ» . (3)

الحديث5249.عنه عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِش) الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ يَشرَحُ الصَّدرَ . (4)9 / 5جِلاءُ القَلبِ5246.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ شَىءٍ سَقالَةً (5) ، وإنَّ سَقالَةَ القُلوبِ ذِكرُ اللّهِ ، وما مِن شَىءٍ أنجى مِن عَذابِ اللّهِ مِن ذِكرِ اللّهِ . (6) .

1- .كنز العمّال : ج 2 ص 442 ح 4448 نقلاً عن ابن مردويه.
2- .غرر الحكم : ح 5165 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4743.
3- .الزمر : 22.
4- .غرر الحكم : ح 835 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 32 ح 542.
5- .السَّقل هو مثل الصَّقل للسيف والثوب ونحوهما بالسين والصاد جميعا ، صَقَله صَقْلاً وصِقالاً : جَلاهُ (تاج العروس : ج 14 ص 349 «سقل» وج 15 ص 405 «صقل»).
6- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 396 ح 522 عن عبد اللّه بن عمر ، تنبيه الغافلين : ص 397 ح 601 وفيه «لكلّ شىء صقال ، وصقال القلب ذكر اللّه تعالى» فقط ، الترغيب و الترهيب : ج 2 ص 396 ح 10 ، كنز العمّال : ج 1 ص 428 ح 1848.

9 / 4 گشایش سینه

9 / 5 جلای دل

5245.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :چون این آیه : «آگاه باش که با یاد خدا ، دل ها آرام می گیرد» نازل شد ، پیامبر خدا فرمود : «این برای کسی است که خدا و پیامبرِ او را دوست بدارد و اهل بیت مرا صادقانه و نه به دروغ ، دوست بدارد و مؤمنان را در حضور و غیاب ، دوست بدارد . آگاه باشید که با یاد خداست که یکدیگر را دوست می دارند» .5244.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، جلا دهنده سینه ها و آرام بخش دل هاست .9 / 4گشایش سینه (1)قرآن«پس آیا کسی که خدا ، سینه اش را برای [پذیرش] اسلام ، گشاده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش است [همانند فرد تاریک دل است ؟] . پس وای بر آنان که از سختْ دلی ، یاد خدا نمی کنند . اینان اند که در گم راهی آشکارند» .

حدیث5311.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، سینه را گشایش می بخشد .9 / 5جلای دل5312.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی را صیقل دهنده ای است و صیقل دهنده دل ها یاد خداست . هیچ چیز مانند یاد خدا ، آدمی را از عذاب خدا نجات نمی دهد .

.

1- .مقصود ، همان : شرح صدر ، ظرفیّت روحی ، تحمّل و آرامش دل است. م .

5313.عنه علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام مِن کَلامٍ لَهُ عِندَ تِلاوَتِهِ : «یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ» (1) : إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ وتَعالی جَعَلَ الذِّکرَ جِلاءً لِلقُلوبِ ، تَسمَعُ بِهِ بَعدَ الوَقرَهِ ، وتُبصِرُ بِهِ بَعدَ العَشوَهِ ، وتَنقادُ بِهِ بَعدَ المُعانَدَهِ . (2)5314.عنه علیه السلام (مُخاطِبا اللّهَ عَزَّ وجَلَّ) الکافی عن صباح الحذّاء عن أبی اُسامه :زامَلتُ (3) أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام فَقالَ لی : اِقرَأ ، قالَ : فَافتَتَحتُ سورَهً مِنَ القُرآنِ فَقَرأتُها ، فَرَقَّ وبَکی .

ثُمَّ قالَ : یا أبا اُسامَهَ ، اِرعَوا قُلوبَکُم بِذِکرِ اللّهِ عَزَّ وجَلَّ ، وَاحذَرُوا النَّکتَ (4) ، فَإنَّهُ یَأتی عَلَی القَلبِ تاراتٌ أو ساعاتٌ الشکُّ مِن صَباحٍ لَیسَ فیهِ إیمانٌ ولاَ کُفرٌ ، شِبهَ الخِرقَهِ البالِیَهِ أوِ العَظمِ النَّخِرِ .

یا أبا اُسامَهَ ، أَلَیسَ رُبَّما تَفَقَّدتَ قَلبَکَ فَلا تَذکُرُ بِهِ خَیرا ولا شَرّا ، ولا تَدری أینَ هُوَ؟

قُلتُ لَهُ : بَلی ، إنَّهُ لَیُصیبُنی وأراهُ یُصیبُ النّاسَ !

قالَ : أجَل ، لَیسَ یَعرِی مِنهُ أحَدٌ ، قالَ : فَإذا کانَ ذلِکَ فَاذکُرُوا اللّهَ عَزَّ وجَلَّ ، وَاحذَرُوا النَّکتَ ، فَإنَّهُ إذا أرادَ بِعَبدٍ خَیرا نَکَتَ إیمانا ، وإذا أرادَ بِهِ غَیرَ ذلِکَ نَکَتَ غَیرَ ذلِکَ .

قُلتُ : ما غَیرُ ذلِکَ جُعِلتُ فِداکَ ، ما هُوَ؟

قالَ : إذا أرادَ کُفرا نَکَتَ کُفرا . (5) .

1- .النور : 36 و 37.
2- .نهج البلاغه : الخطبه 122 ، غرر الحکم : ح 3573 ولم یذکر فیه الآیه الشریفه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 325 ح 39.
3- .الزَّمِیل : الرفیق فی السفر الذی یعینک علی اُمورک (لسان العرب : ج 11 ص 310 «زمل») .
4- .اِرعَوا قلوبَکم : من الرعایه ؛ أی احفظوها بذکره تعالی من وساوس الشیطان. والنَّکْت : ما یُلقیه الشیطان فی القلب من الوساوس والشبهات (مرآه العقول : ج 26 ص 39) .

5- .الكافى : ج 8 ص 167 ح 188 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 59 ح 38.

5315.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) امام علی علیه السلام از سخن ایشان به هنگام تلاوت «در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه ، او را نیایش می کنند ؛ مردانی که نه تجارت ، و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، به خود مشغول نمی دارد» : خداوند پاک و بلندمرتبه ، یاد [خود] را جلا دهنده دل ها قرار داد . با یاد او دل های ناشنوا شنوا می شوند و دل های نابینا بینا می گردند و دل های ستیزه گر ، رام می شوند .5316.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از صباح حذّاء ، از ابو اُسامه : با امام صادق علیه السلام در سفری همراه شدم ، به من فرمود : «[چیزی از قرآن] بخوان» .

من شروع به قرائت سوره ای از قرآن کردم . ایشان متأثّر شد و گریست . سپس فرمود : «ای ابو اُسامه! از دل های خود با یاد خداوند عز و جل مواظبت کنید و مراقب نکته (1) باشید ؛ زیرا بارها (/ ساعاتی) (2) بر دل می گذرد که نه ایمان در اوست و نه کفر ؛ همانند خِرقه کهنه یا استخوان پوسیده .

ای ابو اُسامه! آیا نه این است که گاه دلت را گم می کنی و هیچ نیک و بدی با آن یاد نمی کنی و نمی دانی کجاست؟» .

گفتم : چرا . این حالت به من دست می دهد و به گمانم ، دیگران هم دچارش می شوند .

فرمود : «آری . هیچ کس از این حالت ، خالی نیست . پس چون چنین شد ، خدای عز و جل را یاد کنید و مراقب نکته باشید ؛ زیرا هر گاه او خیر بنده ای را بخواهد ، نکته ایمان ایجاد می کند و هر گاه جز آن برایش بخواهد ، نکته جز آن ، ایجاد می نماید» .

گفتم : فدایت شوم ! مقصود از «جز آن» چیست ؟

فرمود : «هر گاه کفر بخواهد ، نکته کفر ایجاد می کند» . .

1- .تعبیر «نَکْت» که در متن عربیِ حدیث آمده ، به معنای زدن چوبی بر زمین و خراش دادن زمین است . مراد از نکت ، وارد شدن چیز فاسدی

مانند کفر و نفاق در دل است که دل را تحت تأثیر قرار دهد . نکته به معنای نقطه (یعنی چرک و لک)، از همین اصل معنایی است .
2- .تردید از صباح است .

5317.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ جِلاءُ البَصائِرِ ، ونورُ السَّرائِرِ . (1)9 / 6شِفاءُ القَلبِ5314.امام على عليه السلام (خطاب به خداى عز و جل) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذِكرُ اللّهِ شِفاءُ القُلوبِ . (2)5315.امام على عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِذِكرِ اللّهِ فَإِنَّهُ شِفاءٌ ، وإيّاكُم وذِكرَ النّاسِ فَإِنَّهُ داءٌ . (3)5316.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ ذِكرَ اللّهِ شِفاءٌ ، وإنَّ ذِكرَ النّاسِ داءٌ . (4)5317.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ دَواءُ أعلالِ النُّفوسِ . (5)5318.تفسير القمّى :عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ المَعروفِ بِدُعاءِ كُمَيلٍ : يا مَن اسمُهُ دَواءٌ ، وذِكرُهُ شِفاءٌ . (6)9 / 7صَلاحُ القَلبِ5319.امام على عليه السلام (در دعايش) الإمام علىّ عليه السلام :أصلُ صَلاحِ القَلبِ اشتِغالُهُ بِذِكرِ اللّهِ . (7) .

1- .غرر الحكم : ح 1377.
2- .كنز العمّال : ج 1 ص 414 ح 175 نقلاً عن الديلمى عن أنس.
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 8 .
4- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 459 ح 717 عن مكحول ، كنز العمّال : ج 1 ص 426 ح 1837.
5- .غرر الحكم : ح 5169 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4714.
6- .مصباح المتهجّد : ص 850 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 337 كلاهما عن كميل ، البلد الأمين : ص 191.
7- .غرر الحكم : ح 3083 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2736.

9 / 6 شفای دل

9 / 7 بهبود دل

5320.الإمام علیّ علیه السلام (فی صِفَهِ خَلقِ آدَمَ علیه السلام) امام علی علیه السلام :یاد خدا ، جلادهنده دیدگان و روشناییِ درون هاست .9 / 6شفای دل5322.عنه علیه السلام (فی صِفَهِ خَلقِ آدَمَ مِن طینٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد خدا ، شفای دل هاست .5321.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا را یاد کنید ، که یاد خدا درمان است ، و مردم را یاد نکنید ، که آن ، درد [و بیماری] است .5322.امام علی علیه السلام (در ویژگی آفرینش آدم علیه السلام از خاک) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد خدا ، درمان است و یاد مردم ، درد .5323.الإمام علیّ علیه السلام (مِن خُطبَهٍ یَصِفُ فیها خِلقَهَ الإنسانِ) امام علی علیه السلام :یاد خدا ، داروی دردهای جان هاست .5324.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام از دعای ایشان ، معروف به «دعای کمیل» : ای کسی که نامش دوا و یادش شفاست .9 / 7بهبود دل5323.امام علی علیه السلام (از سخنرانی ای که در آن ، خلقت آدم علیه السلام ر) امام علی علیه السلام :ریشه بهبود دل ، پرداختن آن به یاد خداست .

.

5324.امام على عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَل سَلامَةَ قُلوبِنا فى ذِكرِ عَظَمَتِکَ ، وفَراغَ أبدانِنا فى شُکرِ نِعمَتِکَ ، وَانطِلاقَ ألسِنَتِنا فى وَصفِ مِنَّتِکَ . (1)5325.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مُداوَمَةُ الذِّکرِ قوتُ الأَرواحِ ، ومِفتاحُ الصَّلاحِ . (2)9 / 8حَياةُ القَلبِ5327.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :بِذِکرِ اللّهِ تَحيَا القُلوبُ ، وبِنِسيانِهِ مَوتُها . (3)5328.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ : نَبِّه بِالذِّکرِ قَلبَکَ ، وجافِ (4) عَنِ النَّومِ جَنبَکَ ، وَاتَّقِ اللّهَ رَبَّکَ . (5)5329.الإمام علىّ عليه السلام (فى بَيانِ عَجائِبِ خَلقِ الطّاووسِ) الإمام علىّ عليه السلام :فِى الذِّکرِ حَياةُ القُلوبِ . (6)5328.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :مَن ذَکَرَ اللّهَ سُبحانَهُ أحيَا اللّهُ قَلبَهُ ، ونَوَّرَ عَقلَهُ ولُبَّهُ . (7)5329.امام على عليه السلام (در بيان شگفتى آفرينش طاووس) عنه عليه السلام :الذِّکرُ نورُ العَقلِ ، وحَياةُ النُّفوسِ ، وجِلاءُ الصُّدورِ . (8)5330.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعاءِ أبى حَمزَةَ الثُّمالِىِّ : مَولاىَ ، بِذِکرِکَ عاشَ قَلبى ، وبِمُناجاتِکَ بَرَّدتَ أَلَمَ الخَوفِ عَنّى . (9) .

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 37 الدعاء 5.
2- .غرر الحكم : ح 9832 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 487 ح 9006.
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 120.
4- .جفا جنبُه عن الفراش وتجافى : نَبا عنه ولم يطمئنّ عليه. وجافَيتُ جنبى عن الفِراش فتجافى (لسان العرب : ج 14 ص 148 «جفا»).
5- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 117.
6- .غرر الحكم : ح 6445 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 354 ح 5991.
7- .غرر الحكم : ح 8876 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8301 وفيه «استنار» بدل «نوّر».
8- .غرر الحكم : ح 1999 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 60 ح 1523.
9- .مصباح المتهجّد : ص 592 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 168 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 89 ح 2.

5330.امام على عليه السلام :امام زين العابدين عليه السلام :بار خدايا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و سلامت دل هاى ما را صَرف ياد عظمت خودت گردان ، و فراغت تن هايمان را صَرف سپاس گزارى نعمت هايت ، و گوياييِ زبان هايمان را صَرف بيان نوازش هايت گردان .5331.الإمام علىّ عليه السلام :امام على عليه السلام :مداومت بر ياد خدا ، خوراک جان ها ، و کليد بهبود [و درستى] است .9 / 8زنده شدن دل5332.امام على عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :با ياد خدا ، دل ها زنده اند ، و با فراموش کردن او مى ميرند .5333.الإمام علىّ عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله در سفارش به ابو ذر : دلت را با ياد [خدا] بيدار بدار ، و پهلويت را از [بستر] خواب ، دور گردان ، و از پروردگارت ، خداى يگانه ، پروا داشته باش .5334.عنه عليه السلام :امام على عليه السلام :ياد خدا ، حياتبخش دل هاست .5333.امام على عليه السلام :امام على عليه السلام :هر که خداى سبحان را ياد کند ، خداوند ، دلش را زنده مى گرداند ، و خِرد و مغزش را روشن مى سازد .5334.امام على عليه السلام :امام على عليه السلام :ياد خدا ، روشناييِ خِرد ، و زندگى بخش جان ها ، و جلا دهنده سينه هاست .5335.الإمام علىّ عليه السلام (من خُطبَةٍ لَهُ عليه السلام يَصِفُ فيهَا العَرَ) امام زين العابدين عليه السلام در دعاى ابو حمزه ثمالى : آقاى من ! با ياد توست که دلم زندگى مى کند ، و با راز و نياز با توست که درد ترس را در من ، فرو نشانده اى .

.

5336.عنه عليه السلام (مِن خُطبَةٍ لَهُ عليه السلام يَصِفُ فيهَا النّا) الإمام الكاظم عليه السلام :اللّهُمَّ . . . صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأحيِ قُلوبَنا بِذِكرِكَ ، وَاجعَل ذُنوبَنا مَغفورَةً ، وعُيوبَنا مَستورَةً ، وفَرائِضَنا مَشكورَةً ، ونَوافِلَنا مَبرورَةً ، وقُلوبَنا بِذِكرِكَ مَعمورَةً . (1)5335.امام على عليه السلام (در سخنرانى اش كه در آن ، عرب پيش از بعثت پيامبر) الإمام المهدى عليه السلام :إلهى وأسأَلُكَ بِاسمِكَ . . . أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . . . وتُغنِيَ فَقرى ، وتَجبُرَ كَسرى ، وتُحيِيَ فُؤادى بِذِكرِكَ . (2)9 / 9عِمارَةُ القَلبِ5337.امام على عليه السلام (در سخنرانى اش كه در آن ، روزگارش را به «بيداد») الإمام علىّ عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : أُوصيكَ بِتَقوَى اللّهِ أى بُنَىَّ ولُزومِ أمرِهِ ، وعِمارَةِ قَلبِكَ بِذِكرِهِ . (3)5338.نهج البلاغه :عنه عليه السلام :إلهى . . . أُناديكَ بِقَلبٍ قَريحٍ ، وأُناجيكَ بِدَمعٍ سَفوحٍ ، وأعوذُ بِكَ مِن قُوَّتى ، وأعوذُ بِكَ مِن جُرأتى ، وأستَجيرُ بِكَ مِن جَهلى ، وأتَعَلَّقُ بِعُرى أسبابِكَ مِن ذَنبى ، وأعمُرُ بِذِكرِكَ قَلبى . (4)9 / 10نورُ القَلبِ5339.امام على عليه السلام (در سخنرانى اش كه در آن ، منافقان را توصيف كرده) الإمام علىّ عليه السلام :اِستَديموا الذِّكرَ فَإِنَّهُ يُنيرُ القَلبَ ، وهُوَ أفضَلُ العِبادَةِ . (5) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 59 ح 92 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 53 ح 58 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى عن معاويه بن وهب البجلى.
2- .مُهج الدعوات : ص 343 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 273 ح 34.
3- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 68 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 37 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 217 ح 2 ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 168 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ.
4- .بحار الأنوار : ج 87 ص 246 ح 56 نقلاً عن اختيار ابن الباقى.
5- .غرر الحكم : ح 2536 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 92 ح 2172.

9 / 9 آبادی دل

9 / 10 روشناييِ دل

5340.الإمام علىّ عليه السلام (وقَد ذُكِرَ عِندَهُ اختِلافُ النّاسِ) امام کاظم عليه السلام :بار خدايا ! ... بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، و دل های ما را با یاد خودت زنده بدار ، و گناهانمان را آمرزیده دار ، و عیب هایمان را بپوش ، و واجباتی را که به جا آورده ایم ، پاداش ده و مستحبّاتمان را بپذیر و دل هایمان را به یاد خودت آبادان ساز .5341.عنه عليه السلام :امام مهدی عليه السلام :معبودا ! به نام تو از تو درخواست می کنم ... که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی ... و نیازمندی مرا به بی نیازی مبدّل سازی ، و شکستگی ام را ببندی ، و دلم را به یاد خودت زنده داری .9 / 9آبادی دل5342.عنه عليه السلام :امام علی عليه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن عليه السلام : تو را ای پسرم به ترس از خدا ، و پایبندی به فرمان او ، و آباد کردن دلت به یاد او سفارش می کنم .5343.الإمام علىّ عليه السلام :امام علی عليه السلام :معبودا ! ... با دلی ریش ، صدایت می زنم و با اشکی ریزان ، آهسته می خوانمت و از نیروی خویش به تو پناه می برم و از گستاخی خویش به تو پناه می برم و از نادانی خویش به تو پناه می آورم و از گناهان خود به دستگیره های رشته های تو چنگ می زنم و دلم را به یاد تو آباد می گردانم .9 / 10روشناييِ دل5346.نهج البلاغه :امام علی عليه السلام :بر یاد خدا مداومت ورزید ، که این کار ، هم دل را نورانی می کند ، و هم برترین عبادت است .

.

5342.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :دَوامُ الذِّكرِ يُنيرُ القَلبَ وَالفِكرَ . (1)5343.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :مَن كَثُرَ ذِكرُهُ استَنارَ لُبُّهُ . (2)5344.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :ثَمَرَةُ الذِّكرِ استِنارَةُ القُلوبِ . (3)5345.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :الذِّكرُ نورٌ ورُشدٌ . النِّسيانُ ظُلمَةٌ وفَقدٌ . (4)5346.نهج البلاغه :عنه عليه السلام :عَلَيكَ بِذِكرِ اللّهِ ؛ فَإِنَّهُ نورُ القَلبِ . (5)5347.الإمام علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :الذِّكرُ يُؤنِسُ اللُّبَّ ، ويُنيرُ القَلبَ ، ويَستَنزِلُ الرَّحمَةَ . (6)5347.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ يُنيرُ البَصائِرَ ، ويُؤنِسُ الضَّمائِرَ . (7)9 / 11حِكمَةُ القَلبِ5349.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَن أَلزَمَ قَلبَهُ فِكرا ، ولِسانَهُ الذِّكرَ ، مَلَأَ اللّهُ قَلبَهُ إيمانا ورَحمَةً ، ونورا وحِكمَةً . (8)5350.عنه عليه السلام :الكافى عن السندى عن الإمام الباقر عليه السلام :ما أخلَصَ العَبدُ الإيمانَ بِاللّهِ عز و جل أربَعينَ يَوما أو قالَ : ما أجمَلَ عَبدٌ ذِكرَ اللّهِ عز و جل أربَعينَ يَوما إلّا زَهَّدَهُ اللّهُ عز و جل فِى الدُّنيا ، وبَصَّرَهُ داءَها ودَواءَها ؛ فَأثبَتَ الحِكمَةَ فى قَلبِهِ ، وأنطَقَ بِها لِسانَهُ (9) . (10) .

1- .غرر الحكم : ح 5144 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 250 ح 4683.
2- .غرر الحكم : ح 9123.
3- .غرر الحكم : ح 4631 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 208 ح 4170.
4- .غرر الحكم : ح 602 و603 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 50 ح 1290 و1291.
5- .غرر الحكم : ح 6103 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5728.
6- .غرر الحكم : ح 1858 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 55 ح 1429.
7- .غرر الحكم : ح 5167 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4720.
8- .إرشاد القلوب : ص 100.
9- .جدير بالذكر أنّ الروايه الأُولى دالّه على أنّ الذكر المرافق للفكر هو الموجب لحصول الحكمه ، وأمّا الروايه الثانيه فإنّها إنّما تدلّ على عنوان الباب فيما لو كان قول الإمام هو : «ما أجمَلَ عَبدٌ ذكر اللّه عز و جل أربَعينَ يَوما» .
10- .الكافى : ج 2 ص 16 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 240 ح 8.

5351.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :مداومت بر یاد خدا ، دل و اندیشه را روشن می گردانَد .5352.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که بسیار یاد خدا کند ، دلش روشنایی می گیرد .5353.عنه علیه السلام (فی وَصِیَّتِهِ لِبَنیهِ) امام علی علیهِ السلام :ثمره یاد خدا ، نورانی شدن دل هاست .5354.الاختصاص عن الأَصبَغ بن نُباتَه :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، روشنایی و رهیابی است ، و فراموشی [او] تاریکی و گم راهی است .5349.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :بر تو باد یاد خدا ؛ زیرا یاد خدا ، روشناییِ دل است .5350.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، اندیشه را رام و دل را روشن می کند و رحمت [الهی] را فرود می آورد .5351.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، روشنایی بخش بینش ها ، و رام کننده درون هاست .9 / 11حکمت دل5354.الاختصاص (به نقل از اَصبغ بن نُباته) امام علی علیه السلام :هر که دلش را با اندیشیدن و زبانش را با یاد خدا همراه سازد ، خداوند ، دلش را از ایمان و مِهر و روشنایی و حکمت ، آکنده می سازد .5355.الإمام علیّ علیه السلام :الکافی به نقل از سِندی : امام باقر علیه السلام فرمود : «بنده ، چهل روزْ ایمانِ به خداوند عز و جل را خالص نگردانید» یا فرمود : «هیچ بنده ای چهل روزْ خداوند عز و جل را به خوبی یاد نکرد ، مگر آن که خداوند عز و جل او را به دنیا زاهد گردانْد و درد و درمان دنیا را به او نمایانْد و حکمت را در دلش استوار کرد و زبانش را به آن ، گویا ساخت» .

.

9 / 12هِدايَهُ العُقولِ5356.امام علی علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :الذِّكرُ هِدايَهُ العُقولِ ، وتَبصِرَهُ النُّفوسِ . (1)5357.الإمام علیّ علیه السلام :عنه علیه السلام :مَن ذَكَرَ اللّهَ استَبصَرَ . (2)5358.عنه علیه السلام :عنه علیه السلام :لا هِدايَهَ كَالذِّكرِ . (3)9 / 13نَجاحُ الاُمورِ5361.عنه علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اُذكُرِ اللّهَ ؛ فَإِنَّهُ عَونٌ لَكَ عَلى ما تَطلُبُ . (4)5362.عنه علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :خَيرُ مَا استَنجَحتَ بِهِ الاُمورَ ذِكرُ اللّهِ سُبحانَهُ . (5)5363.نهج البلاغه عن مالِک بن دِحيَه :عنه علیه السلام :ذِكرُ اللّهِ تُستَنجَحُ بِهِ الاُمورُ ، وتَستَنيرُ بِهِ السَّرائِرُ . (6) .

1- .غرر الحكم : ح 1403.
2- .غرر الحكم : ح 7800 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 429 ح 7297.
3- .غرر الحكم : ح 10460 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 536 ح 9828.
4- .تنبيه الغافلين : ص 471 ح 732 عن عماره ، شرح نهج البلاغه : ج 15 ص 65 ، كنز العمّال : ج 1 ص 415 ح 1755 نقلاً عن ابن عساكر عن عطاء بن أبى مسلم ؛ بحار الأنوار : ج 21 ص 60 ح 11.
5- .غرر الحكم : ح 4987 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 238 ح 4527.
6- .غرر الحكم : ح 5168 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4718.

9 / 12 راه نمای خِرَدها

9 / 13 موفّقیت در کارها

9 / 12راه نمای خِرَدها5359.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، مایه هدایت خِردها و بصیرت جان هاست .5360.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که خدا را یاد کند ، هدایت می شود .5361.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هیچ هدایتی مانند یاد خدا نیست .9 / 13موفّقیت در کارها5364.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا را یاد کن ؛ زیرا یاد خدا ، تو را در آنچه می طلبی ، کمک می کند .5365.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :بهترین وسیله موفّقیت تو در کارها ، یاد خداوند سبحان است .5366.عنه علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) امام علی علیه السلام :یاد خدا ، مایه موفّقیت در کارها و نورانیّت درون هاست .

.

9 / 14الرِّزقُ بِغَيرِ بِضاعَةٍ5369.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِتَّخِذوا ذِكرَ اللّهِ تِجارَةً ، يَأتِكُمُ الرِّزقُ بِغَيرِ بِضاعَةٍ (1) .
(2)5364.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ رَزَقَهُ اللّهُ .
(3)9 / 15النَّجاةُ مِنَ الشَّدائِدِ5367.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ أحَدٍ يَموتُ عَطشانَ ، إلّا ذاكِرَ اللّهِ .
(4)5368.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :ذِكرُ اللّهِ طارِدُ اللَأواءِ (5) وَالبُؤسِ .
(6)5369.امام على عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام ، قالَ موسى : . . . إلهى فَما جَزاءُ مَن لَم يَفتُر لِسانُهُ عَن ذِكرِكَ ، وَالتَّضَرُّعِ وَالاِستِعاتَهِ لَکَ فِى الدُّنيا؟

قالَ : يا موسى ، اُعينُهُ عَلى شَدائِدِ الآخِرَهِ .
(7)5370.عنه عليه السلام :الإمام الهادى عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ عز و جل موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام ، قالَ موسى : . . . إلهى فَما جَزاءُ مَن ذَكَرَکَ بِلِسانِهِ وقَلبِهِ؟

قالَ : يا موسى ، اُظِلُّهُ يَومَ القِيامَهِ بِظِلِّ عَرشى ، وأجعَلُهُ فى كَنَفى .
(8) .

1- .فى المصدر : «من بضاعه» ، والتصويب من فيض القدير : ج 3 ص 465.
2- .الفردوس : ج 2 ص 119 ح 2624 ، فردوس الأخبار : ج 2 ص 193 ح 2446 وفيه «من غير طاعه» بدل «بغير بضاعه» وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 116 ح 385 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 325 ح 12.
4- .الدعوات : ص 237 ح 660 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 240 ح 26.
5- .اللّأواء : الشِّدّه وضيق المعيشه (النهايه : ج 4 ص 221 «لأى»).
6- .غرر الحكم : ح 5170 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4715.
7- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 88 ح 68 عن زياد بن المنذر ، بحار الأنوار : ج 69 ص 412 ح 131.
8- .الأمالى للصدوق : ص 276 ح 307 عن عبدالعظيم بن عبد اللّه الحسنى ، روضه الواعظين : ص 428 ، مشكاه الأنوار : ص 114 ح 265 كلاهما عن موسى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 156 ح 23 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 287 عن وهب عن موسى عليه السلام .

9 / 14 روزیِ بدون سرمایه

9 / 15 رهیدن از سختی ها و گرفتاری ها

9 / 14روزیِ بدون سرمایه5373.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد خدا را [سرمایه] تجارت قرار دهید تا روزی ، بی کالا و سرمایه به شما برسد .5374.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خدا را بسیار یاد کند ، خداوند ، روزی اش می دهد .9 / 15رهیدن از سختی ها و گرفتاری ها5377.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر شخصی تشنه می میرد ، مگر ذکرگوی خدا .5378.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد خدا ، دور کننده تنگ دستی و بینوایی است .5370.امام علی علیه السلام :امام باقر علیه السلام :چون خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : ... معبودا ! پاداش کسی که در دنیا زبانش از یاد تو و التماس و کمک جستن از تو سست نشود ، چیست؟

فرمود : «ای موسی ! او را در سختی های آخرت ، کمک می کنم» .5371.امام علی علیه السلام :امام هادی علیه السلام :آن گاه که خداوند عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : معبودا ! پاداش کسی که با زبان و دلش تو را یاد کند ، چیست؟

فرمود : «ای موسی ! روز قیامت ، او را در سایه عرشم در می آورم و در پناه خویش می گیرم» .

.

5372.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام فِي الدُّعاءِ : يا مَن تُحَلُّ بِأسمائِهِ عُقَدُ المَكارِهِ ، ويا مَن يُفَلُّ بِذِكرِهِ حَدُّ الشَّدائِدِ ، ويا مَن يُدعى بِأسمائِهِ العِظامِ مِن ضيقِ المَخرَجِ إلى مَحَلِّ الفَرَجِ . (1)راجع : ص 100 ح 153 .

9 / 16حُسنُ الذِّكرِ5376.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به ايشان) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَلَيكَ بِذِكرِ اللّهِ وتِلاوَةِ القُرآنِ ؛ فَإِنَّهُ رَوحُكَ (2) فِى السَّماءِ ، وذِكرُكَ فِى الأَرضِ . (3)5377.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكَ بِتِلاوَةِ القُرآنِ وذِكرِ اللّهِ كَثيرا ؛ فَإِنَّهُ ذِكرٌ لَكَ فِى السَّماءِ ، ونورٌ لَكَ فِى الأَرضِ . (4)5378.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَنِ اشتَغَلَ بِذِكرِ اللّهِ ، طَيَّبَ اللّهُ ذِكرَهُ . (5) .

1- .مُهج الدعوات : ص 325 عن اليسع بن حمزه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 229 ح 27 .
2- .الرَّوح : الراحه والرحمه (القاموس المحيط : ج 1 ص 224 «روح»).
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 163 ح 11774 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 826 ح 43284 .
4- .الخصال : ص 525 ح 13 ، معانى الأخبار : ص 334 ح 1 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 93 ص 154 ح 15 ؛ المعجم الكبير : ج 2 ص 157 ح 1651 ، الفردوس : ج 3 ص 31 ح 4068 كلاهما عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 15 ص 909 ح 43572.
5- .غرر الحكم : ح 8235 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7832.

5379.الإمام علیّ علیه السلام :امام هادی علیه السلام در دعا : ای آن که گِره های ناملایمات با نام های او باز می شوند ! ای آن که تیزی سختی ها با یاد او کُند می شود! و ای آن که با خواندن نام های بزرگش از تنگنا به گشایش ، راه بُرده می شود !ر . ک : ص 101 ح 153 .

9 / 16نیک نامی5383.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد یاد خدا و تلاوت قرآن ؛ زیرا این کار ، مایه خوش بویی تو در آسمان و نیک نامی ات در زمین است .5384.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد تلاوت قرآن و یاد کردن بسیار از خدا ؛ زیرا این کار در آسمان ، برایت نام و در زمین ، برایت نور است .5379.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که به یاد خدا سرگرم شود ، خداوند ، نام و یاد او را خوش می گرداند .

.

9 / 17حُسنُ العَمَلِ5382.امام على عليه السلام (در سفارشش به شُرَيح بن هانى ، هنگامى كه او را د) الإمام علىّ عليه السلام :مَن عَمَرَ قَلبَهُ بِدَوامِ الذِّكرِ ، حَسُنَت أفعالُهُ فِى السِّرِّ وَالجَهرِ . (1)9 / 18كَفّارَةُ السَّيِّئاتِ5290.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كابِدُوا (2) اللَّيلَ بِالصَّلاهِ ، وَاذكُرُوا اللّهَ كَثيرا ؛ يُكَفِّر عَنكُم سَيِّئاتِكُم . (3)5291.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :عَوِّد نَفسَكَ الاِستِهتارَ بِالذِّكرِ وَالاِستِغفارِ ، فَإِنَّهُ يَمحو عَنكَ الحَوبَهَ (4) ، ويُعَظِّمُ لَكَ المَثوبَهَ . (5)9 / 19قُوَّهُ الإيمانِ5292.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ! إنَّ القُرآنَ وَالذِّكرَ لَيُنبِتانِ الإِيمانَ فِى القَلبِ كما يُنبِتُ الماءُ العُشبَ . (6) .

1- .غرر الحكم : ح 8872 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8297.
2- .كابَدتُ الأمرَ : إذا قاسيت شدّته (الصحاح : ج 2 ص 530 «كبر») .
3- .الأمالى للمفيد : ص 189 ح 16 عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 82 ص 223 ح 45.
4- .الحَوبَه : الإثم (القاموس المحيط : ج 1 ص 58 «حوب») .
5- .غرر الحكم : ح 6230 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 340 ح 5792 وفيه «الاستكثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذكر والاستغفار».
6- .كنز العمّال : ج 15 ص 221 ح 40670 نقلاً عن الديلمى عن أنس.

9 / 17 نیک کرداری

9 / 18 زدودن گناهان

9 / 19 تقویت ایمان

9 / 17نیک کرداری5295.حلیه الأولیاء عن النُّعمان بن سَعد :امام علی علیه السلام :هر که دلش را پیوسته به یاد خدا آباد بدارد ، کردارهایش در نهان و آشکار ، نیک می شود .9 / 18زدودن گناهان5295.حلیه الأولیاء (به نقل از نعمان بن سعد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رنج شب زنده داری با نماز را تحمّل کنید ، و خدای را بسیار یاد کنید تا گناهانتان را از شما بزُدایید .5296.الإمام علیّ علیه السلام (مِن خُطبَهٍ لَهُ یَصِفُ فیها خَلقَ العالَمِ) امام علی علیه السلام :خویشتن را به دل دادن به یاد خدا و استغفَار ، خو دِه؛ زیرا این کار ، گناه را از تو می زداید و پاداش بزرگی نصیبت می کند .9 / 19تقویت ایمان5297.امام علی علیه السلام (در سخنرانی اش در وصف آسمان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جانم در دست اوست ، [تلاوت] قرآن و یاد [خدا] ، ایمان را در دل می رویانند ، چنان که آب ، گیاه را می رویانَد!

.

9 / 20التَّقَرُّبُ إلَى اللّهِ5298.امام على عليه السلام (از سخنرانى اى درباره توحيد كه در آن ، آفرينش آسمان) كنز العمّال عن خالد بن الوليد :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : إنّى سائِلُكَ عَمّا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، فَقالَ لَهُ : سَل عَمّا بَدا لَكَ . . . قالَ : اُحِبُّ أن أكونَ أخَصَّ النّاسِ إلَى اللّهِ تَعالى .

قالَ : أكثِر ذِكرَ اللّهِ ، تَكُن أخَصَّ العِبادِ إلَى اللّهِ تَعالى . (1)5299.امام على عليه السلام (خطاب به خداى عز و جل) مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إعرابُ القُلوبِ أربَعَهُ أنواعٍ : رَفعٌ وفَتحٌ وخَفضٌ ووَقفٌ .

فَرَفعُ القَلبِ فى ذِكرِ اللّهِ ، وفَتحُ القَلبِ فِى الرِّضا عَنِ اللّهِ ، وخَفضُ القَلبِ فِى الاِشتِغالِ بِغَيرِ اللّهِ ، ووَقفُ القَلبِ فِى الغَفلَهِ عَنِ اللّهِ .

ألاتَرى أنَّ العَبدَ إذا ذَكَرَ اللّهَ تَعالى بِالتَّعظيمِ خالِصا ، ارتَفَعَ كُلُّ حِجابٍ بَينَهُ وبَينَ اللّهِ مِن قَبلِ ذلِكَ . . . وإذا غَفَلَ عَن ذِكرِ اللّهِ كَيفَ تَراهُ بَعدَ ذلِكَ مَوقوفا مَحجوبا ، قَد قَسا وأظلَمَ مُنذُ فارَقَ نورَ التَّعظيمِ .

فَعَلامَهُ الرَّفعِ ثَلاثَهُ أشياءَ : وُجودُ المُوافَقَهِ ، وفَقدُ المُخالَفَهِ ، ودَوامُ الشَّوقِ . . . .

وعَلامَهُ الوَقفِ ثَلاثَهُ أشياءَ : زَوالُ حَلاوَهِ الطّاعَهِ ، وعَدمُ مَرارَهِ المَعصِيَهِ ، وَالتِباسُ عِلمِ الحَلالِ بِالحَرامِ . (2) .

1- .كنز العمّال : ج 16 ص 127 ح 44154 نقلاً عن أبى العبّاس المستغفرى.
2- .مصباح الشريعه : ص 20 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 55 ح 25.

9 / 20نزدیک شدن به خدا5302.کنز العمّال عن حَبَّهَ العُرَنِیّ :کنز العمّال به نقل از خالد بن ولید : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : می خواهم در باره دنیا و آخرت از شما بپرسم .

به او فرمود : «آنچه می خواهی ، بپرس ...» .

گفت : دوست می دارم که خاص ترین مردم نزد خدای متعال باشم .

فرمود : «خدا را بسیار یاد کن تا خاص ترینِ بندگان نزد خدای متعال باشی» .5303.الإمام علیّ علیه السلام (فی جَوابِ رَجُلٍ مِن أهلِ الشّامِ فیما سَأَلَهُ) مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : اِعراب دل ها چهار تاست : رفع و فتح و جرّ و وقف .

رفع دل ، در یاد خداست ؛ فتح دل ، در خشنودی از خداست ؛ جرّ دل ، در پرداختن به غیر خداست ؛ و وقف دل ، در غفلت از خداست .

مگر نمی بینی که بنده هر گاه ، از سرِ اخلاص ، خدای متعال را به بزرگی یاد کند ، هر حجابی که پیش از آن میان او و خدا بوده است ، مرتفع می شود ... و هر گاه از یاد خدا غافل گردد ، چگونه پس از آن ، متوقّف می شود و در حجاب می مانَد ؟ از آن زمان که از نور بزرگداشت [خدا] جدا شد ، دلش سخت و تاریک شد .

پس ، علامت رفع ، سه چیز است : بودن سازگاری ، نبود ناسازگاری ، و دوام شوق ... .

و علامت وقف ، سه چیز است : از میان رفتن شیرینی فرمان بُرداری ، نبود تلخی نافرمانی ، و در آمیختن علم حلال به علم حرام .

.

9 / 21الأُنسُ بِاللّهِ5302.كنز العمّال (به نقل از حَبّه عُرَنى) الإمام علىّ عليه السلام :الذِّكرُ مِفتاحُ الأُنسِ . (1)5303.امام على عليه السلام (در پاسخ يكى از مردم شام كه پرسيده بود : آسمان د) عنه عليه السلام :ذاكِرُ اللّهِ مُؤانِسُهُ . (2)5304.الإمام علىّ عليه السلام (فى صِفَهِ المَلائِكَهِ عليهم السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا أنيسَ الذّاكِرينَ . (3)5304.امام على عليه السلام (در وصف فرشتگان) الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ إنَّكَ آنَسُ الآنِسِينَ لِأَولِيائِكَ ، وأحضَرُهُم بِالكِفايَهِ لِلمُتَوَكِّلينَ عَلَيكَ ، تُشاهِدُهُم فى سَرائِرِهِم ، وتَطَّلِعُ عَلَيهِم فى ضَمائِرِهِم ، وتَعلَمُ مَبلَغَ بَصائِرِهِم ، فَأسرارُهُم لَكَ مَكشوفَهٌ ، وقُلوبُهُم إلَيكَ مَلهوفَهٌ ، إن أوحَشَتهُمُ الغُربَهُ آنَسَهُم ذِكرُكَ . (4)5305.عنه عليه السلام (فى خَلقِ المَلائِكَهِ) عِدّه الداعى :فى بَعضِ الأحادِيثِ القُدسِيَّهِ : أيُّما عَبدٍ اطَّلَعتُ عَلى قَلبِهِ فَرَأيتُ الغالِبَ عَلَيهِ التَّمَسُّكَ بِذِكرى ، تَوَلَّيتُ سِياسَتَهُ ، وكُنتُ جَليسَهُ ومُحادِثَهُ وأنيسَهُ . (5)9 / 22حُبُّ اللّهِ5306.امام على عليه السلام (خطاب به خداى عز و جل) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ عز و جل أحَبَّهُ اللّهُ . (6)5307.عنه عليه السلام (أيضا) عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ : يا أبا ذَرٍّ ، إنَّ أحَبَّكُم إلَى اللّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ أكثَرُكُم ذِكرا لَهُ . (7) .

1- .غرر الحكم : ح 541 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 40 ح 886.
2- .غرر الحكم : ح 5160 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4741.
3- .البلد الأمين : ص 410 ، المصباح للكفعمى : ص 346 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 395 ح 3.
4- .نهج البلاغه : الخطبه 227 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 329 ح 40.
5- .عدّه الداعى : ص 235 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 162 ح 42.
6- .الكافى : ج 2 ص 499 ح 3 عن داوود بن سرحان ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 55 ح 148 عن عبد الرحمن بن الحجّاج وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 325 ح 11 ؛ كنز العمّال : ج 3 ص 241 ح 6350 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد عن عائشه.
7- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 375 ح 2661 عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 86 ح 3.

9 / 21 همدمی با خدا

9 / 22 محبوبیت در نزد خداوند

9 / 21همدمی با خدا5309.عنه علیه السلام (فی صِفَهِ الأَرضِ ودَحوِها عَلَی الماءِ) امام علی علیه السلام :یاد خدا ، کلید همدمی است 5308.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :یاد کننده خدا ، همدم اوست .5209.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای همدم ذاکران .5210.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام علی علیه السلام :بار خدایا ! تو برای دوستانت نزدیک ترین همدمانی ، و برای کارسازی توکّل کنندگان به تو ، آماده ترینی ، در نهان هایشان ، آنان را می بینی و از درون هایشان آگاهی و اندازه بینش هایشان را می دانی . پس رازهای ایشان ، برای تو آشکار است و دل هایشان ، آرزومندِ توست . اگر وحشت تنهایی فرایشان گیرد ، یادِ تو همدمشان می شود .5211.امام علی علیه السلام (در دعایی که به کُمَیل بن زیاد آموخت) عدّه الداعی :در یکی از احادیث قدسی آمده است : «هر بنده ای که بر دلش نظر افکنم و ببینم که تمسّک به یاد من بر آن چیره است ، تربیت او را خود بر عهده می گیرم و همنشین و همسخن و همدم او می شوم» .9 / 22محبوبیت در نزد خداوند5214.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که خداوند عز و جل را بسیار یاد کند ، خداوند ، او را دوست می دارد .5215.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر : ای ابو ذر ! محبوب ترین شما نزد خداوند عز و جل کسی است که بیشتر به یاد او باشد .

.

5216.عنه عليه السلام (مُخاطِبا اللّهَ عَزَّ وجَلَّ) عنه صلى الله عليه و آله :أحَبُّهُم [النّاسِ] إلَى اللّهِ أكثَرُهُم ذِكرا . (1)5217.عنه عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) الإمام علىّ عليه السلام :إذا رَأيتَ اللّهَ سُبحانَهُ يُؤنِسُکَ بِذِکرِهِ ، فَقَد أحَبَّکَ . (2)5212.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام : يا رَبِّ ، وَدِدتُ أنّى أعلَمُ مَن تُحِبُّ مِن عِبادِکَ فَاُحِبَّهُ !

قالَ : إذا رَأيتَ عَبدى يُکثِرُ مِن ذِکرى ، فَأَنَا أذِنتُ لَهُ فى ذلِکَ ، فَاُحِبُّهُ ، وإذا رَأيتَ عَبدى لا يَذکُرُنى ، فَأَنَا حَجَبتُهُ عَن ذلِکَ ، وأنَا اُبغِضُهُ . (3)9 / 23لِقاءُ اللّهِ5215.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تَعالى : إذا كانَ الغالِبُ عَلى عَبدِى الاِشتِغالَ بى جَعَلتُ نَعيمَهُ ولَذَّتَهُ فى ذِكرى ، فَإذا جَعَلتُ نَعيمَهُ ولَذَّتَهُ فى ذِكرى عَشِقَنى وعَشِقتُهُ ، فَإذا عَشِقَنى وعَشِقتُهُ رَفَعتُ الحِجابَ فيما بَينى وبَينَهُ ، وصِرتُ مَعالِما (4) بَينَ عَينَيهِ لا يَسهو إذا سَهَا النّاسُ ؛ اُولئِکَ كَلامُهُم كَلامُ الأنبياءِ ، اُولئِکَ الأبطالُ حَقّا ، اُولئِکَ الَّذينَ إذا أرَدتُ بِأهلِ الأرضِ عُقوبَهً وعَذابا ذَكَرتُهُم فَصَرَفتُ ذلِکَ عَنهُم . (5) .

1- .إرشاد القلوب : ص 133.
2- .غرر الحكم : ح 4040 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 135 ح 3070.
3- .تاريخ دمشق : ج 61 ص 147 ح 12565 ، الفردوس : ج 3 ص 192 ح 4534 كلاهما عن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 433 ح 1870 ؛ الدعوات : ص 20 ح 18 وليس فيه «قال موسى عليه السلام » ، بحار الأنوار : ج 93 ص 160 ح 41.
4- .المَعْلَم : الأثر يستدلّ به على الطريق (الصحاح : ج 5 ص 1991 «علم») . وفى كنزالعمّال : «... وصيّرت ذلک تغالبا عليه ، لا يسهو ...» .
5- .حليه الأولياء : ج 6 ص 165 عن الحسن ، كنز العمّال : ج 1 ص 433 ح 1872.

5216.امام علی علیه السلام (خطاب به خدای عز و جل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :محبوب ترینِ مردم نزد خدا ، کسی است که بیشتر از او یاد کند .5217.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام علی علیه السلام :هر گاه دیدی که خداوند سبحان ، تو را با یادش مأنوس ساخته است ، بی گمان ، دوستت دارد .5218.الإمام علیّ علیه السلام (فی دُعاءٍ عَلَّمَهُ کُمَیلَ بنِ زِیادٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت : ای خدای من! دوست دارم بدانم از بندگانت چه کسی را دوست داری تا من نیز دوستش بدارم .

خداوند فرمود : «هر گاه دیدی که بنده ام مرا بسیار یاد می کند ، من اجازه [و توفیق]این کار را به او داده ام . پس او را دوست می دارم ؛ و هر گاه دیدی که بنده ام مرا یاد نمی کند ، من او را از این کار مانع شده ام ، و من ، دشمنش می دارم» .9 / 23دیدار خدا5221.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال می فرماید : «هر گاه غالب حالات بنده ام پرداختن به من باشد ، خوشی و لذّت او را در یاد کردنش از من قرار دهم ، و هر گاه خوشی و ذلّتش را در یادم قرار دهم ، او عاشق من می شود و من ، عاشق او می شوم ، و هر گاه او عاشق من شود و من عاشق او ، پرده میان خودم و او را کنار می زنم و نشانه هایی فرا چشم او می شوم ، به طوری که هر گاه مردم اشتباه کنند ، او اشتباه نمی کند . این گونه بندگان ، سخنشان ، سخن پیامبران است . اینان ، پهلوانان حقیقی هستند . اینان ، کسانی هستند که هر گاه بخواهم زمینیان را کیفر و عذاب کنم ، به یاد ایشان می افتم و کیفر و عذاب را از مردمان می گردانم» .

.

5222.عنه عليه السلام :إحياء علوم الدين :فى أخبارِ داوودَ عليه السلام : إنَّ اللّه تَعالى أوحى إلَيهِ . . . : يا داوودُ ! إنّى خَلَقتُ قُلوبَ المُشتاقينَ مِن رِضوانى ، ونَعَّمتُها بِنورِ وَجهى . . . .

فَقالَ داوودُ عليه السلام : يا رَبِّ ! بِمَ نالوا هذا مِنكَ؟

قالَ : بِحُسنِ الظَّنِّ ، وَالكَفِّ عَنِ الدُّنيا وأهلِها ، وَالخَلَواتِ بى ، ومُناجاتِهِم لى . وإنَّ هذا مَنزِلٌ لا يَنالُهُ إلّا مَن رَفَضَ الدُّنيا وأهلَها ، ولَم يَشتَغِل بِشَىءٍ مِن ذِكرِها ، وفَرَّغَ قَلبَهُ لى ، وَاختارَنى عَلى جَميعِ خَلقى ، فَعِندَ ذلِكَ أعطِفُ عَلَيهِ وأُفرِغُ نَفسَهُ ، وأكشِفُ الحِجابَ فيما بَينى وبَينَهُ ؛ حَتّى يَنظُرَ إلَىَّ نَظَرَ النّاظِرِ بِعَينِهِ إلَى الشَّىءِ . (1)9 / 24العِصمَةُ مِنَ السَّهوِ5219.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ سُبحانَهُ : إذا عَلِمتُ أنَّ الغالِبَ عَلى عَبدِى الإشتِغالُ بى ، نَقَلتُ شَهوَتَهُ فى مَسأَلَتى ومُناجاتى ، فَإذا كانَ عَبدى كَذلِكَ فَأرادَ أن يَسهُوَ حُلتُ بَينَهُ وبَينَ أن يَسهُوَ ، أُولئِكَ أولِيائى حَقّا ، أُولئِكَ الأبطالُ حَقّا . (2)راجع : ص 258 ح 471 .

9 / 25نُزولُ المَلائِكَةِ5223.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلّهِ مَلائِكَةً يَطوفونَ فِى الطُّرُقِ يَلتَمِسونَ أهلَ الذِّكرِ ، فَإذا وَجَدوا قَوما يَذكُرونَ اللّهَ تَنادَوا : هَلُمُّوا إلى حاجَتِكُم . فَيَحُفُّونَهُم بِأجنِحَتِهِم إلَى السَّماءِ الدُّنيا .

فَيَسأَلُهُم رَبُّهُم وهُوَ أعلَمُ مِنهُم : ما يَقولُ عِبادى؟ تَقولُ : يُسَبِّحونَكَ ، ويُكَبِّرونَكَ ، ويَحمَدونَكَ ، ويُمَجِّدونَكَ . فَيَقولُ : هَل رَأونى؟ فَيَقولونَ : وَاللّهِ ما رَأوكَ ! فَيَقولُ : وكَيفَ لَو رَأونى؟ يَقولونَ : لَو رَأوكَ كانوا أشَدَّ لَكَ عِبادَةً ، وأشَدَّ لَكَ تَمجيدا ، وأكثَرَ لَكَ تَسبيحا .

يَقولُ : فَما يَسأَلونَنى؟ [يَقولونَ] (3) يَسأَلونَكَ الجَنَّةَ . يَقولُ : وهَل رَأَوها؟ يَقولونَ : لا وَاللّهِ يا رَبِّ ما رَأوها . يَقولُ : فَكَيفَ لَو أنَّهُم رَأوها؟ يَقولونَ : لَو أنَّهُم رَأوها كانوا أشَدَّ عَلَيها حِرصا ، وأشَدَّ لَها طَلَبا ، وأعظَمَ فيها رَغبَةً .

قال : فَمِمَّ يَتَعَوَّذونَ؟ يَقولونَ : مِنَ النّارِ . يَقولُ : وهَل رَأَوها؟ يَقولونَ : لا وَاللّهِ يا رَبِّ ما رَأوها . يَقولُ : فَكَيفَ لَو رَأوها؟ يَقولونَ : لَو رَأوها كانوا أشَدَّ مِنها فِرارا ، وأشَدَّ لَها مَخافَةً .

فَيَقولُ : فَاَشهِدُكُم أنّى قَد غَفَرتُ لَهُم .

يَقولُ مَلَكٌ مِنَ المَلائِكَهِ : فيهِم فُلانٌ لَيس مِنهُم ، إنَّما جاءَ لِحاجَهٍ !

قالَ : هُمُ الجُلَساءُ لا يَشقى بِهِم جَليسُهُم . (4) .

1- .إحياء علوم الدين : ج 4 ص 470 ؛ المحجّه البيضاء : ج 8 ص 59.
2- .عدّه الداعى : ص 235 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 162 ح 42.
3- .سقط ما بين المعقوفين من المصدر ، وأثبتناه من المصادر الأُخرى .
4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2353 ح 6045 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2069 ح 25 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 672 ح 1821 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 579 ح 3600 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 56 ح 7428 كلاهماعن أبى هريره أو عن أبى سعيد الخدرى وكلّها نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 413 ح 1747.

9 / 24 مصونیت از اشتباه

9 / 25 فرود آمدن فرشتگان

5224.عنه علیه السلام :إحیاء علوم الدین :در اخبار داوود علیه السلام آمده است : خدای متعال به او وحی فرمود که ... : «ای داوود! من ، دل های مشتاقان را از خشنودی خود آفریدم ، و آنها را از نور چهره ام برخوردار کردم ...» .

داوود علیه السلام گفت : بار پروردگارا ! از چه رو ، بدین مقام از تو دست یافتند؟

فرمود : «از نیک گمانی ، و دست شستن از دنیا و دنیاخواهان ، و خلوت ها و راز و نیازهایشان با من . این ، منزلتی است که بدان نمی رسد ، مگر کسی که دنیا و دنیاخواهان را رها کند و هیچ یاد آن نکند و دلش را برای من ، خالی گرداند و مرا بر همه آفریدگانم برگزیند . در این صورت است که بدو روی می کنم و جانش را [از ماسوای خود]تهی می سازم و پرده میان خود و او را برمی دارم تا مرا چنان [عیان]بیند که بیننده با چشم خود ، چیزی را ببیند» .9 / 24مصونیت از اشتباه5227.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند سبحان فرمود : «هر گاه بدانم که بنده ام غالبا به یاد من است ، خواست او را به درخواست و راز و نیاز با خودم منتقل می کنم ، و هر گاه بنده ام چنین [همواره خواهان درخواست از من و راز و نیاز با من] باشد ، اگر بخواهد اشتباه کند ، مانع اشتباه کردنش می شوم . اینان ، اولیای حقیقی من اند . اینان ، پهلوانان حقیقی اند» .ر . ک : ص 259 ح 471 .

9 / 25فرود آمدن فرشتگان5387.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، فرشتگانی دارد که در گذرگاه ها در جستجوی اهل ذکر می گردند و هر گاه گروهی را بینند که ذکر خدا می گویند ، صدا می زنند که : بیایید حاجتتان را بگیرید ، و با بال های خود ، آنان را تا آسمانِ زیرین درمیان می گیرند .

پروردگارشان با آن که خود از فرشتگان بهتر می داند از آنان می پرسد : «بندگانم چه می گویند؟» .

فرشتگان می گویند : تو را به پاکی و بزرگی می ستایند و سپاسَت می گویند و تمجیدت می کنند .

خداوند می فرماید : «آیا مرا دیده اند؟» .

فرشتگان می گویند : به خدا سوگند که تو را ندیده اند !

خداوند می فرماید : «اگر مرا دیده بودند ، چه می کردند؟» .

فرشتگان می گویند : اگر تو را دیده بودند ، بیشتر بندگی ات می کردند و بزرگت می داشتند و تسبیحت می گفتند .

خداوند می فرماید : «از من چه می خواهند؟» .

[فرشتگان گویند :] از تو بهشت می خواهند .

خداوند می فرماید : «آیا آن را دیده اند؟» .

فرشتگان می گویند : نه ، به خدا سوگند ای پروردگار ، آن را ندیده اند .

خداوند می فرماید : «پس اگر آن را دیده بودند ، چه می کردند؟» .

فرشتگان می گویند : اگر آن را دیده بودند ، به آن ، آزمندتر و طالب تر و راغب تر می بودند .

خداوند می فرماید : «از چه پناه می برند؟» .

فرشتگان می گویند : از آتشِ دوزخ .

خداوند می فرماید : «آیا آن را دیده اند؟» .

فرشتگان می گویند : نه به خدا سوگند ای پروردگار ، آن را ندیده اند .

خداوند می فرماید : «پس اگر آن را دیده بودند ، چه می کردند؟» .

فرشتگان می گویند : اگر آن را دیده بودند ، از آن گریزان تر و بیمناک تر می بودند .

خداوند می فرماید : «پس ، گواه باشید که آنان را آمرزیدم» .

فرشته ای از فرشتگان می گوید : در میان ایشان ، فلانی است که از آنان نیست ؛ بلکه برای حاجتی آمده است .

خداوند می فرماید : «آنان ، همنشین اند و به برکت آنان ، همنشینشان ، محروم نمی شوند» .

.

5388.عنه عليه السلام :المعجم الصغير عن ابن عبّاس :مَرَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله بِعَبدِ اللّهِ بنِ رَواحَةَ الأَنصارِيِّ وهُوَ يُذَكِّرُ أصحابَهُ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أما إنَّكُمُ المَلَأُ الَّذينَ أمَرَنِى اللّهُ أن أصبِرَ نَفسى مَعَكُم ، ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوهِ وَ الْعَشِىِّ» إلى قَولِهِ : «وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (1) ، أما إنَّهُ ما جَلَسَ عِدَّتُكُم إلّا جَلَسَ مَعَهُم عِدَّتُهم مِنَ المَلائِكَهِ ، إن سَبَّحُوا اللّهَ سَبَّحوهُ ، وإن حَمِدُوا اللّهَ حَمِدوهُ ، وإن كَبَّرُوا اللّهَ كَبَّروهُ ، ثُمَّ يَصعَدونَ إلَى الرَّبِّ وهُوَ أعلَمُ مِنهُم ، فَيَقولونَ : يا رَبَّنا ، عِبادُكَ سَبَّحوكَ فَسَبَّحنا ، وكَبَّروكَ فَكَبَّرنا ، وحَمِدوكَ فَحَمِدنا .

فَيَقولُ رَبُّنا : يا مَلائِكَتى ، اُشهِدُكُم أنّى قَد غَفَرتُ لَهُم .

فَيَقولونَ : فيهِم فُلانٌ وفُلانٌ الخَطّاءُ!

فَيَقولُ : هُمُ القَومُ لا يَشقى بِهِم جَليسُهُم . (2) .

1- .الكهف : 28.
2- .المعجم الصغير : ج 2 ص 109 ، حليه الأولياء : ج 5 ص 117 عن عمر بن ذرّ عن أبيه ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 381 نقلاً عن ابن مردويه.

5389.عنه علیه السلام :المعجم الصغیر به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله بر عبد اللّه بن رواحه انصاری گذشت که یارانش را پند می داد . پیامبر خدا فرمود : «هان ! شما ، همان گروهی هستید که خداوند به من فرمود تا خودم را با شما بدارم» . سپس این آیه را خواند : « «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند» تا : «و [اساس]کارش بر زیاده روی است» » . [و افزود:] «هان ! هر تعداد از شما گِرد هم بنشینند ، به همان شمار ، از فرشتگان با آنان می نشینند . اگر آنان خدا را تسبیح گویند ، آن فرشتگان نیز او را تسبیح می گویند ، و اگر خدا را سپاس گویند ، آن فرشتگان نیز او را سپاس می گویند ، و اگر خدا را به بزرگی یاد کنند ، آنان نیز او را به بزرگی یاد می کنند . سپس به درگاه پروردگارشان می روند و به او که البته از آنان بهتر می داند ، می گویند : ای پروردگار ما ! بندگانت ، تو را تسبیح گفتند و ما نیز [هم صدا با آنان] تو را تسبیح گفتیم . آنان ، تو را به بزرگی یاد کردند و ما نیز به بزرگی یاد کردیم . آنان ، تو را سپاس گفتند و ما نیز سپاس گفتیم .

پس پروردگار ما می گوید : ای فرشتگان من ! گواه باشید که آنان را آمرزیدم .

فرشتگان می گویند : فلان و بهمان گنه کار هم در میان ایشان بود !

خداوند می فرماید : آنان ، جماعتی هستند که به برکت ایشان ، همنشینشان محروم نمی شود » . .

5390.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المَلائِكَةَ يَمُرّونَ عَلى حَلَقِ الذِّكرِ ، فَيَقومونَ عَلى رُؤوسِهِم ، ويَبكونَ لِبُكائِهِم ، ويُؤَمِّنونَ لِدُعائِهِم ، فَإِذا صَعِدوا [إلَى] (1) السَّماءِ ، يَقولُ اللّهُ تَعالى : يا مَلائِكَتى أينَ كُنتُم؟ وهُوَ أعلَمُ فَيَقولونَ : يا رَبَّنا إنّا حَضَرنا مَجلِسا مِن مَجالِسِ الذِّكرِ ، فَرَأينا أقواما يُسَبِّحونَكَ ويُمَجِّدونَكَ ويُقَدِّسونَكَ ، ويَخافونَ نارَكَ .

فَيَقولُ اللّهُ سُبحانَهُ : يا مَلائِكَتى ، اِزوُوها عَنهُم واُشهِدُكم أنّى قَد غَفَرتُ لَهُم ، وآمَنتُهُم مِمّا يَخافونَ .

فَيَقولونَ : رَبَّنا ، إنَّ فيهِم فُلانا وإنَّهُ لَم يَذكُرکَ !

فَيَقولُ : قَد غَفَرتُ لَهُ بِمُجالَسَتِهِ لَهُم ؛ فَإِنَّ الذّاكِرينَ مَن لا يَشقى بِهِم جَليسُهُم . (2) .

1- .مابين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
2- .عدّه الداعى : ص 241 ، أعلام الدين : ص 280 ، إرشاد القلوب : ص 61 نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 468 ح 20.

5391.عنه علیه السلام (فی وَصِیَّتِهِ لِلإِمامِ الحَسَنِ علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان بر مجالس ذکر [خدا] می گذرند و بر فرازِ سر ایشان می ایستند و با گریستن آنان می گِریند و برای دعایشان «آمین» می گویند . و چون به آسمان بَر شوند ، خدای متعال با آن که خود بهتر می داند می پرسد : «کجا بودید ، ای فرشتگان من؟» .

فرشتگان می گویند : ای پروردگار ما ! در مجلسی از مجلس های ذکر ، حاضر شدیم . مردمانی را دیدیم که تو را به پاکی و بزرگی و قداست می ستایند و از آتش تو بیمناک اند .

خدای سبحان می فرماید : «ای فرشتگان من! آتش را از آنان ، دور گردانید و گواه باشید که ایشان را آمرزیدم ، و از آنچه بیمناک اند ، در امانشان داشتم» .

فرشتگان می گویند : ای پروردگار ما ! فلانی هم در میان ایشان بود و او ذکر تو را نمی گفت .

خداوند می فرماید : «او را هم به سبب همنشینی اش با ایشان آمرزیدم ؛ زیرا ذاکران ، کسانی هستند که به برکت آنان ، همنشینشان محروم نمی شود» . .

5385.امام علی علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ لِمَلائِكَتِهِ عِندَ انصِرافِ أهلِ مَجالِسِ الذِّكرِ وَالعِلمِ إلى مَنازِلِهِم : اُكتُبوا ثَوابَ ما شاهَدتُموهُ مِن أعمالِهِم . فَيَكتُبونَ لِكُلِّ واحِدٍ ثَوابَ عَمَلِهِ ، ويَترُكونَ بَعضَ مَن حَضَرَ مَعَهُم فَلا يَكتُبونَهُ .

فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : ما لَكُم لَم تَكتُبوا فُلانا أليسَ كانَ مَعَهُم ، وقَد شَهِدَهُم؟ فَيَقولونَ : يا رَبِّ ، إنَّهُ لَم يَشرَک مَعَهُم بِحَرفٍ ، ولا تَكَلَّمَ مَعَهُم بِكَلِمَةٍ!

فَيَقولُ الجَليلُ جَلَّ جَلالُهُ : أليسَ كانَ جَليسَهُم؟ فَيَقولونَ : بَلى يا رَبِّ .

فَيَقولُ : اُكتُبوهُ مَعَهُم ، إنَّهُم قَومٌ لا يَشقى بِهِم جَليسُهُم . فَيَكتُبوهُ مَعَهُم .

فَيَقولُ تَعالى : اُكتُبوا لَهُ ثَوابا مِثلَ ثَوابِ أحَدِهِم . (1)5386.امام على علیه السلام :الكافى عن عبّاد بن كثير :قُلتُ لِأبى عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إنّى مَرَرتُ بِقاصٍّ يَقُصُّ وهُوَ يَقولُ : هذَا المَجلِسُ الَّذى لا يَشقى بِهِ جَليسٌ .

قالَ : فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : هَيهاتَ ، هَيهاتَ ، أخطَأَت أستاهُهُمُ الحُفرَةَ (2) . إنَّ للّهِ مَلائِكَةً سَيّاحينَ سِوَى الكِرامِ الكاتِبينَ ، فَإذا مَرُّوا بِقَومٍ يَذكُرونَ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، قالوا : قِفوا فَقَد أصَبتُم حاجَتَكُم ، فَيَجلِسونَ فَيَتَفَقَّهونَ مَعَهُم ، فَإذا قاموا عادوا مَرضاهُم ، وشَهِدوا جَنائِزَهُم ، وتَعاهَدوا غائِبَهُم ، فَذلِكَ المَجلِسُ الَّذى لا يَشقى بِهِ جَليسٌ . (3) .

1- .عوالى اللآلى : ج 4 ص 8 ح 29 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 202 ح 15.
2- .الإخطاء : الذهاب إلى خلاف الصواب مع قصد الصواب ، أو مطلقا عمدا وغير عمد ، والأستاه : جمع الإست ؛ وهى حلقه الدبر . والمراد بالحفره : الكنيف الذى يتغوّط فيه ، وكأنّ هذا كان مثلاً سائرا يضرب لمن استعمل كلاما فى غير موضعه أو أخطأ خطأ فاحشا. وقد يقال : شبّهت أفواههم بالأستاه تفضيحا لهم (مرآه العقول : ج 9 ص 84) .
3- .الكافى : ج 2 ص 186 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 259 ح 57.

5387.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :چون اهل مجلس های ذکر و علم به خانه هایشان باز گردند ، خداوند عز و جلبه فرشتگانش می فرماید : «ثواب اعمالی را که از ایشان دیده اید ، بنویسید» .

فرشتگان ، برای هر یک ثواب عملش را بنویسند و یکی را که در انجمن آنان حاضر بوده اند ، وا می نهند و برایش چیزی نمی نویسند .

خداوند عز و جل می فرماید : «چرا برای فلانی ننوشتید ؟ مگر نه این که با آنان بود و در جمعشان حضور داشت؟» .

فرشتگان می گویند : «ای پروردگار ما ! او حتّی یک حرف با آنان شریک نشد و یک کلمه با ایشان هم سخنی نکرد .

خداوند عز و جل می فرماید : «آیا نه این که با آنان ، همنشین بود ؟» .

فرشتگان می گویند : چرا ، ای پروردگار ما !

پس ، خدای متعال می فرماید : «برای او نیز ثوابی چون ثواب یکی از آنان بنویسید» .5388.امام علی علیه السلام :الکافی به نقل از عبّاد بن کثیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : من بر داستان سَرایی (نقّالی) گذشتم که داستان نقل می کرد و می گفت : این است آن مجلسی که هر کس در آن بنشیند ، محروم نمی شود .

امام صادق علیه السلام فرمود : «هیهات ، هیهات ! سوراخ دعا را گم کرده اند . خداوند را بجز گرامیْ فرشتگانِ نویسنده[ی اعمال بندگان] ، فرشتگانی است که دوره می گردند و چون بر مردمی بگذرند که از محمّد و خاندان او یاد می کنند ، می گویند : [همین جا] بِایستید که به مراد خود رسیدید . پس می نشینند و با آنان دانش می آموزند ، و چون برخیزند ، از بیمارانِ آنان عیادت می کنند و در تشییع جنازه مردگانشان حاضر می شوند و از سفرْ رفته شان سرکشی می کنند . این است آن مجلسی که هر که در آن بنشیند ، محروم نمی شود» . .

9 / 26نُزولُ الرَّحمَةِ5391.امام على عليه السلام (در سفارشش به امام حسن عليه السلام) المستدرک على الصحيحين عن أبى عثمان :كانَ سلمانُ فى عِصابَةٍ (1) يَذكُرونَ اللّهَ، فَمَرَّ بِهِم رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَجاءَهُم قاصِدا حَتّى دَنا مِنهُم، فَكَفّوا عَنِ الحَديثِ إعظامالِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله .

فَقالَ : ما كُنتُم تَقولونَ؟ فَإِنّى رَأَيتُ الرَّحمَةَ تَنزِلُ عَلَيكُم ، فَأَحبَبتُ أن أُشارِكَكُم فيها! (2)5392.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :بِذِكرِ اللّهِ تُستَنزَلُ الرَّحمَةُ . (3)9 / 27نُزولُ السَّكينَةِ5395.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَقعُدُ قَومٌ يَذكُرونَ اللّهَ عز و جل إلّا حَفَّتهُمُ المَلائِكَةُ ، وغَشِيَتهُمُ الرَّحمَةُ ، ونَزَلَت عَلَيهِمُ السَّكينَةُ ، وذَكَرَهُمُ اللّهُ فيمَن عِندَهُ . (4) .

1- .العِصابه : الجماعه من الناس من العَشره إلى الأربعين ، ولا واحد لها من لفظها (النهايه : ج 3 ص 243 «عصب»).
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 210 ح 419 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 382 نقلاً عن الزهد لابن حنبل عن ثابت نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 447 ح 1932.
3- .غرر الحكم : ح 4209 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 188 ح 3856.
4- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2074 ح 39 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 460 ح 3378 نحوه ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1245 ح 3791 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 184 ح 11875 كلّها عن أبى هريره وأبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 1 ص 424 ح 1822 و 1824 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 85 ح 2227 ، مشكاه الأنوار : ص 114 ح 264 ، روضه الواعظين : ص 428 .

9 / 26 فرود آمدن رحمت

9 / 27 فرود آمدن آرامش

9 / 26فرود آمدن رحمت5398.عنه علیه السلام :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو عثمان : سلمان با گروهی نشسته بود و از خدا یاد می کردند . پیامبر خدا بر آنان گذشت و به سوی ایشان آمد . چون نزدیک آنان رسید ، به احترام پیامبر خدا از سخن گفتن ، باز ایستادند .

فرمود : «چه می گفتید؟ زیرا دیدم رحمت بر شما فرو می بارد و دوست داشتم من نیز در آن [رحمت] با شما شریک شوم» .5399.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :با یاد خدا ، رحمتْ فرود می آید .9 / 27فرود آمدن آرامش5394.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گروهی برای یادکرد از خداوند عز و جل ننشستند ، مگر آن که فرشتگان ، آنان را در میان گرفتند و رحمت ، آنها را فرو پوشاند و آرامش ، بر آنان فرود آمد و خداوند ، در جمع کسانی که نزد او هستند ، از ایشان یاد کرد .

.

5395.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَجالِسُ الذِّكرِ تَنزِلُ عَلَيهِمُ السَّكينَةُ ، وتَحُفُّ بِهِمُ المَلائِكَةُ ، وتَغشاهُمُ الرَّحمَةُ ، ويَذكُرُهُمُ الرَّبُّ تَعالَى عَلى عَرشِهِ . (1)9 / 28غُفرانُ اللّهِ5398.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَا اجتَمَعَ قَومٌ عَلى ذِكرٍ فَتَفَرَّقوا عَنهُ إلّا قيلَ لَهُم : قوموا مَغفورا لَكُم . (2)راجع : العنوان الآتى (تبديل السّيئات الحسنات) .

9 / 29تَبديلُ السَّيِّئاتِ الحَسَناتِ5402.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما جَلَسَ قَومٌ مَجلِسا يَذكُرونَ اللّهَ عز و جل فيهِ فَيَقومونَ حَتّى يُقالَ لَهُم : قوموا ؛ قَد غَفَرَ اللّهُ لَكُم ذُنوبَكُم ، وبُدِّلَت سَيِّئاتُكُم حَسَناتٍ . (3)5403.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن قَومٍ اجتَمَعوا يَذكُرونَ اللّهَ لا يُريدونَ بِذلِكَ إلّا وَجهَهُ ، إلّا ناداهُم مُنادٍ مِنَ السَّماءِ أن قوموا مَغفورا لَكُم ، فَقَد بُدِّلَت سَيِّئاتُكُم حَسَناتٍ . (4)5400.امام على عليه السلام (در نامه اش به مالک اشتر ، هنگامى كه او را به حک) عنه صلى الله عليه و آله :ما جَلَسَ قَومٌ يَذكُرونَ اللّهَ إلّا نادى بِهِم مُنادٍ مِنَ السَّماءِ : قوموا ؛ فَقَد بُدِّلَت سَيِّئاتُكُم حَسَناتٍ ، وغُفِرَ لَكُم جَميعا .

وما قَعَدَ عِدَّةُ مِن أهلِ الأَرضِ يَذكُرونَ اللّهَ ، إلّا قَعَدَ مَعَهُم عِدَّةٌ مِنَ المَلائِكَهِ . (5) .

1- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 128 ، حليه الأولياء : ج 5 ص 118 كلاهما عن أبى هريره وأبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 1 ص 424 ح 1821.
2- .الإصابه : ج 3 ص 175 عن سهيل بن الحنظليّه ، كنز العمّال : ج 1 ص 422 ح 1809.
3- .المعجم الكبير : ج 6 ص 212 ح 6039 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 454 ح 695 ، اُسد الغابه : ج 2 ص 572 نحوه وكلّها عن سهيل بن حنظله ، كنز العمّال : ج 1 ص 422 ح 1808.
4- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 286 ح 12456 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 161 ح 4127 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 108 كلّها عن أنس ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 401 ح 534 عن عبد اللّه بن مغفل وليس فيه «لا يريدون بذلک إلّا وجهه» ، كنز العمّال : ج 1 ص 438 ح 1891.
5- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 86 ح 2233 ، عدّه الداعى : ص 238 ، مشكاه الأنوار : ص 114 ح 264 ، روضه الواعظين : ص 428 ، بحار الأنوار

: ج 93 ص 162 ح 42.

9 / 28 آمرزش خداوند

9 / 29 تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها

5401.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر انجمن های یاد خدا ، آرامش فرود می آید . فرشتگان ، آنان را در میان می گیرند . رحمت ، آنها را فرو می پوشانَد و خداوندگار متعال ، در عرش خود ، از ایشان یاد می کند .9 / 28آمرزش خداوند5404.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گروهی برای یادکرد از خدا جمع نشدند ، مگر آن که چون پراکنده شدند ، به ایشان گفته می شود : «برخیزید که آمرزیده شدید» .ر . ک : عنوان بعدی (تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها) .

9 / 29تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها5408.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گروهی برای ذکر خداوند عز و جل گِرد هم نمی نشینند ، مگر آن که چون بخواهند برخیزند ، به ایشان گفته می شود : «برخیزید ، که خداوند ، گناهان شما را آمرزید و بدی هایتان به خوبی تبدیل شده است» .5409.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مردمی برای ذکر خدا گِرد هم آیند و قصدشان از این کار ، فقط رضای خدا باشد ، مُنادی ای از آسمان ، ندایشان می دهد که : «برخیزید که آمرزیده شدید ؛ زیرا بدی های شما به نیکی تبدیل شد» .5404.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گروهی برای ذکر خدا نمی نشینند ، مگر این که [در پایان آن مجلس،] مُنادی ای از آسمان به آنان ندا می دهد: «برخیزید که بدی هایتان به خوبی بدل شده و همه شما آمرزیده شدید» .

و هیچ تعدادی از زمینیان برای ذکر خدا نمی نشینند ، مگر این که تعدادی از فرشتگان نیز با آنان می نشینند .

.

9 / 30مُباهاةُ اللّهِ5407.امام على عليه السلام :صحيح مسلم عن معاويه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَرَجَ عَلى حَلقَةٍ مِن أصحابِهِ فَقالَ : ما أجلَسَكُم؟ قالوا : جَلَسنا نَذكُرُ اللّهَ ونَحمَدُهُ عَلى ما هَدانا لِلإِسلامِ ومَنَّ بِهِ عَلَينا .

قالَ : آللّهِ ما أجلَسَكُم إلّا ذاكَ؟ قالوا : وَاللّهِ ما أجلَسَنا إلّا ذاكَ !

قالَ : أما إنّى لَم أستَحلِفكُم تُهمَةً لَكُم ، ولكِنَّهُ أتانى جِبريلُ فَأَخبَرَنى أنَّ اللّهَ عز و جليُباهى بِكُمُ المَلائِكَةَ . (1)9 / 31الدُّخولُ فى رِياضِ الجَنَّهِ5410.الإمام علىّ عليه السلام :سنن الترمذى عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا مَرَرتُم بِرِياضِ الجَنَّهِ فَارتَعوا . قالَ : وما رِياضُ الجَنَّهِ؟

قالَ : حَلَقُ الذِّكرِ . (2) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2075 ح 40 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 460 ح 3379 ، سنن النسائى : ج 8 ص 249 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 14 ح 16835 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 96 ح 813 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 74 ح 18 ، كنز العمّال : ج 1 ص 437 ح 1883.
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 532 ح 3510 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 302 ح 12525 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 268 ، كنز العمّال : ج 1 ص 437 ح 1885 ؛ منيه المريد : ص 106 ، مشكاه الأنوار : ص 114 ح 264 ، روضه الواعظين : ص 428.

9 / 30 مُباهات کردن خداوند

9 / 31 درآمدن به باغ های بهشت

9 / 30مُباهات کردن خداوند5413.الإمام علیّ علیه السلام :صحیح مسلم به نقل از معاویه : پیامبر خدا بر حلقه ای از یارانش گذشت . فرمود : «برای چه گِرد هم نشسته اید؟» .

گفتند : نشسته ایم و خدا را یاد می کنیم و او را بر نعمت اسلام که به ما داد و ما را بِدان ره نمون شد ، سپاس می گوییم .

فرمود : «شما را به خدا ، فقط برای همین نشسته اید؟» .

گفتند : به خدا که فقط برای همین نشسته ایم !

فرمود : «بدانید که من ، از سرِ بدگمانی به شما سوگندتان ندادم ؛ بلکه جبرئیل علیه السلام نزدم آمد و مرا خبر داد که خداوند عز و جل به وجود شما بر فرشتگان مباهات می کند» .9 / 31درآمدن به باغ های بهشت5411.امام علی علیه السلام :سنن التِرمِذی :پیامبر خدا فرمود : «هر گاه به باغ های بهشت گذر کردید ، به گشت بپردازید» .

اَنَس گفت : باغ های بهشت ، کدام اند؟

فرمود : «انجمن های یاد خدا» .

.

5412.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بادِروا إلى رِياضِ الجَنَّهِ . قالوا : وما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : حَلَقُ الذِّكرِ . (1)5413.امام على عليه السلام :عدّه الداعى :رُوِىَ أَنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَرَجَ عَلى أصحابِهِ فَقالَ : اِرتَعوا فى رِياضِ الجَنَّهِ ، قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، وما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : مَجالِسُ الذِّكرِ ، أُغدوا وروحوا وَاذكُروا . (2)5414.امام على عليه السلام :المستدرک على الصحيحين عن جابر بن عبد اللّه :خَرَجَ عَلَينَا النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا أيُّهَا النّاسُ! إنَّ للّهِ سَرايا مِنَ المَلائِكَهِ تَحُلُّ وتَقِفُ عَلى مِجالِسِ الذِّكرِ فِى الأرضِ ، فَارتَعوا فى رِياضِ الجَنَّهِ .

قالوا : وأينَ رِياضُ الجَنَّهِ؟

قالَ : مَجالِسُ الذِّكرِ ، فَاغدوا وروحوا فى ذِكرِ اللّهِ ، وذَكِّروهُ أنفُسَكُم . (3)9 / 32نورُ يَومِ القِيامَهِ5417.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ ذاكِرَ اللّهِ يَجىءُ يَومَ القِيامَهِ ولَهُ نورٌ كَنورِ الشَّمسِ ، أو بُرهانٌ كَبُرهانِ الشَّمسِ . (4) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 444 ح 592 عن الحسين بن علىّ بن الحسين عن أبيه الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عليهماالسلام ، معانى الأخبار : ص 321 ح 1 عن علىّ بن الحسن عن أبيه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 409 ح 5888 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 156 ح 20.
2- .عدّه الداعى : ص 238 ، أعلام الدين : ص 275 ، إرشاد القلوب : ص 60 وفيه «الذكر غدوا ورواحا فاذكروا» بدل «مجالس الذكر اغدوا وروحوا واذكروا» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 163 ح 42.
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 672 ح 1820 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 345 ح 1860 وص 428 ح 2135 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 67 ح 2501 نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 434 ح 1877 وص 437 ح 1882 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 78 ح 2194 نحوه.
4- .معجم السفر : ص 112 ح 333 عن أنس.

5418.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «به سوی باغ های بهشت بشتابید» .

گفتند : باغ های بهشت ، کدام اند؟

فرمود : «انجمن های یاد خدا» .5419.الإمام علیّ علیه السلام :عدّه الداعی :روایت شده است که پیامبر خدا بر یارانش در آمد و فرمود : «در باغ های بهشت ، گردش کنید» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! باغ های بهشت ، کدام اند ؟

فرمود : «انجمن های یاد خدا . بام و شام ، خدا را یاد کنید» .5420.عنه علیه السلام (فی وَصفِ الدُّنیا) المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر بن عبد اللّه : پیامبر صلی الله علیه و آله بر یارانش در آمد و فرمود : «ای مردم ! خداوند ، دسته هایی از فرشتگان دارد که در مجالس ذکر روی زمین ، فرود می آیند . پس در باغ های بهشت ، گشت بزنید» .

گفتند : باغ های بهشت ، کجاست؟

فرمود : «مجالس ذکر [خدا] . پس بام و شام ، به ذکر خدا بپردازید و او را به خود ، یادآور شوید» .9 / 32روشنایی در روز قیامت5416.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کننده خدا ، روز قیامت ، در حالی می آید که روشنایی ای چون روشناییِ خورشید ، یا دلیلی چون دلیلِ آفتاب دارد .

.

5417.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَيَبعَثَنَّ اللّهُ أقواما يَومَ القِيامَهِ فى وُجوهِهِمُ النّورُ عَلى مَنابِرِ اللُّؤلُؤِ ، يِغبِطُهُمُ النّاسُ ، لَيسوا بِأنبِياءَ ولا شُهَداءَ ؛ هُمُ المُتَحابّونَ فِى اللّهِ مِن قَبائِلَ شَتّى وبِلادٍ شَتّى ، يَجتَمِعونَ عَلى ذِكرِ اللّهِ يَذكُرونَهُ . (1)9 / 33سَبقُ يَومِ القِيامَهِ5420.امام على عليه السلام (در توصيف دنيا) سنن الترمذى عن أبى هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : سَبَقَ المُفَرِّدونَ ، قالوا : ومَا المُفَرِّدونَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : المُستَهتَرونَ فى ذِكرِ اللّهِ (2) ؛ يَضَعُ الذِّكرُ عَنهُم أثقالَهُم ، فَيَأتونَ يَومَ القِيامَهِ خِفافا . (3)5421.امام على عليه السلام (خطاب به پسرش محمّد بن حنفيّه) مسند ابن حنبل عن أبى هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : سَبَقَ المُفَرِّدونَ . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ومَنِ المُفَرِّدونَ؟ قالَ : الَّذينَ يُهتَرونَ فى ذِكرِ اللّهِ . (4)5422.عنه عليه السلام :صحيح مسلم عن أبى هريره :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَسيرُ فى طَريقِ مَكَّهَ ، فَمَرَّ عَلى جَبَلٍ يُقالُ لَهُ : جُمدانُ ، فَقالَ : سيروا ، هذا جُمدانُ ، سَبَقَ المُفَرِّدونَ . قالوا : ومَا المُفَرِّدونَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : الذّاكِرونَ اللّهَ كَثيرا وَالذّاكراتُ . (5) .

1- .كنزالعمّال : ج 1 ص 438 ح 1893 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء.
2- .يُقال : اُهتِرَ فلان بكذا واستُهتِر فهو مُهتَر به ومُستهتَر : أى مولَع به لا يتحدّث بغيره ولا يفعل غيره (النهايه : ج 5 ص 242 «هتر») .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 577 ح 3596 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 417 ح 1773.
4- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 210 ح 8297 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 673 ح 1823 ، التاريخ الكبير : ج 8 ص 448 ح 3651 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 244 ح 3933.
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2062 ح 4 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 385 ح 9343 وفيه «جدان» بدل «جمدان» فى كلا الموضعين ، كنز العمّال : ج 1 ص 417 ح 1774.

5423.عنه علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، در روز قیامت ، مردمانی را برمی انگیزد که چهره هایی نورانی دارند و بر منبرهایی از مرواریدند و مردم بر آنان ، رشک می برند . آنان ، نه پیامبرند و نه شهید . آنان ، مردمانی از هر قبیله و آبادی اند که برای خدا یکدیگر را دوست می دارند ، برای یادکرد خدا گِرد هم می آیند و از او یاد می کنند .9 / 33پیشتازی در روز قیامت5426.عنه علیه السلام (فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام) سنن الترمذی به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا فرمود : «تنهایان ، پیشی گرفتند» .

گفتند : تنهایان کیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «سودابیان یاد خدا . یاد خدا ، بارهای گران (گناهان) آنان را از دوش ایشان برمی دارد و روز رستاخیز ، سبک بار [از گناه] می آیند .5422.امام علی علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «تنهایان ، پیشی می گیرند» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! تنهایان کیان اند؟

فرمود : «آنان که سودازده یاد خدایند» .5423.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) صحیح مسلم به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا در راه مکّه می رفت و بر کوهی به نام جُمدان گذشت . فرمود : «به پیش! این ، جُمدان است . تنهایان ، پیشتازند» .

گفتند : تنهایان ، کیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «مردان و زنانی که فراوان ، خدا را یاد می کنند» .

.

9 / 34خَيرُالدّنيا وَالآخِرَهِ5426.امام علی علیه السلام (در سفارشش به پسرش حسن علیه السلام) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن اُعطِیَ لِسانا ذاکِرا ، فَقَد اُعطِیَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (1)5427.الإمام علیّ علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : إذا أرَدتُ أن أجمَعَ لِلمُسلِمِ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، جَعَلتُ لَهُ قَلبا خاشِعا ، ولِسانا ذاکِرا ، وجَسَدا عَلَی البَلاءِ صابِرا ، وزَوجَهً مُؤمِنَهً . (2)5428.الإمام علیّ علیه السلام :الإمام زین العابدین علیه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، ونَبِّهنی لِذِکرِکَ فی أوقاتِ الغَفلَهِ ، وَاستَعمِلنی بِطاعَتِکَ فی أیّام المُهلَهِ ، وَانهَج لی إلی مَحَبَّتِکَ سَبیلاً سَهلَهً ، أکمِل لی بِها خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (3)5429.عنه علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام :ثَلاثَهٌ لا یُصیبونَ إلّا خَیرا : اُولُو الصَّمتِ ، وتارِکُو الشَّرِّ ، وَالمُکثِرونَ ذِکرَ اللّهِ عز و جل . (4) .

1- .الکافی : ج 2 ص 499 ح 1 عن أبی القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام .
2- .الکافی : ج 5 ص 327 ح 2 عن برید بن معاویه العجلی عن الإمام الباقر علیه السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 194 ح 705 ، مشکاه الأنوار : ص 481 ح 1600 عن الإمام الباقر علیه السلام وکلاهما نحوه وراجع الجعفریّات : ص 230 والمعجم الکبیر : ج 11 ص 109 ح 11275.
3- .الصحیفه السجّادیّه : ص 87 الدعاء 20.
4- .نزهه الناظر : ص 108 ح 16.

9 / 34خیر دنیا و آخرت5427.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هر کس زبانی ذکر داده شود ، خیر دنیا و آخرتْ داده شده است .5428.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود : «هر گاه بخواهم خیرِ دنیا و آخرت را به مسلمانی بدهم ، به او دلی خاشع و زبانی ذکرگو و تنی شکیبا در برابر بلا و همسری باایمان ، عطا می کنم» .5429.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلتم ، مرا متوجّه یاد خودت گردان و در ایّام فرصتم ، مرا در طاعتت به کار گیر ، و برای رسیدن به محبّتت ، راهی هموار برایم بگشای و بدین سان ، خیر دنیا و آخرت را به تمامی عطایم فرما .5430.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :سه دسته اند که جز خوبی نمی بینند : خاموشی گُزینان ، ترک کنندگان بدی ، و آنان که بسیارْ خداوند عز و جل را یاد می کنند .

.

الفَصلُ العاشِرُ : مضارّ النّسيان10 / 1نِسيانُ اللّهالكتاب«الْمُنَفِقُونَ وَالْمُنَفِقَتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُواْ اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَفِقِينَ هُمُ الْفَسِقُونَ» . (1)

الحديث5437.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «نَسُواْ اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» : إنَّما يَعنى نَسُوا اللّهَ فى دارِ الدُّنيا ، لَم يَعمَلوا بِطاعَتِهِ ، فَنَسِيَهُم فِى الآخِرَهِ ؛ أى لَم يَجعَل لَهُم فى ثَوابِهِ شَيئا فَصاروا مَنسِيِّينَ مِنَ الخَيرِ . (2)5432.امام على عليه السلام :عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد العزيز بن مسلم :سَأَلتُ الرِّضا عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «نَسُواْ اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» ، فَقالَ : إنَّ اللّهَ تَعالى لا يَنسى ولا يَسهو ، وإنَّما يَنسى ويَسهُو المَخلوقُ المُحدَثُ ، ألا تَسمَعُهُ عز و جل يَقولُ : «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (3) ! وإنَّما يُجازى مَن نَسِيَهُ ونَسِيَ لِقاءَ يَومِهِ بِأَن يُنسِيَهُم أنفُسَهُم ، كَما قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ لَا تَكُونُواْ كَالَّذِينَ نَسُواْ اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِكَ هُمُ الْفَسِقُونَ» ، وقالَ تَعالى : «فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُواْ لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (4) ؛ أى نَترُكُهُم كَما تَرَكُوا الاِستِعدادَ لِلِقاءِ يَومِهِم هذا . (5) .

1- .التوبه : 67.
2- .التوحيد : ص 259 ح 5 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 96 ح 86 نحوه وكلاهما عن أبى معمر السعدانى ، الاحتجاج : ج 1 ص 564 ح 137 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 99 ح 1.
3- .مريم : 64.
4- .الأعراف: 51.
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 125 ح 18 ، التوحيد : ص 160 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 64 ح 4.

10 / 1 فراموش شدن از جانب خدا

فصل دهم: زیان های فراموش کردن خدا10 / 1فراموش شدن از جانب خداقرآن«مردان و زنانِ دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند ، وا می دارند و از کار پسندیده ، باز می دارند و دست های خود را [از انفاق] فرو می بندند. خدا را فراموش کردند . پس [خدا هم]فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقان اند که فاسق اند» .

حدیث5439.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد» : یعنی آنان در سرای دنیا ، خدا را فراموش کردند و طاعتش ننمودند ، و خدا هم در آخرت ، آنان را فراموش کرد ؛ یعنی در پاداش خود ، بهره ای برای آنان قرار نداد و در زمره فراموش شدگانِ از خیر در آمدند .5440.الإمام علیّ علیه السلام :عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد العزیز بن مسلم : از امام رضا علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد» .

فرمود : «خداوند متعال ، فراموش یا اشتباه نمی کند ؛ بلکه مخلوقِ حادث است که دچار فراموشی و اشتباه می شود . آیا سخن خداوند عز و جل را نشنیده ای که می فرماید : «و پروردگار تو فراموشکار نیست» ؛ امّا خداوند ، کسی را که او و روز دیدار او را فراموش کند ، چنین سزا می دهد که خودشان را از یادشان می برد ، چنان که خداوند عز و جل فرموده است : «و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خودشان را از یادشان بُرد . اینان ، همان نافرمان اند» ، و فرموده است : «پس امروز ، ما ایشان را از یاد می بریم ، چنان که ایشان ، دیدار این روزشان را از یاد بردند» ؛ یعنی همچنان که آنان ، آماده شدن برای دیدار با چنین روزی را رها کردند ، ما نیز [ایشان را] امروز ، رها می کنیم .

.

10 / 2نِسيانُ النَّفسِالكتاب«وَ لَا تَكُونُواْ كَالَّذِينَ نَسُواْ اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِکَ هُمُ الْفَسِقُونَ» . (1)

الحديث5439.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَن نَسِىَ اللّهَ سُبحانَهُ ، أنساهُ اللّهُ نَفسَهُ وأعمى قَلبَهُ . (2)10 / 3سُلطَهُ الشَّيطانِالكتاب«وَ مَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَنًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَ إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ * حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِى وَ بَيْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ * وَ لَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» (3) . (4)

.

1- .الحشر : 19.
2- .غرر الحكم : ح 8875 وح 7797 نحوه ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8300.
3- .قال العلّامه الطباطبائى قدس سره : أى من تعامى عن ذكر الرحمن ونظر إليه نظر الأعشى جئنا إليه بشيطان ، وقد عبّر تعالى عنه فى موضع آخر بالإرسال فقال : «أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَطِينَ عَلَى الْكَفِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا» (مريم : 83) ، وإضافه الذكر إلى الرحمن للإشاره إلى أنّه رحمه (الميزان فى تفسير القرآن : ج 18 ص 102) .
4- .الزخرف : 36 39 .

10 / 2 خود فراموشی

10 / 3 مسلّط شدن شیطان

10 / 2خود فراموشیقرآن«و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد . آنان ، همان نافرمانان اند» .

حدیث5449.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که خدای سبحان را فراموش کند ، خداوند ، خود او را از یادش می بَرد و دلش را کور می گردانَد .10 / 3مسلّط شدن شیطانقرآن«و هر کس از یاد [خدای] رحمان ، دل بگردانَد، بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد . و مسلّماً آنها ، ایشان را از راه ، باز می دارند و [ایشان] می پندارند که راه یافتگان اند تا آن گاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] می گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» و امروز ، هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی بخشد ؛ چون ستم کردید . در حقیقت، شما در عذاب، مشترک خواهید بود» . (1)

.

1- .علّامه طباطبایی قدس سره می گوید : یعنی کسی که از یاد خدای مهربان ، خود را به کوری زند و به او چونان شخص کم بینا بنگرد ، به سوی او شیطانی بیاوریم . در جایی دیگر با عبارت «بفرستیم» یاد کرده و فرموده است : «آیا ندیدی که ما بر کافران ، شیاطینی فرستادیم که به جنباندنی ، می جنبانندشان» (مریم : آیه 83) . اضافه ذکر به رحمان ، اشاره به آن است که این ذکر و یاد ، رحمت است (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 18 ص 102) .

الحديث5448.امام على عليه السلام :مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : لا يَتَمَكَّنُ الشَّيطانُ بِالوَسوَسَهِ مِنَ العَبدِ إلّا وقَد أعرَضَ عَن ذِكرِ اللّهِ ، وَاستَهانَ بِأمرِهِ ، وأسكَنَ (1) إلى نَهيِهِ ، ونَسِيَ اطِّلاعَهُ عَلى سِرِّهِ . (2)10 / 4قَسوَهُ القَلبِ5451.امام على عليه السلام الكافى عن علىّ بن عيسى رفعه :إنَّ موسى عليه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فَقالَ لَهُ فى مُناجاتِهِ : . . . يا موسى ، لا تَنسَنى عَلى كُلِّ حالٍ ، ولا تَفرَح بِكَثرَهِ المالِ ؛ فَإنَّ نِسيانى يُقسِى القُلوبَ ، ومَعَ كَثرَهِ المالِ كَثرَهُ الذُّنوبِ . (3)5452.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسى عليه السلام : يا موسى ، لا تَفرَح بِكَثرَهِ المالِ ، ولا تَدَع ذِكرى عَلى كُلِّ حالٍ ؛ فَإنَّ كَثرَهَ المالِ تُنسِى الذُّنوبَ ، وإنَّ تَركَ ذِكرى يُقسِى القُلوبَ . (4) .

1- .فى بحار الأنوار : «و سكن».
2- .مصباح الشريعه : ص 225 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 124 ح 2.
3- .الكافى : ج 8 ص 42 45 ح 8 ، تحف العقول : ص 493 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 334 ح 13.
4- .الكافى : ج 2 ص 497 ح 7 عن السكونى ، علل الشرائع : ص 81 ح 2 عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عنه عليهماالسلام ، الخصال : ص 39 ح 23 عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 150 ح 1.

حدیث5454.عنه علیه السلام :مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : شیطان نمی تواند بنده را وسوسه کند ، مگر آن که او از یاد خدا روی گردانیده و فرمان او را سبُک شمرده باشد و نهی او را مرتکب شود و آگاه بودن خداوند از نهان و درون وی را فراموش کرده باشد .10 / 4سنگ دلی5457.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از علی بن عیسی ، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام می رساند : خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام نجواکنان سخن گفت و در نجواهایش به او فرمود : « ... ای موسی ! مرا در هیچ حالی از یاد مبر و به فراوانی دارایی خود ، شادمان مشو ؛ زیرا از یاد بردن من ، دل ها را سخت می گرداند . فراوانی ثروت ، فراوانی گناه را به همراه دارد» .5458.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی فرمود که : «ای موسی ! به دارایی بسیار ، شادمان مشو و یاد مرا در هیچ حال ، فرو مگذار ؛ زیرا دارایی بسیار ، [زشتی] گناهان را از یاد می برَد ، و فرو نهادن یاد من ، دل ها را سخت می گردانَد» .

.

5452.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تُكثِرُوا الكَلامَ بِغَيرِ ذِكرِ اللّهِ ؛ فَإِنَّ كَثرَةَ الكَلامِ بِغَيرِ ذِكرِ اللّهِ قَسوَةٌ لِلقَلبِ ، وإنَّ أبعَدَ النّاسِ مِنَ اللّهِ القَلبُ القاسى . (1)5453.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ المَسيحُ عليه السلام : يَقولُ : لا تُكثِرُوا الكَلامَ فى غَيرِ ذِكرِ اللّهِ ، فَإِنَّ الّذينَ يُكثِرونَ الكَلامَ فى غَيرِ ذِكرِ اللّهِ قاسِيَةٌ قُلوبُهُم ولكِن لا يَعلَمونَ . (2)10 / 5مَوتُ القَلبِ5456.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :فيما ناجَى اللّهُ بِهِ موسى عليه السلام ، قالَ : يا موسى ، لا تَنسَنى عَلى كُلِّ حالٍ ؛ فَإِنَّ نِسيانى يُميتُ القَلبَ . (3)10 / 6ضَنكُ المَعيشَةِالكتاب«وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِى أَعْمَى وَ قَدْ كُنتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَ لِکَ أَتَتْکَ ءَايَتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَ لِکَ الْيَوْمَ تُنسَى * وَ كَذَ لِکَ نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِن بِايَتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْاخِرَهِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى» . 4

.

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 607 ح 2411 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 245 ح 4951 ، الفردوس : ج 5 ص 65 ح 7475 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 427 ح 1840 ؛ الأمالى للطوسى : ص 3 ح 1 عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج 71 ص 281 ح 28.
2- .الكافى : ج 2 ص 114 ح 11 عن عمرو بن جميع ، الأمالى للمفيد : ص 209 ح 43 عن ابن سنان ، بحار الأنوار : ج 71 ص 301 ح 75 ؛ الموطّأ : ج 2 ص 986 ح 8 عن عيسى عليه السلام نحوه.
3- .الكافى : ج 2 ص 498 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 344 ح 24.

10 / 5 مردن دل

10 / 6 زندگی فلاکت بار

5461.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در غیر یاد خدا پُرگویی نکنید ؛ زیرا پُرگویی در غیر یاد خدا ، سنگ دلی می آورد ، و دورترینِ مردم از خدا هم شخص سنگ دل است .5462.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :مسیح علیه السلام می فرمود : «در غیر یاد خدا ، سخنِ بسیار مگویید ؛ زیرا آنان که در جز یاد خدا سخن بسیار می گویند ، دل هایشان سخت است ؛ امّا خودشان نمی دانند» .10 / 5مردن دل5459.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :از جمله سخنان نجواآمیزی که خدا با موسی علیه السلام گفت ، این بود که : «ای موسی ! مرا در هیچ حال ، فراموش مکن ؛ زیرا فراموش کردن من ، دل را می میرانَد» .10 / 6زندگی فلاکت بار«و هر کس از یاد من ، دل بگردانَد ، در حقیقت، زندگیِ تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز ، او را نابینا محشور می کنیم . می گوید: «پروردگارا! چرا مرا نابینا محشور کردی با آن که بینا بودم؟» . می فرماید: «همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز ، همان گونه فراموش می شوی» . و این گونه ، هر که را به افراط گراییده و به نشانه های پروردگارش نگرویده است ، سزا می دهیم ؛ و قطعاً شکنجه آخرت ، سخت تر و پایدارتر است» . (1)

.

1- .علّامه طباطبایی قدس سره می گوید : «فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنکاً» ، یعنی زندگی سخت و تنگ ؛ زیرا کسی که پروردگارش را فراموش کند و از یاد او بِبُرد ، تنها چیزی که برایش می ماند ، این است که به دنیا بچسبد و آن را تنها مطلوب خود قرار دهد که برای آن بکوشد و در جهت زندگی اش و توسعه آن و برخورداری از آن ، اهتمام ورزد و به آن مقدار از معاش که به او داده شده ، کم باشد یا بسیار ، بسنده نکند ؛ زیرا هر چه به دست آورد و مالک شود ، بدان قانع نمی شود و بیشتر و بیشتر می خواهد و نقطه پایانی برای خواسته اش نیست . بنا بر این ، هیچ گاه از آنچه به دست می آورد ، خرسند نمی شود و به بیشتر از آن دل می بندد . از طرف دیگر ، نگرانی و

غم و اندوه و تشویش و اضطراب و ترس از دچار شدن به بلاها و روی آوردن ناملایمات ، از قبیل مرگ و بیماری و آفت و حسادت بدخواهان و مکر مکّاران و به نتیجه نرسیدن تلاش و جدا شدن از عزیزان ، بر وی هجوم می آورند ، در حالی که اگر مقام پروردگارش را بشناسد و پیوسته به یاد او باشد و فراموشش نکند و یقین کند که نزد پروردگارش حیاتی ناآمیخته با مرگ و مُلکی زوال ناپذیر و عزّتی دور از ذلّت و شادمانی و سرور و رفعت و کرامتی بی اندازه و بی پایان خواهد داشت . نیز یقین خواهد کرد که دنیا ، سرای گذر است و زندگی دنیا در برابر با زندگی آخرت ، چند صباحی بیشتر نیست . آری ! اگر اینها را بداند ، آن گاه نفسش به آنچه از دنیا برایش مقدّر شده است ، خرسند و قانع خواهد شد و به همان زندگی و معاشی که داده شده ، بسنده خواهد کرد ، بدون آن که در زندگی اش احساس تنگی و سختی کند (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 14 ص 225) .

10_ / 7شَرُّ الدُّنيا وَالآخِرَهِالكتاب«قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ * رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَلِمُونَ* قَالَ اخْسَواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنتَ خَيْرُ الرَّ حِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَ كُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ» . (1)

.

1- .المؤمنون : 106 110.

10 / 7بدی دنیا و آخرتقرآن«می گویند: «پروردگارا! شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گم راه بودیم . پروردگارا! ما را از این جا بیرون بَر . پس اگر بازهم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ، ستمگر خواهیم بود» . می فرماید: «[بروید] در آن ، گم شوید و با من ، سخن مگویید» . در حقیقت، دسته ای از بندگان من بودند که می گفتند: «پروردگارا! ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که]تو بهترینِ مهربانانی» . و شما آنان (مؤمنان) را به ریشخند گرفتید، تا [با این کارَ] یاد مرا از خاطرتان بُردند و شما بر آنان می خندیدید» .

.

«قَالُواْ سُبْحَنَکَ مَا کَانَ یَنبَغِی لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِکَ مِنْ أَوْلِیَاءَ وَ لَکِن مَّتَّعْتَهُمْ وَ ءَابَاءَهُمْ حَتَّی نَسُواْ الذِّکْرَ وَکَانُواْ قَوْمَا بُورًا» . (1)

«وَ عَرَضْنَا جَهَنَّمَ یَوْمَئِذٍ لِّلْکَفِرِینَ عَرْضًا * الَّذِینَ کَانَتْ أَعْیُنُهُمْ فِی غِطَاءٍ عَن ذِکْرِی وَ کَانُواْ لَا یَسْتَطِیعُونَ سَمْعًا» . (2)

«وَ أَمَّا الْقَسِطُونَ فَکَانُواْ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَلَّوِ اسْتَقَمُواْ عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْنَهُم مَّاءً غَدَقًا * لِّنَفْتِنَهُمْ فِیهِ وَ مَن یُعْرِضْ عَن ذِکْرِ رَبِّهِ یَسْلُکْهُ عَذَابًا صَعَدًا» . (3)

«قُلْ مَن یَکْلَؤُکُم بِالَّیْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِکْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ» . (4)

الحدیث5469.امام علی علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما مِن ساعَهٍ تَمُرُّ بِابنِ آدَمَ لَم یَذکُرِ اللّهَ فیها ، إلّا تَحَسَّرَ عَلَیها یَومَ القِیامَهِ . (5)5470.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :نَزَلَ جَبرَئیلُ علیه السلام إلَیَّ ، وقالَ لی : یا مُحَمَّدُ ! رَبُّکَ یُقرِئُکَ السَّلامَ ، ویَقولُ لَکَ : کُلُّ ساعَهٍ تَذکُرُنی فیها فَهِیَ لَکَ عِندی مُدَّخَرَهٌ ، وکُلُّ ساعَهٍ لا تَذکُرُنی فیها فَهِیَ مِنکَ ضائِعَهٌ . (6)5471.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :لَیسَ یَتَحَسَّرُ أهلُ الجَنَّهِ کَتَحَسُّرِهِم عَلی ساعَهٍ مِن نَهارٍ مَضَت فی دارِ الدُّنیا لَم یَذکُرُوا اللّهَ عز و جل . (7) .

1- .الفرقان : 18.
2- .الکهف : 100 و 101.
3- .الجنّ : 15 17.
4- .الأنبیاء : 42 . والکِلاءهُ : حفظ الشیء وتَبقِیَته (مفردات ألفاظ القرآن : ص 725 «کلأ»).
5- .شُعب الإیمان : ج 1 ص 392 ح 511 ، حلیه الأولیاء : ج 5 ص 362 کلاهما عن عائشه نحوه ، کنزالعمّال : ج 1 ص 424 ح 1819 .
6- .إرشاد القلوب : ص 49.
7- .الفردوس : ج 3 ص 408 ح 5244 عن معاذ بن جبل.

«می گویند: «منزّهی تو! ما را نسزد که جز تو ، دوستی برای خود بگیریم ؛ ولی تو ، آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آن جا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک شده بودند»» .

«و آن روز، جهنّم را آشکارا به کافران بنماییم ؛ [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت] آنها از یاد من در پرده بود، و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند» .

«ولی منحرفان، هیزم جهنّم خواهند بود و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان می نوشانیم تا در این باره ، آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد» .

«بگو: «چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می کند؟» . [نه ؛] بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردان اند» .

حدیث5477.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر لحظه ای که بر آدمی بگذرد و در آن یاد خدا نکند ، روز قیامت بر آن لحظه افسوس می خورد .5472.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت : ای محمّد! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید : «هر لحظه ای که در آن [مرا] یاد می کنی ، آن لحظه برای تو در نزد من ذخیره می شود ، و هر لحظه ای که در آن یاد من نکنی ، آن لحظه از تو تباه شده است» .5473.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، آن گونه که برای ساعتی از روز که در دنیا گذشته و یاد خدا نکرده اند ، افسوس می خورند ، برای چیز دیگری افسوس نمی خورند . .

5474.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ يَتَحَسَّرُ أهلُ الجَنَّهِ إلّا عَلى ساعَهٍ مَرَّت بِهِم لَم يَذكُروا فيها . (1)5475.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَعَدَ مَقعَدا لَم يَذكُرِ اللّهَ فيهِ كانَت عَلَيهِ مِنَ اللّهِ تِرَهً (2) ، ومَن اضطَجَعَ مَضجَعا لا يَذكُرُ اللّهَ فيهِ كانَت عَلَيهِ مِنَ اللّهِ تِرَهً . (3)5476.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به ايشان) عنه صلى الله عليه و آله :مَن اضطَجَعَ مَضجَعا لَم يَذكُرِ اللّهَ فيهِ كانَ عَلَيهِ تِرَهً يَومَ القِيامَهِ ، ومَن جَلَسَ مَجلِسا لَم يَذكُرِ اللّهَ فيهِ كانَ عَلَيهِ تِرَهً يَومَ القِيامَهِ ، ومَن مَشى مَمشىً لَم يَذكُرِ اللّهَ فيهِ كانَ عَلَيهِ تِرَهً يَومَ القِيامَهِ . (4)5477.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن قَومٍ اجتَمَعوا فى مَجلِسٍ فَلَم يَذكُرُوا اسمَ اللّهِ عز و جل ، ولَم يُصَلُّوا عَلى نَبِيِّهِم ، إلّا كانَ ذلِكَ المَجلِسُ حَسرَهً ووَبالاً عَلَيهِم . (5)5478.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما جَلَسَ قَومٌ مَجلِسا لَم يَذكُرُوا اللّهَ فيهِ ولَم يُصَلُّوا عَلى نَبِيِّهِم إلّا كانَ عَلَيهِم تِرَهً ، فَإن شاءَ عَذَّبَهُم وإن شاءَ غَفَرَ لَهُم . (6)5479.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن قَومٍ يَقومونَ مِن مَجلِسٍ لا يَذكُرونَ اللّهَ فيهِ ، إلّا قاموا عَن مِثلِ جِيفَهِ حِمارٍ ، وكانَ لَهُم حَسرَهً . (7) .

1- .المعجم الكبير : ج 20 ص 94 ح 182 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 392 ح 512 و 513 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 7 ح 3 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 1 ص 422 ح 1806.

2- .تِرَهً : أى نقصا ، والهاء فيه عوض من الواو المحذوفه ؛ يقال : وَتَرَه يَتِرُهُ تِرَهً. وقيل : أراد بالتِّره هاهنا التَّبِعَه (النهايه : ج 5 ص 149 «وتر»).

3- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 264 ح 4856 وص 314 ح 5059 مع تقديم وتأخير وكلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 9 ص 142 ح 25422 وراجع مسند ابن حنبل : ج 3 ص 426 ح 9589 وصحيح ابن حبّان : ج 3 ص 133 ح 853 .

4- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 403 ح 543 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 61 ح 43944.

5- .الكافى : ج 2 ص 497 ح 5 ، عدّه الداعى : ص 231 وزاد فى آخره «يوم القيامه» وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : ص 215 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 161 ح 42.

6- .سنن الترمذی : ج 5 ص 461 ح 3380 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 533 ح 10281 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 674 ح 1826 کلاهما نحوه وکلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 9 ص 149 ح 25462.
7- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 264 ح 4855 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 340 ح 9062 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 668 ح 1808 ، تاریخ بغداد : ج 9 ص 388 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 9 ص 135 ح 25372.

5480.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، افسوس نمی خورند ، مگر برای لحظاتی که بر آنان گذشته و در آن لحظات ، خدا را یاد نکرده اند.5481.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند ، این ، از جانب خداوند برای او کاستی به حساب می آید ، و هر که در بستری بخوابد و در آن خدا را یاد نکند ، بر او از جانب خدا ، کاستی به شمار می آید .5482.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در بستری بخوابد و در آن ، خدا را یاد نکند ، روز قیامت ، آن خفتن ، مایه افسوس او خواهد شد ، و هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند ، روز قیامت ، آن مجلس ، مایه افسوس او خواهد شد ، و هر کس در راهی برود و در آن ، خدا را یاد نکند ، روز قیامت ، آن رفتن ، مایه افسوس او خواهد شد .5478.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه عدّه ای در مجلسی گِرد آیند و نام خداوند عز و جل را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند ، آن مجلس ، مایه افسوس و گزند آنان خواهد شد .5479.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن مجلس ، نام خدا را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند ، آن مجلس ، مایه افسوس آنان خواهد شد . اگر خدا خواست ، عذابشان می کند و اگر خواست ، می بخشدشان .5480.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه عدّه ای مجلسی را به پایان بَرند که در آن ، نام خدا برده نشده است ، چنان است که از سرِ لاشه الاغی برخاسته اند و برایشان مایه افسوس خواهد شد . .

5481.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما جَلَسَ قَومٌ مَجلِسا لا يَذكُرونَ اللّهَ فيهِ ، إلّا كانَ عَلَيهِم حَسرَةً يَومَ القِيامَهِ وإن كانوا مِن أهلِ الجَنَّهِ ، يَرَونَ ثَوابَ كُلِّ مَجلِسٍ ذَكَرُوا اللّهَ فيهِ ولا يَرَونَ ثَوابَ ذلِکَ المَجلِسِ ، فَيَكونُ عَلَيهِم حَسرَةً . (1)5482.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :ما مِن مَجلِسٍ يَجتَمِعُ فيهِ أبرارٌ وفُجّارٌ ، فَيَقومونَ عَلى غَيرِ ذِكرِ اللّهِ عز و جل ، إلّا كانَ حَسرَةً عَلَيهِم يَومَ القِيامَهِ . (2)5483.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :مَا اجتَمَعَ فى مَجلِسٍ قَومٌ لَم يَذكُرُوا اللّهَ عز و جل ولَم يَذكُرونا ، إلّا كانَ ذلِکَ المَجلِسُ حَسرَةً عَلَيهِم يَومَ القِيامَهِ .

ثُمَّ قالَ : قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : إنَّ ذِكرَنا مِن ذِكرِ اللّهِ ، وذِكرَ عَدُوِّنا مِن ذِكرِ الشَّيطانِ . (3)5484.الإمام علىّ عليه السلام :داوود عليه السلام فى مُناجاتِهِ : إذا رَأيتَنى اُجاوِزُ مَجالِسَ الذّاكِرينَ إلى مَجالِسِ الغافِلينَ فَاكسِر رِجلى ؛ فَإنَّها نِعمَهٌ تُنعِمُ بِها عَلَىَّ . (4)5485.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أو اُوحِىَ إلَىَّ قيل لى : اِعلَم أنَّ السّاعَهَ الَّتى لا تَذكُرُنى فيها لَيسَت لَکَ ، ولكِنَّها عَلَيکَ . (5) .

1- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 241 نقلاً عن ابن مردويه عن أبى هريره.
2- .الكافى : ج 2 ص 496 ح 1 عن الفضيل بن يسار ، عدّه الداعى : ص 232 نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 468 ح 20 .
3- .الكافى : ج 2 ص 496 ح 2 ، عدّه الداعى : ص 241 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 75 ص 468 ح 20.
4- .ربيع الأبرار : ج 2 ص 247.
5- .الزهد لابن المبارک : ص 328 ح 936 عن حسّان بن عطيّه.

5486.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن ، خدا را یاد نکنند ، آن مجلس در روز قیامت ، برایشان مایه افسوس است ، اگر چه اهل بهشت باشند و ثواب هر مجلسی را که در آن یاد خدا کرده اند ، خواهند دید ؛ ولی ثواب آن مجلس را نمی بینند و از این رو ، مایه افسوس آنان می شود .5487.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هیچ مجلسی نیست که در آن ، نیکان و بدان ، گِرد هم آیند و بی یاد خداوند عز و جل از آن برخیزند ، مگر آن که در روز قیامت ، آن مجلس ، مایه افسوس آنان می شود .5488.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه گروهی در مجلسی گِرد آیند و از خداوند عز و جل و از ما یاد نکنند ، آن مجلس ، در روز قیامت ، مایه افسوس آنان می شود ... .

[پدرم] امام باقر علیه السلام فرمود : «یاد کردن از ما ، یاد کردن از خداست ، و یاد کردن از دشمن ما ، یاد کردن از شیطان است» .5489.عنه علیه السلام :داوود علیه السلام در مناجاتش : هر گاه مرا دیدی که از مجالس یاد کنندگان [خدا]به مجالس غافلان [از یاد خدا]رفتم ، پایم را بشکن ؛ زیرا این کار ، لطفی است که به من می کنی .5483.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به من گفته شد (/ به من وحی شد) که : بِدان آن ساعتی که در آن از من یاد نکنی ، آن ساعت به سود تو نیست ؛ بلکه به زیان توست . .

5484.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى داوودَ عليه السلام : يا داوودُ ، كُلُّ ساعَةٍ لا تَذكُرُنى فيها عَدِمتَها مِن ساعَةٍ . (1)5485.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :بِئسَ العَبدُ عَبدٌ تَخَيَّلَ وَاختالَ ونَسِىَ الكَبيرَ المُتعالِ ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ تَجَبَّرَ وَاعتَدى ونَسِىَ الجَبّارَ الأَعلى ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ سَها ولَها ونَسِىَ المَقابِرَ والبِلى ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ عَتا وطَغى ونَسِىَ المُبتَدا وَالمُنتَهى ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ يَختِلُ الدُّنيا بِالدِّينِ (2) ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ يَختِلُ الدِّينَ بِالشُّبُهاتِ ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ طَمَعٌ يَقودُهُ ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ هَوىً يُضِلُّهُ ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ رَغَبٌ يُذِلُّهُ . (3)5486.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إلهى إنَّهُ مَن لَم يَشغَلهُ الوُلوعُ بِذِكرِكَ ، ولَم يَزوِهِ السَّفَرُ بِقُربِكَ ، كانَت حَياتُهُ عَلَيهِ مِيتَةً ، ومِيتَتُهُ عَلَيهِ حَسرَةً . (4)5487.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعودٍ : يَابنَ مَسعودٍ ، قالَ تَعالى : «وَ مَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَنًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَ إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ * حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِى وَ بَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ» . (5)

يَابنَ مَسعودٍ ، إنّهم لَيَعيبونَ عَلى مَن يَقتَدى بِسُنَّتى وفَرائِضِ اللّهِ ، قالَ اللّهُ تَعالى : «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَ كُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ* إِنِّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُواْ أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (6) . (7) .

1- .إرشاد القلوب : ص 49 ، سعد السعود : ص 48 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 15 ص 240 ح 58.
2- .يَختِلُ الدّنيا بالدّين : أى يطلب الدنيا بعمل الآخره ؛ يقال : خَتَلَهُ يَختِله ؛ إذا خَدَعَهُ وراوغَهُ (النهايه : ج 2 ص 9 «ختل») .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 632 ح 2448 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 156 ح 401 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 351 ح 7885 ، شُعب الإيمان : ج 6 ص 287 ح 8181 كلّها عن أسماء بنت عميس الخثعميّه نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 97 ح 44054 وراجع النوادر للراوندى : ص 145 ح 198.
4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 95 ح 12 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى عن نوف البكالى .
5- .الزخرف : 36 38.
6- .المؤمنون : 110 و 111 .

7- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 351 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 102 ح 1.

5488.امام على عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :خداوند متعال به داوود عليه السلام وحى فرمود كه : «اى داوود! هر ساعتى كه در آن از من ياد نكنى ، آن ساعت را تلف كرده اى» .5489.امام على عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :بد بنده اى است بنده اى كه خودبين و متكبّر باشد و خداى بزرگ و بلندمرتبه را فراموش كند . بد بنده اى است آن بنده اى كه گردن فراز و متجاوز باشد و خداى جبّار والا را فراموش كند . بد بنده اى است آن بنده اى كه فراموشكار و غافل باشد و قبرستان و پوسيده شدن [جسم خود] را فراموش كند . بد بنده اى است آن بنده اى كه سركشى و طغيان كند و آغاز و فرجام [خود] را فراموش كند . بد بنده اى است آن بنده اى كه دين را وسيله رسيدن به دنيا قرار دهد . بد بنده اى است آن بنده اى كه با شبههها در كمين دين بنشيند . بد بنده اى است آن بنده اى كه طمع ، جلودار او باشد . بد بنده اى است آن بنده اى كه هوس ، گم راهش كند . بد بنده اى است آن بنده اى كه خواهش ، خوارش كند .5490.عنه عليه السلام :امام على عليه السلام :معبودا ! كسى كه وَلَع ياد تو ، او را به خود مشغول نسازد و به جوار قرب تو رخت سفر برنبندد ، زندگى اش براى او مرگ است ، و مُردنش مايه حسرت او.5491.عنه عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله در اندرزش به ابن مسعود : اى پسر مسعود! خداى متعال فرموده است : «و هر كه از ياد [خداى]مهربان ، روى گردانَد ، بر او شيطانى بر گمارم كه همنشين وى باشد . و آنان ، ايشان را از راه ، باز مى دارند و گمان مى برند كه ره يافته اند ، تا آن كه چون نزد ما آيد ، مى گويد : اى كاش ميان من و تو ، دوريِ خاور و باختر بود . پس چه بد همنشينى است !» .

اى پسر مسعود! آنان بر كسى كه از سنّت من و واجبات خدا پيروى كند ، خُرده مى گيرند . خداوند متعال فرموده است : «پس ايشان را به ريشخند گرفتيد تا آن كه يادم را از خاطر شما بردند و شما بر آنان مى خنديديد . من امروز به سبب شكيبى كه كردند ، به آنان پاداش دادم ، و آنان رستگارند» . .

5492.عنه عليه السلام :علل الشرائع عن المفضّل بن عمر :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ عليه السلام عَنِ العِشقِ ، فَقالَ : قُلوبٌ خَلَت مِن ذِكرِ اللّهِ ، فَأذاقَهَا اللّهُ حُبَّ غَيرِهِ . (1) .

1- .علل الشرائع : ص 140 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 765 ح 1029 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 158 ح 1.

5493.عنه علیه السلام :علل الشرائع به نقل از مفضّل بن عمر : از ابو عبد اللّه امام صادق علیه السلام در باره عشق پرسیدم . فرمود : «دل هایی هستند که از یاد خدا تهی شده اند و خداوند هم محبّت غیر خود را به آنها چشانیده است» . .

ص: 300

. .

تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او

1 . جامع ترین برکات یاد خدا

تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن اوچنان که گفتیم ، یاد خدا ، رمز خودسازی و سازندگی ، و کلید ارتقا به سوی کمالات و مقامات انسانی است . یاد خدا ، بهترین سرمایه تأمین رفاه فردی و اجتماعی ، مادّی و معنوی ، و دنیوی و اخروی است و در یک جمله : یاد خدا ، یاد خویش است و از یاد بُردن او ، از یاد بُردن خود! آنچه را در قرآن و احادیث اسلامی برای تبیین این حقیقت آمده ، در چند عنوان می توان خلاصه کرد :

1 . جامع ترین برکات یاد خداخداوند متعال ، وعده قطعی داده است که هر کس او را یاد کند ، او نیز متقابلاً یاد کننده خود را یاد می نماید ، و این ، جامع ترین برکت ذکر است : «فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ . (1) مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» . همه آثارو برکات ذکر ، در جمله «أذکُرکُم ؛ تا شما را یاد کنم» خلاصه شده است و بی تردید ، یاد کردن خداوند متعال از یاد کننده خود ، به معنای توجّه علمی به او نیست ؛ چرا که توجّه علمی (آگاهی داشتنِ) او به همه چیز و همه کس ،

.

1- .بقره : آیه 152 .

2 . نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگی

3 . نقش یاد خدا در سازندگی جان

یکسان است ؛ بلکه مقصود ، یاد کردن با نعمت و رحمت و احسان و رضوان است (1) و بدین سان ، مراتب نعمت و رحمتِ متقابل الهی نسبت به یاد کننده خود ، متناسب با مراتب ذکر اوست . هر چه ذکر ، عمیق تر و گسترده تر باشد ، برکات الهی ، ذاکر را بیشتر فرا خواهد گرفت . بر این اساس ، همه آثار و برکات ذکر که در عنوان دوم به بعد از فصل نهم آمده است ، در واقع ، تبیین چگونگی یاد کردن خدا از یاد کننده خود و تشریح نعمت هایی است که در نتیجه ذکر ، عاید ذاکر می گردد .

2 . نقش یاد خدا در آفت زدایی از زندگینخستین اثر یاد کردن متقابل خداوند از ذاکر ، آفت زدایی از زندگی اوست . همه آیات و احادیثی که می گویند ذکر ، شیطان را از انسان دور می کند ، گناهان را پاک می کند و بلکه به حَسَناتْ تبدیل می نماید ، بیماری های جان را درمان می کند و دل را سالم می سازد ، (2) در واقع ، تبیین کننده نقش ذکر در رفع آسیب های زندگی اند .

3 . نقش یاد خدا در سازندگی جاناثر دیگر ذکر ، سازندگیِ جان و پرورش روح است . آدمی در پرتو یاد خدا ، دلش آرام می گیرد ، سینه اش گشاده می گردد ، روحش صیقل می یابد و جانش زنده و قلبش آباد می شود (3) و بدین سان ، به کمالات والای معنوی و مقامات بلند انسانی دست می یابد .

.

1- .ر. ک : فصل نهم ، باب 1 و 26 .
2- .ر. ک : فصل نهم ، باب های 2 ، 6 ، 7 ، 18 ، 28 و 30 .
3- .ر. ک : به فصل نهم ، باب های 3 ، 4 ، 5 ، 8 ، 9 و 27 .

4 . نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی

5 . نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی

6 . نقش ذکر در تأمین رفاه مادّی و حلّ مشکلات زندگی

4 . نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانییاد خدا ، دل را نورانی می کند و انسان در پرتو این نورانیت ، به علم ، نور و حکمت حقیقی دست می یابد و در نتیجه ، به نیروی بینش و بصیرت الهی مجهّز می گردد و حقایقی را دریافت می کند که از مجاری تعلیم و تعلّم ، قابل تحصیل نیستند و در این هنگام ، ایمان او به حقایق غیبی تقویت می گردد و به مرتبه یقین می رسد و یقین ، او را به مرز عصمت ، نزدیک می گردانَد . (1)

5 . نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامییاد خدا ، هنگامی که در جان نفوذ کند ، خودخواهی را که به گفته امام خمینی قدس سره ، «اصلِ اصول فتنه ها» (2) و ریشه رذایل اخلاقی است از بین می برد و جای خود را به خدا خواهی می دهد و بدین سان ، همه کارهای انسان ، نیکو می گردد و انسان نیکوکار ، در دنیا و آخرت ، خوش نام خواهد بود . (3)

6 . نقش ذکر در تأمین رفاه مادّی و حلّ مشکلات زندگییاد خدا ، علاوه بر این که کلید رسیدن به کمالات معنوی است ، موجب گشایش در کارها و حلّ مشکلات زندگی و تأمین نیازهای مادّی نیز هست ؛ زیرا ذکر ، تقوا می آفریند و خداوند متعال ، تأمین نیازها و حلّ مشکلات انسان های

.

1- .ر. ک : فصل نهم ، باب های 1012 و 24 .
2- .ر . ک : صحیفه امام : ج 20 ص 154 ، نامه امام خمینی قدس سره به فرزندش حاج سیّد احمد خمینی ، مورّخ پانزدهم ربیع اوّل 1407 : «... فرزندم ! از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ، ارث شیطان است ... و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم ، از این ارث شیطانی است که اصلِ

اصول فتنه است» . ظاهرا مقصود امام از «اصول فتنه» ، اخلاق رذیله است که ریشه در خودخواهی و خودبینی و انانیّت انسان دارد .
3- .ر. ک : فصل نهم ، باب های 16 و 17 .

7 . نقش ذکر در محبّت

8 . نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت

پرهیزگار را تضمین کرده است . (1) به سخن دیگر ، یکی از مصادیق یاد کردن خدا از یاد کننده خود ، تأمین نیازها و حلّ مشکلات اوست . (2)

7 . نقش ذکر در محبّتبزرگ ترین برکت یاد خدا و مهم ترین ثمره آن ، محبّت خداست . ذکر ، در نخستین گام ، ذاکر را از آلودگی های اخلاقی و عملی پاک می کند و زمینه نزدیک شدن او به بساط قرب الهی را فراهم می سازد و در گام دوم ، انسان را به پروردگار خود ، نزدیک می نماید و به تدریج ، انسان با خدا اُنس می گیرد و به او عشق می ورزد و در گام سوم ، محبّت حقیقی ، زمینه کمال معرفت و دیدار قلبی خدا را که مقصد اعلای عارفان است فراهم می سازد و ذاکرانی که به این مقصد رسیده اند ، پیشتاز نیکان در قیامت اند . (3)

8 . نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرتدر آغاز این مقال ، توضیح دادیم که جامع ترین برکت ذکر ، یاد کردن متقابل خداوند متعال از یاد کننده خویش است و در ادامه آن ، با الهام گرفتن از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام یادکردِ متقابل خداوند را به آفت زدایی از زندگی ، سازندگیِ جان ، رسیدن به علم و حکمت و عصمت روانی ، نیکوکاری و خوش نامی ، تأمین رفاه مادّی و در نهایت ، دستیابی به کیمیای محبّت خدا و مقصد اعلای انسانیت ، تفسیر کردیم . اکنون می گوییم که جامع ترین تفسیر یاد متقابل خداوند ، تأمین خیر دنیا و

.

1- .ر. ک : فصل نهم ، باب های 1315 .
2- .«وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ ؛ و هر که از خدا پروا کند ، خدا برای او گشایشی فراهم می سازد و از جایی که گمان نمی بَرد ، او را روزی می بخشد» (طلاق : آیه 2 و 3) .
3- .ر. ک : فصل نهم ، باب های 20 23 و 33 و 34 .

9 . زیان های فراموش کردن خدا

آخرت ذاکر است . این تفسیر را از کلام دقیق و زیبای امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه در مقام نیایش ، اخذ کردیم که در پایان دعای «مکارم الأخلاق» ، گویی به عنوان فشرده خواست های خود از خداوند متعال ، در این دعا می فرماید : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ ، و نَبِّهنی لِذِکرِکَ فی أوقاتِ الغَفلَهِ ، وَ استَعمِلنی بِطاعَتِکَ فی أیّام المُهلَهِ ، وَ انهَج لی إلی مَحَبَّتِکَ سَبیلاً سَهلَهً ، أکمِل لی بِها خَیرَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ . (1) بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلت ، مرا به یاد خودت متوجّه گردان و در روزهای مهلت (زندگی) ، مرا به طاعتت برگمار و مرا در راهی آسان و هموار به سوی محبّتت بِبَر و با آن محبّت ، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردان . از این سخن نورانی می توان چنین استنباط کرد که اگر بیماری غفلت در انسان درمان شود و یاد خدا در دل او تداوم یابد ، یاد حقیقی خدا ، زمینه ساز فرمانبَری مطلق از اوست و بدین سان ، انسان می تواند با یاری پروردگار ، به آسانی به کیمیای محبّت او دست یابد و با این کیمیا ، خیرِ دنیا و آخرت خود را کامل نماید . (2)

9 . زیان های فراموش کردن خداهمان گونه که جامع ترین برکتِ یاد خدا ، یاد کردن متقابل پروردگار از ذاکر است ، خطرناک ترین زیان فراموشی خداوند متعال ، فراموشیِ متقابل فراموشکار

.

1- .ر . ک : ص 278 ح 499 .
2- .برای توضیح بیشتر در این زمینه ، ر. ک : دوستی در قرآن و حدیث ، ص 431 (تحقیقی در باره بنیاد محبّت خدا) .

از جانب خداوند متعال است که به معنای رها کردنِ فراموشکار و قطع رحمت از او خواهد بود . هنگامی که انسان به حال خود رها شود ، دچار خودفراموشی می گردد : «نَسُواْ اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ . (1) [به کلّی] خدا را فراموش کردند ، خدا هم نفوس آنان را از یادشان برد . در این حال ، شیطان بر آدمی مسلّط می گردد و او را به کارهای ناشایست ، وا می دارد و در اثر گناه ، آینه دلش زنگار می گیرد و به قساوت قلب ، مبتلا می شود . زندگی ، بر چنین انسانی ، سخت و تنگ می گردد و انواع بدی ها ، مصیبت ها و گرفتاری های دنیا و آخرت ، او را احاطه می نمایند . (2)

.

1- .حشر : آیه 19 .
2- .ر. ک : ص 281 (زیان های فراموش کردنِ خدا) .

بخش دوم : بسمله (گفتنِ «بسم اللّه »)

اشاره

بخش دوم: بسمله: (گفتنِ «بسم اللّه »)شامل:درآمدفصل یکم: تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم»فصل دوم: ویژگی های «بسم اللّه الرحمن الرحیم»فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم اللّه »فصل چهارم: آثار «بسم اللّه »فصل پنجم: آداب «بسم اللّه » گفتن

.

ص: 308

. .

درآمد

واژه شناسی «بَسْمَله»

اشاره

درآمدواژه شناسی «بَسْمَله»واژه «بَسْمَله» ، مصدری است که از جمله «بسم اللّه الرحمن الرحیم» گرفته شده است و به همین جهت ، به آن ، مصدر جعلی یا منحوت گفته می شود ؛ مانند «حوقله» که مصدر جعلی «لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » است و «هَیلَله» که مصدر جعلی «لا إله إلّا اللّه » است . بنا بر این ، معنای کلمه «بسمله» ، گفتن یا نوشتنِ ذکر «بسم اللّه الرحمن الرحیم» است . ابن سِکّیت می گوید : گفته می شود : من «بسمله» را افزودم ؛ یعنی : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بسیار گفتم . (1) امّا مقصود ما از «بسمله» در عنوان بخش دوم این کتاب ، اشاره به متونی است که در باره تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و ویژگی ها ، فضایل ، کاربردها و آداب گفتن این ذکر مبارک ، وارد شده است . البته پیش از آن ، توجّه به این نکات ، سودمند است :

.

1- .ترتیب إصلاح المنطق : ص 78 .

1 . معنای «اسم»

2 . فرق اسم و صفت

3 . اتّحاد اسم و صفت در باره خداوند

1 . معنای «اسم»در باره ریشه واژه «اسم» ، اختلاف نظر وجود دارد . برخی آن را برگرفته از «وَسْم» به معنای علامت می دانند و برخی آن را مشتق از «سُمُوّ» به معنای علوّ و رفعت گفته اند ؛ ولی با این وصف ، می پذیرند که از لحاظ معنای لغوی به مفهوم نشانه است . (1)

2 . فرق اسم و صفتصفت ، دو معنا دارد . گاه به معنای مصدر «وصف» است و گاه به معنای اسم مصدر ، یعنی علامت و نشانه ای که یکی از ویژگی های موصوف را بیان می کند . بنا بر معنای دوم ، اسم و صفت ، هر دو به معنای علامت و نشانه مسمّا و موصوف اند و تنها تفاوت آنها این است که اسم ، شامل هر گونه علامتی می شود ؛ امّا صفت ، علامت خاص است و در اصطلاح ، نسبت میان آنها عموم و خصوصِ مطلق است ؛ یعنی هر صفتی اسم نیز هست و هر اسمی صفت نیست . مثلاً «زید» اسم است؛ ولی صفت نیست ؛ لیکن «عالم» ، هم اسم است و هم صفت .

3 . اتّحاد اسم و صفت در باره خداونددر احادیث اسلامی ، اسم و صفت ، در مورد خداوند متعال ، یک معنا دارند . مثلاً «سمیع» و «بصیر» در برخی از احادیث ، به عنوان صفت معرّفی شده اند (2) و در برخی از احادیث به عنوان اسم (3) و برخی از احادیث، تصریح می کنند که اسما و

.

1- .ر. ک : الإنصاف فی مسائل الخلاف بین النحویین : ج 6 ص 16 ، المصباح المنیر : ص 290 ، لسان العرب : ج 14 ص 401 ، مشکل إعراب القرآن : ج 10 ص 6 .
2- .التوحید : ص 146 ح 14 .
3- .التوحید : ص 187 .

4 . معنای آسما و صفات الهی

صفات خداوند ، تفاوتی ندارند ، چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده است: إنَّ الأَسماءَ صِفاتٌ وَصَفَ بِها نَفسَهُ . (1) نام هاج ی خدا ج ، صفاتی هستند که خداوند ، با آنها خود را وصف کرده است . و نیز امام رضا علیه السلام در پاسخ محمّد بن سنان که از «اسم» پرسیده بود ، فرمود : صِفَةٌ لِمَوصوفٍ (2) . (3) صفتی است برای یک موصوف . بر این اساس ، از منظر احادیث اسلامی ، همه نام های خداوند (أسماءُ اللّه) ، صفات اویند و همه صفات خداوند ، نام های او . به سخن دیگر ، ظاهرا خداوند متعال ، اسم جامد و غیر مشتق که فقط علامت باشد ، ندارد و در همه اسمای او ، صفتی از صفات الهی لحاظ شده و حتّی نام «اللّه » ، ریشه اشتقاق دارد . (4)

4 . معنای أسما و صفات الهینکته بسیار دقیقی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام در تبیین معنای اسما و صفات الهی آمده ، این است که آنها هویّتی جدا از ذات مقدّس الهی ندارند ، چنان که از امام

.

1- .ر . ک : ص 318 ح 530 .
2- .علّامه مجلسی می گوید : جمله «صفتی است برای یک موصوف» ؛ یعنی نشانه و علامتی است که بر یک ذات ، دلالت می کند . پس اسم ، غیر از ذات است . یا به این معناست که : نام های خداوند متعال ، دلالت بر صفاتی دارند که بر او صدق می کنند . یا مراد از اسم در این جا همان است که پیش تر بدان اشاره کردیم ؛ یعنی مفهوم کلّی ای که لفظ برای آن وضع می شود (مرآه العقول : ج2 ص 31) .
3- .ر . ک : ص 318 ح 529 .
4- .ر . ک : ص 318 ح 531 .

5 . معنای ذکر «بسم اللّه »

رضا علیه السلام روایت شده است : أسماؤُهُ تَعبیرٌ ، و أفعالُهُ تَفهیمٌ ، و ذاتُهُ حَقیقَهٌ . (1) نام های او تعبیرند و افعالش برای تفهیم و ذاتش حقیقت است . همچنین امام رضا علیه السلام می فرماید : الاِسمُ غَیرُ المُسَمّی ، فَمَن عَبَدَ الاِسمَ دونَ المَعنی فَقَد کَفَرَ و لَم یَعبُد شَیئا ، و مَن عَبَدَ الاِسمَ وَ المَعنی فَقَد کَفَر و عَبَدَ اثنَینِ ، و مَن عَبَدَ المَعنی دونَ الاِسمِ فَذاکَ التَّوحیدُ . (2) نام ، غیر از ناموَر است . پس هر که نام را پرستد و نه معنا را ، او کافر است و چیزی را نپرسیده است ، و هر که نام و معنا را پرستد ، او کافر است و دو چیز را پرستیده است ، و هر که معنا را پرستد ، نه نام را ، اینْ یکتاپرستی است . بنا بر این ، استعمال اسمای الهی ، از یک سو نباید به گونه ای باشد که فاقد مفهوم و معنا باشد تا موجب تعطیل معرفت خداوند متعال گردد ، چنان که از سوی دیگر ، نباید برای آنها مفهومی جدا از ذات باری تعالی تصوّر کرد تا به تشبیه و شرک منتهی گردد ؛ بلکه اسما و صفات الهی ، چیزی جز تعبیر از ذات واجد همه کمالات و فاقد تمام کاستی ها نیستند .

5 . معنای ذکر «بسم اللّه »بر پایه آنچه شیخ صدوق در تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم» از امام رضا علیه السلام روایت کرده است ، ذکر «بسم اللّه » ، در حقیقت ، به معنای «نشان بندگی خدا را بر خود گذاشتن» است . متن روایت ، چنین است :

.

1- .ر . ک : ص 322 ح 534 .
2- .ر. ک : ص 320 ح 531 .

مَعنی قَولِ القائِلِ : «بِسمِ اللّهِ» ، أی أسِمُ عَلی نَفسی سِمَةً مِن سِماتِ اللّهِ عز و جل و هِیَ العِبادَةُ . (1) وقتی گوینده می گوید : «به نام خدا» ، یعنی : نشان و داغی از نشان ها و داغ های خداوند عز و جلرا بر خود می نهم که همان بندگی باشد . این تفسیر زیبا و دقیق ، بدان معناست که تنها کسی می تواند در گفتن این ذکر هنگام انجام دادن کارها صادق باشد که حقیقتا خود را مستقل نداند ، بلکه بنده خدا بداند ؛ چرا که این ذکر ، نشانه بندگی است . به تعبیر دیگر ، کسی می تواند صادقانه «بسم اللّه » بگوید که باور کرده باشد هیچ توان و نیرویی برای انجام دادن کار ، جز از جانب خداوند متعال نیست : «و لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » . چنین کسی به بیان منقول از امیر مؤمنان در تفسیر «بسم اللّه » ، می تواند بگوید : بِهذَا الإسمِ أعمَلُ هذَا العَمَلَ . (2) با این نام ، این کار را به انجام می رسانم . امّا کسی که برای خداوند متعال در کار خود ، نقشی قائل نیست ، نمی تواند علامت بندگی بر خود بگذارد و ذکر شریف «بسم اللّه » را صادقانه بر زبان جاری سازد . گفتنی است که در برخی از منابع ، در تفسیر «بسم اللّه » از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود : لَو شِئتُ لَأَوقَرتُ سَبعینَ بَعیرا مِن باءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» . (3)

.

1- .ر . ک : ص 330 ح 538 .
2- .ر. ک : ص 330 ح 539 .
3- .عوالی اللّآلی : ج 4 ص 102 ح 150 ، إحقاق الحق : ج 7 ص 595 نقلاً عن الشعرانی فی لطائف المنن ، وفیه «... لکم ثمانین بعیرا من معنی الباء» .

6 . عظمتِ ذکر «بسم اللّه »

اگر می خواستم ، هفتاد شتر را از تفسیر بای «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بار می کردم . امّا در برخی روایات ، به جای «من باء بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، عبارت «فی تفسیر فاتحه الکتاب» (1) آمده است که در این صورت ، ارتباطی با این بحث ندارد ؛ لیکن هر دو روایت ، فاقد سند معتبرند و از این دو روایتْ ضعیف تر ، حدیثی است که به امام علی علیه السلام نسبت داده شده که فرمود : أنَا النُّقطَهُ الَّتی تَحتَ الباءِ المَبسوطَهِ . (2) من ، همان نقطه زیر بایِ کشیده هستم .

6 . عظمتِ ذکر «بسم اللّه »در احادیث اسلامی ، شش ویژگی برجسته برای «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آمده است . این ویژگی ها عبارت اند از : 1 . نزدیک ترینِ نام خدا به اسم اعظم است ؛ 2 . همه کتاب های آسمانی ، با این نام آغاز شده اند ؛ 3 . نخستین سخنی است که بر پیامبر خدا نازل شد ؛ 4 . ارجمندترین آیه قرآن است ؛ 5 . تاج سوره های قرآن است ؛ (3)

.

1- .المناقب ، ابن شهر آشوب : ج 2 ص 43 .
2- .مشارق أنوار الیقین : ص 21 . در ینابیع المودّه : ج 1 ص 213 ح 15 آمده : «در الدُّرُّ المُنَظَّم آمده است : همه اسرار کتاب های آسمانی ، در قرآن آمده و همه آنچه در قرآن هست ، در سوره فاتحه آمده است و همه آنچه در سوره فاتحه هست ، در «بسم اللّه » آمده است و همه آنچه در «بسم اللّه » آمده است ، در نقطه زیر باء هست . امام علی علیه السلام فرموده است : «و من ، نقطه زیر باء [بسم اللّه] هستم» .
3- .به استثنای سوره توبه .

7 . فضیلت تعلیم «بسم اللّه »

8 . برکات ذکر «بسم اللّه »

6 . جزئی از نماز است . هر چند حکمت و حقیقت این ویژگی ها ، برای ما به طور کامل معلوم نیست ؛ لیکن بی تردید ، این ویژگی ها نشان دهنده عظمت این ذکر و نقش مؤثّر و تعیین کننده آن در خودسازی و سازندگی است . همچنین آداب گفتن (1) و نوشتن و تأکید در برخوردِ توأم با احترام با نوشته این ذکر ، دلیل دیگری بر اهمّیت آن است .

7 . فضیلت تعلیم «بسم اللّه »عظمت این ذکر و نقش آن در خودسازی و سازندگی ، ایجاب می کند که تعلیم آن ، از فضیلت فوق العاده ای برخوردار باشد . از این رو ، شگفت آور نیست که پیامبر خدا می فرماید : إنَّ المُعَلِّمَ إذا قالَ لِلصَّبِیِّ : قُل : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» ، فَقالَ الصَّبِیُّ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» ، کَتَبَ اللّهُ بَراءَةً لِلصَّبِیِّ ، و بَراءَةً لِلمُعَلِّمِ ، و بَراءَةً لِأَبَوَیهِ مِنَ النّارِ . (2) معلّم ، هر گاه به کودک بگوید : بگو : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و کودک بگوید : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، خداوند ، یک بَرات آزادی از دوزخ برای کودک ، یکی برای معلّم و یکی برای پدر و مادر او می نویسد .

8 . برکات ذکر «بسم اللّه »ذکر «بسم اللّه » در آغاز هر کار ، همان طور که نشانه عبودیت ذاکر است ، صبغه

.

1- .ر . ک : ص 409 (آداب «بسم اللّه گفتن») .
2- .تفسیر القرطبی : ج 1 ص 336 ، الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی) : ج 1 ص 91 ؛ مجمع البیان : ج 1 ص 90 ، جامع الأخبار : ص 119 ح 214 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 257 ح 52 .

9 . چه کاری را باید با «بسم اللّه » آغاز کرد؟

الهی بودنِ کار را نیز می رساند ، بدین معنا که این ذکر ، کار را در جهت اهداف خداپسند قرار می دهد و از این رو ، کاری که با «بسم اللّه » آغاز شود ، رنگ الهی می گیرد و چون خداوند متعال ، باقی و مبدأ برکات است ، آن کار نیز باقی و پر برکت و سودمند خواهد بود ، چنان که در حدیث قدسی آمده است : إذا قالَ العَبدُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : بَدَأَ عَبدی بِاسمی ، وحَقٌّ عَلَیَّ أن أُتَمِّمَ لَهُ اُمورَهُ ، و اُبارِکَ لَهُ فی أحوالِهِ ... . (1) هر گاه بنده بگوید : «به نام خداوند مهرگستر مهربان» خداوند جلّ جلاله می فرماید : «بنده ام به نام من آغاز کرد . بر من است که کارهایش را برای او تمام گردانم و به او در احوالش برکت دهم ...» . بر این اساس ، آنچه در فصل چهارم در تبیین خواصّ «بسم اللّه » آمده (مانند : پناهجویی ، درمان ، اجابت دعا ، تسبیح گفتن کوه ها همراه با ذاکر ، حقیر شدن شیطان ، مصونیت از شرّ اشرار ، مصونیت از غرق شدن ، دفع بلا و وحشت ، سنگین شدن میزان عمل و رهایی از آتش دوزخ) ، همه این امور در حقیقت ، تبیین و تفصیل برکات این ذکر مبارک است . البته باید توجّه داشت که این برکات ، در صورتی تحقّق خواهند یافت که ذاکر ، صادقانه این ذکر را بر زبان جاری سازد و هر چه صداقت او در گفتن این ذکر بیشتر شود ، برکات بیشتری نصیب او خواهد شد .

9 . چه کاری را باید با «بسم اللّه » آغاز کرد؟با عنایت به آنچه در تبیین برکات «بسم اللّه » بدان اشارت رفت ، گفتن این ذکر در آغاز هر کاری نیکوست . از امام علی علیه السلام روایت شده است :

.

1- .ر . ک : ص 392 ح 643 .

فَكُلُّ أمرٍ يَعمَلُهُ يَبدَأُ فيهِ ب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهُ يُبارَكُ لَهُ فيهِ . (1) هر کاری را که ج آدمی ج انجام می دهد ، چنانچه با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز کند ، در آن کار به او برکت داده می شود . لیکن در موارد خاصّی ، گفتن این ذکر از اهمّیت و برکت بیشتری برخوردار است و آن ، مواردی است که در فصل سوم ، به تفصیل خواهد آمد .

.

1- .ر . ک : ص 330 ح 539 .

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير البسمله1 / 1مَعنَى الاِسمِ5515.امام على عليه السلام :الكافى عن محمّد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الاِسمِ ما هُوَ؟ قالَ : صِفَهٌ لِمَوصوفٍ (1) . (2)5516.امام على عليه السلام :الكافى عن عبد الرحمن بن أبى نجران :كَتَبتُ إلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام أو قُلتُ لَهُ : جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداكَ! نَعبُدُ الرَّحمنَ الرَّحيمَ الواحِدَ الأَحَدَ الصَّمَدَ؟ قالَ : فَقالَ : إِنَّ مَن عَبَدَ الاِسمَ دونَ المُسَمّى بِالأَسماءِ أشرَكَ وكَفَرَ وجَحَدَ ولَم يَعبُدِ شَيئا ، بَلِ اعبُدِ اللّهَ الواحِدَ الأَحَدَ الصَّمَدَ المُسَمّى بِهذِهِ الأَسماءِ دونَ الأَسماءِ ، إِنَّ الأَسماءَ صِفاتٌ وَصَفَ بِها نَفسَهُ . (3)5517.امام على عليه السلام :الكافى عن هشام بن الحكم عن الإمام الرضا عليه السلام عِندَما سَأَلَهُ عَن أسماءِ اللّهِ وَاشتِقاقِها : يا هِشامُ ، اللّهُ مُشتَقٌّ مِن إلهٍ ، وَالإِلهُ يَقتَضى مَألوها ، وَالاِسمُ غَيرُ المُسَمّى ، فَمَن عَبَدَ الاِسمَ دونَ المَعنى فَقَد كَفَرَ ولَم يَعبُد شَيئا ، ومَن عَبَدَ الاِسمَ وَالمَعنى فَقَد كَفَر (4) وعَبَدَ اثنَينِ ، ومَن عَبَدَ المَعنى دونَ الاِسمِ فَذاكَ التَّوحيدُ ، أفَهِمتَ يا هِشامُ؟ قالَ : فَقُلتُ : زِدنى ! قالَ :

إنَّ للّهِ تِسعَهً وتِسعينَ اسما ، فَلَو كانَ الاِسمُ هُوَ المُسَمّى لَكانَ كُلُّ اسمٍ مِنها إلها ، ولكِنَّ اللّهَ مَعنىً يُدَلُّ عَلَيهِ بِهذِهِ الأَسماءِ ، وكُلُّها غَيرُهُ . يا هِشامُ ، الخُبزُ اسمٌ لِلمَأكولِ ، وَالماءُ اسمٌ لِلمَشروبِ ، وَالثَّوبُ اسمٌ لِلمَلبوسِ ، وَالنّارُ اسمٌ لِلمُحرِقِ ، أفَهِمتَ يا هِشامُ فَهما تَدفَعُ بِهِ وتُناضِلُ (5) بِهِ أعداءَنا وَالمُتَّخِذينَ مَعَ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ غَيرَهُ؟ قُلتُ : نَعَم ، قالَ : فَقالَ : نَفَعَكَ اللّهُ بِهِ وثَبَّتَكَ يا هِشامُ .

قالَ هِشامٌ : فَوَاللّهِ ما قَهَرَنى أحَدٌ فِى التَّوحيدِ حَتّى قُمتُ مَقامى هذا . (6) .

1- .قال العلّامه المجلسى قدس سره : قوله عليه السلام : «صفه لموصوف» ، أى سمه وعلامه تدلّ على ذات فهو غير الذات ، أو المعنى أنّ أسماء اللّه تعالى تدلّ على صفات تصدق عليه ، أو المراد بالاسم هنا ما أشرنا إليه سابقا ، أى المفهوم الكلىّ الذى هو موضوع اللفظ (مرآه العقول : ج2 ص 31) .
2- .الكافى : ج 1 ص 113 ح 3 ، التوحيد : ص 192 ح 5 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 129 ح 25 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 159 ح 3 .
3- .الكافى : ج 1 ص 87 ح 3 .
4- .فى التوحيد والموضع الآخر من الكافى : «فقد أشرك» .

5- .اَناضل : أی اَجادل واَخاصم واَدافع. وفلان یناضل عن فلان : إذا رامی عنه وحاجَجَ ، وتکلَّم بعذره ، ودفع عنه (النهایه : ج 5 ص 72 «نضل») .
6- .الکافی : ج 1 ص 87 ح 2 وص 114 ح 2 ، التوحید : ص 220 ح 13 وفیه «تنافر أعداءنا والملحدین فی اللّه والمشرکین» بدل «تناضل به أعداءنا والمتّخذین مع اللّه جلّ وعزّ» ، الاحتجاج : ج 2 ص 203 ح 216 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 157 ح 2 .

فصل یکم: تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم»

1 / 1 معنای «اسم»

فصل یکم: تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم»1 / 1معنای «اسم»5521.الإمام علیّ علیه السلام :الکافی به نقل از محمّد بن سنان : از امام رضا علیه السلام در باره نام پرسیدم . فرمود : «صفتی است برای یک موصوف» . (1)5522.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از عبد الرحمان بن ابی نجران : به امام باقر علیه السلام نوشتم (/به ایشان گفتم) : خداوند ، مرا فدایت کند! ما بخشنده مهربان ، یگانه یکتای بی نیاز را می پرستیم؟

فرمود : «هر که نام را به جای نامیده شده به نام ها بپرستد ، مشرک و کافر و منکر است و چیزی نپرستیده است ؛ بلکه تو خدای یگانه یکتای بی نیازی را که نامیده شده به این نام هاست ، عبادت کن ، نه نام ها را . نام ها ، صفاتی هستند که او با آنها صفات خود را بیان کرده است» .5523.الإمام علیّ علیه السلام :الکافی به نقل از هشام بن حکم : امام رضا علیه السلام ، آن گاه که از ایشان ، در باره نام های خدا و اشتقاق آنها پرسید ، فرمود : «ای هشام! اللّه ، برگرفته از إله (پرستیدن) است ، و إله ، مقتضی مألوه (پرستش شونده) ای است . نام ، غیر از ناموَر است . پس هر که نام ، نه معنا [و ذات] را بپرستد ، کافر است و در حقیقت ، چیزی را نپرستیده است . هر که نام و معنا (ذات) ، هر دو را بپرستد ، کافر است و دو چیز پرستیده است ، و هر که معنا را بپرستد ، نه نام را ، این ، توحید است . فهمیدی ای هشام؟» .

گفتم : بیشتر توضیح بده .

فرمود : «خداوند ، نود و نه نام دارد . بنا بر این ، اگر نام همان ناموَر باشد ، برای هر نامی از این نام ها خدایی خواهد بود ؛ امّا خدا معنایی (ذاتی) است که این نام ها همگی بر او دلالت دارند ، ولی همه این نام ها غیر از اوست (هیچ کس از این نام ها او نیست) .

ای هشام! نان ، نامی است برای خوردنی ، و آب ، نامی است برای نوشیدنی ، و پوشاک ، نامی است برای پوشیدنی ، و آتش ، نامی است برای آنچه سوزنده است [؛ ولی هیچ یک از این نام ها مصداق خارجی خود نیستند] . فهمیدی ای هشام ، آن چنان که بتوانی پاسخ دشمنان ما و کسانی را که غیر خداوند عز و جلرا با او شریک می گردانند ، بدهی و با آنان ، مبارزه کنی؟» .

گفتم : آری .

فرمود : «ای هشام ! خداوند ، تو را با این توضیحات ، سود دهد و استوارت بدارد !» .

به خدا سوگند ، از زمانی که از آن مجلس برخاستم ، دیگر کسی در بحث توحید ، مرا شکست نداد .

.

1- .درباره شرح این حدیث ، ر . ک : ص 311 (پانوشت 2) .

5524.عنه عليه السلام :الكافى عن الفتح بن يزيد الجرجانى عن أبى الحسن عليه السلام ، قال :سَمِعتُهُ يَقولُ : وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ ، السَّميعُ البَصيرُ ، الواحِدُ الأَحَدُ الصَّمَدُ ، لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أَحَدٌ ، لَو كانَ كَما يَقولُ المُشَبِّهَهُ لَم يُعرَفِ الخالِقُ مِنَ المَخلوقِ ، ولَا المُنشِئُ مِنَ المُنشَإِ ، لكِنَّهُ المُنشِئُ ، فَرَّقَ بَينَ مَن جَسَّمَهُ وصَوَّرَهُ وأنشَأَهُ ، إذ كانَ لا يُشبِهُهُ شَىءٌ ، ولا يُشبِهُ هُوَ شَيئا .

قُلتُ : أجَل جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداکَ ، لكِنَّکَ قُلتَ : الأَحَدُ الصَّمَدُ ، وقُلتَ : لا يُشبِهُهُ شَىءٌ ، واللّهُ واحِدٌ وَالإِنسانُ واحِدٌ ، أَلَيسَ قَد تَشابَهَتِ الوَحدانِيَّهُ؟ قالَ :

يا فَتحُ ، أحَلتَ ثَبَّتَکَ اللّهُ ! إنَّمَا التَّشبيهُ فِى المَعانى ، فَأَمّا فِى الأَسماءِ فَهِىَ واحِدَهٌ وهِىَ دالَّهٌ عَلَى المُسَمّى ، وذلِکَ أنَّ الإِنسانَ وإن قيلَ واحِدٌ فَإِنَّهُ يُخبَرُ أَنَّهُ جُثَّهٌ واحِدَهٌ ولَيسَ بِاثنَينِ ، وَالإِنسانُ نَفسُهُ لَيسَ بِواحِدٍ ؛ لِأَنَّ أعضاءَهُ مُختَلِفَهٌ وألوانَهُ مُختَلِفَهٌ ، ومَن ألوانُهُ مُختَلِفَهٌ غَيرُ واحِدٍ ، وهُوَ أجزاءٌ مُجَزَّأَهٌ لَيسَت بِسَواءٍ ؛ دَمُهُ غَيرُ لَحمِهِ ، ولَحمُهُ غَيرُ دَمِهِ ، وعَصَبُهُ غَيرُ عُروقِهِ ، وشَعرُهُ غَيرُ بَشَرِهِ ، وسَوادُهُ غَيرُ بَياضِهِ ، وكَذلِکَ سائِرُ جَميعِ الخَلقِ ، فَالإِنسانُ واحِدٌ فِى الاِسمِ لا (1) واحِدٌ فِى المَعنى ، واللّهُ جَلَّ جَلالُهُ هُوَ واحِدٌ لا واحِدَ غَيرُهُ ، لَا اختِلافَ فَيهِ ولا تَفاوُتَ ولا زِيادَهَ ولا نُقصانَ . . . (2) .

1- .فى المصدر : «ولا» بدل «لا» ، والتصويب من المصادر الأُخرى.
2- .الكافى : ج 1 ص 118 ح 1 ، التوحيد : ص 185 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 127 ح 23 وفيهما «كفوا أحد منشئ الأشياء ومجسّم الأجسام ومصوّر الصور ، لو كان كما يقولون لم يعرف» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 173 ح 2 .

5525.الإمام علیّ علیه السلام :الکافی به نقل از فتح بن یزید جرجانی : از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرماید : «و اوست ریزبینِ آگاه ، شنوای بینا ، یگانه یکتای بی نیاز . نه فرزندی دارد و نه خود ، فرزندِ کسی است و هیچ کس ، همتای او نیست . اگر او چنان باشد که تشبیه کنندگان می گویند ، آن گاه ، نه آفریننده از آفریده شناخته می شود ، و نه پدیدآورنده از پدیدآورده ، در حالی که او پدیدآورنده است . او کسی را که جسم داده و کسی را که صورت داده و کسی را که پدید آورده ، تفاوت گذاشته است ؛ زیرا هیچ چیز به او نمی مانَد و او نیز به چیزی مانند نیست» .

گفتم : همین طور است ، فدایت شوم! امّا فرمودی : «یکتای بی نیاز» و فرمودی : «هیچ چیز به او نمی مانَد» ، در حالی که می گوییم : خدای واحد و انسانِ واحد . آیا نه این است که در واحد بودن ، همانندند؟

فرمود : «سخن ناشدنی ای گفتی . ای فتح ! خدایت استوار بدارد ! تشبیه ، فقط در حوزه معانی است ؛ امّا در نام ها [و لفظ] همه یکی هستند و نام ها بر ناموَر ، دلالت دارند . توضیح این که وقتی گفته شود : انسانِ واحد ، در واقع ، گزارش می شود که او یک فرد است و نه دو فرد ؛ امّا خود انسان ، واحد (بسیط) نیست ؛ چرا که اندام ها و رنگ هایش گونه گون است ، و کسی که رنگ هایش گونه گون باشد ، واحد نیست و دارای اجزای جدا از هم و نایکسان است ، خون او غیر از گوشت اوست ، و گوشتش غیر از خونش ، و عصبش غیر از رگ هایش ، و مویش غیر از پوستش ، و سیاهی اش غیر از سفیدی اش . دیگر مخلوقات نیز همین گونه اند . پس انسان در نام [و لفظ] ، واحد است ، در معنا [و حقیقت] ، واحد نیست ، در حالی که خداوند عز و جل یکتاست و جز او یکتایی نیست . هیچ دوگونگی و تفاوت و فزونی و کاستی ای وجود ندارد ... . .

5526.عنه عليه السلام :الكافى عن ابن رئاب عن الإمام الصادق عليه السلام :مَن عَبَدَ اللّهَ بِالتَّوَهُّمِ فَقَدَ كَفَرَ ، ومَن عَبَدَ الاِسمَ دونَ المَعنى فَقَدَ كَفَرَ ، ومَن عَبَدَ الاِسمَ وَالمَعنى فَقَد أشرَكَ ، ومَن عَبَدَ المَعنى بِإيقاعِ الأَسماءِ عَلَيهِ بِصِفاتِهِ الَّتى وَصَفَ بِها نَفسَهُ ، فَعَقَدَ عَلَيهِ قَلبَهُ ونَطَقَ بِهِ لِسانُهُ فى سَرائِرِهِ وعَلانِيَتِهِ ؛ فَأُولئِکَ أصحابُ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام حَقّا .

وفى حَديثٍ آخَرَ : أُولئِکَ هُمُ المُؤمِنونَ حَقّا . (1)5521.امام على عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام مِن كَلامِهِ فِى التَّوحيدِ : أسماؤُهُ تَعبيرٌ ، وأفعالُهُ تَفهيمٌ ، وذاتُهُ حَقيقَةٌ . (2) .

1- .الكافى : ج 1 ص 87 ح 1 ، التوحيد : ص 220 ح 12 ، عدّه الداعى : ص 315 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 166 ح 7 .
2- .التوحيد : ص 36 ح 2 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 151 ح 51 كلاهما عن محمّد بن يحيى والقاسم بن أيّوب العلوى ، الاحتجاج : ج 2 ص 361 ح 283 ، تحف العقول : ص 63 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 228 ح 3 .

5522.امام علی علیه السلام :الکافی به نقل از ابن رئاب : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر که خدا را با به وهم در آوردنش بپرستد ، کافر است ، و هر کس نام بدون معنا (ذات) را بپرستد ، کافر است ، و هر کس نام و معنا ، هر دو را بپرستد ، مشرک است ، و هر کس معنا را بپرستد ، با اطلاق کردن نام ها بر او با همان صفاتی که خود ، خویشتن را بدانها وصف کرده است ، و به این ، اعتقاد قلبی داشته باشد و در نهان ها و آشکارش آن را به زبان آورد ، چنین کسانی پیروان راستین امیر مؤمنان هستند» .

و در حدیثی دیگر آمده است که فرمود : «چنین کسانی ، مؤمن راستین هستند» .5523.امام علی علیه السلام :امام رضا علیه السلام از گفتار ایشان در باره توحید : نام های او برای بیان است ، و افعالش برای فهماندن ، و ذاتش حقیقت است . .

1 / 2مَعنَى اللّهِ5526.امام على عليه السلام :الإمام الكاظم عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن مَعنَى اللّهِ : اِستَولى عَلى ما دَقَّ وجَلَّ . (1)5527.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام فى جَوابِ الزِّنديقِ حينَ سَأَلَهُ : فَما هُوَ؟ : هُوَ الرَّبُّ ، وهُوَ المَعبودُ ، وهُوَ اللّهُ ، ولَيسَ قَولى : «اللّهُ» إثباتَ هذِهِ الحُروفِ : أَلِفٍ ولامٍ وهاءٍ ، ولا راءٍ ولا باءٍ ، ولكِن أرجِعُ (2) إلى مَعنىً وشَىءٍ خالِقِ الأَشياءِ وصانِعِها ، ونَعتِ هذِهِ الحُروفِ ، وهُوَ المَعنى سُمِّىَ بِهِ اللّهُ ، وَالرَّحمنُ ، وَالرَّحيمُ ، وَالعَزيزُ ، وأَشباهُ ذلِكَ مِن أسمائِهِ ، وهُوَ المَعبودُ جَلَّ وعَزَّ . (3)5528.عنه عليه السلام :الإمام العسكرىّ عليه السلام فى تَفسيرِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» : اللّهُ هُوَ الَّذى يَتَأَلَّهُ إلَيهِ عِندَ الحَوائِجِ وَالشَّدائِدِ كُلُّ مَخلوقٍ عِندَ انقِطاعِ الرَّجاءِ مِن كُلِّ مَن هُوَ دونَهُ ، وتَقَطُّعِ الأَسبابِ مِن جَميعِ ما سِواهُ ، يَقولُ : بِسمِ اللّهِ ؛ أى أستَعينُ عَلى اُمورى كُلِّها بِاللّهِ الَّذى لا تَحِقُّ العِبادَةُ إلّا لَهُ ، المُغيثِ إذَا استُغيثَ ، وَالمُجيبِ إذا دُعِىَ .

وهُوَ ما قالَ رَجُلٌ لِلصّادقِ عليه السلام : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، دُلَّنى عَلَى اللّهِ ما هُوَ؟ فَقَد أكثَرَ عَلَىَّ المُجادِلونَ وحَيَّرونى !

فَقالَ لَهُ : يا عَبدَ اللّهِ ، هَل رَكِبتَ سَفينَةً قَطُّ؟ قالَ : نَعَم .

قالَ : فَهَل كُسِرَ بِكَ حَيثُ لا سَفينَةَ تُنجيكَ ولا سِباحَةَ تُغنيكَ؟ قالَ : نَعَم .

قالَ : فَهَل تَعَلَّقَ قَلبُكَ هُنالِكَ أنَّ شَيئا مِنَ الأَشياءِ قادِرٌ عَلى أن يُخَلِّصَكَ مِن وَرطَتِكَ؟ فَقالَ : نَعَم .

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : فَذلِكَ الشَّىءُ هُوَ اللّهُ القادِرُ عَلَى الإِنجاءِ حَيثُ لا مُنجِىَ ، وعَلَى الإِغاثَةِ حَيثُ لا مُغيثَ .

ثُمَّ قالَ الصَادِقُ عليه السلام : ولَرُبَّما تَرَكَ بَعضُ شيعَتِنا فِى افتِتاحِ أمرِهِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَيَمتَحِنُهُ اللّهُ بِمَكروهٍ لِيُنَبِّهَهُ عَلى شُكرِ اللّهِ تبَارَكَ وتَعالى وَالثَّنَاءِ عَلَيهِ ، ويَمحَقَ عَنهُ وَصمَةَ (4) تَقصيرِهِ عِندَ تَركِهِ قَولَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ .

قالَ : وقامَ رَجُلٌ إلى عَلىِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام ، فَقالَ : أخبِرنى ما مَعنى «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ»؟

فَقالَ عَلىٌّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : حَدَّثَنى أبى عَن أخيهِ الحَسَنِ عَن أبيهِ أميرِ المُؤمِنينَ عليهمِ السلام أنَّ رَجُلاً قامَ إلَيهِ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أخبِرنى عَن «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ما مَعناهُ؟

فَقالَ : إنَّ قَولَکَ «اللّهُ» أعظَمُ اسمٍ مِن أسماءِ اللّهِ عز و جل ؛ وهُوَ الاِسمُ الَّذى لا يَنبَغى أن يُسَمّى بِهِ غَيرُ اللّهِ ، ولَم يَتَسَمَّ بِهِ مَخلوقٌ .

فَقالَ الرَّجُلُ : فَما تَفسيرُ قَولِهِ : «اللّهُ»؟

قالَ : هُوَ الَّذى يَتَأَلَّهُ إلَيهِ عِندَ الحَوائِجِ وَالشَّدائِدِ كُلُّ مَخلوقٍ عِندَ انقِطاعِ الرَّجاءِ مِن جَميعِ مَن دونَهُ ، وتَقَطُّعِ الأَسبابِ مِن كُلِّ مَن سِواهُ ، وَذلِکَ أنَّ كُلَّ مُتَرَئِّسٍ فى هذِهِ الدُّنيا ومُتَعَظِّمٍ فيها ، وإن عَظُمَ غِناؤُهُ وطُغيانُهُ ، وكَثُرَت حَوائِجُ مَن دونَهُ إلَيهِ ، فَإنَّهُم سَيَحتاجونَ حَوائِجَ لا يَقدِرُ عَلَيها هذَا المُتَعاظِمُ ، وكَذلِکَ هذَا المُتَعاظِمُ يَحتاجُ حَوائِجَ لا يَقدِرُ عَلَيها ، فَيَنقَطِعُ إلَى اللّهِ عِندَ ضَرورَتِهِ وفاقَتِهِ ، حَتّى إذا كَفِىَ هَمَّهُ عادَ إلى شِركِهِ . أما تَسمَعُ اللّهُ عز و جل يَقولُ : «قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَاللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَدِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» (5) .

فَقالَ اللّهُ عز و جل لِعِبادِهِ : أيُّهَا الفُقَراءُ إلى رَحمَتى ، إنّى قَد ألزَمتُكُمُ الحاجَةَ إلىَّ فى كُلِّ حالٍ ، وذِلَّةَ العُبودِيَّةِ فى كُلِّ وَقتٍ ، فَإلَىَّ فَافزَعوا فى كُلِّ أمرٍ تَأخُذونَ فيهِ وتَرجونَ تَمامَهُ وبُلوغَ غايَتِهِ ، فَإنّى إن أرَدتُ أن أُعطِيَكُم لَمَ يَقدِر غَيرى عَلى مَنعِكُم ، وإن أرَدتُ أن أمنَعَكُم لَم يَقدِر غَيرى عَلى إعطائِكُم ، فَأنَا أحَقُّ مَن سُئِلَ ، وأولى مَن تُضُرِّعَ إلَيهِ .

فَقولوا عِندَ افتِتاحِ كُلِّ أمرٍ صَغيرٍ أو عَظيمٍ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ؛ أى أستَعينُ عَلى هذَا الأَمرِ بِاللّهِ الَّذى لا يَحِقُّ العِبادَةُ لِغَيرِهِ ، المُغيثِ إذَا استُغيثَ ، المُجيبِ إذا دُعِىَ ، الرَّحمنِ الَّذى يَرحَمُ بِبَسطِ الرِّزقِ عَلَينا ، الرَّحيمِ بِنا فى أديانِنا ودُنيانا وآخِرَتِنا ، خَفَّفَ عَلَينَا الدِّينَ وجَعَلَهُ سَهلاً خَفيفا ، وهُوَ يَرحَمُنا بِتَمييزِنا مِن أعدائِهِ .

ثُمَّ قالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن حَزَنَهُ أمرٌ تَعاطاهُ فَقالَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» وهُوَ مُخلِصٌ للّهِ يُقبِلُ بِقَلبِهِ إلَيهِ ، لم يَنفَكَّ مِن إحدَى اثنَتَينِ : إمّا بُلوغِ حاجَتِهِ فِى الدُّنيا ، وإمّا يُعَدُّ لَهُ عِندَ رَبِّهِ ويُدَّخَرُ لَدَيهِ ، وما عِندَ اللّهِ خَيرٌ وأبقى لِلمُؤمِنينَ . (6) .

1- .الكافى : ج 1 ص 114 ح 3 ، التوحيد : ص 230 ح 4 وفيه «سألته» ، معانى الأخبار : ص 4 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 372 ح 812 وفيه «عن معنى قول اللّه : «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» » ، بحار الأنوار : ج 4 ص 181 ح 6 .
2- .ويمكن ضبطها أيضا بهذا الشكل : ولكِنِ ارجِع . . .
3- .الكافى : ج 1 ص 84 ح 6 ، التوحيد : ص 245 كلاهما عن هشام بن الحكم .
4- .الوَصْمُ : العَيب والعار . يقال : ما فى فلان وَصمه (الصحاح : ج 5 ص 2052 «وصم») .
5- .الأنعام : 40 و 41 .
6- .التوحيد : ص 230 ح 5 ، معانى الأخبار : ص 4 ح 2 وفيه إلى «حيث لا مغيث» ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 21 ح 5 و 6 و 7 وص 27 ح 9 كلّها عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار ، بحار الأنوار : ج 92 ص 232 ح 14 وص 240 ح 48 .

1 / 2معنای اللّه5531.الإمام علیّ علیه السلام :امام کاظم علیه السلام در پاسخ به پرسش در باره معنای اللّه : [یعنی] هر ریز و درشتی در قبضه قدرت اوست .5532.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام در پاسخ به زندیقی که از ایشان پرسید : پس او (خداوند) چیست؟ : او پروردگار است . او معبود است . او اللّه است . مقصودم از «اللّه » ، حروف الف و لام و ها ، و [مقصودم از ربّ] حروف راء و باء نیست ؛ بلکه مقصود ، معنا و آن وجودی است که آفریننده و سازنده موجودات و مصداق این حروف [و کلمات]است . او معنا [و ذاتی] است که اللّه و رحمان و رحیم و عزیز و مانند این نام ها بر او نهاده شده است . او معبود عز و جل است .5527.امام علی علیه السلام :امام عسکری علیه السلام در تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم» : اللّه ، آن موجودی است که هر آفریده ای به هنگام نیازها و سختی ها ، آن گاه که امیدش از هر آنچه جز اوست ، قطع و رشته ها از ما سوای او به کلّی بُریده می شود ، به او پناه می برد ، می گوید : «بسم اللّه » ؛ یعنی در همه کارهایم از آن خدایی کمک می جویم که پرستش ، جز حقّ او نیست ؛ همو که هر گاه فریادخواهی شود ، به فریاد می رسد ، و هر گاه او را بخوانند ، پاسخ می دهد .

این ، همان چیزی است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! مرا به خدا راه نمایی کن که چیست؟ زیرا مجادله کنندگان ، بر من هجوم آورده اند و سرگشته ام ساخته اند!

به او فرمود : «ای بنده خدا ! آیا هرگز سوار کشتی شده ای؟» .

گفت : آری .

فرمود : «آیا شده که کشتی ات درهم شکند و نه کشتی دیگری باشد که نجاتت دهد ، و نه شنا کردن به کارت آید ؟» .

گفت : آری .

فرمود : «آیا در آن هنگام ، از دلت گذشته است که موجودی از موجودات می تواند تو را از نابودی بِرَهاند؟» .

گفت : آری .

فرمود : «آن موجود ، همان خداست که می تواند آن گاه که نجات بخشی نیست ، نجاتت دهد و آن گاه که فریادرسی نیست ، به فریادت برسد» .

سپس فرمود : «گاه یکی از شیعیان ما در آغاز کار خود بسم اللّه الرحمن الرحیم نمی گوید و خداوند ، او را به رنجی گرفتار می سازد تا او را متوجّه سپاس گزاری و ستایش از خداوند تبارک و تعالی گرداند و لکّه ننگِ کوتاهی در گفتن بسم اللّه الرحمن الرحیم را از او بزُداید» .

مردی نیز رو به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت : مرا از معنای «بسم اللّه الرحمن الرحیم» خبر ده که چیست؟

فرمود : پدرم از برادرش حسن ، از پدرش امیرمؤمنان برایم نقل کرد که مردی خطاب به امیرمؤمنان گفت : ای امیرمؤمنان ! به من بگو که معنای بسم اللّه الرحمن الرحیم چیست؟

[امیر مؤمنان] فرمود : «کلمه اللّه بزرگ ترین نام از نام های خداوند عز و جل است . این ، نامی است که جز بر خدا نسزد و بر کسی ننهاد ، و هیچ مخلوقی بدان نامیده نمی شود» .

مرد گفت : تفسیر [و معنای] کلمه «اللّه » چیست؟

فرمود : «یعنی موجودی که هر مخلوقی در وقت نیازها و سختی ها ، آن گاه که از هر آنچه جز اوست ، قطع امید شود و رشته ها از ما سوای او به کلّی بُریده گردد ، به او پناه می برد ؛ چرا که هر رئیسی و هر بزرگی در این دنیا ، هر اندازه هم توانگر و قدرتمند باشد و فرودستانش به او نیازمند باشند ، باز این فرودستان ، نیازهایی خواهند داشت که آن بزرگ ، از عهده برآوردن آنها بر نمی آید . خود آن بزرگ نیز نیازهایی پیدا می کند که قادر به تأمین آنها نیست . در این صورت ، دست نیاز و درویشی به سوی خدا بر می دارد ؛ امّا چون خواسته اش برآورده شد ، به شرک خویش باز می گردد . نشنیده ای که خداوند عز و جلمی فرماید : «بگو : آیا دیده اید اگر عذاب خدا ، یا رستاخیز آیدتان ، آیا جز خدا را می خوانید ، اگر راستگویید؟

نه ، که تنها او را می خوانید و او اگر بخواهد اندوهی را که او را بدان می خوانید ، از شما باز گشاید و آنچه را شریک قرار می دهید ، از یاد ببرید» .

پس ، خداوند عز و جل به بندگانش می فرماید : «ای نیازمندانِ به رحمت من ! شما را در هر حال ، نیازمند خودم ، و در هر زمان ، بنده خوار خودم قرار داده ام . پس در هر کاری که در پیش می گیرید و به اتمام آن و رسیدن به نهایتش چشم امید بسته اید ، به من متوسّل شوید ؛ زیرا من اگر بخواهم به شما عطا کنم ، هیچ کس نمی تواند مانع شود ، و اگر بخواهم مانع شوم ، هیچ کس نمی تواند به شما عطا کند . پس من ، سزاوارترین کس هستم برای این که از او چیزی بخواهند ، و شایسته ترین کس هستم برای این که به او التماس شود .

بنا بر این ، در آغاز هر کاری ، کوچک یا بزرگ ، بسم اللّه الرحمن الرحیم بگویید ؛ یعنی در این کار ، از خدایی کمک می گیریم که بندگی ، سزاوار غیر از او نیست ؛ همو که هر گاه از وی فریادخواهی شود ، به فریاد می رسد ، و هر گاه خوانده شود ، پاسخ می دهد . بخشنده ای که از سرِ مهر ، سفره روزی را بر ما گسترده است ؛ مهربانی که در دین ما و دنیا و آخرتمان با ما مهربان است . دین را بر ما سبُک گرفت و آن را آسان قرار داد ، و با جدا ساختن ما از دشمنان خود ، به ما رحم می آورد» .

سپس فرمود : «پیامبر خدا فرمود : هر که را پیشامدی اندوهگین گردانَد و از روی اخلاص و توجّه قلبی به خداوند بگوید : بسم اللّه الرحمن الرحیم ، از دو حال خارج نخواهد بود : یا در دنیا به حاجتش می رسد ، یا این که نزد پروردگارش برای او به حساب می آید و برایش ذخیره می شود ؛ و البته آنچه نزد خداست ، برای مؤمنان ، بهتر و ماندگارتر است » .

.

ص: 326

. .

ص: 327

. .

ص: 328

. .

ص: 329

. .

راجع : ص 330 ح 540 و ص 332 ح 541 . موسوعه العقائد الإسلاميه : ج 3 (معرفه اللّه / القسم الثالث / الفصل الأوّل : أسماء اللّه / معنى «اللّه ») .

1 / 3مَعنى بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ5531.امام على عليه السلام :التوحيد عن الحسن بن علىّ بن فضّال :سَأَلتُ الرِّضا عَلىَّ بنَ موسى عليه السلام عَن «بِسمِ اللّهِ» ، قالَ : مَعنى قَولِ القائِلِ : «بِسمِ اللّهِ» أى أسِمُ عَلى نَفسى سِمَةً مِن سِماتِ اللّهِ عز و جلوهِىَ العِبادَةُ .

قالَ : فَقُلتُ لَهُ : مَا السِّمَةُ؟ فَقالَ : العَلامَةُ . (1)5532.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :لَقَد دَخَلَ عَبدُ اللّهِ بنُ يَحيى عَلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فَقالَ : . . . يا أميرَ المُؤمِنينَ ، ما تَفسيرُ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؟

قالَ عليه السلام : إنَّ العَبدَ إذا أرادَ أن يَقرَأَ أو يَعمَلَ عَمَلاً ويَقولُ «بِسمِ اللّهِ» : أى بِهذَا الاِسمِ أعمَلُ هذَا العَمَلَ ، فَكُلُّ أمرٍ يَعمَلُهُ يَبدَأُ فيهِ ب «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإنَّهُ يُبارَكُ لَهُ فيهِ . (2)5533.عنه عليه السلام :معانى الأخبار عن صفوان بن يحيى عمّن حدّثه عن الإمام الصادق عليه السلام :أنَّهُ سُئِلَ عَن «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؟ فَقالَ : الباءُ بَهاءُ اللّهِ ، وَالسِّينُ سَناءُ اللّهِ ، وَالميمُ مُلكُ اللّهِ . قالَ :

قُلتُ : اللّهُ؟

قالَ : الأَلِفُ آلاءُ اللّهِ عَلى خَلقِهِ مِنَ النِّعَمِ بِوِلايَتِنا ، وَاللّامُ إلزامُ اللّهِ خَلقَهُ وِلايَتَنا . قُلتُ : فَالهاءُ؟

فَقالَ : هَوانٌ لِمَن خالَفَ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم . قُلتُ : الرَّحمنُ؟

قالَ : بِجَميعِ العالَمِ . قُلتُ : الرَّحيمُ؟

قالَ : بِالمُؤمِنينَ خاصَّةً . (3) .

1- .التوحيد : ص 229 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 3 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 260 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 230 ح 9 .
2- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 25 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 242 ح 48 .
3- .معانى الأخبار : ص 3 ح 2 ، التوحيد : ص 230 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 231 ح 12 .

1 / 3 معنای «بسم اللّه الرحمن الرحیم»

ر . ک : ح 540 و ح 541 . دانش نامه عقاید اسلامی : ج 5 (خداشناسی / بخش سوم / فصل یکم : معنای «اسماء اللّه » / معنای «اللّه ») .

1 / 3معنای «بسم اللّه الرحمن الرحیم»5537.الإمام علیّ علیه السلام :التوحید به نقل از حسن بن علی بن فضّال : از امام رضا علیه السلام در باره «بسم اللّه » پرسیدم . فرمود : «وقتی کسی می گوید : بسم اللّه ، یعنی سِمه ای از سِمات خداوند برخود می نهم و آن ، سِمه بندگی است» . (1)

گفتم : «سِمه» چیست؟

فرمود : «نشانه» .5533.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :عبد اللّه بن یحیی بر امیرمؤمنان وارد شد و گفت : ... ای امیر مؤمنان! تفسیر «بسم اللّه الرحمن الرحیم» چیست؟

فرمود : «بنده ، هر گاه بخواهد بخواند (2) یا کاری انجام دهد و بسم اللّه بگوید ، معنایش این است که من با این نام ، این کار را انجام می دهم . پس ، هرکاری را که انجام می دهد ، با بسم اللّه الرحمن الرحیم آغاز کند ، در آن کار به او برکت داده می شود» .5534.امام علی علیه السلام :معانی الأخبار به نقل از صفوان بن یحیی ، از کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است : از امام [صادق علیه السلام] در باره «بسم اللّه الرحمن الرحیم» سؤال شد . فرمود : «باء ، به معنای بهای (نورانیّت / زیبایی) خداست ، سین به معنای سنای (رفعت) خدا ، میم به معنای مُلک (سلطنت و مالکیت) خدا» .

گفتم : «اللّه » چه؟

فرمود : «الف به معنای آلاء (نعمت های) خدا که نعمت ولایت ما را به خلقش ارزانی داشته است ، لام به این معناست که خداوند ، خلقش را به ولایت ما ملزم ساخته است» .

گفتم : «هاء» چه؟

فرمود : «اشاره به هوان (خواری) کسی که با محمّد و خاندان محمّد که درودهای خدا بر ایشان باد ، مخالف است» .

گفتم : «الرحمن» چه؟

فرمود : «به معنای رحمتش نسبت به همه عالم» .

گفتم : «الرحیم» چه؟

فرمود : «به معنای رحمتش در خصوص مؤمنان» .

.

1- .امام علیه السلام ، کلمه «اسم» را برگرفته از ماده «وَسَم» دانسته است که مصدر آن «سِمَه» است ، به معنای نشانه و داغ .
2- .مقصود ، خواندن قرآن است و شاید هم اعمّ از آن باشد .

5535.امام على عليه السلام :الكافي عن عبد اللّه بن سنان :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن تَفسيرِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قالَ :

الباءُ بَهاءُ اللّهِ ، وَالسِّينُ سَناءُ اللّهِ ، وَالميمُ مَجدُ اللّهِ ورَوى بَعضُهُم : الميمُ مُلكُ اللّهِ ، وَاللّهُ إلهُ كُلِّ شَىءٍ ، الرَّحمنُ بِجَميعِ خَلقِهِ ، وَالرَّحيمُ بِالمُؤمِنينَ خاصَّةً (1) . 2 .

1- .الكافى : ج 1 ص 114 ح 1 ، التوحيد : ص 230 ح 2 ، معانى الأخبار : ص 3 ح 1 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 28 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 92 ص 231 ح 11 .

5536.امام على عليه السلام :الكافى به نقل از عبد اللّه بن سنان : از امام صادق عليه السلام در باره تفسير «بسم اللّه الرحمن الرحيم» پرسيدم . فرمود : «باء ، [اشاره به] بهاى خداست ، سين ، به سناى خدا ، ميم ، به مجد (شكوه و بزرگوارى) خدا» .

برخى روايت كرده اند [كه فرمود] : «ميم ، به مُلک خدا [اشاره دارد] و اللّه ، به اين كه او معبود هر چيزى است و رحمان ، به مهربانى او با همه خلقش ، و رحيم ، به مهربانى اش با مؤمنان» . .

5537.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سُنَّةُ اللّهِ ، سَبَقَت رَحمَةُ اللّهِ غَضَبَهُ . (1)راجع : موسوعه العقائد الإسلاميه : ج 3 (معرفه اللّه / القسم الثالث : التعرّف على أسماء اللّه) .

.

1- .الاختصاص : ص 45 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 338 ح 20 .

5539.عنه علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، قانون خداست . رحمت خدا بر غضب او پیشی دارد .ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 5 (خداشناسی / بخش سوم : آشنایی با نام های الهی) .

.

الفَصلُ الثّانى : خصائص البسمله2 / 1أقرَبُ شَىءٍ إلَى الاِسمِ الأَعظَمِ5544.عنه عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس :إنَّ عُثمانَ بنَ عَفّانٍ سَأَلَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَن «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، فَقالَ : هُوَ اسمٌ مِن أسماءِ اللّهِ ، وما بَينَهُ وبَينَ اسمِ اللّهِ الأَكبَرِ إلّا كَما بَينَ سَوادِ العَينِ وبَياضِها مِنَ القُربِ . (1)5538.امام عَلى عليه السلام :الإمامِ الباقر عليه السلام :«بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» أقرَبُ إلَى اسمِ اللّهِ الأعظَمِ مِن ناظِرِ العَينِ إلى بَياضِها . (2)5539.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به ايشان) الإمام علىّ عليه السلام فى مَعنى بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ : إنَّ قَولَکَ «اللّهُ» أعظَمُ اسمٍ مِن أسماءِ اللّهِ ... (3) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 738 ح 2027 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 23 نقلاً عن البيهقى فى شُعبِ الإيمان والخطيب فى تاريخه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 296 ح 4047 نقلاً عن ابن النجّار .
2- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 289 ح 1159 عن عبد اللّه بن يحيى الكاهلى عن الإمام الصادق عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 5 ح 11 عن محمّد بن سنان ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 21 ح 13 عن إسماعيل بن مهران وكلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول : ص 487 عن الإمام العسكرى عليه السلام وفيها «سواد» بدل «ناظر» ، بحار الأنوار : ج 92 ص 233 ح 15 .
3- .التوحيد : ص 231 ح 5 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 27 ح 9 كلاهما عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام الحسن عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 232 ح 14 وص 244 ح 48 . اُنظر تمام الحديث فى ص 182 ح 537.

2 / 1 نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است

فصل دوم: ویژگی های «بسم اللّه الرحمن الرحیم»2 / 1نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است5543.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عبّاس : عثمان بن عفّان از پیامبر خدا ، در باره «بسم اللّه الرحمن الرحیم» پرسید . ایشان فرمود : «نامی از نام های خداست و نزدیکی آن به نام اعظم خدا ، چونان نزدیکی سیاهیِ چشم به سفیدی آن است» .5544.امام علی علیه السلام (در حکمت های منسوب به ایشان) امام باقر علیه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، به اسم اعظم خدا نزدیک تر از مردمک چشم به سفیدی آن است .5545.الإمام علیّ علیه السلام (فیما أوصی إلَی ابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام) امام علی علیه السلام در باره معنای «بسم اللّه الرحمن الرحیم» : کلمه «اللّه » ، بزرگ ترین نام از نام های خداست .

.

5546.ربيع الأبرار :الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِى وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ» (1) : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» هُوَ اسمُ اللّهِ الأَكبَرُ ، وَالسَّبعُ المَثانى أُمُّ الكِتابِ ، يُثَنّى بِها فى كُلِّ صَلاةٍ . (2)5547.الإمام علىّ عليه السلام :مُهج الدعوات عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام :«بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» اسمُ اللّهِ الأكبَرُ أو قالَ : الأَعظَمُ . (3)5545.امام علىّ عليه السلام (در سفارش به پسرش حسن عليه السلام) الإمام الرضا عليه السلام :مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، كانَ أقرَبَ إلَى اسمِ اللّهِ الأَعظَمِ مِن سَوادِ العَينِ إلى بَياضِها ، وإنَّهُ دَخَلَ فيهَا اسمُ اللّهِ الأَعظَمُ . (4)2 / 2مِفتاحُ كُلِّ كِتابٍ سَماوِىٍّ5548.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفتاحُ كُلِّ كِتابٍ . (5)5549.الإمام علىّ عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) الإمام الباقر عليه السلام :أوَّلُ كُلِّ كِتابٍ نَزَلَ مِنَ السَّماءِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، فَإذا قَرَأتَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَلا تُبالى أن لا تَستَعيذَ ، وإذا قَرَأتَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» سَتَرَتکَ فيما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (6) .

1- .الحِجر : 87 .
2- .مستدرک الوسائل : ج 4 ص 157 ح 4362 نقلاً عن كتاب التنزيل والتحريف للسيّارى ، بحار الأنوار : ج 92 ص 236 .
3- .مُهج الدعوات : ص 379 عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 93 ص 223 ح 1 .
4- .مُهج الدعوات : ص 379 عن سليمان بن جعفر الحميرى ، بحار الأنوار : ج 86 ص 162 ح 41 .
5- .الجامع لأخلاق الراوى وآداب السامع : ج 1 ص 407 ح 547 عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 1 ص 555 ح 2490 .
6- .الكافى : ج 3 ص 313 ح 3 عن فرات بن أحنف .

5550.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «ما به تو سبع مثانی و قرآن بزرگ را دادیم» : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، بزرگ ترین نام خداست و سَبْعِ مَثانی ، همان «امّ الکتاب» (سوره فاتحه) است که در هر نمازی ، دو بار خوانده می شود .5551.عنه علیه السلام :مهج الدعوات به نقل از معاویه بن عمّار : امام صادق علیه السلام فرمود : « بسم اللّه الرحمن الرحیم اسم اکبر خداست» یا فرمود : «اسم اعظم خداست» .5552.الإمام علیّ علیه السلام :امام رضا علیه السلام :هر کس بعد از نماز صبح ، صد مرتبه بگوید : «بسم اللّه الرحمن الرحیم ، لا حول ولا قوّه الّا باللّه العلیّ العظیم» ، به نام اعظم خدا نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد . نام اعظم خدا ، داخل در این جمله است .2 / 2سرآغاز هر کتاب آسمانی است5550.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، سرآغاز هر کتاب [آسمانی] است .5551.امام علی علیه السلام :امام باقر علیه السلام :آغاز هر کتابی که از آسمان فرود آمده ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بوده است . پس هر گاه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» گفتی ، دیگر باکی نیست که استعاذه (أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم) نگویی ؛ زیرا هر گاه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بگویی ، تو را از [گزند] آنچه میان آسمان و زمین است ، می پوشاند .

.

5552.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :ما نَزَلَ كِتابٌ مِنَ السَّماءِ إلّا وأوَّلُهُ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (1)5553.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :ما أنزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ كِتابا إلّا وفاتِحَتُهُ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، وإنَّما كانَ يُعرَفُ انقِضاءُ السّورَهِ بِنُزولِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ابتِداءً لِلأُخرى . (2) .

1- .المحاسن : ج 1 ص 111 ح 103 عن صفوان الجمّال ، بحار الأنوار : ج 92 ص 234 ح 17 .
2- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 19 ح 5 عن صفوان الجمّال ، بحار الأنوار : ج 92 ص 236 ح 29 وراجع السنن الكبرى : ج 2 ص 63 ح 2376 .

5554.عنه علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) امام صادق علیه السلام :هیچ کتابی از آسمان نازل نشَده ، مگر آن که آغازش «بسم اللّه الرحمن الرحیم» است .5555.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند ، هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاد ، مگر این که آغازش «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بود ، و پایان یافتن هر سوره و آغاز شدن سوره ای دیگر ، با نازل شدنِ «بسم اللّه الرحمن الرحیم» دانسته می شد . .

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم اللّه »

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم اللّه »ظاهرا نباید تردید کرد که همه کتاب های آسمانی ، با نام خدا آغاز شده اند ؛ ولی آیا جمله «بسم اللّه » در آغاز کتاب های آسمانی ، با پسوند «الرحمن الرحیم» بوده یا نه؟ در این باره ، دو دسته روایت وجود دارد: دسته اوّل ، روایاتی که تصریح می کنند همه کتاب های آسمانی ، با جمله «بسم اللّه الرحمن الرحیم» شروع شده اند، مانند روایاتی که ملاحظه شد . دسته دوم ، روایاتی که تصریح می کنند آیه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، قبل از پیامبر خدا بر هیچ پیامبری جز سلیمان علیه السلام نازل نشده است ، (1) مانند این روایت از امام علی علیه السلام : إنَّ اللّهَ خَصَّ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله و شَرَّفَهُ بِها و لَم یُشرِک مَعَهُ فیها أحَدا مِن أنبِیائِهِ ما خَلا سُلَیمانَ علیه السلام ، فَإنَّهُ أعطاهُ مِنها بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، یَحکی عَن بِلقیسَ حینَ قالَت : «أُلْقِیَ إِلَیَّ کِتَبٌ کَرِیمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَیْمَنَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ

.

1- .الأمالی ، صدوق : ص 241 ح 255 ، التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام : ص 591 ح 353 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 196 ح 625 ، سنن الدار قطنی : ج 1 ص 310 ح 29 ، فضائل القرآن ، ابو عبید : ص 216 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 20 (به نقل از ابن مردویه و بیهقی در شُعب الإیمان) .

الرَّحِیمِ» (1) . (2) خداوند «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را به محمّد صلی الله علَیه و آله اختصاص داد و او را به آن ، مفتخر ساخت و هیچ یک از پیامبرانش را در آن ، شریک او نکرد ، بجز سلیمان علیه السلام را که به او نیز «بسم اللّه الرحمن الرحیم» عطا کرد ، آن جا که به نقل از بلقیس می فرماید : «نامه ای از گروهی به من رسیده است . آن نامه از سلیمان است و جدر آن آمده است:ج بسم اللّه الرحمن الرحیم» . گفتنی است که از نظر سند ، هر دو دسته روایات ، ضعیف هستند ؛ امّا از نظر دلالت ، می توان میان این دو دسته روایات ، بدین شکل جمع کرد که امام علیه السلام فرموده باشد : «أوّل کلّ کتاب نُزِّل من السماء بسم اللّه ؛ آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده ، بسم اللّه است» ، ولی راوی پنداشته که مقصود امام ، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» است ؛ امّا با توجه به تعدّد روایات دسته اوّل ، بعید به نظر می رسد که همه راویان ، مرتکب چنین اشتباهی شده باشند . وجوه دیگری نیز برای جمع دلالی این دو دسته روایت ، گفته شده که از این وجه ، ضعیف ترند.

.

1- .نمل : آیه 29 و 30 .
2- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 301 ح 60 ، الأمالی ، صدوق : ص 240 ح 255 ، مجمع البیان : ج 1 ص 88 ، التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام : ص 29 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 227 ح 5 .

2 / 3أوَّلُ ما نَزَلَ عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله خصائص البسمله5553.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كانَ جَبرَئيلُ عليه السلام إذا جاءَنى بِالوَحىِ أوَّلَ ما يُلقى عَلَىَّ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)5554.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به ايشان) الدرّ المنثور عن ابن عبّاس :أوَّلُ ما نَزَلَ جِبريلُ عليه السلام عَلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله قالَ لَهُ جِبريلُ عليه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ» يا مُحَمَّدُ ، يَقولُ : اِقرَأ بِذِكرِ اللّهِ ، وَ «اللَّهِ» ذُو الاُلوهِيَّهِ وَالمَعبودِيَّهِ عَلى خَلقِهِ أجمَعينَ ، وَ «الرَّحْمَنِ» الفَعلانِ مِنَ الرَّحمَهِ ، وَ «الرَّحِيمِ» الرَّفيقُ الرَّقيقُ بِمَن أحَبَّ أن يَرحَمَهُ ، وَالبَعيدُ الشَّديدُ عَلى مَن أحَبَّ أن يُضعِفَ عَلَيهِ العَذابَ . (2)2 / 4أعظَمُ آيَهٍ فى كِتابِ اللّهِ5557.امام على عليه السلام :تفسير العيّاشى عن سليمان الجعفرى :سُئِلَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام : أىُّ آيَهٍ أعَظَمُ فى كِتابِ اللّهِ؟ فَقالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)5558.امام على عليه السلام :السنن الكبرى عن ابن عبّاس :إنَّ الشَّيطانَ استَرَقَ مِن أهلِ القُرآنِ أعظَمَ آيَهٍ فِى القُرآنِ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4)2 / 5تيجانُ السُّوَر5561.عنه عليه السلام :صحيح مسلم عن أنس :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اُنزِلَت عَلَىَّ آنِفا سُورَهٌ ، فَقَرَأ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . . . » . (5) .

1- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 305 ح 13 عن ابن عمر .
2- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 23 نقلاً عن ابن جريج وابن أبى حاتم .
3- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 21 ح 14 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 238 ح 37 .
4- .السنن الكبرى : ج 2 ص 73 ح 2413 .
5- .صحيح مسلم : ج 1 ص 300 ح 53 ، سنن النسائى : ج 2 ص 134 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 64 ح 2380 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 418 ح 39127 ؛ تفسير فرات : ص 610 ح 767 .

2 / 3 نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نازل شد

2 / 4 با عظمت ترین آیه در کتاب خدا

2 / 5 تاجِ سوره ها

2 / 3نخستین چیزی که بر پیامبر ، نازل شد5562.الإمام علیّ علیه السلام (مِن وَصِیَّهٍ لَهُ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام هر گاه برایم وحی می آورد ، نخستین چیزی که بر من می افکند ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بود .5562.امام علی علیه السلام (در سفارش به پسرش حسن علیه السلام که به هنگام با) الدرّ المنثور به نقل از ابن عبّاس : نخستین بار که جبرئیل علیه السلام بر محمّد صلی الله علیه و آله فرود آمد ، به او گفت : «بسم اللّه » ای محمّد ، یعنی : با نام خدا بخوان و «اللّه » ، یعنی کسی که اِلاه و معبود همه خلق است . «الرحمن» ، بر وزن «فَعلان» است از رحمت ، و «الرحیم» ، یعنی نرم خو و مهربان است با کسی که دوست دارد به او رحم کند، و دور و سختگیر است نسبت به کسی که دوست دارد عذابش را دو چندان سازد .2 / 4با عظمت ترین آیه در کتاب خدا5564.نهج البلاغه :تفسیر العیّاشی به نقل از سلیمان جعفری : از ابو الحسن علیه السلام (1) سؤال شد : با عظمت ترین آیه در کتاب خدا ، کدام آیه است ؟

فرمود : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .5564.نهج البلاغه (بخشی از سخنرانی امام علی علیه السلام که حاوی در) السنن الکبری به نقل از ابن عبّاس : شیطان ، با عظمت ترین آیه قرآن را از اهل قرآن دزدید : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را .2 / 5تاجِ سوره ها5565.امام علی علیه السلام (در سخنی که به ره سپردن در راه روشن ، پند می دهد) صحیح مسلم به نقل از اَنَس : پیامبر خدا فرمود : «لَختی پیش ، سوره ای بر من فرود آمد ، و خواند : «بسم اللّه الرحمن الرحیم ...» .

.

1- .منظور امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

5566.نهج البلاغه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا قَرَأَ جِبريلُ عليه السلام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمتُ أَنَّ السّورَةَ قَد خُتِمَت . (1)5567.الإمام علىّ عليه السلام (مِن خُطبَهٍ لَهُ ، وهِىَ مِنَ الخُطَبِ العَجيبَ) المعجم الكبير عن ابن عبّاس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا نَزَلَت عَلَيهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمَ أَنَّ السّورَةَ قَد خُتِمَت ، وَاستَقبَلَ الاُخرى . (2)5567.امام على عليه السلام (در خطبه اى كه از سخنرانى هاى شگفت اوست و «غَرّا) المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس :كانَ النَّبىُّ صلى الله عليه و آله لا يَعلَمُ خَتمَ السّورَهِ حَتّى تَنزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)5568.الإمام علىّ عليه السلام (مِن خُطبَهٍ لَهُ فى صِفَهِ الضّالِّ) المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس :كانَ المُسلِمونَ لا يَعلَمونَ انقِضاءَ السّورَهِ حَتّى تَنزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَإِذا نَزَلَت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِموا أَنَّ السّورَهَ قَدِ انقَضَت . (4)5568.امام على عليه السلام (در سخنرانى اش در توصيف گم راه) أسباب نزول القرآن عن عبد اللّه بن مسعود :كُنّا لا نَعلَمُ فَصلَ ما بَينَ السّورَتَينِ حَتّى تَنزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (5) .

1- .معجم السفر : ص 341 ح 1143 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 355 ح 844 نحوه وكلاهما عن ابن عبّاس .
2- .المعجم الكبير : ج 12 ص 64 ح 12545 ، مجمع الزوائد : ج 2 ص 282 ح 2634 نقلاً عن البزّار نحوه .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 356 ح 845 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 209 ح 788 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 63 ح 2377 وفيهما «لا يعرف فصل» بدل «لا يعلم ختم» ، المعجم الكبير : ج 12 ص 64 ح 12544 ، أسباب نزول القرآن : ص 21 ح 16 .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 356 ح 846 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 63 ح 2378 ، فضائل القرآن لأبى عبيد : ص 217 عن سعيد بن جبير نحوه .
5- .أسباب نزول القرآن : ص 21 ح 17 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 20 .

5569.الإمام علىّ عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر گاه جبرئيل عليه السلام «بسم اللّه الرحمن الرحيم» مى گفت ، مى فهميدم كه سوره [ى قبلى]پايان يافته است .5569.امام على عليه السلام :المعجم الكبير به نقل از ابن عبّاس : پيامبر خدا ، هر گاه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» بر او نازل مى شد ، در مى يافت كه سوره ، پايان يافته و سوره ديگرى آغاز شده است .5570.الإمام علىّ عليه السلام :المستدرک على الصحيحين به نقل از ابن عبّاس : پيامبر صلى الله عليه و آله زمانى به پايان يافتنِ سوره پى مى برد كه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» نازل مى شد .5570.امام على عليه السلام :المستدرک على الصحيحين :مسلمانان ، پايان يافتن سوره را نمى دانستند تا آن كه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» نازل مى شد ، و چون «بسم اللّه الرحمن الرحيم» نازل مى شد ، مى فهميدند كه سوره به پايان رسيده است .5571.الإمام علىّ عليه السلام :أسباب نزول القرآن به نقل از عبد اللّه بن مسعود : ما جدايىِ ميان دو سوره را نمى دانستيم ، مگر آن گاه كه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» نازل مى شد . .

5571.امام علي عليه السلام :أسباب نزول القرآن عن عبد اللّه بن عمر :نَزَلَت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فى كُلِّ سورَةٍ . (1)5572.الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام:الإمام الصادق عليه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تيجانُ السُّوَرِ . (2)2 / 6مُفتَتَحُ الصَّلاةِ5573.امام صادق عليه السلام :سنن الترمذى عن ابن عبّاس :كانَ النَّبىُّ صلى الله عليه و آله يَفتَتِحُ صَلاتَهُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)5574.عنه عليه السلام :الكشف والبيان عن أبى هريره :كُنتُ مَعَ النَّبىِّ صلى الله عليه و آله وَالنَّبىُّ صلى الله عليه و آله يُحَدِّثُ أصحابَهُ ، إذ دَخَلَ رَجُلٌ يُصَلّى ، وَافتَتَحَ الصَّلاةَ وتَعَوَّذَ ، ثُمَّ قالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» ، فَسَمِعَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فَقالَ :

يا رَجُلُ! قَطَعتَ عَلى نَفسِكَ الصَّلاةَ ، أما عَلِمتَ أنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنَ الحَمدِ ؛ فَمَن تَرَكَها فَقَد تَرَكَ آيَةً ، ومَن تَرَكَ آيَةً مِنهُ فَقَد قُطِعَت عَلَيهِ صَلاتُهُ؟! (4)5575.المناقب لابن شهر آشوب :الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ لى : كَيفَ تَقرَأُ إذا قُمتَ فِى الصَّلاةِ؟

قُلتُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» ، قالَ : قُل : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (5) .

1- .أسباب نزول القرآن : ص 21 ح 18 .
2- .نثر الدرّ : ج 1 ص 352 .
3- .سنن الترمذى : ج 2 ص 14 ح 245 ، سنن الدارقطنى : ج 1 ص 304 ح 8 وص 305 ح 11 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 70 ح 2403 كلاهما عن ابن عمر .
4- .الكشف والبيان (تفسير الثعلبى) : ج 1 ص 104 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 21 وفيه «أفسد» بدل «قُطِعَت» .
5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 159 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 48 ح 42 ؛ سنن الدارقطنى : ج 1 ص 302 ح 3 عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام وص 308 ح 22 عن الجهم بن عثمان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عن جابر .

5576.الخرائج والجرائح عن ابن مسعود :أسباب نزول القرآن به نقل از عبد اللّه بن عمر : «بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، با هر سوره ای نازل شده است .5577.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن أبی الصَّلت الهروامام صادق عليه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، تاج سوره هاست .2 / 6آغازِ نماز5576.الخرائج والجرائح (به نقل از ابن مسعود) سنن الترمذی به نقل از ابن عبّاس : پيامبر صلی الله عليه و آله نمازش را با «بسم اللّه الرحمن الرحيم» آغاز می كرد .5577.عيون أخبار الرضا عليه السلام (به نقل از ابا صَلْت هَروی) الكشف والبيان به نقل از ابو هُرَيره : با پيامبر صلی الله عليه و آله بودم و ايشان برای يارانش سخن می گفت كه مردی وارد شد و به نماز ايستاد و نمازش را بست و استعاذه كرد و سپس گفت : «الحمد للّه ربّ العالمين» .

پيامبر صلی الله عليه و آله شنيد و فرمود : «ای مرد ! نمازت را قطع كردی . مگر نمی دانی كه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، جزء حمد است . پس هر كه آن را ترک كند ، در واقع ، آيه ای را ترک كرده است ، و هر كس آيه ای از حمد را ترک كند ، نمازش منقطع شده است؟!» .5578.سِيَر أعلام النُّبَلاء عن أبی الأَسود :امام باقر عليه السلام به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری : پيامبر خدا به من فرمود : «هر گاه به نماز می ايستی ، قرائتت را چگونه می خوانی؟» .

گفتم : [می گويم :] «الحمد للّه ربّ العالمين» .

فرمود : «بگو : «بسم اللّه الرحمن الرحيم . الحمد للّه ربّ العالمين» » .

.

5579.تاريخ الخُلَفاء عن أبى الأسود الدُّؤَلىّ :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا قَرَأتُم «الحَمدُ للّهِ» فَاقرَؤوا : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، إنَّها اُمُّ القُرآنِ ، واُمُّ الكِتابِ ، وَالسَّبعُ المَثانى ، وَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إحداها . (1)5578.سير أعلام النبلاء (به نقل از ابو الأسود) عنه صلى اللّه عليه و آله كانَ يَقولُ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» سَبعُ آياتٍ ، إحداهُنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَهِىَ السَّبعُ المَثانى وَالقُرآنُ العَظيمُ ، وَهِىَ اُمُّ القُرآنِ ، وَهِىَ فاتِحَةُ الكِتابِ . (2)5579.تاريخ الخلفاء (به نقل از ابو الأسود دُئِلى) عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَرَكَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَقَد تَرَكَ آيَةً مِن كِتابِ اللّهِ . (3)5580.شعب الإيمان عن صَعصَعَه بن صَوحان :سنن الدارقطنى عن أبى هريره :إنَّ النَّبىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا قَرَأَ وهُوَ يَؤُمُّ النّاسَ ، اِفتَتَحَ الصَّلاةَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4)5580.شُعَب الإيمان (به نقل از صَعْصَعه بن صَوْحان) المستدرک على الصحيحين عن اُمّ سلمه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَرَأَ فِى الصَّلاهِ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَعَدَّها آيَةً ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» آيَتَينِ ، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثَلاثَ آياتٍ ، «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» أربَعَ آياتٍ ، وقالَ هكَذَا : «إيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إيَّاكَ نَسْتَعِينُ» وجَمَعَ خَمسَ أصابِعِهِ . (5)5581.المناقب لابن شهر آشوب :الدر المنثور عن اُمّ سلمه :قَرَأَ رَسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَ طَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَ طَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» ، وقالَ : هِىَ سَبعٌ يا اُمَّ سَلَمَة . (6) .

1- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 312 ح 36 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 67 ح 2390 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 7 ص 437 ح 19665 .
2- .السنن الكبرى : ج 2 ص 67 ح 2389 ، مجمع الزوائد : ج 2 ص 282 ح 2635 نقلاً عن المعجم الأوسط وكلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 560 ح 2519 .
3- .الكشف والبيان (تفسير الثعلبى) : ج 1 ص 104 عن طلحه بن عبيداللّه ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 21 .
4- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 306 ح 17 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 69 ح 2396 عن منصور بن أبى مزاحم عن جدّه .

5- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 356 ح 848 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 66 ح 2385 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 248 ح 493 نحوه .
6- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 12 نقلاً عن ابن الأنبارى فى المصاحف .

5581.المناقب ، ابن شهر آشوب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه «الحمد للّه » را [در نماز] می خوانید ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را هم بخوانید . سوره حمد ، اُمّ القرآن و اُمّ الکتاب (1) و سَبعِ مَثانی (2) است ، و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، یکی از آن هفت تاست .5582.تاج العروس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوره حمد ، هفت آیه دارد ، یکی از آنها «بسم اللّه الرحمن الرحیم» است . این سوره ، سبع مثانی ، قرآن عظیم ، امّ القرآن و فاتحه الکتاب (3) است .5583.تاج العروس (فی بَیانِ الأقوالِ فی وَجهِ تَسمِیَهِ عِلمِ ال) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را ترک گوید ، آیه ای از کتاب خدا را ترک گفته است .5584.البدایه والنهایه عن ابن خَلّکان وغیرِهِ :سنن الدارقطنی به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز جماعت را برای مردم می خواند ، قرائت نماز را با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز می کرد .5585.الإمام علیّ علیه السلام :المستدرک علی الصحیحین به نقل از اُمّ سلمه : پیامبر خدا در نماز «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را خواند و آن را یک آیه شمرد ، «الحمد للّه رب العالمین» را آیه دوم ، «الرحمن الرحیم» را آیه سوم ، «مالک یوم الدین» را آیه چهارم ، و «ایّاک نعبد وایّاک نستعین» که گفت ، پنج انگشتش را جمع کرد .5586.المناقب لابن شهر آشوب عن الرضا عن آبائه علیهم السالدرّ المنثور به نقل از اُمّ سلمه : پیامبر خدا خواند : « «به نام خداوند بخشنده مهربان . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بخشنده مهربان است . صاحب روز جزاست . تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم . ما را به راه راست . راه نمایی کن ؛ راه آنان که به ایشان نعمت دادی ، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته اند و نه گم راهان» » ، و فرمود : «این ، شد هفت آیه ، ای امّ سلمه !» . .

1- .اُمُّ الکتاب ، یعنی : اُمُّ القرآن ؛ مادرِ قرآن ؛ اصل قرآن .
2- .سَبعِ مَثانی ، یعنی : هفت بند ؛ هفت آیه ؛ هفت ثَنا .
3- .فاتحه الکتاب ، یعنی : سَرآغاز قرآن .

5582.تاج العروس :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ مِن فاتِحَهِ الكِتابِ ، وهِىَ سَبعُ آياتٍ تَمامُها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)5583.تاج العروس (در بيان ديدگاه ها در مورد علّت نام گذارى علم «ن) الإمام الحسين عليه السلام :قيلَ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أخبِرنا عَن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أهِىَ مِن فاتِحَهِ الكِتابِ؟

فَقالَ : نَعَم ، كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقرَأُها ويَعُدُّها آيَةً مِنها ، ويَقولُ : فاتِحَةُ الكِتابِ هِىَ السَّبعُ المَثانى . (2)5584.البدايه والنهايه (به نقل از ابن خَلّكان و ديگران) سنن الدار قطنى عن عبد خير :سُئِلَ عَلىٌّ عليه السلام عَنِ السَّبعِ المَثانى ، فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، فَقيلَ لَهُ : إنَّما هِىَ سِتُّ آياتٍ ! فَقالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ . (3)5585.امام على عليه السلام :السنن الكبرى عن سعيد بن جبير :عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فى قَولِهِ : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِى» قالَ : فاتِحَهُ الكِتابِ . قيلَ لِابنِ عَبّاسٍ : فَأينَ السّابِعَهُ؟ قالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 302 ح 60 ، الأمالى للصدوق : ص 240 ح 255 كلاهما عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص 122 ح 227 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مجمع البيان : ج 1 ص 88 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 29 ح 10 عن الإمام الحسن عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 48 ح 40 وج 92 ص 227 ح 5 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 301 ح 59 عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للصدوق : ص 240 ح 254 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 59 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 60 ح 47 وج 92 ص 227 ح 3 .
3- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 313 ح 40 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 66 ح 2388 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 296 ح 4048 وص 590 ح 4800 .
4- .السنن الكبرى : ج 2 ص 66 ح 2387 وزاد فى آخره «وروى ذلک عن على عليه السلام » ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 737 ح 2024 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 94 ح 2629 عن عطاء نحوه .

5586.المناقب ، ابن شهر آشوب :امام على عليه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، آيه اى از فاتحه الكتاب است ، فاتحه الكتاب ، هفت آيه دارد و «بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، يكى از آنهاست .5587.تاريخ دمشق :امام حسين عليه السلام :به امير مؤمنان گفته شد : اى امير مؤمنان ! بفرما كه آيا «بسم اللّه الرحمن الرحيم» ، جزء فاتحه الكتاب است ؟

فرمود : «آرى . پيامبر خدا ، آن را [در قرائت نماز] مى خواند و آيه اى از «حمد» به شمار مى آورد و مى فرمود : فاتحه الكتاب ، هفت آيه است » .5587.تاريخ دمشق :سنن الدار قطنى به نقل از عبد خير : از على عليه السلام در باره سبع مثانى سؤال شد . فرمود : «سوره حمد است» .

گفته شد : آن كه شش آيه است !

فرمود : « بسم اللّه الرحمن الرحيم هم آيه است» .5588.الإمامه والسياسه (فى ذِكرِ قُدومِ ابنِ أبى مِحجَنٍ عَلى مُعاوِيَه) السنن الكبرى به نقل از سعيد بن جُبَير : از ابن عبّاس در باره آيه «و هر آينه به تو ، آن هفت آيه را داديم» ، نقل شده كه گفت : مقصود ، فاتحه الكتاب است .

به ابن عبّاس گفته شد : پس كو آيه هفتم؟

گفت : «بسم اللّه الرحمن الرحيم» . .

5589.مُروج الذَّهَب (فی ذِکرِ لُمَعٍ مِن کَلامِ عَلِیٍّ علیه السلام) الکافی عن معاویه بن عمّار :قُلتُ لِأبی عَبدِ اللّه علیه السلام : إذا قُمتُ لِلصَّلاهِ أقرَأُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» فی فاتِحَهِ القُرآنِ؟ قالَ : نَعَم .

قُلتُ : فَإذا قَرَأتُ فاتِحَهَ القُرآنِ أقرَأُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» مَعَ السّورَهِ؟ قالَ : نَعَم . (1) .

1- .الکافی : ج 3 ص 312 ح 1 ، تهذیب الأحکام : ج 2 ص 69 ح 251 ، الاستبصار : ج 1 ص 311 ح 1155 .

5590.نَثر الدُّرّ عن محمّد ابن الحنفيّه (فی وَصفِ عَلِیٍّ علیه السلام) الکافی به نقل از معاویه بن عمّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : هر گاه به نماز می ایستم ، در سوره فاتحه قرآن ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را هم بخوانم؟

فرمود : «آری» .

گفتم : و هر گاه سوره فاتحه را خواندم ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را نیز با سوره بخوانم ؟

فرمود : «آری» . .

الفَصلُ الثّالِثُ : مواضع البسمله3 / 1الكِتابَهُالكتاب«إِنَّهُ مِن سُلَيْمَنَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)

الحديث5592.ابن أبي الحديد (در شرح نهج البلاغه) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفتاحُ كُلِّ كِتابٍ . (2)5593.البيان والتبيين (فى بَيانِ قَولِ عَلِيٍّ عليه السلام «قيمَهُ كُلِ) الدرّ المنثور عن الشعبىّ :كانَ أهلُ الجاهِلِيَّهِ يَكتُبونَ «بِاسمِكَ اللّهُمَّ» ، فَكَتَبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله أوَّلَ ما كَتَبَ «بِاسمِكَ اللّهُمَّ» ، حَتّى نَزَلَت : «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراهَا وَ مُرْسَاهَا» (3) فَكَتَبَ «بِسمِ اللّهِ» .

ثُمَّ نَزَلَت : «ادْعُواْ اللَّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَنَ» (4) فَكَتَبَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ» .

ثُمَّ أُنزِلَتِ الآيَهُ الَّتى فى طس : «إِنَّهُ مِن سُلَيْمَنَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَكَتَبَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (5) .

1- .النمل : 30 .
2- .الجامع لأخلاق الراوى وآداب السامع : ج 1 ص 407 ح 547 عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 1 ص 555 ح 2490 .
3- .هود : 41 .
4- .الإسراء : 110 .
5- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 354 نقلاً عن عبد الرزّاق وابن سعد وابن أبى شيبه وابن المنذر وابن أبى حاتم .

فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم اللّه »3 / 1نگارشقرآن«آن ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: به نام خداوند مهرْگستر مهربان» .

حدیث5598.تذکره الخَواصّ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، سرآغاز هر کتابی است .5595.المناقب ، ابن شهر آشوب به نقل از جاحظ در کتاب االدرّ المنثور به نقل از شَعبی : مردم جاهلیت می نوشتند : «به نام تو ، ای خداوند!» . پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در نخستین نبشته اش ، نوشت : «به نام تو ، ای خداوند!» ، تا آن که آیه «رفتن و لنگر انداختنش ، به نام خداست» نازل شد . از آن پس پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت : «بسم اللّه » .

سپس آیه «خدا را بخوانید یا رحمان را» نازل شد و از آن پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت : «بسم اللّه الرحمن» .

سپس آیه ای که در سوره نمل است ، نازل شد : «این ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و آن ، چنین است : به نام خداوند مهرْ گستر مهربان» » . از آن پس ، پیامبر خدا می نوشت : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .

.

5596.المناقب ، ابن شهر آشوب (در توصيف على عليه السلام) صحيح البخارى عن المسوّر بن مخرمه ومروان فى ذِكرِ خَبرِ صُلحِ الحُدَيبِيَهِ : جاءَ سُهَيلُ بنُ عَمرٍو ، فَقالَ [لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله] : هاتِ اكتُب بَينَنا وبَينَكُم كِتابا ، فَدَعَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله الكاتِبَ ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . قالَ سُهَيلٌ : أمَّا الرَّحمنُ ، فَوَاللّهِ ما أدرى ما هُوَ؟ ! ولكِنِ اكتُب «بِاسمِكَ اللّهُمَّ» كَما كُنتَ تَكتُبُ .

فَقالَ المُسلِمونَ : وَاللّهِ لا نَكتُبُها إلّا «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» .

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : اُكتُب «بِاسمِكَ اللّهُمَّ» .

5597.مطالب السؤول (در شمارش انواع دانش هايى كه پيامبر خدا به وى آم) المراسيل عن أبى مالک :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَكتُبُ «بِاسمِكَ اللّهُمَّ» ، فَلَمّا نَزَلَت : «إِنَّهُ مِن سُلَيْمَنَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» كَتَبَها .

5598.تذكره الخواصّ :تحف العقول عن داوود الصرمى :أمَرَنى سَيِّدى [الإمامُ الهادى عليه السلام] بِحَوائِجَ كَثيرَهٍ ، فَقالَ عليه السلام لى : قُل : كَيفَ تَقولُ؟ فَلَم أحفَظ مِثلَما قالَ لى ، فَمَدَّ الدَّواةَ وكَتَبَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ أذكُرُهُ إن شاءَ اللّهُ ، وَالأَمرُ بِيَدِ اللّهِ» ، فَتَبَسَّمتُ . فَقالَ عليه السلام : ما لَکَ؟ قُلتُ : خَيرٌ . فَقالَ : أخبِرنى؟

قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ، ذَكَرتُ حَديثا حَدَّثَنى بِهِ رَجُلٌ مِن أصحابِنا عَن جَدِّکَ الرِّضا عليه السلام ، إذا أمَرَ بِحاجَهٍ كَتَبَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ أذكُرُ إن شاءَ اللّهُ» فَتَبَسَّمتُ .

1- .صحيح البخارى : ج 2 ص 977 ح 2581 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 368 ح 18807 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 13 ح 13 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 187 ح 656 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 166 ح 2657 كلاهما عن عبد اللّه بن شدّاد نحوه .
2- .المراسيل : ص 86 ح 2 .
3- .تحف العقول : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 50 ح 6 .

5599.شرح نهج البلاغه :صحیح البخاری به نقل از مسوّر بن مخرمه و مروان ، در نقل ماجرای صلح حدیبیه : سهیل بن عمرو آمد و [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : بیا تا میان خود و شما پیمانی بنویسیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله کاتب را فرا خواند و فرمود : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .

سهیل گفت : به خدا سوگند که من نمی دانم رحمان چیست . بلکه همچنان که پیش تر می نوشتی ، بنویس : «به نام تو ، ای خداوند !» .

مسلمانان گفتند : به خدا سوگند ، جز «بسم اللّه الرحمن الرحیم» نمی نویسیم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بنویس : به نام تو ، ای خداوند !»
.5599.شرح نهج البلاغه :المراسیل به نقل از ابو مالک : پیامبر صلی الله علیه و آله [در مکتوباتش]می نوشت : «به نام تو ، ای خداوند !» ؛ اما چون این آیه نازل شد : «این ، [نامه ای]از طرف سلیمان است و آن ، چنین است : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان»» . از آن پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله همین (بسم اللّه الرحمن الرحیم) را می نوشت .5600.الإمام علیّ علیه السلام (فی خُطبَهٍ خَطَبَهَا ارتِجالاً خالِیَهً مِنَ ال) تحف العقول به نقل از داوود صرمی : سَروَرم [امام هادی علیه السلام] دستورهای بسیاری به من داد که انجام بدهم . سپس به من فرمود : «بگو که چه می گویی؟» .

ولی من عین آنچه را به من فرموده بود ، به یاد نداشتم . لذا دوات را برداشت و نوشت : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند و کارها در دست خداست» .

من لبخندی زدم . ایشان فرمود : «چه شد؟» .

گفتم : خیر است .

فرمود : «به من بگو» .

گفتم : فدایت شوم ! به یاد حدیثی افتادم که مردی از یارانمان ، از جدّ شما امام رضا علیه السلام برایم گفت و آن این که هر گاه دستور کاری را می داد ، می نوشت : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان . به خواست خدا ، یادم خواهد ماند» . لذا لبخند زدم . .

5600.امام على عليه السلام (در سخنرانى (خطبه)اى كه به بِداهه و بدون نقطه اى) تحف العقول :كانَ [الإمامُ الرِّضا] عليه السلام إذا أرادَ أن يَكتُبَ تَذَكَّراتِ حَوائِجِهِ ، كَتَبَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ أذكُرُ إن شاءَ اللّهُ» ، ثُمَّ يَكتُبُ ما يُريدُ . (1)5601.أنساب الأشراف عن الشَّعبى :كشف الغمّه :رُوِىَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ عليه السلام أنَّهُ قالَ لِمَولاهُ نافِذٍ : إذا كَتَبتَ رُقعَةً أو كِتابا فى حاجَةٍ ، فَأَرَدتَ أن تُنجِحَ حاجَتَكَ الَّتى تُريدُ ، فَاكتُب رَأسَ الرُّقعَةِ بِقَلَمٍ غَيرِ مَديدٍ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، إنَّ اللّهَ وَعَدَ الصّابِرينَ المَخرَجَ مِمَّا يَكرَهونَ ، وَالرِّزقَ مِن حَيثُ لَا يَحتَسِبونَ ، جَعَلَنَا اللّهُ وَإيّاكُم مِنَ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ» .

قالَ نافِذٌ : فَكُنتُ أفعَلُ ذلِكَ فَتُنجِحُ حَوائِجى . (2)5601.أنساب الأشراف (به نقل از شَعبى) مستدرک الوسائل عن بعض الرواه من أصحابنا :قالَ : مِن حَقِّ القَلَمِ عَلى مَن أخَذَهُ ، إذا كَتَبَ أن يَبدَأَ بِبِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . (3)راجع : ص 426 (آداب البسمله / تجويد الكتابه) .

3 / 2الصَّباحُ وَالمَساءُ5604.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصاياهُ لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِيُّ ، اُغدُ بِاسمِ اللّهِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ بارَکَ لِاُمَّتى فى بُكورِها . (4) .

1- .تحف العقول : ص 443 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 335 ح 12 .
2- .كشف الغمّه : ج 2 ص 374 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 50 ح 8 .
3- .مستدرک الوسائل : ج 8 ص 434 ح 9918 نقلاً عن التنزيل والتحريف للسيّارى .
4- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 54 ح 997 عن عبدالعظيم بن عبد اللّه الحسنى عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، كنزالعمّال : ج 7 ص 815 ح 21537 ؛ الأمالى للطوسى : ص 136 ح 220 وفيه «على اسم اللّه » بدل «باسم اللّه » ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 122 كلاهما عن عبدالعظيم بن عبد اللّه الحسنى ، كشف الغمّه : ج 3 ص 135 عن أحمد بن علىّ بن ثابت وكلّها عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 78 ص 78 ح 50 .

5605.عنه علیه السلام :تحف العقول :[امام رضا علیه السلام] هر گاه می خواست کارهای خود را یادداشت کند ، می نوشت : «به نام خداوند مهر گستر مهربان . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند» . سپس مطالب خود را می نوشت .5603.امام علی علیه السلام :کشف الغمّه :روایت شده است که امام صادق علیه السلام به غلامش نافذ فرمود : «هر گاه کاغذی یا نامه ای برای حاجتی نوشتی و خواستی به حاجت خود برسی ، در بالای کاغذ ، با قلمی ناآغشته به مرکّب بنویس : به نام خداوند مهرْ گستر مهربان . خدا به شکیبایان وعده داده است که از آنچه ناخوش دارند ، نجات یابند و از جایی که گمان نمی کنند ، روزی داده شوند . خدا ما و شما را از آن کسانی قرار دهد که نه بیمی به آنان می رسد و نه اندوهگین می شوند » .

نافذ می گوید : از آن پس ، من به این دستور ، عمل می کردم و حاجت هایم برآورده می شد .5604.امام علی علیه السلام :مستدرک الوسائل به نقل از یکی از راویان شیعه : یکی از حقوق قلم بر کسی که آن را به دست می گیرد ، این است که هر گاه چیزی می نویسد ، با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز کند .ر . ک : ص 427 (آداب بسم اللّه گفتن / نیکو نوشتن «بسم اللّه ») .

3 / 2بامداد و شامگاه5607.تصنیف نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی! بامدادان ، با نام خدا در پی کار خود بیرون شو ؛ زیرا خداوند برای امّت من ، در بامدادانشان برکت نهاده است .

.

5608.بحار الأنوار (فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ لَبِثُواْ ف) الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ عَلىَّ بنَ الحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما كانَ إذا أصبَحَ قالَ : «أبتَدِئُ يَومى هذا بَينَ يَدَى نِسيانى وعَجَلَتى بِاسمِ اللّهِ وما شاءَ اللّهُ» ، فإذا فَعَلَ ذلِكَ العَبدُ أجزَأَهُ مِمّا نَسِىَ فى يَومِهِ . (1)5609.تهذيب الأحكام عن عبيده السلمانى عن أمير المؤمنين (حَيثُ سُئِلَ عن رَجُلٍ ماتَ وخَلَّفَ زَوجَةً وأ) عنه عليه السلام :مَن قالَ إذا أصبَحَ : «أبتَدِئُ فى يَومى هذا بَينَ يَدَى نِسيانى وعَجَلَتى بِاسمِ اللّهِ» ، أجزَأَهُ عَلى ما نَسِىَ مِن طَعامٍ أو شَرابٍ . (2)5607.تصنيف نهج البلاغه :عنه عليه السلام :لا تَدَع أن تَقولَ : «بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ» فى كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ ، فَإنَّ فى ذلِكَ إصرافا لِكُلِّ سُوءٍ . (3)3 / 3الخُروجُ مِنَ البَيتِ وَالدُّخولُ فيهِ5610.المصنَّف لابن أبى شيبه عن سفيان عن رجل لم يسمِّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا خَرَجَ الرَّجُلُ مِن بَيتِهِ فَقالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، قالَتِ المَلائِكَهُ لَهُ : سَلِمتَ . فَإذا قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، قالَت لَهُ المَلائِكَهُ : كُفيتَ . فَإذا قالَ : «تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ» ، قالَتِ المَلائِكَهُ لَهُ : وُقيتَ . (4)5611.الاستيعاب عن زِرّ بن حُبَيش :الإمام الباقر عليه السلام :مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ : «بِاسمِ اللّهِ ، حَسبِىَ اللّهُ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ خَيرَ اُمورِى كُلِّها ، وأعوذُ بِكَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَهِ» ، كَفاهُ اللّهُ ما أهَمَّهُ مِن أمرِ دُنياهُ وآخِرَتِهِ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 523 ح 5 عن محمّد بن مسلم ، الاُصول الستّه عشر : ص 151 عن محمّد بن مسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 288 ح 49 .
2- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 118 ح 394 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 384 ح 50 .
3- .المقنع : ص 543 ، الدعوات : ص 85 ح 218 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 283 ح 45 .
4- .قرب الإسناد : ص 66 ح 211 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 168 ح 10 .
5- .الكافى : ج 2 ص 541 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 90 ح 1239 ، الأمان : ص 106 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 76 ص 240 ح 21 .

3 / 3 هنگام خارج شدن از منزل ، یا وارد شدن به آن

5610.المصنَّف ، ابن ابی شیبه (به نقل از سفیان ، از مردی که نام وی را نیاورده) امام صادق علیه السلام :علی بن حسین درودهای خدا بر آن دو هر گاه صبح خود را آغاز می کرد ، می فرمود : «امروزِ خود را ، پیش از فراموش کردنم و شتاب ورزیدنم ، با نام خدا و به خواست خدا آغاز می کنم» . پس هر گاه بنده چنین کند ، او را از آنچه در آن روز فراموش کند ، بسنده باشد . (1)5611.الاستیعاب به نقل از زَرّ بن حُبَیش :امام صادق علیه السلام :هر کس هنگام صبح بگوید : «امروزِ خود را پیش از فراموشی و شتابکاری ام ، به نام خدا آغاز می کنم» ، همین ذکر ، او را برای آنچه [از ذکر بسم اللّه] در هنگام خوردن یا نوشیدن فراموش کند ، کفایت می نماید .5612.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :گفتن ذکرِ «به نام خدا و به یاری خدا» را در هر بامداد و شامگاه ، ترک مکن ؛ زیرا این ذکر ، هرگونه بدی و گزندی را می گرداند .3 / 3هنگام خارج شدن از منزل ، یا وارد شدن به آن5613.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه شخص در هنگام خارج شدن از خانه اش بگوید : «به نام خدا» ، فرشتگان به او می گویند : به سلامت !

هر گاه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خداوند» ، فرشتگان به او می گویند : خدا یارَت باد !

و هر گاه بگوید : «به خدا توکّل کردم» ، فرشتگان می گویند : خدا نگهدارت باد !5614.عنه علیه السلام (حیثُ کانَ جالِسا عَلی نَهرِ الفُراتِ وبِیَدِهِ) امام باقر علیه السلام :هر کس در هنگام بیرون رفتن از منزلش بگوید : «به نام خدا . خدا مرا بس است . به خدا توکّل می کنم . بار خدایا ! در همه کارهایم ، از تو خیر و خوبی درخواست می کنم ، و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می آورم» ، خداوند غم ها و نگرانی های دنیا و آخرت او را بر طرف می سازد .

.

1- .یعنی : پیش از آن که دچار فراموشی شود و بدون بردنِ نام خدا به کار دیگری بشتابد ، در همان آغاز صبح ، بگوید : «با نام خدا و به خواست خدا» . پس هر گاه این جمله را بگوید ، چنانچه در طول روز یادش برود قبل از کاری «بسم اللّٰه » بگوید ، همان که در آغاز روز گفته است ، برایش کفایت می کند و جای گزین مواردی خواهد شد که فراموش کند .

5614.امام على عليه السلام (هنگامى كه كنار نهر فُراتْ نشسته بود و در دستش چ) الإمام الصادق عليه السلام :إذا دَخَلتَ مَنزِلَکَ ، فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا رَسولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلى أهلِ بَيتِهِ» ، وسَلِّم عَلى أهلِکَ . وإن لَم يَکُن فيهِ أحَدٌ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ وسَلامٌ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، السَّلامُ عَلَينا وعَلى عِبادِ اللّهِ الصّالِحينَ» ؛ فَإذا قالَ ذلِکَ فَرَّ الشَّيطانُ مِن مَنزِلِهِ . (1)5615.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ قالَ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، خَرَجتُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ ، لا بِحَولٍ مِنّى ولا قُوَّتى ، بَل بِحَولِکَ وقُوَّتِکَ يا رَبِّ ، مُتَعَرِّضا لِرِزقِکَ ، فَأتِنى بِهِ فى عافِيَهٍ . (2)راجع : ج 3 ص 148 (أهمّ مواضع الحوقلَه / عند الخروج من البيت) .

3 / 4الوُضوءُ5616.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصاياهُ لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا تَوَضَّأتَ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ تَمامَ الوُضوءِ ، وتَمامَ الصَّلاهِ ، وتَمامَ رِضوانِکَ ، وتَمامَ مَغفِرَتِکَ» ، فَهذا زَكاهُ الوُضوءِ . (3)5617.امام على عليه السلام (در شگفتى آفرينش هستى) عنه صلى الله عليه و آله :إن قالَ [العَبدُ] فى أوَّلِ وُضوئِهِ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، طَهُرَت أعضاؤُهُ كُلُّها مِنَ الذُّنوبِ . (4) .

1- .الأُصول السّتّه عشر : ص 71 عن جابر ، مشكاه الأنوار : ص 341 ح 1093 ، جامع الأخبار : ص 231 ح 592 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 11 ح 46 .
2- .الكافى : ج 2 ص 542 ح 7 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 6 ح 11 ، المحاسن : ج 2 ص 91 ح 1241 كلّها عن محمّد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 76 ص 169 ح 13 وص 171 ح 21 .
3- .جامع الأخبار : ص 165 ح 394 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 317 ح 9 .
4- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 521 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 316 ح 7 .

3 / 4 هنگام وضو گرفتن

5618.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه وارد خانه خویش شدی ، بگو : «به نام خدا . گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست ، و محمّد که درود خدا بر او و بر خاندانش باد فرستاده خداست» و بر خانواده خود نیز سلام کن و اگر کسی در خانه نبود ، بگو : «به نام خدا ، و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله . درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا» . پس هر گاه کسی چنین بگوید ، شیطان از خانه اش می گریزد .5619.الإمام علیّ علیه السلام :امام رضا علیه السلام :پدرم [امام کاظم] علیه السلام هر گاه از خانه اش بیرون می آمد ، می گفت : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان . با توش و توان خدا بیرون می آیم . نه با توش و توانی از خویش ، که با توش و توان تو ای پروردگار من ، در جستجوی روزیِ تو می روم . پس آن را با عافیت به من عطا فرما» .ر . ک : ج 3 ص 149 (مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّه الا باللّه » / هنگام بیرون رفتن از خانه) .

3 / 4هنگام وضو گرفتن5621.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی! هر گاه وضو می گیری ، بگو : «به نام خدا . بار خدایا! از تو درخواست می کنم وضوی کامل و نماز کامل و خشنودیِ کاملت و آمرزش کاملت را» ؛ زیرا این [ذکر] ، زکات وضوست .5620.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه [بنده] در آغاز وضویش بگوید : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان» ، همه اعضایش از گناهان پاک می شود .

.

5621.امام على عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إذا قُمتَ بِاللَّيلِ مِن مَنامِکَ فَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى رَدَّ عَلَىَّ روحى لِأَحمَدَهُ وأعبُدَهُ . . . .

ثُمَّ استَک وتَوَضَّأ ، فَإِذا وَضَعتَ يَدَکَ فِى الماءِ ، فَقُل : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، اللّهُمَّ اجعَلنى مِنَ التَّوّابينَ ، وَاجعَلنى مِنَ المُتَطَهِّرينَ .

فَإِذا فَرَغتَ فَقُل : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (1)5622.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :لا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتّى يُسَمِّىَ ؛ يَقولُ قَبلَ أن يَمَسَّ الماءَ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، اللّهُمَّ اجعَلنى مِنَ التَّوّابينَ ، وَاجعَلنى مِنَ المُتَطَهِّرينَ . (2)5623.تاريخ دمشق عن عُمَير بن عبد اللّه :الإمام الصادق عليه السلام :إذا تَوَضَّأَ أحَدُكُم ولَم يُسَمِّ ، كانَ لِلشَّيطانِ فى وُضوئِهِ شِرکٌ ، وإن أكَلَ أو شَرِبَ أو لَبِسَ ، وكُلُّ شَىءٍ صَنَعَهُ يَنبَغى لَهُ أن يُسَمِّىَ عَلَيهِ ، فَإِن لَم يَفعَل كانَ لِلشَّيطانِ فيهِ شِرکٌ . (3)3 / 5القِيامُ إلَى الصَّلاهِ5623.تاريخ دمشق (به نقل از عُمَير بن عبد اللّه) الإمام الباقر عليه السلام :إذا قُمتَ (4) إلى صَلاتِکَ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، وإلَى اللّهِ ، ومِنَ اللّهِ ، وما شاءَ اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، اللّهُمَّ اجعَلنى مِن زُوّارِ بَيتِکَ ، وعُمّارِ مَساجِدِکَ ، وَافتَح لى بابَ تَوبَتِکَ، وأغلِق عَنّى بابَ مَعصِيَتِکَ وكُلِّ مَعصِيَهٍ، الحَمدُ للّهِالَّذى جَعَلَنى مِمَّن يُناجيهِ ، اللّهُمَّ أقبِل عَلَىَّ بِوَجهِکَ ، جَلَّ ثَناؤُکَ» ، ثُمَّ افتَتِحِ الصَّلاهَ بِالتَّكبيرِ . (5) .

1- .الكافى : ج 3 ص 445 ح 12 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 123 ح 467 و ج 1 ص 76 ح 41 نحوه وكلّها عن زراره ، بحارالأنوار : ج 87 ص 188 ح 5 .
2- .الخصال : ص 628 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن : ج 1 ص 118 ح 120 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام وليس فيه «باسم اللّه وباللّه » ، تحف العقول : ص 117 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 314 ح 1 .
3- .المحاسن : ج 2 ص 211 ح 1629 عن الفضيل ، بحار الأنوار : ج 63 ص 203 ح 27 .
4- .أى إذا أردتَ القيام (مرآه العقول : ج 15 ص 403) .
5- .الكافى : ج 3 ص 445 ح 12 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 123 ح 467 كلاهما عن زراره ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 167 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 377 ح 30 .

3 / 5 هنگام ایستادن برای نماز

5624.امام علی علیه السلام :امام باقر علیه السلام :هر گاه شب [برای نماز] از خواب برخاستی ، بگو : «سپاس خداوند را که روح مرا به من باز گردانْد تا او را ستایش و عبادت کنم ...» .

سپس مسواک بزن و وضو بگیر ، و چون دستت را در آب گذاشتی ، بگو : «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! مرا از توبه کاران و از اهل طهارت و پاکی قرار ده» .

و چون وضویت را تمام کردی ، بگو : «سپاسْ خدای را که پروردگار جهانیان است» .5625.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :انسان نباید بدون بردن نام خدا وضو بگیرد ؛ پیش از آن که دست به آب بزند ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! مرا از توبه کنندگان و از اهل طهارت و پاکی قرار ده» .5626.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه یکی از شما وضو بگیرد و نام خدا را نبرد ، شیطان در وضوی او شریک می شود . هنگام خوردن یا آشامیدن یا پوشیدن و هر کاری که انجام می دهد ، باید نام خدا را ببرد ؛ زیرا اگر چنین نکند ، شیطان با او شریک می شود .3 / 5هنگام ایستادن برای نماز5629.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام :هر گاه به نماز ایستادی ، بگو : «به نام خدا و به یاری خدا و به سوی خدا و از جانب خدا ، آنچه خدا خواهد . هیچ توش و توانی نیست مگر به مدد خدا . بار خدایا ! مرا از زیارت کنندگان خانه ات و آبادکنندگان مسجدهایت قرار ده ، و دَرِ توبه ات را برایم بگشای ، و دَرِ نافرمانی ات و هر نوع گناه و نافرمانی را بر من ببند . سپاسْ خدای را که مرا از مناجات کنندگانش قرار داد . بار خدایا ! با وجه خودت ، به من رو کن . بزرگ است ثنای تو» . سپس نماز را با تکبیر آغاز کن .

.

3 / 6دُخولُ المَسجِدِ وَالخُروجُ مِنهُ5626.امام على عليه السلام :فاطمه عليهاالسلام :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ رَحمَتِكَ .

وإذا خَرَجَ يَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاغفِر ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ فَضلِكَ . (1)5627.امام على عليه السلام :عنها عليهاالسلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ رَحمَتِكَ .

وإذا خَرَجَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ فَضلِكَ . (2)5628.امام على عليه السلام :المصنّف لعبد الرزّاق عن المطّلب بن عبد اللّه بن حنطب :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ المَسجِدَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ افتَح لى أبوابَ رَحمَتِكَ ، وسَهِّل لى أبوابَ رِزقِكَ . (3) .

1- .دلائل الإمامه : ص 75 ح 14 عن فاطمه الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 23 ح 14 وفيه «اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد» فى كلا الموضعين .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 253 ح 771 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 159 ح 26479 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 373 ح 1 وج 7 ص 123 ح 1 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 167 ح 6721 كلّها عن عبد اللّه بن الحسن عن اُمّه فاطمه بنت الحسين عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 8 ص 321 ح 23109 .
3- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 1 ص 426 ح 1666 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 373 ح 2 وج 7 ص 123 ح 2 وليس فيهما «باسم اللّه » .

3 / 6 هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

3 / 6هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن5631.المستدرک على الصحيحين عن أبى الطُّفيل :فاطمه عليهاالسلام :پيامبر صلى الله عليه و آله هر گاه وارد مسجد مى شد ، مى گفت : «به نام خدا . بار خدايا ! بر محمّد رحمت فرست ، گناهانم را بيامرز و درهاى رحمتت را به رويم بگشاى» .

و هر گاه از مسجد خارج مى شد ، مى گفت : «به نام خدا . بار خدايا ! بر محمّد رحمت فرست ، گناهانم را بيامرز و درهاى فضل و بخششت را بر من بگشاى» .5632.الإمام علىّ عليه السلام :فاطمه عليهاالسلام :پيامبر خدا هر گاه وارد مسجد مى شد ، مى گفت : «به نام خدا ، و درود بر پيامبر خدا . بار خدايا ! گناهانم را بيامرز و درهاى رحمتت را براى من بگشاى» .

و هر گاه از مسجد بيرون مى آمد ، مى گفت : «به نام خدا ، و درود بر پيامبر خدا . بار خدايا ! گناهانم را بيامرز و درهاى بخششت را برايم بگشاى» .5631.المستدرک على الصحيحين (به نقل از ابو طُفَيل) المصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از عبد المطّلب بن عبد اللّه بن حنطب : پيامبر خدا هر گاه وارد مسجد مى شد ، مى گفت : «به نام خدا . بار خدايا ! درهاى رحمتت را بر من بگشاى و راه هاى روزى ات را برايم آسان گردان» .

.

5632.امام على عليه السلام :جامع الأخبار :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُمنى ويَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، وعَلَى اللّهِ تَوَكَّلتُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ .

و إذا خَرَجَ ، يَضَعُ رِجلَهُ اليُسرى ويَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (1)5633.عنه عليه السلام (مِن خُطبَةٍ لَهُ ذَكَرَ فيهَا الفِتنَةَ ، ثُمَّ) الإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا دَخَلَ المَسجِدَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، السَّلامُ عَلَيكَ أيُّهَا النَّبِىُّ ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، السَّلامُ عَلَينا وعَلى عِبادِ اللّهِ الصّالِحينَ . (2)5634.عنه عليه السلام :تهذيب الأحكام عن سماعه :إذا دَخَلتَ المَسجِدَ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ، إنَّ اللّهَ ومَلائِكَتَهُ يُصَلّونَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِم ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، رَبِّ اغفِر لى ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ فَضلِكَ .

وإذا خَرَجتَ فَقُل مِثلَ ذلِكَ . (3)3 / 7الذَّبحُالكتاب«فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِايَتِهِ مُؤْمِنِينَ» . (4)

الحديث5635.الأمالى ، طوسى (به نقل از عَبايه بن رِبْعى) الإمام علىّ عليه السلام :إذا ذَبَحَ أحَدُكُم فَليَقُل : بِاسمِ اللّهِ وَاللّهُ أكبرُ . (5) .

1- .جامع الأخبار : ص 175 ح 417 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 26 ح 19 .
2- .مسند زيد : ص 154 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 150 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 23 ح 12 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 263 ح 744 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 21 ح 8 .
4- .الأنعام : 118 .
5- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 174 ح 627 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 328 ح 41 .

3 / 7 هنگام ذبح کردن حیوان

5636.بصائر الدرجات (به نقل از سَلّام) جامع الأخبار :پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد ، ابتدا پای راستش را می گذاشت و می گفت : «به نام خدا . به خدا توکّل کردم ، و نیرو و توانی نیست مگر به مدد خدا» .

و هر گاه از مسجد خارج می شد ، نخست پای چپش را بیرون می گذاشت و می گفت : «به نام خدا . به خدا پناه می برم از شیطان رانده شده» .5637.الکافی (به نقل از زُراره) امام علی علیه السلام در ذکر هنگام ورود به مسجد : به نام خدا و به یاری خدا . درود و رحمت و برکات خدا ، بر تو ای پیامبر ! درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا .5638.الاستیعاب عن سعید بن المُسَیِّب :تهذیب الأحکام به نقل از سماعه : هر گاه داخل مسجد شدی ، بگو : «به نام خدا ، و درود بر پیامبر خدا . خدا و فرشتگانش بر محمّد و خاندان محمّد درود می فرستند . درود و رحمت و برکات خدا ، بر ایشان باد . پروردگارا ! گناهان مرا بیامرز و درهای بخششت را بر من بگشای» . در هنگام خارج شدن نیز همین را بگو .3 / 7هنگام ذبح کردن حیوانقرآن«پس، اگر به آیات او ایمان دارید ، از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح]بر آن برده شده است ، بخورید» .

حدیث5641.الصراط المستقیم :امام علی علیه السلام :هر گاه یکی از شما [حیوانی را] ذبح می کند ، بگوید : «به نام خدا ، و خدا بزرگ است» .

.

3 / 8الأَكلُ وَالشُّربُ5643.نهج البلاغه :رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصاياهُ لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا أكَلتَ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ» ، وإذا فَرَغتَ فَقُل : «الحَمدُ للّهِ» ؛ فَإنَّ حافِظَيکَ لا يَبرَحانِ يَکتُبانِ لَکَ الحَسَناتِ حَتّى تُبعِدَهُ عَنکَ . (1)5644.الأمالى للسيّد المرتضى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ الفاكِهَةَ وبَدَأ بِبِاسمِ اللّهِ لَم تَضُرَّهُ . (2)5642.نهج البلاغه :عنه صلى الله عليه و آله :زَيِّنوا مَوائِدَكُم بِالبَقلِ ؛ فَإنَّها مَطرَدَهٌ لِلشَّياطينِ مَعَ التَّسمِيَهِ . (3)5643.نهج البلاغه :الإمام علىّ عليه السلام :مَن أكَلَ طَعاما فَسَمَّى اللّهَ عَلى أوَّلِهِ ، وحَمِدَ اللّهَ عَلى آخِرِهِ ، لَم يُسأل عَن نَعيمِ ذلِکَ الطَّعامِ كائِنا ما كانَ . (4)5644.الأمالى ، سيّد مرتضى :الكافى عن داوود بن فرقد :قُلتُ لِأبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : كَيفَ اُسَمّى عَلَى الطَّعامِ؟

فَقالَ : إذَا اختَلَفَتِ الآنِيَهُ ، فَسَمِّ عَلى كُلِّ إناءٍ .

قُلتُ : فَإن نَسيتُ أن اُسَمِّىَ؟

قالَ : تَقولُ : بِاسمِ اللّهِ عَلى أوَّلِهِ وآخِرِهِ . (5)5645.نهج البلاغه :مكارم الأخلاق :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا شَرِبَ بَدَأ فَسَمّى وحَسا حَسوَةً وحَسوَتَينِ ، ثُمَّ يَقطَعُ فَيَحمَدُ اللّهَ ، ثُمَّ يَعودُ فَيُسَمّى ، ثُمَّ يَزيدُ فِى الثّالِثَهِ ، ثُمَّ يَقطَعُ فَيَحمَدُ اللّهَ ، فَكانَ لَهُ صلى الله عليه و آله فى شُربِهِ ثَلاثُ تَسمِياتٍ وثَلاثُ تَحميداتٍ ، ويَمُصُّ الماءَ مَصّا ولا يَعُبُّهُ عَبّا (6) . (7) .

1- .المحاسن : ج 2 ص 210 ح 1626 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 371 ح 12 .
2- .بحار الأنوار : ج 66 ص 119 ح 10 نقلاً عن مكارم الأخلاق : ج 1 ص 368 ح 1213 عن ابن عبّاس وقد سقطت لفظه «باسم اللّه » من النسخه المطبوعه التى عندنا .
3- .طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : ص 11 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 382 ح 1279 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 300 ؛ الفردوس : ج 2 ص 292 ح 3333 عن أبى اُمامه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 246 ح 40781 .
4- .قرب الإسناد : ص 90 ح 302 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الكافى : ج 6 ص 294 ح 14 عن عبد الرحمن العرزمى عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 368 ح 2 .

5- .الكافى : ج 6 ص 295 ح 20 ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 99 ح 431 ، المحاسن : ج 2 ص 220 ح 1662 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 379 ح 44 .
6- .العَبُّ : شربُ الماء من غيرِ مَصٍّ ، وقيل : أن يشرب الماء دَغرَقَةً ؛ أى أن يصبّ الماء مرّه واحده ، وقيل : العبّ الجَرع (لسان العرب : ج 1 ص 572 «عبب»).
7- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 76 ح 113 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 472 ح 54 .

3 / 8 هنگام خوردن و آشامیدن

3 / 8هنگام خوردن و آشامیدن5648.عنه علیه السلام (فی جَوابِ سائِلٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علیّ ! هر گاه شروع به خوردن می کنی ، بگو : «به نام خدا» و چون تمام کردی ، بگو : «سپاسْ خدای را» ؛ زیرا [اگر چنین کنی ،] دو [فرشته] نگهبان تو ، تا آن گاه که غذا را از خودت دفع کنی ، پیوسته برایت ثواب می نویسند .5649.خصائص الأئمّه علیهم السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس میوه ای بخورد و به نام خدا شروع کند ، آن میوه به او زیان نمی رساند .5645.نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سفره هایتان را با سبزی بیارایید ؛ زیرا سبزی ها ، همراه با بردن نام خدا ، شیاطین را دور می کنند .5646.الغارات (به نقل از ابو عمرو کِنْدی ، در بیان پرسش های اب) امام علی علیه السلام :هر کس غذایی بخورد و در آغاز آن ، نام خدا را ببرد و در پایانش خدا را سپاس بگوید ، در باره نعمت آن غذا هر چه باشد ، بازخواست نخواهد شد .5647.امام علی علیه السلام در هنگامی که ابن کوّاء گفتالکافی به نقل از داوود بن فَرْقَد : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : هنگام غذا ، چگونه بسم اللّه بگویم؟

فرمود : «اگر ظرف ها متعدّد بود ، برای هر ظرف غذایی ، بسم اللّه بگو» .

گفتم : اگر فراموش کردم که بسم اللّه بگویم ، چه؟

فرمود : «می گویی : به نام خدا برای آغاز و پایان این [غذا] » .5648.امام علی علیه السلام (در پاسخ پرسش کننده ای) مکارم الأخلاق :پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام آشامیدن ، نخست نام خدا را می گفت و یکی دو جرعه می نوشید . سپس قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت . آن گاه ، دوباره نام خدا را می برد و در مرتبه سوم بیشتر می نوشید . سپس قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت . ایشان در هنگام آشامیدنش ، سه بار بسم اللّه و سه بار الحمد للّه می گفت . آب را جرعه جرعه می آشامید و یکباره سر نمی کشید .

.

5649.خصائص الأئمّه عليهم السلامالإمام الصادق عليه السلام :إذا شَرِبَ أحَدُكُمُ الماءَ فَقالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ثُمَّ شَرِبَ ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، ثُمَّ شَرِبَ فَقالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، ثُمَّ شَرِبَ فَقالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ؛ سَبَّحَ ذلِکَ الماءُ لَهُ مادامَ فى بَطنِهِ إلى أن يَخرُجَ . (1)5650.تذكره الخواصّ عن ابن المسيّب :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ مِنكُم لَيَشرَبُ الشَّربَةَ مِنَ الماءِ فَيوجِبُ اللّهُ لَهُ بِهَا الجَنَّهَ ! ... إنَّهُ لَيَأخُذُ الإِناءَ فَيَضَعُهُ عَلى فيهِ فَيُسَمّى ثُمَّ يَشرَبُ ، فَيُنَحّيهِ وهُوَ يَشتَهيهِ ، فَيَحمَدُ اللّهَ ، ثُمَّ يَعودُ فَيَشرَبُ ، ثُمَّ يُنَحّيهِ فَيَحمَدُ اللّهَ ، ثُمَّ يَعودُ فَيَشرَبُ ، ثُمَّ يُنَحّيهِ فَيَحمَدُ اللّهَ ؛ فَيوجِبُ اللّهُ عز و جل بِها لَهُ الجَنَّهَ . (2)راجع : ص 396 ح 653 .

3 / 9النَّومُ5652.الفضائل لابن شاذان :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ عِندَ مَنامِهِ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، يَقولُ اللّهُ : مَلائِكَتِى ! اُكتُبوا بِالحَسَناتِ نَفَسَهُ إلَى الصَّباحِ . (3) .

1- .الكافى : ج 6 ص 384 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 406 ح 2422 كلاهما عن عمر (عمرو) بن يزيد ، بحار الأنوار : ج 66 ص 469 ح 38 .
2- .الكافى : ج 2 ص 96 ح 16 عن أبى بصير ، معانى الأخبار : ص 385 ح 17 ، المحاسن : ج 2 ص 406 ح 2421 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 463 ح 15 .
3- .جامع الأخبار : ص 120 ح 218 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 258 ح 52 .

5652.الفضائل ، ابن شادان :امام صادق علیه السلام :هر گاه فردی از شما خواست آب بنوشد ، بگوید : «به نام خدا» و سپس بیاشامد . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . سپس بیاشامد و بگوید : «به نام خدا» . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . سپس بیاشامد و بگوید : «به نام خدا» . آن گاه ، قطع کند و بگوید : «سپاس ، خدای را» . [اگر چنین کند ،]آن آب از زمانی که در شکم او جای می گیرد ، تا زمانی که دفع شود ، تسبیح [خدا] می گوید .5653.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :گاه ، مردی از شما جرعه ای آب می نوشد و خداوند ، بدان سبب ، بهشت را بر او واجب می گرداند! ... [بدین سان که] ظرف را بر می دارد و بر دهانش می گذارد و نام خدا را می برد و آن گاه می آشامد . سپس آن را از دهانش دور می کند با آن که هنوز آب میل دارد و خدا را سپاس می گوید . سپس دوباره شروع به آشامیدن می کند و باز ظرف را دور می کند و خدا را سپاس می گوید ، و سه باره شروع به آشامیدن می کند و باز دور می برد و خدا را سپاس می گوید . پس خداوند عز و جل به سبب این کارش ، بهشت را بر او واجب می گرداند .ر . ک : ص 397 ح 653 .

3 / 9هنگام خوابیدن5657.فضائل الصحابه لابن حنبل عن حمید بن عبد اللّه بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده در هنگام خوابیدن بگوید : «به نام خداوند مهرْ گستر مهربان» ، خداوند می فرماید : «فرشتگان من! نفَس های او را تا صبح ، ثواب بنویسید» .

.

5653.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله کانَ یَقولُ عِندَ مَنامِهِ : بِاسمِ اللّهِ أموتُ وأحیا وإلَی اللّهِ المَصیرُ ، اللّهُمَّ آمِن رَوعَتی ، وَاستُر عَورَتی ، وأدِّ عَنّی أمانَتی . (1)5654.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :إذا أرادَ أحَدُکُمُ النَّومَ فَلیَضَع یَدَهُ الیُمنی تَحتَ خَدِّهِ الأیمَنِ ، وَلیَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، وَضَعتُ جَنبی للّهِ ، عَلی مِلَّهِ إبراهیمَ ودینِ مُحَمَّدٍ وولایَهِ مَنِ افتَرَضَ اللّهُ طاعَتَهُ ، ما شاءَ اللّهُ کانَ وما لَم یَشَأ لَم یَکُن» . فَمَن قالَ ذلِکَ عِندَ مَنامِهِ حُفِظَ مِنَ اللِّصِّ ، وَالمُغیرِ ، وَالهَدمِ ، وَاستَغفَرَت لَهُ المَلائِکَهُ . (2)5655.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :إذا تَوَسَّدَ الرَّجُلُ یَمینَهُ ، فَلیَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی أسلَمتُ نَفسی إلَیکَ ، ووَجَّهتُ وَجهی إلَیکَ ، وفَوَّضتُ أمری إلَیکَ ، وألجَأتُ ظَهری إلَیکَ ، تَوَکَّلتُ عَلَیکَ رَهبَهً مِنکَ ورغبَهً إلَیکَ ، لا مَلجَأ ولا مَنجی مِنکَ إلّا إلَیکَ ، آمَنتُ بِکِتابِکَ الَّذی أنزَلتَ ، وبِرَسولِکَ الَّذی أرسَلتَ» . ثُمَّ یُسَبِّحُ تَسبیحَ فاطِمَهَ الزَّهراءِ علیهاالسلام . (3)3 / 10اللُّبسُ5658.المستدرک علی الصحیحین عن عبد اللّه [بن مسعود] :الإمام الباقر علیه السلام حینَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یَلبَسُ الثَّوبَ الجَدیدَ : یَقولُ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، اللّهُمَّ اجعَلهُ ثَوبَ یُمنٍ وتَقوی وبَرَکَهٍ ، اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ حُسنَ عِبادَتِکَ ، وعَمَلاً بِطاعَتِکَ ، وأداءَ شُکرِ نِعمَتِکَ ، الحَمدُ للّهِ الَّذی کَسانی ما اُواری بِهِ عَورَتی ، وأتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ . (4) .

1- .مکارم الأخلاق : ج 1 ص 93 ح 175 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 202 ح 19 .
2- .الخصال : ص 631 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تحف العقول : ص 120 وزاد فی ذیله «حتّی ینتبه» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 191 ح 1 .
3- .تهذیب الأحکام : ج 2 ص 116 ح 435 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 469 ح 1351 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 43 ح 2097 کلّها عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 76 ص 195 ح 12 .
4- .مکارم الأخلاق : ج 1 ص 222 ح 654 ، الکافی : ج 6 ص 458 ح 1 عن محمّد بن مسلم ولیس فیه «باسم اللّه وباللّه » .

5659.صحیح البخاری عن عمر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ذکر هنگام خوابیدن : به نام خدا می میرم و زندگی می کنم ، و حرکت به سوی خداست. بار خدایا ! ترس مرا به آرامش تبدیل فرما و عیبم را بپوشان و امانتم را از طرف من بپرداز .5660.المناقب لابن شهر آشوب عن عمر :امام علی علیه السلام :هر گاه یکی از شما خواست بخوابد ، دست راستش را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید : «به نام خدا ، پهلویم را برای خدا [بر زمین] نهادم ، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمّد و پیروی و دوستی کسی هستم که خداوند ، فرمانبری از او را واجب گردانیده است . آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و آنچه نخواهد ، نمی شود» .

هر کس این را در هنگام خوابش بگوید ، از دزد و غارت و رفتن زیر آوار ، محفوظ می ماند و فرشتگان برایش آمرزش می طلبند .5661.شرح نهج البلاغه :امام باقر علیه السلام :هر گاه کسی گونه راست خود را بر بالین نهاد ، بگوید : «به نام خدا . بار خدایا ! خودم را تسلیم تو کردم و رو به سوی تو نمودم . کارم را به تو وا نهادم و تو را پشت و پناهم قرار دادم و از سر بیم و امید به تو ، بر تو توکّل کردم . هیچ پناهی و گریزی از تو نیست ، مگر به سوی خود تو . به کتابت که نازل کردی و به پیامبرت که فرستادی ، ایمان آوردم» . سپس تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام را بگوید .3 / 10هنگام پوشیدن5659.صحیح البخاری (به نقل از عمر) امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال در باره کسی که جامه نو می پوشد : بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! این جامه را جامه برکت و تقوا و برکت قرار ده . بار خدایا ! در این جامه ، حُسن عبادتت ، و به کار بستن طاعتت ، و گزاردن شکر نعمتت را روزیِ من فرما . سپاس ، خدای را که بر من چیزی پوشانْد که با آن ، برهنگی ام را بپوشانم و در میان مردم ، آراسته گردم» .

.

3 / 11التَّخَلّی5662.امام باقر علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذَا انکَشَفَ أحَدُکُم لِبَولٍ أو غَیرِ ذلِکَ ، فَلیَقُل : «بِاسمِ اللّهِ» ؛ فَإِنَّ الشَّیطانَ یَغُضُّ بَصَرَهُ . (1)5663.المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عبّاس :الإمام الصادق علیه السلام :إذا دَخَلتَ المَخرَجَ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الخَبیثِ المُخبِثِ ، الرِّجسِ النَّجسِ ، الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (2)5664.تاریخ الطبری عن المقداد :فلاح السائل عن أبی خدیجه :إنَّ عَمرَو بنَ عُبیدٍ ، وواصِلَ بنَ عطاءٍ ، وبَشیرا الرَّحّالَ سَألوا أبا عَبدِ اللّه علیه السلام عَن حَدِّ الخَلاءِ إذا دَخَلَهُ الرَّجُلُ ، فَقالَ :

إذا دَخَلَ الخَلاءَ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، فَإذا جَلَسَ یَقضی حاجَتَهُ قالَ : «اللّهُمَّ أذهِب عَنّی الأَذی ، وهَنَّئنی طَعامی» ، فَإذا قَضی حاجَتَهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذی أماطَ عَنّی الأَذی ، وهَنَّأنی طَعامی» . (3)3 / 12الجِماعُ5663.المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از ابن عبّاس) رسول اللّه صلی الله علیه و آله مِن وَصایاهُ لِعَلِیٍّ علیه السلام : یا عَلِیُّ ، إذا جامَعتَ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ جَنِّبنَا الشَّیطانَ ، وجَنِّبِ الشَّیطانَ ما رَزَقتَنی» ، فَإِن قَضی أن یَکونَ بَینَکُما وَلَدٌ ، لَم یَضُرَّهُ الشَّیطانُ أبَدا . (4) .

1- .تهذیب الأحکام : ج 1 ص 353 ح 1047 عن محمّد بن الحسین عن الحسن بن علیّ عن أبیه عن آبائه علیهم السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 25 ح 43 عن الإمام الباقر علیه السلام ، ثواب الأعمال : ص 30 ح 1 عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام ، وفیهما بزیاده «عنه حتی یفرغ» ، بحار الأنوار : ج 80 ص 176 ح 22 .
2- .الکافی : ج 3 ص 16 ح 1 ، تهذیب الأحکام : ج 1 ص 25 ح 63 کلاهما عن معاویه بن عمّار ، فلاح السائل : ص 118 ح 54 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 80 ص 179 ح 27 .
3- .فلاح السائل : ص 119 ح 56 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 179 ح 28 .
4- .تحف العقول : ص 12 ، الکافی : ج 5 ص 503 ح 3 عن أبی القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام علیّ علیهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 66 ح 5 ؛ صحیح البخاری : ج 3 ص 1193 ح 3098 ، صحیح مسلم : ج 2 ص 1058 ح 116 ، سنن الترمذی : ج 3 ص 401 ح 1092 کلّها عن ابن عبّاس نحوه ، کنزالعمّال : ج 16 ص 345 ح 44847 .

3 / 11 هنگام قضای حاجت

3 / 12 هنگام هم بستر شدن

3 / 11هنگام قضای حاجت5666.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما برای ادرار کردن یا کار دیگری ، کشف عورت کرد ، بگوید : «به نام خدا» . در این صورت ، شیطان چشم خود را می بندد .5667.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه وارد آبریزگاه شدی ، بگو : «به نام خدا . بار خدایا ! از آن ناپاکِ ناپاک کننده ، پلید آلوده ، شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می برم» .5668.الإمام علیّ علیه السلام :فلاح السائل به نقل از ابو خدیجه : عمرو بن عبید و واصل بن عطا و بشیر رحّال ، از امام صادق علیه السلام در باره آداب وارد شدن به خلا پرسیدند .

فرمود : «هر گاه شخص وارد خلا شد ، بگوید : به نام خدا ، و چون برای قضای حاجت نشست ، بگوید : بار خدایا ! ناراحتی را از من ببر و غذایی را که خورده ام ، گوارایم ساز ، و چون قضای حاجت کرد ، بگوید : سپاس ، خدای را که ناراحتی را از من دور ساخت و غذایی را که خورده ام ، گوارایم ساخت » .3 / 12هنگام هم بستر شدن5669.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : ای علی ! هر گاه هم بستر شدی ، بگو : «به نام خدا . خدایا ! ما را از شیطان دور بدار و شیطان را از آنچه روزیِ من کرده ای ، دور بدار» . پس اگر مقدّر شد که از شما فرزندی به دنیا آید ، هرگز شیطان به او گزندی نمی زند .

.

5670.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إذا أرادَ الرَّجُلُ أن يُجامِعَ أهلَهُ ، فَليُسَمِّ اللّٰهَ ويَدعوهُ بِما قَدَرَ عَلَيهِ . . . .

5671.الإمام الباقر عليه السلام :تفسير العيّاشي عن سليمان الجعفرى (1) سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ : إذا أتى أحَدُكُم أهلَهُ فَليَكُن قَبلَ ذلِكَ مُلاطَفَهٌ ؛ فَإنَّهُ أبَرُّ (2) لِقَلبِها ، وأسَلُّ (3) لِسَخيمَتِها (4) ، فَإذا أفضى إلى حاجَتِهِ قالَ : «بِاسمِ اللّٰهِ» ثَلاثا ، فَإن قَدَرَ أن يَقرَأَ أىَّ آيَهٍ حَضَرَتهُ مِنَ القُرآنِ فَعَلَ ، وإلّا قَد كَفَتهُ التَّسمِيَهُ . (5) 3 / 13أخذُ الشّارِبِ5669.امام علی علیه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :مَن أخَذَ مِن أظفارِهِ وشارِبِهِ كُلَّ جُمُعَهٍ وقالَ حينَ يَأخُذُ : «بِاسمِ اللّٰهِ وبِاللّٰهِ ، وعَلى سُنَّهِ مُحَمَّدٍ رَسولِ اللّٰهِ صلى الله عليه و آله » ، لَم يَسقُط مِنهُ قُلامَهٌ ولا جُزازَهٌ (6) إلّا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِها عِتقَ نَسَمَهٍ . (7) .

1- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 211 ح 774 .
2- .فى تفسير البرهان : ج 1 ص 99 ح 246 «ألين» .
3- .السَّلّ : انتزاعک الشىء وإخراجه فى رِفق (القاموس المحيط : ج 3 ص 396 «سلل») .
4- .السَّخِيْمَهُ : الحِقْد (النهايه : ج 2 ص 351 «سخم») .
5- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 21 ح 14 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 238 ح 37 .
6- .جَزَّ الصوفَ والشَّعرَ : قَطَعَهُ . والجُزازَهُ : ما جُزَّ منه (لسان العرب : ج 5 ص 319 و 320 «جزز»).
7- .الكافى : ج 6 ص 491 ح 9 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 237 ح 627 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 126 ح 303 كلّها عن عبد الرحيم القصير ، الخصال : ص 391 ح 87 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 153 ح 403 وفى الثلاثه الأخيره «على سنّه محمّد وآل محمّد» .

3 / 13 هنگام گرفتن سبیل

5670.امام صادق علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه مرد خواست با همسرش نزدیکی کند ، نام خدا را ببرد و هر دعایی که توانست ، بخواند .5671.امام باقر علیه السلام :تفسیر العیّاشی به نقل از سلیمان جعفری : از ابو الحسن علیه السلام (1) شنیدم که می فرماید : «هر گاه یکی از شما خواست با همسرش هم بستر شود ، نخست نوازش کند ؛ زیرا این کار ، در به دست آوردنِ دل او و از بین بردن نفرت و تکدّر خاطرش ، بیشترین تأثیر را دارد . و چون کارش را انجام داد ، سه بار بگوید : به نام خدا و اگر توانست هر آیه ای از قرآن را که به ذهنش می رسد بخواند ، این کار را بکند و اگر نتوانست ، همان بردنِ نام خدا برایش کافی است» .3 / 13هنگام گرفتن سبیل5674.الإمام الصادق علیه السلام :امام باقر علیه السلام :هر کس هر جمعه ناخن ها و سبیلش را بگیرد و هنگام گرفتن آنها بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا و بر سنّت محمّد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله » ، هیچ چیده ناخن یا مویی از او بر زمین نمی افتد ، مگر آن که خداوند به ازای آن ، [ثواب]آزاد کردن یک برده را برایش می نویسد .

.

1- .مقصود ، امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

5674.امام صادق علیه السلام :مکارم الأخلاق :إذا أخَذَ الشّارِبَ یَقولُ (1) : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ وعَلی مِلَّهِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله . (2)3 / 14الرَّکوبُ5676.الإمام الباقر علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن قالَ إذا رَکِبَ الدّابَّهَ : بِاسمِ اللّهِ لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَاوَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلاَ أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْکُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (3) و «سُبْحَنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» (4) ؛ حُفِظَت لَهُ نَفسُهُ ودابَّتُهُ حَتّی یَنزِلَ . (5)5677.الإمام الباقر علیه السلام :الأمالی للطوسی عن علیّ بن ربیعه الأسدی :رَکِبَ عَلِیٌّ بنُ أبی طالِبٍ علیه السلام ، فَلَمّا وَضَعَ رِجلَهُ فِی الرِّکابِ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، فَلَمَّا استَوَی عَلَی الدّابَّهِ قالَ : «الحَمدُ لِلّهِ الَّذی أکرَمَنا وحَمَلَنا فِی البَرِّ وَالبَحرِ ، ورَزَقَنا مِنَ الطَّیِّباتِ ، وفَضَّلَنا عَلی کَثیرٍ مِمَّن خَلَقَ تَفضیلاً ، «سُبْحَنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» » . (6)5676.امام باقر علیه السلام :الأمان عن صفوان الجمّال :إنَّهُ [أی الصّادِقَ] علیه السلام لَمّا رَکِبَ الجَمَلَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، «سُبْحَنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ * وَ إِنَّا إِلَی رَبِّنَالَمُنقَلِبُونَ» . (7) .

1- .فی هامش المصدر : «کذا ورد الحدیث ، وهو مبتور...».
2- .مکارم الأخلاق : ج 1 ص 157 ح 423 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 112 ح 14 .
3- .الأعراف : 43 .
4- .الزخرف : 13 . ومقرنین : أی مطیقین ، من أقرن له : إذا أطاقه (مجمع البحرین : ج 3 ص 1472 «قرن») .
5- .الکافی : ج 6 ص 540 ح 17 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 165 ح 309 ، ثواب الأعمال : ص 228 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 470 ح 2631 کلّها عن إبراهیم بن عبد الحمید عن الإمام الکاظم علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 296 ح 25 .
6- .الأمالی للطوسی : ص 515 ح 1126 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 295 ح 23 .
7- .الأمان : ص 109 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 298 ح 34 .

5677.امام باقر علیه السلام :مکارم الأخلاق :در هنگام کوتاه کردن سبیل ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله » .3 / 14هنگام نشستن بر مرکب5679.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب ، بگوید : «به نام خدا . هیچ توش و توانی نیست ، مگر به مدد خدا . «خدا را سپاس که ما را به این [مسیر] ، ره نمون شد ، و اگر خدا ما را راه نمایی نمی کرد ، ما خود ، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت ، فرستادگانِ پروردگار ما حق را آوردند . و به آنان ندا داده می شود که این، همان بهشتی است که آن را به [پاداشِ] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» و «منزّه است خدایی که این را رامِ ما ساخت و ما بر آن ، توانا نبودیم» » ، خودش و چارپایش ، تا زمانی که پیاده شود ، محفوظ خواهند بود .5679.الإرشاد :الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعه اسدی : امام علی علیه السلام بر مرکب نشست . چون پایش را در رکاب نهاد ، گفت : «به نام خدا» و چون روی مرکب قرار گرفت ، گفت : «سپاس ، خدای را که گرامی مان بداشت و در خشکی و آب ، ما را حمل کرد و از خوراکی های پاکیزه روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش بسی برتری داد . «منزّه است خدایی که این [مَرکَب] را رام ما ساخت و ما بر آن توانا نبودیم» » .5680.الإمام الصادق علیه السلام :الأمان به نقل از صفوان جمّال : هنگامی که امام صادق علیه السلام بر شتر نشست ، گفت : «به نام خدا . هیچ توش و توانی نیست ، جز به مدد خدا . «منزّه است خدایی که این را رامِ ما کرد و ما بر آن توانا نبودیم ، و ما به سوی پروردگار خود ، باز می گردیم» » .

.

5680.امام صادق علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام :إذا خَرَجتَ مِن بَیتِکَ تُریدُ الحَجَّ وَالعُمرَةَ إن شاءَ اللّهُ ، فَادعُ دُعاءَ الفَرَجِ . . . فَإذا جَعَلتَ رِجلَکَ فِی الرِّکابِ فَقُل : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، بِاسمِ اللّهِ وَاللّهُ أکبَرُ . . . 3(1) / 15السَّفَرُ5682.الإمام الصادق علیه السلام :المزار الکبیر فی ذِکرِ ما یُقالُ عِندَ الخُروجِ لِلسَّفَرِ : وتَقولُ أیضا ما رُوِیَ عَن سَیِّدِنا رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أنَّهُ قالَ :جاءَنی جَبرَئیلُ علیه السلام فَقالَ : رَبُّکَ یُقرِئُکَ السَّلامَ ویَقولُ لَکَ : یا مُحَمَّدُ! مَن أرادَ مِن اُمَّتِکَ أن أحفَظَهُ فی سَفَرِهِ ، واُؤَدِّیَهُ سالِما ، فَلیَقُل : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، تَوَکَّلتُ عَلَی اللّهِ . . . .

فَإذا وَضَعتَ رِجلَکَ عَلی بابِکَ لِلخُروجِ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، آمَنتُ بِاللّهِ ، تَوَکَّلتُ عَلَی اللّهِ ، ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)5682.امام صادق علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله کانَ إذا وَضَعَ رِجلَهُ فِی الغَرزِ (3) وهُوَ یُریدُ السَّفَرَ یَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِی السَّفَرِ ، وَالخَلیفَهُ فِی الأَهلِ ، اللّهُمَّ ازوِ لَنَا الأَرضَ ، وهَوِّن عَلَینَا السَّفَرَ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ (4) ، ومِن کَآبَهِ المُنقَلَبِ ، ومِن سُوءِ المَنظَرِ فِی المالِ وَالأَهلِ . (5) .

1- .الکافی : ج 4 ص 284 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 5 ص 50 ح 154 کلاهما عن معاویه بن عمّار .
2- .المزار الکبیر : ص49 ، المزار للمفید : ص 62 وفیه من «فإذا وضعت ...» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 263 ح 57 .
3- .الغَرْز : رکاب الرحل (لسان العرب : ج 5 ص 386 «غرز») .
4- .وَعثاء السَّفَر : أی شدّته ومشقّته. وأصله من الوَعْث ، وهو الرمل ، والمشی فیه یشتدّ علی صاحبه ویشقّ (النهایه : ج 5 ص 206 «وعث») .
5- .الموطّأ : ج 2 ص 977 ح 34 ، سنن أبی داوود : ج 3 ص 33 ح 2598 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 109 ح 2484 کلاهما عن أبی هریره ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 550 ح 2311 عن ابن عبّاس ، السنن الکبری : ج 5 ص 410 ح 10303 عن عبد اللّه بن سرجس وکلّها نحوه ، کنزالعمّال : ج 6 ص 714 ح 17536 .

5683.المستدرک علی الصحیحین عن ابن عبّاس :امام صادق علیه السلام :هر گاه به خواست خدا ، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی ، دعای فَرَج را بخوان ... و چون پایت را در رکاب نهادی ، بگو : «به نام خداوند مهرگستر مهربان . به نام خدا ، و خدا بزرگ است ...» .3 / 15هنگام سفر5684.مسند ابن حنبل (به نقل از ابو ظبیان جنبی) المزار الکبیر در بیان ذکرهایی که هنگام رفتن به سفر گفته می شود : و نیز همان چیزی را می گویی که از سَروَرمان ، پیامبرِ خدا ، روایت شده است که فرمود : «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت : پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید : ای محمّد! هر کس از امّت تو که می خواهد در سفرش از او محافظت کنم و او را به سلامت برسانم ، بگوید : به نام خداوند مهرگستر مهربان . به خدا توکّل کردم ... .

و آن گاه که برای بیرون رفتن ، پایت را دمِ در گذاشتی ، بگو : به نام خدا . به خدا ایمان دارم . بر خدا توکّل کردم . هَر چه خدا خواهد . توش و توانی نیست ، مگر به مدد خدا » .5685.سنن أبی داوود عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به قصد سفر ، پایش را در رکاب می گذاشت ، می فرمود : به نام خدا . بار خدایا ! تویی همراه در سفر ، و جانشین [هر مسافری]در میان خانواده[اش] . بار خدایا ! زمین را برای ما در هم بپیچان (راهمان را کوتاه ساز) ، و سفر را بر ما آسان گردان . بار خدایا ! از سختیِ سفر و از اندوه بازگشت و از [روبه رو شدن با]صحنه بد در اموال و خانواده ، به تو پناه می برم .

.

5686.الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ مِنَ الأَنصارِ : إذا تَوَجَّهتَ إلى سَبيلِ الحَجِّ ، ثُمَّ رَكِبتَ راحِلَتَکَ ، ثُمَّ قُلتَ : «بِاسمِ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ» ، ثُمَّ مَضَت راحِلَتُکَ ، لَم تَضَع خُفّا ولَم تَرفَع خُفّا إلّا کُتِبَ لَکَ حَسَنَةٌ ، ومُحِیَ عَنکَ سَیِّئَةٌ . (1)5685.سنن أبی داوود (به نقل از ابن عبّاس) الإمام الصادق علیه السلام :إذا خَرَجتَ مِن بَیتِکَ تُریدُ الحَجَّ وَالعُمرَةَ إن شاءَ اللّهُ فَادعُ دُعاءَ الفَرَجِ . . . ثُمَّ قُل : اللّهُمَّ کُن لی جارا مِن کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ ، ومِن کُلِّ شَیطانٍ مَریدٍ» ، ثُمَّ قُل : «بِاسمِ اللّهِ دَخَلتُ ، وبِاسمِ اللّهِ خَرَجتُ ، وفی سَبیلِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی اُقَدِّمُ بَینَ یَدَیَّ نِسیانی وعَجَلَتی بِاسمِ اللّهِ وما شاءَ اللّهُ فی سَفَری هذا» . (2)3 / 16کُلُّ أمرٍ5687.المناقب ، ابن شهر آشوب :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَنِ ابتَدَأَ بِأمرٍ وقالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (3)5688.المناقب للخوارزمی عن أبی الأسود :عنه صلی الله علیه و آله :کُلُّ أمرٍ ذی بالٍ لا یُبدَأُ فیهِ بِبِاسمِ اللّهِ فَهُو أجذَمُ (4) . (5)5689.کتاب من لا یحضره الفقیه عن محمّد بن عمرو بن سعیدالإمام الصادق علیه السلام :أغلِقوا أبوابَ المَعصِیَهِ بِالاِستِعاذَهِ ، وَافتَحوا أبوابَ الطّاعَهِ بِالتَّسمِیَهِ . (6) .

1- .تهذیب الأحکام : ج 5 ص 20 ح 57 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 203 ح 2138 کلاهما عن محمّد بن قیس عن الإمام الباقر علیه السلام ، روضه الواعظین : ص 394 .
2- .الکافی : ج 4 ص 284 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 5 ص 50 ح 154 کلاهما عن معاویه بن عمّار .
3- .کنزالعمّال : ج 10 ص 164 ح 28854 نقلاً عن الرافعی عن الإمام علیّ علیه السلام .
4- .الجَذْمُ : القطع (المصباح المنیر : ص 94 «جذم»).
5- .تلخیص الحبیر : ج 1 ص 76 ح 70 عن أبی هریره ، تفسیر الفخر الرازی : ج 1 ص 213 ، إحیاء علوم الدین : ج 1 ص 305 وفیهما «فهو أبتر» ، کنزالعمّال : ج 1 ص 555 ح 2491 نقلاً عن عبدالقادر الرهاوی فی الأربعین وفیه «فهو أقطع» .
6- .الدعوات : ص 52 ح 130 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 17 .

5688.المناقب ، خوارزمی (به نقل از ابو اَسود) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار : هر گاه آهنگ سفر حج کردی و بر شترت نشستی و گفتی : «به نام خدا و ستایش ، خدای را» و سپس شترت حرکت کرد ، با هر سُمی که بگذارد و بردارد ، برای تو یک ثواب نوشته می شود و یک گناه از تو پاک می گردد .5689.کتاب من لایحضره الفقیه (به نقل از محمّد بن عمرو بن سعید ، که سند روایت) امام صادق علیه السلام :چون به خواست خدا ، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی ، دعای فرج را بخوان ... و سپس بگو : «بار خدایا ! مرا از هر زورگوی سرکشی و از هر شیطان متمرّدی ، در پناه خود بگیر» . سپس بگو : «به نام خدا داخل شدم ، و به نام خدا خارج شدم ، و در راه خدا [سفر می کنم] . بار خدایا ! در این سفرم ، پیش از آن که فراموش کنم یا شتاب ورزم ، می گویم : به نام خدا و آنچه خدا خواهد» .3 / 16در هر کاری5692.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس کاری را با «بسم اللّه » آغاز کند ، خداوند ، او را می آمرزد .5690.امام رضا علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کارِ بااهمّیتی که با نام خدا آغاز نشود ، بی دنباله (ناتمام) است .5691.امام باقر علیه السلام :امام صادق علیه السلام :درهای گناه را با پناه بردن به خدا [و گفتنِ «اعوذ باللّه »] ببندید ، و درهای طاعت را با بردنِ نام خدا باز کنید .

.

5692.امام صادق عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :قولوا عِندَ افتِتاحِ كُلِّ أمرٍ صَغيرٍ أو عَظيمٍ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . (1)5693.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :لا تَدَعَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» وإن كانَ بَعدَهُ شِعرٌ . (2)5693.امام صادق عليه السلام :عنه عليه السلام :لَرُبَّما تَرَكَ فِى افتِتاحِ أمرٍ بَعضُ شيعَتِنا «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، فَيَمتَحِنُهُ اللّهُ بِمَكروهٍ ؛ لِيُنَبِّهَهُ عَلى شُكرِ اللّهِ تَعالى وَالثَّناءِ عَلَيهِ ، ويَمحُوَ عَنُه وَصمَةَ تَقصيرِهِ عِندَ تَركِهِ قَولَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» .

لَقَد دَخَلَ عَبدُ اللّهِ بنُ يَحيى عَلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام وبَينَ يَدَيهِ كُرسِىٌّ ، فَأَمَرَهُ بِالجُلوسِ عَلَيهِ ، فَجَلَسَ ، فَمالَ بِهِ حَتّى سَقَطَ عَلى رَأسِهِ ، فَأَوضَحَ (3) عَن عَظمِ رَأسِهِ وسالَ الدَّمُ ، فَأَمَرَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام بِماءٍ فَغَسَلَ عَنهُ ذلِكَ الدَّمَ .

ثُمَّ قالَ : اُدنُ مِنّى ، فَدَنا مِنهُ ، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلى موضِحَتِهِ وقَد كانَ يَجِدُ مِن أَلَمِها ما لا صَبرَ لَهُ مَعَهُ ومَسَحَ يَدَهُ عَلَيها ، وتَفَلَ فيها ، فَما هُوَ إلّا أن فَعَلَ ذلِكَ حَتّى اندَمَلَ (4) ، وصارَ كَأَنَّهُ لَم يُصِبهُ شَىءٌ قَطُّ .

ثُمَّ قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : يا عَبدَ اللّهِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ تَمحيصَ ذُنوبِ (5) شيعَتِنا فِى الدُّنيا بِمِحَنِهِم ، لِتَسلَمَ لَهُم طاعاتُهُم ويَستَحِقّوا عَلَيها ثَوابَها . . . .

فَقالَ عَبدُ اللّهِ بنُ يَحيى : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، قَد أفَدتَنى وعَلَّمتَنى ، فَإِن رَأَيتَ أن تُعَرِّفَنى ذَنبِىَ الَّذِى امتُحِنتُ بِهِ فى هذَا المَجلِسِ حَتّى لا أعودَ إلى مِثلِهِ .

قالَ : تَركُكَ حينَ جَلَستَ أن تَقولَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، فَجَعَلَ اللّهُ ذلِكَ لِسَهوِكَ عَمّا نُدِبتَ إلَيهِ تَمحيصا بِما أصابَكَ . أما عَلِمتَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَدَّثَنى عَنِ اللّهِ عز و جل ، أنَّهُ قالَ : كُلُّ أمرٍ ذى بالٍ لَم يُذكَر «بِاسمِ اللّهِ» فيهِ فَهُوَ أبتَرُ؟ !

فَقُلتُ : بَلى بِأَبى أنتَ واُمّى ، لا أترُكُها بَعدَها .

قالَ : إذَن تُحصَنَ بِذلِكَ وتَسعَدَ . (6) .

1- .التوحيد : ص 232 ح 5 عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 28 ح 9 عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسن عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 233 ح 14 .
2- .الكافى : ج 2 ص 672 ح 1 عن جميل بن درّاج .
3- .المُوضِحَةُ : الشجَّةُ التى تُبدى وَضَحَ العظام (القاموس المحيط : ج 1 ص 255 «وضح»).
4- .اندمل : بَرِئ (القاموس المحيط : ج 3 ص 377 «دمل»).
5- .تمحيصُ الذنوب : إزالتها (النهايه : ج 4 ص 302 «محص»).
6- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 22 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 305 ح 1 .

5694.الکافی عن عاصم بن حمزه السلولی :امام علی علیه السلام :در شروع هر کاری ، کوچک یا بزرگ ، بگویید : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .5694.الکافی (به نقل از عاصم بن حمزه سَلولی) امام صادق علیه السلام :گفتنِ «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را وا مگذارید ، هر چند پیش از خواندن شعری .5695.الإرشاد :امام صادق علیه السلام :گاه یکی از شیعیان ما ، در آغاز کاری ، گفتنِ «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را ترک می گوید و از این رو ، خداوند ، او را به امر ناخوشایندی گرفتار می سازد تا وی را متوجّه سپاس گزاری از خداوند بزرگ و ثنای او گردانَد و لکّه ننگِ تقصیر در ترک «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را از او بزداید .

یک بار عبد اللّه بن یحیی نزد امیر مؤمنان رفت . جلو ایشان چهارپایه ای بود و به عبد اللّه فرمود که روی آن چهارپایه بنشیند . تا عبد اللّه نشست ، چهارپایه کج شد و او به سر افتاد و سرش شکست و خون جاری شد . امیر مؤمنان دستور داد آب آوردند و خونش را شست . سپس فرمود : «نزدیک من بیا» .

عبد اللّه نزدیک شد . ایشان دستش را بر شکاف سر او که از شدّت درد آن ، تاب نمی آورد نهاد و بر آن ، دست کشید و در آن ، آب دهان انداخت . بلافاصله ، زخم سر به هم آمد ، به طوری که انگار اصلاً صدمه ای ندیده است .

سپس امیر مؤمنان فرمود : «ای عبد اللّه ! ستایش ، خدا را که زدودنِ گناهان شیعیان ما را در دنیا با ایجاد رنج و گرفتاری برای آنان قرار داد تا همچنان طاعت هایشان برقرار بماند و برای آنها پاداش داده شوند ...» .

عبد اللّه بن یحیی گفت : ای امیر مؤمنان! مرا آگاه کردی و آموختی . اکنون اگر صلاح می دانی، به من بفرما که چه گناهی مرتکب شده بودم که به سبب آن ، در این مجلس تنبیه شدم ، تا دیگر آن را تکرار نکنم .

امیر مؤمنان فرمود : «وقتی نشستی ، نگفتی : بسم اللّه الرحمن الرحیم . پس خداوند ، این تنبیه را برای غفلت تو از کاری قرار داد که به آن فرا خوانده شده ای ، تا با این وسیله ، تو را [از این گناه] پاک گرداند . مگر نمی دانی که پیامبر خدا برایم گفت که خداوند عز و جل فرمود : هر کار مهمّی که در آن ، بسم اللّه گفته نشود ، ناقص است ؟ !» .

عبد اللّه بن یحیی گفت : بله ، پدر و مادرم به فدایت ! از این پس ، آن را ترک نمی کنم .

امیر مؤمنان فرمود : «در این صورت ، محفوظ و خوش بخت خواهی بود» . .

ص: 390

راجع : ص 328 ح 537 .

.

ص: 391

ر . ک : ص 329 ح 537 .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : آثار البسمله4 / 1البَرَكَةُ5698.المناقب لابن شهر آشوب عن سلمه بن عبد الرحمن :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : قَسَمتُ فاتِحَةَ الكِتابِ بَينى وبَينَ عَبدى ، فَنِصفُها لى ونِصفُها لِعَبدى ، ولِعَبدى ما سَأَلَ . إذا قالَ العَبدُ : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : بَدَأَ عَبدى بِاسمى ، وحَقٌّ عَلَىَّ أن أُتَمِّمَ لَهُ اُمورَهُ ، واُبارِكَ لَهُ فى أحوالِهِ... . (1)4 / 2الاِعتِصامُ5699.الكافى (به نقل از زادان) الإمام علىّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلٍ : يا كُمَيلُ ، سَمِّ كُلَّ يَومٍ بِاسمِ اللّهِ ، وقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، وتَوَكَّل عَلَى اللّهِ . (2) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 300 ح 59 ، الأمالى للصدوق : ص 239 ح 253 كلاهما عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 226 ح 3 وج 85 ص 59 وراجع شُعب الإيمان : ج 2 ص 447 ح 2362 و كنزالعمّال : ج 2 ص 299 ح 4055 .

2- .تحف العقول : ص 171 ، بشاره المصطفى : ص 25 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 77 ص 268 ح 1 و ص 414 ح 38 .

فصل چهارم: آثار «بسم اللّه »

4 / 1 برکت یافتن

4 / 2 قرار گرفتن در پناه خدا

فصل چهارم: آثار «بسم اللّه »4 / 1برکت یافتن5702.الإمام الرضا علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود : «[سوره] فاتحه الکتاب را میان خودم و بنده ام قسمت کرده ام ؛ نصفش از آنِ من است و نصفش از آنِ بنده ام ، و آنچه بنده ام بخواهد ، به او می دهم» .

هر گاه بنده بگوید : «به نام خداوند مهرگسترِ مهربان» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام به نام من آغاز کرد و بر من است که کارهای او را برایش تمام گردانم و در احوالش به او برکت دهم ...» .4 / 2قرار گرفتن در پناه خدا5702.امام رضا علیه السلام :امام علی علیه السلام در سفارش هایش به کمیل : ای کمیل ! هر روز ، نام خدا را ببر و بگو : «هیچ توش و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» و به خدا توکّل کن .

.

5703.المُقنع :عنه علیه السلام :إنَّ اسمَ اللّهِ فاتِقٌ لِلرُّتوقِ (1) ، وخائِطٌ لِلخُروقِ (2) ، ومُسَهِّلٌ لِلوُعورِ ، وجُنَّةٌ عَنِ الشُّرورِ ، وحِصنٌ مِن مِحَنِ الدُّهورِ ، وشِفاءٌ لِما فِی الصُّدورِ ، وأمانٌ یَومَ النُّشورِ . (3)5704.الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیهماالسلام :الإمام زین العابدین علیه السلام :بِاسمِ اللّهِ کَلِمَهِ المُعتَصِمینَ (4) ، ومَقالَهِ المُتَحَرِّزینَ . . . . (5)5704.امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :عنه علیه السلام :بِاسمِ اللّهِ استَعَنتُ ، وبِبِاسمِ اللّهِ استَجَرتُ ، وبِهِ اعتَصَمتُ ، وما تَوفیقی إلّا بِاللّهِ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ . (6)5705.الکافی عن الأصبغ بن نباته :الإمام العسکری علیه السلام :اِحتَجَبتُ بِحِجابِ اللّهِ . . . وَاحتَطتُ عَلی نَفسی وأهلی ووُلدی ومالی ومَا اشتَمَلَت عَلَیهِ عِنایتی بِبِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ . (7)5706.الإرشاد :الإمام زین العابدین علیه السلام :أُعیذُ نَفسی وأهلی ومالی ووُلدی ، وجَمیعَ ما تَلحَقُهُ عِنایتی ، وجَمیعَ نِعَمِ اللّهِ عِندی ، بِبِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ . (8)5705.الکافی (به نقل از اصبغ بن نُباته) عنه علیه السلام :بِاسمِ اللّهِ خیرِ الأَسماءِ ، بِاسمِ اللّهِ رَبِّ الأَرضِ وَالسَّماءِ ، أستَدفِعُ کُلَّ مَکروهٍ أوَّلُهُ سَخَطُهُ ، وأستَجلِبُ کُلَّ مَحبوبٍ أوَّلُهُ رِضاهُ ، وَاختِم (9)

لی مِنکَ بِالغُفرانِ یا ولیَّ الإحسانِ . (10) .

1- .الرَّتْق : ضِدّ الفَتق ، وهو الالتئام (مجمع البحرین : ج 2 ص 672 «رتق») .
2- .الخَرق : الشَّقّ (النهایه : ج 2 ص 26 «خرق») .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 304 ح 5927 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
4- .قال المجلسی قدس سره : «کلمه المعتصمین» المضبوط فی النسخ الرفع ، أی التسمیه کلمه المعتصمین باللّه یفتتحون بها فی کلّ أمر ، ویحتمل أن یکون خبر «باسم اللّه » من غیر تقدیر ، وهو بعید ، ولعلّ الجرّ أظهر صفه للاسم (بحار الأنوار : ج 90 ص 241) .
5- .البلد الأمین : ص 100 ، المصباح للکفعمی : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 152 ح 11 .
6- .مُهَج الدعوات : ص 356 ، البلد الأمین : ص 549 ، المصباح للکفعمی : ص 291 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 374 ح 1 .
7- .مُهَج الدعوات : ص 63 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 363 ح 1 .
8- .مُهَج الدعوات : ص 26 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 336 ح 5 .

9- .فی البلد الأمین و بحار الأنوار : «فَاختِم».
10- .المصباح للکفعمی : ص 164 ، البلد الأمین : ص 123 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 188 ح 25 .

5706.الإرشاد :امام على عليه السلام :نام خدا ، رفو كننده پارگى هاست ، و دوزنده چاک ها ، و هموارکننده ناهموارى ها ، و سپر بدى ها ، و سنگر در برابر رنج هاى روزگار ، و شفابخش بيمارى هاى سينه ها ، و [مايه] امان در روز رستاخيز .5707.شرح الأخبار عن محمّد بن يحيى :امام زين العابدين عليه السلام :به نام خدا كه سخن پناهجويان است (1) و گفتار حمايت خواهان .5708.الإمام الصادق عليه السلام :امام زين العابدين عليه السلام :از نام خدا كمک گرفتم ، و خود را در پناه نام خدا در آوردم ، و به نام او چنگ زدم ، و جز از خدا توفيق نجويم ، و به او توكّل كردم .5707.شرح الأخبار (به نقل از محمّد بن يحيى) امام عسكرى عليه السلام :خود را در پسِ پرده خدا پوشاندم ... و خودم و همسرم و فرزندانم و اموالم و هر آنچه را مورد توجّه من است ، در پناه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» قرار دادم .5708.امام صادق عليه السلام :امام زين العابدين عليه السلام :خودم و همسرم و اموالم و فرزندانم و همه آنچه را مورد توجّه من است ، و همه نعمت هايى را كه از خدا دارم ، در پناه «بسم اللّه الرحمن الرحيم» در مى آورم .5709.الإمام الباقر عليه السلام :امام زين العابدين عليه السلام :به نام خدا كه بهترينِ نام هاست و به نام خدا كه پروردگارِ زمين و آسمان است ، هر ناخوشايندى را كه در رأس آنها ناخشنوديِ خود اوست از خودم دور مى كنم و هر امر دوست داشتنى اى را كه در رأس آنها خشنودى خود اوست به سوى خود مى كشانم . عمر مرا به آمرزشت ختم فرما ، اى صاحب احسان !.

1- .علّامه مجلسى قدس سرهمى گويد : «كلمةُ المعتصمين» ، در نسخه ها به رفع «هاء» ، ضبط شده است ، يعنى : «بُردن نام خدا ، سخن كسانى است كه به خدا پناه مى آورند و در هر كارى ، به آن آغاز مى كنند» . احتمال هم دارد كه خبرِ «بسم اللّه » باشد ، بدون آن كه چيزى را در تقدير بگيريم . امّا شايد جرّ آن ، ظهور بيشترى داشته باشد كه در اين صورت ، صفت اسم است .

4 / 3الشِّفاءُ5710.الكافى (به نقل از ابن ابى ليلى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو قَرَأتَ : «بِاسمِ اللّهِ» ؛ تَحفَظُكَ المَلائِكَهُ إلَى الجَنَّهِ ، وهُوَ شِفاءٌ مِن كُلِّ داءٍ . (1)5711.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :«بِاسمِ اللّهِ» شِفاءٌ مِن كُلِّ داءٍ ، وعَونٌ لِكُلِّ دَواءٍ . (2)5711.امام صادق عليه السلام :عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلٍ : يا كُمَيلُ ، إذا أكَلتَ الطَّعامَ فَسَمِّ بِاسمِ اللّهِ الَّذى لا يَضُرُّ مَعَ اسمِهِ شَىءٌ ، وهُوَ الشِّفاءُ مِن جَميعِ الأسواءِ . (3)5712.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام المهدىّ عليه السلام فى دُعاءٍ لَهُ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، بِاسمِ اللّهِ دَواءٌ ، وَالحَمدُ للّهِ شِفاءٌ . (4)5712.امام صادق عليه السلام :المصنّف لابن أبى شيبه عن أبيهريره :دَخَلَ عَلَىَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأنَا أشتَكى، فَقالَ : ألا أرقيكَ بِرُقيَهٍ (5) عَلَّمَنيها جِبريلُ عليه السلام : بِاسمِ اللّهِ أرقيكَ ، وَاللّهُ يَشفِيكَ مِن كُلِّ إرَبٍ (6) يُؤذيكَ ، ومِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِى العُقَدِ (7) ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ . (8) .

1- .مستدرک الوسائل : ج 4 ص 389 ح 4995 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب عن عبد اللّه بن مسعود وراجع بحار الأنوار : ج 92 ص 258 ح 52 .
2- .نزهه الناظر : ص 42 ، إرشاد القلوب : ص 366 نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 60 ح 4 وج 92 ص 259 ح 53 ؛ تفسير القرطبى : ج 1 ص 107 .
3- .بشاره المصطفى : ص 25 عن كميل ، تحف العقول : ص 171 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 267 ح 1 وص 412 ح 38 .
4- .بحار الأنوار : ج 53 ص 226 نقلاً عن البلد الأمين .
5- .الرُّقْيَه : العوذه التى يُرقى بها صاحب الآفه كالحُمّى والصَّرَع وغير ذلک من الآفات (النهايه : ج 2 ص 254 «رقى») .
6- .الإرْب : الدَّهاء والنُّكر (النهايه : ج 1 ص 36 «أربَ») .
7- .العُقَد : جمع عُقده ؛ وهى ما تعقِدُه الساحره ، وأصله من العزيمه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 577 «عقد») .
8- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 78 ح 6 وص 79 ح 16 عن أبى سعيد الخدرى وج 5 ص 443 ح 6 عن عباده بن الصامت وح 9 عن أبى سعيد الخدرى وكلّها نحوه ، كنزالعمّال : ج 10 ص 105 ح 28534 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 246 ح 2595 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 17 ح 16 .

4 / 3شفا یافتن5715.الکافی عن الحسن بن کثیر عن أبیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر «بسم اللّه » بگویی ، فرشتگان ، تو را تا بهشتْ محافظت می کنند و آن ، شفای هر دردی است .5713.امام کاظم علیه السلام (به نقل از پدرانش ، درباره امام علی علیه السلام) امام علی علیه السلام :«بسم اللّه » ، شفای هر دردی و کمک هر دارویی است .5714.امام باقر علیه السلام :امام علی علیه السلام در سفارش هایش به کمیل : ای کمیل ! هر گاه خواستی غذا بخوری ، نام خدا را ببر ؛ چرا که با وجود نام او ، هیچ دردی آسیب نمی رساند و در آن ، شفای همه بدی ها [و دردها] هست .5715.الکافی (به نقل از حسن بن کثیر ، از پدرش) امام مهدی علیه السلام در یکی از دعاهایش : به نام خداوند مهرگسترِ مهربان . «به نام خدا» ، داروست و «ستایش ، خدای را» شفاست .5716.الخرائج والجرائح :المصنّف ، ابن ابی شیبه به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا ، نزد من که بیمار بودم ، آمد و فرمود : «آیا تو را با تعویذی که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخت ، افسون کنم ؟ تو را با نام خدا افسون می کنم . خدا ، تو را از هر دردی که رنجت می دهد ، و از گزند دمندگان در گِره ها (جادوگران) ، و از گزند هر حسودی ؛ آن گاه که حسادت ورزد ، (1) شفا می دهد» .

.

1- .یا : از گزند هر شورْچشمی ، آن گاه که چشم زخم زند .

5716.الخرائج و الجرائح :الإمام الصادق عليه السلام :حُمَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَأتاهُ جَبرَئيلُ عليه السلام فَعَوَّذَهُ ، فَقالَ : بِاسمِ اللّهِ أرقيکَ يا مُحَمَّدُ ، وبِاسمِ اللّهِ أشفيکَ ، وبِاسمِ اللّهِ مِن كُلِّ داءٍ يُعييکَ ، بِاسمِ اللّهِ وَاللّهُ شافيکَ ، بِاسمِ اللّهِ خُذها فَلتُهَنّيکَ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ فَلا اُقسِمُ بِمَواقِعِ النُّجومِ ، لَتَبرَأنَّ بِإذنِ اللّهِ . (1)4 / 4الإجابَةُ5717.امام صادق عليه السلام :رسولَ اللّه صلى الله عليه و آله :لا يُرَدُّ دُعاءٌ أوَّلُهُ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (2)4 / 5تَسبيحُ الجِبالِ مَعَ مَن يَقرَأُها5720.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قَرَأ : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» موقِنا سَبَّحَت مَعَهُ الجِبالُ ، إلّا أنَّهُ لا يُسمَعُ ذلِکَ مِنها . (3)4 / 6تَصاغُرُ الشَّيطانِ5721.شرح الأخبار عن جابر بن عبد اللّه بن يحيى :مسند ابن حنبل عن أبى تميمه الهجيمى عمّن كان رديف (4) النبىّ صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن أبى تميمه الهجيمى عمّن كان رديف (5) النبىّ صلى الله عليه و آله : كُنتُ رَديفَهُ عَلى حِمارٍ فَعَثَرَ الحِمارُ ، فَقُلتُ : تَعِسَ الشَّيطانُ .

فَقال لِىَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : لا تَقُل : تَعِسَ الشَّيطانُ ؛ فَإنَّکَ إذا قُلتَ : تَعِسَ الشَّيطانُ تَعاظَمَ الشَّيطانُ فى نَفسِهِ ، وقالَ : صَرَعتُهُ بِقُوَّتى ، فَإذا قُلتَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، تَصاغَرَت إلَيهِ نَفسُهُ حَتّى يَكونَ أصغَرَ مِن ذُبابٍ . 6 .

1- .الكافى : ج 8 ص 109 ح 88 عن بكر بن محمّد الأزدى ، قرب الإسناد : ص 42 ح 134 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 243 ح 2585 وفيهما «يعنيک» بدل «يعييک» ، طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 38 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 65 ح 44 وراجع كنزالعمّال : ج 10 ص 71 ح 28407 .
2- .ربيع الأبرار : ج 2 ص 336 ؛ الدعوات : ص 52 ح 131 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 17 .
3- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 26 نقلاً عن أبى نعيم والديلمى عن عائشه .
4- .الرَّديف : الذى تحمله خلفک على ظهر الدابّه (المصباح المنير : ص 224 «ردف») .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 349 ح 20614 وح 20615 نحوه ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 296 ح 4982 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 324 ح 7792 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 247 ح 1244 .

4 / 4 مستجاب شدن دعا

4 / 5 تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم اللّه » گوید

4 / 6 کوچک شدن شیطان

5722.الإمام الباقر علیه السلام :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، تب کرد . جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را افسون کرد و گفت : «به نام خدا ، تو را افسون می کنم ، ای محمّد ! و به نام خدا ، شفایت می دهم . به نام خدا از هر دردی که تو را رنج می دهد ، به نام خدا و خدا ، شفادهنده توست . به نام خدا ، این را بگیر که تو را به سلامت می دارد . به نام خداوند مهرگسترِ مهربان . سوگندی نخورم به جایگاه های ستارگان . به خواست خدا ، حتما بهبود می یابی» .4 / 4مستجاب شدن دعا5721.شرح الأخبار (به نقل از جابر بن عبد اللّه بن یحیی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعایی که با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز گردد ، رد نمی شود .4 / 5تسبیحگوییِ کوه ها همراه کسی که «بسم اللّه » می گوید5724.یکی از معصومان علیهم السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از سرِ یقین بگوید : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، کوه ها هم صدا با او تسبیح خدا می گویند ؛ امّا تسبیحگوییِ آنها شنیده نمی شود .4 / 6کوچک شدن شیطان5726.الکافی عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه إلی الإمام عمسند ابن حنبل به نقل از ابو تمیمه هجیمی ، از کسی که در تَرک پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود : من پشت سرِ پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی نشسته بودم که ناگاه ، الاغ ، سِکَندری خورد . من گفتم : مرگ بر شیطان !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مگو : مرگ بر شیطان ؛ زیرا هر گاه بگویی : مرگ بر شیطان ، شیطان در خودش احساس بزرگی و غرور می کند و می گوید : من با قدرت خود ، آن [الاغ] را زمین زدم . امّا اگر بگویی : به نام خدا ، شیطان ، چنان احساس کوچکی می کند که اِنگار از مگس هم کوچک تر است» .

.

5726.الكافى (به نقل از احمد بن محمّد بن خالد ، كه سند روايت) كنزالعمّال عن أُسامه بن زيد :بَينا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى بَغلَهٍ شَهباءَ (1) ، وأنَا رِدفُهُ ، إذ عَثَرَتِ البَغلَهُ ، فَقُلتُ : تَعِسَ إبليسُ ، فَضَرَبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى مَنكِبى ، فَقالَ :

يا أُسامَهُ ، لا تَقُل هكَذا ؛ فَإِنَّ لِاءِبليسَ عِندَ ذلِکَ نَخرَةً (2) ، يَقولُ : ذَكَرَنى ونَسِىَ رَبَّهُ ، ولكِن قُل : بِاسمِ اللّهِ . (3)4 / 7الاِحتِجاجُ مِنَ الأَشرارِ5728.الكافى عن الحسن :الإمام الصادق عليه السلام لِلمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ : يا مُفَضَّلُ ، اِحتَجِز مِنَ النّاسِ كُلِّهِم بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وبِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، اِقرَأها عَن يَمينِکَ وعَن شِمالِکَ ومِن بَينِ يَدَيکَ ومِن خَلفِکَ ومِن فَوقِکَ ومِن تَحتِکَ ، فَإِذا دَخَلتَ عَلى سُلطانٍ جائِرٍ فَاقرَأها حينَ تَنظُرُ إلَيهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، وَاعقِد بِيَدِکَ اليُسرى، ثُمَّ لا تُفارِقها حَتّى تَخرُجَ مِن عِندِهِ. (4)5729.الكافى عن الحارث بن حصيره :الإمام الحسين عليه السلام فى المناجاهِ : اِجعَلِنى اللّهُمَّ فى حِرزِکَ وفى حِزبِکَ . . . بِبِاسمِ اللّهِ استَشفَيتُ ، وبِاسمِ اللّهِ استَكفَيتُ ، وعَلَى اللّهِ تَوَكَّلتُ ، وبِهِ استَعَنتُ ، وإلَيهِ استَعدَيتُ عَلى كُلِّ ظالِمٍ ظَلَمَ ، وغاشِمٍ غَشَمَ ، وطارِقٍ طَرَقَ ، وزاجِرٍ زَجَرَ ، «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّ حِمِينَ» (5) . (6) .

1- .الشُّهبَهُ فى الألوان : البياض الذى غلب على السواد (الصحاح : ج 1 ص 159 «شهب»).
2- .نَخَرَ : مدَّ الصوتَ فى خياشيمه (القاموس المحيط : ج 2 ص 139 «نخر») .
3- .كنزالعمّال : ج 3 ص 888 ح 9041 نقلاً عن الخطيب فى المتّفق والمفترق .
4- .الكافى : ج 2 ص 624 ح 20 ، عدّه الداعى : ص 275 وفيه «احتجب» بدل «احتجز» وكلاهما عن المفضّل بن عمر ، بحار الأنوار : ج 92 ص 351 ح 22 .
5- .يوسف : 64 .
6- .مُهَج الدعوات : ص 356 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 374 ح 1 .

5728.الكافى (به نقل از حسن) كنز العمّال به نقل از اُسامه بن زيد : پيامبرِ خدا بر استرىِ خاكسترى سوار بود و من در تَرك وى نشسته بودم كه ناگاه ، استر ، سِكَندرى خورد . من گفتم : مرگ بر ابليس !

پيامبر خدا بر شانه من زد و فرمود : «اى اُسامه ! چنين مگو ؛ زيرا ابليس با شنيدن اين حرف ، خُرناسى مى كشد [و باد به غبغب مى اندازد] و مى گويد : مرا ياد كرد و پروردگارش را از ياد برد ؛ بلكه بگو : به نام خدا» .4 / 7محفوظ ماندن از اشرار5731.الخرائج والجرائح :امام صادق عليه السلام به مفضّل بن عمر : اى مفضّل ! با «بسم اللّه الرحمن الرحيم» و [سوره] « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، خود را از [گزند] همه مردم ، محفوظ بدار . آن را از سمت راست و سمت چپ و پيش رو و پشت سر و بالاى سر و پايين پايت [در شش جهت خود] بخوان ، و هر گاه بر سلطان ستمگرى وارد شدى ، با ديدن او ، سه بار آن (سوره توحيد) را بخوان و با دست چپت بشمار و سپس انگشتانت را همچنان بسته نگه دار (1) تا زمانى كه از نزد او خارج شوى .5730.أنساب الأشراف (به نقل از مِقدام) امام حسين عليه السلام در نيايش : بار خدايا ! مرا در پناه و در دسته خودت قرار ده ... با «به نام خدا» ، شفا مى جويم . با «به نام خدا» بندگى مى جويم و بر خدا توكّل مى كنم و از او كمك مى طلبم ، و از او در برابر هر ستمگرى كه ستم كند و هر بيدادگرى كه بيداد كند و هر كوبنده اى كه بكوبد و هر بازدارنده اى كه باز دارد ، يارى مى جويم «كه خدا بهترين نگهدار است و او مهربان ترينِ مهربانان است» .

.

1- .يا : همچنان ، خواندن سوره را ادامه بده .

4 / 8الأَمانُ مِنَ الغَرَقِالكتاب«وَ قَالَ ارْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْراهَا وَ مُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (1)

الحديث5733.المناقب ، ابن شهر آشوب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أمانٌ لِاُمَّتی مِنَ الغَرَقِ إذا رَكِبوا فِی السَّفينَهِ أن يَقولوا : «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراهَا وَ مُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» ، «وَ مَا قَدَرُواْ اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (2) إلى آخِرِ الآيَهِ . (3)5734.امام حسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :أمانٌ لِاُمَّتی مِنَ الغَرَقِ إذا هُم رَكِبُوا السُّفُنَ فَقَرَؤوا : بسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ «وَ مَا قَدَرُواْ اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَ السَّمَوَ تُ مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَ تَعَلَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» ، «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراهَا وَ مُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (4) .

1- .هود : 41 .
2- .الزمر : 67 .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 176 ح 500 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 181 ح 6748 ، الدعاء للطبرانى : ص 255 ح 803 كلّها عن طلحه بن عبيداللّه عن الإمام الحسين عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 6 ص 709 ح 17513 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 370 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 333 ح 2656 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 58 ح 3 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 97 ح 12661 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 184 ح 6136 كلاهما عن ابن عبّاس وفيهما «أن يقولوا باسم اللّه الملک» بدل «فقرؤوا بسم اللّه الرحمن الرحيم» .

4 / 8در امان ماندن از غرق شدنقرآن«و [نوح] گفت: «در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش . بی گمان ، پروردگار من ، آمرزنده مهربان است»» .

حدیث5737.الفتوح (در یادکرد علی علیه السلام ، پس از آن که چند بار) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه امّت من در کشتی نشینند و بگویند : «رفتن و لنگر افکندنش به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» «و خدا را چنان که سزای اوست ، ارج ننهادند» تا آخر آیه ، از غرق شدن در امان خواهند بود .5738.الغارات :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه [کسانی از] امّت من ، سوار کشتی شوند و بخوانند : «به نام خداوند مهرگستر مهربان . «و خدای را چنان که سزای اوست ، ارج ننهادند . در روز رستاخیز ، سراسر زمین در مشت اوست و آسمان ها در هم پیچیده به دست اویند . او منزّه است و برتر از آنچه شریک آورند» . «رفتن و لنگر انداختنش به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» » ، از غرق شدن ، در امان خواهند بود .

.

4 / 9صَرفُ البَلاءِ5739.الإرشاد (به نقل از وليد بن حارث و راوى ديگر) الإمام علىّ عليه السلام :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا عَلِىُّ ، أَلا اُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ ؛ إذا وَقَعتَ فى وَرطَةٍ أو بَلِيَّةٍ فَقُل : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» ، فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَصرِفُ بِها عَنکَ ما يَشاءُ مِن أنواعِ البَلاءِ . (1)4 / 10دَفعُ الوَحشَةِ5741.نهج البلاغه :الكافى عن سليمان الجعفرى :قُلتُ لَهُ [أبِى الحَسَنِ عليه السلام] : إنّى صاحِبُ صَيدِ السَّبُعِ ، (2) وأنَا أبيتُ فِى اللَّيلِ فِى الخَرابَاتِ وأتَوَحَّشُ ، فَقالَ لى :

قُل إذا دَخَلتَ : «بِاسمِ اللّهِ أدخُلُ» وأدخِل رِجلَکَ اليُمنى ، وإذا خَرَجتَ فَأخرِج رِجلَکَ اليُسرى ، وسَمِّ اللّهَ ؛ فَإِنَّکَ لا ترى مَكروها . (3)4 / 11ثِقلُ الميزانِ5742.الإرشاد (به نقل از جُميع بن عُمَير) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اُمَّتى يَأتونَ يَومَ القِيامَهِ وهُم يَقولونَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، فَتَثقُلُ حَسناتُهُم فِى الميزانِ ، فَتَقولُ الاُمَمُ : ما أرجَحَ مَوازينَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ؟!

فَتَقولُ الأَنبِياءُ : إنَّ ابتِداءَ كَلامِهِم ثَلاثَهُ أسماءٍ مِن أسماءِ اللّهِ ؛ لَو وُضِعَت فى كَفَّهِ الميزانِ ، ووُضِعَت سَيِّئاتُ الخَلقِ فى كَفَّهٍ اُخرى ، لَرَجَحَت حَسَناتُهُم . (4) .

1- .الكافى : ج 2 ص 573 ح 14 عن بكير ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 159 ح 2391 نحوه ، عدّه الداعى : ص 264 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 194 ح 24 ؛ الفردوس : ج 5 ص 324 ح 8323 .
2- .صاحب صَيد السَّبُع : أى أصيد السَّبُع (مرآه العقول : ج 12 ص 438) .
3- .الكافى : ج 2 ص 570 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 119 ح 1325 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 39 وج 95 ص 143 ح 8 .
4- .ربيع الأبرار : ج 2 ص 336 .

4 / 9 گرداندنِ بلا

4 / 10 برطرف شدن وحشت

4 / 11 سنگین شدن ترازوی اعمال

4 / 9گرداندنِ بلا5745.المعجم الأوسط عن زاذان :امام على عليه السلام :پیامبر خدا به من فرمود : «ای على! آیا چند کلمه ای به تو نیاموزم ؟ هر گاه در مشکلی سخت یا بلایی افتادی ، بگو : به نام خداوند مهرگسترِ مهربان . هیچ توش و توانی نیست ، مگر به مدد خدای بلندْمرتبه و بزرگ ؛ زیرا خداوند به برکت این دعا ، آنچه از انواع بلا که خواهد ، از تو می گرداند» .4 / 10برطرف شدن وحشت5745.المعجم الأوسط (به نقل از زادان) الکافی به نقل از سلیمان جعفری : به امام [ابو الحسن علیه السلام] (1) گفتم : من ، شکارچی حیوانات درنده هستم و شب ها در ویرانه ها می خوابم و دچار وحشت می شوم .

فرمود : «هر گاه وارد [ویرانه ای] شدی ، بگو : به نام خدا وارد می شوم و پای راستت را داخل بگذار و هنگامی که بیرون می آیی ، نخست پای چپت را بیرون بگذار و نام خدا را ببر . در این صورت ، ناراحتی نخواهی دید» .4 / 11سنگین شدن ترازوی اعمال5746.فضائل الصحابه ، ابن حنبل (به نقل از زادان ، از مردی که برای او نقل کرد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امّتم در روز قیامت ، در حال گفتنِ «بسم اللّه الرحمن الرحیم» وارد می شوند ، و کارهای نیکشان ، در ترازو سنگین می شود . امّت های دیگر می گویند : ترازوهای [اعمال] امّت محمّد ، چه سنگین است !

پیامبران می گویند : آغاز سخنشان ، سه نام از نام های خدا بود که اگر آن سه نام در یک کفّه ترازو نهاده شوند و بدی ها و گناهان خلایق در کفّه دیگر ، باز کفّه خوبی های آنان می چربد .

.

1- .مقصود ، امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

4 / 12النَّجاهُ مِنَ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا مَرَّ المُؤمِنُ عَلَى الصِّراطِ فَيَقولُ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» طَفِئَت لَهَبُ النّيرانِ ، وتَقولُ : جُز يا مُؤمِنُ ، فَإِنَّ نورَکَ قَد أطفَأَ لَهَبى ! (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ أن يُنجِيَهُ اللّهُ مِنَ الزَّبانِيَهِ التِّسعَهَ عَشَرَ ، فَليَقرَأ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَإِنَّها تِسعَهَ عَشَرَ حَرفا ، لِيَجعَلَ اللّهُ كُلَّ حَرفٍ مِنها جُنَّهً (2) مِن واحِدٍ مِنهُم . (3)

.

1- .جامع الأخبار : ص 120 ح 219 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 258 ح 52 .
2- .الجُنَّه : الوقايه (النهايه : ج 1 ص 308 «جنن») .
3- .جامع الأخبار : ص 119 ح 215 ، مجمع البيان : ج 1 ص 90 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 92 ص 257 ح 52 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 26 نقلاً عن وكيع والثعلبى وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 401 .

4 / 12رهیدن از آتش دوزخپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مؤمن بر صراط بگذرد و بگوید : «به نام خداوند مهرگسترِ مهربان» ، زبانه آتش خاموش می شود و می گوید : عبور کن ای مؤمن ! زیرا نور تو ، زبانه مرا خاموش کرد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس می خواهد که خداوند ، او را از نگهبانانِ نوزده گانه دوزخ نجات دهد ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بخواند ؛ زیرا این ذکر ، نوزده حرف است ، تا خداوند ، هر حرفی از آن را سپر او در برابر یکی از آن نگهبانان دوزخ قرار دهد .

.

الفَصلُ الخامِسُ : آداب البسمله5 / 1الإجهارُأ أحَقُّ ما اُجهِرَ بِهِالإمام الصادق عليه السلام : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أحَقُّ ما اُجهِرَ بِهِ (1) ، وهِيَ الآيَةُ الَّتى قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّکَ فِى الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَ لَّوْاْ عَلَى أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» (2) . (3)

ب إجهارُ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله بِها فِى القِراءَهِالإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا تَهَجَّدَ بِالقُرآنِ تَسمَعُ لَهُ قُرَيشٌ بِحُسنِ صَوتِهِ (4) ، وكانَ إذا قَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَرّوا عَنهُ . (5)

.

1- .جَهَرَ الكلامَ وبالكلامِ : أعلَنَ به ، كَأجهَر (القاموس المحيط : ج 1 ص 394 «جهر») . وجَهَرَ بالقَولِ : رَفَعَ به صوتَه (الصحاح : ج 2 ص 618 «جهر») .
2- .الإسراء : 46 .
3- .تفسير القمّى : ج 1 ص 28 عن ابن اُذينه ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 295 ح 86 عن زراره عن أحدهما عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 82 ح 25 .
4- .فى بحار الأنوار : «لِحُسن قراءته».
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 20 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 85 ص 82 ح 25 .

5 / 1 بلند گفتن

الف سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند
ب بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» توسّط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل پنجم: آداب «بسم اللّه » گفتن5 / 1بلند گفتنالف سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلندامام صادق علیه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، سزاوارترین چیز به خوانده شدن با صدای بلند است ، و آن ، همان آیه ای است که خداوند عز و جل فرموده است : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

ب بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، توسّط پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهامام باقر علیه السلام :هر گاه پیامبر خدا ، نیمه های شب [در نماز] قرآن تلاوت می کرد ، به سبب صوت نیکویش ، قریش به آن گوش می دادند ، و چون «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را می خواند ، از او می گریختند .

.

المستدرک علی الصحیحین عن أبی هریره :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» . (1)

الإمام الباقر علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» یَرفَعُ بِها صوتَهُ ، فَإذا سَمِعَهَا المُشرِکونَ وَلَّوا مُدبِرِینَ ، فَأنزَلَ اللّهُ جَلَّ ذِکرُهُ : «وَ إِذَا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَ لَّوْاْ عَلَی أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (2)

تفسیر العیّاشی عن زید بن علیّ :دَخَلتُ عَلی أبی جَعفَرٍ علیه السلام فَذَکَرَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ» فَقالَ : تَدری ما نَزَلَ فی «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ»؟ فَقُلتُ : لا! فَقالَ : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ أحسَنَ النّاسِ صَوتا بِالقُرآنِ ، وکانَ یُصَلّی بِفِناءِ الکَعبَهِ فَرَفَعَ صَوتَهُ ، وکانَ عُتبَهُ بنُ رَبیعَهَ ، وشَیبَهُ بنُ رَبیعَهَ ، وأبو جَهلِ بنُ هِشامٍ ، وجَماعَهٌ مِنهُم یَستَمِعونَ قِراءَتَهُ . قالَ : وکانَ یُکثِرُ قِراءَهَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» فَیَرفَعُ بِها صَوتَهُ . قالَ : فَیَقولونَ : إنَّ مُحَمَّدا لَیُرَدِّدُ اسمَ رَبِّهِ تَردادا ، إنَّهُ لَیُحِبُّهُ! فَیَأمُرونَ مَن یَقومُ فَیَستَمِعُ عَلَیهِ ، ویَقولونَ : إذا جازَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» فَأعلِمنا حَتّی نَقومَ فَنَستَمِعَ قِراءَتَهُ ، فَأنزَلَ اللّهُ فی ذَلِکَ : «وَ إِذَا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ» بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ «وَ لَّوْاْ عَلَی أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :کَتَموا «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ» ، فَنِعمَ وَاللّهِ الأَسماءُ کَتَموها ، کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا دَخَلَ إلی مَنزِلِهِ وَاجتَمَعَت عَلَیهِ قُرَیشٌ یَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» ویَرفَعُ بِها صَوتَهُ ، فَتُوَلّی قُرَیشٌ فِرارا ، فَأنزَلَ اللّهُ عز و جل فی ذلِکَ : «وَ إِذَا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَ لَّوْاْ عَلَی أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» . (4)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 357 ح 850 ، سنن الدارقطنی : ج 1 ص 310 ح 32 عن عائشه ، السنن الکبری : ج 2 ص 69 ح 2397 وزاد فی آخره «فترک الناس ذلک» ، کنزالعمّال : ج 8 ص 116 ح 22164 .
2- .تفسیر العیّاشی : ج 1 ص 20 ح 6 ، مستدرک الوسائل : ج 4 ص 167 ح 4396 نقلاً عن أحمد بن محمّد أبی عبد اللّه السیّاری فی کتاب التنزیل

والتحريف وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 85 ص 82 ح 24 .
3- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 295 ح 85 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 73 ح 3 .
4- .الكافى : ج 8 ص 266 ح 387 عن هارون ؛ الدرّ المنثور : ج 5 ص 298 نقلاً عن البخارى فى تاريخه عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 454 ح 4486 نقلاً عن ابن النجّار عن الإمام الباقر عليه السلام .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفت .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گفت و قریش با شنیدن آن می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

تفسیر العیّاشی به نقل از زید بن علی : خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . امام علیه السلام «بسم اللّه الرحمن الرحیم» گفت و سپس فرمود : «می دانی در باره بسم اللّه الرحمن الرحیم چه نازل شده است؟» . گفتم : خیر . فرمود : «پیامبر خدا ، قرآن را خوش تر از هر کس می خوانْد . ایشان در جلو کعبه نماز می گزارد و با صدای بلند می خواند . عتبه بن ربیعه وشیبه بن ربیعه و ابوجهل بن هشام و گروهی از ایشان (کافران) به خواندن او گوش می دادند . پیامبر صلی الله علیه و آله بسم اللّه الرحمن الرحیم را بسیار می خواند و آن را با صدای بلند می گفت . [قریش] می گفتند : محمّد ، نام خدایش را فراوان تکرار می کند و عاشق اوست! سپس کسی را مأمور می کردند که برخیزد و به نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله گوش کند ، و می گفتند : هر گاه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را رد کرد ، به ما خبر ده تا برخیزیم و به قرائتش گوش دهیم . پس ، خداوند در این باره نازل کرد : «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی (یعنی : بسم اللّه الرحمن الرحیم بگویی) ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

امام صادق علیه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» را پنهان داشتند ، (1) و به خدا سوگند که بهترین نام ها را پنهان داشتند . پیامبر خدا ، هر گاه وارد خانه اش می شد و قریش گِرد او جمع می شدند ، با صدای بلند «بسم اللّه الرحمن الرحیم» می گفت و قریش می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

.

1- .مقصود از پنهان داشتن ، ترک کردن آن در سوره و آن را جزء سوره نشمردن است .

تفسير فرات عن عمرو بن شمر :سَأَلتُ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام : إنّى أؤُمُّ قَومى فَأجهَرُ بِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قالَ : نَعَم ، فَاجهَر بِها ؛ قد جَهَرَ بِها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . ثُمَّ قالَ : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ مِن أحسَنِ النّاسِ صَوتا بِالقُرآنِ ، فَإذا قامَ مِنَ اللَّيلِ يُصَلّى جاءَ أبوجَهلٍ وَالمُشرِكونَ يَستَمِعونَ قِراءَتَهُ ، فَإذا قالَ : «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَضَعوا أصابِعَهُم فى آذانِهِم وهَرَبوا ، فَإذا فَرَغَ مِن ذلِكَ جاؤوا فَاستَمَعوا ، وكانَ أبو جَهلٍ يَقولُ : إنَّ ابنَ أبى كَبشَةَ لَيُرَدِّدُ اسمَ رَبِّهِ ، إنَّهُ لَيُحِبُّهُ ! فَقالَ جَعفَرٌ عليه السلام : صَدَقَ وإن كانَ كَذِوبا . قالَ : فَأنزَلَ اللّهُ : «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّکَ فِى الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَ لَّوْا عَلَى أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» وهُوَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (1)

ج إجهارُ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله بِها فِى الصَّلاهِالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَجهَرُ فِى المَكتوباتِ بِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (2)

عنه عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِى السّورَتَينِ جَميعا . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أمَّنى جَبرَئيلُ عليه السلام عِندَ الكَعبَهِ ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4)

.

1- .تفسير فرات : ص 241 ح 327 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 84 ح 29 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 439 ح 1111 ، سنن الدارقطنى : ج 1 ص 303 ح 4 كلاهما عن أبى الطفيل ، كنزالعمّال : ج 8 ص 116 ح 22166 .
3- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 302 ح 2 عن عمر بن علىّ بن أبى طالب .
4- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 309 ح 27 عن النعمان بن بشير .

ج بلند گفتن آن در نماز، توسّط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

تفسیر فرات به نقل از عمرو بن شمر : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : من ، پیش نماز قوم خود می شوم . آیا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند بگویم؟ فرمود : «آری . آن را بلند بگو . پیامبر خدا ، آن را بلند می گفت» . سپس فرمود : «پیامبر خدا ، قرآن را خوش تر از هر کسی می خواند . هر گاه شب برای نماز بر می خاست ، ابو جهل و مشرکان می آمدند و به قرآن خواندن او ، خوب گوش می دادند و چون بسم اللّه الرحمن الرحیم می گفت ، انگشتانشان را در گوش هایشان می گذاشتند و می گریختند ، و آن را که تمام می کرد ، دوباره می آمدند و گوش می دادند . ابوجهل می گفت : پسر ابو کَبشه (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله) ، نام خدایش را تکرار می کند و عاشق اوست!» . امام صادق علیه السلام فرمود : «او راست می گفت ، هر چند آدم بسیار دروغگویی بود . پس خداوند فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» ؛ و آن یعنی بسم اللّه الرحمن الرحیم بود» .

ج بلند گفتن آن در نماز ، توسّط پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهامام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای واجب ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفت .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را در هر دو سوره [ی نماز] ، با صدای بلند ، قرائت می کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام در کنار کعبه ، پیش نماز من شد و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلند گفت .

.

سنن الدارقطنى عن الحكم بن عمير :صَلَّيتُ خَلفَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَجَهَر فِى الصَّلاهِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؛ فى صَلاهِ اللَّيلِ ، وفى صَلاهِ الغَداهِ وصَلاهِ الجُمُعَهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا صَلّى بِالنّاسِ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (2)

المستدرک على الصحيحين عن أنس :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)

المغنى :عَن أنسٍ أنَّهُ صَلّى وجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وقالَ : أقتَدى بِصَلاهِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَلَّمَنى جَبرَئيلُ عليه السلام الصَّلاهَ ، فَقامَ فَكَبَّرَ لَنا ، ثُمَّ قَرَأ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فيما يُجهَرُ بِهِ فى كُلِّ رَكعَهٍ . (5)

د إجهارُ أهلِ البَيتِ عليهم السلام بِها فِى الصَّلاهِالسنن الكبرى عن الشعبى :رَأيتُ عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلام وصَلَّيتُ وَراءَهُ ، فَسَمِعتُهُ يَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (6)

مسند زيد :زَيدُ بنُ عَلِىٍّ عَن أبيهِ عَن جَدِّهِ عَن عَلِىِّ بنِ أبى طالِبٍ عليهم السلام أنَّهُ كانَ يَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (7)

.

1- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 310 ح 31 ، كنز العمّال : ج 8 ص 118 ح 22179 نقلاً عن أبى نعيم .
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 295 ح 87 عن منصور بن حازم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 74 ح 3 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 358 ح 853 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 22 نقلاً عن الطبرانى والدارقطنى والبيهقى فى شُعب الإيمان .
4- .المغنى لابن قدامه : ج 1 ص 522 .
5- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 307 ح 18 عن أبى هريره .

6- .السنن الكبرى : ج 2 ص 70 ح 2401 ، كنز العمّال : ج 8 ص 118 ح 22177 .
7- .مسند زيد : ص 104 .

سنن الدارقطنی به نقل از حکم بن عمیر : پشت سرِ پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستادم . در نماز ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند گفت ، [همچنین] در نماز شب و در نماز صبح و نماز جمعه .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، هر گاه با مردم نماز می خواند ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفت .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از اَ نَس : شنیدم که پیامبر خدا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گوید .

المغنی :روایت شده است که اَ نَس ، نماز خواند و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند گفت و اظهار داشت : من به نماز پیامبر خدا اقتدا می کنم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام نماز را به من آموخت . او ایستاد و برای ما تکبیر [نماز]گفت . سپس در هر رکعت از نمازهایی که بلند خوانده می شوند ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند گفت .

د بلند گفتن «بسم اللّه » در نماز ، توسّط اهل بیت علیهم السلامالسنن الکبری به نقل از شَعبی : علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم و پشت سرِ او به نماز ایستادم . شنیدم که «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلندَ گفت .

مسند زید :زید بن علی ، از پدرش [امام زین العابدین علیه السلام] ، از جدّش [امام حسین علیه السلام] ، از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که ایشان (علی علیه السلام) ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گفت .

.

الكافى عن صفوان الجمّال :صَلَّيتُ خَلفَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام أيّاما ، فَكانَ إذا كانَت صلاةٌ لا يُجهَرُ فيها ، جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وكانَ يَجهَرُ فِى السّورَتَينِ جَميعا . (1)

الأمالى للطوسى عن أبى حفص الصائغ :صَلَّيتُ خَلفَ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (2)

قرب الإسناد عن حنّان بن سدير :صَلَّيتُ خَلفَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام المَغرِبَ ، فَتَعَوَّذَ جِهارا : أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، وأعوذُ بِاللّهِ أن يَحضُرونِ ، ثُمَّ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)

الإمام الرضا عليه السلام :الإِجهارُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فى جَميعِ الصَّلَواتِ سُنَّةٌ . (4)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاک :بَعَثَنِى المَأمونُ فى إِشخاصِ عَلىِّ بنِ موسى عليه السلام مِنَ المَدينَهِ . . . فَكُنتُ مَعَهُ مِنَ المَدينَهِ إلى مَروٍ ، فَوَاللّهِ ما رَأَيتُ رَجُلاً كانَ أتقى للّهِ تَعالى مِنهُ . . . وكانَ عليه السلام يَجهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فى جَميعِ صَلَواتِهِ ؛ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :اِجتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عليهم السلام عَلَى الجَهرِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (6)

دعائم الإسلام :رُوّينا عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وعَن عَلىٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وعَلىِّ بنِ الحُسَينِ ومُحَمَّدِ بنِ عَلىٍّ وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم أجمَعينَ أنَّهُم كانوا يَجهَرونَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فيما يُجهَرُ فِيهِ بِالقِراءَهِ مِنَ الصَّلَواتِ فى أوَّلِ فاتِحَهِ الكِتابِ وأوَّلِ السّورَهِ فى كُلِّ رَكعَهٍ ، ويُخافِتونَ بِها فيما تُخافَتُ فيهِ تِلکَ القِراءَهُ مِنَ السّورَتَينِ جَميعا . وقالَ عَلىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : اِجتَمَعنا وُلدَ فاطِمَهَ عليهاالسلام عَلى ذلِکَ (7) . (8)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 315 ح 20 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 68 ح 246 .

2- .الأمالى للطوسى : ص 273 ح 513 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 79 ح 17 .
3- .قرب الإسناد : ص 124 ح 436 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 289 ح 1158 نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 35 ح 25 وص 79 ح 16 .
4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 123 ح 1 عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 85 ص 75 ح 6 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 180 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 79 ح 15 .
6- .تفسير روض الجنان : ج 1 ص 50 عن الإمام الرضا عن أبيه عليهماالسلام .
7- .قال العلّامه الحلّى قدس سره فى تذكره الفقهاء : «يجب الجهر بالبسمله فى مواضع الجهر ، ويستحبّ فى مواضع الإخفات فى أوّل الحمد وأوّل السوره عند علمائنا ... وقال الشافعى : يستحبّ الجهر بها قبل الحمد والسوره فى الجهريّه والإخفاتيّه ، وبه قال عمر وابن زبير وابن عبّاس وابن عمر وأبو هريره وهو مذهب عطاء وطاووس وسعيد بن جبير ومجاهد ... وقال الثورى والأوزاعى وأبو حنيفه وأحمد وأبو عبيد : لا يجهر بها بحال ... وقال النخعى : الجهر بها بدعه. وقال مالک : المستحبّ أن لا يقرأها. وقال ابن أبى ليلى ، والحكم وإسحاق : إن جهرت فحسن ، وإن أخفيت فحسن» (ولمزيد الاطّلاع على هذه الأقوال ومصادرها راجع تذكره الفقهاء : ج 3 ص 152 و 153) .
8- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 160 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 81 ح 22 .

کافی به نقل از صفوان جمّال : چند روز پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم . ایشان ، در نمازی هم که بلند خوانده نمی شود ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفت ، و در هر دو سوره ، بلند می گفت .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو حفص صائغ : پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم ، و او «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با صدای بلند گفت .

قرب الإسناد به نقل از حنّان بن سَدیر : نماز مغرب را پشت سرِ امام صادق علیه السلام خواندم . بلند گفت : «به خدای شنوایِ دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده ؛و به خدا پناه می برم از این که شیاطین ، نزد من بیایند» . سپس «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را هم با صدای بلند گفت .

امام رضا علیه السلام :بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» در همه نمازها ، سنّت [و مستحّب]است .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک : مأمون ، مرا فرستاد تا علی بن موسی [الرضا علیه السلام]را از مدینه [به خراسان] بیاورم ... من از مدینه تا مرو با ایشان بودم . به خدا سوگند ، مردی خداترس تر از او ندیدم ... در همه نمازهایش ، در شب و روز ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفت .

امام صادق علیه السلام :خاندان محمّد صلی الله علیه و آله بر بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، هم داستان اند .

دعائم الإسلام :برای ما روایت شده است که پیامبر خدا و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد که درودهای خدا بر همه ایشان باد در نمازهایی که قرائت در آنها بلند خوانده می شود ، در آغاز «فاتحه الکتاب» وآغاز سوره ، در هر رکعتی ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بلند می گفتند ، و در نمازهایی که هر دو سوره در آنها آهسته خوانده می شود ، آن را آهسته می گفتند . و امام زین العابدین علیه السلام فرموده است : «ما فرزندان فاطمه علیهاالسلام بر این ، هم داستانیم» (1) .

.

1- .علّامه حلّی رحمه الله در تذکره الفقهاء می گوید : در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می شوند ، بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» ، واجب است ، و در نمازهای آهسته ، از نظر علمای امامیه ، بلند گفتن آن در اوّل حمد و اوّل سوره مستحب است ... شافعی می گوید : بلند گفتن «بسم اللّه » قبل از حمد و سوره در نمازهای بلند و آهسته، هر دو ، مستحب است . عمر و ابن زبیر و ابن عبّاس و ابن عمر و ابو هریره و عطا و طاووس و ابن جبیر و مجاهد، همین نظر را دارند... ؛ امّا ثوری و اَوزاعی و ابوحنیفه و احمد و ابو عبید گفته اند : در هیچ حال ، نباید آن را با صدای بلند گفت ... نخعی گفته است : بلند گفتن آن ، بدعت است . مالک می گوید : مستحب است که «بسم اللّه » ، بلند قرائت نشود . ابن ابی لیلی ، حَکَم و اسحاق گفته اند : چه بلند گفته شود و چه آهسته ، در هر دو صورت ، نیکوست (ر . ک : تذکره الفقهاء : ج 3 ص 152) .

ه الإجهارُ بِها مِن عَلاماتِ الإيمانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حَديثٍ ذَكَرَ فيهِ أنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا خَلَقَ إبراهيمَ عليه السلام كَشَفَ لَهُ عَن بَصَرِهِ فَنَظَرَ إلى أنوارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وأهلِ بَيتِهِ عليهم السلام فى جانِبِ العَرشِ ، إلى أن قالَ : قالَ [إبراهيمُ عليه السلام] : إلهى وسَيِّدى ، وأرى عِدَّةَ أنوارٍ حَولَهُم لا يُحصى عِدَّتَهُم إلّا أنتَ! قالَ : يا إبراهيمُ ، هؤُلاءِ شيعَتُهُم ومُحِبُّوهُم . قالَ : إلهى وسَيِّدى ، بِمَ يُعرَفُ شيعَتُهُم ومُحِبُّوهُم؟ قالَ : يا إبراهيمُ ، بِصَلاهِ الإحدى وَالخَمسينَ ، وَالجَهرِ بِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» ، وَالقُنوتِ قَبلَ الرُّكوعِ ، وسَجدَتَيِ الشُّكرِ ، وَالتَّختُّمِ بِاليَمينِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ يُقبِلُ قَومٌ عَلى نَجائِبَ (2) مِن نورٍ يُنادونَ بِأعلى أصواتِهِم : الحَمدُ للّهِ الَّذى صَدَقَنا وَعدَهُ ، وأورَثَنا أرضَهُ نَتَبَوَّأ (3) مِنَ الجَنَّهِ حَيثُ نَشاءُ ، فَتَقولُ الخَلائِقُ : هذِهِ زُمرَهُ الأنبِياءِ ، فَإذَا النِّداءُ مِن قِبَلِ اللّهِ عز و جل : هؤُلاءِ شيعَهُ عَلىِّ بنِ أبى طالِبٍ ، فَهُم (4) صَفوَتى مِن عِبادى ، وخِيَرَتى مِن بَرِيَّتى ، فَتَقولُ الخَلائِقُ : إلهَنا وسَيِّدَنا ، بِما نالوا هذِهِ الدَّرَجَهَ؟ فَإذَا النِّداءُ مِن قِبَلِ اللّهِ : بِتَختُّمِهِم بِاليَمينِ ، وصَلاتِهِم إحدى وخَمسينَ ، وإطعامِهِمُ المِسكينَ ، وتَعفيرِهِمُ الجَبينَ ، وجَهرِهِم بِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (5)

.

1- .الفضائل : ص 133 عن عبد اللّه بن أبى وقّاص ، بحار الأنوار : ج 36 ص 151 ح 131 وج 85 ص 80 ح 20 .
2- .النَّجيبُ : الفاضل من كلِّ حيوان ، والجمع : النُّجَباءُ ؛ والاُنثى : النَّجيبَهُ ، والجمع : النجائب (مجمع البحرين : ج 3 ص 1749 «نجب») .
3- .أى ننزل منازلها حيث نهوى (مجمع البحرين : ج 1 ص 200 «بوأ») .
4- .فى المصدر : «فهو» ، والتصويب من بحار الأنوار .
5- .تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 524 ح 38 نقلاً عن الكراجكى فى كنز الفوائد ، بحار الأنوار : ج 36 ص 69 ح 16 وج 85 ص 79 ح 19 .

ه بلند گفتن «بسم اللّه » از نشانه های ایمان است

ه بلند گفتن «بسم اللّه » از نشانه های ایمان استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن فرمود : خداوند عز و جل چون ابراهیم را آفرید ، پرده از دیده اش کنار زد و او انوار محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را در کنار عرش دید ، ... : [ابراهیم علیه السلام] گفت : معبودا و سرورا ! پیرامون ایشان ، نورهایی می بینم که شمارِ آنها را کسی جز تو نمی داند . خداوند فرمود : «ای ابراهیم ! آنها پیروان و دوستداران ایشان اند» . ابراهیم علیه السلام گفت : معبودا و سرورا ! پیروان و دوستداران ایشان ، به چه شناخته می شوند ؟ فرمود : «ای ابراهیم ! به پنجاه و یک [رکعت] نماز ، (1) و بلند گفتن بسم اللّه الرحمن الرحیم و قنوت خواندن پیش از رکوع ، و گزاردن سجده شکر [در پایان نماز] ، و انگشتری را در دست راست کردن» .

امام صادق علیه السلام :چون روز رستاخیز شود ، مردمانی سوار بر ماده شترانی نَژاده از نور می آیند و بانگ برمی دارند که : ستایش ، خدای را که به وعده اش با ما وفا کرد و زمینش را به ما میراث داد تا در هر جای از بهشت که بخواهیم ، ساکن شویم . پس خلایق می گویند : «اینان ، گروه پیامبران اند» ؛ امّا از جانب خداوند عز و جل بانگ می آید که : «اینان ، پیروان علی بن ابی طالب اند . اینان ، بندگان برگزیده من و آفریدگانِ منتخب من هستند» . خلایق می گویند : ای معبود ما و ای سرور ما ! از چه سبب به این مقام رسیده اند ؟ از جانب خداوند ، ندا می آید که : «از برای کردن انگشتری در دست راست ، گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز ، غذا دادن به مستمندان ، نهادن پیشانی بر خاک [در سجده] ، و بلند گفتن بسم اللّه الرحمن الرحیم » .

.

1- .هفده رکعت واجب و سی و چهار رکعت نافله .

الإمام العسكرىّ عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل أوحى إلى جَدّى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنّى خَصَصتُکَ وعَلیّا وحُجَجى مِنهُ إلى يَومِ القِيامَهِ وشيعَتَکُم بِعَشرِ خِصالٍ إلى أن قالَ : وَالجَهرِ بِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (1)

الإمام العسكرىّ عليه السلام :عَلاماتُ المُؤمِنِ خَمسٌ : صَلاهُ الخَمسينَ ، وزِيارَهُ الأَربَعينَ ، وَالتَّخَتُّمُ فِى اليَمينِ ، وتَعفيرُ الجَبينِ ، وَالجَهرُ بِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» . (2)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 4 ص 188 ح 4454 نقلاً عن الهدايه للحسين بن حمدان .
2- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 52 ح 122 ، المزار للمفيد : ص 53 ، مصباح المتهجّد : ص 788 ، الإقبال : ج 3 ص 100 ، روضه الواعظين : ص 215 وفيها «صلاه إحدى وخمسين» بدل «صلاه الخمسين» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 106 ح 17 .

امام عسکری علیه السلام :خداوند عز و جل به جدّم پیامبر خدا وحی فرمود که : «من ، تو و علی را و حجّت هایم را از نسل او تا روز قیامت و [نیز] پیروان شما را ، به ده خصلت ، ممتاز گردانیدم» تا آن که فرمود : «و بلند گفتن بسم اللّه الرحمن الرحیم » .

امام عسکری علیه السلام :نشانه های مؤمن ، پنج چیز است : [گزاردن] پنجاه رکعت نماز [در شبانه روز] ، [خواندن] زیارت اربعین ، انگشتری را در دست راست کردن ، پیشانی بر خاک نهادن [در برابر خدا] ، و بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .

.

پژوهشی در باره جَهر به «بَسملَه»

1 . جهر به «بسمله» در سنّت نبوی صلی الله علیه و آله

2 . سنّت جهر به «بسمله» ، در عمل صحابه

پژوهشی در باره جَهر به «بَسملَه»در مورد جَهْر به «بَسمَله» (بلند گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم») در نماز ، چند نکته قابل توجّه است :

1 . جهر به «بَسمَله» در سنّت نبوی صلی الله علیه و آلهمستفاد از احادیث مستفیض (1) و غیر قابل تردید اهل سنّت و شیعیان اهل بیت علیهم السلام ، این است که پیامبر خدا و اهل بیت او ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را در همه نمازها حتّی نمازهای اِخفاتی (2) ، به جهر می خواندند . (3) از این رو ، همه فقیهان امامیّه بر وجوب جهر به بسمله در نمازهای صبح و شب و جمعه و بر مطلوبیت آن در نمازهای اخفاتی ، اجماع دارند .

2 . سنّت جهر به «بَسمَله» ، در عمل صحابهعلاوه بر امیر مؤمنان ، دیگر صحابه و حتّی خلفای سه گانه نیز این سنّت را رعایت می نمودند . در نقل های معتبر از جمعی از صحابه و تابعیان آمده است که پشت سر پیامبر خدا و امیر مؤمنان ، ابو بکر و عمر و عثمان، نماز خواندند و آنان ، همگی بسمله را به جهر می خواندند . از جمله صحابیانی که جهر به بسمله

.

1- .مستفیض ، به حدیثی اطلاق می شود که پایین تر از حدّ «تَواتُر» است ؛ امّا راویان متعدّد در هر طبقه دارد .
2- .مقصود ، نمازهایی هستند که باید با «اِخفات (آهستگی)» خوانده شوند ، نه با «جَهر (بلند خواندن)» .
3- .کثرت این احادیث ، در حدّی است که بعید نیست به حدّ تَواتُر نیز برسند .

از آنان نقل شده، عمّار، اَنَس، عبد اللّه بن مسعود، عبد اللّه بن عمر، عبد اللّه بن زبیر، عایشه ، ابو بکر، عمر، عثمان، حکم بن عمیر، عامر بن واثله لیثی (ابو طفیل)، نعمان بن بشیر، عبید بن رفاعه و ابو هریره هستند . در مقابل ، باید برخی نقل ها را که به پیامبر صلی الله علیه و آله ، امیر مؤمنان ، اَنَس ، خلفای سه گانه و ابن عبّاس نسبت داده اند که اصلاً نماز را بدون بسمله و یا به اخفات می خوانده اند، تلاش هایی برای توجیه بدعت بنی امیّه شمرد، چنان که در ادامه این تحلیل ، روشن خواهد شد . علاوه بر کثرت و قوّت غیر قابل قیاس احادیث دسته اوّل، از جمله شواهد آن ، روایاتی هستند که اعتراض عمومی اهل مدینه را در مقابل معاویه در تغییر سنّت جهر و ترک بسمله نقل می کنند . وقتی معاویه در زمان حکومتش به ترک این سنّت و سیره اقدام می کند، با اعتراض فراگیر صحابه و تابعیان حاضر در مدینه مواجه می گردد . شافعی در کتاب الاُمّ و دارقُطنی و بیهقی در کتاب های سنن خود ، در باره ترک سنّت و سیره جهر به «بسم اللّه الرحمن الرحیم» توسّط معاویه و اعتراض عمومی به این کار او ، نقل کرده اند که : معاویه به مدینه آمد و نماز جماعت را برای مردم خواند و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را نخواند و هر گاه به سجده می رفت و سر بر می داشت ، تکبیر نمی گفت . چون نمازش را سلام داد ، مهاجران و انصار ، صدایی زدند که : «ای معاویه! از نمازت دزدیدی! بسم اللّه الرحمن الرحیم و تکبیر ، کجا رفت»؟ . از آن پس ، چون نماز خواند ، در اُمّ القرآن (سوره حمد) و سوره بعد از آن ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» گفت و هنگامی که برای رفتن به سجده خم شد ، «اللّه أکبر» گفت . (1) حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این روایت در کتاب مستدرک ، آن را صحیح می شمارد . (2)

.

1- .ر. ک : الدرّ المنثور : ج 1 ص 20.
2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 233 .

3 . دگرگونی سنّت جهر به «بسمله»

ملاحظه می کنید که با حذف «بسم اللّه الرحمن الرحیم» از سوره های نماز ، صحابیان و تابعیان ، فریاد بر می آورند . این ، نشانگر آن است که علاوه بر این که جزئیت «بسم اللّه الرحمن الرحیم» برای سوره حمد و دیگر سوره ها از مسلّمات در نزد صحابیان بوده است، جهر به آن نیز از سنّت مستمر شمرده می شده است؛ زیرا اگر خلفای پیشین نیز پایبند به جهر به بسمله نبودند ، معاویه با چنان اعتراضی عمومی روبه رو نمی شد و هم بهانه ای برای توجیه عمل خود داشت .

3 . دگرگونی سنّت جهر به «بسمله»مطابق نقل محدّثان شیعه و اهل سنّت، التزام به جهر به بسمله تا اوایل زمان حکومت بنی امیّه ادامه داشت و این بدعت در زمان حکومت سلاطین اموی پیدا شد . نخستین کسی که سنّت جهر به بسمله را به اخفات تغییر داد، عمرو بن سعید بن عاص ، حاکم اموی مدینه بود . بیهقی از زُهْری نقل می کند که : از سنّت نماز ، این بود که «بسم اللّه الرحمن الرحیم» قرائت شود و نخستین کسی که بسم اللّه الرحمن الرحیم را آهسته خواند ، عمرو بن سعید بن عاص ، حاکم مدینه بود . او فردی خجالتی بود . (1) البتّه چنان که از روایت شافعی و دارقُطْنی و بیهقی دانستید، نخستین کسی که اقدام به ترک «بسم اللّه الرحمن الرحیم» در نماز کرد ، معاویه بود ؛ ولی پس از مواجهه با اعتراض عمومی صحابیان و تابعیان مدینه، عقب نشینی نمود؛ لیکن این سیاست ، توسّط زمامداران و حاکمان اموی ادامه یافت . علّامه امینی ، پس از نقل خبر بالا می گوید : این احادیث ، نشان می دهند که از زمان نزول قرآن ، بسمله همچنان جزئی

.

1- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 20 .

4 . ستیز اهل بیت با این بدعت

از سوره شمرده می شده است و امّت ، با آن ، این گونه رفتار می کرده اند و بدان ، باور قلبی داشته اند. به همین دلیل ، زمانی که معاویه آن را جدر ذو قارج ترک کرد ، مهاجران و انصار گفتند : «او از نماز ، دزدیده است» و معاویه هم دلیلی بر این که بسمله جزئی از سوره نیست ، نیاورد ؛ بلکه نمازش را اعاده کرد و این بار بسم اللّه گفت ، و یا در بقیّه نمازش به آن ، پایبندی نشان داد . در صورتی که اگر در آن روز ، قولی در خصوص این که بسمله جزئی از سوره نیست ، وجود می داشت ، قطعا معاویه به آن احتجاج می کرد ؛ امّا چنین قولی بعدها ساخته شد تا عمل معاویه و دیگر امویان امثال او که با وجود روشن شدن راه از بیراهه ، همچنان از او پیروی کردند ، توجیه گردد . (1)

4 . ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعتاز احادیث اهل بیت علیهم السلام به روشنی برمی آید که آنان برای ادای تکلیف خود در تبیین احکام الهی و نیز برای حراست از سنّت نبوی صلی الله علیه و آله و ستیز با بدعت حذف بسمله و یا اخفات (آهسته گفتنِ) آن ، بر بیان حکم واقعی آن ، تأکید و اصرار مضاعفی داشته اند . در این جهت ، آنان ، جهر به «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را به عنوان یکی از شعارهای اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان برشمردند ؛ بلکه وضوح سنّت بودن جهر به بسمله را (در مقابل بدعت حذف یا اخفات آن) ، در حدّ وضوح حرمت خمر و باطل بودن مسح بر کفش (به جای مسح بر پا) دانستند و تقیّه را در این موارد ، روا نشمردند . (2)

.

1- .الغدیر : ج 10 ص 201 .
2- .امام صادق علیه السلام می فرماید : «التقیّه دینی و دین آبائی، إلّا فی ثلاث : فی شرب المسکر ، والمسح علی الخفّین ، وترک الجهر ببسم اللّه الرحمن الرحیم ؛ تقیّه کردن ، آیین من و آیین پدرانم است ؛ مگر در سه چیز : در نوشیدن شراب ، مسح کردن [هنگام وضو] بر کفش ها ، و ترکِ

بلند خواندن بسم اللّه الرحمن الرحيم [در نماز]» (دعائم الإسلام : ج 1 ص 110) .

2 / 5تَجويدُ الكِتابَهآداب البسملهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كَتَبتَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَبَيِّنِ السّينَ فيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ آدابِ كِتابَهِ البَسمَلَهِ : لا تَمُدَّ الباءَ إلَى الميمِ حَتّى تَرفَعَ السّينَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :اُكتُب «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» مِن أجَوَدِ كِتابِکَ ، ولا تَمُدَّ الباءَ حَتّى تَرفَعَ السّينَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كَتَبَ أحَدُكُم «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَليَمُدَّ الرَّحمنَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كَتَبَ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَجَوَّدَهُ تَعظيما للّهِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :تَنَوَّقَ (6) رَجُلٌ فى «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَغُفِرَ لَهُ . (7)

.

1- .تاريخ بغداد : ج 12 ص 340 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 6 ح 3826 ، البدايه والنهايه : ج 10 ص 195 ، الفردوس : ج 1 ص 278 ح 1087 كلّها عن زيد بن ثابت ، كنزالعمّال : ج 10 ص 244 ح 29300 ؛ منيه المريد : ص 350 عن زيد بن ثابت ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 .
2- .منيه المريد : ص 350 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 27 نقلاً عن السلفى فى جزء له عن ابن عبّاس .
3- .الكافى : ج 2 ص 672 ح 2 عن سيف بن هارون مولى آل جعده ، مشكاه الأنوار : ص 250 ح 734 عن هارون مولى آل أبى جعده .
4- .منيه المريد : ص 350 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الفردوس : ج 1 ص 296 ح 1168 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 10 ص 244 ح 29299 نقلاً عن الخطيب فى الجامع .
5- .منيه المريد : ص 351 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 27 نقلاً عن أبى نعيم فى تاريخ أصبهان وابن اشته فى المصاحف

عن أنس .
6- .تنوّق وتنيّق : تجوّدَ وبالَغَ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1850 «نوق») .
7- .شُعب الإيمان : ج 2 ص 546 ح 2667 عن قيس بن أبى حازم ، كنزالعمّال : ج 2 ص 296 ح 4045 ؛ منيه المريد : ص 351 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 35 ح 4 .

5 / 2نیکو نوشتن «بسم اللّه »پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» می نویسی ، «سین» آن را واضح بنویس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان شیوه نوشتن «بسم اللّه » : «باء» را تا «میم» نکش ؛ بلکه «سین» را بالا ببر (دندانه دار کن) .

امام صادق علیه السلام :«بسم اللّه الرحمن الرحیم» را به نیکوترین شکل بنویس ، و باء را [تا میم]نکش ؛ بلکه سین را بالا ببر (دندانه بده) .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما «بسم اللّه الرحمن الرحیم» نوشت ، «الرحمن» را بکشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بنویسد و آن را ، به احترام خداوند ، نیکو بنویسد ، خدا او را می آمرزد .

امام علی علیه السلام :مردی در نوشتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» دقّت به خرج داد و نیکو نوشت و بدین سبب ، آمرزیده شد .

.

منيه المريد :رُوِىَ عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قالَ لِبَعضِ كُتّابِهِ : أَلِقِ (1) الدَّواةَ ، وحَرِّفِ (2) القَلَمَ ، وَانصِبِ الباءَ ، وفَرِّقِ السِّينَ ، ولَا تُعَوِّرِ الميمَ ، وحَسِّنِ اللّهَ ، ومُدَّ الرَّحمنَ ، وجَوِّدِ الرَّحيمَ ، وضَع قَلَمَکَ عَلى اُذُنِکَ اليُسرى ؛ فَإِنَّهُ أَذكَرُ لَکَ . (3)

5 / 3إكرامُ المَكتوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَفَعَ قِرطاسا مِنَ الأَرضِ مَكتوبا عَلَيهِ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» إجلالاً للّهِ ولِاسمِهِ عَنِ أن يُداسَ ، كانَ عِندَ اللّهِ مِنَ الصِّدّيقينَ ، وخُفِّفَ عَن والِدَيهِ وإن كانا مُشرِكَينِ . (4)

الدرّ المنثور عن عمر بن عبد العزيز :إنَّ النَّبىَّ صلى الله عليه و آله مَرَّ عَلى كِتابٍ فِى الأَرضِ ، فَقالَ لِفَتىً مَعَهُ : ما فى هذا؟ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، قالَ : لُعِنَ مَن فَعَلَ هذَا ، لا تَضَعوا «بِاسمِ اللّهِ» إلّا فى مَوضِعِهِ . (5)

.

1- .لاقَ الدواةَ وألاقَها : أصلحَ مِدادها ج والمِدادُ : الحِبرج فَلاقَتِ الدواةُ ؛ لَصِقَ المدادُ بصوفِها (القاموس المحيط : ج 3 ص 281 «لاق») .
2- .تحريفُ القلم : قَطُّهُ مُحَرَّفا (الصحاح : ج 4 ص 1343 «حرف») .
3- .منيه المريد : ص 349 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الشفا بتعريف حقوق المصطفى : ص 448 ح 1093 ، أدب الإملاء والاستملاء : ج 2 ص 588 ح 507 ، تفسير القرطبى : ج 13 ص 353 ، كنزالعمّال : ج 10 ص 314 ح 29566 نقلاً عن الديلمى وكلّها عن معاويه .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 32 عن أنس ، إرشاد القلوب : ص 185 ؛ ربيع الأبرار : ج 2 ص 335 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 29 نقلاً عن الخطيب فى تالى التلخيص وكلاهما عن أنس .
5- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 29 نقلاً عن أبى داوود فى مراسيله .

منیه المرید :از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که به یکی از نویسندگانش فرمود : «دوات را لیقه کن وقلم را کج بُرش بزن ، [سَرِ] باء را بالا بکش ، سین را دندانه دار بنویس ، میم را کور مکن ، اللّه را خوش بنویس ، الرحمن را بکش و الرحیم را نیکو بنویس و قلمت را بر پشت گوشت بگذار ، که این کار ، برای به یاد ماندنت بهتر است» .

5 / 3احترام نهادن به نوشته «بسم اللّه »پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس کاغذی را که بر آن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» نوشته شده و روی زمین افتاده است ، به احترام خداوند و جلوگیری از پای مال شدن نام او ، از زمین بردارد ، نزد خداوند ، از صدّیقان به شمار می آید و [عذاب] برای پدر و مادرش سبُک می شود ؛ اگر چه مشرک بوده باشند .

الدرّ المنثور به نقل از عمر بن عبد العزیز : پیامبر صلی الله علیه و آله به نوشته ای که روی زمین افتاده بود ، برخورد . به جوانی که همراهش بود ، فرمود : «در این ، چه نوشته است؟» . گفت : بسم اللّه . فرمود : «ملعون است کسی که این کار را کرده است . بسم اللّه را جز در جایگاهش قرار ندهید» .

.

ص: 430

. .

بخش سوم : تسبیح (گفتنِ «سبحان اللّه »)

اشاره

بخش سوم: تسبیح : (گفتن سبحان اللّه)شامل:درآمدفصل یکم: تفسیر تسبیحفصل دوم: ویژگی های تسبیحفصل سوم: تشویق به تسبیحگوییفصل چهارم: برکات تسبیح گفتنفصل پنجم: اوقات تسبیح گفتنفصل ششم: تسبیحات چهارگانهفصل هفتم : تسبیحاتِ رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلامفصل هشتم : تسبیحات فاطمهفصل نهم : تسبیحگوییِ موجوداتفصل دهم : تسبیحفصل یازدهم : چیزهایی که ثواب تسبیح گویی دارند

.

ص: 432

. .

درآمد

واژه شناسی «تسبیح»

درآمدواژه شناسی «تسبیح»واژه «تسبیح» ، مصدر است از ریشه «سبح» . این کلمه ، در اصل به معنای حرکت سریع در آب است و از آن جا که لازمه حرکت سریع ، دور شدن از مبدأ حرکت و نزدیک شدن به مقصد است ، این مادّه در باره دور شدنِ چیزی نیز به کار می رود . از این باب ، کاربرد «تسبیح» در مورد خداوند متعال ، به معنای تنزیه و دور شمردن او از انواع کاستی ها و ناشایستگی ها ، و نزدیکیِ تسبیحگو به خداوند متعال و سهولت فرمانبری از اوست . راغب اصفهانی ، در این باره می گوید : سَبْح ، به معنای حرکت سریع در آب و هواست ، چنان که گفته می شود : «سَبَحَ سَبحاً و سِباحةً» . این معنا ، به عاریت گرفته شده است برای حرکت ستارگان در فلک ، مانند : «وکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ ؛ (1) و هر ستاره ای در فلکی جو مداریج می شتابد» و نیز برای دویدن اسب ، مانند : «وَ السَّبِحَتِ سَبْحًا ؛ (2) سوگند به اسبان دونده» ، و برای سرعت

.

1- .انبیا : آیه 33 .
2- .نازعات : آیه 3 .

حرکت در کار ، مانند : «إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِیلاً ؛ (1) و برای تو در روز ، تلاش بسیار است» . «تسبیح» به معنای وارسته دانستن خداوند متعال است و اصل آن ، به معنای سرعت حرکت در عبادت خداوند متعال است . (2) به نظر می رسد که کثرت استعمال تسبیح در تنزیه خداوند متعال ، این واژه را در این معنا تثبیت نموده است . از این رو ، ابن فارِس ، معنای اصلی مادّه «سبح» را به دو اصل برگردانده است : مادّه «سبح» دو اصل دارد : یکی از آن دو ، به معنای عبادت است و دیگری به معنای تلاش و کوشش . اصل اوّل ، سُبحه است به معنای «نماز» و به نماز نافله و نه واجب اختصاص دارد . فقها می گویند : «مسافر ، دو نماز را جمع می کند و میان آن دو ، سبحه نمی گزارد» ؛ یعنی : میان آن دو ، نماز نافله نمی خواند . از همین باب است «تسبیح» که به معنای پیراسته دانستن خداوند بزرگ از هر بدی و عیبی است . «تنزیه» به معنای «دور کردن» است . عرب می گوید : «سبحان من کذا» ؛ یعنی : دور است از او فلان چیز ... . و قومی گفته اند: به معنای اظهار شگفتی از کسی است که فخر می کند . این ، به معنای قبلی هم نزدیک است ؛ زیرا در واقع ، دور دانستنِ او از فخرفروشی است . یکی از صفات خداوند عز و جل «سُبّوح (تسبیح شده) » است که مُشتق از همان معنایی است که گفتیم (وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که شایسته او نیست) . «سُبُحات» نیز که در حدیث آمده ، به معنای شکوه و عظمت خداوند است .

.

1- .مزّمّل : آیه 7 .
2- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 392 .

اصل دیگر ، سَبْح و سِباحه است به معنای شنا کردن در آب . (1) و «سبحان» ، علَم جنس و اسم مصدر است به معنای تسبیح . خلیل بن احمد فراهیدی ، در بیان معنای «سبحان اللّه » می گوید : سبحان اللّه ، یعنی : منزّه و وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که سزاوار نیست به آن چیز وصف شود . منصوب بودن «سبحانَ» ، به اعتبار قرار گرفتن در موضع فعل است ، به معنای «تسبیحاً للّه » ؛ یعنی : خدا را پاک و منزّه می دارم . (2) فیروزآبادی در القاموس آورده : سبحان اللّه ، یعنی : منزّه دانستن خداوند از این که زن و فرزندی داشته باشد . کلمه «سبحان» ، معرفه است و نصب آن ، بنا بر مصدر است . یعنی : خداوند را از هر عیب و بدی ای تبرئه می کنم . یا به معنای شتافتن به سوی او ، یا چالاکی در عبادت اوست . «سبحان مِن کذا» ، یعنی : تعجّب می کنم از آن . (3)

تسبیح ، در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، مادّه «سبح» و برگرفته های آن ، 92 بار به کار رفته است . در این کتاب آسمانی و نیز در احادیث اسلامی ، کلمه «تسبیح» در معنای تنزیه استعمال شده است . ابن اثیر می گوید : کلمه تسبیح ، به صورت های مختلف ، در حدیث ، تکرار شده است . تسبیح در اصل ، به معنای منزّه و پاک و مبرّا دانستن از نقایص و

.

1- .معجم مقاییس اللّغه : ج 3 ص 125 .
2- .ترتیب العین : ص 357 .
3- .القاموس المحیط : ج 1 ص 226 .

کاستی هاست و سپس توسّعاً ، در موارد نزدیک به این معنا نیز به کار رفته است . گاه تسبیح ، مجازاً بر دیگر انواع ذکر (مانند : تحمید و تمجید و غیره) نیز اطلاق می شود . گاه به نماز نافله نیز «سُبحه» می گویند و گفته می شود : «قَضَیتُ سُبحَتی ؛ نافله ام را به جا آوردم» . (1) در احادیث فصل نخست این بخش ، ضمن تأیید مفهوم لغوی «تسبیح» در تفسیر این ذکر ، به نکاتی قابل توجّه اشاره شده است ، مانند این که : 1 . عَلِمَ اللّهُ عز و جل أَنَّ بَنی آدَمَ یَکذِبونَ عَلَی اللّهِ عز و جل ، فَقالَ : «سُبحانَ اللّهِ» ، بَراءَةً مِمّا یَقولونَ . (2) خداوند می دانست که آدمیان بر او دروغ می بندند . از این رو ، برای تبرئه خود از آنچه آنها می گویند ، فرمود : «سبحان اللّه ». 2 . [سُبحانَ اللّهِ]، أنَفَهٌ للّهِ، أما تَرَی الرَّجُلَ إذا عَجِبَ مِنَ الشَّی ءِ قالَ : سُبحانَ اللّهِ . (3) سبحان اللّه ، وارسته دانستن خداوند است . مگر نمی بینی که آدمی هر گاه از چیزی تعجّب کند ، می گوید : «سبحان اللّه !»؟! 3 . إذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» فَقَد أنِفَ للّهِ ، و حَقٌّ عَلَی اللّهِ أن یَنصُرَهُ . (4) هر گاه بنده بگوید : «سبحان اللّه » ، خداوند را تنزیه کرده است و بر خداست که او را یاری کند . 4 . هُوَ تَعظیمُ جَلالِ اللّهِ عز و جل ، و تَنزیهُهُ عَمّا قالَ فیهِ کُلُّ مُشرِکٍ ، فَإِذا قالَهَا العَبدُ صَلّی عَلَیهِ کُلُّ مَلَکٍ . (5)

.

1- .النهایه فی غریب الحدیث : ج 2 ص 331 .
2- .ر . ک : ص 444 ح 709 .
3- .ر . ک : ص 446 ح 712 .
4- .ر . ک : ص 442 ح 708 .
5- .ر . ک : ص 446 ح 713 .

تسبیحگوی حقیقی

راز همراهی «تسبیح» و «تحمید»

سبحان اللّه ، بزرگداشت شکوه خداوند و وارسته دانستن او از هر آن چیزی است که هر مشرکی در باره او می گوید . پس هر گاه بنده این جمله را بگوید ، هر فرشته ای بر او درود می فرستد . 5 . إذا قُلتَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» رَفَعتَ اللّهَ تَبارَکَ و تَعالی عَمّا یَقولُ العادِلونَ بِهِ . (1) هر گاه بگویی : «سبحان اللّه و بحمده» ، در واقع ، خداوند تبارک و تعالی را از آنچه مشرکان در حقّ او می گویند ، برتر دانسته ای. آنچه در این احادیث ، در تبیین و تفسیر «تسبیح» آمده ، در مجموع ، حاکی از آن است که مفهوم این ذکر ، تنزیهِ توأم با تعظیم خداوند متعال است .

تسبیحگوی حقیقیبر پایه آنچه در تفسیر «تسبیح» بدان اشاره شد ، هر کسی شایسته آن نیست که تسبیحگو شمرده شود . تسبیحگوی حقیقی ، کسی است که باور کرده که خداوند متعال در ذات و صفات و افعال ، هیچ گونه کاستی ای ندارد و عظمت این معنا را درک نموده است . بنا بر این ، کسی که حتّی در دل ، بر مقدّرات الهی اعتراض دارد ، نمی تواند در گفتن ذکر تسبیح ، صادق باشد .

راز همراهی «تسبیح» و «تحمید»با تأمّل در مفهوم حقیقیِ «تسبیح» ، راز همراهیِ این ذکر و ذکرِ «تحمید» در قرآن (2) و دعاها روشن می گردد و این که چرا فرشتگان ، همراه تسبیح خداوند منّان ، او را حمد می کنند :

.

1- .ر . ک : ص 448 ح 715 .
2- .ر . ک : بقره : آیه 30 ، رعد : آیه 13 ، حجر : آیه 98 و اسراء : آیه 44 .

«وَ تَرَی الْمَلَئِکَهَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ . (1) و فرشتگان را می بینی که حلقه زنان بر گِرد عرش ، پروردگار خود را تسبیح می گویند و می ستایند» . و خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَ الْاِبْکَرِ . (2) هر شام و بام ، به سپاس ، خداوندگارت را تسبیحگوی باش» . و نیز می فرماید : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حِینَ تَقُومُ . (3) و آن گاه که بر می خیزی ، به سپاس ، پروردگارت را تسبیح گوی» . همچنین قرآن ، در مورد ذکر «رعد» آورده است : «وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ . (4) و رعد ، او را به سپاس ، تسبیح می گوید» . بلکه همه چیز در جهان آفرینش ، در کنار تسبیح حق تعالی ، او را تحمید نیز می نماید : «وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَکِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ . (5) هیچ چیزی نیست ، مگر آن که او را به سپاس ، تسبیح می گوید ؛ امّا شما تسبیح آنها را نمی فهمید» .

.

1- .زمر : آیه 75 . نیز ، ر. ک : غافر: آیه 70 ، شورا : آیه 5 ، بقره : آیه 30 .
2- .غافر : آیه 55 .
3- .طور : آیه 48 .
4- .رعد : آیه 13 .
5- .اسراء : آیه 44 .

توضیح ، این که تسبیح ، تنزیه خداوند متعال در ذات و صفات و افعال ، از همه کاستی ها و ناشایستگی هاست و تحمید ، ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات در ذات و صفات و افعال . تردیدی نیست که وجود همه کمالات در حضرت حق ، به تنزیه او از همه کاستی ها باز می گردد . بنا بر این ، تحمید ، در واقع ، نوع خاصّی از تسبیح است ، با این تفاوت که تسبیح ، ستودن خداوند به صفات جلال است ؛ ولی تحمید ، ستودن او به صفات جمال است ، و همراه شدن تسبیح و تحمید ، ستودن خداوند متعال به صفات جلال و جمال در کنار هم است . به بیان دیگر ، تحمید ، مُلازم تسبیح است ، همان گونه که صفات ثبوتیه حضرت حق ، مستلزم صفات سلبیه او هستند و با قرار گرفتن تحمید در کنار تسبیح ، تنزیه خداوند متعال از همه کاستی ها با توصیف او به همه کمالات ، همراه می گردد . نکته دیگر ، این که نه تنها تحمید ، نوع خاصّی از تسبیح است ، بلکه تهلیل و تکبیر نیز چنین اند ؛ زیرا تهلیل ، تنزیه خداوند متعال از شریک است و تکبیر ، تنزیه او از توصیف افراد جاهل و از تحدید . لذا هنگامی که شخصی نزد امام صادق علیه السلام تکبیر گفت ، امام علیه السلام از او پرسید : «اللّهُ أکبَرُ مِن أیِّ شَی ءٍ ؛ خدا بزرگ تر از چه چیز است ؟» . آن شخص پاسخ داد : از همه چیز . امام علیه السلام فرمود : «حَدَّدتَهُ ؛ او را محدود کردی !» . آن مرد گفت : چگونه بگویم؟

.

اهمّیت ذکر «تسبیح»

امام علیه السلام فرمود : «قل : اللّهُ أکبَرُ مِن أن یوصَفَ ؛ (1) بگو : خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود» . بنا بر این ، تحمید و تهلیل و تکبیر ، ریشه در تسبیح دارند و این اذکار ، هر چند از نظر مفهومْ متفاوت اند ، لیکن از وحدت مصداقی برخوردارند و از این رو ، به این چهار ذکر در نماز ، «تسبیحات اربعه» اطلاق می گردد . (2) همچنین در تسبیح فاطمه علیهاالسلام «تکبیر» و «تحمید» ، تسبیح نامیده می شوند . (3)

اهمّیت ذکر «تسبیح»افزون بر آنچه در تبیین حقیقتِ تسبیح گذشت ، آیات و احادیثی که در باره فضیلت تسبیح (4) و اوقات (5) و ویژگی های آن آمده اند ، (6) خصوصا این ویژگی که تسبیح ، جوهر و روح نماز، (7) و خود ، نمازِ همه موجودات (8) است ، حکایت از اهمّیت و نقش ویژه ای دارند که این ذکر در نظام هستی و سازندگیِ انسان و نزدیک کردن او به آفریدگار جهان دارد . آثار و برکات این ذکر ، به قدری است که احادیث اسلامی برای تبیین اهمّیت

.

1- .الکافی : ج 1 ص 117 ح 8 ، التوحید : ص 313 ح 1 ، معانی الأخبار : ص 12 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 366 ح 20 .
2- .ر . ک : ص 517 (تسبیحات چهار گانه) .
3- .ر . ک : ج 2 ص 87 (تسبیحات فاطمه) .
4- .ر . ک : ص 463 (فضیلت تسبیحگویی) .
5- .ر . ک : ص 489 (اوقات تسبیح گفتن) .
6- .ر . ک : ص 451 (ویژگی های تسبیح) .
7- .ر . ک : ص 453 (گوهر نماز) .
8- .ر . ک : ص 453 (نماز هر چیزی) .

و ارزش اموری مانند : تعلیم علم ، فضیلت روزه ، اندوهگین شدن برای مصایب اهل بیت علیهم السلام و ... ، پاداش آنها را به ثواب تسبیح ، تشبیه کرده اند . (1)

.

1- .ر . ک : ج 2 ص 173 (چیزهایی که ثواب تسبیح گویی دارند) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير التّسبيحالكتاب«سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ * إِلَا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» . (1)

«سُبْحَنَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ» . (2)

الحديثالمستدرک على الصحيحين عن طلحه بن عبيد اللّه :سَأَلتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَن تَفسيرِ : «سُبحانَ اللّهِ» ، قالَ : هُوَ تَنزيهُ اللّهِ عَن كُلِّ سوءٍ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» فَقَد أنِفَ (4) للّهِ ، وحَقٌّ عَلَى اللّهِ أن يَنصُرَهُ . (5)

.

1- .الصافّات : 159 و 160 .
2- .الصافّات : 180 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 680 ح 1848 ، كنز العمّال : ج 1 ص 474 ح 2061 نقلاً عن الديلمى .
4- .أَنِفَ مِن الشىء من باب تعِب يأنَفُ أَنَفا : إذا كَرِهَهُ وعَزَفت نفسه عنه... قال بعض الشارحين : الأَنَفَه فى الأصل : الضرب على الأنف ليرجع ، ثمّ استعمل لتبعيد الأشياء ، فيكون هنا بمعنى رفع اللّه عن مرتبه المخلوقين بالكلّيه ، لأنّه تنزيه عن صفات الرذائل والأجسام (مجمع البحرين : ج 1 ص 89 «أنف») .
5- .المحاسن : ج 1 ص 106 ح 90 عن محمّد بن مروان عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 183 ح 19 .

فصل یکم: تفسیر تسبیح

فصل یکم: تفسیر تسبیحقرآن«خدا منزّه است از آنچه در وصف می آورند ، به استثنای بندگان پاک دل خدا» .

«منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند» .

حدیثالمستدرک علی الصحیحین به نقل از طلحه بن عبید اللّه : از پیامبر خدا ، در باره معنای «سبحان اللّه » پرسیدم . فرمود : «یعنی وارسته دانستن خداوند از هر عیب [و بدی]» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : «پاکا خداوند !» ، خدا را [از مرتبه مخلوق ،]وارسته دانسته است و بر خداست که او را یاری بخشد .

.

الإمام الحسن عليه السلام :جاءَ نَفَرٌ مِنَ اليَهودِ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَسَأَلَهُ أعلَمُهُم فَقالَ لَهُ : أخبِرنى عَن تَفسيرِ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : عَلِمَ اللّهُ عز و جل أنَّ بَنى آدَمَ يَكذِبونَ عَلَى اللّهِ عز و جل ، فَقالَ : «سُبحانَ اللّهِ» ؛ بَراءَةً مِمّا يَقولونَ . وأمّا قَولُهُ : «الحَمدُ للّهِ» ؛ فَإنَّهُ عَلِمَ أنَّ العِبادَ لا يُؤَدّونَ شُكرَ نِعمَتِهِ فَحَمِدَ نَفسَهُ قَبلَ أن يَحمَدَهُ العِبادُ ، وهُوَ أوَّلُ كَلامٍ ، لَولا ذلِكَ لَما أنعَمَ اللّهُ تَعالى عَلى أحَدٍ بِنِعمَتِهِ . وقَولُهُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» يَعنى وَحدانِيَّتَهُ ، لا يَقبَلُ الأعمالَ إلّا بِها ، وهِىَ كَلِمَةُ التَّقوى ، يُثقِلُ اللّهُ بِهَا المَوازينَ يَومَ القِيامَهِ . وأمّا قَولُهُ : «اللّهُ أكبَرُ» ، فَهِىَ كَلِمَهٌ أعلَى الكَلِماتِ وأحَبُّها إلَى اللّهِ عز و جل؛ يَعنى أنَّهُ لَيسَ شَىءٌ أكبَرَ مِنهُ ، ولا تَصِحُّ الصَّلاهُ إلّا بِها لِكَرامَتِها عَلَى اللّهِ عز و جل ، وهُوَ الِاسمُ الأعَزُّ الأكرَمُ . قالَ اليَهودِىُّ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ . فَما جَزاءُ قائِلِها؟ قالَ : إذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» ، سَبَّحَ مَعَهُ ما دونَ العَرشِ ، فَيُعطى قائِلُها عَشرَ أمثالِها . وإذا قالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعَمِ الدُّنيا مَوصولاً بِنِعَمِ الآخِرَهِ ، وهِىَ الكَلِمَهُ الَّتى يَقولُها أهلُ الجَنَّهِ إذا دَخَلوها ، ويَنقَطِعُ الكَلامُ الَّذى يَقولونَهُ فِى الدُّنيا ما خَلَا الحَمدُ للّهِ ؛ وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (1) . وأمّا قَولُهُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، فَثَمَنُهَا الجَنَّهُ ؛ وذلِكَ قَولُ اللّهِ تَعالى : «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَا الْإِحْسَنُ» (2) قالَ : هَل جَزاءُ مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» إلَا الجَنَّهُ . فَقالَ اليَهودِىُّ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ . (3)

.

1- .يونس : 10 .
2- .الرحمن : 60 .
3- .علل الشرائع : ص 251 ح 8 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص 34 عن الحسين بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 9 ص 294 ح 5 .

امام حسن علیه السلام :گروهی از یهود به نزد پیامبر خدا آمدند . داناترین آنان از ایشان سؤال کرد و گفت : مرا از معنای «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است (سبحانَ اللّهِ والحمدُ للّهِ ولا إله إلّا اللّهُ واللّهُ أکبرُ)» آگاه کن . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند عز و جل می دانست که آدمی زادگان بر خداوند عز و جل دروغ می بندند. از این رو فرمود : پاکا خدا! ، برای تبرئه کردن خود از آنچه [در باره او]می گویند . و این که فرمود : ستایش ، خدای را به این خاطر است که می دانست بندگان ، نعمت های او را سپاس نمی گزارند . از این رو ، پیش از آن که بندگان ، او را سپاس گویند ، خود ، خویشتن را سپاس گفت ، و این ، آغازینْ سخن است . اگر نبود این سپاس گزاری ، بی گمان ، خداوند متعال ، نعمت خویش را به هیچ کس ارزانی نمی داشت . و عبارت معبودی جز خدا نیست ، به معنای یکتایی اوست . اَعمال را جز با این عقیده (توحید) نمی پذیرد ، و این عبارت ، کلمه پرهیزگاری است . در روز رستاخیز ، خداوند با این عقیده ، ترازوها[ی اعمال] را سنگین می کند . و جمله خدا بزرگ تر است ، عالی ترین سخن و محبوب ترین سخن در نزد خداوند عز و جل است ؛ یعنی هیچ چیزی بزرگ تر از او نیست ، و نماز ، جز با آن ، درست نیست ؛ زیرا که این سخن ، در نزد خداوند عز و جل سخنی ارجمند است ، و عزیزترین و ارجمندترین نام است» . یهودی گفت : درست گفتی ، ای محمّد ! پاداش گوینده اینها چیست؟ فرمود : «هر گاه بنده بگوید : پاکا خدا! ، همه آفریدگان زیر عرش ، هم صدا با او تسبیح می گویند و ده برابر آن به گوینده اش پاداش داده می شود ، و هر گاه بگوید : ستایش ، خدای را ، خداوند ، نعمت های دنیا را و در پی آن ، نعمت های آخرت را به او ارزانی می دارد . این ، جمله ای است که اهل بهشت ، هر گاه وارد آن شوند ، می گویند ، و همه سخنانی که در دنیا می گفتند ، قطع می شود ، بجز جمله ستایش ، خدای را . خدای متعال ، در این باره فرموده است : «نیایششان در آن : پاکا تو بار خدایا ، و درودشان در آن : سلام ، و واپسین نیایششان این است که : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، و امّا جمله معبودی جز خدا نیست ، بهایش بهشت است . خداوند متعال می فرماید : «آیا سزای نیکی کردن، جز نیکی کردن است؟» . آیا سزای کسی که می گوید : معبودی جز خدا نیست ، چیزی جز بهشت است؟» . یهودی گفت : درست گفتی ، ای محمّد !

.

الإمام علىّ عليه السلام بَعدَ أن بَيَّنَ مَعنَى الرُّكوعِ : ومَعنى قَولِهِ : «سُبحانَ رَبِّيَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» ؛ فَ «سُبحانَ اللّهِ» : أنَفَةٌ للّهِ عز و جل ، و«رَبّى» : خالِقى ، وَ«العَظيمِ» : هُوَ العَظيمُ فى نَفسِهِ ، غَيرُ مَوصوفٍ بِالصِّغَرِ ، وعَظيمٌ فِى مُلكِهِ وسُلطانِهِ ، وأعظَمُ مِن أن يوصَفَ ، تَعالَى اللّهُ . (1)

عنه عليه السلام بَعدَ أن بَيَّنَ مَعنَى السُّجودِ : ومَعنى قَولِهِ : «سُبحانَ رَبِّيَ الأعلى» ؛ فَ «سُبحانَ» : أنَفَةٌ للّهِ ، و«رَبِّى» : خالِقى ، وَ«الأعلى» : أى عَلا وَارتَفَعَ فى سَماواتِهِ حَتّى صارَ العِبادُ كُلُّهُم دونَهُ ، وقَهَرَهُم بِعِزَّتِهِ ، ومِن عِندِهِ التَّدبيرُ ، وإلَيهِ تَعرُجُ المَعارِجُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام لِهِشامِ بنِ الحَكَمِ وقَد سَأَلَهُ عَن تَفسيرِ سُبحانَ اللّهِ :أنَفَةٌ للّهِ ، أما تَرَى الرَّجُلَ إذا عَجِبَ مِنَ الشَّىءِ قالَ : سُبحانَ اللّهِ . (3)

التوحيد عن يزيد بن الأصمّ :سَأَلَ رَجُلٌ عُمَرَ بنَ الخَطّابِ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، ما تَفسيرُ : سُبحانَ اللّهِ؟ قالَ : إنَّ فى هذَا الحائِطِ رَجُلاً كانَ إذا سُئِلَ أنبَأَ ، وإذا سكَتَ ابتَدَأَ . فَدَخَلَ الرَّجُلُ ؛ فَإذا هُوَ عَلِيُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام ، فَقالَ : يا أبَا الحَسَنِ ، ما تَفسيرُ : سُبحانَ اللّهِ؟ قالَ : هُوَ تَعظيمُ جَلالِ اللّهِ عز و جل ، وتَنزيهُهُ عَمّا قالَ فيهِ كُلُّ مُشرِكٍ ، فَإذا قالَهَا العَبدُ صَلّى عَلَيهِ كُلُّ مَلَكٍ . (4)

.

1- .بحار الأنوار : ج 85 ص 116 ح 25 نقلاً عن العلل لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم .
2- .بحار الأنوار : ج 85 ص 139 ح 24 نقلاً عن العلل لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم .
3- .الكافى : ج 3 ص 329 ح 5 ، معانى الأخبار : ص 9 ح 1 عن هشام بن عبدالملک وفيه صدره إلى «أنفه للّه » .
4- .التوحيد : ص 312 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 9 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 40 ص 121 ح 10 .

امام علی علیه السلام پس از بیان معنای رکوع : معنای جمله «پاکا پروردگار بزرگ من ، و ستایشْ ، او را!» ، این است : «پاکا خدا!» ، وارسته دانستن خداست . «پروردگار من» ، یعنی : آفریدگار من . «بزرگ» ، یعنی : ذاتا بزرگ است و به خُردی وصف نمی شود ، و پادشاهی و سلطنتش نیز باعظمت است ، و بزرگ تر از آن است که به وصف در آید . خدا ، برتر است .

امام علی علیه السلام پس از بیان معنای سجود : معنای جمله «پاکا پروردگار برتر من!» ، این است : «پاکا» ، وارسته دانستن خداست . «پروردگار من» ، یعنی آفریدگار من . «برتر» ، یعنی در آسمان هایش بلندمرتبه و رفیع است و همه بندگان ، فرودست او و مقهور عزّت اویند ، و تدبیر [عالم] از جانب اوست ، و همه صعودها به سوی اوست .

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش هشام بن حکم از معنای «پاکا خدا!» : وارسته دانستن خداست . نمی بینی که آدمی هر گاه از چیزی شگفت زده می شود ، می گوید : «سبحان اللّه !» ؟!

التوحید به نقل از یزید بن اَصَم : مردی از عمر بن خطّاب سؤال کرد و گفت : ای امیر مؤمنان ! معنای «پاکا خدا (سبحان اللّه)» چیست؟ عمر گفت : در این باغ ، مردی است که هر گاه از او سؤالی شود ، پاسخ می دهد ، و هر گاه سکوت شود ، او خود آغاز به پاسخگویی می کند . مرد ، وارد باغ شد . دید [که آن مرد ،] علی بن ابی طالب علیه السلام است . گفت : ای ابو الحسن ! معنای «پاکا خدا!» چیست؟ فرمود : «بزرگداشت عظمت خداوند عز و جل است ، و وارسته دانستن او از آنچه هر مشرکی در باره اش بگوید . پس ، هر گاه بنده این جمله را بگوید ، هر فرشته ای بر او درود می فرستد» .

.

الكافى عن هشام الجواليقى :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «سُبْحَانَ اللّهِ» (1) ما يَعنى بِهِ؟ قالَ : تَنزيهَهُ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إذا قُلتَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» رَفَعتَ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى عَمّا يَقولُ العادِلونَ بِهِ . (3)

تفسير القمّى عن إسماعيل الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام فى وَصفِ مِعراجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : فَلَمَّا انتَهى بِهِ إلى سِدرَهِ المُنتَهى تَخَلَّفَ عَنهُ جَبرَئيلُ عليه السلام ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «يا جَبرَئيلُ ، فى هذَا المَوضِعِ تَخذُلُنى»؟! فَقالَ : تَقَدَّم أمامَك ، فَوَاللّهِ لَقَد بَلَغتَ مَبلَغا لَم يَبلُغهُ أحَدٌ مِن خَلقِ اللّهِ قَبلَكَ . «فَرَأيتُ مِن نورِ رَبّى ، وحالَ بَينى وبَينَهُ السُّبحَهُ» . قُلتُ : ومَا السُّبحَهُ (4) جُعِلتُ فِداكَ؟ فَأومَأ بِوَجهِهِ إلَى الأرضِ وأومَأ بِيَدِهِ إلَى السَّماءِ وهُوَ يَقولُ : جَلالُ رَبّى ثَلاثَ مَرّاتٍ . (5)

.

1- .جاءت كثيرا فى القرآن الكريم ، وبعنوان المثال اُنظر : الأنبياء:22 ، المؤمنون:91 ، النمل:8 ، القصص : 68 .
2- .الكافى : ج 1 ص 118 ح 11 ، التوحيد : ص 312 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 9 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 177 ح 2 .
3- .الخصال : ص 299 ح 72 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 178 ح 6 .
4- .فى المصدر : «السبخه» فى كلا الموضعين ، والتصويب من بحار الأنوار وتفسير نور الثقلين وتفسير الصافى . وقال المجلسى قدس سره : لعلّ المراد بالسُّبْحه تنزّهه وتقدّسه تعالى ؛ أى حال بينى وبينه تنزّهه عن المكان والرؤيه ، وإلّا فقد حصل غايه ما يمكن من القرب. قال الجزرى : سُبُحات اللّه : جلالُه وعظمتُه ، وهى فى الأصل جمع سُبْحه (بحار الأنوار : ج 18 ص 374) .
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 243 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 373 ح 79 .

الکافی به نقل از هشام جوالیقی : از امام صادق علیه السلام در باره معنای این سخن خداوند عز و جل«پاکا خدا!» پرسیدم . فرمود : «منزّه دانستن اوست» .

امام زین العابدین علیه السلام :هر گاه بگویی : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ، خداوند تبارک و تعالی را از آنچه مشرکان می گویند ، برتر دانسته ای .

تفسیر القمّی به نقل از اسماعیل جُعفی ، در وصف معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام فرمود : «چون جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به سِدرهُ المُنتهی (آخرین درخت سِدر) رساند ، وا پس ایستاد . پیامبر خدا فرمود : «ای جبرئیل ! در چنین جایی مرا تنها می گذاری؟!» . [جبرئیل علیه السلام] گفت : تو پیش برو ؛ زیرا به خدا سوگند ، به جایی رسیده ای که هیچ مخلوقی پیش از تو به آن جا نرسیده است . پس ، از نور پروردگارم دیدم و سُبحه ، میان من و او حایل گشت» . گفتم : سُبحه (1) چیست ، فدایت شوم؟ [امام علیه السلام] با صورتش به زمین و با دستش به آسمان اشاره کرد و سه بار فرمود : «شکوهِ پروردگارم» .

.

1- .علّامه مجلسی قدس سره می گوید : شاید مراد از «سُبحه» ، تنزّه و تقدّس خداوند متعال است ؛ یعنی منزّه بودن او از مکان و دیده شدن ، میان من و او حایل گشت ، وگرنه حدّ اعلای قرب ، حاصل شده است . جزری می گوید : «سُبُحات اللّه » ، یعنی جلال و عظمت خداوند . سُبحات ، جمع «سُبحه» است .

الفَصلُ الثّانى : خصائص التّسبيح2 / 1اِسمٌ مِن أسماءِ اللّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ تَبارَکَ وتَعالى تِسعَةً وتِسعينَ اسما . . . وهِىَ : اللّهُ ، الإِلهُ . . . السُّبّوحُ (1) . (2)

تفسير العيّاشى عن زيد الشحّام عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ التَّسبيحِ ، فَقالَ : هُوَ اسمٌ مِن أسماءِ اللّهِ ، ودَعوى أهلِ الجَنَّهِ . 3

كنزالعمّال عن ابن عبّاس :قالَ عُمَرُ : أَمَّا الحَمدُ فَقَد عَرَفناهُ ؛ فَقَد تَحمَدُ الخَلائِقُ بَعضُهُم بَعضا ، وأمّا «لا إلهَ إلّا اللّهُ» قَد عَرَفناها ؛ فَقَد عُبِدَتِ الآلِهَهُ مِن دونِ اللّهِ ، وأمّا «اللّهُ أكبَرُ» فَقَد يُكَبِّرُ المُصَلّى ، وأمّا «سُبحانَ اللّهِ» فَما هُوَ؟ فَقالَ رَجُلٌ مِنَ القَومِ : اللّهُ أعلَمُ ، فَقالَ عُمَرُ : قَد شَقِىَ عُمَرُ إن لَم يَكُن يَعلَم ، إنَّ اللّهَ أعلَمُ . فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، اِسمٌ مَمنوعٌ أن يَنتَحِلَهُ أحَدٌ مِنَ الخَلائِقِ ، وإِلَيهِ مَفزَعُ الخَلقِ ، وأَحَبَّ أن يُقالَ لَهُ . فَقالَ عُمَرُ : هُوَ كَذلِکَ . (3)

.

1- .قال الشيخ الصدوق قدس سره : السُّبّوح : هو اسم مبنىّ على فُعّول ، وليس فى كلام العرب فعّول إلّا سبّوح وقدّوس ، ومعناهما واحد ، وسبحان اللّه تنزيها له عن كلّ ما لا ينبغى أن يوصف به ، ونصبه لأنّه فى موضع فعل على معنى تسبيحا للّه ؛ يريد : سبّحتُ تسبيحا للّه ، ويجوز أن يكون نصبا على الظرف ، ومعناه : نسبّح للّه وسبّحوا للّه (التوحيد : ص 207) .
2- .التوحيد : ص 194 ح 8 ، الخصال : ص 593 ح 4 كلاهما عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 186 ح 1 .
3- .كنزالعمّال : ج 2 ص 564 ح 4738 نقلاً عن ابن ماجه فى تفسيره وابن أبى حاتم وابن مردويه .

فصل دوم: ویژگی های تسبیح2 / 1نامی از نام های خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی نود و نُه نام دارد ... و آنها عبارت اند از : اللّه ، اِله ، ... سُبّوح . (1)

تفسیر العیّاشی به نقل از زید شحّام : از امام صادق علیه السلام در باره تسبیح پرسیدم . فرمود : «[یادکردِ] نامی از نام های خدا (سبحان) و [نیز] نیایش اهل بهشت است» . (2)

کنز العمّال به نقل از ابن عبّاس : عُمر گفت : معنای «سپاس (حمد)» را می دانیم . مردم ، یکدیگر را سپاس می گویند . معنای «معبودی جز خدای یگانه نیست» را هم می دانیم ؛ چرا که خدایانی به جای خداوند یگانه ، پرستیده می شدند . «خدا بزرگ تر است» هم معلوم است . نمازگزار ، «اللّه أکبر» می گوید ؛ امّا «پاکا خدا! (سبحان اللّه)» ، به چه معناست؟ مردی از میان جمعیت گفت : خدا ، داناتر است . عمر گفت : بدبخت عمر ، اگر نداند که خدا داناتر است! علی علیه السلام فرمود : «ای امیر مؤمنان! [سبحان اللّه ،] نامی است که هیچ یک از خلایق ، حق ندارد آن را بر خود نهد . خلق به او پناه می بَرند ، و [خدا] دوست دارد که این نام به او گفته شود» . عمر گفت : همین طور است .

.

1- .شیخ صدوق قدس سره می گوید : «سُبّوح» ، اسم است به وزن «فُعّول» ، و در کلام عرب ، جز سبّوح و قدّوس بر این وزن نیامده است ، و این هر دو به یک معناست . «سبحان اللّه » ، یعنی منزّه و وارسته است خداوند ، از هر آنچه که شایسته نیست بدان وصف شود .

2- .علّامه طباطبایی قدس سره می گوید : مراد امام علیه السلام از «تسبیح» ، عبارت «سبحان اللّه » است ، که معنای اسمی آن ، دلالت بر منزّه بودن خداوند متعال دارد .

2 / 2جَوهَرُ الصَّلاهِالمناقب لابن شهر آشوب عن أبى حازم :قالَ رَجُلٌ لِزَينِ العابِدينَ عليه السلام : تَعرِفُ الصَّلاةَ؟ فَحَمَلتُ عَلَيهِ ، فَقالَ عليه السلام : مَهلاً يا أبا حازِمٍ فَإِنَّ العُلَماءَ هُمُ الحُلَماءُ الرُّحَماءُ . ثُمَّ واجَهَ السّائِلَ فَقالَ : نَعَم أعرِفُها !فَسَأَلَهُ عَن أفعالِها وتُروكِها وفَرائِضِها ونَوافِلِها ، حَتّى بَلَغَ قَولَهُ : مَا افتِتاحُها؟ قالَ : التَّكبيرُ ، قالَ : ما بُرهانُها؟ قالَ : القِراءَةُ ، قالَ : ما خُشوعُها؟ قالَ : النَّظَرُ إلى مَوضِعِ السُّجودِ ، قالَ : ما تَحريمُها؟ قالَ : التَّكبيرُ ، قالَ : ما تَحليلُها؟ قالَ : التَّسليمُ ، قالَ : ما جَوهَرُها؟ قالَ : التَّسبيحُ . (1)

2 / 3صَلاهُ كُلِّ شَىءٍرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ نَبِيَّ اللّهِ نوحا عليه السلام لَمّا حَضَرَتهُ الوَفاهُ قالَ لِابنِهِ : إنّى قاصٌّ عَلَيكَ الوَصِيَّةَ : آمُرُكَ بِاثنَتَينِ ، وأنهاكَ عَنِ اثنَتَينِ : آمُرُكَ بِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ»؛ فَإِنَّ السَّماواتِ السَّبعَ وَالأَرضِينَ السَّبعَ لَو وُضِعَت فى كَفَّهِ ، ووُضِعَت «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فى كَفَّهِ ، رَجَحَت بِهِنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» . ولَو أنَّ السَّماواتِ السَّبعَ وَالأَرَضِينَ السَّبعَ كُنَّ حَلقَةً مُبهَمَةً ، قَصَمَتهُنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» . و «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ»؛ فَإِنَّها صَلاهُ كُلِّ شَىءٍ ، وبِها يُرزَقُ الخَلقُ . (2) وأنهاكَ عَنِ الشِّركِ ، وَالكِبرِ . (3)

.

1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 130 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 244 ح 35 .
2- .قال العلّامه الطباطبائى قدس سره : قد ظهر ممّا قدّمناه فى معنى تسبيح الأشياء الارتباط المشار إليه فى الروايه بين تسبيح كلّ شىء وبين رزقه، فإنّ الرزق يقدّر بالحاجه والسؤال وكلّ شىء إنّما يسبّح اللّه تعالى بالإشاره بإظهار حاجته ونقصه إلى تنزّهه تعالى من ذلک (الميزان فى تفسير القرآن : ج 13 ص 120) .
3- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 575 ح 6594 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 113 ح 154 نحوه وكلاهما عن عبد اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 16 ص 107 ح 44078 .

2 / 2 گوهر نماز

2 / 3 نماز هر چیزی

2 / 2گوهر نمازالمناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از ابو حازم : مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت : نماز می دانی؟! من به او حمله کردم . امام علیه السلام فرمود : «آرام باش ، ای ابو حازم ! عالمان ، بردبار و مهربان اند» . سپس ، رو به پرسنده کرد و فرمود : «آری ؛ می دانم !» . مرد از اعمال نماز و مبطلات و واجبات و مستحبّات آن پرسید ، تا به این جا رسید که گفت : شروع نماز چیست؟ فرمود : «تکبیر» . گفت : برهانش چیست؟ فرمود : «قرائت» . گفت : خشوعش چیست؟ فرمود : «نگاه کردن به محلّ سجده» . گفت : وارد شدن به حریم نماز ، چگونه است؟ فرمود : «با تکبیر[ه الإحرام]» . گفت : خارج شدن از آن به چیست؟ فرمود : «به سلام دادن» . گفت : گوهرش چیست؟ فرمود : «سبحان اللّه » .

2 / 3نماز هر چیزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون زمان رحلت پیامبر خدا نوح علیه السلام رسید ، به پسرش گفت : به تو وصیّت می کنم . به دو چیز ، فرمانت می دهم و از دو چیز ، بازَت می دارم . فرمانت می دهم به این که : «معبودی جز خدای یکتا نیست» ؛ چرا که اگر هفت آسمان و هفت زمین را در یک کفّه و «معبودی جز خدای یکتا نیست» را در کفّه دیگر بگذارند ، کفّه «معبودی جز خدای یکتا نیست» ، بر آنها می چربد . و اگر هفت آسمان و هفت زمین ، حلقه ای در هم پیچیده باشند ، [عقیده] «معبودی جز خدای یکتا نیست» ، آن را در هم می شکند . و [فرمانت می دهم به] «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ؛ زیرا این [جمله ،] نماز هر موجودی است و خلق ، به واسطه آن ، روزی داده می شوند . (1) و آن دو چیز که از آنها بازَت می دارم : شرک و تکبّر است .

.

1- .علّامه طباطبایی قدس سره می گوید : روزی ، بر پایه نیاز و درخواست ، مقدّر می شود و هر موجودی با اظهار نیازمندی و نقص خود ، اشاره به

این دارد که خداوند متعال ، از این دو ، منزّه و مبرّاست و از این طریق ، حق تعالی را تسبیح می گوید .

2 / 4طَعامُ المَلائِكَهالاختصاص عن ابن عبّاس فى مَسائِلِ عَبدِ اللّهِ بن سَلّامٍ لِلنَّبِيِّ صلى الله علَيه و آله : قالَ : فَأَخبِرنى عَن جَبرَئيلَ فى زِيِّ الإِناثِ أم فى زِيِّ الذُّكورِ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : فى زِيِّ الذُّكورِ لَيسَ فى زِيِّ الإِناثِ . قالَ : فَأَخبِرنى ما طَعامُهُ وشَرابُهُ؟ قال : طَعامُهُ التَّسبيحُ ، وشَرابُهُ التَّهليلُ (1) . قالَ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ . (2)

.

1- .أى يتقوّون بالتسبيح والتهليل كما يتقوّى الإنسان بالطعام والشراب ولا يبقى بدونهما (بحار الأنوار : ج 59 ص 254) .
2- .الاختصاص : ص 45 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 253 ح 16 .

2 / 4خوراک فرشتگانالاختصاص به نقل از ابن عبّاس ، در باره پرسش های عبد اللّه بن سلّام از پیامبر صلی الله علیه و آله : [عبد اللّه پرسید :]مرا از جبرئیل ، خبر ده که آیا در هیئت زنان است یا در هیئت مردان؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «در هیئت مردان است ، نه در هیئت زنان» . گفت : مرا از خوراک و نوشاکش خبر ده . فرمود : «خوراکش سبحان اللّه است ، و نوشاکش لا إله إلّا اللّه » . (1) گفت : درست گفتی ، ای محمّد !

.

1- .یعنی فرشتگان با تسبیح و تهلیل ، نیرو می گیرند ، چنان که انسان با آب و غذا نیرو می گیرد و بدون این دو ، زنده نمی ماند .

2 / 5دُعاءُ أهلِ الجَنَّهالكتاب«دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (1)2

.

1- .يونس : 10 .

2 / 5نیایش بهشتیانقرآن«نیایش آنان در آن جا «خدایا! تو منزّهی » و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش آنان ، این که: «ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است»» .

.

الحديثالإمام علىّ عليه السلام فِى خُطبَهٍ لَهُ : جَعَلَ اللّهُ العاقِبَهَ لِلتَّقوى ، وَالجَنَّهَ لِأَهلِها مَأوىً ، دُعاؤُهُم فيها أحسَنُ الدُّعاءِ «سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ» ، دُعاؤُهُمُ المَولى عَلى ما آتاهُم «وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ المُؤمِنَ لَيَكونُ لَهُ مِنَ الجِنانِ ما أحَبَّ وَاشتَهى ، يَتَنَعَّمُ فيهِنَّ كَيفَ يَشاءُ ، وإذا أرادَ المُؤمِنُ شَيئا أو اشتَهى إنَّما دَعواهُ فِيها إذا أرادَ أن يَقولَ : «سُبحانَکَ اللّهُمَّ» ، فَإذا قالَها تَبادَرَت إلَيهِ الخَدَمُ بِمَا اشتَهى مِن غَيرِ أن يَكونَ طَلَبَهُ مِنهُم أو أمَرَ بِهِ ، وذلِکَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ» يَعنى الخُدّامَ ، قالَ : «وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أهلُ الجَنَّهِ . . . يُلهَمونَ التَّسبيحَ وَالتَّحميدَ كَما يُلهَمونَ النَّفَسَ . (3)

2 / 6اِلتِذاذُ أهلِ الجَنَّهِ بِتَسبيحِ الحَلىِ عَلَيهِمالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ المُؤمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسبيحِ الحَلىِ عَلَيهِ فِى الجَنَّهِ ، فى كُلِّ مَفصَلٍ مِنَ المُؤمِنِ فِى الجَنَّهِ ثَلاثَهُ أساوِرَ مِن ذَهَبٍ وفِضَّهٍ ولُؤلُؤٍ . (4)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 173 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 350 ح 30 .
2- .الكافى : ج 8 ص 100 ح 69 عن محمّد بن إسحاق المدنى ، بحار الأنوار : ج 8 ص 161 ح 98 .
3- .سنن الدارمى : ج 2 ص 792 ح 2723 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 121 ح 14775 نحوه وكلاهما عن جابر ، كنزالعمّال : ج 14 ص 469 ح 39294 .
4- .ربيع الأبرار : ج 4 ص 26 .

2 / 6 لذّت بردن بهشتیان از تسبیح زیوَرهایشان

حدیثامام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش : خداوند ، فرجام را برای پرهیزگاری قرار داده است و بهشت را برای پرهیزگاران . نیایش آنان در بهشت ، بهترین نیایش است : «پاکی تو ، ای خداوند !» . نیایششان به درگاه سَروَرشان برای آنچه به ایشان داده نیز این است : «و واپسین نیایش آنان ، این است : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

امام باقر علیه السلام :برای مؤمن از باغ های بهشت ، هر آنچه دوست بدارد و دلش بخواهد ، خواهد بود و از آنها هر گونه که بخواهد ، بهره مند خواهد شد . هر گاه مؤمن ، چیزی را اراده کند یا دلش بخواهد ، سخنش در آن جا ، در وقت خواستن آن چیز ، این است که بگوید : «پاکی تو ، ای خداوند !» ، و چون این جمله را بگوید ، خدمتکاران ، آنچه را که هوس کرده است ، برایش می آورند ، بدون این که آن چیز را از آنان طلبیده یا دستورش را داده باشد . خداوند عز و جل می فرماید : «نیایش آنان در آن جا پاکی تو ، ای خداوند ! است و درودشان در آن جا سلام است» ؛ یعنی [درود]خدمتکاران . می فرماید : «و واپسین نیایش آنان ، این است : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، ... همان گونه که نَفَس کشیدن به آنان الهام می شود ، «سبحان اللّه » و «الحمد للّه » به ایشان الهام می شود .

2 / 6لذّت بردن بهشتیان از تسبیح زیوَرهایشانامام صادق علیه السلام :مؤمن در بهشت ، از زیور تسبیح ، برخوردار است . در بند بندِ مؤمن در بهشت ، سه دستبند زرّین و سیمین و مروارید است .

.

2 / 7غِناءُ الجَنَّهالإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى يُعجِبُنِى الصَّوتُ الحَسَنُ ، أفِى الجَنَّهِ الصَّوتُ الحَسَنُ؟ قالَ : نَعَم وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، إنَّ اللّهُ لَيَأمُرُ لِمَن أَحَبَّ ذلِکَ مِنهُم بِشَجَرٍ يُسمِعُهُ صَوتا بِالتَّسبيحِ ، ما سَمِعَتِ الآذانُ بِأحسَنَ مِنهُ قَطُّ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ، إنَّ فِى الجَنَّهِ لَشَجَرا يَتَصَفَّقُ بِالتَّسبيحِ بِصَوتٍ لَم يَسمَعِ الأَوَّلونَ وَالآخِرونَ بِمِثلِهِ ، يُثمِرُ ثَمرا كَالرُّمّانِ . (2)

2 / 8ثِمارُ الجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ إبراهيمَ خَليلَ الرَّحمنِ رَأى الجَنَّهَ فيما يَرَى النّائِمُ ، فَأصبَحَ فَقَصَّها عَلى قَومِهِ ، فَقالَ : يا قومُ ! إنّى رَأيتُ البارِحَهَ فيما يَرَى النّائِمُ جَنَّهً عَرضُهَا السَّماواتُ وَالأَرضُ أُعِدَّت لِمُحَمَّدٍ وأُمَّتِهِ ، حَدائِقُها شَهادَهُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وأشجارُها مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ ، وثِمارُها سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ . (3)

.

1- .الغارات : ج 1 ص 242 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 547 ح 720 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 288 ح 569 عن الحارث بن محمّد الأحول عمّن حدّثه عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 441 ح 1 عن الحارث بن محمّد الأحول عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 138 ح 50 .
3- .كنزالعمّال : ج 12 ص 177 ح 34549 نقلاً عن مسند البزّار عن أبى اُمامه .

2 / 7 آواز بهشت

2 / 8 میوه های بهشت

2 / 7آواز بهشتامام علی علیه السلام :مردی گفت : ای پیامبر خدا ! من ، آوازِ خوش را دوست می دارم . آیا در بهشت هم آواز خوش هست؟ فرمود : «آری . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، خداوند ، برای آن کس از اهل بهشت که آواز خوش را دوست دارد ، به درختی فرمان می دهد تا آواز تسبیح بخواند ، با صدایی چنان خوش که هرگز گوش ها زیباتر از آن را نشنیده اند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، در بهشت ، درختی است که با چنان صوتی آوازِ تسبیح سر می دهد که هیچ بشری ، از آغاز تا پایان عالم ، مانند آن را نشنیده است ، و میوه هایی چون انار می دهد .

2 / 8میوه های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ابراهیم خلیل الرحمان ، بهشت را در عالم خواب دید . صبح که شد ، آن را برای قوم خود تعریف کرد و گفت : ای قوم ! دیشب در عالم خواب ، بهشتی را دیدم که پهنای آن [به پهنای] آسمان ها و زمین بود و برای محمّد و امّت او آماده شده بود . باغ هایشان ، گواهی دادن به یگانگی خداوند بود و درختانش ، گواهی دادن به پیامبری محمّد ، و میوه هایش ، «پاکا خدا ، و ستایش ، خدای را !» .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : الحثّ على التّسبيح3 / 1فَضلُ التَّسبيحِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن كَلامٍ لَهُ يَصِفُ فيهِ إخوانَهُ الَّذينَ يَأتونَ مِن بَعدِهِ : لَو أنَّ أحَدا مِنهُم يُسَبِّحُ تَسبيحَةً خَيرٌ لَهُ مِن أن يَصيرَ لَهُ جِبالُ الدُّنيا ذَهَبا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَبَّحَ تَسبيحَةً ، ومَنَحَ مِنحَةَ (2) لَبَنٍ ، أو هَدى زُقاقا (3) ، كانَ لَهُ كَعِدلِ نَسَمَةٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» ، قالَ اللّهُ : صَدَقَ عَبدى ، سُبحانى وبِحَمدى ، لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لى . (5)

.

1- .التحصين لابن فهد : ص 25 ح 40 .
2- .مِنْحَه اللبن : أن يُعطيه ناقه أو شاةً ينتفع بلبنها ويعيدها . وكذلک إذا أعطاه لينتفع بوبرها وصوفها زمانا ثمّ يردّها (النهايه : ج 4 ص 364 «منح») .
3- .فى المصدر : «... منحه منحه لبن أو هدى دفافا ...» ، والتصويب من كنز العمّال. قال ابن الأثير : الزُّقاقُ بالضمّ : الطريق ، يريد من دلّ الضالّ أو الأعمى طريقه (النهايه : ج 2 ص 306 «زقق») .
4- .شُعب الإيمان : ج 2 ص 507 ح 2544 عن أبى أيّوب ، كنزالعمّال : ج 2 ص 231 ح 3890 .
5- .كنزالعمّال : ج 1 ص 466 ح 2029 نقلاً عن الديلمى عن أبى الدرداء .

3 / 1 فضیلت تسبیحگویی

فصل سوم: تشویق به تسبیحگویی3 / 1فضیلت تسبیحگوییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گفتار ایشان در وصف برادرانش که پس از او می آیند : اگر یکی از آنان ، یک تسبیح بگوید ، برایش بهتر از آن است که همه کوه های دنیا برای او طلا شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک تسبیح بگوید ، یا دَهِش شیری (1) عطا کند ، یا کوچه ای را نشان دهد ، (2) ثوابش برابر با آزاد کردن برده ای است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : «سبحان اللّه » ، خداوند می فرماید : راست گفت بنده ام . منزّهم من و ستایش ، مراست . تسبیح ، جز مرا نسِزَد .

.

1- .دَهِش شیر ، به این معناست که شخصی مادّه شتر یا گوسفندی در اختیار کسی بگذارد تا برای مدّتی از شیر و کُرک و پشم آن استفاده کند و سپس آن را به صاحبش برگرداند .
2- .یعنی گم شده ای یا نابینایی را راه نمایی کند .

الإمام الصادق عليه السلام :ما يَعلَمُ عِظَمَ ثَوابِ الدُّعاءِ وتَسبيحِ العَبدِ فيما بَينَهُ وبَينَ نَفسِهِ ، إلَا اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى . (1)

عنه عليه السلام :ما مِن کَلِمَهٍ أخَفُّ عَلَى اللِّسانِ مِنها ولا أبلَغُ مِن «سُبحانَ اللّهِ» . (2)

عنه عليه السلام :مَن سَبَّحَ اللّهَ مِئَهَ مَرَّهٍ کانَ أفضَلَ النّاسِ ذلِکَ اليَومَ ، إلّا مَن قالَ مِثلَ قَولِهِ . (3)

عنه عليه السلام لَمّا قيلَ لَهُ : إنَّ مِن سَعادَهِ المَرءِ خِفَّهَ عارِضَيهِ (4) : وما فى هذا مِنَ السَّعادَهِ؟ ! إنَّمَا السَّعادَهُ خِفَّهُ ماضِغَيهِ (5) بِالتَّسبيحِ . (6)

عدّه الداعى فيما يُحکى عَن سُلَيمانَ بنِ داوودَ عليهماالسلام : إنَّهُ مَرَّ بِحَرّاثٍ فَقالَ : لَقَد اُوتِىَ ابنُ داوودَ مُلکا عَظيما! فَألقاهُ الرّيحُ فى اُذُنِهِ ، فَنَزَلَ ومَشى إلَى الحَرّاثِ وقالَ : إنَّما مَشَيتُ إلَيکَ لِئَلّا تَتَمَنّى ما لا تَقدِرُ عَلَيهِ . ثُمَّ قالَ : لَتَسبيحَهٌ واحِدَهٌ يَقبَلُهَا اللّهُ تَعالى خَيرٌ مِمّا اُوتِىَ آلُ داوودَ . وفى حَديثٍ آخَرَ : لِأَنَّ ثَوابَ التَّسبيحَهِ يَبقى ، ومُلکَ سُلَيمانَ يَفنى . (7)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ فيما وَعَظَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى بِهِ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام : . . . يا عيسى ، تَيَقَّظ ولا تَيأس مِن رَوحى ، وسَبِّحنى مَعَ مَن يُسَبِّحُنى ، وبِطَيِّبِ الکَلامِ فَقَدِّسنى . (8)

.

1- .فلاح السائل : ص 92 ح 26 عن ابن أبى عمير عن بعض أصحابنا ، بحار الأنوار : ج 93 ص 319 ح 25 .
2- .الکافى : ج 3 ص 329 ح 5 ، مستطرفات السرائر : ص 96 ح 12 وليس فيه «منها» وکلاهما عن هشام بن الحکم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 183 ح 23 .
3- .المحاسن : ج 1 ص 107 ح 91 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 93 ص 183 ح 20 .
4- .قال ابن الأثير : العارضُ من اللِّحيَه : ما يَنبتُ على عُرض اللَّحْيِ فوق الذقنُ، وقيل : أراد بخِفَّه العارِضَينِ خِفَّهَ اللحيه ، وما أراه مناسبا (النهايه : ج

3 ص 212 «عرض») .
5- .الماضِغان : أُصول اللِّحيَين عند منبت الأضراس (مجمع البحرين : ج 3 ص 1702 «مضغ») .
6- .علل الشرائع : ص 580 ح 11 ، معانى الأخبار : ص 183 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 153 ح 13 .
7- .عدّه الداعى : ص 246 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 184 ح 26 .
8- .الأمالى للصدوق : ص 606 610 ح 842 عن أبى بصير ، الكافى : ج 8 ص 137 ح 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 294 ح 14 .

امام صادق علیه السلام :عظمت ثواب دعا و تسبیحی را که بنده میان خود و خودش انجام می دهد ، جز خدای تبارک و تعالی کسی نمی داند .

امام صادق علیه السلام :هیچ کلمه ای بر زبان ، سبُک تر و رساتر از «سبحان اللّه » نیست .

امام صادق علیه السلام :هر کس صد مرتبه «سبحان اللّه » بگوید ، در آن روز ، برترینِ مردم است ، مگر آن که کسی دیگر نیز هم اندازه او [سبحان اللّه] بگوید .

امام صادق علیه السلام چون به ایشان گفته شد : از خوش بختی مرد ، این است که گونه هایش سبُک باشد (1) : در این ، چه خوش بختی ای است؟! خوش بختی ، در این است که دو فکّ او به تسبیح گفتن ، سبُک [و جنبان]باشد .

عدّه الداعی :می گویند سلیمان بن داوود علیه السلام بر کشتگری گذشت . کشتگر [با خود]گفت : چه سلطنت باشکوهی به پسر داوود داده شده است! باد ، سخن او را به گوش سلیمان رساند . سلیمان ، پیاده شد و به نزد کشتگر رفت و گفت : «به نزد تو آمدم تا [بگویم :] چیزی را که از توان تو بیرون است ، آرزو نکنی» . سپس گفت : «گفتن یک تسبیح که خدای متعال آن را بپذیرد ، از هر آنچه به خاندان داوود داده شده ، بهتر است» . و در حدیثی دیگر آمده است [که گفت] : «زیرا ثواب تسبیح ، باقی می ماند و مُلک سلیمان از میان می رود» .

امام صادق علیه السلام :از جمله اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیهماالسلاماین بود که : «... ای عیسی! بیدار باش و از رحمت من ، نومید مشو ، و همراه با تسبیحگویان ، مرا تسبیح گوی و با سخنان پاک ، تقدیسم کن» .

.

1- .یعنی «تُنُک ریش» باشد ، نه دارای ریش انبوه .

بحار الأنوار :فی صَحیفَهِ إدریسَ النَّبِیِّ علیه السلام : فَسُبحانی سُبحانی وطوبی لِمَن سَبَّحَنی ، وقُدُّوسٌ أنَا وطوبی لِمَن قَدَّسَنی . (1)

قصص الأنبیاء فی ذِکرِ العَشرِ الآیاتِ الَّتی نَزَلَت عَلی موسی علیه السلام : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ : هذا کِتابٌ مِنَ اللّهِ المَلِکِ الجَبّارِ العَزیزِ القَهّارِ لِعَبدِهِ ورَسولِهِ موسَی بنِ عِمرانَ ، أن سَبِّحنی وقَدِّسنی ، لا إلهَ إلّا أنَا فَاعبُدنی ، ولا تُشرِک بی شَیئا ، وَاشکُر لی ولِوالِدَیکَ إلَیَّ المَصیرُ . (2)

3 / 2کَثرَهُ التَّسبیحِالکتاب«وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ ءَانَاىءِ الَّیْلِ فَسَبِّحْ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضَی» . (3)

الحدیثالإمام علیّ علیه السلام فی ذِکرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : قالَ اللّهُ تَعالی : . . . یا أحمَدُ ، لَیسَ کُلُّ مَن قَالَ : «اُحِبُّ اللّهَ» أحَبَّنی ، حَتّی یَأخُذَ قُوتا . . . ویَشغَلَ بِذِکری اشتِغالاً ، ویُکثِرَ التَّسبیحَ دائِما (4) .

.

1- .بحار الأنوار : ج 95 ص 458 .
2- .قصص الأنبیاء (عرائس المجالس) : ص 204 .
3- .طه : 130.
4- .إرشاد القلوب : ص 199 205 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 30 ح 6 .

بحار الأنوار :در صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام ، آمده است : «منزّهم من ، منزّهم ، و خوشا به حال آن که مرا تسبیح گوید ! مقدّسم من ، و خوشا به حال آن که مرا تقدیس کند !» .

قصص الأنبیاء در بیان آیات دهگانه ای که بر موسی علیه السلام نازل شد : به نام خداوند مهرگستر مهربان . این نبشته ای است از سوی خداوند ، آن پادشاه مقتدر شکست ناپذیر چیره [بر عالم هستی] ، به بنده اش و فرستاده اش موسی بن عمران : مرا تسبیح گوی و تقدیس کن . معبودی جز من نیست . پس مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مگردان ، و از من و پدر و مادرت سپاس گزاری نما . حرکت به سوی من است .

3 / 2بسیار تسبیح گفتنقرآن«پس بر آنچه می گویند ، شکیبا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گو . و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز . باشد که خشنود گردی» .

حدیثامام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای متعال فرمود : «... ای احمد! نه هر که گفت : خدا را دوست دارم مرا دوست دارد ، مگر آن گاه که خوراکی برگیرد ... و همواره به یاد من بپردازد و پیوسته تسبیح بسیار گوید» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّما شِيعَتُنا . . . خُمصُ (1) البُطونِ ، ذُبُلُ الشِّفاهِ ، قَد هَيَّجَتِ (2) العِبادَةُ وُجوهَهُم ، وأخلَقَ (3) سَهَرُ اللَّيالى وقَطعُ الهَواجِرِ جُثَثَهُم ، المُسَبِّحونَ إذا سَكَتَ النّاسُ ، وَالمُصَلّونَ إذا نامَ النّاسُ ، والمَحزونونَ إذا فَرِحَ النّاسُ . (4)

ثواب الأعمال عن يونس بن يعقوب :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهَ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، كانَ مِمَّن ذَكَرَ اللّهَ كَثيرا؟ قالَ : نَعَم . (5)

الإمام الصادق عليه السلام فى أوصافِ المُؤمِنينَ الكامِلينَ : فَهُمُ الحَفِىُّ عَيشُهُم ، المُنتَقِلَةُ دِيارُهُم مِن أرضٍ إلى أرضٍ ، الخَميصَةُ بُطُونُهُم مِنَ الصِّيامِ ، الذُّبُلَةُ شِفاهُهُم مِنَ التَّسبيحِ ، العُمشُ (6) العُيونِ مِنَ البُكاءِ . (7)

عنه عليه السلام :قالَ لُقمانُ لِابنِهِ : . . . عَلَيكَ بِالتَّسبيحِ ما دُمتَ عامِلاً ، وعَلَيكَ بِالدُّعاءِ ما دُمتَ خالِيا . (8)

.

1- .رجل خُمصان وخميص : إذا كان ضامر البطن (النهايه : ج 2 ص 80 «خمص») . وقال المجلسى قدس سره : خماص البطن كنايه عن قلّه الأكل ، أو كثره الصوم ، أو العفّه (بحار الأنوار : ج 68 ص 188) .
2- .قال العلّامه المجلسى قدس سره : فى القاموس : هاجَ يَهيجُ : ثار ، كاهتاج وتهيَّجَ ، وأثارَ ، وأهاجَهُ : أيبَسَهُ . وكأن تحتمل النسخه الباءَ الموحَّده جهَبَّجَتج ؛ من قولهم : هبَّجَهُ تبهيجا : ورَّمَهُ (بحار الأنوار : ج 68 ص 169 وانظر : القاموس المحيط : ج 1 ص 213 «هاج» وص 211 «هبج») .
3- .خَلُق الثوبُ : بَلِىَ ، وأخلَق الثّوبُ مثله ، وأخلَقتُه أنا ؛ يتعدّى ولا يتعدّى (الصحاح : ج 4 ص 1472 «خلق») .
4- .صفات الشيعه : ص 103 ح 40 عن حمران بن أعين عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 169 ح 30 .
5- .ثواب الأعمال : ص 27 ح 1 ، عدّه الداعى : ص 246 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 182 ح 15 .
6- .العَمَش : ضعف البصر مع سيلان الدمع فى أكثر الأوقات (القاموس المحيط : ج 2 ص 280 «عمش») .

7- .الأُصول الستّه عشر : ص 6 عن زيد الزرّاد ، بحار الأنوار : ج 67 ص 351 ح 54 .
8- .الكافى : ج 8 ص 348 ح 547 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 298 ح 2505 ، المحاسن : ج 2 ص 126 ح 1348 كلّها عن حمّاد (بن عيسى أو ابن عثمان) ، بحار الأنوار : ج 76 ص 272 ح 28 .

امام زین العابدین علیه السلام :پیروان ما ... شکم تهی و پژمرده لب اند. عبادت ، رخساره های آنان را خشکانیده ، و شب زنده داری و روزه داری در روزهای داغ ، پیکرهایشان را فرسوده است . آن گاه که مردم خاموش اند ، آنان تسبیحگویند ، و آن زمان که مردم غنوده اند ، آنان نمازگزارند ، و آن هنگام که مردم شادند ، آنان اندوهناک اند . (1)

ثواب الأعمال به نقل از یونس بن یعقوب : به امام صادق علیه السلام گفتم : هر کس صد مرتبه «سبحان اللّه » بگوید ، از آنان است که خدا را بسیار یاد کرده است؟ فرمود : «آری» .

امام صادق علیه السلام در اوصاف مؤمنان کامل : آنان ، پابرهنه [و درویشانه]می زیَند ، خانه به دوش اند ، شکم هایشان از روزه داری خشکیده ، لبانشان از تسبیحگویی تَرَک خورده ، و چشمانشان از گریه [به درگاه خدا] کم سو گشته است .

امام صادق علیه السلام :لقمان به پسرش گفت : « ... آن گاه که مشغول کاری هستی ، همواره تسبیح گوی ، و در خلوت (/ هنگام بیکاری) خویش به دعا مشغول شو» .

.

1- .کنایه از کم خوری یا روزه گرفتن بسیار است .

3 / 3التَّسبيحُ مَعَ التَّحميدِالكتاب«وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ يَضِيقُ صَدْرُکَ بِمَا يَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُن مِّنَ السَّجِدِينَ * وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّى يَأْتِيَکَ الْيَقِينُ» . (1)

«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ * وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» . (2)

«وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ فَإِنَّکَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حِينَ تَقُومُ * وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبَرَ النُّجُومِ» . (3)

«إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِايَتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدًا وَ سَبَّحُواْ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» . (4)

«دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (5)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أُوحِىَ إلَىَّ أن أجمَعَ المالَ وأكونَ مِنَ التّاجِرينَ ، ولكِن أُوحِىَ إلَىَّ أن : «سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُن مِّنَ السَّجِدِينَ * وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّى يَأْتِيَکَ الْيَقِينُ» . (6)

.

1- .الحِجر : 97 99 .
2- .ق : 39 و 40 .
3- .الطور : 48 و 49 .
4- .السجده : 15 .
5- .يونس : 10 .
6- .تفسير القرطبى : ج 10 ص 64 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 105 كلاهما عن أبى مسلم الخولانى والأخير عن ابن مسعود أيضا ، كنزالعمّال : ج 3 ص 245 ح 6374 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أبى ذرّ ؛ الأمالى للطوسى : ص 531 ح1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 369 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ نحوه ، بحار الأنوار : ج 72 ص 47 ح 57 .

3 / 3تسبیح همراه با تحمیدقرآن«و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند ، تنگ می شود . پس با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش ، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد» .

«و بر آنچه می گویند ، شکیبا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، به ستایش پروردگارت، [او را]تسبیح گوی . و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی» .

«و در برابر دستور پروردگارت ، شکیبایی پیشه کن که تو خود ، در حمایت مایی ؛ و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی ، به نیایش پروردگارت تسبیح گوی و [نیز] پاره ای از شب، و در [هنگام] فرو شدن ستارگان ، تسبیحگویِ او باش» .

«تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی در می افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان ، بزرگی نمی فروشند» .

«نیایش آنان در آن جا ، « خدایا! تو منزّهی » است و درودشان در آن جا سلام است، و واپسین نیایش آنان ، این است که: « ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است»» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به من وحی نشد که دارایی گِرد آورم و از بازرگانان شوم ؛ بلکه به من وحی شد که : «با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِر مِن قَولِ القَرينَتَينِ : سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» فى يَومٍ مِئَةَ مَرَّةٍ ، حُطَّت خَطاياهُ وإن كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدَع رَجُلٌ مِنكُم أن يَفعَلَ للّهِ عز و جل ألفَ حَسَنَةٍ حينَ يُصبِحُ ؛ يَقُولُ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ فَإِنَّهُ أُلفُ حَسَنَةٍ ، فَإِنَّهُ لَن يَعمَلَ إن شاءَ اللّهُ مِثلَ ذلِكَ فى يَومٍ مِنَ الذُّنوبِ ، ويَكونُ ما عَمِلَ مِن خَيرٍ سِوى ذلِكَ وافِرا . (3)

المستدرک على الصحيحين عن أبى طلحه الأنصارى :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّةَ ، ووَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ . ومَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَةً ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ أَلفَ حَسَنَةٍ وأربَعا وعِشرينَ حَسَنَةً . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، إذا لا يَهلِكُ مِنّا أحَدٌ ! قالَ : بَلى ، إنَّ أحَدَكُم لَيَجىءُ بِالحَسَناتِ لَو وُضِعَت عَلى جَبَلٍ أثقَلَتهُ ، ثُمَّ تَجىءُ النِّعَمُ فَتَذهَبُ بِتِلكَ ، ثُمَّ يَتَطاوَلُ الرَّبُّ بَعدَ ذلِكَ بِرَحمَتِهِ . (4)

مسند ابن حنبل عن ربيعه بن كعب :كُنتُ أخدِمُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأقومُ لَهُ فى حَوائِجِهِ نَهارى أجمَعَ ، حَتّى يُصَلِّىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله العِشاءَ الآخِرَةَ ، فَأجلِسُ بِبابِهِ إذا دَخَلَ بَيتَهُ ، أقولُ : لَعَلَّها أن تَحدُثَ لِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله حاجَةٌ ، فَما أزالُ أسمَعُهُ يَقولُ صلى اللّه عليه و آله : سُبحانَ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، حَتّى أمَلَّ فَأرجِعَ أو تَغلِبَنى عَينى ، فَأرقُدَ . (5)

.

1- .كنزالعمّال : ج 1 ص 461 ح 1997 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن الإمام علىّ عليه السلام .
2- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2352 ح 6042 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2071 ح 28 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 511 ح 3466 وفيه «غفرت له ذنوبه» بدل «حطّت خطاياه» ، الموطّأ : ج 1 ص 209 ح 21 كلّها عن أبى

هریره ، کنزالعمّال : ج 1 ص 460 ح 1991 ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 324 ح 5996 نقلاً عن درر اللآلی .
3- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 173 ح 21800 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 696 ح 1897 کلاهما عن أبی الدرداء ، کنزالعمّال : ج 2 ص 236 ح 3908 .
4- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 279 ح 7638 ، کنزالعمّال : ج 1 ص 61 ح 210 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 571 ح 16579 ، المعجم الکبیر : ج 5 ص 57 ح 4576 نحوه ، تاریخ دمشق : ج 4 ص 319 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این دو کلمه به هم بسته را بسیار بگویید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در یک روز صد مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» ، گناهانش فرو می ریزند ، هر چند به اندازه کف دریا باشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما این را ترک نکند که وقتی صبح خود را می آغازد ، هزار کار نیک برای خداوند عز و جل انجام داده است ؛ [این که] یک صد مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» . این ، برابر با هزار کار نیک است ؛ زیرا به خواست خدا ، هرگز در یک روز ، این اندازه گناه نخواهد کرد ، و بجز این ، کارهای نیک فراوان دیگری هم هست که انجام دهد .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو طلحه انصاری : پیامبر خدا فرمود : «هر کس بگوید : معبودی جز خدای یکتا نیست (لا إله إلّا اللّه) ، به بهشت می رود و بهشت بر او واجب می گردد ، و هر کس یکصد مرتبه بگوید : پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! ، خداوند برایش هزار و بیست و چهار ثواب می نویسد» . گفتند : ای پیامبر خدا ! در این صورت ، هیچ یک از ما هلاک [و جهنّمی] نخواهد شد! فرمود : «آری . فردی از شما چندان کار نیک به جای می آورد که اگر بر کوهی نهاده شوند ، آن را گران بار می کنند ؛ امّا سپس نعمت ها می آیند و آنها را از بین می برند ، و سپس بار دیگر ، رحمت خداوند سر بر می دارد» .

مسند ابن حنبل به نقل از ربیعه بن کعب : من به پیامبر خدا خدمت می کردم و تمام روزم را به رفع نیازهای ایشان می پرداختم تا آن که پیامبر خدا ، نماز عشا را می خواند ، و چون به خانه اش می رفت ، من جلو در می نشستم ؛ چرا که می گفتم : شاید پیامبر خدا کاری داشته باشد . می شنیدم که ایشان ، آن قدر «پاکا او ، پاکا او ، پاکا او و ستایش ، او را ! (سبحان اللّه ، سبحان اللّه ، سبحان اللّه و بحمده)» می گفت که من ، خسته می شدم و بر می گشتم ، یا خواب مرا می گرفت و می خوابیدم .

.

5748.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن أبي ذرّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُکَ بِأَحَبِّ الكَلامِ إلَى اللّهِ؟ قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ أخبِرنى بِأَحَبِّ الكَلامِ إلَى اللّهِ ! فَقالَ : إنَّ أَحَبَّ الكَلامِ إلَى اللّهِ : سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . (1)5749.عنه صلى الله عليه و آله :سنن الترمذى عن أبى ذرّ أنَّهُ قالَ لِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بِأبى أنتَ يا رَسولَ اللّهِ ، أىُّ الكَلامِ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل؟ قالَ : مَا اصطَفَى اللّهُ لِمَلائِكَتِهِ ؛ سُبحانَ رَبّى وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ رَبّى وبِحَمدِهِ . (2)5750.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَلِمَتانِ خَفيفَتانِ عَلَى اللِّسانِ ، ثَقيلَتانِ فِى الميزانِ ، حَبيبَتانِ إلَى الرَّحمنِ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . (3)5748.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :قولوا : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ ؛ مَن قالَها مَرَّةً كُتِبَت لَهُ عَشرا ، ومَن قالَها عَشرا كُتِبَت لَهُ مِئَةً ، ومَن قالَها مِئَةً كُتِبَت لَهُ ألفا ، ومَن زادَ زادَهُ اللّهُ ، ومَنِ استَغفَرَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (4) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2093 ح 85 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 576 ح 3593 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 126 ح 21585 كلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 466 ح 2026 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 576 ح 3593 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2093 ح 84 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 73 ح 21378 وص 126 ح 21585 ، الدعاء للطبرانى : ص 478 ح 1677 و 1678 كلّها نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 680 ح 1846 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 463 ح 2010 .
3- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2352 ح 6043 وج 6 ص 2459 ح 6304 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 272 ح 31 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 512 ح 3467 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1251 ح 3806 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 12 ح 7170 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 462 ح 2007 .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 513 ح 3470 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 463 ح 2014 .

5749.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صحیح مسلم به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا فرمود : «آیا تو را از محبوب ترین سخن نزد خداوند آگاه نکنم؟» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از محبوب ترین سخن نزد خداوند ، آگاه ساز .

فرمود : «محبوب ترین سخن نزد خداوند ، پاکا خدا ، و ستایش ، او را! است» .5750.امام صادق علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از ابو ذر : به پیامبر خدا گفتم : پدرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! کدام سخن نزد خداوند ، محبوب تر است ؟

فرمود : «همان که خدا برای فرشتگانش برگزید : پاکا پروردگار من ، و ستایش ، او را ! پاکا پروردگار من ، و ستایش ، او را ! » .5751.فتح الباری عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو سخن است که بر زبان سبُک اند ، در ترازو[ی اعمال] سنگین اند و نزد خداوند مهربان ، محبوب اند : «پاکا خدای بزرگ ! پاکا خدا و ستایش ، او را!» .5752.المناقب لابن شهر آشوب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صد بار بگویید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را!» ، که هر کس یک بار این سخن را بگوید ، ده بار برایش نوشته می شود ، و هر که ده بار بگوید ، صد بار برایش نوشته می شود ، و هر کس صد بار بگوید ، هزار بار برایش نوشته می شود ، و هر کس بیشتر بگوید ، خداوند بیشتر برایش می نویسد ، و هر کس آمرزش بطلبد ، خداوند او را می آمرزد . .

5751.فتح البارى (به نقل از ابن عبّاس) عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» كَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفَ ألفِ حَسَنَةٍ ، ومَحا عَنهُ ألفَ ألفِ سَيِّئَةٍ ، ورَفَعَ لَهُ ألفَ ألفِ دَرَجَةٍ ، ومَن زادَ زادَهُ اللّهُ ، ومَنِ استَغفَرَ غَفَرَاللّهُ لَهُ . (1)5752.المناقب ، ابن شهر آشوب :الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» مِن غَيرِ تَعَجُّبٍ ، كَتَبَ اللّهُ تَعالى لَهُ مِئَةَ ألفِ حَسَنَةٍ ، ومَحا عَنهُ ثَلاثَةَ آلافِ سَيِّئَةٍ ، ورَفَعَ لَهُ ثَلاثَةَ آلافِ دَرَجَةٍ . (2)5753.الإمام الصادق عليه السلام (فى زِيارَةِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» كَتَبَ اللّهُ لَهُ ثَلاثَةَ آلافِ حَسَنَةٍ ، ورَفَعَ لَهُ ثَلاثَةَ آلافِ دَرَجَةٍ ، وخَلَقَ مِنها طائِرا فِى الجَنَّةِ يُسَبِّحُ اللّهَ وكانَ أجرُ تَسبيحِهِ لَهُ . (3)5754.فتح البارى عن عروه بن الزبير :عنه عليه السلام :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ» مِن غَيرِ عَجَبٍ ، مَحَا اللّهُ عَنهُ ألفَ سَيِّئَةٍ ، وأثبَتَ لَهُ ألفَ حَسَنَةٍ ، وكَتَبَ لَهُ ألفَ شَفاعَةٍ ، ورَفَعَ لَهُ ألفَ دَرَجَةٍ ، وخَلَقَ لَهُ مِن تِلكَ الكَلِمَةِ طائِرا أبيَضَ (يَطيرُ) ويَقولُ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ» إلى يَومِ القِيامَةِ ، ويُكتَبُ لِقائِلِها . (4)3 / 4الحَثُّ عَلى قِراءَةِ المُسَبِّحاتِ5753.امام صادق عليه السلام (در زيارت امام على عليه السلام) الإمام الباقر عليه السلام :مَن قَرَأَ المُسَبِّحاتِ (5) كُلَّها قَبلَ أن يَنامَ لَم يَمُت حَتّى يُدرِكَ القائِمَ ، وإن ماتَ كانَ فى جِوارِ مُحَمَّدٍ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله . (6) .

1- .معانى الأخبار : ص 411 ح 98 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 178 ح 7 .
2- .كشف الغمّه : ج 2 ص 313 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 183 ح 24 .
3- .ثواب الأعمال : ص 27 ح 1 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 93 ص 182 ح 17 .
4- .فلاح السائل : ص 388 ح 264 عن محمّد بن طلحه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 270 ح 39 .
5- .هى سوره الحديد والحشر والصفّ والجمعه والتغابن .
6- .الكافى : ج 2 ص 620 ح 3 ، ثواب الأعمال : ص 146 ح 2 كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج 76 ص 201 ح 14 .

5754.فتح الباری (به نقل از عروه بن زبیر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» ، خداوند ، برایش هزار هزار نیکی [و پاداش]می نویسد و هزار هزار بدی را از او می زُداید و او را هزار هزار درجه بالا می برد ، و هر که بیشتر بگوید ، خداوند به او بیشتر می دهد ، و هر کس آمرزش بطلبد ، خداوند او را می آمرزد .5755.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام :هر کس نه از روی تعجّب ، (1) بگوید : «پاکا خدای بزرگ ، و ستایش ، او را !» ، خدای متعال برایش یک صد هزار نیکی می نویسد و سه هزار بدی از او می زُداید و سه هزار درجه بالایش می برد .5756.المناقب ، خوارزمی (به نقل از مجاهد) امام صادق علیه السلام :هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خدای بزرگ ، و ستایش ، او را !» ، خداوند برایش سه هزار نیکی می نویسد و سه هزار درجه بالایش می بَرد ، و از آن [جمله] پرنده ای در بهشت می آفریند که خدای را تسبیح گوید و مزد تسبیحش برای آن کس باشد .5757.الإرشاد :امام صادق علیه السلام :هر کس ، نه از روی تعجّب ، بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خدای بزرگ!» ، خداوند ، هزار گناه را از او پاک می کند و هزار نیکی برایش ثبت می کند و هزار شفاعت برایش می نویسد و هزار درجه او را بالا می بَرَد ، و از آن جمله پرنده ای سپید برایش می آفریند [که پرواز کند] و تا روز قیامت بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خدای بزرگ!» و اینها برای گوینده اش نوشته می شود .3 / 4تشویق به خواندن مسبِّحات5757.الإرشاد :امام باقر علیه السلام :هر کس پیش از آن که بخوابد ، همه مسبّحات (2) را بخواند ، نمی میرد تا آن که قائم علیه السلام را درک کند ، و اگر بمیرد ، در جوار محمّدِ پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود .

.

1- .یعنی برای تسبیح و تحمید خدا بگوید ؛ چون این جمله را در هنگام تعجّب کردن از چیزی هم به زبان می آورند .
2- .یعنی سوره هایی که اوّل آنها «سبّح» یا «یُسبّحُ» است که عبارت اند از سوره های : حدید، حشر ، صف ، جمعه و تغابن .

5758.امام صادق علیه السلام :سنن أبی داوود عن العرباض بن ساریه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ یَقرَأُ المُسَبِّحاتِ قَبلَ أن یَرقُدَ . وقالَ : إنَّ فیهِنَّ آیَةً أفضَلَ مِن ألفِ آیَهٍ . (1) .

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 313 ح 5057 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 181 ح 2921 وص 475 ح 3406 ، السنن الکبری : ج 5 ص 16 ح 8026 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 86 ح 17160 ؛ مجمع البیان : ج 9 ص 345 .

5759.البدایه و النهایه (به نقل از عمرو بن ثابت) سنن أبی داوود به نقل از عرباض بن ساریه : پیامبر خدا ، پیش از آن که به رخت خواب برود ، مسبّحات را می خوانْد و می فرمود : «در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است» . .

الفَصلُ الرّابِعُ : برکات التّسبیح4 / 1زَوالُ الحُزنِالکتاب«فَلَوْلَا أَنَّهُ کَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِینَ * لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ» . 1

«وَ ذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادَی فِی الظُّلُمَتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَا أَنتَ سُبْحَنَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّلِمِینَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذَ لِکَ نُنجِی الْمُؤْمِنِینَ» . (1)

الحدیث5764.الإرشاد عن أسماء بنت عمیس وأُمّ سلمه زوج النبیّ صرسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَقَد کانَ دُعاءُ أخی یونُسَ عَجَبا أوَّلُهُ تَهلیلٌ ، وأواسِطُهُ تَسبیحٌ ، وآخِرُهُ إقرارٌ بِالذَّنبِ : «لَا إِلَهَ إِلَا أَنتَ سُبْحَنَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّلِمِینَ» .

ما دَعا بِهِ مَهمومٌ ولا مَغمومٌ ولا مَکروبٌ ولا مَدیونٌ فی یَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ إلَا استُجیبَ لَهُ . (2) .

1- .الأنبیاء : 87 و 88 .
2- .الفردوس : ج 3 ص 432 ح 5325 عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 2 ص 121 ح 3428 .

فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن4 / 1رفع اندوهقرآن«و اگر او (یونس) از زمره تسبیح کنندگان نبود ، قطعاً تا روزی که برانگیخته می شوند، در شکم آن [ماهی] می ماند» .

«و «ذو النون» را [یاد کن] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکی ها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست . پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم» . پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» .

حدیث5768.عنه علیه السلام (یَومَ الشّوری) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعای برادرم یونس ، [دعایی] شگفت بود : آغازش «لا إله إلّا اللّه » ، میانش تسبیح خدا ، و پایانش اقرار به گناه بود : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» . هر نگران یا غمناک یا دردمند یا بدهکاری ، سه بار در روز این دعا را بخواند ، دعایش مستجاب می شود .

.

5769.کتاب من لا یحضره الفقیه عن جویریه بن مسهر :عنه صلی الله علیه و آله :هذِهِ الآیَهُ مَفزَعٌ لِلأَنبِیاءِ «لَا إِلَهَ إِلَا أَنتَ سُبْحَنَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّلِمِینَ» نادی بِها یونُسُ فی ظُلَمَهِ بَطنِ الحوتِ . (1)5767.امام علی علیه السلام (در احتجاجش بر ابو بکر) الإمام الصادق علیه السلام :أَربَعٌ لِأَربَعٍ . . . وَالرّابِعَهُ لِلغَمِّ وَالهَمِّ : «لَا إِلَهَ إِلَا أَنتَ سُبْحَنَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّلِمِینَ» قالَ اللّهُ سُبحانَهُ : «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذَ لِکَ نُنجِی الْمُؤْمِنِینَ» . (2)5768.امام علی علیه السلام (در روز شورا) عنه علیه السلام :عَجِبتُ لِمَنِ اغتَمَّ کَیفَ لا یَفزَعُ إلی قَولِهِ تَعالی : «لَا إِلَهَ إِلَا أَنتَ سُبْحَنَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّلِمِینَ» فَإِنّی سَمِعتُ اللّهَ یَقولُ : «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذَ لِکَ نُنجِی الْمُؤْمِنِینَ» . (3)4 / 2زَوالُ الفَقر5771.وقعه صفّین عن عبد خیر :الإمام علیّ علیه السلام :مَن سَبَّحَ اللّهَ کُلَّ یَوم ثَلاثینَ مَرَّهً ، دَفَعَ اللّهُ عز و جل عَنهُ سَبعینَ نَوعا مِنَ البَلاءِ؛ أیسَرُهَا الفَقرُ . (4) .

1- .الفردوس : ج 4 ص 331 ح 6959 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 669 نقلاً عن ابن مردویه وکلاهما عن أبی هریره .
2- .تهذیب الأحکام : ج 6 ص 170 ح 329 عن کرام .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 392 ح 5836 ، الخصال : ص 218 ح 43 ، الأمالی للصدوق : ص 55 ح 19 کلّها عن محمّد بن حمران ، بحار الأنوار : ج 93 ص 784 ح 1 .
4- .الخصال : ص 505 ح 2 عن سعید بن علاقه ، مشکاه الأنوار : ص 230 ح 645 ، روضه الواعظین : ص 499 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 178 ح 9 .

5770.بصائر الدرجات (به نقل از ابو جارود) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این آیه ، پناهگاه پیامبران بوده است : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» . یونس در تاریکی شکم ماهی ، این دعا را خواند .5771.وقعه صِفّین (به نقل از عبد خیر) امام صادق علیه السلام :چهار آیه برای چهار چیز است ... و آیه چهارم ، برای غم و اندوه است : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» . خداوند سبحان ، فرموده است : «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» .5772.الإرشاد :امام صادق علیه السلام :در شگفتم از کسی که اندوهگین است ، که چرا به این سخن خدای متعال پناه نمی برد : «معبودی جز تو نیست . پاکا تو ! راستی که من از ستمکاران بودم» ؛ چرا که شنیدم خداوند عز و جل می فرماید : «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می دهیم» .4 / 2رفع ناداری5773.بشاره المصطفی (به نقل از عبد اللّه بن عبّاس) امام علی علیه السلام :هر کس هر روز ، سی مرتبه خدا را تسبیح بگوید ، خداوند ، هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که آسان ترینِ آنها ناداری است .

.

5774.الإرشاد عن السيّد الحِمْيرى :الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ» ثَلاثينَ مَرَّةً ، اِستَقبَلَ الغِنى وَاستَدبَرَ الفَقرَ ، وقَرَعَ بابَ الجَنَّةِ . (1)4 / 3غُفرانُ الذُّنوبِ5775.المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از قُدامه سعدى) الإمام الصادق عليه السلام :مَن صَلّى صَلاةً مَكتوبَةً ، ثُمَّ سَبَّحَ فى دُبُرِها ثَلاثينَ مَرَّةً ، لَم يَبقَ عَلى بَدَنِهِ شَىءٌ مِنَ الذُّنوبِ إلّا تَناثَرَ . (2)4 / 4الجَنَّةُ5778.المناقب لابن شهر آشوب عن السروجى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» غُرِسَت لَهُ نَخلَةٌ فِى الجَنَّةِ . (3)5776.المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از عونى) عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ ولا مُؤمِنَةٍ إلّا ولَهُ وَكيلٌ فِى الجَنَّةِ ، إن قَرَأَ القُرآنَ بَنى لَهُ القُصورَ ، وإن سَبَّحَ غَرَسَ لَهُ الأشجارَ ، وإن كَفَّ كَفَّ . (4)5777.المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از ابن حماد) عنه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام : . . إلهى اُريدُ مِن أشجارِ الجَنَّةِ وثِمارِها .

قالَ : ذلِكَ لِمَن سَبَّحَ تَسبيحَةً فى لَيلَةِ القَدرِ . (5)5778.المناقب ، ابن شهر آشوب (به نقل از سروجى) عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا عُرِجَ بى إلَى السَّماءِ السّابِعَةِ ، مَرَرتُ عَلى قَصرٍ مِن لُؤلُؤَةٍ بَيضاءَ ، فَقُلتُ : لِمَن هذا يا حَبيبى جَبرَئيلُ؟

قالَ : لِمَن يَقرَأُ كُلَّ يَومٍ : «سُبحانَ اللّهِ بِعَدَدِ ما خَلَقَ ، سُبحانَ اللّهِ بِعَدَدِ ما هُوَ خالِقٌ إلى يَومِ القِيامَةِ» خَمسَ عَشرَةَ مَرَّةً ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (6) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 355 ح 436 عن حمّاد بن واقد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 177 ح 5 .
2- .الأمالى للصدوق : ص 345 ح 416 عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 21 ح 19 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 511 ح 3464 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 207 ح 10663 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 680 ح 1847 وليس فيهما «وبحمده» ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 109 ح 826 كلّها عن جابر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 459 ح 1988 .
4- .الفردوس : ج 4 ص 27 ح 6080 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 549 ح 2458 .

5- .الإقبال : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 145 ح 3 .
6- .بحار الأنوار : ج 86 ص 53 ح 57 نقلاً عن اختيار ابن الباقى .

4 / 3 آمرزش گناهان

4 / 4 بهشت

5779.البدایه والنهایه عن حبیب بن أوس {-1-} :امام صادق علیه السلام :هر کس سی مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خداوند بزرگ!» ، به توانگری روی می آورد و به ناداری پشت می کند و در بهشت را می کوبد .4 / 3آمرزش گناهان5779.البدایه و النهایه (به نقل از حبیب بن اوس {-1-}) امام صادق علیه السلام :هر کس نماز واجبی را بخواند و سپس در پی آن ، سی مرتبه «سبحان اللّه » بگوید ، همه گناهان از بدن او فرو می ریزند .4 / 4بهشت5782.کامل الزیارات عن أبی عبد اللّه الجدلی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «پاکا خدای بزرگ ، و ستایش ، او را!» ، یک خرمابُن برایش در بهشت کاشته می شود .5783.الإرشاد عن إسماعیل بن زیاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مرد و زن مؤمنی نیست ، مگر آن که در بهشتْ نماینده ای دارد . هر گاه قرآن بخواند ، آن نماینده برایش کاخ ها می سازد ، و هر گاه تسبیح بگوید ، برایش درختان می کارد ، و هر گاه [از خواندن قرآن و تسبیح گویی] باز ایستد ، آن نماینده نیز [از ساختن و کاشتن] باز می ایستد.5784.الإرشاد عن جویریه بن مسهر العبدی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت : ... معبودا ! از درختان و میوه های بهشت می خواهم .

خداوند فرمود : «اینها برای کسی است که در شب قدر ، تسبیح بگوید» .5782.کامل الزیارات (به نقل از ابو عبد اللّه جَدَلی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون به آسمان چهارم برده شدم ، بر کاخی گذشتم که از مروارید سپید بود . گفتم : جبرئیل عزیزم! این ، از آنِ کیست؟

گفت : از آن کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید : «پاکا خداوند ، به شمارِ آنچه آفرید ! پاکا خداوند ، به شمارِ آنچه تا روز رستاخیز می آفریند!» . و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است .

.

ص: 486

. .

. .

الفَصلُ الخامِسُ : أوقات التّسبيح5 / 1الصَّباحُ وَالمَساءُالكتاب«فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» . (1)

«فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُواْ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا» . (2)

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِىِّ وَ الْاءِبْکَرِ» (3) . (4)

«فِى بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْکَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوهِ وَ إِيتَاءِ الزَّکَوهِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَرُ» 5 . (5)

.

1- .الروم : 17 و 18 .
2- .مريم : 11 .
3- .أى نزّهه سبحانه مصاحبا لحمده على جميع آلائه ، مستمرّا متواليا بتوالى الأيّام ، أو فى كلّ صباح ومساء ، وكونه بالعشىّ والإبكار على المعنى الأوّل من قبيل الكنايه . وقيل : المراد به صلاتا الصبح والعصر (الميزان فى تفسير القرآن : ج 17 ص 341) .
4- .غافر : 55 .
5- .النور : 36 و 37 .

5 / 1 بامداد و شامگاه

فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن5 / 1بامداد و شامگاههقرآن«پاکا خدا ، آن گاه که شب را آغاز می کنید و آن گاه که صبح می کنید! و ستایش ، از آنِ اوست در آسمان ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیم روز می رسید» .

«پس، از محراب ، بر قوم خویش در آمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب ، به نیایش بپردازید» .

«پس شکیبایی کن که وعده خدا حق است ، و برای گناهت آمرزش بخواه و به ستایش پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ، ستایشگر باش» .

«در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت آنها] رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه ، مردانی او را نیایش می کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد، و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود ، می هراسند» .

.

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً» (1) . (2)

«إِنَّا أَرْسَلْنَکَ شَهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا * لِّتُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً» . (3)

«قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي ءَايَةً قَالَ ءَايَتُکَ أَلَا تُکَلِّمَ النَّاسَ ثَلَثَةَ أَيَّامٍ إِلَا رَمْزًا وَاذْکُر رَّبَّکَ کَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِىِّ وَالْإِبْکَرِ» . (4)

«إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِىِّ وَ الْإِشْرَاقِ» . (5)

راجع : ص 170 (أهمّ مواطن الذكر / الغداه والعشى) .

.

1- .التسبيح هو التنزيه ، وهو مثل الذكر لايتوقّف على اللفظ وإن كان التلفّظ بمثل «سبحان اللّه » بعض مصاديق التسبيح . والبكره : أوّل النهار ، والأصيل : آخره بعد العصر ، وتقييد التسبيح بالبكره والأصيل لما فيهما من تحوّل الأحوال فيناسب تسبيحه وتنزيهه من التغيير والتحوّل ، وكلّ نقص طار ، ويمكن أن يكون البكره والأصيل معا كنايه عن الدوام ؛ كالليل والنهار فى قوله : «يُسَبِّحُونَ لَهُ بِالَّيْلِ وَ النَّهَارِ» (فصّلت : 38) (الميزان فى تفسير القرآن : ج 16 ص 328) .
2- .الأحزاب : 41 و 42 .
3- .الفتح : 8 و 9 .
4- .آل عمران : 41 .
5- .ص : 18.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار . و صبح و شام ، او را به پاکی بستایید» .

«[ای پیامبر!] ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده ای فرستادیم تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارج نهید، و خدا را بامدادان و شامگاهان ، به پاکی بستایید» .

«گفت: پروردگارا ! برای من نشانه ای قرار ده . فرمود: «نشانه ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره سخن نگویی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن، و شبانگاه و بامدادان ، [او را]تسبیح گوی»» .

«ما کوه ها را با او مسخّر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان ، خداوند را نیایش می کردند» .

ر . ک : ص 171 (مهم ترین اوقات یاد خدا / بامدادان و شامگاهان) .

.

الحديث5797.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعودٍ : يَابنَ مَسعودٍ ، اصبِر مَعَ الَّذينَ يَذكُرونَ اللَّهَ ويُسَبِّحونَهُ ويُهَلِّلونَهُ ويَحمَدونَهُ ويَعمَلونَ بِطاعَتِهِ ويَدعونَهُ بُكرَةً وعَشِيّا ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعالى يَقولُ : «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوهِ وَ الْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ» (1) «مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْ ءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَىْ ءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّلِمِينَ» (2) . (3)5798.أنساب الأشراف عن جندب بن عبد اللّه الأزدى :عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَبَّحَ عِندَ غُروبِ الشَّمسِ سَبعينَ تَسبيحَةً ، غُفِرَ لَهُ سائِرُ عَمَلِهِ . (4)5799.شرح نهج البلاغه عن زياد بن فلان :عنه صلى الله عليه و آله :أَلا أُخبِرُكُم لِمَ سَمَّى اللَّهُ إبراهيمَ خَليلَهُ الَّذى وَفّى؟ لِأَنَّهُ كانَ يَقولُ كُلَّما أصبَحَ وأَمسى : «فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» حَتّى يُتِمَّ الآيَةَ . (5)5800.الإمام علىّ عليه السلام (مِن خُطبَتِهِ لِأهلِ الكوفَهِ) الإمام علىّ عليه السلام :مَن قالَ حينَ يُمسى ثَلاثَ مَرّاتٍ : « فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» لَم يَفُتهُ خَيرٌ يَكونُ فى تِلكَ اللَّيلَهِ ، وصُرِفَ عَنهُ جَميعُ شَرِّها .

ومَن قالَ مِثلَ ذلِكَ حينَ يُصبِحُ ، لَم يَفُتهُ خَيرٌ يَكونُ فى ذلِكَ اليَومِ ، وصُرِفَ عَنهُ جَميعُ شَرِّهِ . (6)5798.أنساب الأشراف (به نقل از جُندَب بن عبد اللّه اَزْدى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَهَ مَرَّهٍ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ ، ومِئَهً قَبلَ غُروبِها ، كانَ أفضَلَ مِن مِئَهِ بَدَنَهٍ (7) . (8) .

1- .الكهف : 28 .
2- .الأنعام : 52 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 357 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 107 ح 1 .
4- .الفردوس : ج 3 ص 523 ح 5634 عن معاويه بن حيده ، كنزالعمّال : ج 1 ص 473 ح 2057 .
5- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 394 ح 6171 نقلاً عن درر اللآلى عن سهل .
6- .ثواب الأعمال : ص 199 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 674 ح 912 كلاهما عن الحارث ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 81 ح 2210 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 253 ح 19 .

7- .البَدَنَه تقع على الجمل والناقه والبقره ، وهى بالإبل أشبه . وسُمّيت بَدَنَه لعِظَمها وسِمنها (النهايه : ج 1 ص 108 «بدن») .
8- .كنزالعمّال : ج 2 ص 166 ح 3594 نقلاً عن الديلمى عن ابن عمرو .

حدیث5800.امام علی علیه السلام (در سخنرانی برای کوفیان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزش به ابن مسعود : ای پسر مسعود! همگام با آنان که خدا را یاد می کنند و او را به پاکی و یگانگی می ستایند و ستایشش می کنند و فرمانش می برند و هر بام و شام ، او را می خوانند ، شکیبایی کن ؛ زیرا خداوند متعال می فرماید : «و با آنان که بام و شام پروردگارشان را می خوانند و خشنودی او را می جویند ، شکیبایی کن ، و چشمانت از آنان در نگذرد (نادیده شان مگیر)» ، «نه از حساب آنان بر عهده تو ، چیزی است ، و نه از حساب تو بر عهده آنان چیزی است تا آنها را برانی و از ستمکاران باشی» .5801.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگام غروب آفتاب ، هفتاد تسبیح بگوید ، همه اعمالش آمرزیده می شود .5802.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا به شما خبر ندهم که چرا خداوند ، ابراهیم را دوستِ وفادار خود نامید؟ چون هر بامداد و شامگاه می گفت : «پاکا خدا ، آن گاه که شب می کنید و آن گاه که صبح می کنید!» تا پایان آیه .5803.معانی الأخبار عن أبی الطفیل عن الإمام علیّ علیه االمام علی علیه السلام :هر کس زمانی که شب را می آغازد ، سه مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، آن گاه که شب را می آغازید و آن گاه که صبح می کنید! و ستایش ، از آنِ اوست در آسمان ها و زمین و در شامگاهان و وقتی که به نیم روز می رسید» ، هیچ خیری را در آن شب از دست نمی دهد ، و همه بدی های (گزندهای) آن شب ، از او دفع می شود .

و هر کس زمانی که صبح خود را می آغازد ، چنین بگوید ، هیچ خیری را در آن روز از دست نمی دهد و همه بدی های (گزندهای) آن روز نیز از او دفع می شود .5804.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب ، صد مرتبه بگوید : «پاکا خداوند ، و ستایش ، او را!» ، [پاداشش] از صد شتر قربانی برایش بهتر است . .

5801.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ وحينَ يُمسى : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، لَم يَأتِ أحَدٌ يَومَ القِيامَةِ بِأفضَلَ مِمّا جاءَ بِهِ ، إلّا أحَدٌ قالَ مِثلَ ما قالَ أو زادَ عَلَيهِ .

5802(1).امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ إذا أصبَحَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» ألفَ مَرَّةٍ ، فَقَدِ اشتَرى نَفسَهُ مِنَ اللّهِ ، وكانَ آخِرَ يَومِهِ عَتيقا مِنَ النّارِ .

5803(2).معانى الأخبار (به نقل از ابو طُفَيل) عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظِيمِ» مَرَّةً إذا أصبَحَ ومَرَّةً إذا أمسى ، بَعَثَ اللّهُ مَلَكا إلَى الجَنَّهِ مَعَهُ مِكساحٌ (3) مِنَ الفِضَّهِ ، ويَكسَحُ لَهُ مِن طينِ الجَنَّهِ ، وهُوَ مِسكٌ أذفَرُ ، ثُمَّ يَغرِسُ لَهُ غَرسا ، ثُمَّ يُحيطُ عَلَيهِ حائِطا ، ثُمَّ يُبَوِّبُ عَلَيهِ بابا ، ثُمَّ يُغلِقُهُ ، ثُمَّ يَكتُبُ عَلَى البابِ : هذا بُستانُ فُلانِ بنِ فُلانٍ .

5804(4).امام على عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام فِى المُناجاهِ الإنجيلِيَّهِ : وأودِع نُفوسَنا خَوفَ المُشفِقينَ مِن سوءِ الحِسابِ ، ورَجاءَ الواثِقينَ بِتَوفيرِ الثَّوابِ ، فَلا نَغتَرَّ بِالإمهالِ ، ولا نُقَصِّرَ فى صالِحِ الأعمالِ ، ولا نَفتُرَ (5) مِنَ التَّسبيحِ بِحَمدِكِ فِى الغُدُوِّ وَالآصالِ .

(6)راجع : ج 2 ص 230 (قبل طلوع الشمس وقبل غروبها) وص 232 (الصباح والمساء) .

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2071 ح 29 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 513 ح 3469 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 304 ح 8843 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 2 ص 139 ح 3499 .

2- .بحار الأنوار : ج 86 ص 281 ح 44 نقلاً عن الشهيد رحمه الله ؛ كنزالعمّال : ج 2 ص 158 ح 3568 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق وليس فيه «وكان آخر يومه عتيقا من النار» وكلاهما عن ابن عبّاس .

3- .كَسَحَ : كَنَسَ . والمِكْسَحه : المكنسه (القاموس المحيط : ج 1 ص 245 «كسح») .

4- .فلاح السائل : ص 387 ح 263 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 86 ص 270 ح 39 .

5- .الفَتْره : الانكسار والضعف. وفتر الشىءُ والحرُّ وفلانٌ : سَكَنَ بعد حدّه ، ولانَ بعد شِدّه (لسان العرب : ج 5 ص 43 «فتر») .

6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 157 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

5806.عنه علیه السلام (مِن خُطبَهٍ لَهُ یَصِفُ فیها آخِرَ الزَّمانِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در آغاز روز و در آغاز شب ، صد مرتبه «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» بگوید ، در روز قیامت ، هیچ کس عملی برتر از آنچه او آورده است ، نمی آورد ، مگر کسی که او نیز صد مرتبه یا بیشتر این جمله را گفته باشد .5805.امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن ، زمان آینده را توصیف می کن) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، چون صبح کند ، هزار بار بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را !» ، خویشتن را از خدا خریده است و واپسین روزش ، [روز] آزادی از آتش خواهد بود .5806.امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن ، آخر زمان را توصیف می کند) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شروع صبح و شب ، یک مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا خدای بزرگ !» ، خداوند ، فرشته ای را به بهشت می فرستد که جارویی از نقره دارد و [فرشته] از گِل بهشت که مُشکی بسیار خوش بوست ، برای او جارو می کند و سپس نهالی برایش می کارد و بر گِرد آن دیواری می کشد و بر آن دیوار ، دری نصب می کند و سپس بر آن قفلی می زند و آن گاه بر آن در می نویسد : «این باغِ فلانی ، پسر فلانی است» .5807.عنه علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجیلیه» : [ترسی چون] ترسِ ترسندگانِ از سختی حساب [قیامت]و [امیدی چون] امید آنان که به فراوانیِ پاداش [اُخروی]اعتماد دارند ، در جان ما قرار ده تا فریب مهلت [عمری که به ما داده ای] را نخوریم ، و در کارهای نیک ، کوتاهی نورزیم ، و از تسبیح و ستایشت در صبح و شام ، سست نشویم .ر . ک : ج 2 ص 231 (اوقات حمد گویی خدا / پیش از طلوع و غروب آفتاب ، و نیز : بامداد و شامگاه).

.

5 / 2آناءُ اللَّيلِ وأطرافُ النَّهارِالكتاب«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ ءَانَاىءِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضَى» 1 . (1)

«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ * وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» . (2)

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا * وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّکَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً * وَ مِنَ الَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً» 4 . (3)

.

1- .طه : 130 .
2- .ق : 39 و 40 .
3- .الإنسان : 24 26 .

5 / 2در اوقات شب و کرانه های روزقرآن«پس بر آنچه می گویند ، شکیبا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از ساعات شب و حوالی روز (1) را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی» .

«و بر آنچه می گویند ، شکیبا باش ، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، به ستایشِ پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی» .

«پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن، و از آنان ، گناهکار یا ناسپاس گزار را فرمان مَبَر ، و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن ، و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب[های] دراز، او را به پاکی بستای» . 2

.

1- .آیا منظور از دو سوی روز ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن است ، یا جز این است؟ سخنان مفسّران درباره آن متفاوت است ، همان گونه که آنان در باره مراد از «تسبیح» هم اختلاف دارند . تسبیحی که در آیه آمده ، مطلق است و از جهت لفظی دلالت ندارد که مراد ، نمازهای یومیه باشد ، هر چند بسیاری از مفسّران ، اصرار دارند که مراد از تسبیح ، نماز است . (ر.ک : المیزان فی تفسیر القرآن : ج 14 ص 235 و تفسیر نمونه : ج 13 ص 337 و دیگر تفاسیر .

الحديث5814.امام على عليه السلام (در يادكرد بنى اميّه) رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ» : قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ : صَلاةُ الصُّبحِ ، وقَبلَ الغُروبِ : صَلاةُ العَصرِ . (1)5815.عنه عليه السلام :الخصال عن إسماعيل بن الفضل :سَأَلتُ أباَ عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا» ، فَقالَ : فَريضَةٌ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ أن يَقولَ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ عَشرَ مَرّاتٍ وقَبلَ غُروبِها عَشرَ مَرّاتٍ : لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ، وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ .

قالَ : فَقُلتُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ، ويُميتُ ويُحيى .

فَقالَ : يا هذا ، لا شَکَّ فى أنَّ اللّهَ يُحيى ويُميتُ ، ويُميتُ ويُحيى ، ولكِن قُل كَما أقولُ . (2)5816.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن قَولِهِ تَعالى : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ» : تَقولُ حينَ تُصبِحُ وحينَ تُمسى عَشرَ (3) مَرّاتٍ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لَا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (4)5817.عنه عليه السلام (فى بَنى اُمَيَّةَ) عنه عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ مِنَ الَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً» : أمَرَهُ أن يُصَلِّىَ فى ساعاتٍ مِنَ اللَّيلِ ، فَفَعَلَ صلى الله عليه و آله . (5) .

1- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 114 ح 7014 عن جرير بن عبد اللّه .
2- .الخصال : ص 452 ح 58 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 250 ح 15 .
3- .فى المصدر : «عشرات» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .مجمع البيان : ج 9 ص 225 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 328 .
5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 211 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 159 ح 47 .

حدیث5819.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند : «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، با ستایشِ پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی» : «پیش از بر آمدن آفتاب» ، نماز صبح ، و «پیش از فرو شدن آن» ، نماز عصر است .5820.عنه علیه السلام :الخصال به نقل از اسماعیل بن فضل : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جلپرسیدم : «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، با ستایشِ پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی» .

فرمود : «بر هر مسلمانی واجب است که پیش از طلوع آفتاب و نیز پیش از غروب آن ، ده مرتبه بگوید : معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میراند ، و خود ، زنده نامیراست . خوبی ، همه در دست اوست و او بر هر چیز ، چیره است » .

من گفتم : معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میراند ، و می میراند و زنده می کند . (1)

فرمود : «ای مرد ! شکّی نیست که خدا ، زنده می کند و می میرانَد ، و می میراند و زنده می کند ؛ امّا چنان بگو که من می گویم» .5821.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از این سخن خداوند متعال : «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، با ستایشِ پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی» : چون صبح کردی و نیز آن گاه که واردِ شب شدی ، ده مرتبه بگو : معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میرانَد ، و او بر هر چیز ، چیره است .5815.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و لَختی از شب ، او را سجده کن و شبی دراز ، تسبیحش گوی» : به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که در ساعاتی از شب ، نماز بخواند و پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد . .

1- .یعنی «می میرانَد و زنده می کند» را من اضافه کردم .

5816.امام على عليه السلام :مجمع البيان فى قَولِهِ تَعالى : «وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً» : رُوِىَ عَنِ الرِّضا عليه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ أَحمَدُ بنُ مُحَمَّدٍ عَن هذِهِ الآيَهِ وقالَ : ما ذلِكَ التَّسبيحُ؟ قالَ : صَلاهُ اللَّيلِ . (1)5817.امام على عليه السلام (درباره بنى اميّه) بحار الأنوار :فى صُحُفِ إِدريسَ عليه السلام : سَأَلتَ يا أُخنوخُ عَمّا يُقَرِّبُکَ مِنَ اللّهِ ، ذلِکَ أن تُؤمِنَ بِرَبِّکَ مِن کُلِّ قَلبِکَ ، وتَبوءَ (2) بِذَنبِکَ ، وبَعدَ ذلِکَ تَلزَمَ رحمَهَ الخَلقِ ، وحُسنَ الخُلقِ ، وإيثارَ الصِّدقِ ، وأداءَ الحَقِّ ، وَالجودَ مَعَ الرِّضا بِما يَأتيکَ مِنَ الرِّزقِ ، وإكثارَ التَّسبيحِ بِالعَشايا وَالأَسحارِ وأَطرافِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ . (3)5 / 3إدبارُ النُّجومِالكتاب«وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ فَإِنَّکَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حِينَ تَقُومُ * وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبَرَ النُّجُومِ» 4 .

.

1- .مجمع البيان : ج 10 ص 626 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 329 وج 87 ص 135 .
2- .أبوءُ بذنبى : أى ألتَزِمُ وأرجِعُ وأُقِرُّ ، وأصل البَواء : اللزوم (النهايه : ج 1 ص 159 «بوأ») .
3- .بحار الأنوار : ج 95 ص 459 .

5822.المناقب لابن شهر آشوب ، عن الأعمش بروايته ، عن رجمجمع البيان در باره سخن خداوند متعال : «و شبى دراز ، تسبيحش گوى» : روايت شده است كه احمد بن محمّد ، از امام رضا عليه السلام در باره اين آيه پرسيد و گفت : مراد از اين تسبيح چيست؟

فرمود : «نماز شب» .5823.الإمام الحسن عليه السلام :بحارالأنوار :در صُحُف ادريس عليه السلام آمده است : «اى اُخنوخ! از آنچه تو را به خدا نزديک مى گرداند ، پرسيد . پاسخ اين است كه : با تمام قلبت به پروردگارت ايمان آورده ، به گناهات اعتراف كنى و پس از آن به اين صفات ، آراسته باشى : مهربانى با خلق ، نيک خويى ، ترجيح دادن راستى و راستگويى ، گزاردن حق ، و بخشيدن رضايت مندانه از رزقى كه به تو مى رسد ، و بسيار تسبيح گفتن در شامگاهان و سحرگاهان و كرانه هاى شب و روز (/ در طول شب و روز)» .5 / 3پس از فرو شدن ستارگانقرآن«و در برابر دستور پروردگارت ، شكيبايى پيشه كن كه تو خود در حمايت مايى ، و هنگامى كه [از خواب] بر مى خيزى ، به نيايش پروردگارت تسبيح گوى . و [نيز] پاره اى از شب در پىِ فروشدن ستارگان ، تسبيحگويِ او باش» . 1

.

الحديث5824.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : « وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبَرَ النُّجُومِ» : هُوَ الوَترُ مِن آخِرِ اللَّيلِ . (1)5825.الإيضاح (به نقل از مِيناَ (هم پيمان عبد الرحمان بن عوف)) عنه عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبَرَ النُّجُومِ» : أَمَرَهُ أن يُصَلِّىَ مِنَ اللَّيلِ . (2)5826.الخرائج و الجرائح (به نقل از عوف بن مروان) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إدبارُ النُّجومِ : الرَّكعَتانِ قَبلَ الفَجرِ ، وإدبارُ السُّجودِ : الرَّكعَتانِ بَعدَ المَغرِبِ . (3)5827.مروج الذهب :الإمام علىّ عليه السلام :أوتَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أوَّلَ اللَّيلِ وأوسَطَ اللَّيلِ وآخِرَ اللَّيلِ ، فَثَبَتَ الأَمرُ وَاستَقَرَّ عَلى إِدبارِ النُّجومِ . (4) .

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 204 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 134 ح 105 .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 210 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 159 ح 47 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 393 ح 3275 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 466 ح 1198 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 11 ح 2929 ؛ الكافى : ج 3 ص 444 ح 11 عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 333 عن أبى نصر عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «أربع ركعات بعد المغرب» بدل «الركعتان بعد المغرب» ، بحار الأنوار : ج 87 ص 88 ح 5 .
4- .كنزالعمّال : ج 8 ص 65 ح 21895 نقلاً عن المصنّف لابن أبى شيبه .

حدیث5828.مقاتل الطالبیّین عن السائب :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و [نیز] پاره ای از شب و در پیِ فرو شدن ستارگان ، تسبیحگویِ او باش» : مقصود ، تک رکعتِ آخر شب است .5829.الإرشاد عن سوید بن غفله :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و [نیز] پاره ای از شب و در پیِ فرو شدن ستارگان ، تسبیحگویِ او باش» : به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که نماز شب بخواند .5828.مقاتل الطالبیّین (به نقل از سائب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[مقصود از] «در پیِ فرو شدن ستارگان» ، دو رکعت نمازِ پیش از سپیده دم است و [مقصود از] «و در پیِ سجود» ، دو رکعتِ پس از مغرب است .5829.الإرشاد (به نقل از سُوَید بن غَفْله) امام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، در آغاز شب و در میان شب و در پایان شب ، یک رکعت [نماز] خواند ؛ امّا این نماز ، در نهایت ، محدود به زمان فرو شدن ستارگان شد . .

5 / 4الرُّكوعُ وَالسُّجودُ5831.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصفِ مَروانَ بنِ الحَكَمِ) تهذيب الأحكام عن عقبه بن عامر الجهنى :لَمّا نَزَلَت : «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِيمِ» قالَ لَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اِجعَلوها فى رُكوعِكُم ، فَلَمّا نَزَلَت «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الأعلى» قالَ لَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اِجعَلوها فى سُجودِكُم . (1)5832.عنه عليه السلام (لِمَروانَ بنِ الحَكَمِ يَومَ الجَمَلِ وقَد باىَ) الدعاء للطبرانى عن حذيفه :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ فى سُجودِهِ : سُبحانَ رَبِّىَ الأعلى . (2)5831.امام على عليه السلام (در توصيف مروان بن حَكم) صحيح مسلم عن عائشه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقول فى رُكوعِهِ وسُجودِهِ : سُبّوحٌ قُدّوسٌ ، رَبُّ المَلائِكَهِ وَالرّوحِ . (3)5832.امام على عليه السلام (در روز جمل به هنگام بيعت كردن مروان بن حكم با ا) سنن أبى داوود عن عوف بن مالک الأشجعى :قُمتُ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَيلَهً فَقامَ فَقَرَأَ سورَهَ البَقَرَهِ ؛ لا يَمُرُّ بِآيَهِ رَحمَهٍ إلّا وَقَفَ فَسَأَلَ ، ولا يَمُرُّ بِآيَهِ عَذابٍ إلّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ ، قالَ : ثُمَّ رَكَعَ بِقَدرِ قِيامِهِ ، يَقولُ فِى رُكوعِهِ : «سُبحانَ ذِى الجَبَروتِ وَالمَلَكوتِ وَالكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ» ، ثُمَّ سَجَدَ بِقَدرِ قِيامِهِ ، ثُمَّ قالَ فى سُجودِهِ مِثلَ ذلِکَ ، ثُمَّ قامَ فَقَرَأَ بِآلِ عِمرانَ ، ثُمَّ قَرَأَ سورَهً سورَهً . (4) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 313 ح 1273 ، علل الشرائع : ص 333 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 105 ح 12 ؛ سنن ابن ماجه : ج 1 ص 287 ح 887 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 318 ح 1280 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 141 ح 17419 .

2- .الدعاء للطبرانى : ص 191 ح 589 وح 586 عن جبير بن مطعم ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 230 ح 871 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 48 ح 262 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 318 ح 1281 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 73 ح 23300 .

3- .صحيح مسلم : ج 1 ص 353 ح 223 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 277 ح 24118 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 158 ح 2683 ، كنزالعمّال : ج 8 ص 227 ح 22672 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزّاق .

4- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 231 ح 873 ، سنن النسائى : ج 2 ص 223 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 256 ح 24035 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 439 ح 3689 ، كنزالعمّال : ج 8 ص 160 ح 22384 .

5 / 4در رکوع و سجود5835.الإمام علیّ علیه السلام :تهذیب الأحکام به نقل از عقبه بن عامر جُهَنی : چون «نام پروردگار بزرگت را به پاکی بستای» نازل شد ، پیامبر خدا به ما فرمود : «آن را در رکوع خود قرار دهید . و چون «نام پروردگار برترت را به پاکی بستای» نازل شد ، پیامبر خدا به ما فرمود : «این را در سجود خود قرار دهید» .5833.امام علی علیه السلام (درباره مروان بن حکم) الدعاء ، طبرانی به نقل از حذیفه : پیامبر صلی الله علیه و آله در سجده اش می گفت : «پاکا پروردگار برتر من !» .5834.تاریخ دمشق (از ابو سلیمان) صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، در رکوع و سجده اش می گفت : «پاک و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح !» .5835.امام علی علیه السلام :سنن أبی داوود به نقل از عوف بن مالک اشجعی : شبی با پیامبر خدا [برای نماز]برخاستم . ایشان ، سوره بقره را خواند و به هر آیه رحمتی که می رسید ، درنگ می کرد و از خداوند درخواست [رحمت]می کرد ، و بر هر آیه عذابی که می رسید ، درنگ می کرد و [از آن به خدا] پناه می برد . سپس به اندازه قیامش در رکوع می ماند و می گفت : «پاکا پروردگار جبروت و پادشاهی و بزرگی و عظمت !» . سپس به سجده می رفت و به اندازه قیامش در سجود می ماند و در آن نیز همین را می گفت . سپس بر می خاست و [در قرائت رکعت دوم ، سوره] آل عمران را و آن گاه ، سوره ای را از پیِ سوره ای می خواند .

.

5836.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَمَرَنى جَبرَئيلُ عليه السلام عَن رَبّى عز و جل أن أقرَأَ القُرآنَ قائِما ، وأن أحمَدَهُ راكِعا ، وأن اُسَبِّحَهُ ساجِدا ، وأن أدعُوَهُ جالِسا . (1)5837.دلائل النبوه للبيهقى عن حبيب بن أبى ثابت :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ العَزيزَ الجَبّارَ عَرَجَ بِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله إلى سَمائِهِ . . . فَقالَ اللّهُ : . . . طَأطِئ يَدَيکَ وَاجعَلها عَلى رُكبَتَيکَ فَانظُر إلى عَرشى .

قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فَنَظَرتُ إلى عَظَمَةٍ ذَهَبَت لَها نَفسى وغُشِىَ عَلَىَّ ، فَاُلهِمتُ أن قُلتُ : «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» لِعِظَمِ ما رَأَيتُ ، فَلَمّا قُلتُ ذلِکَ تَجَلَّى الغَشىُ عَنّى ، حَتّى قُلتُها سَبعا اُلهِمُ ذلِکَ ، فَرَجَعَت إلىَّ نَفسى كَما كانَت ، فَمِن أجلِ ذلِکَ صارَ فِى الرُّكوعِ : سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ .

فَقالَ : اِرفَع رَأسَکَ ، فَرَفَعتُ رَأسى فَنَظَرتُ إلى شَىءٍ ذَهَبَ مِنهُ عَقلِى ، فَاستَقبَلتُ الأَرضَ بِوَجهى ويَدَىَّ ، فَاُلهِمتُ أن قُلتُ : «سُبحانَ رَبِّىَ الأَعلى وبِحَمدِهِ» لِعُلُوِّ ما رَأَيتُ ، فَقُلتُها سَبعا فَرَجَعَت إلىَّ نَفسى ، كُلَّما قُلتُ واحِدَةً مِنها تَجَلّى عَنِّى الغَشىُ فَقَعَدتُ . (2)5836.امام على عليه السلام :الكافى عن أبان بن تغلب :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام وهُوَ يُصَلّى ، فَعَدَدتُ لَهُ فى الرُّكوعِ وَالسُّجودِ سِتّينَ تَسبيحَةً . (3)5837.دلائل النبوّه ، بيهقى (به نقل از حبيب بن ابى ثابت) الكافى عن أبى بكر الحضرمى :قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : تَدرى أىُّ شَىءٍ حَدُّ الرُّكوعِ وَالسُّجودِ؟ قُلتُ : لا .

قالَ : تُسَبِّحُ فِى الرُّكوعِ ثَلاثَ مَرّاتٍ «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» ، وفِى السُّجودِ «سُبحانَ رَبِّىَ الأَعلى وبِحَمدِهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، فَمَن نَقَصَ واحِدَةً نَقَصَ ثُلثَ صَلاتِهِ ، ومَن نَقَصَ ثِنتَينِ نَقَصَ ثُلثَى صَلاتِهِ ، ومَن لَم يُسَبِّح فَلا صَلاةَ لَهُ . (4) .

1- .الدعوات : ص 47 ح 115 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 17 .
2- .علل الشرائع : ص 312 و 315 ح 1 عن الصباح المزنى (السدى) وسدير الصيرفى ومحمّد بن النعمان الأحول وعمر بن اُذينه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 241 ح 1 .
3- .الكافى : ج 3 ص 329 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 299 ح 1205 ، عوالى اللآلى : ج 3 ص 93 ح 99 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 50 ح 80 .

4- .الكافى : ج 3 ص 329 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 157 ح 615 ، الاستبصار : ج 1 ص 324 ح 1213 .

5838.مقاتل الطالبيّين عن موسى بن أبى النعمان :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :جبرئيل عليه السلام از جانب پروردگارم به من دستور داد كه قرآن را ايستاده [در قيام نماز]بخوانم ، و در ركوع ، او را ستايش گويم ، و در سجده ، تسبيحش گويم ، و نشسته [در قعود] ، او را بخوانم .5839.تاريخ دمشق عن مالک بن دينار عن الحسن :امام صادق عليه السلام :خداوند عزيز جبّار ، پيامبرش را به سوى آسمان خود ، بالا برد ... و خدا فرمود : «... دو دست خود را خَم نما و بر زانوانت بگذار و بر عرش من بنگر» .

پيامبر خدا فرمود : «پس ، چنان عظمتى ديدم كه جانم برفت و از هوش رفتم . پس ، به من الهام شد و گفتم : پاكا پروردگار بزرگ من ، و ستايش ، او را! ، از عظمتى كه ديدم . چون اين را گفتم ، به هوش آمدم و باز به من الهام شد و اين جمله را هفت بار گفتم و جانم ، چونان قبل ، به من باز گشت . از همين رو ، در ركوع گفته مى شود : پاكا پروردگار بزرگ من ، و ستايش ، او را! » .

سپس خداوند فرمود : سَرت را بالا بگير . و من ، سرم را بلند كردم و چيزى ديدم كه عقل از سرم برفت . پس با صورت و دستانم به زمين افتادم . به من الهام شد و گفتم : پاكا پروردگار برين من ، و ستايش ، او را! ، از بلندای مرتبتى كه ديدم . اين جمله را هفت بار گفتم و جانم به من باز گشت . هر بار كه آن را مى گفتم ، بيهوشى ، بيشتر از من برطرف مى شد . پس نشستم» .5840.الكامل للمبرّد (فى ذِكرِ وِلادَهِ عَلِىِّ بنِ عَبدِ اللّه ِ بنِ) الكافى به نقل از اَبان بن تَغلِب : بر امام صادق عليه السلام در آمدم . به نماز ايستاده بود . شمردم . ديدم در ركوع و سجود ، شصت تسبيح گفت .5838.مقاتل الطالبيّين (به نقل از موسى بن ابى نعمان) الكافى به نقل از ابو بكر حَضرَمى : امام باقر عليه السلام فرمود : «مى دانى حدّ ركوع و سجود چيست؟» .

گفتم : خير .

فرمود : «در ركوع ، سه مرتبه مى گويى : پاكا پروردگار بزرگ من ، و ستايش ، او را! و در سجود نيز سه مرتبه مى گويى : پاكا پروردگار برين من ، و ستايش ، او را! . پس هر كه يكى كم بگويد ، يک سومِ نمازش را

کم کرده است، و هرِ که دو تا را کم بگوید ، دو سومِ نمازش را کم کرده است ، و هر که اصلاً تسبیح نگوید ، او را نمازی نیست» . .

5 / 5أدبارُ السُّجودِالكتاب«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ * وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» (1) . (2)

الحديث5841.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» : هِىَ السُّنَّهُ بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِ ، ولا تَدَعها فِى سَفَرٍ ولا حَضَرٍ . (3)5 / 6عِندَ القِيامِ مِنَ المَجلِسِ5844.عنه عليه السلام :سنن أبى داوود عن أبى برزه الأسلمى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ بِأخَرَهٍ (4) إذا أرادَ أن يَقومَ مِنَ المَجلِسِ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . (5) .

1- .قوله : «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ ...» أمر بتنزيهه تعالى عمّا يقولون مصاحبا للحمد ، ومحصّله إثبات جميل الفعل له ونفى كلّ نقص وشين عنه تعالى ، والتسبيح قبل طلوع الشمس يقبل الانطباق على صلاه الصبح ، والتسبيح قبل الغروب يقبل الانطباق على صلاهِ العصر أو عليها وعلى صلاه الظهر ... قوله تعالى : « وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» أى : ومن الليل فسبّحه فيه ، ويقبل الانطباق على صلاتى المغرب والعشاء ، قوله تعالى : «وَ أَدْبَرَ السُّجُودِ» الأدبار : جمع دبر ؛ وهو ما ينتهى إليه الشىء وبعده ، وكأنّ المراد بأدبار السجود : بعد الصلوات ، فإنّ السجود آخر الركعه من الصلاه فينطبق على التعقيب بعد الصلوات (الميزان فى تفسير القرآن : ج 18 ص 360) .
2- .ق : 39 و 40 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 209 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 87 ح 1 .
4- .بأخَرَهٍ : أى فى آخر جلوسهِ . ويجوز أن يكون فى آخرِ عُمرهِ (النهايه : ج 1 ص 29 «أخر») .
5- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 265 ح 4859 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 736 ح 2559 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 190 ح 19833 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 461 ح 7389 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 49 ح 1 ، كنزالعمّال : ج 9 ص 225 ح 25760 .

5 / 5 در پيِ سجود

5 / 6 هنگام برخاستن از مجلس

5 / 5در پيِ سجودقرآن«و بر آنچه می گویند ، شکیبایی کن، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن ، به ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح گوی . و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] ، او را تسبیح گوی» . 1

حدیث5847.کشف الیقین :امام علی علیه السلام در پاسخ پرسش از این سخن خداوند عز و جل : «و در پیِ سجود» : این [تسبیح گفتن پس از سجود] ، بعد از نماز مغرب ، سنّت است ، و آن را در سفر و غیر سفر ، ترک مکن .5 / 6هنگام برخاستن از مجلس5848.امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن، اوضاع آینده مردم را بیان م) سنن أبی داوود به نقل از ابو برزه اَسلَمی : پیامبر خدا ، در پایان ، (1) هر گاه می خواست از مجلس برخیزد ، می گفت : «پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می کنم» .

.

1- .«در پایان» ، یعنی در پایان نشستنش . احتمال هم دارد که به معنای «پایان عمرش» باشد .

5849.عنه عليه السلام (فى وصَفِ مَدينَهِ البَصرَهِ) المستدرک على الصحيحين عن عائشه :ما كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقومُ مِن مَجلِسٍ إلّا قالَ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ رَبّى وبِحَمدِکَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ .

فَقُلتُ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ما أكثَرَ ما تَقولُ هؤُلاءِ الكَلِماتِ إذا قُمتَ !

قالَ : لا يَقولُهُنَّ مِن أحَدٍ حينَ يَقومُ مِن مَجلِسِهِ ، إلّا غُفِرَ لَهُ ما كانَ مِنهُ فى ذلِکَ المَجلِسِ . (1)5850.نهج البلاغه (مِن كَلامٍ لَهُ عليه السلام فى ذَمِّ أهلِ البَص) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَفّارَةُ المَجلِسِ أن يَقولَ العَبدُ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . (2)5849.امام على عليه السلام (در توصيف شهر بصره) عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ» فَقالَها فى مَجلِسِ ذِكرٍ كانَت كَالطّابِعِ يُطبَعُ عَلَيهِ ، ومَن قالَها فى مَجلِسِ لَغوٍ ، كانَت كَفّارَةً لَهُ . (3)5850.نهج البلاغه (از كلام امام عليه السلام در مذمّت مردم بصره ، پ) عنه صلى الله عليه و آله :مَن جَلَسَ فِى مَجلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَغطُهُ (4) ، فَقالَ قَبلَ أن يَقومَ مِن مَجلِسِهِ ذلِکَ : «سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ» ؛ إلّا غُفِرَ لَهُ ما كانَ فى مَجلِسِهِ ذلِکَ . (5) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 674 ح 1827 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 153 ح 18479 .
2- .المعجم الكبير : ج 10 ص 164 ح 10333 عن عبد اللّه بن مسعود ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 300 ح 8826 عن أبى هريره وليس فيه «أشهد أن لا إله إلّا اللّه » ، كنزالعمّال : ج 9 ص 141 ح 25417 ؛ عوالى اللآلى : ج 2 ص 26 ح 60 عن سعيد بن جبير نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 467 ح 17 نقلاً عن خطّ الشهيد قدس سره .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 720 ح 1970 ، المعجم الكبير : ج 2 ص 139 ح 1586 كلاهما عن جبير ، كنزالعمّال : ج 9 ص 142 ح 25419 .
4- .أراد به الهواء من القول وما لا طائل تحته من الكلام ، فأحلّ ذلک محلّ الصوت والجلبه الخاليه عن الفائده (مجمع البحرين : ج 3 ص 1636

«لغط») .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 494 ح 3433 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 554 ح 10420 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 9 ص 142 ح 25418 .

5851.الإمام علیّ علیه السلام (فیما یُخبِرُ بِهِ عَنِ المَلاحِمِ بِالبَصرَهِ) المستدرک علی الصحیحین به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، از هیچ مجلسی بر نمی خاست ، مگر آن که می گفت : «پاکا تو ای خداوند و ای پروردگار من و ستایش ، تو را ! معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می آورم» .

من به ایشان گفتم : ای پیامبر خدا ! چه بسیار این کلمات را هنگام برخاستن از جا می گویی !

فرمود : «هر کس هنگامی که از جایش بر می خیزد ، این کلمات را بگوید ، هر خطایی که از او در آن مجلس سر زده است ، آمرزیده می شود» .5852.نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کفّاره مجلس ، این است که بنده بگوید : «پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می کنم» .5851.امام علی علیه السلام (در سخنانی که از فتنه های بصره خبر داد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس جملات «پاکا خدا ، و ستایش ، او را ! پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می کنم» را در مجلسی که در آن ذکر خداست ، بگوید ، همانند مُهری است که بر آن مجلس زده می شود ، و هر کس آن را در مجلسی که به بیهودگی می گذرد ، بگوید ، کفّاره آن مجلس خواهد بود .5852.نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در مجلسی بنشیند که در آن بیهوده گویی بسیار شود ، چنانچه پیش از آن که از آن مجلس برخیزد ، بگوید : «پاکا تو ای خداوند و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می کنم» ، آنچه از او در آن مجلس سر زده است ، آمرزیده می شود . .

5853.الإمام علیّ علیه السلام :الإمام الباقر علیه السلام :من أرادَ أن یَکتالَ بِالمِکیالِ الأوفی ، فَلیَقُل إذا أرادَ أن یَقومَ مِن مَجلِسِهِ : سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّهِ عَمّا یَصِفونَ ، وسَلامٌ عَلَی المُرسَلینَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . (1)5 / 7عِندَ الهُبوطِ فِی السَّفَرِ5854.امام علی علیه السلام (در خطبه ای که در آن ، از پیامبر خدا یاد کرده اس) الإمام الصادق علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فی سَفَرِهِ إذا هَبَطَ سَبَّحَ ، وإذا صَعِدَ کَبَّرَ . (2)5 / 8عِندَ دُخولِ السّوقِ5857.الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :السّوقُ دارُ سَهوٍ وغَفلَهٍ ، فَمَن سَبَّحَ فیها تَسبیحَهً کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ ، ومَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» کانَ فی جِوارِ اللّهِ حَتّی یُمسِیَ . (3)5855.الغیبه ، نعمانی (به نقل از ابو وائل) الإمام الصادق علیه السلام :إذا دَخَلتَ السّوقَ فَقُل : «لا إلهَ إلّا اللّهُ عَدَدَ ما یَنطِقونَ ، تَبارَکَ اللّهُ أحسَنُ الخالِقینَ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، «سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما یَلغونَ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما یَنطِقونَ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما یَسومونَ ، تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العالَمینَ» . (4) .

1- .الکافی : ج 2 ص 496 ح 3 عن أبی بصیر ، عدّه الداعی : ص 241 عن الإمام الصادق علیه السلام ، عوالی اللآلی : ج 2 ص 26 ح 61 عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 468 ح 20 .
2- .الکافی : ج 4 ص 287 ح 2 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 273 ح 2420 کلاهما عن معاویه بن عمّار ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 553 ح 1909 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 254 ح 48 .
3- .الفردوس : ج 2 ص 344 ح 3557 عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنزالعمّال : ج 4 ص 28 ح 9330 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 13 ص 263 ح 15303 نقلاً عن کتاب عبد اللّه بن یحیی الکاهلی .

5 / 7 هنگام بار افکندن در سفر

5 / 8 هنگام درآمدن به بازار

5856.کمال الدین (به نقل از حسین بن خالد ، از امام رضا علیه السلا) امام باقر علیه السلام :هر که می خواهد که با پیمانه پُر [مزد] بگیرد ، هر گاه خواست از جای خود بلند شود ، بگوید : «پاکا پروردگار تو ، پروردگار عزّت ، از آنچه در وصف او می گویند ! و درود بر فرستادگان [الهی] ! و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .5 / 7هنگام بار افکندن در سفر5859.الإمام علیّ علیه السلام (مِن خُطبَهٍ لَهُ یومِئُ فیها إلَی المَلاحِمِ) امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، در سفرش هر گاه بار می افکند ، تسبیح می گفت و چون راه می افتاد ، تکبیر می گفت .5 / 8هنگام در آمدن به بازار5860.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بازار ، سرای فراموشی و غفلت است . پس ، هر که در آن یک تسبیح بگوید ، خداوند در برابر آن ، برایش هزار هزار ثواب می نویسد ، و هر که بگوید : «هیچ توش و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، تا شب در پناه خداوند خواهد بود .5860.امام صادق علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه به بازار وارد شدی . سه بار بگو : «معبودی جز خدا نیست ، به شمار آنچه می گویند . آفرین بر خداوند ، که بهترین آفرینندگان است !» ، «پاکا خداوند ، به شمار آنچه به زبان می آورند ! پاکا خداوند ، به شمار آنچه می گویند ! پاکا خداوند ، به شمار آنچه نشان می نهند ! آفرین بر خداوند ، که پروردگار جهانیان است !» .

.

5 / 9عِندَ سِماعِ الرَّعدِ5862.الإمام علىّ عليه السلام (فى خُطبَتِهِ المُسمّاهِ بِالقاصِعَهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعتُمُ الرَّعدَ فَسَبِّحوا ولا تُكَبِّروا . (1)5863.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا سَمِعَ الرَّعدَ قالَ : سُبحانَ مَن سَبَّحتَ لَهُ . (2)5862.امام على عليه السلام (در خطبه قاصعه) شرح الأخبار عن عيسى بن عبد اللّه بن عمر :كُنتُ جالِسا عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ، فَسَمِعَ الرَّعدَ ، فَقالَ : سُبحانَ مَن سَبَّحتَ لَهُ . (3)5863.امام على عليه السلام :تفسير العيّاشى عن يونس بن عبد الرحمن عن داوود :كُنّا عِندَهُ[عليه السلام] فَارتَعَدَتِ السَّماءُ فَقالَ هُوَ : سُبحانَ مَن يُسَبِّحُ لَهُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ ، وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ (4) . (5)5864.الإمام علىّ عليه السلام :كتاب من لا يحضره الفقيه :رُوِىَ : يَنبَغى لِمَن سَمِعَ صَوتَ الرَّعدِ أن يَقولَ : سُبحانَ مَن يُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ ، وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ . (6) .

1- .كنزالعمّال : ج 6 ص 156 ح 15208 نقلاً عن أبى داوود فى مراسيله عن عبد اللّه بن جعفر .
2- .كنزالعمّال : ج 6 ص 170 ح 15238 نقلاً عن ابن جرير .
3- .شرح الأخبار : ج 1 ص 231 ح 220 ، المناقب للكوفى : ج 1 ص 221 ح 140 وج 2 ص 384 ح 858 كلاهما عن عبد اللّه .
4- .تضمين للآيه 13 من سوره الرّعد .
5- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 207 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 379 ح 19 وج 95 ص 348 ح 4 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 526 ح 1498 .

5 / 9هنگام شنیدن رعد5867.الکافی عن حبّه العرنی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه صدای رعد شنیدید ، تسبیح بگویید و تکبیر نگویید .5864.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام هر گاه صدای رعد می شنید ، می گفت : پاکا آن که تو [ای رعد]او را به پاکی ستودی !5865.امام علی علیه السلام :شرح الأخبار به نقل از عیسی بن عبد اللّه بن عمر : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که صدای رعد شنید . گفت : «پاکا آن که تو او را به پاکی ستودی !» .5866.فضائل الصحابه ، ابن حنبل (به نقل از سعید بن جُبَیر) تفسیر العیّاشی به نقل از یونس بن عبد الرحمان ، از داوود : نزد ایشان (امام صادق علیه السلام) نشسته بودیم که آسمان ، غُرّش کرد . فرمود : «پاکا آن خدایی که رعد و فرشتگان ، از ترس او ، تسبیح و ستایشش می کنند !» . (1)5867.الکافی (به نقل از حَبّه عُرَنی) کتاب من لا یحضره الفقیه :روایت شده است که : سزاوار است کسی که صدای رعد را می شنود ، بگوید : «پاکا آن خدایی که رعد و فرشتگان ، از ترس او ، تسبیح و ستایشش می کنند !» .

.

1- .مضمون آیه 13 از سوره رعد است .

الفَصلُ السّادِسُ : التّسبيحات الأربعه6 / 1الحَثُّ عَلَى التَّسبيحاتِ5870.الإمام الباقر عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما سَبَّحتُ ولا سَبَّحَ الأَنبِياءُ قَبلى بِأفضَلَ مِن : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (1)5869.الاختصاص (به نقل از اصبغ بن نُباته) المعجم الكبير عن عمران بن الحصين :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أما يَستَطيعُ أحَدُكُم أن يَعمَلَ كُلَّ يَومٍ مِثلَ اُحُدٍ عَمَلاً؟ قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَن يَستَطيعُ أن يَعمَلَ كُلَّ يَومٍ مِثلَ اُحُدٍ عَمَلاً؟ !

قالَ : كُلُّكُم يَستَطيعُهُ . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ماذا؟

قالَ : «سُبحانَ اللّهِ» أعظَمُ مِن اُحُدٍ ، و«لا إلهَ إلَا اللّهُ» أعظَمُ مِن اُحُدٍ ، و«الحَمدُ للّهِ» أعظَمُ مِن اُحُدٍ ، و«اللّهُ أكبَرُ» أعظَمُ مِن اُحُدٍ . (2)5870.امام باقر عليه السلام :مكارم الأخلاق عن عبد اللّه بن مسعود عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَابنَ مَسعودٍ ، وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ نَبِيّا ، إنَّ مَن يَدَعُ الدُّنيا ويُقبِلُ عَلى تِجارَهِ الآخِرَهِ ، فَإنَّ اللّهَ تَعالى يَتَّجِرُ لَهُ مِن وَراءِ تِجارَتِهِ ، ويُرِيحُ اللّهُ تِجارَتَهُ ، يَقولُ اللّهُ تَعالى : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوهِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَوهِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَرُ» (3) .

فَقالَ ابنُ مَسعودٍ : بِأَبى أنتَ واُمّى يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ لى بِتِجارَهِ الآخِرَهِ؟

فَقالَ صلى الله عليه و آله : لا تُرِيحَنَّ لِسانَكَ عَن ذِكرِ اللّهِ ، وذلِكَ أن تَقولَ : «سُبحانَ (4) اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» ، فَهذِهِ التِّجارَهُ المُربِحَهُ . وقالَ اللّهُ تَعالى : «يَرْجُونَ تِجَرَهً لَّن تَبُورَ * لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ» (5) . (6) .

1- .الفردوس : ج 4 ص 70 ح 6219 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 464 ح 2015 .
2- .المعجم الكبير : ج 18 ص 175 ح 398 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 470 ح 2046 .
3- .النور : 37 .
4- .فى المصدر : «سبحانه» ، وهو تصحيف ظاهر .
5- .فاطر : 29 و 30 .

6- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 356 ح 2660 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 106 ح 1 .

6 / 1 تشویق به گفتن تسبیحات چهارگانه

فصل ششم: تسبیحات چهارگانه6 / 1تشویق به گفتن تسبیحات چهارگانه5873.الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نه من و نه پیامبرانِ پیش از من ، تسبیحی نگفته ایم که برتر از : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» باشد .5872.امام علی علیه السلام :المعجم الکبیر به نقل از عمران بن حصین : پیامبر خدا فرمود : «آیا هر یک از شما نمی تواند هر روز ، عملی به بزرگی [کوه] اُحُد انجام دهد؟» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! چه کسی می تواند هر روز عملی به اندازه اُحُد انجام دهد؟ !

فرمود : «همه شما می توانید» .

گفتند : چگونه ، ای پیامبر خدا ؟ !

فرمود : « پاکا خدا ! ، بزرگ تر از اُحُد است . معبودی جز خدا نیست ، بزرگ تر از اُحُد است . ستایش ، خدای را ، بزرگ تر از اُحُد است ، و خدا بزرگ تر است ، بزرگ تر از اُحُد است .5873.امام جواد علیه السلام (به نقل از پدرانش علیهم السلام) مکارم الأخلاق به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا فرمود : «ای پسر مسعود ! سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت ، هر کس دنیا را وا نهد و به تجارت آخرت ، روی آورد ، خداوند متعال ، تاجر او خواهد بود و به تجارتش سود می دهد . خداوند متعال می فرماید : «مردانی که هیچ تجارتی و داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات ، باز نمی دارد و از آن روزی می ترسند که در آن روز ، دل ها و دیدگان بر می گردند» » .

گفت[م] : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! چگونه تجارت آخرت کنم؟

فرمود : «زبانت را از یاد خدا آسوده مدار و پیوسته بگو : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است . این است تجارت سودآور . خدای متعال فرموده است : «امید به تجارتی دارند که نابود نمی شود . تا مزدشان را درست دهد و از فزونی خویش بر آنها بیفزاید» » .

.

5874.الإمام الرضا علیه السلام :مسند ابن حنبل عن ابن أبی أوفی :جاءَ رَجُلٌ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، إنّی لا أستَطیعُ أخذَ شَیءٍ مِنَ القُرآنِ ، فَعَلِّمنی ما یُجزِئُنی .

قالَ : قُل : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (1)5875.التوحید عن الأصبغ بن نباته :سنن الترمذی عن أبی هریره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذا مَرَرتُم بِرِیاضِ الجَنَّهِ فَارتَعُوا . (2)

قُلتُ : یا رَسولَ اللّهِ وما رِیاضُ الجَنَّهِ؟

قالَ : المَساجِدُ .

قُلتُ : ومَا الرَّتعُ یا رَسولَ اللّهِ؟

قالَ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ . (3) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 47 ح 19132 ، السنن الکبری : ج 2 ص 532 ح 3978 وح 3977 وفیه «لا أحسن القرآن» بدل «لا أستطیع أخذ شیء من القرآن» ، کنزالعمّال : ج 2 ص 620 ح 4907 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزّاق .
2- .الرَّتْع : التنعُّم. أراد برِیاض الجنّه ذکر اللّه ، وشبّه الخوض فیه بالرتع فی الخِصْب (النهایه : ج 2 ص 194 «رتع») .
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 532 ح 3509 ، الفردوس : ج 5 ص 305 ح 8267 نحوه ، کنزالعمّال : ج 7 ص 651 ح 20739 .

5874.امام رضا علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از ابن ابی آوفی : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! من نمی توانم چیزی از قرآن بخوانم . پس مرا چیزی بیاموز که آن را جبران کند .

فرمود : «بگو : پاکا خدا ، و سپاسْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا » .5875.التوحید (به نقل از اصبغ بن نُباته) سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «چون بر باغ های بهشت گذشتید ، بچرید» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! باغ های بهشت کدام اند ؟

فرمود : «مسجدها» .

گفتم : چریدن چیست ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «[گفتنِ] پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا ، بزرگ ترَ است» . .

5876.علل الشرائع عن تميم بن جذيم :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قولوا : «لا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» ، وقولوا : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ» ، وقولوا : «تَبارَكَ اللّهُ» ؛ فَإِنَّهُنَّ خَمسٌ لا يَعدِلُهُنَّ شَىءٌ ، عَلَيهِنَّ فَطَرَ اللّهُ مَلائِكَتَهُ ، ومِن أجلِهِنَّ رَفَعَ سَماءَهُ ، ودَحا أرضَهُ ، وبِهِنَّ جَبَلَ (1) إنسَهُ وجِنَّهُ ، وفَرَضَ عَلَيهِم فَرائِضَهُ . (2)5877.الخرائج والجرائح عن أنس :الإمام الصادق عليه السلام :مَن بَخِلَ مِنكُم بِمالٍ أن يُنفِقَهُ ، وبِالجِهادِ أن يَحضُرَهُ ، وبِاللَّيلِ أن يُكابِدَهُ ، فَلا يَبخَل بِسُبحانَ اللّهِ ، [وَالحَمدُ للّهِ] (3) ولا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (4)5876.علل الشرائع (به نقل از تميم بن جذيم) عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاك فى خَبرِ مَسيرِ الإمامِ الرِّضا عليه السلام إلى خُراسانَ : كانَ فِى الطَّريقِ يُصلّى فَرائِضَهُ رَكعَتَينِ رَكعَتَينِ إلّا المَغرِبَ . . . وكانَ يَقولُ بَعدَ كُلِّ صَلاةٍ يُقَصِّرُها : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» ثَلاثينَ مَرَّةً ، ويَقولُ : هذا تَمامُ الصَّلاةِ . (5)5877.الخرائج و الجرائح (به نقل از اَنَس) الإمام العسكرىّ عليه السلام :يَجِبُ (6) عَلَى المُسافِرِ أن يَقولَ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ يُقَصِّرُ فِيها : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلّا اللّهُ ، واللّهُ أكبَرُ» ثَلاثينَ مَرَّةً ؛ لِتَمامِ الصَّلاةِ . (7) .

1- .جَبَلَ اللّهُ الخلق : خَلَقهم. وجَبَلهُ على الشىء : طَبَعه (لسان العرب : ج 11 ص 98 «جبل») .
2- .كنزالعمّال : ج 2 ص 243 ح 3931 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه وص 224 ح 3858 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن معاذ .
3- .ما بين المعقوفين سقط من الطبعه المعتمده للمصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
4- .المحاسن : ج 1 ص 107 ح 93 عن داوود بن الحصين ، بحار الأنوار : ج 93 ص 172 ح 16 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 182 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 59 ح 28 .
6- .قوله : «يجب» يريد به شدّه الاستحباب (المعتبر : ج 2 ص 484) .
7- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 230 ح 594 عن سليمان بن حفص المروزى .

5878.إرشاد القلوب عن الحارث الأعور الهمدانی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بگویید : «معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است» . بگویید : «پاکا خدا و ستایش ، خدای را!» ، و بگویید : «بلندمرتبه است خدا» ؛ زیرا اینها پنج کلمه اند که هیچ چیز با آنها برابری نمی کند . خداوند ، فرشتگانش را بر اینها سرشته است ، و برای اینها آسمانش را برافراشت و زمینش را گسترانید ، و آدمیان و جنّیان خویش را بر اینها سرشت ، و واجباتش را بر آنان ، واجب گردانید .5879.الإرشاد عن حکیم بن جبیر :امام صادق علیه السلام :هر کس از شما از انفاق کردن مالی ، و شرکت کردن در جهاد ، و شب زنده داری دریغ ورزد ، [لااقل] از گفتن «پاکا خدا ، [و ستایشْ خدای را] ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، دریغ نورزد .5878.إرشاد القلوب (به نقل از حارث اعور هَمْدانی) عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک ، در خبر عزیمت امام رضا علیه السلام به خراسان : در راه ، نمازهای واجبش را دورکعتی (یعنی شکسته و به قصر) می خواند ، بجز نماز مغرب را ... و بعد از هر نمازی که شکسته می خواند ، سی مرتبه می گفت : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» و می فرمود : «این ، کامل کننده نماز است» .5879.الإرشاد (به نقل از حکیم بن جبیر) امام عسکری علیه السلام :بر مسافر است (1) که در پیِ هر نمازی که شکسته می خوانَد ، برای آن که نماز کامل شود ، سی مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا ، بزرگ تر است» . .

1- .یعنی مستحبّ مؤکّد است .

6 / 2فَضلُ التَّسبيحاتِ5880.شرح نهج البلاغه (به نقل از حكيم بن جُبَير) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ الكَلام أربَعٌ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، واللّهُ أكبَرُ . (1)5881.الأغانى (به نقل از مدائنى) عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالَى اختارَ مِنَ الكَلامِ أربَعَةً ، ومِنَ المَلائِكَهِ أربَعَةً . . . فَأمّا خِيَرَتُهُ مِنَ الكَلامِ : فَ«سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» ، فَمَن قالَها عَقيبَ كُلِّ صَلاهٍ كَتَبَ اللّهُ لَهُ عَشرَ حَسَناتٍ ، ومَحا عَنهُ عَشرَ سَيِّئاتٍ ، ورَفَعَ لَهُ عَشرَ دَرَجاتٍ . (2)5882.شرح نهج البلاغه عن أحمد بن الحسن الميثمى :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ اصطَفى مِنَ الكَلامِ أربَعا : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، واللّهُ أكبَرُ» ، فَمَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ» كَتَبَ اللّهُ لَهُ عِشرينَ حَسَنَةً ، أو حَطَّ عَنهُ عِشرينَ سَيِّئَةً ، ومَن قالَ : «اللّهُ أكبَرُ» فَمِثلُ ذلِكَ ، ومَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَمِثلُ ذلِكَ ، ومَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» مِن قِبَلِ نَفسِهِ ، كُتِبَت لَهُ ثَلاثونَ حَسَنَةً ، وحُطَّ عَنهُ ثَلاثونَ سَيِّئَةً . (3)5882.شرح نهج البلاغه (به نقل از احمد بن حسن ميثمى) عنه صلى الله عليه و آله :ما سَبَّحتُ ولا سَبَّحَ الأنبياءُ قَبلى بِأفضَلَ مِن : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (4)5883.المناقب لابن شهر آشوب :عنه صلى الله عليه و آله :لَأن أقولَ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» أحَبُّ إلَىَّ مِمّا طَلَعَت عَلَيهِ الشَّمسُ . (5) .

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2459 ح 6302 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1253 ح 3811 عن سمره بن جندب وزاد فيه «لا يضرّک بأيهنّ بدأت» قبل «سبحان اللّه » ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 525 ح 16412 عن أبى صالح عن بعض أصحاب رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 1 ص 460 ح 1994 .

2- .النوادر للراوندى : ص 260 ح 526 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 97 ص 47 ح 34 ؛ كنزالعمّال : ج 1 ص 463 ح 2011 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء نحوه وفيه صدره فقط .

3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 166 ح 8018 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 693 ح 1886 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 461 ح 1999 .

4- .الفردوس : ج 4 ص 70 ح 6219 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 464 ح 2015 .

5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2072 ح 32 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 578 ح 3597 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 463 ح 2008 .

6 / 2فضیلت تسبیحات چهارگانه5885.فضائل الصحابه لابن حنبل عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین سخنان ، این چهار کلمه است : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» .5884.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی از میان سخنان ، چهار سخن را برگزید ، و از فرشتگان ، چهار فرشته را ... . آن چهار سخن برگزیده اش ، عبارت اند از : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» . پس هر که این چهار کلمه را در تعقیبِ هر نمازی بگوید ، خداوند برایش ده ثواب می نویسد و ده گناه از او پاک می کند و ده درجه او را بالا می بَرَد .5885.فضائل الصحابه ، ابن حنبل (به نقل از ابن عبّاس) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، از میان سخنان ، چهار سخن را برگزید : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» . پس ، هر که بگوید : «پاکا خدا!» ، خداوند ، بیست کار نیک برایش می نویسد یا بیست گناه از او می ریزد . به همین سان ، هر که بگوید : «خدا بزرگ تر است» ، و به همین سان ، هر که بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، و هر که از پیش خود بگوید : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، سی کار نیک برایش نوشته می شود و سی گناه از او فرو می ریزد .5886.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نه من و نه پیامبرانِ پیش از من ، خداوند را به تسبیحی برتر از «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، تسبیح نگفته ایم.5887.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گفتن «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، نزد من محبوب تر از تمام آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع می کند .

.

5888.الأمالى للطوسى عن سلمان :عنه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ ، و«لا إلهَ إلَا اللّهُ» لَيسَ لَها دونَ اللّهِ حِجابٌ حَتّى تَخلُصَ إلَيهِ . (1)5889.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ ، وَالتَّكبيرُ يَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأرضِ . (2)5890.الأمالى للطوسى عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :خَمسٌ ما أثقَلَهُنَّ فِى الميزانِ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، وَالوَلَدُ الصّالِحُ يُتَوَفّى لِمُسلِمٍ فَيَصبِرُ ويَحتَسِبُ . (3)5886.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ مِئَةَ مَرَّةٍ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، وَلا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» كُتِبَ اسمُهُ فى ديوانِ الصِّدّيقينَ ، ولَهُ ثَوابُ الصِّدِّيقينَ ، ولَهُ بِكُلِّ حَرفٍ نورٌ عَلَى الصِّراطِ ، ويَكونُ فِى الجَنَّةِ رَفيقَ الخِضرِ عليه السلام . (4)5887.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» قالَ اللّهُ : أسلَمَ عَبدى وَاستَسلَمَ . (5) .

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3518 عن عبد اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 1 ص 462 ح 2001 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3519 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 37 ح 23135 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 464 ح 2019 ؛ الكافى : ج 2 ص 506 ح 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، الجعفريّات : ص 169 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الدعوات : ص 54 ح 136 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 175 ح 21 .
3- .الخصال : ص 267 ح 1 عن أبى سالم راعى رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 82 ص 115 ح 4 ؛ مسند ابن حنبل : ج 5 ص 320 ح 15662 عن أبى سلام عن مولى رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 692 ح 1885 عن أبى سلمى وليس فيهما «فيصبر» ، كنزالعمّال : ج 3 ص 285 ح 6579 .
4- .جامع الأخبار : ص 140 ح 293 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 173 ح 19 .
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 681 ح 1850 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 468 ح 2036 .

5888.الأمالی ، طوسی (به نقل از سلمان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح ، نصف ترازو[ی اعمال] است و حمد ، آن را پُر می کند ، و میان «معبودی جز خدا نیست» و خداوند ، هیچ حجابی (مانعی) نیست و به خدا می رسد .5889.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح ، نصف ترازو[ی اعمال] است ، و حمد ، آن را پُر کند ، و تکبیر ، از زمین تا آسمان را می آکَنَد .5890.الأمالی ، طوسی (به نقل از اَنَس بن مالک) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیز است که در ترازو[ی اعمال] بسی سنگینی می کند : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و فرزند شایسته ای که از مسلمانی بمیرد و او شکیب ورزد و در راه خدا حساب کند .5891.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس صد مرتبه بگوید : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، نامش در دفتر مؤمنانِ راستین نوشته می شود ، و پاداش مؤمنان راستین برایش خواهد بود ، و به ازای هر حرفی [از این جملات] ، او را در [هنگام گذشتن از] صراط ، نوری خواهد بود ، و در بهشت ، هم نشین خضر علیه السلام است .5892.عنه صلی الله علیه و آله (فی علیٍّ علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند می فرماید : «بنده ام تسلیم شد و گردن نهاد» . .

5893.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الحسن عليه السلام فى ذِكرِ أسئِلَهِ اليَهودِىِّ لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ : أخبِرنى يا مُحَمَّدُ عَنِ الكَلِماتِ الَّتِى اختارَهُنَّ اللّهُ لِاءِبراهيمَ حَيثُ بَنَى البَيتَ؟

قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : نَعَم ؛ سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (1)5894.عنه صلى الله عليه و آله :علل الشرائع :رُوِىَ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام أنَّهُ سُئِلَ : لِمَ سُمِّيَتِ الكَعبَهُ كَعبَهً؟ قالَ : لِأنَّها مُرَبَّعَهٌ .

فَقيلَ لَهُ : وَلِمَ صارَت مُرَبَّعَهً؟ قال : لِأنَّها بِحِذاءِ البَيتِ المَعمورِ وهُوَ مُرَبَّعٌ .

فَقيلَ لَهُ : وَلِمَ صارَ البَيتُ المَعمورُ مُرَبَّعا؟ قالَ : لِأنَّهُ بِحِذاءِ العَرشِ وهُوَ مُرَبَّعٌ .

فَقِيلَ لَهُ : وَلِمَ صارَ العَرشُ مُرَبَّعا؟ قالَ : لِأنَّ الكَلِماتِ الَّتى بُنِىَ عَلَيها الإسلامُ أربَعٌ ، وهِىَ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (2)5891.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا اُخبِرُكُم عَن وَصِيَّهِ نوحٍ ابنَهُ حينَ حَضَرَهُ المَوتُ؟

قالَ : إنّى واهِبٌ لَكَ أربَعَ كَلِماتٍ ، هُنَّ قِيامُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وهُنَّ أوَّلُ كَلِماتِ دُخولِ عَلَى اللّهِ ، وآخِرُ كَلِماتِ خُروجٍ (3) مِن عِندِهِ ، ولَو وُزِنَ بِهِنَّ أعمالُ بَنِى آدَمَ لَوَزَنَتهُنَّ ، فَاعمَل بِهِنَّ ، وَاستَمسِک بِهِنَّ حَتّى تَلقانى : سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ .

وَالَّذى يُقسِمُ بِهِ نوحٌ ، لَو أنَّ السَّماواتِ وَالأَرضَ وما فيهِنَّ وما تَحتَهُنَّ يوزَنُ بِهِنَّ هؤُلاءِ الكَلِماتُ لَوَزَنَتهُنَّ . (4)5892.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (درباره على عليه السلام) عنه صلى الله عليه و آله :إذا قُلتَ : «سُبحانَ اللّهِ» فَقَد ذَكَرتَ اللّهَ فَذَكَرَکَ ، وإذا قُلتَ : «الحَمدُ للّهِ» فَقَد شَكَرتَ اللّهَ فَزادَکَ ، وإذا قُلتَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَهِىَ كَلِمَهُ التَّوحيدِ الَّتى مَن قالَها غَيرَ شاکٍ ولا مُرتابٍ ولا مُتَكَبِّرٍ ولا جَبّارٍ أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ . (5) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 166 ح 1 .

2- .علل الشرائع : ص 398 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 190 ح 2110 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 58 ص 5 ح 2 .
3- .فى كنزالعمّال : «... أوّلُ كلماتٍ دخولاً على اللّه ، وآخرُ كلماتٍ خروجا ...» .
4- .الفردوس : ج 1 ص 132 ح 466 عن معاذ بن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 471 ح 2047 .
5- .كنزالعمّال : ج 1 ص 466 ح 2030 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن الحكم بن عمير الثمالى .

5893.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام حسن علیه السلام در بیان پرسش های مرد یهودی از پیامبر صلی الله علیه و آله :گفت : ای محمّد! مرا از آن کلماتی خبر ده که وقتی ابراهیم علیه السلام کعبه را ساخت ، خداوند ، آنها را برای او برگزید .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری . پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » .5894.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علل الشرائع :روایت شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد : چرا کعبه را کعبه نامیده اند؟

فرمود : «چون چهارگوش است» .

گفته شد : چرا چهارگوش ساخته شده است؟

فرمود : «چون رو به روی بیت المعمور است و بیت المعمور ، چهارگوش است» .

گفته شد : چرا بیت المعمور ، چهارگوش شده است ؟

فرمود : «چون کلماتی که اسلام بر آنها بنا شده ، چهار تاست و آنها عبارت اند از : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » .5895.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را از وصیّت نوح علیه السلام به فرزندش در هنگام وفات ، خبر ندهم؟ او گفت : «من ، چهار کلمه به تو می بخشم که برپاییِ آسمان ها و زمین به آنهاست ، و نخستین کلمات برای وارد شدن بر خداوند و آخرین کلماتِ خارج شدن از نزد او هستند ، و اگر اعمال [همه] آدمیان با آنها وزن شود ، باز ، اینها سنگین ترند . پس ، این کلمات را به کار ببند و به آنها چنگ دَر زَن تا آن گاه که مرا دیدار کنی (یعنی تا پایان عمر) : پاکا خدا ، و ستایشْ او را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » .

سوگند به آن کسی که نوح علیه السلام بدو سوگند می خورد ، اگر آسمان ها و زمین و هر آنچه در آنها و در زیر آنهاست ، با این کلمات وزن شوند ، این کلمات از آنها سنگین تر (/ هموزن آنها) خواهند بود .5896.عنه صلی

الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بگویی : «پاکا خدا!» ، در واقع ، خدا را یاد کرده ای . پس او هم تو را یاد می کند . و هر گاه بگویی : «ستایش ، خدای را» ، در واقع از خدا سپاس گزاری کرده ای . پس او هم بر نعمت تو می افزاید . و هر گاه بگویی : «معبودی جز خدا نیست» ، این گفتار توحید است و هر کس آن را بگوید و دچار شک و دودلی و تکبّر و غرور نباشد ، خداوند ، او را از آتش دوزخ می رهانَد . .

5897.تاريخ دمشق عن جابر :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَلِماتٌ إذا قالَهُنَّ العَبدُ وَضَعَهُنَّ المَلَكُ فى جَناحِهِ ثُمَّ عَرَجَ بِهِنَّ ، فَلا يَمُرُّ عَلى مَلَأٍ مِنَ المَلائِكَهِ إلّا صَلّوا عَلَيهِنَّ وعَلى قائِلِهِنَّ ، حَتّى توضَعَ بَينَ يَدَيِ الرَّحمنِ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . و«سُبحانَ اللّهِ» بَراءَهٌ عَنِ السُّوءِ . (1)5898.الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» صَعِدَ بِها مَلَكٌ إلَى السَّماءِ ، فَلا يَمُرُّ بِها عَلى مَلَأٍ مِنَ المَلائِكَهِ إلَا استَغفَروا لِقائِلِها ، حَتّى يَجىءَ بِها إلى رَبِّ العالَمينَ . (2)5895.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :شعب الإيمان عن أنس :جاءَ أعرابِىٌّ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ عَلِّمنى خَيرا . فَأخَذَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله بِيَدِهِ فَقالَ : قُل : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ .

قالَ : فَعَقَدَ الأَعرابِىُّ عَلى يَدِهِ ومَضى ، فَتَفَكَّرَ ، ثُمَّ رَجَعَ فَتَبَسَّمَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله ، قالَ : تَفَكَّرَ البائِسُ فَجاءَ! فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ! «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» هذا للّهِ ، فَما لى؟

فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : يا أعرابِىُّ ، إذا قُلتَ : «سُبحانَ اللّهِ» قالَ اللّهُ : صَدَقتَ . وإذا قُلتَ : «الحَمدُ للّهِ» قالَ اللّهُ : صَدَقتَ . وإذا قُلتَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» قالَ اللّهُ : صَدَقتَ . وإذا قُلتَ : «اللّهُ أكبَرُ» قالَ اللّهُ : صَدَقتَ . وإذا قُلتَ : «اللّهُمَّ اغفِر لى» قالَ اللّهُ : قَد فَعَلتُ . وإذا قُلتَ : «اللّهُمَّ ارحَمنى» قالَ اللّهُ : فَعَلتُ . وإذا قُلتَ : «اللّهُمَّ ارزُقنى» قالَ اللّهُ : قَد فَعَلتُ .

قالَ : فَعَقَدَ الأعرابِىُّ عَلى سَبعٍ فى يَدِهِ ثُمَّ وَلّى . (3) .

1- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 93 ح 1 عن موسى بن طلحه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 468 ح 2037 .
2- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 327 ح 6007 نقلاً عن درر اللآلى عن عبد اللّه بن مسعود .
3- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 431 ح 619 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 236 ح 3911 .

5896.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چند کلمه است که هر گاه بنده بگوید ، فرشته آنها را بر بال خویش می نهد و بالایشان می بَرَد و بر هر گروهی از فرشتگان که بگذرد ، بر آن کلمات و بر گوینده شان درود می فرستند ، تا آن که در برابر خدای مهربان ، نهاده می شوند . آن کلمات اینهاست : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» . «پاکا خدا !» ، وارسته دانستن [او] از بدی [و نقص]است .5897.تاریخ دمشق (به نقل از جابر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، فرشته ای این کلمات را به آسمان می بَرَد ، و بر هر گروهی از فرشتگان که می گذرد ، برای گوینده آنها آمرزش می طلبند ، تا آن که فرشته ، آن کلمات را به نزد پروردگار جهانیان ببَرَد .5898.امام باقر علیه السلام (به نقل از پدرانش) شُعَب الإیمان به نقل از اَ نَس : بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به من کار نیکی بیاموز .

پیامبر صلی الله علیه و آله دست او را گرفت و فرمود : «بگو : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » .

بادیه نشین [این چهار جمله را] با انگشتانش شمرد و رفت ؛ امّا به فکر فرو رفت و سپس برگشت . پیامبر صلی الله علیه و آله لبخندی زد و فرمود : «بینوا ، فکر کرد و آمد !» .

[بادیه نشین] گفت : ای پیامبر خدا ! «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» ، اینها از آنِ خدایند . برای من چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای بادیه نشین ! هر گاه بگویی : پاکا خدا ! ، خداوند می فرماید : راست گفتی . و هر گاه بگویی : ستایشْ خدای را ، خداوند می فرماید : راست گفتی . و هر گاه بگویی : معبودی جز خدا نیست ، خداوند می فرماید : راست گفتی . و هر گاه بگویی : خدا بزرگ تر است ، خداوند می فرماید : راست گفتی . و هر گاه بگویی : بار خدایا ! مرا بیامرز ، خداوند می فرماید : آمرزیدم . و هر گاه بگویی : بار خدایا ! بر من

رحمت آور ، خداوند می فرماید : آوردم . و هر گاه بگویی : بار خدایا ! به من روزی ده ، خداوند می فرماید : دادم » .

بادیه نشین ، با انگشتانش هفت تا [جمله را] شمرد و سپس رفت . .

6 / 3بَرَكاتُ التَّسبيحاتِ5901.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما عَلَى الأَرضِ رَجُلٌ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، وسُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» إلّا كُفِّرَت عَنهُ ذُنوبُهُ ، ولَو كانَت أكثَرَ مِن زَبَدِ البَحرِ . (1)5899.المناقب ، خوارزمى (به نقل از ابو بَرزه) سنن ابن ماجه عن أبى الدرداء :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : عَلَيكَ بِ «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» فَإنَّها يَعنى يَحطُطنَ (2) الخَطايا كَما تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَها . (3)5900.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تاريخ دمشق عن أبى سلمه بن عبد الرحمن :جَلَسَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ فَأَخَذَ عُودا يابِسا فَحَطَّ وَرَقَهُ ، ثُمَّ قالَ : إنَّ قَولَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، وَالحَمدُ للّهِ ، وسُبحانَ اللّهِ» تَحُطُّ الخَطايا كَما يُحَطُّ وَرَقُ هذِهِ الشَّجَرَةِ . خُذهُنَّ يا أبَا الدَّرداءِ قَبلَ أن يُحالُ بَينَكَ وبَينَهُنَّ ، فَإنَّهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ ، وهُنَّ مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ . (4)5901.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله أخَذَ غُصنا فَنَفَضَهُ فَلَم يَنتَفِض ، ثُمَّ نَفَضَهُ فَلَم يَنتَفِض ، ثُمَّ نَفَضَهُ فَانتَفَضَ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» تَنفُضُ الخَطايا كَما تَنفُضُ الشَّجَرَةُ وَرَقَها . (5) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 551 ح 6489 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 682 ح 1853 كلاهما عن عبد اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 2 ص 227 ح 3873 نقلاً عن الفارسى فى الأربعين عن أبى هريره نحوه .
2- .فى كنز العمّال : «فإنّهنّ يحططن» .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1253 ح 3813 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 462 ح 2004 وفيه «فإنَّهُنَّ» بدل «فإنَّها يعنى» .
4- .تاريخ دمشق : ج 47 ص 150 ، كنزالعمّال : ج 16 ص 247 ح 4324 وج 1 ص 467 ح 2033 كلاهما عن أبى الدرداء .
5- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 304 ح 12536 .

6 / 3برکات تسبیحات چهارگانه5904.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مردی در روی زمین نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، مگر آن که گناهانش آمرزیده می شود ، حتّی اگر از کف دریا بیشتر باشد .5905.المستدرک علی الصحیحین عن بریده :سنن ابن ماجه به نقل از ابو درداء : پیامبر خدا به من فرمود : «بر تو باد گفتنِ پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ؛ زیرا اینها گناهان را می ریزند ، آن سان که برگ های درخت می ریزند» .5902.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تاریخ دمشق به نقل از ابو سلمه بن عبد الرحمان : روزی پیامبر خدا نشسته بود و شاخه ای خشکیده برداشت و برگ های آن را فرو ریخت . سپس فرمود : «گفتارِ معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، و ستایشْ خدای را ، و پاکا خداوند ! ، گناهان را فرو می ریزد ، همچنان که برگ های این شاخه فرو می ریزد .

ای ابو درداء ! پیش از آن که از گفتن این کلمات محروم شوی (از دنیا بروی) ، آنها را برگیر ؛ زیرا اینها اعمال نیکِ ماندگارند و از گنج های بهشت اند» .5903.امام علی علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از اَ نَس : پیامبر خدا ، شاخه ای برداشت و آن را تکان داد ؛ امّا برگ هایش نریخت . دوباره تکان داد . باز برگ هایش نریخت . سه باره تکانش داد و این بار ، برگ هایش ریخت . پس فرمود : «گفته پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، گناهان را فرو می ریزد ، همچنان که درخت ، برگ های خود را فرو می ریزانَد» .

.

5904.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :«سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ» فی ذَنبِ المُسلِمِ مِثلُ الأکِلَهِ (1) فِی جَنبِ ابنِ آدَمَ . (2)5905.المستدرک علی الصحیحین (به نقل از بُرَیده) عنه صلی الله علیه و آله :لَقِیتُ إبراهیمَ لَیلَهَ اُسرِیَ بی ، فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، أقرِئ اُمَّتَکَ مِنّی السَّلامَ ، وأخبِرهُم أنَّ الجَنَّهَ طَیِّبَهُ التُّربَهِ عَذبَهُ الماءِ ، وأنَّها قِیعانٌ (3) ، وأنَّ غِراسَها : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ . (4)5906.سنن الترمذی عن بریده :سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبی سوده عن أبی هریره :أنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله مَرَّ بِهِ وهُوَ یَغرِسُ غَرسا ، فَقالَ : یا أبا هُرَیرَهَ ! مَا الَّذی تَغرِسُ؟ قُلتُ : غِراسا لی ، قالَ : ألا أدُلُّکَ عَلی غِراسٍ خَیرٍ لَکَ مِن هذا؟ قالَ : بَلی یا رَسولَ اللّهِ !

قالَ : قُل : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، واللّهُ أکبَرُ» یُغرَس لَکَ بِکُلِّ واحِدَهٍ شَجَرَهٌ فِی الجَنَّهِ . (5)5907.مسند الرویانی عن بریده :الإمام الباقر علیه السلام :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِرَجُلٍ یَغرِسُ غَرسا فی حائِطٍ لَهُ ، فَوَقَفَ لَهُ وقالَ : ألا أدُلُّکَ عَلی غَرسٍ أثبَتَ أصلاً ، وأسرَعَ إیناعا ، وأطیَبَ ثَمَرا وأبقی؟ قالَ : بَلی ، فَدُلَّنی یا رَسولَ اللّهِ !

فَقالَ : إذا أصبَحتَ وأمسیَتَ فَقُل : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ» فَإنَّ لَکَ إن قُلتَهُ بِکُلِّ تَسبیحَهٍ عَشرَ شَجَراتٍ فِی الجَنَّهِ مِن أنواعِ الفاکِهَهِ ، وهُنَّ مِنَ الباقِیاتِ الصّالِحاتِ . (6) .

1- .الأکِلَه کفَرِحَه : داءٌ جیقعج فیالعضو یأتَکِلُ منه (القاموس المحیط : ج 3 ص 329 «أکل») .
2- .الفردوس : ج 2 ص 337 ح 3524 عن ابن عبّاس ، کنزالعمّال : ج 1 ص 464 ح 2020 .
3- .قِیعان : جمع قاع ؛ وهو المکان المستوی الواسع فی وطأه من الأرض (النهایه : ج 4 ص 132 «قیع») .
4- .سنن الترمذی : ج 5 ص 510 ح 3462 عن عبد اللّه بن مسعود ، کنزالعمّال : ج 1 ص 460 ح 1989 ؛ الدعوات : ص 46 ح 113 وزاد فی آخره «ولا حول ولا قوّه إلّا باللّه ، فأمر اُمّتک فلیکثروا من غرسها» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 174 ح 21 .

5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1251 ح 3807 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 693 ح 1887 ، تاريخ بغداد : ج 4 ص 400 وليس فيه «ولا إله إلّا اللّه » .
6- .الكافى : ج 2 ص 506 ح 4 ، المحاسن : ج 1 ص 107 ح 92 كلاهما عن ضريس الكناسى ، روضه الواعظين : ص 405 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 257 ح 27 .

5908.تفسیر فرات عن سلیم بن قیس عن الإمام علیّ علیه السپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[تأثیر جملات] «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» در گناهان مسلمان ، همانند خوره در بدن آدمیزاد است .5906.سُنن التِّرمَذی (به نقل از بُرَیده) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به معراج بُرده شدم ، ابراهیم علیه السلام را دیدم . به من گفت : «ای محمّد ! از جانب من به امّتت سلام برسان و به آنان بگو که : بهشت ، خاکی پاک و آبی گوارا دارد و دشتستانی است که نهال هایش عبارت اند از : پاکا خدا ! و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است » .5907.مُسنَد الرویانی (به نقل از بُرَیده) سنن ابن ماجه به نقل از عثمان بن ابی سوده ، از ابو هریره : من مشغول نهالکاری بودم که پیامبر خدا بر من گذشت . فرمود : «ای ابو هریره ! چه می کاری؟» .

گفتم : برای خودم نهال می کارم .

فرمود : «آیا تو را به نهالی راه نمایی نکنم که برایت از این نهال ها بهتر باشد؟» .

گفت[م] : چرا ، ای پیامبر خدا !

فرمود : «بگو : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است . به ازای هر یک از اینها یک درخت در بهشت برایت کاشته می شود» .5908.تفسیر فرات (به نقل از سُلَیم بن قیس ، از امام علی علیه السل) امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا بر مردی که در بوستانش مشغول نهالکاری بود ، گذشت . ایستاد و فرمود : «آیا تو را به نهالی ره نمون نشوم که ریشه اش استوارتر است و زودتر به بار می نشیند و میوه اش خوش تر و ماندگارتر است؟» .

مرد گفت : چرا ، راه نمایی ام کن ، ای پیامبر خدا !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چون صبح و شب خود را آغاز کردی ، بگو : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ؛ چرا که اگر اینها را بگویی ، برای هر تسبیحی ، ده درخت از انواع میوه ها در بهشت برایت خواهد بود ، و اینها کارهای نیکِ ماندگارند» . .

5909.الإمام الحسن عليه السلام :عنه عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، ومَن قالَ : «الحَمد للّهِ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةَ فِى الجَنَّهِ ، ومَن قالَ : «لا إلَهَ إلَا اللّهُ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، ومَن قالَ : «اللّهُ أكبَرُ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ .

فَقالَ رَجُلٌ مِن قُرَيشٍ : يا رَسولَ اللّهِ إنَّ شَجَرَنا فِى الجَنَّهِ لَكَثيرٌ!

قالَ : نَعَمَ ، ولكِن إيّاكُم أن تُرسِلوا عَلَيها نيرانا فَتُحرِقوها ، وذلِكَ أنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُواْ أَعْمَلَكُمْ» (1) . (2)5910.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن سَبَّحَ للّهِ عز و جل (3) تَسبيحَةً ، أو حَمِدَهُ تَحميدَةً ، أو هَلَّلَهُ تَهليلَةً ، أو كَبَّرَهُ تَكبيرا ، غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، أصلُها ياقُوتٌ أحمَرُ ، مُكَلَّلَةً بِالدُّرِّ ، طَلعُهاكَثَدي الأبكارِ ، أحلى مِنَ العَسَلِ وألْيَنُ مِنَ الزُّبدِ . (4)5911.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا اُسرِيَ بى إلَى السَّماءِ ، دَخَلتُ الجَنَّهَ فَرَأيتُ فيها قِيعانا يَقَقا (5) مِن مِسكٍ ، ورَأيتُ فيها مَلائِكَةً يَبنونَ لَبِنَةً مِن ذَهَبٍ ولَبِنَةً مِن فِضَّهٍ ورُبَّما أمسَكوا .

فَقُلتُ لَهُم : ما لَكُم رُبَّما بَنَيتُم ورُبَّما أمسَكتُم؟ قالوا : حَتّى تَأتِيَنَا النَّفَقَهُ .

قُلتُ : وما نَفَقَتُكُم؟ قالوا : قَولُ المُؤمِنِ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلَهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» ؛ فَإذا قالَهُنَّ بَنَينا ، وإذا سَكَتَ وأمسَكَ أمسَكنا . (6) .

1- .محمّد : 33 .
2- .ثواب الأعمال : ص 26 ح 3 عن أبى الجارود ، الأمالى للصدوق : ص 705 ح 968 عن أبى الجارود عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 168 ح 3 .
3- .فى كنزالعمّال : «اللّه » وهو الأنسب .
4- .المعجم الكبير : ج 6 ص 266 ح 6176 عن سلمان الفارسى ، كنزالعمّال : ج 1 ص 474 ح 2059 .
5- .اليَقَقُ : المتناهى فى البياض (النهايه : ج 5 ص 299 «يقق») .

6- .الأمالى للطوسى : ص 474 ح 1035 ، عدّه الداعى : ص 249 كلاهما عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 53 عن جميل وج 1 ص 21 عن حمّاد وفيه «تفق» بدل «يققا» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 83 نقلاً عن تفسير النعمانى .

5909.امام حسن علیه السلام :امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «هر کس بگوید : پاکا خدا ! ، خدا به ازای آن ، یک درخت در بهشت برایش می کارد ، و هر کس بگوید : ستایش ، خدای را ، خداوند به ازای آن ، درختی در بهشت برایش می کارد ، و هر کس بگوید : معبودی جز خدا نیست ، خداوند به ازای آن ، درختی در بهشت برایش می کارد ، و هر کس بگوید : خدا بزرگ تر است ، خداوند به ازای آن ، درختی در بهشت برایش می کارد» .

مردی از قریش گفت : ای پیامبر خدا ! پس درختان بسیاری در بهشت خواهیم داشت .

فرمود : «آری ؛ امّا زنهار که آتش هایی نفرستید و آنها را نسوزانید ؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا فرمان ببرید و از پیامبر ، فرمان ببرید و اعمال خود را باطل مگردانید» » .5910.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خداوند عز و جل را یک تسبیح یا یک حمد بگوید یا یک «لا إله إلّا اللّه » یا یک «اللّه أکبر» بگوید ، خداوند به ازای آن ، برای او در بهشت ، درختی می کارد که ریشه اش یاقوت سرخ است و خودش مزیّن به مروارید ، و شکوفه هایش ، چونان پستان دخترکان : شیرین تر از عسل و نرم تر از مُشک .5911.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به معراج برده شدم ، به بهشت در آمدم و در آن ، دشت هایی بسیار سپید از مُشک دیدم ، و در آن دشت ها فرشتگانی را دیدم که خشتی از زر و خشتی از سیم بر هم می نهند ، و گاه دست از کار می کِشند . به آنان گفتم : «از چه رو ، گاه می سازید و گاه می ایستید؟» . گفتند : تا این که هزینه به ما برسد .

گفتم : «هزینه تان چیست؟» .

گفتند : این سخن مؤمن : «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» . هر گاه اینها را بگوید ، ما مشغول ساختن می شویم ، و چون ساکت شود و از گفتنْ باز ایستد ، ما نیز [از ساختن] باز می ایستیم . .

5912.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَمّا اُسرِیَ بی إلَی السَّماءِ دَخَلتُ الجَنَّةَ ، فَرَأیتُ قَصرا مِن یاقُوتَةٍ حَمراءَ یُری داخِلُها مِن خارِجِها ، وخارِجُها مِن داخِلِها ؛ مِن ضِیائِها ، وفیها بَیتانِ مِن دُرٍّ وزَبَرجَدٍ ، فَقُلتُ : یا جَبرَئیلُ ، لِمَن هذَا القَصرُ؟ فَقالَ : هذا لِمَن أطابَ الکَلامَ ، وأدامَ الصِّیامَ ، وأطعَمَ الطَّعامَ ، وتَهَجَّدَ بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ .

فَقالَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام : یا رَسولَ اللّهِ ، وفی اُمَّتِکَ مَن یُطیقُ هذا؟ فَقالَ : اُدنُ مِنّی یا عَلِیُّ ، فَدَنا مِنهُ ، فَقالَ : أتَدری ما إطابَهُ الکَلامِ؟ قالَ : اللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ ، قالَ : مَن قالَ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، وَلا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ . (1)6 / 4بَقاءُ التَّسبیحاتِ5915.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أکثِروا مِن قَولِ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ »؛ فَإنَّهُنَّ یَأتینَ یَومَ القِیامَهِ لَهُنَّ مُقَدَّماتٌ ومُؤَخَّراتٌ ومُعَقِّباتٌ ، وهُنَّ الباقِیاتُ الصّالِحاتُ . (2) .

1- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 21 عن حمّاد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 82 نقلاً عن تفسیر النعمانی ؛ کنزالعمّال : ج 15 ص 885 ح 43508 نقلاً عن الخطیب عن ابن عبّاس نحوه .
2- .ثواب الأعمال : ص 23 ح 1 وص 26 ح 2 ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 327 ح 32 ولیس فیه «أکثروا من قول» وکلّها عن أبی بصیر ، جامع الأخبار : ص 141 ح 299 کلّها عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 171 ح 12 ؛ شُعب الإیمان : ج 1 ص 426 ح 607 عن عبد اللّه بن مسعود نحوه ، کنزالعمّال : ج 1 ص 467 ح 2032 .

5916.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «شبی که به آسمان برده شدم ، به بهشت در آمدم . کاخی دیدم از یاقوت سرخ و از بس نورانی بود ، درونش از بیرون دیده می شد و بیرونش از درونش . در آن ، دو اتاق از مروارید و زِبَرجد بود . گفتم : ای جبرئیل ! این کاخ ، از آنِ کیست؟

گفت : این ، از آنِ کسی است که سخنِ نیک بگوید و پیوسته روزه بدارد و اِطعام کند و شب ها که مردم خواب اند ، او به عبادت بپردازد» .

امیر مؤمنان گفت : ای پیامبر خدا ! در امّت تو کیست که تاب این کارها را داشته باشد؟

فرمود : «نزدیک من بیا ، ای علی !» .

علی علیه السلام نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . به او فرمود : «آیا می دانی سخنِ نیک چیست؟» .

علی علیه السلام گفت : خدا و پیامبرش بهتر می دانند .

فرمود : «گفتنِ پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر آست » .6 / 4ماندگاریِ تسبیحات چهارگانه5914.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است» را بسیار بگویید ؛ زیرا در روز قیامت ، این کلمات [چونان لشکری] با مقدّمه و مؤخّره و دنباله می آیند ؛ و اینها ماندگارهای نیک اند .

.

5915.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین عن أبی سعید الخدریّ :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ : اِستَکثِروا مِنَ الباقِیاتِ الصّالِحاتِ .

قیلَ : وما هُنَّ یا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : المِلَّهُ .

قیلَ : وما هِیَ؟ قالَ : التَّکبیرُ ، وَالتَّهلیلُ ، وَالتَّسبیحُ ، وَالتَّحمیدُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (1)5916.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ لِأَصحابِهِ ذاتَ یَومٍ : أرَأیتُم لَو جَمَعتُم ما عِندَکُم مِنَ الثِّیابِ وَالآنِیَهِ ، ثُمَّ وَضَعتُم بَعضَهُ عَلی بَعضٍ أکُنتُم تَرَونَهُ یَبلُغُ (2) السَّماءَ؟ قالوا : لا یا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : ألا أدُلُّکُم عَلی شَیءٍ أصلُهُ فِی الأرضِ وفَرعُهُ فِی السَّماءِ ؟ قالوا : بَلی یا رَسولَ اللّهِ !

قالَ : یَقولُ أحَدُکُم إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ الفَریضَهِ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ» ثَلاثینَ مَرَّهً ؛ فَإنَّ أصلَهُنَّ فِی الأرضِ وفَرعَهُنَّ فِی السَّماءِ ، وهُنَّ یَدفَعنَ الهَدمَ ، وَالحَرقَ ، وَالغَرَقَ ، وَالتَّرَدِّیَ فِی البِئرِ ، وأکلَ السَّبُعِ ، ومِیتَهَ السَّوءِ ، وَالبَلِیَّهَ الَّتی تَنزِلُ مِنَ السَّماءِ عَلَی العَبدِ فی ذلِکَ الیَومِ ، وهُنَّ الباقِیاتُ . (3)5917.الإمام الصادق علیه السلام :المستدرک علی الصحیحین عن أبی هریره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : خُذوا جُنَّتَکُم. قُلنا: یا رَسولَ اللّهِ مِن عُدُوٍّ قَد حَضَرَ؟

قالَ : لا ، جُنَّتَکُم مِنَ النّارِ . قولوا : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ»؛ فَإنَّهُنَّ (4) یَأتینَ یَومَ القِیامَهِ مُنجِیاتٍ ومُقَدِّماتٍ ، وهُنَّ الباقِیاتُ الصّالِحاتِ . (5) .

1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 694 ح 1889 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11713 نحوه ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 132 ح 1379 ، کنزالعمّال : ج 15 ص 951 ح 43654 .
2- .فی المصدر : «تبلغ» ، والتصویب من المصادر الأُخری .
3- .ثواب الأعمال : ص 26 ح 3 ، تهذیب الأحکام : ج 2 ص 107 ح 406 نحوه وکلاهما عن أبی بصیر ، معانی الأخبار : ص 324 ح 1 ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 350 ح 2 عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وفیهما زیاده «الصالحات» بعد «الباقیات» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 30 ح 35 .

4- .فی المصدر : «فإنّها» ، والتصویب من المصادر الاُخری .
5- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 725 ح 1985 ، شُعب الإیمان : ج 1 ص 425 ح 606 وزاد فیه «معقّبات» بعد «مقدّمات» وفیه «محبّبات» بدل «منجیات» ، کنزالعمّال : ج 16 ص 248 ح 44326 ؛ تفسیر العیّاشی : ج2 ص327 ح32 عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 172 ح 18 .

5918.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا فرمود : «ماندگارهای نیکِ خود را بسیار نمایید» .

گفته شد : اینها چیستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «ملّت» .

گفته شد : ملّت چیست؟

فرمود : «اللّه أکبر ، ولا إله إلّا اللّه ، و سبحان اللّه ، و الحمد للّه ، و لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » .5919.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، روزی به یارانش فرمود : «به نظر شما ، اگر آنچه از پوشاک و ظروف دارید ، گِرد آورید و سپس هر یک از آنها را بر روی دیگری بگذارید ، آیا فکر می کنید به آسمان برسد؟» .

گفتند : خیر ، ای پیامبر خدا !

فرمود : «آیا شما را به چیزی ره نمون نشوم که ریشه اش در زمین و شاخسارش در آسمان است؟» .

گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا!

فرمود : «هر یک از شما پس از به جا آوردن نماز واجبش ، سی مرتبه بگوید : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است . ریشه اینها در زمین و شاخسارشان در آسمان است . اینها از رفتن زیرِ آوار ، و سوخته شدن ، و غرق شدن ، و افتادن در چاه ، و طعمه درنده شدن ، و مرگ دل خراش ، و بلایی که در آن روز از آسمان بر بنده نازل می شود ، جلوگیری می کنند . اینها همان ماندگارهایند» .5920.عنه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا فرمود : «سپر خود را برگیرید» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! دشمنی حمله کرده است؟

فرمود : «نه ، سپر در برابر آتش است . بگویید : پاکا خدا ، و ستایشْ خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ؛ زیرا اینها روز قیامت ، نجاتبخش و پیش بَرَنده اند . اینها ماندگارهای نیک اند» . .

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

الفَصلُ السابِعُ : التّسبيحات المأثوره7 / 1التَّسبيحاتُ المَأثورَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهمسند ابن حنبل عن عبد اللّه :إنَّ النَّبِيَّ صلى اللّه عليه و آله كانَ مِمّا يُكثِرُ أن يَقولَ : سُبحانَكَ رَبَّنا وبِحَمدِكَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى . فَلَمّا نَزَلَت : «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (1) قالَ : سُبحانَكَ ربَّنا وبِحَمدِكَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (2)

سنن الترمذى عن أبى هريره :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا أهَمَّهُ الأَمرُ رَفَعَ رأسَهُ إلَى السَّماءِ ، فَقالَ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ . (3)

كنزالعمّال عن عائشه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا عائِشَهُ ، ألا اُعَلِّمُكِ كَلِماتٍ تَعدِلُ أو أفضَلَ مِن تَسبيحِ أهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ؟ تَقولينَ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، وأضعافَ ما يُسَبِّحُهُ جَميعُ خَلقِهِ ، كَما يُحِبُّ وكَما يَرضى وكَما يَنبَغى لَهُ . (4)

.

1- .النصر : 1 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 43 ح 3719 وص 176 ح 4356 نحوه وص 79 ح 3891 ، الدعاء للطبرانى : ص 192 ح 594 ، مسند الطيالسى : ص 45 ح 339 والثلاثه الأخيره عن أبى عبيده عن أبيه .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 496 ح 3436 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 69 ح 17999 .
4- .كنزالعمّال : ج 2 ص 238 ح 3917 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد عن عائشه .

فصل هفتم: تسبیحاتِ رسیده از پیامبر و اهل بیت7 / 1تسبیحاتِ رسیده از پیامبرمسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه : پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را زیاد می گفت : «پاکی تو ای پروردگار ما و سپاس ، تو را . بار خدایا ! مرا بیامرز» ؛ امّا چون [آیه] «آن گاه که یاری خدا و پیروزی آید» نازل شد ، می گفت : «پاکی تو ای پروردگار ما و سپاس ، تو را . بار خدایا ! مرا بیامرز ، که به راستی ، تو توبه پذیر و مهربانی» .

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه مشکلی برایش پیش می آمد ، سرش را به سوی آسمان بر می داشت و می گفت : «پاکا خداوند بزرگ !» .

کنز العمّال به نقل از عایشه : پیامبر خدا فرمود : «ای عایشه ! آیا تو را کلماتی نیاموزم که با تسبیحگوییِ اهل آسمان ها و زمین ، برابر یا از آن برتر است؟ می گویی : پاکا خداوند بزرگ و سپاسْ او را ، چندین برابر آنچه همه آفریدگانش او را تسبیح می گویند ، آن سان که او خود ، دوست دارد و آن سان که او می پسندد و آن سان که سزاوار اوست ! » .

.

السنن الكبرى عن ربيعه بن كعب الأسلمى :كُنتُ أبيتُ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وآتيهِ بِوَضوئِهِ وحاجَتِهِ ، فَكانَ يَقومُ مِنَ اللَّيلِ ويَقولُ : «سُبحانَ رَبّى وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ رَبّى وبِحَمدِهِ» الهَوِىَّ (1) ، «سُبحانَ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ رَبِّ العالَمينَ» الهَوِىَّ . (2)

البلد الأمين عن الإمام الباقر عن الإمام علىّ عليهماالسلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَمّا اُسرِىَ بى إلَى السَّماءِ . . . نوديتُ . . . يا مُحَمَّدُ ، ومَن أرادَ مِن اُمَّتِكَ أن أرفَعَ صَلاتَهُ مُضاعَفَةً ، فَليَقُل خَلفَ كُلِّ صَلاةٍ افتُرِضَت عَلَيهِ : . . . وأنتَ وَلِىُّ التَّسبيحِ كُلِّهِ ، فَلا إلهَ إلّا أنتَ ، فَلَكَ التَّسبيحُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَسبيحٍ أنتَ لَهُ وَلِىٌّ . (3)

حليه الأولياء عن عبد الرحمن بن قرط :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَيلَةَ اُسرِىَ بِهِ مِنِ المَسجِدِ الحَرامِ إلَى المَسجِدِ الأقصى ، وكانَ بَينَ زَمزَمَ وَالمَقامِ ، وجِبريلُ عَن يَمينِهِ وميكائيلُ عَن يَسارِهِ ، وطارا بِهِ حَتّى بَلَغَ السَّماواتِ السَّبعَ ، فَلَمّا رَجَعَ قالَ : سَمِعتُ تَسبيحا فِى السَّماواتِ العُلى مِن ذِى المَهابَهِ (4) مُشفِقاتٍ لِذِى العُلى بِما عَلا ، سُبحانَ العَلِىِّ الأعلى ، سُبحانَهُ وتَعالى . (5)

ثواب الأعمال عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى ذِكر ما يَستَوجِبُ بِهِ العَبدُ ثَوابَ أعمالِ شَهرِ رَجَبٍ : يُسَبِّحُ اللّهَ كُلَّ يَومٍ مِن شَهرِ رَجَبٍ إلى تَمامِ ثَلاثينَ يَوما بِهذَا التَّسبيحِ مِئَةَ مَرَّةٍ : سُبحانَ الإلهِ الجَليلِ ، سُبحانَ مَن لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لَهُ ، سُبحانَ الأعَزِّ الأكرَمِ ، سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وهُوَ لَهُ أهلٌ . (6)

.

1- .الهَوِىّ بالفتح : الحين الطويل من الزمان ، وقيل : هو مختصّ بالليل (النهايه : ج 5 ص 285 «هوا») .
2- .السنن الكبرى : ج 2 ص 684 ح 4568 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1277 ح 3879 ، سنن النسائى : ج 3 ص 209 كلاهما نحوه ، الدعاء للطبرانى : ص 245 ح 768 ، كنزالعمّال : ج 8 ص 13 ح 21653 نقلاً عن ابن زنجويه .
3- .البلد الأمين : ص 515 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 324 ح 1 .

4- .كذا فى المصدر ، وفى كنزالعمّال : «سمعت تسبيحا فى السماوات العُلى مع تسبيحٍ كثيرٍ : سبّحت السماوات العُلى من ذى المهابه...» .
5- .حليه الأولياءَ : ج 2 ص 7 ، كنزالعمّال : ج 10 ص 368 ح 29845 .
6- .ثواب الأعمال : ص 83 ح 4 ، الأمالى للصدوق : ص 632 ح 844 ، مصباح المتهجّد : ص 817 ح 881 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 31 ح 1 .

السنن الکبری به نقل از ربیعه بن کعب اسلمی : من شب ها با پیامبر خدا به سر می بردم و برای ایشان آب وضو و مایحتاج ایشان را می آوردم . پاسی از شب بر می خاست و لختی دراز می گفت : «پاکا پروردگار من و سپاس ، او را ! پاکا پروردگار من و سپاس ، او را !» و لختی دراز می گفت : «پاکا پروردگار جهانیان ! پاکا پروردگار جهانیان !» .

البلد الأمین به نقل از امام باقر ، از امام علی علیهماالسلام : پیامبر خدا فرمود : «شبی که به آسمان برده شدم ... ، به من ندا آمد که : ... ای محمّد ! هر آن کس از امّت تو که می خواهد نمازش را چند برابر بالا برم ، در پَس هر نمازی که بر او واجب گشته است ، بگوید : ... و تو ، صاحب هر تسبیحی . پس معبودی جز تو نیست . هر آنچه تسبیح است و هر گونه تسبیحی ، مختصّ توست و تو صاحب آنی » .

حلیه الأولیاء به نقل از عبد الرحمان بن قرط : شبی که پیامبر خدا از مسجد الحرام به مسجد الأقصی برده شد ، میان زمزم و مقام بود و جبرئیل علیه السلام در سمت راست او و میکائیل علیه السلام در سمت چپش بودند و او را پرواز دادند تا آن که به آسمان هفتم رسید . چون باز گشت ، فرمود : «در آسمان های برین شنیدم که [آسمان ها] در حالی که از بلند مرتبگی آن خداوندگارِ والایی بیمناک بودند ، خداوندِ باهیبت را تسبیح می کردند : پاکا آن بلندمرتبه برتر ! پاکا و برینا او !» .

ثواب الأعمال به نقل از ابو سعید خُدری ، از پیامبر خدا ، در بیان اعمالی که با انجام دادن آنها بنده در ماه رجب ، مستوجب پاداش می شود : در هر روز از ماه رجب تا پایان سی روز ، صد مرتبه خداوند را با این تسبیح بستاید : «پاکا معبود بزرگ ! پاکا آن که تسبیح ، جز او را نسزَد ! پاکا آن عزیزترینِ ارجمندترین ! پاکا آن که جامه عزّت در پوشیده و همو شایسته آن است !» .

.

سنن أبى داوود عن سعد بن أبى وقّاص عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ أفضَلِ التَّسبيحِ : سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِى السَّماءِ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِى الأَرضِ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ بَينَ ذلِكَ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما هُوَ خالِقٌ ، وَاللّهُ أكبَرُ مِثلَ ذلِكَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِكَ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ مِثلَ ذلِكَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ مِثلَ ذلِكَ . (1)

السنن الكبرى للنسائى عن محمّد بن سعد بن زراره عن أبى اُمامه الباهلى :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله مَرَّ بِهِ وهُوَ يُحَرِّكُ شَفَتَيهِ فَقالَ : ماذا تَقولُ يا أبا اُمامَةَ؟ قالَ : أذكُرُ رَبّى ، قالَ : ألا اُخبِرُكَ بِأفضَلَ أو أكثَرَ مِن ذِكرِكَ اللَّيلَ مَعَ النَّهارِ وَالنَّهارَ مَعَ اللَّيلِ؟ أن تَقولَ : «سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما فِى الأَرضِ وَالسَّماءِ ، سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ ما فِى السَّماءِ وَالأَرضِ ، سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما أحصى كِتابُهُ ، وسُبحانَ اللّهِ مِل ءَ كُلِّ شَىءٍ» ، وتَقولَ : الحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِكَ . (2)

سنن النسائى عن ابن عبّاس عن جويريّه بنت الحارث :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله مَرَّ عَلَيها وهِىَ فِى المَسجِدِ تَدعو ، ثُمَّ مَرَّ بِها قَريبا مِن نِصفِ النَّهارِ ، فَقالَ لَها : ما زِلتِ عَلى حالِكِ؟ قالَت : نَعَم ، قالَ : ألا اُعَلِّمُكِ يَعنى كَلِماتٍ تَقولينَهُنَّ : سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رِضا نَفسِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رِضا نَفسِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رِضا نَفسِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَةَ عَرشِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَةَ عَرشِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَةَ عَرشِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ . (3)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 81 ح 1500 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 563 ح 3568 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 118 ح 837 ، الدعاء للطبرانى : ص 494 ح 1738 ، كنز العمّال : ج 1 ص 469 ح 2043 .
2- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 50 ح 9994 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 112 ح 830 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 371 ح 754 ، مسند الرؤيانى : ج 2 ص 289 ح 1225 ، كنز العمّال : ج 1 ص 470 ح 2044 .

3- .سنن النسائی : ج 3 ص 77 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2091 ح 79 ،سنن الترمذی : ج 5 ص 556 ح 3555 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1251 ح 3808 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 231 ح 26820 ، کنزالعمّال : ج 2 ص 193 ح 3709 .

سنن أبی داوود به نقل از سعد بن ابی وقّاص ، از پیامبر خدا ، در بیان برترین تسبیحات : پاکا خدا ، به شمار آنچه در آسمان آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه در زمین آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه میان این دو ، آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه می آفریند ! و خدا بزرگ تر است به همین شمارها ، و سپاسْ خدای را به همین شمارها ، و معبودی جز خدا نیست به همین شمارها ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدا به همین شمارها .

السنن الکبری ، نسائی به نقل از محمّد بن سعد بن زراره ، در باره ابو اُمامه باهلی : پیامبر صلی الله علیه و آله بر او (ابو امامه) گذشت ، در حالی که لبانش را می جنبانید . فرمود : «چه می گویی ، ای ابو امامه؟» . گفت : ذکر پروردگارم را می گویم . فرمود : «آیا تو را به چیزی خبر ندهم که اگر شب و روز و روز و شب ، این ذکر را بگویی ، بهتر یا بیشتر باشد؟ می گویی : پاکا خدا ، به شمار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه در آسمان و زمین است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه در آسمان ها و زمین است ! پاکا خدا ، به مقدار آنچه آفریده است ! پاکا خدا ، به شمار آنچه کتابش شماره کرده است ! و پاکا خدا ، به مقدار هر چیزی ! و می گویی : سپاس ، خدای را به همین شمار » .

سنن النسائی به نقل از ابن عبّاس ، در باره جویریّه دختر حارث : پیامبر صلی الله علیه و آله بر او که در مسجد به دعا مشغول بود ، گذشت . نزدیک نیم روز باز بر او [که همچنان دعا می کرد ،] گذشت . به او فرمود : «هنوز این جا هستی؟» . گفت : آری . فرمود : «آیا تو را کلماتی نیاموزم که آنها را بگویی ؟ [بگو :] پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! پاکا خدا به گستره کلماتش ! پاکا خدا به گستره کلماتش ! پاکا خدا به گستره کلماتش ! » .

.

كنز العمّال عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصَلّى الغَداةَ : «سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رِضا نَفسِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَةَ عَرشِهِ» ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِکَ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ مِثلَ ذلِکَ ؛ فَذلِکَ خَيرٌ لَهُ مِن أن يُجمَعَ لَهُ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ، ويَدأَبُ المَلائِکَهُ أيّاما يَکتُبونَ ، ولا يُحصونَ ما قالَ . (1)

مُهج الدعوات عن إبراهيم بن أبى يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلامعن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : سُبحانَ اللّهِ فى عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، سُبحانَ اللّهِ بَعدَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، سُبحانَ اللّهِ مَعَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، وَالحَمدُ للّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ عَلى جَميعِ نِعَمِهِ ، وسُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ مُنتَهى رِضاهُ فى عِلمِهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ وحَقٌّ لَهُ ذلِکَ . . . سُبحانَ اللّهِ تَسبيحا لا يُحصيهِ غَيرُهُ ، قَبلَ کُلِّ أحَدٍ ، ومَعَ کُلِّ أحَدٍ ، وبَعدَ کُلِّ أحَدٍ . (2)

كنز العمّال عن الإمام علىّ عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يُنسَأَ (3) فى عُمُرِهِ ، ويُنصَرَ عَلى عَدُوِّهِ ، ويُوَسَّعَ عَلَيهِ فى رِزقِهِ ، ويُوقى ميتَهَ السَّوءِ ، فَليَقُل حينَ يُمسى وحينَ يُصبِحُ ثَلاثَ مَرّاتٍ : سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ الميزانِ ، ومُنتَهَى العِلمِ ، ومَبلَغَ الرِّضا ، وزِنَةَ العَرشِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ مِل ءَ الميزانِ ، ومُنتَهَى العِلمِ ، ومَبلَغَ الرِّضا ، وزِنَةَ العَرشِ ، وَاللّهُ أكبَرُ مِل ءَ الميزانِ ، ومُنتَهَى العِلمِ ، ومَبلَغَ الرِّضا ، وزِنَةَ العَرشِ . (4)

.

1- .كنزالعمّال : ج 2 ص 155 ح 3557 نقلاً عن ابن عساكر .
2- .مُهج الدعوات : ص 170 ، كامل الزيارات : ص 399 ح 639 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الصادق عليه السلام وذكره فى زياره الإمام الحسين عليه السلام ، المصباح للكفعمى : ص 368 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 386 ح 28 .
3- .النَّسْ ءُ : التأخير (النهايه : ج 5 ص 44 «نسأ») .
4- .كنزالعمّال : ج 2 ص 635 ح 4955 نقلاً عن الديلمى ونظام الدين المسعودى فى الأربعين .

کنز العمّال به نقل از اَ نَس : پیامبر خدا فرمود : «هر کس چون نماز صبح را خوانْد ، بگوید : پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا ، چندان که خشنود شود ! پاکا خدا به وزن عرشش! و سپاس ، خدای را به همین اندازه ، و معبودی جز خدا نیست به همین اندازه ، این برای او بهتر است از این که آنچه بین مشرق و مغرب است ، برایش جمع شود ، و فرشتگان ، روزها سرگرم نوشتن خواهند بود و آنچه را گفته است ، شماره نتوانند» .

مُهج الدعوات به نقل از ابراهیم بن ابی یحیی ، از امام صادق ، از پدرش ، از جدّش ، از امام علی علیهم السلام ، از پیامبر خدا :پاکا خدا در علم او به منتهای رضایتش ! پاکا خدا بعد از علم او به منتهای رضایتش ! پاکا خدا همراه با علم او به منتهای رضایتش ! و سپاس ، خدای را به همه سپاس هایش بر همه نعمت هایش . پاکا خدا و سپاس ، او را به منتهای رضایتش در علمش! و خدا بزرگ تر است و حقّ اوست که چنین باشد ... . پاکا خدا ، چندان که جز او ، شمار آن را نداند ، پیش از هر کس ، و همراه با هر کس ، و پس از هر کس !

کنز العمّال به نقل از امام علی علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : «هر آن کس که خوش دارد بر عمرش افزوده شود و بر دشمنش یاری شود و به روزی اش گشایش داده شود و از مُردنِ بد حفظ شود ، چون شب و صبح خود را می آغازد ، سه مرتبه بگوید : پاکا خدا به پُریِ ترازو[ی اعمال] و نهایت علم ، و به مقدار رضایت و به وزن عرش ! معبودی جز خدا نیست به پُریِ ترازو و نهایت علم ، و به مقدار رضایت و به وزن عرش . و خدا بزرگ تر است به پُریِ ترازو و نهایت علم ، و به مقدار رضایت و به وزن عرش » .

.

الكافى عن أحمد بن الحسن الميثمى رفعه ، قال :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا وُضِعَتِ المائِدَهُ بَينَ يَدَيهِ قالَ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ ما أحسَنَ ما تَبتَلينا ، سُبحانَکَ ما أکثَرَ ما تُعطينا ، سُبحانَکَ ما أکثَرَ ما تُعافينا ، اللّهُمَّ أوسِع عَلَينا وعَلى فُقَراءِ المُؤمنينَ وَالمُؤمِناتِ وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ . (1)

فلاح السائل عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فيما عَلَّمَهُ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام لِحِفظِ ما يَسمَعُهُ : سُبحانَ مَن لا يَعتَدى عَلى أهلِ مَملَکَتِهِ ، سُبحانَ مَن لا يَأخُذُ أهلَ الأَرضِ بِألوانِ العَذابِ ، سُبحانَ الرَّؤوفِ الرَّحيمِ . (2)

البلد الأمين عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِمّا دَعا بِهِ اللَّيلَهَ التّاسِعَهَ عَشَرَ مِن شَهرِ رَمَضانَ : سُبحانَ مَن لا يَموتُ ، سُبحانَ مَن لا يَزولُ ، سُبحانَ مَن لا تَخفى عَلَيهِ خافِيَهٌ ، سُبحانَ مَن لا تَسقُطُ وَرَقَهٌ إلّا يَعلَمُها ، ولا حَبَّهٌ فى ظُلُماتِ الأَرضِ ولا رَطبٌ ولا يابِسٌ إلّا بِعِلمِهِ وقَدَرِهِ ، سُبحانَهُ سَبعا ما أعظَمَ شَأنَهُ وأجَلَّ سُلطانَهُ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلنا مِن عُتَقائِکَ وسُعَداءِ خَلقِکَ بِمَغفِرَتِکَ ، إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (3)

.

1- .الكافى : ج 6 ص 293 ح 8 ، المحاسن : ج 2 ص 215 ح 1645 وفيه «أثبتّ لنا» بدل «تبتلينا» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 375 ح 29 .
2- .فلاح السائل : ص 304 ح 206 ، عدّه الداعى : ص 54 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 9 ح 8 .
3- .البلد الأمين : ص 198 ، الإقبال : ج 1 ص 349 نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 78 ح 2 .

الکافی به نقل از احمد بن حسن میثمی ، که سند حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : پیامبر خدا هر گاه سفره برایش پهن می شد ، می گفت : «پاکی تو ای خداوند و چه نیکو ما را می نوازی ! پاکی تو و چه بسیار به ما عطا می کنی ! پاکی تو و چه بسیار ما را عافیت می بخشی ! بار خدایا ! برای ما و برای مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان فقیر ، گشایش عطا فرما» .

فلاح السائل به نقل از پیامبر خدا ، در دعایی که به امیر مؤمنان برای حفظ کردن آنچه می شنود ، آموخت : پاکا خدایی که بر اهل مملکتش تعدّی نمی کند ! پاکا خدایی که زمینیان را به عذاب های گونه گون ، گرفتار نمی کند ! پاکا خدای رئوف مهربان !

البلد الأمین به نقل از پیامبر خدا ، از دعایی که شب نوزدهم ماه رمضان می خواند : پاکا خدایی که نمی میرد ! پاکا خدایی که از بین نمی رود ! پاکا خدایی که هیچ پوشیده ای بر او پوشیده نیست ! پاکا خدایی که هیچ برگی نمی افتد ، جز این که او بِدان علم دارد ، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آن که به علم و تقدیر اوست ! پاکا او (هفت مرتبه) ! چه بزرگ است مقام او و چه شکوهمند است سلطنتش ! بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست و ما را از آزادشدگانت ، و از برخورداران از آمرزشت قرار ده ، که به راستی ، تو آمرزگار و مهربانی .

.

سنن الترمذى عن ابن عبّاس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فيما كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الصَّلاهِ : سُبحانَ الَّذى تَعَطَّفَ العِزَّ وقالَ بِهِ ، سُبحانَ الَّذى لَبِسَ المَجدَ وتَكَرَّمَ بِهِ ، سُبحانَ الَّذى لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لَهُ ، سُبحانَ ذِى الفَضلِ وَالنِّعَمِ ، سُبحانَ ذِى المَجدِ وَالكَرَمِ ، سُبحانَ ذِى الجَلالِ وَالإكرامِ . (1)

المعجم الكبير عن عبد اللّه بن مسعود عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن دَعا بِهذَا الدُّعاءِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ما لَم يَدعُ بِإثمٍ ، أو قَطيعَهِ رَحِمٍ إلَا استُجيبَ لَهُ : سُبحانَ الَّذى فِى السَّماءِ عَرشُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى الأرضِ مُوطِئُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى البَحرِ سَبيلُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى القُبورِ قَضاؤُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى الجَنَّهِ رَحمَتُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى النّارِ سُلطانُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى الهَواءِ رَوحُهُ ، سُبحانَ الَّذى رَفَعَ السَّماءَ ، سُبحانَ الَّذى وَضَعَ الأرضَ ، سُبحانَ الَّذى لا مَنجى مِنهُ إلّا إلَيهِ . (2)

المصباح للكفعمى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءٍ مَأثورٍ اُمِرَ صلى الله عليه و آله أن يَدعُوَ بِهِ بَعدَ صِيامِ الأيّامِ البيضِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، سُبحانَكَ أنتَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ المَلِكُ القُدّوسُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ السَّلامُ المُؤمِنُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ العَزيزُ المُهَيمِنُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الجَبّارُ المُتَكَبِّرُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الخالِقُ البارِئُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ المُصَوِّرُ الحَكيمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ السَّميعُ العَليمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ البَصيرُ الصّادِقُ . سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الحَىُّ القَيّومُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الواسِعُ اللَّطيفُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ العَلِىُّ الكَبيرُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الغَفورُ الوَدودُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الشَّكورُ الحَكيمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الحَميدُ المَجيدُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ المُبدِئُ المُعيدُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الواحِدُ الأحَدُ . سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ السَّيِّدُ الصَّمَدُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الأوَّلُ الآخِرُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الظّاهِرُ الباطِنُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الغَفورُ الغافِرُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الوَكيلُ الكافى ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الكَريمُ العَظيمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ المُغيثُ الدّائِمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ المُتَعالِى الحَقُّ . سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الباعِثُ الوارِثُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الباقِى الرَّؤوفُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ العَزيزُ الحَميدُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ القَريبُ المُجيبُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ القابِضُ الباسِطُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الشَّهيدُ المُنعِمُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ القاهِرُ الرّازِقُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الحَسيبُ البارِئُ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ الغَنِىُّ الوَفِىُّ ، سُبحانَكَ أنتَ اللّهُ القادِرُ المُقتَدِرُ . سُبحانَكَ

أنتَ اللّهُ التَّوّابُ الوَهّابُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ المُحيِی المُميتُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الحَنّانُ المَنّانُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ القَديمُ الفَعّالُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ القَوِیُّ القائِمُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الرَّؤوفُ الرَّحيمُ . سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الوَفِیُّ الکَريمُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الفاطِرُ الخالِقُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ العَزيزُ الفَتّاحُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الدَّيّانُ الشَّکورُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ عَلّامُ الغُيوبِ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الصّادِقُ العَدلُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الطّاهِرُ الطُّهرُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الرَّفيعُ الباقی . سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الوَترُ الهادی ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الوَلِیُّ النَّصيرُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الکَفيلُ المُستَعانُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الغالِبُ المُعطی ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ العالِمُ المُعظَّمُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ المُحسِنُ المُجمِلُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ المُنعِمُ المُفضِلُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ الفاضِلُ الصّادِقُ . سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الحاکِمينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الفاصِلينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الوارِثينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ النّاصِرينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الغافِرينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الفاطِرينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ خَيرُ الرّازِقينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ أسرَعُ الحاسِبينَ . سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ أحسَنُ الخالِقينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ العَزيزُ الحَکيمُ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ أرحَمُ الرّاحِمينَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ إنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمينَ ، فَاستَجَبنا لَهُ ونَجَّيناهُ مِنَ الغَمِّ وکَذلِکَ نُنجِی المُؤمِنينَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظيمِ ، وصَلَّی اللّهُ عَلی سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطّاهِرينَ . (3)

.

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 484 ح 3419 ، تهذيب الكمال : ج 8 ص 425 نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 172 ح 3618 ؛ عوالی اللآلی : ج 1 ص 194 ح 283 .

2- .المعجم الكبير : ج 10 ص 227 ح 10554 ، كنزالعمّال : ج 5 ص 75 ح 12111 ؛ الإقبال : ج 2 ص 56 ، المصباح للكفعمی : ص 876 وراجع : الدروع الواقيه : ص 112 وص 199 .

3- .المصباح للكفعمی : ص 374 ، البلد الأمين : ص 351 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 241 .

سنن الترمذی به نقل از ابن عبّاس ، از پیامبر خدا ، در دعایی که ایشان بعد از نماز می خواند : پاکا خدایی که ردای عزّت بر دوش افکند و آن را ویژه خویش گردانید ! پاکا خدایی که جامه مجد و کرامت در پوشید ! پاکا خدایی که تسبیح ، جز او را نسزد ! پاکا خداوندگار بخشش و نعمت ها ! پاکا خداوندگار بزرگی و ارجمندی ! پاکا خداوندگار شُکوه و کرامت !

المعجم الکبیر به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا فرمود : «هر کس در شامگاه عَرَفه این دعا را بخواند به شرط آن که برای گناهی یا بریده شدن پیوند خویشاوندی دعا نکند دعایش مستجاب می شود : «پاکا خدایی که آسمان ، تختگاه اوست ! پاکا خدایی که زمین ، زیر پای اوست ! پاکا خدایی که راهش در دریاهاست ! پاکا خدایی که قضایش در گورها جاری است ! پاکا خدایی که رحمتش در بهشت است ! پاکا خدایی که سلطنتش در آتش [دوزخ] است! پاکا خدایی که هوا ، مظهر لطافت اوست ! پاکا خدایی که آسمان را بر افراشت ! پاکا خدایی که زمین را فرو نهاد ! پاکا خدایی که از او نتوان رهید ، جز با گریختن به سوی خود او!» .

المصباح ، کفعمی به نقل از پیامبر خدا ، در دعایی که به ایشان دستور داده شد آن را بعد از روزه «ایّام البیض» بخواند : به نام خداوند مهرگستر مهربان . پاکا تو ! تو پروردگار عرش بزرگی . پاکا تو ! تو خدای مهرگستر مهربانی . پاکا تو ! تو خدای پروردگار جهانیانی . پاکا تو ! تو خدا و پادشاه و مقدّسی . پاکا تو ! تو خدای پاک و ایمنی بخشی . پاکا تو ! تو خدای عزّتمند و نگهبانی . پاکا تو ! تو خدای آفریننده و پدید آورنده ای . پاکا تو ! تو خدای صورتگر حکیمی . پاکا تو ! تو خدای شنوا و دانایی . پاکا تو ! تو خدای بینا و راستگویی . پاکا تو ! تو خدای زنده و پاینده ای . پاکا تو ! تو خدای فراگیر و ریزبینی . پاکا تو ! تو خدای والا و بزرگی . پاکا تو ! تو خدای آمرزگار و مهربانی . پاکا تو ! تو خدای قدردان و حکیمی . پاکا تو ! تو خدای پسندیده و بزرگواری . پاکا تو ! تو خدای آغاز کننده و باز گرداننده ای (/ بازآفرینی) . پاکا تو ! تو خدای یکتا و یگانه ای . پاکا تو ! تو خدای آقا و مقصود عالمیانی . پاکا تو ! تو خدای آغازین و انجامینی . پاکا تو ! تو خدای آشکار و پنهانی . پاکا تو ! تو خدای آمرزگار و آمرزنده ای . پاکا تو ! تو خدای کارگزار و بسنده ای . پاکا تو ! تو خدای کریم و با عظمتی . پاکا تو ! تو خدای دادرس و پایداری . پاکا تو ! تو خدای بلندمرتبه و حقّی . پاکا تو ! تو خدای برانگیزنده و وارثی . پاکا تو ! تو خدای مانا و دلسوزی . پاکا تو ! تو خدای

عزّتمند و پسندیده ای . پاکا تو ! تو خدایی هستی که نزدیک و اجابت کننده است . پاکا تو ! تو خدای جمع کننده و گستراننده ای . پاکا تو ! تو خدای گواه و نعمت بخشی . پاکا تو ! تو خدای چیره و روزی دهنده ای . پاکا تو ! تو خدای حسابرس و پدید آورنده ای . پاکا تو ! تو خدای بی نیاز و وفاکننده ای . پاکا تو ! تو خدای توانا و قدرتمندی . پاکا تو ! تو خدای توبه پذیر و بخشنده بی توقّعی . پاکا تو ! تو خدای زنده کننده و میراننده ای . پاکا تو ! تو خدای پُر مِهر و بنده نوازی . پاکا تو ! تو خدای دیرین و پُرکاری (آنچه خواهی ، انجام می دهی) . پاکا تو ! تو خدای نیرومند و برپایی . پاکا تو ! تو خدای رئوف و مهربانی . پاکا تو ! تو خدای باوفا و کریمی . پاکا تو ! تو خدای شکافنده و آفریننده ای . پاکا تو ! تو خدای عزّتمند و گشاینده ای . پاکا تو ! تو خدای جزا دهنده و سپاسمندی . پاکا تو ! تو خدای دانا به نهان هایی . پاکا تو ! تو خدای راستگو و دادگری . پاکا تو ! تو خدای پاک و پاکیزه ای . پاکا تو ! تو خدای والا و مانایی . پاکا تو ! تو خدای تک و راه نمایی . پاکا تو ! تو خدای حمایتگر و یاوری . پاکا تو ! تو خدایی هستی که کفالت می کنی و از تو یاری می جویند . پاکا تو ! تو خدای چیره و عطا کننده ای . پاکا تو ! تو خدای دانا و باعظمتی . پاکا تو ! تو خدای نیکوکار و احسان بخشی . پاکا تو ! تو خدای نعمت دهنده و بادَهِشی . پاکا تو ! تو خدای صاحب فضل و راستینی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترین داوری . پاکا تو ! تو خدایی و بهترین فیصله دهنده ای . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ وارثانی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ یاری دهندگانی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ آمرزندگانی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ شکافندگانی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ روزی دهندگانی . پاکا تو ! تو خدایی و سریع ترینِ حسابرسانی . پاکا تو ! تو خدایی و بهترینِ آفرینندگانی . پاکا تو ! تو خدای عزّتمند و فرزانه ای . پاکا تو ! تو خدایی و مهربان ترینِ مهربانانی . پاکا تو ! تو خدایی و معبودی جز تو پروردگار عرش بزرگ نیست . پاکا تو ! تو خدایی و معبودی جز تو نیست . «پاکی تو ! من از ستمکاران بودم . پس ، دعای او را اجابت کردیم و از اندوهش رهانیدیم و ما این گونه ، مؤمنان را می رهانیم» . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ و درود بر سَرورمان محمّد ، و خاندان پاک او .

.

ص: 18

..

ص: 19

..

المصباح للكفعمى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ المُسَمّى بِدُعاءِ المُجيرِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، سُبحانَکَ يا اللّهُ تَعالَيتَ يا رَحمنُ (1) ، سُبحانَکَ يا رَحيمُ تَعالَيتَ يا کَريمُ ، سُبحانَکَ يا مَلِکُ تَعالَيتَ يا مالِکُ ، سُبحانَکَ يا قُدُّوسُ تَعالَيتَ يا سَلامُ ، سُبحانَکَ يا مُؤمِنُ تَعالَيتَ يا مُهَيمِنُ ، سُبحانَکَ يا عَزيزُ تَعالَيتَ يا جَبّارُ ، سُبحانَکَ يا مُتَکَبِّرُ تَعالَيتَ يا مُتَجَبِّرُ . سُبحانَکَ يا خالِقُ تَعالَيتَ يا بارِئُ ، سُبحانَکَ يا مُصَوِّرُ تَعالَيتَ يا مُقَدِّرُ ، سُبحانَکَ يا هادى تَعالَيتَ يا باقى ، سُبحانَکَ يا وَهّابُ تَعالَيتَ يا تَوّابُ ، سُبحانَکَ يا فَتّاحُ تَعالَيتَ يا مُرتاحُ (2) ، سُبحانَکَ يا سَيِّدى تَعالَيتَ يا مَولاىَ ، سبحانَکَ يا قَريبُ تَعالَيتَ يا رَقيبُ ، سُبحانَکَ يا مُبدِئُ تَعالَيتَ يا مُعيدُ ، سُبحانَکَ يا حَميدُ تَعالَيتَ يا مَجيدُ ، سُبحانَکَ يا قَديمُ تَعالَيتَ يا عَظيمُ . سُبحانَکَ يا غَفورُ تَعالَيتَ يا شَکورُ ، سُبحانَکَ يا شاهِدُ تَعالَيتَ يا شَهيدُ ، سُبحانَکَ يا حَنّانُ تَعالَيتَ يا مَنّانُ ، سُبحانَکَ يا باعِثُ تَعالَيتَ يا وارِثُ ، سُبحانَکَ يا مُحيى تَعالَيتَ يا مُميتُ ، سُبحانَکَ يا شَفيقُ تَعالَيتَ يا رَفيقُ ، سُبحانَکَ يا أنيسُ تَعالَيتَ يا مُؤنِسُ ، سُبحانَکَ يا جَليلُ تَعالَيتَ يا جَميلُ ، سُبحانَکَ يا خَبيرُ تَعالَيتَ يا بَصيرُ ، سُبحانَکَ يا خَفِىٌّ (3) تَعالَيتَ يا مَلِىٌّ . (4) سُبحانَکَ يا مَعبودُ تَعالَيتَ يا مَوجودُ ، سُبحانَکَ يا غَفّارُ تَعالَيتَ يا قَهّارُ ، سُبحانَکَ يا مَذکورُ تَعالَيتَ يا مَشکورُ ، سُبحانَکَ يا جَوادُ تَعالَيتَ يا مَعاذُ ، سُبحانَکَ يا جَمالُ تَعالَيتَ يا جَلالُ ، سُبحانَکَ يا سابِقُ تَعالَيتَ يا رازِقُ ، سُبحانَکَ يا صادِقُ تَعالَيتَ يا خالِقُ . سُبحانَکَ يا سَميعُ تَعالَيتَ يا سَريعُ ، سُبحانَکَ يا رَفيعُ تَعالَيتَ يا بَديعُ ، سُبحانَکَ يا فَعّالُ تَعالَيتَ يا مُتَعالِ ، سُبحانَکَ يا قاضى تَعالَيتَ يا راضى ، سُبحانَکَ يا قاهِرُ تَعالَيتَ يا ظاهِرُ ، سُبحانَکَ يا عالِمُ تَعالَيتَ يا حاکِمُ ، سُبحانَکَ يا دائِمُ تَعالَيتَ يا قائِمُ . سُبحانَکَ يا عاصِمُ تَعالَيتَ يا قاسِمُ ، سُبحانَکَ يا غَنِىٌّ تَعالَيتَ يا مُغنى ، سُبحانَکَ يا وَفِىٌّ تَعالَيتَ يا قَوِىٌّ ، سُبحانَکَ يا کافى تَعالَيتَ يا شافى ، سُبحانَکَ يا مُقَدِّمُ تَعالَيتَ يا مُؤَخِّرُ ، سُبحانَکَ يا أوَّلُ تَعالَيتَ يا آخِرُ ، سُبحانَکَ يا ظاهِرُ تَعالَيتَ يا باطِنُ ، سُبحانَکَ يا رَجاءُ تَعالَيتَ يا مُرتَجى ، سُبحانک يا ذَا المَنِّ تَعالَيتَ يا ذَا الطَّولِ ، سُبحانَکَ يا حَىُّ تَعالَيتَ يا قَيّومُ . سُبحانَکَ يا واحِدُ تَعالَيتَ يا أحَدُ ، سُبحانَکَ يا سَيِّدُ تَعالَيتَ يا صَمَدُ ، سُبحانَکَ يا قَديرُ تَعالَيتَ يا کَبيرُ ، سُبحانَکَ يا والى تَعالَيتَ يا مُتَعالى (5) ، سُبحانَکَ يا عَلِىُّ تَعالَيتَ يا أعلى ، سُبحانَکَ يا وَلِىُّ تَعالَيتَ يا مَولى ، سُبحانَکَ يا ذارِئُ (6) تَعالَيتَ يا بارِئُ ، سُبحانَکَ يا خافِضُ تَعالَيتَ يا رافِعُ ، سُبحانَکَ يا مُقسِطُ تَعالَيتَ يا جامِعُ ، سُبحانَکَ يا مُعِزُّ تَعالَيتَ يا مُذِلُّ . سُبحانَکَ يا حافِظُ تَعالَيتَ يا حَفيظُ ، سُبحانَکَ يا قادِرُ تَعالَيتَ يا مُقتَدِرُ ، سُبحانَکَ يا عَليمُ تَعالَيتَ يا حَليمُ ، سُبحانَکَ يا حَکَمُ تَعالَيتَ يا حَکيمُ ،

سُبحانَکَ یا مُعطی تَعالَیتَ یا مانِعُ ، سُبحانَکَ یا ضارُّ تَعالَیتَ یا نافِعُ ، سُبحانَکَ یا مُجیبُ تَعالَیتَ یا حَسیبُ . سُبحانَکَ یا عادِلُ تَعالَیتَ یا فاضِلُ ، سُبحانَکَ یا لَطیفُ تَعالَیتَ یا شَریفُ ، سُبحانَکَ یا رَبُّ تَعالَیتَ یا حَقُّ ، سُبحانَکُ یا ماجِدُ تَعالَیتَ یا واحِدُ ، سُبحانَکَ یا عَفُوُّ تَعالَیتَ یا مُنتَقِمُ ، سُبحانَکَ یا واسِعُ تَعالَیتَ یا مُوسِعُ ، سُبحانَکَ یا رَؤوفُ تَعالَیتَ یا عَطوفُ ، سُبحانَکَ یا فَردُ تَعالَیتَ یا وَترُ . سُبحانَکَ یا مُقیتُ تَعالَیتَ یا مُحیطُ ، سُبحانَکَ یا وَکیلُ تَعالَیتَ یا عَدلُ ، سُبحانَکَ یا مُبینُ تَعالَیتَ یا مَتینُ ، سُبحانَکَ یا بَرُّ تَعالَیتَ یا وَدودُ ، سُبحانَکَ یا رَشیدُ تَعالَیتَ یا مُرشِدُ ، سُبحانَکَ یا نورُ تَعالَیتَ یا مُنَوِّرُ ، سُبحانَکَ یا نَصیرُ تَعالَیتَ یا ناصِرُ ، سُبحانَکَ یا صَبورُ تَعالَیتَ یا صابِرُ ، سُبحانَکَ یا مُحصی تَعالَیتَ یا مُنشی ، سُبحانَکَ یا سُبحانُ تَعالَیتَ یا دَیّانُ ، سُبحانَکَ یا مُغیثُ تَعالَیتَ یا غِیاثُ ، سُبحانَکَ یا فاطِرُ تَعالَیتَ یا حاضِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا ذَا العِزِّ وَالجَمالِ تَبارَکتَ یا ذَا الجَبَروتِ وَالجَلالِ ، سُبحانَکَ یا لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ إنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمینَ ، فَاستَجَبنا لَهُ ونَجَّیناهُ مِنَ الغَمِّ وکَذلِکَ نُنجِی المُؤمِنینَ ، وصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ أجمَعینَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ ، وحَسبُنَا اللّهُ ونِعمَ الوَکیلُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ . (7)

.

1- .یقول عند آخر کلّ اسمین من أسمائه اللّذین هما الفاصله : أجرنا من النار یا مجیر .
2- .الارتیاح من اللّه : الرحمه (مجمع البحرین : ج 2 ص 751 «روح») . وقال المولی هادی السبزواری قدس سره : الارتیاح : الابتهاج، إن جُعل اسمَ المفعول فهو مبتهَج به لأهله ، بل لغیرهم وإن لم یستشعروا، وإن جُعل اسمَ الفاعل فهو مبتهِج بذاته وبآثار ذاته بما هی آثار ذاته (شرح الأسماء الحسنی : ص 616) .
3- .فی البلد الأمین : «یا حَفِیُّ» .
4- .الملیّ : من لایفتقر إلی الغیر لا فی ذاته ولا فی صفاته (شرح الأسماء الحسنی : ج 1 ص 89) .
5- .فی البلد الأمین : «تعالیت یا عالی» .
6- .ذرأ اللّهُ الخلقَ : إذا خلقَهُم (النهایه : ج 2 ص 156 «ذرأ») .
7- .المصباح للکفعمی : ص 359 ، البلد الأمین : ص 362 .

المصباح ، کفعمی به نقل از پیامبر خدا ، در دعای ناموَر به «دعای مُجیر» : به نام خدای مهرگستر مهربان . پاکی تو ، ای خدا ؛ برینی تو ، ای مهرگستر (1) ! پاکی تو ، ای مهربان ؛ برینی تو ، ای بزرگوار ! پاکی تو ، ای پادشاه ؛ برینی تو ، ای مالک ! پاکی تو ، ای قدّوس ؛ برینی تو ، ای بی گزند ! پاکی تو ، ای ایمنی بخش ؛ برینی تو ، ای نگهبان [عالم] ! پاکی تو ، ای عزّتمند ؛ برینی تو ، ای جبّار ! پاکی تو ، ای صاحب کبریا ؛ برینی تو ، ای فرازمند ! پاکی تو ، ای آفریننده ؛ برینی تو ، ای پدید آورنده ! پاکی تو ، ای صورتگر ؛ برینی تو ، ای تقدیر کننده ! پاکی تو ، ای راه نما ؛ برینی تو ، ای مانا ! پاکی تو ، ای بخششگر ؛ برینی تو ، ای توبه پذیر ! پاکی تو ، ای گشاینده ؛ برینی تو ، ای آرام ! پاکی تو ، ای آقای من ؛ برینی تو ، ای سَرور من ! پاکی تو ، ای نزدیک ؛ برینی تو ، ای ناظر ! پاکی تو ، ای آغاز کننده ؛ برینی تو ، ای باز گرداننده (بازآفرین) ! پاکی تو ، ای ستوده ؛ برینی تو ، ای صاحب مجد ! پاکی تو ، ای دیرین ؛ برینی تو ، ای بزرگ ! پاکی تو ، ای آمرزگار ؛ برینی تو ، ای قدردان ! پاکی تو ، ای حاضر ؛ برینی تو ، ای گواه ! پاکی تو ، ای مهروَرز ؛ برینی تو ، ای بنده نواز ! پاکی تو ، ای برانگیزنده ؛ برینی تو ، ای ارث برنده ! پاکی تو ، ای زنده کننده ؛ برینی تو ، ای میراننده ! پاکی تو ، ای دلسوز ؛ برینی تو ، ای بانرمش ! پاکی تو ، ای همدم ؛ برینی تو ، ای مونس ! پاکی تو ، ای شکوهمند ؛ برینی تو ، ای زیبا ! پاکی تو ، ای آگاه ؛ برینی تو ، ای بینا ! پاکی تو ، ای پنهان ؛ برینی تو ، ای مالامال (/ بی نیاز) ! پاکی تو ، ای معبود ؛ برینی تو ، ای موجود ! پاکی تو ، ای آمرزنده ؛ برینی تو ، ای چیره شونده ! پاکی تو ، ای آن که یادش می کنند ؛ برینی تو ، ای آن که سپاسش می گویند ! پاکی تو ، ای بخشنده بی چشمداشت ؛ برینی تو ، ای پناهگاه ! پاکی تو ، ای همه زیبایی ؛ برینی تو ، ای همه شُکوه ! پاکی تو ، ای پیشین ؛ برینی تو ، ای روزی دِه ! پاکی تو ، ای راستگو ؛ برینی تو ، ای آفریدگار ! پاکی تو ، ای شنوا ؛ برینی تو ، ای پُرسرعت ! پاکی تو ، ای بلندمرتبه ؛ برینی تو ، ای نوآفرین ! پاکی تو ، ای کسی که هر آنچه بخواهی ، انجام می دهی ؛ برینی تو ، ای والا ! پاکی تو ، ای داور ؛ برینی تو ، ای خشنود ! پاکی تو ، ای چیره ؛ برینی تو ، ای آشکار ! پاکی تو ، ای دانا ؛ برینی تو ، ای حاکم ! پاکی تو ، ای همیشگی ؛ برینی تو ، ای پابرجا [و قائم به ذات خود] ! پاکی تو ، ای نگهدار ؛ برینی تو ، ای قسمت کننده ! پاکی تو ، ای بی نیاز ؛ برینی تو ، ای بی نیاز کننده ! پاکی تو ، ای وفا کننده ؛ برینی تو ، ای نیرومند ! پاکی تو ، ای کفایت کننده ؛ برینی تو ، ای شفا دهنده ! پاکی تو ، ای پیش افکننده ؛ برینی تو ، ای به تأخیر افکننده ! پاکی

تو ، ای نخستین ؛ برینی تو ، ای واپسین ! پاکی تو ، ای پیدا ؛ برینی تو ، ای نهان ! پاکی تو ، ای امید ؛ برینی تو ، ای آن که به او امید می بندند ! پاکی تو ، ای صاحب نعمت ؛ برینی تو ، ای توانمند ! پاکی تو ، ای زنده ؛ برینی تو ، ای برپا دارنده (/ قائم به ذات خود) ! پاکی تو ، ای یکتا ؛ برینی تو ، ای یگانه ! پاکی تو ، ای آقا ؛ برینی تو ، ای مقصد حاجات ! پاکی تو ، ای توانا ؛ برینی تو ، ای بزرگ ! پاکی تو ، ای فرمان روا ؛ برینی تو ، ای والا ! پاکی تو ، ای بلندمرتبه ؛ برینی تو ، ای برتر ! پاکی تو ، ای حمایتگر ؛ برینی تو ، ای سَرور ! پاکی تو ، ای آفریننده نسل ها ؛ برینی تو ، ای آفریننده جانداران ! پاکی تو ، ای پایین آورنده ؛ برینی تو ، ای بالا برنده ! پاکی تو ، ای دادگر ؛ برینی تو ، ای گرد آورنده ! پاکی تو ، ای عزّتبخش ؛ برینی تو ، ای خوار کننده ! پاکی تو ، ای نگهدار ؛ برینی تو ، ای حفظ کننده ! پاکی تو ، ای توانا ؛ برینی تو ، ای قدرتمند ! پاکی تو ، ای همیشه دانا ؛ برینی تو ، ای بردبار ! پاکی تو ، ای حکم کننده ؛ برینی تو ، ای حکیم ! پاکی تو ، ای عطا کننده ؛ برینی تو ، ای منع کننده ! پاکی تو ، ای زیان رسان ؛ برینی تو ، ای سودرسان ! پاکی تو ، ای جواب دهنده ؛ برینی تو ، ای حسابرس ! پاکی تو ، ای دادگر ؛ برینی تو ، ای صاحب فضل ! پاکی تو ، ای لطیف ؛ برینی تو ، ای ارجمند ! پاکی تو ، ای پروردگار ؛ برینی تو ، ای حق ! پاکی تو ، ای صاحب مجد ؛ برینی تو ، ای یکتا ! پاکی تو ، ای باگُذشت ؛ برینی تو ، ای انتقام گیرنده ! پاکی تو ، ای گسترده ؛ برینی تو ، ای گستراننده ! پاکی تو ، ای رئوف ؛ برینی تو ، ای با عطوفت ! پاکی تو ، ای طاق ؛ برینی تو ، ای تک ! پاکی تو ، ای غذا دهنده (/ نگهبان) ؛ برینی تو ، ای در میان گیرنده ! پاکی تو ، ای کارگزار ؛ برینی تو ، ای داد ! پاکی تو ، ای روشن (/ روشنگر) ؛ برینی تو ، ای استوار ! پاکی تو ، ای نیکوکار ؛ برینی تو ، ای بامحبّت ! پاکی تو ، ای رشید ؛ برینی تو ، ای ارشاد کننده ! پاکی تو ، ای روشنایی ؛ برینی تو ، ای روشنایی بخش ! پاکی تو ، ای یاور ؛ برینی تو ، ای یاری رسان ! پاکی تو ، ای پُرشکیب ؛ برینی تو ، ای شکیبا ! پاکی تو ، ای آمار گیرنده ؛ برینی تو ، ای ایجاد کننده ! پاکی تو ، ای پاک ؛ برینی تو ، ای جزا دهنده ! پاکی تو ، ای دادرس ؛ برینی تو ، ای کمک ! پاکی تو ، ای شکافنده ؛ برینی تو ، ای حاضر ! ما را از آتش ، پناه ده ، ای پناه دهنده ! پاکی تو ، ای صاحب عزّت و زیبایی ! خجسته ای تو ، ای صاحب قدرت و شُکوه ! پاکی تو ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! «پاکی تو . من از ستمکاران بودم . پس ، دعای او را اجابت کردیم و از اندوهش رهانیدیم و ما این گونه ، مؤمنان را می رهانیم» و درود خدا بر محمّد و همه خاندان او باد ، و سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . خدا ما را بس است و او نیکو کارگزاری است . و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای بلندمرتبه و باعظمت .

.

1- .در پایان هر بند دعا که شامل دو نام از نام های خداوند است ، می گویی : «ما را از آتش ، در پناه خویش گیر ، ای پناه دهنده !» .

ص: 22

..

ص: 23

..

ص: 24

..

ص: 25

..

البلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ مَروِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ؛ بَسمِل وقُل : . . . سُبحانَ اللّهِ ثَلاثا بِعَدَدِ كُلِّ تَسبيحٍ سَبَّحَهُ المُسَبِّحونَ . . . وسُبحانَ مَنِ لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يُقادِرُهُ (1) شَىءٌ ، سُبحانَ اللّهِ الحَكيمِ الكَبيرِ الخالِقِ ، سُبحانَ الحَنّانِ المَنّانِ ، سُبحانَ الحَليمِ الكَريمِ ، سُبحانَ الخالِقِ البارِئِ ، سُبحانَ الصّادِقِ الباديِ ، سُبحانَ المُصَوِّرِ الكافى ، سُبحانَ الشّافى المُعافى ، سُبحانَ مَن لا يُعادِلُهُ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يُحادُّهُ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يَعلَمُهُ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يُغَيِّرُهُ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يَقهَرُهُ شَىءٌ فى مُلكِهِ . سُبحانَ مَن لا يَحُدُّهُ الحادُّونَ ، سُبحانَ مَن لا يَصِفُهُ الواصِفونَ ، سُبحانَ مَن لا يُشَبِّهُهُ المُشَبِّهونَ ، سُبحانَ مَن لا أبَ لَهُ ، سُبحانَ مَن لا قَرينَ لَهُ ، سُبحانَ مَن لا شَبيهَ لَهُ ، سُبحانَ القادِرِ المُقتَدِرِ ، سُبحانَ العَلِيِّ المُتَعالِ ، سُبحانَ مَن لا يَفوتُهُ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا يَخفى عَلَيهِ شَىءٌ ، سُبحانَ مَن لا تُدرِكُهُ العُيونُ ، سُبحانَ مَن لا تُخالِطُهُ الظُّنونُ ، سُبحانَ مُنشِئِ الأشياءِ بِمَشِيَّتِهِ ، سُبحانَ المُدَبِّرِ بِتَدبيرِهِ ، سُبحانَ مَن جَلَّ عَنِ الأشياءِ وَالعَرشِ بِإنشائِهِ ، سُبحانَ مَن أنشَأَ اللَّيلَ وَالنَّهارَ بِقُدرَتِهِ ، سُبحانَ مَن أنشَأَ السَّماواتِ العُلى ، سُبحانَ مَن قَدَّرَ الحُجُبَ مِن غَيرِ أن يَستَعينَ بِأحَدٍ ، سُبحانَ خالِقِ سورَهِ النّورِ ، سُبحانَ مَن أقامَ السَّماواتِ بِغَيرِ عَمَدٍ ولا مُعينٍ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ العَرشَ وَانفَرَدَ بِتَقديرِ الأشياءِ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ عَجائِبَ خَلقِهِ مِن غَيرِ شَريكٍ مَعَهُ ، وجَلَّ عَنِ الأشياءِ فَلا يُدرِكُهُ شَىءٌ ، سُبحانَ الخالِقِ المُصَوِّرِ ، لَهُ الأسماءُ الحُسنى ، يُسَبِّحُ لَهُ ما فِى السَّماواتِ وَالأرضِ وهُوَ العَزيزُ الحَكيمُ . سُبحانَ مَن أثبَتَ الأرضَ بِقُدرَتِهِ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ الخَلقَ بِعَظَمَتِهِ ، سُبحانَ مَن أنشَأَ الرِّياحَ ويُرسِلُها حَيثُ يَشاءُ ، سُبحانَ مَن لَم يَقطَع رِزقَهُ عَن أحَدٍ مِن خَلقِهِ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ المَلائِكَهُ بِأنواعِ اللُّغاتِ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الجَنَّهُ بِغَرائِبِ التَّسبيحِ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ النّيرانُ بِأغلالِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الجِبالُ بِأكنافِها (2) ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الأشجارُ عِندَ تَوريدِ أوراقِها ، سُبحانَهُ وتَعالى عَمّا يُشرِكونَ . يا رَبِّ ثَلاثا يا رَبَّ الأربابُ ، ويا مُسَبِّبَ الأسبابِ ، ويا مُعتِقَ الرِّقابِ مِنَ العَذابِ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ البِحارُ عِندَ تَلاطُمِ أمواجِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الذَّرُّ فى مَساكِنِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الرِّياحُ عِندَ هُبوبِ جَرَيانِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الحيتانُ فى قَرارِ بِحارِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الجِنُّ بِلُغاتِها ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ بَنو آدَمَ عَلَى اختِلافِ لُغاتِها ، سُبحانَ القائِمِ الدّائِمِ ، سُبحانَ الجَليلِ الجَميلِ . يا عَلّامَ الغُيوبِ ، يا غَفّارَ الذُّنوبِ ، يا سَتّارَ العُيوبِ ، يا مَن لا يَخفى عَلَيهِ مَكانٌ ، يا مَن هُوَ كُلَّ يَومٍ فى شَأنٍ ، يا عَظيمَ الشَّأنِ ، يا مَن لا يَشغَلُهُ شَأنٌ عَن شَأنٍ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ . يا دائِمُ ، يا قائِمُ ، يا قَديمُ ، يا مَلِكُ ،

يا قُدّوسُ ، يا سَلامُ ، يا مُؤمِنُ ، يا مُهَيمِنُ ، يا عَزيزُ ، يا جَبّارُ ، يا مُتَكَبِّرُ ، يا خالِقُ ، يا بارِئُ ، يا مُصَوِّرُ ، يا مَن لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ . (3)

.

1- .فى مستدرک الوسائل : ج 2 ص 240 ح 1878 : «لا يغادره» .
2- .أكناف الجبل والوادى : نواحيهما حيث تنضمّ إليه (تاج العروس : ج 12 ص 466 «كنف») .
3- .البلد الأمين : ص 374 .

البلد الأمین در بیان دعای تهلیل روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله : به نام خدا بگو و بگو : ... پاکا خدا (سه مرتبه) به شمار هر تسبیحی که تسبیح کنندگانش می گویند ... و پاکا آن که چیزی همانند او نیست ! پاکا آن که چیزی هم توان او نیست ! پاکا خدای حکیم و بزرگ و آفریننده ! پاکا مهرورز بنده نواز ! پاکا بردبار بزرگوار ! پاکا آفریدگار جان آفرین ! پاکا راستگوی آفریننده[ی خلق] از نیستی ! پاکا صورتگر کفایت کننده ! پاکا شفا دهنده عافیت بخش ! پاکا آن که چیزی همسنگ او نیست ! پاکا آن که هیچ چیزی با او ضدّیت نتواند کرد ! پاکا آن که هیچ چیزی به او علم پیدا نتواند کرد ! پاکا آن که هیچ چیزی تغییرش نتواند داد ! پاکا آن که هیچ چیزی او را در پادشاهی اش مقهور نتواند کرد ! پاکا آن که تعریف کنندگان تعریفش نتوانند کرد ! پاکا آن که وصف کنندگان ، از عهده وصفش بر نخواهند آمد ! پاکا آن که تشبیه کنندگان ، او را تشبیه نتوانند کرد ! پاکا آن که پدری ندارد ! پاکا آن که همسری ندارد ! پاکا آن که هیچ همانندی ندارد ! پاکا توانای قدرتمند ! پاکا والای برین ! پاکا آن که هیچ چیزی از او فوت نمی شود ! پاکا آن که چیزی بر او پوشیده نیست ! پاکا آن که دیدگان ، او را در نمی یابند ! پاکا آن که در گمان ها نمی گنجد ! پاکا آن که موجودات را به خواست خویش پدید می آورد ! پاکا گرداننده[ی کار عالم] به تدبیر خویش ! پاکا آن که از موجودات و عرش ، برتر است ؛ چرا که خود ، ایجاد کننده آنهاست ! پاکا آن که شب و روز را با قدرت خویش آفرید ! پاکا آن که آسمان های بالا را آفرید ! پاکا آن که حجاب ها را آفرید ، بی آن که از کسی کمک بگیرد ! پاکا آفریننده شدّت نور ! پاکا آن که آسمان ها را بی هیچ ستونی و کمکی برپا داشت ! پاکا آن که عرش را آفرید و به تنهایی ، چیزها را اندازه گیری کرد ! پاکا آن که مخلوقات شگفتش را آفرید ، بی آن که [در این کار] هیچ شریک و دستیاری داشته باشد ، و از همه چیز ، برتر است و هیچ چیز ، او را در نمی یابد ! پاکا آفریننده صورتگر ، که نام های نیکو ، همه از آنِ اوست ! آنچه در آسمان ها و زمین است ، او را به پاکی می ستاید و او عزّتمند و استوارکار است . پاکا آن که زمین را با قدرت خویش ، استوار داشت ! پاکا آن که مخلوقات را با عظمت خویش آفرید ! پاکا آن که بادها را پدید آورد و آنها را هر جا که بخواهد ، روانه می سازد ! پاکا آن که روزیِ خویش را از هیچ آفریده اش نمی برد ! پاکا آن که فرشتگان به زبان های گونه گون تسبیحش می گویند ! پاکا آن که بهشت ، او را با ستایش های شگفت ، تسبیح می گوید ! پاکا آن که آتش ها[ی دوزخ ،] او را با کند و زنجیرهایشان تسبیح می گویند ! پاکا آن که کوه ها او

را با کرانه هایشان تسبیح می گویند ! پاکا آن که درختان ، با جوانه زدن و گل دادن برگ هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پاکا و برینا او از آنچه برایش انباز می آورند ! ای پروردگار (سه مرتبه) ! ای خداوند خداوندان ، و ای سبب ساز ، و ای آزاد کننده بندگان از عذاب ! پاکا آن که دریاها با خروش خیزاب هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پاکا آن که مورچگان در لانه هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پاکا آن که بادها با وزش جریان هایشان ، او را تسبیح می گویند ! پاکا آن که ماهیان در بستر دریاها او را تسبیح می گویند ! پاکا آن که پریان به زبان های خویش ، تسبیحش می گویند ! پاکا آن که آدمیان به زبان های گونه گون تسبیحش می گویند ! پاکا آن ایستاده پاینده ! پاکا آن شکوهمند زیبا ! ای دانای نهان ها ! ای آمرزنده گناه ها ! ای پوشاننده عیب ها ! ای آن که هیچ جایی بر او پوشیده نیست ! ای آن که هر روزی [و آنی] ، در کاری است ! ای بلندمرتبه ! ای آن که هیچ کاری ، او را از کاری دیگر باز نمی دارد ! ای شکوهمند گرامی ! ای پاینده ! ای ایستاده ! ای دیرین ! ای پادشاه ! ای پاک ! ای بی گزند ! ای ایمنی بخش! ای نگهبان [عالم] ! ای عزّتمند ! ای قدرتمند ! ای بزرگ منش ! ای آفریننده ! ای پدید آورنده[ی جانداران ، بدون الگو] ! ای صورتگر ! ای آن که هیچ چیزی همانندش نیست و او شنوا و بیناست ! معبودی جز تو نیست . پاکی تو و من ، از ستمکاران بوده ام .

.

ص: 28

..

ص: 29

. .

مُهَج الدعوات عن الإمام علىّ عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعائِهِ لِلوِقايَهِ مِنَ المَحذوراتِ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ تَقولُ ثَلاثَ مَرّاتٍ سُبحانَهُ مِن إلهٍ ما أملَكَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مَليكٍ ما أقدَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قَديرٍ ما أعظَمَهُ ، وسُبحانَهَ مِن عَظيمٍ ما أجَلَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن جَليلٍ ما أمجَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن ماجِدٍ ما أرأفَهُ ، وسُبحانَهُ مِن رَؤوفٍ ما أعَزَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَزيزٍ ما أكبَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن كَبيرٍ ما أقدَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قَديمٍ ما أعلاهُ ، وسُبحانَهُ مِن عالٍ ما أسناهُ ، وسُبحانَهُ مِن سَنِىٍّ ما أبهاهُ ، وسُبحانَهُ مِن بَهِىٍّ ما أنوَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُنيرٍ ما أظهَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن ظاهِرٍ ما أخفاهُ ، وسُبحانَهُ مِن خَفِىٍّ ما أعلَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَليمٍ ما أخبَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن خَبيرٍ ما أكرَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن كَريمٍ ما ألطَفَهُ ، وسُبحانَهُ مِن لَطيفٍ ما أبصَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن بَصيرٍ ما أسمَعَهُ ، وسُبحانَهُ مِن سَميعٍ ما أحفَظَهُ ، وسُبحانَهُ مِن حَفيظٍ ما أملاهُ ، وسُبحانَهُ مِن مَلِىٍّ ما أوفاهُ ، وسُبحانَهُ مِن وَفِىٍّ ما أغناهُ ، وسُبحانَهُ مِن غَنِىٍّ ما أعطاهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُعطٍ ما أوسَعَهُ ، وسُبحانَهُ مِن واسِعٍ ما أجوَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن جَوادٍ ما أفضَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُفضِلٍ ما أنعَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُنعِمٍ ما أسيَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن سَيِّدٍ ما أرحَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن رَحيمٍ ما أشَدَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن شَديدٍ ما أقواهُ ، وسُبحانَهُ مِن قَوِىٍّ ما أحكَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن حَكيمٍ ما أبطَشَهُ ، وسُبحانَهُ مِن باطِشٍ ما أقوَمَهُ ، وسُبحانَهَ مِن قَيّومٍ ما أحمَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن حَميدٍ ما أدوَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن دائِمٍ ما أبقاهُ ، وسُبحانَهُ مِن باقٍ ما أفرَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن فَردٍ ما أوحَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن واحِدٍ ما أصمَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن صَمَدٍ ما أملَكَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مالِكٍ ما أولاهُ ، وسُبحانَهُ مِن وَلِىٍّ ما أعظَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَظيمٍ ما أكمَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن كامِلٍ ما أتَمَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن تامٍّ ما أعجَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَجيبٍ ما أفخَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن فاخِرٍ ما أبعَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن بَعيدٍ ما أقرَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قَريبٍ ما أمنَعَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مانِعٍ ما أغلَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن غالِبٍ ما أعفاهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَفُوٍّ ما أحسَنَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُحسِنٍ ما أجمَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن جَميلٍ ما أقبَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قابِلٍ ما أشكَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن شَكورٍ ما أغفَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن غَفورٍ ما أكبَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن كَبيرٍ ما أجبَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن جَبّارٍ ما أدينَهُ ، وسُبحانَهُ مِن دَيّانٍ ما أقضاهُ ، وسُبحانَهُ مِن قاضٍ ما أمضاهُ ، وسُبحانَهُ مِن ماضٍ ما أنفَذَهُ ، وسُبحانَهُ مِن نافِذٍ ما أرحَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن رَحيمٍ ما أخلَقَهُ ، وسُبحانَهُ مِن خالِقٍ ما أقهَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قاهِرٍ ما أملَكَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مَليكٍ ما أقدَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قادِرٍ ما أرفَعَهُ ، وسُبحانَهُ مِن رَفيعٍ ما أشرَفَهُ ، وسُبحانَهُ مِن شَريفٍ ما أرزَقَهُ ، وسُبحانَهُ مِن رازِقٍ ما أقبَضَهُ ، وسُبحانَهُ من قابِضٍ ما

أبسَطَهُ ، وسُبحانَهُ مِن باسِطٍ ما أهداهُ ، وسُبحانَهُ مِن هادٍ ما أصدَقَهُ ، وسُبحانَهُ من صادِقٍ ما أبدَأَهُ ، وسُبحانَهُ مِن بادِئٍ ما أقدَسَهُ ، وسُبحانَهُ مِن قُدّوسٍ ما أظهَرَهُ (ما أطهَرَهُ) ، وسُبحانَهُ من ظاهِرٍ (طاهِرٍ) ما أزكاهُ ، وسُبحانَهُ مِن زَكِيٍّ ما أبقاهُ ، وسُبحانَهُ مِن باقٍ ما أعوَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن عَوّادٍ ما أفطَرَهُ ، وسُبحانَهُ من فاطِرٍ ما أرعاهُ ، وسُبحانَهُ مِن راعٍ ما أعوَنَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُعِينٍ ما أوهَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن وَهّابٍ ما أتوَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن تَوّابٍ ما أسخاهُ ، وسُبحانَهُ مِن سَخِيٍّ ما أبصَرَهُ ، وسُبحانَهُ مِن بَصيرٍ ما أسلَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن سَليمٍ ما أشفاهُ ، وسُبحانَهُ مِن شافٍ ما أنجاهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُنجٍ ما أبَرَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن بارٍّ ما أطلَبَهُ ، وسُبحانَهُ مِن طالِبٍ ما أدرَكَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُدرِكٍ ما أشَدَّهُ ، وسُبحانَهُ مِن شَديدٍ ما أعطَفَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُتَعَطِّفٍ ما أعدَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن عادِلٍ ما أتقَنَهُ ، وسُبحانَهُ مِن مُتقِنٍ ما أحكَمَهُ ، وسُبحانَهُ مِن حَكيمٍ ما أكفَلَهُ ، وسُبحانَهُ مِن كَفيلٍ ما أشهَدَهُ ، وسُبحانَهُ مِن شَهيدٍ ما أحمَدَهُ ، وسُبحانَهُ هُوَ اللّهُ العَظيمُ وبِحَمدِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ وَللّهِ الحَمدُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، دافِعِ كُلِّ بَلِيَّةٍ ، وهُوَ حَسبى ونِعمَ الوَكيلُ . (1)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 109 ، المصباح للكفعمى : ص 361 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 367 ح 22 .

مهج الدعوات به نقل از امام علی علیه السلام ، از پیامبر خدا ، در دعای ایشان برای محفوظ ماندن از خطرات : پاکا و سپاسا خدای بزرگ را (این را سه مرتبه می گویی) ! پاکا معبودی چنین فرمان روا ! پاکا فرمان روایی چنین توانا ! پاکا توانایی چنین بزرگ ! پاکا بزرگی چنین شکوهمند ! پاکا شکوهمندی چنین بزرگوار ! پاکا بزرگواری چنین مهربان ! پاکا مهربانی چنین ارجمند ! پاکا ارجمندی چنین بزرگ ! پاکا بزرگی چنین دیرین ! پاکا دیرینی چنین والا ! پاکا والایی چنین بلندمرتبه ! پاکا بلندمرتبه ای چنین زیبا ! پاکا زیبایی چنین تابناک ! پاکا تابناکی چنین هویدا ! پاکا هویدایی چنین پنهان ! پاکا پنهانی چنین دانا ! پاکا دانایی چنین آگاه ! پاکا آگاهی چنین گرامی ! پاکا گرامی ای چنین لطیف ! پاکا لطیفی چنین بینا ! پاکا بینایی چنین شنوا ! پاکا شنوایی چنین یادسِپار ! پاکا یاد سپارنده ای چنین وفادار ! پاکا وفاداری چنین توانگر ! پاکا توانگری چنین دهنده ! پاکا دهنده ای چنین گشاده دست ! پاکا گشاده دستی چنین بخشنده ! پاکا بخشنده ای چنین افزون ده ! پاکا افزون دهی چنین بنده نواز ! پاکا بنده نوازی چنین آقا ! پاکا آقایی چنین مهربان ! پاکا مهربانی چنین پُرتوان ! پاکا پُرتوانی چنین نیرومند ! پاکا نیرومندی چنین استوار ! پاکا استواری چنین حمله ور ! پاکا حمله وری چنین پابرجا ! پاکا پابرجایی چنین ستوده ! پاکا ستوده ای چنین پاینده ! پاکا پاینده ای چنین مانا ! پاکا مانایی چنین یکتا ! پاکا یکتایی چنین یگانه ! پاکا یگانه ای چنین بی نیاز ! پاکا بی نیازی چنین مالک ! پاکا مالکی چنین حمایتگر ! پاکا حمایتگری چنین بزرگ ! پاکا بزرگی چنین کامل ! پاکا کاملی چنین تمام ! پاکا تمامی چنین شگفت انگیز ! پاکا شگفت انگیزی چنین نازنده ! پاکا نازنده ای چنین دور ! پاکا دوری چنین نزدیک ! پاکا نزدیکی چنین دست نیافتنی ! پاکا دست نیافتنی ای چنین چیره ! پاکا چیره ای چنین باگذشت ! پاکا باگذشتی چنین نیکوکار ! پاکا نیکوکاری چنین احسانگر ! پاکا احسانگری چنین پذیرنده ! پاکا پذیرنده ای چنین سپاسدار ! پاکا سپاسداری چنین آمرزگار ! پاکا آمرزگاری چنین بزرگ ! پاکا بزرگی چنین باجبروت ! پاکا باجبروتی چنین سزا دهنده ! پاکا سزا دهنده ای چنین حکم کننده ! پاکا حکم کننده ای چنین امضا کننده ! پاکا امضا کننده ای چنین اجرا کننده ! پاکا اجرا کننده ای چنین مهربان ! پاکا مهربانی چنین آفریننده ! پاکا آفریننده ای چنین قهّار ! پاکا قهّاری چنین پادشاه ! پاکا پادشاهی چنین قدرتمند ! پاکا قدرتمندی چنین بلندپایه ! پاکا بلندپایه ای چنین ارجمند ! پاکا ارجمندی چنین روزی ده ! پاکا روزی دهی چنین گیرنده ! پاکا گیرنده ای چنین گستراننده ! پاکا گستراننده ای چنین هدایتگر ! پاکا هدایتگری چنین راستگو ! پاکا راستگویی چنین آغازگر ! پاکا آغازگری چنین

مقدّس! پاکا مقدّسی چنین آشکار (/ پاک)! پاکا آشکاری (/ پاکی) چنین وارسته! پاکا وارسته ای چنین مانا! پاکا مانایی چنین باز گرداننده! پاکا باز گرداننده ای چنین آفریننده! پاکا آفریننده ای چنین سرپرست! پاکا سرپرستی چنین کمک کننده! پاکا کمک کننده ای چنین دَهِشگر! پاکا دَهِشگری چنین توبه پذیر! پاکا توبه پذیری چنین سخاوتمند! پاکا سخاوتمندی چنین بینا! پاکا بینایی چنین سالم! پاکا سالمی چنین شفابخش! پاکا شفابخشی چنین نجاتبخش! پاکا نجاتبخشی چنین نیکی کننده! پاکا نیکی کننده ای چنین جوینده! پاکا جوینده ای چنین رسنده! پاکا رسنده ای چنین زورمند! پاکا زورمندی چنین مهرورز! پاکا مهرورزی چنین دادگر! پاکا دادگری چنین استوارساز! پاکا استوارسازی چنین مُحکم کار! پاکا محکمکاری چنین ضمانت کننده! پاکا ضمانت کننده ای چنین گواه! پاکا گواهی چنین پسندیده! پاکا و پاکا خدای بزرگ ! و سپاس ، خدای را . معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ ترین است و سپاس ، از آنِ خداست . هیچ توش و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ که دور کننده هر بلایی است ، و او مرا بس است و نیکو کارگزاری است او .

.

ص: 32

. .

ص: 33

..

رجال الكشّى عن سعيد بن المسيّب :كانَ القَومُ لا يَخرُجونَ مِن مَكَّةَ ، حَتّى يَخرُجَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ سَيِّدُ العابِدينَ عليه السلام ، فَخَرَجَ وخَرَجتُ مَعَهُ ، فَنَزَلَ فى بَعضِ المَنازِلِ فَصَلّى رَكعَتَينِ ، فَسَبَّحَ فى سُجودِهِ ، فَلَم يَبقَ شَجَرٌ ولا مَدَرٌ إلّا سَبَّحوا مَعَهُ ، فَفَزِعنا ، فَرَفَعَ رَأسَهُ ، فَقالَ : يا سَعيدُ ، أفَزِعتَ؟ قُلتُ : نَعَم يَابنَ رَسولِ اللّهِ ! فَقالَ : هذَا التَّسبيحُ الأَعظَمُ ، حَدَّثَنى أبى ، عَن جَدّى ، عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : لا يَبقَى الذُّنوبُ مَعَ هذَا التَّسبيحِ ، فَقُلتُ : عَلِّمنا . وفى روايَهِ عَلِيِّ بنِ زَيدٍ ، عَن سَعيدِ بنِ المُسَيَّبِ ، أنَّهُ الإمامَ زَينَ العابِدينَ عليه السلام [سَبَّحَ فى سُجودِهِ ، فَلَم يَبقَ حَولَهُ شَجَرَهٌ ولا مَدَرَهٌ إلّا سَبَّحَت بِتَسبيحِهِ ، فَفَزِعتُ مِن ذلِكَ وأصحابى ، ثُمَّ قالَ : يا سَعيدُ ، إنَّ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ لَمّا خَلَقَ جَبرَئيلَ ، ألهَمَهُ هذَا التَّسبيحَ ، فَسَبَّحَتِ السَّماواتُ ومَن فيهِنَّ لِتَسبيحِهِ الأعظَمِ ، وهُوَ اسمُ اللّهِ عز و جل الأكبَرُ . . . وَالتَّسبيحُ هُوَ هذا : سُبحانَكَ اللّهُمَّ وحَنانَيكَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وتَعالَيتَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وَالعِزُّ إزارُكَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وَالعَظَمَهُ رِداؤُكَ ويُقالُ سِربالُكَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وَالكِبرِياءُ سُلطانُكَ ، سُبحانَكَ مِن عَظيمٍ ما أعظَمَكَ ! سُبحانَكَ سُبِّحتَ فِى الأعلى ، سُبحانَكَ تَسمَعُ وتَرى ما تَحتَ الثَّرى ، سُبحانَكَ أنتَ شاهِدُ كُلِّ نَجوى ، سُبحانَكَ مَوضِعُ كُلِّ نَجوى (1) ، سُبحانَكَ حاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ ، سُبحانُكَ عَظيمُ الرَّجاءِ ، سُبحانَكَ تَرى ما فى قَعرِ الماءِ ، سُبحانَكَ تَسمَعُ أنفاسَ الحيتانِ فى قُعورِ البِحارِ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ السَّماواتِ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ الأَرَضينَ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ الشَّمسِ وَالقَمَرِ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ الظُّلَمَهِ وَالنّورِ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ الفَىءِ وَالهَواءِ ، سُبحانَكَ تَعلَمُ وَزنَ الرّيحِ كَم هِىَ مِن مِثقالِ ذَرَّهٍ ، سُبحانَكَ قُدّوسٌ قُدّوسٌ قُدّوسٌ ، سُبحانَكَ عَجَبا لِمَن عَرَفَكَ كَيفَ لا يَخافُكَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وبِحَمدِكَ ، سُبحانَ اللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ . (2)

.

1- .فى بحار الأنوار : «شكوى» .

2- .رجال الكشّى : ج 1 ص 333 ح 187 و 188 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 226 ح 46 .

رجال الکشّی :سعید بن مسیّب ، روایت کرد که : مردم از مکّه خارج نمی شدند تا علی بن الحسین ، مهترِ عبادت پیشگان علیه السلام ، خارج شود . ایشان بیرون رفت و من هم با ایشان بیرون رفتم . ایشان در یکی از منزلگاه ها فرود آمد و دو رکعت نماز خواند و در سجودش تسبیح گفت و هیچ بوته و کلوخی نبود ، مگر آن که هم صدا با او تسبیح گفتند . ما به وحشت افتادیم . ایشان سرش را [از سجده] برداشت و فرمود : «وحشت کردی ، ای سعید؟» . من گفتم : آری ، ای فرزند پیامبر خدا! فرمود : «این ، تسبیح اعظم است . پدرم ، از جدّم ، از پیامبر خدا برایم نقل کرد که فرمود : با این تسبیح ، گناهان ، باقی نمی مانند » . گفتم : به ما بیاموزید . در روایت علی بن زید از سعید بن مسیّب آمده است که امام زین العابدین علیه السلام در سجود خود تسبیح گفت و هیچ بوته و کلوخی پیرامون ایشان نبود ، مگر این که با تسبیح ایشان ، تسبیح گفت . من و همراهانم از این حادثه وحشت زده شدیم . ایشان سپس فرمود : «ای سعید! خداوند عز و جل چون جبرئیل را آفرید ، این تسبیح را به او الهام فرمود و با این تسبیحِ اعظم او ، آسمان ها و آسمانیان ، تسبیح گفتند . این ، بزرگ ترین نام خداوند عز و جل است ...» . تسبیح ، این است : پاکی تو ای خداوند و مهربانی تو . پاکی تو ای خداوند و برینی تو . پاکی تو ای خداوند که عزّت ، جامه توست . پاکی تو ای خداوند که بزرگی ، ردای توست (و به قولی : تن پوش توست) . پاکی تو ای خداوند که کبریا سلطنت توست . پاکی تو ای بزرگ و چه بزرگی تو! پاکی تو که در [عالم] بالا تسبیحت می گویند . پاکی تو که آنچه را زیر زمین است ، می شنوی و می بینی . پاکی تو که گواه بر هر نجوایی . پاکی تو که جایگاه هر نجوایی . پاکی تو که در هر جمعی حاضری . پاکی تو که امید بزرگی . پاکی تو که آنچه را در قعر آب است ، می بینی . پاکی تو که نفَس های ماهیان در اعماق دریاها را می شنوی . پاکی تو که وزن آسمان ها را می دانی . پاکی تو که وزن زمین ها را می دانی . پاکی تو که وزن خورشید و ماه را می دانی . پاکی تو که وزن تاریکی و روشنی را می دانی . پاکی تو که وزن سایه و هوا را می دانی . پاکی تو که وزن باد را می دانی که به وزن چه ذرّه ای است . پاکی تو . مقدّسی ، مقدّسی ، مقدّسی . پاکی تو . شگفتا از کسی که تو را بشناسد و از تو نهراسد ! پاکی تو ای خداوند و سپاس ، تو را . پاکا خدای والا و بزرگ !

.

مستدرک الوسائل عن النوفلی بإسناده عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی خَبَرِ المَلَکِ الَّذی یُسَبِّحُ اللّهَ کَثیرا ، إذ قالَ : أی رَبِّ ، هَل مِمَّن خَلَقتَ یُسبِّحُکَ تَسبیحی؟ قالَ : نَعَم یونُسُ . قالَ : فَسُئِلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله هَل هُو یونُسُ بنُ مَتّی؟ قالَ : لا ، ولکِن عَبدٌ یُقالُ لَهُ یونُسُ قالَ المَلَکُ : أی رَبِّ ائذَن لی فی زِیارَتِهِ ولِقائِهِ . قالَ : نَعَم ، فَقَصَدَهُ المَلَکُ ، فَقالَ : إنّی مَعَ ما تَری مِن کَثرَهِ خَلقی ، سَألتُ رَبّی هَل شَیءٌ یُسَبِّحُهُ تَسبیحی؟ قال : نَعَم ، یونُسُ ، فَما تَسبیحُکَ؟! قالَ : أقولُ إذا أصبَحتُ وإذا أمسَیتُ عَشرَ مَرّاتٍ : الحَمدُ للّهِ ، وسُبحانَ اللّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ ، أضعافَ ما حَمَّدَهُ وسَبَّحَهُ وهَلَّلَهُ وکَبَّرَهُ جَمیعُ خَلقِهِ ، کَما یُحِبُّ ویَرضی ، وکَما یَنبَغی لِکَرَمِ وَجهِهِ ، وعِزِّ جَلالِهِ ، ومِدادِ کَلِماتِهِ . (1)

2التَّسبیحاتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ علیه السلاموقعه صفّین عن عبد الرحمن بن عبید بن أبی الکنود عن الإمام علیّ علیه السلام :سُبحانَ (2) ذِی الطَّولِ وَالنِّعَمِ ، سُبحانَ ذِی القُدرَهِ وَالإفضالِ . (3)

نهج البلاغه عن الإمام علیّ علیه السلام :سُبحانَکَ خالِقا ومَعبودا بِحُسنِ بَلائِکَ عِندَ خَلقِکَ ! (4)

إثبات الوصیّه عن الإمام علیّ علیه السلام :سُبحانَکَ مَلَأتَ کُلَّ شَیءٍ ، وبایَنتَ کُلَّ شَیءٍ ، فَأنتَ الَّذی لا یَفقِدُکَ شَیءٌ ، وأنتَ الفَعّالُ لِما تَشاءُ . (5)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 394 ح 6172 نقلاً عن درر اللآلی .
2- .فی شرح نهج البلاغه و بحار الأنوار : «سبحان اللّه ...» .
3- .وقعه صفّین : ص 134 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 93 ح 14 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 167 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 318 ح 43 ؛ العقد الفرید : ج 3 ص 129 نحوه .
5- .إثبات الوصیّه : ص 137 ، بحار الأنوار : ج 25 ص 28 ح 46 .

مستدرک الوسائل به نقل از نوفلی ، در باره فرشته ای که خدا را بسیار تسبیح می گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرشته گفت : ای پروردگار من! آیا از میان آفریدگانت ، کسی هست که تو را چون من تسبیح گوید ؟ [خدا] فرمود : آری ؛ یونس» . از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد : آیا او همان یونس بن متّی است ؟ فرمود : «نه ؛ بلکه بنده ای است که به او یونس می گویند . فرشته گفت : ای پروردگار من! مرا اجازت فرما تا او را زیارت و دیدار کنم . [خدا] فرمود : باشد . پس فرشته به نزد او رفت و گفت : من با وجود این همه خلقم که می بینی ، از پروردگارم پرسیدم : آیا موجودی هست که چونان من ، او را تسبیح گوید ؟ و او فرمود : آری ؛ یونس . مگر تو چه تسبیحی می گویی؟! یونس گفت : من در آغاز بامداد و شامگاه ، ده مرتبه می گویم : سپاس ، خدای را ، و پاکا خدا ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا بزرگ تر است ، چندْ چندانِ آنچه همه آفریدگانش او را سپاس می گویند و به پاکی و یگانگی و بزرگی اش می ستایند ، آن سان که او دوست دارد و می پسندد و آن سان که سزامند ذات پاک او و شُکوه بی مانند او و گستردگی کلمات اوست » .

7 / 2تسبیحاتِ رسیده از امام علی بن ابی طالبوقعه صفّین به نقل از عبد الرحمان بن عبید بن ابی کنود ، از امام علی علیه السلام : پاکا خداوندِ بخشندگی (/ قدرت) و نعمت ها ! پاکا خداوند توانایی و دَهِش !

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا تو آفریدگار و معبودی که آفریدگانت را خوش می نوازی!

إثبات الوصیّه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا تو که هر چیزی را [از خود] آکنده ای و [در عین حال] از هر چیزی جدایی ! تویی آن که هیچ چیزی تهی از تو نیست ، و تو آنی که آنچه بخواهی ، انجام می دهی .

.

الأمالى للطوسى عن زيد بن علىّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَهُ مِن لَطيفٍ خَبيرٍ ، لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ . (1)

كنز الفوائد عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَهُ مَن إذا تَناهَتِ العُقولُ فى وَصفِهِ كانَت حائِرَةً عَن دَركِ السَّبيلِ إلَيهِ ، وتَبارَكَ مَن إذا غَرِقَتِ الفِطَنُ فى تَكييفِهِ لَم يَكُن لَها طَريقٌ إلَيهِ غَيرَ الدَّلالَةِ عَلَيهِ . (2)

نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَ الَّذى بَهَرَ العُقولَ عَن وَصفِ خَلقٍ جَلّاهُ لِلعُيونِ ، فَأدرَكَتهُ مُحدودا مُكَوَّنا ، ومُؤَلَّفا مُلَوَّنا ، وأعجَزَ الأَلسُنَ عَن تَلخيصِ صِفَتِهِ ، وقَعَدَ بِها عَن تَأدِيَهِ نَعتِهِ . وسُبحانَ مَن أدمَجَ قَوائِمَ الذَّرَّهِ (3) وَالهَمَجَهِ (4) إلى ما فَوقَهُما مِن خَلقِ الحيتانِ وَالفِيَلَهِ ، ووَأى (5) عَلى نَفسِهِ أن لا يَضطَرِبَ شَبَحٌ مِمّا أولَجَ فيهِ الرُّوحَ ، إلّا وجَعَلَ الحِمامَ مَوعِدَهُ ، وَالفَناءَ غايَتَهُ . (6)

العقد الفريد عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَهُ ما أجَلَّ شَأنَهُ وأعظَمَ سُلطانَهُ ! تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ العُلى ومَن فِى الأَرضِ السُّفلى ، لَهُ التَّسبيحُ وَالعَظَمَهُ ، وَالمُلكُ وَالقُدرَهُ ، وَالحَولُ وَالقُوَّهُ ، يَقضى بِعِلمٍ ، ويَعفو بِحِلمٍ ، قُوَّهُ كُلِّ ضَعيفٍ ، ومَفزَعُ كُلِّ مَلهوفٍ ، وعِزُّ كُلِّ ذَليلٍ ، وَوَلِىُّ كُلِّ نِعمَهٍ ، وصاحِبُ كُلِّ حَسَنَهٍ ، وكاشِفُ كُلِّ كُربَهٍ ، المُطَّلِعُ عَلى كُلِّ خَفِيَّهٍ ، المُحصى لِكُلِّ سَريرَهٍ ، يَعلَمُ ما تُكِنُّ الصُّدورُ ، وما تُرخى عَلَيهِ السُّتورُ . (7)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 705 ح 1509 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 88 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 319 ح 44 وج 78 ص 35 ح 116 .
2- .كنز الفوائد : ج 2 ص 107 ، إرشاد القلوب : ص 169 وزاد فيه «وكفى قوله تعالى : «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» » .
3- .الذَّرُّ : النمل الأحمر الصغير ، واحدتها ذرّه (النهايه : ج 2 ص 157 «ذرر») .
4- .الهَمَجَه : واحده الهَمَج ؛ وهو ذباب صغير يسقط على وجوه الغنم والحمير ، وقيل : هو البَعوض (النهايه : ج 5 ص 273 «همج») .

5- .الوأى : الوعد ، وعدّاه بِعَلى ؛ لأنّه أعطاه معنى : جعل على نفسه (النهايه : ج 5 ص 144 «وأى») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 165 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 32 ح 1 .
7- .العقد الفريد : ج 3 ص 127 ، جواهر المطالب : ج 1 ص 332 نحوه .

الأمالی ، طوسی به نقل از زید بن علی ، از امام زین العابدین علیه السلام ، از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی چنین لطیف و آگاه ، که هیچ چیزی همانند او نیست و شنوا و بیناست !

کنز الفوائد به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا آن که هر گاه خِردها در وصفش به اوج رسند ، از درک راه رسیدن به او سرگشته می مانند ! بزرگا آن که هر گاه اندیشه ها در چونی اش غرقه شوند ، راهی به او نمی یابند جز نشانی از او .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی که خِردها را از وصفِ آفریده ای [چون طاووس] که برای دیدگان ، آشکارش نموده است ، درمانده ساخته است ، چندان که آن را [صرفا] آفریده ای محدود و فراهم آمده [از اجزا] و رنگارنگ در یابند ، و زبان ها را از بیان وصفش ناتوان ، و از به جا آوردن نعتش ، فلج کرده است ! پاکا خدایی که اندام های موران و ریزه مگسان تا موجودات بزرگی چون نهنگ ها و فیلان را ترکیب کرده و با خویش عهد کرده است که هیچ کالبدی که در آن روح دمیده است ، از هم نجنبد [و نپاشد] ، مگر آن که مرگ را وعده گاه آن و نیستی را فرجامش قرار دهد !

العقد الفرید به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا او ! وه که چه پُرشکوه است جایگاه او ، و چه بزرگ است پادشاهی اش ! آسمان های زبرین و هر آن که در زمین زیرین است ، او را به پاکی می ستایند . پاکی و بزرگی ، پادشاهی و توانایی ، نیرو و زورمندی ، او را سزد . به دانایی ، حکم می کند و به بردباری می بخشاید . نیروی هر ناتوانی است و پناه هر غمناکی و عزّتبخش هر خواری و صاحب هر نعمتی و دارنده هر خوبی ای و زداینده هر اندوهی . آگاه از هر پوشیده ای است و شمارنده هر [عمل] نهانی . آنچه را سینه ها پنهان می دارند و آنچه در پس پرده ها نهان اند ، می داند .

.

نهج البلاغه عن الإمام علىّ علیه السلام :سُبحانَکَ ما أعظَمَ شَأنَکَ ! سُبحانَکَ ما أعظَمَ ما نَرى مِن خَلقِکَ ! وما أصغَرَ کُلَّ عَظیمَهٍ فِی جَنبِ قُدرَتِکَ ! وما أهوَلَ ما نَرى مِن مَلَکوتِکَ ! وما أحقَرَ ذلِکَ فیما غابَ عَنّا مِن سُلطانِکَ ! وما أسبَغَ نِعَمَکَ فِی الدُّنیا ! وما أصغَرَها فِی نِعَمِ الآخِرَهِ . (1)

مُهج الدعوات عن الإمام علىّ علیه السلام :سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ ما أعظَمَکَ وأحلَمَکَ وأکرَمَکَ ! وَسِعَ بِفَضلِکَ حِلمُکَ تَمَرُّدَ المُستَکبِرینَ ، وَاستَغرَقَت نِعمَتُکَ شُکرَ الشّاکِرینَ ، وعَظُمَ حِلمُکَ عَن إحصاءِ المُحصینَ ، وجَلَّ طَولُکَ عَن وَصفِ الواصِفینَ . . . سُبحانَکَ ! فَبِکَ أتَقَرَّبُ إلَیکَ ، وبِحَقِّکَ اُقسِمُ ، ومِنکَ أهرُبُ إلَیکَ ، بِنَفسِی استَخفَفتُ عِندَ مَعصِیَتی لا بِنَفسِکَ ، وبِجَهلِی اغتَرَرتُ لا بِحِلمِکَ ، وحَقِّی أضَعتُ لا عَظیمَ حَقِّکَ ، ونَفسی ظَلَمتُ ، ولِرَحمَتِکَ الآنَ رَجَوتُ ، وبِکَ آمَنتُ وعَلَیکَ تَوَکَّلتُ ، وإلَیکَ أنَبتُ وتَضَرَّعتُ ، فَارحَم إلَیکَ فَقری وفاقَتی ، وکَبوَتی لِحُرِّ (2) وَجهی ، وحَیرَتی فی سَوأَهِ ذُنوبی ، إنَّکَ أرحَمُ الرّاحِمینَ . (3)

التوحید عن الحصین بن عبد الرحمن عن أبیه عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلامعن الإمام علىّ علیه السلام : سُبحانَ الَّذی لا یَؤودُهُ خَلقُ مَا ابتَدَأَ ، ولا تَدبیرُ ما بَرَأَ ، ولا مِن عَجزٍ ولا فَترَهٍ بِما خَلَقَ اکتَفی . (4)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 318 ح 43 ؛ العقد الفرید : ج 3 ص 128 نحوه .
2- .حُرّ الوجه : ما أقبل علیک منه. وقیل : الخَدّ (لسان العرب : ج 4 ص 183 «حرر») .
3- .مُهج الدعوات : ص 145 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 232 ح 8 .
4- .التوحید : ص 43 ح 3 ، الکافی : ج 1 ص 135 ح 1 ، الغارات : ج 1 ص 174 وفیه «فتور» بدل «فتره» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 270 ح 15 ؛ العقد الفرید : ج 3 ص 125 نحوه .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا تو و چه بزرگ است مقام تو! پاکا تو و چه بزرگ است آنچه از آفریدگانت می بینیم! و چه خُرد است هر بزرگی در کنار توانایی تو! و چه سهمگین است آنچه از ملکوت تو می بینیم! و چه خُرد است اینها در برابر آنچه از پادشاهی ات بر ما ناپیداست! و چه سرشار است نعمت هایت در دنیا! و چه خُرد است این نعمت ها در برابر نعمت های آخرت!

مهج الدعوات به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا و سپاست باد ! وه که چه بزرگ و بردبار و بزرگواری تو! بردباری ات از سر بخشایندگی ات ، سرکشی گردن فرازان را فرا گرفته است و نعمتت ، سپاس سپاس گزاران را غرقه ساخته است . و بردباری ات ، بیش از آن است که آمارگیران ، آمارش کنند و توانایی ات (/ بخشندگی ات) ، برتر از آن است که وصف کنندگان ، وصفش کنند ... . پاکا تو! به وسیله تو ، خویشتن را به تو نزدیک می گردانم و به حقّ تو سوگند می خورم و از تو ، به خودِ تو می گریزم . آن گاه که نافرمانی تو می کنم ، در حقیقت ، خویشتن را خوار داشته ام ، نه تو را ، و به نادانی خویش غرّه گشته ام ، نه به بردباری تو ، و حقّ خود را تباه ساخته ام ، نه حقّ بزرگ تو را ، و به خود ستم کرده ام . اکنون به رحمت تو امید بسته ام و به تو ایمان دارم و بر تو توکّل می کنم و به درگاه تو ، توبه و لابه می نمایم . پس به فقر و نیازم به تو ، رحم آور و به روسیاهی ام ، و به سرگردانی ام در شرمساری گناهانم ، که تو مهربان ترینِ مهربانانی .

التوحید به نقل از حصین بن عبد الرحمان ، از پدرش ، از امام صادق علیه السلام ، از پدرانش علیهم السلام ، از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی که آفریدن آنچه از هیچ آفرید و تدبیر آنچه بی الگو خلق کرد ، به رنجش نیفکند و بسنده کردنش به آنچه آفرید ، از سر ناتوانی و سستی نبود !

.

نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ فى صِفَهِ الأَرض : سُبحانَ مَن أمسَكَها بَعدَ مَوَجانِ مِياهِها ، وأجمَدَها بَعدَ رُطوبَهِ أكنافِها ؛ فَجَعَلَها لِخَلقِهِ مِهادا ، وبَسَطَها لَهُم فِراشا ، فَوقَ بَحرٍ لُجِّىٍّ (1) راكِدٍ لا يَجرى ، وقائِمٍ لا يَسرى ، تُكَركِرُهُ (2) الرِّياحُ العَواصِفُ ، وتَمخَضُهُ (3) الغَمامُ الذَّوارِفُ (4) . (5)

شرح نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :سُبحانَ مَن نَدعوهُ لِحَظَنا فَيُسرِعُ ، ويَدعونا لِحَظَنا فنُبطِئُ . خَيرُهُ إلَينا نازِلٌ ، وشَرُّنا إلَيهِ صاعِدٌ ، وهُوَ مالِكٌ قادِرٌ . (6)

شرح نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام أيضا : سُبحانَ الواحِدِ الَّذى لَيسَ غَيرُهُ ، سُبحانَ الدّائِمِ الَّذى لا نَفادَ لَهُ ، سُبحانَ القَديمِ الَّذى لَا ابتِداءَ لَهُ ، سُبحانَ الغَنِىِّ عَن كُلِّ شَىءٍ ، ولا شَىءَ مِنَ الأَشياءِ يُغنى عَنهُ ! (7)

نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَ مَن لا يَخفى عَلَيهِ سَوادُ غَسَقٍ (8) داجٍ (9) ، ولا لَيلٍ ساجٍ (10) ، فِى بِقاعِ الأَرَضينَ المُتَطأطِئاتِ ، ولا فى يَفاعِ السَّفعِ (11) المُتَجاوِراتِ ، وما يَتَجَلجَلُ (12) بِهِ الرَّعدُ فى أُفُقِ السَّماءِ ، وما تَلاشَت عَنهُ بُروقُ الغَمامِ . (13)

.

1- .لُجِىّ : أى عظيم ، منسوب إلى اللُّجّه ؛ وهى معظم البحر (مجمع البحرين : ج 3 ص 1622 «لجج») .
2- .الكَرْكَرَه : تصريفُ الريحِ السحابَ إذا جمَعَته بعد تفرُّق (لسان العرب : ج 5 ص 137 «كرر») .
3- .تَمْخَضُه : مِن مَخَضْت اللبن؛ إذا حرّكته لتأخذ زبده (شرح نهج البلاغه : ج 11 ص 59) .
4- .الغَمام الذَّوارِف : أى السُّحب المواطر (شرح نهج البلاغه : ج 11 ص 60) .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 211 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 39 ح 15 .
6- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 348 ح 990 .
7- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 348 ح 997 .
8- .الغَسَق : ظُلمه الليل (النهايه : ج 3 ص 366 «غسق») .

9- .دَجا الليلُ : إذا تمّت ظَلمته وألبسَ كلّ شىء (النهايه : ج 2 ص 102 «دجا») .
10- .ساجٍ : اسم فاعل من سجا بمعنى رَكَدَ واستقرّ ، والمراد : ليل راكد ظلامه ، مستقرّ قد بلغ غايته (مجمع البحرين : ج 2 ص 822 «سجا») .
11- .اليَفاع : المشرف من الأرض والجبل ، وكلّ شىء مرتفع فهو يَفاع. والسُّفْع : جمع السَفَع : السواد (لسان العرب : ج 8 ص 157 «سفع» وص 414 «يفع») .
12- .الجَلْجَله : صوت الرعد (القاموس المحيط : ج 3 ص 350 «جلّ») .
13- .نهج البلاغه : الخطبه 182 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 314 ح 40 وج 77 ص 309 ح 13 .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام ، از خطبه ایشان در وصف زمین : پاکا خدایی که زمین دست خوش آب های خروشان را محکم نگه داشت ، و آن را که کرانه هایش نمناک بود ، خشکانید . پس برای آفریدگان خود ، گهواره ای قرارش داد و برایشان فرشی هموار گسترانیدش ، بر روی دریایی سهمگین و آرام که روان نمی شود ، و ایستاده که حرکت نمی کند ؛ دریایی که بادهای توفنده به خروشش می آورند و ابرهای بارنده به جنبشش می اندازند .

شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام ، در حکمت های منسوب به ایشان : پاکا خدایی که او را به سود خویش می خوانیم و شتابان پاسخمان می دهد ، و او ما را به سودمان فرا می خواند و ما در اجابت او ، کندی می کنیم ! خوبی های او به سوی ما فرو می آیند و بدی های ما به درگاهش بالا می روند ، و او مالکی تواناست .

شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا یگانه ای که جز او [خدایی]نیست ! پاکا پاینده ای که او را پایانی نیست ! پاکا دیرینی که او را آغازی نیست ! پاکا بی نیاز از هر چیز ! و هیچ چیز ، از او بی نیاز نمی کند [و جای او را نمی گیرد] .

نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی که هیچ سیاهیِ شب تاری ، و هیچ شبِ سیه فام آرامی ، در هیچ نقطه پستی از زمین ، و در هیچ یک از رشته کوه های تیره گون ، و نه غرّش تندر در کرانه آسمان ، و نه جهش آذرخش ابرها ، بر او پوشیده نیست .

.

مصباح المتهجّد عن الإمام الصادق عليه السلام فى ذِكرِ تَسبيحِ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام بَعدَ صَلاتِهِ : سُبحانَ مَن لا تَبيدُ مَعالِمُهُ ، سُبحانَ مَن لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ ، سُبحانَ مَن لَا اضمِحلالَ لِفَخرِهِ ، سُبحانَ مَن لا يَنفَدُ ما عِندَهُ ، سُبحانَ مَن لَا انقِطاعَ لِمُدَّتِهِ ، سُبحانَ مَن لا يُشارِكُ أحَدا فى أمرِهِ ، سُبحانَ مَن لا إلهَ غَيرُهُ . (1)

كامل الزيارات عن أبى سعيد المدائنى :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقُلتُ : . . . جُعِلتُ فِداكَ ، عَلِّمنى تَسبيحَ عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهماالسلام . قالَ : نَعَم يا أبا سَعيدٍ ، تَسبيحُ عَلِيٍّ عليه السلام : سُبحانَ الَّذى لا تَنفَدُ خَزائِنُهُ ، سُبحانَ الَّذى لا تَبيدُ مَعالِمُهُ ، سُبحانَ الَّذى لا يَفنى ما عِندَهُ ، سُبحانَ الَّذى لا يُشرِكُ أحَدا فى حُكمِهِ ، سُبحانَ الَّذى لَا اضمِحلالَ لِفَخرِهِ ، سُبحانَ الَّذى لَا انقِطاعَ لِمُدَّتِهِ ، سُبحانَ الَّذى لا إلهَ غَيرُهُ . (2)

فلاح السائل عن الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، سُبحانَ اللّهِ بِالغُدُوِّ وَالآصالِ ، سُبحانَ اللّهِ بِالعَشِيِّ وَالإبكارِ «فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» (3) سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّهِ عَمّا يَصِفُونَ ، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . سُبحانَ ذِى المُلكِ وَالمَلَكوتِ ، سُبحانَ ذِى العِزَّهِ وَالجَبَروتِ ، سُبحانَ الحَيِّ الَّذى لا يَموتُ ، سُبحانَ اللّهِ القائِمِ الدّائِمِ ، سُبحانَ الحَيِّ القَيّومِ ، سُبحانَ العَلِيِّ الأعلى ، سُبحانَهُ وتَعالى ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ رَبُّ المَلائِكَهِ وَالرُّوحِ . (4)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 292 ح 403 ، جمال الأُسبوع : ص 163 ، المصباح للكفعمى : ص 539 ، كامل الزيارات : ص 413 ح 639 وفيه «يشاور» بدل «يشارک» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 172 ح 5 .
2- .كامل الزيارات : ص 384 ح 631 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 167 ح 17 .
3- .الروم : 17 و 18.
4- .فلاح السائل : ص 356 ح 240 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 84 ح 10 .

مصباح المتهجّد به نقل از امام صادق علیه السلام ، در بیان تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام بعد از نمازش : پاکا خدایی که نشانه هایش نابود نمی شوند ! پاکا خدایی که گنجینه هایش کاستی نمی گیرند ! پاکا خدایی که سربلندی اش از میان نمی رود ! پاکا خدایی که آنچه نزد اوست ، پایان نمی پذیرد ! پاکا خدایی که عمرش به سر نمی آید ! پاکا خدایی که هیچ کس را در کار خود ، انباز نمی سازد ! پاکا خدایی که جز او معبودی نیست !

کامل الزیارات به نقل از ابو سعید مدائنی : بر امام صادق علیه السلام در آمدم و گفتم : ... قربانت گردم ! تسبیح علی و فاطمه علیهماالسلام را به من بیاموز . فرمود : «باشد ، ای ابو سعید ! تسبیح علی علیه السلام ، این است : پاکا خدایی که گنجینه هایش پایان نمی گیرند ! پاکا خدایی که نشانه هایش از میان نمی روند ! پاکا خدایی که آنچه نزد اوست ، نابود نمی شود ! پاکا خدایی که هیچ کس را در فرمان روایی خود ، انباز نمی گرداند ! پاکا خدایی که سربلندی اش از بین نمی رود ! پاکا خدایی که عمرش به سر نمی آید ! پاکا خدایی که جز او معبودی نیست !» .

فلاح السائل به نقل از امام علی علیه السلام ، از دعای ایشان پس از نماز عصر : پاکا خدا و سپاس ، خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است ، و هیچ توش و توانی نیست ، جز به یاری خدای بلندمرتبه و بزرگ ! پاکا خداوند در هر بام و شام ! پاکا خداوند در هر شامگاه و پگاه ! «پس پاکا خدا ، آن گاه که شام می کنید و آن گاه که بام می کنید ! ستایش ، او راست در آسمان ها و زمین ، و در شامگاه و آن گاه که به نیم روز در می آیید» . پاکا پروردگار تو ، پروردگار عزّت ، از آنچه در وصف او می گویند ! و درود بر فرستادگان [الهی] ، و سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . پاکا خداوندگار مُلک و ملکوت ! پاکا خداوندگار عزّت و قدرت ! پاکا زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا خداوند پابرجا و پایدار ! پاکا زنده پاینده ! پاکا والای برین ! پاکا و برینا او ! پاکا و مقدّسا پروردگار فرشتگان و روح !

.

البلد الأمين عن الإمام علىّ عليه السلام :سُبحانَ اللّهِ الَّذى خَلَقَ الدُّنيا لِلفَناءِ وَالبُيودِ ، وَالآخِرَةَ لِلبَقاءِ وَالخُلودِ ، وسُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يَنقُصُهُ ما أعطى فَأسنى وإن جازَ المَدى فِى المُنى وبَلَغَ الغايَةَ القُصوى ، ولا يَجورُ فى حُكمِهِ إذا قَضى ، وسُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يَرُدُّ ما قَضى ، ولا يَصرِفُ ما أمضى ، ولا يَمنَعُ ما أعطى ، ولا يَهفو ولا يَنسى ولا يَعجَلُ ، بل يُمهِلُ ويَعفو ويَغفِرُ ويَرحَمُ ويَصبِرُ ، ولا يُسأَلُ عَمّا يَفعَلُ وهُم يُسألونَ . (1)

جمال الأُسبوع عن عبد اللّه بن عطاء عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلامعن الإمام علىّ عليه السلام : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، وسُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلَهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، سُبحانَ اللّهِ آناءَ اللَّيلِ وأطرافَ النَّهارِ ، سُبحانَ اللّهِ بِالغُدُوِّ وَالآصالِ ، سُبحانَ اللّهِ بِالعَشِىِّ وَالإبكارِ ، سُبحانَ اللّهِ حينَ تُمسونَ وحينَ تُصبِحونَ ، ولَهُ الحَمدُ فِى السَّماواتِ وَالأَرضِ وعَشِيّا وحينَ تُظهِرونَ ، يُخرِجُ الحَىَّ مِنَ المَيِّتِ ويُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَىِّ ، ويُحيِى الأَرضَ بَعدَ مَوتِها وكَذلِكَ تَخرُجونَ ، سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّهِ عَمّا يَصِفونَ ، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العَرشِ العَظيمِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، سُبحانَ الَّذى لَهُ العِزَّةُ وَالكَرَمُ ، سُبحانَ الَّذى لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لَهُ ، سُبحانَ مَن أحصى كُلَّ يَومٍ عِلمُهُ ، سُبحانَ ذِى الطَّولِ وَالفَضلِ ، سُبحانَ ذِى المَنِّ وَالنِّعَمِ ، سُبحانَ ذِى القُدرَهِ وَالكَرَمِ ، سُبحانَ ذِى المُلكِ وَالمَلَكوتِ ، سُبحانَ ذِى الكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ وَالجَبَروتِ ، سُبحانَ المَلِكِ الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، سُبحانَ المَلِكِ الحَىِّ المُهَيمِنِ القُدّوسِ ، سُبحانَ القائِمِ الدّائِمِ ، سُبحانَ اللّهِ الحَىِّ القَيّومِ ، سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ ، سُبحانَ رَبِّىَ الأَعلَى ، سُبحانَهُ وتَعالى ، سُبّوحٌ وقُدّوسٌ رَبُّنا ورَبُّ المَلائِكَهِ وَالرُّوحِ . سُبحانَ الدّائِمِ غَيرِ الغافِلِ ، سُبحانَ العالِمِ بِغَيرِ تَعليمٍ ، سُبحانَ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ الَّذى يُدرِكُ الأَبصارَ ولا تُدرِكُهُ الأَبصارُ وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ . (2)

.

1- .البلد الأمين : ص 92 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 139 ح 7 .
2- .جمال الأُسبوع : ص 280 ، مُهج الدعوات : ص 185 عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وص 188 ، البلد الأمين : ص 24 ، مصباح المتهجّد : ص 84 ح 141 ، فلاح السائل : ص 188 ح

265 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 75 ح 1 .

البلد الأمین به نقل از امام علی علیه السلام : پاکا خدایی که دنیا را از بهر نیستی و نابودی آفرید ، و آخرت را از برای ماندن و جاودانگی ! پاکا خدایی که هر چه دهد و بسیار هم می دهد ، اگرچه از اندازه آرزو فراتر دهد و دهش را به اوج رساند ، باز چیزی از او کم نمی شود ، و آن گاه که داوری کند ، در حکم خویش ستم روا نمی دارد ! پاکا خدایی که آنچه را حکم کند ، برنمی گرداند ، و آنچه را امضا کند ، لغو نمی گرداند ، و آنچه را بدهد ، جلو نمی گیرد ، و دچار لغزش و فراموشی و شتاب نمی شود ؛ بلکه مهلت می دهد و می بخشاید و می آمرزد و مهر می آوَرَد و شکیب می ورزد ، و از آنچه انجام می دهد ، بازخواست نمی شود ، در حالی که مردمان ، بازخواست می شوند !

جمال الأُسبوع به نقل از عبد اللّه بن عطا ، از امام باقر ، از پدرانش علیهم السلام ، از امام علی علیه السلام : به نام خداوند مهرگستر مهربان . به نام خدا و به یاری خدا . پاکا خدا و سپاس ، خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و هیچ توش و توانی نیست ، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ . پاکا خدا در طول شب و روز ! پاکا خدا در بامدادان و عصرگاهان ! پاکا خدا در شبانگاه و صبحگاه ! پاکا خدا ، آن گاه که شام می کنید و آن گه که صبح می کنید ! و ستایش ، او راست در آسمان ها و زمین ، و در شبانگاه و آن گاه که به نیم روز در می آیید . زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بر می کشد ، و زمین را پس از مردنش زنده می گرداند و شما نیز این گونه بیرون می آیید . پاکا پروردگارت ، پروردگار عزّت ، از آنچه در وصفش می گویند ! و درود بر فرستادگان [الهی] ، و سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . پاکا پروردگارِ تو ، پروردگارِ عرش (اورنگ) بزرگ ! هیچ نیرو و توانی نیست ، جزبه یاری خداوند والا و بزرگ . پاکا خدایی که عزّت و بزرگواری ، از آنِ اوست ! پاکا خدایی که تسبیح ، جز او را نسزد ! پاکا خدایی که علم او ، آمار هر روزی را دارد ! پاکا خداوند مُلک و ملکوت ! پاکا خداوند بزرگی و عظمت و قدرت ! پاکا پادشاه زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا پادشاه زنده نگه دارنده مقدّس ! پاکا ایستاده همیشگی ! پاکا زنده پاینده ! پاکا پروردگار بزرگ من ! پاکا پروردگار برین من ! پاکا و برینا او ! پاک و مقدّس است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح . پاکا خداوندی که همیشگی است و هیچ گاه ، غافل نیست ! پاکا خداوندی که داناست ، بی آن که تعلیم گرفته باشد !

پاکا آفریننده دیدنی ها و نادیدنی ها ! پاکا خدایی که دیدگان را در می یابد و دیدگان ، او را در نمی یابند ! و البتّه او ریزبین و آگاه است .

.

7 / 3التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَن فاطِمَةَ بِنتِ رَسولِ اللّهِفلاح السائل عن فاطمه عليهاالسلام مِن دُعائِها بَعدَ صَلاهِ العَصرِ : سُبحانَ مَن يَعلَمُ جَوارِحَ القُلوبِ ، سُبحانَ مَن يُحصى عَدَدَ الذُّنوبِ ، سُبحانَ مَن لا تَخفى عَلَيهِ خافِيَهٌ فِى الأَرضِ ولا فِى السَّماءِ . (1)

فلاح السائل عن فاطمه عليهاالسلام مِن دُعائِها بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ : سُبحانَ مَن تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ ، سُبحانَ مَن ذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، سُبحانَ مَن خَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِأَمرِهِ ومُلكِهِ ، سُبحانَ مَنِ انقادَت لَهُ الأُمورُ بِأَزِمَّتِها (2) . (3)

.

1- .فلاح السائل : ص 357 ح 241 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 85 ح 11 .
2- .زمَمتُ الناقةَ أزمّها ، والزِّمام الخيط الذى فى أنفها ، والجمع أزمّه (العين : ص 351 «زمم»). أزمّتها : لفظهٌ مستعارهٌ من انقياد الإبل بأزمّتها مع قائدها (شرح نهج البلاغه : ج 8 ص 272) .
3- .فلاح السائل : ص 440 ح 303 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 115 ح 2 .

7 / 3تسبیحاتِ رسیده از فاطمه ، دختر پیامبر خدافلاح السائل به نقل از فاطمه علیهاالسلام ، از دعای ایشان پس از نماز عصر :پاکا خدایی که دستاوردهای دل ها را می داند ! پاکا خدایی که تعداد گناهان را شماره می کند ! پاکا خدایی که هیچ پنهانی در زمین و در آسمان بر او پوشیده نیست !

فلاح السائل به نقل از فاطمه علیهاالسلام ، از دعای ایشان بعد از نماز عشا : پاکا خدایی که هر موجودی در برابر عظمت او ، پست است ! پاکا خدایی که هر موجودی در برابر عزّت او ، خوار است ! پاکا خدایی که هر موجودی در برابر فرمان او و پادشاهی اش ، فرمان بردار است ! پاکا خدایی که زمام همه کارها در دست اوست !

.

كامل الزيارات عن أبى سعيد المدائنى :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقُلتُ : . . . جُعِلتُ فِداکَ ، عَلِّمنى تَسبيحَ عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهماالسلام . قالَ : نَعَم يا أبا سَعيدٍ . . . تَسبيحُ فاطِمَةَ عليهاالسلام : سُبحانَ ذِى الجَلالِ الباذِخِ (1) العَظيمِ ، سُبحانَ ذِى العِزِّ الشّامِخِ المُنيفِ (2) ، سُبحانَ ذِى المُلکِ الفاخِرِ القَديمِ ، سُبحانَ ذِى البَهجَهِ وَالجَمالِ ، سُبحانَ مَنِ تَرَدّى بِالنّورِ وَالوَقارِ ، سُبحانَ مَن يَرى أثَرَ النَّملِ فِى الصَّفا (3) ، ووَقعَ الطَّيرِ فِى الهَواءِ . (4)

راجع : ص 86 (تسبيحات فاطمه عليهاالسلام) .

7 / 4التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحُسَينِالإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ عَرَفَهَ : سُبحانَکَ سُبحانَکَ مِن مُبدِئٍ مُعيدٍ حَميدٍ مَجيدٍ ، وتَقَدَّسَت أسماؤُکَ وعَظُمَت آلاؤُکَ ، فَأىُّ أنعُمِکَ يا إلهى أحصى عَدَدا أو ذِکرا . . . سُبحانَهُ سُبحانَهُ سُبحانَهُ لَو كانَ فيهِما آلِهَهٌ إلَا اللّهُ لَفَسَدَتا وتَفَطَّرَتا ، فَسُبحانَ اللّهِ الواحِدِ الحَقِّ الأحَدِ الصَّمَدِ الَّذى لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ . . . . تُسَبِّحُ لَکَ السَّماواتُ وَالأرضُ ومَن فيهِنَّ وإن مِن شَىءٍ إلّا يُسَبِّحُ بِحَمدِکَ . (5)

.

1- .الباذخ : العالى (النهايه : ج 1 ص 110 «بذخ») .
2- .نافَ الشىء : إذا طال وارتفع (النهايه : ج 5 ص 141 «نيف») .
3- .الصَّفا : جمع صفاه ؛ وهى الصخره والحجر الأملس (النهايه : ج 3 ص 41 «صفا») .
4- .كامل الزيارات : ص 384 ح 631 ، جمال الأُسبوع : ص 171 عن المفضّل بن عمر وزاد فى آخره «سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 167 ح 17 وج 91 ص 181 ح 8 وراجع : مصباح المتهجّد : ص 301 وص 671 والإقبال : ج 2 ص 44 والمصباح للكفعمى : ص 539 .
5- .الإقبال : ج 2 ص 76 ، البلد الأمين : ص 252 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 217 ح 3 .

کامل الزیارات به نقل از ابو سعید مدائنی : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم : ... قربانت گردم ! تسبیح علی و فاطمه علیهماالسلام را به من بیاموز . فرمود : «باشد ، ای ابو سعید ! ... . تسبیح فاطمه علیهاالسلام این است : پاکا خداوندگارِ شُکوه و بلندمرتبه و باعظمت ! پاکا خداوندگار عزّت و والامقام و بارفعت ! پاکا پادشاه سرفراز دیرین ! پاکا خداوندگار بهجت و زیبایی ! پاکا آن که ردای روشنایی و وقار در پوشیده است ! پاکا آن که ردّ پای موران بر تخته سنگ و جایگاه فرود آمدن پرندگان هوا را می بیند !» .

ر . ک : ص 87 (تسبیحات فاطمه علیهاالسلام) .

7 / 4تسبیحاتِ رسیده از امام حسینالإقبال به نقل از امام حسین علیه السلام ، از دعای ایشان در روز عرفه : پاکا تو ، پاکا تو که آغازگر [خلق] و باز گرداننده ای ، ستوده و بزرگواری ، و نام هایت مقدّس و نعمت هایت بزرگ است ! پس ، کدامین نعمت تو را ای معبود من بر شمارم ، یا نام برم ... ؟ پاکا او ، پاکا او ، پاکا او که اگر در آسمان ها و زمین ، جز خدای یگانه ، خدایانی دیگر بودند ، بی گمان ، آسمان ها و زمین ، تباه می شدند و از هم می پاشیدند ! پس ، پاکا خدای یگانه راستینِ یکتای بی نیازی که نه زاده ای دارد و نه زاده کسی است و هیچ کس همتا و همسرش نیست ... ! آسمان ها و زمین و هر آن کس که در آنهاست ، تو را به پاکی می ستایند ، و هیچ موجودی نیست ، مگر آن که تو را تسبیح و سپاس می گوید .

.

7 / 5التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ زَينِ العابِدينَتحف العقول عن الإمام زين العابدين عليه السلام :سُبحانَ مَن جَعَلَ الاِعتِرافَ بِالنِّعمَهِ لَهُ حَمدا ، سُبحانَ مَن جَعَلَ الاِعتِرافَ بِالعَجزِ عَنِ الشُّكرِ شُكرا . (1)

الصحيفه السجّاديّه عن الإمام زين العابدين عليه السلام :سُبحانَكَ !أخشى خَلقِكَ لَكَ أعلَمُهُم بِكَ، وأخضَعُهُم لَكَ أعمَلُهُم بِطاعَتِكَ ، وأهوَنُهُم عَلَيكَ مَن أنتَ تَرزُقُهُ وهُوَ يَعبُدُ غَيرَكَ . سُبحانَكَ ! لا يَنقُصُ سُلطانَكَ مَن أشرَكَ بِكَ وكَذَّبَ رُسُلَكَ ، ولَيسَ يَستَطيعُ مَن كَرِهَ قَضاءَكَ أن يَرُدَّ أمرَكَ ، ولا يَمتَنِعُ مِنكَ مَن كَذَّبَ بِقُدرَتِكَ ، ولا يَفوتُكَ مَن عَبَدَ غَيرَكَ ، ولا يُعَمَّرُ فِي الدُّنيا مَن كَرِهَ لِقاءَكَ . سُبحانَكَ ! ما أعظَمَ شَأنَكَ ، وأقهَرَ سُلطانَكَ ، وأشَدَّ قُوَّتَكَ ، وأنفَذَ أمرَكَ . سُبحانَكَ ! قَضَيتَ عَلى جَميعِ خَلقِكَ المَوتَ ؛ مَن وَحَّدَكَ ومَن كَفَرَ بِكَ ، وكُلُّ ذائِقُ المَوتِ ، وكُلٌّ صائِرٌ إلَيكَ . (2)

الصحيفه السجّاديّه عن الإمام زين العابدين عليه السلام :سُبحانَكَ ! ما أجَلَّ شَأنَكَ ، وأسنى فِي الأماكِنِ مَكانَكَ ، وأصدَعَ بِالحَقِّ فُرقانَكَ . (3) سُبحانَكَ مِن لَطيفٍ ما ألطَفَكَ ، ورَؤوفٍ ما أرأفَكَ ، وحَكيمٍ ما أعرَفَكَ . سُبحانَكَ مِن مَليكٍ ما أمنَعَكَ ، وجَوادٍ ما أوسَعَكَ ، ورَفيعٍ ما أرفَعَكَ ، ذُو البَهاءِ وَالمَجدِ ، وَالكبرِياءِ وَالحَمدِ . سُبحانَكَ ! بَسَطتَ بِالخَيراتِ يَدَكَ ، وعُرِفَتِ الهِدايَهُ مِن عِندِكَ ، فَمَنِ التَمَسَكَ لِدينٍ أو دُنيا وَجَدَكَ . سُبحانَكَ ! خَضَعَ لَكَ مَن جَرى فى عِلمِكَ ، وخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ ما دونَ عَرشِكَ ، وَانقادَ لِلتَّسليمِ لَكَ كُلُّ خَلقِكَ . سُبحانَكَ ! لا تُحَسُّ ولا تُجَسُّ ولا تُمَسُّ ، ولا تُكادُ ولا تُماطُ (4) ، ولا تُنازَعُ ولا تُجارى ولا تُمارى (5) ، ولا تُخادَعُ ولا تُماكَرُ . سُبحانَكَ ! سَبيلُكَ جَدَدٌ (6) ، وأمرُكَ رَشَدٌ ، وأنتَ حَيٌّ صَمَدٌ . سُبحانَكَ ! قَولُكَ حُكمٌ ، وقَضاؤُكَ حَتمٌ ، وإرادَتُكَ عَزمٌ . سُبحانَكَ ! لا رادَّ لِمَشِيَّتِكَ ، ولا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ . سُبحانَكَ ! باهِرَ الآياتِ ، فاطِرَ السَّماواتِ ، بارِئَ النَّسَماتِ . (7)

.

1- .تحف العقول : ص 283 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 142 ح 37 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 221 الدعاء 52 .
3- .الفُرقان : القرآن ، وكلّما فُرّق به بين الحقّ والباطل (مجمع البحرين : ج 3 ص 1387 «فرق») .
4- .ماطَ فى حكمه : أى جارَ (الصحاح : ج 3 ص 1162 «ميط») .

5- .التمارى والمماراه : المجادله على مذهب الشكّ والريبه (النهايه : ج 4 ص 322 «مرا») .
6- .الطريق الجَدَد : أى الواضح (العين : ص 129 «جدد») .
7- .الصحيفه السجّاديّه : ص 187 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 89 نحوه ، المصباح للكفعمى : ص 888 .

7 / 5تسبیحاتِ رسیده از امام زین العابدینتحف العقول به نقل از امام زین العابدین علیه السلام : پاکا خدایی که اعتراف به نعمتش را ، سپاس گزاری از خویش قرار داد ! پاکا خدایی که اعتراف به ناتوانی از سپاس گزاری[اش] را ، سپاس قرار داد !

الصحیفه السجّادیّه به نقل از امام زین العابدین علیه السلام : پاکا تو که از آفریدگانت ، آن که تو را بیشتر شناسد ، از تو بیشتر می ترسد ، و آن که تو را بیشتر فرمان برد ، خضوعش در برابر تو بیشتر است ، و آن کسی نزد تو خوارتر است که تو روزی اش دهی و او غیر تو را بندگی کند ! پاکا تو ، که آن که برای تو انباز آورَد و فرستادگانت را تکذیب کند ، از سلطنت تو هیچ نتواند کاست ، و آن که قضای تو را خوش ندارد ، نتواند فرمانت را رد کند ، و آن که منکر قدرت تو شود ، خویشتن را از تو در امان نتواند داشت ، و آن که غیر تو را بندگی کند ، از چنگ تو نتواند گریخت ، و آن که دیدار تو را ناخوش دارد ، نتواند تا ابد در دنیا زندگی کند ! پاکا تو! وه که چه بزرگ است مقام تو ، و چه کوبنده است قدرت تو ، و چه بسیار است نیروی تو ، و چه روان است فرمان تو! پاکا تو که مرگ را بر همه آفریدگانت رقم زدی : چه آن که به یگانگی تو بار آورده باشد یا به تو کفر ورزد ! همگان طعم مرگ را می چشند ، و همگان ره سپار کوی تو اند .

الصحیفه السجّادیّه به نقل از امام زین العابدین علیه السلام : پاکا تو! وه که چه بزرگ است مقام تو ، و چه بلند است جایگاه تو در میان جای ها ، و چه آشکار کننده حق است قرآن تو! پاکا تو ، ای لطیف ! وه که چه لطیفی تو! پاکا تو ، ای رئوف ! وه که چه رئوفی تو! پاکا تو ، ای حکیم ! وه که چه دانایی تو! پاکا تو ، ای پادشاه ! وه که چه دست نایافتنی هستی تو! پاکا تو ، ای بخشنده ! وه که چه گشاده دستی تو! پاکا تو ، ای بلندمرتبه ! وه که چه بلندمرتبه ای تو! خداوندگار شُکوه و بزرگی و کبریایی تو ، و سزامند سپاسی تو. پاکا تو که دستت به نیکی ها گشاده است و راه راست، از نزد تو شناخته شده است ! پس هر آن کس که دین یا دنیا را از تو بخواهد ، می یابد . پاکا تو که هر آن که در قلمرو دانشِ تو جای دارد ، فرمان بردار توست ، و هر آنچه فروتر از اورنگ توست ، در برابر عظمت تو خاشع است ، و همه آفریدگانت در برابر تو سر تسلیم فرو دارند ! پاکا تو که نه

در حواسّ درونی و نه بیرونی نمی گَنجی و نه به لمس در می آیی ! با تو حیله نتوانند کرد و مورد ستم قرار نمی گیری . یارای ستیز با تو نیست و مغلوب ناشدنی هستی و جدال ، در تو راه ندارد . نه فریب داده می شوی و نه کسی را یارای مکر با توست . پاکا تو که راهت روشن است ، و فرمانت خردمندانه و هدایتگر ، و تو زنده ای و بی نیاز ! پاکا تو که سُخنت حکم است ، و قضایت حتمی ، و خواستنت تصمیم استوار . پاکا تو که هیچ کس نمی تواند جلو خواست تو را بگیرد ، و کلماتت را دگرگون سازد ! پاکا تو ، ای نشانه هایت روشن ، ای آفریننده آسمان ها ، ای پدیدآورنده جانداران !

.

7 / 6التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الباقِرِ عليه السلامالكافى عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام :سُبحانَ اللّهِ كُلَّما سَبَّحَ اللّهَ شَىءٌ ، وكَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُسَبَّحَ . (1)

فلاح السائل عن الإمام الباقر عليه السلام مِمّا عَلَّمَهُ لِلإمامِ الصّادِقِ عليه السلام أن يَقولَ عَقيبَ الفَرائِضِ : سُبحانَ ذِى المُلكِ وَالمَلَكوتِ ، سُبحانَ ذِى العِزَّهِ وَالجَبَروتِ ، سُبحانَ ذِى الكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ ، سُبحانَ الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، سُبحانَ رَبِّىَ الأعلى ، سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . (2)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مُهج الدعوات : ص 216 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 268 ح 3 .
2- .فلاح السائل : ص 306 ح 208 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 11 ح 9 .

7 / 6تسبیحاتِ رسیده از امام باقرالکافی به نقل از ابو حمزه ثُمالی ، از امام باقر علیه السلام : پاکا خدا ، هر اندازه که چیزی او را به پاکی می ستاید ، و آن سان که خدا خود ، دوست دارد به پاکی ستوده شود !

فلاح السائل به نقل از امام باقر علیه السلام ، در دعایی که به امام صادق علیه السلام آموخت تا در تعقیبات نمازهای واجب بگوید : پاکا خداوندگار مُلک و ملکوت ! پاکا خداوندگار عزّت و قدرت ! پاکا خداوندگار کبریا و عظمت ! پاکا زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا پروردگار برین من ! پاکا پروردگار بزرگ من ! پاکا خدا و سپاس ، او را !

.

تفسير العيّاشى عن داوود :كُنّا عِندَهُ] أيِ الإمامِ الباقِرِ أوِ الإمامِ الصّادِقِ عليهماالسلام[فَارتَعَدَتِ السَّماءُ فَقالَ هُوَ : سُبحانَ مَن يُسَبِّحُ لَهُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ ، وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ . (1)

7 / 7التَّسبيحاتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الصّادِقِالدعوات عن الإمام الصادق عليه السلام :سُبحانَ مَن لا يَستَأنِسُ بِشَىءٍ أبقاهُ ، ولا يَستَوحِشُ مِن شَىءٍ أفناهُ . (2)

فلاح السائل عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ بَينَ الأَذانِ وَالإِقامَهِ : سُبحانَ مَنِ لا تَبيدُ مَعالِمُهُ ، سُبحانَ مَن لا يَنسى مَن ذَكَرَهُ ، سُبحانَ مَن لا يُخَيِّبُ سائِلَهُ ، سُبحانَ مَن لَيسَ لَهُ حاجِبٌ يُغشى ، ولا بَوّابٌ (3) يُرشى ، ولا تَرجُمانٌ (4) يُناجى ، سُبحانَ مَنِ اختارَ لِنَفسِهِ أحسَنَ الأَسماءِ ، سُبحانَ مَن فَلَقَ (5) البَحرَ لِموسى ، سُبحانَ مَن لا يَزدادُ عَلى كَثرَهِ العَطاءِ إلّا كَرَما وجودا ، سُبحانَ مَن هُوَ هكَذا ولا هكَذا غَيرُهُ . (6)

.

1- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 207 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 218 ح 38 وج 59 ص 379 ح 19 .
2- .الدعوات : ص 240 ح 672 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 172 ح 6 وج 95 ص 362 ح 20 .
3- .رجل بوّاب : لازمٌ لِلباب وحرفته البوابه (لسان العرب : ج 1 ص 223 «بوب») .
4- .التَّرجُمان : هو الذى يترجم الكلام ؛ أى ينقله من لغه إلى أُخرى (النهايه : ج 1 ص 186 «ترجم») .
5- .الفَلْقُ : الشقُّ (النهايه : ج 3 ص 471 «فلق») .
6- .فلاح السائل : ص 273 ح 165 ، مصباح المتهجّد : ص 29 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 64 ، المصباح للكفعمى : ص 22 والثلاثه الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 178 ح 9 .

تفسیر العیّاشی به نقل از داوود : نزد ایشان (امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام) بودیم که آسمان غرّید . فرمود : «پاکا آن که رعد و فرشتگان ، از بیمش ، او را تسبیح و سپاس می گویند !» .

7 / 7تسبیحاتِ رسیده از امام صادقالدعوات به نقل از امام صادق علیه السلام : پاکا خدایی که با چیزی که نگه داشته ، انس نمی گیرد ، و از چیزی که نابودش ساخته ، نمی هراسد !

فلاح السائل به نقل از معاویه بن وهب ، از امام صادق علیه السلام ، در نیایش میان اذان و اقامه : پاکا آن که نشانه هایش از بین نمی روند ! پاکا آن که از یاد نمی برد هر آن که را یادش کند ! پاکا آن که گدای درگاهش را نومید نمی گرداند ! پاکا آن که او را پرده داری نیست تا [حاجتمندان درگاهش ، نخست] بر او در آیند ، و او را دربانی نیست که رشوه اش دهند ، و او را ترجمانی نیست که با او راز گویند [و از طریق او با خداوند ، سخن بگویند] ! پاکا آن که نیکوترین نام ها را برای خویش برگزید ! پاکا آن که دریا را برای موسی شکافت ! پاکا آن که هر چه بیشتر دَهِش کند ، بر بزرگواری و بخشندگی اش افزون تر می شود ! پاکا آن که چنین است و جز او کسی چنین نیست !

.

الكافى عن أبى سعيد المدائنىّ :قالَ لى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ألا اُعَلِّمُکَ شَيئا تَقولُهُ فى صَلاهِ جَعفَرٍ؟ فَقُلتُ : بَلى ، فَقالَ : إذا كُنتَ فى آخِرِ سَجدَهٍ مِنَ الأَربَعِ رَكَعاتٍ ، فَقُل إذا فَرَغتَ مِن تَسبيحِکَ : سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَالوَقارَ ، سُبحانَ مَن تَعَطَّفَ بِالمَجدِ وتَكَرَّمَ بِهِ ، سُبحانَ مَن لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لَهُ ، سُبحانَ مَن أحصى كُلَّ شَىءٍ عِلمُهُ ، سُبحانَ ذِى المَنِّ وَالنِّعَمِ ، سُبحانَ ذِى القُدرَهِ وَالكَرَمِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِمَعاقِدِ العِزِّ مِن عَرشِکَ ، ومُنتَهَى الرَّحمَهِ مِن كِتابِکَ ، وَاسمِکَ الأَعظَمِ وكَلِماتِکَ التّامَّهِ الّتى تَمَّت صِدقا وعَدلاً ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ وَافعَل بى كَذا وكَذا . (1)

جمالِ الاُسبوعِ عن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام :يَقولُ] أي المُصَلِّى] فى آخِرِ رَكعَهٍ مِن صَلاهِ جَعفَرِ بنِ أبى طالِبٍ : سُبحانَ اللّهِ الواحِدِ الأَحَدِ ، سُبحانَ اللّهِ الأَحَدِ الصَّمَدِ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ صاحِبَهً ولا وَلَدا ، سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَالوَقارَ ، سُبحانَ مَن تَعَظَّمَ بِالمَجدِ وتَكَرَّمَ بِهِ ، سُبحانَ مَن أحصى كُلَّ شَىءٍ عِلمُهُ ، سُبحانَ ذِى الفَضلِ وَالطَّولِ ، سُبحانَ ذِى المَنِّ وَالنِّعَمِ ، سُبحانَ ذِى القُدرَهِ والأَمرِ ، سُبحانَ ذِى المُلكِ وَالمَلَكوتِ ، سُبحانَ ذِى العِزَّهِ وَالجَبَروتِ ، سُبحانَ الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ . سُبحانَ مَن سَبَّحَت لَهُ السَّماءُ بِأكنافِها ، سُبحانَ مَن سَبَّحَت لَهُ الأَرَضونَ ومَن عَلَيها ، سُبحانَ مَن سَبَّحَت لَهُ الطَّيرُ فى أوكارِها ، سُبحانَ مَن سَبَّحَت لَهُ السِّباعُ فِى آجامِها ، سُبحانَ مَن سَبَّحَت لَهُ حيتانُ البَحرِ وهَوامُّهُ ، سُبحانَ مَن لا يَنبَغِى التَّسبيحُ إلّا لَهُ ، سُبحانَ مَن أحصى كُلَّ شىءٍ عِلمُهُ . يا ذَا النِّعمَهِ وَالطَّولِ ، يا ذَا المَنِّ وَالفَضلِ ، يا ذَا القُوَّهِ والكَرَمِ ، أسأَلُکَ بِمَعاقِدِ العِزِّ مِن عَرشِکَ ، ومُنتَهَى الرَّحمَهِ مِن كِتابِکَ ، وبِاسمِکَ الأَعظَمِ الأَعلى وكَلِماتِکَ التّامّاتِ كُلِّها ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَفعَلَ بى كَذا وكَذا . (2)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 467 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 187 ح 425 وفيه «الأمر» بدل «الكرم» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 205 ح 9 .
2- .جمال الاُسبوع : ص 183 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 194 ح 2 .

الکافی به نقل از ابو سعید مدائنی : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «آیا تو را چیزی نیاموزم که آن را در نماز جعفر [طیّار] بگویی؟» . گفتم : چرا . فرمود : «هر گاه در سجده آخر رکعت چهارم قرار گرفتی ، چون تسبیحت را تمام کردی ، بگو : پاکا خدایی که جامه عزّت و وقار ، در پوشیده است ! پاکا خدایی که ردای شُکوه و بزرگی بر تن کرده و بِدان آراسته است ! پاکا خدایی که تسبیح ، جز او را نسزد ! پاکا خدایی که دانش او ، هر چیزی را شماره کرده است [و بر همه چیز ، احاطه علمی دارد] ! پاکا خداوندگار نواخت و نعمت ها ! پاکا خداوندگار توانایی و بزرگواری ! بار خدایا ! از تو درخواست می کنم . به حقّ عرشت که مظهر عزّت و قدرت توست ، و به حقّ کتابت که پایانه رحمت توست ، و به حقّ بزرگ ترین نامت و به حقّ کلمات تامّه ات که از سرِ راستی و داد و برابری کامل گشته اند ، بر محمّد و خاندان او درود فرست و فلان و بهمان حاجت مرا برآورده ساز » .

جمال الأُسبوع به نقل از ابان ، از امام صادق علیه السلام : [نمازگزار] در آخرین رکعت نمازِ جعفر بن ابی طالب می گوید : «پاکا خدای یگانه یکتا ! پاکا خدای یکتای بی نیاز ! پاکا خدایی که نه زاده ای دارد و نه خود ، زاده کسی است ، و هیچ کس همتای او نیست ! پاکا خدایی که نه همسری دارد و نه فرزندی ! پاکا آن که جامه عزّت و وقار ، در پوشیده است ! پاکا آن که ردای شُکوه بر تن دارد و بِدان آراسته است ! پاکا آن که علمش هر چیزی را شماره [و احاطه]کرده است ! پاکا خداوندگار فزون دهی و بخشندگی ! پاکا خداوندگار نواخت و نعمت ! پاکا خداوندگار توانایی و فرمان ! پاکا خداوندگار مُلک و ملکوت ! پاکا خداوندگار عزّت و قدرت ! پاکا آن که زنده است و هرگز نمی میرد ! پاکا آن که آسمان ، کران تا کران ، تسبیحش می گوید ! پاکا آن که زمین ها و زمینیان ، تسبیحش می گویند ! پاکا آن که پرندگان ، در آشیانه هایشان تسبیحش می گویند ! پاکا آن که درندگان ، در بیشه هایشان تسبیحش می گویند ! پاکا آن که ماهیان و کرم ها و خزندگان دریا تسبیحش می گویند ! پاکا آن که تسبیحگویی ، جز او را نسزد ! پاکا آن که دانش او ، هر چیزی را شماره [و احاطه] کرده است ! ای خداوندگار نعمت و دَهِش ! ای خداوندگار نواخت و بخشش ! ای خداوندگار توانایی و بزرگواری ! از تو درخواست می کنم به حقّ عرشت که مظهر عزّت و قدرت توست ، و به حقّ کتابت که پایانه رحمت

توست ، و به حقّ بزرگ ترین نامت و به حقّ همگی کلمات تامّت ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و فلان و بهمان حاجت مرا برآوری» .

.

الدروع الواقيه عن الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ اليَومِ الثّانى عَشَرَ مِن كُلِّ شَهرٍ : سُبحانَ الَّذى فِى السَّماواتِ عَرشُهُ ، سُبحانَ مَن فِى الأَرضِ بَطشُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى البَرِّ وَالبَحرِ سَبيلُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى السَّماءِ سَطَواتُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى الأَرضِ شَأنُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى القُبورِ قَضاؤُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى النّارِ نِقمَتُهُ وعَذابُهُ ، سُبحانَ الَّذى فِى الجَنَّهِ رَحمَتُهُ . سُبحانَ الَّذى لا يَفوتُهُ هارِبٌ ، سُبحانَ الَّذى لا مَلجَأَ مِنهُ إلّا إلَيهِ ، سُبحانَ الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ «فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَ يُحْىِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَ لِكَ تُخْرَجُونَ» (1) ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ وَلِىٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرَا» (2) ، سُبحانَهُ عَدَدَ كُلِّ شَىءٍ أضعافا مُضاعَفَةً سَرمَدا أبَدا كَما يَنبَغى لِعَظَمَتِهِ ومَنِّهِ ، سُبحانَكَ لا إلهَ إلّا أنتَ وبِحَمدِكَ . سُبحانَ اللّهِ الحَليمِ الكَريمِ ، سُبحانَ اللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، سُبحانَ مَن هُوَ الحَقُّ ، سُبحانَ القابِضِ الباسِطِ ، سُبحانَ الضّارِّ النّافِعِ ، سُبحانَ العَظيمِ الأعظَمِ ، سُبحانَ القاضى بِالحَقِّ ، سُبحانَ الرَّفيعِ الأعلى ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ ، الأَوَّلِ الآخِرِ ، الظّاهِرِ الباطِنِ ، الَّذى هُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ وبِكُلِّ شَىءٍ عَليمٌ ، سُبحانَ الَّذى هُوَ هكَذا ولا هكَذا غَيرُهُ . سُبحانَ مَن هُوَ دائِمٌ لا يَسهو ، سُبحانَ مَن هُوَ شَديدٌ لا يَضعُفُ ، سُبحانَ مَن هُوَ رَقيبٌ لا يَغفُلُ ، سُبحانَ مَن هُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، سُبحانَ الدّائِمِ القائِمِ ، سُبحانَ الحَىِّ القَيّومِ ، سُبحانَ الَّذى لا تَأخُذُه سِنَهٌ ولا نَومٌ ، سُبحانَكَ لا إلهَ إلّا أنتَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الجِبالُ الرَّواسى بِأصواتِها تَقولُ : سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ الأشجارُ بِأصولِها تَقولُ : سُبحانَ المَلِكِ الحَقِّ ، سُبحانَ مَن تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ وَالأَرضُ يَقولونَ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ الحَىِّ الحَليمِ وبِحَمدِهِ . سُبحانَ مَن اعتَزَّ بِالعَظَمَهِ ، وَاحتَجَبَ بِالقُدرَهِ ، وَامتَنَّ بِالرَّحمَهِ ، وعَلا فِى الرِّفعَهِ ، ودَنا فِى الحَياهِ ، ولَم تَخفَ عَلَيهِ خافِياتُ السَّرائِرِ ، ولَم يُوارِ عَنهُ لَيلٌ داجٍ ، ولا بَحرٌ عَجّاجٌ ، ولا حُجُبٌ ولا أزواجٌ ، أحاطَ بِكُلِّ الكُلِّ عِلما ، ووَسِعَ المُذنِبينَ رَأفَةً وحِلما ، وأبدَعَ ما بَرَأ إتقانا وصُنعا ، نَطَقَتِ الأشياءُ المُبهَمَهُ عَن قُدرَتِهِ ، وشَهِدَت مُبدِعَةً بِوَحدانِيَّتِهِ . (3)

.

1- .الروم : 17 19 .
2- .الإسراء : 111 .

3- .الدروع الواقيه : ص 112 وص 199 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 153 .

الدُّروع الواقیه به نقل از امام صادق علیه السلام ، در دعای روز دوازدهم هر ماه : پاکا آن که در آسمان هاست تخت [جهانداریِ] او ! پاکا آن که در زمین است قدرت او ! پاکا آن که در خشکی و دریاست راه او ! پاکا آن که بر آسمان ، سیطره دارد ! پاکا آن که در زمین ، منزلت دارد ! پاکا آن که در گورهاست قضای او ! پاکا آن که آتش ، مظهر خشم و عذاب اوست ! پاکا آن که بهشت ، جایگاه رحمت اوست ! پاکا کسی که هیچ گریزنده ای از چنگ او نتواند گریخت ! پاکا کسی که از او جز به خود او ، پناه نتوان برد ! پاکا آن زنده ای که هرگز نمی میرد ! «پس ، پاکا خدا ، آن گاه که به شب در می آیید و آن گاه که صبح را می آغازید ! و ستایش ، او راست در آسمان ها و زمین و عصرگاه و آن گاه که به نیم روز در می آیید . زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را بعد از مردنش زنده می گرداند و شما نیز این سان بیرون آورده می شوید» . «ستایش ، خدایی را که نه فرزندی بر گرفته است و نه در جهانداری ، شریکی دارد و نه ناتوان بوده که حامی ای برگیرد . پس ، او را بسی بزرگ دار» . پاکا او ، چندین و چند برابرِ شمار هر چیزی ، پاک بودنی همیشگی و بی پایان ، آن سان که سزاوار بزرگی و بنده نوازی اوست ! پاکا تو که معبودی جز تو نیست و سپاس ، تو را ! پاکا خدای بردبار بزرگوار ! پاکا خدای والا و بزرگ ! پاکا آن که اوست حق ! پاکا آن که جمع کننده و پهن کننده است ! پاکا آن که زیان رسان و سودرسان است ! پاکا آن بزرگ و بزرگ تر ! پاکا آن داور به حق ! پاکا آن بلندمرتبه برتر ! پاکا خدای بزرگ ، آغاز و انجام ، پیدا و نهان ؛ او که بر هر چیزی تواناست و به هر چیزی داناست ! پاکا آن که تنها او چنین است و جز او کسی چنین نیست ! پاکا آن که همیشگی است و هرگز سهو نمی کند ! پاکا آن که نیرومند است و سستی نمی گیرد ! پاکا آن که مراقبی است که هرگز غفلت نمی کند ! پاکا آن که زنده ای است که هرگز نمی میرد ! پاکا پاینده پابرجا ! پاکا زنده جاویدان ! پاکا آن که خواب و چرت ، او را فرا نمی گیرد ! پاکا تو که معبودی جز تو نیست و یگانه ای و بی انبازی ! پاکا آن که کوه های استوار ، با صداهایشان ، به پاکی اش می ستایند و می گویند : «پاکا پروردگار بزرگ من !» ! پاکا آن که درختان ، با ریشه هایشان ، به پاکی اش می ستایند و می گویند : «پاکا پادشاه راستین !» ! پاکا آن که آسمان ها و زمین ، به پاکی اش می ستایند و می گویند : «پاکا خدای بزرگ و زنده و بردبار و سپاس ، او را !» ! پاکا آن که به بزرگی ، می نازد ، و در حجاب توانایی ، نهان است ، و از سر مهر ، بنده نواز است ، و در اوج بلندی است ، و در

زندگی ، نزدیک است ، و نهانی های درون ها بر او پوشیده نیست و نه شب تار ، چیزی را از او پنهان می دارد ، نه دریای خروشان و نه پرده ها و نه جفت ها ! به همه چیز همه داناست ، و رأفت و بردباری اش ، گنهکاران را فرا گرفته است ، و آفریده هایش را استوار و به سامان آفریده است . موجودات بی زبان ، از توانایی او سخن می گویند و دمادم به یگانگی اش گواهی می دهند .

.

بحار الأنوار عن الإمام الصادق عليه السلام :سُبحانَ اللّهِ بِما سَبَّحَهُ بِهِ خَلقُهُ . . . وسُبحانَ اللّهِ بِما سَبَّحَهُ بِهِ عَرشُهُ ومَن تَحتَهُ . . . وسُبحانَ اللّهِ بِما سَبَّحَهُ بِهِ مَلائِكَتُهُ . . . وسُبحانَ اللّهِ بِما سَبَّحَهُ بِهِ أهلُ الآخِرَهِ وَالدُّنيا وما فيها . . . وسُبحانَ اللّهِ وَاللّهُ أكبَرُ جُملَةً لا تُحصى بِعَدَدٍ ولا بِقُوَّهٍ ولا بِحِسابٍ . . . سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ الحَصى وَالنَّوى وَالتُّرابِ وَالجِنِّ والإنسِ . . . وسُبحانَ اللّهِ تَسبيحا لا يَكونُ بَعدَهُ فى عِلمِهِ تَسبيحٌ . . . سُبحانَ اللّهِ أبَدَ الأبَدِ ، وبَعدَ الأبَدِ ، وقَبلَ الأبَدِ . (1)

الإقبال عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام :تُسَبِّحُ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ (2) : الأوَّلُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ (3) ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ السَّميعِ الَّذى لَيسَ شَىءٌ أسمَعَ مِنهُ ، يَسمَعُ مِن فَوقِ عَرشِهِ ما تَحتَ سَبعِ أرَضينَ ، ويَسمَعُ ما فى ظُلُماتِ البَرِّ وَالبَحرِ ، ويَسمَعُ الأنينَ وَالشَّكوى ، ويَسمَعُ السِّرَّ وأخفى ، ويَسمَعُ وَساوِسَ الصُّدورِ ، ولا يُصِمُّ سَمعَهُ صَوتٌ . الثّانى : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ البَصيرِ الَّذى لَيسَ شَىءٌ أبصَرَ مِنهُ ، يُبصِرُ مِن فَوقِ عَرشِهِ ما تَحتَ سَبعِ أرَضينَ ، ويُبصِرُ ما فى ظُلُماتِ البَرِّ وَالبَحرِ ، لا تُدرِكُهُ الأبصارُ وهُوَ يُدرِكُ الأبصارَ وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ، ولا تَغشى بَصَرَهُ الظُّلَمَهُ،ولا يُستَتَرُ مِنهُ بِستِرٍ ، ولا يُوارى مِنهُ جِدارٌ ، ولا يَغيبُ عَنهُ بَرٌّ ولا بَحرٌ ، ولا يَكُنُّ (4) مِنهُ جَبَلٌ ما فى أصلِهِ ، ولا قَلبٌ ما فيهِ ، ولا جَنبٌ ما فى قَلبِهِ ، ولا يَستَتِرُ مِنهُ صَغيرٌ ولا كَبيرٌ ، ولا يَستَخفى مِنهُ صَغيرٌ لِصِغَرِهِ ، ولا يَخفى عَلَيهِ شَىءٌ فِى الأرضِ ولا فِى السَّماءِ ، هُوَ الَّذى يُصَوِّرُكُم فِى الأرحامِ كَيفَ يَشاءُ ، لا إلهَ إلّا هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ . الثّالِثُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يُنشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ ، ويُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ ، ويُرسِلُ الصَّواعِقَ فَيُصيبُ بِها مَن يَشاءُ ،

ويُرسِلُ الرِّياحَ بُشرى بَينَ يَدَى رَحمَتِهِ ، ويُنَزِّلُ الماءَ مِنَ السَّماءِ بِكَلِماتِهِ ، ويُنبِتُ النَّباتَ بِقُدرَتِهِ ، ويَبسُطُ الرِّزقَ بِعِلمِهِ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يَعزُبُ (5) عَنهُ مِثقالُ ذَرَّةٍ فِى الأَرضِ ولا فِى السَّماءِ ولا أصغَرُ مِن ذلِكَ ولا أكبَرُ إلّا فِى كِتابٍ مُبينٍ . الرابع : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يَعلَمُ ما تَحمِلُ كُلُّ اُنثى وما تَغيضُ الأَرحامُ وما تَزدادُ ، وكُلُّ شَىءٍ عِندَهُ بِمِقدارٍ ، عالِمِ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ الكَبيرِ المُتعالِ ، سَواءٌ مِنكُم مَن أسَرَّ القَولَ ومَن جَهَرَ بِهِ ، ومَن هُوَ مُستَخفٍ بِاللَّيلِ وسارِبٌ (6) بِالنَّهارِ ، لَهُ مُعَقِّباتٌ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ يَحفَظونَهُ مِن أمرِ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يُميتُ الأحياءَ ويُحيِى المَوتى ويَعلَمُ ما تَنقُصُ الأَرضُ مِنهُم ، ويُقِرُّ (7) فِى الأَرحامِ ما يَشاءُ إلى أجَلٍ مُسَمّىً . الخامس : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ مالِكِ المُلكِ ، تُؤتِى المُلكَ مَن تَشاءُ وتَنزِعُ المُلكَ مِمَّن تَشاءُ ، وتُعِزُّ مَن تَشاءُ وتُذِلُّ مَن تَشاءُ ، بِيَدِكَ الخَيرُ إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، تُولِجُ اللَّيلَ فِى النَّهارِ وتُولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيلِ ، وتُخرِجُ الحَىَّ مِنَ المَيِّتِ وتُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَىِّ ، وتَرزُقُ مَن تَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ . السّادِسُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى عِندَهُ مَفاتِحُ الغَيبِ لا يَعلَمُها إلّا هُوَ ، ويَعلَمُ ما فِى البَرِّ وَالبَحرِ ، وما تَسقُطُ مِن وَرَقَةٍ إلّا يَعلَمُها ، ولا حَبَّةٍ فِى ظُلُماتِ الأَرضِ ولا رَطبٍ ولا يابِسٍ إلّا فى كِتابٍ مُبينٍ . السابِعُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يُحصى مِدحَتَهُ القائِلونَ ، ولا يَجزِى بِآلائِهِ الشّاكِرونَ العابِدونَ ، وهُوَ كَما قالَ وفَوقَ ما نَقولُ ، وَاللّهُ سُبحانَهُ كَما أثنى عَلى نَفسِهِ ولا يُحيطونَ بِشَىءٍ مِن عِلمِهِ إلّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرسِيُّهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ ولا يَؤودُهُ حِفظُهُما وهُوَ العَلِىُّ العَظيمُ . الثّامِنُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ

كُلِّ شَیءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما یُری وما لا یُری ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمینَ ، سُبحانَ اللّهِ الّذی یَعلَمُ ما یَلِجُ فِی الأَرضِ وما یَخرُجُ مِنها وما یَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما یَعرُجُ فیها ، ولا یَشغَلُهُ ما یَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما یَعرُجُ فیها عَمّا یَلِجُ فِی الأَرضِ وما یَخرُجُ مِنها ، ولا یَشغَلُهُ ما یَلِجُ فِی الأَرضِ وما یَخرُجُ مِنها عَمّا یَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما یَعرُجُ فیها ، ولا یَشغَلُهُ عِلمُ شَیءٍ عَن عِلمِ شَیءٍ ، ولا یَشغَلُهُ خَلقُ شَیءٍ عَن خَلقِ شَیءٍ ، ولا حِفظُ شَیءٍ عَن حِفظِ شَیءٍ ، ولا یُساویهِ شَیءٌ ولا یَعدِلُهُ شَیءٌ ، لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ وهُوَ السَّمیعُ البَصیرُ . التّاسِعُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ کُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوی ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ کُلِّ شَیءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما یُری وما لا یُری ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمینَ ، سُبحانَ اللّهِ «فَاطِرِ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَئِکَهِ رُسُلاً أُوْلِی أَجْنِحَهٍ مَّثْنَی وَ ثُلَثَ وَ رُبَعَ یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ مَا یَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ * مَّا یَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَهٍ فَلَا مُمْسِکَ لَهَا وَ مَا یُمْسِکْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» (8) . العاشِرُ : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ کُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوی ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ کُلِّ شَیءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما یُری وما لا یُری ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ کَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمینَ ، سُبحانَ اللّهِ الّذی «یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَوَ تِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ مَا یَکُونُ مِن نَّجْوَی ثَلَثَهٍ إِلَا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَهٍ إِلَا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا أَدْنَی مِن ذَ لِکَ وَ لَا أَکْثَرَ إِلَا هُوَ مَعَهُمْ أَیْنَ مَا کَانُواْ ثُمَّ یُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ یَوْمَ الْقِیَمَهِ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ» (9) ، سُبحانَ الّذی بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ . (10)

.

1- .بحار الأنوار : ج 95 ص 442 ح 44 نقلاً عن أصل قدیم من مؤلَّفات قدماء الأصحاب رضی اللّه عنهم .
2- .وزاد المؤلّف (السیّد ابن طاووس قدس سره) هنا : ونذکر فیه زیاده من روایه جدّی أبی جعفر الطوسی .
3- .بَرَأَ النَّسَمه : أی خَلَق ذات الروح (النهایه : ج 5 ص 49 «نسم») .
4- .الکِنّ : السُّتْرَه ، والجمع : أکنان. قال اللّه تعالی : «وَ جَعَلَ لَکُم مِّنَ الْجِبَالِ أَکْنَانًا» . وکَنَنتُ الشیء : سترته (الصحاح : ج 6 ص 2188 «کنن») .
5- .أی لایغیب عن علمه ولا یخفی . یقال : عَزَبَ الشیء عنّی : بَعُد عنّی وغاب (مجمع البحرین : ج 2 ص 1206 «عزب») .

6- .سارِبٌ بالنهار : أى بارز بالنهار يراه كلّ أحد ؛ من : سَرَبَ فى الأرض سُروبا : إذا برز وذهب على وجه الأرض (مجمع البحرين : ج 2 ص 832 «سرب») .
7- .فى الطبعه المعتمده : «وتقرّ» ، والتصويب من طبعه دار الكتب الإسلاميّه .
8- .فاطر : 1 و 2 .
9- .المجادله : 7 .
10- .الإقبال : ج 1 ص 208 ، مصباح المتهجّد : ص 616 ح 698 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 105 .

بحار الأنوار به نقل از امام صادق علیه السلام : تسبیح می گویم خدا را به آنچه آفریدگانش او را بِدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه عرش او و همه موجوداتی که فُرودستِ عرش اویند ، او را بِدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه فرشتگانش او را بِدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را به آنچه اهل آخرت و دنیا و هر آنچه در آخرت و دنیاست ، او را بِدان تسبیح می گویند ... و تسبیح می گویم خدا را و خدا بزرگ تر است ، آن سان که به شمار و توان و حساب نمی آید ... و تسبیح می گویم خدا را به شمار ریگ ها و هسته ها و خاک و پری و آدمی ... و تسبیح می گویم خدا را ، تسبیحی که از آن بالاتر در علم او تسبیحی نباشد ... و تسبیح می گویم خدا را برای همیشه همیشه و پس از همیشه و پیش از همیشه .

الإقبال به نقل از ابو بصیر ، از امام صادق علیه السلام : در هر روز از ماه رمضان ، این تسبیحات [دهگانه] را می گویی : اوّل . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدای آفریننده تاریکی ها و روشنایی ! پاکا خدای شکافنده دانه و هسته ! پاکا خدایی که آفریننده هر چیز است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که شنواست و شنواتر از او چیزی نیست ، که از زَبَر عرشش آنچه را در زیر هفت زمین است ، می شنود ، و آنچه را در اعماق تاریک خشکی و دریاست ، می شنود ، و ناله و شِکوه را می شنود ، و نهان و نهان تر را می شنود ، و وسوسه های سینه ها را می شنود ، و هیچ صدایی ، گوش او را [از شنیدن] کر نمی سازد ! دوم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدای پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی ! پاکا خدای شکافنده دانه و هسته ! پاکا خدایی که آفریننده همه چیز است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که بیناست و چیزی بیناتر از او نیست ؛ او که از فراز عرش خویش آنچه را در زیر هفت زمین است ، می بیند ، و آنچه را در تاریکی های خشکی و دریاست ، می بیند ، و دیدگان ، او را در نمی یابند و او دیدگان را در می یابد و ریزبین و آگاه است ، و تاریکی ، جلو دید او را نمی گیرد ، و هیچ پرده ای ، چیزی را از او نمی پوشاند ، و هیچ دیواری مانع دیدن او نمی شود ، و هیچ بیابانی و دریایی ، از او پنهان نمی

ماند ، و هیچ کوهی آنچه را در بُن خویش دارد ، از او نهفته نمی تواند بدارد ، و نه هیچ دلی آنچه را که در درون خویش دارد ، و نه هیچ سینه ای آنچه را که در قلبش دارد ! هیچ ریز و درشتی از او در پرده نیست ، و هیچ موجود ریزی به خاطر ریزی اش بر او پوشیده نیست ، و هیچ چیزی در زمین و در آسمان از او پنهان نیست ! اوست که شما را در زهدان ها ، آن گونه که خود بخواهد ، صورت می بخشد . معبودی جز او نیست که توانمند است و فرزانه . سوم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدای پدیدآورنده تاریکی ها و روشنایی ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده همه چیز است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که ایجاد کننده ابرهای گرانبار است و تُندر و فرشتگان ، از بیم او تسبیح و سپاسش می گویند ، و آذرخش ها را می فرستد و آنها را بر هر که بخواهد ، فرو می زَند ، و بادها را مژده رسانْ پیشاپیش رحمت خود روانه می سازد ، و با کلمات خویش از آسمان ، آب فرو می باراند ، و به نیروی خویش ، گیاهان را می رویاند ، و به دانش خویش ، روزی را می گستراند ! پاکا خدایی که به اندازه ذرّه ای و کوچک تر و بزرگ تر از آن ، در زمین و آسمان ، بر او پوشیده نیست و همه در کتابی روشن نگاشته است ! چهارم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده همه چیز است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدا که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که آنچه را هر ماده ای باردار است و آنچه را زهدان ها می کاهند و یا می افزایند ، می داند و هر چیزی در نزد او به اندازه است ، و دانای نهان و آشکار است ، و بزرگ و برین است ، و فرقی نمی کند که کسی از شما آهسته سخن بگوید یا بلند ، در پناه تاریکی شب باشد ، یا در روشنایی روز ! او راست پیگیران (فرشتگان مراقب اعمال) از پیش آن بنده و از پس او که به فرمان خدا نگهبانی اش می کنند ! پاکا خدایی که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می گرداند و آنچه را زمین از آنان می کاهد [و می پوساند] ، می داند و در زهدان ها ، آنچه را بخواهد ، تا سررسیدی معلوم بر جای می دارد ! پنجم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره

کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که دارنده مُلک و پادشاهی است ! به هر که بخواهی ، مُلک می دهی و از هر که بخواهی ، مُلک می گیری ، و هر که را بخواهی ، عزیز می کنی و هر که را بخواهی ، خوار می سازی . خوبی ، همه در دست توست و تو بر هر چیز ، توانایی . شب را در دل روز می بَری و روز را در دل شب می بَری ، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می کشی ، و هر که را بخواهی ، بی حساب ، روزی می دهی . ششم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که خزانه های (/ کلیدهای) غیب ، در نزد اوست و از آنها کسی جز او آگاه نیست ، و آنچه را در خشکی و آب است ، می داند ، و هیچ برگی نمی افتد ، جز این که او آن را می داند ، و هیچ دانه ای در تاریکی های دل زمین نیست ، مگر این که آن را می داند و هیچ تری و خشکی نیست ، مگر آن که همگی در کتابی روشن ، ثبت است ! هفتم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر چیزی است ! پاکا خدایی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هاست ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که گویندگان ، از عهده ستایش او بر نمی آیند ، و سپاس گزارانِ عبادت پیشه از تلافی نعمت های او ناتوان اند ، و او چنان است که خود ، گفته است و برتر از آن است که ما [در وصفش]می گوییم ! خداوند پاک ، آن گونه است که خود ، خویشتن را ستوده است و [بندگان] به چیزی از علم او دست نمی یابند ، مگر آن اندازه که او خود بخواهد . اورنگِ [جهانداریِ] او آسمان ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداری آنها بر او گران نمی آید ، و او بلندمرتبه و بزرگ است . هشتم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است ! پاکا خدایی که آفریننده هر دیدنی و نادیدنی است ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که آنچه را در زمین ، اندر می شود و آنچه را که از آن به در می آید و آنچه را از آسمان فرود می آید و آنچه را در آن بَر می شود ، می داند ، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آسمان بر

می شود ، او را از آنچه در زمین اندر می شود و آنچه از آن به در می آید ، باز نمی دارد ، و آنچه در زمین اندر می شود و آنچه از آن به در می آید ، او را از آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بر می شود ، باز نمی دارد ، و دانستن چیزی ، او را از دانستن چیزی دیگر باز نمی دارد و آفریدن چیزی ، او را از آفریدن چیزی دیگر باز نمی دارد و نگهداری از چیزی ، او را از نگهداری از چیزی دیگر باز نمی دارد ، و هیچ چیزی همتای او نیست ، و هیچ چیزی همانندش نیست ، و شنوا و بیناست ! نهم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است ! پاکا خدایی که آفریننده هر دیدنی و نادیدنی است ! پاکا خداوند ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که «شکافنده آسمان ها و زمین است ، پیک کننده فرشتگان بالدار ، دو دو ، سه سه ، و چهار چهار است . در آفرینش ، هر چه بخواهد ، می افزاید . همانا خدا بر هر چیزی تواناست . هر رحمتی که خدا بر مردم بگشاید ، آن را بازدارنده ای نیست و آنچه باز دارد ، دیگر آن را فرستنده ای نیست ، و اوست عزیز و حکیم» . دهم . پاکا خدای جان آفرین ! پاکا خدای صورتگر ! پاکا خدایی که آفریننده همه جفت هاست ! پاکا خدایی که پدید آورنده تاریکی ها و روشنایی است ! پاکا خدایی که شکافنده دانه ها و هسته هاست ! پاکا خدایی که آفریننده هر موجودی است ! پاکا خدایی که آفریننده هر دیدنی و نادیدنی است ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدایی که پروردگار جهانیان است ! پاکا خدایی که «آنچه را در آسمان ها و زمین است ، می داند . هیچ سه کس با هم نجوا نمی کنند ، مگر این که او چهارمینشان است ، و نه پنج نفر ، مگر این که او ششمینشان است ، و نه کمتر از این و نه بیشتر ، مگر این که هر جا باشند ، او با ایشان است . سپس در روز رستاخیز ، آنها را از آنچه به جا آورده اند ، آگاه می سازد ، که خدا به هر چیزی داناست» ! پاکا خدایی که به لطف او ، کارهای نیک ، انجام می پذیرند !

.

ص: 64

..

ص: 65

..

ص: 66

..

ص: 67

..

ص: 68

..

ص: 69

..

ص: 70

. .

ص: 71

. .

7 / 8التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الكاظِمِالكافى عن هلقام بن أبى هلقام :أتَيتُ أبا إبراهيمَ عليه السلاَم فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ عَلِّمني دُعاءً جامِعا لِلدُّنيا وَالآخِرَهِ وأوجِز ، فَقالَ : قُل فى دُبُرِ الفَجرِ إلى أن تَطلُعَ الشَّمسُ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ . (1)

7 / 9التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الرِّضاالتوحيد عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام :سُبحانَ مَن خَلَقَ الخَلقَ بِقُدرَتِهِ ، وأتقَنَ ما خَلَقَ بِحِكمَتِهِ ، ووَضَعَ كُلَّ شَىءٍ مِنهُ مَوضِعَهُ بِعِلمِهِ ، سُبحانَ مَن يَعلَمُ خائِنَهَ الأَعيُنِ (2) وما تُخفِى الصُّدورُ ، ولَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ . (3)

7 / 10التَّسبيحاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الهاديالتوحيد عن عن بشر بن بشّار الأسدى عن الإمام الهادى عليه السلام :سُبحانَ مَن لا يُحَدُّ ولا يوصَفُ ، ولا يُشبِهُهُ شَىءٌ ، ولَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 550 ح 12 .
2- .خائنه الأعين : أى ما يخونون فيه من مسارقه النظر إلى ما لا يحلّ ، والخائنه بمعنى الخيانه (النهايه : ج 2 ص 89 «خون») .
3- .التوحيد : ص 137 ح 10 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 118 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 180 ح 4 وج 4 ص 85 ح 20 .
4- .التوحيد : ص 101 ح 13 وح 12 عن محمّد بن على القاسانى وص 100 ح 9 ، الكافى : ج 1 ص 102 ح 5 كلاهما عن إبراهيم بن محمّد الهمدانى .

7 / 8 تسبیحاتِ رسیده از امام کاظم علیه السلام

7 / 9 تسبیحاتِ رسیده از امام رضا علیه السلام

7 / 10 تسبیحاتِ رسیده از امام هادی علیه السلام

7 / 8تسبیحاتِ رسیده از امام کاظمالکافی به نقل از هلقام بن ابی هلقام : خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم علیه السلام) رسیدم و گفتم : قربانت گردم ! مرا دعایی جامع دنیا و آخرت بیاموز که مختصر باشد . فرمود : «در پی نماز صبح تا طلوع خورشید بگو : پاکا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او درخواست می کنم » .

7 / 9تسبیحاتِ رسیده از امام رضاالتوحید به نقل از فضل بن شادان ، از امام رضا علیه السلام : پاکا خدایی که آفرینش را با توانایی خویش آفرید ، و آنچه را آفرید ، با حکمت خویش استوار آفرید ، و هر چیزی از آن را با دانش خویش در جایگاه خود نهاد ! پاکا خدایی که نگاه های خیانت آمیزِ چشم ها را و هم آنچه را سینه ها در خود نهان می دارند ، می داند ، و هیچ چیزی همانندش نیست و او شنوا و بیناست !

7 / 10تسبیحاتِ رسیده از امام هادیالتوحید به نقل از بشر بن بشّار اسدی ، از امام هادی علیه السلام : پاکا خدایی که نه به حد [و تعریف] در می آید و نه به وصف ، و چیزی همانند او نیست ، و هیچ چیزی همتایش نیست ، و شنوا و بیناست!

.

الكافى عن حمزه بن محمّد :كَتَبتُ إلى أبِى الحَسَنِ عليه السلام أسأَلُهُ عَنِ الجِسمِ وَالصّورَهِ فَكَتَبَ : سُبحانَ مَن لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ؛ لا جِسمٌ ولا صورَهٌ . (1)

7 / 11النَّوادِرُالكافى عن كثير بن كلثمه عن أحدهما عليهماالسلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «فَتَلَقَّى ءَادَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَتٍ» (2) : قالَ : لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى وأنتَ خَيرُ الغافِرينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى وَارحَمنى وأنتَ أرحَمُ الرّاحِمينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى فَتُب عَلَىَّ إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (3)

الأمالى عن ابن عبّاس فى حَديثٍ ذَكَرَ فِيهِ أنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا بَعَثَ عيسى عليه السلام تَعَرَّضَ لَهُ الشَّيطانُ فَوَسوَسَ لَهُ ، إلى أن قالَ : فَأعظَمَ عيسى عليه السلام ذلِکَ مِن قَولِ إبليسَ الكافِرِ اللَّعينِ ، فَقالَ عيسى عليه السلام : سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ سَماواتِهِ وأَرَضيهِ ، ومِدادَ كَلِماتِهِ ، وزِنَهَ عَرشِهِ ، ورِضا نَفسِهِ . قالَ : فَلَمّا سَمِعَ إبليسُ لَعَنَهُ اللّهُ ذلِکَ ذَهَبَ عَلى وَجهِهِ لا يَملِکُ مِن نَفسِهِ شَيئا ، حَتّى وَقَعَ فِى اللُّجَّهِ الخَضراءِ . (4)

.

1- .الكافى : ج 1 ص 104 ح 2 ، التوحيد : ص 97 ح 3 كلاهما عن حمزه بن محمّد وص 102 ح 16 عن سهل بن زياد عن بعض أصحابنا .
2- .البقره : 37 .
3- .الكافى : ج 8 ص 304 ح 472 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 44 عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام ، قصص الأنبياء : ص 53 ح 29 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الكلمات التى تلقّى بهنّ آدم عليه السلام ربّه وتاب عليه قال : ...» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 11 ص 178 ح 25 .
4- .الأمالى للصدوق : ص 273 ح 300 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 181 ح 14 وج 95 ص 136 ح 2 .

الکافی به نقل از حمزه بن محمّد : به ابو الحسن (امام هادی علیه السلام) نوشتم و در باره جسم و صورت [داشتن خداوند] ، از ایشان پرسیدم . ایشان نوشت : «پاکا آن که چیزی همانندش نیست ، که نه جسم است و نه صورت !» .

7 / 11گوناگونالکافی به نقل از کثیر بن کُلثُمه ، از امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام ، در باره این سخن خداوند عز و جل : «پس ، آدم از پروردگارش کلماتی را فرا گرفت» : [آن کلماتی که آدم از خداوند فرا گرفت ، اینهاست که] گفت : معبودی جز تو نیست . پاکی تو ای خداوند و سپاس ، تو را . من بد کردم و به خویش ستم نمودم . پس مرا بیامرز که تو بهترینِ آمرزندگانی . معبودی جز تو نیست . پاکی تو ای خداوند و سپاس ، تو را . من بد کردم و به خویش ستم نمودم . پس مرا بیامرز و بر من مِهر آور که تو مهربان ترین مهربانانی . معبودی جز تو نیست . پاکی تو ای خداوند و سپاس ، تو را . من بد کردم و به خویش ستم نمودم . پس توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیری مهربانی .

الأمالی ، صدوق به نقل از ابن عبّاس ، در حدیثی که در آن گفت : چون خداوند ، عیسی علیه السلام را به پیامبری فرستاد ، شیطان بر او ظاهر شد و به وسوسه کردن او پرداخت ... ، تا آن که گفت : این سخن ابلیس کافر ملعون ، بر عیسی علیه السلام گران آمد . پس عیسی علیه السلام گفت : «پاکا خدا به گنجایش آسمان ها و زمین هایش ، و به گستره کلماتش ، و به وزن عرشش ، و چندان که خشنود شود !» . ابلیس که خدایش لعنت کناد چون این سخن را شنید ، راه خویش گرفت و بی خود از خود برفت تا در ژرفنای دریا (/ بحر اخضر) فرو افتاد .

.

الدعوات :تَسابيحُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَالأَئِمَّهِ عَلَيهِمُ الصَّلاهُ وَالسَّلامُ : تَسبيحُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فى أوَّلِ يَومٍ مِنَ الشَّهرِ : سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ رِضاهُ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَهَ عَرشِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ سَماواتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِل ءَ أرضِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِثلَ ذلِکَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِکَ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ مِثلَ ذلِکَ ، وَاللّهُ أکبَرُ مِثلَ ذلِکَ . تَسبيحُ عَلِيٍّ عليه السلام فِى اليَومِ الثّانى : سُبحانَ مَن تَعالى جَدُّهُ وتَقَدَّسَت أسماؤُهُ ، سُبحانَ مَن هُوَ إلى غَيرِ غايَهٍ يَدومُ بَقاؤُهُ ، سُبحانَ مَنِ استَنارَ بِنورِ حِجابِهِ دونَ سَمائِهِ ، سُبحانَ مَن قامَت لَهُ السَّماواتُ بِلا عَمَدٍ ، سُبحانَ مَن تَعَظَّمَ بِالکِبرِياءِ وَالنّورِ سَناؤُهُ ، سُبحانَ مَن تَوَحَّدَ بِالوَحدانِيَّهِ فَلا إلهَ سِواهُ ، سُبحانَ مَن لَبِسَ (1) البَهاءَ وَالفَخرُ رِداؤُهُ ، سُبحانَ مَنِ استَوى عَلى عَرشِهِ بِوَحدانِيَّتِهِ . تَسبيحُ فاطِمَهَ عليهاالسلام فِى اليَومِ الثّالِثِ : سُبحانَ مَنِ استَنارَ بِالحَولِ وَالقُوَّهِ ، سُبحانَ مَنِ احتَجَبَ فى سَبعِ سَماواتٍ فَلا عَينٌ تَراهُ ، سُبحانَ مَن أذَلَّ الخَلائِقَ بِالمَوتِ وأعَزَّ نَفسَهُ بِالحَياهِ ، سُبحانَ مَن يَبقى ويَفنى کُلُّ شَىءٍ سِواهُ ، سُبحانَ مَنِ استَخلَصَ الحَمدَ لِنَفسِهِ وَارتَضاهُ ، سُبحانَ الحَىِّ العَليمِ ، سُبحانَ الحَليمِ الکَريمِ ، سُبحانَ المَلِکِ القُدّوسِ ، سُبحانَ العَلِىِّ العَظيمِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِى اليَومِ الرّابِعِ : سُبحانَ مَن هُوَ مُطَّلِعٌ عَلى خَوازِنِ القُلوبِ ، سُبحانَ مَن هُوَ مُحصى عَدَدِ الذُّنوبِ ، سُبحانَ مَن لا يَخفى عَلَيهِ خافِيَهٌ فِى السَّماواتِ وَالأرضِ ، سُبحانَ المُطَّلِعِ عَلَى السَّرائِرِ عالِمِ الخَفِيّاتِ ، سُبحانَ مَن لا يَعزُبُ عَنهُ مِثقالُ ذَرَّهٍ فِى الأرضِ ولا فِى السَّماءِ ، سُبحانَ مَنِ السَّرائِرُ عِندَهُ عَلانِيَهٌ ، وَالبَواطِنُ عِندَهُ ظَواهِرُ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِى اليَومِ الخامِسِ : سُبحانَ الرَّفيعِ الأعلى ، سُبحانَ العَظيمِ الأعظَمِ ، سُبحانَ مَن هُوَ هکَذا ولا يَکونُ هکَذا غَيرُهُ ، ولا يَقدِرُ أحَدٌ قُدرَتَهُ ، سُبحانَ مَن أوَّلُهُ عِلمٌ لا يوصَفُ ، وآخِرُهُ عِلمٌ لا يَبيدُ ، سُبحانَ مَن عَلا فَوقَ البَرِيّاتِ بِالإلهِيَّهِ فَلا عَينٌ تُدرِکُهُ ، ولا عَقلٌ يُمَثِّلُهُ ، ولا وَهمٌ يُصَوِّرُهُ ، ولا لِسانٌ يَصِفُهُ بِغايَهِ ما لَهُ مِنَ الوَصفِ ، سُبحانَ مَن عَلا فِى الهَواءِ ، سُبحانَ مَنِ قَضَى المَوتَ عَلَى العِبادِ ، سُبحانَ المَلِکِ المُقتَدِرِ ، سُبحانَ المَلِکِ القُدُّوسِ ، سُبحانَ الباقى الدّائِمِ . تَسبيحُ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام فِى اليَومِ السّادِسِ : سُبحانَ مَن أشرَقَ نورُهُ کُلَّ ظُلمَهٍ ، سُبحانَ مَن قَدَّرَ بِقُدرَتِهِ کُلَّ قُدرَهٍ ، سُبحانَ مَنِ احتَجَبَ عَنِ العِبادِ بِطَرائِقِ نُفوسِهِم فَلا شَىءٌ يَحجُبُهُ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِى اليَومِ السّابِعِ : سُبحانَ الخالِقِ البارِىءِ، سُبحانَ القادِرِ المُقتَدِرِ ، سُبحانَ (2) الباعِثِ الوارِثِ ، سُبحانَ مَن خَضَعَت لَهُ الأشياءُ ، سُبحانَ مَن

يُسَبِّحُ (3) الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِى اليَومِ الثّامِنِ : سُبحانَ مَن هُوَ عَظيمٌ لا يُرامُ ، سُبحانَ مَن هُوَ قائِمٌ لا يَلهو ، سُبحانَ مَن هُوَ حافِظٌ لا يَنسى ، سُبحانَ مَن هُوَ عالِمٌ لا يَسهو ، سُبحانَ مَن هُوَ مُحيطٌ بِخَلقِهِ لا يَغيبُ ، سُبحانَ مَن هُوَ مُحتَجِبٌ لا يُرى ، سُبحانَ مَن استَتَرَ بِالضِّياءِ فَلا شَىءَ يُدرِكُهُ ، سُبحانَ مَنِ النّورُ مَنارُهُ ، وَالضِّياءُ بَهاؤُهُ ، وَالبَهجَهُ جَمالُهُ ، وَالجَلالُ عِزُّهُ ، وَالعِزَّهُ قُدرَتُهُ ، وَالقُدرَهُ صِفَتُهُ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ مُوسَى بنِ جَعفَرٍ عليه السلام فِى اليَومِ التّاسِعِ : سُبحانَ مَن مَلَأَ الدَّهرَ قُدسُهُ ، سُبحانَ مَن لا يَغشَى الأَمَدَ نُورُهُ ، سُبحانَ مَن أشرَقَ كُلَّ ظُلمَهٍ بِضَوئِهِ ، سُبحانَ مَن يَدينُ لِدينِهِ كُلُّ دينٍ ولا يُدانُ لِغَيرِ دينِهِ دينٌ ، سُبحانَ مَن قَدَّرَ كُلَّ شَىءٍ بِقُدرَتِهِ ، سُبحانَ مَن لَيسَ لِخالِقِيَّتِهِ حَدٌّ ، ولا لِقادِرِيَّتِهِ نَفادٌ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ عَلِىِّ بنِ مُوسى عليه السلام فِى اليَومِ العاشِرِ وَالحادِىَ عَشَرَ : سُبحانَ خالِقِ النّورِ ، سُبحانَ خالِقِ الظُّلمَهِ ، سُبحانَ خالِقِ المِياهِ ، سُبحانَ خالِقِ السَّماواتِ ، سُبحانَ خالِقِ الأَرَضينَ ، سُبحانَ خالِقِ الرِّياحِ وَالنَّباتِ ، سُبحانَ خالِقِ الحَياهِ وَالمَوتِ ، سُبحانَ خالِقِ الثَّرى وَالفَلَواتِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ مُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ عليه السلام فِى اليَومِ الثّانِىَ عَشَرَ وَالثّالِثَ عَشَرَ : سُبحانَ مَن لا يَعتَدى عَلى أهلِ مَملَكَتِهِ ، سُبحانَ مَن لا يُؤاخِذُ أهلَ الأَرضِ بِألوانِ العَذابِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ عَلِىِّ بنِ مُحَمَّدٍ النَّقِىِّ عليه السلام فِى اليَومِ الرّابِعَ عَشَرَ وَالخامِسَ عَشَرَ : سُبحانَ مَن هُوَ دائِمٌ لا يَسهو ، سُبحانَ مَن هُوَ قائِمٌ لا يَلهو ، سُبحانَ مَن هُوَ غَنِىٌّ لا يَفتَقِرُ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ الحَسَنِ بنِ عَلِىٍّ عليه السلام فِى اليَومِ السّادِسَ عَشَرَ وَالسّابِعَ عَشَرَ : سُبحانَ مَن هُو فى عُلُوِّهِ دانٍ ، وفى دُنُوِّهِ عالٍ ، وفى إشراقِهِ مُنيرٌ ، وفى سُلطانِهِ قَوِىٌّ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ . تَسبيحُ صاحِبِ الزَّمانِ عليه السلام فِى اليَومِ الثّامِنَ عَشَرَ إلى آخِرِ الشَّهرِ : سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ خَلقِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رِضا نَفسِهِ ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ زِنَهَ عَرشِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِكَ . (4)

.

1- .فى المصدر : «ليس» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .فى المصدر : «سبحانه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .فى المصدر : «تُسَبِّحُ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .الدعوات : ص 90 ح 228 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 205 ح 3 .

الدعوات :تسبیحات پیامبر و امامان که درود و سلام بر ایشان باد [چنین اند] : تسبیح پیامبر صلی الله علیه و آله در آغازین روز هر ماه : پاکا خدا ، بِدان شمار که خشنود شود ! پاکا خدا ، به شمار کلماتش ! پاکا خدا ، به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا ، به وزن اورنگش ! پاکا خدا ، به گنجایی آسمان هایش ! پاکا خدا ، به گنجایی زمینش ! پاکا خدا ، به همه این اندازه ها ! سپاس ، خدای را به همه این اندازه ها ، و معبودی جز خدا نیست به همه این اندازه ها ، و خدا بزرگ تر است به همه این اندازه ها . تسبیح امام علی علیه السلام در روز دوم [هر ماه] : پاکا خدایی که والاست عظمت او و مقدّس است نام های او ! پاکا خدایی که مانایی اش را پایانی نیست ! پاکا خدایی که فرودستِ آسمانش ، از روشنایی حجاب او ، روشنایی گرفته است ! پاکا خدایی که آسمان ها بی هیچ ستونی برایش افراشته شدند ! پاکا خدایی که به بزرگی خویش ، می نازد و روشنایی اش خیره کننده است ! پاکا خدایی که در یگانگی ، یکتاست و معبودی جز او نیست ! پاکا خدایی که جامه فرّهی در پوشیده و نازِش و غرور ، ردای اوست ! پاکا خدایی که به یگانگی ، بر اورنگ خویش قرار گرفته است ! تسبیح فاطمه علیهاالسلام در روز سوم : پاکا خدایی که به نور نیرو و توان ، روشن است ! پاکا خدایی که در پس پرده هفت آسمان ، نهان است و هیچ چشمی او را نمی بیند ! پاکا خدایی که آفریدگان را مقهور مرگ ساخت و خویشتن را به زندگی سرفراز داشت ! پاکا خدایی که می ماند و هر چیزی غیر از او نیست می شود ! پاکا خدایی که ستایش را ویژه خویش گردانید و آن را برای خود برگزید ! پاکا آن زنده دانا ! پاکا آن بردبار بزرگوار ! پاکا آن پادشاه پاک ! پاکا آن بلندمرتبه بزرگ ! پاکا و سپاسا خدای را ! تسبیح امام حسن علیه السلام در روز چهارم : پاکا خدایی که از خزانه های دل ها آگاه است ! پاکا خدایی که عدد گناهان را بر می شمارد ! پاکا خدایی که هیچ پنهانی در آسمان ها و زمین بر او پوشیده نیست ! پاکا آگاه از درون ها و دانای نهان ها ! پاکا خدایی که هموزن ذرّه ای ، چه در زمین و چه در آسمان ، از او پنهان نیست ! پاکا خدایی که نهان ها برایش آشکارند و ناپیداها برایش پیدا! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام حسین علیه السلام در روز پنجم : پاکا فرازمند برین ! پاکا بزرگ و بزرگ تر ! پاکا خدایی که تنها او چنین است و جز او کسی چنین نیست ، و هیچ کس ، توانایی او را ندارد ! پاکا خدایی که آغازش علمی است وصف ناشدنی و انجامش نیز علمی است نیستی ناپذیر ! پاکا خدایی که با خداوندگاری اش فراتر از همه آفریدگان است ، پس نه هیچ چشمی او را می بیند ، و نه

خِردی ، مانندی برایش می یابد ، و نه هیچ وهمی ، تصوّرش می نماید ، و نه هیچ زبانی می تواند او را تا نهایتِ وصفی که دارد ، وصفش کند ! پاکا خدایی که در هوا بلند است ! پاکا خدایی که مرگ را بر بندگان ، رقم زده است ! پاکا پادشاه قدرتمند ! پاکا پادشاه مقدّس ! پاکا مانای پایا ! تسبیح امام زین العابدین علیه السلام در روز ششم : پاکا آن که نورش هر تاریکی ای را روشن ساخته است ! پاکا آن که به قدرت خویش ، هر قدرتی را مقدّر ساخت ! پاکا آن که از جان های بندگان ، در پرده است و هیچ چیز ، حجاب او نمی شود ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام باقر علیه السلام در روز هفتم : پاکا آفریننده پدید آورنده ! پاکا توانای قدرتمند ! پاکا خدایی که برانگیزنده و وارث است ! پاکا آن که موجودات در برابرش خاضع اند ! پاکا آن که تندر و فرشتگان ، از بیمش تسبیح او می گویند ! پاکا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! تسبیح امام صادق علیه السلام در روز هشتم : پاکا آن که بزرگ است و دست کسی به آستانش نمی رسد ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز غفلت نمی کند ! پاکا آن که نگهدار است و هرگز فراموش نمی کند ! پاکا آن که دانایی است که هرگز اشتباه نمی کند ! پاکا آن که بر آفریدگان خویش احاطه دارد و هرگز غایب نیست ! پاکا آن که در پرده است و دیده نمی شود ! پاکا آن که در پس پرده روشنایی ، نهان است و هیچ چیزی او را در نمی یابد ! پاکا آن که مناره اش ، از نور است ، و روشنایی ، قرّه اوست ، و خرّمی ، جمال اوست ، و شکوهمندی ، عزّت اوست ، و عزّت ، قدرت اوست ، و قدرت ، صفت اوست ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام کاظم علیه السلام در روز نهم : پاکا آن که پاکی اش روزگار را آکنده است ! پاکا آن که زمان ، روشنایی او را فرو نمی پوشاند ! پاکا آن که هر تاریکی ای را به نور خویش ، روشن ساخته است ! پاکا آن که هر دینی ، پیرو دین اوست ، و هیچ دینی ، پیرو غیر دین او نیست ! پاکا آن که هر چیزی را با قدرت خویش آفرید ! پاکا آن که آفرینندگی اش را مرزی نیست ، و نیرویش را پایانی نَه ! پاکا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! تسبیح امام رضا علیه السلام در روز دهم و یازدهم : پاکا آفریننده روشنایی ! پاکا آفریننده تاریکی ! پاکا آفریننده آب ها ! پاکا آفریننده آسمان ها ! پاکا آفریننده زمین ها ! پاکا آفریننده بادها و گیاهان ! پاکا آفریننده زندگی و مرگ ! پاکا آفریننده خاک و بیابان ها ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام جواد علیه السلام در روز دوازدهم و سیزدهم : پاکا آن که بر اهل مملکت خود ، ستم نمی کند ! پاکا آن که زمینیان را به عذاب های رنگارنگ ، عذاب نمی کند ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام هادی علیه السلام در روز چهاردهم و پانزدهم : پاکا آن که همیشگی است و هرگز دست خوش سهو (اشتباه) نمی شود ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز غافل نمی شود ! پاکا آن که بی نیاز است و هرگز نیازمند

نمی شود ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح امام عسکری علیه السلام در روز شانزدهم و هفدهم : پاکا آن که در عین بلندی ، پایین (/ نزدیک) است ، و در عین پایینی ، بلند است ، و در نورانیتش تابان است ، و در سلطنتش نیرومند است ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! تسبیح صاحب الزمان علیه السلام در روز هجدهم تا آخر ماه : پاکا خدا به شمار آفریدگانش ! پاکا خدا ، چندان که خرسند شود ! پاکا خدا ، به گستره کلماتش ! پاکا خدا به وزن عرشش ! و سپاس ، خدای را به همین اندازه ها .

.

ص: 78

. .

ص: 79

. .

ص: 80

. .

ص: 81

..

المصباح للكفعمی عن ابن عبّاس یرفعه :مَن قالَ هذِهِ الکَلِماتِ کُلَّ یَومٍ مَرَّةً واحِدَةً ، کَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ ، ومَحا عَنهُ مِنَ السَّیِّئاتِ ورَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجاتِ ، وأثبَتَ لَهُ مِنَ الشَّفاعاتِ کَذلِکَ ، وهُوَ : سُبحانَ مَن هُوَ باقٍ لا یَفنی ، سُبحانَ مَن هُوَ عالِمٌ لا یَنسی ، سُبحانَ مَن هُوَ حافِظٌ لا یَغفُلُ ، سُبحانَ مَن هُوَ قَیّومٌ لا یَنامُ ، سُبحانَ مَن هُوَ قائِمٌ لا یَسهو ، سُبحانَ مَن هُوَ حَلیمٌ لا یَلهو ، سُبحانَ مَن هُوَ مَلِکٌ لا یُرامُ ، سُبحانَ مَن هُوَ عَزیزٌ لا یُضامُ ، سُبحانَ مَن هُوَ بَصیرٌ لا یَرتابُ ، سُبحانَ مَن هُوَ واسِعٌ لا یُکَلَّفُ ، سُبحانَ مَن هُوَ مُحتَجِبٌ لا یُرى ، وصَلَّى اللّهُ عَلى خِیَرَتِهِ مِن خَلقِهِ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وسَلَّمَ تَسلیما . (1)

المصباح للکفعمی :قُل کُلَّ یَومٍ مَرَّةً (2) : سُبحانَ الدّائِمِ القائِمِ ، سُبحانَ القائِمِ الدّائِمِ ، سُبحانَ الواحِدِ الأَحَدِ ، سُبحانَ الفَردِ الصَّمَدِ ، سُبحانَ الحَیِّ القَیّومِ ، سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ الحَیِّ الَّذی لا یَموتُ ، سُبحانَ المَلِکِ القُدّوسِ ، سُبحانَ رَبِّ المَلائِکَهِ وَالرّوحِ ، سُبحانَ العَلِیِّ الأعلی ، سُبحانَهُ وتَعالی . (3)

کنز العمّال عن أنس عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن قالَ کُلَّ یَومٍ مَرَّةً : «سُبحانَ القائِمِ الدّائِمِ ، سُبحانَ الحَیِّ القَیّومِ ، سُبحانَ الحَیِّ الَّذی لاَ یَموتُ ، سُبحانَ اللّهِ العَظیمِ وبِحَمدِهِ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ ، رَبُّ المَلائِکَهِ وَالرُّوحِ ، سُبحانَ العَلِیِّ الأعلی ، سُبحانَهُ وتَعالی» لَم یَمُت حَتّی یَری مَکانَهُ مِنَ الجَنَّهِ أو یُری لَهُ . (4)

.

1- .المصباح للکفعمی : ص 125 ذکره فی الحاشیه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 6 ح 9 وراجع قصص الأنبیاء : ص 122 ح 124 .
2- .زاد فی بحار الأنوار نقلاً عن المصدر : «تسبیح جبرئیل علیه السلام ، من قاله کلّ یوم مرّه فی سنه کامله لم یمت حتّی یری مقعده من الجنّه» .
3- .المصباح للکفعمی : ص 120 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 6 ح 9 .
4- .کنزالعمّال : ج 2 ص 230 ح 3886 نقلاً عن ابن شاهین فی الترغیب وابن عساکر .

المصباح ، کفعمی به نقل از ابن عبّاس ، که سند حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : هر کس در هر روز ، یک مرتبه این جملات را بگوید ، خداوند برایش هزار هزار ثواب می نویسد و به همین اندازه از او گناه می زداید و درجاتش را بالا می برد و برایش شفاعت می نگارد . آن جملات ، اینها هستند : «پاکا آن که ماناست و هرگز نیست نمی شود ! پاکا آن که داناست و هرگز فراموش نمی کند ! پاکا آن که نگهدار است و هرگز غافل نمی شود ! پاکا آن که همواره برپاست و هرگز نمی خوابد ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز اشتباه نمی کند ! پاکا آن که بردبار است و هرگز سرگرم نمی شود ! پاکا آن که پادشاهی است که هرگز آهنگ او نمی شود ! پاکا آن که نیرومند است و هرگز مقهور نمی شود ! پاکا آن که بیناست و هرگز تردید نمی کند ! پاکا آن که گشایشگر است و هرگز به زحمت نمی افکند ! پاکا آن که در پرده است و دیده نمی شود ! و درود و سلام خدا بر گزیده او از میان خلقش ، محمّد ، و خاندان پاک و پاکیزه او» .

المصباح ، کفعمی :هر روز ، یک مرتبه بگو (1) : «پاکا آن پاینده پابرجا ! پاکا آن پابرجای پاینده ! پاکا آن یگانه یکتا ! پاکا آن تکِ بی نیاز ! پاکا آن زنده همیشه بیدار ! پاکا خدا و سپاس ، او را ! پاکا آن زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا آن پادشاه مقدّس ! پاکا پروردگار فرشتگان و روح ! پاکا آن والای برین ! پاکا و برینا او!» .

کنز العمّال به نقل از اَ نَس ، از پیامبر خدا : هر کس روزی یک مرتبه بگوید : «پاکا آن پابرجای پاینده ! پاکا آن زنده همیشه بیدار ! پاکا آن زنده ای که هرگز نمی میرد ! پاکا خدای بزرگ و سپاس ، او را ! پاکا و مقدّسا پروردگار فرشتگان و روح ! پاکا آن والای برین ! پاکا و برینا او!» ، نمی میرد تا آن که جایگاه خود در بهشت را ببیند ، یا به او نمایانده شود .

.

1- .در بحار الأنوار به نقل از مأخذ ، افزوده است : «تسبیح جبرئیل علیه السلام . هر کس این تسبیح را روزی یک مرتبه ، به مدّت یک سال کامل بگوید ، نمی میرد تا آن که جایگاه خود را در بهشت ببیند» .

المصباح للكفعمى :يُستَحَبُّ أن يُصَلِّىَ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ ، بِالحَمدِ فيها وَالتَّوحيدِ ثَلاثا ، فَإِذا سَلَّمَ قالَ : «سُبحانَ مَن هُوَ حَفيظٌ لا يَغفُلُ ، سُبحانَ مَن هُوَ رَحيمٌ لا يَعجَلُ ، سُبحانَ مَن هُو قائِمٌ لا يَسهو ، سُبحانَ مَن هُوَ دائِمٌ لا يَلهو» ثُمَّ يَقولُ التَّسبيحاتِ الأَربَعَ سَبعا ، ثُمَّ يَقولُ : «سُبحانَکَ سُبحانَکَ ، يا عَظيمُ اغفِر لِىَ الذَّنبَ العَظيمَ» ثُمَّ يُصَلِّى عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ عليهم السلام عَشرا . مَن صَلّاها غَفَرَ اللّهُ لَهُ سَبعينَ أَلفَ ذَنبٍ . (1)

الكافى عن محمّد بن عيسى بإسناده عن الصالحين عليهم السلام فى ذِكرِ أعمالِ العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ :تَقولُ فِى اللَّيلَةِ العاشِرَةِ : الحَمدُ للّهِ لا شَريکَ لَهُ ، الحَمدُ للّهِ كَما يَنبَغى لِكَرَمِ وَجهِهِ وعِزِّ جَلالِهِ وكَما هُوَ أهلُهُ ، يا قُدّوسُ يا نورَ القُدسِ ، يا سُبّوحُ يا مُنتَهَى التَّسبيحِ . (2)

.

1- .المصباح للكفعمى : ص 746 أورده فى الهامش .
2- .الكافى : ج 4 ص 164 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 105 ح 265 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 164 ح 2032 عن محمّد بن أبى عمير عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «يا نور يا قدّوس ، يا نور يا قدّوس» بدل «يا قدّوس يا نور القدس» ، بحار الأنوار : ج 98 ص 70 .

المصباح ، کفعمی :مستحب است که شخص در هر شب ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک حمد و سه بار سوره توحید بخواند و چون سلام داد ، بگوید : «پاکا آن که نگهدار است و هرگز غفلت نمی کند ! پاکا آن که مهربان است و شتاب نمی کند ! پاکا آن که نگهبان است و هرگز اشتباه نمی کند ! پاکا آن که پاینده است و هرگز سرگرم نمی شود !» ، سپس هفت مرتبه تسبیحات چهارگانه را بگوید و آن گاه بگوید : «پاکی تو ، پاکی تو . ای بزرگ! گناه بزرگ مرا بیامرز» ، سپس ده مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او صلوات بفرستد . هر کس این نماز را بخواند ، خداوند ، هفتاد هزار گناه او را می آمرزد .

الکافی به نقل از محمّد بن عیسی ، از امامان علیهم السلام ، در بیان اعمال دهه آخر ماه رمضان : در شب دهم می گویی : «سپاس ، خدایی را که انبازی ندارد ! سپاس ، خدای را ، چنان که زیبنده ذات بزرگوار و عزّت شُکوه اوست و چنان که او اهل آن است ! ای مقدّس ، ای نور قدس ، ای منزّه ، ای نهایت تسبیح !» .

.

الفَصلُ الثّامِنُ : تسبيح فاطمه8 / 1فَضلُ تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلامالإمام الباقر عليه السلام :ما عُبِدَ اللّهُ بِشَى‌ءٍ مِنَ التَّحميدِ أفضَلَ مِن تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلام ، ولَو كانَ شَى‌ءٌ أفضَلَ مِنهُ لَنَحَلَهُ (1) رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فاطِمَةَ عليهاالسلام . (2)

الإمام الصادق عليه السلام لِأَبى هارونَ المَكفوفِ : يا أبا هارونَ ، إنّا نَأمُرُ صِبيانَنا بِتَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلامكَما نَأمُرُهُم بِالصَّلاهِ ، فَالزَمهُ ؛ فَإِنَّهُ لَم يَلزَمهُ عَبدٌ فَشَقِىَ . (3)

عنه عليه السلام :مَن باتَ عَلى تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلام ، كانَ مِنَ الذّاكِرينَ اللّهَ كَثيرا وَالذّاكِراتِ (4) . (5)

.

1- .نَحَلْته : أعطيته شيئا من غير عِوَض بِطِيب نَفْس (المصباح المنير : ص 595 «نحل») .
2- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 14 عن عقبه ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 105 ح 398 عن صالح بن عقبه ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 333 ح 91 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 64 ح 56 .
3- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 13 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 105 ح 397 ، ثواب الأعمال : ص 196 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 675 ح 914 كلّها عن أبى هارون المكفوف ، بحار الأنوار : ج 85 ص 328 ح 3 .
4- .إشاره إلى الآيه 35 من سوره الأحزاب .
5- .مجمع البيان : ج 8 ص 561 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 174 .

فصل هشتم: تسبیحات فاطمه8 / 1فضیلت تسبیحات فاطمه علیهاالسلامامام باقر علیه السلام :خداوند به ستایشی برتر از تسبیح فاطمه علیهاالسلام عبادت نشده است ، و اگر چیزی برتر از آن وجود داشت ، بی گمان ، پیامبر خدا آن را به فاطمه علیهاالسلامپیشکش می کرد .

امام صادق علیه السلام به ابو هارون مکفوف : ای ابو هارون ! ما کودکان خود را ، همچنان که به خواندن نماز فرمان می دهیم ، به خواندن تسبیحات فاطمه علیهاالسلامفرمان می دهیم . پس به آن ، چنگ در زن ؛ زیرا هر بنده ای به آن چنگ زند ، بدبخت نمی شود .

امام صادق علیه السلام :هر کس شب را با گفتن تسبیحات فاطمه علیهاالسلام بخوابد ، از شمار مردان و زنانی است که بسیار یاد خدا می کنند . (1)

.

1- .اشاره است به آیه 35 از سوره احزاب .

عنه علیه السلام :تَسبیحُ فاطِمَةَ الزَّهراءِ علیهاالسلام مِنَ الذِّکرِ الکَثیرِ الَّذی قالَ اللّهُ عز و جل : «اذْکُرُواْ اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا» (1) . (2)

تأویل الآیات الظاهره عن إسماعیل بن عمّار :قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : قَولُهُ عز و جل : «اذْکُرُواْ اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا» ما حَدُّهُ؟ قالَ : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَلَّمَ فاطِمَةَ علیهاالسلام أن تُکَبِّرَ أربَعا وثَلاثینَ تَکبیرَةً ، وتُسَبِّحَ ثَلاثا وثَلاثینَ تَسبیحَةً ، وتُحَمِّدَ ثَلاثا وثَلاثینَ تَحمیدَةً ، فَإذا فَعَلَت ذلِکَ بِاللَّیلِ مَرَّةً وبِالنَّهارِ مَرَّةً ، فَقَد ذَکَرَتِ اللّهَ کَثیرا . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :مَن سَبَّحَ تَسبیحَ فاطِمَةَ علیهاالسلام فی دُبُرِ المَکتوبَهِ مِن قَبلِ أن یَبسُطَ رِجلَیهِ ، أوجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّةَ . (4)

عنه علیه السلام :مَن سَبَّحَ اللّهَ فی دُبُرِ الفَریضَهِ تَسبیحَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ علیهاالسلام المِئَةَ مَرَّةٍ ، وأتبَعَها بِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (5)

عنه علیه السلام :مَن سَبَّحَ تَسبیحَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ علیهاالسلام قَبلَ أن یَثنِیَ (6) رِجلَیهِ مِن صَلاهِ الفَریضَهِ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ، وَلیَبدَأ بِالتَّکبیرِ . (7)

.

1- .الأحزاب : 41 .
2- .الکافی : ج 2 ص 500 ح 4 عن زراره ، معانی الأخبار : ص 193 ح 5 نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 331 ح 8 .
3- .تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 454 ح 16 .
4- .فلاح السائل : ص 297 ح 194 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 85 ص 332 ح 13 .
5- .الکافی : ج 3 ص 342 ح 7 ، المحاسن : ج 1 ص 106 ح 87 وزاد فیه «قبل أن یثنی رجلیه» بعد «الفریضه» ، بحار الأنوار : ج 85 ص 335 ح 23 .
6- .قال العلّامه المجلسی قدس سره : «أن یثنی» أی عن القبله ، أو مطلق التغیّر عن هیئه الصلاه کما قیل ، وقال فی النهایه : أراد قبل أن یصرف رجله عن حالته التی علیها فی التشهّد (مرآه العقول : ج 15 ص 173) .

7- .الكافى : ج 3 ص 342 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 105 ح 395 ، ثواب الأعمال : ص 196 ح 4 كلّها عن عبد اللّه بن سنان ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 29 ح 2063 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 332 ح 11 .

امام صادق علیه السلام :تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام ، از مصادیق آن یادِ بسیار است که خداوند عز و جلفرموده است : «خدا را بسیار یاد کنید» .

تأویل الآیات الظاهره به نقل از اسماعیل بن عمّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : این که خداوند عز و جل فرموده : «خدا را بسیار یاد کنید» ، اندازه این یادِ بسیار چیست؟ فرمود : «پیامبر خدا به فاطمه آموخت که سی و چهار مرتبه اللّه أکبر ، سی و سه مرتبه سبحان اللّه و سی و سه مرتبه الحمد للّه بگوید . پس ، هر گاه در شب ، یک مرتبه و در روز نیز یک مرتبه این تسبیحات را بگویی ، خدا را بسیار یاد کرده ای» .

امام صادق علیه السلام :هر کس پس از اتمام نماز واجب ، پیش از آن که پاهایش را بگشاید [و از حالت دو زانو خارج شود] ، تسبیحات فاطمه علیهاالسلام را بگوید ، خداوند ، بهشت را بر او واجب می گرداند .

امام صادق علیه السلام :هر کس در تعقیبات نماز واجب ، صد مرتبه تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام را بخواند و در پی آن ، «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، خداوندْ او را می آمرزد .

امام صادق علیه السلام :هر کس پس از نماز واجب ، پیش از آن که پاهایش را [از حالت تشهّد]خارج سازد ، تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام را بگوید ، خداوندْ او را می آمرزد ، و باید از تکبیرات آغاز کند .

.

عنه عليه السلام :تَسبيحُ فاطِمَةَ عليهاالسلام فى كُلِّ يَومٍ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ ، أحَبُّ إلَىَّ مِن صَلاةِ ألفِ رَكعَةٍ فى كُلِّ يَومٍ . (1)

مشكاه الأنوار :دَخَلَ رَجُلٌ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام وكَلَّمَهُ فَلَم يَسمَع كَلامَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، وشَكا إلَيهِ ثِقلاً فى اُذُنَيهِ ، فَقالَ لَهُ : ما يَمنَعُكَ أو أينَ أنتَ مِن تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلام؟ فَقالَ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ ، وما تَسبيحُ فاطِمَةَ؟ فَقالَ : تُكَبِّرُ اللّهَ أربَعا وثَلاثينَ ، وتُحَمِّدُ اللّهَ ثَلاثا وثَلاثينَ ، وتُسَبِّحُ اللّهَ ثَلاثا وثَلاثينَ ، تَمامَ المِئَةِ . قالَ : فَما فَعَلتُ ذلِكَ إلّا يَسيرا ، حَتّى ذَهَبَ عَنّى ما كُنتُ أجِدُهُ . (2)

8 / 2بَدءُ تَشريعِهِالإمام علىّ عليه السلام لِرَجُلٍ مِن بَنى سَعدٍ : ألا اُحَدِّثُكَ عَنّى وعَن فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليهاالسلام؟ إنَّها كانَت عِندى فَاستَقَت بِالقِربَهِ حَتّى أثَّرَ فى صَدرِها ، وطَحَنَت بِالرَّحى حَتّى مَجَلَت يَداها ، وكَسَحَتِ البَيتَ حَتَّى اغبَرَّت ثِيابُها ، وأوقَدَت تَحتَ القِدرِ حَتّى دَكِنَت (3) ثِيابُها ، فَأصابَها مِن ذلِكَ ضُرٌّ شَديدٌ . فَقُلتُ لَها : لَو أتَيتِ أباكِ فَسَأَلتِهِ خادِما يَكفيكِ حَرَّ (4) ما أنتِ فيهِ مِن هذَا العَمَلِ . فَأتَتِ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَوَجَدَت عِندَهُ حُدّاثا (5) فَاستَحيَت فَانصَرَفَت ، فَعَلِمَ صلى الله عليه و آله أنَّها قَد جاءَت لِحاجَهٍ ، فَغَدا عَلَينا . . . ثُمَّ قالَ : يا فاطِمَهُ ما كانَت حاجَتُكِ أمسِ عِندَ مُحَمَّدٍ؟... فَقُلتُ : أنَا وَاللّهِ اُخبِرُک يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّهَا استَقَت بِالقِرَبهِ حَتّى أثَّرَ فى صَدرِها ، وجَرَّت بِالرَّحى حَتّى مَجَلَت يَداها ، وكَسَحَتِ البَيتَ حَتَّى اغبَرَّت ثِيابُها ، وأوقَدَت تَحتَ القِدرِ حَتّى دَكِنَت ثِيابُها ، فَقُلتُ لَها : لَو أتَيتِ أباكِ فَسَأَلتِهِ خادِما يَكفيكِ حَرَّ ما أنتِ فِيهِ مِن هذَا العَمَلِ! قالَ : أفَلا اُعَلِّمُكُما ما هُوَ خَيرٌ لَكُما مِنَ الخادِمِ؟ إذا أخَذتُما مَنامَكُما فَكَبِّرا أربَعا وثَلاثينَ تَكبيرَهً ، وسَبِّحا ثَلاثا وثَلاثينَ تَسبيحَهً ، وَاحمَدا ثَلاثا وثَلاثينَ تَحميدَهً . (6)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 15 ، ثواب الأعمال : ص 196 ح 3 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 29 ح 2062 كلّها عن أبى خالد القمّاط ، بحار الأنوار : ج 85 ص 331 ح 9 .

2- .مشكاه الأنوار : ص 483 ح 1609 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 334 ح 21 .

3- .دَكِنَ الثوبُ : إذا اتّسخ واغبرّ لَونُه (النهايه : ج 2 ص 128 «دكن») .

4- .الحارّ مِن العَمَل : شاقّه وشديده (القاموس المحيط : ج 2 ص 8 «حرر») .
5- .حدّاثا : أى جماعه يتحدّثون ، وهو جمع على غير قياس (النهايه : ج 1 ص 350 «حدث») .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 320 ح 947 ، علل الشرايع : ص 366 ح 1 عن أبى الورد بن ثمامه ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 28 ح 2061 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 82 ح 5 ؛ سنن أبى داوود : ج 3 ص 150 ح 2988 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 322 ح 1312 كلاهما عن ابن أعبد نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 508 ح 41985 .

امام صادق علیه السلام :گفتن تسبیحات فاطمه علیهاالسلام در هر روز پس از هر نمازی ، نزد من محبوب تر از خواندن هزار رکعت نماز در هر روز است .

مشکاه الأنوار :مردی بر امام صادق علیه السلام در آمد و ایشان با او سخن گفت ؛ امّا او سخن امام صادق علیه السلام را نشنید و از سنگینی گوش هایش به امام علیه السلام شکایت کرد . [امام علیه السلام]فرمود: «چرا تسبیحات فاطمه علیهاالسلام را نمی خوانی؟» . مرد گفت : فدایت شوم ! تسبیحات فاطمه چیست؟ فرمود : «سی و چهار مرتبه اللّه أکبر می گویی ، سی و سه مرتبه الحمد للّه و سی و سه مرتبه سبحان اللّه ، که مجموعا می شود صد تا» . آن مرد گفت : مدّت کوتاهی که این کار را انجام دادم ، سنگینی گوشم از بین رفت .

8 / 2آغاز تشریع تسبیحات فاطمه علیهاالسلامامام علی علیه السلام به مردی از بنی سعد : آیا از خودم و از فاطمه زهرا برایت نگویم؟ زمانی که فاطمه علیهاالسلام در خانه من بود ، آن قدر با مشکْ آب کشید که بر سینه اش رد انداخت ، و چندان دستاس کرد که دستانش تاول زد ، و از بس خانه را جارو کرد ، جامه هایش گردآلود شده بود ، و چندان دیگدان برافروخت که لباس هایش سیاه شده بود . و از این کارها رنج و گزند شدیدی به او رسید . من به او گفتم : کاش نزد پدر خویش شوی و از او خدمتکاری بخواهی تا از رنج این همه کار بیاسایی ! او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت . دید عدّه ای خدمت ایشان نشسته اند و گفتگو می کنند . شرم کرد و برگشت . پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که او برای کاری آمده است . صبح روز بعد ، نزد ما آمد ... . سپس فرمود : «ای فاطمه ! دیروز تو را با محمّد چه کار بود؟» . من گفتم : ای پیامبر خدا ! من به شما می گویم . او از بس با مشکْ آب کشیده ، بر سینه اش رد انداخته است و از بس دستاسْ چرخانده ، دستانش تاول زده است و از بس خانه جارو کرده ، جامه هایش گردآلود گشته و از بس زیر دیگْ آتش افروخته ، جامه هایش سیاه شده است . من به او گفتم : کاش نزد پدر خویش شَوی و از او خدمتکاری بخواهی تا از رنج این همه کار ، بیاسایی! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «می خواهید چیزی به شما بیاموزم که از خدمتکار برایتان

بهتر است؟ هر گاه به بستر خواب رفتید ، سی و چهار اللّه أکبر بگویید و سی و سه سبحان اللّه و سی و سه الحمد للّه » .

.

عنه عليه السلام :إنَّ فاطِمَةَ عليهاالسلام شَكَت ما تَلقى مِن أثَرِ الرَّحى ، فَأتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله سَبىٌ ، فَانطَلَقَت فَلَم تَجِدهُ ، فَوَجَدَت عائِشَةَ فَأخبَرَتها ، فَلَمّا جاءَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله أخبَرَتهُ عائِشَهُ بِمَجىءِ فاطِمَةَ عليهاالسلام ، فَجاءَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إلَينا وقَد أخَذنا مَضاجِعَنا ، فَذَهَبتُ لِأَقومَ فَقالَ : عَلى مَكانِكُما ، فَقَعَدَ بَينَنا حَتّى وَجَدتُ بَردَ قَدَمَيهِ عَلى صَدرى ، وقالَ : ألا اُعَلِّمُكُما خَيرا مِمّا سَأَلتُمانى؟ إذا أخَذتُما مَضاجِعَكُما تُكَبِّرانِ أربَعا وثَلاثينَ ، وتُسَبِّحانِ ثَلاثا وثَلاثينَ ، وتُحَمِّدانِ ثَلاثا وثَلاثينَ ، فَهُوَ خَيرٌ لَكُما مِن خادِمٍ . (1)

.

1- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1358 ح 3502 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2091 ح 80 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 287 ح 1141 كلّها عن ابن أبى ليلى ، كنزالعمّال : ج 15 ص 504 ح 41980 وراجع المعجم الكبير : ج 23 ص 339 ح 787 .

امام علی علیه السلام :فاطمه علیهاالسلام از رنجی که بر اثر دستاس کردن به او رسیده بود ، شِکوه کرد . در این میان ، شماری اسیر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند . فاطمه نزد ایشان رفت ؛ امّا ایشان را نیافت . عایشه را دید و داستان را به او گفت . پیامبر صلی الله علیه و آله که آمد ، عایشه آمدن فاطمه علیهاالسلام را به اطّلاع ایشان رساند . ما در بسترِ خواب بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد . خواستم از جا بلند شوم که فرمود : «بلند نشوید» . ایشان در میان ما نشست ، به طوری که خنکی پاهایش را بر سینه خود حس کردم ، و فرمود : «آیا شما دو تن را چیزی نیاموزم که از آنچه از من خواستید ، بهتر است؟ هر گاه به بستر خود رفتید ، سی و چهار مرتبه اللّه أکبر بگویید و سی و سه مرتبه سبحان اللّه و سی و سه مرتبه الحمد للّه . این برای شما بهتر از هر خدمتکاری است» .

.

8 / 3كَيفِيَّتُهُالكافى ِعن محمّد بن عذافر :دَخَلتُ مَعَ أبى عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَسَأَلَهُ أبى عَن تَسبيحِ فاطِمَةَ عليهاالسلام . فَقالَ : «اللّهُ أكبَرُ» حَتّى أحصاها أربَعا وثَلاثينَ مَرَّةً ، ثُمَّ قالَ : «الحَمدُ للّهِ» حَتّى بَلَغَ سَبعا وسِتّينَ ، ثُمَّ قالَ : «سُبحانَ اللّهِ» حَتّى بَلَغَ مِئَةً ، يُحصيها بِيَدِهِ جُملَةً واحِدَةً . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :فى تَسبيحِ فاطِمَةَ صَلَّى اللّهُ عَلَيها ، يُبدَأُ بِالتَّكبيرِ أربَعا وثَلاثينَ ، ثُمَّ التَّحميدِ ثَلاثا وثَلاثينَ ، ثُمَّ التَّسبيحِ ثَلاثا وثَلاثينَ . (2)

الكافى عن داوود بن فرقد عن أخيه :أنَّ شِهابَ بنَ عَبدِ رَبِّهِ سَأَلَهُ أن يَسأَلَ أبَا عَبدِ اللّهِ عليه السلام وقالَ : قُل لَهُ : إنَّ امرَأَةً تُفزِعُنى فِى المَنامِ بِاللَّيلِ . فَقالَ : قُل لَهُ : اجعَل مِسباحا (3) ، وكَبِّرِ اللّهَ أربَعا وثَلاثينَ تَكبيرَةً ، وسَبِّحِ اللّهَ ثَلاثا وثَلاثينَ تَسبيحَةً ، وَاحمَدِ اللّهَ ثَلاثا وثَلاثينَ ، وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ويُميتُ ويُحيى ، بِيَدِهِ الخَيرُ ، ولَهُ اختِلافُ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ عَشرَ مَرّاتٍ . (4)

الكافى :عَن مُحَمَّدِ بنِ جَعفَرٍ عَمَّن ذَكَرَهُ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام أنَّهُ كانَ يُسَبِّحُ تَسبيحَ فاطِمَةَ صَلَّى اللّهُ عَلَيها ، فَيَصِلُهُ ولا يَقطَعُهُ . (5)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 342 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 105 ح 400 ، المحاسن : ج 1 ص 106 ح 88 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 333 ح 14 .
2- .الكافى : ج 3 ص 342 ح 9 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 106 ح 401 وليس فيه «فى تسبيح فاطمه عليهاالسلام» وكلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 85 ص 339 .
3- .المسباحُ: ما يُسبَّح به ويُعَدُّ به الأذكار (هامش المصدر) .
4- .الكافى : ج 2 ص 536 ح 7 .
5- .الكافى : ج 3 ص 342 ح 12 .

8 / 3چگونگی تسبیحات فاطمه علیهاالسلامالکافی به نقل از محمّد بن عذافر : با پدرم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم . پدرم از ایشان در باره تسبیحات فاطمه علیهاالسلام پرسید . فرمود : «اللّه أکبر» و سی و چهار مرتبه آن را گفت . سپس فرمود : «الحمد للّه » تا رسید به شصت و هفت مرتبه . سپس فرمود : «سبحان اللّه » تا به صد رسید ، و اینها را با دستش یکی یکی می شمرد .

امام صادق علیه السلام در باره تسبیحات فاطمه علیهاالسلام : با سی و چهار «اللّه أکبر» آغاز می شود ، سپس سی و سه «الحمد للّه » گفته می شود ، و بعد ، سی و سه «سبحان اللّه » .

الکافی به نقل از داوود بن فَرقَد ، در باره برادرش : شهاب بن عبد ربّه ، از او خواست که از امام صادق علیه السلام بپرسد و گفت : [از طرف من] به ایشان بگو : شب ها که می خوابم ، زنی به خوابم می آید و مرا می ترساند . [امام علیه السلام] فرمود : «به او بگو : تسبیحی بساز و [با آن ،] سی و چهار مرتبه اللّه أکبر بگو و سی و سه مرتبه سبحان اللّه و سی و سه مرتبه الحمد للّه و ده مرتبه بگو : معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . زنده می کند و می میراند ، و می میراند و زنده می گرداند . خوبی ، همه ، در دست اوست و گردش شب و روز ، برای اوست و او بر هر چیزی تواناست» .

الکافی به نقل از محمّد بن جعفر ، از کسی دیگر که نامش را برد : امام صادق علیه السلام تسبیحات فاطمه را که درود خدا بر او باد پیوسته می گفت و گفتن آن را قطع نمی کرد .

.

مسند ابن حنبل عن أبى الدرداء :أتَيتُ رَسولَ اللّهَ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ذَهَبَ الأَغنِياءُ بِالدُّنيا وَالآخِرَهِ ؛ نُصَلّى ويُصَلّونَ ، ونَصومُ ويَصومونَ ، ويَتَصَدَّقونَ ولا نَتَصَدَّقُ! قالَ : ألا أدُلُّکَ عَلى شَىءٍ إن أنتَ فَعَلتَهُ لَم يَسبِقکَ أحَدٌ کانَ قَبلَکَ ولَم يُدرِککَ أحَدٌ بَعدَکَ ، إلّا مَن فَعَلَ الَّذى تَفعَلُ دُبُرَ کُلِّ صَلاهٍ ؟! ثَلاثا وثَلاثينَ تَسبيحَهً ، وثَلاثا وثَلاثينَ تَحميدَهً ، وأربَعا وثَلاثينَ تَکبيرَهً (1) .

مسند ابن حنبل عن زيد بن ثابت :أمَرَنا [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] أن نُسَبِّحَ فى دُبُرِ کُلِّ صَلاهٍ ثَلاثا وثَلاثينَ تَسبيحَهً ، ونُحَمِّدَ ثَلاثا وثَلاثينَ تَحميدَهً ، ونُکَبِّرَ أربَعا وثَلاثينَ تَکبيرَهً . (2)

راجع : ص 88 ح 933 و ص 90 ح 938 .

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 166 ح 21768 ، کنزالعمّال : ج 2 ص 643 ح 4975 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزّاق .
2- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 154 ح 21716 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 332 ح 1328 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 383 ح 928 کلاهما نحوه .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو دردا : خدمت پیامبر خدا رسیدم و گفتم : ای پیامبر خدا ! توانگران ، دنیا و آخرت را از آنِ خود کردند . ما نماز می خوانیم ، آنها هم نماز می خوانند . ما روزه می گیریم و آنها هم روزه می گیرند . آنها صدقه (/ زکات) می دهند ؛ ولی ما [چون نداریم ،] صدقه نمی دهیم ! [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : «آیا تو را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دهی ، نه از گذشتگان ، کسی بر تو پیشی می گیرد و نه پس از تو ، کسی به پایَت می رسد ، مگر آن کسی که همان کاری را انجام دهد که تو بعد از هر نمازی انجام می دهی که سی و سه مرتبه سبحان اللّه ، سی و سه مرتبه الحمد للّه و سی و چهار مرتبه اللّه أکبر می گویی؟ !» .

مسند ابن حنبل به نقل از زید بن ثابت : پیامبر خدا به ما دستور داد که بعد از هر نمازی ، سی و سه «سبحان اللّه » بگوییم ، سی و سه «الحمد للّه » ، و سی و چهار «اللّه أکبر» .

ر . ک : ص 89 ح 933 و ص 91 ح 938 .

.

کیفیّت تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام

اشاره

کیفیّت تسبیح فاطمه زهراحادیث فراوانی بر استحباب ذکر تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام تأکید کرده اند . این احادیث ، میان شیعه و اهل سنّت ، مستفیض است و در کتب اربعه شیعه و برخی از صحاح و مسانید مشهور اهل سنّت به طریق های مختلف ، نقل شده است . آنچه از این احادیث فهمیده می شود ، آن است که استحباب این تسبیح که از مصادیق ذکرِ کثیر دانسته شده ، (1) منحصر به تعقیب نمازهای واجب و یا هر نمازی نیست ؛ بلکه هنگام خواب و یا برای رفع پاره ای مشکلات نیز مفید است . (2) همه این احادیث ، اتّفاق دارند که تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام از ترکیب سه ذکر «اللّه اکبر» ، «الحمد للّه » و «سبحان اللّه » به وجود آمده و عطای پُر ارزش پیامبر خدا به دختر بزرگوارش فاطمه علیهاالسلام است . همچنین در تعداد مجموعی و اختصاصی هر یک از این اذکار ، اتّفاق نظر است و همه روایات ، تعداد ذکر «اللّه اکبر» را 34 بار ، «الحمد للّه » را 33 بار و «سبحان اللّه » را نیز 33 بار دانسته اند که مجموع آنها یکصد می شود .

.

1- .ر . ک : ص 87 ح 931 933 و نیز ج 1 ص 115 ح 176 179 .
2- .الکافی : ج 2 ص 536 ح 7 .

نظریه مشهور : تقدیم تحمید بر تسبیح

تنها اختلاف جزئی ، در ترتیب این سه جزء است . احادیث شیعی به اتّفاق ، «اللّه اکبر» را ذکر آغازین می دانند (1) و برخی احادیث اهل سنّت ، آن را ذکر پایانی می شمرند (2) و برخی دیگر که در منابع معتبرتری هستند ، در این بخش با احادیث شیعی همسو و همگون هستند . (3) از این رو ، این اختلاف به آسانی قابل حل است . اختلاف دیگر ، در حوزه احادیث شیعی و در ترتیب «الحمد للّه » و «سبحان اللّه » است . مشهور احادیث شیعی ، «الحمد للّه » را بر «سبحان اللّه » مقدّم می دارند (4) و تنها چند حدیث معدود ، عکس آن را ابراز می دارند و بر همین اساس ، بیشتر فقها ، ترتیب معمولی و رایج کنونی ، یعنی «اللّه اکبر» ، «الحمد للّه » و «سبحان اللّه » را ذکر کرده اند ، هر چند برخی از آنان ، قائل به تخییر شده و هر دو ترتیب را مجاز و مطابق با سنّت دانسته اند .

نظریه مشهور : تقدیم تحمید بر تسبیحعلّامه حلّی در کتاب المختلف که اختلاف فتاوای فقیهان شیعه را بررسی می کند ، می گوید : مشهور در تسبیح زهرا علیهاالسلام این است که نخست «اللّه أکبر» گفته می شود ، سپس «الحمد للّه » و بعد ، «سبحان اللّه » . این را شیخ جطوسیج در النهایه و المبسوطو

.

1- .ر. ک : وسائل الشیعه : ج 6 ص 444 (باب 10) ، و الحدائق الناضره : ج 8 ص 515 519 .
2- .ر. ک : مسند ابن حنبل : ج 1 ص 227 ح 838 و ص 305 ح 1228 و ج 8 ص 166 ح 21768 ، تاریخ بغداد : ج 3 ص 24 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 165 ح 4724 و . . . .
3- .ر . ک : صحیح البخاری : ج 3 ص 1358 ح 3502 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2091 ح 80 ، سنن أبی داوود : ج 3 ص 150 ح 2987 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 287 ح 1141 .
4- .ر . ک : ص 95 (چگونگی تسبیحات فاطمه علیهاالسلام) .

دلیل نظریه مشهور

[شیخ] مفید در المُقنعه و سَلّار و ابن بَرّاج و ابن ادریس ، ذکر کرده اند. (1) مراجعه مستقیم به کتاب های فقهی نیز همین گفته را نتیجه می دهد . (2) همچنین شیخ بهایی ، در مفتاح الفلاح ، آن را مشهور دانسته و گفته است : آنچه در تعقیبات مشهور است و به آن عمل می شود ، مقدّم داشتن «الحمد للّه » بر «سبحان اللّه » است . (3) محدّث بحرانی نیز در الحدائق الناضره ، پس از ذکر همه احادیث و در پایان جمع بندی دلالی و سندی خود ، قول مشهور و معتضد به اخبار را تقدیم تحمید بر تسبیح دانسته است . (4) شیخ محمّد حسن نجفی نیز در کتاب گران سنگ جواهر الکلام ، چنین نوشته است : آنچه در میان اصحاب ، شهرت بسیار دارد و بلکه در وسایل الشیعه آمده است که شیعه به آن عمل می کرده اند ، این است که نخست ، سی و چهار «اللّه أکبر» گویند . سپس سی و سه «الحمد للّه » و بعد ، سی و سه «سبحان اللّه » . در فتاوا و احادیث ، در این باره اختلافی نمی یابم ، بجز خبر علل الشرائع که به زودی آن را ذکر خواهم کرد . (5)

دلیل نظریه مشهوراستدلال قول مشهور ، ساده و روشن است . احادیث بسیاری بر مدّعای آن دلالت

.

1- .المختلف : ج 2 ص 182 .
2- .ر. ک : النهایه : ص 85 ، المبسوط : ج 1 ص 117 ، المقنعه : ص 110 ، المراسم العلویّه : ص 73 ، المهذّب : ج 1 ص 96 ، السرائر : ج 1 ص 233 ، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه : ص 78 .
3- .مفتاح الفلاح : ص 213 .
4- .الحدائق الناضره : ج 8 ص 523 .
5- .جواهر الکلام : ج 10 ص 399 . گفتنی است حدیث علل الشرائع ، مطابق با احادیث اهل سنّت است و در اسناد آن نیز راویان اهل سنّت موجودند .

نظریه دوم : تقدیم تسبیح بر تحمید

دارند که با یک شمارش ساده ، می توان فزونیِ آنها را بر احادیث قول دیگر ، نشان داد . افزون بر این ، اسناد احادیث دالّ بر قول مشهور ، در مقایسه با احادیث دیگر ، از قوّت بیشتری برخوردار است و از این رو ، حتّی اگر این دو دسته احادیث مختلف را با هم متعارض بدانیم که خواهیم گفت چنین نیست ، باز هم بنا به شهرت روایی و قوّت سندی ، ترجیح با قول مشهور خواهد بود . (1)

نظریه دوم : تقدیم تسبیح بر تحمیددلیل این قول ، آن است که برخی فقیهان متقدّم ، مانند شیخ صدوق و پدرش ، ابن جُنَید وشیخ طوسی (در برخی از کتاب هایش) ، به گاه بیان کیفیت تسبیحات فاطمه زهرا علیهاالسلام تسبیح را بر تحمید ، مقدّم کرده اند (2) و چون این فقیهان به روزگار ائمّه علیهم السلام نزدیک بوده و خودْ محدّث نیز بوده اند ، می توان قول آنان را ردّی بر قول مشهور دانست . در پاسخ به این گفته ، می توانیم تصریح شیخ صدوق و شیخ طوسی را بیاوریم که آنان ، هر دو شکل ترتیب مشهور و غیر مشهور را جایز دانسته اند و مقصودشان از ذکر ترتیب غیر مشهور ، آن بوده است که بگویند ترتیب مشهور ، لازم الرعایه و انحصاری نیست و هر دو کیفیت ، مشروع و مطابق با سنّت است . برخی فقیهان متأخّر ، مانند صاحب جواهر نیز این نظر را دارند و حتّی آن را به علّامه حلّی و فیض کاشانی نیز نسبت داده اند . (3)

.

1- .شیخ یوسف محدّث بحرانی برای تقویت نظریه مشهور ، به دلیل دیگری نیز تمسّک کرده که خالی از ضعف نیست (ر. ک : جواهر الکلام : ج 10 ص 402) .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : ص 115 ، الهدایه : ص 141 ، الاقتصاد : ص 264 . نیز ، ر.ک : المختلف : ج 2 ص 182 ، المبسوط : ج 1 ص 117 .
3- .جواهر الکلام : ج 10 ص 404 .

نظریه سوم : تفصیل

دلیل صاحب جواهر ، آن است که در مسائل مستحب ، اختلاف در میان احادیث ، به تعارض نمی انجامد تا نیاز به ترجیح یا تخییر پیش آید ؛ بلکه در این گونه موارد ، تأکید بر یک سو ، به منظور معرّفی فرد احسن و اَکمل است ، نه ردّ جواز و مشروعیت طرف دیگر . صاحب جواهر می افزاید : ای بسا گفته امام صادق علیه السلام اشاره به این دارد ، آن جا که فرمود : «وتُبدأ بالتکبیر ؛ با اللّه اکبر شروع شود» و در باره بقیه سکوت کرد . (1) یعنی آنچه مهم است ، آغاز با تکبیر است و چون امام علیه السلام از بیان ترتیب میان حمد و تسبیح خودداری ورزیده ، پس ترتیب آن دو ، مهم نیست و آنچه محمّد بن عذافر از فعل امام صادق علیه السلام گزارش داده که امام علیه السلام تحمید را بر تسبیح مقدّم داشته است ، (2) جز جواز و حدّاکثر ، استحباب آن را اثبات نمی کند و دلالتی بر حتمیت آن و طرد کیفیت دیگر ندارد .

نظریه سوم : تفصیلگفتنی است نظریه دیگری نیز در این میان مطرح است و آن ، تفصیل است ؛ یعنی اختصاص کیفیت مشهور «تقدیم تحمید بر تسبیح» به تعقیب نماز و اختصاص کیفیت غیر مشهور «تقدیم تسبیح بر تحمید» به هنگام خواب است . شیخ بهایی ، این تفصیل را با استفاده از اجماع مرکّب ، رد کرده است ؛ (3) امّا فقیهان دیگر مانند محدّث بحرانی و صاحب جواهر ، این رد را نپسندیده و مسئله

.

1- .جواهر الکلام : ج10 ص 404 .
2- .الکافی : ج 3 ص 342 ح 8 .
3- .مفتاح الفلاح : ص 218 .

نظریه مختار

را محلّ تمسّک به این گونه دلیل ها ندانسته اند . (1) دلیل بهتر در ردّ این تفصیل ، مراجعه به احادیث است ؛ زیرا در میان احادیث مشهور ، حدیثی داریم که همان کیفیت مشهور را برای گفتن این ذکر قبل از خواب ، اثبات می کند و در میان احادیث غیر مشهور نیز حدیث مختص به تعقیب نماز داریم . به عبارت دیگر ، این جمع بندی در احادیث ، قابل اجرا نیست و احادیث مشهور ، مطلق هستند و هر دو حالت را در بر می گیرند .

نظریه مختاربر اساس آنچه گذشت ، می توان گفت نظر اتّفاقی عالمان شیعه در شروع کردن با تکبیر که موافق قول محدّثان مشهوراهل سنّت (مانند : بخاری ، مسلم نیشابوری و ابو داوود) است بر نظر دیگر محدّثان اهل سنّت که قائل به عکس آن و اختتام به تکبیر هستند ترجیح دارد ؛ امّا در باره اختلاف دیگر (یعنی تقدیم تحمید بر تسبیح) ، لزومی به انحصار در شکل و کیفیتِ مشهور نیست و هر دو شکل ، مشروع است ، هر چند با توجّه به کثرت احادیث و فتاوای فقیهان ، می توان ترتیب مشهور را بهتر دانست .

.

1- .جواهر الکلام : ج 10 ص 403 ، الحدائق الناضره : ج 8 ص 521 .

الفَصلُ التّاسِعُ : تسبيح الموجودات9 / 1ما يَدُلُّ عَلى تَسبيحِ المَلائِكَهِالكتاب«وَ تَرَى الْمَلَئِكَهَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» . (1)

«تَكَادُ السَّمَوَ تُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَئِكَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (2)

«فَإِنِ اسْتَكْبَرُواْ فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّکَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِالَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُمْ لَا يَسْئَمُونَ» . (3)

«إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّکَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ» . 4

.

1- .الزمر : 75 .
2- .الشورى : 5 .
3- .فصّلت : 38 .

فصل نهم: تسبیحگویی موجودات

1 / 9 تسبیحگویی فرشتگان

فصل نهم: تسبیحگویی موجودات9 / 1تسبیحگویی فرشتگانقرآن«و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگارِ خود تسبیح می گویند و میانشان به حق داوری می گردد و گفته می شود: «سپاس، ویژه پروردگار جهانیان است»».

«چیزی نمانده که آسمان ها از فرازشان بشکافند و [حال آن که] فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باش، در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است» .

«پس اگر کبر ورزیدند، کسانی که در پیشگاه پروردگارِ توآَند شبانه روز او را نیایش می کنند و خسته نمی شوند» .

«به یقین، کسانی که نزد پروردگار تو هستند، از پرستش او تکبّر نمی ورزند و او را به پاکی می ستایند و برای او سجده می کنند» . (1)

.

1- .پروردگار تو هستند و از زمره آنان خارج نشوی . بدین سان روشن می شود که مراد از «کسانی که نزد پروردگار تو هستند» آن گونه که بسیاری از مفسران گفته اند تنها فرشتگان نیستند ، زیرا معنا ندارد بگوییم پروردگارت را چنین یاد کن ؛ زیرا فرشتگان این گونه یادش می کنند ؛ بلکه مراد همه مقرّبان در پیشگاه خدای تعالی هستند ؛ چرا که لفظ و عبارت «نزد پروردگار تو» مفید حضور و عدم غیبت است . از آیه چنین پیداست که قرب و نزدیکی به خداوند به سبب یاد کردن از اوست ؛ زیرا با ذکر خدا حجب میان او و بنده کنار می رود ، وگرنه همه موجودات در نسبت به او یکسانند و هیچ گونه اختلافی از نظر قرب یا بعد و یا مانند اینها ، بین آنها نیست (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 8 ص 383) .

«وَ لَهُ مَن فِی السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عِندَهُ لَا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا یَسْتَحْسِرُونَ * یُسَبِّحُونَ الَّیْلَ وَ النَّهَارَ لَا یَفْتُرُونَ» (1) . (2)

«وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ * وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» . (3)

الحدیثرسول اللّه صلی الله علیه و آله :خَلَقَ اللّهُ تَعالی مَلَکا تَحتَ العَرشِ یُسَبِّحُهُ بِجَمیعِ اللُّغاتِ المُختَلِفَهِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :رَبُّنا تَبارَکَ وتَعالَی اسمُهُ إذا قَضی أمرا سَبَّحَ حَمَلَهُ العَرشِ ، ثُمَّ سَبَّحَ أهلُ السَّماءِ الَّذینَ یَلونَهُم ، حَتّی یَبلُغَ التَّسبیحُ أهلَ هذِهِ السَّماءِ الدُّنیا . (5)

الإمام علیّ علیه السلام لِنَوفٍ البِکالِیِّ : اِنقَطِع إلَی اللّهِ سُبحانَهُ ؛ فَإِنَّهُ یَقولُ : . . . جَعَلتُ آمالَ عِبادی مُتَّصِلَهً بی ، وجَعَلتُ رَجاءَهُم مَذخورا لَهُم عِندی ، ومَلَأتُ سَماواتی مِمَّن لا یَمَلُّ تَسبیحی . (6)

.

1- .والمراد بقوله : «وَ مَنْ عِندَهُ» المخصوصون بموهبه القرب والحضور ، وربّما انطبق علی الملائکه المقرّبین ، وقوله : «یُسَبِّحُونَ الَّیْلَ وَ النَّهَارَ لَا یَفْتُرُونَ» بمنزله التفسیر لقوله : «وَلَا یَسْتَحْسِرُونَ» ؛ أی لا یأخذهم عیّ وکلال ، بل یسبّحون اللیل والنهار من غیر فتور ، والتسبیح باللیل والنهار کنایه عن دوام التسبیح من غیر انقطاع . یصف تعالی حال المقرّبین من عباده والمکرمین من ملائکته ، أنّهم مستغرقون فی عبودیّته ، مکبّون علی عبادته ، لا یشغلهم عن ذلک شاغل ولا یصرفهم صارف (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 14 ص 264) .
2- .الأنبیاء : 19 و 20 .
3- .الصافّات : 165 و 166 .
4- .إرشاد القلوب : ص 193 ، مستدرک الوسائل : ج 6 ص 75 ح 6474 .
5- .صحیح مسلم : ج 4 ص 1751 ح 124 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 362 ح 3224 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 468 ح 1883 ، السنن الکبری : ج 8 ص 238 ح 16512 ، کنزالعمّال : ج 6 ص 748 ح 17674 .

6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 95 ح 12 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى عن نوف البكالى .

«و از آن [و مملوک] اوست هر آن که در آسمانها و زمین است و کسانی که در نزد اویند از بندگی اش گردنکشی نکنند و درمانده نمی شوند . شب و روز تسبیح می گویند و سست نمی شوند» . (1)

«و ما آن صف کشندگانیم . ما آن تسبیح گویانیم» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال ، فرشته ای را در زیر عرش آفریده است که به همه زبان های گونه گون ، او را تسبیح می گوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگار ما که نامش خجسته و بلند است ، هر گاه به کاری فرمان دهد ، حاملان عرش ، تسبیح می گویند . سپس آسمانیان فرودستِ آنان ، تسبیح می گویند ، تا برسد به تسبیحگویی ساکنان این آسمان زیرین .

امام علی علیه السلام به نوف بِکالی : سراسر ، به خدای پاک ، رو کن ؛ زیرا او می فرماید : « ... آرزوهای بندگانم را پیوسته به خودم قرار داده ام ، و امیدشان را نزد خود ، برای آنانْ اندوخته ام و آسمان هایم را از کسانی که از تسبیحگویی من خسته نمی شوند ، آکَنْده ام» .

.

1- .مراد از «نزد اویند» کسانی است که از موهبت قرب و حضور برخوردار گشته اند ، و ممکن است بر فرشتگان مقرّب منطبق باشد . جمله «شب و روز تسبیح می گویند و سست نمی شوند» به منزله تفسیر جمله «و درمانده نمی شوند» است ، یعنی آنان را ضعف و خستگی نمی گیرد ، بلکه شب و روز ، بدون سستی ، تسبیح می گویند . شب و روز تسبیح گفتن کنایه از دوام و بی وقفه بودن تسبیح است . خداوند متعال حال بندگان مقرّب و فرشتگان ارجمندش را چنین وصف می کند که آنان غرق در عبودیت او هستند و سرگرم عبادتش می باشند و هیچ عاملی آنها را از این کار باز نمی دارد (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 14 ص 264) .

عنه علیه السلام فی خُطبَهٍ یَذکُرُ فیها خَلقَ المَلائِکَهِ : ثُمَّ فَتَقَ ما بَینَ السَّماواتِ العُلی ، فَمَلَأَهُنَّ أطوارا مِن مَلائِکَتِهِ ، مِنهُم سُجودٌ لا یَرکَعونَ ، ورُکوعٌ لا یَنتَصِبونَ ، وصافّونَ لا یَتَزایَلونَ ، ومُسَبِّحونَ لا یَسأمونَ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ العَرشَ أرباعا لَم یَخلُق قَبلَهُ إلّا ثَلاثَهَ أشیاءَ : الهَواءَ وَالقَلَمَ وَالنّورَ ، ثُمَّ خَلَقَهُ مِن أنوارٍ مُختَلِفَهٍ ، فَمِن ذلِکَ النّورِ نورٌ أخضَرُ اخضَرَّت مِنهُ الخُضرَهُ ، ونورٌ أصفَرُ اصفَرَّت مِنهُ الصُّفرَهُ ، ونورٌ أحمَرُ احمَرَّت مِنهُ الحُمرَهُ ، ونورٌ أبیَضُ وهُوَ نورُ الأنوارِ ، ومِنهُ ضَوءُ النَّهارِ . ثُمَّ جَعَلَهُ سَبعینَ ألفَ طَبَقٍ ، غِلَظُ کُلِّ طَبَقٍ کَأَوَّلِ العَرشِ إلی أسفَلِ السّافِلینَ ، لَیسَ مِن ذلِکَ طَبَقٌ إلّا یُسَبِّحُ بِحَمدِ رَبِّهِ ویُقَدِّسُهُ بِأصواتٍ مُختَلِفَهٍ ، وألسِنَهٍ غَیرِ مُشتَبِهَهٍ ، ولَو اُذِنَ لِلِسانٍ مِنها فَأسمَعَ شَیئا مِمّا تَحتَهُ لَهَدَمَ الجِبالَ وَالمَدائِنَ وَالحُصونَ ، ولَخَسَفَ البِحارَ ولَأهلَکَ ما دونَهُ . لَهُ ثَمانِیهُ أرکانٍ ، عَلی کُلِّ رُکنٍ مِنها مِنَ المَلائِکَهِ ما لا یُحصی عَدَدَهُم إلَا اللّهُ عز و جل ، یُسَبِّحونَ اللَّیلَ وَالنَّهارَ لا یَفتُرونَ ، ولَو حَسَّ (2) شَیءٌ مِمّا فَوقَهُ ، ما قامَ لِذلِکَ طَرفَهَ عَینٍ بَینَهُ وبَینَ الإحساسِ الجَبَروتُ وَالکِبرِیاءُ وَالعَظَمَهُ وَالقُدسُ وَالرَّحمَهُ ثُمَّ العِلمُ ، ولَیسَ وَراءَ هذا مَقالٌ . (3)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فِی الصَّلاهِ عَلی حَمَلَهِ العَرشِ : فَصَلِّ عَلَیهِم ، وعَلَی المَلائِکَهِ الَّذینَ مِن دونِهِم ؛ مِن سُکّانِ سَماواتِکَ ، وأهلِ الأمانَهِ عَلی رِسالاتِکَ ، وَالَّذینَ لا تَدخُلُهُم سَأمَهٌ مِن دُؤوبٍ ، ولا إعیاءٌ مِن لُغوبٍ ، ولا فُتورٌ ، ولا تَشغَلُهُم عَن تَسبیحِکَ الشَّهَواتُ . (4)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 1 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 177 ح 136 .
2- .فی تفسیر القمّی : «ولو أحسّ حسّ شیء» .
3- .التوحید : ص 325 ح 1 ، تفسیر القمّی : ج 2 ص 23 کلاهما عن أبی الطفیل ، الاختصاص : ص 72 عن الفضیل بن یسار وکلّها عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 58 ص 24 ح 41 و 42 .
4- .الصحیفه السجّادیّه : ص 27 الدعاء 3 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 217 ح 85 .

امام علی علیه السلام در سخنرانی ای که در آن از آفرینش فرشتگان یاد می کند : سپس میان آسمان های بلند ، فاصله انداخت و آن فاصله ها را از فرشتگانِ گونه گون ، آکَنْده ساخت : گروهی همواره در سجده اند و رکوع نمی کنند ، گروهی پیوسته در رکوع اند و راست نمی شوند ، گروهی همواره صف کشیده اند و از جای خود ، تکان نمی خورند ، و گروهی پیوسته تسبیح می گویند و خسته نمی شوند .

امام زین العابدین علیه السلام :خداوند عز و جل عرش را در مرتبه چهارم آفرید و پیش از آن ، تنها سه چیز آفریده بود : هوا و قلم و نور . آن گاه ، آن (عرش) را از نورهای گونه گون ، خلق کرد . یکی از آن نورها ، نورِ سبز است که رنگ سبز ، از آنْ سبز شد ، و دیگری نور زرد که زردی از آن زرد گشت ، و دیگری نور سرخ ، که سرخی از آن سرخ گشت ، و دیگری نور سفید ، که نورِ نورهاست و روشنایی روز ، از آن است . سپس آن (عرش) را هفتاد هزار طبقه قرار داد که سِتَبری هر طبقه به اندازه از فراز عرش تا پایین ترین طبقات زمین است و هیچ طبقه ای از آن نیست ، مگر این که با صداهای گوناگون و زبان های گویا ، پروردگار خویش را تسبیح و سپاس و تقدیر می گوید . و اگر به هر زبانی از آنها اجازه داده شود تا چیزی از آنچه در زیر آن است [به گوش جهانیان] بشنوانَد ، کوه ها و شهرها و قلعه ها را ویران می کند و دریاها را فروکش کند و هر آنچه را در فرود اوست ، نابود می گردانَد . عرش را هشت رُکن است و در هر رُکنی از آن ، فرشتگانی است که شمارِ آنها را جز خداوند عز و جل کسی نمی داند و شب و روز ، تسبیح می گویند و سستی نمی ورزند ، و اگر چیزی (طبقه ای از آن طبقات یا فرشته ای از آن فرشتگان) آنچه را بالادستِ اوست ، حس کند ، چشم بر هم زدنی دوام نمی آورد . میان او (فرشته یا طبقه) و احساس ، [سراسر] قدرت است و بزرگی و عظمت و پاکی و مِهر و سپس ، علم . و فراتر از این ، هیچ نمی توان گفت .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در باره درود فرستادن بر حاملان عرش : پس [خدایا !] بر آنها درود فرست ، و هم بر فرشتگانی که فروتر از آنهایند : آنان که ساکنان آسمان های تو و امین بر پیام های تو آند ؛ همانان که بی وقفه [در ستایش تو] می کوشند و هیچ گونه خستگی و ماندگی و سستی به آنان راه نمی یابد ، و شهوات ، آنان را از تسبیحگویی تو باز نمی دارد .

الإمام الصادق عليه السلام :ما مِن ثَمَرَهٍ ولا شَجَرَهٍ ولا غَرسَهٍ ، إلّا ومَعَها مَلَکٌ يُسَبِّحُ اللّهَ ويُقَدِّسُهُ ويُهَلِّلُهُ . (1)

9 / 2الأَسماءُ الَّتى تُسَبِّحُ بِهَا المَلائِکَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الأَسماءِ الحُسنى : أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ حَولَ العَرشِ وَالأَرَضينَ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِن ضِياءِ ذلِکَ الاِسمِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِنَ الرَّحمَهِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِنَ الظُّلمَهِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِنَ العَذابِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِنَ البَردِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذين خَلَقتَهُم مِنَ الثَّلجِ وَالنّارِ ، وألَّفتَ بَينَهُم بِعَظَمَهِ ذلِکَ الاِسمِ ، لا تُذيبُ النّارُ الثَّلجَ ، ولا يُطفِئُ الثَّلجُ النّارَ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ بِهِ المَلائِکَهُ الَّذينَ خَلَقتَهُم مِنَ النّورِ فَيَخرُجُ مِن أفواهِهِمُ النّورُ بِذلِکَ الاِسمِ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى خَلَقتَهُ مِن تَسبيحِ ذلِکَ الاِسمِ وبِهِ يَخرُجُ مِن أفواهِهِم تَسبيحا تَخلُقُ مِنهُ مَلائِکَهً يُسَبِّحونَکَ ويُقَدِّسونَکَ ويُهَلِّلونَکَ ويُکَبِّرونَکَ ويُمَجِّدونَکَ بِذلِکَ الاِسمِ إلى يَومِ القِيامَهِ يا اللّهُ . (2)

.

1- .بحار الأنوار : ج 80 ص 195 ح 53 نقلاً عن العلل لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم بن هاشم .
2- .البلد الأمين : ص 414 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 257 ح 1 .

9 / 2 نام هایی که فرشتگان ، با آنها تسبیح می گویند

امام صادق علیه السلام :هیچ میوه ای و درختی و نهالی نیست ، مگر این که با آن ، فرشته ای است که خداوند را تسبیح و تقدیس می گوید و به یگانگی اش می ستاید .

9 / 2نام هایی که فرشتگان ، با آنها تسبیح می گویندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أسماء الحُسنی» : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانِ پیرامون عرش و زمینیان ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از نور آن نام آفریده ای ، با آنْ تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از رحمت آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از تاریکی آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از عذب آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از سرما آفریده ای ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از برف و آتش آفریده ای و با عظمت آن نام ، میانشان اُلفت افکنده ای ، آن سان که نه آتش ، برف را آب می کند و نه برف ، آتش را خاموش می کند ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که فرشتگانی که آنها را از نور آفریده ای و به سبب آن نام ، از دهان هایشان نور خارج می شود ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که آن را از تسبیح آن نام آفریده ای و به سبب آن از دهان های آنان (فرشتگان) تسبیحی خارج می شود که از آن تسبیح ، فرشتگانی می آفرینی که آن فرشتگان با آن نام ، تو را تا روز قیامت ، تسبیح و تقدیس می کنند و به یگانگی و بزرگی و شکوهمندی می ستایند .

.

عنه صلى الله عليه و آله أيضا : أسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى خَلَقتَ بِهِ إسرافيلَ وعَظَّمتَ خِلقَتَهُ بِذلِکَ الاِسمِ فَهُوَ يُسَبِّحُکَ بِهِ إلى يَومِ القِيامَهِ يا اللّهُ . . . وأسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ إسرافيلُ فَيَقطَعُ تَسبيحُهُ عَلى جَميعِ المَلائِکَهِ عِبادَتَهُم لِاستِماعِهِم إلى طيبِ صَوتِهِ وتَسبيحِهِ بِذلِکَ الاِسمِ يا اللّهُ ، وأسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ عَزرائيلُ فى مَقامِهِ بَينَ يَدَيکَ بِذلِکَ الاِسمِ يا اللّهُ ، وأسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ جَبرَئيلُ فى مَقامِهِ بَينَ يَدَيکَ بِذلِکَ الاِسمِ يا اللّهُ ، وأسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ إسرافيلُ فَتَخلُقُ مِن کُلِّ لَفظَهٍ مِن تَسبيحِهِ مَلَکا يُسَبِّحُکَ بِذلِکَ الاِسمِ إلى يَومِ القِيامَهِ يا اللّهُ . (1)

9 / 3ذِکرُ المَلائِکَهِ فِى التَّسبيحِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ فى سَماءِ الدُّنيا مَلائِکَهً خُشوعا لا يَرفَعونَ رُؤوسَهُم حَتّى تَقومَ السّاعَهُ . . . . أمّا أهلُ السَّماءِ الدُّنيا فَيَقولونَ : سُبحانَ ذِى المُلکِ وَالمَلَکوتِ . وأمّا أهلُ السَّماءِ الثّانِيَهِ فَيَقولونَ : سُبحانَ الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى السَّماءِ الرّابِعَهِ مَلَکٌ يَقولُ فى تَسبيحِهِ : سُبحانَ مَن دَلَّ هذَا الخَلقَ القَليلَ [أى أصحابَ اليَمينِ] مِن هذَا العالَمِ الکَثيرِ ، عَلى هذَا الفَضلِ الجَليلِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَنِ المَلَکَينِ هاروتَ وماروتَ ، وما يَقولُ النّاسُ بِأنَّهُما يُعَلِّمانِ النّاسَ السِّحرَ : إنَّهُما مَوضِعُ ابتِلاءٍ ومَوقِفُ فِتنَهٍ ، تَسبيحُهُمَا اليَومَ : لَو فَعَلَ الإنسانُ کَذا وکَذا لَکانَ کَذا ، ولَو يُعالِجُ بِکَذا وکَذا لَصارَ کَذا . (4)

.

1- .البلد الأمين : ص 417 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 261 ح 1 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 94 ح 4502 عن عبد اللّه بن عمر ، کنزالعمّال : ج 10 ص 365 ح 29834 .
3- .بحار الأنوار : ج 26 ص 295 ح 57 نقلاً عن مشارق الأنوار عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع بشاره المصطفى : ص 85 .
4- .الاحتجاج : ج 2 ص 221 ح 223 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 326 ح 12 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أسماء الحُسنی» : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، اسرافیل علیه السلام را آفریدی و با آن نام ، او را باعظمت آفریدی و او با آن نام ، تا روز قیامت ، تو را تسبیح می گوید ... . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که اسرافیل علیه السلام با آن نام ، تو را تسبیح می گوید ، چنان تسبیحی که همه فرشتگان ، عبادت خود را قطع می کنند تا به صدای خوشِ او و تسبیحگویی اش با آن نام ، گوش دهند . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ، به آن نامت که عزرائیل علیه السلام در پیشگاه تو با آن نام ، تو را تسبیح می گوید . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که جبرئیل علیه السلام در پیشگاه تو با آن نام ، تو را تسبیح می گوید . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که اسرافیل علیه السلام با آن نام ، تو را تسبیح می گوید و از هر لفظی از تسبیح او فرشته ای می آفرینی که تا روز قیامت . با آن نام ، تو را تسبیح می گوید .

9 / 3ذکر فرشتگان در تسبیحپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، در آسمانِ دنیا فرشتگانی دارد که پیوسته در خشوع اند و تا روز قیامت ، سرهایشان را بلند نمی کنند ... . و اهل آسمان دنیا (پایین) می گویند : «پاکا پروردگار مُلک و ملکوت !» و اهل آسمان دوم می گویند : «پاکا زنده ای که هرگز نمی میرد !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در آسمان چهارم ، فرشته ای است که در تسبیحش می گوید : پاکا آن که از میان این انبوه خلایق ، این خلقِ اندک (یعنی : اصحاب یمین) را به این بخششِ بزرگ ، ره نمون شد .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از دو فرشته هارون و ماروت ، و این که مردم می گویند : این دو به مردم ، جادوگری می آموختند : آن دو برای امتحان و آزمایش بودند و در آن روز ، تسبیحشان این بود که : اگر انسان ، چنین و چنان کند ، چنین می شود و اگر دست به فلان و بهمان کار بزند ، چنان می شود .

.

كمال الدين عن داوود بن فرقد :قالَ لى بَعضُ أصحابِنا : أخبِرنى عَنِ المَلائِكَهِ أيَناموِنَ؟ قُلتُ : لا أدرى ، فَقالَ : يَقولُ اللّهُ عز و جل : «يُسَبِّحُونَ الَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» (1) . ثُمَّ قالَ : ألا اُطرِفُكَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فيهِ بِشَىءٍ؟ فَقُلتُ : بَلى! فَقالَ : سُئِلَ عَن ذلِكَ فَقالَ : ما مِن حَىٍّ إلّا وهُوَ يَنامُ ما خَلَا اللّهَ وَحدَهُ عز و جل ، وَالمَلائِكَهُ يَناموِنَ . فَقُلتُ : يَقولُ اللّهُ عز و جل « يُسَبِّحُونَ الَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» ؟ فَقالَ : أنفاسُهُم تَسبيحٌ . (2)

9 / 4ما يَدُلُّ عَلى تَسبيحِ كُلِّ حَيٍّالكتاب«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ صَفَّتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» . (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حَصِّنوا أموالَكُم بِالزَّكاهِ ، فَإِنَّهُ ما يُصادُ ما صيدَ مِنَ الطَّيرِ إلّا بِتَضييعِهِمُ التَّسبيحَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما صيدَ صَيدٌ ولا قُطِعَت شَجَرَهٌ إلّا بِتَضييعِ مِنَ التَّسبيحِ ، وكُلُّ شَىءٍ مِنَ الخَلقِ يُسَبِّحُ حَتّى يَتَغَيَّرَ عَن أعلى خِلقَهِ الَّتى خَلَقَهَا اللّهُ (5) ، وإن كُنتُم تَسمَعونَ نَقضَ جُدُرِكُم وسَقفِكُم فَإِنَّما هُوَ تَسبيحٌ . (6)

.

1- .الأنبياء : 20 .
2- .كمال الدين : ص 666 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 185 ح 28 .
3- .النور : 41 .
4- .قرب الإسناد : ص 117 ح 410 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 11 ح 13 .
5- .فى كنزالعمّال : «عن الخلقه التى خلقه اللّه » .
6- .الفردوس : ج 4 ص 121 ح 6375 عن عمر بن الخطّاب ، كنزالعمّال : ج 1 ص 445 ح 1919 نقلاً عن أبى نعيم عن أبى هريره .

9 / 4 تسبیحگویی هر موجود زنده ای

کمال الدین به نقل از داوود بن فَرقَد : یکی از شیعیان به من گفت : به من بگو که آیا فرشتگان می خوابند؟ گفتم : نمی دانم . گفت : خداوند عز و جل فرماید : «شب و روز ، بی وقفه ، تسبیح می گویند» . سپس گفت : می خواهی در این باره ، طرفه سخنی از امام صادق علیه السلام به تو هدیه کنم؟ گفتم : آری . گفت : همین سؤال از ایشان پرسیده شد . فرمود : «هیچ موجود زنده ای نیست ، مگر این که می خوابد ، بجز خدای یکتا . فرشتگان هم می خوابند» . من گفتم : خداوند عز و جل می فرماید : «شب و روز ، بی وقفه ، تسبیح می گویند» . فرمود : «نَفَس هایشان ، تسبیح است» .

9 / 4تسبیحگویی هر موجود زنده ایقرآن«آیا ندانسته ای که هر که [و هر چه] در آسمان ها و زمین است ، برای خدا تسبیح می گویند، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان ، پر گشوده اند [تسبیح او می گویند] ؟ همه ستایش و نیایش خود را می دانند ؛ و خدا به آنچه می کنند ، داناست» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دارایی هایتان ، با پرداخت زکات ، محافظت کنید ؛ زیرا هیچ پرنده شکار شده ای شکار نشد ، مگر این که تسبیحگویی خود را وانهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ صیدی شکار نمی شود و هیچ درختی قطع نمی شود ، مگر به سبب ترکِ تسبیح ، و هر چیزی در آفرینش ، تسبیح می گوید تا آن گاه که از بالاترین خلقتش که خداوند آن را آفریده است ، تغییر کند [و از بین برود] . اگر صدای فرو شکستن دیوارها و سقف خانه هایتان را می شنیدید ، می فهمیدید که تسبیح می گویند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما صيدَ مَصيدٌ إلّا بِنَقصٍ مِن تَسبيحٍ . . . ولا عُضِدَ مِن شَجَرَةٍ وَشيجَةٌ يَعنى شَجَرَةً تُقطَعُ إلّا بِنَقصٍ فى تَسبيحٍ ، ولا دَخَلَ عَلَى امرِئٍ مَكروهٌ إلّا بِذَنبٍ ، وما عَفَا اللّهُ عَنهُ أكثَرُ . (1)

الدرّ المنثور عن عائشه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَوتُ الدّيكِ صَلاتُهُ ، وضَربُهُ بِجَناحَيهِ سُجودُهُ ورُكوعُهُ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (2) . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :آجالُ البَهائِمِ كُلِّها ، وخَشاشِ (4) الأَرضِ وَالدَّوابِّ كُلِّها فِى التَّسبيحِ ، فَإِذَا انقَضى تَسبيحُها قَبَضَ اللّهُ أرواحَها ، ولَيسَ إلى مَلَكِ المَوتِ فى ذلِكَ شَىءٌ (5) . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :لا يُصادُ مِنَ الطَّيرِ إلّا ما ضَيَّعَ تَسبيحَهُ . (7)

.

1- .تاريخ دمشق : ج18 ص239 ح4237 عن روح بن حبيب، كنزالعمّال : ج1 ص444 ح1918 وج2 ص254 ح3955 .
2- .الإسراء : 44 .
3- .الدرّ المنثور : ج 5 ص 289 نقلاً عن ابن مردويه وأبى نعيم .
4- .خَشاش الأرض : أى هوامّها وحشراتها ، الواحده خَشاشه (النهايه : ج 2 ص 33 «خشش») .
5- .قال العلّامه الطباطبائى قدس سره : لعلّ المراد من قوله : «وليس إلى ملك الموت منها شىء» ، أنّه لا يتصدّى بنفسه قبض أرواحها وإنّما يباشرها بعض الملائكه والأعوان ، والملائكه أسباب متوسّطه على أىّ حال (الميزان فى تفسير القرآن : ج 13 ص 122) .
6- .الفردوس : ج 1 ص 418 ح 1695 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 445 ح 1921 نقلاً عن الضعفاء الكبير وأبى الشيخ .
7- .الكافى : ج 3 ص 505 ح 15 ، المحاسن : ج 1 ص 459 ح 1062 كلاهما عن إسحاق عمّن سمعه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 12 ح 1595 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 393 ح 73 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ صیدی شکار نمی شود ، مگر به سبب کاستن از تسبیحش ... و هیچ شاخه ای از درختی با تبر جدا نمی شود ، مگر به سبب کاستن از تسبیحش ، و به هیچ انسانی گزندی نمی رسد ، مگر به سبب گناهی [که انجام می دهد] ، و البته آنچه خدا از او بخشیده ، بیشتر است .

الدرّ المنثور به نقل از عایشه : پیامبر خدا فرمود : «بانگ خروس ، نماز اوست و بال زدنش ، سجود و رکوع او» . سپس این آیه را قرائت کرد : «و هیچ چیز نیست ، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید ، امّا شما تسبیح آنان را نمی فهمید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عمر همه چارپایان و همه خزندگان و جنبندگان زمینی ، در گرو تسبیحگویی آنهاست . پس هرگاه تسبیحگویی شان به سر آید ، خداوند ، جان آنها را می گیرد و فرشته مرگ را در این کار ، دستی نیست . (1)

امام صادق علیه السلام :از پرندگانْ شکار نمی شود ، مگر آن پرنده ای که تسبیحگویی اش را فرو نهاده باشد .

.

1- .علّامه طباطبایی قدس سرهمی گوید : شاید مراد از جمله «و فرشته مرگ را در این کار ، دستی نیست» ، این باشد که او شخصا آنها را قبضِ روح نمی کند ، بلکه برخی فرشتگان و دستْ یاران ، این کار را انجام می دهند . در هر حال ، فرشتگان ، اسباب واسطه اند .

عنه علیه السلام :أُقسِمُ بِالَّذی خَلَقَ الخَلقَ وبَسَطَ الرِّزقَ ، إنَّهُ ما ضاعَ مالٌ فی بَرٍّ ولا بَحرٍ إلّا بِتَرکِ الزَّکاهِ ، وما صیدَ صَیدٌ فی بَرٍّ ولا بَحرٍ إلّا بِتَرکِهِ التَّسبیحَ فی ذلِکَ الیَومِ . (1)

عنه علیه السلام :ما مِن طَیرٍ یُصادُ فِی البَرِّ ولا فِی البَحرِ ، ولا یُصادُ شَیءٌ مِنَ الوَحشِ إلّا بِتَضییعِهِ التَّسبیحَ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَو فَهَّمَهُمُ اللّهُ عز و جل تَسبیحَ الوُحوشِ وَالطُّیورِ وَالسِّباعِ وَالجِبالِ لَطارَتِ الأفئِدَهُ ، ولکِن أکَنَّ (3) ذلِکَ عَنکُم . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ النَّملَ یُسَبِّحنَ . (5)

فاطمه علیهاالسلام فی الدُّعاءِ : الحَمدُ للّهِ . . . الَّذی بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ ، وبِشُکرِهِ تُستَوجَبُ الزِّیاداتُ ، وبِأمرِهِ قامَتِ السَّماواتُ ، وبِعِزَّتِهِ استَقَرَّتِ الرّاسِیاتُ ، وسَبَّحَتِ الوُحوشُ فِی الفَلَواتِ ، وَالطَّیرُ فِی الوُکُناتِ (6) . (7)

الإمام علیّ علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَمّا أرادَ اللّهُ أن یَخلُقَ الخَیلَ قالَ : . . . إنّی سَأجعَلُ عَلی ظَهرِکِ رِجالاً یُسَبِّحونی ویُحَمِّدونی ویُهَلِّلونی ویُکَبِّرونی . ثُمَّ قالَ صلی الله علیه و آله : ما مِن تَسبیحَهٍ وتَهلیلَهٍ وتَکبیرَهٍ یُکَبِّرُها صاحِبُها فَتَسمَعُهُ ، إلّا تُجیبُهُ بِمِثلِها . (8)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 7 ح 1579 عن معتّب مولی الإمام الصادق علیه السلام ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 370 ح 74 .
2- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 107 ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 294 ح 83 کلاهما عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 64 ص 24 ح 1 .
3- .کَنَّ الشیءَ وأکنّه: سَتَرهُ وأخفاه (لسان العرب : ج 13 ص 360 «کنن») .
4- .الفردوس : ج 3 ص 369 ح 5120 عن معاذ بن جبل .
5- .الدرّ المنثور : ج 5 ص 290 نقلاً عن ابن مردویه عن أبی هریره .
6- .الوُکنات بضمّ الکاف وفتحها وسکونها : جمع وُکنه بالسکون وهی عُشّ الطائر وَوَکْرُه . وقیل : الوُکنات : مواقع الطیر حیثما وقعت (النهایه : ج 5

ص 222 «وكن») .
7- .فلاح السائل : ص 440 ح 303 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 115 ح 2 .
8- .بحار الأنوار : ج 64 ص 156 ح 7 نقلاً عن حياه الحيوان عن تاريخ نيسابور للحاكم ؛ كنز العمّال : ج 4 ص 465 ح 11382 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه والثعلبى فى تفسيره والديلمى وليس فيه من «ثمّ قال...» .

امام صادق علیه السلام :سوگند می خورم به آن که آفرینش را آفرید و روزی را گسترانید که هیچ مالی در خشکی و دریا ، تلف نمی شود ، مگر به سبب نپرداختن زکات ، و هیچ صیدی در خشکی و دریا شکار نمی شود ، مگر بدان سبب که در آن روز ، تسبیح را ترک گفت .

امام صادق علیه السلام :هیچ پرنده ای در خشکی و دریا شکار نمی شود و هیچ حیوانی صید نمی گردد ، مگر به سبب ترک تسبیحگویی اش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر خداوند عز و جل تسبیحگوییِ وحوش و پرندگان و درندگان و کوه ها را به آنان می فهمانْد ، بی گمان ، دل ها از جاکَنْده می شدند ؛ لیکن خداوند ، تسبیحگویی آنها را از شما پوشیده داشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مورچگان هم تسبیح [خدا را] می گویند .

فاطمه علیهاالسلام در دعا : ستایش ، خداوند را ... که با لطف و نعمت او کارهای نیک ، انجام می پذیرد و سپاس گزاری اش ، موجب افزونی نعمت ها می شود و به فرمان او ، آسمان ها بر پایند و به قدرت او ، کوه ها پابرجاست و ددان در بیابان ها و مرغان در کاشانه هایشان ، او را تسبیح می گویند .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «چون خداوند خواست اسب را بیافریند ، فرمود : ... به زودی بر پشت تو مردانی را سوار می کنم که مرا تسبیح و ستایش می گویند و مرا به یگانگی و بزرگی یاد می کنند » . سپس فرمود : «و هر تسبیح و لا إله إلّا اللّه و اللّه اکبر ی که صاحب آن اسب بگوید و اسب بشنود ، او نیز همانند آن را در پاسخش می گوید» .

.

الإمام الصادق عليه السلام فِى الدَّوابِّ : لاتُغَنُّوا عَلى ظُهورِها ، أما يَستَحيى أحَدُكُم أن يُغَنِّىَ عَلى ظَهرِ دابَّةٍ وهِىَ تُسَبِّحُ؟! (1)

عنه عليه السلام :لِلدّابَّةِ عَلى صاحِبِها سِتَّةُ حُقوقٍ : . . . ولا يَضرِبُها فِى وَجهِها فَإِنَّها تُسَبِّحُ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَضرِبُوا الدَّوابَّ عَلى وُجوهِها؛ فَإِنَّها تُسَبِّحُ بِحَمدِ اللّهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنِ اتَّخَذَ فى بَيتِهِ طَيرا فَليَتَّخِذ وَرَشانا (4) ؛ فَإِنَّهُ أكثَرُ شىءٍ ذِكرا للّهِ عز و جل (5) وأكثَرُ تَسبيحا ، وهُوَ طَيرٌ يُحِبُّنا أهلَ البَيتِ . (6)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَسُبُّوا الضُّفدَعَ ؛ فَإِنَّ صَوتَهُ تَسبيحٌ وتَقديسٌ وتَكبيرٌ . (7)

.

1- .المحاسن : ج 2 ص 469 ح 2625 ، بحار الأنوار : ج 64 ص 206 ح 9 .
2- .الكافى : ج 6 ص 537 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 164 ح 303 ، المحاسن : ج 2 ص 468 ح 2624 كلّها عن السكونى ، بحار الأنوار : ج 64 ص 205 ح 8 .
3- .الكافى : ج 6 ص 538 ح 4 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 286 ح 2465 عن إسماعيل بن أبى زياد بإسناده ، الخصال : ص 330 ح 28 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 64 ص 201 ح 1 .
4- .الوَرَشان : الحمام الأبيض (مجمع البحرين : ج 3 ص 1926 «ورش») ، الوَرَشان : نوع من الحمام البرّى ، أكدر اللون فيه بياض فوق ذنبه (المنجد : ص 896 «ورش») .
5- .فى المصدر : «...شيئا لذكر اللّه » ، والتصويب من بحار الأنوار .
6- .الكافى : ج 6 ص 550 ح 1 عن أبى بكر الحضرمى ، بحار الأنوار : ج 65 ص 21 ح 30 .

7- .الدرّ المنثور : ج 5 ص 639 نقلاً عن ابن المنذر عن أنس ؛ بحار الأنوار : ج 64 ص 48 ح 25 .

امام صادق علیه السلام در باره چارپایان : سوار بر آنها آواز نخوانید . آیا هر یک از شما شرم نمی کند که بر پشتِ چارپایی آواز بخواند ، در حالی که او [خدا را] تسبیح می گوید؟ !

امام صادق علیه السلام :چارپا را بر صاحبش شش حق است : ... و دیگر آن که به صورت او نزند ؛ زیرا آن حیوان ، [خدا را] تسبیح می گوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به صورت چارپایان نزنید ؛ چرا که آنها خدا را تسبیح و ستایش می گویند .

امام صادق علیه السلام :هرکس خواست در خانه اش پرنده ای نگه دارد ، کبوتر سفید نگهداری کند ؛ زیرا این پرنده ، بیش از هر پرنده ای ذکر خدا و تسبیح او را می گوید و پرنده ای است که ما اهل بیت را دوست می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به قورباغه ناسزا نگویید ؛ زیرا که آواز او ، تسبیح و تقدیس و تکبیر [خدا] است .

.

9 / 5ذِكرُ تَسبيحِ بَعضِ الحَيواناتِالمناقب لابن شهرآشوب عن محمّد بن وهبان والفتّاک :مَضَينا بِغابَةٍ فَإذا بِأسَدٍ بارِكٍ فِى الطَّريقِ وأشبالُهُ خَلفَهُ ، فَلَوَيتُ بِدابَّتى لِأَرجِعَ ، فَقالَ [الإمامُ عَلِىٌّ] عليه السلام : إلَى أينَ؟ . . . فَإذا بِالأسَدِ قَد أقبَلَ نَحوَهُ فَتَبَصبَصَ (1) بِذَنَبِهِ وهُوَ يَقُولُ : السَّلامُ عَلَيکَ يا أميرَ المُؤمِنينَ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، يَابنَ عَمِّ رَسولِ اللّهِ . فَقالَ : وعَلَيکَ السَّلامُ يا أبَا الحارِثِ ، ما تَسبيحُکَ؟ فَقالَ : أقولُ : سُبحانَ مَن ألبَسَنِى المَهابَةَ ، وقَذَفَ فى قُلوبِ عِبادِهِ مِنّى المَخافَةَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :إذَا التَقَى الجَمعانِ ، ومَشَى الرِّجالُ إلَى الرِّجالِ بِالسُّيوفِ ، يَرفَعُ الفَرَسُ رَأسَهُ فَيَقولُ : سُبحانَ المَلِکِ القُدّوسِ . ويَقولُ الحِمارُ فى نَهيقِهِ : اللّهُمَّ العَنِ العَشّارينَ ، ويَقولُ الدِّيکُ فى نَعيقِهِ بِالأسحارِ : اُذكُروا اللّهَ يا غافِلينَ . ويَقولُ الضُّفدَعُ فى نَقيقِهِ : سُبحانَ المَعبودِ فى لُجَجِ البِحارِ . ويَقولُ الدُّرّاجُ فى صِياحِهِ : الرَّحمنُ عَلَى العَرشِ استَوى . وتَقولُ القُنبُرَهُ (3) فى صَفيرِها : اللّهُمَّ العَن مُبغِضى آلِ مُحَمَّدٍ . (4)

الخرائج والجرائح عن محمّد بن إبراهيم التيمى عن الإمام الحسين عليه السلام :إذا صاحَ النَّسرُ فَإنَّهُ يَقولُ : يَابنَ آدَمَ ، عِش ما شِئتَ فَآخِرُهُ المَوتُ . وإذا صاحَ البازِى يَقولُ : يا عالِمَ الخَفِيّاتِ ويا كاشِفَ البَلِيّاتِ . وإذا صاحَ الطّاووسُ يَقولُ : مَولاىَ ، ظَلَمتُ نَفسى وَاغتَرَرتُ بِزينَتى فَاغفِر لى . وإذا صاحَ الدُّرّاجُ يَقولُ : الرَّحمنُ عَلَى العَرشِ استَوى . وإذا صاحَ الدّيکُ يَقولُ : مَن عَرَفَ اللّهَ لَم يَنسَ ذِكرَهُ . وإذا قَرقَرَتِ الدَّجاجَهُ تَقولُ : يا إلهَ الحَقِّ أنتَ الحَقُّ ، وقَولُکَ الحَقُّ يا اللّهُ يا حَقُّ . وإذا صاحَ الباشِقُ (5) يَقولُ : آمَنتُ بِاللّهِ وَاليَومِ الآخِرِ . وإذا صاحَتِ الحِدَأهُ (6) تَقولُ : تَوَكَّل عَلَى اللّهِ تُرزَق . وإذا صاحَ العُقابُ يَقولُ : مَن أطاعَ اللّهَ لَم يَشقَ . وإذا صاحَ الشّاهينُ (7) يَقولُ : سُبحانَ اللّهِ حَقّا حَقّا . وإذا صاحَتِ البومَهُ تَقولُ : البُعدُ مِنَ النّاسِ اُنسٌ . وإذا صاحَ الغُرابُ يَقولُ : يا رازِقُ ابعَث بِالرِّزقِ الحَلالِ . وإذا صاحَ الكُرکِىُّ (8) يَقولُ : اللّهُمَّ احفَظنى مِن عَدُوّى . وإذا صاحَ اللَّقلَقُ يَقولُ : مَن تَخَلّى مِنَ النّاسِ نَجَا مِن أذاهُم . وإذا صاحَتِ البَطَّهُ تَقولُ : غُفرانَکَ يا اللّهُ غُفرانَکَ . وإذا صاحَ الهُدهُدُ يَقولُ : ما أشقى مَن عَصَى اللّهَ . وإذا صاحَ القُمرِىُّ (9) يَقولُ : يا عالِمَ السِّرِّ وَالنَّجوى يا اللّهُ . وإذا صاحَ الدُّبسِىُّ (10) يَقولُ : أنتَ اللّهُ لا إلهَ سِواکَ يا اللّهُ . وإذا صاحَ العَقعَقُ (11) يَقُولُ : سُبحانَ مَن لا يَخفى عَلَيهِ خافِيَهٌ . وإذا صاحَ البَبغاءُ يَقولُ : مَن ذَكَرَ رَبَّهَ غَفَرَ ذَنبَهُ . وإذا صاحَ العُصفورُ : يَقولُ : أستَغفِرُ اللّهَ مِمّا يُسخِطُ اللّهَ . وإذا صاحَ البُلبُلُ يَقولُ

: لا إلهَ إلّا اللّهُ حَقّا حَقّا . وإذا صاحَتِ القَبَجَهُ (12) تَقولُ : قَرُبَ الحَقُّ قَرُبَ . وإذا صاحَتِ السُّماناهُ (13) تَقولُ : يَابنَ آدَمَ ما أغفَلَكَ عَنِ المَوتِ . وإذا صاحَ السَّوذَنيقُ (14) يَقولُ : لا إلهَ إلّا اللّهُ، مُحَمَّدٌ وآلُهُ خِيَرَهُ اللّهِ . وإذا صاحَتِ الفاخِتَهُ تَقولُ : يا واحِدُ يا أحَدُ ، يا فَردُ يا صَمَدُ . وإذا صاحَ الشِّقِرّاقُ (15) يَقولُ : مَولایَ أعتِقنی مِنَ النّارِ . وإذا صاحَتِ القُنبُرَهُ تَقولُ : مَولایَ تُب عَلی کُلِّ مُذنِبٍ مِنَ المُؤمِنینَ . وإذا صاحَ الوَرَشانُ یَقولُ : إن لَم تَغفِر ذَنبی شَقیتُ . وإذا صاحَ الشِّفنینُ (16) یَقولُ : لا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیم . وإذا صاحَتِ النَّعامَهُ تَقولُ : لا مَعبودَ سِوَی اللّهِ . وإذا صاحَتِ الخُطّافَهُ (17) فَإنَّها تَقرَأُ سورَهَ الحَمدِ وتَقُولُ : یا قابِلَ تَوبَهِ التَّوّابینَ یا اللّهُ لَکَ الحَمدُ . وإذا صاحَتِ الزَّرّافَهُ تَقولُ : لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ . وإذا صاحَ (18) الحَمَلُ یَقولُ : کَفی بِالمَوتِ واعِظا . وإذا صاحَ الجَدیُ یَقولُ : عاجَلَنِی المَوتُ فَقَلَّ ذَنبی . وإذا زَأَرَ الأَسَدُ یَقولُ : أمرُ اللّهِ مُهِمٌّ مُهِمٌّ . وإذا صاحَ الثَّورُ یَقولُ : مَهلاً مَهلاً یَابنَ آدَمَ ، أنتَ بَینَ یَدَی مَن یَرِی ولا یُرَی وهُوَ اللّهُ . وإذا صاحَ الفیلُ یَقولُ : لا یُغنی عَنِ المَوتِ قُوَّهٌ ولا حیلَهٌ . وإذا صاحَ الفَهدُ یَقولُ : یا عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَکَبِّرُ یا اللّهُ . وإذا صاحَ الجَمَلُ یَقولُ : سُبحانَ مُذِلِّ الجَبّارینَ سُبحانَهُ . وإذا صَهَلَ الفَرَسُ یَقولُ : سُبحانَ رَبّنا سُبحانَهُ . وإذا صاحَ الذِّئبُ یَقولُ : ما حَفِظَ اللّهُ فَلَن یَضیعَ أبَدا . وإذا صاحَ ابنُ آوی یَقولُ : الوَیلُ الوَیلُ لِلمُذنِبِ المُصِرِّ . وإذا صاحَ الکَلبُ یَقولُ : کَفی بِالمَعاصی ذُلّاً . وإذا صاحَ الأَرنَبُ یَقولُ : لا تُهلِکنی یا اللّهُ لَکَ الحَمدُ . وإذا صاحَ الثَّعلَبُ یَقولُ : الدُّنیا دارُ غُرورٍ . وإذا صاحَ الغَزالُ یَقولُ : نَجِّنی مِنَ الأَذی . وإذا صاحَ الکَرکَدَّنُ یَقولُ : أغِثنی وإلّا هَلَکتُ یا مَولایَ . وإذا صاحَ الإِیَّلُ یَقولُ : حَسبِیَ اللّهُ ونِعمَ الوَکیلُ حَسبِی . وإذا صاحَ النَّمِرُ یَقولُ : سُبحانَ مَن تَعَزَّزَ بِالقُدرَهِ سُبحانَهُ . وإذا سَبَّحَتِ الحَیَّهُ تَقولُ : ما أشقی مَن عَصاکَ یا رَحمنُ . وإذا سَبَّحَتِ العَقرَبُ تَقولُ : الشَّرُّ شَیءٌ وَحشٌ . ثُمَّ قالَ علیه السلام : ما خَلَقَ اللّهُ مِن شَیءٍ إلّا ولَهُ تَسبیحٌ یَحمَدُ بِهِ رَبَّهُ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآیَهَ : «وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَکِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ» (19) . (20)

.

1- .یقال : بصبصَ الکلب بذَنَبه : إذا حرّکه ، وإنّما یفعل ذلک من طمع أوخوف (النهایه : ج 1 ص 131 «بصبص») .
2- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 303 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 242 ح 12 .
3- .القُنْبَره والقُنبُره والقبَّره : عصفوره دائمه التغرید (المنجد : ص 605 «قبر») .

4- .الاختصاص : ص 136 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 64 ص 35 ح 12 .
5- .الباشِق : طائر من أصغر الجوارح (المنجد : ص 40 «بشق») .
6- .الحِدَأه : طائر من الجوارح ينقضّ على الجُرذان والدواجن و الأطعمه ونحوها (المعجم الوسيط : ج 1 ص 159 «حدأ») .
7- .الشاهين : طائر من جنس الصقر طويل الجناحين (المنجد : ص 407 «شهن») .
8- .الكُرْكى : طائر كبير ، أغبر اللون ، طويل العنق والرجلين ، أبتر الذنب ، قليل اللحم ، يأوى إلى الماء أحيانا (المعجم الوسيط : ج 2 ص 784 «كرک») .
9- .القُمْرِىّ : ضرب من الحَمام حسن الصوت (المنجد : ص 653 «قمر») .
10- .الدُّبسى : طائر صغير ، والدُّبسه : لون بين السواد والحُمره (النهايه : ج 2 ص 99 «دبس») .
11- .العقعق : طائر على شكل الغراب ، أو هو الغراب ، وكانت العرب تتشاءم به (المنجد : ص 517 «عقق») .
12- .القَبَجه: واحد القَبَج ؛ وهو طائر يشبه الحجل (المنجد : ص 604 «قبج») .
13- .السُّمانى : الواحده سُماناه ، نوع من الطيور القواطع ، من رتبه الدجاجيّات ، ويسمّى : السَّلْوى (المنجد : ص352 «سمن») .
14- .السَّوذنيق ويُضمّ أوّله والسَّيذَنوق والسُّوذانق، والسَّذانق، والسَّوذِينَق والسَّوذَق : الصقر أو الشاهين (القاموس المحيط : ج 3 ص 244 «سذق») .
15- .الشِّقِرّاق : طائر يكون فى أرض الحرم فى منابت النخيل كقدر الهدهد ، مرقّط بحمره وخضره وبياض وسواد (لسان العرب : ج 10 ص 186 «شقرق») .
16- .الشِّفنِين بكسر الشين : وهو متولّد بين نوعين مأكولين ، وعدّه الجاحظ فى أنواع الحمام ، وبعضهم يقول : الشِّفنين هو الذى تسمّيه العامّه : اليمام (حياه الحيوان : ج 2 ص 53) .
17- .الخُطّاف : طائر يُشبه السنونو ، طويل الجناحين ، قصير الرجلين ، أسود اللون (المنجد : ص 187 «خطف») .
18- .فى المصدر : «صاحت» ، والتصويب من بحار الأنوار .
19- .الإسراء : 44 .
20- .الخرائج والجرائح : ج 1 ص 248 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 64 ص 27 ح 8 .

9 / 5ذکر تسبیح برخی جانورانالمناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از محمّد بن وهبان و فتّاک : به جنگلی رفتیم . ناگاه به شیری برخوردیم که در راه ، خوابیده بود و بچّه هایش پشت سرِ او بودند . سرِ اسبم را کج کردم که برگردم . [امام علی علیه السلام] فرمود : «کجا؟ ... » . ناگهان ، شیر از جا برخاست و به سوی ایشان آمد و شروع به جنبانیدنِ دُم خود کرد و گفت : سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ، ای امیر مؤمنان ، ای پسر عموی پیامبر خدا ! فرمود : «و بر تو سلام ، ای ابا حارث ! تسبیح تو چیست؟» . شیر گفت : می گویم : پاکا آن که جامه هیبت بر من پوشاند و ترس از مرا در دل بندگانش افکند !

امام علی علیه السلام :هر گاه دو سپاه ، رویاروی شوند و سپاهیان با شمشیرهایشان به سوی یکدیگر بیایند ، اسب ، سرش را بلند می کند و می گوید : پاکا پادشاه پاک ! الاغ ، با عَرعَر خویش می گوید : خدایا ! باجگیران را لعنت کن . خروس ، با بانگ خویش در سحرگاهان می گوید : خدا را یاد کنید ، ای بی خبران ! قورباغه ، با قوْ قورِ خویش می گوید : پاکا معبود در اعماق دریاها ! دُرّاج ، با آواز خویش می گوید : آن مهر گستر ، بر اورنگْ قرار گرفته است ؛ و چکاوک ، با جیکاجیک خویش می گوید : خدایا ! دشمنان خاندان محمّد را لعنت فرما .

الخرائج والجرائح به نقل از محمّد بن ابراهیم تَیْمی ، از امام حسین علیه السلام : آن گاه که کَرکَسْ بانگ می زند ، می گوید : «ای پسر آدم ! هر اندازه می خواهی ، زندگی کن که فرجامش مرگ است . و آن گاه که بازْ بانگ می زند ، می گوید : ای داناىِ نهان ها و ای زُداینده گرفتاری ها ! و آن گاه که طاووسْ بانگ می زند ، می گوید : سَرورا ! به خویشتن ، ستم کردم و به زیبایی خویش ، غرّه گشتم . پس مرا بیامرز ! و آن گاه که دُرّاجْ بانگ می زند ، می گوید : آن مهرگستر ، بر اورنگ خویش قرار گرفته است . و آن گاه که خروسْ بانگ می دهد ، می گوید : هر که خدا را شناخت ، یاد او را فراموش نکرد . و آن گاه که مرغ ، قُدقُد می کند ، می گوید : ای معبود حق ! تو حقّی و سخن تو حق است ، ای خدا ، ای حق ! و آن گاه که قِرقی بانگ می زند ، می گوید : به خدا و روز واپسین ، ایمان دارم . و آن گاه که

زَغَن بانگ می زند ، می گوید : به خدا توکّل کن تا روزی داده شوی . و آن گاه که عُقابْ بانگ می زند ، می گوید : هر که از خدا فرمان بَرَد ، به رنج و بدبختی نمی افتد . و آن گاه که شاهین بانگ می زند ، می گوید : پاکا خدا که حقّ است ، حقّ است ! و آن گاه که بوم بانگ می زند ، می گوید : دوری از مردم ، مایه آرامش است . و آن گاه که کلاغ ، قارْ قار می کند ، می گوید : ای روزی ده ! روزیِ حلال بفرست . و آن گاه که دُرنا بانگ می زند ، می گوید : بار خدایا ! مرا از دشمنم نگه دار . و آن گاه که لَک لَکْ بانگ می زند ، می گوید : هر که از مردم کناره گیرد ، از آزار آنان بِرَهَد . و آن گاه که مرغابی بانگ می زند ، می گوید : مرا ببخشای ، ای خدا ، ببخشای ! و آن گاه که هُدهُد بانگ می زند ، می گوید : چه در رنج و بدبختی است آن که خدا را نافرمانی کند ! و آن گاه که قُمْری بانگ می زند ، می گوید : ای دانای راز و نجوا ، ای خدا ! و آن گاه که یا کریم بانگ می زند ، می گوید : تویی خدا و معبودی جز تو نیست ، ای خدا ! و آن گاه که زاغ بانگ می زند ، می گوید : پاکا آن که هیچ پوشیده ای بر او پوشیده نیست ! و آن گاه که طوطی بانگ می زند ، می گوید : هر که پروردگار خویش را یاد کند ، خداوند ، گناهش را می آمرزد . و آن گاه که گنجشک ، جیکْ جیک می کند ، می گوید : از خدا آمرزش می خواهم از آنچه خدا را به خشم می آورد ! و آن گاه که بلبل می خواند ، می گوید : معبودی جز خدا نیست . بر حق است ، بر حق و آن گاه که کبک ، بانگ می دهد ، می گوید : حق ، نزدیک است ، نزدیک ! و آن گاه که بلدرچین می خواند ، می گوید : ای پسر آدم ! چه قدر تو از مرگ ، غافلی ! و آن گاه که چرخ شکاری بانگ می زند ، می گوید : معبودی جز خدا نیست . محمّد و خاندان او برگزیدگانِ خدایند . و آن گاه که فاخته بانگ می زند ، می گوید : ای یگانه ، ای یکتا ، ای تَک ، ای بی نیاز ! و آن گاه که سبزه قبا آواز می دهد ، می گوید : سَروَرم ! مرا از آتش ، آزاد گردان . و آن گاه که چکاوک ، آواز می دهد ، می گوید : سَروَرم ! توبه هر گنهکار مؤمنی را بیامرز ! و آن گاه که قُمْری آواز می دهد ، می گوید : اگر گناهم را نیامرزی ، بدبخت می شوم . و آن گاه که بوتیمار می خوانَد ، می گوید : هیچ توانی نیست ، مگر به مدد خدای بلند مرتبه و بزرگ . و آن گاه که شترمرغ ، بانگ می دهد ، می گوید : معبودی جز خدا نیست . و آن گاه که پرستو می خوانَد ، سوره حمد را می خوانَد و می گوید : ای پذیرنده توبه توبه کاران ، ای خدا ! ستایش ، تو راست ! و آن گاه که زرّافه بانگ سر می دهد ، می گوید : معبودی جز خدای یگانه نیست . و آن گاه که برّه آواز می دهد ، می گوید : بهترین پند دهنده ، مرگ است . و آن گاه که بزغاله آواز می دهد ، می گوید : هر چه مرگ زودتر به سراغم بیاید ، گناهانم کمتر خواهد بود . و آن گاه که شیر نعره می زند ، می گوید : فرمان خدا ، مهم است ، مهم . و آن گاه که گاو

نر ، بانگ سر می دهد ، می گوید : آرام باش ، آرام ، ای پسر آدم ، که تو در پیشگاه کسی هستی که می بیند و خود ، دیده نمی شود و او همان خداست ! و آن گاه که فیل بانگ می زند ، می گوید : هیچ قدرت و چاره ای جلو مرگ را نمی تواند بگیرد . و آن گاه که یوز پلنگ بانگ می زند ، می گوید : ای عزیز ، ای جبّار ، ای متکبّر ، ای خدا ! و آن گاه که شتر بانگ می زند ، می گوید : پاکا خوار کننده گردن فرازان ، پاکا او ! و آن گاه که اسب ، شیهه می کشد ، می گوید : پاکا پروردگار ما ، پاکا او ! و آن گاه که گرگ ، زوزه می کشد ، می گوید : آنچه را که خدا نگه دارد ، هرگز تباه نمی شود . و آن گاه که شغال بانگ می زند ، می گوید : وای و وای بر گنهکاری که به گناه خویش ، ادامه دهد ! و آن گاه که سگ بانگ می زند ، می گوید : برای خواری آدمی همین بس که گناه کند ! و آن گاه که خرگوش ، بانگ می زند ، می گوید : مرا هلاک مگردان ، ای خدا ! ستایش تو راست ! و آن گاه که روباه بانگ می زند ، می گوید : دنیا ، سرای فریب است . و آن گاه که آهو بانگ می زند ، می گوید : مرا از آزار بِرَهان ! و آن گاه که کَرگَدن بانگ می زند ، می گوید : کمکم کن ؛ وگرنه ، نابود می شوم ، سَروَرا ! و آن گاه که گوزن بانگ می زند ، می گوید : خدا مرا بس است و نیکوْ پشتیبانی است ! او ، مرا بس است ! و آن گاه که پلنگ بانگ می زند ، می گوید : پاکا آن که به قدرت ، توانمند است ، پاکا او ! و آن گاه که مار تسبیح می گوید ، می گوید : چه بدبخت است آن که نافرمانی ات کند ، ای مهرگستر ! و آن گاه که عقربْ تسبیح می گوید ، می گوید : بدی ، چیز وحشتناکی است . سپس فرمود : «هر چیزی که خداوند آفریده است ، ذکر تسبیحی دارد که با آن ، پروردگارش را سپاس و ستایش می گوید . آن گاه ، این آیه را تلاوت کرد : «و هیچ چیز نیست ، مگر آن که او را تسبیح و سپاس می گوید ؛ امّا شما تسبیح آنها را نمی فهمید» .

.

ص: 124

. .

ص: 125

. .

ص: 126

. .

ص: 127

. .

حليه الأولياء عن أبى حمزه الثمالى :قالَ لى مُحَمَّدُ بنُ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام وسَمِعَ عَصافيرَ يَصِحنَ فَقالَ : تَدرى يا أبا حَمزَةَ ما يَقُلنَ؟ قُلتُ : لا ! قالَ : يُسَبِّحنَ (1) رَبّى عز و جل ، ويَطلُبنَ قوتَ يَومِهِنَّ . (2)

تاريخ بغداد عن ثابت بن أبى صفيّه :كُنّا مَعَ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام جُلوسا فى مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ مَرَّ بِنا عَصافيرُ يَصِحنَ ، فَقالَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : أتَدرونَ ما تَقولُ هذِهِ العَصافيرُ؟ قُلنا : لا ! قالَ : أما إنّى ما أقولُ إنّى أعلَمُ الغَيبَ ، ولكِن سَمِعتُ أبى يَقولُ : سَمِعتُ أميرَ المُؤمِنينَ عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «إنَّ الطَّيرَ إذا أصبَحَت سَبَّحَت رَبَّها ، وسَأَلَتهُ قُوتَ يَومِها»؛ وإنَّ هذِهِ تُسَبِّحُ رَبَّها ، وتَسأَلُهُ قُوتَ يَومِها . (3)

.

1- .فى المصدر : «تُسَبِّحنَ» ، والصواب ما أثبتناه .
2- .حليه الأولياء : ج 3 ص 187 ؛ بصائر الدرجات : ص 341 ح 1 وح 2 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 185 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 261 .
3- .تاريخ بغداد : ج 11 ص 98 ، كنزالعمّال : ج 3 ص 391 ح 7092 .

حلیه الأولیاء به نقل از ابو حمزه ثمالی : امام باقر علیه السلام صدای جیکْ جیکِ گنجشکانی را شنید . به من فرمود : «ای ابو حمزه ! می دانی اینها چه می گویند؟» . گفتم : خیر . فرمود : «[می گویند :] پروردگارِ عز و جل مرا تسبیح می گویند و روزیِ روزانه خود را می طلبند» .

تاریخ بغداد به نقل از ثابت بن ابی صفیّه : با امام زین العابدین علیه السلام در مسجد پیامبر خدا نشسته بودیم که تعدادی گنجشک ، جیک جیک کُنان ، بر ما گذشتند .امام زین العابدین علیه السلام فرمود : «آیا می دانید این گنجشکان ، چه می گویند ؟» . گفتیم : خیر . فرمود : «من نمی گویم که غیب می دانم ؛ امّا از پدرم شنیدم که فرمود : از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود : از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : پرندگان چون صبح شود ، پروردگار خویش را تسبیح می گویند و خوراک آن روزِ خود را از او درخواست کنند . اینها نیز پروردگار خود را تسبیح می گویند و روزیِ روز خود را از او می طلبند» .

.

9 / 6ما يَدُلُّ عَلى تَسبيحِ كُلِّ شَىءٍالكتاب«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَ تُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» . (1)

«سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» . (2)

«وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَئِكَهُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ يُرْسِلُ الصَّوَ عِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَ هُمْ يُجَدِلُونَ فِى اللَّهِ وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» . (3)

الحديثالكافى عن علىّ بن عيسى رفعه :إنَّ موسى عليه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فَقالَ لَهُ فى مُناجاتِهِ : . . . يا مُوسى ، مَتى ما دَعَوتَنى ورَجَوتَنى فَإنّى سَأغفِرُ لَكَ عَلى ما كانَ مِنكَ ، السَّماءُ تُسَبِّحُ لى وَجَلاً ، وَالمَلائِكَهُ مِن مَخافَتى مُشفِقونَ ، وَالأَرضُ تُسَبِّحُ لى طَمَعا ، وكُلُّ الخَلقِ يُسَبِّحونَ لى داخِرونَ (4) . (5)

حليه الأولياء عن عبد الرحمن بن قرط :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَيلَهَ أُسرِىَ بِهِ مِنَ المَسجِدِ الحَرامِ إلَى المَسجِدِ الأَقصى وكانَ بَينَ زَمزَمَ وَالمَقامِ ، وجِبريلُ عَن يَمينِهِ وميكائيلُ عَن يَسارِهِ ، وطارا بِهِ حَتّى بَلَغَ السَّماواتِ السَّبعَ ، فَلَمّا رَجَعَ قالَ : سَمِعتُ تَسبيحا فِى السَّماواتِ العُلى ، مِن ذِى المَهابَهِ مُشفِقاتٍ لِذِى العُلى بِما عَلا ، سُبحانَ العَلِىِّ الأَعلى سُبحانَهُ وتَعالى . (6)

.

1- .الإسراء : 44 .
2- .الحديد : 1 . وراجع الحشر : 1 ، الصفّ : 1 ، الجمعه : 1 ، التغابن : 1 .
3- .الرعد : 13 .
4- .دَخَرَ الرجل : ذلّ وصَغُر ؛ وهو الذى يفعل ما يؤمر به شاء أو أبى صاغرا قميئا (لسان العرب : ج 4 ص 278 «دخر») .
5- .الكافى : ج 8 ص 42 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 31 ح 7 .
6- .حليه الأولياء : ج 2 ص 7 ، كنزالعمّال : ج 10 ص 368 ح 29845 وج 12 ص 416 ح 35455 .

9 / 6تسبیحگویی هر موجودیقرآن«آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست ، او را تسبیح می گویند . و هیچ چیز نیست ، مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می گوید ؛ ولی شما تسبیح آنها را درنمی یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است !» .

«فرمان روایيِ آسمان ها و زمین ، از آنِ اوست: زنده می کند و می میرانَد، و او بر هر چیزی تواناست» .

«رعد، به ستایش او، و فرشتگان [جملگی] از بیمش تسبیح می گویند، و صاعقه ها را فرو می فرستند و با آنها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می دهد، در حالی که آنان ، در باره خدا مجادله می کنند ؛ و او سختْ کیفر است» .

حدیثالکافی به نقل از علی بن عیسی ، در حدیثی که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام نجوا کرد و در نجوایش به او فرمود : « ... ای موسی! هر گاه مرا بخوانی و به من امیدوار باشی ، آنچه را هم پیش تر از تو سر زده است ، خواهم آمرزید . آسمان ، از بیم من ، مرا تسبیح می گوید و فرشتگان ، از من در ترس و هراس به سر می برند و زمین ، از سرِ طمع ، مرا تسبیح می گوید و همه آفرینش ، زبونانه مرا تسبیح می گویند» .

حلیه الأولیاء به نقل از عبد الرحمان بن قرط : شبی که پیامبر خدا از مسجد الحرام به مسجد الأقصی بُرده شد ، میان زمزم و مقام بود . جبرئیل علیه السلام در سمت راست و میکائیل علیه السلام در سمت چپ ، ایشان را پرواز دادند تا آن که هفت آسمان را پیمود ، و چون بازگشت» فرمود : «در آسمان های بالا تسبیحی شنیدم نسبت به آن پروردگار شُکوه و هیبت . آسمان هایی که از بلندْمرتبگی خداوند بلندی ، بیمناک بودند [، تسبیحشان این بود :] پاکا والای برین ! پاکا و بَرینا او !

.

بحار الأنوار عن ابن متّويه :وَجَدَتُ هذِهِ الصُّحُفَ بِالسّورِيَّهِ (1) مِمّا اُنزِلَت عَلى إدريسَ النَّبِيِّ أخنوخَ عليه السلام : . . . لَهُ سَبَّحَتِ السَّماواتُ العُلَى ، وَالأَرَضُونَ السُّفلَى ، وما بَينَهُما وما تَحتَ الثَّرى ، بِألسُنٍ فُصُحٍ وعُجمٍ ، وآثارٍ ناطِقَهٍ وبُكمٍ ، تَلوحُ لِلعارِفينَ مَواقِعُ تَسبيحِها ، ولا يَخفى عَلَى المُؤمِنينَ سَواطِعُ تَقديسِها . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام فِى المُناجاهِ الإنجيلِيَّهِ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، الَّذى عَمَّ الخَلائِقَ جَدواهُ ، وتَمَّ حُکمُهُ فيمَن أضَلَّ مِنهُم وهَداهُ ، وأحاطَ عِلما بِمَن أطاعَهُ وعَصاهُ ، وَاستَولى عَلَى المُلکِ بِعِزٍّ أبَدٍ فَحَواهُ ، فَسَبَّحَت لَهُ السَّماواتُ وأکنافُها ، وَالأرضُ وأطرافُها ، وَالجِبالُ وأعراقُها ، وَالشَّجَرُ وأغصانُها ، وَالبِحارُ وحيتانُها ، وَالنُّجومُ فى مَطالِعِها ، وَالأمطارُ فى مَواقِعِها ، ووُحوشُ الأرضِ وسِباعُها ، ومَدَدُ الأنهارِ وأمواجُها ، وعَذبُ المِياهِ وأجاجُها ، وهُبوبُ الرِّيحِ وعَجاجُها ، وکُلُّ ما وَقَعَ عَلَيهِ وَصفٌ وتَسمِيَهٌ ، أو يُدرِکُهُ حَدٌّ يَحويهِ ، مِمّا يُتَصَوَّرُ فِى الفِکرِ ، أو يُتَمَثَّلُ بِجِسمٍ أو قَدَرٍ ، أو يُنسَبُ إلَى عَرَضٍ أو جَوهَرٍ ، مِن صَغيرٍ حَقيرٍ أو خَطيرٍ کَبيرٍ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام فِى الدُّعاءِ : يا مَن سَبَّحَ لَهُ ظُلَمَهُ اللَّيلِ وضَوءُ النَّهارِ ، وما عَلَى الأرضِ وقَعرِ البَحرِ . (4)

.

1- .المراد بها السريانيّه التى كانت لغه السوريّين (اُنظر بحار الأنوار : ج 16 ص 144) .
2- .بحار الأنوار : ج 95 ص 453 .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 159 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
4- .الدعوات : ص 119 ح 276 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 280 ح 1 .

بحار الأنوار به نقل از ابن مَتّویه : این نبشته ها را به زبان سُریانی یافتم که از جمله چیزهایی بود که بر اَخنوخِ پیامبر (ادریس علیه السلام) فرود آمده بود : «... آسمان های زِبَرین و زمین های زیرین و آنچه در میان آنهاست و آنچه زیرِ زمین است ، با زبان هایی روشن و ناروشن ، و نشانه هایی گویا و گنگ ، او را تسبیح می گویند ، جایگاه های تسبیحشان برای خداشناسان ، روشن است و فروغ های تقدیسشان ، بر خداباوران ، پوشیده نیست» .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجیلیه» : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ؛ همو که عطایش ، همه خلایق را ، فرا گرفته است و فرمان او در باره هر آن کس از آنان که گم راهشان کرد یا هدایتشان نمود ، جاری است ، و می دانَد که چه کس فرمانش می بَرَد و کدامین کس ، نافرمانی اش می کند ، و با قدرتی جاویدان بر عالم هستی پادشاهی می کند . پس آسمان ها و کران تا کرانِ آنها و زمین و سویاسویش ، و کوه ها و ریشه هایشان ، و درختان و شاخسارشان ، و دریاها و ماهی هایشان ، و ستارگان در طلوع گاه هایشان ، و باران ها در جایگاه هایشان ، و دَدان و درندگان زمین ، و رودها و خیزابه هایشان ، و آب های شیرین و شور و وَزش بادها و گَرد و غبارهایشان ، و هر آنچه که وصفی و نامی گیرد ، یا در مرز و اندازه ای گنجد ، از آنچه در ذهن به تصوّر آید ، یا در قالب جسم یا اندازه درآید ، یا به عَرَض یا جوهری نسبت داده شود ، خُرد و ناچیز باشد یا مهم و سِتُرگ ، همگی او را تسبیح می گویند .

امام صادق علیه السلام در دعا : ای آن که تاریکیِ شب و روشناییِ روز ، و هر آنچه بر روی زمین و در قعر دریاست ، تسبیحش می گویند !

.

الإمام الباقر عليه السلام :إذا أخرَجَ أحَدُكُمُ الحَصاةَ مِنَ المَسجِدِ ، فَليَرُدَّها مَكانَها أو فى مَسجِدٍ آخَرَ؛ فَإِنَّها تُسَبِّحُ . (1)

تاريخ بغداد عن عائشه :دَخَلَ عَلىَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لى : يا عائِشَهُ اغسِلى هذَينِ البُردَينِ . (2) فَقُلتُ : بِأبى وأُمّى يا رَسولَ اللّهِ ، بِالأَمسِ غَسَلتُهُما! فَقالَ لى : أما عَلِمتِ أنَّ الثَّوبَ يُسَبِّحُ ، فَإِذَا اتَّسَخَ انقَطَعَ تَسبيحُهُ . (3)

الخرائج والجرائح عن عبد اللّه :لَقَد كُنّا نَأكُلُ الطَّعامَ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ونَحنُ نَسمَعُ التَّسبيحَ مِنَ الطَّعامِ . (4)

المناقب لابن شهرآشوب عن ابنِ عبّاسٍ :قَدِمَ مُلوكُ حَضرَموتَ عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالوا : كَيفَ نَعلَمُ أنَّكَ رَسولُ اللّهِ؟ فَأَخَذَ كَفّا مِن حَصىً فَقالَ : هذا يَشهَدُ أنّى رَسولُ اللّهِ ، فَسَبَّحَ الحَصى فى يَدِهِ ، وشَهِدَ أنَّهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (5)

المناقب لابن شهرآشوب عن علقمه وابن مسعود :كُنّا نَجلِسُ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ونَسمَعُ الطَّعامَ يُسَبِّحُ ورَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَأكُلُ . وأتاهُ مِكرَزٌ العامِرِىُّ وسَأَلَهُ آيَةً ، فَدَعا تِسعَ حَصَياتٍ (6) فَسَبَّحنَ فى يَدِهِ . (7)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 256 ح 711 ، علل الشرايع : ص 320 ح 1 كلاهما عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 237 ح 717 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 7 ح 81 .
2- .البُردَين : مثنّى بُرْد ؛ وهو ثوب مخطّط (القاموس المحيط : ج 1 ص 276 «برد») .
3- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 245 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام الحسن عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 9 ص 278 ح 26009 .
4- .الخرائج والجرائح : ج 1 ص 47 ح 62 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 389 ح 58 .

5- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 90 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 379 ح 49 .
6- .فی المصدر : «حصات» والتصویب من بحار الأنوار .
7- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 90 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 379 ح 49 .

امام باقر علیه السلام :هر گاه یکی از شما ریگی از مسجد بیرون بُرد ، آن را به جایش یا به مسجدی دیگر باز گردانَد ؛ زیرا آن ریگ ، [خدا را] تسبیح می گوید .

تاریخ بغداد به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، نزد من آمد و فرمود : «ای عایشه ! این دو بُرد را بشوی» . من گفتم : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! دیروز ، آنها را شسته ام ! فرمود : «مگر نمی دانی که لباس ، تسبیح می گوید و هر گاه کثیف شود ، تسبیحش قطع می گردد ؟» .

الخرائج والجرائح به نقل از عبد اللّه : ما با پیامبر صلی الله علیه و آله غذا می خوردیم و از غذا ، صدای تسبیح می شنیدیم .

المناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از ابن عبّاس : شاهان حَضرَموت ، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند : ما از کجا بدانیم که تو فرستاده خدا هستی؟ مشتی ریگ برداشت و فرمود : «اینها گواهی می دهند که من ، فرستاده خدا هستم» . پس ریگ ها در دست ایشان ، تسبیح گفتند و گواهی دادند که او فرستاده خداست .

المناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از علقمه و ابن مسعود : ما با پیامبر صلی الله علیه و آله می نشستیم و پیامبر خدا ، غذا تناول می کرد و ما از آن غذا ، صدای تسبیح می شنیدیم . مِکرَز عامری ، نزد ایشان آمد و نشانه ای [بر صدق دعوی نبوّت] خواست . پیامبر صلی الله علیه و آله نُه عدد ریگ را صدا زد و آنها در دست ایشان ، تسبیح گفتند .

.

دلائل النبوّه عن أبى ذرّ :كُنّا جُلوسا مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَأَخَذَ حَصَياتٍ فى كَفِّهِ فَسَبَّحنَ ، ثُمَّ وَضَعَهُنَّ فِى الأَرضِ فَسَكَتنَ ، ثُمَّ أخَذَهُنَّ فَسَبَّحنَ . (1)

الخرائج والجرائح عن أنس :إنَّهُ صلى الله عليه و آله أخَذَ كَفّا مِنَ الحَصى فَسَبَّحنَ فى يَدِهِ ، ثُمَّ صَبَّهُنَّ فى يَدِ عَلِىٍّ عليه السلام فَسَبَّحنَ فى يَدِهِ حَتّى سَمِعنَا التَّسبيحَ فى أيديهِما ، ثُمَّ صَبَّهُنَّ فى أيدينا فَما سَبَّحَت فى أيدينا . (2)

طبّ الأئمّه عن الحارث بن المغيره :شَكَوتُ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ثِقلاً أجِدُهُ فى فُؤادِى ، وكَثرَهَ التُّخَمَهِ مِن طَعامى . فَقالَ : تَناوَل مِن هذَا الرُّمّانِ الحُلوِ ، وكُلهُ بِشَحمِهِ فَإنَّهُ يَدبَغُ المَعِدَهَ دَبغا ، ويَشفِى التُّخَمَهَ ، ويَهضِمُ الطَّعامَ ، ويُسَبِّحُ (3) فِى الجَوفِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى فَضلِ التَّمرِ البَرنِىِّ (5) : مَن باتَ وفى جَوفِهِ مِنهُ واحِدَهٌ ، سَبَّحَت سَبعَ مَرّاتٍ . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاتِهِ : أنتَ المُسَبَّحُ فى كُلِّ مَكانٍ ، وَالمَعبودُ فى كُلِّ زَمانٍ . (7)

9 / 7الأَسماءُ الَّتى تُسَبِّحُ الأَشياءُ بِهارسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الأَسماءِ الحُسنى : أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ كُلُّ شَىءٍ بِلُغاتٍ مُختَلِفَهٍ يا اللّهُ . . . أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يُسَبِّحُ لَکَ بِهِ البَرقُ الخاطِفُ وَالصَّواعِقُ القاصِفَهُ يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُسَبِّحُ لَکَ بِهِ الرِّياحُ العاصِفاتُ فى مَجاريها يا اللّهُ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى يَنزِلُ بِهِ مَعَ كُلِّ قَطرَهٍ مَلَکٌ مِنَ السَّماءِ يُسَبِّحُکَ بِهِ ولا يَرجِعُ إلى يَومِ القِيامَهِ يا اللّهُ . . . أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُسَبِّحُ لَکَ بِهِ الضَّفادِعُ فِى البِحارِ وَالأَنهارِ وَالغُدرانِ بِألوانِ صِفاتِها وَاختِلافِ لُغاتِها يا اللّهُ . . . أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، المَخزونِ المَکنونِ الَّذى لا يَعرِفُهُ أحَدٌ إلّا بِالآياتِ الواضِحاتِ ، وَالدَّلالاتِ البَيِّناتِ ، وَالعَلاماتِ الظّاهِراتِ ، مِن عَجائِبِ الخَلقِ مِنَ النّارِ وَالنّورِ وَالظُّلُماتِ ، وَالسَّحابِ المُتَطابِقاتِ ، وَالرِّياحِ الذّارِياتِ ، وَالأَعيُنِ الجارِياتِ ، وَالنُّجومِ المُسَخَّراتِ ، وجَلاميدِ (8) الأَهوِيَهِ المُتَراكِماتِ بَينَ الأَرَضينَ وَالسَّماواتِ ، وَالعُيونِ المُنفَجِراتِ ، وَالأَنهارِ الجارِياتِ ، وَالبِحارِ وما فيهِنَّ مِنَ الأُمَمِ المُختَلِفاتِ ، كُلُّ يُسَبِّحُ لَکَ بِذلِکَ الاسمِ العَظيمِ ، الَّذى لا تُفنى عَجائِبُهُ لِما عَظَّمتَهُ وشَرَّفتَهُ وكَرَّمتَهُ وكَبَّرتَهُ . وأسأَلُکَ بِاسمِکَ يا اللّهُ الَّذى يُسَبِّحُ

لَکَ بِهِ الجِبالُ الرّاسِیاتُ بِأمرِکَ یا اللّهُ ، وأسأ لَکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ الأنهارُ الجارِیاتُ بِأمرِکَ یا اللّهُ ، وأسأ لُکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ البِحارُ الزّاخِراتُ الّتی هِیَ بِالأرض مُحیطاتٌ یا اللّهُ ، وأسأ لُکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ الأشجارُ المُخضَرّاتُ النّضِراتُ ، وَالأوراقُ الزّاهِراتُ وَالأغصانُ المُثمِراتُ وَالثّمَراتُ الطّیّباتُ ، کُلٌّ یُسَبِّحُ لَکَ بِذلِکَ الاِسم یا اللّهُ ، وأسأ لُکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ العُیونُ الواقِفاتُ بِقُدرَتِکَ یا اللّهُ ، وأسأ لُکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ النّخلُ الباسِقاتُ یا اللّهُ . . . وأسأ لُکَ بِاسمِکَ الّذی یُسَبِّحُ لَکَ بِهِ النُّجومُ بِعَظَمَتِکَ یا اللّهُ . (9)

.

1- .دلائل النبوّه لأبی نعیم : ص 432 ح 339 .
2- .الخرائج والجرائح : ج 1 ص 47 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 377 ح 42 .
3- .فی المصدر : «تسبّح» ، والتصویب من بحار الأنوار .
4- .طبّ الأئمّه لابنی بسطام : ص 134 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 164 ح 49 .
5- .البَرنِیُّ : نوع جیّدٌ من التمر مُدَوَّر أحمرُ مُشرَبٌ بصفرهٍ (المعجم الوسیط : ج 1 ص 52 «برن») .
6- .المحاسن : ج 2 ص 344 ح 2186 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 134 ح 35 .
7- .بحار الأنوار : ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض الکتب .
8- .یقال : ألقی علیه جلامیده : أی ثقله. والجلمود فی الأصل الصخر (القاموس المحیط : ج 1 ص 284 «جلمد») .
9- .البلد الأمین : ص 413 وص 415 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 256 ح 1 وص 259 . اُنظر تمام الدعاء من المصدر .

9 / 7 نام هایی که موجودات با آنها تسبیح می گویند

دلائل النبوّه به نقل از ابو ذر : با پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که ایشان ، چند عدد ریگ در دستش گرفت و ریگ ها تسبیح گفتند . سپس آنها را به زمین گذاشت و ریگ ها ساکت شدند و دوباره آنها را برداشت و باز ، تسبیح گفتند .

الخرائج و الجرائح به نقل از اَ نَس : پیامبر صلی الله علیه و آله مُشتی ریگ برداشت و ریگ ها در دست ایشان ، تسبیح گفتند . سپس آنها را در دست علی علیه السلام ریخت . در دست او نیز تسبیح گفتند و ما تسبیحگویی آنها را در دست هر دوی ایشان شنیدیم . سپس آنها را در دست های ما ریخت ، امّا در دستان ما تسبیح نگفتند .

طبّ الأئمه علیهم السلام به نقل از حارث بن مغیره : به امام صادق علیه السلام از احساس سنگینی در دلم (معده ام) و ثقل کردنِ زیاد از غذایم شکایت کردم . فرمود : «از این انار شیرین ، برگیر و آن را با همان پیه آن ، تناول کن ؛ زیرا معده را کاملاً پاک می کند و سنگینی [معده] و سوء هاضمه را از بین می بَرد و غذا را هضم می کند و در شکم ، تسبیح می گوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ارزش خرمای بَرنی (1) : هر کس شب بخوابد و یک دانه از این خرما در اندرونش باشد ، آن یک دانه ، هفت مرتبه تسبیح می گوید .

امام زین العابدین علیه السلام در مناجاتش : تو آنی که همه جا تو را به پاکی می ستایند و همیشه بندگی ات می کنند .

9 / 7نام هایی که موجودات با آنها تسبیح می گویندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «أسماء الحُسنی» : از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، هر موجودی با زبان های گوناگون ، تو را تسبیح می گوید ، ای خدا !... . از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، برق جَهنده و آذرخش های غُرّان ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، بادهای توفنده با وزیدن های خود ، تو را تسبیح

می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که به سبب آن ، همراه هر قطره ای از آسمان ، فرشته ای فرود می آید که با آن نام ، تو را تسبیح می گوید و تا روز قیامت ، باز نمی گردد ، ای خدا !... . از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، غوک ها در دریاها ورودها و برکه ها ، با صفات گوناگون و زبان های مختلف ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا !... . از تو درخواست می کنم به آن نامت ، ای آن که معبودی جز تو نیست ؛ همان نامِ در گنجینه و پنهانی که هیچ کس آن را نمی داند ، مگر با معجزات روشن و دلایل آشکار ، و نشانه های پیدا : از شگفتی های آفرینش ، چون آتش و روشنایی و تاریکی ها و ابرهای لایه لایه ، و بادهای گردافشان و چشمه های روان و اختران مِهار شده ، و سنگینیِ هواهایِ فشرده شده میان زمین ها و آسمان ها ، و چشمه های جوشان ، و رودهای روان ، و دریاها و جانداران گونه گون آنها ، همگی با آن نام بزرگ ، تو را تسبیح می گویند ؛ همان نامی که چون عظمت و ارجمندی و کرامت و بزرگی اش بخشیده ای ، شگفتی هایش را پایانی نیست . و از تو درخواست می کنم ای خدا به آن نامت که کوه های افراشته به فرمان تو با آن نام ، تسبیحت می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که رودهای روان به فرمان تو ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که دریاهایی مالامال که گرداگرد زمین را گرفته اند ، با آن نام ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم با آن نامت که درختان سرسبز خرّم ، و برگ های شاداب و شاخساران میوه دِه و میوه های لذیذ ، همگی با آن نام ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که چشمه های راکد به قدرت تو با آن نام ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که خرما بُن های قامتْ افراشته با آن نام ، تو را تسبیح می گویند ، ای خدا !... و از تو درخواست می کنم به آن نامت که ستارگان ، با آن نام ، تو را به پاکی و بزرگی می ستایند ، ای خدا !

.

1- .برنی، نوعی از خرمای مرغوب است که به شکل دایره و به رنگ سرخ مایل به زرد است .

ص: 138

. .

ص: 139

. .

9 / 8تَسبيحُ الأَشياءِ مَعَ الإنسانِالكتاب«وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْاِشْرَاقِ * وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ» . (1)

«فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَنَ وَ كُلاًّ ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَعِلِينَ» . (2)

«وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلاً يَجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ» . (3)

الحديثتفسير القمّى : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلاً يَجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُ» أى سَبِّحى للّهِ «وَ الطَّيْرَ . . .» قالَ : كانَ داوودُ إذا مَرَّ فِى البَرارى يَقرَأُ الزَّبورَ تُسَبِّحُ الجِبالُ وَالطَّيرُ وَالوُحوشُ مَعَهُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فِى ذِكرِ داوودَ عليه السلام : أنزَلَ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى عَلَيهِ الزَّبورَ ، وعَلَّمَهُ صَنعَةَ الحَديدِ فَلَيَّنَهُ لَهُ ، وأمَرَ الجِبالَ وَالطَّيرَ أن تُسَبِّحَ مَعَهُ ، وأعطاهُ صَوتا لَم يُسمَع بِمِثلِهِ حُسنا . (5)

.

1- .ص : 17 19 . والأيدِ بغير ياء : القوّه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1990 «يدى») .
2- .الأنبياء : 79 .
3- .سبأ : 10 .
4- .تفسير القمّى : ج 2 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 3 ح 7 .
5- .كمال الدين : ص 155 ح 17 عن محمّد بن عماره ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 135 ح 445 عن محمّد الحلبى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 446 ح 10 .

9 / 8تسبیحگویی موجودات ، هم نوا با انسانقرآن«بر آنچه می گویند ، شکیبایی کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدّد] بود ، به یاد آور . آری. او بسیارْ بازگشت کننده [به سوی خدا] بود . ما کوه ها را با او مسخّر ساختیم [که]شامگاهان و بامدادان ، خداوند را نیایش می کردند . و پرندگان را از هر سو [بر او] گِرد [آوردیم] . همگی [به نوای دل نوازش] به سوی او بازگشت کننده [و خدا را ستایشگر] بودند» .

«پس آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش ، عطا کردیم . و کوه ها را با داوود و پرندگان ، به نیایش وا داشتیم، و ما کننده[ی این کار] بودیم» .

«و به راستی ، داوود را از جانب خویش ، مزیّتی عطا کردیم. [و گفتیم:] «ای کوه ها! با او [در تسبیح خدا] هم صدا شوید، و ای پرندگان ! [هماهنگی کنید]» و آهن را برای او نرم گردانیدیم» .

حدیثتفسیر القمّی : «وبه راستی ، داوود را از جانب خویش ، مزیّتی عطا کردیم . [وگفتیم :]«ای کوه ها! با او [در تسبیح خدا]هم صدا شوید»» ، یعنی خدا را تسبیح گویید «و ای پرندگان ! [هماهنگی کنید] » ، فرمود : «داوود ، هر گاه در بیابان ها می رفت و زبور می خواند ، کوه ها و پرندگان و جانوران نیز هم صدا با او تسبیح می گفتند» .

امام صادق علیه السلام در یاد کرد از داوود علیه السلام : خداوند تبارک و تعالی زبور را بر او فرو فرستاد و صنعت آهن را به او آموخت و آن را برایش نرم ساخت و به کوه ها و پرندگان فرمود تا هم نوا با او تسبیح گویند و وی را صدایی بخشید که به زیبایی آن ، شنیده نشده بود .

.

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الإنسانَ إذا كانَ فِى الصَّلاهِ فَإنَّ جَسَدَهُ وثِيابَهُ وكُلَّ شَى ءٍ حَولَهُ يُسَبِّحُ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ كُلَّ شَى ءٍ عَلَيكَ تُصَلِّى فيهِ يُسَبِّحُ مَعَكَ ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا اُقيمَتِ الصَّلاهُ لَبِسَ نَعلَيهِ وصَلّى فيهِما . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن مَشى إلَى المَسجِدِ ، لَم يَضَع رِجلاً عَلى رَطبٍ ولا يابِسٍ إلّا سَبَّحَت لَهُ الأَرضُ إلَى الأَرضِ السّابِعَهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِبِلالٍ : يا بِلالُ ! إنَّ الصّائِمَ تُسَبِّحُ عِظامُهُ وتَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَهُ ما اُكِلَ عِندَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن شَرِبَ شَربَهً مِن ماءٍ فَتَجَرَّعَهُ فى ثَلاثِ جُرَعٍ ؛ يُسَمِّى اللّهَ تَعالى فى أوَّلِهِ ويَحمَدُهُ فى آخِرِهِ ، لَم يَزَلِ الماءُ يُسَبِّحُ فى بَطنِهِ حَتّى يَخرُجَ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ طالِبَ العِلمِ إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ ، لَم يَضَع رِجلَهُ عَلى رَطبٍ ولا يابِسٍ مِنَ الأَرضِ ، إلّا سَبَّحَت لَهُ إلَى الأَرَضينَ السّابِعَهِ . (6)

راجع : ج 1 ص 398 (تسبيح الجبال مع من يقرؤها) .

.

1- .علل الشرايع : ص 336 ح 2 عن طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 377 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 213 ح 25 .
2- .علل الشرايع : ص 336 ح 1 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 83 ص 274 ح 2 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 255 ح 706 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 233 ح 701 ، ثواب الأعمال : ص 46 ح 1 عن محمّد بن مروان ، بحار الأنوار : ج 84 ص 13 ح 91 .

4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 556 ح 1749 عن بريده ، كنزالعمّال : ج 9 ص 248 ح 25870 .
5- .كنزالعمّال : ج 15 ص 291 ح 41052 نقلاً عن الرافعى فى تاريخه ويحيى بن منده فى الطبقات عن الحسن .
6- .الخصال : ص 518 ح 4 عن حمران بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 168 ح 16 وج 46 ص 62 ح 19 .

امام علی علیه السلام :انسان ، هر گاه به نماز بِایستد ، بدن او و جامه هایش و هر آنچه پیرامون او هستند ، تسبیح می گویند .

امام باقر علیه السلام :هر چیزی که بر تن توست و در آن ، نماز می خوانی ، هم صدا با تو تسبیح می گوید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه نماز برپا می شد ، نعلین (1) خود را می پوشید و با آنها نماز می خوانْد .

امام صادق علیه السلام :هر کس به سوی مسجد برود ، بر هیچ تَر و خشکی پای ننهد ، مگر آن که زمین تا زمین هفتم ، برایش تسبیح می گویند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بلال : ای بلال ! شخص روزه دار ، زمانی که در حضور او غذایی خورده می شود ، استخوان هایش تسبیح می گویند و فرشتگان ، برایش آمرزش می طلبند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آبی بنوشد و آن را با سه جرعه بیاشامد و در آغازش نام خدا را ببَرَد و در پایانش خدا را ستایش کند ، آن آب در شکم او ، تا زمانی که خارج شود ، تسبیح می گوید .

امام زین العابدین علیه السلام :جوینده دانش ، هر گاه از خانه اش خارج شود ، پایش را بر هیچ تَر و خشکی در روی زمین نمی گذارد ، مگر این که آن زمین تا زمین هفتم ، برایش تسبیح گویند .

ر . ک : ج 1 ص 399 (تسبیحگویی کوه ها همراه کسی که «بسم اللّه » گوید) .

.

1- .نعلین ، به پا پوش های مخصوص می گفتند که همانند جوراب بود .

9 / 9أوقاتُ تَسبيحِ الأَشياءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ قَبلَ الظُّهرِ بَعدَ الزَّوالِ تُحسَبُ بِمِثلِهِنَّ فى صَلاهِ السَّحَرِ ، ولَيسَ مِن شَىءٍ إلّا ويُسَبِّحُ اللّهَ تِلكَ السّاعَهَ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام :جاءَ نَفَرٌ مِنَ اليَهودِ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَسَأَلَهُ أعلَمُهُم عَن مَسائِلَ ، فَكانَ مِمّا سَأَلَهُ أنّهُ قالَ : أخبِرنى عَنِ اللّهِ عز و جل لِأىِّ شَىءٍ فَرَضَ اللّهُ عز و جل هذِهِ الخَمسَ الصَّلواتِ فى خَمسِ مَواقيتَ عَلى اُمَّتِکَ فى ساعاتِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ؟ فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : إنَّ الشَّمسَ عِندَ الزَّوالِ لَها حَلَقَهٌ تَدخُلُ فيها ، فَإذا دَخَلَت فيها زالَتِ الشَّمسُ ، فَيُسَبِّحُ کُلُّ شَىءٍ دونَ العَرشِ بِحَمدِ رَبّى جَلَّ جَلالُهُ ، وهِىَ السَّاعَهُ الَّتى يُصَلّى عَلَىَّ فيها رَبّى جَلَّ جَلالُهُ ، فَفَرَضَ اللّهُ عَلَىَّ وعَلى اُمَّتى فيهَا الصَّلاهَ . . . . (2)

حليه الأولياء عن عمرو بن عبسه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما تَستَقِلُّ (3) الشَّمسُ فَيَبقى شَىءٌ مِن خَلقِ اللّهِ إلّا سَبَّحَ اللّهَ بِحَمدِهِ ، إلّا ما كانَ مِنَ الشَّيطانِ وأغبِياءِ بَنى آدَمَ . قالَ : فَسَأَلتُهُ عَن أغبِياءِ بَنى آدَمَ . قالَ : الكُفّارُ شِرارُ الخَلقِ ، أو شِرارُ خَلقِ اللّهِ . (4)

9 / 10مَعنى تَسبيحِ الأَشياءِتفسير العيّاشى عن زراره :سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» فَقالَ : إنّا نَرى (5) أنَّ تَنَقُّصَ الحيطانِ تَسبيحُها . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 299 ح 3128 عن عمر ، كنزالعمّال : ج 7 ص 375 ح 19358 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه :ج 1 ص 211 ح 643 ، علل الشرايع : ص 337 ح 1 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه ، الأمالى للصدوق : ص 256 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 127 ح 7 .
3- .استَقَلَّت الشمس : ارتفعت وتَعالَت (النهايه : ج 4 ص 104 «قلل») .
4- .حليه الأولياء : ج 6 ص 111 .
5- .فى المصدر : «ماترى أنّ تنقّض...» ، والتصويب من بحار الأنوار .

6- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 294 ح 81 ، بحار الأنوار : ج 60 ص 177 ح 5 .

9 / 9 اوقات تسبیحگویی موجودات

9 / 10 معنای تسبیحگویی موجودات

9 / 9اوقات تسبیحگویی موجوداتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار [رکعت نافله] پیش از نماز ظهر که پس از زوال [خورشید] خوانده شود ، با همین تعداد رکعت در نمازِ سحر ، برابری می کند . هیچ موجودی نیست ، مگر آن که در این ساعت ، خداوند را تسبیح می گوید .

امام حسن علیه السلام :جمعی از یهود ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و عالم ترینِ آنها ، پرسش هایی از پیامبرِ صلی الله علیه و آله پرسید . از جمله پرسشِ هایی که کرد ، این بود که گفت : مرا خبر ده که به چه دلیل ، خداوند عز و جل این نمازهای پنجگانه را در پنج وقت از اوقات شبانه روز ، بر امّتت واجب ساخت؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خورشید ، در هنگام زوالش ، حلقه ای (1) دارد که به آن در می آید ، و چون به آن در آمد ، خورشید ، زوال می یابد ، و همه موجودات زیر عرش پروردگارم عز و جل را تسبیح و ستایش می گویند . این لحظه (زوال) ، ساعتی است که پروردگارم عز و جل در آن ساعت ، بر من درود می فرستد . از این رو ، در این ساعت ، نماز را بر من و امّتم واجب ساخت ... .

حلیه الأولیاء به نقل از عمروِ بن عَبَسه : از پیامبر خدا فرمود : «چون خورشید بالا آید (/ به اوج و قلّه خود برسد) ، هیچ چیزی از مخلوقات خدا نباشد ، مگر آن که خدای را تسبیح و ستایش گوید ، بجز موجودات شیطانی و آدمیانِ کودن . از ایشان ، در باره آدمیانِ کودن پرسیدم . فرمود : «کافران ، که بدترینِ خلق (یا : بدترینْ خلق) خدایند .

9 / 10معنای تسبیحگویی موجوداتتفسیر العیّاشی به نقل از زُراره : از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «و هیچ چیز نیست ، مگر آن که خدا را تسبیح و ستایش می گوید» . فرمود : «ما فرو ریختن دیوارها را تسبیحگویی آنها می دانیم» .

.

1- .احتمالاً مراد ، دایره نصف النهار است . م .

الكافى عن داوود الرقّى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلْتُهُ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» قالَ : تَنَقُّضُ الجُدُرِ تَسبيحُها . (1)

الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام :أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيهِ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ : فِداکَ أبى واُمّى ، إنّى أَجِدُ اللّهَ يَقولُ فِى كِتابِهِ : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» ! فَقالَ لَهُ : هُوَ كَما قالَ (2) ، فَقالَ لَهُ : أتُسَبِّحُ الشَّجَرَهُ اليابِسَهُ؟ فَقالَ : نَعَم ، أما سَمِعَت خَشَبَ البَيتِ كَيفَ يُنقِضُ (3) ؟ وذلِکَ تَسبيحُهُ ، فَسُبحانَ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ . (4)

تفسير القمّى :وقَولُهُ : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» ؛ فَحَرَكَهُ كُلِّ شَىءٍ تَسبيحُ اللّهِ عز و جل . (5)

بحار الأنوار عن محمّد بن علىّ بن إبراهيم فى كتاب العلل :بُكاءُ السَّماءِ احمِرارُها مِن غَيرِ غَيمٍ ، وبُكاءُ الأَرضِ زَلازِلُها ، وتَسبيحُ الشَّجَرِ حَرَكَتُها مِن غَيرِ ريحٍ ، وتَسبيحُ البِحارِ زِيادَتُها ونُقصانُها ، وتَسبيحُ الشَّجَرِ نُمُوُّهُ ونُشوؤُهُ . وقالَ أيضا : ظِلُّهُ يُسَبِّحُ اللّهَ . (6)

.

1- .الكافى : ج 6 ص 531 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 462 ح 2598 عن أبى بصير ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 293 ح 79 عن أبى الصباح وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 60 ص 177 ح 2 .
2- .فى المصدر : «كمال» بدل «كما قال» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .النَّقيض : الصَّوت. ونقيضُ السقف : تحريک خَشبهِ (النهايه : ج 5 ص 107 «نقض») .
4- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 294 ح 84 عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج 60 ص 177 ح 6 .
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 20 ، بحار الأنوار : ج 60 ص 179 ح 10 .
6- .بحار الأنوار : ج 60 ص 178 ح 7 .

الکافی به نقل از داوود رَقّی : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جلپرسیدم : «هیچ چیز نیست ، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید ؛ امّا شما تسبیح آنها را نمی فهمید» . فرمود : «فرو ریختن دیوارها ، تسبیحگویی آنهاست» .

امام صادق در باره پدرش علیه السلام : مردی خدمت ایشان رسید و گفت : پدر و مادرم به فدایت ! خداوند ، در کتابش می فرماید : «هیچ چیز نیست ، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید ؛ امّا شما تسبیح آنها را نمی فهمید» . امام علیه السلام به او فرمود : «همین طور است که فرموده است» . مرد گفت : آیا درخت خشکیده هم تسبیح می گوید؟ فرمود : «آری . نمی شنوی که چوب های خانه چگونه صدا می دهد؟ همین ، تسبیح اوست . پس پاکا خدا در همه حال !» .

تفسیر القمّی : «و هیچ چیز نیست ، مگر آن که او را تسبیح و ستایش می گوید» . جنبیدن هر چیزی ، تسبیحگویی خداوند عز و جل است .

بحار الأنوار به نقل از محمّد بن علی بن ابراهیم در کتاب العلل : گریه کردن آسمان ، عبارت است از شرح شدن آن بدون آن که امری در آن باشد ، و گریه کردن زمین ، عبارت از لرزیدن آن است . تسبیحگویی درخت ، عبارت است از جنبیدن آن ، بدون آن که بادی بوزد . تسبیحگویی دریاها ، عبارت است از افزایش و کاهش (/ جزر و مدّ) آنها . و تسبیحگویی درخت ، عبارت است از نشو و نمای آن» . و نیز فرمود : «سایه آن [درخت] هم خدا را تسبیح می گوید» .

.

پژوهشی در باره تسبیح عمومی آفریده ها

دسته اوّل : آیات و احادیثی که بر تسبیح فرشتگان دلالت دارند
دسته دوم : احادیثی که بر تسبیح موجودات زنده دلالت دارند

پژوهشی در باره تسبیح عمومی آفریده هاتسبیح آفریده های جهان ، به تکرار، مورد تأکید قرآن و احادیث اسلامی است . بر پایه آنچه در فصل نهم گذشت ، آیات و احادیثی را که در این زمینه وارد شده اند ، می توان به پنج دسته تقسیم کرد :

دسته اوّل : آیات و احادیثی که بر تسبیح فرشتگان دلالت دارندگفتنی است که در قرآن ، تنها توضیحی که در باره تسبیح فرشتگان آمده ، این است که آنها دائما مشغول تسبیح خداوند و هیچ گاه دچار سُستی و خستگی نمی شوند ؛ امّا در احادیث، توضیحات بیشتری به چشم می خورد ، مانند این که برخی از آنها با همه لغات مختلف ، تسبیح خدا می گویند و یا این که شماری از آنها با صداهای گوناگون و زبان های مختلف خدا را تسبیح می کنند . همچنین به اسمایی که فرشتگان به وسیله آنها خدا را تسبیح می کنند ، اشاره شده و نیز اذکار خاصّ برخی از فرشتگان ، مشخّص گردیده است . (1)

دسته دوم : احادیثی که بر تسبیح موجودات زنده دلالت دارنداحادیثی که در این زمینه وارد شده اند ، دلالت دارند که انواع حیوانات و همه

.

1- .ر . ک : ص 105 115 .

جنبندگان و انواع درختان ، تسبیحی دارند که با ترک و تضییع آن ، در ادامه دادن به حیات خود ، با مشکل مواجه می شوند ، تا جایی که هر صیدی که در دام صیّاد گرفتار می شود و هر درختی که قطع می گردد ، تسبیح خود را تضییع کرده است . همچنین حیات انواع بهایم و همه جنبندگان زمین ، در گرو تسبیح آنهاست و هنگامی که تسبیح آنها پایان یابد ، خداوند آنها را قبض روح می کند و ملک الموت در قبض روح آنها نقشی ندارد . البتّه این ، بدان معنا نیست که اراده انسان در پایان دادنِ حیات موجودات زنده بی تأثیر است ؛ بلکه در صورت صحّت این احادیث ، ظاهرا مقصود ، آن است که تداوم و یا تضییع تسبیح ، یکی از عوامل مؤثّر در سرنوشت آنهاست .

دسته سوم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که همه آفریده ها ، اعم از موجودات زنده و جمادات ، تسبیحگوی خداوند روشن ترین آیه ای که با صراحت دلالت دارد که همه آفریده ها اعم از موجودات زنده و جمادات ، تسبیحگوی خدایند ، این آیه شریف است : « تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَ ثُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا . (1) آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست ، او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست ، مگر این که در حال ستایش ، تسبیح او می گوید ؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید . به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است » . احادیث اهل بیت علیهم السلام ، ضمن تبیین و تأکید بر آنچه در این آیه آمده ،

.

1- .اسراء : آیه 44 .

دسته چهارم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که جمادات و برخی . . .
دسته پنجم : احادیثی که در آنها تسبیحِ شماری از موجودات ، تفسیر شده است

توضیحاتی در باره تسبیح شماری از جمادات و نیز اسمایی که به وسیله آنها تسبیح می گویند ، ارائه کرده اند . همچنین در شماری از احادیث ، برای تسبیح عمومی موجودات ، اوقات خاصّی ذکر شده است .

دسته چهارم : آیات و احادیثی که دلالت دارند که جمادات و برخی حیوانات ، همراه شماری از انسان ها ، خدا را تسبیح می کنند.از نمونه های این دسته می توان به تسبیح کوه ها و پرندگان با داوود علیه السلام ، و تسبیح بدن و لباس نمازگزار با وی اشاره کرد .

دسته پنجم : احادیثی که در آنها تسبیحِ شماری از موجودات ، تفسیر شده استاحادیثی که تسبیح شماری از حیوانَات را تفسیر کرده اند ، (1) احادیثی که از ذکرگویی سنگ ریزه ها در دست پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده اند (2) و یا احادیثی که در باره تسبیح دیوار و چوب و تسبیح درخت وارد شده اند ، (3) از این دسته اند . بر پایه این آیات و احادیث ، سراسر جهان آفرینش را شور و شعور ذکر الهی فرا گرفته است و همه آفریده ها اعم از فرشتگان ، آسمان ها ، کهکشان ها ، ستارگان ، زمین و آنچه در زمین و آسمان هاست ، هر یک به گونه ای مشغول حمد و تسبیح آفریدگار خود هستند .

.

1- .ر . ک : ص 123 (ذکر تسبیح برخی جانوران) .
2- .ر . ک : ص 135 ح 990 993 .
3- .ر . ک : ص 145 ح 1009 1013 .

1 . زبان حال بودنِ آیات و احادیث تسبیح

دیدگاه ها در باره تسبیح و تحمید عمومی موجوداتمسئله اصلی ، این است که مقصود از تسبیح و تحمید همه موجودات ، چیست . آیا حیوانات ، گیاهان و جمادات ، شعور دارند و آفریدگار خود را می شناسند که او را تسبیح بگویند ؟ آیا مقصود از تسبیح عمومی موجودات ، چیزی غیر از مفهوم ظاهری آن است ؟ و به تعبیر دیگر ، آیا نسبت دادنِ تسبیح و تحمید به همه موجودات ، حقیقت است یا مجاز ؟ در پاسخ این سؤال ، دو نظر وجود دارد :

1 . زبان حال بودنِ آیات و احادیث تسبیحجمعی با بعید شمردنِ وجودِ شعور و معرفت در همه موجودات ، ظواهر آیات و احادیثی را که بر تسبیح و تحمید همه موجودات دلالت دارند ، تأویل کرده اند و گفته اند که مقصود ، زبان «حال» آنهاست ، نه زبان «قال» آنها . امین الدین طَبْرِسی در تفسیر آیه 44 از سوره اِسراء می گوید : معنای تسبیح در این جا ، دلالت کردن بر یکتایی و دادگری خداست و این که او در الوهیت و خدایی ، شریک ندارد ، و این به منزله تسبیح لفظی است ، و چه بسا که تسبیح از طریق دلالت ، قوّت بیشتری داشته باشد ؛ چون منجر به علم می شود «و هیچ چیزی نیست ، مگر آن که او را با ستایش ، تسبیح می گوید» ، یعنی هیچ موجودی از موجودات نیست ، مگر این که با آفرینش خود ، خداوند متعال را تسبیح و ستایش می گوید ؛ چرا که هر موجودی ، جز خدای قدیم ، حادث است و به بزرگداشت خدا فرا می خواند ؛ زیرا نیازمند به سازنده ای دارد که خود ، مصنوع صنع خویش نباشد . بنا بر این، موجود حادث ، دلیل بر موجودی قدیم است که از ماسوای خویش بی نیاز است و آنچه بر موجودات حادث می گذرد ، بر او نمی گذرد . (1)

.

1- .مجمع البیان : ج 6 ص 645 .

2 . حقیقی بودن آیات و احادیث تسبیح

2 . حقیقی بودن آیات و احادیث تسبیح جمعی از محقّقان ، ضمن ردّ استبعاد اهل تأویل ، ظاهر مفاد آیات و احادیث مورد بحث را پذیرفته اند (1) و معتقدند که همه موجودات ، دارای مرتبه ای از شعور و معرفت اند و همه آنها حقیقتا آفریدگار خود را تسبیح و تحمید می گویند . علّامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد اشاره می گوید : تسبیح به معنای تنزیه با گفتار کلامی است و حقیقت کلام هم عبارت است از کشف ما فی الضمیر با نوعی اشاره و دلالت به آن . منتها انسان چون نتوانست تمام آنچه را که می خواهد و در ضمیر خویش دارد ، از طریق تکوین بیان کند ، لاجرم به استفاده از الفاظ یعنی اصواتی که برای دلالت بر معانی وضع شده اند، پناه برد و با آنها ما فی الضمیر خود را بیان کرد و بدین ترتیب ، این شیوه برای تفهیم و تفهّم ، مرسوم شد . البتّه گاه برای بیان برخی مقاصد خود ، از اشاره دست و سر و غیره و همچنین نوشتن یا نصب علامت کمک گرفت. به طور کلّی ، هر چیزی که معنای مورد نظری را بیان کند ، گفتار و کلام است ، و اگر موجودی با وجود خویش این معنا را برساند ، این خود ، گفتار و سخن گفتنی از جانب اوست ، هر چند با صوت شنیدنی و لفظ وضع شدنی نباشد . دلیل بر این سخن ، آن است که قرآن کریم ، کلام و گفتار و امر و نهی و امثال اینها را که معنای کشف [و بیان] مقاصد دارند ، به خدای متعال نسبت می دهد ، در صورتی که اینها از نوع گفتار و کلامی نیستند که ما انسان ها که با زبان های گوناگون سخن می گوییم ، با آن آشنا هستیم ؛ امّا خداوند سبحان آنها را گفتار و کلام نامیده است.

.

1- .یکی از اصول مسلّم تفسیر قرآن ، این است که نمی توان از ظاهر الفاظ آیات آن عدول کرد ، مگر در صورت وجود حکم قطعی بر خلاف آن معنای ظاهر ، یا وجود دلیل نقلی معتبر بر عدم اراده آن . بنا بر این ، تنها با بعید به نظر رسیدنِ مفاد ظاهری آیات قرآن ، نمی توان آنها را تأویل کرد .

در این موجودات که ما مشاهده می کنیم ، یعنی آسمان و زمین و هر آنچه در آسمان و زمین است ، خصوصیتی وجود دارد که آشکارا از یکتایی خداوندگارشان و وارستگی او از هر عیب و نقصی پرده برمی دارد . بنا بر این ، خداوندِ پاک را تسبیح می گویند . آن خصوصیت ، این است که این موجودات ، فی نفسه ، در ذات و صفات و احوال خود ، نیازمند محض و محتاج صِرف به خداوند متعال هستند و همین نیازمندی ، قوی ترین دلیل بر وجود کسی است که این موجودات به او نیاز دارند و بدون او از خود هیچ ندارند و هرگز از او جدا نمی شوند . پس ، هر یک از این موجودات ، با نیاز وجودی خویش و نقصی که در ذات خود دارد ، از ایجادکننده خود که وجودش کامل و ذاتش کاستی ندارد ، خبر می دهد . همچنین با ارتباطی که با دیگر موجودات دارد و از آنها برای کامل ساختن وجود خویش و رفع نقایص ذاتش کمک می گیرد ، بیان می دارد که او به وجود آورنده ای دارد که خداوندگار اوست و در هر چیزی تصرّف می کند و گرداننده کار ، اوست ... . شاید بگویی : صِرف پرده برداشتن از منزّه بودن ، تسبیح نامیده نمی شود ؛ بلکه زمانی به آن تسبیح می گویند که توأم با قصد باشد و قصد کردن هم از توابع حیات است ، در حالی که اغلب این موجودات ، فاقد حیات اند ، مانند زمین و آسمان و انواع جمادات . پس چاره ای نیست ، جز آنکه تسبیحگویی آنها را حمل بر مجاز کنیم ؛ یعنی تسبیح آنها عبارت است از : دلالت کردن این موجودات بر حسب وجودشان ، بر منزّه بودن پروردگارشان. در پاسخ می گویم : سخن خداوند متعال ، این معنا را می فهماند که علم در همه موجودات ، با جریان خلقت ، جریان دارد . پس هر موجودی به مقدار بهره اش از وجود ، بهره ای از علم دارد . البتّه لازمه این مطلب ، آن نیست که همه موجودات ، از نظر علم ، یکسان باشند یا علم همه آنها از یک جنس و یک نوع باشد یا همه آنچه را که انسان می داند ، هر یک از آنها نیز بداند و یا انسان به علمی

.

که نزد آن موجودات است ، پی ببرد . [در این باره که علم در همه موجودات عالم ، ساری و جاری است] خداوند متعال ، به نقل از اعضای انسان می فرماید : «قَالُواْ أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِی أَنطَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ (1) ؛ گفتند ما را همان خدایی گویا کرد که هر چیزی را گویا کرده است» و می فرماید : «فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا أَوْ کَرْهًا قَالَتَآ أَتَیْنَا طَاءِعِینَ (2) ؛ پس به آسمان ها و زمین فَرمود : دلخواه یا ناخواه بیایید . آن دو گفتند : به دلخواه آمدیم» . آیاتی که این معنا را می رسانند ، بسیارند . و چون چنین است ، هیچ آفریده ای در عالم هستی نیست ، مگر آن که وجود خود را به نوعی ، ادراک می کند و می خواهد با وجود خود ، خویشتنِ نیازمند و ناقص خود را که در بی نیازی و کمال پروردگارش قرار دارد ، اظهار نماید . بنا بر این، او خداوندگار خود را تسبیح می گوید و او را از داشتن شریک و از هر گونه نقص و کاستی که به وی نسبت داده می شود ، منزّه و مبرّا می دارد. بدین سان ، روشن می شود که بر حمل تسبیح [آسمان ها و زمین] در آیه مورد بحث بر دلالت مجازی ، دلیلی وجود ندارد ؛ زیرا مجاز ، در صورتی جایز است که حمل بر حقیقت ، ناممکن باشد. نظیر این سخن ، سخن بعضی دیگر است که گفته اند: تسبیح بعضی از این موجودات ، همچون فرشتگان و انسان های مؤمن ، تسبیح زبانی و حقیقی است و تسبیح بعضی دیگر از آنها تسبیح به زبان حال و مجازی است ، مانند موجودات بی جان که با وجود خود ، بر هستی خداوند ، دلالت دارند . لفظ تسبیح در این آیه بر سبیل عموم مجاز به کار رفته است . ضعیف بودن این سخن ، پیش تر روشن شد . حقیقت ، آن است که تسبیح همه موجودات ، تسبیحی حقیقی و گفتاری

.

1- .فصّلت : آیه 21 .
2- .فصّلت : آیه 11 .

است ، منتها گفتاری بودن آن ، چنان که پیش تر اشاره شد ، مستلزم این نیست که حتماً با الفاظ قراردادی و اصوات شنیدنی باشد . در آخر جلد دوم این کتاب ، سخنی در باره «کلام» گذشت که در این جا سودمند است. پس ، این فرموده خداوند متعال که : «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَ تُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ ؛ آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست ، او را تسبیح می گویند» ، تسبیح حقیقی را برای آنها اثبات می کند ؛ یعنی این که آسمان های هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست ، با وجود خود و با ارتباطشان با دیگر موجودات هستی سخن می گویند و بیان می دارند که پروردگارشان از آنچه مشرکان به او نسبت می دهند ، یعنی داشتن شریک و جهات نقص ، منزّه است. و این سخن او که : «وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلَا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ؛ هیچ چیزی نیست مگر آن که او را با ستایش ، تسبیح می گوید» تسبیحگویی را به هر موجودی تعمیم می دهد . جمله قبلی هم با برشمردن آسمان های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آنهاست ، همین معنا را بیان کرد ؛ امّا در این آیه ستایش خداوند را بر تسبیح اضافه فرمود . پس می فهماند که هر موجودی ، همچنان که خداوند متعال را تسبیح می گوید ، او را ستایش هم می کند و او را بر صفات و افعال زیبایش ثنا می گوید. همان طور که در هر یک از این موجودات ، چیزی از نیاز و نقص وجود دارد که به خود او باز می گردد و چیزی از صنع زیبای خداوند و نعمت او در آنها وجود دارد که منشأ آن ، خداست و از جانب او عطا شده است و همان گونه که ظاهر ساختن این موجودات در عرصه وجود ، خود ، به معنای اظهار نیازمندی و نقص آنها و نیز پرده برداشتن از منزّه بودن پروردگارشان از نیاز و نقص است که این ، همان تسبیح است ، ظاهر ساختن این موجودات نیز اظهار فعل زیبای خداوندگار آنهاست که خود ، حکایت از اوصاف زیبای او دارد و این ، همان حمد موجودات است ؛ زیرا حمد ، چیزی نیست ، جز ستایش برای فعل زیبای اختیاری . بنا بر این، موجودات ، خداوند را هم تسبیح می گویند و هم

.

حمد می کنند . این است معنای این سخن خداوند که : «وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ؛ هیچ چیزی نیست ، مگر آن که او را تسبیح و حمد می گوید» ... . و این خود ، بهترین گواه است بر این که مراد از تسبیح در آیه ، صِرف دلالت کردن موجودات به نفی شریک و جهات نقص از خداوند متعال نیست ؛ زیرا این خطاب که : «وَ لَکِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ ؛ لیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید» ، یا خطاب به مشرکان است و یا به همه مردم ، اعم از مؤمن و مشرک ، در حالی که مشرکان هم ، به هر حال ، دلالت اشیا بر سازنده شان را می فهمند ، در صورتی که این آیه می گوید نمی فهمند و فهمیدن را از آنها نفی می کند. نباید به این سخن بعضی ها گوش داد که می گویند : خطاب به مشرکان است ؛ چون به خاطر تدبّر نکردن آنها در آیات و کمتر بهره مند شدنشان از آنها فهمشان به منزله عدم فرض شده است . همچنین نباید به این ادّعا اعتنا کرد که می گوید : چون مشرکان برخی از مقصودهای تسبیح را نمی فهمیدند ، از باب غلبه ، به منزله کسانی تلقّی شده اند که تمام آن را نمی فهمند. به این ادّعا نباید توجّه کرد ؛ زیرا وجود فهم را عدمْ فرض کردن یا بعض را همه قرار دادن ، با مقام احتجاج سازگار نیست ، در حالی که خداوند سبحان در آیه قبلی ، مشرکان را مخاطب قرار داده که به حجّتش در باره تنزیه توجّه کنند و انگهی ، کلام خداوند متعال ، این نوع مسامحه از باب تغلیب و مانند آن را بر نمی تابد ... . پس ، حقیقت آن است که تسبیحی که آیه شریف ، آن را برای هر موجودی ثابت می داند ، تسبیح به معنای حقیقی آن است . در کلام خداوند متعال به تکرار ، این معنا برای آسمان ها و زمین و هر موجودی که در آسمان ها و زمین است ، اثبات شده است و در این میان ، مواردی وجود دارد که جز تسبیح حقیقی را بر

.

نمی تابد ، مانند این آیه شریف : «وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ یُسَبِّحْنَ وَ الطَّیْرَ (1) ؛ و کوه ها و پرندگان را همراه با داوود به نیایش وا داشتیم» و این سخن او که : «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یُسَبِّحْنَ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِشْرَاقِ (2) ؛ ما کوه ها را با او مسخّر ساختیم که شامگاهان و بامدادان ، خدا را نیایش می کردند» و نزدیک به این آیه است این سخن خداوند که : «یَجِبَالُ أَوِّبِی مَعَهُ وَ الطَّیْرَ (3) ؛ ای کوه ها! با او [در تسبیح خدا]هممصدا شوید و ای پرندگان! [شما نیز همنوا شوید]» . معنا ندارد که اینها را حمل بر تسبیح آنها به زبان حال کرد. و سخن خدا که : «إِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا ؛ همانا او بردبار و آمرزگار است» ، یعنی : خداوند ، مهلت می دهد و در کیفر دادن ، شتاب نمی ورزد و کسی را که به درگاه او توبه کند و باز گردد ، می آمرزد . این دو صفت بر منزّه بودن خداوند متعال از هر گونه نقصی دلالت دارند ؛ زیرا لازمه بردباری ، این است که بیم از دست دادن چیزی را نداشته باشد و لازمه آمرزش ، این است که از آمرزیدن و افاضه رحمت ، متضرّر نشود . پس ، پادشاهی و خداوندگاری او ، هیچ نقص و زوالی نمی پذیرد . بعضی در توجیه این که آیه شریف به این دو صفت ختم شده است ، گفته اند که : اشاره است به این که انسان در ناتوانی اش از فهم این تسبیحی که همه موجودات و حتّی خودش (با تمام ارکان وجودش) با رساترین بیان ، دائماً به آن مشغول اند ، خطاکار است و سزاوار است که به سبب این خطاکاری ، مؤاخذه شود ؛ لیکن خداوند سبحان به واسطه بردباری و آمرزگار بودنش ، در مجازات کردن او شتاب نمی کند و اگر بخواهد ، عفو می کند. این توجیه ، البتّه توجیه خوبی است و لازمه اش این است که انسان ، توانایی آن

.

1- .انبیاء : آیه 79 .
2- .ص : آیه 18 .
3- .سبأ : آیه 10 .

را داشته باشد که این تسبیح را از خودش و از دیگر موجودات بفهمد ... . (1) همچنین ایشان در تبیین احادیثی که در باره متن تسبیح اشیا آمده ، می گوید : روایات در باره تسبیحگویی موجودات ، متنوّع و فراوان است . و شاید فهم این روایات برای بعضی مشتبه شده باشد و پنداشته باشند که این تسبیح عمومی ، از قبیل لفظ و صوت است و همه اشیا برای خود زبان یا زبان هایی دارند که همانند زبان ما آدمیان ، دارای کلماتی وضع شده برای معانی ای هستند و برای نشان دادن و بیان ما فِی الضمیر به کار می روند ، منتها حواسّ ما این زبان یا زبان ها را درک نمی کنند . این پندار ، نادرست است . (2) چکیده مطالبی که در تبیین تسبیح حقیقی اشیا گذشت ، به صورت زیبایی در این اشعار به زبان فارسی آمده است : گر تو را از غیب ، چشمی باز شدبا تو ذرّات جهان ، همراز شد نطق آب و نطق خاک و نطق گِلهست محسوسِ حواس اهل دل جمله ذرّات ، در عالم ، نهانبا تو می گویند روزان و شبان ما سمیعیم و بصیر و باهُشیمبا شما نامحرمان ، ما خامُشیم از جَمادی ، سوی جانِ جان شویدغُلغُل اجزای عالم بشنوید فاش ، تسبیح جمادات آیدتوسوسه تأویل ها بزدایدت . (3)

دوام یا انقطاع تسبیح موجوداتو آخرین نکته ، این که مقتضای برخی از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام ، این

.

1- .المیزان فی تفسیر القرآن : ج 13 ص 108 112 .
2- .المیزان فی تفسیر القرآن : ج 13 ص 123 .
3- .مثنوی معنوی مولوی ، دفتر سوم .

است که تسبیح برخی از اشیا وقت خاصّی دارد ، چنان که کوه ها همراه با داوود علیه السلام شبانگاه و هنگام طلوع آفتاب ، خداوند متعال را تسبیح می کردند : «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یُسَبِّحْنَ بِالْعَشِیِّ وَ الْاِءِشْرَاقِ . (1) ما کوه ها را با او مسخّر ساختیم که شامگاهان و بامدادان ، خداوند را تسبیح گویند» . همچنین احادیثی دلالت دارند که هنگام ظهر ، لحظه ای است که همه اشیا ، خداوند متعال را تسبیح می کنند . (2) نیز در حدیثی آمده است : هنگامی که لباسْ چرک می شود ، تسبیحش قطع می گردد . این احادیث و احادیث مشابه آنها ، ممکن است اشاره به این باشد که تسبیح اشیا ، دائمی نیست . البتّه این احتمال هم وجود دارد که موجودات ، چند نوع تسبیح داشته باشند که برخی از آنها دائم و برخی غیر دائم باشد .

.

1- .ص : آیه 18 . ر. ک : ص 141 (تسبیحگویی موجودات هم نوا با انسان) .

2- .ر . ک : ص 145 (اوقات تسبیحگویی موجودات) .

الفَصلُ العاشِرُ : السّبحه10 / 1اِستِعمالُ السُّبحَهِ فِی التَّسبیحِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :نِعمَ المُذَكِّرُ السُّبحَهُ ، وإنَّ أفضَلَ ما يُسجَدُ عَلَيهِ الأَرضُ وما أنبَتَتهُ الأَرضُ . (1)

الأمالی للطوسی عن أنس :رَكِبَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ذاتَ يَومٍ بَغلَتَهُ ، فَانطَلَقَ إلی جَبَلِ آلِ فُلانٍ ، وقالَ : يا أنَسُ خُذِ البَغلَهَ وَانطَلِق إلی مَوضِعِ كَذا وكَذا ، تَجِدْ عَلِيّاً جالِسا يُسَبِّحُ بِالحَصی ، فَأقرِئهُ مِنّی السَّلامَ ، وَاحمِلهُ عَلَی البَغلَهِ وأتِ بِهِ إلَیَّ . فَذَهَبتُ فَوَجَدتُ عَلِيّا عليه السلام كَما قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، فَحَمَلتُهُ عَلَی البَغلَهِ فَأتَيتُ بِهِ إلَيهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ فاطِمَهَ بِنتَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله كانَت سُبحَتُها مِن خَيطِ صُوفٍ مُفَتَّلٍ مَعقودٍ ، عَلَيهِ عَدَدُ التَّكبيراتِ ، وكانَت عليهاالسلام تُديرُها بِيَدِها تُكَبِّرُ وتُسَبِّحُ ، حَتّی قُتِلَ حَمزَهُ بنُ عَبدِالمُطَّلِبِ رضی الله عنه ، فَاستَعمَلَت تُربَتَهُ ، وعَمِلَتِ التَّسابيحَ فَاستَعمَلَهَا النّاسُ . فَلَمّا قُتِلَ الحُسَينُ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ ، وجَدَّدَ عَلی قاتِلِهِ العَذابَ عُدِلَ بِالأَمرِ إلَيهِ فَاستَعمَلوا تُربَتَهُ ؛ لِما فيها مِنَ الفَضلِ وَالمَزِيَّهِ . (3)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 259 ح 6765 عن الإمام علیّ عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 7 ص 531 ح 20109 .
2- .الأمالی للطوسی : ص 313 ح 637 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 378 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 35 ص 32 ح 29 .
3- .المزار الكبير : ص 366 ح 11 عن محمّد الثقفی ، المزار للمفيد : ص 150 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 30 ح 2065 كلاهما عن إبراهيم بن محمّد الثقفی ومن دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 333 ح 16 .

فصل دهم: تسبیح

10 / 1 استفاده از تسبیح در گفتن تسبیحات

فصل دهم: تسبیح10 / 1استفاده از تسبیح در گفتن تسبیحاتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح ، نیکو یادآورنده ای است ! زمین و آنچه از زمین می روید ، بهترین چیزهایی هستند که بر آنها سجده می شود .

الأمالی ، طوسی به نقل از اَ نَس : روزی پیامبر خدا ، بر شتر خود نشست و به سوی خاندان فلان ، ره سپار شد و [به من] فرمود : «ای اَ نَس ! شتر را بردار و به فلان و بهمان جا برو . علی را می بینی که نشسته است و با دانه های ریگ ، تسبیح می گوید . سلام مرا به او برسان و سوار بر شترش کن و به نزد من بیاور» . من ، رفتم و علی را همان گونه که پیامبر خدا فرموده بود ، یافتم . پس او را بر شتر سوار کردم و نزد ایشان بردم .

امام صادق علیه السلام :تسبیح فاطمه ، دختر پیامبر خدا ، عبارت بود از یک نخ پشمی تاخته شده که به تعداد تکبیرات ، در آن ، گِره خورده بود و با دست خود ، آن را می چرخانْد و تکبیر و تسبیح می گفت ، تا آن که حمزه بن عبد المطلّب ، کشته شد و فاطمه علیهاالسلام از خاک [مزار] او برداشت و تسبیح هایی ساخت و مردم ، آنها را مورد استفاده قرار دادند ؛ امّا پس از کشته شدن حسین که درودهای خدا بر او باد و دمادم بر قاتلانش عذاب باد ، تربت او جایگزین شد و مردم از خاک [مزار]او تسبیح ساختند ؛ زیرا تربت حسین علیه السلام را فضیلت و امتیاز است .

.

الإمام الكاظم عليه السلام :لا تَستَغنى شيعَتُنا عَن أربَعٍ : خُمرَةٍ (1) يُصَلّى عَلَيها ، وخاتَمٍ يَتَختَّمُ بِهِ ، وسِواكٍ يَستاكُ بِهِ ، وسُبحَةٍ مِن طينِ قَبرِ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فيها ثَلاثٌ وثَلاثونَ حَبَّةً ؛ مَتى قَلَّبَها ذاكِرا للّهِ ، كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أربَعونَ حَسَنَةً ، وإذا قَلَّبَها ساهِيا يَعبَثُ بِها ، كُتِبَ لَهُ عِشرونَ حَسَنَةً . (2)

عنه عليه السلام :لا يَخلُو المُؤمِنُ مِن خَمسَةٍ : سِواكٍ ، ومِشطٍ ، وسَجّادَةٍ (3) ، وسُبحَةٍ فيها أربَعٌ وثَلاثُونَ حَبَّةً ، وخاتَمِ عَقيقٍ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :تَكونُ السُّبحَةُ بِخُيوطٍ زُرقٍ ، أربَعا وثَلاثينَ خَرَزَةً (5) ، وهِيَ سُبحَةُ ! مَولاتِنا فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليهاالسلام ، لَمّا قُتِلَ حَمزَةُ عليه السلام عَمِلَت مِن طينِ قَبرِهِ سُبحَةً تُسَبِّحُ بِها بَعدَ كُلِّ صَلاةٍ . (6)

.

1- .الخُمرَه : حَصيرٌ صغيرهٌ قَدْر ما يُسجَد عليه (المصباح المنير : ص 182 «خمر») .
2- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 75 ح 147 ، روضه الواعظين : ص 451 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 132 ح 61 .
3- .السَّجّاده : الخُمره التى يُسجَد عليها (مجمع البحرين : ج 2 ص 818 «سجد») .
4- .مصباح المتهجّد : ص 735 ، المزار للمفيد : ص 152 ح 7 كلاهما عن عبيداللّه بن علىّ الحلبى ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 29 ح 2064 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 334 ح 17 .
5- .الخَرَز : فصوص من حجاره واحدتها خَرَزه ، والخَرَز بالتحريک : الذى ينظم (لسان العرب : ج 5 ص 344 «خرز») .
6- .بحار الأنوار : ج 85 ص 341 ح 32 نقلاً عن المزار بخطّ محمّد بن محمّد بن الحسين بن معيّه .

امام کاظم علیه السلام :شیعه ما ، از چهار چیز ، بی نیاز نیست : بورياچه ای که بر آن ، نماز می گزارد ، انگشتری که در انگشت می کند ، مسواکی که با آن مسواک می زند ، و تسبیحی از گِل قبر ابا عبد اللّه علیه السلام که سی و سه دانه داشته باشد و هر گاه آن را بچرخاند و ذکر خدا بگوید ، به تعداد هر دانه آن ، چهل ثواب برایش نوشته می شود ، و هر گاه بی هدف و بدون گفتن ذکری آن را بچرخانَد ، بیست ثواب برایش نوشته می شود .

امام کاظم علیه السلام :مؤمن ، همیشه پنج چیز با خود دارد : مسواک ، شانه ، سجّاده ، تسبیحی با سی و چهار دانه ، و انگشتری عقیق .

امام صادق علیه السلام :تسبیح باید دارای رشته کبود و سی و چهار مُهره باشد . این ، همان تسبیح بی بی مان فاطمه زهرا علیهاالسلام است که چون حمزه علیه السلام کشته شد ، از گِل قبر او تسبیحی ساخت و بعد از هر نماز ، با آنْ تسبیح می گفت .

.

عنه عليه السلام :السُّبَحُ الزُّرقُ (1) فى أيدى شيعَتِنا مِثلُ الخُيوطِ الزُّرقِ فى أكسِيَهِ بَنى إسرائيلَ ، إنَّ اللّهَ عز و جل أوحى إلى موسى عليه السلام أن مُر بَنى إسرائيلَ أن يَجعَلوا فى أربَعَهِ جَوانِبِ أكسِيَتِهِمُ الخُيوطَ الزُّرقَ ، ويَذكُرونَ بِها إلهَ السَّماءِ . (2)

الحاوى :عَن جابِرٍ ، عَنِ امرَأَهٍ حَدَّثَتهُ عَن فاطِمَهَ بِنتِ الحُسَينِ عليه السلام أنَّها كانَت تُسَبِّحُ بِخَيطٍ مَعقودٍ فيها . (3)

البدايه والنهايه :عَن أبى صَفِيَّهَ مَولَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله أنَّهُ كانَ يوضَعُ لَهُ نَطعٌ (4) ويُجاءُ بِزَبيلٍ فيهِ حَصىً فَيُسَبِّحُ بِهِ إلى نِصفِ النَّهارِ ثُمَّ يُرفَعُ ، فَإِذا صَلَّى الاُولى سَبَّحَ حَتَّى يُمسِىَ . (5)

الزهد لابن حنبل عن القاسم بن عبد الرحمن :كانَ لِأَبِى الدَّرداءِ نَوىً مِن نَوَى العَجوَهِ (6) . . . فى كيسٍ ، وكانَ إذا صَلَّى الغَداهَ أقعى عَلى فِراشِهِ ، فَأَخَذَ الكِيسَ فَأخرَجَهُنَّ واحِدَهً واحِدَهً يُسَبِّحُ بِهِنَّ ، فَإِذا نَفِدنَ أعادَهُنَّ واحِدَهً واحِدَهً كُلَّ ذلِكَ يُسَبِّحُ بِهِنَّ . (7)

الدعوات :رُوِىَ أنَّهُ لَمّا حُمِلَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إلى يَزيدَ عَلَيهِ اللَّعنَهُ هَمَّ بِضَربِ عُنُقِهِ ، فَوَقَّفَهُ بَينَ يَدَيهِ وهُوَ يُكَلِّمُهُ لِيَستَنطِقَهُ بِكَلِمَهٍ يوجِبُ بِها قَتلَهُ ، وعَلِىٌّ عليه السلام يُجيبُهُ حَسَبَ ما يُكَلِّمُهُ ، وفى يَدِهِ سُبحَهٌ صَغيرَهٌ يُديرُها بِأَصابِعِهِ وهُوَ يَتَكَلَّمُ ، فَقالَ لَهُ يَزيدُ عَلَيهِ ما يَستَحِقُّهُ : أنَا اُكَلِّمُکَ وأنتَ تُجيبُنى وتُديرُ أصابِعَکَ بِسُبحَهٍ فى يَدِکَ ، فَكَيفَ يَجوزُ ذلِکَ؟! فَقالَ عليه السلام : حَدَّثَنى أبى عَن جَدّى صلى الله عليه و آله أنَّهُ كانَ إذا صَلَّى الغَداهَ وَانفَتَلَ (8) لا يَتَكَلَّمُ حَتّى يَأخُذَ سُبحَهً بَينَ يَدَيهِ ، فَيَقولُ : «اللّهُمَّ إنّى أصبَحتُ اُسَبِّحُکَ ، وأُحَمِّدُکَ ، واُهَلِّلُکَ ، واُكَبِّرُکَ ، واُمَجِّدُکَ بِعَدَدِ ما اُديرُ بِهِ سُبحَتى» ويَأخُذُ السُّبحَهَ فى يَدِهِ ويُديرُها وهُوَ يَتَكَلَّمُ بِما يُريدُ مِن غَيرِ أن يَتَكَلَّمَ بِالتَّسبيحِ ، وذَكَرَ أنَّ ذلِکَ مُحتَسَبٌ لَهُ وهُوَ حِرزٌ إلى أن يَأوِىَ إلى فِراشِهِ ، فَإِذا أوى إلى فِراشِهِ قالَ مِثلَ ذلِکَ القَولِ ، ووَضَعَ سُبحَتَهُ تَحتَ رَأسِهِ ، فَهِىَ مَحسوبَهٌ لَهُ مِنَ الوَقتِ إلَى الوَقتِ ، فَفَعَلتُ هذَا اقتِداءً بِجَدّى صلى الله عليه و آله . فَقالَ لَهُ يَزيدُ عَلَيهِ اللَّعنَهُ مَرَّهً بَعدَ اُخرى : لَستُ اُكَلِّمُ أحَدا مِنكُم إلّا ويُجيبُنى بِما يَفوزُ بِهِ ! وعَفا عَنهُ ووَصَلَهُ وأمَرَ بِإِطلاقِهِ . (9)

.

1- .قال العلّامه المجلسی رحمه الله : الظاهر کون حبّات السبح زرقا ، ویحتمل أن یکون المراد کون خیطها کذلک کما قیل (بحار الأنوار : ج 101 ص 134) .
2- .المزار الکبیر : ص 368 ح 17 ، المزار للمفید : ص 152 ح 6 وفیه «التسبیح» بدل «السبح» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 134 ح 68 .
3- .الحاوی للسیوطی : ج 2 ص 140 نقلاً عن الطبقات الکبری .
4- .النّطْع بالکسر وبالفتح وبالتحریک : بساط من الأدیم [أی الجِلْد] (القاموس المحیط : ج 3 ص 89 «نطع») .
5- .البدایه والنهایه : ج 5 ص 322 ، الحاوی للسیوطی : ج 2 ص 140 .
6- .العَجْوه : نَوعٌ من تمر المدینه؛ أکبر من الصَّیحانی ، یضرب إلی السواد ، من غَرْس النبیّ صلی الله علیه و آله (النهایه : ج 3 ص 188 «عجا») .
7- .الزهد لابن حنبل : ص 175 .
8- .انْفَتَل فلانٌ عن صلاتِه : أی انصَرَف (لسان العرب : ج 11 ص 514 «فتل») .
9- .الدعوات : ص 61 ح 152 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 136 ح 78 .

امام صادق علیه السلام :تسبیح های کبود رنگ ، (1) در دستان شیعیان ما ، همچون نخ های کبود رنگ در کیسه های بنی اسرائیل است . خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی فرمود که : «بنی اسرائیل را بفرما تا در چهار جانب کیسه هایشان نخ های کبودی قرار دهند که با آنها ، خدای آسمان را یاد کنند» .

الحاوی به نقل از جابر : زنی از فاطمه دختر حسین علیه السلام برایش گفت که او (فاطمه) با رشته نخی گِره دار ، تسبیح می گفت .

البدایه والنهایه :از ابو صفیّه ، غلام پیامبر ، نقل شده است که برای ایشان ، سفره چرمینی نهاده می شد و زنبیلی که در آن مقداری ریگ بود ، می آوردند و تا نیم روز با آن ریگ ها تسبیح می گفت . سپس آن را بر می داشتند ، و چون نمازِ اوّل را می خوانْد ، باز مشغول تسبیح گفتن می شد تا عصر می شد .

الزهد ، ابن حنبل به نقل از قاسم بن عبد الرحمان : ابو درداء ، مقداری هسته خرمای عَجوَه (2) ... در کیسه ای داشت و چون نماز صبح را می خوانْد ، روی تشک خود ، چمباتمه می زد و کیسه را بر می داشت و ریگ ها را یکی یکی بیرون می آورد و با آنها تسبیح می گفت و تمام که می شدند ، یکی یکی ، آنها را داخل کیسه می انداخت و تسبیح می گفت .

الدعوات :روایت شده است که چون امام زین العابدین علیه السلام را نزد یزید لعین بردند ، بر آن شد تا ایشان را گردن زند . از این رو ، ایشان را در برابر خود ، ایستاده نگه داشت و شروع به سخن گفتن با ایشان کرد و قصدش آن بود که امام علیه السلام را وادار به گفتن سخنی کند تا به بهانه آن ، کُشتن وی را واجب شمارد . امام زین العابدین علیه السلام به مقتضای سخنان یزید ، پاسخ او را می داد و در همان حال ، تسبیح کوچکی در دست داشت و آن را با انگشتانش می چرخانْد . یزید که بر او باد آنچه سزاوار آن است ، به ایشان گفت : من با تو سخن می گویم و تو در حالی که تسبیح می چرخانی ، پاسخم را می دهی ؟ چگونه این رواست؟ ! فرمود : «پدرم برایم نقل کرد که جدّم که درود خدا بر او و خاندانش باد چون نماز صبح را می خوانْد و آن را به پایان می بُرد ، سخن نمی گفت و تسبیحی به دست می گرفت و می گفت : بار خدایا ! من ، صبح کردم ، در حالی که تو را تسبیح و ستایش می گویم و تو را به یگانگی و بزرگی ، می ستایم و تو

را تمجید می گویم ، به تعداد آنچه از این تسبیحم می چرخانم . آن گاه ، تسبیح به دست می گرفت و آن را می چرخانْد و بدون آن که ذکرِ تسبیح بگوید ، هر صحبتی که می خواست ، می کرد و فرمود که این برای او [ثواب و ذکر]حساب می شود و مایه امان اوست تا آن که به بسترِ خواب برود ، و چون به بستر می رفت ، همانند آن تسبیح [بالا] را می گفت و سپس تسبیحش را زیر سرش می گذاشت و این برایش از این وقت تا آن وقت به حساب می آمد . من هم با اقتدا به جدّم این کار را می کنم . یزید که دمادم بر او لعنت باد ، گفت : نشد با یکی از شما سخن بگویم و او پاسخی که با آن خود را بِرَهاند ، به من ندهد! و از [ریختن خون] ایشان ، گذشت و به او پاداش داد و امر کرد تا آزادش کنند .

.

1- .علّامه مجلسی می گوید : ظاهرا مراد ، کبود بودن مُهره های تسبیح است . احتمال هم دارد که مراد ، کبود بودن نخ آن باشد ، چنان که بعضی چنین گفته اند .
2- .عَجوَه : گونه ای از خرمای مدینه است که از خرمای صیحانی ، درشت تر است و رنگش به سیاهی می زند . درخت این نوع خرما ، از کِشته های پیامبر صلی الله علیه و آله است .

10 / 2فَضلُ السُّبحَهِ مِن طينِ قَبرِ الحُسَينِالإمام الصادق عليه السلام :مَن سَبَّحَ بِسُبحَهٍ مِن طينِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام تَسبيحَهً ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ أربَعَمِئَهِ حَسَنَهٍ ، ومَحا عَنهُ أربَعَمِئَهِ سَيِّئَهٍ ، وقُضِيَت لَهُ أربَعُمِئَهِ حاجَهٍ ، ورُفِعَ لَهُ أربَعُمِئَهِ دَرَجَهٍ . (1)

عنه عليه السلام :مَن أدارَ الحُجَيرَ (2) مِن تُربَهِ الحُسَينِ عليه السلام فَاستَغفَرَ بِهِ مَرَّهً واحِدَهً ، كُتِبَ لَهُ بِالواحِدَهِ سَبعونَ مَرَّهً ، وإن أمسَكَ السُّبحَهَ فى يَدِهِ ولَم يُسَبِّح بِها فَفى كُلِّ حَبَّهٍ سَبعُ مَرّاتٍ . (3)

.

1- .بحار الأنوار : ج 85 ص 341 ح 32 نقلاً عن المزار بخطّ محمّد بن محمّد بن الحسين بن معيّه .
2- .فى مصباح المتهجّد : «الحجر» .
3- .المزار للمفيد : ص 150 ح 2 ، مصباح المتهجّد : ص 735 ، المزار الكبير : ص 367 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 136 ح 77 .

10 / 2فضیلت تسبیحِ ساخته شده از تربت امام حسینامام صادق علیه السلام :هر کس با تسبیحی که از گِل قبر حسین علیه السلام ساخته شده است ، یک تسبیح بگوید ، خداوندْ برایش چهارصد ثواب می نویسد و چهار صد گناه را از او پاک کند و چهار صد حاجتش را برآورده می سازد و چهارصد درجه بر او می افزاید .

امام صادق علیه السلام :هر کس تسبیح ساخته شده از تربت حسین علیه السلام را بچرخاند و با آن یک مرتبه استغفار بگوید ، برای هر بار آن ، هفتاد بار نوشته شود ، و اگر تسبیح رادر دستش بگیرد و با آن ذکر نگوید ، برای هر دانه آن ، هفت بار نوشته می شود .

.

عنه عليه السلام :مَن اتَّخَذَ سُبحَةً مِن تُربَهِ الحُسَينِ عليه السلام ، إن سَبَّحَ بِها وإلّا سَبَّحَت فى كَفِّهِ ، وإذا حَرَّكَها وهُوَ ساهٍ كُتِبَ لَهُ تَسبيحَهٌ ، وإذا حَرَّكَها وهُوَ ذاكِرُ اللّهِ تَعالى كَتَبَ لَهُ أربَعينَ تَسبيحَةً . (1)

عنه عليه السلام وقَد سُئِلَ عَنِ استِعمالِ التُّربَتَينِ مِن طينِ قَبرِ حَمزَةَ وقَبرِ الحُسَينِ عليه السلام وَالتَّفاضُلِ بَينَهُما : السُّبحَةُ الَّتى هِىَ مِن طينِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام تُسَبِّحُ بِيَدِ الرَّجُلِ مِن غَيرِ أن يُسَبِّحَ . (2)

تهذيب الأحكام عن محمّد بن عبد اللّه بن جعفر الحميرى :كَتَبتُ إلَى الفَقيهِ عليه السلام أسأَلُهُ : هَل يَجوزُ أن يُسَبِّحَ الرَّجُلُ بِطينِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام وهَل فيهِ فَضلٌ؟ فَأَجابَ وقَرَأتُ التَّوقيعَ ، ومِنهُ نَسَختُ : يُسَبِّحُ بِهِ ، فَما فى شَىءٍ مِنَ التَّسبيحِ أفضَلُ مِنهُ ، ومِن فَضلِهِ أنَّ المُسَبِّحَ يَنسَى التَّسبيحَ ويُديرُ السُّبحَةَ فَيُكتَبُ لَهُ ذلِكَ التَّسبيحُ . (3)

مكارم الأخلاق :رُوِىَ أنَّ الحورَ العينَ إذا أبصَرنَ بِواحِدٍ مِنَ الأَملاكِ يَهبِطُ إلَى الأَرضِ لِأَمرٍ ما ، يَستَهدينَ مِنهُ السُّبَحَ وَالتُّرَبَ مِن طينِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام . (4)

.

1- .بحار الأنوار : ج 85 ص 340 ح 32 نقلاً عن المزار بخطّ محمّد بن محمّد بن الحسين بن معيّه .
2- .المزار الكبير : ص 367 ح 14 ، المزار للمفيد : ص 151 ح 4 كلاهما نقلاً عن كتاب الحسن بن محبوب ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 30 ح 2066 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 133 ح 66 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 75 ح 148 ، الاحتجاج : ج 2 ص 583 ح 357 وفيه «القبر» بدل «قبر الحسين عليه السلام » ، بحار الأنوار : ج 101 ص 132 ح 62 .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 30 ح 2067 ، المزار للمفيد : ص 151 ح 5 ، المزار الكبير : ص 368 ح 16 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 134 ح 67 .

امام صادق علیه السلام :هر کس تسبیحی از تربیت حسین علیه السلام در دست گیرد ، اگر با آن تسبیح گفت [که گفته] ؛ وگرنه ، آن تسبیح ، خود ، در دست او تسبیح می گوید ، و اگر آن را بچرخاند و ذکری نگوید ، برایش یک تسبیح نوشته شود ، و چنانچه آن را بچرخاند و ذکر خدای متعال را گوید ، خداوٌند برایش چهل تسبیح می نویسد .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از به کار بردن تسبیح ساخته شده از تربت حمزه و تربت حسین علیه السلام و فرق میان آن دو : تسبیحی که از گِل قبر حسین علیه السلام باشد ، خود ، در دست انسان ، تسبیح می گوید ، بدون آن که شخص ، تسبیح بگوید .

تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حِمیَری : به فقیه (امام زمان علیه السلام) نوشتم و پرسیدم : آیا جایز است که انسان ، با گِل قبر حسین علیه السلام تسبیح بگوید و آیا در آن ، فضیلتی است ؟ ایشان نوشت و من ، آن توقیع را خواندم و از روی آن ، نسخه برداشتم که : «[آری ،] تسبیح بگوید ؛ زیرا هیچ تسبیحی برتر از آن نیست و در فضیلت آن ، همین بس که شخص اگر آن را بچرخاند و فراموش کند که تسبیح بگوید ، برایش تسبیح نوشته می شود» .

مکارم الأخلاق :روایت شده است که حور العین ، هر گاه فرشته ای را ببینند که برای کاری به زمین فرود می رود ، از او تقاضا می کنند که تسبیح و خاک قبر حسین علیه السلام را برایشان هدیه بیاورد .

.

الإمام الرضا عليه السلام :مَن أدارَ الطّينَ مِنَ التُّربَهِ فَقالَ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ» مَعَ كُلِّ حَبَّهٍ مِنها ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها سِتَّهَ آلافِ حَسَنَهٍ ، ومَحا عَنهُ سِتَّهَ آلافِ سَيِّئَهٍ ، ورَفَعَ لَهُ سِتَّهَ آلافِ دَرَجَهٍ ، وأثبَتَ لَهُ مِنَ الشَّفاعَهِ مِثلَها . (1)

الاحتجاج فى ذِكرِ مَسائِلِ الحِمَيرِىِّ لِلإمامِ المَهدِىِّ عليه السلام: وسَأَلَ : هَل يَجوزُ أن يُديرَ السُّبحَهَ بِيَدِهِ اليَسارِ إذا سَبَّحَ ، أو لا يَجوزُ؟ فَأجابَ عليه السلام : يَجوزُ ذلِکَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (2)

.

1- .المزار الكبير : ص 367 ح 13 ، المزار للمفيد : ص 151 ح 3 كلاهما عن محمّد بن علىّ ، بحار الأنوار : ج 101 ص 133 ح 65 .
2- .الاحتجاج : ج 2 ص 584 ح 357 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 327 ح 1 .

امام رضا علیه السلام :هر کس تسبیح تربت [حسین علیه السلام] را بچرخاند و بگوید : «سبحان اللّه ، والحمد للّه ، ولا إلهَ إلّا اللّهُ ، واللّهُ أکْبَر ؛ پاکا خدا ، و ستایش ، خدای را ، و معبودی جز خدا نیست ، و خدا ، بزرگ تر است !» ، با [گفتن] هر دانه ای از آن ، خداوند ، شش هزار نیکی برایش می نویسد و شش هزار بدی را از او پاک کند و شش هزار درجه او را بالا می بَرد ، و همین اندازه برایش شفاعت ثبت می کند .

الاحتجاج در یادکرد پرسش های حِمیَری از امام مهدی علیه السلام : و پرسید : آیا جایز است که شخص ، وقتی تسبیح می گوید ، تسبیح را با دست چپش بچرخاند یا جایز نیست؟ ایشان در پاسخ نوشت : «جایز است ، و ستایش خدای را که پروردگارِ جهانیان است» .

.

الفَصلُ الحادى عَشَرَ : ما فيه ثواب التّسبيح1 / 1 1مُدارَسَهُ العِلمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَعَلَّمُوا العِلمَ ؛ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَهٌ ، ومُدارَسَتَهُ تَسبيحٌ ، وَالبَحثَ عَنهُ جِهادٌ . (1)

11 / 2نَفَسُ الصّائِمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّهٌ مِنَ النّارِ ، ونَومُ الصّائِمِ عِبادَهٌ ، ونَفَسُهُ تَسبيحٌ ، ومَن أصبَحَ صائِما سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ ، وأضاءَت لَهُ السَّماواتُ نورا ، وَاستَغفَرَ لَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِى السَّماءِ ، فَإِن سَبَّحَ أو هَلَّلَ تَلَقّاها سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَكتُبونَها إلى أن تَوارَت بِالحِجابِ (2) . (3)

.

1- .تحف العقول : ص 28 ، الأمالى للصدوق : ص 713 ح 982 ، روضه الواعظين : ص 13 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 166 ح 7 ؛ الفردوس : ج 2 ص 41 ح 2237 عن معاذ بن جبل نحوه ، كنزالعمّال : ج 10 ص 167 ح 28867 .
2- .توارى : استتر . قال تعالى : «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص : 32) (مفردات ألفاظ القرآن : ص 866 «ورى») .
3- .كنزالعمّال : ج 15 ص 911 ح 43574 نقلاً عن أبى نصر عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

فصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیحگویی دارند

11 / 1 گفتگوی علمی
11 / 2 نفس کشیدن روزه دار

فصل یازدهم: چیزهایی که ثواب تسبیحگویی دارند11 / 1گفتگوی علمیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علم بیاموزید ؛ زیرا که آموختن علم ، کار نیک است و مباحثه آن (گفتگو در باره آن) ، تسبیح است و جستجوی آن ، جهاد .

11 / 2نفس کشیدن روزه دارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری در برابر آتش است و خواب روزه دار ، عبادت است و نفس کشیدن او ، تسبیح است . هر کس روز خود را با روزه داری آغاز کند ، اندام هایش برای او تسبیح می گویند و آسمان ها برایش نورانی می شوند و هر فرشته ای در آسمان ، برایش آمرزش می طلبد ؛ و اگر «سبحان اللّه » یا «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، هفتاد هزار فرشته آنها را می گیرند و برایش می نویسند تا آن گاه که غروب شود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :صَمتُ الصّائِمِ تَسبيحٌ ، ونَومُهُ عِبادَهٌ ، ودُعاؤُهُ مُستَجابٌ ، وعَمَلُهُ مُضاعَفٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ أصبَحَ صائِما ، إلّا فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ ، وسَبَّحَت أعضاؤُهُ ، وَاستَغفَرَ لَهُ أهلُ السَّماءِ الدُّنيا ، إلى أن يُوارى بِالحِجابِ . (2)

11 / 3نَفَسُ المَهمومِ لِأَهلِ البَيتِالإمام الصادق عليه السلام :نَفَسُ المَهمومِ لَنَا المُغتَمِّ لِظُلمِنا تَسبيحٌ ، وهَمُّهُ لِأَمرِنا عِبادَهٌ ، وكِتمانُهُ لِسِرِّنا جِهادٌ فى سَبيلِ اللّهِ . (3)

11 / 4نَفَسُ النّائِمِ النّاوى لِصَلاهِ اللَّيلِالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ العَبدَ لَيَنوى مِن نَهارِهِ أَن يُصَلِّىَ بِاللَّيلِ فَتَغلِبُهُ عَينُهُ فَيَنامُ ، فَيُثبِتُ اللّهُ لَهُ صَلاتَهُ ، ويَكتُبُ نَفَسَهُ تَسبيحا ، ويَجعَلُ نَومَهُ عَلَيهِ صَدَقَهً . (4)

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 397 ح 3761 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 8 ص 449 ح 23602 ؛ كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 76 ح 1783 ، ثواب الأعمال : ص 75 ح 3 عن أحمد وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام مع تقديم وتأخير وفيهما «متقبّل» بدل «مضاعف» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 253 ح 21 .
2- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 299 ح 3591 عن عائشه ، كنزالعمّال : ج 8 ص 455 ح 23630 .
3- .الكافى : ج 2 ص 226 ح 16 عن عيسى بن أبى منصور ، الأمالى للمفيد : ص 338 ح 3 ، بشاره المصطفى : ص 105 كلاهما عن أبان بن تغلب وليس فيهما «لنا المغتمّ» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 83 ح 33 .
4- .علل الشرائع : ص 524 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 206 ح 18 .

11 / 3 نَفس کشیدن شخص اندوهگین برای اهل بیت
11 / 4 نَفس کشیدن کسی که نیّت خواندن نماز شب داشته ، امّا خوابش برده است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سکوت روزه دار ، تسبیح است و خوابش ، عبادت است و دعایش ، مستجاب است و عملش ، دو چندان به شمار می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که روز خود را با روزه آغاز کند ، مگر آن که درهای آسمان ، به رویش باز می شوند و اعضای بدنش ، تسبیح می گویند و اهل آسمان پایین ، برایش آمرزش می طلبند تا آن گاه که آفتاب ، غروب کند .

11 / 3نَفس کشیدن شخص اندوهگین برای اهل بیتامام صادق علیه السلام :کسی که برای ما اندوهگین و از ستمی که بر ما رفته ، غمگین باشد ، نَفس کشیدنش ، تسبیح است و دغدغه اش برای کار ما ، عبادت است و پوشیدن راز ما توسّط او ، جهاد در راه خداست .

11 / 4نَفس کشیدن کسی که نیّت خواندن نماز شب داشته ، امّا خوابش برده استامام صادق علیه السلام :بنده ، در روز نیّت می کند که شب ، نماز[شب] بخواند ، امّا خوابش می بَرد . خداوند ، نمازش را برای او ثبت می کند و نفس کشیدنش را تسبیح می نویسد و خوابش را برای او ، صدقه قرار می دهد .

.

11 / 5هَمُّ مَن كانَ هَواهُ فى رِضَا اللّهالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : إنّى لَستُ كُلَّ كَلامِ الحَكيمِ أتَقَبَّلُ ، إنَّما أتَقَبَّلُ هَواهُ وهَمَّهُ ؛ فَإِن كانَ هَواهُ وهَمُّهُ فى رِضاىَ ، جَعَلتُ هَمَّهُ تَقديسا وتَسبيحا . (1)

11 / 6أنينُ المُؤمِنِرسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :أنينُ المُؤمِنِ تَسبيحٌ ، وصِياحُهُ تَهليلٌ ، ونَومُهُ عَلَى الفِراشِ عِبادَهٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ المُؤمِنَ إذا حُمَّ حُمّى واحِدَةً تَناثَرَتِ الذُّنوبُ مِنهُ كَوَرَقِ الشَّجَرِ فَإِن أنَّ عَلى فِراشِهِ فَأنينُهُ تَسبيحٌ وصِياحُهُ تَهليلٌ وتَقَلُّبُهُ عَلى فِراشِهِ كَمَن يَضرِبُ بِسَيفِهِ فى سَبيلِ اللّهِ . (3)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 166 ح 180 عن إسماعيل بن محمّد .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 364 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 327 ح 2656 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 54 ح 3 ؛ تاريخ بغداد : ج 2 ص 191 عن أبى هريره وفيه «المريض» بدل «المؤمن» ، كنزالعمّال : ج 3 ص 311 ح 6705 .
3- .عدّه الداعى : ص 116 ، إرشاد القلوب : ص 43 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 228 ح 3 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 170 ح 2418 كلاهما عن يوسف بن إسماعيل بإسنادٍ له ومن دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 81 ص 205 ح 10 .

11 / 5 دغدغه کسی که خواستش خشنودی خداست
11 / 6 ناله مؤمن

11 / 5دغدغه کسی که خواستش خشنودی خداستامام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل می فرماید : «چنین نیست که من ، همه سخنان شخص حکیم را بپذیرم ؛ بلکه تنها خواست و دغدغه او را می پذیرم . پس اگر خواست و دغدغه اش خشنودی من باشد ، دغدغه او را تقدیس و تسبیح ، به شمار می آورم .

11 / 6ناله مؤمنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ناله مؤمن ، تسبیح است و فریادش ، «لا إله إلّا اللّه » است و خوابیدن او در بسترش ، عبادت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، هر گاه تب کند ، گناهانش ، همانند برگ درخت ، فرو می ریزد و اگر در بسترش [از درد و تب] ناله کند ، ناله او تسبیح است و فریاد زدنش [از درد] ، «لا إله إلّا اللّه » است و غلت خوردنش (/ به خود پیچیدنش) در بستر ، همانند کسی است که در راه خدا ، شمشیر زند .

.

ص: 178

. .

بخش چهارم : تحمید (گفتن «الحمد للّه »)

اشاره

بخش چهارم : تحمید (گفتنِ «الحمد للّه »)شامل:درآمدفصل یکم: تفسیر حمدفصل دوم: تشویق به حمدگوییفصل سوم: برکت های حمد گفتنفصل چهارم: اوقات حمدگویی خدافصل پنجم: حمدهای رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

.

ص: 180

. .

درآمد

واژه شناسی «حمد» و «تحمید»

درآمدواژه شناسی «حمد» و «تحمید»واژه «تحمید» ، از ریشه «حمد» به معنای ستایش (در مقابل «ذم» به معنای نکوهش) است . این مادّه (حمد) ، هنگامی که به باب تفعیل برود ، معمولاً بر مبالغه دلالت می کند و از این رو ، «محمّد» به معنای «بسیار ستوده» است . گاهی نیز باب تفعیل ، ناظر به معنای نسبت است و در این کاربرد ، تحمید به معنای نسبت دادن حمد و ستودگی به خداوند است . خلیل بن احمد فراهیدی ، «حمد» و «تحمید» را چنین معنا می کند : حمد ، نقیض ذمّ (نکوهش) است . گفته می شود : «بلوته فأحمدته» ، یعنی : او را آزمودم و او را ستودنی و پسندیده کردار یافتم و او را بر آنها ستودم ... «تحمید» ، یعنی ستودن بسیار خداوند با ستایش های نیکو ... . «حمد» ، یعنی : ثنا گفتن . (1) ابن فارس نیز در تبیین معنای «حمد» می گوید : واژه «حمد» ، یک کلمه و دارای یک اصل معنایی است و بر معنای خلاف ذمّ

.

1- .ترتیب العین : ص 196 .

(نکوهش) دلالت دارد . گفته می شود : «حَمَدتُ فلاناً أحمَدُه» ، و «رَجلٌ محمود و محمّد» ، یعنی کسی که صفات و خصلت های پسندیده فراوان دارد ... و به همین دلیلی که ذکر کردیم ، پیامبر ما «محمّد» نامیده شده است . (1) برخی از لغت شناسان در مقام فرق میان «حمد» و «مدح» گفته اند که حمد ، اخصّ از مدح است ؛ زیرا مدح ، مربوط به صفت جمیل اختیاری و غیر اختیاری می شود ؛ ولی حمد ، تنها مربوط به صفت جمیل اختیاری است . (2) راغب اصفهانی ، در تبیین تفاوت میان حمد و مدح و شکر می گوید : حمد کردن خداوند متعال به معنای ثنا گفتن و ستودن او به فضیلت است . حمد ، اخصّ از مدح و اعم از شکر است ؛ چون در باره اعمال و رفتار نیکی که به اختیار از انسان سر می زند و برای صفات و خصالی که در او نهاده شده است ، کلمه مدح به کار می رود . برای مثال ، انسان به خاطر قامت بلند و زیبایی چهره اش مدح می شود ، چنان که برای بخشندگی و سخاوت و دانش ، مدح می گردد ، در صورتی که حمد ، مربوط به دومی می شود ، نه اوّلی ، و شکر هم جز در برابر نعمت ، گفته نمی شود . پس هر شکری حمد است ؛ ولی هر حمدی شکر نیست . نیز هر حمدی مدح است ، امّا هر مدحی حمد نیست . (3) گفتنی است که در باره وجود فرق میان معنای حمد و مدح ، اتّفاق نظر وجود ندارد . علاقه مندان به پژوهش در این زمینه ، می توانند به منابع لغت و تفسیر ، مراجعه نمایند . (4)

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 2 ص 100 .
2- .ر. ک : الصحاح : ج 2 ص 466 .
3- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 256 .
4- .ر. ک : معجم الفروق اللغویّه : ص 201 203 ، تفسیر الکشّاف : ج 1 ص 5 ، تفسیر الفخر الرازی : ج 12 ص 150 .

حمد و تحمید ، در قرآن و حدیث

نکاتی در باره معنای حمد

حمد و تحمید ، در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، ستایش خداوند متعال در 43 آیه به صورت های مختلف ، مورد توجّه و تأکید قرار گرفته است . خداوند متعال ، در چهارده آیه ، خود را ستوده ، (1) در سیزده آیه به حمد و ثنای خود امر فرموده است (2) (شش بار بدون تسبیح و هفت بار همراه با تسبیح) . در شانزده آیه نیز از زبان انبیاء (3) مؤمنان (4) ، فرشتگان ، (5) اهل بهشت ، (6) اهل قیامت ، (7) رعد (8) و همه اشیا ، (9) ستایش خداوند آمده است . افزون بر این ، در هفده (10) آیه از خداوند متعال با صفت «حمید» یاد شده است . گفتنی است که واژه «تحمید» در قرآن به کار نرفته است ؛ ولی در احادیث اسلامی این واژه نیز کاربرد دارد ، هر چند به فراوانیِ کاربرد «حمد» نیست .

نکاتی در باره معنای حمددر باره معنای «حمد» در قرآن و حدیث ، چند نکته قابل توجّه است : 1 . در قرآن و حدیث ، این واژه در فضیلت ذاتی خداوند به کار رفته است ،

.

1- .ر . ک : فاتحه: آیه 1 ، انعام : آیه 1 و 45 ، نحل : آیه 75 ، اسراء : آیه 111 ، کهف : آیه 1 ، قصص : آیه 70 ، روم : آیه 18 ، سبأ : آیه 1 ، فاطر : آیه 1 ، صافّات : آیه 182 ، زمر : آیه 29 ، غافر : آیه 65 ، جاثیه : آیه 36 .
2- .ر . ک : اسراء : آیه 111 ، مؤمنون : آیه 28 ، نمل : آیه 59 و 93 ، عنکبوت : آیه 63 ، لقمان : آیه 25 ، حجر : آیه 98 ، طه : آیه 130 ، فرقان : آیه 58 ، غافر : آیه 55 ، ق : آیه 39 ، طور : آیه 48 ، نصر : آیه 3 .
3- .ر . ک : إبراهیم : آیه 39 ، نمل : آیه 15 .
4- .ر . ک : توبه : آیه 112 ، سجده : آیه 15 .
5- .ر . ک : بقره : آیه 30 ، زمر : آیه 75 ، غافر : آیه 7 ، شوری : آیه 5 .
6- .ر . ک : اعراف : آیه 43 ، یونس : آیه 10 ، فاطر : آیه 34 ، زمر : آیه 74 .
7- .ر . ک : اسراء : آیه 52 .

8- .ر . ک : رعد : آیه 13 .
9- .ر . ک : اسراء : آیه 44 ، تغابن : آیه 1 .
10- .ر . ک : بقره : آیه 267 ، نساء : آیه 131 ، هود : آیه 73 ، إبراهیم : آیه 1 و 8 ، حجّ : آیه 24 و 64 ، لقمان : آیه 12 و 26 ، سبأ : آیه 6 ، فاطر : آیه 15 ، فصّلت : آیه 42 ، شوری : آیه 28 ، حدید : آیه 24 ، ممتحنه : آیه 6 ، تغابن : آیه 6 ، بروج : آیه 8 .

مانند : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ یَکُن لَّهُ شَرِیکٌ» . (1) 2 . ستایش خداوند متعال ، برآیند شناخت و معرفت اوست . از این رو ، حقیقت حمد الهی و کمال آن ، ارتباط مستقیم با میزان معرفت دارد . هر چه معرفت نسبت به جمال و کمال حق تعالی بیشتر شود ، ستایشِ ستایشگر ، کامل تر می گردد . بنا بر این ، کامل ترین و بهترین ستایشگرِ خداوند متعال ، خودِ اوست ؛ زیرا هیچ کس مانند او ، ذات اقدسش را نمی شناسد . از این رو ، خداوند متعال ، نه تنها سزاوارترین ستایش شده است ، بلکه سزاوارترین ستایشگرِ خویش نیز هست ، چنان که در دعا می خوانیم : «یا خیرَ حامِدٍ و مَحمودٍ ؛ ای بهترین ستاینده و ستوده شده !» . (2) 3 . تفسیر حمد به شکر و مفاهیمی مشابه آن در احادیث ، تفسیر به اعم است . این تفسیر ، بی تردید به این معنا نیست که خداوند را بدون در نظر گرفتن نعمت هایش نمی توان ستود . 4 . مقصود احادیثی که «حمد» را به «حقّ شکر» یا «تمام شکر» یا «وفای شکر» تفسیر کرده اند ، شکرِ زبانی است ، بدین معنا که اگر کلمه «حمد» با معرفت بر زبان جاری گردد ، وظیفه زبان در شکرگزاری حقیقتا انجام شده است . بنا بر این ، تفسیرِ ذکر شده ، ضرورت شکر عملی بر نعمت های الهی را که در احادیث دیگر مورد تأکید قرار گرفته است ، نفی نمی کند ؛ بلکه حمد صادقانه ، ایجاب می نماید که حمد کننده ، عملاً نیز سپاس گزار نعمت های الهی باشد .

.

1- .اسراء ، آیه 111 .
2- .ر . ک : ص 199 (بهترین ستاینده و بهترین ستوده) .

مرز میان انسان و حیوان

مرز میان انسان و حیواندر قرآن و احادیث اسلامی ، نکات بسیار مهمّی در باره حمد و ستایش خداوند متعال و آثار و برکات آن آمده که همه ، حاکی از اهمّیت این ذکر و نقش سازنده آن در سازندگی انسان است . این نکات در پنج فصل ارائه خواهد شد . در این جا تنها به نکته بسیار لطیفی که در بیان امام زین العابدین علیه السلام آمده است ، اشاره می کنیم و آن ، این که «حمد» ، مرز میان انسان و حیوان است و اگر این فاصله برداشته شود ، انسان ها از مرز انسانیت ، خارج و وارد حریم چارپایان می گردند . متن فرمایش ایشان که در نخستین نیایش صحیفه سجادیه آمده ، چنین است : ستایش ، از آنِ خداوندی است که اگر بندگانش را از شناخت حمدش در برابر نعمت هاَی پی در پی که به آنان داده و نعمت های آشکاری که به آنان روا داشته ، بازمی داشت ، از نعمت هایش بهره می گرفتند ، بی آن که ستایشش کنند و از روزی اش به فراوانی استفاده می کردند ، بدون آن که شکر آن را به جا آورند . و هر گاه چنین می شد ، آنان از مرز انسانیت ، خارج و به حیوانیت وارد می شدند و مصداق کلامی می شدند که خداوند در سخن محکمش فرموده است : «آنان چارپایانی بیش نیستند ؛ بلکه گم راه ترند» (1) . (2) به بیان دیگر ، سپاس گزاری ، از سپاهیان عقل است و ناسپاسی ، از سپاهیان جهل ، چنان که امام صادق علیه السلام در تبیین سپاهیان عقل و جهل می فرماید : وَ الشُّکرُ و ضِدُّهُ الکُفرانُ . (3) شکر که ضدّ آن ، کفران است .

.

1- .فرقان ، آیه 44 .
2- .ر . ک : ص 397 ح 1395 .
3- .ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی ، ج 1 ص 331 ح 311 .

راز محبوبیت حمد در نزد خدا

چارپایان ، چون عقل ندارند ، سپاس گزاری را نمی فهمند . به درازگوش هر چه خدمت کنی و نعمت دهی ، تشکّر نخواهد کرد ؛ امّا عقل ، انسان را به سپاس گزاری از ولیّ نعمت خود ، دعوت می کند . بی تردید ، هر نعمتی که به انسان برسد ، از جانب خداست : «وَ مَا بِکُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللّهِ . (1) و هر نعمتی که دارید ، از خداست» . بر این اساس ، از منظر عقل ، هیچ کس شایسته تر از خداوند متعال برای حمد و شکر نیست . از این رو ، امام علی علیه السلام می فرماید : لَو لَم یَتَوَعَّدِ اللّهُ عَلی مَعصِیَتِهِ لَکانَ یَجِبُ أَلّا یُعصی شُکرا لِنِعَمِهِ . (2) حتّی اگر خداوند بر نافرمانی اش بیم نمی داد ، باز واجب بود که به خاطر سپاس گزاری از نعمت هایش ، نافرمانی نشود . بنا بر این ، هر چه انسان از عقل بیشتری برخوردار باشد و از حیواناتْ بیشتر فاصله بگیرد ، حمد و شکر زبانی و عملیِ او نسبت خداوند متعال ، افزون تر می گردد و هر چه به مرز حیوانیت نزدیک تر شود ، از حمد و شکر او کاسته می شود .

راز محبوبیت حمد در نزد خدابا تأمّل در نکته ای که گذشت ، راز محبوبیت حمد در نزد خداوند متعال ، روشن

.

1- .نحل ، آیه 53 .
2- .نهج البلاغه : حکمت 290 . نیز ، ر. ک : میزان الحکمه با ترجمه فارسی : شکر / وجوب شکر مُنعِم .

می شود ؛ چرا که در چند حدیث تأکید شده که خداوند ، ستایش خود را دوست دارد ؛ بلکه ستایش او محبوب ترین چیز نزد خداست . (1) همچنین به این سؤال پاسخ داده می شود که : چرا خداوند ، ستایش خود را دوست دارد ، با این که غنیّ بالذّات است و نیازی به ستایش دیگران ندارد . راز محبوبیت حمد در نزد خداوند متعال ، این است که او می خواهد انسان ها هر چه بیشتر از عقل خود استفاده کنند و از چارپایان ، فاصله بگیرند و بدین ترتیب به فلسفه آفرینش خود نزدیک تر شوند ، و بی تردید ، رسیدن انسان به این مقصد ، جز از طریق سپاس گزاری زبانی و عملی از آفریدگار و مُنعم حقیقی خود ، امکان پذیر نیست .

.

1- .ر . ک : ص 205 (محبوب ترین چیزها نزد خدا) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير الحمد1 / 1شُكرُ النِّعَمِ5945.عنه صلى الله عليه و آله (فى علىٍّ عليه السلام) الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : الحَمدُ شُكرٌ . (1)5946.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى مَلِكِ الرّومِ حينَ سَأَلَهُ عَن تَفسيرِ فاتِحَهِ الكِتابِ : أمّا قَولُهُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » فَذلِكَ ثَناءٌ مِنّا عَلى رَبِّنا تَبارَكَ وتَعالى بِما أنعَمَ عَلَينا . . . . (2)5947.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ قَولَهُ عز و جل : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» إنَّما هُوَ أداءٌ لِما أوجَبَ اللّهُ عز و جلعَلى خَلقِهِ مِنَ الشُّكرِ ، وشُكرٌ لِما وَفَّقَ عَبدَهُ مِنَ الخَيرِ . (3)5948.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الجواد عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلَى الرِّضا عليه السلام فَقالَ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، أخبِرنى عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» ما تَفسيرُهُ؟

فَقالَ : لَقَد حَدَّثَنى أبى عَن جَدّى عَنِ الباقِرِ عَن زَينِ العابِدينَ عَن أبيهِ عليهم السلام : إنَّ رَجُلاً جاءَ إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فَقالَ : أخبِرنى عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » ما تَفسيرُهُ؟

فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» هُوَ أن عَرَّفَ عِبادَهُ بَعضَ نِعَمِهِ عَلَيهِم جُمَلاً؛ إذ لا يَقدِرونَ عَلى مَعرِفَهِ جَميعِها بِالتَّفصيلِ ؛ لِأَنَّها أكثَرُ مِن أن تُحصى أو تُعرَفَ ، فَقالَ لَهُم : قولوا : الحَمدُ للّهِ عَلى ما أنعَمَ بِهِ عَلَينا رَبُّ العالَمينَ ، وهُمُ الجَماعاتُ مِن كُلِّ مَخلوقٍ مِنَ الجَماداتِ وَالحَيَواناتِ؛ وأمَّا الحَيَواناتُ فَهُوَ يُقَلِّبُها (4) فى قُدرَتِهِ ، ويَغذوها مِن رِزقِهِ ، ويَحوطُها بِكَنَفِهِ ، ويُدَبِّرُ كُلّاً مِنها بِمَصلَحَتِهِ .

وأمَّا الجَماداتُ فَهُوَ يُمسِكُها بِقُدرَتِهِ؛ ويُمسِكُ المُتَّصِلَ مِنها أن يَتَهافَتَ ، ويُمسِكُ المُتَهافِتَ مِنها أن يَتَلاصَقَ ، ويُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإذنِهِ ، ويُمسِكُ الأَرضَ أن تَنخَسِفَ إلّا بِأمرِهِ ، إنَّهُ بِعِبادِهِ رَؤوفٌ رَحيمٌ . (5) .

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 261 ح 51 وراجع الدرّ المنثور : ج 1 ص 30 .
2- .إرشاد القلوب : ص 366 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 31 ح 11 عن الإمام العسكرى عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 92 ص 259 ح 53 وج10 ص 61 ح 4 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 310 ح 926 ، علل الشرايع : ص 260 ح 9 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 85 ص 54 ح 46 .
4- .فى المصدر : «يقبلها» ، والتصويب من المصدرين الآخرين .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 282 ح 30 ، بشاره المصطفى : ص 212 كلاهما عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن الإمام الهادى عليهماالسلام ، علل الشرايع : ص 416 ح 3 عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 30 ح 11 كلاهما عن الإمام العسكرى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 274 ح 17 و ج 92 ص 224 ح 2 .

1 / 1 سپاس گفتنِ نعمت ها

فصل یکم: تفسیر حمد1 / 1سپاس گفتنِ نعمت ها5952.المناقب للخوارزمی عن أبی برزه :امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : حمد ، نوعی سپاس گزاری است .5953.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در نامه اش به پادشاه روم که از ایشان ، در باره تفسیر «فاتحه الکتاب» پرسیده بود : امّا سخن خداوند «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، سپاس گزاری ماست از پروردگارمان تبارک و تعالی برای نعمت هایی که به ما ارزانی داشته است .5954.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :سخن خداوند : «ستایش خدای را» ، در واقع ، به جا آوردن وظیفه سپاس گزاری است که خداوند عز و جل بر عهده خلقش نهاده است و شکرگزاری برای کار نیکی است که خداوند ، توفیق انجام دادن آن را به بنده اش داده است .5955.عنه صلی الله علیه و آله :امام جواد :مردی نزد امام رضا علیه السلام آمد و گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! مرا از تفسیر سخن خداوند عز و جل که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، آگاه فرما که تفسیرش چیست ؟

فرمود : «پدرم ، از جدّم ، از باقر ، از زین العابدین ، از پدرش علیهم السلام برایم حدیث کرد که : مردی نزد امیر مؤمنان آمد و گفت : مرا از تفسیر سخن خداوند که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، آگاه فرما .

فرمود : «ستایش ، خدای را» ، یعنی این که خداوند ، به بندگانش برخی از نعمت هایی را که به آنها داده است ، مختصرا شناسانده است ؛ زیرا بندگان نمی توانند تمام نعمت های او را به تفصیل بشناسند ؛ چه ، این نعمت ها بیشتر از آن است که شماره شوند یا شناخته گردند . از این رو ، به آنان فرمود : بگویید : ستایش ، خداوند را به سبب نعمت هایی که پروردگار جهانیان ، به ما ارزانی داشته است .

جهانیان ، عبارت اند از : جماعاتی از هر مخلوقی ، از بی جان و جاندار . جانداران را با قدرت خویش ، جا به جا می کند و از روزی خویش ، آنها را

تغذیه می کند و آنها را در پناه خود ، نگهداری می کند و هر یک را بنا بر مصلحتش ، اداره می نماید .

و موجودات بی جان را با قدرت خویش ، نگه می دارد و آنهایی را که به یکدیگر پیوسته اند ، از فرو پاشیدن ، حفظ می کند و آنها را که از هم جدایند ، از به هم پیوستن ، نگه می دارد . آسمان را از این که بر زمین افتد (مگر با اجازه خود او) ، حفظ می کند و زمین را از این که فرو ریزد (مگر به اجازه خود او) نگه می دارد ، چرا که او نسبت به بندگانش ، رئوف و مهربان است .

.

1 / 2رَأسُ الشُّكرِ5958.المستدرک على الصحيحين عنِ بريده :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«الحَمدُ للّهِ» رَأسُ الشُّكرِ ، ما شَكَرَ اللّهَ عَبدٌ لا يَحمَدُهُ . (1) .

1- .نوادر الاُصول : ج 1 ص 412 ، الآداب للبيهقى : ص 459 ح 1029 ، الفردوس : ج 2 ص 155 ح 2784 كلاهما عن عبد اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 3 ص 255 ح 6419 .

ص: 191

1 / 2 اصل سپاس گزاری

1 / 2اصل سپاس گزاری5961.تفسیر فرات عن سلیم بن قیس عن الإمام علیّ علیه السپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «ستایش ، خدای را» ، اصل سپاس گزاری است و بنده ای که خدا را سپاس نگوید ، او را ستایش نکرده است .

.

1 / 3حَقُّ الشُّكرِ5964.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :بَعَثَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله سَرِيَّةً (1) فَقالَ : اللّهُمَّ إنَّ لَکَ عَلَىَّ إن رَدَدتَهُم سالِمينَ غانِمينَ أن أشکُرَکَ أحَقَّ الشُّکرِ .

قالَ : فَما لَبِثوا أن جاؤوا کَذلِکَ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : الحَمدُ للّهِ عَلى سابِغِ نِعَمِ اللّهِ . (2)5965.عنه صلى الله عليه و آله :کتاب البشکر عن کعب بن عجره :بَعَثَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بَعثا مِنَ الأنصارِ وقالَ : إن سَلَّمَهُمُ اللّهُ جَلَّ وعَزَّ وغَنَّمَهُم فَإنَّ للّهِ عَلَىَّ فى ذلِکَ شُکرا .

قالَ : فَلَم يَلبَثوا أن غَنِموا وسَلِموا ، فَقالَ بَعضُ أصحابِهِ : سَمِعناکَ تَقولُ : إن سَلَّمَهُمُ اللّهُ وغَنَّمَهُم فَإنَّ عَلَىَّ فى ذلِکَ شُکرا للّهِ جَلَّ وعَزَّ !

قالَ : قَد فَعَلتُ؛ قَد قُلتُ : اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ شُکرا ، ولَکَ المَنُّ فَضلاً . (3)5966.تاريخ دمشق عن أبى ذرّ :مكارم الأخلاق :نَفَرَت بَغلَةٌ لِأبى جَعفَرٍ عليه السلام فيما بَينَ مَکّةَ وَالمَدينَةِ ، فَقالَ : لَئِن رَدَّهَا اللّهُ عَلَىَّ لَأشکُرَنَّهُ حَقَّ شُکرِهِ .

فَلَّما أخَذَها قالَ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ قالَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «شُکرا للّهِ» . (4)5967.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكافى عن حمّاد بن عثمان :خَرَجَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام مِنَ المَسجِدِ وقَد ضاعَت دابَّتُهُ ، فَقالَ : لَئِن رَدَّهَا اللّهُ عَلَىَّ لَأشکُرَنَّ اللّهَ حَقَّ شُکرِهِ . قالَ : فَما لَبِثَ أن اُتِىَ بِها ، فَقالَ : الحَمدُ للّهِ .

فَقالَ لَهُ قائِلٌ : جُعِلتُ فِداکَ ، أَلَيسَ قُلتَ : لَأشکُرَنَّ اللّهَ حقَّ شُکرِهِ؟ !

فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أَلَم تَسمَعنى قُلتُ : الحَمدُ للّهِ؟ (5) .

1- .السَّريّه : طائفه من الجيش يبلغ أقصاها أربعمئه تُبعَث إلى العدوّ ، وجمعها السرايا ، سمّوا بذلک لأنّهم يكونون خلاصه العسكر وخيارهم ؛ من الشىء السرىّ : النفيس (النهايه : ج 2 ص 363 «سرى») .
2- .مشكاه الأنوار : ص 70 ح 118 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 214 ح 17 .

3- .الشكر لابن أبى الدنيا : ص 53 ح 105 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 144 ح 316 ، كنزالعمّال : ج 3 ص 262 ح 6460 .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 78 ح 2197 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 18 .
5- .الكافى : ج 2 ص 97 ح 18 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 33 ح 13 ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 54 ح 106 ، صفه الصفوه : ج 2 ص 65 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 186 كلّها عن محمّد بن مسعر نحوه .

1 / 3حقّ سپاس گزاری5970.الإمام الصادق علیه السلام :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، گُردانی را اعزام کرد و گفت : «بار خدایا ! با تو پیمان می بندم که اگر اینان را به سلامت و با غنیمت باز گردانی ، تو را به سزامندترین سپاس گزاری ، سپاس گویم» .

دیری نگذشت که سپاهیان ، آن چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته بود ، باز گشتند . پس پیامبر خدا گفت : «ستایش ، خدای را بر نعمت های سرشار او» .5971.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :کتاب الشکر به نقل از کعب بن عجره : پیامبر خدا ، سپاهی از انصار را روانه ساخت و فرمود : «اگر خداوند عز و جل ایشان را سالم و با دست پُر باز گردانَد ، برای آن ، خداوند را بر عهده من ، سپاسی خواهد بود» .

دیری نگذشت که سپاهیان ، با غنیمت و سالم ، باز آمدند . یکی از اصحاب ایشان گفت : از شما شنیدم که گفتی : «اگر خداوند ، ایشان را سالم و با دست پُر ، باز گردانَد ؛ برای آن خداوند عز و جل را بر عهده من ، سپاسی خواهد بود» .

فرمود : «این کار را کردم . گفتم : بار خدایا ! به شکرانه آن ، تو را سپاس می گویم و تو را بر ما ، منّت و لطفی است » .5972.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مکارم الأخلاق :قاطر امام باقر علیه السلام ، در راه مکّه و مدینه ، رم کرد و گریخت . ایشان فرمود : «اگر خداوند ، آن را به من بازگردانَد ، او را چنان که سزاوار سپاس گزاری از اوست ، سپاس خواهم گفت» .

پس چون آن را گرفت ، سه بار گفت : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

سپس سه بار گفت : «ستایش ، خدای را» .5973.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان : امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون آمد . دید که مرکَبش گم شده است . فرمود : «اگر خدا آن را به من بازگردانَد ، خدای را چنان که حقّ سپاس گزاری اوست ، سپاس خواهم گفت» .

طولی نکشید که آن را آوردند . امام علیه السلام فرمود : «ستایش ، خدای را» .

گوینده ای گفت : فدایت شوم ! مگر نفرمودی : «خدای را چنان که حقّ سپاس گزاری اوست ، سپاس خواهم گفت»؟ !

امام صادق علیه السلام فرمود : «مگر نشنیدی که گفتم : ستایش ، خدای را؟» .

.

5974.المناقب للخوارزمی عن أبی علقمه (مَولی بَنی هاشِم) الکافی عن أبی بصیر :قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : هَل لِلشُّکرِ حَدٌّ إذا فَعَلَهُ العَبدُ کانَ شاکِرا؟ قالَ : نَعَم ، قُلتُ : ما هُوَ؟ قالَ : یَحمَدُ اللّهَ عَلی کُلِّ نِعمَهٍ عَلَیهِ فی أهلٍ ومالٍ ، وإن کانَ فیما أنعَمَ عَلَیهِ فی مالِهِ حَقٌّ أدّاهُ . (1)1 / 4وَفاءُ الشُّکرِ وتَمامُهُ5977.الفضائل عن أنس بن مالک :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :التَّوحیدُ ثَمَنُ الجَنَّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ وَفاءُ شُکرِ کُلِّ نِعمَهٍ . (2)5978.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :شُکرُ النِّعمَهِ اجتِنابُ المَحارِمِ ، وتَمامُ الشُّکرِ قَولُ الرَّجُلِ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . (3)5979.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام زین العابدین علیه السلام :مَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ» فَقَد أدّی شُکرَ کُلِّ نِعمَهٍ للّهِ عز و جلعَلَیهِ . (4) .

1- .الکافی : ج 2 ص 96 ح 12 ، تفسیر العیّاشی : ج 1 ص 67 ح 120 عن سماعه بن مهران نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 29 ح 7 .
2- .الأمالی للطوسی : ص 570 ح 1178 عن محمّد بن علیّ بن الحسین عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 70 ، أعلام الدین : ص 208 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 32 نقلاً عن الخطیب فی تالی التلخیص من طریق ثابت عن أنس مرفوعا .
3- .الکافی : ج 2 ص 95 ح 10 عن میسّر ، مشکاه الأنوار : ص 71 ح 121 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 40 ح 29 .
4- .الخصال : ص 299 ح 72 عن أبی حمزه الثمالی ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 114 ح 2316 ، روضه الواعظین : ص 518 وفیهما «الحمد للّه الذی هدانی» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 44 ح 45 وج93 ص 193 ح 5 .

5980.المعجم الکبیر عن ابن عمر :الکافی به نقل از ابو بصیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : آیا برای سپاس گزاری از خدا ، حدّی هست که هر گاه بنده آن را به جا آورَد ، سپاس گزار باشد؟

فرمود : «آری» .

گفتم : آن حد چیست؟

فرمود : «خدای را بر هر نعمتی که با خانواده و اموالش به او داده است ، ستایش گوید و اگر در اموالی که به او ارزانی داشته ، حقّی داشته باشد ، آن را بپردازد» .1 / 4به جا آوردن سپاس گزاری کامل5983.الأمالی للطوسی عن أبی ذرّ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :توحید ، بهای بهشت است و ستایش خدا گفتن ، سپاس گزاری کامل از هر نعمتی است .5984.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :شکرانه نعمت ، دوری کردن از حرام هاست و شکرِ تمام ، گفتن مرد که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .5985.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) امام زین العابدین علیه السلام :هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را» ، شکر هر نعمتی را که خداوند عز و جل به او داده ، به جا آورده است .

.

5986.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :شُكرُ كُلِّ نِعمَةٍ وإن عَظُمَت أن تَحمَدَ اللّهَ عز و جل عَلَيها . (1)5987.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ بِنِعمَةٍ صَغُرَت أو كَبُرَت فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» إلّا أدّى شُكرَها . (2)5988.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَن قالَ أربَعَ مَرّاتٍ إذا أصبَحَ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» فَقَد أدّى شُكرَ يَومِهِ ، ومَن قالَها إذا أمسى فَقَد أدّى شُكرَ لَيلَتِهِ . (3)5989.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَن قالَ في كُلِّ يَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ : «الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ نِعمَةٍ كانَت أو هِيَ كائِنَةٌ» ، فَقَد أدّى شُكرَ ما مَضى وشُكرَ ما بَقِيَ . (4)1 / 5مِفتاحُ الشُّكرِ وخاتَمُهُ5992.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ إبراهيمَ عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ عز و جل قالَ : يا رَبِّ ما جَزاءُ مَن حَمِدَكَ؟ قالَ : الحَمدُ مِفتاحُ الشُّكرِ وخاتَمُ الشُّكرِ ، وَالحَمدُ يُعرَجُ بِهِ إلى عَرشِ رَبِّ العالَمينَ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 95 ح 11 ، الخصال : ص 21 ح 73 كلاهما عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 210 ح 3 .
2- .الكافى : ج 2 ص 96 ح 14 عن صفوان الجمّال ، بحار الأنوار : ج 71 ص 32 ح 9 .
3- .الكافى : ج 2 ص 503 ح 5 ، عدّه الداعى : ص 245 كلاهما عن أبى مسعود ، ثواب الأعمال : ص 13 ح 1 عن أبى مسعر ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 79 ح 2199 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 162 ح 40 وص254 ح 24 ؛ كنزالعمّال : ج 2 ص 136 ح 3486 .
4- .ثواب الأعمال : ص 24 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 2 ح 3 وج 93 ص 211 ح 10 .
5- .الفردوس : ج 1 ص 223 ح 857 ، تاريخ دمشق : ج 6 ص 242 ح 1516 نحوه وكلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 469 ح 2042 .

5993.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :سپاس هر نعمتی ، هر چند آن نعمت بزرگ باشد ، این است که خداوند عز و جل را بر آن ، ستایش گویی .5994.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :هر نعمتی ، کوچک یا بزرگ ، که خداوند به بنده ای ارزانی می دارد ، اگر بنده بگوید : «ستایش ، خدای را» ، بی گمان ، شکر آن نعمت را به جا آورده است .5995.کنز الفوائد عن سهل بن سعید :امام صادق علیه السلام :هر کس چون صبح کند ، چهار مرتبه بگوید : «ستایش ، خدای را که پروردگارِ جهانیان است» ، شکر آن روزش را به جا آورده است ، و هر کس چون شب کند ، همین گونه بگوید ، شکر آن شبِ خود را نیز به جا آورده است .5996.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :هر کس در هر روز ، هفت مرتبه بگوید : «ستایش ، خدای را بر هر نعمتی که به من داده یا خواهد داد» ، (1) بی گمان ، شکر نعمت های گذشته و آینده را به جا آورده است .1 / 5آغاز و فرجام سپاس گزاری5999.الإمام الباقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ابراهیم علیه السلام از پروردگارش عز و جل پرسید : پروردگارا ! پاداش کسی که تو را ستایش گوید ، چیست؟

فرمود : «ستایش ، آغازِ سپاس گزاری و فرجامِ سپاس گزاری است . ستایش ، به سوی عرش پروردگار جهانیان ، بالا برده می شود» .

.

1- .یا : «هر نعمتی که در گذشته داشته ام و یا اکنون دارم» .

الفَصلُ الثّانى : الحثّ على التّحميد2 / 1خَيرُ حامِدٍ ومَحمودِالكتاب«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» . (1)

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَوَ تِ وَ مَا فِى الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْاخِرَهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» . (2)

«وَ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْأُولَى وَ الْاخِرَهِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» . (3)

راجع :الفاتحه:1،النحل:75،الكهف:1،فاطر:1،الصافّات:182،الزمر:21،غافر:65،الروم:18،التغابن:1،الجاثيه:36.

الحديث6009.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا خَيرَ حامِدٍ ومَحمودٍ ، يا خَيرَ شاهِدٍ ومَشهودٍ . (4) .

1- .الأنعام : 1 .
2- .سبأ : 1 .
3- .القصص : 70 .
4- .البلد الأمين : ص 410 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 396 .

فصل دوم: تشویق به حمدگویی2 / 1بهترین ستاینده و بهترین ستودهقرآن«ستایش ، خدایی را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد. با این همه ، کسانی که کفر ورزیده اند، [غیر او را] با پروردگار خود ، برابر می کنند» .

«ستایش ، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آنِ اوست، و در آخرت [نیز] ستایش ، از آنِ اوست، و هم اوست سنجیده کارِ آگاه» .

«و اوست خدا[یی که] جز او معبودی نیست. در این [سرایِ] نخستین و در آخرت، ستایش ، از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید» .

ر . ک : فاتحه : آیه 1 ، نحل : آیه 75 ، کهف : آیه 1 ، فاطر : آیه 1 ، صافّات : آیه 182 ، زمر : آیه 21 ، غافر : آیه 65 ، روم : آیه 18 ، تغابن : آیه 1 ، جاثیه : آیه 36 .

حدیث6019.المناقب لابن المغازلی عن أبی هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای بهترین ستاینده و ستوده شده ! ای بهترین گواهی دهنده و گواهی شده !

.

6020.المناقب لابن شهر آشوب عن عبد اللّه بن موسى :عنه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا أحَدُ يا واحِدُ ، يا شاهِدُ يا ماجِدُ يا حامِدُ . (1)6021.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :إنّ اللّهَ ولَهُ الحَمدُ افتَتَحَ الحَمدَ لِنَفسِهِ ، وخَتَمَ أمرَ الدُّنيا ومَحَلَّ الآخِرَهِ بِالحَمدِ لِنَفسِهِ ، فَقالَ : «وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (2) . (3)6022.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى يُمهِلُ الظّالِمَ حَتّى يَقولَ : أهمَلَنى ، ثُمَّ إذا أخَذَهُ أخَذَهُ أخذَةً رابِيَةً ... إنَّ اللّهَ تَعالى حَمِدَ نَفسَهُ عِندَ هَلاكِ الظّالِمينَ ، فَقالَ : «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (4) . (5)6023.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن أحَبَّ بَقاءَ الظّالِمينَ فَقَد أحَبَّ أن يُعصَى اللّهُ ، إنَّ اللّهَ تَعالى حَمِدَ نَفسَهُ على هَلاكِ الظّالِمينَ ، فَقالَ : «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (6)6024.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى جَوابِ اليَهودِىِّ الَّذى سَأَلَهُ عَن تَفسيرِ «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ...» : أمّا قَولُهُ «الحَمدُ للّهِ» فَإنَّهُ عَلِمَ أنَّ العِبادَ لا يُؤَدّونَ شُكرَ نِعمَتِهِ فَحَمِدَ نَفسَهُ قَبلَ أن يَحمَدوهُ وهُوَ أوَّلُ الكَلامِ ، لَولا ذلِكَ لَما أنعَمَ اللّهُ عَلى أحَدٍ بِنِعمَتِهِ . (7) .

1- .البلد الأمين : ص 405 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 388 .
2- .الزمر : 75 .
3- .الكافى : ج 1 ص 141 ح 7 ، التوحيد : ص 32 ح 1 وفيه «افتتح الكتاب بالحمد لنفسه» وكلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 266 ح 14 .
4- .الأنعام : 45 .
5- .كنز الفوائد : ج 1 ص 135 ، أعلام الدين : ص 315 عن الإمام العسكرى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 321 ح 50 وص 322 ح 51 .
6- .الكافى : ج 5 ص 108 ح 11 ، معانى الأخبار : ص 253 كلاهما عن فضيل بن عياض ، تفسير القمّى : ج 1 ص 200 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 304 ح 15 .
7- .الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه عن الإمام الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص 34 ، بحار الأنوار : ج 9 ص

294 ح 5 و ج 93 ص 167 ح 1 .

6025.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به حقّ نامت ، ای یگانه ، ای یکتا ، ای گواه ، ای بزرگوار ، ای ستاینده !6026.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) امام علی علیه السلام : خداوند که ستایشش باد ، ستایش را برای خویش ، آغاز کرد و کارِ دنیا و سرای آخرت را با ستایش خویش ، پایان بخشید و فرمود : «و میان ایشان ، به درستی داوری گردید و گفته شد : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6027.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال ، ستمکار را چندان مهلت می دهد که می گوید : «با من ، کاری ندارد» ، سپس چون او را کیفر دهد ، کیفری سخت می دهد ... . خدای متعال ، آن گاه که ستمکاران را نابود گردانَد ، خویشتن را ستایش می گوید . فرموده است : «پس ریشه آن گروهی که ستم کردند ، برکَنْده شد . و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6028.أعلام الدین عن أبی ذرّ :امام صادق علیه السلام :هر که بقای ستمگران را دوست بدارد ، در واقع ، دوست داشته که خداوند ، نافرمانی شود ؛ [چرا که]خدای متعال ، خویشتن را بر نابود کردن ستمگران ، ستایش گفته و فرموده است : «پس ریشه آن گروهی که ستم کردند ، برکَنْده شد . و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6029.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ مردی یهودی که از ایشان ، در باره تفسیر «پاکا خدا ، و ستایش ، خدای را ! ...» پرسید : سخن خداوند : «ستایش ، خدای را» ، چون می دانست که بندگان ، شکر نعمت های او را به جا نمی آورند ، لذا پیش از آن که آنان او را ستایش گویند ، خود خویشتن را ستایش گفت ، و این ، آغازِ گفتار است . اگر این ستایش نبود ، خداوند به هیچ کس نعمتش را ارزانی نمی داشت . .

2 / 2أحَقُّ مَن حُمِدَالكتاب«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (1)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَ تِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (2)

«وَ لَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» . (3)

«وَ لَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» . (4)

«وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ وَلِىٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرَا» . (5)

«وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رَبُّکَ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» . (6)

«دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (7)

.

1- .الفاتحه : 2 ، الصافّات : 182 ، الزمر : 75 ، غافر : 65 .
2- .الجاثيه : 36 .
3- .العنكبوت : 63 .
4- .لقمان : 25 .
5- .الإسراء : 111 .
6- .النمل : 93 .
7- .يونس : 10 .

2 / 2سزاوارترین کس به ستایشقرآن«ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

«پس سپاس ، از آنِ خداست ، پروردگارِ آسمان ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان» .

«و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن ، زنده گردانیده است؟» ، حتماً خواهند گفت: «خدا» . بگو: «ستایش ، از آنِ خداست ، با این همه، بیشترشان نمی اندیشند»» .

«و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟» ، مسلّماً خواهند گفت: «خدا» . بگو: «ستایش از آنِ خداست» ؛ ولی بیشترشان نمی دانند» .

«و بگو: «ستایش ، خدایی را که نه فرزندی گرفته ، و نه در جهانداری شریکی دارد ، و نه خوار بوده که [نیاز به]دوستی داشته باشد» . و او را بسیار بزرگ شمار» .

«و بگو: «ستایش ، از آنِ خداست. به زودی ، آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت» . و پروردگار تو ، از آنچه می کنید ، غافل نیست» .

«نیایش آنان در آن جا «سبحانک اللّهم ؛ خدایا ! تو منزّهی !» و درودشان در آن جا ، سلام است، و پایان نیایش آنان ، این است که: «الحمد لله رب العالمین ؛ ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است»» .

.

«وَ قَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِینَ» . (1)

«وَقَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْکُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (2)

الحدیث6053.عنه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الحَمدُ رِداءُ الرَّحمنِ . (3)6054.عنه صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :یا مَن شُکرُهُ فَوزٌ لِلشّاکِرینَ ، یا مَن حَمدُهُ عِزٌّ لِلحامِدینَ . . . یا أجَلَّ مَشکورٍ شُکِرَ ، یا أعَزَّ مَذکورٍ ذُکِرَ ، یا أعلی مَحمودٍ حُمِدَ . (4)6055.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :لا یَحمَد حامِدٌ إلّا رَبَّهُ ، ولا یَلُم لائِمٌ إلّا نَفسَهُ . (5)6056.المعجم الکبیر عن فاطمه علیهاالسلام بنت رسول اللّهالإمام الحسن علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ :لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ . . . وإنَّهُ أولی مَن عُبِدَ وأحَقُّ مَن حُمِدَ . (6)2 / 3أحَبُّ الأشیاءِ إلَی اللّهِ6059.شرح الأخبار عن أبی أیّوب الأنصاری :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما مِن شَیءٍ أحَبَّ إلَی اللّهِ مِنَ الحَمدِ . (7) .

1- .الزمر : 74 .
2- .الأعراف : 43 .
3- .إحیاء علوم الدین : ج 4 ص 120 ، المغنی عن حمل الأسفار : ج 2 ص 1020 ح 3710 وزاد فیه «لم أجد له أصلاً . وفی الصحیح من حدیث أبی هریره : الکبریاء ردائه» ، تفسیر ابن کثیر : ج 1 ص 38 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 31 کلاهما عن الضحّاک من دون إسنادٍ إلیه صلی الله علیه و آله ؛ المحجّه البیضاء : ج 7 ص 143 .
4- .البلد الأمین : ص 409 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 394 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 16 ، الغارات : ج 2 ص 596 عن الکلبی ، غرر الحکم : ح 10150 وح 10152 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 11 ح 4 .
6- .الأمالی للطوسی : ص 159 ح 267 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 44 ص 151 ح 22 .
7- .مسند أبی یعلی : ج 4 ص 206 ح 4240 ، تفسیر الثعالبی : ج 2 ص 442 وزاد فیه «وأبلغ الحمد الحمد للّه علی کلّ حال» ، کنزالعمّال : ج 3

ص 132 ح 5833 نقلاً عن شُعب الإيمان وكلّها عن أنس .

«و می گویند: «ستایش ، خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت]را به ما میراث داد» . از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم ، جای می گزینیم . چه نیک است پاداش عمل کنندگان !» .

«و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم. از زیر [قصرهای] شان ، نهرها جاری است و می گویند: «ستایش ، خدایی را که ما را بدین [راه] ، هدایت نمود، و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد ، ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت، فرستادگانِ پروردگارِ ما حق را آوردند» . و به آنان ندا داده می شود که : «این ، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید»» .

حدیث6063.عنه صلی الله علیه و آله (حینَ قَدِمَ عَلَیهِ وَفدُ أهلِ الطّائِفِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ستایش ، ردای [خدای] مهربان است .6064.تاریخ بغداد عن عبد اللّه بن العبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای آن که سپاسش مایه رستگاری سپاس گزاران است ! ای آن که ستایشش مایه ارجمندی ستایندگان است ! ... ای شکوهمندترین سپاس داشته ای که سپاس گفته اند ! ای ارجمندترین یاد شده ای که از او یاد شده است ! ای برترین ستوده ای که ستایش شده است !6065.المحاسن والمساوئ عن ابن عبّاس :امام علی علیه السلام :هیچ ستاینده ای ستایش نمی کند ، مگر خداوند خویش را ، و هیچ نکوهنده ای نکوهش نمی کند ، مگر خویشتن را .6066.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام حسن علیه السلام در وصیّتش : معبودی جز خدا نیست که یگانه است و بی شریک ... و سزاوارترین کس به پرستش است و شایسته ترین کس به ستایش .2 / 3محبوب ترین چیزها نزد خدا6069.اُسد الغابه عن أبی الضحّاک الأنصاری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چیزی نزد خدا ، محبوب تر از ستایش [او] نیست .

.

6070.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ شَيءٌ أحَبَّ إلَيهِ الحَمدُ مِنَ اللّهِ تَعالى ، ولِذلِكَ أثنى عَلى نِفسِهِ فَقالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» . (1)6071.سنن الترمذى عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :ما أحَدٌ أحَبُّ إلَيهِ الحَمدُ مِنَ اللّهِ عز و جل . (2)6072.خصائص أمير المؤمنين عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل يُحِبُّ أن يُحمَدَ . (3)6073.تاريخ دمشق عن أنس بن مالک :مسند ابن حنبل عن الأسود بن سريع :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ألا اُنشِدُکَ مَحامِدَ حَمِدتُ بِها رَبّى تَبارَکَ وتَعالى؟

قالَ : أما إنَّ ربَّکَ عز و جل يُحِبُّ الحَمدَ . (4)6074.شرح الأخبار عن أبى أيّوب الأنصارى :تفسير ابن كثير عن ابن عبّاس :قالَ عُمَرُ : قَد عَلِمنا سُبحانَ اللّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، فَمَا الحَمدُ للّهِ؟

فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : كَلِمَهٌ رَضِيَهَا اللّهُ لِنَفسِهِ . (5)2 / 4أحَقُّ مَا ابتُدِئَ بِهِ6077.المستدرک على الصحيحين عن أسماء بنت عميس :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أحَقَّ مَا ابتَدَأ بِهِ المُبتَدِئونَ ، ونَطَقَ بِهِ النّاطِقونَ ، وتَفَوَّهَ بِهِ القائِلونَ : حَمدُ اللّهِ وثَناءٌ عَلَيهِ بِما هُوَ أهلُهُ ، وَالصَّلاهُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله . (6) .

1- .تفسير الطبرى : ج 1 الجزء 1 ص 60 عن الأسود بن سريع .
2- .تفسير التبيان : ج 7 ص 305 ، مجمع البيان : ج 7 ص 125 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 92 ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 178 ح 10378 عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمال : ج 3 ص 387 ح 7078 .
3- .المعجم الكبير : ج 1 ص 283 ح 825 عن الأسود بن سريع ، كنز العمّال : ج 3 ص 253 ح 6409 وص 261 ح 6452 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 303 ح 15586 ، الأدب المفرد : ص 255 ح 861 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 712 ح 6575 ، المعجم الكبير : ج 1 ص 282 ح 820 824 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 42 وزاد فيه «أو قال : ما من شىء أحبّ إليه الحمد من اللّه » ، كنزالعمّال : ج 3 ص 855 ح 8947 .
5- .تفسير ابن كثير : ج 1 ص 38 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 254 ح 3956 نقلاً عن ابن أبى حاتم .

6- .تاريخ دمشق : ج 39 ص 198 ، المناقب للخوارزمى : ص 299 ح 296 وفيه «أحسن» بدل «أحقّ» وكلاهما عن أبى ذرّ ، كنزالعمّال : ج 5 ص 717 ح 14242 .

6078.الإصابه عن معاذه الغفاریّه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چیز نزد خداوند متعال ، دوست داشتنی تر از ستایش نیست . از همین رو ، خود ، خویشتن را ستوده و فرموده است : «ستایش ، خدای را» .6079.المناقب لابن شهر آشوب عن بریده :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس به اندازه خداوند عز و جل دوستدارِ ستایش نیست .6080.مسند ابن حنبل عن النعمان بن بشیر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل دوست دارد که ستایش شود .6081.المستدرک علی الصحیحین عن جمیع بن عمیر :مسند ابن حنبل به نقل از اسود بن سریع : گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا شعری که در ستایش پروردگار تبارک و تعالی سروده ام ، برایت نخوانم ؟

فرمود : «بدان که پروردگار تو عز و جل ، ستایش را دوست دارد .6082.سنن الترمذی عن جمیع بن عمیر التیمی :تفسیر ابن کثیر به نقل از ابن عبّاس : عمر گفت : معنای «پاکا خدا ، و معبودی جز خدا نیست !» را می دانیم ، «ستایش ، خدای را» به چه معناست؟

علی علیه السلام فرمود : «این ، سخنی است که خداوند ، آن را برای خود پسندیده [و ویژه گردانیده] است» .2 / 4سزاوارترین چیز به آغاز کردن با آن6085.سنن الترمذی عن بریده :امام علی علیه السلام :سزاوارترین چیزی که آغاز کنندگان ، با آن آغاز می کنند و نطق کنندگان ، به آن نطق می کنند و گویندگان ، آن را به زبان می آورند ، ستایش و ثنای خداست به اوصافی که او شایسته آنهاست ، و صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله است .

.

6086.خصائص أمير المؤمنين عن ابن بريده :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ كَلامٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِالحَمدِ للّهِ فَهُوَ أجذَمُ . (1)6087.مسند الرويانى عن بريده :عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ أمرٍ ذى بالٍ لا يُبدَأُ فيه بِحَمدِ اللّهِ وَالصَّلاهِ عَلَىَّ فَهُوَ أقطَعُ أبتَرُ ، مَمحوقٌ (2) مِن كُلِّ بَرَكَهٍ . (3)2 / 5مِفتاحُ القُرآنِ6090.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِىٍّ عليه السلام) الإمام الرضا عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى حَمِدَ فِى الكِتابِ نَفسَهُ ، وَافتَتَحَ بِالحَمدِ كِتابَهُ ، وجَعَلَ الحَمدَ أوَّلَ جَزاءِ مَحَلِّ نِعمَتِهِ ، وآخِرَ دَعوى أهلِ جَنَّتِهِ . (4)2 / 6مِفتاحُ الذِّكرِ6093.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ الحَمدَ مِفتاحا لِذِكرِهِ ، وسَبَبا لِلمَزيدِ مِن فَضلِهِ ، ودَليلاً عَلى آلائِهِ وعَظَمَتِهِ . (5) .

1- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 261 ح 4840 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 19 ص 72 ح 141 عن كعب نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 559 ح 2511 .
2- .المَحْق : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج 4 ص 303 «محق») .
3- .كنزالعمّال : ج 1 ص 558 ح 2510 نقلاً عن الرهاوى عن أبى هريره .
4- .الكافى : ج 5 ص 273 ح 7 عن معاويه بن حكيم ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 449 ح 1541 وفيه «جزاء أهل طاعته» بدل «آخر دعوى أهل جنّته» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 264 ح 4 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 157 .

2 / 5 آغاز قرآن

2 / 6 آغازِ یاد خدا

6094.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر سخنی که با ستایش خدا آغاز نشود ، آن سخن ، ناقص است .6095.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کارِ مهمّی که با ستایش خدا و صلوات فرستادن بر من آغاز نشود ، آن کار ، بُریده [و بی دنباله] و از هر برکتی ، تُهی است .2 / 5آغاز قرآن6098.عنه علیه السلام :امام رضا علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش : ستایش ، خدای را که در قرآن ، خویشتن را ستوده است ، و کتاب خود را با ستایش ، گشوده است و ستایش را نخستین پاداشِ سرای نعمتش [بهشت] و واپسین نیایش اهل بهشتش قرار داده است .2 / 6آغازِ یاد خدا6101.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش : ستایش ، خدای را که ستایش را آغاز یاد خویش قرار داد ، و وسیله افزونی احسانش ، و راه نما بر نعمت ها و بزرگی اش .

.

2 / 7يَملَأُ الميزانَ6104.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلَا اللّهُ» نِصفُ الميزانِ ، وَ«الحَمدُ للّهِ» تَملَؤُهُ . (1)6105.تاريخ دمشق عن ابن طاووس عن أبيه :عنه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ ، وَالتَّكبيرُ يَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (2)6106.عيون أخبار الرضا عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإتفسير القمّى عن سليمان بن داوود رفعه قال :جاءَ رَجُلٌ إلى عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام فَسَأَلَهُ عَن مَسائِلَ . . . فَقالَ الرَّجُلُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ .

فَقالَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : وأنَا أقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، فَإذا قالَ أحَدُكُم : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، فَليَقُل : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ»؛ فَإنَّ اللّهَ يَقولُ : «هُوَ الْحَىُّ لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (3) . (4)2 / 8دَعوى أهلِ الجَنَّهالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَنِهِمْ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَرُ فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ * دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (5)

.

1- .الأمالى للمفيد : ص 246 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 19 ح 21 كلاهما عن شدّاد بن أوس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 194 ح 9 ؛ الفردوس : ج 5 ص 9 ح 7282 عن شدّاد بن أوس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 64 ح 228 .
2- .الدعوات : ص 54 ح 136 ، الكافى : ج 2 ص 506 ح 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 175 ح 21 ؛ سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3519 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 177 ح 659 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 464 ح 2019 .
3- .غافر : 65 .
4- .تفسير القمّى : ج 2 ص 260 ، الدعوات : ص 164 ح 454 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 208 ح 13 .
5- .يونس : 9 و 10 .

2 / 7 پُرکننده ترازوی اعمال

2 / 8 نیایش بهشتیان

2 / 7پُرکننده ترازوی اعمال6113.شرح نهج البلاغه عن ابن عبّاس (مِن كَلامِهِ لِعُثمانَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«معبودی جز خدا نیست» ، نیمی از ترازو [ی اعمال] است ، و «ستایش ، خدای را» آن را پر می کند .6114.الإمام علیّ علیه السلام (مِن كَلامِهِ فی شَأنِ الحَكَمَينِ وذَمِّ أهلِ ا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح ، نیمی از ترازو[ی اعمال] است ، و حمد آن را پر می کند ، و تکبیر از آسمان تا زمین را آکنده می سازد .6115.عنه علیه السلام (مِن كِتابٍ لَهُ إلى عَقيلٍ) تفسیر القمی به نقل از سلیمان بن داوود ، در حدیثی که سند آن را به امام زین العابدین علیه السلام رسانده است : مردی خدمت امام زین العابدین علیه السلام آمد و از ایشان سؤالاتی پرسید ... . مرد گفت : معبودی جز خدا نیست .

امام زین العابدین علیه السلام فرمود : من نیز می گویم : «معبودی جز خدا نیست» . هر گاه یکی از شما گفت : «معبودی جز خدا نیست» ، بگوید : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ؛ چرا که خداوند می فرماید : «اوست زنده ، معبودی جز او نیست ، پس او را بخوانید در حالی که دین [خود] را برای وی ناب گردانیده اید . ستایش ، از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است» .2 / 8نیایش بهشتیانقرآن«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می کند ، [و] در باغ های [پُر ناز و] نعمت، از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود . نیایش آنان در آن جا «سبحانک اللّهم ؛ خدایا! تو پاک و منزّهی » و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش آنان این است که: «الحمد لله ربّ العالمین ؛ ستایش ، ویژه پروردگار جهانیان است»» .

.

الحديث6121.تاريخ دمشق عن ابن عبّاس :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سُئِلَ عَن جَزاءِ مَن قالَ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ . . . : إذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» سَبَّحَ مَعَهُ ما دونَ العَرشِ ، فَيُعطى قائِلُها عَشرَ أمثالِها ، وإذا قالَ : «الحَمدُ للّهِ» أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعَمِ الدُّنيا مَوصولاً بِنِعَمِ الآخِرَهِ ، وهِىَ الكَلِمَهُ الَّتى يَقولُها أهلُ الجَنَّهِ إذا دَخَلوها ، ويَنقَطِعُ الكَلامُ الَّذى يَقولونَهُ فِى الدُّنيا ما خَلَا الحَمدُ للّهِ؛ وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : « دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » .

6122.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مِن شَرَفِ هذِهِ الكَلِمَهِ وهِىَ الحَمدُ للّهِ أنَّ اللّهَ تَعالى جَعَلَها فاتِحَهَ كِتابِهِ ، وجَعَلَها خاتِمَهَ دَعوى أهلِ جَنَّتِهِ؛ فَقالَ : «وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» . (2)2 / 9أفضَلُ الدُّعاءِ6125.عنه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ الدُّعاءِ الحَمدُ للّهِ . (3) .

1- .علل الشرايع : ص 251 ح 8 ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 كلاهما عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص 34 عن الحسين بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه الإمام الحسين عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 9 ص 295 ح 5 وج 93 ص 167 ح 1 .

2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 347 ح 982 .

3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 462 ح 3383 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1249 ح 3800 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 676 ح 1834 وص 682 ح 1852 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 126 ح 846 ، عمل اليوم والليله للنسائى : ص 481 ح 831 كلّها عن جابر بن عبد اللّه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 414 ح 1748 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : ص 258 عن ابن عبّاس .

حدیث6127.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از پاداش کسی که بگوید : پاکا خدا و ستایش خدای را ... : هر گاه بنده بگوید : «پاکا خدا» ، هر آنچه زیر عرش است ، با او تسبیح می گوید و به گوینده آن ، ده برابرش عطا می شود ، و هر گاه بگوید : «ستایش خدای را» ، خداوند نعمت های دنیا را به او ارزانی می دارد و به نعمت های آخرت وصل می کند . این [ذکر] ، جمله ای است که اهل بهشت هر گاه وارد آن شوند ، می گویند . هر سخنی که در دنیا می گویند ، قطع خواهد شد ، بجز گفته «ستایش خدای را» . خدای تعالی می فرماید : «نیایششان در آن جا «پاکی تو ای خداوند!» است ، و درودشان در آن جا «سلام» است ، و آخر نیایش آنان این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است»» .6128.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : از ارجمندی این سخن یعنی «ستایش ، خدای را» است که خداوند متعالی آن را آغاز کتابش ، و پایان نیایش بهشتیانش قرار داده است ، و می فرماید : «و پایان نیایش آنان ، این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است»» .2 / 9برترین دعا6131.کنز الفوائد عن أبی هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین دعا ، گفتنِ «ستایش خدای را» است .

.

6132.خصائص أمير المؤمنين عن سعد بن أبى وقّاص :الكافى عن المفضّل :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ، عَلِّمنى دُعاءً جامِعا ، فَقالَ لى : اِحمَدِ اللّهَ فَإِنَّهُ لايَبقى أحَدٌ يُصَلّى إلّا دَعا لَکَ ، يَقولُ : سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَهُ . (1)2 / 10ثَمَنُ کُلِّ نِعمَةٍ6135.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ ثَمَنُ کُلِّ نِعمَةٍ . (2)2 / 11أفضَلُ مِنَ النِّعمَةِ6138.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن بريده :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يُنعِمُ [اللّهُ] عَلَيهِ نِعمَةً إلّا کانَ الحَمدُ أفضَلَ مِنها . (3)6139.الإرشاد (فى خَبَرِ سَبيِ عَلِيٍّ عليه السلام نِساءً مِن) عنه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ فَحَمِدَ اللّهَ عَلَيها ، إلّا کانَ ذلِکَ الحَمدُ أفضَلَ مِن تِلکَ النِّعمَةِ وإن عَظُمَت . (4)6140.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) عنه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ نِعمَةً فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» إلّا کانَ الَّذى أعطاهُ أفضَلَ مِمّا أخَذَ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 503 ح 1 ، عدّه الداعى : ص 245 عن الفضل ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 79 ح 2202 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 192 .
2- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 32 نقلاً عن ابن شاهين فى السنّه ، الفردوس : ج 2 ص 74 ح 2415 وفيه «الحمد» بدل «الحمد للّه » وكلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 52 ح 157 وص 77 ح 307 .
3- .شُعب الإيمان : ج 4 ص 98 ح 4404 عن جابر ، كنزالعمّال : ج 3 ص 264 ح 6470 نقلاً عن المعجم الكبيروفيه «... نعمه فيحمد اللّه إلّا كان ...»
4- .المعجم الكبير : ج 8 ص 193 ح 7794 عن أبى اُمامه ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 98 ح 4405 عن الحسن وفيه «كان حمد اللّه تعالى أعظم منها كائنه ما كانت» ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 344 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن عمر بن عبدالعزيز نحوه ، كنزالعمّال : ج 3 ص 253 ح 6405 وص 263 ح 6467 .
5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1250 ح 3805 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 98 ح 4403 نحوه وكلاهما عن أنس ، الزهد لهنّاد : ج2 ص399 ح776 عن الحسن، نوادر الاُصول : ج2 ص137 وفيهما «من نعمه صغيره ولا كبيره فحمد اللّه عليها» بدل «نعمه فقال : الحمد للّه » ، كنز العمّال : ج 3 ص 253 ح 6404 وص264 ح 6469 .

2 / 10 بهای هر نعمتی

2 / 11 برتر از نعمت

6141.عنه صلی الله علیه و آله (فی عَلِیٍّ علیه السلام) الکافی به نقل از مُفَضَّل : به امام صادق علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! دعایی جامع به من بیاموز . فرمود : «خدا را ستایش گوی ؛ زیرا [در این صورت]هر کسی که نماز می خواند ، برای تو دعا می کند ؛ [چون در نمازش] می گوید : خدا بشنود [و بپذیرد] سخن کسی را که ستایشِ او گوید .2 / 10بهای هر نعمتی6144.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ستایش خدا ، بهای هر نعمتی است .2 / 11برتر از نعمت6147.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که خداوند به او نعمتی دهد ، مگر این که سپاس [آن نعمت] ، برتر از خود آن نعمت است .6148.الإصابه عن ابن الزبیر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد و او خدا را بر آن نعمتْ سپاس گوید ، آن سپاس ، برتر از خود آن نعمت است ؛ هر چند آن نعمت ، بزرگ باشد .6149.کشف الغمّه عن مقاتل بن سلیمان (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «وَ الَّذِینَ یُؤْذُونَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد و او بگوید : «ستایش ، خدای را» ، آنچه [بنده] به خدا داده ، برتر از چیزی است که گرفته است .

.

6150.تفسير القرطبيالإمام الصادق عليه السلام :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ بِنِعمَةٍ بالِغَةً ما بَلَغَت فَحَمِدَ اللّهَ عَلَيها ، إلّا كانَ حَمدُهُ للّهِ أفضَلَ مِن تِلكَ النِّعمَةِ وأعظَمَ وأوزَنَ . (1)6151.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :مَن حَمِدَ اللّهَ عَلى النِّعمَةِ فَقَد شَكَرَهُ ، وكانَ الحَمدُ أفضَلَ مِن تِلكَ النِّعمَةِ . (2)6152.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو أنَّ الدُّنيا كُلَّها لُقمَةٌ واحِدَةٌ ، فَأكَلَها العَبدُ المُسلِمُ ثُمَّ قالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، لَكانَ قَولُهُ ذلِكَ خَيرا لَهُ مِنَ الدُّنيا وما فيها . (3)6153.الأمالى للطوسى عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :لو أنَّ الدُّنيا كُلَّها بِحَذافيرِها (4) فى يَدِ رَجُلٍ مِن اُمَّتى ، ثُمَّ قالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، لَكانَ الحَمدُ للّهِ أفضَلَ مِن ذلِكَ . (5)2 / 12كَثرَةُ الحَمدِ6156.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أفضَلَ عِبادِ اللّهِ يَومَ القِيامَةِ الحَمّادونَ . (6)6157.مسند أبى يعلى عن سعد بن أبى وقّاص :عنه صلى الله عليه و آله :يُحشَرُ النّاسُ يَومَ القِيامَةِ فى صَعيدٍ واحِدٍ فَيُسمِعُهُمُ الدّاعى وتُبعِدُهُمُ (7) البَصَرُ ، ثُمَّ يَقومُ مُنادٍ فَيُنادى يَقولُ : سَيَعلَمُ أهلُ الجَمعِ اليَومَ مَن أولى بِالكَرَمِ . فَيَقولُ : أينَ الَّذينَ يَحمَدونَ اللّهَ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ؟ فَيَقومونَ وهُم قَليلونَ فَيَدخُلونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ . (8) .

1- .ثواب الأعمال : ص 216 ح 1 عن الهيثم بن واقد ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 78 ح 2196 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 51 ح 72 وراجع مشكاه الأنوار : ص 66 ح 96 .
2- .الكافى : ج 2 ص 96 ح 13 عن معمّر بن خلّاد ، مشكاه الأنوار : ص 71 ح 122 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 31 ح 8 وج 93 ص 214 ح 17 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 610 ح 1260 عن جابر بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 216 ح 20 .
4- .الحذافير : الجوانب. وقيل : الأعالى ، واحدها حِذفار (النهايه : ج 1 ص 356 «حذفر») .
5- .نوادر الأُصول : ج 2 ص 10 ، تاريخ دمشق : ج 54 ص 16 ح 11322 ، تفسير القرطبى : ج 1 ص 131 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 3 ص 253 ح 6406 .
6- .المعجم الكبير : ج 18 ص 124 ح 254 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 208 ح 19916 كلاهما عن عمران بن حصين ، كنزالعمّال : ج 3 ص 254 ح

. 6414
7- .فى المصادر الأُخرى : «وينفذهم البصر» .
8- .مسند إسحاق بن راهويه : ج 5 ص 180 ح 2305 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 457 ح 1581 كلاهما عن أسماء بنت يزيد ، حليه الأولياء : ج 2 ص 9 عن عقبه بن عامر نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 852 ح 43391 و 43392 .

6158.الأمالی للطوسی عن زرّ بن حبیش :امام صادق علیه السلام :خداوند به هر بنده ای نعمتی دهد هر چه و هر اندازه که باشد و او خدا را بر آن ، سپاس گوید ، این سپاسگوییِ او برای خدا ، برتر و بزرگ تر و سنگین تر از خود آن نعمت است .6159.مسند ابن حنبل عن عمرو بن شاس الأسلمی :امام رضا علیه السلام :هر کس خدا را بر نعمت حمد گوید ، هر آینه از او سپاس گزاری کرده است ، و این حمد ، برتر از خود آن نعمت است .6160.التاریخ الکبیر عن عمرو بن شاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر همه دنیا یک لقمه شود و بنده مسلمان آن را بخورد وسپس بگوید : «ستایش ، خدای را» ، این گفته او برایش از دنیا و هر آنچه در دنیاست ، بهتر باشد .6161.المناقب للخوارزمی عن عمرو بن خالد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر همه دنیا ، سراسر ، در دست مردی از امّت من باشد ، و او [بر این نعمت] بگوید : «ستایش ، خدای را» ، هر آینه این ستایش خدا ، برتر از آن [همه نعمت] است .2 / 12ستایشِ بسیار گفتن6164.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین بندگان خدا در روز رستاخیز ، ستایشگران اند .6165.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز رستاخیز ، مردمان در بیابانی صاف و پهناور گردآورده می شوند ، به طوری که صدا و نگاه به همه آنها می رسد . سپس بانگ دهنده ای بر می خیزد و بانگ می زند : «امروز این جمعیت خواهند دانست که چه کسی به گرامیداشت ، سزاوارتر است» . آن گاه گوید : کجایند آنان که خوشی و ناخوشی خداوند را سپاس و ستایش می گفتند ؟» . پس این کسان که اندک شمارند ، برمی خیزند و بدون حسابرسی به بهشت می روند .

.

6166.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :أُوصيكُم أيُّهَا النّاسُ بِتَقوَى اللّهِ ، وكَثرَهِ حَمدِهِ عَلى آلائِهِ إلَيكُم ، ونَعمائِهِ عَلَيكُم ، وبَلائِهِ لَدَيكُم . (1)6167.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الكمال عن معاويه بن قرّه :ما سَمِعَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حامِدا للّهِ إلّا مادَّهُ (2) الحَمدَ . (3)2 / 13صِفَهُ اُمَّهِ مُحَمَّدٍالكتاب«التَّئِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِدُونَ السَّئِحُونَ الرَّ كِعُونَ السَّجِدُونَ الْامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ الْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» . (4)

الحديث6173.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام بَعدَ أن ذَكَرَ أنَّ اللّهَ عز و جل أنزَلَ عَلى رَسولِهِ قَولَهُ : «التَّئِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِدُونَ . . .» : فَبَشَّرَ (5) النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله المُجاهِدينَ مِنَ المُؤمِنينَ الَّذينَ هذِهِ صِفَتُهُم وحِلِيَتُهُم بِالشَّهادَهِ وَالجَنَّهِ ، وقالَ : «التَّئِبُونَ» مِنَ الذُّنوبِ ، «الْعَبِدُونَ» الَّذينَ لا يَعبُدونَ إلَا اللّهَ ولا يُشرِكونَ بِهِ شَيئا ، «الْحَمِدُونَ» الَّذينَ يَحمَدونَ اللّهَ عَلى كُلِّ حالٍ فِى الشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ . (6) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 188 .
2- .فلان يمادّ فلانا : أى يُماطله ويُجاذِبه (لسان العرب : ج 3 ص 396 «مدد»).
3- .تهذيب الكمال : ج 14 ص 323 ح 3173 ، المراسيل : ص 101 ح 2 .
4- .التوبه : 112 .
5- .فى الطبعه المعتمده : «ففسّر» ، والتصويب من بعض نسخ المصدر .
6- .الكافى : ج 5 ص 15 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 130 ح 224 كلاهما عن أبى عمرو الزبيرى ، بحار الأنوار : ج 69 ص 355 .

6174.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :ای مردم! سفارش می کنم شما را به پروا داری از خدا ، و او را ستایشِ بسیار گفتن برای نواخت ها و نعمت ها و نیکی هایش به شما .6175.الإمام علیّ علیه السلام :تهذیب الکمال به نقل از معاویه بن قرّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می شنید کسی خدا را می ستاید ، با او در ستایش گفتن ، هم صدا می شد .2 / 13ویژگی امّت محمّد صلی الله علیه و آلهقرآن«[آن مؤمنان،] همان توبه کنندگان، پرستندگان، ستایشگران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقرّرات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده.»

حدیث6181.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام پس از آن که فرمود : خداوند عز و جل این آیه را بر پیامبرش فرو فرستاد : «توبه کنندگان ، پرستندگان ، ستایشگران ...» : پس پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمنان مجاهد را که به این صفات آراسته بودند ، به شهادت و بهشت بشارت داد و فرمود : «توبه گنندگان» از گناهان ، «پرستندگان» یعنی کسانی که تنها خدا را می پرستند و چیزی را شریک او [در پرستش] قرار نمی دهند ، «ستایشگران» یعنی کسانی که در هر حالی ، در سختی و آسایش ، خدا را سپاس و ستایش می گویند .

.

6182.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فى جَوابِ حِبرٍ (1) مِن أحبارِ اليَهودِ لَمّا سَأَلَهُ : أخبِرنى عَمّا فَضَّلَ اللّهُ بِهِ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله عَلى سائِرِ الاُمَمِ :لَقَد فَضَّلَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى اُمَّتَهُ عَلى سائِرِ الاُمَمِ بِأشياءَ كَثيرَةٍ . . . مِنها أنَّهُ يُقالُ يَومَ القِيامَهِ : لِيَتَقَدَّم (2) الحامِدونَ ، فَتُقَدَّمُ اُمَّهُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله قَبلَ الاُمَمِ ، وهُوَ مَكتوبٌ : اُمَّهُ مُحَمَّدٍ هُمُ الحامِدونَ ؛ يَحمَدونَ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى عَلى كُلِّ مَنزِلَهٍ ، [و] (3) يُكَبِّرونَهُ عَلى كُلِّ حالٍ ، مُناديهم فى جَوفِ السَّماءِ ، لَهُم دَوِىٌّ كَدَوِىِّ النَّحلِ . (4)6183.عنه صلى الله عليه و آله :بحار الأنوار عن كعب :نَجِدُ مَكتوبا [أى فِى التَّوراهِ] : مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ ، لا فَظٌّ ولا غَليظٌ ، ولا صَخّابٌ (5) بِالأسواقِ ، ولا يَجزى بِالسَّيِّئَهِ السَّيِّئَهَ ، ولكِن يَعفو ويَغفِرُ ، اُمَّتُهُ الحامِدونَ ، يُكَبِّرونَ اللّهَ عَلى كُلِّ نَجدٍ (6) ، ويَحمَدونَهُ فِى كُلِّ مَنزِلٍ . (7)6184.عنه صلى الله عليه و آله :وقعه صفّين عن حبّه العرنى عَن كِتابِ كَتَبَهُ أصحابُ عيسى عليه السلام ، عَرَضَهُ راهِبُ بَليخٍ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ فى صِفَهِ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ : اُمَّتُهُ الحَمّادونَ الَّذينَ يَحمَدونَ اللّهَ عَلى كُلِّ نَشزٍ (8) ، وفى كُلِّ صَعودٍ وهَبوطٍ ، تَذِلُّ ألسِنَتُهُم بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ وَالتَّسبيحِ ، ويَنصُرُهُ اللّهُ عَلى مَن ناواهُ . (9) .

1- .الحِبْر : العالِم. والحَبْر بالفتح لغهٌ فيه (المصباح المنير : ص 117 «حبر») .
2- .قوله : «ليتقدّم» سقط من الطبعه المعتمده ، وأثبتناه من طبعه دار الاُسوه وبحار الأنوار .
3- .الزياده من بحار الأنوار .
4- .إرشاد القلوب : ص 412 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 350 ح 33 .
5- .الصَّخَب والسَّخَب : الضجّه ، واضطرابُ الأصوات للخِصام (النهايه : ج 3 ص 14 «صخب») .
6- .النَّجْد : ما ارتفع من الأرض (النهايه : ج 5 ص 19 «نجد») .
7- .بحار الأنوار : ج 15 ص 240 ح 59 نقلاً عن المنتقى فى مولود المصطفى ، وص213 وج 64 ص 239 كلاهما نحوه .
8- .النَّشْز : المكان المرتفع من الأرض (القاموس المحيط : ج 2 ص 194 «نشز») .

9- .وقعه صفّين : ص 147 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 426 ؛ البدايه والنهايه : ج 7 ص 255 .

6185.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در پاسخ به یکی از عالمان یهود که از وی در باره چیزی پرسید که خداوند به سبب آن ، امّت محمّد صلی الله علیه و آله را بر دیگر امّت ها برتری داده است : خداوند تبارک و تعالی به سبب چیزهای بسیاری ، امّت او را بر دیگر امّت ها برتری و امتیاز داده است ... از جمله ، آن که در روز رستاخیز گفته می شود : «ستایشگران پیش آیند» ، پس امّت محمّد صلی الله علیه و آله جلوتر از دیگر امّتها قرار می گیرند ، در حالی که نوشته شده است : «امّت محمّد ، همان ستایشگران اند . خداوند تبارک و تعالی را برای هر وضعی ، سپاس و ستایش می گویند و در هر حالی ، او را به بزرگی یاد می کنند . بانگ زننده آنها ، در دل آسمان است . همهمه ای چونان همهمه زنبوران عسل دارند» .6186.عنه صلی الله علیه و آله :بحارالأنوار به نقل از کعب : [در تورات] نوشته شده است : «محمّد پیامبر خداست . نه خشن است و نه درشت خوی ، و نه در کوچه و بازار هیاهو به راه می اندازد . بدی را به بدی پاسخ نمی دهد ؛ بلکه می بخشد و گذشت می کند . امّت او ستایشگران اند که خداوند را در هر بلندایی به بزرگی یاد می کنند ، و در هر منزلگاهی او را می ستایند» .6187.عنه صلی الله علیه و آله :وقعه صفّین به نقل از حَبّه عَرَنی ، از نوشته ای که یاران (حواریّون) عیسی علیه السلام آن را نوشته بودند و در وصف امّت محمّد صلی الله علیه و آله بود و راهب بَلیخ ، آن را بر امیر مؤمنان عرضه داشت : امّت او ، بس ستایشگرند و خدا را بر هر بلندی ای و در هر فراز و نشیبی می ستایند ، زبان هایشان به «لا إله الا اللّه » و «اللّه اکبر» و «سبحان اللّه » گویاست و خداوند ، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را بر هر کسی که با او دشمنی کند ، یاری می بخشد . .

6188.ينابيع المودّه عن جابر رفعه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أخَذَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى بِالنُّبُوَّهِ ميثاقى . . . وشَقَّ لِى اسما مِن أسمائِهِ ، فَذُو العَرشِ مَحمودٌ وأنَا مُحَمَّدٌ ، ووَعَدَنى يَحبونى بِالحَوضِ وَالكَوثَرِ ، وأن يَجعَلَنى أوَّلَ شافِعٍ وأوَّلَ مُشَفَّعٍ ، ثُمَّ أخرَجَنى مِن خَيرِ قَرنٍ لِاُمَّتى وهُمُ الحَمّادونَ ، يَأمُرونَ بِالمَعروفِ ويَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ . (1) .

1- .تاريخ دمشق : ج 3 ص 408 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 332 نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 11 ص 428 ح 32010 وج 12 ص 428 ح 35489 .

6189.طبقات الحنابله عن محمّد بن منصور :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی از من پیمان نبوّت گرفت ... و از نام های خود ، نامی را برای من برگرفت ؛ پروردگار عرش ، محمود (سپاس و ستایش شده) است و من محمّد (ستوده) . وعده ام داد که حوض کوثر را بر من ببخشد ، و مرا نخستین شفاعت کننده قرار دهد و نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته می شود . سپس مرا از میان بهترین نسل امّتم پدید آورد ؛ نسلی که ستایشگرند ؛ به نیکی ها فرمان می دهند و از زشتی ها باز می دارند . .

الفَصلُ الثّالِثُ : بركات الحمد3 / 1دَوامُ النِّعمَةِ6193.تاريخ دمشق عن ثابت عن أنس :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ عَلَى النِّعمَةِ أمانٌ لِزَوالِها . (1)6194.علل الشرائع عن أبى أيّوب الأنصارى :الإمام الصادق عليه السلام لِسُفيانَ الثَّورِيِّ : يا سُفيانُ ، إذا أنعَمَ اللّهُ عَلَيكَ بِنِعمَةٍ فَأحبَبتَ بَقاءَها ودَوامَها فَأكثِر مِنَ الحَمدِ وَالشُّكرِ عَلَيها؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل قالَ فى كِتابِهِ : «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (2) . (3)3 / 2كَمالُ النِّعمَةِ6197.عنه صلى اللّه عليه و آله :رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : ... «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» قالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : حَمِدَنى عَبدى وعَلِمَ أنَّ النِّعَمَ الَّتى لَهُ مِن عِندى ، وأنَّ البَلايَا الَّتى دَفَعتُ عَنهُ فَبِطَولى (4) ، أُشهِدُكُم أنّى أُضيفُ لَهُ إلى نِعَمِ الدُّنيا نِعَمَ الآخِرَهِ ، وأدفَعُ عَنهُ بَلايَا الآخِرَهِ كما دَفَعتُ عَنهُ بَلايَا الدُّنيا . (5) .

1- .الفردوس : ج 2 ص 155 ح 2783 ، كنزالعمّال : ج 3 ص 255 ح 6421 نقلاً عن شُعب الإيمان وكلاهما عن عمر .
2- .إبراهيم : 7 .
3- .حليه الأولياء : ج 3 ص 193 ، تهذيب الكمال : ج 5 ص 85 ، سير أعلام النبلاء : ج 6 ص 261 ؛ كشف الغمّه : ج 2 ص 368 كلّها عن مالک بن أنس ، العُدد القويّه : ص 149 ح 69 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 200 ح 29 وص 226 ح 96 وراجع الأمالى للطوسى : ص 480 ح 1048 .
4- .الطَّول : الفضل والقدره. وتطوّل عليه : امتنّ (القاموس المحيط : ج 4 ص 9 «طول») . وفى الأمالى : «فبتطوّلى» .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 300 ح 59 ، الأمالى للصدوق : ص 239 ح 253 كلاهما عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 226 ح 3 .

فصل سوم: برکت های حمد گفتن

3 / 1 پایداری نعمت

3 / 2 کامل شدن نعمت

فصل سوم: برکت های حمد گفتن3 / 1پایداری نعمت6201.تاریخ دمشق عن عباده بن الصامت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سپاس گزاری برای نعمت ، مایه حفظ آن از نابودی است .6202.کتاب من لا یحضره الفقیه :امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری : ای سفیان! هر گاه خداوند عز و جل نعمتی به تو ارزانی داشت و دوست داشتی که آن نعمت ، باقی و پایدار بماند ، خداوند را بر آن نعمت ، بسیار ستایش و سپاس بگو ؛ زیرا خداوند عز و جل در کتابش فرموده است : «اگر سپاس گزاری کنید ، بر نعمت شما بیفزایم» .3 / 2کامل شدن نعمت6205.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : ... «سپاس و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام مرا ستود و دانست که نعمت هایی که نزد اوست ، از جانب من است و بلاهایی که از او دور کرده ام ، به لطف من است . شما را گواه می گیرم که نعمت های آخرت را نیز بر نعمت های دنیای او بیفزایم ، و همچنان که بلاهای دنیا را از او دور کرده ام ، بلاهای آخرت را نیز از او دور گردانم» .

.

6206.سنن الترمذى عن اُمّ سلمه :الإمام الصادق عليه السلام :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ مِن نِعمَهٍ فَعَرَفَها بِقَلبِهِ ، وحَمِدَ اللّهَ ظاهِرا بِلِسانِهِ ، فَتَمَّ كَلامُهُ؛ حَتّى يُؤمَرَ لَهُ بِالمَزيدِ . (1)6207.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَن جَعَل الحَمدَ خِتامَ النِّعمَهِ ، جَعَلَهُ اللّهُ سُبحانَهُ مِفتاحَ المَزيدِ . (2)6208.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ : أحمَدُهُ استِتماما لِنِعمَتِهِ ، وَاستِسلاما لِعِزَّتِهِ ، وَاستِعصاما مِن مَعصِيَتِهِ . . . فَإنَّهُ أرجَحُ ما وُزِنَ ، وأفضَلُ ما خُزِنَ . (3)3 / 3إجابَهُ الدُّعاءِ6211.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا دَعا أحَدُكُم فَليَبدَأ بِتَحميدِ اللّهِ وَالثَّناءِ عَلَيهِ ، ثُمَّ يُصَلّى عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ لِيَدعُ بِما شاءَ . (4) .

1- .الكافى : ج 2 ص 95 ح 9 عن إسحاق بن عمّار عن رجلين من أصحابنا ، تفسير القمّى : ج 1 ص 368 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 222 ح 3 عن أبى عمر المدايني ، مشكاه الأنوار : ص 68 ح 108 وص 71 ح 126 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 40 ح 28 وص 42 ح 36 .
2- .غررالحكم : ح 8898 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 463 ح 8417 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 2 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 331 ح 19 ؛ مطالب السؤول : ص 58 .
4- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 45 ح 113 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 77 ح 1481 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 245 ح 23992 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 354 ح 840 وص 401 ح 989 ، صحيح ابن حبّان : ج 5 ص 290 ح 1960 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 211 ح 2854 وفيها «إذا صلّى» بدل «إذا دعا» وكلّها عن فضاله بن عبيد ، كنزالعمّال : ج 2 ص 73 ح 3187 .

6212.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :هر بنده ای که خداوند نعمتی به او عطا کند و او در دل خویش آن نعمت را [از او] بشناسد و به زبانش آشکارا خدا را سپاس و ستایش بگوید ، به محض آن که سخنش به پایان رسد ، دستور داده می شود که بر نعمتش افزوده گردد .6213.سنن الترمذی عن أبی سعید الخدری :امام علی علیه السلام :هر کس پایانِ نعمت را سپاس[خدا] قرار دهد ، خداوند که منزّه است ، آن [سپاس] را آغاز افزایش [نعمت] قرار می دهد .6214.تاریخ دمشق عن أبی سعید الخدری (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «وَلَتَعْرِفَنَّهُم فی) امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش : او را می ستایم که خواهان کامل شدنِ نعمت او هستم ، و گردن نهادن در برابر قدرتش ، و مصون ماندن از نافرمانی اش ... ؛ زیرا ستایش خدا ، سنگین ترین عمل در ترازوی اعمال و بهترین اندوخته است .3 / 3پذیرفته شدن دعا6217.المستدرک علی الصحیحین عن أبی ذرّ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما دعا کرد ، با حمد و ثنای الهی آغاز کند ، سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و آن گاه ، هر دعایی خواست ، به جا آورد .

.

6218.تاريخ دمشق عن جابر :الإمام علىّ عليه السلام :السُّؤالُ بَعدَ المَدحِ ، فَامدَحُوا اللّهَ عز و جل ثُمَّ اسأَلُوا الحَوائِجَ ، أثنوا عَلَى اللّهِ عز و جلوَامدَحوه قَبلَ طَلَبِ الحَوائِجِ . (1)6219.الدرّ المنثور عن ابن مسعود :الدعاء المأثور :رُوِىَ أَنَّ رَجُلاً قالَ لِجَعفَرٍ الصّادِقِ عليه السلام : عَلِّمنى دُعاءً أرجو إجابَتَهُ .

قال : أكثِر مِن حَمدِ اللّهِ سُبحانَهُ ، وَادعُهُ بِما شِئتَ .

فَقالَ الرَّجُلُ : ومَا الحَمدُ مِنَ الدُّعاءِ؟

فَقالَ : إنَّ جَميعَ مَن فِى الأَرضِ مِنَ المُسلِمينَ يَدعونَ لَيلَهُم ونَهارَهُم أن يَستَجيبَ لِلحامِدينَ ، فَما ظَنُّکَ بِمَن يَشفَعُ لَهُ عِندَ اللّهِ جَميعُ المُسلِمينَ؟

قالَ : وكَيفَ ذلِکَ؟

قال : أَلَيسَ يَقولونَ فى كُلِّ رَكعَةٍ يَركَعونَها : سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَهُ؟ فَعَلَيکَ بِحَمدِ اللّهِ عز و جليَستَجِبِ اللّهُ دُعاءَکَ . (2)3 / 4غَرِسُ الجَنَّةِ6222.الإمام الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّةِ . (3) .

1- .الخصال : ص 635 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 123 وليس فيه «وامدحوه» ، بحار الأنوار : ج 10 ص 113 ح 1 وج 93 ص 308 ح 7 .
2- .الدعاء المأثور وآدابه : ص 48 .
3- .ثواب الأعمال : ص 26 ح 3 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 705 ح 968 عن أبى الجارود ، عدّه الداعى : ص 248 عن محمّد بن خالد البرقى وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 168 ح 3 وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 693 ح 1887 .

6223.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :درخواستْ بعد از ستایش است ؛ پس نخست خداوند عز و جل را بستایید و سپس حاجت هایتان را بخواهید . پیش از درخواست حاجت ها ، خداوند عز و جل را ثنا و مدح گویید .6224.تاریخ دمشق عن میثم :الدعاء المأثور :روایت شده است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت : دعایی به من بیاموزید که به اجابت آن امیدوار باشم .

فرمود : «نخست ، خداوند را که منزّه است ستایشِ بسیار بگو و [سپس] آنچه می خواهی ، دعا کن» .

مرد گفت : ستایش ، چه ربطی به دعا دارد؟

فرمود : «همه مسلمانان روی زمین ، شب و روز دعا می کنند که دعای ستایشگران ، پذیرفته شود . حال ، چه خیال می کنی در باره کسی که همه مسلمانان ، نزد خداوند برای او شفاعت می کنند؟» .

مرد گفت : این [دعا و شفاعت] ، چگونه است ؟

فرمود : «مگر نه این است که در هر رکعتی که رکوع به جا می آورند [و بلند می شوند] ، می گویند : خدا دعای هر کسی را که ستایش او می کند ، بپذیرد ؟ پس خداوند عز و جل را بستای تا [مشمول این دعا شوی و] خدا دعای تو را مستجاب کند» .3 / 4درختکاری در بهشت6227.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را» ، خداوند به سبب آن ، یک درخت در بهشت برای او می کارد .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : مواضع الحمد4 / 1قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ وقَبلَ غُروبِهاالكتاب«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ ءَانَاىءِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضَى» . (1)

«فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ» . (2)

الحديث6235.أُسد الغابه (فى بُسرِ بنِ أرطاةَ) الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَقِفُ عِندَ طُلوعِ كُلِّ فَجرٍ عَلى بابِ عَلِيٍّوفاطِمَةَ عليهماالسلامفَيَقولُ : الحَمدُ للّهِ المُحسِنِ المُجمِلِ المُنعِمِ المُفضِلِ ، الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ ، سَمِعَ سامِعٌ بِحَمدِ اللّهِ ونِعمَتِهِ وحُسنِ بَلائِهِ عِندَنا . (3)6236.أُسد الغابه عن أبى عمر (فى بسر بن أرطاه) الإمام الباقر عليه السلام :مَن قالَ حينَ يَطلُعُ الفَجرُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ويُميتُ ويُحيى وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ» عَشرَ مَرّاتٍ ، و«صَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» عَشرَ مَرّاتٍ ، وسَبَّحَ خَمسا وثَلاثينَ مَرَّةً ، وهلَّلَ خَمسا وثَلاثينَ مَرَّةً ، وحَمِدَ اللّهَ خَمسا وثَلاثينَ مَرَّةً؛ لَم يُكتَب فى ذلِکَ الصَّباحِ مِنَ الغافِلينَ ، وإذا قالَها فِى المَساءِ لَم يُكتَب فى تِلکَ اللَّيلَهِ مِنَ الغافِلينَ . (4) .

1- .طه : 130 .
2- .ق : 39 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 208 ح 230 عن السكونى ، بحار الأنوار : ج 86 ص 246 ح 6 .
4- .الكافى : ج 2 ص 534 ح 35 عن أبى عبيده الحذّاء ، بحار الأنوار : ج 86 ص 295 ح 56 .

فصل چهارم: اوقات حمدگویی خدا4 / 1پیش از طلوع و غروب خورشیدقرآن«پس بر آنچه می گویند ، شکیبا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت ، [او را] تسبیح بگو ، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش بپرداز ؛ باشد که خشنود گردی» .

«و بر آنچه می گویند ، صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح بگو» .

حدیث6244.شرح نهج البلاغه عن عبد الرحمن بن السائب :امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هر سپیده دم ، بر درِ خانه علی و فاطمه علیهماالسلام می ایستاد و می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدای نیکوکارِ نیک کردارِ نعمت بخشِ افزون ده را ؛ خدایی که با نعمت های او ، کارهای نیک انجام می پذیرد . شنونده بشنود ستایش خدا را و لطف او و احسانش را بر ما [اهل بیت]» .6245.الأغانی عن زیاد بن أبیه (لِحُجرِ بنِ عَدِیٍّ) امام باقر علیه السلام :هر کس هنگامی که سپیده می دمد ، ده مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . پادشاهی و ستایشْ از آنِ اوست . زنده می کند و می میراند ، می میراند و زنده می کند و خود ، زنده نامیراست . [همه]خوبی ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست » و ده مرتبه بگوید : «درود خدا بر محمّد و آل محمّد باد» و سی و پنج مرتبه «سبحان اللّه » و سی و پنج مرتبه «لا إله إلّا اللّه » و سی و پنج مرتبه «الحمد للّه » بگوید ، در آن صبحگاه از غافلان نوشته نخواهد شد ، و هر گاه اینها را شب هنگام بگوید ، در آن شب ، در شمار غافلان نوشته نمی شود .

.

6246.سير أعلام النبلاء (فى زيادِ ابنِ أبيهِ) الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ إذا طَلَعَ الفَجرُ : الحَمدُ للّهِ فالِقِ الإصباحِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ المَساءِ وَالصَّباحِ ، اللّهُمَّ صَبِّح آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وعافِيَةٍ وسُرورٍ وقُرَّةِ عَينٍ ، اللّهُمَّ إنَّکَ تُنزِلُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ما تَشاءُ ، فَأنزِل عَلَىَّ وعَلى أهلِ بَيتى مِن بَرَكَةِ السَّماواتِ وَالأرضِ رِزقا حَلالاً طَيِّبا واسِعا تُغنينى بِهِ عَن جَميعِ خَلقِکَ . (1)4 / 2الصَّباحُ وَالمَساءُالكتاب«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِىِّ وَ الْاءِبْكَرِ» . (2)

الحديث6252.شرح نهج البلاغه عن أبى غسّان البصرى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ» ، كُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ . (3) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 501 ح 1438 عن عمّار الساباطى ، مصباح المتهجّد : ص 199 ح 282 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 63 ح 2154 كلاهما نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 356 ح 23 .
2- .غافر : 55 .
3- .المعجم الكبير : ج 23 ص 370 ح 875 عن اُمّ سلمه ، كنز العمّال : ج 2 ص 158 ح 3570 .

6253.تاریخ الطبری عن حمید بن مسلم (فی بَیانِ ما جَری بَعدَ قَتلِ الحُسَینِ علیه ال) امام صادق علیه السلام :چون سپیده دمید ، می گویی : «سپاس و ستایش ، خدایی را که شکافنده صبح است . پاکا خدایی که پروردگار شام و بام است . بار خدایا ! صبحگاهانِ خاندان محمّد را با برکت و عافیت و شادمانی و خوشی ، همراه ساز . بار خدایا ! تو در شب و روز ، آنچه بخواهی ، فرو می فرستی ؛ پس ، از برکات آسمان ها و زمین ، برای من و خانواده ام روزی حلال و پاک و گسترده ای فرو فرست ، آن سان که با آن مرا از همه خَلقت بی نیاز گردانی» .4 / 2بامداد و شامگاهقرآن«پس صبر کن ، که وعده خدا حقّ است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ، ستایشگر باش» .

حدیث6259.المعجم الکبیر عن علیّ بن أبی طلحه مولی بنی اُمیّهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که صبح خود را می آغازد ، بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عظمت او فروتنی می کند» ، برایش [ثواب] ده کار نیک نوشته می شود .

.

6260.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَقولُ إذا أصبَحَ : «الحَمدُ للّهِ رَبّى لا اُشرِكُ بِهِ شَيئا ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ» إلّا ظَلَّ يُغفَرُ لَهُ ذُنوبُهُ حَتّى يُمسِىَ ، وإن قالَها إذا أمسى باتَ يُغفَرُ لَهُ ذُنوبُهُ حَتّى يُصبِحَ . (1)6261.الإمام علىّ عليه السلام (لِعَمّارِ بنِ ياسِرٍ وقَد سَمِعَهُ يُراجِعُ الم) الإمام علىّ عليه السلام :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فى كُلِّ يَومٍ إذا أصبَحَ وطَلَعَتِ الشَّمسُ يَقولُ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ كَثيرا طَيِّبا عَلى كُلِّ حالٍ» يَقولُ (2) ثَلاثَمِئَةٍ وسِتّينَ مَرَّةً شُكرا . (3)6262.الغارات عن جندب بن عبد اللّه :عنه عليه السلام :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «الحَمدُ للّهِ عَلى حُسنِ المَساءِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى حُسنِ المَبيتِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى حُسنِ الصَّباحِ» ، فَقَد أدّى شُكرَ لَيلَتِهِ ويَومِهِ . (4)4 / 3عِندَ النِّعَمِ6265.شرح نهج البلاغه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أنعَمَ اللّهُ تَعالى عَلَيهِ نِعمَةً فَليَحمَدِ اللّهَ تَعالى ، ومَن استَبطَأَ عَلَيهِ الرِّزقَ فَليَستَغفِرِ اللّهَ ، ومَن حَزَنَهُ أمرٌ فَليَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (5)6266.الإصابه عن المغيره بن شعبه :عنه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ مِن نِعمَةٍ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» إلّا وقَد أدّى شُكرَها ، فَإن قالَها الثّانِيَةَ جَدَّدَ اللّهُ لَهُ ثَوابَها ، فَإن قالَها الثّالِثَةَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ . (6) .

1- .المعجم الكبير : ج 1 ص 232 ح 635 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 88 وفيه «ما من عبدٍ مسلم» وكلاهما عن أبان المحاربى ، كنز العمّال : ج 2 ص 163 ح 3584 .

2- .كذا فى الأمالى ، وفى المصادر الاُخرى : «يقولها» .

3- .الأمالى للطوسى : ص 597 ح 1240 عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، أعلام الدين : ص 216 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 76 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 216 ح 19 . وراجع : ص 441 ح 1284 .

4- .شعب الإيمان : ج 4 ص 95 ح 4388 عن الحسين بن عبد اللّه بن ضميره عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 2 ص 635 ح 4953 .

5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 46 ح 171 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، كفايه الأثر : ص 295 عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ؛ كنزالعمّال : ج 3 ص 259 ح 6442 نقلاً عن شُعب الإيمان وج 15 ص 848 ح 43372 .

6- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 688 ح 1871 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 98 ح 4402 وفيه «حدّد» بدل «جدّد» وكلاهما عن جابر .

6267.شرح نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که چون صبح کند ، بگوید : «سپاس و ستایش ، خدای را که پروردگار من است و هیچ چیز را انباز او نمی گردانم ، و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» ، گناهان او تا شب هنگام ، همچنان آمرزیده می شود و اگر این جمله را شب هنگام بگوید ، گناهانش همچنان آمرزیده می شود ، تا آن که صبح شود .6268.الغارات عن الکلبی :امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز ، چون صبح می شد و خورشید طلوع می کرد ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است ؛ ستایشی بسیار و پاک و در همه حال» . [این را] سیصد و شصت مرتبه ، از سرِ شکرگزاری می گفت .6269.الکامل فی التاریخ (فی ذِکرِ البَیعَهِ لِیَزیدَ بِوِلاَیَهِ العَهدِ) امام علی علیه السلام :هر کس چون صبح کند ، بگوید : «خدا را سپاس و ستایش ، که شب به خوبی گذشت . خدا را سپاس و ستایش ، که شب را به خوبی سپری کردیم . خدا را سپاس و ستایش ، که روزی خوب آغاز شد» ، شکر آن شب و روزِ خود را به جا آورده است .4 / 3هنگام برخوردار شدن از نعمتی6272.تاریخ دمشق (فی وَصفِ الوَلیدِ بنِ عُقبَهَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خداوند متعال به او نعمتی ارزانی داشت ، باید خدای متعال را سپاس بگوید . هر کس احساس کرد در رسیدنِ روزی به او ، کندی شده است ، از خداوند آمرزش بطلبد . هر کس اندوهی به او رسید ، بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدا» .6273.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند به بنده ای نعمتی دهد و او بگوید : «ستایش ، خدای را» ، هر آینه شکر آن نعمت را به جا آورده است ، و اگر آن را دوباره بگوید ، خداوند ثواب آن را دوباره به او می دهد ، و اگر سه باره آن را بگوید ، خداوند گناهانش را می آمرزد .

.

6274.الغارات (فى وَصفِ الوَليدِ بنِ عُقبَةَ) عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن نِعمَةٍ وإن تَقادَمَ عَهدُها تَذَكَّرَها العَبدُ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، إلّا جَدَّدَ اللّهُ لَهُ ثَوابَهُ كَيَومَ وَجَدَها . (1)6275.شرح نهج البلاغه :عنه صلى الله عليه و آله :مَن ظَهَرَت عَلَيهِ النِّعَمَهُ ، فَليُكثِر ذِكرَ : الحَمدُ للّهِ . (2)6276.تاريخ دمشق عن عبد اللّه بن مسعود عن رسول اللّه صلعنه صلى الله عليه و آله :مَن تَظاهَرَت عَلَيهِ النِّعَمُ فَليَقُل : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (3)6277.تاريخ دمشق عن علقمه :عنه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن كُنَّ فيهِ كانَ فى نورِ اللّهِ عز و جل الأعظَمِ : . . . ومَن إذا أصابَ خَيرا قالَ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (4)6278.مروج الذهب :عنه صلى الله عليه و آله :عَجِبتُ لِلمُسلِمِ إذا أصابَهُ خَيرٌ حَمِدَ اللّهَ وشَكَرَ ، وإذا أصابَتهُ مُصيبَهٌ احتَسَبَ وصَبَرَ ، المُسلِمُ يُؤجَرُ فى كُلِّ شَىءٍ ، حَتّى فِى اللُّقمَهِ يَرفَعُها إلى فيهِ . (5)6279.الغارات عن مغيره الضبّى :عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ ولا يَذكُرُ أربَعَهَ أشياءَ أخافُ عَلَيهِ زَوالَ النِّعمَهِ ، أوَّلُها أن يَقولَ: الحَمدُ للّهِ الَّذى عَرَّفَنى نَفسَهُ ولَم يَترُكنى عُميانَ القَلبِ . وَالثّانى يَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَنى مِن اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله . وَالثّالِثُ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ رِزقى فى يَدَيهِ ، ولَم يَجعَل رِزقى فى أيدِى النّاسِ . وَالرّابِعُ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى سَتَرَ ذُنوبى وعُيوبى ولَم يَفضَحنى بَينَ النّاسِ . (6) .

1- .الدعوات : ص 286 ح 13 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 132 ح 16 .
2- .الكافى : ج 8 ص 93 ح 65 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 136 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 114 ح 113 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 190 ح 27 وص 212 ح 12 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 651 ح 885 عن محمّد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 519 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 186 ح 6 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 175 ح 514 ، الخصال : ص 222 ح 49 عن عمرو بن أبى المقدام عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، ثواب الأعمال : ص 198 عن علىّ بن أبى علىّ اللهبى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : ص 40 وليس فيهما «ربّ العالمين» ، بحار الأنوار : ج 6 ص 21 ح 13 .

5- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 375 ح 1531 ، مسند الطيالسى : ص 29 ح 311 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 78 ح 143 ، تاريخ دمشق : ج 45 ص 39 ح 9846 كلّها عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : ج 3 ص 297 ح 6637 .
6- .الدعوات : ص 81 ح 204 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 282 ح 45 .

6280.شرح نهج البلاغه (فی بَیانِ عِلَّهِ شِدَّهِ بُغضِ الوَلیدِ عَلِیّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ نعمتی هر چند دیری بر آن گذشته باشد نیست که بنده آن را به یاد آورَد و بگوید : «سپاس خدای را» ، مگر آن که خداوند ثواب آن [سپاس گزاری] را ، همانند روزی که آن نعمت را به دست آورده است ، مجدّدا به او عطا می فرماید .6281.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی وَصِیَّتِهِ لِأَمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هر کس نعمتی داده شد ، ذکر «الحمد للّه» را زیاد بگوید .6282.الإمام علیّ علیه السلام (فی کَلامٍ لَهُ فی التَّظَلُّمِ وَالتَّشَکّی مِن) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هر کس پیاپی نعمت داده شد ، بگوید : «سپاس و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6283.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار خصلت است که در هر کس وجود داشته باشند ، در نور اعظم خداوند عز و جل غوطه ور است : ... و کسی که هر گاه به خوبی و نعمتی می رسد ، بگوید : «سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6284.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درشگفتم از مسلمان که هر گاه خوبی و نعمتی به او می رسد ، خدا را ستایش و سپاس می گوید ، و هر گاه مصیبتی به او می رسد ، در راه خدا حساب می کند و شکیبایی می ورزد . به مسلمان برای هر چیزی ، حتی برای لقمه ای که به طرف دهانش می برد ، اجر و پاداش داده می شود .6285.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس صبح کند و چهار چیز را یاد نکند ، برایش از آن می ترسم که نعمتش زوال آید : نخست آن که بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که خودش را به من شناساند و مرا کور دل رها نکرد» . دوم این که بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که مرا از امّت محمّد صلی الله علیه و آله قرار داد» . سوم این که بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که روزی ام را در دست خودش قرار داد و روزیِ مرا در دست مردم قرار نداد» . و چهارم این که بگوید : «سپاس و ستایش ، خدایی را که گناهان و عیب های مرا پوشاند و در نزد مردم ، رسوایم نساخت» . .

6286.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :يا كُمَيلُ ، قُل عِندَ كُلِّ شِدَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» تُكفَها ، وقُل عِندَ كُلِّ نِعمَةٍ : «الحَمدُ للّهِ» تَزدَد مِنها . (1)6287.عنه عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :أحسِن صُحبَةَ نِعمَةِ اللّهِ بِحَمدِ اللّهِ عَلَيها عَلى كُلِّ حالٍ . (2)6288.عنه عليه السلام (مِن كِتابٍ لَهُ إلى أخيهِ عَقيلٍ) الإمام الصادق عليه السلام :إذا أنعَمَ اللّهُ عَلى أحَدٍ بِنِعمَةٍ فَليَحمَدِ اللّهَ عز و جل . (3)6289.الإمام علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام لِسُفيانَ الثَّورِيِّ : يا سُفيانُ ، إذا جاءَكَ ما تُحِبُّ فأكثِر مِنَ «الحَمدُ للّهِ» ، وإذا جاءَكَ ما تَكرَهُ فأكثِر مِن «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، وإذَا استَبطَأتَ الرِّزقَ فَأكثِر مِنَ الاِستِغفارِ . (4)6290.عنه عليه السلام (لَمّا بَلَغَهُ اتِّهامُ بَنى اُمَيَّةَ لَهُ بِا) مكارم الأخلاق عن إسحاق بن عمّار :خَرَجتُ مَعَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام وهُوَ يُحَدِّثُ نَفسَهُ ، ثُمَّ استَقبَلَ القِبلَةَ فَسَجَدَ طَويلاً ، ثُمَّ ألزَقَ خَدَّهُ الأَيمَنَ بِالتُّرابِ طَويلاً ، قالَ : ثُمَّ مَسَحَ وَجهَهُ ثُمَّ رَكِبَ ، فَقُلتُ لَهُ : بَأبى أنتَ واُمّى لَقَد صَنَعتَ شَيئا ما رَأيتُهُ قَطُّ .

قالَ : يا إسحاقُ إنّى ذَكَرتُ نِعمَةً مِن نِعَمِ اللّهِ عز و جل عَلَىَّ فَأَحبَبتُ أن اُذَلِّلَ نَفسى .

ثُمَّ قالَ : يا إسحاقُ ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ بِنِعمَةٍ فَشَكَرَها بِسَجدَةٍ يَحمَدُ اللّهَ فيها فَفَرَغَ مِنها (5) ، حَتّى يُؤمَرَ (6) لَهُ بِالمَزيدِ مِنَ الدّارَينِ . (7) .

1- .تحف العقول : ص 174 ، بشاره المصطفى : ص 27 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 9 ح 65 ؛ مطالب السؤول : ص 55 .
2- .تحف العقول : ص 265 ح 28 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 16 ح 2 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 480 ح 1048 عن عبدالعزيز بن محمّد الدراوردى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 210 ح 6 .
4- .حليه الأولياء : ج 3 ص 196 ، تاريخ دمشق : ج 52 ص 199 كلاهما عن نصر بن كثير ، تهذيب الكمال : ج 5 ص 19 عن نصير بن كثير ؛ كشف الغمّه : ج 2 ص 397 عن نضر بن كثير ، بحار الأنوار : ج 99 ص 198 ح 14 نقلاً عن خطّ الشهيد قدس سره .
5- .فى بحار الأنوار : «ما أنعم اللّه على عبدٍ بنعمه فعرفها بقلبه وجهر بحمد اللّه عليها ففرغ عنها» .
6- .فى المصدر : «يؤمن» ، والتصويب من بحار الأنوار .

7- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 565 ح 1957 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 207 ح 20 .

6291.الأغانی عن الحارث بن حبیش :امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد : ای کمیل! در هنگام هر سختی و گرفتاری ای بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدا» تا آن سختی ، از تو برطرف شود ، و هنگام به دست آوردن هر نعمتی بگو : «سپاس ، خدای را» تا آن نعمت بر تو افزون شود .6292.الکامل فی التاریخ عن أبی الزناد :امام زین العابدین علیه السلام :با ستایش همیشگیِ خداوند بر نعمتش ، همنشین خوبی برای نعمت هایش باش .6293.فرحه الغری عن هشام بن السائب الکلبی عن أبیه :امام صادق علیه السلام :هر گاه خداوند به کسی نعمتی داد ، خدای عز و جل را سپاس گوید .6294.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری : ای سفیان! هر گاه چیزی به تو رسید که دوست داری ، بسیار بگو : «خدای را سپاس» ، و هر گاه چیزی به تو رسید که ناخوش می داری ، بسیار بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدا» ، و هر گاه در رسیدنِ روزی کندی دیدی ، زیاد استغفار کن .6295.وقعه صفّین عن لیث بن سلیم :مکارم الأخلاق به نقل از اسحاق بن عمّار : با امام صادق علیه السلام بیرون شدم ، دیدم با خویش سخن می گوید . سپس رو به قبله کرد و سجده ای طولانی به جا آورد و سپس گونه راست خود را زمانی دراز ، بر خاک چسبانید . آن گاه ، دست بر صورتش کشید و بر مرکب سوار شد . من به ایشان گفتم : پدر و مادرم فدایت باد ! شما کاری انجام دادید که هرگز ندیده بودم .

فرمود : «ای اسحاق! به یاد نعمتی از نعمت های خداوند عز و جل به خود ، افتادم و خواستم [در برابرش] اظهار خواری کنم» .

سپس فرمود : «ای اسحاق! هر گاه خداوند به بنده ای نعمتی بدهد و او به شکرانه آن ، سجده ای به جا آورد و در آن سجده خداوند را سپاس و ستایش بگوید ، به محض تمام کردن سجده اش ، دستور داده می شود که در هر دو سرا بر نعمت او بیفزایند» . .

6296.الغارات عن سعيد الأشعرى :الكافى عن علىّ بن الحكم عن دعبل بن علىّ :أَنَّهُ دَخَلَ عَلى أبِى الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام ، وأمَرَ لَهُ بِشَى ءٍ فَأخَذَهُ ولَم يَحمَدِ اللّهَ ، قالَ : فَقالَ لَهُ : لِمَ لَم تَحمَدِ اللّهَ؟!

قالَ : ثُمَّ دَخَلتُ بَعدُ عَلى أبِى جَعفَرٍ عليه السلام ، وأمَرَ لى بِشَى ءٍ فَقُلتُ : «الحَمدُ للّهِ» ، فَقالَ لى : تَأدَّبتَ . (1)راجع : ص 194 ح 1051 .

4 / 4عَلى مَحاسِنِ الأَخلاقِ وَالأَفعالِالكتاب«وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَنَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» . (2)

الحديث6303.المناقب لابن شهر آشوب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يَحمَدِ اللّهَ عَلى ما عَمِلَ مِن عَمَلٍ صالِحٍ وحَمِدَ نَفسَهُ ، قَلَّ شُكرُهُ وحَبَطَ عَمَلُهُ . (3) .

1- .الكافى : ج 1 ص 496 ح 8 ، كشف الغمّه : ج 3 ص 153 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 93 ح 6 .
2- .النمل : 15 .
3- .تفسير الطبرى : ج 5 الجزء 8 ص 206 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 423 وفيه «فقد كفر» بدل «قَلَّ شكره» ، الإصابه : ج 7 ص 221 كلّها عن عبدالعزيز الشامى عن أبيه ، كنز العمّال : ج 3 ص 265 ح 6478 .

6304.أنساب الأشراف عن عبد اللّه بن فائد وسحيم بن حفص :الكافى به نقل از على بن حَكَم : دعبل بن على ، به نزد امام رضا عليه السلام رفت و ايشان فرمود تا چيزى [به عنوان صله و پاداش] به او بدهند . دعبل آن را گرفت ، ولى خدا را سپاس نگفت . امام رضا عليه السلام به او فرمود : «چرا خدا را سپاس نگفتى؟ !» .

دعبل مى گويد : پس از آن ، خدمت امام جواد عليه السلام رسيدم . او نيز دستور داد به من چيزى عطا شود و من گفتم : سپاس ، خداى را .

امام جواد عليه السلام فرمود : ادب آموخته اى .ر . ک : ص 195 ح 1051 .

4 / 4بر خوی ها و کردارهای نیکقرآن«و به راستى ، به داوود و سليمان دانشى عطا كرديم و آن دو گفتند: «ستايش ، خدايى را كه ما را بر بسيارى از بندگانِ باايمانش برترى داده است»» .

حديث6311.الإرشاد (فى بَيانِ مَظلومِيَّهِ أميرِ المُؤمِنينَ عليه ا) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر كس بر هر كار نيكى كه مى كند ، خداى را حمد و سپاس نگويد و خويشتن را بستايد ، ناسپاسى كرده است و آن كارش بر باد مى رود .

.

6312.الأغانى عن ابن شهاب بن عبد اللّه :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلشَّيطانِ لَمَّةً بِابنِ آدَمَ ولِلمَلَكِ لَمَّةً ، فَأمّا لَمَّةُ الشَّيطانِ فَايعادٌ بِالشَّرِّ وتَكذيبٌ بِالحَقِّ ، وأمّا لَمَّةُ المَلَكِ فَايعادٌ بِالخَيرِ وتَصديقٌ بِالحَقِّ ، فَمَن وَجَدَ ذلِكَ فَليَعلَم أنَّهُ مِنَ اللّهِ فَليَحمَدِ اللّهَ ، ومَن وَجَدَ الاُخرى فَليَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ . (1)6313.الكامل للمبرّد عن أبى العبّاس :الإمام الصادق عليه السلام :إذا أحسَنتُم فَاحمَدُوا اللّهَ ، وإذا أسَأتُم فَاستَغفِرُوا اللّهَ . (2)6314.لسان الميزان :الكافى عن عبد اللّه بن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام :إنّا لَنُحِبُّ مَن كانَ عاقِلاً فَهِما فَقيها حَليما مُدارِيا صَبورا صَدوقا وَفِيّا ، إنَّ اللّهَ عز و جل خَصَّ الأنبِياءَ عَليهم السلام بِمَكارِمِ الأخلاقِ ، فَمَن كانَت فيهِ فَليَحمَدِ اللّهَ عَلى ذلِكَ ، ومَن لَم تَكُن فيهِ فَليَتَضَرَّع إلَى اللّهِ عز و جلوَليَسأَلهُ إيّاها .

قالَ : قُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ وما هُنَّ؟ قالَ : هُنَّ الوَرَعُ ، وَالقَناعَةُ، وَالصَّبرُ ، وَالشُّكرُ ، وَالحِلمُ ، وَالحَياءُ ، وَالسَّخاءُ ، وَالشَّجاعَةُ ، وَالغَيرَةُ ، وَالبِرُّ ، وصِدقُ الحَديثِ ، وأداءُ الأمانَةِ . (3)4 / 5عَلى حُبِّ أهلِ البَيتِ6317.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّنا أهلَ البَيتِ فَليَحمَدِ اللّهَ تَعالى عَلى أوَّلِ النِّعَمِ . قيلَ : وما أوَّلُ النِّعَمِ ؟ قالَ : طيبُ الوِلادَةِ ؛ ولا يُحِبُّنا إلّا مَن طابَت وِلادَتُهُ . (4) .

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 219 ح 2988 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 278 ح 997 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 19 ح 4978 وليس فيهما «بابن آدم» و «فليعلم أنّه من اللّه » وكلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 1 ص 246 ح 1240 .
2- .مشكاه الأنوار : ص 66 ح 95 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 213 ح 17 .
3- .الكافى : ج 2 ص 56 ح 3 ، الأمالى للمفيد : ص 192 ح 22 ، تحف العقول : ص 362 ، التمحيص : ص 68 ح 162 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 397 ح 86 .
4- .معانى الأخبار : ص 161 ح 1 ، علل الشرايع : ص 141 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 456 ح 1018 ، الأمالى للصدوق : ص 562 ح 754 كلّها عن الحسين بن زيد ، بحارالأنوار : ج 27 ص 146 ح 3 .

6318.المستدرک علی الصحیحین عن أبی صادق : قالَ عَلِیٌّپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هم شیطان به آدمی القا می کند و هم فرشته ؛ القای شیطان ، وعده بد دادن است و تکذیب حق ، ولی القای فرشته ، وعده نیک دادن است و تصدیق حقّ . پس هر کس این [القای فرشتگانی] را در خود یافت ، بداند که از جانب خداست و خدا را سپاس بگوید ، و هر کس آن [القای شیطانی] را احساس کرد ، از شیطان به خدا پناه ببَرَد .6319.خصائص الأئمه علیهم السلام عن میثم التمّار :امام صادق علیه السلام :هر گاه کار نیک کردید ، خدا را سپاس بگویید ، و هر گاه بدی [و گناه]کردید ، از خدا آمرزش بخواهید .6320.الإمام الباقر علیه السلام :الکافی به نقل از عبد اللّه بن بکیر : امام صادق علیه السلام فرمود : «ما کسی را که خردمند و فهمیده و دانا و بردبار و بامدارا و شکیبا و راستگو و وفادار باشد ، دوست می داریم . خداوند عز و جل خوی های والا را به پیامبران علیهم السلام ارزانی داشته است ؛ پس هر کس این خوی ها در او هست ، خداوند را بر آنها سپاس بگوید و هر کس این خوی ها را ندارد ، آنها را از خداوند عز و جل ملتمسانه بخواهد» .

گفتم : فدایت شوم ! این خوی ها چیستند ؟

فرمود : «پارسایی ، قناعت ، شکیبایی ، سپاس گزاری ، بردباری ، حیا ، بخشندگی ، شجاعت ، غیرت ، نیکوکاری ، راستگویی و امانتداری» .4 / 5بر دوست داشتن اهل بیت6323.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود : «هر که ما خاندان را دوست دارد ، خدای تعالی را بر نخستین نعمت ، سپاس بگوید .

گفته شد : نخستین نعمت چیست؟

فرمود : «پاک زادگی . ما را دوست ندارد ، مگر کسی که پاک زاده باشد» .

.

6324.المناقب لابن شهر آشوب :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا عَلِيُّ ، مَن أحَبَّنى وأحَبَّکَ وأحَبَّ الأئِمَّةَ مِن وُلدِکَ فَليَحمَدِ اللّهَ عَلى طيبِ مَولِدِهِ ، فَإنَّهُ لا يُحِبُّنا إلّا مُؤمِنٌ طابَت وِلادَتُهُ ، ولا يُبغِضُنا إلّا مَن خَبُثَت وِلادَتُهُ . (1)6325.الكامل فى التاريخ :معانى الأخبار عن أبى محمّد الأنصارى عن الإمام الباقر عليه السلام :مَن أصبَحَ يَجِدُ بَردَ حُبِّنا عَلى قَلبِهِ ، فَليَحمَدِ اللّهَ عَلى بادِئِ النِّعَمِ ، قيلَ : وما بادِئُ النِّعَمِ؟ قالَ : طيبُ المَولِدِ . (2)6326.المستدرک على الصحيحين عن عبد اللّه بن ظالم :المحاسن عن أبى عبد اللّه المدائنى :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إذا بَرُدَ عَلى قَلبِ أحَدِكُم حُبُّنا فَليَحمَدِ اللّهَ عَلى اُولَى النِّعَمِ ، قُلتُ : عَلى فِطرَةِ الإسلامِ؟ قال : لا ، ولكِن عَلى طيبِ المَولِدِ ؛ إنَّهُ لا يُحِبُّنا إلّا مَن طابَت وِلادَتُهُ . (3)4 / 6عَلى سَلامَةِ المَولودِ6329.المناقب لابن المغازلى عن أبى معاويه هشيم بن بشيرالكافى عن محمّد بن سنان عمّن حدّثه ، قال :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا بُشِّرَ بِالوَلَدِ لَم يَسأل أذَكَرٌ هُوَ أم اُنثى حَتّى يَقولَ : أسَوِىٌّ؟ فَإن كانَ سَوِيّا قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَخلُق مِنّى شَيئا مُشَوَّها . (4) .

1- .علل الشرايع : ص 141 ح 3 ، الأمالى للصدوق : ص 562 ح 756 ، بشاره المصطفى : ص 177 وفيهما «مَن» بدل «مؤمن» وكلّها عن زيد بن علىّ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهماالسلام ، بحارالأنوار : ج 27 ص 146 ح 5 .
2- .معانى الأخبار : ص 161 ح 2 ، علل الشرايع : ص 141 ح 2 ، الأمالى للصدوق : ص 562 ح 755 ، بشاره المصطفى : ص 177 ، بحارالأنوار : ج 27 ص 146 ح 4 .
3- .المحاسن : ج 1 ص 232 ح 420 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 152 ح 22 .
4- .الكافى : ج 6 ص 21 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 439 ح 1754 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 123 ح 68 .

6330.مروج الذهب :امام على عليه السلام :پيامبر خدا فرمود : «اى على! هر كس مرا و تو را و امامانِ از نسل تو را دوست داشته باشد ، بايد خداى را بر پاک زادگى خويش سپاس بگويد ؛ زيرا تنها كسى ما را دوست دارد كه مؤمن و پاک زاده باشد ، و تنها كسى ما را دشمنان مى دارد كه ناپاک زاده باشد» .6331.الغارات عن الواقدى :معانى الأخبار به نقل از ابو محمّد انصارى : امام باقر عليه السلام فرمود : «هر كس خنكاى مِهر ما را در دل خويش مى يابد ، خداى را بر نخستين نعمت سپاس گويد» .

گفته شد : نخستين نعمت چيست؟

فرمود : «پاک زادگى» .6332.الإمام الباقر عليه السلام :المحاسن به نقل از ابو عبد اللّه مدائنى : امام صادق عليه السلام فرمود : «هر گاه خُنكاى مِهر ما بر دل يكى از شما نشست ، پس خداى را بر نخستين نعمت سپاس گويد» .

گفتم : بر [داشتن نعمت] آيين اسلام ؟

فرمود : «خير ، بر حلال زادگى ؛ [چرا كه] ما را دوست نمى دارد مگر آن كس كه حلال زاده باشد» .4 / 6بر سلامت نوزاد6335.أنساب الأشراف عن عمر بن علىّ :الكافى به نقل از محمّد بن سنان ، از كسى كه برايش نقل كرده بود : هر گاه به امام زين العابدين عليه السلام مژده [به دنيا آمدن]فرزند مى دادند ، نمى پرسيد كه پسر است يا دختر ؛ بلكه نخست مى پرسيد : «آيا سالم است؟» و اگر سالم بود ، مى فرمود : «سپاس ، خداى را كه از من ، فرزندى معيوب نيافريد» .

.

4 / 7عِندَ البَلاءِ6338.مروج الذهب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا مَرِضَ العَبدُ بَعَثَ اللّهُ تَعالى إلَيهِ مَلَكَينِ فَقالَ : اُنظُرا ماذا يَقولُ لِعُوّادِهِ ، فَإن هُوَ إذا جاؤوهُ حَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ رَفَعا ذلِكَ إلَى اللّهِ عز و جل ، وهُوَ أعلَمُ .

فَيَقولُ : لِعَبدى عَلَىَّ ، إن تَوَفَّيتُهُ أن اُدخِلَهُ الجَنَّةَ ، وإن أنَا شَفَيتُهُ أن اُبدِلَ لَهُ لَحما خَيرا مِن لَحمِهِ ، ودَما خَيرا مِن دَمِهِ ، وأن اُكَفِّرَ عَنهُ سَيِّئاتِهِ .

(1)6339.المناقب لابن المغازلى عن سليمان بن علىّ عن أبيه :الكافى عن العزرمى عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام :مَن اشتَكى لَيلَةً فَقَبِلَها بِقَبولِها ، وأدّى إلَى اللّهِ شُكرَها ، كانَت كَعِبادَةِ سِتّينَ سَنَةً .

قالَ أبى : فَقُلتُ لَهُ : ما قَبولُها؟

قالَ : يَصبِرُ عَلَيها ولا يُخبِرُ بِما كانَ فيها ، فَإذا أصبَحَ حَمِدَ اللّهَ عَلى ما كانَ .

(2)6340.تاريخ الطبرى عن علىّ بن محمّد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ لِلمَلائِكَهِ : اِنطَلِقوا إلى عَبدى فَصُبّوا عَلَيهِ البَلاءَ صَبّا ، فَيَأتونَهُ فَيَصُبّونَ عَلَيهِ البَلاءَ ، فَيَحمَدُ اللّهَ فَيَرجِعونَ ، فَيَقولونَ : يا رَبَّنا صَبَبنا عَلَيهِ البَلاءَ صَبّا كَما أمَرتَنا ، فَيَقولُ : اِرجِعوا فَإنّى اُحِبُّ أن أسمَعَ صَوتَهُ .

(3)6341.المستدرک على الصحيحين عن أبى عبد اللّه الجدلى :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : إنَّ عَبدِىَ المُؤمِنَ عِندى بِمَنزِلَهِ كُلِّ خَيرٍ؛ يَحمَدُنى وأنَا أنزِعُ نَفسَهُ مِن بَينِ جَنبَيهِ . (4) .

1- .الموطّأ : ج 2 ص 940 ح 5 عن عطاء بن يسار ، كنز العمّال : ج 3 ص 310 ح 6704 نقلاً عن الدارقطنى فى الغرائب وابن صخر فى عوالى مالک عن أبى هريره .
2- .الكافى ¨ : ج 3 ص 116 ح 5 ، مشكاه الأنوار : ص 488 ح 1630 عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام .
3- .المعجم الكبير : ج 8 ص 166 ح 7697 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 149 ح 9801 وليس فيه «فيصبّون عليه البلاء» وكلاهما عن أبى اُمامه ، كنزالعمّال : ج 3 ص 335 ح 6821 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 245 ح 8500 ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 46 ح 84 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 118 ح 4494 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 561 ح 42173 .

4 / 7هنگام بلا و بیماری6344.العقد الفرید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بیمار شود ، خداوند بزرگ دو فرشته به سوی او می فرستد و می فرماید : «بنگرید که به عیادت کنندگانش چه می گوید» .

پس اگر او هنگامی که عیادت کنندگان نزد او می آیند ، خدا را سپاس گفت و ستود ، آن سپاس و ستایش او را به درگاه خداوند عز و جل بالا می برند ، و البته او خود داناتر است [که آن بنده چه گفته است] .

پس خداوند می فرماید : «بنده ام بر من این حقّ را دارد که اگر جانش را ستاندم ، او را به بهشت ببرم و اگر شفایش دادم ، گوشت و خونی بهتر از گوشت و خون او [که از او کم شده است ،] عوضش بدهم و گناهانش را بزدایم» .6345.أسد الغابه عن شهر بن حوشب :الکافی به نقل از عزرمی ، از پدرش : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر کس شبی دردمند شود و آن شب را به جان بپذیرید ، و شکر آن شب را به درگاه خدا بگزارد ، [پاداشش]همانند شصت سال عبادت است» .

گفتم : پذیرفتن آن چگونه است ؟

فرمود : «بر آن [درد] ، شکیب ورزد و آنچه را بر او گذشته است ، به کسی نگوید و چون صبح شد ، خدای را بر هر آنچه بوده است ، سپاس گوید» .6346.مسند الرویانی عن ابن بریده عن أبیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[گاه] خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید : «به سوی بنده ام بروید و باران بلا و گرفتاری را بر او فرو بریزید» .

فرشتگان نیز نزد وی می روند و بر او بلا فرو می ریزند ؛ اما او خدا را سپاس می گوید . پس فرشتگان باز می گردند و می گویند : ای پروردگارا ! ما همچنان که فرمودی ، او را بلا باران کردیم .

خداوند می فرماید : «برگردید [و ادامه دهید] ؛ زیرا من دوست دارم صدای [سپاس گفتنِ] او را بشنوم» .6347.شرح نهج البلاغه عن أشعث بن سوّار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل می فرماید :

«بنده مؤمنم ، در نزد منِ به منزله همه خوبی هاست ؛ در آن حال که من جان او را از بدنش می کَنَم ، او مرا سپاس و ستایش می گوید» .

.

6348.مسند ابن حنبل عن قطبه بن مالک :الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ المُؤمِنَ مِنَ اللّهِ عز و جل لَبِأفضَلِ مَکانٍ ثَلاثا إنَّهُ لَیَبتَلیهِ بِالبَلاءِ ثُمَّ یَنزِعُ نَفسَهُ عُضوا عُضوا مِن جَسَدِهِ ، وهُوَ یَحمَدُ اللّهَ عَلی ذلِکَ . (1)6349.صحیح مسلم عن عامر بن سعد بن أبی وقّاص عن أبیه :الإمام الصادق أو الإمام الکاظم علیهماالسلام :إنَّ اللّهَ عز و جل لَیَعجَبُ مِنَ الرَّجُلِ یَموتُ وَلَدُهُ وهُوَ یَحمَدُ اللّهَ ، فَیَقولُ : یا مَلائِکَتی ، عَبدی أخَذتُ نَفسَهُ وهُوَ یَحمَدُنی . (2)6350.الأمالی للطوسی عن ابن عبّاس :الإمام الصادق علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذا قُبِضَ وَلَدُ المُؤمِنُ وَاللّهُ أعلَمُ (3) بِما قالَ العَبدُ قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی لِمَلائِکَتِهِ : قَبَضتُم وَلَدَ فُلانٍ؟ فَیَقولونَ : نَعَم رَبَّنا ، قالَ : فَیَقولُ : فَما قالَ عَبدی؟ قالوا : حَمِدَکَ وَاستَرجَعَ ، فَیَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی : أخَذتُم ثَمَرَةَ قَلبِهِ وقُرَّةَ عَینِهِ فَحَمِدَنی وَاستَرجَعَ ! اِبنوا لَهُ بَیتا فِی الجَنَّهِ وسَمّوهُ بَیتَ الحَمدِ . (4)6351.المصنّف لابن أبی شیبه عن أبی بکر بن خالد بن عرفطهالإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ المَرَضِ : اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی ما لَم أزَل أتَصَرَّفُ فیهِ مِن سَلامَهِ بَدَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما أحدَثتَ بی مِن عِلَّهٍ فی جَسَدی ، فَما أدری یا إلهی أیُّ الحالَینِ أحَقُّ بِالشُّکرِ لَکَ ، وأیُّ الوَقتَینِ أولی بِالحَمدِ لَکَ . (5) .

1- .الکافی : ج 2 ص 254 ح 13 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 204 عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 211 ح 15 .
2- .الکافی : ج 3 ص 220 ح 9 عن عبد الرحمن بن الحجّاج ، المحجّه البیضاء : ج 8 ص 287 عن الإمام الصادق علیه السلام .
3- .قوله «واللّه أعلم» : هذا لرفع توهّم أنّ سؤاله تعالی لعدم علمه بل هو أعلم من ملائکته بما قاله ، ولکن یسأل ذلک لکثیر من المصالح ، منها إظهار جوده وفضله علی ملائکته وعلی غیرهم بإخبار الأنبیاء والحجج علیهم السلام ، والأمر بإعطاء الثواب واستعمال الملائکه فیما یستحقّون به القرب ، وغیر ذلک ممّا لا یحیط به عقولنا (مرآه العقول : ج 14 ص 171) .
4- .الکافی : ج 3 ص 218 ح 4 عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 177 ح 523 نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 119 ح 11 ؛ سنن الترمذی : ج 3 ص 341 ح 1021 ، السنن الکبری : ج 4 ص 114 ح 7146 کلاهما عن أبی موسی الأشعری ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 171 ح 19746 عن الضحّاک بن عبد الرحمن بن

أبی موسی الأشعری والثلاثه الأخیره نحوه ، کنزالعمّال : ج 3 ص 281 ح 6552 .
5- .الصحیفه السجّادیّه : ص 65 الدعاء 15 .

6352.مروج الذهب عن ابن أبی نجیح :امام صادق علیه السلام :مؤمن در نزد خداوند عز و جل ، برترین جایگاه را دارد (سه بار این جمله را فرمود) . خدا او را به بلا[ی بیماری]گرفتار می کند و سپس جانش را از اندام های بدنش یکایک می ستاند ؛ ولی او خدای را بر این کار سپاس می گوید و می ستاید .6353.تاریخ دمشق عن عائشه بنت سعد :امام صادق علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام :خداوند عز و جل در شگفت می شود از مردی که فرزندش می میرد و او خدا را سپاس می گوید . از این رو ، به فرشتگان می فرماید : «ای فرشتگان من! من جان این بنده ام را گرفتم ؛ ولی او مرا سپاس و ستایش می گوید» .6354.جواهر المطالب :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «هر گاه جانِ فرزند مؤمن گرفته شود ، خداوند تبارک و تعالی با این که خود بهتر می داند آن بنده اش چه گفته (1) ، به فرشتگانش می فرماید : «جان فرزند فلانی را گرفتید ؟» .

فرشتگان می گویند : آری ، ای پروردگار ما !

خداوند می فرماید : «بنده ام چه گفت؟» .

می گویند : تو را ستود و گفت : إنّا للّه و إنّا إلیه راجعون .

خداوند تبارک و تعالی می فرماید : «شما میوه دل و نور دیده او را گرفتید ، ولی او مرا ستود و گفت : انّا للّه وإنّا إلیه راجعون ! [پس] برایش در بهشت ، خانه ای بسازید و آن را خانه ستایش بنامید» .6355.السنّه عن عبد الرحمن بن البیلمانی :امام زین العابدین علیه السلام در دعا به هنگام بیماری : بار خدایا ! تو را سپاس بر تن درستی ای که همواره از آن برخوردار بوده ام ، و تو را سپاس بر این بیماری ای که در تن من پدید آورده ای .

معبود من! نمی دانم که کدام یک از این دو حالت ، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر ، و کدام یک از این دو وقت ، بر ستایش تو شایسته تر است . .

1- .عبارتِ «خود بهتر می داند» ، برای رفع توهّم است . یعنی سؤال خداوند متعال ، برای این نیست که نمی داند ؛ نه ، او خود بهتر از فرشتگان

می داند که بنده چه گفته است ، بلکه این سؤال را بنا بر مصالح فراوانی می پرسد ؛ از جمله ، نشان دادن جود و فضل خود به فرشتگان و غیر فرشتگان ، از طریق خبر دادن پیامبران و حجّت های الهی ، و یا دادن دستور پاداش و به کار گرفتن فرشتگان در کاری که به سبب آن ، سزاوار قرب می شوند ، و دیگر مصالحی که ما از آنها آگاهی نداریم (مرآه العقول : ج 14 ص 171) .

6356.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن ظالم المازنى :الإمام الصادق عليه السلام :مَن ذَكَرَ مُصيبَتَهُ ولَو بَعدَ حينٍ ، فَقالَ : «إنّا للّهِ وإنّا إلَيهِ راجِعونَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمِينَ ، اللّهُمَّ آجِرنى عَلى مُصيبَتى ، وأخلِف عَلَىَّ أفضَلَ مِنها» ، كانَ لَهُ مِنَ الأجرِ مِثلُ ما كانَ عِندَ أوَّلِ صَدمَةٍ . (1)6357.مسند ابن حنبل عن رياح بن الحارث :عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُهُ عِندَ المُصيبَةِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَجعَل مُصيبَتى فى دينى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَو شاءَ أن يَجعَلَ مُصيبَتى أعظَمَ مِمّا كانَت ، وَالحَمدُ للّهِ عَلَى الأمرِ الَّذى شاءَ أن يَكونَ فَكانَ . (2)4 / 8عِندَ رُؤيَةِ المُبتَلى6360.شرح نهج البلاغه عن سعيد بن جبير :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا رَأيتُم أهلَ البَلاءِ فَاحمَدُوا اللّهَ ، ولا تُسمِعوهُم فَإنَّ ذلِكَ يَحزُنُهُم . (3)6361.تاريخ اليعقوبى (فى حَوادِثِ سَنَةِ (44 ه)) عنه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى صاحِبَ بَلاءٍ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى عافانى مِمَّا ابتَلاكَ بِهِ وفَضَّلَنى عَلى كَثيرٍ مِمَّن خَلَقَ تَفضيلاً» إلّا عوفِىَ مِن ذلِكَ البَلاءِ كائِنا ما كانَ ما عاشَ . (4) .

1- .الكافى : ج 3 ص 224 ح 6 عن داوود بن رزين ، مسكّن الفؤاد : ص 102 عن داوود بن زربى ، بحارالأنوار : ج 82 ص 143 ح 26 .
2- .الكافى : ج 3 ص 262 ح 42 ، تحف العقول : ص 381 ، الدعوات : ص 286 ح 14 وليس فيه من «والحمد للّه على الأمر...» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 268 ح 183 وج82 ص 133 ح 16 .
3- .الكافى : ج 2 ص 98 ح 23 عن حفص بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 156 ح 2384 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 34 ح 18 وج 93 ص 218 ح 5 ؛ كنزالعمّال : ج 2 ص 142 ح 3510 نقلاً عن ابن النجّار عن جابر نحوه .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 493 ح 3431 عن عمر وح3432 وفيه «لم يصبه ذلک البلاء» بدل «إلّا عوفى...» ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 85 ح 187 وفيه «فقد أدّى شكر تلک النعمه» بدل «إلّا عوفى من...» كلاهما عن أبى هريره ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1281 ح 3892 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 283 ح 5324 كلاهما عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 2 ص 142 ح 3512 وح 3511 ؛ طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 112 عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه ذيله .

6362.رجال الکشّی عن عاصم بن أبی النجود عمّن شهد ذِلِکَامام صادق علیه السلام :هر کس ، حتی پس از مدّتی ، به یاد مصیبتش بیفتد و بگوید : «ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم ، و سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! مرا بر این مصیبتم پاداش ده ، و بهتر از آن را برایم جای گزین فرما» ، مزدی همانند آنچه در آغاز مصیبت به او داده شده ، عطایش می شود .6363.الأذکیاء :امام صادق علیه السلام در دعایی که هنگام مصیبت دیدن می گفت : سپاس ، خدایی را که مصیبت مرا در دینم قرار نداد . سپاس ، خدایی را که اگر می خواست ، مصیبتم را بزرگ تر از آنچه پیش آمد ، قرار می داد . سپاس ، خدای را بر این کار (مصیبت) که او خواست بشود و شد .4 / 8هنگام مشاهده آسیب دیده6366.أنساب الأشراف عن الأعمش :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه آسیب دیدگان را دیدید ، خدا را [بر سلامت خود] سپاس بگویید ، اما طوری که آنها نشنوند ؛ زیرا این کار ، آنها را اندوهگین می سازد .6367.الأذکیاء :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چون گزند دیده ای را ببیند ، بگوید : «سپاس ، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان مبتلا ساخت ، به سلامت داشت و مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری بخشید» ، قطعا تا زنده است ، از آن گزند به سلامت خواهد ماند ؛ هر گزندی که خواهد ، باشد .

.

6368.الطبقات الكبرى عن سعد بن محمّد بن الحسن بن عطيّهالإمام الباقر عليه السلام :تَقولُ ثَلاثَ مَرّاتٍ إذا نَظَرتَ إلَى المُبتَلى مِن غَيرِ أن تُسمِعَهُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى عافانى مِمَّا ابتَلاکَ بِهِ ولَو شاءَ فَعَلَ . (1)4 / 9عِندَ رُؤيَهِ الجَنازَهِ6371.شرح نهج البلاغه :الكافى عن أبى حمزه :كانَ عَلِىٌّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا رَأى جِنازَهً قَد أقبَلَت ، قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَجعَلنى مِنَ السَّوادِ المُختَرَمِ (2) . (3)راجع : ج 3 ص 60 (مواضع التكبير / رؤيه الجنازه) .

4 / 10عِندَ الهَمِّ وَالحُزنِ6375.بحر المعارف :الإمام علىّ عليه السلام :عَلَّمَنى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا نَزَلَ بى كَربٌ أن أقولَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، سُبحانَ اللّهِ وتَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (4) .

1- .الكافى : ج 2 ص 97 ح 20 عن أبى بصير ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 156 ح 2383 ، الأمالى للصدوق : ص 339 ح 402 عن العيص بن القاسم ، طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 112 عن حنان بن إبراهيم وفى ذيله «ولو شاء أن يفعل فعل ، والحمد للّه الذى لم يفعل ، ولا يُسمعه فيعاقَب» ، روضه الواعظين : ص 519 والثلاثه الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 34 ح 15 وج 93 ص 217 ح 2 .
2- .يقال : اخترمهم الدهر : أى اقتَطَعَهم واستأصلَهم . والسواد : جمله الناس (النهايه : ج 2 ص 27 «خرم» وص 419 «سود») .
3- .الكافى : ج 3 ص 167 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 177 ح 525 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 452 ح 1472 ، الدعوات : ص 260 ح 740 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 266 ح 24 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 196 ح 701 عن عبد اللّه بن جعفر ، كنز العمّال : ج 7 ص 69 ح 18000 .

4 / 9 هنگام دیدن جنازه

4 / 10 هنگام گرفتاری و اندوه

6376.ربیع الأبرار :امام باقر علیه السلام :هر گاه چشمت به آسیب دیده ای افتاد ، به طوری که او نشنود ، سه مرتبه بگو : «سپاس ، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان مبتلا ساخت ، به سلامت داشت ، در حالی که اگر او می خواست ، [با من نیز] چنین می کرد» .4 / 9هنگام دیدن جنازه6379.سیر أعلام النّبلاء عن أبی الأسود :الکافی به نقل از ابو حمزه : امام زین العابدین علیه السلام هر گاه می دید که جنازه ای را می آورند ، می فرمود : «سپاس ، خدای را که مرا از زمره نابود شدگان قرار نداد» .ر . ک : ج 3 ص 61 (جایگاه های گفتن «اللّه اکبر» / هنگام دیدن جنازه) .

4 / 10هنگام گرفتاری و اندوه6383.وقعه صفّین :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا به من آموخت که هر گاه مرا اندوهی می رسد ، بگویم : «معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست . پاکا خدا و خجسته باد خدایی که پروردگار عرش بزرگ است ، و ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است» .

.

4 / 11فِی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ6386.سنن الترمذی عن أبی ذرّ :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :أوَّلُ مَن یُدعی إلَی الجَنَّهِ الحَمّادونَ؛ الَّذینَ یَحمَدونَ اللّهَ عَلَی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ . (1)6387.مسند ابن حنبل عن بریده :الإمام علیّ علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا أتاهُ أمرٌ یَسُرُّهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذی بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ» ، وإذا أتاهُ أمرٌ یَکرَهُهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ عَلی کُلِّ حالٍ» . (2)6388.أنساب الأشراف :الإمام الصادق علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا أتاهُ ما یُحِبُّ قالَ : «الحَمدُ للّهِ المُحسِنِ المُجمِلِ» ، وإذا أتاهُ ما یَکرَهُهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ عَلی کُلِّ حالٍ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلی هذِهِ الحالِ» . (3)6389.أنساب الأشراف عن کمیل بن زیاد :عنه علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا وَرَدَ عَلَیهِ أمرٌ یَسُرُّهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ عَلی هذِهِ النِّعمَهِ» ، وإذا وَرَدَ عَلَیهِ أمرٌ یَغتَمُّ بِهِ قالَ : «الحَمدُ للّهِ عَلی کُلِّ حالٍ» . (4)6390.تاریخ الیعقوبی :الإمام الحسین علیه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ یَومَ تاسوعاءَ : اُثنی عَلَی اللّهِ أحسَنَ الثَّناءِ ، وأحمَدُهُ عَلَی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ. . . . (5) .

1- .المعجم الکبیر : ج 12 ص 15 ح 12345 ، المعجم الصغیر : ج 1 ص 103 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 681 ح 1851 ، شُعب الإیمان : ج 4 ص 91 ح 4373 ، حلیه الأولیاء : ج 5 ص 69 کلّها عن ابن عبّاس ، کنزالعمّال : ج 3 ص 254 ح 6410 ؛ مکارم الأخلاق : ج 2 ص 77 ح 2193 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 18 .
2- .الأمالی للطوسی : ص 50 ح 64 عن داوود بن سلیمان الغازی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، جامع الأخبار : ص 512 ح 1436 مع تقدیم وتأخیر ، بحار الأنوار : ج 71 ص 46 ح 56 ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 678 ح 1840 عن عائشه ، تاریخ بغداد : ج 3 ص 131 عن ابن عبّاس ، حلیه الأولیاء : ج 3 ص 157 عن أبی هریره وکلاهما نحوه ، کنزالعمّال : ج 2 ص 671 ح 5027 .
3- .مشکاه الأنوار : ص 70 ح 119 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 214 ح 17 .
4- .الکافی : ج 2 ص 97 ح 19 عن المثنّی الحنّاط ، مشکاه الأنوار : ص 70 ح 120 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 33 ح 14 وج 93 ص 214 ح 17 .
5- .الإرشاد : ج 2 ص 91 ، إعلام الوری : ج 1 ص 455 ، روضه الواعظین : ص 202 کلّها عن الإمام زین العابدین علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص

392 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 418 عن شريک العامرى عن الإمام زين العابدين عليه السلام .

4 / 11در خوشی و ناخوشی6393.أنساب الأشراف عن قتاده :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین کسانی که به بهشت فراخوانده می شوند ، ستایش گران اند ؛ همانان که در خوشی و ناخوشی ، خدا را سپاس و ستایش می گویند .6394.أنساب الأشراف عن إبراهیم التیمی عن أبیه :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه حادثه خوشایندی برایش پیش می آمد ، می فرمود : «سپاس ، خدایی را که به لطف و نعمت او ، کارهای نیک صورت می پذیرد» و هر گاه حادثه ناخوشایندی برایش پیش می آمد ، می فرمود : «سپاس ، خدای را بر هر حالی» .6395.الأمالی للطوسی عن عبد الرحمن بن أبی عمره الأنصاریامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه برایش چیزی پیش می آمد که دوست داشت ، می فرمود : «سپاس ، خدای نیکوکار احسانگر را» و هر گاه برایش چیزی پیش می آمد که دوست نمی داشت ، می فرمود : «سپاس ، خدای را بر هر حالی ، و سپاس خدای را بر این حال» .6396.الکافی عن أبی جعفر الخثعمی :امام صادق علیه السلام :هر گاه برای پیامبر خدا حادثه ای پیش می آمد که خوش حالش می کرد ، می فرمود : «سپاس ، خدای را بر این نعمت» و هر گاه حادثه ای برایش پیش می آمد که او را اندوهگین می ساخت ، می فرمود : «سپاس ، خدای را بر هر حالی» .6397.الإمام الصادق علیه السلام :امام حسین علیه السلام در خطبه روز تاسوعا : خدای را به نیکوترین ثنا می ستایم ، و در خوشی و ناخوشی ، او را سپاس می گویم ... .

.

4 / 12عِندَ دُخولِ المَسجِدِ6400.رجال النّجاشى عن أبى رافع :الإمام الصادق عليه السلام :إذا دَخَلتَ المَسجِدَ فَاحمَدِ اللّهَ وأثنِ عَلَيهِ ، وصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله . (1)4 / 13عَقيبَ الصَّلَواتِ6403.تاريخ الطبرى عن أبى قتاده (لِعَلِيٍّ عليه السلام فى حَربِ الجَمَلِ) وقعه صفّين عن عمر بن سعد فى ذِكرِ خُروجِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام إلَى صِفّينَ : ثُمَّ خَرَجَ حَتّى نَزَلَ عَلى شاطِئِ نَرسٍ بَينَ مَوضِعِ حَمّامِ أبى بَردَةَ وحَمّامِ عُمَرَ ، فَصَلّى بِالنّاسِ المَغرِبَ ، فَلَمَّا انصَرَفَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى يُولِجُ اللَّيلَ فِى النَّهارِ ، ويولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيلِ ، وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما وَقَبَ لَيلٌ وغَسَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما لاحَ نَجمٌ وخَفَقَ . (2)6404.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصفِ أبى موسَى الأشعَرىِّ) الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ إذا صَلَّى المَغرِبَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى يَفعَلُ ما يَشاءُ ولا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ» اُعطِىَ خَيرا كَثيرا . (3)6405.مروج الذهب (فى ذِكرِ حَربِ الجَمَلِ) مصباح المتهجّد عن معاويه بن عمّار (4) :مصباح المتهجّد عن معاويه بن عمّار (5) : تَقولُ بَعدَ الفَجرِ : ... الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ كَثيرا كَما هُوَ أهلُهُ ومُستَحِقُّهُ ، وكَما يَنبَغى لِكَرَمِ وَجهِهِ وعِزِّ جَلالِهِ ، عَلى إدبارِ اللَّيلِ وإقبالِ النَّهارِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى ذَهَبَ بِاللَّيلِ مُظلِما بَقُدرَتِهِ وجاءَ بِالنَّهارِ مُبصِرا بِرَحمَتِهِ . 6 .

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 65 ح 233 عن أبى بصير .
2- .وقعه صفّين : ص 134 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 112 ح 10 .
3- .الكافى : ج 2 ص 545 ح 2 عن الصباح بن سيابه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 326 ح 957 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 115 ح 430 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 112 ح 12 .
4- .كذا ورد فى المصدر مضمرا ، والمروىّ عنه هو الإمام الصادق عليه السلام كما فى مكارم الأخلاق وفلاح السائل .
5- .مصباح المتهجّد : ص 218 ح 331 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 69 ح 2172 ، بحارالأنوار : ج 83 ص 113 ح 21 .

4 / 12 هنگام وارد شدن به مسجد

4 / 13 در پی نمازها

4 / 12هنگام وارد شدن به مسجد6408.تاریخ دمشق عن أبی تِحیَی حُکَیّم :امام صادق علیه السلام :هر گاه وارد مسجد شدی ، خدای را سپاس و ستایش بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست .4 / 13در پی نمازها6411.الطبقات الکبری عن أبی بُرده [بن أبی موسی] :وقعه صفّین به نقل از عمر بن سعد در بیان حرکت امام علی علیه السلام به سوی صفّین : سپس ره سپار شد تا آن که در کرانه نَرس ، (1) بین حمّام ابو برده و حمّام عمر ، فرود آمد و نماز مغرب را به جماعت خواند . پس چون نمازش را تمام کرد ، فرمود : «سپاس ، خدایی را که شب را در کام روز فرو می برد و روز را در کام شب . سپاس ، خدای را تا هر آن گاه که [در عالم] شبی تیره شود و به سپیده گراید . سپاس ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای بدرخشد و غروب کند» .6412.تاریخ دمشق عن عبد اللّه بن المبارک :امام صادق علیه السلام :هر کس که چون نماز مغرب را خواند ، سه مرتبه بگوید : «سپاس ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او هیچ کس نیست که آنچه بخواهد ، انجام دهد» ، خیر بسیار به او داده شده است .6413.الجمل (فی ذکر حرب) مصباح المتهجّد به نقل از معاویه بن عمّار : پس از نماز صبح ، می گویی : «... سپاس فراوان ، خدای را که پروردگار جهانیان است ؛ چنان سپاسی که او اهل و سزاوار آن است ، و آن سان که سزامند ذات بزرگوار و عزّت بِشکوه اوست ؛ [سپاس] بر سپری شدن شب و روی آوردن روز . سپاس ، خدایی را که با قدرت خویش ، شب تار را بُرد و به رحمت خویش ، روز روشن را آورد» .

.

1- .کانالی که نرسی پسر بهرام ، در بیرون کوفه حفر کرده و از فرات منشعب می شود .

4 / 14فِی السُّجُودِ6416.وقعه صفّین (بَعدَ ذِکرِ دَعوَهِ الإِمامِ علیه السلام أهلَ ا) فلاح السائل :إنَّ مَولانا عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ کانَ یَقولُ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِما إذا سَجَدَ ، یَقولُ مِئَهَ مَرَّهٍ : «الحَمدُ للّهِ شُکرا» ، وکُلَّما قالَ عَشرَ مَرّاتٍ قالَ : «شُکرا لِلمُجیبِ» ، ثُمَّ یَقولُ : «یا ذَا المَنِّ الدّائِمِ الَّذی لا یَنقَطِعُ أبَدا ، ولا یُحصیه غَیرُهُ ، ویا ذَا المَعروفِ الَّذی لا یَنَفدُ أبَدا ، یا کَریمُ یا کَریمُ یا کَریمُ» . (1)4 / 15بَعدَ قِراءَهِ الفاتِحَهِ فِی الصَّلاهِ6419.عیون الأخبار عن السکن :الإمام الصادق علیه السلام :إذا قَرَأتَ الفاتِحَهَ فَفَرَغتَ مِن قِراءَتِها فَقُل : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . (2)4 / 16بَعدَ قِراءَهِ الحَواممِ6422.تاریخ دمشق عن إبراهیم :الإمام الصادق علیه السلام :الحَواممُ رَیاحِینُ القُرآنِ ، فَإذا قَرَأتُموها فَاحمَدُوا اللّهَ وَاشکُروهُ کَثیرا لِحِفظِها وتِلاوَتِها ، إنَّ العَبدَ لَیَقومُ ویَقرَأُ الحَواممَ ، فَیَخرُجُ مِن فیهِ أطیَبُ مِنَ المِسکِ الأذفَرِ وَالعَنبَرِ ، وإنَّ اللّهَ عز و جل لَیَرحَمُ تالِیَها وقارِئَها . (3) .

1- .فلاح السائل : ص 365 ح 243 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 214 ح 27 .
2- .مجمع البیان : ج 1 ص 109 عن فضیل بن یسار ، بحار الأنوار : ج 85 ص 60 ح 48 .
3- .ثواب الأعمال : ص 141 ح 1 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 92 ص 301 ح 1 .

4 / 14 در سجده

4 / 15 پس از خواندن سوره فاتحه در نماز

4 / 16 پس از خواندن «حاء میم»ها

4 / 14در سجده6425.وقعه صفّین عن الأشعث بن قیس (مِن خُطبَتِهِ فی أذربیجانَ بَعدَ بَیعَهِ النّاس) فلاح السائل :سَروَرمان امام زین العابدین که درودهای خدا بر آن دو باد هر گاه به سجده می رفت ، صد مرتبه می گفت : «ستایش ، خدای را» و پس از هر ده مرتبه ، یک مرتبه می گفت : «ستایش اجابت کننده را» . سپس می فرمود : «ای صاحب نعمت همیشگی که هرگز قطع نمی شود و جز او هیچ کس شمارش آن را نتواند ! و ای صاحب احسانی که هرگز پایان نمی پذیرد ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار !» .4 / 15پس از خواندن سوره فاتحه در نماز6428.الإمام الصادق علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر گاه سوره فاتحه را خواندی ، در پایان آن بگو : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .4 / 16پس از خواندن «حاء میم»ها6431.شرح نهج البلاغه :امام صادق علیه السلام :«حاء میم»ها گلْ پونه های قرآن اند ؛ پس هر گاه آنها را خواندید ، خداوند را برای حفظ کردن و خواندن آنها ، ستایش و سپاس بسیار بگویید . بنده بر می خیزد و «حاء میم»ها را می خواند ، پس بویی خوش تر از مشک تُند و عنبر از دهان او خارج می شود ، و خداوند عز و جل به تلاوت کننده و قرائت کننده آنها رحم می آورد .

.

4 / 17عِندَ خَتمِ القُرآنِ6434.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام :كانَ [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] إذا خَتَمَ القُرآنَ حَمِدَ اللّهَ بِمَحامِدَ وهُوَ قائِمٌ ، ثُمَّ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (1) ، لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وكَذَبَ العادِلونَ باللّهِ ، وضَلّوا ضَلالاً بَعيداً ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وكَذَبَ المُشرِكونَ بِاللّهِ مِنَ العَرَبِ وَالمَجوسِ وَاليَهودِ وَالنَّصارى وَالصّابِئينَ ، ومَن ادَّعى لِلّهِ وَلَدا أو صاحِبَةً أو نِدّا أو شَبيها أو مِثلاً أو سَمِيّا أو عِدلاً ، فَأنتَ رَبُّنا أعظَمُ مِن أن تَتَّخِذَ شَريكا فيما خَلَقتَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِ وكَبِّرهُ تَكبيرا ، اللّهُ أكبَرُ كَبيرا وَالحَمدُ للّهِ كَثيرا وسُبحانَ اللّهِ بُكرَةً وأصيلاً ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَبَ وَ لَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجَا * قَيِّمًا» قَرَأها إلى قَولِهِ «إِن يَقُولُونَ إِلَا كَذِبًا» (2) ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَوَ تِ وَ مَا فِى الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْاخِرَهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى الْأَرْضِ» (3) الآيَةَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ» (4) الآيَتَينِ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَمٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ءَاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ» (5) ، بَلِ اللّهُ خَيرٌ وأبقى وأحكَمُ وأكبَرُ وأجَلُّ وأعظَمُ مِمّا يُشرِكونَ ، وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (6) ، صَدَقَ اللّهُ وبَلَّغَت رُسُلُهُ وأنَا عَلى ذلِكُم مِنَ الشّاهِدينَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى جَميعِ المَلائِكَهِ وَالمُرسَلينَ ، وَارحَم عِبادَكَ المُؤمِنين ، مِن أهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وَاختِم لَنا بِخَيرٍ وَافتَح لَنا بِخَيرٍ وبارِك لَنا فِى القُرآنِ العَظيمِ ، وَانفَعنا بِالآياتِ وَالذِّكرِ الحَكيمِ ، رَبَّنا تَقَبَّل مِنّا إنَّكَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ . (7) .

1- .الأنعام : 1 .
2- .الكهف : 1 5 .
3- .سبأ : 1 و 2 .
4- .فاطر : 1 .
5- .النمل : 59 .
6- .لقمان : 25 .
7- .كنز العمّال : ج 2 ص 349 ح 4220 نقلاً عن شعب الإيمان .

4 / 17هنگام ختم قرآن6437.حلیه الأولیاء عن أصبغ بن زید :امام زین العابدین علیه السلام :[پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] هر گاه قرآن را به پایان می رساند ، بر می خاست و خدا را به انواع ستایش ها می ستود . سپس می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است و «ستایش ، خدایی را که آسمان و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد ، ولی با این حال ، کافران برای پروردگار خویش همتا می آورند» . معبودی جز خدا نیست . همتا آوران برای خدا ، دروغ می گویند و در گم راهی شدید به سر می برند . معبودی جز خدا نیست . دروغ است سخن آنان که برای خدا انباز می آورند ؛ از عرب و مجوس و یهود و نصارا و صائبین و هر کس که برای خدا فرزندی یا همسری یا همتایی یا همانندی یا همسانی یا همنامی یا لنگه ای قایل شود . زیرا تو ای پروردگار ما ! بزرگ تر از آنی که در آنچه آفریده ای ، شریکی برگیری . ستایش ، خدایی را که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهانداری ، شریکی ندارد . خوار و ناتوان نبوده که پشتیبانی داشته باشد ، و او را بسی بزرگ دار . خدا بسی بزرگ است ، و سپاس و ستایش فراوان ، او راست . پاکا خدا در هر بام و شام ، و «سپاس و ستایش ، خدایی را که این کتاب را بر بنده اش فرو فرستاد و در آن هیچ کژی ننهاد . کتابی راست است . . .» (این آیات را خواند ، تا) «جز دروغ نگویند» . «ستایش ، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آنِ اوست و سپاسْ او راست در سرای پسین ، و او حکیم و آگاه است . آنچه را در زمین فرو رود ، می داند ...» (تا آخر آیه خواند) و «ستایش ، خدایی را که شکافنده آسمان ها و زمین است...» (تا دو آیه خواند) و «ستایش ، خدای را و درود بر آن بندگانش که خود برگزیده است . آیا خدا بهتر است یا آنچه شریکش می کنند !؟» . البته که خدا بهتر و ماندگارتر و حکیم تر و بزرگ تر و شکوهمندتر است و برتر از آن چیزی است که شریک او می دارند، و «ستایش ، از آنِ خداست ، اما بیشترشان نمی دانند» . راست فرمود خدا ، و فرستادگانش پیام او را رساندند ، و من نیز از شمار گواهان بر آنان هستم .

بار خدایا ! بر همه فرشتگان و فرستادگان درود فرست . بر بندگان مؤمنت در آسمان ها و زمین ، رحم فرما . پایان و آغاز کار ما را نیک گردان . در

قرآن بزرگ ، برای ما برکت قرار ده و ما را از آیات و این پند حکیمانه[ی قرآن] ، بهره مند گردان . خداوندا ! از ما بپذیر ، که تو شنوا و دانایی» .

.

4 / 18بَدءُ الكَلام6440.الأمالى للطوسى :رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ كَلامٍ ذى بالٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِالحَمدِ للّهِ فَهُوَ أقطَعُ . (1)6441.حليه الأولياء عن أصبغ بن زيد :عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ كَلامٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِالحَمدِ للّهِ فَهُوَ أجذَمُ . (2)4 / 19بَعدَ الأَكلِ وَالشُّربِ6444.تاريخ بغداد عن عبد اللّه بن عماره بن القدّاح :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المُؤمِنَ لَيَشبَعُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ فَيَحمَدُ اللّهَ؛ فَيُعطيهِ اللّهُ مِنَ الأَجرِ ما لا يُعطِى الصّائِمَ ، إنَّ اللّهَ شاكِرٌ عَلَيمٌ يُحِبُّ أن يُحمَدَ . (3)6445.علل الشرائع عن أبى الزبير المكّى :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لَيَرضى عَنِ العَبدِ أن يَأكُلَ الأَكلَةَ فَيَحمَدَهُ عَلَيها ، أو يَشرَبَ الشَّربَةَ فَيَحمَدَهُ عَلَيها . (4) .

1- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 263 ح 3 عن أبى هريره ؛ عدّه الداعى : ص 245 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 31 وليس فيهما «ذى بال» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 216 ح21 .
2- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 261 ح 4840 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 19 ص 72 ح 141 عن كعب نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 559 ح 2511 .
3- .المحاسن : ج 2 ص 214 ح 1641 عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 66 ح 99 وفيه «ما يعطى الصائم» بدل «مالا يعطى الصائم» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 375 ح 26 وج 93 ص 214 ح 17 .
4- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2095 ح 89 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 265 ح 1816 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 235 ح 12169 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 563 ح 1 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 15 ص 245 ح 40778 .

4 / 18 آغاز سخن

4 / 19 پس از خوردن و آشامیدن

4 / 18آغاز سخن6448.رجال الكشّي :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر سخن جدّی ای که با ستایش خدا آغاز نشود ، آن سخن بریده و ناتمام است .6449.وقعه صفّین :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گفتاری که با ستایش خدا آغاز نشود ، آن گفتار بی دنباله است .4 / 19پس از خوردن و آشامیدن6452.الإرشاد عن جندب بن عبد اللّه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن می خورد و می آشامد و سپس حمد خدا می گوید و در نتیجه ، خداوند به او مزدی می دهد که به روزه دار نمی دهد . خداوند ، قدر دانی داناست و دوست دارد که حمد شود .6453.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند از بنده می پسندد که غذایی بخورد و او را بر آن سپاس گوید ، یا نوشیدنی ای بیاشامد و او را بر آن سپاس گوید .

.

6454.شرح نهج البلاغه عن حبّه العرنى :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لَيُدخِلُ العَبدَ الجنَّةَ بِالأَكلَةِ أوِ الشَّربَةِ يَحمَدُهُ عَلَيها . (1)6455.الطبقات الكبرى عن علباء بن أحمر :عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ طَعاما ثُمَّ قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنى هذا مِن رِزقِهِ مِن غَيرِ حَولٍ مِنّى وقُوَّةٍ» ، غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (2)6456.شرح الأخبار عن أبى الحجاف :عنه صلى الله عليه و آله :إذا رُفِعَتِ المائِدَهُ فَقُل : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ اجعَلها نِعمَةً مَشكورَةً . (3)6457.الأمالى للمفيد عن جميل بن صالح :الإقبال :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَحمَدُ اللّهَ بَينَ كُلِّ لُقمَتَينِ . (4)6458.الأمالى للطوسى عن ربيعه بن ناجذ (بَعدَ غارَةِ سُفيانَ بنِ عَوفٍ الغامِدِىِّ وَاس) سنن الترمذى عن أبى أُمامه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلَى الله عليه و آله إذا رُفِعَتِ المائِدَهُ مِن بَينِ يَدَيهِ ، يَقولُ : الحَمدُ للّهِ . (5)6459.تاريخ اليعقوبيسنن أبى داوود عن أبى سعيد الخدرى :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا فَرَغَ مِن طَعامِهِ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنا وسَقانا وجَعَلَنا مُسلِمينَ . (6)6460.وقعه صفّين عن عبد اللّه بن شريک صحيح البخارى عن أبى أُمامه :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا رُفِعَت مائِدَتُهُ قالَ : الحَمدُ للّهِ كَثيرا طَيِّبًا مُبارَكا فيهِ ، غَيرَ مَكفِىٍّ ولا مُوَدَّعٍ ولا مُستَغنىً عَنهُ ، رَبُّنا . (7) .

1- .سير أعلام النبلاء : ج 19 ص 259 ، تاريخ دمشق : ج 55 ص 399 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 258 ح 6437 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 244 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 14 ح 2 ؛ سنن أبى داوود : ج 4 ص 42 ح 4023 وفيه «... ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر» ، سنن الترمذى : ج 5 ص 508 ح 3458 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1093 ح 3285 ، كنزالعمّال : ج 15 ص 239 ح 40744 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 310 ح 991 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 381 ح 47 .
4- .الإقبال : ج 1 ص 245 نقلاً عن تاريخ نيسابور فى ترجمه حسن بن بشير بإسناده ، بحار الأنوار : ج 98 ص 14 ح 2 .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 507 ح 3456 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 151 ح 7192 ؛ الجعفريّات : ص 160 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

6- .سنن أبى داوود : ج 3 ص 366 ح 3850 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 508 ح 3457 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1092 ح 3283 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 80 ح 10121 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 65 ح 11276 وص 194 ح 11934 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 104 ح 18179 .
7- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2078 ح 5142 ، سنن أبى داوود : ج 3 ص 366 ح 3849 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 283 ح 22262 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 201 ح 6897 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 710 ح 1935 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 104 ح 18178 .

6461.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند بنده را به سبب خوردن یا آشامیدنی که بر آن او را سپاس گوید ، به بهشت می برد .6462.الأغانی عن المجالد بن سعید الهمدانی ، والصقعب بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس غذایی بخورد و سپس بگوید : «ستایش ، خدای را که این را از روزی خود ، بدون آن که مرا در آن توش و توانی باشد ، خورانید» ، گناهان گذشته او آمرزیده می شود .6463.الطبقات الکبری (فی ذِکرِ أحوالِ حُجرِ بنِ عَدِیٍّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه سفره جمع شد ، بگو : «سپاس و ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است .

بار خدایا ! این را نعمتی سپاسْ داشته قرار ده» .6464.تاریخ الطبری عن أبی إسحاق :الاقبال :پیامبر خدا میان هر دو لقمه ، خدا را سپاس می گفت .6465.الأغانی :سنن الترمذی به نقل از ابو اُمامه : پیامبر خدا هر گاه سفره را از برابرش برمی داشتند ، می گفت : «سپاس ، خدای را» .6466.الأغانی :سنن ابی داوود به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خوردنْ فراغت می یافت ، می فرمود : «سپاس ، خدایی را که به ما غذا و آب داد و ما را مسلمان قرار داد» .6467.الأغانی :صحیح البخاری به نقل از ابو اُمامه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه سفره اش برچیده می شد ، می فرمود : «سپاس ، خدای را ؛ سپاسی فراوان و پاک و با برکت ، که او را خود ، نیازی نیست ، و طاعتش را کنار نتوان نهاد ، و از او بی نیازی نباشد . تو پروردگار ما هستی» . .

6468.الأغانى عن أبى مخنف عن رجاله :مسند ابن حنبل عن نعيم بن سلامه عن رجل من بنى سليم وكانَت لَهُ صُحبَهٌ : أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا فَرَغَ مِن طَعامِهِ قالَ : اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ ، أطعَمتَ وسَقَيتَ وأشبَعتَ وأروَيتَ ، فَلَكَ الحَمدُ غَيرَ مَكفورٍ ولا مُوَدَّعٍ ولا مُستَغنىً عَنكَ . (1)6469.تاريخ اليعقوبى :مكارم الأخلاق :كانَ صلى الله عليه و آله إذا وُضِعَتِ المائِدَهُ بَينَ يَدَيهِ ، قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ اجعَلها نِعمَهً مَشكورَهً نَصِلُ بِها نِعمَهَ الجَنَّهِ . (2)6470.الأغانى عن عبد الملك بن نوفل :سنن أبى داوود عن أبى أيّوب الأنصارى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أكَلَ أو شَرِبَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَ وسَقى وسَوَّغَهُ ، وجَعَلَ لَهُ مَخرَجا . (3)6471.تاريخ اليعقوبى :الشكر عن أنس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أكَلَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنى وسَقانى وهَدانى ، وكُلُّ بَلاءٍ حَسَنٍ أبلانى ، الحَمدُ للّهِ الرَّزّاقِ ذِى القُوَّهِ المَتينِ ، اللّهُمَّ لا تَنزِع مِنّا صالِحا أعطَيتَنا ، ولا صالِحا رَزَقتَنا ، وَاجعَلنا لَكَ مِنَ الشّاكِرينَ . (4)6472.تاريخ الطبرى عن ابن سيرين (فى مُعاوِيَهَ) الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اِللّه صلى الله عليه و آله إذا شَرِبَ الماءَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى سَقانا عَذبا زُلالاً بِرَحمَتِهِ ، ولَم يسقِنا مِلحا أُجاجا (5) بِذُنوبِنا . (6) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 310 ح 18093 ، أُسد الغابه : ج 6 ص 388 ، تاريخ دمشق : ج 62 ص 172 ح 12759 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 268 ح 3372 عن الحارث بن الحارث ، كنزالعمّال : ج 7 ص 104 ح 18180 وج 15 ص 432 ح 41711 ؛ الإقبال : ج 1 ص 245 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 15 ح 2 .
2- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 68 ح 79 وص 309 ح 987 وليس فيه «باسم اللّه » ، بحار الأنوار : ج 66 ص 380 ح 47 .
3- .سنن أبى داوود : ج 3 ص 366 ح 3851 ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 24 ح 5220 ، عمل اليوم والليله للنسائى : ص 264 ح 285 ، المعجم الكبير : ج 4 ص 182 ح 4082 ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 79 ح 171 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 103 ح 18176 .
4- .الشكر لابن أبى الدنيا : ص 79 ح 170 .
5- .الأُجاج : الماء المِلْح الشديد الملوحه (النهايه : ج 1 ص 25 «أجج») .
6- .المحاسن : ج 2 ص 406 ح 2420 ، قرب الإسناد : ص 21 ح 71 كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج 6 ص

384 ح 2 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 459 ح 6 ؛ الدعاء للطبرانى : ص 280 ح 899 عن فضيل بن عياض عن الإمام الصادق عليه السلام ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 41 ح 70 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 137 كلاهما عن جابر والثلاثه الأخيره عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 7 ص 111 ح 18226 .

6473.الإمام علیّ علیه السلام (فی کِتابِهِ إلی حُذَیفَهَ بنِ الیَمانِ) مسند ابن حنبل به نقل از نعیم بن سلامه ، از مردی از بنی سلیم که صحابی بود : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خوردنْ دست می کشید ، می فرمود : «بار خدایا ! تو را سپاس که غذا و آب دادی و سیر و سیرابمان نمودی . پس تو را سپاس ، که تو را ناسپاسی نشاید ، طاعتت را کنار نتوان نهاد ، و از تو بی نیازی ای نخواهد بود .6474.الأمالی للطوسی عن حذیفه :مکارم الاخلاق :هر گاه برای پیامبر صلی الله علیه و آله سفره نهاده می شد ، می فرمود : «به نام خدا . بار خدایا ! این را نعمتی سپاس داشته قرار ده که با آن به نعمت بهشت برسیم» .6475.مروج الذهب :سنن أبی داوود به نقل از ابو ایّوب انصاری : پیامبر خدا هر گاه می خورد یا می آشامید ، می فرمود : «سپاس ، خدایی را که غذا و آب داد و آن را گوارا ساخت ، و برایش برون رفتی قرار داد» .6476.الأمالی للطوسی عن أبی راشد :الشکر به نقل از انس : پیامبر خدا هر گاه چیزی می خورد ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به من غذا و آب داد و هدایتم فرمود ، و هر نعمتی نیکی را به من ارزانی داشت . سپاس و ستایش ، خدای روزی دهِ نیرومند استوار را . بار خدایا ! هر خوبی ای را که به ما عطا کردی و هر خوبی ای را که به ما روزی نمودی ، از ما مگیر و ما را از سپاس گزارانت قرار ده» .6477.مجمع الزوائد عن سیّار أبی الحکم :امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه آب می نوشید ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را که به مهر خویش ، ما را آبی گوارا و زلال نوشانید ، و به کیفر گناهانمان ، به ما آب شور و تلخ ننوشانْد» . .

6478.تاريخ الطبرى عن الجارود بن أبى سبره :مكارم الأخلاق :كانَ صلى الله عليه و آله إذا شَرِبَ بَدأ فَسَمّى ، وحَسا حَسوَةً وحَسوَتَينِ ، ثُمَّ يَقطَعُ فَيَحمَدُ اللّهَ ، ثُمَّ يَعودُ فَيُسَمّى ، ثُمَّ يَزيدُ فِى الثّالِثَهِ ، ثُمَّ يَقطَعُ فَيَحمَدُ اللّهَ ، فَكانَ لَهُ صلى الله عليه و آله فى شُربِهِ ثَلاثُ تَسمِياتٍ ، وثَلاثُ تَحميداتٍ .

6479(1).سير أعلام النّبلاء :كتاب من لا يحضره الفقيه :عَن أبى حَمزَهَ عَن عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام أنَّهُ كانَ إذا طَعِمَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنا وسَقانا وكَفانا وأيَّدَنا وآوانا وأنعَمَ عَلَينا وأفضَلَ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى يُطعِمُ ولا يُطعَمُ .

6480(2).الإمام علىّ عليه السلام (مِن كَلامِهِ حينَ دَخَلَ البَصرَهَ) المحاسن عن أبى بصير :تَغَدَّيتُ مَعَ أبى جَعفَرٍ عليه السلام ، فَلَمّا وُضِعَتِ المائِدَهُ قالَ : بِاسمِ اللّهِ . فَلَمَّا فَرَغَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنا وسَقانا ، ورَزَقَنا وعافانا ، ومَنَّ عَلَينا بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وجَعَلَنا مُسلِمينَ .

6481(3).تاريخ اليعقوبى :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام جالِسا ، إذا أتاهُ أخوهُ عَبدُ اللّهِ بنُ عَلِىٍّ يَستَأذِنُ لِعَمرِو بنِ عُبَيدٍ وبَشيرٍ الرَّحّالِ وواصِلٍ ، فَدَخَلوا عَلَيهِ فَجَلَسوا ، فَقالوا : يا أبا جَعفَرٍ ، لِكُلِّ شَىءٍ حَدٌّ يَنتَهى إلَيهِ ؟ فَقالَ : نَعَم ، ما مِن شَىءٍ إلّا ولَهُ حَدٌّ يَنتَهى إلَيهِ .

قالَ : فَدَعا بِالماءِ فَأُتِىَ بِكوزٍ ، فَقالوا : يا أبا جَعفَرٍ هذا الكوزُ مِن شَىءٍ ؟ فَقالَ : نَعَم ، فَقالوا : ما حَدُّهُ؟ قالَ : إذا شَرِبَهُ الرَّجُلُ تَنَفَّسَ عَلَيهِ ثَلاثَهَ أنفاسٍ ، كُلَّما تَنَفَّسَ حَمِدَ اللّهَ ... ثُمَّ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى سَقانى ماءً عَذبا فُراتا بِرَحمَتِهِ ، ولَم يَجعَلهُ مِلحا اُجاجا بِذُنوبى .

(4) .

1- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 76 ح 113 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 246 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 358 ح 4266 ، المحاسن : ج 2 ص 216 ح 1646 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 310 ح 988 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 376 ح 30 .
3- .المحاسن : ج 2 ص 217 ح 1649 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 377 ح 33 .
4- .المحاسن : ج 2 ص 405 ح 2418 عن سالم بن مكرم وص 235 ح 1721 عن أبى سلمه ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 324 ح 1038 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 468 ح 36 .

6482.رجال الكشّی عن أبی إسحاق :مكارم الأخلاق :پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می آشامید ، نخست «بسم اللّه » می گفت و یک یا دو جرعه می نوشید . سپس قطع می كرد و خدا را سپاس می گفت و دوباره «بسم اللّه » می گفت [و می نوشید] . آن گاه در نوبت سوم ، همین كار را می كرد و باز ، نوشیدن را قطع می كرد و خدا را سپاس می گفت .

بدین ترتیب ، ایشان هنگام نوشیدن ، سه مرتبه «بسم اللّه » و سه مرتبه حمد خدا می گفت .6483.أصحاب الإمام أمیر المؤمنین علیه السلام عن عبد الركتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از ابو حمزه : امام زین العابدین علیه السلام هر گاه غذا می خورد ، می فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را كه به ما غذا و آب داد و نیازمان را برآورد ، و ما را یاری و سرپناه داد و از نعمت و فضل خویش ، به ما ارزانی داشت . سپاس و ستایش ، خدایی را كه خوراک می دهد و خود خوراک نمی خورد» .6484.تاریخ الطبری :المحاسن به نقل از ابو بصیر : با امام باقر علیه السلام ناهار خوردم . چون سفره انداختند ، فرمود : «به نام خدا» و چون دست كشید ، فرمود : «سپاس و ستایش ، خدایی را كه به ما غذا و آب داد ، ما را روزی و عافیت بخشید ، نعمت وجود محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت ، و ما را مسلمان قرار داد» .6485.وقعه صفّین :امام صادق علیه السلام :پدرم علیه السلام نشسته بود كه برادرش عبد اللّه بن علی بر ایشان وارد شد و برای عمرو بن عُبید و بشیر رحّال و واصل ، اجازه شرفیابی خواست . آن سه آمدند و نشستند و سپس گفتند : ای ابا جعفر! آیا برای هر چیزی حدّ و مرزی است كه به آن ، پایان بپذیرد؟

فرمود : «آری . هیچ چیزی نیست ، مگر آن كه حدّ و مرزی دارد كه به آن منتهی می شود» .

در این هنگام ، پدرم آب خواست و كوزه ای آب برایش آوردند . آنها گفتند : ای ابا جعفر! آیا این كوزه هم چیز است؟

فرمود : «آری» .

گفتند : حدّ و مرز آن چیست؟

فرمود : «حدّش این است که هر گاه شخص از آن می نوشد ، با سه نفس بیاشامد و در هر نفس ، خدا را سپاس بگوید ... سپس بگوید : سپاس و ستایش ، خدایی را که به مِهر خویش ، ما را آبی گوارا و شیرین نوشاند ، و به سبب گناهانمان ، این آب را شور و تلخ نگردانید » . .

6486.وقعه صفّين :الإمام الصادق عليه السلام :يا سِنانُ ، مَن قُدِّمَ إلَيهِ طَعامٌ فَأكَلَهُ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى رَزَقَنيهِ بِلا حَولٍ ولا قُوَّةٍ مِنّى» غُفِرَ لَهُ قَبلَ أن يَقومَ ، أو قالَ : قَبلَ أن يُرفَعَ طَعامُهُ . (1)6487.الكامل فى التاريخ :الكافى عن داوود بن كثير :تَعَشَّيتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَتَمَةً ، فَلَمّا فَرَغَ مِن عَشائِهِ حَمِدَ اللّهَ . (2)6488.الأخبار الطوال (فى ذِكرِ مَجىءِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام إل) الكافى عن عبيد بن زراره :أكَلتُ مَعَ أبى عَبدِ اللّهِ عَليه السلام طَعاما فَما اُحصى كَم مَرَّةً قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَنى أشتَهيهِ . (3)6489.حليه الأولياء عن بلال بن المنذر (بَعدَ شَهادَهِ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام) كنز الفوائد :ذَكَروا أنَّ أبا حَنيفَهَ أكَلَ طَعاما مَعَ الإمامِ الصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَلَمّا رَفَعَ الصّادِقُ عليه السلام يَدَهُ مِن أكلِهِ ، قالَ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ هذا مِنکَ ومِن رَسولِکَ صلى الله عليه و آله .

فَقالَ أبو حَنيفَهَ : يا أبا عَبدِ اللّهِ أجَعَلتَ مَعَ اللّهِ شَريكا؟ فَقالَ لَهُ : وَيلَکَ فَإنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ فى كِتابِهِ : «وَمَا نَقَمُواْ إِلَا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ» (4) ، ويَقولُ فى مَوضِعٍ آخَرَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُواْ مَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُواْ حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ» (5) .

فَقالَ أبو حَنيفَهَ : وَاللّهِ لَكَأنّى ما قَرَأتُهُما قَطُّ . (6) .

1- .المحاسن : ج 2 ص 212 ح 1633 عن عبد اللّه بن سنان عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 373 ح 19 .
2- .الكافى : ج 6 ص 300 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 227 ح 1689 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 347 ح 27 .
3- .الكافى : ج 6 ص 295 ح 17 ، المحاسن : ج 2 ص 218 ح 1653 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 378 ح 37 .
4- .التوبه : 74 .
5- .التوبه : 59 .
6- .كنزالفوائد : ج 2 ص 36 ، بحارالأنوار : ج 10 ص 216 ح 17 .

6490.الأمالی للطوسی عن بنت رُشید الهَجَری عن رُشید الهامام صادق علیه السلام به پدر عبد اللّه بن سنان : ای سِنان ! هر کس که چون برایش غذایی آوردند ، آن را بخورد و سپس بگوید ! «سپاس و ستایش ، خدایی را که این را ، بدون توش و توانی از جانب من ، روزی ام کرد» ، پیش از آن که از جا برخیزد یا فرمود : پیش از آن که غذایش را جمع کنند ، گناهانش آمرزیده می شود .6491.الإرشاد عن زیاد بن النّضر الحارثی :الکافی به نقل از داوود بن کثیر : شبی نزد امام صادق علیه السلام شام خوردم . چون شام خود را تمام کرد ، خدا را حمد گفت .6492.میزان الاعتدال عن زرّ بن حُبیش :الکافی به نقل از عبید بن زراره : یک بار با امام صادق علیه السلام غذا خوردم . نشمردم که چند مرتبه فرمود : «سپاس ، خدایی را که مرا نسبت به این غذا ، با اشتها قرار داد» .6493.سیر أعلام النّبلاء (فی ذِکرِ زِیادِ بنِ أبیهِ) کنزالفوائد :گفته اند که ابو حنیفه یک بار با امام صادق علیه السلام غذا خورد . چون امام ، دست از غذا کشید ، فرمود : «ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! این از [نعمت] ، تو و از پیامبر توست» .

ابوحنیفه گفت : ای ابو عبد اللّه ! آیا برای خدا شریک قرار می دهی؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود : «وای بر تو! خداوند متعال در کتاب خود می فرماید : «و به عیبجویی برنخاستند ، مگر [بعد از]آن که خدا و پیامبرش از فضل خود ، آنان را بی نیاز گرداندند» ، و در جای دیگر می فرماید : «و [قطعا برایشان بهتر بود] اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده اند ، خشنود می گشتند و می گفتند : خدا ما را بس است . به زودی ، خدا و پیامبرش از کَرَم خود به ما می دهند» .

ابو حنیفه گفت : به خدا قسم ، گویا هرگز این دو آیه را نخوانده ام . .

راجع : ص 304 ح 1258.

4 / 20عِندَ النَّومِ6497.الاستيعاب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ إذا أوى إلى فِراشِهِ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى كَفانى وآوانى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنى وسَقانى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى مَنَّ عَلَىَّ فَأفضَلَ ، اللّهُمَّ ! إنّى أسأَلُکَ بِعِزَّتِکَ أن تُنجِيَنى مِنَ النّارِ» فَقَد حَمِدَ اللّهَ بِجَميعِ مَحامِدِ الخَلقِ كُلِّهِم . (1)6498.تاريخ دمشق عن الشعبى :صحيح مسلم عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ إذا أوى إلى فِراشِهِ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَنا وسَقانا وكَفانا وآوانا ، فَكَم مِمَّن لا كافِىَ لَهُ ولا مُؤوِىَ . (2)6499.شرح نهج البلاغه :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أوى إلى فِراشِهِ ، قالَ : «اللّهُمَّ باسمِکَ أحيا وباسمِکِ أموتُ» ، فَإذا قامَ مِن نَومِهِ قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى أحيانى بَعدَما أماتَنى ، و إلَيهِ النُّشورُ». (3) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 730 ح 2001 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 252 ح 720 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 93 ح 4382 وليس فيه من «اللهم إنّى أسألک بعزّتک أن تنجينى من النار» وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 15 ص 347 ح 41322 .
2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2085 ح 64 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 312 ح 5053 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 470 ح 3396 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 307 ح 12553 ، كنز العمّال : ج 7 ص 114 ح 18241 .
3- .الكافى : ج2 ص539 ح16 عن ابن القدّاح ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 480 ح 1387 ، بحار الأنوار: ج 87 ص 173 ح 4 ؛ صحيح البخارى: ج5 ص2327 ح5955 نحوه، مسند ابن حنبل : ج9 ص 102 ح 23429 كلاهما عن حذيفه ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2083 ح 59 عن البراء ، كنزالعمّال : ج 7 ص 113 ح 18235 .

ر . ک : ص 305 ح 1258 .

4 / 20هنگام خوابیدن6503.شرح نهج البلاغه عن علیّ بن محمّد المدائنی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که به بسترش می رود ، بگوید : «ستایش ، خدایی را که مرا کفایت کرد و سرپناهم داد . سپاس ، خدایی را که مرا خوراک و آب داد . سپاس ، خدایی را که بر من منّت نهاد و مورد عنایت قرارم داد . بار خدایا ! به حقّ عزّتت ، از تو می خواهم که مرا از آتش نجات بخشی» ، خداوند را با همه سپاس و ستایش های تمامی خلق ، ستوده است .6504.أنساب الأشراف :صحیح مسلم به نقل از اَنَس : پیامبر خدا هر گاه به بسترش می رفت ، می فرمود : «ستایش ، خدایی را که به ما خوراک و آب داد و ما را کفایت نمود و سرپناهمان داد ؛ زیرا بسا کسی که نه کفایت کننده ای دارد و نه پناه دهنده ای» .6505.اُسد الغابه :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه به بسترش می رفت ، می گفت : «بار خدایا ! به نام تو زنده ام و به نام تو می میرم» ، و چون از خواب بر می خاست ، می گفت : «ستایش ، خدایی را که مرا ، پس از آن که میرانْد ، زنده گردانید ، و رستاخیز به سوی اوست» .

.

6506.نهج البلاغه :الإمام الباقر عليه السلام :إذا قُمتَ بِاللَّيلِ مِن مَنامِکَ فَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى رَدَّ عَلَىَّ روحى لِأَحمَدَهَ وأعبُدَهُ . (1)6507.تاريخ الخلفاء :كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال :قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ إن أنَا قُمتُ فى آخِرِ اللَّيلِ أىَّ شَىءٍ أقولُ إذا قُمتُ؟

فَقالَ : قُل : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ وإلهِ المُرسَلينَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُحيِى المَوتى ويَبعَثُ مَن فِى القُبورِ» ؛ فَإِنَّکَ إذا قُلتَها ذَهَبَ عَنکَ رِجزُ الشَّيطانِ ووَسواسُهُ إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (2)4 / 21عِندَ الاِستيقاظِ6510.تاريخ دمشق عن عمرو بن نعجه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذَا استَيقَظَ أحَدُكُم فَليَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى رَدَّ عَلَىَّ روحى ، وعافانى فى جَسَدى ، وأذِنَ لى بِذِكرِهِ . (3)6511.مروج الذهب :مكارم الأخلاق :كانَ مِمّا يَقولُ صلى الله عليه و آله إذَا استَيقَظَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أحيانى بَعدَ مَوتى ، إنَّ رَبّى لَغَفورٌ شَكورٌ . (4)راجع : ص 302 ح 1255 .

.

1- .الكافى : ج 2 ص 538 ح 12 و ج 3 ص 445 ح 12 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 123 ح 467 كلّها عن زراره ، بحارالأنوار : ج 87 ص 173 ح 3 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 482 ح 1391 ، علل الشرايع : ص 365 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 193 ح 8 .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 8 ح 9 ، الأذكار للنووى : ص 26 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 789 ح 21418 .
4- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 94 ح 180 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 202 ح 19 .

6513.تاریخ دمشق عن هشام بن محمّد عن أبیه :امام باقر علیه السلام :هر گاه شب از خواب برخاستی ، بگو : «ستایش ، خدای را که روحم را به من بازگردانید تا او را ستایش و پرستش کنم» .6514.تاریخ الطبری عن مسلمه والهذلی وغیرهما :کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از ابو عبیده حذّاء : به امام باقر علیه السلام گفتم : قربانت گردم ! اگر آخر شب از خواب برخاستم ، وقتی بر می خیزم ، چه بگویم ؟

فرمود : بگو : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان و معبود پیامبران است . سپاس و ستایش ، خدای را که مردگان را زنده می گرداند و هر کسی را که در گورهاست ، بر می انگیزد» ؛ زیرا هر گاه این جملات را بگویی ، به خواست خداوند متعال ، پلیدی و وسوسه های شیطان از تو دور می شوند .4 / 21هنگام بیدار شدن6517.مروج الذهب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما از خواب بیدار شد ، بگوید : «سپاس ، خدای را که رحم را به من برگرداند ، و بدنم را سالم بداشت ، و به من اجازه [و توفیق]داد که یاد او کنم» .6518.المعجم الکبیر عن الحسن :مکارم الاخلاق :از جمله دعاهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام برخاستن از خواب می گفت ، این بود : «سپاس ، خدای را که مرا ، پس از مردنم ، زنده گردانید . راستی که پروردگار من ، آمرزنده و سپاس گزار است» .ر . ک : ص 303 ح 1255 .

.

4 / 22عِندَ رُؤيَهِ الرُّؤيَا الحَسَنَهِ6522.الطبقات الكبرى عن مِلْحان بن ثروان :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُكُمُ الرُّؤيا يُحِبُّها ، فَإِنَّها مِنَ اللّهِ ، فَليَحمَدِ اللّهَ عَلَيها وَليُحَدِّث بِها ، وإذا رَأى غَيرَ ذلِكَ مِمّا يَكرَهُ ، فَإِنَّما هِيَ مِنَ الشَّيطانِ، فَليَستَعِذ مِن شَرِّها ، ولا يَذكُرها لِأَحَدٍ فَإِنَّها لَن تَضُرَّهُ . (1)6523.تاريخ بغداد عن حميد بن هلال :عنه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى فى مَنامِهِ خَيرا فَليَحمَدِ اللّهَ وَليَشكُرهُ ، ومَن رَأى غَيرَ ذلِكَ فَليَستَعِذ بِاللّهِ فَلا يَذكُرها فَإِنَّها لا تَضُرُّهُ . (2)4 / 23بَعدَ العَطسَهِ6526.الطبقات الكبرى عن إبراهيم :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ آدَمَ عليه السلام ونَفَخَ فيهِ الرُّوحَ ، عَطَسَ آدَمُ عليه السلام فَأَلهِمَ أن قالَ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (3)6527.البرصان والعرجان :عنه صلى الله عليه و آله :إذا عَطَسَ أحَدُكُم فَحَمِدَ اللّهَ فَشَمِّتوهُ (4) ، وإن لَم يَحمَدِ اللّهَ عز و جل فَلا تُشَمِّتوهُ . (5)6528.الإمام الصادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إذا عَطَسَ أحدُكُم فَليَقُل : «الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ»، وَليَقُلِ الَّذى يَرُدُّ عَلَيهِ : «يَرحَمُكَ اللّهُ»، وَليَقُل هُوَ : «يَهديكُمُ اللّهُ ويُصلِحُ بالَكُم» . (6) .

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2582 ح 6638 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 505 ح 3453 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 19 ح 11054 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 434 ح 8181 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 365 ح 41396 .
2- .كنز العمّال : ج 15 ص 373 ح 41437 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد عن أبى هريره .
3- .بشاره المصطفى : ص 68 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 68 ص 130 ح 61 وراجع الاختصاص : ص 45 .
4- .التَّشميت بالشين والسين : الدعاء بالخير والبركه (النهايه : ج 2 ص 499 «شمت») .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 165 ح 19716 ، الأدب المفرد : ص 277 ح 941 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 295 ح 7690 كلّها عن أبى موسى ، كنز العمّال : ج 9 ص 160 ح 25519 .
6- .سنن الترمذى : ج 5 ص 83 ح 2741 عن أبى أيّوب ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1224 ح 3715 وليس فيه «على كلّ حال» ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 255 ح 973 كلاهما عن عبد الرحمن بن أبى ليلى عن الإمام علىّ

عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 9 ص 159 ح 25515 وراجع شعب الإيمان : ج 7 ص 28 ح 9341 .

4 / 22 هنگام دیدن خواب خوش

4 / 23 پس از عطسه زدن

4 / 22هنگام دیدن خواب خوش6531.الإمام علیّ علیه السلام (فی کِتابِهِ إلی سَعدِ بنِ مَسعودٍ الثَّقَفِیِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کسی از شما خواب خوشایندی دید ، آن خواب از جانب خداست ، پس خدا را بر آن بستاید و آن را بازگو نماید ؛ ولی هر گاه خواب ناخوشایندی دید ، آن خواب از جانب شیطان است ، پس ، از شرّ آن خواب به خدا پناه برد و آن را برای کسی بازگو نکند ؛ در این صورت ، هرگز به او گزندی نخواهد زد .6532.الغارات (فی ذِکرِ غارَهِ سُفیانَ بنِ عَوفٍ عَلَی الأنبا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس خواب خوشی دید ، خدا را بر آن بستاید و او سپاس بگوید ، و هر کس غیر آن دید ، به خدا پناه بَرد و آن را برای کسی نگوید ؛ در این صورت ، به او گزندی نخواهد زد .4 / 23پس از عطسه زدن6535.الغارات عن أبی عبد الرحمن السلمی (أیضا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون خداوند آدم علیه السلام را آفرید و در او جان دمید ، آدم علیه السلام عطسه زد . در این هنگام ، به او الهام شد که بگوید : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6536.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما عطسه کرد و خدا را حمد گفت ، برایش دعای خیر کنید ؛ (1) ولی اگر خداوند عز و جل را حمد نگفت ، برایش دعا نکنید .6537.حلیه الأولیاء عن أبی الأسود وزاذان الکندی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما عطسه کرد ، بگوید : «ستایش ، خدای را بر هر حالی» ، و دیگری در جوابش بگوید : «خدا تو را رحمت کند» ، و او بگوید : «خدا هدایتتان کند و خاطرتان را شاد گرداند» .

.

1- .مثلاً بگویید : «عافیت باشد» ، یا : «یرحَمُکَ اللّه » .

6538.الأمالی للطوسی عن منصور بن بزرج :مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن جعفر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ إذا عَطَسَ حَمِدَ اللّهَ ، فَیُقالُ لَهُ : «یَرحَمُکَ اللّهُ» ، فَیقولُ : «یَهدیکُمُ اللّهُ ویُصلِحُ بالَکُم». 6539(1).المستدرک علی الصحیحین عن عوف بن أبی عثمان النّهدیرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذا عَطَسَ أحَدُکُم فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ» ، قالَتِ المَلائِکَهُ : «رَبِّ العالَمینَ» ، فَإذا قالَ : «رَبِّ العالَمینَ» ، قالَتِ المَلائِکَهُ : «رَحِمَکَ اللّهُ». 6540(2).الطبقات الکبری عن النّعمان بن حمید :عنه صلی الله علیه و آله :إذا عَطَسَ المَرءُ المُسلِمُ ثُمَّ سَکَتَ لِعِلَّهٍ تَکونُ بِهِ ، قالَتِ المَلائِکَهُ عَنهُ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ» ، فَإن قالَ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ» ، قالَتِ المَلائِکَهُ : «یَغفِرُ اللّهُ لَکَ». 6541(3).مروج الذهب (فی ذِکرِ سَلمانَ الفارِسِیِّ) مسند ابن حنبل عن أبی هریره :عَطَسَ رَجُلانِ عِندَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أحَدُهُما أشرَفُ مِنَ الآخَرِ ، فَعَطَسَ الشَّریفُ فَلَم یَحمَدِ اللّهَ ، فَلَم یُشَمِّتهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله ، وعَطَسَ الآخَرُ فَحَمِدَ اللّهَ فَشَمَّتَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله .

قالَ : فَقالَ الشَّریفُ : عَطَستُ عِندَکَ فَلَم تُشَمِّتنی ، وعَطَسَ هذا عِندَکَ فَشَمَّتَّهُ ! قالَ : فَقالَ صلی الله علیه و آله : إنَّ هذا ذَکَرَ اللّهَ فَذَکَرتُهُ ، وإنَّکَ نَسیتَ اللّهَ فَنَسیتُکَ. (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 437 ح 1748 ، الدعاء للطبرانی : ص 551 ح 1980 ، کنز العمّال : ج 9 ص 229 ح 25779 .
2- .المعجم الکبیر : ج 11 ص 358 ح 12284 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 349 ح 3371 کلاهما عن ابن عبّاس ، کنزالعمّال : ج 9 ص 160 ح 25521 .
3- .الکافی : ج 2 ص 656 ح 19 ، الأمالی للصدوق : ص 377 ح 476 کلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 162 ح 2399 ، روضه الواعظین : ص 519 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 53 ح 4 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 219 ح 8354 ، الأدب المفرد : ص 274 ح 932 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 294 ح 7689 وفیهما «جلس» بدل «عطس» ، کنز العمّال : ج 9 ص 230 ح 25784 .

6542.الطبقات الكبرى عن أبى سفيان عن أشياخه :مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن جعفر : پيامبر خدا هرگاه عطسه مى كرد ، خدا را حمد مى گفت ، پس به او گفته مى شد : «خداوند تو را بيامرزد» و او مى گفت : «خداوند هدايتتان كند و خاطرتان را شاد گردانَد» .6543.المعجم الكبير عن بقيره (امرَأَهِ سَلمانَ) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر گاه يكى از شما عطسه كند و بگويد : «سپاس ، خداى را» ، فرشتگان مى گويند : «كه پروردگار جهانيان است» ، و هر گاه بگويد : «[سپاس ، خداى را] كه پروردگار جهانيان است» ، فرشتگان مى گويند : «خدا تو را رحمت كند» .6544.الطبقات الكبرى عن عطاء بن السائب :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر گاه مسلمانى عطسه كند و به هر علّتى سكوت نمايد [و الحمد للّه نگويد] ، فرشتگان از طرف او مى گويند : «سپاس ، خداى را كه پروردگار جهانيان است» ، و اگر بگويد : «سپاس ، خداى را كه پروردگار جهانيان است» ، فرشتگان مى گويند : «خدا تو را بيامرزد» .6545.الإمام علىّ عليه السلام (فى كِتابِهِ إلى سُليمانَ بنِ صُرَدٍ وهُوَ بِالج) مسند ابن حنبل به نقل از ابو هريره : دو مرد در حضور پيامبر صلى الله عليه و آله عطسه كردند كه يكى از آن دو ، شريف تر از ديگرى بود . آن شريف چون عطسه كرد ، حمد خدا نگفت و پيامبر صلى الله عليه و آله هم در جوابش دعا نكرد ، و ديگرى چون عطسه كرد ، حمد خدا گفت و پيامبر صلى الله عليه و آله هم برايش دعا كرد .

آن شريف گفت : من در حضور شما عطسه كردم و دعايم نكرديد ؛ ولى اين مرد عطسه كرد و دعايش كرديد !

پيامبر خدا فرمود : «اين ، خدا را ياد كرد و من هم از او ياد كردم ؛ ولى تو خدا را فراموش كردى و من هم تو را فراموش كردم» . .

6546.وقعه صفّين عن عون بن أبى جحيفه :الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ إذا سَمِعَ عاطِسا : «الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، ما كانَ مِن أمرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ» ، لَم يَرَ فى فَمِهِ سُوءا .

6547(1).وقعه صفّين عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود :عنه عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام يَقولُ : إذا عَطَسَ أحَدُكُم وهُوَ عَلى خَلاءٍ فَليَحمَدِ اللّهَ فى نَفسِهِ .

6550(2).الإمام علىّ عليه السلام (وقَد تُوُفِّىَ سَهلُ بنُ حُنَيفٍ الأنصارِىُّ ب) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَبِسَ ثَوبا جَديدا فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى كَسانى ما اُوارى بِهِ عَورَتى ، وأتَجَمَّلُ بِهِ فى حَياتى» ... كانَ فى كَنَفِ اللّهِ

6551(3).الطبقات الكبرى (فى ذِكرِ صَعصَعَهَ بنِ صوحانَ) عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن اُمَّتى مَن يَأتِى السُّوقَ فَيَبتاعُ القَميصَ بِنِصفِ دينارٍ أو ثُلُثِ دينارٍ فَيَحمَدُ اللّهَ إذا لَبِسَهُ ، فَلا يَبلُغُ رُكبَتَيهِ حَتّى يُغفَرَ لَهُ .

6552(4).الأمالى للطوسى عن صعصعه بن صوحان :تاريخ بغداد عن ابن عبّاس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . . . إذا لَبِسَ ثَوبا جَديدا حَمِدَ اللّهَ وصَلّى رَكعَتَينِ ، وكَسَا الخَلِقَ .

6553(5).تاريخ اليعقوبى عن صعصعه بن صوحان (بَعدَ خِلافَهِ الإمامِ عَلِىٍّ عليه السلام) مكارم الأخلاق :كانَ [رَسولُ اللّهِ] صلى الله عليه و آله إذا لَبِسَ ثَوبا جَديدا قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى كَسانى ما اُوارى عَورَتى ، وأتَجَمَّلُ بِهِ فِى النّاسِ» ، وكانَ إذا نَزَعَهُ نَزَعَ مِن مَياسِرِهِ أوَّلاً ، وكانَ مِن فِعلِهِ صلى الله عليه و آله إذا لَبِسَ الثَّوبَ الجَديدَ حَمِدَ اللّهِ .

(6) .

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 163 ح 2402 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 51 ح 1 .

2- .قرب الإسناد : ص 74 ح 239 عن مسعده بن صدقه ، بحارالأنوار : ج 76 ص 53 ح 6 .

3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 558 ح 3560 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 59 ح 2 و ج 7 ص 122 ح 1 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 36 ح 18 كلّها عن عمر ، كنز العمّال : ج 15 ص 297 ح 41089 .

4- .المعجم الكبير : ج 8 ص 246 ح 7965 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 15 ص 298 ح 41091 ؛ مشكاه الأنوار : ص 66 ح 98 وفيه «ركبته» بدل «ركبتيه» ، بحارالأنوار : ج 93 ص 213 ح 17 .

5- .تاريخ بغداد : ج8 ص414، تاريخ دمشق : ج18 ص86 الرقم 4193، كنز العمّال : ج7 ص117 الرقم 18261.
6- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 88 ح 156 و 157 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 251 .

6554.الغارات عن الأسود بن قیس :امام صادق علیه السلام :هر کس وقتی عطسه کسی را شنید ، بگوید : «سپاس ، خدای را بر هر حالی ، از کار دنیا و آخرت ، و درود خدا بر محمّد و خاندان او» ، در دهانش بدی و گزندی نبیند .6555.تاریخ الیعقوبی :امام صادق علیه السلام :پدرم علیه السلام می فرمود : «هر گاه کسی از شما در مستراح بود و عطسه کرد ، در دلش خدا را حمد بگوید» .4 / 24هنگام پوشیدن جامه نو6558.مروج الذهب عن الحارث بن مسمار البهرانی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که هنگام پوشیدن جامه ای نو ، بگوید : «سپاس ، خدای را که به من جامه ای پوشاند تا با آن ، برهنگی خویش را بپوشانم و در زندگی ام بدان آراسته باشم» ، ... در پناه خدا باشد .6559.دیوان المعانی عن محمّد بن عبّاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن کس از امّت من که به بازار رود و پیراهنی به نیم دینار یا یک سوم دینار بخرد و چون آن را پوشید ، حمد خدا بگوید ، هنوز آن پیراهن به زانوانش نرسیده ، آمرزیده می شود .6560.تاریخ الطبری عن الشعبی (فی ذِکرِ قِیامِ الکوفِیّینَ عَلی سَعیدِ بنِ الع) تاریخ بغداد به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا ... هر گاه جامه جدیدی می پوشید ، خدا را حمد می گفت و دو رکعت نماز می خواند ، و جامه کهنه را [به فقرا] می پوشاند .6561.رجال الکشّی عن عاصم بن أبی النّجود عمّن شهد ذلک :مکارم الاخلاق :پیامبر خدا هر گاه جامه جدیدی می پوشید ، می گفت : «ستایش ، خدای را که جامه ای به من پوشاند تا برهنگی مرا بپوشاند و با آن در میان مردم ، آراسته باشم» .

و هر گاه آن را از تن می کَند ، نخست از سمت چپ خود در می آورد . شیوه ایشان چنین بود که هر گاه لباس نوی می پوشید ، خدا را حمد می گفت .

.

6562.العقد الفريد :الأمالى للطوسى عن أبى مطر :كُنتُ بِالكوفَهِ ، فَمَرَّ عَلَىَّ رَجُلٌ فَقالوا : هذا أميرُ المُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ ، فَتَبِعتُهُ فَوَقَفَ عَلى خَيّاطٍ فَاشتَرى مِنهُ قَميصا بِثَلاثَهِ دَراهِمَ فَلَبِسَهُ ، فَقالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى سَتَرَ عَورَتى ، وكَسانِى الرِّياشَ ، ثُمَّ قالَ : هكَذا كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ إذا لَبِسَ قَميصا . (1)4 / 25عِندَ النَّظَرِ فِى المِرآهِ6565.الكامل فى التاريخ :الشكر عن أنس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا نَظَرَ وَجهَهُ فِى المِرآهِ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى سَوّى خَلقى فَعَدَّلَهُ ، وكَرَّمَ صورَهَ وَجهى وحَسَّنَها ، وجَعَلَنى مِنَ المُسلِمينَ . (2)6566.خصائص الأئمّه عليهم السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إذا نَظَرَ أحَدُكُم فِى المِرآهِ فَليَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى خَلَقَنى فَأحسَنَ خَلقى ، وصَوَّرَنى فَأحسَنَ صورَتى ، وزانَ مِنّى ما شان مِن غَيرى ، وأكرَمَنى بِالإِسلامِ . (3)4 / 26عِندَ التَّخَلّى6569.الاستيعاب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا خَرَجَ أحَدُكُم مِنَ الخَلاءِ فَليَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى أذهَبَ عَنّى ما يُؤذينى ، وأمسَكَ عَلَىَّ ما يَنفَعُنى . (4) .

1- .الأمالى للطوسى : ص 387 ح 849 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 319 ح 1 .

2- .الشكر لابن أبى الدنيا : ص 59 ح 119 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 240 ح 787 وفيه «صوّر» بدل «كرّم» ، كنزالعمّال : ج 6 ص 693 ح 17442 .

3- .الخصال : ص 612 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 102 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 91 ح 1 .

4- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 12 ح 6 و ج 7 ص 149 ح 5 كلاهما عن طاووس ، كنز العمّال : ج 9 ص 350 ح 26390 .

4 / 25 هنگام نگاه کردن در آینه

4 / 26 هنگام قضای حاجت

6570.تاریخ الیعقوبی :الأمالی ، طوسی به نقل از ابو مطر : در کوفه بودم که مردی بر من گذشت . گفتند : این ، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است که درود خدا بر او باد .

من دنبال وی به راه افتادم . نزد خیّاطی ایستاد و پیراهنی به سه درهم از او خرید و آن را پوشید و گفت : «ستایش ، خدای را که برهنگی مرا پوشاند و جامه زیبا بر تن من کرد» . سپس فرمود : «پیامبر خدا هر گاه پیراهنی می پوشید ، این گونه می فرمود» .4 / 25هنگام نگاه کردن در آینه6573.الإمام علیّ علیه السلام (فی کِتابِهِ إلی قَیسِ بنِ سَعدٍ عامِلِهِ عَلی أ) الشکر به نقل از اَ نَس : پیامبر خدا هر گاه چهره خود را در آینه می دید ، می فرمود : «سپاس ، خدای را که مرا درست و به اندام آفرید ، و چهره ام را خوش و نیکو گردانید ، و از مسلمانان قرارم داد» .6574.تاریخ الیعقوبی عن غیاث :امام علی علیه السلام :هر گاه کسی از شما در آینه نگریست ، بگوید : «سپاس ، خدای را که مرا آفرید و خوش آفرید ، و مرا صورت بخشید و نیکو صورتم بخشید ، و آنچه را در غیر من زشت داشت ، در من زیبا داشت ، و مرا به اسلام مفتخر کرد» .4 / 26هنگام قضای حاجت6577.مختصر تاریخ دمشق عن المدائنی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما از مستراح بیرون آمد ، بگوید : «سپاس و ستایش ، خدای را که آنچه را مایه آزار و زیان من است ، از من خارج ساخت ، و آنچه را به سود من است ، در بدنم نگه داشت» .

.

6578.الجمل عن أبی مخنف لوط بن یحیی :سنن ابن ماجه عن أنس :کانَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله إذا خَرَجَ مِنَ الخَلاءِ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذی أذهَبَ عَنِّی الأذی وعافانی . (1)6579.وقعه صفّین :عمل الیوم واللیله عن أنس :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا خَرَجَ مِنَ الغائِطِ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذی أحسَنَ إلَیَّ فی أوَّلِهِ وآخِرِهِ . (2)6580.الإمام علیّ علیه السلام (مِن کِتابٍ لَهُ إلی عَبدِ اللّه ِ بنِ عَبّاسٍ و) عمل الیوم واللیله عن ابن عمر :إنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله کانَ إذا دَخَلَ الخَلاءَ قالَ : «اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ الخَبیثِ المُخبِثِ الشَّیطانِ الرَّجیمِ» ، وإذا خَرَجَ قالَ : «الحَمدُ للّهِ [الَّذی] (3) أذاقَنی لَذَّتَهُ ، وأبقی فِیَّ قُوَّتَهُ ، وأذهَبَ عَنّی أذاهُ» . (4)6581.مختصر تاریخ دمشق عن سفیان بن عیینه :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ نوحا علیه السلام لَم یَقُم مِن خَلاءٍ قَطُّ إلّا قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذی أذاقَنی لَذَّتَهُ، وأبقی مَنفَعَتَهُ فی جَسَدی ، وأخرَجَ عَنّی أذاهُ . (5)6582.رجال الکشّی عن الحارث :دعائم الإسلام :رُوِّینا عَن عَلِیٍّ علیه السلام أنَّهُ کانَ إذا دَخَلَ المَخرَجَ لِقَضاءِ الحاجَهِ ، قالَ : «بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ الخَبیثِ الشَّیطانِ الرَّجیمِ»، فَإذا خَرَجَ قالَ : «الحَمدُ لِلّهِ الَّذی عافانی فی جَسَدی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أماطَ عَنّی الأذی» . (6)6583.رجال الکشّی عن الشعبی :الإمام الصادق علیه السلام :إذا دَخَلتَ المَخرَجَ : فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ وباللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ الخَبیثِ المُخبِثِ الشَّیطانِ الرَّجیمِ ، اللّهُمَّ کَما أطعَمتَنیهِ فی عافِیَهٍ فَأخرِجهُ مِنّی فی عافِیَهٍ» فَإذا فَرَغتَ فَقُل : «الحَمدُ للّهِ الَّذی أماطَ عَنّی الأذی ، وهَنَّأنی مَساغَ طَعامی وشَرابی» . (7) .

1- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 110 ح 301 ، کنز العمّال : ج 7 ص 44 ح 17870 .
2- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : ص 13 ح 24 ، کنز العمّال : ج 7 ص 44 ح 17871 .
3- .ما بین المعقوفین سقط من المصدر ، وأثبتناه من کنز العمّال .
4- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : ص 13 ح 25 ، کنز العمّال : ج 7 ص 45 ح 17877 .
5- .الشکر لابن أبی الدنیا : ص 62 ح 127 ، تاریخ دمشق : ج 62 ص 272 ح 12810 کلاهما عن عائشه ، کنزالعمّال : ج 9 ص 359 ح 26452 نقلاً

عن شعب الإيمان والديلمى ؛ بحارالأنوار : ج 80 ص 189 ح 45 نقلاً عن خطّ الشهيد قدس سره نحوه .
6- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 104 ، بحارالأنوار : ج 80 ص 193 ح 51 .
7- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 104 ، فلاح السائل : ص 118 ح 54 و ص 120 ح 58 كلاهما عن أبى بصير نحوه ، بحار الأنوار : ج 80 ص 193 ح 51 .

6584.الإمام علیّ علیه السلام (مِن کِتابٍ لَهُ إلی بَعضِ عُمّالِهِ) سنن ابن ماجه به نقل از اَ نَس : پیامبر صلی الله علَیه و آله هر گاه از مستراح خارج می شد ، می گفت : «سپاس و ستایش ، خدای را که رنج را از من دور کرد و مرا عافیت بخشید» .6585.عیون الأخبار :عمل الیوم واللیله به نقل از اَ نَس : پیامبر خدا هر گاه از مستراح خارج می شد ، و می گفت : «ستایش ، خدا را که در آغاز و پایان آن [خوراکی ها] ، به من نیکی فرمود» .6586.تاریخ الطبری :عمل الیوم واللیله به نقل از ابن عمر : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مستراح می شد ، می گفت : «بار خدایا ! از پلید نجِسِ ناپاکِ ناپاک کننده ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم» ، و هر گاه خارج می شد ، می گفت : «ستایش ، خدای را که لذّتش را به من چشاند و نیرویش را در من باقی گذاشت ، و رنج و گزندش را از من دور ساخت» .6587.تاریخ الیعقوبی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نوح علیه السلام همیشه پس از قضای حاجت ، می گفت : «ستایش ، خدای را که لذّت آن [غذا] را به من چشاند ، و سودش را در بدنم نگه داشت ، و رنج و گزندش را از من بیرون برد» .6588.وقعه صفّین عن عبد الرحمن بن عبد اللّه :دعائم الإسلام :از علی علیه السلام برایمان روایت شده است که ایشان هر گاه برای قضای حاجت وارد آبریزگاه می شد ، می گفت : «به نام خدا . بار خدایا ! من از پلیدِ نجسِ ناپاک ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم» ، و چون بیرون می آمد ، می گفت : «سپاس و ستایش ، خدا را که تنم را سالم بداشت ، و ستایش ، خدا را که رنج و گزند را از من دور ساخت» .6589.وقعه صفّین عن عمرو بن شمر :امام صادق علیه السلام :هر گاه وارد آبریزگاه شدی ، بگو : «به نام خدا و به یاری خدا . به خدا پناه می برم از پلیدِ نجسِ ناپاکِ ناپاک کننده ، شیطانِ رانده شده . بار خدایا ! همان گونه که آن [غَذا] را به سلامت خوراکم ساختی ، به سلامت هم از بدنم خارج ساز» . و چون فراغت یافتی ، بگو : «ستایش ، خدای را که رنج و گزند را از من بِبُرد ، و غذا و آب را برای من گوارا ساخت» . .

4 / 27عِندَ السَّفَرِ وعِندَ الرُّكوبِ6592.الغارات عن أبى روق :كنزالعمّال عن عائشه :كانَ النَّبِىُّ صلى اللّه عليه و آله إذا أرادَ سَفَرا تَوَضَّأَ فَأسبَغَ الوُضوءَ ، ثُمَّ صَلّى رَكعَتَينِ ، ويَقولُ فى مَجلِسِهِ مُستَقبِلَ القِبلَهِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى خَلَقَنى ولَم أكُ شَيئا ، رَبِّ أعِنّى عَلى أهوالِ الدَّهرِ وبَوائِقِ الدَّهرِ وكُرُباتِ الآخِرَهِ ومُصيباتِ اللَّيالِى وَالأيّام. رَبِّ ، فى سَفَرى فَاحفَظنى ، [و]فى أهلى فَاخلُفنى ، وفيما رَزَقتَنى فَبارِک فى ذلِکَ . (1)6593.الغارات عن أبى الودّاک :الأمالى للطوسى عن علّى بن ربيعه الأسدى :رَكِبَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام ، فَلَمّا وَضَعَ رِجلَهُ فِى الرِّكابِ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ» فَلَمَّا استَوى عَلَى الدّابَّهِ قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى أكرَمَنا وحَمَلَنا فِى البَرِّ وَالبَحرِ ، ورَزَقَنا مِنَ الطَّيِّباتِ ، وفَضَّلَنا عَلى كَثيرٍ مِمَّن خَلَقَ تَفضيلاً ، «سُبْحَنَ الَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (2) » ثُمَّ سَبَّحَ اللّهَ ثَلاثا ، وحَمِدَ اللّهَ ثَلاثا، وكَبَّرَ اللّهَ ثَلاثا ، ثُمَّ قالَ : «رَبِّ اغفِر لى فَإِنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ»، ثُمَّ قالَ : فَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله هذا وأنَا رَديفُهُ . (3)6594.رجال الكشّى :كنزالعمّال عن هلال بن خبّاب :إنَّ عَلِيّا أُتِىَ بِدابَّهٍ فَلَمّا وَضَعَ رِجلَهُ فِى الرِّكابِ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ»، فَلَمَّا استَوى عَلى ظَهرِها قالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِلإِسلامِ وعَلَّمَنَا القُرآنَ ، ومَنَّ عَلَينا بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وجَعَلَنا فى خَيرِ أُمَّهٍ أُخرِجَت لِلنّاسِ. اللّهُمَّ لاطَيرَ إلّا طَيرُکَ ، ولا خَيرَ إلّا خَيرُکَ ، ولا إلهَ إلّا أنتَ». (4) .

1- .كنز العمّال : ج 6 ص 732 ح 17615 نقلاً عن الديلمى .
2- .الزخرف : 13 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 515 ح 1126 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 295 ح 23 ؛ صحيح ابن حبّان : ج 6 ص 414 ح 2697 نحوه .
4- .كنز العمّال : ج 9 ص 196 ح 25644 .

4 / 27هنگام سفر و هنگام سوار شدن6597.الإمامه والسیاسه (فی ذِکرِ حَربِ صِفّینَ وَاختِلافِ أصحابِ الإِما) کنز العمّال به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست سفر کند ، وضویی شاداب می ساخت . سپس دو رکعت نماز می خواند و همان طور که رو به قبله نشسته بود ، می گفت : «ستایش ، خدایی را که من نبودم و او مرا آفرید . پروردگارا ! مرا در برابر هراس ها و فجایع روزگار ، و رنج و اندوه های آخرت و صدمات شب ها و روزها ، یاری رسان . پروردگارا ! در سفرم مرا نگه دار و جانشین من در میان خانواده ام باش ، و به آنچه روزی ام کرده ای ، برکت ده» .6598.وقعه صفّین :الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعه اسدی : امام علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و چون پای خود را در رکاب نهاد ، فرمود : «به نام خدا» و چون بر مرکب نشست ، فرمود : «ستایش ، خدایی را که ما را گرامی داشت و در خشکی و دریا حمل و نقل کرد و از روزی های پاکیزه و حلال ، روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آنچه آفریده است ، بسی برتری بخشید . «منزّه است آن کسی که این [مرکوب]را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم» . سپس سه بار خداوند را تسبیح و سه بار حمد و سه بار تکبیر گفت و آن گاه فرمود : «پروردگارا ! مرا بیامرز که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد» .

سپس فرمود : «من در ترک پیامبر خدا نشسته بودم که ایشان این گونه عمل کرد» .6599.الجمل (فی ذِکرِ أحداثِ ما قَبلَ حَربِ الجَمَلِ) کنز العمّال به نقل از هلال بن خبّاب : مرکبی را برای علی علیه السلام آوردند [که سوار شود] . چون پا در رکاب نهاد ، گفت : «به نام خدا» ، و چون برپشت آن نشست ، گفت : «ستایش و سپاس ، خدایی را که ما را به اسلام هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت ، و نعمت وجود محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت ، و ما را در بهترین امّتی که برای مردم پدیدار شده است ، قرار داد . بار خدایا ! فالی جز فال تو نیست ، (1) و خیری جز خیر تو نیست ، و معبودی جز تو نیست» .

.

1- .یا : سرنوشتی نیست جز سرنوشتی که تو رقم بزنی .

6600.تاريخ الطبرى عن جعفر بن حُذيفه :الإمام الباقر عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا أرادَ الخُروجَ إلى بَعضِ أموالِهِ ، اِشتَرَى السَّلامَةَ مِنَ اللّهِ عز و جل بِما تَيَسَّرَ لَهُ ، ويَكونُ ذلِکَ إذا وَضَعَ رِجلَهُ فِى الرِّکابِ ، فَإذا سَلَّمَهُ اللّهُ عز و جل وَانصَرَفَ ، حَمِدَ اللّهَ تَعالى وشَکَرَهُ ، وتَصَدَّقَ بِما تَيَسَّرَ لَهُ . (1)6601.وقعه صفّين عن المحلّ بن خليفه :عنه عليه السلام عِندَ الرُّکوبِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِلإسلامِ ، وعَلَّمَنَا القُرآنَ ، ومَنَّ عَلَينا بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وما کُنّا لَهُ مُقرِنينَ ، وإنّا إلى رَبِّنا لَمُنقَلِبونَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (2)4 / 28عِندَ رُؤيَهِ الهِلالِ6604.وقعه صفّين :عمل اليوم والليله عن عبد اللّه بن مطرف :کانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . . . إذا رَأَى الهِلالَ قالَ : هِلالُ خَيرٍ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى ذَهَبَ بِشَهرِ کَذا وکَذا ، وجاءَ بِشَهرِ کَذا وکَذا . (3) .

1- .کتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 270 ح 2408 ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 521 ح 1815 ، المحاسن : ج 2 ص 86 ح 1226 کلّها عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 76 ص 231 ح 9 .
2- .المحاسن : ج 2 ص 92 ح 1243 عن عبد اللّه بن عطاء ، المزار للمفيد : ص 63 ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 529 ح 1840 کلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «سبحان الذى سخّر» بدل «والحمد للّه الذى سخّر» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 296 ح 26 .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 229 ح 647 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 324 ح 5092 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 4 ص 169 ح 7353 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 510 ح 11 وج 7 ص 121 ح 6 کلّها عن قتاده نحوه ، الدعاء للطبرانى : ص 282 ح 905 عن أبى سعيد الخدرى ، کنزالعمّال : ج 7 ص 79 ح 18047 وص 77 ح 18040 ؛ الدروع الواقيه : ص 37 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 376 ح 1 .

6605.وقعه صفّین عن زید بن وهب (فی ذِکرِ وَقعَهِ صِفّینَ) امام باقر علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام هر گاه می خواست به یکی از املاک خود برود ، چون پایش را در رکاب می گذاشت ، با [دادن] هر مقدار [صدقه] که برایش میسّر بود ، سلامت خود را از خداوند عز و جل می خرید و وقتی خداوند عز و جل او را به سلامت باز می گرداند ، خدای تعالی را ستایش و سپاس می گفت و باز هر اندازه که برایش میسّر بود ، صدقه می داد .6606.وقعه صفّین :امام باقر علیه السلام هنگام سوار شدن بر مرکب : سپاس و ستایش ، خدایی را که به اسلام هدایتمان کرد و قرآن را به ما آموخت ، و نعمت وجود محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ارزانی داشت . ستایش ، خدایی را که این [مرکب] را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم ، و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم . (1) و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است .4 / 28هنگام دیدن هلال ماه6609.عنه علیه السلام :عمل الیوم واللیله به نقل از عبد اللّه بن مطرف : پیامبر خدا ... هر گاه هلال ماه را می دید ، می فرمود : «هلال خوبی است . ستایش ، خدایی را که ماه فلان و بهمان را برد و ماه فلان و بهمان را آورد» .

.

1- .این جملات ، اقتباسی است از آیه 13 سوره زخرف .

4 / 29عِندَ الإفطارِ6612.عنه صلى الله عليه و آله :عمل اليوم والليله عن معاذ :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أفطَرَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أعانَنى فَصُمتُ ، ورَزَقَنى فَأفطَرتُ . (1)6613.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصفِ عَمّارٍ) الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عِندَ الإفطارِ إلى آخِرِهِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أعانَنا فَصُمنا ، ورَزَقَنا فَأفطَرنا ، اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّا ، وأَعِنّا عَلَيهِ ، وسَلِّمنا فيهِ ، وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى قَضى عَنّا يَوما مِن شَهرِ رَمَضانَ . (2)4 / 30عِندَ المَوقِفِ (عرفاتٍ)6616.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا أتَيتَ المَوقِفَ (3) فَاستَقبِلِ البَيتَ . . . ثُمَّ تَحمَدُ اللّهَ عز و جلعَلى كُلِّ نِعمَهٍ أنعَمَ عَلَيكَ ، وتَذكُرُ أنعُمَهُ واحِدَهً واحِدَهً ما أحصَيتَ مِنها ، وتَحمَدُهُ عَلى ما أنعَمَ عَلَيكَ مِن أهلٍ أو مالٍ ، وتَحمَدُ اللّهَ عز و جل عَلى ما أبلاكَ ، وتَقولُ : اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَلَى نَعمائِكَ الَّتى لا تُحصى بِعَدَدٍ ولا تُكافى بِعَمَلٍ . (4)4 / 31عِندَ الإجابَهِ6619.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما يَمنَعُ أحَدَكُم إذا عَرَفَ الإجابَهَ مِن نَفسِهِ ، فَشُفِىَ مِن مَرَضٍ أو قَدِمَ مِن سَفَرٍ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى بِعِزَّتِهِ وجَلالِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ . (5) .

1- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 169 ح 479 ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 75 ، الأذكار للنووى : ص 172 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 81 ح 18058 .
2- .الكافى : ج 4 ص 95 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 200 ح 577 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 106 ح 1851 ، المقنعه : ص 319 كلّها عن أبى بصير ، الهدايه : ص 187 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 311 ح 5 .
3- .يعنى عرفات .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 541 ح 3134 عن أبى بصير .
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 730 ح 1999 عن عائشه ، كنزالعمّال : ج 6 ص 719 ح 17560 .

4 / 29 هنگام افطار کردن

4 / 30 در موقف (عرفات)

4 / 31 هنگام اجابت شدن دعا

4 / 29هنگام افطار کردن6622.الأمالی للطوسی عن عمّار :عمل الیوم واللیله به نقل از معاذ : پیامبر خدا هر گاه افطار می کرد ، می گفت : «ستایش ، خدای را که کمکم کرد تا روزه گرفتم ، و روزی ام داد و افطار کردم» .6623.أنساب الأشراف عن أبی مخنف :امام صادق علیه السلام :در هر شب ماه رمضان تا پایان آن ، هنگام افطار کردن می گویی : «ستایش ، خدای را که به ما کمک کرد تا روزه گرفتیم ، و روزی مان داد و افطار کردیم . بار خدایا ! از ما بپذیر و ما را بر [گرفتن روزه] این ماه کمک فرما ، و ما را در آن به سلامت دار و به خوشی و عافیت ، آن را از ما تحویل بگیر . ستایش ، خدای را که یک روز از ماه رمضان را بر ما سپری کرد» .4 / 30در عرفات (عرفات)6626.الکامل فی التاریخ (فی ذِکرِ حَربِ صِفّینَ) امام صادق علیه السلام :چون به موقف (عرفات) آمدی ، رو به خانه[ی خدا] کن ... سپس خداوند عز و جل را برای هر نعمتی که به تو عطا کرده است ، حمد می گویی و نعمت های او را یکایک ، تا جایی که می توانی برشماری ، یاد می کنی ، و او را بر هر نعمتی از زن و فرزند یا مال که به تو ارزانی داشته است حمد می گویی و بر لطف و احسان هایی که به تو کرده است ، او را می ستایی و می گویی : «بار خدایا ! ستایش ، تو را بر نعمت هایی که به شمار نمی آیند و با عمل جبران نمی شوند» .4 / 31هنگام اجابت شدن دعا6629.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چرا هر یک از شما هر گاه اجابت دعایی را احساس می کند و از مرضی شفا می یابد یا از سفری می آید ، نمی گوید : «سپاس و ستایش ، خدای را که با قدرت و شکوه او ، کارهای نیک انجام می پذیرد» .

.

راجع : ص 296 ح 1246 .

4 / 32عِندَ الخَطابَهِ6633.الكامل فى التاريخ :الإمام زين العابدين عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا خَطَبَ حَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ. (1)4 / 33عِندَ خُطبَهِ التَّزويجِ6636.الإمام الكاظم عليه السلام :الكافى عن ابن العزرميّ عن أبيه :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا أرادَ أن يُزَوِّجَ قالَ : الحَمدُ للّهِ ، أحمَدُهُ وأستَعِينُهُ وأُؤمِنُ بِهِ وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ . . . فَإنَّ اللّهَ لَهُ الحَمدُ عَلى غابِرِ ما يَكونُ وماضيهِ ، ولَهُ الحَمدُ مُفرَدا وَالثَّناءُ مُخلَصا بِما مِنهُ كانَت لَنا نِعمَةً مونِقَةً وعَلَينا مُجَلِّلَةً وإلَينا مُتَزَيِّنَةً . (2)4 / 34عِندَ التَّبَخُّرِ وَالتَّعَطُّر6639.تاريخ الطبرى بن أبيهِ (فى ذِكرِ طَلَبِ زِياد بن أبيهِ ومُتابَعَتِهِ أص) الأمان :رُوِىَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ عِندَ بُخورِهِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ ، اللّهُمَّ طَيِّب عَرفَنا ، وذَكِّ رَوائِحَنا ، وأحسِن مُنقَلَبَنا ، وَاجعَلِ التَّقوى زادَنا، وَالجَنَّهَ مَعادَنا ، ولا تُفَرِّق بَينَنا وبَينَ عافِيَتِکَ إيّانا وكَرامَتِکَ لَنا، إنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (3) .

1- .الأمالى للمفيد : ص 211 ح 1 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحارالأنوار : ج 16 ص 256 ح 36 .
2- .الكافى : ج 5 ص 371 ح 4 وح2 و 3 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 22 .
3- .الأمان : ص 36 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 143 ح 2 .

4 / 32 هنگام سخنرانی

4 / 33 هنگام خطبه ازدواج

4 / 34 هنگام استفاده از بُخور و عطر

ر . ک : ص 297 ح 1246 .

4 / 32هنگام سخنرانی6643.رجال الطوسی :امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه خطبه می خواند ، [نخست ،] حمد و ثنای خدا می گفت .4 / 33هنگام خطبه ازدواج6646.الاستیعاب :الکافی به نقل از ابن عذرمی از پدرش : امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه می خواست خطبه عقد بخواند ، می فرمود : «ستایش ، خدای را . او را می ستایم و از او یاری می طلبم و به او ایمان دارم و بر او توکّل می کنم . گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ، و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست ... . خدای را سپاس ، بر آنچه آید و بر آنچه گذشته است . ستایش بی مانند و ثنای ناب و خالص ، او را بر نعمت های دل پذیری که به ما داده و ما را در آنها غوطه ور ساخته و بدان آراسته مان گردانیده است» .4 / 34هنگام استفاده از بُخور و عطر6649.الطبقات الکبری :الأمان :روایت شده است که پیامبر خدا هنگام استعمال بخور ، می گفت : «ستایش ، خدای را که با لطف و نعمت او کارهای نیک به انجام می رسد . بار خدایا ! ما را خوش بو گردان ، رایحه های ما را معطّر ساز ، بازگشت ما را نیکو بدار ، تقوا را ره توشه ما ساز و بهشت را بازگشتگاه ما ، و میان ما و عافیت بخشی و کرامتت نسبت به ما ، جدایی مینداز ، که تو بر هر چیز توانایی» .

.

4 / 35كُلُّ أمرٍ ذى بالٍ6652.الاستيعاب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ أمرٍ ذى بالٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِحَمدِ اللّهِ فَهُوَ أقطَعُ (1) . (2)6653.الاستيعاب :عنه صلّى الله عليه و آله :كُلُّ أمرٍ ذى بالٍ لا يُبدَأُ فيه بِحَمدِ اللّهِ وَالصَّلاهِ عَلَىَّ فَهُوَ أقطَعُ أبتَرُ ، مَمحوقٌ (3) مِن كُلِّ بَرَكَهٍ . (4) .

1- .عمل اليوم والليله للنسائى : ص 345 ح 494 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 610 ح 1894 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 173 ح 1 وص 175 ح 2 ، سنن الدارقطنى : ج 1 ص 229 ح 1 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 296 ح 5768 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 558 ح 2509 وج3 ص 263 ح 6462 وح 6464 ؛ المجازات النبويّه : ص 244 ح 197 .
2- .قال الشريف الرضىّ قدس سره فى ذيل الحديث : هذا القول مجاز ، وإنّما شبّه عليه الصلاه والسلام الأمر الذى تهمّ الإفاضه فيه ، وتمسّ الحاجه إلى الكلام عليه ، إذا لم ينظر فيه حمد اللّه سبحانه وتعالى ، بالأقطع اليد من حيث كان قالصا عن السبوغ ، وناقصا عن البلوغ. وممّا يقوّى ذلک ما رواه أبوهريره أيضا قال : قال عليه الصلاه والسلام : «الخطبه الّتى ليس فيها شهاده كاليد الجذماء» ، فأقام عليه الصلاه والسلام نقصان الخطبه ، مقام نقصان الخلقه ، وممّا يشبه هذا الخبر الحديث الآخر الذى ذكره أبوعبيد القاسم بن سلّام فى كتابه غريب الحديث وهو قوله عليه الصلاه والسلام : «من تعلّم القرآن ثمّ نسيه لقى اللّه سبحانه وهو أجذم» ، قال : والأجذم : المقطوع اليد (المجازات النبويّه : ص 244) .
3- .المَحْق : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج 4 ص 303 «محق») .
4- .كنزالعمّال : ج 1 ص 558 ح 2510 نقلاً عن الرهاوى عن أبى هريره .

4 / 35در هر کار مهم6656.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکار مهمّی که با حمد خدا آغاز نشود ، کاری بریده [و ناتمام] خواهد بود . 16657.الإمام الهادی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کار مهمّی که با حمد خدا و صلوات فرستادن بر من آغاز نشود ، کاری بی دنباله و ناقص خواهد بود و از هر برکتی تُهی است .

.

4 / 36عَلى كُلِّ حالٍ6660.تاريخ بغداد عن عروه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يُحشَرُ النّاسُ يَومَ القِيامَهِ فى صَعيدٍ واحِدٍ فَيُسمِعُهُمُ الدّاعى وتُبعِدُهُمُ (1) البَصَرُ ، ثُمَّ يَقومُ مُنادٍ فَيُنادى يَقولُ : سَيَعلَمُ أهلُ الجَمعِ اليَومَ مَن أولى بِالكَرَمِ . فَيَقولُ : أينَ الَّذينَ يَحمَدونَ اللّهَ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ؟ فَيَقومونَ وهُم قَليلونَ فَيَدخُلونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ . (2)6661.الاستيعاب :الاحتجاج عِن ابن عبّاس فى خَبرِ احتِجاجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله مَعَ أربَعينَ رَجُلاً مِنَ اليَهودِ :قالوا [اليَهودُ] : إبراهيمُ عليه السلام خَيرٌ مِنكَ !

قالَ : ولِمَ ذاكَ؟

قالوا : لِأَنَّ اللّهَ اتَّخَذَهُ خَليلاً!

قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : إن كانَ إبراهيمُ عليه السلام خَليلَهُ ، فَأَنَا مُحَمَّدٌ حَبيبُهُ .

قالوا : وَلِمَ سُمّيتَ مُحَمَّدا؟

قالَ : سَمّانِى اللّهُ مُحَمَّدا وشَقَّ اسمى مِن اسمِهِ؛ هُوَ المَحمودُ وأنَا مُحَمَّدٌ ، وأُمَّتِى الحامِدونَ عَلى كُلِّ حالٍ . (3)6662.تاريخ الإسلام عن موسى بن عقبه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَأَلَ أحَدُكُم رَبَّهُ مَسأَلَهً فَتَعَرَّفَ الاِستِجابَهَ فَليَقُل : «الحَمدُ للّهِ الَّذى بِعِزَّتِهِ وجَلالِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ»، ومَن أبطَأَ عَنهُ مِن ذلِكَ شَىءٌ فَليَقُل : «الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ» . (4) .

1- .فى المصادر الاُخرى : «وينفذهم البصر» .
2- .مسند إسحاق بن راهويه : ج 5 ص 180 ح 2305 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 457 ح 1581 كلاهما عن أسماء بنت يزيد ، حليه الأولياء : ج 2 ص 9 عن عقبه بن عامر نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 852 ح 43391 و 43392 .
3- .الاحتجاج : ج 1 ص 110 ح 29 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 290 ح 3 وج 16 ص 328 ح 25 .
4- .الأسماء والصفات للبيهقى : ج 1 ص 342 ح 274 ، الدعوات الكبير : ج 2 ص 86 ح 324 وفيه «الإجابه» بدل «الاستجابه» وكلاهما عن أبى هريره ،

إحياء علوم الدين : ج 1 ص 461 عن ابن مسعود وفيه «بنعمته» بدل «بعزّته وجلاله» ، كنزالعمّال : ج 2 ص 72 ح 3182 .

4 / 36بر هر حال و وضعی6665.سیر أعلام النّبلاء عن أحمد بن البرقی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز رستاخیز ، مردمان در بیابانی یکدست گردآورده می شوند ، آن سان که صدا و نگاه به همه آنها می رسد . آن گاه ، بانگ دهنده ای بر می خیزد و بانگ می زند و می گوید : «به زودی ، امروز اهل محشر پی خواهند برد که چه کسی به گرامیداشت سزاوارتر است» . سپس می گوید : «کجایند آنان که در خوشی و ناخوشی ، خداوند را سپاس و ستایش می گفتند ؟» .

پس ستایشگران که شمارشان اندک است ، برمی خیزند و بی حسابرسی ، به بهشت می روند .6666.تاریخ الطبری عن الزهری :الاحتجاج به نقل از ابن عبّاس در خبر احتجاج پیامبر صلی الله علیه و آله با چهل مرد از یهود : یهودیان گفتند : ابراهیم علیه السلام از تو بهتر است!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا؟» .

گفتند : چون خداوند ، او را دوست صمیمی خویش گرفت .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر ابراهیم علیه السلام دوست او بود ، من ، محمّد ، حبیب او هستم» .

گفتند : چرا محمّد نامیده شده ای؟

فرمود : «خداوند ، مرا محمّد نامید و نام مرا از نام خودش برگرفت : او محمود (ستایش شده) است و من محمّد (ستوده) . امّت من در همه حال ، خدای را می ستایند» .6667.تاریخ الطبری عن سهل بن سعد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کسی از شما از پروردگارش درخواستی کرد و اجابت دید ، بگوید : «ستایش ، خدایی را که با قدرت و شکوه او کارهای نیک به انجام می رسد» ، و هر کس در اجابتِ در خواستش کندی دید ، بگوید : «سپاس ، خدای را در هر حال» .

.

6668.الإمام علىّ عليه السلام (فى كِتابٍ كَتَبَهُ لِأَهلِ مِصرَ مَعَ قَيسِ بنِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعَاءِ : اللّهُمَّ انفَعنى بِما عَلَّمتَنى ، وعَلِّمنى ما يَنفَعُنى ، وزِدنى عِلما . الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن حالِ أهلِ النّارِ . (1)6669.الكامل فى التاريخ :الدعاء للطبرانى عن حبيب بن أبى ثابت :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا جاءَ الأَمرُ يُعجِبُهُ وَيَسُرُّهُ قالَ : «الحَمدُ للّهِ المُنعِمِ المُفضِلِ الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ»، وكانَ يَقولُ فيما يَكرَهُهُ : «الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ» . (2)راجع : ص 254 (فى السرّاء والضرّاء) . ص 262 (بدء الكلام) .

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 578 ح 3599 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1260 ح 3833 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 2 ص 181 ح 3638 ؛ منيه المريد : ص 210 وفيه «اللّهمّ إنّى أعوذ بک من علمٍ لا ينفع...» بدل «وأعوذ باللّه من حال أهل النار» .
2- .الدعاء للطبرانى : ص 501 ح 1770 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 90 ح 1 عن حبيب عن بعض أشياخه من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 2 ص 671 ح 5028 .

6671.تاریخ الطبری عن أبی مخنف :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا : بار خدایا ! مرا از آنچه به من آموخته ای ، بهره مند گردان و چیزی را به من بیاموز که سودم بخشد ، و بر دانش من بیفزای . ستایش ، خدا را بر هر حالی ، و پناه می برم به خدا از حال و روز اهل آتش .6672.تاریخ الطبری عن أبی مخنف :الدعاء ، طبرانی به نقل از حبیب بن ابی ثابت : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه برایش حادثه ای دلخواه و خوشایند پیش می آمد ، می فرمود : «ستایش ، خداوندِ نعمت دهِ احسان بخش را که با لطف و نعمت او کارهای نیک ، انجام می پذیرد» ، و در پیشامدهای ناخوشایند ، می فرمود : «ستایش ، خدای را بر هر حالی» .ر . ک : ص 255 (در خوشی و ناخوشی) ، ص 263 (آغاز سخن) .

.

الفَصلُ الخامِسُ : المحامد المأثوره5 / 1المَحامِدُ المَأثورَهُ عَن مُحَمَّدٍ رَسولِ اللّهِ6677.تاريخ اليعقوبى عن غياث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» أربَعَ مَرّاتٍ ، قالَ اللّهُ عز و جل : سَل تُعطَهُ . (1)6678.تاريخ الطبرى عن الزهرى :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَحمَدُ اللّهَ فى كُلِّ يَومٍ ثَلاثَمِئَهِ مَرَّهٍ وستّينَ مَرَّهً ، عَدَدَ عُروقِ الجَسَدِ ، يَقولُ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ كَثيرا عَلى كُلِّ حالٍ . (2)6679.وقعه صفّين عن قيس بن سعد (قَبلَ حَربِ صِفّينَ) عمل اليوم والليله عن أنس :كُنتُ جالِسا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فِى الحَلقَهِ ، إذ جاءَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وعَلَى القَومِ ، فَقالَ : السَّلامُ عَلَيكُم ، فَرَدَّ عَلَيهِ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : وعَلَيكُمُ السَّلامُ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ .

فَلَمّا جَلَسَ الرَّجُلُ قالَ : الحَمدُ للّهِ حَمدا كَثيرا طَيِّبا مُبارَكا فيهِ ، كَما يُحِبُّ رَبُّنا ويَرضى .

فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : كَيفَ قُلتَ؟ فَرَدَّ عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله كَما قالَ .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، لَقَدِ ابتَدَرَها (3) عَشَرَهُ أملاكٍ كُلُّهُم حَريصٌ عَلى أن يَكتُبوها ، فَبادَروا كَيفَ يَكتُبونَها حَتّى رَفَعوهُ إلى ذِى العِزَّهِ ، فَقالَ : اُكتُبوها كَما قالَ عَبدى . (4) .

1- .الدعاء للطبرانى : ص 491 ح 1726 عن أبى اُمامه .
2- .الكافى : ج 2 ص 503 ح 3 عن أبى الحسن الأنبارى ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 77 ح 2191 وليس فيه «فى كلّ يوم» ، بحار الأنوار : ج 16 ص 257 ح 39 وج 87 ص 10 ح 19 .
3- .ابتدرَ القومُ أمرا : أى بادَرَ بعضهم بعضا إليه أيُّهم يسبق إليه فيغلِب عليه (لسان العرب : ج 4 ص 48 «بدر») .
4- .عمل اليوم والليله للنسائى : ص 289 ح 341 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 92 ح 10173 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 317 ح 12612 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 157 ح 444 .

5 / 1 حمدهای رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل پنجم: حمدهای رسیده از پیامبر و اهل بیت5 / 1حمدهای رسیده از پیامبر خدا6683.الإرشاد عن المغیره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چهار مرتبه بگوید : «ستایش ، خدای را که خداوند جهانیان است» ، خداوند عز و جل می فرماید : درخواست کن تا خواسته ات به تو داده شود.6684.تنبیه الخواطر :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا در هر روز ، سیصد و شصت مرتبه به شمار رگ های بدن ، خدا را می ستود و می گفت : «ستایشِ فراوان و در همه حال ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .6685.المناقب للخوارزمی عن أبی هانی بن معمر السدوسی (فی ذِکرِ غَلَبَهِ جُندِ مُعاوِیَهَ عَلَی الماءِ) عمل الیوم و اللیله به نقل از اَ نَس : با پیامبر خدا در جمعی نشسته بودم که مردی آمد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جماعت سلام کرد و گفت : سلام بر شما .

پیامبر صلی الله علیه و آله در جوابش گفت : «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد» .

آن مرد چون نشست ، گفت : سپاس ، خدای را ؛ سپاسی فراوان و پاکیزه و با برکت ؛ آن سان که پروردگار ما دوست دارد و می پسندد .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چه گفتی؟» .

مرد آنچه را گفته بود ، برای پیامبر صلی الله علیه و آله تکرار کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، ده فرشته برای نوشتن این جمله ، همگی ، سراسیمه به سوی آن شتافتند . ماندند که چگونه آن را بنویسند ، تا این که آن را نزد خداوند عزیز بردند . خداوند فرمود : آن را همان گونه که بنده ام گفت ، بنویسید » .

.

6686.تاريخ دمشق عن أبى حذيفه إسحاق بن بشر (فى ذِكرِ وَقعَهِ اليَرموكِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ كَما هُوَ أهلُهُ» فَقَد شَغَلَ كُتّابَ السَّماواتِ ، فَيَقولونَ : اللّهُمَّ لا نَعلَمُ الغَيبَ !

6687.وقعه صفّين عن سنان بن مالک (فى مُواجَهَهِ مُقَدِّمَهِ الجَيشِ قَبلَ حَربِ ص) البلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ مَروِىٌّ عَنِ النَّبِىِّ صلى اللهِ عليه و آله : بَسمِل وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ثَلاثا . . . وَالحَمدُ للّهِ ثَلاثا بِعَدَدِ كُلِّ تَحميدٍ حَمِدَهُ الحامِدونَ . . . وَالحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حالٍ ، وَالحَمدُ للّهِ عِندَ انقِطاعِ الأَحوالِ ، وَالحَمدُ للّهِ بِعَدَدِ كُلِّ مَن حَمِدَهُ ، وَالحَمدُ للّهِ بِعَدَدِ مَن لَم يَحمَدهُ . (1)

6688.شرح نهج البلاغه (فى وَصفِ الأَشتَرِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «الحَمدُ للّهِ بِمَحامِدِهِ كُلِّها ما عَلِمنا مِنها وما لَم نَعلَم ، عَلى كُلِّ حالٍ ، حَمدا يُوازى نِعَمَهُ ويُكافِئُ مَزيدَهُ ، عَلَىَّ وعَلى جَمِيعِ خَلقِهِ» ، قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى : بالَغَ عَبدى فى رِضاىَ ، وأنَا مُبَلِّغُ عَبدى رِضاهُ مِنَ الجَنَّهِ . (2)

6689.سير أعلام النّبلاء :الإمام علىّ عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ حينَ يَستَيقِظُ مِن مَنامِهِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى بَعَثَنى مِن مَرقَدى هذا ، ولَو شاءَ لَجَعَلَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ اللَّيلَ وَالنَّهارَ خِلفَهً لِمَن أرادَ أن يَذَّكَّرَ أو أرادَ شُكورا ، الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ اللَّيلَ لِباسا وَالنَّومَ سُباتا وجَعَلَ النَّهارَ نُشورا ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لا تُجِنُّ (4) مِنهُ البُحورُ ، ولا تَكُنُّ (5) مِنهُ السُّتورُ ، ولا يَخفى عَلَيهِ ما فِى الصُّدورِ . (6) .

1- .عدّه الداعى : ص 245 عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 28 ح 1 عن زيد الشحّام عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 212 ح 11 وص 216 ح 21 .
2- .البلد الأمين : ص 374 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 79 ح 2201 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 915 ح 18 .
4- .أجَنَّهُ : ستره ، وكلّ ما سُتر عنک فقد جُنّ عنک (القاموس المحيط : ج 4 ص 210 «جنن») .
5- .الكِنُّ : وقاء كلّ شىء وستره (القاموس المحيط : ج 4 ص 264 «كنن») .

6- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 51 ح 2126 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 203 ح 20 .

6690.شرح نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را چنان که او شایسته آن است» ، نویسندگانِ آسمان ها را به تکاپو می اندازد و آنها می گویند : بارخدایا ! ما که غیب نمی دانیم !

و خداوند می فرماید : «آن را همان گونه که بنده ام گفت ، بنویسید . ثوابش با من» .6691.وقعه صفّین :البلد الأمین :دعای «لا اله الا اللّه » که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده ، چنین است که پس از بسم اللّه ، بگو : «معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) ... و سپاس خدای را (سه مرتبه) ؛ به شمار هر سپاسی که سپاسگویان در سپاس از او گویند .. . و سپاس خدای را بر هر حالی [و وضعی] ، و سپاس خدای را در هنگام برطرف شدن حالات ، و سپاس خدای را به شمار همه کسانی که سپاسش گویند ، و سپاس خدای را به شمار همه کسانی که سپاسش نمی گویند» .6692.الإمام علیّ علیه السلام (مِن کِتابِهِ إلی مالِکِ بنِ کَعبٍ الأرحَبِیِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «ستایش ، خدای را به همه ستایش هایش ؛ چه آن ستایش ها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم ، بر هر حالی [و وضعی] ، ستایشی به موازات نعمت هایش و برابر با افزون دهی هایش به من و به همه خلقتش» ، خداوند تبارک و تعالی می فرماید : بنده ام در خشنودسازی من کوشید من نیز بنده ام را به جایی از بهشت می رسانم که خشنودش سازد.6693.الإمام علیّ علیه السلام (فی کِتابِهِ إلی کَعبِ بنِ مالِکٍ {-1-}) امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هر گاه از خواب بیدار می شد ، می گفت : «ستایش ، خدایی را که مرا از این خوابم بیدار ساخت ؛ در حالی که اگر می خواست ، آن را تا روز رستاخیز قرار می داد . ستایش ، خدای را که شب و روز را از پی یکدیگر قرار داد ، برای هر آن کس که بخواهد پند گیرد یا بخواهد سپاس گزاری کند . ستایش ، خدایی را که شب را پوشش قرار داد و خواب را مایه آرامش و روز را هنگام تکاپو . «معبودی جز تو نیست . پاکی تو ، من از ستمکاران بودم» . سپاس ، خدای را که دریاها چیزی را از [چشم] او نمی پوشانند (از اعماق دریاها خبر دارد) و پرده ها چیزی را از او پنهان ندارد و آنچه در سینه هاست ، بر او پوشیده نیست» . .

6694.الإمام علىّ عليه السلام (فى كِتابِهِ إلى كعبِ بنِ مالِكٍ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى يَهودِيّا أو نَصرانِيّا أو مَجوسِيّا أو أحَدا عَلى غَيرِ مِلَّهِ الإسلامِ فَقالَ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى فَضَّلَنى عَلَيكَ بِالإسلامِ دينا ، وبِالقُرآنِ كِتابا ، وبِمُحَمَّدٍ نَبِيّا ، وبِعَلِىٍّ إماما ، وبِالمُؤمِنينَ إخوانا ، وبِالكَعبَهِ قِبلَهً» ، لَم يَجمَعِ اللّهُ بَينَهُ وبَينَهُ فِى النّار أبَدا . (1)6695.الغارات عن عبد اللّه بن حوزه الأزدى :عنه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ الَّذى كانَ فى أوَّلِيَّتِهِ وَحدانِيّا ، وفى أزَلِيَّتِهِ مُتَعَظِّما بِالإلهِيَّهِ ، مُتَكَبِّرا بِكِبرِيائِهِ وجَبَروتِهِ ، اِبتَدَأ مَا ابتَدَعَ ، وأنشَأ ما خَلَقَ عَلى غَيرِ مِثالٍ كانَ سَبَقَ بِشَىءٍ مِمّا خَلَقَ . (2)6696.أنساب الأشراف :المستدرک على الصحيحين عن أبى هريره :دَعا رَجُلٌ مِنَ الأنصارِ مِن أهلِ قُباءَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَانطَلَقنا مَعَهُ ، فَلَمّا طَعِمَ وغَسَلَ يَدَيهِ أو قالَ يَدَهُ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى يُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، مَنَّ عَلَينا فَهَدانا ، وأطعَمَنا وسَقانا ، وكُلَّ بَلاءٍ حَسَنٍ أبلانا ، الحَمدُ للّهِ غَيرَ مُوَدَّعٍ ولا مُكافَأٍ ، ولا مَكفورٍ ولا مُستَغنىً عَنهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أطعَمَ مِنَ الطَّعامِ ، وسَقى مِنَ الشَّرابِ ، وكَسا مِنَ العُرى ، وهَدى مِنَ الضَّلالَهِ ، وبَصَّرَ مِنَ العَمايَهِ ، وفَضَّلَ عَلى كَثيرٍ مِمَّن خَلَقَ تَفضيلاً ، الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (3) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 339 ح 401 ، ثواب الأعمال : ص 44 ح 1 كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص 70 ح 227 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، وليس فيه «وبعلىّ إماما» ، روضه الواعظين : ص 518 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 217 ح 1 .
2- .التوحيد : ص44 ح4 عن إسحاق بن غالب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج4 ص287 ح19 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 731 ح 2003 ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 23 ح 5219 وليس فيه «الحمد للّه غير مودّع ... ولا مستغنى عنه» ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 82 ح 10133 ، الدعاء للطبرانى : ص 280 ح 896 ، الشكر لابن أبى الدنيا : ص 20 ح 15 .

6697.تاریخ الطبری (بَعدَ أن ذَکَرَ خُطبَهَ الإمامِ علیه السلام یَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یهودی یا نصرانی یا مجوسی و یا کسی را که بر غیر آیین اسلام است ، ببیند و بگوید : «سپاس ، خدای را که مرا به سبب داشتن دین اسلام و کتاب قرآن و پیامبریِ محمّد و امامت علی و برادران مؤمن و قبله ای چون کعبه ، بر تو برتری داد» ، خداوند هرگز او را با آن شخص در آتش دوزخ گرد نمی آورد.6698.صحیح مسلم عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری (فی ذِکرِ حَجَّهِ الوَداعِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سپاس ، خدای را که از همان آغاز ، یکتا بود ، و از ازل به خدایی اش نازان ، و به بزرگی و عظمتش بالان . آنچه را ابداع کرد ، بی مقدّمه آفرید و آنچه را خلق کرد ، بی هیچ نمونه پیشینی آفرید.6699.اُسد الغابه (فی ذِکرِ مُحَمَّدِ بنِ أبی بَکرٍ) المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُریره : مردی از انصار ، از اهالی قُبا ، پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد و ما هم با ایشان رفتیم . چون غذایش را خورد و دستانش یا : دستش را شست ، گفت : «سپاس ، خدایی را که خوراک می دهد و خود خوراک نمی خورد . بر ما منّت نهاد و هدایتمان فرمود و غذا و آبمان داد و به هر نعمت و نوازشی ، ما را نواخت . سپاس ، خدای را که نه با او بدرود گفته شود و نه پاداش خواهد و نه ناسپاسی شود و نه می توان از او بی نیازی جُست . ستایش ، از آنِ خداوند است که [بندگانِ خود را] از غذا خورانْد و از آشامیدنی نوشانْد و از برهنگی پوشانْد و از گم راهی [رهانید و] هدایت نمود و از کورْ دلی ، بصیرت عطا فرمود و بر بسیاری از آفریده های خویش ، برتریِ چشمگیر داد. ستایش ، خداوند را که پروردگار جهانیان است» . .

6700.أُسد الغابه (فى ذِكرِ مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ) مسند الرويانى عن أبى أُمامه الباهلى :رَآنِى النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله وأنَا أُحَرِّكُ شَفَتَىَّ ، فَقالَ : لِمَ تُحَرِّكُ شَفَتَيکَ؟ فَقُلتُ : أذكُرُ اللّهَ .

قالَ : أفَلا أدُلُّکَ عَلى شَىءٍ هُوَ أكثَرُ مِن ذِكرِکَ اللَّيلَ مَعَ النَّهارِ وَالنَّهارَ مَعَ اللَّيلِ؟ قالَ : قُلتُ : بَلى ، يا نَبِىَّ اللّهِ .

قالَ : قُل : الحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما فِي السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما أحصى كِتابُهُ ، وَالحَمدُ للّهِ عَدَدَ كُلِّ شَىءٍ ، وَالحَمدُ للّهِ مِل ءَ كُلِّ شَىءٍ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، وسُبحانَ اللّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما فِى السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما أحصى كِتابُهُ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ كُلِّ شَىءٍ ، وسُبحانَ اللّهِ مِل ءَ كُلِّ شَىءٍ . (1)6701.شرح نهج البلاغه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ عَلى آلائِهِ ، وأحمَدُهُ عَلى نَعمائِهِ ، وأشكُرُهُ عَلى بَلائِهِ ، وأُؤمِنُ بِقَضائِهِ ، الّذى لا هادِىَ لِمَن أضَلَّ ، ولا خاذِلَ لِمَن نَصَرَ ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ المُصطَفى وأمينُهُ المُرتَضى ، اِنتَجَبَهُ وحَباهُ ، وَاختارَهُ وَارتَضاهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ وسَلَّمَ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ إيمانا صادِقا لَيسَ بَعدَهُ كُفرٌ ، ورَحمَةً أنالُ بِها شَرَفَ كَرامَتِکَ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، تَبارَكتَ رَبَّنا وتَعالَيتَ ، تَمَّ نورُکَ رَبّى فَهَدَيتَ ، وعَظُمَ حِلمُکَ رَبّى فَعَفَوتَ فَلَکَ الحَمدُ ، وَجهُکَ أكرَمُ الوُجوهِ وجاهُکَ أفضَلُ الجاهِ ، وعَطِيَّتُکَ أرفَعُ العَطايا (2) وأهنَؤُها ، تُطاعُ رَبَّنا فَتَشكُرُ ، وتُعصى رَبَّنا فَتَغفِرُ لِمَن تَشاءُ ، تُجيبُ دَعوَهَ المُضطَرِّ إذا دَعاکَ ، وتَكشِفُ الضُّرَّ ، وتَشفِى السَّقيمَ ، وتَغفِرُ الذَّنبَ العَظيمَ ، لا يُحصى نَعماءَکَ أحَدٌ ، رَبَّنا فَلَکَ الحَمدُ حَمدا أبَدا لا يُحصى عَدَدُهُ ، ولا يَضمَحِلُّ سَرمَدُهُ ، حَمدا كَما حَمِدَ الحامِدونَ مِن عِبادِکَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ . (3) .

1- .مسند الرويانى : ج 2 ص 291 ح 1233 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 270 ح 22206 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 694 ح 1891 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 239 ح 7930 وص 292 ح 8122 كلّها نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 256 ح 3962 .
2- .فى المصدر : «العطاء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .مُهج الدعوات : ص 214 عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 325 ح 69 .

6702.الإمام علىّ عليه السلام (فى ذِكرِ مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ وَالتَّفَجُّعِ) مسند رویانی به نقل از ابو اُمامه باهلی : پیامبر صلى الله علیه و آله که دید من لبانم را می جنبانم ، فرمود : «چرا لبانت را می جنبانی؟» .

گفتم : ذکر خدا می گویم.

فرمود : «آیا تو را به چیزی ره نمون نشوم که اگر شب تا روز و روز تا شب ذکر بگویی ، باز هم آن بیشتر است؟» .

گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا!

فرمود : «بگو : سپاس ، خدای را به شمار آنچه آفریده . سپاس ، خدای را به اندازه همه آنچه آفریده . سپاس ، خدای را به شمار آنچه در آسمان ها و زمین است . سپاس ، خدای را به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است . سپاس ، خدای را به شمار همه موجودات . سپاس ، خدای را به اندازه همه موجودات . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه آفریده . منزّه باد خدای ، به اندازه آنچه آفریده . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه در آسمان ها و زمین است . منزّه باد خدای ، به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است . منزّه باد خدای ، به شمار همه موجودات . منزّه باد خدای ، به اندازه همه موجودات» .6703.رجال الكشّى عن أمير بن علىّ عن الإمام الرضا عليهپیامبر خدا صلى الله عليه و آله :سپاس ، خدای را بر دهش هایش . او را بر نعمت هایش می ستایم و بر نواخت هایش سپاس می گویم و به فرمانش گردن می نهم ؛ خدایی که هر که را او گم راه کند ، کس نتواند هدایت نماید و هر که را او یاری دهد ، بی یاور نباشد . گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست و این که محمّد ، بنده او و فرستاده برگزیده او و امانتدار پسندیده اوست ؛ او را دستچین کرد و به او عطا نمود ، او را برگزید و پسندید . درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد .

بار خدایا ! من از تو درخواست می کنم : ایمانی راستین که پس از آن ، هرگز به کفر نگرایم ؛ و رحمتی که با آن به افتخار کرامت تو در دنیا و آخرت نایل آیم . خجسته ای تو ای پروردگار ما! و برینی تو . روشناییِ تو ای پروردگار من! پُر درخشید ، پس هدایت نمودی . بردباریِ تو ای پروردگار من! بس عظیم است و از این روست که می بخشایی ، پس تو را سپاس . رویِ تو ، گرامی ترینِ روی هاست ، پایگاه تو برترین پایگاه

است و آنچه تو عطا کنی ، بهترین و گواراترینِ عطاهاست . از تو ای پروردگار ما ! اطاعت می شود ، پس تو قدردانی می کنی و از تو ای پروردگار ما ! نافرمانی می شود ؛ اما تو آن کسی را که بخواهی ، می بخشی . دعای درمانده را آن گاه که بخواندت اجابت می کنی ، رنج و گزند را می زدایی ، بیمار را شفا می بخشی ، و گناه بزرگ را می آمرزی . هیچ کس نمی تواند نعمت های تو را بشمارد .

پس ای پروردگار ما ! تو را سپاس ؛ سپاسی ابدی که تعدادش شمردنی نباشد و زمان آن به سر نیاید ؛ سپاسی به سانِ سپاس بندگان سپاس گزارت ، از اوّلین تا آخرینِ آنها . .

6704.تاريخ الطبرى عن الزهرى :عنه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ عَلى سابِغِ (1) نِعَمِ اللّهِ . (2)6705.الغارات عن علىّ بن محمّد بن أبى سيف :عنه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ عَلى ما أولى وأبلى ، ولَهُ الحَمدُ فِي الآخِرَهِ وَالأُولى ، وَاللّهِ لَو تَقَطَّعَت أعضائى ، وسالَت مُقلَتاىَ عَلى صَدرى ، لَن أقومَ للّهِ عز و جل بِشُكرِ عُشرِ العَشيرِ مِن نِعمَهٍ واحِدَهٍ مِن جَميع نِعَمِهِ الَّتى لا يُحصيهَا العادّونَ ، ولا يَبلُغُ حَدَّ نِعمَهٍ مِنها عَلَىَّ جَميعُ حَمدِ الحامِدينَ . (3)6706.رجال الكشّى :عنه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ فى عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، الحَمدُ للّهِ بَعدَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، الحَمدُ للّهِ مَعَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ . . . الحَمدُ للّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ عَلى جَميعِ نِعَمِهِ ، وسُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ مُنتَهى رِضاهُ فى عِلمِهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ وحَقٌّ لَهُ ذلِكَ . . . الحَمدُ للّهِ تَحميدا لا يُحصيهِ غَيرُهُ قَبلَ كُلِّ أحَدٍ ومَعَ كُلِّ أحَدٍ وبَعدَ كُلِّ أحَدٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ تَمجيدا لا يُحصيهِ غَيرُهُ ، قَبلَ كُلِّ أحَدٍ ومَعَ كُلِّ أحَدٍ وبَعدَ كُلِّ أحَدٍ . (4)6707.أُسد الغابه :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله دَعَا اللّهَ عز و جل يَومَ الأحزابِ فَقالَ : الحَمدُ للّهِ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أدعوهُ فَيُجيبُنى وإن كُنتُ بَطيئا حينَ يَدعونى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أسأَلُهُ فَيُعطينى وإن كُنتُ بَخيلاً حينَ يَستَقرِضُنى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى أستَعفيهِ فَيُعافينى وإن كُنتُ مُتَعَرِّضا لِلَّذى نَهانى عَنهُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى أخلو بِهِ كُلَّما شِئتُ فى سِرِّى ، وأضَعُ عِندَهُ ما شِئتُ مِن أمرى مِن غَيرِ شَفيعٍ ، فَيَقضى لى رَبّى حاجَتى . (5) .

1- .أسبغ اللّهُ النِّعمهَ : أتمَّها (القاموس المحيط : ج 3 ص 107 «سبغ») .
2- .مشكاه الأنوار : ص 70 ح 118 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 214 ح 17 ؛ كنزالعمّال : ج 3 ص 736 ح 8615 نقلاً عن شُعب الإيمان عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .
3- .فتح الأبواب : ص 171 عن الزهرى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 46 ص 57 ح 10 .
4- .مُهج الدعوات : ص 170 عن إبراهيم بن أبى يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام وبأسانيد أُخرى ، المصباح للكفعمى : ص 368 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كامل الزيارات : ص 399 ح 639 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الصادق عليه السلام وذكره فى زياره الإمام الحسين عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 387 ح 28 .

5- .مُهج الدعوات : ص 96 عن ابن سنان وص 234 وص 236 كلاهما نحوه عن الإمام الصادق عليه السلام لمّا استدعاه المنصور إلى الكوفه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 213 ح 9 وص 283 وص 286 .

6708.المناقب للخوارزمی عن مجزأه السدوسی (فی ذِکرِ أحداثِ حَربِ الجَمَلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سپاس ، خدای را بر نعمت های سرشارش .6709.الجمل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سپاس و ستایش ، خدای را بر لطف و احسانش ، و ستایشْ او را در آخرت و دنیا . سوگند به خدا که اگر [از شدّت عبادت] اعضای بدنم از هم بریده شوند و تخم چشم هایم آب شوند و بر سینه ام فرو ریزند ، هرگز نخواهم توانست شکرِ یک هزارم یک نعمت از نعمت های بی شمار خداوند عز و جل را به جا آورم ، و همه ستایشِ ستایشگران ، به حدّ یکی از نعمت هایی که او به من داده ، نمی رسد .6710.مروج الذهب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ستایش ، خدای را در علم او ؛ تا نهایت رضایتش . ستایش ، خدای را بعد از علم او ؛ تا نهایت رضایتش . ستایش ، خدای را همراه با علم او ؛ تا نهایت رضایتش ... . ستایش ، خدای را با همه ستایش هایش بر همه نعمت هایش . منزّه است خدا و ستایشْ او را ؛ تا نهایت رضایتش در علم او . خدا بزرگ تر است و این ، حقّ اوست . .. . ستایش ، خدای را ستایشی که هیچ کسی جز او ، آن را شماره نتواند ؛ پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس . هیچ توش و توانی نیست مگر به مدد خدای والا و بزرگ ، [و سزاوار اوست آن] بزرگداشتی که کسی جز او ، آن را شماره نتواند ؛ پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس .6711.الغارات عن عبد اللّه بن قعین (بَعدَمَا اشتَری مَصقَلَهُ اُسارَی بَنی ناجِیَهَ) امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا در روز جنگ احزاب ، به درگاه خداوند عز و جل دعا کرد و گفت : «سپاس و ستایش ، خدای یگانه و بی انباز را . سپاس و ستایش ، خدایی را که می خوانمش و او پاسخم می دهد ؛ اگرچه آن گاه که او مرا می خواند ، من در پاسخش کندی می ورزم . سپاس و ستایش ، خدایی را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می کند ؛ اگرچه آن گاه که او از من قرض می طلبد ، من دریغ می ورزم . سپاس و ستایش ، خدایی را که از او عافیت می طلبم و او عافیتم می بخشد ؛ گرچه من به چیزی می پردازم که او مرا از آن نهی کرده است . سپاس و ستایش ، خدایی را که هر گاه بخواهم ، در نهانم با او خلوت می کنم و هر کاری که داشته باشم ، بی هیچ واسطه ای ، با او در میان می گذارم ، و پروردگار من حاجتم را برآورده می سازد» . .

6712.تاريخ اليعقوبى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ رَبَّنا لَکَ الحَمدُ مِل ءَ السَّماواتِ ومِل ءَ الأَرضِ ، ومِل ءَ ما شِئتَ مِن شَی ءٍ بَعدُ .

6713.الإمام علىّ عليه السلام (مِن کِتابِهِ إلى مَصقَلَةَ بنِ هُبَيرَةَ الشَّی) (1)

الإمام علىّ عليه السلام :قامَ النَّبِىُّ صلى اللّه عليه و آله فَصَلّى رَکعَتَينِ ، فَلَمّا قالَ : سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَهُ ، قالَ : اللّهُمَّ رَبَّنا لَکَ الحَمدُ ورَفَعَ صَوتَهُ يُسمِعُهُم مِل ءَ السَّماواتِ ومِل ءَ الأَرضِ ، ومِل ءَ ما بَينَهُما ، أهلَ المَجدِ وَالثَّناءِ ، اللّهُمَّ لا مانِعَ لِما أعطَيتَ ، ولا مُعطِىَ لِما مَنَعتَ ، ولا يَنفَعُ ذَا الجَدِّ (2) مِنکَ الجَدُّ .

6714.الغارات عن ذهل بن الحارث :صحيح البخارى (3) عن رفاعه بن رافع الزرقى :کُنّا يَوما نُصَلّى وَراءَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا رَفَعَ رَأسَهُ مِنَ الرَّکعَهِ ، قالَ : «سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَهُ» ، قالَ رَجُلٌ وَراءَهُ : رَبَّنا ولَکَ الحَمدُ حَمدا طَيِّبا مُبارَکا فيهِ .

فَلَمَّا انصَرَفَ قالَ : مَنِ المُتَکَلِّمُ؟ قالَ : أنَا ، قالَ : رَأَيتُ بِضعَهً وثَلاثينَ مَلَکا يَبتَدِرونَها ، أيُّهُم يَکتُبُها أوَّلُ . (4) .

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 346 ح 203 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 52 ح 19160 کلاهما عن ابن أبى أوفى ، سنن الترمذى : ج 5 ص 485 ح 3421 عن عبيداللّه بن أبى رافع عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «والأرضين ومل ء ما بينهما» بدل «ومل ء الأرض» ، سنن النسائى : ج 2 ص 198 عن ابن عبّاس ، کنزالعمّال : ج 8 ص 126 ح 22220 .

2- .الجَدُّ : الحظّ والسعاده والغنى ، أى لاينفع ذا الغنى منک غناه ، وإنّما ينفعه الإيمان والطاعه (النهايه : ج 1 ص 244 «جدد») .

3- .الجعفريّات : ص 221 عن الإمام الکاظم عن آبائه عليهم السلام .

4- .صحيح البخارى : ج 1 ص 275 ح 766 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 204 ح 770 ، سنن النسائى : ج 2 ص 196 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 19 ح 19018 ، السنن الکبرى : ج 2 ص 136 ح 2610 ، کنزالعمّال : ج 7 ص 453 ح 19748 .

6715.شرح نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ، ای پروردگار ما ! سپاس و ستایش ، تو را به اندازه گستره آسمان ها و گستره زمین ، و به گستره هر چیزی جز اینها که تو خواهی.6716.الغارات عن عبد اللّه بن قعین (فی ذِکرِ حَربِ بَنی ناجِیَهَ) امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و دو رکعت نماز خواند و چون گفت : «سمع اللّه لمن حمده» ، با صدای بلند که دیگران بشنوند گفت : «خدایا ، ای پروردگار ما ! ستایش ، تو را به اندازه گستره آسمان ها و گستره زمین و گستره میان این دو . ای سزامند بزرگی و ثنا ، بار خدایا ! آنچه تو دهی ، هیچ چیز نتواند مانع آن شود ، و آنچه را تو منع کنی [و ندهی] ، کسی نتواند دهد ، و دارایِی هیچ ثروتمندی ، او را از تو بی نیاز نکند.6717.الغارات عن کعب بن قعین :صحیح البخاری به نقل از رفاعه بن رافع زرقی : روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواندیم . چون سرش را از رکوع برداشت ، فرمود : «سَمِعَ اللّهُ لِمَن حَمِدَه (خداوند ، ستایش ستایشگر خویش را شنید)».

یک نفر از مأمومان گفت : ربّنا ولک الحمد حَمْدا طیّبا مُبارَکا فیه (خداوندا ! تو را ستایش ، ستایشی پاک و بابرکت).

پیامبر صلی الله علیه و آله چون نمازش را تمام کرد ، فرمود : «گوینده ، که بود؟» .

مرد گفت : من .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سی و اندی فرشته را دیدم که به طرف آن دویدند و هر یک سعی داشت زودتر از دیگری آن را بنویسد». .

6718.الغارات عن أبى عبد الرحمن السلمى (فى ذِكرِ عَزمِ الإمامِ عليه السلام عَلى حَربِ) جمال الأُسبوع :عَن مُحَمَّدِ بنِ الحُسَينِ العَلَوِىِّ العَرِيضِىِّ عَن أبيهِ عَن جَدِّهِ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ عَنِ الإمامِ الباقِرِ عليهماالسلام : كانَ لِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله سِرٌّ قَلَّ ما عُثِرَ عَلَيهِ وذَكَرَ تَمامَ الحَديثِ وفيهِ : يا مُحَمَّدُ! ومَن أحَبَّ مِن اُمَّتِکَ رَحمَتى وبَرَكاتى ورِضوانى وتَعَطُّفى وقَبولى ووِلايَتى وإجابَتى ، فَليَقُل حينَ تَزولُ الشَّمسُ أو يَزولُ اللَّيلُ :

«اللّهُمَّ رَبَّنا لَکَ الحَمدُ كُلُّهُ ، جُملَتُهُ وتَفسيرُهُ ، كَمَا استَحمَدتَ فيهِ إلى أهلِهِ الَّذينَ خَلَقتَهُم لَهُ وألهَمتَهُم ذلِکَ الحَمدَ كُلَّهُ ، اللّهُمَّ رَبَّنا لَکَ الحَمدُ كُلُّه كَما جَعَلتَ الحَمدَ رِضاکَ عَمَّن بِالحَمدِ رَضيتَ عَنهُ لِيَشكُرَ ما بِهِ مِن نِعمَتِکَ ، اللّهُمَّ رَبَّنا لَکَ الحَمدُ كُلُّه كَما رَضيتَ بِهِ لِنَفسِکَ وقَضَيتَ بِهِ عَلى عِبادِکَ ، حَمدا مَرعوبا (1) عِندَ أهلِ الخَوفِ مِنکَ لِمَهابَتِکَ ، ومَرهوبا عِندَ أهلِ العِزَّهِ بِکَ لِسَطَواتِکَ ، ومَشكورا عِندَ أهلِ الإنعامِ مِنکَ لِإِنعامِکَ ، سُبحانَکَ رَبَّنا مُتَكَبِّرا فى مَنزِلَهٍ قَد تَدَهدَهَت (2) أبصارُ النّاظِرينَ ، وتَحَيَّرَت عُقُولُهُم عَن بُلُوغِ عِلمِ جَلالِها ، تَبارَكتَ فى مَنازِلِکَ العُلى كُلِّها ، وتَقَدَّستَ فِى الآلاءِ الَّتى أنتَ فيها ، يا أهلَ الكِبرِياءِ يا لا إلهَ إلّا أنتَ الكَبيرُ ، لِلفَناءِ خَلَقتَنا وأنتَ الكائِنُ لِلبَقاءِ ، فَلا تُفنى ونَحنُ لا نَبقى ، وأنتَ العالِمُ بِنا ونَحنُ أهلُ الغِرَّهِ بِکَ وَالغَفلَهِ عَن شَأنِکَ ، فَأنتَ الَّذى لا تَغفَلُ ولا تَأخُذُکَ سِنَهٌ ولا نَومٌ ، بِحَقِّکَ يا سَيِّدى ، أجِرنى مِن تَحويلِ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَىَّ فِى الدّينِ وَالدُّنيا يا كَريمُ» ، فَإِنَّهُ إذا قالَ ذلِکَ كَفَيتُهُ كُلَّ الَّذى أكفى عِبادِىَ الصّالِحينَ . (3) .

1- .فى مصباح المتهجّد وفلاح السائل والبلد الأمين : «مرغوبا فيه» بدل «مرعوبا» .
2- .دَهْدَهَ الشَّىءَ : قلَبَ بعضَه على بعض (القاموس المحيط : ج 4 ص 284 «دهده») .
3- .جمال الأُسبوع : ص 253 ، مصباح المتهجّد : ص 31 ح 34 ، فلاح السائل : ص 194 ح 110 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، البلد الأمين : ص 511 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 318 ح 1 .

6719.الأمالی للطوسی عن عبد الرحمن بن جندب عن أبیه :جمال الاُسبوع به نقل از محمّد بن حسین علوی عُرَیضی ، از پدرش ، از جدّش: امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کرد که فرمود : «پیامبر خدا را سرّی بود که کمتر کسی به آن ، دست یافت» و آن حضرت تمام حدیث را ذکر کرد و از جمله در آن آمده بود : «ای محمّد! هر کس از امّت تو که رحمت و برکات و خشنودی و عنایت مرا و پذیرش و ولایت و اجابت مرا دوست دارد [و آنها را می خواهد] ، هنگام زوال خورشید یا زوال شب بگوید:

خدایا ! پروردگارا ! ستایش ، همه از آنِ توست ، خلاصه اش و تفصیلش ، که تو خود ، از اهل ستایش خواسته ای تا تو را بستایند ؛ همانان که برای ستایشگری ، خلقشان کردی و همه ستایشگری ها را به آنان الهام فرمودی . خدایا ! پروردگارا ! ستایش ، همه از آنِ توست که تو ستایش را مایه خشنودی ات از آن کسی قرار دادی که از او پسندیدی که تو را بستاید و بدان وسیله نعمت های تو را سپاس گوید . خدایا ! پروردگارا ! ستایش ، همه از آنِ توست که تو خود آن را برای خویشتن پسندیده ای و بندگانت را نیز بدان فرمان داده ای ؛ ستایشی که خائفان از تو ، از هیبت تو آن را بیمناکانه می گویند ، و عزّتمندان به واسطه تو ، از خشم و قهر تو آن را با هراس می گویند ، و برخورداران از نعمت تو ، برای سپاس از نعمت هایت بر زبانش می آورند . پاکی تو ، ای پروردگار ما ! تو در چنان پایگاهی از کبریایی که دیده بینندگان فرو می غلتد [و تاب دیدن آن را نمی آورد] و خِردهایشان از درک شُکوه آن ، سرگشته می ماند . آفرینت باد با این همه جایگاه های والایی که داری ، و تقدیست باد در الطاف و نعمت هایی که در آنی ! ای سزامند کبریا و بزرگی ! ای که معبودی جز تو خداوند بزرگ نیست ! تو ما را برای فنا شدن آفریدی و تو خود ، وجودی جاویدانی . پس نه تو فانی می شوی و نه ما باقی می مانیم . تو به ما دانایی و ما بر تو گستاخیم و از مقام تو غافل . پس ، تو آنی که دست خوش غفلت نمی گردی و چرت و خواب ، هرگز تو را فرا نمی گیرد . به حقانیتت [سوگندت می دهم] سَرورا که هر آن نعمت که در دین و دنیا به من ارزانی داشته ای ، از من نگیری ، ای بزرگوار!» .

پس هرگاه این جملات را گفت ، همه حاجت هایی را که برای بندگان شایسته ام برآورده می سازم ، از بهر او برآورده می نمایم. .

6720.تاريخ اليعقوبى (فى ذِكرِ أحداثِ ما بَعدَ استِخلافِ عُثمانَ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ . . . لا اُحصى ثَناءً عَلَيکَ ، أنتَ کَما أثنَيتَ عَلى نَفسِکَ . (1)6721.الغارات عن الأعمش :عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ لا أستَطيعُ ثَناءً عَلَيکَ ولَو حَرَصتُ ، ولکِن أنتَ کَما أثنَيتَ عَلى نَفسِکَ . (2)6722.تاريخ اليعقوبى عن غياث :الکافى عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه :أتى جَبرَئيلُ عليه السلام إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُ : إنَّ رَبَّکَ يَقولُ لَکَ : إذا أرَدتَ أن تَعبُدَنى يَوما ولَيلَةً حَقَّ عِبادَتى فَارفَع يَدَيکَ إلَىَّ وقُل :

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا خالِدا مَعَ خُلودِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا مُنتَهى لَهُ دونَ عِلمِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا أمَدَ لَهُ دُونَ مَشيئَتِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا جَزاءَ لِقائِلِهِ إلّا رِضاکَ .

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ ، ولَکَ المَنُّ کُلُّهُ ، ولَکَ الفَخرُ کُلُّهُ ، ولَکَ البَهاءُ کُلُّهُ ، ولَکَ النّورُ کُلُّهُ ، ولَکَ العِزَّهُ کُلُّها ، ولَکَ الجَبَروتُ کُلُّها ، ولَکَ العَظَمَهُ کُلُّها ، ولَکَ الدُّنيا کُلُّها ، ولَکَ الآخِرَهُ کُلُّها ، ولَکَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ کُلُّهُ ، ولَکَ الخَلقُ کُلُّهُ ، وبِيَدِکَ الخَيرُ کُلُّهُ ، وإلَيکَ يَرجِعُ الأَمرُ کُلُّهُ ، عَلانِيَتُهُ وسِرُّهُ .

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا أبَدا ، أنتَ حَسَنُ البَلاءِ ، جَليلُ الثَّناءِ ، سابِغُ النَّعماءِ ، عَدلُ القَضاءِ ، جَزيلُ العَطاءِ ، حَسَنُ الآلاءِ ، إلهُ مَن فِى الأَرضِ وإلهُ مَن فِى السَّماءِ .

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فِى السَّبعِ الشِّدادِ ، ولَکَ الحَمدُ فِى الأَرضِ المِهادِ ، ولَکَ الحَمدُ طاقَهَ العِبادِ ، ولَکَ الحَمدُ سَعَهَ البِلادِ ، ولَکَ الحَمدُ فِى الجِبالِ الأَوتادِ ، ولَکَ الحَمدُ فِى اللَّيلِ إذا يَغشى ، ولَکَ الحَمدُ فِى النَّهارِ إذا تَجلّى ، ولَکَ الحَمدُ فِى الآخِرَهِ وَالاُولى ، ولَکَ الحَمدُ فِى المَثانى وَالقُرآنِ العَظيمِ ، وسُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَ السَّمَوَ تُ مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَ تَعَلَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (3) .

سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، کُلُّ شَىءٍ هالِکٌ إلّا وَجهَهُ ، سُبحانَکَ رَبَّنا وتَعالَيتَ ، وتَبارَکتَ وتَقَدَّستَ ، خَلَقتَ کُلَّ شَىءٍ بِقُدرَتِکَ ، وقَهَرتَ کُلَّ شَىءٍ بِعِزَّتِکَ ، وعَلَوتَ فَوقَ کُلِّ شَىءٍ بِارتِفاعِکَ ، وغَلَبتَ کُلَّ شَىءٍ بِقُوَّتِکَ ، وَابتَدَعتَ کُلَّ شَىءٍ بِحِکمَتِکَ وعِلمِکَ ، وبَعَثتَ الرُّسُلَ بِکُتُبِکَ ، وهَدَيتَ الصّالِحينَ بِإذنِکَ ، وأيَّدتَ المُؤمِنينَ بِنَصرِکَ ، وقَهَرتَ الخَلقَ بِسُلطانِکَ .

لا إلهَ إلّا أنتَ ، وَحدَکَ لا شَریکَ لَکَ ، لا نَعبُدُ غَیرَکَ ، ولا نَسألُ إلّا إیّاکَ ، ولا نَرغَبُ إلّا إلَیکَ ، أنتَ مَوضِعُ شَکوانا ، ومُنتَهی رَغبَتِنا ، وإلهُنا ومَلیکُنا . (4) .

1- .صحیح مسلم : ج 1 ص 352 ح 222 عن عائشه ، سنن الترمذی : ج 5 ص 561 ح 3566 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 373 ح 1179 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 208 ح 751 وص 251 ح 957 کلّها عن عبد الرحمن بن الحارث بن هشام عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، کنزالعمّال : ج 8 ص 226 ح 22668 ؛ الکافی : ج 3 ص 324 ح 12 عن أبی بصیر عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله وفیه «لا أبلغ مدحک» بدل «لا اُحصی» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 159 ح 33 نقلاً عن مصباح الشریعه عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله .
2- .السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 222 ح 10727 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 283 ح 1992 کلاهما عن إبراهیم بن عبد اللّه بن عبدالقاری عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنزالعمّال : ج 2 ص 677 ح 5049 ؛ مکارم الأخلاق : ج 1 ص 93 ح 174 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 253 ح 35 وج 76 ص 202 ح 19 .
3- .الزمر : 67 .
4- .الکافی : ج 2 ص 581 ح 16 .

6723.الأخبار الطوال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا !... من از عهده ثنای تو برنمی آیم . تو چنانی که خود ، خویشتن را ستوده ای.6724.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! من هر چه بکوشم ، باز ثنای تو گفتن نتوانم کرد ؛ بلکه تو چنانی که خود ، خویشتن را ستوده ای.6725.رجال الکشّی عن حمزه بن میثم :الکافی به نقل از احمد بن محمّد بن خالد ، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به او گفت : پروردگارت به تو می فرماید : «هر گاه خواستی روزی و شبی ، مرا چنان که در خور عبادت من است ، عبادت کنی ، دستانت را به سوی من بردار و بگو:

بار خدایا ! ستایشت باد ، ستایشی جاودان به جاودانگی خودت ، و ستایشت باد ، ستایشی بی پایان به بی پایانی علمت ، و ستایشت باد ، ستایشی که آن را سرآمدی جز مشیّت تو نباشد ، و ستایشت باد ، ستایشی که برای گوینده اش پاداشی جز خشنودی تو نباشد !

بار خدایا ! ستایش ، همه از آنِ توست ، و نعمت ، همه از آنِ تو ، و نازِش ، همه از آنِ تو ، و شُکوه و درخشندگی ، همه از آنِ تو ، و روشنایی ، همه از آنِ تو ، و عزّت ، سراسر از آنِ تو ، و اقتدار ، همه از آنِ تو ، و بزرگی ، همه از آنِ تو ، و دنیا همه از آنِ تو ، و آخرت ، همه از آنِ تو ، و شب و روز ، همه از آنِ تو ، و آفرینش ، همه از آنِ تو ، و خوبی ها همه در دست تو ، و همه کارها ، آشکار و نهانش ، سراسر به تو باز می گردد.

بار خدایا ! ستایشت باد ، ستایشی ابدی . خوش است نواخت تو ، بزرگ است ثنای تو ، سرشار است نعمت های تو ، به داد است حکم تو ، فراوان است دهش تو ، نیکوست نعمت های تو . تویی معبود آن که در زمین است و معبود آن که در آسمان است.

بار خدایا ! ستایشت باد در هفت آسمان استوار ، و ستایشت باد در زمین گهوارسان ، و ستایشت باد به فراخور توان بندگان ، و ستایشت باد به گستره شهرها و آبادی ها ، و ستایشت باد در کوه های میخ آسا ، و ستایشت باد در شب ، آن گاه که همه جا را فرو می پوشاند ، و ستایشت باد در روز ، آن گاه که آشکار می شود ، و ستایشت باد در آخرت و دنیا ، و ستایشت باد در دوگانه ها (سوره حمد) و قرآن بزرگ ، و پاکا خدا و

ستایش ، او راست ! «و به روز رستاخیز ، زمین ، سراسر در مشت اوست ، و آسمان ها در دست او [طوماروار] در هم پیچیده اند . منزّه و برتر است او ، از آنچه برایش انباز می آورند» .

پاکا خدا و ستایش ، او راست ! هر چیزی نابود می شود ، جز روی [و ذات] او . پاکی تو ای پروردگار ما و والایی و خجسته و مقدّسی تو . همه چیز را به قدرتت آفریدی ، و همه چیز را به اقتدارت مقهور ساختی ، و با رفعتت بر فراز هر چیزی جای داری ، و به نیرویت بر هر چیزی چیره گشته ای، و با حکمت و دانشت هر چیزی را ابداع کردی ، و پیامبرانت را با کتاب هایت فرستادی ، و نیکان را به اذن خودت هدایت فرمودی ، و مؤمنان را با نصرتت یاری دادی ، و مخلوقات را مقهور سلطنت خویش کردی .

معبودی جز تو نیست . یگانه ای و بی انباز . جز تو را بندگی نمی کنیم ، و جز از تو ، درخواست نمی نماییم ، و جز از تو خواهش نمی کنیم . تو مرجع شکایت ما هستی ، و منتهای خواست ما ، و معبود ما و پادشاه ما». .

6726.خصائص الأئمّه علیهم السلام عن ابن میثم التمّار :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وصُنعِکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَلَی الإِسلامِ وَالسُّنَّهِ ، یا رَبِّ کَما هَدَیتَهُم لِدینِکَ وعَلَّمتَهُم کِتابَکَ فَاهدِنا وعَلِّمنا ، ولَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وصُنعِکَ عِندی خاصَّهً ، کَما خَلَقتَنی فَأَحسَنتَ خَلقی ، وعَلَّمتَنی فَأَحسَنتَ تَعلیمی ، وهَدَیتَنی فَأَحسَنتَ هِدایَتی ، فَلَکَ الحَمدُ عَلی إنعامِکَ عَلَیَّ قَدیما وحَدیثا . (1)6727.رجال الکشّی عن سدیر عن أبیه أبی حکیم :عنه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی مَرَدِّ نَوازِلِ البَلاءِ ، وتَوالی سُبوغِ النَّعماءِ ، ومُلِمّاتِ (2) الضَّرّاءِ وکَشفِ نَوائِبِ اللَّأواءِ (3) ، ولَکَ الحَمدُ عَلی هَنیءِ عَطائِکَ ومَحمودِ بَلائِکَ وجَلیلِ آلائِکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی إحسانِکَ الکَثیرِ وخَیرِکَ العَزیزِ وتَکلیفِکَ الیَسیرِ ودَفعِ العَسیرِ ، ولَکَ الحَمدُ یا رَبِّ عَلی تَثمیرِکَ قَلیلَ الشُّکرِ ، وإعطائِکَ وافِرَ الأَجرِ ، وحَطِّکَ مُثقِلَ الوِزرِ ، وقَبولِکَ ضیقَ العُذرِ ، ووَضعِکَ باهِظَ (4) الإصرِ (5) ، وتَسهیلِکَ مَوضِعَ الوَعرِ ، ومَنعِکَ مُفظِعَ الأَمرِ ، ولَکَ الحَمدُ عَلَی البَلاءِ المَصروفِ ، ووافِرِ المَعروفِ ، ودَفعِ المَخوفِ ، وإذلالِ العَسوفِ (6) ، ولَکَ الحَمدُ عَلَی قِلِّهِ التَّکلیفِ ، وکَثرَهِ التَّخفیفِ ، وتَقویَهِ الضَّعیفِ ، وإغاثَهِ اللَّهیفِ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی سَعَهِ إمهالِکَ ، ودَوامِ إفضالِکَ ، وصَرفِ إمحالِکَ (7) ، وحَمیدِ أفعالِکَ ، وتَوالی نَوالِکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی تَأخیرِ مُعاجَلَهِ العِقابِ ، وتَرکِ مُغافَصَهِ (8) العَذابِ ، وتَسهیلِ طَریقِ المَآبِ ، وإنزالِ غَیثِ السَّحابِ . (9) .

1- .الإقبال : ج 2 ص 55 عن الإمام الصادق علیه السلام .
2- .المُلِمّهُ : النازلهُ الشدیدهُ من شدائد الدهر ونوازل الدنیا (لسان العرب : ج 12 ص 550 «لمم») .
3- .اللَأواءُ : الشدّه وضیق المعیشه (النهایه : ج 4 ص 221 «لأی») .
4- .بَهَظَهُ الأمرُ : غلبه وثَقُل علیه وبلغ به مشقّهً (القاموس المحیط : ج 2 ص 393 «بهظ») .
5- .الإصر : الإثم والعقوبه (النهایه : ج 1 ص 52 «أصر») .
6- .العَسوفُ : الظّلوم (القاموس المحیط : ج 3 ص 175 «عسف») .
7- .المَحْل : الشِّدّهُ والجَدْبُ وانقطاعُ المطر (القاموس المحیط : ج 4 ص 49 «محل») .
8- .غافَصهُ : فاجأه وأخذه علی غِرّه (القاموس المحیط : ج 2 ص 310 «غفص») .

9- .مُهج الدعوات : ص 316 ، البلد الأمين : ص 520 كلاهما عن محمّد بن الحارث النوفلى عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمى : ص 546 ، الدعوات : ص 71 ح 170 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 119 ح 17 وص 174 ح 1 .

6728.الإصابه عن المبرّد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت ، و تو را ستایش به خاطر اسلام و آیین آن . ای پروردگار من! همان گونه که آنان را به دینت هدایت فرمودی و کتابت را به ایشان آموختی ، ما را نیز هدایت فرما و به ما نیز تعلیم ده .

و تو را ستایش به خاطر لطف و احسان خاصّی که به من نموده ای ، که مرا آفریدی و نیکو آفریدی ، و به من علم آموختی و نیکو آموختی ، و هدایتم کردی و خوش هدایتم کردی . پس تو را ستایش به خاطر نعمت های دیرین و جدیدی که به من ارزانی داشته ای .6729.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! تو را ستایش به خاطر جلوگیری از فرود بلاها ، و بارش پیاپی نعمت ها ، و [جلوگیری از] مصیبت های فلاکتبار ، و برطرف کردن رنج سختی های روزگار . تو را ستایش به خاطر دهش گوارایت و نواختِ نیکویت و نعمت های بزرگت . تو را ستایش به خاطر احسان فراوانت و خیر سرشارت و تکلیف آسان دادن و برداشتن تکلیف دشوار . تو را ستایش ای پروردگار به بار نشانیدن سپاس گزاریِ اندک ، و دادن مزد بسیار ، و فرو افکندن بار گران [گناه از دوش ما] و پذیرفتن اندکِ پوزش ، و برداشتن بندهای سنگین ، و هموار کردن راه های دشوار [و ناهموار] ، و جلوگیری از امور وحشتناک . تو را ستایش به خاطر بلاهای دفع شده ، و نیکی های فراوان ، و دفع امور خوفناک و خوار کردن ستمگر . تو را ستایش به خاطر اندک بودن تکلیف ، و بسیاری تخفیف (سبک کردن تکالیف) ، و تقویت کردن ناتوان ، و یاری دادن به گرفتار . تو را ستایش به خاطر مهلت دهیِ گسترده ات ، و لطف پایدارت ، و برطرف کردن سختی ها و خشک سالی هایت ، و کارهای ستودنی ات و دَهِش های پیاپی ات . تو را ستایش به خاطر تأخیر در مجازات ، و ترک غافلگیری در عذاب ، و آسان ساختن راه بازگشت ، و فرو ریزاندن بارانِ ابرها. .

6730.الاستيعاب عن أبى عمر :عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فى بَلائِکَ وصَنيعِکَ إلى خَلقِکَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فى بَلائِکَ وصَنيعِکَ إلى أهلِ بُيوتِنا . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فى بَلائِکَ وصَنيعِکَ إلى أنفُسِنا خاصَّةً . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بِما هَدَيتَنا ، ولَکَ الحَمدُ بِما أکرَمتَنا ، ولَکَ الحَمدُ بِما سَتَرتَنا ، ولَکَ الحَمدُ بِالقُرآنِ ، ولَکَ الحَمدُ بِالأَهلِ وَالمالِ ، ولَکَ الحَمدُ بِالمُعافاهِ ، ولَکَ الحَمدُ حَتّى تَرضى ، ولَکَ الحَمدُ إذا رَضيتَ يا أهلَ التَّقوى ويا أهلَ المَغفِرَهِ .

اللّهُمَّ رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ النّارِ ثَلاثَ مَرّاتٍ اللّهُمَّ وَاجعَل صَلَواتِکَ وبَرَکاتِکَ ومَغفِرَتَکَ ورِضوانَکَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ . (1) .

1- .الدعاء للطبرانى : ص 490 ح 1725 عن أنس ، کنزالعمّال : ج 2 ص 692 ح 5100 .

6731.المستدرک علی الصحیحین عن محمّد بن عمر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به آفریدگانت . خداوندا ! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به خانواده های ما . خداوندا ! تو را ستایش به خاطر لطف و احسانت به خود ما . خداوندا ! تو را ستایش که ما را هدایت فرمودی ، و تو را ستایش که ما را گرامی داشتی ، و تو را ستایش که [عیب های] ما را پوشاندی ، و تو را ستایش به خاطر [نعمت] قرآن ، و تو را ستایش به خاطر خانواده و اموال [که به ما ارزانی داشتی] ، و تو را ستایش به خاطر عافیت [که به ما بخشیدی] ، و تو را ستایش ، چندان که خشنود شوی ، و تو را ستایش ، آن گاه که خشنود شوی ، ای سزامند تقوا و ای اهل آمرزش !

خدایا ! «پروردگارا ! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما و از عذاب آتش ، نگاهمان بدار» (سه مرتبه) . خداوندا ! درودها و برکت ها و آمرزش و خشنودی ات را بر محمّد و خاندان محمّد ، قرار ده. .

6732.الإصابه عن المرزبانى :عنه صلى الله عليه و آله :رَبَّنا فَلَکَ الحَمدُ حَمدا أبَدا لا يُحصى عَدَدُهُ ، ولا يَضمَحِلُّ (1) سَرمَدُهُ (2) ، حَمدا كَما حَمِدَ الحامِدونَ مِن عِبادِکَ الأوّلينَ وَالآخِرينَ . (3)5 / 2المَحامِدُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ6735.وقعه صفّين عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود :الإمامِ علىّ عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الأوَّلِ قَبلَ كُلِّ أوَّلٍ ، وَالآخِرِ بَعدَ كُلِّ آخِرٍ ، وبِأوَّلِيَّتِهِ وَجَبَ أن لا أوَّلَ لَهُ ، وبِآخِرِيَّتِهِ وَجَبَ أن لا آخِرَ لَهُ . (4)6736.وقعه صفّين عن هاشم بن عتبه (فى جَوابِ استِنفارِ عَلِيٍّ عليه السلام قَبلَ ح) عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الأوَّلِ فَلا شَىءَ قَبلَهُ ، وَالآخِرِ فَلا شَىءَ بَعدَهُ ، وَالظّاهِرِ فَلا شَىءَ فَوقَهُ ، وَالباطِنِ فَلا شَىءَ دونَهُ . (5)6737.تاريخ خليفه بن خيّاط :عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ أوَّلَ مَحمودٍ ، وآخِرَ مَعبودٍ ، وأقرَبَ مَوجودٍ ، البَدىءِ (6) بِلا مَعلومٍ لِزَلِيَّتِهِ ولا آخِرٍ لِأوَّلِيَّتِهِ ، وَالكائِنِ قَبلَ الكَونِ بِغَيرِ كِيانٍ ، وَالمَوجودِ فى كُلِّ مَكانٍ بِغَيرِ عَيانٍ ، وَالقَريبِ مِن كُلِّ نَجوى بِغَيرِ تَدانٍ. (7) .

1- .اضمحلّ : ذهب وانحلَّ (القاموس المحيط : ج 4 ص 5 «ضمحل») .
2- .السَّرْمَدُ : الدائم الذى لا ينقطع (النهايه : ج 2 ص 363 «سرمد») .
3- .مُهج الدعوات : ص 215 عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 326 ح 69 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 101 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 26 ح 2 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 96 ، الإقبال : ج 2 ص 294 نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 311 ح 3 .
6- .البدىءُ : الأوّل (الصحاح : ج 1 ص 35 «بدأ») .
7- .مُهج الدعوات : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 231 ح 8 .

6738.وقعه صفّین عن یوسف وأبی روق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای پروردگار ما ! ستایشت باد ، ستایشی جاویدان که شمارش به حساب نمی آید و عمرش به سر نمی آید ؛ ستایشی آن سان که همه بندگان ستاینده ات ، از آغاز تا انجام ، ستوده اند !5 / 2حمدهای رسیده از امام علی بن ابی طالبامام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که آغازین است و پیش از هر آغازین ، و پسین است و پس از هر پسینی . از آن روی که آغازین است ، باید که او را آغازی نباشد و از آن روی که پسین است ، باید که وی را پسی (بعدی) نباشد .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که آغازین است ، پس چیزی پیش از او نبوده و نیست ، و واپسین است ، پس چیزی پس از او نیست ، و آشکار است ، پس چیزی فراتر [و آشکارتر] از او نیست ، و نهان است و چیزی نهان تر از او نیست.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که نخستین ستایش شده و واپسین معبود و نزدیک ترین موجود است . آغازین است ، بی آن که ازلیتش معلوم باشد ، و نه برای اوّل بودنش ، پایانی . پیش از عالَم بوده است ، بی آن که حادث شده باشد ، و در هر مکانی هست ، بی آن که به چشم آید ، و به هر نجوایی نزدیک است ، بی آن که نزدیکی [مکانی] داشته باشد.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ أحَقَّ مَحمودٍ بِالحَمدِ وأولاهُ بِالمَجدِ ، إلهاً واحِدا صَمَدا ، أقامَ أركانَ العَرشِ فَأشرَقَ بِضَوئِهِ شُعاعُ الشَّمسِ ، خَلَقَ فَأتقَنَ ، وأقامَ فَذَلَّت لَهُ وَطأةُ المُستَمكِنِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ أحَقَّ مَن خُشِيَ وحُمِدَ ، وأفضَلَ مَن اتُّقِيَ وعُبِدَ ، وأولى مَن عُظِّمَ ومُجِّدَ ، نَحمَدُهُ لِعَظيمِ غَنائِهِ ، وجَزيلِ عَطائِهِ ، وتَظاهُرِ نَعمائِهِ ، وحُسنِ بَلائِهِ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ أهلِ الحَمدِ ووَليِّهِ ، وَمُنتَهَى الحَمدِ ومَحَلِّهِ ، البَدىءِ البَديعِ (3) ، الأَجَلِّ الأعظَمِ ، الأَعَزِّ الأكرَمِ ، المُتَوَحِّدِ بِالكِبرِياءِ ، وَالمُتَفَرِّدِ بِالآلاءِ ، القاهِرِ بِعِزِّهِ ، وَالمُستَلِطِ بِقَهرِهِ ، المُمتَنِعِ بِقُوَّتِهِ ، المُهَيمِنِ (4) بِقُدرَتِهِ ، وَالمُتَعالى فَوقَ كُلِّ شَىءٍ بِجَبَروتِهِ ، المَحمودِ بِامتِنانِهِ وبِإحسانِهِ ، المُتَفَضِّلِ بِعَطائِهِ وجَزيلِ فَوائِدِهِ ، المُوَسِّعِ بِرِزقِهِ ، المُسبِغِ بِنِعَمِهِ . نَحمَدُهُ عَلى آلائِهِ وتَظاهُرِ (5) نَعمائِهِ ، حَمدا يَزِنُ عَظَمَةَ جَلالِهِ ، ويَملأُ قَدرَ آلائِهِ وكِبرِيائِهِ . (6)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ حَقَّ قَدرِهِ ، مُتَّبِعينَ أمرَهُ ، وأحمَدُهُ كَما أحَبَّ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الواحِدُ الأَحَدُ الصَّمَدُ كَمَا انتَسَبَ . (7)

.

1- .بحار الأنوار : ج 32 ص 14 ح 6 نقلاً عن ابن ميثم .
2- .الكافى : ج 8 ص 175 ح 194 عن محمّد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 353 ح 31 .
3- .البديع : هو الخالق المخترع لا عن مِثال سابق ، فعيل بمعنى مُفعِل ، يقال : أبدع فهو مُبدِع (النهايه : ج 1 ص 106 «بدع») .
4- .المُهيمِن : هو الرقيب . وقيل : الشاهد . وقيل : المؤتمَن . وقيل : القائم بأُمور الخلق (النهايه : ج 5 ص 275 «هيمن») .
5- .تَظاهُر نعمائه : أى تتابُعها (مرآه العقول : ج 26 ص 56) .
6- .الكافى : ج 8 ص 173 ح 194 عن محمّد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 350 ح 31 .
7- .الكافى : ج 1 ص 299 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 42 ص 206 ح 11 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که سزوارترین ستایش شده به ستایش است و شایسته ترین موجود به تمجید ؛ همان معبود یگانه و بی نیاز . پایه های عرش را برافراشت و با نور آن ، پرتو خورشید ، تابان گشت . آفرید و استوار آفرید ، و برافراشت و گامِ نیرومند ، در برابرش خوار گشت.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که سزاوارترین کسی است که ترسیده و ستایش شود ، و برترین کسی است که از او پروا دارند و بندگی اش کنند ، و شایسته ترین کسی است که به بزرگی و عظمت ، یادش کنند. او را می ستاییم که بس بی نیاز است و دَهِشش فراوان است و نعمت هایش پیاپی است و خوش بنده پرور است.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که سزامند ستایش و صاحب آن است ، و منتهای ستایش و جایگاه آن است . آغازگر است و ابداع کننده ، شکوهمندترین است و بزرگ ترین ، و ارجمندترین و گرامی ترین . کبریا منحصر به اوست و نعمت ها مختصّ اوست . با عزّتش مقهور می سازد و با قهرش تسلّط دارد و به نیرویش توانمند است و به قدرتش استیلا دارد و به جبروتش بر هر چیزی برتری دارد . به نواخت و نیکی اش ستوده می شود و با دَهِش و سود رسانی های بسیارش ، مورد لطف قرار می دهد و روزی اش را می گستراند و نعمت هایش را سرشار می گرداند. او را بر موهبت هایش و نعمت های پیاپی اش می ستاییم ؛ ستایشی که با عظمتِ شُکوه او هموزنی کند و با اندازه نعمت های او و کبریایش برابری نماید.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را ، چنان که در خور اوست ، در حالی که پیرو فرمان او هستیم ، و او را چنان که دوست دارد ، می ستایم ، و معبودی جز خدای یکتای یگانه بی نیاز نیست ، چنان که او [خود ، این اوصاف را در سوره توحید] به خویشتن نسبت داده است.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الخافِضِ الرّافِعِ ، الضّارِّ النّافِعِ ، الجَوادِ الواسِعِ ، الجَليلِ ثَناؤُهُ ، الصّادِقَهِ أسماؤُهُ ، المُحيطِ بِالغُيوبِ وما يَخطُرُ عَلَى القُلوبِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ خالِقِ العِبادِ ، وساطِحِ المِهادِ (2) ، ومُسيلِ الوِهادِ (3) ، ومُخصِبِ النِّجادِ (4) ؛ لَيسَ لِأَوَّلِيَّتِهِ ابتِداءٌ ، ولا لِأَزَلِيَّتِهِ انقِضاءٌ . (5)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ ذِى القُدرَهِ وَالسُّلطانِ ، وَالرَّأفَهِ وَالاِمتِنانِ ، أحمَدُهُ عَلى تَتابُعِ النِّعَمِ ، وأعوذُ بِهِ مِنَ العَذابِ وَالنِّقَمِ . (6)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى أحمَدُهُ وأستَعينُهُ وأستَهديهِ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِنَ الضَّلالَهِ ، مَن يَهدِ اللّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ ، ومَن يُضلِل فَلا هادِىَ لَهُ . (7)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى أظهَرَ مِن آثارِ سُلطانِهِ وجَلالِ كِبرِيائِهِ ما حَيَّرَ مُقَلَ (8) العُقولِ مِن عَجائِبِ قُدرَتِهِ ، ورَدَعَ خَطَراتِ هَماهِمِ (9) النُّفوسِ عَن عِرفانِ كُنهِ (10) صِفَتِهِ . (11)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 170 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 347 ح 30 .
2- .سطحه : بسطَه . والمهاد : الأرض (القاموس المحيط : ج 1 ص 228 «سطح» وص 339 «مهد») .
3- .الوَهْدَه : الأرض المنخفضه . الجمع وِهاد (القاموس المحيط : ج 1 ص 347 «وهد») .
4- .النِّجاد : جمع نَجْد : ما أشرَفَ من الأرض وارتَفَع واستَوَى وصَلُب وغَلُظَ (تاج العروس : ج 5 ص 268 «نجد») .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 163 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 306 ح 35 وج 57 ص 27 ح 3 .
6- .مصباح المتهجّد : ص 384 ح 510 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .

7- .الغارات : ج 2 ص 728 ، وقعه صفّين : ص 10 كلاهما عن سليمان بن المغيره عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 32 ص 356 ح 337 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 108 .
8- .المُقلَه : شحمه العَين التى تجمع البياض والسواد. والمَقْل : النَّظَر (الصحاح : ج 5 ص 1820 «مقل») .
9- .الهَمْهَمةُ : الكلام الخفىّ (لسان العرب : ج 12 ص 622 «همم») .
10- .الكُنْهُ : جوهر الشىء وغايته وقدره ووقته ووجهه (القاموس المحيط : ج 4 ص 292 «كنه») .
11- .نهج البلاغه : الخطبه 195 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 314 ح 15 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که پست کننده و بالا برنده است ، زیان بخش و سودرسان است ، بخشنده و گشاینده است ، ثنایش بزرگ است ، نام هایش راست اند ، و به غیب ها و به آنچه بر دل ها می گذرد ، احاطه دارد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که آفریننده بندگان است ، و گستراننده زمین ، و جاری کننده سیلاب در زمین های پست و رویاننده گیاهان در زمین های بلند . آغازین بودنش را سرآغازی نیست و پسین بودنش را پایانی نَه.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که صاحب قدرت و سلطنت ، و مِهرورز و بنده نواز است . او را بر پیاپی بودن نعمت هایش می ستایم ، و از عذاب و کیفرها به او پناه می برم.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که او را می ستایم و از او کمک می جویم و از او راهنمایی می خواهم ، و پناه می برم به خدا از گم راهی ، که هر کس خدا هدایتش کند ، کس گم راهش نتواند کرد ، و هر که [خدا]گم راهش کند ، کس هدایتش نتواند نمود.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که از نشانه های سلطنتش و شُکوه عظمتش ، آن آشکار نمود که دیدگانِ خِردها را از شگفتی های قدرتش حیرت زده ساخت ، و اندیشه ها را از شناختِ کُنه حقیقتِ او باز داشت.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى أنعَمَ عَلَىَّ بِالإسلامِ ، وعَلَّمَنِى القُرآنَ ، وحَبَّبنى إلى خَيرِ البَرِيَّهِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وسَيِّدِ المُرسَلينَ؛ إحسانا مِنهُ [إلَىَّ] (1) ، وفَضلاً مِنهُ عَلَىَّ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذِى استَخلَصَ (3) الحَمدَ لِنَفسِهِ ، وَاستَوجَبَهُ عَلى جَميعِ خَلقِهِ ، الَّذى ناصِيَهُ كُلِّ شَىءٍ بِيَدِهِ ، ومَصيرُ كُلِّ شَىءٍ إلَيهِ . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى إلَيهِ مَصائِرُ الخَلقِ ، وعَواقِبُ الأَمرِ ، نَحمَدُهُ عَلى عَظيمِ إحسانِهِ ، ونَيِّرِ بُرهانِهِ ، ونَوامى (5) فَضلِهِ وَامتِنانِهِ ؛ حَمدا يَكونُ لِحَقِّهِ قَضاءً ، ولِشُكرِهِ أداءً ، وإلى ثَوابِهِ مُقَرِّبا ، ولِحُسنِ مَزيدِهِ مُوجِبا . ونَستَعينُ بِهِ استِعانَهَ راجٍ لِفَضلِهِ ، مُؤَمِّلٍ لِنَفعِهِ ، واثقٍ بِدَفعِهِ . (6)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذِى انحَسَرَتِ الأَوصافُ عَن كُنهِ مَعرِفَتِهِ ، ورَدَعَت عَظَمَتُهُ العُقولَ فَلَم تَجِد مَساغا إلى بُلوغِ غايَهِ مَلَكوتِهِ . (7)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى بَطَنَ خَفِيّاتِ الاُمورِ ، ودَلَّت عَلَيهِ أعلامُ الظُّهورِ ، وَامتَنَعَ عَلى عَينِ البَصيرِ ، فَلا عَينُ مَن لَم يَرَهُ تُنكِرُهُ ، ولا قَلبُ مَن أثبَتَهُ يُبصِرُهُ . (8)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى تَوَحَّدَ بِصُنعِ الأَشياءِ ، وفَطَرَ أجناسَ البَرايا عَلى غَيرِ مِثالٍ سَبَقَهُ فى إنشائِها ، ولا إعانَهِ مُعينٍ عَلَى ابتِداعِها . (9)

.

1- .ما بين المعقوفين أثبتناه من إعلام الورى .
2- .الأمالى للصدوق : ص 157 ح 150 ، بشاره المصطفى : ص 155 وليس فيه «وعلّمنى القرآن» ، كنز الفوائد : ج 2 ص 179 ، إعلام الورى : ج 1 ص 366 وفيهما «منّ» بدل «أنعم» وكلّها عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 68 ص 137 ح 75 .
3- .فى جواهر المطالب : «اختصّ» بدل «استخلص» .
4- .العقد الفريد : ج 3 ص 120 ، جواهر المطالب : ج 1 ص 344 .
5- .نَمَى الشىءُ ينمى ويَنمُو : إذا زاد وارتفع (النهايه : ج 5 ص 121 «نما»)
.

6- .نهج البلاغه : الخطبه 182 عن نوف البكالى ، بحار الأنوار : ج 4 ص 313 ح 40 .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 155 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 317 ح 42 وج 64 ص 323 ح 2 .
8- .نهج البلاغه : الخطبه 49 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 308 ح 36 .
9- .إثبات الوصيّه : ص 135 ، بحار الأنوار : ج 25 ص 26 ح 46 وج 57 ص 171 ح 118 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که نعمت اسلام را به من ارزانی داشت و قرآن را به من آموخت و مرا نزد بهترین انسان ها ، خاتم پیامبران و سَرور رسولان ، محبوب ساخت ، و این ، احسانی بود از جانب او (خداوند) به من ، و لطفی از سوی او بر من.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش را به خویش ویژه گردانید و آن را بر همه آفریدگانش واجب گردانید ؛ خدایی که کاکل هر چیزی ، در دست اوست و حرکت هر چیزی به سوی اوست.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که بازگشت خَلق و فرجام کارها به سوی اوست . او را بر بزرگی احسانش ، و روشن بودن برهانش ، و فزونی های بخشش و دَهِشش می ستاییم ، ستایشی که حقّ او را بگزارد ، و سپاسِ او را به جا آورد ، و به پاداش او نزدیک گرداند ، و موجب افزایش بخشش او گردد . و از او کمک می جوییم ، چونان کمک جستن کسی که به فضل او امیدوار است ، و به سودرسانی اش آرزومند ، و به پرداختنش مطمئن.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که وصف ها از کُنه شناخت او فرو مانده اند و عظمت او ، خِردها را [از درکش]باز داشته است و [خِردها] راهی برای رسیدن به نهایت سلطنت او نیافتند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که دانا به امور نهان است ، و نشانه های آشکار ، بر [هستی] او دلالت دارند ، و مشاهده اش با چشم سر ، محال است . پس نه چشم کسی که او را ندیده است ، انکارش تواند کرد ، و نه دل کسی که [وجود] او را اثبات کرده است ، تواندش دید.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که به تنهایی ، موجودات را ساخت و انواع آدمیان را بدون نمونه ای که پیش تر آفریده شده باشد ، آفرید و در ایجاد آنها از هیچ کمک کننده ای کمک نگرفت .

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ الأَرضَ كِفاتا (1) ، أحياءً وَأمواتا ، الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ مِنها خَلقَنا ، وفيها يُعيدُنا ، وعَلَيها يَحشُرُنا . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ الحَمدَ مِفتاحا لِذِكرِهِ ، وسَبَبا لِلمَزيدِ مِن فَضلِهِ ، ودَليلاً عَلى آلائِهِ وعَظَمَتِهِ . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ الحَمدَ مِن غَيرِ حاجَهٍ مِنهُ إلى حامِديهِ طَريقا مِن طُرُقِ الاِعتِرافِ بِلاهوتِيَّتِهِ وصَمَدانِيَّتِهِ ورَبّانِيَّتِهِ وفَردانِيَّتِهِ ، وسَبَبا إلَى المَزيدِ مِن رَحمَتِهِ ، ومَحَجَّةً لِلطّالِبِ مِن فَضلِهِ ، وكَمَّنَ فى إبطانِ اللَّفظِ حَقيقَهَ الاِعتِرافِ لَهُ بِأَنَّهُ المُنعِمُ عَلى كُلِّ حَمدٍ بِاللَّفظِ وإن عَظُمَ . (4)

عنه عليه السلام : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (5) ، لا نُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا ، ولا نَتَّخِذُ مِن دونِهِ وَلِيّا . «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَوَ تِ وَ مَا فِى الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْاخِرَهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ» (6) . كَذلِكَ اللّهُ لا إلهَ إلّا هُوَ إلَيهِ المَصيرُ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ إنَّ اللّهَ بِالنّاسِ لَرَؤوفٌ رَحيمٌ (7) . . . نَحمَدُهُ كَما حَمِدَ نَفسَهُ وكَما هُوَ أهلُهُ ، ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَستَهديهِ . (8)

.

1- .الكِفات : الموضعُ الذى يُكفَت فيه شىءٌ ؛ أى يُضمُّ (الصحاح : ج 1 ص 263 «كفت») .
2- .وقعه صفّين : ص 531 عن عبد الرحمن بن جندب ، بحار الأنوار : ج 82 ص 179 ح 24 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 257 ح 14 وفيه «وعليها ممشانا وفيها معاشنا وإليها يعيدنا» بدل «وفيها يُعيدنا وعليها يحشرنا» .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 157 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 752 ح 843 ، الإقبال : ج 2 ص 255 كلاهما عن الفيّاض بن محمّد بن عمر ، المصباح للكفعمى : ص 919 كلّها عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 112 ح 8 نقلاً عن مصباح الزائر .

5- .الأنعام : 1 . ويعدلون : أى يجعلون له عديلاً ، فصار كقوله : «هُم بِهِ مُشْرِكُونَ » . وقيل : يعدلون بأفعاله عنه وينسبونها إلى غيره ، وقيل : يعدلون بعبادتهم عنه تعالى (مفردات ألفاظ القرآن : ص 553 «عدل») .
6- .سبأ : 1 و 2 .
7- .إشاره للآيه 65 من سوره الحجّ .
8- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 514 ح 1482 ، مصباح المتهجّد : ص 659 ح 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 29 ح 5 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که زمین را جایگاه قرار داد ، هم برای مردگان و هم برای زندگان . ستایش ، خدای را که ما را از زمین آفرید و به آن بازمان می گرداند و بر آن ، محشورمان می کند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش را سرآغاز یادش قرار داد ، و سبب افزونی بخششش ، و دلیل بر نعمت ها و بزرگی اش.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش را بی آن که نیازی به ستایندگانش داشته باشد راهی از راه های اعتراف به خدایی و بی نیازی و پروردگاری و یکتایی اش قرار داد و سببی برای افزونی رحمتش و جاده ای برای جوینده فضلش ، و در دل لفظ [ستایش] ، اعتراف به این حقیقت را نهاد که هر حمد ستایشِ زبانی ، هر چند بزرگ باشد ، خود ، نعمتی از جانب اوست.

امام علی علیه السلام : «ستایش ، خدای را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد . با این حال ، کافران برای پروردگار خویش ، همتا می آورند» . چیزی را شریک او نمی گردانیم و جز او ، سَروری را بر نمی گزینیم . «ستایش ، خدای را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آنِ اوست ، و در آخرت [نیز] ستایش ، از آنِ اوست ، و اوست استوارکار آگاه . آنچه را که در زمین فرو می رود و آنچه را از آن برون می آید و آنچه را از آسمان ، فرود می آید و آنچه را در آن بالا می رود ، می داند ، و او مهربان و آمرزگار است» . چنین است خدا . معبودی جز او نیست و بازگشت ، به سوی اوست . ستایش ، خدای را که آسمان را نگه می دارد از این که بر زمین افتد ، مگر به اذن خود او . خدا به مردم ، رئوف و مهربان است (1) ... . او را می ستاییم و چنان که خودش را ستوده و آن سان که شایسته آن است ، و از او کمک و آمرزش و راهنمایی می جوییم.

.

1- .اشاره است به آیه 65 از سوره حج .

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى دَنا فى عُلُوِّهِ ، وعَلا فى دُنُوِّهِ ، وتَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِجَلالِهِ ، وَاستَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، وخَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِهِ . وأحمَدُهُ مُقَصِّرا عَن كُنهِ شُكرِهِ ، وأُؤمِنُ بِهِ إذعانا لِرُبوبِيَّتِهِ . وأستَعينُهُ طالِبا لِعِصمَتِهِ. وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ مُفَوِّضا إلَيهِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى شَرَعَ الإِسلامَ فَسَهَّلَ شَرائِعَهُ لِمَن وَرَدَهُ ، وأعَزَّ أركانَهُ عَلى مَن غالَبَهُ ، فَجَعَلَهُ أمنا لِمَن عَلِقَهُ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى عَلا بِحَولِهِ ، ودَنا بِطَولِهِ ، مانِحِ كُلِّ غَنيمَةٍ وفَضلٍ ، وكاشِفِ كُلِّ عَظيمَةٍ وأزلٍ (3) ، أحمَدُهُ عَلى عَواطِفِ كَرَمِهِ ، وسَوابِغِ نِعَمِهِ ، وأُؤمِنُ بِهِ أوَّلاً بادِيا ، وأستَهديهِ قَريبا هادِيا ، وأستَعينُهُ قاهِرا قادِرا ، وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ كافِيا ناصِرا . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ ، كانَ حَيّا بِلا كَيفٍ ، ولَم يَكُن لَهُ كانَ ، ولا كانَ لِكانِهِ كَيفٌ ، ولا كانَ لَهُ أينٌ ، ولا كانَ فى شَىءٍ، ولا كانَ عَلى شَىءٍ ، ولَا ابتَدَعَ لِكانِهِ مَكانا . (5)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 385 ح 512 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 106 ، الأمالى للمفيد : ص 275 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصه بن جابر الأسدى وفيهما «من حاربه وجعله عزّا لمن والاه» بدل «من غالبه فجعله أمنا لمن علقه» ، بحار الأنوار : ج 68 ص 347 ح 17 .
3- .الأَزْل : الشدّه والضيق (النهايه : ج 1 ص 46 «أزل») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 83 .
5- .الكافى : ج 8 ص 31 ح 5 عن أبى الهيثم بن التيّهان ، بحار الأنوار : ج 28 ص 240 ح 27 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که در عین بلندمرتبگی ، نزدیک است و در عین نزدیکی ، بلندمرتبه ، و هر چیزی در برابر شُکوه او پست است ، و هر چیزی در برابر عزّت او سر تسلیم دارد ، و هر چیزی در برابر قدرت او خاضع است . او را می ستاییم ، در حالی که از گزاردن حقیقت ستایش او ناتوانیم ، و به او ایمان داریم و به پروردگاری اش معترفیم ، و از او کمک می جوییم و خواهان نگهداری او هستیم ، و بر او توکّل می کنیم و کارهایمان را به او وا می گذاریم.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که اسلام را مقرّر داشت و آبشخورهای آن را برای کسی که بِدان وارد شود ، [هموار و] آسان ساخت و پایه های آن را در برابر کسی که در شکست آن بکوشد ، استوار داشت ، و آن را برای کسی که بِدان بیاویزد ، جایگاه امن قرار داد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که به سبب نیرویش در اوج است و به سبب بخشش و احسانش [به خلق]نزدیک است ، و بخشنده هر سود و دَهِشی است و زداینده هر سختی و رنجی . او را می ستایم به خاطر احسان های پیاپی اش ، و نعمت های سرشارش ، و به او ایمان دارم که اوّل است و آشکار ، و از او راهنمایی می طلبم که نزدیک است و راهنما ، و از او کمک می خواهم که چیره است و توانا ، و بر او توکّل می کنم که کفایت کننده است و یاری ده.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که معبودی جز او نیست . زنده ای بی چون بود ، و بود و هستی اش را حدوثی (/ وجودی زاید بر ذاتش) نبود ، و هستی اش چگونگی نداشت ، و او را مکانی نبود ، و در چیزی جای نداشت ، و بر روی چیزی نبود ، و برای وجود خویش ، مکانی ایجاد نکرد.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا تُدرِكُهُ الشَّواهِدُ ، ولا تَحويهِ المَشاهِدُ ، ولا تَراهُ النَّواظِرُ ، ولا تَحجُبُهُ السَّواتِرُ ، الدّالِّ عَلى قِدَمِهِ بِحُدوثِ خَلقِهِ ، وبِحُدوثِ خَلقِهِ عَلى وُجودِهِ ، وبِاشتِباهِهِم عَلى أن لا شَبَهَ لَهُ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا تُوارى عَنهُ سَماءٌ سَماءً ، ولا أرضٌ أرضا . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذِى لا مِن شَىءٍ كانَ ، ولا مِن شَىءٍ كَوَّنَ ما قَد كانَ ، المُستَشهَدِ بِحُدوثِ الأشياءِ عَلى أزَلِيَّتِهِ ، وبِما وَسَمَها بِهِ مِنَ العَجزِ عَلى قُدرَتِهِ ، وبِمَا اضطَرَّها إلَيهِ مِنَ الفَناءِ عَلى دَوامِهِ . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُبرَمُ (4) ما نَقَضَ ، ولا يُنقَضُ ما أبرَمَ ، ولَو شاءَ مَا اختَلَفَ اثنانِ مِن هذِهِ الاُمَّهِ . (5)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يَبلُغُ مِدحَتَهُ القائِلونَ ، ولا يُحصى نَعماءَهُ العادّونَ ، ولا يُؤَدّى حَقَّهُ المُجتَهِدونَ ، الَّذى لا يُدرِكُهُ بُعدُ الهِمَمِ ، ولا يَنالُهُ غَوصُ الفِطَنِ ، الَّذى لَيسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحدودٌ ، ولا نَعتٌ مَوجودٌ ، ولا وَقتٌ مَعدودٌ ، ولا أجَلٌ مَمدودٌ ، فَطَرَ الخَلائِقَ بِقُدرَتِهِ ، ونَشَرَ الرِّياحَ بِرَحمَتِهِ ، ووَتَّدَ بِالصُّخورِ مَيَدانَ (6) أرضِهِ . (7)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 185 ، الاحتجاج : ج 1 ص 480 ح 117 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 261 ح 9 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 172 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 121 ح 15 ، التوحيد : ص 69 ح 26 كلاهما عن الهيثم بن عبد اللّه الرمّانى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 185 ، الاحتجاج : ج 1 ص 480 ح 117 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 4 ص 221 ح 2 .
4- .أبْرَمَ الأمر : أحكمه (القاموس المحيط : ج 4 ص 78 «برم») .
5- .وقعه صفّين : ص 225 عن يزيد بن وهب ، بحار الأنوار : ج 32 ص 464 ح 403 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 13 ، الكامل فى التاريخ : ج 2 ص 372 كلاهما نحوه ، شرح نهج البلاغه : ج 5 ص 182 كلاهما عن زيد بن وهب .

6- .مَيَدان : مصدر ماد يميد : إذا مالَ وتحرّک (النهايه : ج 4 ص 379 «ميد») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 1 ، الاحتجاج : ج 1 ص 473 ح 113 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 247 ح 5 وج 77 ص 300 ح 7 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که حواس ، او را در نمی یابند ، و جای ها فرایش نمی گیرند ، و دیدگان ، او را نمی بینند ، و پرده ها او را نمی پوشانند . حادث بودن آفریدگانش را دلیل قدیم بودن خود قرار داد ، و پیدایش خلقش را دلیل بر وجود خویش ، و همانندی آنها را دلیل بر این که او را همانندی نیست.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که هیچ آسمان و زمینی ، آسمان و زمین دیگری را از او پوشیده نمی دارد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که نه خود از چیزی پدید آمده است و نه موجودات را از چیزی آفرید ؛ او که حدوث موجودات را گواه بر ازلی بودن خویش ، و داغ ناتوانی را که بر آنها نهاد ، شاهد قدرت خود ، و نیستیِ گریزناپذیر آنها را دلیل بر پایندگی خود قرار داد .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که آنچه را او شکسته ، کس نتواند بست و آنچه را او بسته ، کس نتواند شکست ، و اگر او می خواست ، هرگز دو تن از این امّت ، با یکدیگر ناساز نمی شدند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که گویندگان از پسِ ستایش او برنمی آیند ، و شمارندگان ، از شمارش نعمت های او ناتوان اند ، و کوشندگان ، حقّ او را نمی گزارند ؛ او که اندیشه های بلند ، به او نمی رسند ، و هوش های ژرف ، به او دست نمی یابند ؛ او که او را مرز و اندازه ای نیست ، و در وصف نمی گنجد ، و در زمان نمی آید ، و او را عمری و سرآمدی معیّن نیست . آفریدگان را با قدرتش آفرید ، و بادها را به رحمتش پراکند ، و جنبش زمینش را به وسیله کوه ها مهار کرد.

.

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذی لا یَحویهِ مَکانٌ ولا یَحُدُّهُ زَمانٌ ، عَلا بِطَولِهِ ودَنا بِحَولِهِ ، سابِقِ کُلِّ غَنیمَهٍ وفَضلٍ ، وکاشِفِ کُلِّ عَظیمَهٍ وأزلٍ . أحمَدُهُ عَلی جودِ کَرَمِهِ وسُبوغِ نِعَمِهِ ، وأستَعینُهُ عَلی بُلوغِ رِضاهُ وَالرِّضا بِما قَضاهُ ، وأُؤمِنُ بِهِ إیمانا ، وأتَوَکَّلُ عَلَیهِ إیقانا . (1)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذی لا یَفِرُهُ (2) المَنعُ وَالجُمودُ ، ولا یُکدیهِ (3) الإعطاءُ وَالجودُ ، إذ کُلُّ مُعطٍ مُنتَقِصٌ سِواهُ ، وکُلُّ مانِعٍ مَذمومٌ ما خَلاهُ ، وهُوَ المَنّانُ بِفَوائِدِ النِّعَمِ . (4)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذی لا یَموتُ ولا تَنقَضی عَجائِبُهُ ، لِأَنَّهُ کُلَّ یَومٍ فی شَأنٍ مِن إحداثِ بَدیعٍ لَم یَکُن . (5)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذی لَبِسَ العِزَّ وَالکِبریاءَ واختارَهُما لِنَفسِهِ دونَ خَلقِهِ ، وجَعَلَهُما حِمیً (6) وحَرَما عَلی غَیرِهِ ، وَاصطَفاهُما لِجَلالِهِ ، وجَعَلَ اللَّعنَهَ عَلی مَن نازَعَهُ فیهِما مِن عِبادِهِ . (7)

.

1- .الأمالی للطوسی : ص 684 ح 1456 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 373 ح 36 .
2- .لا یَفِرُه : أی لا یُکثِرُه ؛ مِن الوافر : الکثیر (النهایه : ج 5 ص 210 «وفر») .
3- .أکدی : بخِلَ أو قلّ خیره أو قلّل عطاءه (القاموس المحیط : ج 4 ص 382 «کدی») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 91 ، التوحید : ص 49 ح 13 نحوه وکلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 274 ح 16 .
5- .الکافی : ج 1 ص 141 ح 7 ، التوحید : ص 31 ح 1 کلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 265 ح 14 .
6- .الحِمَی : المکان الذی لا یُقْرَبُ ولا یُجْتَرأ علیه (المصباح المنیر : ص 153 «حمی») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 465 ح 37 وج 63 ص 214 ح 49 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که هیچ مکانی ، در برگیرنده او نیست و زمان محدودش نمی کند . با توان خود ، برتری یافت و با نیرویش [به خلق] نزدیک شد . منشأ هر سود و بخششی است و برطرف کننده هر سختی و رنجی. او را بر بخشش های بی چشمداشتش و فراوانیِ نعمت هایش می ستایم ، و برای رسیدن به خشنودی او و خرسندی به حکمش ، از او کمک می جویم ، و به او ایمان کامل دارم و با یقین ، به او توکّل می کنم.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که دریغ ورزیدن و نبخشیدن چیزی ، بر دارایی او نمی افزاید ، و دَهِش و بخشش نیز از او نمی کاهد؛ زیرا هر دهنده ای از آنچه دارد ، کاسته می شود جز او ، و هر دریغ کننده ای در خور نکوهش است مگر او ، و اوست عطا کننده نعمت های سودمند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که هرگز نمی میرد و شگفتی هایش پایان نمی پذیرد؛ زیرا او هر روز [و هر لحظه] در کار پدید آوردن چیزی بدیع است که پیش تر نبوده است.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ردای عزّت و کبریا در پوشید و این دو را ویژه خویش گردانید و نه آفریدگانش ، و آنها را بر غیر خود ، قدغن و حرام گردانید ، و آنها را برای شُکوه خویش برگزید ، و بر آن کس از بندگانش که برابر این دو با او بستیزند ، لعنت فرستاد.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ لِلّهِ الَّذى لَم أكُن عِندَهُ مَنسِيّا . الحَمدُ للّهِ الَّذى أثبَتَنى عِندَهُ فى صَحيفَهِ الأَبرارِ ، وَالحَمدُ للّهِ ذِى الجَلالِ وَالإِكرامِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم تَسبِق لَهُ حالٌ حالاً ، فَيَكونَ أوَّلاً قَبلَ أن يَكونَ آخِرا ، ويَكونَ ظاهِرا قَبلَ أن يَكونَ باطِنا . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَخلُ مِن فَضلِهِ المُقيمونَ عَلى مَعصِيَتِهِ ، ولَم يُجازِهِ لِأَصغَرِ نِعَمِهِ المُجتَهِدونَ فى طاعَتِهِ ، الغَنِىّ الَّذى لا يَضَنُّ بِرِزقِهِ عَلى جاحِدِهِ ، ولا يَنقُصُ عَطاياهُ أرزاقَ خَلقِهِ. (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى مَنَعَ الأَوهامَ أن تَنالَ إلّا وُجودَهُ ، وحَجَبَ العُقولَ أن تَتَخَيَّلَ ذاتَهُ؛ لِامتِناعِها مِنَ الشَّبَهِ وَالتَّشاكُلِ ، بَل هُوَ الَّذى لا يَتَفاوَتُ فى ذاتِهِ ، ولا يَتَبَعَّضُ بِتَجزِئَهِ العَدَدِ فى كَمالِهِ . . . نَحمَدُهُ بِالحَمدِ الَّذِى ارتَضاهُ مِن خَلقِهِ ، وأوجَبَ قَبولَهُ عَلى نَفسِهِ . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى نَصَرَ وَلِيَّهُ ، وخَذَلَ عَدُوَّهُ ، وأعَزَّ الصّادِقَ المُحِقَّ ، وأذَلَّ الكاذِبَ المُبطِلَ . (5)

.

1- .الكافى : ج 4 ص 183 ح 7 عن محمّد بن عمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، الإرشاد : ج 1 ص 336 وفيه «الحمد للّه الذى كنت فى كتبه مذكورا» بدل «الحمد للّه الذى أثبتَنى ...» ، وقعه صفّين : ص 148 عن حبّه العرنى ، شرح الأخبار : ج 2 ص 368 ح 730 عن أبى الزبير وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 38 ص 62 ح 13 وج 40 ص 290 ح 64 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 65 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 308 ح 37 .
3- .مُهج الدعوات : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 232 ح 8 .
4- .الكافى : ج 8 ص 18 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، التوحيد : ص 73 ح 27 ، الأمالى للصدوق : ص 399 ح 515 كلاهما عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام وفيهما «أعجز» بدل «منع» ، تحف العقول : ص 92 وفيه «أعدم» بدل «منع» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 221 ح 1 .

5- .الإرشاد : ج 1 ص 259 ، الأمالى للمفيد : ص 127 ح 5 عن عبد الرحمن بن عبيد بن الكنود ، وقعه صفّين : ص 4 عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود وغيره وفيه «الناكث» بدل «الكاذب» ، بحار الأنوار : ج 32 ص 351 ح 334 وح 335 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 103 وفيه «الناكث» بدل «الكاذب» .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که در نزد او فراموش ناشده نبوده ام. ستایش ، خدای را که نام مرا نزد خود ، در دفتر نیکان نگاشت ، و ستایش ، خدای شکوهمند ارجمند را.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که هیچ حالتی از او ، بر حالت دیگرش پیشی نداشته است ، آن سان که مثلاً آغاز بودنش بر وا پس بودنش پیشی داشته باشد و آشکار بودنش بر نهان بودنش.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که مرتکبان نافرمانی او نیز از لطفش بی بهره نیستند ، و کوشندگان در طاعتش کوچک ترین نعمت او را جبران نتوانند کرد ؛ توانگری که روزی اش را [حتّی] از مُنکِرانش دریغ نمی ورزد ، و دَهِش های او ، از روزی های خلقش چیزی نمی کاهد .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که وهم ها را از رسیدن جز به هستی اش (1) باز داشته ، و خِردها را از تخیّل کردن در ذاتش در پرده داشته است ؛ زیرا خردها نتوانند برای او همانند و همشکلی بیابند ؛ بلکه او کسی است که در ذاتش تفاوتی نیست ، و کمالاتش تجزیه عددی نمی پذیرند ... . او را می ستاییم با آن ستایشی که از خَلق خویش پسندیده ، و پذیرش آن را بر خود ، واجب ساخته است .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که دوست خود را یاری داد و دشمنش را وا نهاد ، و راستگوی بر حق را عزّت بخشید و دروغگوی باطل گرا را خوار ساخت.

.

1- .همین قدر می دانند که او هست ؛ امّا ذات او و چند و چونش را هرگز درنمی یابند.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى وَقَّتَ الآجالَ ، وقَدَّرَ أرزاقَ العِبادِ ، وجَعَلَ لِكُلِّ شَىءٍ قَدرا . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا مِنَ الضَّلالَهِ ، وبَصَّرَنا مِنَ العَمى ، ومَنَّ عَلَينا بِالإِسلامِ ، وجَعَلَ فينَا النُّبُوَّهَ ، وجَعَلَنَا النُّجَباءَ (2) . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى هُوَ أوَّلُ كُلِّ شَىءٍ وبَدِيُّهُ ، ومُنتَهى كُلِّ شَىءٍ ووَلِيُّهُ ، وكُلُّ شَىءٍ خاشِعٌ لَهُ ، وكُلُّ شَىءٍ قائِمٌ بِهِ ، وكُلُّ شَىءٍ ضارِعٌ إلَيهِ ، وكُلُّ شَىءٍ مُستَكينٌ لَهُ . خَشَعَت لَهُ الأَصواتُ ، وكَلَّت دونَهُ الصِّفاتُ ، وضَلَّت دونَهُ الأَوهامُ ، وحارَت دونَهُ الأَحلامُ ، وَانحَسَرَت دونَهُ الأَبصارُ ، لا يَقضى فِى الاُمورِ غَيرُهُ ، ولا يَتِمُّ شَىءٌ مِنها دونَهُ . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى هُوَ أوَّلٌ بِلا بَدىءٍ مِمّا (5) ، ولا باطِنٍ فيما ، ولا يَزالُ مَهما (6) ، ولا مُمازِجٍ مَعَ ما ، ولا خَيالٍ وَهما ، لَيسَ بِشَبَحٍ فَيُرى ، ولا بِجِسمٍ فَيَتَجَزَّأ ، ولا بِذى غايَهٍ فَيَتَناهى ، ولا بِمُحدَثٍ فَيُبصَرَ ، ولا بِمُستَتِرٍ فَيُكشَفَ ، ولا بِذى حُجُبٍ فَيُحوى ، كانَ ولا أماكِنَ تَحمِلُهُ أكنافُها (7) ، ولا حَمَلَهَ تَرفَعُهُ بِقُوَّتِها ، ولا كانَ بَعدَ أن لَم يَكُن . (8)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى يولِجُ اللَّيلَ فِى النَّهارِ ، ويولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيلِ ، وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما وَقَبَ (9) لَيلٌ وغَسَقَ (10) ، وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما لاحَ نَجمٌ وخَفَقَ . (11)

.

1- .دستور معالم الحكم : ص 72 .
2- .النجيب : الكريم الحسيب ، الجمع نُجباء (القاموس المحيط : ج 1 ص 130 «نجب») .
3- .الإرشاد : ج 1 ص 229 ، أعلام الدين : ص 94 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 31 ح 19 .
4- .العقد الفريد : ج 3 ص 127 ، جواهر المطالب : ج 1 ص 332 نحوه .
5- .بدىء : على فعيل ، أى لا يقال : بدأ الأشياء ممّا؟ (بحار الأنوار : ج 4 ص 295) .

6- .مهما هنا : ظرف زمان جىء به لتعميم الأزمان ؛ أى لا يزول أبدا (بحار الأنوار : ج 4 ص 295) .
7- .الكَنَفُ : الجانب والناحيه (القاموس المحيط : ج 3 ص 192 «كنف») .
8- .التوحيد : ص 78 ح 34 عن مسلم بن أوس ، بحار الأنوار : ج 4 ص 294 ح 22 .
9- .وَقَبَ الشىءُ : دخل (الصحاح : ج 1 ص 234 «وقب») .
10- .غَسَقُ الليل : شِدّه ظلمته (مفردات ألفاظ القرآن : ص 606 «غسق») .
11- .وقعه صفّين : ص 134 عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود ، بحار الأنوار : ج 86 ص 112 ح 10 وج 32 ص 418 ح 375 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 167 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که عمرها را مشخّص ساخت و روزی های بندگان را تعیین کرد و برای هر چیزی ، اندازه ای قرار داد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که از گم راهی ، به راهمان آورد و از کوری ، بینایمان ساخت و نعمت اسلام را به ما ارزانی داشت و پیامبری را در میان ما نهاد و ما را از بزرگ زادگان قرار داد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که اوّل و آغاز هر چیز است ، و پایان و فرجام هر چیز . هر چیزی در برابر او خاشع است ، و هر چیزی به او قائم است ، و هر چیزی در برابر او خاضع است ، و هر چیزی در پیشگاه او خوار است . صداها در برابر او به خاموشی می گرایند ، اوصاف در توصیف او در می مانند ، اوهام در او سرگشته می شوند ، خِردها در باره او حیران می مانند ، و نگاه ها از مشاهده او ناتوان اند . در کارها جز او کسی حکم نمی راند ، و هیچ کاری بدون اذن او انجام نمی گیرد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که اوّلین است ، بدون آن که از چیزی آغاز شده باشد ، و نه در چیزی نهان باشد ، و نه هیچ گاه به سر آید ، و نه با چیزی آمیخته باشد ، و نه در خیال و وهم بگنجد . نه کالبد است تا که دیده شود ، نه جسم است تا که تجزیه شود ، نه دارای نقطه پایانی است تا که به آن منتهی شود ، نه پدیدار است تا که دیده شود ، نه پوشیده است تا که آشکار گردانیده شود ، و نه دارای پرده هاست تا که در پرده داشته شود . بود ، بی آن که در مکانی باشد ، یا حاملانی باشند که با نیروی خود ، او را بردارند ، و چنین نبود که نبوده و بود شده باشد .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که شب را در دل روز فرو برد و روز را در دل شب . ستایش ، خدای را تا آن گاه که شبی در آید و عالم را در تاریکی فرو برد . و ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای طلوع و غروب کند.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، الَّذى لَم يَضُرَّهُ بِالمَعصِيَهِ المُتَكَبِّرونَ ، ولَم يَنفَعهُ بِالطّاعَهِ المُتَعَبِّدونَ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ سابِغِ النِّعَمِ ومُفَرِّجِ الهَمِّ وبارِئِ النَّسَمِ ، الَّذى جَعَلَ السَّماواتِ لِكُرسِيِّهِ عِمادا ، وَالجِبالَ لِلأَرضِ أوتادا ، وَالأَرضَ لِلعِبادِ مِهادا . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ عَلى نِعَمِهِ الفاضِلَهِ عَلى جَميعِ خَلقِهِ؛ البَرِّ وَالفاجِرِ ، وعَلى حُجَجِهِ البالِغَهِ عَلى خَلقِهِ؛ مَن عَصاهُ وأطاعَهُ ، وإن يَعفُ فَبِفَضلِ مِنهُ ، وإن يُعَذِّب فَبِما قَدَّمَت أيديهِم ، ومَا اللّهُ بِظَلّامٍ لِلعَبيدِ . أحمَدُهُ عَلى حُسنِ البَلاءِ ، وتَظاهُرِ النَّعماءِ ، وأستَعينُهُ عَلى ما نابَنا (3) مِن أمرِ دينِنا ، وأُؤمِنُ بِهِ وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ ، وكَفى بِاللّهِ وَكيلاً . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ العَلِيِّ عَن شَبَهِ المَخلوقينَ ، الغالِبِ لِمَقالِ الواصِفينَ ، الظّاهِرِ بِعَجائِبِ تَدبيرِهِ لِلنّاظِرِينَ ، الباطِنِ بِجَلالِ عِزَّتِهِ عَن فِكرِ المُتَوَهِّمينَ . (5)

.

1- .مُهج الدعوات : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 231 ح 8 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 527 ح 1501 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 151 ح 328 ، مصباح المتهجّد : ص 527 ح 611 وفيه «المرساه» بدل «لكرسيّه» وليس فيهما «للأرض» ، بحار الأنوار : ج 58 ص 6 ح 3 وج 91 ص 293 ح 2 .
3- .نابَهُ ينوبه : إذا قصده مرّه بعد مرّه . والنائبه : ماينوبُ الإنسان ؛ أى ينزل به من المهمّات والحوادث (النهايه : ج 5 ص 123 «نوب») .
4- .الأمالى للصدوق : ص 490 ح 668 ، وقعه صفّين : ص 313 نحوه وكلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 32 ص 616 ح 482 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 213 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 319 ح 45 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است ؛ خدایی که گردن فرازان با نافرمانی خود ، زیانی به او نمی رسانند ، و عبادت پیشگان با فرمانبری خود ، سودی به او نمی رسانند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای نعمتْ ده غم زدای جان آفرین را ؛ آن که آسمان ها را تکیه گاه تخت (سلطنت) خویش ، و کوه ها را میخ برای زمین ، و زمین را بستری برای بندگان قرار داد .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را به خاطر نعمت های افزون او بر همه آفریدگانش از نیک و بد ، و به خاطر حجّت های رسای او بر [همه] خلقش از نافرمان و فرمان بردار ، و اگر ببخشاید ، از فضل اوست و اگر عذاب کند ، به سبب کردار خود آنان است ، و خدا هرگز به بندگان ، ستم نمی کند . او را می ستایم به خاطر احسان ها و نعمت های پیاپی اش ، و از او بر این پیشامد که در کار دین ما رخ داده است ، یاری می جویم ، و به او ایمان دارم و بر او توکّل می نمایم ، و کافی است که خدا وکیل باشد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که از همانندی با مخلوقات ، برتر ، و از گفتار وصف کنندگان ، بالاتر است و به سبب شگفتی های تدبیرش ، برای بینندگان ، آشکار است ، و به سبب شُکوه عزّتش ، از اندیشه اندیشه گران ، نهان .

.

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ غَیرَ مَقنوطٍ مِن رَحمَتِهِ، ولا مَخلُوٍّ مِن نِعمَتِهِ ، ولا مَأیوسٍ مِن مَغفِرَتِهِ ، ولا مُستَنکَفٍ عَن عِبادَتِهِ ، الَّذی لا تَبرَحُ مِنهُ رَحمَهٌ ، ولا تُفقَدُ لَهُ نِعمَهٌ . (1)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الفاشی فِی الخَلقِ حَمدُهُ ، وَالغالِبِ جُندُهُ ، وَالمُتَعالی جَدُّهُ . (2) أحمَدُهُ عَلی نِعَمِهِ التُّؤامِ (3) وآلائِهِ العِظامِ . الَّذی عَظُمَ حِلمُهُ فَعَفا ، وعَدَلَ فی کُلِّ ما قَضی ، وعَلِمَ ما یَمضی وما مَضی ، مُبتَدِعِ الخَلائِقِ بِعِلمِهِ ، ومُنشِئِهِم بِحُکمِهِ ، بِلَا اقتِداءٍ ولا تَعلیمٍ . (4)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ فاطِرِ الخَلقِ ، وخالِقِ (5) الإصباحِ ، ومُنشِرِ (6) المَوتی ، وباعِثِ مَن فِی القُبورِ . (7)

عنه علیه السلام لَمّا بَلَغَهُ عَن أهلِ الشّامِ ما یُؤذیهِ مِنَ الکَلامِ : الحَمدُ للّهِ ، قَدیما وحَدیثا ما عادانِی الفاسِقونَ فَعاداهُمُ اللّهُ . (8)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الکائِنِ قَبلَ أن یَکونَ کُرسِیٌّ أو عَرشٌ أو سَماءٌ أو أرضٌ أو جانٌّ أو إنسٌ ، لا یُدرَکُ بِوَهمٍ ، ولا یُقَدَّرُ بِفَهمٍ ، ولا یَشغَلُهُ سائِلٌ ، ولا یَنقُصُهُ نائِلٌ ، ولا یُنظَرُ بِعَینٍ ، ولا یُحَدُّ بِأینٍ ، ولا یوصَفُ بِالأزواجِ ، ولا یُخلَقُ بِعِلاجٍ ، ولا یُدرَکُ بِالحَواسِّ ، ولا یُقاسُ بِالنّاسِ . (9)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 45 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 42 وص 134 ح 139 .
2- .تعالی جَدُّک : أی علا جلالُک وعظمتُک. والجَدُّ : الحَظُّ والسعادهُ والغِنی (النهایه : ج 1 ص 244 «جدد») .
3- .تُؤام : جمع تَوْأَم ؛ وهو المولود مع غیره فی بطن (القاموس المحیط : ج 4 ص 82 «توأم») . وهو مجاز عن الکثیر أو المتواصل .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 191 .
5- .فی البدایه والنهایه : «وفالق» بدل «وخالق» .
6- .نَشَرَ المیّتُ : إذا عاش بعد الموت . وأنشَرَه اللّه : أی أحیاه (النهایه : ج 5 ص 54 «نشر») .

7- .تحف العقول : ص 149 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 289 ح 2 ؛ البدايه والنهايه : ج 7 ص 308 .
8- .الإرشاد : ج 1 ص 264 ، وقعه صفّين : ص 391 عن زيد بن وهب نحوه ، بحار الأنوار : ج 32 ص 391 ح 361 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 45 ، شرح نهج البلاغه : ج 8 ص 54 كلاهما عن زيد بن وهب نحوه .
9- .نهج البلاغه : الخطبه 182 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 310 ح 13 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که از رحمتش نومیدی نیست ، و از نعمتش بی بهرگی نیست ، و از آمرزشش یأسی نیست ، و از عبادتش سر باز زدنی نیست ؛ آن که رحمتش همواره برجاست و نعمتش را زوال نیست .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که آفریدگان هم ستایش او می گویند ، و لشکرش پیروز است ، و عظمتش بس پُرشُکوه است . او را بر نعمت های پی در پی و الطاف بزرگش می ستایم ؛ آن که بسی بردبار است و از این رو گذشت می کند ، و در هر آن حکمی که داده ، دادگری کرده است ، و به آنچه می گذرد و گذشته است ، داناست . با دانش خود ، آفریدگان را ابداع کرد و به فرمان خویش ، پدیدشان آورد ، بی آن که از کسی پیروی کند یا آموزش ببیند.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که آفریننده خلایق است ، و پدید آورنده صبحگاهان ، و زنده کننده مردگان ، و برانگیزنده در گورْ خفتگان.

امام علی علیه السلام آن گاه که خبر سخنان آزار دهنده شامیان در باره او به وی رسید : ستایش ، خدای را ! در گذشته و اکنون ، همواره نابه کاران با من دشمنی کرده اند و خدا هم آنان را دشمن داشته است .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که پیش از آن که کرسی و عرش و آسمان و زمین و پری و آدمی وجود داشته باشند ، او بوده است . او هرگز به وهم نمی آید و در فهم نمی گنجد ، و هیچ درخواست کننده ای مشغولش نمی دارد [به طوری که از دیگری غفلت کند ،] و هر چه ببخشد ، چیزی از او کم نمی شود ، و با هیچ چشمی دیده نمی شود و در مکانی ، محدود نمی گردد ، و به جفت داشتن وصف نمی شود و با ابزار نمی آفریند ، و با حواس ، درک نمی شود و با مردم ، قیاس نمی گردد .

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ كُلَّما وَقَبَ لَيلٌ وغَسَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما لاحَ نَجمٌ وخَفَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ غَيرَ مَفقودِ الإِنعامِ ، ولا مُكافَإِ الإِفضالِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ اللّابِسِ الكِبرِياءِ بِلا تَجَسُّدٍ . . . نَحمَدُهُ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلى جَميعِ نَعمائِهِ كُلِّها ، ونَستَهدِيهِ لِمَراشِدِ اُمورِنا ، ونَعوذُ بِهِ مِن سَيِّئاتِ أعمالِنا ، ونَستَغفِرُهُ لِلذُّنوبِ الَّتى سَلَفَت مِنّا . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ المُتَجَلّى لِخَلقِهِ بِخَلقِهِ ، وَالظّاهِرِ لِقُلوبِهِم بِحُجَّتِهِ ، خَلَقَ الخَلقَ مِن غَيرِ رَوِيَّهٍ (3) ، إذ كانَتِ الرَّوِيّاتُ لا تَليقُ إلّا بِذَوِى الضَّمائِرِ ، ولَيسَ بِذى ضَميرٍ فى نَفسِهِ . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ المُتَوَحِّدِ بِالقِدَمِ وَالأَزَلِيَّهِ ، الَّذى لَيسَ لَهُ غايَهٌ فى دَوامِهِ ولا لَهُ أوَّلِيَّهٌ ، أنشَأَ صُروبَ البَرِيَّهِ لا مِن اُصولٍ كانَت بَدِيَّهً (5) ، وَارتَفَعَ عَن مُشارَكَهِ الأَندادِ ، وتَعالى عَنِ اتِّخاذِ صاحِبَهٍ وأَولادٍ ، هُوَ الباقى مِن غَيرِ مُدَّهٍ ، وَالمُنشِئُ لا بِأَعوانٍ . (6)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ المُختَصِّ بِالتَّوحيدِ ، المُتَقَدِّمِ بِالوَعيدِ ، الفَعّالِ لِما يُريدُ ، المُحتَجِبِ بِالنّورِ دونَ خَلقِهِ ، ذِى الاُفُقِ الطّامِحِ (7) ، وَالعِزِّ الشّامِخِ ، وَالمُلكِ الباذِخِ (8) ، المَعبودِ بِالآلاءِ ، رَبِّ الأَرضِ وَالسَّماءِ . أحمَدُهُ عَلى حُسنِ البَلاءِ ، وفَضلِ العَطاءِ ، وسَوابِغِ النَّعماءِ ، وعَلى ما يَدفَعُ رَبُّنا مِنَ البَلاءِ ، حَمدا يَستَهِلُّ لَهُ العِبادُ ، ويَنمو بِهِ البِلادُ . (9)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 48 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 420 ح 386 .
2- .التوحيد : ص 33 ح 1 ، الكافى : ج 1 ص 142 ح 7 كلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 266 ح 14 .
3- .الرَّوِيَّه : التفَكُّر فى الأمر (الصحاح : ج 6 ص 2364 «روى») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 108 .
5- .أى خلق ما خلق ابتداءً من غير أصل ، مع غايه الإتقان والإحكام وصوّر ما صوّر بعلمه من غير مثال على نهايه الحُسن (بحار الأنوار : ج 4 ص 296) .
6- .الأمالى للطوسى : ص 704 ح 1509 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 88 كلاهما عن زيد بن علىّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار :

ج 4 ص 319 ح 44 وج 78 ص 34 ح 116 .
7- .طَمَح بصره إليه : ارتفع ، وكلّ مرتفع طامح (القاموس المحيط : ج 1 ص 238 «طمح») .
8- .الباذِخ : العالى (النهايه : ج 1 ص 110 «بذخ») .
9- .الكافى : ج 5 ص 369 ح 1 عن علىّ بن رئاب عن الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرائع : ص 119 ح 1 عن إسحاق بن غالب عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 31 ص 464 ح 4 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که شبی فرا رسد و به تاریکی فرو شود ، و ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که ستاره ای بر آید و غروب کند ، و ستایش ، خدای را که نعمتش تمامی ندارد و احسانش را جبران نتوان کرد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که جامه بزرگی در پوشید ، بی آن که جسم باشد ... . او را با همه ستایش هایش ، به خاطر تمامی نعمت هایش می ستاییم ، و در کارهای خود ، از او راهنمایی می جوییم ، و از کردارهای بد خویش ، به او پناه می بریم ، و از گناهان گذشته مان از او آمرزش می جوییم .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که با آفرینش خود ، بر آفریدگانش آشکار گشت ، و با حجّت [و آثار قدرت]خویش بر دل های آنان هویدا شد . آفریدگان را ، بدون هیچ اندیشه ای آفرید ؛ چرا که اندیشه کردن ، جز کارِ دارندگان اندیشه نیست ، و او در درون خود ، اندیشه ندارد (از داشتن اندیشه ، مُبَرّاست) .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که در دیرینگی و بی آغازی ، یگانه است ؛ آن که نه پایندگی اش را پایانی است و نه او را آغازی است . انواع آفریدگان را ایجاد کرد نه از اصولی نخستین ، و از داشتن انباژْ برتر است ، و از داشتن زن و فرزند ، مبرّاست . اوست مانای بی مدّت و پدید آورنده بدون یاری.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که یگانگی ویژه اوست ؛ آن که پیشاپیش بیم داده است ، و آنچه بخواهد ، انجام می دهد ، و با نور خویش از خلقش در پرده است ، و دارای افق بلند است و عزّت در اوج و پادشاهی فرازمند ، و به نعمت هایش پرستیده می شود ، پروردگار زمین و آسمان است . او را به خاطر احسانش ، و دَهِش فزاینده اش ، و نعمت های سرشارش ، و برای آنچه از [رنج و]بلا که پروردگار ما دور می گرداند ، می ستایم ، ستایشی که بندگان برای او سر می دهند ، و آبادی ها به سبب آن رشد می نمایند.

.

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ المَعروفِ مِن غَیرِ رُؤیَهٍ ، وَالخالِقِ مِن غَیرِ مَنصَبَهٍ . (1) خَلَقَ الخَلائِقَ بِقُدرَتِهِ ، وَاستَعبَدَ الأَربابَ بِعِزَّتِهِ ، وسادَ العُظَماءَ بِجودِهِ . (2)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ المُلهِمِ عِبادَهُ حَمدَهُ ، وفاطِرِهِم عَلی مَعرِفَهِ رُبوبِیَّتِهِ ، الدّالِّ عَلی وُجودِهِ بِخَلقِهِ ، وبِحُدوثِ خَلقِهِ عَلی أَزَلِهِ ، وبِاشتِباهِهِم عَلی أن لا شِبهَ لَهُ . (3)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ النّاشِرِ فِی الخَلقِ فَضلَهُ ، وَالباسِطِ فیهِم بِالجودِ یَدَهُ ، نَحمَدُهُ فی جَمیعِ اُمورِهِ ، ونَستَعینُهُ عَلی رِعایَهِ حُقوقِهِ . (4)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ ، نَحمَدُهُ تَسبیحا ونُمَجِّدُهُ تَمجیدا ، نُکَبِّرُ عَظَمَتَهُ لِعِزِّ جَلالِ وَجهِهِ ، ونُهَلِّلُهُ تَهلیلاً مُوَحِّدا مُخلِصا ، ونَشکُرُهُ فی مُصانَعَهِ (5) الحُسنی ، أهلِ الحَمدِ وَالثَّناءِ الأعلی . (6)

.

1- .النَّصبُ : الإعیاء من العَناء ، نَصِبَ الرجلُ نَصَبا : أعیا وتعبَ ، وعَیشٌ ناصِب : فیه کَدٌّ وجَهْدٌ (لسان العرب : ج 1 ص 758 «نصب») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 183 .
3- .الکافی : ج 1 ص 139 ح 5 عن إسماعیل بن قتیبه عن الإمام الصادق علیه السلام ، التوحید : ص 56 ح 14 عن فتح بن یزید الجرجانی عن الإمام الرضا علیه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 152 ولیس فیه «الملهم عباده حمده وفاطرهم علی معرفه ربوبیّته» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 284 ح 17 وج 57 ص 166 ح 105 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 100 .
5- .کذا فی المصدر ، وفی بحار الأنوار : «مصانعه» ، والظاهر أنّها جمع مصنع ؛ مصدر میمی من الصُّنع. قال ابن منظور : الصُّنعُ : مصدر قولک صنع إلیه معروفا (لسان العرب : ج 8 ص 212 «صنع») .
6- .الغارات : ج 1 ص 156 عن أبی زکریّا ، بحار الأنوار : ج 78 ص 2 ح 50 .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که بی آن که دیده آید ، شناخته می شود ، و بدون رنج و زحمت می آفریند . آفریدگان را به قدرت خویش آفرید ، و خدا یگانان را به عزّت خود به بندگی کشید ، و با جود خویش ، بر بزرگان ، آقایی ورزید.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش خود را به بندگانش الهام فرمود ، و شناخت ربوبیتش را در نهادِ آنان نهاد ، و آفریدگانش را دلیل بر هستیِ خود داشت ، و حدوث خَلقش را دلیل بر ازلی بودن خود ، و همانندی آنها را دلیل بر این که او را همانندی نیست.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که فضل خود را در میان خلق گستراند ، و دست خود را به دَهِش در میان آنان گشود . او را به خاطر همه کارهایش می ستاییم ، و در پاسداشت حقوقش ، از او کمک می جوییم .

امام علی علیه السلام :ستایش خدای را . او را به پاکی می ستاییم و به بزرگی یادش می کنیم ، و عظمت او را بزرگ می داریم که ذاتی پُر ارج و شُکوه دارد ، و از سر اخلاص و یکتاپرستی ، او را به یگانگی وصف می کنیم و نیکوکاری اش را سپاس می گزاریم ، که او سزامند ستایش و برترین ثناست.

.

عنه عليه السلام بَعدَ التَّحكيمِ وما بَلَغَهُ مِن أمرِ الحَكَمَينِ : الحَمدُ للّهِ وإن أتَى الدَّهرُ بِالخَطبِ الفادِحِ ، وَالحَدَثِ الجَليلِ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الواحِدِ الأَحَدِ الصَّمَدِ الفَردِ المُتَفَرِّدِ الَّذى لا مِن شَىءٍ كانَ ، ولا مِن شَىءٍ خَلَقَ ما كانَ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الواصِلِ الحَمدَ بِالنِّعَمِ ، وَالنِّعَمَ بِالشُّكرِ . نَحمَدُهُ عَلى آلائِهِ ، كَما نَحمَدُهُ عَلى بَلائِهِ ، ونَستَعينُهُ عَلى هذِهِ النُّفوسِ البِطاءِ عَمّا اُمِرَت بِهِ ، السِّراعِ إلى ما نُهِيَت عَنهُ . ونَستَغفِرُهُ مِمّا أحاطَ بِهِ عِلمُهُ ، وأحصاهُ كِتابُهُ . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ وَلِيِّ الحَمدِ ومُنتَهَى الكَرَمِ ، لا تُدرِكُهُ الصِّفاتُ ، ولا يُحَدُّ بِاللُّغاتِ ، ولا يُعرَفُ بِالغاياتِ . (4)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الوَلِيِّ الحَميدِ الحَكيمِ المَجيدِ ، الفَعّالِ لِما يُريدُ ، عَلّامِ الغُيوبِ ، وسَتّارِ العُيوبِ ، خالِقِ الخَلقِ ، ومُنزِلِ القَطرِ ، ومُدَبِّرِ الأَمرِ ، رَبِّ السَّماءِ وَالأَرضِ وَالدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 35 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 302 ح 553 وص 321 ح 568 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 77 عن عبدالملک بن أبى حُرّه .
2- .الكافى : ج 1 ص 134 ح 1 عن الإمام الصادق عليه السلام ، التوحيد : ص 41 ح 3 عن الحصين بن عبد الرحمن عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، الغارات : ج 1 ص 170 عن إبراهيم بن إسماعيل اليشكرى ، بحار الأنوار : ج 4 ص 269 ح 15 وج 57 ص 164 ح 103 ؛ العقد الفريد : ج 3 ص 125 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 114 .
4- .الكافى : ج 8 ص 360 ح 551 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 77 ص 363 ح 33 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 380 ح 508 عن زيد بن وهب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 427 ح 1263 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 237 ح 68 .

امام علی علیه السلام بعد از جریان حَکَمیت و شنیدن عملکرد آن دو حَکَم : ستایش ، خدای را ، هر چند روزگار ، رویداد جانکاه و پیشامدِ سخت پیش آورد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای یگانه یکتای بی نیازِ تکِ منحصر به فرد را که نه خود از چیزی پدید آمده است ، و نه آنچه را هَست ، از چیزی آفرید.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش را به نعمت ها ، و نعمت ها را به سپاس گزاری پیوند داده است . او را بر نعمت هایش می ستاییم ، چنان که بر بلایش می ستاییم ، و در برابر این نفْسهایی که در انجام دادن آنچه بِدان فرمان یافته اند ، کندی می ورزند و به انجام دادن آنچه از آن نهی شده اند ، می شتابند ، از او یاری می جوییم ، و برای گناهانی که او می داند و کتابش (لوح محفوظ) آنها را ثبت کرده است ، از او آمرزش می طلبیم.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که صاحب ستایش و منتهای بزرگواری است . اوصاف ، از عهده توصیف او برنمی آیند ، و با زبان و کلمات ، تعریف نمی شود ، و به غایت ها شناخته نمی گردد.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که حمایتگر و ستوده و استوارکار و بزرگوار است و آنچه بخواهد ، انجام می دهد . دانای نهان ها ، و پوشاننده عیب هاست . آفریننده خلق و فرو فرستنده باران و تدبیر کننده کارهاست و پروردگار آسمان و زمین و دنیا و آخرت است.

.

عنه علیه السلام فی ذَمِّ العاصینَ مِن أصحابِهِ : أحمَدُ اللّهَ عَلی ما قَضی مِن أمرٍ ، وقَدَّرَ مِن فِعلٍ ، وعَلَی ابتِلائی بِکُم . (1)

عنه علیه السلام بَعدَ انصِرافِهِ مِن صِفّینَ : أحمَدُهُ استِتماما لِنِعمَتِهِ ، وَاستِسلاما لِعِزَّتِهِ ، وَاستِعصاما مِن مَعصِیَتِهِ ، وَأستَعینُهُ فاقَةً إلی کِفایَتِهِ ، إنَّهُ لا یَضِلُّ مَن هَداهُ . (2)

عنه علیه السلام :أحمَدُهُ بِخالِصِ حَمدِهِ المَخزونِ ، بِما حَمِدَهُ بِهِ المَلائِکَهُ وَالنَّبِیّونَ ، حَمدا لا یُحصی لَهُ عَدَدٌ ، ولا یَتَقَدَّمُهُ أمَدٌ ، ولا یَأتی بِمِثلِهِ أحَدٌ . أؤمِنُ بِهِ ، وأتَوَکَّلُ عَلَیهِ وأستَهدیهِ وأستَکفیهِ . (3)

عنه علیه السلام :أحمَدُهُ حَمدا أستَزیدُهُ فی نِعمَتِهِ ، وأستَجیرُ بِهِ مِن نِقمَتِهِ ، وأتَقَرَّبُ إلَیهِ بِالتَّصدیقِ لِنَبِیِّهِ المُصطَفی لِوَحیِهِ ، المُتَخَیَّرِ لِرِسالَتِهِ ، المُختَصِّ بِشَفاعَتِهِ ، القائِمِ بِحَقِّهِ ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ وعَلی أصحابِهِ ، وعَلَی النَّبِیّینَ وَالمُرسَلینَ وَالمَلائِکَهِ أجمَعینَ ، وسَلَّمَ تَسلیما . (4)

عنه علیه السلام :أحمَدُهُ شُکرا لِإِنعامِهِ ، وأستَعینُهُ عَلی وَظائِفِ حُقوقِهِ ، عَزیزَ الجُندِ ، عَظیمَ المَجدِ . (5)

عنه علیه السلام :أحمَدُهُ مُقَصِّرا عَن کُنهِ شُکرِهِ ، وأُؤمِنُ بِهِ إذعانا لِرُبوبِیَّتِهِ ، وأستَعینُهُ طالِبا لِعِصمَتِهِ ، وأتَوَکَّلُ عَلَیهِ مُفَوِّضا (6) إلَیهِ . (7)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 180 ، الغارات : ج 1 ص 291 عن جندب بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 564 ح 722 ؛ تاریخ الطبری : ج 5 ص 107 عن عبد اللّه بن فقیم .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 2 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 331 ح 19 ؛ مطالب السؤول : ص 58 .
3- .الکافی : ج 8 ص 171 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 347 ح 30 .
4- .مُهج الدعوات : ص 145 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 232 ح 8 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 190 .

6- .فوّض إليه الأمر : أى ردّه إليه وجعله الحاكم فيه (النهايه : ج 3 ص 479 «فوض») .
7- .مصباح المتهجّد : ص 385 ح 512 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .

امام علی علیه السلام در نکوهش یاران نافرمانش : خدای را می ستایم به خاطر هر امری که واجب فرمود ، و به خاطر هر کاری که مقدّر نمود ، و به خاطر گرفتار ساختن من به شما.

امام علی علیه السلام در پی بازگشت از صفّین : او را می ستایم از بهر کامل گردانیدن نعمتش ، و گردن نهادن در برابر قدرتش ، و نگه داشتن از نافرمانی اش ، و از او کمک می جویم که نیازمند حمایت و کارسازی او هستم؛ زیرا کسی را که او هدایت کند ، گم راه نمی شود.

امام علی علیه السلام :او را می ستایم با ستایش ناب و اندوخته اش ، با ستایشی که فرشتگان و پیامبران ، او را بدان ستودند ؛ ستایشی که به شماره نمی آید ، و زمان بر آن پیشی نمی گیرد ، و هیچ کس چنان ستایشی نخواهد آورد . به او ایمان دارم ، و بر او توکّل می نمایم ، و از او راهنمایی و کفایت می جویم.

امام علی علیه السلام :او را می ستایم ستایشی که بر نعمتش به من بیفزاید ، و با آن از خشم و کیفرش به او پناه برم . و به او تقرّب می جویم با تصدیق کردن پیامبرش ، که او را برای وحی خویش برگزید ، و از بهر رساندن پیامش انتخابش کرد ، و شفاعتش را به او ویژه گردانید ، و بر پا دارنده حقّ اوست ، [یعنی] محمّد که درود و سلام خدا بر او و بر خاندانش و بر یارانش ، و بر پیامبران و رسولان و فرشتگان ، همگی باد .

امام علی علیه السلام :او را می ستایم به شکرانه نعمت هایش ، و از او کمک می جویم برای ادای حقوقش ؛ او که لشکرش شکست ناپذیر است ، و خود ، بسی بزرگ و پُرشکوه است.

امام علی علیه السلام :او را می ستایم ، در حالی که از رسیدن به عمق سپاس گزاری اش ناتوانم ، و به او ایمان دارم و به پروردگاری اش معترفم ، و از او کمک می جویم و خواهان نگهداری اویم ، و بر او توکّل می کنم و کارم را به او وا می گذارم.

.

عنه عليه السلام :أحمَدُهُ وأستَعينُهُ عَلى ما أنعَمَ بِهِ مِمّا لا يَعرِفُ كُنهَهُ غَيرُهُ ، وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ تَوَكُّلَ المُستَسلِمِ لِقُدرَتِهِ ، المُتَبَرّى مِنَ الحَولِ وَالقُوَّهِ إلّا إلَيهِ . (1)

عنه عليه السلام :حَمِدتُ مَنِ عَظُمَت مِنَّتُهُ ، وسَبَغَت نِعمَتُهُ ، وسَبَقَت رَحمَتُهُ ، وتَمَّت كَلِمَتُهُ ، ونَفَذَت مَشِيَّتُهُ ، وبَلَغَت حُجَّتُهُ ، وعَدَلَت قَضِيَّتُهُ . حَمِدتُ حَمدَ مُقِرٍّ بِرُبوبِيَّتِهِ ، مُتَخَضِّعٍ لِعُبودِيَّتِهِ ، مُتَنَصِّلٍ مِن خَطيئَتِهِ ، مُعتَرِفٍ بِتَوحِيدِهِ مُستَعِيذٍ مِن وعيدِهِ مُؤَمِّلٍ مِن رَبِّهِ مَغفِرَهً تُنجيهِ يَومَ يُشغَلُ عَن فَصيلَتِهِ (2) وبَنِيهِ . ونَستَعينُهُ ونَستَرشِدُهُ (3) ونُؤمِنُ بِهِ ونَتَوَكَّلُ عَلَيهِ ، وشَهِدتُ لَهُ بِضَميرٍ مُخلِصٍ مُوقِنٍ ، وفَرَّدتُهُ تَفريدَ مُؤمِنٍ مُتقِنٍ ، ووَحَّدتُهُ تَوحيدَ عَبدٍ مُذعِنٍ ، لَيسَ لَهُ شَريكٌ فى مُلكِهِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِيٌّ فى صُنعِهِ ، جَلَّ عَن مُشيرٍ ووَزيرٍ ، وتَنَزَّهَ عَن مِثلٍ ونَظيرٍ . عَلِمَ فَستَرَ ، وبَطَنَ فَخَبَرَ ، ومَلَكَ فَقَهَرَ ، وعُصِيَ فَغَفَرَ ، وعُبِدَ فَشَكَرَ ، وحَكَمَ فَعَدَلَ ، وتَكَرَّمَ وتَفَضَّلَ ، لَم يَزَل ولا يَزولُ ، ولَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، وهُوَ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ وبَعدَ كُلِّ شَىءٍ ، رَبٌّ مُتَفَرِّدٌ بِعِزَّتِهِ ، مُتَمَلِّكٌ (4) بِقُوَّتِهِ ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ ، مُتَكَبِّرٌ بِسُمُوِّهِ ، لَيسَ يُدرِكُهُ بَصَرٌ ، ولَم يُحِط بِهِ نَظَرٌ ، قَوِيٌّ مَنيعٌ ، بَصيرٌ سَميعٌ ، عَلِيٌّ حَكيمٌ ، رَؤُوفٌ رَحيمٌ ، عَزيزٌ عَليمٌ . عَجَزَ فى وَصفِهِ مَن يَصِفُهُ ، وضَلَّ فى نَعتِهِ مَن يَعرِفُهُ ، قَرُبَ فَبَعُد ، وبَعُدَ فَقَرُبَ ، يُجيبُ دَعوَهَ مَن يَدعوهُ ، ويَرزُقُ عَبدَهُ ويَحبوهُ . ذو لُطفٍ خَفِيٍّ ، وبَطشٍ قَوِيٍّ ، ورَحمَهٍ موسَعَهٍ ، وعُقوبَهٍ موجِعَهٍ ، رَحمَتُهُ جَنَّهٌ عَريضَهٌ مونِقَهٌ ، وعُقوبَتُهُ جَحيمٌ مُؤصَدَهٌ موبِقَهٌ (5) . (6)

.

1- .العقد الفريد : ج 3 ص 120 ، جواهر المطالب : ج 1 ص 344 .
2- .فَصِيلَتُه : عَشيرَتُه ورهطه الأدنون (مجمع البحرين : ج 3 ص 1397 «فصل») .
3- .فى شرح نهج البلاغه : «ونستهديه» بعد «ونسترشده» .
4- .فى شرح نهج البلاغه وبحار الأنوار : «متمكّن» بدل «متملّك» .
5- .مُوبقه : مُهلكه ، والمُوبِقُ : وادٍ فى جهنّم (مجمع البحرين : ج 3 ص 1900 «وبق») .
6- .المصباح للكفعمى : ص 968 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 340 ح 28 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 19 ص 140 نحوه ، كنزالعمّال : ج 16 ص 209 ح 44234 .

امام علی علیه السلام :او را به خاطر نعمت هایی که ارزانی داشته است و جز خود او ، کسی از کُنه آنها آگاه نیست ، می ستایم و از او کمک می طلبم ، و به او توکّل می کنم ، چونان توکّل کردن کسی که در برابر قدرت او ، سر تسلیم فرود آورده است ، و برای خویشتن هیچ نیرو و توانی نمی شناسد جز به مدد او .

امام علی علیه السلام :می ستایم کسی را که منّتش بزرگ و نعمتش سرشار است ، و رحمتش [بر خشم و عذابش]پیشی دارد ، و سخنش تمام و خواستش نافذ است ، و حجّتش رسا و حُکمش دادگرانه است. [او را] می ستایم ، چونان ستایش کسی که به پروردگاری او معترف است ، به بندگی اش گردن نهاده است ، از گناهش دست شسته است ، به یگانگی او معترف است ، از تهدید او به او پناه می برد ، از پروردگارش به آمرزش ، امید بسته است که در آن روزی که [از شدّت هول و هراس] از دودمان و فرزندانش باز می ماند ، او را نجات بخشد. و از او کمک و راهنمایی می طلبیم ، و به او ایمان داریم و بر او توکّل می کنیم ، و با ضمیری مخلص و یقین مند به وجود او گواهی می دهم ، و او را تک می دانم چونان تک دانستن مؤمن استوارْ ایمان ، و او را یگانه می دانم چونان یگانه دانستن بنده معترف . در جهانداری شریکی ندارد ، و در ساخت عالم ، یاوری نداشته است . والاتر از آن است که مشاور و دستیاری داشته باشد ، و برتر از آن است که او را مانند و همتایی باشد. می داند و می پوشاند ، و از نهان است و خبردار است ، و پادشاهی چیره گر است ، و نافرمانی می شود و می آمرزد ، و عبادت می شود و قدردانی می کند ، و حُکمش دادگرانه است ، و بزرگوار و با فضل است ، و همواره بوده و هرگز نابود نمی شود ، و هیچ چیزی همانند او نیست ، و پیش از هر چیز و پس از هر چیز است . پروردگاری است که در عزّتمندی یگانه است ، با نیرویش پادشاهی می کند ، در بلندای قُدسیّت است ، در اوج کبریاست . هیچ دیده ای او را درنمی یابد ، و هیچ نگاهی او را در میان نمی گیرد . نیرومند و دست نایافتنی است . بینا و شنواست . بلندمرتبه و استوارکاراست . دلسوز و مهربان است . عزّتمند و داناست. وصف کننده اش در وصف او درمی ماند ، و شناسنده اش در شناساندن او سرگشته می ماند . نزدیک است و دور ، و دور است و نزدیک . صدای هر که را که بخواندش ، پاسخ می دهد ، و بنده اش را روزی می دهد و بخشش می کند. دارای لطف نهان است ، و قهری شدید ، و مهری فراگیر ، و کیفری

دردآور . مهرش ، بهشتی پهناور و زیباست ، و کیفرش ، دوزخی فرو بسته و هلاکتبار.

.

عنه عليه السلام :نَحمَدُهُ عَلى ما أخَذَ وأعطى ، وعَلى ما أبلى وابتَلى ، الباطِنُ لِكُلِّ خَفِيَّةٍ ، وَالحاضِرُ لِكُلِّ سَريرَةٍ ، العالِمُ بِما تُكِنُّ الصُّدورُ ، وما تَخونُ العُيونُ . (1)

عنه عليه السلام :نَحمَدُهُ عَلى ما وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطّاعَةِ ، وذادَ (2) عَنهُ مِنَ المَعصِيَةِ ، ونَسأَلُهُ لِمِنَّتِهِ تَماما ، وبِحَبلِهِ اعتِصاما . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أحمَدُكَ وأنتَ لِلحَمدِ أهلٌ، عَلى حُسنِ صُنعِكَ إلَىَّ وتَعَطُّفِكَ عَلَىَّ ، وعَلى ما وَصَلتَنى بِهِ مِن نورِكَ ، وتَدارَكتَنى بِهِ مِن رَحمَتِكَ ، وأسبَغتَ عَلَىَّ مِن نِعمَتِكَ . (4)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أحمَدُكَ وأنتَ لِلحَمدِ أهلٌ، عَلى ما خَصَصتَنى بِهِ مِن مَواهِبِ الرَّغائِبِ ، وما وَصَلَ إلَىَّ مِن فَضلِكَ السّابِغِ ، وما أولَيتَنى بِهِ مِن إحسانِكَ إلَىَّ ، وبَوَّأتَنى بِهِ مِن مَظَنَّةِ العَدلِ ، وأتَلتَنى مِن مَنِّكَ الواصِلِ إلَىَّ ، ومِنَ الدِّفاعِ عَنّى ، وَالتَّوفيقِ لى ، وَالإجابَةِ لِدُعائى حينَ أناجيكَ داعِيا . (5)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ حَمدى لَكَ مُتَواصِلٌ ، وثَنائى عَلَيكَ دائِمٌ مِنَ الدَّهرِ إلَى الدَّهرِ ، بِألوانِ التَّسبيحِ وفُنونِ التَّقديسِ خالِصا لِذِكرِكَ ، ومَرضِيّا لَكَ ، بِناصِعِ التَّوحيدِ ومَحضِ التَّحميدِ . . .. اللّهُمَّ فَلَكَ الحَمدُ حَمدا مُتَواتِرا مُتَوالِيا مُتَّسِقا مُستَوثِقا ، يَدومُ ولا يَبيدُ ، غَيرَ مَفقودٍ فِى المَلَكُوتِ ، ولا مَطموسٍ فِى العالَمِ ، ولا مُنتَقِصٍ فِى العِرفانِ ، فَلَكَ الحَمدُ حَمدا لا تُحصى مَكارِمُهُ ، فِى اللَّيلِ إذا أدبَرَ ، وفِى الصُّبحِ إذا أسفَرَ (6) ، وفِى البَرِّ وفِى البَحرِ ، بِالغُدُوِّ وَالآصالِ ، وَالعَشِىِّ وَالإبكارِ ، وَالظَّهيرَةِ وَالأسحارِ . (7)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 132 .
2- .الذَّوْد : السَّوق والطَّرد والدَّفع (القاموس المحيط : ج 1 ص 293 «ذود») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 194 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 176 ح 6 .
4- .مُهج الدعوات : ص 125 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 234 ح 9 .
5- .مُهج الدعوات : ص 139 عن ابن عبّاس وعبد اللّه بن جعفر وص 148 عن ابن عبّاس وص 161 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 242 ح 31 وص 248 ح

. 32
6- .أسفَرَ الصبحُ : إذا انكشف وأضاء (النهايه : ج 2 ص 372 «سفر») .
7- .مُهج الدعوات : ص 163 وص 139 عن ابن عبّاس وعبد اللّه بن جعفر وص 149 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 95 ص 242 ح 31 وص 248 ح 32 .

امام علی علیه السلام :او را به خاطر گرفتن ها و دادن هایش ، و به خاطر نوازش ها و سختی هایش می ستایم ؛ او که دانای هر نهانی است ، و حاضر در هر نهادی ، و آگاه به رازهای سینه ها و نگاه های دزدانه (خیانتکارانه) دیدگان .

امام علی علیه السلام :او را می ستاییم که توفیق فرمانبری داد ، و از نافرمانی دورمان داشت ، و از او می خواهیم که نعمتش را [بر ما] تمام گرداند ، و به ریسمانش چنگ در زنیم.

امام علی علیه السلام :بار خدایا! تو را می ستایم ، و تو سزاوار ستایشی برای نیکی کردنت به من ، و مهرورزی ات بر من ، و برای آن که مرا به نور خودت وصل کردی (/ از نور خودت به من بخشیدی) ، و با مهرِ خویش مرا دریافتی ، و مرا در نعمتت غوطه ور ساختی.

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! تو را می ستایم ، و تو سزاوار ستایشی ، برای مواهب خوشایندی که به من ارزانی داشتی ، و فضل فراوانت که به من رساندی ، و نیکی ای که به من نمودی ، و جایگاه عدلی که مرا در آن جای دادی ، و نعمت مستمرّی که به من بخشیدی ، و دفاعی که از من کردی ، و توفیقی که به من دادی ، و پذیرفتن دعایم آن گاه که نجواکنان ، تو را خواندم.

امام علی علیه السلام :بار خدایا! پیوسته تو را می ستایم ، و هماره و در سرتاسر عمر ، تو را ثنا می گویم ، به انواع تسبیح و همه گونه تقدیس ، آن سان که خالص برای یاد تو و پسندِ درگاه تو باشد ، با توحید ناب و ستایش گویی خالص ... . بار خدایا! ستایشت باد ، ستایشی پیاپی و به هم پیوسته و رشته وار و استوار ؛ ستایشی که بپاید و نابود نشود ، و در ملکوت گم نگردد ، و در عالم از میان نرود ، و در شناخت [تو] کم نیاید . ستایشت باد ، ستایشی که خوبی هایش به شماره نیاید ، در شب ، آن گاه که پشت می کند ، و در روز ، آن گاه که برمی دمد ، و در خشکی و در دریا ، و در بامدادان و عصرگاهان ، و شب هنگام و صبح زود ، و نیم روز و سحرگاهان.

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا کَما أنتَ أهلُهُ ، حَمدا تَضَعُ لَهُ السَّماءُ کَنَفَیها ، وتُسَبِّحُ لَکَ الأَرضُ ومَن عَلَیها. (1) اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا یَزیدُ ولا یَبیدُ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا سَرمَدا (2) دائِما أبَدا ، لَا انقِطاعَ لَهُ ولا نَفادَ ، ولَکَ یَنبَغی وإلَیکَ یَنتَهی ، حَمدا یَصعَدُ أوَّلُهُ ولا یَنفَدُ آخِرُهُ . اللّهُمَّ ولَکَ الحَمدُ عَلَیَّ وَمَعِیَ وفِیَّ وقَبلی وبَعدی وأمامی وفَوقی وتَحتی ولَدَیَّ ، وإذا مِتُّ وقُبِرتُ وبَقیتُ فَردا وَحیدا ثُمَّ فَنیتُ ، ولَکَ الحَمدُ إذا نُشِرتُ وبُعِثتُ یا مَولایَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ ولَکَ الشُّکرُ بِجَمیعِ مَحامِدِکَ کُلِّها عَلی جَمیعِ نَعمائِکَ کُلِّها ، حَتّی یَنتَهِیَ الحَمدُ إلی ما تُحِبُّ وتَرضی . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ عِرقٍ ساکِنٍ [ولَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ عِرقٍ مُتَحَرِّکٍ] (3) ، ولَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ نَومَةٍ ویَقظَةٍ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ أکلَةٍ وشَربَةٍ ، ونَفَسٍ ویَطشَةٍ ، وقَبضَةٍ وبَسطَةٍ ، ولَحظَةٍ وطَرفَةٍ ، وعَلی کُلِّ مَوضِعِ شَعرَةٍ وعَلی کُلِّ حالٍ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ ، ولَکَ الشُّکرُ کُلُّهُ ، ولَکَ المَجدُ کُلُّهُ ، ولَکَ المُلکُ کُلُّهُ ، ولَکَ الجودُ کُلُّهُ ، وبِیَدِکَ الخَیرُ کُلُّهُ ، وإلَیکَ یَرجِعُ الأَمرُ کُلُّهُ ، عَلانِیَتُهُ وسِرُّهُ ، وأنتَ مُنتَهَی الشَّأنِ کُلِّهِ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا خالِدا مَعَ خُلودِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا مُنتَهی لَهُ دونَ عِلمِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا أمَدَ لَهُ دونَ مَشِیَّتِکَ ، ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا أجرَ لِقائِلِهِ إلّا رِضاکَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی حِلمِکَ بَعدَ عِلمِکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی عَفوِکَ بَعدَ قُدرَتِکَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ باعِثَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ وارِثَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ بَدیعَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ مُبتَدِعَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ مُنتَهَی الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ مُبتَدِئَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ مُشتَرِیَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ وَلِیَّ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ مالِکَ الحَمدِ ، ولَکَ الحَمدُ قَدیمَ الحَمدِ (4) ، ولَکَ الحَمدُ صادِقَ الوَعدِ ، وَفِیَّ العَهدِ ، عَزیزَ الجُندِ ، قائِمَ المَجدِ (5) ، ولَکَ الحَمدُ رَفیعَ الدَّرَجاتِ ، مُجیبَ الدَّعَواتِ ، مُنزِلَ الآیاتِ مِن فَوقِ سَبعِ سَماواتٍ ، عَظیمَ البَرَکاتِ ، مُخرِجَ النّورِ مِنَ الظُّلُماتِ ، ومُخرِجَ مَن فِی الظُّلُماتِ إلَی النّورِ ، مُبَدِّلَ السَّیِّئاتِ حَسَناتٍ ، وجاعِلَ الحَسَناتِ دَرَجاتٍ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ غافِرَ الذَّنبِ ، وقابِلَ التَّوبِ ، شَدیدَ العِقابِ ، ذَا الطَّولِ لا إلهَ إلّا أنتَ إلَیکَ المَصیرُ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فِی اللَّیلِ إذا یَغشی ، ولَکَ الحَمدُ فِی النَّهارِ إذا تَجَلّی ، ولَکَ الحَمدُ فِی الآخِرَهِ وَالأُولی . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَدَدَ کُلِّ نَجمٍ فِی السَّماءِ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ کُلِّ مَلَکٍ فِی السَّماءِ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ کُلِّ قَطرَهٍ نَزَلَت مِنَ السَّماءِ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ کُلِّ قَطرَهٍ فِی البِحارِ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ ما فِی جَوفِ الأَرَضینَ وأوزانِ مِیاهِ البِحارِ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی عَدَدِ ما عَلی وَجهِ الأَرضِ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ ما أحصی کِتابُکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ ما أحاطَ بِهِ عِلمُکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ الوَرَقِ وَالشَّجَرِ وَالحَصی وَالنَّوی وَالثَّری ، ولَکَ الحَمدُ عَدَدَ الإنسِ وَالجِنِّ وَالبَهائِمِ وَالسِّباعِ وَالهَوامِّ ، حَمدا کَثیرا طَیِّبا

مُبارَکا فیهِ ، کَما تُحِبُّ رَبَّنا وتَرضی ، وکَما یَنبَغی لِکَرَمِ وَجهِکَ وَعِزِّ جَلالِکَ مِنَ الحَمدِ مُبارَکا فیهِ أبَدا . (6)

.

1- .زاد فی بحار الأنوار هنا : «اللّهمّ لک الحمد حمدا یصعد أوّله ولا ینفد آخره» .
2- .السَّرمَد : الدائم الذی لا ینقطع (النهایه : ج 2 ص 363 «سرمد») .
3- .ما بین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار .
4- .فی بحار الأنوار : «ولک الحمد ولیّ الحمد ، ولک الحمد مبتدئ الحمد» بدل «ولک الحمد مبتدئ الحمد ... قدیم الحمد» .
5- .فی بحار الأنوار : «قدیم المجد» .
6- .جمال الأُسبوع : ص 282 عن عبد اللّه بن عطاء عن الإمام الباقر عن أبیه عن جدّه الإمام الحسین علیهم السلام ، مُهج الدعوات : ص 187 عن معاویه بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام وص 189 ، البلد الأمین : ص 25 کلاهما عن الإمام الحسین عنه علیهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 86 ح 141 ، فلاح السائل : ص 389 ح 265 کلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام وکلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 76 ح 1 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! تو را ستایش ؛ ستایشی چونان که تو سزامند آنی ؛ ستایشی که آسمان ، کرانه هایش را برای آن فرود آورَد ، و زمین و زمینیان برایت تسبیح گویند. بار خدایا! تو را ستایش ؛ ستایشی که افزون شود و نابود نشود . بار خدایا! تو را ستایش ، ستایشی پیوسته و همیشگی و ابدی که آن را قطع شدن و پایان پذیرفتنی نباشد ، و شایسته تو باشد و به تو منتهی شود ؛ ستایشی که آغازش [به سوی تو]فراز آید و آخرش تمام نشود. بار خدایا! تو را ستایش [؛ ستایشی] بر دوش من و با من و در من و پیش از من و پس از من و پیش روی من و بالای من و پایین من و نزد من ، و آن گاه که می میرم و در گور می شوم و تک و تنها می مانم و سپس نابود می شوم ، و تو را ستایش ، آن گاه که زنده و برانگیخته می شوم ، ای آقای من ! بار خدایا! تو را ستایش و تو را سپاس ، به خاطر همه ستایش هایت بر همه نعمت هایت ، چندان که ستایش ، به آنچه تو دوست داری و می پسندی ، منتهی شود. بار خدایا! تو را ستایش به خاطر هر رگ آرامی ، و تو را ستایش به خاطر هر رگ جنبانی ، و تو را ستایش به خاطر هر خفتنی و بیدار شدنی ، و تو را ستایش به خاطر هر خوردنی و نوشیدنی ، و دم زدنی و جنبشی ، و بستنی و گشادنی ، و نیم نگاهی و پلک زدنی ، و به خاطر هر جایگاه مویی و به خاطر هر حالی . بار خدایا! ستایش ، سراسر از آنِ توست و سپاس ، سراسر از آنِ توست ، و بزرگی ، سراسر از آنِ توست ، و پادشاهی ، سراسر از آنِ توست ، و بخشندگی ، سراسر از آنِ توست ، و خوبی ، همه در دست توست ، و کارها ، از آشکار و نهان ، سراسر به تو باز می گردند ، و تو پایانه همه کارهایی. بار خدایا! تو را ستایش ، ستایشی جاویدان به جاودانگی خودت؛ و تو را ستایش ، ستایشی که نهایت آن را تنها تو بدانی؛ و تو را ستایش ، ستایشی که آن را سرآمدی نباشد ، مگر آن که تو بخواهی؛ و تو را ستایش ، ستایشی که گوینده اش را مزدی جز خشنودی تو نباشد. بار خدایا! تو را ستایش به خاطر بردباری ات ، با آن که [گناهان ما را] می دانی ، و تو را ستایش به خاطر بخشودنت ، با آن که قدرت [بر انتقام] داری. بار خدایا! تو را ستایش که ایجاد کننده ستایشی ، و تو را ستایش که وارث ستایشی ، و تو را ستایش که پدید آورنده ستایشی ، و تو را ستایش که ابداع کننده ستایشی ، و تو را ستایش که منتهای ستایشی ، و تو را ستایش که آغاز (/ آغازگر) ستایشی ، و تو را ستایش که خریدار ستایشی ، و تو را ستایش که صاحب ستایشی ، و تو را ستایش که مالک ستایشی ، و تو را ستایش که دیرین ستایشی ، و تو را ستایش که راست وعده ای، وفا کننده به عهد و

پیمانی ، لشکرت نیرومند است ، [و] همواره شکوهمندی . و تو را ستایش که بالا برنده درجاتی ، اجابت کننده دعاهایی ، فرو فرستنده آیات از فراز هفت آسمانی ، پُربرکتی ، بیرون آورنده روشنایی از دل تاریکی هایی ، بیرون برنده مردمان از تاریکی ها به سوی نوری ، تبدیل کننده بدی ها به نیکی هایی، و قرار دهنده درجات برای نیکی هایی . بار خدایا ! تو را ستایش که آمرزنده گناهی ، پذیرنده توبه ای، سخت کیفری ، نیرومندی و معبودی جز تو نیست و بازگشت ، به سوی توست. بار خدایا ! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که همه جا را فرو می پوشاند ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که آشکار می شود ؛ و تو را ستایش ، در آخرت و دنیا. بار خدایا ! تو را ستایش به شمار هر ستاره ای در آسمان ، و تو را ستایش به شمار هر فرشته ای در آسمان ، و تو را ستایش به شمار هر قطره ای که از آسمانْ فرو می بارد ، و تو را ستایش به شمار هر قطره ای که در دریاست ، و تو را ستایش به شمار آنچه در دل زمین هاست و به وزن آب های دریاها ، و تو را ستایش به شمار هر آنچه در روی زمین است ، و تو را ستایش به شمار آنچه کتاب تو ثبت کرده است ، و تو را ستایش به شمار هر آنچه در حیطه علم توست ، و تو را ستایش به شمار برگ ها و درختان و ریگ ها و هسته ها و خاک ، و تو را ستایش به شمار آدمیان و پریان و چارپایان و درندگان و خزندگان ؛ ستایشی فراوان و پاک و خجسته ، آن سان که تو ای پروردگار ما دوست می داری و می پسندی ، و آن سان که در خورِ روی بزرگوار و شُکوه عزّتمند توست ؛ ستایشی خجسته و ابدی.

.

ص: 358

. .

ص: 359

. .

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی ما تَأخُذُ وتُعطی ، وعَلی ما تُعافی وتَبتَلی ؛ حَمدا یَکونُ أرضَی الحَمدِ لَکَ ، وأحَبَّ الحَمدِ إلَیکَ ، وأفضَلَ الحَمدِ عِندَکَ ؛ حَمدا یَملَأُ ما خَلَقتَ ، ویَبلُغُ ما أرَدتَ ؛ حَمدا لا یُحجَبُ عَنکَ ، ولا یُقصَرُ دُونَکَ ؛ حَمدا لا یَنقَطِعُ عَدَدُهُ ، ولا یَفنی مَدَدُهُ . فَلَسنا نَعلَمُ کُنهَ عَظَمَتِکَ ، إلّا أنّا نَعلَمُ أنَّکَ حَیٌّ قَیّومٌ ، لا تَأخُذُکَ سِنَهٌ ولا نَومٌ . لَم یَنتَهِ إلَیکَ نَظَرٌ ، ولم یُدرِککَ بَصَرٌ . أدرَکتَ الأبصارَ ، وأحصَیتَ الأعمالَ (1) ، وأخَذتَ بِالنَّواصی وَالأقدامِ . ومَا الَّذی نَری مِن خَلقِکَ ، ونَعجَبُ لَهُ مِن قُدرَتِکَ ، ونَصِفُهُ مِن عَظیمِ سُلطانِکَ ! وما تَغَیَّبَ عَنّا مِنهُ ، وقَصُرَت أبصارُنا عَنهُ ، وَانتَهَت عُقولُنا دونَهُ ، وحالَت سُتورُ الغُیوبِ بَینَنا وبَینَهُ أعظَمُ . فَمَن فَرَّغَ قَلبَهُ وأعمَلَ فِکرَهُ ؛ لِیَعلَمَ کَیفَ أقَمتَ عَرشَکَ ، وکَیفَ ذَرَأتَ خَلقَکَ ، وکَیفَ عَلَّقتَ فِی الهَواءِ سَماواتِکَ ، وکَیفَ مَدَدتَ عَلی مَورِ (2) الماءِ أرضَکَ ، رَجَعَ طَرفُهُ حَسیرا (3) ، وعَقلُه مَبهورا ، وسَمعُهُ والِها ، وفِکرُهُ حائِرا . (4)

.

1- .فی نسخه : «الأعمار» .
2- .المَوْر : المَوْج ، والاضطراب ، والتحرُّک (تاج العروس : ج 7 ص 496 «مور») .
3- .حَسَر بصرُه : أی کَلَّ وانقطع نظرُه من طول مدیً وما أشبه ذلک ، فهو حسیر (لسان العرب : ج 4 ص 188 «حسر») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 160 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! تو را ستایش به خاطر آنچه می ستانی و می دهی ، و عافیت می بخشی و مبتلا می کنی ؛ ستایشی که پسندیده ترین ستایش برای تو باشد ، و محبوب ترین ستایش در پیشگاه تو ، و برترین ستایش در نزد تو؛ ستایشی که آنچه را تو آفریده ای [جهان خلقت را] مالامال سازد ، و به آن اندازه که تو می خواهی ، برسد ؛ ستایشی که از تو محجوب نماند ، و از پیشگاه تو منع نشود ؛ ستایشی که شمار آن قطع نشود ، و مدّت آن به سر نیاید. ما عمق عظمت تو را نمی دانیم ؛ بلکه همین قدر می دانیم که تو زنده ای بیدار (/ جاویدان) هستی که هیچ گاه چرت و خوابت نمی گیرد ، هیچ نگاهی به تو نمی رسد، وهیچ دیده ای تو را نمی بیند، [ولی تو] دیدگان را در می یابی، وکردارها را شماره وثبت می کنی، وکاکُل ها وپاها[ی مجرمان وگنهکاران]را می گیری . (1) چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینیم ، و از قدرتی که در آن به کار برده ای ، به شگفت می آییم ، و آن را از بزرگی سلطنت تو می شماریم! در حالی که آنچه از آفرینش تو از ما پنهان است ، و دیدگان ما آن را نمی بیند ، و خردهایمان به آستان آن نمی رسد ، و میان ما و آن ، پرده های غیبْ حایل گشته اند، بیشتر است. پس ، هر کس دل خویش را فارغ گرداند و اندیشه اش را به کار اندازد تا که بداند چگونه عرش خود را برپا داشتی ، و چگونه آفریدگانت را آفریدی ، و چگونه آسمان هایت را در هوا معلّق داشتی ، و چگونه زمینت را بر روی موج آب گسترانیدی ، نگاهش خسته [و درمانده] ، و خِردش خیره ، و گوشش گیج ، و اندیشه اش سرگشته می شود .

.

1- .اشاره است به آیه شریف 41 از سوره الرحمن : «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَ صِى وَ الْأَقْدَامِ» .

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ ، ولَکَ المُلکُ کُلُّهُ ، وبِیَدِکَ الخَیرُ کُلُّهُ ، وإلَیکَ یَرجِعُ الأَمرُ کُلُّهُ ، عَلانِیَتُهُ وسِرُّهُ ، وأنتَ مُنتَهَی الشَّأنِ کُلِّهُ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی عَفوِکَ بَعدَ قُدرَتِکَ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی غُفرانِکَ بَعدَ غَضَبِکَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ رَفیعَ الدَّرَجاتِ ، مُجیبَ الدَّعَواتِ ، مُنزِلَ البَرَکاتِ مِن فَوقِ سَبعِ سَماواتٍ ، مُعطِیَ السُّؤلاتِ (1) ، ومُبَدِّلَ السَّیِّئاتِ بِالحَسَناتِ ، وجاعِلَ الحَسَناتِ دَرَجاتٍ ، وَالمُخرِجَ إلَی النُّورِ مِنَ الظُّلُماتِ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ ، غافِرَ الذَّنبِ ، وقابِلَ التَّوبِ ، شَدیدَ العِقابِ ، ذَا الطَّولِ ، لا إلهَ إلّا أنتَ وإلَیکَ المَصیرُ . اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فِی اللَّیلِ إذا یَغشی ، ولَکَ الحَمدُ فِی النَّهارِ إذا تَجَلّی ، ولَکَ الحَمدُ فِی الآخِرَهِ وَالاُولی . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فِی اللَّیلِ إذا عَسعَسَ ، ولَکَ الحَمدُ فِی الصُّبحِ إذا تَنَفَّسَ ، ولَکَ الحَمدُ عِندَ طُلوعِ الشَّمسِ وغُروبِها ، ولَکَ الحَمدُ عَلی نِعَمِکَ الَّتی لا تُحصی عَدَدا ، ولا تَنقَضی مَدَدا سَرمَدا . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فیما مَضی ، ولَکَ الحَمدُ فیما بَقِیَ . (2)

.

1- .فی المصدر : «السؤالات» ، والتصویب من بحار الأنوار .
2- .فلاح السائل : ص 310 ح 211 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 64 ح 3 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! ستایش ، سراسر تو را ، و پادشاهی ، سراسر تو را ، و خوبی ، سراسر در دست توست ، و کارها سراسر ، از آشکار و نهان ، به تو باز می گردند ، و تو منتهای همه چیزی. بار خدایا ! تو را ستایش به خاطر بخشودنت پس از قدرتت [و مسلّط شدنت] ، و تو را ستایش به خاطر آمرزیدنت پس از خشم گرفتنت. بار خدایا ! تو را ستایش که بالا برنده درجاتی ، اجابت کننده دعاهایی ، فرو فرستنده برکت ها از فراز هفت آسمانی ، دهنده درخواست هایی ، تبدیل کننده بدی ها به خوبی هایی ، قرار دهنده درجات برای نیکی هایی ، و برون برنده از تاریکی ها به سوی روشنایی هستی. بار خدایا ! تو را ستایش که آمرزنده گناهی ، پذیرنده توبه ای، سخت کیفری ، توانمندی (/ بخشنده ای) ، معبودی جز تو نیست و بازگشت ، به سوی توست. بار خدایا ! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که [عالم را] فرو می پوشاند ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که روشن می شود ؛ و تو را ستایش ، در آخرت و دنیا. بار خدایا ! تو را ستایش ، در شب ، آن گاه که تاریک می شود ؛ و تو را ستایش ، در روز ، آن گاه که بر می دَمَد ؛ و تو را ستایش ، به گاهِ بر آمدن خورشید و فرو شدن آن ؛ و تو را ستایش به خاطر نعمت هایت که به شماره نمی آیند ، و زمان و مدّتشان به سر نمی آید. بار خدایا ! تو را ستایش ، در آنچه گذشت ، و تو را ستایش ، در آنچه باقی مانده است .

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ مِثلَ ما حَمِدتَ بِهِ نَفسَکَ ، وحَمِدَکَ بِهِ الحامِدونَ ، ومَجَّدَکَ بِهِ المُمَجِّدونَ ، وکَبَّرَکَ بِهِ المُکَبِّرونَ ، وعَظَّمَکَ بِهِ المُعَظِّمونَ ، حَتّی یَکونَ لَکَ مِنّی وَحدی فی کُلِّ طَرفَهِ عَینٍ وأقَلَّ مِن ذلِکَ مِثلُ حَمدِ جَمیعِ الحامِدینَ ، وتَوحیدِ أصنافِ المُوَحِّدینَ المُخلِصینَ ، وتَقدیسِ أحِبّائِکَ العارِفینَ ، وثَناءِ جَمیعِ المُهَلِّلینَ ، ومِثلُ ما أنتَ عارِفٌ بِهِ ومَحمودٌ بِهِ مِن جَمیعِ خَلقِکَ مِنَ الحَیَوانِ وَالجَمادِ . (1)

عنه علیه السلام :اللّهُمَّ . . . وتَقاصَرَ وُسعُ قَدرِ العُقولِ عَنِ الثَّناءِ عَلَیکَ ، وَانقَطَعَتِ الألفاظُ عَن مِقدارِ مَحاسِنِکَ ، وکَلَّتِ الألسُنُ عَن إحصاءِ نِعَمِکَ ، فَإذا وَلَجَت بِطُرُقِ البَحثِ عَن نَعتِکَ بَهَرَتها (2) حَیرَهُ العَجزِ عَن إدراکِ وَصفِکَ ، فَهِیَ تَرَدَّدُ فِی التَّقصیرِ عَن مُجاوَزَهِ ما حَدَّدتَ لَها ؛ إذ لَیسَ لَها أن تَتَجاوَزَ ما أمَرتَها ، فَهِیَ بِالاِقتِدارِ عَلی ما مَکَّنتَها تَحمَدُکَ بِما أنهَیتَ إلَیها ، وَالألسُنُ مُنبَسِطَهٌ بِما تُملی عَلَیها ، ولَکَ عَلی کُلِّ مَنِ استَعبَدتَ مِن خَلقِکَ ألّا یَمَلُّوا مِن حَمدِکَ وإن قَصُرَتِ المَحامِدُ عَن شُکرِکَ عَلی ما أسدَیتَ (3) إلَیها مِن نِعَمِکَ ، فَحَمِدَکَ بِمَبلَغِ طاقَهِ جُهدِهِمُ الحامِدونَ ، وَاعتَصَمَ بِرَجاءِ عَفوِکَ المُقَصِّرُونَ ، وأوجَسَ (4) بِالرُّبوبِیَّهِ لَکَ الخائِفونَ ، وقَصَدَ بِالرَّغبَهِ إلَیکَ الطّالِبونَ ، وَانتَسَبَ إلی فَضلِکَ المُحسِنونَ ، وکُلٌّ یَتَفَیَّأُ فی ظِلالِ تَأمیلِ عَفوِکَ ، ویَتَضاءَلُ بِالذُّلِّ لِخَوفِکَ ، ویَعتَرِفُ بِالتَّقصیرِ فِی شُکرِکِ. فَلَم یَمنَعکَ صُدوفُ مَن صَدَفَ (5) عَن طاعَتِکَ ، ولا عُکوفُ مَن عَکَفَ عَلی مَعصِیَتِکَ ، أن أسبَغتَ عَلَیهِمُ النِّعَمَ ، وأجزَلتَ لَهُمُ القِسَمَ ، وصَرَفتَ عَنهُمُ النِّقَمَ ، وخَوَّفتَهُم عَواقِبَ النَّدَمِ ، وضاعَفتَ لِمَن أحسَنَ ، وأوجَبتَ عَلَی المُحسِنینَ شُکرَ تَوفیقِکَ لِلإحسانِ ، وعَلَی المُسیءِ شُکرَ تَعَطُّفِکَ بِالاِمتِنانِ ، ووَعَدتَ مُحسِنَهُم بِالزِّیادَهِ فِی الإحسانِ مِنکَ . فَسُبحانَکَ تُثیبُ عَلی ما بَدؤُهُ مِنکَ ، وَانتِسابُهُ إلَیکَ ، وَالقُوَّهُ عَلَیهِ بِکَ ، وَالإحسانُ فِیهِ مِنکَ ، وَالتَّوَکُّلُ فِی التَّوفیقِ لَهُ عَلَیکَ . فَلَکَ الحَمدُ حَمدَ مَن عَلِمَ أنَّ الحَمدَ لَکَ ، وأنَّ بَدأَهُ مِنکَ ومَعادَهُ إلَیکَ ، حَمدا لا یَقصُرُ عَن بُلوغِ الرِّضا مِنکَ ، حَمدَ مَن قَصَدَکَ بِحَمدِهِ ، وَاستَحَقَّ المَزیدَ لَهُ مِنکَ فی نِعَمِهِ ، ولَکَ مُؤَیِّداتٌ مِن عَونِکَ ، ورَحمَهٌ تَخُصُّ بِها مَن أحبَبتَ مِن خَلقِکَ . (6)

.

1- .مُهج الدعوات : ص 165 وص 140 عن ابن عبّاس وعبد اللّه بن جعفر وص 150 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 95 ص 244 ح 31 وص 250 ح

. 32
2- .بَهَرَهُ : قَهَرَه وعلاهُ وغلبه (لسان العرب : ج 4 ص 81 «بهر») .
3- .أسدى إليه : أحسنَ (القاموس المحيط : ج 4 ص 341 «سدى») .
4- .أوجسَ القلب فزعا : أحسّ به (لسان العرب : ج 6 ص 253 «وجس»)
.
5- .صَدَفَ عنّى : أعْرَضَ (الصحاح : ج 4 ص 1384 «صدف») .
6- .مُهج الدعوات : ص 154 وقال المؤلّف قدس سره فى صدره : «وكان يدعو به أمير المؤمنين والباقر والصادق عليهم السلام » ، بحار الأنوار : ج 95 ص 403 ح 34 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش ، به مانند ستایشی که تو خود ، خویشتن را با آن ستوده ای و ستایندگان ، تو را با آن ستوده اند و تمجید کنندگان ، تو را با آن ، تمجید کرده اند و بزرگْ شمارندگان ، تو را با آن ، بزرگ شمرده اند و تعظیم کنندگان ، تو را با آن ، به عظمتْ یاد کرده اند، تا آن که تو را از جانب من ، به تنهایی ، در هر نگاهی و در کمتر از آن ، [ستایشی] به اندازه ستایش همه ستایندگان باشد ، و [نیز] به اندازه توحیدگوییِ همه توحیدگویانِ مُخلص ، و تقدیسِ دوستانِ عارفت ، و ثنای تمام «لا إله إلّا اللّه »گویان ، و به آن اندازه که تو خود ، آن را می دانی و توسّط همه آفریدگانت ، از جاندار و بی جان ، با آن ، ستایش می شوی.

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! ... خردها از ثنای تو عاجزند ، و کلمات از بیان اندازه خوبی های تو ناتوان اند ، و زبان ها از بر شمردن نعمت های تو الکن اند . هر گاه خردها در راه های جستجو از نعمت های تو درآیند ، در حیرتِ ناتوانی از رسیدن به وصف تو فرو می مانند ، و از حدّ و مرزی که تو برای آنها نهاده ای ، فراتر نمی روند؛ زیرا خردها را نشاید که از آنچه تو فرمانشان داده ای ، تجاوز کنند . پس با همان قدرتی که تو به آنها داده ای ، بِدان اندازه که تو تعیین فرموده ای ، ستایشت می گویند ، و زبان ها به آنچه تو برایشان دیکته می کنی ، گشاده اند، و تمام آفریدگانت که از آنها خواسته ای تو را بندگی کنند ، در برابر تو وظیفه دارند که از ستایشت خسته نشوند ، هر چند ستایش ها از گزاردن شکر تو برای نعمت هایی که داده ای ، قاصرند . پس ، ستایشگران ، به اندازه توان خویش ، تو را ستایش می کنند و تقصیرمندان ، به بخشش تو امید می بندند و بیمناکان ، از خداوندگاریِ تو هراسان اند و طلب کنندگان ، به زاری و التماس از تو روی می آورند و نیکوکاران ، [نیکوکاریِ] خود را به فضل تو نسبت می دهند و هر کس در سایه سار امید به بخشایش تو بیارمد ، و از ترس تو خواری نماید ، و به تقصیر در سپاس گزاری از تو انحراف کند ، پس ، روی گردانیِ آن که از طاعت تو روی گردانیده و پافشاریِ آن که در معصیت تو پافشاری می کند ، مانع تو از آن نشود که نعمت ها[یت] را بر آنان سرشار سازی و بهره ها[یشان] را فراوان گردانی و خشم و عذاب ها[یت] را از آنان بگردانی و ایشان را از عواقب پشیمانی بترسانی ، و به آن که نیکی کرد ، دو چندان [پاداش] دهی ، و بر نیکوکاران واجب گردانی که در برابر توفیق نیکوکاری ات سپاس گزاری کنند ، و بر بدکار واجب سازی که مهربانی و بنده نوازی ات را سپاس گویند ، و به نیکوکارشان وعده داده ای

که بر نیکی خویش [به ایشان]بیفزایی. پس پاکی تو ، که برای چیزی پاداش می دهی که آغاز آن ، از خود توست و به تو منتسب است و نیروی انجام دادن آن را نیز خودت داده ای و نیکی کردن در آن ، از جانب توست و برای توفیق در انجام دادن آن ، به تو توکّل شده است. پس تو را ستایش ؛ ستایشِ کسی که می داند ستایش ، از آنِ توست و آغازش از تو و بازگشتش به توست ؛ ستایشی که تو را پسند افتد و خشنود سازد ؛ ستایشِ کسی که با ستایش خود ، تو را می جوید و سزاوار است که از جانب تو ، نعمتش افزون گردد ، و تو به هر یک از خلق خویش که دوستش می داری ، کمک ها می رسانی و مهر می ورزی.

.

راجع : الدروع الواقيه : ص 171 258 (أدعيه الأيّام من اليوم الأوّل إلى اليوم الثلاثين للإمام علىّ عليه السلام) .

5 / 3المَحامِدُ المَأثورَةُ عَن فاطِمَةَ الزَّهراءِفاطمه عليهاالسلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى بِنِعمَتِهِ بَلَغتُ ما بَلَغتُ مِنَ العِلمِ بِهِ وَالعَمَلِ لَهُ وَالرَّغبَهِ إلَيهِ وَالطّاعَهِ لِأَمرِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَجعَلنى جاحِدا لِشَىءٍ مِن كِتابِهِ ، ولا مُتَحَيِّرا فى شَىءٍ مِن أمرِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانى إلى دينِهِ ولَم يَجعَلنى أعبُدُ شَيئا غَيرَهُ . (1)

عنها عليهاالسلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُحصى مِدحَتَهُ القائِلونَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُحصى نَعماءَهُ العادّونَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُؤَدِّى حَقَّهُ المُجتَهِدونَ . . . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُدرِكُ العالِمونَ عِلمَهُ ، ولا يَستَخِفُّ الجاهِلونَ حِلمَهُ ، ولا يَبلُغُ المادِحونَ مِدحَتَهُ ، ولا يَصِفُ الواصِفونَ صِفَتَهُ ، ولا يُحسِنُ الخَلقُ نَعتَهُ . وَالحَمدُ للّهِ ذِى المُلكِ وَالمَلَكوتِ ، وَالعَظَمَهِ وَالجَبَروتِ ، وَالعِزِّ وَالكِبرِياءِ ، وَالجَلالِ وَالبَهاءِ ، وَالمَهابَهِ وَالجَمالِ ، وَالعِزَّهِ وَالقُدرَهِ ، وَالحَولِ وَالقُوَّهِ ، وَالمِنَّهِ وَالغَلَبَهِ ، وَالفَضلِ وَالطَّولِ ، وَالعَدلِ وَالحَقِّ ، وَالعُلى وَالرِّفعَهِ وَالمَجدِ ، وَالفَضيلَهِ وَالحِكمَهِ ، وَالغَناءِ وَالسَّعَهِ ، وَالبَسطِ وَالقَبضِ ، وَالحِلمِ وَالعِلمِ ، وَالحُجَّهِ البالِغَهِ وَالنِّعمَهِ السّابِغَهِ ، وَالثَّناءِ الحَسَنِ الجَميلِ وَالآلاءِ الكَريمَهِ ، مَلِكِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ وَالجَنَّهِ وَالنّارِ وما فيهِنَّ تَبارَكَ وتَعالى . الحَمدُ للّهِ الَّذى عَلِمَ أسرارَ الغُيوبِ ، وَاطَّلَعَ على ما تُجِنُّ (2) القُلوبُ ، فَلَيسَ عَنهُ مَذهَبٌ ولا مَهرَبٌ . الحَمدُ للّهِ المُتَكَبِّرِ فى سُلطانِهِ ، العَزيزِ فى مَكانِهِ ، المُتَجَبِّرِ فى مُلكِهِ ، القَوِىِّ فى بَطشِهِ ، الرَّفيعِ فَوقَ عَرشِهِ ، المُطَّلِعِ عَلى خَلقِهِ ، وَالبالِغِ لِما أرادَ مِن عِلمِهِ . الحَمدُ للّهِ الَّذى بِكَلِماتِهِ قامَتِ السَّماواتُ الشِّدادُ ، وثَبَتَتِ الأَرَضونَ المِهادُ ، وَانتَصَبَتِ الجِبالُ الرَّواسِى الأَوتادُ ، وجَرَتِ الرِّياحُ اللَّواقِحُ ، وسارَ فى جَوِّ السَّماءِ السَّحابُ ، ووَقَفَت عَلى حُدودِهَا البِحارُ ، ووَجِلَتِ القُلوبُ مِن مَخافَتِهِ ، وَانقَمَعَتِ الأَربابُ لِرُبوبِيَّتِهِ . تَبارَكتَ يا مُحصِىَ قَطرِ المَطَرِ ووَرَقِ الشَّجَرِ ، ومُحيِىَ أجسادِ المَوتى لِلحَشرِ . (3)

.

1- .فلاح السائل : ص 312 ح 212 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 66 ح 4 .
2- .أجَنَّهُ : سَتَرَه (القاموس المحيط : ج 4 ص 210 «جنن») .

3- .فلاح السائل : ص 420 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 102 ح 8 .

ر . ک : الدُّروع الواقیه : ص 171 258 (أدعیه الأیام من الیوم الأوّل إلی الیوم الثلاثین ، للإمام علی علیه السلام) .

5 / 3ستایش های رسیده از فاطمه زهرا علیهاالسلامفاطمه علیهاالسلام :ستایش ، خدایی را که با نعمت [و لطفِ] خود او بود که این شناخت او و عمل برای او و شوق به او و اطاعت فرمان او رسیدم. ستایش ، خدایی را که مرا منکر چیزی از کتابش ، و سرگشته و دو دل در چیزی از فرمانش قرار نداد . ستایش ، خدایی را که مرا به دینش هدایت فرمود و کاری نکرد که چیزی جز او را بپرستم.

فاطمه علیهاالسلام :ستایش ، خدایی را که گویندگان ، از پسِ ستایش او بر نیایند . ستایش ، خدایی را که شمارندگان ، توانِ شمردن نعمت های او را ندارند . ستایش ، خدایی را که کوشندگان [در طَاعت و عبادت] ، حقّ او را ادا نتوانند کرد ... . ستایش ، خدایی را که دانایانْ دانش او را درنیابند ، نادانانْ بردباری [و حوصله]او را به سر نیارند ، ستایشگران به ستایش او نرسند ، وصف کنندگانْ ویژگی اش را توصیف نکنند ، و خلایق از عهده نعت او ، به خوبی بر نیایند. ستایش ، خدایی را که صاحب مُلک و ملکوت است و صاحب عظمت و قدرت ، ارجمندی و کبریا ، شکوه و تابندگی ، هیبت و زیبایی ، عزّت و قدرت ، نیرو و توان ، نعمت و چیرگی ، بخشش و دهش ، داد و حق ، والایی و بلندی و بزرگی ، فضیلت و حکمت ، بی نیازی و وسعت ، گستراندن و جمع کردن ، بردباری و دانایی ، حجّت رسا و نعمت سرشار ، ثنای زیبا و نیکو ، و احسان های کریمانه ؛ همو که بر دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ و هر چه در آنها باشد ، فرمان رواست ؛ همو که خجسته و والاست. ستایش ، خدایی را که اسرار غیب ها را می داند و از هر آنچه در دل ها نهان باشد ، آگاه است . پس ، راهی و گریزگاهی [برای فرار] از او نیست. ستایش ، خدایی را که در سلطنتش بزرگ است ، در جایگاهش عزّتمند ، در پادشاهی اش قدرتمند و در حمله اش نیرومند؛ بر فراز عرشش جای دارد ، بر آفریدگانش مُشرِف و آگاه است و به آنچه از علم خود که بخواهد ، می رسد. ستایش ، خدایی را که با کلمات او ، آسمان های سخت بر پا شدند ، زمین های صاف بر جا گشتند ، کوه های استوار و میخکوب شده [در زمین ،] برافراشته شدند ، بادهای بارورسازنده [ی

گیاهان ،] روان شدند ، ابرها در فضای آسمان به حرکت درآمدند و دریاها در کرانه هایشان ایستادند ؛ او که دل ها از ترسش تپان و هراسان شد و خداوندان در برابر پروردگاری اش مقهور شدند. خجسته ای تو ، ای شمارنده قطرات باران و برگ های درختان ! و ای زنده کننده بدن های مردگان در رستاخیز!

.

عنها عليهاالسلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يَنسى مَن ذَكَرَهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُخَيِّبُ من دَعاهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى مَن تَوَكَّلَ عَلَيهِ كَفاهُ ، الحَمدُ للّهِ سامِكِ (1) السَّماءِ ، وساطِحِ الأَرضِ ، وحاصِرِ البِحارِ ، وناضِدِ الجِبالِ ، وبارِئِ الحَيَوانِ ، وخالِقِ الشَّجَرِ ، وفَاتِحِ يَنابيعِ الأَرضِ ، ومُدَبِّرِ الاُمورِ ، ومُسَيِّرِ السَّحابِ ، ومُجرِى الرِّيحِ وَالماءِ وَالنّارِ مِن أغوارِ (2) الأَرضِ مُتَصاعِداتٍ فِى الهَواءِ ، ومُهبِطِ الحَرِّ وَالبَردِ ، الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ ، وبِشُكرِهِ نَستَوجِبُ الزِّياداتِ ، وبِأَمرِهِ قامَتِ السَّماواتُ ، وبِعِزَّتِهِ استَقَرَّتِ الرّاسِياتُ (3) ، وسَبَّحَتِ الوُحوشُ فِى الفَلَواتِ (4) ، وَالطَّيرُ فِى الوُكُناتِ . (5) الحَمدُ للّهِ رَفيعِ الدَّرَجاتِ ، مُنزِلِ الآياتِ ، واسِعِ البَرَكاتِ ، ساتِرِ العَوراتِ ، قابِلِ الحَسَناتِ ، مُقيلِ العَثَراتِ ، مُنَفِّسِ الكُرُباتِ ، مُنزِلِ البَرَكاتِ ، مُجيبِ الدَّعَواتِ ، مُحيِى الأَمواتِ ، إلهِ مَن فِى الأَرضِ وَالسَّماواتِ . الحَمدُ للّهِ عَلى كُلِّ حَمدٍ وذِكرٍ وشُكرٍ وصَبرٍ ، وصَلاهٍ وزَكاهٍ وقِيامٍ وعِبادَهٍ ، وسَعادَهٍ وبَرَكَهٍ وزِيادَهٍ ، ورَحمَهٍ ونِعمَهٍ وكَرامَهٍ وفَريضَهٍ ، وسَرّاءٍ وضَرّاءٍ وشِدَّهٍ ورَخاءٍ ، ومُصيبَهٍ وبَلاءٍ ، وعُسرٍ ويُسرٍ وغَناءٍ وفَقرٍ ، وعَلى كُلِّ حالٍ وفى كُلِّ أوانٍ وزَمانٍ ، وكُلِّ مَثوىً ومُنقَلَبٍ ومُقامٍ . (6)

.

1- .سَمَكَ الشىء يسمُكه : إذا رفعه. والسامک : العالى المرتفع (النهايه : ج 2 ص 403 «سمک») .
2- .الغَوْر : القَعْر من كلّ شىء (القاموس المحيط : ج 2 ص 105 «غور») .
3- .رسا الجبلُ يرسو : إذا ثبت أصله فى الأرض. وجبال رواسٍ وراسيات (تاج العروس : ج 19 ص 461 «رسا») .
4- .الفلاه : القفرُ من الأرض ، وقيل : هى التى لا ماءَ فيها (لسان العرب : ج 15 ص 164 «فلا») .
5- .الوُكنات : جمع وُكْنه ؛ وهى عشّ الطائر (النهايه : ج 5 ص 222 «وكن») .
6- .فلاح السائل : ص 440 ح 303 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 115 ح 2 .

فاطمه علیهاالسلام :ستایش ، خدایی را که فراموش نمی کند آن کس را که یاد او کند . ستایش ، خدایی را که ناکام نمی گرداند آن کس را که بخواندش . ستایش ، خدایی را که هر کس به او توکّل کرد ، او کفایتش نمود . ستایش ، از آنِ خداست ؛ برافرازنده آسمان و گستراننده زمین ، محاصره کننده دریاها و در کنار هم چیننده کوه ها ، پدید آورنده جانداران و آفریننده درختان ، گشاینده چشمه های زمین و گرداننده کارها ، حرکت دهنده ابرها و جاری کننده باد و آب و آتش از اعماق زمین که در هوا بالا روند ، و فرود آورنده گرما و سرما ؛ همان خدایی که با نعمت [و لطف]اوست که کارهای نیک انجام می پذیرد و با سپاس گزاری از اوست که سزاوار افزایش نعمتش می شویم ، به فرمان او آسمان ها برپاست و با عزّت اوست که کوه های استوار پابرجایند ، و جانوران وحشی در بیابان ها و پرندگان در آشیانه هایشان ، تسبیح می گویند . ستایش ، خدای را که بالا برنده درجات است ، فرو فرستنده آیات است ، گستراننده برکات است ، پوشاننده عیب هاست ، پذیرنده خوبی هاست ، گذشت کننده از لغزش هاست ، زداینده اندوه هاست ، فرو فرستنده برکت هاست ، اجابت کننده دعاهاست ، زنده کننده مردگان است ، معبود همه زمینیان و آسمانیان است. سپاس و ستایش ، خدای را بابتِ هر ستایشی و یادی و سپاسی و شکیبی ، و هر نمازی و زکاتی و برخاستنی و عبادتی ، و هر سعادتی و برکتی و افزایشی ، و هر رحمتی و نعمتی و کرامتی و وظیفه ای ، و هر خوشی و ناخوشی و سختی و آسایشی ، و هر مصیبت و بلا و دشوار و آسانی ای ، و هر بی نیازی و نیازی ، و بر هر حالی و در هر لحظه ای و زمانی ، و در هر جایی و هر بازگشتگاهی و ماندگاهی .

.

عنها عليهاالسلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَجعَلنى كافِرا لِأَنعُمِهِ ولا جاحِدا لِفَضلِهِ ، فَالخَيرُ مِنهُ وهُوَ أهلُهُ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى حُجَّتِهِ البالِغَهِ عَلى جَميعِ مَن خَلَقَ مِمَّن أطاعَهُ ومِمَّن عَصاهُ ، فَإِن رَحِمَ فَمِن مَنِّهِ ، وإن عاقَبَ فَبِما قَدَّمَت أيديهِم ، ومَا اللّهُ بِظَلّامٍ لِلعَبيدِ . وَالحَمدُ للّهِ العَلِىِّ المَكانِ ، الرَّفيعِ البُنيانِ ، الشَّديدِ الأَركانِ ، العَزيزِ السُّلطانِ ، العَظيمِ الشَّأنِ ، الواضِحِ البُرهانِ ، الرَّحيمِ الرَّحمنِ ، المُنعِمِ المَنّانِ . الحَمدُ للّهِ الَّذِى احتَجَبَ عَن كُلِّ مَخلوقٍ يَراهُ بِحَقيقَهِ الرُّبوبِيَّهِ وقُدرَهِ الوَحدانِيَّهِ ، فَلَم تُدرِكهُ الأبصارُ ، ولَم تُحِط بِهِ الأخبارُ ، ولَم يَقِسهُ مِقدارٌ ، ولَم يَتَوَهَّمهُ اعتِبارٌ؛ لِأَنَّهُ المَلِكُ الجَبّارُ . . . . اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ مِل ءَ السَّماواتِ السَّبعِ ومِل ءَ طِباقِهِنَّ ، ومِل ءَ الأَرَضينَ (1) السَّبعِ ، ومِل ءَ ما بَينَهُما ، ومِل ءَ عَرشِ رَبِّنَا الكَريمِ ، وميزانَ رَبِّنَا الغَفّارِ ، ومِدادَ كَلِماتِ رَبِّنَا القَهّارِ ، ومِل ءَ الجَنَّهِ ومِل ءَ النّارِ ، وعَدَدَ الثَّرى وَالماءِ ، وعَدَدَ ما يُرى وما لا يُرى . (2)

.

1- .فى المصدر : «الأرض» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .فلاح السائل : ص 358 ح 241 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 85 ح 11 .

فاطمه علیهاالسلام :ستایش ، خدای را که مرا ناسپاس در برابر نعمت هایش و منکر لطف و احسانش قرار نداد . پس خوبی ، از اوست و او اهل [و صاحب] آن است . ستایش ، خدای را از بهر حجّت رسایش بر همه آفریدگانش ؛ از فرمان بردار و نافرمان . پس اگر رحم آورَد ، از لطف اوست و اگر کیفر دهد ، بر اثر کردار خود آنان است ، و خداوند هرگز به بندگان ستم روا ندارد. ستایش ، خدای را که جایگاهش بلند است و بنیانش افراشته ، ارکانش استوار ، سلطنتش چیره ناشدنی ، مقامش بزرگ ، و برهانش روشن . مهربان است و مهرگستر ، نعمت ده است و بنده پرور . ستایش ، خدایی را که خود را از [دید] هر مخلوقی ، در پرده داشته است که او را [تنها] به حقیقتِ پروردگاری و قدرت یگانگی ببیند . پس آفریدگان ، او را در نمی یابند و خبرها بر او احاطه ندارند [و چنانی که باید و شاید ، معرّفی اش نتوانند کرد] ، و به اندازه نیاید و در وهم نگنجد ؛ زیرا اوست پادشاه قدرتمند ... . بار خدایا! تو را ستایش ، به گنجاییِ آسمان های هفتگانه و به گنجایی طبقات آنها ، و به گنجایی زمین های هفتگانه و ما بین آنها ، و به گنجایی عرش پروردگار بزرگوار ما و ترازوی پروردگار آمرزنده ما و گستره کلمات پروردگار همیشه چیره ما ، و به گنجایی بهشت و به گنجایی دوزخ ، و به عدد خاک و آب ، و به شمار هر آنچه دیده می شود و هر آنچه دیده نمی شود.

.

5 / 4المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ المُجتَبيالإمام الحسن عليه السلام :الحَمدُ للّهِ بِكُلِّ ما حَمِدَهُ حامِدٌ ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ كُلَّما شَهِدَ لَهُ شاهِدٌ . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذي مَن تَكَلَّمَ سَمِعَ كَلامَهُ ، ومَن سَكَتَ عَلِمَ ما فى نَفسِهِ ، ومَن عاشَ فَعَلَيهِ رِزقُهُ ، ومَن ماتَ فَإِلَيهِ مَعادُهُ . (2)

عنه عليه السلام مِن كَلامٍ لَهُ فى مَجلِسِ مُعاوِيَةَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدى أوَّلَكُم بِأَوَّلِنا ، وآخِرَكُم بِآخِرِنا ، وصَلَّى اللّهُ عَلى جَدّى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وآلِهِ وسَلَّمَ . (3)

.

1- .الإرشاد : ج 2 ص 11 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 165 كلاهما عن أبى إسحاق السبيعى وغيره ، بحار الأنوار : ج 44 ص 46 ح 5 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 40 .
2- .العُدد القويّه : ص 38 ح 48 ، الإقبال : ج 2 ص 164 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، نزهه الناظر : ص 73 ح 17 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 198 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 114 ح 8 .
3- .الاحتجاج : ج 2 ص 23 عن الشعبى وأبى مخنف ويزيد بن أبى حبيب المصرى ، بحار الأنوار : ج 44 ص 73 ح 1 .

5 / 4ستایش های رسیده از امام حسن مجتبی علیه السلامامام حسن علیه السلام :ستایش ، خدای را با همه آنچه هر ستایشگریْ او را ستوده باشد ، و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ؛ تا هر آن گاه که هر گواهی دهنده ای گواهی دهد.

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدایی را که هر کس سخن بگوید ، او سخنش را می شنود و هر کس خاموش بماند ، او می داند که در درون او چه می گذرد و هر کس زندگی کند ، روزی اش بر عهده اوست و هر کس بمیرد ، بازگشتش به سوی اوست.

امام حسن علیه السلام در سخنانی نزد معاویه : ستایش ، خدای را که اوّلین کسانِ شما (بنی امیّه) را به وسیله اوّلین کسانِ ما هدایت فرمود و آخرین کسانتان را به وسیله آخرین کسان ما . و درود خدا و سلام او ، بر جدّم محمّد و خاندانش باد.

.

عنه علیه السلام أیضا : الحَمدُ للّهِ الَّذی هَدی بِنا أوَّلَکُم ، وحَقَنَ (1) بِنا دِماءَکُم . (2)

عنه علیه السلام من خُطبَهٍ لَهُ بَعدَ الصُّلحِ : الحَمدُ للّهِ الَّذی تَوَحَّدَ فی مُلکِهِ ، وتَفَرَّدَ فی رُبوبِیَّتِهِ ، یُؤتِی المُلکَ مَن یَشاءُ ویَنزِعُهُ عَمَّن یَشاءُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أکرَمَ بِنا مُؤمِنَکُم ، وأخرَجَ مِنَ الشِّرکِ أوَّلَکُم ، وحَقَنَ دِماءَ آخِرِکُم . (3)

عنه علیه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ عِندَ مَلِکِ الرُّومِ : الحَمدُ للّهِ الَّذی لَم یَجعَلنی یَهودِیّا ولا نَصرانِیّا ولا مَجوسِیّا ، ولا عابِدا لِلشَّمسِ وَالقَمَرِ ، ولَا الصَّنَمِ وَالبَقَرِ ، وجَعَلَنی حَنیفا (4) مُسلِما ولَم یَجعَلنی مِنَ المُشرِکینَ ، تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . (5)

عنه علیه السلام فی خُطبَتِهِ بَعدَ وَفاهِ أبیهِ علیه السلام : الحَمدُ للّهِ الَّذی کانَ فی أوَّلِیَّتِهِ وَحدانِیّا ، وفی أزَلِیَّتِهِ مُتَعَظِّما بِالإلهِیَّهِ ، مُتَکَبِّرا بِکِبرِیائِهِ وجَبَروتِهِ ، خَلَقَ جَمیعَ ما خَلَقَ عَلی غَیرِ مِثالٍ کانَ سَبَقَ مِمّا خَلَقَ ، رَبُّنَا اللَّطیفُ بِلُطفِ رُبوبِیَّتِهِ ، وبِعِلمِ خَبَرِهِ (6) فَتَقَ ، وبِاحکامِ قُدرَتِهِ خَلَقَ جَمیعَ ما خَلَقَ ، ولا زَوالَ لِمُلکِهِ ولَا انقِطاعَ لِمُدَّتِهِ ، فَوقَ کُلِّ شَیءٍ عَلا، ومِن کُلِّ شَیءٍ دَنا ، فَتَجَلّی لِخَلقِهِ مِن غَیرِ أن یَکونَ یُری ، وهُوَ بِالمَنظَرِ الأعلی . اِحتَجَبَ بِنورِهِ ، وسَما فی عُلُوِّهِ ، وَاستَتَرَ عَن خَلقِهِ ، وبَعَثَ إلَیهِم شَهیدا عَلَیهِم ، وأبعَثَ (ابتَعَثَ) فیهِمُ النَّبِیّینَ مُبَشِّرینَ ومُنذِرینَ ، لِیَهلِکَ مَن هَلَکَ عَن بَیِّنَهٍ ویَحیا مَن حَیَّ عَن بَیِّنَهٍ ، ولِیَعقِلَ العِبادُ عَن رَبِّهِم ما جَهِلوهُ فَیَعرِفوهُ بِرُبوبِیَّتِهِ بَعدَما أنکَروهُ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أحسَنَ الخِلافَهَ عَلَینا أهلَ البَیتِ ، وعِندَ اللّهِ نَحتَسِبُ عَزاءَنا فی خَیرِ الآباءِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وعِندَ اللّهِ نَحتَسِبُ عَزاءَنا فی أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام . (7)

.

1- .حَقَنَ : مَنَعه أن یُسفک (الصحاح : ج 5 ص 2103 «حقن») .
2- .ذخائر العقبی : ص 241 .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 28 عن أبی الحسن المدائنی ؛ بحار الأنوار : ج 44 ص 42 .
4- .حنفَ عن الشیء وتحنّفَ : مالَ . والحنیف : المسلم الذی یتحنّفُ عن الأدیان ؛ أی یمیل إلی الحقّ (لسان العرب : ج 9 ص 57 «حنف») .

5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 269 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 132 ح 2 وج 33 ص 234 ح 517 .
6- .فى المصدر : «يعلم خيره» ، وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
7- .كفايه الأثر : ص 160 عن هشام بن محمّد عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 43 ص 363 ح 6 .

امام حسن علیه السلام درسخنانی نزد معاویه : ستایش ، خدای را که پیشینیانِ شما را به وسیله ما هدایت کرد ، و به واسطه ما ، خون های شما را [از ریخته شدن] حفظ کرد .

امام حسن علیه السلام در خطبه ای که بعد از قرارداد صلح ایراد فرمود :ستایش ، خدایی را که در فرمان روایی اش یگانه است و در پروردگاری اش تک و یکتاست . فرمان روایی را به هر که خواهد ، دهد و آن را از هر که خواهد ، ستاند . ستایش ، خدایی را که به واسطه ما [اهل بیت] ، مؤمن شما را گرامی داشت و پیشینیانتان را از شرک بیرون آورد و خونِ آخرین کسانِ شما را حفظ کرد.

امام حسن علیه السلام در خطبه ای نزد پادشاه روم : ستایش ، خدایی را که مرا یهودی و نصرانی و مجوس و یا پرستنده مهر و ماه و یا بت و گاو قرار نداد ؛ بلکه یکتاپرستی مسلمان قرارم داد و در زمره مشرکانم ننهاد ؛ خجسته خدایی که پروردگارِ اورنگ بزرگ است . ستایش ، خدایی را که پروردگار جهانیان است.

امام حسن علیه السلام در خطبه پس از وفات پدرش علیه السلام : ستایش ، خدایی را که در همان آغازش یگانه بود و در همان ازل ، به الوهیت نازان و به بزرگی و اقتدارش بالان . همه آنچه را آفرید ، بدون داشتن نمونه ای پیشین آفرید . پروردگار مهربان ما ، از سرِ مهر پروردگاری اش و با دانش بسیارش [موجودات را] پدید آورد ، و با توانایی استوارش همه مخلوقات را خلق کرد . پادشاهی اش هرگز زوال نگیرد و عمرش به سر نیاید . بالاتر از هر چیزی است و به هر چیزی نزدیک است . پس بر آفریدگان خویش آشکار است ؛ بی آن که دیده شود ، و در تماشاگهِ برین است. به واسطه نور خود ، در حجاب است و در بلندْ مرتبگی ، در اوج است . از آفریدگانش در پرده است و به سوی ایشان [رسول] فرستاد تا گواه بر آنان باشد و در میانشان پیامبران را بر انگیخت که ایشان را نوید و بیم دهند تا هر که نابود شد ، به حجّت نابود شود و هر که زنده مانْد ، به حجّت زنده مانَد ، و برای این که بندگان آنچه را در باره پروردگارشان نمی دانند ، بفهمند و او را به پروردگاری اش که پیش تر مُنکِرش بودند بشناسند. ستایش ، خدایی را که خلافت را زیبنده ما خاندان قرار داد . به

سوگْ نشینیِ خود را در مرگ بهترینِ پدران ، پیامبر خدا ، و سوگواریِ خویش را در از دست دادن امیر مؤمنان ، در راه خدا به شمار می آوریم.

.

التوحيد عن محمّد بن أحمد بن يحيى عن بعض أصحابنا رفعه ، قال :جاءَ رَجُلٌ إلَى الحَسَنِ بن عَلِيٍّ عليه السلام فَقالَ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ صِف لى رَبَّکَ حَتّى كَأنّى أنظُرُ إلَيهِ ! فَأطرَقَ الحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ عليه السلام مَلِيّا ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَكُن لَهُ أوَّلٌ مَعلومٌ ، ولا آخِرٌ مُتَناهٍ ، ولا قَبلٌ مُدرَكٌ ، ولا بَعدٌ مَحدودٌ ، ولا أمَدٌ بِحَتّى ، ولا شَخصٌ فَيَتَجَزَّأ ، ولَا اختِلافُ صِفَهٍ فَيَتَناهى ، فَلا تُدرِكُ العُقولُ وأوهامُها ولَا الفِكَرُ وخَطَراتُها ولَا الأَلبابُ وأذهانُها صِفَتَهُ فَتَقولَ : مَتى ، ولا بُدِئَ مِمّا ، ولا ظاهِرٌ عَلى ما ، ولا باطِنٌ فيما ، ولا تارِكٌ فَهَلّا (1) ، خَلَقَ الخَلقَ فَكانَ بَديئا بَديعا ، اِبتَدَأ مَا ابتَدَعَ وَابتَدَعَ مَا ابتَدَأ ، وفَعَلَ ما أرادَ وأرادَ مَا استَزادَ ، ذلِكُمُ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام :الحَمدُ للّهِ العَزيزِ الجَبّارِ ، الواحِدِ القَهّارِ ، الكَبيرِ المُتَعالِ «سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَ مَن جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِالَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ» (3) ، أحمَدُهُ عَلى حُسنِ البَلاءِ ، وتَظاهُرِ النَّعماءِ ، وعَلى ما أحبَبنا وكَرِهنا مِن شِدَّهٍ ورَخاءٍ . وأشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اِمتَنَّ عَلَينا بِنُبُوَّتِهِ ، وَاختَصَّهُ بِرِسالَتِهِ ، وأنزَلَ عَلَيهِ وَحيَهُ ، وَاصطَفاهُ عَلى جَميعِ خَلقِهِ ، وأرسَلَهُ إلَى الإنسِ وَالجِنِّ ، حينَ عُبِدَتِ الأَوثانُ وأُطيعَ الشَّيطانُ وجُحِدَ الرَّحمنُ ، فَصَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ وجَزاهُ أفضَلَ ما جَزَى المُرسَلينَ . (4)

.

1- .أى لو كانت العقول تبلغ صفته لكان كسائر الممكنات ؛ فكان يصحّ أن يقال ... لشىءٍ تركَ : هلّا فعلَ ! تحضيضا وتحريضا على الفعل ، أو توبيخا على تركه (بحار الأنوار : ج 4 ص 289 و 290) .
2- .التوحيد : ص 45 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 289 ح 20 .
3- .الرعد : 10 .
4- .شرح نهج البلاغه : ج 14 ص 12 عن تميم بن حذيم الناجى ؛ بحار الأنوار : ج 32 ص 88 ح 58 .

التوحید به نقل از محمّد بن احمد بن یحیی ، از یکی از یارانمان که سند خود را نگفته : مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! پروردگارت را آن گونه برایم وصف کن که گویی او را می بینم ! امام حسن علیه السلام مدّتی دراز ، سرش را پایین انداخت و سپس سربلند کرد و گفت : «ستایش ، خدایی را که آغاز شناخته شده ای ندارد و انجامش را پایانی نباشد . نه قبلی برایش ادراک می شود ، و نه بعدی تعیین می گردد ، و نه عمری که گفته شود تا کی هست؟ و نه جسمی که دارای اجزا باشد ، و نه صفات گوناگون که در نتیجه ، متناهی باشد . پس نه خردها و گمانه های خرد و نه اندیشه ها و خطورات اندیشه و نه مغزها و ادراکات آنها ، چگونگیِ او را در نیابند تا بگویند : از کی بوده ، از چه پدیده آمده ، در چه آشکار است ، در درون چه نهان است ، و چرا چنین و چنان نکرد. (1) مخلوقات را آفرید و در این آفریدن ، آغازگر و ابداع کننده بود . آنچه را ابداع کرد ، از هیچ آغازید و آنچه را از هیچ آغازید ، ابداع کرد [و بدون الگو و نمونه قبلی آفرید] . هر چه را اراده کرد ، انجام داد و هر چه را بر آفرینش افزود،به محض اراده پدید آورد. این است خداوند، پروردگار جهانیان».

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدای را که با عزّت است و قدرتمند ، یگانه است و چیره ، بزرگ است و والا . «[نزد او]یکسان است کسی از شما که سخن به راز گوید و کسی که آشکارش کند ، و کسی که به شب نهان باشد یا در روز ، روان» . او را بر خوش نواختنش و پیاپی بودنِ نعمت هایش و بر هر سخنی و آسایشی که دوست داریم و نا خوش می داریم ، می ستایم. و گواهی می دهم به این که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ، و به این که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . با پیامبر نمودنِ او ، بر ما منّت نهاد و پیام رسانیِ خود را به او اختصاص داد . وحی خویش را بر او فرو فرستاد و او را بر همه آفریدگانش برگزید . او را هنگامی به سوی انس و جن فرستاد ، که بت ها پرستش می شدند و شیطان اطاعت می شد و خدای مهربان انکار می شد . پس درود خدا ، بر او و خاندانش باد و برترین پاداشی را که به پیامبران داده است ، عطایش کناد !

.

1- .یعنی : اگر خردها به وصف و چگونگی او می رسیدند ، آن گاه ، خداوند نیز همانند دیگر ممکنات بود و در نتیجه ، درست بود که اگر کاری را ترک کرده باشد ، برای تشویق به انجام دادن کار و یا سرزنش به جهت ترک کاری ، گفته شود : چرا ترک کرد؟

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الغالِبِ عَلى أمرِهِ ، لَو أجمَعَ الخَلقُ جَميعا عَلى ألّا يَكونَ ما هُوَ كائِنٌ مَا استَطاعوا . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ المُستَحمِدِ بِالآلاءِ وتَتابُعِ النَّعماءِ ، وصارِفِ الشَّدائِدِ وَالبَلاءِ عِندَ الفُهَماءِ وغَيرِ الفُهَماءِ ، المُذعِنينَ مِن عِبادِهِ لِامتِناعِهِ بِجَلالِهِ وكِبرِيائِهِ وعُلُوِّهِ عَن لُحوقِ الأَوهامِ بِبَقائِهِ ، المُرتَفِعِ عَن كُنهِ (2) ظِنانَهِ (3) المَخلوقينَ مِن أن تُحيطَ بِمَكنونِ غَيبِهِ رَوِيّاتُ (4) عُقولِ الرّائينَ . (5)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الواحِدِ بِغَيرِ تَشبيهٍ ، الدّائِمِ بِغَيرِ تَكوينٍ ، القائِمِ بِغَيرِ كُلفَهٍ (6) ، الخالِقِ بِغَيرِ مَنصَبَهٍ ، المَوصوفِ بِغَيرِ غايَهٍ ، المَعروفِ بِغَيرِ مَحدودِيَّهٍ ، العَزيزِ لَم يَزَل قَديما فِى القِدَمِ ، رُدِعَتِ القُلوبُ لِهَيبَتِهِ ، وذَهَلَتِ (7) العُقولُ لِعِزَّتِهِ ، وخَضَعَتِ الرِّقابُ لِقُدرَتِهِ ، فَلَيسَ يَخطُرُ عَلى قَلبِ بَشَرٍ مَبلَغُ جَبَروتِهِ ، ولا يَبلُغُ النّاسُ كُنهَ جَلالِهِ ، ولا يُفصِحُ الواصِفونَ مِنهُم لِكُنهِ عَظَمَتِهِ . . ولا تَبلُغُهُ العُلَماءُ بِأَلبابِها ، ولا أهلُ التَّفَكُّرِ بِتَدبيرِ أُمورِها ، أعلَمُ خَلقِهِ بِهِ الَّذى بِالحَدِّ لا يَصِفُهُ ، يُدرِكُ الأَبصارَ ولا تُدرِكُهُ الأَبصارُ ، وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ . (8)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 16 عن المدائنى .
2- .كُنه الشىء : نهايته (الصحاح : ج 6 ص 2247 «كنه») .
3- .فى بحار الأنوار : «طيّات» بدل «ظنانه» .
4- .الرَّوِيّه : التفكّر فى الأمر . وروّيت فى الأمر ترويةً : نظرت وفكّرت بتأنٍّ (تاج العروس : ج 19 ص 481 «روى») .
5- .الأمالى للطوسى : ص 561 ح 1174 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 139 ح 5 .
6- .الكُلفه : المشقّه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1587 «كلف») .
7- .ذهلتُ عن الشىء : نسيتُه وغفلت عنه ، وأذهلنى عنه كذا (الصحاح : ج 4 ص 1702 «ذهل») .
8- .تفسير فرات : ص 79 ح 55 عن أبى جعفر الحسنى والحسن بن حباش معنعنا عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 351 ح 24 .

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدای را که بر کار خویش چیره است [و آنچه او خواهد ، همان شود] . اگر همه خلق همداستان شوند بر این که آنچه شدنی است نشود ، نمی توانند [کاری از پیش برند] .

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدایی را که خواستارِ ستایش شدن در برابر نیکی ها و نعمت های پیاپی است . برطرف کننده سختی ها و بلا در نزد فهمیدگان و غیر فهمیدگان است . بندگانش اذعان می کنند که به او دست نتوان یافت ، به سبب شکوهناکی و سترگی اش و برتر بودنش از این که وهم ها به وجود او برسند . بالاتر از آن است که مخلوقات با عمق گمان و اندیشه هایشان ، به او دست یابند و یا اندیشه ورزی های خردهای خردمندان ، بر غیب ناپیدای او احاطه یابد .

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدای را که یگانه است و بی مانند ، پاینده است و ناآفریده ، برپاست بی سختی ، آفریننده است بی زحمت ، به بی پایانیْ موصوف است ، و به نامحدودیْ شناخته ؛ عزّتمندی که در دیرینگی ، دیرین بوده است . دل ها از هیبتش رنگ ببازند ، خردها از عزّتش پریشان شوند ، و گردن ها در برابر قدرتش فرود آیند . اندازه اقتدار او ، به دل هیچ بشری خطور نکند ، و مردمان به ژرفای شکوه او نرسند ، و وصفْ کنندگانشان کنه عظمت او را بیان نتوانند کرد ... . نه دانشمندان با مغزهای خود به او می رسند و نه اندیشمندان ، به تدبیر امورش . داناترینِ خلق او به او ، کسی است که به محدودیت وصفش نکند (همین اندازه می داند که او نامحدود است) . او دیدگان را درمی یابد ؛ ولی دیدگان ، او را در نمی یابند و او لطیف و آگاه است.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ لا إلهَ غَيرُهُ ، وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأُثنى عَلَيهِ بِما هُوَ أهلُهُ . . . إنَّ مِمّا عَظَّمَ اللّهُ عَلَيکُم مِن حَقِّهِ ، وأسبَغَ عَلَيکُم مِن نِعَمِهِ ما لا يُحصى ذِکرُهُ ، ولا يُؤَدّى شُکرُهُ ، ولا يَبلُغُهُ صِفَهٌ ولا قَولٌ . (1)

5 / 5المَحامِدُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الشُّهَداءِالإرشاد عن حميد بن مسلم :جَمَعَ الحُسَينُ عليه السلام أصحابَهُ عِندَ قُربِ المَساءِ . قالَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ زَينُ العابِدينَ عليه السلام : فَدَنَوتُ مِنهُ لِأَسمَعَ ما يَقولُ لَهُم وأنَا إذ ذاکَ مَريضٌ ، فَسَمِعتُ أبى يَقولُ لِأَصحابِهِ : اُثنى عَلَى اللّهِ أحسَنَ الثَّناءِ ، وأحمَدُهُ عَلَى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ ، اللّهُمّ إنّى أحمَدُکَ عَلى أن أکرَمتَنا بِالنُّبُوَّهِ ، وعَلَّمتَنَا القُرآنَ ، وفَقَّهتَنا فِى الدّينِ ، وجَعَلتَ لَنا أسماعا وأبصارا وأفئِدَهً ، فَاجعَلنا مِنَ الشّاکِرينَ . (2)

.

1- .وقعه صفّين : ص 113 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 405 ح 369 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 185 وليس فيه «واُثنى عليه بما هو أهله» .
2- .الإرشاد : ج 2 ص 91 ، إعلام الورى : ج 1 ص 455 وليس فيه «وجعلت لنا أسماعا ...» ، روضه الواعظين : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 392 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 418 عن عبد اللّه بن شريک العامرى عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «ولم تجعلنا من المشرکين» بدل «فاجعلنا من الشاکرين» .

5 / 5 ستایش های رسیده از امام حسین علیه السلام

امام حسن علیه السلام :ستایش ، خدایی را که معبودی جز او نیست ؛ یگانه است و بی انباز ، و او را چنان که سزای اوست ، ثنا گویم .. . حقّ خداوند بر شما که بزرگش داشته ، و نعمت های بی شماری که به شما داده ، چنان اند که ذکر آنها به شماره نیاید و سپاسش گزارده نشود و به هیچ وصفی و گفتاری درنگنجد.

5 / 5ستایش های رسیده از امام حسین علیه السلامالارشاد به نقل از حمید بن مسلم : امام حسین علیه السلام نزدیک غروب ، یارانش را جمع کرد . امام زین العابدین علیه السلام فرمود : من نزدیک وی شدم تا بشنوم که به ایشان چه می گوید . من در آن هنگام بیمار بودم . شنیدم که پدرم به یارانش می فرماید : «خدای را به زیباترین ثنا می ستایم و او را بر خوشی و ناخوشی ، سپاس و ستایش می گویم . بارخدایا ! تو را می ستایم که ما [خاندان] را به نبوّت گرامی داشتی ، قرآن را به ما آموختی و در دین ، دانایمان ساختی و برایمان گوش و چشم و دل قرار دادی [تا حقیقت را بشنویم و ببینیم و بپذیریم] . پس ما را از سپاس گزاران قرار بده...» .

.

الإمام الحسين عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى لَيسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ ، ولا لِعَطائِهِ مانِعٌ ، ولا كَصُنعِهِ صُنعُ صانِعٍ ، وهُوَ الجَوادُ الواسِعُ ، فَطَرَ أجناسَ البَدائِعِ ، وأتقَنَ بِحِكمَتِهِ الصَّنائِعَ ، لا يَخفى عَلَيهِ الطَّلائِعُ ، ولا تَضيعُ عِندَهُ الوَدائِعُ . . . . اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ كَما خَلَقتَنى فَجَعَلتَنى سَميعا بَصيرا ، ولَكَ الحَمدُ كَما خَلَقتَنى فَجَعَلتَنى حَيّا سَوِيّا رَحمَةً بى وكُنتَ عَن خَلقى غَنِيّا . . . تَبارَكتَ رَبّى وتَعالَيتَ ، فَلَكَ الحَمدُ دائِما ، ولَكَ الشُّكرُ واصِبا . . . (1) . اللّهُمَّ هذا ثَنائى عَلَيكَ مُمَجِّدا ، وإخلاصى لَكَ مُوَحِّدا ، وإقرارى بِآلائِكَ مُعَدِّدا ، وإن كُنتُ مُقِرّا أنّى لا اُحصيها لِكَثرَتِها وسُبوغِها ، وتَظاهُرِها وتَقادُمِها ، إلى حادِثٍ ما لَم تَزَل تَتَغَمَّدُنى بِهِ مَعَها مُذ خَلَقتَنى وبَرَأتَنى مِن أوَّلِ العُمُرِ؛ مِنَ الإِغناءِ بَعدَ الفَقرِ ، وكَشفِ الضُّرِّ ، وتَسبيبِ اليُسرِ ، ودَفعِ العُسرِ ، وتَفريجِ الكَربِ ، وَالعافِيَهِ فِى البَدَنِ ، وَالسَّلامَهِ فِى الدّينِ . ولَو رَفَدَنى (2) عَلى قَدرِ ذِكرِ نِعَمِكَ عَلَىَّ جَميعُ العالَمينَ مِنَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، لَما قَدَرتُ ولا هُم عَلى ذلِكَ ، تَقَدَّستَ وتَعالَيتَ مِن رَبٍّ عَظيمٍ كَريمٍ رَحيمٍ ، لا تُحصى آلاؤُكَ ، ولا يُبلَغُ ثَناؤُكَ ، ولا تُكافى نَعماؤُكَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأتمِم عَلَينا نِعمَتَكَ ، وأسعِدنا بِطاعَتِكَ ، سُبحانَكَ لا إلهَ إلّا أنتَ . . . تُسَبِّحُ لَكَ السَّماواتُ وَالأَرضُ ومَن فيهِنَّ ، وإن مِن شىءٍ إلّا يُسَبِّحُ بِحَمدِكَ ، فَلَكَ الحَمدُ وَالمَجدُ وعُلُوُّ الجَدِّ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ . (3)

.

1- .وَصَبَ : دامَ وثَبَتَ (القاموس المحيط : ج 1 ص 137 «وصب») .
2- .الرِّفْدُ : الإعانه (النهايه : ج 2 ص 241 «رفد») .
3- .الإقبال : ج 2 ص 74 ، البلد الأمين : ص 251 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 216 ح 3 ، وانظر تمام الدعاء فإنّه من أعظم الأدعيه فى الثناء على اللّه تعالى وذكر آلائه ونعمائه .

امام حسین علیه السلام :ستایش ، خدایی را که هیچ چیز قضای او را بر نگرداند و چیزی مانع عطای او نشود و ساختنِ هیچ سازنده ای ، چونان ساختن او نباشد . اوست بخشنده گشاده دست که انواع پدیده ها را آفرید و با حکمت خویش ، ساخته ها [و مخلوقات] را استوار و محکم قرار داد . طلایه ها (1) بر او پوشیده نیست ، و سپرده ها در نزد او از بین نرود ... . بار خدایا ! تو را ستایش که مرا آفریدی و شنوا و بینایم گردانیدی . تو را ستایش که مرا آفریدی و از سر مهر به من ، مرا زنده و بی عیب قرار دادی ؛ در حالی که از آفریدن من ، بی نیاز بودی ... . خجسته و والایی تو ، ای پروردگار من ! پس همواره تو را ستایش ، و همیشه تو را سپاس ... . بار خدایا ! این است ثنای من بر تو در حالی که بزرگت می شمارم ، و اخلاص من نسبت به تو در حالی که به یکتایی ات می ستایم ، و اقرارم به نعمت هایت در حالی که آنها را بر می شمارم ؛ هر چند معترفم که از بسیاری و سرشاریِ این نعمت ها ، از عهده شمارش آنها بر نمی آیم ؛ همان نعمت هایی که از دیرباز تا کنون ، پیاپی به من رسیده اند و همواره از آن گاه که مرا آفریدی و پدیدم آوردی ، از آغاز عمر ، مرا در آنها غوطه ور ساخته ای : نیازمند بودم و بی نیازم ساختی ، گزند از من زدودی ، اسباب آسایش فراهم آوردی ، دشواری ها را برطرف ساختی ، اندوه را از بین بردی ، تنم را عافیت بخشیدی و دینم را سالم نگه داشتی . اگر همه جهانیان ، از آغاز تا انجام ، مرا در شمردن نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای ، یاری رسانند ، نه من و نه آنان از عهده این کار بر نیاییم . پاک و بلندمرتبه ای تو ، ای پروردگار بزرگ و کریم و مهربان ! نیکی هایت به شمار نیاید ، ثنای تو به جا آورده نشود ، و نعمت هایت جبران نگردد . بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست . نعمتت را بر ما تمام گردان و ما را از طاعتت بهره مند بدار . پاکی تو ، که معبودی جز تو نیست .. . آسمان ها و زمین و هر آن که در آنهاست ، تو را به پاکی می ستایند ، و هیچ موجودی نیست مگر آن که تسبیح و ستایشِ تو می گوید . پس ستایش و بزرگی و بلندیِ مرتبت از آنِ توست ، ای صاحبِ شکوه و ارج .

.

1- .طلائع : جمع طلیعه ، یعنی : پیشقراولان ؛ گروهی که در شب از شهر و سپاهیان پاسداری کنند ؛ جاسوس . شاید مراد ، چشم ها و نگاه ها باشد

چنان که گفته شده : «العیون طلائع القلوب ؛ چشم ها پیشقراولان قلب اند» و یا مراد ، رازها و نشانه ها باشد.

5 / 6المَحامِدُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ زَينِ العابِدينَالإمام زين العابدين عليه السلام فِي الدُّعاءِ : أُثنى عَلَيكَ يا سَيِّدى ، وما عَسى أن يَبلُغَ فى مِدحَتِكَ ثَنائى مَعَ قِلَّهِ عَمَلى وقِصَرِ رَأيى ، وأنتَ يا رَبِّ ، الخالِقُ وأنَا المَخلوقُ . . . يا حِرزَ (1) العارِفينَ وأمانَ الخائِفينَ . (2)

عنه عليه السلام :إلهى أحمَدُكَ وأنتَ لِلحَمدِ أهلٌ عَلى حُسنِ صَنيعِكَ إلَىَّ ، وسُبوغِ نَعمائِكَ عَلَىَّ ، وجَزيلِ عَطائِكَ عِندى ، وعَلى ما فَضَّلتَنى بِهِ مِن رَحمَتِكَ ، وأسبَغتَ عَلَىَّ مِن نِعمَتِكَ ، فَقَدِ اصطنَعتَ عِندى ما يَعجِزُ عَنهُ شُكرى . . . . فَأنتَ عِندى مَحمودٌ ، وصَنيعُكَ لَدَىَّ مَبرورٌ (3) ، تَحمَدُكَ نَفسى ولِسانى وعَقلى حَمدا يَبلُغُ الوَفاءَ وحَقيقَهَ الشُّكرِ ، حَمدا يَكونُ مَبلَغَ رِضاكَ عَنّى ، فَنَجِّنى مِن سُخطِكَ . (4)

عنه عليه السلام :إلهى قَصُرَتِ الأَلسُنُ عَن بُلوغِ ثَنائِكَ كَما يَليقُ بِجَلالِكَ . (5)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَل ثَنائى عَلَيكَ ومَدحى إيّاكَ وحَمدى لَكَ فى كُلِّ حالاتى ، حَتّى لا أفرَحَ بِما آتيتَنى مِنَ الدُّنيا ، ولا أحزَنَ عَلى ما مَنَعتَنى فيها . (6)

.

1- .الحِرْزُ : المَوضِعُ الحصين (القاموس المحيط : ج 2 ص 172 «حرز») .
2- .المزار للمفيد : ص 154 ، مصباح المتهجّد : ص 690 ح 771 ، البلد الأمين : ص 246 ، الإقبال : ج 2 ص 103 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 228 ح 4 .
3- .مبرورٌ : مقبول (تاج العروس : ج 6 ص 69 «برر») .
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 217 الدعاء 51 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 422 ح 43 نقلاً عن أصلٍ قديم من مؤلّفات قدماء الأصحاب من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
5- .بحار الأنوار : ج 94 ص 150 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 91 الدعاء 21 .

5 / 6ستایش های رسیده از امام زین العابدین علیه السلامامام زین العابدین علیه السلام در دعا : تو را ثنا گویم ای آقای من ! ؛ اما با این کردار اندکم و اندیشه کوتاهم ، کجا تواند که ثنای من ، از پسِ ستایش تو برآید ؟! تو ای پروردگار من ! آفریننده ای و من آفریده .. . ای پناهگاه عارفان و ای مأمن بیمناکان!

امام زین العابدین علیه السلام :معبودا! تو را می ستایم و تو سزاوار ستایشی ؛ برای خوش رفتاری ات با من و فراوانیِ نعمت هایت بر من و بسیاریِ عطایت به من ، و برای رحمتت که به من فزون بخشیده ای ، و نعمت هایت که بر من سرازیر کرده ای . همانا تو به من چندان نیکی کرده ای که از گزاردنِ شکر آن ناتوانم ... . پس تو در نزد من ستوده ای و احسانت ، نزد من پذیرفته است . جان من و زبان و عقل من ، تو را می ستایند ؛ ستایشی که حقیقتِ شکر را به جا آورد ؛ ستایشی که به سر حدّ خشنودی تو از من برسد . پس مرا از خشم و ناخشنودی ات ، در امان بدار .

امام زین العابدین علیه السلام :معبودا ! زبان ها از گزاردن ثنای تو آن سان که درخورِ شکوه و بزرگی تو باشد قاصرند.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و مرا چنان قرار ده که در همه احوالم ، ثنای تو گویم و به مدح تو پردازم و ستایش تو بر زبان رانم ، تا بر آنچه از دنیا به من بدهی ، شادمان نگردم و برای آنچه از دنیا به من ندهی ، اندوه نخورم.

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ ... فَلَکَ الحَمدُ عَلی ما وَقَیتَنا مِنَ البَلاءِ ، ولَکَ الشُّکرُ عَلی ما خَوَّلتَنا مِنَ النَّعماءِ حَمدا یُخَلِّفُ حَمدَ الحامِدینَ وَراءَهُ ، حَمدا یَملَأُ أرضَهُ وسَماءَهُ ، إنَّکَ المَنّانُ بِجَسیمِ المِنَنِ ، الوَهّابُ لِعَظیمِ النِّعَمِ ، القابِلُ یَسیرَ الحَمدِ ، الشّاکِرُ قَلیلَ الشُّکرِ ، المُحسِنُ المُجمِلُ ذُوالطَّولِ ، لا إلهَ إلّا أنتَ إلَیکَ المَصیرُ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ اجعَل ما یُلقِی الشَّیطانُ فی رُوعی (2) مِنَ التَّمَنِّی وَالتَّظَنِّی وَالحَسَدِ ذِکرا لِعَظَمَتِکَ ، وتَفَکُّرا فی قُدرَتِکَ ، وتَدبیرا عَلی عَدُوِّکَ ، وما أجری عَلی لِسانی مِن لَفظَهِ فُحشٍ أو هُجرٍ (3) ، أو شَتمِ عِرضٍ أو شَهادَهِ باطِلٍ ، أو اغتِیابِ مُؤمِنٍ غائِبٍ أو سَبِّ حاضِرٍ وما أشبَهَ ذلِکَ ، نُطقا بِالحَمدِ لَکَ وإغراقا فِی الثَّناءِ عَلَیکَ ، وذَهابا فی تَمجیدِکَ وشُکرا لِنِعمَتِکَ ، وَاعتِرافا بِإحسانِکَ وإحصاءً لِمِنَنِکَ . (4)

عنه عليه السلام فِی الدُّعاءِ : أنطِق بِحَمدِکَ وشُکرِکَ وذِکرِکَ وحُسنِ الثَّناءِ عَلَیکَ لِسانی . (5)

عنه عليه السلام أيضا : تَشکُرُ مَن شَکَرَکَ وأنت ألهَمتَهُ شُکرَکَ ! وتُکافِئُ مَن حَمِدَکَ وأنتَ عَلَّمتَهُ حَمدَکَ ! . . . فَلَکَ الحَمدُ ما وُجِدَ فی حَمدِکَ مَذهَبٌ ، وما بَقِیَ لِلحَمدِ لَفظٌ تُحمَدُ بِهِ ومَعنیً یَنصَرِفُ إلَیهِ . یا مَن تَحَمَّدَ إلی عِبادِهِ بِالإحسانِ وَالفَضلِ ، وغَمَرَهُم بِالمَنِّ وَالطَّولِ (6) . (7)

.

1- .الصحیفه السجّادیّه : ص 142 الدعاء 36 .
2- .الرَّوْعُ : القلب والعقل . یقال : وقع ذلک فی رُوعی ؛ أی فی خلدِی وبالی (الصحاح : ج 3 ص 1223 «روع») .
3- .«لا تقولوا هُجرا» أی فُحشا ، یقال : أهجر فی منطقه یُهجر : إذا أفحش . وکذلک إذا أکثر الکلام فی ما لا ینبغی (النهایه : ج 5 ص 245 «هجر») .
4- .الصحیفه السجّادیّه : ص 84 الدعاء 20 .
5- .الصحیفه السجّادیّه : ص 98 الدعاء 23 .
6- .الطَّوْلُ : الفَضْل والعلوّ علی الأعداء (النهایه : ج 3 ص 145 «طول») .
7- .الصحیفه السجّادیّه : ص 171 الدعاء 45 ، المزار الکبیر : ص 620 ، الإقبال : ج 1 ص 422 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 173 ح 1 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! .. . تو را ستایش که ما را از بلا نگه داشتی ، و تو را سپاس برای نعمت هایی که به ما دادی ؛ ستایشی که ستایش دیگر ستایشگران را پشت سر نهد ؛ ستایشی که زمین و آسمانش را آکنده سازد . تو بخشنده بخشش های سترگی ، بخشنده نعمت های بزرگی ، پذیرنده اندک ستایشی ، سپاسگوی کمترین سپاسی ، نکوکار و احسان کننده و صاحب دهشی . معبودی جز تو نیست . بازگشت ، به سوی توست.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! هر آرزو و گمان و حسدی که شیطان در دل من می افکنَد ، تو آن را به یادکرد از بزرگی ات و اندیشیدن در توانایی ات و تدبیر بر ضدّ دشمنت بدل نمای . هر ناسزا یا زشتگویی یا دشنام به آبرو یا شهادت نادرست یا غیبت کردن از مؤمن یا ناسزا گفتن به او پیش رویش و مانند اینها که شیطان بر زبان من جاری می گرداند ، تو آن را به ستایشی از خودت و غرق شدن در ثنایت و بیان مجد و عظمتت و سپاس گزاری از نعمتت و اعتراف به احسانت و شمارش نعمت هایت مبدّل گردان .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : [خدایا!] زبانِ مرا به ستایش و سپاس و یاد و ثنا گویی از خودت ، گویا گردان .

امام زین العابدین علیه السلام :تو از کسی که سپاست گوید ، سپاس گزاری [و قدردانی] می کنی ؛ با آن که تو ، خود ، او را به سپاس گفتن الهام فرموده ای . و به کسی که تو را بستاید ، پاداش می دهی ؛ با آن که تو خود ، ستایش کردنت را به او آموخته ای! .. . پس تو را ستایش ؛ تا هر زمان که برای ستودن تو ، راهی یافت شود و تا آن گاه که برای ستایش ، لفظی باقی مانده باشد که با آن ستوده شوی ، و معنایی که ستایش تو را باز گوید. ای آن که با نیکی و بخشش به بندگان ، آنها را به ستایش خویش بر انگیخته ای و ایشان را در نواخت و عطایت غرقه ساخته ای!

.

عنه عليه السلام :حُجَّتُکَ أجَلُّ مِن أن توصَفَ بِکُلِّها ، ومَجدُکَ أرفَعُ مِن أن یُحَدَّ بِکُنهِهِ ، ونِعَمَتُکَ أکثَرُ مِن أن تُحصی بِأسرِها ، وإحسانُکَ أکثَرُ مِن أن تُشکَرَ عَلی أقَلِّهِ . وقَد قَصَّرَ بِیَ السُّکوتُ عَن تَحمیدِکَ ، وفَهَّهَنِی (1) الإمساکُ عَن تَمجیدِکَ ، وقُصاراىَ الإقرارُ بِالحُسورِ (2) لا رَغبَةً یا إلهی بَل عَجزا ، فَها أنَا ذا أؤُمُّکَ بِالوِفادَهِ (3) ، وأسأَ لُکَ حُسنَ الرِّفادَهِ (4) . (5)

عنه علیه السلام :الحَمدُ لَکَ عَلی بَلائِکَ ، وَالشُّکرُ لَکَ عَلی نَعمائِکَ ، وذلِکَ ما تَکِلُّ الأَلسُنُ عَن صِفَتِهِ ، وتَعجِزُ الأَبدانُ عَن أداءِ شُکرِهِ . (6)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذی أدعوهُ فَیُجیبُنی وإن کُنتُ بَطیئا حینَ یَدعُونی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أسأَ لُهُ فَیُعطینی وإن کُنتُ بَخیلاً حینَ یَستَقرِضُنی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أُنادیهِ کُلَّما شِئتُ لِحاجَتی ، وأخلو بِهِ حَیثُ شِئتُ لِسِرّی بِغَیرِ شَفیعٍ فَیَقضی لی حاجَتی . الحَمدُ للّهِ الَّذی لا أدعو (7) غَیرَهُ ، ولَو دَعَوتُ غَیرَهُ لَم یَستَجِب لی دُعائی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی لا أرجو (8) غَیرَهُ ، ولَو رَجَوتُ غَیرَهُ لَأُخلَفَ رَجائی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی وَکَلَنی إلَیهِ فَأکرَمَنی وَلَم یَکِلنی إلَی النّاسِ فَیُهینونی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی تَحَبَّبَ إلَیَّ وهُوَ غَنیٌّ عَنّی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی یَحلُمُ عَنّی حَتّی کَأنّی لا ذَنبَ لی ، فَرَبّی أحمَدُ شَیءٍ عِندی وأحَقُّ بِحَمدی . (9)

.

1- .فَهَّهَنی : أنسانی (الصحاح : ج 6 ص 2245 «فهه») .
2- .حسَرَ یحسِرُ حُسورا : کلَّ وانقطعَ (القاموس المحیط : ج 2 ص 8 «حسر») .
3- .وَفَدَ : ورد فهو وافد ، والاسم : الوِفاده (الصحاح : ج 2 ص 553 «وفد») .
4- .الرِّفد : العطاء والصِّله (القاموس المحیط : ج 1 ص 295 «رفد») .
5- .الصحیفه السجّادیّه : ص 184 الدعاء 46 ، مصباح المتهجّد : ص 370 ح 500 ، جمال الأُسبوع : ص 263 عن المتوکّل بن هارون عن الإمام الصادق عنه علیهماالسلاموکلاهما نحوه ، المزار الکبیر : ص 460 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 180 عن الإمام علیّ علیه السلام نحوه .
6- .جمال الأُسبوع : ص 287 ، مصباح المتهجّد : ص 397 ح 519 وفیه «أدنی» بدل «أداء» وکلاهما عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام ، البلد

الأمين : ص 78 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 80 ح 2 .
7- .فى الإقبال و المصباح للكفعمى : «أدعوه ولا أدعو غيره» .
8- .فى الإقبال و المصباح للكفعمى : «أرجوه ولا أرجو غيره» .
9- .مصباح المتهجّد : ص 582 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 157 ، المصباح للكفعمى : ص 781 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 82 ح 2 .

امام زین العابدین علیه السلام :حجّت تو ، بزرگ تر از آن است که همه اش به وصف درآید . عظمتت برتر از آن است که گوهرش [شناخته و] تعریف شود . نعمتت بسیارتر از آن است که سراسر شماره شود . نیکی هایت فزون تر از آن است که حتی بر کمترینش ، سپاست توان گفت. خاموشی می گزینم ؛ چرا که از ستایش تو ناتوانم ، و زبان بر می بندم ؛ از آن روی که از تمجید تو عاجزم . معبود من ! نهایت کوشش من ، اعتراف به درماندگی است ؛ نه آن که نخواهم ، بلکه چون نمی توانم . اینک آهنگ درگاه تو کرده ام و از تو هدیه ای خوب می خواهم .

امام زین العابدین علیه السلام :«تو را بر بلایت ستایش ، و بر نعمت هایت سپاس !» ؛ چرا که زبان ها در وصف او الکن اند ، و بدن ها از گزاردنِ شکر او ناتوان اند .

امام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدایی را که می خوانمش و او پاسخم می دهد ؛ با آن که هر گاه او مرا می خواند ، دیر پاسخش می دهم . ستایش ، خدایی را که از او درخواست می کنم و او به من عطا می کند ؛ با آن که چون او از من قرض می خواهد ، من بخل می ورزم . ستایش ، خدایی را که هر گاه بخواهم ، او را برای حاجتم می خوانم و هر گاه بخواهم ، برای راز خویش ، بدون واسطه با او خلوت می کنم و او حاجتم را بر می آورد. ستایش ، خدایی را که غیر او را نمی خوانم ، که اگر غیر او را بخوانم ، پاسخم نمی دهد . ستایش ، خدایی را که به غیر او امید نمی بندم ، که اگر به غیر او امید ببندم ، امیدم را ناامید می کند . ستایش ، خدایی را که مرا به خودش واگذار کرد و گرامی ام داشت ، و به مردم واگذارم نکرد که آنها خوارم دارند . ستایش ، خدایی را که با من دوستی ورزید ، با آن که از من بی نیاز است . ستایش ، خدایی را که چندان از من گذشت می کند که گویی مرا هیچ گناهی نیست . پس پروردگار من ، ستوده ترین موجود در نزد من و سزاوارترین کس به ستایش من است.

.

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ : الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِحَمدِهِ ، وجَعَلَنا مِن أهلِهِ ، لِنَكونَ لِإِحسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ ، وَلِيَجزِيَنا عَلى ذلِكَ جَزاءَ المُحسِنينَ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى حَبانا (1) بِدينِهِ ، وَاختَصَّنا بِمِلَّتِهِ ، وسَبَّلَنا (2) فى سُبُلِ إحسانِهِ لِنَسلُكَها بِمَنِّهِ إلى رِضوانِهِ ، حَمدا يَتَقَبَّلُهُ مِنّا ، ويَرضى بِهِ عَنّا . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ مِن تِلكَ السُّبُلِ شَهرَهُ رَمَضانَ ، شَهرَ الصِّيامِ ، وشَهرَ الإِسلامِ ، وشَهرَ الطَّهورِ ، وَشَهرَ التَّمحيصِ (3) ، وشَهرَ القِيامِ (4) .

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ بَديعَ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ ، رَبَّ الأَربابِ . . . . لَكَ الحَمدُ حَمدا يَدومُ بِدَوامِكَ ، ولَكَ الحَمدُ حَمدا خالِدا بِنِعمَتِكَ ، ولَكَ الحَمدُ حَمدا يُوازِي صُنعَكَ ، ولَكَ الحَمدُ حَمدا يَزيدُ عَلى رِضاكَ ، ولَكَ الحَمدُ حَمدا مَعَ حَمدِ كُلِّ حامِدٍ ، وشُكرا يَقصُرُ عَنهُ شُكرُ كُلِّ شاكِرٍ . حَمدا لا يَنبَغى إلّا لَكَ ، ولا يُتَقَرَّبُ بِهِ إلّا إلَيكِ . حَمدا يُستَدامُ بِهِ الأَوَّلُ ، ويُستَدعى بِهِ دَوامُ الآخِرِ . حَمدا يَتَضاعَفُ عَلى كُرورِ الأَزمِنَهِ ويَتَزايَدُ أضعافا مُتَرادِفَةً . حَمدا يَعجِزُ عَن إحصائِهِ الحَفَظَهُ ، ويَزيدُ عَلى ما أحصَتهُ فى كِتابِكَ الكَتَبَهُ . حَمدا يُوازِنُ عَرشَكَ المَجيدَ ، ويُعادِلُ كُرسِيَّكَ الرَّفِيعَ . حَمدا يَكمُلُ لَدَيكَ ثَوابُهُ ، ويَستَغرِقُ كُلَّ جَزاءٍ جَزاؤُهُ . حَمدا ظاهِرُهُ وَفقٌ لِباطِنِهِ ، وباطِنُهُ وَفقٌ لِصِدقِ النِّيَّهِ . حَمدا لَم يَحمَدكَ خَلقٌ مِثلَهُ ، ولا يَعرِفُ أَحَدٌ سِواكَ فَضلَهُ . حَمدا يُعانُ مَنِ اجتَهَدَ فى تَعديدِهِ ، ويُؤَيَّدُ مَن أغرَقَ نَزعا (5) فى تَوفِيَتِهِ . حَمدا يَجمَعُ ما خَلَقتَ مِنَ الحَمدِ ، ويَنتَظِمُ ما أنتَ خالِقُهُ مِن بَعدُ . حَمدا لا حَمدَ أقرَبُ إلى قَولِكَ مِنهُ ، ولا أحمَدَ مِمَّن يَحمَدُكَ بِهِ . حَمدا يوجِبُ بِكَرَمِكَ المَزيدَ بِوُفورِهِ ، وتَصِلُهُ بِمَزيدٍ بَعدَ مَزيدٍ طَولاً مِنكَ . حَمدا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجهِكَ ، ويُقابِلُ عِزَّ جَلالِكَ . اللّهُمَّ . . . وأوزِعنى (6) أن اُثنِىَ بِما أولَيتَنيهِ ، وأعتَرِفَ بِما أسدَيتَهُ (7) إلَىَّ ، وَاجعَل رَغبَتى إلَيكَ فَوقَ رَغبَهِ الرّاغِبينَ ، وحَمدى إيّاكَ فَوقَ حَمدِ الحامِدينَ . (8)

.

1- .حبا فلانا : أعطاه بلا جزاء ولا منّ ، وحاباه : اختصّه (القاموس المحيط : ج 4 ص 315 «حبا») .
2- .السبيل : الطريق ، وسبيل اللّه عامّ يقع على كلّ عمل خالص سلك به طريق التقرّب إلى اللّه تعالى بأداء الفرائض والنوافل وأنواع التطوّعات (النهايه : ج 2 ص 338 «سبل») .

3- .التمحيص : الابتلاء والاختبار . وتمحيص الذنوب : تطهيرها (تاج العروس : ج 9 ص 359 و 360 «محص») .
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 165 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : ص 607 ح 695 ، الإقبال : ج 1 ص 111 كلاهما نحوه .
5- .أغرقَ فى النزع : أى بالغ فى الأمر وانتهى فيه . وأصله من نزع القوس ومدّها ، ثمّ استُعير لمن بالغ فى كلّ شىء (النهايه : ج 5 ص 361 «غرق») .
6- .أوزِعنى : أى ألهِمْنى . أُوزِعَ بالشىء يوزَعُ : إذا اعتاده ، وأكثرَ منه ، وأُلهم (النهايه : ج 5 ص 181 «وزع») .
7- .أسْدى : أوْلى وأعطى (النهايه : ج 2 ص 356 «سدا») .
8- .الصحيفه السجّاديّه : ص 185 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 87 وفيه «ويزيد على من ادّعى فى توفيته» بدل «يؤيّد من أغرق نزعا فى توفيته» ، ينابيع المودّه : ج 3 ص 421 مختصرا .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام حلول ماه رمضان : ستایش ، خدایی را که به ستایش خویش هدایتمان فرمود و ما را از اهل آن قرار داد تا از سپاس گزارانِ احسان او باشیم و برای این کار ، به ما پاداش نیکوکاران را دهد . ستایش ، خدایی را که دینش را به ما ارمغان داد ، ما را به آیینش مفتخر ساخت ، و ما را در راه های احسانش درآورد تا به لطف خود او ، در راه خشنودی اش گام برداریم ؛ ستایشی که از ما بپذیردش و بدان از ما خشنود گردد. ستایش ، خدایی را که یکی از این راه ها را ماه رمضانش قرار داد ؛ همان ماه روزه ، ماه اسلام ، ماه پاکی ، ماه تزکیه و پالایش ، و ماه نماز.

امام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! تو را ستایش ، که پدید آورنده آسمان ها و زمینی ، شکوهمند و ورجامندی ، خداوندِ خداوندانی ... . تو را ستایش ؛ ستایشی پایدار به پایندگیِ تو . تو را ستایش ؛ ستایشی جاویدان به جاودانگی نعمت هایت . تو را ستایش ؛ ستایشی به موازات نیکیِ تو . تو را ستایش ؛ ستایشی که بر خشنودی تو بیفزاید . تو را ستایش ؛ ستایشی همراه با ستایشِ هر ستایشگری و [تو را سپاس ؛] سپاسی که سپاس هیچ سپاس گزاری به آن نرسد. [تو را ستایش ؛] ستایشی که جز تو را نسزد و با آن ، جز به تو تقرّب نتوان جست ؛ ستایشی که [نعمتِ]پیشین ، بدان پایدار گردد و پایداریِ [نعمت های تازه و]پسین ، بدان خواسته شود ؛ ستایشی که با گذشت زمان ها چند برابر شود و پیاپی افزون و افزون تر گردد؛ ستایشی که فرشتگانِ نگاه دارنده [ی اعمال] ، از شمارش آن فرو مانند و بر آنچه فرشتگانِ نویسنده در کتاب تو ثبت کرده اند ، فزونی گیرد؛ ستایشی که هموزن عرش بزرگ تو و همسنگ کرسی بلندْ پایه ات باشد؛ ستایشی که ثوابش در نزد تو کامل باشد و جزای آن هر جزایی را در خود غرقه سازد؛ ستایشی که آشکارِ آن ، مطابق با نهانش باشد و نهانش همراه با درستیِ نیت؛ ستایشی که هیچ آفریده ای ، تو را چنان نستوده باشد و هیچ کس جز تو ، ارزش آن را نداند؛ ستایشی که هر کس در شمارش آن کوشید ، باید [از جانب تو]یاری داده شود و هر کس که خواست برای به جا آوردنِ کامل آن ، نهایت نیروی خویش را به کار برَد ، به پشتیبانی تو نیازمند باشد؛ ستایشی که هر آنچه را از ستایش آفریده ای ، در بر بگیرد و هر ستایشی را که زین پس بیافرینی ، در رشته خود کشد؛ ستایشی که هیچ ستایش دیگری ، به سخن تو نزدیک تر از آن نباشد و هیچ کس به چنان

ستایشی تو را نستوده باشد؛ ستایشی که موجب افزون تر شدن کَرَم تو شود و تو به بخشش خود ، پی در پی بر آن بیفزایی؛ ستایشی که شایانِ بزرگواری روی تو باشد و با شکوه عزّتمندی ات برابری کند. بار خدایا !.. . به من الهام فرما که برای آنچه عطایم کرده ای ، ثنایت گویم و به هر نیکی ای که به من کرده ای ، اعتراف کنم . رغبت مرا به خودت ، فراتر از رغبت هر راغبی قرار ده و ستایشم را از تو ، فراتر از ستایش هر ستایشگری.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ المَذكورِ بِكُلِّ لِسانٍ ، المَشكورِ عَلى كُلِّ إحسانٍ ، المَعبودِ فى كُلِّ مَكانٍ ، مُدَبِّرِ الاُمورِ ، ومُقَدِّرِ الدُّهورِ ، وَالعالِمِ بِما تُجِنُّهُ البُحورُ ، وتُكِنُّهُ الصُّدورُ، ويُخفيهِ (1) الظَّلامُ ، ويُبديهِ النّورُ. الَّذى حارَ فى عِلمِهِ العُلَماءُ ، وسَلَّمَ لِحُكمِهِ الحُكَماءُ ، وتَواضَعَ لِعِزَّتِهِ العُظَماءُ ، وفاقَ بِسَعَهِ فَضلِهِ الكُرَماءُ ، وسادَ بِعَظيمِ حِلمِهِ الحُلَماءُ. وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُخفَرُ (2) مَنِ انتَصَرَ بِذِمَّتِهِ ، ولا يُقهَرُ مَنِ استَتَرَ بِعَظَمَتِهِ ، ولا يُكدى (3) مَن أذاعَ شُكرَ نِعمَتِهِ ، ولا يَهلِكُ مَن تَغَمَّدَهُ بِرَحمَتِهِ ، ذِى المِنَنِ الَّتى لا يُحصيهَا العادّونَ ، وَالنِّعَمِ الَّتى لا يُجازيهَا المُجتَهِدونَ ، وَالصَّنائِعِ الَّتى لا يَستَطيعُ دَفعَهَا الجاحِدونَ ، وَالدَّلائِلِ الَّتى يَستَبصِرُ بِنورِهَا المَوجودونَ . أحمَدُهُ جاهِرا بِحَمدِهِ ، شاكِرا لِرِفدِهِ ، حَمدَ مُوَفَّقٍ لِرُشدِهِ ، واثِقٍ بِعَدلِهِ ، لَهُ الشُّكرُ الدّائِمُ ، وَالأَمرُ اللّازِمُ .... الحَمدُ للّهِ خالِقِ أمشاجِ (4) النَّسَمِ ، ومولِجِ الأَنوارِ فِى الظَّلَمِ ، ومُخرِجِ المَوجودِ مِنَ العَدَمِ ، وَالسّابِقِ الأَزَلِيَّهِ بِالقِدَمِ ، وَالجَوادِ عَلَى الخَلقِ بِسَوابِقِ النِّعَمِ ، وَالعَوّادِ عَلَيهِم بِالفَضلِ وَالكَرَمِ ، الَّذى لا يُعجِزُهُ كَثرَهُ الإنفاقِ ، ولا يُمسِكُ خَشيَهَ الإملاقِ ، ولا يَنقُصُهُ إدرارُ الأَرزاقِ ، ولا يُدرَكُ بِأناسِيِّ (5) الأَحداقِ ، ولا يوصَفُ بِمُضامَّهٍ ولَا افتِراقٍ. أحمَدُهُ عَلَى جَزيلِ إحسانِهِ ، وأعوذُ بِهِ مِن حُلولِ خِذلانِهِ ، وأستَهديهِ بِنورِ بُرهانِهِ ، وأؤمِنُ بِهِ حَقَّ إيمانِهِ . (6)

.

1- .فى المصدر : «وتخفيه» ، والصواب ما أثبتناه .
2- .خفرت بالرجل : غدرت به . وأخفرته : نقضت عهده (المصباح المنير : ص 175 «خفر») .
3- .أكدى : خاب . وأكدى : افتقر بعد غنىً (تاج العروس : ج 20 ص 117 «كدى») .
4- .أمشاج : أخلاط (لسان العرب : ج 2 ص 367 «مشج») .
5- .إنسان العين : حَدَقَتُها ، والجمع أناسىّ (المصباح المنير : ص 26 «أنس») .
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 153 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

امام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدای را که به هر زبانی یادش کنند ، بر هر احسانی سپاسش گویند و در هر مکانی او را پرستند . گرداننده امور است و مقدّر کننده روزگاران است . به آنچه دریاها [در خود] پوشیده دارند و سینه ها نهانش کنند و تاریکی ها پنهانش سازند و روشنایئ آشکارش گرداند ، داناست . خدایی که دانشمندان در دانش او حیران اند و حاکمان در برابر حکم و فرمان او ، گردن نهاده اند و بزرگان در برابر قدرت او ، سر فرود آورده اند . و با بخشندگیِ بی کران خود ، بر دیگر بخشندگان برتر آمده و با بردباریِ بی اندازه خود ، بر دیگر بردباران آقایی کرده است. ستایش ، خدایی را که هر کس به زنهار او درآید ، زنهارش شکسته نشود ، و هر کس به عظمت او پناه جوید ، مقهور نگردد ، و هر کس پیوسته شکر نعمتش را به جای آورد ، نیازمند نشود ، و هر کس مشمول رحمت او شود ، به هلاکت نیفتد ؛ صاحب احسان هایی که شمارندگان ، آنها را شماره نتوانند کرد ، و صاحب نعمت هایی که کوشندگان [در عمل و عبادت] ، از عهده جبران آنها بر نیایند ، و صاحب نیکی هایی که منکران نتوانند آنها را نفی کنند ، و صاحب نشانه هایی که موجودات با نور آنها بینا شوند [و به وجود او پی برند]. او را می ستایم و فاش می ستایم و دهش هایش را سپاس می گویم ، چونان ستایش کردن کسی که توفیق هدایت او را یافته و به دادگری اش اعتماد دارد . سپاس همیشگی و فرمان بایسته ، تنها از آنِ اوست ... . ستایش ، خدای را ؛ آفریننده موجود زنده از نطفه آمیخته ، فرو برنده روشنایی ها در تاریکی ها ، بیرون آورنده هستی از نیستی ، پیشی گیرنده بر ازل ، بخشنده نعمت های پیشین به خلق و سود رساننده به آنان با فضل و کرم ؛ خدایی که بسیاریِ انفاق و دهش ، او را ناتوان نسازد و از ترس ناداری ، بخشش خود را دریغ ندارد و سرازیر کردن روزی ها ، چیزی از [خزانه] او نکاهد ؛ با مردمک دیدگان ، دیده نشود و به پیوستن و جدایی ، وصف نگردد . او را بر احسان فراوانش می ستایم و از این که مرا به خود واگذارَد و یاری ام نرسانَد ، به خود او پناه می برم . از پرتو برهانش هدایت می جویم و به او چنان که سزد ، ایمان دارم.

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الأَوَّلِ بِلا أوَّلٍ كانَ قَبلَهُ ، وَالآخِرِ بِلا آخِرٍ يَكونُ بَعدَهُ ، الَّذى قَصُرَت عَن رُؤيَتِهِ أبصارُ النّاظِرينَ ، وعَجَزَت عَن نَعتِهِ أوهامُ الواصِفينَ . اِبتَدَعَ بِقُدرَتِهِ الخَلقَ ابتِداعا ، وَاختَرَعَهُم عَلى مَشيَّتِهِ اختِراعا ، ثُمَّ سَلَكَ بِهِم طَرِيقَ إرادَتِهِ ، وبَعَثَهُم فى سَبيلِ مَحَبَّتِهِ ، لا يَملِكونَ تَأخيرا عَمّا قَدَّمَهُم إلَيهِ ، ولا يَستَطيعونَ تَقَدُّما إلى ما أخَّرَهُم عَنهُ . وجَعَلَ لِكُلِّ روحٍ مِنهُم قوتا مَعلوما مَقسوما مِن رِزقِهِ ، لا يَنقُصُ مَن زادَهُ ناقِصٌ ، ولا يَزيدُ مَن نَقَصَ مِنهُم زائِدٌ . ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِى الحَياةِ أجَلاً مَوقوتا ، ونَصَبَ لَهُ أمَدا مَحدودا يَتَخَطّاُ (1) إلَيهِ بِأيّامِ عُمُرِهِ ، وبَرهَقُهُ بِأعوامِ دَهرِهِ ، حَتّى إذا بَلَغَ أقصى أثَرِهِ وَاستَوعَبَ حِسابَ عُمُرِهِ ، قَبَضَهُ إلى ما نَدَبَهُ إلَيهِ مِن مَوفورِ ثَوابِهِ أو مَحذورِ عِقابِهِ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَئواْ بِمَا عَمِلُواْ وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُواْ بِالْحُسْنَى» (2) عَدلاً مِنهُ تَقَدَّسَت أسماؤُهُ وتَظاهَرَت آلاؤُهُ «لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ » (3) . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَو حَبَسَ عَن عِبادِهِ مَعرِفَةَ حَمدِهِ عَلى ما أبلاهُم مِن مِنَنِهِ المُتَتابِعَهِ ، وأسبَغَ عَليهِم مِن نِعَمِهِ المُتَظاهِرَهِ ؛ لَتَصَرَّفوا فى مِنَنِهِ فَلَم يَحمَدوهُ ، وتَوَسَّعوا فى رِزقِهِ فَلَم يَشكُروهُ ، ولَو كانوا كَذلِكَ لَخَرَجوا مِن حُدودِ الإنسانِيَّهِ إلى حَدِّ البَهيمِيَّهِ (4) ، فَكانوا كَما وَصَفَ فى مُحكَمِ كِتابِهِ : «إِنْ هُمْ إِلَا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً» (5) . وَالحَمدُ للّهِ عَلى ما عَرَّفَنا مِن نَفسِهِ ، وألهَمَنا مِن شُكرِهِ ، وفَتَحَ لَنا مِن أبوابِ العِلمِ بِرُبوبِيَّتِهِ ، ودَلَّنا عَلَيهِ مِنَ الإخلاصِ لَهُ فى تَوحيدِهِ ، وجَنَّبَنا مِنَ الإلحادِ وَالشَّكِّ فى أمرِهِ ، حَمدا نُعَمَّرُ بِهِ فيمَن حَمِدَهُ مِن خَلقِهِ ، ونَسبِقُ بِهِ مَن سَبَقَ إلى رِضاهُ وعَفوِهِ ، حَمدا يُضىءُ لَنا بِهِ ظُلُماتِ البَرزَخِ (6) ، ويُسَهِّلُ عَلَينا بِهِ سَبيلَ المَبعَثِ ، ويُشَرِّفُ بِهِ مَنازِلَنا عِندَ مَواقِفِ الأشهادِ ، يَومَ تُجزى كُلُّ نَفسٍ بِما كَسَبَت وهُم لا يُظلَمون (7) ، «يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ» (8) . حَمدا يَرتَفِعُ مِنّا إلى أعلى عِلِّيّينَ ، فى كِتابٍ مَرقومٍ يَشهَدُهُ المُقَرَّبونَ . حَمدا تَقَرُّ بِهِ عُيونُنا إذا بَرِقَتِ الأبصارُ ، وتَبيَضُّ بِهِ وُجوهُنا إذَا اسوَدَّتِ الأبشارُ . حَمدا نُعتَقُ بِهِ مِن أليمِ نارِ اللّهِ إلى كَريمِ جِوارِ اللّهِ . حَمدا نُزاحِمُ بِهِ مَلائِكَتَهُ المُقَرَّبينَ ، ونُضامُّ (9) بِهِ أنبِياءَهُ المُرسَلينَ فى دارِ المُقامَهِ الَّتى لا تَزولُ ، ومَحَلِّ كَرامَتِهِ الَّتى لا تَحولُ . (10) وَالحَمدُ للّهِ الَّذِى اختارَ لَنا مَحاسِنَ الخَلقِ ، وأجرى عَلَينا طَيِّباتِ الرِّزقِ ، وجَعَلَ لَنَا الفَضيلَهَ بِالمَلَكَهِ عَلى جَميعِ الخَلقِ ، فَكُلُّ خَليقَتِهِ مُنقادَهٌ لَنا بِقُدرَتِهِ ، وصائِرَهٌ إلى طاعَتِنا بِعِزَّتِهِ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى أغلَقَ عَنّا بابَ الحاجَهِ إلّا إلَيهِ ، فَكَيفَ نُطيقُ حَمدَهُ؟ أم مَتى نُؤَدّى شُكرَهُ؟ لا ، مَتى؟ وَالحَمدُ للّهِ الَّذى رَكَّبَ فينا آلاتِ البَسطِ ، وجَعَلَ لَنا أدَواتِ القَبضِ ، ومَتَّعَنا بِأرواحِ الحَياهِ ، وأثبَتَ فينا جَوارِحَ الأعمالِ ، وغَذّانا بِطَيِّباتِ الرِّزقِ ، وأغنانا بِفَضلِهِ ، وأقنانا (11) بِمَنِّهِ ،

ثُمَّ أمَرَنا لِيَختَبِرَ طاعَتَنا ، ونَهانا لِيَبتَلِيَ شُكرَنا ، فَخالَفنا عَن طَريقِ أمرِهِ ، ورَكِبنا مُتونَ زَجرِهِ ، فَلَم يَبتَدِرنا (12) بِعُقوبَتِهِ ، ولَم يُعاجِلنا بِنِقمَتِهِ ، بَل تَأنّانا (13) بِرَحمَتِهِ تَكَرُّما ، وَانتَظَرَ مُراجَعَتَنا بِرَأفَتِهِ حِلما . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى دَلَّنا عَلَى التَّوبَهِ الَّتى لَم نُفِدها إلّا مِن فَضلِهِ ، فَلَو لَم نَعتَدِد مِن فَضلِهِ إلّا بِها ، لَقَد حَسُنَ بَلاؤُهُ عِندَنا ، وجَلَّ إحسانُهُ إلَينا ، وجَسُمَ فَضلُهُ عَلَينا ، فَما هكَذا كانَت سُنَّتُهُ فِى التَّوبَهِ لِمَن كانَ قَبلَنا ، لَقَد وَضَعَ عَنّا ما لا طاقَهَ لَنا بِهِ ، ولَم يُكَلِّفنا إلّا وُسعا ، ولَم يُجَشِّمنا (14) إلّا يُسرا ، ولَم يَدَع لِأَحَدٍ مِنّا حُجَّةً ولا عُذرا ، فَالهالِكُ مِنّا مَن هَلَكَ عَلَيهِ ، وَالسَّعيدُ مِنّا مَن رَغِبَ إلَيهِ . وَالحَمدُ للّهِ بِكُلِّ ما حَمِدَهُ بِهِ أدنى مَلائِكَتِهِ إلَيهِ ، وأكرَمُ خَليقَتِهِ عَلَيهِ ، وأرضى حامِديهِ لَدَيهِ ، حَمدا يَفضُلُ سائِرَ الحَمدِ ، كَفَضلِ رَبِّنا عَلى جَميعِ خَلقِهِ . ثُمَّ لَهُ الحَمدُ مَكانَ كُلِّ نِعمَهٍ لَهُ عَلَينا وعَلى جَميعِ عِبادِهِ الماضينَ وَالباقينَ ، عَدَدَ ما أحاطَ بِهِ عِلمُهُ مِن جَميعِ الأَشياءِ ، ومَكانَ كُلِّ واحِدَهٍ مِنها عَدَدُها أضعافا مُضاعَفَهً أبَدا سَرمَدا إلى يَومِ القِيامَهِ . حَمدا لا مُنتَهى لِحَدِّهِ ، ولا حِسابَ لِعَدَدِهِ ، ولا مَبلَغَ لِغايَتِهِ ، ولَا انقِطاعَ لِأَمَدِهِ. حَمدا يَكونُ وُصلَهً إلى طاعَتِهِ وعَفوِهِ ، وسَبَبا إلى رِضوانِهِ ، وذَريعَهً إلى مَغفِرَتِهِ ، وطَريقا إلى جَنَّتِهِ ، وخَفيرا (15) مِن نِقمَتِهِ ، وأمنا مِن غَضَبِهِ ، وظَهيرا عَلى طاعَتِهِ ، وحاجِزا عَن مَعصِيَتِهِ ، وعَونا عَلى تَأدِيَهِ حَقِّهِ ووَظائِفِهِ . حَمدا نَسعَدُ بِهِ فِى السُّعَداءِ مِن أولِيائِهِ ، ونَصيرُ بِهِ فى نَظمِ الشُّهَداءِ بِسُيوفِ أعدائِهِ ، إنَّهُ وَلِىُّ حَميدٌ . (16)

.

1- .كذا ، والقياس : «يتخطّى» . قال ابن منظور : تخطّيت إلى كذا ، ولا يقال : تخطّأت بالهمز (لسان العرب : ج 14 ص 232 «خطا») .
2- .النجم : 31 .
3- .الأنبياء : 23 .
4- .فى نسخه قديمه : «ولدخلوا فى حريم البهيميّه» ، وهو قريب من معنى الحدّ ، فإنّ حريم الدار ما حولها من حقوقها ومرافقها ، سمّى بذلک لأنّه يحرم غير مالكها أن يستبدّ بالارتفاق به (رياض السالكين فى شرح صحيفه سيّد الساجدين : ج 1 ص 308) .
5- .الفرقان : 44 .
6- .البَرْزَخُ : ما بين الموت إلى القيامه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 118 «برزخ») .
7- .إشاره إلى الآيه 22 من سوره الجاثيه .
8- .الدخان : 41 .

9- .تَضامَّ القومُ : إذا انضمّ بعضهم إلى بعض (الصحاح : ج 5 ص 1972 «ضمم») .
10- .حالَ إلى مكان آخر : أى تحوّل (تاج العروس : ج 14 ص 186 «حول») .
11- .أقناه اللّه : أعطاه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1518 «قنا») .
12- .ابتدرهُ : عاجَلَهُ (القاموس المحيط : ج 1 ص 369 «بدر») .
13- .تأنّى فى الأمر : أى ترفّق وتنظّر (الصحاح : ج 6 ص 2273 «أنا») .
14- .لم يجشّمنا إلّا يُسرا : أى لم يكلّفنا إلّا يسرا ، من التجشّم ؛ وهو التكلّف على مشقّه (مجمع البحرين : ج 1 ص 295 «جشم») .
15- .الخفير : المجير (الصحاح : ج 2 ص 648 «خفر») .
16- .الصحيفه السجّاديّه : ص 19 الدعاء 1 ، البلد الأمين : ص 438 عن عمير بن متوكّل بن هارون عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 185 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه من «والحمد للّه بكلّ ما حمده به أدنى ...» ، ينابيع المودّه : ج 3 ص 411 مختصرا .

امام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدای را که نخستینِ بی پیشین است و آخرینِ بی پسین؛ خدایی که دیده بینندگان ، از دیدن او قاصر است و اندیشه وصف کنندگان ، از وصفش ناتوان. آفریدگان را به قدرت خویش پدید آورد و به خواست خویش ، آنها را اختراع کرد . سپس آنها را در مسیری که اراده خودش بود ، روان ساخت و در راه محبّت خویش ، ره سپارشان کرد ، به طوری که نتوانند از آنچه او آنها را به سویش پیش رانده ، واپس گرایند و به سوی چیزی پیش بروند که او آنان را از آن واپس داشته است . برای هر جانداری از ایشان ، قوت معیّن و قسمت شده ای از روزی خویش قرار داد ؛ آن سان که هیچ کس نتواند از [روزیِ]کسی که او افزونش داده ، بکاهد و یا بر کسی که او کم داده ، چیزی بیفزاید. سپس برای زندگی هر جانداری ، زمانی معیّن قرار داد و مدّتی محدود مقرّر داشت ، که با [سپری کردنِ]روزهای عمرش ، به سوی آن [سر رسید] گام بر می دارد و با [گذراندن] سال های زندگی اش ، به آن می رسد ، و چون به پایان کارش رسید و پیمانه عمرش لبریز شد ، او را به سوی همان چیزی خواهد برد که بدان فرایش خوانده بود چه پاداش فراوانش و یا کیفرش که از آن بر حذر داشته شده ؛ «تا بدکاران را به کیفر کردارشان برساند ، و نیکوکاران را پاداش نیک دهد» و این خود ، از عدالت اوست ، که نام هایش مقدّس اند و نعمت هایش پیاپی . «او از آنچه کند ، بازخواست نمی شود ؛ ولی آنان بازخواست می شوند» . ستایش ، خدایی را که اگر معرفت حمد خود را برای احسان های پیاپی ای که به بندگان خود کرده و نعمت های سرشاری که ارزانی شان داشته است ، از آنان باز می داشت ، بی گمان ، نعمت های او را به کار می گرفتند و ستایشش نمی کردند ، از خوان گسترده روزیِ او می خوردند و سپاسش نمی گفتند ، و اگر چنین می بودند ، هر آینه از دایره انسانیت خارج می شدند و به مرز حیوانیت در می آمدند و چنان می شدند که خداوند در کتاب استوارش فرموده است : «آنان همانند چارپایان اند؛ نه ، که از آنها هم گم راه ترند» . ستایش ، خداوند را که خود را به ما شناساند ، سپاس گزاری اش را به ما آموخت ، درهای شناخت پروردگاری اش را بر ما گشود ، راه اخلاص در توحیدش را به ما نمود و از الحاد و شک در کارش ، به دورمان داشت؛ ستایشی که با آن ، در میان دیگر مخلوقات ستاینده او زندگی کنیم و به وسیله آن ، از کسانی که به سوی خشنودی و بخشایش او می شتابند ، گوی سبقت برباییم؛ ستایشی که به سبب آن ، تاریکی های عالم برزخ را بر ما روشن گردانَد ، راه رستاخیز را برای ما آسان و هموار

سازد و در ایستگاه های گواهان ؛ (1) مقام و منزلت ما را بالا برد ؛ در آن روزی که هر کس سزای کردار خویش را خواهد دید و به هیچ کس ستمی نخواهد شد ؛ «همان روزی که هیچ دوستی ، به کار دوست نیاید و کس یاری شان نکند» . ستایشی که در نامه عمل ما نبشته شود و فرشتگان مقرّب ، بر آن گواهی دهند و تا اعلی علیین بالا رود. ستایشی که آن گاه که چشم ها خیره می گردند ، دیدگان ما بدان روشن شود ، و آن گاه که چهره ها سیاه می گردند ، ما بدان ، رو سفید شویم. ستایشی که به واسطه آن ، از آتش دردناک خداوند آزاد شویم و در جوار کَرَم او بیاساییم . ستایشی که به واسطه آن ، با فرشتگان مقرّب او همنشین شویم و در سرای ماندگاری که هرگز زوال نپذیرد ، و در جایگاه کرامت او که هیچ گاه تغیّر نگیرد ، با پیامبران مرسل او همدوش شویم. ستایش ، خدایی را که نیکویی های خلقت را برای ما برگزید (ما را خوش صورت و سیرت آفرید) ، و روزی های پاک و حلال را برای ما مقرّر داشت ، و امتیاز پادشاهی بر همه مردم را به ما ارزانی داد ؛ چنان که به قدرت او ، همه آفریدگانش فرمان بردار ما هستند و به عزّت او ، همگان سر در طاعت ما دارند. ستایش ، خدایی را که ما را از هر کس ، جز خودش ، بی نیاز گردانید . پس چگونه ستایش او توانیم ؟ یا کِی از عهده شکر او برآییم؟ نه ، کجا توانیم؟ ستایش ، خدایی را که در [بدن] ما ابزارهای گشادن نهاد ، وسایل بستن و گرفتن برایمان قرار داد و از روح های زندگی بخش ، برخوردارمان ساخت و اندام های کارکردن را در ما پدید آورد ، و با روزی های پاکیزه تغذیه مان کرد و به فضل خود ، توانگرمان ساخت و به لطفش دارایی مان بخشید . سپس ما را به کارهایی فرمان داد تا از این طریق ، فرمان برداریِ ما را بیازماید ، و از چیزهایی نهی مان کرد تا سپاس گزاریِ ما را در بوته آزمایش نهد ؛ ولی ما از فرمان او سر تافتیم و نهی هایش را مرتکب شدیم . با این حال ، او در کیفر دادن ما شتاب نورزید و زود از ما انتقام نگرفت ؛ بلکه به رحمت و بزرگواری اش ، با ما مدارا کرد و از سرِ رأفت و بردباری اش ، منتظر بازگشت ما ماند. ستایش ، خدایی را که درِ توبه را به روی ما گشود و به لطف و فضل او ، از آن بهره مند شدیم؛ و اگر از الطاف او ، تنها از همین یک لطف برخوردار شده بودیم ، باز هم در حقّ ما نیکی بسیار و احسان بزرگ و لطف عظیم کرده بود؛ چرا که روش او در پذیرفتن توبه از امّت های پیشین ، چنین نبود . او آنچه ما توانش را نداشتیم ، از عهده ما برداشت و جز به اندازه قدرتمان ، به ما تکلیف نداد و جز کارهای آسان ، وظیفه ای بر دوش ما ننهاد و برای هیچ یک از ما ، جای عذر و بهانه ای باقی نگذاشت . پس هر یک از ما که به هلاکت در افتد ، مقصّر خود اوست . در میان ما ، خوش بخت کسی است که به او رو کند. ستایش ، خدای را به همه آنچه نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده

ترین ستایشگرانش در نزد او ، با آن ستایشش می کنند ؛ ستایشی که بر دیگر ستایش ها برتر آید ، همچون برتریِ خود پروردگار ما بر همه آفریدگانش . و باز ، ستایش باد او را به جای هر نعمتی که به ما و به همه بندگانِ رفته و مانده اش داده است ؛ [ستایشی] به شمار همه چیزهایی که او می داندشان ، و به جای هر یک از آنها ، و چند برابرِ شمار آن ؛ ستایشی ابدی و همیشگی تا روز رستاخیز. ستایشی که حدّ آن را پایانی نباشد ، عددش به شمار ناید ، نهایتش سر رسیدی نداشته باشد و مدّتش تمام نشود . ستایشی که رشته پیوندی [برای ما] به طاعت و بخشایش او باشد ، و ریسمانی به سوی خشنودی اش ، و وسیله ای به سوی آمرزشش ، و راهی به سوی بهشتش ، و پناهی از کیفر او ، و ایمنی بخش از خشم او ، و پشتیبانی برای فرمان برداری از او ، و مانعی از نافرمانی او ، و کمک بر ادای حقّ او و گزاردن تکالیفش. ستایشی که به واسطه آن ، در زمره دوستان سعادتمند او قرار گیریم و بدان وسیله ، در صف کسانی جای بگیریم که با شمشیرهای دشمنان او به شهادت رسیده اند . همانا او سرپرستی ستوده است.

.

1- .مقصود از گواهان ، فرشتگان مقرّب و رسولان ارجمند و شهیدان و صالحان است.

ص: 396

..

ص: 397

. .

ص: 398

. .

ص: 399

. .

ص: 400

. .

ص: 401

. .

5 / 7المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ الباقِرِ علیه السلامالإمام الباقر علیه السلام :الحَمدُ للّهِ كُلَّما حَمِدَ اللّهَ شَىءٌ ، وكَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُحمَدَ . (1)

عنه علیه السلام :الحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ (2) ، وَالحَمدُ للّهِ زِنَةَ عَرشِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ رِضا نَفسِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ العَلِىُّ العَظيمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ وما بَينَهُما ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ . (3)

عنه علیه السلام فى بَيانِ الحَمدِ الَّذى يَكفى عَن كُلِّ حَمدٍ : اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها عَلى جَميعِ نِعَمِكَ كُلِّها ، حَتّى يَنتَهِىَ الحَمدُ إلى ما تُحِبُّ رَبَّنا وتَرضى . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، مصباح المتهجّد : ص 548 ح 640 ، الإقبال : ج 1 ص 107 عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 136 ح 20 .
2- .مِداد كلماته : أى مثل عددها . وقيل : قدر ما يوازيها فى الكثره، عِيارَ كيل، أو وزن، أو عدد، أو ما أشبهه من وجوه الحصر والتقدير . وهذا تمثيل يراد به التقريب ؛ لأنّ الكلام لا يدخل فى الكيل والوزن، وإنّما يدخل فى العدد . والمداد : ما يُكثَّر به ويُزاد (النهايه : ج 4 ص 307 «مدد») .
3- .الكافى : ج 2 ص 526 ح 13 عن أبى بصير عن الإمام الصادق علیه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 95 ح 153 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت علیهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 27 ح 2059 عن الإمام الصادق علیه السلام .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 78 ح 2198 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 92 ح 252 عن محمّد بن مسلم ، الإقبال : ج 1 ص 330 كلاهما عن أحدهما علیهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 567 ح 672 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت علیهم السلام وفيها من «اللهم لک الحمد ...» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 18 .

5 / 7ستایش های نقل شده از امام باقر علیه السلامامام باقر علیه السلام :ستایش ، خدای را ؛ تا هر آن گاه که موجودی خدا را می ستاید ، و آن سان که خدا ، خود دوست دارد ستایش شود.

امام باقر علیه السلام :ستایش ، خدای را به شمار آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به مانند آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به اندازه همه آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به گستره کلماتش . ستایش ، خدای را به وزن عرشش . ستایش ، خدای را چندان که او را خشنود گرداند . معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست . معبودی جز خدای والا و با عظمت نیست . ستایش ، خدای را که پروردگار آسمان ها و زمین ها و ما بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است.

امام باقر علیه السلام در بیان ستایشی که از هر ستایش دیگری ، بی نیاز می گرداند : بار خدایا ! تو را ستایش ، به همه ستایش هایت ، بر همه نعمت هایت ؛ تا ستایش به آن جا رسد که تو ای پروردگار ما ! دوست می داری و می پسندی.

.

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ نَبِيّا مِنَ الأَنبياءِ عليهم السلام حَمِدَ اللّهَ بِهذِهِ المَحامِدِ ، فَأوحَى اللّهُ جَلَّت عَظَمَتُهُ إلَيهِ : لَقَد شَغَلتَ الكاتبينَ . قالَ : اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کَثيرا طَيِّبا مُبارَکا فيهِ ، کَما يَنبَغى لَکَ أن تُحمَدَ ، وکَما يَنبَغى لِکَرَمِ وَجهِکَ وعِزِّ جَلالِکَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ وَالثَّناءُ وَالشُّکرُ . . . ولَکَ ما زَکا وطابَ وطَهُرَ مِنَ الثَّناءِ الطَّيِّبِ وَالمَديحِ الفاخِرِ وَالقَولِ الحَسَنِ الجَميلِ ، الَّذى تَرضى بِهِ عَن قائِلِهِ ويَرضى بِهِ قائِلُهُ وهُوَ رِضىً لَکَ . يَتَّصِلُ حَمدى بِحَمدِ أوَّلِ الحامِدينَ وثَنائى بِثَناءِ أوَّلِ المُثنينَ . (2)

عنه عليه السلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ويُميتُ ويُحيى وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ يا رَبِّ ، أنتَ نورُ السَّماواتِ وَالأَرضِ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ قِوامُ السَّماواتِ وَالأَرضِ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ جَمالُ السَّماواتِ والأَرضِ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ زَينُ السَّماواتِ وَالأَرضِ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ صَريخُ المُستَصرِخينَ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ غِياثُ المُستَغيثينَ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ مُجيبُ دَعوَةِ المُضطَرّينَ فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ أرحَمُ الرّاحِمينَ الرّحمنُ الرَّحيمُ فَلَکَ الحَمدُ . (3)

.

1- .قصص الأنبياء : ص 278 ح 340 عن محمّد بن مروان ، قرب الإسناد : ص 5 ح 14 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 212 ح 13 وص 209 ح 1 .
2- .المصباح للكفعمى : ص 108 عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 223 ح 335 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 167 ح 44 وج 95 ص 207 ح 38 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
3- .مصباح المتهجّد : ص 164 ح 254 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 258 ح 63 .

امام باقر علیه السلام :پیامبری از پیامبران علیهم السلام ، خداوند را با این ستایش ها ستود ، پس خداوند عز و جلبه او وحی فرمود که : «نویسندگان [اعمال] را مشغول ساختی» . آن پیامبر چنین ستایش کرده بود: بار خدایا ! ستایشت باد ؛ ستایشی فراوان و پاک و خجسته ، آن سان که شایسته توست که ستایش شوی ، و آن چنان که سزاوار رویِ گرامی تو و عظمتِ شکوه توست.

امام باقر علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش و ثنا و سپاس .. . و تو راست هر آنچه پاک و خوش و پاکیزه است از ثنای پاکیزه و ستایش شکوهمند و سخن نیکو و زیبا ؛ آن سان که هم تو آن را از گوینده اش بپسندی و هم گوینده اش آن را بپسندد و خود او نیز مورد رضایت تو باشد ، و آن سان که ستایش مرا به ستایش نخستین ستایشگران پیوند دهد و ثنای مرا به ثنای اوّلین ثناگویان .

امام باقر علیه السلام :معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و بی انباز . او راست فرمان روایی و او راست ستایش . زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می گرداند و او ، خود ، زنده نامیراست . خوبی ، سراسر ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. بار خدایا ! تو را ستایش ، ای پروردگارِ من ! تو نور آسمان ها و زمینی ، پس تو را ستایش باد . تو سبب برپاییِ آسمان ها و زمینی ، پس تو را ستایش باد . تو زیباییِ آسمان ها و زمینی ، پس ستایشت باد . تو زیور آسمان ها و زمینی ، پس ستایشت باد . تو فریادرس فریادخواهانی ، پس ستایشت باد . تو دادرس دادخواهانی ، پس ستایشت باد . تو اجابت کننده دعای بیچارگانی ، پس ستایشت باد . و تو مهربان ترینِ مهربانان و مهرگسترِ مهربانی ، پس ستایشت باد .

.

5 / 8المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِالإمام الصادق عليه السلام :الحَمدُ للّهِ بِمَحامِدِهِ كُلِّها عَلى نِعَمِهِ كُلِّها ، حَتّى يَنتَهِيَ الحَمدُ إلى ما يُحِبُّ رَبّى ويَرضى . (1)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ كَما يُحِبُّ رَبُّنا وكَما يَرضى كَثيرا طَيّبا . . . وَالحَمدُ للّهِ كُلَّما حَمِدَ اللّهَ شَىءٌ وكَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُحمَدَ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ عَلى عِلمِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى فَضلِهِ عَلَينا وعَلى جَميعِ خَلقِهِ ، وكانَ بِهِ كَرَمُ الفَضلِ فى ذلِكَ مَا اللّهُ بِهِ عَليمٌ . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ وَلِيِّ الحَمدِ وأهلِهِ ومُنتَهاهُ ومَحَلِّهِ ، أخلَصَ مَن وَحَّدَهُ ، وَاهتَدى مَن عَبَدَهُ ، وفازَ مَن أطاعَهُ ، وأمِنَ المُعتَصِمُ بِهِ ، اللّهُمَّ يا ذَا الجودِ وَالمَجدِ وَالثَّناءِ الجَميلِ وَالحَمدِ . (4)

الكافى عن علىّ بن حسّان عن بعض أصحابه :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّه عليه السلام : ما أدنى ما يُجزى مِنَ التَّحميدِ؟ قالَ : تَقولُ : الحَمدُ للّهِ الَّذى عَلا فَقَهَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى مَلَكَ فَقَدَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى بَطَنَ فَخَبَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُميتُ الأَحياءَ ويُحيِى المَوتى وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (5)

.

1- .قرب الإسناد : ص 4 ح 12 عن مسعده بن صدقه ، الكافى : ج 2 ص 547 ح 5 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 534 ، مصباح المتهجّد : ص 202 ح 292 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 209 ح 1 .
2- .الإقبال : ج 2 ص 124 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 243 .
3- .قرب الإسناد : ص 7 ح 21 عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 210 ح 1 .
4- .الكافى : ج 2 ص 590 ح 31 عن عبد الرحمن بن سيّابه .
5- .الكافى : ج 2 ص 504 ح 7 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 470 ح 1354 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 117 ح 438 كلاهما عن بكر بن محمّد

عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّه الداعى : ص 246 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 221 ح 4 .

5 / 8ستایش های نقل شده از امام صادق علیه السلامامام صادق علیه السلام :ستایش ، خدای را با همه ستایش هایش ، بر همه نعمت هایش ، تا آن که ستایش بدان جا رسد که پروردگارم دوست می دارد و خشنود می شود .

امام صادق علیه السلام :ستایش ، خدای را آن سان که پروردگار ما دوست دارد و آن سان که او می پسندد ؛ ستایشی بسیار و پاک .. . ستایش ، خدای را تا هر آن گاه که چیزی خدای را می ستاید ، و آن سان که خدا خود ، دوست دارد ستایش شود.

امام صادق علیه السلام :ستایش ، خدای را بر دانش او . ستایش ، خدای را بر لطف و دِهِش او به ما و به همه آفریدگانش ؛ لطف و دهشی چنان کریمانه که [فقط] خدا خود آن را می داند.

امام صادق علیه السلام :ستایش ، خدای را که صاحب ستایش و اهل آن و پایان آن و جایگاه آن است . اخلاص ورزید هر آن که او را یگانه داشت ، ره یافت هر آن که او را پرستید ، درست کار شد هر آن که از او فرمان برد ، و در امان ماند هر آن که به او پناه برد . بار خدایا ، ای صاحب جود و بزرگی و ثنای نیکو و ستایش!

الکافی به نقل از علی بن حَسّان ، از یکی از یارانش : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : کمترین چیزی که در ستایشگویی خداوند بسنده می کند ، چیست؟ فرمود : «می گویی : ستایش ، خدایی را که برتر و چیره است . ستایش ، خدایی را که فرمان روایی مقتدر است . ستایش ، خدایی را که از نهان ها آگاه و باخبر است . ستایش ، خدایی را که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می گرداند ، و او بر هر کاری تواناست» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى عَلا فَقَهَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى مَلَکَ فَقَدَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى بَطَنَ فَخَبَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُحيِى المَوتى ويُميتُ الأَحياءَ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى تَواضَعَ کُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى ذَلَّ کُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى استَسلَمَ کُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى خَضَعَ کُلُّ شَىءٍ لِمَلَکَتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يَفعَلُ ما يَشاءُ ولا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ . (1)

عنه عليه السلام مِن مَحامِدِهِ عِندَ تَجَدُّدِ الرِّزقِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى نِعَمُهُ تَغدو عَلَينا وتَروحُ ، ونَظَلُّ بِها نَهارا ونَبيتُ فيها لَيلاً ، فَنُصبِحُ فيها بِرَحمَتِهِ مُسلِمينَ ، ونُمسى فيها بِمِنَّتِهِ مُؤمِنينَ ، مِنَ البَلوى مُعافَينَ . الحَمدُ للّهِ المُنعِمِ المُفضِلِ ، المُحسِنِ المُجمِلِ ، ذِى الجَلالِ وَالإِکرامِ ، ذِى الفَواضِلِ وَالنِّعَمِ . اَلحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَخذُلنا عِندَ شِدَّةٍ ، ولَم يَفضَحنا عِندَ سَريرَةٍ ، ولَم يُسلِمنا عِندَ جَريرَةٍ (2) . (3)

الكافى عن صفوان عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : عَلِّمنى شَيئا أقولُهُ إذا أصبَحتُ وإذا أمسَيتُ . فَقالَ : قُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى يَفعَلُ ما يَشاءُ ولا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ ، الحَمدُ للّهِ کَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُحمَدَ ، الحَمدُ للّهِ کَما هُوَ أهلُهُ ، اللّهُمَّ أدخِلنى فى کُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأخرِجنى مِن کُلِّ سوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 72 ح 230 ، الإقبال : ج 1 ص 85 ، مصباح المتهجّد : ص 543 ح 630 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 362 ح 1 .
2- .الجَرِيرَةُ : الجنايه والذنب (النهايه : ج 1 ص 258 «جرر») .
3- .قرب الإسناد : ص 7 ح 20 عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 209 ح 1 .
4- .الكافى : ج 2 ص 529 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 295 ح 56 .

امام صادق علیه السلام :ستایش ، خدایی را که برتر و چیره است . ستایش ، خدایی را که فرمان روایی مقتدر است . ستایش ، خدایی را که از نهان ها آگاه و با خبر است . ستایش ، خدایی را که مردگان را زنده می کند و زندگان را می میراند ، و او بر هر چیز تواناست. ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عظمت او کوچکی می کند . ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر عزّت او خوار است . ستایش ، خدایی را که همه چیز در برابر قدرت او تسلیم است . ستایش ، خدایی را که هر چیزی در برابر پادشاهی او مطیع است . ستایش ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او کسی چنین نیست که هر چه بخواهد ، انجام دهد.

امام صادق علیه السلام در ستایش هنگام رسیدن روزیِ نو : ستایش ، خدایی را که نعمت هایش شب و روز به ما می رسد و روز را با آن سر می کنیم و شب را با آن به سر می آوریم ، و به مهر او ، با آن نعمت ها روزِ خود را با مسلمانی می آغازیم و به لطف او ، با آن نعمت ها روز خود را با ایمان و عافیت از گزند و بلا ، به شب می رسانیم. ستایش ، خدای را که نعمت می دهد و دهش می کند و احسان می نماید و نیکی می ورزد ، صاحب شکوه و کرم ورزی است ، پروردگار عطایا و نعمت هاست . ستایش ، خدایی را که در سختی ها ما را وا نمی گذارد و نهان ما را فاش نمی سازد ، و در هنگام گناه ، رهایمان نمی کند [بلکه دستمان را می گیرد و نجاتمان می دهد] .

الکافی به نقل از صفوان ، از کسی که نامش را برد : به امام صادق علیه السلام گفتم : چیزی به من بیاموزید که هر بام و شام ، آن را بگویم . فرمود : «بگو: ستایش ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و جز او هیچ کس چنین نیست که آنچه بخواهد ، انجام دهد . ستایش ، خدای را آن گونه که خدا ، خود ، دوست دارد ستوده شود . ستایش ، خدای را آن سان که او شایسته آن است . بار خدایا ! مرا در هر خوبی ای که محمّد و خاندان محمّد را وارد آن فرمودی ، وارد کن ، و از هر بدی ای که محمّد و خاندان محمّد را از آن به در آوردی ، مرا نیز به درآور . درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد باد» .

.

الكافى عن على بن حسّان عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق عليه السلام :كُلُّ دُعاءٍ لا يَكونُ قَبلَهُ تَحميدٌ فَهُوَ أبتَرُ ، إنَّمَا التَّحميدُ ثُمَّ الثَّناءُ. قُلتُ : ما أدرى ما يُجزى مِنَ التَّحميدِ وَالتَّمجيدِ؟ قالَ : يَقولُ : اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الآخِرُ فَلَيسَ بَعدَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الظّاهِرُ فَلَيسَ فَوقَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الباطِنُ فَلَيسَ دونَكَ شَىءٌ ، وأنتَ العَزيزُ الحَكيمُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ أنتَ ثِقَتى فى كُلِّ كُربَةٍ ، وأنتَ رَجائى فى كُلِّ شِدَّةٍ ، وأنتَ لى فى كُلِّ أمرٍ نَزَلَ بى ثِقَةٌ وعُدَّةٌ ، كَم مِن كَربٍ يَضعُفُ عَنهُ الفُؤادُ ، وتَقِلُّ فيهِ الحيلَةُ ، ويَخذُلُ عَنهُ القَريبُ وَالبَعيدُ ، ويَشمَتُ بِهِ العَدُوُّ ، وتُعنينى (2) فيهِ الاُمورُ ، أنزَلتُهُ بِكَ وشَكَوتُهُ إلَيكَ راغِبا فيهِ عَمَّن سِواكَ ، فَفَرَّجتَهُ وكَشَفتَهُ وكَفَيتَنيهِ ، فَأنتَ وَلِىُّ كُلِّ نِعمَةٍ ، وصاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ ، ومُنتَهى كُلِّ رَغبَةٍ ، فَلَكَ الحَمدُ كَثيرا ولَكَ المَنُّ فاضِلاً . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى اُثنى عَلَيكَ بِأَحسَنِ ما أقدِرُ عَلَيهِ ، وأشكُرُكَ بِما مَنَنتَ بِهِ عَلَىَّ وعَلَّمتَنى مِن شُكرِكَ ، اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها عَلى نَعمائِكَ كُلِّها ، وعَلى جَميعِ خَلقِكَ حَتّى يَنتَهِىَ الحَمدُ إلى ما تُحِبُّ ربَّنا وتَرضى . اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما خَلَقتَ وعَدَدَ ما ذَرَأتَ (4) ، ولَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما بَرَأتَ ، ولَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما أحصَيتَ ، ولَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما فِى السَّماواتِ وَالأَرَضينَ ، ولَكَ الحَمدُ مِل ءَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 504 ح 6 ، عدّه الداعى : ص 245 وفيه «التمجيد» بدل «التحميد» فى جميع المواضع ، بحار الأنوار : ج 93 ص 221 ح 4 .
2- .فى تهذيب الأحكام وبحار الأنوار : «وتعيينى» .
3- .الكافى : ج 2 ص 578 ح 5 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 94 ح 255 كلاهما عن بكر بن محمّد ، الأمالى للمفيد : ص 273 ح 4 ، الأمالى للطوسى : ص 35 ح 36 كلاهما عن الريّان بن الصلت عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 136 .
4- .ذَرأ اللّهُ الخلقَ : إذا خَلَقَهم (النهايه : ج 2 ص 156 «ذرأ») .
5- .الإقبال : ج 2 ص 122 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 242 .

الکافی به نقل از علی بن حسّان ، از یکی از یارانش : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر دعایی که پیش از آن ستایشی نباشد ، آن دعا نافرجام است . نخست ، ستایش باید و سپس ثنای او» . گفتم : من نمی دانم که چه اندازه از ستایش و تمجید کفایت می کند . فرمود : «[کسی که می خواهد دعا کند ،] بگوید : بار خدایا ! تو نخستینی و پیش از تو هیچ نبود ، و تو آخرینی و پس از تو هیچ نبوَد . تو آشکارا برونی و چیزی آشکارتر و برون تر از تو نیست ، و تو نهان و درونی و چیزی نهان تر و درون تر از تو نیست ، و تو ارجمند و سنجیده کاری» .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! تو در هر غم و اندوهی ، تکیه گاه منی . تو در هر سختی ای ، امید منی . تو در هر گرفتاری ای که به من رسد ، تکیه گاه و ساز و برگ منی . چه بسیار غم و اندوه ها که دل از تحمل آنها ناتوان است ، و چاره ای برای آنها یافت نمی شود ، و خویش و بیگانه خود را از آنها کنار می کشند [و به یاری ام نمی آیند و غم گساری نمی کنند] ، و دشمن از آنها شاد می شود ، و با وجود آنها کارها مرا رنج می دهند که به پیشگاه تو آوردم و از آنها به تو شکایت کردم و از غیر تو روی گرداندم ، و تو آنها را از من زدودی و برطرف ساختی و نجاتم دادی . پس تویی صاحب هر نعمتی ، و برآورنده هر حاجتی ، و نهایت هر خواستی . پس ستایشِ بسیار ، تو را ، و تویی که لطف فراوان داری .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! تو را به نیکوترین ثنایی که در توان من است ، ثنا می گویم ، و به آن سپاسی که تو بر من منّت نهادی و آن را به من آموختی ، سپاست می گویم . بار خدایا ! تو را ستایش ، با همه ستایش هایت ، بر همه نعمت هایت که به همه آفریدگانت داده ای ، تا بدان حد از ستایشِ که تو ای پروردگار ما ! که خودت دوست می داری و بدان خرسند می شوی . بار خدایا ! تو را ستایش ، به شمار آنچه آفریده ای و به تعداد آنچه پدید آورده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه ایجاد کرده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه شماره کرده ای . تو را ستایش ، به شمار آنچه در آسمان ها و زمین هاست . تو را ستایش ، به اندازه همه دنیا و آخرت.

.

مصباح المتهجّد عن المفضّل بن عمر :رَأَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام صَلّى صَلاةَ جَعفَرٍ ، ورَفَعَ يَدَيهِ ودَعا بِهذَا الدُّعاءِ : . . . اللّهُمَّ إنّى أفتَتِحُ القَولَ بِحَمدِكَ ، وأنطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيكَ وأُمَجِّدُكَ ولا غايةَ لِمَدحِكَ ، وأُثنى عَلَيكَ ، ومَن يَبلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ ! وأُمَجِّدُكَ ، وأنّى لِخَليقَتِكَ كُنهُ مَعرِفَتِهِ مَجدِكَ ! وأىُّ زَمَنٍ لم تَكُنِ مَمدوحا بِفَضلِكَ ، مَوصوفا بِمَجدِكَ ، عَوّادا عَلَى المُذنِبينَ بِحِلمِكَ ! تَخَلَّفَ سُكّانُ أرضِكَ عَن طاعَتِكَ فَكُنتَ عَلَيهِم عَطوفا بِجودِكَ ، جَوادا بِفَضلِكَ ، عَوّادا بِكَرَمِكَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، المَنّانُ ذُوالجَلالِ وَالإكرامِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ وَداعِ شَهرِ رَمضانَ : اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها أوَّلِها وآخِرِها ، ما قُلتَ لِنَفسِكَ مِنها وما قالَ الخَلائِقُ؛ الحامِدونَ المُجتَهِدونَ ، المَعدودونَ (2) المُوَقِّرونَ (3) ذِكرَكَ وَالشُّكرَ لَكَ ، الَّذينَ أعَنتَهُم عَلَى أداءِ حَقِّكَ مِن أصنافِ خَلقِكَ؛ مِنَ المَلائِكَهِ المُقَرَّبينَ ، وَالنَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ ، وأصنافِ النّاطِقينَ وَالمُسَبِّحينَ لَكَ مِن جَميعِ العالَمينَ ، عَلى أنَّكَ بَلَّغتَنا شَهرَ رَمَضانَ وعَلَينا مِن نِعَمِكَ ، وعِندَنا مِن قِسَمِكَ وإحسانِكَ وتَظاهُرِ امتِنانِكَ ، فَبِذلِكَ لَكَ مُنتَهَى الحَمدِ الخالِدِ الدّائِمِ الرّاكِدِ المُخَلَّدِ السَّرمَدِ الَّذى لا يَنفَدُ طُولَ الأبَدِ ، جَلَّ ثَناؤُكَ أعَنتَنا عَلَيهِ حَتّى قَضَينا صِيامَهُ وقِيامَهُ مِن صَلاةٍ ، وما كانَ مِنّا فيهِ مِن بِرٍّ أو شُكرٍ أو ذِكرٍ . (4)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 311 ح 419 ، جمال الأُسبوع : ص 188 ، فتح الأبواب : ص 276 ، البلد الأمين : ص 150 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 200 ح 4 .
2- .المعدودون : أى الذين عددتهم من أوليائک ، أو أحصيتَ أسماءهم فى شيعه الأئمّه عليهم السلام (مرآه العقول : ج 16 ص 402) .
3- .الموقّرون : أى المعظّمون لذكرک . وفى تهذيب الأحكام : المؤثرون ؛ أى الذين يختارون ذكرک وشكرک على كلّ شىء (مرآه العقول : ج 16 ص 402) .
4- .الكافى : ج 4 ص 165 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 123 ح 267 و 268 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 165 ح 2033 ، الإقبال : ج 1 ص 430 كلّها عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 98 ص 176 ح 2 .

مصباح المتهجّد به نقل از مُفَضّل بن عُمَر : امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز جعفر [طیّار]خواند ، سپس دستانش را بلند کرد و این دعا را خواند : «... بار خدایا ! سخن را با ستایش تو می آغازم ، ثنای تو را بر زبان می آورم و تو را تمجید می کنم ، در حالی که ستایشِ تو را نهایتی نیست . تو را ثنا می گویم ، و کیست که به منتهای ثنای تو رسد! تو را تمجید می کنم ، و کجا مخلوق تو می تواند به عمق شناخت مجد و عظمت تو نایل آید! کِی بوده است که تو به فضلت ستوده نشده باشی ، و به مجد و بزرگی موصوف نباشی ، و از سر بردباری ات به جانب گنهکاران باز نگشته باشی! ساکنان زمینت از اطاعت تو سر باز زدند ؛ ولی تو به جود خود ، آنان را نواختی و به فضلت برایشان جود نمودی و به کرمت سودشان رساندی . ای آن که معبودی جز تو نیست ، و بنده پرور و شکوهمند و ارجمندی !» .

امام صادق علیه السلام در دعای وداع با ماه رمضان : بار خدایا ! تو را ستایش به همه ستایش هایت ، از اوّل تا آخر آنها ؛ چه آن ستایش ها که تو خود برای خویش گفته ای ویا آنچه آفریدگان گفته اند ؛ همان ستایشگرانِ کوشا [در طاعت وعبادت] که شمارندگان (1) و گرامی دارندگانِ یاد تو و سپاس تو هستند ؛ همانان که بر ادای حقّت یاری شان دادی ، از انواع آفریدگانت : از فرشتگان مقرّب تا پیامبران و رسولان ، و انواع گویندگان و تسبیح کنندگان تو ، از همه جهانیان ؛ [تو را ستایش] برای این که ما را به ماه رمضان رساندی و از نعمت هایت بر خورداریم. و بهره هایت و احسانت و الطاف پیاپی ات شامل حال ماست؛ پس ، از بهر این همه ، تو را نهایت ستایش باد ؛ ستایشی جاویدان و همیشگی و ماندگار و مانا و بی پایان که هرگز تمام نشود . بزرگی تو! ما را در این ماه کمک کردی تا روزه و نمازهای آن را به جا آوردیم . هر کار نیکی یا سپاسی یا ذکری که در این ماه از ما سر زد ، به یاریِ تو انجام دادیم .

.

1- .در اصل عربی حدیث ، «المَعدودونَ (شمردگان)» آمده است ؛ یعنی : کسانی که آنها را از اولیایت شمرده ای ، یا نام آنها را در زمره شیعیان ائمه علیهم السلام به شمار آورده ای (مرآه العقول : ج 16 ص 42) . در مستدرک الوسائل : ج 7 ص 478 ح 8700 «المُعَدِّدونَ (شمارندگان)»

آمده است ، که مترجم ، بنا به قرائن ، این ضبط را ترجیح می دهد. در این صورت ، به معنای فرشتگانی است که مأمور شمارش آفریدگان یا نعمت های خدایند .

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی ما رَزَقتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما مَنَحتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما ألهَمتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما وَفَّقتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما شَفَیتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما عافَیتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ما هَدَیتَنی ، ولَکَ الحَمدُ عَلیَ السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ ، ولَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ نِعمَهٍ أنعَمتَ عَلَیَّ ظاهِرَهً وباطِنَهً ، حَمدا کَثیرا دائِما سَرمَدا أبَدا لا یَنقَطِعُ ولا یَفنی أبَدا ، حَمدا تَرضی بِحَمدِکَ عَنّا ، حَمدا یَصعَدُ أوَّلُهُ ولا یَفنی آخِرُهُ ، یَزیدُ ولا یَبیدُ . (1)

عنه علیه السلام :لا اُحصِی الثَّناءَ عَلَیکَ ولَو حَرَصتُ ، وأنتَ کَما أثنَیتَ عَلی نَفسِکَ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ . (2)

عنه علیه السلام :لا إلهَ إلّا أنتَ جَلَّ ثَناؤُکَ ، ولا اُحصی مِدحَتَکَ ولَا الثَّناءَ عَلَیکَ ، أنتَ کَما أثنَیتَ عَلی نَفسِکَ ، وفَوقَ ما یَقولُ القائِلونَ . (3)

عنه علیه السلام :لا یَبلُغُ مِدحَتَکَ قَولُ قائِلٍ ، أنتَ کَما تَقولُ وفَوقَ ما نَقولُ . (4)

الکافی عن محمَّد بن مسلم :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیهِ السلام : إنَّ فی کِتابِ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام : إنَّ المِدحَهَ قَبلَ المَسأَلَهِ ، فَإِذا دَعَوتَ اللّهَ عز و جل فَمَجِّدهُ . قالَ : قُلتُ : کَیفَ اُمَجِّدُهُ؟ قالَ : تَقولُ : یا مَن هُوَ أقرَبُ إلَیَّ مِن حَبلِ الوَرِیدِ ، یا فَعّالاً لِما یُرِیدُ ، یا مَن یَحولُ بَینَ المَرءِ وقَلبِهِ (5) ، یا مَن هُوَ بِالمَنظَرِ الأعلی ، یا مَن لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ . (6)

.

1- .الإقبال : ج 2 ص 142 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 257 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 121 عن أبی محمّد هارون بن موسی التلعکبری بإسناده ، بحار الأنوار : ج 97 ص 328 ح 1 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 838 ح 899 ، المزار الکبیر : ص 409 ح 4 کلاهما عن محمّد بن صدقه العنبری عن الإمام الکاظم علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 412 ح 1 نقلاً عن الإقبال .
4- .الکافی : ج 2 ص 594 ح 33 عن أبی بصیر ، مصباح المتهجّد : ص 278 ح 383 ، جمال الاُسبوع : ص 144 کلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل

البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 303 ح 10 .
5- .يحول بين المرء وقلبه : أى يملک على قلبه ، فيصرفه كيف شاء ؛ فيغيّر نيّاته ، ويفسخ عزائمه ، ويبدله بالذكر نسيانا وبالنسيان ذكرا ، وبالخوف أمنا وبالأمن خوفا (مجمع البحرين : ج 1 ص 475 «حول») .
6- .الكافى : ج 2 ص 484 ح 2 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 16 ح 2029 ، فلاح السائل : ص 90 ح 22 ، عدّه الداعى : ص 148 وليس فيهما «يا فعّالاً لما يريد» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 315 ح 20 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش بر آنچه روزیِ من کردی . تو را ستایش بر آنچه به من بخشیدی . تو را ستایش بر آنچه به من الهام فرمودی . تو را ستایش بر توفیقاتی که به من دادی . تو را ستایش بر این که مرا شفا دادی . تو را ستایش بر این که عافیت و تن درستی عطایم کردی . تو را ستایش بر این که مرا هدایت نمودی . تو را ستایش بر خوشی و ناخوشی . تو را ستایش برای همه اینها . تو را ستایش بر هر نعمت پیدا و ناپیدایی که به من دادی ؛ ستایش بسیار و همیشگی و بی پایان و ابدی که هرگز قطع نشود و از بین نرود ؛ ستایشی که به سبب آن ستایشت ، از ما خشنود شوی ؛ ستایشی که اوّل آن [به درگاه تو] فراز آید و آخر آن پایان نیابد ، افزون شود و نابود نگردد .

امام صادق علیه السلام :ثنای تو را شماره نتوانم ؛ هر چند در این کار بکوشم . تو چنانی که خود ثنای خویش گفته ای . پاکا تو و ستایش باد تو را.

امام صادق علیه السلام :معبودی جز تو نیست . بزرگ است ثنای تو . من ، نه ستایش تو را شماره توانم کرد و نه ثنای تو را . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای ، و برتر از آنی که گویندگان [در وصف و ثنای تو]گویند.

امام صادق علیه السلام :سخن هیچ گوینده ای ، از پسِ ستایش تو برنیاید . تو چنانی که خود می گویی و برتر از آنی که ما می گوییم.

الکافی به نقل از محمّد بن مسلم : امام صادق علیه السلام فرمود : «در کتاب امیر مؤمنان علیه السلام آمده است : ستایش ، پیش از درخواست است . پس هر گاه به درگاه خداوند عز و جلدعا کردی ، [نخست] او را بستای» . من گفتم : چگونه او را بستایم؟ فرمود : «می گویی: ای آن که از رگ گردن ؛ به من نزدیک تر است ، ای آن که هر چه اراده کند ، انجامش دهد ، ای آن که میان انسان و دلش حایل گردد ، ای آن که در تماشاگه برین است ، ای آن که چیزی همانند او نیست !» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ وَلِیَّ الحَمدِ ، ومُنتَهَی الحَمدِ ، وَفِیَّ الحَمدِ ، عَزیزَ الجُندِ ، قَدیمَ المَجدِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذی کانَ عَرشُهُ عَلَی الماءِ حینَ لا شَمسٌ تُضیءُ ، ولا قَمَرٌ یَسری ، ولا بَحرٌ یَجری ، ولا رِیاحٌ تَذری (1) ، ولا سَماءٌ مَبنِیَّهٌ ، ولا أرضٌ مَدحِیَّهٌ ، ولا لَیلٌ تَجُنُّ (2) ، ولا نَهارٌ یُکِنُّ ، ولا عَینٌ تَنبَعُ ، ولا صَوتٌ یُسمَعُ ، ولا جَبَلٌ مَرسِیٌّ ، ولا سَحابٌ مُنشَأٌ ، ولا إنسٌ مَبرُوٌّ ، ولا جِنٌّ مَذرُوٌّ ، ولا مَلَکٌ کَریمٌ ، ولا شَیطانٌ رَجیمٌ ، ولا ظِلٌّ مَمدودٌ ، ولا شَیءٌ مَعدودٌ . الحَمدُ للّهِ الَّذی استَحمَدَ إلی مَنِ استَحمَدَهُ مِن أهلِ مَحامِدِهِ ، لِیَحمَدوهُ عَلی ما بَذَلَ مِن نَوافِلِهِ الَّتی فاقَ مَدحَ المادِحینَ مآثِرُ مَحامِدِهِ ، وعَدا وَصفَ الواصِفینَ هَیبَهُ جَلالِهِ ، هُوَ أهلٌ لِکُلِّ حَمدٍ ومُنتَهی کُلِّ رَغبَهٍ ، الواحِدُ الَّذی لا بَدءَ لَهُ ، المَلِکُ الَّذی لا زَوالَ لَهُ ، الرَّفیعُ الَّذی لَیسَ فَوقَهُ ناظِرٌ ، ذو (3) المَغفِرَهِ وَالرَّحمَهِ ، المَحمودُ لِبَذلِ نَوائِلِهِ ، المَعبودُ بِهَیبَهِ جَلالِهِ ، المَذکورُ بِحُسنِ آلائِهِ ، المَنّانُ بِسَعَهِ فَواضِلِهِ ، المَرغوبُ إلَیهِ فی تَمامِ المَواهِبِ مِن خَزائِنِهِ ، العَظیمُ الشَّأنِ ، الکَریمُ فی سُلطانِهِ ، العَلِیُّ فی مَکانِهِ ، المُحسِنُ فِی امتِنانِهِ ، الجَوادُ فی فَواضِلِهِ . الحَمدُ للّهِ بارِئِ خَلقِ المَخلوقِینَ بِعِلمِهِ ، ومُصَوِّرِ أجسادِ العِبادِ بِقُدرَتِهِ ، ومُخالِفِ صُوَرِ مَن خَلَقَ مِن خَلقِهِ ، ونافِخِ الأرواحِ فی خَلقِهِ بِعِلمِهِ ، ومُعَلِّمِ مَن خَلَقَ مِن عِبادِهِ اسمَهُ ، ومُدَبِّرِ خَلقِ السَّماواتِ وَالأرضِ بِعَظَمَتِهِ . الَّذی وَسِعَ کُلَّ شَیءٍ خَلقُ کُرسِیِّهِ ، وعَلا بِعَظَمَتِهِ فَوقَ الأعلَینَ ، وقَهَرَ المُلوکَ بِجَبَروتِهِ ، الجَبّارِ الأعلی المَعبودِ فی سُلطانِهِ ، المُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ ، المُتَعالی فی دُنُوِّهِ ، المُتَدانی کُلَّ شَیءٍ فِی ارتِفاعِهِ ، الَّذی نَفَذَ بَصَرُهُ فی خَلقِهِ ، وحارَتِ الأبصارُ بِشُعاعِ نورِهِ . الحَمدُ للّهِ الحَلیمِ الرَّشیدِ ، القَوِیِّ الشَّدیدِ ، المُبدِئِ المُعیدِ ، الفَعّالِ لِما یُریدُ . الحَمدُ للّهِ مُنزِلِ الآیاتِ ، وکاشِفِ الکُرُباتِ ، ومُؤتِی السَّماواتِ . الحَمدُ للّهِ فی کُلِّ مَکانٍ ، وفی کُلِّ زَمانٍ ، وفی کُلِّ أوانٍ . الحَمدُ للّهِ الَّذی لا یَنسی مَن ذَکَرَهُ ، ولا یُخَیِّبُ مَن دَعاهُ ، ولا یُذِلُّ مَن والاهُ ، الَّذی یَجزی بالإحسانِ إحسانا ، وبِالصَّبرِ نَجاهً . «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمَوَ تِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاخِرَهِ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ» (4) . «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَئِکَهِ رُسُلاً أُوْلِی أَجْنِحَهٍ مَّثْنَی وَ ثُلَثَ وَ رُبَعَ یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ مَا یَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ» (5) . (6)

.

1- .ذَرَتْهُ الریح وأذرته وتُذریه : إذا أطارته (النهایه : ج 2 ص 159 «ذرا») .

2- .جَنَّهُ الليل ، وجَنّ عليه يَجُنّ : ستره (لسان العرب : ج 13 ص 92 «جنن») .
3- .فى الطبعه المعتمده : «ذى» ، والتصويب من طبعه دار الكتب الإسلاميّه .
4- .سبأ : 1 .
5- .فاطر : 1 .
6- .الإقبال : ج 2 ص 122 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 242 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش ای صاحب ستایش و منتهای ستایش و در اوج ستایش ، ای که سپاهش نیرومند است و شکوهش دیرینه ! ستایش ، خدایی را که عرش او بر آب بود ؛ آن گاه که نه خورشیدی می درخشید و نه ماهی در شب می تابید ، نه دریایی [و رودی] روان بود و نه بادی می ورزید ، نه آسمانی افراشته وجود داشت و نه زمینی گسترده ، نه شبی که [همه جا را] در تاریکی خود فرو بَرد و نه روزی که پدیدار سازد ، نه چشمه ای می جوشید و نه صدایی شنیده می شد ، نه کوهی استوار و سر به فلک کشیده بود و نه ابری پدید آمده ، نه انسانی آفریده شده بود و نه جنّی خلق گشته بود ، نه فرشته ای گرامی وجود داشت و نه شیطانی رانده شده ، نه سایه ای گسترده پدید آمده بود و نه چیزی شمردنی . ستایش ، خدایی را که اهل ستایش هایش را به ستایش خویش خواند تا او را بر نیکی ها و بخشش هایی که کرده است ، بستایند ؛ بخشش هایی که برتر از ستایشِ ستایندگانِ اوصاف برجسته اوست و فراتر از توصیف وصف کنندگانِ هیبت شکوه او . او سزاوار هر ستایشی و منتهای هر خواستی است . یگانه ای است که آغازی برایش نباشد ، پادشاهی است که او را زوال نباشد ، و بلندْ مرتبه ای است که هیچ نگاهی به او نرسد . پروردگار آمرزش و مهر است . به سبب بخشش هایش ، ستوده شود و به واسطه هیبت شکوهش ، پرستیده شود . به سبب احسان هایش ، از او یاد شود و به واسطه وسعت عطایایش ، بر همگان منّت دارد . از او خواهند که بخشش هایش را از خزانه هایش ، به کمال دهد . عظیم الشأن است . در عین اقتدار و تسلّط ، بزرگوار است و در جایگاه خود ، بلند مرتبه است . سخاوتمندانه نیکی می کند و عطاهایش را بی چشمداشت ، ارزانی می دارد. ستایش ، خدای را که به علم خویش ، آفریدگان را آفرید و به قدرت خویش ، بدن های بندگان را شکل بخشید و مخلوقاتش را شکل های گونه گون داد . به علم خویش ، در آفریدگانش جان دمید و به آن کس از بندگانش که آفرید ، نام خود را آموخت . با عظمت خویش ، آفرینش آسمان ها و زمین را اداره می کند . خدایی که کرسی او ، بر هر چیزی احاطه دارد و با عظمتش ، بر همه برترین ها برتری جسته و با قدرتش پادشاهان را مقهور ساخته . آن قدرتمندِ برین که در قلمرو سلطنتش پرستیده شود و با نیرویش چیره است . در عین نزدیک بودن ، بالاست و در عین بالا بودن ، به هر چیزی نزدیک است . خدایی که نگاهش در خلق او نافذ است و دیدگان [ِ خلق] به واسطه پرتو نور او خیره اند. ستایش ، خدای را که بردبار و داناست ، نیرومند و محکم است ،

آغاز کننده و بازگرداننده است ، و کننده هر کاری است که اراده کند. ستایش ، خدای را که فرو فرستنده آیه ها و برطرف کننده اندوه ها و آفریننده آسمان هاست . ستایش ، خدای را در هر مکانی و در هر زمانی و در هر آنی. ستایش ، خدای را که هر کس را یاد او کند ، از یاد نبرد و هر که را بخواندش ، ناکام نگرداند و هر که را با او دوستی کند ، خوار نسازد ؛ خدایی که نیکی را به نیکی پاداش می دهد و شکیبایی را به رهایی. «ستایش ، خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین باشد ، از آنِ اوست ، و ستایشْ او راست در آخرت . و اوست حکیم کار آگاه» . «ستایش ، خدای را که آفریننده آسمان ها و زمین است ؛ خدایی که فرشتگان را پیام رسانانی قرار داد دارای دو بال و سه بال و چهار بال ؛ هر چه خواهد ، در آفرینش می افزاید . خدا بر هر چیزی تواناست» .

.

ص: 418

. .

. .

5 / 9المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ مُوسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِقرب الإسناد عن علىّ بن جعفر عليه السلام :كَانَ أخى عليه السلام يَقولُ كَثيرا : الحَمدُ للّهِ الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى يَصِفُ ولا يوصَفُ ، ويَعلَمُ ولا يُعلَمُ ، يَعلَمُ خائِنَةَ الأَعيُنِ وما تُخفِى الصُّدورُ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ ما أصبَحتُ فيهِ مِن عافِيَهٍ فى دينى ودُنياىَ ، فَأَنتَ الَّذى أعطَيتَنى ورَزَقتَنى ووَفَّقتَنى لَهُ وسَتَرتَنى ، فَلا حَمدَ لى يا إلهى فيما كانَ مِنّى مِن خَيرٍ ، ولا عُذرَ لى فيما كانَ مِنّى مِن شَرٍّ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن أتَّكِلَ إلى ما لا حَمدَ لى فيهِ أو ما لا عُذرَ لى فيهِ . (3)

5 / 10المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ موُسَى الرِّضاالإمام الرضا عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى حَمِدَ فِى الكِتابِ نَفسَهُ ، وَافتَتَحَ بِالحَمدِ كِتابَهُ ، وجَعَلَ الحَمدَ أوَّلَ جَزاءِ مَحَلِّ نِعمَتِهِ ، وآخِرَ دَعوى أهلِ جَنَّتِهِ . (4)

.

1- .قرب الإسناد : ص 300 ح 1179 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 210 ح 2 .
2- .الكافى : ج 2 ص 532 ح 30 عن عبد اللّه بن إبراهيم الجعفرى وص 569 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 118 ح 1324 ، عدّه الداعى : ص 254 كلّها عن سليمان الجعفرى ، بحار الأنوار : ج 86 ص 259 ح 28 .
3- .البلد الأمين : ص 117 .
4- .الكافى : ج 5 ص 373 ح 7 عن معاويه بن حكيم ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 449 ح 1541 وفيه «جزاء أهل طاعته» بدل «آخر دعوى أهل جنّته» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 264 ح 4 .

5 / 9 ستایش های نقل شده از امام کاظم علیه السلام

5 / 10 ستایش های نقل شده از امام رضا علیه السلام

5 / 9ستایش های نقل شده از امام کاظم علیه السلامقرب الاسناد به نقل از علی بن جعفر : برادرم [امام کاظم علیه السلام] بسیار می گفت : «ستایش ، خدایی را که با نعمت او ، کارهای نیک انجام می پذیرد» .

امام کاظم علیه السلام :به نام خدای بخشایشگر مهربان . ستایش ، خدایی را که فرزندی نگرفته و در جهانداری شریک ندارد . ستایش ، خدایی را که وصف می کند ولی خود ، به وصف نمی آید ؛ می داند ولی خود ، دانسته نمی شود ؛ خیانت چشم ها را و آنچه را سینه ها نهان می دارند ، می داند.

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا ! هر عافیتی که در دین و دنیایم دارم ، تو آن را به من داده ای و روزی ام کرده ای و به آن موفّقم داشته ای و تو [عیب های] من را پوشانده ای . پس ای معبود من ! هر کار خوبی که از من سر زند ، ستایشی متوجّه من نیست ، و هر بدی ای که از من سر زند ، مرا در آن عذری نباشد . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که به چیزی تکیه کنم که برای آن ، ستایشی از من سر نزند ، و یا در آن ، عذری نداشته باشم .

5 / 10ستایش های نقل شده از امام رضا علیه السلامامام رضا علیه السلام :ستایش ، خدایی را که در کتاب [قرآن] ، خودش را ستوده و کتابش را با ستایش [ِ خویش]آغاز کرده ، و ستایش را نخستین پاداش در سرای نعمتش (بهشت) ، و آخرین دعاهای اهل بهشتش قرار داده است.

.

الكافى عن محمّد بن أحمد عن بعض أصحابنا :كانَ الرِّضا عليه السلام يَخطُبُ فِي النِّكاحِ : الحَمدُ للّهِ إجلالاً لِقُدرَتِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ خُضوعا لِعِزَّتِهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ عِندَ ذِكرِهِ ، إنَّ اللّهَ «خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا» إلى آخِرِ الآيَهِ (1) . (2)

5 / 11المَحامِدُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ الجَوادِالإمام الجواد عليه السلام :الحَمدُ للّهِ مُتِمِّ النِّعَمِ بِرَحمَتِهِ ، وَالهادى إلى شُكرِهِ بِمَنِّهِ . (3)

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ إقرارا بِنِعمَتِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ إخلاصا لِوَحدانِيَّتِهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ ، وَالأصفِياءِ مِن عِترَتِهِ . (4)

عنه عليه السلام :يُستَحَبُّ أن تُكثِرَ مِن أن تَقولَ فى كُلِّ وَقتٍ مِن لَيلٍ أو نَهارٍ مِن أوَّلِ الشَّهرِ [أى شَهرِ رَمَضانَ] إلى آخِرِهِ : يا ذَا الَّذى كانَ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَىءٍ ، ثُمَّ يَبقى ويَفنى كُلُّ شَىءٍ ، يا ذَا الَّذى لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، ويا ذَا الَّذى لَيسَ فِى السَّماواتِ العُلى ولا فِى الأَرَضينَ السُّفلى ولا فَوقَهُنَّ ولا تَحتَهُنَّ ولا بَينَهُنَّ إلهٌ يُعبَدُ غَيرُهُ . لَکَ الحَمدُ حَمدا لا يَقوى عَلى إحصائِهِ إلّا أنتَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلاهً لا يَقوى عَلى إحصائِها إلّا أنتَ . (5)

.

1- .الفرقان : 54 .
2- .الكافى : ج 5 ص 374 ح 8 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 398 ح 4399 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 448 ح 1540 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 264 ح 3 وفيه «لمّا تزوّج الرضا عليه السلام ابنه المأمون خطب لنفسه فقال ...» .
4- .الإرشاد : ج 2 ص 284 ، تحف العقول : ص 452 وفيه «إجلالاً لعظمته» بدل «إخلاصا لوحدانيّته» ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 450 ح 1542 ، الاحتجاج : ج 2 ص 472 ح 322 ، إعلام الورى : ج 2 ص 103 كلاهما عن الريّان بن شبيب ، بحار الأنوار : ج 103 ص 265 ح 5 وص 272 ح 22 .
5- .المقنعه : ص 320 ، التوحيد : ص 47 ح 11 نحوه وكلاهما عن علىّ بن مهزيار ، الإقبال : ج 1 ص 348 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 285 ح 5 وج 94 ص 179 ح 2 .

الکافی به نقل از محمّد بن احمد ، از یکی از یارانمان : امام رضا علیه السلام در خطبه نکاح می فرمود : «ستایش ، خدای را سزد ؛ از سرِ بزرگداشت قدرت او . معبودی جز خدا نیست ؛ از بهر تسلیم در برابر عزّت او . و درود خدا بر محمّد و خاندان او ؛ به هنگام یاد کردن از او . خداوند «از آب ، بشری آفرید و او را خویشی و پیوند نهاد . و پروردگار تو همواره تواناست» » .

5 / 11ستایش های نقل شده از امام جواد علیه السلامامام جواد علیه السلام :ستایش ، خدای را که به مهرش ، نعمت ها را کامل کرده و با لطفش ، به سپاس گزاری از خود راه نما شده است.

امام جواد علیه السلام :ستایش ، خدای راست ؛ از سرِ اقرار به نعمتش . معبودی جز خدا نیست ؛ از بهرِ خالص گردانیدنِ یگانگی . و درود خدا بر محمّد ، سَروَر آفریدگانش ، و برگزیدگانِ از خاندان او.

امام جواد علیه السلام :مستحب است که از آغاز ماه [رمضان] تا پایان آن ، در هر وقتی از شب یا روز ، این دعا را زیاد بگویی: ای آن که پیش از هر چیز بود ، سپس هر چیز را آفرید ، آن گاه او می ماند و همه چیز از میان می رود ! ای آن که چیزی همانندش نیست ! ای آن که نه در آسمان های بالا و نه در زمین های پایین و نه بالای آنها و نه زیر آنها و نه میان آنها ، جز او خدایی نیست که پرستیده شود ! تو را ستایش ؛ ستایشی که جز تو هیچ کس بر شمارش آن توانا نباشد . پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ درودی که جز تو هیچ کس بر شمارش آن توانا نباشد .

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ بِلا أوَّلِيَّهٍ مَعدودَهٍ ، وَالآخِرُ بِلا آخِرِيَّهٍ مَحدودَهٍ ، أنشَأتَنا لا لِعِلَّهٍ اقتِسارا ، وَاختَرَعتَنا لا لِحاجَهٍ اقتِدارا ، وَابتَدَعتَنا بِحِكمَتِکَ اختِيارا ، وبَلَوتَنا بِأمرِکَ ونَهيِکَ اختِبارا ، وأَيَّدتَنا بِالآلاتِ ومَنَحتَنا بِالأَدَواتِ ، وكَلَّفتَنَا الطّاقَهَ وجَشَمتَنَا (1) الطّاعَهَ ، فَأَمَرتَ تَخييرا ونَهَيتَ تَحذيرا ، وخَوَّلتَ كَثيرا وسَألتَ يَسيرا ، فَعُصِيَ أمرُکَ فَحَلُمتَ ، وجُهِلَ قَدرُکَ فَتَكَرَّمتَ . فَأنتَ رَبُّ العِزَّهِ وَالبَهاءِ ، وَالعَظَمَهِ وَالكِبرِياءِ ، وَالإحسانِ وَالنَّعماءِ ، وَالمَنِّ وَالآلاءِ ، وَالمَنحِ وَالعَطاءِ ، وَالإنجازِ وَالوَفاءِ ، ولا تُحيطُ القُلوبُ لَکَ بِكُنهٍ ، ولا تُدرِکُ الأوهامُ لَکَ صِفَهً ، ولا يُشبِهُکَ شَيءٌ مِن خَلقِکَ ، ولا يُمَثَّلُ بِکَ شَيءٌ مِن صَنعَتِکَ ، تَبارَكتَ أن تُحَسَّ أو تُمَسَّ أو تُدرِكَکَ الحَواسُّ الخَمسُ ، وأنّى يُدرِکُ مَخلوقٌ خالِقَهُ؟ ! وتَعالَيتَ يا إلهى عَمّا يَقولُ الظّالِمونَ عُلُوّا كَبيرا ! (2)

5 / 12المَحامِدُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ الهاديالإمام الهادى عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَنا مِن أهلِ طاعَتِهِ ، ووَفَّقَنا لِلعَونِ عَلى عِبادَتِهِ . (3)

.

1- .جَشَمتُهُ الأمرَ : إذا كَلَّفتَهُ إيّاه (الصحاح : ج 5 ص 1888 «جشم»).
2- .مُهج الدعوات : ص 80 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 225 ح 1 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 299 ح 587 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 414 كلاهما عن كافور الخادم ، بحار الأنوار : ج 50 ص 126 ح 4 .

امام جواد علیه السلام :بار خدایا ! تو نخستینی بی آن که برایت آغازی توان شمرد ، و واپسینی بی آن که برایت فرجامی تعیین توان کرد . ما را پدید آوردی ، نه برای علّتی ؛ بلکه به جبر . ما را اختراع کردی ، نه برای نیازی ؛ بلکه از سر قدرت [و قدرت نمایی] . ما را از سرِ حکمتت ابداع کردی به اختیار ، و امر و نهی مان کردی تا ما را بیازمایی ، و به ابزارها مجهّزمان کردی و ادوات در اختیارمان نهادی ، و نیرویمان بخشیدی و به فرمانبری مکلّفان نمودی . پس فرمان دادی و مخیَّر گذاشتی ، و نهی کردی و [با آن] بر حذر داشتی. (1) بسیار عطا کردی و اندک خواستی . اما [با این همه ،]فرمان تو برده نشد و تو بردباری ورزیدی ، و قدر تو شناخته نشد و تو بزرگواری نمودی . پس تویی پروردگار عزّت و شوکت ، و بزرگی و کبریا ، و نیکی و نعمت ، و لطف و احسان ها ، و دهش و بخشش ، و به جا آوردن و وفا کردن . دل ها به گوهر تو احاطه نیابند و اوهام به صفتی از تو نرسند . هیچ چیز از آفریدگانت ، مانند تو نیست و هیچ چیز از ساخته هایت ، مثل تو نباشد . تو برتر از آنی که به حس در آیی ، یا لمس شوی و یا حواسّ پنجگانه به تو رسند . کجا آفریده ای تواند که آفریدگارش را دریابد؟ ! تو ای معبود من ! بسیار بالاتر از آنی هستی که ستمکاران [و مشرکان] در حقّ تو می گویند.

5 / 12ستایش های نقل شده از امام هادی علیه السلاامام هادی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که ما را از اهل طاعتش قرار داد و با کمک برای عبادتش ، توفیقمان بخشید.

.

1- .یعنی : امر تو ، با تخییر همراه است و نهی تو ، جنبه تحذیری دارد ، نه این که در اطاعت از امر تو و باز ایستادن از نهی تو ، مجبور و بی اختیار باشیم.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ العالِمِ بِما هُوَ كائِنٌ مِن قَبلِ أن يَدينَ لَهُ مِن خَلقِه دائِنٌ ، فاطِرِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، مُؤَلِّفِ الأَسبابِ بِما جَرَت بِهِ الأَقلامُ ومَضَت بِهِ الأَحتامُ (1) مِن سابِقِ عِلمِهِ ومُقَدَّرِ حُكمِهِ ، أحمَدُهُ عَلى نِعَمِهِ وأعوذُ بِهِ مِن نِقَمِهِ ، وأستَهدِي اللّهَ الهُدى وأعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَالرَّدى ، مَن يَهدِهِ اللّهُ فَقَدِ اهتَدى ، وسَلَکَ الطَّريقَةَ المُثلى ، وغَنِمَ الغَنيمَةَ العُظمى ؛ ومَن يُضلِلِ اللّهُ فَقَد حارَ (2) عَنِ الهُدى ، وهَوى إلَى الرَّدى . (3)

عنه عليه السلام :إلهى تاهَت أوهامُ المُتَوَهِّمينَ ، وقَصُرَ طَرفُ الطّارِفينَ ، وتَلاشَت أوصافُ الواصِفينَ ، وَاضمَحَلَّت أقاويلُ المُبطِلينَ عَنِ الدَّركِ لِعَجيبِ شَأنِکَ ، أوِ الوُقوعِ بِالبُلوغِ إلى عُلُوِّکَ ، فَأنتَ فِى المَكانِ الَّذى لا يَتَناهى ، ولَم تَقَع عَلَيکَ عُيونٌ بِإِشارَةٍ ولا عِبارَةٍ ، هَيهاتَ ثُمَّ هَيهاتَ ! يا أوَّلِيُّ يا وَحدانِيُّ يا فَردانِيُّ ، شَمَخَتَ (4) فِى العُلُوِّ بِعِزِّ الكِبرِ ، وَارتَفَعتَ مِن وَراءِ كُلِّ غَورَةٍ ونِهايَةٍ بِجَبَروتِ الفَخرِ (5) . (6)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ إذ جَعَلتَنا مِمَّن يَحمَدُکَ حَقّا . (7)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا يَكونُ أحَقَّ الحَمدِ بِکَ ، وأرضَى الحَمدِ لَکَ ، وأوجَبَ الحَمدِ لَکَ ، وأحَبَّ الحَمدِ إلَيکَ . ولَکَ الحَمدُ كَما أنتَ أهلُهُ ، وكَما رَضيتَ لِنَفسِکَ ، وكَما حَمِدَکَ مَن رَضيتَ حَمدَهُ مِن جَميعِ خَلقِکَ . ولَکَ الحَمدُ كَما حَمِدَکَ بِهِ جَميعُ أنبِيائِکَ ورُسُلِکَ ومَلائِكَتِکَ ، وكَما يَنبَغى لِعِزِّکَ وكِبرِيائِکَ وعَظَمَتِکَ . ولَکَ الحَمدُ حَمدا تَكِلُّ الأَلسُنُ عَن صِفَتِهِ ، ويَقِفُ القَولُ عَن مُنتَهاهُ . ولَکَ الحَمدُ حَمدا لا يَقصُرُ عَن رِضاکَ ، ولا يَفضُلُهُ شَىءٌ مِن مَحامِدِکَ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ ، وَالشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ ، وَالعافِيَهِ وَالبَلاءِ ، وَالسِّنينَ وَالدُّهورِ . ولَکَ الحَمدُ عَلى آلائِکَ وَنَعمائِکَ عَلَىَّ وعِندى ، وعَلى ما أولَيتَنى وأبلَيتَنى وعافَيتَنى ورَزَقتَنى وأعطَيتَنى وفَضَّلتَنى وشَرَّفتَنى وكَرَّمتَنى وهَدَيتَنى لِدينِکَ ، حَمدا لا يَبلُغُهُ وَصفُ واصِفٍ ، ولا يُدرِكُهُ قَولُ قائِلٍ . اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ حَمدا فيما أتَيتَ إلى أحَدٍ مِن إحسانِکَ عِندى ، وإفضالِکَ عَلَىَّ ، وتَفضيلِکَ إيّاىَ عَلى غَيرى . ولَکَ الحَمدُ عَلى ما سَوَّيتَ مِن خَلقى وأدَّبتَنى فَأحسَنتَ أدَبى ، مَنّا مِنکَ عَلَىَّ لا لِسابِقَهٍ كانَت مِنّى . فَأىُّ النِّعَمِ يا رَبِّ لَم تَتَّخِذ عِندى ! وأىُّ شُكرٍ لَم تَستَوجِب مِنّى ! رَضيتُ بِلُطفِکَ لُطفاً ، وبِكِفايَتِکَ مِن جَميعِ الخَلقِ خَلَفاً . (8) يا رَبِّ ، أنتَ المُنعِمُ عَلَىَّ ، المُحسِنُ المُتَفَضِّلُ المُجمِلُ ، ذُو الجَلالِ وَالإِكرامِ ، وَالفَواضِلِ وَالنِّعَمِ العِظامِ ، فَلَکَ الحَمدُ عَلى ذلِکَ . (9)

.

1- .الحَتْم : القضاء وإيجابُه (القاموس المحيط : ج 4 ص 93 «حتم») .
2- .حارَ : رجَعَ (الصحاح : ج 2 ص 638 «حور») .
3- .الكافى : ج 5 ص 372 ح 6 عن عبدالعظيم بن عبد اللّه الحسنى .
4- .شَمَخَ : ارتفع وتكبّر (النهايه : ج 2 ص 500 «شمخ») .
5- .الغَور : القَعْر من كلّ شىء (القاموس المحيط : ج 2 ص 105 «غور») . أى ارتفعتَ عن أن يدرک کنه ذاتک وصفاتک بالوصول إلى غور الأفكار ونهايتها بسبب جبروت وعظمه ذاتيّه توجب الفخر (بحار الأنوار : ج 3 ص 299) .
6- .التوحيد : ص 66 ح 19 عن سهل بن زياد ، الاحتجاج : ج 2 ص 485 ح 325 نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 179 ح 3 .
7- .الأمالى للطوسى : ص 289 ح 559 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 427 عن الإمام العسكرى عليه السلام وكلاهما عن كافور الخادم ، بحار الأنوار : ج 50 ص 126 ح 3 .
8- .فى المصدر : «خلقا» ، والتصويب من بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر . والخَلَف : ما استخلَفتَهُ من شىء ؛ تقول : أعطاک اللّهُ خَلَفا ممّا ذهب لک (لسان العرب : ج 9 ص 84 «خلف») .
9- .مصباح المتهجّد : ص 343 ح 453 ، جمال الأُسبوع : ص 210 كلاهما عن يعقوب بن يزيد الكاتب الأنبارى ، بحار الأنوار : ج 90 ص 49 ح 12 .

امام هادی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که به کائناتْ دانا بود ، پیش از آن که از آفریدگانش کسی باشد که او را طاعت و دینداری کند . آفریننده آسمان ها و زمین است و فراهم آورنده سبب هاست برای [اجرای] آنچه قلم ها آن را رقم زدند و از قضای حتمی او گذشتند و او از پیش ، به آنها علم داشت و حکم آن را مقرّر کرده بود . او را بر نعمت هایش می ستایم و از خشم و کیفرهایش ، به خود او پناه می برم . از خدا هدایت می طلبم و از گم راهی و نابودی ، به او پناه می برم . هر کس خدا هدایتش کند ، بی گمان ، هدایت شده است و راست ترین راه را پیموده و بزرگ ترین سود را برده است ، و هر که خدا گم راهش کند ، بی گمان ، از راه راست بر گشته و به هلاکت در افتاده است.

امام هادی علیه السلام :معبودا ! اندیشه های اندیشمندان ، از درک مقام شگفت آور تو و رسیدن به جایگاه بلند تو ، سرگشته اند و نگاه های نگرندگان ، کوتاه و وصف های وصف کنندگان ، بر باد رفته و گفته های باطل گرایان ، فرو پاشیده؛ زیرا تو در جایگاهی نامتناهی هستی و چشم ها به اشارت و عبارت ، بر تو نیفتند . هیهات و هیهات ! ای آغازین ، ای یگانه ، ای یکتا ! تو به واسطه عزّت کبریایت ، در اوج بلندی هستی و به سبب جبروت فخرآفرینت ، برتر از آنی که با فرو رفتن در ژرفای اندیشه و نهایت آن ، به تو توان رسید.

امام هادی علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش که ما را از کسانی قرار دادی که به راستی ، تو را می ستایند .

امام هادی علیه السلام :بار خدایا ! تو را ستایش ؛ ستایشی که سزامندترین ستایش به تو ، و پسندیده ترین ستایش به نزد تو ، و واجب ترین ستایش برای تو ، و محبوب ترین ستایش در نزد تو باشد . تو را ستایش ، آن سان که تو اهل آنی ، و آن سان که تو برای خود پسندی ، و آن سان که دیگر آفریدگانت که ستایش آنها را پسندیده ای ستایشت کرده اند . تو را ستایش ، آن سان که همه پیامبران و فرستادگان و فرشتگانت ، با آن تو را ستوده اند ، و آن سان که شایسته عزّت و کبریا و عظمت توست . تو را ستایش ؛ ستایشی که زبان ها از وصف آن فرو مانند و گفتار از رسیدن به نهایت آن باز ماند . تو را ستایش ؛ ستایشی که از خشنود کردن تو فرو نمانَد و هیچ یک از ستایش هایت ، بر آن برتر نیاید. بار خدایا !

تو را ستایش در خوشی و ناخوشی ، در سختی و آسایش ، در عافیت و بلا ، و در سالیان و روزگاران . تو را ستایش بر لطف ها و نعمت هایت که بر من کرده ای و نزد من داری و بر احسان و نیکی و عافیت و روزی و دهش و فضیلت و شرافت و کرامتی که به من ارزانی داشته ای ، و برای آن که مرا به دینت هدایت کرده ای ؛ ستایشی که وصف هیچ وصف کننده ای به آن نرسد ، و سخن هیچ گوینده ای آن را درنیابد. بار خدایا ! ستایشت باد ؛ ستایش برای هر احسانی که بر من کرده ای، و لطفی که به من نموده ای ، و برتری ای که مرا بر غیر خودم داده ای . تو را ستایش که مرا بی عیب و نقص آفریدی و مرا پروردی و خوش پروردی ، و این از سر لطف تو به من بود و نه این که من ، خود ، به واسطه پیشینه ای سزامند آنها شده باشم . پس کدامین نعمت است ای پروردگار من ! که نزد من نداشته باشی ، و کدام سپاس است که مستوجب آن از من نباشی؟ ! لطف تو را بر هر لطفی پسندیدم ، و بسندگیِ تو را به جای همه خلق برگزیدم. ای پروردگار من ! تو به من نعمت داده ای ، احسان کرده ای ، لطف نموده ای ، نیکی فرموده ای . تو خداوند شوکت و ارج و دهش ها و نعمت های بزرگی . پس تو را بر این همه ، ستایش باد.

.

ص: 428

..

ص: 429

. .

5 / 13المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ العَسكَرِيِّالإمام العسكرى عليه السلام :الحَمدُ للّهِ شُكرا لِنَعمائِهِ ، وَاستِدعاءً لِمَزيدِهِ ، وَاستِخلاصا لَهُ وبِهِ (1) دونَ غَيرِهِ ، وعِياذا بِهِ مِن كُفرانِهِ وَالإلحادِ فى عَظَمَتِهِ وكِبرِيائِهِ ، حَمدَ مَن يَعلَمُ أنَّ ما بِهِ مِن نَعمائِهِ فَمِن عِندِ رَبِّهِ ، وما مَسَّهُ مِن عُقوبَهٍ فَبِسوءِ جِنايَهِ يَدِهِ . (2)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى إسحاقِ بنِ إسماعِيلَ النَّيسابورِىِّ : فَهِمتُ كِتابَكَ يَرحَمُكَ اللّهُ ونَحنُ بِحَمدِ اللّهِ ونِعمَتِهِ أهلُ بَيتٍ نَرِقُّ عَلَى أولِيائِنا ، ونُسَرُّ بِتَتابُعِ إحسانِ اللّهِ إلَيهِم وفَضلِهِ لَدَيهِم . . . ولَيسَ مِن نِعمَهٍ وإن جَلَّ أمرُها وعَظُمَ خَطَرُها إلّا وَالحَمدُ للّهِ تَقَدَّسَت أسماؤُهُ عَلَيها مُؤَدٍّ شُكرَها ، وأنَا أقولُ : الحَمدُ للّهِ أفضَلَ ما حَمِدَهُ حامِدُهُ إلى أبَدِ الأبَدِ ، بما مَنَّ اللّهُ عَلَيكَ مِن رَحمَتِهِ ، ونَجّاكَ مِنَ الهَلَكَهِ ، وسَهَّلَ سَبيلَكَ عَلَى العَقَبَهِ . (3)

5 / 14المَحامِدُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ المَهدِيِّالإمام المهدى عليه السلام :اللّهُمَّ يا ذَا المِنَنِ السّابِغَهِ ، وَالآلاءِ (4) الوازِعَهِ ، وَالرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، وَالقُدرَهِ الجامِعَهِ ، وَالنِّعَمِ الجَسيمَهِ ، وَالمَواهِبِ العَظيمَهِ ، وَالأيادِى الجَميلَهِ ، وَالعَطايَا الجَزيلَهِ . يا مَن لا يُنعَتُ بِتَمثيلٍ ، ولا يُمَثَّلُ بِنَظيرٍ ، ولا يُغلَبُ بِظَهيرٍ . يا مَن خَلَقَ فَرَزَقَ ، وألهَمَ فَأنطَقَ ، وَابتَدَعَ فَشَرَعَ ، وعَلا فَارتَفَعَ ، وقَدَّرَ فَأحسَنَ ، وصَوَّرَ فَأتقَنَ ، وَاحتَجَّ فَأبلَغَ ، وأنعَمَ فَأسبَغَ ، وأعطى فَأجزَلَ ، ومَنَحَ فَأفضَلَ . يا مَن سَما فِى العِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ الأبصارِ ودَنا فِى اللُّطفِ فَجازَ هَواجِسَ الأفكارِ . يا مَن تَوَحَّدَ بِالمُلكِ (فِى المُلكِ) فَلا نِدَّ لَهُ فى مَلَكوتِ سُلطانِهِ ، وتَفَرَّدَ بِالكِبرِياءِ وَالآلاءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فى جَبَروتِ شَأنِهِ . يا مَن حارَت فى كِبرِياءِ هَيبَتِهِ دَقائِقُ لَطائِفِ الأوهامِ ، وَانحَسَرَت دونَ إدراكِ عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أبصارِ الأنامِ . يا مَن عَنَتِ الوُجوهُ لِهَيبَتِهِ ، وخَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ ، ووَجِلَتِ القُلوبُ مِن خيفَتِهِ ، أسأَلُکَ بِهذِهِ المِدحَهِ الَّتى لا تَنبَغى إلّا لَکَ . . . . (5)

.

1- .أى أحمَدُهُ طلبا لخلاص نفسى من العقوبات خالصا له مستعينا به ، أو طلبا لإخلاص الدعاء والعباده له بعونه (بحار الأنوار : ج 85 ص 249) .
2- .مُهج الدعوات : ص 85 ، البلد الأمين : ص 564 وفيه «واستجلابا لرزقه» بعد «... لمزيده» ، بحار الأنوار : ج 85 ص 229 .

3- .تحف العقول : ص 484 ، رجال الكشّى : ج 2 ص 844 ح 1088 وفيه «... الحمد للّه مثل ما حمد اللّه به حامد إلى ...» ، بحار الأنوار : ج 50 ص 319 ح 16 وج 78 ص 375 ح 2 .
4- .الآلاء : النِّعَم (النهايه : ج 1 ص 63 «ألى») .
5- .الإقبال : ج 3 ص 212 عن محمّد بن أبى الرواد الرّواسى ، المزار الكبير : ص 144 عن علىّ بن محمّد بن عبد الرحمن التسترى ، المزار للشهيد الأوّل : ص 264 عن محمّد بن عبد الرحمن التسترى ، مصباح المتهجّد : ص 802 ح 865 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 391 ح 1 .

5 / 13 ستایش های نقل شده از امام حسن عسکری علیه السلام

5 / 14 ستایش های نقل شده از امام مهدی علیه السلام

5 / 13ستایش های نقل شده از امام حسن عسکری علیه السلامامام حسن عسکری علیه السلام :ستایش ، خدای را به شکرانه نعمت هایش ، و برای درخواست افزون دهی اش و خالص گردانیدن [دعا و عبادت] برای او و به کمک او ، و برای پناه بردن به او از ناسپاسی اش و از نادیده گرفتن بزرگی و کبریایش ؛ چونان ستایش کسی که می داند هر نعمتی که دارد ، از جانب پروردگارش آمده و هر کیفری که بر او رسد ، از روی کردار خود اوست.

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه اش به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری :نامه ات را دریافتم ، خدایت رحمت کناد ! ما بحمد اللّه و به لطف او خاندانی هستیم که بر دوستان خود دلسوزیم ، و از نیکی های پیاپیِ خداوند و بخشش او به آنها ، مسروریم .. . و هیچ نعمتی نیست هر چند بزرگ و پرارزش ، مگر آن که ستایش گفتن خداوند عز و جل بر آن ، به جا آورنده شکر آن نعمت است ، و [لذا] من می گویم : ستایش ، خدای را به برترین ستایشی که هر ستاینده ای او را ستوده است ، تا همیشه همیشه ، برای مهری که خداوند به تو ورزید و تو را از نابودی رهانید . او راه تو را در گردنه [ی قیامت] ، هموار گردانید.

5 / 14ستایش های نقل شده از امام مهدی علیه السلامامام مهدی علیه السلام :بار خدایا ، ای صاحب نواخت های بسیار ، و نیکی های پخش شده ، و رحمتِ گسترده ، و قدرت فراگیر ، و نعمت های سترگ ، و مواهب بزرگ ، و احسان های زیبا ، و دهش های فراوان ! ای آن که به مانندْ داشتن ، وصف نشود ، و همتا برایش نتوان آورد و به هیچ قدرتی مغلوب نشود ! ای آن که آفرید و روزی داد ، الهام کرد و گویا ساخت ، ابداع کرد و آغاز نمود ، بلندی گرفت و رفعت یافت ، مقرّر ساخت و خوش مقدّر ساخت ، صورت بخشید و استوار قرارداد ، حجّت آورد و رسا بیان کرد ، نعمت داد و سرشار داد ، عطا کرد و بسیار عطا کرد ، بخشید و فزون بخشید ! ای آن که در عزّت ، اوج گرفته است ، چنان که نگاه و خطورات اندیشه ها به او نرسد ، و در نهایتِ لطافت است ، آن سان که از خیالات اندیشه ها

برگذرد ! ای آن که در جهانداری ، یگانه است و او را در قلمرو و پادشاهی اش شریکی نباشد ، و در بزرگی و نعمت ها یکتاست و در مقام پرشکوهش بلامنازع است ! ای آن که وهم های باریک و ظریف ، در بزرگیِ هیبت او حیران اند و نگاه های برق آسای مردمان ، از رسیدن به عظمت او فرو مانده اند ! ای آن که روی ها در برابر هیبتش خوارند ، گردن ها در برابر عظمتش تسلیم اند ، و دل ها از ترسش هراسان اند ! از تو درخواست می کنم به حقّ این ستایشی که شایسته کسی جز تو نیست ... .

.

عنه عليه السلام :لَکَ الحَمدُ یا إلهی إذ خَلَقتَنی بَشَرا سَوِیّا ، وجَعَلتَنی غَنِیّا مَکفِیّا بَعدَما کُنتُ طِفلاً صَبِیّا ، تَقوتُنی مِنَ الثَّدیِ لَبَنا مَرِیئا ، وغَذَّیتَنی غِذاءً طَیِّبا هَنیئا ، وجَعَلتَنی ذَکَرا مِثالاً سَوِیّا . فَلَکَ الحَمدُ حَمداً إن عُدَّ لَم یُحصَ ، وإن وُضِعَ لَم یَتَّسِع لَهُ شَیءٌ ، حَمداً یَفوقُ عَلی جَمیعِ حَمدِ الحامِدینَ ، ویَعلو عَلی حَمدِ کُلِّ شَیءٍ ، ویَفخَمُ ویعظُمُ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ ، وکُلَّما حَمِدَ اللّهَ شَیءٌ . وَالحَمدُ للّهِ کَما یُحِبُّ اللّهُ أن یُحمَدَ ، وَالحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، وزِنَةَ ما خَلَقَ ، وزِنَةَ أجَلِّ ما خَلَقَ ، وزِنَةَ أخَفِّ ما خَلَقَ ، وبِعَدَدِ أکبَرِ ما خَلَقَ ، وبِعَدَدِ أصغَرِ ما خَلَقَ ، وَالحَمدُ للّهِ حَتّی یَرضی رَبُّنا وبَعدَ الرِّضا ، وأسأَلُهُ أن یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن یَغفِرَ لی ذَنبی ، وأن یَحمَدَ لی أمری ، ویَتوبَ عَلَیَّ ، إنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحیمُ . (1)

.

1- .مُهج الدعوات : ص 338 عن محمّد بن علیّ العلوی الحسینی المصری ، البلد الأمین : ص 393 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 268 ح 34 .

امام مهدی علیه السلام : ای معبود من ! تو را ستایش که انسانی به اندامم آفریدی ، و مرا که پسرکی خردسال بودم ، بی نیاز و خودکفا گردانیدی ؛ از پستان ، شیری نوشین به من نوشاندی و با غذایی پاک و سالم و گوارا تغذیه ام کردی ، و به مردی سالم و بی کاست تبدیلم نمودی. پس تو را ستایش ؛ ستایشی که اگر شمارش شود ، به شمار ناید و اگر [در ظرفی]نهاده شود ، هیچ چیز گنجایش آن را نداشته باشد ؛ ستایشی که بر همه ستایش ستایشگران فایق آید و بر ستایش هر موجودی برتری گیرد ، و از همه اینها بیشتر و بزرگ تر باشد ؛ ستایشی تا آن گاه که هر چیزی خدا را ستایش کند. ستایش ، خدای را آن گونه که خداوند ، خود ، دوست دارد ستایش شود . ستایش ، خدای را به شمار آنچه آفریده ، و به وزن آنچه آفریده ، و به وزن سترگ ترین چیزی که آفریده ، و به وزن سبک ترین چیزی که آفریده ، و به شمار بزرگ ترین چیزهایی که آفریده ، و به شمار کوچک ترین چیزهایی که آفریده است . ستایش ، خدای را تا آن گاه که پروردگارمان خشنود شود و حتی از آن هم برتر رود . از او می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد ، و گناه مرا بیامرزد ، کار مرا بپسندد و توبه ام را بپذیرد ، که اوست توبه پذیر مهربان .

.

الإقبال عن أبى عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكونى :سَأَلتُ أبا بَكرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِىَّ ، أن يُخرِجَ إلَىَّ أدعِيَةَ شَهرِ رَمَضانَ الَّتى كانَ عَمُّهُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عُثمانَ بنِ السَّعيدِ العَمرِىُّ يَدعو بِها ، فَأخرَجَ إلَىَّ دَفتَرا مُجَلَّدا بِأَحمَرَ ، فَنَسَختُ مِنهُ أدعِيَةً كَثيرَةً ، وكانَ مِن جُملَتِها : وتَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَإِنَّ الدُّعاءَ فى هذَا الشَّهرِ تَسمَعُهُ المَلائِكَةُ وتَستَغفِرُ لِصاحِبِهِ ، وهُوَ : اللّهُمَّ إنّى أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِكَ ، وأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ ، وأيقَنتُ أنَّكَ أرحَمُ الرّاحِمينَ فى مَوضِعِ العَفوِ وَالرَّحمَةِ ، وأشَدُّ المُعاقِبينَ فى مَوضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ ، وَأعظَمُ المُتَجَبِّرينَ فى مَوضِعِ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَةِ . . . . الحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا . الحَمدُ للّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلى جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا مُضادَّ لَهُ فى مُلكِهِ ، ولا مُنازِعَ لَهُ فى أمرِهِ . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا شَريكَ لَهُ فى خَلقِهِ ولا شَبيهَ لَهُ فى عَظَمَتِهِ . الحَمدُ للّهِ الفاشى فِى الخَلقِ أمرُهُ وحَمدُهُ ، الظّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجدُهُ ، الباسِطِ بِالجودِ يَدَهُ ، الَّذى لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ ، ولا تَزيدُهُ كَثرَةُ العَطاءِ إلّا جودا وكَرَما إنَّهُ هُوَ العَزيزُ الوَهّابُ . . . . الحَمدُ للّهِ مالِكِ المُلكِ ، مُجرِى الفُلكِ ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ ، فالِقِ الإصباحِ ، دَيّانِ الدّينِ ، رَبِّ العالَمينَ . الحَمدُ للّهِ عَلى حِلمِهِ بَعدَ عِلمِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلى عَفوِهِ بَعدَ قُدرَتِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلى طولِ أناتِهِ (1) فى غَضَبِهِ وهُوَ القادِرُ عَلى ما يُريدُ . الحَمدُ للّهِ خالِقِ الخَلقِ ، باسِطِ الرِّزقِ ، ذِى الجَلالِ وَالإكرامِ ، وَالفَضلِ وَالإنعامِ ، الَّذى بَعُدَ فَلا يُرى ، وقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجوى ، تَبارَكَ وتَعالى . الحَمدُ للّهِ الَّذى لَيسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ ، ولا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ ، ولا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الأعِزّاءَ ، وتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ العُظَماءُ ، فَبَلَغَ بِقُدرَتِهِ ما يَشاءُ . الحَمدُ للّهِ الَّذى يُجيبُنى حينَ اُنادِيهِ ، ويَستُرُ عَلَىَّ كُلَّ عَورَةٍ وأنَا أعصيهِ ، ويُعَظِّمُ النِّعمَةَ عَلَىَّ فَلا اُجازيهِ ، فَكَم مِن مَوهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَد أعطانى ، وعَظيمَةٍ مَخوفَةٍ قَد كَفانى ، وبَهجَةٍ مونِقَةٍ (2) قَد أرانى ، فَاُثنى عَلَيهِ حامِدا وأذكُرُه مُسَبِّحا . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُهتَكُ حِجابُهُ ، ولا يُغلَقُ بابُهُ ، ولا يُرَدُّ سائِلُهُ ، ولا يُخَيَّبُ آمِلُهُ . الحَمدُ للّهِ الَّذى يُؤمِنُ الخائِفينَ ، ويُنَجِّى الصّالِحينَ ، ويَرفَعُ المُستَضعَفينَ ، ويَضَعُ المُستَكبِرينَ ، ويُهلِكُ مُلوكا ويَستَخلِفُ آخَرينَ . وَالحَمدُ للّهِ قاصِمِ الجَبّارينَ ، مُبيرِ الظّالِمينَ ، مُدرِكِ الهارِبينَ ، نَكالِ الظّالِمينَ ، صَريخِ المُستَصرِخينَ ، مَوضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ ، مُعتَمَدِ المُؤمِنينَ . الحَمدُ للّهِ الَّذى مِن خَشيَتِهِ تَرعَدُ السَّماءُ وسُكّانُها ، وتَرجُفُ الأرضُ وعُمّارُها ، وتَموجُ البِحارُ ومَن يَسبَحُ فى غَمَراتِها. (الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِهذا وما كُنّا لِنَهتَدِىَ لَولا أن هَدانَا اللّهُ). (3) الحَمدُ للّهِ الَّذى يَخلُقُ ، ولَم يُخلَق ، ويَرزُقُ ولا يُرزَقُ

(4) ، ويُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، ويُميتُ الأحياءَ ويُحيِى المَوتى وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (5)

.

1- .تأنّى فى الأمر : أى ترفّق وتنظّر . والاسم : الأناه (الصحاح : ج 6 ص 2273 «أنا») .
2- .الأنَق : الفرح والسرور ، والشىء الأنيق المُعجِب (النهايه : ج 1 ص 76 «أنق») .
3- .ما بين القوسين لايوجد فى الطبعه المعتمده ، وأثبتناه من طبعه دار الكتب الإسلاميّه والبلد الأمين والمصباح للكفعمى .
4- .فى الطبعه المعتمده : «ولم يرزق» ، والتصويب من طبعه دار الكتب الإسلاميّه والمصادر الأُخرى .
5- .الإقبال : ج 1 ص 138 ، مصباح المتهجّد : ص 578 ح 690 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 108 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 24 ص 166 ح 14 .

الإقبال به نقل از ابوعمرو محمّد بن محمّد بن نصر سَکونی : از ابو بکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری آنها را می خوانده است به من نشان دهد . او دفتری را که جلدی قرمز داشت ، در اختیار من نهاد و من دعاهای فراوانی را از روی آن نوشتم ، که یکی از آنها این است : «این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی ؛ زیرا در این ماه ، فرشتگان دعا را می شنوند و برای دعا کننده آمرزش می طلبند . آن دعا این است : بار الها ! ثنا را با ستایش تو آغاز می کنم ، که تو به لطف خویش ، به راه درست راه نمایی می کنی . من یقین دارم که تو در هنگام بخشش و مهرورزی ، مهربان ترینِ مهربانانی و در وقت کیفر و انتقام ، بی رحم ترینِ کیفر دهندگانی و در جایگاه کبریا و عظمت ، بزرگ ترینِ متکبّرانی ... . ستایش ، خدایی را که زن و فرزندی نگرفته است ، و در جانداری شریک ندارد ، و ناتوان نبوده تا او را حامی و پشتیبانی باشد . و او را به بزرگی یاد کن. ستایش ، خدای را با همه ستایش هایش ، بر همه نعمت هایش . ستایش ، خدایی را که در سلطنتش بی رقیب ، و در فرمان روایی اش بلامنازع است . ستایش ، خدایی را که در کار آفرینش ، شریکی ندارد و در عظمتش بی همتاست . ستایش ، خدای را که آفرینش ، همه فرمان بردار و ستاینده اویند ، کَرَم او نشان از بزرگی او دارد ، و دستش به بخشش گشاده است ؛ خدایی که خزانه هایش کاستی نگیرد ، و فراوانیِ عطا ، جز بر بخشندگی و کَرَم او نیفزاید ، که او توانگر و پر بخشش است ... . ستایش ، خدای را که صاحب ملک [ِ جهان] است ، روان کننده کشتی هاست و رام کننده بادها ، شکافنده صبحگاهان است و جزا دهنده ، پروردگار جهانیان است . ستایش ، خدای را بر بردباری اش با آن که می داند . ستایش ، خدای را بر بخشودنش با آن که توانایی [بر گرفتن انتقام] دارد . ستایش ، خدای را بر درنگ بسیارش در خشم گرفتن ، در حالی که او آنچه اراده کند ، می تواند انجام دهد. ستایش ، خدای را که آفریننده آفرینش است و گستراننده روزی ، پروردگار شکوه و ارج و دهش و نعمت است ؛ خدایی که چون دور است ، دیده دیده نمی شود و چون نزدیک است ، گواه نجواست ؛ خجسته و والاست. ستایش ، خدایی را که نه ستیزنده ای دارد که با او برابری کند ، و نه همانندی که با او همشکل باشد ، و نه پشتیبانی که حمایتش نماید . با عزّتش ، عزّتمندان را مقهور ساخته است و بزرگان ، در برابر بزرگی او کوچکی کنند ، و با قدرت خود به آنچه خواهد ، دست یابد. ستایش ، خدایی را که هر گاه صدایش زنم ، پاسخم می دهد و

هر عیبی را بر من می پوشاند ؛ با آن که من نافرمانی او می کنم . به من نعمت های بزرگ می دهد ، حال آن که من پاداشش نمی دهم . چه بسیار موهبت های گوارایی که به من عطا فرموده ، و چه بسیار بلاهای ترسناکی که از من برطرف نموده ، و چه بسیار زیبایی ها و شادی های دل پذیری که به من نشان داده است . پس ستایشْ کنان ثنایش می گویم ، و تسبیحگویان یادش می کنم. ستایش ، خدایی را که حجابش کنار نرود ، و درِ خانه اش بسته نشود . درخواست کننده از او ، دست خالی باز گردانده نشود و آن که به او امید بسته ، نومید باز نگردد. ستایش ، خدایی را که بیمناکان را امان می دهد و درست کاران را نجات می بخشد ، مستضعفان را بالا می برد و مستکبران را پست می گرداند ، فرمان روایانی را نابود می کند و دیگرانی را جانشین آنها می سازد . ستایش ، خدای را که در هم کوبنده گردن کشان ، نابود کننده ستمگران ، رسنده به گریختگان ، کیفر دهنده ستمکاران ، فریاد رس فریاد خواهان ، کانون نیازهای جویندگان ، و تکیه گاه مؤمنان است . ستایش ، خدایی را که از ترس او ، آسمان ها و ساکنان آنها می لرزند ، زمین و جمعیت آن تکان می خورند ، و دریاها و موجوداتی که در اعماق آنها شنا می کنند ، موج بر می دارند. (ستایش ، خدایی را که ما را به این [دین] ، هدایت فرمود و اگر نبود که خدا هدایتمان فرموده ، ما خود ، هدایت نمی شدیم) . ستایش ، خدایی را که می آفریند و خود ، آفریده نشده است ؛ روزی می دهد و خود ، روزی داده نمی شود ؛ می خورانَد و خود ، خوراک نمی خورد ؛ زندگانی را می میراند و مردگان را زنده می کند و خود ، زنده نامیراست ؛ خوبی ها، همه در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

.

ص: 436

. .

ص: 437

. .

ص: 438

. .

ص: 439

. .

ص: 440

. .

بخش پنجم: تهلیل (گفتن «لا إله إلّا اللّه »)

اشاره

بخش پنجم: تهلیل: (گفتن «لا إله إلّا اللّه ») (1)شامل:درآمدفصل یکم: ترغیب به گفتن «لا إله إلّا اللّه »فصل دوم: شرط های گفتن «لا إله إلّا اللّه »فصل سوم: برکت های «لا إله إلّا اللّه »فصل چهارم: تهلیل های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

.

1- .توحید گوی او نه بنی آدم اند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد(م)

درآمد

واژه شناسی «تهلیل»

درآمدواژه شناسی «تهلیل»واژه تهلیل ، مصدر است از ریشه «هلل» و به معنای بلند کردن صداست ، سپس این معنا توسّع یافته و بر هر لفظ مشتمل بر حروف «هاء» و «لام» که با صدای بلد ادا گردد ، اطلاق شده است و در توسّعی دیگر ، بر کاربردی مشابه نیز «تهلیل» اطلاق شده است ، آن جا که حتّی بالا بردن صدا هم در کار نباشد ، و از این باب است که کلمه توحید (یعنی «لا إله إلّا اللّه) «تهلیل» نامیده می شود . خلیل بن احمد فراهیدی ، تهلیل را این گونه تفسیر کرده است : تهلیل یعنی گفتن «لا اله إلّا اللّه » و «استهلال» به معنای صداست . هر «لا اله إلّا اللّه » گویی ، خواه با صدای بلند بگوید یا آهسته ، مُهِلّ یا مُستهِلّ است . (1) و ابن فارِس ، در ریشه یابی معنای «تهلیل» آوردِه است : مادّه «هلل» یک اصل معنایی صحیح دارد که دلالت بر بلند کردن صدا می کند . سپس دامنه آن توسعه داده شده و به چیزی که از آن صدایی یا پاره ای حروف هاء و لام درآید ، اطلاق گردیده است و آن گاه ، غیر آن را به آن ، تشبیه می کنند و

.

1- .ترتیب العین : ص 887 .

تهلیل ، در قرآن و حدیث

اهمّیت ذکر «تهلیل»

به آن می نامند . (1) همچنین ، گاه با مصدر جعلی «هَیلَلَه» ، به کلمه توحید اشاره می شود . جوهری در این باره می نویسد : هلّل الرجل ، یعنی : آن مرد «لا اله إلّا اللّه » گفت . گفته می شود : «قد أکثرت من الهیلله» ، یعنی بسیار «لا اله إلّا اللّه » گفتم . (2)

تهلیل ، در قرآن و حدیثواژه «تهلیل» در احادیث اسلامی ، فراوان به کار رفته است ؛ لیکن در قرآن به کار نرفته است ؛ امّا جمله «لا إلهَ إلّا اللّهُ» ، دو بار (3) ، جمله «لا إلهَ إلّا هو» سی بار ، (4) جمله «لا إلهَ إلّا أنا» ، سه بار (5) و «لا إلهَ إلّا أنت» ، یک بار (6) در این کتاب آسمانی آمده است .

اهمّیت ذکر «تهلیل»با عنایت به این که ذکر «تهلیل» ، اعتراف به یگانگی خداوند متعال است و ایمانْ با آن ، آغاز (7) و تجدید (8) می شود ، مهم تر از تسبیح و تحمید است (9) ؛ بلکه

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 6 ص 11 .
2- .الصحاح : ج 5 ص 1852 .
3- .صافّات ، آیه 35 ، محمّد ، آیه 19 .
4- .بقره : آیه 163 و 255 ، آل عمران : آیه 2 ، 6 و 18 (2 بار) ، نساء : آیه 87 ، انعام : آیه 102 و 106 ، اعراف : آیه 158 ، توبه : آیه 31 و 129 ، هود : آیه 14 ، رعد : آیه 30 ، طه : آیه 8 و 98 ، مؤمنون : آیه 116 ، نمل : آیه 26 ، قصص : آیه 70 و 88 ، فاطر : آیه 3 ، زمر : آیه 6 ، غافر : آیه 3 ، 62 و 65 ، دخان : آیه 8 ، حشر : آیه 22 و 23 ، تغابن : آیه 13 و مزمّل : آیه 29 .
5- .نحل : آیه 2 ، طه : آیه 14 و انبیاء : آیه 25 .
6- .انبیاء : آیه 87 .
7- .ر . ک : ص 447 (آغاز ایمان) .
8- .ر . ک : ص 447 (نو کردن ایمان) .

9- .ر . ک : ص 447 ح 1440.

سَرور همه اذکار (1) و برتر از همه اعمال (2) و بهترین سخن (3) شمرده می شود . عناوینی مانند : کلمه تقوا (4) ، بهترین عبادت (5) ، برترین دانش (6) ، کلید آسمان ها (7) ، که در توصیف ذکر تهلیل و تشویق به بهره گیری از آن آمده است ، حاکی از اهمّیت فوق العاده این ذکر و نقش بی بدیل آن در پرورش جان و صعود به قلّه انسانیت است . این ذکر ، اگر صادقانه بر زبان جاری گردد ، آثار و برکات فراوانی برای ذاکر به همراه دارد : گناهان را از جان می زداید (8) ، روان را از آفات شیطانی مصونیت می بخشد (9) ، بلاها را از انسان دور می کند ، (10) او را از آتش دوزخ ، رها می سازد (11) و شایسته ورود به بهشت می نماید ، (12) و در یک جمله : ذکر «تهلیل» می تواند عزّت ، (13) کامیابی (14) و خیر دنیا و آخرت (15) را نه تنها برای شخص ذاکر ، بلکه برای جامعه اسلامی فراهم سازد .

.

1- .ر . ک : ص 451 (سرور اذکار) .
2- .ر . ک : ص 453 (برترین اعمال) .
3- .ر . ک : ص 455 (برترین سخن) .
4- .ر . ک : ص 449 (گفتار پرهیزکاری) .
5- .ر . ک : ص 455 (بهترین عبادت) .
6- .ر . ک : ص 453 (برترین علم) .
7- .ر . ک : ص 459 (کلید آسمان ها) .
8- .ر . ک : ص 481 (نابودن کردن گناهان) .
9- .ر . ک : ص 487 (مصون ماندن از شیطان) .
10- .ر . ک : ص 487 (دفع بلا) .
11- .راجع : ص 489 (رهیدن از آتش) .
12- .ر . ک : ص 489 (رفتن به بهشت) .
13- .ر . ک : ص 493 (عزّت) .
14- .ر . ک : ص 493 (رستگاری) .
15- .ر . ک : ص 495 (خیر دنیا و آخرت) .

شرط بهره گیری از برکات تهلیل

شرط بهره گیری از برکات تهلیلنکته مهم و قابل توجّه ، این است که احادیث فصل دوم ، بهره گیری از برکات «تهلیل» را به : اخلاص ، (1) اطاعت خدا و رسول ، (2) محبّت و ولایت اهل بیت ، (3) عمل صالح (4) و اجتناب از محرّمات ، (5) مشروط کرده اند . با تأمّل در این شروط ، مشخّص می شود که همه آنها در واقع به شرط اوّل ، یعنی اخلاص در گفتن تهلیل باز می گردد و لذا غالب احادیث ، اخلاص را به شروطِ یاد شده ، تفسیر کرده اند . به بیان روشن تر ، معنای اخلاص در تهلیل ، اجتناب از شرک اعتقادی و عملی است و لازمه آن ، اطاعت از خدا و رسول و لازمه آن ، ولایت و محبّت اهل بیت علیهم السلام و انجام دادن کارهای شایسته و اجتناب از کارهای ناشایست است .

.

1- .ر . ک : ص 471 (اخلاص) .
2- .ر . ک : ص 475 ح 1493 .
3- .ر . ک : ص 473 (ولایت) .
4- .ر . ک : ص 477 (کردار نیک) .
5- .ر . ک : ص 479 (دوری کردن از حرام ها) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : الحثّ على التّهليل1 / 1أوَّلُ الإيمانِالكتاب«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رَّسُولٍ إِلَا نُوحِی إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا أَنَا فَاعْبُدُونِ» . (1)

الحديثالإمام الرضا عليه السلام :إنَّ التَّهليلَ هُوَ إقرارٌ للّهِ تَعالى بِالتَّوحيدِ ، وخَلعُ الأندادِ مِن دونِ اللّهِ ، وهُوَ أوَّلُ الإيمانِ ، وأعظَمُ مِنَ التَّسبيحِ وَالتَّحميدِ . (2)

1 / 2تَجديدُ الإيمانِمسند ابن حنبل عن أبى هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : جَدِّدوا إيمانَكُم . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ وكَيفَ نُجَدِّدُ إيمانَنا؟ قالَ : أكثِروا مِن قَولِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

.

1- .الأنبياء : 25 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 106 ح 1 ، علل الشرائع : ص 259 ح 9 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 6 ص 67 ح 1 وج 84 ص 144 ح 39 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 281 ح 8718 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 285 ح 7657 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 417 ح 1424 ، حليه الأولياء : ج 2 ص 357 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 416 ح 1768 .

فصل یکم: ترغیب به گفتن «لا إله إلّا اللّه »

1 / 1 آغاز ایمان

1 / 2 نو کردن ایمان

فصل یکم: ترغیب به گفتن «لا إله إلّا اللّه »1 / 1آغاز ایمانقرآن«و پیش از تو ، هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا بپرستید»» .

حدیثامام رضا علیه السلام :گفتنِ لا اله الا اللّه ، در واقع ، اقرار به یگانگیِ خداوند متعال است و نفی انبازان و همتایان از او . آن ، آغاز ایمان است و از تسبیح و حمد گفتن ، بزرگ تر است .

1 / 2نو کردن ایمانمسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «ایمان های خود را نو گردانید» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! چگونه ایمانمان را نو گردانیم؟ فرمود : «لا اله الا اللّه زیاد بگویید» .

.

1 / 3اِسمٌ مِن أسماءِ اللّهِ عز و جلالإمام الرضا عليه السلام فى بَيانِ حِكمَةِ جُمَلِ الأذانِ : فَإن قالَ قائِلٌ : فَلِمَ جُعِلَ آخِرُهَا التَّهليلَ ولَم يُجعَل آخِرُهَا التَّكبيرَ كَما جُعِلَ فى أوَّلِهَا التَّكبيرُ ؟ قيلَ : لِأَنَّ التَّهليلَ اسمُ اللّهِ فى آخِرِهِ فَأَحَبَّ اللّهُ تَعالى أن يَختِمَ الكَلامَ بِاسمِهِ كَما فَتَحَهُ بِاسمِهِ . (1)

1 / 4كَلِمَةُ التَّقويالكتاب«وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ كَانُواْ أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلَهَا» . (2)

الحديثسنن الترمذى عن كعب عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ المُرادِ مِن قَولِهِ تَعالى : «وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى» ، قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 106 ح 1 ، علل الشرائع : ص 259 ح 9 وفيه «فى آخر الحرف منه» بدل «فى آخره» وكلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 6 ص 67 ح 1 .
2- .الفتح : 26 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 386 ح 3265 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 53 ح 21312 عن الطفيل عن أبيه ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 500 ح 3717 عن عبايه بن ربعى عن الإمام علىّ عليه السلام وزاد فى آخره «واللّه أكبر» ، كنزالعمّال : ج 2 ص 506 ح 4606 ؛ بحار الأنوار : ج 100 ص 37 ح 35 نقلاً عن وقعه صفّين عن سلام بن سويد عن الإمام علىّ عليه السلام .

1 / 3 نامی از نام های خدا

1 / 4 گفتار پرهیزگاری

1 / 3نامی از نام های خداامام رضا علیه السلام در بیان حکمت جملات اذان : اگر گوینده ای بگوید : چرا پایان آن ، لا اله الا اللّه قرار داده شد و در آخر آن همانند آغازش ، تکبیر نهاده نشد؟ گفته می شود : چون در آخر لا اله الا اللّه ، نام خداست و خدای متعال دوست داشته که سخن را به نام خودش پایان بخشد ، چنان که به نام خود آغازش کرد.

1 / 4گفتار پرهیزگاریقرآن«و گفتار تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع ،] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته [ی اتّصاف به] آن بودند» .

حدیثسنن الترمذی به نقل از کعب : پیامبر صلی الله علیه و آله در بیان مقصود از این فرموده خداوند : «و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت» ، فرمود : «[همان جمله] لا إله إلّا اللّه است» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سُئِلَ عَن تَفسيرِ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ : . . . وقَولُهُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» يَعنى وَحدانِيَّتَهُ ، لا يَقبَلُ الأَعمالَ إلّا بِها ، وهِىَ كَلِمَهُ التَّقوى ، يُثقِلُ اللّهُ بِهَا المَوازينَ يَومَ القِيامَهِ . (1)

1 / 5سَيِّدُ الأَذكارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَيِّدُ القَولِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، وخَيرُ العِبادَهِ الاِستِغفارُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ الذِّكرِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ الدُّعاءِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِنَ الذِّكرِ شَىءٌ أفضَلُ مِن قَولِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :ما قُلتُ ولا قالَ القائِلونَ قَبلى مِثلَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (6)

.

1- .علل الشرائع : ص 251 ح 8 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 167 ح 1 .
2- .الجعفريّات : ص 228 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 87 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وليس فيه «وخير العباده الاستغفار» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 204 ح 43 نقلاً عن الإمامه والتبصره .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 462 ح 3383 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1249 ح 3800 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 676 ح 1834 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 126 ح 846 كلّها عن جابر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 414 ح 1748 .

4- .الشكر لابن أبى الدنيا : ص 53 ح 103 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 90 ح 4371 كلاهما عن جابر .
5- .الدعوات : ص 20 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 204 ح 42 ؛ كنزالعمّال : ج 1 ص 423 ح 1816 نقلاً عن الطبرانى عن ابن عمر .
6- .التوحيد : ص 18 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 17 ح 9 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 83 ح 2219 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 197 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 195 ح 11 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از تفسیر «پاکا خدا ، و ستایش خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است» : ...و جمله «معبودی جز خدا نیست» ، به معنای یگانگی اوست . اعمال ، جز با این عقیده ، پذیرفته [ی درگاه الهی]نمی شود و آن ، گفتار تقواست . در روز رستاخیز ، خداوند با آن ، کفّه اعمال را سنگین می گرداند.

1 / 5سرور اذکارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سرور سخن ، جمله «معبودی جز خدا نیست» و بهترین عبادت ، استغفار کردن است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین ذکر ، لا إله إلّا اللّه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین دعا ، لا إله إلّا اللّه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ ذکری ، برتر از گفتنِ لا إله إلّا اللّه نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نه من و نه گویندگان پیش از من ، سخنی چون لا إله إلّا اللّه نگفته ایم.

.

الإمام الصادق عليه السلام :سَيِّدُ كَلامِ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (1)

عنه عليه السلام :قَولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» سَيِّدُ الكَلامِ . (2)

1 / 6أفضَلُ الأَعمالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :«لا إِلهَ إِلَا اللّهُ» ، لا يَسبِقُها عَمَلٌ ، ولا تَترُكُ ذَنبا . (3)

1 / 7أفضَلُ العِلمِالكتاب«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» . (4)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ العِلمِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وأفضَلُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ . (5)

.

1- .الدعوات : ص 49 ح 119 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 204 ح 42 .
2- .الدعوات : ص 22 ح 25 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 17 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1248 ح 3797 عن اُمّ هانئ ، كنز العمّال : ج 1 ص 418 ح 1781 وراجع المعجم الكبير : ج 8 ص 115 ح 7533 .
4- .محمّد : 19 .
5- .جامع الأخبار : ص 134 ح 273 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 23 ؛ الفردوس : ج 1 ص 352 ح 1412 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 415 ح 1760 .

1 / 6 برترین اعمال

1 / 7 برترین علم

امام صادق علیه السلام :سرور سخنانِ اوّلین و آخرین آدمیان ، جمله لا إله إلّا اللّه است .

امام صادق علیه السلام :جمله «معبودی جز خدا نیست» ، سَرور گفتارهاست.

1 / 6برترین اعمالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ عملی ، بر «لا اله الا اللّه » پیشی ندارد و [گفتن آن] هیچ گناهی بر جای نمی گذارد .

1 / 7برترین علمقرآن«پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست ، و برای گناه خویش ، آمرزش جوی و نیز برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] . و خداست که فرجام و مآلِ [هر یک از] شما را می داند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین علم ، این است که بدانی معبودی جز خدا نیست ، وبرترین دعا آمرزش طلبیدن است.

.

1 / 8أفضَلُ الكَلامِالإمام علىّ عليه السلام :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : أفضَلُ الكَلامِ قَولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وأفضَلُ الخَلقِ أوَّلُ مَن قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . فَقيلَ : يَا رَسولَ اللّهِ ، ومَن أوَّلُ مَن قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ؟ قالَ : أنَا ، وأنَا نورٌ بَينَ يَدَيِ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ ، أوَحِّدُهُ وأسَبِّحُهُ وأكَبِّرُهُ وأقدِّسُهُ وأمَجِّدُهُ ، ويَتلونى نورٌ شاهِدٌ مِنّى . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَنِ الشّاهِدُ مِنكَ؟ فَقالَ : عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ . (1)

1 / 9أصدَقُ الأَقوالِالإمام علىّ عليه السلام حينَ سُئِلَ : أىُّ القَولِ أصدَقُ؟ : شَهادَةُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ . (2)

1 / 10خَيرُ العِبادَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ العِبادَهِ قَولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

.

1- .كمال الدين : ص 669 ح 14 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 36 ص 263 ح 83 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 383 ح 5833 ، معانى الأخبار : ص 199 ح 4 ، الأمالى للصدوق : ص 479 ح 644 كلّها عن عبد اللّه بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام ، والأخير لم ينسبه إلى الإمام الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 156 ح 21 .
3- .الكافى : ج 2 ص 506 ح 5 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، التوحيد : ص 18 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 17 ح 10 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 82 ح 2212 كلّها عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : ص 228 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : ص 246 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 195 ح 13 وص 208 ح 14 .

1 / 8 برترین سخن

1 / 9 راست ترین سخن

1 / 10 بهترین عبادت

1 / 8برترین سخنامام علی علیه السلام :از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «برترین سخن ، گفته لا اله الا اللّه است و برترین مخلوق ، نخستین کسی است که گفت : لا إله إلّا اللّه » . گفته شد : ای پیامبر خدا ! نخستین کسی که گفت : لا إله إلّا اللّه ، که بود؟ فرمود : «من . من نوری در پیشگاه خداوند عز و جل بودم که او را به یکتایی و پاکی و بزرگی می ستودم و تقدیس و تمجید می کردم ، و پس از من نیز نوری بود که گواهی از خود من بود» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! آن گواه از خود شما ، که بود؟ فرمود : «علی بن ابی طالب» .

1 / 9راست ترین سخنامام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که : راست ترین سخن ها کدام است؟ : گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یگانه نیست.

1 / 10بهترین عبادتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین عبادت ، گفتنِ «لا اله الا اللّه » است.

.

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أفضَلُ العِبادَهِ قَولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، وخَيرُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ . ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ» (1) . (2)

مسند ابن حنبل عن أبى ذرّ :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ! أوصِنى . قالَ : إذا عَمِلتَ سَيِّئَهً ، فَأَتبِعها حَسَنَهً تَمحُها . قالَ : قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أمِنَ الحَسَناتِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ»؟ قالَ : هِىَ أفضَلُ الحَسَناتِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :جاءَ الفُقَراءُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ الأَغنِياءَ لَهُم ما يُعتِقونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يَحُجّونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يَتَصَدَّقونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يُجاهِدونَ ولَيسَ لَنا . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن كَبَّرَ اللّهَ عز و جل مِئَهَ مَرَّهٍ كانَ أفضَلَ مِن عِتقِ مِئَهِ رَقَبَهٍ ، ومَن سَبَّحَ اللّهَ مِئَهَ مَرَّهٍ كانَ أفضَلَ مِن سِياقِ مِئَهِ بَدَنَهٍ ، ومَن حَمِدَ اللّهَ مِئَهَ مَرَّهٍ كانَ أفضَلَ مِن حُملانِ مِئَهِ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ بسُرُجِها ولُجُمِها ورُكُبِها ، ومَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» مِئَهَ مَرَّهٍ كانَ أفضَلَ النّاسِ عَمَلاً ذلِکَ اليَومِ إلّا مَن زادَ . قالَ : فَبَلَغَ ذلِکَ الأَغنِياءَ فَصَنَعوهُ . قالَ : فَعادَ الفُقَراءُ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ قَد بَلَغَ الأَغنِياءَ ما قُلتَ ، فَصَنَعوهُ ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ذلِکَ فَضلُ اللّهِ يُؤتيهِ مَن يَشاءُ . (4)

.

1- .محمّد : 19 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 453 ح 1045 عن السكونى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 190 ح 28 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 113 ح 21543 .
4- .الكافى : ج 2 ص 505 ح 1 عن هشام بن سالم وأبى أيّوب الخزّاز ، ثواب الأعمال : ص 25 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 128 ح 116 كلاهما عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 170 ح 11 .

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام :پیامبر خدا فرمود : «برترین عبادت ، عبارت است از گفتنِ : معبودی جز خدا نیست ، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به واسطه خدا . بهترین دعا نیز طلب آمرزش است» . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود : «پس بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت ، طلب آمرزش کن» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو ذر : گفتم : ای پیامبر خدا! مرا سفارشی فرما . فرمود : «هر گاه بدی و گناهی کردی ، در پیِ آن ، کار نیکی انجام بده تا آن بدی را پاک گردانَد» . گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا گفتنِ لا اله الاّ اللّه ، از کارهای نیک است؟ فرمود : «این ، بهترین کار نیک است» .

امام صادق علیه السلام :تهی دستان ، نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند : ای پیامبر خدا ! ثروتمندان ، مالی دارند که [بنده]آزاد کنند ؛ ولی ما نداریم . آنها دارند که حج بگزارند ؛ ولی ما نداریم . آنها دارند که صدقه دهند ؛ ولی ما نداریم . آنها دارند که با آن جهاد کنند ؛ ولی ما نداریم [پس ما از ثواب همه اینها محرومیم]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس صد مرتبه اللّه اکبر بگوید ، بهتر از آزاد کردن صد بنده است . هر کس صد مرتبه تسبیح خدا بگوید ، بهتر از قربانی کردن صد شتر [در حج] است . هر کس صد مرتبه حمد خدا بگوید ، بهتر از تقدیم کردن صد اسب با زین و لگام و سوار آنها در راه خدا [برای جهاد] است . و هر کس صد مرتبه لا اله الا اللّه بگوید ، در آن روز (قیامت) ، برترین مردم از نظر کردار خواهد بود ، از کسی که بیشتر بگوید» . این خبر به گوش ثروتمندان رسید و آنها هم آن را به کار بستند . پس تهی دستان ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باز آمدند و گفتند : ای پیامبر خدا ! آنچه فرمودی ، به گوش ثروتمندان نیز رسید و آنها هم به کارش بستند. پیامبر خدا فرمود : «این ، فضل خداست که به هر که خود بخواهد ، می دهد» .

.

1 / 11أُنسُ المُؤمِنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» أُنسُ المُؤمِنِ فى حَياتِهِ ، وعِندَ مَوتِهِ ، وحينَ يُبعَثُ . (1)

1 / 12مِفتاحُ السَّماواتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ شَىءٍ مِفتاحٌ ، ومِفتاحُ السَّماواتِ قَولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما قالَ عَبدٌ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» قَطُّ مُخلِصا ، إلّا فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ حَتّى تُفضِىَ (3) إلَى العَرشِ ، مَا اجتَنَبَ الكَبائِرَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ ، ومَن تَلاها بِ «مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله » تَهَلَّلَ وَجهُ الحَقِّ سُبحانَهُ وتَعالى فَاستَبشَرَ بِذلِکَ ، ومَن تَلاها بِ «عَلِى ٌّ وَلِىُّ اللّهِ» غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ ولَو كانَت بِعَدَدِ قَطرِ المَطَرِ . (5)

1 / 13شِعارُ المُسلِمينَ عَلَى الصِّراطِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :شِعارُ المُسلِمينَ عَلَى الصِّراطِ يَومَ القِيامَهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وعَلَى اللّهِ فَليَتَوَكَّلِ المُتَوَكِّلونَ . (6)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 16 ح 3 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 201 ح 32 .
2- .المعجم الكبير : ج 20 ص 215 ح 497 عن معقل بن يسار ، كنزالعمّال : ج 1 ص 55 ح 173 .
3- .أفضى فلانٌ إلى فلانٍ : أى وصل إليه . والإفضاء فى الحقيقه : الانتهاء (لسان العرب : ج 15 ص 157 «فضا») .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 575 ح 3590 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 423 ح 1815 .
5- .الفضائل : ص 80 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 38 ص 318 ح 27 .
6- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 89 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 204 ح 43 نقلاً عن الإمامه والتبصره .

1 / 11 همدم مؤمن

1 / 12 کلید آسمان ها

1 / 13 شعار مسلمانان در هنگام گذشتن از صراط

1 / 11همدم مؤمنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ذکر «لا اله الا اللّه » ، همدم مؤمن در زندگیِ او و در هنگام مرگش و در وقت برانگیخته شدن اوست.

1 / 12کلید آسمان هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی کلیدی دارد و کلید آسمان ها ذکر «لا اله الا اللّه » است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گاه بنده ای از سرِ اخلاص ، «لا اله الا اللّه » نمی گوید ، مگر آن که درهای آسمان به رویش باز می شود تا آن که [آن ذکر] به عرش برسد ، به شرط آن که از گناهان بزرگ دوری کرده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، درهای آسمان برایش باز می شود ، و هر کس در پیِ آن بگوید : «محمّد پیامبر خداست» ، چهره خداوند عز و جلاز شادی می درخشد ، و هر کس به دنبال آن بگوید : «علی ولیّ خداست» ، خداوند گناهانش را می آمرزد ؛ اگرچه به شمار قطرات باران باشد.

1 / 13شعار مسلمانان در هنگام گذشتن از صراطپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شعار مسلمانان ، هنگام گذر از صراط در روز قیامت ، این است : معبودی جز خدا نیست ، و توکّل کنندگان باید بر خدا توکّل کنند.

.

1 / 14لا يَعدِلُهُ شَیءٌرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَيسَ شَیءٌ إلّا ولَهُ شَیءٌ يَعدِلُهُ ، إلَا اللّهَ عز و جل فَإِنَّهُ لا يَعدِلُهُ شَیءٌ ، و«لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَإِنَّهُ لا يَعدِلُها شَیءٌ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :ما مِن شَیءٍ أعظَمُ ثَوابا مِن شَهادَهِ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، إنَّ اللّهَ عز و جل لا يَعدِلُهُ شَیءٌ ، ولا يَشرَكُهُ فِی الاُمُورِ أحَدٌ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الأَعمالُ كُلُّها توزَنُ ، إلّا قَولَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما قالَ القائِلونَ أنَا ومَن سِوایَ؛ المَلائِكَهُ المُقَرَّبونَ ، وَالأنبِياءُ المُرسَلونَ ، وَالعِبادُ الصّالحِونَ كَلِمَهً أحَبَّ إلَى اللّهِ ولا أثقَلَ فِی الميزانِ مِن : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام : يا رَبِّ عَلِّمنى شَيئا أذكُرُكَ بِهِ وأدعوكَ بِهِ . قالَ : يا موسى ، قُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ . قالَ موسى : يا رَبِّ كُلُّ عِبادِكَ يَقولُ هذا ! قالَ : قُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ . قالَ : لا إلهَ إلّا أنتَ ، إنَّما اُريدُ شَيئا تَخُصُّنى بِهِ ! قالَ : يا موسى ، لَو أنَّ السَّماواتِ السَّبعَ وعامِرَهُنَّ غَيرى وَالأَرَضينَ السَّبعَ فى كَفَّهٍ ، و«لا إلهَ إلَا اللّهُ» فى كَفَّهٍ ، مالَت بِهِنَّ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (5)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 17 ح 6 عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 331 ح 13 .
2- .الكافى : ج 2 ص 516 ح 1 ، التوحيد : ص 19 ح 3 ، ثواب الأعمال : ص 17 ح 8 ، المحاسن : ج 1 ص 98 ح 66 كلّها عن أبى حمزه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 194 ح 8 .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
4- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 196 عن الإمام الباقر عليه السلام .
5- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 209 ح 10670 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 710 ح 1936 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 328 ، مسند

أبى يعلى : ج 2 ص 135 ح 1389 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 1 ص 441 ح 1907 ؛ ثواب الأعمال : ص 15 ح 1 عن أبى سعيد الخدرى وفيه ذيله فقط وفيه «وعامريهنّ عندى» بدل «وعامرهنّ غيرى» .

1 / 14همتا نداردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چیزی نیست مگر این که چیز دیگری با آن برابری می کند ، بجز خداوند عز و جل که هیچ چیز با آن برابری نمی کند ، و نیز «لا اله الا اللّه » که چیزی با آن برابری نکند.

امام باقر علیه السلام :هیچ چیز ثوابش بزرگ تر از این نیست که شهادت بدهی هیچ معبودی جز خدا نیست . هیچ چیزی با خداوند عز و جل برابری نمی کند و هیچ کس در کارها شریک او نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همه کردارها وزن می شوند ، بجز گفتنِ «لا اله الّا اللّه » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گویندگان من و غیر من ؛ یعنی فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل و بندگان شایسته سخنی نگفته اند که نزد خدا محبوب تر و در ترازو [ی اعمال ،]سنگین تر از «لا اله الا اللّه » باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت : خداوندا ! به من چیزی بیاموز که با آن ، تو را یاد کنم و تو را با آن بخوانم. خداوند فرمود : «ای موسی ! بگو : معبودی جز خدا نیست» . موسی گفت : خداوندا ! همه بندگان تو این را می گویند. فرمود : «بگو : معبودی جز خدا نیست» . موسی گفت : معبوی جز تو نیست . [ولی] من فقط چیزی را می خواهم که به من اختصاصش دهی . فرمود : «ای موسی ! اگر هفت آسمان و آباد گران آنها بجز من و هفت زمین ، در یک کفّه قرار گیرند و [ذکرِ]«معبودی جز خدا نیست» در کفّه دیگر ، «معبودی جز خدا نیست» بر آنها می چربد» .

.

مستدرک الوسائل :قالَ موسی علیه السلام : یا رَبِّ ، دُلَّنِی عَلی عَمَلٍ أدخُلُ بِهِ الجَنَّهَ . فَقالَ : قُل : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَإِنَّهُ لَو وُضِعَت عَلَی السَّماواتِ لَقَمَصَتهُنَّ (1) . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ موسی علیه السلام کانَ فیما یُناجی رَبَّهُ قالَ : رَبِّ کَیفَ المَعرِفَهُ بِکَ فَعَلِّمنی؟ قالَ : تَشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ . قالَ : یا رَبِّ کَیفَ الصَّلاهُ؟ قالَ لِموسی علیه السلام : قُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ . قالَ : یا رَبِّ فَأینَ الصَّلاهُ؟ قالَ : قُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وکَذلِکَ یَقولُها عِبادی إلی یَومِ القِیامَهِ ، مَن قالَها : فَلَو وُضِعَتِ السَّماواتُ وَالأَرَضونَ السَّبعُ فی کَفَّهٍ ، ووُضِعَ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فی کَفَّهٍ اُخری لَرَجَحَت بِهِنَّ ، ولَو وُضِعَت عَلَیهِنَّ أمثالُها . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ نَبِیَّ اللّهِ نوحا علیه السلام لَمّا حَضَرَتهُ الوَفاهُ قالَ لِابنِهِ : إنّی قاصٌّ عَلَیکَ الوَصِیَّهَ : آمُرُکَ بِاثنَتَینِ وأنهاکَ عَنِ اثنَتَینِ : آمُرُکَ بِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ؛ فَإِنَّ السَّماواتِ السَّبعَ وَالأَرَضینَ السَّبعَ لَو وُضِعَت فی کَفَّهٍ ووُضِعَت «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فی کَفَّهٍ ، رَجَحَت بِهِنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، ولَو أنَّ السَّماواتِ السَّبعَ وَالأَرَضینَ السَّبعَ کُنَّ حَلقَهً مُبهَمَهً ، قَصَمَتهُنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ». و«سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» ؛ فَإِنَّها صَلاهُ کُلِّ شَیءٍ ، وبِها یُرزَقُ الخَلقُ . (4)

.

1- .کذا ، والظاهر «لقصمتهنّ» . والقصم : کسر الشیء وإبانته (النهایه : ج 4 ص 74 «قصم») .
2- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 364 ح 6095 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
3- .جامع الأخبار : ص 133 ح 269 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 202 ح 41 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 575 ح 6594 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 112 ح 154 کلاهما عن عبد اللّه بن عمرو ، کنزالعمّال : ج 16 ص 107 ح 44078 .

مستدرک الوسائل :موسی علیه السلام گفت : خداوندا ! کاری نشانم بده که با آن به بهشت روم. فرمود : «بگو : معبودی جز خدا نیست ؛ زیرا اگر این جمله بر آسمان ها نهاده شود ، آنها را در هم می شکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام در مناجات خود با پروردگارش گفت : خداوندا ! شناخت تو چگونه است ؟ به من بیاموز . فرمود : «گواهی می دهی که : معبودی جز خدا نیست» . گفت : خداوندا ! نماز چگونه است؟ به موسی علیه السلام فرمود : «بگو : معبودی جز خدا نیست» . و همین طور بندگان آن را تا قیامت بگویند. گفت : خداوندا ! پس نماز چه؟ فرمود : «بگو : معبوی جز خدا نیست . و همین طور ، بندگانم نیز تا روز قیامت ، آن را بگویند . [زیرا] هر کس این را بگوید ، اگر آسمان ها و زمین های هفتگانه در یک کفَّه نهاده شوند و جمله معبودی جز خدا نیست را در کفّه ای دیگر ، این جمله بر آنها سنگینی می کند ؛ هر چند به همان اندازه [ی هفت آسمان و زمین] ، بر آن کفّه افزوده شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیام آور خدا نوح علیه السلام ، چون زمان مرگش فرا رسید ، به فرزندش فرمود : من تو را وصیت می کنم . تو را به دو چیز فرمان می دهم و از دو چیز نهی می کنم . به گفتنِ «معبودی جز خدا نیست» فرمانت می دهم؛ زیرا اگر هفت آسمان و هفت زمین در یک کفّه و «معبودی جز خدا نیست» در کفّه ای دیگر نهاده شود ، کفّه «معبودی جز خدا نیست» بر کفّه آنها سنگینی می کند و اگر هفت آسمان و هفت زمین ، حلقه ای به هم پیوسته باشند ، «معبودی جز خدا نیست» آنها را درهم می شکند . و به گفتنِ «منزّه است خدا و ستایش باد او را» [نیز فرمانت می دهم]؛ زیرا آن ، نماز هر موجودی است و به واسطه آن است که به خلق ، روزی داده می شود.

.

1 / 15النَّوادِرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ ، و«لا إلهَ إلَا اللّهُ» لَيسَ لَها دونَ اللّهِ حِجابٌ حَتّى تَخلُصَ إلَيهِ (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلَا اللّهُ» نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ للّهِ تَملَؤُهُ (3) .

الإمام الكاظم عليه السلام :إنّ نوحا عليه السلام لَمّا رَكِبَ السَّفينَةَ أوحَى اللّهُ عز و جل إلَيهِ : يا نوحُ ، إن خِفتَ الغَرَقَ فَهَلِّلنى ألفا ثُمَّ سَلنِى النَّجاةَ ، اُنجِكَ مِنَ الغَرَقِ ومَن آمَنَ مَعَكَ . قالَ : فَلَمَّا استَوى نوحٌ ومَن مَعَهُ فِى السَّفينَهِ ، وعَصَفَت عَلَيهِمُ الرّيحُ ، فَلَم يَأمَن نوحٌ مِنَ الغَرَقِ ، فَأعجَلَتهُ الرّيحُ فَلَم يُدرِك أن يُهَلِّلَ ألفا ، فَقالَ بِالسُّريانِيَّهِ : «هَلولِيا ألفا ألفَا ، يا ماريا أتقِن» ، قالَ : فَاستَوَى القَلسُ ، وَاستَمَرَّتِ السَّفينَهُ . فَقالَ نوحٌ عليه السلام : إنَّ كَلاما نَجّانِىَ اللّهُ بِهِ مِنَ الغَرَقِ لَحَقيقٌ أَلّا يُفارِقَنى ، فَنَقَشَ فى خاتَمِهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ألفَ مَرَّهٍ يا رَبِّ أصلِحنى . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، خَرَقَت سُقوفَ السَّماءِ ، حَتّى تَصيرَ مِثلَ القَمَرِ ، وأعمالُهُ حَولَها مِثلُ الكَواكِبِ . (5)

.

1- .يقال : خَلَص فلانٌ إلى فلانٍ : أى وصل إليه (النهايه : ج 2 ص 61 «خلص») .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3518 عن عبد اللّه بن يزيد بن عبد اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 1 ص 462 ح 2001 .
3- .الأمالى للمفيد : ص 246 ح 1 عن شدّاد بن أوس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 194 ح 9 ؛ الفردوس : ج 5 ص 9 ح 7282 عن شدّاد بن أوس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 64 ح 228 .
4- .الخصال : ص 335 ح 36 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 55 ح 206 ، الأمالى للصدوق : ص 542 ح 726 كلّها عن الحسين بن خالد الصيرفى عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 11 ص 285 ح 1 .
5- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 364 ح 6098 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

1 / 15گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تسبیح [خدا] ، نیمه ترازو [ی اعمال] است ، و حمد [او] آن را پر می کند ، و میان «لا اله الا اللّه » و خداوند ، هیچ حجابی نباشد تا به درگاه او رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلّا اللّه » ، نیمی از میزان [عمل] است ، و «الحمد للّه » آن را پر می کند.

امام کاظم علیه السلام :نوح علیه السلام چون بر کشتی نشست ، خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : «ای نوح ! اگر از غرق شدن ترسیدی ، هزار مرتبه مرا به یگانگی یاد نما و آن گاه ، از من درخواست نجات کن ، تا تو و مؤمنانِ همراه تو را از غرق شدن برهانم» . چون نوح علیه السلام و همراهانش بر کشتی نشستند و طوفان بر آنان وزیدن گرفت ، نوح علیه السلام از غرق شدن بیمناک شد ؛ ولی باد به او فرصت نداد که هزار مرتبه «لا إله إلّا اللّه » بگوید . پس به زبان سُریانی گفت : «هلولیا الفا الفا یا ماریا اَتقِن» . پس طناب ها[ی بادبان کشتی] راست شدند و کشتی به راه خود ادامه داد. نوح علیه السلام گفت : سخنی که خداوند به واسطه آن مرا از غرق شدن رهانید ، سزاست که از من جدا نشود . پس بر انگشتریِ خود ، چنین نقش کرد : معبودی جز خدا نیست ؛ هزار مرتبه . ای خداوند ! مرا به سلامت دار. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : «لا إله إلّا اللّه » ، [این سخن] سقف های آسمان را می شکافد ، تا جایی که همانند قرص ماه شود و دیگر اعمال او ، چونان ستارگان ، پیرامون آن خواهند بود .

.

1- .این نقش انگشتری ، ترجمه همان جمله سریانی است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» نَفَعَتهُ يَوما مِن دَهرِهِ ، أصابَهُ قَبلَ ذلِکَ ما أصابَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» مِئَةَ مَرَّهٍ ، إلّا بَعَثَهُ اللّهُ عز و جل يَومَ القِيامَهِ ووَجهُهُ کَالقَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ، ولَم يُرفَع لِأَحَدٍ يَومَئِذٍ عَمَلٌ أفضَلُ مِن عَمَلِهِ ، إلّا مَن قالَ مِثلَ قَولِهِ أو زادَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ أبى عليه السلام کَثيرَ الذِّکرِ ، لَقَد کُنتُ أمشى مَعَهُ وإنَّهُ لَيَذکُرُ اللّهَ ، وآکُلُ مَعَهُ الطَّعامَ وإنَّهُ لَيَذکُرُ اللّهَ ، ولَقَد کانَ يُحَدِّثُ القَومَ وما يَشغَلُهُ ذلِکَ عَن ذِکرِ اللّهِ ، وکُنتُ أرى لِسانَهُ لازِقا بِحَنَکِهِ يَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

عنه عليه السلام :مَن قالَ مِئَةَ مَرَّهٍ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ المَلِکُ الحَقُّ المُبينُ» ، أعاذَهُ اللّهُ العَزيزُ الجَبّارُ مِنَ الفَقرِ ، وآنَسَ وَحشَهَ قَبرِهِ ، وَاستَجلَبَ الغِنى ، وَاستَقرَعَ بابَ الجَنَّهِ . (4)

عنه عليه السلام :قالَ جَبرَئيلُ عليه السلام لِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : طُوبى لِمَن قالَ مِن اُمَّتِکَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ وَحدَهُ وَحدَهُ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا أفصَحَ أولادُکُم فَعَلِّموهُم لا إلهَ إلَا اللّهُ . (6)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 109 ح 97 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 12 ح 3486 وفيه «ولو بعد ما يصيبه العذاب» بدل «أصابه قبل ذلک ما أصابه» وکلاهما عن أبى هريره ، کنزالعمّال : ج 1 ص 418 ح 1778 .
2- .الفردوس : ج 4 ص 8 ح 6021 عن أبى الدرداء ، کنزالعمّال : ج 1 ص 57 ح 184 عن أبى ذرّ .
3- .الکافى : ج 2 ص 499 ح 1 عن ابن القدّاح ، عدّه الداعى : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 297 ح 29 .
4- .ثواب الأعمال : ص 22 ح 1 عن مالک بن أعين ، بحار الأنوار : ج 93 ص 207 ح 7 .

5- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 99 ح 68 ، التوحيد : ص 21 ح 10 ، ثواب الأعمال : ص 19 ح 1 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 205 ح 3 .
6- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 150 ح 423 عن عمرو بن شعيب ، كنزالعمّال : ج 16 ص 440 ح 45328 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «لا إله إلّا اللّه » ، [این سخن] روزی به دادش می رسد؛ هر چند پیش از آن ، هر بلایی به او رسیده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که صد مرتبه بگوید : «لا إله إلّا اللّه » ، مگر آن که خداوند عز و جل در روز رستاخیز ، او را با چهره ای چونان ماه شب چهارده بر می انگیزد . در آن روز ، برای هیچ کس عملی برتر از عمل او بالا برده نخواهد شد ، بجز برای کسی که همانند سخن او یا بیشتر گفته باشد.

امام صادق علیه السلام :پدرم علیه السلام بسیار ذکر می گفت . با او راه می رفتم و او ذکر خدا می گفت . با او غذا می خوردم و او ذکر خدا می گفت . با مردم سخن می گفت ؛ ولی این کار ، او را از ذکر خدا باز نمی داشت . من می دیدم که زبانش به کام او چسبیده است و «لا إله إلّا اللّه » می گوید.

امام صادق علیه السلام :هر کس صد مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست ؛ همان پادشاه راستین و آشکار» ، خداوند عز و جل او را از فقر پناه می دهد و از وحشت قبر می رهاند ، و او [با این ذکر] توانگری جُسته ، و در بهشت را کوبیده است .

امام صادق علیه السلام :جبرئیل علیه السلام به پیامبر خدا گفت : «خوشا به حال کسی از امّت تو که بگوید : معبودی جز خدا نیست ؛ یگانه معبود است ، یگانه معبود است ، یگانه معبود است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کودکانتان زبان باز کردند ، به آنها «لا إله إلّا اللّه » گفتن را بیاموزید.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ربّى صَغيرا حَتّى يَقولَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» لَم يُحاسِبهُ اللّهُ عز و جل . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اِفتَحوا عَلى صِبيانِكُم أوَّلَ كَلِمَهٍ بِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، ولَقِّنوهُم عِندَ المَوتِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ؛ فَإنَّهُ مَن كانَ أوَّلُ كَلامِهِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» وآخِرُ كَلامِهِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، ثُمَّ عاشَ ألفَ سَنَهٍ ، ما سُئِلَ عَن ذَنبٍ واحِدٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا فِى الجِنازَهِ قَولَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَ الرّاياتِ إبراهيمُ عليه السلام [عَلَيها] (4) : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام لِرَجُلٍ قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ : وأنَا أقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» ، فَإذا قالَ أحَدُكُم : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَليَقُل : «وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» ؛ لِأَنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يَقولُ : «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (6) . (7)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 130 ح 4865 عن عائشه ، كنزالعمّال : ج 16 ص 456 ح 45408 .
2- .شُعب الإيمان : ج 6 ص 398 ح 8649 عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 16 ص 441 ح 45332 .
3- .كنزالعمّال : ج 15 ص 650 ح 42578 نقلاً عن الديلمى عن أنس .
4- .ما بين القوسين أثبتناه من وسائل الشيعه : ج 15 ص 144 ح 20176 .
5- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 170 ح 328 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام .
6- .غافر : 65 .
7- .الدعوات : ص 164 ح 454 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 208 ح 13 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس کودکی را تربیت کند که «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، خداوند عز و جلاز او حسابرسی نخواهد کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین جمله ای که به کودکانتان می آموزید ، کلمه «لا إله إلّا اللّه » باشد ، و هنگام مرگ نیز به آنها «لا اله الا اللّه » تلقین کنید ، زیرا کسی که نخستین سخنش «لا إله إلّا اللّه » و آخرین سخنش نیز «لا إله إلّا اللّه » باشد ، حتی اگر هزار سال زندگی کرده باشد ، از یک گناه هم بازخواست نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در تشییع جنازه ، جمله «لا إله إلّا اللّه » را زیاد بگویید.

امام باقر علیه السلام :نخستین کسی که پرچم ساخت ، ابراهیم علیه السلام بود و بر آن نوشته شده بود : «لا إله إلّا اللّه » .

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به مردی که گفت : «معبودی جز خدا نیست» : من هم می گویم : «معبودی جز خدا نیست و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . پس هر گاه یکی از شما گفت : «معبودی جز خدا نیست» ، [به دنبال آن]بگوید : «و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید : «پس او را بخوانید ، در حالی که دین را برایش خالص گردانده باشید . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» .

.

الإخلاصُ رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أسعَدُ النّاسِ بِشَفاعَتى يَومَ القِيامَهِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» خالِصا مِن قَلبِهِ أو نَفسِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلّا اللّهُ» لَيسَ لَها دونَ اللّهِ حِجابٌ حَتّى تَخلُصَ إلَيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» كَلِمَهٌ عَظيمَهٌ كَريمَهٌ عَلَى اللّهِ عز و جل ، مَن قالَها مُخلِصا استَوجَبَ الجَنَّهَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلّا اللّهُ» كَلِمَهٌ طَيِّبَهٌ مُبارَكَهٌ ، مَن قالَها مُخلِصا نَجا مِنّى ودَخَلَ الجَنَّهَ . (4)

.

1- .صحيح البخارى : ج 1 ص 49 ح 99 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 415 ح 1758 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3518 عن عبد اللّه بن يزيد بن عبد اللّه بن عمرو ، تاريخ دمشق : ج 34 ص 345 ح 7023 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 462 ح 2001 .
3- .التوحيد : ص 23 ح 18 عن أحمد بن عبد اللّه الجويبارى عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 5 ح 13 ؛ كنزالعمّال : ج 1 ص 62 ح 220 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس .
4- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 364 ح 6094 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

2 / 1 اخلاص

فصل دوم: شرط های گفتن «لا إله إلّا اللّه »2 / 1اخلاصپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کامیاب ترینِ مردم از شفاعت من در روز رستاخیز ، کسی است که با خلوص نیّت بگویدَ : «معبودی جز خدا نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان ذکر «معبودی جز خدا نیست» و خدا ، هیچ حجابی نباشد و به پیشگاه او رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«معبودی جز خدا نیست» ، کلامی بزرگ و ارجمند به نزد خداوند عز و جلاست که هر کس از سرِ صدق ، آن را بگوید ، مستوجب بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«معبودی جز خدا نیست» ، سخن پاک و خجسته ای است که هر کس با صدق و اخلاص ، آن را بگوید ، از [مؤاخذه در باره] من بِرَهَد و به بهشت رود .

.

2 / 2الوِلايَهُالتوحيد عن إسحاق بن راهويه :لَمّا وافى أبُو الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام بِنيسابورَ ، وأرادَ أن يَخرُجَ مِنها إلَى المَأمونِ ، اِجتَمَعَ إلَيهِ أصحابُ الحَديثِ ، فَقالوا لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ تَرحَلُ عَنّا ولا تُحَدِّثُنا بِحَديثٍ فَنَستَفيدَهُ مِنكَ؟ وكانَ قَد قَعَدَ فِى العَمّارِيَّهِ (1) ، فَأطلَعَ رَأسَهُ وقالَ : سَمِعتُ أبى موسَى بنَ جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ أبى جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ أبى مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ أبى عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ أبِى الحُسَينَ بنَ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ أبى أميرَ المُؤمِنينَ عَلِيَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : سَمِعتُ جَبرَئيلَ عليه السلام يَقولُ : سَمِعتُ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ حِصنى ؛ فَمَن دَخَلَ حِصنى أمِنَ مِن عَذابى . قالَ : فَلَمّا مَرَّتِ الرّاحِلَهُ نادانا : بِشُروطِها وأنَا مِن شُروطِها . (2)

الأمالى للطوسى عن أبى الصلت الهروى :كُنتُ مَعَ الرِّضا عليه السلام لَمّا دَخَلَ نَيسابورَ وهُوَ راكِبٌ بَغلَهً شَهباءَ (3) ، وقَد خَرَجَ عُلَماءُ نَيسابورَ فِى استِقبالِهِ ، فَلَمّا سارَ (4) إلَى المِرتعه 5 تَعَلَّقوا بِلِجامِ بَغلَتِهِ وقالوا : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، حَدِّثنا بِحَقِّ آبائِكَ الطّاهِرينَ ، حَدِّثنا (5) عَن آبائِكَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم أجمَعينَ . فَأخرَجَ رَأسَهُ مِنَ الهَودَجِ وعَلَيهِ مِطرَفُ (6) خَزٍّ ، فَقالَ : حَدَّثَنى أبى موسَى بنُ جَعفَرٍ ، عَن أبيهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ ، عن أبيهِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ ، عَن أبيهِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ ، عَن أبيهِ الحُسَينِ سَيِّدِ شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ ، عَن أبيهِ أميرِ المُؤمِنينَ عليهم السلام عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : أخبَرَنى جَبرَئيلُ الرُّوحُ الأمينُ ، عَنِ اللّهِ تَقَدَّسَت أسماؤُهُ وجَلَّ وَجهُهُ قالَ : إنّى أنَا اللّهُ لا إلهَ إلّا أنَا وَحدى ، عِبادِى فَاعبُدونى ، وَليَعلَم مَن لَقِيَنى مِنكُم بِشَهادَهِ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ مُخلِصا بِها أنَّهُ قَد دَخَلَ حِصنى ، ومَن دَخَلَ حِصنى أمِنَ عَذابى . قالوا : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، وما إخلاصُ الشَّهادَهِ للّهِ؟ قالَ : طاعَهُ اللّهِ ورَسولِهِ وولِايَهُ أهلِ بَيتِهِ عليهم السلام . (7)

.

1- .العَمّارِيَّه : شىء يشبه الهودج تُربط بالفرس والبغل والبعير والفيل ، يُجلس عليها فى السَّفَر (فرهنگ معين فارسى : ج 2 ص 2350 «عمارى»)

.

2- .التوحيد : ص 25 ح 23 ، ثواب الأعمال : ص 21 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 371 ح 1 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 79 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 279 ح 536 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «لا إله إلّا اللّه ... من عذابى» ، بحار الأنوار : ج 3 ص 7 ح 16 ؛ تاريخ دمشق : ج 5 ص 462 عن أحمد بن عامر الكنانى البصرى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، ربيع الأبرار : ج 2 ص 249 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيهما «لا إله إلّا اللّه ... من عذابى» ، كنزالعمّال : ج 1 ص 5 ح 158 وراجع عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 137 ح 2 وعوالى اللآلى : ج 4 ص 94 ح 134 .
3- .الشَّهبَةُ فى الألوان : البياض الذى غلب على السواد (الصحاح : ج 1 ص 159 «شهب») .
4- .فى موضعين من بحار الأنوار : «صار» بدل «سار» .
5- .فى بحار الأنوار : «حديثا» بدل «حدّثنا» .
6- .المُطرَف والمِطرَف : واحد المطارف ، وهى أرديه من خزّ مربّعه لها أعلام (الصحاح : ج 4 ص 1394 «طرف») .
7- .الأمالى للطوسى : ص 589 ح 1220 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 14 ح 39 وج 27 ص 134 ح 130 وج 49 ص 120 ح 1 .

2 / 2ولایتالتوحید به نقل از اسحاق بن راهویه : چون امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست از آن جا به سوی مأمون [در مرو] خارج شود ، اصحاب حدیث نزد او گرد آمدند و گفتند : ای پسر پیامبر خدا ! از نزد ما می روی و برایمان حدیثی نمی گویی تا از شما بهره مند شویم !؟ امام رضا علیه السلام که در کجاوه نشسته بود ، سرش را بیرون آورد و فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پدرم جعفر بن محمّد علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پدرم محمّد بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پدرم علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : از جبرئیل علیه السلام شنیدم که می فرمود : از خداوند جلّ جلاله شنیدم که می فرمود : [کلمه] معبودی جز خدا نیست ، دژ من است و هر کس وارد دژ من شود ، از عذاب من در امان است» . چون مرکب به راه افتاد ، خطاب به ما بانگ زد : «این ، شرط هایی دارد ، و من یکی از شرط های آن هستم» .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابوصلت هروی : هنگامی که امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد ، من همراه ایشان بودم . امام بر استری خاکستری رنگ سوار بود . علمای نیشابور به استقبال او آمدند . چون به سوی مرتع حرکت کرد ، آنان لگام استرش را گرفتند و گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! تو را به حقّ پدران پاکت سوگند ، برای ما حدیثی بگو . از پدرانت که درودهای خدا بر همگی ایشان باد برایمان حدیث بگو . امام رضا علیه السلام در حالی که ردایی از خز (1) با حاشیه نگارین بر تن داشت ، سرش را از کجاوه بیرون آورد و فرمود: پدرم موسی بن جعفر ، از پدرش جعفربن محمّد ، از پدرش محمّد بن علی ، از پدرش علی بن حسین ، از پدرش حسین سرور جوانان اهل بهشت ، از پدرش امیر مؤمنان برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود : جبرئیل روح الأمین از جانب خداوند که نام هایش مقدّس و رویش بشکوه است به من خبر داد که فرمود : «منم خداوند . معبودی جز من نیست که یگانه ام . پس ای بندگان من! مرا بپرستید . آن که با گواهی دادن از سر صدق و اخلاص به این که معبودی

جز من نیست ، دیدارم کند ، هر آینه به دژ من درآمده است ، و آن که به دژ من درآید ، از عذابم در امان است» . گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! گواهیِ خالص دادن برای خدا چیست؟ فرمود : اطاعت کردن از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیتش علیهم السلام .

.

1- .. خزّ ، حیوانی شبیه سمور است که پوست آن لطیف و نرم و از این رو برای لباس مناسب است . به لباس حاصل از آن نیز خزّ می گویند (ر . ک : المصباح المنیر : ص 168 و مجمع البحرین : ج 1 ص 508) .

ص: 474

. .

ص: 475

. .

جاءَ أعرابِیٌّ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ، فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، هَل لِلجَنَّهِ مِن ثَمَنٍ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : ما ثَمَنُها؟ قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، یَقولُهَا العَبدُ الصّالِحُ مُخلِصا بِها . قالَ : وما إخلاصُها؟ قالَ : العَمَلُ بِما بُعِثتُ بِهِ فی حَقِّهِ ، وحُبُّ أهلِ بَیتی . قالَ : وحُبُّ أهلِ بَیتِکِ لَمِن حَقِّها؟ قالَ : أجَل ، إنَّ حُبَّهُم لَأعظَمُ حَقِّها . (1)

العَمَلُ الصّالِحُ رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعودٍ : یَابنَ مَسعودٍ ، إذا تَکَلَّمتَ بِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ولَم تَعرِف حَقَّها فَإنَّهُ مَردودٌ عَلَیکَ ، ولا یَزالُ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» یَرُدُّ غَضَبَ اللّهِ عَنِ العِبادِ ، حَتّی إذا لَم یُبالوا ما یَنقُصُ مِن دینِهِم بَعدَ إذ سَلِمَت دُنیاهُم ، یَقولُ اللّهُ تَعالی : کَذَبتُم کَذَبتُم لَستُم بِها بِصادِقینَ فَإنَّهُ یَقولُ اللّهُ تَعالی : «إلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّلِحُ یَرْفَعُهُ» (2) . (3)

.

1- .الأمالی للطوسی : ص 583 ح 1207 عن معتب عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 13 ح 30 وراجع تنبیه الغافلین : ص 415 ح 634 .

2- .فاطر : 10 .

3- .بحار الأنوار : ج 77 ص 106 ح 1 نقلاً عن مکارم الأخلاق : ج 2 ص 357 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود واللفظ فیه مضطرب .

امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری : عرب بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا بهشت ، بهایی دارد؟ فرمود : «آری» . گفت : بهایش چیست؟ فرمود : «[کلمه] لا إله إلّا اللّه ، که بنده شایسته ، از سر اخلاص آن را بگوید» . گفت : اخلاص آن چگونه است؟ فرمود : «گزاردن حقّ آنچه من برایش بر انگیخته شده ام ، و دوست داشتن اهل بیت من» . گفت : آیا دوست داشتن اهل بیت شما هم ، جزئی از حقّ آن است؟ فرمود : «آری ، دوست داشتن آنها بزرگ ترین حقّ آن است» .

2 / 3کردار نیکپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود : ای پسر مسعود ! هر گاه «لا إله إلّا اللّه » بگویی و حقّ آن را نشناسی ، آن به خودت باز گردانیده می شود . کلمه «لا إله إلّا اللّه » ، همواره خشم خدا را از بندگان بر می گرداند ، تا آن زمان که اگر دنیایشان سالم بماند ، برایشان مهم نباشد که به دینشان کاستی ای وارد آید . [در این صورت ،]خدای تعالی می فرماید : «دروغ می گویید ، دروغ می گویید ، شما صادق نیستید» ؛ زیرا خدای متعال می فرماید : «سخن پاک ، به سوی او بالا می رود و کردار نیک آن را بالا می برد» .

.

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» فَلَن يَلِجَ مَلَكوتَ السَّماءِ حَتّى يُتِمَّ قَولَهُ بِعَمَلٍ صالِحٍ . (1)

2 / 4اِجتِنابُ المَحارِمُالمعجم الأوسط عن زيد بن أرقم :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» مُخلِصا دَخَلَ الجَنَّةَ . قيلَ : وما إخلاصُها؟ قالَ : أن تَحجُزَهُ عَن مَحارِمِ اللّهِ عز و جل . (2)

.

1- .الأمالى للمفيد : ص 184 ح 7 عن أبى سعيد الزهرى ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 19 ح 41 عن أبى شيبه الزهرى ، بحار الأنوار : ج 69 ص 402 ح 102 .
2- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 56 ح 1235 ، حليه الأولياء : ج 9 ص 254 نحوه وكلاهما عن زيد بن أرقم ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 64 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 61 ح 205 .

2 / 4 دوری کردن از حرام ها

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :هر کس بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، این سخن هرگز به ملکوت آسمان وارد نشود ، تا این که سخن خود را با کرداری نیک کامل سازد.

2 / 4دوری کردن از حرام هاالمعجم الأوسط به نقل از زید بن ارقم : پیامبر خدا فرمود : هر کس از سر اخلاص بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، به بهشت می رود. گفته شد : اخلاص آن چیست؟ فرمود : این که [این گفته ،] او را از حرام های خداوند عز و جل باز دارد .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : برکات التّهلیل3 / 1هَدمُ الذُّنوبِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ» ، قالَ اللّهُ تَعالی : یا مَلائِکَتی ، عَلِمَ عَبدی أنَّهُ لَیسَ لَهُ رَبٌّ غَیری ، اُشهِدُکُم أنّی غَفَرتُ لَهُ . (1)

الإمام الباقر علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَقِّنوا مَوتاکُم : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» فَإنَّها تَهدِمُ الذُّنوبَ . فَقالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، فَمَن قالَ فی صِحَّتِهِ؟ فَقالَ : ذاکَ أهدَمُ وأهدَمُ وأهدَمُ ، إنَّ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» اُنسُ المُؤمِنِ فی حَیاتِهِ ، وعِندَ مَوتِهِ ، وحینَ یُبعَثُ . وقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : قالَ جَبرَئیلُ : یا مُحَمَّدُ ، لَو تَراهُم حینَ یُبعَثونَ ؛ هذا مُبیَضٌّ وَجهُهُ یُنادی : «لا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ» ، وهذا مُسوَدٌّ وَجهُهُ یُنادی : یا وَیلاهُ یا ثَبوراهُ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :«لا إلهَ إلّا اللّهُ» لا یَسبِقُها عَمَلٌ ، ولا تَترُکُ ذَنبا . (3)

.

1- .تاریخ دمشق : ج 7 ص 61 ح 1617 عن أنس .
2- .ثواب الأعمال : ص 16 ح 3 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 81 ص 235 ح 13 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1248 ح 3797 عن اُمّ هانئ ، کنزالعمّال : ج 1 ص 418 ح 1781 .

فصل سوم: برکت های «لا إله إلّا اللّه »3 / 1نابود کردن گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» ، خدای تعالی می فرماید : «ای فرشتگان من! بنده ام دانست که پروردگاری جز من ندارد . گواه باشید که او را آمرزیدم» .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «به مردگان خود ، لا إله إلّا اللّه را تلقین کنید ؛ زیرا آن ، گناهان [ِ میّت] را نابود می کند» . گفتند : ای پیامبر خدا ! پس کسی که در هنگام سلامتش [و حیاتش] آن را بگوید ، چه؟ فرمود : «این که بیشترِ و بیشتر و بیشتر نابود می کند . لا إله إلّا اللّه ، همدم مؤمن است در زندگی او و هنگام مرگش و در زمان برانگیخته شدنش» . پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود : «جبرئیل علیه السلام گفت : ای محمّد! کاش آنان را می دیدی آن گاه که برانگیخته می شوند ؛ این یکی چهره اش سپید است و بانگ می زند : معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ ترین است ، و آن یکی چهره اش سیاه است و فریاد می زند : وای بر من! نابود شدم! » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[ذکر] «لا اله الا اللّه » ، بر هر عمل پیشی [و فضیلت] دارد و هیچ گناهی را بر جای نمی گذارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» فى ساعَةٍ مِن لَيلٍ أو نَهارٍ ، طَلَسَت (1) ما فى صَحيفَتِهِ مِنَ السَّيِّئاتِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» طَمَسَت ما قَبلَها مِنَ السَّيِّئاتِ ، يَقولُ [اللّهُ] (3) : لا إلهَ إلّا اللّهُ حِصنى ، مَن دَخَلَ حِصنى أمِنَ عَذابى . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ غُدوَةً وعَشيّا : «لا إلهَ إلّا أنتَ» ، ضَمِنَت (5) إحداهُما إلَى الاُخرى ، ويُمحى ما بَينَهُما مِنَ الذُّنوبِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِنَ الكَلامِ كَلِمَةٌ أحَبُّ إلَى اللّهِ عز و جل مِن قَولِ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» ، وما مِن عَبدٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» يَمُدُّ بِها صَوتَهُ فَيَفرَغُ ، إلّا تَناثَرَت ذُنوبُهُ تَحتَ قَدَمَيهِ كَما يَتَناثَرُ وَرَقُ الشَّجَرِ تَحتَها . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» إلّا مُحِيَت ما فى صَحيفَتِهِ مِن سَيِّئاتٍ حَتّى تَنتَهِىَ إلى مِثلِها مِن حَسَناتٍ . (8)

الاحتجاج عن الأصبغ بن نباته :خَطَبَنا أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام عَلى مِنبَرِ الكوفَهِ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : أيُّهَا النّاسُ ، سَلونى فَإنَّ بَينَ جَوانِحى عِلما جَمّا . فَقامَ إلَيهِ ابنُ الكَوّاءِ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ . . . كَم بَينَ مَوضِعِ قَدَمِک إلى عَرشِ رَبِّکَ؟ قالَ : ثَكِلَتکَ اُمُّکَ يَابنَ الكَوّاءِ! سَل مُتَعَلِّما ولاَ تَسأل مُتَعَنِّتا ، مِن مَوضِعِ قَدَمى إلى عَرشِ رَبّى أن يَقولَ قائِلٌ مُخلِصا : لا إلهَ إلّا اللّهُ . قالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، فَما ثَوابُ مَن قالَ : لا إلهَ إلّا اللّهُ؟ قالَ : مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مُخلِصا طُمِسَت ذُنوبُهُ ، كَما يُطمَسُ الحَرفُ الأسوَدُ مِنَ الرَّقِّ الأبيَضِ . فَإن قالَ ثانِيَةً : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مُخلِصا خَرَقَت أبوابَ السَّماواتِ وصُفوفَ المَلائِكَهِ ، حَتّى يَقولَ المَلائِكَهُ بَعضُها لِبَعضٍ : اِخشَعوا لِعَظَمَهِ اللّهِ . فَإذا قالَ ثالِثَةً : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مُخلِصا [لَم] (9) تَنهَنه دونَ العَرشِ ، فَيَقولُ الجَليلُ : اُسكُنى ، فَوَعِزَّتى وجَلالى لَأغفِرَنَّ لِقائِلِکَ بِما كانَ فِيهِ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَهَ : «إلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (10) يَعنى إذا كانَ عَمَلُهُ صالِحا ارتَفَعَ قَولُهُ وكَلامُهُ . (11)

.

1- .الطّلْس : المحو (الصحاح : ج 3 ص 944 «طلس») .
2- .التوحيد : ص 23 ح 19 عن أحمد بن عبد اللّه الجويبارى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 194 ح 7 ؛ مسند أبى يعلى : ج 3 ص 445 ح 3599 نحوه ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 213 وليس فيه «فى ساعه من ليل أو نهار» وزاد فى آخره «حتّى يعود إلى مثلها» وكلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 60 ح 201 .
3- .فى هامش المصدر : «أثبتنا ما بين المعقوفين ليستقيم المعنى» .
4- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 363 ح 6093 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
5- .كذا فى المصدر ، ولعلّ الصواب : «ضُمّت» .
6- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
7- .التوحيد : ص 21 ح 14 ، ثواب الأعمال : ص 21 ح 2 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 82 ح 2211 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 196 نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 196 ح 16 .
8- .ثواب الأعمال : ص 18 ح 11 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 84 ح 2220 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 202 ح 37 .
9- .الزياده من بحار الأنوار . قال ابن منصور : النَّهنَهه : الكَفّ . وما نَهْنَهَها شىءٌ دونَ العرش : ما منعها وكفّها عن الوصول إليه (لسان العرب : ج 13 ص 550 «نهنه») .
10- .فاطر : 10 .
11- .الاحتجاج : ج 1 ص 612 ح 139 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 198 ح 25 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در هر ساعتی از شب یا روز بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، [این سخن] هر گناهی را که در نامه اعمال اوست ، پاک می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، گناهانِ پیش از آن از بین می روند . خداوند می فرماید : «[ذکرِ]لا إله إلّا اللّه ، دژ من است . هر کس وارد دژ من شود ، از عذابم در امان می ماند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس صبح و عصر بگوید : «معبودی جز تو نیست» ، هر یک از آن دو [صبح و عصر] به دیگری می پیوندد و گناهان ما بین آنها محو گردانیده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از میان سخنان ، هیچ سخنی نزد خداوند عز و جل محبوب تر از جمله «لا إله إلّا اللّه » نیست . هیچ بنده ای نیست که بگوید : «لا إله إلّا اللّه » و صدایش را به آن بکشد ، مگر آن که به محض قطع شدن صدایش ، گناهان او زیر پایش فرو می ریزد ، همان گونه که برگ های درختان در پای آنها می ریزند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مؤمنی نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، مگر آن که هر چه بدی و گناه در کارنامه اوست ، محو می شود و به همان اندازه ، برایش کار نیک [و ثواب] نوشته آید.

الاحتجاج به نقل از اصبغ بن نباته : امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر کوفه برای ما سخنرانی کرد . نخست خدای را ستایش و ثنا گفت ، سپس فرمود : «ای مردم! از من بپرسید ، که در سینه من دانشِ بسیار است» . ابن کوّاء برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان ! ... از جای پای تو تا عرش پروردگارت ، چه قدر فاصله است؟ فرمود : «مادرت به عزایت بنشیند ، ای پسر کوّاء! برای یادگیری بپرس ، نه برای مچ گیری . فاصله جای پای من تا عرش پروردگارم ، به این اندازه است که گوینده ای با اخلاص بگوید : معبودی جز خدا نیست» . ابن کوّاء گفت : ای امیر مؤمنان ! اگر کسی بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، پاداشش چیست؟ فرمود : «هر کس از سرِ اخلاص بگوید : معبودی جز خدا نیست ، گناهانش زدوده می شود ، همان گونه که حرف سیاه از پوست سفید زدوده می شود . اگر دو باره از

سر اخلاص بگوید : معبودی جز خدا نیست ، [سخنش]درهای آسمان ها و صفوف فرشتگان را می شکافد ، تا جایی که فرشتگان به یکدیگر می گویند : برای عظمت خدا خشوع کنید . و اگر سه باره از سر اخلاص بگوید : معبودی جز خدا نیست ، [این کلمه تا عرش خدا بالا می رود و] در برابر عرش بی تابی می کند ، (1) پس خداوند بزرگ می فرماید : آرام باش ! به عزّت و جلالم سوگند ، گوینده تو را با وجود همه گناهانش ، می آمرزم » . سپس این آیه را تلاوت کرد : «گفتار پاک ، به سوی او بالا می رود و کردار نیک آن را بالا می برد» ؛ یعنی اگر کردارش نیک و شایسته باشد ، گفته و سخن او بالا می رود.

.

1- .تنهنه : هق هق گریه کرد.

الإمام علىّ عليه السلام :ما مِن عَبدٍ مُسلِمٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» إلّا صَعِدَت تَخرُقُ كُلَّ سَقفٍ ، لا تَمُرُّ بِشَىءٍ مِن سَيِّئاتِهِ إلّا طَلَسَتها ، حَتّى تَنتَهِىَ إلى مِثلِها مِنَ الحَسَناتِ فَتَقِفُ . (1)

.

1- .التوحيد : ص 21 ح 12 ، ثواب الأعمال : ص 17 ح 7 كلاهما عن أبى الطفيل ، بحار الأنوار : ج 93 ص 195 ح 14 .

ص: 485

امام علی علیه السلام :هیچ بنده مسلمانی نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، مگر آن که [این گفته] هر سقفی را می شکافد و بر هر گناهی از گناهان او که بگذرد ، نابودش می کند ، تا آن که به همان اندازه از کارهای نیک برسد . آن گاه ، متوقّف می شود .

.

3 / 2العِصمَةُ مِنَ الشَّيطانِالإمام علىّ عليه السلام :أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، شَهادةً مُمتَحَنا إخلاصُها ، مُعتَقَدا مُصاصُها (1) ، نَتَمَسَّکُ بِها أبَدا ما أبقانا ، ونَدَّخِرُها لِأَهاويلِ ما يَلقانا ، فَإِنَّها عَزيمَةُ الإِيمانِ ، وفاتِحَةُ الإِحسانِ ، ومَرضاةُ الرَّحمنِ ، ومَدحَرَةُ الشَّيطانِ . (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : لَيسَ شَىءٌ أقطَعَ لِظَهرِ إبليسَ مِن قَولِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، كَلِمَهِ التَّقوى . (3)

3 / 3دَفعُ البَلاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلَا اللّهُ» تَدفَعُ عَن قائِلِها تِسعَةً وتِسعينَ بابا مِنَ البَلاءِ أدناهَا الهَمُّ . (4)

3 / 4الأمانُ مِنَ الذُّلِّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن قَولِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» وَالاِستِغفارِ ؛ فَإِنَّهُما أمانٌ فِى الدُّنيا مِنَ الذُّلِّ ، وفِى الآخِرَهِ جُنَّهٌ مِنَ النّارِ . (5)

.

1- .المُصاص : خالص كلّ شىء (النهايه : ج 4 ص 337 «مصص») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 2 ، غررالحكم : ح 10859 وفيه ذيله «لا إله إلّا اللّه عزيمه الإيمان ...» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 331 ح 19 ؛ مطالب السؤول : ص 58 وليس فيه «ومدحره الشيطان» .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 316 ح 630 .
4- .تاريخ دمشق : ج 17 ص 172 ح 4087 ، الفردوس : ج 5 ص 8 ح 7280 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 1 ص 63 ح 226 وراجع المقنع : ص 297 .
5- .كنزالعمّال : ج 10 ص 17 ح 28152 نقلاً عن الديلمى عن أنس .

3 / 2 مصون ماندن از شیطان

3 / 3 دفع بلا

3 / 4 در امان ماندن از خواری

3 / 2مصون ماندن از شیطانامام علی علیه السلام :گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ؛ گواهی ای که خلوص آن آزموده شده و ناب آن ، باور ماست . همواره و تا آن گاه که ما را زنده بدارد ، به این گواهی چنگ می زنیم و برای صحنه هولناکی که در پیش داریم ، اندوخته اش می کنیم؛ زیرا این گواهی ، عقیده ایمان است و سرآغاز احسان ، و مایه خشنودی خدای مهربان و سبب راندن شیطان.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : هیچ چیز برای ابلیس ، کمرشکن تر از گفتن کلمه تقوا ؛ یعنی «لا اله الا اللّه » نیست.

3 / 3دفع بلاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلّا اللّه » نود و هفت نوع بلا را از گوینده اش دفع می کند که کمترینِ آنها ، اندوه و نگرانی است.

3 / 4در امان ماندن از خواریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلّا اللّه » و «استغفر اللّه » را زیاد بگویید؛ زیرا این دو ، در دنیا مایه امان از خواری هستند ، و در آخرت سپر آتش .

.

3 / 5النَّجاهُ مِنَ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنّى لَأَعلَمُ كَلِمَةً لا يَقولُها عَبدٌ حَقّا مِن قَلبِهِ فَيَموتُ عَلى ذلِکَ ، إلّا حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّار : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ قَد حَرَّمَ عَلَى النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» يَبتَغى بِذلِکَ وَجهَ اللّهِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إذا قُلتَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وحدَهُ لا شَريکَ لَهُ» فَهىَ كَلِمَهُ الإخلاصِ الَّتى لا يَقولُها عَبدٌ إلّا أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ ، إلَا المُستَكبِرينَ وَالجَبّارينَ . (3)

3 / 6دُخولُ الجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّهَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن شَهِدَ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ عِندَ مَوتِهِ ، دَخَلَ الجَنَّهَ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَمَنُ الجَنَّهِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، مِفتاحُ الجَنَّهِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، نَجا صاحِبُ هذِهِ الشَّهادَهِ ، فَيَقولُ اللّهُ : عَبدى عَهِدَ إلَىَّ فَأَنَا أحَقُّ مَن وَفى بِالعَهدِ ، أدخِلوا عَبدِىَ الجَنَّهَ . (6)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 144 ح 242 ، حليه الأولياء : ج 2 ص 296 وليس فيه «من قلبه فيموت على ذلک» وكلاهما عن عمر بن الخطّاب ، كنزالعمّال : ج 1 ص 51 ح 149 .
2- .صحيح البخارى : ج 1 ص 164 ح 415 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 456 ح 33 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 211 ح 20392 كلّها عن عتبان بن مالک ، كنزالعمّال : ج 1 ص 50 ح 143 .
3- .الخصال : ص 299 ح 72 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 193 ح 5 .
4- .سنن أبى داوود : ج 3 ص 190 ح 3116 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 240 ح 22095 وفيه «وجبت له الجنّه» بدل «دخل الجنّه» ، المستدرک

على الصحيحين : ج 1 ص 503 ح 1299 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنزالعمّال : ج 1 ص 418 ح 1780 ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 وزاد فی آخره «قيل : فإن قالها فی حياته؟ قال : تلک أوجب وأوجب» .
5- .المحاسن : ج 1 ص 103 ح 79 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 236 ح 14 .
6- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 364 ح 6097 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 199 ح 10453 عن عبد اللّه وليس فيه صدره وفيه «يجاء بصاحبها يوم القيامه» بدل «نجا صاحب هذه الشهاده» .

3 / 5 رهیدن از آتش

3 / 6 رفتن به بهشت

3 / 5رهیدن از آتشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من کلمه ای می شناسم که هر بنده ای از صمیم دلش آن را بگوید و بر آن از دنیا برود ، خداوند او را بر آتش حرام می گرداند . آن کلمه ، «لا إله إلّا اللّه » است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند کسی را که «لا إله إلّا اللّه » بگوید و نیّتش از آن ، خدا باشد ، بر آتش حرام کرده است.

امام زین العابدین علیه السلام :هر گاه بگویی : «معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز» ، این ، کلمه اخلاص [و توحید] است که هر بنده ای آن را بگوید ، خداوند او را از آتش می رهاند ، مگر خودْ برتربینان و گردن کشان را .

3 / 6رفتن به بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس واپسین گفته اش [در دم مرگ] «لا إله إلّا اللّه » باشد ، به بهشت می رود .

امام صادق علیه السلام :هر کس هنگام مرگش گواهی دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهای بهشت ، «لا إله إلّا اللّه » است . کلید بهشت ، «لا إله إلّا اللّه » است . گوینده این شهادت ، نجات یافته است . خداوند می فرماید : «بنده ام با من عهد بست ، و من سزاوارترین کس به وفا کردن به عهد هستم ؛ بنده ام را به بهشت ببرید» .

.

عنه صلى الله عليه و آله لَمّا سَأَلَهُ يَهودِيٌّ عَن جَزاءِ مَن قالَ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ : أمّا قَولُهُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» فَثَمَنُهَا الجَنَّهُ ، وذلِکَ قَولُ اللّهِ تَعالى : «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إلّا الْإِحْسَنُ» (1) قالَ : هَل جَزاءُ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» إلّا الجَنَّهُ . فَقالَ اليَهودِيُّ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام فى جَوابِ راهِبٍ قالَ لَهُ : مَفاتيحُ الجَنَّهِ مِن ذَهَبٍ أو فِضَّهٍ؟ : مِفتاحُ الجَنَّهِ لِسانُ العَبدِ : لا إلهَ إلّا اللّهُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَأَيتُ البارِحَهَ عَجَبا ، رَأَيتُ رَجُلاً مِن اُمَّتِى انتَهى إلى أبوابِ الجَنَّهِ ، فَغُلِّقَتِ الأَبوابُ دونَهُ ، فَجاءَتهُ شَهادَهُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، فَفُتِحَت لَهُ الأَبوابُ واُدخِلَ الجَنَّهَ . (4)

التوحيد عن زيدِ بن خالد :أرسَلَنى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لى : بَشِّرِ النّاسَ أنَّهُ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ» فَلَهُ الجَنَّهُ . (5)

.

1- .الرحمن : 60 .
2- .علل الشرايع : ص 251 ح 8 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه وكلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص 34 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 167 ح 1 .
3- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 312 ، بحار الأنوار : ج 48 ص 105 ح 8 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
5- .التوحيد : ص 22 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 196 ح 17 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ پرسش مردی یهودی در باره پاداش کسی که بگوید : «سبحان اللّه والحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» : «این که بگوید : لا إله إلّا اللّه ، بهایش بهشت است؛ بدان دلیل که خدای تعالی می فرماید : «آیا پاداش نیکی ، جز نیکی است؟ !» . آیا پاداش کسی که بگوید : لا إله إلّا اللّه ، چیزی جز بهشت است؟» . یهودی گفت : درست گفتی ، ای محمّد!

امام کاظم علیه السلام در پاسخ راهبی که از وی پرسید : کلیدهای بهشت ، از طلاست یا نقره؟ : کلید بهشت ، زبان بنده است : لا إله إلّا اللّه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دیشب خواب عجیبی دیدم . دیدم مردی از امّتم به سوی درهای بهشت رفت ؛ اما درها به رویش بسته شد . شهادت «لا إله إلّا اللّه » نزدش آمد . پس درها برایش گشوده شد و به بهشت بُرده شد .

التوحید به نقل از زید بن خالد : پیامبر خدا مرا فرستاد و به من فرمود : «به مردم بشارت بده که هرکس بگوید : معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، به بهشت می رود» .

.

المستدرک علی الصحیحین عن أبی طلحه الأنصاری :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : منَ قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّهَ ووَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ ، ومَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ» مِئَهً کَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفَ حَسَنَهٍ وأربَعا وعِشرینَ حَسَنَهً . قالُوا : یا رَسولَ اللّهِ إذا لا یَهلِکُ مِنّا أحَدٌ! قالَ : بَلَی ، إنَّ أحَدَکُم لَیَجیءُ بِالحَسَناتِ لَو وُضِعَت عَلی جَبَلٍ أثقَلَتهُ ، ثُمَّ تَجیءُ النِّعَمُ فَتَذهَبُ بِتِلکَ ، ثُمَّ یَتَطاوَلُ الرَّبُّ بَعدَ ذلِکَ بِرَحمَتِهِ . (1)

3 / 7العِزَّهُالإمام الباقر علیه السلام :«لا إله إلَا اللّهُ» إعزازٌ لِأَهلِ دَعوَتِهِ ، الصَّلاهُ تَثبیتٌ لِلإخلاصِ وتَنزیهٌ عَنِ الکِبرِ . (2)

3 / 8الفَلاحُرسول اللّه صلی الله علیه و آله :قولوا: «لا إِلهَ إِلَا اللّهُ» تُفلِحوا . (3)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 279 ح 7638 ، کنزالعمّال : ج 1 ص 61 ح 210 .
2- .الأمالی للطوسی : ص 296 ح 582 ، بشاره المصطفی : ص 189 وفیه «أعوان» بدل «إعزاز» و«تبریه» بدل «تنزیه» ، الفضائل : ص 7 وفیه «إعذار» بدل «إعزاز» وکلّها عن جابر بن یزید الجعفی ، بحار الأنوار : ج 78 ص 183 ح 8 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 5 ح 423 ح 16023 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 61 ح 39 کلاهما عن ربیعه بن عباد ، صحیح ابن حبّان : ج 14 ص 518 ح 6562 ، السنن الکبری : ج 1 ص 123 ح 358 کلّها عن طارق بن عبداللّه المحاربی ، کنز العّمال : ج 12 ص 449 ح 35538 ؛ المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 56 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 202 .

3 / 7 عزّت

3 / 8 رستگاری

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو طلحه انصاری : پیامبر خدا فرمود : «هر کس بگوید : لا إله إلّا اللّه ، به بهشت می رود و بهشت حقّ او می شود ، و هر کس صد مرتبه بگوید : سبحانَ اللّهِ وبِحمدِهِ ، خداوند برایش هزار و بیست و چهار ثواب می نویسد» . اصحاب گفتند : بنا بر این ، کسی از ما هلاک نخواهد شد ، ای پیامبر خدا! فرمود : «آری ، کسی از شما چندان کار نیک می آورد که اگر بر کوهی نهاده شوند ، بر آن فشار می آورد ؛ اما نعمت ها می آیند و همه آن کارهای نیک را از بین می برند ؛ لیکن پس از آن ، خداوند رحمت خود را شامل حال او می کند» .

3 / 7عزّتامام باقر علیه السلام :«لا إله إلّا اللّه » ، مایه عزّت گوینده آن است . نماز ، موجب استواریِ اخلاص و دور شدن از تکبّر است.

3 / 8رستگاریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بگویید : «معبودی جز خدا نیست» تا رستگار شوید.

.

3 / 9خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِالمحاسن عن سعيد بن المسيّب عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَلا اُخبِرُكُم بِما يَكونُ بِهِ خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وإذا كَرِبتُم وَاغتَمَمتُم (1) دَعَوتُمُ اللّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنكُم؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : قولوا : «لا إلهَ إلَا اللّهُ رَبُّنا لا نُشرِكُ بِهِ شَيئا» ثُمَّ ادعوا بِما بَدا لَكُم . (2)

راجع : موسوعه العقائد الإسلاميه : ج 3 ص 359 (قيمه التوحيد) .

.

1- .فى المصدر : «أغممتم» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .المحاسن : ج 1 ص 100 ح 71 ، الدعوات : ص 56 ح 143 كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 311 ح 14 وص 208 ح 11 .

3 / 9خیر دنیا و آخرتالمحاسن به نقل از سعید بن مسیّب : پیامبر خدا فرمود : «آیا خبر ندهم شما را از چیزی که خیر دنیا و آخرت در آن است ، و هر گاه افسرده و غمگین شدید ، خدا را با آن بخوانید تا غم و اندوه شما را برطرف سازد؟» . اصحاب گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا! فرمود : «بگویید : معبودی جز خدا نیست . او پروردگار ماست و چیزی را شریکش قرار نمی دهیم . سپس هر دعایی به نظرتان رسید ، بکنید» .

ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 5 ص 11 (ارزش توحید) .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : التّهليلات المأثوره4 / 1التَّهليلاتُ المَأثورَهُ عَن مُحَمَّدٍ رَسولِ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مِئَةَ مَرَّهٍ ، كانَ أفضَلَ النّاسِ عَمَلاً ذلِکَ اليَومَ ، إلّا مَن زادَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ فى كُلِّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّهٍ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ المَلِکُ الحَقُّ المُبينُ» استَجلَبَ بِهِ الغِنى ، وَاستَدفَعَ بِهِ الفَقرَ ، وسَدَّ عَنهُ بابَ النّارِ ، وَاستَفتَحَ بِهِ بابَ الجَنَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «حَسبِيَ اللّهُ لا إلهَ إلّا هُوَ ، عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ» قالَ اللّهُ عَزَّ وجَلَّ : لَأَكفِيَنَّ عَبدى صادِقا كانَ أو كاذِبا . (3)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 505 ح 1 ، الخصال : ص 594 ح 5 ، التوحيد : ص 30 ح 33 ، ثواب الأعمال : ص 18 ح 1 كلّها عن هشام بن سالم وأبى أيّوب عن الإمام الصادق عليه السلام والثلاثه الأخيره من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للصدوق : ص 128 ح 116 عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 203 ح 41 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 279 ح 534 عن أحمد بن عامر الطائى ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 288 ح 37 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص 117 ح 271 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 8 ح 13 ؛ تاريخ بغداد : ج 12 ص 358 عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه .
3- .الدعاء للطبرانى : ص 316 ح 1038 عن يونس بن ميسره بن حلبس .

4 / 1 توحیدگویی های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فصل چهارم: تهلیل های پیامبر و اهل بیت4 / 1توحیدگویی های رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس صد مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست» ، در آن روز (قیامت) از نظر عمل ، بهترینِ مردم است ، مگر از کسی که زیادتر گفته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در هر روز صد مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست ؛ همان پادشاه راستین و آشکار» ، به برکت آن ، توانگری جُسته ، فقر را دفع کرده ، دَرِ آتش را برخود بسته ، و دَرِ بهشت را با آن گشوده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «خدا مرا بس است . معبودی جز او نیست . بر او توکّل کردم که او پروردگار عرش بزرگ است» ، خداوند عز و جل می فرماید : هر آینه بنده ام را کفایت می کنم ؛ چه راست گفته باشد ، چه دروغ.

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ ، أَعَزَّ جُندَهُ ، ونَصَرَ عَبدَهُ ، وغَلَبَ الأحزابَ وَحدَهُ ، فَلا شَىءَ بَعدَهُ . (1)

البلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ مَرويٌّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : بَسمِل وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ثَلاثا بِعَدَدِ كُلِّ تَهليلٍ هَلَّلَهُ المُهَلِّلونَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ الدُّعاءِ دُعاءُ يَومِ عَرَفَةَ ، وأفضَلُ قَولى وقَولِ الأنبِياءِ قَبلى : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ إذا قُلتَهُنَّ غَفَرَ اللّهُ لَكَ ، وإن كُنتَ مَغفورا لَكَ؟ قالَ : قُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ العَلىُّ العَظيمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العَرشِ العَظيمِ . (4)

السنن الكبرى للنسائى عن ابن عبّاس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ إذا حَزَبَهُ أمرٌ (5) قالَ: «لا إلهَ إلَااللّهُ الحَليمُ العَظيمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ رَبُّ العرشِ الكَريمِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ رَبُّ السَّماواتِ ورَبُّ الأَرضِ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ» . ثُمَّ يَدعو . (6)

.

1- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1509 ح 3888 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2089 ح 77 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 430 ح 11400 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 553 ح 10411 وص 176 ح 8073 ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 541 كلّها عن أبى هريره .
2- .البلد الأمين : ص 374 .
3- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 462 ح 4072 عن أبى هريره ، سنن الترمذى : ج 5 ص 572 ح 3585 ، الأذكار : ص 158 كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه نحوه ، كنزالعمّال : ج 5 ص 66 ح 12078 وص 67 ح 12080 وراجع فلاح السائل : ص 85 ح 18 وبحار الأنوار : ج 86 ص 256 ح 26 .

4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 529 ح 3504 عن الحارث ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 200 ح 712 عن عبد اللّه بن سلمه ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 149 ح 4670 عن عبد الرحمن بن أبى ليلى وكلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 237 ح 3914 ؛ شرح الأخبار : ج 2 ص 301 ح 619 نحوه .
5- .حَزَبَه أمر : أى إذا نزل به مُهمّ أو أصابه غَمّ (النهايه : ج 1 ص 377 «حزب») .
6- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 167 ح 10488 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2092 ح 83 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 302 ح 1010 كلاهما نحوه ، الدعاء للطبرانى : ص 312 ح 1023 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :معبودی جز خدای یگانه نیست که سپاهش را قدرت بخشید ، بنده اش را یاری داد و یک تنه ؛ بر احزاب چیره آمد ؛ پس هیچ چیزی پس از او نیست.

البلد الأمین :دعای «لا إله إلّا اللّه » که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده ، چنین است : بسم اللّه بگو و سه مرتبه بگو : «لا اله الا اللّه » ؛ به شمار هر «لا إله إلّا اللّه »ی که «لا إله إلّا اللّه » گویان گفته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین دعا ، دعای روز عرفه است و برترین سخن من و سخن پیامبرانِ پیش از من ، این است که : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . فرمان روایی و ستایش ، حقّ اوست . زنده می کند و می میراند . خوبی ، همه ، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست» .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا به من فرمود : «آیا کلماتی به تو نیاموزم که هر گاه آنها را بگویی ، خداوند تو را بیامرزد هر چند تو آمرزیده ای؟ » . فرمود : «بگو : معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست . معبودی جز خدا نیست . پاکا خدایی که پروردگار عرش بزرگ است» .

السنن الکبری ، نسائی به نقل از ابن عبّاس : هر گاه مشکلی برای پیامبر خدا پیش می آمد ، می گفت : «معبودی جز خدای بردبار و بزرگ نیست . معبودی جز خدا نیست ؛ همان پروردگار عرش بزرگ . معبودی جز خدا نیست ؛ همان پروردگار عرش گرامی . معبودی جز خدا نیست ؛ همان پروردگار آسمان ها و زمین ، و پروردگار عرش بزرگ» . سپس دعا می کرد.

.

الدعاء للطبرانى عن جابر :عَلَّمَنى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن أقولَ خَلفَ كُلِّ صَلاهٍ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ ، وما أبدَيتُ وما أخفَيتُ ، أنتَ إلهى لا إلهَ إلّا أنتَ . (1)

مسند الشافعى عن عبد اللّه بن الزبير :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا سَلَّمَ مِن صَلاتِهِ ، يَقولُ بِصَوتِهِ الأعلى : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، [لا إلهَ إلَا اللّهُ] (2) ولا نَعبُدُ إلّا إيّاهُ ، لَهُ النِّعمَهُ ولَهُ الفَضلُ ولَهُ الثَّناءُ الحَسَنُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ مُخلِصينَ لَهُ الدِّينَ ولَو كَرِهَ الكافِرونَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله دَخَلَ عَلى رَجُلٍ مِن بَنى هاشِمٍ وهُوَ يَقضى (4) ، فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : قُل : «لا إلهَ إلَا اللّهُ العَلِىُّ العَظيمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ ورَبِّ الأَرَضينَ السَّبعِ وما بَينَهُنَّ ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» ، فَقالَها . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : الحَمدُ للّهِ الَّذِى استَنقَذَهُ مِنَ النّارِ . (5)

.

1- .الدعاء للطبرانى : ص 215 ح 678 .
2- .مابين المعقوفين أثبتناه من المصادر الأُخرى .
3- .مسند الشافعى : ص 44 ، الدعاء للطبرانى : ص 216 ح 681 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 415 ح 139 ، سنن النسائى : ج 3 ص 70 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 450 ح 16105 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 263 ح 3015 وفى الأربعه الأخيره «ثمّ يقول ابن الزبير : كان رسول اللّه صلى الله عليه و آله يهلّل بهنّ دبر كلّ صلاه» .
4- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه : «وهو فى النزع» .
5- .الكافى : ج 3 ص 124 ح 9 عن الحلبى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 131 ح 343 وزاد فيه «وهذه الكلمات هى كلمات الفرج» .

الدعاء ، طبرانی به نقل از جابر : پیامبر خدا به من آموخت که در پی هر نمازی بگویم : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . فرمان روایی و ستایش ، حقّ اوست و او بر هر چیزی تواناست . بار خدایا ! گناهانی را که تا کنون مرتکب شده ام ، و هر گناهی را که در دل یا آشکار انجام داده ام ، و آنچه را پیدا یا پنهان مرتکب شده ام ، بر من بیامرز . تویی معبود من ، و معبودی جز تو نیست» .

مُسنَد الشافعی به نقل از عبد اللّه بن زبیر : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نمازش را سلام می داد ، با بلندترین صدایش می گفت : «معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . او راست پادشاهی و ستایش ، و او بر هر چیز تواناست . هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاریِ خدا . [معبودی جز خدا نیست] و جز او را بندگی نکنیم . او راست نعمت و او راست دِهِش ، و او راست ثنای نیک . معبودی جز خدا نیست . دین را پاک از آنِ او دانیم ؛ هر چند کافران ناخوش دارند» .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا نزد مردی از بنی هاشم رفت که در حال جان کندن بود . پس به او فرمود : «بگو : معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست . پاکا خدایی که پروردگار هفت آسمان و هفت زمین و ما بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» . آن مرد این جملات را گفت. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ستایش و سپاس ، خدایی را که از آتش رهانیدش» .

.

الإمام الباقر عليه السلام مِمّا نَقَلَهُ عَن جابِرٍ الأَنصارِيِّ فى صِفَهِ حَجِّ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : . . . فَبَدَأَ بِالصَّفا فَرَقِيَ عَلَيهِ حَتّى رَأَى البَيتَ ، فَاستَقبَلَ القِبلَهَ فَوَحَّدَ اللّهَ وكَبَّرَهُ ، وقالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ ، أنجَزَ وَعدَهُ ونَصَرَ عَبدَهُ وهَزَمَ الأَحزابَ وَحدَهُ» ، ثُمَّ دَعا بَينَ ذلِکَ . (1)

الدعاء للطبرانى عن أبى شبل عن جدّه :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قالَ لِمَعاذِ بنِ جَبَلٍ : کَم تَذکُرُ رَبَّکَ عزَّ وجلَّ کُلَّ يَومٍ؟ تَذکُرُهُ عَشَرَهَ آلافِ مَرَّهٍ؟ قالَ : کُلَّ ذلِکَ أفعَلُ . قالَ : أفَلا أدُلُّکَ عَلى کَلِماتٍ هُنَّ أهوَنُ عَلَيکَ ، هُنَّ أکثَرُ مِن عَشَرَهِ آلافٍ وعَشَرَهِ آلافٍ وعَشَرَهِ آلافٍ؟ أن تَقولَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ حَصاهُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ کَلِماتِهِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ خَلقِهِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ مِثلَ ذلِکَ مَعَهُ ، لا يُحصيهِ مُحصى مَلَکٌ ولا غَيرُهُ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا إلهَ إلَا اللّهُ فى عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ بَعدَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ مَعَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ . . . . لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الکَريمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ العَلِيُّ العَظيمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ نورُ السَّماواتِ السَّبعِ ونورُ الأَرَضينَ السَّبعِ ونورُ العَرشِ العَظيمِ . لا إلهَ إلَا اللّهُ تَهليلاً لا يُحصيهِ غَيرُهُ قَبلَ کُلِّ أحَدٍ وبَعدَ کُلِّ أحَدٍ ومَعَ کُلِّ أحَدٍ . (3)

.

1- .صحيح مسلم : ج 2 ص 888 ح 147 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 184 ح 1905 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1023 ح 3074 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 475 ح 1793 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 151 ح 9337 وفى الأربعه الأخيره بزياده «يحيى ويميت» بعد «وله الحمد» وكلّها عن حاتم بن إسماعيل عن الإمام الصادق عليه السلام .

2- .الدعاء للطبرانى : ص 466 ح 1630 ، أُسد الغابه : ج 6 ص 352 وزاد فيه «لا إله إلّا اللّه زنه عرشه ، لا إله إلّا اللّه مل ء سماواته ، لا إله إلّا اللّه مل ء أرضه» بعد «لا إله إلّا اللّه عدد خلقه» وكلاهما عن أبى شبل عن جدّه .

3- .مُهج الدعوات : ص 170 عن إبراهيم بن أبى يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام وبأسانيد أُخرى ، المصباح للكفعمى : ص 368 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 387 ح 28 .

امام باقر علیه السلام به نقل از جابر انصاری ، در باره چگونگی حج گزاردن پیامبر صلی الله علیه و آله : .. . از صفا آغاز کرد و بر آن بالا رفت ، تا خانه [ی کعبه] را دید . پس رو به قبله نمود و خدا را به یگانگی و بزرگی یاد کرد و گفت : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . او راست پادشاهی و او راست ستایش ، و او بر هر چیزی تواناست . معبودی جز خدای یگانه نیست . وعده اش را تحقّق بخشید و بنده اش را یاری داد و به تنهایی ، گروه ها[ی مشرک] را درهم شکست» . سپس در بین آن ، دعا کرد.

الدعاء ، طبرانی به نقل از ابو شبل ، از جدّش : پیامبر صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل فرمود : «روزی چند بار پروردگار عزیز و ارجمندت را یاد می کنی؟ ده هزار بار یادش می کنی؟» . گفت : این همه یادش می کنم. فرمود : «آیا به تو کلماتی را نشان ندهم که هم برایت آسان تر باشد و هم از ده هزار و ده هزار و ده هزار بار ، بیشتر؟ می گویی : معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار ریگ هایش . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار کلماتش . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار آفریدگانش . معبودی جز خدا نیست ؛ به همه این اندازه ها ، آن سان که هیچ شمارنده ای ، از فرشته و غیر فرشته ، نتواند آن را برشمارد » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :معبودی جز خدا نیست در علم او ، تا نهایت خشنودی اش . معبودی جز خدا نیست بعد از علم او ، تا نهایت خشنودی اش . معبودی جز خدا نیست با علم او ، تا نهایت خشنودی اش ... . معبودی جز خدای بردبار و بزرگوار نیست . معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدا نیست که نور آسمان های هفتگانه و نور زمین های هفتگانه و نور عرش بزرگ است . معبودی جز خدا نیست؛ بدان اندازه که جز خود او ، کسی از عهده شمارش آن برنیاید ؛ پیش از هر کس و پس از هر کس و همراه با هر کس.

.

عنه صلى الله عليه و آله :بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ المَلِکُ المُبينُ ، المُدَبِّرُ بِلَا وَزيرٍ ، ولا خَلقٍ مِن عِبادِهِ يَستَشيرُ ، الأَوَّلُ غَيرُ مَصروفٍ ، وَالباقى بَعدَ فَناءِ الخَلقِ . . . فَأَنَا أشهَدُ بِأَنَّکَ أنتَ اللّهُ لا رافِعَ لِما وَضَعتَ ، ولا مانِعَ لِما أعطَيتَ ، ولا مُعطِىَ لِما مَنَعتَ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، كُنتَ إذ لَم تَكُن سَماءٌ مَبنِيَّهٌ ، ولا أرضٌ مَدحِيَّهٌ . . . كُنتَ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ ، وكَوَّنتَ كُلَّ شَىءٍ ، وقَدَرتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ ، وَابتَدَعتَ كُلَّ شَىءٍ ، وأغنَيتَ وأفقَرتَ ، وأمَتَّ وأحيَيتَ ، وأضحَكتَ وأبكَيتَ ، وعَلَى العَرشِ استَوَيتَ ، فَتَبارَكتَ يا اللّهُ وتَعالَيتَ . أنتَ اللّهُ الَّذى لا إلهَ إلّا أنتَ ، الخَلّاقُ المُعينُ ، أمرُکَ غالِبٌ ، وعِلمُکَ نافِذٌ . . . أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ رَبُّ العالَمينَ ، أنتَ الخالِقُ وأنَا المَخلوقُ ، وأنتَ المالِکُ وأنَا المَملوکُ ، وأنتَ الرَّبُّ وأنَا العَبدُ ، وأنتَ الرّازِقُ وأنَا المَرزوقُ . . . . وأنَا أشهَدُ بِأَنَّکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، المُعطى عِبادَکَ بِلا سُؤالٍ ، وأشهَدُ بِأَنَّکَ أنتَ اللّهُ الواحِدُ الأَحَدُ ، المُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الفَردُ ، وإلَيکَ المَصيرُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَت لَهُ حاجَهٌ فَليَصُم ثَلاثَهً آخِرُهَا الجُمُعَهُ ، فَإذا كانَ يَومُ الجُمُعَهِ تَطَهَّرَ وراحَ (2) ، وتَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ قَلَّت أو كَثُرَت ؛ بِالرَّغيفِ إلى ما دونَ ذلِکَ ، فَإذا صَلَّى الجُمُعَهَ قالَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَهِ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيُّومُ لا تَأخُذُهُ سِنَهٌ ولا نَومٌ ، الَّذى مَلَأَت عَظَمَتُهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ ، الَّذى عَنَت لَهُ الوُجوهُ وخَشَعَت لَهُ الأبصارُ ، ووَجِلَتِ القُلوبُ مِن خَشيَتِهِ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأن تَقضِىَ حاجَتى فى كَذا وكَذا . (3)

.

1- .مُهج الدعوات : ص 158 عن الحرث بن عمير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، المصباح للكفعمى : ص 381 ، البلد الأمين : ص 380 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 332 ح 71 .
2- .قال الكفعمى : لم يُرِد بقوله : «راح» الرَّواح الذى هو آخر النهار ، بل المراد : خَفَّ وسار إلى المكان الذى يصلّى فيه الجمعه . قاله الهرويّ (بحار الأنوار : ج 90 ص 72) .
3- .المصباح للكفعمى : ص 523 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 71 ح 15 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به نام خدای مهر گستر مهربان . ستایش ، خدایی را که معبودی جز او نیست . فرمان روای آشکار است . گرداننده [ی عالم] است ، بی هیچ دستیاری و بی آن که با بنده ای از بندگانش رایزنی کند . آغازین است ، بی هیچ دگرگونی ای ، و بعد از نابود شدن همه خلق ، او باقی است .. . پس من گواهی می دهم که تو آن خدایی هستی که آنچه را تو پایین آوری ، کسی نمی تواند آن را بالا ببرد و آنچه تو بدهی ، کسی نمی تواند مانع آن شود و آنچه تو ندهی ، کسی نمی تواند بدهد . تویی خدا و معبودی جز تو نیست . تو بودی ، آن گاه که نه آسمانِ افراشته ای بود و نه زمینی گسترده ... . پیش از هر چیز بوده ای ، و هر چیزی را تو پدید آورده ای ، و بر هر چیزی توانا گشتی ، و هر چیزی را ابداع کردی . تویی که توانگر کنی و نیازمند گردانی . تویی که می میرانی و زنده می سازی ، و می خندانی و می گریانی ، و بر عرش [ـِ فرمان روایی عالم] قرار گرفته ای . پس خجسته و والایی تو ، ای خدا! تو آن خدایی که معبودی جز تو نیست . آفریدگار و کمک رسانی ، فرمانت چیره است و علمت نافذ ... . تویی خدا و معبودی جز تو نیست . پروردگار جهانیانی . تو آفریننده ای و من آفریده . تو مالکی و من مملوک . تو پروردگاری و من بنده . تو روزی دهنده ای و من روزی خوار ... . گواهی می دهم که تویی ، تو ، خدا که معبودی جز تو نیست و به بندگانت بی هیچ درخواستی ، عطا می کنی . گواهی می دهم که تویی ، تو ، خدای یگانه یکتای تَکِ بی نیازِ منحصر به فرد . و بازگشت ، به سوی توست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس حاجتی داشت ، سه روز روزه بگیرد ، به طوری که آخرین روز آن جمعه باشد . روز جمعه که شد ، وضو بگیرد و [به طرف نمازگاه جمعه] حرکت کند و صدقه ای ، کم یا زیاد ، بدهد ؛ از گرده نانی تا پایین تر از آن . و چون نماز جمعه را خواند ، بگوید: «بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به نام تو ، به نام خدای مهرگستر مهربان ؛ همو که معبودی جز او نیست ، دانای نهان و آشکار است ، مهرگستر و مهربان است ؛ همو که معبودی جز او نیست ، زنده پابرجاست و هرگز چرت و خوابش نگیرد ؛ همو که بزرگی اش آسمان ها و زمین را آکنده است . از تو درخواست می کنم به نام تو ، به نام خدای مهرگستر مهربان ؛ همو که معبودی جز او نیست ؛ همو که چهره ها [و جان ها] در برابرش خوار و فرمان بردارند ، و دیدگانْ فرو افکنده ، و دل ها از ترسش

هراسان . [از تو درخواست می کنم که] بر محمّد و خاندان او درود فرستی ، و فلان و بهمان حاجت مرا برآوری» .

.

عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ يَومَ المُباهَلَهِ : اللّهُمَّ وإنّى أسأَلُکَ بِما تُجيبُنى بِهِ حينَ أسأَلُکَ ، يا اللّهُ يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِبَهاءِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِجَلالِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِجَمالِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِعَظَمَهِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِکَمالِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِقَولِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِشَرَفِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِعَلاءِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِکَلِماتِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِعِزَّهِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، أسأَلُکَ بِلا إلهَ إلّا أنتَ ، يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا اللّهُ يا رَبّاهُ حَتّى يَنقَطِعَ النَّفَسُ . (1)

.

1- .الإقبال : ج 2 ص 358 عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 115 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دعای ایشان در روز مُباهله : بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حقّ آن چیزی که هر گاه با آن تو را بخوانم ، پاسخم می دهی . ای خدا ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به درخشندگیِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به شکوهِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به زیباییِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به بزرگیِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به کمال «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به سخنِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به شرافت «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به بلندْ مرتبگیِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به کلماتِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به ارجمندیِ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو درخواست می کنم به حقّ «معبودی جز تو نیست» . ای آن که معبودی جز تو نیست ، ای خدا ، ای پروردگار! تا آن که نفس تمام شود.

.

4 / 2التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍالإمام علىّ عليه السلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ الشّاكِرُ لِلمُطيعِ لَهُ ، المُملى (1) لِلمُشرِكِ بِهِ ، القَريبُ مِمَّن دَعاهُ عَلى حالِ بُعدِهِ ، وَالبَرُّ الرَّحيمُ بِمَن لَجَأ إلى ظِلِّهِ وَاعتَصَمَ بِحَبلِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ المُجيبُ لِمَن ناداهُ بِأخفَضِ صَوتِهِ ، السَّميعُ لِمَن ناجاهُ لِأغمَضِ سِرِّهِ ، الرَّؤوفُ بِمَن رَجاهُ لِتَفريجِ هَمِّهِ ، القَريبُ مِمَّن دَعاهُ لِتَنفيسِ كَربِهِ وغَمِّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ عَمَّن تَعَدّى فى آياتِهِ ، وَانحَرَفَ عَن بَيِّناتِهِ ، ودانَ بِالجُحودِ فى كُلِّ حالاتِهِ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلا شَىءَ قَبلَكَ ، وأنتَ الآخِرُ الَّذى لا يَهلِكُ ،وأنتَ الحَىُّ الَّذى لا يَموتُ ، وَالخالِقُ الَّذى لا يَعجِزُ . . . لا إلهَ إلّا أنتَ الحَقُّ الَّذى لا يُغَيِّرُكَ الأزمِنَةُ ، ولا يُحيطُ بِكَ الأَمكِنَةُ ، ولا يَأخُذُكَ نَومٌ ولا سِنَةٌ (3) ، ولا يُشبِهُكَ شَىءٌ ، وكَيفَ لا يَكونُ كَذلِكَ وأنتَ خالِقُ كُلِّ شَىءٍ ، لا إلهَ إلّا أنتَ كُلُّ شَىءٍ هالِكٌ إلّا وَجهَكَ الكَريمَ . . . أسأَلُكَ بِأنَّكَ أنتَ اللّهُ الحَنّانُ المَنّانُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ ، عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، أنتَ الرَّبُّ وَأنَا العَبدُ ، وأنتَ المالِكُ وأنَا المَملوكُ . . . لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ . (4)

عنه عليه السلام :نَشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، يَعلَمُ ما تُخفِى النُّفوسُ ، وما تُجِنُّ (5) البِحارُ ، وما تُوارى مِنهُ ظُلَمَهٌ ، ولا تَغيبُ عَنهُ غائِبَهٌ ، وما تَسقُطُ مِن وَرَقَهٍ مِن شَجَرَهٍ ولا حَبَّهٍ فى ظُلُماتِ إلّا يَعلَمُها ، لا إلهَ إلّا هُوَ ، ولا رَطبٍ ولا يابِسٍ إلّا فى كِتابٍ مُبينٍ ، ويَعلَمُ ما يَعمَلُ العامِلونَ ، وأىَّ مَجرىً يَجرونَ ، وإلى أىِّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبونَ ، ونَستَهدِى اللّهَ بِالهُدى . (6)

.

1- .الإملاء : الإمهال والتأخير وإطاله العمر (النهايه : ج 4 ص 363 «ملا») .
2- .البلد الأمين : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 139 ح 7 .
3- .السِّنه : الغَفله والغَفوه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 872 «وسن») .
4- .المصباح للكفعمى : ص 133 ، مصباح المتهجّد : ص 265 ح 377 وفيه «وأنت الآخر فلا شىء بعدك» بدل «وأنت الآخر الذى لا يهلك» ، البلد الأمين : ص 66 ، جمال الأسبوع : ص 129 كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 289 ح 4 .
5- .تُجِنُّه : أى تغطّيه وتستره (النهايه : ج 1 ص 308 «جنن») .

6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 514 ح 1482 ، مصباح المتهجّد : ص 659 ح 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 30 ح 5 .

4 / 2توحیدگویی های رسیده از امام علی علیه السلامامام علی علیه السلام :معبودی جز خدا نیست ؛ همو که از فرمان بردارِ خود ، سپاس گزاری می کند ، به انباژْ آورنده اش مهلت می دهد و به هر که او را بخواند ، در عین دور بودنش ، نزدیک است ، و به آن که به سایه او پناه برد و به رشته اش چنگ زند ، نیکوکار و مهربان است . معبودی جز خدا نیست ؛ همو که به هر کس با آهسته ترین صدایش او را بخواند ، پاسخ می دهد ؛ نجوای هر کس را که از نهان ترین نهانش با او رازگویی کند ، می شنود و به هر کس برای زدودن تشویشش بدو امید نبرد ، دلسوز است ، و به هر کس برای گساردن غم و اندوهش او را بخواند ، نزدیک است . معبودی جز خدا نیست ؛ همو که در برابر آن که آیاتش را انکار کند و از دلایل انکارناپذیرش سر باز زند و نفی گرایی را شیوه خود کند ، بردباری می ورزد.

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! تو نخستینی و پیش از تو چیزی نبوده و نیست ، و تو واپسینی و هرگز نابود نمی شوی . تو زنده ای هستی که هرگز نمیرد ، و آفریننده ای هستی که هیچ گاه ناتوانی نگیرد ... . معبودی جز تو نیست . تو حقیقتی هستی که زمان ها دگرگونت نسازد ، مکان ها در میانت نگیرد و هرگز خواب و چرت ، به سراغت نیاید ، و هیچ چیز همانند تو نیست . چگونه چنین نباشد ، حالْ آن که تو آفریننده هر چیزی ؟! معبودی جز تو نیست . هر چیزی نابود شدنی است ، جز وجه گرامی تو ... . از تو درخواست می کنم که تویی ، تو ، خدای مهرورز بنده نواز ، که معبودی جز تو نیست ، پدیدآورنده آسمان ها و زمینی ، خداوند شکوه و ارجی ، دانای نهان و آشکاری ، مهرگستر و مهربانی ، تویی پروردگار و منم بنده ، تویی مالک و منم مملوک ... معبودی جز تو نیست . منزّهی تو ! من از ستمکاران بودم.

امام علی علیه السلام :گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز . آنچه را سینه ها نهان کنند و دریاها در خود بپوشانند ، می داند . هیچ تاریکی ای چیزی را از او نمی پوشاند ، و هیچ ناپیدایی بر او ناپیدا نیست . هیچ برگی از درختی فرو نمی افتد و هیچ دانه ای در دل تاریکی ها[ی خاک] نیست ، مگر این که او از آن گاه است ، معبودی جز او

نیست . هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آن که در نبشته ای روشن (دیوان علم الهی) ثبت است و او می داند که عمل کنندگان ، چه کاری انجام خواهند داد ودر چه بستری گام برخواهند داشت و به چه فرجامی باز خواهند گشت . از خداوند می خواهیم که ما را به راه راست هدایت فرماید.

.

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : اللّهُمَّ إن کُنّا قَد قَصَّرنا عَن بُلوغِ طاعَتِکَ ، فَقَد تَمَسَّکنا مِن طاعَتِکَ بِأَحَبِّها إلَیکَ : لا إلهَ إلّا أنتَ ، جاءَت بِالحَقِّ مِن عِندِکَ . (1)

کتاب من لا یحضره الفقیه :رُوِیَ أَنَّهُ [عَلِیّا علیه السلام] یَقولُ فی سَجدَهِ العَزائِمِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ حَقّا حَقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ إیمانا وتَصدیقا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عُبودِیَّهً ورِقّا ، سَجدتُ لَکَ یا رَبِّ تَعَبُّدا ورِقّا ، لا مُستَنکِفا ولا مُستَکبِرا ، بَل أنَا عَبدٌ ذَلیلٌ خائِفٌ مُستَجیرٌ» ، ثُمَّ یَرفَعُ رَأسَهُ ثُمَّ یُکَبِّرُ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام مِن قَولِهِ فی کُلِّ یَومٍ مِن أیّامِ العَشرِ مِن ذِی الحِجَّهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ اللَّیالی وَالدُّهورِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ أمواجِ البُحورِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ ورَحمَتُهُ خَیرٌ مِمّا یَجمَعونَ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ الشَّوکِ وَالشَّجَرِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ الشَّعرِ وَالوَبَرِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ الحَجَرِ وَالمَدَرِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ لَمحِ العُیونِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ فِی اللَّیلِ إذا عَسعَسَ وفِی الصُّبحِ إذا تَنَفَّسَ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عَدَدَ الرِّیاحِ فِی البَراری وَالصُّخورِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ مِنَ الیَومِ إلی یَومِ یُنفَخُ فِی الصّورِ (3) . (4)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 275 ح 174 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 306 ح 922 .
3- .قال السیّد ابن طاووس قدس سره فی ذیل الروایه : وفی روایتنا هذا التهلیل بإسنادنا إلی ابن بابویه بإسناده إلی مولانا علیّ علیه السلام ، أنّه کان یهلّل اللّه تعالی فی کلّ یوم من عشر ذی الحجّه بهذا التهلیل عشر مرّات (الإقبال : ج 2 ص 48) .
4- .ثواب الأعمال : ص 97 ح 1 ، عدّه الداعی : ص 254 ، المزار الکبیر : ص 441 ، الإقبال : ج 2 ص 47 ، أعلام الدین : ص 367 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 120 ح 1 .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : بار خدایا ! اگر چه از رسیدن به طاعت تو ناتوان مانده ایم، (1) به چیزی از طاعتت چنگ زده ایم که در نزد تو محبوب ترین است ؛ یعنی [کلمه] «معبودی جز تو نیست» ، که به درستی از جانب تو آمده است.

کتابُ مَن لایَحضُرُهُ الفقیه :روایت شده است که امام علی علیه السلام (2) در سجده آیات سجده می گوید : «به راستی ، به راستی که معبودی جز خدا نیست . از سرِ باور و تصدیق ، [می گویم که] معبودی جز خدا نیست ، بنده وار و سر سپرده ، [می گویم که]معبودی جز خدا نیست . خداوندا ! برای تو پیشانی بر خاک ساییدم ، از سرِ بندگی و بردگی ، و [از عبودیت در برابر تو ،] خودداری و گردن کشی نکنم ، که من بنده ای خوار و ترسان و پناهجو هستم» . سپس سرش را از سجده بر می دارد و «اللّه أکبر» می گوید .

امام علی علیه السلام در نیایش هر روز خود ، در دهه ذی حجّه : معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار شب ها و روزگاران . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار خیزابه های دریاها . معبودی جز خدا نیست و مِهر او بهتر از هر آن چیزی است که گردآورند . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار هر آنچه خار و درخت است . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار هر آنچه موی و کرک است . معبودی جز خدا نیست ؛ به شمار هر آنچه سنگ وکلوخ است. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار نگاه های دیدگان. معبودی جز خدا نیست ؛ هم آن گاه که شب شود و هم صبحگاهان ، آن گاه که بردَمَد. معبودی جز خدا نیست؛ به شمار بادهای بیابان ها وکوهساران. ومعبودی جز خدا نیست ؛ از امروز تا آن روز که در شیپور [رستاخیز] دمیده شود.

.

1- .یا : آن را ترک کرده ایم.
2- .یا : «روایت شده است که قرائت کننده آیه سجده و یا استماع کننده آن بگوید : ...» . به عبارت دیگر ، فاعل «یقول» شخص قاری یا مستمع باشد ، نه امام علی علیه السلام .

مستدرک الوسائل عن لبّ اللباب :رُوِیَ أنَّ عَلیّا علیه السلام مَرَّ بِمَقبَرَهٍ ، فَقالَ : السَّلامُ عَلی أهلِ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، مِن أهلِ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، یا أهلَ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، کَیفَ وَجدتُم کَلِمَهَ لا إلهَ إلَا اللّهُ؟ فَهَتَفَ هاتِفٌ : وَجَدناهَا المُنجِیَهَ مِن کُلِّ هَلَکَهٍ . (1)

جامع الأخبار عن أصبغ بن نباته :کُنتُ مَعَ عَلِیِّ بن أبی طالِبٍ علیه السلام فَمَرَّ بِالمَقابِرِ ، فَقالَ عَلِیٌّ علیه السلام : السَّلامُ عَلَی أهلِ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، مِن أهلِ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، یا أهلَ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، کَیفَ وَجَدتُم کَلِمَهَ لا إلهَ إلَا اللّهُ؟ یا لا إلَهَ إلَا اللّهُ ، بِحَقِّ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، اِغفِر لِمَن قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاحشُرنا فی زُمرَهِ مَن قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . وقالَ عَلِیٌّ علیه السلام : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ : مَن قالَها إذا مَرَّ بِالمَقابِرِ غُفِرَ لَهُ ذُنوبُ خَمسینَ سَنَهً . فَقالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، مَن لَم یَکُن لَهُ ذُنوبُ خَمسینَ سَنَهً؟ قالَ : لِوالِدَیهِ وإخوانِهِ ولِعامَّهِ المُسلِمین . (2)

الإمام علیّ علیه السلام لِعَبدِ اللّهِ بنِ جَعفَرٍ : ألا أحبوکَ (3) کَلِماتٍ وَاللّهِ ما حَدَّثتُ بِها حَسَنا ولا حُسَینا؟ إذا کانَت لَکَ إلَی اللّهِ حاجَهٌ تُحِبُّ قَضاها فَقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَلیمُ الکَریمُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ العَلِیُّ العَظیمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ وما فیهِنَّ وما بَینَهُنَّ ورَبِّ العَرشِ العَظیمِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِأنَّکَ مَلِکٌ مُقتَدِرٌ ، وأنتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، ما تَشاءُ مِن کُلِّ شَیءٍ یَکونُ» ، ثُمَّ تَسأَلُ حاجَتَکَ . (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 2 ص 369 ح 2214 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .جامع الأخبار : ص 133 ح 270 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 301 نقلاً عن بعض مؤلّفات أصحابنا نقلاً عن المفید وفیه «دعاء علیّ علیه السلام لأهل القبور» وج 93 ص 203 ح 41 .
3- .حَباهُ کذا : إذا أعطاه (النهایه : ج 1 ص 336 «حبا») .
4- .المحاسن : ج 1 ص 103 ح 80 عن عبد اللّه بن میمون القدّاح عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام عن عبد اللّه بن جعفر ، بحار الأنوار : ج 95 ص 157 ح 6 .

مستدرک الوسائل به نقل از لُبُّ اللُّباب : روایت شده است که امام علی علیه السلام بر گورستانی گذشت و فرمود : «درود بر پیروان توحید ، از پیروان توحید . ای پیروان توحید! سخن توحید را چگونه یافتید؟» . پس ، سروشی بانگ زد : آن را رهاننده از هر مهلکه ای یافتیم.

جامع الاخبار به نقل از اصبغ بن نباته : با امام علی علیه السلام بودم که چون بر گورستان گذشت ، فرمود : درود بر اهل لا إله إلّا اللّه ، از اهل لا إله إلّا اللّه . ای اهل لا إله إلّا اللّه ! گفتار لا إله إلّا اللّه را چگونه یافتید؟ ای لا إله إلّا اللّه ! به حقّ لا إله إلّا اللّه ، بیامرز آن را که گفت : لا إله إلّا اللّه ، و ما را در گروه آنان محشور فرما که گفتند : لا إله إلّا اللّه . امام علی علیه السلام همچنین فرمود : از پیامبر خدا شنیدم که فرمود : «هر کس هنگام گذر از گورستان ، این جملات را بگوید ، گناهان پنجاه سال او آمرزیده می شود» . گفتند : ای پیامبر خدا ! کسی که گناه پنجاه سال نداشته باشد ، چه؟ فرمود : «از گناهان پدر و مادرش و برادرانش و عموم مسلمانان آمرزیده می شود» .

امام علی علیه السلام به عبد اللّه بن جعفر : آیا کلماتی را به تو ارمغان ندهم که به خدا سوگند آنها را به حسن و حسین نداده ام؟ هر گاه به خدا حاجتی داشتی و خواستی برآورده اش سازد ، بگو: «معبودی جز خدایِ بردبارِ بزرگوار نیست . معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . پاکا خدایی که پروردگار هفت آسمان است و آنچه در آسمان ها و آنچه میان آنها هست و پروردگار عرش بزرگ است ، و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ؛ چرا که تو پادشاهی با اقتداری ، و تو بر هر چیز توانایی ؛ آنچه بخواهی ، از هر چیزی ، می شود» . سپس حاجتت را از او تقاضا می کنی.

.

4 / 3التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ فاطِمَةَ الزَّهراءِفاطمه عليهاالسلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ الأَوَّلُ وَالآخِرُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الظّاهِرُ وَالباطِنُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ المُحيِى المُميتُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ذُو الطَّولِ ، وَاللّهُ أكبَرُ ذُو البَقاءِ الدّائِمِ . (1)

عنها عليهاالسلام :اللّهُمَّ إنّى اُشهِدُکَ واُشهِدُ مَلائِکَتَکَ وحَمَلَةَ عَرشِکَ ، واُشهِدُ مَن فِى السَّماواتِ ومَن فِى الأَرضِ أنَّکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ وَحدَکَ لا شَريکَ لَکَ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُکَ ورَسولُکُ صلى الله عليه و آله ، وأسأَلُکَ بِأنَّ لَکَ الحَمدَ لا إلهَ إلّا أنتَ بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، يا كائِنُ قَبلَ أن يَكُونَ شَىءٌ ، وَالمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَىءٍ ، وَالكائِنُ بَعدَما لا يَكونُ شَىءٌ . (2)

4 / 4التَّهليلُ المَأثورُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِالإمام الحسن عليه السلام :أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ فى رُبوبِيَّتِهِ ووُجودِهِ ووَحدانِيَّتِهِ ، صَمَدا لا شَريکَ لَهُ ، فَردا لا ظَهيرَ (3) لَهُ . (4)

.

1- .فلاح السائل : ص 420 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 102 ح 8 .
2- .فلاح السائل : ص 360 ح 241 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 87 ح 11 .
3- .الظّهير : المُعين (القاموس المحيط : ج 2 ص 82 «ظهر») .
4- .الأمالى للطوسى : ص 562 ح 1174 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 139 ح 5 .

4 / 3 توحیدگویی های رسیده از فاطمه زهرا علیهاالسلام

4 / 4 توحیدگویی های رسیده از امام حسن علیه السلام

4 / 3توحیدگویی های رسیده از فاطمه زهرا علیهاالسلامفاطمه علیهاالسلام :معبودی جز خدا نیست که نخستین و واپسین است . معبودی جز خدا نیست که پیدا و پنهان است . معبودی جز خدا نیست که زنده کننده و میراننده است . خدا بزرگ ترین است و صاحب بخشش ، و خدا بزرگ ترین است و ماندگار و همیشگی .

فاطمه علیهاالسلام :بار خدایا ! تو را گواه می گیرم ، فرشتگانت و بر دوش کشندگانِ عرشت را گواه می گیرم ، و هر کسی را که در آسمان هاست و هر کسی را که در زمین است ، گواه می گیرم که : تویی ، تو ، خدا که معبودی جز تو نیست ، یگانه ای و انبازی نداری . و محمّد ، بنده تو و فرستاده توست . از تو درخواست می کنم ؛ چرا که توراست ستایش ، معبودی جز تو نیست ، پدید آورنده آسمان ها و زمینی . ای که بودی پیش از آن که چیزی باشد ، و ای هستی بخش هر چیز ، و ای که خواهی بود پس از آن که هیچ چیز نباشد [و همه نابود شوند] !

4 / 4توحیدگویی های رسیده از امام حسن علیه السلامامام حسن علیه السلام :گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . در پروردگاری اش و هستی اش و یگانگی اش یکتاست ، بی نیاز است و شریکی ندارد ، تنهاست و او را [نیاز به] پشتیبانی نباشد.

.

4 / 5التَّهليلاتُ المَأثورةُ عَنِ الإمامِ الحُسَينِالإمام الحسين عليه السلام :اللّهُمَّ مِنكَ البَدءُ ولَكَ المَشِيَّةُ ، ولَكَ الحَولُ ولَكَ القُوَّةُ ، وأنتَ اللّهُ الَّذى لا إلهَ إلّا أنتَ ، جَعَلتَ قُلوبَ أولِيائِكَ مَسكَنا لِمَشِيَّتِكَ ومَكمَنا لِإِرادَتِكَ ، وجَعَلتَ عُقولَهُم مَناصِبَ أوامِرِكَ ونَواهِيكَ . (1)

عنه عليه السلام :لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ المُستَغفِرينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ المُوَحِّدينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ الوَجِلينَ (2) ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ الرّاجينَ الرّاغِبينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ السّائِلينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّى كُنتُ مِنَ المُهَلِّلينَ المُسَبِّحينَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ رَبّى ورَبُّ آبائِيَ الأَوَّلينَ . (3)

4 / 6التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِالإمام زين العابدين عليه السلام :تَبارَكتَ وتَعالَيتَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ ، آمَنتُ بِكَ، وصَدَّقتُ رُسُلَكَ ، وقَبِلتُ كِتابَكَ ، وكَفَرتُ بِكُلِّ مَعبودٍ غَيرِكَ ، وبَرِئتُ مِمَّن عَبَدَ سِواكَ . (4)

.

1- .مُهج الدعوات : ص 68 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 214 ح 1 .
2- .الوَجَل : الخوف (الصحاح : ج 5 ص 1840 «وجل») .
3- .الإقبال : ج 2 ص 84 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 222 ح 3 .
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 222 الدعاء 52 .

4 / 5 توحیدگویی های رسیده از امام حسین علیه السلام

4 / 6 توحیدگویی های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام

4 / 5توحیدگویی های رسیده از امام حسین علیه السلامامام حسین علیه السلام :بار خدایا ! تویی سرآغاز ، تو راست خواست ، تو راست توش و تو راست توان . تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست . دل های دوستانت را جایگاه خواستت و نهانگاه اراده ات قرار دادی ، و خردهای آنان را جایگاه امر و نهی هایت گردانیدی .

امام حسین علیه السلام :معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از ستمکارانم . معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از آمرزش خواهانم . معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از یکتا پرستانم. معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از بیمناکان [از تو] هستم . معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از امیدواران و راغبان [به تو] هستم . معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از درخواست کنندگان [از تو] هستم . معبودی جز تو نیست ، پاکی تو ، من از توحیدگویان و تسبیحگویان [ِ تو] هستم . معبودی جز تو نیست که پروردگار من و پروردگار نیاکان من هستی.

4 / 6توحیدگویی های رسیده از امام زین العابدین علیه السلامامام زین العابدین علیه السلام :خجسته ای و برینی تو . معبودی جز تو نیست که یگانه ای و بی انباز . به تو ایمان آوردم ، فرستادگانت را تصدیق کردم ، کتابت را پذیرفتم ، به هر معبودی غیر تو کفر ورزیدم و از هر کس که غیر تو را بپرستد ، بیزارم .

.

عنه عليه السلام :أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الأَحَدُ المُتَوَحِّدُ ، الفَردُ المُتَفَرِّدُ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الكَريمُ المُتَكَرِّمُ ، العَظيمُ المُتَعَظِّمُ ، الكَبيرُ المُتَكَبِّرُ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، العَلِيُّ المُتعالِ ، الشَّديدُ المِحالِ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، العَليمُ الحَكيمُ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، السَّميعُ البَصيرُ ، القَديمُ الخَبيرُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الكَريمُ الأكرَمُ ، الدّائِمُ الأدوَمُ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الأَوَّلُ قَبلَ كُلِّ أحَدٍ ، وَالآخِرُ بَعدَ كُلِّ عَدَدٍ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الدّانى فى عُلُوِّهِ ، وَالعالى فى دُنُوِّهِ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، ذُو البَهاءِ وَالمَجدِ ، وَالكِبرِياءِ وَالحَمدِ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ ، الَّذى أنشَأتَ الأشياءَ مِن غَيرِ سِنخٍ (1) ، وصَوَّرتَ ما صَوَّرتَ مِن غَيرِ مِثالٍ ، وَابتَدَعتَ المُبتَدَعاتِ بِلَا احتِذاءٍ (2) . (3)

عنه عليه السلام :لا إله إلّا أنتَ ، تَعالَيتَ عَمّا يَقولُ الظّالِمونَ عُلُوّا كَبيرا . اللّهُمَّ إنّى اُشهِدُكَ وأنتَ أقرَبُ الشّاهِدينَ ، واُشهِدُ مَن حَضَرَنى مِن مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ، وعِبادِكَ الصّالِحينَ ، مِنَ الجِنِّهِ وَالنّاسِ أجمَعينَ ، أنّى أشهَدُ بِسَريرَةٍ زَكِيَّةٍ ، وبَصيرَةٍ مِنَ الشَّكِّ بَريئَةٍ ، شَهادَةً أعتَقِدُها بِإخلاصٍ وإيقانٍ ، وأُعِدُّها طَمَعا فِى الخَلاصِ وَالأمانِ ، اُسِرُّها تَصديقا بِرُبوبِيَّتِكَ ، واُظهِرُها تَحقيقا لِوَحدانِيَّتِكَ ، ولا أصُدُّ عَن سَبيلِها ، ولا اُلحِدُ فى تَأويلِها ، أنَّكَ أنتَ اللّهُ رَبّى لا اُشرِكُ بِكَ أحَدا ، ولا أجِدُ مِن دونِكَ مُلتَحَدا . (4) لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، الواحِدُ الَّذى لا يَدخُلُ فى عَدَدٍ ، وَالفَردُ الَّذى لا يُقاسُ بِأحَدٍ ، عَلا عَنِ المُشاكَلَهِ وَالمُناسَبَهِ ، وخَلا مِن الأولادِ وَالصّاحِبَهِ . (5)

.

1- .السِّنْخُ : الأصل (الصحاح : ج 1 ص 423 «سنخ») .
2- .يحتذى على مثال فلان : إذا اقتدى به فى أمره (لسان العرب : ج 14 ص 170 «حذا») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 185 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 87 ، المصباح للكفعمى : ص 886 .
4- .مُلْتَحدا : أى التجاءً ، أو موضع التجاء (مفردات ألفاظ القرآن : ص 737 «لحد») .
5- .بحار الأنوار : ج 94 ص 154 ح 22 نقلاً عن بعض مرويّات أصحابنا فى كتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا .

امام زین العابدین علیه السلام :تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، یگانه ای و تنها ، تکی و بی همتا . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، بزرگواری و با گذشت ، بزرگی و مقام کبریایی داری ، کبیری و متکبّر . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، والایی و برین ، سخت پُرتوان . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، مهرگستر و مهربانی ، دانا و سنجیده کاری . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، شنوا و بینایی ، دیرین و آگاهی . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، بزرگوار و بزرگوارترینی . پایدار و پایدارترینی ، تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، نخستینی و پیش از هر کس ، واپسینی و پس از هر عدد . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ؛ همانی که در عین بلندی ، نزدیک و در عین نزدیکی ، بلند است . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، صاحب درخشندگی و شکوه و بزرگی و ستایش . تویی خدا ، معبودی جز تو نیست ، تویی که موجودات را از هیچ ریشه و مایه ای ایجاد کردی ، و صورت ها را بی هیچ نمونه ای صورت بخشیدی ، و نوپدیدها را بی هیچ تقلیدی [از کسی] ، پدید آوردی.

امام زین العابدین علیه السلام :معبودی جز تو نیست . تو بسی برتری از آنچه ستمکاران (مشرکان و .. .) می گویند . بار خدایا ! تو را که نزدیک ترینِ گواهانی گواه می گیرم و نیز آنان را که نزد من حاضرند از فرشتگان مقرّبت و بندگان درست کارت ؛ از جنّ و آدمی ، همگی را گواه می گیرم که با نهادی پاک و بینشی پیراسته از شک ، گواهی می دهم ؛ گواهی ای که با اخلاص و یقین ، بدان معتقدم و آن را به طمع رهایی و امان [از آتش و عذاب] آماده می کنم و از سرِ تصدیق به پروردگاریِ تو ، در دل می پرورانم و از روی حقیقتْ دانستنِ یگانگی تو ، به زبانش می آورم و راه را بر آن نمی بندم و در تأویل آن کَجروی نمی کنم ، [گواهی می دهم] که تو خدایی ، پروردگار منی ، احدی را شریک تو نمی دانم ، و جز تو پناهی نمی شناسم. معبودی جز خدا نیست که یگانه است و بی انباز . یکی است که در عدد نیاید و فردی است که با هیچ کس سنجیده نشود . از همانندی و مناسبت ، بالاتر است و از داشتن زن و فرزند ، مبرّاست.

.

الملهوف فى ذِكرِ أحوالِ الإمامِ زَينِ العابِدينَ عليه السلام : حَدَّثَ مَولًى لَهُ عليه السلام أَنَّهُ بَرَزَ إلَى الصَّحراءِ يَوما ، قالَ : فَتَبِعتُهُ ، فَوَجَدتُهُ قَد سَجَدَ عَلى حِجارَةٍ خَشِنَةٍ ، فَوَقَفتُ وأنَا أسمَعُ شَهيقَهُ وبُكاءَهُ ، وأحصَيتُ عَلَيهِ ألفَ مَرَّةٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ حَقّا حَقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ تَعَبُّدا ورِقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ إيمانا وصِدقا» . ثُمَّ رَفَعَ رأسَهُ مِن سُجودِهِ ، وإنَّ لِحيَتَهُ ووَجهَهُ قَد غُمِرا مِنَ الدُّموعِ . (1)

4 / 7 التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الباقِرِ الإمام الباقر عليه السلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللّهَ شَىءٌ ، وكَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُهَلَّلَ . (2)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى أهدى إلى عيسَى بنِ مَريَمَ عليه السلام خَمسَ دَعَواتٍ جاءَ بِها جَبرَئيلُ عليه السلام فى أيّامِ العَشرِ فَقالَ : يا عيسى ، أُدعُ بِهذِهِ الخَمسِ الدَّعَواتِ ؛ فَإنَّهُ لَيسَتِ عِبادَهٌ أحَبَّ إلَى اللّهِ مِن عِبادَتِهِ فى أيّامِ العَشرِ يَعنى عَشرَ ذِى الحِجَّهِ : أوَّلُهُنَّ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . وَالثّانِيَهُ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، أحَدا صَمَدا لَم يَتَّخِذ صاحِبَهً ولا وَلَدا . وَالثّالِثَهُ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، أحَدا صَمَدا لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَکُن لَهُ کُفُوا أحَدٌ . وَالرّابِعَهُ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . وَالخامِسَهُ : حَسبِىَ اللّهُ وکَفى ، سَمِعَ اللّهُ لِمَن دَعا ، لَيسَ وَراءَ اللّهِ مُنتَهىً ، أشهَدُ للّهِ بِما دَعا ، وأنَّهُ بَرىءٌ مِمَّن تَبَرّى ، وأنَّ للّهِ الآخِرَهَ وَالأُولى . (3)

.

1- .الملهوف على قتلى الطفوف : ص 234 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 166 ح 17 .
2- .الكافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مُهج الدعوات : ص 216 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، الإقبال : ج 2 ص 124 عن سلمه بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
3- .الإقبال : ج 2 ص 46 عن عبد اللّه بن عبد بن عمير ؛ الدعاء للطبرانى : ص 272 ح 872 عن عبد اللّه بن عبيد بن عمير عن أبيه من دون إسنادٍ إلى

الإمام الباقر عليه السلام نحوه وفيه «موسى عليه السلام » بدل «عيسى عليه السلام » .

الملهوف در بیان احوال امام زین العابدین علیه السلام : یکی از غلامان امام زین العابدین علیه السلام نقل کرد که روزی آن حضرت به صحرا رفت . من نیز در پی او رفتم و دیدم که بر سنگی درشت ، سجده کرده است . من ایستادم ، طوری که صدای ناله و گریه او را می شنیدم . شمردم ؛ هزار مرتبه گفت : «به درستی ، به درستی که معبودی جز خدا نیست . از سرِ بندگی و بردگی می گویم که معبودی جز خدا نیست . از روی ایمان و راستی می گویم که معبودی جز خدا نیست» . سپس سر از سجده برداشت ، در حالی که ریش و رخسارش غرق در اشک شده بودند.

4 / 7توحیدگویی های رسیده از امام باقر علیه السلامامام باقر علیه السلام :معبودی جز خدا نیست ؛ تا هر آن گاه که چیزی توحید خدا بگوید ، و آن سان که خدا ، خود ، دوست دارد توحیدش گویند.

امام باقر علیه السلام :خدای تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام پنج دعا هدیه کرد که جبرئیل علیه السلام آنها را در دهه [ی ذی حجّه]آورد ، و گفت : «ای عیسی! با این دعاهای پنجگانه دعا کن ؛ زیرا هیچ عبادتی ، نزد خداوند محبوب تر از عبادت او در دهه یعنی دهه ذی حجّه نیست: اوّل: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، او راست فرمان روایی و او راست ستایش . خوبی ها در دست اوست ، و او بر هر چیزی تواناست. دوم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز . یکتاست و بی نیاز ، و زن و فرزندی ندارد. سوم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، یکتاست و بی نیاز . نه فرزندی دارد و نه خود ، فرزند کسی است ، و هیچ کس همتای او نیست. چهارم : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ، او راست فرمان روایی و او راست ستایش . زنده می کند و می میراند و او خود ، زنده نامیراست . خوبی ، همه ، در اوست ، و او بر هر چیزی تواناست. پنجم : خدا مرا بس است و کفایت می کند . خدا بشنود [صدای] کسی را که بخواندش . فراسوی خدا پایانی نیست . گواهی می دهم برای خدا به آنچه فرا خوانَد ، و به اینِ که او مبرّاست از هر کس که خود تبرّی جست ، و این که آخرت و دنیا از آنِ اوست.

4 / 8التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الصّادِقِالإمام الصادق عليه السلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ المَلِکُ الرَّحمنُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ المُفضِلُ المَنّانُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الأَوَّلُ وَالآخِرُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ذُو الطَّولِ وإلَيهِ المَصيرُ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الظّاهِرُ الباطِنُ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّی أشهَدُ أَنَّکَ کَما تَقولُ وفَوقَ ما يَقولُ القائِلونَ ، وأشهَدُ أَنَّکَ کَما شَهِدتَ لِنَفسِکَ وشَهِدَت لَکَ مَلائِکَتُکَ وأُولُو العِلمِ ، بِأَنَّکَ قائِمٌ بِالقِسطِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، وکَما أثنَيتَ عَلی نَفسِکَ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ . (2)

عنه عليه السلام :مَن قالَ فی کُلِّ يَومٍ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ حَقّا حَقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ عُبودِيَّةً ورِقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ إيمانا وصِدقا» أقبَلَ اللّهُ عَلَيهِ بِوَجهِهِ ، ولَم يَصرِف وَجهَهُ عَنهُ حَتّی يَدخُلَ الجَنَّةَ . (3)

.

1- .الإقبال : ج 2 ص 145 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 259 .
2- .قرب الإسناد : ص 5 ح 13 عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 179 ح 1 .
3- .الكافی : ج 2 ص 519 ح 1 عن الأوزاعی ، ثواب الأعمال : ص 24 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 100 ح 72 كلاهما عن الأوزاعی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 9 ح 15 .

4 / 8توحیدگویی های رسیده از امام صادق علیه السلامامام صادق علیه السلام :معبودی جز خدا نیست ، آن فرمان روای مهرگستر . معبودی جز خدا نیست ، آن دهشگر بنده نواز . معبودی جز خدا نیست ، آن آغازین و فرجامین. معبودی جز خدا نیست ، آن پروردگار بخشش . و بازگشت ، به سوی اوست . معبودی جز خدا نیست ، آن پیدای نهان.

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! من گواهی می دهم که تو چنانی که خود می گویی و برتر از آنی که دیگران می گویند . گواهی می دهم که تو چنانی که خود در حقّ خویش گواهی داده ای و فرشتگانت و صاحبان دانش ، در حقّ تو گواهی داده اند [و گفته اند] که تو داداری و معبودی جز تو نیست ، و چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای . پاکی تو و ستایش تو را.

امام صادق علیه السلام :هر کس در هر روز بگوید : «معبودی جز خدا نیست ؛ به درستی ، بدرستی . معبودی جز خدا نیست ؛ از سرِ بندگی و بردگی . معبودی جز خدا نیست ؛ از روی ایمان و راستی» ، خداوند به او رو می نماید و روی خویش از او نمی گرداند ، تا آن گاه که او به بهشت رود .

.

عنه عليه السلام :ما مِن أحَدٍ يَحضُرُهُ المَوتُ إلّا وُكِّلَ بِهِ شَيطانٌ مِن شَياطينِهِ يَأمُرُهُ بِالكُفرِ ويُشَكِّكُهُ فى أمرِهِ ودينِهِ ، حَتّى تَخرُجَ نَفسُهُ ، فَمَن كانَ مُؤمِنا مُوَحِّدا مُستَبصِرا لَم يَقدِر عَلَيهِ ، ومَن كانَ ضَعيفا فى دينِهِ شَكَّكَهُ فى أمرِهِ ودينِهِ . فَإذا حَضَرتُم مَوتاكُم فَلَقِّنوهُم كَلِمَةَ الإخلاصِ ، وهِيَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ العَلِيُّ العَظيمِ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ ورَبِّ الأَرَضينَ السَّبعِ وما فيهِنَّ وما بَينَهُنَّ وما تَحتَهُنَّ ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى يُمَجِّدُ نَفسَهُ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، فَمَن مَجَّدَ اللّهَ بِما مَجَّدَ بِهِ نَفسَهُ ثُمَّ كانَ فى حالِ شِقوَةٍ حَوَّلَهُ اللّهُ عز و جل إلى سَعادَةٍ ، يَقولُ : أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ رَبُّ العالَمينَ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ العَزيزُ (العَلِيُّ) الكَبيرُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ مالِكُ يَومِ الدِّينِ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ العَزيزُ الحَكيمُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ مِنكَ بَدءُ الخَلقِ وإلَيكَ يَعودُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ لَم تَزَل ولا تَزالُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ خالِقُ الخَيرِ وَالشَّرِّ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ خالِقُ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ أحَدٌ صَمَدٌ لَم يَلِد ولَم يُولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ «الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَلِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْض وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (2) ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الكَبيرُ وَالكِبرِياءُ رِداؤُكَ . (3)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 80 ، الكافى : ج 3 ص 123 ح 6 عن أبى خديجه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 133 ح 350 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 195 ح 47 .
2- .الحشر : 23 و 24 .
3- .الكافى : ج2 ص516 ح2 ، المحاسن : ج 1 ص 108 ح 95 كلاهما عن عبد اللّه بن أعين ، ثواب الأعمال : ص 29 ح 1 عن زراره بن أعين ، بحار الأنوار : ج 93 ص 220 ح 2 وج 86 ص 370 ح 3 .

امام صادق علیه السلام :در هنگام مردنِ هر کسی ، یکی از شیطان هایش بر او گماشته می شود و به کفرش واَ می دارد و او را در عقیده اش و دینش به شک می کشاند ، تا آن که جانش کنده شود . پس آن که مؤمنی یکتاپرست و اهل بینش باشد ، شیطان بر او چیره نمی شود ؛ ولی آن که در دینش سست و ناتوان باشد ، شیطان او را در عقیده اش و دینش دستخوش شک و تردید می کند . پس هر گاه بر بالین مردگانتان حاضر شدید ، کلمه توحید را به آنها تلقین کنید و آن ، چنین است : «معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست . پاکا خدا ، که پروردگار آسمان های هفتگانه است و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و ما بین آنها و در زیر آنهاست ، و پروردگار عرش بزرگ . و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است » .

امام صادق علیه السلام :خداوند تبارک و تعالی در هر روز و شبی ، سه مرتبه خود را می ستاید. پس هرکس خدا را به همان گونه که او خویشتن را ستوده است،بستاید، اگر در حال بدبختی باشد ، خداوند عز و جل او را به خوش بختی درمی آورد . می گوید: «تویی خدا ، معبودی نیست جز تو پروردگار جهانیان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو مهرگستر مهربان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو عزّتمند (1) [والا]و بزرگ . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو صاحب روز جزا . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آموزگار مهربان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو عزّتمند سنجیده کار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که آغاز آفرینش ، از توست و به سوی تو باز می گردد . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که ازلی و ابدی هستی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آفریننده نیک و بد . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آفریننده بهشت و دوزخ . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو یگانه بی نیاز ، که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی هستی و هیچ کس همتای تو نیست . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو «پادشاه پاک بی عیب ایمنی بخش نگهبان چیره ناپذیر جبّار متکبّر . منزّه است خدا از آنچه با او شریک می گردانند . او خدای آفریننده نوساز صورتگر است . او راست نکوترین نام ها . آنچه در آسمان ها و زمین است ، تسبیح او می گویند و اوست چیره ناپذیر سنجیده کار» . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو بزرگ که بزرگی ، ردای توست » .

.

1- .عزیز : نیرومند شکست ناپذیر، چیره ناشدنی ، محکم و استوار ، دردانه و بی مانند.

الكافى عن عمرو بن أبى المقدام :أملى عَلَىَّ هذَا الدُّعاءَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام وهُوَ جامِعٌ لِلدُّنیا وَالآخِرَهِ : تَقولُ بَعدَ حَمدِ اللّهِ وَالثَّناءِ عَلَیهِ : اللّهُمَّ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الحَلیمُ الکَریمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ العَزیزُ الحَکیمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الواحِدُ القَهّارُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ المَلِکُ الجَبّارُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الرَّحیمُ الغَفّارُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ شَدیدُ المِحالِ (1) ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الکَبیرُ المُتعالُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ السَّمیعُ البَصیرُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ المَنیعُ القَدیرُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الغَفورُ الشَّکورُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الحَمیدُ المَجیدُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الغَفورُ الوَدودُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الحَنّانُ المَنّانُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الحَلیمُ الدَّیّانُ (2) ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الجَوادُ الماجِدُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الواحِدُ الأحَدُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الغائِبُ الشّاهِدُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الظّاهِرُ الباطِنُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ بِکُلِّ شَیءٍ عَلیمٌ . تَمَّ نورُکَ فَهَدَیتَ ، وبَسَطتَ یَدَکَ فَأعطَیتَ ، رَبَّنا وَجهُکَ أکرَمُ الوُجوهِ ، وجَهَتُکَ خَیرُ الجِهاتِ ، وعَطِیَّتُکَ أفضَلُ العَطایا وأهنَؤُها ، تُطاعُ رَبَّنا فَتَشکُرُ ، وتُعصی رَبَّنا فَتَغفِرُ لِمَن شِئتَ ، تُجیبُ المُضطَرَّ ، وتَکشِفُ السّوءَ ، وتَقبَلُ التَّوبَهَ ، وتَعفو عَنِ الذَّنوبِ ، لا تُجازی أیادیکَ ، ولا تُحصی نِعَمُکَ ، ولا یَبلُغُ مِدحَتَکَ قَولُ قائِلٍ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَجِّل فَرَجَهُم وروحَهُم وراحَتَهُم وسُرورَهُم ، وأذِقنی طَعمَ فَرَجِهِم ، وأهلِک أعداءَهُم مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً ، وقِنا عَذابَ النّارِ ، وَاجعَلنا مِنَ الَّذینَ لا خَوفٌ عَلَیهِم ولا هُم یَحزَنونَ ، وَاجعَلنی مِنَ الَّذین صَبَروا وعَلی رَبِّهِم یَتَوَکَّلونَ ، وثَبِّتنی بِالقَولِ الثّابِتِ فِی الحَیاهِ الدُّنیا وفِی الآخِرَهِ ، وبارِک لی فِی المَحیا وَالمَماتِ ، وَالمَوقِفِ وَالنُّشورِ ، وَالحِسابِ وَالمیزانِ ، وأهوالِ یَومِ القِیامَهِ ، وسَلِّمنی عَلَی الصِّراطِ ، وأجِزنی عَلَیهِ ، وَارزُقنی عِلما نافِعا ، ویَقینا صادِقا ، وتُقیً وبِرّا ووَرَعا وخَوفا مِنکَ ، وفَرَقا یُبَلِّغُنی مِنکَ زُلفی (3) ، ولا یُباعِدُنی عَنکَ ، وأحبِبنی ولا تُبغِضنی ، وتَوَلَّنی ولا تَخذُلنی ، وأعطِنی مِن جَمیعِ خَیرِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، وأجِرنی مِنَ السُّوءِ کُلِّهِ بِحَذافیرِهِ (4) ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم (5) .

.

1- .المِحَال : القوّه والشِدّه ، وقیل : الکید والمکر (النهایه : ج 4 ص 303 «محل») .

2- .الدَّيّان : قيل : هو القهّار . وقيل : هو الحاكم والقاضى ، وهو فعّال ، من دان الناسَ : أى قهرهم على الطاعه (النهايه : ج 2 ص 148 «دين») .
3- .الزُلْفى : القُربى ، أزلفه : قرّبه (المصباح المنير : ص 254 «زلف») .
4- .بحذافيره : بأسْرِهِ ، أو بجوانبه (القاموس المحيط : ج 2 ص 7 «حذفر») .
5- .الكافى : ج 2 ص 583 ح 18 .

الکافی به نقل از عمروبن ابی مقدام : این دعا را که دربر گیرنده [خیر و حاجات]دنیا و آخرت است ، امام صادق علیه السلام به من دیکته فرمود: «پس از ستایش خدا و ثنای او ، می گویی : بار خدایا ! تویی خدا ، معبودی نیست جز تو بردبارِ بزرگوار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو عزّتمند استواْ کار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو یکتای چیره گر . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو پادشاه جبّار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو مهربانِ آمرزنده . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو سختْ پرتوان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو بزرگِ برتر . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو شنوای بینا . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو دست نایافتنیِ توانا . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آمرزگار سپاس گزار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو ستودنیِ تحسین برانگیز . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آمرزگارِ دوستدار . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو مهرورز بنده نواز . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو بردبارِ داور . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو بخشنده بی چشمداشت و شریف . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو یگانه یکتا . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو غایب حاضر . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو پیدای پنهان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که به همه چیز دانا و آگاهی . با نور کامل خود ، هدایت می فرمایی و گشاده دستانه ، دهش می کنی . ای پروردگار ما ! روی تو ، گرامی ترینِ روی هاست و سوی تو ، بهترین سوی هاست و دهش تو ، برترین و گواراترینِ دهش هاست . ای پروردگار ما ! از تو فرمان برداری می شود و تو سپاس گزاری می کنی . ای پروردگار ما ! نافرمانی می شوی و تو آن که را بخواهی ، می آمرزی . درمانده را پاسخ می دهی ، بدی و گزند را برطرف می سازی ، توبه را می پذیری و گناهان را می بخشی . نیکی هایت را تلافی نتوان کرد و نعمت هایت را نمی توان شمرد و سخن هیچ گوینده ای ، به ستایش تو نرسد. بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، و در گشایش [وحکومت] و خوشی و آسایش و شادمانیِ آنان شتاب فرما ، و طعم گشایش آنان را به من بچشان . دشمنانشان را ، از جن و انس ، نابود کن و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و از عذاب آتش ، نگاهمان بدار . ما را از آنانی قرار ده که بیمی بر ایشان نیست و اندوهگین نمی شوند ، و مرا از کسانی قرار ده که شکیبایی ورزیدند و بر پروردگارشان توکّل می کنند . در زندگی دنیا و در آخرت ، مرا در گفتار [و عقیده] ، استوار و پابرجا بدار . در زندگی و مرگ ، در صحرای محشر ، در وقت حسابرسی و وزن کردن اعمال و در دیگر صحنه های هرسناک روز

رستاخیز ، مرا نیرو ده و در صراط ، نگهدارم باش و مرا از آن عبور بده . دانشی سودمند ، یقینی درست ، پرهیزگاری و نیکوکاری [یا : طاعت]و پارسایی و ترس از خودت را روزی ام کن و نیز هراسی که مرا به تو نزدیک گرداند و از تو دورم نکند . مرا دوست بدار و دشمنم مدار ، حمایتم کن و تنهایم مگذار ، و همه خیر دنیا و آخرت را چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم به من عطا فرما ، و مرا از همه بدی ها یکسره ؛ چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم در پناه خود بگیر» .

.

4 / 9التّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الكاظِمِفلاح السائل عن يحيى بن الفضل النوفلى :دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ موسَى بنِ جَعفَرٍ عليه السلام بِبَغدادَ حينَ فَرَغَ مِن صَلاهِ العَصرِ ، فَرَفَعَ يَدَيهِ إلَى السَّماءِ وسَمِعتُهُ يَقولُ : أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الأوَّلُ وَالآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالباطِنُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ إلَيكَ زيادَهُ الأشياءِ ونُقصانُها ، وأنتَ اللّهُ لا إله إلّا أنتَ خَلَقتَ الخَلقَ بِغَيرِ مَعونَهٍ مِن غَيرِكَ ولا حاجَهٍ إلَيهِم ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ مِنكَ المَشيئَهُ وإلَيكَ البَدءُ . أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ قَبلَ القَبلِ وخالِقُ القَبلِ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ بَعدَ البَعدِ وخالِقُ البَعدِ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ تَمحو ما تَشاءُ وتُثبِتُ وعِندَكَ اُمُّ الكِتابِ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ غايَهُ كُلِّ شَىءٍ ووارِثُهُ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ لا يَعزُبُ (1) عَنكَ الدَّقيقُ ولَا الجَليلُ . أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ لا تَخفى عَلَيكَ اللُّغاتُ ولا تَتَشابَهُ عَلَيكَ الأصواتُ ، كُلَّ يَومٍ أنتَ فى شَأنٍ ، لا يَشغَلُكَ شَأنٌ عَن شَأنٍ ، عالِمُ الغَيبِ وأخفى ، دَيّانُ يَومِ الدّينِ ، مُدَبِّرُ الاُمورِ ، باعِثُ مَن فِى القُبورِ ، مُحيِى العِظامَ وهِىَ رَميمٌ ، أسألُكَ بِاسمِكَ المَكنونِ المَخزونِ الحَىِّ القَيّومِ الَّذى لا يَخيبُ مَن سَأَلَكَ بِهِ ، أسألُكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأن تُعَجِّلَ فَرَجَ المُنتَقِمِ لَكَ مِن أعدائِكَ ، وأنجِز لَهُ ما وَعَدتَهُ يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ . (2)

.

1- .عَزَبَ الشىء من باب قَعَدَ : بَعُدَ . وعَزَبَ من بابَى قَتَل وضَرَبَ : غابَ وخفى (المصباح المنير : ص 407 «عزب») .
2- .فلاح السائل : ص 353 ح 238 ، مصباح المتهجّد : ص 75 ح 124 ، المصباح للكفعمى : ص 33 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 80 ح 8 .

4 / 9توحیدگویی های رسیده از امام کاظم علیه السلامفلاح السائل به نقل از یحیی بن فضل نوفلی : در بغداد ، هنگامی نزد امام کاظم علیه السلام رفتم که نماز عصرش را تمام کرده بود . دست هایش را به آسمان برداشت و شنیدم که می گفت : «تویی خدا ، معبودی نیست جز تو آغازین و انجامین و آشکار و پنهان . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که افزایش و کاهش چیزها به تو باز می گردد . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که آفریدگان را ، بی هیچ کمکی از دیگری و هیچ نیازی به آنان ، آفریدی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که مشیّت ، از توست و آغاز نیز از تو . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که پیش از پیش و آفریننده پیش هستی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که پس از پس و آفریننده پس هستی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که آنچه بخواهی ، پاک می کنی و آنچه بخواهی ، بر جا می گذاری و اساس کتاب ، در نزد توست . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که غایت هر چیز و وارث آنی . تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که هیچ ریز و درشتی از تو پنهان نیست. تویی خدا ، معبودی نیست جز تو که زبان ها بر تو پوشیده نیست و صداها بر تو مبهم و مشتبه نشود . هر روزی [و دمی] ، تو در کاری هستی ، و هیچ کاری تو را از کاری دیگر باز نمی دارد . دانای نهان و نهان تر هستی . جزا دهنده روز جزا هستی ، گرداننده کارهایی ، برانگیزنده کسان از گورهایی ، زنده کننده استخوان های پوسیده ای . از تو درخواست می کنم ، به حقّ آن نامِ نهان شده اندوخته و زنده و پاینده ، که هر کس تو را به آن نام بخواند ، محروم نمی شود . از تو درخواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، و در فرجِ آن گیرنده انتقام تو از دشمنانت ، تعجیل فرمایی و آنچه را به او وعده داده ای ، برایش تحقّق بخشی ، ای پروردگار شکوه و ارج.

.

الإمام الكاظم عليه السلام فى كتابٍ كَتَبَهُ لِلحُسَينِ بنِ خالِدٍ لَمّا شَكا إلَيهِ دَينا عَلَيهِ : قُل فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، بِحَقِّ لا إلهَ إلّا أنتَ ، أن تَرحَمَنى بِلا إلهَ إلّا أنتَ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، بِحَقِّ لا إلهَ إلّا أنتَ ، أن تَرضى عَنّى بِلا إلهَ إلّا أنتَ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ يا لا إلهَ إلّا أنتَ ، بِحَقِّ لا إلهَ إلّا أنتَ ، أن تَغفِرَ لى بِلا إلهَ إلّا أنتَ . (1)

4 / 10التَّهليلاتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الرِّضاالإمام الرضا عليه السلام بَعدَ أن عَلَّمَ هِشاما صَلاهَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، قالَ : وَالدُّعاءُ بَعدَها : لا إلهَ إلَا اللّهُ رَبُّنا ورَبُّ آبائِنَا الأَوَّلينَ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ إلها واحِدا ونَحنُ لَهُ مُسلِمونَ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ لا نَعبُدُ إلّا إيّاهُ مُخلِصينَ لَهُ الدِّينَ ولَو كَرِهَ المُشرِكونَ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ وَحدَهُ وَحدَهُ ، أنجَزَ وَعدَهُ ، ونَصَرَ عَبدَهُ ، وأعَزَّ جُندَهُ ، وهَزَمَ الأحزابَ وَحدَهُ ، فَلَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . اللّهُمَّ أنت نورُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ومَن فيهِنَّ ، فَلَکَ الحَمدُ ، وأنتَ قِيامُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ومَن فيهِنَّ ، فَلَکَ الحَمدُ . . . أنتَ إلهى لا إلهَ إلّا أنتَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى وتُب عَلَىَّ إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (2)

.

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 147 ح 2363 عن الحسين بن خالد ، بحار الأنوار : ج 95 ص 302 ح 5 .
2- .جمال الأُسبوع : ص 162 عن هشام ، البلد الأمين : ص 149 ، المصباح للكفعمى : ص 538 وليس فيهما «وأعزّ جُنده» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 170 ح 1 .

امام کاظم علیه السلام در پاسخ به شکایت حسین بن خالد از بدهکاری خود ، نزد ایشان : در پی هر نمازی بگو : بار خدایا ! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست ! به حقّ «معبودی جز تو نیست» ، که بر من به حرمت «معبودی جز تو نیست» ، رحم آوری . بار خدایا ! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست ! به حقّ «معبودی جز تو نیست» ، که از من خشنود شوی ، به حرمت «معبودی جز تو نیست» . بار خدایا ! من از تو درخواست می کنم ای آن که معبودی جز تو نیست ! به حقّ «معبودی جز تو نیست» ، که مرا بیامرزی به حرمت «معبودی جز تو نیست».

4 / 10توحیدگویی های رسیده از امام رضا علیه السلامامام رضا علیه السلام پس از آموختن نمازِ پیامبر صلی الله علیه و آله به هشام : و دعای پس از آن ، این است: «معبودی نیست جز خدایی که پروردگار ما و پروردگار نیاکان ماست . معبودی نیست جز خدایی که معبود است و یگانه ، و ما تسلیم اوییم . معبودی نیست جز خدا . تنها او را بندگی می کنیم و دین را یکسره از او می دانیم ؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند . معبودی نیست جز خدا که یگانه است ، یگانه است ، یگانه . وعده اش را تحقّق بخشید ، بنده اش را یاری داد ، سپاهش را نیرومند ساخت و یک تنه ، گروه ها[ی مشرک] را درهم شکست . پس او راست پادشاهی و او راست ستایش ، و او بر هر چیزی تواناست. بار خدایا ! تو نور آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینیانی ، پس تو راست ستایش . تو برپادارنده آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینیانی ، پس تو راست ستایش ... . تویی معبود من ، معبودی جز تو نیست . بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم آور ، و توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی.

.

4 / 11التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ العَسكَرِيِّالإمام العسكري عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الحَمدَ لا إلَهَ إلّا أنتَ البَدىءُ قَبلَ کُلِّ شَىءٍ ، وأنتَ الحَىُّ القَيّومُ ، ولا إلهَ إلّا أنتَ الّذى لا يُذِلُّکَ شَىءٌ وأنتَ کُلَّ يَومٍ فى شَأنٍ ، لا إلهَ إلّا أنتَ خالِقُ ما يُرى وما لا يُرى ، العالِمُ بِکُلِّ شَىءٍ بِغَيرِ تَعليمٍ ، أسأَلُکَ بِآلائِکَ ونَعمائِکَ بِأَنَّکَ اللّهُ الرَّبُّ الواحِدُ ، لا إلهَ إلّا أنتَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، وأسأَلُکَ بِأَنَّکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الوِترُ الفَردُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الّذى لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَکُن لَهُ کُفُوا أحَدٌ ، وأسأَلُکَ بِأَنَّکَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ اللَّطيفُ الخَبيرُ ، القائِمُ عَلى کُلِّ نَفسٍ بِما کَسَبَت ، الرَّقيبُ الحَفيظُ ، وأسأَلُکَ بِأَنَّکَ اللّهُ الأَوَّلُ قَبلَ کُلِّ شَىءٍ ، وَالآخِرُ بَعدَ کُلِّ شَىءٍ ، وَالباطِنُ دونَ کُلِّ شَىءٍ ، الضّارُّ النّافِعُ ، الحَکيمُ العَليمُ ، وأسأَلُکَ بِأَنَّکَ أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ الحَىُّ القَيّومُ ، الباعِثُ الوارِثُ ، الحَنّانُ المَنّانُ ، بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، ذُو الجَلالِ وَالإکرامِ ، وذُو الطَّولِ وذوُ العِزَّهِ وذُو السُّلطانِ ، لا إلهَ إلّا أنتَ ، أحَطتَ بِکُلِّ شَىءٍ عِلَما وأحصَيتَ کُلَّ شَىءٍ عَدَدا ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (1)

.

1- .جمال الأُسبوع : ص 180 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 190 ح 10 .

4 / 11توحیدگویی های رسیده از امام عسکری علیه السلامامام عسکری علیه السلام :بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ، که تو راست ستایش و معبودی نیست جز تویی که آغازین و پیش از هر چیزی ، و تو زنده پایداری[یا : بیداری] . معبودی نیست جز تویی که هیچ چیز خوارت نسازد و تو هر روزی [و دمی] ، در کاری هستی . معبودی نیست جز تویی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هایی . به هر چیز دانایی ، بی آن که تعلیم گرفته باشی . از تو درخواست می کنم به حقّ نواخت ها و نعمت هایت ، که تو خدایی ، پروردگار یکتایی . معبودی نیست جز تویی که مهرگستر و مهربانی . از تو درخواست می کنم ، که تویی ، تو خدا . معبودی نیست جز تو تکِ تنهای یکتای بی نیاز که نه زاده ای داری و نه زاده کسی هستی و نه هیچ کس همتای توست . از تو درخواست می کنم ، که تو خدایی ، معبودی نیست جز تو خُردبین آگاه که مراقب هر شخص و کردارهای او هستی و ناظر و نگهبانی . از تو درخواست می کنم ، که تو خدایی ، پیش از هر چیز بوده ای و پس از هر چیز خواهی بود . از هر چیز نهانی ، زیان زننده و سودرسانی ، حکیم و دانایی . از تو درخواست می کنم ، که تویی ، تو خدا ، معبودی نیست جز تو زنده پاینده بر انگیزاننده [ی مردگان] و تویی ارث بر ، مهرورز بنده پرور ، پدید آوردنده آسمان ها و زمین ، پروردگار شکوه و ارج ، و خداوند دهش و خداوند عزّت و خداوند سلطه . معبودی نیست جز تو که به هر چیزی علم داری و شمار هر چیز را می دانی . بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

.

4 / 12التَّهليلاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ المَهدِيِّالإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ القائِمِ عليه السلام : كَأَنَّنى بِهِ قَد عَبَرَ مِن وادِى السَّلامِ إلى مَسيلِ السَّهلَهِ عَلى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمراخٌ (1) يَزهَرُ ، يَدعو ويَقولُ فى دُعائِهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ حَقّا حَقّا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ إيمانا وصِدقا ، لا إلهَ إلَا اللّهُ تَعَبُّدا ورِقّا ، اللّهُمَّ مُعِزَّ كُلِّ مُؤمِنٍ وَحيدٍ ، ومُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ ، أنتَ كَنَفى حينَ تُعيينِى المَذاهِبُ ، وتَضيقُ عَلَىَّ الأَرضُ بِما رَحُبَت . اللّهُمَّ خَلَقتَنى وكُنتَ غَنِيّا عَن خَلقى ، ولَولا نَصرُكَ إيّاىَ لَكُنتُ مِنَ المَغلوبينَ؛ يا مُنشِرَ الرَّحمَهِ مِن مَواضِعِها ، ومُخرِجَ البَرَكاتِ مِن مَعادِنِها ، ويا مَن خَصَّ نَفسَهُ بِشُموخِ الرِّفعَهِ فَأَولِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزونَ ، يا مَن وَضَعَت لَهُ المُلوكُ نيرَ (2) المَذَلَّهِ عَلى أعناقِهِم فَهُم مِن سَطوَتِهِ خائِفونَ ، أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى فَطَرتَ بِهِ خَلقَکَ فَكُلٌّ لَکَ مُذعِنونَ ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُنجِزَ لى أمرى ، وتُعَجِّلَهُ لى فِى الفَرَجِ ، وتَكفِيَنى ، وتُعافِيَنى ، وتَقضِىَ حَوائِجى ، السّاعَهَ السّاعَهَ ، اللَّيلَهَ اللَّيلَهَ ، إنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (3)

.

1- .الشِّمراخُ : غُرّه الفرس إذا دقّت وطالت أى حتّى جلّلت الخيشوم (تاج العروس : ج 4 ص 284 «شمرخ») .
2- .النِّيرُ : الخشبه المعترضه فوق عنق الثور أو عنقى الثورين المقرونين لجرّ المحراث أو غيره (المعجم الوسيط : ج 2 ص 966 «نار») .
3- .العُدد القويّه : ص 75 ح 125 ، دلائل الإمامه : ص 458 ح 438 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 365 ح 2 وج 52 ص 391 ح 214 .

4 / 12توحیدگویی های رسیده از امام مهدی علیه السلامامام علی علیه السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام : گویا می بینمش که سوار بر اسب پاسفیدی که از پیشانی تا بینی اش خط سپیدی می درخشد ، از وادی السلام به مسیل سهله گذشته است و دعا می کند و در دعایش می گوید: «حق که معبودی جز خدا نیست ، حقّ . ایمان دارم و از سر صدق می گویم که معبودی جز خدا نیست ، معبودی جز خدا نیست و من بنده و برده اویم . بار خدایا ! ای عزّتبخش هر مؤمن تنها ، و ای خوار کننده هر گردن کش خیره سر . تویی پناه من ، آن گاه که همه راه ها به رویم بسته شود و زمین با همه پهناوری اش ، بر من تنگ گردد. بار خدایا ! تو مرا آفریدی ، در حالی که از آفریدن من بی نیاز بودی ، و اگر تو مرا یاری نکرده بودی ، بی گمان ، من شکست خورده بودم . ای پراکننده رحمت از جایگاه های آن ، و بیرون آورنده برکت ها از کان هایشان ! ای کسی که اوج بلندی را ویژه خویش گردانید ، پس دوستانش از عزّت او عزّت می یابند . ای کسی که شاهان در برابرش طوع خواری برگردن خویش افکنده اند و از هیبت او ترسانند ! از تو درخواست می کنم به حقّ آن نامت که با آن ، آفریدگانت را آفریدی و همگی فرمان بردار تو هستند . از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ، و وعده ات را به من تحقّق بخشی ، و در فرج من تعجیل فرمایی ، و مرا کفایت کنی و در عافیت و سلامتم بداری ، و حاجت هایم را برآوری ؛ هم اینک هم اینک ، همین امشب همین امشب ، که تو بر هر چیز توانایی» .

.

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

بخش ششم : تکبیر (گفتنِ «اللّه أکبر»)

اشاره

بخش ششم : تکبیر (گفتنِ «اللّه أکبر»)شامل:درآمدفصل یکم: تفسیر «اللّه أکبر»فصل دوم: فضیلت «اللّه أکبر» گفتن و تشویق به آنفصل سوم: جایگاه های گفتن «اللّه أکبر»فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نمازفصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام

.

ص: 8

..

درآمد

واژه شناسی «تکبیر»

درآمدواژه شناسی «تکبیر»کلمه «تکبیر» ، مصدر است از ریشه «کبر» . این مادّه به معنای بزرگی ، اعم از مادّی و معنوی است (1) و هنگامی که به باب اِفعال ، تفعیل و یا استفعال برود ، به معنای بزرگ شمردن ، بزرگ یافتن ، بزرگ دیدن و به بزرگی یاد کردن می آید . ابن فارس ، در این باره می گوید : مادّه «کبر» ، یک اصل صحیح معنایی دارد به معنای خلاف «صِغَر (کوچکی)» ... و از همین باب است «کِبَر» به معنای سال خوردگی . «کِبر» یعنی عظمت... و گفته می شود: «أکبرتُ الشی ء (آن چیز را بزرگ یافتم)». (2) ابن منظور ، گفته است : «استکبر الشی ءَ» ، یعنی : آن چیز را بزرگ دید و در نظرش عظیم آمد ... و «کبّر الأمرَ» ، یعنی : آن کار را بزرگ قرار داد ، یا آن را بزرگ گردانید . تکبیر

.

1- .به نظر می رسد که مادّه «کبر» ، در اصل به معنای بزرگیِ مادّی وضع شده ؛ لیکن از باب توسّع ، در معانی متناسب با آن ، از جمله پیری و بزرگی معنوی نیز به کار رفته است .
2- .معجم مقاییس اللغه : ج 5 ص 153 .

تکبیر ، در قرآن و حدیث

به معنای بزرگداشت است . (1) راغب نیز گفته است : و «أکبرتُ الشی ءَ» یعنی : آن چیز را بزرگ دیدم . خدای متعال می فرماید : «فَلَمَّا رَأَیْنَهُ أَکْبَرْنَهُ؛ (2) وچون او را دیدند، بزرگش یافتند» . تکبیر ، به همین معنا گفته می شود و برای بزرگداشت خداوند متعال می گویند : «اللّه أکبر» و همچنین برای عبادت خدا و حال تعظیم به خود گرفتن در برابر او . (3)

تکبیر ، در قرآن و حدیثدر قرآن ، واژه «تکبیر» ، فقط یک بار به کار رفته است : «وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ یَکُن لَّهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُن لَّهُ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیرا . (4) و بگو : «ستایش ، خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری ، شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به]دوستی داشته باشد» و او را بسیار بزرگ بشمار» . این واژه در قرآن و حدیث نیز مانند لغت ، به معنای یاد کردن خداوند متعال به بزرگی و عظمت و نیز گفتن «اللّه أکبر» است .

.

1- .لسان العرب : ج 5 ص 126 .
2- .یوسف : آیه 31 .
3- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 698 .
4- .اسراء : آیه 111 . نیز ، ر. ک : بقره : آیه 185 ، حج : آیه 37 و مدّثّر : آیه 3 .

تفسیر «تکبیر»

تفسیر «تکبیر»احادیثی که «تکبیر» را تفسیر کرده اند ، به چهار دسته تقسیم می شوند : 1 . احادیثی که در تفسیر این ذکر ، تنها به یکتایی و بی نظیر بودن حضرت حق در عظمت اشاره کرده اند ، مانند آنچه از پیامبر خدا روایت شده که در معنای تکبیر می فرماید : یَعنی أنَّهُ لَیسَ شَیءٌ أکبَرَ مِنهُ . (1) یعنی چیزی بزرگ تر از او نیست. 2 . احادیثی که بزرگ تر بودن خداوند را به معنای والاتر بودن او از توصیف می دانند . این احادیث ، در واقع ، تأکیدی هستند بر این که خداوند متعال ، قابل مقایسه با هیچ چیز دیگر (مادّی باشد یا معنوی) نیست ؛ زیرا هر چیزی جز خداوند متعال ، محدود است ، چنان که امام صادق علیه السلام به شخصی که در حضور ایشان ، «أکبر» را به «بزرگ تر از هر چیز» معنا کرد ، فرمود : «[با این معنا] خداوند را محدود کردی» و هنگامی که آن شخص از تفسیر صحیح «اللّه أکبر» پرسید ، فرمود : قُل : اللّهُ أکبَرُ مِن أن یوصَفَ . (2) بگو : خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود. 3 . احادیثی که «تکبیر» را به تنزیه خداوند متعال از صفات سلبی تفسیر کرده اند ، مانند حدیثی که از امام علی علیه السلام نقل شده که در تفسیر «تکبیر» فرمود :

.

1- .ر . ک : ص 16 ح 1574 .
2- .ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 5 ص 165 (معنای اللّه اکبر) .

خدا بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن وصف شود ، به حرکت یا سکون وصف شود ، به جسم بودن وصف شود یا به چیزی مانند شود یا با اندازه ای سنجیده شود ، محلّ اَعراض واقع شود و یا دست خوش بیماری ها گردد ، به جوهر یا عرض بودنْ وصف شود یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند ، [و بزرگ تر از آن است که] آنچه بر موجوداتِ حادثْ رواست (مثل زایل گشتن ، جا به جایی و دگرگونی از حالی به حالی) ، بر او روا باشد ، و یا آن که به حواس پنجگانه درآید . (1) 4 . احادیثی که «تکبیر» را به توصیف کردن خداوند متعال به صفات ثبوتی تفسیر نموده اند ، مانند این که امام علی علیه السلام در تفسیری دیگر از این ذکر می فرماید : «اللّه أکبر» ، یعنی : دانا و آگاه است . آنچه را بوده است و آنچه را خواهد بود ، پیش از آن که پدید آید ، می داند. «اللّه أکبر» ، یعنی بر هر چیزی تواناست . آنچه بخواهد ، می تواند ، به قدرتش نیرومند است . بر آفریدگانش تواناست . به ذات خویش تواناست . توانایی او بر همه موجودات ، حاکم است . هر گاه چیزی را بخواهد ، به او می گوید : «هست شو» و آن ، هست می شود . (2) تأمّل در این احادیث ، نشان می دهد که «تکبیر» ، در واقع ، تجلّی جلال و جمال حضرت حق در دل ذاکر است . از این رو ، هر چه جلال و جمال خداوند متعال ، جلوه بیشتری در دل داشته باشد ، ذکر زبانی کامل تر خواهد بود .

.

1- .ر. ک : ص 19 ح 1576 .
2- .ر. ک : ص 21 ح 1578 .

اهمّیت ذکر «تکبیر»

اهمّیت ذکر «تکبیر»در اهمّیت این ذکر ، همین بس که بزرگ ترین مصداق ذکر یعنی «نماز» ، با تکبیر آغاز و با تکبیر ، پایان می یابد . افزون بر این ، از پیامبر خدا روایت شده که می فرمود : لِکُلِّ شَیءٍ صَفوَهٌ ، وَصَفوَهُ الصَّلاهِ التَّکبیرَهُ الاُولی . (1) هر چیزی گُزیده ای دارد و گزیده نماز ، تکبیر آغازین [آن] است . این سخن ، بدان معناست که توجّه به عظمت جلال و جمال الهی در آغاز نماز ، عصاره و شهد نماز است که اگر همراه با جاری شدن ذکر تکبیر بر زبان نمازگزار تحقّق یابد ، وی را در برابر خداوند متعال ، خاضع و خاشع می سازد و زمینه حضور قلب در نماز را فراهم می سازد . همچنین ، معادل شمردن ارزش «تهلیل» و «تکبیر» در شماری از احادیث ، نشانه دیگری از اهمّیت بالای ذکر «اللّه أکبر» است ، چنان که از امام علی علیه السلام در تفسیر «کَلِمَهَ التَّقْوَی» (2) روایت شده است که : مقصود ، «لا إلهَ إلَا اللّهُ» و «اللّهُ أکبَرُ» است . (3) نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده : ثَمَنُ الجَنَّهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ و اللّهُ أکبَرُ . (4)

.

1- .ر . ک : ص 32 ح 1597 .
2- .فتح : آیه 26 .
3- .ر . ک : ص 30 ح 1593 .
4- .ر . ک : ص 30 ح 1595 .

جایگاه تکبیر

بهای بهشت ، «لا إله إلّا اللّهُ» و «اللّهُ أکبر» . و از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام روایت شده : أکثِروا مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ ، فَإنَّهُ لَیسَ شَیءٌ أحَبَّ إلَی اللّهِ عز و جل مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ . (1) «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» بسیار بگویید ؛ زیرا هیچ چیزی نزد خداوند ، محبوب تر از «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» نیست .

جایگاه تکبیرهر چند «تکبیر» و یاد کردن خداوند متعال به عظمت و بزرگی ، در هر حال و در همه جا نیکوست ، لیکن تأمّل در نصوص اسلامی نشان می دهد که گفتنِ این ذکر ، هنگامی که انسان با اموری برخورد می کند که یادآور عظمت خدا هستند و یا توجّه به عظمت الهی نقش خاصّی در آنها ایفا می نماید ، از اهمّیت بیشتری برخوردار است . مثلاً : توجّه به عظمت الهی هنگام اذان و نماز ، موجب حضور قلب و خضوع و خشوع در نماز است . یا توجّه به عظمت الهی در جهاد ، به رزمنده روحیه مقاومت می دهد و به هنگام پیروزی ، از آفات غرور ، پیشگیری می کند . یا توجّه به عظمت الهی هنگام زفاف و اعیاد ، سبب می شود که خوشی ها موجب غفلت نگردند . توجّه به عظمت الهی هنگام دیدن هلال نیز از این باب است که نظام حکیمانه

.

1- .ر . ک : ص 30 ح 1594 .

حاکم بر گردش ماه و زمین ، یکی از نشانه های بزرگ عظمت آفریدگار حکیم جهان است . همچنین سایر مواردی که ذکر «تکبیر» در آنها توصیه شده نیز حکمت خاصّ خود را دارند ، که با تأمّل ، قابل فهم است .

.

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير التّكبيررسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سُئِلَ عَن تَفسيرِ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ : . . . وأمّا قَولُهُ : «اللّهُ أكبَرُ» ، فَهِىَ كَلِمَةٌ أعلَى الكَلِماتِ وأحَبُّها إلَى اللّهِ عز و جل ، يَعنى أنَّهُ لَيسَ شَىءٌ أكبَرَ مِنهُ ، ولا تَصِحُّ الصَّلاةُ إلّا بِها لِكَرامَتِها عَلَى اللّهِ عز و جل ، وهُوَ الاِسمُ الأَعَزُّ الأَكرَمُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى بَيانِ مَعنى «اللّهُ أكبَرُ» فِى الأَذانِ : فَمَعنى «اللّهُ» : أنَّهُ يُخرِجُ الشَّىءَ مِن حَدِّ العَدَمِ إلى حَدِّ الوُجودِ ، ويَختَرِعُ الأَشياءَ لا مِن شَىءٍ ، وكُلُّ مَخلوقٍ دونَهُ يَختَرِعُ الأَشياءَ مِن شَىءٍ إلَا اللّهَ ، فَهذا مَعنى «اللّهُ» ، وذلِكَ فَرقٌ بَينَهُ وبَينَ المُحدَثِ. ومَعنى «أكبَرُ» : أى أكبَرُ من أن يوصَفَ فِى الأَوَّلِ ، وأكبَرُ مِن كُلِّ شَىءٍ لَمّا خَلَقَ الشَّىءَ . (2)

بحار الأنوار عن جابر بن عبد اللّه الأنصارىّ :كُنتُ مَعَ مَولانا أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فَرَأى رَجُلاً قائِما يُصَلّى ، فَقالَ لَهُ : يا هذا أتَعرِفُ تَأويلَ الصَّلاةِ؟ فَقالَ : يا مَولاىَ؟ وهَل لِلصَّلاةِ تَأويلٌ غَيرُ العِبادَةِ؟ فَقالَ : إى وَالَّذى بَعَثَ مُحَمَّدا بِالنُّبُوَّةِ ، وما بَعَثَ اللّهُ نَبِيَّهُ بِأمرٍ مِنَ الأُمورِ إلّا ولَهُ تَشابُهٌ وتَأويلٌ وتَنزيلٌ ، وكُلُّ ذلِكَ يَدُلُّ عَلَى التَّعَبُّدِ . فَقالَ لَهُ : عَلِّمنى ما هُوَ يا مَولاىَ؟ فَقالَ عليه السلام : تَأويلُ تَكبيرَتِكَ الأُولى إلى إحرامِكَ أن تُخطِرَ فى نَفسِكَ إذا قُلتَ : اللّهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ بِقِيامٍ أو قُعودٍ ، وفِى الثّانِيَهِ : أن يوصَفَ بِحَرَكَهٍ أو جُمودٍ ، وفِى الثّالِثَهِ : أن يوصَفَ بِجِسمٍ أو يُشَبَّهَ بِشِبهٍ أو يُقاسَ بِقِياسٍ ، وتُخطِرَ فِى الرّابِعَهِ : أن تَحُلَّهُ الأَعراضُ أو تُؤلِمَهُ الأَمراضُ ، وتُخطِرَ فِى الخامِسَهِ : أن يوصَفَ بِجَوهَرٍ أو بِعَرَضٍ أو يَحُلَّ شَيئا أو يُحَلَّ فيهِ شَىءٌ ، وتُخطِرَ فِى السّادِسَهِ : أن يَجوزَ عَلَيهِ ما يَجوزُ عَلَى المُحدَثينَ مِنَ الزَّوالِ وَالاِنتِقالِ وَالتَّغَيُّرِ مِنَ حالٍ إلى حالٍ ، وتُخطِرَ فِى السّابِعَهِ : أن تَحُلَّهُ الحَواسُّ الخَمسُ . (3)

.

1- .علل الشرايع : ص 251 ح 8 ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 كلاهما عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 9 ص 294 ح 5 .
2- .بحار الأنوار : ج 84 ص 170 ح 73 نقلاً عن العلل لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم .

3- .بحار الأنوار : ج 84 ص 253 ح 52 نقلاً عن خطّ الشيخ محمّد بن علىّ الجبعى نقلاً من خطّ الشيخ الشهيد قدس سره .

فصل یکم: تفسیر «اللّه أکبر»

فصل یکم: تفسیر «اللّه أکبر»پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از تفسیر : «پاکا خدا ، و ستایش ، خدای را ! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است» :... و سخن او «خدا بزرگ تر است» ، عالی ترین سخنان و محبوب ترین آنها نزد خداوند عز و جل است ؛ یعنی هیچ چیز ، بزرگ تر از خدا نیست . این سخن نزد خداوند عز و جل چندان گرامی است که نماز ، جز با آن ، درست نیست . آن ، ارجمندترین و گرامی ترین نام است .

امام علی علیه السلام در بیان معنای «خدا ، بزرگ تر است» در اذان : «خدا» ، یعنی آن که چیز را از مرز نیستی به مرز هستی می آورد و چیزها را از ناچیز ، می آفریند . امّا غیر او ، هر مخلوقی چیزها را از چیز می سازد . این است معنای «خدا» ، و این است فرق میان او و موجود حادث . معنای «بزرگ تر است» هم ، یعنی بزرگ تر از آن است که گفته شود در آغاز ، چون بوده است ، و نیز پس از آن که عالم را آفرید ، بزرگ تر از هر چیزی است .

بحار الأنوار به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری :با سَروَرمان امیر مؤمنان بودم که دید مردی به نماز ایستاده است . به او فرمود : «ای مرد ! آیا تأویل نماز را می دانی؟» . مرد گفت : سَروَرَم ! آیا نماز ، تأویلی جز عبادت دارد؟ فرمود : «آری ؛ سوگند به آن که محمّد را به پیامبری برانگیخت ! خداوند ، پیامبر خود را به هیچ کاری از کارها نفرستاد ، مگر این که برای آن کار ، تشابه و تأویل و تنزیلی است ، و همه اینها ، نشان از تعبّد دارد» . مرد گفت : سَروَرم ! تأویل آن را به من بیاموز . فرمود: «تأویل نخستین تکبیرت ، این است که هرگاه گفتی: اللّه أکبر ، در دلت بگذرانی که او بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن ، وصف شود . و در تکبیر دوم ، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به پویایی یا ایستایی وصف شود . و در تکبیر سوم ، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به جسم بودن ، وصف شود یا به مانندی همانند شود ، یا با میزانی سنجیده شود . و در تکبیر چهارم ، [یعنی] از دلت بگذرانی که : او بزرگ تر از آن است که اعراض ، در او جای گیرند یا بیماری ها دردمندش کند . و در تکبیر پنجم ، [یعنی] از ذهنت بگذرانی که : او ، بزرگ تر از آن است که به جوهر یا عَرَض بودن ، وصف گردد یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او ، حلول نماید . و در تکبیر ششم ،

[یعنی] از دلت بگذرانی که : او بزرگ تر از آن است که زوال و جا به جایی و دگرگونی (از حالی به حالی دیگر که بر موجودات حادث رواست) . بر او روا باشد . و در تکبیر هفتم ، [یعنی] از دلت بگذرانی که : او بزرگ تر از آن است که حواس پنجگانه ، ادراکش کند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى بَيانِ مَعنى «اللّهُ أكبَرُ» فى تَكبيرَةِ الاِفتِتاحِ : هُوَ أكبَرُ مِن أن يُلمَسَ بِالأَخماسِ ، ويُدرَكَ بِالحَواسِّ . ومَعنَى «اللّهُ» : هُوَ الَّذى ذَكَرناهُ أنَّهُ يُخرِجُ الشَّىءَ مِن حَدِّ العَدَمِ إلَى الوُجودِ . و«أكبَرُ» : أكبَرُ مِن أن يوصَفَ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام :كُنّا جُلوسا فِى المَسجِدِ ، إذ (2) صَعِدَ المُؤَذِّنُ المَنارَةَ ، فَقالَ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، فَبَكى أميرُ المُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام ، وبَكَينا بِبُكائِهِ ، فَلَمّا فَرَغَ المُؤَذِّنُ قالَ : أتَدرونَ ما يَقولُ المُؤَذِّنُ؟ قُلنا : اللّهُ ورَسولُهُ ووَصِيُّهُ أعلَمُ! فَقالَ : لَو تَعلَمونَ ما يَقولُ لَضَحِكتُم قَليلاً ولَبَكَيتُم كَثيرا ، فَلِقَولِهِ : «اللّهُ أكبَرُ» مَعانٍ كَثيرةٌ ، مِنها : إنَّ قَولَ المُؤَذِّنِ : «اللّهُ أكبَرُ» يَقَعُ عَلى قِدَمِهِ ، وأزَلِيَّتِهِ ، وأبَدِيَّتِهِ ، وعِلمِهِ ، وقُوَّتِهِ ، وقُدرَتِهِ ، وحِلمِهِ ، وكَرَمِهِ ، وجودِهِ ، وعَطائِهِ ، وكِبرِيائِهِ . فَإذا قالَ المُؤَذِّنُ : «اللّهُ أكبَرُ» فَإنَّهُ يَقولُ : اللّهُ الَّذى لَهُ الخَلقُ وَالأمرُ ، وبِمَشِيَّتِهِ كانَ الخَلقُ ، ومِنهُ كانَ كُلُّ شَىءٍ لِلخَلقِ ، وإلَيهِ يَرجِعُ الخَلقُ ، وهُوَ الأوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ لَم يَزَل ، وَالآخِرُ بَعدَ كُلِّ شَىءٍ لا يَزالُ ، وَالظّاهِرُ فَوقَ كُلِّ شَىءٍ لا يُدرَكُ ، وَالباطِنُ دونَ كُلِّ شَىءٍ لا يُحَدُّ ، فَهُوَ الباقى وكُلُّ شَىءٍ دونَهُ فانٍ . وَالمَعنَى الثّانى «اللّهُ أكبَرُ» : أى العَليمُ الخَبيرُ ، عَلِمَ ما كانَ وما يَكونُ قَبلَ أن يَكونَ . وَالثّالِثُ : «اللّهُ أكبَرُ» أى القادِرُ عَلى كُلِّ شَىءٍ ، يَقدِرُ عَلى ما يَشاءُ ، القَوِىُّ لِقُدرَتِهِ ، المُقتَدِرُ عَلى خَلقِهِ ، القَوِىُّ لِذاتِهِ ، قُدرَتُهُ قائِمَةٌ عَلَى الأشياءِ كُلِّها ، إذا قَضى أمرا فَإنَّما يَقولُ لَهُ : كُن ، فَيَكونُ . وَالرّابِعُ : «اللّهُ أكبَرُ» عَلى مَعنى حِلمِهِ ، وكَرَمِهِ ، يَحلُمُ كَأنَّهُ لا يَعلَمُ ، ويَصفَحُ كَأنَّهُ لا يَرى ، ويَستُرُ كَأنَّهُ لا يُعصى ، لا يَعجَلُ بِالعُقوبَةِ كَرَما وصَفحا وحِلما . وَالوَجهُ الآخَرُ فى مَعنى «اللّهُ أكبَرُ» : أى الجَوادُ ، جَزيلُ العَطاءِ ، كَريمُ الفَعالِ . وَالوَجهُ الآخَرُ : «اللّهُ أكبَرُ» فيهِ نَفىُ كَيفِيَّتِهِ (3) ، كَأنَّهُ يَقولُ : اللّهُ أجَلُّ مِن أن يُدرِكَ الواصِفونَ قَدرَ صِفَتِهِ الَّتى هُوَ مَوصوفٌ بِها ، وإنَّما يَصِفُهُ الواصِفونَ عَلى قَدرِهِم لا عَلى قَدرِ عَظَمَتِهِ وجَلالِهِ ، تَعالَى اللّهُ عَن أن يُدرِكَ الواصِفونَ صِفَتَهُ عُلُوّا كَبيرا . وَالوَجهُ الآخَرُ : «اللّهُ أكبَرُ» كَأنَّهُ يَقولُ : اللّهُ أعلى وأجَلُّ ، وهُوَ الغَنِىُّ عَن عِبادِهِ ، لا حاجَةَ بِهِ إلى أعمالِ خَلقِهِ . . . وأمّا قَولُهُ : «اللّهُ أكبَرُ» (4) ، فَإنَّهُ يَقولُ : اللّهُ أعلى وأجَلُّ مِن أن يَعلَمَ أحَدٌ مِن خَلقِهِ ما عِندَهُ مِنَ الكَرامَةِ لِعَبدٍ أجابَهُ وأطاعَهُ وأطاعَ وُلاةَ أمرِهِ ، وعَرَفَهُ وعَبَدَهُ وَاشتَغَلَ بِهِ وبِذِكرِهِ ، وأحَبَّهُ وأنِسَ بِهِ ، وَاطمَأنَّ إلَيهِ ووَثِقَ بِهِ ، وخافَهُ ورَجاهُ وَاشتاقَ إلَيهِ ، ووافَقَهُ فى حُكمِهِ وقَضائِهِ ورَضِىَ بِهِ . وفِى المَرَّةِ الثّانِيَةِ : «اللّهُ أكبَرُ» ، فَإنَّهُ يَقولُ : اللّهُ أكبَرُ وأعلى وأجَلُّ مِن أن يَعلَمَ أحَدٌ مَبلَغَ كَرامَتِهِ لِأولِيائِهِ ،

وعُقوبَتِهِ لِأعدائِهِ ، ومَبلَغَ عَفوِهِ وغُفرانِهِ ونِعمَتِهِ لِمَن أجابَهُ وأجابَ رَسولَهُ ، ومَبلَغَ عَذابِهِ ونَكالِهِ وهَوانِهِ لِمَن أنكَرَهُ وجَحَدَهُ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 84 ص 380 ح 35 نقلاً عن العلل لمحمّد بن علىّ بن إبراهيم .
2- .فى المصدر : «إذا» ، والتصويب من معانى الأخبار .
3- .فى معانى الأخبار : «نفى صفته وكيفيّته» .
4- .أى التى فى أواخر الأذان .
5- .التوحيد : ص 238 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 38 ح 1 كلاهما عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

امام علی علیه السلام در بیان معنای «خدا ، بزرگ تر است» در «تکبیره الإحرام» (1) :یعنی او بزرگ تر از آن است که با پنجه ها (2) (انگشتان) لمس گردد و با حواس ، ادراک شود . معنای «خدا» هم همان است که گفتیم ، یعنی کسی که چیزها را از مرز نیستی به هستی می آورد . و «بزرگ تر است» ، یعنی بزرگ تر از آن است که در وصف آید .

امام حسین علیه السلام :در مسجد نشسته بودیم که مؤذّن ، بالای مناره رفت و گفت : «خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر است» . امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام گریست و ما هم با گریه او گریستیم . چون مؤذّن ، اذانش را تمام کرد ، امام علیه السلام فرمود : «آیا می دانید مؤذّن چه می گوید؟». گفتیم : خدا و پیامبرش و وصیّ او بهتر می دانند . فرمود : «اگر بدانید که او چه می گوید ، هر آینه ، کم می خندید و بسیار می گِریید . جمله خدا ، بزرگ تر است ، معانی بسیار دارد ، از جمله : گفته «خدا ، بزرگ تر است» مؤذّن ، نشان از دیرینگی و اَزَلی بودن و ابدی بودن و دانش و نیرو و توانایی و بردباری و بزرگواری و بخشندگی و دَهِش و کبریایی خداوند دارد . پس وقتی مؤذّن می گوید : «خدا ، بزرگ تر است» ، در واقع می گوید : خدا ، همان کسی است که آفرینش و فرمایش ، ویژه اوست و با خواست او ، آفرینش ، صورت می پذیرد و هر چیزی ، از آفرینش از او سر می زند و آفرینش ، به او باز می گردد و او ، نخستین است و پیش از هر چیزی ، پیوسته بوده است و واپسین است و پس از هر چیزی ، همواره خواهد بود و آشکار است و برتر (/ آشکارتر) از هر چیزی است و ادراک نمی شود ، و نهان است و نهان تر از هر چیزی است و محدود نمی گردد . پس او ماناست و هر چیزی جز او ، نابود شدنی است . معنای دوم «خدا ، بزرگ تر است» ، یعنی دانا و آگاه است ، آنچه را بوده و آنچه را که بود شود ، پیش از آن که بود گردد ، می داند . معنای سوم «خدا ، بزرگ تر است» ؛ یعنی او بر هر چیزی تواناست . در آنچه بخواهد ، توانایی دارد ، به توان خویش ، نیرومند است . بر آفریدگانش اقتدار دارد . نیرومندی اش ، ذاتیِ اوست . قدرتش بر همه موجودات ، سایه افکنده است و چون چیزی را اراده کند ، فقط می فرماید : «هست شو!» و آن ، [بی درنگ ،] هست می شود . معنای چهارم «خدا ، بزرگ تر است» ، یعنی بردبار و بزرگوار است ، چنان بردباری می ورزد که گویا نمی داند [گناه و معصیتی شده است] ، و چنان گذشت می کند که گویا نمی بیند ، و چنان می پوشانَد که گویا اصلاً نافرمانی نمی شود ، از سرِ بزرگواری و گذشت و

بردباری، در کیفر دادن ، شتاب نمی ورزد . معنای دیگر «خدا ، بزرگ تر است» ، یعنی بخشنده بی چشمداشت است ، پُرداد و دَهِش است ، رفتارش بزرگوارانه است . معنای دیگر «خدا ، بزرگ تر است» ، نفی چگونگی از اوست . گویا [مؤذّن] می گوید : خدا ، بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان ، به اندازه اوصاف او که بدانها موصوف است ، دست یابند . وصف کنندگان ، در حقیقت ، به فراخور [درک و گنجایش] خودشان ، او را وصف می کنند ، نه به فراخور بزرگی و شکوه او . خداوند ، بسی برتر و بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان ، به اوصاف او برسند . معنای دیگر «خدا ، بزرگ تر است» ، این است که گویا [مؤذّن] می گوید : خدا ، برترین و شکوهمندترین است ، از بندگانش بی نیاز است ، به کردارهای بندگانش نیازی ندارد ... . گفته «خدا ، بزرگ تر استِ» (3) مؤذّن ، یعنی این که می گوید : خدا ، برتر و بزرگ تر از آن است که احدی از آفریدگانش بداند چه ارج و پاداشی دارد نزد او ، آن بنده ای که پاسخش دهد و از او و اولیای امرِ او فرمان ببرد و او را بشناسد و بندگی اش کند و به او و به یاد او سرگرم شود ، و دوستش بدارد و با او همدم شود ، و به او اطمینان و اعتماد کند ، و از او بترسد و به او امید بندد و مشتاق او باشد ، و فرمان و قضای او را بپذیرد و بدان ، راضی باشد . در «خدا ، بزرگ تر استِ» دوم ، می گوید : خدا ، بزرگ تر و برتر و بِشکوه تر از آن است که کسی بداند چه اندازه کرامت برای دوستانش و کیفر برای دشمنانش فراهم آورده است ، و برای کسی که او را و پیامبرش را اجابت کند ، چه مقدار بخشش و آمرزش و نعمت ، و برای آن که او را انکار و نفی کند ، چه اندازه عذاب و کیفر و خواری در نظر گرفته است .

.

1- .منظور از «تکبیره الاحرام» یا «تکبیره الافتتاح» ، تکبیری است که نمازگزار با آن ، وارد نماز می گردد . چون با این تکبیر ، نماز آغاز می شود .

2- .شاید مراد از «اخماس» ، حواسّ پنجگانه ظاهری باشد و مراد از «حواس» ، «حواس باطنی» .

3- .یعنی «اللّه اکبر»های آخر اذان .

ص: 20

. .

ص: 21

..

الكافى عن ابن محبوب عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قالَ رَجُلٌ عِندَهُ : «اللّهُ أكبَرُ» ، فَقالَ : اللّهُ أكبَرُ مِن أىِّ شَىءٍ؟ فَقالَ : مِن كُلِّ شَىءٍ . فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : حَدَّدتَهُ! فَقالَ الرَّجُلُ : كَيفَ أقولُ؟ قالَ : قُل : اللّهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ . (1)

.

1- .الكافى : ج 1 ص 117 ح 8 ، التوحيد : ص 313 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 11 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 219 ح 2 .

الکافی به نقل از ابن محبوب ، از کسی که نامش را برد : مردی در حضور امام صادق علیه السلام گفت : «خدا ، بزرگ تر است» . امام فرمود : «خدا ، بزرگ تر از چیست؟». مرد گفت : از هر چیزی . امام صادق علیه السلام فرمود : «او را محدود کردی!». مرد گفت : پس ، چه بگویم؟ فرمود : «بگو : خدا ، بزرگ تر از آن است که به وصف درآید » .

.

الكافى عن جميع بن عمير :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أىُّ شَىءٍ «اللّهُ أكبَرُ»؟ فَقُلتُ : اللّهُ أكبَرُ مِن كُلِّ شَىءٍ . فَقالَ : وكانَ ثَمَّ شَىءٌ فَيَكونُ أكبَرَ مِنهُ؟ فَقُلتُ : وما هُوَ؟ قالَ : اللّهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ . (1)

.

1- .الكافى : ج 1 ص 118 ح 9 ، التوحيد : ص 313 ح 2 عن جميع بن عمرو ، معانى الأخبار : ص 11 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 218 ح 1 .

الکافی به نقل از جمیع بن عمیر : امام صادق علیه السلام فرمود : « خدا ، بزرگ تر است ، یعنی چه»؟ گفتم : یعنی خدا ، بزرگ تر از همه چیز است . فرمود : «مگر اساسا چیزی وجود دارد که خدا ، بزرگ تر از آن باشد؟». گفتم : پس به چه معناست؟ فرمود : «[یعنی] خدا ، بزرگ تر از آن است که وصف شود» .

.

الفَصلُ الثّانى : فضل التّكبير والحثّ عليهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنَّ عَلَىَّ رَبّى وقالَ : يا مُحَمَّدُ . . . جَعَلتُ لَکَ ولِاُمَّتِکَ الأَرضَ کُلَّها مَسجِدا ، وتُرابَها طَهورا ، وأعطَيتُ لَکَ ولِاُمَّتِکَ التَّکبيرَ ، وقَرَنتُ ذِکرَکَ بِذِکرى ، حَتّى لا يَذکُرَنى أحَدٌ مِن اُمَّتِکَ إلّا ذَکَرَکَ مَعَ ذِکرى ، طوبى لَکَ يا مُحَمَّدُ ولِاُمَّتِکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن کَبَّرَ تَکبيرَةً عِندَ غُروبِ الشَّمسِ عَلى ساحِلِ البَحرِ رافِعا صَوتَهُ ، أعطاهُ اللّهُ مِن الأَجرِ بِعَدَدِ کُلِّ قَطرَةٍ فِى البَحرِ عَشرَ حَسَناتٍ ، ومَحا عَنهُ عَشرَ سَيِّئاتٍ ، ورَفَعَ لَهُ عَشرَ دَرَجاتٍ ، ما بَينَ الدَّرَجَتَينِ مَسيرَةُ مِئَهِ عامٍ بِالفَرَسِ المُسرِعِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن هَبَطَ وادِيا فَقالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ» مَلَأَ اللّهُ الوادِىَ حَسَناتٍ ، فَليَعظُمِ الوادى بُعدا أو لِيَصغُر . (3)

المستدرک على الصحيحين عن أبى سعيد الخدرىّ :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : اِستَکثِروا مِنَ الباقِياتِ الصّالِحاتِ . قيلَ : وما هُنَّ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : المِلَّهُ . قيلَ : وما هِىَ؟ قالَ : التَّکبيرُ ، وَالتَّهليلُ ، وَالتَّسبيحُ ، وَالتَّحميدُ ، و«لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» . (4)

.

1- .الخصال : ص 425 ح 1 ، علل الشرايع : ص 128 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 51 ح 1 کلّها عن جابر بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 16 ص 93 ح 27 .
2- .المعجم الكبير : ج 19 ص 29 ح 62 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 125 كلاهما عن إياس بن معاويه بن قرّه عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 4 ص 335 ح 10771 .
3- .المحاسن : ج 1 ص 101 ح 75 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 219 ح 4 .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 694 ح 1889 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11713 نحوه ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 132 ح 1379 ، كنز العمّال : ج 15 ص 951 ح 43654 .

فصل دوم: فضیلت «اللّه أکبر» گفتن و تشویق به آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارم بر من منّت نهاد و فرمود : «ای محمّد! ... همه زمین را برای تو و امّتت ، سجده گاه و خاک آن را پاک کننده ، قرار دادم و به تو و امّتت اللّه أکبر را عطا کردم و نام تو را در کنار نام خودم نهادم ، تا این که هیچ یک از امّت تو نام مرا نبرد ، مگر آن که نام تو را با نام من ، یاد کند . ای محمّد! خوشا به حال تو و امّتت!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگام غروب آفتاب ، در کنار دریا ، یک بار با صدای بلند «اللّه أکبر» بگوید ، خداوند به تعداد هر قطره دریا ، ده ثواب به او مزد می دهد و ده گناه از او پاک می کند و او را ده درجه بالا می برد که فاصله هر درجه تا درجه دیگر ، صد سال راه است که با اسب تیزتگ ، پیموده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس وارد وادی ای شود و بگوید : «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است» ، خداوند ، آن وادی را پُر از نیکی و ثواب می کند ، خواه آن وادی بزرگ و دراز باشد یا کوچک .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابوسعید خُدْری : پیامبر خدا فرمود : «ماندگارهای نیک خود را زیاد کنید» . گفته شد : ماندگارهای نیک ، چیستند ای پیامبر خدا؟ فرمود : «آیین» . گفته شد : آیین چیست؟ فرمود : «[گفتن] اللّه أکبر ، و لا إله إلّا اللّه ، و سبحان اللّه ، و الحمد للّه ، و لا حول و لا قوّهَ إلّا باللّه » .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما كَبَّرَ مُكَبِّرٌ فى بَرٍّ ولا بَحرٍ ، إلّامَلَأَ تَكبيرُهُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كَبَّرَ العَبدُ سَتَرَت تَكبيرَتُهُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ مِن شَىءٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :كَلِمَتانِ إحداهُما لَيسَ لَها نِهايَةٌ دونَ العَرشِ ، وَالاُخرى تَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ ، وَالتَّكبيرُ يَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وَالصَّومُ نِصفُ الصَّبرِ ، وَالطُّهورُ نِصفُ الإِيمانِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ واللّهُ أكبَرُ» ، يَقولُ اللّهُ عز و جل : صَدَقَ عَبدى ، لا إلهَ إلّا أنَا وأنَا أكبَرُ . (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 5 ص 19 ح 11866 نقلاً عن أبى الشيخ عن أبى الدرداء .
2- .تاريخ بغداد : ج 11 ص 86 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 7 ص 430 ح 19637 .
3- .المعجم الكبير : ج 20 ص 160 ح 334 عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 1 ص 421 ح 1798 .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 536 ح 3519 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 37 ح 23135 وص 42 ح 23160 ؛ الجعفريّات : ص 169 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الكافى : ج 2 ص 506 ح 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، الدعوات : ص 54 ح 136 وفيهما إلى «والأرض» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 175 ح 22 .
5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1246 ح 3794 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 46 ح 8 كلاهما عن أبى هريره وأبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 558 ح 42168 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ تکبیرگویی در خشکی و دریا تکبیر نگفت ، مگر آن که تکبیر او میان آسمان و زمین را پُر کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه بنده ، تکبیر بگوید ، تکبیر او هر چیزی را میان آسمان و زمین ، فرو می پوشانَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو جمله اند که یکی از آنها را پایانی جز عرش نیست ، و دیگری ، بین آسمان و زمین را پُر می کند : «معبودی جز خدا نیست» و «خدا ، بزرگ تر است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«سبحان اللّه » ، نیمی از ترازو[ی اعمال] را می گیرد ، و «الحمد للّه » ، آن را پُر می کند ، و «اللّه أکبر» ، از زمین تا آسمان را آکنده می سازد . روزه ، نیمی از شکیبایی است و وضو ، نیمی از ایمان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه بنده بگوید : «معبودی جز خدا نیست ، و خدا ، بزرگ تر است» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام راست گفت . معبودی جز من نیست . من ، بزرگ ترم [از آن که وصف شوم]» .

.

المعجم الأوسط عن أبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أهَلَّ مُهِلٌّ قَطُّ إلّا بُشِّرَ ، ولا كَبَّرَ مُكَبِّرٌ قَطُّ إلّا بُشِّرَ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، بِالجَنَّهِ؟ قالَ : نَعَم . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما كَبَّرَ الحاجُّ مِن تَكبيرَهٍ ولا هَلَّلَ مِن تَهليلَهٍ ، إلّا بُشِّرَ بِها تَبشِرَهً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» إلّا أعتَقَ اللّهُ رُبعَهُ مِنَ النّارِ ، فَإن قالَها مَرَّتَينِ أعتَقَ اللّهُ شَطرَهُ مِنَ النّارِ ، فَإن قالَها ثَلاثا أعتَقَ اللّهُ ثَلاثَهَ أرباعِهِ مِنَ النّارِ ، فَإن قالَها أربَعا أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى قَولِهِ عز و جل : « وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَهَ التَّقْوَى » (4) ، قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ . (5)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :أكثِروا مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ ، فَإِنَّهُ لَيسَ شَىءٌ أحَبَّ إلَى اللّهِ عز و جلمِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :ثَمَنُ الجَنَّهِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ . (7)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 379 ح 7779 ، كنز العمّال : ج 5 ص 7 ح 11806 .
2- .تاريخ دمشق : ج 52 ص 47 ح 10934 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 5 ص 19 ح 11865 .
3- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 382 ح 8941 ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 97 ح 16833 ، كنز العمّال : ج 1 ص 442 ح 1909 كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير نحوه وكلّها عن أبى الدرداء .
4- .الفتح : 26 .
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 500 ح 3717 عن عبايه بن ربعى ، كنز العمّال : ج 2 ص 505 ح 4604 .

6- .الكافى : ج 2 ص 506 ح 2 عن فضيل ، بحار الأنوار : ج 93 ص 219 ح 3 .
7- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 1 عن يعقوب القمّى .

المعجم الأوسط به نقل از ابوهُرَیره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ لا إله إلّا اللّه گویی لا إله إلّا اللّه نگفت ، مگر آن که به او نوید داده شد ، و هیچ تکبیرگویی ، تکبیر نگفت ، مگر آن که به او نوید داده شد» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! نوید بهشت؟ فرمود : «آری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای هر تکبیر و «لا إله إلّا اللّه » که حاجی بگوید ، یک نوید به او داده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است» ، مگر آن که خداوند ، یکْ چهارم او را از آتش می رَهانَد ، و اگر بار دوم آن را بگوید ، خداوند ، نیمی از او را از آتش می رَهاند ، و اگر بار سوم بگوید ، خداوند ، سه چهارمش را از آتش می رهانَد ، و اگر بار چهارم بگوید ، خداوند ، او را [به طور کامل] از آتش می رهاند .

امام علی علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت» : یعنی این گفته را که «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است» .

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :«لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» را بسیار بگویید ؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عز و جل دوست داشتنی تر از «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» نیست .

امام صادق علیه السلام :بهای بهشت ، «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» است .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : مواضع التّكبير3 / 1الأَذانُرسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سَأَلَهُ أَميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام عَن تَفسيرِ الأَذانِ : يا عَلِيُّ ، الأَذانُ حُجَّةٌ عَلى اُمَّتي ، وتَفسيرُهُ : إذا قالَ المُؤَذِّنُ : «اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ» فَإنَّهُ يَقولُ : اللّهُمَّ أنتَ الشّاهِدُ عَلى ما أقولُ ، يا اُمَّةَ مُحَمَّدٍ قَد حَضَرَتِ الصَّلاةُ فَتَهَيَّؤُوا ، ودَعوا عَنكُم شُغُلَ الدُّنيا . (1)

راجع : موسوعه ميزان الحكمه : ج 2 (الأذان) .

3 / 2الصَّلاهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ شَيءٍ صَفوَةٌ ، وَصَفوَةُ الصَّلاةِ التَّكبيرَةُ الأُولى . (2)

.

1- .جامع الأخبار : ص 171 ح 405 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 153 ح 49 .
2- .مسند أبى يعلى : ج 5 ص 422 ح 6117 عن أبى هريره ، حليه الأولياء : ج 5 ص 67 عن عبد اللّه بن أبى أوفى ، كنز العمّال : ج 7 ص 292 ح 18937 نقلاً عن شُعب الإيمان .

فصل سوم: جایگاه های گفتن «اللّه أکبر»

3 / 1 اذان

3 / 2 نماز

فصل سوم: جایگاه های گفتن «اللّه أکبر»3 / 1اذانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ پرسش امیر مؤمنان در باره تفسیر اذان : ای علی! اذان ، حجّت [خدا] بر امّت من است و تفسیر آن ، این است که : هرگاه مؤذّن گفت : «خدا ، بزرگ تر است ؛ خدا ، بزرگ تر است» ، بدان وسیله می گوید : بار خدایا! تو خود بر آنچه می گویم ، گواهی . ای امّت محمّد! وقت نماز ، رسیده است . پس آماده شوید و کار دنیا را رها کنید .

ر . ک : دانش نامه میزان الحکمه : ج 2 (اذان) .

3 / 2نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی ، خلاصه و گزیده ای دارد و خلاصه نماز ، نخستین تکبیر است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ شَىءٍ أنفَةً (1) ، وإنَّ أنفَةَ الصَّلاهِ التَّكبيرَهُ الأُولى ، فَحافِظوا عَلَيها . (2)

علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : لِأىِّ عِلَّهٍ صارَ التَّكبيرُ فِى الاِفتِتاحِ سَبعَ تَكبيراتٍ أفضَلَ؟ ولِأىِّ عِلَّهٍ يُقالُ فِى الرُّكوعِ : «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» ، ويُقالُ فِى السُّجودِ : «سُبحانَ رَبِّىَ الأَعلى وَبِحَمدِهِ»؟ قال : يا هِشامُ ، إنَّ اللّهَ تَبارکَ وتَعالى خَلَقَ السَّماواتِ سَبعا ، وَالأَرَضينَ سَبعا ، وَالحُجُبَ سَبعا ، فَلَمّا أُسرِىَ بِالنَّبىِّ صلى الله عليه و آله وكانَ مِن رَبِّهِ كَقابِ قَوسَينِ أو أدنى ، رُفِعَ لَهُ حِجابٌ مِن حُجُبِهِ ، فَكَبَّرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وجَعَلَ يَقولُ الكَلِماتِ الَّتى تُقالُ فِى الاِفتِتاحِ ، فَلَمّا رُفِعَ لَهُ الثّانى كَبَّرَ ، فَلَم يَزَل كَذلِکَ حَتّى بَلَغَ سَبعَ (3) حُجُبٍ ، وكَبَّرَ سَبعَ تَكبيراتٍ ، لِتِلکَ العِلَّهِ يُكَبَّرُ فِى الاِفتِتاحِ فِى الصَّلاهِ سَبعَ تَكبيراتٍ . فَلَمّا ذَكَرَ ما رَأى مِن عَظَمَهِ اللّهِ ارتَعَدَت فَرائِصُهُ ، فَابتَرَکَ عَلى رُكبَتَيهِ وأخَذَ يَقولُ : «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ» ، فَلَمَّا اعتَدَلَ مِن رُكوعِهِ قائِما نَظَرَ إلَيهِ فى مَوضِعٍ أعلى مِن ذلِکَ المَوضِعِ ، خَرَّ عَلى وَجهِهِ وجَعَلَ يَقولُ : «سُبحانَ رَبِّىَ الأَعلَى وبِحَمدِهِ» ، فَلَمّا قالَ سَبعَ مَرّاتٍ سَكَنَ ذلِکَ الرُّعبُ ، فَلِذلِکَ جَرَت بِهِ السُّنَّهُ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام فيما رَواهُ عَنهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن عِلَلِ الفَرائِضِ : إن قالَ [قائِلٌ] : فَلِمَ جُعِلَتِ التَّكبيرُ فِى الاِستِفتاحِ سَبعَ تَكبيراتٍ؟ قيلَ : إنَّما جُعِلَ ذلِکَ لِأَنَّ التَّكبيرَ فِى الرَّكعَهِ الأُولَى الَّتى هِىَ الأَصلُ سَبعُ تَكبيراتٍ : تَكبيرَهُ الاِستِفتاحِ ، وتَكبيرَهُ الرُّكوعِ ، وتَكبيرَتانِ لِلسُّجودِ ، وتَكبيرَهٌ أيضا لِلرُّكوعِ ، وتَكبيرَتانِ لِلسُّجودِ ؛ فَإذا كَبَّرَ الإنسانُ أوَّلَ الصَّلاهِ سَبعَ تَكبيراتٍ فَقَدَ أحرَزَ التَّكبيرَ كُلَّهُ ، فَإن سَهَا فى شَىءٍ مِنها أو تَرَكَها لَم يَدخُل عَلَيهِ نَقصٌ فى صَلاتِهِ . . . فَإن قالَ : فَلِمَ يَرفَعُ اليَدَينِ فِى التَّكبيرِ؟ قيلَ : لِأَنَّ رَفعَ اليَدَينِ هُوَ ضَربٌ مِنَ الاِبتِهالِ وَالتَّبَتُّلِ وَالتَّضَرُّعِ ، فَأَحَبَّ اللّهُ عز و جل أن يَكونَ العَبدُ فى وَقتِ ذِكرِهِ لَهُ مُتَبَتِّلاً مُتَضَرِّعا مُبتَهِلاً ، ولِأَنَّ فى رَفعِ اليَدَينِ إحضارَ النِّيَّهِ ، وإقبالَ القَلبِ عَلى ما قالَ وقَصَدَهُ . (5)

.

1- .أُنْفهُ الشىء : ابتداؤه ، هكذا رُوى بضمّ الهمزه ، قال الهروى : والصحيح بالفتح (النهايه : ج 1 ص 75 «أنف») .

2- .المصنّف لابن أبی شیبه : ج 1 ص 340 ح 3 عن أبی الدرداء ، کنز العمّال : ج 7 ص 430 ح 19635 .
3- .کذا فی جمیع المصادر ، والقیاس : «سبعه» .
4- .علل الشرائع : ص 332 ح 4 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 314 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 355 ح 4 .
5- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 108 ح 1 ، علل الشرایع : ص 261 ح 9 نحوه ، بحار الأنوار : ج 84 ص 362 ح 15 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی ، آغازی دارد و آغاز نماز ، نخستین تکبیر است . پس آن را پاس بدارید .

علل الشرائع به نقل از هشام بن حکم : به امام کاظم علیه السلام گفتم : به چه علّت ، گفتن هفت تکبیر در آغاز نماز ، فضیلت بیشتری دارد؟ و به چه علّت ، در رکوع گفته می شود : «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را !» ، و در رکوع ، گفته می شود : «پاکا پروردگار برین من و ستایش ، او را !» ؟ فرمود : ای هشام ! خداوند تبارک و تعالی آسمان را هفت تا آفرید و زمین را هفت تا و حجاب ها را هفت تا . شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت و تا یک قدمی و بلکه کمتر از آن به پروردگارش نزدیک شد ، یکی از حجاب ها برایش کنار زده شد . پیامبر خدا ، تکبیر گفت و شروع به گفتن کلماتی کرد که در آغاز [نماز]گفته می شود . چون حجاب دوم برایش کنار زده شد ، باز تکبیر گفت و همین طور تا کنار زده شدن هفت حجاب ، هفت تکبیر گفت . به همین علّت ، در آغاز نماز ، هفت تکبیر گفته می شود . چون آنچه را که از عظمت خدا دید ، یادآور شد ، لرزه بر اندامش افتاد و به زانو درآمد و شروع به گفتن «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را !» کرد و چون از رکوعش راست شد و ایستاد ، خداوند را در جایگاهی برتر و بالاتر از آن جایگاه [قبل] دید . پس به رو ، در افتاد و شروع کرد به گفتن «پاکا پروردگار برین من و ستایش ، او را !» . چون هفت مرتبه گفت ، آن وحشت ، فرو نشست . و این ، سنّت [و قاعده] شد .

امام رضا علیه السلام در بیان علل واجبات ، به نقل از فضل بن شاذان : اگر گوینده ای گفت : «چرا تکبیرهای هفتگانه ، در آغاز [نماز] مقرّر گشته است؟». پاسخ داده می شود که : این هفت تکبیر ، مقرّر شده است ، چون در رکعت اوّل نماز که اصل است ، هفت تکبیر گفته می شود : تکبیر آغازین (تکبیره الإحرام) ، تکبیر [قبل از] رکوع ، دو تکبیر سجده[ی اوّل ، یکی قبل از آن و یکی بعد از آن] ، تکبیر دیگری برای رکوع [پس از برخاستن از رکوع] ، دو تکبیر دیگر برای سجده[ی دوم ، یکی قبل و یکی بعد از آن] . پس هرگاه انسان در آغاز نماز ، هفت تکبیر بگوید ، همه تکبیرات [نماز] را به جا آورده است . از این رو ، اگر یکی از آنها را فراموش کرد یا ترک نمود ، نقصی در نمازش وارد نمی شود ... . اگر [گوینده ای] گفت : «چرا در هنگام گفتن تکبیر ، نمازگزار دست ها را بلند

می کند؟»، پاسخ داده می شود که : چون بلند کردن دست ها ، نوعی التماس و درخواست و زاری کردن است ، پس خداوند عز و جل دوست دارد که بنده ، در هنگام نیایش و یادکرد او به حال زاری و التماس و درخواست باشد ، علّت دیگر آن است که در بالا بردن دست ها ، حضور ذهن و روی کردن دل است به آنچه می گوید و آهنگ آن کرده است .

.

سنن الدارمي عن عبد اللّه بن مسعود :رَأَيتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُكَبِّرُ فى كُلِّ رَفعٍ ووَضعٍ ، وقِيامٍ وقُعودٍ . (1)

3 / 3الجِهادُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةُ أصواتٍ يُباهِى اللّهُ بِهِنَّ المَلائِكَةَ : الأَذانُ ، وَالتَّكبيرُ فى سَبيلِ اللّهِ ، ورَفعُ الصَّوتِ بِالتَّلبِيَهِ . (2)

المناقب لابن شهرآشوب عن ابن عبّاس :كانَ جَبرَئيلُ عليه السلام جالِسا عِندَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله عَن يَمينِهِ إذ أقبَلَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام ، فَضَحِكَ جَبرَئيلُ عليه السلام فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، هذا عَلِيُّ بنُ أبى طالِبٍ قَد أقبَلَ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلُ ، وأهلُ السَّماواتِ يَعرِفونَهُ؟ قالَ : يا مُحَمَّدُ ، وَالَّذى بَعَثَكَ بِالحَقِّ نَبِيّا ، إنَّ أهلَ السَّماواتِ لَأَشَدُّ مَعرِفَةً لَهُ مِن أهلِ الأَرضِ ، ما كَبَّرَ تَكبيرَةً فى غَزوَهٍ إلّا كَبَّرنا مَعَهُ ، ولا حَمَلَ حَملَةً إلّا حَمَلنا مَعَهُ ، ولا ضَرَبَ بِسَيفٍ إلّا ضَرَبنا مَعَهُ . (3)

.

1- .سنن الدارمى : ج 1 ص 302 ح 1229 ، سنن النسائى : ج 2 ص 233 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 47 ح 3736 ، كنز العمّال : ج 8 ص 222 ح 22658 .
2- .الجامع الصغير : ج 1 ص 538 ح 3492 ، كنز العمّال : ج 15 ص 814 ح 43237 كلاهما نقلاً عن ابن النجّار والفردوس عن جابر .
3- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 235 ، بحار الأنوار : ج 39 ص 98 ح 10 .

سنن الدارمی به نقل از عبد اللّه بن مسعود :پیامبر خدا را دیدم که در هر برداشتن و نهادنی ، و هر برخاست و نشستی ، تکبیر می گفت .

3 / 3جهادپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه بانگ است که خداوند ، به آنها بر فرشتگان ، مباهات می کند : اذان ، تکبیر گفتن در راه خدا [جهاد] ، و بلند کردن صدا به لبّیک گویی [در حج] .

المناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از ابن عبّاس :جبرئیل علیه السلام در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که امیر مؤمنان ، نمایان شد . جبرئیل علیه السلام خندید و گفت : ای محمّد! این ، علی بن ابی طالب است که می آید . پیامبر خدا فرمود : «ای جبرئیل ! اهل آسمان ها هم او را می شناسند؟» . جبرئیل علیه السلام گفت : ای محمّد سوگند به آن که تو را به حق پیامبر کرد ، اهل آسمان ها بیشتر از اهل زمین ، او را می شناسند . در هیچ نبردی تکبیری نگفت ، مگر آن که ما نیز هم صدا با او تکبیر گفتیم ، و هیچ یورشی نبرد ، مگر آن که ما نیز همراه با او یورش بردیم ، و هیچ شمشیری نزد ، مگر آن که ما نیز با او ضربت زدیم .

.

المناقب لابن شهرآشوب عن ابن عبّاس فی نَقلِ ما رَأی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لَیلَةَ المِعراجِ :ثُمَّ دَخَلَ الجَنَّةَ ورَأی ما فیها ، وسَمِعَ صَوتا : آمَنّا بِرَبِّ العالَمینَ ، قالَ : هؤُلاءِ سَحَرَةُ فِرعَونَ . وسَمِعَ : لَبَّیکَ اللّهُمَّ لَبَّیکَ ، قالَ : هؤُلاءِ الحُجّاجُ . وسَمِعَ التَّکبیرَ ، فَقالَ : هؤُلاءِ الغُزاهُ . وسَمِعَ التَّسبیحَ ، قالَ : هؤُلاءِ الأَنبِیاءُ . (1)

3 / 4الظَّفَرُالمغازی فی أخبارِ غَزوَهِ اُحُدٍ : وصاحَ طَلحَهُ بنُ أبی طَلحَهَ : مَن یُبارِزُ؟ فَقالَ عَلیٌّ علیه السلام : هَل لَکَ فِی البِرازِ؟ قالَ طَلحَهُ : نَعَم . فَبَرَزا بَینَ الصَّفَّینِ ورَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله جالِسٌ تَحتَ الرّایَهِ ؛ عَلَیهِ دِرعانِ ومِغفَرٌ وبَیضَهٌ ، فَالتَقَیا ، فَبَدرَهُ عَلیٌّ علیه السلام فَضَرَبَهُ عَلی رَأسِهِ ، فَمَضَی السَّیفُ حَتّی فَلَقَ هامَتَهُ حَتّی انتَهی إلی لِحیَتِهِ ، فَوَقَعَ طَلحَهُ وَانصَرَفَ عَلِیٌّ علیه السلام . فَقیلَ لِعَلِیٍّ علیه السلام : ألا ذَفَّفتَ (2) عَلَیهِ؟ قالَ : إنَّهُ لَمّا صُرِعَ استَقبَلَتنی عَورَتُهُ ، فَعَطَفَنی عَلَیهِ الرَّحمُ ، وقَد عَلِمتُ أنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی سَیَقتُلُهُ ؛ هُوَ کَبشُ الکَتیبَهِ . . . فَلَمّا قُتِلَ طَلحَهُ سُرَّ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وأظهَرَ التَّکبیرَ ، وکَبَّرَ المُسلِمونَ . (3)

.

1- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 178 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 382 ح 86 .
2- .تَذفِیف الجَریح : الإجهاز علیه وتحریر قتله (النهایه : ج 2 ص 162 «ذفف») .
3- .المغازی : ج 1 ص 225 ؛ بحار الأنوار : ج 20 ص 127 ح 50 .

المناقب ، ابن شهرآشوب از ابن عباس در نقل آنچه پیامبر خدا در شب معراج دید : سپس وارد بهشت شد و آنچه را در آن بود ، دید و آوازی شنید که می گوید : «به پروردگار جهانیان ، ایمان آوردیم» . [خداوند] فرمود : «اینها جادوگرانِ فرعون اند» و آوازی شنید که می گوید : «لبّیک! بار خدایا ، لبّیک!» . فرمود : «اینان ، حج گزاران اند» و تکبیری شنید . [خداوند] فرمود : «اینان ، رزمندگان اند» و آواز تسبیح شنید . [خداوند]فرمود : «اینان ، پیامبران اند» .

3 / 4کسب پیروزیالمغازی در اخبار نبرد اُحد : طلحه بن ابی طلحه ، فریاد زد و مبارز طلبید . علی علیه السلام فرمود : «مبارز می خواهی؟» . طلحه گفت : آری . آن دو به میدان آمدند . پیامبر خدا ، در زیر پرچم ، نشسته بود . علی علیه السلام دو زره و کلاه خودی بر تن داشت . علی علیه السلام و طلحه ، رو یا روی شدند . علی علیه السلام پیش دستی کرد و ضربتی بر سرِ طلحه فرود آورد که شمشیر ، فرق سر او را تا چانه اش شکافت . طلَحه بر زمین افتاد و علی علیه السلام باز گشت . به علی علیه السلام گفته شد : چرا کار او را تمام نکردی؟ فرمود : «چون بر زمین افتاد ، عورتش را به من نمود . دلم بر او رحم آمد و دانستم که خداوند تبارک و تعالی به زودی او را می کشد . او ، قوچِ سپاه بود ...» . چون طلحه کشته شد ، پیامبر خدا ، شادمان شد و تکبیر گفت و مسلمانان ، تکبیر گفتند .

.

مجمع البيان :قالَ الزُّهرِىُّ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حينَ سَأَلوهُ [بَنو قُرَيظَةَ] أن يُحَكِّمَ فيهِم رَجُلاً : اِختاروا مَن شِئتُم مِن أصحابى ، فَاختاروا سَعدَ بنَ مَعاذٍ ، فَرَضِىَ بِذلِكَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؛ فَنَزَلوا عَلى حُكمِ سَعدِ بنِ مَعاذٍ . فَأَمَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِسِلاحِهِم فَجُعِلَ فى قُبَّهٍ ، وأمَرَ بِهِم فَكُتِّفوا وأُوثِقوا وجُعِلوا فى دارِ أُسامَةَ ، وبَعَثَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلى سَعدِ بنِ مَعاذٍ فَجِىءَ بِهِ ، فَحَكَمَ فيهِم بِأن يَقتُلَ مُقاتِليهِم ، وتُسبى ذَراريُّهُم ونِساؤُهُم ، وتُغنَمَ أموالُهُم ، وأنَّ عِقارَهُم لِلمُهاجِرينَ دونَ الأنصارِ ، وقالَ لِلأنصارِ : إنَّكُم ذَوو عِقارٍ ولَيسَ لِلمُهاجِرينَ عِقارٌ . فَكَبَّرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وقالَ لِسَعدٍ : لَقَد حَكَمتَ فيهِم بِحُكمِ اللّهِ عز و جل . (1)

3 / 5لَيلَةُ الزِّفافِكتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :لَمّا زَوَّجَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فاطِمَةَ مِن عَلِىٍّ عليهماالسلام . . فَلَمّا كانَت لَيلَةُ الزِّفافِ أتَى النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله بِبَغلَتِهِ الشَّهباءِ ، وثَنى عَلَيها قَطيفَةً (2) ، وقالَ لِفاطِمَةَ عليهاالسلام : اِركَبى ، وأمَرَ سَلمانَ أن يَقودَها ، وَالنَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَسوقُها ، فَبَينا هُوَ فى بَعضِ الطَّريقِ ، إذ سَمِعَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله وَجبَةً (3) ؛ فَإِذا هُوَ بِجَبرَئيلَ عليه السلام فى سَبعينَ ألفا ، وميكائيلَ فى سَبعينَ ألفا . فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : ما أهبَطَكُم إلَى الأرضِ؟ قالوا : جِئنا نَزُفُّ فاطِمَةَ عليهاالسلامإلى زَوجِها ، وكَبَّرَ جَبرَئيلُ عليه السلام ، وكَبَّرَ ميكائيلُ عليه السلام ، وكَبَّرَتِ المَلائِكَةُ ، وكَبَّرَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ، فَوُضِعَ التَّكبيرُ عَلَى العَرائِسِ مِن تِلكَ اللَّيلَةِ . (4)

.

1- .مجمع البيان : ج 8 ص 552 ، بحار الأنوار : ج 20 ص 211 .
2- .القَطيفه : كِساءٌ له خَمْل (النهايه : ج 4 ص 84 «قطف») .
3- .الوَجْبَه : السَّقْطَه مع الهَدَّه (الصحاح : ج 1 ص 232 «وجب») .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 401 ح 4402 ، الأمالى للطوسى : ص 255 ح 464 عن موسى بن إبراهيم المروزى عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن جابر بن عبد اللّه ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 452 ح 1547 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 104 ح 15 .

مجمع البیان :زُهری می گوید : هنگامی که بنی قریظه از پیامبر خدا خواستند که یک نفر را در باره آنان ، حَکَم قرار دهد . فرمود : «هر یک از یاران مرا که خود می خواهید ، انتخاب کنید» . آنها سعد بن مُعاذ را انتخاب کردند . پیامبر خدا هم قبول کرد . بنی قریظه به داوری سعد بن مُعاذ ، تن دادند . پیامبر خدا ، دستور داد سلاح های آنها را گرفتند و در سرا پرده ای نهادند و فرمود تا دست های آنها را از پشت ، بستند و به خانه اُسامه بردند . آن گاه ، پیامبر خدا ، در پی سعد بن مُعاذ فرستاد و او را آوردند . سعد حکم کرد که جنگجویانشان ، کشته و زنان و فرزندانشان ، اسیر شوند و اموالشان ، به غنیمت گرفته شود و املاکشان ، به مهاجران داده شود و به انصار ، چیزی داده نشود . به انصار گفت : شما زمین دارید و مهاجران ، زمینی ندارند . پیامبر خدا ، تکبیر گفت و به سعد فرمود : «تو در باره آنها به حکم خداوند عز و جل حکم کردی» .

3 / 5شب عروسیکتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری : هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلامرا به همسری علی علیه السلام درآورد ... ، شب زفاف که شد ، استر خاکستری اش را آورد و رواندا‌ز مخملی خویش را برپشت آن انداخت و به فاطمه علیهاالسلام فرمود : «سوار شو» و به سلمان ، دستور داد که افسار آن را بکشد و خود پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می راند . در بین راه ، صدای فرو افتادن چیزی را شنید . جبرئیل و میکائیل علیهماالسلام بودند که هر یک با هفتاد هزار [فرشته] فرود آمدند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چه باعث شد که به زمین فرود بیایید ؟». گفتند : آمده ایم که فاطمه علیهاالسلام را به خانه شوهرش ببریم . جبرئیل و میکائیل علیهماالسلامو فرشتگان ، تکبیر گفتند و محمّد صلی الله علیه و آله تکبیر گفت . از آن شب ، تکبیر گفتن در عروسی ها رسم شد .

.

الإمام الباقر علیه السلام :حَدَّثَنی جابِرُ بنُ عَبدِ اللّهِ الأَنصارِیُّ ، قالَ : لَمّا کانَتِ اللَّیلَهُ الَّتی أهدی فیها رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فاطِمَهَ علیهاالسلام إلی عَلِیٍّ علیه السلام ، دَعا بِعَلِیٍّ علیه السلام فَأجلَسَهُ عَن یَمینِهِ ، ودَعا بِها علیهاالسلام فَأجلَسَها عَن شِمالِهِ ، ثُمَّ جَمَعَ رَأسَیهِما ، ثُمَّ قامَ وقاما وهُوَ بَینَهُما یُریدُ مَنزِلَ عَلِیٍّ علیه السلام ، فَکَبَّرَ جَبرَئیلُ فِی المَلائِکَهِ ، فَسَمِعَ النَّبِیُّ صلی الله علَیه و آله التَّکبیرَ فَکَبَّرَ ، وکَبَّرَ المُسلِمونَ ، وهُوَ أوَّلُ تَکبیرٍ کانَ فی زِفافٍ ، فَصارَت سُنَّهً . (1)

3 / 6الأَعیادُالکتاب«وَلِتُکْمِلُواْ الْعِدَّهَ وَلِتُکَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکُمْ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ» . (2)

الحدیثالکافی عن سعید النقّاش :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام لی : أما إنَّ فِی الفِطرِ تَکبیرا ولکِنَّهُ مَستورٌ ، قالَ : قُلتُ : وأینَ هُوَ؟ قالَ : فی لَیلَهِ الفِطرِ فِی المَغرِبِ وَالعِشاءِ الآخِرَهِ ، وفی صَلاهِ الفَجرِ ، وفی صَلاهِ العیدِ ، ثُمَّ یُقطَعُ . قالَ : قُلتُ : کَیفَ أقولُ؟ قالَ : تَقولُ : «اللّهُ أکبَرُ اللّهُ أکبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ ، اللّهُ أکبَرُ وللّهِ الحَمدُ ، اللّهُ أکبَرُ عَلی ما هَدانا» ، وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : « وَلِتُکْمِلُواْ الْعِدَّهَ » یَعنِی الصِّیامَ « وَلِتُکَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکُمْ » . (3)

.

1- .دلائل الإمامه : ص 102 ح 31 عن علیّ بن مهدی عن الإمام الرضا عن أبیه عن جدّه علیهم السلام .
2- .البقره : 185 .
3- .الکافی : ج 4 ص 166 ح 1 ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 138 ح 311 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 167 ح 2034 وفیهما «مسنون» بدل «مستور» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 116 ح 2 .

امام باقر علیه السلام :جابر بن عبد اللّه انصاری برایم چنین نقل کرد : شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلامرا به خانه علی علیه السلام برد ، علی علیه السلام را صدا زد و او را در سمت راست خود ، نشانید و فاطمه علیهاالسلام را نیز صدا زد و در سمت چپ خود نشاند . سپس سرهای آن دو را به هم چسبانید . آن گاه ، هر سه برخاستند و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بین آن دو بود ، ره سپار خانه علی علیه السلام شدند . جبرئیل علیه السلام در میان فرشتگان ، آواز تکبیر سر داد پیامبر صلی الله علیه و آله صدای تکبیر را شنید و تکبیر گفت و مسلمانان هم تکبیر گفتند . این ، نخستین تکبیری بود که در یکِ شب زفاف گفته شد و از آن پس ، رسم شد .

3 / 6اعیادقرآن«و تا شماره[ی مقرّر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن که هدایتتان کرد ، به بزرگی بستایید ، و باشد که سپاس گزاری کنید» .

حدیثالکافی به نقل از سعید نقّاش : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «[عید]فطر ، تکبیر دارد ؛ امّا پوشیده (/ مستحب) است» . گفتم : وقتش کِی است؟ فرمود : «پس از نماز مغرب و عشای شب [عید] فطر و پس از نماز صبح و در نماز عید . سپس قطع می شود» . گفتم : چگونه بگویم؟ فرمود : «می گویی : بزرگا خدا ، بزرگا خدا ! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا ، و ستایش ، خدای را ! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود ! ، و این [تکبیر] ، سخن خداوند عز و جل است که : «و تا مدّت را کامل گردانید» ، یعنی روزه را «و خدا را برای آن که شما را هدایت فرمود ، به بزرگی یاد کنید» » .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :زَيِّنوا أعيادَكُم بِالتَّكبيرِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :زَيِّنُوا العيدَينِ بِالتَّهليلِ وَالتَّقديسِ وَالتَّحميدِ وَالتَّكبيرِ . (2)

سنن ابن ماجه عن سعد المؤذّن :كانَ النَّبىُّ صلى الله عليه و آله يُكَبِّرُ بَينَ أضعافِ (3) الخُطبَهِ ، يُكثِرُ التَّكبيرَ فى خُطبَهِ العيدَينِ . (4)

شعب الإيمان عن عبد اللّه :إنّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَخرُجُ مِنَ العيدَينِ رافِعا صَوتَهُ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ . (5)

المستدرک على الصحيحين عن عبد اللّه بن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يُكَبِّرُ يَومَ الفِطرِ مِن حينَ يَخرُجُ مِن بَيتِهِ حَتّى يَأتِىَ المُصَلّى . (6)

الإمام الباقر عليه السلام :كانَ عَلىٌّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ يُكَبِّرُ لَيلَهَ الفِطرِ إلى أن يَرِدَ المُصَلّى . (7)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 339 ح 4373 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 215 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 8 ص 546 ح 24094 .
2- .حليه الأولياء : ج 2 ص 288 عن أنس ، كنز العمّال : ج 8 ص 546 ح 24095 .
3- .أضعاف : أثناء (القاموس المحيط : ج 3 ص 165 «ضعف») .
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 409 ح 1287 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 703 ح 6554 ، كنز العمّال : ج 7 ص 89 ح 18103 .
5- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 342 ح 3714 ، كنز العمّال : ج 7 ص 88 ح 18101 عن عبد اللّه بن عمر .
6- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 438 ح 1105 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 395 ح 6131 ، كنز العمّال : ج 7 ص 89 ح 18104 .
7- .النوادر للراوندى : ص 197 ح 367 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : ص 46 عن الإمام الكاظم عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه

«حتّى يغدو» بدل «إلى أن يرد» وليس فيه «علىّ صلوات اللّه عليه» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عیدهایتان را با تکبیر ، زینت ببخشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو عید [فطر و قربان] را با ذکرهای «لا إله إلّا اللّه » و «سبحان اللّه » و «الحمد للّه » و «اللّه أکبر» بیارایید .

سنن ابن ماجه به نقل از سعد مؤذّن : پیامبر صلی الله علیه و آله به طور کلّی در اثنای خطبه ، تکبیر می گفت ؛ ولی در خطبه دو عید ، بسیار تکبیر می گفت .

شعب الإیمان به نقل از عبد اللّه : پیامبر خدا ، دو عید را با سردادن بانگ «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» ، پشتِ سر می نهاد .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از عبد اللّه بن عمر : پیامبر خدا ، در روز [عید]فطر ، از زمانی که از خانه اش بیرون می آمد تا به نمازگاه می رسید ، پیوسته تکبیر می گفت .

امام باقر علیه السلام :علی که درودهای خدا بر او باد ، در شب [عید] فطر ، تا زمانی که وارد نمازگاه می شد ، تکبیر می گفت .

.

كتاب من لا يحضره الفقيه :خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فى عيدِ الأَضحى ، فَقالَ : اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلّا اللّهُ واللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وللّهِ الحَمدُ ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما هَدانا ، ولَهُ الشُّكرُ فيما أولانا ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى ما رَزَقَنا مِن بَهيمَهِ الأَنعامِ . وكانَ عَلىٌّ عليه السلام يَبدَأُ بِالتَّكبيرِ إذا صَلّى الظُّهرَ مِن يَومِ النَّحرِ ، وكانَ يَقطَعُ التَّكبيرَ آخِرَ أيّامِ التَّشريقِ عِندَ الغَداهِ ، وكانَ يُكَبِّرُ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ فَيَقولُ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلّا اللّهُ واللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وللّهِ الحَمدُ . فَإِذَا انتَهى إلَى المُصَلّى تَقَدَّمَ فَصَلّى بِالنّاسِ بِغَيرِ أذانٍ ولا إقامَهٍ ، فَإِذا فَرَغَ مِنَ الصَّلاهِ صَعِدَ المِنبَرَ ، ثُمَّ بَدَأَ فَقالَ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ زِنَهَ عَرشِهِ ورِضى نَفسِهِ ، وعَدَدَ قَطرِ سَمائِهِ وبِحارِهِ ، لَهُ الأَسماءُ الحُسنى ، وَالحَمدُ للّهِ حَتّى يَرضى ، وهُوَ العَزيزُ الغَفورُ ، اللّهُ أكبَرُ كَبيرا مُتَكَبِّرا ، وإلها مُتَعَزِّزا ، ورَحيما مُتَحَنِّنا ، يَعفو بَعدَ القُدرَهِ ، ولا يَقنَطُ مِن رَحمَتِهِ إلَا الضّالّونَ ، اللّهُ أكبَرُ كَبيرا ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ كثَيرا ، وسُبحانَ اللّهِ حَنّانا قَديرا . (1)

الكافى عن زراره :قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : التَّكبيرُ فى أيّامِ التَّشريقِ فى دُبُرِ الصَّلَواتِ؟ فَقالَ : التَّكبيرُ بِمِنى فى دُبُرِ خَمسَ عَشرَهَ (2) صَلاهً ، وفى سائِرِ الأَمصارِ فى دُبُرِ عَشرِ صَلَواتٍ ، وأوَّلُ التَّكبيرِ فى دُبُرِ صَلاهِ الظُّهرِ يَومَ النَّحرِ ؛ يَقولُ فيهِ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وللّهِ الحَمدُ ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما رَزَقَنا من بَهيمَهِ الأَنعامِ . (3)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 517 ح 1483 وح1484 ، مصباح المتهجّد : ص 662 ح 730 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 99 ح 4 .
2- .فى المصدر : «خمسه عشر» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما فى بحار الأنوار .
3- .الكافى : ج 4 ص 516 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 139 ح 313 وج 5 ص 269 ح 921 ، الخصال : ص 502 ح 4 ، علل الشرايع : ص 447 ح 1 نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 307 ح 13 وح 15 .

کتاب من لا یحضره الفقیه :امیر مؤمنان ، در عید قربان ، خطبه خواند و گفت : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا ! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا و ستایش ، خدای را ! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود ! ستایش ، او را که به ما نیکی نمود ! ستایش ، خدای را برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما» . علی علیه السلام هر گاه نماز ظهر عید قربان را می خواند ، تکبیر را آغاز می کرد و هنگام نماز صبح آخرین روز ایّام تشریق ، تکبیر گفتن را قطع می کرد . پس از هر نمازی ، تکبیر می گفت و می گفت : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا ! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا و ستایش ، خدای را !» . و چون به نمازگاه می رسید ، جلو می ایستاد و بدون گفتن اذان و اقامه ، نماز جماعت را بر پا می داشت . پس از نماز بر منبر می رفت و سخن خود را چنین آغاز می کرد : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا ، بزرگا خدا به وزن عرشش و چندان که خشنود شود ! و به شمارِ قطرات باران و دریاهایش ، برای او نیکوترین نام هاست . ستایش ، خدای را چندان که خشنود شود . او ارجمند و آمرزگار است . بزرگا خدا که بزرگ و با کبریاست ! معبودی سربلند است ، مهربانی مهرورز است ، با آن که [بر کیفر دادن و انتقام] تواناست ، می بخشد و از رحمت او ، جز گم راهان ، کسی نومید نمی شود !» . بزرگا خدای بزرگ ! فراوان می گویم که معبودی جز او نیست . پاکا خدا که مهرورز و تواناست !» .

الکافی به نقل از زُراره : از امام باقر علیه السلام در باره تکبیر گفتن پس از نمازها در ایّام تشریق (1) پرسیدم . فرمود : «در مِنا ، پس از پانزده نماز ، تکبیر گفته می شود و در سایر جاها پس از ده نماز . نخستین تکبیر ، پس از نماز ظهر روز قربان است که در آن می گوید : بزرگا خدا ، بزرگا خدا ! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا و ستایش ، خدای را ! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود ! بزرگا خدا برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما !» .

.

1- .روزهای مِنا ، شامل روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجّه .

تهذيب الأحكام عن أبى الصباح :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّه عليه السلام عَنِ التَّكبيرِ فِى العيدَينِ ، فَقالَ : اِثنَتا عَشرَةَ؛ سَبعٌ فِى الأُولى وخَمسٌ فِى الأَخيرَهِ ، فَإِذا قُمتَ فِى الصَّلاهِ فَكَبِّر واحِدَهً ، تَقولُ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلُ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وَالقُدرَهِ وَالسُّلطانِ وَالعِزَّهِ ، أسأَلُکَ فى هذَا اليَومِ الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيدا ، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخرا ومَزيدا ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُصَلِّىَ عَلى مَلائِكَتِکَ المُقَرَّبينَ وأنبِيائِکَ المُرسَلينَ ، وأن تَغفِرَ لَنا ولِجَميعِ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ عِبادُکَ المُرسَلونَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عاذَ مِنهُ (1) عِبادُکَ المُخلِصونَ . اللّهُ أكبَرُ ، أوَّلُ كُلِّ شَىءٍ وآخِرُهُ ، وبَديعُ كُلِّ شَىءٍ ومُنتَهاهُ ، وعالِمُ كُلِّ شَىءٍ ومَعادُهُ ، ومَصيرُ كُلِّ شَىءٍ إلَيهِ ومَرَدُّهُ ، ومُدَبِّرُ الاُمورِ ، وباعِثُ مَن فِى القُبورِ ، قابِلُ الأَعمالِ ، مُبدِى الخَفِيّاتِ ، مُعلِنُ السَّرائِرِ . اللّهُ أكبَرُ ، عَظيمُ المَلَكوتِ ، شَديدُ الجَبَروتِ ، حَىٌّ لا يَموتُ ، دائِمٌ لا يَزولُ ، إذا قَضى أمرا فَإِنَّما يَقولُ لَهُ كُن فَيَكونُ . اللّهُ أكبَرُ ، خَشَعَت لَکَ الأَصواتُ ، وعَنَت (2) لَکَ الوُجوهُ ، وحارَت دونَکَ الأَبصارُ ، وكَلَّتِ الأَلسُنُ عَن عَظَمَتِکَ ، وَالنَّواصى كُلُّها بِيَدِکَ ، ومَقاديرُ الاُمورِ كُلُّها إلَيکَ ، لا يَقضى فيها غَيرُکَ ، ولا يَتِمُّ مِنها شَىءٌ دونَکَ . اللّهُ أكبَرُ ، أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ حِفظُکَ ، وقَهَرَ كُلَّ شَىءٍ عِزُّکَ ، ونَفَذَ كُلَّ شَىءٍ أمرُکَ ، وقامَ كُلُّ شَىءٍ بِکَ ، وتَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِکَ ، وذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِکَ ، وَاستَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِکَ ، وخَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِمُلكِکَ . اللّهُ أكبَرُ . ويَقرَأُ الحَمدَ و«سَبِّحِ اسمَ رَبِّکَ الأَعلى» ، ويُكَبِّرُ السّابِعَهَ ويَركَعُ ويَسجُدُ ، ويَقومُ ويَقرَأُ الحَمدَ و«الشَّمسِ وضُحاها» ، ويَقولُ : اللّهُ أكبَرُ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرِياءِ تُتِمُّهُ كُلَّهُ كَما قُلتَ أوَّلَ التَّكبيرِ يَكونُ هذا القَولُ فى كُلِّ تَكبيرَهٍ حَتّى يَتِمَّ خَمسُ تَكبيراتٍ . (3)

.

1- .فى المصدر : «به» ، والصواب ما أثبتناه كما فى «كتاب من لايحضره الفقيه» .

2- .عَنا : خَضَع وذَلّ (الصحاح : ج 6 ص 2440 «عنا») .

3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 132 ح 290 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 512 ح 1481 وص 523 ح 1487 نحوه وراجع الإقبال : ج 2 ص

. 202

تهذیب الأحکام به نقل از ابوالصباح : از امام صادق علیه السلام در باره تکبیر گفتن در عیدهای فطر و قربان پرسیدم . فرمود : «دوازده تکبیر است ، هفت تا در رکعت اوّل و پنج تا در رکعت دوم ، بدین ترتیب که چون به نماز ایستادی ، یک تکبیر گوی و بگو : «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز . گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! تو اهل کبریا و عظمت ، و اهل بخشندگی و جَبَروت ، و اهل قدرت و سلطنت و عزّتی . در این روز که آن را برای مسلمانان ، عید قراردادی و برای محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد اندوخته و مایه فزونی [بر مقام و منزلتش] ، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و بر فرشتگان مُقرَّبت و پیامبران مُرسَلت نیز درود فرستی ، و ما و همه مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را ، از زنده و مُرده شان ، بیامرزی . بار خدایا! از تو درخواست می کنم هر آن خوبی ای را که بندگان فرستاده ات (پیامبران) از تو درخواست کردند ، و پناه می برم به تو از هر آن بدی که بندگان بااخلاصت از آن ، به تو پناه بردند . بزرگا خدا که آغاز و انجامِ هر چیزی است و آغازگرو پایان هر چیز و دانای هر چیز و بازگشتگاه آن است و همه چیز به سوی او می رود و رجوع می کند . گرداننده کارهاست و برانگیزاننده هر آن که در گورهاست، پذیرنده کردار ، آشکار کننده پوشیده ها و هویدا کننده نهان ها [و باطن ها] است . بزرگا خدا که پادشاهی اش باعظمت است ، پُرشوکت و توان است ، زنده ای است که هرگز نمی میرد ، پاینده ای که زوال نمی پذیرد ، هر گاه خواهد که چیزی تحقّق یابد ، فقط به آن می گوید : «هست شو!» و آن ، هست می شود . بزرگا خدا که صداها در برابرت به خاموشی گرایند و چهره ها در پیشگاهت ، خوارند و نگاه ها در تو حیران اند و زبان ها از بیان عظمتت ، فرو مانده اند و پیشانی ها ، همه در دست توست (1) و مقدّرات امور ، تمام در چنگ توست . جز تو ، هیچ کس در آنها حکم نمی کند و بدون [خواست] تو ، چیزی از آنها انجام نمی پذیرد . بزرگا خدا که نگهداری تو ، همه چیز را در میان گرفته است و همه چیز ، مقهور عزّت توست و فرمان تو ، در هر چیزی نافذ است و هر چیزی قائم به توست و همه چیز در برابر عظمت تو ، کوچکی می کند و همه چیز ، در برابر عزّت تو ، خوار است و همه چیز ، تسلیم قدرت توست و همه چیز ، در برابر پادشاهی تو ، سر به فرمان است . بزرگا خدا!» . آن گاه ، سوره حمد و «سبّح اسم ربّک الاعلی» را می خواند و تکبیر هفتم را می گوید و رکوع و سجود ، به جا می آورد و بر

می خیزد و سوره حمد و «والشمس وضحاها» را می خواند و می گوید : بزرگا خدا! گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است . [گواهی می دهم که] محمّد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا! تویی اهل کبریا » و آن را همچنان که در تکبیر اوّل گفتی می خوانی . این جملات را در هر تکبیری می گویی تا پنج تکبیر ، تمام شود .

.

1- .کنایه از «پیشانی نوشت» یا «زمام اختیار» است .

3 / 7رُؤيَةُ الهِلالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصِيَّتِهِ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَكَبِّر ثَلاثا وقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى خَلَقَنى وخَلَقَكَ ، وقَدَّرَكَ مَنازِلَ ، وجَعَلَكَ آيَةً لِلعالَمينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله كانَ إذا رَأَى الهِلالَ قالَ : اللّهُ أكبَرُ ، الحَمدُ للّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ خَيرَ هذَا الشَّهرِ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ القَدَرِ ومِن سُوءِ الحَشرِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام أيضا : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ خَيرَ هذَا الشَّهرِ وفَتحَهُ ونَصرَهُ ونورَهُ ورِزقَهُ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ . (3)

.

1- .تحف العقول : ص 10 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 64 ح 5 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 424 ح 22855 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 120 ح 1 كلا هما عن عباده بن الصّامت ، كنز العمّال : ج 7 ص 78 ح 18043 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 271 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 382 ح 8 ؛ كنز العمّال : ج 8 ص 596 ح 24310 نقلاً عن ابن النجّار .

3 / 7 دیدن ماه نو

3 / 7دیدن ماه نوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام : ای علی! هرگاه ماه نو را دیدی ، سه تکبیر بگو و بگو : «ستایش ، خدایی را که هم من و هم تو را آفرید و برایت ، منزلگاه هایی معیّن کرد و تو را نشانه ای برای مردمان ، قرارت داد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه ماه نو را می دید ، می فرمود :بزرگا خدا ، ستایش ، خدای را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا . بار خدایا! خوبی این ماه را از تو درخواست می کنم و از بدیِ تقدیر و از گزند محشر ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام نیز : بزرگا خدا! بار خدایا! خوبی این ماه را و گشایش و پیروزی و نورانیت و روزی در این ماه را از تو درخواست می کنم و از بدی آن و بدی پس از آن ، به تو پناه می برم .

.

3 / 8الرُّكوبُصحيح مسلم عن ابن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ إذَا استَوى عَلى بَعيرِهِ خارِجا إلى سَفَرٍ كَبَّرَ ثَلاثا ، ثُمَّ قالَ : « سُبْحَنَ الَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَ إِنَّآ إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ » . . . (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا جَعَلتَ رِجلَكَ فِى الرِّكابِ فَقُل : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، بِاسمِ اللّهِ وَاللّهُ أكبَرُ . (3)

3 / 9الصُّعودُالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى سَفَرِهِ إذا هَبَطَ سَبَّحَ ، وإذا صَعِدَ كَبَّرَ . (4)

المعجم الكبير عن سعيد بن العاص :إنَّ عُثمانَ بنَ مَظعونٍ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ائذَن لى فِى الاِختِصاءِ ، فَقالَ لَهُ : يا عُثمانُ ، إنَّ اللّهَ قَد أبدَلَنا بِالرَّهبانِيَّةِ الحَنيفِيَّةَ (5) السَّمحَةَ وَالتَّكبيرَ عَلى كُلِّ شَرَفٍ (6) ، فَإن كُنتَ مِنّا فَاصنَع كَما نَصنَعُ . (7)

.

1- .الزخرف : 13 و 14 .
2- .صحيح مسلم : ج 2 ص 978 ح 425 ، سنن أبى داوود : ج 3 ص 33 ح 2599 ، سنن الترمذى : ج 5 ف ص 501 ح 3447 ، كنز العمّال : ج 6 ص 734 ح 17623 ؛ بحار الأنوار : ج 76 ص 293 ح 19 نقلاً عن عوالى اللآلى .
3- .الكافى : ج 4 ص 285 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 51 ح 154 كلاهما عن معاويه بن عمّار .
4- .الكافى : ج 4 ص 287 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 273 ح 2420 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 553 ح 1909 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 254 ح 48 .
5- .فى المصدر : «الحنفيّه» ، وما أثبتناه من كنز العمّال .
6- .الشَّرَف : المكان العالى (الصحاح : ج 4 ص 1379 «شرف») .
7- .المعجم الكبير : ج 6 ص 62 ح 5519 ، كنز العمّال : ج 3 ص 47 ح 5419 .

3 / 8 هنگام سوار شدن

3 / 9 هنگام بالا رفتن بر بلندی

3 / 8هنگام سوار شدنصحیح مسلم به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا ، هرگاه بر شتر خویش می نشست و برای سفری بیرون می رفت ، سه بار تکبیر می گفت و سپس می فرمود : « «پاکا آن خدایی که این را برای ما رام ساخت ، در حالی که ما بر این کار ، توانا نبودیم . و ما به سوی پروردگار خویش ، باز می گردیم» ... » .

امام صادق علیه السلام :هرگاه پایت را در رکاب نهادی ، بگو : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . به نام خدا . خدا ، بزرگ تر است» .

3 / 9هنگام بالا رفتن بر بلندیامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، در سفرش هرگاه از سرازیری پایین می رفت ، تسبیح می گفت و هر گاه بر بلندی بالا می رفت ، تکبیر می گفت .

المعجم الکبیر به نقل از سعید بن عاص : عثمان بن مظعون گفت : ای پیامبر خدا ! اجازه بده خودم را خواجه سازم . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «خداوند ، به ما به جای رهبانیّت ، آیین یکتاپرستیِ آسان و تکبیر گفتن بر هر فرازی را عطا کرده است . پس ، اگر از ما هستی ، چنان رفتار کن که ما می کنیم» .

.

سنن الترمذی عن أبی هریره :إنَّ رَجُلاً قالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، إنّی اُریدُ أن اُسافِرَ فَأوصِنی ، قالَ : عَلَیکَ بِتَقوَی اللّهِ ، وَالتکبیرِ عَلی کُلِّ شَرَفٍ . (1)

صحیح البخاری عن عبد اللّه بن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ إذا قَفَلَ (2) مِن غَزوٍ أو حَجٍّ أو عُمرَهٍ یُکَبِّرُ عَلی کُلِّ شَرَفٍ مِنَ الأرضِ ثَلاثَ تَکبیراتٍ ، ثُمَّ یَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، وهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، آیِبونَ تائِبونَ عابِدونَ ساجِدونَ لِرَبِّنا حامِدونَ ، صَدَقَ اللّهُ وَعدَهُ ، ونَصَرَ عَبدَهُ ، وهَزَمَ الأحزابَ وَحدَهُ . (3)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :وَالَّذی نَفسُ أبِی القاسِمِ بِیَدِهِ ، ما هَلَّلَ اللّهَ مُهَلِّلٌ ، ولا کَبَّرَ اللّهَ مُکَبِّرٌ عَلی شَرَفٍ مِنَ الأشرافِ ، إلَّا هَلَّلَ ما خَلفَهُ وکَبَّرَ ما بَینَ یَدَیهِ بِتَهلیلِهِ وتَکبیرِهِ حَتّی یَبلُغَ مَقطَعَ التُّرابِ (4) . (5)

.

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 500 ح 3445 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 214 ح 8317 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 614 ح 1633 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 926 ح 2771 ، کنز العمّال : ج 3 ص 90 ح 5633 .
2- .قَفَل من سَفَرِه : رَجَعَ (المصباح المنیر : ص 511 «قفل») .
3- .صحیح البخاری : ج 2 ص 637 ح 1703 ، سنن أبی داوود : ج 3 ص 88 ح 2770 ، الموطّأ : ج 1 ص 421 ح 243 ، کنز العمّال : ج 7 ص 99 ح 18154 .
4- .مقطع التراب : أی منتهی الأرض (اُنظر روضه المتّقین : ج 4 ص 214) .
5- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 273 ح 2422 ، المحاسن : ج 2 ص 94 ح 1246 عن الإمام الصادق علیه السلام ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 554 ح 1910 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 254 ح 48 ؛ کنز العمّال : ج 5 ص 19 ح 11867 نقلاً عن أبی الشیخ عن ابن عمر .

سنن الترمذی به نقل از ابو هُرَیره : مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : ای پیامبر خدا! می خواهم به سفر بروم . مرا سفارشی فرما . فرمود : «بر تو باد پروای الهی و تکبیر گفتن بر هر بلندی ای» .

صحیح البخاری به نقل از عبد اللّه بن عمر :پیامبر خدا ، هر گاه از جنگ یا حج و یا عمره باز می گشت ، به هر بلندی ای که می رسید ، سه بار تکبیر می گفت . سپس می فرمود : «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست . او راست ، پادشاهی و او راست ، ستایش ، و او بر هر چیزی تواناست . باز می گردیم ، در حالی که توبه کنانیم و پرستنده و سجده کننده و ستاینده پروردگارمان . خداوند ، وعده اش را تحقّق بخشید و بنده اش را یاری داد و به تنهایی ، گروه ها[ی مشرک] را درهم شکست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست ، هیچ کس بر فراز هیچ بلندی ای ، خدا را به یگانگی و بزرگی یاد نمی کند ، مگر این که با «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» گفتنِ او ، هر آنچه پشت سرِ اوست ، تا آن جا که خاک تمام می شود ، (1) «لاَ إله إلّا اللّه » می گوید ، و هر آنچه پیش روی اوست ، تا آن جا که خاک تمام می شود ، «اللّه أکبر» می گوید .

.

1- .مراد از خاک ، خشکی و یا کره زمین است . یعنی موجودات سرتاسر کره زمین با او هم نوا می شوند .

عنه صلى الله عليه و آله :الحُجّاجُ وَالعُمّارُ وَفدُ اللّهِ ، إن سَأَلوا أُعطوا ، وإن دَعَوا أُجيبوا ، وإن أنفَقوا أُخلِفَ لَهُم ، وَالَّذى نَفسُ أَبِى القاسِمِ بِيَدِهِ ، ما كَبَّرَ مُكَبِّرٌ عَلى نَشَزٍ (1) ولا أَهَلَّ مُهِلٌّ عَلى شَرَفٍ مِنَ الأَشرافِ ، إلّا أَهَلَّ ما بَينَ يَدَيهِ وكَبَّرَ حَتّى يَنقَطِعَ بِهِ مُنقَطَعُ التُّرابِ . (2)

3 / 10رَمىُ الجِمارِالكافى عن يعقوب بن شعيب :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الجِمارِ (3) ، فَقالَ : قُم عِندَ الجَمرَتَينِ ولا تَقُم عِندَ جَمرَةِ العَقَبَةِ ، قُلتُ : هذا مِنَ السُّنَّةِ؟ قالَ : نَعَم ، قُلتُ : ما أقولُ إذا رَمَيتُ؟ فَقالَ : كَبِّر مَعَ كُلِّ حَصاةٍ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :كَبِّر مَعَ كُلِّ حَصاةٍ تَكبيرَةً إذا رَمَيتَها ، ولا تُقَدِّم جَمرَةً عَلى جَمرَةٍ ، وقِف بَعدَ الفَراغِ مِنَ الرَّمىِ وَادعُ بِما قُسِمَ لَكَ . (5)

3 / 11أيّامُ التَّشريقِالإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : « وَاذْكُرُواْ اللَّهَ فِى أَيَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ » (6) : هِىَ أيّامُ التَّشريقِ (7) ، كانوا إذا أقاموا بِمنى بَعدَ النَّحرِ تَفاخَروا ، فَقالَ الرَّجُلُ مِنهُم : كانَ أبى يَفعَلُ كَذا وكَذا ، فَقالَ اللّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ : « فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَتٍ ... فَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا » (8) ، قالَ : وَالتَّكبيرُ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وللّهِ الحَمدُ ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِن بَهيمَةِ الأنعامِ . (9)

.

1- .النَّشَزُ من الأرض : هو ما ارتفع وظهر (لسان العرب : ج 5 ص 417 «نشز») .
2- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 475 ح 4104 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 5 ص 9 ح 11817 .
3- .الجِمار : جمع جَمْره من الحصى ، ومنه جِمار المناسک للحجّ. والجَمَرات : مجتمع الحصى بمنىً ، ف فكلّ كُومه من الحصى جمرهٌ (مجمع البحرين : ج 1 ص 309 «جمر») .
4- .الكافى : ج 4 ص 481 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 261 ح 889 .
5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 323 ، بحار الأنوار : ج 99 ص 276 ح 23 .
6- .البقره : 203 .

7- .هى ثلاثه أيّام تلى عيد النحر ، سُمّيت بذلک من تشريق اللحم ؛ وهو تقديده [أى تقطيعه] وبسطه فى الشمس ليجفّ ؛ لأنّ لحوم الأضاحى كان تُشرَّق فيها بمنى. وقيل : سُمّيت به لأنّ الهدى والضحايا لا تُنحَر حتّى تشرق الشمس ؛ أى تطلُع (النهايه : ج 2 ص 464 «شرق») .
8- .البقره : 198 200 .
9- .الكافى : ج 4 ص 516 ح 3 عن منصور بن حازم .

3 / 10 هنگام رَمْی جَمَرات

3 / 11 روزهای تشریق

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حاجیان و عمره گزاران ، میهمانان خدای اند . اگر [از او]بخواهند ، به آنها عطا می شود و اگر بخوانند ، پاسخ می شنوند و اگر انفاق (/خرج) کنند ، برایشان جایگزین می شود . سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست ، هیچ تکبیرگویی بر بلندایی تکبیر نگفت و هیچ «لا إله إلّا اللّه » گویی ، بر ارتفاعی از ارتفاعات ، خدا را به یگانگی یاد نمی کند ، مگر این که هر آنچه فرا پیش اوست ، تا انتهای خاک (/زمین) ، «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» می گوید .

3 / 10هنگام رَمْی جَمَراتالکافی به نقل از یعقوب بن شعیب : از امام صادق علیه السلام در باره رَمْی جَمَرات پرسیدم . فرمود : «نزد دو جَمَره[ی اوّلی و وسطی] توقّف کن و نزد جَمَره عَقَبه ، توقّف نکن» . گفتم : این ، از سنّت است؟ فرمود : «آری» . گفتم : وقتی سنگ می اندازم ، چه بگویم ؟ فرمود: «با هر ریگی [که می اندازی] ، تکبیر بگو» .

امام صادق علیه السلام :با هر ریگی که می اندازی ، یک تکبیر بگو ، و جَمَره ای را بر جَمَره ای ، مقدّم مدار [و در رَمْی آنها ، ترتیب را رعایت کن] و پس از پایان رَمْی ، توقّف کن و آن مقدار که قسمتت شده است ، دعا کن .

3 / 11روزهای تشریقامام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و در روزهایی تعیین شده ، خدا را یاد کنید» : مقصود ، روزهای تشریق (1) است . [در جاهلیت] وقتی پس از قربانی کردن در مِنا توقّف می کردند ، به فخرفروشی بر یکدیگر می پرداختند و هر یک می گفت : «پدر من ، چنین و چنان می کرد» . خداوند ، که ثنای او بزرگ است ، فرمود : «پس چون از عرفات کوچیدید ... همان گونه که از پدران خود یاد می کنید و بلکه با یادکردنی بیشتر ، خدا را یاد کنید» . نحوه تکبیر گفتن هم چنین است : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست و بزرگا خدا! بزرگا خدا و ستایش ، خدای راست! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای آن که از دام های زبان بسته روزی مان نمود!» .

.

1- .روزهای تشریق یا روزهای گوشت خشکانی ، عبارت اند از : سه روزِ پس از عید قربان ، وجه تسمیه ایّام التشریق ، از «تشریق اللّحم» گرفته شده است ؛ چون در این روزها گوشت های قربانی را در مِنا ، قطعه قطعه می کردند و در آفتاب ، پهن می نمودند تا خشک شود . بعضی گفته اند که وجه تسمیه اش این است که قربانی ها را زمانی ذبح می کردند که آفتاب از شرق برآید و طلوع کند .

الإمام علىّ عليه السلام :كانَ [النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله] يُكَبِّرُ مِن يَومِ عَرَفَةَ صَلاةَ الغَداهِ ، ويَقطَعُها صَلاةَ العَصرِ آخِرَ أيّامِ التَّشريقِ . (1)

صحيح البخارى عن مالک عن محمّد بن أبى بكر الثقفى :أَنَّهُ سَأَلَ أنَسَ بنَ مالِكٍ وهُما غادِيانِ مِن مِنى إلى عَرَفَةَ : كَيفَ كُنتُم تَصنَعونَ فى هذَا اليَومِ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؟ فَقالَ : كانَ يُهِلُّ مِنَّا المُهِلُّ فَلا يُنكِرُ عَلَيهِ ، ويُكَبِّرُ مِنَّا المُكَبِّرُ فَلا يُنكِرُ عَلَيهِ . (2)

كنز العمّال عن عبيده :قَدِمَ عَلَينا عَلىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام فَكَبَّرَ يَومَ عَرَفَةَ مِن صَلاهِ الغَداهِ إلى صَلاهِ العَصرِ مِن آخِرِ أيّامِ التَّشريقِ ، يَقولُ : اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وَللّهِ الحَمدُ . (3)

مستطرفات السرائر عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام :كَبِّر أيّامَ التَّشريقِ عِندَ كُلِّ صَلاهٍ . قُلتُ لَهُ : كَم؟ قالَ : كَم شِئتَ ، إنَّهُ لَيسَ بِمَفروضٍ . (4)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 439 ح 1111 عن أبى الطفيل ، السنن الكبرى : ج 3 ص 440 ح 6278 عن جابر ، كنز العمّال : ج 7 ص 93 ح 18121 .
2- .صحيح البخارى : ج 2 ص 597 ح 1576 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 933 ح 274 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 485 ح 1818 ، سنن النسائى : ج 5 ص 251 ، الموطّأ : ج 1 ص 337 ح 43 .
3- .كنز العمّال : ج 5 ص 240 ح 12754 نقلاً عن ابن أبى الدنيا .
4- .مستطرفات السرائر : ص 30 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 126 ح 21 .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله از هنگام نماز صبح روز عرفه ، تکبیر می گفت و در نماز عصر آخرین روز از روزهای تشریق ، آن را پایان می داد .

صحیح البخاری به نقل از مالک ، از محمّد بن ابی بکر ثقفی : او (محمّد بن ابی بکر) صبحگاهان ، با اَنَس بن مالک از منا به عرفه می رفت . از اَنَس پرسید : در این روز ، با پیامبر خدا که بودید ، چه می کردید؟ گفت : اگر یکی از ما «لا إله إلّا اللّه » می گفت ، ایشان به او اعتراضی نمی کرد و اگر کسی «اللّه أکبر» می گفت ، به او ایراد نمی گرفت .

کنزالعمّال به نقل از عبیده : علی بن ابی طالب علیه السلام بر ما وارد شد . او از نماز صبح روز عرفه تا نماز عصر آخرین روز تشریق ، تکبیر گفت . می گفت : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا ! معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدا ، بزرگا خدا ، و ستایش ، خدای راست !»

مستطرفات السرائر به نقل از محمّد بن مسلم امام باقر علیه السلام فرمود : «روزهای تشریق ، هنگام هر نمازی ، تکبیر بگو» . گفتم : چند تا؟ فرمود : «هر تعداد که خواستی . تعیین شده نیست» .

.

3 / 12رُؤيَهُ الجِنازَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَقبَلَ جِنازَهً أو رَآها فَقالَ : «اللّهُ أكبَرُ ، هذا ما وَعَدَنَا اللّهُ ورَسولُهُ ، وصَدَقَ اللّهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ زِدنا إيمانا وتَسليما ، الحَمدُ للّهِ الَّذى تَعَزَّزَ بِالقُدرَهِ ، وقَهَرَ العِبادَ بِالمَوتِ» ، لَم يَبقَ فِى السَّماءِ مَلَكٌ إلّا بَكى رَحمَهً لِصَوتِهِ . (1)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا رَأَيتَ الجِنازَهَ فَقُل : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، هذا ما وَعَدَنَا اللّهُ ورَسولُهُ ، وصَدَقَ اللّهُ ورَسولُهُ ، كُلُّ نَفسٍ ذائِقَهُ المَوتِ ، هذا سَبيلٌ لابُدَّ مِنهُ ، إنّا للّهِ وإنّا إلَيهِ راجِعونَ ، تَسليما لِأَمرِهِ ، ورِضاءً بِقَضائِهِ ، وَاحتِسابا لِحُكمِهِ ، وصَبرا لِما قَد جَرى عَلَينا مِن حُكمِهِ ، اللّهُمَّ اجعَلهُ لَنا خَيرَ غائِبٍ نَنتَظِرُهُ . (2)

3 / 13الخَوفُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا وَقَعَت كَبيرَهٌ (3) أو هاجَت ريحٌ مُظلِمَهٌ فَعَلَيكُم بِالتَّكبيرِ ؛ فَإِنَّهُ يُجلى العَجاجَ الأَسوَدَ . (4)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 167 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 452 ح 1471 كلاهما عن عنبسه بن مصعب ، الدعوات : ص 259 ح 739 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 81 ص 266 ح 24 .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 176 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 262 ح 14 .
3- .هى صفه لموصوف محذوف ، تقديره : حادثه مثلاً .
4- .مسند أبى يعلى : ج 2 ص 369 ح 1943 ، كنز العمّال : ج 7 ص 830 ح 21581 نقلاً عن ابن السنى وكلاهما عن جابر .

ص: 61

3 / 12 هنگام دیدن جنازه

3 / 13 هنگام ترس

3 / 12هنگام دیدن جنازهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس با جنازه ای رو به رو شود یا آن را ببیند و بگوید : «بزرگا خدا! این ، همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند ، و خدا و پیامبر او ، راست گفته اند . بار خدایا! بر ایمان و تسلیم ما بیفزای . ستایش ، خدایی را که پُرتوان و نیرومند است و بندگان را با مرگ ، درهم شکست» ، هر فرشته ای که در آسمان است ، از مِهر به صدای او گریه می کند .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هرگاه جنازه ای را دیدی ، بگو : «بزرگا خدا! بزرگا خدا! این ، چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند ، و خدا و پیامبر او ، راست گفته اند . هر جانی ، چشنده مرگ است . این ، راهی است که گریزی از آن نیست . ما از خداییم و به سوی او باز گردیم . به فرمان او تسلیم هستیم و به قضایش ، راضی و به حکمش ، خشنود و بر هر حکمی که بر ما رانده است ، شکیبا . بار خدایا! او را برای ما ، بهترین سفر کرده ای که منتظرش هستیم ، قرار ده» .

3 / 13هنگام ترسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه حادثه بزرگی اتّفاق افتاد یا باد سیاهی برخاست ، تکبیر بگویید ؛ زیرا تکبیر گفتن ، غبار سیاه را برطرف می سازد .

.

كتاب من لا يحضره الفقيه عن كامل بن العلاء :كُنتُ مَعَ أبى جَعفَرٍ عليه السلام بِالعُرَيض (1) فَهَبَّت ريحٌ شَديدَهٌ ، فَجَعَلَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يُكَبِّرُ ، ثُمَّ قالَ : إنَّ التَّكبيرَ يَرُدُّ الرّيحَ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :ما بَعَثَ اللّهُ عز و جل ريحا إلّا رَحمَةً أو عَذابا ، فَإذا رَأَيتُموها فَقولوا : «اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ خَيرَها وخَيرَ ما اُرسِلَت لَهُ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما اُرسِلَت لَهُ» ، وكَبِّروا وَارفَعوا أصواتَكُم بِالتَّكبيرِ فَإنَّهُ يَكسِرُها . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلىٍّ عليه السلام : يا علَىُّ ، إذا رَأَيتَ أسَدا وَاشتَدَّ بِکَ الأمرُ فَكَبِّر ثَلاثا ، وقُل : «اللّهُ أكبَرُ وأجَلُّ وأعظَمُ مِن كُلِّ شَىءٍ ، وأكبَرُ وأعَزُّ مِن خَلقِهِ وأقدَرُ ، أعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ» ، تُكفَ شَرَّهُ إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (4)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا رَأَيتَ الأَسَدَ فَكَبِّر فى وَجهِهِ ثَلاثَ تَكبيراتٍ ، وقُل : «اللّهُ أعَزُّ وأكبَرُ وأجَلُّ مِن كُلِّ شَىءٍ أعوذُ بِاللّهِ مِمّا أخافُ وأحذَرُ» . (5)

3 / 14زِيارَهُ مَراقِدِ أهلِ البَيتِتهذيب الأحكام عن موسى بن عبد اللّه النخعى :قُلتُ لِعَلىِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلىِّ بنِ موسَى بنِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلىِّ بنِ الحُسَينِ بنِ عَلىِّ بنِ أبى طالِبٍ علَيهِم السلام : عَلِّمنى يَابنَ رَسولِ اللّهِ قَولاً أقولُهُ بَليغاً كامِلاً إذا زُرتُ واحِدا مِنكُم . فَقالَ : إذا صِرتَ إلَى البابِ فَقِف وَاشهَدِ الشَّهادَتَينِ وأنتَ عَلى غُسلٍ ، فَإذا دَخَلتَ فَقِف وقُل : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ثَلاثينَ مَرَّةً ، ثُمَّ امشِ قَليلاً ، وعَلَيکَ السَّكينَهُ وَالوَقارُ ، وقارِب بَينَ خُطاکَ ، ثُمَّ قِف وكَبِّرِ اللّهَ عز و جلثَلاثينَ مَرَّةً ، ثُمَّ ادنُ مِنَ القَبرِ وكَبِّرِ اللّهَ أربَعينَ تَكبيرَةً ؛ تَمامَ المِئَهِ تَكبيرَهٍ ، ثُمَّ قُل : السَّلامُ عَلَيكُم يا أهلَ بَيتِ النُّبُوَّهِ... . (6)

.

1- .العُرَيض : وادٍ بالمدينه (معجم البلدان : ج 4 ص 114).
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 544 ح 1518 ، بحار الأنوار : ج 60 ص 6 ح 2 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 544 ح 1519 ، بحار الأنوار : ج 60 ص 6 ح 2 .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 152 ح 2373 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 145 ح 16 .
5- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 143 ح 9 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 95 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 609 ح 3213 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 272 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 127 ح 4 .

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از کامل بن علاء : با امام باقر علیه السلام در عُرَیض (1) بودم که باد سختی وزیدن گرفت . ایشان ، شروع به تکبیر گفتن کرد . سپس فرمود : «تکبیر ، باد را دفع می کند» .

امام باقر علیه السلام :خداوند عز و جل هیچ بادی بر نینگیخت ، مگر از سر مِهر یا عذاب . پس هر گاه آن را دیدید ، بگویید : «بار خدایا ! ما خیر این باد را و خیر آنچه را این باد برایش فرستاده شده است ، از تو درخواست می کنیم و از شرّ این باد و از شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می بریم» و صدایتان را به تکبیر ، بلند کنید ؛ زیرا که آن ، باد را درهم می شکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی ! هرگاه با شیری مواجه شدی و کار بر تو سخت شد ، سه بار تکبیر گوی و بگو : «خدا ، بزرگ تر و با شکوه تر و با عظمت تر از هر چیزی است ، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است . به خدا پناه می برم از شرّ آنچه از آن می ترسم و حذر می کنم» . به خواست خدا ، از گزند آن ، محفوظ خواهی ماند .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هرگاه شیری را دیدی ، سه مرتبه در روی او تکبیر گوی و بگو : «خداوند ، نیرومندتر و بزرگ تر و شکوهمندتر از هر چیز است ، و به خدا پناه می برم از آنچه می ترسم و حذر می کنم» .

3 / 14هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیتتهذیب الأحکام به نقل از موسی بن عبد اللّه نخعی : به علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (امام هادی علیه السلام) گفتم : ای پسر پیامبر خدا ! گفتاری رسا و کامل به من بیاموز که در هنگام زیارت یکی از شما ، آن را بگویم . فرمود : «قبلاً غسل کن و چون به درگاه رسیدی ، بِایست و شهادتین بگو . چون داخل شدی ، باز بِایست و سی مرتبه تکبیر بگو . سپس با آرامش و وقار و با برداشتن گام های کوچک ، اندکی پیش برو . آن گاه ، توقّف کن و سی مرتبه تکبیر بگو .

سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا مجموعا صد تکبیر شود . آن گاه بگو : «درود بر شما ، ای خاندان نبوّت ... !» .

.

1- .العریض : وادیی است در مدینه .

3 / 15الإعجابُالإمام الصادق عليه السلام :مَن أعجَبَهُ شَىءٌ مِن أخيهِ المُؤمِنِ فَليُكَبِّر عَلَيهِ ، فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ . (1)

راجع : ص 126 (بركات الحوقله / دفع العين) .

3 / 16النَّظَرُ فِى المِرآهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصِيَّهِ أوصى بِها عَلِيّا عليه السلام : يا عَلىُّ ، إذا نَظَرتَ فِى مِرآهٍ فَكَبِّر ثَلاثا وقُل : اللّهُمَّ كَما حَسَّنتَ خَلقى فَحَسِّن خُلقى . (2)

3 / 17شِراءُ المَتاعِالإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :إذَا اشتَرَيتَ مَتاعا فَكَبِّرِ اللّهَ ثَلاثا ، ثُمَّ قُل : «اللّهُمَّ إنِّى اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن خَيرِكَ فَاجعَل لى فيهِ خَيرا ، اللّهُمَّ إنِّى اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن فَضلِكَ فَاجعَل لى فيهِ فَضلاً ، اللّهُمَّ إنِّى اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن رِزقِكَ فَاجعَل لى فيهِ رِزقا» ، ثُمَّ أعِد كُلَّ واحِدَهٍ مِنها ثَلاثَ مَرّاتٍ . (3)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 121 عن الحلبى ، بحار الأنوار : ج 95 ص 127 ح 6 .
2- .تحف العقول : ص 11 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 65 ح 5 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 200 ح 3757 عن محمّد بن مسلم .

3 / 15 هنگام به چشم آمدن چیزی

3 / 16 هنگام نگریستن در آینه

3 / 17 هنگام خرید کالا

3 / 15هنگام به چشم آمدن چیزیامام صادق علیه السلام :هر کس چیزی از برادر مؤمنش نظر او را گرفت ، برای آن ، تکبیر بگوید ؛ چرا که چشم زدن ، حقیقت دارد .

ر . ک : ص 127 (برکت های لا حول و لا قوّه إلّا باللّه / دفع چشم زخم) .

3 / 16هنگام نگریستن در آینهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به علی علیه السلام : ای علی! هرگاه در آینه نگریستی ، سه مرتبه تکبیر گو و بگو : «بار خدایا! همان گونه که خلقتم را نیکو قرار دادی ، اخلاقم را نیز نیک گردان» .

3 / 17هنگام خرید کالاامام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :هرگاه کالایی خریدی ، سه مرتبه خدا را به بزرگی یادکن . سپس بگو : «بار خدایا! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای خیر [و برکت] تو هستم . پس برایم در آن ، خیر قرار ده . بار خدایا! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای فضل تو هستم . پس برایم در آن فضل [و فزونی]قرار ده . بار خدایا! من ، این کالا را خریدم و در آن ، جویای روزی تو هستم . پس برایم در آن ، روزی قرار ده» و هر یک از این جملات را سه بار تکرار کن .

.

3 / 18الخُروجُ مِنَ المَنزِلِالكافى عن أبى حمزه :رَأَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يُحَرِّكُ شَفَتَيهِ حينَ أرادَ أن يَخرُجَ وهُوَ قائِمٌ عَلَى البابِ ، فَقُلتُ : إنّى رَأَيتُكَ تُحَرِّكُ شَفَتَيكَ حينَ خَرَجتَ ، فَهَل قُلتَ شَيئا؟ قالَ : نَعَم ، إنَّ الإنسانَ إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ قالَ حينَ يُريدُ أن يَخرُجَ : «اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ثَلاثا بِاللّهِ أخرُجُ وبِاللّهِ أدخُلُ وعَلَى اللّهِ أتَوَكَّلُ ثَلاثَ مَرّاتٍ اللّهُمَّ افتَح لى فى وَجهى هذا بِخَيرٍ وَاختِم لى بِخَيرٍ ، وقِنى شَرَّ كُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ» لَم يَزَل فى ضَمانِ اللّهِ عز و جل حَتّى يَرُدَّهُ اللّهُ إلَى المَكانِ الَّذى كانَ فيهِ . (1)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 540 ح 1 .

3 / 18هنگام خارج شدن از خانهالکافی به نقل از ابو حمزه : امام صادق علیه السلام را دیدم که چون خواست از خانه خارج شود ، بر درِ خانه ایستاد و لبانش را می جنبانْد. گفتم : شما را دیدم که چون بیرون آمدی ، لبت را می جنبانیدی . آیا چیزی گفتی ؟ فرمود : «آری . هرگاه انسان ، وقتی می خواهد از خانه اش خارج شود ، سه مرتبه بگوید : خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر است . خدا بزرگ تر است و سه مرتبه بگوید : به یاریِ خدا ، خارج می شوم و به یاری خدا ، داخل می شوم و بر خدا ، توکّل می کنم [سپس بگوید] بار خدایا ! این [در] را به خوبی بر من ، بگشای و به خوبی بر من ، ببند و مرا از گزند هر جنبنده ای که کاکُل [و مهار]آن در دست توست ، نگه دار . همانا پروردگار من بر راه راست است خداوند عز و جل ضامن حفظ او باشد تا آن گاه که وی را به جایی که بوده است ، برگردانَد .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : أدب التّكبير فى الصّلاهالإمام علىّ عليه السلام :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : « إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ » (1) قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلُ ما هذِهِ النَّحيرَةُ الَّتى أمَرَنى بِها رَبّى؟ قالَ : إنَّها لَيسَت بِنَحيرَةٍ ، ولكِنَّهُ يَأمُرُكَ إذا تَحَرَّمتَ لِلصَّلاهِ أن تَرفَعَ يَدَيكَ إذا كَبَّرتَ وإذا رَكَعتَ وإذا رَفَعتَ رَأسَكَ مِنَ الرُّكوعِ؛ فَإنَّها صَلاتُنا وصَلاهُ المَلائِكَهِ الَّذينِ فِى السَّماواتِ السَّبعِ . قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : رَفعُ الأَيدى مِنَ الاِستِكانَهِ الَّتى قالَ اللّهُ عز و جل : « فَمَا اسْتَكَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ » (2) . (3)

سنن ابن ماجه عن أبى حُمَيد الساعدى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا قامَ إلَى الصَّلاهِ استَقبَلَ القِبلَهَ ، ورَفَعَ يَدَيهِ وقالَ : اللّهُ أكبَرُ . (4)

.

1- .الكوثر : 1 و 2 .
2- .المؤمنون : 76 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 586 ح 3981 عن الأصبغ بن نباته ، كنز العمّال : ج 2 ص 557 ح 4721 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 837 عن الأصبغ بن نباته .
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 264 ح 803 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 198 ح 744 عن عبيد اللّه بن أبى رافع عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، سنن النسائى : ج 3 ص 3 كلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 8 ص 96 ح 22067 .

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نمازامام علی علیه السلام :چون این آیه بر پیامبر خدا فرود آمد : «ما به تو کوثر دادیم . پس برای پروردگارت ، نماز گزار و قربانی کن» ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای جبرئیل! این قربانی که پروردگارم مرا به آن فرمان داده است ، چیست؟». جبرئیل علیه السلام گفت : آن قربانی نیست ؛ بلکه به تو می فرماید که هرگاه تکبیره الإحرام نماز را گفتی ، هنگامی که تکبیر می گویی و هنگامی که به رکوع می روی و هنگامی که سر از رکوع بر می داری ، دستانت را بالا ببر ؛ زیرا این [نحوه]نماز ما و نماز فرشتگانِ آسمان های هفتگانه است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بالا بردن دست ها ، نشانه همان فروتنی ای است که خداوند عز و جل فرموده است : «نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند» » .

سنن ابن ماجه به نقل از ابو حُمَید ساعدی : پیامبر خدا ، هرگاه به نماز می ایستاد ، رو به قبله می کرد و دستانش را بالا می برد و می گفت : «اللّه أکبر» .

.

الاُصول الستّه عشر :عَن زَيدٍ عَن أبِي الحَسَنِ الأَوَّلِ عليه السلام أَنَّهُ رآهُ يُصَلّى ، فَكانَ إذا كَبَّرَ فِى الصَّلاهِ ألزَقَ أصابِعَ يَدَيهِ : الإبهامَ وَالسَّبّابَه وَالوُسطى وَالَّتى تَليها ، وفَرَّجَ بَينَها وبَينَ الخِنصَرِ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ بِالتَّكبيرِ قُبالَهَ وَجهِهِ ، ثُمَّ يَلقُمُ رُكبَتَيهِ كَفَّيهِ ، ويُفَرِّجُ بَينَ الأَصابِعِ . . . . (1)

سنن الترمذي عن أبى هريره :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا كَبَّرَ لِلصَّلاهِ نَشَرَ أصابِعَهُ . (2)

علل الشرائع عن المفضّل بن عمر :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لِأَىِّ عِلَّهٍ يُكَبِّرُ المُصَلّى بَعدَ التَّسليمِ ثَلاثا يَرفَعُ بِها يَدَيهِ؟ فَقالَ : لِأَنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله لَمّا فَتَحَ مَكَّهَ صَلّى بِأَصحابِهِ الظُّهرَ عِندَ الحَجَرِ الأَسوَدِ ، فَلَمّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيهِ وكَبَّرَ ثَلاثا وقالَ : لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ وَحدَهُ ، أنجَزَ وَعدَهُ ، ونَصَرَ عَبدَهُ ، وأَعزَّ جُندَهُ ، وغَلَبَ الأَحزابَ وَحدَهُ ، فَلَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ويُميتُ ويُحيى ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . ثُمَّ أقبَلَ عَلى أصحابِهِ فَقالَ : لا تَدَعوا هذَا التَّكبيرَ وهذَا القَولَ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ مَكتوبَهٍ ، فَإِنَّ مَن فَعَلَ ذلِكَ بَعدَ التَّسليمِ ، وقالَ هذَا القَولَ ، كانَ قَد أدّى ما يَجِبُ عَلَيهِ مِن شُكرِ اللّهِ تَعالى ذِكرُهُ عَلى تَقوِيَهِ الإِسلامِ وجُندِهِ . (3)

تهذيب الأحكام عن صفوان الجمّال :رَأَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام إذا كَبَّرَ فِى الصَّلاهِ يَرفَعُ يَدِيهِ حَتّى تَكادَ تَبلُغُ اُذُنَيهِ . (4)

.

1- .الاُصول الستّه عشر : ص 53 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 225 ح 12 .
2- .سنن الترمذى : ج 2 ص 5 ح 239 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 42 ح 2318 ، كنزالعمّال : ج 7 ص 55 ح 17927 .
3- .علل الشرائع : ص 360 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 22 ح 21 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 66 ح 235 .

الأُصول الستّه عشر :از زید روایت شده است که دید امام کاظم علیه السلام نماز می خواند و هرگاه در نماز تکبیر می گوید ، انگشتان دست هایش ، یعنی شصت و نشانه و میانی و کناری آن را به هم می چسباند و انگشت کوچک را از آنها جدا می ساخت . سپس دست هایش را تا برابر صورتش بالا می برد و تکبیر می گفت . آن گاه [به رکوع می رفت و] کف دستانش را بر زانوهایش می گذاشت و انگشتانش را از هم باز می کرد ... .

سنن ترمذی به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه برای نماز ، تکبیر می گفت ، انگشتانش را از هم باز می کرد .

علل الشرائع به نقل از مفضّل بن عمر : به امام صادق علیه السلام گفتم : به چه علّت ، نماز گزار ، پس از سلام دادن ، سه مرتبه دست هایش را بالا می برد و تکبیر می گوید؟ فرمود : «چون پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که مکّه را فتح کرد ، نماز ظهر را با یارانش در کنار حجرالأسود برگزار کرد و سلام که داد ، دست هایش را سه مرتبه بلند کرد و تکبیر گفت و گفت : معبودی جز خدا نیست ، یگانه است یگانه ، وعده اش را تحقّق بخشید و بنده اش را یاری داد و سپاهش را قدرت داد و یک تنه ، گروه ها[ی مشرک] را درهم شکست . پس او راست ، فرمان روایی و او راست ، ستایش . زنده می کند و می میرانَد ، و می میراند و زنده می گردانَد ، و او بر هر چیزی تواناست » . سپس به یارانش رو کرد و فرمود : گفتنِ این تکبیر و این جملات را پس از هر نماز واجبی ، ترک مگویید ؛ زیرا هر کَس پس از سلام دادن نماز ، چنین کند و این جملات را بگوید ، وظیفه خود را در سپاس گزاری از خداوند عز و جل برای تقویت اسلام و سپاهیانش ، به جا آورده است » .

تهذیب الأحکام به نقل از صفوان جمّال : امام صادق علیه السلام را دیدم که هرگاه در نماز ، تکبیر می گفت، دستانش را تا نزدیک گوش هایش بالا می برد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إِذَا افتَتَحتَ الصَّلاةَ فَارفَع كَفَّيکَ ، ولا تُجاوِز بِهِما اُذُنَيکَ ، وَابسُطهُما بَسطا ثُمَّ کَبِّر . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله کانَ يَرفَعُ يَدَيهِ حينَ يُکَبِّرُ تَکبيرَةَ الإِحرامِ حِذاءَ اُذُنَيهِ ، وحينَ يُکَبِّرُ لِلرُّکوعِ ، وحينَ يَرفَعُ رَأسَهُ مِنَ الرُّکُوعِ . (2)

الاُصول الستّه عشر عن أبى بصير :رَأَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يُصَلّى ، فَإذا رَفَعَ يَدَيهِ بِالتَّکبيرِ لِلاِفتِتاحِ وَالرُّکوعِ وَالسُّجودِ يَرفَعُها قُبالَةَ وَجهِهِ أو دونَ ذلِکَ بِقَليلٍ . (3)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا کُنتَ إماما فَکَبِّر واحِدَةً تَجهَرُ فيها ، وتُسِرُّ السِّتَّةَ . (4)

.

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 157 ، الكافى : ج 3 ص 310 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 67 ح 244 كلاهما عن الحلبى عنه عليه السلام وليس فيهما «ولا تجاوز بهما اُذنيک» ، بحار الأنوار : ج 84 ص 376 ح 30 .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 162 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 377 ح 30 .
3- .الاُصول الستّه عشر : ص 53 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 382 ح 39 .
4- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 112 ، بحار الأنوار : ج 88 ص 68 ح 20 .

امام صادق علیه السلام :هرگاه نماز را آغاز کردی ، دو دستت را بالا ببر ؛ امّا آنها را از گوش هایت فراتر مبر ، و انگشتانت را از هم بگشا . سپس تکبیر بگو .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، هنگامی که تکبیره الأحرام می گفت ، دست هایش را تا برابر گوش هایش بالا می برد ؛ همچنین هنگامی که برای رفتن به رکوع تکبیر می گفت ، یا هنگامی که از رکوع بر می خاست .

الأُصول الستّه عشر به نقل از ابو بصیر : امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز می خواند و هرگاه دست هایش را برای آغاز نماز و رکوع و سجود به تکبیر بلند می کرد ، آنها را تا برابر صورتش یا اندکی پایین تر ، بالا می برد .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هرگاه امام [جماعت] بودی ، یک تکبیر را بلند بگو و شش تای دیگر را آهسته .

.

الفَصلُ الخامِسُ : التّكبيرات المأثورهالبلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ مَرويٌّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : بَسمِل وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ثَلاثا . . . وَاللّهُ أكبَرُ ثَلاثا بِعَدَدِ كُلِّ تَكبيرٍ كَبَّرَهُ المُكَبِّرونَ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُ أكبَرُ فى عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، اللّهُ أكبَرُ بَعدَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ ، اللّهُ أكبَرُ مَعَ عِلمِهِ مُنتَهى رِضاهُ . . . وَاللّهُ أكبَرُ تَكبيرا لا يُحصيهِ غَيرُهُ قَبلَ كُلِّ أحَدٍ ، ومَعَ كُلِّ أحَدٍ ، وبَعدَ كُلِّ أحَدٍ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُ أكبَرُ القاهِرُ لِلأَضدادِ ، المُتعالى عَنِ الأَندادِ ، المُتَفَرِّدُ بِالمِنَّهِ عَلى جَميعِ العِبادِ ، وَاللّهُ أكبَرُ المُحتَجِبُ بِالمَلَكوتِ وَالعِزَّهِ ، المُتَوَحِّدُ بِالجَبَروتِ وَالقُدرَهِ ، المُتَرَدّى بِالكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ المُتَقَدِّسُ بِدَوامِ السُّلطانِ ، وَالغالِبُ بِالحُجَّهِ وَالبُرهانِ ، ونَفاذِ المَشِيَّهِ فى كُلِّ حينٍ وأوانٍ . (3)

كنزالعمّال عن عبد اللّه بن يسار :كانَ عَلِىٌّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ قالَ : اللّهُ أكبَرُ أهلٌ أن يُكَبَّرَ ، وأهلٌ أن يُذكَرَ ، وأهلٌ أن يُشكَرَ ، مَن نَفعُهُ نَفعٌ وضَرُّهُ ضَرٌّ . (4)

.

1- .البلد الأمين : ص 374 .
2- .مُهَج الدعوات : ص 170 عن إبراهيم بن أبى يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام بأسانيد أُخرى ، بحار الأنوار : ج 95 ص 386 ح 28 .
3- .البلدالأمين : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 139 ح 7 .
4- .كنزالعمّال : ج 15 ص 511 ح 41993 نقلاً عن الخرائطى .

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیتالبلد الأمین :دعای «لا إله إلّا اللّه » از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است] : بسم اللّه گوی و بگو : معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و خدا ، بزرگ تر است (سه مرتبه) ، به تعداد هر تکبیری که تکبیرگویان گفته اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا بزرگ تر است ، در علم او ، تا نهایت خشنودی اش . خدا ، بزرگ تر است پس از علم او تا نهایت خشنودی اش . خدا بزرگ تر است ، با علم او ، تا نهایت خشنودی اش ... و خدا ، بزرگ تر است ، چندان که جز او ، کسی آن را شماره نمی تواند بکند ، پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس .

امام علی علیه السلام :بزرگا خدایی که بر حریفان ، چیره است ، از داشتن همتایان ، برتر است ، بندگان ، همه تنها رهینِ منّت اویند! بزرگا خدایی که در حجاب پادشاهی و عزّت (1) است ، در شکوهناکی و قدرت ، یگانه است ، ردای کبریا و عظمت ، در پوشیده است! بزرگا خدایی که به پایندگی سلطنت ، مقدّس است ، دلیل و برهانش چیره است و مشیّتش ، همیشه و هر دم جاری است !

کنزّالعمال به نقل از عبد اللّه بن یسار : علی بن ابی طالب علیه السلام هرگاه شب بر می خاست ، می گفت : بزرگا خدایی که شایسته است بزرگ دانسته شود و شایسته است که یاد شود و شایسته است که سپاس گزاری شود! کسی که سودش ، سود است و زیانش ، زیان .

.

1- .دائما او پادشاه مطلق است در حجاب عزّ خود مستغرق است

الإمام الباقر عليه السلام :اللّهُ أكبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللّهَ شَىءٌ ، وكَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُكَبَّرَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُ أكبَرُ مِدادَ كَلِماتِهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ مِل ءَ عَرشِهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ عَدَدَ ما أحصى كِتابُهُ . (2)

الكافى عن محمّد بن خالد البرقى عن بعض أصحابه رفعه ، قال :تَقولُ بَعدَ الفَجرِ قَبلَ أن تَتَكَلَّمَ : الحَمدُ للّهِ مِل ءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ ، وسُبحانَ اللّهِ مِل ءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ ، وَاللّهُ أكبَرُ مِل ءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ . . . . (3)

بحار الأنوار مِن دُعاءِ الإخلاصِ : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ أهلُ الجَبَروتِ وَالعِزَّهِ ، اللّهُ أكبَرُ وَلِىُّ الغَيثِ وَالرَّحمَهِ ، اللّهُ أكبَرُ مَلِكُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، اللّهُ أكبَرُ عَظيمُ المَلَكوتِ ، اللّهُ أكبَرُ شَديدُ الجَبَروتِ ، اللّهُ أكبَرُ عَزيزُ القُدرَهِ لَطيفٌ لِما يَشاءُ ، اللّهُ أكبَرُ مُدَبِّرُ الاُمورِ ، اللّهُ أكبَرُ يُحيِى العِظامَ وهِىَ رَميمٌ ، اللّهُ أكبَرُ مُبدِئُ الخَفِيّاتِ ، اللّهُ أكبَرُ مُعلِنُ السَّرائِرِ . اللّهُ أكبَرُ أوَّلُ كُلِّ شىَءٍ وآخِرُهُ ، اللّهُ أكبَرُ بَديعُ كُلِّ شَىءٍ ومُنتَهاهُ ، اللّهُ أكبَرُ مُدرِكُ كُلِّ شَىءٍ ومَصيرُهُ إلَيهِ ، اللّهُ أكبَرُ خالِقُ كُلِّ شَىءٍ ومَولاهُ ، اللّهُ أكبَرُ أمامَ كُلِّ شَىءٍ وخَلفَ كُلِّ شَىءٍ ، اللّهُ أكبَرُ مُبتَدِئُ كُلِّ شَىءٍ ووارِثُهُ ، اللّهُ أكبَرُ بَدءُ كُلِّ شَىءٍ ومُعيدُهُ ، اللّهُ أكبَرُ رازِقُ كُلِّ شَىءٍ ومُغيثُهُ ، اللّهُ أكبَرُ رَبُّ كُلِّ شَىءٍ ومُحصيهِ ، اللّهُ أكبَرُ رَبُّ كُلِّ شَىءٍ ومُنجيهِ ، اللّهُ أكبَرُ لَم يَكُ قَبلَهُ شَىءٌ ، اللّهُ أكبَرُ كُلُّ شَىءٍ بِيَدِهِ ، اللّهُ أكبَرُ كُلُّ شَىءٍ هالِكٌ إلّا وَجهَهُ ، اللّهُ أكبَرُ لا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ ، اللّهُ أكبَرُ لَم يَتَّخِذ صاحِبَهً ولا وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا . اللّهُ أكبَرُ لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ ، اللّهُ أكبَرُ مُكَبَّرا مُعَظَّما مُقَدَّسا كَبيرا ، اللّهُ أكبَرُ ولا شَريكَ لَهُ فِى تَكبيرى إيّاهُ ، بَل أقولُ مُخلِصا : وَجَّهتُ وَجهِىَ لِلَّذى فَطَرَ السَّماواتِ وَالأَرضَ حَنيفا مُسلِما وما أنَا مِنَ المُشرِكينَ ، اللّهُ أكبَرُ لا نِدَّ لَهُ ولا ضِدَّ ، ولا شَبيهَ لَهُ ولا شَريكَ ، ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مُهج الدعوات : ص 216 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، الإقبال : ج 2 ص 124 عن سلمه بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
2- .الإقبال : ج 2 ص 145 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 259 .
3- .الكافى : ج 2 ص 547 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 191 ح 52 .
4- .بحار الأنوار : ج 95 ص 419 ح 43 نقلاً عن أصل قديم من مؤلّفات قدماء الأصحاب .

امام باقر علیه السلام :خدا بزرگ تر است ، هر زمان که چیزی خدا را به بزرگ تری یاد کند ، و آن سان که خدا ، خود ، دوست دارد که به بزرگ تری یاد شود .

امام صادق علیه السلام :خدا بزرگ تر است ، به گستره کلماتش . خدا بزرگ تر است ، به گنجایی عرشش . خدا بزرگ تر است ، به شمارِ آنچه کتاب او شماره کرده است .

الکافی به نقل از محمّد بن خالد برقی ، از یکی از یارانش که سند حدیث را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است : بعد از نماز صبح ، پیش از آن که سخنی بگویی ، می گویی : «ستایش ، خدای را به پُریِ ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا]و به وزنِ عرش . پاکا خدا به پُری ترازو تا نهایت خشنودی [خدا]و به وزن عرش! خدا ، بزرگ تر است به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش ...» .

بحارالأنوار بخشی از «دعای اخلاص» : خدا ، بزرگ تر است ، خدا ، بزرگ تر است . معبودی جز خدا نیست . بزرگا خدایی که اهل جبروت و عزّت است! بزرگا خدایی که صاحب باران پُرخیر و برکت و صاحب رحمت است! بزرگا خدایی که پروردگار دنیا و آخرت است! بزرگا خدایی که پادشاهی اش باعظمت است! بزرگا خدایی که پُرجبروت است! بزرگا خدایی که قدرتش شکست ناپذیر است و به آنچه خواهد ، صاحب لطف است! بزرگا خدایی که گرداننده امور است! بزرگا خدایی که استخوان های پوسیده را زنده می گرداند! بزرگا خدایی که آشکار کننده پوشیده هاست! بزرگا خدایی که هویدا کننده نهان هاست ! بزرگا خدایی که آغاز و فرجامِ هر چیزی است! بزرگا خدایی که ابداع کننده هر چیز و مُنتهای آن است! بزرگا خدایی که دریابنده هر چیز است و حرکت هر چیز به سوی اوست! بزرگا خدایی که آفریننده هر چیز و سرپرست آن است! بزرگا خدایی که پیش هر چیز و پس از هر چیز است! بزرگا خدایی که پدیدآورنده هر چیز و وارث آن است! بزرگا خدایی که آغاز کننده هر چیز و اعاده کننده آن است! بزرگا خدایی که روزی دهنده هر چیز و کمک کننده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و شمارنده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و نجات دهنده آن است! بزرگا خدایی که پیش از او چیزی نبوده است! بزرگا خدایی که همه چیز ، در دست [قدرت و اختیار] اوست! بزرگا خدایی که

هر چیز ، نابود می شود ، جز روی او! بزرگا خدایی که غیر او ، آنچه می خواهد انجام دهد ، نمی تواند! بزرگا خدایی که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهانداری ، شریکی ندارد و خوار و ضعیف نبوده که حمایتگری داشته باشد! او را بزرگ و بزرگ بشمار . بزرگا خدایی که نه زاده است و نه زاده کسی است و هیچ کس همتای او نیست! بزرگا خدایی که بسی بزرگ و باعظمت و مقدّس و کبیر است! بزرگا خدا! و در این بزرگداشتم ، کسی شریک او نیست ؛ بلکه از سر اخلاص می گویم : روی خود را به سوی کسی کردم که آفریننده آسمان ها و زمین است ، در حالی که یکتاپرست و مسلمانم و از مشرکان نیستم . بزرگا خدایی که او را همتا و رقیبی و مانند و شریکی نیست! پروردگار باشکوه و پُر ارج است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا مرتبه و باعظمت .

.

ص: 78

راجع : ص 42 (مواضع التكبير / الأعياد) .

.

ص: 79

ر . ک : ص 43 (جایگاه های گفتن اللّه اکبر / اعیاد) .

.

ص: 80

. .

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوه إلّا باللّه » و «إن شاء اللّه »)

اشاره

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتنِ «لا حول و لا قوه إلّا باللّه » و «إن شاء اللّه »)شامل:درآمدفصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّه الّا باللّه »فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوّه إلاّ باللّه »فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدافصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »فصل ششم: «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »های رسیده از اهل بیت علیهم السلامفصل هفتم: تشویق به گفتن : «ان شاء اللّه = اگر خدا بخواهد»فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آنفصل نهم: گوناگون

.

ص: 82

. .

درآمد

واژه شناسی «حَوقَله»

حوقله ، در قرآن و حدیث

اشاره

درآمدواژه شناسی «حَوقَله»واژه «حَوقَلَه» ، به معنای گفتن یا نوشتنِ «لا حولَ و لا قُوّهَ إلّا بِاللّه » است و گاه به معنای خود این ذکر شریف (با ساخت اسم مصدری) به کار می رود که در اصطلاح علوم عربی ، به این ساختار و نظایر آن (مانند : «بَسمَله» و «حَمدَله») ، مصدر جعلی یا منحوت می گویند . گفتنی است که بیشتر لغت شناسان ، مصدر جعلی «لا حَولَ و لا قوّهَ إلّا باللّه » را تنها «حوقله» می دانند ؛ ولی شماری از آنها «حولقه» را نیز مصدر جعلی این ذکر دانسته اند . (1)

حوقله ، در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، ذکر «حوقله» نیامده و آنچه آمده ، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَا بِاللَّهِ» (2) است ؛ لیکن در احادیث اسلامی ، غالبا کلمه «لا حول» به جمله «لا قوّه إلّا باللّه »

.

1- .ر . ک : ترتیب اصلاح المنطق : ص 78 ، الصحاح : ج 4 ص 1464 و ج 5 ص 1854 ، النهایه : ج 1 ص 446 ، لسان العرب : ج 1 ص 67 .
2- .کهف : آیه 39 .

1 . معانی «حوقله»

افزوده شده است که در حقیقت تأکیدی است بر «لا قوّه»ای که در قرآن آمده است . در ارتباط با احادیثی که در این بخش می آیند ، چند نکته قابل توجّه است :

1 . معانی «حوقله»در احادیث ، ذکر «لا حَولَ ولا قُوّهَ إلّا بِاللّه » ، به سه گونه تفسیر شده است : تفسیر اوّل ، این که : مبدأ توان و قدرت انسان ، خداست و او بدون کمک خداوند ، نه می تواند از معصیت پروردگار ، خودداری کند و نه می تواند اوامر او را اطاعت نماید. متن حدیث نبوی در این باره چنین است : لا حَولَ (1) عَن مَعصِیَهِ اللّهِ إلّا بِقُوَّهِ اللّهِ ، ولا قُوَّهَ عَلی طاعَهِ اللّهِ إلّا بِعَونِ اللّهِ . (2) هیچ بازدارنده ای از معصیت خدا نیست مگر به نیروی خدا ، و هیچ توانی بر طاعت خدا نیست مگر به کمک خدا . تفسیر دوم ، سلب مالکیت عرْضی از انسان در همه امور اعم از افعال و املاک است ؛ بدین معنا که مالکیت انسان ، در طول مالکیت خداوند متعال است ، نه در عرض او ، و در مالکیت طولی نیز خدا به مالکیت ، اولی است تا انسان ؛ زیرا مالکیت انسان ، حدوثا و بقائا ، وابسته به مشیّت الهی است . از امام علی علیه السلام در تبیین معنای «حوقله» روایت شده است که : إنّا لا نَملِکُ مَعَ اللّهِ شَیئا ، ولا نَملِکُ إلّا ما مَلَّکَنا ، فَمَتی مَلَّکَنا ما هُوَ أملَکُ بِهِ مِنّا

.

1- .فرق بین حول و قُوّه ، طبق قولی ، در این است که حول ، توان تصرّف (تغییر) است ، در حالی که قوّه ، منشأ افعال دشوار است و از مولایمان امیر مؤمنان در تفسیر «لا حولَ و لا قوّه إلّا باللّه » روایت شده است که یعنی : «هیچ مانعی از معاصی و هیچ توانی بر عبادت نیست ، مگر به خدا» یعنی : به یاری خدا و توفیق او (معجم الفروق اللغویّه : ص 204) .
2- .ر . ک : ص 88 ح 1667 .

كَلَّفَنا ، ومَتى أخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَكليفَهُ عَنّا . (1) ما در كنار خدا مالک چيزى نيستيم ، و تنها مالک آن چيزى هستيم كه او به مالكيت ما درآورده است . پس تا آن گاه كه او چيزى را كه به مالكيت آن اولى از ماست در اختيار ما نهاده است ، ما را مكلّف نموده و آن گاه كه آن را از ما بگيرد ، تكليف خود را نيز از عهده ما بر مى دارد . تفسير سوم ، تفسير به لازم است ، بدين معنا كه وقتى انسان باور كند كه توان و مالكيت او در طول قدرت و مالكيت خداست و بدون اراده تكوينى خداوند متعال ، هيچ كارى از هيچ كس ساخته نيست و او تواناترين و بهترين كارگزار است ، همه كارهاى خود را به او واگذار مى نمايد . پيامبر خدا مى فرمايد : إذا قالَ العَبدُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَقَد فَوَّضَ أمرَهُ إلَى اللّهِ ، وحَقٌّ عَلَى اللّهِ أن يَكفِيَهُ . (2) هر گاه بنده بگويد : «هيچ نيرو و توانى نيست مگر به مدد خداوند» ، در واقع ، كار خود را به خدا واگذاشته است و بر خداست كه برايش كارسازى كند . بنا بر اين ، تنها كسى مى تواند اين ذكر نورانى را حقيقتا بر زبان ، جارى نمايد كه همه توان خود را در مسيرى كه خدا مى خواهد ، به كار گيرد و البتّه تكيه گاه اصلى او براى رسيدن به مقصد ، خدا باشد ؛ چرا كه او كارساز حقيقى و مسبّب الأسباب است . به سخن ديگر ، كسى حقيقتا شايستگى گفتن «لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » را دارد كه به مرتبه توحيد اَفعالى رسيده باشد ؛ زيرا تا به اين پايه از توحيد نرسد ،

.

1- .ر . ک : ص 92 ح 1673 .
2- .ر . ک : ص 92 ح 1674 .

2 . استثنا به مشیّت الهی

نمی تواند به طور مطلق ، توان را از خود ، سلب و به خداوند متعال منسوب نماید .

2 . استثنا به مشیّت الهی (1)کسی که به مرتبه توحید اَفعالی رسید ، انجام شدن هر کاری را منوط به خواست الهی می داند . از این رو ، ادب عبودیّت ، اقتضا می کند که موحّد ، وقتی می خواهد بگوید : «فلان کار را انجام می دهم» ، آن را منوط به مشیّت الهی نماید ، چنان که قرآن کریم در اشاره به این ادب می فرماید : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَیْ ءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن یَشَاءَ اللَّهُ . (2) و زنهار! در مورد چیزی مگو که : «من آن را انجام خواهم داد» ، مگر آن که خدا بخواهد» . همچنین پیامبر خدا ضمیمه کردن ذکر «استثنا» (یعنی گفتنِ إن شاء اللّه) به هر گونه سخن را نشانه کمال ایمان که همان توحید افعالی است می شمارد : إنَّ مِن إتمامِ إیمانِ العَبدِ أن یَستَثنِیَ فی کُلِّ حَدیثٍ . (3) از کمال ایمان بنده است که در هر سخنی ، «إن شاء اللّه » بگوید . در احادیث اهل بیت ، ضمیمه کردن استثنا به نوشته ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است . (4)

.

1- .استثنا گفتن یا مشروط کردن اِجرای هر قصدی به مشیّت خدا ، در عرف شرع و متشرّعه ، عبارت است از : گفتن جمله «إن شاء اللّه » . این اصطلاح ، از آیه های 23 و 24 سوره کهف اخذ شده است .
2- .کهف : آیه 23 و 24 .
3- .ر . ک : ص 164 ح 1786 .
4- .ر . ک : ص 171 (نوشتن «اگر خدا بخواهد» در نوشتار) .

3 . نقش ذکر «حوقله» در زندگی

4 . خطر برائت از حول و قوّه الهی

3 . نقش ذکر «حوقله» در زندگیذکر مبارک «لا حول و لا قوّه إلّا باللّه » ، برکات فراوانی برای زندگی مادّی و معنوی انسان دارد . مهم ترینْ برکات این ذکر که در احادیث فصل سوم بدانها تصریح شده عبارت اند از : دوام یافتن نعمت های الهی ، زوال فقر ، پاک شدن از گناهان ، دفع وسوسه ، فرو خُفتن خشم ، پیشگیری از اندوه ، دفع چشم زخم و انواع بلاها . بدیهی است که گفتن این ذکر ، هر چه با حقیقت آن (توحید آفعالی) بیشتر همراه باشد ، برکات بیشتری برای زندگی خواهد داشت . به دلیل اهمّیت این ذکر و نقش مؤثّر و سازنده آن ، احادیث اسلامی ، از آن با تعبیرهای بلندی (مانند : گنج سخن ، گنج بهشت ، گنج عرش ، تسبیح حاملان عرش و کلام اهل آسمان ها) یاد نموده ، مسلمانان را به بهره برداری از برکات آن ، تشویق کرده اند . همچنین بر گفتن این ذکر به هنگام شنیدن حَیَّعَلات («حَیَّ عَلی»ها) در اذان و نیز بعد از نماز صبح و هنگام خروج از منزل و هنگام وارد شدن به مسجد و بازار ، تأکید نموده اند .

4 . خطر برائت از حول و قوّه الهینقطه مقابل «حوقله» که نشان دهنده توحید افعالی است و برکات فراوانی برای زندگی مادّی و معنوی انسان دارد ، ابراز برائت از حول و قوّه الهی است که فوق العاده خطرناک است . از این رو ، در واقعه ای ، کسی که امام صادق علیه السلام را متّهم کرده بود ، هنگامی که به دروغ گفت : «از نیرو و توان خدا برائت می جویم و به نیرو و توان خودم تکیه می کنم که در آنچه می گویم ، راست و درستم» هنوز سخنش تمام نشده ، هلاک شد . (1)

.

1- .ر . ک : ص 141 ح 1764 .

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير الحوقله1 / 1لا حَولَ عَنِ المَعصِيَهِ ولا قُوَّهَ عَلَى الطّاعَهِ إلّا بِاللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِمَعاذٍ : يا مَعاذُ ، أتَدرى ما تَفسيرُ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ؟ لا حَولَ عَن مَعصِيَهِ اللّهِ إلّا بِقُوَّهِ اللّهِ ، ولا قُوَّهَ عَلى طاعَهِ اللّهِ إلّا بِعَونِ اللّهِ . (1)

مجمع الزوائد عن عبد اللّه بن مسعود :كُنتُ عِندَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تَدرى ما تَفسيرُها؟ قُلتُ : اللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ ! قالَ : لا حَولَ عَن مَعصِيَهِ اللّهِ إلّا بِعِصمَهِ اللّهِ ، ولا قُوَّهَ عَلى طاعَهِ اللّهِ إلّا بِعَونِ اللّهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام حينَ سُئِلَ عَن تَأويلِ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ : لا حَولَ لَنا عَن مَعاصِى اللّهِ إلّا بِعِصمَهِ اللّهِ ، ولا قُوَّهَ لَنا عَلى طاعَهِ اللّهِ إلّا بِعَونِ اللّهِ . (3)

.

1- .الفردوس : ج 5 ص 375 ح 8478 عن ابن مسعود ، كنزالعمّال : ج 1 ص 459 ح 1984 وج 2 ص 251 ح 3946 .
2- .مجمع الزوائد : ج 10 ص 121 ح 16907 نقلاً عن البزّار ، كنزالعمّال : ج 2 ص 251 ح 3947 نقلاً عن ابن النجّار نحوه .
3- .الاحتجاج : ج 2 ص 494 ح 328 عن الإمام العسكرى عليه السلام فى رسالته إلى أهل الأهواز حين سألوه عن الجبر والتفويض ، تحف العقول : ص 468 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 24 ح 30 .

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّه الّا باللّه »

1 / 1 خودداری از معصیت و توانایی برطاعت ، جز با یاری خودِ خدا نیست

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّه الّا باللّه »1 / 1خودداری از معصیت و توانایی برطاعت ، جز با یاری خودِ خدا نیستپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مُعاذ : ای مُعاذ! آیا می دانی تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» چیست؟ [این است که :]خودداری از معصیت خدا ، جز با یاری خدا نیست و توانایی برطاعت خدا نیز ، جز با یاری خدا نیست .

مجمع الزوائد به نقل از عبد اللّه بن مسعود : در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و جمله «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه » را بر زبان آوردم . پیامبر خدا فرمود : «می دانی تفسیر آن چیست؟» گفتم : خدا و پیامبرش داناترند . فرمود : «یعنی تنها با نگهداشتِ خداست که از معصیت خدا ، می توان خودداری کرد و فقط با یاری خداست که بر طاعت خدا ، تواناییم .

امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال از تأویل «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» : یعنی از نافرمانی خدا ، خودداری نمی توانیم کرد ، مگر با نگهداشتِ خدا ، و بر فرمان بُرداری از خدا ، توانا نخواهیم بود ، مگر با یاری خدا .

.

تاريخ دمشق عن الحارث :جاءَ رَجُلٌ إلى عَلىٍّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أخبِرنى عَنِ القَدَرِ ، قالَ : . . . أيُّهَا السّائِلُ ، أَلَستَ تَسأَلُ رَبَّکَ العافِيَةَ؟ قالَ : نَعَم ، قالَ : فَمِن أىِّ شَىءٍ تَسأَلُهُ العافِيَةَ؟ أمِنَ البَلاءِ الَّذِى ابتَلاکَ بِهِ غَيرُهُ؟ قالَ : مِنَ البَلاءِ الَّذِى ابتَلانى بِهِ . قالَ : أيُّهَا السّائِلُ ، تَقولُ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِمَن؟ قالَ : إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . قالَ : فَتَعلَمُ ما تَفسيرُها؟ قالَ : تُعَلِّمُنى مِمّا عَلَّمَکَ اللّهُ يا أميرَ المُؤمِنينَ . قالَ : إنَّ تَفسيرَها : لا يَقدِرُ (1) عَلى طاعَةِ اللّهِ ، ولا تَكونُ لَهُ قُوَّةٌ فى مَعصِيَةٍ فِى الأمرَينِ جَميعا إلّا بِاللّهِ . (2)

التوحيد عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن مَعنى : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَقالَ : مَعناهُ لا حَولَ لَنا عَن مَعصِيَةِ اللّهِ إلّا بِعَونِ اللّهِ ، ولا قُوَّةَ لَنا عَلى طاعَةِ اللّهِ إلّا بِتَوفيقِ اللّهِ عز و جل . (3)

المحاسن عن الحسين بن علوان الكلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن تَفسيرِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، قالَ : لا يَحولُ بَينَنا وبَينَ المعاصى إلَا اللّهُ ، ولا يُقَوّينا عَلى أداءِ الطّاعَةِ وَالفَرائِضِ إلَا اللّهُ . (4)

.

1- .فى المصدر : «ولا تقدر» ، والتصويب من كنز العمّال. وفى دستور معالم الحكم : «إنّ العبد لا يقدر...» .
2- .تاريخ دمشق : ج 42 ص 512 ، دستور معالم الحكم : ص 88 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 346 ح 1561 .
3- .التوحيد : ص 242 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 21 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 11 .
4- .المحاسن : ج 1 ص 113 ح 110 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 24 .

تاریخ دمشق به نقل از حارث : مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و گفت : ای امیر مؤمنان! مرا از قَدَر ، آگاه فرما . فرمود : « ... ای پرسنده! آیا نه این است که تو از پروردگارت عافیت می طلبی؟». گفت : چرا . فرمود : «عافیت از چه چیز ، از او می طلبی؟ آیا از بلایی که غیر او ، تو را به آن گرفتار کرده است؟». مرد گفت : از بلایی که او خود ، مرا بدان گرفتار کرده است . فرمود : «ای پرسنده! می گویی : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری چه کسی؟». گفت : مگر به یاری خداوند بلندمرتبه و باعظمت . فرمود : «می دانی تفسیر آن چیست؟». گفت : ای امیر مؤمنان! از آنچه خدایت به تو آموخته است ، به من می آموزی ؟ فرمود : «تفسیرش این است که : [بنده،] جز با یاری خدا ، نه بر طاعت خداوندْ قادر است و نه بر [ترکِ]معصیتی تواناست» .

التوحید به نقل از جابر جُعْفی : از امام باقر علیه السلام در باره معنای «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» پرسیدم . فرمود : «معنایش این است که ما از معصیت خدا ، باز نتوانیم ایستاد ، مگر به یاری خود خداوند ، و بر انجام دادن طاعت خدا ، توانایی نداریم ، جز با توفیق دهی خود خداوند عز و جل» .

المحاسن به نقل از حسین بن علوان کلبی : از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، پرسیدم . فرمود : «یعنی میان ما و معاصی حایل نمی گردد ، مگر خداوند ، و ما را بر انجام دادن طاعت و وظایف ، نیرومند نمی گرداند ، مگر خداوند» .

.

1 / 2لا نَملِکُ مَعَ اللّهِ إلّا ما مَلَّکَناالإمام علیّ علیه السلام وقَد سُئِلَ عَن مَعنی :لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ : إنّا لا نَملِکُ مَعَ اللّهِ شَیئا ، ولا نَملِکُ إلّا ما مَلَّکَنا ، فَمَتی مَلَّکَنا ما هُوَ أملَکُ بِهِ مِنّا کَلَّفَنا ، ومَتی أخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَکلیفَهُ عَنّا . (1)

1 / 3تَفویضُ الأَمرِ إلَی اللّهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذا قالَ العَبدُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَقَد فَوَّضَ أمرَهُ إلَی اللّهِ ، وحَقٌّ عَلَی اللّهِ أن یَکفِیَهُ . (2)

الإمام زین العابدین علیه السلام :مَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَوَّضَ الأَمرَ إلَی اللّهِ عز و جل . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الحکمه 404 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 209 ح 49 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 112 ح 108 عن محمّد بن عمران عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 22 .
3- .الخصال : ص 299 ح 72 عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 9 وص 193 ح 5 .

1 / 2 تنها مالک چیزی هستی که خداوند ، ما را مالک آن کرده است

1 / 3 وا گذاشتن کار به خدا

1 / 2تنها مالک چیزی هستیم که خداوند ، ما را مالک آن کرده استامام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال از معنای «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به کمک خدا» : یعنی ما در کنار خداوند ، مالک چیزی نیستیم (1) و تنها مالک آن چیزی هستیم که او ، به مالکیت ما درآورده است . پس هرگاه او ما را مالک چیزی گردانید که خود به مالکیت آن ، اَولی از ماست . در باره آن به ما تکلیف می دهد ، و هرگاه آن را از ما بگیرد ، تکلیف آن را نیز از دوش ما برمی دارد .

1 / 3وا گذاشتن کار به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه بنده بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، در واقع ، کار خود را به خدا وا نهاده است و بر خداست که برایش کارسازی کند .

امام زین العابدین علیه السلام :هر کس بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، کار را به خداوند عز و جل سپرده است .

.

1- .یعنی مالکیت ما نسبت به اشیا ، در عرضِ مالکیت خداوند نیست ؛ بلکه در طول آن و حاصل تملیک او به ماست .

الفَصلُ الثّانی : خصائص الحوقله2 / 1كَنزُ الحَديثِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن أرادَ كَنزَ الحديثِ فَعَلَيهِ بِ «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :أحَبُّ الكَلامِ إلَی اللّهِ : سُبحانَ اللّهِ لا شَريكَ لَهُ ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلی كُلِّ شَیءٍ قَديرٌ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ وبِحَمدِهِ . (2)

2 / 2كَلامُ أهلِ السَّماواتِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :كَلامُ أهلِ السَّماواتِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (3)

.

1- .معانی الأخبار : ص 139 ح 1 عن فضاله بن عبيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 12 ؛ التاريخ الكبير : ج 3 ص 283 ح 970 ، المعجم الكبير : ج 18 ص 301 ح773 كلاهما عن فضاله بن عبيد ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 122 ح 16908 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 459 ح 1982 كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير وفيهما «الجنّه» بدل «الحديث» .
2- .الأدب المفرد : ص 191 ح 638 عن أبی ذرّ ، كنز العمّال : ج 1 ص 465 ح 2022 .
3- .تاريخ بغداد : ج 8 ص 333 عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 454 ح 1954 .

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوّه إلاّ باللّه »

2 / 1 گنج سخن

2 / 2 سخن اهل آسمان ها

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوّه إلاّ باللّه »2 / 1گنج سخنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس گنج سخن (1) را می خواهد ، بر او باد [گفتن]«هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :محبوب ترین سخن در نزد خداوند ، این است : «پاکا خدایی که بی انباز است ! پادشاهی و ستایش ، از آنِ اوست . او بر هر چیزی تواناست . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا و با ستایش او» .

2 / 2سخن اهل آسمان هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سخن اهل آسمان ها این است : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

.

1- .شاید هم مراد ، همان حدیث ، به معنای مصطلح آن ، باشد .

عنه صلى الله عليه و آله :ما نَزَلَ مِنَ السَّماءِ مَلَکٌ ولا صَعِدَ إلَی السَّماءِ مَلَکٌ حَتّی یَقولَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (1)

2 / 3بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّهسنن الترمذی عن قیس بن سعد بن عباده :مَرَّ بِیَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله . . . وقالَ : ألا أدُلُّکَ عَلی بابٍ مِن أبوابِ الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلی ، قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

2 / 4غَرسٌ مِن غِراسِ الجَنَّهرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا خَلَقَ الجَنَّةَ جَعَلَ غَرسَها : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :لَمّا اُسرِیَ بی مَرَرتُ بِإبراهیمَ علیه السلام ، فَقالَ لِجَبرَئیلَ علیه السلام : مَن هذا؟ قالَ : مُحَمَّدٌ صلَی الله علیه و آله ، فَرَحَّبَ بی وسَلَّمَ عَلَیَّ ، وقالَ : مُر اُمَّتَکَ یُکثِروا مِن غِراسِ الجَنَّهِ ، فَإنَّ تُربَتَها طَیِّبَهٌ ، وأرضَها واسِعَهٌ قالَ : قُلتُ : وما غِراسُ الجَنَّهِ؟ قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (4)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 77 ح 6237 عن أبی هریره ، کنزالعمّال : ج 1 ص 459 ح 1983 .
2- .سنن الترمذی : ج 5 ص 571 ح 3581 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 256 ح 22160 عن معاذ بن جبل ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 323 ح 7787 ، المعجم الکبیر : ج 18 ص 351 ح 893 و 894 ، کنزالعمّال : ج 1 ص 457 ح 1973 .
3- .کنزالعمّال : ج 1 ص 469 ح 2041 نقلاً عن الشیرازی فی الألقاب عن أنس .
4- .شُعب الإیمان : ج 1 ص 444 ح 658 عن أبی أیّوب الأنصاری ، کنزالعمّال : ج 1 ص 457 ح 1974 ؛ الدعوات : ص 46 ح 113 ، روضه الواعظین : ص 69 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 174 ح 21 .

2 / 3 دری از درهای بهشت

2 / 4 نهالی از نهال های بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ فرشته ای از آسمان ، فرود نیامد و هیچ فرشته ای به آسمان بالا نرفت ، مگر آن که گفت : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

2 / 3دری از درهای بهشتسنن الترمذی به نقل از قیس بن سعد بن عباده :پیامبر صلی الله علیه و آله به من برخورد ... فرمود : «آیا تو را به دری از درهای بهشت ، راهنمایی نکنم؟ گفتم : چرا . فرمود : [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا !».

2 / 4نهالی از نهال های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل چون بهشت را آفرید ، نهال های آن را : «پاکا خدا !» ، و «ستایش ، خدای را !» و «معبودی جز خدا نیست» ، و «خدا ، بزرگ تر است» ، و «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» قرار داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به آسمان برده شدم ، بر ابراهیم علیه السلام گذشتم . به جبرئیل علیه السلام گفت : این کیست؟ گفت : محمّد . ابراهیم علیه السلام به من خوشامد گفت و سلام کرد و گفت : به امّتت بفرما که بر نهال های بهشت ، بیفزایند ؛ زیرا که خاک بهشت ، پاک [و حاصلخیز] است و زمینش ، پهناور . من گفتم : نهال های بهشت ، چیست؟ گفت : «[ذکر] هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

.

2 / 5كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعَهٌ مِن كَنزِ الجَنَّهِ : إخفاءُ الصَّدَقَهِ ، وكِتمانُ المُصيبَهِ ، وصِلَهُ الرَّحِمِ ، وقَولُ : لا حَولَ ولاَ قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (1)

عنه صلي الله عليه و آله :أكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» فَإِنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن ذِكرِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» فَإِنَّها مِن كَنزِ الجَنَّهِ ، ومَن أكثَرَ مِنهُ نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ فَقَد أصابَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا عَلِىُّ ، ألا أدُلُّکَ عَلى كَنزٍ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (4)

مستطرفات السرائر عن سلمان الفارسىّ :أوصانى خَليلى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِسَبعٍ لا أدَعُهُنَّ عَلى كُلِّ حالٍ . . . أوصانى أن أُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» فَإِنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ . (5)

.

1- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 186 عن الحارث بن علىّ ، كنزالعمّال : ج 15 ص 859 ح 43420 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 580 ح 3601 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 231 ح 8414 كلاهما عن أبى هريره ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1257 ح 3826 عن حازم بن حرمله ، المعجم الكبير : ج 4 ص 133 ح 3900 عن أبى أيّوب وليس فيهما «كنز» ، السنن الكبرى : ج 10 ص 155 ح 20186 عن أبى ذرّ وليس فيه «من كنوز» ، كنزالعمّال : ج 1 ص 454 ح 1957 و 1958 .
3- .تاريخ دمشق : ج 18 ص 125 ح 4206 ، معجم السفر : ص 184 ح 587 نحوه وكلاهما عن أبى بكر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 455 ح 1962 ؛ بحار الأنوار : ج 86 ص 161 ح 40 نقلاً عن البلد الأمين .

4- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 190 ح 30 .
5- .مستطرفات السرائر : ص 164 ح 9 ، المحاسن : ج 1 ص 75 ح 34 ، بشاره المصطفى : ص 222 ، مشكاه الأنوار : ص 154 ح 378 ، روضه الواعظين : ص 407 وفيهما «أن أقول» بدل «أن أكثر» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 399 ح 90 .

2 / 5گنجی از گنج های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز از گنج های بهشت است : پنهانی دادن صدقه ، پنهان داشتن مصیبت ، صِله رحِم ، و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگو ؛ زیرا که آن ، گنجی از گنج های بهشت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید ؛ زیرا آن ، یکی از گنج های بهشت است . هر کس این ذکر را بسیار بگوید ، خداوند به او نظر می کند ، و هر کس که خدا به او نظر کند ، به خیر دنیا و آخرت رسیده است .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا به من فرمود : «ای علی! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت ، راه نمایی نکنم؟» . گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا . فرمود : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

مستطرفات السرائر به نقل از سلمان فارسی :عزیزم پیامبر خدا ، مرا به هفت چیز سفارش کرد که در هیچ حال ، آنها را ترک نمی گویم ... به من سفارش فرمود که ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویم ؛ زیرا گنجی از گنج های بهشت است .

.

الخصال عن أبی ذرّ :أوصانی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِسَبعٍ : . . . أوصانی أن أستَکثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ» فَإِنَّها مِن کُنوزِ الجَنَّهِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبی هریره :کُنتُ أمشی مَعَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فی نَخلٍ لِبَعضِ أهلِ المَدینَهِ . . . فَقالَ : یا أبا هُرَیرَهَ ، ألا أدُلُّکَ عَلی کَنزٍ مِن کُنوزِ الجَنَّهِ؟ فَقُلتُ : بَلی یا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : قُل : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، ولا مَلجَأَ مِنَ اللّهِ إلّا إلَیهِ . (2)

المستدرک علی الصحیحین عن أبی هریره :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ : ألا اُعَلِّمُکَ أو قالَ : ألا أدُلُّکَ عَلی کَلِمَهٍ مِن تَحتِ العَرشِ مِن کَنزِ الجَنَّهِ؟ تَقولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ، فَیَقولُ اللّهُ عز و جل : أسلَمَ عَبدی وَاستَسلَمَ . (3)

عدّه الداعی :قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : ألا أُعَلِّمُکُم خَمسَ کَلِماتٍ ، خَفیفاتٍ عَلَی اللِّسانِ ثَقیلاتٍ فِی المیزانِ ، یُرضینَ الرَّحمنَ ویَطرُدنَ الشَّیطانَ ، وهُنَّ مِن کُنوزِ الجَنَّهِ مِن تَحتِ العَرشِ ، وهُنَّ الباقِیاتُ الصّالِحاتُ؟ قالوا : بَلی یا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ : قولوا : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أکبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ . وقالَ صلی الله علیه و آله : خَمسٌ بَخٍ بَخٍ لَهُنَّ ، ما أثقَلَهُنَّ فِی المیزانِ . (4)

المحاسن عن الحسن البصری عن الإمام الباقر علیه السلام :ألا اُخبِرُکُم بِخَمسِ خِصالٍ هِیَ مِنَ البِرِّ ، وَالبِرُّ یَدعو إلَی الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلی ! قالَ : . . . وَالإکثارُ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلیِّ العَظیمِ» فَإِنَّهُ مِن کُنوزِ الجَنَّهِ . (5)

.

1- .الخصال : ص 345 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 9 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 180 ح 8091 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 698 ح 1901 ، کنزالعمّال : ج 3 ص 730 ح 8596 .
3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 71 ح 54 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 234 ح 8434 نحوه ، کنزالعمّال : ج 1 ص 453 ح 1951 ؛ مستدرک

الوسائل : ج 5 ص 374 ح 6127 نقلاً عن ابن أبى الجمهور فى درر اللآلى نحوه .
4- .عدّه الداعى : ص 247 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 175 ح 22 .
5- .المحاسن : ج 1 ص 72 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 188 ح 17 .

الخصال به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا ، مرا به هفت چیز سفارش فرمود : ... به من سفارش فرمود که ذکر : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای بلند مرتبه و بزرگ» را فراوان بگویم ؛ زیرا که آن ، از گنج های بهشت است .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هُرَیره : در نخلستان یکی از اهالی مدینه با پیامبر خدا راه می رفتم ... . به من فرمود : «ای ابو هُرَیره ! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت راهنمایی نکنم؟». گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا . فرمود : «بگو : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا ، و از خدا جز به خود او ، پناه نمی توان بُرد » .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابوهُرَیره : پیامبر خدا فرمود : «آیا به تو نیاموزم» یا فرمود : «آیا تو را راه نمایی نکنم» به کلمه ای از زیر عرش که از گنج های بهشت است؟ می گویی : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا . پس [چون این را بگویی]خداوند عز و جل می فرماید : بنده ام تسلیم شد و سر [در قدرت من]سپرد » .

عدّه الداعی :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا پنج جمله به شما نیاموزم که بر زبان ، سبُک هستند و در ترازو[ی اعمال]سنگین اند ، خدای مهربان را خشنود می سازند و شیطان را می رانند و از گنج های بهشت ، در زیر عرش هستند و ماندگارهای نیک اند؟». گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «بگویید : پاکا خدا ! ستایش ، خدای را ! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ » . و فرمود : «بَه بَه از این پنج سخن ! چه سنگین اند در ترازو[ی اعمال] !» .

المحاسن به نقل از حسن بصری : امام باقر علیه السلام فرمود : «آیا شما را از پنج چیز ، آگاه نگردانم که از نیکی (یا : طاعت) اند و نیکی و طاعت هم به بهشت می رساند؟». گفتم : بفرما . فرمود : « ... و بسیار گفتنِ جمله هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ ؛ زیرا که این جمله از گنج های بهشت است» .

.

2 / 6كَنزٌ مِن كُنوزِ العَرشِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَمّا فَرَغتُ مِمّا أمَرَنِىَ اللّهُ بِهِ مِن أمرِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، قُلتُ : يا رَبِّ ، إنَّهُ لَم يَكُن نَبِىٌّ قَبلى إلّا وقَد كَرَّمتَهُ ؛ جَعَلتَ إبراهيمَ خَليلاً ، وموسى كَليما ، وسَخَّرتَ لِداوُدَ الجِبالَ ، ولِسُلَيمانَ الرّيحَ وَالشَّياطينَ ، وأحيَيتَ لِعيسَى المَوتى ، فَما جَعَلتَ لى؟ قالَ : أوَلَيسَ قَد أعطَيتُكَ أفضَلَ مِن ذلِكَ كُلِّهِ؟ أنّى لا أُذكَرُ إلّا ذُكِرتَ مَعِىَ ، وجَعَلتُ صُدورَ اُمَّتِكَ أناجيلَ (1) يَقرَؤونَ القُرآنَ ظاهِرا ، ولَم اُعطِها اُمَّةً ، وأعطَيتُكَ كَنزا مِن كُنوزِ عَرشى : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (2)

الدرّ المنثور عن أبى هريره :سُئِلَ عُثمانُ بنُ عَفّانٍ عَن مَقاليدِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، فَقالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» مِن كُنوزِ العَرشِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا رَبِّ ، أعطَيتَ أنبِياءَكَ فَضائِلَ فَأعطِنى . فَقالَ اللّهُ : قَد أعطَيتُكَ فيما أعطَيتُكَ كَلِمَتَينِ مِن تَحتِ عَرشى : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» و«لا مَنجى مِنكَ إلّا إلَيكَ» . (4)

.

1- .إنجيل إفعيل من النجل ... وعين نجلاء أى واسعه وجمع الإنجيل: أناجيل (معانى القرآن للنحّاس : ج 1 ص 343). فالمراد أنّ قلوبهم واسعه مشروحه تسع القرآن فيحفظونه .
2- .تفسير ابن كثير : ج 8 ص 452 ، البدايه والنهايه : ج 6 ص 283 كلاهما نقلاً عن أبى نعيم فى دلائل النبوّه عن أنس .
3- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 244 نقلاً عن الحارث بن أبى اُسامه وابن مردويه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 497 ح 4589 .
4- .تفسير القمّى : ج 2 ص 11 عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 186 ح 7 .

2 / 6 گنجی از گنج های عرش

2 / 6گنجی از گنج های عرشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون از مأموریتی که خداوند در باره آسمان ها و زمین به من داده بود ، فراغت یافتم ، گفتم : خداوندا! هیچ پیامبری پیش از من نبود ، مگر آن که او را کرامتی بخشیدی : ابراهیم علیه السلام را دوست خود قرار دادی و موسی علیه السلام را همسخن خود ، برای داوود علیه السلام کوه ها را مسخّر ساختی و برای سلیمان علیه السلام باد و دیوان را ، و برای عیسی علیه السلام مُردگان را زنده ساختی . برای من ، چه قرار دادی؟ خداوند فرمود : «آیا نه این است که بهتر از همه اینها را به تو داده ام؟ از من یاد نمی شود ، مگر آن که در کنار من ، از تو نیز یاد شود ، سینه های امّتت را اناجیل (1) قرار داده ام که قرآن را از بَر می خوانند ، در حالی که چنین چیزی را به هیچ امّتی نداده ام ، و گنجی از گنج های عرشم را به تو داده ام [و آن عبارت است از] : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ » .

الدرّ المنثور به نقل از ابو هُرَیره : از عثمان بن عفّان ، در باره کلیدهای آسمان ها و زمین ، سؤال شد . گفت : پیامبر خدا فرمود : « پاکا خدا! ستایش خدای را! معبودی جز خدا نیست ؛ خدا ، بزرگ تر است ؛ و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ از گنج های عرش اند» .

امام صادق علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا گفت : خداوندا! به پیامبرانت ، مزایایی دادی . پس به من نیز عطا فرما . خداوند فرمود : «در میان آنچه به تو داده ام ، دو کلمه از [کلمات] زیر عرشم را هم دادم : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا و و از تو نتوان رهید ، مگر با گریختن به سوی خود تو » .

.

1- .اناجیل جمع انجیل است و مقصود آن است که سینه های امت تو را وسیع و گشاده قرار دادیم تا قرآن را بتوانند حفظ کنند .

راجع : ص 120 (برکات الحوقله / أمان من الهمّ) .

2 / 7تَسبيحُ حَمَلَةِ العَرشِرسول اللّه صلى الله عليه و آله وقَد تَلا هذِهِ الآيَةَ : «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (1) : ما تَحمِلُهُ الأَملاكُ إلّا بِقَولِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ حَمَلَةَ العَرشِ لَمّا ذَهَبوا يَنهَضونَ بِالعَرشِ لَم يَستَقِلّوهُ (3) ، فَأَلهَمَهُمُ اللّهُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَنَهَضوا بِهِ . (4)

2 / 8النَّوادِرُالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى مَلَإٍ مِن أصحابِهِ فَقالَ : خُذوا جُنَّتَكُم . (5) فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ حَضَرَ عَدُوٌّ؟ قالَ : لا ، جُنَّتَكُم مِنَ النّارِ . قالَ : قولوا : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولَا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» فَإِنَّهُنَّ يَومَ القِيامَهِ مُقَدِّماتٌ مُنجِياتٌ ومُعَقِّباتٌ ، وهُنَّ عِندَ اللّهِ الصّالِحاتُ البَاقِياتُ . (6)

.

1- .طه : 5 .
2- .التوحيد : ص 277 ح 1 عن الحسين بن زيد الهاشمى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 185 ح 2 .
3- .استقلّه : حَمَلَه ورَفَعَه (القاموس المحيط : ج 4 ص 40 «قلل») .
4- .المحاسن : ج 1 ص 112 ح 107 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 21 .
5- .الجُنّه : الدِّرع. وكلُّ ما وقاک جُنّهٌ (لسان العرب : ج 13 ص 94 «جنن») .
6- .الأمالى للطوسى : ص 677 ح 1435 عن بشير الدهّان ، بحار الأنوار : ج 93 ص 174 ح 20 .

2 / 7 تسبیح حاملان عرش

2 / 8 گوناگون

ر . ک : ص 121 (برکت های «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه / ایمن ماندن از غم و اندوه).

2 / 7تسبیح حاملان عرشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از تلاوت این آیه «[خدای] رحمان که بر عرش قرار گرفته است» : فرشتگان ، آن [عرش] را حمل نمی کنند ، مگر با گفته : «معبودی جز خدا نیست ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاریِ خدا» .

امام صادق علیه السلام :حاملان عرش ، چون رفتند که عرش را بردارند ، نتوانستند آن را بلند کنند . پس خداوند به ایشان «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را الهام فرمود . پس آن را برداشتند .

2 / 8گوناگونامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، در جمعی از یارانش فرمود : «سپرهایتان را برگیرید» . گفتند : مگر دشمنی آمده است ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «نه . سپرهایتان در برابر آتش را . بگویید : پاکا خدا و ستایش ، خدای را! معبودی جز خدا نیست خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ ؛ زیرا که این جملات ، در روز قیامت ، از پیش و از پس [آدمی]می روند و او را نجات می دهند ، و در نزد خداوند ، ماندگارهای نیک اند» .

.

عنه عليه السلام :مَن بَخِلَ مِنكُم بِمالٍ أن يُنفِقَهُ ، وبِالجِهادِ أن يَحضُرَهُ ، وبِاللَّيلِ أن يُكابِدَهُ ، فلا يَبخَل بِ : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (1)

تفسير فرات عن جعفر بن محمّد الفزارى معنعنا عن الحسين بن عبد اللّه بن جندب ، قال :أخرَجَ إلَينا صَحيفَةً ، فَذَكَرَ أنَّ أباهُ كَتَبَ إلى أبِى الحَسَنِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ إنّى قَد كَبِرتُ وضَعُفتُ وعَجَزتُ عَن كَثيرٍ مِمّا كُنتُ أقوى عَلَيهِ ، فَاُحِبُّ جُعِلتُ فِداكَ أن تُعَلِّمَنى كَلاما يُقَرِّبُنى مِن رَبّى ، ويَزيدُنى فَهما وعِلما . فَكَتَبَ إلَيهِ : قَد بَعَثتُ إلَيكَ بِكِتابٍ فَاقرَأهُ وتَفَهَّمهُ ، فَإنَّ فيهِ شِفاءً لِمَن أرادَ اللّهُ شِفاهُ ، وهُدىً لِمَن أرادَ اللّهُ هُداهُ ، فَأكثِر مِن ذِكرِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (2)

.

1- .المحاسن : ج 1 ص 107 ح 93 عن داوود بن الحصين ، بحار الأنوار : ج 93 ص 172 ح 16 .
2- .تفسير فرات : ص 283 ح 384 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 313 ح 20 .

امام صادق علیه السلام :هر یک از شما از انفاق کردن مالی ، یا حاضر شدن در صحنه جهاد ، و یا تحمّل شب زنده داری ، دریغ ورزد ، [لااقل] از گفتن این جملات ، دریغ نورزد : پاکا خدا و ستایش ، خدای را! و معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا » .

تفسیر فرات به نقل از جعفر بن محمّد فزاری ، با ذکر نام یکایک راویان ، از حسین بن عبد اللّه بن جندب : گفت: حسین بن عبد اللّه بن جندب نوشته ای به ما نشان داد و گفت که پدرش به ابوالحسن علیه السلام نوشت : قربانت گردم! من ، سالخورده و ناتوان گشته ام و دیگر نمی توانم بسیاری از اعمالی را که در گذشته توانایی انجام دادنشان را داشتم ، به جا آوردم . از این رو فدایت شوم دوست دارم سخنی به من بیاموزی که مرا به پروردگارم نزدیک گردانَد و بر فهم و دانش من ، بیفزاید . امام علیه السلام به او نوشت : «نامه ای برایت می فرستم . آن را بخوان و نیک ، آن را دریاب ؛ زیرا که در آن ، برای کسی که خداوند شفایش را بخواهد ، شفاست ، و برای کسی که خداوند ، هدایتش را بخواهد ، هدایت است . پس ، این ذکر را بسیار بگو : به نام خداوند مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ » .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : بركات الحوقله3 / 1بَقاءُ النِّعَمالكتاب«وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنکَ مَالًا وَ وَلَدًا» . (1)

الحديثالمعجم الكبير عن عقبه بن عامر :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعمَهٍ فَأرادَ بَقاءَها ، فَليُكثِر مِن قَولِ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَا بِاللَّهِ» . (2)

المعجم الصغير عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ نِعمَهً فى مالٍ أو أهلٍ أو وَلَدٍ ، فَقالَ : «ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» فَيَرى فيها آفَهً دونَ المَوتِ . وقَرَأَ : «لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَا بِاللَّهِ» . (3)

.

1- .الكهف : 39 .
2- .المعجم الكبير : ج 17 ص 311 ح 859 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 392 نقلاً عن ابن مردويه ، كنزالعمّال : ج 3 ص 265 ح 6476 .
3- .المعجم الصغير : ج 1 ص 212 ، شُعب الإيمان : ج 4 ص 124 ح 4525 وليس فيه ذيله ، كنزالعمّال : ج 3 ص 253 ح 6408 نقلاً عن مسند أبى يعلى .

فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »3 / 1پایندگی نعمت هاقرآن«و چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست» ، اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» .

حدیثالمعجم الکبیر به نقل از عقبه بن عامر : پیامبر خدا فرمود : «هر کس که خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است و می خواهد آن نعمت ، پایدار بماَند ، بسیار بگوید : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا » . پیامبر خدا ، سپس این آیه را برخواند : « «و چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست؟» » .

المعجم الصغیر به نقل از اَنَس : پیامبر خدا فرمود : «خداوند ، به هر بنده ای ، نعمتی ، از مال یا زن و یا فرزند ، ارزانی دارد و او بگوید : «هر چه خدا خواهد! نیرویی نیست ، جز به قدرت خدا»، در آن نعمت ، آسیبی نمی آید ، بجز مرگ» . (1) آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند : «چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدا؟» .

.

1- .یا : تا زنده است ، به آن نعمت ، آسیبی و آفتی نمی رسد .

الإمام الصادق عليه السلام :عَجِبتُ لِمَن أرادَ الدُّنيا وزينَتَها كَيفَ لا يَفزَعُ إلى قَولِهِ تَعالى : «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَا بِاللَّهِ» ؟ فَإنّى سَمِعتُ اللّهَ عز و جل يَقولُ بِعَقِبِها : «إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنکَ مَالًا وَ وَلَدًا * فَعَسَى رَبِّى أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِکَ» الآيَةَ ، و«عَسى» مُوجِبَةٌ . (1)

تفسير القمّى :قَولُهُ : «وَ اضْرِبْ لَهُم مَّثَلاً رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا» (2) ، قالَ : نَزَلَت فى رَجُلٍ كانَ لَهُ بُستانانِ كَبيرانِ عَظيمانِ كَثيرَا الثِّمارِ كَما حَكَى اللّهُ عز و جل وفيهِما نَخلٌ وزَرعٌ ، وكانَ لَهُ جارٌ فَقيرٌ ، فَافتَخَرَ الغَنِىُّ عَلى ذلِکَ الفَقيرِ ، وقالَ لَهُ : «أَنَا أَكْثَرُ مِنکَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ» أى بُستانَهُ وقالَ : «مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا * وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًامِّنْهَا مُنقَلَبًا» ، فَقالَ لَهُ الفَقيرُ: «أَكَفَرْتَ بِالَّذِى خَلَقَکَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلاً * لَّكِنَّا۠ هُوَ اللَّهُ رَبِّى وَ لَا أُشْرِكُ بِرَبِّى أَحَدًا» . ثُمَّ قالَ الفَقيرُ لِلغَنِىِّ : «وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنکَ مَالًا وَ وَلَدًا» ، ثُمَّ قالَ الفَقيرُ : «فَعَسَى رَبِّى أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِکَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا» أى مُحتَرِقا «أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا» ، فَوَقَعَ فيها ما قالَ الفَقيرُ فى تِلکَ اللَّيلَةِ ، وأصبَحَ الغَنِىُّ «يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّى أَحَدًا * وَ لَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنتَصِرًا» (3) ، فَهذِهِ عُقوبَةُ البَغيِ (4) . (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 393 ح 5835 ، الخصال : ص 218 ح 43 كلاهما عن أبان بن عثمان وهشام بن سالم ومحمّد بن حمران ، بحار الأنوار : ج 93 ص 185 ح 1 .
2- .الكهف : 32 .
3- .الآيات من سوره الكهف : 34 43 .
4- .فى بحار الأنوار : «الغنى» بدل «البغى» .
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 35 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 185 ح 3 .

امام صادق علیه السلام :درشگفتم از کسی که دنیا و زیور آن را می خواهد ، چگونه به این سخن خداوند متعال پناه نمی برَد : «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست» ؟ چرا که می شنوم خداوند عز و جل در دنباله آن می فرماید : «اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی . باشد که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد» تا آخر آیه ، تعبیر «باشد» ، دلالت بر قطعیّت دارد .

تفسیر القمی :این سخن خداوند متعال : «و برای ایشان ، آن دو مرد را نمونه بیاور که به یکی از آنها ، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم» . فرمود : «در باره مردی فرود آمد که به فرموده خداوند عز و جل ، دارای دو باغ بزرگ پهناور و پُر میوه بود که در آنها ، نخلستان و کشتزاری وجود داشت . آن مرد را همسایه نیازمندی بود. صاحب آن باغ ها بر آن مرد نیازمند ، فخر فروخت . گفت : «مال من ، از تو بیشتر است و از حیث افراد ، از تو نیرومندترم . و داخل باغ خود شد» و گفت : «گمان نمی کنم که این نعمت ، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی کنم که رستاخیز ، بر پا شود ، و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، قطعا بهتر ازاین را در بازگشت، خواهم یافت» . مرد نیازمند به او گفت : آیا به آن کسی که تو را از خاک ، سپس از نطفه آفرید ، آن گاه ، تو را به صورت مردی درآورد ، کافر شدی؟ امّا من [می گویم :] اوست خدا ، پروردگار من ، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی گردانم» . سپس ، مرد نیازمند به آن مرد توانگر گفت : «چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : آنچه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست ، اگر مرا از حیث مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» . مرد نیازمند ادامه داد : «امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد تا به زمین هموار و لغزنده، تبدیل شود» ، یعنی بسوزد، «یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری» . پس آنچه نیازمند ، آن شب در باره باغ او گفته بود ، به وقوع پیوست . صبحگاهان ، مرد توانگر «برای [از کف دادن]آنچه در آن باغ ، هزینه کرده بود دست هایش را بر هم می زد ، در حالی که داربست های آن ، فرو ریخته بود ، و می گفت : ای کاش ، هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم! و او را در برابر خدا ، گروهی نبود تا یاری اش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند ؟» . این است کیفر سرکشی .

3 / 2غُفرانُ الذُّنوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن قَولِ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ»؛ فَإنَّهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ ، وهُنَّ يَحطُطنَ الخَطايا كَما تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَها ، وهُنَّ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ ، ووُقِيَ سَبعينَ بابا مِنَ الفَقرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ كُلَّ يَومٍ مِئَهَ مَرَّهٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ ، وقَضى لَهُ مِئَهَ حاجَهٍ ، وبَنى لَهُ فِى الجَنَّهِ مِئَهَ قَصرٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما عَلَى الأَرضِ أحَدٌ يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» إلّا كُفِّرَت عَنهُ خَطاياهُ ، ولَو كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ (4) . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يَنصَرِفُ مِن صَلاتِهِ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، قامَ مَغفوراً لَهُ . (6)

.

1- .كنزالعمّال : ج 1 ص 466 ح 2031 نقلاً عن الرامهرمزى فى الأمثال عن أبى الدرداء .
2- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 373 ح 6123 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 375 ح 6132 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
4- .الزَّبدَ من البحر وغيره : كالرغْوه (المصباح المنير : ص 250 «زبد») .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 509 ح 3460 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 551 ح 6489 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 682 ح 1853 كلاهما بزياده «وسبحان اللّه والحمد للّه » بعد «واللّه أكبر» وكلّها عن عبد

اللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 1 ص 455 ح 1963 ؛ بحار الأنوار : ج 93 ص 275 ح 4 نقلاً عن خطّ الشهيد .
6- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 50 ح 129 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 135 ح 3483 .

3 / 2آمرزش گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گفتار : «پاکا خدا و ستایش ، خدای را ! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است ؛ و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید ؛ زیرا اینها ماندگارهای نیک اند و گناهان را همچون برگ های درخت ، فرو می ریزند و از گنج های بهشت اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ» ، همانند روزی که از مادر ، متولّد شده است از گناهانش پاک گردد و از هفتاد نوع فقر محفوظ مانَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزی صدمرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند ، گناهانش را بیامرزد و صد حاجت از او برآوَرَد و صد قصر در بهشت ، برایش بنا کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس در روی زمین نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، جز آن که گناهانش بخشوده می شود ، اگر چه به اندازه کف دریا باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پس از پایان نمازش سه مرتبه بگوید : «پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را ! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، در حالی که آمرزیده شده است ، از جای خود برمی خیزد .

.

سنن الترمذى عن أبى سعيد وأبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» صَدَّقَهُ رَبُّهُ . . . وإذا قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» قالَ عز و جل : لا إلهَ إلّا أنَا ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بى . وكانَ يَقولُ : مَن قالَها فى مَرَضِهِ ثُمَّ ماتَ ، لَم تَطعَمهُ النّارُ . (1)

3 / 3قَضاءُ الحَوائِجِالإمام الصادق عليه السلام :إذا قالَ العَبدُ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» قالَ اللّهُ عز و جل لِلمَلائِكَهِ : اِستَسلَمَ عَبدى ، اِقضوا حاجَتَهُ . (2)

عنه عليه السلام :إذا دَعَا الرَّجُلُ فَقالَ بَعدَما دَعا : «ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» قالَ اللّهُ عز و جل : اِستَبسَلَ (3) عَبدى وَاستَسلَمَ لِأمرى ، اِقضوا حاجَتَهُ . (4)

عنه عليه السلام :ما مِن رَجُلٍ دَعا فَخَتَمَ بِقَولِ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» إلّا اُجيبَت حاجَتُهُ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن دَعا بِهؤُلاءِ الكَلِماتِ الخَمسِ لَم يَسأَلِ اللّهَ شَيئا إلّا أعطاهُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، لا إلهَ إلَا اللّهُ ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 492 ح 3430 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 232 ح 3895 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 113 ح 109 عن هشام بن سالم وح 111 عن يحيى بن أبى بكر عن بعض أصحابه نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 23 .
3- .فى القاموس : استبسل : طرح نفسه فى الحرب يريد أن يَقتل أو يُقتَل . وهو كنايه عن غايه التسليم والانقياد وإظهار العجز فى كلّ ما أراد بدون تقدير ربّ العباد (مرآه العقول : ج 12 ص 214) .
4- .الكافى : ج 2 ص 521 ح 1 عن هشام بن سالم .

5- .ثواب الأعمال : ص 24 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 266 ح 287 نحوه وكلاهما عن عمران الزعفرانى ، روضه الواعظين : ص 357 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 308 ح 6 .
6- .المعجم الكبير : ج 19 ص 361 ح 849 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 279 ح 8634 كلاهما عن معاويه بن أبى سفيان ، كنزالعمّال : ج 2 ص 225 ح 3866 .

3 / 3 برآوردن حوایج

سنن الترمذی به نقل از ابو سعید و ابو هُرَیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس بگوید : معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است ، پروردگارش او را تصدیق می کند ... و هر گاه بگوید : معبودی جز خدا نیست . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا ، خداوند عز و جل می فرماید : [آری !] معبودی جز من نیست و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری من » . و می فرمود : «هر کس در بیماری خود ، این جملات را بگوید و سپس بمیرد ، خوراک آتش نمی شود» .

3 / 3برآوردن حوایجامام صادق علیه السلام :هرگاه بنده بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید : «بنده ام سرِ تسلیم فرود آورد . حاجتش را بر آورید» .

امام صادق علیه السلام :هرگاه بنده دعا کند و پس از دعایش بگوید : «هر چه خدا خواهد ! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام از خود ، گذشت و تسلیم امر من شد . حاجتش را بر آورید» .

امام صادق علیه السلام :هیچ مردی نیست که دعا کند و در پایان بگوید : «هر چه خدا خواهد ! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، جز آن که حاجتش برآورده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس با این پنج جمله دعا کند ، آنچه از خدا خواهد ، به او عطا می کند : «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است . معبودی جز خدا نیست ؛ یگانه است و بی انباز . او راست پادشاهی و او راست ستایش . او بر هر چیزی تواناست . معبودی جز خدا نیست و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

.

راجع : ص 112 ح 1707 .

3 / 4دَفعُ الوَسوَسَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ آدَمَ شَكا إلَى اللّهِ عز و جل ما يَلقى مِن حَديثِ النَّفسِ وَالحُزنِ ، فَنَزَلَ عَلَيهِ جَبرَئيلُ عليه السلام فَقالَ لَهُ : يا آدَمُ قُل : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، فَقالَها فَذَهَبَ عَنهُ الوَسوَسَهُ وَالحُزنُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ألا فَاذكُروا يا اُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدا وآلَهُ عِندَ نَوائِبِكُم وشَدائِدِكُم ، لِيَنصُرَ اللّهُ بِهِ مَلائِكَتَكُم عَلَى الشَّياطينِ الَّذينَ يَصُدُّونَكُم ؛ فَإنَّ كُلَّ واحِدٍ مِنكُم مَعَهُ مَلَكٌ عَن يَمينِهِ يَكتُبُ حَسَناتِهِ ، ومَلَكٌ عَن يَسارِهِ يَكتُبُ سَيِّئاتِهِ ، ومَعَهُ شَيطانانِ من عِندِ إبليسَ يُغوِيانِهِ ، فَإذا وَسوَسا فى قَلبِهِ ، ذَكَرَ اللّهَ وقالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ» خَنَسَ الشَّيطانانِ ، ثُمَّ صارا إلى إبليسَ فَشَكَواهُ وقالا لَهُ : قَد أعيانا أمرُهُ ، فَأَمدِدنا بِالمَرَدَهِ ! فَلا يَزالُ يُمِدُّهُما ، حَتّى يُمِدَّهُما بِألفِ مارِدٍ فَيَأتونَهُ ، فَكُلَّما راموهُ (2) ذَكَرَ اللّهَ وصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ ، لَم يَجِدوا عَلَيهِ طَريقا ولا مَنفَذا . (3)

.

1- .الأمالى للصدوق : ص 637 ح 855 ، مُهج الدعوات : ص 363 كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام والأخير نحوه ومن دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 360 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 167 ح 22 وراجع قصص الأنبياء : ص 49 ح 18 .
2- .رامَ الشىءَ : طَلَبُه (لسان العرب : ج 12 ص 258 «روم») .
3- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 396 ح 270 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 271 ح 158 .

ر . ک : ص 113 ح 1707 .

3 / 4از بین بردن وسوسه و خیالاتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آدم علیه السلام به خداوند عز و جل از دچار شدن به خیالات و اندوه ، شِکوه کرد . پس جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و به او گفت : ای آدم ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» . آدم علیه السلام این را گفت و وسوسه و اندوهش برطرف شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان ! ای امّت محمّد ، در هنگام رنج ها و سختی هایتان ، محمّد و خاندان او را یاد کنید تا خداوند ، به واسطه او ، فرشتگانتان را بر شیاطینی که شما را باز می دارند ، یاری بخشد ؛ زیرا هر یک از شما ، فرشته ای در سمت راستش دارد که کارهای نیک او را می نویسد ، و فرشته ای در سمت چپش که کارهای بدش را می نویسد . نیز با او دو شیطان از جانب ابلیس ، همراه است که در گم راه کردنش می کوشند . پس هرگاه آن دو ، در دلش وسوسه کردند و او بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ . درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد !» ، آن دو شیطان ، دور می شوند و نزد ابلیس می روند و به او شکایت می کنند و به او گویند : ما از پسِ او بر نمی آییم . [شیطان های]عصیانگر را به یاری ما بفرست ! و ابلیس ، پیوسته ، نیروی کمکی می فرستد تا شمارشان به هزار شیطان برسد و همگی نزد آن کس بیایند . وهر بار که آهنگ او کنند ، او خدای را یاد می کند و بر محمّد و خاندان پاکش ، درود می فرستد . پس هیچ راه و روزنه ای به سوی او نمی یابند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّيطانَ اثنانِ : شَيطانُ الجِنِّ ؛ ويُبعَدُ بِ «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ، وشَيطانُ الإِنسِ ؛ ويُبعَدُ بِالصَّلاةِ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ آدَمَ عليه السلام شَكا إلى رَبِّهِ حَديثَ النَّفسِ ، فَقالَ : أكثِر مِن قَولِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

الكافى عن حمّاد بن عثمان :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَكَلَّمَهُ شَيخٌ مِن أهلِ العِراقِ ، فَقالَ لَهُ : مالى أرى كَلامَكَ مُتَغَيِّرا؟ فَقالَ لَهُ : سَقَطَت مَقاديمُ فَمى فَتَقَصَ كَلامى . فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : وأنَا أيضا قَد سَقَطَ بَعضُ أسنانى ، حَتّى أنَّهُ لَيُوَسوِسُ إلَىَّ الشَّيطانُ فَيَقولُ لى : إذا ذَهَبَتِ البَقِيَّةُ فَبِأىِّ شَىءٍ تَأكُلُ؟ فَأقولُ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (3)

الكافى عن علىّ بن مهزيار :كَتَبَ رَجُلٌ إلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام يَشكو إلَيهِ لَمَما يَخطِرُ عَلى بالِهِ ، فَأجابَهُ فى بَعضِ كَلامِهِ : إنَّ اللّهَ عز و جل إن شاءَ تَبَّتَكَ فَلا يَجعَلُ لِإِبليسَ عَلَيكَ طَريقا ، قَد شَكا قَومٌ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله لَمَما يَعرِضُ لَهُم ؛ لأن تَهوِىَ بِهِمُ الرّيحُ أو يُقَطَّعوا أحَبُّ إلَيهِم مِن أن يَتَكَلَّموا بِهِ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أتَجِدونَ ذلِكَ؟ قالوا : نَعَم . فَقالَ : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ إنَّ ذلِكَ لَصَريحُ الإِيمانِ (4) ، فَإِذا وَجَدتُموهُ فَقولوا : آمَنّا بِاللّهِ ورَسولِهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 95 ص 136 ح 4 نقلاً عن خطّ الشهيد .
2- .المحاسن : ج 1 ص 112 ح 106 عن أبان بن تغلب ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 20 .
3- .الكافى : ج 6 ص 335 ح 5 ، المحاسن : ج 2 ص 298 ح 1986 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 88 ح 3 .
4- .أى : استعظامهم الكلام به هو صريح الإيمان . فإنّ استعظام هذا وشدّه الخوف منه ، ومن النطق به فضلاً عن الاعتقاد به إنّما يكون لمن استكمل الإيمان استكمالاً محقّقا ، وانتفت عنه الريبه والشكوک .
5- .الكافى : ج 2 ص 425 ح 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان ، دو گونه است : یکی شیطان جنّی که با گفتنِ «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، دور گردانیده می شود ، و دیگری ، شیطان انسی ، که با درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او دور می گردد .

امام صادق علیه السلام :آدم علیه السلام از وسوسه [و خیالات] به پروردگارش شِکوه کرد . خدا فرمود : جمله : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا را فراوان بگو» .

الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان : در محضر امام صادق علیه السلام بودم . پیرمردی از مردم عراق ، شروع به سخن گفتن با ایشان کرد . امام علیه السلام فرمود : «چرا سخن گفتنت تغییر کرده است؟». گفت : دندان های جلو دهانم افتاده است . از این رو ، نمی توانم خوب صحبت کنم . امام صادق علیه السلام به او فرمود : «من نیز بعضی از دندان هایم افتاده است ، به طوری که شیطان ، مرا وسوسه می کند و می گوید : بقیه دندان هایت که از بین رفت ، چگونه غذا خواهی خورد؟ و من می گویم : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا » .

الکافی به نقل از علی بن مهزیار : مردی به امام جواد علیه السلام نامه ای نوشت و از وسوسه هایی که بر خاطرش می گذشت ، شِکوه کرد . امام علیه السلام در ضمن پاسخی که به او نوشت ، چنین مرقوم فرمود : «خداوند عز و جل ان شاء اللّه استوارت بدارد و برای شیطان ، بر تو راهی قرار ندهد . عدّه ای به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت بردند که وسوسه هایی در دل آنها می گذرد که اگر توفان ، آنان را در هم پیچد یا پاره پاره شوند ، نزدشان خوش تر است تا این وسوسه ها را بر زبان آورند . پیامبر خدا فرمود : به راستی چنین احساسی دارید [که نابود شوید و این خطورات و وسوسه ها را به زبان نیاورید]؟ گفتند : آری . فرمود : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، این ، عینِ ایمان است . پس هرگاه این وسوسه ها را در خود یافتید ، بگویید : به خدا و پیامبر او ایمان آوردیم . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا » .

.

3 / 5تَسكينُ الغَضَبِمستدرک الوسائل :فی حَديثٍ أنَّ إبليسَ قالَ لِموسی عليه السلام : وإيّاکَ وَالغَضَبَ ، وإذا غَضِبتَ فَقُل : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يَسكُنُ غَضَبُکَ . (1)

3 / 6أمانٌ مِنَ الهَمِّرسول اللّه صلی الله عليه و آله :مَن حَزَنَهُ أمرٌ فَليَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام لِسُفيانَ الثَّورِيِّ : يا سُفيانُ ، إذا حَزَنَکَ أمرٌ مِن سُلطانٍ أو غَيرِهِ ، فَأكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَإنَّها مِفتاحُ الفَرَجِ ، وكَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ . (3)

رسول اللّه صلی الله عليه و آله مِن وَصِيَّةٍ لَهُ أوصی بِها عَلِيّا عليه السلام : يا عَلِيُّ : أمانٌ لِاُمَّتی مِنَ الهَمِّ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، لا مَلجَأَ ولا مَنجی مِنَ اللّهِ إلّا إلَيهِ . (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 15 ح 13383 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 46 ح 171 عن أحمد بن عامر الطائی وأحمد بن عبد اللّه الهروی وداوود بن سليمان الفرّاء ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 258 ح 192 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، كفايه الأثر : ص 295 عن زيد بن علیّ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلی الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 10 ؛ تاريخ بغداد : ج 3 ص 180 عن ابن أبی حازم ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 441 ح 651 وج 4 ص 108 ح 4446 كلاهما عن عبد العزيز بن أبی حازم وعبد العزيز بن محمّد الداوردی وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلی الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 3 ص 259 ح 6442 .
3- .كشف الغمّه : ج 2 ص 368 عن مالک بن أنس ، بحار الأنوار : ج 78 ص 201 ح 29 ؛ الدرّ المنثور : ج 5 ص 8 نقلاً عن أبی نعيم فی الحليه .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 371 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 334 ح 2656

كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 58 ح 3 .

3 / 5 فرو نشاندن خشم

3 / 6 ایمن ماندن از اندوه و نگرانی

3 / 5فرو نشاندن خشممستدرک الوسائل :در حدیثی آمده است که ابلیس به موسی علیه السلام گفت : از خشم ، دوری کن و هرگاه خشمگین شدی ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، خشمت آرام می گیرد .

3 / 6ایمن ماندن از اندوه و نگرانیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، چیزی او را اندوهگین سازد ، بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری : ای سفیان ! هرگاه ناراحتی ای از جانب حکومت یا جز آن به سراغت آمد ، بسیار بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ؛ چرا که این جمله ، کلید گشایش و گنجی از گنج های بهشت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام : ای علی ! جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ . از خدا ، جز به خود او پناه نمی توان برد و جز به او نجات نمی توان یافت» ، مایه ایمنی امّت من از غم و اندوه است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَإِنَّها تَدفَعُ تِسعَةً وتِسعينَ بابا مِنَ الضُّرِّ ؛ أدناهَا الهَمُّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ ، وهِيَ شِفاءٌ مِن تِسعَهٍ وتِسعينَ داءً أدناهُ الهَمُّ . (2)

تيسير المطالب عن أبى ذرّ :أوصانى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن أُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» فَإِنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ ، ويَدفَعُ اللّهُ بِها تِسعا وتِسعينَ بابا مِن أبوابِ البَلاءِ ، أدناها وأيسَرُهَا الهَمُّ وَالحُزنُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ فى كُلِّ يَومٍ مِئَهَ مَرَّهٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» دَفَعَ اللّهُ بِها عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ ؛ أيسَرُهَا الهَمُّ . (4)

عنه عليه السلام :إذا تَوالَت عَلَيكَ الهُمومُ فَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (5)

عنه عليه السلام فى أحوالِ آدَمَ عليه السلام : كانَ إذا لَم يَأتِهِ جَبرَئيلُ اغتَمَّ وحَزِنَ ، فَشَكا ذلِكَ إلى جَبرَئيلَ ، فَقالَ : إذا وَجَدتَ شَيئا مِنَ الحُزنِ فَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (6)

الدعوات عن ابن عبّاس :جاءَ عَونُ بنُ مالِكٍ الأَشجَعِيُّ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ ابنى قَد أسَرَهُ العَدُوُّ ، وقَدِ اشتَدَّ غَمّى وعيلَ صَبرى ، فَما تَأمُرُنى؟ قالَ : آمُرُكَ أن تُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ فى كُلِّ حالٍ» . فَانصَرَفَ وهُوَ يَقولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ» ، فَبَينا هُوَ كَذلِكَ إذ أتاهُ ابنُهُ ، مَعَهُ مِئَهٌ مِنَ الإبِلِ غَفَلَ عَنهَا المُشرِكونَ فَاستاقَها . فَأتَى الأَشجَعِيُّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَذَكَرَ لَهُ ذلِكَ ، فَنَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (7) . (8)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 33 ح 3541 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 157 وزاد فى آخره «والفقر» وكلاهما عن جابر بن عبد اللّه ، كنزالعمّال :

ج 1 ص 455 ح 1961 .
2- .الجعفريّات : ص 188 ، النوادر للراوندى : ص 94 ح 38 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص 76 ح 244 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 8 .
3- .تيسير المطالب : ص 318 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام .
4- .ثواب الأعمال : ص 195 ح 1 عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 188 ح 16 .
5- .الدعوات : ص 83 ح 210 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 274 ح 2 .
6- .قصص الأنبياء : ص 49 ح 18 عن أبان بن عيسى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 188 ح 14 .
7- .الطلاق : 2 و 3 .
8- .الدعوات : ص 296 ح 63 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 274 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را بسیار بگویید ؛ زیرا این جمله ، نود و نه نوع گزند را دور می کند که کمترین آنها ، اندوه و نگرانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، گنجی از گنج های بهشت ، و شفا دهنده نود و نُه بیماری است که کمترین آنها ، اندوه [و نگرانی] است .

تیسیر المطالب به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا به من توصیه فرمود که جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را فراوان بگویم ؛ زیرا که آن ، گنجی از گنج های بهشت است و به سبب آن ، خداوند ، نود و نه نوع از انواع رنج و گرفتاری را دفع می کند که کمترین و آسان ترین آنها ، نگرانی و اندوه است .

امام صادق علیه السلام :هر کس در هر روز ، صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو توانی نیست ، جز به یاری خدا»، خداوند ، به واسطه آن ، هفتاد نوع بلا را از او دور می گردانَد که آسان ترین آنها اندوه [و نگرانی] است .

امام صادق علیه السلام :هرگاه اندوه ها [و نگرانی ها] پیاپی به تو رسید ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

امام صادق علیه السلام در احوال آدم علیه السلام : هرگاه جبرئیل علیه السلام نزدش نمی آمد ، غمگین و اندوهناک می شد . از این حالت ، به جبرئیل علیه السلام شِکوه کرد . جبرئیل علیه السلام گفت : هرگاه دچار اندوهی شدی بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

الدعوات به نقل از ابن عبّاس : عون بن مالک اشجعی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! پسرم را دشمن ، اسیر کرده است و از این بابت ، بسیار ناراحتم و شکیبایی ام به سرآمده است . چه به من دستور می دهی؟ فرمود : «به تو دستور می دهم که جمله : در هر حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا را بسیار بگویی» . عون رفت و با خود می گفت : «در همه حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» . در همین حال که این جمله را می گفت ، به ناگاه ، پسرش با یکصد شتر که دور از چشم مشرکان ، آنها را با خود آورده بود ، نزد او آمد .

اشجعی ، نزد پیامبر خدا آمد و ماجرا را برای ایشان گفت . این آیه فرود آمد : «و هر که از خدا پروا کند ، خداوند ، برایش راه خروجی قرار دهد و به او از جایی که گمان نمی کند ، روزی دهد» .

.

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا حَزَنَکَ أمرٌ فَقُل سَبعَ مَرّاتٍ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ، فَإِن كُفيتَ وإلّا أتمَمتَ سَبعينَ مَرَّةً . (1)

3 / 7نَفىُ الفَقرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن ظَهَرَت عَلَيهِ النِّعمَةُ فَليُكثِر ذِكرَ : «الحَمدُ للّهِ» ، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَعَلَيهِ بِالاِستِغفارِ ، ومَن أَلَحَّ عَلَيهِ الفَقرُ فَليُكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ»؛ يَنفِى اللّهُ عَنهُ الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» يَذهَبُ بِالفَقرِ . (3)

.

1- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 393 ح 112 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 190 ح 19 .
2- .الكافى : ج 8 ص 93 ح 65 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 114 ح 113 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريّات : ص 231 ، النوادر للراوندى : ص 124 ح 140 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه وكلّها عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 95 ص 296 ح 10 ؛ تاريخ بغداد : ج 2 ص 52 عن أنس نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 847 ح 43368 .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 374 ح 6125 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

3 / 7 از بین بردن فقر

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هرگاه دست خوش اندوهی شدی ، هفت مرتبه بگو : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» . پس اگر رفع گرفتاری نشد ، هفتاد مرتبه بگو .

3 / 7از بین بردن فقرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که نعمت ، او را فرا گیرد ، باید این ذکر را بسیار بگوید که : «ستایش ، خدا را» . هر که اندوه ها [و نگرانی هایش] فزونی گیرد ، باید به آمرزش خواهی روی آورد ، و هر که فقر دامنگیرش شود و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» را بسیار بگوید ، خداوند ، فقر را از او برطرف می سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» فقر را می بَرد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :فَقَدَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله رَجُلاً مِنَ الأَنصارِ فَقالَ : ما غَيَّبَکَ عَنّا؟ فَقالَ : الفَقرُ يا رَسولَ اللّهِ ، وطولُ السُّقمِ . فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا أُعَلِّمُکَ کَلاما إذا قُلتَهُ ذَهَبَ عَنکَ الفَقرُ وَالسُّقمُ؟ فَقالَ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ : إذا أصبَحتَ وأمسَيتَ فَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، تَوَکَّلتُ عَلَى الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ وَلَدا ، ولَم يَکُن لَهُ شَريکٌ فِى المُلکِ ، ولَم يَکُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وکَبِّرهُ تَکبيرا . فَقالَ الرَّجُلُ : فَوَاللّهِ ما قُلتُهُ إلّا ثَلاثَةَ أيّامٍ ، حَتّى ذَهَبَ عَنِّى الفَقرُ وَالسُّقمُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ کُلَّ يَومٍ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، لَم يُصِبهُ فَقرٌ أبَدا . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ ألفَ مَرَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» رَزَقَهُ اللّهُ الحَجَّ ، فَإن کانَ قَدِ اقتَرَبَ أجَلُهُ أخَّرَ اللّهُ فى أجَلِهِ حَتّى رَزَقَهُ الحَجَّ . (3)

3 / 8دَفعُ العَينِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى شَيئا يُعجِبُهُ فَقالَ : «اللّهُ ، اللّهُ ، ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» لَم يَضُرَّ شَيئا . (4)

.

1- .الکافى : ج 8 ص 93 ح 65 ، المحاسن : ج 1 ص 114 ح 113 کلاهما عن السکونى ، الأمالى للمفيد : ص 229 ح 2 عن محمّد بن جعفر ، الجعفريّات : ص 220 عن الإمام الکاظم عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 296 ح 10 .
2- .بحار الأنوار : ج 86 ص 161 ح 40 نقلاً عن البلد الأمين ، جامع الأخبار : ص 144 ح 310 عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .جامع الأخبار : ص 143 ح 309 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 191 ح 33 .
4- .مجمع البيان : ج 10 ص 866 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 63 ص 14 ؛ عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 78 ح 207 عن أنس ، کنزالعمّال : ج 6 ص 746 ح 17670 .

3 / 8 دفع چشم زخم

امام صادق علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از انصار را مدّتی ندید [و چون او را دید] ، فرمود : «سبب چیست که تو را نمی بینیم؟». گفت : نیازمندی و به درازا کشیدن بیماری ، ای پیامبر خدا! پیامبر خدا به او فرمود : «آیا سخنی به تو نیاموزم که هرگاه آن را بگویی ، نیازخواهی و بیماری از تو می رود؟». گفت : چرا ای پیامبر خدا . فرمود : «هر بام و شام بگو : هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ . توکّل کردم بر آن زنده نامیرا . ستایش ، خدایی را که فرزندی نگرفته است و در جهانداری ، شریکی ندارد ، و خوار و ناتوان نبود که حمایتگری داشته باشد و او را بسی بزرگ دار» . مرد گفت : به خدا سوگند ، این جمله را سه روز بیشتر نگفتم که نیازخواهی و بیماری ، از من ، برطرف شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزی صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، هرگز دچار فقر نمی شود .

امام صادق علیه السلام :هر کس هزار بار بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» . خداوند ، حج را روزی او می کند ، و اگر اجلش نزدیک شده باشد ، خداوند ، آن را به تأخیر می افکند تا حج را روزی اش نماید .

3 / 8دفع چشم زخمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد ، امّا بگوید : «خدا ، خدا! آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدا» ، گزندی نمی زند .

.

عمل اليوم والليله لابن السنى عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى شَيئا فَأعجَبَهُ فَقالَ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» لَم يَضُرَّهُ العَينُ يَعنى لا يُصيبُهُ العَينُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ تَعالى عَلى عَبدٍ نِعمَةً فى أهلٍ ومالٍ ووَلَدٍ فَأعجَبَهُ ، فَقالَ إذا رَأى ذلِكَ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» إلّا رَفَعَ اللّهُ تَعالى عَنهُ كُلَّ آفَةٍ حَتّى تَأتِيَهُ مَنِيَّتُهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :العَينُ حَقٌّ ، ولَيسَ تَأمَنُها مِنكَ عَلى نَفسِكَ ولا مِنكَ عَلى غَيرِكَ ، فَإذا خِفتَ شَيئا مِن ذلِكَ فَقُل : ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ثَلَاثا . (3)

3 / 9صَرفُ أنواعِ البَلاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، كَفاهُ اللّهُ عز و جل تِسعَةً وتِسعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أيسَرُهُنَّ الخَنقُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، قُل عِندَ كُلِّ شِدَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ»؛ تُكفَها . وقُل عِندَ كُلِّ نِعمَةٍ : «الحَمدُ للّهِ» ؛ تَزدَد مِنها . وإذا أبطَأَتِ الأَرزاقُ عَلَيكَ ، فَاستَغفِرِ اللّهَ؛ يُوَسَّع عَلَيكَ فيها . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» سَبعينَ مَرَّةً ، صَرَفَ عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أيسَرُ ذلِكَ الخَنقُ . (6)

.

1- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 78 ح 207 ، كنزالعمّال : ج 6 ص 746 ح 17670 .
2- .كنزالعمّال : ج 10 ص 65 ح 28385 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه عن أنس .

3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 231 ح 2553 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 128 ح 9 .
4- .الكافى : ج 8 ص 109 ح 89 ، المحاسن : ج 1 ص 111 ح 104 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام .
5- .تحف العقول : ص 174 ، بشاره المصطفى : ص 27 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 77 ص 270 ح 1 .
6- .الكافى : ج 2 ص 521 ح 2 عن جميل ، ثواب الأعمال : ص 194 ح 1 عن هشام بن أحمر نحوه وليس فيه «سبعين مرّه» .

3 / 9 گرداندن انواع بلا

عمل الیوم واللیله ، ابن سنی به نقل از اَنَس : پیامبر خدا فرمود : «هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد ؛ امّا بگوید : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا» ، چشم ، به آن گزند نمی زند» ، یعنی چشمش نمی زند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه خداوند متعال به زن و فرزند و مال بنده ای نعمتی دهد و آن چیز نظرش را بگیرد ، چنانچه با دیدن آن بگوید : «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا» ، خداوند متعال ، هر گونه گزندی را از آن دور می کند تا آن گاه که از دنیا برود .

امام صادق علیه السلام :چشم زدن ، حقیقت دارد و از آن ، نه بر خودت و نه بر دیگری ، ایمن نیستی . (1) پس هرگاه از چشم زخمی ترسیدی ، سه مرتبه بگو : «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» .

3 / 9گرداندن انواع بلاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس سه بار بگوید : «به نام خدای مهر گسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، خداوند عز و جل نود و نُه گونه بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها خفه شدن (2) است .

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل بن زیاد : ای کمیل! در هر سختی ای بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، آن سختی از تو برطرف می شود ، و برای هر نعمتی بگو : «ستایش ، خدای را» ، آن نعمت ، افزون می شود ، و هرگاه روزی ات دیر رسید ، از خداوند آمرزش بخواه ، آن روزی بر تو فراخ می گردد .

امام صادق علیه السلام :هر کس هفتاد بار بگوید : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند ، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها ، خفه شدن است .

.

1- .یعنی هم خودت در معرض خطرِ چشم زخم از جانب خودت هستی و هم غیر خودت .
2- .ممکن است به معنای خُناق یا خنّاک باشد ؛ یعنی بیماری عدم نفوذ نفس به سوی شش ، یا به معنای دیفتری» .

رِسول اللّه صلى الله عليه و آله لعلىّ عليه السلام : يا عَلِىُّ ، ألا اُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ إذا وَقَعتَ فى وَرطَهٍ أو بَلِيَّهٍ فَقُل : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَصرِفُ بِها عَنکَ ما يَشاءُ مِن أنواعِ البَلاءِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : قُل لِاُمَّتِکَ يَقولوا : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» عَشرا عِندَ الصُّبحِ ، وعَشرا عِندَ المَساءِ ، وعَشرا عِندَ النَّومِ ؛ يَدفَعُ عَنهُم عِندَ النَّومِ بَلوَى الدُّنيا ، وعِندَ المَساءِ مُکايَدَهَ الشَّيطانِ ، وعِندَ الصُّبحِ مِن غَضَبى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله لِشَيبَهَ الهُذَيلِ (3) : إذا صَلَّيتَ الصُّبحَ فَقُل عَشرَ مَرّاتٍ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُعافيکَ بِذلِکَ مِنَ العَمى وَالجُنونِ وَالجُذامِ وَالفَقرِ وَالهَرَمِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله لِقَبيصَهَ بنِ مُخارِقٍ الهِلالِىِّ : قُل ثَلاثَ مَرّاتٍ إذا صَلَّيتَ الغَداهَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ؛ فَإِنَّکَ إذا قُلتَهُنَّ أمِنتَ مِن عَمىً وجُذامٍ وبَرَصٍ وفالِجٍ . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 573 ح 14 عن بكير عن الإمام علىّ عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 159 ح 2391 وزاد بعد ذكر الحوقله «اللهمّ إيّاک نعبد وإيّاک نستعين» ، الدعوات : ص 52 ح 129 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيهما «ألا اُعلّمک كلمات» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 195 ح 29 ؛ عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 121 ح 336 عن سويد بن غفله ، الفردوس : ج 5 ص 324 ح 8323 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 2 ص 124 ح 3442 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 248 ح 8093 عن أبى بكر ، كنزالعمّال : ج 2 ص 170 ح 3607 ؛ بحار الأنوار : ج 86 ص 161 ح 40 نقلاً عن البلد الأمين .
3- .كذا فى تهذيب الأحكام ، وفى المصادر الاُخرى : «الهذلى» .

4- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 107 ح 404 ، الأمالى للصدوق : ص 110 ح 85 كلاهما عن سلّام المكّى ، ثواب الأعمال : ص 191 ح 1 عن سالم المكّى وفيه «الهدم» بدل «الهرم» ، روضه الواعظين : ص 521 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 86 ص 19 ح 18 وص 160 ح 39 .
5- .الخصال : ص 220 ح 45 عن ابن عبّاس ، الدعوات : ص 83 ح 208 نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 21 ح 20 ؛ عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 52 ح 134 عن ابن عبّاس نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 145 ح 3521 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! آیا به تو جملاتی نیاموزم؟ هرگاه به مشکلی سخت یا گرفتاری ای افتادی ، بگو : «به نام خدای مهرگستر مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ» . پس خداوند عز و جل به سبب آن ، از انواع بلا ، آنچه بخواهد ، از تو می گردانَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل می فرماید : «به امّتت بگو که صبحگاهان و شامگاهان و هنگام خوابیدن ، هر بار ده مرتبه بگویند : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، در هنگام خوابیدن ، بلاهای دنیا را از آنان ، دور می کند ، در شامگاهان ، نیرنگ شیطان را ، و در صبحگاهان ، از خشم من ، آنها را نگه می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به شیبه هُذَیل : نماز صبح را که خواندی ، ده بار بگو : «پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ» ؛ زیرا به واسطه این ذکر ، خداوند ، تو را از کوری و دیوانگی و جذام و ناداری و فرتوتی به سلامت می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قبیصه بن مُخارق هلالی :هرگاه نماز صبح را خواندی سه مرتبه بگو : «پاکا خدا و ستایش او را! پاکا خدای بزرگ و ستایش او را! و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ؛ زیرا هر گاه اینها را بگویی ، از کوری و جذام و پیسی و فلج شدن ، در امان خواهی ماند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يُصَلِّى الفَجرَ ثُمَّ يَقولُ حِينَ يَنصَرِفُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، ولا حَياةَ ولَا احتِيالَ ولا مَنجى ولا مَلجَأَ مِنَ اللّهِ ، إلّا إلَيهِ» سَبعَ مَرّاتٍ ، إلّا رُفِعَ عَنهُ سَبعونَ نَوعا مِنَ البَلاءِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ (2) إلّا بِاللّهِ ، أشهَدُ أنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ» ، رُزِقَ خَيرَ ذلِكَ اليَومِ وصُرِفَ عَنهُ شَرُّهُ . ومَن قالَها مِنَ اللَّيلِ رُزِقَ خَيرَ تِلكَ اللَّيلَةِ ، وصُرِفَ عَنهُ شَرُّها . (3)

الإمام عليّ عليه السلام :مَن قالَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ وهُوَ ثانٍ رِجلَهِ بَعدَ المَغرِبِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ ، وبَعدَ الصُّبحِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ ، صَرَفَ اللّهُ تَعالى عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أدناهَا الجُذامُ والبَرَصُ وَالسُّلطانُ وَالشَّيطانُ . (4)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، سَمِّ كُلَّ يَومٍ بِاسمِ اللّهِ ، وقُل : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» . . . تُكفَ شَرَّ ذلِكَ اليَومِ إن شاءَ اللّهُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ كُلَّ يَومٍ ثَلاثينَ مَرَّةً : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، تَبارَكَ اللّهُ أحسَنُ الخالِقينَ ، ولا حَولَ ولَا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» دَفَعَ اللّهُ عَنهُ تِسعَةً وتِسعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ ؛ أهوَنُهَا الجُذامُ . (6)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 9 ح 6025 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 144 ح 3519 .
2- .فى كنز العمّال : «لا حول ولا قوّه» .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 24 ح 53 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 2 ص 168 ح 3601 .
4- .فلاح السائل : ص 409 ح 279 عن سعيد بن إسماعيل بن همّام عن الإمام الرضا عليه السلام .

5- .تحف العقول : ص 171 ، بشاره المصطفى : ص 25 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 77 ص 412 .
6- .السرائر : ج 3 ص 143 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 137 ح 483 وفيه «الجنون» بدل «الجذام» ، بحار الأنوار : ج 62 ص 276 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از آن ، هفت بار بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . زندگی و چاره و نجات و گریزی از خدا نیست ، مگر به سوی خود او» ، جز آن که هفتاد نوع بلا ، از او برطرف شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چون صبح کند ، بگوید : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا . گواهی می دهم که خدا بر هر چیزی تواناست» ، خیر آن روز ، روزیِ او می شود و شرّش از او دور می گردد ، و هر کس ، شبْ هنگام ، این جملات را بگوید ، خیر آن شب ، روزی اش می شود و شرّ آن ، از او دور می گردد .

امام علی علیه السلام :هر کس پس از نماز مغرب ، در حالی که همچنان دو زانو نشسته است ، پیش از آن که سخنی بگوید ، و نیز پس از نماز صبح ، پیش ازآن که سخنی بگوید ، هفت بار بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، خداوند متعال ، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گردانَد که کمترین آنها جذام و پیسی و [گزند] سلطان و شیطان است .

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل بن زیاد : ای کمیل! هر روز نام خدا را ببر و بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ... به خواست خدا ، از گزند آن روز ، مصون خواهی ماند .

امام صادق علیه السلام :هر کس هر روز ، سی بار بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . زهی خدایی که بهترین آفرینندگان است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، خداوند ، نود و نه نوع بلا را از او دور کند که آسان ترین آنها جذام است .

.

عنه عليه السلام :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ الصُّبحِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يُعيدُها سَبعَ مَرّاتٍ ، دَفَعَ اللّهُ عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أهوَنُهَا الجُذامُ وَالبَرَصُ . (1)

عنه عليه السلام :مَن قالَ فى دُبُرِ صَلاهِ الفَجرِ ودُبُرِ صَلاهِ المَغرِبِ سَبعَ مَرّاتٍ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» دَفَعَ اللّهُ عز و جل عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أهوَنُهَا الرّيحُ وَالبَرَصُ وَالجُنونُ ، وإن كانَ شَقِيّا مُحِىَ مِنَ الشَّقاءِ وكُتِبَ فِى السُّعَداءِ . (2)

عنه عليه السلام :إذا صَلَّيتَ المَغرِبَ وَالغَداهَ فَقُل : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ مَن قالَها لَم يُصِبهُ جُذامٌ ولا بَرَصٌ ولا جُنونٌ ، ولا سَبعونَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام :قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» يَدفَعُ أنواعَ البَلاءِ . (4)

عنه عليه السلام :مَن قالَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ حينَ يُصبِحُ ، وثَلاثَ مَرّاتٍ حينَ يُمسى ، لَم يَخَف شَيطانا ولا سُلطانا ولا جُذاما ولا بَرَصا . وأنَا أقولُها مِئَهَ مَرَّهٍ . (5)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 415 ح 935 عن محمّد بن مسلم ، جامع الأخبار : ص 144 ح 312 ، مشكاه الأنوار : ص 518 ح 1743 كلاهما بزياده «ومن قالها إذا صلّى المغرب قبل أن يتكلّم دفع اللّه عنه سبعين نوعا من أنواع البلاء» بعد «أنواع البلاء» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 95 ح 1 .
2- .الكافى : ج 2 ص 531 ح 25 وح 26 نحوه وكلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 86 ص 132 ح 9 .
3- .الكافى : ج 2 ص 528 ح 20 عن أبى بصير وص 531 ح 28 عن سماعه .
4- .الدعوات : ص 83 ح 209 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 274 ح 2 .
5- .المحاسن : ج 1 ص 112 ح 105 ، الكافى : ج 2 ص 531 ح 27 كلاهما عن الحسن بن الجهم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 257 ح 27 .

امام صادق علیه السلام :هر کس پس از نماز صبح ، پیش از آن که سخنی بگوید ، بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و هفت مرتبه آن را تکرار کند ، خداوند ، هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که آسان ترینِ آنها جذام و پیسی است .

امام صادق علیه السلام :هر کس در پی نماز صبح و در پی نماز مغرب ، هفت بار بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، خداوند عز و جل هفتاد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین آنها باد و پیسی و دیوانگی است ، و اگر از تیره بختان است ، نامش از دفتر تیره بختان پاک و در شمارِ نیک بختان ، نوشته شود .

امام صادق علیه السلام :چون نماز مغرب و صبح را خواندی ، هفت بار بگو : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ» ؛ زیرا هر کس این را بگوید ، به جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلا ، دچار نمی شود .

امام کاظم علیه السلام :ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، انواع بلا را دور می کند .

امام کاظم علیه السلام :هر کس در صبحگاهان و در شامگاهان ، سه مرتبه بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، از [گزند] شیطان و سلطان و [دچار شدن به]جذام و پیسی نترسد . من ، خود ، صد مرتبه آن را می گویم .

.

الكافى عن سعد بن زيد عن أبى الحسن عليه السلام :إذا صَلَّيتَ المَغرِبَ فَلا تَبسُط رِجلَکَ ولا تُکَلِّم أحَدا حَتّى تَقولَ مِئَةَ مَرَّةٍ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» ، ومِئَةَ مَرَّةٍ فِى الغَداةِ ، فَمَن قالَها دَفَعَ اللّهُ عَنهُ مِئَةَ نَوعٍ مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أدنى نَوعٍ مِنهَا البَرَصُ وَالجُذامُ وَالشَّيطانُ وَالسُّلطانُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حِرزٍ استَخرَجَهُ مِن كِتابِ اللّهِ العَزيزِ : تَحَصَّنتُ بِاللّهِ العَظيمِ ، وَاستَعصَمتُ بِالحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، ورَمَيتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنا بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن حِرزِهِ فى كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ : بِاسمِ اللّهِ ، تَحَصَّنتُ بِالحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ ، ورَمَيتُ مَن يُريدُ بى سُوءا أو مَكروها مِن بَينِ يَدَىَّ بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ . (3)

الكافى عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَمِعتُهُ يَقولُ : مَن قالَ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» سَبعينَ مَرَّةً ، صَرَفَ عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِن أنواعِ البَلاءِ ؛ أيسَرُ ذلِکَ الخَنقُ . قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ومَا الخَنقُ؟ قالَ : لا يَعتَلُّ بِالجُنونِ فَيُخنَقَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ الاِستِخارَةِ : اللّهُمَّ . . . وأبرِم مِن قُدرَتِکَ كُلَّ نَحسٍ يَعرِضُ بِحاجِزِ حَتمٍ مِن قَضائِکَ يَحولُ بَينى وبَينَهُ ، ويُباعِدُهُ مِنّى ويُباعِدُنى مِنهُ ، فى دينى ونَفسى ومالى ووُلدى وإخوانى ، وأعِذنى مِنَ الأولادِ وَالأموالِ وَالبَهائِمِ وَالأعراضِ (5) ، وما أحضُرُهُ وما أغيبُ عَنهُ ، وما أستَصحِبُهُ وما أُخَلِّفُهُ ، وحَصِّنّى مِن كُلِّ ذلِکَ بِعِياذِکَ مِنَ الآفاتِ وَالعاهاتِ وَالبَلِيّاتِ ، ومِنَ التَّغييرِ وَالتَّبديلِ ، وَالنَّقِماتِ وَالمَثُلاتِ (6) ، ومِن كَلِمَتِکَ الحالِقَةِ (7) ، ومِن جَميعِ المَخوفاتِ ، ومِن سوءِ القَضاءِ ، ومِن دَركِ الشَّقاءِ ، ومِن شَماتَةِ الأعداءِ ، ومِنَ الخَطَإِ وَالزَّلَلِ فى قَولى وفِعلى ، ومَلِّكنِى الصَّوابَ فيهِما ؛ بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ ، بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ حِرزى وعَسكَرى ، بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ سُلطانى ومَقدُرَتى ، بِلا حَولَ ولا قُوَّه إلّا بِاللّهِ عِزّى ومَنَعَتى . (8)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 531 ح 29 عن سعد بن زيد ، بحار الأنوار : ج 86 ص 101 ح 6 .
2- .مُهَج الدعوات : ص 38 عن محمّد بن عبيد اللّه الإسكندرى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 304 ح 62 .
3- .مُهَج الدعوات : ص 27 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 311 ح 63 .
4- .الكافى : ج 2 ص 521 ح 2 .
5- .الأعراض : جمع عَرَض ؛ وهو الحال والمَتاع والغنيمه (بحار الأنوار : ج 91 ص 274) .
6- .المَثُلَه : العقوبه ، والجمع المَثُلات (الصحاح : ج 5 ص 1816 «مثل») .
7- .من كلمتک الحالقه : أى حكمک بالعقوبه المستأصله ، قال فى النهايه : الحالقه : الخصله التى من شأنها أن تحلق ؛ أى تهلک وتستأصل (بحار الأنوار : ج 91 ص 274) ...
8- .فتح الأبواب : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 271 ح 23 .

الکافی به نقل از سعد بن زید از ابو الحسن علیه السلام (1) :چون نماز مغرب را خواندی ، پیش از آن که پایت را دراز کنی [و از حالت تشهّد خارج شوی] و با کسی سخنی بگویی ، صد مرتبه می گویی : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و صد بار نیز پس از نماز صبح می گویی ؛ زیرا هر کس آن را بگوید ، خداوند ، صد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین نوع آنها پیسی و جذام و [گزند]شیطان و سلطان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حِرزی که آن را از کتاب خداوند عزیز ، استخراج کرده است : خود را در حمایت خدای بزرگ در آوردم و به آن زنده ای که هرگز نمی میرد ، پناهنده شدم ، و هر دشمنی خود را با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، هدف قرار دادم .

امام زین العابدین علیه السلام از حرز ایشان در هر بامداد و شامگاه : به نام خدا . خود را در حمایت زنده ای که هرگز نمی میرد ، در آوردم از گزند آنچه می ترسم و بیمناکم ، و هر که را از پیشِ رویم بخواهد به من بدی یا گزندی برساند با [تیر]«هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» هدف قرار دادم .

الکافی به نقل از جمیل : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید : «هر کس هفتاد بار بگوید : هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، خداوند ، هفتاد نوع بلا را از او می گردانَد که آسان ترین آنها خَنق است» . گفتم : قربانت کردم! خنق چیست؟ فرمود : «به دیوانگی مبتلا نشود که در نتیجه ، خفه می گردد» .

امام صادق علیه السلام در دعای طلب خیر از خدا : بار خدایا !... به قدرت خود ، هر گونه پیشامد شومی را که برای دینم و جانم و مالم و فرزندانم و برادرانم رُخ دهد ، و به واسطه مانع حتمی از قضایت که میان من و آن پیشامد ، سد شود و آن را از من ، و مرا از آن دور گردانَد ، دفع کن ، و فرزندان و اموال و حیوانات و کالاهای مرا ، و آنچه را حاضر دارم و آنچه را حاضر ندارم ، و آنچه را همراه من است و آنچه را از خود بر جای نهاده ام ، در پناه خویش دار ، و با پناه دهی خویش ، مرا در همه اینها از آفت ها و بیماری ها و فاجعه ها و از دگرگونی و جایگزینی و خشم ها و کیفرها ، و از

فرمان ریشه کن کننده ات و از کلّیه حوادث وحشتناک، و از قضای بد ، و از رنج و بدبختی دامنگیر ، و از دشمن شادی و از خطا و لغزش در گفتار و کردار ، مرا مصون بدار و مرا در گفتار و کردارم به طریق صواب بدار ، به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» . به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» که سنگر و لشکر من است . به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» که قدرت و توان من است . به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، که مایه نیرو و اقتدار من است .

.

1- .مقصود امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام می باشد .

ص: 138

. .

ص: 139

. .

الفَصلُ الرّابِعُ : خطر البراءه من حول اللّه وقوّتهمهج الدعوات عن صفوان بن مهران الجمّال :رَفَعَ رَجُلٌ مِن قُرَيشٍ المَدينَهِ مِن بَنى مَخزومٍ إلى أبى جَعفَرٍ المَنصورِ وذلِکَ بَعدَ قَتلِهِ لِمُحَمَّدٍ وإبراهيمَ ابنَى عَبدِ اللّهِ بنِ الحَسَنِ : أنَّ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَعَثَ مَولاهُ المُعَلّى بنَ خُنَيسٍ لِجِبايَهِ الأَموالِ مِن شيعَتِهِ ، وأنَّهُ كانَ يُمِدُّ بِها مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللّهِ ، فَكادَ المَنصورُ أن يَأكُلَ كَفَّهُ عَلى جَعفَرٍ عليه السلام غَيظا ، وكَتَبَ إلى عَمِّهِ داوودَ بنِ عَلِيٍّ وداوودُ إذ ذاکَ أميرُ المَدينَهِ أن يُسَيِّرَ إلَيهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام ولا يُرَخِّصَ لَهُ فِى التَّلَوُّمِ (1) وَالمُقامِ ، فَبَعَثَ إلَيهِ داوودُبِكِتابِ المَنصورِ وقالَ لَهُ : اِعمِد عَلَى المَسيرِ إلى أميرِ المُؤمِنينَ فى غَدٍ ولا تَتَأَخَّر . قالَ صَفوانُ : وكُنتُ بِالمَدينَهِ يَومَئِذٍ فَأنفَذَ إلَىَّ جَعفَرٌ عليه السلام فَصِرتُ إلَيهِ ، فَقالَ لى : تَعَهَّد راحِلَتَنا فَإنّا غادونَ فى غَدٍ إن شاءَ اللّهُ إلَى العِراقِ ، ونَهَضَ عَن وَقتِهِ وأتَا مَعَهُ إلى مَسجِدِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، وكانَ ذلِکَ بَينَ الأُولى وَالعَصرِ ، فَرَكَعَ فيهِ رَكَعاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ فَحَفِظتُ يَومَئِذٍ مِن دُعائِهِ (2) : يا مَن لَيسَ لَهُ ابتِداءٌ ولا انقِضاءٌ ، يا مَن. . . (3) قالَ صَفوانُ : سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ الصّادِقَ عليه السلام بِأن يُعيدَ الدُّعاءَ عَلَىَّ فَأعادَهُ وكَتَبتُهُ ، فَلَمّا أصبَحَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام رَحَلتُ لَهُ النّاقَهَ ، وسارَ مُتَوَجِّها إلَى العِراقِ حَتّى قَدِمَ مَدينَهَ أبى جَعفَرٍ ، وأقبَلَ حَتَّى استَأذَنَ فَأذِنَ لَهُ . قالَ صَفوانُ : فَأخبَرَنى بَعضُ مَن شَهِدَهُ عِندَ أبى جَعفَرٍ ، قالَ : فَلَمّا رَآهُ أبو جَعفَرٍ قَرَّبَهُ وأدناهُ ، ثُمَّ استَدعى (4) قِصَّهَ الرّافِعِ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ فى قِصَّتِهِ : إنَّ مُعَلّى بَنَ خُنَيسٍ مَولى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ يَجبى لَهُ الأَموالَ مِن جَميعِ الآفاقِ ، وإنَّهُ مَدَّ بِها مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللّهِ فَدَفَعَ إلَيهِ القِصَّهَ فَقَرَأها أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَأقبَلَ عَلَيهِ المَنصورُ فَقالَ : يا جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ ، ما هذِهِ الأَموالُ الَّتى يَجبيها لَکَ مُعَلّى بنُ خُنَيسٍ ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : مَعاذَ اللّهِ مِن ذلِکَ يا أميرَ المُؤمِنينَ ! قالَ لَهُ : تَحلِفُ عَلى بَراءَتِکَ مِن ذلِکَ ؟ قالَ عليه السلام : نَعَم ، أحلِفُ بِاللّهِ أنَّهُ ما كانَ مِن ذلِکَ شَىءٌ. قالَ أبو جَعفَرٍ : لا ، بَل تَحلِفُ بِالطَّلاقِ وَالعَتاقِ. فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أما تَرضى يَمينى بِاللّهِ الَّذى لا إلهَ إلا هُوَ ؟ قالَ أبو جَعفَرٍ : فَلا تَتَفَقَّه عَلَىَّ. فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : فَأينَ تَذهَبُ بِالفِقهِ مِنّى يا أميرَ المُؤمِنينَ ؟ قالَ لَهُ : دَع عَنکَ هذا ، فَإنّى أجمَعُ السّاعَهَ بَينَکَ وبَينَ الرَّجُلِ الَّذى رَفَعَ عَنکَ حَتّى يُواجِهَکَ . فَأتَوا بِالرَّجُلِ وسَألوهُ بِحَضرَهِ جَعفَرٍ عليه السلام ، فَقالَ : نَعَم هذا صَحيحٌ ، هذا جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ وَالَّذى قُلتُ فيهِ كَما قُلتُ . فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : تَحلِفُ أيُّها الرَّجُلُ إنَّ هذَا الَّذى رَفَعتَهُ صَحيحٌ ؟ قالَ : نَعَم ؛ ثُمَّ ابتَدَأَ الرَّجُلُ بِاليَمينِ فَقالَ : وَاللّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الطّالِبُ الغالِبُ الحَىُّ القَيُّومُ . فَقالَ

لَهُ جَعفَرٌ عليه السلام : لا تَعجَل فى يَمينِکَ فَإنّى أنَا أستَحلِفُ . قالَ المَنصورُ : وما أنكَرتَ مِن هذِهِ اليَمينِ ؟ قالَ عليه السَلام : إنَّ اللّهَ تَعالى حَيِىٌّ (5) كَريمٌ ، يَستَحيى مِن عَبدِهِ إذا أثنى عَلَيهِ أن يُعاجِلَهُ بِالعُقوبَهِ لِمَدحِهِ لَهُ ، ولكِن قُل يا أيُّها الرَّجُلُ : أبرَأُ إلَى اللّهِ مِن حَولِهِ وقُوَّتِهِ ، وألجَأُ إلى حَولى وقُوَّتى أنّى لَصادِقٌ بَرٌّ فى ما أقولُ . فَقالَ المَنصورُ لِلقُرَشِىِّ : اِحلِف بِمَا استَحلَفَکَ بِهِ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام . فَحَلَفَ الرَّجُلُ بِهذِهِ اليَمينِ ، فَلَم يَستَتِمَّ الكَلامَ حَتّى أجذَمَ وخَرَّ مَيِّتا. فَراعَ أبا جَعفَرٍ (6) ذلِکَ وَارتَعَدَت فَرائِصُهُ ، فَقالَ : يا أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، سِر مِن غَدٍ إلى حَرَمِ جَدِّکَ إنِ اختَرتَ ذلِکَ ، وإنِ اختَرتَ المُقامَ عِندَنا لَم نَألُ فى إكرامِکَ وبِرِّکَ ، فَوَ اللّهِ لا قَبِلتُ عَلَيکَ قَولَ أحَدٍ بَعدَها أبَدا . (7)

.

1- .التَّلَوُّم : الانتظار والتَّمَكُّث (الصحاح : ج 5 ص 2034 «لوم») .
2- .فى المصدر : «ومن دعائه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .اُنظر تتمّه الدعاء فى المصدر : ص 246 .
4- .فى بحار الأنوار : «ثمّ أسند قصّه ...» .
5- .فى المصدر : «حىّ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
6- .فى المصدر : «أبو جعفر» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .مُهَج الدعوات : ص 245 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 200 ح 41 وج 94 ص 296 .

فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدامُهَج الدعوات به نقل از صفوان بن مهران جمّال :مردی از قریش مدینه ، از بنی مخزوم ، به ابو جعفر منصور گزارش داد و این پس از آنی بود که وی ، محمّد و ابراهیم ، پسران عبد اللّه بن حسن را به قتل رساند که : جعفر بن محمّد علیه السلام وابسته خود ، معلّی بن خُنَیس را برای جمع آوری وجوهات از شیعیانش فرستاده است و با این وجوهات به محمّد بن عبد اللّه ، کمک می کرده است . منصور ، از شدّت خشم بر امام صادق علیه السلام چیزی نمانده بود که دست خود را بخورد . به عمویش داوود بن علی (داوود در آن زمان امیر مدینه بود)، نوشت که جعفر بن محمّد علیهماالسلامرا نزد او روانه سازد و اجازه درنگ کردن و تعلّل به او ندهد . داوود ، نامه منصور را نزد امام علیه السلام فرستاد و گفت : فردا بی درنگ ، آماده حرکت به سوی امیر مؤمنان شو . صفوان گفت : من در آن روز ، در مدینه بودم . امام صادق علیه السلام مرا احضار کرد . من نزد ایشان رفتم . به من فرمود : «شترمان را آماده کن ؛ زیرا فردا ، به خواست خدا ، عازم عراق هستیم» و در دم ، برخاست و با هم به مسجد النبی صلی الله علیه و آله رفتیم . بین نماز ظهر و عصر بود . امام علیه السلام چند رکعت نماز در مسجد خواند ، سپس دستانش را به سوی آسمان برداشت و دعایی کرد که من (یعنی صفوان) آن روز ، قسمتی از دعایش را حفظ کردم : «ای کسی که او را آغاز و پایانی نیست ! ای کسی که .. . !» . (1) از امام صادق علیه السلام خواهش کردم که دعایش را برایم تکرار کند و ایشان ، تکرار کرد و من ، آن را نوشتم . صبح روز بعد ، ناقه را نزد امام علیه السلام بردم . ایشان به سوی عراق حرکت کرد و به شهر ابوجعفر درآمد و اجازه خواست . ابو جعفر به امام علیه السلام اجازه ورود داد . صفوان گفت : یکی از کسانی که شاهد وارد شدن امام صادق بر ابو جعفر بود ، به من خبر داد و گفت : چون چشم ابو جعفر به امام علیه السلام افتاد ، به ایشان احترام گذاشت و نزدیک خود نشانْد . سپس گزارشی را که در باره امام صادق علیه السلام به او نوشته بودند ، خواست . در آن گزارش آمده بود که : معلّی بن خُنَیس ، وابسته جعفر بن محمّد علیهماالسلام ، وجوهات را از اطراف واکناف ، برایش گِرد می آورد و او با آن وجوهات ، به محمّد بن عبد اللّه کمک می کرده است . گزارش را به دست امام صادق علیه السلام داد . امام علیه السلام آن را خواند . منصور ، رو به ایشان کرد و

گفت : ای جعفر بن محمّد! این اموالی که مُعلّی بن خُنَیس برای تو گِرد می آورَد ، چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود : «پناه به خدا از این گزارش ، ای امیر مؤمنان!». منصور گفت : سوگند می خوری که این گزارش ، صحّت ندارد؟ فرمود : «آری . به خدا سوگند می خورم که چنین چیزی نبوده است» . ابو جعفر گفت : نه . به طلاق و عَتاق (2) ، سوگند بخور . امام صادق علیه السلام فرمود : «آیا سوگندم به خدای یگانه را نمی پذیری؟». ابوجعفر [منصور] گفت : دین شناسی (فقه) خود را به رُخ من مکش . امام صادق علیه السلام فرمود : «پس برای دین شناسی من ، چه شأنی قائلی ، ای امیرمؤمنان؟». گفت : دست بردار . هم اکنون ، تو را با آن مردی که گزارش داده است ، رو به رو می کنم . آن گاه ، آن مرد را آوردند و در حضور امام صادق علیه السلام از او پرسیدند . مرد گفت : آری . صحّت دارد . این، جعفر بن محمّد است و آنچه در باره اش گفته ام ، حقیقت دارد . امام صادق علیه السلام فرمود : «ای مرد! سوگند می خوری که آنچه گزارش داده ای ، صحّت دارد؟». گفت : آری . سپس ، شروع به سوگند خوردن کرد و گفت : سوگند می خورم به خدایی که معبودی نیست ، جز او که جوینده است و چیره و زنده و جاویدان . امام صادق علیه السلام به او فرمود : «در سوگندت شتاب مکن ؛ زیرا من می گویم که چگونه سوگند بخوری» . منصور گفت : کجای این سوگند ، ایراد دارد؟ فرمود : «خداوند متعال ، باحیا و بزرگوار است . هرگاه بنده اش او را ثنا گوید ، به خاطر ستایشی که از او کرده است ، شرم می کند او را زود کیفر دهد ؛ بلکه ای مرد ، بگو : «از نیرو و قدرت خدا ، برائت می جویم ، و به نیرو و قدرت خودم پناه می برم که در آنچه می گویم ، راستگو و صادق هستم» . منصور به آن مرد قُرَشی گفت : همان گونه که ابو عبد اللّه [صادق] خواست ، سوگند بخور . مرد با این سوگند ، سوگند یاد کرد ؛ امّا هنوز سخنش تمام نشده بود که کلامش قطع شد و جنازه اش بر زمین افتاد . این صحنه ، ابو جعفر [منصو] را وحشت زده کرد و بدنش به لرزه افتاد . گفت : ای ابا عبد اللّه ! همین فردا اگر خواستی ، به سوی حرم جدّت [مدینه]برو ، و اگر هم خواستی نزد ما بمانی ، در گرامیداشت و نیکی به تو ، کوتاهی نخواهیم کرد . به خدا سوگند که از این پس ، هرگز سخن هیچ کس را بر ضدّ تو نمی پذیرم .

.

1- .ادامه این دعا را در مأخذ (مهج الدعوات: ص 246) ببینید .

‴

2- .سوگند طلاق و عَتاق ، به این صورت است که بگوید : «زنم مطلّقه یا برده ام آزاد باشد ، اگر چنین و چنان نباشد یا باشد» .

ص: 142

. .

ص: 143

. .

ص: 144

. .

ص: 145

. .

الفَصلُ الخامِسُ : أهمّ مواضع الحوقله5 / 1عِندَ الأَذانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ إذا أذَّنَ المُؤَذِّنُ مِثلَ ما يَقولُ ، فَقالَ : حَىَّ عَلَى الصَّلاهِ ، حَىَّ عَلَى الفَلاحِ ، قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» مُخلِصا ، دَخَلَ الجَنَّهَ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ إذا سَمِعَ المُؤَذِّنَ قالَ كَما يَقولُ ، فَإذا قالَ : حَىَّ عَلَى الصَّلاهِ ، حَىَّ عَلَى الفَلاحِ ، حَىَّ عَلى خَيرِ العَمَلِ ، قالَ : لَا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (2)

5 / 2بَعدَ صَلاهِ الفَجرِالإمام الرضا عليه السلام :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، كانَ أقرَبَ إلَى اسمِ اللّهِ الأعظَمِ مِن سَوادِ العَينِ إلى بَياضِها ، وإنَّهُ دَخَلَ فيهَا اسمُ اللّهِ الأعظَمُ . (3)

.

1- .كنزالعمّال : ج 7 ص 703 ح 21013 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور عن حفص بن عاصم مرسلاً .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 145 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 179 ح 11 ؛ مسند ابن حنبل : ج 9 ص 230 ح 23927 عن أبى رافع عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 8 ص 362 ح 23276 نقلاً عن مسند أنس عن أبى الشيخ .
3- .بحار الأنوار : ج 93 ص 223 عن سليمان بن جعفر الجعفرى .

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »

5 / 1 هنگام اذان

5 / 2 پس از نماز صبح

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »5 / 1هنگام اذانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که مؤذّن اذان گفت ، گفته های او را بازگو کند ، و چون گفت : «به نماز بشتاب! به سوی رستگاری بشتاب!» ، او از سرِ اخلاص بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، به بهشت می رود .

امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا هر گاه صدای مؤذّن را می شنید ، گفته های او را بازگو می کرد ، و چون می گفت : «به نماز بشتاب ؛ به سوی رستگاری بشتاب ؛ به سوی بهترین کار ، بشتاب!» ، امام علیه السلام می گفت : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

5 / 2پس از نماز صبحامام رضا علیه السلام :هر کس بعد از نماز صبح ، صد مرتبه بگوید : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» . به نام اعظم خدا ، نزدیک تر از سیاهیِ چشم به سفیدی آن باشد . نام اعظم خدا ، در این جمله جای دارد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «ما شاءَ اللّهُ كانَ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ حينَ يُصَلّى الفَجرَ ، لَم يَرَ يَومَهُ ذلِکَ شَيئا يَكرَهُهُ . (1)

5 / 3عِندَ الخُروجِ مِنَ البَيتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ : «بِاسمِ اللّهِ» قالَ المَلَكانِ : هُديتَ . فَإِن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» قالا : وُقيتَ . فَإِن قالَ : «تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ» قالا : كُفيتَ . فَيَقولُ الشَّيطانُ : كَيفَ لى بِعَبدٍ هُدِىَ ووُقِىَ وكُفِىَ؟! (2)

سنن ابن ماجه عن أبي هريره :إنَّ النَّبىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، التُّكلانُ عَلَى اللّهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا خَرَجَ أحَدُكُم مِن بَيتِهِ فَليَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، ماشاءَ اللّهُ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ ، حَسبِىَ اللّهُ ونِعمَ الوَكيلُ . (4)

الكافى عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام :أنَّهُ كانَ إذا خَرَجَ مِنَ البَيتِ قالَ : بِاسمِ اللّهِ خَرَجتُ ، وعَلَى اللّهِ تَوَكَّلتُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 530 ح 24 عن حمّاد بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 86 ص 162 ح 42 .
2- .ثواب الأعمال : ص 195 ح 1 عن أبى سعيد الخدرى ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 398 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 167 ح 6 ؛ سنن أبى داوود : ج 4 ص 325 ح 5095 عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1278 ح 3886 عن أبى هريره وكلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 397 ح 41537 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1278 ح 3885 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 700 ح 1908 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 67 ح 177 مع تقديم وتأخير ، كنزالعمّال : ج 7 ص 143 ح 18417 .

4- .المعجم الكبير : ج 22 ص 396 ح 984 عن يزيد بن خصيفه عن أبيه عن جدّه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 398 ح 41539 .
5- .الكافى : ج 2 ص 543 ح 10 ، المحاسن : ج 2 ص 90 ح 1238 عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد فى آخره «قال محمّد بن سنان : فكان أبوالحسن الرضا عليه السلام يقول ذلک إذا خرج من منزله» .

5 / 3 هنگام بیرون رفتن از خانه

امام صادق علیه السلام :هر کس هنگامی که نماز صبح را می خواند ، [پس از نماز]صد بار بگوید : «هر چه خدا خواهد ، همان می شود . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، در آن روز ، ناراحتی نمی بیند .

5 / 3هنگام بیرون رفتن از خانهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که از خانه اش خارج شد ، بگوید : «به نام خدا» ، دو فرشته می گویند : «هدایت شدی» ، و چون بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، می گویند : «نگهداری شدی» ، و چون بگوید : «بر خدا توکّل کردم» ، می گویند : «کفایت شدی». پس شیطان می گوید : «من با بنده ای که هدایت و نگهداری و کفایت شده است ، چه کنم؟ !».

سنن ابن ماجه به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از خانه اش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدا . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . توکّل بر خدا» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما از خانه اش خارج شد ، بگوید : «به نام خدا . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا . هر چه خدا خواهد! بر خدا توکّل کردم . خدا ، مرا بس است و او نیکو کارگزاری است» .

الکافی به نقل از ابو حمزه ، در باره امام باقر علیه السلام :هرگاه از خانه خارج می شد ، می گفت : به نام خدا . خارج شدم و بر خدا ، توکّل کردم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا » .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن يَخرُجُ فى سَفَرٍ وَحدَهُ فَليَقُل : ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، اللّهُمَّ آنِس وَحشَتى ، وأعِنّى عَلَى وَحدَتى ، وأدِّ غَيبَتى (1) . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ قالَ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، خَرَجتُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ لا بِحَولٍ مِنّى (3) ولا قُوَّتى ، بَل بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ يا رَبِّ ، مُتَعَرِّضا لِرِزقِكَ ، فَأتِنى بِهِ فى عافِيَةٍ . (4)

عنه عليه السلام :إذا خَرَجتَ مِن مَنزِلِكَ فى سَفَرٍ أو حَضَرٍ ، فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، آمَنتُ بِاللّهِ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ ، ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، فَتَلَقّاهُ (5) الشَّياطينُ فَتَنصَرِفُ ، وتَضرِبُ المَلائِكَةُ وُجوهَها ، وتَقولُ : ما سَبيلُكُم عَلَيهِ وقَد سَمَّى اللّهَ ، وآمَنَ بِهِ ، وتَوَكَّلَ عَلَيهِ ، وقالَ : ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ؟ (6)

.

1- .قال العلّامه المجلسى قدس سره : «وأدِّ غَيبَتى» : الإسناد مجازى ؛ أى أدِّنى [بمعنى أرجعنى وأوصلنى] عن غَيبَتى (مرآه العقول : ج 17 ص 182 ، وانظر لسان العرب : ج 14 ص 26 «أدا») .
2- .الكافى : ج 4 ص 288 ح 4 عن عيسى بن عبد اللّه القمّى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 276 ح 2431 ، المحاسن : ج 2 ص 98 ح 1256 كلاهما عن سليمان بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 228 ح 4 .
3- .فى بعض النسخ : «بلا حول منّى» كما فى هامش المصدر .
4- .الكافى : ج 2 ص 542 ح 7 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 6 ح 11 ، المحاسن : ج 2 ص 91 ح 1241 كلّها عن محمّد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 76 ص 169 ح13 .
5- .«فتلقّاه» قيل : فى الكلام حذف ؛ يعنى : فإنّ من قال ذلك تلقّاه ، ويحتمل سقوطه . وقيل : الفاء للبيان ، والضمير الغائب منصوب عائد إلى قائل هذا الكلام ، وفيه التفات من الخطاب إلى الغيبه ، إشاره إلى أنّ الحكم غير مخصوص بالمخاطب (مرآه العقول : ج 12 ص 330) .

6- .الكافى : ج 2 ص 543 ح 12 عن الحسن بن الجهم ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 272 ح 2416 ، المحاسن : ج 2 ص 88 ح 1235 كلاهما عن علىّ بن أسباط ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 525 ح 1830 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 250 ح 46 .

امام صادق علیه السلام :هر کس به تنهایی سفر کرد ، بگوید : هر چه خدا خواهد ! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا ! انیسِ بی کسی من باش و بر تنهایی ام کمک فرما و مرا به سلامت ، باز گردان » .

امام رضا علیه السلام :پدرم [امام کاظم علیه السلام] هرگاه از خانه اش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . به نیرو و توان خدا ، خارج شدم ، نه به نیرو و توان خود ، که به نیرو و توان تو ای پروردگار من ، در جستجوی روزی تو . پس آن را به سلامت ، به من برسان» .

امام رضا علیه السلام :هرگاه از خانه ات خارج شدی ، در سفر باشد یا غیر سفر ، بگو : «به نام خدا . به خدا ایمان دارم و به خدا توکّل می کنم . هر چه خدا خواهد ! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، پس [هر کس چنین گوید و] شیاطین به او برخورند ، بر می گردند و فرشتگان ، بر چهره آنها می زنند و می گویند : چه راه تسلّطی است شما را بر او ، در صورتی که نام خدا را برده و به او ایمان آورده و بر او توکّل کرده و گفته است : «هر چه خدا خواهد ! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا»؟

.

5 / 4عِندَ دُخولِ المَسجِدِجامع الأخبار :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُمنى ويَقولُ : بِاسمِ اللّهِ ، وعَلَى اللّهِ تَوَكَّلتُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . . . . (1)

5 / 5السّوقُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :السّوقُ دارُ سَهوٍ وغَفلَةٍ ، فَمَن سَبَّحَ فيها تَسبيحَةً كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها ألفَ ألفِ حَسَنَةٍ ، ومَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» كانَ فى جِوارِ اللّهِ تَعالى عز و جل حَتّى يُمسِىَ . (2)

.

1- .جامع الأخبار : ص 175 ح 417 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 26 ح 19 .
2- .الفردوس : ج 2 ص 344 ح 3557 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 4 ص 126 ح 9868 وراجع صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 150 ح 87 ومسند زيد : ص 398 .

5 / 4 هنگام وارد شدن به مسجد

5 / 5 در بازار

5 / 4هنگام وارد شدن به مسجدجامع الأخبار :پیامبر خدا ، هرگاه وارد مسجد می شد ، نخست ، پای راستش را می گذاشت و می گفت : «به نام خدا . بر خدا توکّل کردم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ...» .

5 / 5در بازارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بازار ، سرای فراموشی و غفلت است . پس هر که در آن ، یک «سبحان اللّه » بگوید ، خداوند به ازای آن ، برایش هزار هزار نیکی [و ثواب]می نویسد ، و هر که بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، تا شب در پناه خدای متعال باشد .

.

الفَصلُ السّادِسُ : الحوقلات المأثورهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ عَن يَمينى ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ عَن شِمالى ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ بَينَ يَدَىَّ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ مِن خَلفى ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ قابِضٌ عَلى ناصِيَتى ، أعوذُ بِاللّهِ وبِعَظَمَتِهِ ، وبِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ ، وبِعِزِّ اللّهِ وسُلطانِهِ ، وبِعِزِّ جَلالِ اللّهِ ، وبِعِزِّ عِزِّ اللّهِ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وَبَرأَ ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرى ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمِ . لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، قُوَّهُ كُلِّ ضَعيفٍ وعَونُ كُلِّ فَقيرٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ ، مَلجَأُ كُلِّ هارِبٍ ومَأوى كُلِّ خائِفٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ ، غِياثُ كُلِّ مَلهوفٍ ورَجاءُ كُلِّ مُضطَرٍّ . لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أقى بِها نَفسى ودينى وأهلى ومالى وجَميعَ نِعَمِ إلهى ومَولاىَ وسَيِّدى عِندى ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أنجو بِها مِن إبليسَ وخَيلِهِ ورَجِلِهِ (1) وشَياطينِهِ ومَرَدَتِهِ وأعوانِهِ وجَميعِ الإنسِ وَالجِنِّ وشُرورِهِم ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أمتَنِعُ بِها مِن ظُلمِ مَن أرادَ ظُلمى مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أتعِسُ (2) بِها جَدَّ مَن بَغى عَلَىَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أكُفُّ بِها عُدوانَ مَنِ اعتَدى عَلَىَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ أضعِفُ بِها كَيدَ مَنِ كادَنى مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أزيلُ بِها مَكرَ مَن مَكَرَنى مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أبطِلُ بِها سَعىَ مَن سَعى عَلَىَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أذِلُّ بِها جَميعَ مَن تَعَزَّزَ عَلَىَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أوهِنُ بِها مُستَوهِنى مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أقصِمُ بِها ظالِمى مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أقدِرُ بِها عَلى ذَوِى القُدرَهِ عَلَىَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أدفَعُ بِها شَرَّ مَن أرادَنى مِن جَميعِ خَلقِ اللّه ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، استِعانَهً بِعِزَّهِ اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، استِجارَهً بِقُدرَهِ اللّهِ . لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أستَعينُ بِها عَلى مَحيايَ ومَماتى وعِندَ نُزولِ المَوتِ ومُعالَجَهِ سَكَراتِهِ وغَمَراتِهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أحَصِّنُ بِها روحى وأعضائى وشَعرى وبَشَرى إذا دَخَلتُ قَبرى فَريدا وَحيدا خالِيا بِعَمَلى ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أستَعينُ بِها عَلى مَحشَرى إذا نُشِرَت لى صَحيفَتى ورَأيتُ ذُنوبى وخَطاياىَ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، إذا طالَ فِى القِيامَهِ وُقوفى وَاشتَدَّ عَطَشى ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أثقِلُ بِهَا الميزانَ عِندَ الجَزاءِ إذَا اشتَدَّ خَوفى ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أجوزُ بِهَا الصِّراطَ مَعَ الأولِياءِ واُثَبِّتَ بِها قَدَمى . لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، أستَقِرُّ بِها فى دارِ القَرارِ مَعَ الأبرارِ ، عَدَدَ ما قالَها وما يَقولُها

القائِلونَ مُنذُ أوَّلِ الدَّهرِ إلى آخِرِهِ ، وعَدَدَ ما أحصاهُ كِتابُهُ وأحاطَ بِهِ عِلمُهُ ، وأضعافَ ذلِكَ أضعافا مُضاعَفَةً ، وكُلُّ ضِعفٍ يَتَضاعَفُ أضعافَ ذلِكَ أضعافا مُضاعَفَةً أبَدَ الآبِدينَ ، ومُنتَهَى العَدَدِ بِلا أمَدٍ ، عَدَدا لا يُحصيهِ إلّا هُوَ ، ولا يُحيطُ بِهِ إلّا عِلمُهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ . (3)

.

1- .خَيله ورَجِلِه : أى فُرسانه ورجّالَته ، فالرَّجِل اسم جمع للراجل (اُنظر مجمع البحرين : ج 2 ص 681 «رجل») .
2- .التَّعْس : الهلاک والعثار والسقوط والانحطاط (القاموس المحيط : ج 2 ص 202 «تعس») .
3- .البلد الأمين : ص 373 ، المصباح للكفعمى : ص 364 .

فصل ششم: «لا حول ولا قوّه إلّا باللّه »های رسیده از اهل بیتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت راستم . «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت چپم . «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پیشِ رویم . «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پشتِ سرم . «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» که مهار من ، در کف اوست . پناه می برم به خدا و بزرگی او ، و به عزّت خدا و نیروی او ، و به عزّت خدا و سلطنت او ، و به عزّتِ شکوه خدا ، و به عزّت عزّت خدا از گزند آنچه آفرید و هستی بخشید و پدیدآورد ، و از گزند آنچه زیر زمین است ، و از گزند هر جنبنده ای که پروردگار من ، زمام او را گرفته است . به راستی که پروردگار من ، در راه راست است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والای بزرگ که نیروی هر ناتوانی و کمک هر نیازمندی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ که پناهگاه هر گریزنده ای و آسودگاه هر ترسانی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ که یاریگر هر غم زده ای و امید هر بی چاره ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن (ذکر «لا حول و .. .») خودم را و دینم را و خانواده ام را و دارایی ام را و همه نعمت هایی را که معبودم و سَروَرم و آقایم به من داده است ، نگه می دارم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، از ابلیس و لشکر سواره و پیاده او و اهریمنان و دیوهای او (دار و دسته اش) و یارانش و همه آدمیان و جنّیان و گزندهای آنها می رَهَم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، خود را از ستم هر که بخواهد به من ستم کند ، از همه آفریدگان خدا ، حفظ می کنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد بر من ستم کند ، ناکام و نگون بخت می سازم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، تجاوز هر یک از آفریدگان خدا را که بر من تعدّی کند ، باز می دارم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، نیرنگ هر یک از آفریدگان خدا را که با من نیرنگ کند ، ناکارآمد می گردانم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، فریبکاری هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد فریبم دهد ، از بین می برم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، مکر هر یک از آفریدگان خدا را که علیه من بکوشد ، خنثا می کنم . هیچ

نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من بزرگی بفروشد ، خوار می گردانم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد مرا سست کند ، سست می گردانم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من ستم کند ، در هم می شکنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، بر هر یک از آفریدگان خدا که بر من توانا باشد ، فائق می آیم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، گزند هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد به من گزند برساند ، دفع می کنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، از عزّت خدا کمک می جویم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . با آن ، خود را در پناه قدرت خدا در می آورم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . از آن ، در زیستنم و مُردنم و هنگام فرا رسیدن مرگ و فرو رفتن در بیهوشی ها و دهشت زایی های مرگ، کمک می گیرم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، روحم و اندام هایم و مویم و پوستم را ، آن گاه که یکّه و تنها و تهی دست از عمل به گورم در آیم ، حفظ می کنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . از آن ، در رستاخیزم ، آن گاه که کارنامه ام برایم گشوده شود و گناهان و خطاهایم را ببینم ، کمک می گیرم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، آن گاه که در قیامت ، درنگم [در محشر و رسیدگی به اعمال] به درازا کشد و تشنگی ام شدّت گیرد . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . با آن ، ترازوی [اعمال] خود را در آن هنگام که بخواهند پاداش دهند و ترسم بالا می گیرد ، سنگین می کنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . با آن ، همراه با اولیا (/دوستان) از صراط بگذرم و به واسطه آن ، گامَم را استوار گردانم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . به واسطه آن ، همراه با نیکان ، در سرای ماندگاری جای می گیرم ، به شمارِ آنچه گویندگان ، از آغاز روزگار تا پایان آن [ذکر «لا حول و ...»] گفته اند و خواهند گفت ، و به شمارِ آنچه کتاب او بر شمرده و علم او ، آنها را در میان گرفته است و [بلکه] چند برابر آنها ، و هر چند برابر آنها ، چندین و چند برابر تا همیشه همیشه ، و تا بی شمارانِ بی زمان، شماری که جز او ، کسی از عهده شمارش آنها برنمی آید و جز او ، کسی بدان علم نداشته باشد . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ .

.

ص: 156

..

ص: 157

. .

البلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ ، مَروِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : بَسمِل وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ثَلاثاَ . . . ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ ثَلاثا بِعَدَدِ ما قالَهُ القائِلونَ . . . (1)

سنن أبى داوود عن عائشه بنت سعد بن أبى وقّاص عن أبيها :أنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلَى امرَأهٍ وبَينَ يَدَيها نَوىً أو حَصىً تُسَبِّحُ بِهِ ، فَقالَ : أُخبِرُكِ بِما هُوَ أيسَرُ عَليكِ مِن هذا أو أفضَلُ . فَقالَ : سُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِى السَّماءِ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِى الأرضِ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ بَينَ ذلِكَ ، وسُبحانَ اللّهِ عَدَدَ ما هُوَ خالِقٌ ، وَاللّهُ أكبَرُ مِثلَ ذلِكَ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ذلِكَ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ مِثلَ ذلِكَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ مِثلَ ذلِكَ . (2)

الكافى عن ابن الطيّار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنَّهُ كانَ فى يَدى شَىءٌ تَفَرَّقَ وضِقتُ ضيقا شَديدا . فَقالَ لى أَلَكَ حانوتٌ فِى السُّوقِ؟ قُلتُ : نَعَم ، وقَد تَرَكتُهُ . فَقالَ : إذا رَجَعتَ إلَى الكوفَهِ فَاقعُد فى حانوتِكَ وَاكنُسهُ ، فَإذا أرَدتَ أن تَخرُجَ إلى سوقِكَ فَصَلِّ رَكعَتَينِ أو أربَعَ رَكَعاتٍ ، ثُمَّ قُل فى دُبُرِ صَلاتِكَ : تَوَجَّهتُ بِلا حَولٍ مِنّى ولا قُوَّهٍ ولَكِن بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ ، أبرَأُ إلَيكَ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّهِ إلّا بِكَ ، فَأنتَ حَولى ومِنكَ قُوَّتى . (3)

.

1- .البلد الأمين : ص 374 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 202 ح 33 .
2- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 81 ح 1500 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 562 ح 3568 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 732 ح 2009 نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 992 ح 3707 .
3- .الكافى : ج 3 ص 474 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 312 ح 967 عن أبى الطيّار ، بحار الأنوار : ج 47 ص 367 ح 84 .

البلد الأمين :دعای «معبودی جز خدا نیست» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است] : «بگو به نام خدا و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ (سه مرتبه) به شمارِ آنچه گویندگان ، گفته اند ...» .

سنن أبی داوود به نقل از عایشه دختر سعد بن ابی وقّاص پدر او (عایشه) با پیامبر صلی الله علیه و آله بر زنی وارد شد که در برابرش مقداری هسته یا ریگ بود و با آنها تسبیح می گفت . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «تو را چیزی بیاموزم که برایت آسان تر یا بهتر از این باشد؟» . آن گاه فرمود : «پاکا خدا ، به شمارِ آنچه در آسمان ، آفریده است! پاکا خدا ، به شمارِ آنچه در زمین ، آفریده است! پاکا خدا ، به شمارِ آنچه میان آن دو آفریده است! پاکا خدا ، به شمارِ آفرینندگی او! بزرگا خدا ، به همین اندازه ها . ستایش ، خدای را ، به همین اندازه ها . معبودی جز خدا نیست ، به همین اندازه ها . هیچ نیرو و توانی نیست ، به همین اندازه ها .

الکافی به نقل از ابن طیّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : سرمایه ای داشتم که بر باد رفت و در مضیقه شدیدی به سر می برم . امام علیه السلام به من فرمود : «آیا دکانی در بازار داری؟». گفتم : آری ؛ امّا رهایش کرده ام . فرمود : «چون به کوفه برگشتی ، دکانت را بگشا و آن را جارو کن . هرگاه خواستی برای رفتن به دکانت در بازار ، از خانه خارج شوی ، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و سپس در پیِ نمازت بگو : بیرون می روم ، نه با تکیه بر نیرو و توان خودم ؛ بلکه با نیرو و توان تو . از هر نیرو و توانی برائت می جویم ، جز نیرو و توان تو ، که تو نیروی منی و توان من ، از توست » .

.

الإمام الرضا عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أبرَأُ إلَيکَ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّهِ ، فَلا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِکَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا أرَدتَ التَّوَجُّهَ فى يَومٍ قَد حُذِّرتَ فيهِ 2 ، فَقَدِّم أمامَ تَوَجُّهِکَ «الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» وَالمُعَوِّذَتَينِ و . . . قُل : اللّهُمَّ بِکَ يَصولُ الصّائِلُ ، وبِقُدرَتِکَ يَطولُ الطائِلُ ، ولا حَولَ لِکُلِّ ذى حَولٍ إلّا بِکَ ، ولا قُوَّهَ يَمتازُها (2) ذو قُوَّهٍ إلّا مِنکَ . (3)

الإقبال فى دُعاءِ يَومِ عَرَفَهَ : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ قُوَّهِ کُلِّ ضَعيفٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ عِزِّ کُلِّ ذَليلٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ غِنى کُلِّ فَقيرٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ عَونِ کُلِّ مَظلومٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ مونِسِ کُلِّ وَحيدٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ فَکاکِ کُلِّ أسيرٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ مَلجَأِ کُلِّ مَهمومٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ دافِعِ کُلِّ سَيِّئَهٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ کاشِفِ کُلِّ کُربَهٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ صاحِبِ کُلِّ سَريرَهٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ مَوضِعِ کُلِّ رَزِيَّهٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ الفَعّالِ لِما يُريدُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ رازِقِ العِبادِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ غالِبِ کُلِّ طالِبٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ سَرمَدا أبَدا لا يَنقَطِعُ أبَدا ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ عَدَدَ الشَّفعِ وَالوَترِ . (4)

.

1- .الاعتقادات للصدوق : ص 99 ، بحار الأنوار : ج 25 ص 343 ح 25 .
2- .يمتازها : أى يمتاز بها. وفى الدروع الواقيه والبحار فى ثلاثه مواضع : «يمتارها» . قال المجلسى قدس سره : الامتيار : جلب الطعام ، واستعير هنا لطلب المعونه والقوّه (بحار الأنوار : ج 86 ص 150) .
3- .الأمالى للطوسى : ص 277 ح 529 عن سليمان الديلمى ، مصباح المتهجّد : ص 212 ، الدروع الواقيه : ص 49 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 25 ح 7 .
4- .الإقبال : ج 2 ص 161 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 270 .

امام رضا علیه السلام :بار خدایا! من از [هر] نیرو و توانی[، جز نیرو و توان تو] به درگاه تو برائت می جویم ؛ زیرا هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری تو .

امام صادق علیه السلام :هرگاه خواستی در روزی که در آن [از کار خاصّی] برحذر داشته شده ای ، 1 بیرون بروی ، پیش از خارج شدن ، بگو : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» و معوّذتین (سوره فلق و ناس) را بخوان و... بگو : «بار خدایا! به [نیرودهی] توست که حمله گر ، حمله می کند ، و با توان توست که توانمند ، غلبه می کند ، و هیچ نیرومندی را ، جز به واسطه تو نیرویی نیست ، و هیچ توانمندی را توانی متمایز نباشد ، مگر از جانب تو .

الاقبال در دعای «روز عرفه» : هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که توانِ هر ناتوانی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که عزّتبخش هر خواری است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که مایه توانگری هر درویشی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که یاور هر ستم دیده ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که مونس هر تنهایی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که آزاد کننده هر در بندی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که پناهگاه هر خسته دلی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که دور کننده هر بدی ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که زداینده هر رنجی [و اندوهی]است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که با هر رازی [و نهانی] است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که جایگاه هر بلایی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که آنچه اراده کند ، انجام می دهد . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که روزی ده بندگان است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، به شمار آنچه آفرید . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که مقصد نهاییِ هر جوینده ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا برای همیشه و تا ابد و هرگز قطع نمی شود . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، به شمارِ جفت و تک .

.

بحار الأنوار في دُعاءِ الإخلاصِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ قُوَّهِ كُلِّ ضَعيفٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ عِزِّ كُلِّ ذَليلٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ غِنى كُلِّ فَقيرٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ فَرَجِ كُلِّ مَكروبٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ وَلِيِّ كُلِّ نِعمَهٍ وصاحِبِ كُلِّ حَسَنَهٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ كاشِفِ كُلِّ كُربَهٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ المُطّلِعِ عَلى كُلِّ خَفِيَّهٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ المُحيطِ بِكُلِّ سَريرَهٍ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ الشّاهِدِ لِكُلِّ نَجوى ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ اللَّطيفِ بِعِبادِهِ عَلى فَقرِهِم وغِناهُ عَنهُم ومَلَكَتِهِ إيّاهُم ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ تَفويضا إلَى اللّهِ ولَجأ إلَيهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ اعتِزازا وتُوَكُّلاً عَلَيهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ استِغاثَةً بِاللّهِ وغِناءً عَن كُلِّ أحَدٍ سِواهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ تَمَسُّكا بِاللّهِ وَاعتِصاما بِحَبلِهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِّ العَظيمِ ، الحَليمِ الكَريمِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، الَّذى لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ . (1)

.

1- .بحار الأنوار : ج 95 ص 419 ح 43 نقلاً عن أصل قديم من مؤلّفات قدماء الأصحاب .

بحار الأنوار در «دعای اخلاص» : هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که نیرو دهنده هر ناتوانی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که عزّتبخش هرخواری است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که بی نیاز کننده هر نیازخواهی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که شاد کننده هر غم زده ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که صاحب هر نعمت و دارنده هر نیکی ای است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که برطرف کننده هر رنجی [و اندوهی] است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که از هر پوشیده ای آگاه است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که بر هر رازی (نهانی) احاطه دارد . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که گواه هر نجوایی است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا که با بندگانش با آن که نیازمندند و او از آنها بی نیاز است و مالک آنهاست ، مهرورز است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، برای وا گذاردن [کارهایم] به خدا و پناه بردن به او . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، برای نازیدن به او و توکّل کردن بر او . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، برای کمک جستن از خدا و بی نیازی از هر کس جز او . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، برای دست یازیدن به دامن خدا و چنگ زدن به ریسمان او . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والای بزرگ بردبار بزرگوار مهر گسترِ مهربانی که هیچ چیز همانندش نیست و شنوا و بیناست .

.

الفَصلُ السّابِعُ : الحثّ على الاستثناء بمشيّه اللّه7 / 1الاِستِثناءُ فِي الكَلامِالكتاب«وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ وَ قُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن إتمامِ إيمانِ العَبدِ أن يَستَثنِيَ (2) فى كُلِّ حَديثٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَتِمُّ إيمانُ عَبدٍ حَتّى يَستَثنِيَ فى كُلِّ حَديثِهِ أو كَلامِهِ . (4)

الدرّ المنثور عن ابن عبّاس :إنَّ قُرَيشا بَعَثوا خَمسَةَ رَهطٍ مِنهُم عُقبَهُ بنُ أبى مُعَيطٍ وَالنَّضرُ بنُ الحارِثِ إلَى المَدينَهِ ، يَسأَلونُ اليَهودَ عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ووَصَفوا لَهُم صِفَتَهُ ، فَقالوا لَهُم : نَجِدُ نَعتَهُ وصِفَتَهُ ومَبعَثَهُ فِى التَّوراهِ ، فَإِن كانَ كَما وَصَفتُم لَنا فَهُوَ نَبِىٌّ مُرسَلٌ وأمرُهُ حَقٌّ فَاتَّبِعوهُ ، ولكِن سَلوهُ عَن ثَلاثِ خِصالٍ ، فَإِنَّهُ يُخبِرُكُم بِخَصلَتَينِ ولا يُخبِرُكُم بِالثّالِثَهِ إن كانَ نَبِيّا ، فَإِنّا قَد سَأَلنا مُسَيلَمَهَ الكَذّابَ عَن هؤُلاءِ الثَّلاثِ فَلَم يَدرِ ما هِىَ . فَرَجَعَتِ الرُّسُلُ إلى قُرَيشٍ بِهذَا الخَبَرِ مِنَ اليَهودِ ، فَأَتَوا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالوا : يا مُحَمَّدُ ، أخبِرنا عَن ذِى القَرنَينِ الَّذى كانَ بَلَغَ المَشرِقَ وَالمَغرِبَ ، وأخبِرنا عَنِ الرُّوحِ ، وأخبِرنا عَن أصحابِ الكَهفِ . فَقالَ : أُخبِرُكُم بِذلِکَ غَدا . ولَم يَقُل : إن شاءَ اللّهُ . فَأَبطَأَ عَلَيهِ جِبريلُ عليه السلام خَمسَةَ عَشَرَ يَوما فَلَم يَأتِهِ لِتَركِ الاِستِثناءِ ، فَشَقَّ ذلِکَ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ أتاهُ جَبرَئيلُ عليه السلام بِما سَأَلوهُ ، فَقالَ : يا جِبريلُ ، أبطَأتَ عَلَىَّ ! فَقالَ : بِتَركِکَ الاِستِثناءَ ، ألا تَقولُ : إن شاءَ اللّهُ ، قالَ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ» ثُمَّ أخبَرَهُ بِخَبَرِ ذِى القَرنَينِ وخَبَرِ الرّوحِ وأصحابِ الكَهفِ . ثُمَّ أرسَلَ إلى قُرَيشٍ فَأَتَوهُ فَأَخبَرَهُم عَن حَديثِ ذِى القَرنَينِ ، وقالَ لَهُم : الرّوحُ مِن أمرِ رَبّى ، يَقُولُ : مِن عِلمِ رَبّى لا عِلمَ لى بِهِ . فَلَمّا وافَقَ قَولَ اليَهودِ أنَّهُ لا يُخبِرُكُم بِالثّالِثِ «قَالُواْ سِحْرَانِ تَظَهَرَا» تَعاوَنا يَعنونَ التَّوراهَ وَالفُرقانَ «وَ قَالُواْ إِنَّا بِكُلٍّ كَفِرُونَ» (5) . وحَدَّثَهُم بِحَديثِ أصحابِ الكَهفِ . (6)

.

1- .الكهف : 23 و 24 .
2- .أی یعقب کلّ حدیث یمکن تعلیقه بقوله : إن شاء اللّه (فیض القدیر : ج 2 ص 681) .
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 371 ح 7756 عن أبی هریره ، کنزالعمّال : ج 3 ص 55 ح 5468 .
4- .الفردوس : ج 5 ص 157 ح 7806 عن أبی هریره .
5- .القصص : 48 .
6- .الدرّ المنثور : ج 5 ص 357 نقلاً عن أبی نعیم فی الدلائل .

7 / 1 گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار

فصل هفتم: تشویق به گفتن : (ان شاء اللّه «اگر خدا بخواهد»)7 / 1گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتارقرآن«و زنهار! در مورد چیزی مگوی که : «من ، آن را فردا انجام خواهم داد» ، مگر با «اگر خدا بخواهد» . و چون فراموش کردی ، پروردگارت را یاد کن و بگو : «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک تر از این به صواب است ، هدایت کند»» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه کامل بودن ایمان بنده ، آن است که در هر سخنی بگوید : «اگر خدا خواهد (إن شاء اللّه)» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ایمان هیچ بنده ای کامل نیست ، مگر آن که در هر سخنش یا گفتارش ، جمله «اگر خدا خواهد» را بگوید .

الدرّ المنثور به نقل از ابن عبّاس : قریش ، یک گروه پنج نفره ، از جمله عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث را به مدینه فرستادند تا از یهود ، در باره پیامبر خدا بپرسند . آنان ، اوصاف و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله را برایشان ، بازگو کردند . یهودیان به آن گروه گفتند : خصوصیت و اوصاف و معبوث شدن او در تورات ، آمده است . اگر به راستی او چنان است که شما برایمان وصف کردید . پس او پیامبر و فرستاده الهی است و بر حقّ است . پس ، از او پیروی کنید ؛ امّا در باره سه موضوع از او سؤال کنید . اگر پیامبر باشد ، در باره دو موضوع آن به شما خبر می دهد و از سومی خبر نمی دهد ؛ زیرا ما از مسیلمه کذّاب ، در باره این سه موضوع پرسیدم و او از آنها چیزی نمی دانست . فرستادگان ، با این پاسخ یهود ، نزد قریش باز گشتند و نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند : ای محمّد! ما را از ذوالقرنین که به مشرق و مغرب رسیده بود و از روح و از اصحاب کهف ، خبر ده . حضرت فرمود : «فردا از اینها به شما خبر می دهم» و نگفت : اگر خدا خواهد! به سبب ترک همین جمله «اگر خدا خواهد» ، جبرئیل علیه السلام پانزده روز پیامبر صلی الله علیه و آله را منتظر گذاشت و بر او فرود نیامد . این امر ، پیامبر خدا را اندوهگین ساخت . پس از پانزده روز ، جبرئیل علیه السلام پاسخ پرسش های آنها را برای ایشان آورد . پیامبر

صلی الله علیه و آله فرمود : «دیرکردی ، جبرئیل !». جبرئیل گفت : چون «اگر خدا خواهد» نگفتی . چرا نگفتی : «اگر خدا خواهد !» . [سپس] گفت : «و زنهار! در مورد چیزی مگوی که : «من ، آن را فردا انجام خواهم داد» ، مگر با «اگر خدا بخواهد»» . سپس داستان ذوالقرنین و روح و اصحاب کهف را به او گزارش داد . آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله ، در پیِ قریش فرستاد . قریش آمدند و ایشان ، داستان ذوالقرنین را به آنان ، خبر داد و فرمود : «روح ، از امرِ پروردگار من است» ؛ یعنی از علمِ پروردگار من است و من ، از آن آگاهی ندارم» . قریش ، چون دیدند پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله با این سخن یهود که گفته بودند او شما را از پرسش سوم خبر نمی دهد ، سازگار درآمد ، «گفتند : دو جادو با هم ساخته اند» (مقصودشان تورات و قرآن بود) «و گفتند : ما همه را منکریم» . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله داستان اصحاب کهف را هم برایشان گفت .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَولا أنَّ بَنى إسرائيلَ قالوا : « وَ إِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ» (1) ما اُعطوا أبَدا . (2)

.

1- .البقره : 70 .
2- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 189 عن ابن أبى حاتم وابن مردويه عن أبى هريره .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر بنی اسرائیل نگفته بودند : «وما ، اگر خدا خواهد ، حتما هدایت خواهیم شد» ، هرگز به خواسته شان (دست یافتن به گاو مورد نظر) نمی رسیدند .

.

سنن ابن ماجه عن أُسامه بن زيد :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ لِأَصحابِهِ : ألا مُشَمِّرٌ لِلجَنَّهِ؟ فَإِنَّ الجَنَّهَ لا خَطَرَ لَها (1) ، هِىَ وَرَبِّ الكَعبَهِ نورٌ يَتَلَألَأُ ، ورَيحانَهٌ تَهتَزُّ ، وقَصرٌ مَشيدٌ ، ونَهرٌ مُطَّرِدٌ ، وفاكِهَهٌ كَثيرَهٌ نَضيجَهٌ ، وزَوجَهٌ حَسناءُ جَميلَهٌ ، وحُلَلٌ كَثيرهٌ فى مَقامٍ أبَدا ، فى حَبرَهٍ ونَظرَهٍ ، فى دورٍ عالِيَهٍ سَليمَهٍ بَهِيَّهٍ . قالوا : نَحنُ المُشَمِّرونَ لَها يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : قولوا : إن شاءَ اللّهُ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :جاءَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله سائِلٌ يَسأَ لُهُ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هَل مِن أحَدٍ عِندَهُ سَلَفٌ؟ فَقامَ رَجُلٌ مِنَ الأنصارِ مِن بَنِى الحُبلى (3) فَقالَ : عِندى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : فَأعطِ هذَا السّائِلَ أربَعَهَ أوساقٍ (4) تَمرٍ ، قالَ : فَأعطاهُ . قالَ : ثُمَّ جاءَ الأنصارِىُّ بَعدُ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَتَقاضاهُ ، فَقالَ لَهُ : يَكونُ إن شاءَ اللّهُ . ثُمَّ عادَ إلَيهِ الثّانِيَهَ ، فَقالَ : يَكونُ إن شاءَ اللّهُ . فَقالَ : قَد أكثَرتَ يا رَسولَ اللّهِ مِن قَولِ : يَكونُ إن شاءَ اللّهُ ! قالَ : فَضَحِكَ رَسولُ اللّهِ ، وقالَ : هَل مِن رَجُلٍ عِندَهُ سَلَفٌ؟ قالَ : فَقامَ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ : عِندى يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : وكَم عِندَكَ ! قالَ : ما شِئتَ . قالَ : فَأعطِ هذا ثَمانِيَهَ أوسُقٍ مِن تَمرٍ ، فَقالَ الأنصارِىُّ : إنَّما لى أربَعَهٌ يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وأربَعَهٌ أيضا . (5)

.

1- .لا خَطَرَ لها : أى لا عِوَض لها ولا مِثل (النهايه : ج 2 ص 46 «خطر») .
2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1448 ح 4332 ، كنزالعمّال : ج 4 ص 447 ح 11336 وج 14 ص 452 ح 39227 .
3- .بنو الحبلى : بطن من الخزرج من الأنصار ، والحبلى : لقب أبيهم سالم بن غنم بن عوف بن الخزرج ، لقّب به لعظم بطنه (تاج العروس : ج 14 ص 137 «حبل») .
4- .الوَسَق : مكيال قدره ستّون صاعا ؛ حوالى 180 كغم (معجم ألفاظ الفقه الجعفرى : ص 444) . والأصل فى الوسق : الحِمْل (النهايه : ج 5 ص 185 «وسق») .
5- .قرب الإسناد : ص 90 ح 303 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأُصول الستّه عشر : ص 83 عن ذريح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار

الأنوار : ج 16 ص 218 ح 7 وج 103 ص 157 ح 4 .

سنن ابن ماجه به نقل از اُسامه بن زید : روزی پیامبر خدا به یارانش فرمود : «آیا کسی نیست که برای بهشت ، دامن همّت به کمرزند؟ زیرا که هیچ چیز ، جای بهشت را نمی گیرد . به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، نوری است که می درخشد ، وگلزاری است که پیچ و تاب می خورد ، و کاخی است افراشته ، و رودی است روان ، و میوه زاری است انبوه ، با میوه های رسیده ، و همسرانی زیبا و خوش سیما ، و جامه هایی فراوان در جایباشی جاویدان ، با شادمانی و خرّمی ، در خانه هایی بلند و بی نقص و باشکوه! یاران گفتند : ما برای آن ، دامن همّت به کمر می زنیم ، ای پیامبر خدا . حضرت فرمود : «بگویید ، اگر خدا خواهد!» .

امام باقر علیه السلام :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از او ، چیزی خواست . پیامبر خدا فرمود : «آیا کسی هست که قرض دهد؟». مردی از انصار ، از تیره بنی حُبلی (1) ، برخاست و گفت : من ، ای پیامبر خدا . فرمود : «پس چهار بارِ شتر ، خرما به این مرد بده» . او داد . پس از مدّتی ، آن مرد انصاری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و طلبش را خواست . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «باشد ، اگر خدا خواهد!» . برای بار دوم آمد و طلبش را خواست ، پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره فرمود : باشد ، اگر خدا بخواهد! بار سوم آمد و طلبید . باز فرمود : «باشد ، اگر خدا خواهد! مرد گفت : ای پیامبر خدا! چه قدر فرمودی : باشد ، اگر خدا خواهد؟! پیامبر خدا ، خندید و فرمود : «آیا مردی هست که قرض بدهد؟». مردی برخاست و گفت : من ، ای پیامبر خدا . فرمود : «چه قدر داری؟». گفت : هر قدر بخواهی . فرمود : «پس ، هشت بارِ شتر ، خرما به او بده» . مرد انصاری گفت : من فقط چهار بار طلب داشتم ، ای پیامبر خدا . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آن چهار بار اضافی هم مال تو» .

.

1- .بنو حبلی ، تیره ای از خزرج از انصار بوده است . حُبلی ، لقب پدرشان سالم بن غنم بن عوف بن خزرج است که چون شکم بزرگی داشت ، به این لقب ، نامیده شد .

الإمام الصادق عليه السلام :ما سُئِلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله شَيئا قَطُّ فَقالَ : لا ؛ إن كانَ عِندَهُ أعطاهُ ، وإن لَم يَكُن عِندَهُ قالَ : يَكونُ إن شاءَ اللّهُ . (1)

رجال الكشّى عن داوود الرقّى :قُلتُ لِأَبِى الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ، إنَّهُ وَاللّهِ ما يَلِجُ فى صَدرى مِن أمرِکَ شَىءٌ ، إلّا حَديثا سَمِعتُهُ مِن ذَريحٍ يَرويهِ عَن أبى جَعفَرٍ عليه السلام . قالَ لى : وما هُوَ؟ قالَ : سَمِعتُهُ يَقُولُ : سابِعُنا قائِمُنا إن شاءَ اللّهُ ! قالَ : صَدَقتَ ، وصَدَقَ ذَريحٌ ، وصَدَقَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام . فَازدَدتُ وَاللّهِ شَكّا . ثُمَّ قالَ : يا داوودَ بنَ أبى خالِدٍ ، أما وَاللّهِ لَولا أنَّ موسى عليه السلام قالَ لِلعالِمِ : «سَتَجِدُنِى إن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا» (2) ما سَأَلَهُ عَن شَىءٍ ، وكَذلِکَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام ، لَولا أن قالَ : «إن شاءَ اللّهُ» لكَانَ كَما قالَ . قالَ : فَقَطَعتُ عَلَيهِ . (3)

7 / 2الاِستِثناءُ فِى الكِتابِالكافى عن مرازم بن حكيم :أمَرَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام بِكِتابٍ فى حاجَةٍ ، فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيهِ ولَم يَكُن فيهِ استِثناءٌ ، فَقالَ : كَيفَ رَجَوتُم أن يَتِمَّ هذا ولَيسَ فيهِ استِثناءٌ؟ انظُروا كُلَّ مَوضِعٍ لا يَكونُ فيهِ استِثناءٌ فَاستَثنوا فيهِ . (4)

.

1- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 261 ح 212 عن زيد الشحّام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 340 ح 30 .
2- .الكهف : 69 .
3- .رجال الكشّى : ج 2 ص 671 ح 700 ، بحار الأنوار : ج 48 ص 260 ح 13 .
4- .الكافى : ج 2 ص 673 ح 7 ، مشكاه الأنوار : ص 251 ح 738 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 48 ح 73 .

7 / 2 نوشتن «اگر خدا بخواهد» ، در نوشتار

امام صادق علیه السلام :هرگز چیزی از پیامبر خدا درخواست نشد که بگوید : «نه (ندارم یا نمی دهم)» ؛ بلکه اگر خودش داشت ، آن را می داد و اگر نداشت ، می فرمود : «باشد ، اگر خدا خواهد !».

رجال الکشّی به نقل از داوود رقّی : به ابوالحسن الرضا علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! به خدا سوگند که هرگز در هیچ امری از امور شما ، دو دل نگشته ام ، جز در باره حدیثی که از ذَریح شنیده ام که از امام باقر علیه السلام روایت می کند . فرمود : «چه حدیثی؟». گفت[م] : از او شنیدم که می گوید : «هفتمین ما ، قائم ماست ، اگر خدا بخواهد !». فرمود : «راست می گویی . ذریح هم راست گفته است . امام باقر علیه السلام هم راست فرموده است». [داود رقّی گفت :] به خدا سوگند تردیدم بیشتر شد ! سپس فرمود : «ای داوود بن ابی خالد ! به خدا سوگند که اگر موسی علیه السلام به آن مرد دانا (خضر علیه السلام) نگفته بود : «به خواست خدا ، مرا از شکیبایان خواهی یافت» ، دیگر هرگز از او سؤالی نمی کرد . امام باقر علیه السلام نیز اگر نمی گفت : اگر خدا خواهد ، همان می شد که فرموده بود» . (1) پس به امامت ایشان (امام رضا علیه السلام) یقین حاصل کردم . (2)

7 / 2نوشتن «اگر خدا بخواهد» ، در نوشتارالکافی به نقل از مَرازم بن حکیم : امام صادق علیه السلام فرمود تا برای کاری نامه ای بنویسند . نامه را نوشتند و آن را به رؤیت ایشان رساندند . در نامه «اگر خدا خواهد» نوشته نشده بود . فرمود : «چگونه امید دارید که این کار ، انجام پذیرد ، در حالی که در آن ، «اگر خدا خواهد» نیامده است؟ ببینید هر کجا که در آن «اگر خدا خواهد» نیامده است ، «اگر خدا خواهد» بنویسید .

.

1- .یعنی امام هفتم علیه السلام قائم می شد .
2- .منظور وی این است که : دانستم که امام هفتم ، قائم علیه السلام نیست و نباید در او توقّف کرد ، چنان که واقفیه کردند .

تهذيب الأحكام عن مرازم :دَخَلَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَوما إلى مَنزِلِ مُعَتِّبٍ وهُوَ يُريدُ العُمرَةَ ، فَتَناوَلَ لَوحا فيهِ كِتابٌ ، فيهِ تَسمِيَةُ أرزاقِ العِيالِ وما يُخرِجُ لَهُم ، فَإذا فيهِ : لِفُلانٍ وفُلانٍ وفُلانٍ ، ولَيسَ فيهِ استِثناءٌ . فَقالَ : مَن كَتَبَ هذَا الكِتابَ ولَم يَستَثنِ فيهِ؟ كَيفَ ظَنَّ أنَّهُ يَتِمُّ؟ ! ثُمَّ دَعا بِالدَّواةِ ، فَقالَ : ألحِق فيهِ «إن شاءَ اللّهُ» ، فَألحِقَ فيهِ فى كُلِّ اسمٍ «إن شاءَ اللّهُ» . (1)

7 / 3ذَمُّ تَركِ الاِستِثناءِالإمام الباقر عليه السلام :إنَّ آدَمَ عليه السلام لَمّا أسكَنَهُ اللّهُ الجَنَّةَ ، فَقالَ لَهُ : يا آدَمُ ، لا تَقرَب هذِهِ الشَّجَرَةَ ، فَقالَ : نَعَم يا رَبِّ ، ولَم يَستَثنِ ، فَأمَرَ اللّهُ نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله فَقالَ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ» (2) ولَو بَعدَ سَنَةٍ . (3)

عنه عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (4) : إنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا قالَ لِادَمَ عليه السلام : اُدخُلِ الجَنَّةَ ، قالَ لَهُ : يا آدَمُ ، لا تَقرَب هذِهِ الشَّجَرَةَ . قالَ : وأراهُ إيّاها ، فَقالَ آدَمُ عليه السلام لِرَبِّهِ : كَيفَ أقرَبُها وقَد نَهَيتَنى عَنها أنَا وزَوجَتى؟ ! فَقالَ لَهُما : لا تَقرَباها يَعنى لا تَأكُلا مِنها . فَقالَ آدَمُ وزَوجَتُهُ : نَعَم يا رَبَّنا لا نَقرَبُها ولا نَأكُلُ مِنها ، ولَم يَستَثنِيا فى قَولِهِما : نَعَم . فَوَكَلَهُمَا اللّهُ فى ذلِکَ إلى أنفُسِهِما وإلى ذِكرِهِما . وقَد قالَ اللّهُ عز و جل لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله فِى الكِتابِ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ» إلّا أفعَلَهُ ، فَتَسبِقَ مَشِيئَةُ اللّهِ فى إلّا أفعَلَهُ فَلا أقدِرَ عَلى أن أفعَلَهُ . فَلِذلِکَ قالَ اللّهُ عز و جل : أي استَثنِ مَشِيئَةَ اللّهِ فى فِعلِکَ . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 8 ص 281 ح 1030 ، مستطرفات السرائر : ص 133 ح 7 ، النوادر للأشعرى : ص 57 ح 109 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 307 ح 8 .
2- .الكهف : 23 و 24 .
3- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 324 ح 15 عن أبى حمزه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 305 ح 3 وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 336 ح 7833 والدرّ المنثور : ج 5 ص 377 .

4- .طه : 115 .
5- .الكافى : ج 7 ص 448 ح 2 ، النوادر للأشعرى : ص 55 ح 107 كلاهما عن سلام بن المستنير ، بحار الأنوار : ج 76 ص 306 ح 4 وج 104 ص 231 ح 73 .

7 / 3 نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد»

تهذیب الأحکام به نقل از مَرازم : روزی امام صادق علیه السلام به خانه مُعتِّب که آهنگ عمره داشت در آمد . لوحی را برداشت که در آن ، مواجب عائله و خرجی آنها نوشته شده و در آن آمده بود : «برای فلانی و فلانی و فلانی [فلان مقدار]» و در آن ، «اگر خدا خواهد» ، نیامده بود . فرمود : چه کسی این نوشته را نوشته که در آن ، «اگر خدا خواهد» نگفته است؟ چگونه گمان برده که آنچه نوشته ، تحقّق می یابد؟ !». سپس دوات خواست و فرمود : «اگر خدا خواهد» را اضافه کن . پس ، برای هر نامی ، «اگر خدا خواهد» افزوده می شد .

7 / 3نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد»امام باقر علیه السلام :چون خداوند ، آدم علیه السلام را در بهشت جای داد ، به او فرمود : «ای آدم! به این درخت ، نزدیک مشو» . آدم علیه السلام گفت : «اطاعت ، ای پروردگار» ، و «اگر خدا خواهد !» ، نگفت . از این رو ، خداوند به پیامبرش [محمّد صلی الله علیه و آله]فرمان داده ، فرمود : «و زنهار! در باره چیزی مگو : «من ، فردا آن کار را خواهم کرد» ، مگر با «اگر خدا خواهد» و هر گاه فراموش کردی ، پروردگارت را یاد کن» ، حتّی اگر پس از یک سال باشد .

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و پیش تر ، به آدم سفارش کردم ، ولی او فراموش کرد و برای او عزمی [استوار]نیافتیم» : چون به آدم علیه السلام فرمود : «به بهشت ، در آی» به او فرمود : ای آدم! به این درخت ، نزدیک مشو» و آن را به او نشان داد . آدم علیه السلام به پروردگارش گفت : چگونه نزدیکش شوم ، در حالی که تو ، مرا و همسرم را از آن ، نهی کرده ای؟! پس به آن دو فرمود : «به آن نزدیک مشوید» ؛ یعنی از آن ، مخورید . آدم و همسرش گفتند : باشد ای پروردگار ما . به آن ، نزدیک نمی شویم و از آن ، نمی خوریم ؛ ولی چون گفتند : باشد و «اگر خدا خواهد» نگفتند ، خداوند ، آن دو را در این کار ، به خودشان و به یاد خودشان ، وا گذاشت . خداوند عز و جل در قرآن به پیامبرش فرمود : «و زنهار! در باره چیزی مگو : «من ، فردا آن کار را خواهم کرد» . مگر با «اگر خدا خواهد»» که آن را انجام ندهم . پس اگر خواست خدا ، این بود که آن کار را انجام ندهم ، نخواهم توانست که

انجامش دهم . از این رو ، خداوند عز و جل فرمود : «در کاری که می خواهی انجام دهی ، اگر خدا خواهد بگو».

.

ص: 174

. .

ص: 175

. .

الفَصلُ الثّامِنُ : التّراخی فی الاستثناء مع النّسیانالسنن الکبری عن ابن عبّاس :إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قالَ : وَاللّهِ لَأَغزُوَنَّ قُرَیشا ، وَاللّهِ لَأَغزُوَنَّ قُرَیشا ، ثُمَّ سَکَتَ ساعَةً ، ثُمَّ قالَ : إن شاءَ اللّهُ . (1)

تفسیر العیّاشی عن حمزه بن حمران :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ : «وَاذْکُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ» فَقالَ : أن تَستَثنِیَ (2) ، ثُمَّ ذَکَرتَ بَعدُ ، فَاستَثنِ حینَ تَذکُرُ . (3)

الإمام الباقر والإمام الصادق علیهماالسلام فی قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَاذْکُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ» : إذا حَلَفَ الرَّجُلُ فَنَسِیَ أن یَستَثنِیَ ، فَلیَستَثنِ إذا ذَکَرَ . (4)

الکافی عن حمزه بن حمران :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَاذْکُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ» ، قالَ : ذلِکَ فِی الیَمینِ ؛ إذا قُلتَ : وَاللّهِ لا أفعَلُ کَذا وکَذا ، فَإِذا ذَکَرتَ أَنَّکَ لَم تَستَثنِ فَقُل : إن شاءَ اللّهُ . (5)

.

1- .السنن الکبری : ج 10 ص 82 ح 19927 وح 19928 عن شریک وفیه «سکته» بدل «ساعه» وح 19929 وح 19930 کلاهما عن عکرمه ، کنزالعمّال : ج 4 ص 438 ح 11304 ؛ عوالی اللآلی : ج 3 ص 443 ح 1 .
2- .أی : إذا نسیت أن تستثنی .
3- .تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 325 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 306 ح 5 وج 104 ص 229 ح 65 .
4- .الکافی : ج 7 ص 447 ح 1 ، تهذیب الأحکام : ج 8 ص 281 ح 1027 کلاهما عن محمّد الحلبی وزراره ومحمّد بن مسلم ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 325 ح 18 عن زراره ومحمّد بن مسلم ، النوادر للأشعری : ص 56 ح 108 عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 16 ص 289 ح 148 .
5- .الکافی : ج 7 ص 448 ح 3 ، تهذیب الأحکام : ج 8 ص 281 ح 1026 .

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آنالسنن الکبری به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به خدا سوگند ، به قریش حمله می کنم! به خدا سوگند ، به قریش حمله می کنم !» . سپس لَختی سکوت کرد . آن گاه فرمود : «اگر خدا خواهد !» .

تفسیر العیّاشی به نقل از حمزه بن حمران : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند پرسیدم که : «و پروردگارت را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی» . فرمود : «یعنی [او را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی]که اگر خدا خواهد بگویی . پس هرگاه یادت آمد ، همان وقت ، «اگر خدا خواهد» بگو .

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام در باره این سخن خداوند : «پروردگارت را یاد کن ، هر گاه فراموش کردی» : هرگاه مرد ، سوگند بخورد و فراموش کند که «اگر خدا خواهد !» گوید ، هر زمان که یادش آمد ، باید «اگر خدا خواهد !» بگوید .

الکافی به نقل از حمزه بن حمران : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «و پروردگارت را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی» . فرمود : «این ، در سوگند است . هرگاه گفتی : به خدا سوگند که چنین و چنان می کنم ، هر زمان که یادت آمد ، اگر خدا خواهد نگفته ای ، بگو : اگر خدا خواهد ! » .

.

الكافى عن الحسين بن زراره :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ» فَقالَ : إذا حَلَفتَ عَلى يَمينٍ ونَسيتَ أن تَستَثنِيَ ، فَاستَثنِ إذا ذَكَرتَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا حَلَفَ الرَّجُلُ بِاللّهِ فَلَهُ ثُنياها إلى أربَعينَ يَوما ، وذلِکَ أنَّ قَوما مِنَ اليَهودِ سَأَلُوا النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله عَن شَىءٍ ، فَقالَ : اِيتونى غَدا ولَم يَستَثنِ حَتّى اُخبِرَكُم ، فَاحتَبَسَ عَنهُ جَبرَئيلُ عليه السلام أربَعينَ يَوما ، ثُمَّ أتاهُ ، وقالَ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ» . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :لِلعَبدِ أن يَستَثنِيَ ما بَينَهُ وبَينَ أربَعينَ يَوما إذا نَسِيَ ، إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله أتاهُ ناسٌ مِنَ اليَهودِ فَسَأَلوهُ عَن أشياءَ ، فَقالَ لَهُم : تَعالَوا غَدا اُحَدِّثكُم ، ولَم يَستَثنِ ، فَاحتَبَسَ جَبرَئيلُ عليه السلام عَنهُ أربَعينَ يَوما ، ثُمَّ أتاهُ فَقالَ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ» . (3)

الدرّ المنثور عن ابن عبّاس :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله حَلَفَ عَلى يَمينٍ فَمَضى لَهُ أربَعونَ لَيلَةً ، فَأنزَلَ اللّهُ : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَىْ ءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن يَشَاءَ اللَّهُ» ، وَاستَثنَى النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله بَعدَ أربَعينَ لَيلَةً . (4)

.

1- .الكافى : ج 7 ص 449 ح 8 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 325 ح 22 عن حمزه بن حمران وفيه «إذا حلفت ناسيا ثمّ ذكرت بعدُ ، فاستثنه حين تذكر» بدل «إذا حلفت ...» ، بحار الأنوار : ج 104 ص 229 ح 68 .
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 324 ح 14 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 97 ح 306 عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للأشعرى : ص 55 ح 105 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 305 ح 2 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 362 ح 4284 ، تهذيب الأحكام : ج 8 ص 281 ح 1029 وفيه صدره إلى «إذا نسى» ، النوادر للأشعرى : ص

55 ح 105 كلّها عن عبد اللّه بن ميمون ، بحار الأنوار : ج 104 ص 230 ح 71 .
4- .الدرّ المنثور : ج 5 ص 377 نقلاً عن ابن مردويه .

الکافی به نقل از حسین بن زراره : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و پروردگارت را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی» ، پرسیدم . فرمود : «هرگاه سوگندی خوردی و فراموش کردی اگر خدا خواهد بگویی ، هر زمان که یادت آمد ، بگو : اگر خدا خواهد ! » .

امام علی علیه السلام :هرگاه شخص به خدا سوگند خورد ، تا چهل روز ، مهلت دارد که «اگر خدا خواهد» آن را بگوید . علّتش آن است که گروهی از یهود ، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش هایی کردند . ایشان فرمود : «فردا بیایید تا پاسخ آنها را به شما بگویم» ؛ و «اگر خدا خواهد» نگفت . بدین سبب ، جبرئیل علیه السلام چهل روز بر وی فرود نیامد و پس از چهل روز آمد و گفت : «و زنهار! در باره چیزی مگو : «من ، فردا آن را انجام خواهم داد» ، مگر با «اگر خدا خواهد» و هرگاه فراموش کردی ، پروردگارت را یاد کن» .

امام صادق علیه السلام :بر بنده فرض است که اگر چهل روز هم بین او و جایی که گفتن «اگر خدا خواهد» را فراموش کرده ، فاصله افتاد ، [باز هم] آن را بگوید . گروهی از یهود ، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و درباره چند چیز از ایشان پرسیدند . به آنان فرمود : «فردا بیایید که با شما سخن خواهم گفت» و نفرمود : «اگر خدا خواهد» . پس چهل روز ، جبرئیل علیه السلام به سراغ ایشان نیامد و سپس آمد و [این آیه را] آورد : «و در هیچ کاری ، مگو که : «من این را انجام خواهم داد» ، مگر [آن که بیفزایی :] «اگر خدا خواهد» و چون پروردگار خویش را از یاد بُردی ، او را [دیگر بارْ] یاد کن» .

الدرّ المنثور به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله [برای موضوعی]سوگندی یاد کرد و چهل شب بر او گذشت [و وحی ای نازل نشد] . سپس خداوند ، این آیه را نازل فرمود : «و زنهار! در باره چیزی مگو : «فردا ، آن را انجام خواهم داد» ، مگر با «اگر خدا خواهد» و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از چهل شب ، «اگر خدا خواهد» گفت .

.

الإمام الصادق علیه السلام :قالَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام : الاِستِثناءُ فِی الیَمینِ مَتی ما ذَکَرَ وإن کانَ بَعدَ أربَعینَ صَباحا ، ثُمَّ تَلا هذِهِ الآیَهَ : «وَاذْکُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ» . (1)

عنه علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَیْ ءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَ لِکَ غَدًا * إِلَا أَن یَشَاءَ اللَّهُ وَاذْکُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ» : أن تَقُولَ : «إلّا» مِن بَعدِ الأَربَعینَ ، فَلِلعَبدِ الاِستِثناءُ فِی الیَمینِ ما بَینَهُ وبَینَ الأَربَعینَ یَوما إذا نَسِیَ . (2)

عنه علیه السلام :الاِستِثناءُ جائِزٌ بَعدَ أربَعینَ یَوما ، أو بَعدَ السَّنَهِ . (3)

.

1- .الکافی : ج 7 ص 448 ح 6 عن ابن القدّاح ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 325 ح 23 عن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 104 ص 230 ح 69 .
2- .تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 324 ح 16 عن عبد اللّه بن میمون ، بحار الأنوار : ج 104 ص 229 ح 62 .
3- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 98 ح 311 .

امام صادق علیه السلام :امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : اگر خدا خواهد را در سوگند ، باید گفت ، هر زمان که شخص یادش بیاید ؛ اگر چه پس از چهل روز باشد» . سپس این آیه را تلاوت فرمود : «و پروردگارت را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی» » .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و زنهار! در باره چیزی مگو که : «فردا ، آن را انجام خواهم داد» مگر با «اگر خدا خواهد» و پروردگارت را یاد کن ، هرگاه فراموش کردی» : [مقصود ، این است] که بگویی «اگر» ، هر چند بعد از چهل روز . پس هرگاه بنده فراموش کند که در سوگندش اگر خدا خواهد بگوید ، حتّی اگر چهل روز از سوگندش بگذرد ، باید آن را بگوید .

امام صادق علیه السلام :«اگر خدا خواهد» را ، بعد از چهل روز و حتّی یک سال می توان گفت .

.

الفَصلُ التّاسِعُ : النّوادرالكافى عن يونس بن عبد الرحمن :سَأَلتُ أبَا الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام عَن نَقشِ خاتَمِهِ وخاتَمِ أبيهِ عليهماالسلام ، قالَ : نَقشُ خاتَمى : «ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، ونَقشُ خاتَمِ أبى «حَسبِىَ اللّهُ» . (1)

الخصال عن عبد خير :كانَ لِعَلىٍّ عليه السلام أربَعَهُ خَواتيمَ يَتَخَتَّمُ بِها : ياقوتٌ لِنُبلِهِ ، وفيروزَجٌ لِنُصرَتِهِ ، وَالحَديدُ الصّينِىُّ لِقُوَّتِهِ ، وعَقيقٌ لِحِرزِهِ . وكانَ نَقشُ الياقوتِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ المَلِكُ الحَقُّ المُبينُ» ، ونَقشُ الفيروزَجِ : «اللّهُ المَلِكُ الحَقُّ» ، ونَقشُ الحَديدِ الصّينِىِّ : «العِزَّةُ للّهِ جَميعا» ، ونَقشُ العَقيقِ ثَلاثَةُ أسطُرٍ : «ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ» . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن أرادَ أن يَكثُرَ مالُهُ ووَلَدُهُ ويُوَسَّعَ رِزقُهُ عَلَيهِ ، فَلْيَتَّخِذ فَصّا مِن عَقيقٍ ، وَلْيَنقُش عَلَيهِ : «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَ وَلَدًا» (3) ، ويَقرَأ : و «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (4) . (5)

.

1- .الكافى : ج 6 ص 473 ح 5 .
2- .الخصال : ص 199 ح 9 ، علل الشرايع : ص 157 ح 1 ، بحارِ الأنوار : ج 42 ص 68 ح 17 ؛ كنزالعمّال : ج 6 ص 686 ح 17407 نقلاً عن الحاكم فى المستدرک وعن الصابونى فى المأتين وعن أبى عبد الرحمن السلمى فى أماليه وفيها «لنيله» بدل «لنبله» .
3- .الكهف : 39 .
4- .نوح : 10 .
5- .جامع الأخبار : ص 371 ح 1029 .

فصل نهم: گوناگون

فصل نهم: گوناگونالکافی به نقل از یونس بن عبد الرحمان : از امام رضا علیه السلام در باره نقش انگشتری خود ایشان و انگشتری پدرش پرسیدم . فرمود : «نقش انگشتری من ، «ما شاء اللّه ، لا قوّه إلّا باللّه » است و نقش انگشتری پدرم «حَسْبِیَ اللّه » بود .

الخصال به نقل از عبد خیر : علی علیه السلام چهار انگشتری داشت که آنها را در انگشت می کرد : یکی [نگینش از] یاقوت بود ، برای ارزش داشتنش ؛ یکی از فیروزه بود ، برای یاری رساندنش ؛ یکی از آهن چینی ، برای نیرو بخشیدنش ؛ و یکی از عقیق ، برای محافظتش . نقش یاقوت : «لا إله إلّا اللّه المَلِک الحق المبین» بود ، نقش فیروزه : «اللّه المَلِکُ الحق» ، نقش آهن چینی ، «العزّهُ للّه جمیعا» و نقش عقیق ، در سه سطر : «ما شاء اللّه ، لا قوّه إلّا باللّه ، اَستغفِرُ اللّه » .

امام صادق علیه السلام :هر که می خواهد دارایی و فرزندانش بسیار شوند و روزی اش فراخ گردد ، نگینی از عقیق انتخاب کند و آیه «ما شاء اللّه ، لا قوّه إلّا باللّه ، ان ترن انا اقلّ منک مالاً وولدا» را بر آن ، نقش کند و بخواند : «استغفروا ربّکم انّه کان غفارا» .

.

عنه عليه السلام :مَن كَتَبَ عَلى خاتَمِهِ : «ماشاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ» ، أمِنَ مِنَ الفَقرِ المُدقِعِ (1) . (2)

عنه عليه السلام :بَعَثَ اللّهُ نَبِيّا إلى قَومٍ وأمَرَهُ أن يُقاتِلَهُم ، فَشَكا إلَى اللّهِ الضَّعفَ . . . فَأوحَى اللّهُ عز و جل : إنَّ النَّصرَ يَأتيکَ بَعدَ خَمسَ عَشرَةَ (3) سَنَةً . فَقالَ لِأصحابِهِ : إنَّ اللّهَ عز و جل أمَرَنى بِقِتالِ بَنى فُلانٍ فَشَکَوتُ إلَيهِ الضَّعفَ ! فَقالوا : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . فَقالَ لَهُم : إنَّ اللّهَ قَد أوحى إلَىَّ أنَّ النَّصرَ يَأتينى بَعدَ خَمسَ عَشَرةَ سَنَةً ! فَقالوا : ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . قالَ : فَأتاهُمُ اللّهُ بِالنَّصرِ فى سَنَتِهِم تِلکَ ، لِتَفويضِهِم إلَى اللّهِ ، وقَولِهِم : ما شاءَ اللّهُ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (4)

عنه عليه السلام :أربَعٌ لِأَربَعٍ ، فَواحِدَةٌ لِلقَتلِ وَالهَزيمَةِ : حَسبُنَا اللّهُ وِنعمَ الوَكيلُ ؛ إنَّ اللّهَ يَقولُ : «اَلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُواْ لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَنًا وَقَالُواْ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانقَلَبُواْ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (5) . وَالاُخرى لِلمَكرِ وَالسّوءِ : «وَ أُفَوِّضُ أَمْرِى إِلَى اللَّهِ» (6) ، وفَوَّضتُ أمرى إلَى اللّهِ ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُواْ وَ حَاقَ بِئَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (7) . وَالثّالِثَةُ لِلحَرَقِ وَالغَرَقِ : ما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ؛ وذلِکَ أنَّهُ يَقولُ : «وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَا بِاللَّهِ» (8) . وَالرّابِعَةُ لِلغَمِّ وَالهَمِّ : لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ ؛ قالَ اللّه سُبحانَهُ : «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَ لِکَ نُنجِى الْمُؤْمِنِينَ» (9) . (10)

.

1- .فَقْر مُدْقِعٌ : أى شديد يُفضى بصاحبه إلى الدَّقْعاء ؛ وهو التراب (النهايه : ج 2 ص 127 «دقع») .
2- .ثواب الأعمال : ص 214 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 294 ح 4 .
3- .فى المصدر : «خمسه عشر» ، وما أثبتناه هو الصحيح .
4- .مشكاه الأنوار : ص 55 ح 55 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 16 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 191 ح 34 .
5- .آل عمران : 173 و 174 .
6- .غافر : 44 .
7- .غافر : 45 .

8- .الكهف : 39 .
9- .الأنبياء : 88 .
10- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 170 ح 329 عن كرام .

امام صادق علیه السلام :هر کس بر انگشتری اش بنویسد : «ما شاء اللّه ، لا قوّه إلّا باللّه ، أستَغفِرُ اللّه » ، از فقر شدید ، در امان است.

امام صادق علیه السلام :خداوند ، پیامبری را سوی قومی فرستاد و به او فرمود که با آنان بجنگد . او از ناتوانی ، به خدا شکایت کرد ... خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : «پانزده سال دیگر ، پیروزی به سراغت خواهد آمد» . آن پیامبر به یارانش فرمود : «خداوند عز و جل به من دستور داد که با بنی فلان بجنگم و من ، از ناتوانی [خود در برابر آنها] به او شکایت کردم» . یارانش گفتند : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» . به آنان فرمود : «خدا به من وحی فرمود که پانزده سال دیگر ، پیروزی نصیبم خواهد شد» . یارانش گفتند : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» . پس خداوند ، در همان سال ، به آنان پیروزی داد ؛ چرا که کار را به خدا سپردند و گفتند : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام :چهار چیز ، برای چهار چیز است : یکی برای [دفع] کشته شدن و شکست خوردن ، و آن جمله این است : «خدا ، ما را بس است و او نیکو کارسازی است». خداوند می فرماید : «همان کسانی که [برخی از]مردم به ایشان گفتند : مردمان ، برای [جنگ با] شما گِردآمده اند . پس از آنان بترسید ؛ ولی [این سخن]بر ایمانشان افزود و گفتند : خدا ، ما را بس است و او نیکو کارسازی است . پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد]باز گشتند ، در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود» . دومی ، برای [دفع] نیرنگ و گزند [و آن ، گفتن] : «و کار خویش را به خدا ، وا می گذارم» و کار خویش را به خدا وا گذاردم . خدای عز و جل می فرماید : «پس ، خدا ، او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند ، نگه داشت و فرعونیان را عذاب سخت ، فرو گرفت» . و سومی ، برای [مصون ماندن از] سوخته شدن و غرق گشتن است [و آن ، گفتن] : «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا» ؛ زیرا [خداوند]می فرماید : «چرا آن گاه که به باغ خود در آمدی ، نگفتی : «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست ، جز به یاری خدا»؟» . و چهارمی برای [رفع] نگرانی و اندوه است [و آن ، این است] : «خدایی جز تو نیست . مُنزّهی تو! همانا من از ستم پیشگان بودم» . خداوند که منزّه است می فرماید :

«پس [دعای] او را اجابت کردیم و او را از اندوه ، رهایی بخشیدیم و بدین گونه ، مؤمنان را نجات می دهیم» .

.

ص: 186

. .

ص: 187

. .

ص: 188

. .

بخش هشتم: استعاذه (گفتنِ «أعوذ باللّه »)

اشاره

بخش هشتم: استعاذه (پناه بردن به خدا)شامل:درآمدفصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به اوفصل دوم: آداب پناه بردنفصل سوم: برکت های پناه بردن به خدافصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه بردفصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدافصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام

.

ص: 190

. .

درآمد

واژه شناسی «استعاذه»

درآمدواژه شناسی «استعاذه»کلمه «استعاذه» از مادّه «عوذ» به معنای التجا و پناه بردن است . این مادّه وقتی به باب استفعال برده شود ، به معنای پناه جستن و پناهجویی و نیز به معنای گفتن «أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» است . ابن فارس در این باره می گوید : مادّه «عوذ» ، یک اصل صحیح است و بر یک معنا دلالت دارد و آن پناه بردن به چیزی است . سپس بر هر چیزی که به چیزی بچسبد یا همراه آن باشد ، اطلاق می شود . خلیل می گوید : می گویی : «أعوذ باللّه جلّ ثناؤه» ، یعنی : به او تبارک و تعالی ملتجی شدم . مصدر آن ، عَوذ و عِیاذ است . (1) ابن منظور ، در تبیین معنای «عوذ» و «استعاذه» می گوید : عوذ که عاذ بِهِ ، یعوذ ، عوذاً ، عیاذاً و معاذاً از آن است یعنی : به او پناه برد و مُلتجی شد و متمسّک گردید ... و «استعذتُ به» ، یعنی : به او پناه بردم . جمله «معاذ اللّه » ، یعنی : به خدا پناه می برم ... در قرآن آمده است : «فَإِذَا قَرَأْتَ

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 4 ص 183 .

استعاذه ، در قرآن و حدیث

اشاره

الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ ؛ (1) پس هر گاه قرآن خواندی ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه بر» ؛ یعنی هر گاه خواستی قرآن بخوانی ، بگو : از شیطانِ رانده شده و وسوسه های او به خدا پناه می برم . (2)

استعاذه ، در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، مادّه «عوذ» هفده بار به صورت های گوناگون به کار رفته است . این کتاب آسمانی در چهار آیه با جمله «قُل أَعُوذُ» (3) و در چهار آیه با جمله «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» (4) بر بهره گیری از برکات ذکر «استعاذه» تأکید دارد . استعاذه در قرآن و حدیث ، در واقع ، نوعی استعانت انسان از آفریدگار جهان برای مقابله با آفات ، خطرها و دشمنان درونی و بیرونی است . گاه نیز استعاذه ، استعانت از برخی از صفات خداوند متعال برای مصونیت از آثار برخی از صفات دیگر اوست ، مانند آنچه پیامبر خدا به خداوند متعال می گوید : أعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِرَحمَتِکَ مِن نَقِمَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ . (5) از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم ، از خشم و کینِ تو به مِهرَت پناه می برم ، و از تو به خودِ تو پناه می برم . پیش از ملاحظه آنچه در باره استعاذه در این بخش آمده است ، توجّه به سه نکته ضروری است :

.

1- .نحل ، آیه 98 .
2- .لسان العرب : ج 3 ص 498 .
3- .مؤمنون : آیه 97 98 ، فلق : آیه 1 ، ناس : آیه 1 .
4- .اعراف : آیه 200 ، نحل : آیه 98 ، غافر : آیه 56 ، فصّلت : آیه 36 .
5- .ر . ک : ص 498 ح 2389 .

1 . حقیقت استعاذه

1 . حقیقت استعاذهحقیقت استعاذه ، این است که کسی خود را در پناه مستعاذ قرار دهد و این ، گاه مادّی و گاه معنوی است . هنگامی که انسان برای حفاظت خود در میدان نبرد ، لباس ضدّ گلوله می پوشد یا وارد سنگر می شود ، خود را در پناه لباس ضدّ گلوله و سنگر قرار می دهد ، که این ، استعاذه مادّی است ؛ امّا استعاذه معنوی ، حالت رواني ویژه ای است که انسان را در پناه خداوند متعال قرار می دهد و از آفاتی که او را تهدید می کنند ، مصونیت می بخشد و جمله «أعوذ باللّه » ، در واقع ، بیانگر آن حالت درونی است . بر این اساس ، برای پیدایش این حالت درونی ، در گام نخست باید موانع آن برطرف شوند . موانع پیدایش این حالت در موارد مختلف ، متفاوت اند . مثلاً کسی که از شرّ آفریده های موذی به خدا پناه می برد ، نمی تواند دست در سوراخ مار کند و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِن شَرِّ مَا خَلَقَ» (1) بخواند ! بنا بر این ، شرط اوّل تحقّق حقیقت استعاذه ، اجتناب از موانع پناهجویی است ، و چه زیبا گفته شده است که : تا زبان ، چون جوارح و ارکان استعاذت کند به وفق جَنان نه که گویی «اَعوذ» و تازی تیز سوی شیطان و نفس شورانگیز نه که گویی «اَعوذ» و آری روی سوی بَدْسیرتان ناخوش خوی تا ز هر بد ، عنانْت کوته نیست یک اَعوذَت ، «أعوذُ باللّه » نیست بلکه آن ، پیش صاحب عرفان نیست الّا «أعوذُ بالشیطان» گاه گویی «أعوذ» و گه «لا حَول» لیک فعلت بود مکذِّب قول بر دهان ، جام زهرِ مرگ آمیز بر زبان ، آن که می کنم پرهیز چند باشی به حیله و تلبیس منزل دیو و سُخره ابلیس سوی خویشت دو اسبه می راند بر زبانَت «اَعوذُ» می خواند طُرفه حالی که دزد بیگانه گشته همراه صاحبِ خانه می کند همچو او فغان و نفیر در به در ، کو به کو ، که : دزد بگیر ! (2) پس از اجتناب از موانع استعاذه ، هر قدر که انسانْ خدا را بهتر بشناسد و از آفاتی که او را تهدید می کند ، بیشتر احساس خطر نماید ، حقیقت پناهجویی در او بیشتر تحقّق می یابد .

.

1- .سوره فلق ، آیه 1 و 2 .
2- .هفت اورنگ ، عبد الرحمان جامی .

2 . نقش استعاذه در زندگی

2 . نقش استعاذه در زندگینقش استعاذه در زندگی ، نقش سنگر در میدان نبرد است . این ذکر ، اگر توأم با حقیقت باشد ، انسان را در دژ محکم خداوند قرار می دهد ، شیطان را از او دور می سازد ، درهای نافرمانی خدا را می بندد ، توطئه دشمنان را خنثی می کند ، عصبانیت را فرو می نشاند ، بلا ، بیماری و غم را زایل می نماید و سرانجام ، آدمی را از انواع آفات و شُرور و مهم تر از همه از آتش دوزخ ، حفظ می کند و از رحمت الهی بهره مند می سازد . (1) البتّه باید توجّه داشت که استعاذه ، دعاست و دعا در فرهنگ اسلام ، در کنار مسئولیت است ، نه در برابر آن . از این رو نمی توان به بهانه استعاذه ، مسئولیت های عملی برای مبارزه با خطرها و آفات را رها کرد . استمداد از خداوند متعال در کنار مسئولیت شناسی ، علاوه بر تقویت روان در

.

1- .ر . ک : فصل سوم .

3 . مهم ترین ادب استعاذه

مبارزه با آفات ، انسان را از امدادهای غیبی در مواردی که ابزارها و علل طبیعی کاربرد ندارند ، بهره مند می سازد .

3 . مهم ترین ادب استعاذهمهم ترین ادب استعاذه ، شناخت است ؛ شناختِ این حقیقت که تنها دژ استواری که می تواند انسان را از انواع آسیب ها و خطرها در دنیا و آخرت حفظ کند ، خداوند متعال است ، و این که اساسا پناهگاهی جز او وجود ندارد و هر کس به غیر او پناه بَرد ، زیان خواهد دید . این شناخت ، به طور طبیعی ، زمینه رغبت به بهره گیری از پناه خداوند را که ادب دوم است و تلاش برای بهره مندی از پناه او را که ادب سوم است فراهم می سازد . لازمه رعایت این آداب ، ترک تمایلاتی است که مانع پیدایش حقیقت استعاذه اند و این ، ادب چهارم محسوب می گردد . پس از پیدایش حال و حقیقت استعاذه ، توسّل به آن دسته از اسما و صفات الهی که مناسب با پناهجویی اند (مانند : رب ، عزّت ، نور قدس خداوند و...) ، ادب دیگری است که در قرآن و احادیث ، به آن ، اشاره شده است . در استعاذه به قصد پناهجویی از خطرهایی که جامعه را تهدید می کنند ، تجمّع مؤمنان نیز مفید و مؤثّر است . (1)

.

1- .ر . ک : ص 211 (فصل دوم : آداب پناه بردن) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : البحثّ على الاستعاذه باللّه والالتجاء إليه1 / 1الاِستِعاذَهُ لِلنَّفسِالكتاب«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِن شَرِّ مَا خَلَقَ * وَ مِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَ مِن شَرِّ النَّفَّثَتِ فِى الْعُقَدِ* وَ مِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» . (1)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ» . (2)

«وَ قُل رَّبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَ تِ الشَّيَطِينِ * وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ» . (3)

«وَإِمَّا يَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» . (4)

«وَ إِمَّا يَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» . (5)

.

1- .الفلق : 1 5 .
2- .الناس : 1 6 .
3- .المؤمنون : 97 و 98 .
4- .الأعراف : 200 .
5- .فصّلت : 36 .

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او

1 / 1 پناه خواستن برای خود

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او1 / 1پناه خواستن برای خودقرآن«بگو : «پناه می برم به پروردگار سپیده دم ، از گزند آنچه آفرید ، و از گزند تاریکی ، چون فرا گیرد ، و از گزند دَمَندگان افسون در گره ها ، و از گزند هر حسود ، آن گاه که حسد ورزد»» .

«بگو : «پناه می برم به پروردگار مردم ، پادشاه مردم ، معبود مردم ، از گزند وسوسه گرِ پسْ رونده . همو که در سینه های مردم ، وسوسه می کند ؛ چه از جنّ و [چه از] اِنس»» .

«و بگو : «ای پروردگار من ! به تو پناه می آورم از وسوسه های شیطان ها . و به تو پناه می برم ای پروردگار من ، از این که به نزد من بیایند»» .

«و اگر از جانب شیطان ، وسوسه ای تو را برانگیخت ، از خدا پناه بخواه که او شنوایِ داناست» .

«و اگر از سوی شیطان ، وسوسه ای تو را برانگیخت ، از خدا پناه بخواه که او شنوا و داناست» .

.

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِفزَعوا إلَى اللّهِ فى حَوائِجِكُم ، وَالجَؤوا إلَيهِ فى مُلِمّاتِكُم (2) ، وتَضَرَّعوا إلَيهِ وَادعوهُ ؛ فَإِنَّ الدُّعاءَ مُخُّ العِبادَهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن آمَنَ بِاللّهِ لَجَأَ إلَيهِ . (4)

عنه عليه السلام :ألجِئ نَفسَكَ فِى الاُمورِ كُلِّها إلَى اللّهِ الواحِدِ القَهّارِ ، فَإِنَّكَ تُلجِئُها إلى كَهفٍ حَصينٍ ، وحِرزٍ حَريزٍ ، ومانِعٍ عَزيزٍ . (5)

عنه عليه السلام :تَوَقَّ سَخَطَ مَن لا يُنجيكَ إلّا طَاعَتُهُ ، ولا يُرديكَ (6) إلّا مَعصِيَتُهُ ، ولا يَسَعُكَ إلّا رَحمَتُهُ ، وَالتَجِئ إلَيهِ وتَوَكَّل عَلَيهِ . (7)

الإمام الحسين عليه السلام فى قُنوتِهِ : اللّهُمَّ مَن أوى إلى مَأوىً فَأَنتَ مَأواىَ ، ومَن لَجَأَ إلى مَلجَأٍ فَأَنتَ مَلجَئى . (8)

عنه عليه السلام فيما نُسِبَ إلَيهِ مِن دُعاءِ عَرَفَهَ : إلهى ... وأنتَ الَّذى أزَلتَ الأغيارَ عَن قُلوبِ أحِبّائِكَ حَتّى لَم يُحِبّوا سِواكَ ، ولَم يَلجَؤوا إلى غَيرِكَ . (9)

.

1- .النحل : 98 .
2- .المُلِمَّهُ : النازله من نوازل الدنيا (الصحاح : ج 5 ص 2032 «لمم») .
3- .عدّه الداعى : ص 34 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .
4- .غرر الحكم : ح 8068 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 432 ح 7444 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 386 ح 5834 ، نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 69 ، كشف المحجّه : ص 222 وليس فيها «حصين ، وحرز» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 218 ح 2 ؛ دستور معالم الحكم : ص 61 وليس فيه «حصين ، وحرز» ، كنز العمّال : ج 16 ص 169 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .
6- .تُرديه : أى تُوقِعُه فى مهلكه (النهايه : ج 2 ص 216 «ردا») .
7- .غرر الحكم : ح 4554 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 204 ح 4131 .
8- .مُهَج الدعوات : ص 69 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 214 ح 1 .

9- .الإقبال (طبعه دار الكتب الإسلاميّه) : ص 349 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 226 ح 3 .

«و هرگاه قرآن می خوانی ، از شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببر» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در نیازهایتان ، به خدا پناه ببرید و در مشکلاتتان ، به او متوسّل شوید و به او التماس کنید و او را بخوانید ؛ زیرا دعا ، مغز عبادت است .

امام علی علیه السلام :هر که به خدا ایمان آورد ، به او پناه برده است .

امام علی علیه السلام :در همه کارها ، خویشتن را در پناه خدای یگانه هماره چیره در آور ؛ که در این صورت ، خود را در پناه غاری استوار و دژی نفوذناپذیر و مانعی محکم ، درآورده ای .

امام علی علیه السلام :بپرهیز از خشم و ناخشنودی آن کسی (خدایی) که جز فرمان بُرداری از او ، چیزی تو را نمی رهانَد و جز نافرمانی از او ، چیزی به نابودی ات نمی کشانَد و جز مهر او ، چیزی به داد تو نمی رسد . به او متوسّل شو و بر او توکّل کن .

امام حسین علیه السلام در قنوتش : بار خدایا ! هر کس به پناهگاهی پناه بُرد ، تو پناهگاه منی ، و هر کس به تکیه گاهی روی آورد ، تو تکیه گاه منی .

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه منسوب به ایشان : معبود من ! ... تویی که اغیار را از دل های دوستارانت ، بیرون کردی ، چندان که جز تو ، کسی را دوست نداشته اند و به جز تو ، پناه نبرده اند .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاهِ التَّوّابينَ : إلهى ... فَإن طَرَدتَنى مِن بابِکَ فَبِمَن ألوذُ ؟ ! وإن رَدَدتَنى عَن جَنابِکَ فَبِمَن أعوذُ ؟ ! (1)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى عَرَفَهَ :ها أنَا ذا بَينَ يَدَيکَ ، صاغِرا ذَليلاً خاضِعا خاشِعا خائِفا ، مُعتَرِفا بِعَظيمِ مِنَ الذُّنوبِ تَحَمَّلتُهُ ، وجَليلِ مِنَ الخَطايَا اجتَرَمتُهُ ، مُستَجيرا بِصَفحِکَ (2) ، لائِذا بِرَحمَتِکَ ، موقِنا أنَّهُ لا يُجيرُنى مِنکَ مُجيرٌ ، ولا يَمنَعُنى مِنکَ مانِعٌ . (3)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ لِوُلدِهِ عليهم السلام : وَاجعَلنى فى جَميعِ ذلِکَ مِنَ المُصلِحينَ بِسُؤالى إيّاکَ ، المُنجِحينَ بِالطَّلَبِ إلَيکَ ، غَيرِ المَمنوعينَ بِالتَّوَکُّلِ عَلَيکَ ، المُعَوَّدينَ (4) بِالتَّعَوُّذِ بِکَ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :إلهى ... أنتَ رَبّى وسَيِّدى ، ومَفزَعى ومَلجَئى ، وَالحافِظُ لى ، وَالذّابُّ (6) عَنّى ، وَالرَّحيمُ بى ، وَالمُتَکَفِّلُ بِرِزقى . (7)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ : ألوذُ بِعِزَّتِکَ ، وأستَظِلُّ بِفِنائِکَ ، وأستَجيرُ بِقُدرَتِکَ ، وأستَغيثُ بِرَحمَتِکَ ، وأعتَصِمُ بِحَبلِکَ ، ولا أثِقُ إلّا بِکَ ، ولا ألجَأُ إلّا إلَيکَ ، يا عَظيمَ الرَّجاءِ ، يا كاشِفَ البَلاءِ ، ويا أحَقَّ مَن تَجاوَزَ وعَفا . اللّهُمَّ إنَّ ظُلمى مُستَجيرٌ بِعَفوِکَ ، وخَوفى مُستَجيرٌ بِأمانِکَ ، وفَقرى مُستَجيرٌ بِغِناکَ ، ووَجهِىَ البالِى الفانى مُستَجيرٌ بِوَجهِکَ الدّائِمِ الباقِى الَّذى لا يَفنى ولا يَزولُ ، يا مَن لا يَشغَلُهُ شَأنٌ عَن شَأنٍ . (8)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 142 ح 21 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .
2- .صَفَحتَ عن فلانٍ : إذا أعرضتَ عن ذنبه (الصحاح : ج 1 ص 383 «صفح») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 193 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 94 ، المصباح للكفعمى : ص 893 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 264 عن الإمام الصادق عليه السلام .
4- .قال السيّد على خان الحسينى : أكثر النسخ بإهمال الدال من «المعوّدين» ، وهو اسم مفعول من عوّدته كذا ، أى صيّرته له عاده . ونسخه ابن إدريس بالذال المعجمه (رياض السالكين : ج 4 ص 129) .

5- .الصحيفه السجّاديّه : ص 107 الدعاء 25 ، المصباح للكفعمى : ص 220 نحوه .
6- .الذَبُّ : المَنعُ والدَّفعُ (الصحاح : ج 1 ص 126 «ذبب») .
7- .الكافى : ج 2 ص 558 ح 8 ، عدّه الداعى : ص 260 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام .
8- .الإقبال : ج 2 ص 139 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 254 .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات توبه گران» :معبود من! ... اگر تو مرا از درگاهت برانی ، به که پناه برم؟! و اگر تو مرا از پیشگاهت باز گردانی ، به چه کسی متوسّل شوم؟!

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در عرفه : آنک ، من در پیشگاه تو ایستاده ام ، خوار و زبون و فروتن و خاکسار و ترسان ، و به گناهان بزرگی که بر دوش دارم و خطاهای بزرگی که مرتکب گشته ام، اعتراف دارم و به گذشتِ تو ، پناه آورده ام و دست به دامن مهرِ تو شده ام و یقین دارم که هیچ کس ، نمی تواند مرا [از خشم و عذاب تو] در پناه خویش گیرد . هیچ مانعی نمی تواند تو را از من ، باز دارد .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای فرزندانش : و چنان کن که در همه اینها (تقاضاهایم) به خواهشم از تو ، دست یابم و به درخواستم از تو ، کامیاب شوم و از توکّل کردن بر تو ، محروم نگردم و به پناه بردن به تو ، خو گیرم .

امام باقر علیه السلام :معبود من! ... تویی پروردگار و آقای من ، و پناه و ملجأ من ، و نگهبان من ، و حامی من ، و مهربان به من ، و متکفّل روزی من .

امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهایش : به عزّت تو پناه می برم و در آستان تو بست می نشینم و به قدرت تو پناهنده می شوم و از رحمت تو یاری می طلبم و به ریسمان تو چنگ می زنم و جز به تو اعتماد نمی کنم و جز به تو پناه نمی آورم ، ای بزرگ ترین امید ، ای زداینده بلا ، و ای سزاوارترین کس به گذشت و بخشایش! بار خدایا! از ستم خود به بخشایش تو پناه می برم ، از ترس خود ، به امنیّت تو پناه می برم ، از فقر خود ، به توانگری تو پناه می برم و وجود پوسنده و فناپذیر خویش را در پناه وجود پاینده و جاویدان تو که نیستی و زوال نمی پذیرد ، در می آورم ، ای کسی که [توجّه به] چیزی ، او را از چیزی دیگر ، باز نمی دارد !

.

الإمام الكاظم عليه السلام فى حِجابِهِ : مَولايَ استَسلَمتُ إلَيکَ فَلا تُسلِمنى ، وتَوَكَّلتُ عَلَيکَ فَلا تَخذُلنى ، ولَجَأتُ إلى ظِلِّکَ البَسيطِ (1) فَلا تَطرَحنى ، أنتَ المَطلَبُ ، وإلَيکَ المَهرَبُ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أنتَ مَلاذى فَبِکَ ألوذُ ، وأنتَ مَعاذى فَبِکَ أعوذُ . (3)

عنه عليه السلام فى دُعاءِ الجَوشَنِ : فَبِمَن أعوذُ يا رَبِّ وبِمَن ألوذُ ؟! لا أحَدَ لى إلّا أنتَ ، أفَتَرُدُّنى وأنتَ مُعَوَّلى (4) ، وعَلَيکَ مُعتَمَدى ؟! (5)

الإمام الرضا عليه السلام مِن دُعاءٍ يُدعى بِهِ لَيلَةَ السَّبتِ ، لِدَفعِ العَدُوِّ الحاسِدِ ، وكَيدِ السُّلطانِ : . . . فَإنّى بِکَ اللّهُمَّ أعوذُ وألوذُ ، وبِکَ أثِقُ وعَلَيکَ أعتَمِدُ وأتَوَكَّلُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاصرِفهُ عَنّى ، فَإنَّکَ غِياثُ المُستَغيثينَ ، وجارُ المُستَجيرينَ ، ولَجَأُ اللّاجِئينَ ، وأرحَمُ الرّاحِمينَ . (6)

عنه عليه السلام فى دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الثَّمانى رَكَعاتٍ مِن صَلاةِ اللَّيلِ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحُرمَةِ مَن عاذَ بِکَ مِنکَ ، ولَجَأَ إلى عِزِّکَ ، وَاستَظَلَّ بِفَيئِکَ ، وَاعتَصَمَ بِحَبلِکَ ، ولَم يَثِق إلّا بِکَ ، يا جَزيلَ العَطايا ، يا مُطلِقَ الأُسارى ، يا مَن سَمّى نَفسَهُ مِن جودِهِ وَهّابا ، أدعوکَ رَغَبا ورَهَبا ، وخَوفا وطَمَعا ، وإلحاحا وإلحافا (7) ، وتَضَرُّعا وتَمَلُّقا ، وقائِما وقاعِدا، وراكِعا وساجِدا، وراكِبا وماشِيا، وذاهِبا وجائِيا، وفى كُلِّ حالاتى، وأسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَفعَلَ بى كَذا وكَذا . (8)

.

1- .بَسَطَ الشىء : نَشَرَهُ (الصحاح : ج 3 ص 1116 «بسط») .
2- .مُهَج الدعوات : ص 358 ، المصباح للكفعمى : ص 293 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 376 ح 1 .
3- .مُهَج الدعوات : ص 294 و ص 303 عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 330 ح 3 .
4- .عَوّلَ عليه معوَّلاً : اتّكلَ واعتمد (القاموس المحيط : ج 4 ص 22 «عال») .
5- .مُهَج الدعوات : ص 275 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 326 وراجع الإقبال : ج 1 ص 130 والدروع الواقيه : ص 245 .

6- .مصباح المتهجّد : ص 424 ح 544 ، جمال الاُسبوع : ص 112 كلاهما عن الحسن بن محبوب ، البلد الأمين : ص 155 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 331 ح 45 .
7- .ألحف السائلُ : ألحّ (الصحاح : ج 4 ص 1426 «لحف») .
8- .مصباح المتهجّد : ص 150 ح 239 و ص 566 ح 669 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 91 ح 250 ، الإقبال : ج 1 ص 329 كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 257 ح 61 .

امام کاظم علیه السلام در «دعای حجاب (محافظت) (1) :سَروَر من! خودم را به تو سپردم . پس مرا وا مگذار . بر تو توکّل کردم . پس مرا تنها مگذار . به سایه گسترده تو پناه آورم . پس مرا دور مینداز . تویی مطلوب ، و به سوی تو باید گریخت .

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا! تویی گریزگاه من . پس به سوی تو می گریزم . تویی پناهگاه من . پس به تو پناه می آورم .

امام کاظم علیه السلام در دعای «جوشن» : به کِه پناه برم ، ای پروردگار من! و به چه کسی متوسّل شوم؟! جز تو کسی را ندارم . آیا تو که تکیه گاه منی و اعتمادم به توست ، دست رد به سینه ام می زنی؟!

امام رضا علیه السلام از دعایی که در شب شنبه ، برای دفع دشمن حسود و دسیسه سلطان ، خوانده می شود : ... خداوندا! من به تو پناهنده و متوسّل می شوم ، و به تو تکیه و اعتماد و توکّل می کنم . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن [دشمن حسود و دسیسه سلطان] را از من ، دور کن ، که تو فریادرسِ فریادخواهان ، و حامی حمایت خواهان ، و پناه پناهجویان و مهربان ترینِ مهربانانی .

امام رضا علیه السلام در دعایی که بعد از هشت رکعت نماز شب می خواند : بار خدایا! از تو می خواهم به حرمت کسی که از تو به تو ، پناه آورده است و به عزّت تو ، پناهنده شده و در سایه تو ، جای گرفته و به ریسمان تو ، چنگ آویخته و جز به تو ، اعتماد نکرده است ، ای پُردَهِش ، ای رهاننده بندیان ، ای کسی که از شدّت بخشندگی اش خویشتن را دَهِشگر نامیده است! تو را می خوانم با امید و بیم ، و ترس و طمع ، و سماجت و پافشاری ، و زاری و چاپلوسی ، و ایستاده و نشسته ، و در رکوع و سجود ، و سواره و پیاده ، و آینده و رونده ، و در همه حالاتم ، و از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و به من ، چنین و چنان کنی .

.

1- .واژه «حجاب» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای حِرز و دعایی است که برای دفعِ چشم زخم یا تأثیر سلاح و مانند آن ، بر خود می آویزند .

الإمام الهادى عليه السلام فى دُعاءٍ لَهُ : أنتَ ثِقَتى ورَجائى ، وإلَيکَ مَهرَبى ومَلجَئى ، وعَلَيکَ تَوَکّلى ، وبِکَ اعتِصامى وعِياذى . (1)

1 / 2الاِستِعاذَهُ لِلآخَرينَالأمالى للمحاملى عن عبد اللّه بن الحارث :قُلتُ لِعَلِىٍّ بن أبى طالِبٍ عليه السلام : أخبِرنى بِأفضَلِ مَنزِلَتِکَ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : بَينا أنَا نائِمٌ عِندَهُ وهُوَ يُصَلّى ، فَلَمّا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ قالَ : يا عَلِىُّ ! ما سَأَلتُ اللّهَ مِنَ الخَيرِ إلّا سَأَلتُ لَکَ مِثلَهُ ، ومَا استَعَذتُ اللّهَ مِنَ الشَّرِّ إلَا استَعَذتُ لَکَ مِثلَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :حَصِّنوا أموالَکُم وأهليکُم وأحرِزوهُم بِهذِهِ ، وقولوها بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ الآخِرَهِ : «اُعيذُ نَفسى وذُرِّيَّتِي وأهلَ بَيتى ومالى بِکَلِماتِ اللّهِ التّامَّهِ ، مِن کُلِّ شَيطانٍ وهامَّهٍ ، ومِن کُلِّ عَينٍ لامَّهٍ» ، وهِىَ العوذَهُ الَّتى عَوَّذَ بِها (3) جَبرَئيلٌ عليه السلام الحَسَنَ وَ الحُسَينَ عليهماالسلام . (4)

.

1- .المصباح للكفعمى : ص 531 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 253 ح 11 نقلاً عن البلد الأمين عن الإمام العسكرى عليه السلام .
2- .الأمالى للمحاملى : ص 368 ح 418 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 309 ، ذخائر العقبى : ص 115 ، كنز العمّال : ج 13 ص 151 ح 36474 .
3- .فى المصدر : «بهما» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 119 عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 127 ح 9 .

1 / 2 پناه خواستن برای دیگران

امام هادی علیه السلام در یکی از دعاهایش : تو ، مورد اعتماد من و امید منی ، و گریزگاه و پناهگاهم ، تویی . توکّلم به توست و به تو چنگ زنم و به تو پناه می آورم .

1 / 2پناه خواستن برای دیگرانالأمالی ، محاملی به نقل از عبد اللّه بن حارث :به علی بن ابی طالب علیه السلام گفتم : از بالاترین منزلتت در نزد پیامبر خدا به من خبرده . فرمود : «باشد . من ، نزد ایشان خوابیده بودم و ایشان ، نماز می خواند . چون نمازش را تمام کرد ، فرمود : ای علی ! هر خوبی ای که از خدا خواستم ، همانند آن را برای تو نیز درخواست کردم ، و از هر بدی ای که به خدا پناه بردم ، برای تو نیز [از خداوند] پناه خواستم » .

امام صادق علیه السلام :دارایی هایتان و خانواده تان را با این [دعا] نگهداری و محافظت کنید ، و بعد از نماز عشا ، آن را بگویید : «خودم و فرزندانم و خانواده ام و اموالم را از گزند هر شیطانی و هر جانور گزنده ای ، و از هر چشمِ بدی ، در پناه کلمات تامّ خداوند در می آورم» . این ، همان دعایی استَ که جبرئیل علیه السلام با آن ، حسن و حسین علیهماالسلام را تعویذ کرد .

.

سنن أبى داوود عن ابن عبّاس :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يُعَوِّذُ الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهماالسلام : «اُعيذُكُما بِكَلِماتِ اللّهِ التّامَّهِ ، مِن كُلِّ شَيطانٍ وهامَّهٍ ، ومِن كُلِّ عَينٍ لامَّهٍ» ، ثُمَّ يَقولُ : كانَ أبوكُم (1) يُعَوِّذُ بِهِما إسماعيلَ وإسحاقَ عليهم السلام . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يُعَوِّذُ الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهماالسلام بِهذِهِ العوذَهِ ، وكانَ يَأمُرُ بِذلِكَ أصحابَهُ ، وهُوَ هذا : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، اُعيذُ نَفسى ودينى وأهلى ومالى ووُلدى وخَواتيمَ عَمَلى وما رَزَقَنى رَبّى وخَوَّلَنى ، بِعِزَّهِ اللّهِ ، وعَظَمَهِ اللّهِ ، وجَبَروتِ اللّهِ ، وسُلطانِ اللّهِ ، ورَحمَهِ اللّهِ ، ورَأفَهِ اللّهِ ، وغُفرانِ اللّهِ ، وقُوَّهِ اللّهِ ، وقُدرَهِ اللّهِ ، وبِآلاءِ اللّهِ ، وبِصُنعِ اللّهِ ، وبِأركانِ اللّهِ ، وبِجَمعِ اللّهِ عز و جل ، وبِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وقُدرَهِ اللّهِ عَلى ما يَشاءُ ، مِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ ، ومِن شَرِّ ما دَبَّ فِى الأرضِ ، ومِن شَرِّ ما يَخرُجُ مِنها ، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وآلِهِ أجمَعينَ . (3)

.

1- .أى إبراهيم عليه السلام .
2- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 235 ح 4737 ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1233 ح 3191 نحوه ، سنن الترمذى : ج 4 ص 396 ح 2060 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 580 ح 2434 ؛ العمده : ص 396 ح 795 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 383 عن علقمه بن عبد اللّه وابن عمر نحوه ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 139 ح 488 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 43 ص 282 ح 49 .
3- .مُهَج الدعوات : ص 22 ، الخصال : ص 631 ح 10 نحوه وكلاهما عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 264 ح 1 .

سنن أبی داوود به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهماالسلامرا با این دعا تعویذ می کرد : «شما دو تن را از گزند هر شیطانی و جانور گزنده ای ، و از هر چشم بدی در پناه کلمات تامّ خدا در می آورم» . سپس می فرمود : «پدرتان (1) با این دعا ، اسماعیل و اسحاق علیهماالسلام را تعویذ می کرد» .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهماالسلام را با این دعا تعویذ می کرد و اصحابش را نیز به آن ، توصیه می فرمود . آن تعویذ ، این است : «به نام خدای مهرگسترِ مهربان . خودم و دینم و همسرم و اموالم و فرزندانم و فرجام های کارم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده و عطایم فرموده است ، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و شُکوه خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و توانایی خدا و نیروی خدا و الطاف خدا و احسان خدا و ارکان خدا و همه [ذات و صفات] خداوند عز و جل ، و پیامبر خدا و قدرت خدا ، بر آنچه خواهد ، در آوردم ، از گزند خزندگان زهردار و حشرات موزی ، و از گزند جنّ و انس ، و از گزند هر جنبنده ای در زمین ، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید ، و از گزند آنچه از آسمانْ فرود می آید یا به آسمان بالا می رود ، و از گزند هر جنبنده ای که کاکُل (زمام) آن در دست پروردگار من است ، که پروردگار من ، بر راهی راست است، و او بر هر چیزی تواناست ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ . درود خدا بر سَروَرمان محمّد و همه خاندانش باد !» .

.

1- .یعنی ابراهیم علیه السلام .

المعجم الكبير عن بلال بن سعد عن أبيه :قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أينَ بَنوكَ ؟ قُلتُ : ها هُم اُولاءِ ، قالَ : فَائتِنى بِهِم . فَأَمَرتُ أهلى فَألبَستَهُم قُمُصا بَيضاءَ ، ثُمَّ أتَيتُهُ بِهِم ، فَقالَ : اللّهُمَّ إنّى اُعيذُهُم بِکَ مِنَ الكُفرِ وَالضَّلالَهِ ، ومِنَ الفَقرِ الَّذى يُصيبُ بَنى آدَمَ . (1)

.

1- .المعجم الكبير : ج 6 ص 45 ح 5462 ، تاريخ دمشق : ج 20 ص 228 ، كنز العمّال : ج 2 ص 205 ح 3770 .

المعجم الکبیر به نقل از بلال بن سعد ، از پدرش :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرزندانت کجایند؟». گفتم : همین جا . فرمود : «آنها را نزد من بیاور» . من به همسرم گفتم که جامه های سفید بر آنها پوشاند . پس آنها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم . فرمود : «بار خدایا ! اینان را از کفر و گم راهی ، و از فقر که به فرزندان آدم می رسد ، در پناه تو در آوردم» .

.

الفَصلُ الثّانى : آداب الاستعاذه2 / 1مَعرِفَهُ المُستَعاذِ وَالمُلتَجَإِأ اللّهُ حِصنُ اللّاجينَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا اللّهُ ، يا مَن هُوَ حِصنٌ لِأَهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاهِ المُعتَصِمينَ : اللّهُمَّ يا مَلاذَ اللّائِذينَ ، ويا مَعاذَ العائِذينَ . . . ويا حِصنَ اللّاجينَ ، إن لَم أعُذ بِعِزَّتِکَ فَبِمَن أعوذُ ؟ وإن لَم أَلُذ بِقُدرَتِکَ فَبِمَن أَلوذُ ؟! (2)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ اليَومِ العِشرينَ مِنَ الشَّهرِ : أنتَ جارُ المُستَجيرينَ ، ولَجَأُ اللّاجِئينَ . (3)

عنه عليه السلام فى عَمَلِ لَيلَهِ النِّصفِ مِن شَعبانَ : يا مَن إلَيهِ مَلجَأُ العِبادِ فِى المُهِمّاتِ . (4)

.

1- .البلد الأمين : ص 420 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 265 ح 1 وفيه «ملجأ» بدل «حصن» .
2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .
3- .الدُّروع الواقيه : ص 132 و ص 98 و ص 188 كلاهما نحوه و ص 221 ، العُدد القويّه : ص 217 كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 165 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 831 ح 891 ، الأمالى للطوسى : ص 297 ح 583 ، المزار الكبير : ص 406 ، الإقبال : ج 3 ص 315 كلّها عن أبى يحيى و ص 317 عن محمّد بن علىّ الطرازى ، بحار الأنوار : ج 97 ص 86 ح 5 .

فصل دوم: آداب پناه بردن

2 / 1 شناخت کسی که به او پناه بُرده می شود

الف خدا ، دژ پناهندگان

فصل دوم: آداب پناه بردن2 / 1شناخت کسی که به او پناه بُرده می شودالف خدا ، دژ پناهندگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای خدا ، ای آن که دژِ آسمانیان و زمینیان است !

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات متوسّل شوندگان» : بار خدایا ، ای پناهگاه پناهجویان ، و ای حامی حمایت خواهان ... وای دژ پناهندگان! اگر به عزّت تو پناه نیاورم ، پس به چه کسی پناه برم؟! و اگر به قدرت تو پناهنده نشوم ، پس به چه کسی پناهنده شوم؟!

امام صادق علیه السلام در دعای روز بیستم ماه : تو حامی حمایت خواهان ، و پناه پناه جویانی .

امام صادق علیه السلام در اعمال شب نیمه شعبان : ای کسی که بندگان ، در سختی ها به او پناه می برند!

.

عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ عِندَ شَهرِ رَمَضانَ : يا مَن لَم يَلُذِ اللّائِذوَنَ بِمِثلِهِ . (1)

الإمام الهادى عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى عَلِمَ مِنّا أنّا لا نَلجَأُ فِى المُهِمّاتِ إلّا إلَيهِ ... وَعوَّدَنا إذا سَألنَا الإجابَةَ . (2)

ب مَلجَأُ المُضطَرّينَرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا مَلجَئى عِندَ اضطِرارى ، يا مُعينى عِندَ مَفزَعى ... يا مَن إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرونَ . (3)

الإمام عليّ عليه السلام مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ إيّاهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا مَلجَأَ كُلِّ طَريدٍ ، يا مَأوى كُلِّ شَريدٍ . (4)

عنه عليه السلام :أُوصيكُم بِتَقوَى اللّهِ ؛ فَإِنَّها غِبطَةٌ لِلطّالِبِ الرّاجى ، وثِقَةٌ لِلهارِبِ اللّاجى . (5)

عنه عليه السلام :إلهى إن كُنتَ لا تَرحَمُ إلّا المُجِدّينَ فى طاعَتِكَ ، فَإِلى مَن يَفزَعُ المُقَصِّرونَ ؟ وإن كُنتَ لا تَقبَلُ إلّا مِنَ المُجتَهِدينَ ، فَإِلى مَن يَلتَجِئُ المُفَرِّطونَ (6) ؟! (7)

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 129 عن هارون بن موسى التلعكبرى ، بحار الأنوار : ج 97 ص 334 ح 1 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 286 ح 555 ، بشاره المصطفى : ص 135 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 411 كلّها عن عيسى بن أحمد بن عيسى ، عدّه الداعى : ص 57 وفيه «عوّدنا أن» بدل «علم منّا أنّا» ، بحار الأنوار : ج 50 ص 127 ح 5 .
3- .البلد الأمين : ص 403 406 ، المصباح للكفعمى : ص 335 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 385 .
4- .مُهَج الدعوات : ص 196 ، المصباح للكفعمى : ص 351 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، البلد الأمين : ص 338 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ

من أهل البيت عليهم السلام و ص 361 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 95 ص 400 ح 33 .
5- .تحف العقول : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 16 .
6- .المُفرِّطُ بالتشديد : المقصِّر فى العمل (النهايه : ج 3 ص 434 «فرط») .
7- .البلد الأمين : ص 314 ، المصباح للكفعمى : ص 489 كلاهما عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، ف بحار الأنوار : ج 94 ص 103 ح 14 .

ب پناه درماندگان

امام صادق علیه السلام در دعای ماه رمضان : ای کسی که پناهندگان ، به کسی همچون او پناه نبرده اند !

امام هادی علیه السلام :خدای متعال می داند که ما در سختی ها ، جز به او پناه نمی بریم ... و ما را عادت داده است که هرگاه [از او] بخواهیم ، اجابت کند .

ب پناه درماندگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن کبیر» : ای پناه من در هنگام درماندگی ام ، ای کمک کننده به من در هنگام وحشتم ! ... ای کسی که سرگشتگان ، به او پناه می برند !

امام علی علیه السلام از دعایی که پیامبر خدا به او آموخت : ای پناهگاه هر رانده شده ای ! ای سرپناه هر آواره ای !

امام علی علیه السلام :شما را به پروای از خدا سفارش می کنم ؛ زیرا که پروای از خدا ، مایه شادمانی هر جوینده امیدوار ، و تکیه گاه فرارِی پناه خواه است .

امام علی علیه السلام :معبود من ! اگر تو ، جز به کوشندگانِ در طاعتت رحم نکنی ، پس تقصیرکاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز از تلاشگران نپذیری ، پس سستی ورزان به چه کسی پناهنده شوند؟

.

عنه علیه السلام :اللّهُمَّ ... أنتَ مَلجَأُ الخائِفِ الغَریقِ ، وأرأَفُ مِن کُلِّ شَفیقٍ ، إلَیکَ قَصَدتُ سَیِّدی ، وأنتَ مُنتَهَی القَصدِ لِلقاصِدینَ . (1)

الإمام الحسن علیه السلام فی قُنوتِهِ : یا حاضِرَ کُلِّ غَیبٍ ، وعالِمَ کُلِّ سِرٍّ ، ومَلجَأَ کُلِّ مُضطَرٍّ ، ضَلَّت فیکَ الفُهومُ ، وتَقَطَّعَت دونَکَ العُلومُ . (2)

الإمام زین العابدین علیه السلام :اللّهُمَّ إنّی أسأَ لُکَ سُؤالَ الخاضِعِ الذَّلیلِ ، وأسأ لُکَ سُؤالَ العائِذِ المُستَقیلِ (3) . (4)

عنه علیه السلام فی دُعاءٍ لَهُ : یا مَن کُلُّ هارِبٍ إلَیهِ یَلتَجِئُ ، وکُلُّ طالِبٍ إیّاهُ یَرتَجی . (5)

عنه علیه السلام أیضا : بارِک لی فیما رَزَقتَنی ، وفیما خَوَّلتَنی ، وفیما أنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ ، وَاجعَلنی فی کُلِّ حالاتی مَحفوظا ، مَکلوءا (6) ، مَستورا ، مَمنوعا (7) ، مُعاذا ، مُجارا . (8)

.

1- .البلد الأمین : ص 96 ، العدد القویّه : ص 303 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 146 ح 9 .
2- .مُهَج الدعوات : ص 66 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 212 .
3- .استقاله : طلب إلیه أن یُقیله ، وأقال اللّه عثرتک ، أی : صفح عنک (تاج العروس : ج 15 ص 644 «قیل») .
4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 138 ح 20 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی ، مصباح المتهجّد : ص 148 ح 238 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام .
5- .بحار الأنوار : ج 94 ص 144 نقلاً عن بعض کتب الأصحاب .
6- .کَلَأَهُ اللّهُ : أی حفظه وحرسه (الصحاح : ج 1 ص 69 «کلأ») .
7- .المانع : من صفات اللّه تعالی ، أنّه تبارک وتعالی یحفظ أهل دینه ، أی یحوطهم وینصرهم (لسان العرب : ج 8 ص 343 «منع») .
8- .الصحیفه السجّادیّه : ص 94 الدعاء 22 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! ... تو پناهگاه ترسانِ غرق گشته ای ، و از هر دلسوزی ، مهرورزتری . من ، آهنگِ کوی تو کرده ام ای آقای من که تو فرجامین مقصد رهپویانی .

امام حسن علیه السلام در دعای قنوت : ای حاضرِ در هر نهان ، و ای دانای هر راز ، و ای پناه هر بی چاره و درمانده ! فهم ها در تو سرگردان اند و دانش ها در باره تو درمانده اند .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ، چونان درخواست کرنشگر زبون ! از تو درخواست می کنم ، به سان درخواستِ پناهجوی پوزشخواه .

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش : ای آن که هر گریزنده ای به او پناه می برد و هر جوینده ای امیدش به اوست !

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش : در آنچه روزیِ من کرده ای و در آنچه به من داده ای و در هر نعمتی که ارزانی ام داشته ای ، برکت ده و در همه اوضاع و احوال ، از من نگهداری و پاسداری و مراقبت و دفاع کن ، و مرا در پناه و حمایت خویش ، در آور .

.

الإمام الصادق عليه السلام فِی الدُّعاءِ : أستَخیرُکَ اللّهُمَّ بِعلمِکَ ، وأستَقدِرُکَ بِقُدرَتِکَ ، وأسأَلُکَ مِن فَضلِکَ ، وألجَأُ إلَیکَ فی کُلِّ اُمورِی ، وأبرَأُ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّهِ إلّا بِکَ ، وأتَوَکَّلُ عَلَیکَ ، وأنتَ حَسبی ونِعمَ الوَکیلُ . (1)

عنه علیه السلام أیضا : سَیِّدی إلَیکَ یَلجَأُ الهارِبُ ، ومِنکَ یَلتَمِسُ الطّالِبُ ، وعَلی کَرَمِکَ یُعَوِّلُ المُستَقیلُ التّائِبُ . (2)

عنه علیه السلام مِن حِرزٍ لَهُ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ یا مُدرِکَ الهارِبینَ ، ویا مَلجَأَ الخائِفینَ ... . (3)

الإمام الکاظم علیه السلام فی قُنوتِهِ : فَمَعاذُ المَظلومِ مِنّا بِکَ ، وتَوَکُّلُ المَقهورِ مِنّا عَلَیکَ ، ورُجوعُهُ إلَیکَ ، ویَستَغیثُ بِکَ إذا خَذَلَهُ المُغیثُ ، ویَستَصرِخُکَ إذا قَعَدَ عَنهُ النَّصیرُ ، ویَلوذُ بِکَ إذا نَفَتهُ الأفنِیَهُ ، ویَطرُقُ بابَکَ (4) إذا اُغلِقَت عَنهُ الأبوابُ المُرتَجَهُ (5) ، ویَصِلُ إلَیکَ إذَا احتَجَبَت (6) عَنهُ المُلوکُ الغافِلَهُ . (7)

عنه علیه السلام فی قُنوتِهِ : یا مَفزَعَ الفازِعِ ، ومَأمَنَ الهالِعِ (8) ، ومَطمَعَ الطّامِعِ ، ومَلجَأَ الضّارِعِ (9) . (10)

.

1- .فتح الأبواب : ص 161 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 236 ح 1 .
2- .الإقبال : ج 3 ص 316 عن أبی یحیی ، بحار الأنوار : ج 98 ص 410 ح 1 .
3- .مُهَج الدعوات : ص 223 و ص 243 کلاهما عن الربیع ، البلد الأمین : ص 382 و ص 361 عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 273 ح 1 .
4- .فی المصدر : «بکَ» ، والتصویب من بحار الأنوار .
5- .ارتجتُ البابَ : أغلقتُه (الصحاح : ج 1 ص 317 «رتج») .
6- .فی المصدر : «احتَجب» ، والتصویب من بحار الأنوار .
7- .مُهَج الدعوات : ص 75 و ص 320 عن زرافه عن الإمام الهادی علیه السلام ، البلد الأمین : ص 341 ، المصباح للکفعمی : ص 282 ، بحار الأنوار

: ج 85 ص 220 .
8- .الهَلَعُ : أشدّ الجزع (النهايه : ج 5 ص 269 «هلع») .
9- .ضرَعَ إليه ضَرَاعَةً : خضَعَ وذلَّ ، فهو ضارِعٌ ، وتضرَّع إلى اللّه ، أى : ابتهلَ (لسان العرب : ج 8 ص 222 «ضرع») .
10- .مُهَج الدعوات : ص 74 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 219 .

امام صادق علیه السلام در دعا : بار خدایا ! از تو خیر می طلبم که تو می دانی ، و از تو قدرت می طلبم که تو قدرت داری ، و از فضل تو درخواستت می کنم ، و در همه کارهایم به تو پناه می آورم ، و از هر نیرو و توانی برائت می جویم ، جز به یاری تو ، و به تو توکّل می کنم ، که تو مرا بسنده ای و نیکو کارسازی هستی .

امام صادق علیه السلام در دعا : سَروَر من ! گریزنده ، به سوی تو می گریزد و خواهنده ، از تو درخواست می کند و بخشایش طلب توبه گر ، به بزرگواری تو تکیه می کند .

امام صادق علیه السلام در یکی از حِرزهایش : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ، ای رسنده به گریزندگان و ای پناه بیمناکان ! ... .

امام کاظم علیه السلام در دعای قنوت : ستم دیده ما ، به تو پناه می آورد و شکست خورده ما ، بر تو توکّل می کند و به سوی تو باز می آید ، وهرگاه کمک کننده تنهایش گذارد ، از تو کمک می طلبد و هرگاه یاریگر ، از یاری او باز ایستد ، از تو یاری می جوید و هر گاه از درگاه ها رانده شود ، به درگاه تو پناهنده می شود و هرگاه درهای امید به روی او بسته گردد ، در خانه تو را می کوبد و هرگاه شاهان بی خبر [از تو] به او بار ندهند ، خود را به تو می رساند .

امام کاظم علیه السلام در دعای قنوت : ای پناهگاه ترسایان ، و مأمن وحشت زدگانِ بی قرار ، و امید امیدواران ، و پناهگاه لابه کنندگان !

.

عنه عليه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ فِى السّاعَهِ السّابِعَهِ مِنَ النَّهارِ : يا مَن دَعاهُ المُضطَرّونَ ، ولَجَأ إلَيهِ الخائِفونَ ، وسَأَلَهُ المُؤمِنونَ ، وَعَبَدَهُ الشّاكِرونَ ، وحَمِدَهُ المُخلِصونَ . (1)

ج لا مَلجَأَ إلَا اللّهُالكتاب«وَ عَلَى الثَّلَثَهِ الَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَ ظَنُّواْ أَن لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُواْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» . (2)

«اسْتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَ مَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ» . (3)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام :كانَ فيما وَعَظَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى بِهِ عِيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام أن قالَ لَهُ : ... يا عيسى أنتَ المَسيحُ (4) بِأمرى ، وأنتَ تَخلُقُ مِنَ الطّينِ كَهَيئَهِ الطَّيرِ بِإذنى ، وأنتَ تُحيِى المَوتى بِكَلامى ، فَكُن إلَىَّ راغِبا ، ومِنّى راهِبا ؛ فَإِنَّکَ لَن تَجِدَ مِنّى مَلجَأً إلّا إلَىَّ . (5)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 515 ح 596 و ص 516 ح 598 ، البلد الأمين : ص 144 ، المصباح للكفعمى : ص 188 كلّها عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه و ص 186 ، مُهَج الدعوات : ص 83 عن الإمام الهادى عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 348 .
2- .التوبه : 118 .
3- .الشورى : 47 .
4- .المَسيحُ : سُمّى بذلک لأنّه كان يمسح بيده على العليل والأكمه والأبرص فيبرئه بإذن اللّه (لسان العرب : ج 2 ص 594 «مسح») .
5- .الأمالى للصدوق : ص 606 ح 841 عن أبى بصير ، الكافى : ج 8 ص 131 ح 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول : ص 496 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 289 ح 14 .

ج پناهی جز خدا نیست

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در ساعت هفتم روز : ای کسی که درماندگان ، او را می خوانند و بیمناکان ، به او پناه برند و مؤمنان ، از او درخواست کنند و سپاس گزاران ، او را بندگی کنند و اهل اخلاص ، او را می ستایند .

ج پناهی جز خدا نیستقرآن«و بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه شان به تعویق افتاد] تا آن جا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا ، جز به خود او نیست . پس خدا به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند . بی تردید ، خداوند توبه پذیر مهربان است» .

«پیش از آن که روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد ، پروردگارتان را اجابت کنید . آن روز ، نه برای شما پناهی ، و نه برایتان [مجال] انکاری هست» .

حدیثامام صادق علیه السلام :از اندرزهای خداوند تبارک و تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که به او فرمود : « ... ای عیسی! تو با فرمان [و اجازه من] مسیح (1) هستی و با اجازه من ، از گِل به صورت پرنده می آفرینی و با سخن من است که مُردگان را زنده می سازی . پس به من امیدوار باش و از من بترس ؛ زیرا که تو هرگز گریزی از من ، جز به سوی خود من نمی یایی» .

.

1- .ایشان را مسیح نامیدند ، چون معلول و کور مادرزاد و پیسی گرفته را مَسح می کرد و به اذن خدا ، او را شفا می بخشید .

مسند ابن حنبل عن أبي هريره :كُنتُ أمشى مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى نَخلٍ لِبَعضِ أهلِ المَدينَهِ ... فَقالَ صلى الله عليه و آله : يا أبا هُرَيرَهَ ، ألا أدُلُّکَ عَلى کَنزٍ مِن کُنوزِ الجَنَّهِ ؟ فَقُلتُ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : قُل : لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، ولا مَلجَأَ مِنَ اللّهِ إلّا إلَيهِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ ... لَکَ الحَمدُ فى کُلِّ ما قَضَيتَ ، ولا مَلجَأَ مِنکَ إلّا إلَيکَ ، يا واسِعَ النَّعماءِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أنَا سَيِّدُ النّاسِ يَومَ القِيامَهِ ، يَدعونى رَبّى فَأَقولُ : لَبَّيکَ وسَعدَيکَ ، تَبارَکتَ لَبَّيکَ وحَنانَيکَ ، وَالمَهدِيُّ مَن هَدَيتَ ، وعَبدُکَ بَينَ يَدَيکَ ، لا مَلجَأَ ولا مَنجى مِنکَ إلّا إلَيکَ ، تَبارَکتَ رَبَّ البَيتِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يُصَلِّى الفَجرَ ، ثُمَّ يَقولُ حينَ يَنصَرِفُ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، لا حيلَهَ ولا احتِيالَ ولا مَلجَأَ ولا مَنجى مِنَ اللّهِ إلّا إلَيهِ» سَبعَ مَرّاتٍ ، إلّا دَفَعَ اللّهُ تَعالى عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :تَحَرَّ (5) رِضَى اللّهِ وَتجَنَّب سَخَطَهُ ؛ فَإِنَّهُ لا يَدَ لَکَ بِنَقِمَتِهِ ، ولا غِنى بِکَ عَن مَغفِرَتِهِ ، ولا مَلجَأَ لَکَ مِنهُ إلّا إلَيهِ . (6)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 180 ح 8091 و ص 617 ح 10799 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 698 ح 1901 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 283 ح 20547 ، مسند الطيالسى : ص 322 ح 2456 نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 458 ح 1977 .
2- .البلد الأمين : ص 350 ، المصباح للكفعمى : ص 356 ، مستدرک الوسائل : ج 2 ص 236 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 618 ح 8712 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 9 ح 1058 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 349 كلاهما نحوه وكلّها عن حذيفه ، كنز العمّال : ج 11 ص 434 ح 32042 .
4- .الدعاء للطبرانى : ص 212 ح 666 عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 144 ح 3519 .
5- .التَّحرِّى : القصد والاجتهاد فى الطلب (النهايه : ج 1 ص 376 «حرا») .

6- .غرر الحكم : ح 4553 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 204 ح 4130 .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هُرَیره : با پیامبر خدا ، در نخلستان یکی از اهالی مدینه قدم می زدم ... که به من فرمود : «ای ابو هُرَیره ! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت ، ره نمون نشوم؟» . گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «بگو : هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا ، و هیچ گریزی از خدا ، جز به سوی خود او نیست » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! ... تو را ستایش ، برای هر آنچه حکم فرمودی ، و گریزی از تو ، جز به خود تو نیست ، ای که نعمتت گسترده است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من [با آن که] سَروَر همه مردمان تا روز رستاخیز هستم؛ [لیکن چون]پروردگارم مرا می خواند ، می گویم : «آری . در خدمتم . فرهمندا ! گوش به فرمانم ، مهرورزا ! ره یافته ، آن کسی است که تو راه نمایی اش کرده ای . بنده ات در اختیار توست . پناه و گریزی از تو ، جز به خود تو نیست . خجسته ای ، ای پروردگار کعبه !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از پایان آن ، هفت مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . هیچ چاره و اندیشه گری و پناه و گریزی از خدا نیست ، جز به خود او» ، مگر آن که خداوند متعال ، هفتاد نوع بلا را از او بگردانَد .

امام علی علیه السلام :خشنودی خدا را بجوی و از خشمش دوری کن ؛ زیرا در برابر کیفر او ، از تو هیچ کاری ساخته نیست و از آمرزش او ، بی نیاز نیستی و تو را گریزی از او ، جز به خود او نباشد .

.

عنه عليه السلام فى تَفسيرِ «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ» : أشهَدُ أنَّهُ لا مَلجَأَ مِنَ اللّهِ إلّا إلَيهِ ، ولا مَنجى مِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ ، وفِتنَهِ كُلِّ ذى فِتنَهٍ ، إلّا بِاللّهِ . (1)

عنه عليه السلام :هَل مِن مَناصٍ أو خَلاصٍ ، أو مَعاذٍ أو مَلاذٍ ، أو فِرارٍ أو مَحارٍ (2) . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ فَلَو كانَ لى مَهرَبٌ لَهَرَبتُ ، ولَو كانَ لى مَصعَدٌ فِى السَّماءِ أو مَسلَكٌ فِى الأَرضِ لَسَلَكتُ ، ولكِنَّهُ لا مَهرَبَ لى ولا مَلجَأَ ولا مَنجى ولا مَأوى مِنكَ إلّا إلَيكَ . (4)

د خُسرُ مَنِ استَعاذَ بِغَيرِ اللّهِالكتاب«وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِءنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا» . (5)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام فى قُنوتِهِ : يا مَأمَنَ الخائِفِ ، وكَهفَ اللّاهِفِ (6) ، وجُنَّةَ العائِذِ ، وغَوثَ اللّائِذِ ، خابَ مَنِ اعتَمَدَ سِواكَ ، وخَسِرَ مَن لَجَأَ إلى دونِكَ . (7)

.

1- .التوحيد : ص 239 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 39 ح 1 ، فلاح السائل : ص 264 ح 156 كلّها عن أبى يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 132 ح 24 .
2- .المحار : الرجوع (القاموس المحيط : ج 2 ص 15 «حور») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، تحف العقول : ص 202 ، نزهه الناظر : ص 49 ح 18 عن جابر بن عبد اللّه نحوه ، غرر الحكم : ح 10038 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 512 ح 9319 وفيه «قرار» بدل «فرار» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 15 .
4- .الإقبال : ج 2 ص 114 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 237 .
5- .الجنّ : 6 .
6- .اللّاهِفُ : المظلوم المضطرّ يستغيث ويتحسّر . ويقال : هو لَهيف القلب ولاهفه ؛ أى محترقُهُ (القاموس المحيط : ج 3 ص 197 «لهف») .
7- .مُهَج الدعوات : ص 74 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 219 .

د زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید

امام علی علیه السلام در تفسیر «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» :[یعنی] گواهی می دهم که از خداوند ، گریزی ، جز به خود او نیست ، و جز به یاری خدا ، از گزند هر گزندرسانی و فتنه هر فتنه گری نمی توان رَهید .

امام علی علیه السلام :آیا هیچ گریزی یا نجاتی یا پناهگاهی یا ملجأی یا فراری یا بازگشتی [از عذاب الهی]هست؟ !

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! اگر مرا گریزگاهی (/گریزی) بود ، می گریختم ، و اگر می توانستم به آسمان بروم یا در زمین ، راهی می یافتم ، آن راه را می پیمودم ؛ امّا مرا گریزی و پناهی و نجاتی و مأوایی از [عذاب] تو ، جز به درگاه خود تو نیست .

د زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جویدقرآن«و مردانی از آدمیان ، به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند» .

حدیثامام صادق علیه السلام در دعای قنوتش : ای مأمن ترسان ، و پناه ستم دیده غمناک ، و سپرِ پناهنده ، و یاور حمایت خواه ! نومید شد آن که به غیر تو تکیه کرد ، و زیان کرد آن که به کسی جز تو پناه بُرد .

.

عنه عليه السلام مِن دُعاءٍ يُدعى بِهِ بَعدَ زِيارَهِ عاشوراءَ : وَاكفِنى يا كافِىَ ما لا يَكفى سِواكَ ، فَإِنَّكَ الكافى لا كافِىَ سِواكَ ، ومُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ ، ومُغيثٌ لا مُغيثَ سِواكَ ، وجارٌ لا جارَ سِواكَ ، خابَ مَن كانَ جارُهُ سِواكَ ، ومُغيثُهُ سِواكَ ، ومَفزَعُهُ إلى سِواكَ ، وَمهرَبُهُ إلى سِواكَ ، ومَلجَؤُهُ إلى غَيرِكَ ، ومَنجاهُ مِن مَخلوقٍ غَيرِكَ ، فَأنتَ ثِقَتى ورَجائى ، وَمفزَعى ، وَمهرَبى ، وَملجَئى ومَنجاىَ . (1)

عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَراغِ مِنَ الاِستِخارَهِ : اللّهُمَّ إنَّكَ خَلَقتَ أقواما يَلجَؤونَ إلى مَطالِعِ النُّجومِ لِأَوقاتِ حَرَكاتِهِم وسُكونِهِم وتَصَرُّفِهِم وعَقدِهِم وحَلِّهِم ، وخَلَقتَنى أبرَأُ إلَيكَ مِنَ اللَّجَأِ إلَيها ، ومِن طَلَبِ الاِختِياراتِ بِها ، وأتَيَقَّنُ (2) أنَّكَ لَم تُطلِع أحَدا عَلى غَيبِكَ فى مَواقِعِها ، ولَم تُسَهِّل لَهُ السَّبيلَ إلى تَحصيلِ أفاعيلِها ، وأنَّكَ قادِرٌ عَلى نَقلِها فى مَداراتِها فى مَسيرِها عَنِ السُّعودِ العامَّهِ وَالخاصَّهِ إلَى النُّحوسِ ، ومِنَ النُّحوسِ الشّامِلَهِ وَالمُفرَدَهِ إلَى السُّعودِ ، لِأَنَّكَ تَمحو ما تَشاءُ وتُثبِتُ ، وعِندَكَ اُمُّ الكِتابِ (3) . (4)

2 / 2الرَّغبَهُ وَالاِجتِهادُالإمام علىّ عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى إلَيهِ مَصائِرُ الخَلقِ ، وعَواقِبُ الأَمرِ ، نَحمَدُهُ عَلى عَظيمِ إحسانِهِ ... ونُؤمِنُ بِهِ إيمانَ مَن رَجاهُ موقِنا ... ولاذَ بِهِ راغِبا مُجتَهِدا . (5)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 779 ح 852 عن صفوان بن مهران الجمّال ، البلد الأمين : ص 272 ، المصباح للكفعمى : ص 646 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 298 ح 3 .
2- .فى المصدر : «أيقن» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .اُمُّ الكتاب : اللَّوحُ المحفوظ (المصباح المنير : ص 23 «أمم») .
4- .فتح الأبواب : ص 198 عن الشيخ محمّد بن علىّ بن محمّد فى كتابٍ له ، بحار الأنوار : ج 91 ص 270 ح 23 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 182 عن نوف البكالى ، بحار الأنوار : ج 4 ص 313 ح 40 .

2 / 2 خواستن و کوشیدن

امام صادق علیه السلام از دعایی که بعد از «زیارت عاشورا» خوانده می شود : مرا کفایت کن ، ای کفایت کننده چیزی که جز تو ، کسی آن را کفایت نمی کند ؛ زیرا که تویی کفایت کننده و کفایت کننده ای جز تو نیست ! تویی گره گشا و گره گشایی جز تو نیست . تویی کمک کننده و کمک کننده ای جز تو نیست . تویی حمایتگر و حمایتگری جز تو نیست . ناکام ماند آن که حامی اش و کمک کننده اش جز تو باشد ، و به غیر تو پناه برد ، و به درگاه غیر تو بگریزد ، و به غیر تو ملتجی شود ، و از مخلوقات و نه تو رهایی جوید ؛ تویی تکیه گاه و امید من و پناهجای و گریزگاه و ملجأ و مایه نجات من .

امام صادق علیه السلام از دعایی که پس از استخاره (/ طلب خیر کردن از خدا) می خواند : بار خدایا ! تو مردمانی را آفریده ای که برای حرکات و سَکَنات خود و اقدامات و تصمیم گیری هایشان ، به طالع اختران پناه می برند ؛ لیکن مرا چنان آفریده ای که از پناه بردن به آنها و تعیین نیک و بد از طریق آنها ، به پیشگاه تو برائت می جویم و یقین دارم که تو ، هیچ کس را از طریق جایگاه های اختران ، بر غیب خویش آگاه نساخته ای و راه رسیدن به تأثیرات آنها را بر کسی هموار نکرده ای . تو قادری که اختران را در مدارهایشان ، از سعد بودن عام و خاص به نحوست ، و از نحوست همگانی و موردی ، به سعد بودن منتقل کنی ؛ زیرا که تو آنچه را بخواهی ، پاک می کنی و آنچه را بخواهی ، نگه می داری ، و لوح محفوظ (مامنامه) در نزد توست .

2 / 2خواستن و کوشیدنامام علی علیه السلام :ستایش ، خدایی را که بازگشت آفریدگان و فرجام کارها به سوی اوست . او را بر احسان شگرفش می ستاییم ... و به او چونان ایمان کسی که از سرِ یقین بدو امیدوار است ... و خواهان و کوشان به او پناه برده است ، ایمان داریم .

.

مصباح الزائر فيما يُدعى بِهِ بَعدَ زِيارَهِ الإمامِ الكاظِمِ عليه السلام : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحُرمَهِ مَن عاذَ بِکَ مِنکَ ، ولَجَأَ إلى عِزِّکَ ... أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ولا تَرُدَّنى مِن هذَا المَقامِ خائِبا ، فَإِنَّ هذا مَقامٌ تُغفَرُ فيهِ الذُّنوبُ العِظامُ ، وتُرجى فيهِ الرَّحمَهُ مِنَ الکَريمِ العَلّامِ ، مَقامٌ لا يَخيبُ فيهِ السّائِلونَ ، ولا يُجبَهُ بِالرَّدِّ الرّاغِبونَ ، مَقامُ مَن لَاذَ بِمَولاهُ رَغبَهً ، وَتَبَتَّلَ إلَيهِ رَهبَهً . (1)

2 / 3تَركُ الشَّهوَهِالإمام الرضا عليه السلام :مَن تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ولَم يَترُکِ الشَّهَواتِ ، فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ . (2)

2 / 4التَّوَسُّلُ بِتِلکَ الأَسماءِالكتاب«وَ إِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَ رَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ» . (3)

«قَالَتْ إِنِّى أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنکَ إِن كُنتَ تَقِيًّا» . (4)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ» . (5)

.

1- .مصباح الزائر : ص 383 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 18 ح 10 .
2- .كنز الفوائد : ج 1 ص 330 عن أيّوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص 59 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 110 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11 .
3- .الدخان : 20 .
4- .مريم : 18 .
5- .الناس : 1 3 .

2 / 3 ترک شهوت

2 / 4 متوسّل شدن به این نام ها

مصباح الزائر در دعایی که پس از زیارت امام کاظم علیه السلام خوانده می شود : بار خدایا ! به حرمت کسی که از تو به تو پناه آورده و دست به دامن عزّت تو گشته است ... از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و مرا از این مکان [شریف] ، ناکام باز مگردانی ؛ زیرا این جا مکانی است که گناهان بزرگ ، در آن آمرزیده می شود و از بزرگوار دانا ، امید رحمت می رود . [این جا]مکانی است که در آن، درخواست کنندگان ، نومید بر نمی گردند . و خواهندگان ، پاسخ رد نمی شوند ؛ مکان کسی است که امیدوارانه ، به سَروَرش پناه آورد و بیمناکانه ، به درگاه او زاری کرد .

2 / 3ترک شهوتامام رضا علیه السلام :هر که از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد ، امّا ترک شهوات نکند ، در واقع ، خود را ریشخند کرده است .

2 / 4متوسّل شدن به این نام هاقرآن :«و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا ، سنگباران کنید» .

«[مریم] گفت : «اگر پرهیزگاری ، من از تو به خدای مهرگستر ، پناه می برم»» .

«بگو : «پناه می برم به پروردگار مردم ، پادشاه مردم ، معبود مردم»» .

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله أَنَّهُ كانَ يَقولُ : أعوذُ بِعِزَّتِکَ الَّذى لا إلهَ إلّا أنتَ ، الَّذى لا يَموتُ ، وَالجِنُّ وَالإِنسُ يَموتونَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِنورِ قُدسِکَ ، وعَظَمَهِ طَهارَتِکَ ، وبَرَکَهِ جَلالِکَ ، مِن کُلِّ آفَهٍ وعاهَهٍ ، ومِن طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، إلّا طارِقا يَطرُقُ بِخَيرٍ ... . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ . . . أعوذُ بِنورِ وَجهِکَ الَّذى أشرَقَت لَهُ الظُّلُماتُ وصَلَحَ عَلَيهِ أمرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ أن تُنزِلَ بى غَضَبَکَ ، أو تُحِلَّ عَلَىَّ سَخَطَکَ ، لَکَ العُتبى (3) حَتّى تَرضى ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِکَ . (4)

صحيح البخارى عن جابر بن عبد اللّه :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ» قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أعوذُ بِوَجهِکَ ، فَقالَ : «أَوْمِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أعوذُ بِوَجهِکَ ، قالَ : «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا» 5 فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : هذا أيسَرُ . (5)

.

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2688 ح 6948 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 1 ص 485 ح 2123 .
2- .مُهَج الدعوات : ص 95 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 212 ح 8 ؛ تاريخ دمشق : ج 51 ص 319 ح 10898 نحوه .
3- .«لک العتبى» : بمعنى المؤاخذه . المعنى : أنت حقيقٌ بأن تؤاخذنى بسوء عملى (مجمع البحرين : ج 2 ص 1159 «عتب») .
4- .الدعاء للطبرانى : ص 315 ح 1036 ، تاريخ دمشق : ج 49 ص 152 ح 10514 كلّها عن عبد اللّه بن جعفر ، كنز العمّال : ج 2 ص 202 ح 3756 .
5- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2694 ح 6971 و ص 2667 ح 6883 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 261 ح 3065 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 412 ح 7731 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 40 ح 14320 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 203 ح 7220 .

حدیث :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته می گفت : پناه می برم به عزّت تویی که معبودی جز تو نیست ؛ همو که هرگز نمی میرد ، در حالی که جِن و انس می میرند !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! پناه می برم به روشنایی قُدسَت ، و شگرفی پاکی ات ، و افزونی شکوهت ، از هر بیماری و معلولیّتی ، و از در آمدن بلاهای شب و روز بر من ، مگر آنچه برای خیر درآید ... .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! ... من ، به روشنایی رویت که تاریکی ها از آن ، روشن شد و کار دنیا و آخرت ، با آن ساز آمد ، پناه می برم از این که خشمت را بر من ، فرود آوری یا مورد ناخشنودی ات قرارم دهی . از تو پوزش می طلبم ، چندان که خشنود شوی . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری تو .

صحیح البخاری به نقل از جابر بن عبد اللّه : چون این آیه فرود آمد : «بگو : او تواناست که از بالای سرتان ، عذابی را بر شما فرستد» ، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : پناه می برم به سوی تو» و چون خداوند فرمود : «یا از زیر پاهایتان» ، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : «پناه می برم به روی تو» و [چون]خداوند فرمود : «یا شما را ، گروه گروه ، به هم اندازد» ، (1) پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : «این یکی ، آسان تر است» .

.

1- .شیخ طبرسی قدس سره می گوید : «یا شما را ، گروه گروه ، به هم اندازد» ، یعنی شما را به گروه ها و فرقه هایی با گرایش ها و عقاید گوناگون ، تقسیم کند ، به طوری که گروه واحد و یک پارچه ای نباشید و اتّحاد نداشته باشید . به قولی ، منظور این است که شما را به خودتان ، وا می گذارد و الطافش را که به آن ایمان دارید ، از شما دریغ می دارد و این محرومیت از الطاف به سبب گناهان پیشین شماست . به قولی ، مقصود این است که با افکندن عداوت و تعصّب میان شما ، شما را به جانِ یکدیگر می اندازد . این قول از امام صادق علیه السلام روایت شده است .

الإمام علىّ عليه السلام :رَقَى النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله حَسَنا وحُسَينا فَقالَ : اُعيذُكُما بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ، وأسمائِهِ الحُسنى كُلِّها عامَّةً ، مِن شَرِّ السّامَّهِ (1) وَالهامَّهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ عَينٍ لامَّهٍ ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ . ثُمَّ التَفَتَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إلَينا فَقالَ : هكَذا كانَ يُعَوِّذُ إبراهيمُ إسماعيلَ وإسحاقَ عليهم السلام . (2)

عنه عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ : نَعوذُ بِرَبٍّ قَديرٍ مِن شَرِّ كُلِّ مَصيرٍ ... عُذتُ بِرَبٍّ رَحيمٍ مِن شَرِّ كُلِّ رَجيمٍ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ : . . . فَإن يَكُ ذلِكَ يا إلهى مِن سَخَطِكَ عَلَىَّ ، فَأعوذُ بِحِلمِكَ مِن سَخَطِكَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ هذا مَقامُ العائِذِ بِكَ ، اللّائِذِ بِعَفوِكَ ، المُستَجيرِ بِعِزِّ جَلالِكَ ، قَد رَأى أعلامَ قُدرَتِكَ ، فَأرِهِ آثارَ رَحمَتِكَ . (5)

عنه عليه السلام لِأَبى بَصيرٍ : قُل أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِقُدرَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَلالِ اللّهِ ، وأعوذُ بِعَظَمَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِعَفوِ اللّهِ ، وأعوذُ بِمَغفِرَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِرَحمَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِسُلطانِ اللّهِ الَّذى هُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وأعوذُ بِكَرَمِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَمعِ اللّهِ ، مِن شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ ، وكُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ ، وشَرِّ كُلِّ قَريبٍ أو بَعيدٍ أو ضَعيفٍ أو شَديدٍ ، ومِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ وَالعامَّهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ صَغيرَهٍ أو كَبيرَهٍ ، بِلَيلٍ أو نَهارٍ ، ومِن شَرِّ فُسّاقِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، ومِن شَرِّ فَسَقَهِ الجِنِّ وَالإِنسِ . (6)

.

1- .السّامَّهُ : ما يسُمُّ ولا يقتلُ ، مثل العقرب والزّنبور ونحوهما . والجمع سوامّ (النهايه : ج 2 ص 404 «سمم») .
2- .الكافى : ج 2 ص 569 ح 3 عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّه الداعى : ص 265 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 306 ح 67 .
3- .المصباح للكفعمى : ص 970 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 342 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 19 ص 142 نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 212 ح 44234 .
4- .الدعوات : ص 176 ح 491 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 137 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .

5- .مُهَج الدعوات : ص 228 عن الربيع ، بحار الأنوار : ج 94 ص 278 ح 1 .

6- .الكافى : ج 2 ص 569 ح 2 عن أبى بصير و ص 537 ح 8 عن معاويه بن وهب ، طبّ الأئمّه عليهم السلام : ص 120 عن يونس بن يعقوب عن الإمام الباقر [أو] الإمام الصادق عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 127 ح 9 .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهماالسلام را با این جملات ، تعویذ کرد : «شما دو تن را در پناه کلمات تامّ خدا و همه نام های نیکوی او درآوردم ، از گزند هر گزنده و خزنده زهرداری ، و از گزند هر چشمِ بدی ، و از گزند هر حسودی ، آن گاه که حسادت ورزد . پیامبر صلی اللهَ علیه و آله سپس رو به ما کرد و فرمود : «ابراهیم علیه السلام این چنین اسماعیل و اسحاق علیهماالسلام را تعویذ می کرد» .

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش : پناه می بریم به پروردگار توانا ، از شرّ هر فرجامی ! ... پناه بردم به پروردگار مهربان ، از شرّ هر رانده شده ای [از درگاه الهی] !

امام زین العابدین علیه السلام دریکی از دعاهایش : ... معبود من ! اگر این ، از خشم و ناخشنودی تو بر من باشد ، پس من از خشم تو به بردباری ات پناه می برم .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! این ، جایگاه کسی است که به تو پناهنده گشته و به بخشایش تو ، پناه آورده است و از عزّت جلال تو ، حمایت می طلبد . نشانه های قدرت تو را دیده است . پس تو نیز نشانه های مهربانی ات را به او بنمایان .

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر : بگو : «پناه می برم به عزّت خدا ! پناه می برم به توانایی خدا ! پناه می برم به شکوه خدا ! پناه می برم به بزرگی خدا ! پناه می برم به گذشت خدا ! پناه می برم به آمرزش خدا ! پناه می برم به مِهر خدا ! پناه می برم به سلطنت خدایی که بر هر چیزی چیره و تواناست ! پناه می برم به بزرگواری خدا ! پناه می برم به تمامی خدا ، از شرّ هر گردنکش خودکامه ، و هر شیطان متمرّد ، و از شرّ هر نزدیک [و خویشی] یا دور [و بیگانه ای] یا ناتوانی یا نیرومندی ، و از گزند گزندگان و خزندگان و همگان ، و از گزند هر جنبنده ای کوچک یا بزرگ ، در شب یا روز ، و از گزند نابه کاران عرب و غیر عرب ، و از گزند نابه کاران جنّ و اِنس !» .

.

موسى عليه السلام لَمّا وَقَفَ عَلى فِرعَونَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِخَيرِکَ مِن شَرِّهِ ، وأسأَلُکَ بِخَيرِکَ مِن خَيرِهِ . (1)

المصنّف لابن أبى شيبه عن زيد العمى :لَمّا رَأى يوسُفُ عليه السلام عَزيزَ (2) مِصرَ ، قالَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِخَيرِکَ مِن خَيرِهِ ، وأعوذُ بِقُوَّتِکَ مِن شَرِّهِ . (3)

2 / 5الاِجتِماعُالإمام الصادق عليه السلام :مَا اجتَمَعَ ثَلاثَةٌ مِنَ المُؤمِنينَ فَصاعِدا ، إلّا حَضَرَ مِنَ المَلائِکَهِ مِثلُهُم ؛ فَإن دَعَوا بِخَيرٍ أمَّنوا ، وإن استَعاذوا مِن شَرٍّ دَعَوُا اللّهَ لِيَصرِفَهُ عَنهُم ، وإن سَأَلوا حاجَهً تَشَفَّعوا إلَى اللّهِ وسَأَلوهُ قَضاها . (4)

2 / 6صيغَهُ الاِستِعاذَهِعوالى اللآلى عن عبد اللّه بن مسعود :قَرَأتُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ ، فَقالَ لى : يَابنَ اُمِّ عَبدٍ ، قُل : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ، هکَذا أقرَأنيهِ جَبرَئيلُ . (5)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 370 .
2- .عَزِيز کأمير : المَلِکُ ؛ مأخوذ من العِزّ وهو الشدَّهُ والقهر (تاج العروس : ج 8 ص 105 «عزز») .
3- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 145 ح 1 ، الدعاء للطبرانى : ص 324 ح 1062 ، تفسير القرطبى : ج 9 ص 211 ؛ مجمع البيان : ج 5 ص 370 ، بحار الأنوار : ج 12 ص 294 نقلاً عن العرائس وفيها «بک» بدل «بقوّتک» .
4- .الكافى : ج 2 ص 187 ح 6 عن غياث بن إبراهيم .
5- .عوالى اللآلى : ج 2 ص 47 ح 124 ، مستدرک الوسائل : ج 4 ص 265 ح 4658 ؛ تفسير القرطبى : ج 1 ص 87 نحوه .

2 / 5 گرد هم آمدن

2 / 6 عبارت پناه خواهی

موسی علیه السلام آن گاه که در برابر فرعون قرار گرفت : بار خدایا ! از بدی او به خوبی تو پناه می برم و به خوبی خودت ، خوبی او را از تو می طلبم .

المصنف ، ابن ابی شیبه به نقل از زید عمّی :چون یوسف علیه السلام چشمش به عزیز (1) مصر افتاد ، گفت : «بار خدایا ! به خوبی خودت ، خوبی او را از تو می طلبم و از شرّ او ، به نیروی تو پناه می برم» .

2 / 5گرد هم آمدنامام صادق علیه السلام :هیچ گاه سه مؤمن یا بیشتر ، گِرد هم نمی آیند ، مگر این که به همان اندازه ، از فرشتگان [در جمعشان] حاضر می شوند ، و چون آن مؤمنان ، دعای خیری کنند ، فرشتگان ، «آمین» می گویند ، و اگر از شرّی [به خدا]پناه جویند ، فرشتگان ، دعا می کنند تا خدا ، آن شر را از آنان بگردانَد ، و اگر حاجتی درخواست کنند ، فرشتگان ، نزد خداوند شفاعت می نمایند و برآورده شدن آن را از او می خواهند .

2 / 6عبارت پناه خواهیعوالی اللّآلی به نقل از عبد اللّه بن مسعود : نزد پیامبر خدا به قرائت پرداختم و گفتم : پناه می برم به خدای شنوای دانا ! به من فرمود : «ای پسر امّ عبد ! بگو : پناه می برم به خدا ، از شیطان رانده شده ! . جبرئیل علیه السلام این گونه به من خواندن آموخت .

.

1- .عزیز ، یعنی پادشاه ، و مأخوذ از «عزّ» است ، به معنای نیرو و چیرگی .

تفسير العيّاشي عن سماعه عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ : «فَإِذَا قَرَأتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» (1) : قُلتُ : كَيفَ أقولُ ؟ قالَ : تَقولُ : «أستَعيذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» . (2)

2 / 7هَيئَةُ الاِستِعاذَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَأَلتُمُ اللّهَ عز و جل ، فَاسألوهُ بِباطِنِ الكَفَّينِ ، وإذَا استَعَذتُموهُ ، فَاستَعيذوهُ بِظاهِرِهِما . (3)

مسند ابن حنبل عن خلّاد بن السائب الأنصارى :أنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا سَأَلَ جَعَلَ باطِنَ كَفَّيهِ إلَيهِ ، وإذَا استَعاذَ جَعَلَ ظاهِرَهُما إلَيهِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا سَأَلتَ اللّهَ فَاسأَلهُ بِبَطنِ كَفَّيكَ ، وإذا تَعَوَّذتَ فَبِظَهرِ كَفَّيكَ ، وإذا دَعوتَ فَبِإصبَعَيكَ . (5)

الكافى عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الدُّعاءِ ورَفعِ اليَدَينِ ، فَقالَ : عَلى أربَعَهِ أوجُهٍ : أمَّا التَّعَوُّذُ فَتَستَقبِلُ القِبلَهَ بِباطِنِ كَفَّيكَ ، وأمَّا الدُّعاءُ فِى الرِّزقِ فَتَبسُطُ كَفَّيكَ وتُفضى بِباطِنِهما إلَى السَّماءِ ، وأمَّا التَّبَتُّلُ (6) فَإيماءٌ بِإصبَعِكَ السَّبّابَهِ ، وأمَّا الاِبتِهالُ (7) فَرَفعُ يَدَيكَ تُجاوِزُ بِهما رَأسَكَ ، ودُعاءُ التَّضَرُّعِ أن تُحَرِّكَ إصبَعَكَ السَّبّابَهَ مِمّا يَلى وَجهَكَ ، وهُوَ دُعاءُ الخيفَهِ . (8)

.

1- .النحل : 98 .
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 270 ح 67 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 255 ح 122 .
3- .الجعفريّات : ص 226 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 187 ح 2 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 565 ح 16564 ، كنز العمّال : ج 7 ص 72 ح 18018 .
5- .قرب الإسناد : ص 145 ح 521 عن أبى البخترى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 337 ح 2 .

6- .تَبَتّلَ إلى العباده : تفرّغ لها وانقطع (المصباح المنير : ص 35 «بتل») .
7- .الابتهالُ : التضرَّعُ والمبالغه فى السؤال (النهايه : ج 1 ص 167 «بهل») .
8- .الكافى : ج 2 ص 481 ح 5 ، عدّه الداعى : ص 183 وفيه «على خمسه أوجه» بدل «على أربعه أوجه» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 15 ح 2027 عن هارون بن خارجه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 339 ح 8 .

2 / 7 چگونگی پناه بردن

تفسیر العیّاشی به نقل از سماعه امام صادق علیه السلام ، در باره این سخن خداوند : «پس هر گاه قرآن قرائت کردی ، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر» : [سماعه گوید :]گفتم : چگونه بگویم؟ فرمود : «می گویی : پناه می برم به خدای شنوای دانا ، از شیطان رانده شده ! » .

2 / 7چگونگی پناه بردنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه از خدا درخواست کردید ، با کف دست هایتان از او بخواهید و هرگاه از او پناه خواستید ، با پشتِ دست هایتان از او پناه بخواهید .

مسند ابن حنبل به نقل از خلّاد بن سائب انصاری : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه [از خداوند]درخواست می کرد ، کفِ دو دستش را به سوی او (به سَمت آسمان) می کرد و هرگاه پناه می خواست ، پشت دست هایش را به جانب او (به جانب آسمان) قرار می داد .

امام علی علیه السلام :هرگاه از خدا درخواست کردی ، با کف دستانت از او درخواست کن و هرگاه پناه خواستی ، با پشت دستانت پناه ببر و هرگاه دعا کردی ، با [بلند کردن]دو انگشتت ، دعا کن .

الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام در باره دعا کردن و بالا بردن دست ها پرسیدم . فرمود : بر چهار گونه است : برای پناه بردن به خدا ، کف دست هایت را به سوی قبله می کنی ، برای دعا کردن جهت روزی ، دستانت را می گشایی و کفِ آنها را به سوی آسمان می بری ، برای تبتّل، (1) با انگشت نشانه ، اشاره می شود و برای ابتهال، (2) دست هایت را بلند می کنی ، به طوری که از سرت بگذرانی . دعای تضرّع هم این است که انگشت نشانه ات را در برابر صورتت حرکت می دهی ، و این ، دعای ترس است .

.

1- .عبارت «تبتّل إلی العباده» که در روایت آمده ، یعنی با تمام وجود ، به عبادت روی آورد و خود را وقف عبادت کرد .
2- .ابتهال ، یعنی التماس و درخواست کردن و پافشاری بر آن ، نیز چیزی را با زاری خواستن .

الكافي عن محمّد بن مسلم وزراره :قُلنا لِأَبي عَبدِ اللّهِ عليه السلام : كَيفَ المَسأَلَهُ إلَى اللّهِ تَبارَکَ وتَعالي ؟ قالَ : تَبسُطُ کَفَّيکَ . قُلنا : کَيفَ الاِستِعاذَهُ ؟ قالَ : تُفضي بِکَفَّيکَ . وَالتَّبَتُّلُ الإِيماءُ بِالإِصبَعِ ، وَالتَّضَرُّعُ تَحريکُ الإِصبَعِ ، وَالاِبتِهالُ أن تَمُدَّ يَدَيکَ جَميعا . (1)

راجع : نهج الدعاء : ص 218 (توضيح حول الأحوال المتناسبه للدعاء) .

.

1- .الکافی : ج 2 ص 481 ح 7 .

الکافی به نقل از محمّد بن مسلم و زراره : به امام صادق علیه السلام گفتیم : درخواست کردن از خداوند تبارک و تعالی به چه نحو است؟ فرمود : «کفِ دستانت را می گشایی» . گفتیم : پناه خواستن ، به چه نحو است؟ فرمود : «کف دستانت را به سوی آسمان می کنی . در تبتّل ، با انگشت ، اشاره می کنی ، در تضرّع ، انگشت[های دست هایت] را تکان می دهی و در ابتهال ، هر دو دستت را با هم می کشی» .

ر . ک : نهج الدعاء : ج 1 ص 407 (توضیحی در باره حالت های متناسب با نیایش) .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : برکات الاستعاذه3 / 1التَّحَصُّنُ فی حِصنِ اللّهرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل قالَ : مَن عادی لی وَلِیّا فَقَد آذَنتُهُ بِالحَربِ ، وما تَقَرَّبَ إلَیَّ عَبدی بِشَیءٍ أحَبَّ إلَیَّ مِمَّا افتَرَضتُ عَلَیهِ ، ولا یَزالُ عَبدی یَتَقَرَّبُ إلَیَّ بِالنَّوافِلِ حَتّی اُحِبَّهُ ، فَإذا أحبَبتُهُ کُنتُ سَمعَهُ الَّذی یَسمَعُ بِهِ ، وبَصَرَهُ الَّذی یُبصِرُ بِهِ ، ویَدَهُ الَّتی یَبطِشُ بِها ، ورِجلَهُ الَّتی یَمشی بِها ، وإن سَألَنی لَاُعطِیَنَّهُ ، ولَئِنِ استَعاذَنی لَاُعیذَنَّهُ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :إلهی ، مَن ذَا الَّذِی استَصرَخَکَ فَلَم تُصرِخهُ ! إلهی ، مَنِ الَّذِی استَغفَرَکَ فَلَم تَغفِر لَهُ ! إلهی ، مَنِ الَّذِی استَعاذَ بِکَ فَلَم تُعِذهُ ! (2)

عنه صلی الله علیه و آله مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ لِلإمامِ عَلِیٍّ علیه السلام : . . . وأنتَ جارُ مَن لاذَ بِکَ وتَضَرَّعَ إلَیکَ ، عِصمَهُ مَنِ اعتَصَمَ بِکَ . (3)

.

1- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2385 ح 6137 ، السنن الکبری : ج 3 ص 482 ح 6395 و ج 10 ص 370 ح 20980 ، تفسیر ابن کثیر : ج 4 ص 508 ، تفسیر القرطبی : ج 6 ص 135 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 7 ص 770 ح 21327 .
2- .بحار الأنوار : ج 90 ص 342 ح 54 نقلاً عن اختیار ابن الباقی .
3- .مُهَج الدعوات : ص159 عن الحرث بن عمیر عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 333 ح 71 .

3 / 1 جای گرفتن در دژ خداوند

فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا3 / 1جای گرفتن در دژ خداوندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود : «هر که با دوست من ، دشمنی کند ، به او اعلان جنگ می دهم . بهترین وسیله تقرّب بنده ام به من ، چیزی است که بر او واجب ساخته ام . بنده ام از طریق نافله ها ، پیوسته به من نزدیک می شود تا آن جا که دوستدار او می شوم ، و چون دوستدار [و عاشقش] شدم ، گوش او می شوم که با آن می شنود ، و چشم او که با آن می بیند ، و دست او که با آن کار می کند و پایش که با آن راه می رود . (1) اگر از من بخواهد ، حتما به او می دهم و اگر از من پناه بخواهد ، بی گمان ، پناهش می دهم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناجات : معبود من ! کیست که از تو فریاد خواسته باشد و تو به فریادش نرسیده باشی؟ ! معبود من ! کیست که از تو آمرزش خواسته باشد و تو او را نیامرزیده باشی؟ ! معبود من ! کیست که از تو پناه خواسته باشد و تو پناهش نداده باشی؟ !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که آن را به امام علی علیه السلام آموخت : ... آن که به تو پناه آورَد و به درگاه تو زاری کند ، تو از او حمایت می کنی ، و آن که دست به دامن تو شود ، تو نگهدار اویی.

.

1- .یعنی : من ، همه چیز او می شوم و عشق به من ، تمام وجود او را فرا می گیرد و همه حرکات و سکناتش خدایی می شود . م .

عنه صلى الله عليه و آله :قَضَى اللّهُ عَلى نَفسِهِ أَنَّهُ مَن آمَنَ بِهِ هَداهُ ... ومَنِ التَجَأ إلَيهِ آواهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ : يا غايَةَ الطّالِبينَ ، يا ظَهرَ اللّاجِئينَ ، يا مُدرِكَ الهارِبينَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله مِمَّا استَعاذَ بِهِ فى يَومِ وادِى القُرى : لا يَذِلُّ مَنِ اعتَمَدَ عَلَيكَ ، ولا يُضامُ (3) مَن لَجَأ إلَيكَ ، ولا يَفتَقِرُ سائِلُكَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَجرِ وفِى المُهِمّاتِ : يا يَدَ الواثِقينَ ، يا ظَهرَ اللّاجينَ ، يا غِياثَ المُستَغيثينَ ، ويا جارَ المُستَجيرينَ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ لُقمانَ الحَكيمَ قالَ لِابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ : يا بُنَيَّ مَنِ الَّذِى ابتَغَى اللّهَ عز و جل فَلَم يَجِدهُ ؟! ومَن ذَا الَّذى لَجَأَ إلَى اللّهِ فَلَم يُدافِع عَنهُ ؟! (6)

عنه عليه السلام فى حِرزٍ لَهُ :رَبِّ وأعِذنى بِعِياذِكَ ، بِكَ امتَنَعَ (7) عائِذُكَ . (8)

عنه عليه السلام فى حِجابِهِ عليه السلام : أمِنَ مَنِ استَجارَ بِاللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (9)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 11 ص 218 ح 12792 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللّباب .
2- .المصباح للكفعمى : ص 344 ، البلد الأمين : ص 408 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 393 .
3- .الضَّيمُ : الظُّلم ، وضامَهُ حقَّه ضَيما : نقصه إيّاه (لسان العرب : ج 12 ص 7359 «ضيم») .
4- .مُهَج الدعوات : ص 100 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 218 ح 17 .
5- .البلد الأمين : ص 361 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 335 ح 72 وراجع مصباح المتهجّد : ص 544 ح 632 والإقبال : ج 1 ص 92 والمصنّف لابن

أبی شیبه : ج 7 ص 85 ح 8 وتاریخ دمشق : ج 34 ص 385 .
6- .کنز الفوائد : ج 2 ص 68 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 433 ح 25 وفیه عن أبی ذرّ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله .
7- .المانع : من صفات اللّه تعالی ، والمعنی أنّه تبارک وتعالی یمنعُ أهلَ دینه وینصرهُم ؛ إذ لا مَنَعَهَ لمن لم یمنعه اللّهُ ، ولا یمتنع من لم یکن اللّه له مانعا (لسان العرب : ج 8 ص 343 «منع») .
8- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 294 ح 2652 ، مُهَج الدعوات : ص 40 عن الفضل بن الربیع عن الإمام الکاظم علیه السلام وفیه «فبعیاذک» بدل «بک» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 195 .
9- .مُهَج الدعوات : ص 355 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 373 ح 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، وظیفه خود قرار داده است که هر کس را به او ایمان آورَد ، هدایت کند ... و هر کس را به او پناه ببرد ، پناه دهد .

پیامبرِ خدا صلی الله علیه و آله در دعای جوشن کبیر : ای مقصد نهاییِ جویندگان ، ای پشتیبان پناهندگان ، ای گیرنده گریختگان !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که در حادثه وادی القُری ، با آن ، خود را در پناه خدا درآورد : آن که به تو تکیه کند ، خوار نگردد ، و آن که به تو پناه آورَد ، ستم نبیند ، و درخواست کننده از تو ، فقیر نشود .

امام علی علیه السلام در دعایی که بعد از نماز صبح [یا : بعد از سپیده] و در گرفتاری ها ، آن را می خواند : ای دست اعتماد کنندگان ، ای پشتِ پناهندگان ، ای کمکِ کمک خواهان ، و ای پناهِ پناهجویان !

امام علی علیه السلام: لقمان حکیم در اندرز به فرزندش گفت : «پسرم ! کیست که خدای را جست و نیافت؟ ! و کیست که به خدا پناه بُرد و خدا از او دفاع نکرد؟ !».

امام علی علیه السلام در یکی از حِرزهایش : پروردگارا ! مرا در پناهگاهت پناه ده ، که پناهنده تو ، در حمایت توست .

امام علی علیه السلام در تعویذش : کسی که از خدا پناه جوید ، در امان است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاریِ خدا .

.

عنه علیه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ علیه السلام عِندَ الشَّدائِدِ ونُزولِ الحَوادِثِ : لا تَقرَعُ (1) القَوارِعُ (2) مَن لَجَأَ إلى مَعقِلِ (3) الاِنتِصارِ بِکَ . (4)

الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ علیه السلام فِی المَوقِفِ : یا ... ظَهرَ اللّاجِئینَ ، وجارَ المُستَجیرینَ ، وطالِبَ الغادِرینَ . (5)

عنه علیه السلام فی دُعاءٍ لَهُ : یا مَن قَصَدَهُ الضّالّونَ فَأَصابوهُ مُرشِدا ، وأَمَّهُ الخائِفونَ فَوَجَدوهُ مَعقِلاً ، ولَجَأَ إلَیهِ العائِذونَ (6) فَوَجَدوهُ مَوئِلاً (7) . (8)

عنه علیه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ فی دَفعِ کَیدِ الأَعداءِ : نادَیتُکَ یا إلهِی مُستَغیثا بِکَ ، واثِقا بِسُرعَةِ إجابَتِکَ ، عالِما أَنَّهُ لا یُضطَهَدُ مَن أوی إلی ظِلِّ کَنَفِکَ (9) ، ولا یَفزَعُ مَن لَجَأَ إلی مَعقِلِ انتِصارِکَ ، فَحَصَّنتَنی مِن بَأسِهِ بِقُدرَتِکَ . (10)

عنه علیه السلام فی مُناجاهِ لَهُ : سَیِّدی ... أعلَمُ أَنَّکَ لا تَکِلُ اللّاجینَ إلَیکَ إلی غَیرِکَ ، ولا تُخلِی الرّاجینَ لِحُسنِ تَطَوُّلِکَ مِن نَوافِلِ بِرِّکَ . (11)

.

1- .فی المصدر : «یقرع» ، والتصویب من بحار الأنوار .
2- .قَرَعَهُ أمر : إذا أتاه فجأةً ، وجمعها : قوارع (النهایه : ج 4 ص 45 «قرع») .
3- .المَعاقِلُ : الحُصون ، واحدها مَعقِل (النهایه : ج 3 ص 281 «عقل») .
4- .مُهَج الدعوات : ص 162 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 260 ح 33 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 691 ح 771 ، المزار للمفید : ص 155 ، الإقبال : ج 2 ص 104 ، المصباح للکفعمی : ص 879 ، المزار الکبیر : ص 447 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 229 .
6- .فی بعض نسخ المصدر الخطّیه : «العائذون» کما أشار إلیه فی هامش المصدر ، وفی فتح الأبواب وبحار الأنوار : «العابدون» .
7- .المؤئِلُ : الملجأ (الصحاح : ج 5 ص 1838 «وأل») .
8- .الخرائج والجرائح : ج 1 ص 266 ح 9 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 142 ، فتح الأبواب : ص 247 نحوه وکلّها عن حمّاد بن حبیب الکوفی ، بحار الأنوار : ج 46 ص 40 .

9- .كَنَفُ اللّه : حِرزُهُ وسِتْرُهُ (تاج العروس : ج 12 ص 466 «كنف») .
10- .الصحيفه السجّاديّه : ص 213 الدعاء 49 ، الأمالى للمفيد : ص 241 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 16 ح 19 كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، مُهَج الدعوات : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 321 .
11- .بحار الأنوار : ج 94 ص 171 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

امام علی علیه السلام در دعایی برای هنگام سختی ها و هجوم حوادث : کسی که به دژِ یاری خواهی از تو پناه آورَد ، بلاهای ناگهانی ، او را در هم نمی کوبند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایی در موقوف (عرفات) :ای ... پشتیبان پناهندگان ، و حامی حمایت خواهان ، و تعقیب کننده پیمان شکنان !

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : ای آن که گم راهانْ سوی او شدند و او را راه نما یافتند ، بیمناکانْ آهنگ کوی او کردند و او را قلعه استوار یافتند و بازگشتگان ، به او پناه بردند و او را پناهگاه یافتند !

امام زین العابدین علیه السلام در دعا برای دفع نیرنگ دشمنان :تو را خواندم ای معبود من ! و از تو یاری خواستم ، و اطمینان داشتم که زود اجابت می کنی و دانستم که هر کس به سایه حمایت تو پناه آورَد ، به او ستم نخواهد شد و آن که به دژِ یاری خواهی از تو پناه برَد ، هراسی به او راه نخواهد یافت ، پس به قدرت خود ، مرا از آسیب او (دشمن) مصون داشتی .

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات : آقای من ! ... می دانم که تو پناهندگان به درگاهت را به غیر خود وا نمی گذاری ، و امیدواران به حسن بخششت را از فزونی های احسانت بی بهره نمی داری .

.

عنه علیه السلام :إلهی ومَولایَ وغایَةَ رَجائی ، أشرَقتَ مِن عَرشِکَ عَلی أرَضیکَ ومَلائِکَتِکَ وسُکّانِ سَماواتِکَ ، وقَدِ انقَطَعَتِ الأصواتُ وسَکَنَتِ الحَرَکاتُ ، وَالأحیاءُ فِی المَضاجِعِ کَالأمواتِ ، فَوَجَدتَ عِبادَکَ فی شَتّی الحالاتِ : فَمِنهُ (1) خائِفٌ لَجَأ إلَیکَ فَآمَنتَهُ ، ومُذنِبٌ دَعاکَ لِلمَغفِرَهِ فَأجَبتَهُ ، وراقِدٌ استَودَعَکَ نَفسَهُ فَحَفِظتَهُ ، وضالٌّ استَرشَدَکَ فَأرشَدتَهُ ، ومُسافِرٌ لاذَ بِکَنَفِکَ فَآوَیتَهُ ، وذو (2) حاجَهٍ ناداکَ لَها فَلَبَّیتَهُ، وناسِکٌ (3) أفنی بِذِکرِکَ لَیلَهُ فَأحظَیتَهُ (4) وبِالفَوزِ جازَیتَهُ ، وجاهِلٌ ضَلَّ عَنِ الرُّشدِ وعَوَّلَ عَلَی الجَلَدِ (5) مِن نَفسِهِ فَخَلَّیتَهُ . (6)

الإمام الصادق علیه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ فِی القُنوتِ : یا مَأمَنَ الخائِفِ ، وکَهفَ اللّاهِفِ ، وجُنَّهَ العائِذِ ، وغَوثَ اللّائِذِ ، خابَ مَنِ اعتَمَدَ سِواکَ ، وخَسِرَ مَن لَجَأ إلی دونِکَ . (7)

الکافی عن عبد اللّه بن أبان :دَخَلنا عَلی أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام فَسَأَلَنا : أفیکُم أحَدٌ عِندَهُ عِلمٌ عَمّی زَیدِ بنِ عَلِیٍّ ؟ فَقالَ رَجُلٌ مِنَ القَومِ : أنَا عِندی عِلمٌ مِن عِلمِ عَمِّکَ ؛ کُنّا عِندَهُ ذاتَ لَیلَهٍ فی دارِ مُعاوِیَهَ بنِ إسحاقَ الأنصارِیِّ إذ قالَ : اِنطَلِقوا بِنا نُصَلّی فی مَسجِدِ السَّهلَهِ . فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : وفَعَلَ ؟ فَقالَ : لا ، جاءَهُ أمرٌ فَشَغَلَهُ عَنِ الذَّهابِ . فَقالَ علیه السلام : أما وَاللّهِ لَو أعاذَ (8) اللّهَ بِهِ حَولاً لَأَعاذَهُ . (9)

.

1- .کذا فی المصدر ، والصواب : «فمنهم» .
2- .فی المصدر : «وذی حاجه» ، والصواب ما أثبتناه .
3- .النُّسْک والنُّسُک : الطاعه والعباده (النهایه : ج 5 ص 48 «نسک») .
4- .الحَظْوَهُ : بلوغ المرام (مجمع البحرین : ج 1 ص 425 «حظا») .
5- .الجَلَدُ : الصَّلابَهُ والجَلادهُ (لسان العرب : ج 3 ص 125 «جلد») .
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 130 ح 19 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .
7- .مُهَج الدعوات : ص 74 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 219 .
8- .الإعاذهُ بمعنی الاستعاذه ، کما تقول : أعوذُ باللّهِ (مرآه العقول : ج 15 ص 491) .
9- .الکافی : ج 3 ص 494 ح 1 ، المزار الکبیر : ص 133 ح 3 نحوه وفیه «لو استعاذ اللّه حولاً لأعاذه سنین» بدل «لو أعاذ اللّه به حولاً لأعاذه» ، بحار

الأنوار : ج 11 ص 57 ح 58 وراجع قصص الأنبياء : ص 79 ح 62 .

امام زین العابدین علیه السلام :معبودا و سَرورا و ای فرجامین امید من ! از فراز اورنگ خویش ، بر زمین هایت و فرشتگانت و ساکنان آسمانت تابیدی ، و آواها خاموش شد و جنبش ها آرام گرفت و زندگان در بسترها چونان مردگان شدند ، و تو بندگانت را در حالات گونه گون یافتی : یکی را ترسانی که به تو پناه آورده ، پس او را ایمن داشتی ، دیگری را گنهکاری که برای آمرزش ، تو را خوانده ، پس اجابتش کردی ، دیگری را خفته ای که جان خویش را به تو سپرده ، پس او را نگهداری کردی ، دیگری را گم راهی که از تو راه نمایی خواسته ، پس راه نمایی اش کردی ، دیگری را مسافری که به سایه تو پناه آورد ، پس پناهش دادی ، دیگری را نیازمندی که از تو نیاز خواسته ، پس نیازش را برآوردی ، دیگری را عبادتْ پیشه ای که شب خود را به یاد تو سپری کرده ، پس او را کام روا ساختی و رستگاری را به او پاداش دادی ، و دیگری را نادانی که از راه به در رفته و بر قدرت خویش تکیه کرده ، پس او را به خود وانهادی .

امام صادق علیه السلام در دعا هنگام قنوت : ای مأمن ترسان ، و پناه غمناک، و سپرِ پناهنده ، و کمک کننده حمایت خواه ! ناکام شد آن که به غیر تو تکیه کرد ، و زیان کرد آن که به جز تو پناه برد .

الکافی به نقل از عبداللّه بن ابان : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم . از ما پرسید : «آیا در میان شما کسی هست که در باره عمویم زید بن علی ، مطلبی بداند؟» . مردی از میان جمع گفت : من از عموی شما مطلبی می دانم . شبی در خانه معاویه بن اسحاق انصاری ، نزد زید بودیم که گفت : برویم در مسجد سهله نماز بگزاریم . امام صادق علیه السلام فرمود : «این کار را کرد؟». مرد گفت : خیر ، کاری برایش پیش آمد که او را از رفتن بازداشت . فرمود : «به خدا سوگند که اگر با آن [عمل] ، یک سال هم از خدا پناه خواسته بود ، به او پناه می داد». (1)

.

1- .یعنی : اگر به آن مسجد رفته بود و نماز می خواند و در آن جا از خداوند به مدّت یک سال پناه می خواست ، خداوند ، او را پناه می داد و به شهادت نمی رسید . م .

الإمام الهادى عليه السلام فى قُنوتِهِ : أنتَ اللّهُمَّ بِالمَرصَدِ مِنَ المَكّارِ (1) ، اللّهُمَّ وغَيرُ مُهمِلٍ مَعَ الإمهالِ ، وَاللاّئِذُ بِکَ آمِنٌ ، وَالرّاغِبُ إلَیکَ غانِمٌ ، وَالقاصِدُ اللّهُمَّ لِبابِکَ سالِمٌ . (2)

عنه علیه السلام فى قُنوتِهِ : یا مَن دَعاهُ المُضطَرّونَ فَأَجابَهُم ، ولَجَأَ إلَیهِ الخائِفونَ فَآمَنَهُم . (3)

3 / 2التَّنَعُّمُ بِرَحمَهِ اللّهالإمام علىّ علیه السلام :لا إلهَ إلَا اللّهُ الشّاکِرُ لِلمُطیعِ لَهُ ، المُملى لِلمُشرِکِ بِهِ ، القَریبُ مِمَّن دَعاهُ عَلى حالِ بُعدِهِ ، وَالبَرُّ الرَّحیمُ بِمَن لَجَأَ إلى ظِلِّهِ ، وَاعتَصَمَ بِحَبلِهِ . (4)

عنه علیه السلام :إلهى ، إنَّ مَن تَعَرَّفَ بِکَ غَیرُ مَجهولٍ ، ومَن لاذَ بِکَ غَیرُ مَخذولٍ ، ومَن أقبَلتَ عَلَیهِ غَیرُ مَملولٍ . (5) إلهى إنَّ مَنِ انتَهَجَ بِکَ لَمُستَنیرٌ ، وإنَّ مَنِ اعتَصَمَ بِکَ لَمُستَجیرٌ ، وقَد لُذتُ بِکَ یا إلهى فَلا تُخَیِّب ظَنّى مِن رَحمَتِکَ ، ولا تَحجُبنى عَن رَأفَتِکَ . (6)

.

1- .المکر : احتیال فى خفیه ، والمکرُ : الخدیعه والاحتیال ، ورجلٌ مکّارٌ : ماکِرٌ (لسان العرب : ج 5 ص 183 «مکر») .
2- .مُهَج الدعوات : ص 82 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 226 .
3- .مُهَج الدعوات : ص 83 ، المصباح للکفعمى : ص 188 عن الإمام الجواد علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 227 .
4- .البلد الأمین : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 139 ح 7 .
5- .فى المصدر : «مملوک» ، والتصویب من بحار الأنوار .
6- .الإقبال : ج 3 ص 298 عن الحسین بن خالویه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 98 ح 12 .

3 / 2 بهره مند شدن از رحمت خدا

امام هادی علیه السلام در قنوتش : تو خداوندا در کمین نیرنگبازانی ، و خدایا ! با آن که مهلت می دهی ، [آنان را]رها نمی کنی . آن که به تو پناه آورَد ، در امان است . آن که به تو علاقه داشته باشد ، سود می بَرد و آن که خدایا آهنگ درگاه تو کند ، در سلامت است.

امام هادی علیه السلام در قنوتش : ای کسی که درماندگان ، او را خواندند و پاسخشان داد و بیمناکان ، به او پناه بردند و در امانشان داشت .

3 / 2بهره مند شدن از رحمت خداامام علی علیه السلام :معبودی نیست جز خدایی که سپاس گزارِ فرمان بردار خویش است و به آن که بدو شرک ورزد ، فرصت می دهد و به آن که او را در حال دوری اش بخواند ، نزدیک است ، و به آن که به سایه او پناه برد و به ریسمان او چنگ زند ، دلسوز و مهربان است .

امام علی علیه السلام :معبود من ! آن که به تو شناخته شود ، ناشناخته نیست و آن که به تو پناه برد ، بی یاری نمی ماند و آن که تو به او روی آوری ، ملال آور نباشد . معبود من ! آن که به واسطه تو ، ره پوید ، در روشنایی حرکت می کند و آن که به تو پناه آورَد ، در پناه است ، و من به تو پناه آوردم ای معبود من ! ، پس امید مرا به رحمتت ، نومید مگردان و مرا از مهرورزی ات محروم مساز .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ : يا راحِمَ رَنَّهِ (1) العَليلِ ... أنتَ مُجيبُ مَن دَعا وراحِمُ مَن لاذَ بِكَ وشَكا ، أستَعطِفُكَ عَلَىَّ ، وأطلُبُ رَحمَتَكَ لِفاقَتى ، فَقَد غَلَبَتِ الاُمورُ قِلَّةَ حيلَتى . (2)

عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : يا خَيرَ مَن رَجاهُ الرّاجونَ ، وأرأَفَ مَن لَجَأَ إلَيهِ اللّاجونَ ، وأكرَمَ مَن قَصَدَهُ المُحتاجونَ ، ارحَمنى إذَا انقَطَعَ مَعلومُ عُمُرى . (3)

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إذا عَلِمَ اللّهُ عزّو جل مِن قَلبِكَ صِدقَ الاِلتِجاءِ إلَيهِ ، نَظَرَ إلَيكَ بِعَينِ الرَّأفَهِ وَالرَّحمَهِ وَاللُّطفِ ، ووَفَّقَكَ لِما يُحِبُّ ويَرضى . (4)

الكافى عن علىّ بن عيسى رفعه ، قال :إنَّ موسى عليه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فَقالَ لَهُ فى مُناجاتِهِ : يا موسى ، مُر عِبادِى يَدعونى عَلى ما كانَ ، بَعدَ أن يُقِرّوا لى أنّى أرحَمُ الرّاحِمينَ ... . فَمَن لَجَأَ إلَيكَ وَانضَوى إلَيكَ مِنَ الخاطِئينَ فَقُل : أهلاً وسَهلاً ، يا رَحبَ الفِناءِ (5) بِفِناءِ رَبِّ العالَمينَ ، وَاستَغفِر لَهُم ، وكُن لَهُم كَأَحَدِهِم ، وَلا تَستَطِل عَلَيهِم بِما أنَا أعطَيتُكَ فَضلَهُ . (6)

3 / 3السَّلامَهُ مِنَ الشَّيطانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، فَإنَّ مَن تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنهُ أعاذَهُ اللّهُ ، وتَعَوَّذوا مِن هَمَزاتِهِ (7) ونَفَخاتِهِ ونَفَثاتِهِ (8) . (9)

.

1- .الرَّنَّهُ : الصَّوتُ (الصحاح : ج 5 ص 2127 «رنن») .
2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 121 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 161 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
4- .مصباح الشريعه : ص 89 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 374 ح 40 .
5- .قد يُقرأ فى بعض نسخ الحديث : «بأرحب الفناء» والظاهر هو الأصحّ (هامش المصدر) . هذا وفى تحف العقول : «بأرحب الفناء نزلت بفناء ربّ العالمين» .

6- .الكافى : ج 8 ص 48 ح 8 ، تحف العقول : ص 495 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 38 ح 7 .
7- .الهمزُ : الغمز والضغط والدفع والضرب ، وفسَّر النبىّ صلى الله عليه و آله همز الشيطان بالمُوتهِ ، أى : الجنون ؛ لأنّه يحصلُ من نخسه وغمزه (القاموس المحيط : ج 2 ص 196 «همز») .
8- .النَّفثُ : شبه النفخ فى الرُّقيه ولا ريق معه ، فإن كان معه ريق فهو التّفل (تاج العروس : ج 3 ص 272 «نفث») .
9- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 584 ح 347 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 204 ح 29 .

3 / 3 ایمن ماندن از شیطان

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : ای رحم کننده بر ناله بیمار! ... تو آن را که بخوانَدَت ، پاسخ می دهی و بر آن که به تو پناه آورَد و شِکوه کند ، رحم می کنی . از تو می خواهم که بر من مهر بورزی ، و تقاضا دارم که بر بینوایی ام رحم آوری ؛ چرا که مشکلات ، بر ناچیزیِ چاره گریِ من چیره گشته اند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : ای بهترین کسی که امیدواران ، به او امید بسته اند و [ای]دلسوزترین کسی که پناهجویان ، به او پناه برده اند و [ای]آقاترین کسی که نیازمندان ، آهنگ درگاه او کرده اند! در آن هنگام که رشته عمر من بگسلد ، بر من رحم فرما .

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : هرگاه خداوند عز و جل بداند که از سویدای دل ، به او پناهنده گشته ای ، به دیده رأفت و مهربانی و لطف ، به تو می نگرد و تو را به آنچه دوست دارد و می پسندد ، توفیق می دهد .

الکافی به نقل از علی بن عیسی ، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است : خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود : «ای موسی! به بندگانم دستور بده ، پس از این که اقرار کردند که من مهربان ترین مهربانانم ، در هر حال [حتی با همه گناهان و خطاهایی که کرده اند] ، مرا بخوانند ... . پس هر کس از گنهکاران که به تو پناه آوْرْد و دست به دامن تو شد ، بگو : به فراخ ترین درگاه ، درگاه پروردگار جهانیان ، خوش آمدی ، و برایشان آمرزش بخواه و با آنان ، چونان یکی از خودشان باش و با آنچه برتری اش را من عطایت کرده ام ، بر آنان برتری مفروش» .

3 / 3ایمن ماندن از شیطانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از اهریمن رانده شده ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا هر که از او به خدا پناه ببرد ، خداوند او را در پناه می دارد . از فشارها و دمیدن ها و وسوسه های او ، [به خدا] پناه ببرید .

عنه صلى الله عليه و آله :إذا لُعِنَ الشَّيطانُ قالَ : لَعَنتَ مَلعونا ، وإذَا استَعَذتَ اللّهَ مِنهُ قالَ : كَسَرتَ ظَهرى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ قَرَأَ آخِرَ سورَهِ الحَشرِ ، بَعَثَ اللّهُ إلَيهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ يَطرُدونَ عَنهُ شَياطينَ الإِنسِ وَالجِنِّ ، إن كانَ لَيلاً حَتّى يُصبِحَ ، وإن كانَ نَهارا حَتّى يُمسِىَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن استَعاذَ بِاللّهِ فى كُلِّ يَومٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، وَكَّلَ اللّهُ تَبارَكَ وتعالى بِهِ مَلَكا يَذُبُّ (3) عَنهُ الشَّيطانَ ، كَما يَذُبُّ أحَدُكُمُ الغَريبَ مِنَ الإِبِلِ عَنِ الحَوضِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن رَجُلٍ يَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فى أوَّلِ لَيلِهِ وأوَّلِ نَهارِهِ ، إلّا عَصَمَهُ اللّهُ مِن إبليسَ وجُنودِهِ : بِاسمِ اللّهِ ذِى الشَّأنِ ، عَظيمِ البُرهانِ ، شَديدِ السُّلطانِ ، ما شاءَ اللّهُ كانَ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» اُجيرَ مِنَ الشَّيطانِ حَتّى يُمسِىَ . (6)

.

1- .كنز العمّال : ج 1 ص 486 ح 2127 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره .
2- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 122 نقلاً عن ابن مردويه عن أبى اُمامه ؛ بحار الأنوار : ج 92 ص 309 ح 3 .
3- .الذَّبُّ : المَنعُ والدَّفعُ (الصحاح : ج 1 ص 126 «ذبب») .
4- .الفردوس : ج 3 ص 603 ح 5890 عن أنس ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 376 ح 6135 نقلاً عن الشيخ أبى الفتوح الرازى فى تفسيره نحوه .
5- .تاريخ دمشق : ج 40 ص 268 ح 8109 عن أبى الزبير بن العوّام ، كنز العمّال : ج 2 ص 225 ح 3862 .
6- .كنز العمّال : ج 2 ص 161 ح 3578 نقلاً عن ابن السنى عن أنس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه شیطان لعنت شود ، می گوید : لعنت شده ای را لعنت کردی . هرگاه از او به خدا پناه ببری ، می گوید : کمرم را شکستی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس سه مرتبه از شیطان به خدا پناه ببرد و سپس پایان سوره حشر را بخواند ، خداوند هفتاد هزار فرشته به سوی او می فرستد که اهریمنانِ انس و جنّ را از او می رانند ؛ اگر شب باشد ، تا صبح ، و اگر روز باشد ، تا شب [شیاطین را از او دور می کنند] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در هر روز ، ده بار به خدا پناه برد ، خداوند تبارک و تعالی فرشته ای را بر او می گمارد که شیطان را از وی براند ، همان گونه که هر یک از شما شتر بیگانه را از آبگیر دور می سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مردی نیست که در آغاز شب و آغاز روزش این دعا را بخواند ، مگر آن که خداوند او را از اهریمن و لشکریانش مصون می دارد : «به نام خدایی که مقامش بلند ، برهانش بزرگ و سلطنتش نیرومند است . آنچه خدا بخواهد ، همان می شود . از شیطان به خدا پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که چون صبح کند ، بگوید : «به خدایِ شنوای دانا پناه می برم از اهریمن رانده شده» ، تا شب ، از گزند شیطان در پناه خدا خواهد بود .

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن تَعَوَّذَ مِنَ الشَّيطانِ عَشرَ مَرّاتٍ فى دُبُرِ صَلاهِ الغَداهِ ، بَعَثَ اللّهُ إلَيهِ مَلَكَينِ يَحرُسانِ بَيتَهُ حَتّى يُمسِىَ ، ومَن قالَها بَعدَ المَغرِبِ ، فَمِثلُها حَتّى يُصبِحَ . (1)

تفسير الطبرى عن يزيد بن قسيط :كانَتِ الأَنبِياءُ لَهُم مَساجِدُ خارِجَهٌ من قُراهُم ، فَإذا أرادَ النَّبِىُّ أن يَستَنبِئَ رَبَّهُ عَن شَىءٍ ، خَرَجَ إلى مَسجِدِهِ فَصَلّى ما كَتَبَ اللّهُ لَهُ ، ثُمَّ سَأَلَ ما بَدا لَهُ ، فَبَينَما نَبِىٌّ فى مَسجِدِهِ ، إذ جاءَ عَدُوُّ اللّهِ حَتّى جَلَسَ بَينَهُ وبَينَ القِبلَهِ ، فَقالَ النَّبِىُّ عليه السلام : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» . فَقالَ عَدُوُّ اللّهِ : أرَأَيتَ الَّذى تَعوذُ مِنهُ ، فَهُوَ هُوَ . فَقالَ النَّبِىُّ علَيه السلَام : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ، فَرَدَّدَ ذلِكَ ثَلاثَ مَرّاتٍ . فَقالَ عَدُوُّ اللّهِ : أخبِرنى بِأىِّ شَىءٍ تَنجو مِنّى ؟ فَقالَ النَّبِىُّ عليه السلام : بَل أخبِرنى بِأىِّ شَىءٍ تَغلِبُ ابنَ آدَمَ ؟ مَرَّتَينِ ، فَأَخَذَ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما عَلى صاحِبِهِ . فَقالَ النَّبِىُّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَعالى ذِكرُهُ يَقولُ : «إنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إلَا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (2) . قالَ عَدُوُّ اللّهِ : قَد سَمِعتُ هذا قَبلَ أن تولَدَ ! قالَ النَّبِىُّ عليه السلام : ويَقولُ اللّهُ تَعالى ذِكرُهُ : «وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ إنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (3) ، وإنّى وَاللّهِ ما أحسَستُ بِكَ قَطُّ إلَا استَعَذتُ بِاللّهِ مِنكَ . فَقالَ عَدُوُّ اللّهِ : صَدَقتَ ، بِهذا تَنجو مِنّى . فَقالَ النَّبِىُّ عليه السلام : فَأخبِرنى بِأىِّ شَىءٍ تَغلِبُ ابنَ آدَمَ ؟ قالَ : آخُذُهُ عِندَ الغَضَبِ ، وعِندَ الهَوى . (4)

.

1- .كنز العمّال : ج 2 ص 261 ح 3973 نقلاً عن أبى عمرو الزاهد محمّد بن عبد الواحد فى فوائده .
2- .الحِجر : 42 .
3- .الأعراف : 200 .
4- .تفسير الطبرى : ج 8 الجزء 14 ص 34 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 454 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 80 .

امام علی علیه السلام :هر کس در پی نماز صبح ، ده بار از شیطان [به خدا] پناه برد ، خداوند دو فرشته به سوی او می فرستد که تا شب ، خانه او را پاسداری کنند ، و هر کس بعد از نماز مغرب آن را بگوید ، تا صبح این چنین است.

تفسیر الطبری به نقل از یزید بن قسیط :پیامبران در بیرون از آبادی های خود ، مسجدهایی داشتند . هر گاه پیامبری می خواست از پروردگارش در باره چیزی خبر بگیرد ، به مسجدش می رفت و نمازی را که خدا بر او نوشته [و واجب کرده]بود ، به جای می آورد و سپس آنچه می خواست ، درخواست می کرد . روزی پیامبری در مسجدش نشسته بود که دشمن خدا (شیطان) آمد و میان او و قبله نشست . آن پیامبر علیه السلام گفت : «پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده !» . دشمن خدا گفت : آیا کسی را که از او [به خدا]پناه می بری ، دیده ای؟ خود اوست . (خود من هستم) . پیامبر علیه السلام گفت : «پناه می برم به خدا از شیطانِ لعین !» و سه بار آن را باز گفت . دشمن خدا گفت : به من بگو که با چه چیز ، از من می رهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار گفت : «نه ، تو به من بگو که با چه چیزی ، بر آدمیزاد چیره شوی؟» . سپس هر یک از آن دو ، با دیگری گلاویز شد . پیامبر علیه السلام گفت : «خدای بلند آوازه می فرماید : «تو را بر بندگان من ، تسلّطی نیست ، مگر [بر] کسانی از گم راهان که تو را پیروی کنند» » . دشمن خدا گفت : این را پیش از آن که تو به دنیا بیایی ، شنیده ام! پیامبر علیه السلام گفت : «خدای بلند آوازه می فرماید : «و اگر از شیطان وسوسه ای به تو می رسد ، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوای داناست» . به خدا سوگند که من هرگز وجود تو را احساس نکردم ، مگر آن که از تو به خدا پناه جستم» . دشمن خدا گفت : راست گفتی ، با همین [کارت] ، از من می رهی . پیامبر علیه السلام گفت : «حال ، تو به من بگو که چگونه بر آدمیزاد چیره می شود؟». گفت : در هنگام خشم و در هنگام هوس ، او را فرو می گیرم .

.

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : إذا أتاکَ الشَّيطانُ مُوَسوِسا لِيُضِلَّکَ عَن سَبيلِ الحَقِّ ، ويُنسِيَکَ ذِکرَ اللّهِ ، فَاستَعِذ مِنهُ بِرَبِّکَ ورَبِّهِ ، فَإِنَّهُ يُؤَيِّدُ الحَقَّ عَلَى الباطِلِ ، ويَنصُرُ المَظلومَ بِقَولِهِ عز و جل : «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (1) ، ولَن تَقدِرَ عَلى هذا ومَعرِفَهِ إتيانِهِ ومَذاهِبِ وَسوَسَتِهِ إلّا بِدَوامِ المُراقَبَهِ وَالاِستِقامَهِ عَلى بِساطِ الخِدمَهِ ، وهَيبَهِ المُطَّلَعِ ، وکَثرَهِ الذِّکرِ . وأمَّا المُهمِلُ لِأَوقاتِهِ فَهُوَ صَيدُ الشَّيطانِ ، وَاعتَبِر بِما فَعَلَ بِنَفسِهِ مِنَ الإِغواءِ وَالاِستِکبارِ ، حَيثُ غَرَّهُ وأعجَبَهُ عَمَلُهُ وعِبادَتُهُ وبَصيرَتُهُ وجُرأَتُهُ عَلَيهِ ، قَد أورَثَهُ عَمَلُهُ ومَعرِفَتُهُ وَاستِدلالُهُ بِمَعقولِهِ اللَّعنَهَ عَلَيهِ إلَى الأَبَدِ ، فَما ظَنُّکَ بِنَصيحَتِهِ ودَعوَتِهِ غَيرَهُ . فَاعتَصِم بِحَبلِ اللّهِ الأَوثَقِ ، وهُوَ الالتِجاءُ وَالاِضطِرارُ بِصِحَّهِ الاِفتِقارِ إلَى اللّهِ فى کُلِّ نَفَسٍ ، ولا يَغُرَّنَّکَ تَزيينُهُ الطّاعاتِ عَلَيکَ ، فَإِنَّهُ يَفتَحُ لَکَ تِسعَهً وتِسعينَ بابا مِنَ الخَيرِ ، لِيَظفَرَ بِکَ عِندَ تَمامِ المِئَهِ ، فَقابِلهُ بِالخِلافِ وَالصَّدِّ عَن سَبيلِهِ ، وَالمُضادَّهِ بِأَهوائِهِ . (2)

راجع : ص 282 (ما ينبغى الاستعاذه منه / الشيطان) .

3 / 4إغلاقُ أبوابِ المَعصِيَهِالإمام الصادق عليه السلام :أغلِقوا أبوابَ المَعصِيَهِ بِالاِستِعاذَهِ ، وَافتَحوا أبوابَ الطّاعَهِ بِالتَّسمِيَهِ . (3)

.

1- .النحل : 99 .
2- .مصباح الشريعه : ص 227 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 125 ح 2 .
3- .الدعوات : ص 52 ح 130 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 216 ح 24 .

3 / 4 بستن درهای گناه و نافرمانی خدا

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : هر گاه شیطان وسوسه کنان به نزدت آمد تا تو را از راه حق به دَر بَرَد و یاد خدا را فراموشت سازد ، از او به پروردگار خودت و پروردگار او پناه ببر ؛ زیرا او حق را در برابر باطل حمایت می کند و ستم دیده را یاری می رساند ، که فرمود : «او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکّل می کنند ، تسلّطی نیست» و تو هرگز توان این کار (پناه بردن از شیطان به خدا) را نداری و نحوه آمدن او و راه های وسوسه اش را نمی شناسی ، مگر با مراقبت همیشگی و ایستادگی بر بساط چاکری[خدا] و ترس از صحرای محشر ، و بسیاریِ یاد[خدا] . اما آن که مراقب اوقاتش نباشد ، شکار شیطان است . از آنچه شیطان بر اثر اغواگری و گردن فرازی با خود کرد ، عبرت بگیر . آن جا که عمل او و عبادتش و بینشش و گستاخی اش او را فریفت و خودبینش کرد ، عملش و معرفتش و استدلالات عقلی اش ، او را تا ابد گرفتار لعنت کرد . حال [که او با خود چنین کرد،]در باره نصیحت و دعوت او نسبت به دیگران ، چه خیال می کنی؟! پس به استوارترین ریسمان خدا چنگ بزن که همان پناه بردن به خداست و این که [بدانی] در هر دمی ، به او نیازمندی و تو را از او گزیری نیست . زنهار که شیطان با زیبا جلوه دادن طاعاتت در نظر تو ، فریبت ندهد ؛ چرا که شیطان نود و نه در از خوبی را بر تو می گشاید تا در صدمین در ، برتو چیره گردد . پس با ناسازگاری و بستن راه بر شیطان و مخالفت با خواهش هایش ، با او مقابله کن .

ر . ک : ص 283 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / شیطان) .

3 / 4بستن درهای گناه و نافرمانی خداامام صادق علیه السلام :با پناه جستن [از خداوند] ، درهای نافرمانی را ببندید و با بردن نام او ، درهای فرمانبری را بگشایید .

.

3 / 5الصِّيانَةُ مِن كَيدِ الأَعداءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَهُ إنسانٌ بِسوءٍ ، فَأرادَ أن يَحجُزَ اللّهُ بَينَهُ وبَينَهُ ، فَليَقُل حينَ يَراهُ : «أعوذُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ ، مِن حَولِ خَلقِهِ وقُوَّتِهِم ، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ» ، ثُمَّ يَقولُ ما قالَ اللّهُ عز و جل لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله : «فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِىَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (2) ؛ صَرَفَ اللّهُ عَنهُ كَيدَ كُلِّ كائِدٍ ، ومَكرَ كُلِّ ماكِرٍ ، وحَسَدَ كُلِّ حاسِدٍ ، ولا يَقولَنَّ هذِهِ الكَلِماتِ إلّا فى وَجهِهِ ، فَإِنَّ اللّهَ يَكفيهِ بِحَولِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله لِزَيدِ بنِ أرقَمَ ، فِى الاِستِعاذَهِ مِنَ الأَعداءِ : إن أرَدتَ أَلّا يُصيبَکَ شَرُّهُم ، ولا يَنالَکَ مَکرُهُم ، فَقُل إذا أصبَحتَ : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُعيذُکَ مِن شَرِّهِم . (4)

الأمان عن ابن عبّاس :قُلتُ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام لَيلَةَ صِفّينَ : أما تَرَى الأَعداءَ قَد أحدَقوا بِنا ؟ فَقالَ : وقَد راعَکَ هذا ؟ قُلتُ : نَعَم . فَقالَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن اُضامَ فى سُلطانِکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أضِلَّ فى هُداکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أفتَقِرَ فى غِناکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أضيعَ فى سَلامَتِکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن اُغلَبَ وَالأَمرُ لَکَ . أقولُ أنَا : فَکَفاهُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ أمرَهُم . (5)

.

1- .الحَوْلُ : الحيلَهُ والقُوَّهُ (الصحاح : ج 4 ص 1679 «حول») .
2- .التوبه : 129 .
3- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 122 عن الشعيرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 220 ح 18 .
4- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 19 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 260 ح 29 .
5- .الأمان : ص 126 ، المصباح للكفعمى : ص 402 ، مُهَج الدعوات : ص 134 وليس فيهما ذيله من «أقول ...» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 259 ح 52 .

3 / 5مصون ماندن از توطئه دشمنانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که شخصی نسبت به او قصد بدی داشته باشد و او بخواهد که خداوند مانع [گزند رسانی] او شود ، هر گاه چشمش به او افتاد ، بگوید : «به نیرو و توان خدا پناه می برم از نیرو و توان مخلوق او ، و به پروردگار سپیده دم پناه می برم از شرّ آنچه آفریده است» . سپس همان چیزی را بگوید که خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرموده است : «پس اگر روی برتافتند ، بگو : خداوند مرا بس است که هیچ معبودی جز او نیست . بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است» . [با گفتن این کلمات،] خداوند توطئه هر توطئه گر و نیرنگ هر نیرنگباز و بدخواهی هر بدخواهی را از او دور می سازد . این جملات را فقط باید در روی او بگوید ؛ چرا که خداوند با نیروی خود ، او را نگه می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به زید بن ارقم ، در باره پناه بردن به خدا از دشمنان : اگر خواستی گزند آنان به تو نرسد و نیرنگشان در تو اثر نکند ، هر گاه صبح کردی ، بگو : «به خدا پناه می برم از شیطان رجیم» . [در این صورت ،]خداوند تو را از گزندشان در پناه خود می دارد .

الأمان به نقل از ابن عبّاس : در شب صفّین ، به امیر مؤمنان گفتم : نمی بینی که دشمنان ، ما را در میان گرفته اند؟ ! فرمود : «این ، تو را ترسانده است؟». گفتم : آری . گفت : «بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که با وجود قدرت تو ، به من ستم شود . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که با وجود راه نمایی تو ، گم راه شوم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگریِ تو ، نیازمند شوم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که با وجود سلامت تو ، تباه شوم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که اختیار و فرمان روایی با تو باشد و با این حال ، من مغلوب شوم» . من (راوی) می گویم : پس خداوند عز و جل او را در کار آنان کفایت فرمود [و شرّشان را دفع کرد] .

.

راجع : ص 334 (ما ينبغى الاستعاذه منه / شرّ كلّ ذى شرّ / شرّ الأعداء) .

3 / 6دَفعُ البَلاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَم يَبقَ مِنَ الدُّنيا إلّا بَلاءٌ وفِتنَةٌ ، وما نَجا مَن نَجا إلّا بِصِدقِ الاِلتِجاءِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ : وإذا أرَدتَ بِقَومٍ فِتنَةً أو سوءا فَنَجِّنى مِنها لِواذا (2) بِکَ ، وإذ لَم تُقِمنى مَقامَ فَضيحَهٍ فى دُنياکَ فَلا تُقِمنى مِثلَهُ فى آخِرَتِکَ . (3)

3 / 7كَظمُ الغَيظِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو يَقولُ أحَدُكُم إذا غَضِبَ «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ذَهَبَ عَنهُ غَضَبُهُ . (4)

سنن الترمذى عن معاذ بن جبل :اِستَبَّ رَجُلانِ عِندَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله حَتّى عُرِفَ الغَضَبُ فى وَجهِ أحَدِهِما . فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : إنّى لَأعلَمُ كَلِمَةً لَو قالَها لَذَهَبَ غَضَبُهُ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (5)

.

1- .مصباح الشريعه : ص 168 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 326 ح 20 .
2- .اللِّواذ : الالتجاء (المصباح المنير : ص 560 «لوذ») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 199 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 99 ، المصباح للكفعمى : ص 899 .
4- .المعجم الصغير : ج 2 ص 91 ، تاريخ بغداد : ج 3 ص 399 كلاهما عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 523 ح 7720 وص 519 ح 7692 نقلاً عن الكامل فى ضعفاء الرجال عن أبى هريره نحوه ؛ الدعوات : ص 52 ح 132 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 339 ح 2 .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 504 ح 3452 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 248 ح 4780 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 104 ح 10221 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 259 ح 22172 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 827 ح 8869 .

3 / 6 دفع بلا

3 / 7 فرو نشاندن خشم

ر . ک : ص 335 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / گزند دشمنان) .

3 / 6دفع بلاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دنیا جز بلا و فتنه ، چیزی باقی نماند ، و هر که رهید ، تنها با پناهنده شدنِ صادقانه [به خدا]رهید .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در روز عرفه : [خدایا!] هر گاه خواستی بر مردمی فتنه ای یا آسیبی برسانی ، مرا در حالی که به تو پناه آورده ام ، از آن رهایی ده ، و همچنان که در دنیایت مرا در جایگاه رسوایی بر پا نداشتی ، در آخرتت نیز در چنان جایگاهی برپایم مدار .

3 / 7فرو نشاندن خشمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما آن گاه که به خشم می آید ، اگر بگوید : «به خدا پناه می برم از شیطانِ رانده شده» ، خشمش از بین خواهد رفت .

سنن الترمذی به نقل از معاذ بن جبل : دو مرد در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله چندان به یکدیگر ناسزا گفتند که خشم در چهره یکی از آن دو نمایان شد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «من عبارتی را می شناسم که اگر گفته بود ، خشمش فرو می نشست : پناه می برم به خدا از شیطانِ رانده شده» .

.

صحيح البخارى عن سليمان بن صرد :كُنتُ جالِسا مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ورَجُلانِ يَستَبّانِ ، فَأَحَدُهُمَا احمَرَّ وَجهُهُ وَانتَفَخَت أوداجُهُ (1) ، فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : إنّى لَأَعلَمُ كَلِمَةً لَو قالَها ذَهَبَ عَنهُ ما يَجِدُ ، لَو قالَ : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ» ذَهَبَ عَنهُ ما يَجِدُ . (2)

3 / 8ذَهابُ الحُزنِالإمام الصادق عليه السلام :دَعا أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَومَ الهَريرِ (3) حينَ اشتَدَّ عَلى أولِيائِهِ الأَمرُ دُعاءَ الكَربِ ، مَن دَعا بِهِ وهُوَ فى أمرٍ قَد كَرَبَهُ وغَمَّهُ نَجّاهُ اللّهُ مِنهُ ، وهُوَ : اللّهُمَّ لا تُحَبِّب إلَىَّ ما أبغَضتَ ، ولا تُبَغِّض إلَىَّ ما أحبَبتَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن أرضى سَخَطَكَ ، أو أسخَطَ رِضاكَ ، أو أرُدَّ قَضاءَكَ ، أو أعدُوَ قَولَكَ ، أو أُناصِحَ أعداءَكَ ، أو أعدُوَ أمرَكَ فيهِم ، اللّهُمَّ ما كانَ مِن عَمَلٍ أو قَولٍ يُقَرِّبُنى مِن رِضوانِكَ ، ويُباعِدُنى مِن سَخَطِكَ ، فَصَبِّرنى لَهُ وَاحمِلنى عَلَيهِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (4)

.

1- .الأوداج : هى ما أحاط بالعُنق من العروق التى يقطعها الذّابح ، واحدها : وَدَجٌ (النهايه : ج 5 ص 165 «ودج») .
2- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1195 ح 3108 و ج 5 ص 2267 ح 5764 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2015 ح 110 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 104 ح 10225 ، الأدب المفرد : ص 381 ح 1319 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 523 ح 7721 .
3- .يومُ الهَرير : يوم من أيّام وقعه صفّين بين علىّ عليه السلام ومعاويه (اُنظر : موسوعه الإمام علىّ بن أبى طالب عليه السلام : ج 6 ص 173 181 «أشدّ الأيّام») .
4- .مُهَج الدعوات : ص 128 عن محمّد بن النعمان الأحول ، بحار الأنوار : ج 94 ص 237 ح 9 .

3 / 8 رفع غم و اندوه

صحیح البخاری به نقل از سلیمان بن صُرَد : با پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که دو مرد به یکدیگر ناسزا می گفتند . چون یکی از آنها رخسارش سرخ شد و رگ های گردنش برآمد ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «من گفته ای را می شناسم که اگر گفته بود ، عصبانیتش از بین می رفت . اگر گفته بود : از شیطان به خدا پناه می برم ، عصبانیتش از بین می رفت» .

3 / 8رفع غم و اندوهامام صادق علیه السلام : آن گاه که کار بر یاران علی علیه السلام زار شد در روز هریر (1) امیر مؤمنان دعای اندوه را خواند . هر کس وقتی مشکل برایش پیش آید که سبب غم و اندوهش شود ، این دعا را بخواند ، خداوند او را از آن می رهانَد . آن دعا این است : «بار خدایا ! آنچه را که تو ناپسند می داری ، محبوب من مگردان و آنچه را که تو می پسندی ، منفور من مساز . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که ناخشنودیِ تو را بپسندم ، یا خشنودیِ تو را ناخوش بدارم ، یا قضای تو را نپذیرم ، یا گفته تو را فرو نهم ، (2) یا با دشمنان تو دوستی ورزم ، یا از فرمان تو در باره آنان چشم بپوشم . بار خدایا ! هر کرداری یا گفتاری که مرا به خشنودیِ تو نزدیک سازد و از خشم و ناخشنودی ات دور گردانَد ، مرا بر آن شکیبا ساز و به آن وا دار ، ای مهربان ترینِ مهربانان !» .

.

1- .از سخت ترین روزهای جنگ صفّین که میان امام علی علیه السلام و معاویه در گرفت .
2- .یا : از گفته تو فراتر روم .

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى التَّضَرُّعِ وَالإستِكانَهِ : لَبَّيکَ لَبَّيکَ ، تَسمَعُ مَن شَکا إلَيکَ ، وتَلقى مَن تَوَکَّلَ عَلَيکَ ، وتُخَلِّصُ مَنِ اعتَصَمَ بِکَ ، وتُفَرِّجُ عَمَّن لاذَ بِکَ . (1)

عنه عليه السلام مِمّا کانَ يَدعو بِهِ فى أسحارِ شَهرِ رَمَضانَ : سَيِّدى فَبِمَن أستَغيثُ إن لَم تُقِلنى عَثرَتى ! وإلى (2) مَن أفزَعُ إن فَقَدتُ عِنايَتَکَ فى ضَجعَتى ! وإلى مَن ألتَجِئُ إن لَم تُنَفِّس کُربَتى ! (3)

3 / 9دَفعُ الأَمراضِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن مَريضٍ لَم يَحضُر أجَلُهُ ، تَعَوَّذَ بِهذِهِ الکَلِماتِ ، إلّا خَفَّ عَنهُ : «بِاسمِ اللّهِ العَظيمِ ، أسأَلُ اللّهَ العَظيمَ ، رَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، أن يَشفِيَهُ» سَبعَ مَرّاتٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :هؤُلاءِ الکَلِماتُ دَواءٌ مِن کُلِّ داءٍ : أعوذُ بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، وأسمائِهِ کُلِّها عامَّةً ، مِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ ، ومِن شَرِّ العَينِ اللّامَّهِ (5) ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ ، ومِن شَرِّ أبى قِترَهَ (6) وما وَلَدَ . (7)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 219 الدعاء 51 .
2- .فى المصدر : «فإلى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .مصباح المتهجّد : ص 593 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 170 کلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 90 .
4- .کنز العمّال : ج 9 ص 209 ح 25695 نقلاً عن ابن النجّار عن الإمام علىّ عليه السلام وراجع السنن الکبرى للنسائى : ج 6 ص 259 ح 10883 والمستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 237 ح 7489 والمصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 443 ح 5 ومکارم الأخلاق : ج 2 ص 245 ح 2594 والدعوات : ص 223 ح 613 .
5- .العينُ اللّامّه : المصيبه بسوءٍ ، أو هى کلّ ما يُخاف من فزعٍ وشرٍّ (القاموس المحيط : ج 4 ص 177 «لمم») .
6- .فى الخبر : «نعوذُ باللّه من قِترَهَ وما وَلَدَ» هو اسم إبليس لعنه اللّه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1438 «قتر») .
7- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 166 ح 6093 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 35 ح 2412 ، الفردوس : ج 4 ص 330 ح 6958 کلّها عن ابن عبّاس .

3 / 9 درمان بیماری ها

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا گوش به فرمانم ، گوش به فرمانم! تو [صدای] هر که را به تو شکایت آورده ، می شنوی و هر که را به تو توکّل کرده ، می پذیری و هر که را دست به دامن تو شده، رهایی می بخشی و اندوه را از هر که به تو پناه آورده ، می زدایی .

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهای خود در سحرهای ماه رمضان : آقای من! اگر تو از لغزش من نگذری ، پس ، از که یاری بخواهم!؟ و اگر در هنگام افتادگی ام عنایت تو را از دست دهم ، پس به که پناه ببرم!؟ و اگر تو غم و اندوهِ مرا نزدایی ، پس به چه کسی متوسّل شوم!؟

3 / 9درمان بیماری هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بیماری که اجلش نرسیده باشد ، اگر هفت مرتبه با این جملات خود را تعویذ کند ، از بیماری اش کاسته می شود : «به نام خدای بزرگ ، از خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، درخواست می کنم که شفایش بخشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این کلمات ، داروی هر دردی است : «به کلمات تامّ خدا و همه نام های او جملگی ، پناه می برم از گزند خزندگان زهردار و بی زهر ، و از گزند چشمِ بد ، و از گزند هر حسودی آن گاه که حسد ورزد ، و از گزند ابو قِتره (1) و زاده هایش» .

.

1- .ابو قِتره : نام ابلیس ملعون است (مجمع البحرین : ج 3 ص 1438 «قتر») .

سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبى العاص :قَدِمتُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وبى وَجَعٌ قَد كادَ يُبطِلُنى ، فَقالَ لِيَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : اِجعَل يَدَکَ اليُمنى عَلَيهِ وقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ ، مِن شَرِّ ما أجِدُ وأُحاذِرُ» سَبعَ مَرّاتٍ . فَقُلتُ ذلِکَ ، فَشَفانِىَ اللّهُ . (1)

تاريخ بغداد عن عثمان بن عفّان :مَرِضتُ مَرَضا وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَعودُنى ، فَعَوَّذَنى يَوماً فَقالَ : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، أُعَوِّذُکَ بِالأَحَدِ الصَّمَدِ (2) ، الَّذى لَم يَلِدِ ولَم يولَد ، ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ ، مِن شَرِّ ما تَجِدُ» ، فَبَرِئتُ فَشَفانِىَ اللّهُ . فَلَمّا شَفانى ، قالَ لى : يا عُثمانُ تَعَوَّذ بِهِنَّ ، فَما تَعَوَّذتُم بِمِثلِهِنَّ . (3)

المعجم الأوسط عن عثمان :بَعَثَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَفدا إلَى اليَمَنِ ، فَأَمَّرَ عَلَيهِم أميرا مِنهُم وهُوَ أصغَرُهُم ، فَمَكَثَ أيّاما لَم يَسِر . فَلَقِيَ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله رَجُلاً مِنهُم فَقالَ :يا فُلانُ ما لَکَ ، أمَا انطَلَقتَ ؟ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أميرُنا يَشتَكى رِجلَهُ . فَأَتاهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إذ نَفَثَ عَلَيهِ : «بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ ، مِن شَرِّ ما فيها» سَبعَ مَرّاتٍ ، فَبَرَأَ الرَّجُلُ . (4)

سنن ابن ماجه عن عائشه :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ بِهؤُلاءِ الكَلِماتِ : أذهِبِ البَأسَ رَبَّ النّاسِ ، وَاشفِ أنتَ الشّافى لا شِفاءَ إلّا شِفاؤُکَ ، شِفاءً لا يُغادِرُ سَقَما . فَلَمّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فى مَرَضِهِ الَّذى ماتَ فيهِ ، أخَذتُ بِيَدِهِ فَجَعَلتُ أمسَحُهُ وأقولُها ، فَنَزَعَ يَدَهُ مِن يَدى ثُمَّ قالَ : اللّهُمَّ اغفِر لى وألحِقنى بِالرَّفيقِ الأَعلى . قالَت : فَكانَ هذا آخِرَ ما سَمِعتُ مِن كَلامِهِ صلى الله عليه و آله . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1164 ح 3522 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 45 ح 8341 ، الدعاء للطبرانى : ص 345 ح 1132 كلاهما نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 444 ح 16 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 148 ح 382 ، كنز العمّال : ج 10 ص 83 ح 28464 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 245 ح 2591 نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 16 ح 16 .

2- .الصَّمَدُ : الدائمُ الباقى ، وقيل : الذى يُصمد فى الحوائج إليه ؛ أى يُقصد (النهايه : ج 3 ص 52 «صمد») .
3- .تاريخ بغداد : ج 13 ص 286 ، الدعاء للطبرانى : ص 340 ح 1121 و 1122 ، نوادر الأُصول : ج 1 ص 284 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 100 ح 28517 .
4- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 150 ح 7126 ، نوادر الأُصول : ج 2 ص 239 ، كنز العمّال : ج2 ص286 ح402.
5- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 517 ح 1619 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 296 ح 24237 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 442 ح 3 و ج 7 ص 77 ح 1 ، الطبقات الكبرى : ج 2 ص 210 ، كنز العمّال : ج 7 ص 266 ح 18835 .

سنن ابن ماجه به نقل از عثمان بن ابی العاص : خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و چنان دردی داشتم که تقریبا مرا از کار انداخته بود . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : دست راستت را روی آن [موضع درد] بگذار و هفت مرتبه بگو : «به نام خدا ، به عزّت و قدرت خدا پناه می برم از شرّ آنچه احساس می کنم و از آن حذر دارم» . من این را گفتم و خداوند شفایم داد .

تاریخ بغداد به نقل از عثمان بن عفّان : به مرضی دچار شدم و پیامبر خدا به عیادتم می آمد . روزی مرا تعویذ کرد و فرمود : «به نام خدای مهر گستر مهربان! تو را از شرّ آنچه احساس می کنی ، در پناه یکتای بی نیاز در می آورم که نه زاده است و نه زاده کسی است و نه کسی همانند اوست» . پس بهبود یافتم و خداوند شفایم بخشید . پس از شفا یافتن ، به من فرمود : «ای عثمان! با این [دعا] خود را تعویذ کن که به چیزی مانند آن ، تعویذ نکرده اید» .

المعجم الاوسط به نقل از عثمان : پیامبر صلی الله علیه و آله هیأتی را مأمور رفتن به یمن کرد و یکی از آنها را که از همه کوچک تر بود ، سالارشان قرار داد . چند روزی گذشت و آن هیأت ره سپار نشدند . پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از آنان را دید و فرمود : «فلانی! چه شده است ، چرا نرفتید؟». گفت : ای پیامبر خدا! سالارمان دچار پا درد گشته است . پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او رفت و هفت مرتبه این کلمات را خواند و بر او دمید : «به نام خدا و به یاری خدا ، به عزّت و قدرت خدا پناه می برم از شرّ آنچه در پای اوست» . پس آن مرد بهبود یافت .

سنن ابن ماجه به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله با این جملات ، خود را تعویذ می کرد : «آسیب را برطرف فرما ای پروردگار مردم! و شفا ده که شفا دهنده تویی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست ؛ شفایی که هیچ مرضی را بر جای نمی گذارد» . زمانی که حال پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری منتهی به مرگش وخیم شد ، من دست او را گرفتم و بر آن دست می کشیدم و این کلمات را می گفتم . ایشان دستش را از دست من کشید و فرمود : «بار خدایا! مرا بیامرز و به جمع بَرین (پیامبران) ملحقم فرما» . عایشه گفت : این ، آخرین سخنی بود که از ایشان شنیدم .

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أصابَهُ أَلَمٌ فى جَسَدِهِ فَليُعَوِّذ نَفسَهُ ، وَليَقُل : «أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ عَلَى الأَشياءِ ، أُعيذُ نَفسى بِجَبّارِ السَّماءِ، أُعيذُ نَفسى بِمَن لا يَضُرُّ مَعَ اسمِهِ داءٌ ، أُعيذُ نَفسى بِالَّذِى اسمُهُ بَرَكَهٌ وشِفاءٌ» ؛ فَإِنَّهُ إذا قالَ ذلِکَ لَم يَضُرَّهُ أَلَمٌ ولا داءٌ . (1)

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن الحارث الأعور :شَكَوتُ إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أَلَما ووَجَعا فى جَسَدى ، فَقالَ : إذَا اشتَكى أحَدُكُم فَليَقُل : «باسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى رَسولِ اللّهِ وآلِهِ ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ عَلى ما يَشاءُ مِن شَرِّ ما أجِدُ» ؛ فَإِنَّهُ إذا قالَ ذلِکَ ، صَرَفَ اللّهُ عَنهُ الأذى إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :مَن اشتَكى رَأسَهُ فَليَمسَحهُ بِيَدِهِ ، وَليَقُل : «أعوذُ بِاللّهِ الَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِى البَرِّ وَالبَحرِ ، وما فِى السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وهُوَ السَّميعُ العَليمُ» سَبعَ مَرّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يُرفَعُ عَنهُ الوَجَعُ . (3)

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :شَكَوتُ إلَيهِ وَجَعا فى اُذُنى ، فَقالَ : ضَع يَدَکَ عَلَيهِ وقُل : «أعوذُ بِاللّهِ الَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِى البَرِّ وَالبَحرِ وَالسَّماواتِ وَالأَرضِ ، وهُوَ السَّميعُ العَليمُ» سَبعَ مَرّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يَبرَأُ بِإِذنِ اللّهِ تَعالى . (4)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 17 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 53 ح 12 .
2- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 17 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 53 ح 13 .
3- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 18 عن عبد الرحمن القصير ، بحار الأنوار : ج 95 ص 54 ح 14 .
4- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 22 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 60 ح 31 .

امام علی علیه السلام :هر کس به دردی در بدنش دچار شد ، خود را تعویذ کند و بگوید : «به عزّت خدا و توانایيِ او بر موجودات ، پناه می برم . خودم را در پناه پادشاه آسمان در می آورم . خودم را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او ، هیچ دردی زیان نمی زند . خودم را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و بهبود است » . هر گاه این را بگوید ، هیچ درد و مرضی به او آسیب نمی زند .

طبّ الائمّه علیهم السلام به نقل از حارث اعور ، ابنا بسطام : از ناراحتی و دردی که در بدنم داشتم ، به امیر مؤمنان شکایت کردم . فرمود : هر گاه یکی از شما دردی داشت ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا ، و صلوات خدا بر پیامبر خدا و آل او باد . به عزّت خدا و توانایيِ او بر آنچه بخواهد ، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم» . چون این را گفت ، خداوند رنج و گزند را از او دور می کند ، ان شاء اللّه تعالی .

امام باقر علیه السلام :هر کس سرش درد کرد ، دستش را بر سر خود بگذارد و هفت بار بگوید : «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمان ها و زمین است ، برای او آرام می گیرد ، و او شنوای داناست» . دردش برطرف می شود .

طبّ الائمه علیهم السلام، ابنا بسطام به نقل از یونس بن ظبیان : از دردی در گوش خود ، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم . فرمود : دستت را بر آن بگذار و هفت بار بگو : «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا و آسمان ها و زمین است ، برای او آرام می گیرد ، و او شنوای داناست» . پس به اذن خداوند بزرگ ، بهبود می یابد .

.

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن حريز عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: ما مِن مُؤمِنٍ عادَ أخاهُ المُؤمِنَ وهُوَ شاكٍ فَقالَ لَهُ : «اُعيذُکَ بِاللّهِ العَظيمِ ، رَبِّ العَرشِ الكَريمِ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ ، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» فَكانَ فى أجَلِهِ تَأخيرٌ ، إلّا خَفَّفَ اللّهُ عَنهُ . (1)

الكافى عن إبراهيم بن عبد الحميد عن رجل :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَشَكَوتُ إلَيهِ وَجَعا بى ، فَقالَ : قُل : «بِاسمِ اللّهِ» ثُمَّ امسَح يَدَکَ عَلَيهِ وقُل : «أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِقُدرَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَلالِ اللّهِ ، وأعوذُ بِعَظَمَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَمعِ اللّهِ ، وأعوذُ بِرَسولِ اللّهِ ، وأعوذُ بِأسماءِ اللّهِ ، مِن شَرِّ ما أحذَرُ ، ومِن شَرِّ ما أخافُ عَلى نَفسى» تَقولُها سَبعَ مَرّاتٍ . قالَ : فَفَعَلتُ فَأذهَبَ اللّهُ عز و جل بِهَا الوَجَعَ عَنّى . (2)

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن داوود الرقّى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، لا أزالُ أجِدُ فى رَأسى شَكاهً ، ورُبَّما أسهَرَتنى وشَغَلَتنى عَنِ الصَّلاهِ بِاللَّيلِ . قالَ : يا داوود ، إذا أحسَستَ بِشَىءٍ مِن ذلِکَ فَامسَح يَدَکَ عَلَيهِ ، وقُل : «أعوذُ بِاللّهِ ، وأُعيذُ نَفسى مِن جَميعِ مَا اعتَرانى بِاسمِ اللّهِ العَظيمِ ، وكَلِماتِهِ التّامّاتِ ، الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، اُعيذُ نَفسى بِاللّهِ عَزَّ وجَلَّ ، وبِرَسولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ الطّاهِرينَ الأخيارِ ، اللّهُمَّ بِحَقِّهِم عَلَيکَ ، إلّا أجَرتَنى مِن شَكاتى هذِهِ» ؛ فَإنَّها لا تَضُرُّکَ بَعدُ . (3)

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن خالد العبسى :عَلَّمَنى عَلِىُّ بنُ موسى عليه السلام هذِهِ العوذَهَ ، وقالَ : عَلِّمها إخوانَکَ مِنَ المُؤمِنينَ ؛ فَإنَّها لِكُلِّ أَلَمٍ ، وهِىَ : اُعيذُ نَفسى بِرَبِّ الأرضِ ورَبِّ السَّماءِ، اُعيذُ نَفسى بِالَّذى لا يَضُرُّ مَعَ اسمِهِ داءٌ، اُعيذُ نَفسى بِالَّذِياسمُهُ بَرَكَهٌ وشِفاءٌ. (4)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 120 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 23 ح 10 .

2- .الكافى : ج 2 ص 566 ح 8 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 241 ح 2582 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 50 ح 2 .

3- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 18 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 54 ح 17 .

4- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 41 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 8 ح 5 .

طبّ الائمه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از حریز از امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام : هر مؤمنی که به دیدار برادر مؤمن بیمار و دردمندش برود و به او بگوید : «تو را در پناه خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، در می آورم از گزند هر رگِ برآمده ای ، و از گزند گرمای آتش» ، اگر اجل او هنوز نرسیده باشد ، خداوند بهبودش می بخشد .

الکافی به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید ، از مردی :خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از دردی که داشتم ، به ایشان شِکوه کردم . فرمود : بگو : «به نام خدا» ، سپس دستت را بر آن [موضع درد] بگذار و بگو : «به عزّت خدا پناه می برم ، به قدرت خدا پناه می برم ، به شکوه خدا پناه می برم ، به بزرگی خدا پناه می برم ، به فراهم آوردن خدا پناه می برم ، به پیامبر خدا پناه می برم و به نام های خدا پناه می برم ، از گزند آنچه بیمناکم و از گزند آنچه بر جان خویش می هراسم» . این جملات را هفت بار می گویی . آن مرد گفت : من چنین کردم و خداوند عز و جل به واسطه این کلمات ، درد را از من برد .

طبّ الأئمّه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از داود رقّی :به امام کاظم علیه السلام گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! پیوسته سرم درد می کند و گاه شب ها [از درد]نمی خوابم و مرا از نماز شب باز می دارد . فرمود : ای داوود! هر گاه احساس دردی کردی ، دستت را بر آن بگذار و بگو : «به خدا پناه می برم . خودم را از هر آنچه به سراغم می آید ، در پناه نام بزرگ خدا و کلمات تامّ او در می آورم ؛ کلماتی که هر نیکوکار و بدکاری را در میان گرفته اند . خودم را در پناه خدای عز و جل و پیامبر خدا که درود خدا بر او و بر خاندان پاک و نیکش باد در می آورم . بار خدایا! به حقّ ایشان بر خودت ، مرا از این دردم در پناه خویش بگیر» . دیگر آن درد ، تو را آزار نخواهد داد .

طبّ الأئمّه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از خالد عبسی : امام رضا علیه السلام این تعویذ را به من آموخت و فرمود : آن را به برادران مؤمنت هم بیاموز ؛ زیرا شفای هر دردی است . آن تعویذ ، این است : «خویشتن را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان در می آورم . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او ، هیچ دردی زیان

نمی زند . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و شفاست» .

.

راجع : ص 454 (مواطن الاستعاذه / تلک الحالات / المرض) .

3 / 10دَفعُ شَرِّ الهَوامِّ وَالدَّوابِّ وَالسِّباعِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ» (1) لَم يَضُرَّهُ عَقرَبٌ حَتّى يُمسِيَ . ومَن قالَها حينَ يُمسى لَم يَضُرَّهُ حَتّى يُصبِحَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وبَرَأَ وذَرَأَ» إلّا عُصِمَ مِن شَرِّ الثَّقَلَينِ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وإن لُدِغَ لَم يَضُرَّهُ شَيءٌ حَتّى يُمسِيَ ، وإن قالَها حينَ يُمسِيَ كانَ كَذلِكَ حَتّى يُصبِحَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا رَأَيتَ أسَدا وَاشتَدَّ بِكَ الأَمرُ ، فَكَبِّر ثَلاثا وقُل : اللّهُ أكبَرُ وأجَلُّ وأعظَمُ مِن كُلِّ شَيءٍ ، وأكبَرُ وأعَزُّ مِن خَلقِهِ وأقدَرُ ، أعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن نَزَلَ مَنزِلاً يَتَخَوَّفُ فيهِ السَّبُعَ ، فَقالَ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ ، اللّهُمَّ إنّي عوذُ بِکَ مِن شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ» إلّا أمِنَ مِن شَرِّ ذلِکَ السَّبُعِ حَتّى يَرحَلَ مِن ذلِکَ المَنزِلِ ، إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (5)

.

1- .زاد فى كنز العمّال وبعض نسخ المصدر : «ثلاث مرّات» .
2- .مسند أبى حنيفه لأبى نعيم الأصبهانى : ص 257 ، كنز العمّال : ج 2 ص 167 ح 3600 نقلاً عن الكامل لابن عدى والإبانه لأبى نصر السجزى وكلاهما عن أبى هريره .
3- .كنز العمّال : ج 2 ص 165 ح 3593 نقلاً عن أبى الشيخ عن عبد الرحمن بن عوف .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 152 ح 2373 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 143 ح 9 ؛ الفردوس : ج 5 ص 326 ح 8329 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 294 ح 2500 ، المحاسن : ج 2 ص 116 ح 1320 عن عمر بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 247 ح 38 .

ر . ک : ص 455 (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری) .

3 / 10دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که صبحْ هنگام بگوید : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از شرّ آنچه آفریده است» ، تا شب ، کژدم او را نیش نمی زند ، و هر کس که شبانگاه این جمله را بگوید ، تا صبح کژدم به او گزندی نمی رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که صبحْ هنگام بگوید : «به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری ، از آنها خارج نیست پناه می برم از شرّ آنچه آفرید و ساخت و پدید آورد» ، تا شب از شرّ دو جماعت جنّ و انس مصون می ماند و اگر نیش زده شود ، آسیبی به او نمی رسد . چنانچه هنگام شب این جملات را بگوید ، تا صبح به همین سان [در امان] خواهد بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! هر گاه به شیری برخوردی و کار بر تو دشوار آمد ، سه تکبیر بگو و بگو : «خدا بزرگ تر و بشکوه تر و با عظمت تر از هر چیز است ، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است . به خدا پناه می برم از شرّ آنچه می ترسم و حذر می کنم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در منزلگاهی فرود آید که در آن جا بیم درنده داشته باشد و بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . یگانه است و بی انباز . پادشاهی از آنِ اوست و ستایش اوراست . خوبی ، همه در دست اوست و او بر هر چیز تواناست . بار خدایا! من از گزند هر درنده ای به تو پناه می آورم» ، به خواست خدای بزرگ ، از گزند آن درنده در امان می ماند تا وقتی از آن منزلگاه کوچ کند .

.

صحيح مسلم عن أبى هريره :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما لَقيتُ مِن عَقرَبٍ لَدَغَتنِى البارِحَةَ ! قالَ صلى الله عليه و آله : أما لَو قُلتَ حينَ أمسَيتَ : «أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ» لَم تَضُرَّكَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا لَقيتَ السَّبُعَ فَقُل : أعوذُ بِرَبِّ دانيالَ (2) وَالجُبِّ ، مِن شَرِّ كُلِّ أسَدٍ مُستَأسِدٍ (3) . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :أتى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَومٌ يَشكونَ العَقارِبَ وما يَلقَونَ مِنها ، فَقالَ : قولوا إذا أصبَحتُم وإذا أمسَيتُم : «أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ كُلِّهَا ، الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، الَّذى لا يُخفَرُ (5) جارُهُ ، مِن شَرِّ ما ذَرَأَ ، ومِن شَرِّ ما بَرَأَ ، ومِن شَرِّ الشَّيطانِ وشَرَكِهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ» سَبعَ مَرّاتٍ . (6)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2081 ح 55 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1162 ح 3518 نحوه ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 152 ح 10423 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 298 ح 1020 ، كنز العمّال : ج 2 ص 157 ح 3561 و 3562 .

2- .كان دانيال محبوسا فى الجُبّ فى زمن بُخت نُصَّر ، وطرحت معه السِّباع فلم تدنُ منه (مرآه العقول : ج 12 ص 440) .

3- .يُقال : أسِدَ واستأسَدَ إذا اجترأ (النهايه : ج 1 ص 48 «أسد») .

4- .الكافى : ج 2 ص 571 ح 9 ، عدّه الداعى : ص 263 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن ج 2 ص 117 ح 1322 عن ثوير بن أبى فاخته عن أبيه ، الأمان : ص 130 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 378 ح 21 ؛ كنز العمّال : ج 2 ص 656 ح 4997 نقلاً عن الخرائطى نحوه .

5- .خَفَرتُ الرجُلَ : إذا كنت له خفيرا ؛ أى حاميا وكفيلاً . والخُفارَه : الذّمام . وأخفَرتُ الرجُلَ : إذا نقضت عهده وذمامه ؛ والهمزه فيه للإزاله ، أى أزلت خفارتَه (النهايه : ج 2 ص 52 «خفر») .

6- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 283 ح 2640 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 146 ح 16 ؛ تاريخ دمشق : ج 50 ص 166 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

صحیح مسلم به نقل از ابو هُرَیره : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! دیشب کژدمی مرا نیش زد و بیچاره ام کرد! پیامبر خدا فرمود : اگر زمانی که شب را آغاز کردی ، گفته بودی : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است» ، به تو گزندی نمی زد .

امام علی علیه السلام :هر گاه به درنده ای برخوردی ، بگو : «به خداوند دانیال و چاه، (1) پناه می برم از گزند هر شیر ژیانی» .

امام صادق علیه السلام :عدّه ای نزد پیامبر خدا آمدند و از گزند رسانیِ کژدم ها به خود ، شکایت کردند . ایشان فرمود : هر صبح و شام ، هفت مرتبه بگویید : «به همه کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه آنها برون نیست ، خدایی که هر کس به او پناه ببرد ، امانش باطل شدنی نیست ، پناه می برم از گزند آنچه آفرید ، و از شرّ آنچه پدید آورد ، و از شرّ شیطان و دام های او ، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

.

1- .بُختُ نصَّر برای از بین بردن جناب دانیال ، دستور داد که او را در چاه شیران افکندند ؛ امّا شیرها به او نزدیک نشدند .

الإمام الباقر عليه السلام :عَوِّذ نَفسَکَ مِنَ الهَوامِّ بِهذِهِ الکَلِماتِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ صلی اللّه علیه و آله ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ ، أعوذُ بِقُدرَهِ اللّهِ عَلی ما یَشاءُ ، مِن شَرِّ کُلِّ هامَّهٍ تَدُبُّ بِاللَّیلِ وَالنَّهارِ ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ . (1)

عنه علیه السلام :مَن قالَ هذِهِ الکَلِماتِ ، فَأَنَا ضامِنٌ أَلّا یُصیبَهُ عَقرَبٌ ولا هامَّهٌ حَتّی یُصبِحَ : أعوذُ بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، مِن شَرِّ ما ذَرَأَ ، ومِن شَرِّ ما بَرَأَ ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَمّا اُسرِیَ بی إلَی السَّماءِ فَانتَهَیتُ إلَی السَّماءِ السّابِعَهِ . . . نودیتُ : یا مُحَمَّدُ . . . ومَن خافَ شَیئا مِمّا فِی الأَرضِ مِن سَبُعٍ أو هامَّهٍ ، فَلیَقُل فِی المَکانِ الَّذی یَخافُ ذلِکَ فیهِ : «یا ذارِئَ ما فِی الأَرضِ کُلِّها بِعِلمِهِ ، بِعِلمِکَ یَکونُ ما یَکونُ مِمّا ذَرَأتَ ، لَکَ السُّلطانُ عَلی ما ذَرَأتَ ، ولَکَ السُّلطانُ القاهِرُ عِلی کُلِّ شَیءٍ دونَکَ ، یا عَزیزُ یا مَنیعُ ، إنّی أعوذُ بِکَ وبِقُدرَتِکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ ، مِن کُلِّ شَیءٍ یَضُرُّ ، مِن سَبُعٍ أو هامَّهٍ أو عارِضٍ مِن سائِرِ الدَّوابِّ ، یا خالِقَها بِفِطرَتِهِ ادرَأها عَنّی ، وَاحجُزها ولا تُسَلِّطها عَلَیَّ ، وعافِنی مِن شَرِّها وبَأسِها ، یا اللّهُ ذَا العِلمِ العَظیمِ ، حُطنی بِحِفظِکَ مِن مَخاوِفی یا رَحیمُ» ، فَإِنَّهُ إذا قالَ ذلِکَ ، لَم تَضُرَّهُ دَوابُّ الأَرضِ الَّتی تُری وَالَّتی لا تُری . (3)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنی بسطام : ص 119 عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : ج 95 ص 143 ح 11 .
2- .تهذیب الأحکام : ج 2 ص 117 ح 439 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 471 ح 1357 کلاهما عن سعد الإسکاف ، الکافی : ج 2 ص 570 ح 7 عن سعد الإسکاف مضمرا ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 47 ح 2111 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 144 ح 15 .
3- .البلد الأمین : ص 504 507 عن الإمام الباقر عن الإمام علیّ علیهماالسلام ، المصباح للکفعمی : ص 255 ، الأمان : ص 137 نحوه وکلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 311 ح 1 .

امام باقر علیه السلام :خودت را از گزندگان ، در پناه این کلمات درآور : «به نام خدای مهر گستر مهربان . به نام خدا و به یاری خدا . محمّد فرستاده خداست . به عزّت خدا پناه می برم ، به تواناییِ خدا بر هر چیز که بخواهد ، پناه می برم از گزند هر گزنده ای که در شب و روز می خزد . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

امام باقر علیه السلام :هر کس این جملات را بگوید ، من تضمین می دهم که دیگر هیچ کژدم و گزنده ای تا صبح ، به او آسیبی نرساند : «به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه آنها بیرون نیست ، پناه می برم از گزند آنچه آفرید و از گزند آنچه پدید آورد ، و از گزند هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به آسمان برده شدم ، چون به آسمان هفتم رسیدم ... ندا آمد که : ای محمّد! ... هر کس که از آنچه در روی زمین است ، از درنده و خزنده ، می ترسد ، در آن مکانی که بیمِ بودنِ آن چیز را دارد ، بگوید : «ای آن که آنچه را در سرتاسر زمین است ، به علم خویش پدید آورد! همه موجوداتی که آفریده ای ، به علم تو پدید آمده اند . تو بر آنچه پدید آورده ای ، تسلّط داری . تو را بر هر آنچه غیر توست ، تسلّطی قهرآمیز است . ای چیرگی ناپذیر ، ای مغلوب ناشدنی ! به تو و به تواناییِ تو بر هر چیز ، پناه می برم از هر چیزی که آسیب می رساند ، از درنده و گزنده و دیگر جانوران مهاجم . ای خدایی که با آفرینندگیِ خویش ، این موجودات را آفریده ای! آنها را از من دور بدار و مانعشان شو و بر من مسلّطشان مگردان ، و مرا از گزند و آسیب آنها به سلامت دار . ای خدا ، ای صاحب علم شگرف! به نگهداریِ خود ، مرا از آنچه می ترسم ، محافظت فرما ، ای مهربان!» . هر گاه این جملات را بگوید ، جانوران مرئی و نامرئیِ زمین به او گزندی نخواهند رساند .

.

3 / 11دَفعُ الفَزَعِ وَالأَرَقِالمعجم الأوسط عن خالد بن الوليد :كُنتُ أفزَعُ بِاللَّيلِ ، فَأَتَيتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : إنّى أفزَعُ بِاللَّيلِ ، فَآخُذُ سَيفى فَلا أُلقى شَيئا إلّا ضَرَبتُهُ بِسَيفى . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا اُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ عَلَّمَنِى الرّوحُ الأَمينُ . فَقُلتُ : بَلى . فَقالَ : قُل : أعوذُ بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ فِتَنِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، ومِن کُلِّ طارِقٍ ، إلّا طارِقا يَطرُقُ بِخَيرٍ ، يا رَحمنُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا فَزِعَ أحَدُکُم فِى النَّومِ فَليَقُل : «أعوذُ بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، مِن غَضَبِهِ وعِقابِهِ وشَرِّ عِبادِهِ ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ وأن يَحضُرونِ» فَإِنَّها لَن تَضُرَّهُ . (2)

طبُّ الأئمّه لابنى بسطام عن الحلبى :قالَ رَجُلٌ لِأَبى عَبدِ اللّهِ الصّادِقِ عليه السلام : إنّى إذا خَلَوتُ بِنَفسى تَداخَلَنى وَحشَهٌ وهَمٌّ ، وإذا خالَطتُ النّاسَ لا اُحِسُّ بِشَىءٍ مِن ذلِکَ . فَقالَ : ضَع يَدَکَ عَلى فُؤادِکَ وقُل : «بِاسمِ اللّهِ ، بِاسمِ اللّهِ ، بِاسمِ اللّهِ» ثُمَّ امسَح يَدَکَ عَلى فُؤادِکَ وقُل : «أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِقُدرَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَلالِ اللّهِ ، وأعوذُ بِعَظَمَهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَمعِ اللّهِ ، وأعوذُ بِرَسولِ اللّهِ ، وأعوذُ بِأَسماءِ اللّهِ ، مِن شَرِّ ما أحذَرُ ، ومِن شَرِّ ما أخافُ عَلى نَفسى» تَقولُ ذلِکَ سَبعَ مَرّاتٍ . قالَ : فَفَعَلتُ ذلِکَ ، فَأَذهَبَ اللّهُ عَنّى الوَحشَهَ ، وأبدَلَنِى الاُنسَ وَالأَمنَ . (3)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 315 ح 5415 ، المعجم الكبير : ج 4 ص 115 ح 3838 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 449 ح 2 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 35 ح 19831 كلّها نحوه .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 541 ح 3528 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 12 ح 3893 وليس فيه ذيله ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 191 ح 10601 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 600 ح 6708 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 733 ح 2010 والثلاثه الأخيره نحوه وكلّها عن شعيب عن أبيه ، كنز العمّال : ج 15 ص 365 ح 41397 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 45 ح 2104 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 196 ح 12 .

3- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 117 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 138 ح 2
.

3 / 11رفع ترس و بی خوابیالمعجم الاوسط به نقل از خالد بن ولید : من شب ها می ترسیدم . خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم : من شب ها می ترسم . لذا شمشیرم را بر می دارم و به هر چه بر می خورم ، آن را با شمشیرم می زنم . پیامبر خدا فرمود : «آیا کلماتی را که جبرئیل علیه السلام به من آموخت ، به تو نیاموزم؟». گفتم : چرا . فرمود : «بگو : به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه آن برون نیست ، پناه می برم از شرّ آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آسمان بالا می رود ، و از شرّ بلاهای شب و روز و از هر وارد شونده ای در شب ، مگر وارد شونده ای که به خیر و خوبی وارد شود ، ای مهر گستر!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کسی از شما در خواب ترسید ، بگوید : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از خشم و کیفر او و از شرّ بندگانش ، و از وسوسه های شیاطین و از این که نزد من آیند» . با گفتن این جملات ، هرگز به او گزندی نخواهند زد .

طبّ الائمّه علیهم السلام به نقل از حلبی ، ابنا بسطام : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : وقتی تنها می شوم ، وحشت و اندوه مرا فرا می گیرد ، ولی هر گاه در میان مردم هستم ، چنین حالاتی به من دست نمی دهد. امام صادق علیه السلام فرمود : دستت را روی قلبت بگذار و بگو : «به نام خدا ، به نام خدا ، به نام خدا» . سپس دستت را بر سینه ات بکش و بگو : «پناه می برم به عزّت خدا ، پناه می برم به قدرت خدا ، پناه می برم به شکوه خدا ، پناه می برم به بزرگیِ خدا ، پناه می برم به تمامی خدا ، پناه می برم به پیامبر خدا ، پناه می برم به نام های خدا از شرّ آنچه بیمناکم ، و از شرّ آنچه بر خویش می هراسم» . هفت مرتبه این جملات را می گویی . آن مرد گفت : من چنین کردم . پس خداوند ، وحشت را از من برد و به جای آن ، احساس آرامش و امنیت به من بخشید .

.

3 / 12دَفعُ شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّالمعجم الأوسط عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أمسَينا وأمسَى المُلكُ للّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ الَّذى يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإذنِهِ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ» مَن قالَهُنَّ عُصِمَ مِن كُلِّ ساحِرٍ ، وكاهِنٍ ، وشَيطانٍ ، وحاسِدٍ . (1)

عدّه الداعى :رُوِىَ عَنِ ابنِ الدَّرداءِ أنَّهُ قيلَ لَهُ ذاتَ يَومٍ : احتَرَقَت دارُكَ ، فَقالَ : لَم تُحرَق . فَجاءَهُ مُخبِرٌ آخَرُ فَقالَ : اِحتَرَقَت دارُكَ ، فَقالَ : لَم تُحرَق . فَجاءَهُ ثالِثٌ فَأَجابَهُ بِذلِكَ ، ثُمَّ انكَشَفَ الأَمرُ عَن احتِراقِ جَميعِ ما حَولَها سِواها ! فَقيلَ لَهُ : بِما عَلِمتَ بِذلِكَ ؟ قالَ : سَمِعتُ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن قالَ هذِهِ الكَلِماتِ صَبيحَةَ يَومِهِ لَم يُصِبهُ سوءٌ فيهِ ، ومَن قالَها فى مَساءِ لَيلَتِهِ لَم يُصِبهُ سوءٌ فيها ، وقَد قُلتُها ، وهِىَ هذِهِ : اللّهُمَّ أنتَ رَبّى لا إلهَ إلّا أنتَ ، عَلَيكَ تَوَكَّلتُ وأنتَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، ما شاءَ اللّهُ كانَ وما لَم يَشَأ لَم يَكُن ، أعلَمُ أنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وأنَّ اللّهَ قَد أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلما ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسى ، ومِن شَرِّ قَضاءِ السّوءِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . (2)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 310 ح 4291 ، الدعاء للطبرانى : ص 129 ح 344 ، كنز العمّال : ج 2 ص 161 ح 3580 .
2- .عدّه الداعى : ص 255 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 297 ح 58 ؛ تاريخ دمشق : ج 37 ص 4 ح 7413 و ج 64 ص 119 ح 13070 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 638 ح 4960 .

3 / 12دفع گزند هر گزندرسانیالمعجم الاوسط به نقل از عمرو بن شعیب ، از پدرش از جدّش : پیامبر خدا فرمود : «شب خود را در حالی آغاز کردیم که پادشاهی ، از آنِ خداست و ستایش ، از آنِ خدا به خدایی که آسمان را باز می دارد از این که بر زمین فرو افتد مگر به اذن خود او ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است» . هر کس این را بگوید ، از هر جادوگر و پیشگو و اهریمن و حسودی ، ایمن نگه داشته می شود .

عدّه الداعی:از ابن دردا روایت شده است که روزی به او گفته شد: خانه ات سوخت. او گفت : نسوخت . کسی دیگر خبر آورد و گفت : خانه ات سوخت . او گفت : نسوخت . سومی آمد و او همین پاسخ را به او داد . بعد معلوم شد که هر چه پیرامون خانه او بوده ، سوخته است بجز خانه او! از او پرسیدند : از کجا این را دانستی؟ گفت : از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «هر کس صبح هر روزی این کلمات را بگوید ، در آن روز به او گزندی نمی رسد و هر کس شامگاه هر روزی آنها را بگوید ، در آن شب گزندی به او نمی رسد» و من آنها را [آن روز] گفته بودم . آن کلمات اینهاست : «بار خدایا! تویی پروردگار من . معبودی جز تو نیست . بر تو توکّل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی . هیچ نیرو و توانی نیست جز به مدد خدای والا و بزرگ . آنچه خدا خواست ، همان می شود و آنچه نخواست ، نمی شود . می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست و خدا به هر چیزی علم دارد . بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ خودم ، و از شرّ قضای بد ، و از شرّ هر اهل شرّی ، و از شرّ جنّ و اِنس ، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

.

الإمام الباقر عليه السلام :مَن قالَ إذا أصبَحَ : «اللّهُمَّ إنّى أصبَحتُ فى ذِمَّتِکَ وجِوارِکَ ، اللّهُمَّ إنّى أستَودِعُکَ دينى ونَفسى ودُنيایَ وآخِرَتى وأهلى ومالى ، وأعوذُ بِکَ يا عَظيمُ مِن شَرِّ خَلقِکَ جَميعا ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما يُبلِسُ (1) بِهِ إبليسُ وجُنودُهُ» ، إذا قالَ هذَا الكَلامَ ، لَم يَضُرَّهُ يَومَهُ ذلِکَ شَىءٌ ، وإذا أمسى فَقالَهُ ، لَم يَضُرَّهُ تِلکَ اللَّيلَةَ شَىءٌ إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (2)

3 / 13النَّجاهُ مِنَ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تَعالى : اُنظُروا فى ديوانِ عَبدى ، فَمَن رَأيتُموهُ سَأَلَنِى الجَنَّةَ أعطَيتُهُ ، ومَنِ استَعاذَنى مِنَ النّار أعَذتُهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَقولُ كُلَّ يَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ : «أسأَلُ اللّهَ الجَنَّةَ وأعوذُ بِهِ مِنَ النّارِ» إلّا قالَتِ النّارُ : يا رَبِّ أعِذهُ مِنّى . (4)

راجع : ص 384 (ما ينبغى الاستعاذه منه / عذاب النار) .

.

1- .الإبلاس : الحَيرَه ، يقال : أبلَسَ يُبلِسُ : إذا تحيَّرَ (مجمع البحرين : ج 1 ص 184 «بلس») .
2- .الكافى : ج 2 ص 528 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 294 ح 55 .
3- .حليه الأولياء : ج 6 ص 175 و ص 226 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 69 ح 3164 .
4- .الدعوات : ص 39 ح 96 عن ربيعه بن كعب ، الأمالى للصدوق : ص 158 ح 153 عن زيد الشحّام عن الإمام الصادق عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 357 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 197 ح 5 .

3 / 13 رهیدن از آتش

امام باقر علیه السلام :هر کس که صبحْ هنگام بگوید : «بار خدایا ! در زنهار و پناه تو ، صبح خویش را می آغازم . بار خدایا ! دینم و خودم و دنیایم و آخرتم و خانواده ام و اموالم را به تو سپردم . به تو پناه می آورم ای بزرگ! از گزند همه آفریدگانت ، و به تو پناه می آورم از گزند هر آنچه ابلیس و لشکریانش وسوسه می کنند» ، هر گاه این کلمات را بگوید ، در آن روز ، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند و چنانچه در آغاز شب این کلمات را بگوید ، در آن شب ، هیچ چیز به او آسیبی نخواهد رساند ، إن شاء اللّه .

3 / 13رهیدن از آتشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای تعالی می فرماید : «در دفتر بنده ام بنگرید . پس هر کس را دیدید که بهشت را از من تقاضا کرده است ، آن را به او می دهم و هر کس که از آتش به من پناه آورده باشد ، او را پناه می دهم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که روزی هفت بار بگوید : «بهشت را از خدا می خواهم و از آتش به او پناه می برم» ، مگر آن که آتش می گوید : ای پروردگار من ! او را از من در پناه خویش در آور .

ر . ک : ص 385 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / عذاب آتش) .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : ما ينبغى الاستعاذه منه4 / 1الشَّيطانُالكتاب«وَ إِمَّا يَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» . (1)

«وَ قُل رَّبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَ تِ الشَّيَطِينِ * وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ» . (2)

«وَإِمَّا يَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ» . (3)

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» . (4)

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَ نَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَکَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّى إِنَّکَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَا أُنثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّى أُعِيذُهَا بِکَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» . (5)

.

1- .فصّلت : 36 .
2- .المؤمنون : 97 و 98 .
3- .الأعراف : 200 و 201 .
4- .النحل : 98 و 99 .
5- .آل عمران : 35 و 36 .

فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد4 / 1شیطانقرآن«و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند ، پس به خدا پناه ببر که اوست شنوای دانا» .

«و بگو : ای پروردگار من ! از وسوسه های شیطان ، به تو پناه می برم . و به تو پناه می برم ای پروردگار من ! از این که به نزد من حاضر شوند» .

«و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند پس به خدا پناه ببر که او شنوای داناست . آنان که پرهیزگارند ، هر گاه وسوسه ای از سوی شیطان به ایشان رسد ، متذکّر [خدا]می شوند و ناگاه ، بینا می گردند» .

«پس هر گاه قرآن خواندی ، از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه ببر . [زیرا] او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکّل می کنند ، تسلّطی نیست» .

«آن گاه که زن عمران گفت : «ای پروردگارم ! من آنچه را در شکم خود دارم ، نذر تو کردم تا آزاد شده باشد . پس ، از من بپذیر که تو شنوای دانایی» . پس که فرزندش را بزاد ، گفت : «ای پروردگارم ! من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید ، داناتر بود و پسر چون دختر نیست ، و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می دهم»» .

.

الحديثتفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «وَ قُل رَّبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَ تِ الشَّيَطِينِ» : قالَ : ما يَقَعُ فى قَلبِکَ مِن وَسوَسَهِ الشَّياطينِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَسُبُّوا الشَّيطانَ ، وتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن شَرِّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أزهَدَ النّاسِ فِى العالِمِ أهلُهُ حَتّى يُفارِقَهُم ، وإنَّهُ يَشفَعُ فى أهلِهِ وجيرانِهِ ، فَإذا ماتَ خَلا عَنهُم مِن مَرَدَهِ (3) الشَّياطينِ أكثَرُ مِن عَدَدِ رَبيعَهَ ومُضَرَ ، قَد كانوا مُشتَغِلينَ بِهِ ، فَأكثِرُوا التَّعَوُّذَ بِاللّهِ مِنهُم . (4)

سنن أبى داوود عن أبى سعيد الخدرى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ كَبَّرَ ثُمَّ يَقولُ : . . . أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ ونَفثِهِ . (5)

مسند ابن حنبل عن أبى اُمامه الباهلى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ فِى الصَّلاهِ مِنَ اللَّيلِ كَبَّرَ ثَلاثا ، وسَبَّحَ ثَلاثا ، وهَلَّلَ ثَلاثا ، ثُمَّ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ وشِركِهِ . (6)

.

1- .تفسير القمّى : ج 2 ص 93 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 227 ح 113 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 11 ح 7290 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 484 ح 2120 .
3- .المارد من شياطين الجنّ والإنس : المتعرِّى من الخيرات ، من قولهم : شجر أمرد : إذا تعرّى من الورق (مفردات ألفاظ القرآن : ص 764 «مرد») .
4- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 329 نقلاً عن ابن مردويه وابن عساكر والديلمى عن عبد الواحد الدمشقى عن أبى الدرداء .
5- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 206 ح 775 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 9 ح 242 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 299 ح 1219 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 238 ح 467 ، كنز العمّال : ج 2 ص 204 ح 3766 .

6- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 277 ح 22239 ، تاريخ دمشق : ج 68 ص 121 ح 13676 ، كنز العمّال : ج 8 ص 401 ح 23439 .

حدیثتفسیر القمّی در باره این سخن خدای تعالی : «و بگو : ای پروردگار من ! از هَمَزات شیاطین ، به تو پناه می برم» : امام علیه السلا (1) فرمود : یعنی وسوسه های شیطان که در دل تو می افتد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان را دشنام ندهید ؛ بلکه از شرّ او به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بی اعتناترینِ مردم به دانشمند (دین شناس) ، خانواده او هستند ، تا آن گاه که از میان آنها برود . او برای خانواده و همسایگانش شفاعت می کند . پس هرگاه بمیرد ، شیاطین سرکش که شمارشان بیش از شمار [دو قبیله] مُضَر و ربیعه است و سرگرم [تلاش برای گم راهی] او بودند به سراغ خانواده و همسایگانش می روند . پس تا می توانید ، از آنها به خدا پناه ببرید .

سنن أبی داوود به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا هر گاه شب [برای عبادت]بر می خاست ، تکبیر می گفت . سپس می گفت : «پناه می برم به خداوند شنوای دانا ، از وسوسه و دمیدن و اغواگریِ شیطانِ رانده شده» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو اُمامه باهلی : پیامبر خدا هر گاه به نماز شب می ایستاد ، سه تکبیر و سه سبحان اللّه و سه لا إله إلّا اللّه می گفت ، سپس می گفت : «بار خدایا ! به تو پناه می برم از شیطانِ رانده شده ، از وسوسه او و دمیدنش و شریک شدنش» .

.

1- .م در مصدر ، به نام امام ، تصریح نشده است .

رِسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَأتِى الشَّيطانُ أحَدَكُم فَيَقولُ : مَن خَلَقَ كَذا ؟ مَن خَلَقَ كَذا ؟ حَتّى يَقولَ : مَن خَلَقَ رَبَّکَ ؟ فَإِذا بَلَغَهُ ، فَليَستَعِذ بِاللّهِ وَليَنتَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يوشِکُ النّاسُ أن يَتَساءَلوا بَينَهُم ، حَتّى يَقولَ قائِلُهُم : هذَا اللّهُ خَلَقَ الخَلقَ ، فَمَن خَلَقَ اللّهَ ؟ فَإِذا قالوا ذلِکَ فَقولوا : «اللّهُ أحَدٌ * اللّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَکُن لَّهُ کُفُوًا أحَدٌ» (2) ، ثُمَّ لِيَتفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثا ، وَليَستَعِذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلشَّيطانِ لَمَّةً (4) بِابنِ آدَمَ ، ولِلمَلَکِ لَمَّةً ؛ فَأمّا لَمَّةُ الشَّيطانِ فَإيعادٌ بِالشَّرِّ وتَکذيبٌ بِالحَقِّ ، وأمّا لَمَّةُ المَلَکِ فَإيعادٌ بِالخَيرِ وتَصديقٌ بِالحَقِّ ، فَمَن وَجَدَ ذلِکَ فَليَعلَم أنَّهُ مِنَ اللّهِ ، فَليَحمَدِ اللّهَ ، ومَن وَجَدَ الاُخرى ، فَليَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، الرَّجُلُ مِنّا يَصومُ ويُصَلّى فَيَأتيهِ الشَّيطانُ ، فَيَقولُ : إنَّکَ مُراءٍ ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فَليَقُل أحَدُکُم عِندَ ذلِکَ : أعوذُ بِکَ أن اُشرِکَ بِکَ شَيئا وأنَا أعلَمُ ، وأستَغفِرُکَ لِما لا أعلَمُ . (6)

.

1- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1194 ح 3102 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 120 ح 214 ، الدعاء للطبرانى : ص 379 ح 1265 ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 294 ح 651 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 245 ح 1235 ؛ بحار الأنوار : ج 58 ص 325 .
2- .الإخلاص : 1 4 .
3- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 170 ح 10497 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 231 ح 4722 نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 245 ح 1236 وراجع صحيح مسلم : ج 1 ص 119 ح 212 .
4- .اللَّمَّةُ : الهمّةُ والخطرةُ تقعُ فى القلب (النهايه : ج 4 ص 273 «لمم») .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 219 ح 2988 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 305 ح 11051 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 278 ح 997 ، المعجم

الكبير : ج 9 ص 101 ح 8532 نحوه ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 19 ح 4978 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 1 ص 246 ح 1240 .
6- .النوادر للراوندى : ص 238 ح 488 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريّات : ص 52 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدِّه عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 303 ح 48 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان نزد یکی از شما می آید و [وسوسه کنان] می گوید : «فلان چیز را که آفرید؟ همان چیز را که آفرید؟». تا این که می گوید : «پروردگارت را چه کسی آفرید؟». هر گاه به این جا رسید ، [آن شخص]به خدا پناه ببرد و دیگر ادامه ندهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به زودی ، مردم از یکدیگر پرسش می کنند ، تا آن که گوینده ای از ایشان می گوید : «جهان آفرینش را خدا آفرید ، خدا را چه کسی آفرید؟». هر گاه این را گفتند ، شما بگویید : «خدا یکی است ؛ خدایی که بی نیاز است ؛ نه زاده است و نه زاده شده است و هیچ کس همتای او نیست» . سپس سه بار از سمت چپ خود ، آب دهان بیندازید و از شیطان به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان به آدمی القا می کند و فرشته نیز القا می کند . القای شیطان ، وعده دادن [و وسوسه کردن] به بدی و تکذیب حق است و القای فرشته ، وعده دادن [و راه نمایی کردن] به خوبی و تصدیق حق است . پس هر کس این [دومی]را احساس کرد ، بداند که آن از جانب خداست و خداوند را سپاس و ستایش بگوید ، و هر کس آن دیگری را احساس کرد ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببرد .

امام علی علیه السلام :گفتیم : ای پیامبر خدا! شخصی از ما روزه می گیرد و نماز می خواند ، و شیطان نزد او می آید و می گوید : تو ریا کاری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : هر یک از شما در این حالت بگوید : «[خدایا!] پناه می برم به تو از این که دانسته ، چیزی را شریکت گردانم ، و برای آنچه ندانسته شریکت ساخته ام نیز ، از تو آمرزش می خواهم» .

.

عنه علیه السلام :إذا وَسوَسَ الشَّیطانُ إلی أحَدِکُم فَلیَتَعَوَّذ بِاللّهِ ، وَلیَقُل : آمَنتُ بِاللّهِ وبِرَسولِهِ مُخلِصا لَهُ الدّینَ . (1)

عنه علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِکُمَیلٍ : یا کُمَیلُ ، إذا وَسوَسَ الشَّیطانُ فی صَدرِکَ ، فَقُل : «أعوذُ بِاللّهِ القَوِیِّ ، مِنَ الشَّیطانِ الغَوِیِّ (2) ، وأعوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِیِّ ، مِن شَرِّ ما قُدِّرَ وقُضِیَ ، وأعوذُ بِإلهِ النّاسِ ، مِن شَرِّ الجِنَّهِ وَالنّاسِ أجمَعینَ» ؛ وسَلِّم ، تُکفَ مَؤونَهَ (3) إبلیسَ وَالشَّیاطینِ مَعَهُ ، ولَو أنَّهُم کُلَّهُم أبالِسَهٌ مِثلُهُ . (4)

عنه علیه السلام :عَلَّمَنی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا دَخَلتُ الکَنیفَ أن أقولَ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الخَبیثِ المُخبِثِ ، النَّجسِ الرِّجسِ ، الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (5)

عنه علیه السلام فی وَصفِ المُؤمِنینَ : مِن عَلامَهِ أحَدِهِم (6) أن یَکونَ لَهُ حَزمٌ فی لینٍ ، وإیمانٌ فی یَقینٍ ، وحِرصٌ فی تَقوی ... وَاعتِصامٌ بِاللّهِ مِن مُتابَعَهِ الشَّهَواتِ ، وَاستِعاذَهٌ بِهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (7)

الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ بِالعافِیَهِ : وأعِذنی وذُرِّیَّتی مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (8)

.

1- .الخصال : ص 624 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 211 ح 2534 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 138 ح 3137 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 102 ح 1 .
2- .الغیُّ : الضلال والانهماک فی الباطل (النهایه : ج 3 ص 397«غوا») .
3- .المَؤونَهُ : التّعبُ والشدّه ، والمؤونه : الثِّقْلُ (الصحاح : ج 6 ص 2198 «مأن») .
4- .بشاره المصطفی : ص 27 عن کمیل بن زیاد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 271 ح 1 .
5- .الجعفریّات : ص 13 ، النوادر للراوندی : ص 227 ح 463 کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، الکافی : ج 3 ص 16 ح 1 ، تهذیب

الأحكام : ج 1 ص 25 ح 63 كلاهما عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 23 ح 37 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 80 ص 188 ح 44 .
6- .فى المصدر : «من علاماتهم» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .مطالب السؤول : ص 53 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 25 ح 89 .
8- .الصحيفه السجّاديّه : ص 98 الدعاء 23 و ص 106 الدعاء 25 ، المصباح للكفعمى : ص 219 .

امام علی علیه السلام :هر گاه شیطانْ یکی از شما را وسوسه کرد ، به خدا پناه ببرد و بگوید : «به خدا و پیامبرش ایمان دارم ، و دین [خود] را برای او خالص کرده ام» .

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل : ای کمیل! هر گاه شیطان در سینه ات وسوسه کرد ، بگو : «پناه می برم به خداوند نیرومند ، از شیطان گم راه . پناه می برم به محمّد پسندیده [ی خداوند] ، از شرّ آنچه قلم قضا و قدر رقم زده است . پناه می برم به خدای مردم ، از شرّ همه جن و انس» و تسلیم [خدا]بشو ، که [با این کار ،] رنج و زحمت ابلیس و شیاطین او ، از تو دور می شود ؛ اگر چه همه آنها ابلیس هایی همانند او باشند .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله به من آموخت که هر گاه به آبریزگاه می روم ، بگویم : «بارخدایا! به تو پناه می برم از آن پلیدِ پلیدگر ، نجسِ ناپاک ، شیطانِ رانده شده» .

امام علی علیه السلام در وصف مؤمنان : از نشانه های هر یک از آنان این است که در عین نرمی ، قاطع اند ، ایمانی توأم با یقین دارند ، در پرهیزگاری حریص اند، ... از پیروی کردن خواهش های نفسانی ، دست به دامن خدا می شوند و از شیطان رانده شده ، به خدا پناه می برند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام عافیت : مرا و نسل مرا ، از شیطان رانده شده ، در پناه خویش بگیر .

.

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فی شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ أعِذنی فیهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ ، وهَمزِهِ ولَمزِهِ ، ونَفثِهِ ونَفخِهِ ، ووَسواسِهِ وکَیدِهِ ، ومَکرِهِ وحِیَلِهِ ، وأمانِیِّهِ وخُدَعِهِ ، وغُرورِهِ وفِتنَتِهِ ، ورَجِلِهِ (1) وشَرَکِهِ ، وأعوانِهِ وأتباعِهِ ، وأخدانِهِ (2) وأشیاعِهِ ، وأولِیائِهِ وشُرَکائِهِ ، وجَمیعِ کَیدِهِم . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :لَیسَ مِن مُؤمِنٍ یَمُرُّ عَلَیهِ أربَعونَ صَباحا ، إلّا حَدَّثَ (4) نَفسَهُ ، فَلیُصَلِّ رَکعَتَینِ ، وَلیَستَعِذ بِاللّهِ مِن ذلِکَ . (5)

4 / 2شَیاطینُ الإنسِ وَالجِنِّالکتاب«وَکَذَ لِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیَطِینَ الْاِءنسِ وَالْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا یَفْتَرُونَ» . (6)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِکِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ» . (7)

.

1- .رَجِله : أی رَجّالَتُه ، فالرَّجِل : اسم جمع للرّاجِل (مجمع البحرین : ج 2 ص 681 «رجل») .
2- .الخِدْنُ والخَدِینُ : الصدیق (النهایه : ج 2 ص 15 «خدن») .
3- .الکافی : ج 4 ص 75 ح 7 ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 112 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 105 ح 1849 ، الإقبال : ج 1 ص 203 کلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 360 ح 1 .
4- .قال العلّامه المجلسی قدس سره : المراد بحدیث النفس : الوساوس الشیطانیّه فی العقائد والقضاء والقدر ، والخطورات التی یوجب التکلّم بها الکفر (بحار الأنوار : ج 91 ص 354) .
5- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 114 ح 2317 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 354 ح 17 .
6- .الأنعام : 112 .
7- .الناس : 1 6 .

4 / 2 شیطان های اِنس و جِن

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در ماه رمضان : بار خدایا ! در این ماه ، مرا از شیطانِ رانده شده و از تحریکات و انگیزش ها و اغواگری ها و دمیدن هایش ، و از وسوسه ها و نیرنگ و دسیسه و حیله هایش ، و از آرزوها و فریب ها و گم راه سازی و فتنه گری اش ، و از پیادگانش و دام هایش ، و از یاران و دنباله روها و دوستان و پیروانش ، و از حامیان و شریکانش و از همه نیرنگ هایشان ، در پناه خویش بگیر .

امام صادق علیه السلام :بر هیچ مؤمنی چهل بامداد نمی گذرد مگر آن که اندیشه های شیطانی (1) به سراغش می آیند . پس [در این حالت ،] دو رکعت نماز بخواند و از آنها به خدا پناه ببرد .

4 / 2شیطان های اِنس و جِنقرآن«و این چنین ، برای هر پیامبری دشمنی از [میانِ] شیاطین انس و جنّ قرار دادیم که برای فریب ، به یکدیگر سخنان آراسته القا می کنند ، و اگر پروردگار تو می خواست ، چنین نمی کردند . پس ، آنان را با آنچه به دروغ می سازند ، واگذار» .

«بگو : پناه می برم به پروردگار مردم . پادشاه مردم . معبود مردم . از شرّ وسوسه گرِ نهانی . همان کس که در سینه های مردم وسوسه می کند . چه از جن و [چه از] انس» .

.

1- .یعنی : حدیث نفس . علّامه مجلسی می گوید : مراد از اندیشه های شیطانی ، وسوسه های شیطان است در عقاید و قضا و قدر و نیز خطورات ذهنی ای که به زبان آوردنِ آنها موجب کفر می گردد .

الحديثمسند ابن حنبل عن أبى أُمامه فى ذِكرِ حَديثِ أبى ذَرٍّ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : . . . فَقالَ[صلى اللهِ عليه و آله]يا أبا ذَرٍّ ، تَعَوَّذ مِن شَرِّ شَياطينِ الجِنِّ وَالإنسِ . قالَ : يا نَبِىَّ اللّهِ وهَل لِلإنسِ شَياطينُ ؟ ! قالَ : نَعَم ، شَياطينُ الإِنسِ وَالجِنِّ يوحى بَعضُهُم إلى بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُرورا . (1)

تنبيه الغافلين عن أبى ذرّ عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أبا ذَرٍّ ، استَعِذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومِن شَرِّ شَياطينِ الإِنسِ وَالجِنِّ . فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوَ مِنَ الإِنسِ شَياطينُ ؟ قالَ : أما تَسمَعُ قَولَهُ تَعالى : «شَيَطِينَ الْاِءنسِ وَالْجِنِّ» ثُمَّ سَكَتَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ نافِلَهِ الفَجرِ : اِستَمسَكتُ بِعُروَهِ اللّهِ الوُثقَى الَّتى لَا انفِصامَ لَها ، وَاعتَصَمتُ بِحَبلِ اللّهِ المَتينِ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ شياطينِ الإِنسِ وَالجِنِّ ، أعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ فَسَقَهِ العَرَبِ وَالعَجَمِ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 301 ح 22351 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 217 ح 7871 كلاهما عن أبى أُمامه ، سنن النسائى : ج 8 ص 275 عن أبى ذرّ ، تفسير الطبرى : ج 5 الجزء 8 ص 5 عن أبى ذرّ وقتاده وليس فيهما ذيله من «شياطين الإنس والجنّ يوحى» .
2- .تنبيه الغافلين : ص 585 ح 940 .
3- .مسند زيد : ص 160 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 166 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 355 ح 22 .

حدیثمسند ابن حنبل به نقل از ابو اُمامه : در بیان گفتگوی ابوذر با پیامبر صلی الله علیه و آله : ... ایشان فرمود : «ای ابوذر! از شرّ شیطان های جنّ و انس ، [به خدا]پناه ببر» . ابوذر گفت : ای پیامبر خدا! آیا انسان ها هم شیاطین دارند؟! فرمود : «آری ، شیطان های انس و جنّ ، برای فریب ، به یکدیگر سخنان آراسته القا می کند» .

تنبیه الغافلین به نقل از ابو ذر : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابوذر! از شیطان رانده شده و از شرّ شیطان های انس و جنّ ، به خدا پناه ببر» . گفتم : ای پیامبر خدا! آیا در انسان ها هم شیاطین وجود دارد؟ فرمود : «مگر نشنیده ای این فرموده خدای تعالی را : «شیطان های اِنس و جنّ» ؟» . آن گاه ساکت شد .

امام علی علیه السلام در دعای پس از نافله صبح :محکم ترین دستگیره خدا را که هرگز گسسته نخواهد شد ، گرفتم و به ریسمان استوار خدا چنگ زدم ، و از شرّ شیطان های انس و جن ، به خدا پناه می برم . از شرّ تبهکاران عرب و غیر عرب ، به خدا پناه می آورم .

.

4 / 3النَّفسُ الأَمّارَهُ بِالسّوءِالكتاب«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلَا مَا رَحِمَ رَبِّی» . (1)

«وَ رَ وَدَتْهُ الَّتِی هُوَ فِی بَیْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَ بَ وَ قَالَتْ هَیْتَ لَکَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوَایَ إِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّلِمُونَ» . (2)

الحدیثرسول اللّه صلی الله علیه و آله لِحُصَینٍ لَمّا أسلَمَ وقالَ لَهُ : عَلِّمنِی الکَلِمَتَینِ اللَّتَینِ وَعَدتَنی ! : قُل : اللّهُمَّ ألهِمنی رُشدی ، وأعِذنی مِن شَرِّ نَفسی . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ اغفِر لی ذَنبی وخَطَئی وعَمدی . . . اللّهُمَّ أستَهدیکَ لِأَرشَدِ أمری ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسی . (4)

السنن الکبری عن عمران بن حصین :جاءَ حُصَینٌ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَبلَ أن یُسلِمَ ... ثُمَّ إنَّ حُصَینا قالَ : یا مُحَمَّدُ ، ماذا تَأمُرُنی أن أقولَ ؟ قالَ : تَقولُ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسی ، وأسأَلُکَ أن تَعزِمَ (5) لی عَلی رُشدِ (6) أمری . (7)

.

1- .یوسف : 53 .
2- .یوسف : 23 .
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 520 ح 3483 ، التاریخ الکبیر : ج 3 ص 1 ، المعجم الکبیر : ج 18 ص 174 ح 396 وفیه «أعدنی رشد» بدل «أعذنی من شرّ» ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 280 ح 1985 کلّها عن عمران بن حصین ، کنز العمّال : ج 2 ص 194 ح 3713 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 489 ح 16269 و ج 6 ص 269 ح 17925 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 7 ص 62 ح 5 ، صحیح ابن حبّان : ج 3 ص 183 ح 901 ، المعجم الکبیر : ج 9 ص 53 ح 8369 کلّها عن عثمان بن أبی العاص ، کنز العمّال : ج 2 ص 205 ح 3772 .
5- .عزم اللّه لی : أی خلق لی قوّهً وصبرا. وفیه «خیر الأُمور عزائمها» وهی ما وکّدتَ رأیکَ وعزمکَ علیه، ووفیت بعهد اللّه فیه (النهایه : ج 3 ص 231 232 «عزم»).

6- .فی أکثر المصادر : «أرشدِ» بدل «رُشدِ».
7- .السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 247 ح 10832 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 7 ص 55 ح 3 ، المعجم الصغیر : ج 1 ص 243 نحوه ، مسند الشهاب : ج 2 ص 337 ح 1480 ، کنز العمّال : ج 2 ص 687 ح 5083 و ح 5085 .

4 / 3نفس بد فرماقرآن«راستی که نفس ، فرمان دهنده به بدی است ، مگر آن که پروردگارم رحم کند» .

«و آن [بانو] که وی در خانه اش بود ، خواست از او کام گیرد و درها را چفت کرد و گفت : «اینک بیا!». [یوسف] گفت : «پناه بر خدا! او ارباب من است ، به من جای نیکو داده است . قطعا ستمکاران رستگار نمی شوند»» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حُصَین ، آن گاه که اسلام آورد و به ایشان گفت : آن دو کلمه ای را که وعده ام داده بودی ، به من بیاموز! : بگو : «بار خدایا! راه درست را به من الهام فرما ، و مرا از شرّ نفسم در پناه خود بگیر» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! گناهم را و هر بدی ای را که به خطا یا عمد از من سر زد ، بیامرز ... بار خدایا! از تو می خواهم که مرا به درست ترین کارم راه نمایی فرمایی و از گزند نفسم ، به تو پناه می آورم» .

السنن الکبری به نقل از عمران بن حُصَین : [پدرم] حُصین پیش از آن که اسلام آورَد ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد ... سپس گفت : ای محمّد! دستور می دهی چه بگویم؟ فرمود : «می گویی : بار خدایا! از شرّ نفسم ، به تو پناه می آورم و از تو درخواست می کنم که مرا در راه دُرستم مصمّم و استوار بداری» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسى ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :«اللّهُمَّ . . . أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسى ، وشَرِّ الشَّيطانِ وشِرکِهِ» ، قُلها إذا أصبَحتَ ، وإذا أمسَيتَ ، وإذا أخَذتَ مَضجَعَکَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله فى خُطبَةِ حَجَّةَ الوَداعِ : الحَمدُ للّهِ ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَتوبُ إلَيهِ ، ونَعوذُ بِاللّهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا ، ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا ، مَن يَهدِ اللّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ ، ومَن يُضلِل فَلا هادِىَ لَهُ . (3)

.

1- .الدعاء للطبرانى : ص 129 ح 343 ، تاريخ دمشق : ج 37 ص 4 ح 7413 ، كنز العمّال : ج 2 ص 163 ح 3583 ؛ عدّه الداعى : ص 256 كلّها عن أبى الدرداء ، مصباح المتهجّد : ص 57 ح 87 و ص 90 ح 149 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، مُهَج الدعوات : ص 17 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 214 ح 10 .
2- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 317 ح 5067 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 408 ح 7715 و ج 6 ص 6 ح 9839 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 31 ح 51 و ص 34 ح 63 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 746 ح 2589 كلّها عن أبى هريره ، سنن الترمذى : ج 5 ص 542 ح 3529 عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 198 ح 3734 .
3- .تحف العقول : ص 30 ، الكافى : ج 3 ص 422 ح 6 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 330 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، الغارات : ج 1 ص 155 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 348 ح 13 ؛ سنن ابن ماجه : ج 1 ص 609 ح 1892 عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 15 ص 941 ح 43619 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از شرّ نفسم و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست ، به تو پناه می برم . راستی که پروردگار من بر راهی راست است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«بار خدایا ! ... از شرّ نفسم و از شرّ شیطان و دام های او ، به تو پناه می برم» . این جملات را هر صبحگاه و شامگاه و آن گاه که به رخت خوابت می روی ، بگو .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه حجّه الوداع : سپاس و ستایش ، خدای را . او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و از او آمرزش می طلبیم و به درگاه او توبه می کنیم ، و از گزندهای نفس و بدی های کردار خویش ، به خدا پناه می بریم . هر که را خدا هدایت کند ، هیچ کس نمی تواند گمراهش کند و هر که او گمراهش کند ، هیچ کس هدایتگرش نخواهد بود.

.

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ الثُّلاثاءِ : الحَمدُ للّهِ ، وَالحَمدُ حَقُّهُ كَما يَستَحِقُّهُ حَمدا كَثيرا ، وأعوذُ بِهِ مِن شَرِّ نَفسي ، إنَّ النَّفسَ لَأَمّارَهٌ بِالسّوءِ إلّا ما رَحِمَ رَبّي ، وأعوذُ بِهِ مِن شَرِّ الشَّيطانِ الَّذي يَزيدُني ذَنبا إلى ذَنبي ، وأحتَرِزُ بِهِ مِن كُلِّ جَبّارٍ فاجِرٍ ، وسُلطانٍ جائِرٍ ، وعَدُوٍّ قاهِرٍ . (1)

4 / 4أئِمَّهُ الجَورِالكتاب«وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِى أَقْتُلْ مُوسَى وَ لْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّى أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِى الْأَرْضِ الْفَسَادَ * وَ قَالَ مُوسَى إِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَ رَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» . (2)

«إِنَّ الَّذِينَ يُجَدِلُونَ فِى ءَايَتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ إِن فِى صُدُورِهِمْ إِلَا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَلِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» . (3)

الحديثالإمام الحسين عليه السلام يَومَ الطَّفِّ : . . . إنّى عُذتُ بِرَبّى ورَبِّكُم أن تَرجُمونِ ، أعوذُ بِرَبّى ورَبِّكُم مِن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لا يُؤمِنُ بِيَومِ الحِسابِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن أئِمَّهِ الحَرَجِ (5) ، الَّذينَ يُحرِجونَ اُمَّتى إلَى الظُّلمِ . (6)

.

1- .البلد الأمين : ص 123 ، المصباح للكفعمى : ص 163 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 187 ح 25 .
2- .غافر : 26 و 27 .
3- .غافر : 56 .
4- .الإرشاد : ج 2 ص 98 ، مثير الأحزان : ص 51 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 68 ، إعلام الورى : ج 1 ص 459 ، بحار الأنوار : ج 45 ص 7 .
5- .الحَرَجُ فى الأصل : الضيق ، ويقع على الإثم والحرام (النهايه : ج 1 ص 361 «حرج») .
6- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 96 ح 4777 عن عمر بن الخطّاب ، مجمع الزوائد : ج 5 ص 427 ح 9204 .

4 / 4 پیشوایان ستم و کجروی

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز سه شنبه : سپاس و ستایش فراوان ، خدای را که ستایش ، سزاوار اوست آن سان که او سزاوار آن است . از شرّ نفسم به او پناه می برم که نفس ، پیوسته به بدی فرمان می دهد ، مگر آن که پروردگارم رحم کند . و از شرّ شیطان که گناهی بر گناهم می افزاید به او پناه می برم ، و از هر قدرتمند نابکاری و پادشاه ستمکاری و دشمن زورگویی ، خود را در پناه او در می آورم .

4 / 4پیشوایان ستم و کجرویقرآن«و فرعون گفت : «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند ، [زیرا] من می ترسم که آیین شما را دیگرگون سازد یا در این سرزمین ، تباهی افکند» . و موسی گفت : «من از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد ، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام»» .

«آنان که در باره نشانه های خدا بی آن که حجّتی برایشان آمده باشد مجادله می کنند ، در دل هایشان جز تکبّر نیست . آنان به آن نخواهند رسید . پس به خدا پناه جوی ، که او شنوا و بیناست» .

حدیثامام حسین علیه السلام در روز عاشورا : ... من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا سنگباران کنید . به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از پیشوایان زور که امّت مرا به ستم وا می دارند ، به تو پناه می برم .

.

الإمام علىّ عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : يا كُمَيلُ ، إيّاکَ وَالتَّطَرُّقَ إلى أبوابِ الظّالِمينَ ، وَالاِختِلاطَ بِهِم ، وَالاِكتِسابَ مِنهُم ... . يا كُمَيلُ ، إنِ اضطُرِرتَ إلى حُضورِها ، فَداوِم ذِكرَ اللّهِ تَعالى وَالتَّوَكُّلَ عَلَيهِ ، وَاستَعِذ بِاللّهِ مِن شَرِّهِم ، وأطرِقِ (1) عَنهُم ، وأنكِر بِقَلبِکَ فِعلَهُم ... . يا كُمَيلُ سَخَطُ اللّهِ تَعالى مُحيطٌ بِمَن لَم يَحتَرِز مِنهُم بِاسمِهِ ونَبِيِّهِ ، وجَميعِ عَزائِمِهِ (2) وعَوذِهِ جَلَّ وعَزَّ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى نَبِيِّهِ وآلِهِ وَسَلَّمَ . (3)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا دَخَلتَ عَلى سُلطانٍ تَخافُ شَرَّهُ ، فَقُل : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ فُلانٍ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ ، وأسأَلُکَ بَرَكَتَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَتِهِ ، اللّهُمَّ اجعَل حاجَتى أوَّلَها صَلاحا ، وأوسَطَها فَلاحا ، وآخِرَها نَجاحا . (4)

الأدب المفرد عن ابن عبّاس :إذا أتَيتَ سُلطانا مَهيبا تَخافُ أن يَسطُوَ بِکَ ، فَقُل : اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أعَزُّ مِن خَلقِهِ جَميعا ، اللّهُ أعَزُّ مِمّا أخافُ وأحذَرُ ، وأعوذُ بِاللّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ ، المُمسِکُ السَّماواتِ السَّبعَ أن يَقَعنَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإذنِهِ ، مِن شَرِّ عَبدِکَ فُلانٍ ، وجُنودِهِ وأتباعِهِ وأشياعِهِ مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، اللّهُمَّ كُن لى جارا مِن شَرِّهِم ، جَلَّ ثَناؤُکَ ، وعَزَّ جارُکَ ، وتبارَکَ اسمُکَ ، ولا إلهَ غَيرُکَ ثَلاثَ مَرّاتٍ . (5)

.

1- .أطرق الرَّجلُ : إذا سكتَ فلم يتكلّم ، وأطرق ، أى أرخى عينيه ينظرُ إلى الأرض (الصحاح : ج 4 ص 1515 «طرق») .
2- .عزائمُ الأُمور : أى فرائضها التى عزم اللّهُ عليک بفعلها (النهايه : ج 3 ص 231 «عزم») .
3- .بشاره المصطفى : ص 26 عن كميل بن زياد ، تحف العقول : ص 173 نحوه .
4- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 219 ح 15 .
5- .الأدب المفرد : ص 212 ح 708 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 258 ح 10599 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 25 ح 2 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 322 ، كنز العمّال : ج 2 ص 660 ح 5006 .

امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل بن زیاد : ای کمیل ! از نزدیک شدن به درگاه ستمگران و آمیختن با آنان و کسب درآمد از آنان ، بپرهیز ... . ای کمیل ! اگر از حاضر شدن در درگاه آنان ناگزیر شدی ، پیوسته خدای تعالی را یاد کن و بر او توکّل نمای و از شرّشان به خدا پناه ببر ، و در برابرشان خاموش بمان [و در مدح و تأییدشان سخنی مگوی] و در دلت با کردار آنان مخالفت کن ... . ای کمیل ! کسی که با نام خدا و پیامبر او و [با به کار بستنِ] همه واجبات الهی و تعویذهای او که پرشکوه و شکست ناپذیر است ، از آنان (ستمگران) پرهیز نکند ، خشم خدای تعالی او را در میان گرفته است . درود خدا و سلام او ، بر پیامبر او و خاندانش باد .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هر گاه نزد فرمان روایی رفتی که از گزند او بیم داری ، بگو : «بار خدایا ! من خوبیِ فلانی را از تو درخواست می کنم و از بدی و گزندش ، به تو پناه می برم . برکتش را از تو درخواست می کنم و از بد رفتاری و آزارش ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! آغاز حاجت مرا درستی ، میانش را رستگاری ، و پایانش را کامیابی قرار ده» .

الأدب المفرد به نقل از ابن عبّاس : هرگاه بر فرمان روایی ترسناک وارد شدی و بیم آن داشتی که بر تو خشم بگیرد ، سه بار بگو : «خدا بزرگ تر است . خدا از همه آفریدگانش نیرومندتر است . خدا از آنچه می ترسم و بیمناکم ، نیرومندتر است . به [تو] خدایی که معبودی جز او نیست و آسمان های هفتگانه را نگه داشته است که مبادا جز به اذن او ، بر زمین فرو افتند ، پناه می برم از شرّ فلان بنده ات و از شرّ سپاهیانش و پیروان و رهروانش ، چه جنّ [باشند] و چه انس . بار خدایا ! مرا از شرّ آنان در پناه خویش بگیر ، که ثنای تو بزرگ است و پناه تو استوار و نامت خجسته ، و معبودی جز تو نیست» .

.

4 / 5الجَهلُالكتاب«قَالَ يَنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَلِحٍ فَلَا تَسْئَلْنِ مَا لَيْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُکَ أَن تَکُونَ مِنَ الْجَهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْئَلَکَ مَا لَيْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَ إِلَا تَغْفِرْ لِی وَ تَرْحَمْنِی أَکُن مِّنَ الْخَسِرِينَ» . (1)

«وَ إِذْ قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُکُمْ أَن تَذْبَحُواْ بَقَرَةً قَالُواْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْجَهِلِينَ» . (2)

الحديثسنن النسائی عن اُمِّ سلمه :إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، رَبِّ أعوذُ بِکَ مِن أن أزِلَّ ، أو أضِلَّ ، أو أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَیَّ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ الهَريرِ بِصِفّينَ : اللّهُمَّ إنّی ... أعوذُ بِکَ مِنَ الجَهلِ وَالهَزلِ ، ومِن شَرِّ القَولِ وَالفِعلِ . (4)

عنه علیه السلام :إلهی ... أعوذُ بِکَ مِن قُوَّتی ، وألوذُ بِکَ مِن جُرأَتی ، وأستَجيرُ بِکَ مِن جَهلی ، وأتَعَلَّقُ بِعُرَی أسبابِکَ مِن ذَنبی . (5)

.

1- .هود : 46 و 47 .
2- .البقره : 67 .
3- .سنن النسائی : ج 8 ص 268 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1278 ح 3884 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 220 ح 26766 .
4- .مُهَج الدعوات : ص 132 عن محمّد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق علیه السلام .
5- .بحار الأنوار : ج 87 ص 246 ح 56 نقلاً عن کتاب اختيار ابن الباقی .

4 / 5نادانیقرآن«[خداوند] گفت : ای نوح ! او (پسرت) از کسان تو نیست . او [دارای] کرداری ناشایسته است . پس چیزی را که بدان علم نداری ، از من مخواه . من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی» . نوح گفت : «ای پروردگار من ! به تو پناه می برم [از این] که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم . و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی ، از زیانکاران خواهم بود» .

«و آن گاه که موسی به قومش گفت : «خدا به شما دستور می دهد که ماده گاوی را سر ببرید» . آنان گفتند : «آیا ما را به ریشخند می گیری؟». گفت : «به خدا پناه می برم [از این] که از نادانان باشم»» .

حدیثسنن النسائی به نقل از اُمّ سَلَمه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خانه اش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدا . خداوندا ! به تو پناه می برم از این که بلغزم یا گم راه شوم یا ستم کنم یا به من ستم شود ، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود» .

امام علی علیه السلام در دعایی که روز هریر در جنگ صفّین خواند : بار خدایا ! من ... به تو پناه می برم از نادانی کردن و شوخی [بیجا] نمودن ، و از گفتار و کردار بد .

امام علی علیه السلام :معبود من ! ... از نیروی خود ، به تو پناه می برم و از گستاخی ام ، به تو پناهنده می شوم و از نادانیِ خود ، از تو امان می جویم و از گناه خویش ، به دستگیره های ریسمان هایِ تو چنگ می زنم .

.

عنه عليه السلام :أعوذُ بِکَ رَبّی أن أشتَرِیَ الجَهلَ بِالعِلمِ کَمَا اشتَری غَیری ، أوِ السَّفَهَ بِالحِلمِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُدعى بِهِ فِی الصَّباحِ وَالمَساءِ : اللّهُمَّ بِکَ نُمسی وبِکَ نُصبِحُ ، وبِکَ نَحیا ، وبِکَ نَموتُ ، وإلَیکَ نَصیرُ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أذِلَّ أو أُذَلَّ ، أو أضِلَّ أو أُضَلَّ ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ ، أو أجهَلَ أو یُجهَلَ عَلَیَّ . (2)

الكافی عن عبد الرّحمن بن سيابه :أعطانی أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام هذَا الدُّعاءَ : الحَمدُ للّهِ وَلِیِّ الحَمدِ وأهلِهِ ومُنتَهاهُ ومَحَلِّهِ ... وأعوذُ بِکَ مِن أن أشتَرِیَ الجَهلَ بِالعِلمِ ، وَالجَفاءَ بِالحِلمِ ، وَالجَورَ بِالعَدلِ ، وَالقَطیعَةَ بِالبِرِّ ، وَالجَزَعَ بِالصَّبرِ . (3)

4 / 6عِلمٌ لا یَنفَعُرسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ عِلما نافِعا ، وأعوذُ بِکَ مِن عِلمٍ لا یَنفَعُ . (4)

مسند ابن حنبل عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ یَقولُ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن عِلمٍ لا یَنفَعُ ، وعَمَلٍ لا یُرفَعُ ، وقَلبٍ لا یَخشَعُ ، وقَولٍ لا یُسمَعُ . (5)

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَی الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : «نَعوذُ بِاللّهِ مِن عِلمٍ لا یَنفَعُ» ، وهُوَ العِلمُ الَّذی یُضادُّ العَمَلَ بِالإخلاصِ ، وَاعلَم أنَّ قَلیلَ العِلمِ یَحتاجُ إلی کَثیرِ العَمَلِ ، لِأَنَّ عِلمَ ساعَةٍ یُلزِمُ صاحِبَهُ استِعمالَهُ طولَ عُمُرِهِ (6) . (7)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 126 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 111 ح 12556 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 337 ح 982 عن عمّار بن موسی .
3- .الکافی : ج 2 ص 590 و ص 592 ح 31 وراجع مصباح المتهجّد : ص 277 .

4- .السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 444 ح 7867 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3843 نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 283 ح 82 ، المعجم الأوسط : ج 9 ص 32 ح 9050 كلّها عن جابر بن عبد اللّه و ج 7 ص 154 ح 7139 عن عائشه ، كنز العمّال : ج 2 ص 210 ح 3804 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 507 ح 13675 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 284 ح 83 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 18 ح 8 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 207 ح 2837 ، كنز العمّال : ج 2 ص 693 ح 5105 .
6- .فى المصدر : «استعمال طول العمر» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .مصباح الشريعه : ص 344 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 32 ح 23 .

4 / 6 دانش بی سود

امام علی علیه السلام :ای پروردگار من! به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم چنان که دیگران خریدند ، یا سبکسری را به جای خردمندی .

امام صادق علیه السلام در دعای صبح و شام : بار خدایا! به یاری تو ، روز را به شب و شب را به روز می رسانیم ، و به کمک تو زنده ایم ، و به قدرت تو می میریم ، و به سوی تو حرکت می کنیم . به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا [کسی را] خوار گردانم ، یا گم راه شوم یا گم راه گردانم ، یا ستم کنم یا به من ستم شود ، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتارشود .

الکافی به نقل از عبد الرحمان بن سیابه : امام صادق علیه السلام این دعا را به من داد : «ستایش ، خدایی را که صاحب ستایش و سزامند آن و پایانه و جایگاه آن است ... و [خدایا!] به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم ، و تندی را به جای بردباری ، و ستم را به جای دادگری ، و بریدن از خویشان را به جای نیکی به آنان ، و ناشکیبی را به جای شکیبایی .

4 / 6دانش بی سودپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! دانشی سودمند از تو درخواست می کنم و از دانشی که سود نبخشد ، به تو پناه می برم .

مسند ابن حنبل به نقل از اَنَس : پیامبر خدا می گفت : «بار خدایا! من از دانشی که سود نبخشد و کرداری که [به درگاه تو] بالا نرود و دلی که خشوع نداشته باشد و سخنی که شنیده نشود ، به تو پناه می برم» .

مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به خدا پناه می بریم از دانشی که سود نبخشد» و آن ، دانشی است که با عملِ خالصانه ، در تضاد باشد . بدان که : اندکِ دانش ، نیاز به عملِ بسیار دارد ؛ زیرا دانشِ [آموخته شده

در] یک ساعت ، صاحب خود را وا می دارد که در تمام عمرش آن را به کار بندد .

.

4 / 7الشِّركُمسند ابن حنبل عن أبى موسى الأشعرى :خَطَبَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ فَقالَ : أيُّهَا النّاسُ ، اتَّقوا هذَا الشِّركَ ، فَإنَّهُ أخفى مِن دَبيبِ النَّملِ . فَقالَ لَهُ مَن شاءَ اللّهُ أن يَقولَ : وكَيفَ نَتَّقيهِ وهُوَ أخفى مِن دَبيبِ النَّملِ ، يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : قولوا : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن أن نُشرِكَ بِكَ شَيئا نَعلَمُهُ ، ونَستَغفِرُكَ لِما لا نَعلَمُ . (1)

4 / 8مُضِلّاتُ الفِتَنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ : أعوذُ بِكَ مِنَ ضَرّاءَ مُضِرَّةٍ ، وفِتنَةٍ مُضِلَّةٍ ، اللّهُمَّ زَيِّنّا بِزينَةِ الإيمانِ ، وَاجعَلنا هُداةً مُهتَدينَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَسيحِ الدَّجّالِ (3) ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَحيا وفِتنَةِ المَماتِ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ (4) . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 146 ح 19625 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 88 ح 1 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 334 ، كنز العمّال : ج 3 ص 481 ح 7521 .
2- .سنن النسائى : ج 3 ص 55 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 366 ح 18353 فيه «مهديّين» بدل «مهتدين» وكلاهما عن عمّار بن ياسر ، كنز العمّال : ج 2 ص 688 ح 5086 .
3- .دَجَّلَ : إذا لَبّس وموّه ، والدجّال : من أبنيه المبالغه : أى يكثر منه الكذب والتلبيس ، والدجّال هو الذى يظهر فى آخر الزمان يدّعى الألوهيّه (النهايه : ج 2 ص 102 «دجل») .
4- .المَغرَمُ كالغُرم ، وهو الدَّين ، ويريد به ما استُدين فيما يكرهه اللّه ، أو فيما يجوز ثمّ عجز عن أدائه ، فأمّا دين احتاج إليه ، وهو قادر على أدائه ، فلا يستعاذ منه (النهايه : ج 3 ص 363 «غرم») .
5- .صحيح البخارى : ج 1 ص 286 ح 798 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 412 ح 129 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 233 ح 880 ، سنن النسائى : ج 3 ص 56 كلّها عن عائشه و ج 4 ص 104 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 525 ح 3494 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1262 ح 3840 والثلاثه الأخيره عن ابن عبّاس وليس فيها ذيله ، كنز العمّال : ج 1 ص 487 ح 2133 .

4 / 7 شِرک

4 / 8 فتنه های گم راه کننده

4 / 7شِرکمسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی اشعری :روزی پیامبر خدا برای ما سخنرانی کرد و فرمود : «ای مردم ! از این شرک بپرهیزید ؛ چرا که آن از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است» . کسی که خدا خواست بگوید گفت : ای پیامبر خدا ! حال که از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است ، چگونه از آن بپرهیزیم ؟ فرمود : «بگویید : بار خدایا ! به تو پناه می بریم از این که چیزی را دانسته ، شریک تو گردانیم ، و برای آنچه ندانسته چنین می کنیم ، از تو آمرزش می طلبیم» .

4 / 8فتنه های گم راه کنندهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که همواره می خواند :از سختی های گزند رساننده و از فتنه های گم راه کننده ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! ما را به زیور ایمان بیارای ، و راه نمایانی ره یافته قرارمان ده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از عذاب قبر به تو پناه می برم ، از فتنه مسیح دروغین به تو پناه می برم، از فتنه زندگی و فتنه مردن به تو پناه می برم . بار خدایا ! از گنهکاری و بدهکاری [بیش] (1) به تو پناه می برم .

.

1- .منظور ، بدهکار بودن بابت چیزی است که خداوند از آن ، ناخشنود باشد و یا بدهیِ فراوانی که دیگر نتوان آن را پس داد ، هر چند گرفتن آن ، جایز بوده باشد . م .

الإمام علىّ عليه السلام :إلهى أسأَ لُکَ مَسأَلَهَ مَن یَعرِفُکَ کُنهَ مَعرِفَتِکَ ، مِن کُلِّ خَیرٍ یَنبَغی لِلمُؤمِنِ أن یَسلُکَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَرٍّ وفِتنَهٍ أعَذتَ بِها أحِبّاءَکَ مِن خَلقِکَ ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . (1)

عنه علیه السلام :نَعوذُ بِاللّهِ مِن سوءِ کُلِّ الرَّیبِ (2) ، وظُلَمِ الفِتَنِ ، ونَستَغفِرُهُ مِن مَکاسِبِ الذُّنوبِ ، ونَستَعصِمُهُ مِن مَساوِی الأعمالِ ، ومَکارِهِ الآمالِ . (3)

عنه علیه السلام :نَعوذُ بِاللّهِ مِن مُضیقِ مَضایِقِ السُّبُلِ عَلی أهلِها بَعدَ اتِّساعِ مَناهِجِ الحَقِّ ، لِطَمسِ آیاتِ مُنیرِ الهُدی ، بِلُبسِ ثِیابِ مُضِلّاتِ الفِتَنِ (4) . (5)

عنه علیه السلام :لا یَقولَنَّ أحَدُکُم : «اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الفِتنَهِ» ؛ لأَنَّهُ لَیسَ أحَدٌ إلّا وهُوَ مُشتَمِلٌ عَلی فِتنَهٍ ، ولکِن مَنِ استَعاذَ فَلیَستَعِذ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ ، فَإِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ یَقولُ : «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا أَمْوَ لُکُمْ وَأَوْلَدُکُمْ فِتْنَهٌ» (6) . (7)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 96 ح 12 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .
2- .الرَّیبُ : الشّکّ (النهایه : ج 2 ص 286 «ریب») .
3- .الکافی : ج 8 ص 175 ح 194 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 353 ح 31 .
4- .فی المصدر : «تلبسُ ثیابه مُضلّات العمل» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .
5- .الغارات : ج 1 ص 157 عن أبی زکریّا ، بحار الأنوار : ج 78 ص 2 ح 50 .
6- .الأنفال : 28 .
7- .نهج البلاغه : الحکمه 93، مجمع البیان : ج 4 ص 824 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 197 ح 6 .

امام علی علیه السلام :معبودا! از تو به سان درخواست کردنِ کسی که تو را عمیقا شناخته است درخواست می کنم هر خیری را که سزاوار است مؤمن آن را بپوید ، و به تو پناه می برم از هر شرّ و فتنه ای که آفریدگان محبوبت را از آنها در پناه خود گرفتی . به راستی که تو بر هر چیزی توانایی .

امام علی علیه السلام :از بدیِ هر شکّی و از تاریکی های فتنه ها ، به خدا پناه می بریم و برای گناهانی که کرده ایم ، از او آمرزش می طلبیم ، و از او می خواهیم که ما را از کردارهای بد و آرزوهای ناخوشایند ، مصون بدارد .

امام علی علیه السلام :پناه می بریم به خدا از این که پس از فراخ شدنِ شاه راه های حق ، بر اثر محو سایه افکندنِ فتنه های گم راه کننده بر همه جا ، نشانه های راه راست و روشن ، محو شوند و بدین سبب ، راه ها [ی حق]بر رهروانشان تنگ گردند .

امام علی علیه السلام :هیچ یک از شما نگوید : «بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم» ؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که فتنه ای در بردارد . پس اگر کسی خواست [به خدا]پناه ببرد ، از فتنه های گم راه کننده [به او]پناه بَرَد ؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید : «بدانید که دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :سَمِعَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام رَجُلاً يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الفِتنَهِ . قالَ : أراكَ تَتَعَوَّذُ مِن مالِكَ ووَلَدِكَ ؛ يَقولُ اللّهُ تَعالى : «إِنَّمَا أَمْوَ لُكُمْ وَأَوْلَدُكُمْ فِتْنَهٌ» (1) ! ولكِن قُل : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ . (2)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ ، ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وَالإِثمِ وَالبَغيِ بِغَيرِ الحَقِّ ، وأن أُشرِكَ بِكَ ما لَم تُنَزِّل بِهِ سُلطانا ، وأن أقولَ عَلَيكَ ما لا أعلَمُ... وأعوذُ بِرِدِعِكَ الحَصينَهِ الَّتى لا تُرامُ (3) . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن مالٍ يَكونُ عَلَىَّ فِتنَهً ، ومِن وَلَدٍ يَكونُ لى عَدُوّا . (5)

4 / 9الضَّلالَهُ بَعدَ الهِدايَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِعِزَّتِكَ لا إلهَ إلّا أنتَ أن تُضِلَّنى ، أنتَ الحَىُّ الَّذى لا يَموتُ ، وَالجِنُّ وَالإِنسُ يَموتونَ . (6)

.

1- .التغابن : 15 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 580 ح 1201 عن عبد اللّه بن محمّد بن عبيد ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 72 ، أعلام الدين : ص 210 كلاهما عن محمّد بن عجلان وكلّها عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 325 ح 7 .
3- .رمتُ الشىء : طلبته (المصباح المنير : ص 246 «روم») .
4- .مصباح المتهجّد : ص 76 ح 124 ، فلاح السائل : ص 362 ح 242 ، البلد الأمين : ص 20 كلّها عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 89 ح 12 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 503 ح 584 ، البلد الأمين : ص 101 ، المصباح للكفعمى : ص 146 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 153 .
6- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2086 ح 67 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 646 ح 2748 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 181 ح 898 ، السنن الكبرى للنسائى

: ج 4 ص 399 ح 7684 نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 2 ص 180 ح 3636 .

4 / 9 گم راهی پس از ره یافتن

امام صادق علیه السلام :امیر مؤمنان شنید که مردی می گوید : بار خدایا ! من از فتنه به تو پناه می برم . فرمود : «می بینم که از مال و فرزندت پناه می بری ! [چرا که] خدای تعالی می فرماید : «دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند» . پس [به جای آن] بگو : بار خدایا ، من از فتنه های گم راه کننده به تو پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز عصر : بار خدایا ! من از فتنه های گم راه کننده ، چه آشکار و چه پنهانش ، و از گناه و تجاوزِ به ناحق ، به تو پناه می برم ، و [به تو پناه می برم] از این که چیزی را شریک تو گردانم که بر درستیِ آن ، حجّتی قرار نداده ای ، و از این که چیزی را به تو نسبت دهم که نمی دانم ... و پناه می برم به جوشن استوار و نفوذناپذیر تو .

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا ! از مالی که برای من فتنه ، و از فرزندی که دشمن من باشد ، به تو پناه می برم .

4 / 9گم راهی پس از ره یافتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! به عزّت تو پناه می برم از این که مرا گم راه سازی . تو آن زنده ای هستی که هرگز نمی میرد ، در حالی که جن و انس می میرند .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ . . . وأعِذنا أن نَرجِعَ بَعدَ إذ هَدَيتَنا ضالّينَ مُضِلّينَ ، وأجِرنا مِنَ الحَيرَهِ فِى الدّينِ ، وتَوَفَّنا مُسلِمينَ ، وألحِقنا بِالصّالِحينَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهِ يَومِ الفِطرِ : نَستَهدِى اللّهَ بِالهُدى ، ونَعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَالرَّدى . (2)

الإمام الصادق عليه السلام فى جَوابِ خُطبَهِ النِّكاحِ : ونَعوذُ بِاللّهِ مِنَ العَمى بَعدَ الهُدى ، وَالعَمَلِ فى مَضَلّاتِ الهَوى . (3)

4 / 10مَساوِئُ الأَخلاقِأ الكِبرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ آفَهِ الكِبرِ : أعوذُ بِكَ مِن نَفخَهِ الكِبرِياءِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام مِن خُطبَتِهِ فِى التَّحذيرِ مِن إبليسَ لَعَنَهُ اللّهُ : اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن لَواقِحِ الكِبرِ ، كَما تَستَعيذونَهُ مِن طَوارِقِ الدَّهرِ . (5)

ب الرِّياءُشعب الإيمان عن أبى بكر :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن خُشوعِ النِّفاقِ . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، وما خُشوعُ النِّفاقِ ؟ قالَ : خُشوعُ البَدَنِ ونِفاقُ القَلبِ . (6)

.

1- .الدروع الواقيه : ص 114 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 154 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 660 ح 728 عن عبد اللّه الأزدى ، بحار الأنوار : ج 91 ص 30 ح 5 .
3- .الكافى : ج 5 ص 372 ح 5 .
4- .إحياء علوم الدِّين : ج 3 ص 500 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 193 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، غرر الحكم : ح 2556 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2101 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 468 ح 37 .
6- .شعب الإيمان : ج 5 ص 364 ح 6967 ، نوادر الأُصول : ج 1 ص 389 و ج 2 ص 208 ، الفردوس : ج 2 ص 49 ح 2280 نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 196 ح 22525 .

4 / 10 خوی های زشت

الف تکبّر
ب ریا

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! ... ما را در پناه خویش بگیر تا مبادا بعد از آن که هدایتمان فرموده ای ، دوباره گم راه و گم راه کننده شویم ، و از سرگشتگی در دین ، پناهمان ده . ما را مسلمان بمیران و به نیکان ملحق فرما .

امام علی علیه السلام در خطبه روز فطر : از خداوند می خواهیم که ما را به راه راست ، راه نمایی کند ، و از گم راهی و هلاکت به او پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام در جواب خطبه ازدواج : از کوریِ پس از هدایت و از عمل در گم راهی های هوای نفس ، به خدا پناه می بریم .

4 / 10خوی های زشتالف تکبّرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آفت تکبّر : از باد تکبّر ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام در خطبه خود برای برحذر داشتن از ابلیس لعین : از بارور کننده های تکبّر ، به خدا پناه ببرید ؛ همان سان که از بلاهای روزگار ، به او پناه می برید .

ب ریاشعب الإیمان به نقل از ابو بکر : پیامبر خدا فرمود : «از خشوع منافقانه ، به خدا پناه ببرید» . [اصحاب] گفتند : ای پیامبر خدا! خشوع منافقانه چیست؟ فرمود : «این که تن خاشع باشد و دل منافق» .

.

منيه المريد :قالَ صلى الله عليه و آله : اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن جُبِّ (1) الخِزيِ ، قيلَ : وما هُوَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : وادٍ فى جَهَنَّمَ اُعِدَّ لِلمُرائينَ . (2)

سنن الترمذى عن أبى هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن جُبِّ الحُزنِ . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ وما جُبُّ الحُزنِ ؟ قالَ : وادٍ فى جَهَنَّمَ ، تَتَعَوَّذُ مِنهُ جَهَنَّمُ كُلَّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّهٍ . قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَن يَدخُلُهُ ؟ قالَ : القُرّاءُ المُراؤونَ بِأعمالِهِم . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن أن تَحسُنَ فى لامِعَهِ العُيونِ عَلانِيَتى ، وتَقبُحَ فيما اُبطِنُ لَکَ سَريرَتى ، مُحافِظا عَلى رِئاءِ (4) النّاسِ مِن نَفسى بِجَميعِ ما أنتَ مُطَّلِعٌ عَلَيهِ مِنّى ، فَاُبدِىَ لِلنّاسِ حُسنَ ظاهِرى ، واُفضِىَ إلَيکَ بِسوءِ عَمَلى ، تَقَرُّبا إلى عِبادِکَ ، وتَباعُدا مِن مَرضاتِکَ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعاءِ يَومِ عَرَفَهَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن تَحسُنَ فى رامِقَهِ العُيونِ عَلانِيَتى، وتَفتَحَ (6) فيما أخلو لَکَ سَريرَتى، مُحافِظا عَلى رِئاءِ النّاسِ مِن نَفسى، مُضَيِّعا ما أنتَ مُطَّلِعٌ عَلَيهِ مِنّى ، فَاُبدِىَ لَکَ بِأحسَنِ أمرِى ، وأخلُوَ لَکَ بِشَرِّ فِعلِى ، تَقَرُّبا إلَى المَخلوقينَ بِحَسَناتى ، وفِرارا مِنهُم إلَيکَ بِسَيِّئاتى ، حَتّى كَأَنَّ الثَّوابَ لَيسَ مِنکَ ، وكَأَنَّ العِقابَ لَيسَ إلَيکَ ، قَسوَهً مِن مَخافَتِکَ مِن قَلبِى ، وزَلَلاً عَن قُدرَتِکَ مِن جَهلى ، فَيَحُلَّ بى غَضَبُکَ ، ويَنالَنى مَقتُکَ (7) ، فَأَعِذنى مِن ذلِکَ كُلِّهِ ، وقِنى بِوِقايَتِکَ الَّتى وَقَيتَ بِها عِبادَکَ الصّالِحينَ . (8)

.

1- .الجُبُّ : البئر ، وقيل : هى البئر الكثيره الماء ، البعيده القعر (لسان العرب : ج 1 ص 250 «جبب») .
2- .منيه المريد : ص 318 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 303 ح 50 .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 593 ح 2383 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 94 ح 256 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 261 ح 3090 و ج 6 ص 202 ح 6189 ، تهذيب الكمال : ج 34 ص 302 والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 479 ح 7515 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 61 ح 242 عن التميمى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه صدره فقط ، بحار الأنوار : ج 73 ص 158 ح 2 .

4- .فی المصدر : «رثاء» ، والتصویب من بحار الأنوار .
5- .نهج البلاغه : الحکمه 276 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 231 ح 7 .
6- .کذا فی المصدر والظاهر أنّه تصحیف ، والصواب : «تَقبُحَ» کما فی الروایه السابقه .
7- .المَقْتُ : أشدّ البغض (النهایه : ج 4 ص 346 «مقت») .
8- .الإقبال : ج 2 ص 116 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 238 وراجع کشف الغمّه : ج 2 ص 287 وتاریخ دمشق : ج 41 ص 409 وسیر أعلام النبلاء : ج 4 ص 396 وتاریخ دمشق : ج 41 ص 409 .

منیه المرید :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «از چاه رسوایی ، به خدا پناه ببرید» . گفته شد : آن چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «دره ای در دوزخ که برای ریاکاران آماده شده است» .

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «از چاه اندوه ، به خدا پناه ببرید» . [اصحاب] گفتند : چاه اندوه چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «دره ای است در دوزخ که خود دوزخ نیز روزی صد مرتبه ، از آن به خدا پناه می برد» . گفتیم : ای پیامبر خدا! چه کسی وارد آن می شود ؟ فرمود : «قاریانی که در کارهای خود ، ریا کنند».

امام علی علیه السلام :خداوندا! پناه می برم به تو از این که بیرونم را در نگاه چشم ها [ی مردم]نیکو بنمایی ، ولی درونم را که برای تو آشکار است ، زشت گردانی . و این در حالی خواهد بود که خود را ریاکارانه ، در نزد مردم به چیزهایی وادار کنم که تو خود از نسبت من با آنها آگاهی ، پس ظاهر نیکویم را برای مردم آشکار دارم و بدیِ کردارم را نزد تو آورم تا بدین سان ، به بندگانت نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز عرفه :خداوندا! به تو پناه می برم از این که بیرونم را در نگاه چشم ها نیکو بنمایی ، ولی درونم را که با تو خلوت دارم ، زشت گردانی . آن در حالی خواهد بود که خویشتن را در چشم مردم نگه دارم و آن [نیّت و اعمال نهانی ام] را که تو از آن آگاهی ، تباه کنم ، پس نیکوترین کارم را برایت آشکار سازم و بدترین کردارم را برای خلوت تو بگذارم تا بدین ترتیب ، با خوبی هایم خود را به مخلوقین نزدیک سازم و با بدی هایم از آنان به سوی تو بگریزم چندان که گویی پاداش و کیفر دادن ، در دست تو نیست ؛ از آن رو که نسبت به ترس از تو ، سنگ دل گشته باشم و از سر جهل و نادانی ، قدرت تو را نادیده گرفته باشم و در نتیجه ، خشم تو بر من فرود آید ، و کین تو مرا در رسد . پس مرا از همه اینها ، در پناه خویش درآور و با نگهداری خود که بندگان شایسته ات را با آن نگه داشته ای مرا نگه دار .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِکَ قَليلاً أو کَثيرا اُريدُ بِهِ أحَدا غَيرَکَ ، أو أعمَلَ عَمَلاً يُخالِطُهُ رِياءٌ . (1)

ج الحِرصُ وَالطَّمَعُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِنَ الرُّغبِ (2) . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن طَمَعٍ يَهدى إلى طَبَعٍ (4) ، ومِن طَمَعٍ يَهدى إلى غَيرِ مَطمَعٍ ، ومِن طَمَعٍ حَيثُ لا طَمَعَ . (5)

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 120 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 327 ح 1 .
2- .الرُّغبُ شؤمٌ : أى الشّره والحرصُ على الدُّنيا ، وقيل : سَعَةُ الأمل وطلب الكثير (النهايه : ج 2 ص 238 «رغب») .
3- .الدعاء للطبرانى : ص 413 ح 1396 ، نوادر الاُصول : ج 2 ص 142 وفيه «تعوّذوا» بدل «استعيذوا» ، الفردوس : ج 1 ص 86 ح 273 وفيه «الزغب» بدل «الرغب» وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 3 ص 199 ح 6160 .
4- .أى يؤدّى إلى شينٍ وعيبٍ ، والطَّبَعُ بالتحريک : الدّنَسُ ، وأصله من الوسخ والدَّنس يغشيانِ السَّيفَ ، ثمّ استعمل فيما يشبه ذلک من الأوزار والآثام وغيرها من المقابح (النهايه : ج 3 ص 112 «طبع») .
5- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 237 ح 22082 و ص 266 ح 22189 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 716 ح 1956 كلاهما نحوه ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 70 ح 115 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 3 ص 495 ح 7577 وراجع المعجم الكبير : ج 18 ص 53 ح 94 والتاريخ الكبير : ج 8 ص 266 ومسند الشاميّين : ج 3 ص 98 ح 1872 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را ، اندک یا بسیار ، به کار بندم ، ولی نیّتم از آنِ کسی جز تو باشد ، یا عملی انجام دهم که آمیخته با ریا باشد .

ج آزمندی و فزون خواهیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از آزمندی به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا پناه ببرید از طمعی که به ننگ و پستی کشانَد ، و از طمعی که به چیز ناخواسته ای بیانجامد ، و از طمع به چیزی که هرگز تحقّق نیابد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :نَعوذُ بِاللّهِ مِنَ المَطامِعِ الدَّنِيَّهِ ، وَالهِمَمِ الغَيرِ المَرضِيَّهِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الظُّلاماتِ : صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأيِّدنى مِنكَ بِنِيَّهٍ صادِقَهٍ ، وصَبرٍ دائِمٍ ، وأعِذنى مِن سوءِ الرَّغبَهِ ، وهَلَعِ (2) أهلِ الحِرصِ . (3)

د البُخلُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ . (4)

علل الشرائع عن أبى بصير :قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِنَ البُخلِ ؟ فَقالَ : نَعَم يا أبا مُحَمَّدٍ ، فى كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ ، ونَحنُ نَتَعَوَّذُ بِاللّهِ مِنَ البُخلِ ، يَقولُ اللّهُ عز و جل : «وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (5) . (6)

المصنّف لابن أبى شيبه عن أنس :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الجُبنِ وَالبُخلِ ، ومِن فِتنَهِ المَحيا وَالمَماتِ ، ومِن عَذابِ القَبرِ . (7)

ه سَكرَهُ الغِنيالإمام علىّ عليه السلام :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن سَكرَهِ الغِنى ؛ فَإِنَّ لَهُ سَكرَهً بَعيدَهَ الإِفاقَهِ . (8)

.

1- .غرر الحكم : ح 9974 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 498 ح 9173 .
2- .الهَلَعُ : أشدّ الجزع والضّجر (النهايه : ج 5 ص 269 «هلع») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 63 الدعاء 14 ، المصباح للكفعمى : ص 280 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 172 .
5- .التغابن : 16 .
6- .علل الشرايع : ص 548 ح 4 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 244 ح 26 ، قصص الأنبياء : ص 118 ح 118 نحوه ، بحار الأنوار : ج 12 ص 147 ح 1 .
7- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 19 ح 17 و ج 3 ص 251 ح 12 ، كنز العمّال : ج 2 ص 264 ح 3979 .
8- .غرر الحكم : ح 2555 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2101 .

د بُخل
ه سرمستی توانگری

امام علی علیه السلام :از طمع های پست و خواست ها و آرزوهای ناپسند ، به خدا پناه می بریم .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در باره ستم ها و حق کشی ها : [خدایا!] بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا از جانب خودت ، با نیّتی راستین و شکیبی همیشگی ، یاری ده و از خواهش های بد و بی قرارِیِ آزمندان ، در پناه خود بگیر .

د بُخلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا! از بخل ، به تو پناه می برم .

علل الشرائع به نقل از ابو بصیر : به امام باقر علیه السلام گفتم : آیا پیامبر خدا نیز از بخل ، به خدا پناه می برد؟ فرمود : «آری ای ابو محمّد در هر بام و شام . ما نیز از بخل ، به خدا پناه می بریم . خداوند عز و جل می فرماید : «و کسانی که از بخل نفس خویش مصون مانند ، آنان اند که رستگارند» » .

المصنَّف ، ابن ابی شیبه به نقل از اَنَس : پیامبر صلی الله علیه و آله از ترسویی و بخل و از فتنه زندگی و مرگ و از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

ه سرمستی توانگریامام علی علیه السلام :از سرمستیِ [ناشی از] توانگری ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا مستیِ آن ، دیر زایل می شود .

.

و عَداوَهُ أولِياءِ اللّهِ ووِلايَهُ أعدائِهالإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن اُعادِىَ لَکَ وَلِيّا ، أو اُوالِىَ لَکَ عَدُوّا ، أو أرضى لَکَ سَخَطا أبَدا . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن مَحَبَّهِ أعدائِنا ، وعَداوَهِ أولِيائِنا ، فَتُعاذوا مِن بُغضِنا وعَداوَتِنا ؛ فَإِنَّهُ مَن أحَبَّ أعداءَنا فَقَد عادانا ، ونَحنُ مِنهُ بُراءٌ ، وَاللّهُ عز و جلمِنهُ بَرىءٌ . (2)

مصباح المتهجّد عن الشيخ أبى عمرو العمرى فيما يُدعى بِهِ فى غَيبَهِ القائِمِ عليه السلام : اللّهُمَّ ولا تَجعَلنى مِن خُصَماءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ، ولاَ تَجعَلنى مِن أعداءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ، ولا تَجعَلنى مِن أهلِ الحَنَقِ وَالغَيظِ عَلى آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ، فَإِنّى أعوذُ بِکَ مِن ذلِکَ فَأَعِذنى ، وأستَجيرُ بِکَ فَأَجِرنى . (3)

زِ تِلکَ الخِصالُالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ فى كُلِّ يَومٍ مِن سِتِّ خِصالٍ : مِنَ الشَّکِّ وَالشِّركِ ، وَالحَمِيَّهِ 4 وَالغَضَبِ ، وَالبَغىِ وَالحَسَدِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن مُنكَراتِ الأَخلاقِ وَالأَعمالِ وَالأَهواءِ . (5)

.

1- .الأمالى للمفيد : ص 166 ح 6 عن إسحاق بن الفضل الهاشمى ، المجتنى : ص 58 ، البلد الأمين : ص 99 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 355 ح 10 .
2- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 584 ح 347 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 59 ح 20 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 416 ح 536 ، كمال الدين : ص 515 ح 43 ، جمال الأُسبوع : ص 319 ، بحار ف الأنوار : ج 95 ص 330 ح 3 .
4- .الخصال : ص 329 ح 24 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 72 ص 126 ح 7 .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 575 ح 3591 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 240 ح 960 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 714 ح 1949 ،

المعجم الكبير : ج 19 ص 19 ح 36 ، تاريخ دمشق : ج 36 ص 390 ح 7375 كلّها عن قطبه بن مالک نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 186 ح 3671 .

و دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او

ز چند خصلت دیگر

و دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان اوامام علی علیه السلام :بار خدایا! پناه می برم به تو از این که با دوست تو دشمنی کنم ، یا با دشمن تو دوستی ورزم ، یا به ناخوشنودی تو رضایت دهم [و آنچه را تو نمی پسندی ، بپسندم] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دوست داشتن دشمنان ما و دشمن داشتن دوستان ما ، به خدا پناه جویید تا از بغض به ما و دشمنی با ما ، در پناه خدا قرار بگیرید ؛ زیرا کسی که دشمنان ما را دوست بدارد ، با ما دشمنی ورزیده است و ما از او بیزاریم و خدای عز و جل نیز از او بیزار است .

مصباح المتهجّد به نقل از شیخ ابو عمرو عمری ، در دعایی که در غیبت امام مهدی علیه السلام خوانده می شود : بار خدایا! مرا از خصومت ورزان با خاندان محمّد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از دشمنان خاندان محمّد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از کینه توزان و خشم آوران بر خاندان محمّد صلی الله علیه و آله قرار مده . من از اینها به تو پناه می آورم . پس مرا پناه بده ، و خود را در سایه حمایت تو در می آورم . پس مرا در حمایت خود بگیر .

ز چند خصلت دیگرامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا هر روز ، از شش خصلت به خدا پناه می برد : از شک و شرک و تعصّب و خشم و ستم و حسادت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از خوی ها و کردارها و خواهش های ناپسند ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وسوءِ الأَخلاقِ . (1)

مجمع الزوائد عن قطبه :أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِنَ الأَسواءِ وَالأَهواءِ . (2)

4 / 11مَساوِئُ الأَعمالِ الظُّلَمُالكتاب«قَالُواْ يَأَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَا مَن وَجَدْنَا مَتَعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَلِمُونَ» . (3)

الحديثالإمام الباقر عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُ فى سُجودِهِ : يا كَريمُ يا جَبّارُ ، أعوذُ بِکَ مِن أن أخيبَ أو أحمِلَ ظُلما . (4)

ب أنواعُ الذُّنوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَمنَعُ إجابَتَکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَمنَعُ رِزقَکَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُحِلُّ النِّقَمَ . (5)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1546 ، سنن النسائى : ج 8 ص 264 كلاهما عن أبى هريره ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 10 ص 440 ح 19639 عن زيد بن أسلم ، كنز العمّال : ج 2 ص 189 ح 3690 .
2- .مجمع الزوائد : ج 10 ص 303 ح 17453 نقلاً عن البزّار .
3- .يوسف : 78 و 79 .
4- .الكافى : ج 3 ص 327 ح 21 ، قرب الإسناد : ص 5 ح 15 ، مصباح المتهجّد : ص 174 ح 261 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 212 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 235 ح 58 .
5- .الدعاء للطبرانى : ص 410 ح 1385 عن أنس .

4 / 11 کردارهای زشت

الف ستم و حق کشی
ب انواع گناهان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از ناسازی و دورویی و خوی های بد ، به تو پناه می برم .

مجمع الزوائد :قطبه شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله از بدی ها و هوس ها ، به خدا پناه می بَرد .

4 / 11کردارهای زشتالف ستم و حق کشیقرآن«[برادران یوسف] گفتند : ای عزیز! او پدری پیر و سال خورده دارد . بنا بر این ، یکی از ما را به جای او بگیر ، که تو را از نیکوکاران می بینیم» . [یوسف] گفت : «پناه به خدا که جز آن کس را که کالای خود را نزد او یافته ایم ، بازداشت کنیم ؛ [زیرا] در آن صورت ، قطعا ستمکار خواهیم بود»» .

حدیثامام باقر علیه السلام از دعاهایی که در سجودش می گفت : بزرگوارا! پُر توانا! به تو پناه می برم از این که نومید و ناکام شوم ، یا ستمی را بر دوش کشم .

ب انواع گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از گناهانی که مانع اجابت تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که مانع روزیِ تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که کیفر و عذاب ها را می آورند ، به تو پناه می برم .

.

مسند ابن حنبل عن عائشه وقَد سُئِلَت عَن دُعاءِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عَمِلَتهُ نَفسى . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ ... وأعوذُ بِكَ عِندَ ذلِكَ مِنَ الذَّنبِ المُحبِطِ لِلأَعمالِ . (2)

الكافى عن أبى حمزه الثمالى :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فى خُطبَتِهِ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، فَقامَ إلَيهِ عَبدُ اللّهِ بنُ الكَوّاءِ اليَشكُرِيُّ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ : أوَ تَكونُ ذُنوبٌ تُعَجِّلُ الفَناءَ ؟ فَقالَ : نَعَم وَيلَكَ ؛ قَطيعَهُ الرَّحِمِ ، إنَّ أهلَ البَيتِ لَيَجتَمِعونَ ويَتَواسَونَ وهُم فَجَرَهٌ فَيَرزُقُهُمُ اللّهُ عز و جل ، وإنَّ أهلَ البَيتِ لَيَتَفَرَّقونَ ويَقطَعُ بَعضُهُم بَعضا فَيَحرِمُهُمُ اللّهُ وهُم أتقِياءُ . (3)

الدعوات :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا أعطى ما فى بَيتِ المالِ أمَرَ بِهِ فَكُنِسَ ، ثُمَّ صَلّى فيهِ ، ثُمَّ يَدعو فَيَقولُ فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُحبِطُ العَمَلَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُعَجِّلُ النِّقَمَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ الرِّزقَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ الدُّعاءَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ التَّوبَةَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَهتِكُ العِصمَةَ (4) ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يورِثُ النَّدَمَ ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَحبِسُ القِسَمَ . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 272 ح 24088 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 82 ح 237 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، الكافى : ج 5 ص 46 ح 1 عن ميمون عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 556 ح 649 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 319 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 33 ص 453 ح 664 .
3- .الكافى : ج 2 ص 347 ح 7 ، الدعوات : ص 61 ح 151 عن ابن الكوّاء نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 137 ح 107 .
4- .العِصمَةُ : المَنَعةُ ، أى ما يعصمه من المهالک يوم القيامه (النهايه : ج 3 ص 249 «عصم») .

5- .الدعوات : ص 60 ح 150 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 382 ح 8 .

مسند ابن حنبل به نقل از عایشه در پاسخ به پرسش در باره دعای پیامبر صلی الله علیه و آله : می فرمود : «خدایا! من از شرّ کارهایی که نفْسم کرده است ، به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! ... در این هنگام ، از گناهِ بر باد دهنده اعمال ، به تو پناه می برم .

الکافی به نقل از ابو حمزه ثمالی : امیر مؤمنان در خطبه اش فرمود : «پناه می برم به خدا از گناهانی که مرگ را پیش می افکنند» . عبداللّه بن کوّاء یَشکُری برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان! مگر گناهانی هم هست که مرگ را پیش افکنند؟ فرمود : «وای بر تو! آری ؛ بریدن از خویشان . خانواده ای هستند که گرد هم می آیند و به یکدیگر کمک و یاری می کنند و با این که اهل تقوا نیستند ، خداوند عز و جل آنها را روزی می دهد و [در مقابل،] خانواده ای پراکنده اند و از یکدیگر می بُرند ، چنین خانواده ای را با آن که پرهیزگارند ، خداوند [از روزیِ خود] محروم می سازد» .

الدعوات :امیر مؤمنان هر گاه داراییِ بیت المال را به مردم می داد ، می فرمود که آن را جارو کنند ، سپس در بیت المال نماز می خواند . آن گاه ، به دعا می پرداخت و در دعایش می گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از گناهی که عمل را بر باد می دهد . به تو پناه می برم از گناهی که کیفرها و عذاب ها را شتاب می بخشد . به تو پناه می برم از گناهی که نعمت ها را دیگرگونه می سازد . به تو پناه می برم از گناهی که مانع روزی می شود . به تو پناه می برم از گناهی که مانع دعا می شود . (1) به تو پناه می برم از گناهی که مانع توبه می شود . به تو پناه می برم از گناهی که پرده عصمت را می درد . به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی می آورد . و به تو پناه می برم از گناهی که بهره ها[ی الهی]را [از رسیدن به شخص]باز می دارد» .

.

1- .ممکن است گناه ، توفیق دعا کردن را سلب کند و یا مانع اجابت آن گردد . م .

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى التَّضَرُّعِ وَالاِستِكانَهِ : أتَنَصَّلُ إلَيکَ مِن ذُنوبِىَ الَّتى قَد أوبَقَتنى (1) ، وأحاطَت بى فَأهلَکَتنى ، مِنها فَرَرتُ إلَيکَ رَبِّ تائِباً فَتُب عَلَىَّ ، مُتَعَوِّذا فَأعِذنى ، مُستَجيرا فَلا تَخذُلنى . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ أبى عليه السلام يَقولُ : نَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وتُقَرِّبُ الآجالَ ، وتُخلِى الدِّيارَ ؛ وهِىَ قَطيعَهُ الرَّحِمِ ، وَالعُقوقُ ، وتَرکُ البِرِّ . (3)

تهذيب الأحکام فيما يُقالُ بَعدَ نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ : أعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُحدِثُ النِّقَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَحبِسُ القِسَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَهتِکُ العِصَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَمنَعُ القَضاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُنزِلُ البَلاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُديلُ (4) الأعداءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَحبِسُ الدُّعاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تورِثُ الشَّقاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُظلِمُ الهَواءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَکشِفُ الغِطاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ . (5)

ج : الإصرارُ عَلَى الذَّنبِالإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الاِعتِرافِ : إنَّ أحَبَّ عِبادِکَ إلَيکَ ، مَن تَرَکَ الاِستِکبارَ عَلَيکَ ، وجانَبَ الإصرارَ ، ولَزِمَ الاِستِغفارَ ، وأنَا أبرَأُ إلَيکَ مِن أن أستَکبِرَ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أُصِرَّ ، وأستَغفِرُکَ لِما قَصَّرتُ فيهِ . (6)

.

1- .المُوبقات ، أى الذُّنوب المُهلکات ، يقال : وَبَقَ ، إذا هلک (النهايه : ج 5 ص 146 «وبق») .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 218 الدعاء 51 .
3- .الکافى : ج 2 ص 448 ح 2 عن إسحاق بن عمّار .
4- .الإدالهُ : الغلبه (النهايه : ج 2 ص 141 «دول») .
5- .تهذيب الأحکام : ج 3 ص 95 ح 257 ، مصباح المتهجّد : ص 572 ح 681 ، الإقبال : ج 1 ص 334 ، ف المصباح للکفعمى : ص 766 کلّها من

دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 137 .
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 55 الدعاء 12 ، المصباح للكفعمى : ص 507 .

ج پافشاری در گناه

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا : از آن گناهانم که خوار و تباهم ساخته اند و مرا در میان گرفته اند و به نابودی ام کشانده اند ، به سوی تو می آیم . از آنها ای پروردگار من توبه کنان به سوی تو می گریزم . پس توبه ام را بپذیر! و به تو پناه می آورم . پس پناهم ده! و از تو حمایت می جویم . پس مرا وا مگذار!

امام صادق علیه السلام :پدرم [امام باقر] علیه السلام می فرمود : «پناه می بریم به خدا از گناهانی که نابودی را شتاب می بخشند ، و اجل ها را نزدیک می سازند ، و خانه ها را [از صاحبانشان]خالی می کنند» . آن گناهان ، عبارت اند از : بریدن از خویشان ، بدرفتاری با پدر و مادر ، و ترک نیکی (/ طاعت) .

تهذیب الأحکام در دعای پس از نافله های ماه رمضان : [خدایا!] به تو پناه می برم از گناهانی که کیفرها را پدید می آورند . به تو پناه می برم از گناهانی که پشیمانی به بار می آورند . به تو پناه می برم از گناهانی که قسمت ها را باز می دارند . به تو پناه می برم از گناهانی که پرده های عصمت را می درند . به تو پناه می برم از گناهانی که جلوِ قضا [ی الهی]را می گیرند . به تو پناه می برم از گناهانی که بلا را نازل می کنند . به تو پناه می برم از گناهانی که دشمنان را چیره می گردانند . به تو پناه می برم از گناهانی که مانع [استجابت] دعا می شوند . به تو پناه می برم از گناهانی که نابودی را شتاب می بخشند . به تو پناه می برم از گناهانی که امید را قطع می کنند . به تو پناه می برم از گناهانی که رنج و بدبختی می آورند . به تو پناه می برم از گناهانی که فضا را تیره و تار می سازند . به تو پناه می برم از گناهانی که پرده را کنار می زنند [و آدمی را رسوا می کنند] . به تو پناه می برم از گناهانی که باران آسمان را [از ریزش] باز می دارند.

ج پافشاری در گناهامام زین العابدین علیه السلام در دعای به قصد اعتراف [به گناه] : محبوب ترین بندگانت در نزد تو ، کسی است که بزرگی نمودن بر تو را فرو هِلَد ، از پای فشردن [بر گناه]دوری کند و به آمرزش خواهی [از تو]چنگ درزند . و من از بزرگی نمودن به درگاه تو ، اعلام برائت می

کنم و از پای فشردن [در گناه] ، به تو پناه می برم و برای تقصیرات خود ، از تو آمرزش می طلبم .

.

4 / 12عَدَمُ الاِنتِفاعِ بِصالِحِ الأَعمالِسنن أبى داوود عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن صَلاةٍ لا تَنفَعُ. (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ ، ومِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن عِلمٍ لا يَنفَعُ ، أعوذُ بِكَ مِن هؤُلاءِ الأَربَعِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ ... وصَلاةٍ لا تُرفَعُ ، وعَمَلٍ لا يَنفَعُ ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ لِأَحَدِ أصحابِهِ : نَعوذُ بِاللّهِ مِمّا نَعِظُ بِهِ ثُمَّ نُقَصِّرُ عَنهُ . (4)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 92 ح 1549 ، موارد الظّمآن : ص 605 ح 2441 ، كنز العمّال : ج 2 ص 200 ح 3749 ؛ الكافى : ج 2 ص 586 ح 24 عن ابن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 272 ح 68 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 519 ح 3482 عن عبد اللّه بن عمر ، سنن النسائى : ج 8 ص 264 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 565 ح 14025 كلاهما عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 92 ح 250 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 717 ح 1958 كلاهما عن أبى هريره وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 179 ح 3631 .
3- .فلاح السائل : ص 426 ح 291 ، مصباح المتهجّد : ص 105 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 109 ح 9 .
4- .مستطرفات السرائر : ص 142 ح 4 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارِ الأنوار : ج 6 ص 134 ح 34 ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 200 ح 44221 نقلاً عن العسكرى فى المواعظ .

4 / 12بهره مند نشدن از کارهای نیکسنن أبی داوود به نقل از اَنَس : پیامبر خدا می گفت : «خدایا ! پناه می برم به تو از نمازی که سود نبخشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا ! پناه می برم به تو ، از دلی که خشوع نداشته باشد ، از دعایی که به اجابت نرسد ، از نفْسی که سیر نشود ، و از دانشی که سود نبخشد . از این چهار چیز ، به تو پناه می برم .

امام صادق علیه السلام :خدایا ! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد ... و نمازی که [به درگاه تو] فراز نیاید ، و کرداری که سود نبخشد ، و دعایی که پذیرفته نگردد .

امام علی علیه السلام در نامه خود به یکی از یارانش : پناه می بریم به خدا از اندرزی که [به دیگران] بدهیم و سپس خود ، آن را فرو گذاریم .

.

4 / 13شَرُّ كُلِّ ذى شَرٍّأ خَليلُ السَّوءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ ... مِن خَليلٍ (1) ماكِرٍ ، عَيناهُ تَرانى ، وقَلبُهُ يَرعانى ، إن رَأى خَيرا دَفَنَهُ ، وإن رَأى شَرّا أذاعَهُ . (2)

الزهد لابن المبارک عن يحيى بن أبى كثير :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن صاحِبِ غَفلَةٍ ، وقَرينِ سَوءٍ ، وزَوجٍ آذى (3) . (4)

ب جارُ السَّوءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أعوذُ بِاللّهِ مِن جارِ السَّوءِ فى دارِ إقامَةٍ ، تَراكَ عَيناهُ ويَرعاكَ قَلبُهُ ، إن رَآكَ بِخَيرٍ ساءَهُ ، وإن رَآكَ بِشَرٍّ سَرَّهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن جارِ السَّوءِ فى دارِ المُقامَةِ ، فَإِنَّ جارَ البادِيَةِ يَتَحَوَّلُ . (6)

.

1- .الخَلِيلُ : الصديق (النهايه : ج 2 ص 72 «خلل») .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 558 ح 4917 ؛ الدعاء للطبرانى : ص 399 ح 1339 عن أبى هريره ، تاريخ دمشق : ج 17 ص 107 عن سعيد بن أبى سعيد وفيه «كان من دعاء داوود عليه السلام » وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 185 ح 3666 .
3- .فى المصدر : «أذى» ، والصواب ما أثبتناه كما أشار إليه فى هامش المصدر .
4- .الزهد لابن المبارک : ص 303 ح 875 .
5- .الكافى : ج 2 ص 669 ح 16 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 43 ح 114 كلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار: ص375 ح 1233 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج74 ص152 ح13.
6- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 714 ح 1951 ، سنن النسائى : ج 8 ص 274 نحوه ، الدعاء للطبرانى : ص 399 ح 1340 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 101 ح 6 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 83 ح 6505 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 187 ح 25617 .

الف دوست بد
ب همسایه بد

4 / 13گزند هر گزند رسانیالف دوست بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا ! به تو پناه می برم ... از دوست نیرنگباز که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید ؛ اگر خوبی ببیند ، آن را می پوشاند و اگر بدیی ببیند ، آن را پخش می کند .

الزهد ، ابن مبارک به نقل از یحیی بن ابی کثیر : پیامبر خدا می گفت : «خدایا ! از یار غافل و همنشین بد و همسر آزار رسان ، به تو پناه می برم» .

ب همسایه بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا پناه می برم از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد . چشمانش تو را می بینند و دلش تو را می پاید ؛ اگر تو را در خوبی و خوشی ببیند ، ناراحت می شود و اگر تو را در بدی و ناخوشی ببیند ، خوش حال می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا ! از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد ، به تو پناه می برم ؛ اما همسایه بادیه ، منتقل می شود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن شَرِّ جارِ المُقامِ ، فَإِنَّ جارَ المُسافِرِ إذا شاءَ أن يُزالَ زالَ . (1)

الدرّ المنثور عن سعيد بن أبى سعيد :كانَ مِن دُعاءِ داوودَ عليه السلام : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الجارِ السَّوءِ . (2)

ج زَوجَهُ السَّوءِالإمام الصادق عليه السلام :كانَ مِن دُعاءِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أعوذُ بِکَ مِنِ امرَأَةٍ تُشَيِّبُنى قَبلَ مَشيبى . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن فِتنَةِ النِّساءِ ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن طالِحاتِ (5) نِسائِكُم . (6)

د جَورُ كُلِّ جائِرٍالإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ الثَّباتَ فِى الأَمرِ ، وَالعَزيمَةَ عَلَى الرُّشدِ ، وَالشُّكرَ عَلى نِعمَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن جَورِ كُلِّ جائِرٍ ، وبَغىِ كُلِّ باغٍ ، وحَسَدِ كُلِّ حاسِدٍ ، بِکَ أصولُ عَلَى الأَعداءِ ، وبِکَ أرجو وِلايَةَ الأَحِبّاءِ (7) . (8)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 254 ح 8561 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 715 ح 1952 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 60 ح 24939 .
2- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 173 نقلاً عن ابن أبى شيبه .
3- .الكافى : ج 5 ص 326 ح 3 عن السكونى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 335 ح 981 و ج 3 ص 558 ح 4917 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 443 ح 1524 وفى الثلاثه الأخيره بزياده «أوان» قبل «مشيبى» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 187 ح 49 .
4- .كنز العمّال : ج 2 ص 189 ح 3687 نقلاً عن الخرائطى فى اعتلال القلوب عن سعد .
5- .طَلَحَ : فَسَدَ وهو طالِح ، والطَّلاحُ : ضدّ الصلاح (تاج العروس : ج 4 ص 142 «طلح») .

6- .الكافى : ج 5 ص 517 ح 7 و ص 518 ح 12 وفيه «استعيذوا باللّه من شرار نسائكم» .
7- .فى المصدر : «الأحياء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
8- .مُهَج الدعوات : ص 141 عن ابن عبّاس وعبد اللّه بن جعفر و ص 151 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 95 ص 245 ح 31 .

ج همسر بد
د ستم هر ستمگری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بدیِ همسایه خانه ، به خدا پناه ببرید ؛ اما همسایه مسافر ، هر گاه شخص بخواهد از او جدا شود ، جدا می شود .

الدرّ المنثور به نقل از سعید بن ابی سعید : یکی از دعاهای داوود علیه السلام ، این بود : «بار خدایا ! از همسایه بد ، به تو پناه می برم» .

ج همسر بدامام صادق علیه السلام :یکی از دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود : «به تو پناه می برم از همسری که پیش از پیر شدنم ، مرا پیر کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! به تو پناه می برم از فتنه زنان ، و به تو پناه می برم از عذاب قبر .

امام صادق علیه السلام :از زنان تباهکار خود ، به خدا پناه ببرید .

د ستم هر ستمگریامام علی علیه السلام :بار خدایا ! پایداری در کارها ، استواری در راه راست ، و سپاس گزاری از نعمت هایت را از تو درخواست می کنم ، و از ستمِ هر ستمکاری و زورگوییِ هر زورگویی و حسادتِ هر حسودی ، به تو پناه می برم . به یاری توست که بر دشمنان می تازم و به واسطه توست که به دوستیِ دوستان امید دارم .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :بِاسمِ اللّهِ كَلِمَهِ المُعتَصِمينَ ، ومَقالَهِ المُتَحَرِّزينَ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن جَورِ الجائِرينَ ، وكَيدِ الحاسِدينَ ، وبَغيِ الطّاغينَ ، وأحمَدُهُ فَوقَ حَمدِ الحامِدينَ . (1)

ه شَرُّ الأَعداءِسنن أبى داوود عن عبد اللّه بن قيس :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا خافَ قَوما قالَ : اللّهُمَّ إنّا نَجعَلُکَ فى نُحورِهِم ، ونَعوذُ بِکَ مِن شُرورِهِم . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فيما عَلَّمَهُ عَلِيّا عِندَ النّائِبَهِ : اللّهُمَّ إنّى أدرَأُ (3) بِکَ فى نَحرِهِ ، وأستَعيذُ بِکَ مِن شَرِّهِ ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِ ، يا كافى يا شافى يا مُعافِى ، اكفِنى كُلَّ شَىءٍ ، حَتّى لا أخافَ مَعَکَ شَيئا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعاءٍ طَويلٍ لِجَميعِ الحَوائِجِ : اللّهُمَّ اطمِس عَلى أبصارِ أعدائِنا كُلِّهِم مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وَاجعَل عَلى بَصَرِهِ غِشاوَهً ... . اللّهُمَّ إنّى أدرَأُ بِکَ فى نَحرِهِ ، وأستَعيذُ بِکَ مِن شَرِّهِ ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِ ، فَاكفِنيهِ كَيفَ شِئتَ ، وأنّى (5) شِئتَ . (6)

الإمام الحسن عليه السلام فِى الدُّعاءِ عَلى مُعاوِيَهَ وأصحابِهِ : اللّهُمَّ إنّى أدرَأُ بِکَ فى نُحورِهِم ، وأعوذُ بِکَ مِن شُرورِهِم ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِم ، فَاكفِنيهِم بِما شِئتَ ، وأنّى شِئتَ ، مِن حَولِکَ وقُوَّتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (7)

.

1- .البلد الأمين : ص 100 ، المصباح للكفعمى : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 152 ح 11 .
2- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 89 ح 1537 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 5 ص 188 ح 8631 عن أبى موسى و ج 6 ص 154 ح 10437 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 169 ح 19741 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 154 ح 2629 ، صحيح ابن حبّان : ج 11 ص 83 ح 4765 ، كنز العمّال : ج 7 ص 69 ح 18002 .
3- .درأ : إذا دَفَعَ ، أدرأ بک فى نحورهم : أى أدفع بک فى نحورهم لتكفينى أمرهم (النهايه : ج 2 ص 109 «درأ») .

4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 312 نقلاً من خطّ الشهيد الأوّل عن الإمام الصادق عليه السلام .
5- .أنّى : أى من أىّ وجه وطريق (المصباح المنير : ص 28 «أنا») .
6- .مُهَج الدعوات : ص 214 عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 325 ح 69 .
7- .الاحتجاج : ج 2 ص 19 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 71 ح 1 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 286 نحوه .

ه گزند دشمنان

امام زین العابدین علیه السلام :به «نام خدا» که سخنِ پناهجویان است و گفتار کسانی است که می خواهند خود را در سایه حمایت [خدا] درآورند . از ستم ستمگران و نیرنگ بدخواهان و تجاوز سرکشان ، به خدا پناه می برم و او را فراتر از ستایش ستایندگان ، می ستایم .

ه گزند دشمنانسنن أبی داوود به نقل از عبداللّه بن قیس :پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از مردمی می ترسید ، می گفت : «بار خدایا! ما تو را سپر خود در برابر آنها قرار می دهیم و از گزندهای آنان ، به تو پناه می بریم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که برای روبه رو شدن با پیشامد تلخ ، به علی علیه السلام آموخت : بار خدایا! به واسطه تو ، آن [پیشامد] را پس می زنم ، و از شرِّ آن به تو پناه می آورم ، و در برابر آن از تو کمک می جویم . ای بسنده ، ای شفادهنده ، ای عافیت بخش! مرا از هر چیزی نگه دار تا با وجود تو ، از هیچ چیز نترسم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی طولانی برای همه حاجت ها :بار خدایا! چشم های همه دشمنان ما را ، از جن و انس ، کور بگردان و بر دیده اش پرده ای بیفکن ... . بار خدایا! به واسطه تو ، آن [دشمن] را واپس می زنم ، و از گزندش به تو پناه می آورم ، و در برابرش از تو یاری می طلبم . پس مرا هرگونه که خود خواهی و به هر طریق که خواهی از [گزند] او نگه بدار .

امام حسن علیه السلام در نفرین بر معاویه و یارانش : بار خدایا! به واسطه تو ، آنان را دفع می کنم ، و از گزندهاشان به تو پناه می آورم ، و در برابرشان از تو کمک می جویم . پس با نیرو و توان خودت هر گونه و از هر راه که خود می خواهی ، مرا از آنان نگه دار ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ . . . أدرَأُ بِکَ فی نُحورِ أعدائی ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِم ، وأعوذُ بِکَ مِن شُرورِهِم ، وألجَأُ إلَيکَ فيما أشفَقتُ عَلَيهِ مِنهُم ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأجِرنى مِنهُم يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

عنه عليه السلام فيما دَعا بِهِ حينَ بَلَغَهُ تَوَجُّهُ مُسرِفِ بنِ عُقبَةَ إلَى المَدينَهِ : يا ذَا النَّعماءِ الَّتى لا تُحصى عَدَدا ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادفَع عَنّى شَرَّهُ ، فَإِنّى أدرَأُ بِکَ فى نَحرِهِ ، وأستَعيذُ بِکَ مِن شَرِّهِ . (2)

الكافى عن معاويه بن عمّار والعلاء بن سيّابه وظريف بن ناصح :لَمّا بَعَثَ أبُو الدَّوانيق (3) إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، رَفَعَ يَدَهُ إلَى السَّماءِ ، ثُمَّ قالَ : اللّهُمَّ إنَّکَ حَفِظتَ الغُلامَينِ بِصَلاحِ أبَوَيهِما ، فَاحفَظنى بِصَلاحِ آبائى مُحَمَّدٍ وعَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وعَلِيِّ بنِ الحُسَينِ ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ . اللّهُمَّ إنّى أدرَأُ بِکَ فى نَحرِهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِهِ عَلَى المَنصورِ : اللّهُمَّ أنتَ أكبَرُ وأجَلُّ مِمّا أخافُ وأحذَرُ ، اللّهُمَّ بِکَ أدفَعُ فى نَحرِهِ ، وأستَعيذُ بِکَ مِن شَرِّهِ . (5)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 25 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 309 ح 63 .
2- .الإرشاد : ج 2 ص 152 عن عمر بن علىّ بن الحسين عليهماالسلام ، شرح الأخبار : ج 3 ص 274 ح 1184 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 122 ح 14 ؛ كنز العمّال : ج 2 ص 662 ح 5014 نقلاً عن ابن النجّار نحوه .
3- .الدوانيقى : لقب لأبى جعفر المنصور ، وهو الثانى من خلفاء بنى العبّاس ، ويقال له : أبو الدوانيق (مجمع البحرين : ج 1 ص 613 «دنق») .
4- .الكافى : ج 2 ص 563 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 208 ح 51 .
5- .كشف الغمّه : ج 2 ص 371 عن الربيع ، مُهَج الدعوات : ص 231 ، المصباح للكفعمى : ص 316 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 47 ص 182 ح 28 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! ... به یاری تو ، دشمنانم را پس می زنم ، و در برابر آنان از تو کمک می جویم ، و از گزندهایشان به تو پناه می آورم ، و در آنچه از آنها بیمناکم ، به تو پناهنده می شوم . و درود خدا بر محمّد و خاندان او باد . مرا از آنان (دشمنانم) پناه ده ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

امام زین العابدین علیه السلام در دعایی که وقتی به او خبر رسید مُسرف بن عُقبه به سوی مدینه حرکت کرده است ، آن را خواند : ای صاحب نعمت های بی شمار ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، و شرّ او (مُسرف) را از من دور بگردان ؛ که من به واسطه تو ، او را دفع می کنم و از گزندش به تو پناه می آورم .

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار و علاء بن سَیابه و ظریف بن ناصح : چون منصور دوانیقی (دومین خلیفه عبّاسی) در پیِ امام صادق علیه السلام فرستاد ..... ، ایشان دست خود را به سوی آسمان برداشت و گفت : «بار خدایا ! تو آن دو پسرک را به خاطر خوب بودن پدر و مادرشان نگه داشتی . پس مرا نیز به خاطر خوبیِ پدرانم محمّد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمّد بن علی نگه بدار . بار خدایا ! به واسطه تو ، او را دفع می کنم و از شرّش به تو پناه می آورم» .

امام صادق علیه السلام در دعایی که هنگام رفتن نزد منصور دوانیقی خواند :بار خدایا ! تو بزرگ تر و بِشکوه تر از آن چیزی هستی که من از آن می ترسم و حذر می کنم . بار خدایا ! به واسطه تو ، او را دفع می کنم و از گزندش به تو پناه می آورم .

.

عنه علیه السلام حینَ دَخَلَ عَلَی المَهدِیِّ العَبّاسِیِّ : اِمتَنَعتُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِکَ وقُوَّتِکَ ، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ ، وأقولُ ما شاءَ اللّهُ کانَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ . (1)

عنه علیه السلام :اِتَّخِذ مَسجِدا فی بَیتِکَ ، فَإذا خِفتَ شَیئا ، فَالبَس ثَوبَینِ غَلیظَینِ مِن أغلَظِ ثِیابِکَ ، وصَلِّ فیهِما ، ثُمَّ اجثُ عَلی رُکبَتَیکَ فَاصرُخ إلَی اللّهِ ، وسَلهُ الجَنَّهَ ، وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِن شَرِّ الَّذی تَخافُهُ . وإیّاکَ أن یَسمَعَ اللّهُ مِنکَ کَلِمَهَ بَغیٍ (2) ، وإن أعجَبَتکَ نَفسَکَ (3) وعَشیرَتَکَ . (4)

الإمام الکاظم علیه السلام مِن دُعائِهِ لِلنَّجاهِ مِن کَیدِ هارونَ : یا ذَا النِّعَمِ الَّتی لا تُحصی عَدَدا ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، اللّهُمَّ بِکَ أدفَعُ وأدرَأُ فی نَحرِهِ ، وأستَعیذُ بِکَ مِن شَرِّهِ ... . وأسأَلُکَ أن تَجعَلَنی فی کَنَفِکَ (5) وفی جِوارِکَ ، وفی حِفظِکَ وحِرزِکَ (6) وعِیاذِکَ ، عَزَّ جارُکَ ، وجَلَّ ثَناؤُکَ ، ولا إلهَ غَیرُکَ ... . رَبِّ فَأَعِذنی بِعِیاذِکَ ، فَبِعِیاذِکَ امتَنَعَ عائِذُکَ ، وأدخِلنی فی جِوارِکَ ، عَزَّ جارُکَ ، وجَلَّ ثَناؤُکَ ... . أُعیذُ نَفسی ودینی وأهلی ومالی ووُلدی ، ومَن یَلحَقُهُ عِنایَتی ، وجَمیعَ نِعَمِ اللّهِ عِندی ، بِباسمِ اللّهِ الَّذی خَضَعَت لَهُ الرِّقابُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذی خافَتهُ الصُّدورُ ، ووَجِلَت مِنهُ النُّفوسُ ، وبِالاِسمِ الَّذی نَفَّسَ عَن داوود کُربَتَهُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذی قالَ لِلنّارِ کونی بَردا وسَلاما عَلی إبراهیمَ ، وأرادوا بِهِ کَیدا فَجَعَلناهُمُ الأَخسَرینَ ، وبِعَزیمَهِ اللّهِ الَّتی لا تُحصی ، وبِقُدرَهِ اللّهِ المُستَطیلَهِ عَلی جَمیعِ خَلقِهِ ، مِن شَرِّ فُلانٍ ، ومِن شَرِّ ما خَلَقَهُ الرَّحمنُ ، ومِن شَرِّ مَکرِهِم وکَیدِهِم ، وحَولِهِم وقُوَّتِهِم وحیلَتِهِم ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . (7)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 314 نقلاً من خطّ الشهید الأوّل .
2- .البغیُ : التّعدّی ، وبغی الرجلُ : عدل عن الحقِّ واستطال . والبغی : الظلمُ والفسادُ (لسان العرب : ج 14 ص 78 79 «بغا») .
3- .الظاهر أنّ فاعل أعجبتک الضمیر الراجع إلی الکلمه ونفسک بالنصب تأکید للضمیر وعشیرتک عطف علیه. وقیل : نفسک فاعل أعجبت والأوّل أظهر (بحار الأنوار : ج 75 ص 279).
4- .الکافی : ج 3 ص 480 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 314 ح 973 کلاهما عن حریز .

5- .الكنف بالتحريک : الجانب والنّاحيه (النهايه : ج 4 ص 205 «كنف») .
6- .أحرَزتُ الشىء : إذا حَفَظْتهُ وضممته إليک وصُنْتَهُ عن الأخذ (النهايه : ج 1 ص 366 «حرز») .
7- .مُهَج الدعوات : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 333 ح 5 .

امام صادق علیه السلام خطاب به مهدی عبّاسی ، هنگامی که نزد او رفت : خویشتن را از نیرو و توان تو ، در پناه نیرو و توان خدا در آوردم و به پروردگار سپیده دمان پناه می برم از شرّ آنچه آفرید ، و می گویم : آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ .

امام صادق علیه السلام :در خانه ات جایی مخصوص نماز در نظر بگیر . پس هر گاه از چیزی بیمناک شدی ، دو جامه زبر از زبرترین جامه هایت بپوش و با آنها نماز بخوان . سپس زانو بزن و به درگاه خدا زاری کن . از او درخواست بهشت کن و از گزند آنچه می ترسی ، به خدا پناه ببر . مبادا که خداوند از تو سخنِ زوری بشنود ؛ هر چند خوشایند تو و عشیره ات باشد .

امام کاظم علیه السلام در دعا برای رَستن از توطئه هارون : ای صاحب نعمت های بی شمار! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست . بار خدایا! به یاری تو ، او را دفع می کنم و به سینه اش می زنم و از گزندش ، به تو پناه می آورم ... . و از تو درخواست می کنم که مرا در کنار حوضش و در حمایت خویش ، در حفاظت و پاسداری و پناه خودت قرار بدهی ، [ای کسی] که پناهنده تو سرافراز است ، ثنای تو بزرگ است ، و معبودی جز تو نیست ... . ای پروردگار من! مرا با پناهندگی ات پناه ده ؛ چرا که پناهنده تو ، در پناه تو بی گزند است . مرا در حمایت خودت در آور ، [ای کسی] که تحت الحمایه تو نیرومند است ، و ثنای تو بزرگ است ... . خودم را و دینم را و زن و فرزندان و اموالم را و هر که را مورد عنایت من است و همه نعمت هایی را که از خداوند دارم ، در پناه نامِ خدایی درآوردم که گردن ها تسلیم اویند ، در پناه نام خدایی که سینه ها از او بیمناک و جان ها از او هراسان اند ، در پناه نامی که اندوه داوود علیه السلام را از او زدود ، در پناه نام خدایی که به آتش فرمود : بر ابراهیم ، سرد و بی گزند شو . در حالی که آنها (نمرودیان) خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین قرار دادیم ، در پناه افسونِ بی شمار خدا ، در پناه قدرت خدا که همه آفریدگانش را در میان گرفته است ؛ از شرّ فلان کس و از شرّ هر آنچه آن مهرْ گستر آفریده است ، و از شرّ نیرنگ و ترفند آنها ، و از نیرو و قدرت و حیله آنان . به راستی که تو بر هر چیز توانایی .

الإمام الرضا عليه السلام مِن حِجابِهِ : اِخبَأْنِى اللّهُمَّ فى سِترِكَ عَن شِرارِ خَلقِكَ ، وَاعصِمنى مِن كُلِّ أذىً وسوءٍ بِمَنِّكَ ، وَاكفِنى شَرَّ كُلِّ ذى شَرٍّ بِقُدرَتِكَ ، اللّهُمَّ مَن كادَنى أو أرادَنى فَإِنّى أدرَأُ بِكَ فى نَحرِهِ ، وأستَعينُ بِكَ مِنهُ ، وأستَعيذُ مِنهُ بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ . (1)

و شَرُّ العِبادِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءٍ عَلَّمَهُ عَلِيّا عليه السلام : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ عِبادِكَ . (2)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 358 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 376 ح 1 .
2- .الدعاء للطبرانى : ص 311 ح 1018 عن عبد اللّه بن جعفر عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 2 ص 655 ح 4996 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق ؛ الإقبال : ج 3 ص 37 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

و شرّ بندگان

امام رضا علیه السلام در دعای حِرز خود : بار خدایا ! مرا از [شرّ]آفریدگان بدکردارت ، در پس پرده [حفاظت]خویش پنهان گردان . به لطف خود ، مرا از هر آزار و گزندی مصون بدار و به قدرت خود ، مرا از شرّ هر شروری نگه دار . بار خدایا ! هر کس با من نیرنگ بزند یا قصد جان مرا کند ، من به واسطه تو ، او را دفع می کنم و در برابرش از تو یاری می خواهم و از دست او ، به نیرو و توان تو پناه می آورم .

و شرّ بندگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که به علی علیه السلام آموخت : بار خدایا ! من از شرّ بندگانت ، به تو پناه می برم .

.

ز شَرُّ العَينِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَعيذوا بِاللّهِ تَعالى مِنَ العَينِ (1) ، فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :العَينُ وَالنَّفسُ (3) كادا يَسبِقانِ القَدَرَ ، فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ العَينِ وَالنَّفسِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ جِبريلَ أتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فَوافَقَهُ مُغتَمّا ، فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، ما هذَا الغَمُّ الَّذى أراهُ فى وَجهِكَ ؟ قالَ : الحَسَنُ وَالحُسَينُ أصابَتهُما عَينٌ . قالَ : صَدِّق بِالعَينِ ؛ فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ ، أفَلا عَوَّذتَهُما بِهؤُلاءِ الكَلِماتِ ؟ قالَ : وما هُنَّ يا جِبريلُ ؟ قالَ : قُل : اللّهُمَّ يا ذَا السُّلطانِ العَظيمِ ، ذَا المَنِّ القَديمِ ، ذَا الوَجهِ الكَريمِ ، وَلِيَّ الكَلِماتِ التّامّاتِ وَالدَّعَواتِ المُستَجاباتِ ، عافِ الحَسَنَ وَالحُسَينَ مِن أنفُسِ الجِنِّ وأعيُنِ الإنسِ . فَقالَهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله ، فَقاما يَلعَبانِ بَينَ يَدَيهِ . فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : عَوِّذوا أنفُسَكُم ونِساءَكُم وأولادَكُم بِهذَا التَّعويذِ ، فَإِنَّهُ لَم يَتَعَوَّذِ المُتَعَوِّذونَ بِمِثلِهِ . (5)

مجمع البيان :رُوِىَ أنَّ بَنى جَعفَرِ بنِ أبى طالِبٍ كانوا غِلمانا بيضا ، فَقالَت أسماءُ بِنتُ عُمَيسٍ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ العَينَ إلَيهِم سَريعَةٌ ، أفَأسترقى لَهُم مِنَ العَينِ ؟ فَقالَ صلى الله عليه و آله : نَعَم . ورُوِىَ أنَّ جَبرائيلَ عليه السلام رَقى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وعَلَّمَهُ الرُّقيَةَ ، وهِىَ : بِاسمِ اللّهِ أرقيكَ ، مِن كُلِّ عَينٍ حاسِدٍ ، اللّهُ يَشفيكَ . ورُوِىَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : لَو كانَ [شَىءٌ] (6) يَسبِقُ القَدَرَ لَسَبَقَتهُ العَينُ . (7)

.

1- .أصابت فلانا عينٌ ، إذا نظر إليه عدوٌّ أو حسودٌ ، فأثّرت فيه ومرض بسببها (النهايه : ج 3 ص 332 «عين») .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 239 ح 7497 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1159 ح 3508 وليس فيه «من العين» ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 107 ح 5945 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 6 ص 745 ح 17661 .
3- .النَّفس : العَين . يقال : أصابت فلانٌ نفسٌ ؛ أى عين (النهايه : ج 5 ص 96 «نفس») .

4- .الفردوس : ج 3 ص 78 ح 4219 عن عبد اللّه بن جراد ، كنز العمّال : ج 10 ص 66 ح 28389 .
5- .تفسير ابن كثير : ج 8 ص 234 ، تاريخ دمشق : ج 24 ص 461 ح 5322 ، كنز العمّال : ج 10 ص 108 ح 28546 ؛ المجتنى : ص 93 كلّها عن الحارث ، بحار الأنوار : ج 95 ص 132 ح 12 نقلاً عن جنّه الأمان للكفعمى وليس فيه ذيله من «فقالها النبىّ صلى الله عليه و آله . . .» .
6- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار ، وقد سقط من المصدر .
7- .مجمع البيان : ج 5 ص 380 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 6 .

ز گزند چشم

ز گزند چشمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از [گزند] چشم ، به خدای بزرگ پناه ببرید ؛ چرا که چشمْ زخم ، حقیقت دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چشمْ زخم و نُفوس بد زدن ، نزدیک است که از تقدیر ، پیشی بگیرند . پس ، از چشم[بد]و نفوس بد ، به خدا پناه ببرید .

امام علی علیه السلام :جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . چون او را اندوهگین یافت ، گفت : ای محمّد! این اندوه چیست که در چهره ات می بینم؟ فرمود : «حسن و حسین را چشم زده اند» . جبرئیل علیه السلام گفت : چشمْ زخم را باور کن ؛ زیرا چشم زدن ، حقیقت دارد . آیا آن دو را با این جملات ، تعویذ نکردی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «کدام جملات ، ای جبرائیل؟» . گفت : بگو : «بار خدایا ، ای پروردگار سلطنت بزرگ ، ای خداوند نعمت دیرین ، ای خداوند رویِ گرامی ، ای صاحب کلمات کامل و دعاهای پذیرفته شده! حسن و حسین را از نُفوس بدِ جنّیان و چشمْ زخم های آدمیان ، بهبود بخش» . پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را گفت و بی درنگ ، حسن و حسین برخاستند و در برابر ایشان به بازی پرداختند . پیامبر صلی الله علیه و آله [به اصحاب خود] فرمود : خودتان و زنان و فرزندانتان را با این جملات ، تعویذ کنید ؛ زیرا تعویذ کنندگان ، به چیزی همانند این دعا خود را تعویذ نکرده اند» .

مجمع البیان :نقل شده است که فرزندان جعفر بن ابی طالب ، پسرکانی سفید روی بودند . اسماء دختر عُمَیس گفت : ای پیامبر خدا! اینان زود چشم می خورند . آیا بر آنان دعای چشمْ زخم ببندم؟ فرمود : «آری» . همچنین نقل شده است که جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را افسون کرد و آن افسون را به او آموخت . افسون ، این بود : «به نام خدا ، افسونت می کنم از هر چشم حسودی . خدایت شفا دهاد!» . نیز نقل شده است که پیامبر صلی الله علَیه و آله فرمود : «اگر بنا بود چیزی از تقدیر پیشی بگیرد ، چشمْ زخم ، از آن پیشی می گرفت» .

.

ح شَرُّ الأَعضاءِ وَالجَوارِحِسنن الترمذی عن ابن حمید :أتَیتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقُلتُ : یا رَسولَ اللّهِ عَلِّمنی تَعَوُّذا أتَعَوَّذُ بِهِ . قالَ : فَأخَذَ بِکَتِفی فَقالَ : قُل : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ سَمعی ، ومِن شَرِّ بَصَری ، ومِن شَرِّ لِسانی ، ومِن شَرِّ قَلبی ، ومِن شَرِّ مَنِیّی یَعنی فَرجَهُ . (1)

ط شَرُّ دَوابِّ الأَرضِ وهَوامِّهارسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی بَطنِهِ ، ومِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی رِجلَینِ ، ومِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی أربَعٍ . (2)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمر :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا غَزا أو سافَرَ فَأدرَکَهُ اللَّیلُ ، قالَ : یا أرضُ ، رَبّی ورَبُّکِ اللّهُ ، أعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّکِ ، وشَرِّ ما خَلَقَ فیکِ ، وشَرِّ ما فیکِ ، وشَرِّ ما دَبَّ عَلَیکِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ ساکِنِ البَلَدِ ، ومِن شَرِّ والِدٍ وما وَلَدَ ، ومِن شَرِّ أسَدٍ وأسوَدَ ، وحَیَّهٍ وعَقرَبٍ . (3)

.

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 523 ح 3492 ، سنن أبی داوود : ج 2 ص 92 ح 1551 ، سنن النسائی : ج 8 ص 255 و 259 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 291 ح 15541 نحوه ، المعجم الکبیر : ج 7 ص 310 ح 7225 ، کنز العمّال : ج 2 ص 181 ح 3641 .
2- .المعجم الأوسط : ج 9 ص 121 ح 9304 عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 2 ص 208 ح 3790 ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 136 ولیس فیه ذیله ، بحار الأنوار : ج 17 ص 391 ح 1 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 249 ح 12251 و ج 2 ص 491 ح 6169 ، سنن أبی داوود : ج 3 ص 35 ح 2603 کلاهما نحوه ، السنن الکبری للنسائی : ج 4 ص 443 ح 7862 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 110 ح 2487 ، کنز العمّال : ج 6 ص 735 ح 17624 ؛ الأمان : ص 140 عن حمزه بن علیّ بن عثمان القرشی المخزومی ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 156 ح 133 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 161 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 260 ح 55 .

ح شرّ اعضا و اندام ها
ط گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آن

ح شرّ اعضا و اندام هاسنن الترمذی به نقل از ابن حمید : خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم : ای پیامبر خدا! مرا تعویذی بیاموز که خود را با آن ، حفظ کنم (در امان بدارم) . ایشان شانه ام را گرفت و فرمود : «بگو : بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ گوشم ، و از شرّ چشمم ، و از شرّ زبانم ، و از شرّ دلم ، و از شرّ آبم»، یعنی آلتش .

ط گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از گزند موجوداتی که به شکم راه می روند ، و از گزند موجوداتی که بر دو پا راه می روند ، و از گزند موجوداتی که بر چهار پا راه می روند .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمر : پیامبر خدا هر گاه به جنگ یا سفری می رفت ، شب که فرا می رسید ، می فرمود : «ای زمین! پروردگار من و تو، خداست . از شرّ تو و شرّ آنچه در تو آفرید و شرّ آنچه در توست و شرّ آنچه بر روی تو می جنبد ، به خدا پناه می برم . از شرّ ساکن بیابان (1) ، و از شرّ زاینده و آنچه زاده است (2) ، و از شرّ شیر و اژدها و مار و کژدم ، به خدا پناه می برم».

.

1- .مراد از «بیابان» ، مأوای جانوران است ، خواه در آن منزلگاه و بنایی باشد یا نباشد ، و مراد از ساکن بیابان ، جن است .
2- .احتمال دارد مراد از «زاینده» ، ابلیس باشد و از «آنچه زاده است» شیاطین باشند (المجموع ، نووی : ج 4 ص 398) .

راجع : ص 270 (بركات الاستعاذه / دفع شرّ الهوامّ والدوابّ والسباع) .

ى شَرُّ الدُّنيارسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الدُّنيا ، فَإِنَّ الدُّنيا تَمنَعُ الآخِرَهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهَ ، ومِن حَياهٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ ، وأعوذُ بِکَ مِن أمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : اللّهُمَّ لا تَجعَلِ الدُّنيا لى سِجنا ، ولا فِراقَها عَلَىَّ حُزنا ؛ أعوذُ بِکَ مِن دُنيا تَحرِمُنِى الآخِرَهَ ، ومِن أمَلٍ يَحرِمُنِى العَمَلَ ، ومِن حَياهٍ تَحرِمُنى خَيرَ المَماتِ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ : أعوذُ بِکَ يا إلهى مِن شَرِّ الدُّنيا وشَرِّ ما فيها ، لا تَجعَلِ الدُّنيا عَلَىَّ سِجنا ، ولا فِراقَها عَلَىَّ حُزنا ، أخرِجنى مِن فِتنَتِها مَرضِيّا عَنّى ، مَقبولاً فيها عَمَلى ، إلى دارِ الحَيَوانِ ومَساكِنِ الأخيارِ ، وأبدِلنى بِالدُّنيا الفانِيَهِ نَعيمَ الدّارِ الباقِيَهِ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن أزلِها (4) وزِلزالِها ، وسَطَواتِ شَياطينِها وسَلاطينِها ونَكالِها (5) ، ومِن بَغيِ مَن بَغى عَلَىَّ فيها . (6)

.

1- .مشكاه الأنوار : ص 471 ح 1578 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 292 ح 6 .
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 273 ؛ ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 94 ح 252 ، الإصابه : ج 2 ص 185 وفيهما صدره فقط ، الزهد لابن حنبل : ص 472 وفيه «العمل» بدل «الآخره» وليس فيه ذيله .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 281 ح 224 .
4- .الأَزْلُ : الشِّدَّهُ والضيق (النهايه : ج 1 ص 46 «أزل») .
5- .النَّكالُ : العقوبهُ التى تنكل الناس عن فعل ما جُعِلَت له جزاءً ، ونكَّل به : إذا جعله عبرهً لغيره (النهايه : ج 5 ص 117 «نكل») .
6- .الكافى : ج 2 ص 554 ح 13 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 351 ح 466 ، الإقبال : ج 1 ص 134 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، جمال الأُسبوع : ص 241 عن أبى يحيى الصنعانى عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 295 عن

عبد اللّه بن مهران عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إلى الإمام زين العابدين عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 4 ح 1 .

ی گزند دنیا

ر . ک : ص 271 (برکت های پناه بردن به خدا/دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان) .

ی گزند دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! من از دنیا به تو پناه می برم ؛ زیرا دنیا مانع آخرت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد ، و به تو پناه می برم از آرزویی که مانع کار نیک شود .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :بار خدایا ! دنیا را زندان من ، و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده . به تو پناه می برم از دنیایی که مرا از آخرت ، محروم سازد و از آرزویی که مرا از عمل ، محروم دارد و از زندگی ای که مرا از خیر مردن ، محروم نماید .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان : معبودا ، از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدا شدن از آن را مایه اندوهم مساز . مرا از این فتنه سرا ، در حالی که از من خشنودی و کردارم در آن ، پذیرفته توست ، به زندگی سرا و محلّ سکونت خوبان ببر ، و به جای دنیای نیست شونده ، نعمت سرای جاویدان را ارزانی ام بدار . بار خدایا ! به تو پناه می برم از رنج و سختی دنیا ، و یورش های اهریمنان و زورمندان و کیفرهای دنیا ، و از ستم کسی که در دنیا [بخواهد] به من ستم کند .

.

عنه عليه السلام فِی مُناجاهِ الزّاهِدینَ : إلهی أسکَنتَنا دارا حَفَرَت لَنا حُفَرَ مَکرِها ، وعَلَّقتَنا بِأیدِی المَنایا فی حَبائِلِ غَدرِها ، فَإِلَیکَ نَلتَجِئُ مِن مَکائِدِ خُدَعِها ، وبِکَ نَعتَصِمُ مِنَ الاِغتِرارِ بِزَخارِفِ زینَتِها . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن دُنیا تَمنَعُ خَیرَ الآخِرَهِ ، ومِن عاجِلٍ یَمنَعُ خَیرَ الآجِلِ ، وحَیاهٍ تَمنَعُ خَیرَ المَماتِ ، وأمَلٍ یَمنَعُ خَیرَ العَمَلِ . (2)

ک مَساوِئُ الأَسقامِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ البَرَصِ (3) وَالجُنونِ وَالجُذامِ (4) ، ومِن سَیِّئِ الأسقامِ . (5)

الکافی عن علیّ بن مهزیار :کَتَبَ مُحَمَّدُ بنُ إبراهیمَ إلی أبِی الحَسَنِ علیه السلام : إن رَأیتَ یا سَیِّدی أن تُعَلِّمَنی دُعاءً أدعو بِهِ فی دُبُرِ صَلَواتی ، یَجمَعُ اللّهُ لی بِهِ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ فَکَتَبَ علیه السلام : تَقولُ : أعوذُ بِوَجهِکَ الکَریمِ ، وعِزَّتِکَ الَّتی لا تُرامُ ، وقُدرَتِکَ الَّتی لا یَمتَنِعُ مِنها شَیءٌ ، مِن شَرِّ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، ومِن شَرِّ الأوجاعِ کُلِّها . (6)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض کتب الأصحاب .
2- .مصباح المتهجِّد : ص 64 ح 101 ، فلاح السائل : ص 320 ح 215 کلاهما عن معاویه بن عمّار ، الإقبال : ج 2 ص 146 .
3- .البَرَصُ : بَیاضٌ یظهر فی ظاهر البدن لفسادِ مزاجٍ(القاموس المحیط : ج 2 ص 295 «برص») .
4- .الجُذامُ : علّه تحدث من انتشار السوداء فی البدن کلّه فیفسد مزاج الأعضاء وهیأتها ، وربّما انتهی إلی تأکّل الأعضاء وسقوطها (القاموس المحیط : ج 4 ص 88 «جذم») .
5- .سنن أبی داوود : ج 2 ص 93 ح 1554 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 384 ح 13003 ، صحیح ابن حبّان : ج 3 ص 295 ح 1017 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 7 ص 18 ح 9 ، مسند أبی یعلی : ج 3 ص 220 ح 2890 کلّها عن أنس ، کنز العمّال : ج 2 ص 189 ح 3691 .
6- .الکافی : ج 3 ص 346 ح 28 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 48 .

ک بیماری های بد

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات زُهدوَرزان :معبود من! ما را در سرایی جای دادی که چاله های نیرنگش را برای ما حفر کرده و با ریسمان های بی وفایی اش ، ما را بر دستان مرگ ، آویخته است . پس ، از ترفندهای فریبنده آن به تو پناه می بریم و از این که فریفته زرق و برق زیورهای آن گردیم ، به تو متوسّل می شویم.

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود ، و از اکنونی که مانع خیر آینده شود ، و از زندگی ای که مانع خیر مردن شود ، و از آرزویی که مانع عمل نیک گردد .

ک بیماری های بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! من از پیسی و دیوانگی و خوره ، و از بیماری های بد به تو پناه می برم .

الکافی به نقل از علی بن مهزیار : محمّد بن ابراهیم به ابو الحسن علیه السلام (1) نوشت : سَرورم! اگر صلاح می دانید ، به من دعایی بیاموزید که آن را در تعقیبات نمازهایم بخوانم تا خداوند به سبب آن ، خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرماید . امام علیه السلام نوشت : «می گویی : به روی گرامی تو و به نیروی احاطه ناپذیر تو و به قدرت تو که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد ، پناه می برم از شرّ دنیا و آخرت و از شرّ همه دردها» .

.

1- .مقصود از ابو الحسن در این جا، امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام می باشد .

راجع : ص 454 (مواطن الاستعاذه / تلک الحالات / المرض) . ص 262 (برکات الاستعاذه / دفع الأمراض) .

ل جَهدُ البَلاءِمجمع البيان عن الحسن :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إذا ذُكِرَ أمامَهُ أصحابُ الأُخدودِ (1) ، تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِن جَهدِ البَلاءِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن جَهدِ البَلاءِ (3) ، ودَركِ الشَّقاءِ ، وسوءِ القَضاءِ ، وشَماتَهِ الأَعداءِ . (4)

م الحَرَبُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يُصبِحُ المُؤمِنُ أو يُمسى عَلى ثُكلٍ (5) ، خَيرٌ لَهُ مِن أن يُصبِحَ أو يُمسِىَ عَلى حَرَبٍ (6) ، فَنَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الحَرَبِ . (7)

.

1- .كانوا قوما يعبدون صنما ، وكان معهم قوم يعبدون اللّه عزّ وجلّ ويوحّدونه ويكتمون إيمانهم ، فعلموا بهم فخدُّوا لهم اُخدُودا ، وملؤوه نارا وقذفوا بهم فى تلک النّار ، فتَقحّموها ولم يرتدّوا عن دينهم ، ثبوتا على الإسلام ، والأُخدود : الحفره المستطيله فى الأرض (تاج العروس : ج 4 ص 433 «خدد») .
2- .مجمع البيان : ج 10 ص 706 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 443 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 129 ح 32 .
3- .الجَهد : المَشَقَّه . وجَهد البلاء : الحاله الشاقّه (النهايه : ج 1 ص 320 «جهد») .
4- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2440 ح 6242 و ج 5 ص 2336 ح 5987 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2080 ح 53 ، سنن النسائى : ج 8 ص 270 ، الأدب المفرد : ص 201 ح 669 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 493 ح 16685 ؛ الإقبال : ج 2 ص 54 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مصباح المتهجّد : ص 154 ح 242 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 273 ح 69 .
5- .الثُكل : الموت ، والهلاک ، وفقدان الحبيب أو الولد (القاموس المحيط : ج 3 ص 343 «ثكل») .

6- .الحَرَبُ بالتحريک : نهبُ مال الإنسان ، وترکه لا شیء له (النهایه : ج 1 ص 358 «حرب») .
7- .الکافی : ج 5 ص 72 ح 12 عن الإمام الصادق علیه السلام .

ل بلای طاقت فرسا
م تاراج شدن

ر . ک : ص 455 (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری) ، ص 263 (برکت های پناه بردن به خدا / درمان بیماری ها) .

ل بلای طاقت فرسامجمع البیان به نقل از حسن : هر گاه در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب اُخدود (1) سخن به میان می آمد ، ایشان از بلای طاقت فرسا به خدا پناه می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بلای طاقت فرسا و بدبختی دامنگیر و قضای بد و شماتت دشمن ، به خدا پناه ببرید .

م تاراج شدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، روز و شب خود را در سوگ عزیزش به سر برد ، برایش بهتر است تا این که روز و شب در معرض تاراج قرار گیرد . پس ، از تاراج شدن ، به خدا پناه می بریم .

.

1- .در زمان های گذشته ، مردمی بت پرست زندگی می کردند که در میان آنها عده ای یکتاپرست بودند ؛ امّا ایمانشان را پوشیده می داشتند . چون ایمانشان بر دیگران معلوم گشت ، آن قوم گودال هایی کندند و آنها را از آتش آکندند و آن مؤمنان را درون آتش افکندند ؛ لیک آن یکتاپرستان بر آیین خویش پایداری کردند و از دینشان بر نگشتند . اُخدود ، به معنای گودال های مستطیل شکل است (تاج العروس : ج 4 ص 433) .

ن الفَقرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِوَجهِکَ الکَریمِ ، وَاسمِکَ العَظیمِ ، مِنَ الکُفرِ وَالفَقرِ . (1)

سنن النسائى عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَنَّهُ کانَ یَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَالفَقرِ . فَقالَ رَجُلٌ : ویَعدِلانِ ؟ قالَ : نَعَم . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الفَقرِ وَالقِلَّهِ وَالذِّلَّهِ ، وأن تَظلِمَ أو تُظلَمَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أفتَقِرَ فى غِناکَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ إلّا إلَیکَ ، ومِنَ الذُّلِّ إلّا لَکَ . (5)

کنز الفوائد :قالَ صلى الله عليه و آله : ألا اُخبِرُکُم بِأَشقَى الأَشقِیاءِ ؟ قالوا : بَلى یا رَسولَ اللّهِ . قالَ : مَنِ اجتَمَعَ عَلَیهِ فَقرُ الدُّنیا ، وعَذابُ الآخِرَهِ ، نَعوذُ بِاللّهِ مِن ذلِکَ . (6)

.

1- .کنز العمّال : ج 2 ص 188 ح 3685 و ص 205 ح 3773 نقلاً عن الطبرانى فى السنّه عن عبد الرحمن بن أبى بکر .
2- .سنن النسائى : ج 8 ص 267 ، موارد الضمآن : ص 604 ح 2438 ، تهذیب الکمال : ج 10 ص 172 کلّها عن أبى سعيد الخدرى ، کنز العمّال : ج 6 ص 493 ح 16687 .
3- .سنن النسائى : ج 8 ص 261 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3842 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 648 ح 10973 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 713 ح 1947 ، موارد الضمآن : ص 605 ح 2442 کلّها عن أبى هريره ، کنز العمّال : ج 6 ص 493 ح 16688 .
4- .مُهَج الدعوات : ص 134 ، نهج البلاغه : الخطبه 215 ، الأمان : ص 126 ، المصباح للکفعمى : ص 402 والثلاثه الأخيره عن ابن عبّاس عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 242 ح 9 .

5- .شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 191 ؛ العدد القويّه : ص 94 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 233 .
6- .كنز الفوائد : ج 2 ص 193 ، معدن الجواهر : ص 25 ، إرشاد القلوب : ج 1 ص 19 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، أعلام الدين : ص 159 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 20 ح 3 .

ن ناداریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از کفر و ناداری ، به روی گرامی و نام بزرگ تو پناه می برم .

سنن النسائی به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا می فرمود : «بار خدایا! من از کفر و ناداری ، به تو پناه می برم» . مردی گفت : این دو ، همسنگ اند؟ فرمود : «آری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از ناداری و کمبود و خواری و این که ستم کنید یا به شما ستم شود ، به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از این که با وجود توانگریِ تو ، درویش شوم ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به غیر تو ، نیازمند شوم و در برابر جز تو ، خوار گردم .

کنز الفوائد :[پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : «آیا شما را از شور بخت ترینِ شوربختان خبر ندهم؟». گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا! فرمود : «کسی کَه فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شوند . از این امر ، به خدا پناه می بریم» .

.

كنز العمّال عن أبى هريره :جاءَت فاطِمَهُ عليهاالسلام إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله تَسأَ لُهُ خادِما ، فَقالَ : ألا أَدُلُّكِ عَلى ما هُوَ خَيرٌ لَكِ مِن خادِمٍ ؟ تُسَبِّحينَ اللّهَ ثَلاثا وثَلاثينَ تَسبيحَةً ، وتُكَبِّرينَ أربَعا وثَلاثينَ تَكبيرَةً ، وتُحَمِّدينَ ثَلاثا وثَلاثينَ تَحميدَةً ، وتَقولينَ : اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ ، ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، رَبَّنا ورَبَّ كُلِّ شَىءٍ ، مُنزِلَ التَّوراهِ وَالإنجيلِ وَالقُرآنِ أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ شَىءٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ ، اَللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الآخِرُ فَلَيسَ بَعدَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الظّاهِرُ فَلَيسَ فَوقَكَ شَىءٌ ، وأنتَ الباطِنُ فَلَيسَ دونَكَ شَىءٌ ، اقضِ عَنِّى الدَّينَ ، وأغِذنى مِنَ الفَقرِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وقَنِّعنى بِحَلالِكَ عَن حَرامِكَ ، وأغِذنى مِنَ الفَقرِ . (2)

عنه عليه السلام لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : يا بُنَىَّ ، إنّى أخافُ عَلَيكَ الفَقرَ ، فَاستَعِذ بِاللّهِ مِنهُ ؛ فَإِنَّ الفَقرَ مَنقَصَهٌ لِلدِّينِ ، مَدهَشَهٌ (3) لِلعَقلِ ، داعِيَهٌ لِلمَقتِ (4) . (5)

عنه عليه السلام :مَنِ ابتُلِىَ بِالفَقرِ فَقَدِ ابتُلِىَ بِأَربَعِ خِصالٍ : بِالضَّعفِ فى يَقينِهِ، وَالنُّقصانِ فى عَقلِهِ ، وَالرِّقَّهِ فى دينِهِ ، وقِلَّهِ الحَياءِ فى وَجهِهِ ، فَنَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الفَقرِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الفَقرِ . (7)

.

1- .كنز العمّال : ج 15 ص 509 ح 41986 نقلاً عن ابن جرير .
2- .البلد الأمين : ص 552 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 261 ح 5 .
3- .دهش الرجل بالكسر دهشا : تحيَّر ، والدَّهش : ذهاب العقل (لسان العرب : ج 6 ص 303 «دهش») .
4- .المَقْتُ : أشدّ البُغض (النهايه : ج 4 ص 346 «مقت») .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 319 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 53 ح 83 .
6- .جامع الأخبار : ص 300 ح 818 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 48 ح 58 .
7- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 269 ح 3971 ، الكافى : ج 5 ص 167 ح 3 وفيه «نعوذ باللّه ...» ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 163 ح 720

وفيه «أعوذ باللّه ...» وكلّها عن أبى الصباح الكنانى .

کنزالعمّال به نقل از ابو هریره : فاطمه علیهاالسلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان خدمتکاری خواست . [پیامبر صلی الله علیه و آله]فرمود : «آیا تو را به چیزی که برایت از خدمتکار ، بهتر است ، راه نمایی نکنم؟ سی و سه بار خدا را سبحان اللّه می گویی و سی و چهار بار اللّه اکبر و سی و سه بار الحمد للّه . آن گاه می گویی : خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار ما و پروردگار همه موجودات! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! به تو پناه می برم از گزند هر چیزی که زمام اختیار آن ، در دست توست . خدایا! تو آغازینی و چیزی پیش از تو نبوده است ، و تو فرجامینی و چیزی پس از تو نیست ، و تو آشکاری و چیزی آشکارتر از تو نیست ، و تو نهانی و چیزی نهان تر از تو نیست . قرض مرا ادا کن و مرا از ناداری ، در پناه خویش گیر» .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به حلال خود ، قانع گردان تا به حرامت روی نیاورم ، و مرا از ناداری ، پناه ده .

امام علی علیه السلام به فرزندش محمّد بن حنفیّه :پسرم! من از فقر بر تو می ترسم . پس ، از آن به خدا پناه ببر ؛ چرا که فقر ، کاهنده دین و برنده خِرد و برانگیزنده کین است .

امام علی علیه السلام :هر که به ناداری گرفتار آید ، به چهار چیز دچار می گردد : به سستی در یقینش ، کاستی در خِردش ، نازکی در دینش ، و بی آزرمی در رویش . پس ، از ناداری ، به خدا پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام :از ناداری ، به خدا پناه برید .

.

س غَلَبَهُ الدَّينِالخصال عن أبى سعيد الخدرى :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الكُفرِ وَالدَّينِ» ، قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أيَعدِلُ الدَّينُ بِالكُفرِ ؟ فَقالَ صلى الله عليه و آله : نَعَم . (1)

صحيح البخارى عن عائشه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَدعو فِى الصَّلاهِ ويَقولُ : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ (2) » ، فَقالَ لَهُ قائِلٌ : ما أكثَرَ ما تَستَعيذُ يا رَسولَ اللّهِ مِنَ المَغرَمِ ؟ قالَ : إنَّ الرَّجُلَ إذا غَرِمَ ، حَدَّثَ فَكَذَبَ ، ووَعَدَ فَأخلَفَ . (3)

سنن النسائى عن عبد اللّه بن عمرو :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَدعو بِهؤُلاءِ الكَلِماتِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن غَلَبَهِ الدَّينِ ، وغَلَبَهِ العَدُوِّ ، وشَماتَهِ (4) الأعداءِ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :اِستَعيذوا بِاللّهِ عز و جل مِن غَلَبَهِ الدَّينِ . (6)

عنه عليه السلام :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن ضَلَعِ (7) الدَّينِ ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ . (8)

.

1- .الخصال : ص 44 ح 39 ، علل الشرايع : ص 528 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 141 ح 2 ؛ سنن النسائى : ج 8 ص 264 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 77 ح 11333 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 302 ح 1025 ، كنز العمّال : ج 1 ص 487 ح 2137 .
2- .المَغْرَمُ : الدَّينُ (النهايه : ج 3 ص 363 «غرم») .
3- .صحيح البخارى : ج 2 ص 844 ح 2267 و ج 1 ص 286 ح 798 ، سنن النسائى : ج 8 ص 258 و 264 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 90 ح 26134 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 10 ص 438 ح 19630 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 406 ح 5565 كلّها نحوه .
4- .الشّماتهُ : فرح العدوِّ ببليّهٍ تنزل بمن يعاديه (النهايه : ج 2 ص 499 «شمت») .
5- .سنن النسائى : ج 8 ص 265 و 268 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 584 ح 6629 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 713 ح 1945 ، الدعاء للطبرانى : ص 398 ح 1336 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 21 ح 31

عن مجاهد وفيه «بوار الأيّم» بدل «شماته الأعداء» ، كنز العمّال : ج 2 ص 683 ح 5066 .
6- .تحف العقول : ص 113 .
7- .ضَلَعُ الدَّين : أى ثِقلُهُ (النهايه : ج 3 ص 96 «ضلع») .
8- .الخصال : ص 622 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 134 ح 2 .

س چیره شدن بدهکاری

س چیره شدن بدهکاریالخصال به نقل از ابو سعید خُدری : از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «به خدا پناه می برم از کفر و قرض» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! آیا قرض ، با کفر ، همسنگ است؟ فرمود : «آری» .

صحیح البخاری به نقل از عایشه : پیامبر خدا در نماز ، دعا می کرد و می گفت : «بار خدایا ! از گنهکاری و بدهکاری ، به تو پناه می برم» . گوینده ای گفت : ای پیامبر خدا ! شما چه قدر از بدهکاری ، به خدا پناه می برید؟ فرمود : «مرد ، هر گاه بدهکار باشد ، هم دروغ می گوید و هم بدقولی می کند» .

سنن النسائی به نقل از عبد اللّه بن عمرو : پیامبر خدا با این کلمات ، دعا می کرد : «بار خدایا ! از چیره شدن قرض و چیره شدن دشمن و شماتت دشمنان ، به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام :از قرضْ بالا آوردن ، به خدا پناه ببرید .

امام علی علیه السلام :از فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش) ، به خدا پناه برید .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى المَعونَهِ عَلى قَضاءِ الدَّينِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وهَب لِىَ العافِيَهَ مِن دَينٍ تُخلِقُ (1) بِهِ وَجهى ، ويَحارُ فيهِ ذِهنى ، ويَتَشَعَّبُ لَهُ فِكرى ، ويَطولُ بِمُمارَسَتِهِ شُغلى . وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ مِن هَمِّ الدَّينِ وفِكرِهِ ، وشُغلِ الدَّينِ وسَهَرِهِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأعِذنى مِنهُ ، وأستَجيرُ بِكَ يا رَبِّ مِن ذِلَّتِهِ فِى الحَياهِ ، ومِن تَبِعَتِهِ بَعدَ الوَفاهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام مِمّا عَلَّمَهُ عَبدَ اللّهِ بنَ سِنانٍ لِقَضاءِ دَينِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ البُؤسِ وَالفَقرِ ، ومِن غَلَبَهِ الدَّينِ وَالسُّقمِ ، وأسأَلُكَ أن تُعينَنى عَلى أداءِ حَقِّكَ إلَيكَ وإلَى النّاسِ . (3)

عنه عليه السلام :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن غَلَبَهِ الدَّينِ ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ ، وبَوارِ الأَيِّمِ (4) . (5)

ع الذِّلَّهُ وَالخِزيُرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِمّا عَلَّمَهُ إيّاهُ جَبرَئيلُ : رَبِّ أعوذُ بِكَ أن أذِلَّ أو أخزى . (6)

الإمام الحسين عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُهُ فى قُنوتِ الوَترِ : اللّهُمَّ إنَّكَ تَرى ولا تُرى ، وأنتَ بِالمَنظَرِ الأعلى ، وإنَّ إلَيكَ الرُّجعى ، وإنَّ لَكَ الآخِرَهَ وَالأُولى ، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن أن نَذِلَّ ونَخزى . (7)

.

1- .خَلُقَ الثّوبُ : إذا بَلىَ ، فهو خَلَقٌ (المصباح المنير : ص 180 «خلق») .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 121 الدعاء 30 ، المصباح للكفعمى : ص 230 ، مستدرک الوسائل : ج 13 ص 388 ح 15684 .
3- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 320 ح 182 عن عبد اللّه بن سنان ، مصباح المتهجّد : ص 215 ح 324 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 132 ح 8 .
4- .بَوارُ الأيِّم : أى كسادُها ، والأيِّمُ : التى لا زوجَ لها ، وهى مع ذلک لا يرغب فيها أحد (النهايه : ج 1 ص 161 «بور») .
5- .الكافى : ج 5 ص 92 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 183 ح 377 وفيه «نعوذ» بدل «تعوَّذوا» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 181 ح 3679

كلّها عن عبد الرحمن بن الحجّاج .
6- .مُهَج الدعوات : ص 216 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ؛ الفردوس : ج 1 ص 442 ح 1802 عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 207 ح 3782 .
7- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 200 ح 3 و ج 7 ص 113 ح 2 ، كنز العمّال : ج 8 ص 82 ح 21992 ؛ مصباح المتهجّد : ص 135 ح 220 عن الإمام زين العابدين عليه السلام وص 99 ح 166 ، فلاح السائل : ص 416 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام والثلاثه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 92 ح 11 .

ع خواری و رسوایی

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در یاری خواستن برای ادای قرض : بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا از قرضی که به واسطه آن ، چهره ام دُژم ، خاطرم پریشان ، و اندیشه ام پراکنده گردد و پیوسته بِدان سرگرم باشم ، رهایی بخش . پروردگارا ! به تو پناه می برم از اندوه و اضطراب قرض ، و دل مشغولی به قرض و بی خوابی کشیدن به خاطر آن . پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از قرض ، در پناه خویش بدار . ای پروردگار من ! به تو پناه می برم از خواری بدهکاری در زندگی و از عواقب آن پس از مرگ .

امام صادق علیه السلام از دعایی که به عبد اللّه بن سنان برای ادا شدن قرضش آموخت : بار خدایا ! از بینوایی و ناداری ، و از دامنگیر شدن قرض و بیماری ، به تو پناه می برم و از تو می خواهم که در ادای حقّ خودت و حقّ مردم ، به من کمک کنی .

امام صادق علیه السلام :از چیره شدن قرض و چیره شدن مردان (اوباش) و بی مشتری ماندن زنان بی شوهر ، به خدا پناه برید .

ع خواری و رسواییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که جبرئیل به ایشان آموخت :بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که خوار یا رسوا شوم .

امام حسین علیه السلام از دعای ایشان در قنوت نماز وتر : بار خدایا ! تو می بینی و خود ، دیده نمی شوی . تو ، در چشم انداز برینی و بازگشت [همگان] ، به سوی توست و آخرت و دنیا از آنِ تواند . بار خدایا ! به تو پناه می بریم از این که خوار و رسوا شویم .

.

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ عِندَ الحَجَرِ الأَسوَدِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَالفَقرِ ، ومَواقِفِ الخِزيِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)

ف تِلکَ الأُمورُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَعيذوا بِاللّهِ مِنَ المَفاقِرِ : الإمامِ الجائِرِ ؛ الَّذى إذا أحسَنتَ لَم يَقبَل ، وإذا أسَأتَ لَم يَتَجاوَز . ومِن جارِ السَّوءِ ؛ الَّذى عَينُهُ تَراکَ وقَلبُهُ يَرعاکَ ، إن رَأى خَيرا أذَمَّهُ (2) ، وإن رَأى شَرّا أذاعَهُ . ومِنَ المَشيبِ ؛ زَوجَهِ السَّوءِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن ثَلاثِ فَواقِرَ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن مُجاوَرَهِ جارِ سَوءٍ ؛ إن رَأى خَيرا کَتَمَهُ وإن رَأى شَرّا أذاعَهُ . وتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن زَوجَهِ سَوءٍ ؛ إن دَخَلتَ عَلَيها لَسَنَتکَ (4) کَذا قالَ وإن غِبتَ عَنها خانَتکَ . وتَعَوّذوا بِاللّهِ مِن إمامِ سَوءٍ ؛ إن أحسَنتَ (5) لَم يَقبَل ، وإن أسَأتَ لَم يَغفِر . (6)

عنه صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ مِنَ الأَنصارِ : أفَلا اُعَلِّمُکَ کَلاما إذا أنتَ قُلتَهُ أذهَبَ اللّهُ عز و جلهَمَّکَ ، وقَضى عَنکَ دَينَکَ ؟... قُل إذا أصبَحتَ وإذا أمسَيتَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ وَالحُزنِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ العَجزِ وَالکَسَلِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الجُبنِ وَالبُخلِ ، وأعوذُ بِکَ مِن غَلَبَهِ الدَّينِ وقَهرِ الرِّجالِ . (7)

.

1- .الکافى : ج 4 ص 403 ح 1 عن معاويه بن عمّار ، تهذيب الأحکام : ج 5 ص 102 ح 329 ، مصباح المتهجّد : ص 681 ح 750 ، المقنعه : ص 401 کلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ؛ کنز العمّال : ج 5 ص 172 ح 12503 نقلاً عن الأزرقى .
2- .أذَمَّهُ : وجده ذميما مذموما (لسان العرب : ج 12 ص 220 «ذمم») .
3- .کنز العمّال : ج 16 ص 47 ح 43875 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره .
4- .فى المصدر : «السنتک» ، والتصحيح من کنز العمّال . و«لَسَنَتْکَ» أى أخَذَتْکَ بِلِسانِها يَصِفُها بِالسَّلاطَهِ وکثره الکلامَ والبَذاءِ (النهايه : ج 4 ص 249 «لسن») .
5- .فى المصدر : «أحسنته» ، والتصحيح من کنز العمّال .

6- .شعب الإيمان : ج 7 ص 82 ح 9554 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 44 ح 24851 .
7- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 93 ح 1555 عن أبى سعيد الخدرى ، تهذيب الكمال : ج 23 ص 106 ، الأذكار للنووى : ص 79 ، كنز العمّال : ج 6 ص 239 ح 15519 .

ف این چند چیز

امام صادق علیه السلام از دعایی که در نزد حجر الأسود گفته می شود : بار خدایا ! از کفر و فقر ، و جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم .

ف این چند چیزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بلاهای کمرشکن ، به خدا پناه ببرید : از پیشوای ستمگری که اگر خوبی کنی ، نمی پذیرد و اگر بدی کنی ، گذشت نمی کند ؛ از همسایه بد ، که چشمش تو را می بیند و دلش تو را می پاید و اگر کار خوبی ببیند ، آن را بد می بیند و اگر کار بدی ببیند ، آن را جار می زند ؛ و از پیر شدن [با آزارهای]همسر بد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از سه بلای کمرشکن ، به خدا پناه برید : از همسایگی با همسایه بد ، به خدا پناه برید ، که اگر خوبی ببیند ، می پوشاند و اگر بدی ببیند ، فاش می گرداند ؛ از همسر بد ، به خدا پناه برید ، که در حضورت با تو بدزبانی می کند و در غیاب تو ، به تو خیانت می ورزد ؛ و از پیشوای بد ، به خدا پناه برید، که اگر خوبی کنی ، نمی پذیرد و اگر بدی کنی ، نمی بخشاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار : آیا گفتاری به تو نیاموزم که هر گاه آن را بگویی ، خداوند عز و جل غم تو را بزداید و قرض تو را ادا کند؟ ... هر صبح و شام بگو : «بار خدایا ! از غم و اندوه ، به تو پناه می برم ، و از ناتوانی و سستی به تو پناه می برم ، و از ترسویی و بخل ، به تو پناه می برم ، و از چیره شدن قرض و غلبه یافتن مردان (اوباش) به تو پناه می برم» .

.

تيسير المطالب عن عبد اللّه بن مسعود :عَلَّمَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله سِتَّ دَعَواتٍ ، قالَ : عَلِّموهُنَّ أنفُسَكُم وأزواجَكُم وأولادَكُم : أعوذُ بِاللّهِ مِن صاحِبٍ يُغوى (1) ، وهَوىً يُردى ، وعَمَلٍ يُخزى ، وفَقرٍ يُنسى ، وغِنىً يُطغى ، وجارٍ يُؤذى . (2)

المصنّف لابن أبى شيبه عن زيد بن ثابت عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ النّارِ» ثَلاثا ، قُلنا : نَعوذُ بِاللّهِ مِن عَذابِ النّارِ . «وتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الفِتَنِ ، ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ» . قُلنا : نَعوذُ بِاللّهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَمسٌ إن أدرَكتُموهُنَّ فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنهُنَّ : لَم تَظهَرِ الفاحِشَةُ فى قَومٍ قَطُّ حَتّى يُعلِنوها ، إلّا ظَهَرَ فيهِمُ الطّاعونُ وَالأَوجاعُ الَّتى لَم تَكُن فى أسلافِهِمُ الَّذين مَضَوا . ولَم يَنقُصُوا المِكيالَ وَالميزانَ إلّا أُخِذوا بِالسِّنينَ (4) ، وشِدَّةِ المَؤونَةِ ، وجَورِ السُّلطانِ . ولَم يَمنَعُوا الزَّكاةَ إلّا مُنِعُوا القَطرَ مِنَ السَّماءِ ، ولَولَا البَهائِمُ لَم يُمطَروا . ولَم يَنقُضوا عَهدَ اللّهِ وعَهدَ رَسولِهِ إلّا سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِم عَدُوَّهُم ، وأخَذوا بَعضَ ما فى أيديهِم . ولَم يَحكُموا بِغَيرِ ما أنزَلَ اللّهُ عز و جل إلّا جَعَلَ اللّهُ عز و جلبَأسَهُم بَينَهُم . (5)

.

1- .غوى : أى ضلَّ . والغىُّ : الضلالُ والانهماک فى الباطل (النهايه : ج 3 ص 397 «غوا») .
2- .تيسير المطالب : ص 234 .
3- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 17 ح 1 ، كنز العمّال : ج 2 ص 263 ح 3975 .
4- .السَّنَهُ : الجدبُ (النهايه : ج 2 ص 413 «سنه») .
5- .الكافى : ج 2 ص 373 ح 1 عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 301 ح 2 عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 73 ص 376 ح 13 ؛ سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1333 ح 4019 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 583 ح

8623 كلاهما عن عبد اللّه بن عمر نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 80 ح 44010 .

تیسیر المطالب به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا ، [این]شش دعا را به ما آموخت و فرمود : «آنها را به خودتان و همسرانتان و فرزندانتان بیاموزید» : از دوستی که گم راه می کند ، و از هوسی که نابود می گرداند ، و از کاری که رسوا می سازد ، و از فقری که [خدا را] از یاد می برد ، و از توانگری و ثروتی که سرکشی می آورد ، و از همسایه ای که آزار می دهد ، به خدا پناه می برم .

المصنّف ، ابن ابی شیبه به نقل از زید بن ثابت : پیامبر خدا سه بار فرمود : «از عذاب آتش ، به خدا پناه ببرید» . گفتیم : از عذاب آتش ، به خدا پناه می بریم . [پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد :] «و از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید . از فتنه های آشکار و نهان ، به خدا پناه ببرید . از فتنه دَجّال ، به خدا پناه ببرید» . ما گفتیم : از فتنه دجّال ، به خدا پناه می بریم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیز است که اگر به آنها برخوردید ، از آنها به خدا پناه ببرید : هیچ گاه در میان مردمی زنا پیدا نشد و آن را شایع نکردند ، مگر آن که طاعون و دردهایی که در گذشتگانشان نبوده است ، در میان آنان پدیدار گردید . [هیچ گاه] از پیمانه و ترازو نکاستند [و کم فروشی نکردند] ، مگر آن که به قحطی و سختی در معیشت و ستم حاکم دچار شدند . [هیچ گاه] از دادن زکات خودداری نکردند ، مگر آن که از باران آسمان ، محروم گشتند و اگر به خاطر چارپایان نبود ، هرگز باران بر آنها نمی بارید . [هیچ گاه] پیمان با خدا و پیمان با پیامبر او را نشکستند ، مگر آن که خداوند ، دشمنانشان را بر ایشان مسلّط گردانید و آنها قسمتی از اموالشان را گرفتند . و [هیچ گاه] بر خلاف آنچه خداوند عز و جل فرو فرستاده است ، حکم نکردند ، مگر آن که خداوند عز و جل آنها را به جان یکدیگر افکند .

.

معانى الأخبار عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام :أَنَّهُ سُئِلَ عَن قَولِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ وَالعامَّهِ وَاللّامَّهِ» ، فَقالَ : السّامَّهُ القَرابَهُ ، وَالهامَّهُ هَوامُّ الأَرضِ ، وَاللّامَّهُ لَمَمُ الشَّياطينِ ، وَالعامَّهُ عامَّهُ النّاسِ . (1)

الإقبال مِن دُعاءِ إدريسَ عليه السلام : أعوذُ بِكَ مِن سُقمٍ مُصرِعٍ ، وفَقرٍ مُدقِعٍ (2) ، ومِنَ الذُّلِّ . (3)

ص شَرُّ عاقِبَهِ الاُمورِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أسأَلُ اللّهَ الإِيمانَ وَالتَّقوى ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ عاقِبَهِ الاُمورِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ لِمالِكٍ الأَشتَرِ : تَعَوَّذ بِاللّهِ مِن دَركِ (5) الشَّقاءِ . (6)

عنه عليه السلام عِندَ طَوافِهِ عَلَى القَتلى فى وَقعَهِ الجَمَلِ : أعوذُ بِاللّهِ مِن سوءِ المَصرَعِ . (7)

.

1- .معانى الأخبار : ص 173 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 141 ح 2 .
2- .فى المصدر : «مقرع» ، وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار . وفقر مدقع : أى شديد يفضى بصاحبه إلى الدقعاء أى التراب (النهايه : ج 2 ص 127 «دقع») .
3- .الإقبال : ج 1 ص 182 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 99 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 402 ح 5868 ، الأمالى للصدوق : ص 576 ح 788 كلاهما عن أبى الصباح الكنانى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 114 ح 8 .
5- .الدَّرْک : اللِّحاق والوصولُ إلى الشىء ، أدركتُه إدراكا (النهايه : ج 2 ص 114 «درک») .
6- .تحف العقول : ص 127 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 241 ح 1 .
7- .الإرشاد : ج 1 ص 254 ، الجمل : ص 392 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 207 ح 163 .

ص بدفرجامی کارها

معانی الأخبار به نقل از سلیمان بن خالد : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن پیامبر خدا سؤال شد : «به تو پناه می برم از گزند سامّه و هامّه و عامّه ولامّه» . فرمود : «سامّه ، خویشاوندان اند . هامّه ، خزندگان اند . لامّه ، وسوسه های شیاطین اند و عامّه ، توده (عوام) مردم» .

الإقبال از دعای ادریس علیه السلام : از بیماریِ زمینگیر کننده و فقر شدید و از خواری ، به تو پناه می برم .

ص بدفرجامی کارهاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ایمان و پرهیزگاری از خدا می طلبم و از بدفرجامی کارها ، به خدا پناه می برم .

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به مالک اشتر : از دامنگیر شدن بدبختی ، به خدا پناه ببر .

امام علی علیه السلام هنگام گشت زدن در میان کشتگان جنگ جمل : از بر خاک افتادن [چنین] بد ، به خدا پناه می برم .

.

عنه عليه السلام مِن كِتابٍ لَهُ : مَتى كُنتُم يا مُعاوِيَهُ ساسَةَ الرَّعِيَّهِ ، وِوُلاهَ أمرِ الاُمَّهِ ؟! بِغَيرِ قَدَمٍ سابِقٍ ، ولا شَرَفٍ باسِقٍ (1) ، ونَعوذُ بِاللّهِ مِن لُزومِ سَوابِقِ الشَّقاءِ ، واُحَذِّرُکَ أن تَکونَ مُتَمادِیا فی غِرَّهِ (2) الاُمنِیَّهِ ، مُختَلِفَ العَلانِیَهِ وَالسَّریرَهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأعِذنا أن تَخیبَ آمالُنا ، وتَحبَطَ أعمالُنا . (4)

الإمام الهادی عليه السلام فی قُنوتِهِ : اللّهُمَّ أسعِدنا بِالشُّکرِ ، وَامنَحنَا النَّصرَ ، وأعِذنا مِن سوءِ البِدارِ (5) وَالعاقِبَهِ وَالخَترِ (6) . (7)

ق الشَّرُّ کُلُّهُرسول اللّه صلی الله علیه و آله :نَزَلَ جَبرَئیلُ علیه السلام فَقالَ : إنَّ خَیرَ الدُّعاءِ أن تَقولَ فِی الصَّلاهِ : اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ ، ولَکَ المُلکُ کُلُّهُ ، ولَکَ الخَلقُ کُلُّهُ ، وإلَیکَ یَرجِعُ الأمرُ کُلُّهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن الشَّرِّ کُلِّهِ . (8)

عنه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ إنّی أسأَ لُکَ مِنَ الخَیرِ کُلِّهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم . (9)

.

1- .الباسِقُ : المُرتفع فی علوّه ، والبسوق : علوّ ذکر الرجل فی الفضل (النهایه : ج 1 ص 128 «بسق») .
2- .الغِرَّهُ : الغَفْلَهُ (النهایه : ج 3 ص 354 «غرر») .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 10 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 101 ح 406 .
4- .الدروع الواقیه : ص 96 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 144 .
5- .بادَرَ مبادرهً وبِدارا : أی عَجِلَ إلی فعلِ ما یَرغَبُ فیه (تاج العروس : ج 6 ص 63 «بدر») . وفی بحار الأنوار : «البداء» .
6- .الخَتْرُ : الغَدْرُ (النهایه : ج 2 ص 9 «ختر») .
7- .مُهَج الدعوات : ص 82 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 227 .
8- .شعب الإیمان : ج 4 ص 97 ح 4400 عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 7 ص 531 ح 20112 .
9- .المعجم الکبیر : ج 2 ص 252 ح 2058 ، الدعاء للطبرانی : ص 208 ح 655 کلاهما عن جابر بن سمره و ص 422 ح 1428 عن أنس ، مسند

الطيالسى : ص 28 ح 200 عن سعد ، كنز العمّال : ج 2 ص 178 ح 3623
.

ق همه بدی ها

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به معاویه : معاویه! از کِی ، شما سیاستمدار مردم و زمامدار امّت شده اید، در حالی که نه پیشینیه ای درخشان و نه امتیازی والا دارید؟! پناه می بریم به خدا از شقاوتی دامنگیر! تو را از این که در فریبِ آرزو غرقه گردی و آشکارت با نهانت ناهمساز باشد ، بر حذر می دارم .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از این که امیدها و آرزوهایمان بر باد رود و اعمالمان بی حاصل شود ، در پناه خویش بدار .

امام هادی علیه السلام در دعای قنوتش : بار خدایا! ما را از [نعمت]سپاس گزاری ، بهره مند گردان و فیروزی خویش را ارزانی مان دار و ما را از بدی شتابکاری و فرجام خیانت ، در پناه خویش نگه دار .

ق همه بدی هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت : بهترین دعا ، این است که در نماز بگویی : «بار خدایا! ستایش ، همه از آنِ توست و فرمان روایی همه ، از آنِ توست و آفرینش ، همه از آنِ توست و کارها همه به تو باز می گردند . از همه بدی ها به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! همه خوبی ها چه آنها که من می دانم و چه آنها که نمی دانم را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم ، به تو پناه می برم .

.

صحيح مسلم عن عائشه :كانَ [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عَمِلتُ ، ومِن شَرِّ ما لَم أعمَل . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ : أسأَ لُکَ خَيرَ ما تَعلَمُ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما تَعلَمُ ، فَإِنَّکَ تَعلَمُ ولا نَعلَمُ ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ بَعدَ التَّشَهُّدِ فِى الفَريضَهِ : اللّهُمَّ إنّا نَسأَ لُکَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمنا مِنهُ وما لَم نَعلَم ، ونَعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمنا مِنهُ وما لَم نَعلَم ، اللّهُمَّ إنّا نَسأَ لُکَ ما سَأَلَکَ مِنهُ عِبادُکَ الصّالِحونَ ، ونَستَعيذُ بِکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ الصّالِحونَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ مِن كُلِّ خَيرٍ خَزائِنُهُ بِيَدِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن كُلِّ شَرٍّ خَزائِنُهُ بِيَدِکَ . (4)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2085 ح 65 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 92 ح 1550 ، سنن النسائى : ج 3 ص 56 و ج 8 ص 281 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1262 ح 3839 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 396 ح 24738 و ص 468 ح 25138 ، كنز العمّال : ج 2 ص 179 ح 3628 .
2- .الكافى : ج 2 ص 549 ح 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 328 ح 960 كلاهما عن محمّد بن الفرج عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 2 ح 2 ؛ سنن الترمذى : ج 5 ص 476 ح 3407 ، سنن النسائى : ج 3 ص 54 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 76 ح 17113 و ص 80 ح 17133 والأربعه الأخيره عن شدّاد بن أوس نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 237 ح 3913 .
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 306 ح 7571 عن عبد اللّه بن مسعود ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1264 ح 3846 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 482 ح 25191 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 150 ح 869 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 703 ح 1914 كلّها عن عائشه نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 685 ح 5073 .

4- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 706 ح 1924 ، الدعاء للطبرانى : ص 426 ح 1445 كلاهما عن ف ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 2 ص 187 ح 3679 .

صحیح مسلم به نقل از عایشه : [پیامبر خدا] می گفت : «بار خدایا ! از بدیِ آنچه به جا آورده ام و از بدیِ آنچه به جا نیاورده ام ، به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که پس از پایان نماز می خواند : خوب ترین چیزی را که می دانی ، از تو درخواست می کنم و از بدترین چیزی که می دانی ، به تو پناه می برم ؛ چرا که تو می دانی و ما نمی دانیم ، و تو دانای نهان هایی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان پس از تشهّد نمازهای واجب : بار خدایا ! همه خوبی ها در حال و آینده (/دنیا و آخرت) چه آنها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم ، از تو درخواست می کنیم و از همه بدی ها در حال و آینده چه آنها که می شناسیم و چه آنها که نمی دانیم ، به تو پناه می بریم . بار خدایا ! آنچه را بندگان درستکارت از تو خواستند ، ما نیز از تو درخواست می کنیم و از آنچه بندگان درستکارت از آن به تو پناه آوردند ، ما نیز به تو پناه می آوریم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از هر خوبی که خزانه های آن در دست توست ، از تو درخواست می کنم و از هر بدی که خزانه هایش در دست توست ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی بَطنِهِ ، ومِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی رِجلَینِ ، ومِن شَرِّ مَن یَمشی عَلی أربَعٍ ، ومِن شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ . (2)

بحار الأنوار :رُوِیَ عَن أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام أنَّهُ رَأی رَجُلاً یَدعو مِن دَفتَرٍ دُعاءً طَویلاً ، فَقالَ لَهُ : یا هذَا الرَّجُلُ ، إنَّ الَّذی یَسمَعُ الکَثیرَ هُوَ یُجیبُ عَنِ القَلیلِ . فَقالَ الرَّجُلُ : یا مَولایَ ، فَما أصنَعُ ؟ قالَ : قُل : الحَمدُ للّهِ عَلی کُلِّ نِعمَةٍ ، وأسألُ اللّهَ مِن کُلِّ خَیرٍ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن کُلِّ شَرٍّ ، وأستَغفِرُ اللّهَ مِن کُلِّ ذَنبٍ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام مِن دُعائِهِ فی نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِنَ الخَیرِ کُلِّهِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ . (4)

عنه علیه السلام فیما یُقالُ فی زِیارَهِ الحُسَینِ علیه السلام : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ ... مِن شَرِّ شَیاطینِ الجِنِّ وَالإنسِ ، ومِن شَرِّ مَن یَنصِبُ لِأَولِیاءِ اللّهِ العَداوَهَ ، ومِن أن یَفرُطوا (5) عَلَیَّ أو أن یَطغَوا وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ عُیونِ الظَّلَمَهِ ، ومِن شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ . (6)

.

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 312 ح 5051 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2084 ح 61 وفیه «شیء» بدل «ذی شرّ» ، سنن الترمذی : ج 5 ص 472 ح 3400 ، السنن الکبری للنسائی : ج 4 ص 395 ح 7668 و 7669 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 2 ص 194 ح 3715 .
2- .قصص الأنبیاء : ص 314 ح 392 عن ابن عبّاس ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 506 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 405 ح 24 .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 242 ح 10 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .
4- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 75 ح 233 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 154 ح 2377 نحوه ، الإقبال : ج 1 ص 105 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 376 .

5- .فَرَطَ عليه : أى عَجِلَ وعدا (الصحاح : ج 3 ص 1148 «فرط») .
6- .كامل الزيارات : ص 395 ح 639 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 101 ص 174 ح 30 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از گزند هر گزندرسانی که پیشانی (سرنوشتِ) آن در دست توست ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! به تو پناه می برم از گزند هر آن موجودی که بر شکم خویش راه می رود ، و از گزند هر آن موجودی که بر دو پا راه می رود ، و از گزند هر آن موجودی که بر چهار پا راه می رود ، و از گزند هر گزندرسانی ، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی اش (سرنوشتش) در دست توست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است .

بحار الأنوار :روایت شده است که امیر مؤمنان علیه السلام ، مردی را دید که از روی نوشته ای ، دعایی طولانی می خواند . به او فرمود : «ای مرد ! آن که زیاد را می شنود ، اندک را هم پاسخ می دهد» . مرد گفت : سَرورم ! پس چه کنم ؟ فرمود : «بگو : ستایش ، خدای را بر هر نعمتی ، و هر خوبی را از خدا می خواهم و از هر بدی ، به خدا پناه می برم و از هر گناهی ، از خدا آمرزش می طلبم » .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در نمازهای نافله ماه رمضان : بار خدایا ! همه خوبی ها را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها، به تو پناه می برم .

امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام : بار خدایا ! به تو پناه می برم ... از گزند اهریمنانِ جن و انس ، و از گزند هر آن که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد ، و از این که بر من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند ، و به تو پناه می برم از گزند جاسوسان ستمگران ، و از گزند هر گزندرسانی .

.

عنه عليه السلام لِزَيدٍ الزَّرّادِ : إذا نَظَرتَ إلَى السَّماءِ فَقُل : . . . وأعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ ، ومِن شَرِّ ما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ ما ذَرَأَ (1) فِى الأَرضِ ، ومِن شَرِّ ما خَرَجَ مِنها ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى اليَومِ السّادِسِ وَالعِشرينَ مِنَ الشَّهرِ : أسأَلُکَ اللّهُمَّ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ ؛ ما أدعو وما لَم أدعُ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ . (3)

تهذيب الأحكام عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَکَ وخَيرَ ما أرجو ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ ومِن شَرِّ ما لا أحذَرُ . (4)

الإمام الجواد عليه السلام مِن حِرزٍ لَهُ : أسأَلُکَ مِن خَيرِکَ خَيرا مِمّا أرجو ، وأعوذُ بِعِزَّتِکَ وقُدرَتِکَ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ وما لا أحذَرُ . (5)

4 / 14سَخَطُ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ أعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وبِمُعافاتِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، لا أُحصى ثَنَاءً عَلَيکَ ، أنتَ كَما أثنَيتَ عَلى نَفسِکَ . (6)

.

1- .ذرأ اللّه الخلق : إذا خلقهم (النهايه : ج 2 ص 156 «ذرأ») .
2- .الأُصول الستّه عشر : ص 57 عن زيد الزرّاد ، بحار الأنوار : ج 87 ص 186 ، آداب القيام إلى صلاه الليل والدعاء عند ذلک .
3- .الدروع الواقيه : ص 154 ، العدد القويّه : ص 325 نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 177 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 92 ح 252 ، مصباح المتهجّد : ص 567 ح 672 ، المصباح للكفعمى : ص 764 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 330 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 134 .
5- .الأمان : ص 78 ، مُهَج الدعوات : ص 56 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 358 ح 1 .

6- .صحيح مسلم : ج 1 ص 352 ح 222 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 232 ح 879 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 524 ح 3493 ، سنن النسائى : ج 1 ص 102 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3841 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 2 ص 183 ح 3652 .

4 / 14 ناخشنودی خدا

امام صادق علیه السلام به زید زرّاد : هر گاه به آسمان نگریستی ، بگو : « ... و به خدا پناه می برم از گزند آنچه از آسمان فرود می آید ، و از گزند آنچه به آسمان بَر می شود ، و از گزند آنچه در زمین آفرید ، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید ، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز بیست و ششم ماه : بار خدایا ! همه خوبی ها خواه آنچه از بهر آن دعا کنم یا دعا نکنم را از تو می خواهم و از گزند آنچه [از آن] می ترسم ، به تو پناه می برم .

تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام : بار خدایا ! خوبی تو را و خوبی آنچه را [بِدان]امید دارم ، از تو درخواست می کنم و از بدی آنچه می ترسم و از بدی آنچه نمی ترسم ، به تو پناه می برم .

امام جواد علیه السلام از حِرز ایشان : از خوبی تو ، آن خوبی را که بِدان امید دارم ، از تو درخواست می کنم و از بدیِ آنچه می ترسم و حذر دارم و آنچه حذر ندارم ، به عزّت و قدرت تو پناه می برم .

4 / 14ناخشنودی خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از ناخشنودی تو به خشنودی ات و از کیفرت به بخشایشت پناه می برم و از تو به خود تو ، پناه می برم . ثنای تو را شماره نتوانم . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِنورِ وَجهِکَ الَّذى أشرَقَت لَهُ السَّماواتُ وَالأَرضُ ، وتَشَعَّبَت بِهِ الظُّلُماتُ ، وَصَلَحَ بِهِ أمرُ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، أن تُحلِلَ عَلَىَّ غَضَبَکَ ، أو تُنزِلَ عَلَىَّ سَخَطَکَ ، أعوذُ بِکَ مِن زَوالِ نِعمَتِکَ ، وفُجاءَهِ نَقِمَتِکَ ، وتَحويلِ عافِيَتِکَ ، وجَميعِ سَخَطِکَ ، لَکَ العُتبى (1) فيمَا استَطَعتُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِکَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :إلهى ، أعوذُ بِکَ مِن غَضَبِکَ ، وحُلولِ سَخَطِکَ . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ خَيرَ الخَيرِ ؛ رِضوانَکَ وَالجَنَّهَ ، وأعوذُ مِنکَ مِن شَرِّ الشَّرِّ ؛ سَخَطِکَ وَالنّارِ . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام :أعوذُ بِکَ اللّهُمَّ اليَومَ مِن غَضَبِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأعِذنى ، وأستَجيرُ بِکَ اليَومَ مِن سَخَطِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأجِرنى . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن سَطَواتِکَ (6) ، وأعوذُ بِکَ مِن جَميعِ غَضَبِکَ وسَخَطِکَ ، سُبحانَکَ لا إلهَ إلّا أنتَ رَبُّ العالَمينَ . (7)

.

1- .العتبى : الاسم من أعتبنى فلان : إذا عاد إلى مسرّتى راجعا عن الإساءه . واستعتبتُه فأعتبنى : أى استرضيتُه فأرضانى (مجمع البحرين : ج 2 ص 1159 «عتب») .
2- .مصباح المتهجّد : ص 840 ح 904 عن عائشه ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 62 ح 44 عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، الإقبال : ج 3 ص 326 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 89 ح 16 .
3- .الإقبال : ج 3 ص 296 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 97 ح 12 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 492 ح 1412 ، مصباح المتهجّد : ص 762 ح 844 عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام وص 54 ح 77 ، الإقبال : ج 1 ص 221 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 45 ح 54 .

5- .الصحيفه السجّاديّه : ص 208 الدعاء 48 ، مصباح المتهجّد : ص 374 ح 501 ، المزار الكبير : ص 471 ، جمال الأُسبوع : ص 266 ، الإقبال : ج 1 ص 501 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 218 ح 65 .
6- .السَّطو : القهرُ والبطشُ (النهايه : ج 2 ص 366 «سطا») .
7- .الكافى : ج 3 ص 327 ح 21 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 100 ح 259 و 260 ، مصباح المتهجّد : ف ص 577 ح 689 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 339 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 234 ح 58 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به نور روی تو که آسمان ها و زمین از آن روشن شد [و هستی یافت] و به سبب آن ، تاریکی ها از هم پاشید و به واسطه آن ، کار اوّلین و آخرین سامان یافت ، پناه می برم از این که خشمت را بر من در آوری ، یا ناخشنودی ات را بر من فرو فرستی . به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمتت ، و فرود آمدن ناگهانی خشمت ، و برگشتن عافیتت [از من] ، و همه ناخشنودی ات . با همه [وجود و] توانم ، از تو پوزش می خواهم ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری تو .

امام علی علیه السلام :معبود من! از خشم تو و دامنگیر شدن ناخشنودی ات ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! خوب ترین خوب ها ، [یعنی] خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از بدترین بدها ، [یعنی]ناخشنودی ات و آتش ، به تو پناه می برم .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! امروز از خشم تو ، به تو پناه می آورم . پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا پناه ده . امروز از ناخشنودی ات ، از تو پناهندگی می جویم . پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا در پناه خویش بدار .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! از یورش های تو ، به تو پناه می برم و از همه خشم و ناخشنودی ات، به تو پناه می آورم . پاکی تو . معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست .

.

الكافى عن أبى أُسامه عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَمِعتُهُ يَقولُ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن سَطَواتِ اللّهِ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ . قالَ : قُلتُ لَهُ : وما سَطَواتُ اللّهِ ؟ قالَ : الأَخذُ عَلَى المَعاصى . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ رِضوانَکَ وَالجَنَّهَ ، وأعوذُ بِکَ مِن سَخَطِکَ وَالنّارِ . (2)

4 / 15ميتَهُ السَّوءِالمعجم الكبير عن أبى أُمامه :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِن مَوتِ الفَجأَهِ ، وكانَ يُعجِبُهُ أن يَمرَضَ قَبلَ أن يَموتَ . (3)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله استَعاذَ مِن سَبعِ مَوتاتٍ : مَوتِ الفَجأَهِ ، ومِن لَدغِ الحَيَّهِ ، ومِنَ السَّبُعِ ، ومِنَ الحَرَقِ ، ومِنَ الغَرَقِ ، ومِن أن يَخِرَّ عَلى شَىءٍ أو يَخِرَّ عَلَيهِ شَىءٌ ، ومِنَ القَتلِ عِندَ فِرارِ الزَّحفِ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أموتَ غَمّا أو هَمّا ، أو أن أموتَ غَرَقا ، أو أن يَتَخَبَّطَنِى (5) الشَّيطانُ عِندَ المَوتِ ، أو أن أموتَ لَديغا . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَدمِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ التَّرَدّى (7) ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الغَرَقِ وَالحَرَقِ وَالهَرَمِ ، وأعوذُ بِکَ أن يَتَخَبَّطَنِى الشَّيطانُ عِندَ المَوتِ ، وأعوذُ بِکَ أن أموتَ فى سَبيلِکَ مُدبِراً ، وأعوذُ بِکَ أن أموتَ لَديغا . (8)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 269 ح 6 ، الأمالى للمفيد : ص 184 ح 8 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 18 ح 39 كلاهما عن زيد الشحّام وفيهما «احذروا» بدل «تعوّذوا» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 360 ح 84 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 502 ح 583 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 154 ح 2377 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 135 ح 3 وراجع المصباح للكفعمى : ص 139 .

3- .المعجم الكبير : ج 8 ص 132 ح 7603 ، مسند الشاميّين : ج 4 ص 322 ح 3437 ، كنز العمّال : ج 7 ص 77 ح 18039 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 579 ح 6605 و ج 6 ص 244 ح 17835 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 62 ح 173 ، كنز العمّال : ج 2 ص 207 ح 3786 .
5- .يَتَخَبَّطنى الشيطانُ : أى يصرعنى ويلعب بى (النهايه : ج 2 ص 8 «خبط») .
6- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 274 ح 8675 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 208 ح 3792 .
7- .تردّى : أى سقط ، من الرَّدى : الهلاک (النهايه : ج 2 ص 216 «ردا») .
8- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 92 ح 1552 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 286 ح 15523 وزاد فيه «الغم» قبل «والغرق» ، و ح 15524 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 713 ح 1948 كلاهما نحوه ، المعجم الكبير : ج 19 ص 170 ح 381 كلّها عن أبى اليسر السّلمى ، سنن النسائى : ج 8 ص 283 عن أبى الأسود السلمى ، كنز العمّال : ج 2 ص 206 ح 3780 .

4 / 15 مرگ بد

الکافی به نقل از ابو اُسامه : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید : «از غافلگیر کردن خدا در شب و روز ، به خدا پناه ببرید» . من گفتم : غافلگیر کردن خدا چیست؟ فرمود : «ناگهانی گرفتن بر گناهان» .

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا! خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از ناخشنودی ات و آتش ، به تو پناه می برم .

4 / 15مرگ بدالمعجم الکبیر به نقل از ابو امامه : پیامبر از مرگ ناگهانی ، به خدا پناه می بُرد و خوش داشت که پیش از آن که بمیرد ، بیمار شود .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمرو : پیامبر خدا از هفت نوع مردن به خدا پناه می برد : مرگ ناگهانی ، مارگزیدگی ، حمله درنده ، سوختن ، غرق شدن ، سقوط کردن یا افتادن چیزی روی او ، و کشته شدن به هنگام گریختن از میدان جهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از این که از غم و اندوه بمیرم . یا با غرق شدن بمیرم ، یا هنگام مردن ، شیطان مرا بازی دهد (/ آشفته سر سازد) ، یا از مارگزیدگی بمیرم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از رفتن به زیر آوار ، به تو پناه می برم . از سقوط کردن [از بلندی] ، به تو پناه می برم . از غرق شدن و سوخته شدن و فرتوتی ، به تو پناه می برم . از این که در هنگام مردن ، بازیچه شیطان شوم ، به تو پناه می برم . از این که در حال فرار از راه تو [در میدان جهاد] بمیرم ، به تو پناه می برم . و از این که بر اثر گزیده شدن بمیرم ، به تو پناه می برم .

.

الإمام الباقر عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِدِرعِکَ الحَصينَهِ ، وأعوذُ بِجَمعِکَ ، أن تُميتَنى غَرَقا ، أو حَرَقا ، أو شَرَقا (1) ، أو قَوَدا (2) ، أو صَبرا ، أو مَسَمّا ، أو تَرَدِّيا فى بِئرٍ ، أو أكيلَ السَّبُعِ ، أو مَوتَ الفَجأهِ ، أو بِشَىءٍ مِن ميتاتِ السَّوءِ ، ولكِن أمِتنى عَلى فِراشى فى طاعَتِکَ وطاعَهِ رَسولِکَ صلى الله عليه و آله ، مُصيبا لِلحَقِّ غَيرَ مُخطِئٍ ، أو فِى الصَّفِّ الَّذى نَعَتَّهُم فى كِتابِکَ : «كَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ» (3) . (4)

4 / 16عَذابُ القَبرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! أظَلَّتكُمُ الفِتَنُ كَقِطَعِ اللَّيلِ المُظلِمِ . أيُّهَا النّاسُ ! لَو تَعلَمونَ ما أعلَمُ لَبَكَيتُم كَثيرا وضَحِكتُم قَليلاً . أيُّهَا النّاسُ ! اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، فَإِنَّ عَذابَ القَبرِ حَقٌّ . (5)

.

1- .شَرِقَ بريقِهِ : إذا غصّ به (النهايه : ج 2 ص 465 «شرق») .
2- .القَودُ : القِصاص (النهايه : ج 4 ص 119 «قود») .
3- .الصفّ : 4 .
4- .الكافى : ج 2 ص 526 ح 13 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 94 ح 152 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام و ص 77 ح 124 ، فلاح السائل : ص 364 ح 242 كلاهما عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 26 ح 2059 ، الدعوات : ص 133 ح 331 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام والأربعه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 90 ح 12 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 363 ح 24574 عن عائشه ، كنز العمّال : ج 11 ص 156 ح 31013 .

4 / 16 عذاب قبر

امام باقر علیه السلام :بار خدایا! به زره استوار تو پناه می برم و به جامعیّت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن ، یا سوختن ، یا خفه شدن ، یا قصاص ، یا کشته شدن در اسارت ، یا مسموم شدن (گزیده شدن)، یا افتادن در چاه ، یا طعمه درندگان شدن ، یا مرگ ناگهانی و یا به هر یک از مردن های بد و دل خراش بمیرانی . مرا در بسترم ، در حالی که فرمان بردار تو و فرمان بردار پیامبر تو هستم و در راه درست هستم و نه بر خطا ، یا در صف آنان که در کتاب خود در وصف آنان فرموده ای : «گویا ساختمانی استوارند» ، بمیران .

4 / 16عذاب قبرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! فتنه ها چونان پاره های شب تار بر شما سایه افکنده اند. ای مردم! اگر آنچه را من می دانم ، شما می دانستید ، بی گمان ، بسیار مویه می کردید و اندک می خندیدید . ای مردم! از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید ؛ چرا که عذاب قبر ، راست است .

.

شعب الإيمان عن ميمونه مَولاهِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا مَيمونَهُ ، تَعَوَّذى بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ . قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وإنَّهُ لَحَقٌّ ؟ قالَ : نَعَم يا مَيمونَهُ ، وإنَّ مِن أشَدِّ عَذابِ القَبرِ يا مَيمونَهُ ، الغيبَهَ وَالبَولَ . (1)

مسند ابن حنبل عن اُمّ مبشّر :دَخَلَ عَلَىَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأنَا فى حائِطٍ مِن حَوائِطِ بَنِى النَّجّارِ ، فيه قُبورٌ مِنهُم قَد ماتوا فِى الجاهِلِيَّهِ ، فَسَمِعَهُم وهُم يُعَذَّبونَ ، فَخَرَجَ وهُوَ يَقولُ : اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ . قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وإنَّهُم لَيُعَذَّبونَ فى قُبورِهِم ؟ قالَ : نَعَم ، عَذابا تَسمَعُهُ البَهائِمُ . (2)

بحار الأنوار :كانَ صلى الله عليه و آله يَقولُ فى آخِرِ صَلاتِهِ : وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ (3) . (4)

صحيح البخارى عن اُمِّ خالد بنت خالد :سَمِعتُ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِن عَذابِ القَبرِ . (5)

.

1- .شعب الإيمان : ج 5 ص 303 ح 6731 ، الطبقات الكبرى : ج 8 ص 305 ، الفردوس : ج 5 ص 436 ح 8662 ، كنز العمّال : ج 3 ص 593 ح 8060 .
2- .مسند ابن حنبل: ج10 ص296 ح 27112 و ج 9 ص 296 ح 24233، المصنّف لابن أبى شيبه: ج 3 ص250 ح 1 كلاهما عن عائشه نحوه و ص 251 ح 10 ، المعجم الكبير : ج 25 ص 103 ح 268 ، مسند إسحاق بن راهويه: ج 5 ص96 ح 2201، السنّه لابن أبى عاصم: ص 410 ح 875 ، كنز العمّال: ج 15 ص 738 ح 42937.
3- .قال صاحب المحجّه البيضاء فى مذهب آل العباء : ما روى عنه صلى الله عليه و آله من الاستعاذه عن عذاب القبر ، فذلک للمبالغه فى إظهار الافتقار إلى اللّه تعالى ، وقيل : هو تحكّم محض لجواز أن يقال : آمن الرسول بما اُنزل إليه من ربّه ، فكما جاز أن يسأل المؤمن عمّا آمن به فيقال : من ربّک وما دينک ؟ فكذا الرسول يسأل عمّا آمن به ، فعلم أنّ حمل الاستعاذه على المبالغه تحكّم بغير دليل ، ولأنَّ النبىّ صلى الله عليه و

آله صاحب عهده عظيمه ؛ لأنّه إنما بعث لبيان الشرائع وصرف القلوب إلى اللّه تعالى ، فلم لا يجوز أن يسأل عمّا كان فى عهدته ؟ حتّى قيل : وسؤالهما الأنبياء بهذه العباره : على ماذا تركتم اُمّتكم ؟ والحقّ أن الأئمّه كالأنبياء صلوات اللّه عليهم أجمعين فى هذه الاُمور كلّها ، ولم أر فى كتب الإماميّه هذه المسأله لا نفيا ولا إثباتا ، والذى يطمئن إليه قلبى أنّهم مع الأئمّه سلام اللّه عليهم مستثنون من هذه الأحكام . انتهى (بحار الأنوار : ج 6 ص 278) .

4- .بحار الأنوار : ج 6 ص 205 .

5- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2341 ح 6003 و ج 1 ص 463 ح 1310 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 410 ح 7720 وزاد فيه «باللّه » بعد «يتعوّذ» ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 300 ح 27126 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 280 ح 509 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 5 ص 110 ح 2215 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 20 ح 26 ، كنز العمّال : ج 15 ص 738 ح 42936 .

شعب الإیمان به نقل از میمونه ، کنیز آزادشده پیامبر صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا به من فرمود : «میمونه! از عذاب قبر ، به خدا پناه ببر» . گفتم : ای پیامبر خدا! آن ، حقیقت دارد؟ فرمود : «آری ، ای میمونه! از سخت ترین [عوامل] عذاب قبر ای میمونه غیبت کردن و [پرهیز نکردن از ترشحات] ادرار است» .

مسند ابن حنبل به نقل از اُمّ مبشّر : من در بوستانی از بوستان های بنی نجّار بودم که پیامبر خدا در آمد . در این بوستان ، قبرهایی از بنی نجّار بود که در زمان جاهلیت مرده بودند . پیامبر صلی الله علیه و آله فریاد آنها را که عذاب می شدند ، شنید . پس بیرون رفت ، در حالی که می فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه برید» . من گفتم : ای پیامبر خدا! اینها در گورهایشان عذاب می شوند؟ فرمود : «آری ؛ عذابی که چارپایان ، آن را می شنوند» .

بحارالأنوار :پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان نمازش می گفت : «از عذاب قبر ، به تو پناه می برم» . 1

صحیح البخاری به نقل از اُمّ خالد ، دختر خالد : شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عوذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ اللّهِ ، عوذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، عوذوا بِاللّهِ مِن فِتنَهِ المَسيحِ الدَّجّالِ ، عوذوا بِاللّهِ مِن فِتنَهِ المَحيا وَالمَماتِ . (1)

صحيح مسلم عن زيد بن ثابت :بَينَمَا النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فى حائِطٍ لِبَنِى النَّجّارِ . . . وإذا أقبُرٌ سِتَّهٌ . . . فَقالَ : إنَّ هذِهِ الاُمَّهَ تُبتَلى فى قُبورِها ، فَلَولا أن لّا تَدافَنوا (2) لَدَعَوتُ اللّهَ أن يُسمِعَكُم مِن عَذابِ القَبرِ الَّذى أسمَعُ مِنهُ . ثُمَّ أقبَلَ عَلَينا بِوَجهِهِ ، فَقالَ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ النّارِ ، قالوا : نَعوذُ بِاللّهِ مِن عَذابِ النّارِ ، فَقالَ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، قالوا : نَعوذُ بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، قالَ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، قالوا : نَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، قالَ : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن فِتنَهِ الدَّجّالِ ، قالوا : نَعوذُ بِاللّهِ مِن فِتنَهِ الدَّجّالِ . (3)

الكافى عن أبى بصير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أيُفلِتُ مِن ضَغطَهِ القَبرِ أحَدٌ ؟ فَقالَ : نَعوذُ بِاللّهِ مِنها ، ما أقَلَّ مَن يُفلِتُ مِن ضَغطَهِ القَبرِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ عَلَى الصَّفا : اللّهُمَّ بارِک لى فِى المَوتِ ، وفى ما بَعدَ المَوتِ ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِکَ مِن ظُلمَهِ القَبرِ ووَحشَتِهِ ، اللّهُمَّ أظِلَّنى فى ظِلِّ عَرشِکَ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّکَ . (5)

.

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 413 ح 132 ، سنن النسائى : ج 8 ص 278 و ص 277 ، مسند الحميدى : ج 2 ص 432 ح 980 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 471 ح 6250 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 484 ح 2119 .
2- .فى الكلام حذف ؛ يعنى : لولا مخافه ألّا تتدافنوا . . . .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2200 ح 2867 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 154 ح 21715 نحوه ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 111 ح 254 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 282 ح 1000 عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 638 ح 42513 ؛ بحار الأنوار : ج 64 ص 191 .
4- .الكافى : ج 3 ص 236 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 261 ح 102 .

5- .الكافى : ج 4 ص 431 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 146 ح 481 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 684 ح 760 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از عذاب خدا به خدا پناه ببرید . از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید . از فتنه مسیح دجّال (دروغین) ، به خدا پناه ببرید . از فتنه زندگی و مرگ ، به خدا پناه ببرید .

صحیح مسلم به نقل از زید بن ثابت : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در باغی از بنی نجّار بود ... و در آن باغ ، شش قبر وجود داشت ... . فرمود : «این امّت در گورهایشان دچار بلا [و عذاب] می شوند و اگر نبود [بیم] آن که یکدیگر را دفن نکنید ، از خدا می خواستم تا از عذاب قبری که من می شنوم ، به شما بشنواند» . سپس رو به ما کرد و فرمود : «از عذاب آتش ، به خدا پناه برید» . حاضران گفتند : از عذاب آتش ، به خدا پناه می بریم . آن گاه فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از عذاب قبر ، به خدا پناه می بریم . فرمود : «از فتنه ها ، آشکار و نهانش ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از فتنه ها ، آشکار و نهانش ، به خدا پناه می بریم . فرمود : «از فتنه دَجّال ، به خدا پناه ببرید» . حاضران گفتند : از فتنه دجّال ، به خدا پناه می بریم .

الکافی به نقل از ابو بصیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : آیا کسی از فشار قبر می رهد ؟ فرمود : «پناه می بریم به خدا از آن ! بسیار اندک اند کسانی که از فشار قبر می رهند» .

امام صادق علیه السلام در دعایی که بر کوه صفا خوانده می شود : بار خدایا ! مرگ و پس از مرگ را بر من خجسته گردان . بار خدایا ! از تاریکی و تنهایی گور ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! در آن روز که سایه ای جز سایه تو نیست ، مرا در سایه عرش خویش در آور .

.

4 / 17عَذابُ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أعوذُ بِاللّهِ مِن حالِ أهلِ النّارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله مِمّا كانَ يَقولُهُ عِندَ كُلِّ فَجرٍ على بابِ عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهماالسلام : نَعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، نَعوذُ بِاللّهِ مِن صَباحِ النّارِ ، نَعوذُ بِاللّهِ مِن مَساءِ النّارِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ رَبَّ جَبرائيلَ وميكائيلَ ، ورَبَّ إسرافيلَ ، أعوذُ بِكَ مِن حَرِّ النّارِ ، ومِن عَذابِ القَبرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يَعجَبُ مِن سائِلٍ يَسأَلُ غَيرَ الجَنَّةِ ، ومِن مُعطٍ يُعطى لِغَيرِ اللّهِ ، ومِن مُتَعَوِّذٍ يَتَعَوَّذُ مِن غَيرِ النّارِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا صَلَّى العَبدُ ، ولَم يَسأَلِ اللّهَ تَعالَى الجَنَّةَ ، ولَم يَستَعِذهُ مِنَ النّارِ ، قالَتِ المَلائِكَهُ : أغفَلَ العَظيمَتَينِ : الجَنَّةَ ، وَالنّارَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا صَلَّى العَبدُ فَلَم يَسأَلِ اللّهَ الجَنَّةَ ، قالَتِ الجَنَّةُ : يا وَيحَ (6) هذا ، أما كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَسأَلَ رَبَّهُ الجَنَّةَ ؟! فَإِذا لَم يَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، قالَتِ النّارُ : يا وَيحَ هذا ، أما كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَتَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنّى ؟! (7)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 578 ح 3599 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1260 ح 3833 وفيه «عذاب النار» بدل «حال أهل النار» و ص 1250 ح 3804 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 415 ح 1419 ، الدعاء للطبرانى : ص 415 ح 1404 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 181 ح 3638 .
2- .الأمالى للصدوق : ص 208 ح 230 عن إسماعيل بن أبى زياد السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 246 ح 6 .
3- .سنن النسائى : ج 8 ص 278 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 326 ح 24378 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 156 ح 3858 ، تفسير القرطبى : ج

2 ص 39 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 2 ص 186 ح 3668 .
4- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 267 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 2 ص 85 ح 3260 .
5- .الجعفريّات : ص 42 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 65 ح 5370 .
6- .وَيْحَ : كلمه ترحّم وتوجّع (النهايه : ج 5 ص 235 «ويح») .
7- .الفردوس : ج 1 ص 290 ح 1141 عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : ج 2 ص 136 ح 3484 .

4 / 17عذاب آتشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از حال و روز دوزخیان ، به خدا پناه می برم !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنی که هر سپیده دم بر در خانه علی و فاطمه علیهماالسلاممی گفت : به خدا پناه می بریم از آتش . به خدا پناه می بریم از بامداد آتش . به خدا پناه می بریم از شامگاه آتش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار الها ! ای پروردگار جبرائیل و میکائیل ، و ای پروردگار اسرافیل ! از تَفِ آتش و از شکنجه گور ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند از خواهشگری که جز بهشت را می خواهد ، و از دهنده ای که برای جز خدا دَهِش می کند ، و از پناهجویی که از جز آتش [به خدا]پناه می جوید ، به شگفت می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده نماز بگزارد و از خداوند بزرگ بهشت را درخواست نکند و از آتش به او پناه نبرد ، فرشتگان می گویند : «دو بزرگ ، [یعنی]بهشت و آتش را از یاد برد !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده نماز بخواند و بهشت را از خدا نخواهد ، بهشت می گوید : «افسوس ! آیا سزاوار نبود که از پروردگارش بهشت را تقاضا کند؟ !» و هر گاه از آتش به خدا پناه نبرد ، آتش می گوید : «افسوس ! آیا سزاوار نبود که از من به خدا پناه ببرد؟ !».

.

الإمام علىّ عليه السلام :أعاذَنَا اللّهُ وإيّاكُم مِنَ النّارِ ، ورَزَقَنا وإيّاكُم مُرافَقَةَ الأبرارِ ، وغَفَرَلَنا ولَكُم جَميعا ، إنَّهُ هُوَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (1)

فإطمه عليهاالسلام مِن دُعائِها بَعدَ صَلاهِ العَصرِ : رَبِّ أستَجيرُکَ مِنَ النّارِ فَأجِرنى ، رَبِّ أعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَأعِذنى ، رَبِّ أفزَعُ إلَيکَ مِنَ النّارِ فَأبعِدنى . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ الحَسَنَ بنَ عَلِىٍّ عليه السلام ... كانَ إذا قامَ فى صَلاتِهِ تَرتَعِدُ فرائِصُهُ (3) بَينَ يَدَى رَبِّهِ عز و جل ، وكانَ إذا ذَكَرَ الجَنَّةَ وَالنّارَ اضطَرَبَ اضطِرابَ السَّليمِ (4) ، وسَأَلَ اللّهَ تَعالَى الجَنَّةَ ، وتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ . (5)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ ... وأعِذنا مِن عَذابِ السَّعيرِ . (6)

الكافي عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام :لا تَنسَوُا الموجِبَتَينِ أو قالَ : عَلَيكُم بِالموجِبَتَينِ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ . قُلتُ : ومَا الموجِبَتانِ ؟ قالَ : تَسأَلُ اللّهَ الجَنَّةَ ، وتَعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (7)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 385 ح 510 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .
2- .فلاح السائل : ص 422 ح 290 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 88 ح 247 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 563 ح 662 ، الإقبال : ج 1 ص 326 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 104 ح 8 .
3- .الفريصه : لحمه فى وسط الجنب عند منبض القلب ، وهما فريصتان ترتعدان عند الفزع (لسان العرب : ج 7 ص 64 «فرص») .
4- .السليم : اللّديغ (النهايه : ج 2 ص 396 «سلم») .
5- .الأمالى للصدوق : ص 244 ح 262 ، فلاح السائل : ص 469 ح 318 ، عدّه الداعى : ص 139 كلّها عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 331 ح 1 .
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 107 الدعاء 25 .

7- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 19 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 108 ح 176 ، معانى الأخبار : ص 183 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 26 ح 28 .

امام علی علیه السلام :خداوند ، ما و شما را از آتش پناه دهد و همراهی با نیکان را روزیِ ما و شما کناد و ما و شما را سراسر ، بیامرزاد ، که او آمرزگاری مهربان است !

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز عصر :پروردگارا ! در برابر آتش [دوزخ] ، از تو حمایت می جویم . پس حمایتم کن . پروردگارا ! از آتش به تو پناه می آورم . پس پناهم ده . پروردگارا ! از آتش به سوی تو می گریزم . پس مرا [از آن]دور بدار .

امام زین العابدین علیه السلام :حسن بن علی علیهماالسلام ... هرگاه به نماز می ایستاد ، بدنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل به لرزه می افتاد و هر گاه از بهشت و دوزخ یاد می کرد ، چون مارگزیده بی قراری می کرد و از خداوند بزرگ ، بهشت را می طلبید و از آتش به او پناه می برد .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! ... ما را از عذاب دوزخ ، در پناه خویش دار .

الکافی به نقل از زراره : امام باقر علیه السلام فرمود : «در تعقیبات هر نماز ، دو واجب کننده (1) را از یاد مبرید» و یا فرمود : «[در تعقیبات نماز] بر شما باد دو واجب کننده». گفتم : دو واجب کننده چیست؟ فرمود : «این که بهشت را از خدا بخواهی و از آتش ، به خدا پناه ببری» .

.

1- .مراد از وجوب ، استحباب مؤکّد است که از آن ، تعبیر به وجوب کرده است (ر.ک : پاورقی الکافی : ج 3 ص 349) .

الإمام الصادق عليه السلام وقَد سُئِلَ عَن صَومِ يَومِ عاشوراءَ : ... النّارُ ، أعاذَنَا اللّهُ مِنَ النّارِ ، ومِن عَمَلٍ يُقَرِّبُ مِنَ النّارِ . (1)

الكافى عن سليمان بن خالد :حَضَرتُ عَشاءَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فِى الصَّيفِ ، فَأُتِىَ بِخِوانٍ (2) عَلَيهِ خُبزٌ ، وأُتِىَ بِقَصعَهِ ثَريدٍ ولَحمٍ ، فَقالَ : هَلُمَّ إلى هذَا الطَّعامِ ، فَدَنَوتُ ، فَوَضَعَ يَدَهُ فيهِ ورَفَعَها وهُوَ يَقولُ : أستَجيرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، هذا ما لا نَصبِرُ عَلَيهِ فَكَيفَ بِالنّارِ ؟ هذا ما لا (3) نَقوى عَلَيهِ فَكَيفَ النّارُ ؟ هذا ما لا نُطيقُهُ فَكَيفَ النّارُ ؟ قالَ : وكانَ عليه السلام يُكَرِّرُ ذلِكَ حَتّى أمكَنَ الطَّعامُ ، فَأَكَلَ وأكَلنا مَعَهُ . (4)

الكافى عن زياد بن مروان :كانَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ فى سُجودِهِ : أعوذُ بِكَ مِن نارٍ حَرُّها لا يُطفَأُ ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ جَديدُها لا يَبلى ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ عَطشانُها لا يَروى ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ مَسلوبُها لا يُكسى . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام مِمّا عَلَّمَهُ مُحَمَّدَ بنَ سِنانٍ لِيَومِ الجُمُعَهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ وبِنورِ وَجهِكَ الكَريمِ أن تُشَوِّهَ خَلقى ، وأن تُرَدِّدَ روحى فِى العَذابِ . (6)

.

1- .الكافى : ج 4 ص 147 ح 6 عن عبيد بن زراره .
2- .الخِوانُ : وهو ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهايه : ج 2 ص 89 «خون») .
3- .فى المصدر : «لم نقوى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .الكافى : ج 6 ص 322 ح 5 و ج 8 ص 164 ح 174 ، المحاسن : ج 2 ص 174 ح 1489 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 403 ح 14 .
5- .الكافى : ج 3 ص 328 ح 22 ، المزار الكبير : ص 148 ، المزار للشهيد الأوّل : ص 268 كلاهما عن طاووس اليمانى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، مصباح الزائر : ص 111 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها ذيله ونحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 238 ح 60 .
6- .جمال الأُسبوع : ص 152 عن محمّد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 89 ص 332 ح 5 .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از روزه روز عاشورا : ... [مجازاتش]آتش [است] ؛ خداوند ، ما را از آتش و از هر کاری که به آتش نزدیک می گرداند ، در پناه خویش قرار دهد!

الکافی به نقل از سلیمان بن خالد : در تابستانی ، شام بر امام صادق علیه السلام در آمدم . سفره ای نان با کاسه ای آب گوشت آوردند . فرمود : «پیش آی و تناول کن» . پس جلو رفتم . امام علیه السلام دستش را در کاسه برد و بیرون آورد و فرمود : «پناه می برم به خدا از آتش . پناه می برم به خدا از آتش . پناه می برم به خدا از آتش . ما تحمّل این داغی را نداریم ، چه رسد به آتش دوزخ! ما تاب این را نداریم ، چه رسد به آتش! ما طاقت این را نداریم ، چه رسد به آتش!» و پیوسته این جملات را گفت تا آن که غذا قابل خوردن شد و تناول کردیم .

الکافی به نقل از زیاد بن مروان : امام کاظم علیه السلام در سجده اش می گفت : «پناه می برم به تو از آتشی که گرمای آن نمی فسرد . پناه می برم به تو از آتشی که تازه آن ، کهنه نمی شود . پناه می برم به تو از آتشی که تشنه آن ، سیراب نمی شود و پناه می برم به تو از آتشی که برهنه آن ، پوشانده نمی شود» .

امام کاظم علیه السلام از دعایی که به محمّد بن سنان برای روز جمعه آموخت :بار خدایا! به تو و به نور روی تو پناه می برم از این که قیافه ام را بدریخت گردانی و از این که روحم را در عذاب بگردانی .

.

الفَصلُ الخامِسُ : مواطن الاستعاذه5 / 1قِراءَهُ القُرآنِالكتاب«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» . (1)

الحديثتفسير العيّاشى عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ التَّعَوُّذِ مِنَ الشَّيطانِ عِندَ كُلِّ سورَهٍ نَفتَحُها ؟ قالَ : نَعَم ، فَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ قِراءَهِ القُرآنِ : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِنَ الشِّقوَهِ فى حَملِهِ ، وَالعَمى عَن عَمَلِهِ ، وَالجَورِ عَن حُکمِهِ ، وَالعُلُوِّ عَن قَصدِهِ ، وَالتَّقصيرِ دونَ حَقِّهِ ... . اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِن تَخَلُّفِهِ فى قُلوبِنا ، وتَوَسُّدِهِ عِندَ رُقادِنا ، ونَبذِهِ وَراءَ ظُهورِنا ، ونَعوذُ بِکَ مِن قَساوَهِ قُلوبِنا لِما بِهِ وَعَظتَنا . (3)

.

1- .النحل : 98 .
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 270 ح 68 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 16 .
3- .الكافى : ج 2 ص 574 ح 1 .

5 / 1 هنگام خواندن قرآن

فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا5 / 1هنگام خواندن قرآنقرآن«و هر گاه قرآن خواندی ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

حدیثتفسیر العیّاشی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا هر وقت تلاوت سوره ای را آغاز می کنیم ، از شیطان به خدا پناه ببریم؟ فرمود : «آری ، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در هنگام خواندن قرآن : بار خدایا! پناه می بریم به تو از شقاوت در حمل آن (قرآن) ، (1) و چشم پوشیدن از عمل به آن ، و انحراف از حکم آن ، و دور شدن از راه آن ، و کوتاهی کردن در [گزاردن]حقّ آن ... . بار خدایا! پناه می بریم به تو از غایب بودن آن (قرآن) در دل هایمان ، و بالش سرمان قرار دادن آن ، و افکندن آن در پشت سرمان ، و پناه می بریم به تو از سخت دلی [و متأثر نشدن] در برابر اندرزهایی که به ما داده ای .

.

1- .ظاهرا مقصود ، این است که حامل قرآن به دلیل عمل نکردن به آن ، شقی می گردد . بنا بر این ، بقیه عبارت ، توضیح این جمله محسوب می شود .

تفسير الفخر الرازى :قالَ جَعفَرٌ الصّادِقُ عليه السلام : «إنَّهُ لا بُدَّ قَبلَ القِراءَهِ مِنَ التَّعَوُّذِ ، وأمّا سائِرُ الطّاعاتِ فَإنَّهُ لا يَتَعَوَّذُ فيها» ، وَالحِكمَهُ فيهِ : أنَّ العَبدَ قَد يَنجَسُ لِسانُهُ بِالكَذِبِ وَالغيبَهِ وَالنَّميمَهِ ، فَأمَرَ اللّهُ تَعالَى العَبدَ بِالتَّعَوُّذِ لِيَصيرَ لِسانُهُ طاهِرا ، فَيَقرَأ بِلِسانٍ طاهِرٍ كَلاما اُنزِلَ مِن رَبٍّ طَيِّبٍ طاهِرٍ . (1)

5 / 2قِراءَهُ آياتِ العَذابِالمصنّف لابن أبى شيبه عن عبد اللّه :إذا مَرَّ أحَدُكُم فِى الصَّلاهِ بِذِكرِ النّارِ ، فَليَستَعِذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، وإذا مَرَّ بِذِكرِ الجَنَّهِ ، فَليَسأَلِ اللّهَ الجَنَّهَ . (2)

السنن الكبرى عن عائشه :كُنتُ أقومُ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فِى اللَّيلِ ، فَيَقرَأ بِالبَقَرَهِ وآلِ عِمرانَ وَالنِّساءِ ، فَإذا مَرَّ بِآيَهٍ فيهَا استِبشارٌ دَعا ورَغِبَ ، وإذا مَرَّ بِآيَهٍ فيها تَخويفٌ دَعا وَاستَعاذَ . (3)

سنن أبى داوود عن عوف بن مالک الأشجعى :قُمتُ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَيلَهً ، فَقامَ فَقَرَأ سورَهَ البَقَرَهِ ، لا يَمُرُّ بِآيَهِ رَحمَهٍ إلّا وَقَفَ فَسَأَلَ ، ولا يَمُرُّ بِآيَهِ عَذابٍ إلّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ . (4)

.

1- .تفسير الفخر الرازى : ج 1 ص 102 .
2- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 115 ح 4 .
3- .السنن الكبرى : ج 2 ص 439 ح 3688 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 381 ح 24663 و ص 431 ح 24929 ، الزهد لابن المبارک : ص 421 ح 1196 ، تاريخ دمشق : ج 4 ص 146 والأربعه الأخيره نحوه ، شعب الإيمان : ج 2 ص 376 ح 2094 .
4- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 231 ح 873 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 73 ح 23300 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 318 ح 1281 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 273 ح 543 ، صحيح ابن حبّان : ج 6 ص 340 ح 2605 كلّها عن حذيفه نحوه ، كنز العمّال : ج 8ص 160 ح 22384 .

5 / 2 هنگام خواندن آیات عذاب

تفسیر الفخر الرازی :امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است : «پیش از قرائت [قرآن] ، باید به خدا پناه برد ؛ ولی در دیگر عبادات ، پناه بردن به خدا لازم نیست » . دلیلش هم این است که : بنده با دروغ گفتن و غیبت کردن و سخن چینی ، زبانش نجس (آلوده) می شود . از این رو ، خدای متعال بنده را به پناه بردن به او فرمان داده است تا زبانش پاک گردد و گفتاری را که از سوی خداوندی پاک و پاکیزه فرود آمده است ، با زبانی پاک قرائت کند .

5 / 2هنگام خواندن آیات عذابالمصنّف ، ابن ابی شیبه به نقل از عبد اللّه : هر گاه یکی از شما در نماز به نام آتش [و دوزخ]بر خورد ، از آتش به خدا پناه ببرد و هر گاه به نام بهشت بر خورد ، از خداوندْ بهشت درخواست کند .

السنن الکبری به نقل از عایشه : من نیز با پیامبر خدا شب [به عبادت] بر می خاستم . او سوره بقره و آل عمران و نساء را می خواند و هر گاه در آنها به نویدی می رسید ، دعا می کرد و آن را از خدا می طلبید و هر گاه در آن به تهدیدی بر می خورد ، دعا می کرد و به خدا پناه می برد .

سنن أبی داوود به نقل از عوف بن مالک اشجعی : شبی با پیامبر خدا [برای عبادت]برخاستم . ایشان شروع به خواندن سوره بقره [در قرائت نماز]کرد . به هر آیه رحمتی که می رسید ، درنگ می کرد و [آن را از خدا]درخواست می نمود و به هر آیه عذابی که می رسید ، درنگ می کرد و به خدا پناه می برد .

.

مسند ابن حنبل عن حذيفه :صَلَّيتُ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ... وكانَ إذا مَرَّ بِآيَهِ رَحمَهٍ سَأَلَ ، وإذا مَرَّ بِآيَهٍ فيها عَذابٌ تَعَوَّذَ ، وإذا مَرَّ بِآيَهٍ فيها تَنزيهٌ لِلّهِ عز و جلسَبَّحَ . (1)

سنن ابن ماجه عن أبى ليلى :صَلَّيتُ إلى جَنبِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وهُوَ يُصَلّى مِنَ اللَّيلِ تَطَوُّعا فَمَرَّ بِآيَهِ عَذابٍ فَقالَ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، ووَيلٌ لِأَهلِ النّارِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ الجَنَّهِ فَاسأَلِ اللّهَ الجَنَّهَ ، وإذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (3)

عنه عليه السلام :يَنبَغى لِلعَبدِ إذا صَلّى أن يُرَتِّلَ (4) فى قِراءَتِهِ ، فَإِذا مَرَّ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ الجَنَّهِ وذِكرُ النّارِ ، سَأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ ، وتَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ القُرآنَ لا يُقرَأُ هَذرَمَهً (6) ولكِن يُرَتَّلُ تَرتيلاً ، فَإِذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ الجَنَّهِ فَقِف عِندَها ، وسَلِ اللّهَ عز و جل الجَنَّهَ ، وإذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَقِف عِندَها ، وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (7)

الكافى عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكونُ مَعَ الإِمامِ ، فَيَمُرُّ بِالمَسأَلَهِ ، أو بِآيَهٍ فيها ذِكرُ جَنَّهٍ أو نارٍ . قالَ : لا بَأسَ بِأن يَسأَلَ عِندَ ذَلِکَ ، ويَتَعَوَّذَ فِى الصَّلاهِ مِنَ النّارِ ، ويَسأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ . (8)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 77 ح 23321 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 537 ح 203 ، سنن النسائى : ج 3 ص 226 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 429 ح 1351 كلّها نحوه ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 272 ح 542 ، كنز العمّال : ج 7 ص 51 ح 17906 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 430 ح 1352 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 233 ح 881 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 35 ح 19077 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 440 ح 3690 ، المعجم الكبير : ج 7 ص 79 ح 6427 و ص 80 ح 6430 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 51 ح 17907 .
3- .مجمع البيان : ج 10 ص 569 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 216 ح 20 .

4- .تَرتيلُ القِراءه : التأنّى فيها والتمهُّل وتبيين الحروف (النهايه : ج 2 ص 194 «رتل») .
5- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 124 ح 471 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 34 .
6- .الهَذْرَمَه : السُّرعةُ فى القراءه (الصحاح : ج 5 ص 2057 «هذرم») .
7- .الكافى : ج 2 ص 617 ح 2 و ص 618 ح 5 كلاهما عن علىّ بن أبى حمزه ، أعلام الدين : ص 101 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه .
8- .الكافى : ج 3 ص 302 ح 3 .

مسند ابن حنبل به نقل از حذیفه : با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزاردم ... . ایشان هر گاه به آیه مهرآمیزی می رسید، [آن را] درخواست می کرد و هر گاه به آیه ای برمی خورد که در آن از عذابْ یاد شده بود ، به خدا پناه می برد و هرگاه از آیه ای می گذشت که در آن خداوند عز و جل تنزیه شده بود ، تسبیح می گفت .

سنن ابن ماجه به نقل از ابو لیلی : در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله که مشغول خواندن نماز شب بود به نماز ایستادم . ایشان به آیه عذابی رسید و گفت : «از آتش ، به خدا پناه می برم . بدا به حال اهل آتش!» .

امام صادق علیه السلام :هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از بهشت یاد شده است ، از خداوندْ بهشت بخواه و هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از دوزخ یاد شده است ، از دوزخ به خدا پناه ببر .

امام صادق علیه السلام :شایسته است که بنده هر گاه نماز می خواند ، قرائتش را شمرده بخواند ، و چون به آیه ای رسید که در آن از بهشت و دوزخ سخن به میان آمده است ، از خداوندْ بهشت را بخواهد و از دوزخ به خدا پناه ببرد .

امام صادق علیه السلام :قرآن را نباید با شتاب خواند ؛ بلکه باید شمرده قرائت کرد . هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از بهشت یاد شده است ، [از خواندنْ] درنگ کن و از خداوند عز و جل بهشت بخواه ، و هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از آتش یاد شده است ، درنگ کن و از آتش ، به خدا پناه ببر .

الکافی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلام در باره مردی پرسیدم که پشت سر امام [جماعت] به نماز ایستاده است و امام به درخواستی یا به آیه ای که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده است ، می رسد . فرمود : «اشکالی ندارد که در آن هنگام ، [مأموم از خدا]درخواست کند و در نماز ، از آتش به خدا پناه برد و از خداوند ، بهشت را درخواست نماید» .

.

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (1) : إنَّ حَقَّ تِلاوَتِهِ هُوَ الوُقوفُ عِندَ ذِكرِ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، يَسأَلُ فِى الأُولى ، ويَستَعيذُ مِنَ الأُخرى . (2)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاک :كانَ الرِّضا عليه السلام فى طَريقِ خُراسانَ ، يُكثِرُ بِاللَّيلِ فى فِراشِهِ مِن تِلاوَهِ القُرآنِ ، فَإذا مَرَّ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ جَنَّهٍ أو نارٍ بَكى ، وسَأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ وتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ . (3)

5 / 3اِفتِتاحُ الصَّلاهِالمصنّف لعبد الرزّاق عن أبى سعيد الخدرى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ فَاستَفتَحَ صَلاتَهُ كَبَّرَ ، ... ثُمَّ يُهَلِّلُ ثَلاثا ، ويُكَبِّرُ ثَلاثا ، ثُمَّ يَقولُ : أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (4)

مسند ابن حنبل عن أبى اُمامه الباهلى :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ فِى الصَّلاهِ مِنَ اللَّيلِ كَبَّرَ ثَلاثا ، وسَبَّحَ ثَلاثا ، وهَلَّلَ ثَلاثا ، ثُمَّ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ وشِركِهِ . (5)

.

1- .البقره : 121 .
2- .مجمع البيان : ج 1 ص 375 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 57 ح 84 عن أبى بصير وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج 92 ص 214 ح 12 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 182 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 210 ح 3 و ص 218 ح 2 .
4- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 75 ح 2554 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 52 ح 2349 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 28 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 101 ح 22085 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 277 ح 22239 ، تاريخ دمشق : ج 68 ص 121 ح 13676 ، كنز العمّال : ج 8 ص 401 ح 23439 .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «آن را چنان که حقّ تلاوت آن است تلاوت می کنند» : حقّ تلاوت آن (قرآن) ، درنگ کردن در هنگام یاد شدن از بهشت و آتش است . در اوّلی (یاد شدن از بهشت) ، [آن را]از خدا بخواهد و از دومی (آتش) به او پناه برد .

عیون اخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک : امام رضا علیه السلام در راه خراسان ، شب هنگام در بسترش قرآن زیاد تلاوت می کرد و هر گاه به آیه ای می گذشت که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده بود ، می گریست و بهشت را از خدا مسئلت می کرد و از آتش به او پناه می برد .

5 / 3آغاز نمازالمصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا هر گاه شب بر می خاست و نمازش را آغاز می کرد ، تکبیر می گفت ... ، سپس سه مرتبه «لا إله إلّا اللّه » و سه مرتبه «اللّه أکبر» می گفت و آن گاه می فرمود : «از شیطان لعین به خدای شنوای دانا پناه می برم» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو اُمامه باهلی : پیامبر خدا هر گاه داخل در نماز شب می شد ، سه «اللّه أکبر»، سه «سبحان اللّه » و سه «لا إله إلّا اللّه » می گفت و سپس می فرمود : «بار خدایا! از شیطان لعین ، از وسوسه اش و دمیدنش و شریک شدنش ، به تو پناه می برم» .

.

المستدرک علی الصحیحین عن جبیر بن مُطعِم :إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کانَ إذَا افتَتَحَ الصَّلاةَ قالَ : اللّهُ أکبَرُ کَبیرا ، وَالحَمدُ للّهِ کَثیرا ، وسُبحانَ اللّهِ بُکرَةً وأصیلاً (1) ثَلاثَ مَرّاتٍ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ ، مِن هَمزِهِ ونَفثِهِ ونَفخِهِ . (2)

مسند ابن حنبل عن ربیعه الجرشی :سَأَ لتُ عائِشَةَ فَقُلتُ : ما کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ إذا قامَ مِنَ اللَّیلِ ؟ وبِمَ کانَ یَستَفتِحُ ؟ قالَت : کانَ یُکَبِّرُ عَشرا ، ویُسَبِّحُ عَشرا ، ویُهَلِّلُ عَشرا ، ویَستَغفِرُ عَشرا ، ویَقولُ : «اللّهُمَّ اغفِر لی ، وَاهدِنی ، وَارزُقنی» عَشرا ، ویَقولُ : «اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الضّیقِ یَومَ الحِسابِ» عَشرا . (3)

الإمام الصادق علیه السلام لِرَجُلٍ : تَعَوَّذ بَعدَ التَّوَجُّهِ مِنَ الشَّیطانِ ، تَقولُ : أعوذُ بِاللّهِ السَّمیعِ العَلیمِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (4)

عنه علیه السلام :إذَا افتَتَحتَ الصَّلاةَ فَارفَع کَفَّیکَ ، ثُمَّ ابسُطهُما بَسطا ، ثُمَّ کَبِّر ثَلاثَ تَکبیراتٍ ، ثُمَّ قُل : اللّهُمَّ أنتَ المَلِکُ ... ثُمَّ تُکَبِّرُ تَکبیرَتَینِ ، ثُمَّ قُل : لَبَّیکَ وسَعدَیکَ ... ثُمَّ تُکَبِّرُ تَکبیرَتَینِ ، ثُمَّ تَقولُ : وَجَّهتُ وَجهی ... ثُمَّ تَعَوَّذ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ ، ثُمَّ اقرَأ فاتِحَةَ الکِتابِ . (5)

.

1- .بُکرَةً وأصیلاً : أی غداةً [صباحا] ومساءً (مجمع البحرین : ج 1 ص 177 «بکر») .
2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 360 ح 858 ، سنن أبی داوود : ج 1 ص 203 ح 764 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 265 ح 807 ، صحیح ابن حبّان : ج 5 ص 80 ح 1780 کلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 7 ص 431 ح 19642 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 475 ح 25156 ، السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 218 ح 10706 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 211 ح 8427 وفیهما بزیاده «ویحمد عشرا» بعد «یکبّر عشرا» .
4- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 157 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 48 ح 42 .
5- .الکافی : ج 3 ص 310 ح 7 ، تهذیب الأحکام : ج 2 ص 67 ح 244 کلاهما عن الحلبی .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از جبیر بن مُطعِم : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز را شروع می کرد ، می گفت : «خدا بسی بزرگ است و ستایش بسیار ، خدای راست و پاکا خدا هر بام و شام ! (سه بار) . بار خدایا ! من از شیطان لعین ، از وسوسه اش و افسونش و القائاتش ، به تو پناه می برم» .

مسند ابن حنبل به نقل از ربیعه جرشی : از عایشه پرسیدم : پیامبر خدا شب ها که [برای نماز] بر می خاست ، چه می گفت و با چه چیزی [نمازش را]آغاز می کرد؟ عایشه گفت : ده مرتبه «اللّه أکبر» ، ده مرتبه «سبحان اللّه » ، ده مرتبه «لا إله إلّا اللّه » می گفت و ده مرتبه استغفار می کرد و ده مرتبه می فرمود : «بار خدایا ! مرا بیامرز و هدایتم کن و روزی ام ده» و ده مرتبه می فرمود : «بار خدایا ! از سختی و تنگنای روز حسابرسی ، به تو پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام به مردی : پس از توجّه (گفتنِ «وجّهت وجهی للذی فطر ...») ، از شیطان ، به خدا پناه می بری و می گویی : «از شیطانِ رانده شده ، به خدای شنوای دانا پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام :چون نماز را آغاز کردی ، دو دستت را بلند کن و آنها را نیک بگشای . سپس سه تکبیر بگو و آن گاه بگو : «بار خدایا ! تویی پادشاه ...». باز دو تکبیر بگو و آن گاه بگو : «در خدمتم . گوش به فرمانم ...». دگربار دو تکبیر بگو و آن گاه بگو : «روی خویش نمودم به سوی ...». سپس از شیطان لعین ، به خدا پناه ببر و آن گاه فاتحه الکتاب را بخوان .

.

تهذيب الأحكام عن حنّان بن سدير :صَلَّيتُ خَلفَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَتَعَوَّذَ بِإِجهارٍ ، ثُمَّ جَهَرَ بِبِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . (1)

تهذيب الأحكام عن عثمان بن عيسى عن سماعه :سَأَلتُهُ (2) عَنِ الرَّجُلِ يَقومُ فِى الصَّلاهِ فَيَنسى فاتِحَهَ الكِتابِ ، قالَ : فَليَقُل : أستَعيذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، إنَّ اللّهَ هُوَ السَّميعُ العَليمُ ، ثُمَّ لِيَقرَأها . (3)

الإمام المهدى عليه السلام فى جَوابِ الحِميَرِىِّ وقَد كَتَبَ يَسأَ لُهُ عَنِ التَّوَجُّهِ فِى الصَّلاهِ : التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيسَ بِفَريضَهٍ ، وَالسُّنَّهُ المُؤَكَّدَهُ فيهِ الَّتى هِىَ كَالإِجماعِ الَّذى لا خِلافَ فيهِ : وَجَّهتُ وَجهِىَ لِلَّذى فَطَرَ السَّماواتِ وَالأَرضَ حَنيفا مُسلِما ... أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . ثُمَّ تَقرَأُ الحَمدَ . (4)

5 / 4بَعدَ كُلِّ صَلاهٍمسند ابن حنبل عن أبى بكره :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الكُفرِ ، وَالفَقرِ ، وعَذابِ القَبرِ . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 289 ح 1158 ، قرب الإسناد : ص 124 ح 436 نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 79 ح 16 .
2- .هكذا جاء مضمرا .
3- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 147 ح 574 .
4- .الاحتجاج : ج 2 ص 575 ح 356 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 359 ح 7 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 312 ح 20431 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 367 ح 747 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 383 ح 927 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 251 ح 6 و ج 7 ص 19 ح 18 ، كنز العمّال : ج 2 ص 643 ح 4973 .

5 / 4 پس از هر نماز

تهذیب الأحکام به نقل از حنّان بن سدیر : پشت سر امام صادق علیه السلام به نماز ایستادم . ایشان نخست با صدای بلند استعاذه گفت و سپس بلند گفت : «بسم اللّه الرحمن الرحیم» .

تهذیب الأحکام به نقل از عثمان بن عیسی ، از سماعه : از ایشان (1) در باره مردی پرسیدم که به نماز می ایستد و فاتحه الکتاب را فراموش می کند . فرمود : «بگوید : از شیطانِ رانده شده به خدا پناه می برم ، که خداوند ، شنوای داناست و سپس آن (فاتحه الکتاب) را بخواند» .

امام مهدی علیه السلام در پاسخ حِمیَری که در نامه ای از ایشان در باره خواندن «وجّهت وجهی للذی فطر السماوات ...» در نماز پرسیده بود : همه آن ، واجب نیست ؛ بلکه سنّت مؤکّد در آن که به منزله اجماع است و اختلافی در آن نیست ، این است : «روی خویش نمودم به سوی آن که آسمان ها و زمین را آفرید ، از سر یکتاپرستی و مسلمانی و تسلیم ... . به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده . به نام خدای مهرگستر مهربان» . سپس حمد را می خوانی .

5 / 4پس از هر نمازمسند ابن حنبل به نقل از ابو بکره : پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان هر نماز می گفت : «بار خدایا ! از کفر و فقر و عذاب قبر ، به تو پناه می برم» .

.

1- .در منبع به همین صورت ، ضمیرِ اشاره آمده است .

مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :إنَّ نَبِيَّ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَتَعَوَّذُ فى دُبُرِ صَلاتِهِ مِن أربَعٍ ، يَقولُ : أعوذُ بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن عَذابِ النّارِ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن فِتنَةِ الأَعوَرِ الكَذّابِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُبُرِ الصَّلَواتِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ ، ونَفسٍ لا تَشبَعُ ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن اُولئِكَ الأَربَعِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا صَلّى أحَدُكُم فَليَقُل : اللّهُمَّ باعِد بَينى وبَينَ خَطيئَتى كَما باعَدتَ بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ، اللّهُمَّ أعوذُ بِكَ أن تَصُدَّ عَنّى وَجهَكَ يَومَ القِيامَهِ ، اللّهُمَّ نَقِّنى مِن خَطيئَتى كَما نَقَّيتَ الثَّوبَ الأَبيَضَ مِنَ الدَّنَسِ ، اللّهُمَّ أحيِنى مُسلِما وأمِتنى مُسلِما . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :أقَلُّ ما يُجزِئُكَ مِنَ الدُّعاءِ بَعدَ الفَريضَهِ أن تَقولَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن كُلِّ خَيرٍ أحاطَ بِهِ عِلمُكَ ، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَرٍّ أحاطَ بِهِ عِلمُكَ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ عافِيَتَكَ فى اُمورى كُلِّها ، وأعوذُ بِكَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :لا تَدَع فى دُبُرِ كُلِّ صَلاهٍ : اُعيذُ نَفسى وما رَزَقَنى رَبّى بِاللّهِ الواحِدِ الصَّمَدِ حَتّى تَختِمَها واُعيذُ نَفسى وما رَزَقَنى رَبّى بِرَبِّ الفَلَقِ حَتّى تَختِمَها واُعيذُ نَفسى وما رَزَقَنى رَبّى بِرَبِّ النّاسِ حَتّى تَختِمَها . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 627 ح 2667 و ص 653 ح 2779 ، التاريخ الكبير : ج 2 ص 119 ح 1896 ، المعجم الكبير : ج 12 ص 129 ح 12779 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 234 ح 707 ، كنز العمّال : ج 2 ص 264 ح 3977 .

2- .الدعاء للطبرانى : ص 407 ح 1369 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 445 ح 7870 و ص 452 ح 7905 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 565 ح 14025 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 186 ح 356 كلّها عن أنس

وليس فيها «فى دبر الصلوات» ، كنز العمّال : ج 2 ص 179 ح 3631 ؛ كنز الفوائد : ج 1 ص 385 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 86 ص 18 ح 15 .
3- .المعجم الكبير : ج 7 ص 258 ح 7048 عن سمره ، كنز العمّال : ج 7 ص 432 ح 19643 .
4- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 16 و ج 2 ص 578 ح 3 وليس فيه «أقلّ ما يجزئک من الدعاء بعد الفريضه أن تقول» ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 107 ح 407 كلّها عن زراره ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 323 ح 948 ، معانى الأخبار : ص 394 ح 46 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 32 ح 2072 والثلاثه الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 33 ح 37 .
5- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 18 و ص 346 ح 27 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 108 ح 409 كلّها عن محمّد الواسطى ، بحار الأنوار : ج 86 ص 51 .

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا در پایان نمازش از چهار چیز به خدا پناه می برد . می فرمود : «به خدا پناه می برم از عذاب قبر . به خدا پناه می برم از عذاب آتش . به خدا پناه می برم از فتنه های آشکار و پنهان . و به خدا پناه می برم از فتنه آن یک چشمِ دروغگو (دَجّال)» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بعد از نمازها : بار خدایا ! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد ، و دلی که خاشع نباشد ، و نفْسی که سیر نشود و دعایی که شنیده [و اجابت] نگردد . بار خدایا ! از این چهار چیز به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما نماز خواند ، بگوید : «بار خدایا ! میان من و گناهم ، چنان دوری افکن که میان مشرق و مغرب افکنده ای . بار خدایا ! پناه می برم به تو از این که در روز رستاخیز از من روی بگردانی . بار خدایا ! مرا از گناهانم پاکیزه گردان ، آن سان که جامه سپید را از چرک ، پاک گردانیده ای . بار خدایا ! مرا مسلمان ، زنده بدار و مرا مسلمان بمیران» .

امام باقر علیه السلام :کمترین دعایی که تو را بعد از نماز واجب کفایت کند ، این است که بگویی : «بار خدایا ! از تو می خواهم هر خیری را که تو کاملاً به آن آگاهی ، و به تو پناه می برم از هر شرّی که تو از آن کاملاً آگاهی . بار خدایا ! از تو می خواهم که به همه کارهایم عافیت [و سلامت از عیب و نقص] ببخشی و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام :در پی هر نمازی ، این دعا را فرو مگذار : «خودم را و آنچه را که پروردگارم روزیِ من کرده است ، در پناه خدای یکتای بی نیاز» تا پایان آن (سوره توحید) را بگو «در می آورم . خودم را و آنچه را که پروردگارم روزیِ من کرده است ، در پناه پروردگار سپیده دم» تا پایان آن (سوره فلق) بگو «در می آورم . و خودم را و آنچه پروردگارم روزیِ من کرده است ، در پناه پروردگار مردم» تا پایان آن (سوره ناس) بگو «در می آورم» .

.

عنه عليه السلام :إنَّ مِنَ الدُّعاءِ ما يَنبغى لِصاحِبِهِ إذا نَسِيَهُ أن يَقضِيَهُ ؛ يَقولُ بَعدَ الغَداةِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ... . ويَقولُ : «أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ» عَشرَ مَرّاتٍ ، فَإِذا نَسِىَ مِن ذلِکَ شَيئا كانَ عَلَيهِ قَضاؤُهُ . (1)

عنه عليه السلام :تَمسَحُ بِيَدِکَ اليُمنى عَلى جَبهَتِکَ ووَجهِکَ فى دُبُرِ المَغرِبِ وَالصَّلَواتِ ، وتَقولُ : بِاسمِ اللّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ ، عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ ، الرَّحمنُ الرَّحِيمُ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ وَالحَزَنِ ، وَالسُّقمِ وَالعُدمِ ، وَالصَّغارِ وَالذُّلِّ ، وَالفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ . (2)

عنه عليه السلام :إذا أمسَيتَ وأصبَحتَ ، فَقُل فى دُبُرِ الفَريضَهِ فِى صَلاهِ المَغرِبِ وصَلاهِ الفَجرِ : «أستَعيذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» عَشرَ مَرّاتٍ ... . أستَعيذُ بِاللّهِ فى لَيلَتى هذِهِ ويَومى هذا ، مِمَّا استَعاذَ مِنهُ مُحَمَّدٌ وعَلِىٌّ وفاطِمَهُ وَالأَوصِياءُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِم ، وأرغَبُ إلَى اللّهِ فيما رَغِبوا فيهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (3)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 533 ح 33 عن العلاء بن كامل ، بحار الأنوار : ج 86 ص 284 ح 46 .
2- .الكافى : ج 3 ص 345 ح 24 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 115 ح 429 كلاهما عن محمّد بن مروان ، البلد الأمين : ص 18 نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 232 ح 57 .
3- .فلاح السائل : ص 407 ح 277 عن محمّد بن عجلان ، الكافى : ج 2 ص 522 ح 4 عن يزيد بن كلثمه عن الإمام الصادق أو عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 206 ح 299 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 96 ح 5 .

امام صادق علیه السلام :برخی از دعاهاست که سزاوار است اگر انسان آن را فراموش کرد ، قضایش را به جا آورد ، این که بعد از [نماز] صبح ، ده مرتبه بگوید : «معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ...» و ده مرتبه بگوید : «به خدای شنوای دانا پناه می برم» . اگر چیزی از اینها را فراموش کرد ، باید قضایش را به جا آورد .

امام صادق علیه السلام :بعد از نماز مغرب و [سایر] نمازها (/دعاها) ، دست راستت را بر پیشانی و صورتت می کشی و می گویی : «به نام خدایی که معبودی جز او نیست و دانای نهان و پیداست و مهرگستر و مهربان است . بار خدایا ! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه ، و بیماری و ناداری ، و خواری و ناتوانی ، و گناهان آشکار و پنهان .

امام صادق علیه السلام :هر بام و شام ، پس از نماز مغرب و نماز صبح ، ده بار بگو : «از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم» ... . «در این شب و این روزم ، به خدا پناه می برم از آنچه محمّد و علی و فاطمه و اوصیا (امامان) که درود خدا بر ایشان باد از آن به خدا پناه جستند ، و از خدا آن چیزی را می خواهم که آنان از او خواستند ، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا» .

.

عنه عليه السلام بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ : ... أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ ، وأعوذُ بِکَ رَبِّ أن يَحضُرونِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ ... . وأعوذُ بِکَ مِن يَومِ أوَّلُهُ فَزَعٌ ، وأوسَطُهُ جَزَعٌ ، وآخِرُهُ وَجَعٌ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَارزُقنى خَيرَ يَومى هذا وخَيرَ ما فيهِ ، وخَيرَ ما قَبلَهُ وخَيرَ ما بَعدَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما فيهِ ، وشَرِّ ما قَبلَهُ وشَرِّ ما بَعدَهُ . (1)

راجع : ص 348 ح 2100 .

5 / 5قُنوتُ صَلاهِ الوَترِالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَستَغفِرُ اللّهَ فِى الوَترِ سَبعينَ مَرَّهً ، ويَقولُ : «هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ فى وَترِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِمُعافاتِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، لا اُحصى ثَناءً عَلَيکَ ، أنتَ كَما أثنَيتَ عَلى نَفسِکَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام بَعدَ دُعاءٍ ذَكَرَهُ لِقُنوتِ الوَترِ : ثُمَّ تَقولُ فى قُنوتِ الوَترِ بَعدَ هذا : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» سَبعينَ مَرَّهً ، وتَعَوَّذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ كَثيرا . (4)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 218 ح 331 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 69 ح 2172 ، المصباح للكفعمى : ص 99 ، البلد الأمين : ص 53 كلّها عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 163 ح 43 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 489 ح 1406 عن عبد اللّه بن أبى يعفور ، بحار الأنوار : ج 87 ص 287 ح 79 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 561 ح 3566 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 417 ح 7752 و 7753 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 208 ح 751 ، التاريخ الكبير : ج 8 ص 195 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 114 ح 1 كلّها عن عبد الرحمن بن الحارث ، كنز العمّال : ج 8 ص 63 ح 21885 .

4- .الأمالى للطوسى : ص 433 ح 971 ، الأمالى للصدوق : ص 475 ح 639 عن زراره ، بحار الأنوار : ج 87 ص 198 ح 6 .

5 / 5 دعای قنوتِ نماز وَتر

امام صادق علیه السلام بعد از نماز صبح : ... به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده ، و از وسوسه های شیطان ها ، و به تو پناه می برم ای خداوند از این که آنان در نزد من آیند ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدای والا و بزرگ ... و به تو پناه می برم از روزی که آغازش ترس باشد و میانش پریشان خاطری و پایانش درد . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست و خیر این روز و خیر آنچه در این روز است ، و خیر پیش از آن و خیر پس از آن را روزیِ من فرما و از شرّ این روز و شرّ آنچه در این روز است و شرّ پیش از آن و شرّ پس از آن ، به تو پناه می برم .

ر . ک : ص 349 ح 2100 .

5 / 5دعای قنوتِ نماز وَترامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا در نماز وَتر ، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می طلبید و هفت مرتبه می فرمود : «این ، جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است» .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز وترش می گفت : «بار خدایا ! از ناخشنودی تو ، به خشنودی ات پناه می برم و از کیفرت ، به بخشایشت پناه می برم و از تو ، به خودت پناه می آورم . ثنای تو را شماره نتوانم . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای .

امام باقر علیه السلام بعد از دعایی که برای قنوت نماز وتر فرمود : پس از این ، در قنوت نماز وتر هفت بار می گویی : «از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می کنم» و بسیار از آتش ، به خدا پناه می بری .

.

5 / 6قُنوتُ صَلاةِ العيدَينِالإمام الصادق عليه السلام فى قُنوتِ صَلاةِ العيدِ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ عِبادُکَ الصّالِحونَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلِصونَ . (1)

5 / 7الفَراغُ مِنَ التَّلبِيَهالسنن الكبرى عن خزيمه بن ثابت :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا فَرَغَ مِن تَلبِيَتِهِ ، سَأَلَ اللّهَ رِضوانَهُ ومَغفِرَتَهُ ، وَاستَعاذَ بِرَحمَتِهِ مِنَ النّارِ . (2)

5 / 8زِيارَهُ أهلِ البَيتِالإمام الباقر عليه السلام :كانَ أبى عَلِىُّ بنُ الحُسَين عليه السلام يَقِفُ عَلَى قَبرِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَيُسَلِّمُ عَلَيهِ ، ويَشهَدُ لَهُ بِالبَلاغِ ، ويَدعو بِما حَضَرَهُ ... ويُسنِدُ ظَهرَهُ إلَى القَبرِ ويَستَقبِلُ القِبلَهَ فَيَقولُ : اللّهُمَّ إلَيکَ ألجَأتُ ظَهرى ، وإلى قَبرِ مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ أسنَدتُ ظَهرى . . . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن أن تُبَدِّلَ اسمى ، أو تُغَيِّرَ جِسمى ، أو تُزيلَ نِعمَتَکَ عَنّى ، اللّهُمَّ كَرِّمنى بِالتَّقوى ، وجَمِّلنى بِالنِّعَمِ ، وَاغمُرنى بِالعافِيَهِ . (3)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 513 ح 1481 و ص 523 ح 1487 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 133 ح 290 كلّها عن أبى الصباح الكنانى وفيه «المرسلون» بدل «الصالحون» ، بحار الأنوار : ج 90 ص 379 ح 29 .
2- .السنن الكبرى : ج 5 ص 72 ح 9038 ، كنز العمّال : ج 7 ص 91 ح 18110 .
3- .الكافى : ج 4 ص 551 ح 2 ، كامل الزيارات : ص 52 ح 29 و ص 56 ح 34 كلّها عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهماالسلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 567 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما : «ألجأتُ أمرى» بدل «ألجأتُ ظهرى» ، بحار الأنوار : ج 100 ص 153 ح 20 .

5 / 6 دعای قنوتِ نماز عید فطر و قربان

5 / 7 پس از لبّیک گویی [در حج]

5 / 8 پس از زیارت اهل بیت

5 / 6دعای قنوتِ نماز عید فطر و قربانامام صادق علیه السلام در دعای نماز عید : بار خدایا ! از تو می خواهم هر آن خوبی را که بندگان شایسته ات از تو خواستند و به تو پناه می برم از هر آن بدی که بندگان شایسته ات از آن به تو پناه بردند .

5 / 7پس از لبّیک گویی [در حج]السنن الکبری به نقل از خزیمه بن ثابت :پیامبر صلی الله علیه و آله چون لبیک گویی اش را به پایان می برد ، از خداوند خشنودی و آمرزش می طلبید و از آتش ، به رحمت او پناه می جست .

5 / 8پس از زیارت اهل بیتامام باقر علیه السلام :پدرم علی بن الحسین علیهماالسلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و به ایشان سلام می کرد و به ابلاغ مأموریتش گواهی می داد و هر دعایی که به ذهنش می رسید ، می کرد ... و پشت به قبر و رو به قبله می کرد و می گفت : «بار خدایا ! پشتم را در پناه تو در آوردم و به قبر محمّد ، بنده و فرستاده ات تکیه کردم ... . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که نامم را بگردانی ، یا جسمم را دگرگونه سازی ، یا نعمتت را از من بگیری . بار خدایا ! مرا به پرهیزگاری ، گرامی بدار و به نعمت ها برازنده ام ساز و در عافیت و بهبود ، غوطه ورم کن» .

.

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ فِي السَّفَرِ إلى زِيارَهِ الحُسَينِ عليه السلام : إذا كُنتَ راكِبا أو ماشِيا فَقُل : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن سَطَواتِ النَّكالِ (2) ، وعَواقِبِ الوَبالِ (3) ، وفِتنَهِ الضَّلالِ ، ومِن أن نَلقى بِمَكروهٍ . وأعوذُ بِكَ مِنَ الحَبسِ وَاللَّبسِ ، ومِن وَسوَسَهِ الشَّيطانِ ، وطَوارِقِ السَّوءِ ، وشَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ ، ومِن شَرِّ شَياطينِ الجِنِّ وَالإِنسِ ، ومِن شَرِّ مَن يَنصِبُ لِأَولِياءِ اللّهِ العَداوَهَ ، ومِن أن يَفرُطوا عَلَىَّ أو أن يَطغَوا . وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ عُيونِ الظَّلَمَهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ ، وشَرَكِ إبليسَ ، ومِن أن يَرُدَّ عَنِ الخَيرِ بِاللِّسانِ وَاليَدِ . (4)

5 / 9تِلكَ الأَفعالُ الخُطبَهُالأمالي للمفيد عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :أمَرَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله مُنادِيا فَنادَى الصَّلاهَ جامِعَهً ، فَاجتَمَعَ النّاسُ وخَرَجَ حَتّى عَلَا المِنبَرَ ، وكانَ أوَّلُ ما تَكَلَّمَ بِهِ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . (5)

.

1- .السَّطْوُ : القهر والبطش (النهايه : ج 2 ص 366 «سطا») .
2- .النَّكالُ : العُقوبه (النهايه : ج 5 ص 117 «نكل») .
3- .الوَبالُ : العذابُ فى الآخره (النهايه : ج 5 ص 146 «وبل») .
4- .كامل الزيارات : ص 395 ح 639 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 101 ص 174 ح 30 .
5- .الأمالى للمفيد : ص 77 ح 2 و ص 346 ح 2 ، الأمالى للطوسى : ص 118 ح 185 ، كشف الغمّه : ج 2 ف ص 9 ، بحار الأنوار : ج 38 ص 113 ح 51 .

5 / 9 و هنگام این چند کار

الف سخنرانی

امام صادق علیه السلام در دعا به هنگام سفر برای زیارت امام حسین علیه السلام : سواره بودی یا پیاده ، بگو : «بار خدایا ! از یورش های کیفرها و پیامدهای عذاب و بلای گم راهی و از این که با ناملایمات برخورد کنیم ، به تو پناه می برم . به تو پناه می برم از در هم آمیختگی [حق و باطل] و شبهه ، و از وسوسه شیطان و پیشامدهای بد و گزند هر گزندرسانی ، و از گزند شیاطین جن و انس ، و از گزند کسی که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد ، و از این که به من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند . و پناه می برم به تو از گزند جاسوسان ستمگران ، و از گزند هر گزندرسانی ، و [از]دام ابلیس و از این که با دست و زبان ، مانع خیر شود» .

5 / 9و هنگام این چند کارالف سخنرانیالأمالی ، مفید به نقل از جابر جعفی ، از امام باقر علیه السلام ، از جابر بن عبد اللّه انصاری : پیامبر صلی الله علیه و آله به جار زنی فرمود و او در میان مردم صدا در داد . مردم ، گرد آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و بر منبر رفت . نخستین چیزی که فرمود ، این بود : «از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم . به نام خدای مهرگستر مهربان» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهِ طَويلَهِ : أستَعيذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . (1)

عنه عليه السلام مِن خُطبَتِهِ فِى الجُمُعَهِ بِالكوفَهِ وَالمَدينَهِ : الحَمدُ للّهِ ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ وأستَهديهِ ، وأعوذُ بِاللّهِ مِنَ الضَّلالَهِ ، مَن يَهدِ اللّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ ، ومَن يُضلِل فَلا هادِىَ لَهُ . (2)

عنه عليه السلام فى خُطبَهِ الجُمُعَهِ : الحَمدُ للّهِ ذِى القُدرَهِ وَالسُّلطانِ ، وَالرَّأفَهِ وَالاِمتِنانِ ، أحمَدُهُ عَلى تَتابُعِ النِّعَمِ ، وأعوذُ بِهِ مِنَ العَذابِ وَالنِّقَمِ . (3)

عنه عليه السلام فى خُطبَهِ الجُمُعَهِ : إنَّ أحسَنَ الحَديثِ ، وأبلَغَ المَوعِظَهِ ، كِتابُ اللّهِ عز و جل ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، إنَّ اللّهَ هُوَ الفَتّاحُ العَليمُ ، بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، ثُمَّ يَبدَأُ بَعدَ الحَمدِ بِ «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» أو بِ «قُلْ يَأَيُّهَا الْكَفِرُونَ» أو ... . (4)

الكافى عن عبد العظيم بن عبد اللّه :سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَخطُبُ بِهذِهِ الخُطبَهِ : ... أحمَدُهُ عَلى نِعَمِهِ ، وأعوذُ بِهِ مِن نِقَمِهِ ، وأستَهدِى اللّهَ الهُدى ، وأعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَالرَّدى (5) . (6)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 175 ح 194 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 352 ح 31 .
2- .الغارات : ج 2 ص 728 ، وقعه صفّين : ص 10 كلاهما عن سليمان بن المغيره عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 32 ص 356 ح 337 ؛ الأخبار الطوال : ص 152 ، شرح نهج البلاغه : ج 3 ص 108 عن نصر .
3- .مصباح المتهجّد : ص 384 ح 510 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 431 ح 1263 ، مصباح المتهجّد : ص 382 ح 508 عن زيد بن وهب نحوه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 234 ح 67 .

5- .الرَّدى : الهلاک (النهايه : ج 2 ص 216 «ردا») .
6- .الكافى : ج 5 ص 372 ح 6 وراجع الإقبال : ج 2 ص 224 وبحار الأنوار : ج 91 ص 80 والأخبار الطوال : ص 153 .

امام علی علیه السلام در خطبه ای بلند : از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم . به نام خدای مهرگستر مهربان .

امام علی علیه السلام از خطبه نماز جمعه ایشان در کوفه و مدینه : ستایش ، خدای را . او را می ستایم و از او کمک می خواهم و راه نمایی می جویم و از گم راهی به خدا پناه می برم ، که هر که را خدا راه نمایی کند ، کس نتواند گم راهش کند و هر که را خدا گم راه گرداند ، کس نتواند به راهش آورد .

امام علی علیه السلام در خطبه نماز جمعه : ستایش ، خدای را که دارای توان و چیرگی ، و مهرورزی و بنده نوازی است . او را بر نعمت های پیاپی اش ستایش می گویم و از عذاب و کیفرها به او پناه می برم .

امام علی علیه السلام در خطبه نماز جمعه : راستی که خوش ترین سخن و رساترین پند ، کتاب خداست . از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم ، که خدا گشایشگر و داناست . به نام خدای مهرگستر مهربان . سپس بعد از [خواندنِ]سوره حمد ، سوره «قل هو اللّه احد» یا «قل یا ایها الکافرون» یا ... را قرائت می کرد .

الکافی به نقل از عبد العظیم بن عبد اللّه : از امام هادی علیه السلام شنیدم که این خطبه را می خواند : « ... او را بر نعمت هایش می ستایم ، و از کیفرهایش به او پناه می برم ، و از خدا هدایت و راه نمایی می جویم ، و از گم راهی و تباهی ، به او پناه می برم» .

.

ب شِراءُ الدّابَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ اشتَرى . . . دابَّةً فَلیَضَع یَدَهُ عَلى ناصِیَتِها ، ثُمَّ یَقولُ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن خَیرِها وخَیرِ ما جَبَلتَها عَلَیهِ (1) ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما جَبَلتَها عَلَیهِ . وإذَا اشتَرى بَعیرا فَلیَضَع یَدَهُ عَلى ذِروَهِ سَنامِهِ ، ثُمَّ یَقولُ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن خَیرِهِ وخَیرِ ما جَبَلتَهُ عَلَیهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما جَبَلتَهُ عَلَیهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذَا اشتَرى أحَدُکُم بَعیرا فَلیَأخُذ بِذِروَهِ سَنامِهِ ، وَلیَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّیطانِ . (3)

ج دُخولُ السّوقِالإمام علىّ علیه السلام :إذَا اشتَرَیتُم ما تَحتاجونَ (4) إلَیهِ مِنَ السّوقِ ، فَقولوا حینَ تَدخُلونَ الأَسواقَ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ صلى الله عليه و آله ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن صَفقَهٍ خاسِرَهٍ ، ویَمینٍ فاجِرَهٍ ، وأعوذُ بِکَ مِن بَوارِ الأَیِّمِ (5) . (6)

.

1- .جُبِلَتْ علیه : أی خُلِقَت وطُبِعَت علیه (النهایه : ج 1 ص 236 «جبل») .
2- .تاریخ دمشق : ج 21 ص 479 ح 4863 ، الدعاء للطبرانی : ص 390 ح 1308 ، تاریخ أصبهان : ج 1 ص 331 کلاهما نحوه وکلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 9 ص 87 ح 25096 .
3- .کنز العمّال : ج 9 ص 63 ح 24955 نقلاً عن سنن أبی داوود عن ابن عمر وراجع سنن أبی داوود : ج 2 ص 248 ح 2160 .
4- .فی المصدر : «یحتاجون» ، والتصویب من بحار الأنوار .
5- .بَوار الأیِّم : أی کسادها ، والأیِّم التی لا زوجَ لها وهی مع ذلک لا یرغب فیها أحدٍ (النهایه : ج 1 ص 61 «بور») .
6- .الخصال : ص 634 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تحف العقول : ص 122 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 172 ح 1 .

ب خرید دام
ج وارد شدن به بازار

ب خرید دامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس ... چارپایی خرید ، دستش را بر پیشانی آن بگذارد و بگوید : «بار خدایا ! خیر این را و خیر آنچه را که در وجود این چارپا نهاده ای ، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای ، به تو پناه می برم» . و هر گاه شتری خرید ، دستش را روی نوک کوهانش بگذارد و بگوید : «بار خدایا ! خیر این و خیر آنچه را در وجود این شتر نهاده ای ، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای ، به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما شتری خرید ، نوک کوهان آن را بگیرد و از شیطان به خدا پناه ببرد .

ج وارد شدن به بازارامام علی علیه السلام :هر گاه مایحتاج خود را از بازار خریدید ، هنگام وارد شدن به بازارها بگویید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ، و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا ! از معامله زیانبار و سوگند دروغ ، به تو پناه می برم و از بی مشتری ماندنِ زنان بی شوی به تو پناه می برم» .

.

د غَسلُ اليَدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا غَسَلتَ يَدَکَ بَعدَ الطَّعامِ فَامسَح وَجهَکَ وعَينَيکَ قَبلَ أن تَمسَحَ بِالمِنديلِ ، وتَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ الزّينَةَ وَالمَحَبَّةَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ المَقتِ (1) وَالبِغضَهِ . (2)

ه التَّدهينُالإمامِ الصادق عليه السلام :إذا أخَذتَ الدُّهنَ عَلى راحَتِکَ فَقُل : اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ الزَّينَ وَالزّينَةَ وَالمَحَبَّةَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّينِ (3) وَالشَّنَآنِ (4) وَالمَقتِ . (5)

و الزَّواجُرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهماالسلام عِندَ زَواجِهِما : اللّهُمَّ إنّى اُعيذُها بِکَ وذُرِّيَّتَها مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ... . اللّهُمَّ ! إنّى اُعيذُهُ بِکَ وذُرِّيَّتَهُ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ... . (6)

الإمام علىّ عليه السلام فى حَديثِ تَزويجِ فاطِمَةَ عليهاالسلام : ثُمَّ أتانى فَأَخَذَ بِيَدى فَقالَ : قُم بِاسمِ اللّهِ ، وقُل : عَلى بَرَکَهِ اللّهِ ، وما شاءَ اللّهُ ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، تَوَکَّلتُ عَلَى اللّهِ . ثُمَّ جاءَنى حينَ أقعَدَنى عِندَها عليهاالسلام ، ثُمَّ قالَ : اللّهُمَّ إنَّهُما أحَبُّ خَلقِکَ إلَىَّ ، فَأَحِبَّهُما وبارِک فى ذُرِّيَّتِهِما ، وَاجعَل عَلَيهِما مِنکَ حافِظا ، وإنّى اُعيذُهُما وذُرِّيَّتَهُما بِکَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (7)

.

1- .المَقْتُ : أشدّ البغض (النهايه : ج 4 ص 346 «مقت») .
2- .المحاسن : ج 2 ص 204 ح 1603 ، الدعوات : ص 143 ح 369 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 359 ح 27 .
3- .الشَّيْنُ : العَيبُ (النهايه : ج 2 ص 521 «شين») .
4- .الشَناءه : البُغض وقد شنأته شنأً وشَنآنا (الصحاح : ج 1 ص 57 «شنأ») .
5- .الكافى : ج 6 ص 519 ح 6 عن مهزم الأسدى ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 111 ح 247 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 145 ح 3 .
6- .صحيح ابن حبّان : ج 15 ص 394 ح 6944 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 410 ح 1021 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 13 ص 684 ح 37755 .
7- .الأمالى للطوسى : ص 40 ح 44 ، بشاره المصطفى : ص 262 كلاهما عن الضحّاک بن مزاحم ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 355 وفيه ذيله من «اللّهمّ إنّهما أحبُّ ...» ، بحار الأنوار : ج 43 ص 93 ح 4 .

د شستن دست ها
ه روغن زدن
و ازدواج

د شستن دست هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پس از غذا چون دستت را شستی ، آن را پیش از خشک کردن با حوله ، به صورت و چشمانت بکش و بگو : «بار خدایا ! آراستگی و دوستی را از تو می خواهم و از نفرت و دشمنی ، به تو پناه می برم» .

ه روغن زدنامام صادق علیه السلام :چون روغن (1) را در کف دستت نهادی ، بگو : «بار خدایا ! آراستگی و زیور و دوستی را از تو درخواست می کنم و از زشتی و دشمنی و کینه ، به تو پناه می برم» .

و ازدواجپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حقّ علی و فاطمه علیهماالسلام هنگام ازدواج آن دو : بار خدایا ! این [فاطمه]را و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده در پناه تو در می آورم ... . بار خدایا ! این [علی] را و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، در پناه تو در می آورم ... .

امام علی علیه السلام در حدیثِ در آوردن فاطمه علیهاالسلام به همسری وی : سپس [پیامبر صلی الله علیه و آله]نزد من آمد و دستم را گرفت و فرمود : «به نام خدا برخیز و بگو : به برکت خدا و هر چه خدا خواهد . هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا . به خدا توکّل کردم » . و چون مرا کنار او (فاطمه علیهاالسلام) نشاند ، نزدیکم آمد و فرمود : «بار خدایا ! این دو ، محبوب ترین خلق تو نزد من اند . پس تو نیز آنان را دوست بدار و به فرزندانشان برکت ده ، و از جانب خود بر این دو ، نگهبانی بگمار ، که من این دو و فرزندانشان را از شیطانِ رانده شده ، در پناه تو در آوردم» .

.

1- .امروزه ، شاید کِرِم زدن به دست و صورت ، مصداق روغن زدن باشد .

الإمام الصادق عليه السلام :كُنتُ أرى أبى إذا زَوَّجَ أو تَزَوَّجَ يَقولُ : الحَمدُ للّهِ ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ، ونَعوذُ بِهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا ، مَن يَهدِهِ اللّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ ، ومَن يُضلِلِ اللّهُ فَما لَهُ مِن هادٍ . (1)

ز الجماعُالكافى عن الحلبى ، قال :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام فِى الرَّجُلِ إذا أتى أهلَهُ فَخَشِيَ أن يُشارِكَهُ الشَّيطانُ ، قالَ : يَقولُ : «بِاسمِ اللّهِ» ، ويَتَعَوَّذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ . (2)

تفسير العيّاشى عن سليمان بن خالد :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَ شَارِكْهُمْ فِى الْأَمْوَ لِ وَ الْأَوْلَدِ» (3) ؟ قالَ : فَقالَ : قُل فى ذلِكَ قَولاً : أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (4)

ح الولادَهُالكتاب«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَ نَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَکَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّى إِنَّکَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَا أُنثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّى أُعِيذُهَا بِکَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» . (5)

.

1- .الجعفريّات : ص 93 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 14 ص 202 ح 16508 وراجع الكافى : ج 3 ص 422 ح 6 ومصباح المتهجّد : ص 662 ح 729 وتحف العقول : ص 30 .
2- .الكافى : ج 5 ص 502 ح 1 .
3- .الإسراء : 64 .
4- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 300 ح 107 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 294 ح 47 .
5- .آل عمران : 35 و 36 .

ز آمیزش
ح زادن فرزند

امام صادق علیه السلام :من شاهد بودم که پدرم هر گاه کسی را همسر می داد یا خود ، همسر اختیار می کرد ، می گفت : «ستایش ، خدا را . او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و آمرزش می طلبیم ، و از بدی های خودمان به او پناه می بریم . کسی که خدا هدایتش کند ، هیچ کس نمی تواند گم راهش سازد ، و کسی که خدا گم راهش گرداند ، هیچ کس نمی تواند به راهش آورد» .

ز آمیزشالکافی به نقل از حلبی : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر گاه مرد با همسرش نزدیکی کند و بیم آن داشته باشد که شیطانْ شریک او شود ، بگوید : به نام خدا ، و از شیطان به خدا پناه ببرد» .

تفسیر العیّاشی به نقل از سلیمان بن خالد : به امام صادق علیه السلام گفتم : این سخن خدای عز و جل : «و در دارایی ها و فرزندان ، شریک آنان بشو» به چه معناست؟ فرمود : «در آن هنگام بگو : پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطانِ رانده شده » .

ح زادن فرزندقرآن«و هنگامی را [یاد کن] که زن عمران گفت : «پروردگارا! آنچه در شکم خود دارم ، نذر تو کردم تا آزادشده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد . پس ، از من بپذیر ، که تو شنوای دانایی» . پس چون فرزندش را بزاد ، گفت : «پروردگارا! من دختر زاده ام» و خدا به آنچه او زایید ، داناتر بود «و پسر ، چون دختر نیست ، و نامش را مریم نهادم ، و او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می دهم»» .

.

الحديثتفسير الطبرى :قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن مَولودٍ يولَدُ إلّا وقَد عَصَرَهُ الشَّيطانُ عَصرَةً أو عَصرَتَينِ ، إلّا عيسَى بنَ مَريَمَ ومَريَمَ ، ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله «إِنِّى أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ مَولودٍ مِن وُلدِ آدَمَ لَهُ طَعنَةٌ مِنَ الشَّيطانِ ، وبِها يَستَهِلُّ الصَّبِىُّ ، إلّا ما كانَ مِن مَريَمَ ابنَهِ عِمرانَ ووَلَدِها ، فَإِنَّ اُمَّها قالَت حينَ وَضَعَتها : «إِنِّى أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ» فَضُرِبَ دونَهُما حِجابٌ ، فَطَعَنَ فِى الحِجابِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ وِلادَهِ فاطِمَهَ عليهاالسلام الحَسَنَ عليه السلام : فَأَتاهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله ... وقالَ : اللّهُمَّ إنّى اُعيذُهُ بِكَ ووُلدَهُ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (3)

ط العَقيقَهُالإمام الصادق عليه السلام :يُقالُ عِندَ العَقيقَهِ : «اللّهُمَّ مِنكَ ولَكَ ما وَهَبتَ وأنتَ أعطَيتَ ، اللّهُمَّ فَتَقَبَّل مِنّا عَلى سُنَّهِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه و آله ، ونَستَعيذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ، وتُسَمّى وتَذبَحُ وتَقولُ : «لَكَ سُفِكَتِ الدِّماءُ لا شَريكَ لَكَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ اخسَأِ (4) الشَّيطانَ الرَّجيمَ» . (5)

.

1- .تفسير الطبرى : ج 3 الجزء 3 ص 239 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 27 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 364 ح 5945 ، تاريخ دمشق : ج 47 ص 355 ح 10253 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 11 ص 504 ح 32356 وراجع صحيح البخارى : ج 3 ص 1265 ح 3248 وصحيح مسلم : ج 4 ص 1838 ح 146 .

2- .تفسير الطبرى : ج 3 الجزء 3 ص 239 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 11 ص 503 ح 32354 و 32355 .

3- .كشف الغمّه : ج 2 ص 151 و ص 177 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 256 ح 33 .

4- .خسَأْتُ الكلبَ : أى طردتُه وأبعدتُه (النهايه : ج 2 ص 31 «خسأ») .

5- .الكافى : ج 6 ص 31 ح 5 عن محمّد بن مارد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 487 ح 4723 .

ط عقیقه کردن

حدیثتفسیر الطبری :پیامبر خدا فرمود: «هر کودکی که به دنیا می آید ، شیطان یک یا دو بار او را می فشارد ، جز عیسی بن مریم و خود مریم [که چنین نبودند]» . پیامبر خدا سپس این آیه را خواند : «من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می دهم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر نوزادی از فرزندان آدم [در هنگام ولادت] ، ضربتی از شیطان می خورد و گریه کودک در هنگام تولّد ، به همین سبب است ، جز مریم دختر عمران و فرزندش [که در باره آنها چنین نشد] ؛ زیرا مادر مریم ، زمانی که او را زایید ، گفت : «من او را و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می دهم» . پس میان آن دو ، پرده ای زده شد و شیطان به آن پرده ضربه زد .

امام علی علیه السلام در بیان متولّد شدن حسن علیه السلام از فاطمه علیهاالسلام : پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او (حسن علیه السلام) آمد ... و گفت : «بار خدایا ! من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده ، در پناه تو در می آورم» .

ط عقیقه کردنامام صادق علیه السلام :در هنگام عقیقه کردن گفته می شود : «آنچه بخشیدم ، از توست و برای توست و تو خود ، آن را داده ای . بار خدایا ! از ما بپذیر ، که این سنّت (روش) پیامبر توست . و از شیطانِ رانده شده ، به تو پناه می آوریم» . [سپس] نام خدا را می بری و ذبح می کنی و می گویی : «این خون ها تنها برای تو ریخته شد. تو را شریکی نیست و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بار خدایا ! شیطانِ رانده شده را دور ران» .

.

ی لُبسُ الثَّوبِ الجَديدِسنن أبی داوود عن أبی سعید الخدری :كانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذَا استَجَدَّ ثَوبا سَمّاهُ بِاسمِهِ ، إمّا قَميصا أو عِمامَةً ، ثُمَّ يَقولُ : اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ أنتَ كَسَوتَنيهِ ، أسأَلُكَ مِن خَيرِهِ وخَيرِ ما صُنِعَ لَهُ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما صُنِعَ لَهُ . (1)

ک الخُروجُ مِنَ البَيتِسنن الترمذی عن اُمِّ سلمه :أنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله كانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن أن نَزِلَّ أو نَضِلَّ ، أو نَظلِمَ أو نُظلَمَ ، أو نَجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَينا . (2)

سنن أبی داوود عن اُمِّ سلمه :ما خَرَجَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مِن بَيتی قَطُّ إلّا رَفَعَ طَرفَهُ إلَى السَّماءِ فَقالَ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِكَ أن أضِلَّ أو اُضَلَّ ، أو أزِلَّ أو اُزَلَّ ، أو أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَیَّ . (3)

الإمام الباقر علیه السلام :مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ : «بِاسمِ اللّهِ ، حَسبِیَ اللّهُ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُكَ خَيرَ اُمورِی كُلِّها ، وأعوذُ بِكَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَهِ» كَفاهُ اللّهُ ما أهَمَّهُ مِن أمرِ دُنياهُ وآخِرَتِهِ . (4)

.

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 41 ح 4020 ، سنن الترمذی : ج 4 ص 239 ح 1767 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 100 ح 11469 ، المستدرک علی الصحيحين : ج 4 ص 213 ح 7408 كلّها بزياده «أو رداء» بعد «عمامه» ، كنز العمّال : ج 7 ص 118 ح 18267 .
2- .سنن الترمذی : ج 5 ص 490 ح 3427 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 201 ح 26678 ، كنز العمّال : ج 7 ص 143 ح 18418 .
3- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 325 ح 5094 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 9 ح 11 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 34 ح 2383 ، الدعاء للطبرانی : ص 148 ح 419 كلّها عن ميمونه .
4- .الكافی : ج 2 ص 541 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 90 ح 1239 ، الأمان : ص 106 ، مُهَج الدعوات : ص 218 وليس فيه ذيله من «كفاه اللّه ...» ، عدّه الدّاعی : ص 266 كلّها عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : ج 76 ص 171 ح 20 .

ی پوشیدن جامه نو
ک بیرون رفتن از خانه

ی پوشیدن جامه نوسنن أبی داوود به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا هر گاه جامه ای نو ، پیراهن یا دستار ، می پوشید ، نام آن را می برد و سپس می گفت : «بار خدایا! ستایش ، تو راست . تو این را بر من پوشاندی . خیر این و خیر آنچه را برایش ساخته شده است ، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه برایش ساخته شده است ، به تو پناه می برم» .

ک بیرون رفتن از خانهسنن الترمذی به نقل از اُمّ سلمه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از اتاقش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدا . بر خدا توکّل کردم . بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که بلغزیم یا گم راه شویم ، ستم کنیم یا بر ما ستم شود ، و نادانی کنیم یا در باره ما نادانی شود .

سنن أبی داوود به نقل از اُمّ سلمه : هیچ گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از اتاق من خارج نشد ، مگر این که نگاهش را به آسمان برداشت و گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که گم راه شوم یا گم راهم کنند ، بلغزم یا لغزانده شوم ، ستم کنم یا به من ستم شود ، و نادانی کنم یا بر من نادانی شود» .

امام باقر علیه السلام :هر کس هنگامی که از منزلش خارج می شود ، بگوید : «به نام خدا . خدا مرا بس است . بر خدا توکّل کردم . بار خدایا! خیر همه کارهایم را از تو می خواهم و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می برم» ، خداوند خواست های دنیا و آخرت او را برمی آورد .

.

عنه عليه السلام :مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن بابِ دارِهِ : «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَهُ اللّهِ (1) مِن شَرِّ هذَا اليَومِ الجَديدِ الَّذي إذا غابَت شَمسُهُ لَم تَعُد ، ومِن شَرِّ نَفسى ومِن شَرِّ غَيرى ، ومِن شَرِّ الشَّياطينِ ، ومِن شَرِّ مَن نَصَبَ لِأَولِياءِ اللّهِ ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإِنسِ ، ومِن شَرِّ السِّباعِ وَالهَوامِّ ، ومِن شَرِّ رُكوبِ المَحارِمِ كُلِّها ، أُجيرُ نَفسى بِاللّهِ مِن كُلِّ شَرٍّ» ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ وتابَ عَلَيهِ ، وكَفاهُ الهَمَّ ، وحَجَزَهُ عَنِ السّوءِ ، وعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا خَرَجتَ مِن مَنزِلِكَ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ خَيرَ ما خَرَجتُ لَهُ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما خَرَجتُ لَهُ ، اللّهُمَّ أوسِع عَلَىَّ مِن فَضلِكَ ، وأتمِم عَلَىَّ نِعمَتَكَ ، وَاستَعمِلنى فى طاعَتِكَ ، وَاجعَل رَغبَتى فيما عِندَكَ ، وَتوَفَّنى عَلى مِلَّتِكَ ومِلَّهِ رَسولِكَ صلى الله عليه و آله . (3)

عنه عليه السلام :مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ : «اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ ، بِاسمِ اللّهِ دَخَلتُ وبِاسمِ اللّهِ خَرَجتُ ، وعَلَى اللّهِ تَوَكَّلتُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، اللّهُمَّ افتَح لى فى وَجهى هذا بِخَيرٍ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسى ومِن شَرِّ غَيرى ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ» ، كانَ فى ضَمانِ اللّهِ حَتّى يَرجِعَ إلى مَنزِلِهِ . (4)

.

1- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه : «أعوذ باللّه ممّا عاذت منه ملائكه اللّه » .
2- .الكافى : ج 2 ص 541 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 272 ح 2417 نحوه ، المحاسن : ج 2 ص 89 ح 1236 ، الأمان : ص 105 ، عدّه الداعى : ص 266 كلّها عن أبى بصير ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 526 ح 1831 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 170 ح 17 .
3- .الكافى : ج 2 ص 542 ح 5 ، المحاسن : ج 2 ص 91 ح 1240 ، الأمان : ص 105 كلّها عن معاويه بن عمّار ، الأمالى للطوسى : ص 371 ح 799 عن علىّ بن رزين عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 170 ح 16 .

4- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 527 ح 1834 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 251 ح 46 .

امام باقر علیه السلام :هر کس هنگامی که از سرایش خارج می شود ، بگوید : «پناه می برم به کسی که فرشتگان خدا بر او پناه بردند ، از شرّ این روز جدیدی که چون خورشیدش غروب کند ، باز نمی گردد ، و از شرّ خودم و از شرّ جز خودم ، و از شرّ شیاطین ، و از شرّ کسی که با دوستان خدا به دشمنی برخاسته ، و از شرّ جن و انس ، و از شرّ درندگان و گزندگان ، و از شرّ دست یازیدن به سراسر حرام ها . خود را از هر شرّی ، در پناه خدا در می آورم» ، خداوند او را می آمرزد و توبه اش را می پذیرد ، و نگرانی هایش را می زداید ، و از بدی دورش می دارد و از گزند ، مصونش می دارد .

امام صادق علیه السلام :هر گاه از منزلت بیرون می روی ، بگو : «به نام خدا . به خدا توکّل کردم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا ! خیر آنچه (کار و روزی ام) را که برایش بیرون می روم ، از تو می خواهم و از شرّ آنچه برایش بیرون می روم ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! از فضل خود ، به زندگی من گشایش ده ، و نعمتت را بر من کامل گردان ، و مرا در طاعتت به کار گیر ، و خواست مرا در چیزی که نزد توست ، قرار ده ، و مرا بر دین خودت و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران» .

امام صادق علیه السلام :هرکس زمانی که از منزلش خارج می شود ، بگوید : «اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر . به نام خدا وارد شدم و به نام خدا خارج می شوم و بر خدا توکّل می کنم . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ . درود خدا بر محمّد و خاندان او باد . بار خدایا ! این [در]را برایم به خیر بگشای . بار خدایا ! از شرّ خودم و از شرّ جز خودم و از شرّ هر حیوانی که زمام آن در دست توست ، به تو پناه می برم . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» ، در پناه خدا خواهد بود تا آن گاه که به منزلش باز گردد .

.

ل الخُروجُ إلَى السَّفَرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ إذا أرادَ سَفَرا : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ (1) السَّفَرِ ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ ، اللّهُمَّ اطوِ لَنَا الأَرضَ ، وهَوِّن عَلَينَا السَّفَرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله إذا أرادَ أن يَخرُجَ فى سَفَرٍ : اللّهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِى السَّفَرِ ، وَالخَليفَةُ فِى الأَهلِ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الضُّبنَهِ (3) فِى السَّفَرِ ، وَالكَآبَهِ فِى المُنقَلَبِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام مِن كَلامٍ لَهُ عِندَ عَزمِهِ عَلَى المَسيرِ إلَى الشّامِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ ، وكَآبَهِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ (5) فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ . اللّهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِى السَّفَرِ ، وأنتَ الخَليفَةُ فِى الأَهلِ ، ولا يَجمَعُهُما غَيرُکَ ، لِأَنَّ المُستَخلَفَ لا يَكونُ مُستَصحَبا وَالمُستَصحَبُ لا يَكونُ مُستَخلَفا . (6)

.

1- .وَعْثاء السفر : أى شدَّته ومشقّته (النهايه : ج 5 ص 206 «وعث») .
2- .سنن أبى داوود : ج 3 ص 33 ح 2598 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 128 ح 10334 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 428 ح 9605 ، الدعاء للطبرانى : ص 256 ح 808 وفيه «البعيد» بدل «الأرض» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 6 ص 732 ح 17616 .
3- .الضُّبْنَهُ : ما تحت يدک من مال وعيال ومن تلزمک نفقتهم ، أى تعوّذ باللّه من كثره العيال فى مظنّه الحاجه وهو السَّفر (النهايه : ج 3 ص 73 «ضبن») .
4- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 550 ح 2311 ، صحيح ابن حبّان : ج 6ص 431 ح 2716 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 410 ح 10304 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 223 ح 11735 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 15 ح 2349 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 6 ص 735 ح 17626 .
5- .قوله : «وسوء المنظر» ، المنظر مصدر ميمى أو اسم مكان ، وحاصله الاستعاذه من أن ينظرفى سفره أو بعد رجوعه فى أهله وماله وولده إلى شىء يسوؤه (بحار الأنوار : ج 100 ص 114) .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 46 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 391 ح 362 .

ل رفتن به سفر

ل رفتن به سفرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در هنگامی که آهنگ سفر داشت : بار خدایا ! از دشواری های سفر ، و اندوه بازگشت (/ دل تنگی بازگشت) و روبه رو شدن با منظره ناخوش در خانواده و اموال ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! زمین را برایمان در هم پیچ (راه را کوتاه نما) . و سفر را برایمان آسان گردان» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست به سفری برود : بار خدایا ! تو ، هم یار سفر هستی و هم جانشین [مسافر] در خانواده[اش] . بار خدایا ! از [بدرفتاری با]همسفران (1) در سفر ، و افسردگی در بازگشت ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام از گفتار ایشان در هنگامی که آهنگ حرکت به سوی شام کرد : بار خدایا ! از سختی سفر ، و ناراحتی در بازگشت ، و مواجه شدن با منظره ناخوشایند در زن و دارایی و فرزند ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! تو ، هم رفیق سفر هستی و هم جانشین در خانواده ، و جز تو ، کسی این دو حالت را هم زمان ندارد ؛ زیرا آن که جانشین است ، همراه نیست و آن که همراه است ، جانشین نیست .

.

1- .واژه «صُبنه» در متن عربی ، به معنای دوستانی است که مخارج راه ندارند . بنا بر این ، منظور ، این است : خدایا ! به تو پناه می برم که به آنان ناسزا بگویم . نیز در معنای عائله تحت تکفّل به کار می رود . در این صورت ، مراد این است که : پناه می برم به تو از این که در سفر ، مخارج عائله زیاد باشد .

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ إذا بَرَزَ لِلسَّفَرِ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذی هَدانا لِلإسلامِ ، وجَعَلَنا مِن خَیرِ اُمَّهٍ اُخرِجَت لِلنّاسِ ، «سُبْحَنَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» (1) . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ ، وکَآبَهِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِی الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ . اللّهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِی السَّفَرِ ، وَالخَلیفَهُ فِی الأَهلِ ، وَالمُستَعانُ عَلَی الأَمرِ ، اطوِ لَنَا البَعیدَ ، وسَهِّل لَنا الحُزونَهَ (2) وَاکفِنَا المُهِمَّ ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :إذا خَرَجتَ مِن بَیتِکَ تُریدُ الحَجَّ وَالعُمرَهَ إن شاءَ اللّهُ ، فَادعُ دُعاءَ الفَرَجِ وهُوَ : ... اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ ، وکَآبَهِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِی الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ ، اللّهُمَّ أنتَ عَضُدی وناصِری ، بِکَ أحُلُّ وبِکَ أسیرُ . (4)

م نُزولُ المُسافِررسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذا نَزَلَ أحَدُکُم مَنزِلاً فَلیَقُل : «أعوذُ بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ» ، فَإنَّهُ لا یَضُرُّهُ شَیءٌ حَتّی یَرتَحِلَ مِنهُ . (5)

الأمان :رَوَینا فی کِتابِ مِصباحِ الزّائِرِ وجَناحِ المُسافِرِ وغَیرِهِ مِنَ النَّقلِ الظّاهِرِ أنَّ المُسافِرَ إذا نَزَلَ بِبَعضِ المَنازِلِ یَقولُ : «اللّهُمَّ أنزِلنی مُنزَلاً مُبارَکا وأنتَ خَیرُ المُنزِلینَ» ، ویُصَلّی رَکعَتَینِ بِالحَمدِ وما یَشاءُ مِنَ السُّوَرِ القِصارِ ، ویَقولُ : «اللّهُمَّ ارزُقنا خَیرَ هذِهِ البُقعَهِ وأعِذنا مِن شَرِّها ، اللّهُمَّ أطعِمنا مِن جَناها ، وأعِذنا مِن وَباها (6) ، وحَبِّبنا إلی أهلِها ، وحَبِّب صالِحی أهلِها إلَینا» ، ویَقولُ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، وأنَّ عَلِیّا أمیرَ المُؤمِنینَ وَالأَئِمَّهَ مِن وُلدِهِ أئِمَّهٌ ، أتَوَلّاهُم وأبرَأُ مِن أعدائِهِم . اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ خَیرَ هذِهِ البُقعَهِ وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها ، اللّهُمَّ اجعَل أوَّلَ دُخولِنا هذا صَلاحا ، وأوسَطَهُ فَلاحا ، وآخِرَهُ نَجاحا» . (7)

.

1- .الزخرف : 13 .
2- .الحَزنُ : المکانُ الغلیظ الخشن ، والحزونه : الخشونه (النهایه : ج 1 ص 380 «حزن») .

3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 347 ، مستدرک الوسائل : ج 8 ص 140 ح 9246 .
4- .الكافى : ج 4 ص 284 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 50 ح 154 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 717 ح 779 عن صفوان نحوه وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 100 ص 108 ح 13 .
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2081 ح 55 و ص 2080 ح 54 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 496 ح 3437 نحوه ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1174 ح 3547 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 320 ح 27192 و ص 369 ح 27379 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 743 ح 2580 كلّها عن خوله بنت حكيم السلميّه ، كنز العمّال : ج 6 ص 709 ح 17512 .
6- .الوَبا : بالقصر والمدّ والهمز ، الطاعون والمرض العام (النهايه : ج 5 ص 144 «وبا») .
7- .الأمان : ص 136 ، مصباح الزائر : ص 37 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 261 ح 56 .

م فرود آمدن مسافر

امام علی علیه السلام در دعای ایشان ، هر گاه برای سفر ، خارج می شد : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست ، و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . ستایش ، خدایی را که به اسلام ، هدایتمان فرمود و ما را از بهترین امّت هایی قرار داد که برای مردم ، پدید آورده شدند «پاکا خدایی که این را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم» . بار خدایا ! از دشواری سفر ، و اندوه در بازگشت ، و صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! تویی یار سفر و جانشین در خانواده و آن که در کارها از او کمک گرفته می شود . دور را برایمان نزدیک نمای ، و ناهمواری ها را برایمان هموار گردان ، و نیازهایمان را برآورده ساز ، که تو بر هر چیز ، توانایی .

امام صادق علیه السلام :هر گاه به خواست خدا از خانه ات برای حج و عمره خارج شدی ، دعای فرج را بخوان ، و آن ، این است : « ... بار خدایا ! از دشواری سفر ، و اندوه در بازگشت ، و مواجه شدن با صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! تویی بازو و یاور من . به یاری تو ، بار می افکنم و به مدد تو ، حرکت می کنم» .

م فرود آمدن مسافرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما در منزلگاهی فرود آمد ، بگوید : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است» . در این صورت ، تا زمانی که از آن جا بکوچد ، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند .

الأمان :در کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر و جز آن ، از نقل ظاهر ، روایت کرده ایم که مسافر ، هر گاه در منزلگاهی فرود آمد ، بگوید : «بار خدایا ! مرا در جایی پُربرکت فرود آور ، که تو بهترین فرودآورندگانی» و دو رکعت نماز با حمد و هر سوره کوتاهی که می خواهد ، بخواند و بگوید : «بار خدایا ! خیر این سرزمین را روزیِ ما فرما و ما را از شرّ آن در پناه خود بدار . بار خدایا ! ما را از میوه [و حاصل] آن ، خوراک ده و از بیماری وبای آن ، در پناه خود بدار و نزد اهل این سرزمین ، محبوبمان گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار» و بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا و بی انباز نیست و محمّد ، بنده و فرستاده اوست و علی ، امیر مؤمنان ، و امامان از نسل او پیشوا هستند . آنان را دوست می دارم

و از دشمنانشان بیزارم . بار خدایا ! خیر این سرزمین را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن به تو پناه می برم . بار خدایا ! آغاز در آمدنمان به این مکان را دوستی قرار ده و میانش را رستگاری و پایانش را کامیابی» .

.

ن دُخولُ المُسافِرِ المَدينَةَ أوِ القَريَهَرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إذا أرَدتَ مَدينَةً أو قَريَةً فَقُل حينَ تُعايِنُها : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها ، اللّهُمَّ حَبِّبنا إلى أهلِها وحَبِّب صالِحى أهلِها إلَينا . (1)

السنن الكبرى عن صهيب :إنَّ مُحَمَّدا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَم يَرَ قَريَةً يُريدُ دُخولَها إلّا قالَ حينَ يَراها : اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وما أظلَلنَ ، ورَبَّ الأَرَضينَ السَّبعِ وما أقلَلنَ ، ورَبَّ الشَّياطينِ وما أضلَلنَ ، ورَبَّ الرِّياحِ وما ذَرَينَ (2) ، فَإنّا نَسأَلُکَ خَيرَ هذِهِ القَريَهِ وخَيرَ أهلِها ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها وشَرِّ ما فيها . (3)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 298 ح 2509 ، المحاسن : ج 2 ص 123 ح 1344 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وزاد فيه «اللّهمّ أطعمنا من جناها ، وأعذنا من وبائها» بعد «من شرّها» ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 553 ح 1908 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 41 .
2- .ذَرَتْهُ الريح : أى أطارته (النهايه : ج 2 ص 159 «ذرا») .
3- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 139 ح 10377 و ص 140 ح 10378 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 110 ح 2488 و ج 2 ص 614 ح 1634 ، صحيح ابن حبّان : ج 6 ص 426 ح 2709 ؛ المحاسن : ج 2 ص 124 ح 1346 عن علىّ بن المغيره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 43 .

ن وارد شدن مسافر به شهر یا روستاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! هر گاه آهنگ شهر یا روستایی کردی ، زمانی که چشمت به آن افتاد ، بگو : «بار خدایا! خیر آن را از تو درخواست می کنم و از بدی هایش ، به تو پناه می برم . بار خدایا! ما را در نزد اهالی آن ، محبوب گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار» .

السنن الکبری به نقل از صهیب : پیامبر خدا ، محمّد صلی الله علیه و آله ، هر گاه روستایی را که می خواست وارد آن شود ، می دید ، با دیدن آن می گفت : «بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در زیر آنهاست ، و ای پروردگار هفت زمین و آنچه بر روی آنهاست ، و ای پروردگار شیاطین و هر آن کس که گم راهش کردند ، و ای پروردگار بادها و آنچه بادها افشاندند! خوبیِ این روستا و خوبیِ اهالی آن را از تو درخواست می کنیم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در آن است ، به تو پناه می بریم» .

.

المعجم الكبير عن أبى معتب بن عمرو :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا أشرَفَ عَلى خَيبَرَ قالَ لِأَصحابِهِ وأنَا فيهِم : قِفوا ، ثُمَّ قالَ : «اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ وما أظلَلنَ ، ورَبَّ الأَرَضينَ وما أقلَلنَ ، ورَبَّ الشَّياطينِ وما أضلَلنَ ، ورَبَّ الرِّياحِ وما ذَرَينَ ، أسأَلُکَ خَيرَ هذِهِ القَريَهِ وخَيرَ أهلِها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها وشَرِّ ما فيهَا ، اقدَموا (1) بِاسمِ اللّهِ» ، وكانَ يَقولُها لِكُلِّ قَريَهٍ يَدخُلُها . (2)

مروج الذهب عن المنذر بن الجارود :لَمّا قَدِمَ عَلِيٌّ عليه السلام البَصرَةَ ... فَساروا حَتّى نَزَلُوا المَوضِعَ المَعروفَ بِالزّاوِيَهِ ، فَصَلّى أربَعَ رَكَعاتٍ ، وعَفَّرَ خَدَّيهِ عَلَى التُّرابِ وقَد خالَطَ ذلِکَ دُموعَهُ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ يَدعو : اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ وما أظَلَّت ، وَالأَرَضينَ وما أقَلَّت ، ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، هذِهِ البَصرَهُ ، أسأَلُکَ مِن خَيرِها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها ، اللّهُمَّ أنزِلنا فيها خَيرَ مُنزَلٍ وأنتَ خَيرُ المُنزِلينَ . (3)

س رُجوعُ المُسافِرالمعجم الأوسط عن جابر بن عبد اللّه :قَفَلَ (4) النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا دَنا مِنَ المَدينَهِ قالَ : آئِبونَ تائِبونَ عابِدونَ لِرَبِّنا حامِدونَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ ، وكَآبَهِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ . (5)

.

1- .فى المصدر : «قدموا» ، والتصويب من السيره النبويّه .
2- .المعجم الكبير : ج 22 ص 359 ح 902 ، السيره النبويّه لابن هشام : ج 3 ص 343 ، أسد الغابه : ج 6 ص 287 .
3- .مروج الذهب : ج 2 ص 368 370 ؛ مستدرک الوسائل : ج 8 ص 231 ح 9325 .
4- .قَفَلَ من سَفَرِهِ : رَجَعَ (المصباح المنير : ص 511 «قفل») .
5- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 147 ح 6044 ، الطبقات الكبرى : ج 2 ص 79 نحوه ؛ وقعه صفّين : ص 528 عن عبد الرحمن بن جندب عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 32 ص 550 ح 462 وراجع مكارم الأخلاق : ج 1 ص 553 ح 1907 .

س بازگشت مسافر

المعجم الکبیر به نقل از ابو معتب بن عمرو : پیامبر خدا چون نزدیک خیبر رسید ، به یارانش که من نیز در میان آنان بودم فرمود : «بایستید» و سپس گفت : «بار خدایا ! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست ، و ای پروردگار زمین ها و آنچه بر روی آنهاست ، و ای پروردگار شیاطین و کسانی که گم راهشان کردند ، و ای پروردگار بادها و آنچه بادها افشاندند ! خوبیِ این آبادی و خوبیِ اهالی آن را از تو می خواهم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در این آبادی است ، به تو پناه می برم . به نام خدا ، حرکت کنید» . ایشان به هر آبادی ای که وارد می شد ، این دعا را می خواند .

مروج الذهب به نقل از منذر بن جارود : چون علی علیه السلام به بصره در آمد ... ، حرکت کردند تا در محلّ معروف به «زاویه» فرود آمدند . [امام علیه السلام] چهار رکعت نماز گزارد و گونه هایش را بر خاک نهاد و اشک هایش با خاک در آمیخت . سپس دستانش را برداشت و دعا کرد : «بار خدایا ! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست ، و ای پروردگار زمین ها و آنچه در روی آنهاست ، و ای پروردگار عرش بزرگ ! این ، بصره است . خوبیِ آن را از تو می خواهم و از بدی آن به تو پناه می برم . بار خدایا ! ما را در آن ، فرودی فرخنده آر ، که تو بهترین فرودآورندگانی» .

س بازگشت مسافرالمعجم الأوسط به نقل از جابر بن عبد اللّه : پیامبر صلی الله علیه و آله باز گشت و چون نزدیک مدینه رسید ، فرمود : «بازآینده ، توبه کننده ، پرستنده و ستاینده پروردگار خویشیم . بار خدایا ! از رنج سفر ، و اندوه بازگشت و روبه رو شدن با صحنه ناخوشایند در خانواده و اموال ، به تو پناه می برم» .

.

ع رُؤيَهُ الهِلالِمسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا رَأى الهِلالَ قالَ : اللّهُ أكبَرُ ، الحَمدُ للّهِ ، لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ هذَا الشَّهرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ القَدَرِ ، ومِن سوءِ الحَشرِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَلا تَبرَح (2) وقُل : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ هذَا الشَّهرِ وفَتحَهُ ونورَهُ ونَصرَهُ وبَرَكَتَهُ وطَهورَهُ ورِزقَهُ ، وأسأَلُکَ خَيرَ ما فيهِ وخَيرَ ما بَعدَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما فيهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ ، اللّهُمَّ أدخِلهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإِيمانِ وَالسَّلامَهِ وَالإِسلامِ وَالبَرَكَهِ وَالتَّوفيقِ لِما تُحِبُّ وتَرضى . (3)

عنه عليه السلام أنَّهُ كانَ يَقولُ إذا رَأَى الهِلالَ : اللّهُمَّ ارزُقنا خَيرَهُ ونَصرَهُ ، وبَرَكَتَهُ ، وفَتحَهُ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ . (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 424 ح 22855 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 509 ح 1 و ج 7 ص 120 ح 1 ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 169 ح 387 ، كنز العمّال : ج 7 ص 78 ح 18043 .
2- .أى لا تزل على مكانک حتى تدعو بهذا الدُّعاء (مرآه العقول : ج 16 ص 228) . وقال الجوهرى : برح : أى زالَ ، ولا أبرحُ أفعلُ ذلک : أى لا أزال أفعلهُ ، وبرحَ مكانه : أى زالَ عنه (الصحاح : ج 1 ص 355 «برح») .
3- .الكافى : ج 4 ص 76 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 197 ح 564 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 100 ح 1845 ، الإقبال : ج 1 ص 65 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 271 نحوه ، بحار الأنوار : ج 96 ص 382 ح 8 .
4- .الأمالى للطوسى : ص 647 ح 1341 عن عبّاد بن صهيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 346 ح 7 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 121 ح 4 عن أبى عبيده ، كنز العمّال : ج 8 ص 596 ح 24310 نقلاً عن ابن النجّار عن الحارث .

ع دیدن ماه نو

ع دیدن ماه نومسند ابن حنبل به نقل از عباده بن صامت : پیامبر خدا هرگاه ماه نو را می دید ، می فرمود : «خدا بزرگ تر از هر توصیفی است . ستایش خدای را . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا! خیر این ماه را از تو می خواهم و از بدی تقدیر ، و از بد محشور شدن [در قیامت] به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام :هرگاه ماه نو را دیدی ، از جای خود تکان نخور و بگو : «بار خدایا! خوبیِ این ماه و گشایش و روشنایی و فیروزی و خجستگی و پاکی و روزیِ آن را از تو می خواهم و خوبیِ آنچه در این ماه است و خوبیِ ماه های پس از آن را از تو درخواست می کنم و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می برم . بار خدایا! این ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و برکت و توفیق برای آنچه تو دوست داری و می پسندی ، بر ما در آور» .

امام علی علیه السلام آن گاه که ماه نو را می دید : بار خدایا! خوبی و فیروزی و خجستگی و گشایشِ این ماه را روزیِ ما فرما و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می بریم .

.

ف رُؤيَهُ المُبتَليالفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :إذا نَظَرتَ إلى أهلِ البَلاءِ فَقُل ثَلاثَ مَرّاتٍ : الحَمدُ للّهِ الَّذى عافانى مِمَّا ابتَلاکَ بِهِ ولَو شاءَ لَفَعَلَ ، وأنَا أعوذُ بِاللّهِ مِنها ومِمَّا ابتَلاکَ بِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى فَضَّلَنى عَلى کَثيرٍ مِن خَلقِهِ . (1)

مشکاه الأنوار :عَنِ الباقِرِ عليه السلام أنَّهُ کانَ يَکرَهُ أن يُسمِعَ مِنَ المُبتَلَى التَّعَوُّذَ مِنَ البَلاءِ (2) . (3)

ص دَفنُ المَيِّتِسنن أبى داوود عن البراء بن عازب :خَرَجنا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى جِنازَهِ رَجُلٍ مِنَ الأنصارِ فَانتَهَينا إلَى القَبرِ ولَمّا يُلحَد ، فَجَلَسَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وجَلَسنا حَولَهُ کَأنَّما عَلَى رُؤوسِنَا الطَّيرُ ، وفى يَدِهِ عودٌ يَنکُتُ (4) بِهِ فِى الأرضِ ، فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ مَرَّتَينِ أو ثَلاثا . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا وَضَعتَهُ [المَيِّتَ] فى لَحدِهِ فَليَکُن أولَى النّاسِ بِهِ مِمّا يَلى رَأسَهُ ، لِيَذکُرَ اسمَ اللّهِ ويُصَلِّىَ عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، ويَتَعَوَّذَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، وَليَقرَأ فاتِحَهَ الکِتابِ ، وَالمُعَوِّذَتَينِ ، وقُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ ، وآيَهَ الکُرسِىِّ . (6)

الکافى عن علىّ بن يقطين :سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ : لا تَنزِل فِى القَبرِ وعَلَيکَ العِمامَهُ وَالقَلَنسُوَهُ ، ولَا الحِذاءُ ولَا الطَّيلَسانُ ، وحُلَّ أزرارَکَ ، وبِذلِکَ سُنَّهُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله جَرَت ، وَليَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، وَليَقرَأ فاتِحَهَ الکِتابِ ، وَالمُعَوِّذَتَينِ وقُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ ، وآيَهَ الکُرسِىِّ . (7)

.

1- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 399 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 217 ح 3 .
2- .المراد بهذه الروايه مع الأخذ بنظر الاعتبار الروايه السابقه هو أن تکون الاستعاذه عند رؤيه المبتلى بنحوٍ بحيث لا يلتفت إليها نفس المبتلى .
3- .مشکاه الأنوار : ص 67 ح 103 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 16 ح 11 .

4- .النَّكتُ : أن تضرب فى الأرض بقضيبٍ فيُؤثّرَ فيها (القاموس المحيط : ج 1 ص 159 «نكت») .
5- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 239 ح 4753 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 413 ح 18559 و ص 430 ح 18637 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 93 ح 107 كلاهما نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 256 ح 1 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 1 ص 317 ح 922 و ص 313 ح 909 ، علل الشرايع : ص 306 ح 1 كلاهما نحوه وكلّها عن محمّد بن عجلان ، بحار الأنوار : ج 82 ص 28 ح 15 .
7- .الكافى : ج 3 ص 192 ح 2 وراجع علل الشرايع : ص 305 ح 1 وبحار الأنوار : ج 82 ص 30 ح 16 .

ف دیدن گرفتاران و آسیب دیدگان
ص خاکسپاری مرده

ف دیدن گرفتاران و آسیب دیدگانالفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :هر گاه آسیب دیده ای را دیدی ، [پیش خود ، آهسته]سه مرتبه بگو : «ستایش ، خدای را که مرا از آنچه تو را بِدان دچار ساخت ، به سلامت داشت ، که اگر می خواست ، چنان می کرد . پناه می برم به خدا از این [آسیب] و از آنچه تو را بِدان دچار ساخت . و ستایش ، خدای را که مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری بخشید» .

مشکاه الأنوار :در باره امام باقر علیه السلام روایت شده است که ایشان دوست نداشت که آسیب دیده ، پناه بردن [او]به خدا از آسیب را بشنود . (1)

ص خاکسپاری مردهسنن أبی داوود به نقل از براء بن عازب : با پیامبر خدا در پی جنازه مردی از انصار خارج شدیم و به محلّ گور رسیدیم . چون او را در لحد نهادند ، پیامبر خدا نشست و ما نیز گرد ایشان آرام نشستیم و تکان نمی خوردیم . در دست پیامبر صلی الله علیه و آله چوبی بود و با نوک آن به زمین می زد [و در حال تفکّر بود] . پس ، سرش را بلند کرد و دو یا سه بار فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه ببرید» .

امام صادق علیه السلام :چون او (مرده) را در گورش نهادی ، نزدیک ترین کس به او (ولیّ او) در طرف سرش قرار گیرد و نام خدا را ببرد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه ببرد و فاتحه الکتاب و معوّذتین و «قل هو اللّه أحد» و آیه الکرسی بخواند .

الکافی به نقل از علی بن یقطین : از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرماید : «با دستار و کلاه و کفش و طیلسان ، داخل قبر مشو و دکمه هایت را باز کن ، که پیامبر خدا چنین عمل می کرد . و [شخصی که برای نهادن مرده در لحد ، وارد قبر می شود] از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببرد و باید فاتحه الکتاب و معوذّتین و «قل هو اللّه أحد» و آیه الکرسی بخواند .

.

1- .یعنی امام علیه السلام هنگام دیدن شخص آسیب دیده ، با صدای بلند ، استعاذه نمی کرد که او بشنود .

5 / 10تِلكَ الحالاتُأ الغَضَبُالإمام الصادق عليه السلام :قُل عِندَ الغَضَبِ : اللّهُمَّ أذهِب عَنّى غَيظَ قَلبى ، وَاغفِر لى ذَنبى ، وأجِرنى مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ ، أسأَلُکَ رِضاکَ وأعوذُ بِکَ مِن سَخَطِکَ ، أسأَلُکَ جَنَّتَکَ وأعوذُ بِکَ مِن نارِکَ ، أسأَلُکَ الخَيرَ کُلَّهُ وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَرِّ کُلِّهِ ، اللّهُمَّ ثَبِّتنى عَلَى الهُدى وَالصَّوابِ ، وَاجعَلنى راضِيا مَرضِيّا ، غَيرَ ضالٍّ ولا مُضِلٍّ . (1)

راجع : ص 258 (برکات الاستعاذه / کظم الغيظ) .

ب النَّومُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا أوَيتَ إلى فِراشِکَ، فَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِن شَرِّ يَومِ القِيامَهِ ، ومِن شَرِّ الحِسابِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أنتَ أوَيتَ إلى فِراشِکَ ، فَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِن کُرَبِ يَومِ القِيامَهِ وسوءِ الحِسابِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أوَيتَ إلى فِراشِکَ فَقُل : الحَمدُ للّهِ الَّذى مَنَّ عَلَىَّ فَأفضَلَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، رَبِّ کُلِّ شَىءٍ وإلهِ کُلِّ شَىءٍ ، أعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ . (4)

.

1- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 154 ح 2377 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 338 ح 1 .
2- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 443 نقلاً عن ابن مردويه عن أبى هريره .
3- .تفسير الطبرى : ج 15 الجزء 30 ص 93 ، تفسير ابن کثير : ج 8 ص 370 کلاهما عن أبى هريره ، کنز العمّال : ج 4 ص 151 ح 9953 .
4- .کنز العمّال : ج 15 ص 330 ح 41260 نقلاً عن البزّار عن بريده .

5 / 10 و هنگام این چند حالت

الف حالت خشم
ب حالت خفتن

5 / 10و هنگام این چند حالتالف حالت خشمامام صادق علیه السلام :در هنگام خشم بگو : «بار خدایا ! خشم دلم را از من بِبَر ، و گناهم را بیامرز ، و مرا از فتنه های گم راه کننده ، در پناه خود بدار . خشنودی تو را از تو می خواهم و از ناخشنودی ات ، به تو پناه می آورم . بهشتت را از تو می خواهم و از آتشت به تو پناه می آورم . همه خوبی را از تو می خواهم و از همه بدی ، به تو پناه می آورم . بار خدایا ! مرا بر راستی و درستی ، پایدار بدار و چنانم گردان که از تو خشنود باشم و تو از من خشنود باشی ، و گم راه و گم راهگر نباشم» .

ر . ک : ص 259 (برکت های پناه بردن به خدا / فرو نشاندن خشم) .

ب حالت خفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون به بستر خود رفتی ، از گزند [و سختیِ] روز رستاخیز و از سختیِ حسابرسی ، به خدا پناه ببر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه به رختخوابت رفتی، از اندوه های روز رستاخیز و سختی حسابرسی ، به خدا پناه ببر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه به بسترت رفتی ، بگو : «ستایش خدای را که به من نعمت داد و لطف نمود ، و ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است ؛ پروردگار همه چیز و معبود همگان . از آتش ، به خدا پناه می برم» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لِيَقُل أحَدُكُم حينَ يُريدُ أن يَنامَ : آمَنتُ بِاللّهِ وكَفَرتُ بِالطّاغوتِ (1) ، وَعدُ اللّهِ حَقٌّ وصَدَقَ المُرسَلونَ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن طَوارِقِ هذَا اللَّيلِ ، إلّا طارِقا يَطرُقُ بِخَيرٍ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :كانَ [النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله] يَقولُ عِندَ مَضجَعِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ ، وكَلِماتِكَ التّامَّةِ ، مِن شَرِّ ما أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ... . (3)

المعجم الصغير عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أوى إلى فِراشِهِ قالَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَلوعا (4) ، ومِنَ الجوعِ ضَجيعا . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله إذا أوى إلى فِراشِهِ : اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ ورَبَّ الأَرضِ ، ورَبَّ كُلِّ شَىءٍ ، فالِقَ (6) الحَبِّ وَالنَّوى ، مُنَزِّلَ التَّوراهِ وَالإِنجيلِ وَالقُرآنِ ، أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ . (7)

.

1- .الطاغوت : هو الشيطان أو ما يزيّن لهم أن يعبدوه من الأصنام وغيرها (النهايه : ج 3 ص 128 «طغا») .
2- .المعجم الكبير : ج 3 ص 297 ح 3454 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 448 ح 1676 كلاهما عن أبى مالك الأشعرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 336 ح 41287 .
3- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 312 ح 5052 عن الحرث وأبى ميسره ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 412 ح 7732 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 84 ، الدعاء للطبرانى : ص 97 ح 237 كلّها عن الحارث وأبى ميسره ، كنز العمّال : ج 15 ص 510 ح 41988 .
4- .وَلِعتُ بالشىء وَلوعا : أى مُغرىً به ومنه الحديث «كان مُولعا بالسّواك» (النهايه : ج 5 ص 226 «ولع») .
5- .المعجم الصغير : ج 2 ص 47 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 173 ح 7196 وراجع الإقبال : ج 2 ص 218 و بحار الأنوار : ج 91 ص 75 ح 3 .
6- .فالِقُ الحبِّ والنّوى : أى الذى يشقّ حبّه الطعام ونوى التّمر للإنبات (النهايه : ج 3 ص 471 «فلق») .

7- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 312 ح 5051 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 472 ح 3400 ، الأدب المفرد : ص 354 ح 1212 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 395 ح 7668 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 325 ح 8969 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 194 ح 3715 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما هنگامی که خواست بخوابد ، بگوید : «به خداوند یکتا ایمان دارم و به شیطان کافرم . وعده خدا راست است و پیامبران ، راست گفته اند . بار خدایا ! از پیشامدهای این شب ، به تو پناه می برم ، مگر پیشامد خوب» .

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خفتن می گفت : «بار خدایا ! پناه می برم به روی گرامی تو و به کلمات تامّت ، از گزند هر آنچه کاکل آن در دست توست ... » .

المعجم الصغیر به نقل از عایشه : پیامبر خدا هرگاه به بستر می رفت ، می گفت : «بار خدایا ! به تو پناه می برم از شرّ اغوا کننده و از خفتن با گرسنگی (1) » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که به بسترش می رفت : بار خدایا ! ای پروردگار آسمان ها و ای پروردگار زمین ، و ای پروردگار همه چیز ! ای شکافنده دانه و هسته ! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن ! از گزند هر گزندرسانی که مهارش در دست توست ، به تو پناه می برم .

.

1- .احتمال دارد منظور ، خوابیدن از شدّت گرسنگی باشد . احتمال هم دارد کنایه از ناداری و تهی دستی باشد و ممکن است کنایه از چنان ناتوانی ای باشد که شخص ، رمق بر آوردن هیچ حاجتی را ندارد .

المعجم الكبير عن جندب بن عبد اللّه :سافَرنا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله سَفَرا فَأَتاهُ قَومٌ فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، سَهَونا عَنِ الصَّلاهِ فَلَم نُصَلِّ حَتّى طَلَعَتِ الشَّمسُ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تَوَضَّؤوا وصَلّوا ، ثُمَّ قالَ : إنَّ هذا لَيسَ بِالسَّهوِ إنَّ هذا مِنَ الشَّيطانِ ، إذا أخَذَ أحَدُكُم مَضجَعَهُ مِنَ اللَّيلِ فَليَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا أرادَ أحَدُكُمُ النَّومَ فَلا يَضَعَنَّ جَنبَهُ عَلَى الأَرضِ حَتّى يَقولَ : أُعيذُ نَفسى ودينى ، وأهلى ووُلدى ومالى ، وخَواتيمَ عَمَلى ، وما رَزَقَنى رَبّى وخَوَّلَنى ، بِعِزَّهِ اللّهِ ، وعَظَمَهِ اللّهِ ، وجَبَروتِ اللّهِ ، وسُلطانِ اللّهِ ، ورَحمَهِ اللّهِ ، ورَأفَهِ اللّهِ ، وغُفرانِ اللّهِ ، وقُوَّهِ اللّهِ ، وقُدرَهِ اللّهِ ، وجَلالِ اللّهِ ، وبِصُنعِ اللّهِ ، وأركانِ اللّهِ ، وبِجَمعِ اللّهِ ، وبِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وبِقُدرَهِ اللّهِ عَلى ما يَشاءُ ، مِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ (2) ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإِنسِ ، ومِن شَرِّ ما يَدِبُّ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِن السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (3)

كنز العمّال عن أبى عبيد اللّه الجدلى :كانَ عَلِىٌّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام إذا أوى إلى فِراشِهِ قالَ : «عُذتُ بِالَّذى يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ . (4)

.

1- .المعجم الكبير : ج 2 ص 176 ح 1722 ، كنز العمّال : ج 8 ص 229 ح 22681 و ج 7 ص 540 ح 20156 .
2- .الهامّهُ : كلّ ذات سمّ يقتل ، وأمّا ما يسمّ ولا يقتل فهو السامّه ، كالعقرب والزنبور (النهايه : ج 5 ص 275 «همم») .
3- .الخصال : ص 631 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّه الداعى : ص 266 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 191 ح 1 .
4- .كنز العمّال : ج 15 ص 511 ح 41992 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق .

المعجم الکبیر به نقل از جندب بن عبد اللّه : با پیامبر خدا به سفری رفتیم . عدّه ای نزد ایشان آمدند و گفتند : ای پیامبر خدا! از نماز غافل گشتیم و نماز نخواندیم ، تا آن که خورشید طلوع کرد . پیامبر خدا فرمود : «وضو سازید و نماز بگزارید» و سپس فرمود : «این ، از غفلت نیست . این ، کار شیطان است . هرگاه یکی از شما شب به بسترش رفت ، بگوید : به نام خدا . از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم » .

امام علی علیه السلام :هر گاه یکی از شما خواست بخوابد ، پیش از آن که پهلویش را بر زمین نهد ، بگوید : «خودم و دینم را و زن و فرزندان و دارایی ام را و آخرین اعمالم را و آنچه را که پروردگارم روزی ام کرده و به من داده است ، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و اقتدار خدا و سلطنت خدا و مِهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و توانایی خدا و شُکوه خدا و سازندگی خدا و ارکان خدا و جمع [کردن]خدا ، و در پناه پیامبر خدا و در پناه توانا بودن خدا بر آنچه می خواهد ، در می آورم ، از گزند زهرداران ناکُشنده و کُشنده ، و از گزند جن و انس ، و از گزند هر آنچه بر روی زمین می جنبد و آنچه از زمین بیرون می آید ، و از گزند هر آنچه از آسمانْ فرود می آید و آنچه به آسمانْ بالا می رود ، و از گزند هر جانوری که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست . به راستی که پروردگار من ، بر راه راست است و او بر هر چیزی تواناست ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» .

کنز العمّال به نقل از عبید اللّه جدلی : علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه به بسترش می رفت ، هفت بار می گفت : «به آن خدایی که آسمان را از افتادن بر زمین نگه داشته است (مگر او خود اجازه اش دهد) ، پناه می برم از شیطانِ رانده شده» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن قالَ إذا أوى إلى فِراشِهِ : «اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلا شَىءَ قَبلَکَ ... أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّکَ عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ» نَفَى اللّهُ عَنهُ الفَقرَ ، وصَرَفَ عَنهُ شَرَّ کُلِّ دابَّةٍ . (1)

الكافى عن مفضّل بن عمر :قالَ لى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنِ استَطَعتَ أَلّا تَبيتَ لَيلَةً حَتّى تَعَوَّذَ بِأَحَدَ عَشَرَ حَرفا . قُلتُ : أخبِرنى بِها ؟ قالَ : قُل : «أعوذُ بِعِزَّةِ اللّهِ ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَلالِ اللّهِ ، وأعوذُ بِسُلطانِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَمالِ اللّهِ ، وأعوذُ بِدَفعِ اللّهِ ، وأعوذُ بِمَنعِ اللّهِ ، وأعوذُ بِجَمعِ اللّهِ ، وأعوذُ بِمُلکِ اللّهِ ، وأعوذُ بِوَجهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وبَرَأَ وذَرَأَ» ، وتَعَوَّذ بِهِ کُلَّما شِئتَ . (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام :لا يَدَعِ الرَّجُلُ أن يَقولَ عِندَ مَنامِهِ : «اُعيذُ نَفسى وذُرِّيَّتى ، وأهلَ بَيتى ومالى ، بِکَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ ، مِن کُلِّ شَيطانٍ وهامَّةٍ ، ومِن کُلِّ عَينٍ لامَّةٍ» فَذلِکَ الَّذى عَوَّذَ بِهِ جَبرَئيلُ عليه السلام الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهماالسلام . (3)

ج الاِستيقاظُرسول اللّه صلى الله عليه و آله إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ : أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، مِن هَمزِهِ (4) ونَفخِهِ ونَفثِهِ (5) . (6)

.

1- .فلاح السائل : ص 494 ح 345 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 76 ص 214 ح 23 .
2- .الكافى : ج 2 ص 537 ح 9 ، فلاح السائل : ص 477 ح 323 ، طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 119 ، مصباح المتهجّد : ص 120 ، البلد الأمين : ص 33 ، المصباح للكفعمى : ص 66 والثلاثه الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 205 ح 23 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 470 ح 1352 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 116 ح 436 وليس فيه «الحسن و» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 44 ح 2101 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 196 ح 12 .

4- .هَمَزات الشياطين : خطراته التى يخطرها بقلب الإنسان (الصحاح : ج 3 ص 902 «همز») .
5- .النَّفْثُ : قذف الريق القليل ، وهو أقلّ من التفل (مفردات ألفاظ القرآن : ص 816 «نفث») .
6- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 206 ح 775 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 10 ح 242 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 300 ح 1219 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 238 ح 467 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 2 ص 204 ح 3766 .

ج بیدار شدن از خواب

امام زین العابدین علیه السلام :هر کس هنگامی که به رخت خوابش می رود ، بگوید : «بار خدایا! تو نخستینی و چیزی پیش از تو نیست ... . از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست ، به تو پناه می برم ، که تو به راه راستی» ، خداوندْ فقر را از او می برد ، و خطر هر جنبنده ای را از او می گرداند .

الکافی به نقل از مفضّل بن عمر : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «تا می توانی ، هیچ شبی سر بر بالین مگذار ، مگر آن که با یازده کلمه به خدا پناه بری» . گفتم : مرا از آنها آگاه کنید . فرمود : «بگو : به عزّت خدا پناه می برم ، به توانایی خدا پناه می برم ، به شُکوه خدا پناه می برم ، به سلطنت خدا پناه می برم ، به زیبایی خدا پناه می برم ، به دفع خدا [از بدی و عذاب] پناه می برم ، به بازدارندگی خدا پناه می برم ، به جمع کردن خدا پناه می برم ، به دارایی خدا پناه می برم ، به روی خدا پناه می برم و به پیامبر خدا پناه می برم از گزند آنچه خدا آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است . هر زمان که خواستی ، به اینها پناه ببر و اینها به اوقات معیّنی اختصاص ندارند» .

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از محمّد بن مسلم ، از امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام : شخص در هنگام خوابیدن ، این دعا را فرو نگذارد : «خودم و فرزندانم را و خانواده ام و دارایی ام را در پناه کلمات کامل خدا در آوردم از هر شیطانی و هر گزنده کُشنده ای ، و از هر چشم زخم زننده ای» ؛ زیرا این ، دعایی است که جبرئیل علیه السلام حسن و حسین علیهماالسلام را با آن تعویذ کرد .

ج بیدار شدن از خوابپیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه شب بر می خاست : به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده ، از وسوسه ها و القائات و زهرافکنی او .

.

عنه صلى الله عليه و آله أَنَّهُ كانَ يَقولُ إذَا استَيقَظَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ خَيرَ هذَا اليَومِ ونورَهُ ، وهُداهُ وبَرَکَتَهُ ، وطَهورَهُ ومُعافاتِهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأ لُکَ خَيرَهُ وخَيرَ ما فيهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ . (1)

د الرُّؤيَا المَکروهَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَأى فى مَنامِهِ خَيرا فَليَحمَدِ اللّهَ وَليَشکُرهُ ، ومَن رَأى غَيرَ ذلِکَ فَليَستَعِذ بِاللّهِ فَلا يَذکُرها ، فَإِنَّها لا تَضُرُّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُکُم فى مَنامِهِ ما يَکرَهُ ، فَليَنفُث (3) عَن يَسارِهِ ثَلاثا ، وَليَستَعِذ بِاللّهِ مِمّا رَأى . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُکُم رُؤيا يَکرَهُها فَليَتَحَوَّل ، وَليَتفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثا ، وَليَسأَلِ اللّهَ مِن خَيرِها ، وَليَتَعَوَّذ مِن شَرِّها . (5)

.

1- .مکارم الأخلاق : ج 1 ص 94 ح 181 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 202 ح 19 .
2- .کنز العمّال : ج 15 ص 373 ح 41437 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد عن أبى هريره .
3- .فلينفث ؛ أى فليتفل تفلاً خفيفا وإن لم يخرج معه شىء من البزاق (بحار الأنوار : ج 61 ص 193) .
4- .السنن الکبرى للنسائى : ج 6 ص 225 ح 10741 ، المعجم الکبير : ج 23 ص 260 ح 544 کلاهما عن اُمّ سلمه ، کنز العمّال : ج 15 ص 373 ح 41435 .
5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1286 ح 3910 عن أبى هريره و ح 3909 عن أبى قتاده ، وح 3908 عن جابر بن عبد اللّه وکلاهما نحوه ، کنز العمّال : ج 15 ص 363 ح 41387 .

د دیدن خواب ناخوش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که از خواب بیدار می شد : بار خدایا! خوبیِ این روز و روشنایی آن را و هدایت و برکتش را و پاکی و سلامتش را از تو درخواست می کنم . بار خدایا! خوبیِ این روز و خوبی آنچه را در آن است ، از تو می خواهم و از بدی آن و بدی روزهای پس از آن ، به تو پناه می برم .

د دیدن خواب ناخوشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خواب خوشی دید ، خدا را بستاید و سپاسش بگوید ، و هر کس غیر آن دید ، به خدا پناه برد و خوابش را بازگو نکند ، که در این صورت ، به او آسیبی نخواهد رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید ، سه بار در سمت چپ خود ، بدمَد 1 و از آنچه دیده است ، به خدا پناه برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید ، به پهلوی دیگر بچرخد و سه بار در سمت چپش آب دهان بیندازد و از خدا خیر بودن آن خواب را بخواهد و از شرّ آن به او پناه برد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُكُم رُؤيا يُحِبُّها فَإنَّما هِيَ مِنَ اللّهِ ، فَلِيَحمَدِ اللّهَ عَلَيها وَليُحَدِّث بِها ، وإذا رَأى غَيرَ ذلِكَ مِمّا يَكرَهُ فَإنَّما هِيَ مِنَ الشَّيطانِ ، فَليَستَعِذ مِن شَرِّها ولا يَذكُرها لِأَحَدٍ ، فَإنَّها لا تَضُرُّهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الرُّؤيَا الحَسَنَةُ مِنَ اللّهِ ، فَإذا رَأى أحَدُكُم ما يُحِبُّ فلا يُحَدِّث بِهِ إلّا مَن يُحِبُّ ، وإذا رَأى ما يَكرَهُ فَليَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِن شَرِّها ومِن شَرِّ الشَّيطانِ ، وَليَتفُل ثَلاثا ، ولا يُحَدِّث بِها أحَدا ، فَإنَّها لَن تَضُرَّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُكُم رُؤيا يَكرَهُها فَليَتفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ لِيَقُل : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن عِلمِ (3) الشَّيطانِ ، وسَيِّئاتِ الأَحلامِ» ، فَإنَّها لا تَكونُ شَيئا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأى أحَدُكُم فى مَنامِهِ ما يَكرَهُ فَليَقُل : «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَهُ اللّهِ ورُسُلُهُ مِمّا رَأيتُ فى مَنامى هذا ، أن يُصيبَنى بَلاءٌ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ» ، وَليَتفُل عَن شِمالِهِ ثَلاثا ، فَإنَّها لا تَضُرُّهُ إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِفاطِمَهَ عليهاالسلام فى رُؤياهَا الَّتى رَأتها : قولى : «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَهُ اللّهِ المُقَرَّبونَ ، وأنبِياؤُهُ المُرسَلونَ ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ ، مِن شَرِّ ما رَأيتُ فى لَيلَتى هذِهِ ، أن يُصيبَنى مِنهُ سوءٌ أو شَىءٌ أكرَهُهُ» ، ثُمَّ انقَلِبى (6) عَن يَسارِكِ ثَلاثَ مَرّاتٍ . (7)

.

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2563 ح 6584 و ص 2582 ح 6638 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 505 ح 3453 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 19 ح 11054 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 223 ح 10729 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 365 ح 41396 .
2- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2582 ح 6637 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1772 ح 4 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 373 ح 22646 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 561 ح 2066 كلّها عن أبى قتاده وفيها «الصالحه» بدل «الحسنه» ،

كنز العمّال : ج 15 ص 372 ح 41431 ؛ عدّه الداعى : ص 261 عن أبى قتاده ، بحار الأنوار : ج 61 ص 174 ح 34 .
3- .كذا فى المصدر ، وفى الأذكار للنووى : «عمل الشيطان» .
4- .عمل اليوم والليله لابن السنّى : ص 269 ح 770 عن أبى هريره ، الأذكار للنووى : ص 95 ، كنز العمّال : ج 15 ص 364 ح 41388 .
5- .كنز العمّال : ج 15 ص 373 ح 41436 نقلاً عن الفردوس عن أبى هريره .
6- .فى فلاح السائل : «واتفلى» بدل «وانقلبى» . وقال العلّامه المجلسى قدس سره معلّقا : الظاهر أنّه كان «ثمّ اتفلى عن يسارک ثلاث مرّات» . . . وعليه لعلّ المراد الانقلاب عن اليمين إلى اليسار ثلاث مرّات ؛ بأن ينقلب أوّلاً إلى اليسار ثمّ إلى اليمين ثمّ إلى اليسار وهكذا ، ويحتمل أن يكون متعلّقا بالقول فقط ؛ أى يقوله ثلاث مرّات ثمّ ينقلب (مرآه العقول : ج 25 ص 343) .
7- .الكافى : ج 8 ص 142 ح 107 عن أبى الورد ، فلاح السائل : ص 502 ح 358 عن عبد اللّه بن عثمان عن الإمام الباقر والصادق عليهماالسلامنحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 220 ح 29 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد ، آن خواب از خداست . پس خدا را بر آن بستاید و خوابش را بازگو کند ، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد ، آن خواب از جانب شیطان است . پس ، از شرّ آن به خدا پناه ببرد و برای کسی بازگویش نکند ، که در این صورت ، به او آسیبی نخواهد رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رؤیای خوب ، از جانب خداست . پس هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد ، آن را جز به کسی که دوستش دارد ، نگوید ، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد ، از شرّ آن و از شرّ شیطان ، به خدا پناه ببرد و سه مرتبه آب دهان بیندازد و خوابش را به کسی نگوید ؛ زیرا در این صورت ، هرگز به او آسیبی نخواهد رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما خواب بدی دید ، سه مرتبه از سمت چپ خود ، آب دهان بیندازد و سپس بگوید : «بار خدایا ! از آگاهی شیطان و رؤیاهای بد ، به تو پناه می برم» . در این صورت ، اتّفاقی نخواهد افتاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کسی از شما در خوابش چیزی دید که خوش ندارد ، بگوید :«از آنچه در این خوابم دیدم ، پناه می برم به چیزی که فرشتگان خدا و پیامبرانش به آن پناه بردند ، از این که در دنیا و آخرت به من صدمه ای رسد» و سه بار از سمت چپ خود ، آب دهان بیندازد . در این صورت ، به خواست خدا ، صدمه ای به او نخواهد رسید .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا به فاطمه علیهاالسلام در باره خوابی که دیده بود ، فرمود : «بگو : پناه می برم به آنچه فرشتگان مقرّب خدا ، و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند ، از شرّ خوابی که امشب دیدم ، از این که از آن به من صدمه ای یا ناخوشایندی ای رسد» . سپس ، سه مرتبه از سمت چپت بچرخ . (1)

.

1- .در فلاح السائل ، به جای «انقلبی (بچرخ)» ، «اتفلی (آب دهان بینداز)» آمده است . علّامه مجلسی رحمه الله در توضیح مطلب می گوید : ظاهر ،

این است که : «سپس از سمت چپت ، سه بار آب دهان بینداز» ... . بنا بر این ، شاید مراد از چرخ زدن ، سه بار برگشتن از دست راست به دست چپ باشد ، به این ترتیب که اوّل به سمت چپ برگردد ، سپس به راست و سپس به چپ و به همین ترتیب . احتمال هم دارد که عبارت سه مرتبه ، به گفتن مربوط باشد ؛ یعنی سه مرتبه آن جملات را بگوید و سپس برگردد .

الإمام الصادق علیه السلام :قالَ جَبرَئیلُ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله : قُل یا مُحَمَّدُ إذا رَأیتَ فی مَنامِکَ شَیئا تَکرَهُهُ ، أو رَأی أحَدٌ مِنَ المُؤمِنینَ فَلیَقُل : «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِکَهُ اللّهِ المُقَرَّبونَ ، وأنبِیاءُ اللّهِ المُرسَلونَ ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ ، مِن شَرِّ ما رَأیتُ مِن رُؤیایَ» ، وَیقرَأُ الحَمدَ ، وَالمُعَوِّذَتَینِ ، وقُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ ، ویَتفُلُ عَن یَسارِهِ ثَلاثَ تَفَلاتٍ ، فَإِنَّهُ لا یَضُرُّهُ ما رَأی . (1)

عنه علیه السلام :إذا رَأَی الرَّجُلُ ما یَکرَهُ فی مَنامِهِ فَلیَتَحَوَّل عَن شِقِّهِ الَّذی کانَ عَلَیهِ نائِما وَلیَقُل : «إِنَّمَا النَّجْوَی مِنَ الشَّیْطَنِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ لَیْسَ بِضَارِّهِمْ شَیْئا إِلَا بِإِذْنِ اللّهِ» (2) ثُمَّ لِیَقُل : عُذتُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِکَهُ اللّهِ المُقَرَّبونَ ، وأنبِیاؤُهُ المُرسَلونَ ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ ، مِن شَرِّ ما رَأیتُ ، ومِن شَرِّ الشَّیطانِ الرَّجیمِ . (3)

.

1- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 356 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 43 ص 91 ح 14 .
2- .المجادله : 9 .
3- .الکافی : ج 8 ص 142 ح 106 ، فلاح السائل : ص 501 ح 357 کلاهما عن معاویه بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 127 ح 206 نحوه من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 219 ح 28 .

امام صادق علیه السلام :جبرئیل به محمّد صلی الله علیه و آله گفت : ای محمّد! هر گاه تو یا یکی از مؤمنان ، خواب ناخوشایندی دیدید ، بگویید : «از شرّ خوابی که دیدم ، به چیزی پناه می برم که فرشتگان مقرّب خدا و پیامبران فرستاده خدا و بندگان نیک او به آن پناه بردند» و سوره های حمد و معوذّتین و «قل هو اللّه احد» را بخوانید و از سمت چپ خود ، سه بار آب دهان بیندازید ، که در این صورت ، خوابی که دیده اید ، به شما گزندی نخواهد رساند .

امام صادق علیه السلام :هر گاه مردی خواب بدی دید ، از آن سمت بدنش که خوابیده است ، به سمت دیگر برگردد و بگوید : «به راستی که نجوا کردن ، کار شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین سازد ، در حالی که به آنان هیچ گزندی نمی زند ، مگر با اجازه خدا» و سپس بگوید : «از گزند خوابی که دیدم و از گزند شیطانِ رانده شده به آن پناه می برم که فرشتگان مقرّب خدا و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند» .

.

ه الفَزَعُ والوَحشَهُمكارم الأخلاق :إن فَزِعتَ مِنَ اللَّيلِ فَقُل عَشرَ مَرّاتٍ : «أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ مِن غَضَبِهِ ، ومِن عِقابِهِ ، ومِن شَرِّ عِبادِهِ ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ [وأعوذُ بِکَ رَبِّ] (1) أن يَحضُرونِ» فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَأمُرُ بِهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا أصابَ أحَدا مِنكُم وَحشَهٌ ، أو نَزَلَ بِأرضٍ مَجَنَّهٍ (3) فَليَقُل : أعوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّامّاتِ الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، مِن شَرِّ ما يَلِجُ فِى الأرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، وما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن فِتَنِ اللَّيلِ ومِن طوارِقِ النَّهارِ إلّا طارِقا يَطرُقُ بِخَيرٍ . (4)

و المُصيبَهُالإمام علىّ عليه السلام فِى دُعاءٍ يَلجَأُ فيهِ إلَى اللّهِ لِيَهدِيَهُ إلَى الرَّشادِ : اللّهُمَّ إنَّکَ آنَسُ الآنِسينَ لِأَولِيائِکَ ... إن أوحَشَتهُمُ الغُربَهُ آنَسَهُم ذِكرُکَ ، وإن صُبَّت عَلَيهِمُ المَصائِبُ لَجَؤوا إلَى الاِستِجارَهِ بِکَ ، عِلما بِأنَّ أزِمَّهَ الاُمورِ بِيَدِکَ ، ومَصادِرَها عَن قَضائِکَ . (5)

عنه عليه السلام :إلهى ، كُلُّ مَكروبٍ إلَيکَ يَلتَجِئُ ، وكُلُّ مَحرومٍ لَکَ يَرتَجى . (6)

.

1- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
2- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 45 ح 2104 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 196 ح 12 .
3- .أرض مجنّهٌ : ذات جنّ (الصحاح : ج 5 ص 2094 «جنن») .
4- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 300 نقلاً عن أبى نصر السجزى فى الإبانه عن ابن عبّاس ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 119 ح 99 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 227 ، مصباح المتهجّد : ص 355 ح 473 ، جمال الأُسبوع : ص 237 كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 329 ح 40 .
6- .المزار الكبير : ص 152 ، المزار للشهيد الأوّل : ص 274 كلاهما عن ميثم ، البلد الأمين : ص 313 عن الإمام فالعسكرى عن آبائه عليهم السلام وفيه «محزون» بدل «محروم» ، بحار الأنوار : ج 100 ص 451 ح 26 .

ه ترس و دلهره و مصیبت

ه ترس و دلهرهمکارم الأخلاق :اگر از شب ترسیدی ، ده مرتبه بگو : «پناه می برم به کلمات خدا از خشم او و از کیفرش و از گزند بندگانش و از وسوسه های شیاطین [و به تو پناه می برم ای پروردگار من] از این که شیاطین ، نزد من آیند» ؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به این کار دستور می داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما وحشت زده شد ، یا در سرزمینی جن دار فرود آمد ، بگوید : «به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها فراتر نمی رود ، پناه می برم از گزند هر آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن برون می آید ، و آنچه از آسمانْ فرود می آید و آنچه در آن بَر می شود ، و از فتنه های شب و پیشامدهای روز ، مگر پیشامد خوب» .

و مصیبتامام علی علیه السلام در دعایی که در آن به خدا پناه می برد تا او را به راستی و درستی ، ره نمون شود : بار خدایا! تو برای دوستانت ، انیس ترینِ انیسانی ... . اگر تنهاییِ غربتْ آنان را فراگیرد ، یاد تو مونس ایشان است و اگر مصیبت ها بر آنان فرو ریزد ، به حمایت خواهی از تو پناه می برند ؛ چرا که می دانند زمام کارها در دست توست و خاستگاه آنها ، فرمان توست .

امام علی علیه السلام :معبود من! هر غم زده ای به تو پناه می آورد و هر محرومی ، امیدش به توست .

.

ز المَرَضُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ضَع يَدَكَ عَلَى الَّذى تَأَلَّمَ مِن جَسَدِكَ ، وقُل : «بِاسمِ اللّهِ» ثَلاثا ، وقُل سَبعَ مَرّاتٍ : «أعوذُ بِاللّهِ وقُدرَتِهِ مِن شَرِّ ما أجِدُ وأُحاذِرُ» . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا وَجَدَ أحَدُكُم أَلَما فَليَضَع يَدَهُ حيثُ يَجِدُ أَلَمَهُ ، ثُمَّ لِيَقُل سَبعَ مَرّاتٍ : أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ عَلى كُلِّ شَىءٍ ، مِن شَرِّ ما أجِدُ . (2)

مكارم الأخلاق :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا رَأى فى جِسمِهِ بَثرَةً (3) عاذَ بِاللّهِ ، وَاستَكانَ لَهُ ، وجَأَرَ (4) إلَيهِ ، فَيُقالُ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ما هُوَ بَأسٌ ! فَيَقولُ : إنَّ اللّهَ إذا أرادَ أن يُعَظِّمَ صَغيرا عَظَّمَ ، وإذا أراد أن يُصَغِّرَ عَظيما صَغَّرَ . (5)

سنن الترمذى عن ابن عبّاس :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يُعَلِّمُهُم مِنَ الحُمّى ومِنَ الأوجاعِ كُلِّها أن يَقولَ : بِاسمِ اللّهِ الكَبيرِ ، أعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ (6) ، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ . (7)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 1728 ح 67 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 249 ح 10839 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1164 ح 3522 وليس فيه «ثلاثا» ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 231 ح 2964 و ص 233 ح 2967 كلّها عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمّال : ج 10 ص 62 ح 28374 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 245 ح 2591 نحوه وليس فيه «ثلاثا وقل سبع مرّات» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 16 ح 16 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 339 ح 27249 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 93 ح 179 ، الدعاء للطبرانى : ص 345 ح 1134 كلّها عن كعب بن مالك ، كنز العمّال : ج 10 ص 58 ح 28347 .
3- .بَثَر الجِلدُ : خَرَجَ به خُرّاج صغير ، واحدته : بثره (المصباح المنير : ص 36 «بثر») .
4- .الجُؤار : رَفْعُ الصَّوتِ والاستغاثه ، جأر يجأرُ (النهايه : ج 1 ص 232 «جأر») .

5- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 169 ح 2415 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 211 ح 30 .
6- .عِرْقٌ نَعّار : فار منه الدّم ، أو صوّت لخروج الدّم (القاموس المحيط : ج 2 ص 145 «نعر») .
7- .سنن الترمذى : ج 4 ص 405 ح 2075 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1165 ح 3526 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 643 ح 2729 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 459 ح 8274 ، كنزِ العمّال : ج 7 ص 135 ح 18370 ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 20 ح 12 نقلاً عن الشهاب .

ز بیماری

ز بیماریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دستت را بر جایی از بدنت که درد می کند ، بگذار و سه بار بگو : «به نام خدا » و هفت بار بگو : «به خدا و توانایی او پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم و می پرهیزم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما دردی داشت ، دست خود را بر موضع دردش بگذارد و سپس هفت بار بگوید : «به عزّت خدا و توانایی او بر هر چیز ، پناه می برم از شرّ آنچه احساس می کنم» .

مکارم الأخلاق :پیامبر خدا هر گاه در بدن خود ، جوش چرکینی می دید ، به خدا پناه می برد و بر این خواری می نمود و به درگاهش زار می زد . به ایشان می گفتند : این که چیز مهمّی نیست ، ای پیامبر خدا! ایشان می فرمود : «خداوند اگر بخواهد کوچکی را بزرگ کند ، بزرگش می سازد و اگر بخواهد بزرگی را کوچک کند ، کوچکش می گرداند» .

سنن الترمذی به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان می آموخت که هنگام تب و هر دردی بگویند : «به نام خدای بزرگ . پناه می برم به خدای باعظمت از گزند هر رگ جهنده ای ، و از گزند گرمای آتش .

.

مكارم الأخلاق عن ابن عبّاس :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يُعَلِّمُنا مِنَ الأَوجاعِ كُلِّها وَالحُمّى وَالصُّداعِ : بِاسمِ اللّهِ الكَبيرِ ، أعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ ، ومِن شرِّ حَرِّ النّارِ . وإذا رَفَعتَ يَدَكَ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ وقُدرَتِهِ عَلى ما يَشاءُ ، مِن شَرِّ ما أجِدُ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إذَا اشتَكَى الإنسانُ فَليَقُل : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، ومُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ ، وأعوذُ بِقُدرَهِ اللّهِ عَلى ما يَشاءُ ، مِن شَرِّ ما أجِدُ . (2)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :إذا دَخَلتَ عَلى مَريضٍ فَقُل : «أُعيذُكَ بِاللّهِ العَظيمِ ، رَبِّ العَرشِ العَظيمِ ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ (3) ، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ . (4)

طبّ الأئمّه لابنى بسطام عن محمّد بن إبراهيم :دَخَلَ رَجُلٌ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام وقَد عَرَضَ لَهُ خَبلٌ (5) ، فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ إذا أوَيتَ إلى فِراشِكَ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، آمَنتُ بِاللّهِ وكَفَرتُ بِالطّاغوتِ ، اللّهُمَّ احفَظنى فى مَنامى ويَقَظَتى ، أعوذُ بِعِزَّهِ اللّهِ وجَلالِهِ مِمّا أجِدُ وأحذَرُ . (6)

مكارم الأخلاق عن عثمان بن عيسى :شَكا رَجُلٌ إلى أبِى الحَسَنِ عليه السلام : أنَّ بى زَحيرا (7) لا يَسكُنُ ! فَقالَ : إذا فَرَغتَ مِن صَلاهِ اللَّيلِ فَقُل : اللّهُمَّ ما كانَ مِن خَيرٍ فَمِنكَ لا حَمدَ لى فيهِ ، وما عَمِلتُ مِن سوءٍ فَقَد حَذَّرتَنيهِ ولا عُذرَ لى فيهِ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن أتَّكِلَ عَلى ما لا حَمدَ لى فيهِ ، أو آمَنَ ما لا عُذرَ لى فيهِ . (8)

.

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 262 ح 2616 ، الدعوات : ص 208 ح 565 نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 28 ح 12 .
2- .الكافى : ج 2 ص 567 ح 13 ، طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 39 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 95 ص 7 ح 4 .

3- .فی مکارم الأخلاق والمقنع : «نعّار» بدل «نفّار» وهو الأنسب ، کما فی أحادیث متقدّمه .
4- .الکافی : ج 2 ص 567 ح 12 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 244 ح 2589 کلاهما عن زراره ، طبّ الأئمّه لابنی بسطام : ص 118 عن حریز بن عبد اللّه السجستانی عن الإمام الباقر علیه السلام نحوه ، المقنع للصدوق : ص 54 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 228 ح 40 .
5- .الخَبْلُ بسکون الباء : فسادُ الأعضاء ، یُقال : خبَلَ الحبُّ قلبه : إذا أفسدهُ (النهایه : ج 2 ص 8 «خبل») .
6- .طبّ الأئمّه لابنی بسطام : ص 107 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 149 ح 5 .
7- .الزَّحیرُ : استطلاق البطن (الصحاح : ج 2 ص 668 «زحر») .
8- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 276 ح 2634 ، الدعوات : ص 199 ح 547 ، طبّ الأئمّه لابنی بسطام : ص 100 نحوه وفیه «قرقره» بدل «زحیرا» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 76 ح 2 .

مکارم الأخلاق به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله برای [رفع] کلّیه دردها و تب و سردرد ، این دعا را به ما می آموخت : «[بگو:] به نام خدای بزرگ . به خدای باعظمت ، پناه می برم از گزند هر رگ جهنده ای و از گزند گرمای آتش . و هر گاه دستت را بالا بردی ، بگو : به نام خدا و به یاری خدا . محمّد ، پیامبر خداست . به خدا و توانایی او بر هر چیز ، پناه می برم از گزند آنچه [از درد] احساس می کنم » .

امام باقر علیه السلام :هر گاه انسان دردمند شد ، بگوید : «به نام خدا و به کمک خدا . محمّد ، فرستاده خداست . به عزّت خدا پناه می برم و به توانایی خدا بر آنچه می خواهد ، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم» .

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام :هر گاه به نزد بیماری رفتی ، هفت بار بگو : «تو را در پناه خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، در می آورم از گزند هر رگ آماسیده ای و از گزند تَف آتش» .

طبّ الأئمّه علیهم السلام، ابنا بسطام به نقل از محمّد بن ابراهیم : مردی که دچار سستی اندام بود ، بر امام صادق علیه السلام درآمد . امام علیه السلام به او فرمود : «هرگاه به بسترت رفتی ، این دعا را بخوان : به نام خدا و به یاری خدا . به خدا ایمان آوردم و به اهریمن کافرم . بار خدایا! مرا در خواب و بیداری ام محافظت فرما . به عزّت و جلال خدا پناه می برم از آنچه می یابم و [از آن] حذر دارم » .

مکارم الأخلاق به نقل از عثمان بن عیسی : مردی به ابوالحسن علیه السلام (1) شکایت کرد و گفت : مدّتی است دچار اسهال هستم و قطع نمی شود . فرمود : «پس از خواندن نماز شب ، بگو : بار خدایا! هر خوبی ای که [در من] هست ، از توست و هیچ ستایشی در باره آن متوجّه من نیست ، و هر بدی که انجام داده ام ، تو [پیش تر] مرا از آن پرهیز داده ای و در انجام دادن آن ، عذری ندارم . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به چیزی تکیه کنم که در آن ، ستایشی متوجّه من نیست ، یا از چیزی در امان باشم که مرا در آن ، عذری نیست » .

.

1- .منظور ، امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

ح الاِحتِضارُطبّ الأئمّه لابنى بسطام عن حريز بن عبد اللّه عن الإمام الباقر عليه السلام :إذا دَخَلتَ عَلى مَريضٍ وهُوَ فِى النَّزعِ الشَّديدِ فَقُل لَهُ : اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ يُخَفِّفِ اللّهُ عَنكَ : «أعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ ، رَبِّ العَرشِ الكَريمِ ، مِن كُلِّ عِرقٍ نَفّارٍ ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ لَقِّنهُ كَلِماتِ الفَرَجِ . (1)

5 / 11تِلكَ الأَوقاتُأ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ وقَبلَ غُروبِهاالإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ : «أعوذُ بِاللّهِ السَّميعِ العَليمِ مِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ ، وأعوذُ بِكَ رَبِّ أن يَحضُرونِ ، إنَّ اللّهَ هُوَ السَّميعُ العَليمُ» عَشرَ مَرّاتٍ ، قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ وقَبلَ الغُروبِ ، فَإِن نَسيتَ قَضَيتَ كَما تَقضِى الصَّلاةَ إذا نَسيتَها . (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ إبليسَ إنَّما يَبُثُّ جُنودَ اللَّيلِ مِن حينِ تَغيبُ الشَّمسُ إلى مَغيبِ الشَّفَقِ ، ويَبُثُّ جُنودَ النَّهارِ مِن حينِ يَطلُعُ الفَجرُ إلى مَطلَعِ الشَّمسِ . وذَكَرَ أنَّ نَبِىَّ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ : أكثِروا ذِكرَ اللّهِ عز و جلفى هاتَينِ السّاعَتَينِ ، وتَعَوَّذوا بِاللّهِ عز و جل مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ ، وعَوِّذوا صِغارَكُم فى هاتَينِ السّاعَتَينِ ؛ فَإِنَّهُما ساعَتا غَفلَةٍ . (3)

.

1- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 118 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 237 ح 21 .
2- .الكافى : ج 2 ص 533 ح 31 عن أبى خديجه و ح 32 عن محمّد بن مروان ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 45 ح 136 عن الحسين بن المختار و ح 137 ، فلاح السائل : ص 386 ح 260 عن أبى خديجه وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 268 ح 38 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 501 ح 1440 ، الكافى : ج 2 ص 522 ح 2 نحوه ، عدّه الدّاعى : ص 242 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 257 ح 127 .

ح فرا رسیدن مرگ

5 / 11 و در این چند وقت

الف پیش از طلوع و غروب خورشید

ح فرا رسیدن مرگطبّ الأئمّه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از حریز بن عبد اللّه امام باقر علیه السلام فرمود : «هر گاه بر مریضی وارد شدی که به سختی در حال جان کندن است ، به او بگو : هفت مرتبه این دعا را بخوان ، که خداوند تو را سبُک می سازد : به خدای بزرگ ، پروردگار عرش ارجمند ، پناه می برم از هر رگ جهنده ای و از شرّ گرمای آتش دوزخ . سپس کلمات فرج را به او تلقین کن» .

5 / 11و در این چند وقتالف پیش از طلوع و غروب خورشیدامام صادق علیه السلام :پیش از طلوع و غروب خورشید ، ده مرتبه می گویی : «به خدای شنوای دانا پناه می برم از وسوسه های شیطان ها . پناه می برم به تو ای پروردگارم از این که شیطان ها نزد من آیند . به راستی که خدا شنوای داناست» . اگر فراموش کردی ، قضایش را به جای آر ، همچنان که نماز را هر گاه فراموش کنی ، قضایش می نمایی .

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از جابر : امام باقر علیه السلام فرمود : «ابلیس ، از زمانی که خورشید غروب می کند تا ناپدید شدن شفق ، سپاهیان شب را [همه سو] می پراکند ، و از طلوع سپیده تا طلوع خورشید، سپاهیان روز را [همه سو] می پراکند» . و فرمود که پیامبر خدا می فرمود : «در این دو وقت ، خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید و از گزند ابلیس و سپاهیانش ، به خدای عز و جل پناه ببرید ، و در این دو وقت ، کودکان خود را در پناه خدا در آوردید ؛ چرا که این دو وقت ، اوقات غفلت اند» .

.

الكافى عن سليمان الجعفرى :سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ : إذا أمسَيتَ فَنَظَرتَ إلَى الشَّمسِ فى غُروبٍ وإدبارٍ فَقُل : «بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ... وأعوذُ بِوَجهِ اللّهِ الكَريمِ ، وبِاسمِ اللّهِ العَظيمِ ، مِن شَرِّ ما بَرَأَ وذَرَأَ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرى ، ومِن شَرِّ ما بَطَنَ وظَهَرَ ، ومِن شَرِّ ما وَصَفتُ وما لَم أصِف ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ» ذَكَرَ أنَّها أمانٌ مِن كُلِّ سَبُعٍ ، ومِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وذُرِّيَّتِهِ ، وكُلِّ ما عَضَّ أو لَسَعَ ، ولا يَخافُ صاحِبُها إذا تَكَلَّمَ بِها لِصّا ولا غولاً (1) . (2)

ب كُلُّ صَباحٍ ومَساءٍرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا أصبَحَ أحَدُكُم فَليَقُل : «أصبَحنا وأصبَحَ المُلكُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ خَيرَ هذَا اليَومِ ، فَتحَهُ ونَصرَهُ ، ونورَهُ وبَرَكَتَهُ وهُداهُ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما فيهِ ، وشَرِّ ما بَعدَهُ» ، ثُمَّ إذا أمسى فَليَقُل مِثلَ ذلِكَ . (3)

.

1- .الغُولُ : جنس من الجِنّ والشياطين (النهايه : ج 3 ص 396 «غول») .
2- .الكافى : ج 2 ص 569 ح 4 و ص 532 ح 30 عن عبد اللّه بن إبراهيم الجعفرى ، المحاسن : ج 2 ص 118 ح 1324 كلاهما نحوه ، عدّه الداعى : ص 254 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 259 ح 28 .
3- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 322 ح 5084 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 296 ح 3453 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 447 ح 1675 كلّها عن أبى مالك الأشعرى ، كنز العمّال : ج 2 ص 138 ح 3494 .

ب هر بام و شام

الکافی به نقل از سلیمان جعفری : از ابو الحسن علیه السلا (1) شنیدم که می فرماید : «چون هنگام شب رسید و خورشید را در حال غروب کردن و رفتن دیدی ، بگو : به نام خدا و به [یاری] خدا ... و به روی بزرگوار خدا و به نام خدای بزرگ ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده است ، و از گزند آنچه زیر خاک است ، و از گزند آنچه پنهان و آشکار است ، و از گزند آنچه یاد کردم و یاد نکردم ، و ستایش ، از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است » . فرمود : «این دعا ، ایمن می دارد از هر درنده و از شیطانِ رانده شده و فرزندان او ، و از هر جانور گاز گیرنده یا گزنده ، و گوینده این دعا ، هر گاه آن را خواند ، از دزد و دیو نترسد [که دیگر از آنان گزند نمی یابد]» .

ب هر بام و شامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما چون صبح می کند ، بگوید : «صبح کردیم ، در حالی که پادشاهی ، از آنِ خدا ، پروردگار جهانیان ، است . بار خدایا! خوبیِ این روز و گشایش و فیروزی و روشنایی و برکت و هدایت آن را از تو درخواست می کنم و از شرّ آنچه در این روز است و از شرّ روزهای پس از آن ، به تو پناه می برم» . شب که شد نیز همین را بگوید .

.

1- .م ظاهرا مقصود ، امام رضا است .

المعجم الكبير عن البراء بن عازب :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ إذا أصبَحَ وأمسى : أصبَحنا وأصبَحَ المُلكُ للّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ خَيرَ هذَا اليَومِ وخَيرَ ما بَعدَهُ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ هذَا اليَومِ وشَرِّ ما بَعدَهُ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وسوءِ الکِبَرِ (1) ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ النّارِ . (2)

صحيح مسلم عن عبد اللّه ج بن مسعودج :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أمسى قالَ : أمسَينا وأمسَى المُلکُ للّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ هذِهِ اللَّيلَهِ وخَيرِ ما فيها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالهَرَمِ ، وسوءِ الکِبَرِ ، وفِتنَهِ الدُّنيا ، وعَذابِ القَبرِ . (3)

مسند أبى يعلى عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَدعو بِهذِهِ الدَّعَواتِ إذا أصبَحَ وإذا أمسى : «اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن فَجأَهِ الخَيرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فَجأَهِ الشَّرِّ» ، فَإِنَّ العَبدَ لا يدرى ما يَفجَؤُهُ إذا أصبَحَ وإذا أمسى . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فيما يُقالُ عِندَ الصَّباحِ وَالمَساءِ : اللّهُمَّ ... فَإِنّا نَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ أنفُسِنا ، ومِن شَرِّ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وشِرکِهِ ، وأن نَقتَرِفَ سوءا عَلى أنفُسِنا ، أو نَجُرَّهُ إلى مُسلِمٍ . (5)

.

1- .الكِبَرُ فى السِّنِّ ، وقد كَبِرَ الرجلُ كِبَرا : أى أسَنَّ (الصحاح : ج 2 ص 801 «كبر») .
2- .المعجم الكبير : ج 2 ص 24 ح 1170 ، كنز العمّال : ج 2 ص 159 ح 3572 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2089 ح 76 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 466 ح 3390 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 148 ح 10408 كلاهما نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 40 ح 3 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 25 ح 4993 ، كنز العمّال : ج 2 ص 633 ح 4949 .
4- .مسند أبى يعلى : ج 3 ص 360 ح 3358 ، كنز العمّال : ج 7 ص 71 ح 18010 .

5- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 322 ح 5083 عن أبی مالک و ص 317 ح 5067 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 542 ح 3529 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 39 ح 81 ، الأدب المفرد : ص 352 ح 1204 کلّها عن أبی بکر نحوه ، کنز العمّال : ج 2 ص 634 ح 4950 .

المعجم الكبير به نقل از براء بن عازب : پيامبر خدا هر صبح و شام می گفت : «صبح كرديم ، در حالی كه پادشاهی ، از آنِ خداست و ستايش ، از آنِ خداست كه معبودی جز خدا نيست و يگانه است و بی انباز . بار خدايا! خوبیِ اين روز و خوبیِ پس از آن را از تو می خواهيم و از بدی اين روز و بدی پس از آن ، به تو پناه می بريم . بار خدايا! از تنبلی و بدیِ (عوارضِ) پيری ، به تو پناه می برم و از عذاب آتش ، به تو پناه می آورم» .

صحيح مسلم به نقل از عبد اللّه [بن مسعود] :پيامبر خدا ، هر گاه شب هنگام می رسيد ، می فرمود : «به شب در آمديم ، در حالی كه پادشاهی ، از آنِ خداست . ستايش ، از آنِ خداست كه معبودی جز خدا نيست و يگانه است و بی انباز . بار خدايا! خوبیِ اين شب و خوبیِ آنچه را در آن است ، از تو درخواست می كنم و از بدی اين شب و بدی آنچه در آن است ، به تو پناه می برم . بار خدايا! از سستی و پيری ، و بدی سال خوردگی و فريبندگی دنيا و عذاب قبر ، به تو پناه می آورم» .

مسند أبی يعلی به نقل از اَ نَس : پيامبر خدا هر صبح و شام ، اين دعاها را می خواند : «بار خدايا! غافلگيریِ خير را از تو درخواست می كنم و از غافلگيریِ شر ، به تو پناه می برم» ؛ چرا كه بنده نمی داند چون صبح كرد يا به شب در آمد ، چه چيزی او را غافلگير خواهد كرد» .

پيامبر خدا صلی الله عليه و آله در دعايی كه هر صبح و شام گفته می شود : بار خدايا! ... به تو پناه می بريم از شرّ نفعمان و از شرّ شيطانِ رانده شده و شريک شدنش [در اموال و اولادمان] ، و از اين كه مرتكب بدی نسبت به خود شويم ، يا آن (بدی) را به سوی مسلمانی بكشانيم .

.

سنن أبی داوود عن ابن عمر :لَم یَکُن رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَدَعُ هؤُلاءِ الدَّعَواتِ حینَ یُمسی وحینَ یُصبِحُ : ... اللّهُمَّ احفَظنی مِن بَینِ یَدَیَّ ومِن خَلفی ، وعَن یَمینی وعَن شِمالی ومِن فَوقی ، وأعوذُ بِعَظَمَتِکَ أن اُغتالَ مِن تَحتی یَعنِی الخَسفَ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن قالَ حینَ یُصبِحُ : «رَبِّیَ اللّهُ لا إلهَ إلّا هُوَ ... أعوذُ بِاللّهِ الَّذی یُمسِکُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَی الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ ، مِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ» لَم یُصِبهُ فی نَفسِهِ ولا أهلِهِ ولا مالِهِ شَیءٌ یَکرَهُهُ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :مَن قالَ حینَ یُصبِحُ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «أعوذُ بِاللّهِ السَّمیعِ العَلیمِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ» ، وقَرَأَ ثَلاثَ آیاتٍ مِن آخِرِ سورَهِ الحَشرِ ، وَکَّلَ اللّهُ بِهِ سَبعینَ ألفَ مَلَکٍ ، یُصَلّونَ عَلَیهِ حَتّی یُمسِیَ ، وإن ماتَ فی ذلِکَ الیَومِ ماتَ شَهیدا . ومَن قالَها حینَ یُمسی ، کانَ بِتِلکَ المَنزِلَهِ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ عَلِیّا صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِ وآلِهِ ، کانَ یَقولُ إذا أصبَحَ : «سُبحانَ اللّهِ المَلِکِ القُدّوسِ» ثَلاثا ، «اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن زَوالِ نِعمَتِکَ ، ومِن تَحویلِ عافِیَتِکَ ، ومِن فَجأَهِ نَقِمَتِکَ ، ومِن دَرکِ الشَّقاءِ ، ومِن شَرِّ ما سَبَقَ فِی اللَّیلِ ...» . (4)

عنه علیه السلام :إذا أصبَحتَ فَقُل : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ وذَرَأتَ وبَرَأتَ فی بِلادِکَ وعِبادِکَ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِجَلالِکَ وجَمالِکَ ، وحِلمِکَ وکَرَمِکَ ، کَذا وکَذا . (5)

.

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 319 ح 5074 ، السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 146 ح 10401 ولیس فیه صدره ، الأدب المفرد : ص 351 ح 1200 ، صحیح ابن حبّان : ج 3 ص 241 ح 961 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 698 ح 1902 ، کنز العمّال : ج 2 ص 636 ح 4957 .
2- .کنز العمّال : ج 2 ص 159 ح 3573 نقلاً عن ابن السنی عن أبی الدرداء .

3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 182 ح 2922 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 287 ح 20328 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 229 ح 537 ، تهذيب الكمال : ج 29 ص 295 كلّها عن معقل بن يسار ، كنز العمّال : ج 2 ص 138 ح 3491 ؛ جامع الأخبار : ص 128 ح 249 نحوه .
4- .الكافي : ج 2 ص 527 ح 16 عن عبد اللّه بن ميمون و ص 532 ح 30 عن عبد اللّه بن إبراهيم الجعفرى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، المصباح للكفعمى : ص 117 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «الكتاب» بدل «الليل» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 283 ح 46 .
5- .الكافى : ج 2 ص 527 ح 15 عن عيسى بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 292 ح 53 .

سنن أبی داوود به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا هر شام و بام ، این دعاها را می خواند : ... «بار خدایا! مرا از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالای سرم محافظت فرما . به تو پناه می برم که از زیر پایم ، ناگهان هلاک شوم». مقصود ایشان ، فرو رفتن در کام زمین بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که صبح می کند ، بگوید : «پروردگار من ، خداست . معبودی جز او نیست ... . به خدایی که نمی گذارد آسمان بر زمین افتد (مگر به اذن او) ، پناه می برم از گزند هر جنبنده ای که مهارش در دست توست . به راستی که پروردگار من ، بر راه راست است» ، پیشامد ناگواری برای خودش و خانواده اش و اموالش نمی افتد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگامی که صبح خود را آغاز می کند ، سه مرتبه بگوید : «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده» و سه آیه پایانی سوره حشر را بخواند ، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که تا شب بر او درود بفرستند ، و اگر در آن روز بمیرد ، شهید مرده است . و هر کس شب هنگام اینها را بگوید ، همین وضع را دارد .

امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام که درودهای خدا بر او باد هرگاه صبح خود را آغاز می کرد ، می گفت : «پاکا خدا ، آن پادشاه مقدّس! (سه مرتبه) . بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمتت ، و از بین رفتن عافیتت ، و فرود آمدن ناگهانی کیفرت ، و دامنگیر شدن بدبختی . و از شرّ آنچه در شب گذشت ...» .

امام صادق علیه السلام :چون صبح کردی ، بگو : «بار خدایا! پناه می برم به تو از شرّ آنچه در شهرهایت و بندگانت آفریدی و پدید آوردی و ایجاد کردی . بار خدایا! به حقّ شکوهمندی و زیبایی ات ، و بردباری و بزرگواری ات ، فلان و بهمان چیز را از تو درخواست می کنم» .

.

عنه علیه السلام :تَقولُ إذا أصبَحتَ وأمسَیتَ : اللّهُمَّ بِکَ نُمسی وبِکَ نُصبِحُ ، وبِکَ نَحیا وبِکَ نَموتُ وإلَیکَ نَصیرُ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أذِلَّ أو اُذَلَّ ، أو أضِلَّ أو اُضَلَّ ، أو أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أجهَلَ أو یُجهَلَ عَلَیَّ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله فیما یُقالُ کُلَّ یَومٍ عِندَ الصَّباحِ : أعوذُ بِکَ اللّهُمَّ أن أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أعتَدِیَ أو یُعتَدی عَلَیَّ ، أو أکتَسِبَ خَطیئَةً مُحبِطَةً (2) أو ذَنبا لا یُغفَرُ . (3)

ج کُلُّ یَومٍرسول اللّه صلی الله علیه و آله :تَقولُ کُلَّ یَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن اُشرِکَ وأنَا أعلَمُ ، وأستَغفِرُکَ لِما لا أعلَمُ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن عَبدٍ یَقولُ کُلَّ یَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ : «أسأَلُ اللّهَ الجَنَّةَ ، وأعوذُ بِهِ مِنَ النّارِ» إلّا قالَتِ النّارُ : یا رَبِّ أعِذهُ مِنّی . (5)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 337 ح 982 عن عمّار بن موسی ، بحار الأنوار : ج 86 ص 287 ح 48 .
2- .حَبِطَ عَمَلُهُ : بَطُلَ ثَوابُه (الصحاح : ج 3 ص 1118 «حبط») .
3- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 157 ح 21724 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 697 ح 1900 ولیس فیه «محبطه» ، المعجم الکبیر : ج 5 ص 119 ح 4803 وفیه «مخطئه» بدل «محبطه» ، مسند الشامیّین : ج 2 ص 352 ح 1481 وفیه «محیطه» بدل «محبطه» وکلّها عن زید بن ثابت .
4- .مسند أبی یعلی : ج 1 ص 61 ح 54 و ص 62 ح 55 ، تفسیر ابن کثیر : ج 4 ص 344 کلّها عن أبی بکر ، الأدب المفرد : ص 214 ح 716 عن معقل بن یسار ولیس فیها صدره ، کنز العمّال : ج 3 ص 476 ح 7503 .
5- .الدعوات : ص 39 ح 96 عن ربیعه ، الأمالی للصدوق : ص 158 ح 153 عن زید الشَّحام ، روضه الواعظین : ص 357 کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 197 ح 5 .

ج هر روز

امام صادق علیه السلام :هر صبحگاه و شبانگاه می گویی : «بار خدایا ! به کمک تو ، شب خود را آغاز می کنیم و به کمک تو ، صبح خویش را آغاز می کنیم ، و به کمک تو ، زندگی می کنیم و به واسطه تو می میریم و به سوی تو ره سپاریم . به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا خوارم کنند ، گم راه شوم یا گم راهم کنند ، ستم کنم یا یا به من ستم شود و نادانی کنم یا به من نادانی [و جسارت] شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که هر صبحگاه خوانده می شود : به تو پناه می برم ای خدا از این که ستم کنم یا بر من ستم شود ، تعدّی کنم یا بر من تعدّی شود ، و خطایی بر باد دهنده اعمال یا گناهی نابخشودنی مرتکب شوم .

ج هر روزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر روز ، سه بار می گویی : «بار خدایا ! من به تو پناه می برم که دانسته شرک ورزم ، و از شرک ورزیِ ندانسته هم از تو آمرزش می طلبم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که روزی هفت مرتبه بگوید : «از خداوند ، بهشت می طلبم و از آتش ، به او پناه می برم» ، آتش می گوید : پروردگارا ! او را از من ، در پناه خویش دار .

.

د يَومُ الجُمُعَةِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ فَضلِ يَومِ الجُمُعَةِ : اليَومُ المَوعودُ يَومُ القِيامَةِ ، وَاليَومُ المَشهودُ يَومُ عَرَفَةَ ، وَالشّاهِدُ يَومُ الجُمُعَةِ ، وما طَلَعَتِ الشَّمسُ ولا غَرَبَت عَلى يَومٍ أفضَلَ مِنهُ ، فيهِ ساعَةٌ لا يُوافِقُها عَبدٌ مُؤمِنٌ يَدعُو اللّهَ بِخَيرٍ إلَا استَجابَ اللّهُ لَهُ ، ولا يَستَعيذُ مِن شَرٍّ إلّا أعاذَهُ اللّهُ مِنهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ جَبرَئيلَ أتانى ... قالَ : هذِهِ الجُمُعَةُ ... لَكُم فيها ساعَةٌ لا يُوافِقُها عَبدٌ مُسلِمٌ يَسأَلُ اللّهَ مَسأَلَةً فيها وهِيَ لَهُ قِسمٌ فِى الدُّنيا إلّا أعطاها ، وإن لَم يَكُن لَهُ قِسمٌ فِى الدُّنيا ذُخِرَت لَهُ فِى الآخِرَةِ أفضَلَ مِنها ، وإن تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِن شَرِّ ما هُوَ عَلَيهِ مَكتوبٌ صَرَفَ اللّهُ عَنهُ ما هُوَ أعظَمُ مِنهُ . (2)

ه لَيلَةُ السَّبتِالإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ فى لَيلَةِ السَّبتِ بَعدَما صَلّى ما شاءَ : يا رَبِّ ، أعوذُ بِكَ فى هذِهِ اللَّيلَةِ وفى هذَا اليَومِ ، مِن كُلِّ سوءٍ فَأَعِذنى ، وأستَجيرُ بِكَ فَأَجِرنى ، وأستَتِرُ بِكَ مِن شَرِّ خَلقِكَ فَاستُرنى ، وأستَغفِرُكَ مِن ذُنوبى فَاغفِر لى ، إنَّهُ لا يَغفِرُ العَظيمَ إلَا العَظيمُ ، وأنتَ العَظيمُ العَظيمُ العَظيمُ ، أعظَمُ مِن كُلِّ عَظيمٍ . (3)

و يَومُ الإثنَينِالإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ الإثنَينِ : اللّهُمَّ اجعَل أوَّلَ يَومى هذا صَلاحا ، وأوسَطَهُ فَلاحا ، وآخِرَهُ نَجاحا ، وأعوذُ بِكَ مِن يَومٍ أوَّلُهُ فَزَعٌ (4) ، وأوسَطُهُ جَزَعٌ (5) ، وآخِرُهُ وَجَعٌ . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 436 ح 3339 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 18 ح 1087 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 13 ح 2940 .
2- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 146 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 280 ح 27 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 58 ح 10 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 714 ح 21063 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 423 ح 542 ، جمال الأسبوع : ص 111 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 330 ح 45 .
4- .الفَزَعُ : الذُعر (الصحاح : ج 3 ص 1258 «فزع») .
5- .الجَزَعُ : الحُزنُ والخَوفُ (النهايه : ج 1 ص 269 «جزع») .

6- .البلد الأمين : ص 117 ، مصباح المتهجّد : ص 219 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 70 ح 2172 كلاهما عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، المصباح للكفعمى : ص 158 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 177 ح 19 .

د روز جمعه
ه شب شنبه
و روز دوشنبه

د روز جمعهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضیلت روز جمعه : روز موعود ، روز رستاخیز است روز مشهور ، روز عرفه است و شاهد ، روز جمعه است . خورشید به هیچ روزی ، طلوع و غروب نکرده است که برتر از این روز (جمعه) باشد . در این روز ، ساعتی است که هر بنده مؤمنی آن را در یابد و در آن ساعت به درگاه خداوند دعای خیر کند ، حتما دعایش مستجاب می شود و از هر شرّی به خدا پناه برد ، حتما خداوند او را از آن شر در پناه خود می گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من آمد ... و گفت : این جمعه ... ساعتی در آن است که هر بنده مسلمانی آن را در یابد و در آن ساعت از خدا درخواستی کند و آن خواسته در دنیا قسمتش شده باشد ، حتماً آن را به او عطا می کند ، و اگر در دنیا قسمتش نشده باشد ، بهتر از آن برای آخرتش ذخیره می شود ، و اگر از شرّ آنچه برایش نوشته [و مقدّر] شده است ، به خدا پناه برد ، خداوند شرّی بدتر از آن را از او می گرداند .

ه شب شنبهامام صادق علیه السلام از دعای ایشان در شب شنبه بعد از گزاردن قدری نماز : ای پروردگار من ! در این شب و در این روز ، از هر بدی ، به تو پناه می برم . پس پناهم ده . و از تو حمایت می جویم . پس مرا در حمایت خویش گیر . و از شرّ آفریدگانت ، خویشتن را در پوشش تو در می آورم . پس مرا پوشش ده . و از گناهانم از تو آمرزش می طلبم . پس مرا بیامرز ، که [گناه] بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد ، و تو بزرگ و بزرگ و بزرگی ، بزرگ تر از هر بزرگی .

و روز دوشنبهامام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز دوشنبه : بار خدایا ! آغاز امروزم را درستی ، و میانش را رستگاری ، و پایانش را کامیابی قرار ده . و به تو پناه می برم از روزی که آغازش هراس باشد ، و میانش بی تابی ، و پایانش درد .

.

ز شَهرُ رَمَضانَالإمام الصادق عليه السلام مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِنَ العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ : إلهى ، وأعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ ، وبِجَلالِكَ العَظيمِ ، أن تَنقَضِىَ أيّامُ شَهرِ رَمَضانَ ولَياليهِ ، ولَكَ قِبَلى تَبِعَةٌ أو ذَنبٌ تُؤاخِذُنى بِهِ ، أو خَطيئَةٌ تُريدُ أن تَقتَصَّها مِنّى لَم تَغفِرها لى . (1)

عنه عليه السلام :تَقولُ فِي العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَةٍ : أعوذُ بِجَلالِ وَجهِكَ الكَريمِ أن يَنقَضِىَ عَنّى شَهرُ رَمَضانَ ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، ولَكَ قِبَلى ذَنبٌ أو تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنى عَلَيهِ . (2)

عنه عليه السلام :مَن وَدَّعَ شَهرَ رَمَضانَ فى آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ ، وقالَ : «اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِيامى لِشَهرِ رَمَضانَ ، وأعوذُ بِكَ أن يَطلُعَ فَجرُ هذِهِ اللَّيلَةِ ، إلّا وقَد غَفَرتَ لى» غَفَرَ اللّهُ تَعالى لَهُ قَبلَ أن يُصبِحَ ، ورَزَقَهُ الإِنابَةَ إلَيهِ . (3)

عنه عليه السلام :إذا كانَت آخِرُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَقُل : اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وقَد تَصَرَّمَ (4) ، وأعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ يا رَبِّ ، أن يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، أو يَتَصَرَّمَ شَهرُ رَمَضانَ ، ولَكَ قِبَلى تَبِعَةٌ أو ذَنبٌ تُريدُ أن تُعَذِّبَنى بِهِ يَومَ أَلقاكَ . (5)

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 364 عن مرازم ، بحار الأنوار : ج 98 ص 155 .
2- .الكافى : ج 4 ص 160 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 161 ح 2032 ، الإقبال : ج 1 ص 365 كلاهما عن ابن أبى عمير ، المقنعه : ص 189 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 156 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 436 عن أبى محمّد هارون بن موسى التلعكبرى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 181 ح 2 .
4- .تَصَرَّمَ : ذهَبَ (المصباح المنير : ص 339 «صرم») .
5- .الكافى : ج 4 ص 164 ح 5 عن عمّار بن موسى ، الإقبال : ج 1 ص 447 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

ز ماه رمضان

ز ماه رمضانامام صادق علیه السلام از دعای ایشان که در هر شب دهه آخر ماه رمضان می خواند : معبودا! به روی گرامی تو ، و به شُکوه سترگت پناه می برم از این که روزها و شب های رمضان بگذرد و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی ، یا خطایی کرده باشم که بخواهی تقاص آن را از من بگیری و آن را بر من نبخشوده باشی .

امام صادق علیه السلام :در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب می گویی : «به شُکوه روی گرامی تو ، پناه می برم از این که ماه رمضان بر من سپری شود یا سپیده این شب طلوع کند و در حقّ تو ، گناهی یا بدی کرده باشم که مرا به سبب آن عذاب کنی» .

امام صادق علیه السلام :هر کس با ماه رمضان در آخرین شب آن وداع کند و بگوید : «بار خدایا! این ماه را آخرین ماه رمضان عمر من قرار مده ، و به تو پناه می برم از این که سپیده این شب بدمد و مرا نیامرزیده باشی» ، خداوند متعال ، پیش از آن که صبح کند ، او را می آمرزد و بازگشت به سویش را روزیِ او می کند .

امام صادق علیه السلام :چون آخرین شب ماه رمضان شد ، بگو : «بار خدایا! اینک ماه رمضان که قرآن را در آن فرو فرستادی ، در آستانه رفتن است . به روی گرامی تو پناه می برم ای پروردگار من از این که سپیده این شب بدمد یا ماه رمضان سپری شود و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم و تو بخواهی در آن روزی که دیدارت می کنم ، به سبب آن عذابم کنی» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ : أيُّهَا النّاسُ ... لا غِنى بِكُم عَن أربَعِ خِصالٍ ، خَصلَتَينِ تُرضونَ اللّهَ بِهِما ، وخَصلَتَينِ لا غِنى بِكُم عَنهُما ... وأمَّا اللَّتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما : فَتَسألونَ اللّهَ فيهِ حَوائِجَكُم وَالجَنَّةَ ، وتَسألونَ العافِيَةَ ، وتَعوذونَ بِهِ مِنَ النّارِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (2) : هِىَ لَيلَةُ القَدرِ ... وهِىَ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَمَن أدرَكَها أوقالَ شَهِدَها عِندَ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام ، يُصَلّى عِندَهُ رَكعَتَينِ أو ما تَيَسَّرَ لَهُ ، وسَأَلَ اللّهَ تَعالَى الجَنَّةَ ، وَاستَعاذَ بِهِ مِنَ النّارِ ، آتاهُ اللّهُ تَعالى ما سَأَلَ ، وأعاذَهُ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ . (3)

ح يَومُ عَرَفَهَالإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : ألا اُعَلِّمُکَ دُعاءَ يَومِ عَرَفَةَ ، وهُوَ دُعاءُ مَن كانَ قَبلى مِنَ الأَنبِياءِ عليهم السلام ؟ قالَ : تَقولُ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ... اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ ، ومِن وَساوِسِ الصُّدورِ ، ومِن شَتاتِ الأَمرِ ، ومِن عَذابِ القَبرِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ الرِّياحِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما تَجىءُ بِهِ الرِّياحُ ، وأسأَلُکَ خَيرَ اللَّيلِ وخَيرَ النَّهارِ . (4)

.

1- .الكافى : ج 4 ص 67 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 59 ح 198 و ج 4 ص 152 ح 423 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 95 ح 1831 ، الخصال : ص 259 ح 135 ، ثواب الأعمال : ص 90 ح 7 كلّها عن أبى الورد عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 359 ح 26 ؛ صحيح ابن خزيمه : ج 3 ص 191 ح 1887 عن سلمان نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 584 ح 24276 .
2- .الدخان : 4 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 383 عن زيد بن أبى اُسامه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 166 و ج 101 ص 99 ح 30 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 183 ح 612 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 542 ح 3135 عن معاويه بن عمّار نحوه ، مصباح المتهجّد : ص 688 ح 770 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 2 ص 72 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 215 ح 3 ؛ السنن الكبرى : ج 5 ص 190

ح 9475 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 4 ص 473 ح 3 كلاهما عن عبد اللّه بن عبيده عن الإمام علىّ عليه السلام .

ح روز عرفه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت ماه رمضان : ای مردم ! ... شما از چهار چیز ، بی نیاز نیستید : با دو چیز ، خدا را خشنود می سازید و به دو چیز هم نیازمندید ... . آن دو چیزی که حتما به آن نیاز دارید ، این است که در این ماه ، حاجت هایتان و بهشت را از خدا بخواهید و عافیت را از خدا بخواهید و از آتش ، به او پناه ببرید» .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «در آن شب ، هر [گونه]کاری [به گونه ای] استوار ، فیصله می یابد» : مقصود ، شب قدر است ... و این شب ، در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد . پس ، هر که در کنار قبر حسین علیه السلام این شب را درک کند (یا : شاهد آن باشد) و آن جا دو رکعت ، یا هر اندازه توانست ، نماز بخواند و از خدای متعال بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه برد ، خدای متعال آنچه را خواسته است ، به او می دهد و او را از آنچه پناه جسته است ، پناه می دهد .

ح روز عرفهامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمود : «آیا دعای روز عرفه را که دعای پیامبرانِ پیش از من بوده است ، به تو نیاموزم؟ می گویی : معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست ... . بار خدایا ! از فقر ، و از وسوسه های سینه ها ، و از آشفتگی کارها ، و از عذاب قبر ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! خوبیِ (برکت) بادها را از تو می خواهم ، و از بدی آنچه بادها می آورند ، به تو پناه می برم ، و خوبیِ روز و خوبیِ شب را از تو درخواست می کنم » .

.

ط يَومُ القِتالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ يَومَ أُحُدٍ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ النَّعيمَ المُقيمَ الَّذى لا يَحولُ (1) ولا يَزولُ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ النَّعيمَ يَومَ العَيلَةِ (2) ، وَالأمنَ يَومَ الخَوفِ ، اللّهُمَّ [إنّى] (3) عائِذٌ بِکَ مِن شَرِّ ما أعطَيتَنا وشَرِّ ما مَنَعتَنا ، اللّهُمَّ حَبِّب إلَينَا الإِيمانَ وزَيِّنهُ فى قُلوبِنا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعائِهِ يَومَ الأَحزابِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِنورِ قُدسِکَ ، وعَظَمَةِ طَهارَتِکَ ، وبَرَکَةِ جَلالِکَ ، مِن کُلِّ آفَةٍ وعاهَةٍ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ القِتالِ : اللّهُمَّ وأعوذُ بِکَ عِندَ ذلِکَ مِنَ الجُبنِ عِندَ مَوارِدِ الأَهوالِ ، ومِنَ الضَّعفِ عِندَ مُساوَرَةِ (6) الأَبطالِ ، ومِنَ الذَّنبِ المُحبِطِ لِلأَعمالِ فَاُحجِمَ مِن شَکٍّ ، أو أمضِىَ (7) بِغَيرِ يَقينٍ ، فَيَکونَ سَعيى فى تَبابٍ (8) وعَمَلى غَيرَ مَقبولٍ . (9)

.

1- .حَالَ يَحولُ : إذا تحرّک (النهايه : ج 1 ص 463 «حول») .
2- .عالَ يَعيلُ عَيلَةً : إذا افتقر (النهايه : ج 3 ص 330 «عيل») .
3- .ما بين المعقوفين أثبتناه من مسند ابن حنبل .
4- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 156 ح 10445 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 278 ح 15492 ، الأدب المفرد : ص 209 ح 699 كلّها عن رفاعه الزرقى ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 687 ح 1868 عن عبيد بن رفاعه بن رافع الزرقى عن أبيه و ج 3 ص 26 ح 4308 عن عبيد بن رافع الزرقى عن أبيه ، كنز العمّال : ج 10 ص 434 ح 30047 .
5- .كنز العمّال : ج 10 ص 453 ح 30096 نقلاً عن مسند ابن عمر .
6- .سَاوَرَهُ : واثَبَهُ (الصحاح : ج 2 ص 690 «سور») .
7- .فى المصدر : «مضى» ، والتصويب من بحار الأنوار ووسائل الشيعه : ج 15 ص 137 ح 20158 .
8- .التَبَابُ : الخُسران والهلاک (الصحاح : ج 1 ص 90 «تبب») .
9- .الكافى : ج 5 ص 46 ح 1 عن ابن القدّاح عن أبيه ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 33 ص 452 ح 664 .

ط روز جنگ

ط روز جنگپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در روز اُحُد : بار خدایا ! آن نعمت ماندگاری را که جابه جایی و زوال نمی پذیرد ، از تو درخواست می کنم . بار خدایا ! نعمت را در روز نیازمندی ، و امنیت و آرامش را در روز ترس ، از تو درخواست می کنم . بار خدایا ! از شرّ آنچه به ما داده ای و از شرّ آنچه از دادن آن خودداری کرده ای ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! ایمان را محبوب ما بدار و آن را در [نگاه] دل های ما زیبا دار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در روز احزاب :بار خدایا ! به نور قدس تو ، و عظمت پاکی ات ، و افزونی شُکوهت ، پناه می برم از هر آسیب و معلولیتی .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در هنگام نبرد : بار خدایا ! به تو پناه می برم در این هنگام از دچار ترس شدن در صحنه های هولناک ، و از سست شدن در وقت یورش آوردن پهلوانان ، و از گناهِ بر باد دهنده اعمال [نیک]و در نتیجه ، وا پس نشستن از سر تردید [در حقّانیت راهمان] ، یا در گذشتن بدون یقین ، پس ، کوششم تباه شود و عملم ناپذیرفته گردد .

.

ى عِندَ هُبوبِ الرِّياحِ العاصِفَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَسُبُّوا الرّيحَ ، وعوذوا بِاللّهِ مِن شَرِّها . (1)

عنه صلى اللهِ عليه و آله :لا تَسُبُّوا الرّيحَ ، فَإِذا رَأَيتُم ما تَكرَهونَ فَقولوا : اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ مِن خَيرِ هذِهِ الرّيحِ وخَيرِ ما فِيها ، وخَيرِ ما اُمِرَت بِهِ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ هذِهِ الرّيحِ وشَرِّ ما فيها ، وشَرِّ ما اُمِرَت بِهِ . (2)

صحيح مسلم عن عائشه :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إذا عَصَفَتِ الرّيحُ قالَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَها وخَيرَ ما فيها وخَيرَ ما اُرسِلَت بِهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها وشَرِّ ما اُرسِلَت بِهِ . (3)

الدعاء للطبرانى عن عثمان بن أبى العاص :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذَا اشتَدَّتِ الرّيحُ الشِّمالُ قالَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما اُرسِلَت بِهِ . (4)

.

1- .مسند الشافعى : ص 81 عن صفوان بن سُليم ، كنز العمّال : ج 7 ص 831 ح 21584 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 521 ح 2252 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 232 ح 10770 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 23 ح 21196 وفيه «اُرسلت» بدل «اُمرت» فى كلا الموضعين ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 87 ح 167 نحوه وكلّها عن اُبىّ بن كعب ، كنز العمّال : ج 3 ص 601 ح 8110 .
3- .صحيح مسلم : ج 2 ص 616 ح 15 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 503 ح 3449 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 233 ح 10776 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 503 ح 6463 ، كنز العمّال : ج 7 ص 75 ح 18032 .
4- .الدعاء للطبرانى : ص 301 ح 970 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 47 ح 8346 ، كنز العمّال : ج 7 ص 75 ح 18031 .

ی هنگام وزیدن تندبادها

ی هنگام وزیدن تندبادهاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به باد ، ناسزا مگویید و از گزند آن ، به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به باد ، ناسزا مگویید ؛ بلکه هر گاه باد ناخوشایندی را دیدید ، بگویید : «بار خدایا ! خیر این باد و خیر آنچه را در آن است و خیر آنچه را این باد بِدان مأمور است ، از تو می خواهیم و از شرّ این باد و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه بِدان مأمور است ، به تو پناه می بریم» .

صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه تندباد می وزید ، می گفت : «بار خدایا ! خیر این باد و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه را که برای آن فرستاده شده است ، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می برم» .

الدعاء ، طبرانی به نقل از عثمان بن ابی العاص : پیامبر خدا در مواقعی که باد شمال شدّت می گرفت ، می گفت : «بار خدایا ! از شرّ آنچه این باد برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می برم» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الرّيحِ ومِن شَرِّ ما تَجىءُ بِهِ الرّيحُ ، ومِن ريحِ الشِّمالِ فَإِنَّهَا الرّيحُ العَقيمُ (1) . (2)

المعجم الكبير عن ابن عبّاس :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا هاجَت رِيحٌ استَقبَلَها بِوَجهِهِ ، وجَثا عَلى رُكبَتَيهِ ، ومَدَّ بِيَدَيهِ ، وقالَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ هذِهِ الرّيحِ وخَيرَ ما اُرسِلَت بِهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما اُرسِلَت بِهِ ، اللّهُمَّ اجعَلها رَحمَةً ولا تَجعَلها عَذابا ، اللّهُمَّ اجعَلها رِياحا (3) ولا تَجعَلها ريحا . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :الرِّياحُ خَمسَهٌ ، مِنهَا العَقيمُ ، فَنَعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّها . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :ما بَعَثَ اللّهُ عز و جل ريحا إلّا رَحمَةً أو عَذابا ، فَإذا رَأَيتُموها فَقولوا : «اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ خَيرَها وخَيرَ ما اُرسِلَت لَهُ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما اُرسِلَت لَهُ» ، وكَبِّروا ، وَارفَعوا أصواتَكُم بِالتَّكبيرِ فَإِنَّهُ يَكسِرُها . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا هَبَّتِ الرِّياحُ فَأَكثِر مِنَ التَّكبيرِ ، وقُل : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ ما هاجَت بِهِ الرِّياحُ وخَيرَ ما فيها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها ، اللّهُمَّ اجعَلها عَلَينا رَحمَةً وعَلَى الكافِرينَ عَذابا ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (7)

.

1- .ريحٌ عقيم : لا تُلقح سحابا ولا شجرا (الصحاح : ج 5 ص 1989 «عقم»)
.
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 507 ح 3739 عن جابر ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 55 ح 2463 عن ابن عبّاس وفيه «الرسل» بدل «الريح» فى الموضع الثانى وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 7 ص 831 ح 21582 .
3- .المواضع التى ذكر اللّه تعالى فيها إرسال الريح بلفظ الواحد فعباره عن العذاب ، وكلّ موضع ذكر فيه بلفظ الجمع فعباره عن الرّحمه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 370 «روح») .

4- .المعجم الكبير : ج 11 ص 170 ح 11533 ، الدعاء للطبرانى : ص 303 ح 977 وليس فيه «ومدّ بيديه» ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 100 ، كنز العمّال : ج 7 ص 75 ح 18033 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 547 ح 1524 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 353 ح 5 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 544 ح 1519 ، بحار الأنوار : ج 60 ص 6 ح 2 .
7- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 160 ح 2393 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 336 ح 19 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! پناه می برم به تو از شرّ باد و از شرّ آنچه باد آن را می آورد و [نیز] از باد شمال ؛ چرا که بادی سترون (1) است .

المعجم الکبیر به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه بادی بر می خاست ، رو به سوی آن می کرد و زانو می زد و دستانش را به سوی آسمان بر می داشت و می گفت : «بار خدایا ! خیر این باد و خیر آنچه را برای آن فرستاده شده است ، از تو می طلبم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! آن را رحمت قرار ده و آن را عذاب قرار مده . بار خدایا ! آن را بادها[ی رحمت]قرار ده و باد [عذاب]قرارش مده . (2)

امام علی علیه السلام :بادها ، پنج گونه اند که یکی از آنها سترون است . پس ، از شرّ آنها به خدا پناه می بریم .

امام باقر علیه السلام :خداوند عز و جل هر بادی را که می فرستد ، یا رحمت است یا عذاب . پس هر گاه باد برخاست، بگویید : «بار خدایا ! خیر آن را و خیر آنچه را که [این باد]برای آن فرستاده شده است ، از تو می خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می بریم» و «اللّه أکبر» بگویید و صداهایتان را به تکبیر ، بلند کنید ؛ زیرا این کار ، باد را می شکند .

امام صادق علیه السلام :زمانی که بادها وزیدن می گیرند ، بسیار تکبیر بگو و بگو : «بار خدایا ! خیر آنچه را بادها برایش برخاسته و خیر آنچه را که در آن است ، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! این باد را برای ما رحمت و برای کافران ، عذاب گردان . درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد باد» .

.

1- .باد سترون گویند ؛ چون نه ابری را بارور می کند و نه درختی را گلشن می سازد .

2- .در قرآن ، هر جا که خداوند متعال از فرستادن باد ، به لفظ مفرد ، یاد کرده ، عذاب را بیان کرده است ، و هر جا به صورت جمع (ریاح) آورده ، رحمت را اراده کرده است (مفردات ألفاظ القرآن : ص 370) .

ک عِندَ سَماعِ صَوتِ بَعضِ الحَيَواناتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعتُم نُباحَ الكِلابِ ونَهيقَ الحُمُرِ بِاللَّيلِ ، فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ ، فَإِنَّهُنَّ يَرَينَ ما لا تَرَونَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعتُم نُباحَ الكَلبِ ونَهيقَ الحَميرِ ، فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، فَإِنَّهُم يَرَونَ ولا تَرَونَ ، فَافعَلوا ما تُؤمَرونَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إيّاكُم وَالسَمَرَ (3) بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ ، وإذا تَناهَقَتِ الحُمُرُ مِنَ اللَّيلِ ، فَاستَعيذوا بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا سَمِعتُم صِياحَ الدِّيَكَهِ ، فَاسأَلُوا اللّهَ مِن فَضلِهِ ؛ فَإِنَّها رَأَت مَلَكا ، وإذا سَمِعتُم نَهيقَ الحِمارِ ، فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ ؛ فَإِنَّهُ رَأى شَيطانا . (5)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 327 ح 5103 ، الأدب المفرد : ص 361 ح 1234 و ص 360 ح 1233 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 130 ح 2 كلّها عن جابر ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 10 ح 6227 عن أبى هريره وزاد فيه «وصوت ديک» قبل «بالليل» وكلّها نحوه ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 194 الرقم 241 عن أبى بكره ، كنز العمّال : ج 15 ص 420 ح 41661 .
2- .علل الشرايع : ص 583 ح 23 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 65 ص 64 ح 21 .
3- .فى بعض نسخ المصدر وكنز العمّال : «السهر» بدل «السمر» . والسَّمَرُ : هو الحديث بالليل (النهايه : ج 2 ص 400 «سمر») .
4- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 1 ص 563 ح 2139 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 315 عن عطاء من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه صدره ، كنز العمّال : ج 7 ص 803 ح 21483 .
5- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1202 ح 3127 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2092 ح 82 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 327 ح 5102 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 508 ح 3459 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 175 ح 8070 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 12 ص 333 ح 35272 .

ک هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران

ک هنگام شنیدن بانگ برخی جانورانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه عوعو سگان و عرعر خران را در شب شنیدید ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا اینها چیزهایی را می بینند که شما نمی بینید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه عوعو سگ و عرعر خر را شنیدید ، از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا آنها می بینند و شما نمی بینید . پس دستوری را که به شما داده می شود ، انجام دهید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از داستان سرایی در شب (شب نشینی) بعد از نماز خفتن بپرهیزید و هر گاه در شب ، صدای عرعر خران بلند شد ، از شیطان به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بانگ خروس را شنیدید ، خدای را از فضلش طلب کنید ؛ چرا که آن خروس، فرشته ای را دیده است ، و هر گاه عرعر الاغ را شنیدید ، از شیطان به خدا پناه ببرید ؛ چرا که آن الاغ ، شیطانی را دیده است .

.

5 / 12تِلكَ الأَماكِنُأ عَرَفاتٌالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَقَفَ بِعَرَفاتٍ ، فَلَمّا هَمَّتِ الشَّمسُ أن تَغيبَ قَبلَ أن تَندَفِعَ (1) قالَ (2) : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ ومِن تَشَتُّتِ الأمرِ ، ومِن شَرِّ ما يَحدُثُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ، أمسى ظُلمى مُستَجيرا بِعَفوِكَ ، وأمسى خَوفى مُستَجيرا بِأمانِكَ ، وأمسى ذُلّى مُستَجيرا بِعِزِّكَ ، وأمسى وَجهِىَ الفانى مُستَجيرا بِوَجهِكَ الباقى ، يا خَيرَ مَن سُئِلَ ، ويا أجوَدَ مَن أعطى ، جَلِّلنى بِرَحمَتِكَ ، وألبِسنى عافِيَتَكَ ، وَاصرِف عَنّى شَرَّ جَميعِ خَلقِكَ . (3)

عنه عليه السلام :إذا وَقَفتَ بِعَرَفاتٍ ، فَاحمَدِ اللّهَ وهَلِّلهُ ، ومَجِّدهُ وأثنِ عَلَيهِ ، وكَبِّرهُ مِئَةَ تَكبيرَةٍ ، وَاقرَأ : «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، وتَخَيَّر لِنَفسِكَ مِنَ الدُّعاءِ ما أحبَبتَ ، وَاجتَهِد فَإِنَّهُ يَومُ دُعاءٍ ومَسأَلَةٍ ، وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ ، فَإِنَّ الشَّيطانَ لَن يُذهِلَكَ (4) فى مَوضِعٍ أحَبَّ إلَيهِ مِن أن يُذهِلَكَ فى ذلِكَ المَوضِعِ . (5)

.

1- .اندفع : أى أسرع فى سيره (الصحاح : ج 3 ص 1208 «دفع») .
2- .فى قرب الإسناد : «دعا النبىّ صلى الله عليه و آله يوم عرفه حين غابت الشمس ، وكان آخر كلامه هذا الدعاء ، وهملت عيناه بالبكاء ثمّ قال : ...» .
3- .الكافى : ج 4 ص 464 ح 5 عن عبد اللّه بن ميمون ، قرب الإسناد : ص 21 ح 72 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، فلاح السائل : ص 383 ح 254 عن سلام بن أبى عمره عن الإمام الباقر عليه السلام ، محاسبه النفس لابن طاووس : ص 30 ، عدّه الداعى : ص 253 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 251 ح 5 .
4- .ذَهَلتُ عن الشّىء : نَسَيتُه وغفلت عنه (الصحاح : ج 4 ص 1702 «ذهل») .
5- .الكافى : ج 4 ص 464 ح 4 عن معاويه بن عمّار .

5 / 12 و این چند مکان

الف عرفات

5 / 12و این چند مکانالف عرفاتامام صادق علیه السلام :پیامبر خدا در عرفات ، وقوف کرد . خورشید که خواست غروب کند ، پیش از آن که شتاب گیرد ، گفت : «بار خدایا ، من از فقر و از پراکندگی امور و از شرّ آنچه در شب و روز رخ می دهد ، به تو پناه می برم . امشب از ستم خویش ، به بخشش تو پناه می برم . امشب از ترس خویش ، به امنیت تو پناه می برم . امشب از خواری خویش ، به عزّت تو پناه می برم . امشب ، روی نیست شونده ام را به روی جاویدان تو پناه می دهم . ای بهترین کسی که از او درخواست می شود ! ای بخشنده ترین عطا کننده ! مرا در پوشش رحمت خود قرار ده و جامه عافیتت را بر تن من بپوشان و گزند همه آفریدگانت را از من دور گردان» .

امام صادق علیه السلام :هر گاه در عرفات وقوف کردی ، خدای را بستای و او را به یگانگی یاد کن و مجد و ثنای او بگو و صد مرتبه تکبیر بگو و «قل هو اللّه احد» را صد بار بخوان و هر دعایی که دوست داشتی ، برای خودت انتخاب کن و [در نیایش و عبادت] بکوش ؛ زیرا آن روز ، روز دعا و خواستن است ، و از شیطان به خدا پناه ببر ؛ زیرا شیطان در هیچ مکانی ، به اندازه آن مکان دوست ندارد که از یاد خدا غافل گرداند .

.

الكافى عن هارون بن خارجه ، قال :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ فى آخِرِ كَلامِهِ حِينَ أفاضَ (1) : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أقطَعَ رَحِما ، أو اُوذِىَ جارا . (2)

ب الكَعبَهُالإمام علىّ عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا مَرَّ بِالرُّكنِ اليَمانِىِّ : بِاسمِ اللّهِ وَاللّهُ أكبَرُ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ وَالذِّلِّ ، ومَواقِفِ الخِزيِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً ، وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً ، وقِنا عَذابَ النّارِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الكَعبَهِ وهُوَ ساجِدٌ : أعوذُ بِكَ اليَومَ فَأَعِذنى ، وأستَجيرُ بِكَ فَأَجِرنى ، وأستَعينُ بِكَ عَلَى الضَّرّاءِ فَأَعِنّى ، وأستَنصِرُكَ فَانصُرنى ، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ فَاكفِنى . (4)

عنه عليه السلام لِعَبدِ اللّهِ بنِ سِنانٍ : إذا كُنتَ فِى الطَّوافِ السّابِعِ فَائتِ المُتَعَوَّذَ (5) ، وهُوَ إذا قُمتَ فى دُبُرِ الكَعبَهِ حِذاءَ البابِ ، فَقُل : «اللّهُمَّ ، البَيتُ بَيتُكَ ، وَالعَبدُ عَبدُكَ ، وهذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ ، اللّهُمَّ مِن قِبَلِكَ الرَّوحُ (6) وَالفَرَجُ» ، ثُمَّ استَلِمِ الرُّكنَ اليَمانِىَّ ، ثُمَّ ائتِ الحَجَرَ فَاختِم بِهِ . (7)

.

1- .الإفاضه : يفيض من مِنى إلى مكّه فيطوف ، أفاض القوم : إذا اندفعوا فيه (النهايه : ج 3 ص 485 «فيض») .
2- .الكافى : ج 4 ص 467 ح 3 .
3- .كنز العمّال : ج 5 ص 172 ح 12503 عن الأزرقى .
4- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 277 ح 946 عن ذريح ، مصباح المتهجّد : ص 706 ح 785 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
5- .قال العلّامه المجلسى قدس سره : «المتعوَّذ» اسم مكان سمّى الملتزم به ؛ لأنّه يتعوَّذ عنده من النار ، والمُستجار ؛ لأنّه يطلب عنده الإجاره من العذاب ، والروح والراحه والرحمه (مرآه العقول : ج 18 ص 27 ح 3) .
6- .رَوحُ اللّه : أى فرجه ورحمته ، والرَّوح : التّنفُّس ، وقد أراح الإنسان إذا تنفّسَ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 369 «روح») .

7- .الكافى : ج 4 ص 410 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 107 ح 347 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان .

ب کعبه

الکافی به نقل از هارون بن خارجه : شنیدم امام صادق علیه السلام در آخرین سخنش به هنگام کوچیدن [از منا به سوی مکّه]می گوید : «بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا به من ستم شود ، یا رشته خویشاوندی را ببُرم ، یا همسایه ای را بیازارم» .

ب کعبهامام علی علیه السلام از سخنانی که هنگام گذر بر رکن یمانی می فرمود : به نام خدا ، و خدا ، برتر از توصیف است . درود و رحمت و برکات خدا بر پیامبر خدا باد . بار خدایا ! از کفر و فقر و خواری و از جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم . پروردگارا ! به ما در دنیا نیکی ، و در آخرت هم نیکی ، ارزانی دار و ما را از عذاب آتش ، محافظت فرما .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در کعبه در حال سجده :بار خدایا ! امروز به تو پناه می آورم . پس پناهم ده . و از تو حمایت می خواهم . پس حمایتم کن . و در برابر سختی ، از تو کمک می جویم . پس کمکم کن . و از تو یاری می طلبم . پس یاری ام ده . و بر تو توکّل می کنم . پس برایم کارسازی کن .

امام صادق علیه السلام به عبد اللّه بن سنان : در طواف هفتم ، نزد مُتعوَّذ (1) (یعنی همان جایی که پشت کعبه و رو به روی درِ آن است) برو و بگو : «بار خدایا ! این خانه ، خانه تو و این بنده ، بنده تو و این جا ، جایگاه پناه بردن از آتش به توست . بار خدایا ! رحمت و گشایش ، از جانب توست» . سپس رکن یمانی را لمس کن و آن گاه کنار حجر [الأسود] برو و [طوافت را]در آن جا پایان ده .

.

1- .مجلسی رحمه الله می گوید : «مُتَعَوَّذ» نام دیگر مکان «ملتزَم» است و چون در آن محل ، از آتش دوزخ به خدا پناه برده می شود ، به آن «متعوَّذ (جایگاه پناه بردن)» گفته اند . «مُستجار» هم به آن گفته اند ؛ چون در آن محل ، از عذاب ، پناهندگی خواسته می شود . (مرآه العقول : ج 18 ص 27 ح 3)

عنه عليه السلام :إذا فَرَغتَ مِن طَوافِکَ ، وبَلَغتَ مُؤَخَّرَ الکَعبَهِ وهُوَ بِحِذاءِ المُستَجارِ دونَ الرُّکنِ اليَمانِیِّ بِقَلیلٍ فَابسُط يَدَيکَ عَلَی البَيتِ ، وألصِق بَطنَکَ وخَدَّکَ بِالبَيتِ ، وقُل : «اللّهُمَّ ، البَيتُ بَيتُکَ ، وَالعَبدُ عَبدُکَ ، وهذا مَکانُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ» ، ثُمَّ أقِرَّ لِرَبِّکَ بِما عَمِلتَ ، فَإِنَّهُ لَيسَ مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ يُقِرُّ لِرَبِّهِ بِذُنوبِهِ فی هذَا المَکانِ ، إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ إن شاءَ اللّهُ ... ثُمَّ تَستَجيرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، وتَخَيَّرُ لِنَفسِکَ مِنَ الدُّعاءِ . (1)

ج المَسجِدُرسول اللّه صلی الله عليه و آله :إذا دَخَلَ العَبدُ المَسجِدَ وقالَ : «أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ، قالَ الشَّيطانُ الرَّجيمُ : کَسَرَ ظَهری ، وکَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها عِبادَهَ سَنَهٍ . وإذَا خَرَجَ مِنَ المَسجِدِ وقالَ مِثلَ ذلِکَ ، کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِکُلِّ شَعرَهٍ عَلی بَدَنِهِ مِئَهَ حَسَنَهٍ ، ورَفَعَ لَهُ مِئَهَ دَرَجَهٍ . (2)

جامع الأخبار :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله عليه و آله إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُمنی ويَقولُ : «بِاسمِ اللّهِ وعَلَی اللّهِ تَوَکَّلتُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ، وإذا خَرَجَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُسری ويَقولُ : «بِاسمِ اللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» . ثُمَّ قالَ : يا عَلِیُّ ، مَن دَخَلَ المَسجِدَ وقالَ کَما قُلتُ ، تَقَبَّلَ اللّهُ [صَلاتَهُ] (3) . (4)

رسول اللّه صلی الله عليه و آله مِمّا کانَ يَقولُهُ إذا دَخَلَ المَسجِدَ : أعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ ، وبِوَجهِهِ الکَريمِ ، وسُلطانِهِ القَديمِ ، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (5)

.

1- .الکافی : ج 4 ص 411 ح 5 عن معاويه بن عمّار .
2- .جامع الأخبار : ص 176 ح 418 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 26 ح 19 .
3- .أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .
4- .جامع الأخبار : ص 175 ح 417 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 26 ح 19 .
5- .سنن أبی داوود : ج 1 ص 127 ح 466 ، تفسير ابن کثير : ج 6 ص 70 ، تفسير القرطبی : ج 12 ص 273 کلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، کنز العمّال : ج 7 ص 61 ح 17961 .

ج مسجد

امام صادق علیه السلام :چون از طوافت آسوده گشتی و به انتهای کعبه (یعنی جایی که رو به روی مستجار و اندکی قبل از رکن یمانی است) رسیدی ، دستانت را بگشای و بر خانه بگذار و شکم و گونه ات را به خانه بچسبان و بگو : «بار خدایا ! این خانه ، خانه تو و این بنده ، بنده توست و این جا ، جایگاه پناه بردن از آتش به توست» . سپس به کارهایی (گناهانی) که کرده ای ، در پیشگاه پروردگارت اعتراف کن ؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست که در این مکان به گناهان خود در پیشگاه پروردگارش اعتراف کند ، مگر آن که خداوند ، او را می آمرزد ، إن شاء اللّه ... . سپس از آتش ، به خدا پناه ببر و هر دعایی خواستی ، برای خودت بکن .

ج مسجدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده وارد مسجد شود و بگوید : «از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم» ، شیطانِ رانده شده می گوید : «کمرم را شکست» و خداوند به ازای آن ، برایش عبادت یک سال را می نویسد ، و چون در هنگام خارج شدن از مسجد نیز همین را بگوید ، خداوند به تعداد هر موی بدنش ، [ثواب] صد کار نیک برایش می نویسد و مقامش را صد درجه بالا می برد .

جامع الأخبار :پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد ، نخست پای راستش را داخل می گذاشت و می فرمود : «به نام خدا . به خدا توکّل کردم و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» و هر گاه از مسجد خارج می شد ، پای چپش را بیرون می گذاشت و می فرمود : «به نام خدا . از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم » . سپس فرمود : «ای علی ! هر کس وارد مسجد شود و آنچه را من گفتم ، بگوید ، خداوند [نمازش را]می پذیرد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام وارد شدن به مسجد : به خدای بزرگ و به روی گرامی او و سلطنت ازلی اش پناه می برم از شیطانِ رانده شده .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أحَدَكُم إذا أرادَ أن يَخرُجَ مِنَ المَسجِدِ تَداعَت (1) جُنودُ إبليسَ وأجلَبَت (2) ، وَاجتَمَعَت كَما تَجتَمِعُ النَّحلُ عَلى يَعسوبِها ، فَإذا قامَ أحَدُكُم عَلى بابِ المَسجِدِ ، فَليَقُل : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن إبلِيسَ وجُنودِهِ» فَإنَّهُ إذا قالَها لَم يَضُرَّهُ . (3)

د الحَمّامُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :نِعمَ البَيتُ يَدخُلُهُ المُسلِمُ بَيتُ الحَمّامِ ، وذاکَ أنَّهُ إذا دَخَلَهُ يَعنى سَأَلَ اللّهَ الجَنَّةَ ، وَاستَعاذَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقالُ عِندَ دُخولِ الحَمّامِ : إذا دَخَلتَ البَيتَ الأَوَّلَ فَقُل : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسى وأستَعيذُ بِکَ مِن أذاهُ» ... وإذا دَخَلتَ البَيتَ الثّالِثَ فَقُل : «نَعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ونَسأَلُهُ الجَنَّةَ» تُرَدِّدُها إلى وَقتِ خُروجِکَ . 5

.

1- .تَدَاعت عليكم : أى اجتمعوا ودعا بعضهم بعضا (النهايه : ج 2 ص 120 «دعا») .
2- .أجلب عليه : إذا صاح به واستحثّه (النهايه : ج 1 ص 282 «جلب») .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنّى : ص 59 ح 155 ، الأذكار للنووى : ص 38 كلاهما عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 7 ص 660 ح 20786 .
4- .تاريخ دمشق : ج 8 ص 188 ح 2158 ، تفسير القرطبى : ج 12 ص 225 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 393 ح 26644 .

د گرمابه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما بخواهد از مسجد خارج شود ، سپاهیان ابلیس یکدیگر را فرا می خوانند و هیاهو به راه می اندازند و همچون زنبوران عسل که بر گرد ملکه خود گرد می آیند ، گرد می آیند . بنا بر این ، هر گاه یکی از شما بر درِ مسجد رسید ، بگوید : «بار خدایا ! از ابلیس و سپاهیانش ، به تو پناه می برم» ؛ چون با گفتن آن ، ابلیس به او گزندی نخواهد رساند .

د گرمابهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوب خانه ای است حمّام برای مسلمان که وارد آن می شود ؛ چون هر گاه وارد آن می شود ، از خداوندْ بهشت می طلبد و از آتش ، به خدا پناه می بَرد !

امام صادق علیه السلام آنچه هنگام وارد شدن به حمّام گفته می شود : چون به خانه اوّل [که ظاهرا رختکن است]در آمدی ، بگو : «بار خدایا ! از شرّ نفْسم به تو پناه می برم ، و به تو پناه می برم از این که آزارش دهم» ... و چون به خانه سوم در آمدی ، بگو : «از آتش ، به خدا پناه می بریم و از او بهشت می طلبیم» و تا هنگام بیرون رفتن ، این را تکرار می کنی . (1)

.

1- .در کتاب التعریف صفوانی آمده است : هرگاه خواستی وارد حمّام شوی ، بگو : «به نام خدا و به یاری خدا ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا ! مرا از گرما و رنج آن در پناه خود بدار ، و مرا از گناهانم پاک گردان ، چنان که چرک مرا در این جا می زدایی ، ای پروردگار جهانیان» . و هنگام در آوردن لباس هایت بگو : «بار خدایا ! برهنگی (/عیب) مرا بپوشان و بر من پرده افکن و از گناهان ، برهنه ام ساز . ای مهربان ترین مهربانان !» و چون وارد شدی ، در خانه میانی ، اندکی بنشین ؛ زیرا برای سلامت تن ، مفیدتر است ، و بر دو پایت منشین و رو به دیوار کن ، و محلّی را که می خواهی در آن جا بنشینی ، ابتدا بشوی و چون وارد گرم خانه شدی ، بگو : «از خشم خدا ، به خدا پناه می برم . بار خدایا ! از آتش و هر گفتار و کرداری که به آتش نزدیک می گرداند ، به تو پناه می برم» .

ه السّوقُرسولِ اللّه صلى الله عليه و آله مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا دَخَلَ السّوقَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ هذَا السّوقِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الكُفرِ وَالفُسوقِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله أيضا : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ خَيرَ هذِهِ السّوقِ وخَيرَ ما فيها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن اُصيبَ فيها يَمينا فَاجِرَةً ، أو صَفقَةً خاسِرَةً . (2)

الغارات عن النعمان بن سعد :كانَ [الإمامُ عَلِىٌّ عليه السلام] يَخرُجُ إلَى السّوقِ ومَعَهُ الدِّرَّهُ (3) ، فَيَقولُ : إنّى أعوذُ بِکَ مِن الفُسوقِ ، ومِن شَرِّ هذِهِ السّوقِ . (4)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن سدير :قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : يا أبَا الفَضلِ ، أما لَکَ فِي السّوقِ مَكانٌ تَقعُدُ فيهِ تُعامِلُ النّاسَ ؟ قالَ : قُلتُ : بَلى . قالَ : اِعلَم أنَّهُ ما مِن رَجُلٍ يَغدو ويَروحُ إلى مَجلِسِهِ وسوقِهِ فَيَقولُ حينَ يَضَعُ رِجلَهُ فِي السّوقِ : «اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ خَيرَها وخَيرَ أهلِها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها» إلّا وَكَّلَ اللّهُ عز و جل بِهِ مَن يَحفَظُهُ ويَحفَظُ عَلَيهِ حَتّى يَرجِعَ إلى مَنزِلِهِ ، فَيَقولُ لَهُ : قَد أجَرتُکَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها يَومَکَ هذا . فَإذا جَلَسَ مَكَانَهُ حينَ يَجلِسُ فَيَقولُ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ صلى الله عليه و آله ، اللّهُمَّ إنّى أسأ لُکَ مِن فَضلِکَ حَلالاً طَيِّبا ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أظلِمَ أو اُظلَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِن صَفقَةٍ خاسِرَةٍ ، ويَمينٍ كاذِبَةٍ» فَإذا قالَ ذلِکَ ، قالَ المَلَکُ المُوَكَّلُ : أبشِر فَما فِي سوقِکَ اليَومَ أحَدٌ أوفَرُ نَصيبا مِنکَ ، وسَيَأتيکَ ما قَسَمَ اللّهُ لَکَ مُوَفَّرا حَلالاً طَيِّبا مُبارَكا فيهِ . (5)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 371 ح 5589 ، الدعاء للطبرانى : ص 252 ح 794 كلاهما عن بريده ؛ مستدرک الوسائل : ج 13 ص 265 ح 15309 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللّباب .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 723 ح 1977 ، المعجم الكبير : ج 2 ص 21 ح 1157 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 354 ح 5534 ، الدعاء للطبرانى : ص 252 ح 795 كلّها عن بريده ، كنز العمّال : ج 7 ص 149 ح 18456 .

3- .الدِّرَّةُ : السَّوط (المصباح المنير : ص 192 «درر») .
4- .الغارات : ج 1 ص 114 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 102 ح 46 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 200 ح 3754 ، الكافى : ج 5 ص 155 ح 1 وليس فيه «وأعوذ بک من شرّها وشرّ أهلها» نحوه .

ه بازار

ه بازارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند : بار خدایا ! خیر این بازار را از تو درخواست می کنم و از کفر و گناه ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند : به نام خدا . بار خدایا ! خیر این بازار و خیر آنچه را در آن است ، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که در این جا مرتکب سوگند دروغ ، یا دچار معامله ای زیانمند شوم .

الغارات به نقل از نعمان بن سعد : [امام علی علیه السلام] شلّاق در دست ، به بازار می رفت و می فرمود : «از گناه و از بدی این بازار ، به تو پناه می برم» .

کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از سدیر : امام باقر علیه السلام فرمود : «ای ابا فضل ! آیا در بازار ، جایی نداری که در آن بنشینی و با مردم ، داد و ستد کنی؟ گفتم : چرا . فرمود : «بدان که هر کس به دکان و بازارش رفت و آمد کند و هنگامی که وارد بازار شد ، بگوید : بار خدایا ! خیرِ این بازار و خیرِ اهل آن را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می برم ، خداوند عز و جل کسی را بر او می گمارد تا از وی محافظت کند تا به منزلش باز گردد ، و به او می فرماید : من امروز ، تو را از شرّ این بازار و شرّ اهل آن ، در پناه خود داشتم . و هنگامی که در دکان خود نشست ، بگوید : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی انباز است و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا ! از فضل تو ، روزی حلال و پاک می طلبم و از این که ستم کنم یا ستم ببینم ، به تو پناه می برم ، و از معامله زیانمند و سوگند دروغ خوردن ، به تو پناه می برم . هر گاه این را گفت ، فرشته گماشته بر او می گوید : مُژده ات باد که امروز در بازار ، هیچ کس پُربهره تر از تو نخواهد بود و آنچه خدا برایت قسمت کرده ، به وفور و حلال و پاک و بابرکت ، به تو خواهد رسید !» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن دَخَلَ سوقا فَقالَ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الظُّلمِ وَالمَأثَمِ وَالمَغرَمِ (1) » کَتَبَ اللّهُ لَهُ مِنَ الحَسَناتِ عَدَدَ مَن فيها مِن فَصيحٍ وأعجَمَ . (2)

عنه عليه السلام :إذا دَخَلتَ سوقَکَ فَقُل : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِها وخَيرِ أهلِها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن أن أظلِمَ أو اُظلَمَ ، أو أبغِىَ أو يُبغى عَلَىَّ ، أو أعتَدِىَ أو يُعتَدى عَلَىَّ ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ ، وشَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، وحَسبِىَ اللّهُ لا إلهَ إلّا هُوَ ، عَلَيهِ تَوَکَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ . (3)

و الخَلاءُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ هذِهِ الحُشوشَ (4) مُحتَضَرَهٌ ، فَإِذا أتى أحَدُکُمُ الخَلاءَ فَليَقُل : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الخُبُثِ وَالخَبائِثِ . (5)

.

1- .المَغْرَمُ : کالغُرْم وهو الدَّين (النهايه : ج 3 ص 363 «غرم») .
2- .الأمالى للطوسى : ص 145 ح 238 عن محمّد بن عثمان بن زيد بن بکّار بن الوليد الجهنى ، بحار الأنوار : ج 76 ص 173 ح 3 .
3- .الکافى : ج 5 ص 156 ح 2 ، تهذيب الأحکام : ج 7 ص 9 ح 32 کلاهما عن معاويه بن عمّار .
4- .الحُشُوش : يعنى الکُنُف ومواضع قضاء الحاجه ، الواحد حَشّ (النهايه : ج 1 ص 390 «حشش») .
5- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 2 ح 6 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 108 ح 296 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 79 ح 19306 وليس فيهما «الخلاء» و ص 87 ح 19351 ، صحيح ابن حبّان : ج 4 ص 253 ح 1406 کلّها عن زيد بن أرقم ، کنز العمّال : ج 9 ص 350 ح 26389 .

و مستراح

امام صادق علیه السلام :هر کس به بازاری در آید و بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و محمّد ، بنده او و فرستاده اوست . بار خدایا ! از ستم و گناه و بدهکاری ، به تو پناه می برم» ، خداوند به شمار هر که در آن بازار است ، از عرب و غیر عرب، برایش نیکی می نویسد .

امام صادق علیه السلام :هر گاه به بازاری در آمدی ، بگو : «بار خدایا ! خیر آن و خیر اهل آن را از تو می طلبم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می آورم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که ظلم کنم یا به من ظلم شود ، سرکشی کنم یا به من سرکشی شود ، تعدّی کنم یا بر من تعدّی شود . بار خدایا ! از شرّ ابلیس و لشکریانش و از شرّ بزهکاران عرب و غیر عرب ، به تو پناه می آورم . خدایی که جز او معبودی نیست ، مرا بس است . بر او توکّل کردم ، که او پروردگار عرش بزرگ است» .

و مستراحپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این جایگاه های قضای حاجت ، حضورگاه [جن و شیاطین]اند . بنا بر این، هرگاه کسی از شما به مستراح رفت ، بگوید : «از شیاطین پلید نر و ماده، به خدا پناه می برم» .

.

صحيح البخارى عن أنس :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ الخَلاءَ قالَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الخُبُثِ وَالخَبائِثِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَعجِز أحَدُكُم إذا دَخَلَ مِرفَقَهُ (2) أن يَقولَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ ، الخَبيثِ المُخبِثِ ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أرادَ دُخولَ المُتَوَضَّأ (4) قالَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ ، الخَبيثِ المُخبِثِ ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، اللّهُمَّ أمِط (5) عَنّى الأذَى ، وأعِذنى مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (6)

الكافى عن أبى اُسامه :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ مِنَ المُغيرِيَّهِ (7) عَن شَىءٍ مِنَ السُّنَنِ فَقالَ : ما مِن شَىءٍ يَحتاجُ إلَيهِ أحَدٌ مِن وُلدِ آدَمَ إلّا وقَد جَرَت فيهِ مِنَ اللّهِ ومِن رَسولِهِ سُنَّهٌ ، عَرَفَها مَن عَرَفَها وأنكَرَها مَن أنكَرَها . فَقالَ رَجُلٌ : فَمَا السُّنَّهُ فى دُخولِ الخَلاءِ ؟ قالَ : تَذكُرُ اللّهَ ، وتَتَعَوَّذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (8)

.

1- .صحيح البخارى : ج 1 ص 66 ح 142 و ج 5 ص 2330 ح 5963 ، سنن الترمذى : ج 1 ص 11 ح 6 ، سنن النسائى : ج 1 ص 20 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 109 ح 298 ، كنز العمّال : ج 7 ص 44 ح 17873 .
2- .مرافق الدار : من المغتسل والكنيف ونحوه (لسان العرب : ج 10 ص 118 «رفق») .
3- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 109 ح 299 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 210 ح 7849 ، الدعاء للطبرانى : ف ص 134 ح 366 كلّها عن أبى اُمامه و ح 365 عن أنس ، كنز العمّال : ج 9 ص 352 ح 26405 ؛ الكافى : ج 3 ص 16 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 25 ح 63 كلاهما عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام وص 351 ح 1038 عن أبى بصير عن أحدهما عليهماالسلاموكلّها نحوه .
4- .المتوضَّأ : الكنيف والمستراح (مجمع البحرين : ج 3 ص 1945 «وضأ») .

5- .فى المصدر : «أمت» ، والتصويب من المصادر الأُخرى . قال الفيّومى : ماطَ : تَباعَدَ ، وأماطَهُ غيرُهُ ، ومنه إماطَةُ الأذى عن الطريق ؛ وهى التنحيه (المصباح المنير : ص 587 «ميط») .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 23 ح 37 ، مسند زيد : ص 76 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 104 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 80 ص 193 ح 51 .
7- .المُغيريَّه : هم أصحاب المغيره بن سعيد العجلى ، ادّعى أنّ الإمام بعد محمّد بن علىّ بن الحسين عليهم السلام محمّد بن عبد اللّه بن الحسن ، وكان المغيره مولى لعبد اللّه بن خالد القصرى (هامش المصدر) .
8- .الكافى : ج 3 ص 69 ح 3 ، علل الشرايع : ص 276 ح 4 ، المحاسن : ج 1 ص 433 ح 1004 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 164 ح 4 .

صحیح البخاری به نقل از اَنَس : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مستراح می شد ، می گفت : «بار خدایا ! از شیطان های پلید نر و ماده ، به تو پناه می آورم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما به آبریزگاه رفت ، از این که بگوید : «بار خدایا ! از آلوده ناپاکِ پلیدِ پلیدگر ، شیطانِ رانده شده به تو پناه می برم» ، سستی نکند .

کتاب من لا یحضره الفقیه :پیامبر خدا هر گاه می خواست به آبریزگاه وارد شود ، می گفت : «بار خدایا ! از آلوده ناپاکِ پلیدِ پلیدگر ، شیطان رانده شده ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! آزار [نجاست] را از من دور گردان ، و مرا از شیطانِ رانده شده ، در پناه خود دار» .

الکافی به نقل از ابو اسامه : در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از مُغیریان (1) در باره پاره ای آداب ، از ایشان سؤال کرد . فرمود : «هیچ چیزی نیست که فردی از افراد آدمی به آن نیاز داشته باشد ، مگر آن که آدابی از جانب خدا و پیامبرش در باره آن وارد شده است . برخی ، آنها را می دانند و برخی نمی دانند» . مردی گفت : آداب وارد شدن به آبریزگاه چیست؟ فرمود : «[این که] خدا را یاد کنی و از شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببری» .

.

1- .مغیریان ، به یاران مغیره بن سعد عجلی ، هم پیمان عبد اللّه بن خالد قصری ، گفته می شود . او مدّعی بود که پس از امام باقر علیه السلام ، محمّد بن عبد اللّه بن حسن ، امام است .

الإمام الصادق عليه السلام :مَن كَثُرَ عَلَيهِ السَّهوُ فِي الصَّلاهِ ، فَليَقُل إذا دَخَلَ الخَلاءَ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ ، الخَبيثِ المُخبِثِ ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ . (1)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 25 ح 42 .

امام صادق علیه السلام :هر که در نمازْ زیاد سهو می کند ، باید هنگامی که وارد آبریزگاه می شود ، بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا . از آلوده ناپاک و پلیدِ پلیدگر ، شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم» .

.

الفَصلُ السّادِسُ : الاستعاذات المأثوره6 / 1الاِستِعاذاتُ المَأثورَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن زَوالِ نِعمَتِکَ ، وَتَحَوُّلِ عافِيَتِکَ ، وفُجاءَهِ نَقِمَتِکَ ، وجَميعِ سَخَطِکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله مِمّا دَعا بِهِ فِي السُّجودِ لَيلاً : أعوذُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِرَحمَتِکَ مِن نَقِمَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، لا أبلُغُ مَدحَکَ وَالثَّناءَ عَلَيکَ ، أنتَ کَما أثنَيتَ عَلى نَفسِکَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ ، وَالکَسَلِ ، وعَذابِ القَبرِ . (3)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2097 ح 96 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1545 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 463 ح 7955 ، الأدب المفرد : ص 205 ح 685 كلّها عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 2 ص 180 ح 3634 .
2- .الكافى : ج 3 ص 324 ح 12 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 245 ح 14 ؛ سنن الترمذى : ج 5 ص 561 ح 3566 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 208 ح 751 كلاهما عن عبد الرحمن بن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، صحيح ابن حبّان : ج 5 ص 258 ح 1932 عن عائشه وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 486 ح 2131 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 528 ح 3503 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 715 ح 1954 كلاهما عن مسلم بن أبى بكره ، كنز العمّال : ج 2 ص 203 ح 3763 .

6 / 1 پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت6 / 1پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از زوال نعمتت ، و از دست رفتن عافیتت ، و فرود آمدن ناگهانی کیفرت ، و همه ناخشنودی ات ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در سجده های نماز شب : از کیفر تو ، به گذشتت پناه می برم ، از ناخشنودی تو ، به خشنودی ات پناه می برم ، از انتقام تو ، به رحمتت پناه می برم ، از تو ، به خود تو پناه می برم . از عهده ستایش و ثنای تو برنمی آیم . تو چنانی که خود ، در ثنای خویش گفته ای . از تو آمرزش می طلبم و به درگاه تو ، باز می آیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از اندوه [و نگرانی] و تنبلی و عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ ، وَالهَرَمِ ، وفِتنَهِ الصَّدرِ ، وعَذابِ القَبرِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ ، وَالهَرَمِ ، وَالجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وفِتنَهِ الدَّجّالِ ، وعَذابِ القَبرِ . (2)

سنن النسائی عن عمر :کانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِن خَمسٍ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وسوءِ العُمُرِ ، وفِتنَهِ الصَّدرِ ، وعَذابِ القَبرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَالفَقرِ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ ، لا إلهَ إلّا أنتَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ ، وعَذابِ القَبرِ ، وفِتنَهِ المَحيا ، وفِتنَهِ المَماتِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّکِّ بَعدَ اليَقينِ ، وأعوذُ بِکَ مِن مُقارَنَهِ الشَّياطينِ ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ يَومِ الدّينِ . (6)

.

1- .المعجم الكبير : ج 12 ص 84 ح 12614 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 2 ص 206 ح 3781 .
2- .سنن النسائی : ج 8 ص 257 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 400 ح 13074 و ص 409 ح 13131 و ص 470 ح 13472 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 200 ح 3747 .
3- .سنن النسائی : ج 8 ص 267 ، سنن أبی داوود : ج 2 ص 90 ح 1539 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3844 وفيه «وأرذل العمر» بدل «وفتنه الصدر» ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 58 ح 145 وفيه «وسوء العمل» بدل «وسوء العمر» ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 301 ح 1024 ، كنز العمّال : ج 2 ص 261 ح 3971 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 316 ح 20452 ، الأدب المفرد : ص 210 ح 701 ، سنن أبی داوود : ج 4 ص 324 ح 5090 ، المستدرک على

الصحيحين : ج 1 ص 90 ح 99 وليس فيه ذيله وكلّها عن أبى بكره ، كنز العمّال : ج 2 ص 181 ح 3642 .
5- .المعجم الكبير : ج 9 ص 59 ح 8388 ، الدعاء للطبرانى : ص 409 ح 1379 كلاهما عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمّال : ج 2 ص 200 ح 3746 .
6- .المصنّف لابن أبي شيبه : ج 7 ص 20 ح 24 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 219 عن البرّاء بن عازب نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 213 ح 3817 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه عن البراء .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و وسوسه سینه و عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و بُزدلی و بُخل و فتنه دجّال و عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

سنن النسائی به نقل از عمر :پیامبر خدا ، از پنج چیز به خدا پناه می بُرد . بار خدایا! از ترسویی و بخل و بدی عمر و وسوسه سینه و عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از کفر و فقر ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از عذاب قبر ، به تو پناه می برم . معبودی جز تو نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! من ، از فقر و عذاب قبر و فتنه (رنج) زیستن و فتنه مُردن ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از شکّ پس از یقین ، به تو پناه می برم . از همدمی با شیاطین ، به تو پناه می برم ، و از عذاب روز جزا ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن غَلَبَهِ الدَّينِ ، وغَلَبَهِ العَدُوِّ ، وشَماتَهِ (1) الأَعداءِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن غَلَبَهِ الدَّينِ ، ومِن بَوارِ الأَيِّمِ ، ومِنَ الجوعِ ؛ فَإِنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الجوعِ ؛ فَإِنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الخِيانَهِ ؛ فَإِنَّها بِئسَتِ البِطانَهُ (4) . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ النّارِ ، وعَذابِ النّارِ ، ومِن شَرِّ الغِنى وَالفَقرِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن عَذابِ جَهَنَّمَ ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ المَسيحِ الدَّجّالِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ المَحيا وَالمَماتِ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ ، وَالحَزَنِ ، وَالعَجزِ ، وَالکَسَلِ ، وَالجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وضَلَعِ الدَّينِ (8) ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ . (9)

.

1- .الشَّماتَهُ : فَرَحُ العدوّ ببليّهٍ تنزل بمن يعاديه (النهايه : ج 2 ص 499 «شمت») .
2- .سنن النسائى : ج 8 ص 268 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 584 ح 6629 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 713 ح 1945 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 303 ح 1027 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو .
3- .الجعفريّات : ص 219 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 13 ص 387 ح 15678 .
4- .بِطانَهُ الرجل : صاحبُ سرِّهِ (النهايه : ج 1 ص 136 «بطن») .
5- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1547 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1113 ح 3354 ، سنن النسائى : ج 8 ص 263 كلّها عن أبى هريره ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 716 ح 1957 عن ابن مسعود نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 189 ح 3689 ؛ الجعفريّات : ص 219 عن الإمام

الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «الجزع» بدل «الجوع» ، مستدرک الوسائل : ج 9 ص 81 ح 10270 .
6- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1543 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 350 ح 4646 نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 206 ح 3778 .
7- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1542 و ج 1 ص 259 ح 984 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 525 ح 3494 ، سنن النسائى : ج 4 ص 104 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1262 ح 3840 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 521 ح 2168 كلّها عن ابن عبّاس و ص 557 ح 2342 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 190 ح 3695 .
8- .ضَلَع الدَّين : أى ثقلُهُ . والضَّلَعُ : الاعوجاجُ ؛ أى يثقله حتى يميلَ صاحبه عن الاستواء والاعتدال (النهايه : ج 3 ص 96 «ضلع») .
9- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2342 ح 6008 و ص 2340 ح 6002 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 520 ح 3484 ، سنن النسائى : ج 8 ص 265 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 451 ح 13364 و ص 440 ح 13303 ، الأدب المفرد : ص 202 ح 672 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 263 ح 3974 ؛ مصباح المتهجّد : ص 225 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 142 ح 24 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از چیرگی قرض و چیرگی دشمن و دشمن شاد شدن ، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از چیره آمدن قرض و از بی شوی ماندن بی شوهر (1) و از گرسنگی ، به تو پناه می برم ، که گرسنگی ، بد همخوابه ای است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم ، که گرسنگی ، بد همخوابه ای است و از خیانت ، به تو پناه می برم که خیانت ، بد هم رازی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از گرفتار آمدن در آتش و عذاب آتش ، و از شرّ توانگری و ناداری ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از عذاب دوزخ ، به تو پناه می برم ، از عذاب قبر ، به تو پناه می برم ، از فتنه مسیح دجّال ، به تو پناه می برم ، و از فتنه زندگی و مرگ ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش) ، به تو پناه می برم .

.

1- .واژه «اَیّم» در متن عربی حدیث ، به معنای زنان بی شوهر است ، اعمّ از بیوِگان و دختران .

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن يَومِ السَّوءِ ، ومِن لَيلَهِ السَّوءِ ، ومِن ساعَهِ السَّوءِ ، ومِن صاحِبِ السَّوءِ ، ومِن جارِ السَّوءِ فى دارِ المُقامَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله مِن مُناجاتِهِ فى طَلَبِ الحاجَهِ : أعِذنِى اللّهُمَّ رَبِّ بِکَرَمِکَ مِنَ الخَيبَهِ (2) وَالقُنوطِ (3) ، وَالأناهِ (4) وَالتَّثبيطِ (5) ، بِهَنيءِ إجابَتِکَ وسابِغِ مَوهِبَتِکَ ، إنَّکَ وَلِىٌّ ، وبِالمَنائِحِ الجَزيلَهِ مَلِىٌّ ، وأنتَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وبِکُلِّ شَىءٍ مُحيطٌ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن حُلولِ البَلاءِ ، ومِن دَرکِ (7) الشَّقاءِ ، وشَماتَهِ الأعداءِ . (8)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن سوءِ القَضاءِ ، وسوءِ القَدَرِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى الأهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ . (9)

.

1- .المعجم الكبير : ج 17 ص 294 ح 810 ، الدعاء للطبرانى : ص 399 ح 1338 كلاهما عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : ج 2 ص 183 ح 3651 .
2- .الخَيبَهُ : الحِرمانُ والخُسران (النهايه : ج 2 ص 90 «خيب») .
3- .القُنوطُ : أشدّ اليأس من الشىء (النهايه : ج 4 ص 113 «قنط») .
4- .يُقال : لا تُؤنِ فُرصَتَکَ ، أى : لا تؤخّرها ، وكلّ شىء أخّرته فقد آنيتَهُ (لسان العرب : ج 14 ص 48 «أنى») .
5- .التثبيطُ : هو التعويق والشَّغل عن المراد (النهايه : ج 1 ص 207 «ثبط») .
6- .الدعوات : ص 59 ح 147 ، مُهَج الدعوات : ص 317 عن الإمام الجواد عليه السلام ، المصباح للكفعمى : ص 527 عن الإمام الرضا عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 164 ح 17 .
7- .الدَّرْکُ : اللّحاقُ والوصول إلى الشىء (النهايه : ج 2 ص 114 «درک») .
8- .الدعاء للطبرانى : ص 398 ح 1335 عن أبى هريره .
9- .جامع الأخبار : ص 364 ح 1012 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 360 ح 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از روز بد و از شب بد ، و از ساعت بد و از دوست بد و از همسایه بد در محلّ اقامت ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مناجات ایشان برای حاجتخواهی : بار خدایا! ای پروردگار من! به بزرگواری ات مرا از ناکامی و نومیدی و کُندی و تأخیر در اجابت شیرینت و عطای سرشارت ، در پناه خویش بدار ، که به راستی تو حمایتگری ، و در دَهِش های فراوان ، توانگری ، و تو بر هر چیزی توانایی و به هر چیزی احاطه داری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از فرود آمدن بلا و دامنگیر شدن بدبختی و دشمن شاد شدن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از بدی قضا و بدی تقدیر ، مواجه شدن با منظره بد در باره زن و مال و فرزند ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ وَالقِلَّهِ وَالذِّلَّهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أظلِمَ أو اُظلَمَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ البُخلِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الجُبنِ ، وأعوذُ بِکَ أن اُرَدَّ إلى أرذَلِ (2) العُمُرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ الدُّنیا ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ العَجزِ ، وَالکَسَلِ ، وَالجُبنِ ، وَالهَرَمِ ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ المَحیا وَالمَماتِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالهَرَمِ ، وَالمَأثَمِ وَالمَغرَمِ ، ومِن فِتنَهِ القَبرِ وعَذابِ القَبرِ ، ومِن فِتنَهِ النّارِ وعَذابِ النّارِ ، ومِن شَرِّ فِتنَهِ الغِنى ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ الفَقرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ المَسیحِ الدَّجّالِ . (5)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 91 ح 1544 ، سنن النسائى : ج 8 ص 261 و 262 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 173 ح 8059 و ص 214 ح 8318 ، المستدرک على الصحیحین : ج 1 ص 725 ح 1983 کلّها عن أبى هریره ، کنز العمّال : ج 2 ص 189 ح 3688 .
2- .أرْذَلُ العُمْرِ : أى آخره فى حال الکِبَرِ والعَجْزِ والخَرَف (النهایه : ج 2 ص 217 «رذل») .
3- .صحیح البخارى : ج 5 ص 2342 ح 6009 و ص 2347 ح 6027 ، سنن النسائى : ج 8 ص 256 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 387 ح 1585 و ص 395 ح 1621 ، صحیح ابن حبّان : ج 3 ص 284 ح 1004 و ج 5 ص 371 ح 2024 ، صحیح ابن خزیمه : ج 1 ص 367 ح 746 کلّها عن سعد بن أبى وقّاص ، کنز العمّال : ج 2 ص 200 ح 3748 .
4- .صحیح البخارى : ج 5 ص 2341 ح 6006 و ج 3 ص 1039 ح 2668 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2079 ح 50 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 90 ح 1540 ، سنن النسائى : ج 8 ص 257 و 258 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص

227 ح 12114 و ص 416 ح 13171 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 190 ح 3694 .
5- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2342 ح 6007 و ص 2344 ح 6014 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2078 ح 49 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 525 ح 3495 ، سنن النسائى : ج 8 ص 262 كلّها عن عائشه نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 177 ح 3618 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از ناداری و کمبود و خواری ، به تو پناه می برم ، و به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا ستم ببینم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از بُخل ، به تو پناه می برم ، از ترسویی ، به تو پناه می برم و از رسیدن به فروترین روزهای عمر (پیری و فرتوتی) ، به تو پناه می برم . از فتنه دنیا به تو پناه می برم و از عذاب قبر ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و بُزدلی و سالخوردگی ، به تو پناه می برم . از عذاب قبر ، به تو پناه می برم و از فتنه [و رنج] زیستن و مُردن ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از سستی و سالخوردگی و گناهکاری و بدهکاری ، و از فتنه قبر و عذاب قبر ، و از فتنه آتش و عذاب آتش ، و از شرّ فتنه توانگری ، به تو پناه می برم . از فتنه فقر ، به تو پناه می برم ، و از فتنه مسیح دجّال ، به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله أَنَّهُ كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ العَجزِ ، وَالکَسَلِ ، وَالجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وَالهَرَمِ ، وعَذابِ القَبرِ ، اللّهُمَّ آتِ نَفسى تَقواها ، وزَکِّها أنتَ خَيرُ مَن زَکّاها ، أنتَ وَلِيُّها ومَولاها ، اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ومِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن دَعوَهٍ لا يُستَجابُ لَها (1) .

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الصَّمَمِ وَالبَکَمِ (2) ، وأعوذُ بِکَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ ، (3) وأعوذُ بِکَ مِنَ الجوعِ فَإِنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الخِيانَهِ فَإِنَّها بِئسَتِ البِطانَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ الأَمانِ : أعوذُ بِاللّهِ وبِعَظَمَتِهِ ، وبِعِزَّهِ اللّهِ وقُدرَتِهِ ، وبِعِزِّ اللّهِ وسُلطانِهِ ، وبِعِزِّ جَلالِ اللّهِ ، وبِعِزِّ عِزِّ اللّهِ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرى ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسى ، ومِن شَرِّ کُلِّ سُلطانٍ شَديدٍ ، ومِن شَرِّ کُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ (6) ، ومِن شَرِّ کُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ ، ومِن شَرِّ قَضاءِ السَّوءِ ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّکَ عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ وأنتَ عَلى کُلِّ شَىءٍ حَفيظٌ . (7)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2088 ح 73 ، سنن النسائى : ج 8 ص 260 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 17 ح 4 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 202 ح 5088 وزاد فيه «وفتنه الدجّال» بعد «القبر» وكلّها عن زيد بن أرقم ، كنز العمّال : ج 2 ص 177 ح 3619 .
2- .البَكَم : الخرس مع عىٍّ وبَلَهٍ (لسان العرب : ج 12 ص 53 «بكم») .
3- .زاد فى كنز العمّال هنا : «وأعوذ من موت الغَمِّ ، وأعوذ بک من موت الهَرَمِ ، وأعوذ بک من موت الهَدمِ» .
4- .الدعاء للطبرانى : ص 405 ح 1360 ، الفردوس : ج 1 ص 461 ح 1874 ، كنز العمّال : ج 2 ص 205 ح 3775 نقلاً عن ابن النجّار وكلّها عن أبى هريره .
5- .البلد الأمين : ص 373 ، المصباح للكفعمى : ص 364 .

6- .المارِدُ والمريدُ من شياطين الجنّ والإنس : المتعرّى من الخيرات (مفردات ألفاظ القرآن : ص 764 «مرد») .
7- .مُهَج الدعوات : ص 101 عن أنس ، المصباح للكفعمي : ص 104 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 314 ح 66 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته می گفت : بار خدایا ! از ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و سالخوردگی و عذاب قبر ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! به نفس من ، پروا دِه و آن را پاک گردان ، که تو بهترین پاک کننده آن هستی . تو ، صاحب و سَروَر آن هستی . بار خدایا ! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد ، و از دلی که خشوع نداشته باشد ، و از نفسی که سیر نشود ، و از دعایی که مستجاب نگردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! از کَری و گنگی ، به تو پناه می برم . از گنهکاری و بدهکاری ، به تو پناه می برم . از گرسنگی ، به تو پناه می برم که گرسنگی ، بدهمخوابه ای است و از خیانت ، به تو پناه می برم ؛ زیرا که خیانت ، بد هم رازی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای معروف به «دعای امان» : به خدا و بزرگی او ، و به عزّت خدا و قدرت او ، و به عزّت خدا و سلطنت او ، و به ارجمندی شُکوه خدا ، و به عزّتِ عزّت خدا پناه می برم ، از شرّ آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از شرّ آنچه زیر زمین است ، و از شرّ هر جنبده ای که پیشانی (سرنوشت) آن را پروردگارم در دست دارد ، و به راستی که پروردگار من ، بر راه راست است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! پناه می برم به تو ، از شرّ نفسم ، و از شرّ هر سلطان نیرومند و خشنی ، و از شرّ هر شیطان گردنکشی ، و از شرّ هر زورگوی خیره سری ، و از شرّ قضای بد ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست . به راستی که تو بر راه راستی و تو بر هر چیز ، نگهبانی .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن غِنىً يُطغينى ، وفَقرٍ يُنسينى ، وهَوىً يُردينى ، وعَمَلٍ يُخزينى ، وجارٍ يُؤذينى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن کُلِّ عَمَلٍ يُخزينى ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ صاحِبٍ يُردينى ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ أمَلٍ يُلهينى ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ فَقرٍ يُنسينى ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ غِنىً يُطغينى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَلَدٍ يَکونُ عَلَىَّ رَبّا (3) ، ومِن مالٍ يَکونُ عَلَىَّ ضَياعا ، ومِن زَوجَةٍ تُشيبُنى قَبلَ أوانِ مَشيبى ، ومِن خَليلٍ ماکِرٍ عَيناهُ تَرانى وقَلبُهُ يَرعانى ، إن رَأى خَيرا دَفَنَهُ وإن رَأى شَرّا أذاعَهُ ، وأعوذُ بِکَ مِن وَجَعِ البَطنِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ وَالحَزَنِ ، وَالعَجزِ وَالکَسَلِ ، وَالبُخلِ وَالجُبنِ ، وضَلَعِ الدَّينِ ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ ، وبَوارِ الأَيِّمِ ، وَالغَفلَهِ وَالذِّلَّهِ ، وَالقَسوَهِ وَالعَيلَهِ وَالمَسکَنَهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ومِن عَينٍ لا تَدمَعُ ، ومِن دُعاءٍ لا يُسمَعُ ، ومِن صَلاهٍ لا تَنفَعُ ، وأعوذُ بِکَ مِن امرَأهٍ تُشيبُنى قَبلَ أوانِ مَشيبى ، وأعوذُ بِکَ مِن وَلَدٍ يَکونُ عَلَىَّ رَبّا (5) ، وأعوذُ بِکَ مِن مالٍ يَکونُ عَلَىَّ عَذابا ، وأعوذُ بِکَ مِن صاحِبِ خَديعَهٍ ، إن رَأى حَسَنَهً دَفَنَها ، وإن رَأى سَيِّئَهً أفشاها ، اللّهُمَّ لا تَجعَل لِفاجِرٍ عِندى يَدا ولا مِنَّهً . (6)

.

1- .جامع الأخبار : ص 364 ح 1012 ، العُدد القويّه : ص 306 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه ذيله ، مُهَج الدعوات : ص 132 عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيه ذيله من «وعمل ...» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 360 ح 16 .
2- .عمل اليوم والليله لابن السنّى : ص 47 ح 120 ، الدعاء للطبرانى : ص 209 ح 657 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 240 ح 4335 ، الفردوس : ج 1 ص 462 ح 1878 كلّها عن أنس .
3- .الرَبُّ : المَولى والسيّد (النهايه : ج 2 ص 179 «ربب») .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 558 ح 4917 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 443 ح 1524 وليس فيه ذيله من «ومن خليل ...» ، الجعفريّات : ص

219 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ؛ الدعاء للطبرانى : ص 399 ح 1339 عن أنس نحوه .
5- .فى المصدر : «رباء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج1 ص335 ح981 عن حفص بن البخترى، بحار الأنوار: ج 86 ص 186 ح 49.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری ای که مرا به سرکشی وا دارد ، و از فقری که مرا به فراموشی [از تو و یاد تو] بکشاند ، و از هوسی که مرا به تباهی اندازد ، و از کرداری که رسوایم سازد ، و از همسایه ای که مرا بیازارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از هر عملی که مرا ، خوار و رسوا گرداند . به تو پناه می برم از هر دوستی که مرا به تباهی کشانَد . به تو پناه می برم از هر آرزویی که مرا ، سرگرم [و از یاد تو غافل] سازد . به تو پناه می برم از هر فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد ، و به تو پناه می برم از هر توانگری ای که مرا به سرکشی کشانَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از فرزندی که بر من سَروَری کند ، و از مالی که مایه تباهی من شود ، و از همسری که پیش از فرا رسیدن زمان پیری ام ، مرا پیر گردانَد ، و از دوست نیرنگبازی که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید که اگر خوبی [از من] دید ، آن را می پوشانَد و اگر بدی دید ، افشا می کند ؛ و به تو پناه می برم از درد شکم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و بخل و ترسویی و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش) ، و بی شوهر ماندن زنان ، و از غفلت و خواری ، و سنگ دلی و تنگ دستی و بی چیزی . به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که خاشع نباشد ، و از چشمی که اشک نریزد ، و از دعایی که شنیده [و پذیرفته] نشود ، و از نمازی که سود نبخشد . به تو پناه می برم از زنی که پیش از فرا رسیدن زمانی پیری ام ، مرا پیر سازد . به تو پناه می برم از فرزندی که بر من ، سَروری کند . به تو پناه می برم از مالی که مایه عذاب من شود . به تو پناه می برم از [دوست] دغلکار اگر خوبی ببیند، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند ، افشا می کند . بار خدایا! مرا مدیون نیکی و احسانِ هیچ تبهکاری قرار مده .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ العَجزِ ، وَالکَسَلِ ، وَالجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وَالهَرَمِ ، وَالقَسوَةِ ، وَالغَفلَةِ ، وَالعَيلَةِ (1) ، وَالذِّلَّةِ ، وَالمَسکَنَةِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ ، وَالکُفرِ ، وَالفُسوقِ ، وَالشِّقاقِ ، وَالنِّفاقِ ، وَالسُّمعَةِ ، وَالرِّياءِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الصَّمَمِ ، وَالبَکَمِ ، وَالجُنونِ ، وَالجُذامِ ، وَالبَرَصِ ، وَسيِّئِ الأَسقامِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعاءٍ کانَ يَدعو بِهِ : أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ ناصِيَتُها بِيَدِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الإثمِ وَالکَسَلِ ، ومِن عَذابِ القَبرِ ، ومِن عَذابِ النّارِ ، ومِن فِتنَةِ الغِنى ، ومِن فِتنَةِ الفَقرِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ إذا سافَرَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ (4) ، وکَآبَةِ المُنقَلَبِ ، ومِنَ الحَورِ 5 بَعدَ الکَورِ ، ودَعوَةِ المَظلومِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ . (5)

.

1- .عَالَ يَعيلُ عَيْلَةً : إذا افتقر (النهايه : ج 3 ص 330 «عيل») .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 712 ح 1944 ، الدعاء للطبرانى : ص 400 ح 1343 نحوه وکلاهما عن أنس ، کنز العمّال : ج 2 ص 188 ح 3681 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 29 ح 2211 و ج 1 ص 705 ح 1922 نحوه وکلاهما عن اُمّ سلمه ، المعجم الکبير : ج 23 ص 316 ح 717 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 213 ح 6218 وليس فيه «ومن عذاب النار» ، تاريخ دمشق : ج 5 ص 456 ح 1355 وزاد فيه «ومن فتنه العدوّ» بعد «عذاب القبر» .
4- .وَعْثاءُ السفر : أى شدّته ومشقَّتُه (النهايه : ج 5 ص 206 «وعث») .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 397 ح 20807 و ص 396 ح 20802 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 498 ح 3439 وفيه «الکون» بدل «الکور» ، السنن الکبرى : ج 5 ص 410 ح 10303 ، صحيح ابن خزيمه : ج 4 ص 138 ح 2533 کلّها عن عبد اللّه بن سرجس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از ناتوانی و سستی و بُزدلی و بخل و سالخوردگی و سنگ دلی و غفلت و تنگ دستی و خواری و درماندگی ، به تو پناه می برم . از فقر و کفر و کج روی و ناسازگاری و دورویی و آوازه خواهی و خودنمایی ، به تو پناه می برم . از کَری و گُنگی و دیوانگی و خوره و پیسی و بیماری های بد ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که ایشان می خواند : از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست . به تو پناه می برم از گناه و تنبلی و از عذاب قبر ، و از عذاب آتش ، و از آزمایش توانگری ، و از آزمایش ناداری ، به تو پناه می برم . از گنهکاری و بدهکاری ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان ، هنگامی که به مسافرت می رفت :بار خدایا! از رنج سفر ، و افسردگی در بازگشت ، و از کاستی پس از فزونی و نفرین ستم دیده و [رو به رو شدن با] منظره بد ، در میان خانواده و اموال به تو پناه می برم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أعوذُ بِکَ یا رَبِّ أن تَبتَلِیَنی بِبَلِیَّهٍ تَحمِلُنی ضَرورَتُها عَلَی التَّغَوُّثِ بِشَیءٍ مِن مَعاصیکَ ، وأعوذُ بِکَ یا رَبِّ أن أکونَ فی حالِ عُسرٍ أو یُسرٍ أظُنُّ (1) أنَّ معاصِیَکَ أنجَحُ فی طَلِبَتی مِن طاعَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن تَکَلُّفِ ما لَم تُقَدِّر (2) لی فیهِ رِزقا . وما قَدَّرتَ لی مِن رِزقٍ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وآتِنی بِهِ فی یُسرٍ مِنکَ وعافِیَهٍ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أفتَقِرَ فی غِناکَ ، أو أضِلَّ فی هُداکَ ، أو اُذَلَّ فی عِزِّکَ ، أو اُضامَ (4) فی سُلطانِکَ أو اُضطَهَدَ وَالأَمرُ إلَیکَ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أقولَ زورا (5) ، أو أغشی فُجورا ، أو أکونَ بِکَ مَغرورا . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن الهَدمِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ التَّرَدّی ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الغَرَقِ وَالحَرَقِ وَالهَرَمِ ، وأعوذُ بِکَ أن یَتَخَبَّطَنِی الشَّیطانُ عِندَ المَوتِ ، وأعوذُ بِکَ أن أموتَ فی سَبیلِکَ مُدبِرا ، وأعوذُ بِکَ أن أموتَ لَدیغا . (7)

.

1- .فی المصدر : «ظنّ» ، والتصویب من مصباح المتهجّد .
2- .فی المصدر : «لا تقدّر» ، والصواب ما أثبتناه کما فی مصباح المتهجّد وبحار الأنوار نقلاً عن المصدر .
3- .فلاح السائل : ص 255 ح 154 عن فاطمه بنت الحسن علیه السلام عن أبیها ، مصباح المتهجّد : ص 43 ح 51 ، قرب الإسناد : ص 1 ح 1 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبیه عن الإمام علیّ علیهم السلام وفیه صدره إلی «معاصیک» ، بحار الأنوار : ج 87 ص 66 ح 19 .
4- .الضَّیْمُ : الظُّلْمُ (الصحاح : ج 5 ص 1973 «ضیم») .
5- .الزُّور : الکَذِب ، وزوّر کلامه : أی زخرفهُ (المصباح المنیر : ص 260 «زور») .
6- .مُهَج الدعوات : ص 134 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 242 ح 9 .
7- .سنن أبی داوود : ج 2 ص 92 ح 1552 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 286 ح 15523 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 713 ح 1948 ، الدعاء للطبرانی : ص 406 ح 1363 کلّها عن أبی الیسر نحوه ، کنز العمّال : ج 2 ص 206 ح 3780 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به تو پناه می برم ای پروردگار من از این که مرا در چنان وضعیت دشواری افکنی که ناگزیر شوم به چیزی از معصیت تو پناه برم! به تو پناه می برم ای پروردگار من از آن که در حالت تنگی یا گشایش ، گمان برم معصیت تو ، در برآوردن خواستم مؤثّرتر از طاعت توست! به تو پناه می برم از آن که خود را برای چیزی به رنج افکنم که آن را برایم مقدّر نکرده ای ! بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن روزی ای را هم که برایم مقدّر ساخته ای ، به آسانی و عافیت برایم برسان ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگری تو ، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو ، گم راه شوم یا با وجود عزّت تو ، خوار شوم یا با وجود قدرت تو ، با من بدرفتاری شود یا در حالی که فرمان با توست ، من ، مورد ستم واقع شوم . بار خدایا! پناه می برم به تو از این که دروغ بگویم ، یا تَردامنی کنم ، یا به تو غرّه شوم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به تو پناه می برم از زیرآوار ماندن . به تو پناه می برم از سقوط از بلندی . به تو پناه می برم از غرق شدن و سوختن و سالخوردگی! به تو پناه می برم از این که در هنگام مُردن ، شیطان ، آشفته سرم کند . به تو پناه می برم از این که در حال فرار از راه تو (جهاد) بمیرم . و به تو پناه می برم از این که با گَزیده شدن بمیرم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِنورِ قُدسِکَ ، وعَظَمَهِ طَهارَتِکَ ، وبَرَکَهِ جَلالِکَ ، مِن کُلِّ آفَهٍ وعاهَهٍ ، ومِن طَوارِقِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ ، إلّا طارِقا یَطرُقُ بِخَیرٍ . اللّهُمَّ أنتَ غِیاثی فَبِکَ أستَغیثُ ، وأنتَ مَلاذی فَبِکَ ألوذُ ، وأنتَ مَعاذی فَبِکَ أعوذُ ، یا مَن ذَلَّت لَهُ رِقابُ الجَبابِرَهِ ، وخَضَعَت لَهُ مَقالیدُ الفَراعِنَهِ ، أعوذُ بِکَ مِن خِزیِکَ ، ومِن کَشفِ سِترِکَ ، ومِن نِسیانِ ذِکرِکَ ، وَالإنصِرافِ عَن شُکرِکَ . أنَا فی حِرزِکَ (1) فی لَیلی ونَهاری ، وظَعنی (2) وأسفاری ، ونَومی وقَراری ، ذِکرُکَ شِعاری وثَناؤُکَ دِثاری ، لا إلهَ إلّا أنتَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن مُلِمّاتِ نَوازِلِ البَلاءِ ، وأهوالِ عظائِمِ الضَّرّاءِ ، فَأَعِذنی رَبِّ مِن صَرعَهِ البَأساءِ ، وَاحجُبنی عَن سَطَواتِ البَلاءِ ، ونَجِّنی مِن مُفاجَآتِ النِّقَمِ ، وَاحرُسنی مِن زَوالِ النِّعَمِ ، ومِن زَلَلِ القَدَمِ ، وَاجعَلنِی اللّهُمَّ رَبِّ فی حِمی عِزِّکَ ، وحِیاطَهِ حِرزِکَ ، مِن مُباغَتَهِ الدَّوائِرِ (4) ، ومُعاجَلَهِ البَوائِرِ . (5) اللّهُمَّ رَبِّ وأرضُ البَلاءِ فَاخسِفها ، وجِبالُ السَّوءِ فَانسِفها ، وکُرَبُ الدَّهرِ فَاکشِفها ، وعَوائِقُ الاُمورِ فَاصرِفها ، وأورِدنی حِیاضَ السَّلامَهِ ، وَاحمِلنی عَلی مَطایَا الکَرامَهِ ، وَاصحَبنی إقالَهَ العَثرَهِ ، وَاشمُلنی سَترَ العَورَهِ ، وجُد عَلَیَّ رَبِّ بِآلائِکَ ، وکَشفِ بَلائِکَ ، ودَفعِ ضَرّائِکَ ، وَادفَع عَنّی کَلاکِلَ عَذابِکَ ، وَاصرِف عَنّی أَلیمَ عِقابِکَ ، وأَعِذنی مِن بَوائِقِ (6) الدُّهورِ ، وأنقِذنی مِن سوءِ عَواقِبِ الاُمورِ ، وَاحرُسنی مِن جَمیعِ المَحذورِ ، وَاصدَع صَفاهَ البَلاءِ عَن أمری ، وأشلِل یَدَهُ عَنّی مَدی عُمُری ، إنَّکَ الرَّبُّ المَجیدُ ، المُبدِئُ المُعیدُ ، الفَعّالُ لِما یُریدُ . (7)

.

1- .الحِرْزُ : الموضعُ الحصینُ (الصحاح : ج 3 ص 873 «حرز») .
2- .ظَعَنَ ظعْنا : ذَهَبَ وسَارَ (تاج العروس : ج 18 ص 362 «ظعن») .
3- .مُهَج الدعوات : ص 95 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 309 نقلاً من خطّ الشهید نحوه و ص 212 ح 8 ؛ تاریخ دمشق : ج 51 ص 319 ح 10898 عن عبد اللّه بن عمر نحوه .
4- .الدائِرهُ : الهزیمهُ ، یقال : علیهم دائرهُ السَّوء (الصحاح : ج 2 ص 661 «دور») .
5- .بار فلان ، أی : هلک ، وأبارهُ اللّه : أهلکهُ ، وقومٌ بورٌ : أی هلکی (الصحاح : ج 2 ص 597 «بور») .

6- .بَوائِقُهُ : أى غوائِلَهُ وشرورُهُ (النهايه : ج 1 ص 162 «بوق») .
7- .الدعوات : ص 82 ح 207 ، مُهَج الدعوات : ص 313 عن محمّد بن الحارث عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمى : ص 330 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 282 ح 45 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! به نور قداست تو و عظمت پاکی تو ، و افزونی شُکوه تو ، پناه می برم از هر گزند و آسیبی ، و از پیشامدهای شب و روز ، مگر پیشامدی که به نیکی آید . بار خدایا! تو یاری کننده من هستی . پس از تو کمک می خواهم . تو حامی منی . پس دست به دامن تو می شوم . تو پناهگاه منی ، پس به تو پناه می آورم . ای کسی که گردن های زورگویان ، تسلم اویند و مهار فرعونان ، در اختیار اوست! به تو پناه می برم از این که خوار و رسوایم کنی و پرده ام را کنار زنی ، و از این که یاد تو را فراموش کنم و از سپاسگزاری تو روی بگردانم . من در شب و روزم ، و کوچیدن و سفرهایم ، و در هنگام خوابیدن و استراحت کردنم ، در پناه تو هستم . یاد تو ، زیرپوش من است و ثنایت ، بالاپوشم . معبودی جز تو نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! از بلاهای سخت فلاکت بار و از مصیبت های بزرگ هراس انگیز ، به تو پناه می برم . پس ای پروردگار من از این که سختی ها مرا به خاک افکند ، در پناه خویش بدار و از ضربات بلا ، نگه دار و از کیفرهای نامنتظره ، بِرَهان و از زوال نعمت ها و از لغزیدن گام ها پاس بدار و مرا بار خدایا! پروردگارا از شبیخون بلاها و در رسیدن بی امان مهلکه ها ، در پناه عزّتت و حصار نگهداشتت قرار ده . بار خدایا ، پروردگارا! زمین بلا را درهم فرو ریز و کوه های بدی را درهم شکن و رنج های روزگار را بزُدای و مشکلات کارها را برطرف ساز و ما را به حریم های سلامت برسان و بر مَرکب های کرامت ، بر نشان و همواره ، در لغزش ها دستم را بگیر و بر عیب هایم پرده در افکن و نعمتهایت را ای پروردگار بر من ببخشای و بلایت را از من ، بگردان و گزندت را از من ، دور ساز و سنگینی های عذابت را از من ، بردار و کیفر دردناکت را از من ، دفع کن . مرا از بدی های روزگاران ، در پناه خویش بدار و از بدی فرجام کارها رهایی ام بخش و از هرگونه دشواری ، نگاهم دار و خَرسنگ بلا را از کار من ، بردار و دستش را در تمام عمرم ، از من کوتاه کن ، که به راستی ، تو پروردگار بزرگواری ، آغاز کننده و بازگرداننده ای (/آفریننده و باز آفرینی) و هر آنچه خواهی ، انجام می دهی .

.

المعجم الكبير عن عائشه بنت قدامه بن مظعون :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الأَعمَيَينِ ، قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَا الأَعمَيانِ ؟ قالَ : السَّيلُ وَالبَعيرُ الصَّؤولُ . (1)

6 / 2الاِستِعاذاتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلامالإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أفتَقِرَ فى غِناکَ ، أو أضِلَّ فى هُداکَ ، أو أُضامَ فى سُلطانِکَ ، أو اُضطَهَدَ وَالأمرُ لَکَ . اللّهُمَّ اجعَل نَفسى أوَّلَ کَريمَهٍ تَنتَزِعُها مِن کَرائِمى (2) ، وأوَّلَ وَديعَهٍ تَرتَجِعُها مِن وَدائِعِ نِعَمِکَ عِندى . اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ أن نَذهَبَ عَن قَولِکَ ، أو أن نَفتَتِنَ عَن دينِکَ ، أو تَتابَعَ بِنا أهواؤُنا دونَ الهُدَى الّذى جاءَ مِن عِندِکَ . (3)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى قُنوتِ الوَترِ : يا مَن کَرَّمَنى وشَرَّفَنى ونَعَّمَنى ، أعوذُ بِکَ مِنَ الزَّقّوم (4) ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الحَميم (5) ، وأعوذُ بِکَ مِن مَقيلٍ فِى النّارِ بَينَ أطباقِ النّارِ ، فى ظِلالِ النّارِ يَومَ النّارِ ، يا رَبَّ النّارِ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مَقيلاً فِى الجَنَّهِ ، بَينَ أنهارِها وأشجارِها ، وثِمارِها ورَيحانِها ، وخَدَمِها وأزواجِها ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ الخَيرِ : رِضوانَکَ وَالجَنَّهَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الشَّرِّ : سَخَطِکَ وَالنّارِ ، هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ ثَلاثَ مَرّاتٍ . (6)

.

1- .المعجم الكبير : ج 24 ص 344 ح 858 ، كنز العمّال : ج 2 ص 699 ح 5123 نقلاً عن الرامهرمزى عن ابن عمر وفيه «المغتلم» بدل «الصؤول» و ص 183 ح 3649 .
2- .أى إذا أردتَ أن تستردَّ منّى بعضَ أعضائى ، فقبل أن تنتزع عقلى وبعض جوارحى التى عليها اعتمادُ بدنى وقوامهُ وزينَتُهُ ، فانزع نفسى (مجمع البحرين : ج 3 ص 1565 «كرم») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 215 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 230 ح 4 .
4- .الزقّوم : شجره غبراء صغيره الورق ، ذفره مرّه (لسان العرب : ج 12 ص 269 «زقم») .
5- .الحَميمُ : الماء الشديد الحراره (مفردات ألفاظ القرآن : ص 254 «حمم») .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 492 ح 1412 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 270 ح 67 .

6 / 2 پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام

المعجم الکبیر به نقل از عایشه دختر قدامه بن مَظعون : از پیامبر خدا شنیدم که می گوید : «بار خدایا ! از شرّ دو کور ، به تو پناه می برم» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! دو کور چیستند؟ فرمود : «سیل و شتر مست» .

6 / 2پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلامامام علی علیه السلام :بار خدایا ! پناه می برم به تو از این که با وجود توانگری تو ، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو ، در گم راهی به سر برم یا با وجود سلطنت تو ، به من بیداد شود یا با وجود فرمان روایی تو ، به من ستم [و بد رفتاری] شود . بار خدایا ! جان مرا نخستین عضو از اعضای گرامی من قرار ده که از من می گیری (1) و نخستین نعمتی بدار که به من سپرده ای و از من ، باز می ستانی . بار خدایا ! به تو پناه می بریم از این که از گفتارت ، بیرون رویم یا از دینت ، گم راه شویم یا هوس هایمان ، ما را به غیر راهی بِبَرَد که از جانب تو آمده است .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در دعای قنوت نماز وَتْر : ای آن که مرا گرامی داشت و بزرگی بخشید و نعمت داد ! از زقّوم (2) به تو پناه می برم ، از آب جوشان [دوزخ]به تو پناه می برم و از خوابگاه نیم روزی در آتش در میان طبقات آتش ، در سایه های آتش ، در روز آتش ، به تو پناه می برم ، ای پروردگار آتش ! بار خدایا ! از تو خواهم خوابگاهی نیم روزی در بهشت ، در میان جویباران و درختانش ، و میوه ها و گل هایش ، و چاکران و همسرانش . بار خدایا ! بهترینِ بهترین ها را از تو خواهم : خشنودی ات و بهشت را . و از بدترینِ بدترین ها به تو پناه می برم : ناخشنودی ات و آتش . این جا کسی ایستاده که از آتش ، به تو پناه آورده است (سه مرتبه) .

.

1- .یعنی هرگاه خواستی برخی اعضای مرا باز گیری ، پیش از آن که عقل مرا و اعضای اصلی مرا که تکیه و قوام و زینت بدن من به آنهاست بگیری ، جان مرا بگیر .

2- .درختی است در جهنم دارای میوه بسیار تلخ که دوزخیان از آن خورند (لغت نامه دهخدا) .

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، ومِن جَورِ کُلِّ جائِرٍ ، وحَسَدِ کُلِّ حاسِدٍ ، وبَغيِ کُلِّ باغٍ ، اللّهُمَّ احفَظنى فى نَفسى وأهلى ومالى ، وجَميعِ ما خَوَّلتَنى مِن نِعَمِکَ . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أقولَ حَقّا لَيسَ فيهِ رِضاکَ ، ألتَمِسُ بِهِ أحَدا سِواکَ ، وأعوذُ بِکَ أن أتَزَيَّنَ لِلنّاسِ بِشَىءٍ يَشينُنى عِندَکَ ، وأعوذُ بِکَ أن أکونَ عِبرَهً لِأحَدٍ مِن خَلقِکَ ، وأعوذُ بِکَ أن يَکونَ أحَدٌ مِن خَلقِکَ أسعَدَ بِما عَلَّمتَنى مِنّى . (2)

عنه عليه السلام قَبلَ رَفعِ المَصاحِفِ يَومَ صِفّينَ : اللّهمّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الغَمِّ وَالحَزَنِ ، وَالعَجزِ وَالکَسَلِ ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ ، وسوءِ الخُلُقِ ، وضَلَعِ الدَّينِ ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ ، وغَلَبَهِ العَدُوِّ ، وتَوالِى الأيّامِ ، ومِن شَرِّ ما يَعمَلُ الظّالِمونَ فِى الأرضِ ، وبَلِيَّهٍ لا أستَطيعُ عَلَيها صَبرا ، وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَىءٍ زَحزَحَ بَينى وبَينَکَ ، أو باعَدَ مِنکَ ، أو صَرَفَ عَنّى وَجهَکَ ، أو نَقَصَ بِهِ مِن حَظّى عِندَکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تَحولَ خَطاياى أو ظُلمى أو إسرافى عَلى نَفسى ، وَاتِّباعُ هَوايَ ، وَاستِعمالُ شَهوَتى ، دُونَ رَحمَتِکَ وبِرِّکَ وفَضلِکَ وبَرَکاتِکَ ومَوعودِکَ عَلى نَفسِکَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن صاحِبِ سَوءٍ فِى المَغيبِ وَالمَحضَرِ ، فَإنَّ قَلبَهُ يَرعانى ، وعَيناهُ تُبصِرانى ، وأُذُناهُ تَسمَعانى ، إن رَأى حَسَنَهً أطفاها (3) ، وإن رَأى سَيِّئَهً أبداها ، وأعوذُ بِکَ مِن طَمَعٍ يُدنى إلى طَبَعٍ ، وأعوذُ بِکَ مِن ضَلالَهٍ تُردينى ، ومِن فِتنَهٍ تَعرِضُ لى ، ومِن خَطيئَهٍ لا تَوبَهَ مَعَها ، ومِن مَنظَرٍ سَوءٍ فِى الأهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ ، وعِندَ غَضاضَهِ المَوتِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَالشَّکِّ ، وَالبَغيِ وَالحَمِيَّهِ وَالغَضَبِ ، وأعوذُ بِکَ مِن غِنىً يُطغينى ، ومِن فَقرٍ يُنسينى ، ومِن هَوىً يُردينى ، ومِن يَومٍ أوَّلُهُ فَزَعٌ ، وآخِرُهُ جَزَعٌ ، تَسوَدُّ فيهِ الوُجوهُ ، وتَجِفُّ فيهِ الأکبادُ ، وأعوذُ بِکَ أن أعمَلَ ذَنبا مُحبِطا لا تَغفِرُهُ أبَدا ، ومِن ذَنبٍ يَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهِ ، ومِن أمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ ، وحَياهٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الجَهلِ وَالهَزلِ ، ومِن شَرِّ القَولِ وَالفِعلِ ، ومِن سُقمٍ يَشغَلُنى ، ومِن صِحَّهٍ تُلهينى ، وأعوذُ بِکَ مِنَ التَّعَبِ وَالنَّصَبِ ، وَالوَصَبِ وَالضّيقِ وَالضَّنکِ ، وَالضَّلالَهِ وَالغائِلَهِ ، وَالذِّلَّهِ وَالمَسکَنَهِ ، وَالرِّياءِ وَالسُّمعَهِ ، وَالنَّدامَهِ وَالحَزَنِ ، وَالخُشوعِ وَالبَغيِ وَالفِتَنِ ، ومِن جَميعِ الآفاتِ وَالسَّيِّئاتِ ، وبَلاءِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وأعوذُ بِکَ مِن وَسوَسَهِ الأنفُسِ مِمّا لا تُحِبُّ (4) مِنَ القَولِ وَالفِعلِ وَالعَمَلِ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ

الجِنِّ وَالإِنسِ ، وَالحَسِّ وَاللّبسِ ، ومِن طَوارِقِ اللّيلِ وَالنَّهارِ ، وأنفُسِ الجِنِّ وأعيُنِ الإِنسِ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسی ، ومِن شَرِّ لِسانی ، ومِن شَرِّ سَمعی ، ومِن شَرِّ بَصَری ، وأعوذُ بِکَ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن قَلبٍ لا یَخشَعُ ، ومِن دُعاءٍ لا یُسمَعُ ، وصَلاهٍ لا تُرفَعُ ، اللّهُمَّ لا تَجعَلنی فی شَیءٍ مِن عَذابِکَ ، ولا تَرُدَّنی فی ضَلالَهٍ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ بِشِدَّهِ مُلکِکَ ، وعِزَّهِ قُدرَتِکَ ، وعَظَمَهِ سُلطانِکَ ، ومِن شَرِّ خَلقِکَ أجمَعینَ . (5)

.

1- .فلاح السائل : ص 438 ح 302 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 113 ح 1 .
2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 348 ح 993 .
3- .وفی نسخه : «أخفاها» .
4- .فی المصدر : «ممّا تُحِبُّ» ، والتصویب من بحار الأنوار .
5- .مُهَج الدعوات : ص 131 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 239 ح 9 .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز عشا : بار خدایا! از پیشامدهای نامنتظره شب و روز ، و از بیداد هر بیدادگری ، و حسادت هر حسودی ، و ستم هر ستمگری به تو پناه می برم . بار خدایا! مرا و خانواده ام را ، و دارایی ام را وهر آن نعمتی را که به من داده ای ، محافظت فرما .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :بار خدایا! به تو پناه می برم از این که حقّی را نه برای خشنودی تو ، که برای جلب خشنودی غیر تو بگویم! به تو پناه می برم از این که خویشتن را برای مردم به چیزی بیارایم که مرا در نزد تو ، زشت می گرداند! به تو پناه می برم از این که مایه عبرت خلق تو شوم! به تو پناه می برم از این که اَحَدی از خلق تو ، به آنچه مرا آموخته ای ، سعادتمندتر از خود من باشد!

امام علی علیه السلام پیش از بالا بردن قرآن ها در جنگ صفّین : بار خدایا! به تو پناه می برم از غم و اندوه و ناتوانی و سستی و ترسویی و بخل و بدخویی و فشار قرض و چیرگی مردان (اوباش) و چیره آمدن دشمن و در پی هم آمدن روزها ، (1) و از شرّ کارهایی که ستمگران در زمین می کنند و از گرفتاری ای که تاب تحمّل آن را ندارم! به تو پناه می برم از هر چیزی که میان من و ، تو جدایی افکند یا از تو ، دور گرداند یا تو را از من ، روی گردان سازد یا به سبب آن ، از بهره من در نزد تو کاسته شود! و به تو پناه می برم از این که خطاهایم یا ستمم یا فزونکاری ام بر خویشتن ، و پیروی از هوسم و به کار بستن خواهش نفسم ، مانع رحمت و احسان و لطف و برکت های تو و وعده ای که بر عهده گرفته ای ، [از من] شود . بار خدایا! به تو پناه می برم از یار بد در غیاب و حضور ؛ [یاری] که دلش مرا می پاید و چشمانش مرا می بیند و گوش هایش [سخنان] مرا می شنود که اگر خوبی [از من] ببیند ، آن را می پوشانَد و اگر بدی ببیند ، آشکارش می سازد . به تو پناه می برم از طمعی که مرا به پستی کشاند . به تو پناه می برم از گم راهی ای که مرا به نابودی کشانَد و از فتنه ای که برایم پیش آید و از گناهی که با آن ، توبه ای نباشد و از پیشامد بد برای خانواده و دارایی و فرزندان ، و در هنگام خواری مرگ! به تو پناه می برم از کفر و شکّ و ستم و تعصّب و خشم . به تو پناه می برم از ثروتی که مرا به سرکشی کشانَد ، و از فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد ، و از هوسی که مرا به نابودی افکند . [به تو پناه می برم] از روزی که آغازش

هراس باشد و میانش بی تابی ؛ روزی که در آن روی ها سیاه و جگرها [از تشنگی]تفتیده می شود . به تو پناه می برم از این که گناهی مرتکب شوم که اعمال را بر باد می دهد و هرگز ، آن را نمی بخشی ، و از گناهی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود ، و از آرزویی که از عمل نیک ، باز می دارد ، و از زیستنی که مانع خوبْ مُردن می شود . به تو پناه می برم از نادانی کردن و شوخی ، و از گفتار و کردار بد ، و از بیماری ای که مرا به خود ، مشغول دارد ، و از تندرستی ای که مرا [از یاد تو]غافل گرداند . به تو پناه می برم از خستگی و فرسودگی و رنجوری و تنگنایی و زندگی جانکاه ، و گم راهی و تیره روزی و خواری و بینوایی و خودنمایی و شهرت طلبی و پشیمانی و اندوه و شکستگی و ستم و فتنه ها ، و از همه گزندها و بدی ها ، و از بلای دنیا و آخرت . به تو پناه می برم از زشتکاری های آشکار و پنهان . به تو پناه می برم از هر گفتار و کردار و رفتاری که تو دوست نداری و نفس به آنها وسوسه می کند . بار خدایا ! به تو پناه می برم از جنّ و آدمی ، و فریب و درهم آمیختگی ، و از پیشامدهای شب و روز ، و از چشم زخم جنّیان و آدمیان . بار خدایا ! به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، و از شرّ زبانم ، و از شرّ گوشم ، و از شرّ چشمم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که خاشع نباشد ، و از دعایی که مستجاب نشود ، و از نمازی که [به درگاه خدا] بالا نرود . بار خدایا ! مرا به هیچ عذابت ، گرفتار مساز ، و در هیچ گم راهی ای میفکن . بار خدایا ! به تو پناه می برم ، به استواری پادشاهی ات ، و شکست ناپذیری قدرتت ، و بزرگی سلطنتت ، و از شرّ همه آفریدگانت .

.

1- .شاید مراد از «روزها» جنگ و درگیری و روزهای دشوار باشد .

ص: 522

. .

ص: 523

. .

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فی خُطبَهِ صَلاهِ الاِستِسقاءِ : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِنَ الشِّرکِ وهَواديهِ ، وَالظُّلمِ ودَواهيهِ (1) ، وَالفَقرِ ودَواعيهِ . (2)

عنه علیه السلام أنَّهُ کانَ یَقولُ : أعوذُ بِکَ مِن جَهدِ البَلاءِ ، ودَرکِ الشَّقاءِ ، وشَماتَهِ الأَعداءِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ السِّجنِ وَالقَیدِ وَالسَّوطِ . (3)

عنه علیه السلام :نَعوذُ بِاللّهِ مِن سَیِّئاتِ الأَعمالِ . (4)

عنه علیه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ : نَحمَدُهُ بِجَمیعِ مَحامِدِهِ کُلِّها عَلی جَمیعِ نَعمائِهِ کُلِّها ، ونَستَهدیهِ لِمَراشِدِ اُمورِنا ، ونَعوذُ بِهِ مِن سَیِّئاتِ أعمالِنا ، ونَستَغفِرُهُ لِلذُّنوبِ الَّتی سَبَقَت مِنّا . (5)

.

1- .دواهی الدهر : ما یصیب الناس من عظیم نوائبه وحوادثه (الصحاح : ج 6 ص 2344 «دها») .
2- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 153 ح 328 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 532 ح 1501 ، مصباح المتهجّد : ص 528 ح 611 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 294 ح 2 .
3- .کنز العمّال : ج 2 ص 678 ح 5054 نقلاً عن یوسف القاصی .
4- .الأمالی للصدوق : ص 722 ح 988 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 395 ح 13 .
5- .الکافی : ج 1 ص 142 ح 7 ، التوحید : ص 33 ح 1 وفیه «سلفت» بدل «سبقت» وکلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 266 ح 14 .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در خطبه نماز طلب باران :بار خدایا ! از شرک و پیشروان آن ، و از ستم و پیامدهای مصیبت بار آن، و از فقر و اسباب آن ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام همواره می گفت : از بلای جانکاه ، و دامنگیر شدن بدبختی [و رنج] ، و شماتت دشمن ، به تو پناه می برم ! از زندان و زنجیر و تازیانه ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام :از بد کُنشی ها به خدا پناه می بریم .

امام علی علیه السلام در سخنرانی ای از ایشان : او را با همه ستایش هایش ، سراسر ، بر همه نعمت هایش ، یکسر می ستاییم و در رسیدن به درستی کارهایمان ، از او راه نمایی می جوییم و از کردارهای بدِ خویش ، به او پناه می بریم و برای گناهان پیشین خود ، از او آمرزش می طلبیم .

.

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِن بَياتِ غَفلَهٍ ، وصَباحِ نَدامَهٍ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَىءٍ زَحزَحَ بَينى وبَينَکَ ، أو صُرِفَ بِهِ عَنّى وَجهُکَ الکَريمُ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ أن نَذهَبَ عَن قَولِکَ ، أو أن نُفتَتَنَ عَن دينِکَ ، أو نَتابَعَ بِنا أهواؤُنا دونَ الهُدَى الَّذى جاءَ مِن عِندِکَ . (3)

عنه عليه السلام :نَعوذُ بِاللّهِ مِن سُباتِ (4) العَقلِ ، وقُبحِ الزَّلَلِ ، وبِهِ نَستَعينُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الاِحتِلامِ ، ومِن سوءِ الأَحلامِ ، وأن يَلعَبَ بِىَ الشَّيطانُ فِى اليَقَظَهِ وَالمَنامِ . (6)

الإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ المَعروفِ بِدُعاءِ الأَمانِ : أنا يا رَبِّ مُستَكينٌ مُتَضَرِّعٌ إلَيکَ ، عائِذٌ بِکَ ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيکَ ... لا تُهلِكنى إن عُذتُ بِکَ ، ولُذتُ وأنَختُ بِفِنائِکَ ، وَاستَجَرتُ بِکَ ، إن دَعَوتُکَ يا مَولاىَ فَبِذلِکَ أمَرتَنى ، وأنتَ ضَمِنتَ لى ، وإن سَأَلتُکَ فَأعطِنى ، وإن طَلَبتُ مِنکَ فَلا تَحرِمنى . (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 348 ح 991 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 84 ح 239 عن محمّد بن علىّ بن عبد اللّه عن الإمام الحسين عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 558 ح 653 ، الإقبال : ج 1 ص 321 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 128 ح 3 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 215 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 230 ح 4 .
4- .السّبات : النّوم الثقيل . وسُبِتَ : غُشى عليه ، وأيضا : مات (المصباح المنير : ص 262 «سبت») .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 224 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 163 ح 57 ، غرر الحكم : ح 9975 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 498 ح 9174 وفيهما

«سيّئات» بدل «سبات» ، بحار الأنوار : ج 41 ص 163 ح 57 .
6- .الكافى : ج 2 ص 536 ح 5 عن عبد اللّه بن ميمون ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 471 ح 1358 عن معاويه بن عمّار ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 46 ح 2107 ، فلاح السائل : ص 483 ح 329 عن بكر بن محمّد وفيه «شرّ الأحلام» بدل «سوء الأحلام» ، مصباح المتهجّد : ص 122 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها «كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 197 .
7- .مصباح الزائر : ص 94 95 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 422 ح 69 .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :بار خدایا ! از شام غفلت و بام پشیمانی ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! پناه می برم به تو از هر آن چیزی که میان من و تو ، جدایی افکند یا روی گرامی تو را از من بگردانَد .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! به تو پناه می بریم که از گفتارت ، بیرون رویم یا از دینت ، گم راه شویم یا هوس هایمان ، ما را به غیر راهی ببَرَد که از جانب تو آمده است .

امام علی علیه السلام :از خوابیدن (1) خِرد ، و زشتی لغزش ، به خدا پناه می بریم و از او کمک می جوییم .

امام صادق علیه السلام :امیر مؤمنان می گفت : «بار خدایا ! به تو پناه می برم از محتلم شدن ، و از خواب های بد ، و از این که شیطان در بیداری و خواب ، با من بازی کند .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان معروف به «دعای امان» : من ای پروردگار بیچاره ای هستم که به تو التماس می کنم و به تو پناه آورده ام . و بر تو توکّل کرده ام ... مرا که به تو پناه آورده ام و به تو متوسّل گشته ام و در آستان تو ، بست نشسته ام و دست به دامان تو شده ام ، هلاک مگردان . اگر تو را می خوانم سَروَرم از آن روست که به این کار ، فرمانم داده ای و خود [اجابتش را] برایم ضمانت کرده ای . از تو می خواهم ، پس عطایم کن ، و از تو می طلبم ، پس محرومم مکن .

.

1- .واژه «سُبات» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای بیهوشی ، چُرت ، خواب ، رخوت و بی حالی است .

6 / 3الاِستِعاذاتُ المَأثورَهُ عَن فاطِمَهَ الزَّهراءِ علیهاالسلامفاطمه علیهاالسلام :اللّهُمَّ افتَح لَنا خَزائِنَ رَحمَتِکَ ، وهَب لَنَا اللّهُمَّ رَحمَةً لا تُعَذِّبُنا بَعدَها فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، وَارزُقنا مِن فَضلِکَ الواسِعِ رِزقا حَلالاً طَیِّبا ، ولا تُحوِجنا ولا تُفقِرنا إلی أحَدٍ سِواکَ ، وزِدنا لَکَ (1) شُکرا ، وإلَیکَ فاقَهً وفَقرا ، وبِکَ عَمَّن سِواکَ غِنیً ویَقینا . اللّهُمَّ وَسِّع عَلَینا فِی الدُّنیا ، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ أن تَزوِیَ (2) وَجهَکَ عَنّا فی حالٍ ونَحنُ نَرغَبُ إلَیکَ فیهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأعطِنا ما تُحِبُّ وَاجعَلهُ لَنا قُوَّهً فیما تُحِبُّ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (3)

عنها علیهاالسلام فِی الدُّعاءِ : رَبِّ أستَجیرُکَ مِنَ النّارِ فَأَجِرنی ، رَبِّ أعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَأَعِذنی ، رَبِّ أفزَعُ إلَیکَ مِنَ النّارِ فَأَبعِدنی ... أفِرُّ إلَیکَ هارِبا مِنَ الذُّنوبِ فَاقبَلنی ، وألتَجِئُ مِن عَدلِکَ إلی مَغفِرَتِکَ فَأَدرِکنی ، وألتاذُ (4) بِعَفوِکَ مِن بَطشِکَ فَامنَعنی . (5)

عنها علیهاالسلام :أعوذُ بِکَ یا رَبِّ مِنَ الحَورِ (6) بَعدَ الکَورِ . (7)

.

1- .فی المصدر : «ذلک» ، والتصویب من بحار الأنوار .
2- .زَوَیتَ عَنّی : أی صَرَفتَهُ عنّی وقبضتَهُ (النهایه : ج 2 ص 320 «زوی») .
3- .البلد الأمین (طبعه طهران مکتبه الصدوق) : ص 101 ذکره فی الحاشیه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 338 ح 48 .
4- .لاذ یلوذُ : إذا التجأ إلیه وانضمَّ واستغاث (النهایه : ج 4 ص 276 «لوذ») .
5- .فلاح السائل : ص 422 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 104 ح 8 .
6- .فی المصدر : «الجور» ، والتصویب من بحار الأنوار .
7- .کفایه الأثر : ص 200 ، بحار الأنوار : ج 36 ص 354 ح 224 .

6 / 3پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیهاالسلامفاطمه علیهاالسلام :بار خدایا ! گنجینه های رحمتت را برای ما بگشا و به ما ای خدا چنان رحمتی ارزانی دار که از آن پس ، ما را در دنیا و آخرت ، عذاب نکنی ، و از فضل گسترده ات به ما روزی پاک و پاکیزه روزی کن ، و ما را محتاج و نیازمند احدی غیر از خودت مگردان ، و بر سپاس گزاری ما از خودت ، و نیازمندی و درویشی ما به تو ، و بی نیازی ما از غیر تو و یقینمان به خودت بیفزای . بار خدایا ! در دنیا ، برای ما گشایش قرار ده . بار خدایا ! به تو پناه می بریم از این که در هیچ حالی ، روی خویش را از ما بگردانی ؛ بلکه همواره توجّه تو را خواهانیم . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آنچه را تو خود دوست داری ، به ما عطا کن و آن را نیروی ما برای آنچه تو دوست داری ، قرار ده ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

فاطمه علیهاالسلام در دعا : پروردگارا ! در برابر آتش [دوزخ] ، از تو درخواست حمایت می کنم . پس مرا در حمایت خویش بدار ، و پروردگارا از آتش ، به تو پناه می برم . پس مرا پناه ده . پروردگارا ! از آتش به تو متوسّل می شوم ، پس مرا از آن ، دور بدار ... . از گناهان به درگاه تو می گریزم . پس مرا بپذیر . از عدالت تو به آمرزش تو پناه می آورم ، پس مرا دریاب . از سختگیری تو ، به گذشت تو پناهنده می شوم ، پس مرا حفظ کن .

فاطمه علیهاالسلام :پروردگارا ! از کاستی پس از فزونی ، به تو پناه می برم .

.

6 / 4الاِستِعاذاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإِمامِ زَينِ العابِدينَ عليه السلامالإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاهِ العارِفينَ : إلهى ما أَلَذَّ خَواطِرَ الإِلهامِ بِذِكرِكَ عَلَى القُلوبِ ، وما أحلَى المَسيرَ إلَيكَ بِالأَوهامِ فى مَسالِكِ الغُيوبِ ، وما أَطيَبَ طَعمَ حُبِّكَ ، وما أعذَبَ شِربَ قُربِكَ ، فَأَعِذنا مِن طَردِكَ وإبعادِكَ ، وَاجعَلنا مِن أَخَصِّ عارِفيكَ وأصلَحِ عِبادِكَ ، وأصدَقِ طائِعيكَ ، وأخلَصِ عُبّادِكَ . (1)

عنه عليه السلام مِن دُعاءِ الرِّزقِ : اللّهُمَّ سَأَلتَ عِبادَكَ قَرضا مِمّا تَفَضَّلتَ بِهِ عَلَيهِم ، وضَمِنتَ لَهُم مِنهُ خَلَفا ، ووَعَدتَهُم عَلَيهِ وَعدا حَسَنا ، فَبَخِلوا عَنكَ ، فَكَيفَ بِمَن هُوَ دونَكَ إذا سَأَلَهُم ؟ فَالوَيلُ لِمَن كانَت حاجَتُهُ إلَيهِم ، فَأَعوذُ بِكَ يا سَيِّدى أن تَكِلَنى إلى أحَدٍ مِنهُم ، فَإِنَّهُم لَو يَملِكونَ خَزائِنَ رَحمَتِكَ لَأَمسَكوا خَشيَةَ الإِنفاقِ بِما وَصَفتَهُم ، وكانَ الإِنسانُ قَتورا (2) . (3)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَةَ : أعِذنى مِمّا يُباعِدُنى عَنكَ ، ويَحولُ بَينى وبَينَ حَظّى مِنكَ ، ويَصُدُّنى عَمّا أُحاوِلُ لَدَيكَ ،وسَهِّل لى مَسلَكَ الخَيراتِ إلَيكَ ، وَالمُسابَقَةَ إلَيها مِن حَيثُ أمَرتَ . (4)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى المَوقِفِ : هذا مَكانُ البائِسِ الفَقيرِ ، هذا مَكانُ المُضطَرِّ إلى رَحمَتِكَ ، هذا مَكانُ المُستَجيرِ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ ، هذا مَكانُ العائِذِ بِكَ مِنكَ ، أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ ، ومِن فَجأَةِ نَقِمَتِكَ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .
2- .إشاره للآيه 100 من سوره الإسراء .
3- .بحار الأنوار : ج 95 ص 298 ح 17 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 196 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 96 ، المصباح للكفعمى : ص 896 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 695 ح 771 ، المزار للمفيد : ص 161 ، المزار الكبير : ص 453 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 2 ص 108 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 232 .

6 / 4پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلامامام زین العابدین علیه السلام در «مناجات عارفان» : معبودا! چه لذّتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل ها! و چه شیرین است ره پیمودن به سوی تو با وهم ها در راه ها و گذرگاه های غیب ها! و چه خوش است طعم محبّت تو! و چه گواراست شراب قُرب تو! پس ما را از این که از خود برانی و دورمان کنی ، پناه ده و ما را از ویژه ترین عارفانت و شایسته ترین بندگانت و راستین ترین فرمانبَرانت و خالص ترین پرستندگانت قرار ده .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای روزی : بار خدایا! تو از آنچه خود به بندگانت بخشیدی ، از آنان وام خواستی و جبران آن را برای ایشان ضمانت کردی و برای آن [وام] ، وعده ای نیکو به ایشان دادی ، و آنان ، از تو مضایقه کردند . پس چه رسد به این که غیر تو از آن ، درخواست [وام] کند؟ بیچاره کسی که نیازش به آنان باشد! پس به تو پناه می برم سَرورم از این که مرا به کسی از بندگانت وا گذاری ، که آنان ، اگر گنجینه های رحمت [و ثروت] تو را می داشتند ، باز از بیم تهی دستی ، بخل ورزیدند که آدمی ، بسی بخیل است .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : مرا از هر آنچه از تو دورم می سازد و میان من و بهره ای که از سوی تو به من می رسد ، حایل می گردد و مرا از آنچه برای تو می کوشم ، باز می دارند ، در پناه خود دار و راه خوبی ها را که به تو می انجامد و پیشی گرفتن به سوی آنها را که تو خود ، بدان فرمان داده ای ، برایم آسان [و هموار]گردان .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در موقف : این جا ، جایگاه بینوای درویش است . این جا ، جایگاه نیازمند به رحمت توست . این جا ، جایگاه کسی است که از کیفر تو به گذشت تو پناه می آورد . این جا، جایگاه کسی است که از تو به تو پناهنده می شود . از ناخشنودی تو و غافلگیری خشم و انتقامت ، به گذشت تو پناه می برم .

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ بِالعافِيَهِ : أعِذنى وذُرِّيَّتى مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ ، وَاللّامَّهِ وَالعامَّهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ سُلطانٍ عَنيدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ مُترَفٍ حَفيدٍ (1) ، ومِن شَرِّ كُلِّ ضَعيفٍ وشَديدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَريفٍ ووَضيعٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ صَغيرٍ وكَبيرٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ قَريبٍ وبَعيدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ مَن نَصَبَ لِرَسولِكَ ولِأَهلِ بَيتِهِ حَربا مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّكَ عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . (2)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ : أعِذنى مِن شَماتَهِ الأَعداءِ ، ومِن حُلولِ البَلاءِ ، ومِنَ الذُّلِّ وَالعَناءِ ، [و] (3) تَغَمَّدنى فيمَا اطَّلَعتَ عَلَيهِ مِنّى بِما يَتَغَمَّدُ بِهِ القادِرُ عَلَى البَطشِ لَولا حِلمُهُ ، وَالآخِذُ عَلَى الجَريرَهِ (4) لَولا أناتُهُ ، وإذا أرَدتَ بِقَومٍ فِتنَهً أو سوءا فَنَجِّنى مِنها لِواذا بِكَ ، وإذ لَم تُقِمنى مَقامَ فَضيحَهٍ فى دُنياكَ ، فَلا تُقِمنى مِثلَهُ فى آخِرَتِكَ . (5)

عنه عليه السلام مِن مُناجاتِهِ فى أسحارِ شَهرِ رَمَضانَ : أنَا يا سَيِّدى عائِذٌ بِفَضلِكَ ، هارِبٌ مِنكَ إلَيكَ ، مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِكَ ظَنّا ... . اللّهُمَّ اشغَلنا بِذِكرِكَ ، وأعِذنا مِن سَخَطِكَ ، وأجِرنا مِن عَذابِكَ ، وَارزُقنا مِن مَواهِبِكَ ، وأنعِم عَلَينا مِن فَضلِكَ ... . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالفَشَلِ ، وَالهَمِّ وَالحَزَنِ ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ ، وَالغَفلَهِ وَالقَسوَهِ ، وَالذِّلَّهِ وَالمَسكَنَهِ ، وَالفَقرِ وَالفاقَهِ ، وَكُلِّ بَلِيَّهٍ ، وَالفواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وأعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ ، وبَطنٍ لا يَشبَعُ ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ ، وعَمَلٍ لا يَنفَعُ ، [وصَلاهٍ لا تُرفَعُ] (6) ، وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى نَفسى ودينى ومالى ، وعَلى جَميعِ ما رَزَقتَنى ، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، إنَّكَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ . (7)

.

1- .الحفدُ : الخدمهُ والعَمَلُ ، ورجل محفود : أى مخدوم (لسان العرب : ج 3 ص 153 154 «حفد») .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 98 الدعاء 23 .
3- .أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال ومصباح المتهجّد .
4- .الجَريرهُ : الجِنايه والذنب (النهايه : ج 1 ص 258 «جرر») .

5- .الصحيفه السجّاديّه : ص 199 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 98 ، المصباح للكفعمى : ص 899 .
6- .أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .
7- .الإقبال : ج 1 ص 159 174 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 84 93 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در طلب عافیت : مرا و فرزندان مرا از شیطان رانده شده و از گزند هر جانور زَهردار کُشنده و غیر کُشنده ، و از چشم بد (1) و از گزند همه چیز و همه کس ، و از گزند هر شیطان سرکش ، و از گزند هر پادشاه ستمگر ، و از گزند هر مرفّهِ دارای خَدَم و حَشَم ، و از گزند هر ناتوان و زورمند ، و از گزند هر بلندپایه و دون پایه ، و از گزند هر خُرد و کلان ، و از گزند هر نزدیک و دور [و خویش و بیگانه] ، و از گزند هر آن کس که به جنگ با پیامبر تو و خاندانش برخاسته است ، از پری (جِن) و آدمی ، و از گزند هر جنبنده ای که زمامش در دست توست ، در پناه خویش بدار ، که تو بر راه راستی .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : مرا از شماتت دشمنان ، و از گرفتار آمدن در بلا ، و از خواری و رنج ، در پناه خودبدار ، و از خطاهای من که خود از آنها آگاهی ، درگذر ، چونان کسی که می تواند انتقام گیرد ، امّا بردباری اش مانع می شود ، و می تواند بر گناه کیفر دهد ، لیکن شکیبایی اش نمی گذارد . و هرگاه خواستی مردمی را عذاب کنی یا به آنها گزند رسانی ، مرا که به تو پناه جسته ام ، از آن رهایی ده ، همچنان که در دنیایت ، مرا در جایگاه رسوایان ، بر پا نداشتی ، در آخرتت نیز در مقام رسوایان بر پا مدار .

امام زین العابدین علیه السلام از مناجات ایشان در سحرهای ماه رمضان : سَرورم! من به فضل تو پناه آورده ام ، از تو به خود تو گریخته ام و بی گمان ، تو به وعده گذشت از کسی که به تو گمان نیک بَرَد ، جامه عمل می پوشانی ... . بار خدایا! ما را به یاد خودت ، مشغول بدار و از خشمت ، پناه ده و از عذابت ، نگاهمان مدار و از موهبت هایت ، روزی مان کن و از فضل خویش ، ارزانی مان دار ... . بار خدایا! من از تنبلی و سستی و نگرانی و اندوه و ترسویی و بخل و غفلت و سنگ دلی و خواری و بیچارگی و ناداری و تنگ دستی و از هر بلایی ، و از زشتی های آشکار و نهان ، به تو پناه می برم . و به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد ، و شکمی که سیر نشود ، و دلی که [نرم و] خاشع نباشد ، و دعایی که شنیده نشود ، و عملی که سود نبخشد [و نمازی که بالا نرود] ، و از گزند شیطان رانده شده به خودم و دینم و اموالم و همه آنچه روزی ام کرده ای ، به تو پناه می برم ای پروردگار من که به راستی ، تو شنوا و دانایی .

.

1- .یا : نوعی جنون که عارض انسان می شود ؛ یا : هر چیزی که موجب بیم و هراس شود .

عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُ بَعدَ صَلاهِ اللَّيلِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن نارٍ تَغَلَّظتَ بِها عَلى مَن عَصاکَ ، وتَوَعَّدتَ بِها مَن صَدَفَ (1) عَن رِضاکَ ، ومِن نارٍ نورُها ظُلمَهٌ ، وهَيِّنُها أليمٌ ، وبَعيدُها قَريبٌ ، ومِن نارٍ يَأكُلُ بَعضَها بعضٌ ، ويَصولُ بَعضُها عَلى بَعضٍ ، ومِن نارٍ تَذَرُ العِظامَ رَميما (2) ، وتَسقى أهلَها حَميما ، ومِن نارٍ لا تُبقى عَلى مَن تَضَرَّعَ إلَيها ، ولا تَرحَمُ مَنِ استَعطَفَها ، ولا تَقدِرُ عَلَى التَّخفيفِ عَمَّن خَشَعَ لَها وَاستَسلَم إلَيها ، تَلقى سُكّانَها بِأحَرِّ ما لَدَيها مِن أليمِ النَّكالِ (3) ، وشَديدِ الوَبالِ (4) ، وأعوذُ بِکَ مِن عَقارِبِهَا الفاغِرَهِ (5) أفواهُها ، وحَيّاتِهَا الصّالِقَهِ (6) بِأنيابِها ، وشَرابِهَا الَّذى يُقَطِّعُ أمعاءَ وأفئِدَهَ سُكّانِها ويَنزِعُ قُلوبَهُم ، وأستَهديکَ لِما باعَدَ مِنها وأخَّرَ عَنها . (7)

.

1- .صَدَفت عنه أصدِفُ : أعرَضت (المصباح المنير : ص 335 «صدف») .
2- .الرميم : العظم البالى (النهايه : ج 2 ص 267 «رمم») .
3- .النَّكال : العقوبه (النهايه : ج 5 ص 117 «نكل») .
4- .الوَبالُ : الثَّقَلُ والمكروه (النهايه : ج 5 ص 146 «وبل») .
5- .فَغَرتُ الفمَ : فَتَحتُه (المصباح المنير : ص 478 «فغر») .
6- .صَلَقَ نابَهُ صَلْقا : حكّه بالآخر ، فحدث بينهما صوت (تاج العروس : ج 3 ص 275 «صلق») .
7- .الصحيفه السجّاديّه : ص 133 الدعاء 32 ، مصباح المتهجّد : ص 191 نحوه ، المصباح للكفعمى : ص 85 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 324 ح 100 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز شب : بار خدایا ! به تو پناه می برم از آتشی که با آن ، بر کسی که نافرمانی ات کند ، درشتی نموده ای و آن را که از خشنودی تو دوری گزیند ، بدان ، تهدید کرده ای . از آتشی که روشنایی آن ، تاریکی است و آسان آن ، دردناک است و دورش ، نزدیک ؛ از آتشی که زبانه هایش یکدیگر را فرو می خورند و بر یکدیگر می تازند ؛ از آتشی که استخوان ها را خاکستر می کند و اهل خود را آب جوشان می نوشانَد ؛ از آتشی که نه بر آن که به او زاری کند ، ابقا می کند ، و نه بر آن که به او التماس نماید ، رحم می آورد ، و نه به آن که در برابرش کُرنش کند و تسلیمش شود ، می تواند تخفیف دهد ؛ بلکه با ساکنان خود به سوزناک ترین عذابی که نزد خویش از کیفر دردناک و مجازات های سخت دارد ، برخورد می کند . به تو پناه می برم از کژدم های دوزخ که دهان های خویش را گشوده اند ، و از مارهای آن که نیش هایشان را به هم می سایند ، و از نوشیدنی آن که احشا و امعای ساکنانشان را تکّه تکّه می کند و قلب هایشان را بر می کَنَد ! از تو می خواهم مرا به راهی ببری که از این آتش ، دور گرداند و از آن ، بر کنار دارد .

.

عنه عليه السلام مِن مُناجاتِهِ : رَبَّنا فَداوِنا قَبلَ التَّعَلُّلِ ، وَاستَعمِلنا بِطاعَتِکَ قَبلَ انصِرامِ (1) الأَجَلِ ، وَارحَمنا قَبلَ أن يُحجَبَ دُعاؤُنا فيما نَسأَلُ ، وَامنُن عَلَينا بِالنَّشاطِ ، وأعِذنا مِنَ الفَشَلِ وَالكَسَلِ ، وَالعَجزِ وَالعِلَلِ ، وَالضَّرَرِ وَالضَّجَرِ وَالمَلَلِ ، وَالرِّياءِ وَالسُّمعَهِ ، وَالهَوى وَالشَّهوَهِ ، وَالأَشَرِ (2) وَالبَطَرِ ، وَالمَرَحِ وَالخُيَلاءِ (3) ، وَالجِدالِ وَالمِراءِ (4) ، وَالسَّفَهِ وَالعُجبِ ، وَالطَّيشِ وسوءِ الخُلُقِ ، وَالغَدرِ ، وكَثرَهِ الكَلامِ فيما لا تُحِبُّ ، وَالتَّشاغُلِ بِما لا يَعودُ عَلَينا نَفعُهُ ، وطَهِّرنا مِن اتِّباعِ الهَوى ، ومُخالَطَهِ السُّفَهاءِ ، وعِصيانِ العُلَماءِ ، وَالزَّغبَهِ عَنِ القُرّاءِ ، ومُجالَسَهِ الدُّناهِ ... وأعِذنا مِنَ المَيلِ إلى أهلِ الدُّنيا ، وَالتَّصَنُّعِ لَهُم بِشَیءٍ مِنَ الأَشياءِ . (5)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فِی الاِستِعاذَهِ مِنَ المَكارِهِ وسَيِّئِ الأَخلاقِ ومَذامِّ الأَفعالِ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن هَيَجانِ الحِرصِ ، وسَورَهِ الغَضَبِ ، وغَلَبَهِ الحَسَدِ ، وضَعفِ الصَّبرِ ، وقِلَّهِ القَناعَهِ ، وشَكاسَهِ الخُلُقِ ، وإلحاحِ الشَّهوَهِ ، ومَلَكَهِ الحَمِيَّهِ ، ومُتابَعَهِ الهَوى ، ومُخالَفَهِ الهُدى ، وسِنَهِ الغَفلَهِ ، وتَعاطِی الكُلفَهِ ، وإيثارِ الباطِلِ عَلَى الحَقِّ ، وَالإِصرارِ عَلَى المَأثَمِ ، وَاستِصغارِ المَعصِيَهِ ، وَاستِكبارِ الطّاعَهِ ومُباهاهِ المُكثِرينَ وَالإِزراءِ بِالمُقِلّينَ ، وسوءِ الوِلايَهِ لِمَن تَحتَ أيدينا ، وتَركِ الشُّكرِ لِمَنِ اصطَنَعَ العارِفَهَ (6) عِندَنا ، أو أن نَعضُدَ ظالِما ، أو نَخذُلَ مَلهوفا (7) ، أو نَرومَ ما لَيسَ لَنا بِحَقٍّ ، أو نَقولَ فِی العِلمِ بِغَيرِ عِلمٍ . ونَعوذُ بِکَ أن نَنطَوِیَ عَلى غِشِّ أحَدٍ ، وأن نُعجَبَ بِأعمالِنا ، ونُمَدَّ فی آمالِنا ، ونَعوذُ بِکَ مِن سوءِ السَّريرَهِ ، وَاحتِقارِ الصَّغيرَهِ ، وأن يَستَحوِذَ عَلَينَا الشَّيطانُ ، أو يَنكُبَنَا الزَّمانُ ، أو يَتَهَضَّمَنَا (8) السُّلطانُ . ونَعوذُ بِکَ مِن تَناوُلِ الإِسرافِ ، ومِن فِقدانِ الكَفافِ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَماتَهِ الأَعداءِ ، ومِنَ الفَقرِ إلَى الأَكفاءِ ، ومِن مَعيشَهٍ فی شِدَّهٍ ، ومِيتَهٍ عَلى غَيرِ عُدَّهٍ ، ونَعوذُ بِکَ مِنَ الحَسرَهِ العُظمى ، وَالمُصيبَهِ الكُبرى ، وأشقَى الشَّقاءِ ، وسوءِ المَآبِ ، وحِرمانِ الثَّوابِ ، وحُلولِ العِقابِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأعِذنی مِن كُلِّ ذلِکَ بِرَحمَتِکَ ، وجَميعَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (9)

.

1- .إنصرام أی انقطاع وانقضاء (النهايه : ج 3 ص 26 «صرم») .
2- .أشِرَ أشَرا : بَطِر وكفر النَّعمه فلم يَشكُرها (المصباح المنير : ص 15 «أشر») .

3- .اختال الرجُل ، وبه خُيلاء ، وهو الكبرُ والإعجاب (المصباح المنير : ص 186 «خيل») .
4- .المِراءُ : الجدالُ ، والتّمارى والمماراهُ : المجادَلهُ على مذهب الشكّ والرِّيبه (النهايه : ج 4 ص 322 «مرا») .
5- .بحار الأنوار : ج 94 ص 125 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
6- .العارِفَهُ : المعروف (الصحاح : ج 3 ص 1402 «عرف») .
7- .المَلْهوفُ : المَظلومُ يستغيث (الصحاح : ج 4 ص 1429 «لهف») .
8- .هضمه حقّه واهتضمه : إذا ظلمه وكسر عليه حقّه (الصحاح : ج 5 ص 2059 «هضم») .
9- .الصحيفه السجّاديّه : ص 45 الدعاء 8 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 185 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه .

امام زین العابدین علیه السلام از راز و نیاز ایشان با خداوند : پروردگارا! ما را پیش از دچار آمدن به بیماری ، درمان کن و قبل از سرآمدن عمر ، ما را در طاعت خود ، به کار گیر و پیش از آن که دعای ما برای آنچه می خواهیم ، از درگاهت محجوب مانَد ، بر ما رحم آور و شادی و خرّمی را به ما ارزانی دار ، و از سستی و تنبلی و ناتوانی و ناخوشی ها و زیان و آزردگی و دلگیری و خودنمایی و شهرت طلبی و هوس و شهوت و ناسپاسی و سرمستی و نازش و تکبّر و کشمکش و ستیزه گری و نابخردی و خودپسندی و سبُک سری و بدخویی و خیانت و نیرنگ و پُرگویی در آنچه تو دوست نداری ، و پرداختن به آنچه برایمان سودی ندارد ، ما را در پناه خویش بدار ، و از دنبال هوس رفتن و آمیختن با نادانان و نافرمانی از دانایان و بیزاری از قاریان و همنشینی با فرو مایگان ... پاکمان گردان و از گرایش به دنیاپرستان و ظاهرآرایی برای آنان به چیزی از چیزها ، در پناه خود بدار .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در پناه جستن به خدا از ناخوشایندها و خوی های بد و رفتارهای نکوهیده : بار خدایا! به تو پناه می برم از برانگیختگی آز ، و تندی خشم ، و چیره آمدن حسد ، و سستی شکیبایی ، و اندک بودن قناعت ، و بدی خُلق و خوی ، و پافشاری شهوت ، و مسلّط شدن تعصّب ، و پیروی از هوس ، و سرپیچی از طاعت ، و [فرو رفتن در]خواب غفلت ، و افتادن در رنج و زحمت ، و برگزیدن باطل بر حق ، و پای فشردن بر گناه ، و خُرد شمردن معصیت ها و بزرگ شمردن طاعت ، و نازیدن توانگران و خوار داشتن درویشان ، و سوء سرپرستی نسبت به کسانی که زیردست ما هستند ، و سپاس نگزاردن از کسی که به ما نیکی کرده است ، یا این که ستمگری را یاری دهیم ، یا ستم دیده ای را تنها گذاریم یا چیزی را بخواهیم که حقّ ما نیست ، یا دَم از علمی بزنیم که نمی دانیم . به تو پناه می بریم از این که در سر ، خیال فریب کسی را بپروریم و به کردارهای خویش ، مغرور شویم و به آرزوهای دور و دراز ، گرفتار آییم . به تو پناه می بریم از بدیِ نهاد و ناچیز شمردن گناهان کوچک ، و از این که شیطان بر ما چنگ افکَند یا روزگار ، ما را پایمال کند یا پادشاه ، به ما ستم ورزد . به تو پناه می بریم از اسرافکاری و از نداشتن کفاف . به تو پناه می بریم از شماتت دشمن ، و از نیازمند شدن به همگِنان ، و از زندگی در سختی ، و مُردنِ بی آمادگی و بدون توشه . به تو پناه می بریم از بزرگ ترین دریغ ، و سخت ترین مصیبت ، و بدترین [رنج و

شوربختی] ، و بدی بازگشتگاه ، و محرومیّت از پاداش ، و گرفتار شدن به کیفر . بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و به رحمت خویش ، مرا و همه مردان و زنان باایمان را از همه اینها [که گفته شد] در پناه خود ، نگه دار ، ای مهربان ترین مهربانان !

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ لِلمُهِمّاتِ : اللّهُمَّ إنّى أتَقَرَّبُ إلَيکَ بِالمُحَمَّدِيَّهِ الرَّفيعَهِ ، وأتَوَجَّهُ إلَيکَ بِالعَلَوِيَّهِ البَيضاءِ ، فَأعِذنى مِن شَرِّ ما خَلَقتَ ، وشَرِّ مَن يُريدُ بى سوءا ، فَإنَّ ذلِکَ لا يَضيقُ عَلَيکَ في وُجدِکَ ، ولا يَتَکَأْدُکَ (1) فى قُدرَتِکَ ، وأنتَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ... . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الرِّياءِ وَالسُّمعَهِ ، وَالکِبرِياءِ وَالتَّعَظُّمِ ، وَالخُيَلاءِ وَالفَخرِ ، وَالبَذَخِ وَالأَشَرِ وَالبَطَرِ ، وَالإعجابِ بِنَفسى ، وَالجَبرِيَّهِ ، رَبِّ فَنَجِّنى . وأعوذُ بِکَ مِنَ العَجزِ وَالبُخلِ ، وَالشُّحِّ وَالحَسَدِ ، وَالحِرصِ وَالمُنافَسَهِ وَالغِشِّ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الطَّمَعِ وَالطَّبَعِ (2) ، وَالهَلَعِ وَالجَزَعِ ، وَالزَّيغِ وَالقَمعِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ البَغيِ وَالظُّلمِ ، وَالاِعتِداءِ وَالفَسادِ ، وَالفُجورِ وَالفُسوقِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الخِيانَهِ وَالعُدوانِ وَالطُّغيانِ . رَبِّ وأعوذُ بِکَ مِنَ المَعصِيَهِ وَالقَطيعَهِ وَالسَّيِّئَهِ ، وَالفَواحِشِ وَالذُّنوبِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الإثمِ وَالمَأثَمِ ، وَالحَرامِ وَالمُحَرَّمِ ، وَالخَبَثِ وکُلِّ ما لا تُحِبُّ . رَبِّ وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الشَّيطانِ ومَکرِهِ ، وبَغيِهِ وظُلمِهِ ، وعَداوَتِهِ وشَرَکِهِ ، وزَبانِيَتِهِ وجُندِهِ وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ مِن دابَّهٍ وهامَّهٍ ، أو جِنٍّ أو إنسٍ مِمّا يَتَحَرَّکُ . وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ ما ذَرَأَ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ کاهِنٍ وساحِرٍ وراکِزٍ (3) ، ونافِثٍ وراقٍ . رَبِّ وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ حاسِدٍ وطاغٍ ، وباغٍ ونافِسٍ (4) ، وظالِمٍ ومُعتَدٍ وجائِرٍ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ العَمى وَالصَّمَمِ ، وَالبَکَمِ وَالبَرَصِ وَالجُذامِ ، وَالشَّکِّ وَالرَّيبِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالفَشَلِ ، وَالعَجزِ وَالتَّفريطِ ، وَالعَجَلَهِ وَالتَّضييعِ وَالتَّقصيرِ وَالإبطاءِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ فِى السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وما بَينَهُما وما تَحتَ الثَّرى . رَبِّ وأعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ وَالحاجَهِ ، وَالفاقَهِ وَالمَسأَلَهِ ، وَالضَّيعَهِ وَالعائِلَهِ (5) . وأعوذُ بِکَ مِنَ القِلَّهِ وَالذِّلَّهِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الضّيقِ وَالشِّدَّهِ ، وَالقَيدِ وَالحَبسِ ، وَالوَثاقِ وَالسُّجونِ وَالبَلاءِ ، وکُلِّ مُصيبَهٍ لا صَبرَ لى عَلَيها ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . اللّهُمَّ أعطِنا کُلَّ الَّذى سَأَلناکَ ، وزِدنا مِن فَضلِکَ عَلى قَدرِ جَلالِکَ وعَظَمَتِکَ ، بِحَقٍّ لا إلهَ إلّا أنتَ العَزيزُ الحَکيمُ . (6)

.

1- .يتکأّدُکَ : أى يصعُب عليک ويشقُّ (النهايه : ج 4 ص 137 «کأد») .
2- .الطَبَعُ : بالتحريک الدَّنس (النهايه : ج 3 ص 112 «طبع») .
3- .الرِکزُ : الصوت الخفى ، أى لا يُرى لهم عينٌ ولا يُسمع لهم صوت (مجمع البحرين : ج 2 ص 727 «رکز») .

4- .النَّفْسُ : العين ، يقال : أصابت فلانا نفسٌ : أى عين ، ويقال للعائن : نافس (النهايه : ج 5 ص 96 «نفس») .
5- .العائل : الفقير ، وقد عالَ : إذا افتقر ، ومنه الحديث : «ما عالَ مقتصدٌ ولا يعيلُ» والعالَةُ : الفقراء ، جمع عائل (النهايه : ج 3 ص 331 «عيل») .
6- .الأمالى للمفيد : ص 241 243 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 16 18 ح 19 كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 182 184 ح 1 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در گرفتاری های بزرگ : بار خدایا! به مقام (/دین) بلند محمّدی به تو تقرّب می جویم و به طریقت درخشان علوی ، به تو روی می آورم ؛ پس مرا از گزند آنچه آفریده ای ، و از گزند هر آن کس که بخواهد به من بدی رساند ، پناهم ده ، که این کار در برابر توان تو ، بر تو تنگ نمی آید و در برابر قدرت تو ، بر تو دشوار نیست ، که تو بر هر چیزی توانایی ... . بار خدایا! از خودنمایی و آوازه خواهی و تکبّر و خود بزرگ بینی و غرور و فخرفروشی و گردن فرازی و ناسپاسی و سرمستی و خودپسندی و نخوت ، به تو پناه می برم! پس ای پروردگار مرا [از این همه]بِرَهان . از ناتوانی و بخل و تنگ چشمی و حسد و آزمندی و همچشمی و دغلی ، به تو پناه می برم! از طمع و پَستی و ناشکیبی و بی تابی و کج روی و جلوگیری [از حق] ، به تو پناه می برم! از زورگویی و ستم و تجاوزگری و تباهی و فسق و فجور ، به تو پناه می برم . از خیانت و دشمنی و سرکشی ، به تو پناه می برم ! پروردگارا! از معصیت و جدایی و بدی و زشتکاری ها و گناهان ، به تو پناه می برم! از بزه و بزهکاری و ناروا و قدغن شده ها ، و از پلیدی و هر آنچه که تو دوست نمی داری ، به تو پناه می برم ! پروردگارا! از گزند و نیرنگ شیطان ، و زورگویی و ستم او ، و دشمنی و دام او ، و گَزْمه ها و سپاه او ، به تو پناه می برم! از گزند هر آنچه آفریده ای ، از چارپا و گزنده ، و از هر جنبنده ای از جِن و اِنس (پری و آدمی) ، به تو پناه می برم! از گزند آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بَر می شود ، و از گزند آنچه در زمین آفریده شده و آنچه از زمین برون می آید ، به تو پناه می برم! از گزند هر پیشگو و جادوگر و وسوسه گر و افسونگر و طلسم کننده ای به تو پناه می برم . پروردگارا! از گزند هر بدخواه و سرکش و یاغی و شورچشم و ستمگر و متجاوز و منحرفی ، به تو پناه می برم . از کوری و کَری و گُنگی و پیسی و خوره و دودلی و تردید ، به تو پناه می برم . از تنبلی و سستی و ناتوانی و کوتاهی کردن و شتابکاری و ضایع کردن و تقصیر و کُندی ، به تو پناه می برم . از گزند آنچه در آسمان ها و زمین و بین آنها و آنچه زیر زمین آفریده ای ، به تو پناه می برم . پروردگارا! از درویشی و نیازمندی و تهی دستی و خواهش و تلف شدن و عیالواری (/بینوایی) به تو پناه می برم . از کمبود و خواری ، به تو پناه می برم . از تنگی و سختی و زنجیر و حبس و بند و زندان و گرفتاری و هر مصیبتی که مرا بر آن شکیب نباشد ، به تو پناه می برم . آمین ، ای پروردگار جهانیان ! بار خدایا! همه آنچه را از تو خواستیم ، به ما عطا فرما و به فراخور شُکوه و بزرگی ات ، از فضل

خویش بر ما بیفزای ، به حقّ این که «معبودی نیست ، جز تو که نیرومند و استواری» .

.

ص: 540

. .

ص: 541

. .

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ إذا ذُكِرَ الشَّيطانُ فَاستَعاذَ مِنهُ وِمِن عَداوَتِهِ وكَيدِهِ : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِن نَزَغاتِ (1) الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، وكَيدِهِ ومَكائِدِهِ ، ومِنَ الثِّقَهِ بِأمانِيِّهِ ومَواعيدِهِ ، وغُرورِهِ ومَصائِدِهِ ، وأن يُطمِعَ نَفسَهُ فى إضلالِنا عَن طاعَتِکَ ، وَامتِهانِنا بِمَعصِيَتِکَ ، أو أن يَحسُنَ عِندَنا ما حَسَّنَ لَنا ، أو أن يَثقُلَ عَلَينا ما كَرَّهَ إلَينا ، اللّهُمَّ اخسَأهُ (2) عَنّا بِعِبادَتِکَ ، وَاكبِتهُ بِدُؤوبِنا فى مَحَبَّتِکَ ، وَاجعَل بَينَنا وبَينَهُ سِترا لا يَهتِكُهُ ، ورَدما مُصمِتا لا يَفتُقُهُ . . . وأعِذنا وأهالِيَنا وإخوانَنا وجَميعَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ مِمَّا استَعَذنا مِنهُ ، وأجِرنا مِمَّا استَجَرنا بِکَ مِن خَوفِهِ ، وَاسمَع لَنا ما دَعَونا بِهِ ، وأعطِنا ما أغفَلناهُ ، وَاحفَظ لَنا ما نَسيناهُ ، وصَيِّرنا بِذلِکَ فى دَرَجاتِ الصّالِحينَ ومَراتِبِ المُؤمِنينَ ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . (3)

عنه عليه السلام فى حِرزٍ مُستَخرَجٍ مِن كِتابِ اللّهِ عز و جل ، وهُوَ الحِرزُ الكامِلُ الَّذى يُقرَأُ كُلَّ صَباحٍ ومَساءٍ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، وأعَزُّ وأجَلُّ وأعظَمُ مِمّا أخافُ وأحذَرُ ، أستَجيرُ بِاللّهِ ، عَزَّ جارُ اللّهِ ، وجَلَّ ثَناءُ اللّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وسَلَّمَ كَثيرا . اللّهُمَّ بِکَ أُعيذُ نَفسى ودينى ، وأهلى ومالى ، وَوُلدى ومَن يَعنينى أمرُهُ ، اللّهُمَّ بِکَ أعوذُ ، وبِکَ ألوذُ ، وبِکَ أصولُ ، وإيّاکَ أعبُدُ وإيَّاکَ أستَعينُ ، وعَلَيکَ أتَوَكَّلُ ، وأدرَأُ بِکَ فى نَحرِ أعدائى ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِم ، وأستَكفيكَهُم فَاكفِنيهِم بِما شِئتَ ، وأنّى شِئتَ وكَيفَ شِئتَ ، وحَيثُ شِئتَ ، بِحَقِّکَ لا إلهَ إلّا أنتَ ، إنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (4) ، «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِيکَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِئَايَتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَلِبُونَ» (5) ، «قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِى مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى» (6) ، «قَالَتْ إِنِّى أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا» (7) ، «اخْسَئُواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» (8) . . . اللّهُمَّ احرُسنا بِعَينِکَ الَّتى لا تَنامُ ، وَاكنُفنا (9) بِرُكنِکَ الَّذى لا يُرامُ ، وأعِذنا بِسُلطانِکَ الَّذى لا يُضامُ ، وَارحَمنا بِقُدرَتِکَ يا رَحمنُ ، اللّهُمَّ لا تُهلِكنا وأنتَ حَسبُنا يا بَرُّ يا رَحمنُ ... . اللّهُمَّ إنّى أصبَحتُ فى حِماکَ الَّذى لا يُستَباحُ ، وذِمَّتِکَ الَّتى لا تُخفَرُ (10) ، وجِوارِکَ الَّذى لا يُضامُ ، أسأَلُکَ اللّهُمَّ بِقُدرَتِکَ وعِزَّتِکَ ، أن تَجعَلَنى فى حِرزِکَ وجِوارِکَ ، وأمنِکَ وعِياذِکَ ، وعُدَّتِکَ (11) وعَقدِکَ (12) ، وحِفظِکَ وأمانِکَ ، ومَنعِکَ الَّذى لا يُرامُ ، وعِزِّکَ الَّذى لا يُستَطاعُ ، مِن غَضَبِکَ وسوءِ عِقابِکَ ، وسوءِ أحداثِ النَّهارِ ، وطَوارِقِ اللَّيلِ ، إلّا طارِقا يَطرُقُ بِخَيرٍ ، يا رَحمنُ . اللّهُمَّ يَدُکَ فَوقَ كُلِّ يَدٍ ، وعِزَّتُکَ أعَزُّ مِن كُلِّ عِزَّهٍ ، وقُوَّتُکَ أقوى مِن كُلِّ قُوَّهٍ ، وسُلطانُکَ أجَلُّ وأمنَعُ مِن كُلِّ سُلطانٍ ، أدرَأُ بِکَ فى نُحورِ

أعدائى ، وأستَعينُ بِکَ عَلَيهِم ، وأعوذُ بِکَ مِن شُرورِهِم ، وألجَأ إلَيکَ فيما أشفَقتُ عَلَيهِ مِنهُم ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأجِرنى مِنهُم يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ... . أعيذُ نَفسى وأهلى ومالى ووُلدى وجَميعَ ما تَلحَقُهُ عِنايتى ، وجَميعَ نِعَمِ اللّهِ عِندى ، بِبِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، بِاسمِ اللّهِ الَّذى خَضَعَت لَهُ الرِّقابُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذى خافَتهُ الصُّدورُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذى نَفَّسَ عَن داوود کُربَتَهُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذى وَجِلَت مِنهُ النُّفوسُ ، وبِاسمِ اللّهِ الَّذى قالَ بِهِ لِلنّارِ کونى بَردا وسَلاما عَلى إبراهيمَ ، «وَ أَرَادُواْ بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَهُمُ الْأَخْسَرِينَ» (13) ... . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن أضغاثِ (14) الأحلامِ ، وأن يَلعَبَ بِىَ الشَّيطانُ فِى اليَقَظَهِ وَالمَنامِ ، بِاسمِ اللّهِ تَحَصَّنتُ بِالحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ ، ورَمَيتُ مَن يُريدُ بى سوءا أو مَكروها مِن بَينِ يَدَىَّ ، بِ «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ» ، وأعوذُ بِاللّهِ مِن شَرِّکُم ، وشَرُّکُم تَحتَ أقدامِکُم ، وخَيرُکُم بَينَ أعيُنِکُم ، وأعيذُ نَفسى وما أعطانى رَبّى ، وما مَلَکَتهُ يَدى ، وذَوِى عِنايَتى ، بِرُکنِ اللّهِ الأَشَدِّ ، وکُلُّ أرکانِ رَبّى شِدادٌ . اللّهُمَّ تَوَسَّلتُ بِکَ إلَيکَ ، وتَحَمَّلتُ بِکَ عَلَيکَ ، فَإنَّهُ لا يُنالُ ما عِندَکَ إلّا بِکَ ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأن تَکفِيَنى شَرَّ ما أحذَرُ ، وما لا يَبلُغُهُ حِذارى ، إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وهُوَ عَلَيکَ يَسيرٌ ، جَبرائيلُ عَن يَمينى ، وميکائيلُ عَن شِمالى ، وإسرافيلُ أمامى ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (15)

.

1- .النَّزغُ : هو الطَّعن والفساد ، نزغ الشيطانُ بينهم : أى أفسد وأغرى (النهايه : ج 5 ص 42 «نزغ») .
2- .خَسَأتُه : أى طردته وأبعدته (النهايه : ج 2 ص 31 «خسأ») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 73 و 75 الدعاء 17 ، المصباح للكفعمى : ص 310 .
4- .البقره : 137 .
5- .القصص : 35 .
6- .طه : 46 .
7- .مريم : 18 .
8- .المؤمنون : 108 .
9- .الكَنَفُ بالتحريک : الجانب والناحيه ، وهذا تمثيل لجعله تحت ظلّ رحمته (النهايه : ج 4 ص 205 «كنف») .
10- .أخفرتَ الرَّجلَ : إذا نقضتَ عهده وذمامه (النهايه : ج 2 ص 52 «خفر») .

11- .يقالُ : عِدادُهُ فى بنى فلان ؛ أى يعدَّ منهم ومعهم ، والعدّه : الجماعه ، قلّت أو كثرت (تاج العروس : ج 5 ص 97 «عدد») .
12- .العَقْدُ بفتح فسكون : الضّمانُ والعهد (تاج العروس : ج 5 ص 115 «عقد») .
13- .الأنبياء : 70 .
14- .ضغث : عمل مختلط غير خالص ، ومنه قيل للأحلام الملتبسه أضغاث (النهايه : ج 3 ص 90 «ضغث») .
15- .مُهَج الدعوات : ص 24 27 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 307 311 ح 63 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان ، هرگاه که نام شیطان برده می شد و ایشان ، از او و از دشمنی و نیرنگش به خدا پناه می برد : بار خدایا ! ما به تو پناه می بریم از اغواگری های شیطان رانده شده ، و از نیرنگ و دسیسه های او ، و از تکیه کردن به آرزوها و وعده ها و فریبندگی ها و دام های او ، و از این که در از راه به در بردن ما در طاعت تو و به خواری افکندمان با معصیت تو طمع ورزد ، یا آنچه را [از گناه]در نظر ما نیکو نموده است ، به راستی در نزد ما نیکو آید ، یا آنچه را [از طاعت تو] برای ما ناخوشایند گردانیده است، [انجام دادنش]بر ما گران آید . بار خدایا ! در پرتو بندگیِ [ما نسبت به] تو ، شیطان را از ما بران و با خوگرفتن ما به محبّتت ، او را درهم شکن ، و میان ما و او پرده ای بیفکن که هرگز نتواند آن را بِدَرَد ، و سدّی چنان محکم که هیچ گاه نتواند در آن ، رخنه افکند . ما را و خانواده ما را و برادرانمان را و همه مردان و زنان مؤمن را از همه آنچه از گزندش به تو پناه آوردیم ، در پناه خویش دار ، و از همه آنچه از بیم آن از تو زنهار طلبیدیم ، در زنهار خویش دار ، و آنچه را دعا کردیم ، از ما بشنو [و بپذیر] ، و آنچه را هم از یادکردش غفلت ورزیدیم ، به ما عطا فرما ، و آنچه را فراموش کردیم ، برایمان نگهدار و بدین سان ، ما را به درجات شایستگان و مرتبه های مؤمنان برسان . آمین ، ای پروردگار جهانیان !

امام زین العابدین علیه السلام در حِرزی استخراج شده از کتاب خداوند عز و جل که حرزی کامل است و هر صبح و شام ، خوانده می شود : به نام خدای مهرگستر مهربان . خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر و نیرومندتر و شکوهمندتر و با عظمت تر است از آنچه می ترسم و بیم دارم . به خدا پناه می برم که پناهنده به خدا ، نیرومند است ، و ثنای خدا ، بِشکوه است ، و معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است ، و درود خدا بر محمّد و خاندان او ، و درود بسیار بر او باد ! بار خدایا ! من خودم را و دینم را و همسرم (/ کسانم) را و اموالم را و فرزندانم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط می شود ، در پناه تو در می آورم . بار خدایا ! به تو پناه می برم ، و به تو متوسّل می شوم ، و به یاری تو یورش می برَم ، و تو را می پرستم و از تو یاری می خواهم ، و بر تو توکّل می کنم ، و به کمک تو دشمنانم را دفع می کنم ، و در برابر آنان ، از تو یاری می طلبم . پس به آنچه خواهی و هرگاه که خواهی و هرگونه که خواهی و هرجا که خواهی ، شرّ او را از من ، دور گردان ، به حقّ خودت که

معبودی جز تو نیست ، و به راستی تو بر هر چیزی توانایی . «زودا که خداوند ، تو را در کارشان بسنده شود ، و او شنوا و داناست !» . «گفت : بازوی تو را به برادرت ، نیرو بخشیم و برایتان پیروزی ای می نهیم . پس به سبب نشانه هایمان بر شما دست نمی یابند . شما دو تن و کسانی که از شما پیروی کرده اند ، چیره اید» . «گفت : مترسید که من با شما دو تن هستم ، می شنوم و می بینم» . «[مریم]گفت : من از تو به خدای مهربان ، پناه می برم ، اگر پرهیزگار باشی» . «در آن (دوزخ) گم شوید و با من ، سخن مگویید» ... . بار خدایا ! ما را با چشمت که هرگز نمی خوابد ، پاسداری کن و در پناه تکیه گاهت که کسی نمی تواند بدان آسیب رساند ، محافظت نما ، و ما را در پناه پادشاهی ات که هرگز گزندی بدان نمی رسد ، در آور و به قدرتت بر ما رحم آور ، ای مهربان ! بار خدایا ! ما را به هلاکت میفکن که تو ما را بسنده ای ، ای نیکوکار ، ای مهربان ! ... . بار خدایا ! خود را در قُرُق و حریم تو که روا شمرده نمی شود ، و در زنهار تو که شکسته نمی گردد ، و در حمایت تو که کس بدان تعدّی نمی تواند کرد ، در آوردم . بار خدایا ! به حقّ قدرت و عزّتت ، از تو می خواهم که مرا از خشمت و کیفر سختت و رخدادهای بد روز و پیشامدهای شب ، مگر پیشامدهای نیک آن ، در پاسداشت و حمایت خود و امنیّت و پناهت ، و مراقبت و پیمانت ، و نگهداشت و زنهارت ، و دژ دست نایافتنی و قدرت چیره ناشدنی ات قرار دهی ، ای مهربان ! بار خدایا ! دست تو ، بالای هر دستی است و عزّت تو ، برتر از هر عزّتی است و نیرویت ، نیرومندتر از هر نیرویی است و سلطنتت ، بشکوه تر و مستحکم تر از هر سلطنتی است . به یاری تو ، دشمنانم را دفع می کنم و در برابر آنان ، از تو کمک می جویم و از گزندهایشان ، به تو پناه می برم و در آنچه از ایشان بیمناکم ، به تو پناه می آورم . درود خدا بر محمّد و خاندان او باد ! مرا از آنان (دشمنانم) در حمایت خویش گیر ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! خودم را و همسرم را و اموالم را و فرزندانم را و همه آنچه را به من تعلّق دارد و همه نعمت هایی را که خداوند به من عطا کرده است ، در پناهِ «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» در آوردم . به نام خدایی که گردن ها در برابرش فرود آمده اند . به نام خدایی که سینه ها از او هراسان اند . به نام خدایی که از داوود ، اندوهش را برطرف کرد . به نام خدایی که جان ها از او ترسان اند . به نام خدایی که به آن نام به آتش فرمود که بر ابراهیم ، سرد و بی گزند باش «و [نمرودیان] خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین ، قرار دادیم» ... . بار خدایا ! از خواب های آشفته و از این که شیطان ، در بیداری و خواب مرا بازی دهد ، به تو پناه می برم . به نام خدا ، خود را از گزند آنچه می ترسم و بیمناکم ، در سنگر آن زنده نامیرا در آوردم و آن را که بخواهد از رو به رویم به من ، بدی یا صدمه ای رساند ،

با تیر «لا حول و لا قوّه إلّا باللّه العلیّ العظیم ؛ هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» هدف قرار دادم . از شرّ شما به خدا پناه می برم . شرّتان، زیرگام هایتان و خیرتان ، فرا چشمتان باد ! خودم را و آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده است و آنچه را دستانم به دست آورده اند و کسانی را که مورد عنایت من هستند ، در پناه استوارترین رُکن خدا که همه ارکان او استوار است ، در آوردم . بار خدایا ! تو ، خود را وسیله خویش به درگاهت قرار می دهم ، و تو ، خود را شفیع خویش در پیشگاهت می آورم ؛ زیرا به آنچه نزد توست ، جز به وسیله تو نمی توان رسید . از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و مرا از گزند آنچه اندیشناکم و آنچه اندیشناکی ام به آن نمی رسد ، نگه دار ، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی و آن ، بر تو آسان است . جبرئیل علیه السلام در سمت راست من ، میکائیل علیه السلام در سمت چپ من و اسرافیل علیه السلام پیشِ روی من باد ! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ .

.

ص: 544

. .

ص: 545

. .

ص: 546

. .

ص: 547

..

6 / 5الاِستِعاذاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإِمامِ الباقِرِ عليه السلامالإمام الباقر عليه السلام فِى الدُّعاءِ المُسَمّى بِالجامِعِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ وأنواعِ الفَواحِشِ کُلِّها ، ظاهِرِها وباطِنِها وغَفَلاتِها ، وجَميعِ ما يُريدُنى بِهِ الشَّيطانُ الرَّجيمُ ، وما يُريدُنى بِهِ السُّلطانُ العَنيدُ ، مِمّا أحَطتَ بِعِلمِهِ ، وأنتَ القادِرُ عَلى صَرفِهِ عَنّى . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن طَوارِقِ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وزَوابِعِهِم وبَوائِقِهِم ومَکائِدِهِم ، ومَشاهِدِ الفَسَقَهِ مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وأن أُستَزَلَّ عَن دينى فَتَفسُدَ عَلَىَّ آخِرَتى ، وأن يَکونَ ذلِکَ مِنهُم ضَرَراً عَلَىَّ فى مَعاشى ، أو يَعرِضَ بَلاءٌ يُصيبُنى مِنهُم لا قُوَّةَ لى بِهِ ، ولا صَبرَ لى عَلَى احتِمالِهِ ، فَلا تَبتَلِنى يا إلهى بِمُقاساتِهِ فَيَمنَعَنى ذلِکَ عَن ذِکرِکَ ، ويَشغَلَنى عَن عِبادَتِکَ ، أنتَ العاصِمُ المانِعُ الدّافِعُ الواقى مِن ذلِکَ کُلِّهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ أبى عليه السلام يَخزُنُ هذَا الدُّعاءَ ويُخَبِّئُهُ ولا يُطلِعُ عَلَيهِ أحَدا «أعوذُ بِدِرعِ اللّهِ الحَصينَهِ الَّتى لا تُرامُ ، وأعوذُ بِجَمعِ اللّهِ مِن کَذا وکَذا» وقولوا : کَلِماتِ الفَرَجِ . (2)

.

1- .الکافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحکام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مُهَج الدعوات : ص 217 کلّها عن أبى حمزه الثمالى ، مصباح المتهجّد : ص 549 ح 640 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
2- .الدعوات : ص 46 ح 112 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 163 ح 17 .

6 / 5پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلامامام باقر علیه السلام در دعای نامیده شده به «دعای جامع» : بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ و از همه انواع زشتی ها ، پیدا و نهانش و آنچه از سرِ غفلت سر زند ، و از هر آنچه [از شرّ و گزند که] شیطان رانده شده ، بدان ، آهنگ من کند ، و از هر گزندی که سلطان کینه توز بخواهد بر من بزند ، از آنچه علم تو بدان احاطه دارد و تو بردور کردنش از من ، توانایی . بار خدایا! به تو پناه می برم از شب روان (1) جِن و اِنس (پری و آدمی) ، و توفان ها و مصیبت ها و نیرنگ هایشان ، و از بزم های تبهکاران جِن و اِنس ، و از این که از دین خود ، لغزانده شوم و در نتیجه ، آخرتم بر من تباه گردد ، و از این که در امور معاش و زندگی ام ، از جانب آنان به من زیانی برسد ، یا بلایی از ایشان به من برسد که بر آن ، توانایی ندارم و تاب تحمّل آن را نمی آورم . پس ای معبود من مرا به رنج آن ، گرفتار مساز که در نتیجه ، مرا از یاد تو منع کند و از عبادتت ، باز دارد . تویی نگهدار و باز دارنده و جلوگیرنده و محافظت کننده از همه اینها .

امام صادق علیه السلام :پدرم [امام باقر علیه السلام] این دعا را پنهان و پوشیده می داشت و اَحَدی را از آن ، آگاه نمی ساخت : «به جوشن محکم آسیب ناپذیر خدا ، پناه می برم و به جامعیّت خدا پناه می برم از چه و چه» و کلمات گشایش را بگویید .

.

1- .واژه «طَوارِق» که در متن عربی حدیث آمده ، جمع طارق است ، به معنای : به شب آینده ، حادثه شدید ، شب رو و شب گرد ، دزد و ساحر .

عنه عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام يَقولُ إذا أصبَحَ : بِاسمِ اللّهِ وبِاللّهِ ، وإلَى اللّهِ وفى سَبيلِ اللّهِ ، وعَلى مِلَّهِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ... . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ ومِن ضَغطَهِ القَبرِ ومِن ضيقِ القَبرِ ، وأعوذُ بِكَ مِن سَطَواتِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، اللّهُمَّ رَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ، ورَبَّ البَلَدِ الحَرامِ ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، أبلِغ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ عَنِّى السَّلامَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِدِرعِكَ الحَصينَهِ ، وأعوذُ بِجَمعِكَ ، أن تُميتَنى غَرَقا أو حَرَقا أو شَرَقا ، أو قَوَدا (1) أو صَبرا (2) أو مَسَمّا (3) ، أو تَرَدِّيا فى بِئرٍ ، أو أكيلَ السَّبُعِ ، أو مَوتَ الفَجأهِ ، أو بِشَىءٍ مِن ميتاتِ السَّوءِ ، ولكِن أمِتنى عَلى فِراشى فى طاعَتِكَ وطاعَهِ رَسولِكَ صلى الله عليهِ و آله ، مُصيبا لِلحَقِّ غَيرَ مُخطِئٍ ، أو فِى الصَّفِّ الَّذى نَعَتَّهُم فى كِتابِكَ : «كَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ» (4) . اُعيذُ (5) نَفسى ووُلدى وما رَزَقَنى رَبّى بِ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» حَتّى يَختِمَ السّورَهَ ، واُعيذُ نَفسى ووُلدى وما رَزَقَنى رَبّى بِ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» حَتّى يَختِمَ السّورَهَ . ويَقولُ : الحَمدُ للّهِ عَدَدَ ما خَلَقَ اللّهُ ، وَالحَمدُ للّهِ مِثلَ ما خَلَقَ [اللّهُ] (6) ، وَالحَمدُ للّهِ مِل ءَ ما خَلَقَ اللّهُ ، وَالحَمدُ للّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ زِنَهَ عَرشِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ رِضا نَفسِهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ ، ولا إلَهَ إلَا اللّهُ العَلِىُّ العَظيمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ ، وما بَينَهُما ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن دَركِ الشَّقاءِ ، ومِن شَماتَهِ الأَعداءِ ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ وَالوَقرِ (7) ، وأعوذُ بِكَ مِن سوءِ المَنظَرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ . ويُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ . (8)

.

1- .القَوَدُ : القِصاص وقتل القاتل بدل القتيل (النهايه : ج 4 ص 119 «قود») .
2- .قتل الشىء صبرا : هو أن يمسک شىء من ذوات الروح حيّا ثمّ يرمى بشىء حتى يموت (النهايه : ج 3 ص 8 «صبر») .
3- .قال المجلسى قدس سره : فى بعض النسخ : «سُمّا» وهو أظهر (مرآه العقول : ج 12 ص 246) .
4- .الصفّ : 4 .
5- .زاد فى مكارم الأخلاق هنا : «اُعيذ نفسى ودينى وأهلى ومالى وولدى وما رزقنى ربّى باللّه الواحد الأحد الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد» .

6- .ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الاُخرى .
7- .الوَقْرُ : الثِقلُ فى الأُذن (الصحاح : ج 2 ص 848 «وقر») .
8- .الكافى : ج 2 ص 525 ح 13 عن أبى بصير ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 26 ح 2059 وليس فيه صدره ، مصباح المتهجّد : ص 94 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ونحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 263 ح 34 .

امام صادق علیه السلام :پدرم [امام باقر علیه السلام] هرگاه صبح خود را آغاز می کرد ، می گفت : «به نام خدا ، و به یاری خدا ، و به سوی خدا ، و در راه خدا ، و بر دین پیامبر خدا ... . بار خدایا ! من از عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر ، به تو پناه می آورم . از شبیخون بلای شب و روز ، به تو پناه می برم . بار خدایا ، ای پروردگار مشعر الحرام ، و ای پروردگار شهر حرام (مکّه) ، و ای پروردگار حِلّ و حرم ! (1) از من به محمّد و خاندان محمّد ، درود رسان . بار خدایا ! به جوشن محکم تو پناه می برم و به جامعیت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا زجرکُش شدن یا زهرخور شدن یا افتادن در چاه یا طعمه درندگان شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مُردن های بد ، بمیرانی ؛ بلکه مرا در بسترم ، در حالی که فرمان بُردار تو و فرمان بُردار پیامبرتو و بر حق هستم ، و نه بر خطا ، بمیران ، یا در صف کسانی قرار ده که آنان را در کتابت چنین وصف فرموده ای : «گویی بنایی از سُرب هستند» . خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است ، در پناه «بگو : پناه می برم به پروردگار سپیده دم ...» (تا آخر سوره فلق را می خوانْد) در می آورم . خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است ، در پناه «بگو : پناه می برم به پروردگار مردم ...» (تا آخر سوره ناس را می خوانْد) در می آورم . و می گفت : «ستایش ، خدای را به شمار آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به مانند آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به اندازه آنچه آفریده است . ستایش ، خدای را به گستره کلماتش . ستایش ، خدای را به وزن عرشش . ستایش ، خدای را چندان که خشنود شود . معبودی جز خدای بردبارِ بزرگوار نیست . معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست . پاکا خدایی که پروردگار آسمان ها و زمین ها و بین آنها و پروردگار عرش بزرگ است ! بار خدایا ! از درافتادن به [رنج] و بدبختی و از شماتت دشمن ، به تو پناه می برم . از ناداری و سنگینیِ گوش ، به تو پناه می برم . از پیشامد بد برای زن و دارایی و فرزند ، به تو پناه می برم» . و [پدرم] ده بار بر محمّد و خاندان محمّد ، درود می فرستاد .

.

1- .حریم مکّه و خارج از حریم آن .

6 / 6الاِستِعاذاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإِمامِ الصّادِقِ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالهَرَمِ ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ ، وَالغَفلَهِ وَالقَسوَهِ ، وَالفَترَهِ وَالمَسکَنَهِ ، وأعوذُ بِکَ یا رَبِّ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن قَلبٍ لا یَخشَعُ ، ومِن دُعاءٍ لا یُسمَعُ ، ومِن صَلاهٍ لا تَنفَعُ ، وأُعیذُ بِکَ نَفسی وأَهلی وذُرِّیَّتی مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ ، اللّهُمَّ إنَّهُ لا یُجیرُنی مِنکَ أحَدٌ ، ولا أجِدُ مِن دونِکَ مُلتَحَدا (1) . (2)

عنه علیه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ : أعوذُ بِکَ مِنَ الفِتَنِ کُلِّها ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، ومِن رَفیعِ المَطعَمِ وَالمَشرَبِ ، ومِن شَرِّ ما أعلَمُ ومِن شَرِّ ما لا أعلَمُ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن أشتَرِیَ الجَهلَ بِالعِلمِ ، وَالجَفاءَ بِالحِلمِ ، وَالجَورَ بِالعَدلِ ، وَالقَطیعَهَ بِالبِرِّ ، وَالجَزَعَ بِالصَّبرِ ، وَالهُدی بِالضَّلالَهِ ، وَالکُفرَ بِالإِیمانِ . (3)

.

1- .المُلتَحَدُ : الملجأ (الصحاح : ج 2 ص 535 «لحد») .
2- .الکافی : ج 2 ص 586 ح 24 عن ابن أبی یعفور ، مصباح المتهجّد : ص 144 نحوه من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 272 ح 68 .
3- .الکافی : ج 2 ص 592 ح 31 عن عبد الرحمن بن سیابه وفی ذیله عن جمیل بن صالح أنّه ذکر أیضا مثله وذکر أنّه دعاء علیّ بن الحسین علیه السلام ، وزاد فی آخره «آمین ربّ العالمین» ، مصباح المتهجّد : ص 277 ح 383 ، جمال الاُسبوع : ص 143 کلاهما نحوه من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 302 ح 10 .

6 / 6 پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام

6 / 6پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلامامام صادق علیه السلام :بار خدایا ! من از تنبلی و فرتوتی و کم دلی و بخل و غفلت و سنگ دلی و سستی و بیچارگی ، به تو پناه می برم ! و به تو پناه می برم ای خداوندگار من از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد ، و از دعایی که شنیده نشود ، و از نمازی که سود نبخشد . خودم را و همسرم را و فرزندانم را از شیطان رانده شده ، در پناه تو در می آورم ! بار خدایا ! هیچ کس مرا در برابر تو پناه نمی تواند داد . جز تو هیچ پناهی نمی یابم .

امام صادق علیه السلام در دعایی از ایشان : به تو پناه می برم از تمامی فتنه ها (گناهان) ، آشکار یا نهانش ، و از خورد و نوش های اشرافی ، و از شرّ آنچه می دانم و از شرّ چیزهایی که نمی دانم . به تو پناه می برم از این که دانایی را به نادانی بفروشم ، و بردباری را به درشتی ، و دادگری را به ستم ، و نیکی کردن [به ارحام و بستگان] را به قطع رابطه و بدرفتاری ، و شکیبایی را به ناشکیبی ، و هدایت را به گم راهی ، و ایمان را به کفر .

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ لَولا رَجائی لِعَفوِکَ لَصَمَتُّ عَنِ الدُّعاءِ ، ولکِنَّکَ عَلی کُلِّ حالٍ یا إلهی غایَهُ الطّالِبینَ ، ومُنتَهی رَغبَهِ الرّاغِبینَ ، وَاستِعاذَهِ العائِذینَ ، اللّهُمَّ فَأَنَا أستَعیذُکَ مِن غَضَبِکَ ، وسوءِ سَخَطِکَ ، وعِقابِکَ ونَقِمَتِکَ ، ومِن شَرِّ نَفسی ، وشَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ ، وأستَغفِرُکَ مِن جَمیعِ الذُّنوبِ ، وأسأَلُکَ الغَنیمَهَ فیما بَقِیَ مِن عُمُری بِالعافِیَهِ ، أبَدا ما أبقَیتَنی . (1)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن دُنیا تَمنَعُ خَیرَ الآخِرَهِ ، ومِن عاجِلٍ یَمنَعُ خَیرَ الآجِلِ ، وحَیاهٍ تَمنَعُ خَیرَ المَماتِ ، وأمَلٍ یَمنَعُ خَیرَ العَمَلِ . (2)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ ، وبَطنٍ لا یَشبَعُ ، وعَینٍ لا تَدمَعُ ، وقَلبٍ لا یَخشَعُ ، وصَلاهٍ لا تُرفَعُ ، وعَمَلٍ لا یَنفَعُ ، ودُعاءٍ لا یُسمَعُ ، وأعوذُ بِکَ مِن سوءِ القَضاءِ ، ودَرکِ الشَّقاءِ ، وشَماتَهِ الأعداءِ ، وجَهدِ البَلاءِ ، ومِن عَمَلٍ لا یُرضی ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ وَالقَهرِ ، وَالکُفرِ وَالوَقرِ وَالغَدرِ ، وضیقِ الصَّدرِ ، وسوءِ الأمرِ ، ومِن بَلاءٍ لَیسَ لی عَلَیهِ صَبرٌ ، ومِنَ الدّاءِ العُضالِ (3) ، وغَلَبَهِ الرِّجالِ ، وخَیبَهِ المُنقَلَبِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِی النَّفسِ وَالأهلِ وَالمالِ وَالدّینِ وَالوَلَدِ ، وعِندَ مُعایَنَهِ مَلَکِ المَوتِ . وأعوذُ بِاللّهِ مِن إنسانِ سَوءٍ وجارِ سَوءٍ وقَرینِ سَوءٍ ویَومِ سَوءٍ وساعَهِ سَوءٍ ، ومِن شَرِّ ما یَلِجُ فِی الأرضِ وما یَخرُجُ مِنها ، وما یَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما یَعرُجُ فیها ، ومِن شَرِّ طَوارِقِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ ، إلّا طارِقا یَطرُقُ بِخَیرٍ ، ومِن شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ رَبّی آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ «فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ» (4) ، الحَمدُ للّهِ الَّذی قَضی عَنّی صَلاهً کانَت عَلَی المُؤمِنینَ کِتابا مَوقوتا . (5)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 263 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 381 ح 3 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 64 ح 101 ، فلاح السائل : ص 320 ح 215 کلاهما عن معاویه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 71 ح 5 .
3- .العُضالُ : الشدیدُ المُعجِزُ . ویُقال : داءٌ عُضالٌ : لا طِبَّ له (المعجم الوسیط : ج 2 ص 607 «عضل») .
4- .البقره : 137 .

5- .مصباح المتهجّد : ص 105 ح 172 ، فلاح السائل : ص 426 ح 291 ، المصباح للكفعمى : ص 59 ، البلد الأمين : ص 30 كلّها عن معاويه عن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 109 ح 9 .

امام صادق علیه السلام : ای معبود من بار خدایا! اگر امید من به گذشت تو نبود ، بی گمان ، دم از دعا فرو می بستم ؛ امّا تو هماره ، مقصد جویندگانی ، و خواست نهاییِ خواهندگان و پناه پناهجویانی . بار خدایا! پس من از خشم تو و از شدّت ناخشنودی و کیفر و انتقامت ، و از شرّ خودم ، و از شر هر شرّرسانی به تو پناه می آورم و از همه گناهان ، از تو آمرزش می طلبم و از تو می خواهم که در باقی مانده عمرم ، تا زمانی که مرا زنده بداری ، از عافیت برخوردارم داری .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز ظهر : بار خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانعِ خیر آخرت شود ، و از اکنونی که مانعِ خیر آینده گردد ، و از زندگی ای که مانع خوبْ مردن شود ، و از آرزویی که مانعِ کردار نیک گردد .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز مغرب : بار خدایا! به تو پناه می برم از نَفسی که قانع نباشد ، و از شکمی که سیر نشود ، و از چشمی که اشک نریزد ، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد ، و از نمازی که [به درگاه تو]بالا نرود ، و از کرداری که سود نبخشد ، و از دعایی که شنیده نشود . و به تو پناه می برم از قضای بد و دچار شدن به [رنج و] بدبختی ، و شماتت دشمن ، و بلای جانکاه ، و از کرداری که پسند [تو]نیفتد! و به تو پناه می برم از ناداری و مقهور شدن و کفر و سنگینیِ گوش و پیمان شکنی و دل تنگی و بدحالی ، و از بلایی که مرا بر آن شکیب نیست ، و از درد بی درمان و چیره آمدن مردان (اوباش) و ناکامی در بازگشت [از سفر ، یا بازگشتگاه قیامت] ، و [مواجه شدن با]منظره بد نسبت به خودم و همسر و مال و دین و فرزند[م] ، و در هنگام دیدن فرشته مرگ! به خدا پناه می برم از انسان بد و همسایه بد و همدم بد و روز بد و ساعت بد ، و از شرّ آنچه در زمین ، فرو می رود و آنچه از آن ، بیرون می آید ، و آنچه از آسمان ، فرود می آید و آنچه به آسمان ، بالا می رود ، و از شرّ پیشامدهای سخت شب و روز ، مگر پیشامدی که خیر به همراه داشته باشد ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است ، که به راستی ، که پروردگار من ، بر راه راست است . «و زودا که خدا ، شما را از آنان ، بسنده کند! و او شنوا و داناست» . ستایش ، خدایی را که به کمک او نمازی را که در اوقاتی معیّن بر مؤمنان واجب کرده است ، گزاردم .

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّی أسأَ لُکَ حُسنَ الظَّنِّ بِکَ ، وَالصِّدقَ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیکَ . وأعوذُ بِکَ أن تَبتَلِیَنی بِبَلِیَّهٍ تَحمِلُنی ضَرورَتُها عَلَی التَّعَوُّذِ بِشَیءٍ مِن مَعاصیکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تُدخِلَنی فی حالٍ کُنتُ أو أکونُ فیها فی عُسرٍ أو یُسرٍ أظُنُّ أنَّ مَعاصِیَکَ أنجَحُ لی مِن طاعَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ أن أقولَ قَولاً حَقّا مِن طاعَتِکَ ألتَمِسُ بِهِ سِواکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تَجعَلَنی عِظَهً لِغَیری ، وأعوذُ بِکَ أن یَکونَ أحَدٌ أسعَدَ بِما آتَیتَنی بِهِ مِنّی . وأعوذُ بِکَ أن أتَکَلَّفَ طَلَبَ ما لَم تَقسِم لی ، وما قَسَمتَ لی مِن قِسمٍ ، أو رَزَقتَنی مِن رِزقٍ ، فَائتِنی بِهِ فی یُسرٍ مِنکَ وعافِیَهٍ ، حَلالاً طَیِّبا . وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَیءٍ زَحزَحَ بَینی وبَینَکَ ، وباعَدَ بَینی وبَینَکَ ، أو نَقَصَ بِهِ حَظّی عِندَکَ ، أو صَرَفَ بِوَجهِکَ الکَریمِ عَنّی . وأعوذُ بِکَ أن تَحولَ خَطیئَتی أو ظُلمی ، أو جُرمی وإسرافی عَلی نَفسی ، وَاتِّباعُ هَوایَ وَاستِعجالُ شَهوَتی ، دونَ مَغفِرَتِکَ ورِضوانِکَ ، وثَوابِکَ ونائِلِکَ ، وبَرَکاتِکَ ومَوعودِکَ الحَسَنِ الجَمیلِ عَلی نَفسِکَ . (1)

.

1- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 74 ح 233 ، مصباح المتهجّد : ص 546 ح 636 ، الإقبال : ج 2 ص 299 نحوه ، المصباح للکفعمی : ص 752 کلّها من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 372 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! گمان نیک بردن به تو ، و توکّل راستین بر تو را از تو درخواست می کنم . پناه می برم به تو از این که مرا به بلایی گرفتار سازی که ناچار شوم به چیزی از معصیت تو پناه ببرم . پناه می برم به تو از این که مرا در وضعیتی ، دشوار یا آسان ، در آوری که گمان برم معصیت های تو برایم کارسازتر از طاعت توست . پناه می برم به تو از این که سخن درست از طاعت تو بگویم و قصدم از آن ، غیر تو باشد . پناه می برم به تو از این که مرا درس عبرتی برای دیگران قرار دهی . پناه می برم به تو از این که دیگران از آنچه به من داده ای ، بهره مندتر از خود من باشند . و پناه می برم به تو از این که در طلب آنچه قسمت من نکرده ای ، خویشتن را به رنج افکنم ؛ بلکه آنچه را قسمت من کرده ای ، یا رزقی را که روزی ام نموده ای ، به آسانی و با عافیت و حلال و پاک به من برسان . و پناه می برم به تو از هر آنچه میان من و تو جدایی بیفکند و مرا از تو دور کند یا بهره مرا در نزد تو بکاهد یا روی گرامی ات را از من بگرداند . و پناه می برم به تو از این که خطایم یا ستمم یا جرمم و زیاده روی ام در باره خودم ، و پیروی از هوسم ، و در پیِ شهوت دویدنم ، مانع آمرزش و خشنودی و پاداش و دَهِش و برکات تو و وعده نیکو و زیبایی که بر عهده گرفته ای ، شود .

.

عنه عليه السلام فيما يُقالُ فِي اليَومِ السّادِسِ وَالعِشرينَ مِن كُلِّ شَهرٍ : أعوذُ بِکَ مِن نارِ جَهَنَّمَ ، وأعوذُ بِکَ مِن عَذابِ القَبرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ المَحيا وَالمَماتِ ، وأعوذُ بِکَ مِن مَکارِهِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ الدَّجّالِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّکِّ وَالفُجورِ وَالکَسَلِ وَالعَجزِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ البُخلِ وَالسَّرَفِ وَالهَرَمِ وَالفَقرِ ... . اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِنَ الخَيرِ کُلِّهِ ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، وأسأَلُکَ اللّهُمَّ مِنَ الخَيرِ کُلِّهِ ما أَدَعُ وما لَم أَدَع ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ خَيرَ ما أرجو ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ ، وشَرِّ ما لا أحذَرُ ... . وأعوذُ بِکَ أن اُغتالَ مِن بَينِ يَدَیَّ أو مِن خَلفی ، أو عَن يَمينی أو عَن شِمالی ، أو مِن فَوقی أو مِن تَحتی . (1)

عنه عليه السلام مِمّا يُقالُ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ وبِوَجهِکَ الکَريمِ ومُلکِکَ العَظيمِ ، أن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومی هذا أو يَنقَضِيَ بَقِيَّهُ هذَا اليَومِ ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتی هذِهِ أو يَخرُجَ هذَا الشَّهرُ ، ولَکَ قِبَلی مَعَهُ تَبِعَهٌ أو ذَنبٌ أو خَطيئَهٌ تُريدُ أن تُقايِسَنی بِذلِکَ (2) ، أو تُؤاخِذَنی بِهِ ، أو تَقِفَنی بِهِ مَوقِفَ خِزيٍ فِی الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، أو تُعَذِّبَنی بِهِ يَومَ ألقاکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ... . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن يَکونَ جَزاءُ إحسانِکَ الإساءَهَ مِنّی ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن اُصلِحَ عَمَلی فيما بَينی وبَينَ النّاسِ واُفسِدَهُ فيما بَينی وبَينَکَ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن تَحولَ سَريرَتی بَينی وبَينَکَ أو تَکونَ مُخالِفَهً لِطاعَتِکَ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن يَکونَ شَیءٌ مِنَ الأَشياءِ آثَرَ عِندی مِن طاعَتِکَ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِکَ قَليلاً أو کَثيرا اُريدُ بِهِ أحَدا غَيرَکَ ، أو أعمَلَ عَمَلاً يُخالِطُهُ رِياءٌ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن هَویً يُردی مَن يَرکَبُهُ ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أجعَلَ شَيئا مِن شُکری فيما أنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ لِغَيرِکَ ، أطلُبُ بِهِ رِضا خَلقِکَ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أتَعَدّی حَدّا مِن حُدودِکَ أتَزَيَّنُ بِذلِکَ لِلنّاسِ ، وأرکَنُ بِهِ إلَی الدُّنيا ، اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِطاعَتِکَ مِن مَعصِيَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، جَلَّ ثَناءُ وَجهِکَ ، لا اُحصِی الثَّناءَ عَلَيکَ ولَو حَرَصتُ ، وأنتَ کَما أثنَيتَ عَلی نَفسِکَ سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ ... . أعوذُ بِکَ مِن هَویً قَد غَلَبَنی ، ومِن عَدُوٍّ قَدِ استَکلَبَ عَلَیَّ ، ومِن دُنيا قَد تَزَيَّنَت لی ، ومِن نَفسٍ أمّارَهٍ بِالسّوءِ إلّا ما رَحِمَ رَبّی ، فَإن کُنتَ سَيِّدی قَد رَحِمتَ مِثلی فَارحَمنی ، وإن کُنتَ سَيِّدی قَد قَبِلتَ مِثلی فَاقبَلنی . (3)

.

1- .العدد القويّه : ص 324 327 ، مصباح المتهجّد : ص 334 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الدروع الواقيه : ص 152 154 وليس فيهما ذيله من «وأعوذ بک أن أغتال...» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 292 .
2- .أی تجزينی بمقداره ، وأصل القياس تقدير الشی على مثاله (بحار الأنوار : ج 91 ص 4) . وفی طبعه دار الكتب الإسلاميّه : «أن تقابلنی بذلک» .
3- .الإقبال : ج 1 ص 119 128 عن أبی محمّد هارون بن موسى التلعكبری ، بحار الأنوار : ج 97 ص 327 333 .

امام صادق علیه السلام در دعای روز بیست و ششم هر ماه : از آتش دوزخ ، به تو پناه می برم . از عذاب قبر ، به تو پناه می برم . از بدی زندگی و مرگ ، به تو پناه می برم . از ناملایمات دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم . از فتنه دجّال ، به تو پناه می برم . از دودلی و هرزگی و تنبلی و ناتوانی ، به تو پناه می برم . از بخل و گزافکاری و سالخوردگی و ناداری ... به تو پناه می برم . بار خدایا ! هر چه خوبی است ، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را ، و آنچه را می دانم و نمی دانم ، از تو درخواست می کنم . و از هر چه بدی است ، زود یا دیر (/ این جهانی یا آن جهانی) آن را ، و از آنچه می دانم و نمی دانم ، به تو پناه می برم . بار خدایا ! هر چه خوبی است ، چه آنهایی را که برایشان دعا کنم یا دعا نکنم ، از تو درخواست می کنم . بار خدایا ! خیر آنچه را بدان امیدوارم ، از تو می خواهم ، و از شرّ آنچه از آن اندیشناکم و از شرّ آنچه از آن اندیشناک نیستم ، به تو پناه می برم ... . به تو پناه می برم از این که از پیش رویم یا از پشتِ سرم یا از سمت راستم یا از جانب چپم یا از بالای سرم یا از زیر پایم ، غافلگیر شوم .

امام صادق علیه السلام از دعایی که هنگام فرا رسیدن ماه رمضان ، خوانده می شود : بار خدایا ! پناه می برم به تو و روی گرامی تو و پادشاهیِ باعظمتت ، از این که خورشید این روز ، غروب کند یا باقی مانده این روز بگذرد ، یا سپیده این شب بر دَمَد یا این ماه ، سپری شود و در برابر تو ، کوتاهی یا گناهی و یا خطایی کرده باشم که بخواهی برای آن ، از من حساب بکشی یا سرزنشم کنی یا در دنیا و آخرت ، رسوایم کنی یا در روزی که دیدارت می کنم ، به سبب آن ، عذابم نمایی ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! ... . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که نیکی تو را به بدی پاداش دهم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که در رفتارم با مردم ، درست عمل کنم و در رابطه ام با تو ، بد عمل کنم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که باطنم میان من و تو حایل شود یا برخلاف طاعت تو باشد . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که چیزی از چیزها را بر طاعت تو ترجیح دهم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را ، کم یا بسیار ، به جا آورم و قصدم از آن ، غیر تو باشد یا عملی آمیخته با ریا انجام دهم . بار خدایا ! به تو پناه می برم از هوسی که هر که از آن پیروی کند ، به نابودی می افکند . بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که برای نعمتی که تو به من ارزانی داشته ای ، دیگری را سپاس گویم و با این کار ،

خشنودی خلقت را بجویم . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که برای جلب تحسین و خوشایند مردم ، و میل به دنیا ، از حدّی از حدود تو تعدّی کنم . بار خدایا! از کیفر تو به گذشت تو پناه می برم . از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم . از نافرمانی تو به فرمانبَری ات پناه می برم و از تو به خود تو پناه می برم . بِشکوه است ثنایِ روی تو! ثنای تو را شماره نمی توانم کرد ، هر چند در آن کوشم . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای . پاکا تو ، و ستایش ، تو را باد! ... . به تو پناه می برم از هوسی که بر من ، چیره گشته است و از دشمنی که بر من ، حمله ور شده ، و از دنیایی که خود را برایم آراسته ، و از نفسی که همواره به بدی فرمان می دهد ، مگر آن که پروردگارم بر من رحم آورد . سَرور من! اگر بر همانند من رحم آورده ای ، پس بر من نیز رحم آور . سَرور من! اگر امثال مرا پذیرفته ای ، پس مرا نیز بپذیر .

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ النِّسيانِ وَالکَسَلِ وَالتَّوانى فى طاعَتِکَ ، ومِن عِقابِکَ الأدنى ، وعَذابِکَ الأکبَرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهِ ، ومِن حَياهٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ ، ومِن أَمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ ، وأعوذُ بِکَ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ومِن دُعاءٍ لا يُرفَعُ ، ومِن صَلاهٍ لا تُقبَلُ ... . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاکفِنى ما أهَمَّنى وغَمَّنى ، ولا تَکِلنى إلى نَفسى ، وأعِذنى مِن شَرِّ ما خَلَقتَ وذَرَأتَ وبَرَأتَ ، وألبِسنى دِرعَکَ الحَصينَهَ مِن شَرِّ جَميعِ خَلقِکَ ، وَاقضِ عَنّى دَينى ، ووَفِّقنى لِما يُرضيکَ عَنّى ، وَاحرُسنى وذُرِّيَّتى وأهلى ، وقَراباتى وجَميعَ إخوانى فيکَ ، وأهلَ حُزانَتى (1) ، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومِن شَرِّ فَسَقَهِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، وشَياطينِ الإنسِ وَالجِنِّ ، وَانصُرنى عَلى مَن ظَلَمَنى . (2)

.

1- .الحُزانَهُ : عيالُ الرَّجُلِ الذين يُتحزّنُ بأمرهم (الصحاح : ج 5 ص 2098 «حزن») .
2- .الإقبال : ج 2 ص 146 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 260 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : بار خدایا! من از فراموشی و تنبلی و سستی در طاعت تو ، و از کیفر نزدیک ترت و عذاب بزرگ ترت ، به تو پناه می برم . به تو پناه می برم از دنیایی که مانعِ خیر آخرت شود ، و از زندگی ای که مانعِ خوبْ مُردن شود ، و از آرزویی که مانعِ کار نیک شود . به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که [نرم و] خاشع نباشد ، و از دعایی که بالا نرود ، و از نمازی که پذیرفته نگردد ... . بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، و تو خود در همّ و غم ، مرا بسنده باش ، و مرا به خودم وا مگذار ، و مرا از شرّ آنچه آفریده ای و پدید آورده ای و ایجاد کرده ای ، در پناه خویش بدار ، و زره خود را که از گزند همه آفریدگانت نگه می دارد ، بر من بپوشان ، و دَینم را بپرداز ، و در آنچه تو را از من خشنود می سازد ، توفیقم ده ، و مرا و فرزندانم و همسرم و نزدیکانم و همه برادران دینی ام و بستگانم را از شیطان رانده شده و از شرّ تهبکاران عرب و عجم و شیاطین اِنس و جِن ، محافظت فرما ، و مرا در برابر آن که بر من ستم کند ، یاری رسان .

.

عنه عليه السلام فِي الدُّعاءِ المَروِيِّ عَنهُ فِي الصَّباحِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، أصبَحتُ بِاللّهِ مُمتَنِعا ، وبِعِزَّتِهِ مُحتَجِبا ، وبِأسمائِهِ عائِذا مِن شَرِّ الشَّيطانِ وَالسُّلطانِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ ... . أعوذُ بِاللّهِ وبِما عاذَت بِهِ مَلائِكَتُهُ ورُسُلُهُ ، مِن شَرِّ هذَا اليَومِ وما يَأتى بَعدَهُ ، ومِنَ الشَّيطانِ وَالسُّلطانِ ، ورُكوبِ الحَرامِ وَالآثامِ ، ومِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ ، وَالعَينِ اللّامَّهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . وأعوذُ بِاللّهِ وبِكَلِماتِهِ ، وعَظَمَتِهِ وحَولِهِ ، وقُوَّتِهِ وقُدرَتِهِ ، مِن غَضَبِهِ وسَخَطِهِ وعِقابِهِ ، وأخذِهِ وبَأسِهِ ، وسَطوَتِهِ ونَقِمَتِهِ ، ومِن جَميعِ مَكارِهِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَامتَنَعتُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِ خَلقِهِ جَميعا وقُوَّتِهِم ، وبِرَبِّ الفَلَقِ (1) ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ ، ومِن شَرِّ غاسِقٍ (2) إذا وَقَبَ (3) ، ومِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي العُقَدِ ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ ، وبِرَبِّ النّاسِ ، مَلِكِ النّاسِ ، إلهِ النّاسِ ، مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاسِ (4) ، الَّذى يُوَسوِسُ فى صُدورِ النّاسِ ، مِنَ الجِنَّهِ وَالنّاسِ ، فَإن تَوَلَّوا فَقُل حَسبِىَ اللّهُ لا إلَهَ إلّا هُوَ عَلَيهِ تَوَكَّلتُ ، وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ . (5)

.

1- .الفَلَقُ : الصُبح ، والفلق : شقّ الشىء (مفردات ألفاظ القرآن : ص 645 «فلق») .
2- .غَسَقُ الليل : شدّه ظُلمتهِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 606 «غسق») .
3- .وَقَبتِ الشمسُ : غابت (مفردات ألفاظ القرآن : ص 879 «وقب») .
4- .الخنّاسُ : أى الشيطان الذى يخنس أى ينقبض إذا ذكر اللّه تعالى (مفردات ألفاظ القرآن : ص 300 «خنس») .
5- .مصباح المتهجّد : ص 230 232 ح 338 و 339 ، البلد الأمين : ص 61 63 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 179 181 ح 46 .

امام صادق علیه السلام در دعای صبحگاهِ هر روز ایشان : به نام خدای مهرگسترِ مهربان . صبح کردم در حالی که خود را در حمایت خدا درآوردم و در پسِ پرده عزّت او قرار دادم . به نام های او پناه بردم از شرّ شیطان و سلطانَ ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من ، بر راهی راست است . به خدا و به آنچه فرشتگان و فرستادگان به او پناه برده اند ، پناه می برم ، از شرّ این روز و آنچه پس از آن می آید ، و از شرّ شیطان و سلطان ، و از دست یازیدن به حرام و گناهان ، و از شرّ زَهرداران کُشنده و غیر کشنده ، و چشم حسود ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من بر راه راست است . به خدا و به کلمات او ، و به بزرگی و نیروی او ، و زور و توانایی او پناه می برم از خشم و ناخشنودی و کیفر او ، و مؤاخذه و عذاب او ، و یورش و انتقام او ، و از همه ناملایمات دنیا و آخرت . خود را در پناه نیرو و توان خدا در آوردم از نیرو و توان همه آفریدگانش ، و در پناه پروردگار سپیده دم [در آوردم] از شرّ آنچه آفریده است ، و از شرّ شب ، آن گاه که همه جا تیره و تار شود ، و از شرّ دَمَندگانِ درگِرِه ها ، و از شرّ حسود ، آن گاه که حسادت بورزد ، و در پناه پروردگار مردم ، پادشاه مردم ، معبود مردم ، از شرّ وسوسه گرِ نهان ؛ آن که وسوسه می کند در سینه های مردمان ، از جِن و انس . پس اگر روی گرداندند ، بگو : خدا ، مرا بس است . معبودی جز او نیست . بر او توکّل کردم ، و او پروردگارِ عرش بزرگ است .

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَةَ : يا رَبِّ أعوذُ بِکَ مِن هَولِ المُطَّلَعِ (1) ، ومِن شِدَّهِ المَوقِفِ يَومَ الدّينِ ، فَإِنَّکَ تُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيکَ ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، اللّهُمَّ لا تُعرِض عَنّى حينَ أدعوکَ ، ولا تَصرِف عَنّى وَجهَکَ حينَ أسأَلُکَ ، فَلا رَبَّ لى سِواکَ ، وأعطِنى مَسأَلَتى ، وآمِن خَوفى يَومَ ألقاکَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ فَأَعِذنى ، فَإِنّى ضَعيفٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ بائِسٌ فَقيرٌ ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، اللّهُمَّ اکشِف ضُرَّ مَا استَعَذتُکَ مِنهُ ، وألبِسنى رَحمَتَکَ ، وجَلِّلنى عافِيَتَکَ ، وآمِنّى بِرَحمَتِکَ ، فَإِنَّکَ تُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيکَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن وَحشَهِ القَبرِ ومِن خَلوَتِهِ ، ومِن ظُلمَتِهِ وضيقِهِ وعَذابِهِ ، ومِن هَولِ ما أتَخَوَّفُ بَعدَهُ ، يا رَبَّ العالَمينَ ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ... . اللّهُمَّ مَا استَعفَيتُکَ مِنهُ وما لَم أستَعفِکَ مِنهُ ، وتوجِبُ عَلَىَّ بِهِ النّارَ وسَخَطَکَ ، فَاعفُنى مِنهُ ، وما عُذتُ مِنَ المَخازى يَومَ القِيامَهِ وسوءِ المُطَّلَعِ إلى ما فِى القُبورِ ، فَأَعِذنى مِنهُ ... . وأعِذنا مِنَ الأَذى وَالعِدى وَالضُرِّ ، وسوءِ القَضاءِ وشَماتَهِ الأَعداءِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى المالِ وَالدّينِ ، وَالأَهلِ وَالوَلَدِ ، وعِندَ مُعايَنَهِ المَوتِ ... . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن اُوالِىَ لَکَ عَدُوّا ، أو اُعادِىَ لَکَ وَلِيّا ، أو أسخَطَ لَکَ رِضىً ، أو أرضى لَکَ سَخَطا ، أو أقولَ لِحَقٍّ هذا باطِلٌ ، أو أقولَ لِباطِلٍ هذا حَقٌّ ، أو أقولَ لِلَّذينَ کَفَروا هؤُلاءِ أهدى مِنَ الَّذينَ آمَنوا سَبيلاً . (2)

.

1- المُطَّلَع : المأتى . يقال : أين مُطّلع هذا الأمر ، أى مأتاهُ ، وهو موضع الاطِّلاع من إشراف إلى انحدار ، وفى الحديث : «من هول المطّلع» شبّه ما أشرف عليه من أمر الآخره بذلک (الصحاح : ج 3 ص 1254 «طلع») .
2- .الإقبال : ج 2 ص 128 140 عن سلمه بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 246 255 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : ای پروردگار من ! از هراس مشاهده صحنه قیامت ، و از سختی توقّفگاه روز جزا ، به تو پناه می برم ؛ زیرا که تو پناه می دهی و از تو به کسی پناه نمی توان برد ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ! بار خدایا ! آن گاه که تو را می خوانم ، از من اعراض مکن ، و آن گاه که از تو درخواست می کنم ، رویت را از من مگردان ؛ زیرا که مرا پروردگاری جز تو نیست . خواسته ام را برآوَر و در آن روز که دیدارت می کنم ، ترس مرا به آرامش بدل فرما . بار خدایا ! من به تو پناه می برم . پس پناهم ده ؛ زیرا که من ، ناتوان و ترسان و پناهخواه و بینوا و درویشم ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ! بار خدایا ! گزند آنچه را از آن به تو پناه جستم ، برطرف فرما ، و جامه رحمتت و ردای عافیتت را بر من بپوشان و به رحمتت ، مرا در امان دار ؛ زیرا تو پناه می دهی و از تو به کس پناه نمی توان برد . بار خدایا ، به تو پناه می برم از وحشت و تنهایی قبر ، و از تاریکی و تنگی و رنج و عذاب آن ، و از هراس های پس از آن ، ای پروردگار جهانیان ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من ! ... . بار خدایا ! از آنچه در باره اش از تو عفو خواستم و از آنچه در باره اش از تو عفو نخواسته ام و به سبب آن ، مرا مستوجب آتش و خشمت می گردانی ، مرا عفو کن و از خواری ها و رسوایی های روز رستاخیز و مشاهده صحنه های بد و هولناک قبرها که از تو پناه خواستم ، پناهم ده ... . ما را از آزار و دشمنی و گزند ، و قضای بد و شماتت دشمن ، و مشاهده صحنه بد نسبت به مال و دین و زن و فرزند ، و هنگام دیدن مرگ ، در پناه خویش بدار ... . بار خدایا ! من به تو پناه می برم از این که با دشمن تو دوستی کنم ، یا با دوست تو دشمنی ورزم ، یا پسند تو را نپسندم ، یا آنچه را ناپسند توست ، بپسندم ، یا به حقّی بگویم : «این ، باطل است» ، یا به باطلی بگویم : «این ، حقّ است» ، یا در باره کسانی که کافرند ، بگویم : «اینان ، از مؤمنان ره یافته ترند» .

.

عنه عليه السلام مِن حِرزِهِ الجَليلِ الَّذى رَواهُ عَن آبائِهِ عليهم السلام : أُعيذُ نَفسى وشَعرى ، وبَشَرى ودينى ، وأهلى ومالى ، ووُلدى وذُرِّيَّتى ، ودُنياىَ وجَميعَ مَن أمرُهُ يَعنينى ، مِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ يُؤذينى . أُعيذُ نَفسى ، وجَميعَ ما رَزَقَنى رَبّى ، وما أُغلِقَت عَلَيهِ أبوابى ، وأحاطَت بِهِ جُدرانى ، وجَميعَ ما أتَقَلَّبُ فيهِ مِن نِعَمِ اللّهِ عَزَّ وجَلَّ وإحسانِهِ ، وجَميعَ إخوانى وأخَواتى مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ ، وبِأسمائِهِ التّامَّةِ الكامِلَةِ ، المُتَعالِيَةِ المُنيفَةِ ، الشَّريفَةِ الشّافِيَةِ ، الكَريمَةِ الطَّيِّبَةِ ، الفاضِلَةِ المُبارَكَةِ ، الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ ، العَظيمَةِ المَخزونَةِ المَكنونَةِ ، الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ ، وبِأُمِّ الكِتابِ وفاتِحَتِهِ ، وخاتِمَتِهِ وما بَينَهُما مِن سورَةٍ شَريفَةٍ ، وآيَةٍ مُحكَمَةٍ ، وشِفاءٍ ورَحمَةٍ ، وعوذَةٍ وبَرَكَةٍ ، وبِالتَّوراةِ وَالإنجيلِ ، وَالزَّبورِ وَالقُرآنِ العَظيمِ ، وبِصُحُفِ إبراهيمَ وموسى ، وبِكُلِّ كِتابٍ أنزَلَهُ اللّهُ عز و جل ، وبِكُلِّ رَسولٍ أرسَلَهُ اللّهُ عز و جل ، وبِكُلِّ بُرهانٍ أظهَرَهُ اللّهُ عز و جل ، وبِآلاءِ اللّهِ ، وعِزَّةِ اللّهِ ، وقُدرَةِ اللّهِ ، وجَلالِ اللّهِ ، وقُوَّةِ اللّهِ ، وعَظَمَةِ اللّهِ ، وسُلطانِ اللّهِ ، ومَنَعَةِ اللّهِ ، ومَنِّ اللّهِ ، وحِلمِ اللّهِ ، وعَفوِ اللّهِ ، وغُفرانِ اللّهِ ، ومَلائِكَةِ اللّهِ ، وكُتُبِ اللّهِ ، وأنبياءِ اللّهِ ، ورُسُلِ اللّهِ ، ومُحَمّدٍ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . وأعوذُ بِاللّهِ مِن غَضَبِ اللّهِ وعِقابِهِ ، وسَخَطِ اللّهِ ونَكالِهِ (1) ، ومِن نَقِمَةِ اللّهِ وإعراضِهِ ، وصُدودِهِ وخِذلانِهِ ، ومِنَ الكُفرِ وَالنِّفاقِ ، وَالحَيرَةِ وَالشِّركِ ، وَالشَّكِّ فى دينِ اللّهِ ، ومِن شَرِّ يَومِ الحَشرِ وَالنُّشورِ ، وَالمَوقِفِ وَالحِسابِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ كِتابٍ قَد سَبَقَ ، ومِن زَوالِ النِّعمَةِ ، وحُلولِ النَّقِمَةِ ، وتَحَوُّلِ العافِيَةِ ، وموجِباتِ الهَلَكَةِ ، ومَواقِفِ الخِزيِ وَالفَضيحَةِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَةِ . وأعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ مِن هَوىً مُردٍ ، وقَرينِ سَوءٍ مُكدٍ ، وجارٍ مُؤذٍ ، وغِنىً مُطغٍ ، وفَقرٍ مُنسٍ ، وأعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ مِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، وصَلاةٍ لا تَنفَعُ ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ ، وعَينٍ لا تَدمَعُ ، وبَطنٍ لا يَشبَعُ ، ومِن نَصَبٍ وَاجتِهادٍ يُوجِبانِ العَذابَ ، ومِن مَرَدٍّ إلَى النّارِ ، وسوءِ المَنظَرِ فِى النَّفسِ وَالأهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ ، وعِندَ مُعايَنَةِ مَلَكِ المَوتِ عليه السلام . وأعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ ، ومِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالإنسِ وَالشَّياطينِ ، ومِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ ، وأشياعِهِ وأتباعِهِ ، ومِن شَرِّ السَّلاطينِ وأتباعِهِم ، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ومِن شَرِّ ما يَلِجُ فِى الأرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، ومِن شَرِّ كُلِّ سُقمٍ وآفَةٍ وغَمٍّ وهَمٍّ ، وفاقَةٍ وعُدمٍ ، ومِن شَرِّ ما فِى البَرِّ وَالبَحرِ ، ومِن شَرِّ الفُسّاقِ وَالفُجّارِ ، وَالدَّعّارِ (2) وَالحُسّادِ وَالأشرارِ وَالسُّرّاقِ وَاللُّصوصِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . اللّهُمَّ

إنّى أحتَجِزُ بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ شَیءٍ خَلَقتَهُ ، وأحتَرِسُ بِکَ مِنهُم ، وأعوذُ بِاللّهِ العَظیمِ مِنَ الحَرَقِ وَالغَرَقِ ، وَالشَّرَقِ وَالهَدمِ ، وَالخَسفِ وَالمَسخِ وَالجُنونِ ، وَالحِجارَهِ وَالصَّیحَهِ وَالزَّلازِلِ ، وَالفِتَنِ وَالعَینِ وَالصَّواعِقِ ، وَالجُذامِ وَالبَرَصِ ، وَالأمراضِ وَالآفاتِ (3) ، وَالعاهاتِ وَالمُصیباتِ ، وأکلِ السَّبُعِ ومیتَهِ السَّوءِ ، وجَمیعِ أنواعِ البَلایا فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . وأعوذُ بِاللّهِ العَظیمِ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ المَلائِکَهُ المُقَرَّبونَ ، وَالأنبِیاءُ المُرسَلونَ ، وخاصَّهً مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُکَ ورَسولُکَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله ، أسأَلُکَ أن تُعطِیَنی مِن خَیرِ ما سَأَلوا ، وأن تُعیذَنی مِن شَرِّ مَا استَعاذوا ، وأسأَلُکَ مِنَ الخَیرِ کُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم . (4)

.

1- .النَّکال : العُقوبه التی تنکُلُ الناسَ عن فعل ما جُعلت له جزاءً (النهایه : ج 5 ص 117 «نکل») .
2- .الدَّعارَهُ : الفَسادُ والشرّ (النهایه : ج 2 ص 119 «دعر») .
3- .فی المصدر : «والعافات» ، والتصویب من بحار الأنوار .
4- .مُهَج الدعوات : ص 250 و ص 34 نحوه ، المصباح للکفعمی : ص 320 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 301 ح 62 .

امام صادق علیه السلام از حِرز مهمّ ایشان که از پدرانش علیهم السلام روایت کرده است : خودم و مویم و پوستم را ، و دینم را ، و زن و اموال و فرزندان و ذریّه ام را ، و دنیایم را ، و همه کسانی را که به من مربوط می شوند ، از شرّ هر شررسانی که آزارم برساند ، در پناه تو در می آورم . خودم را و همه آنچه را پروردگارم روزی من کرده است ، و آنچه را که درهای [خانه] من بر روی آنها بسته می شود ، و [آنچه را] دیوارهای خانه ام آنها را در میان گرفته اند ، و همه نعمت ها و احسان خداوند عز و جل را که در آن غوطه ورم ، و همه برادران و خواهران مؤمنم را در پناه خدایِ بلندپایه و بزرگ و در پناه نام های تامّ و کامل و والا و بالا و شریف و شفابخش و بزرگوار و خوب و برجسته و خجسته و پاک و پاکیزه و بزرگ و اندوخته و نهفته او که هیچ نیکوکار و بدکاری (/مطیع و نافرمانی) از حیطه آنها بیرون نیست ، و در پناه اُمّ الکتاب و همه سوره های گرامی و آیات استوار و شفابخش و مهرآمیز و محافظت کننده و برکت آمیز آن از آغاز تا پایانش ، و در پناه تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ ، و در پناه صُحُف ابراهیم و موسی ، و در پناه هر کتابی که خدای عز و جل نازل کرده ، و در پناه هر فرستاده ای که خدای عز و جل فرستاده ، و در پناه هر برهانی که خدای عز و جل آشکار ساخته ، و در پناه نعمتهای خدا و عزّت خدا و قدرت خدا و شکوه خدا و نیروی خدا و بزرگی خدا و سلطنت خدا و توانمندی خدا و لطف خدا و بردباری خدا و گذشت خدا و آمرزش خدا و فرشتگان خدا و کتابهای خدا و پیامبران خدا و فرستادگان خدا و محمّد پیامبر خدا ، در می آورم . به خدا پناه می برم از خشم و کیفر خدا ، و از ناخشنودی و تنبیه خدا ، و از انتقام و روی گردانی خدا ، و از پشت کردن و یاری نرساندن خدا ، و از کفر و نفاق ، و سرگردانی و انبازآوری ، و شکّ در دین خدا ، و از شرّ روز رستاخیز و توقّفگاه [قیامت] و حسابرسی ، و از شرّ نوشته ای [و تقدیری] که پیش تر رقم خورده است، و از زوال آمدن نعمت ، و فرود آمدن عذاب ، و از دست رفتن عافیت ، و از آنچه موجب نابودی می شود ، و از جایگاه های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت . به خدای بزرگ ، پناه می برم از هوس نابود کننده ، و دوست بدِ مضایقه گر ، و همسایه آزاررسان ، و ثروت طغیان آور ، و فقر از یاد برنده[ی خدا] . به خدای بزرگ ، پناه می برم از دلی که [نرم و] فروتن نباشد ، و از نمازی که سود نبخشد ، و دعایی که شنیده نشود ، و دیده ای که اشک نریزد ، و شکمی که سیر نشود ، و از [زحمت و] تلاشی که موجب عذاب شوند ، و از بازگشت به سوی آتش ، و صحنه بد نسبت به خودم و زن و دارایی و فرزند[م] ، و

هنگام دیدن فرشته مرگ . به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست ، و از شرّ هر صاحب شرّی ، و از شرّ آنچه می ترسم و اندیشناکم ، و از شرّ نابه کاران عرب و عجم ، و از شرّ نابه کاران جنّ و اِنس و شیاطین ، و از شرّ ابلیس و لشکریانش و پیروان و دنباله روانش ، و از شرّ سلاطین و پیروان آنها ، و از شرّ آنچه از آسمان ، فرود می آید و آنچه در آن ، بالا می رود ، و از شرّ آنچه در زمین ، فرو می رود و آنچه از آن ، بیرون می آید ، و از شرّ هر بیماری و آفت و غم و اندوه و فقر و ناداری ، و از شرّ آنچه در خشکی و در دریاست ، و از شرّ فاسقان و فاجران و هرزگان و اشرار و سارقان و دزدان ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست ، که به راستی ، پروردگار من در راه راست است . بار خدایا ! از شرّ هر چیزی که آفریده ای ، خود را در پناه حمایت تو در می آورم و از تو می خواهم که مرا از آنها محافظت کنی . به خدای بزرگ پناه می برم از سوختن و غرق شدن و گلوگیر شدن و زیر آوار ماندن و در کام زمین فرو رفتن و مسخ شدن و دیوانگی و سنگسار شدن و غریو [عذاب] و زمین لرزه ها و فتنه ها و چشم [زخم] و صاعقه ها و خوره و پیسی و بیماری ها و آفتها و معلولیت ها و مصیبت ها و صدمات و طعمه درنده شدن و مُردن بد و همه انواع بلاهای دنیوی و اخروی . به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ آنچه فرشتگان مقرّب و پیامبران مُرسل ، از آن [به او] پناه برده اند ، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله از آن پناه برده است . از تو می خواهم که خیر آنچه را آنها از تو درخواست کردند ، به من نیز عطا کنی ، و از شرّ آنچه از آن به تو پناه آوردند ، مرا نیز پناه دهی . هر گونه خیر را در دنیا و آخرت ، چه آن خیری را که می دانم و چه آن را که نمی دانم ، از تو می خواهم .

.

ص: 568

..

ص: 569

..

عنه عليه السلام فيما عَلَّمَهُ أبا يَحيى لِيَدعُوَ بِهِ فى لَيلَهِ النِّصفِ مِن شَعبانَ : اللّهُمَّ وَاخصُصنى مِن كَرَمِکَ بِجَزيلِ قِسَمِکَ ، وأعوذُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وَاغفِر لِىَ الذَّنبَ الَّذى يَحبِسُ عَلَىَّ الخَلقَ ، ويُضَيِّقُ عَلَىَّ الرِّزقَ ، حَتّى أقومَ بِصالِحِ رِضاکَ ، وأنعَمَ بِجَزيلِ عَطائِکَ ، وأسعَدَ بِسابِغِ نَعمائِکَ ، فَقَد لُذتُ بِحَرَمِکَ ، وتَعَرَّضتُ لِکَرَمِکَ ، وَاستَعَذتُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وبِحِلمِکَ مِن غَضَبِکَ ، فَجُد بِما سَأَلتُکَ ، وأنِل مَا التَمَستُ مِنکَ ، أسأَلُکَ بِکَ لا بِشَىءٍ هُوَ أعظَمُ مِنکَ . (1)

6 / 7الاِستِعاذاتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الكاظِمِ عليه السلامالإمام الكاظم عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ العَديلَهِ (2) عِندَ المَوتِ ، ومِن شَرِّ المَرجِعِ فِى القُبورِ ، ومِنَ النَّدامَهِ يَومَ الآزِفَهِ (3) . (4)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 832 ح 891 ، الإقبال : ج 3 ص 316 كلاهما عن أبى يحيى ، البلد الأمين : ص 174 ، المصباح للكفعمى : ص 719 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 410 ح 1 .
2- .العَديلَه : أى العُدول عن الحقّ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1176 «عدل») .
3- .أزِفَ : اقتربَ . والآزِفَه : القيامه ؛ لقُربها وإن استبعَدَ الناسُ مَداها (لسان العرب : ج 9 ص 4 «أزف») .
4- .مصباح المتهجّد : ص 799 ح 859 ، الإقبال : ج 3 ص 187 كلاهما عن علىّ بن حديد ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 89 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 141 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 381 ح 2 .

6 / 7 پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام

امام صادق علیه السلام در دعایی که به ابو یحیی آموخت تا آن را در شب نیمه شعبان بخواند : بار خدایا ! از کَرَم خویش ، بهره های فراوانت را نصیب من گردان . از کیفر تو ، به بخشش تو پناه می برم . گناهانی را که خلق را از من دور می کند و روزی را بر من تنگ می گردانَد ، بیامرز تا رضایت تو را به درستی جلب کنم و از دَهِش بسیار تو برخوردار شوم و از نعمت های سرشار تو بهره مند گردم ؛ زیرا به حریم تو پناه آورده ام و خود را در معرض کَرَم تو قرار داده ام ، و از کیفر تو به گذشتت ، و از خشم تو به بردباری ات پناهنده گشته ام . پس آنچه را از تو درخواست کردم و آنچه را از تو تقاضا نمودم ، ارزانی ام دار . به حقّ تو ، از تو درخواست می کنم ، نه به چیزی که از تو با عظمت تر باشد .

6 / 7پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلامامام کاظم علیه السلام :بار خدایا ! از برگشتن از حق در هنگام مرگ و از بدی بازگشت در قبر و از پشیمانی در روز قیامت ، به تو پناه می برم .

.

عنه عليه السلام فيما عَلَّمَهُ لِعَلِيِّ بنِ رِئابٍ أن يَدعُوَ بِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلاً دُخولَ السَّنَهِ : أعوذُ بِکَ يا إلهى أن تُحيطَ بى (1) خَطيئَتى ، وظُلمى وإسرافى عَلى نَفسى ، وَاتِّباعى لِهَوایَ وَاشتِغالى بِشَهَواتى ، فَيَحولَ ذلِکَ بَينى وبَينَ رَحمَتِکَ ورِضوانِکَ ، فَأکونَ مَنسِيّا عِندَکَ، مُتَعَرِّضا لِسَخَطِکَ ونَقِمَتِکَ . (2)

الکافى عن زياد بن مروان :کانَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ فى سُجودِهِ : أعوذُ بِکَ مِن نارٍ حَرُّها لا يُطفَأُ ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ جَديدُها لا يَبلى ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ عَطشانُها لا يَروى ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ مَسلَوبُها لا يُکسى . (3)

الإمام الکاظم عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ الأَربِعاءِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ أن أضِلَّ أو أُضَلَّ ، أو أذِلَّ أو أُذَلَّ ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَىَّ ، أو أجورَ أو يُجارَ عَلَىَّ ، أخرِجنى مِنَ الدُّنيا مَغفورا لى [ذَنبى ، ومَقبولاً] (4) عَمَلى ، وأعطِنى کِتابى بِيَمينى ، وَاحشُرنى فى زُمرَهِ نَبِيّى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ وسَلَّم کَثيرا ، إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . (5)

.

1- .فى المصدر : «به» ، والصواب ما أثبتناه کما فى المصادر الأُخرى .
2- .الکافى : ج 4 ص 73 ح 3 ، تهذيب الأحکام : ج 3 ص 108 ح 266 کلاهما عن علىّ بن رئاب ، کتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 104 ح 1848 ، مصباح المتهجّد : ص 606 ح 694 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 342 ح 2 .
3- .الکافى : ج 3 ص 328 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 238 ح 60 .
4- .ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار وبقيّه المصادر .
5- .مصباح المتهجّد : ص 510 ح 588 ، المصباح للکفعمى : ص 170 ، البلد الأمين : ص 132 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 202 ح 32 .

امام کاظم علیه السلام در دعایی که به علی بن رئاب آموخت تا در ماه رمضان و استقبال از حلول سال (1) ، آن را بخواند : معبودا ! به تو پناه می برم از این که گناهم و ستمم و زیاده روی ام در حقّ خویشتن و پیروی ام از هوسم و پرداختنم به خواهش های نفسانی ام ، مرا در میان گیرند و میان من و رحمت و خشنودی تو ، حایل شوند و در نتیجه ، نزد تو از یاد بروم و در معرض ناخشنودی و کیفر تو قرار گیرم .

الکافی به نقل از زیاد بن مروان : ابوالحسن علیه السلام (2) در سجده اش می گفت : «به تو پناه می برم از آتشی که شعله اش فروکش نمی کند . به تو پناه می برم از آتشی که تازه آن ، کهنه نمی شود . به تو پناه می برم از آتشی که تشنه آن ، سیراب نمی شود . به تو پناه می برم از آتشی که برهنه آن ، پوشیده نمی شود» .

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز چهارشنبه : بار خدایا ! به تو پناه می برم از این که گم راه باشم یا به گم راهی کشانده شوم ، خوار باشم یا خوار داشته شوم ، حق کُشی کنم یا نسبت به من حق کُشی شود ، نادانی کنم یا بر من نادانی شود ، بیداد کنم یا بر من بیداد شود . مرا در حالی از دنیا ببر که گناهم آمرزیده و عملم پذیرفته شده باشد و نامه [ی اعمال] مرا به دست راستم دِه و مرا در گروه پیامبرم محمّد و خاندان او که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش باد محشور فرما ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری .

.

1- .یعنی در هنگام حلول سال قمری ؛ زیرا احتمال دارد که ماه رمضان ، آغاز سال قمری باشد .
2- .منظور از ابوالحسن ، در این جا، امام کاظم علیه السلام است .

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى يَومِ الخَميسِ : أصبَحتُ أعوذُ بِوَجهِ اللّهِ الكَريمِ ، وَاسمِ اللّهِ العَظيمِ ، وكَلِمَتِهِ التّامَّهِ ، مِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ وَالعَينِ اللّامَّهِ ، ومِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ رَبّى آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُستَقيمٍ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن جَميعِ خَلقِكَ فَأَعِذنى ، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ فى جَميعِ اُمورى فَاحفَظنى مِن بَينِ يَدَىَّ ، ومِن خَلفى ، ومِن فَوقى ومِن تَحتى ، ولاَ تَكِلنى فى حَوائِجى إلى عَبدٍ مِن عِبادِكَ فَيَخذُلَنى ، أنتَ مَولاىَ وسَيِّدى ، فَلا تُخَيِّبنى مِن رَحمَتِكَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ ، وتَحويلِ عافِيَتِكَ ، استَعَنتُ بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِ خَلقِهِ وقُوَّتِهِم ، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ ، حَسبِىَ اللّهُ ونِعمَ الوَكيلُ . (1)

6 / 8الاِستِعاذهُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الرِّضا عليه السلامالإمام الرضا عليه السلام مِن دُعاءٍ كَتَبَهُ لِأَحَدِ أصحابِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ ، وتَحويلِ عافِيَتِكَ ، ومِن فَجأَهِ نَقِمَتِكَ ، ومِن شَرِّ كِتابٍ قَد سَبَقَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسى ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وإنَّ اللّهَ قَد أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلما ، وأحصى كُلَّ شَىءٍ عَدَدا . (2)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 511 ح 589 ، المصباح للكفعمى : ص 175 ، البلد الأمين : ص 139 وليس فيهما «فأعذنى» ، بحار الأنوار : ج 90 ص 212 ح 38 .
2- .الكافى : ج 2 ص 562 ح 19 عن الحسين .

6 / 8 پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلام

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز پنج شنبه : صبح خود را آغاز می کنم ، در حالی که به رویِ گرامیِ خدا و نام بزرگ خدا و کلمه تامّ او پناه می برم از گزند جانوران سمّی کُشنده و غیر کُشنده ، و از چشم بد ، و از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است ، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من بر راه راست است . بار خدایا ! از همه آفریدگانت به تو پناه می آورم ، پس پناهم ده ، و در همه کارهایم بر تو توکّل می کنم ، پس مرا از پیشِ رو و پشتِ سر و از بالای سر و از زیر پایم محافظت فرما و در حاجت هایم ، مرا به بنده ای از بندگانت حواله مده که دستم را نگیرد . تویی سَروَر و آقای من ! پس مرا از رحمتت ، نومید مساز . بار خدایا ! از زوال آمدن نعمتت و گرفتن عافیتت از من ، به تو پناه می برم . به جای نیرو و توان خلق خدا ، از نیرو و توان او کمک می گیرم و از گزند آنچه آفریده است ، به پروردگار سپیده دم ، پناه می برم . خدا ، مرا بس است و نیکوْکارگزاری است .

6 / 8پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلامامام رضا علیه السلام از دعایی که برای یکی از یارانش نوشت : بار خدایا ! به تو پناه می برم از زوال آمدن نعمتت ، و برگشتن عافیتت ، و از فرود آمدن ناگهانی خشمت ، و از شرّ نوشته ای که پیش تر مقدّر شده است . بار خدایا ! از شرّ نفسم ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست ، به تو پناه می برم ، که تو بر هر چیزی توانایی . خداوند ، بر هر چیزی احاطه علمی دارد و آمار هر چیزی را می داند .

.

6 / 9الاِستِعاذاتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الجَوادِ عليه السلامالإمام الجواد عليه السلام :أُعيذُ نَفسى بِاللّهِ الَّذى «لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَافِى السَّمَوَ تِ وَمَا فِى الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْ ءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظِيمُ» (1) ... . أُعيذُ نَفسى ومَن يَعنينى أمرُهُ بِاللّهِ مالِكِ المُلكِ ، يُؤتِى المُلكَ مَن يَشاءُ ويَنزِعُ المُلكَ مِمَّن يَشاءُ ، ويُعِزُّ مَن يَشاءُ ويُذِلُّ مَن يَشاءُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يولِجُ اللَّيلَ فِى النَّهارِ ، ويولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيلِ ، ويُخرِجُ الحَىَّ مِنَ المَيِّتِ ويُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَىِّ . (2)

عنه عليه السلام مِن عوذَتِهِ فى يَومِ الإِثنَينِ : أُعيذُ نَفسى بِرَبِّىَ الأَكبَرِ ، مِمّا يَخفى ومِمّا يَظهَرُ ، ومِن شَرِّ كُلِّ أُنثى وذَكَرٍ ، ومِن شَرِّ ما رَأَتِ الشَّمسُ وَالقَمَرُ ... . (3)

عنه عليه السلام مِن عوذَتِهِ فِى يَومِ الثُّلاثاءِ : أُعيذُ نَفسى بِاللّهِ الأَكبَرِ، رَبِّ السَّماواتِ القائِماتِ بِلا عَمَدٍ ، وبِالَّذى خَلَقَها فى يَومَينِ وقَضى فى كُلِّ سَماءٍ أمرَها ، وخَلَقَ الأَرضَ فى يَومَينِ وقَدَّرَ فيها أقواتَها ، وجَعَلَ فيها جِبالاً أوتادا وجَعَلَها فِجاجا سُبُلاً ، وأنشَأَ السَّحابَ وسَخَّرَهُ ، وأجرَى الفُلکَ وسَخَّرَ البَحرَ ، وجَعَلَ فِى الأَرضِ رَواسِىَ وأنهارا ، مِن شَرِّ ما يَكونُ فِى اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، وتَعقِدُ عَلَيهِ القُلوبُ وتَراهُ العُيونُ مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ... . (4)

.

1- .البقره : 255 .
2- .البلد الأمين : ص 102 ، المصباح للكفعمى : ص 147 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 155 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 460 ح 561 ، البلد الأمين : ص 118 ، المصباح للكفعمى : ص 160 ، الدعوات : ص 100 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 202 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 468 ، البلد الأمين : ص 125 ، المصباح للكفعمى : ص 166 ، الدعوات : ص 101 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 190 .

6 / 9 پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام

6 / 9پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلامامام جواد علیه السلام :خویشتن را در پناه خدایی در می آورم که : «معبودی جز او نیست . آن زنده پاینده که نه چُرتش می بَرَد و نه خواب ، او را می گیرد . آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آنِ اوست . در نزد او ، شفاعت ، جز به اذن او که کند ؟ آنچه را که در پیشِ رو و در پشتِ سرشان است ، می داند . از دانشش به چیزی دست نمی یابند ، جز آنچه خود بخواهد» ... . اُورنگ [سلطنت] او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری شان بر او گران نمی آید و او والا و بزرگ است ... . خودم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط است ، در پناه خدای صاحب مُلک در آوردم . مُلک را به هر که خواهد ، می دهد و از هر که خواهد ، مُلک را می ستاند . هر که را خواهد ، عزّت می بخشد و هر که را خواهد ، خوار می گرداند . خوبی ها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست . شب را در کامِ شب فرو می برد و روز را در دلِ شب ، و زنده را از مُرده بیرون می آورد و مُرده را از زنده بیرون می کشد .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز دوشنبه : خویشتن را در پناه پروردگار بزرگ ترینم در آوردم از [گزند] آنچه ناپیدا و پیداست ، و از گزند هر ماده و نری ، و از گزند هر آنچه خورشید و ماه ، دیده است ... .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز سه شنبه : خودم را در پناه خدا درآوردم که بزرگ ترین است . پروردگار آسمان هایی است که بی هیچ ستونی بر پایند ، به خدایی که آنها (آسمانها) را در دو روز آفرید و برای هر آسمانی فرمانش را نوشت . زمین را در دو روز آفرید و روزی هایش را در آن ، به اندازه نهاد و در آن ، کوه هایی میخ سان قرار داد و در آن ، درّه ها و راه ها پدیدار ساخت . ابرها را ایجاد کرد ورامشان نمود . کشتی را روان ساخت و دریا را آرام گردانید . در زمین ، کوه ها و جویبارها پدید آورد . [به چنین خدایی پناه می برم] از شرّ آنچه در شب و روز است و دل ها بدانها باور دارند و چشم ها آنها را می بینند ، از جنّ و انس ... .

.

عنه عليه السلام مِن عَوذَتِهِ فى يَومِ الأَربِعاءِ : اُعيذُ نَفسى بِالأَحَدِ الصَّمَدِ ، مِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِى العُقَدِ ، ومِن شَرِّ ابنِ قِترَةَ (1) وما وَلَدَ ، أستَعيذُ بِاللّهِ الواحِدِ الأَحَدِ الأَعلى ، مِن شَرِّ ما رَأَت عَينى وما لَم تَرَهُ ، أستَعيذُ بِاللّهِ الواحِدِ الفَردِ ، الكَبيرِ الأَعلى ، مِن شَرِّ مَن أرادَنى بِأمرٍ عَسيرٍ . (2)

عنه عليه السلام مِن عَوذَتِهِ فى يَومِ الخَميسِ : اُعيذُ نَفسى بِرَبِّ المَشارِقِ وَالمَغارِبِ ، مِن كُلِّ شَيطانٍ مارِدٍ ، وقائِمٍ وقاعِدٍ ، وعَدُوٍّ وحاسِدٍ ومُعانِدٍ . (3)

6 / 10الاِستِعاذةُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الهادى عليه السلامالإمام الهادى عليه السلام مِمّا دَعا بِهِ فى قُنوتِهِ : يا مَن تَفَرَّدَ بِالرُّبوبِيَّهِ ، وتَوَحَّدَ بِالوَحدانِيَّهِ ... بِكَ اعتَصَمتُ وتَعَوَّذتُ مِن نَفَثاتِ العَنَدَهِ ورَصَداتِ المُلحِدَهِ ، الَّذينَ أَلحَدوا فى أسمائِكَ ورَصَدوا بِالمَكارِهِ لِأَولِيائِكَ ، وأعانوا عَلى قَتلِ أَنبِيائِكَ وأصفِيائِكَ ، وقَصَدوا لِاِطفاءِ نورِكَ بِإِذاعَهِ سِرِّكَ ، وكَذَّبوا رُسُلَكَ ، وصَدّوا عَن آياتِكَ ، وَاتَّخَذوا مِن دونِكَ ودونِ رَسولِكَ ودونِ المُؤمِنينَ وَليجَهً (4) ، رَغبَهً عَنكَ ، وعَبَدوا طَواغيتَهُم وجَوابيتَهُم (5) بَدَلاً مِنكَ ... . أعوذُ بِكَ مِن كُلِّ لَبسٍ مَلبوسٍ ، ومِن كُلِّ قَلبٍ عَن مَعرِفَتِكَ مَحبوسٍ ، ومِن كُلِّ نَفسٍ تَكفُرُ إذا أصابَها بُؤسٌ ، ومِن واصِفٍ عَدلٍ عَمَلُهُ عَنِ العَدلِ مَعكوسٌ ، ومِن طالِبٍ لِلحَقِّ وهُوَ عَن صِفاتِ الحَقِّ مَنكوسٌ ، ومِن مُكتَسِبِ إثمٍ بِإِثمِهِ مَركوسٌ (6) ، ومِن وَجهٍ عِندَ تَتابُعِ النِّعَمِ عَلَيهِ عَبوسٌ ، أعوذُ بِكَ مِن ذلِكَ كُلِّهِ ، ومِن نَظيرِهِ وأشكالِهِ وأشباهِهِ وأمثالِهِ إنَّكَ عَلِىٌّ عَليمٌ حَكيمٌ . (7)

.

1- .قِتْره : اسم إبليس (النهايه : ج 4 ص 12 «قتر») .
2- .مصباح المتهجّد : ص 479 ح 571 ، البلد الأمين : ص 133 ، المصباح للكفعمى : ص 171 ، الدعوات : ص 101 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 203 ح 34 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 489 ح 576 ، البلد الأمين : ص 141 ، المصباح للكفعمى : ص 177 ، الدعوات : ص 102 والثلاثه الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 214 ح 39 .
4- .وليجَهُ الرجل : بطانته ودخلاؤه وخاصّته (النهايه : ج 5 ص 224 «ولج») .
5- .الجِبْت : قيل : هو كلُّ معبودٍ سوى اللّه . ويقال : الجبتُ والطاغوتُ : الكهنهُ والشياطينُ ، وفى الدُّعاء : «اللّهمّ العن الجوابيت والطواغيت»

(مجمع البحرين : ج 1 ص 265 «جبت») .
6- .ركستُ الشّىء : قلبتُهُ ورددتُ أوّلهُ على آخره (المصباح المنير : ص 237 «ركس») .
7- .مُهَج الدعوات : ص 82 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 227 .

6 / 10 پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز چهارشنبه : خویشتن را در پناه یگانه بی نیاز در آوردم از شرّ دَمَندگانِ در کوه ها ، و از شرّ ابن قِتره (1) و بچّه هایش . به خدای یکتای یگانه والا پناه می برم از شرّ آنچه چشم ، آن را ببیند و آنچه نبیند . به خدای یکتای تکِ بزرگِ والا پناه می برم از شرّ آنچه بخواهد مرا به کاری سخت افکند .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز پنج شنبه : خویشتن را در پناه پروردگار خاورها و باخترها در می آورم ، از شرّ هر شیطان سرکشی ، و هر ایستاده و نشسته ای ، و هر دشمنی و حسودی و کینه توزی .

6 / 10پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلامامام هادی علیه السلام از دعای ایشان در قنوتش : ای آن که در پروردگاری ، تک هستی و در یگانگی ، یکتا ! ... به تو چنگ آویختم و به تو پناه آوردم از وسوسه های حق ستیزان و کمین های کج روان ؛ همانان که در نام های تو کج روی کردند ، برای آزار رساندن به دوستانت کمین کردند ، در کشتن پیامبران و برگزیدگانت کمک کردند ، با فاش ساختن راز تو ، آهنگ خاموش کردن نور تو را کردند ، فرستادگانت را تکذیب کردند ، از نشانه های تو چشم پوشیدند و به تو پشت کرده ، جز تو و پیامبر تو و مؤمنان ، کسی را [یار و]هم راز خویش گرفتند و به جای تو ، طاغوت ها و بت ها را پرستیدند ... . به تو پناه می برم از هر شبهه پوشیده ای ، و از هر دلی که از شناخت تو ، باز داشته شده است ، و از هر نفسی که هرگاه به فقر افتد ، به کفر می گراید ، و از هر دم زننده از عدالتی که کردارش به وارونه عدالت باشد ، و از هر جوینده حقّی که خود ، بر خلاف صفات حق باشد ، و از مرتکب شونده گناهی که بر اثر گناهش تباه و نگونسار شود ، و از هر چهره ای که چون نعمت ها پیاپی بر او رسد [در برابر نیازمندان و فقرا] اخم آلود شود . از همه اینها و از مثل و مانند و شبیه و نظیر اینها ، به تو پناه می برم ، که به راستی ، تو بلندمرتبه و دانا و فرزانه ای .

.

1- .قِتره : نام ابلیس است . در فرهنگ لاروس آمده است : ابن قتره ، مار خطرناکی است که هر کس را نیش بزند ، جان به سلامت به دَر نمی بَرَد .

6 / 11الاِستِعاذهُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ المَهدِيِّ عليه السلامالإمام المهدى عليه السلام مِمّا عَلَّمَهُ لِلعَلَوِيِّ المِصرِيِّ : يا قَريبُ أسأَلُکَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُعيذَني مِن شَرِّ خَلقِکَ ، وتُقَرِّبَني مِن عَفوِکَ ... . اللّهُمَّ بِکَ أعوذُ وبِکَ ألوذُ ، ولَکَ أعبُدُ وإيّاکَ أرجو ، وبِکَ أستَعينُ وبِکَ أستَكفى ، وبِکَ أستَغيثُ وبِکَ أستَنقِذُ ، ومِنکَ أسأَلُ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ... . إلهى وهذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ ، وَالهارِبِ مِنکَ إلَيکَ مِن ذُنوبٍ تَهَجَّمَتهُ ، وعُيوبٍ فَضَحَتهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَانظُر إلَىَّ نَظرَهً رَحيمَهً أفوزُ بِها إلى جَنَّتِکَ ، وَاعطِف عَلَىَّ عَطفَهً أنجو بِها مِن عِقابِکَ . (1)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 341 350 ، البلد الأمين : ص 396 402 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 271 278 ح 34 .

6 / 11 پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام

6 / 11پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلامامام مهدی علیه السلام از دعایی که به عَلَوی مصری آموخت : ای نزدیک ! از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و مرا از گزند آفریدگانت ، در پناه خویش داری و به بخشایشت ، نزدیکم گردانی ... . بار خدایا ! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم ، و تو را می پرستم و به تو امید می بندم ، و از تو یاری می جویم و از تو می خواهم که مرا بسنده باشی ، و از تو فریاد می طلبم و درخواست نجات می کنم ، و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی ... . معبود من ! در این جا کسی ایستاده است که از آتش ، به تو پناه آورده است و از گناهانی که بر او یورش آورده اند و عیب هایی که رسوایش کرده اند، از [عذاب]تو به سوی تو گریخته است . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و به من با چنان نگاه مهرآمیزی بنگر که به سبب آن ، به بهشت تو دست یابم ، و بر من چنان توجّهی فرما که با آن ، از کیفر تو بِرَهَم .

.

6 / 12جَوامِعُ الإستِعاذاتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :قولوا : اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ مِمّا سَأَلَکَ مُحَمَّدٌ عَبدُکَ ورَسولُکَ ، ونَستَعيذُ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ مُحَمَّدٌ عَبدُکَ ورَسولُکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله بَعدَ أن دَعا بِدُعاءٍ طَويلٍ : أَلا أدُلُّکُم عَلى ما يَجمَعُ ذلِکَ کُلَّهُ ؟ نَقولُ : اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُکَ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ مِنهُ نَبِيُّکَ مُحَمَّدٌ ، ونَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ نَبِيُّکَ مُحَمَّدٌ ، وأنتَ المُستَعانُ ، وعَلَيکَ البَلاغُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله لِعائِشَةَ : عَلَيکِ بِالکَوامِلِ ... قولى : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِنَ الخَيرِ کُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، و أسأَلُکَ الجَنَّةَ وما قَرَّبَ إلَيها مِن قَولٍ أو عَمَلٍ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ وما قَرَّبَ إلَيها مِن قَولٍ أو عَمَلٍ ، وأسأَلُکَ مِنَ الخَيرِ ما سَأَلَکَ عَبدُکَ ورَسولُکَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ، وأستَعيذُکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُکَ ورَسولُکَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ، وأسأَلُکَ ما قَضَيتَ لى مِن أمرٍ أن تَجعَلَ عاقِبَتَهُ رَشَدا . (3)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :تَقولُ إذا أصبَحتَ : أصبَحتُ بِاللّهِ مُؤمِنا ، عَلى دينِ مُحَمَّدٍ وسُنَّتِهِ ، ودينِ عَلِيٍّ وسُنَّتِهِ ، ودينِ الأوصِياءِ وسُنَّتِهِم ، آمَنتُ بِسِرِّهِم وعَلانِيَتِهِم ، وشاهِدِهِم وغائِبِهِم ، وأعوذُ بِاللّهِ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وعَلِيٌّ عليه السلام ، وَالأَوصِياءُ ، وأرغَبُ إلَى اللّهِ فيما رَغِبوا إلَيهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ . (4)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 240 ح 7386 ، الدعاء للطبرانى : ص 426 ح 1444 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 222 ح 3852 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق عن أبى هريره .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 537 ح 3521 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 192 ح 7791 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 286 ح 2278 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 2 ص 193 ح 3708 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 481 ح 25191 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1264 ح 3846 ، الأدب المفرد : ص 192 ح 639 ، صحيح ابن حبّان : ج 3

ص 150 ح 869 كلّها عن عائشه نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 173 ح 3610 .
4- .الكافى : ج 2 ص 522 ح 4 عن يزيد بن كلثمه ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 140 ، المزار الكبير : ص 639 ، مصباح المتهجّد : ص 206 ح 299 و ص 655 ح 726 ، الإقبال : ج 1 ص 469 كلّها نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 288 ح 49 .

6 / 12پناه خواهی های جامعپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بگویید : «بار خدایا ! از تو آن می خواهیم که محمّد ، بنده و فرستاده ات ، از تو خواست ، و از آن به تو پناه می بریم که محمّد ، بنده و فرستاده ات ، به تو پناه برد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از خواندن دعایی طولانی :آیا شما را به دعایی ره نمون نشوم که جامع همه این دعا باشد؟ می گوییم : «بار خدایا ! آن خیری را که پیامبرت محمّد از تو خواست ، از تو می خواهیم ، و از شرّ آنچه پیامبرت محمّد به تو پناه آورد ، ما هم از آن به تو پناه می آوریم ، که یاری از تو باید خواست و بر عهده توست رساندن ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عایشه : بر تو باد دعاهای کامل ! ... بگو : «بار خدایا ! همه خوبی را ، زود یا دیر آن را ، آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم ، از تو درخواست می کنم ، و از همه بدی ، زود یا دیر آن و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم ، به تو پناه می برم ، و بهشت را و هر گفتار یا کرداری را که موجب نزدیک شدن به آن شود ، از تو درخواست می کنم ، و از آتش و از هر گفتار یا کرداری که مایه نزدیک شدن به آن باشد ، به تو پناه می برم ، و هر آن خیری را که بنده و فرستاده ات محمّد از تو خواست ، از تو می خواهم ، و از هر آنچه بنده و فرستاده ات محمّد به تو پناه برد ، من نیز از آن به تو پناه می برم . از تو می خواهم که هر کاری را که برایم مقدّر کرده ای ، عاقبتش را نیک و درست قرار دهی» .

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :چون صبح کردی ، می گویی : «صبح خویش را آغاز کردم ، در حالی که به خدا ایمان دارم ، و بر آیین محمّد صلی الله علیه و آله و آیین علی علیه السلام و آیین اوصیا (امامان معصوم) هستم . به نهان و آشکار آنان و پیدا و پنهانشان ، ایمان دارم ، و از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اوصیا به خدا پناه بردند ، من نیز به او پناه می برم و آنچه آنان از او خواستند ، من نیز می خواهم . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا .

الإمام الصّادق عليه السلام مِن دُعائِهِ الَّذى كانَ يَقرَؤُهُ عِندَ دُخولِهِ عَلَى المَنصورِ : أعوذُ بِاللّهِ العَظيمِ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ المَلائِكَهُ المُقَرَّبونَ ، وَالأَنبِياءُ المُرسَلونَ ، وخاصَّةً مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُكَ ورَسولُكَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ، أسأَلُكَ أن تُعطِيَنى مِن خَيرِ ما سَأَلوا ، وأن تُعيذَنى مِن شَرِّ مَا استَعاذوا ، وأسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم . (1)

عنه عليه السلام فيما يُدعى بِهِ بَعدَ الفَراغِ مِن صَلاهِ جَعفَرِ بنِ أبى طالِبٍ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن كُلِّ ما سَأَلَكَ بِهِ مُحَمَّدٌ وآلُهُ ، وأستَعيذُ بِكَ مِن كُلِّ مَا استَعاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وآلُهُ ، اللّهُمَّ أعطِنى مِن كُلِّ خَيرٍ خَيرا ، وَاصرِف عَنّى كُلَّما قَضَيتَ مِن شَرٍّ أو فِتنَهٍ . (2)

عنه عليه السلام :تَقولُ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ فى صَلاهِ العيدَينِ : اللّهُمَّ أهلَ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَهِ ، وأهلَ التَّقوى وَالمَغفِرَهِ ، أسأَلُكَ فى هذَا اليَومِ الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيدا ، ولِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ذُخرا ومَزيدا ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلى عَبدٍ مِن عِبادِكَ ، وصَلِّ عَلى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ورُسُلِكَ ، وَاغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ ، الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ عِبادُكَ المُرسَلونَ ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عاذَ بِكَ مِنهُ عِبادُكَ المُرسَلونَ . (3)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 251 و ص 36 نحوه وكلاهما عن محمّد بن عبد اللّه الإسكندرى ، بحار الأنوار : ج 94 ص 302 .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 156 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 91 ص 210 ح 13 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 139 ح 314 عن محمّد بن عيسى بن أبى منصور و ح 315 عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 654 وفيه «الصالحون» بدل «المرسلون» فى كلا الموضعين ، المقنعه : ص 194 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 132 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 380 ح 30 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان که هنگام وارد شدن بر منصور ، آن را می خواند : به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ آنچه فرشتگان مقرّب و پیامبران مُرسَل ، از آن پناه بردند ، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله از آن به تو پناه برد . از تو می خواهم که هر خیری را که آنان از تو خواستند ، به من نیز عطا کنی ، و از شرّ آنچه به تو پناه آوردند ، مرا نیز در پناه خود داری . همه خوبی را ، زود یا دیر آن را و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم ، از تو درخواست می کنم .

امام صادق علیه السلام در دعایی که پس از پایان نماز جعفر بن ابی طالب ، خوانده می شود : بار خدایا ! هر آنچه را که محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او از تو خواستند ، من نیز از تو می خواهم ، و از هر آنچه محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او از آن به تو پناه جستند ، من نیز به تو پناه می جویم . بار خدایا ! از هر خوبی ای خوب ترش را به من عطا فرما و هرگاه بدی یا فتنه ای را مقدّر فرموده ای ، آن را از من ، دور بدار .

امام صادق علیه السلام :ما بین هر دو تکبیر در نماز عیدین (عید فطر و قربان) می گویی : «بار خدایا ! ای اهل بزرگی و عظمت ، و ای اهل بخشش و قدرت ، و ای اهل گذشت و مهربانی ، و ای اهل پروا و آمرزش ! در این روزی که آن را برای مسلمانان ، عید و برای محمّد صلی الله علیه و آله اندوخته و افزونی قرار داده ای ، از تو می خواهم که همانند برترین درودی که بر بنده ای از بندگانت فرستاده ای ، بر محمّد و خاندان او بفرستی ، و بر فرشتگان مقرّبت و فرستادگانت نیز درود فرست ، و مردان و زنان مؤمن ، و مردان و زنان مسلمان ، زنده و مُرده شان را بیامرز . بار خدایا ! هر آن خیری را که بندگان فرستاده ات از تو درخواست کرده اند ، من نیز از تو درخواست می کنم ، و از هر آن شرّی که بندگان فرستاده ات از آن به تو پناه آورده اند ، من نیز به تو پناه می آورم» .

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

بخش نهم: استغفار (آمرزش خواهی از خدا)

اشاره

بخش نهم: استغفار (آمرزش خواهی از خدا)شامل:درآمدفصل یکم: حقیقت آمرزش خواهیفصل دوم: تشویق به آمرزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آنفصل سوم: ویژگی های آمرزش خواهیفصل چهارم: برکت های آمرزش خواهیفصل پنجم: اوقات مناسب برای آمرزش خواهیفصل ششم: مواقع مناسب برای آمرزش خواهیفصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کردفصل هشتم: آمرزش خواهی برای دیگرانفصل نهم: آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

.

ص: 8

..

درآمد

واژه شناسی «استغفار»

درآمدواژه شناسی «استغفار»واژه «استغفار» ، مصدر است از مادّه «غفر» . اصل این مادّه ، به معنای «پوشاندن» و «پوشیده داشتن» است ؛ لیکن گاه توسّعا در معانی نزدیک و متناسب با آن نیز به کار می رود . بنا بر این ، «استغفار» به معنای درخواست پوشش است . ابن فارس در این باره می گوید : مادّه «غفر» ، اغلب به معنای پوشش است ، به استثنای مواردی که ذکر می شود . پس «غفر» ، یعنی پوشاندن . غفران و غفر به یک معنا هستند . گفته می شود : «غفر اللّه ذنبه (خدا گناهش را بپوشاند)» . غفر و غفران ومغفره ، مصدر هستند ... مِغفَر ، یعنی : کلاهْ خود . (1) همچنین ابن منظور می گوید : غفر در اصل ، به معنای پوشیدن و سرپوش نهادن است . «غفر اللّه ذنوبه» ، یعنی : خداوند ، گناهانش را پوشاند و او را رسوای عام نکرد ... به هر

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 4 ص 385 .

جامه ای که با آن چیزی پوشانده شود ، «غفاره» گویند . (1) گفتنی است که بررسی موارد استعمال مادّه «غفر» نشان می دهد که به هر نوع پوشاندن ، «غفر» اطلاق نمی شود ؛ بلکه «غفر» ، سَتری است که در آن ، نوعی مصلحتْ مورد نظر باشد ، مانند : «اغفر ثوبک فی الوعاء (جامه ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» که در آن ، مصلحت لباس ، مورد نظر است ، یا «اغفر لی ذنوبی (گناهانم را برایم بپوشان)» که در آن ، مصلحت مغفورٌ له در نظر گرفته شده ، یا «قُل لِّلَّذِینَ ءَامَنُواْ یَغْفِرُواْ لِلَّذِینَ لَا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ؛ (2) به کسانی که ایمان آورده اند ، بگو از کسانی که به روزهای جپیروزیج خدا امید ندارند ، دوری کنند» که در آن ، مصلحت غافر و یا مصلحت غافر و مغفورٌ له ، هر دو ، منظور گردیده است . شاید با در نظر گرفتن نکته ای که بدان اشارت رفت ، راغب ، مادّه «غفر» را چنین معنا کرده است : غفر ، پوشاندن چیزی است که او را از آلودگی نگه دارد . و از همین معنا گفته می شود : «اغفر ثوبک فی الوعاء (جامه ات را در ظرف بپوشان و پنهان کن)» و «اصبغ ثوبک ؛ فإنّه أغفر للوسخ (جامه ات را رنگ کن ؛ زیرا این کار ، چرک آن را بهتر می پوشاند)» . «المغفره من اللّه » ، به این معناست که خداوند ، بنده را از این که عذاب به او رسد ، نگه می دارد ... گاه گفته می شود : «غفر له» ، هر گاه در ظاهر ، از او دوری کند ، هر چند در باطن از او دوری ننماید . مانند : «قُل لِّلَّذِینَ ءَامَنُواْ یَغْفِرُواْ لِلَّذِینَ لَا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ ؛ به کسانی که ایمان آورده اند ، بگو از کسانی که به روزهای جپیروزیج خدا امید ندارند ، دوری کنند» . استغفار ، یعنی : طلب

.

1- .لسان العرب : ج 5 ص 25 .
2- .جاثیه : آیه 14 .

استغفار ، در قرآن و حدیث

1 . روح استغفار

پوشاندن به گفتار و کردار . (1) با توجّه به آنچه گذشت ، مادّه «غفر» و «استغفار» از نظر لغوی ، به باب معاصی اختصاص ندارند ، هر چند در قرآن و حدیث ، بیشترین کاربرد آنها در این باره است .

استغفار ، در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، مشتقّات مادّه «غفر» ، 234 بار تکرار شده است . این کتاب آسمانی ، هفت بار (2) به صورت های مختلف ، پیروان خود را به درخواست مغفرت تشویق کرده است . همچنین ، از خداوند متعال 91 بار با صفت «غفور» ، پنج بار با صفت «غفّار» (3) و یک بار با صفت «غافر» (4) یاد کرده است ، که این همه در برخورد با خطاکاران ، حاکی از گستردگی رأفت و رحمت الهی است . با عنایت به آنچه در تبیین واژه «استغفار» آمد ، این واژه در قرآن و حدیث به معنای درخواست پوشش و آمرزش گناهان از خداوند متعال است . در این باره ، چند نکته قابل توجّه است :

1 . روح استغفارروح و حقیقتِ «استغفار برای خود» ، ندامت قلبی است ؛ زیرا تا انسان نسبت به خطای خود نادم نباشد ، نمی تواند حقیقتا از خداوند متعال ، طلب مغفرت نماید . امام رضا علیه السلام می فرماید :

.

1- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 609 .
2- .بقره : آیه 199 ، هود : آیه 3 و 52 و 92 ، نوح : آیه 10 ، مزّمّل : آیه 20 ، فصّلت : آیه 6 .
3- .غافر : آیه 42 ، ص : آیه 66 ، زمر : آیه 5 ، نوح : آیه 10 ، طه : آیه 89 .
4- .غافر : آیه 3 .

مَنِ استَغفَرَ بِلِسانِهِ ولَم یَندَم فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ . (1) هر کس به زبانش استغفار کند در حالی که پشیمان نباشد ، در حقیقت ، خودش را ریشخند کرده است . بر این پایه ، امام علی علیه السلام «ندامت قلبی» را یکی از ستون های توبه می شمرد . (2) نقش ندامت در تحقّق حقیقی استغفار و توبه ، تا آن جاست که در حدیثی از پیامبر خدا آمده است : النَّدَمُ تَوبَهٌ . (3) پشیمانی ، یک نوع توبه است . در حدیثی از امام علی علیه السلام نیز آمده است : النَّدَمُ استِغفارٌ . (4) پشیمانی ، نوعی آمرزش خواهی است . این سخن ، مبالغه نیست ؛ زیرا ندامت حقیقی ، تصمیم بر تکرار نکردن گناه و جبران نمودن گذشته را به دنبال خود دارد . بنا بر این ، همه حدود ششگانه ای که در حدیث امام علی علیه السلام برای استغفار بیان شده است ، (5) با ندامت حقیقی که روح استغفار و توبه است همراه است . البتّه این ، در صورتی است که انسان برای خود ، طلب مغفرت نماید ؛ امّا طلب مغفرت برای دیگران (6) تنها به معنای

.

1- .ر . ک : ص 22 ح 2504 .
2- .ر . ک : ص 30 ح 2519 .
3- .کنز العمّال : ج 4 ص 232 ح 10301 . نیز ، ر. ک : میزان الحکمه با ترجمه فارسی : (توبه / پشیمانی ، نوعی توبه است) .
4- .ر . ک : ص 30 ح 2521 .
5- .ر . ک : ص 19 ح 2496 .
6- .ر . ک : ص 181 (آمرزش خواهی برای دیگران) .

2 . معنای غفران الهی

3 . نقش استغفار در زندگی مادّی و معنوی

آمرزش خواهی برای آنها از خداوند متعال است .

2 . معنای غفران الهییش از این ، روشن شد که مغفرت به معنای پوشاندن و پوشیده داشتن است ؛ امّا باید توجّه داشت که پرده پوشی و پوشانندگی گناهان انسان توسّط خداوند ، نه تنها با گذشت و پوشش بشری متفاوت است ، بلکه قابل قیاس با آن هم نیست . پرده پوشی خداوند متعال نسبت به گناه ، به معنای از بین بردن آثار و تبعات آن است و حتّی خداوند منّان ، در شرایطی ، برای گنهکار ، با تبدیل کردن گناهان او به کارهای نیک ، پرده پوشی می کند ، چنان که خداوند متعال با اشاره به شماری از کسانی که مرتکب گناهانی بزرگ شده اند و مستحقّ عذاب مضاعف در دوزخ گردیده اند ، می فرماید : «إِلَا مَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صَلِحًا فَأُوْلَئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَتٍ وَ کَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا . (1) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند . پس خداوند ، بدی های اینان را به نیکی تبدیل می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است» . پرده پوشی و غفران ، بدین سان ، بالاترین نوع ستّاری و مغفرت است که فوق تصوّر ماست و تنها از آفریدگار جهان بر می آید و بس .

3 . نقش استغفار در زندگی مادّی و معنویاز منظر قرآن و احادیث اسلامی ، استغفار ، افزون بر پاکسازی گناهان ، شیطان را

.

1- .فرقان : آیه 70 .

از انسان دور می کند ، دل را جلا می دهد ، نور علم را در دل جلوه گر می سازد ، غم و اندوه را از دل می برد ، به روزی وسعت می بخشد و در یک جمله ، از انواع آفات مادّی و معنوی پیشگیری می نماید و انواع برکات دنیوی و اُخروی را برای انسان به ارمغان می آورد . (1) از این رو ، تکرار این ذکر با حضور قلب در هر فرصتی که پیش آید ، خصوصا لحظات حسّاس و پُربرکت (مانند : سحرها ، قنوت نماز وتر ، ثلث آخر شب ، پنجشنبه و جمعه ، پیش از غروب در صحرای عرفات ، روز عید قربان ، ماه های رجب ، شعبان و رمضان) توصیه شده است . (2) ذکر استغفار ، همچنین قبل از خواب ، پس از بیدار شدن ، در آغاز خطبه نماز جمعه ، در کنار مُلتَزَم ، هنگام بالا رفتن از کوه صفا ، و هنگام برخاستن از جا ، هنگام تعریف کردن دیگری از انسان ، هنگام احساس حسد در خود ، هنگام دیدار و خداحافظی با برادران دینی ، و هنگام حرکت برای سفر ، مورد تأکید قرار گرفته است . (3) نیز هنگام وضو گرفتن ، هنگام حرکت به قصد نماز جماعت ، هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن ، در آغاز نماز ، در آثنای نماز ، در سجده ، بین دو سجده ، در قنوت ، در تعقیب نمازهای واجب ، به دنبال تسبیح ، در حج و عمره ، در نماز استسقا ، هنگام زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، هنگام طواف خانه خدا ، هنگام حرکت از عرفات به مَشعَر و از مَشعر به مِنا ، تکرار ذکر استغفار ، توصیه شده است . (4)

.

1- .ر . ک : ص 59 (برکت های آمرزش خواهی) .
2- .ر . ک : ص 101 (اوقات مناسب برای آمرزش خواهی) .
3- .ر . ک : ص 133 (مواقع مناسب برای آمرزش خواهی) .
4- .ر . ک : ص 153 (عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد) .

تأمّل در استغفارهای رسیده از پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار که در فصل هشتم آمده است به روشنی ، نشان دهنده اهتمام فراوان آنان به این ذکر سازنده و پُربرکت است . (1)

.

1- .ر . ک : ص 241 (آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام) .

الفَصلُ الأَوَّلُ : حقيقه الاستغفار1 / 1حَدُّ الاِستِغفارتحف العقول عن كميل بن زياد :قُلتُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، العَبدُ يُصيبُ الذَّنبَ فَيَستَغفِرُ اللّهَ مِنهُ ، فَما حَدُّ الاِستِغفارِ ؟ قالَ : يَابنَ زِيادٍ : التَّوبَهُ ، قُلتُ : بَس (1) ؟ قالَ : لا ، قُلتُ : فَكَيفَ ؟ قالَ : إنَّ العَبدَ إذا أصابَ ذَنبا يَقولُ : «أستَغفِرُ اللّهَ» بِالتَّحريكِ ، قُلتُ : ومَا التَّحريكُ ؟ قالَ : الشَّفَتانِ وَاللِّسانُ ، يُريدُ أن يَتبَعَ ذلِكَ بِالحَقيقَهِ ، قُلتُ : ومَا الحَقيقَهُ ؟ قالَ : تَصديقٌ فِى القَلبِ ، وإضمارُ أن لا يَعودَ إلَى الذَّنبِ الَّذِى استَغفَرَ مِنهُ . قالَ كُمَيلٌ : فَإذا فَعَلتُ ذلِكَ فَأنَا مِنَ المُستَغفِرينَ ؟ قالَ : لا . قالَ كُمَيلٌ : فَكَيفَ ذاكَ ؟ قالَ : لِأَنَّكَ لَم تَبلُغ إلَى الأَصلِ بَعدُ ، قالَ كُمَيلٌ : فَأصلُ الاِستِغفارِ ما هُوَ ؟ قالَ : الرُّجوعُ إلَى التَّوبَهِ مِنَ الذَّنبِ الَّذِى استَغفَرتَ مِنهُ ، وهِيَ أوَّلُ دَرَجَهِ العابِدينَ ، وتَركُ الذَّنبِ ، وَالاِستِغفارُ اسمٌ واقِعٌ لِمَعانٍ سِتٍّ : أوَّلُها : النَّدَمُ عَلى ما مَضى ، وَالثانى : العَزمُ عَلى تَركِ العَودِ أبَدا ، وَالثّالِثُ : أن تُؤَدِّيَ حُقوقَ المَخلوقينَ الَّتى بَينَكَ وبَينَهُم ، وَالرّابِعُ : أن تُؤَدِّيَ حَقَّ اللّهِ فى كُلِّ فَرضٍ ، وَالخامِسُ : أن تُذيبَ اللَّحمَ الَّذى نَبَتَ عَلَى السُّحتِ وَالحَرامِ حَتّى يَرجِعَ الجِلدُ إلى عَظمِهِ ، ثُمَّ تُنشِئَ فيما بَينَهُما لَحما جَديدا ، وَالسّادِسُ : أن تُذيقَ البَدَنَ أَلَمَ الطّاعاتِ ، كَما أذَقتَهُ لَذّاتِ المَعاصى . (2)

.

1- .بَسْ بمعنى حسبُ ، ليس بعربى ، وقد صحّحها بعضُ أئمّه اللّغه ، فارسيّه تقولها العامّه (تاج العروس : ج 8 ص 204 «بسس») .
2- .تحف العقول : ص 197 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 27 ح 28 .

1 / 1 معنای آمرزش خواهی

فصل یکم: حقیقت آمرزش خواهی1 / 1معنای آمرزش خواهیتحف العقول به نقل از کمیل بن زیاد : گفتم : ای امیر مؤمنان! بنده ، گناه می کند و برای آن از خدا آمرزش می طلبد . معنای آمرزش خواهی چیست؟ فرمود : «توبه، ای پسر زیاد!» . گفتم : همین و بس؟ فرمود : «نه» . گفتم : پس چه؟ فرمود : «بنده ، هرگاه گناهی کند ، بگوید : از خدا آمرزش می خواهم با جنبانیدن» . گفتم : جنبانیدن چه؟ فرمود : «لب ها و زبان ، و قصدش این باشد که آن را به حقیقت بپیونداند» . گفتم : حقیقت چیست؟ فرمود : «باور داشتن در دل و تصمیم گرفتن بر این که گناهی را که از آن آمرزش خواسته است ، دیگر تکرار نکند» . کمیل [می گوید که] گفت[م] : اگر چنین کردم ، آن گاه ، من از آمرزش خواهان هستم؟ فرمود : «نه» . کمیل [می گوید که] گفت[م] : چرا؟ فرمود : «چون هنوز به اصل [آمرزش خواهی] نرسیده ای . کمیل [می گوید که] گفت[م] : اصل آمرزش خواهی چیست؟ فرمود : «روی آوردن به توبه از گناهی که از آن ، آمرزش خواسته ای و این ، نخستین درجه عبادت پیشگان و ترک کردن گناه است . آمرزش خواهی ، نامی است دارای شش معنا : اوّل ، پشیمانی از گذشته ؛ دوم ، تصمیم بر این که دیگر ، هرگز بدان گناه برنگردی ؛ سوم ، این که حقوق هر مخلوقی را که برگردن توست ، اداکنی ؛ چهارم ، این که حقّ خدا را در هر واجبی به جا آوری ؛ پنجم ، این که گوشتی را که از ناروا و حرام بر تنت روییده است ، آب کنی ، چندان که پوست به استخوان بچسبد و سپس ، گوشت تازه میان آنها بِروید ؛ و ششم ، این که رنج طاعات را به بدنت بچشانی ، چنان که لذّت گناهان را به آن چشانده ای» .

.

الإمام علىّ عليه السلام لِقائِلٍ قالَ بِحَضرَتِهِ : أستَغفِرُ اللّهَ : ثَكِلَتکَ اُمُّکَ ، أتَدرى مَا الاِستِغفارُ ؟ الاِستِغفارُ دَرَجَهُ العِلِّيّينَ . وهُوَ اسمٌ واقِعٌ عَلى سِتَّهِ مَعانٍ : أوَّلُها : النَّدَمُ عَلى ما مَضى . وَالثّانى : العَزمُ عَلى تَركِ العَودِ إلَيهِ أبَدا . وَالثّالِثُ : أن تُؤَدِّىَ إلَى المَخلوقينَ حُقوقَهُم حَتّى تَلقَى اللّهَ أملَسَ لَيسَ عَلَيکَ تَبِعَهٌ . وَالرّابِعُ : أن تَعمِدَ إلى کُلِّ فَريضَهٍ عَلَيکَ ضَيَّعتَها فَتُؤَدِّىَ حَقَّها . وَالخامِسُ : أن تَعمِدَ إلَى اللَّحمِ الَّذى نَبَتَ عَلَى السُّحتِ فَتُذيبَهُ بِالأحزانِ حَتّى تُلصِقَ الجِلدَ بِالعَظمِ ، ويَنشَأَ بَينَهُما لَحمٌ جَديدٌ . وَالسّادِسُ : أن تُذيقَ الجِسمَ أَلَمَ الطّاعَهِ ، کَما أذَقتَهُ حَلاوَهَ المَعصِيَهِ . فَعِندَ ذلِکَ تَقولُ : أستَغفِرُ اللّهَ . (1)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 417 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 91 ح 2258 ، فلاح السائل : ص 350 ح 233 نحوه ، روضه الواعظين : ص 525 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 36 ح 59 .

امام علی علیه السلام به گوینده ای که در حضور ایشان گفت : از خدا آمرزش می خواهم : مادرت به عزایت بنشیند! آیا می دانی آمرزش خواهی چیست؟ آمرزش خواهی ، درجه بلندپایگان است ، و آن ، نامی است که متضمّن شش معناست : اوّل ، پشیمانی از گذشته ؛ دوم ، تصمیم بر این که دیگر ، هرگز به گناه باز نگردی ؛ سوم ، این که حقوق مردمان را به آنان ادا کنی ، به طوری که خداوند را در حالی دیدار کنی که کاملاً پاک باشی و هیچ حقّی از مردم برگردنت نباشد ؛ چهارم ، این که هر وظیفه [و واجبی] را که فرو گذارده ای ، حقّ آن را به جا آوری . پنجم ، این که گوشتی را که از حرام [بر تنت] روییده است ، با غم و اندوه ها آب کنی تا جایی که پوست به استخوان بچسبد و دوباره ، گوشتی تازه میانشان بِروید . و ششم ، این که درد [و رنج] طاعت را به تن بچشانی ، همچنان که شیرینی گناه را به آن چشانده ای . در این هنگام ، بگو : از خدا آمرزش می خواهم » .

.

1 / 2ذَمُّ الاِستِغفارِ بِلا حَقيقَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :المُستَغفِرُ بِاللِّسانِ دونَ القَلبِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :التّائِبُ مِنَ الذَّنبِ كَمَن لا ذَنبَ لَهُ ، وَالمُستَغفِرُ مِنَ الذَّنبِ وهُوَ مُقيمٌ عَلَيهِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :... المُستَغفِرُ مِنَ الذَّنبِ وهُوَ مُقيمٌ عَلَيهِ كَالمُستَهزِئِ بِرَبِّهِ ، وإنَّ الرَّجُلَ إذا قالَ : أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ ، ثُمَّ عادَ فَقالَها ، ثُمَّ عادَ ثَلاثَ مَرّاتٍ كُتِبَ فِى الرّابِعَهِ مِنَ الكَذّابينَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله فيما أوصى بِهِ عَلِيّا عليه السلام : وأن لا تُصِرَّ عَلَى الذُّنوبِ مَعَ الاِستِغفارِ ، فَتَكونَ كَالمُستَهزِئِ بِاللّهِ وآياتِهِ ورُسُلِهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يُؤتى بِعِصابَهٍ مِن اُمَّتى يَومَ القِيامَهِ وهُمُ القُرّاءُ فَيُقالُ لَهُم : مَن كُنتُم تَعبُدونَ ؟ قالوا : إيّاكَ رَبَّنا ، قالَ : فَمَن كُنتُم تَسأَلونَ ؟ قالوا : إيّاكَ رَبَّنا ، قالَ : فَمَن كُنتُم تَستَغفِرونَ ؟ قالوا : إيّاكَ رَبَّنا ، فَيَقولُ عز و جل : كَذَبتُم ، عَبَدتُمونى بِالكَلامِ ، وَاستَغفَرتُمونى بِالأَلسُنِ ، وفَرَرتُم مِنّى بِالقُلوبِ ؛ فَيُنظَمونَ فى سِلسِلَهٍ ثُمَّ يُطافُ بِهِم عَلى رُؤوسِ الخَلائِقِ فَيُقالُ : هؤُلاءِ كَذّابو اُمَّهِ مُحَمَّدٍ . (5)

.

1- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 738 .
2- .شعب الإيمان : ج 5 ص 436 ح 7178 ، تاريخ دمشق : ج 54 ص 72 ح 11360 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 4 ص 208 ح 10176 ؛ الكافى : ج 2 ص 435 ح 10 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2253 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «بربّه» ، عدّه الداعى : ص 250 عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج 93 ص 281 ح 22 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 223 ؛ الفردوس : ج 1 ص 287 ح 1125 نحوه وليس فيه صدره ، كنز العمّال : ج 4 ص 228 ح 10290 .
4- .الخصال : ص 543 ح 19 عن إسماعيل بن الفضل الهاشمى وإسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و

آله ، بحار الأنوار : ج 2 ص 155 ح 7 .
5- .كنز العمّال : ج 10 ص 271 ح 29418 نقلاً عن أبى الشيخ فى كتاب الثواب عن أبان .

1 / 2 نکوهش آمرزش خواهی غیر حقیقی

1 / 2نکوهش آمرزش خواهی غیر حقیقیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که [تنها] با زبان آمرزش خواهد ، نه با دل ، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کرده باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :توبه کننده از گناه ، مانند کسی است که اصلاً گناه نکرده باشد ، و کسی که از گناه ، آمرزش خواهد ، امّا همچنان بر آن گناه بمانَد ، چونان کسی است که پروردگارش را ریشخند کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :... کسی که از گناه ، آمرزش خواهد ، امّا همچنان بر آن گناه پای فشارد ، همانند کسی است که پروردگارش را ریشخند کند . هرگاه شخص بگوید : از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم و دوباره گناه کند و باز ، تا سه بار همان جمله را بگوید ، در بار چهارم از دروغگویان قلمداد می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام : دیگر این که با وجود آمرزش خواهی ، بر گناهان پافشاری نکنی ؛ زیرا در این صورت ، همانند کسی خواهی بود که خدا و آیات او و پیامبرانش را ریشخند کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز رستاخیز ، گروهی از امّت من (یعنی قاریان) را می آورند و به آنان گفته می شود : شما چه کسی را می پرستیدید؟ . آنان گویند : تو را ، ای پروردگار ما ! خداوند به آنان می فرماید : از چه کسی درخواست می کردید؟ ؛ می گویند : از تو ، ای پروردگار ما ! خداوند می فرماید : از چه کسی آمرزش می طلبیدید؟ . می گویند : از تو ، ای پروردگار ما ! خداوند عز و جل می فرماید : دروغ می گویید . شما در حرف ، مرا پرستیدید و به زبان ، از من آمرزش طلبیدید ؛ امّا با دل از من گریختید . در این هنگام ، آنان را به زنجیر می کِشند و در برابر خلایق می چرخانند و گفته می شود : اینان ، دروغگویان امّت محمّدند » .

.

الإمام علىّ عليه السلام :الاِستِغفارُ مَعَ الإِصرارِ ذُنوبٌ مُجَدَّدَهٌ . (1)

عنه عليه السلام :مِنَ الغِرَّهِ بِاللّهِ أن يُصِرَّ العَبدُ (2) عَلَى المَعصِيَهِ ، ويَتَمَنّى عَلَى اللّهِ المَغفِرَهَ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام :سَبعَهُ أشياءَ بِغَيرِ سَبعَهِ أشياءَ مِنَ الاِستِهزاءِ : مَنِ استَغفَرَ بِلِسانِهِ ولَم يَندَم فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ ... . (4)

.

1- .تحف العقول : ص 223 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 63 ح 150 .
2- .فى المصدر : «إنّ من العزّه باللّه أن يصبر ...» ، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأُخرى .
3- .الأمالى للطوسى : ص 580 ح 1200 عن عبد اللّه بن محمّد بن عبيد عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 51 وص 72 ، أعلام الدين : ص 210 ، غرر الحكم : ح 9404 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 188 ح 52 ؛ دستور معالم الحكم : ص 25 .
4- .كنز الفوائد : ج 1 ص 330 عن أيّوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص 59 نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 110 وفيهما بزياده «بقلبه» بعد «يندم» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11 .

امام علی علیه السلام :آمرزش خواستن با وجود ادامه دادن [برگناه] ، گناهانی نو شونده اند .

امام علی علیه السلام :از گستاخی [و بی توجّهی] به خداست که بنده ، بر گناه و نافرمانی او پای فشارد و [با این حال]توقّع آمرزش از خدا داشته باشد .

امام رضا علیه السلام :هفت چیز ، بدون هفت چیز ، نشانه ریشخند کردن است : کسی که به زبانش آمرزش بطلبد ، ولی [از گناهش] پشیمان نباشد ، در واقع ، خود را ریشخند کرده است ... .

.

الفَصلُ الثّانی : الحثّ علی الاستغفار والتّحذیر من ترکه2 / 1الحَثُّ عَلَی الاِستِغفارِالکتاب«وَ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ إِنَّ رَبِّی رَحِیمٌ وَدُودٌ» . (1)

«وَ اسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیم» . (2)

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُکُمْ یُوحَی إِلَیَّ أَنَّمَا إِلَهُکُمْ إِلَهٌ وَ حِدٌ فَاسْتَقِیمُواْ إِلَیْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَیْلٌ لِّلْمُشْرِکِینَ» . (3)

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَ الْاِءبْکَرِ» . (4)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ * وَ رَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابَا» . (5)

.

1- .هود : 90 .
2- .المزّمّل : 20 .
3- .فصّلت : 6 .
4- .غافر : 55 .
5- .النصر : 1 3 .

2 / 1 تشویق به آمرزش خواهی

فصل دوم: تشویق به آمرزش خواهی و برحذر داشتن از وا نهادن آن2 / 1تشویق به آمرزش خواهیقرآن«و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگار من ، مهربان و دوستدار است» .

«و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است» .

«بگو : من هم بشری مانند شما هستم که به من ، وحی می شود ، که معبود شما در حقیقت ، معبودی یکتاست . پس به سوی او بِایستید و از او آمرزش بخواهید ؛ و وای بر مشرکان» .

«پس شکیبا باش که وعده خدا ، راست است ، و برای گناهت آمرزش بخواه و در شامگاهان و بامدادان ، پروردگارت را به پاکی بستای» .

«هرگاه یاری خدا و پیروزی فرا رسد . و کسان را می بینی که گروه گروه ، به دین خدا درمی آیند. پس پروردگارت را به پاکی بستای و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است».

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام : وعَلَيکَ بِالاِستِغفارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله أيضا : وعَلَيکَ بِالاِستِغفارِ فَإِنَّهَا المَنجاهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :عَوِّدوا ألسِنَتَکُمُ الاِستِغفارَ ، فَإِنَّ اللّهَ لَم يُعَلِّمکُمُ الاِستِغفارَ إلّا وهُوَ يُريدُ أن يَغفِرَ لَکُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنِ استَطَعتُم أن تُکثِروا مِنَ الاِستِغفارِ فَافعَلوا ، فَإِنَّهُ لَيسَ شَیءٌ أنجَحَ عِندَ اللّهِ ولا أحَبَّ إلَيهِ مِنهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا ماتَ أحَدُکُم فَقَد قامَت قِيامَتُهُ ، فَاعبُدُوا اللّهَ کَأَنَّکُم تَرَونَهُ ، وَاستَغفِروهُ کُلَّ ساعَةٍ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ أن تَسُرَّهُ صَحيفَتُهُ ، فَليُکثِر فيها مِنَ الاِستِغفارِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :الاِستِغفارُ فِی الصَّحيفَهِ يَتَلَألَأُ نورا . (7)

.

1- .کتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 361 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 326 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، کنز العمّال : ج 2 ص 258 ح 3966 .
2- .الجعفريّات : ص 186 ، النوادر للراوندی : ص 92 ح 29 کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص 227 ح 629 ، جامع الأحاديث للقمّی : ص 86 وفيه «ممحاه» بدل «منجاه» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 403 ح 105 .
3- .تاريخ بغداد : ج 14 ص 206 عن سلمان ؛ الدعوات : ص 31 ح 64 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 283 ح 30 .
4- .کنز العمّال : ج 1 ص 477 ح 2080 نقلاً عن الحکيم عن أبی الدرداء .
5- .الفردوس : ج 1 ص 285 ح 1117 ، کنز العمّال : ج 15 ص 686 ح 42748 نقلاً عن ابن لال فی مکارم الأخلاق وکلاهما عن أنس .

6- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 256 ح 839 ، الدعاء للطبرانى : ص 506 ح 1787 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 441 ح 648 كلّها عن الزبير بن العوّام ، كنز العمّال : ج 1 ص 475 ح 2065 .
7- .الفردوس : ج 1 ص 124 ح 429 عن معاويه بن حيده ، تاريخ دمشق : ج 22 ص 177 ح 4911 عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 1 ص 475 ح 2064 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام : بر تو باد آمرزش خواهی !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد آمرزش خواهی؛ زیرا آن ، وسیله نجات است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زبان هایتان را به آمرزش خواهی عادت دهید؛ زیرا خداوند ، آمرزش خواهی را به شما نیاموخت ، مگر برای این که می خواهد شما را بیامرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر توانستید بسیار آمرزش خواهی کنید، چنین کنید؛ زیرا در نزد خداوند ، چیزی مؤثّرتر و دوست داشتنی تر از آن نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما بمیرد ، [همان دم] قیامتش برپا می شود . پس خدا را چنان بپرستید که گویی او را می بینید و هر دَم ، از او آمرزش بطلبید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس دوست دارد که نامه اعمالش او را خوش حال گرداند، پس بر آمرزش خواهی در آن بیفزاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آمرزش خواهی ، در نامه اعمال ، چون نور می درخشد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِلا إلهَ إلّا اللّهُ وَالِاستِغفارِ ، فَأَكثِروا مِنهُما ؛ فَإِنَّ إبليسَ قالَ : أهلَكتُ النّاسَ بِالذُّنوبِ فَأَهلَكونى بِلا إلهَ إلّا اللّهُ وَالِاستِغفارِ ، فَلَمّا رَأَيتُ ذلِكَ ، أهلَكتُهُم بِالأَهواءِ ، وهُم يَحسَبونَ أَنَّهُم مُهتَدونَ . (1)

مجمع الزوائد عن أنس :جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى أذنَبتُ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا أذنَبتَ فَاستَغفِر رَبَّکَ ، قالَ : فَإِنّى أستَغفِرُهُ ثُمَّ أعودُ فَأُذنِبُ ، قالَ : فَإذا أذنَبتَ فَعُد فَاستَغفِر رَبَّکَ ، قالَ : فَإِنّى أستَغفِرُ ثُمَّ أعودُ فَأُذنِبُ ، قالَ : إذا أذنَبتَ فَعُد فَاستَغفِر رَبَّکَ ، فَقالَها فِى الرّابِعَةِ ، فَقالَ : إذا أذنَبتَ فَاستَغفِر رَبَّکَ حَتّى يَكونَ الشَّيطانُ هُوَ المَخسورُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :عَجِبتُ لِمَن يَقنَطُ ومَعَهُ الِاستِغفارُ . (3)

الدعوات :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : العَجَبُ لِمَن يَهلِكُ وَالنَّجاةُ مَعَهُ ، قيلَ : وما هِىَ ؟ قالَ : الِاستِغفارُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :الِاستِغفارُ أعظَمُ جَزاءً وأسرَعُ مَثوبَةً . (5)

عنه عليه السلام مِن مَواعِظِهِ عليه السلام : أطِعِ اللّهَ سُبحانَهُ فى كُلِّ حالٍ ، ولا تُخلِ قَلبَکَ مِن خَوفِهِ ورَجائِهِ طَرفَةَ عَينٍ ، وَالزَمِ الِاستِغفارَ . (6)

.

1- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 99 ح 131 ، السنّه لابن أبى عاصم : ج 1 ص 9 ح 7 ، الفردوس : ج 3 ص 15 ح 4019 كلاهما بزياده «فلا يستغفرون» فى آخره وكلّها عن أبى بكر ، كنز العمّال : ج 1 ص 420 ح 1792 .
2- .مجمع الزوائد : ج 10 ص 332 ح 17532 نقلاً عن البزّار ، الدعاء للطبرانى : ص 504 ح 1782 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 105 كلاهما نحوه وفيهما «المحسور» بدل «المخسور» .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 87 ، غرر الحكم : ح 6258 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 284 ح 31 .

4- .الدعوات : ص 31 ح 65 ، الأمالى للطوسى : ص 88 ح 134 وفيه «الممحاه» بدل «النجاه» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 89 ح 2245 وفيهما «يقنط» بدل «يهلک» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 283 ح 30 ؛ كنز العمّال : ج 2 ص 258 ح 3965 نقلاً عن الدينورى .
5- .غرر الحكم : ح 1496 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 28 ح 368 وفيه «أجرا» بدل «جزاءً» .
6- .غرر الحكم : ح 2443 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 86 ح 2060 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر شما باد گفتن «لا إله إلّا اللّه » و طلبِ آمرزش . این دو را بسیار بگویید؛ زیرا ابلیس گفت: من ، مردم را با گناهان نابود کردم و آنان با «لا إله إلّا اللّه » و طلب آمرزش ، مرا نابود کردند. پس چون چنین دیدم ، آنان را با هوا و هوس نابود کردم ، در حالی که گمان می کنند در راه راست هستند.

مجمع الزوائد به نقل از اَ نَس : مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من مرتکب گناه شده ام. پیامبر خدا فرمود: «هرگاه گناهی کردی ، از پروردگارت طلب آمرزش کن». مرد گفت: من از او طلب آمرزش می کنم ، امّا دوباره مرتکب گناه می شوم. فرمود: «چون دوباره گناه کردی ، دوباره از پروردگارت طلب آمرزش کن». مرد گفت: طلب آمرزش می کنم ؛ ولی باز هم گناه می کنم. فرمود: «چون گناه کردی ، باز هم از پروردگارت طلب آمرزش کن» . مرد بار چهارم همان جمله را گفت . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون گناه کردی ، باز از پروردگارت طلب آمرزش کن ، چندان که [سرانجام] شیطان ، بازنده [و مأیوس] (/ گم و گور) شود» .

امام علی علیه السلام :در شگفتم از کسی که آمرزش خواهی را دارد و با این حال ، نومید می شود!

الدعوات :امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : «تعجّب است از کسی که [وسیله] نجات را با خود دارد و با این حال ، نابود می شود». گفته شد: آن وسیله نجات چیست؟ فرمود: «آمرزش خواهی» .

امام علی علیه السلام :آمرزش خواهی، بزرگ ترین و سریع ترین پاداش را در پی دارد.

امام علی علیه السلام :از اندرزهای ایشان : خداوند سبحان را در همه حال ، اطاعت کن و یک چشم به هم زدن ، دل خود را از بیم و امید او تهی مدار، و پیوسته آمرزش بخواه.

.

عنه علیه السلام :ثَلاثٌ یُبلِغنَ بِالعَبدِ رِضوانَ اللّهِ : کَثرَهُ الاِستِغفارِ ، وخَفضُ الجانِبِ ، وکَثرَهُ الصَّدَقَهِ . (1)

عنه علیه السلام :التَّوبَهُ عَلی أربَعِ دَعائِمَ : نَدَمٍ بِالقَلبِ ، وَاستِغفارٍ بِاللِّسانِ وعَمَلٍ بِالجَوارِحِ ، وعَزمٍ أن لا یَعودَ . (2)

تحف العقول :قیلَ لَهُ [لِلإمامِ عَلِیٍّ علیه السلام] : مَا التَّوبَهُ النَّصوحُ ؟ فَقالَ علیه السلام : نَدَمٌ بِالقَلبِ ، وَاستِغفارٌ بِاللِّسانِ ، وَالقَصدُ عَلی أن لا یَعودَ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام :النَّدَمُ استِغفارٌ . (4)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی ذِکرِ أحوالِ أبیهِ لَیلَهَ عاشوراءَ : رَجَعَ علیه السلام إلی مَکانِهِ ، فَقامَ اللَّیلَ کُلَّهُ یُصَلّی ویَستَغفِرُ ویَدعو ویَتَضَرَّعُ ، وقامَ أصحابُهُ کَذلِکَ یُصَلّونَ ویَدعونَ ویَستَغفِرونَ . (5)

الإمام الباقر علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ علیه السلام لِجابِرِ بنِ یَزیدَ الجُعفِیِّ : وَاستَرجِع سالِفَ الذُّنوبِ بِشِدَّهِ النَّدَمِ وکَثرَهِ الاِستِغفارِ ، وتَعَرَّض لِلرَّحمَهِ وعَفوِ اللّهِ بِحُسنِ المُراجَعَهِ ، وَاستَعِن عَلی حُسنِ المُراجَعَهِ بِخالِصِ الدُّعاءِ وَالمُناجاهِ فِی الظُّلَمِ . (6)

الإمام الصادق علیه السلام فی ذِکرِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ : ... وَالتَّوبَهُ وضِدُّهَا الإِصرارُ ، وَالاِستِغفارُ وضِدُّهُ الاِغتِرارُ . (7)

.

1- .کشف الغمّه : ج 3 ص 139 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 81 ح 74 .
2- .کشف الغمّه : ج 3 ص 139 ، غرر الحکم : ح 2072 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 81 ح 74 .
3- .تحف العقول : ص 210 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 48 ح 66 .
4- .غرر الحکم : ح 178 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 60 ح 1539 .
5- .الإرشاد : ج 2 ص 94 ، إعلام الوری : ج 1 ص 457 ، بحار الأنوار : ج 45 ص 3 .
6- .تحف العقول : ص 285 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 164 ح 1 .

7- .الكافى : ج 1 ص 22 ح 14 ، الخصال : ص 591 ح 13 ، علل الشرايع : ص 115 ح 10 ، المحاسن : ج 1 ص 314 ح 620 كلّها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : ج 1 ص 111 ح 7 .

امام علی علیه السلام :سه چیز است که بنده را به خشنودی خدا می رساند: بسیار آمرزش خواستن، فروتن بودن، و بسیار صدقه دادن.

امام علی علیه السلام :توبه ، بر چهار ستونْ استوار است: پشیمانی در دل، آمرزش خواهی به زبان، تحقّق بخشیدن [به آن]در عمل، و تصمیم گرفتن به تکرار نکردن [گناه].

تحف العقول :به امام علی علیه السلام گفته شد: توبه خالص (نصوح) چیست؟ فرمود: «پشیمانی در دل، آمرزش خواهی به زبان، و تصمیم بر باز نگشتن [به گناه]» .

امام علی علیه السلام :پشیمانی [از گناه] ، همان آمرزش خواهی است.

امام زین العابدین علیه السلام در بیان احوال پدرش امام حسین علیه السلام در شب عاشورا : به جای خویش باز گشت و سراسر شب را به نماز و آمرزش خواهی و دعا و زاری پرداخت، و یارانش نیز نماز می خواندند و دعا می کردند و آمرزش می خواستند.

امام باقر علیه السلام در سفارش به جابربن یزید جُعْفی : و از گناهان گذشته ات، در نهایتِ پشیمانی و با آمرزش خواهی بسیار، دست بردار و با بازگشت درست [از گناهان]خود را در معرض رحمت و بخشایش خداوند قرار ده و برای بازگشت درست، از دعای خالصانه و راز و نیاز در دلِ تاریکی ها[ی شب] ، کمک بگیر.

امام صادق علیه السلام در بیان لشکریان خِرد و نادانی : توبه و ضدّ آن ، که پافشاری [بر گناه] است، و آمرزش خواهی و ضدّ آن ، که غفلت زدگی است.

.

عنه عليه السلام :إذا أحسَنتُم فَاحمَدُوا اللّهَ ، وإذا أسَأتُم فَاستَغفِرُوا اللّهَ . (1)

عنه عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِعَبدِ اللّهِ بنِ جُندَبٍ : يَابنَ جُندَبٍ ، حَقٌّ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ يَعرِفُنا أن يَعرِضَ عَمَلَهُ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ عَلى نَفسِهِ ، فَيَكونَ مُحاسِبَ نَفسِهِ ، فَإِن رَأى حَسَنَةً استَزادَ مِنها ، وإن رَأى سَيِّئَةً استَغفَرَ مِنها ؛ لِئَلّا يَخزى يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه عليه السلام :ثَلاثٌ لا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَىءٌ : الدُّعاءُ عِندَ الكَربِ ، وَالاِستِغفارُ عِندَ الذَّنبِ ، وَالشُّكرُ عِندَ النِّعمَهِ . (3)

الإمام العسكرى عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الصَّباحِ : وأعِنّى عَلَى استِغفارِكَ وَاستِقالَتِكَ ، قَبلَ أن يَفنَى الأَجَلُ ، ويَنقَطِعَ الأَمَلُ . (4)

2 / 2الحَثُّ عَلى كَثرَهِ الاِستِغفارِأ كَثَرَهُ استِغفارِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهالسنن الكبرى للنسائى عن أبى هريره :ما رَأَيتُ أحَدا أكثَرَ أن يَقولَ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (5)

.

1- .مشكاه الأنوار : ص 66 ح 95 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 213 ح 17 .
2- .تحف العقول : ص 301 ، إرشاد القلوب : ص 182 عن أبى الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 279 ح 1 .
3- .الكافى : ج 2 ص 95 ح 7 ، الأمالى للطوسى : ص 204 ح 349 كلاهما عن عبيد اللّه بن الوليد ، إرشاد القلوب : ص 84 ، أعلام الدين : ص 119 عن محمّد بن أبى زينب وليس فيه صدره وزاد فى آخره «من أخلاق المؤمنين» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 289 ح 6 .
4- .مُهَج الدعوات : ص 333 ، المصباح للكفعمى : ص 115 ، البلد الأمين : ص 61 وفيهما «العمل» بدل «الأمل» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 176 ح 45 .
5- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 118 ح 10288 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 207 ح 928 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 169 ح 284 ، عمل اليوم

والليله لابن السنى : ص 130 ح 363 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 120 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 261 ح 3970 .

2 / 2 تشویق به آمرزش خواهی بسیار

الف بسیار آمرزش خواستن پیامبر صلی الله علیه و آله

امام صادق علیه السلام :هرگاه کار نیکی کردید ، خدا را ستایش گویید، و هرگاه کار بد [و گناهی] کردید ، از خدا آمرزش بخواهید.

امام صادق علیه السلام ایشان به عبد اللّه بن جندب : ای پسر جندب! بر هر مسلمانی که به ما اعتقاد دارد ، لازم است که در روز و شب ، کردار خود را بر خویشتن عرضه کند و حسابرسِ خود باشد. اگر نیکی دید ، بر آن بیفزاید و اگر کردار بدی از خود مشاهده کرد ، از آن آمرزش بخواهد تا در روز رستاخیز ، سرافکنده نشود.

امام صادق علیه السلام :سه چیز است که با وجود آنها ، هیچ چیز گزندی نمی رساند: دعا کردن در هنگام رنج [و گرفتاری] ، آمرزش خواستن در هنگام گناه، و سپاس گزاری در هنگام برخورداری از نعمت.

امام عسکری علیه السلام از دعای ایشان در صبحگاه : کمکم فرما تا از تو آمرزش و پوزش بخواهم ، پیش از آن که عمر به سرآید و امید ، قطع شود.

2 / 2تشویق به آمرزش خواهی بسیارالف بسیار آمرزش خواستن پیامبر صلی الله علیه و آلهالسنن الکبری، نسائی به نقل از ابوهُرَیره : هیچ کس را ندیدم که بیشتر از پیامبر خدا بگوید: «از خدا آمرزش می طلبم و به درگاه او ، توبه می کنم».

.

صحیح البخاری عن عائشه :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُکثِرُ أن یَقولَ فی رُکوعِهِ وسُجودِهِ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ رَبَّنا وبِحَمدِکَ ، اللّهُمَّ اغفِر لی . (1)

صحیح مسلم عن عائشه :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُکثِرُ أن یَقولَ قَبلَ أن یَموتَ : سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنّی لَأَستَغفِرُ اللّهَ فِی الیَومِ سَبعینَ مَرَّةً . (3)

الکافی عن الحارث بن المغیره عن الإمام الصادق علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَستَغفِرُ اللّهَ عز و جلفی کُلِّ یَومٍ سَبعینَ مَرَّةً ، ویَتوبُ إلَی اللّهِ عز و جل سَبعینَ مَرَّةً . قالَ : قُلتُ : کانَ یَقولُ : أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَیهِ ؟ قالَ : کانَ یَقولُ : «أستَغفِرُ اللّهَ ، أستَغفِرُ اللّهَ» سَبعینَ مَرَّةً ، ویَقولُ : «وأتوبُ إلَی اللّهِ ، وأتوبُ إلَی اللّهِ» سَبعینَ مَرَّةً . (4)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :وَاللّهِ ، إنّی لَأَستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَیهِ فِی الیَومِ أکثَرَ مِن سَبعینَ مَرَّةً . (5)

.

1- .صحیح البخاری : ج 4 ص 1901 ح 4684 ، صحیح مسلم : ج 1 ص 350 ح 217 ، سنن أبی داوود : ج 1 ص 232 ح 877 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 287 ح 889 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 293 ح 24218 ، کنز العمّال : ج 8 ص 226 ح 22670 .
2- .صحیح مسلم : ج 1 ص 351 ح 218 ، المعجم الصغیر : ج 1 ص 241 عن اُمّ سلمه ، تفسیر الطبری : ج 15 الجزء 30 ص 334 ، مسند إسحاق بن راهویه : ج 3 ص 807 ح 1442 ، کنز العمّال : ج 2 ص 561 ح 4731 .
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 383 ح 3259 ، شعب الإیمان : ج 1 ص 438 ح 638 کلاهما عن أبی هریره ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1254 ح 3816 عن أبی موسی وزاد فیه «وأتوب إلیه» بعد «لأستغفر اللّه » ، الدعاء للطبرانی : ص 515 ح 1836 عن أنس ، کنز العمّال : ج 1 ص 477 ح 2077 .

4- .الكافى : ج 2 ص 505 ح 5 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 92 ح 2260 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 73 ح 195 ، عدّه الداعى : ص 250 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 297 ح 58 .
5- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2324 ح 5948 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 123 ح 7798 ، شعب الإيمان : ج 5 ص 380 ح 7023 ، حليه الأولياء : ج 7 ص 325 ، تاريخ دمشق : ج 43 ص 205 ح 9154 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2070 .

صحیح البخاری به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، در رکوع و سجودش بسیار می گفت: پاکا تو خدایا ، پروردگارا و ستایش ، تو را! بار خدایا! مرا بیامرز» .

صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، پیش از آن که درگذرد، فراوان می گفت: «پاکا تو و ستایش ، تو را! از تو آمرزش می خواهم و به درگاه تو ، توبه می کنم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من ، در روز ، هفتاد بار از خدا آمرزش می خواهم.

الکافی به نقل از حارث بن مغیره : امام صادق علیه السلام فرمود : «پیامبر خدا ، روزی هفتاد بار از خداوند عز و جل آمرزش می طلبید و هفتاد بار به درگاه او ، توبه می کرد». گفتم : می فرمود: «از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او ، توبه می کنم»؟ (1) فرمود: «[نه، بلکه] هفتاد بار می گفت: از خدا ، آمرزش می خواهم . از خدا ، آمرزش می خواهم و هفتاد بار می گفت: و به درگاه خدا ، توبه می برم . به درگاه خدا ، توبه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا سوگند، من در روز ، بیش از هفتاد بار از خدا آمرزش می طلبم و به درگاهش ، توبه می کنم.

.

1- .یعنی : این دو جمله را، با هم، هفتاد بار می گفت؟

عنه صلى الله عليه و آله :إنّى لَأَستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ فِى اليَومِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّهُ لَيُغانُ (2) عَلى قَلبى ، وإنّى لَأَستَغفِرُ اللّهَ فِى اليَومِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (3)

السنن الكبرى للنسائى عن حذيفه بن اليمان :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى رَجُلٌ ذَرِبُ (4) اللِّسانِ ، وإنَّ عامَّةَ ذلِکَ عَلى أهلى ، قالَ :فَأينَ أنتَ مِنَ الاِستِغفارِ ؟ إنّى لَأَستَغفِرُ اللّهَ فِى اليَومِ أو قالَ فِى اليَومِ وَاللَّيلَهِ مِئَةَ مَرَّةٍ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَتوبُ إلَى اللّهِ ويَستَغفِرُهُ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَهٍ مِئَةَ مَرَّةٍ مِن غَيرِ ذَنبٍ . (6)

.

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1254 ح 3815 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 383 ح 3259 وليس فيه «وأتوب إليه» ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 114 ح 10268 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 70 ح 4 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 483 ح 2114 .
2- .الغَين لغهٌ فى الغَيم ، وغانَ على قلبى كذا : أى غطّاه . . . قال القاضى : لمّا كان قلب النبىّ صلى الله عليه و آله أتمّ القلوب صفاءً . . . وكان صلى الله عليه و آله مبيّنا مع ذلک لشرائع الملّه وتأسيس السنّه ، ميسّرا غير معسّر ، لم يكن له بُدٌّ من النزول إلى الرُّخَص والالتفات إلى حظوظ النفس ، مع ما كان متمتّعا به من أحكام البشريّه ، فكأنّه إذا تعاطى شيئا من ذلک أسرَعَ كدورهٌ ما إلى القلب لكمال رقّته ، وفرط نورانيّته . . . وكان صلى الله عليه و آله إذا أحسّ بشىء من ذلک عدّه على النفس ذنبا فاستغفر منه ، انتهى (مجمع البحرين : ج 2 ص 1349 «غين») .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2075 ح 41 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 85 ح 1515 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 116 ح 10276 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 256 ح 7865 كلّها عن الأغرّ المُزَنىّ ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2075 ؛ المجازات النبويّه : ص 390 ح 306 ، جامع الأخبار : ص 147 ح 331 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 23 .

4- .الذَّرِب : الحادّ من كلّ شىءٍ . ولِسانٌ ذَرِبٌ وفيه ذَرابَه : أى حِدَّه (الصحاح : ج 1 ص 127 «ذرب») .
5- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 117 ح 10282 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 691 ح 1881 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1254 ح 3817 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 758 ح 2623 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 102 ح 23431 والثلاثه الأخيره نحوه .
6- .الكافى : ج 2 ص 450 ح 2 ، معانى الأخبار : ص 384 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 277 كلّها عن علىّ بن رئاب ، بحار الأنوار : ج 44 ص 276 ح 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من، روزی صد بار از خدا طلب آمرزش می کنم و به درگاهش ، توبه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گاه دلم را تیرگی می گیرد و من ، روزی صد بار ، از خدا آمرزش می طلبم. (1)

السنن الکبری، نسائی به نقل از حُذَیفه بن یمان : گفتم : ای پیامبر خدا! من ، مردی تند زبانم و بیشتر هم با خانواده ام (/ همسرم) چنین ام. فرمود: «پس آمرزش خواهی ات کجا رفته است؟ من ، خود، در روز (یا فرمود: در شبانه روز) صد بار از خداوند ، آمرزش می طلبم.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، شبانه روزی صد مرتبه به درگاه خدا ، توبه می کرد و از او آمرزش می طلبید، بدون آن که گناهی از ایشان ، سر زده باشد.

.

1- .قاضی گفته است : با وجود این که دل پیامبر صلی الله علیه و آله که پاک ترین دل هاست ... و با همین ، شرایع دین را تشریح می کند و سنّت و سیره آسان و بی درد سر ، بنیاد می گذارد ، چاره ای هم ندارد که رخصت گاه هایی را برای خود ، در نظر بگیرد و به نصیب و بهره نفس هم توجّه نماید . از سوی دیگر ، مشغول احکام بشری هم هست . گویی وقتی با چنین اموری ، داد و ستد برقرار می کند ، به دلیل رقّت قلب و نورانیت فراوان آن ، تیرگی در جانش پدید می آید و هنگامی که احساس تیرگی می کند ، آن را برای خود ، گناه به شمار می آورد و از آن ، طلب آمرزش می نماید .

ب كَثرَهُ استِغفارِ أبِی الحَسَنِ الکاظِمِ علیه السلامالزهد للحسین بن سعید عن إبراهیم بن أبی البلاد :قالَ أبُو الحَسَنِ علیه السلام : إنّی أستَغفِرُ اللّهَ فی کُلِّ یَومٍ خَمسَهَ آلافِ مَرَّهٍ . ثُمَّ قالَ لی : خَمسَهُ آلافٍ کَثیرٌ . (1)

2 / 3فَضلُ المُستَغفِرِالکتاب«وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاکِعًا وَ أَنَابَ * فَغَفَرْنَا لَهُ ذَ لِکَ وَ إِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَی وَ حُسْنَ مَئابٍ» . (2)

الحدیثرسول اللّه صلی الله علیه و آله :أفلَحَ مَن وَجَدَ فی صَحیفَتِهِ استِغفارا کَثیرا . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :طوبی لِمَن وَجَدَ فی صَحیفَتِهِ استِغفارا کَثیرا . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :طوبی لِمَن وَجَدَ فی صَحیفَهِ عَمَلِهِ یَومَ القِیامَهِ تَحتَ کُلِّ ذَنبٍ : أستَغفِرُ اللّهَ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ المُؤمِنَ إذا أحسَنَ استَبشَرَ ، وإذا أساءَ استَغفَرَ . (6)

.

1- .الزهد للحسین بن سعید : ص 74 ح 199 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 26 .
2- .ص : 24 و 25 .
3- .الفردوس : ج 1 ص 421 ح 1710 عن أبی الدرداء ، کنز العمّال : ج 15 ص 825 ح 43280 .
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1254 ح 3818 ، السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 118 ح 10289 ، الدعاء للطبرانی : ص 506 ح 1789 ، شعب الإیمان : ج 1 ص 440 ح 647 کلّها عن عبد اللّه بن بسر ، کنز العمّال : ج 1 ص 479 ح 2088 .
5- .ثواب الأعمال : ص 197 ح 5 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2250 عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلامعنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 280 ح 15 .

6- .عوالى اللآلى : ج 1 ص 437 ح 151 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 24 عن إبراهيم بن أبى محمود عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 259 ح 2 .

ب بسیار آمرزش خواستن امام کاظم علیه السلام

2 / 3 فضیلت شخص آمرزش خواه

ب بسیار آمرزش خواستن امام کاظم علیه السلامالزهد ، حسین بن سعید به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد : امام کاظم علیه السلام فرمود: «من ، در هر روز ، پنجاه هزار مرتبه از خدا ، طلب آمرزش می کنم» . سپس به من فرمود: «پنج هزار بار هم بسیار است».

2 / 3فضیلت شخص آمرزش خواهقرآن«و داوود دانست که ما ، وی را آزموده ایم . پس از پروردگار خود ، آمرزش خواست و به خاک افتاد و به سوی ما بازگشت. و ما هم این را بر او بخشودیم ، و او را در نزد ما منزلتی و بازگشتی نیکوست» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رستگار ، کسی است که در کارنامه اش ، آمرزش خواهی بسیار یابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا آن که در کارنامه اش ، آمرزش خواهی بسیار یابد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا به حال کسی که روز رستاخیز ، در نامه عملش، زیر هر گناهی «استغفر اللّه» بیابد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، هرگاه کار نیک کند ، شاد می شود و هر گاه بد کند ، آمرزش می طلبد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :خَيرُ اُمَّتِى الَّذينَ إذا أساؤُوا استَغفَروا ، وإذا أحسَنُوا استَبشَروا . (1)

سنن ابن ماجه عن عائشه :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ اجعَلنى مِنَ الَّذينَ إذا أحسَنُوا استَبشَروا ، وإذا أساؤُوا استَغفَروا . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المُسلِمَ فى ذِمَّهِ اللّهِ مِن يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ إلى أن يَقومَ بَينَ يَدَى اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى ، فَإن وافَى اللّهَ بِشَهادَهِ لا إلهَ إلَا اللّهُ صادِقا ، أو بِاستِغفارٍ صادِقا ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ بَراءَهً مِنَ النّارِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن اُمَّتى أو هذِهِ الاُمَّهِ عَبدٌ يَعمَلُ حَسَنَهً فَيَعلَمُ أنَّها حَسَنَهٌ ، وأنَّ اللّهَ عز و جلجازيهِ بِها خَيرا ، ولا يَعمَلُ سَيِّئَهً فَيَعلَمُ أنَّها سَيِّئَهٌ ، وَاستَغفَرَ اللّهَ عز و جل مِنها ، ويَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ إلّا هُوَ ، إلّا وهُوَ مُؤمِنٌ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :المُؤمِنُ مُنيبٌ مُستَغفِرٌ تَوّابٌ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّمَا الكَيِّسُ (6) مَن إذا أساءَ استَغفَرَ ، وإذا أذنَبَ نَدِمَ . (7)

عنه عليه السلام :طوبى لِنَفسٍ أدَّت إلى رَبِّها فَرضَها ، وعَرَكَت بِجَنبِها بُؤسَها (8) ، وهَجَرَت فِى اللَّيلِ غُمضَها ، حَتّى إذا غَلَبَ الكَرى (9) عَلَيهَا افتَرَشَت أرضَها ، وتَوَسَّدَت كَفَّها ، فى مَعشَرٍ أسهَرَ عُيونَهُم خَوفُ مَعادِهِم ، وتَجافَت عَن مَضاجِعِهِم جُنوبُهُم ، وهَمهَمَت بِذِكرِ رَبِّهِم شِفاهُهُم ، وتَقَشَّعَت بِطولِ استِغفارِهِم ذُنوبُهُم «أُوْلَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (10) . (11)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 334 ح 6558 عن جابر ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 566 ح 4481 نحوه ، الزّهد لهنّاد : ج 2 ص 363 ح 692 كلاهما عن عروه بن رويم .
2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1255 ح 3820 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 450 ح 25034 ، مسند الطيالسى : ص 215 ح 1533 ، مسند إسحاق بن

راهویه : ج 3 ص 731 ح 1336 .
3- .مسند البزّار : ج 3 ص 252 ح 1042 عن أبی سلمه بن عبد الرحمن عن أبیه ، کنز العمّال : ج 1 ص 76 ح 301 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 470 ح 16194 ، مسند الشامیّین : ج 1 ص 185 ح 321 ، تاریخ دمشق : ج 53 ص 72 ح 11167 کلاهما نحوه وکلّها عن أبی رزین العقیلی ، کنز العمّال : ج 1 ص 160 ح 800 .
5- .غرر الحکم : ح 1288 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 47 ح 1184 .
6- .الکَیِّس : العاقل (النهایه : ج 4 ص 217 «کیس») .
7- .غرر الحکم : ح 3894 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 177 ح 3640 .
8- .عَرَکَت بجنبِها بُؤسَها : أی صَبرَت علیه (شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 295) .
9- .الکَری : النُّعاس (الصحاح : ج 6 ص 2472 «کری») .
10- .المجادله : 22 .
11- .نهج البلاغه : الکتاب 45 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 36 ولیست فیه الآیه الشریفه ، بحار الأنوار : ج 40 ص 342 ح 27 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین های امّت من ، کسانی هستند که هرگاه بد کنند ، آمرزش بخواهند و هر گاه کار نیک کنند ، شادمان شوند.

سنن ابن ماجه به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که هر گاه کار نیک کنند ، شادمان می شوند و هر گاه بد کنند ، آمرزش می طلبند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسلمان، از آن روزی که مادرش او را می زاید تا روزی که در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی می ایستد، در پناه [و زنهار] خداست . پس اگر با شهادت راستین به یگانگی خدا، یا آمرزش خواهی راستین بر خدا وارد شود ، خداوند برایش ، برات آزادی از آتش می نویسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای از امّت من (یا : این امّت) کار نیکی کند و بداند آن کار ، نیک است و خداوند عز و جل برای آن به او پاداش نیک می دهد، یا کار بدی کند و بداند آن کار ، بد است و برای آن از خداوند عز و جل آمرزش بخواهد و بداند که آمرزگاری جز او نیست، بی گمان ، او مؤمن است.

امام علی علیه السلام :مؤمن، بازگردنده [به درگاه خدا]، آمرزش خواه و توبه گر است.

امام علی علیه السلام :زیرک [و خردمند] کسی است که هرگاه بد کند ، آمرزش بخواهد و هر گاه گناه کند، پشیمان گردد.

امام علی علیه السلام :خوشا آن که وظیفه اش را در قبال پروردگارش به جا می آورد و رنج [و سختی] را به جان می خرد و در شب ، از خواب دوری می ورزد و چون چُرت بر او چیره گردد ، زمین را بستر خود می سازد و سر بر کف خویش می نهد و در میان جماعتی است که از بیم رستاخیز ، شب ها دیدگانشان نمی خوابد و پهلوهایشان از بسترهایشان کناره می گیرد و لبانشان به یاد پروردگارشان زمزمه کنان می شود و از آمرزش خواهی های بسیار ، گناهانشان زدوده می شود . «اینان اند گروه خدا ؛ و آگاه باشید که گروه خدا ، رستگارند» .

عنه علیه السلام فی ذِکرِ أحوالِ أهلِ الدُّنیا فِی الآخِرَهِ : «وَ سِیقَ الَّذِینَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَی الْجَنَّهِ زُمَرًا» (1) قَد اُمِنَ العَذابُ ، وَانقَطَعَ العِتابُ ، وزُحزِحوا عَنِ النّارِ ، وَاطمَأَنَّت بِهِمُ الدّارُ ، ورَضُوا المَثوی وَالقَرارَ . الَّذینَ کانَت أعمالُهُم فِی الدُّنیا زاکِیَهً ، وأعیُنُهُم باکِیَهً . وکانَ لَیلُهُم فی دُنیاهُم نَهارا تَخَشُّعا وَاستِغفارا ، وکانَ نَهارُهُم لَیلاً تَوَحُّشا وَانقِطاعا ، فَجَعَلَ اللّهُ لَهُمُ الجَنَّهَ مَآبا ، وَالجَزاءَ ثَوابا ، وکانوا أحَقَّ بِها وأهلَها ، فی مُلکٍ دائِمٍ ، ونَعیمٍ قائِمٍ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی إذا رَأی أهلَ قَریَهٍ قَد أسرَفوا فِی المَعاصی ، وفیها ثَلاثَهُ نَفَرٍ مِنَ المُؤمِنینَ ، ناداهُم جَلَّ جَلالُهُ وتَقَدَّسَت أسماؤُهُ : یا أهلَ مَعصِیَتی ، لَولا مَن فیکُم مِنَ المُؤمِنینَ المُتَحابّینَ بِجَلالی ، العامِرینَ بِصَلاتِهِم أرضی ومَساجِدی ، وَالمُستَغفِرینَ بِالأسحارِ خَوفا مِنّی ، لَأَنزَلتُ بِکُم عَذابی ثُمَّ لا اُبالی . (3)

.

1- .الزمر : 73 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 190 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 207 ح 95 .
3- .الأمالی للصدوق : ص 267 ح 289 ، علل الشرایع : ص 246 ح 1 کلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصاق عن آبائه علیهم السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 473 ح 1369 عن الإمام علیّ علیه السلام ، ثواب الأعمال : ص 212 ح 1 عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، المحاسن : ج 1 ص 126 ح 143 عن موسی بن سابق عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلاموالثلاثه الأخیره نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 381 ح 3 وراجع شعب الإیمان : ج 3 ص 82 ح 2946 .

امام علی علیه السلام در بیان احوال مردم دنیا در آخرت : «آنان را که از پروردگارشان پروا کرده بودند ، گروه گروه، به بهشت می بَرند» ، در حالی که از عذاب ، ایمن شده اند و سرزنش به پایان رسیده و از آتش ، دور گشته اند و سرا [ی بهشت] ، به ایشان آرام گرفته است و ایشان ، از آن خانه و کاشانه خشنودند. اینان ، کسانی هستند که کردارهایشان ، در دنیا ، پاک بوده و چشمانشان ، گریان، و شب هایشان [چونان] روز بوده است زیرا سراسر آن را به عبادت و آمرزش خواهی می گذرانده اند، و روزهایشان [چونان] شب بوده ؛ چرا که در تنهایی و جدایی [از خلق] به سر می برده اند. از این رو ، خداوند ، بهشت را فرجام آنان و پاداششان قرار داده است و البته ، اینان ، سزاوارترین کس به بهشت اند و شایستگی آن را دارند تا در مُلکی پاینده و نعمتی جاویدان باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی هرگاه مردم آبادی ای را بیند که در گناه [و نافرمانی] از اندازه گذشته اند و سه نفر مؤمن در میان ایشان به سر می برد، آن پُرشکوهِ پاک نام، ندایشان می دهد که: «ای نافرمانان از من! اگر نبود وجود چند مؤمن در میان شما که به خاطر من ، دوستدار یکدیگرند و با نمازِ خود ، زمین و مسجدهایم را آباد دارند و سحرگاهان ، از ترس من به آمرزش خواهی می پردازند، بی هیچ ملاحظه ای ، عذابم را بر شما فرو می فرستادم.

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن قالَ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» فَلَيسَ بِمُستَكبِرٍ ولا جَبّارٍ ، إنَّ المُستَكبِرَ الَّذى يُصِرُّ عَلَى الذَّنبِ الَّذى قَد غَلَبَهُ هَواهُ فيهِ ، وآثَرَ دُنياهُ عَلَى آخِرَتِهِ . (1)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الاِعتِرافِ : وأنَّ أحَبَّ عِبادِكَ إلَيكَ مَن تَرَكَ الاِستِكبارَ عَلَيكَ ، وجانَبَ الإصرارَ ، ولَزِمَ الاِستِغفارَ . وأنَا أبرَأُ إلَيكَ مِن أن أستَكبِرَ ، وأعوذُ بِكَ مِن أن اُصِرَّ ، وأستَغفِرُكَ لِما قَصَّرتُ فيهِ . (2)

عنه عليه السلام أيضا : يا أرحَمَ مَنِ انتابَهُ المُستَرحِمونَ ، ويا أعطَفَ مَن أطافَ بِهِ المُستَغفِرونَ . (3)

عنه عليه السلام ومِن دُعائِهِ لِلعيدَينِ وَالجُمُعَهِ : ولا يَشقى بِنَقِمَتِكَ المُستَغفِرونَ ، رِزقُكَ مَبسوطٌ لِمَن عَصاكَ ، وحِلمُكَ مُعتَرِضٌ لِمَن ناواكَ (4) ، عادَتُكَ الإحسانُ إلَى المُسيئينَ ، وسُنَّتُكَ الإبقاءُ عَلَى المُعتَدينَ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا أكثَرَ العَبدُ مِنَ الاِستِغفارِ ، رُفِعَت صَحيفَتُهُ وهِىَ تَتَلَألَأُ (6) . (7)

عنه عليه السلام :يَدخُلُ رَجُلانِ المَسجِدَ ، أحَدُهُما عابِدٌ وَالآخَرُ فاسِقٌ ، فَيَخرُجانِ مِنَ المَسجِدِ وَالفاسِقُ صِدِّيقٌ وَالعابِدُ فاسِقٌ ، وذلِكَ أنَّهُ يَدخُلُ العابِدُ المَسجِدَ وهُوَ مُدِلٌّ (8) بِعِبادَتِهِ وفِكرَتُهُ فى ذلِكَ ، ويَكونُ فِكرَهُ الفاسِقِ فِى التَّندُّمِ عَلى فِسقِهِ ، فَيَستَغفِرُ اللّهَ مِن ذُنوبِهِ . (9)

.

1- .الخصال : ص 299 ح 72 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 93 ص 277 ح 3 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 55 الدعاء 12 ، المصباح للكفعمى : ص 507 .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 54 الدعاء 12 ، المصباح للكفعمى : ص 506 .
4- .ناواهُ : أى عاداه ، وأصلُهُ الهمز ؛ لأنّه من النَّوء وهو النهوض (النهايه : ج 6 ص 2517 «نوى») .
5- .الصحيفه السجّاديّه : ص 182 الدعاء 46 ، مصباح المتهجّد : ص 369 ح 500 ، المزار الكبير : ص 458 ، جمال الأُسبوع : ص 262 عن المتوكّل بن

هارون عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 179 عنه وعن الإمام علىّ عليهماالسلام .
6- .فى المصدر : «يتلألأ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .الكافى : ج 2 ص 504 ح 2 عن عبيد بن زراره ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2251 ، عدّه الداعى : ص 250 عن زراره ، بحار الأنوار : ج 93 ص 284 ح 32 .
8- .دلَّ يدِلُّ : إذا مَنَّ بعطائه ، والأدَلُّ : المنّانُ بعمله (تاج العروس : ج 14 ص 242 «دلل») .
9- .علل الشرائع : ص 354 ح 1 ، الكافى : ج 2 ص 314 ح 6 عن أحدهما عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 72 ص 316 ح 21 .

امام زین العابدین علیه السلام :کسی که بگوید: «از خدا ، آمرزش می طلبم و به درگاهش ، توبه می برم» ، گردن فراز و متکبّر نیست. گردن فراز ، کسی است که بر گناهی که در آن مغلوب هوس خویش گشته است ، پای بفشارد و دنیای خود را بر آخرتش برگزیند.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا : محبوب ترین بندگانت در نزد تو ، کسی است که گردن فرازی بر تو را فرو گذارد و از پافشاری [برگناه] دوری کند و به آمرزش خواهی در آویزد . من ، درپیشگاه تو اعلام برائت می کنم از این که گردن فرازی کنم، و به تو پناه می برم از این که [برگناه]پای فِشُرم، و برای تقصیرات خود ، از تو آمرزش می طلبم.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در اعتراف به درگاه خدا : ای مهربان ترین کسی که مهرجویان، پیاپی ، آهنگ او می کنند، و ای با محبّت ترین کسی که آمرزش خواهان ، گِرد او می چرخند .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عید قربان و فطر و روز جمعه : آمرزش خواهان ، به خشم تو گرفتار نمی آیند . [خوان] روزی ات برای آن هم که تو را نافرمانی کند ، گسترده است و بردباری ات ، آن را که با تو دشمنی ورزد ، در بر می گیرد. عادت تو ، نیکی کردن به بدکاران است، و شیوه ات ، شفقت بر متجاوزان [از فرمان و حدودت].

امام صادق علیه السلام :هر گاه بنده ، بسیار طلب آمرزش کند ، نامه اعمالش در حالی که می درخشد ، بالا برده می شود.

امام صادق علیه السلام :دو مرد به مسجد در می آیند : یکی عبادت پیشه و دیگری گنهکار، و از مسجد بیرون روند در حالی که آن گنهکار ، مؤمنی راستین گشته است و آن دیگری ، عبادت پیشه گنهکار؛ از آن رو که عبادت پیشه ، در حالی به مسجد در آمده است که به عبادت خویش ، می نازیده و به آن می اندیشیده است ؛ امّا گنهکار ، پیوسته در اندیشه پشیمانی از گنهکاری خویش بوده است . لذا خداوند ، گناهان او را می آمرزد.

.

2 / 4التَّحذيرُ مِن تَركِ الاِستِغفارِالكتاب«قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لا يَستَغفِرُ اللّهَ لا يَغفِرُ اللّهُ لَهُ ، ومَن لا يَتوبُ لا يَتوبُ (2) اللّهُ عَلَيهِ ، ومَن لا يَرحَمُ لا يَرحَمُهُ اللّهُ . (3)

الكافى عن سماعه بن مهران :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (4) ؟ قالَ : هُوَ العَبدُ يُذنِبُ الذَّنبَ فَتُجَدَّدُ لَهُ النِّعمَهُ مَعَهُ ، تُلهيهِ تِلكَ النِّعمَهُ عَنِ الاِستِغفارِ مِن ذلِكَ الذَّنبِ . (5)

.

1- .النمل : 46 .
2- .فى المصدر : «لا يتب» فى كلا الموضعين ، والصواب ما أثبتناه كما فى كنز العمّال .
3- .الفردوس : ج 3 ص 629 ح 5967 عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : ج 4 ص 227 ح 10284 نقلاً عن أبى الشيخ عن جرير .
4- .الأعراف : 182 . ونستدرجهم معناه : نأخذهم درجةً فدرجةً ، وذلك إدناؤهم من الشىء شيئا فشيئا ، كالمراقى والمنازل فى ارتقائها ونزولها ، عباره عن إغفالهم (مفردات ألفاظ القرآن : ص 310 «درج») .
5- .الكافى : ج 2 ص 452 ح 3 و ح 2 ، مشكاه الأنوار : ص 579 ح 1927 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 5 ص 218 ح 11 وراجع مكارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2254 ومجمع البيان : ج 10 ص 510 .

2 / 4بر حذر داشتن از ترک آمرزش خواهیقرآن«گفت: «ای مردم! چرا پیش از نیکی به بدی می شتابید؟ چرا از خدا ، آمرزش نمی خواهید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟»» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که از خدا آمرزش نخواهد ، خدا او را نمی آمرزد، و کسی که به درگاه خدا بازنگردد ، خدا هم به سوی او باز نمی گردد، و کسی که رحم نکند ، خدا هم به او رحم نمی کند.

الکافی به نقل از سماعه بن مهران : از حضرت صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «به زودی ، آنان را از جایی که نمی دانند ، تدریجاً غافلگیر می کنیم» ؟ فرمود: «بنده ، گناه می کند و با آن گناه ، نعمتی تازه به او داده می شود و آن نعمت ، او را از طلب آمرزش برای آن گناه ، غافل می سازد» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ إذا أرادَ بِعَبدٍ خَيرا فَأَذنَبَ ذَنبا أتبَعَهُ بِنَقِمَةٍ ، ويُذَكِّرُهُ الاِستِغفارَ ، وإذا أرادَ بِعَبدٍ شَرّا فَأَذنَبَ ذَنبا أتبَعَهُ بِنِعمَةٍ لِيُنسِيَهُ الاِستِغفارَ ، ويَتَمادى بِها ، وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» بِالنِّعَمِ عِندَ المَعاصى . (1)

عنه عليه السلام :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ : «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَحِشَةً أَوْظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُواْ اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ» (2) صَعِدَ إبليسُ جَبَلاً بِمَكَّةَ يُقالُ لَهُ : ثَورٌ ، فَصَرَخَ بِأعلى صَوتِهِ بِعَفاريتِهِ ، فَاجتَمَعوا إلَيهِ ، فَقالوا : يا سَيِّدَنا لِمَ دَعَوتَنا ؟ قالَ : نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ ، فَمَن لَها ؟ فَقامَ عِفريتٌ مِنَ الشَّياطينِ فَقالَ : أنَا لَها بِكَذا وكَذا ، قالَ : لَستَ لَها ، فَقامَ آخَرُ فَقالَ : مِثلَ ذلِكَ ، فَقالَ : لَستَ لَها ، فَقالَ الوَسواسُ الخَنّاسُ : أنَا لَها ، قالَ : بِماذا ؟ قالَ : أعِدُهُم وأُمَنّيهِم حَتّى يُواقِعُوا الخَطيئَةَ ، فَإذا واقَعُوا الخَطيئَةَ أنسَيتُهُمُ الاِستِغفارَ ، فَقالَ : أنتَ لَها ، فَوَكَّلَهُ بِها إلى يَومِ القِيامَةِ . (3)

حياه الحيوان عن وهيب بن الورد :بَلَغَنا أنَّ إبليسَ تَمَثَّلَ لِيَحيَى بنِ زَكَرِيّا عليه السلام فَقالَ لَهُ : أنصَحُكَ ؟ فَقالَ لَهُ : لا اُريدُ ذلِكَ ، ولكِن أخبِرنى عَن بَنى آدَمَ ، فَقالَ : هُم عِندَنا ثَلاثَةُ أصنافٍ : صِنفٌ مِنهُم هُم أشَدُّ الأَصنافِ عِندَنا ، نُقبِلُ عَلى أحَدِهِم حَتّى نَفتِنَهُ فى دينِهِ ونَتَمَكَّنَ مِنهُ ، فَيَفزَعُ إلَى الاِستِغفارِ وَالتَّوبَهِ فَيُفسِدُ عَلَينا كُلَّ شَىءٍ نُصيبُهُ مِنهُ ، ثُمَّ نَعودُ إلَيهِ فَيَعودُ ، فَلا نَحنُ نَيأَسُ مِنهُ ، ولا نَحنُ نُدرِكُ مِنهُ حاجَتَنا ، فَنَحنُ مَعَهُ فى عَناءٍ . وصِنفٌ مِنهُم فى أيدينا كَالكُرَهِ فى أيدى صِبيانِكُم تَتَلَقَّفُهُم كَيفَ شِئنا ، قَد كَفَونا مُؤنَةَ (4) أنفُسِهِم . وصِنفٌ مِنهُم مِثلُكَ مَعصومونَ لا نَقدِرُ مِنهُم عَلى شَىءٍ . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 452 ح 1 ، علل الشرائع : ص 561 ح 1 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 160 كلّها عن سفيان بن السمط ، بحار الأنوار : ج 73 ص 387 ح 1 .
2- .آل عمران : 135 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 551 ح 736 عن فطر بن خليفه ، روضه الواعظين : ص 526 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 351 ح 48 .
4- .اختلف فى «المونهِ» تُهمز ولا تُهمز ؛ من الأين وهو التعب والشدَّه (تاج العروس : ج 18 ص 522 «مأن») .

5- .حياه الحيوان الكبرى : ج 1 ص 265 ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 265 ح 150 .

امام صادق علیه السلام :خداوند ، هر گاه خیر بنده ای را بخواهد و او گناهی کند ، در پی آن ، کیفرش می دهد و آمرزش خواهی را به یادش می آورد ، و هر گاه شرّ بنده ای را بخواهد و او گناهی کند ، در پی آن ، به او نعمتی می دهد تا آمرزش خواهی را از یادش ببرد و به آن حال ، ادامه دهد . این است معنای این سخن خداوند عز و جل : «به زودی آنان را از جایی که نمی دانند ، تدریجاً غافلگیر می کنیم» ؛ یعنی با نعمت دادن در هنگام ارتکاب گناهان.

امام صادق علیه السلام :چون این آیه: «و کسانی که هرگاه کار زشت کنند یا به خود ستم ورزند ، خدا را یاد می کنند و برای گناهانشان ، آمرزش می طلبند» ، فرود آمد ، ابلیس بر فراز کوهی در مکّه به نام ثور رفت و با فریاد هر چه بلندتر ، عفریت های خویش را صدا زد و آنان ، همگی جمع شدند و گفتند: سَرورا ! برای چه ما را فرا خوانده ای؟ ابلیس گفت: این آیه فرود آمده است . کیست که از پسِ آن برآید؟ عفریتی از شیاطین گفت: من ، در برابر آن ، چنین و چنان می کنم. ابلیس گفت: تو از پس آن بر نمی آیی. دیگری برخاست و همانند آن گفت. ابلیس گفت: تو هم از عهده اش برنمی آیی. وسوسه گرِ خنّاس گفت: من ، از پس آن بر می آیم. ابلیس گفت: چگونه؟ گفت: به آنان وعده [ی توبه]می دهم و امیدوارشان می کنم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون در گناه افتادند ، آمرزش خواهی را از یادشان می برم. ابلیس گفت: تو از عهده آن ، بر می آیی . آن گاه ، او را تا روز قیامت ، بر این کار گماشت.

حیاه الحیوان به نقل از وهیب بن ورد : آورده اند که ابلیس ، در برابر یحیی بن زکریا علیه السلام مجسّم شد و گفت: می خواهی به تو پندی دهم؟ یحیی علیه السلام به او گفت: «نمی خواهم ؛ امّا مرا از فرزندان آدم ، خبر ده». ابلیس گفت: آنان ، از نظر ما سه دسته اند: دسته ای از آنان ، در نظر ما سرسخت ترین اند. به سراغ یکی از آنان می رویم تا او را از دینش گم راه سازیم و بر او مسلّط شویم ؛ ولی او به آمرزش خواهی و توبه ، پناه می برد و هر چه در باره او رِشته ام ، پنبه می کند . بار دیگر به سراغش می رویم و او ، باز چنین می کند. نه از او نومید می شویم و نه در باره اش به هدف خود می رسیم . پس از او در زحمتیم. دسته ای دیگر از آنان ، چونان گویی که در دست کودکان است ، در دستان ما هستند و

هر گونه که بخواهیم ، آنها را می چرخانیم. اینان ، برای ما زحمتی ندارند. و دسته ای دیگر از ایشان ، معصوم اند و هیچ کاری با آنان نمی توانیم بکنیم.

.

ص: 50

. .

ص: 51

..

الفَصلُ الثّالِثُ : خصائص الاستغفار3 / 1خَيرُ العِبادَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ العِبادَهِ الاِستِغفارُ ، وذلِکَ قَولُ اللّهِ عز و جل فى كِتابِهِ : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ» (1) . (2)

3 / 2خَيرُ الدُّعاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ وخَيرُ العِبادَهِ قَولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» . (3)

.

1- .محمّد : 19 .
2- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 2 ، المحاسن : ج 1 ص 98 ح 67 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 91 ح 2257 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : ص 250 وفيهما بزياده «وقول لا إله إلّا اللّه » بعد «الاستغفار» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 201 ح 35 .
3- .الجعفريّات : ص 228 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 504 ح 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه ذيله ؛ الفردوس : ج 2 ص 179 ح 2897 ، كنز العمّال : ج 1 ص 478 ح 2085 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

فصل سوم: ویژگی های آمرزش خواهی

3 / 1 بهترین پرستش

3 / 2 بهترین نیایش

فصل سوم: ویژگی های آمرزش خواهی3 / 1بهترین پرستشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین پرستش، آمرزش خواهی است؛ زیرا این ، سخن خداوند عز و جل در کتابش است که فرموده : «بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت ، آمرزش بخواه» .

3 / 2بهترین نیایشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین نیایش، آمرزش خواهی است، و بهترین پرستش ، گفتن: «لا إله إلّا اللّه ؛ معبودی جز خدا نیست».

.

المحاسن عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أفضَلُ العِبادَهِ قَولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ، وخَيرُ الدُّعاءِ الاِستِغفارُ . ثُمَّ تَلَا النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ» . (1)

الدعوات :قالَ صلى الله عليه و آله : ما مِنَ الذِّكرِ شَىءٌ أفضَلُ مِن قَولِ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، وما مِنَ الدُّعاءِ شَىءٌ أفضَلُ مِنَ الاِستِغفارِ . ثُمَّ تَلَا : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ» . (2)

3 / 3أجمَعُ الدُّعاءِالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ مِن أجمَعِ الدُّعاءِ الاِستغفارَ . (3)

3 / 4أفضَلُ التَّوَسُّلِالإمام علىّ عليه السلام :أفضَلُ التَّوَسُّلِ الاِستِغفارُ . (4)

عنه عليه السلام :نِعمَ الوَسيلَهُ الاِستِغفارُ . (5)

.

1- .المحاسن : ج 1 ص 453 ح 1045 ، جامع الأخبار : ص 134 ح 273 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 23 ؛ الفردوس : ج 1 ص 352 ح 1412 عن ابن عمر وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 1 ص 415 ح 1760 .
2- .الدعوات : ص 20 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 204 ح 42 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 423 ح 1816 نقلاً عن المعجم الكبير عن ابن عمرو وليس فيه ذيله .
3- .بحار الأنوار : ج 93 ص 283 ح 30 وج 95 ص 163 ح 17 كلاهما نقلاً عن الدعوات : ص 49 ح 119 وفيهما «إنَّ من أجمع الدُّعاء أن يقول العبد الاستغفار» .
4- .غرر الحكم : ح 2887 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 111 ح 2406 .
5- .غرر الحكم : ح 9936 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 493 ح 9092 .

3 / 3 جامع ترین نیایش

3 / 4 برترین توسّل

المحاسن به نقل از سکّونی ، از امام صادق علیه السلام ، از پدران بزرگوارش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود: «برترین پرستش ، گفتن «معبودی جز خدا نیست . نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» است، و بهترین نیایش ، آمرزش خواهی است» . پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را تلاوت فرمود: «بدان که معبودی جز خدا نیست ، و برای گناهت ، آمرزش بخواه» » .

الدعوات :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ ذکری ، برتر از گفتن «معبودی جز خدا نیست» نباشد ، و هیچ دعایی ، برتر از آمرزش خواهی نیست». سپس این آیه را تلاوت کرد: «بدان که معبودی جز خدا نیست ، و برای گناهت ، آمرزش بخواه» » .

3 / 3جامع ترین نیایشامام صادق صلی الله علیه و آله :یکی از جامع ترین نیایش ها، آمرزش خواهی است.

3 / 4برترین توسّلامام علی علیه السلام :برترین توسّل، آمرزش خواهی است.

امام علی علیه السلام :خوبْ وسیله ای [برای شفاعت نزد خدا] است آمرزش خواهی !

.

ص: 56

3 / 5سِلاحُ المُذنِبِالإمام علىّ عليه السلام :سِلاحُ المُذنِبِ الاِستِغفارُ . (1)

3 / 6شَفيعُ المُذنِبِالإمام علىّ عليه السلام :لا شَفيعَ أنجَحُ مِنَ الاِستِغفارِ . (2)

.

1- .غرر الحكم : ح 5562 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 284 ح 5126 .
2- .غرر الحكم : ح 10658 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 537 ح 9904 .

ص: 57

3 / 5 حربه گنهکار

3 / 6 میانجی گنهکار

3 / 5حربه گنهکارامام علی علیه السلام :حربه گنهکار، آمرزش خواهی است.

3 / 6میانجی گنهکارامام علی علیه السلام :هیچ میانجی ای مؤثّرتر از آمرزش خواهی نیست.

.

الفَصلُ الرابِعُ : بركات الاستغفار4 / 1غُفرانُ اللّهالكتاب«وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا» . (1)

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَحِشَةً أَوْظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُواْ اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّواْ عَلَى مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» . (2)

«وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا» . (3)

«وَ اسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيم» . (4)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» . (5)

«أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (6)

.

1- .النساء : 110 .
2- .آل عمران : 135 .
3- .النساء : 106 .
4- .البقره : 199 ، المزّمّل : 20 .
5- .نوح : 10 .
6- .المائده : 74 .

4 / 1 آمرزش خدا

فصل چهارم: برکت های آمرزش خواهی4 / 1آمرزش خداقرآن«و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد ، سپس از خدا آمرزش بخواهد ، خدای را آمرزگاری مهربان می یابد» .

«و کسانی که هر گاه فحشایی کنند یا بر خویش ستم ورزند ، خدای را به یاد می آورند و از گناهانشان آمرزش می طلبند و جز خدا ، کیست که گناهان را بیامرزد؟ و بر آنچه کرده اند ، آگاهانه اصرار نمی ورزند» .

«و از خدا آمرزش بخواه ، که خدا ، همواره آمرزگاری مهربان بوده است» .

«و از خدا آمرزش بخواهید ، که خدا ، آمرزگاری مهربان است» .

«پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید ، که او آمرزنده مهربان است»» .

«پس چرا به درگاه خدا توبه نمی بریم و از او آمرزش نمی خواهیم، در حالی که خدا ، آمرزگاری مهربان است؟» .

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَغفَرَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : يَابنَ آدَمَ ، إنَّکَ ما دَعَوتَنی ورَجَوتَنی غَفَرتُ لَکَ عَلی ما کانَ فیکَ ولا اُبالی ، يَابنَ آدَمَ ، لَو بَلَغَت ذُنوبُکَ عَنانَ السَّماءِ ثُمَّ استَغفَرتَنی غَفَرتُ لَکَ ، ولا اُبالی . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّيطانَ قالَ : وعِزَّتِکَ يا رَبِّ ، لا أبرَحُ أغوی عِبادَکَ ما دامَت أرواحُهُم فی أجسادِهِم . قالَ الرَّبُّ : وعِزَّتی وجَلالی ، لا أزالُ أغفِرُ لَهُم مَا استَغفَرونی . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تعالی : يا عِبادی ... کُلُّکُم مُذنِبٌ إلّا مَن عافَيتُ ، فَمَن عَلِمَ مِنکُم أنّی ذو قُدرَةٍ عَلَی المَغفِرَةِ فَاستَغفَرَنی ، غَفَرتُ لَهُ ولا اُبالی . (4)

صحيح مسلم :عَن أبی ذَرٍّ عَنِ النَّبِیِّ صلى الله عليه و آله فيما رَوی عَنِ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی أنَّهُ قالَ : ... يا عِبادی ! إنَّکُم تُخطِئونَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ، وأنَا أغفِرُ الذُّنوبَ جَميعا ، فَاستَغفِرونی أغفِر لَکُم . (5)

.

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 513 ح 3470 ، السنن الكبری للنسائی : ج 6 ص 48 ح 9987 و 9988 ، السنن الكبری : ج 8 ص 577 ح 17618 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 463 ح 2014 ؛ معانی الأخبار : ص 411 ح 98 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 178 ح 7 .
2- .سنن الترمذی : ج 5 ص 548 ح 3540 عن أنس ، المعجم الكبير : ج 12 ص 16 ح 12346 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 301 كلاهما عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 146 ح 5902 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 58 ح 11237 ، المستدرک علی الصحيحين : ج 4 ص 290 ح 7672 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 590 ، تفسير القرطبی : ج 10 ص 27 نحوه وكلّها عن أبی سعيد الخدری ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2072 .
4- .سنن الترمذی : ج 4 ص 656 ح 2495 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1422 ح 4257 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 128 ح 21596 ، تاريخ دمشق

: ج 36 ص 481 ح 7411 كلّها عن أبى ذرّ نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 925 ح 43591 .
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 1994 ح 55 ، تهذيب الكمال : ج 16 ص 378 ، تفسير القرطبى : ج 4 ص 285 كلّها عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 15 ص 924 ح 43590 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آمرزش بخواهد، خدا او را می آمرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود: «ای پسر آدم! تا آن گاه که مرا بخوانی و به من ، امیدوار باشی ، با وجود همه گناهانی که داشته ای، تو را می آمرزم و باکی ندارم. ای پسر آدم ! اگر گناهانت سر به آسمان بزند، سپس از من آمرزش بخواهی ، تو را می آمرزم و باکی ندارم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان گفت: به عزّتت سوگند ای پروردگار که بندگانت را تا جان در بدن دارند ، گم راه می کنم! پروردگار فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که من هم تا هر زمان از من آمرزش خواهند ، آنان را می آمرزم !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال می فرماید: «بندگان من !... همه شما گناهکارید ، مگر کسی که من از گناه به سلامتش دارم. پس هر یک از شما بداند که من ، بر آمرزیدنْ توانایم و از من ، آمرزش بخواهد، باک ندارم و او را می آمرزم» .

صحیح مسلم به نقل از ابوذر : پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند تبارک و تعالی روایت کرده که فرمود : «... ای بندگان من! شما شب و روز ، گناه می کنید، و من [کسی هستم که]همه گناهان را می آمرزم. پس، از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ لَيَقولُ : يا رَبِّ اغفِر لى وقَد أذنَبَ فَتَقولُ المَلائِكَهُ : يا رَبِّ ، إنَّهُ لَيسَ لِذلِکَ بِأهلٍ ! قالَ اللّهُ تَعالى : لكِنّى أهلٌ أن أغفِرَ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، إنَّ اللّهَ يَعجَبُ مِن عَبدِهِ إذا قالَ : «رَبِّ اغفِر لى فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» يَقولُ : يا مَلائِكَتى ، عَبدى هذا قَد عَلِمَ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ غَيرى ، اِشهَدوا أنّى قَد غَفَرتُ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :من أُعطِىَ الاِستِغفارَ أُعطِىَ المَغفِرَهَ ؛ لِأَنَّ اللّهَ يَقولُ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَنِ استَغفَرَ اللّهَ أصابَ المَغفِرَهَ . (4)

4 / 2عَدَمُ كِتابَهِ السَّيِّئاتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ صاحِبَ الشِّمالِ لَيَرفَعُ القَلَمَ سِتَّ ساعاتٍ عَنِ العَبدِ المُسلِمِ المُخطِئِ أوِ المُسىءِ ، فَإن نَدِمَ وَاستَغفَرَ اللّهَ مِنها ألقاها ، وإلّا كُتِبَت واحِدَهً . (5)

.

1- .نوادر الأُصول : ج 2 ص 200 ، كنز العمّال : ج 1 ص 480 ح 2097 .
2- .تحف العقول : ص 13 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 67 ح 6 .
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 118 ح 7023 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 92 ، تاريخ بغداد : ج 1 ص 248 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 126 ح 4529 كلّها عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 15 ص 874 ح 43473 .
4- .غرر الحكم : ح 8377 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7924 .
5- .المعجم الكبير : ج 8 ص 185 ح 7765 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 4 ص 210 ح 10192 ؛ مجمع البيان : ج 9 ص 216 عن أبى اُمامه ، بحار الأنوار : ج 5 ص 321 .

4 / 2 ننوشتن گناهان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده گنهکار می گوید: پروردگارا! مرا بیامرز. فرشتگان می گویند: پروردگارا! او سزاوار این کار نیست . خدای متعال می فرماید: «امّا من ، سزاوار آن هستم که او را بیامرزم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! خدا از بنده ای که بگوید: پروردگارا! مرا بیامرز؛ زیرا گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد ، خوشش می آید و می فرماید: ای فرشتگان من! این بنده ام دانست که جز من ، کسی گناهان را نمی آمرزد. گواه باشید که من هم او را آمرزیدم » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هر کس آمرزش خواهی داده شود ، آمرزش عطا شود؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است» .

امام علی علیه السلام :هر کس از خدا آمرزش طلبد ، به آمرزش می رسد.

4 / 2ننوشتن گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشته دست چپ ، تا شش ساعت از نوشتن گناه بنده مسلمان خطا کار یا بدکار، خودداری می کند. اگر [در این مدّت] پشیمان شد و از خدا آمرزش خواست ، آن [گناه] را دور می افکند ؛ و گرنه ، یک گناه برایش نوشته می شود.

.

عنه صلى الله عليه و آله :المَلَكُ الَّذى عَلَى اليَمينِ أميرٌ عَلَى المَلَكِ الَّذى عَلَى الشِّمالِ ، فَإذا عَمِلَ حَسَنَةً قالَ لِصاحِبِ الشِّمالِ : اُكتُبها ، وإذا عَمِلَ سَيِّئَةً ، قالَ لَهُ : دَعها لا تَكتُبها سَبعَ ساعاتٍ ، لَعَلَّهُ يَستَغفِرُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : «مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (2) : صاحِبُ اليَمينِ أميرٌ عَلى صاحِبِ الشِّمالِ ، فَإذا عَمِلَ حَسَنَةً كَتَبَها لَهُ صاحِبُ اليَمينِ بِعَشرِ أمثالِها ، وإذا عَمِلَ سَيِّئَةً فَأرادَ صاحِبُ الشِّمالِ أن يَكتُبَها ، قالَ لَهُ صاحِبُ اليَمينِ : أمسِك ، فَيُمسِكُ عَنهُ سَبعَ ساعاتٍ ؛ فَإنِ استَغفَرَ اللّهَ مِنها ، لَم يُكتَب عَلَيهِ شَىءٌ ، وإن لَم يَستَغفِرِ اللّهَ كُتِبَ لَهُ سَيِّئَةٌ واحِدَةٌ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن عَمِلَ سَيِّئَةً اُجِّلَ فيها سَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ ، فَإن قالَ : «أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، لَم تُكتَب عَلَيهِ . (4)

عنه عليه السلام :إنَّ العَبدَ إذا أذنَبَ ذَنبا اُجِّلَ مِن غُدوَةٍ إلَى اللَّيلِ ، فَإنِ استَغفَرَ اللّهَ لَم يُكتَب عَلَيهِ . (5)

عنه عليه السلام :إذا هَمَّ العَبدُ بِحَسَنَةٍ كُتِبَت لَهُ حَسَنَةٌ ، فَإذا عَمِلَها كُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ ، وإذا هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَم تُكتَب عَلَيهِ ، فَإذا عَمِلَها اُجِّلَ تِسعَ (6) ساعاتٍ ، فَإن نَدِمَ عَلَيها وَاستَغفَرَ وتابَ لَم تُكتَب (7) عَلَيهِ ، وإن لَم يَندَم ولَم يَتُب مِنها كُتِبَت عَلَيهِ سَيِّئَةٌ واحِدَةٌ . (8)

.

1- .الزهد لهنّاد : ج 2 ص 462 ح 920 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 4 ص 228 ح 10292 .
2- .ق : 18 .
3- .مجمع البيان : ج 9 ص 216 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 321 ؛ المعجم الكبير : ج 8 ص 247 ح 7971 عن أبى اُمامه نحوه ، كنز العمّال : ج 4 ص 214 ح 10212 .
4- .الكافى : ج 2 ص 438 ح 5 و ص 437 ح 2 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 71 ح 190 وليس فيهما «وأتوب إليه» وكلّها عن أبى بصير ، بحار الأنوار

: ج 6 ص 38 ح 65 .
5- .الكافى : ج 2 ص 437 ح 1 عن زراره ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 91 ح 2255 نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 41 ح 76 .
6- .الظاهر أنّه تصحيف «سبع» .
7- .فى المصدر : «يُكتب» ، والتصويب من بحار الأنوار .
8- .الخصال : ص 418 ح 11 عن سليمان بن مهران ، بحار الأنوار : ج 71 ص 246 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشته دست راست ، فرمانده فرشته دست چپ است. هر گاه شخص ، کار نیکی انجام دهد ، او به فرشته دست چپ می گوید: «آن را بنویس»، و هر گاه کار بدی انجام دهد، به او (فرشته دست چپ) می گوید: «دست نگه دار و آن را تا هفت ساعت ننویس . شاید آمرزش بخواهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر سخن خداوند متعال: «هیچ سخنی بر زبان نمی آورد ، جز آن که نزد او، نگاهبانی آماده است» : فرشته دست راست ، فرمانده فرشته دست چپ است. هر گاه شخص کار نیکی انجام دهد ، فرشته دست راست ، آن را ده برابر می نویسد، و هر گاه کار بدی کند و فرشته دست چپ بخواهد آن را بنویسد، فرشته دست راست به او می گوید: «دست نگه دار»، و او تا هفت ساعت ، دست نگه می دارد. اگر در این مدّت از خدا آمرزش خواست ، چیزی برای او نمی نویسد، و اگر از خدا آمرزش نخواست ، تنها یک گناه برایش می نویسد.

امام صادق علیه السلام :هر کس گناهی کند ، هفت ساعت از روز به او مهلت داده شود . اگر [در این مدّت]سه بار گفت: «از خدایی که معبودی جز او زنده جاویدان نیست ، آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می برم» ، آن گناه برایش نوشته نمی شود.

امام صادق علیه السلام :هر گاه بنده ، آهنگ کار نیکی کند ، برایش یک کار نیک نوشته می شود، و هر گاه آن را انجام دهد ، ده کار نیک برایش نوشته شود. و هر گاه [بنده] آهنگ گناه کند ، برایش نوشته نمی شود و چون آن را انجام داد تا نُه (1) ساعت به او مهلت داده می شود . اگر از آن پشیمان شد و آمرزش خواست و توبه کرد ، برایش نوشته نمی شود، و اگر پشیمان نشد و از آن توبه نکرد ، فقط یک گناه برایش نوشته می شود.

امام صادق علیه السلام :هرگاه بنده ای قصد انجام دادن کار نیکی (حَسَنه ای) را داشته باشد، آن کار نیک، برایش ثبت می شود، و اگر آن را انجام دهد، ده کار نیک برایش ثبت می شود؛ امّا اگر قصد انجام دادن گناهی را داشته باشد، هیچ چیزی برایش ثبت نمی شود، و اگر آن را انجام دهد، نُه ساعت به او فرصت داده می شود. اگر پشیمان شد و درخواست آمرزش کرد و توبه نمود، برایش ثبت نمی شود، و اگر پشیمان نشد و توبه ننمود، برایش جز یک گناه ، ثبت نمی شود .

.

1- .«تسع» که در متن حدیث آمده، ظاهراً تصحیف «سبع (هفت)» است .

الكافى عن حفص :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : ما مِن مُؤمِنٍ يُذنِبُ ذَنبا إلّا أجَّلَهُ اللّهُ عز و جلسَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ ، فَإِن هُوَ تابَ لَم يُكتَب عَلَيهِ شَىءٌ ، وإن هُوَ لَم يَفعَل كَتَبَ اللّهُ عَلَيهِ سَيِّئَةً . فَأتاهُ عَبّادٌ البَصرِىُّ فَقالَ لَهُ : بَلَغَنا أنَّكَ قُلتَ : ما مِن عَبدٍ يُذنِبُ ذَنبا إلّا أجَّلَهُ اللّهُ عز و جلسَبعَ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ . فَقالَ : لَيسَ هكَذا قُلتُ ، ولكِنّى قُلتُ : ما مِن مُؤمِنٍ ، وكَذلِكَ كانَ قَولى . (1)

4 / 3تَمحيصُ الذُّنوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الاِستِغفارُ مَمحاةٌ لِلذُّنوبِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكَ بِالاِستِغفارِ فَإِنَّها مَمحاةٌ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ داءٍ دَواءٌ ، ودَواءُ الذُّنوبِ الاِستِغفارُ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 439 ح 9 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 69 ح 185 ، قرب الإسناد : ص 2 ح 4 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامنحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 38 ح 63 .
2- .تفسير القرطبى : ج 18 ص 301 ، الفردوس : ج 1 ص 124 ح 428 كلاهما عن حذيفه بن اليمان ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2071 ؛ المجازات النبويّه : ص 232 ح 188 وفيه «مهدمه» بدل «ممحاه» .
3- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 86 ، الجعفريّات : ص 186 ، النوادر للراوندى : ص 92 ح 29 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص 227 ح 629 وفيها «المنجاه» بدل «ممحاه» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 403 ح 105 .
4- .ثواب الأعمال : ص 197 ح 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 439 ح 8 ، الجعفريّات : ص 228 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 279 ح 11 ؛ الفردوس : ج 3 ص 336 ح 5011 عن جابر ، كنز العمّال : ج 1 ص 479 ح 2089 .

4 / 3 پاک کردن گناهان

الکافی به نقل از حفص : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که گناهی کند ، مگر آن که خداوند عز و جل هفت ساعت از روز را به او مهلت می دهد . اگر توبه کرد ، چیزی برایش نوشته نمی شود، و اگر نکرد ، خداوندْ یک گناه برایش می نویسد» . عبّاد بصری ، نزد امام علیه السلام آمد و گفت: شنیده ایم که شما گفته ای: «هیچ بنده ای نیست که گناهی کند ، مگر آن که خداوند عز و جل هفت ساعت از روز را به او مهلت می دهد؟» . فرمود: «من چنین نگفته ام ؛ بلکه گفته ام: هیچ مؤمنی نیست . سخن من ، این گونه بود» .

4 / 3پاک کردن گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آمرزش خواهی، پاک کننده گناهان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد آمرزش خواهی، که آن پاک کننده است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر دردی درمانی دارد و درمان گناهان ، آمرزش خواهی است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :ألا أدُلُّكُم عَلى دائِكُم ودَوائِكُم ، ألا إنَّ داءَكُمُ الذُّنوبُ ، ودَواءَكُمُ الاِستِغفارُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَنسَيَنَّ الاِستِغفارَ فى صَلاتِکَ ؛ فَإِنَّها مَمحاةٌ لِلخَطايا بِرَحمَةِ اللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ظَلَمَ أحَدا فَفاتَهُ ، فَليَستَغفِرِ اللّهَ لَهُ فَإِنَّهُ كَفّارَةٌ لَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما كَبيرَةٌ بِكَبيرَةٍ مَعَ الاِستِغفارِ ، ولا صَغيرَةٌ بِصَغيرَةٍ مَعَ الإِصرارِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَالاِستِغفارُ لَكُم حِصنَينِ حَصينَينِ مِنَ العَذابِ ، فَمَضى أكبَرُ الحِصنَينِ وبَقِيَ الاِستِغفارُ ، فَأكثِروا مِنهُ ؛ فَإِنَّهُ مَمحاةٌ لِلذُّنوبِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (5) . (6)

الإمام علىّ عليه السلام :الاِستِغفارُ دَواءُ الذُّنوبِ . (7)

.

1- .شعب الإيمان : ج 5 ص 428 ح 7147 ، الفردوس : ج 1 ص 136 ح 478 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 479 ح 2092 ، جامع الأخبار : ص 148 ح 336 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 23 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 346 ح 714 عن أبى المنذر الجهنى ، بحار الأنوار : ج 85 ص 200 ح 11 و ج 86 ص 250 ح 14 .
3- .الكافى : ج 2 ص 334 ح 20 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 323 ح 15 عن السكونى ، الاختصاص : ص 235 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 75 ص 313 ح 27 .
4- .تاريخ دمشق : ج 6 ص 394 ح 1567 عن عائشه ، مسند الشهاب : ج 2 ص 204 ح 752 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 4 ص 217 ح 10232 .
5- .الأنفال : 33 .

6- .بحار الأنوار : ج 93 ص 279 ح 13 نقلاً عن ثواب الأعمال : ص 197 ح 3 وفيه : «كان رسول اللّه صلى الله عليه و آله يقول : مقامى فيكم والاستغفار لكم حصن حصين من العذاب . . .» وما اخترناه من نسخه بحار الأنوار هو الصواب ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 54 ح 44 وفيه «منجاه» بدل «ممحاه» وكلاهما عن عبد اللّه بن محمّد الجعفى .
7- .غرر الحكم : ح 913 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 31 ح 521 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را به دردتان و درمانتان ، راه نمایی نکنم؟ بدانید که درد شما ، گناهان است و درمانتان ، آمرزش خواهی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آمرزش خواهی در نمازت را هیچ گاه از یاد مبر ؛ زیرا که آن، به لطف خداوند، خطاها را پاک می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به شخصی ستم کند و [برای جلب رضایت او] به او دسترس نداشته باشد، از خدا برایش طلب آمرزش کند ؛ زیرا این ، کفّاره [ستم] اوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گناه بزرگی با وجود آمرزش خواهی ، بزرگ نیست، و هیچ گناه کوچکی ، با وجود ادامه دادن به آن ، کوچک نیست.

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا و آمرزش خواهی ، دو سنگر مستحکم در برابر آتش برای شما بودند. سنگر بزرگ تر رفت و آمرزش خواهی مانْد . پس آن را فراوان بگویید؛ زیرا پاک کننده گناهان است. خداوند عز و جل فرموده است : «تا تو در میان آنانی ، خدا عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش بخواهند، خداوند عذاب کننده ایشان نباشد» .

امام علی علیه السلام :آمرزش خواهی، داروی گناهان است.

.

عنه علیه السلام :الذُّنوبُ الدّاءُ ، وَالدَّواءُ الاِستِغفارُ ، وَالشِّفاءُ أَلّا تَعودَ . (1)

عنه علیه السلام :الاِستِغفارُ یَمحُو الأَوزارَ (2) . (3)

عنه علیه السلام :حُسنُ الاِستِغفارِ یُمَحِّصُ (4) الذُّنوبَ . (5)

عنه علیه السلام :یَسیرُ التَّوبَهِ وَالاِستِغفارِ ، یُمَحِّصُ المَعاصِیَ وَالإِصرارَ . (6)

عنه علیه السلام :عَوِّد نَفسَکَ الاِستِهتارَ (7) بِالذِّکرِ وَالاِستِغفارِ ، فَإِنَّهُ یَمحو عَنکَ الحَوبَهَ (8) ، ویُعَظِّمُ لَکَ المَثوبَهَ . (9)

عنه علیه السلام :تَعَطَّروا بِالاِستِغفارِ ، لا تَفضَحکُم رَوائِحُ الذُّنوبِ . (10)

الإمام الباقر علیه السلام :أَلِحّوا فِی الاِستِغفارِ ، فَإِنَّهُ مَحاهٌ لِلذُّنوبِ . (11)

.

1- .غرر الحکم : ح 1890 .
2- .الوزرُ : الحملُ والثّقل ، وأکثر ما یطلق فی الحدیث علی الذنب والإثم ، وجمعه أوزار (النهایه : ج 5 ص 179 «وزر») .
3- .غرر الحکم : ح 342 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 33 ح 596 .
4- .تمحیص الذّنوب أی : إزالتها (النهایه : ج 4 ص 302 «محص») .
5- .غرر الحکم : ح 4863 و 4941 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 228 ح 4399 .
6- .غرر الحکم : ح 10992 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 555 ح 10239 .
7- .المستهترون بذکر اللّه : یعنی الذین أُولعوا به . ومستهتر : أی مولع به لا یتحدّث بغیره ، ولا یفعل غیره (النهایه : ج 5 ص 243 «هتر») .
8- .حوبتی : إثمی ، ومنه «اغفر لنا حوبنا» أی إثمنا (النهایه : ج 1 ص 455 «حوب») .
9- .غرر الحکم : ح 6230 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 340 ح 5792 وفیه «الاستکثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذکر والاستغفار» .
10- .الأمالی للطوسی : ص 372 ح 801 عن علیّ بن علیّ بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام الحسین علیهم السلام عن النزّال بن سبره

، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 154 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 22 ح 18 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 281 ح 225 .
11- .تحف العقول : ص 298 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 178 ح 53 .

امام علی علیه السلام :گناهان ، بیماری اند و دارو[ی آنها] آمرزش خواهی است، و شفایش ، [در] این است که [به آنها]باز نگردی.

امام علی علیه السلام :آمرزش خواهی، بار سنگین گناهان را از بین می برَد.

امام علی علیه السلام :آمرزش خواهیِ نیکو (راستین) ، گناهان را می زُداید.

امام علی علیه السلام :اندکی توبه و آمرزش خواهی، گناهان و پافشاری [بر آنها] را می زداید.

امام علی علیه السلام :خویشتن را به آزمندی بر یاد خدا و آمرزش خواهی عادت دِه ؛ زیرا این کار ، گناه را از تو می زُداید و پاداشت را بزرگ می گردانَد.

امام علی علیه السلام :به عطر آمرزش خواهی معطّر شوید تا بوی گناهان ، شما را رسوا نسازد.

امام باقر علیه السلام :در آمرزش خواهی پافشاری کنید؛ زیرا که آن ، پاک کننده گناهان است.

.

4 / 4جَلاءُ القُلوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلقُلوبِ صَدأً كَصَدإِ النُّحاسِ ، فَاجلوها بِالاِستِغفارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ إذا أخطَأَ خَطيئَةً نُكِتَت فى قَلبِهِ نُكتَةٌ سَوداءُ ، فَإِذا هُوَ نَزَعَ وَاستَغفَرَ وتابَ سُقِلَ (2) قَلبُهُ ، وإن عادَ زيدَ فيها حَتّى تَعلُوَ قَلبَهُ ، وهُوَ الرّانُ الَّذى ذَكَرَ اللّهُ «كَلَا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ» (3) . (4)

4 / 5تَباعُدُ الشَّيطانِفضائل الأشهر الثلاثه عن يونس بن ظبيان :قُلتُ لِلصّادِقِ عليه السلام : مَا الَّذى يُباعِدُ عَنّا إبليسَ ؟ قالَ : الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ ... وَالاِستِغفارُ يَقطَعُ وَتينَهُ (5) . (6)

.

1- .عدّه الداعى : ص 249 ، نزهه الناظر : ص 28 ح 82 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 284 ح 32 ؛ المعجم الصغير : ج 1 ص 184 وفيه «الحديد» بدل «النحاس» ، تاريخ دمشق : ج 62 ص 80 ح 12714 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2074 .
2- .السَّقْلُ هو مثل الصقل للسّيف والثوب ونحوهما ، بالسين والصّاد جميعا (تاج العروس : ج 14 ص 349 «سقل») .
3- .المطفّفين : 14 .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 434 ح 3334 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 509 ح 11658 ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 27 ح 2787 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 4 ص 210 ح 10189 .
5- .الوَتين : عرق فى القلب إذا انقطع مات صاحبه (القاموس المحيط : ج 4 ص 274 «وتن») .
6- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 92 ح 71 و ص 76 ح 58 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 256 ح 39 .

4 / 4 صیقل دادن دل ها

4 / 5 دور کردن شیطان

4 / 4صیقل دادن دل هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دل ها همانند مس، زنگار می بندند . پس آنها را با آمرزش خواهی ، صیقل دهید. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ، هر گاه گناهی کند ، نقطه ای سیاه در دلش پدید می آید. اگر دست برداشت و آمرزش طلبید و توبه کرد ، دلش صیقل می یابد؛ ولی اگر دوباره آن را انجام داد ، بر آن نقطه افزوده می شود تا جایی که تمام دلش را می پوشانَد. این ، همان زنگاری است که خداوند فرموده است: «نه ؛ بلکه آنچه کرده اند ، زنگار بر دل هاشان بسته است» .

4 / 5دور کردن شیطانفضائل الأشهر الثلاثه به نقل از یونس بن ظبیان : به امام صادق علیه السلام گفتم : چه چیز ، شیطان را از ما دور می گرداند؟ فرمود: «روزه ، روی او را سیاه می کند... و آمرزش خواهی ، شاه رگش را قطع می کند» .

.

1- .در المعجم الصغیر ، به جای «مس» ، «آهن» آمده است.

4 / 6الأَمنُ مِنَ العَذابِ وَالبَلاياالكتاب«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (1)

«وَ مَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُواْ إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَ يَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ إِلَا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلاً» . (2)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَزالُ العَبدُ آمِنا مِن عَذابِ اللّهِ مَا استَغفَرَ اللّهَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله فى دُعاءٍ لَهُ وقَدِ انكَسَفَتِ الشَّمسُ : رَبِّ ! أَلَم تَعِدنى أن لا تُعَذِّبَهُم وأَنَا فِيهِم ؟ أَلَم تَعِدنى أن لا تُعَذِّبَهُم وهُم يَستَغفِرونَ ؟ (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن قَولِ : لا إلهَ إلَا اللّهُ وَالاِستِغفارِ ؛ فَإِنَّهُما أمانٌ فِى الدُّنيا مِنَ الذُّلِّ ، وفِى الآخِرَهِ جُنَّهٌ مِنَ النّارِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :فِى الأَرضِ أمانانِ : أنَا أمانٌ ، وَالاِستِغفارُ أمانٌ ، وأنَا مَذهوبٌ بى ، ويَبقى أمانُ الاِستِغفَارِ عِندَ كُلِّ حَدَثٍ وذَنبٍ . (6)

.

1- .الأنفال : 33 .
2- .الكهف : 55 .
3- .تاريخ دمشق : ج 55 ص 86 عن فضاله بن عبيد ، كنز العمّال : ج 1 ص 479 ح 2094 .
4- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 310 ح 1194 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 1 ص 196 ح 547 ، صحيح ابن خزيمه : ج 2 ص 322 ح 1392 وفيه «ونحن نستغفرک» بدل «وهم يستغفرون» ، السنن الكبرى : ج 2 ص 358 ح 3362 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 11 ص 456 ح 32141 .
5- .كنز العمّال : ج 10 ص 17 ح 28152 نقلاً عن الديلمى عن أنس .
6- .الفردوس : ج 3 ص 136 ح 4366 عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمّال : ج 1 ص 479 ح 2093 .

4 / 6 ایمنی از عذاب و بلاها

4 / 6ایمنی از عذاب و بلاهاقرآن«تا تو در میان آنانی ، خداوند ، عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش بطلبند ، خداوند عذاب کننده ایشان نباشد» .

«و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی هدایت به سویشان آمد ، ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند ، جز این که [مستحق شوند] تا سنّت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود یا عذاب ، رویارویشان بیاید» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ، تا زمانی که از خدا آمرزش بطلبد ، از عذاب خدا در امان خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی از ایشان در هنگام خورشیدگرفتگی : پروردگارا! مگر به من ، وعده ندادی که تا من در میان آنان هستم ، عذابشان نکنی؟ مگر به من وعده ندادی که تا وقتی آمرزش می طلبند ، عذابشان نکنی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «معبودی جز خدا نیست» را بسیار بگویید و فراوان آمرزش بطلبید؛ زیرا این دو در دنیا ، امان از خواری اند و در آخرت ، سپر در برابر آتش اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در زمین ، دو امان وجود دارد: من ، یک امان هستم و آمرزش خواهی ، امان دیگر. من ، بُرده می شوم و امان آمرزش خواهی ، در هنگام هر رُخداد و گناهی بر جای می مانَد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أنزَلَ اللّهُ عَلَىَّ أمانَينِ لِاُمَّتى : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ، فَإِذا (1) مَضَيتُ تَرَكتُ فيهِمُ الاِستِغفارَ إلى يَومِ القِيامَهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :لَو أنَّ النّاسَ حينَ عَصَوا أنابوا وَاستَغفَروا ، لَم يُعَذَّبوا ولَم يُهلَكوا . (3)

عنه عليه السلام :كانَ فِى الأَرضِ أمانانِ مِن عَذابِ اللّهِ ، وقَد رُفِعَ أحَدُهُما فَدونَكُمُ الآخَرَ فَتَمَسَّكوا بِهِ . أمَّا الأَمانُ الَّذى رُفِعَ فَهُوَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وأمَّا الأَمانُ الباقى فَالاِستِغفارُ ، قالَ اللّهُ تَعالى : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (4)

عنه عليه السلام :أربَعٌ لِلمَرءِ لا عَلَيهِ : الإيمانُ ، وَالشُّكرُ ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ» (5) ، وَالاِستِغفارُ ؛ فَإِنَّهُ قالَ : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ، والدُّعاءُ ؛ فَإِنَّهُ قالَ : «قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (6) . (7)

الإمام الصادق عليه السلام :ما ضاعَ مالٌ فى بَرٍّ ولا بَحرٍ إلّا بِتَضييعِ الزَّكاهِ ، فَحَصِّنوا أموالَكُم بِالزَّكاهِ ، وداووا مَرضاكُم بِالصَّدَقَهِ ، وَادفَعوا نَوائِبَ البَلايا بِالاِستِغفارِ . (8)

.

1- .فى المصدر : «إذا» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما فى كنز العمّال .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 270 ح 3082 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 590 كلاهما عن أبى موسى ، كنز العمّال : ج 1 ص 477 ح 2081 .
3- .غرر الحكم : ح 7583 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 88 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 92 ح 2259 ، مجمع البيان : ج 4 ص 829 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 284 ح 31 .
5- .النساء : 147 .
6- .الفرقان : 77 .

7- .الأمالى للطوسى : ص 493 ح 1081 عن عمر بن صبح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 49 ح 65 .
8- .المحاسن : ج 1 ص 459 ح 1062 ، الأُصول الستّه عشر : ص 77 وفيه «أبواب» بدل «نوائب» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 393 ح 73 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند دو امان برای امّتم بر من نازل کرد: «تا تو در میان ایشان هستی ، خداوندْ عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش می طلبند ، خداوند عذاب کننده ایشان نخواهد بود» . پس، هر گاه من رفتم ، آمرزش خواهی را تا روز قیامت ، در میانشان بر جای می گذارم.

امام علی علیه السلام :اگر مردم ، زمانی که نافرمانی [خدا] کردند ، توبه می نمودند و آمرزش می طلبیدند ، عذاب نمی شدند و هلاک نمی گشتند.

امام علی علیه السلام :در زمین ، دو مایه ایمنی از عذاب خدا وجود داشت که یکی از آن دو بُرده شد . پس آن دیگری را دریابید و بدان ، چنگ زنید. آن مایه ایمنی که بُرده شد ، پیامبر خدا بود، و آن مایه ایمنیِ باقی مانده ، آمرزش خواهی است. خداوند متعال فرموده است: «تا تو در میان ایشان هستی ، خداوندْ عذابشان نمی کند، و تا زمانی که آمرزش می طلبند ، خداوندْ عذاب کننده ایشان نخواهد بود».

امام علی علیه السلام :چهار چیز است که به سود آدمی است ، نه به زیان او: ایمان، و سپاس گزاری؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: «اگر سپاس بگزارید و ایمان آورید ، خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟» ؛ [سوم،]آمرزش خواهی؛ زیرا فرموده است: «و تا تو در میان ایشان هستی ، خداوندْ عذابشان نمی کند ، و تا زمانی که آمرزش بخواهند ، خداوندْ عذاب کننده ایشان نخواهد بود» ؛ و [چهارم]دعا؛ زیرا فرموده: «بگو: اگر دعای شما نباشد ، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» .

امام صادق علیه السلام :هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت ، مگر به سبب نپرداختن زکات . پس، اموال خود را با پرداخت زکات ، نگه دارید، و بیمارانتان را با دادن صدقه ، درمان کنید، و بلاهای سخت را با آمرزش خواهی ، از خود دور نمایید.

.

4 / 7دَفعُ الهُمومِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَبطَأَ الرِّزقَ فَليُكثِر مِنَ التَّكبيرِ ، ومَن كَثُرَ هَمُّهُ وغَمُّهُ فَليُكثِر مِنَ الاِستِغفارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ظَهَرَت عَلَيهِ النِّعمَهُ فَليُكثِر ذِكرَ «الحَمدُ للّهِ» ، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَعَلَيهِ بِالاِستِغفارِ ، ومَن أَلَحَّ عَلَيهِ الفَقرُ فَليُكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يَنفى عَنهُ الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَلبَسَهُ اللّهُ نِعمَهً فَليُكثِر مِن : «الحَمدُ للّهِ» ، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَلِيَستَغفِرِ اللّهَ ، ومَن أَبطَأَ عَنهُ رِزقُهُ فَليُكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ، ومَن نَزَلَ مَعَ قَومٍ فَلا يَصومَنَّ إلّا بِإِذنِهِم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكثَرَ مِنَ الاِستِغفارِ جَعَلَ اللّهُ لَهُ مِن كُلِّ هَمٍّ فَرَجا ، ومِن كُلِّ ضيقٍ مَخرَجا ، ويَرزُقُهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ . (4)

الدعوات عن محمّد بن الريّان :كَتَبتُ إلى أبِى الحَسَنِ الثّالِثِ عليه السلام أسأَلُهُ أن يُعَلِّمَنى دُعاءً لِلشَّدائِدِ وَالنَّوازِلِ (5) وَالمُهِمّاتِ وقَضاءِ حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وأن يَخُصَّنى كَما خَصَّ آباؤُهُ مَوالِيَهُم . فَكَتَبَ إلَىَّ : اِلزَمِ الاِستِغفارَ . (6)

.

1- .كنز العمّال : ج 4 ص 27 ح 9325 نقلاً عن الديلمى عن أنس .
2- .الكافى : ج 8 ص 93 ح 65 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 114 ح 113 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، النوادر للراوندى : ص 124 ح 140 ، معدن الجواهر : ص 50 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 296 ح 10 ؛ تاريخ بغداد : ج 2 ص 52 نحوه عن أنس ، كنز العمّال : ج 15 ص 847 ح 43368 .
3- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 333 ح 6555 ، تاريخ دمشق : ج 47 ص 58 ح 10149 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 938 ح 43612 .
4- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 118 ح 10290 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 85 ح 1518 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1255 ح 3819 وفيهما

«لزم» بدل «أكثر من» ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 535 ح 2234 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 291 ح 7677 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2069 .
5- .النّازله : الشديده من شدائد الدهر تنزل بالناس ، الجمع نوازل (الصحاح : ج 5 ص 1828 «نزل») .
6- .الدعوات : ص 49 ح 120 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 283 ح 30 .

4 / 7زدودن غم و اندوهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در رسیدن روزی کُندی دید، بسیار تکبیر بگوید، و هر کس غم و اندوهش بسیار شد ، طلب آمرزش کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نعمت ، او را فرا گرفت ، ذکر «الحمدللّه ؛ ستایش ، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس غم هایش بسیار شد ، به آمرزش خواهی رو آورد، و هر کس فقر دامنگیرش شد ، جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگوید، فقر را از او می زُداید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که خداوند بر او نعمتی بپوشانَد ، باید [جمله] «ستایش ، برای خداست» را بسیار بگوید، و هر کس که [غم و] اندوه هایش فزونی گیرد ، باید از خدا آمرزش بطلبد، و هر کس روزی اش دیر به او برسد ، باید جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را فراوان بگوید، و هر کس میهمان قومی شود ، نباید جز با اجازه آنها روزه[ی مستحبّی]بگیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بسیار آمرزش خواهی کند ، خداوندْ برای هر غم ، او گشایشی، و برای هر تنگنای او ، برون رفتی قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی برَد ، روزی می دهد.

الدعوات به نقل از محمّد بن ریّان : به امام هادی علیه السلام نوشتم و درخواست کردم که دعایی برای سختی ها و بلایا و گرفتاری ها و برآورده شدن حوایج دنیا و آخرت ، به من بیاموزد و به من ، عنایت خاصّ ورزَد، چنان که پدرانش به دوستانشان عنایت ویژه داشتند. امام علیه السلام به من نوشت: «آمرزش خواهی را وامگذار» .

.

4 / 8دَفعُ الشَّدائِدِالفرج بعد الشدّه :حَدَّثَنى أيّوبُ بنُ العَبّاسِ بنِ الحَسَنِ بِإسنادٍ كَثيرٍ ، أنَّ أعرابِيّا شَكى إلى أميرِ المُؤمِنينَ عَلِيٍّ عليه السلام شَكوى لَحِقَتهُ ، وضيقا فِى الحالِ وكَثرَةً مِنَ العِيالِ ، فَقالَ لَهُ : عَلَيكَ بِالاِستِغفارِ ، فَإنَّ اللّهَ عز و جليَقولُ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (1) الآياتِ . فَمَضَى الرَّجُلُ وعادَ إلَيهِ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى قَدِ استَغفَرتُ اللّهَ كَثيرا ولَم أرَ فَرَجا مِمّا أنَا فيهِ ! فَقالَ لَهُ : لَعَلَّكَ لا تُحسِنُ الاِستِغفارَ . قالَ : عَلِّمنى . فَقالَ : أخلِص نِيَّتَكَ ، وأطِعِ رَبَّكَ ، وقُل : اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِىَ عَلَيهِ بَدَنى بِعافِيَتِكَ ، أو نالَتهُ قُدرَتى بِفَضلِ نِعمَتِكَ ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدى بِسابِغِ رِزقِكَ ، وَاتَّكَلتُ فيهِ عِندَ خَوفى مِنهُ عَلى أمانِكَ ، ووَثِقتُ فيهِ بِحِلمِكَ ، وعَوَّلتُ فيهِ عَلى كَريمِ عَفوِكَ ، اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُكَ مِن كُلِّ ذَنبٍ خُنتُ (2) فيهِ أمانَتى ، أو بَخَستُ فيهِ نَفسى ، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذَّتى ، أو آثَرتُ فيهِ شَهوَتى ، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيرى ، أوِ استَغوَيتُ إلَيهِ مَن تَبِعَنى ، أو غَلَبتُ فيهِ بِفَضلِ حيلَتى ، أو أحَلتُ فيهِ عَلى مَولاىَ فَلَم يُعاجِلنى عَلى فِعلى ، إذ كُنتَ سُبحانَكَ كارِها لِمَعصِيَتى غَيرَ مُريدِها مِنّى ، لكِن سَبَقَ عِلمُكَ فِىَّ بِاختِيارى وَاستِعمالِ مُرادى ، وإيثارى ، فَحَلُمتَ عَنّى ، ولَم تُدخِلنى فيهِ جَبرا ولَم تَحمِلنى عَلَيهِ قَهرا ، ولَم تَظلِمنى عَلَيهِ شَيئا ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . يا صاحِبى فى شِدَّتى ، يا مُؤنِسى فى وَحدَتى ، يا حافِظى فى غُربَتى ، يا وَلِيّى فى نِعمَتى ، يا كاشِفَ كُربَتى ، يا مُستَمِعَ دَعوَتى ، يا راحِمَ عَبرَتى ، يا مُقيلَ عَثرَتى ، يا إلهى بِالتَّحقيقِ ، يا رُكنِىَ الوَثيقَ ، يا رَجائى لِلضّيقِ (3) ، يا مَولاىَ الشَّفيقَ ، يا رَبَّ البَيتِ العَتيقِ ، أخرِجنى مِن حَلَقِ المَضيقِ إلى سَعَهِ الطَّريقِ ، بِفَرَجٍ مِن عِندِكَ قَريبٍ وَثيقٍ ، وَاكشِف عَنّى كُلَّ شِدَّهٍ وضيقٍ ، وَاكفِنى ما أُطيقُ وما لا أُطيقُ . اللّهُمَّ فَرِّج عَنّى كُلَّ هَمٍّ وغَمٍّ ، وأخرِجنى مِن كُلِّ حُزنٍ وكَربٍ ، يا فارِجَ الهَمِّ ويا كاشِفَ الغَمِّ ، ويا مُنزِلَ القَطرِ ، ويا مُجيبَ دَعوَهِ المُضطَرِّ ، يا رَحمنَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ورَحيمَهُما ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ، وفَرِّج عَنّى ما ضاقَ بِهِ صَدرى ، وعيلَ مَعَهُ صَبرى ، وقَلَّت فيهِ حيلَتى ، وضَعُفَت لَهُ قُوَّتى ، يا كاشِفَ كُلِّ ضُرٍّ وبَلِيَّهٍ ، يا عالِمَ كُلِّ سِرٍّ وخَفِيَّهٍ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ «وَ أُفَوِّضُ أَمْرِى إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (4) ، وما تَوفيقى إلّا بِاللّهِ ، عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ . قالَ الأعرابِىُّ : فَاستَغفَرتُ بِذلِكَ مِرارا فَكَشَفَ اللّهُ عَنّى الغَمَّ وَالضّيقَ ، ووَسَّعَ عَلَىَّ فِى الرِّزقِ ، وأزالَ المِحنَهَ . (5)

.

1- .نوح : 10 .
2- .فی المصدر : «خفتُ» ، والتصویب من دستور معالم الحکم وکنز العمّال .
3- .فی کنز العمّال : «یا جارِیَ اللَّصیقَ» .
4- .غافر : 44 .
5- .الفرج بعد الشدّه للتنوخی : ج 1 ص 42 ، دستور معالم الحکم : ص 90 نحوه ولیس فیه ذیله من «یا أرحم الراحمین ، یا صاحبی فی شدّتی...» ، کنز العمّال : ج 2 ص 258 ح 3966 نقلاً عن ابن النجّار .

4 / 8برطرف ساختن سختی هاالفرج بعد الشدّه :ایّوب بن عبّاس بن حسن ، با اِسناد بسیار ، برایم نقل کرد که بادیه نشینی به امیر مؤمنان علی علیه السلام از رنجوری و تنگ دستی و عیالواری اش شکایت کرد . ایشان به او فرمود: «بر تو باد آمرزش خواهی ؛ زیرا خداوند عز و جلمی فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است» (تا آخر آیات)». مرد رفت و [پس از چندی]باز آمد و گفت: ای امیر مؤمنان، من از خداوند ، بسیار آمرزش طلبیدم ؛ امّا گشایشی در وضع خود ندیدم! فرمود: «شاید آمرزش خواهی را نیکو (درست) انجام نمی دهی» . گفت: به من بیاموز. فرمود: «نیّتت را خالص گردان» و از پروردگارت ، فرمان ببر و بگو: «بار خدایا! از تو آمرزش می طلبم از هر گناهی که تنم، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا نیرویم که با نعمت تو آن را به دست آورده ام به آن رسید، یا دستم، بر اثر برخورداری از نعمت فراوان تو، به سوی آن کشیده شد، و آن گاه که خواستم از آن گناه بترسم ، به امان دهی تو تکیه کردم و به بردباری تو پشت گرم شدم و به عفو کریمانه تو اعتماد کردم. بار خدایا! از تو آمرزش می طلبم از هر گناهی که در آن ، در امانتم خیانت کردم، یا خویشتن را حقیر گردانیدم، یا در آن ، لذّت خود را مقدّم داشتم، یا خواسته ام را ترجیح دادم، یا در آن ، برای غیر خودم کوشیدم، یا پیروانم را گم راه کرده ، به سوی آن کشانیدم، یا به لطف چاره گری ام بر آن چیره آمدم، یا در آن ، با سَروَرم [خداوند] از در فریب در آمدم ، ولی او مرا بی درنگ ، به کیفر این کردارم نرساند؛ زیرا که تو ای پروردگار پاک ، نافرمانی مرا خوش نمی داشتی و آن را از من نمی خواستی ؛ بلکه علم اَزَلی تو ، به اختیار من و به کار گرفتن اراده ام و انتخابگری ام تعلّق گرفت . پس نسبت به من ، بردباری ورزیدی و به جبر ، در آن [گناه]واردم نکردی، و به زور ، بر آنم وا نداشتی و در باره آن ، بر من ستمی نکردی [، بلکه خود بر خویشتن ستم کردم]، ای مهربان ترینِ مهربانان، ای یارِ سختی های من، ای مونس تنهایی من، ای نگهدار من در غربت، ای ولی نعمت من، ای زُداینده اندوه من، ای شنونده دعای من، ای رحم آورنده بر گریه من، ای گذشت کننده از لغزش من، ای معبود راستین من، ای تکیه گاه استوار من، ای امید من در تنگناها، ای سَرور دلسوز من، ای پروردگار خانه کهن (کعبه)! با گشایشی نزدیک و استوار از جانب خودت، مرا از تنگه تو در تو ، به راه

فراخ ، بیرون بَر، و هر گونه سختی و تنگنایی را از من بزُدای و گرفتاری هایم را، چه آن گرفتاری ای که آن را برمی تابم یا بر نمی تابم، برطرف فرما. بار خدایا! هر نگرانی و غمی را از من ، دور گردان، و مرا از هر اندوه و رنجی بِرَهان، ای زداینده نگرانی و ای برطرف کننده اندوه، و ای فرو فرستنده باران، و ای اجابت کننده دعای درمانده، و ای مهرگستر در دنیا و آخرت! بر محمّد، این برگزیده تو از میان آفریدگانت، و بر خاندان پاک و پاکیزه او درود فرست ، و آنچه را که مرا به تنگ آورده و شکیبایی را از کفم رُبوده و از چاره گری در آن ، فرو مانده ام و در رفع آن ، ناتوان گشته ام، از من برطرف فرما، ای برطرف کننده هر گزند و بلایی، ای داناىِ هر راز و نهانی، ای مهربان ترینِ مهربانان! «من ، کار خویش را به خدا وا می گذارم ، که خدا برکار بندگانْ بیناست» ، و موفّقیّتم ، جز به توفیق دهیِ خدا نیست . بر او توکّل کردم ، و او پروردگارِ عرش بزرگ است » . بادیه نشین گفت: من ، با این دعا بارها آمرزش خواستم و سرانجام ، خداوند ، اندوه و تنگنا از من بُرد و درِ روزی را بر من گشود،و رنج و محنت را زُدود.

.

ص: 82

. .

ص: 83

. .

4 / 9سَعَهُ الرِّزقِالكتاب«وَ أَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِن تَوَلَّوْاْ فَإِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» . (1)

«وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ» . (2)

«وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَلِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُواْ اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» . (3)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا» . (4)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِرُوا الاِستِغفارَ ؛ فَإِنَّهَ يَجلِبُ الرِّزقَ . (5)

عنه صلى اللهِ عليه و آله :مَن أنعَمَ اللّهُ تَعالى عَلَيهِ نِعمَةً فَليَحمَدِ اللّهَ تَعالى ، ومَنِ استَبطَأَ (6) الرِّزقَ فَليَستَغفِرِ اللّهَ . (7)

.

1- .هود : 3 .
2- .هود : 52 .
3- .هود : 61 .
4- .نوح : 10 12 .
5- .كنز الفوائد : ج 2 ص 197 ، الخصال : ص 615 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «تجلبوا» بدل «فإنّه يجلب» ، تحف العقول : ص 106 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 103 ص 21 ح 14 .
6- .فى المصدر : «استبطأ عليه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 46 ح 171 عن داوود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى :

ص 480 ح 1048 عن عبد العزيز بن محمّد بن الدراوردى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كشف الغمّه : ج 2 ص 369 عن ابن أبى حازم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 71 ص 45 ح 49 ؛ شعب الإيمان : ج 4 ص 108 ح 4446 عن عبد العزيز بن محمّد الدراوردى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 3 ص 259 ح 6442 .

4 / 9گشایش روزیقرآن«و این که از پروردگارتان آمرزش خواهید ، سپس به سوی او باز آیید تا شما را تا سر رسیدی تعیین شده، از بهره ای نیکو برخوردار کند و فزونِ هر فزونمندی (/پاداش هر بخشنده ای) را بدو دهد . و اگر پشت کنند ، من از کیفر روزی بزرگ ، بر شما بیم دارم» .

«ای قوم من ! از پروردگارتان آمرزش بخواهید . سپس به سوی او باز آیید تا باران پیاپی ، بر شما فرو ریزد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید ؛ و بزهکارانه ، پشت مکنید» .

«و به سوی ثمود ، برادرشان صالح [را فرستادیم] . گفت: «ای قوم من ! خدا را بپرستید که جز او ، شما را معبودی نیست. او ، شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن ، به آبادانی وا داشت . پس از او آمرزش بخواهید . سپس به سوی او باز آیید که پروردگار من ، نزدیک و اجابت کننده است»» .

«پس گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا باران را بر شما پیاپی ، فرو فرستد . و شما را با مال و فرزندان ، یاری دهد و برایتان باغ ها پدید آورد و نهرها جاری سازد»» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بسیار آمرزش بخواهید ؛ زیرا این کار ، روزی می آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که خدای متعال به او نعمتی داد، خدای متعال را سپاس گوید، و هر کس در رسیدن روزی کُندی دید ، از خدا آمرزش طلبد.

.

الإمام علىّ عليه السلام :اِستَغفِر تُرزَق . (1)

عنه عليه السلام :الاِستِغفارُ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (2)

عنه عليه السلام لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : إذا أبطَأَتِ الأَرزاقُ عَلَيكَ فَاستَغفِرِ اللّهَ ، يُوَسِّع عَلَيكَ فيها . (3)

عنه عليه السلام :قَد جَعَلَ اللّهُ سُبحانَهُ الاِستِغفارَ سَبَبا لِدُرورِ الرِّزقِ ، ورَحمَهِ الخَلقِ ، فَقالَ سُبحانَهُ : «اِسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا» (4) فَرَحِمَ اللّهُ امرَأ استَقبَلَ تَوبَتَهُ ، وَاستَقالَ خَطيئَتَهُ ، وبادَرَ مَنِيَّتَهُ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :إذا أبطَأَ عَلَيكَ رِزقٌ فَقُل : أستَغفِرُ اللّهَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام لِسُفيانَ الثَّورِىِّ : يا سُفيانُ ، إذا أنعَمَ اللّهُ عَلَيكَ بِنِعمَهٍ فَأَحبَبتَ بَقاءَها ، فَأَكثِر مِنَ الحَمدِ وَالشُّكرِ عَلَيها ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جلقالَ فِى كِتابِهِ العَزيزِ : «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (7) . وإذَا استَبطَأتَ الرِّزقَ فَأَكثِر مِنَ الاِستِغفارِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جليَقولُ فى كِتابِهِ : «اِسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ» يَعنى فِى الدُّنيا «وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ» فِى الآخِرَهِ . يا سُفيانُ ، إذا حَزَنَكَ أمرٌ مِن سُلطانٍ أو غَيرِهِ ، فَأَكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» ؛ فَإِنَّها مِفتاحُ الفَرَجِ ، وكَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ . (8)

.

1- .غرر الحكم : ح 2228 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 78 ح 1891 .
2- .الخصال : ص 505 ح 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : ص 230 ح 645 ، روضه الواعظين : ص 499 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 277 ح 4 .
3- .تحف العقول : ص 174 ، بشاره المصطفى : ص 27 عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 270 ح 1 و ص 415 ح 38 .
4- .نوح : 10 12 .

5- .نهج البلاغه : الخطبه 143 ، أعلام الدين : ص 285 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 313 ح 3 .
6- .نثر الدرّ : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 187 ح 30 .
7- .إبراهيم : 7 .
8- .كشف الغمّه : ج 2 ص 368 عن مالک بن أنس ، بحار الأنوار : ج 78 ص 201 ح 29 .

امام علی علیه السلام :آمرزش بخواه تا روزی داده شوی.

امام علی علیه السلام :آمرزش خواهی، روزی را بسیار می کند.

امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد : هر گاه روزی ات دیر به تو رسید ، آمرزش بخواه تا در آن ، به تو گشایش داده شود.

امام علی علیه السلام :خداوندِ پاک ، آمرزش خواهی را سبب سرازیر شدن روزی، و مهر آوردن بر آفریدگان قرار داد و فرمود: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا باران را پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان ، شما را یاری رساند و برایتان ، باغ ها پدید آورد و برایتان ، جویبارها روان می سازد» . پس رحمت خدا بر آن کسی که به توبه رو آورَد و از خطایش دست بکِشد و پیش از مرگش کاری بکند!

امام باقر علیه السلام :هر گاه روزی ای به تو دیر رسید ، بگو: «از خدا آمرزش می طلبم».

امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری : ای سفیان! هر گاه خداوند به تو نعمتی بخشید و دوست داشتی برایت بمانَد،]خدا را] بر آن ، بسیار ستایش و سپاس گو ؛ زیرا خداوند عز و جل در کتاب ارجمندش فرموده است: «اگر سپاس بگزارید ، به شما بیشتر می دهم» ، و هر گاه در رسیدن روزی ، کُندی یافتی ، بسیار آمرزش خواهی کن ؛ چرا که خداوند عز و جل در کتابش می فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا باران پیاپی بر شما فرو فرستد و با مال و فرزندان ، شما را یاری رساند» ، یعنی در دنیا . «و برایتان باغ ها قرار دهد» ، [یعنی] در آخرت. ای سفیان! هر گاه از جانب سلطان یا غیر او ، تو را پیشامدی ناراحت کننده رسید ، جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن ، کلید گشایش و گنجی از گنج های بهشت است.

.

الكافى عن إبراهيم بن صالح ، عن رجل من الجعفريّين :كانَ بِالمَدينَهِ عِندَنا رَجُلٌ يُكَنّى أبَا القَمقامِ ، وكانَ مُحارَفا (1) ، فَأتى أبَا الحَسَنِ عليه السلام فَشَكا إلَيهِ حِرفَتَهُ ، وأخبَرَهُ أنَّهُ لا يَتَوَجَّهُ فى حاجَهٍ فَتُقضى (2) لَهُ ! فَقالَ لَهُ أبُو الحَسَنِ عليه السلام : قُلِ فى آخِرِ دُعائِکَ مِن صَلاهِ الفَجرِ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ» عَشرَ مَرّاتٍ . قالَ أبُو القَمقامِ : فَلَزِمتُ ذلِکَ ، فَوَاللّهِ ما لَبِثتُ إلّا قَليلاً حَتّى وَرَدَ عَلَيَّ قَومٌ مِنَ البادِيَهِ ، فَأخبَرونى أنَّ رَجُلاً مِن قَومى ماتَ ولَم يُعرَف لَهُ وارِثٌ غَيرى ، فَانطَلَقتُ فَقَبَضتُ ميراثَهُ وأنَا مُستَغنٍ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى صَلاهِ الاِستِغفارِ : إذا رَأَيتَ فى مَعاشِکَ ضيقا ، وفى أمرِکَ التِياثا (4) ، فَأنزِل حاجَتَکَ بِاللّهِ عز و جل ، ولا تَدَع صَلاهَ الاِستِغفارِ . وهِىَ رَكعَتانِ : تَفتَتِحُ الصَّلاهَ وتَقرَأُ الحَمدَ و«إنّا أنزَلناهُ» مَرَّهً واحِدَهً فى كُلِّ رَكعَهٍ ، ثُمَّ تَقولُ بَعدَ القِراءَهِ : «أستَغفِرُ اللّهَ» خَمسَ عَشرَهَ مَرَّهً ، ثُمَّ تَرکَعُ فَتَقولُها عَشرا ، عَلى هَيئَهِ صَلاهِ جَعفَرٍ رضى الله عنه ؛ يُصلِحُ اللّهُ لَکَ شَأنَکَ كُلَّهُ إن شاءَ اللّهُ تَعالى . (5)

.

1- .رجل مُحارَف بفتح الرّاء : أى محدود محروم ، وهو خلاف قولک مبارک . وقد حُورف كسب فلان :إذا شدّد عليه فى معاشه ، كأنّه ميلَ برزقه عنه (الصحاح : ج 4 ص 1342 «حرف») .
2- .فى المصدر : «فيقضى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .الكافى : ج 5 ص 315 ح 46 ، عدّه الداعى : ص 251 نحوه ، بحار الأنوار : ج 48 ص 173 ح 14 .
4- .الالتياث : الاختلاط والالتفاف والإبطاء (القاموس المحيط : ج 1 ص 174 «لوث») .
5- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 115 ح 2320 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 354 ح 18 .

الکافی به نقل از ابراهیم بن صالح ، از مردی از جعفریان : در مدینه ، مردی داشتیم که به او «ابوقَمْقام» می گفتند و آدم محروم و بدبختی بود. خدمت ابوالحسن علیه السلام (1) آمد و از محرومیّت و بدبختی خود به ایشان ، شکایت کرد و گفت که دست به هر کاری می زند ، گرفتاری اش برطرف نمی شود . ابوالحسن علیه السلام به او فرمود: «در پایان دعای نماز صبحت ، ده مرتبه بگو: «پاکا خدای بزرگ! از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او درخواست می کنم». ابوقمقام گفت: من بر این امر ، مداومت ورزیدم و به خدا سوگند ، طولی نکشید که عدّه ای از بادیه نزدم آمدند و به من خبر دادند که مردی از قوممم مُرده و جز من ، وارثی برای او شناخته نشده است و من رفتم و میراث او را گرفتم و بی نیاز شدم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز آمرزش خواهی : هر گاه در زندگی خود ، مضیقه و در کارهایت ، کُندی [و گِرِهی]دیدی، حاجتت را به نزد خداوند عز و جل ببر و نماز آمرزش خواهی را وا مگذار. و آن ، دو رکعت است: نماز را آغاز می کنی و سوره حمد و «انّا انزلناه» را یک بار در هر رکعت می خوانی. سپس، بعد از قرائت ، پانزده مرتبه «استغفر اللّه » می گویی . آن گاه به رکوع می روی و باز ، پانزده مرتبه آن را می گویی، به شیوه نماز جعفر که خداوند از او خشنود باد خداوند إن شاءاللّه تعالی تمام گرفتاری های تو را برطرف می کند.

.

1- .منظور از ابو الحسن ، در اینجا امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

راجع : ص 80 (الفصل الرابع : بركات الاستغفار / دفع الشدائد) .

4 / 10كَثرَةُ العِلمِ أوِ المالِالإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ كُلَّ يَومٍ أربَعَمِئَهِ مَرَّهٍ مُدَّهَ شَهرَينِ مُتَتابِعَينِ ، رُزِقَ كَنزا مِن عِلمٍ أو كَنزا مِن مالٍ ، وهُوَ : أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، الحَىُّ القَيّومُ ، بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، مِن جَميعِ جُرمى وظُلمى وإسرافى عَلى نَفسى ، وأتوبُ إلَيهِ . (1)

4 / 11قَضاءُ الدَّينِالكافى عن إسماعيل بن سهل :كَتَبتُ إلى أبى جَعفَرٍ (صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ) : إنّى قَد لَزِمَنى دَينٌ فادِحٌ ، فَكَتَبَ : أكثِر مِنَ الاِستِغفارِ ، ورَطِّب لِسانَکَ بِقِراءَهِ «إنّا أنزَلناهُ» . (2)

.

1- .المصباح للكفعمى : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 20 ح 21 .
2- .الكافى : ج 5 ص 316 ح 51 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 399 نحوه ، بحار الأنوار : ج 92 ص 329 ح 8 .

ص: 91

4 / 10 بسیاری دانش و دارایی

4 / 11 پرداخته شدن بدهی ها

ر . ک : ص 81 (برکت های آمرزش خواهی / برطرف ساختن سختی ها) .

4 / 10بسیاری دانش و داراییامام صادق علیه السلام :هر کس دو ماه پیاپی، روزی چهارصد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست ، جز او که مهرگستر مهربان، زنده پاینده و پدید آوردنده آسمان ها و زمین است، آمرزش می طلبم از همه جرم ها و ستم هایم و زیاده روی هایم در حقّ خودم ، و به درگاه او توبه می کنم»، گنجی از دانش یا گنجی از دارایی، روزی اش می شود.

4 / 11پرداخته شدن بدهی هاالکافی به نقل از اسماعیل بن سهل : به امام باقر که درودهای خدا بر او باد نوشتم: بدهی سنگینی دامنگیرم شده است. ایشان [، در پاسخ من] نوشت : «بسیار آمرزش بخواه و زبانت را به تلاوت «انا انزلناه» تَر و تازه بدار.

.

4 / 12إفادَهُ الوَلَدِالكتاب«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا» . (1)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :إذا أرَدتَ الوَلَدَ فَتَوَضَّأ وُضوءا سابِغا ، وصَلِّ رَكعَتَينِ ، وحَسِّنهُما ، وَاسجُد بَعدَهُما سَجدَةً ، وقُل : «أستَغفِرُ اللّهَ» إحدى وسَبعينَ مَرَّةً ، ثُمَّ تَغشَّ امرَأَتَکَ وقُل : «اللّهُمَّ إن تَرزُقنى وَلَدا لَاُسَمِّيَنَّهُ بِاسمِ نَبِيِّکَ» فَإِنَّ اللّهَ يَفعَلُ ذلِکَ ؛ فَإِنّى أمَرتُکَ بِالطَّهورِ ، وقَد قالَ اللّهُ تَعالى : «وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (2) ، وأمَرتُکَ بِالصَّلاةِ ، وقَد سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «أقرَبُ ما يَکونُ العَبدُ مِن رَبِّهِ إذا رَآهُ ساجِدا وراکِعا» ، وأمَرتُکَ بِالاِستِغفارِ ، وقَد قالَ اللّهُ تَعالى : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ» ، وقالَ تَعالى لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله : «إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (3) فَأمَرتُکَ أن تَزيدَ عَلَى السَّبعينَ . (4)

مكارم الأخلاق عن الإمام الحسن عليه السلام :أنَّهُ وَفَدَ عَلى مُعاوِيَةَ ، فَلَمّا خَرَجَ تَبِعَهُ بَعضُ حُجّابِهِ وقالَ : إنّى رَجُلٌ ذو مالٍ ولا يولَدُ لى ، فَعَلِّمنى شَيئا لَعَلَّ اللّهَ يَرزُقُنى وَلَدا . فَقالَ : عَلَيکَ بِالاِستِغفارِ . فَكانَ يُكثِرُ الاِستِغفارَ ، حَتّى رُبَّمَا استَغفَرَ فِي اليَوم سَبعَمِئَهِ مَرَّهٍ ، فَوُلِدَ لَهُ عَشَرَهُ بَنينَ . فَبَلَغَ ذلِکَ مُعاوِيَهَ فَقالَ : هَلّا سَأَلتَهُ مِمَّ قالَ ذلِکَ ؟ فَوَفَدَهُ وَفدَهً اُخرى ، فَسَأَلَهُ الرَّجُلُ فَقالَ : أَلَم تَسمَع قَولَ اللّهِ عَزَّ اسمُهُ فى قِصَّهِ هودٍ عليه السلام : «وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ» (5) ، وفى قِصَّهِ نوحٍ عليه السلام : «وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ» (6) . (7)

.

1- .نوح : 10 12 .
2- .البقره : 222 .
3- .التوبه : 80 .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 133 ح 2344 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 363 ح 23 .
5- .هود : 52 .
6- .نوح : 12 .

7- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 483 ح 1672 ، تفسير جوامع الجامع : ج 2 ص 151 ، المصباح للكفعمى : ص 218 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 86 ح 51 .

4 / 12روزی شدن فرزندقرآن«و گفتم: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا برای شما از آسمان ، باران پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان ، یاری کند و برایتان ، باغ ها قرار دهد و برای شما نهرها جاری سازد» .

حدیثامام علی علیه السلام :هر گاه فرزند خواستی ، وضویی شاداب بساز و دو رکعت نماز نیکو بگزار و در پایان ، به سجده برو و هفتاد و یک بار بگو: «از خدا آمرزش می خواهم» . سپس با همسرت هم بستر شو و بگو: «بار خدایا ! اگر مرا فرزندی روزی کردی ، او را به نام پیامبرت می نامم» . پس خدا به تو فرزندی خواهد داد. این که گفتم : «وضو بساز»، چون خداوند متعال فرموده است: «و [خدا] پاکیزگان را دوست می دارد» . و این که گفتم : «نماز بخوان»؛ چون از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «نزدیک ترین حالت بنده به پروردگارش ، هنگامی است که او را در حال سجده و رکوع ببیند» . و این که تو را به آمرزش خواهی فرمان دادم، چون خداوند متعال فرموده است: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا بر شما از آسمان ، بارانِ پیاپی فرو فرستد و شما را به اموال و فرزندان ، یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و برای شما نهرها پدید آورد» . و خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر هفتاد مرتبه هم برایشان آمرزش بخواهی ، هرگز خداوند، آنان را نخواهد آمرزید» . لذا گفتم از هفتاد بار بیشتر آمرزش بخواهی.

مکارم الأخلاق :امام حسن علیه السلام بر معاویه وارد شد و چون از نزد او بیرون آمد ، یکی از پرده داران معاویه ، دنبال ایشان آمد و گفت: من ، مردی ثروتمندم ؛ امّا بچّه دار نمی شوم . به من چیزی بیاموز ؛ بلکه خداوند ، مرا فرزندی روزی کند. فرمود: «بر تو باد آمرزش خواهی !» . آن شخص ، آمرزش خواهی می کرد تا جایی که گاه روزی هفتصد مرتبه ، آمرزش می طلبید و ده پسر، روزی اش شد. این خبر به معاویه رسید . به آن مرد گفت: چرا دلیل سخنش را از او (امام حسن علیه السلام) نپرسیدی؟ بار دیگر که امام علیه السلام به نزد معاویه آمد، آن مرد ، [دلیلش را] از ایشان پرسید . فرمود: «آیا سخن خداوند در داستان هود علیه السلام را

نشنیده ای که: «و نیرویی بر نیرویتان می افزاید» ؟ و در داستان نوح علیه السلام [این سخن را] که: «و شما را با اموال و فرزندان ، یاری می رساند» ؟» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام لِبَعضِ أصحابِهِ : قُل فى طَلَبِ الوَلَدِ : « «رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَ أَنتَ خَيْرُ الْوَ رِثِينَ» ، وَاجعَل لى مِن لَدُنکَ وَلِيّا يَرِثُنى فى حَياتى ، ويَستَغفِرُ لى بَعدَ مَوتى ، وَاجعَلهُ لى خَلقا سَوِيّا ، ولا تَجعَل لِلشَّيطانِ فيهِ نَصيبا ، اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ ، إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ» سَبعينَ مَرَّةً . فَإِنَّهُ مَن أكثَرَ مِن هذَا القَولِ ، رَزَقَهُ اللّهُ تَعالى ما تَمَنّى مِن مالٍ ووَلَدٍ ، ومِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، فَإِنَّهُ يَقولُ : «اِسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا* وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا» (1) . (2)

الكافى عن ابن أبى عمير عن بعض أصحابه :شَكَا الأَبرَشُ الكَلبِىُّ إلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام أنَّهُ لا يولَدُ لَهُ ، فَقالَ لَهُ : عَلِّمنى شَيئا . قالَ : اِستَغفِرِ اللّهَ فى كُلِّ يَومٍ و (3) فى كُلِّ لَيلَهٍ مِئَهَ مَرَّهٍ ، فَإِنَّ اللّهَ يَقولُ : «اسْتَغْفِرُواْرَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» إلى قَولِهِ : «وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ» . (4)

.

1- .نوح : 10 12 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 474 ح 4660 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 481 ح 1666 وفيه «يبرّ بى» بدل «يرثنى» ، المصباح للكفعمى : ص 217 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 84 ح 45 .
3- .فى نسخه : «أو» بدل «و» .
4- .الكافى : ج 6 ص 8 ح 4 .

امام زین العابدین علیه السلام به یکی از یارانش : برای درخواست فرزند ، بگو: «پروردگارا ! مرا تنها مگذار و تو بهترینِ ارث بَرَندگانی» . و از جانب خودت برایم جانشینی قرار ده که در زمان حیاتم ، وارث من شود و پس از مرگم ، برایم آمرزش طلبد، و او را مخلوقی سالم قرار ده، و برای شیطان ، در او بهره ای قرار مده. بار خدایا ! از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم، که تو آمرزگاری مهربانی». این را هفتاد مرتبه بگو ؛ زیرا هر کس این گفتار را بسیار بگوید ، خداوند متعال ، آنچه از دارایی و فرزند و خیر دنیا و آخرت، آرزو کند ، روزی او می گرداند؛ زیرا می فرماید: «از پروردگارتان، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و فرزندان ، یاریتان رساند و برایتان ، باغ ها قرار دهد و نهرها جاری سازد» .

الکافی به نقل از ابن ابی عمیر ، از یکی از یارانش : اَبْرَش کلبی به امام باقر علیه السلام شِکوه کرد که بچّه دار نمی شود، و گفت : به من ، دعایی بیاموز. فرمود: «در هر روز و هر شب ، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است» تا: «و شما را با اموال و فرزندان ، یاری رساند» .

.

مجمع البيان عن محمّد بن يوسف عن أبيه :سَأَلَ رَجُلٌ أبا جَعفَرٍ عليه السلام وأنَا عِندَهُ فَقالَ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ، إنّی کَثیرُ المالِ ولَیسَ یولَدُ لی وَلَدٌ ، فَهَل مِن حیلَهٍ ؟ قالَ : نَعَم ، اِستَغفِر رَبَّکَ سَنَهً فی آخِرِ اللَّیلِ مِئَهَ مَرَّهٍ ، فَإن ضَیَّعتَ ذلِکَ بِاللَّیلِ فَاقضِهِ بِالنَّهارِ ، فَإنَّ اللّهَ یَقولُ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ» إلی آخِرِهِ . (1)

طبّ الأئمّه لابنی بسطام عن سلیمان بن جعفر الجعفری عن الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ رَجُلاً شَکا إلَیهِ قِلَّهَ الوَلَدَ ، وأنَّهُ یَطلُبُ الوَلَدَ مِنَ الإماءِ وَالحَرایِرِ فَلا یُرزَقُ لَهُ ، وهُوَ ابنُ سِتّینَ سَنَهً ، فَقالَ علیه السلام : قُل ثَلاثَهَ أیّامٍ فی دُبُرِ صَلاتِکَ المَکتوبَهِ ، صَلاهِ العِشاءِ الآخِرَهِ ، وفی دُبُرِ صَلاهِ الفَجرِ : «سُبحانَ اللّهِ» سَبعینَ مَرَّهً ، و«أستَغفِرُ اللّهَ» سَبعینَ مَرَّهً ، وتَختِمُهُ بِقَولِ اللّهِ عز و جل : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا * وَ یُمْدِدْکُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِینَ وَ یَجْعَل لَّکُمْ جَنَّتٍ وَ یَجْعَل لَّکُمْ أَنْهَرًا» (2) (3) .

الکافی عن زراره عن الإمام الباقر علیه السلام :أنَّهُ وَفَدَ إلی هِشامِ بنِ عَبدِ المَلِکِ فَأبطَأَ عَلَیهِ الإذنُ حَتّی اغتَمَّ ، وکانَ لَهُ حاجِبٌ کَثیرُ الدُّنیا ولا یولَدُ لَهُ ، فَدَنا مِنهُ أبو جَعفَرٍ علیه السلام فَقالَ لَهُ : هَل لَکَ أن توصِلَنی إلی هِشامٍ وأُعَلِّمُکَ دُعاءً یولَدُ لَکَ ؟ قالَ : نَعَم . فَأوصَلَهُ إلی هِشامٍ وقَضی لَهُ جَمیعَ حَوائِجِهِ ، قالَ : فَلَمّا فَرَغَ قالَ لَهُ الحاجِبُ : جُعِلتُ فِداکَ اَلدُّعاءَ الَّذی قُلتَ لی . قالَ لَهُ [الباقِرُ علیه السلام] : نَعَم ، قُل فی کُلِّ یَومٍ إذا أصبَحتَ وأمسَیتَ : «سُبحانَ اللّهِ» سَبعینَ مَرَّهً ، وتَستَغفِرُ عَشرَ مَرّاتٍ ، وتُسَبِّحُ تِسعَ مَرّاتٍ ، وتَختِمُ العاشِرَهَ بِالاِستِغفارِ ، ثُمَّ تَقولُ قَولَ اللّهِ عز و جل : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا * وَ یُمْدِدْکُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِینَ وَ یَجْعَل لَّکُمْ جَنَّتٍ وَ یَجْعَل لَّکُمْ أَنْهَرًا» (4) . فَقالَهَا الحاجِبُ ، فَرُزِقَ ذُرِّیَّهً کَثیرَهً ، وکانَ بَعدَ ذلِکَ یَصِلُ أبا جَعفَرٍ وأبا عَبدِ اللّهِ علیهماالسلام . فَقالَ سُلَیمانُ : فَقُلتُها وقَد تَزَوَّجتُ ابنَهَ عَمٍّ لی فَأبطَأَ عَلَیَّ الوَلَدُ مِنها وعَلَّمتُها أهلی ، فَرُزِقتُ وَلَدا . وزَعَمَتِ المَرأهُ أنَّها مَتی تَشاءُ أن تَحمِلَ حَمَلَت إذا قالَتها ، وعَلَّمتُها غَیرَ واحِدٍ مِنَ الهاشِمِیّینَ مِمَّن لَم یَکُن یولَدُ لَهُم ، فَوُلِدَ لَهُم وَلَدٌ کَثیرٌ ، وَالحَمدُ للّهِ . (5)

.

1- .مجمع البيان : ج 10 ص 543 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 221 ح 30 .
2- .نوح : 10 12 .
3- .طبّ الأئمّه لابنى بسطام : ص 129 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 130 ح 4 .
4- .نوح : 10 12 .
5- .الكافى : ج 6 ص 8 ح 5 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 481 ح 1667 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 85 ح 46 .

مجمع البیان به نقل از محمّد بن یوسف ، از پدرش : من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که مردی به ایشان گفت : قربانت گردم! من ، ثروت بسیار دارم ؛ امّا بچّه دار نمی شوم . آیا راه چاره ای وجود دارد؟ فرمود: «آری. به مدّت یک سال، در آخر شب ، صد مرتبه از پروردگارت آمرزش بخواه، و اگر شبْ آن را از دست دادی ، روز ، قضایش را به جای آور؛ زیرا خداوند می فرماید: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید» تا آخر آیه».

طّب الائمه علیهم السلام ، ابنا بسطام به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری : مردی از کمی فرزند به امام باقر علیه السلام شکایت نمود و گفت که شصت سال دارد و از کنیزان و زنان آزاد خود ، در جستجوی فرزند است ؛ امّا فرزندی روزی اش نمی شود. امام علیه السلام به او فرمود: «به مدّت سه روز، بعد از نماز واجبت، نماز عشا و نیز بعد از نماز صبح ، هفتاد مرتبه سبحان اللّه و هفتاد مرتبه استغفر اللّه بگو و در پایان آن ، این فرموده خداوند عز و جل را بخوان: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و شما را با اموال و فرزندان ، یاری رساند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها جاری سازد» .

الکافی به نقل از زُراره : امام باقر علیه السلام به دیدار هشام بن عبد الملک رفت و او دیر به ایشان ، اجازه[ی وارد شدن بر او] داد ، به طوری که امام علیه السلام غمگین شد. هشام ، دربانی داشت که ثروت بسیار داشت ؛ امّا بچّه دار نمی شد. امام باقر علیه السلام نزدیک او رفت و فرمود: «حاضری مرا نزد هشام ببری و [در عوض] من ، دعایی به تو بیاموزم که بچّه دار شوی؟». گفت : آری . امام علیه السلام را نزد هشام بُرد و همه حوایجش را برآورده ساخت. کار که تمام شد ، دربان به امام علیه السلام گفت : قربانت گردم! دعایی که به من وعده دادی ، امام باقر علیه السلام به او فرمود: «بله . هر روز ، چون صبح و شام خود را آغاز کردی، هفتاد بار سبحان اللّه بگو، ده بار آمرزش بخواه، نُه بار تسبیح بگو و بارِ دهم ، آمرزش بخواه . سپس این فرموده خداوند عز و جل را بگو: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید که او آمرزنده است ، تا از آسمان ، بر شما باران فراوان فرو فرستد و با اموال و فرزندان ، یاریتان رساند و برایتان باغ ها پدید آورد و نهرها جاری سازد» » . دربان ، اینها را گفت و فرزندان

بسیاری ، روزی او شد. از آن پس ، او به امام باقر و امام صادق علیهماالسلام ابراز محبّت می کرد. من (سلیمان بن جعفر) هم که با دختر عمویم ازدواج کرده و هنوز از او بچّه دار نشده بودم، اینها را گفتم و به همسرم نیز آموختم، و فرزندی روزی ام شد. همسرم گفت: هر گاه بخواهد حامله شود ، اینها را می گوید و حامله می شود. این دعا را به چند نفر از هاشمیان که فرزند دار نمی شدند ، نیز آموختم و فرزندان بسیاری برایشان متولّد شد. خدا را سپاس!

.

الكافى عن سعيد بن يسار :قالَ رَجُلٌ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لا يولَدُ لى ، فَقالَ : اِستَغفِر رَبَّکَ فِى السَّحَرِ مِئَةَ مَرَّةٍ ، فَإِن نَسيتَهُ فَاقضِهِ . (1)

الكافى عن عمر بن أبى حسنه الجمّال :شَكَوتُ إلى أبِى الحَسَنِ عليه السلام قِلَّةَ الوَلَدِ ، فَقالَ لى : اِستَغفِرِ اللّهَ ، وكُلِ البَيضَ بِالبَصَلِ . (2)

4 / 13مُرافَقَةُ أهلِ البَيتِثواب الأعمال عن إسماعيل بن سهل :كَتَبتُ إلى أبى جَعفَرٍ الثّانى عليه السلام : عَلِّمنى شَيئا إذا أنَا قُلتُهُ كُنتُ مَعَكُم فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، قالَ : فَكَتَبَ بِخَطِّهِ أعرِفُهُ : أكثِر مِن تِلاوَهِ «إنّا أنزَلناهُ» ، ورَطِّب شَفَتَيکَ بِالاِستِغفارِ . (3)

.

1- .الكافى : ج 6 ص 9 ح 6 .
2- .الكافى : ج 6 ص 324 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 276 ح 1885 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 46 ح 11 .
3- .ثواب الأعمال : ص 197 ح 4 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2249 ، الدعوات : ص 49 ح 121 عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 328 ح 5 .

4 / 13 همراه بودن با اهل بیت علیهم السلام

الکافی به نقل از سعید بن یسار : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : فرزندی برایم متولّد نمی شود. فرمود: «در هنگام سحر ، صد بار از پروردگارت آمرزش بخواه و اگر [در آن هنگام]فراموش کردی ، قضایش را به جا آور» .

الکافی به نقل از عمر بن ابی حسنه جمّال : به ابوالحسن علیه السلام (1) از کمیِ فرزند ، شکایت کردم. فرمود: «از خدا آمرزش بخواه و تخم مرغ همراه با پیاز بخور» .

4 / 13همراه بودن با اهل بیتثواب الأعمال به نقل از اسماعیل بن سهل : به امام جواد علیه السلام نوشتم: چیزی به من بیاموز که چون آن را بگویم ، در دنیا و آخرت ، با شما باشم. امام علیه السلام با خطّ خودش که آن را می شناختم، [برای من] نوشت : «انّا انزلناه» را بسیار تلاوت کن و لبانت را به آمرزش خواهی ، تَر و تازه بدار.

.

1- .منظور از ابوالحسن ، در این جا امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

الفَصلُ الخامِسُ : ما ينبغى فيه الاستغفار من الأوقات5 / 1الأسحارُالكتاب«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * الصَّبِرِينَ وَالصَّدِقِينَ وَالْقَنِتِينَ وَالْمُنفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (1)

«كَانُواْ قَلِيلاً مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (2)

« . . . أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّى أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ * قَالُواْ يَأَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (3)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أفضَلَ ما دَعَوتُمُ اللّهَ بِالأَسحارِ ، قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (4)

.

1- .آل عمران : 16 17 .
2- .الذاريات : 17 18 .
3- .يوسف : 96 98 .
4- .قصص الأنبياء : ص 189 ح 235 عن الفضل بن أبى قرّه السّمندى ، بحار الأنوار : ج 87 ص 165 ح 7 .

5 / 1 سحرگاهان

فصل پنجم: اوقات مناسب برای آمرزش خواهی5 / 1سحرگاهانقرآن«آنان که می گویند: «ای پروردگار ما! ما به تو ایمان آوردیم . پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش ، نگه دار» ؛ [آنان،]شکیبایان و راستگویان و فرمان بُرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان [هستند]» .

«اندکی از شب را می خوابند و در سحرگاهان ، آمرزش می خواهند» .

«... آیا به شما نگفتم که من ، از کار خدا چیزی دانم که شما نمی دانید؟ گفتند: «ای پدر ما! از گناهانمان ، آمرزش خواه که ما گنهکار بودیم» . گفت: «به زودی ، از پروردگارم برایتان آمرزش می خواهم که او آمرزگاری مهربان است»» .

حدیثامام صادق علیه السلام :بهترین زمان برای دعا کردن شما به درگاه خدا ، سحرگاهان است. خداوند متعال، فرموده است: « .. . و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» .

.

تفسير العيّاشى عن مفضّل بن عمر :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ ، تَفوتُنى صَلاةُ اللَّيلِ فَاُصَلّى الفَجرَ ، فَلِى أن اُصَلّىَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ ما فاتَنى مِنَ الصَّلاةِ ، وأنَا فى صَلاةٍ (1) قَبلَ طُلُوعِ الشَّمسِ ؟ فَقالَ : نَعَم ، ولكِن لا تُعلِمِ بِهِ أهلَكَ فَيَتَّخِذونَهُ (2) سُنَّةً ، فَيَبطُلَ قَولُ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (3)

أعلام الدين :سُئِلَ أبو جَعفَرٍ الباقِرُ عليه السلام عَن وَقتِ صَلاةِ اللَّيلِ ، فَقالَ : الوَقتُ الّذى جاءَ عَن جَدّى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : فيهِ يُنادى مُنادِى اللّهِ عز و جل : هَل مِن داعٍ فَاُجيبَهُ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأغفِرَ لَهُ ؟ قالَ السّائِلُ : وما هُوَ ؟ قالَ : الوَقتُ الّذى وَعَدَ يَعقوبُ فيهِ بَنيهِ بِقَولِهِ : «أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى» (4) . قالَ : ما هُوَ ؟ قالَ : الوَقتُ الّذى قالَ اللّهُ فيهِ : «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . إنَّ صَلاةَ اللَّيلِ فى آخِرِهِ أفضَلُ مِنها قَبلَ ذلِكَ ، وهُوَ وَقتُ الإِجابَةِ ، وهِىَ هَدِيَّةُ المُؤمِنِ إلى رَبِّهِ ، فَأحسِنوا هَداياكُم إلى رَبِّكُم ، يُحسِنِ اللّهُ جَوائِزَكُم ؛ فَإنَّهُ لا يُواظِبُ عَلَيها إلّا مُؤمِنٌ أو صِدِّيقٌ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : خَيرُ وَقتٍ دَعَوتُمُ اللّهَ عز و جل فيهِ الأسحارُ ، وتَلا هذِهِ الآيَةَ فى قَولِ يَعقوبَ عليه السلام : «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى» وقالَ : أخَّرَهُم إلَى السَّحَرِ . (6)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ مَعصومونَ مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ : الذّاكِرونَ اللّهَ كَثيرا بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأسحارِ ، وَالباكونَ مِن خَشيَةِ اللّهِ . (7)

.

1- .فى مستدرک الوسائل ج 3 ص 158 ح 3259 نقلاً عن المصدر : «مُصلّىَ» ، وهو الأنسب .
2- .فى المصدر : «فتتخذونه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 165 ح 17 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 272 ح 1085 وليس فيه ذيله من «فيبطل قول اللّه ...» ، بحار الأنوار : ج 87 ص 226 ح 37 .
4- .يوسف : 98 .

5- .أعلام الدين : ص 262 ، إرشاد القلوب : ص 92 نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 222 ح 32 .
6- .الكافى : ج 2 ص 477 ح 6 عن الفضل بن أبى قرّه ، بحار الأنوار : ج 12 ص 266 ح 34 .
7- .كنز العمّال : ج 15 ص 841 ح 43343 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب عن ابن عبّاس .

تفسیر العیّاشی به نقل از مفضّل بن عمر : به امام صادق علیه السلام گفتم : فدایت شوم! نماز شب را از دست می دهم و نماز صبحم را می خوانم . آیا می توانم بعد از نماز صبح تا پیش از طلوع آفتاب که همچنان بر سجّاده هستم ، نماز از دست رفته شب را بخوانم؟ فرمود: «آری ؛ امّا این را به خانواده ات نگو که آن را سنّت نکنند، و این فرموده خداوند عز و جل از بین برود که: « ... و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» ».

أعلام الدین :از امام باقر علیه السلام در باره وقت نماز شب ، سؤال شد . فرمود: «آن ، وقتی است که از جدّم پیامبر خدا ، در باره اش وارد شده است که فرمود: «در این وقت ، منادی خداوند عز و جل بانگ می زند: آیا دعا کننده ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟» . [پرسنده] گفت : آن ، چه وقتی است؟ فرمود: «همان وقتی است که یعقوب علیه السلام در آن به فرزندانش وعده داد و گفت: «به زودی ، از پروردگارم برایتان آمرزش می طلبم» ». گفت : چه وقتی بود؟ فرمود: «وقتی که خداوند ، در باره اش فرموده است : «و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» ». نماز شب در آخر شب ، با فضیلت تر از قبلِ آن است. این زمان، زمان اجابت [دعا] است و نماز شب ، هدیه مؤمن است به پروردگارش . پس به پروردگارتان ، هدیه های نیکو دهید تا خداوند ، جایزه های نیکو به شما دهد. بر نماز شب ، مواظبت نمی کند ، مگر مؤمن یا صدّیق» .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا فرمود: «بهترین زمانی که در آن ، خداوند عز و جل را می خوانید ، سحرگاهان است» . این آیه را که گفته یعقوب علیه السلام است ، تلاوت کرد: «به زودی ، از پروردگارم برایتان آمرزش می طلبم» . و فرمود: «[یعقوب علیه السلام] آمرزش خواهیِ برای آنان را تا سحرگاه ، به تأخیر انداخت» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه گروه اند که از گزند ابلیس و سربازانش مصون اند: کسانی که شب و روزْ خداوند را بسیار یاد می کنند، آمرزش خواهانِ در سحرگاهان، و گریه کنندگان از ترس خدا.

.

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةُ أصواتٍ يُحِبُّهَا اللّهُ عز و جل : صَوتُ الدِّيكِ ، وصَوتُ الَّذى يَقرَأُ القُرآنَ ، وصَوتُ المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، صَلِّ مِنَ اللَّيلِ ولَو قَدرَ حَلبِ شاةٍ ، وبِالأَسحارِ فَادعُ ؛ لا تُرَدَّ لَكَ دَعوَهٌ ، فَإِنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى يَقولُ : «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (2)

عنه صلى الله عليه و آله مِن وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ يا أبا ذَرٍّ ، يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى : إنَّ أحَبَّ العِبادِ إلَيَّ المُتَحابّونَ مِن أجلى ، المُتَعَلِّقَهُ قُلوبُهُم بِالمَساجِدِ ، وَالمُستَغفِرونَ بِالأَسحارِ ، أُولئِكَ إذا أرَدتُ بِأَهلِ الأَرضِ عُقوبَةً ذَكَرتُهُم فَصَرَفتُ العُقوبَةَ عَنهُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى ومَلائِكَتَهُ يُصَلّونَ عَلَى المُستَغفِرينَ وَالمُتَسَحِّرينَ بِالأَسحارِ ؛ فَليَتَسَحَّر أحَدُكُم ولَو بِشَربَهٍ مِن ماءٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :السَّحورُ بَرَكَهٌ ، وللّهِ مَلائِكَهٌ يُصَلّونَ عَلَى المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ ، وعَلَى المُتَسَحِّرينَ . (5)

عدّه الداعى عنهم عليهم السلام :ألا صَلَواتُ اللّهِ عَلَى المُتَسَحِّرينَ وَالمُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ . (6)

.

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 89 ح 2246 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 8 ح 13 ؛ الفردوس : ج 2 ص 101 ح 2538 عن أُمّ سعد ، كنز العمّال : ج 12 ص 335 ح 35285 .
2- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 54 ح 2134 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 167 ح 11 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 375 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 62 وفيه «بحلال» بدل «من أجلى» وكلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 86 .

4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 136 ح 1961 ، المقنع : ص 204 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، المقنعه : ص 316 ، الأمالي للطوسى : ص 497 ح 1090 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الإقبال : ج 1 ص 185 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 96 ص 313 ح 11 .
5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 271 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 311 ح 4 .
6- .عدّه الداعى : ص 251 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 221 ح 31 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه آوازند که خداوند عز و جل آنها را دوست می دارد: آواز خروس، آواز کسی که قرآن می خواند، و آواز آمرزش خواهانِ در سحرگاهان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! پاسی از شب را نماز بخوان ، حتّی اگر به اندازه زمان دوشیدن گوسفندی باشد. در سحرگاهان ، دعا کن که دعایت رد نمی شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید : «و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به ابو ذر : ای ابوذر! خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «محبوب ترین بندگان در نزد من ، آنان اند که به خاطر من ، یکدیگر را دوست می دارند، دل بسته مسجدهایند، و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان اند. اینان اند که هرگاه بخواهم اهل زمین را کیفر دهم ، به یاد ایشان می افتم و از کیفر دادنشان ، منصرف می شوم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی و فرشتگانش ، بر کسانی که در سحرگاهان آمرزش می طلبند و سَحَری می خورند ، درود (رحمت) می فرستند. پس، هر یک از شما ، حتّی اگر شده با جرعه ای آب ، سَحَری بخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سَحَری ، برکت است. خداوند ، فرشتگانی دارد که به آمرزش خواهانِ در سحرگاهان و بر سَحَری خوران ، درود می فرستند.

عدّه الداعی از معصومان علیهم السلام : هان! درودهای خدا بر کسانی که سَحَری می خورند و در سحرگاهان ، آمرزش می طلبند!

.

المعجم الأوسط عن أنس :أَمَرَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن نَستَغفِرَ بِالأَسحارِ سَبعينَ مَرَّةً . (1)

الكافى عن أحمد بن عبد العزيز :حَدَّثَنى بَعضُ أصحابِنا قالَ : كانَ أبُو الحَسَنِ الأَوَّلُ عليه السلام إذا رَفَعَ رَأسَهُ مِن آخِرِ رَكعَةِ الوَترِ قالَ : «هذا مَقامُ مَن حَسَناتُهُ نِعمَةٌ مِنكَ ، وشُكرُهُ ضَعيفٌ ، وذَنبُهُ عَظيمٌ ، ولَيسَ لَهُ إلّا دَفعُكَ ورَحمَتُكَ ، فَإنَّكَ قُلتَ فى كِتابِكَ المُنزَلِ عَلى نَبِيِّكَ المُرسَلِ صلى الله عليه و آله : «كَانُواْ قَلِيلاً مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (2) ، طالَ هُجوعى ، وقَلَّ قِيامى ، وهذَا السَّحَرُ ، وأنَا أستَغفِرُكَ لِذَنبى استِغفارَ مَن لَم يَجِد لِنَفسِهِ ضَرّا ولا نَفعا ، ولا مَوتا ولا حَياةً ولا نُشورا» ، ثُمَّ يَخِرُّ ساجِدا صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ . (3)

5 / 2قُنوتُ الوَترِكتاب من لا يحضره الفقيه :(4) كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَستَغفِرُ اللّهَ فِى الوَترِ سَبعينَ مَرَّةً ويَقولُ : «هذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :مَن داوَمَ عَلى صَلاةِ اللَّيلِ وَالوَترِ ، وَاستَغفَرَ اللّهَ فى كُلِّ وَترٍ سَبعينَ مَرَّةً ، ثُمَّ واظَبَ عَلى ذلِكَ سَنَةً ، كُتِبَ مِنَ المُستَغفِرينَ بِالأسحارِ . (6)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 9 ص 183 ح 9484 ، تفسير الطبرى : ج 3 الجزء 3 ص 208 ، تفسير القرطبى : ج 4 ص 39 وفيهما «أمرنا أن نستغفر» .
2- .الذاريات : 17 و 18 .
3- .الكافى : ج 3 ص 325 ح 16 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 132 ح 508 ، علل الشرائع : ص 365 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 281 ح 73 .
4- .أورد المصنّف هذا الحديث فى ذيل ح 1406 المروى عن عبد اللّه بن أبى يعفور عن أبى عبد اللّه عليه السلام . وقال محقّق الكتاب فى هامشه : «الظاهر أنّه من تتمّه خبر ابن أبى يعفور ، ويمكن أن يكون خبرا آخر» .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 489 ح 1406 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 287 ح 79 .

6- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 165 ح 12 عن زراره ، بحار الأنوار : ج 87 ص 225 ح 37 .

5 / 2 دعای قنوت نماز وَتْر

المعجم الاوسط به نقل از اَنَس : پیامبر خدا به ما فرمود که در سحرگاهان ، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبیم.

الکافی به نقل از احمد بن عبد العزیز : یکی از شیعیان برایم نقل کرد که امام کاظم علیه السلام هرگاه سرش را از رکوع نماز وَتْر بر می داشت ، می گفت: «این جا ، کسی ایستاده است که نیکی هایش ، نعمتی از جانب توست، و سپاس گزاری اش ، اندک است، و گناهش بزرگ است و جز حمایت و رحمت تو ، کسی را ندارد؛ زیرا تو در کتابت که بر پیامبر مُرسل خود فرو فرستاده ای، فرموده ای: «و اندکی از شب را می خوابند و در سحرگاهان ، آمرزش می خواهند» ، و من ، بیشتر [شب را]می خوابم و اندکی از آن را به عبادت می گذرانم، و در این سحرگاه ، از تو برای گناهم آمرزش می طلبم، همچون آمرزش خواهیِ کسی که اختیار هیچ گزند و سودی ، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد» . سپس به سجده می رفت درودهای خدا بر او باد .

5 / 2دعای قنوت نماز وَتْرکتاب من لایحضره الفقیه :پیامبر خدا ، در [دعای قنوت] نماز وَتْر ، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می طلبید و هفت مرتبه می گفت: «این جا ، کسی ایستاده که از آتش به تو پناه آورده است».

امام باقر علیه السلام :هر کس بر نماز شب و [نماز] وَتْر مداومت ورزد و در هر وَتْری ، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد و یک سال به این کار ادامه دهد، از آمرزش خواهانِ در سحرگاهان ، نوشته می شود.

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ فى وَترِهِ إذا أوتَرَ : «أستَغفِرُ اللّهَ رَبّى وأتوبُ إلَيهِ» سَبعينَ مَرَّةً ، وواظَبَ عَلى ذلِكَ حَتّى تَمضِىَ سَنَهٌ ، كَتَبَهُ اللّهُ عِندَهُ مِنَ المُستَغفِرينَ بِالأَسحارِ ، ووَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ وَالمَغفِرَهُ مِنَ اللّهِ عز و جل . (1)

عنه عليه السلام :القُنوتُ فِى الوَترِ الاِستِغفارُ ، وفِى الفَريضَهِ الدُّعاءُ . (2)

تهذيب الأحكام عن أبى بصير ، قال :قُلتُ لَهُ عليه السلام : «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . فَقالَ : اِستَغفَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى وَترِهِ سَبعينَ مَرَّةً . (3)

تهذيب الأحكام عن معاويه بن عمّار :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ فى قَولِ اللّهِ عز و جل «وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» : فِى الوَترِ فى آخِرِ اللَّيلِ سَبعينَ مَرَّةً . (4)

تهذيب الأحكام عن أبى بكر بن أبى سمّاک عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قالَ لى : فى قُنوتِ الوَترِ : اللّهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا ، وعافِنا وَاعفُ عَنّا ، فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 489 ح 1405 ، الخصال : ص 581 ح 3 ، ثواب الأعمال : ص 204 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 126 ح 142 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 165 ح 14 و 15 كلّها عن عمر بن يزيد نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 205 ح 14 .
2- .الكافى : ج 3 ص 450 ح 32 و ص 340 ح 9 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 131 ح 503 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 491 ح 1411 كلّها عن عبد الرحمن بن أبى عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 269 ح 67 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 130 ح 501 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 165 ح 13 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 121 و ص 225 ح 37 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 130 ح 498 ، علل الشرائع : ص 364 ح 1 نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 207 ح 19 و ص 121 .
5- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 92 ح 342 .

امام صادق علیه السلام :هر کس در رکعت آخر از سه رکعت نماز وَتْر ، هفتاد بار بگوید: «از خداوند پروردگارم ، آمرزش می طلبم و به درگاه او توبه می برم» و به این کار ادامه دهد تا یک سال بگذرد، خداوند ، او را جزو آمرزش خواهانِ در سحرگاهان می نویسد و بهشت و آمرزش الهی بر او واجب می گردد.

امام صادق علیه السلام :قنوت در [نماز] وَتْر [برای] آمرزش خواهی است و در نماز واجب ، [برای] دعا کردن.

تهذیب الاحکام به نقل از ابو بصیر : از امام علیه السلام (1) در باره «و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا ، در [نماز] وَتْرش هفتاد بار استغفار می کرد» .

تهذیب الاحکام به نقل از معاویه بن عمّار : از امام صادق علیه السلام شنیدم که در باره این فرموده خداوند عز و جل «و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» می فرماید: یعنی در [نماز] وَتْر آخر شب ، هفتاد مرتبه استغفار می کنند.

تهذیب الاحکام به نقل از ابو بکر بن ابی سمّاک : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «در قنوت [نماز] وَتْر ، چنین گفته شود: بار خدایا! ما را بیامرز ، و بر ما رحمت آور، و ما را عافیت بخش ، و از ما در گذر، در دنیا و آخرت » .

.

1- .منظور امام صادق یا امام کاظم علیهماالسلام است .

5 / 3حِينَ يَمضى ثُلُثُ اللَّيلِالإمام الباقر عليه السلام :يُنادى مُنادٍ حينَ يَمضى ثُلُثُ اللَّيلِ : «يا باغِيَ الخَيرِ أقبِل ، يا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر ، هَل مِن تائِبٍ يُتابُ عَلَيهِ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ يُغفَرُ لَهُ ؟ هَل مِن سائِلٍ فَيُعطى ؟» حَتّى تَطلُعَ الشَّمسُ . (1)

5 / 4الثُّلُثُ الأَخيرُ مِن كُلِّ لَيلَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يُنزِلُ مَلَکا إلَى السَّماءِ الدُّنيا كُلَّ لَيلَةٍ فِى الثُّلُثِ الأخيرِ ، ولَيلَةَ الجُمُعَةِ فى أوَّلِ اللَّيلِ ، فَيَأمُرُهُ فَيُنادى : «هَل مِن سائِلٍ فَاُعطِيَهُ ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأتوبَ عَلَيهِ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأغفِرَ لَهُ ؟ يا طالِبَ الخَيرِ أقبِل ، ويا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر (2) » ، فَلا يَزالُ يُنادى بِهذا حَتّى يَطلُعَ الفَجرُ . (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رِجاء بن أبى الضحّاک فى ذِكرِ سيرَةِ الإمامِ الرِّضا عليه السلام وهُوَ فى طَريقِهِ إلى خُراسانَ : فَإذا كانَ الثُّلُثُ الأَخيرُ مِنَ اللَّيلِ ، قامَ مِن فِراشِهِ بِالتَّسبيحِ وَالتَّحميدِ وَالتَّكبيرِ وَالتَّهليلِ وَالاِستِغفارِ ، فَاستاکَ ، ثُمَّ تَوَضَّأَ ، ثُمَّ قامَ إلَى صَلاهِ اللَّيلِ ... ثُمَّ يَقولُ : «أستَغفِرُ اَللّهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ» سَبعينَ مَرَّةً ، فَإذا سَلَّمَ جَلَسَ فِى التَّعقيبِ ما شاءَ اللّهُ ... . وكانَ قُنوتُهُ فى جَميعِ صَلَواتِهِ : رَبِّ اغفِر وَارحَم ، وتَجاوَز عَمّا تَعلَمُ ، إنَّکَ أنتَ الأَعَزُّ الأَجَلُّ الأكرَمُ . (4)

.

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 210 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 167 ح 10 .
2- .أقصر فلانٌ عن الشىء يقصر إقصارا إذا كفّ عنه وانتهى (لسان العرب : ج 5 ص 97 «قصر») .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 421 ح 1240 عن إبراهيم بن أبى محمود عن الإمام الرضا عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 126 ح 21 ، الاحتجاج : ج 2 ص 386 ح 293 كلاهما عن إبراهيم بن أبى محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، التوحيد : ص 176 ح 7 عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 3 ص 314 ح 7 .
4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 181 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 91 ح 7 .

5 / 3 هنگام سپری شدن یکْ سوم شب

5 / 4 یکْ سومِ آخر هر شب

5 / 3هنگام سپری شدن یکْ سوم شبامام باقر علیه السلام :چون یکْ سومِ شب بگذرد، آواز دهنده ای [غیبی] آواز می دهد که: «ای جوینده خوبی، بشتاب! ای خواهانِ بدی ، دست بدار! آیا توبه گری هست تا توبه او پذیرفته شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا خواهنده ای هست تا به او عطا شود؟ «و تا طلوع خورشید ، ادامه می دهد» .

5 / 4یکْ سومِ آخر هر شبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی هر شب ، در ثلث آخر آن، و شب جمعه، در آغاز شب، فرشته ای به آسمانِ پایین ، فرو می فرستد و به او دستور دهد که بانگ زند: «آیا درخواست کننده ای هست تا عطایش کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ ای جوینده خوبی ، بشتاب! ای جوینده بدی ، دست بردار!» و پیوسته این را ندا می دهد تا آن گاه که سپیده بردَمَد» .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک ، در یادکردِ رفتار امام رضا علیه السلام در راه سفر به خراسان : چون ثلثِ آخر شب می شد، با ذکر «سبحان اللّه » و «الحمد للّه » و «اللّه أکبر» و «لا إله إلّا اللّه » و آمرزش خواهی ، از بسترش بر می خاست و مسواک می زد و وضو می گرفت . سپس به نماز شب می ایستاد... . آن گاه ، هفتاد مرتبه می گفت: «از خدا ، آمرزش می خواهم و از او ، توبه می طلبم». و چون سلام می داد ، می نشست و ساعت ها تعقیبات می گفت... . دعای قنوت ایشان در همه نمازهایش این بود: «پروردگارا! بیامرز و رحم کن، و از آنچه [از گناهانم]می دانی ، در گذر که تو عزیزترین و بزرگ ترین و کریم ترینی» .

.

5 / 5يَومُ الخَميسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى يَومَ الخَميسِ ما بَينَ الظُّهرِ وَالعَصرِ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فى أوَّلِ رَكعَةٍ بِفاتِحَهِ الكِتابِ وآيَهِ الكُرسِىِّ مِئَهَ مَرَّهٍ ، وفِى الرَّكعَهِ الثّانِيَهِ فاتِحَهَ الكِتابِ و«قُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، فَإذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ استَغفَرَ اللّهَ مِئَهَ مَرَّهٍ ، وصَلّى عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله مِئَهَ مَرَّهٍ ؛ لا يَقومُ مِن مَقامِهِ حَتّى يَغفِرَ اللّهُ لَهُ البَتَّهَ . (1)

5 / 6لَيلَهُ الجُمُعَهِالإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام :إذا كانَت لَيلَهُ الجُمُعَهِ أمَرَ اللّهُ عز و جلمَلَكا فَنادى مِن أوَّلِ اللَّيلِ إلى آخِرِهِ ، ويُنادى فى كُلِّ لَيلَهٍ غَيرَ لَيلَهِ الجُمُعَهِ مِن ثُلُثِ اللَّيلِ الآخِرِ : هَل مِن سائِلٍ فَاُعطِيَهُ ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأتوبَ عَلَيهِ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأغفِرَ لَهُ ؟ يا طالِبَ الخَيرِ أقبِل ، يا طالِبَ الشَّرِّ أقصِر . (2)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 256 ، جمال الاُسبوع : ص 79 كلاهما عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج 90 ص 313 ح 43 .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 180 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 279 ح 25 .

5 / 5 روز پنج شنبه

5 / 6 شب جمعه

5 / 5روز پنج شنبهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روز پنج شنبه ، در فاصله میان نماز ظهر و عصر ، دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اوّل ، «فاتحه الکتاب» را با صد مرتبه «آیه الکرسی»، و در رکعت دوم «فاتحه الکتاب» را با صد مرتبه «قل هو اللّه أحد» بخواند و پس از نمازش ، صد مرتبه از خدا طلبِ آمرزش کند و صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد، پیش از آن که از جایش بلند شود ، خداوند ، حتماً او را می آمرزد.

5 / 6شب جمعهامام باقر و امام صادق علیهماالسلام :چون شب جمعه شود ، خداوند عز و جل به فرشته ای فرمان دهد که از اوّل شب تا آخر آن ، و در شب های دیگر، غیر از شب جمعه، از ثلثِ آخر شب ، ندا دهد که: «آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ ای طالب خوبی ، بیا ! ای طالب بدی ، دست بردار !» .

.

5 / 7يَومُ الجُمُعَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجُمُعَهِ ساعَهً لا يُوافِقُها عَبدٌ يَستَغفِرُ اللّهَ فيها إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (1)

المعجم الكبير عن سمره بن جندب :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَستَغفِرُ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وِلِلمُسلِمينَ وِلِلمُسلِماتِ ، كُلَّ يَومِ جُمُعَهٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ بَينَ رَكعَتَىِ الفَجرِ إلَى الغَداهِ يَومَ الجُمُعَهِ : «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ رَبّى وأتوبُ إلَيهِ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، بَنَى اللّهُ لَهُ مَسكَنا فِى الجَنَّهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن يَستَغفِرِ اللّهَ تَعالى يَومَ الجُمُعَهِ بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّهً ، يَقولُ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» غَفَرَ اللّهُ عز و جل لَهُ ذَنبَهُ فيما سَلَفَ ، وعَصَمَهُ فيما بَقِىَ ، فَإِن لَم يَكُن لَهُ ذَنبٌ ، غَفَرَ لَهُ ذُنوبَ والِدَيهِ . (4)

عنه عليه السلام :مِنَ السُّنَّهِ الصَّلاهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام يَومَ الجُمُعَهِ ألفَ مَرَّهٍ ، وفى غَيرِ يَومِ الجُمُعَهِ مِئَهَ مَرَّهٍ ، ومَن صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام فى يَومِ جُمُعَهٍ مِئَهَ صَلاهٍ وَاستَغفَرَ مِئَهَ مَرَّهٍ ، وقَرَأ «قُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، غُفِرَ لَهُ البَتَّهَ . (5)

جمال الأُسبوع :رُوِىَ عَن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّهُ أمَرَ رَجُلاً أن يُصَلِّىَ الضُّحى يَومَ الجُمُعَهِ أربَعَ رَكَعاتٍ : يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ فاتِحَهَ الكِتابِ عَشرَ مَرّاتٍ ، و«قُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ . ثُمَّ قالَ : فَإِذا سَلَّمتَ ، استَغفِرِ اللّهَ عز و جل سَبعينَ مَرَّهً ، وقُل : سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (6)

.

1- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 122 ح 10305 ، الدعاء للطبرانى : ص 70 ح 175 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 133 ح 373 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 764 ح 21305 .
2- .المعجم الكبير : ج 7 ص 264 ح 7079 .
3- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 154 ، جمال الأُسبوع : ص 248 عن أبى حمزه نحوه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 313 ح 18 .

4- .جمال الأُسبوع : ص 278 عن موسى بن أكيل النَّميرى ، بحار الأنوار : ج 90 ص 91 ح 4 .
5- .جامع الأحاديث للقمّى : ص 158 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 355 ح 33 .
6- .جمال الأُسبوع : ص 92 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 367 ح 62 .

5 / 7روز جمعهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در جمعه ، ساعتی است که هر بنده ای در آن ساعت از خدا آمرزش بطلبد ، خداوند ، حتماً او را می آمرزد.

المعجم الکبیر به نقل از سَمَره بن جُندب : پیامبر صلی الله علیه و آله در هر روز جمعه ، برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان ، طلب آمرزش می کرد.

امام صادق علیه السلام :هر کس در روز جمعه ، پس از دو رکعت نماز صبح تا آغاز روز [در مابین الطلوعین] ، صد مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را ! از پروردگارم آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم»، خداوند ، برای او در بهشتْ خانه ای بنا می کند .

امام صادق علیه السلام :هر کس در روز جمعه، بعد از نماز عصر ، هفتاد مرتبه از خداوند متعال ، آمرزش بخواهد، بگوید: «از خدا ، آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم» ، خداوند عز و جل گناهان گذشته اش را می آمرزد، و در آینده ، او را [از گناه]مصون می دارد، و اگر گناهی نداشته باشد، گناهانِ پدر و مادر او را می آمرزد.

امام صادق علیه السلام :از سنّت است (/مستحب است) که در روز جمعه ، هزار مرتبه و در غیر روز جمعه ، صد مرتبه بر محمّد ، درود فرستاده شود. هر کس در روز جمعه ، صد مرتبه بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستد و صد مرتبه طلب آمرزش کند و صد مرتبه «قل هو اللّه احد» را بخواند، قطعاً آمرزیده شود.

جمال الأُسبوع :روایت شده است که امیر مؤمنان ، به مردی دستور داد در روز جمعه هنگام چاشت ، چهار رکعت نماز بخواند: در هر رکعت ، ده مرتبه «فاتحه الکتاب» و ده مرتبه «قل هو اللّه احد» را. سپس فرمود: «چون سلام دادی، هفتاد مرتبه از خداوند عز و جل طلب آمرزش کن و بگو: پاکا خدا و ستایش ، خدا را ! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای بلندمرتبه و بزرگ » .

5 / 8قَبلَ الغُروبِ فى عَرَفاتٍالإقبال عن حمّاد بن عبد اللّه :كُنتُ قَريبا مِن أبِى الحَسَنِ موسى عليه السلام بِالمَوقِفِ ، فَلَمّا هَمَّتِ الشَّمسُ لِلغُروبِ أخَذَ بِيَدِهِ اليُسرى بِمَجامِعِ ثَوبِهِ ثُمَّ قالَ : «اللّهُمَّ إنّى عَبدُکَ وَابنُ عَبدِکَ ، إن تُعَذِّبنى فَبِأُمورٍ قَد سَلَفَت مِنّى ، وأنَا بَينَ يَدَيکَ بِرُمَّتى ، وإن تَعفُ عَنّى فَأهلُ العَفوِ أنتَ يا أهلَ العَفوِ ، يا أحَقَّ مَن عَفَا ، اغفِر لى ولِأصحابى» ، وحَرَّکَ دابَّتَهُ فَمَرَّ . (1)

5 / 9يَومُ النَّحرِالإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَتِهِ يَومَ النَّحرِ (2) : إنَّ هذا يَومٌ حُرمَتُهُ عَظيمَةٌ ، وبَرَکَتُهُ مَأمولَةٌ ، وَالمَغفِرَةُ فيهِ مَرجُوَّةٌ ، فَأکثِروا ذِکرَ اللّهِ تَعالى وَاستَغفِروهُ ، وتوبوا إلَيهِ ، إنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (3)

.

1- .الإقبال : ج 2 ص 73 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 215 ح 3 .
2- .يوم النحر : هو يوم العاشر من ذى الحجّه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1759 «نحر») .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 520 ح 1484 ، مصباح المتهجّد : ص 664 ح 730 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 100 ح 4 .

5 / 8 پیش از غروب در عرفات

5 / 9 روز قربان

5 / 8پیش از غروب در عرفاتالإقبال به نقل از حمّاد بن عبد اللّه : در موقف ، نزدیک امام کاظم علیه السلام بودم. نزدیک غروب خورشید که شد ، امام علیه السلام با دست چپ خود ، گوشه های جامه اش را گرفت و گفت: «بار خدایا! من ، بنده تو و فرزند بنده تو هستم. اگر عذابم کنی ، به سبب اموری است که پیش تر ، از من سرزده است ، و اینک ، من با تمام وجودم در اختیار توام . اگر مرا ببخشی ، تو اهل بخشایشی . ای اهل بخشایش، ای سزاوارترین کس به گذشت کردن! مرا و یاران مرا بیامرز» و مَرکبش را هِی زد و رفت.

5 / 9روز قربانامام علی علیه السلام در خطبه اش در روز [عید] قربان : این ، روزی است که حرمتش بسیار است و برکتش انتظار می رود و به آمرزش در آن ، امید است. بنا بر این، خداوند متعال را فراوان یاد کنید و از او آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید، که او توبه پذیری مهربان است.

.

5 / 10الصَّباحُ وَالمَساءُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن صَباحٍ إلّا ومَلَكانِ يُنادِيانِ يَقولانِ : «يا باغِيَ الخَيرِ هَلُمَّ ، ويا باغِيَ الشَّرِّ انتَهِ ، هَل مِن داعٍ فَيُستَجابَ لَهُ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَيُغفَرَ لَهُ ؟ هَل مِن تائِبٍ فَيُتابَ عَلَيهِ ؟ هَل مِن مَغمومٍ فَيُنَفَّسَ عَنهُ غَمُّهُ ؟ اللّهُمَّ عَجِّل لِلمُنفِقِ مالَهُ خَلَفا ، ولِلمُمسِكِ تَلَفا» ، فَهذا دُعاؤُهُما حَتّى تَغرُبَ الشَّمسُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أصبَحتُ غَداةً قَطُّ ، إلَا استَغفَرتُ اللّهَ فيها مِئَةَ مَرَّةٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَغفَرَ إذا وَجَبَتِ (3) الشَّمسُ سَبعينَ مَرَّةً غَفَرَ اللّهُ لَهُ سَبعَمِئَةِ ذَنبٍ ، ولا يُذنِبُ مُؤمِنٌ إن شاءَ اللّهُ فى يَومِهِ ولَيلَتِهِ سَبعَمِئَةِ ذَنبٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ خَتَمَ صَحيفَتَهُ عِندَ مَغيبِ الشَّمسِ بِالاِستِغفارِ ، إلّا مَحا ما دونَها . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَهما تَرَكتَ مِن شَىءٍ فَلا تَترُك أن تَقولَ فى كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ : اللّهُمَّ إنّى أصبَحتُ أستَغفِرُكَ فى هذَا الصَّباحِ وفى هذَا اليَومِ لِأَهلِ رَحمَتِكَ ، وأبرَأُ إلَيكَ مِن أهلِ لَعنَتِكَ ... . اللّهُمَّ اغفِر لى ولِوالِدَىَّ وَارحَمهُما كَما رَبَّيانى صَغيرا ، اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ ، الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ ، اللّهُمَّ إنَّكَ تَعلَمُ مُنقَلَبَهُم ومَثواهُم . (6)

.

1- .الأمالى للصدوق : ص 701 ح 958 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 360 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 380 ح 3 .
2- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 115 ح 10275 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 110 ح 3737 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 239 ح 5 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 196 ح 558 كلّها عن أبى برده عن أبيه ، كنز العمّال : ج 1 ص 477 ح 2079 .
3- .وجبت الشّمسُ : أى غابت (الصحاح : ج 1 ص 232 «وجب») .

4- .كنز العمّال : ج 1 ص 481 ح 2099 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره وراجع الفردوس : ج 3 ص 604 ح 5891 .
5- .الفردوس : ج 4 ص 16 ح 6046 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 1 ص 480 ح 2098 .
6- .الكافى : ج 2 ص 529 ح 23 عن فرات بن الأحنف ، مصباح المتهجّد : ص 213 ح 319 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 150 ح 34 .

5 / 10بامدادان و شامگاهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بامدادی نیست ، مگر آن که دو فرشته ، بانگ برآورده ، می گویند: «ای جویای خوبی ، بیا! ای در پیِ بدی ، دست [از بدی] بدار! آیا دعا کننده ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه گری هست تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا غم زه ای هست تا غم او زُدوده شود؟ بار خدایا! به آن که مال خویش را انفاق می کند ، هر چه زودتر ، عوض عطا کن، و به آن که از انفاق ، خودداری می ورزد ، در تلف کردن مال او تعجیل فرما»، و تا غروب آفتاب ، دعای آن دو این باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گاه صبحی را آغاز نکردم ، مگر این که در آن ، صد مرتبه از خدا آمرزش طلبیدم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس، چون خورشید غروب کرد، هفتاد بار آمرزش بخواهد ، خداوند ، هفتصد گناه از او می آمرزد، و هیچ مؤمنی اگر خدا خواهد در شبانه روز ، هفتصد گناه نمی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که در هنگام غروب آفتاب ، کارنامه اش را به آمرزش خواهی ختم کند ، مگر آن که گناهان پیش از آن را پاک می کند.

امام صادق علیه السلام :هر چه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر بامداد و شامگاه بگویی: «بار خدایا! روز خود را آغاز می کنم و در این بامدادان و در این روز ، برای آنان که سزاوار رحمت تو هستند ، از تو آمرزش می طلبم و از آنان که سزاوار و مشمول نفرین تو هستند ، در پیشگاه تو اعلام بیزاری می کنم... . بار خدایا! مرا و پدر و مادرم را بیامرز و آن دو را رحمت کن که مرا در کودکی پروردند. بار خدایا! مردان و زنان مؤمن ، و مردان و زنان مسلمان را، زنده و مُرده شان را بیامرز. بار خدایا! تو از جایگاه و مکان بازگشت آنان ، آگاهی.

.

5 / 11شَهرُ رَجَبٍ ولا سِيَّما لَيلَهِ النِّصفِ مِنهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِنَ الاِستِغفارِ فى شَهرِ رَجَبٍ ، فَإِنَّ للّهِ فى كُلِّ ساعَهٍ مِنهُ عُتَقاءَ (1) مِنَ النّارِ ، وإنَّ للّهِ مَدائِنَ لا يَدخُلُها إلّا مَن صامَ [شَهرَ] (2) رَجَبٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :رَجَبٌ شَهرُ الاِستِغفارِ لِاُمَّتى ، أكثِروا فيهِ الاِستِغفارَ ، فَإنَّهُ غَفورٌ رَحِيمٌ ، وشَعبانُ شَهرِى ، استَكثِروا فى رَجَبٍ مِن قَولِ : «أستَغفِرُ اللّهَ» ، وَاسأَلُوا اللّهَ الإِقالَهَ وَالتَّوبَهَ فيما مَضى ، وَالعِصمَهَ فيما بَقِىَ مِن آجالِكُم . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ أيّامَ البيضِ مِن رَجَبٍ أو قامَ (5) لَيالِيَها ، ويُصَلّى لَيلَهَ النِّصفِ مِئَهَ رَكعَهٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «قُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ ، فَإذا فَرَغَ مِن هذِهِ الصَّلاهِ استَغفَرَ سَبعينَ مَرَّهً ، رُفِعَ عَنهُ شَرُّ أهلِ السَّماءِ ، وشَرُّ أهلِ الأرضِ ، وشَرُّ إبليسَ وجُنودِهِ ، وإن ماتَ فى هذَا الشَّهرِ ماتَ [شَهيدا] (6) ، ويَقضِى اللّهُ لَهُ ألفَ حاجَهٍ . (7)

.

1- .فى المصدر : «منها عتقا» ، والتصويب من كنز العمّال .
2- .ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمّال .
3- .الفردوس : ج 1 ص 81 ح 247 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 1 ص 481 ح 2101 .
4- .النوادر للأشعرى: ص17 ح2 عن إسماعيل بن أبيزيادعن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج97 ص38 ح24.
5- .فى مستدرک الوسائل : «وقام» .
6- .ما بين المعقوفين أثبتناه من مستدرک الوسائل .
7- .بحار الأنوار : ج 97 ص 50 ح 38 ، مستدرک الوسائل : ج 7 ص 533 ح 8829 كلاهما نقلاً عن كتاب النوادر للراوندى عن ابن عبّاس .

5 / 11 ماه رجب ، بویژه شب نیمه آن

5 / 11ماه رجب ، بویژه شب نیمه آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در ماه رجب ، بسیار طلب آمرزش کنید؛ زیرا در هر ساعتی از این ماه ، خداوند ، عده ای را از آتش می رهانَد . برای خدا شهرهایی است که تنها کسانی وارد آنها می شوند که [ماه] رجب را روزه بگیرند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رجب، ماه آمرزش خواهی امّت من است . پس در این ماه ، بسیار آمرزش بخواهید که خدا ، آمرزگاری مهربان است. شعبان ، ماه من است . در رجب ، جمله «استغفر اللّه » را فراوان بگویید و از خداوند ، در باره [گناهان] گذشته ، پوزش و توبه بخواهید، و برای باقی مانده عمرتان ، مصونیت [از گناه].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ایّام البیض ماه رجب ، روزه بگیرد یا شب های آن را به عبادت بگذراند و شب نیمه [ی این ماه] صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت ، ده مرتبه «قل هو اللّه احد» بخواند و پس از این نماز ، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبد، گزند آسمانیان و گزند زمینیان و گزند ابلیس و سربازانش ، از او دور داشته می شود ، و اگر در این ماه بمیرد ، شهید مُرده است، و خداوند ، هزار حاجت او را بر آورده می سازد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَةَ النِّصفِ مِن رَجَبٍ عَشرَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ فاتِحَةَ الكِتابِ مَرَّةً ، و«قُل هُوَ اللّهُ أحَدٌ» ثَلاثينَ مَرَّةً ، فَإِذَا استَغفَرَ اللّهَ وسَجَدَ وسَبَّحَهُ ومَجَّدَهُ وكَبَّرَهُ مِئَةَ مَرَّةٍ ، لَم يُكتَب عَلَيهِ خَطيئَةٌ إلى مِثلِها مِنَ القابِلِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى نَصَبَ فِى السَّماءِ السّابِعَهِ مَلَكا يُقالُ لَهُ : الدّاعى ، فَإِذا دَخَلَ شَهرُ رَجَبٍ يُنادى ذلِكَ المَلَكُ كُلَّ لَيلَهٍ مِنهُ إلَى الصَّباحِ : طوبى لِلذّاكِرينَ ، طوبى لِلطائِعينَ . ويَقولُ اللّهُ تَعالى : أنَا جَليسُ مَن جالَسَنى ، ومُطيعُ مَن أطاعَنى ، وغافِرُ مَنِ استَغفَرَنى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ فى شَهرِ رَجَبٍ لَيلَةً ، مَن حَرَّمَ النَّومَ عَلى نَفسِهِ وقامَ فيها حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ ، وصافَحَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلى يَومٍ مِثلِهِ ، فَإِن عادَ عادَتِ المَلائِكَهُ . (3)

5 / 12شَهرُ شَعبانَ ولا سِيَّما لَيلَهِ النِّصفِ مِنهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ لَيلَهُ النِّصفِ مِن شَعبانَ نادى مُنادٍ (4) : هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأُغفِرَ لَهُ ؟ هَل مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ ؟ فَلا يَسأَلُ أحَدٌ إلّا أُعطِىَ ، إلّا زانِيَهٌ بِفَرجِها أو مُشرِكٌ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 97 ص 50 ح 39 نقلاً عن كتاب النوادر للراوندى عن أنس .
2- .الإقبال : ج 3 ص 174 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 377 ح 1 .
3- .بحار الأنوار : ج 97 ص 47 ح 33 نقلاً عن النوادر للراوندى عن ابن عبّاس .
4- .فى المصدر : «فإذا منادٍ» ، والتصويب من كنز العمّال وبعض نسخ المصدر الخطيّه .
5- .شعب الإيمان : ج 3 ص 383 ح 3836 عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمّال : ج 12 ص 314 ح 35178 .

5 / 12 ماه شعبان ، بویژه شب نیمه آن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس شب نیمه ماه رجب ، ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعتی یک مرتبه «فاتحه الکتاب» و سی مرتبه «قل هو اللّه احد» را بخوانَد و چون [نمازش را تمام کرد و] از خدا، آمرزش بخواهد و سجده کند و او را تسبیح و تمجید گفته ، صد مرتبه «اللّه أکبر» بگوید ، تا رجب آینده ، گناهی برایش نوشته نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال، در آسمان هفتم ، فرشته ای منصوب کرده است که به آن ، «دعوتگر» گفته شود. چون ماه رجب در آید ، آن فرشته ، هر شب تا صبح بانگ می زند: «خوشا به حال ذکرگویان [خدا]! خوشا به حال فرمان بُرداران !» . و خداوند متعال می فرماید: «من همنشین کسی هستم که با من ، همنشینی کند، و فرمان بُردار کسی هستم که از من ، فرمان برَد، و آمرزنده کسی هستم که از من ، آمرزش بخواهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! در ماه رجب ، شبی است که هر کس در آن شب ، خواب را بر خود حرام کند و به عبادت بپردازد خداوند ، بدن او را بر آتش ، حرام می گرداند و هفتاد هزار فرشته با او دست می دهند و تا روزی چنان (یعنی ماه رجب سال آینده) برایش طلبِ آمرزش می کنند، و اگر دوباره گناه کرد ، فرشتگان ، دوباره برایش آمرزش می خواهند.

5 / 12ماه شعبان ، بویژه شب نیمه آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه شب نیمه شعبان شود ، منادی ای ندا می دهد : آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ پس هر کسی درخواست کند ، به او عطا می شود ، بجز زن زناکار یا شخص مشرک.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ لَيلَةُ النِّصفِ مِن شَعبانَ فَقوموا لَيلَتَها ، وصوموا يَومَها ، فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : ألا مِن مُستَغفِرٍ فَأَغفِرَ لَهُ ؟ ألا مِن مُستَرزِقٍ فَأَرزُقَهُ ؛ ألا مِن سائِلٍ فَأُعطِيَهُ ؟ ألا كَذا ؟ حَتّى يَطلُعَ الفَجرُ . (1)

مصباح المتهجّد عن زيد بن علىّ :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام يَجمَعُنا جَميعا لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، ثُمَّ يُجَزِّئُ اللَّيلَ أجزاءً ثَلاثَةً ، فَيُصَلّي بِنا جُزءا ، ثُمَّ يَدعو ونُؤَمِّنُ عَلى دُعائِهِ ، ثُمَّ يَستَغفِرُ اللّهَ ونَستَغفِرُهُ ونَسأَلُهُ الجَنَّةَ حَتّى يَنفَجِرَ الصُّبحُ . (2)

مصباح المتهجّد عن محمّد بن أبى حمزه عن الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ فى كُلِّ يَوم مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً : أستَغفِرُ اللّهَ الَّذِى لا إلهَ إلّا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ الحَىُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ ، كَتَبَهُ اللّهُ تَعالى فِى الاُفُقِ المُبينِ . قُلتُ : ومَا الاُفُقُ المُبينُ ؟ قالَ : قاعٌ بَينَ يَدَيِ العَرشِ ، فيهِ أنهارٌ تَطَّرِدُ فيهِ مِنَ القِدحانِ عَدَدَ النُّجومِ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام :مَنِ استَغفَرَ اللّهَ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً ، حُشِرَ يَومَ القِيامَهِ فى زُمرَهِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ووَجَبَت لَهُ مِنَ اللّهِ الكَرامَهُ . (4)

.

1- .شعب الإيمان : ج 3 ص 379 ح 3822 عن عبد اللّه بن جعفر عن الإمام علىّ عليه السلام وراجع سنن ابن ماجه : ج 1 ص 444 ح 1388 والفردوس : ج 1 ص 259 ح 1007 وكنز العمّال : ج 12 ص 314 ح 35177 والإقبال : ج 3 ص 323 وبحار الأنوار : ج 98 ص 415 ح 1 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 853 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 115 ح 32 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 829 ح 889 ، الخصال : ص 582 ح 5 ، معانى الأخبار : ص 229 ح 1 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 56 ح 35 ، الإقبال : ج 3 ص 295 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 91 ح 4 .
4- .الخصال : ص 582 ح 6 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 255 ح 6 كلاهما عن العبّاس بن هلال ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 44 ح 21 ، الأمالى للصدوق : ص 68 ح 34 ، الإقبال : ج 3 ص 294 والثلاثه الأخيره عن الحسن بن علىّ بن فضّال نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 72 ح 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه شب نیمه شعبان رسید ، آن شب را به عبادت بگذارنید و روزش را روزه بگیرید؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا روزی خواهی هست تا او را روزی دهم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا چنین، آیا چنان؟»، تا آن گاه که سپیده بزند.

مصباح المتهجّد به نقل از زید بن علی : امام زین العابدین علیه السلام در شب نیمه شعبان ، همه ما را جمع می کرد . آن گاه ، شب را به سه بخش تقسیم می کرد، در یک بخش ، برایمان نماز می خواند ، آن گاه، دعا می کرد و ما «آمین» می گفتیم. سپس از خدا آمرزش می طلبید و ما هم آمرزش می طلبیدیم و بهشت را از او درخواست می کردیم ، تا آن گاه که سپیده صبح می دمید.

مصباح المتهجّد به نقل از محمّد بن ابی حمزه : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر کس در هر روز از [ماه]شعبان ، هفتاد مرتبه بگوید: آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی نیست ، جز او مهرگسترِ مهربان، زنده پاینده ، و به درگاهش توبه می کنم» ، خداوند متعال ، نامش را در افق مبین می نویسد». گفتم : افق مبین چیست؟ فرمود: «دشتی است در برابر عرش که در آن ، جویبارها روان است و جاهایی به شمارِ ستارگان» .

امام رضا علیه السلام :هر کس در هر روز از ماه شعبان ، هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد، روز قیامت ، در گروه پیامبر خدا محشور شود و کرامت خدا بر او واجب می گردد.

.

عنه عليه السلام :مَن قالَ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَعبانَ سَبعينَ مَرَّةً : «أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ» كَتَبَ اللّهُ تَعالى لَهُ بَراءَةً مِنَ النّارِ ، وجَوازا عَلَى الصِّراطِ ، وأحَلَّهُ دارَ القَرارِ . (1)

فضائل الأشهر الثلاثه عن إبراهيم بن ميمون :قُلتُ [لَهُ عليه السلام] : فَما أفضَلُ الدُّعاءِ فِى هذَا الشَّهرِ ؟ فَقالَ : الاِستِغفارُ ، إنَّ مَنِ استَغفَرَ فى شَعبانَ كُلَّ يَومٍ سَبعينَ مَرَّةً ، كانَ كَمَنِ استَغفَرَ فى غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ سَبعينَ ألفَ مَرَّةٍ . قُلتُ : فَكَيفَ أقولُ ؟ قالَ : قُل : أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ التَّوبَةَ . (2)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروى :دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلام فى آخِرِ جُمُعَةٍ مِن شَعبانَ ، فَقالَ لى : يا أبَا الصَّلتِ ، إنَّ شَعبانَ قَد مَضى أكثَرُهُ ، وهذا آخِرُ جُمُعَةٍ مِنهُ ، فَتَدارَكَ فيما بَقِىَ مِنهُ تَقصيرَكَ فيما مَضى مِنهُ ، وعَلَيكَ بِالإقبالِ عَلى ما يَعنيكَ وتَركِ ما لا يَعنيكَ ، وأكثِر مِنَ الدُّعاءِ وَالاِستِغفارِ وتِلاوَةِ القُرآنِ ، وتُب إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِكَ لِيُقبِلَ شَهرُ اللّهِ إلَيكَ وأنتَ مُخلِصٌ للّهِ عز و جل . (3)

5 / 13شَهرُ رَمَضانَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تُفتَحُ أبوابُ الجَنَّةِ فى أوَّلِ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ إلى آخِرِ لَيلَةٍ ، وتُغَلُّ فيهِ مَرَدَةُ الشَّياطينِ ، ويَبعَثُ اللّهُ مُنادِيا يُنادى : يا باغِىَ الخَيرِ هَلُمَّ ، هَل مِن داعٍ يُستَجابُ لَهُ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ يُغفَرُ لَهُ ؟ هَل مِن تائِبٍ يُتابُ عَلَيهِ ؟ (4)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 57 ح 212 ، الأمالى للصدوق : ص 727 ح 994 كلاهما عن الريّان بن الصلت ، روضه الواعظين : ص 441 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 90 ح 2 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 56 ح 34 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 91 ح 5 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 51 ح 198 ، الإقبال : ج 1 ص 42 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 73 ح 17 .
4- .كنز العمّال : ج 8 ص 468 ح 23700 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه وابن النجّار عن ابن عمر و ح 23704 ، تاريخ بغداد : ج 1 ص 284 عن ابن

عبّاس ، شعب الإيمان : ج 3 ص 304 ح 3606 عن ابن مسعود وكلّها نحوه .

5 / 13 ماه رمضان

امام رضا علیه السلام :هر کس در هر روز ماه شعبان ، هفتاد بار بگوید: «از خدا ، آمرزش می طلبم و از او توبه می خواهم»، خداوند متعال ، برایش بَرات آزادی از آتش و عبور از صراط را می نویسد و او را در سرای جاویدان ، جای می دهد.

فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از ابراهیم بن میمون : به امام علیه السلام (1) گفتم : بهترین دعا در این ماه (شعبان) چیست؟ فرمود: «آمرزش خواستن . هر کس در ماه شعبان ، روزی هفتاد بار آمرزش بطلبد ، همانند کسی که در دیگر ماه ها هفتاد هزار بار طلب آمرزش نماید». گفتم : چگونه بگویم؟ فرمود: «بگو: از خدا ، آمرزش می طلبم و از او توبه می خواهم » .

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد السلام بن صالح هروی : در آخرین جمعه ماه شعبان ، بر امام رضا علیه السلام در آمدم . به من فرمود: «ای ابا صلت! شعبان ، بیشترش گذشت و این ، آخرین جمعه آن است. پس در باقی مانده این ماه ، کوتاهی های خویش در ایّام سپری شده آن را جبران کن . بر تو باد انجام دادن آنچه به حال تو سودمند است و فرو نهادن آنچه برایت سودی ندارد! بسیار دعا کن و آمرزش بخواه و قرآن بخوان و از گناهانت به درگاه خدا ، توبه کن تا ماه خدا (رمضان) در حالی بر تو در آید که خود را برای خداوند عز و جل خالص گردانیده باشی.

5 / 13ماه رمضانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درهای بهشت ، در نخستین شب ماه رمضان ، باز می شود و تا آخرین شب آن ، همچنان باز می مانَد . در این ماه ، شیطان های یاغی ، به زنجیر کشیده می شوند و خداوند ، منادی ای را می فرستد تا ندا سر دهد که: «ای جویای خوبی ، بیا! آیا دعا کننده ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش پذیرفته گردد؟».

.

1- .منظور از امام در اینجا امام صادق علیه السلام می باشد چون ابراهیم بن میمون فقط از امام صادق علیه السلام روایت می کند .

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى فى کُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : هَل مِن سائِلٍ فَاُعطِيَهُ سُؤلَهُ ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأتوبَ عَلَيهِ ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأغفِرَ لَهُ ؟ (1)

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ لَيسَ کَالشُّهورِ ؛ لِما تُضاعَفُ فيهِ مِن الاُجورِ ، هُوَ شَهرُ الصِّيامِ ، وشَهرُ القِيامِ ، وشَهرُ التَّوبَهِ وَالاِستِغفارِ ... . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيکُم شَهرُ اللّهِ بِالبَرَکَهِ وَالرَّحمَهِ وَالمَغفِرَهِ ... . يا أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ أنفُسَکُم مَرهونَهٌ بِأعمالِکُم فَفُکّوها بِاستِغفارِکُم ، وظُهورَکُم ثَقيلَهٌ مِن أوزارِکُم (3) فَخَفِّفوا عَنها بِطولِ سُجودِکُم . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :عَلَيکُم فى شَهرِ رَمَضانَ بِکَثرَهِ الاِستِغفارِ وَالدُّعاءِ ؛ فَأمَّا الدُّعاءُ فَيُدفَعُ بِهِ عَنکُمُ البَلاءُ ، وأمَّا الاِستِغفارُ فَيَمحى (5) ذُنوبَکُم . (6)

.

1- .الأمالى للمفيد : ص 230 ح 3 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 126 ح 133 نحوه ، الإقبال : ج 1 ص 24 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 338 ح 1 ، فضائل الأوقات للبيهقى : ص 64 ح 129 ، تاريخ دمشق : ج 52 ص 292 ح 11020 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 8 ص 586 ح 24281 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 100 ح 86 عن ابن عبّاس .
3- .الوِزر : الذنب والإثم (النهايه : ج 5 ص 179 «وزر») .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 77 ح 61 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 295 ح 53 ، الأمالى للصدوق : ص 154 ح 149 ، الإقبال : ج 1 ص 26 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 356 ح 25 .
5- .مَحا الشىءَ يَمحوهُ ويَمحاه : أذهبَ أثَرَه (لسان العرب : ج 15 ص 271 «محا») . وفى المصادر الاُخرى : «فتُمحى به ذنوبُكم» .
6- .الكافى : ج 4 ص 88 ح 7 عن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 108 ح 1858 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 76 ح 59 ، الأمالى للصدوق : ص 118 ح 103 كلاهما عن حصين عن

الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 69 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 378 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی در هر شب ماه رمضان ، سه بار می فرماید: «آیا درخواست کننده ای هست تا خواسته اش را به او بدهم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، همچون دیگر ماه ها نیست. در این ماه ، مزدها دو چندان می شود. این ماه، ماه روزه است، ماه شب زنده داری است، ماه توبه و آمرزش خواهی است... .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! ماه خدا ، با برکت و رحمت وآمرزش ، به شما رو آورده است ... . ای مردم ! جان های شما ، در گرو کردارهای شماست . پس با آمرزش خواهی خود ، آنها را آزاد کنید . پشت های شما از بار گناهانتان ، گران بار گشته است . با سجده های طولانی خویش ، آنها را سبُک کنید.

امام علی علیه السلام :در ماه رمضان ، بسیار آمرزش خواهی و دعا کنید؛ زیرا به واسطه دعا ، بلا از شما دور می شود، و آمرزش خواهی ، گناهانتان را پاک می کند.

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام : ... إلهى اُريدُ النَّجاةَ مِنَ النّارِ . قالَ : ذلِکَ لِمَنِ استَغفَرَ فى لَيلَهِ القَدرِ . (1)

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 145 ح 3 .

ص: 131

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام گفت: معبود من! رهایی از آتش را می خواهم. خدا فرمود: «این ، برای کسی است که در شب قدر ، طلب آمرزش کند».

.

الفَصلُ السّادِسُ : ما ينبغى فيه الاستغفار من الأحوال6 / 1قَبلَ النَّومِالإمام علىّ عليه السلام :دَعانى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا عَلِىُّ ، إذا أخَذتَ مَضجَعَکَ فَعَلَيکَ بِالاِستِغفارِ ، وَالصَّلاهِ عَلَىَّ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا أوَيتَ إلى فِراشِکَ قُل : بِاسمِکَ اللّهُمَّ وَضَعتُ جَنبى ، طَهِّر (2) لى قَلبى ، وطَيِّب كَسبى ، وَاغفِر ذَنبى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ حينَ يَأوى إلى فِراشِهِ : «أستَغفِرُ اللّهَ العَظيمَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، غَفَرَ اللّهُ ذُنوبَهُ وإن كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ . (4)

السنن الكبرى للنسائى عن عبد اللّه بن عمرو عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أنَّهُ كانَ إذَا اضطَجَعَ لِلنَّومِ يَقولُ : اللّهُمَّ بِاسمِکَ رَبِّ وَضَعتُ جَنبى ، فَاغفِر لى ذَنبى . (5)

.

1- .الدعوات : ص 84 ح 214 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 220 ح 31 .
2- .فى المصدر : «وطهِّر» ، وما أثبتناه هو الصواب كما فى كنز العمّال .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 248 ح 709 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 15 ص 330 ح 41261 .
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 470 ح 3397 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 23 ح 11074 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 114 ح 1334 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 333 ح 41275 ؛ جامع الأخبار : ص 517 ح 1462 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 204 ح 22 .
5- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 192 ح 10606 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 584 ح 6631 ، الدعاء للطبرانى : ص 104 ح 258 ، كنز العمّال : ج 15 ص 498 ح 41970 .

6 / 1 پیش از خواب

فصل ششم: مواقع مناسب برای آمرزش خواهی6 / 1پیش از خوابامام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، مرا فرا خواند و فرمود: «ای علی! هرگاه به بستر خویش رفتی، به آمرزش خواهی و درود فرستادن بر من بپرداز».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه به بسترت رفتی، بگو: بار خدایا! به نام تو ، پهلویم را نهادم . دلم را پاک و درآمدم را پاکیزه [و حلال] گردان و گناهانم را بیامرز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس هنگامی که به بسترش می رود، سه مرتبه بگوید: «از خدای بزرگی که معبودی جز او ، زنده پاینده نیست ، آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم»، خداوند ، گناهان او را می آمرزد ، اگرچه به اندازه کف دریا باشد.

السنن الکبری، نسائی به نقل از عبد اللّه بن عمرو : پیامبر خدا ، هرگاه برای خواب به بستر می رفت، می گفت: بار خدایا ، پرورگارا! به نام تو ، پهلویم را نهادم . پس گناهانم را بیامرز.

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ خَلَقتَ نَفسى وأنتَ تَوَفّاها ، لَکَ مَماتُها ومَحياها ، إن أحيَيتَها فَاحفَظها ، وإن أمَتَّها فَاغفِر لَها ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ العافِيَةَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنِ استَغفَرَ اللّهَ مِئَةَ مَرَّةٍ حينَ يَنامُ ، باتَ وقَد تَحاتَّتِ (2) الذُّنوبُ کُلُّها عَنهُ ، کَما يَتَحاتُّ الوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ ، ويُصبِحُ ولَيسَ عَلَيهِ ذَنبٌ . (3)

عنه عليه السلام :مَن قالَ حينَ يَأوى إلى فِراشِهِ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، بَنَى اللّهُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّةِ . ومَنِ استَغفَرَ اللّهَ حينَ يَأوى إلى فِراشِهِ مِئَةَ مَرَّةٍ ، تَحاتَّت ذُنوبُهُ کَما يَسقُطُ وَرَقُ الشَّجَرَةِ . (4)

6 / 2بَعدَ الاِستيقاظِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا رَدَّ اللّهُ عز و جل إلَى العَبدِ المُسلِمِ نَفسَهُ مِنَ اللَّيلِ ، فَسَبَّحَهُ وَاستَغفَرَهُ ودَعاهُ ، تَقَبَّلَ مِنهُ . (5)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2083 ح 60 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 199 ح 10632 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 374 ح 5503 كلّها عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 15 ص 337 ح 41292 .
2- .فى المصدر : «تحات» ، والتصويب من بحار الأنوار . [يقال] : حَتَّ الرجلُ الوَرقَ وغيرَه حَتّا : أزاله . وتَحاتَّتِ الشجَرةُ : تَساقطَ ورقُها (المصباح المنير : ص 120 «حتت») .
3- .ثواب الأعمال : ص 197 ح 2 عن سلام الحنّاط ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 89 ح 2247 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 201 ح 17 .
4- .الخصال : ص 594 ح 6 ، ثواب الأعمال : ص 18 ح 2 ، الأمالى للصدوق : ص 265 ح 285 كلّها عن سلام بن غانم ، بحار الأنوار : ج 76 ص 192 ح 3 .
5- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 263 ح 753 عن أبى هريره ، الأذكار للنووى : ص 93 ، كنز العمّال : ج 7 ص 781 ح 21384 .

6 / 2 بعد از بیدار شدن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بارخدایا! تو جان مرا آفریدی، و تو آن را می ستانی . مرگ و زندگی آن ، برای (/در دست) توست . تا هرگاه زنده اش داشتی ، نگهدارش باش، و هرگاه میراندی ، آن را بیامرز . بارخدایا! من از تو عافیت درخواست می کنم.

امام صادق علیه السلام :هرکس هنگامی که می خوابد ، صد مرتبه از خدا آمرزش بخواهد، آن شب را در حالی به سر برد که همه گناهانش، همچنان که برگ از درخت می ریزد، از او فرو ریزند، و چون صبح کند ، هیچ گناهی در او نباشد.

امام صادق علیه السلام :هر کس هنگامی که به بسترش می رود ، صد بار بگوید: «معبودی جز خدا نیست» ، خداوند برای او در بهشت ، خانه ای بنا می کند، و هر کس هنگامی که به بسترش می رود ، صد بار از خدا آمرزش بخواهد گناهانش، همانند فرو ریختن برگ های درخت، فرو می ریزند.

6 / 2بعد از بیدار شدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند عز و جل جان بنده مسلمان را که در شب از او گرفته است ، [صبحگاهان]به او بازگرداند و او خدای را تسبیح گوید و از او آمرزش بخواهد و به درگاهش دعا کند، [آنها را] از او می پذیرد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يَتَعارُّ (1) مِنَ اللَّيلِ فَيَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، وَالحَمدُ للّهِ ، وسُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى» إلّا غَفَرَ لَهُ ، فَإِن هُوَ عَزَمَ فَقامَ فَتَوَضَّأَ فَدَعَا اللّهَ استَجابَ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يَتَعارُّ مِن جَوفِ اللَّيلِ فَيَقولُ : «اللّهُ أكبَرُ وسُبحانَ اللّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، لَهُ المُلکُ ولَهُ الحَمدُ ، يُحيى ويُميتُ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ الغَفورَ الرَّحيمَ» إلّا سَلَخَهُ اللّهُ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (3)

مسند ابن حنبل عن ربيعه الجرشى :سَأَلتُ عائِشَةَ فَقُلتُ : ما كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ ؟ وبِمَ كانَ يَستَفتِحُ ؟ قالَت : كانَ يُكَبِّرُ عَشرا ، ويُسَبِّحُ عَشرا ، ويُهَلِّلُ عَشرا ، ويَستَغفِرُ عَشرا ، ويَقولُ : «اللّهُمَّ اغفِر لى وَاهدِنى وَارزُقنى» عَشرا ، ويَقولُ : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الضّيقِ يَومَ الحِسابِ» عَشرا . (4)

6 / 3بَدءُ الخُطبَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى خُطبَهِ صَلاهِ الجُمُعَهِ : الحَمدُ للّهِ ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ ، وأستَغفِرُهُ وأستَهديهِ ، وأُؤمِنُ بِهِ ولا أكفُرُهُ . (5)

.

1- .تَعارَّ من الليل : أى هَبَّ من نَومِه واستيقظَ . ولا يكون إلّا يقظةً مع كلام (النهايه : ج 1 ص 190 «تعر» و ج 3 ص 204 «عرر») .
2- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 283 ح 4210 عن أبى هريره .
3- .كنز العمّال : ج 15 ص 354 ح 41349 نقلاً عن الخرائطى فى مكارم الأخلاق ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 202 ح 5693 نقلاً عن درر اللآلى وكلاهما عن عباده بن الصامت .
4- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 475 ح 25156 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 431 ح 1356 ، سنن النسائى : ج 3 ص 209 ، صحيح ابن حبّان : ج 6 ص 337 ح 2602 والثلاثه الأخيره عن عاصم بن حميد نحوه .
5- .مجمع البيان : ج 10 ص 432 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 232 ح 66 ؛ تفسير القرطبى : ج 18 ص 98 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مسلمانی نیست که چون شب از خواب بیدار شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست . خدا بزرگ تر است . ستایش ، خدای را . پاکا خدای ، پروردگار جهانیان ! بار خدایا ! مرا بیامرز» ، مگر آن که خدا او را می آمرزد، و اگر تصمیم گرفت و برخاست و وضو ساخت و به درگاه خدا دعا کرد، دعایش را مستجاب می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مسلمانی نیست که در دلِ شب از خواب بیدار شود و بگوید: «خدا ، بزرگ تر است. پاکا خدا ! معبودی جز خدای یگانه بی انباز نیست . او راست پادشاهی و او راست ستایش . زنده می کند و می میرانَد، و او بر هر چیزی تواناست . هیچ نیرو و توان نیست ، مگر به یاری خدا . از خدای آمرزگار مهربان ، آمرزش می طلبم» ، مگر آن که خداوند ، او را از گناهانش پاک می کند، همانند روزی که از مادرش زاده شده است.

مسند ابن حنبل به نقل از ربیعه جرشی : از عایشه پرسیدم: پیامبر خدا ، هر گاه شب برمی خاست ، چه می گفت؟ و نخستین سخنش چه بود؟ عایشه گفت: ده بار ، تکبیر می گفت و ده بار «سبحان اللّه»، ده بار «لا إله إلّا اللّه» . و ده بار آمرزش می خواست و ده بار می فرمود: «بار خدایا ! مرا بیامرز و هدایتم کن و روزی ام ده» و ده بار می فرمود: «بار خدایا ! از سختی روز حسابرسی به تو پناه می برم».

6 / 3آغاز سخنرانیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در خطبه نماز جمعه : ستایش ، خدای راست او را می ستایم و از او یاری می جویم . از او آمرزش و هدایت می طلبم . به او ایمان دارم و منکرش نیستم.

.

عنه صلى الله عليه و آله مِن خُطبَتِهِ فى حَجَّهِ الوَداعِ : الحَمدُ للّهِ ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ، ونَستَغفِرُهُ ونَتوبُ إلَيهِ ، ونَعوذُ بِاللّهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا ، ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام بِهذِهِ الخُطبَهِ فَقالَ : الحَمدُ للّهِ ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ ، وأستَغفِرُهُ وأستَهديهِ ، وأؤمِنُ بِهِ ، وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الواصِلِ الحَمدَ بِالنِّعَمِ ، وَالنِّعَمَ بِالشُّكرِ ... ونَستَغفِرُهُ مِمّا أحاطَ بِهِ عِلمُهُ ، وأحصاهُ كِتابُهُ ، عِلمٌ غَيرُ قاصِرٍ ، وكِتابٌ غَيرُ مُغادِرٍ . (3)

6 / 4عِندَ المُلتَزَمِالإمام علىّ عليه السلام :أقِرّوا عِندَ المُلتَزَمِ (4) بِما حَفِظتُم مِن ذُنوبِكُم ، وما لَم تَحفَظوا فَقولوا : «وما حَفِظَتهُ عَلَينا حَفَظَتُكَ ونَسيناهُ فَاغفِرهُ لَنا» ؛ فَإِنَّهُ مَن أقَرَّ بِذَنبِهِ فى ذلِكَ المَوضِعِ وعَدَّهُ وذَكَرَهُ وَاستَغفَرَ اللّهَ مِنهُ ، كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جل أن يَغفِرَهُ لَهُ . (5)

الكافى عن معاويه بن عمّار عن أبى عبد اللّه عليه السلام أنَّهُ كانَ إذَا انتَهى إلَى المُلتَزَمِ قالَ لِمَواليهِ : أميطوا عَنّى حَتّى أُقِرَّ لِرَبّى بِذُنوبى فى هذَا المَكانِ ، فَإِنَّ هذا مَكانٌ لَم يُقِرَّ عَبدٌ لِرَبِّهِ بِذُنوبِهِ ، ثُمَّ استَغفَرَ اللّهَ ، إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (6)

.

1- .تحف العقول : ص 30 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 348 ح 13 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 1 ص 126 .
2- .الكافى : ج 5 ص 371 ح 3 عن جابر ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 514 ح 1482 و ص 428 ح 1263 و ص 518 ح 1484 كلّها عن الإمام علىّ عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 663 ح 730 عن جندب وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 99 ح 4 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 114 .
4- .المُلتزَم : دَبْرُ الكعبه ، سُمّى به لأنّ الناس يعتنقونه ؛ أى يضمّونه إلى صدورهم (مجمع البحرين : ج 3 ص 1630 «لزم») .

5- .الخصال : ص 617 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 99 ص 194 ح 3 .
6- .الکافی : ج 4 ص 410 ح 4 .

6 / 4 در محل مُلتزَم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خطبه ایشان در حَجه الوداع : ستایش ، خدای راست . او را می ستاییم و از او یاری می جویم . از او آمرزش می طلبیم و به درگاهش توبه می بریم . از بدی های نفس خویش، و از کردارهای بد خود ، به او پناه می بریم.

امام باقر علیه السلام :امیر مؤمنان ، این خطبه را ایراد کرد و گفت : «ستایش ، خدای راست . او را می ستایم و از او یاری می جویم . از وی آمرزش و راه نمایی می خواهم . به او ایمان دارم و بر او توکّل می کنم.

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که ستایش را به نعمت ها، و نعمت ها را به سپاس گزاری پیوسته است (1) ... و از هر آن گناهی که علم او بدان احاطه دارد و در کتابش ثبت کرده است، علمی که قاصر نیست و کتابی که [هیچ گناه ریز و درشتی را]فروگذار نمی کند، آمرزش می طلبم.

6 / 4در محل مُلتزَمامام علی علیه السلام :در جایگاه مُلتزم (2) به آنچه از گناهانتان که در یاد دارید و ندارید ، اعتراف کنید و بگویید: «آنچه را یادداشت کنندگان تو ، یادداشت کرده اند و ما آن را فراموش کرده ایم ، بر ما بیامرز» ؛ زیرا هر کس در این مکان به گناهانش اعتراف کند و آنها را برشمارد و نام ببرد و برای آنها از خدا آمرزش بطلبد، بر خداوند عز و جلاست که او را بیامرزد.

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار : امام صادق علیه السلام هر گاه به ملتزم می رسید ، به همراهانش می فرمود : «از من دور شوید تا در این مکان ، در برابر پروردگارم به گناهان خود اعتراف کنم؛ زیرا این جا، مکانی است که هر بنده ای اگر به گناهان خود در برابر پروردگارش اعتراف کند و از خدا آمرزش بطلبد ، حتماً خداوند او را می آمرزد».

.

1- .برای نعمت ها ، ستایش واجب ساخته و سپاس گزاری را سبب افزونی نعمت ها قرار داده است.
2- .مُلتزم: جایی است در پشت کعبه. آن را مُلتزم گفته اند ، چون مردم ، آن را در آغوش می گیرند و سینه خود را به آن می چسبانند.

الإمام الصادق عليه السلام :لَمّا طافَ آدَمُ بِالبَيتِ ، وَانتَهى إلَى المُلتَزَمِ ، قالَ لَهُ جَبرَئيلُ عليه السلام : يا آدَمُ ، أقِرَّ لِرَبِّکَ بِذُنوبِکَ فى هذَا المَکانِ ، قالَ : فَوَقَفَ آدَمُ عليه السلام فَقالَ : يا رَبِّ ، إنَّ لِکُلِّ عامِلٍ أجرا ، وقَد عَمِلتُ فَما أجرى ؟ فَأوحَى اللّهُ عز و جل إلَيهِ : يا آدَمُ قَد غَفَرتُ ذَنبَکَ . قالَ : يا رَبِّ ، ولِوُلدى أو لِذُرِّيَّتى ؟ فَأوحَى اللّهُ عز و جل إلَيهِ : يا آدَمُ ، مَن جاءَ مِن ذُرِّيَّتِکَ إلى هذَا المَکانِ ، وأقَرَّ بِذُنوبِهِ ، وتابَ کَما تُبتَ ، ثُمَّ استَغفَرَ ، غَفَرتُ لَهُ . (1)

6 / 5عِندَ صُعودِ الصَّفاالکافى عن علىّ بن النعمان يرفعه :کانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا صَعِدَ الصَّفَا استَقبَلَ الکَعبَةَ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ ، ثُمَّ يَقولُ : اللّهُمَّ اغفِر لى کُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ قَطُّ ، فَإن عُدتُ فَعُد عَلَىَّ بِالمَغفِرَهِ ، فَإنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (2)

6 / 6خِتامُ المَجالِسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما جَلَسَ قَومٌ فى مَجلِسٍ ، فَخاضوا (3) فى حَديثٍ ، وَاستَغفَرُوا اللّهَ عز و جل قَبلَ أن يَتَفَرَّقوا ، إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُم ماخاضوا فيهِ . (4)

.

1- .الکافى : ج 4 ص 194 ح 3 عن معاويه بن عمّار وجميل بن صالح ، قصص الأنبياء : ص 47 ح 13 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 203 ح 13 .
2- .الکافى : ج 4 ص 432 ح 5 ، تهذيب الأحکام : ج 5 ص 147 ح 482 .
3- .الخوضُ : اللّبسُ فى الأمر . والخوضُ من الکلام : ما فيه الکذب والباطل (لسان العرب : ج 7 ص 147 «خوض») .
4- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 160 ح 451 عن أبى اُمامه ، کنز العمّال : ج 9 ص 150 ح 25466 .

6 / 5 هنگام بالا رفتن از صفا

6 / 6 در پایان مجلس

امام صادق علیه السلام :چون آدم علیه السلام خانه خدا را طواف کرد، به مُلتزم که رسید، جبرئیل علیه السلام به او فرمود: «ای آدم! در این جایگاه ، به گناهان خود در برابر پروردگارت اعتراف کن». آدم علیه السلام ایستاد و گفت: پروردگارا! هر کارگری را مزدی است. من هم کار کرده ام . مزد من چیست؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «ای آدم! گناهت را آمرزیدم». آدم علیه السلام گفت: پروردگارا! فرزندانم یا ذریّه من ، چه؟ خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «ای آدم! هر یک از ذریّه تو که به این مکان بیاید و به گناهانش اعتراف کند و همچون تو توبه نماید ، سپس آمرزش بخواهد ، او را هم می آمرزم» .

6 / 5هنگام بالا رفتن از صفاالکافی به نقل از علی بن نعمان، که سند حدیث را به امام باقر علیه السلام می رساند : امیر مؤمنان ، هر گاه بالای صفا می رفت ، رو به کعبه می کرد، سپس دستانش را بالا می برد و می گفت: «بار خدایا! هر گناهی را که مرتکب شده ام ، بر من ببخشای، و اگر دوباره مرتکب شدم ، دوباره مرا بیامرز؛ زیرا تو آمرزگاری مهربانی» .

6 / 6در پایان مجلسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه گروهی گِرد هم بنشینند و به سخنان آمیخته به دروغ و باطل پردازند و پیش از آن که پراکنده شوند ، از خداوند عز و جل آمرزش بطلبند ، خداوند ، آنها را بر ایشان می آمرزد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :كَفّارَةُ المَجلِسِ أن يَقولَ العَبدُ بَعدَ أن يَقومَ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن جَلَسَ فی مَجلِسٍ کَثُرَ فیه لَغطُهُ (2) فَقالَ قَبلَ أن یَقومَ : «سُبحانَکَ رَبَّنا وبِحَمدِکَ ، لا إلهَ إلّاَ أنتَ ، أستَغفِرُکَ ثُمَّ أتوبُ إلَیکَ» إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما کانَ فی مَجلِسِهِ ذلِکَ . (3)

عمل الیوم واللیله لابن السنی عن أبی اُمامه :کانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله علیه و آله إذا جَلَسَ فَأرادَ أن یَقومَ استَغفَرَ اللّهَ عَشرا إلى خَمسَ عَشرَةَ . (4)

عمل الیوم واللیله لابن السنی عن عبد اللّه الحضرمی :کانَ النَّبِیُّ صلى الله علیه و آله إذا قامَ مِنَ المَجلِسِ استَغفَرَ عِشرینَ مَرَّةً فَأعلى . (5)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ علیه السلام کانَ لا یَقومُ مِن مَجلِسٍ وإن خَفَّ حَتّى یَستَغفِرَ اللّهَ عز و جل خَمسا وعِشرینَ مَرَّةً . (6)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 54 ح 1227 ، المعجم الکبیر : ج 10 ص 164 ح 10333 نحوه وکلاهما عن ابن مسعود ، کنز العمّال : ج 9 ص 141 ح 25417 .
2- .اللَّغْطُ ویحرّک : الصوت والجَلَبَهُ ، وأصواتٌ مبهمه لا تُفهم ، وفیه : «لهم لغط فی أسواقهم» ، ما لا طائل تحته من الکلام (مجمع البحرین : ج 3 ص 1635 «لغط») .
3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 554 ح 10420 ، المستدرک على الصحیحین : ج 1 ص 720 ح 1969 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 346 ح 6584 ، شعب الإیمان : ج 1 ص 435 ح 628 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 9 ص 142 ح 25418 .
4- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : ص 160 ح 452 ، کنز العمّال : ج 7 ص 152 ح 18477.
5- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : ص 161 ح 453 ، کنز العمّال : ج 7 ص 153 ح 18478.

6- .الكافى : ج 2 ص 504 ح 4 عن طلحه بن زيد ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 90 ح 2252 ، عدّه الداعى : ص 250 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 281 ح 22 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کفّاره هر مجلسی این است که بنده ، بعد از بلند شدن از آن بگوید: «پاکا تو ای خدا و ستایش ، تو را ! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت ، توبه می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در مجلسی بنشیند که در آن ، بیهوده گویی بسیار شود، و پیش از آن که برخیزد و بگوید: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستایش ، تو را ! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت ، توبه می کنم»، مگر آن که خداوند ، آنچه را در آن مجلس از او سرزده است ، بر وی می آمرزد.

عمل الیوم و اللیله ، ابن السنی به نقل از ابواُمامه : پیامبر خدا ، هرگاه جلوس می کرد، چون می خواست برخیزد ، ده تا پانزده بار ، از خدا آمرزش می طلبید.

عمل الیوم واللیله ، ابن السنی به نقل از عبد اللّه حَضْرَمی : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از مجلس برمی خاست ، بیست بار و بیشتر ، طلب آمرزش می کرد.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، از هیچ مجلسی ، هر چند کوتاه ، بر نمی خاست تا آن که بیست و پنج مرتبه از خداوند عز و جل آمرزش می طلبید.

.

المعجم الأوسط عن رافع بن خديج :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله لا يَقومُ مِن مَجلِسٍ حَتّى يَقولَ : «سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ» ثُمَّ يَقولُ : إنَّها کَفّارَةٌ لِما يَکونُ فِى المَجلِسِ . (1)

سنن الترمذى عن ابن عمر :کانَ يُعَدُّ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فِى المَجلِسِ الواحِدِ مِئَةَ مَرَّةٍ مِن قَبلِ أن يَقومَ : رَبِّ اغفِر لى وتُب عَلَىَّ ، إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ . (2)

منيه المريد :[رُوِىَ] أنَّهُ صلى الله عليه و آله کانَ إذا فَرَغَ مِن حَديثِهِ وأرادَ أن يَقومَ مِن مَجلِسِهِ ، يَقولُ : اللّهُمَّ اغفِر لَنا ما أخطَأنا وما تَعَمَّدنا ، وما أسرَرنا وما أعلَنّا ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّا ، أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ ، لا إلهَ إلّا أنتَ . (3)

راجع : ج 1 ص 200 (أهمّ مواطن الذكر / عند القيام) .

6 / 7تَزكِيَةُ النّاسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِىٍّ عليه السلام : يا عَلِىُّ ، إذا اُثنِىَ عَلَيکَ فى وَجهِکَ فَقُل : اللّهُمَّ اجعَلنى خَيرا مِمّا يَظُنّونَ ، وَاغفِر لى ما لا يَعلَمونَ ، ولا تُؤاخِذنى بِما يَقولونَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ عيسَى بنُ مَريَمَ عليه السلام لِيَحيَى بنِ زَکَرِيّا عليه السلام : إذا قيلَ فيکَ ما فيکَ ، فَاعلَم أنَّهُ ذَنبٌ ذُکِّرتَهُ فَاستَغفِرِ اللّهَ مِنهُ ، وإن قيلَ فيکَ ما لَيسَ فيکَ ، فَاعلَم أنَّهُ حَسَنَةٌ کُتِبَت لَکَ لَم تَتعَب فيها . (5)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 372 ح 4467 ، المعجم الكبير : ج 4 ص 287 ح 4445 ، الدعاء للطبرانى : ص 537 ح 1918 .
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 494 ح 3434 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 85 ح 1516 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1253 ح 3814 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 244 ح 4726 وص 385 ح 5568 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 689 ح 5091 وص 699 ح 5122.

3- .منیه المرید : ص 220 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 63 ح 13 ؛ المستدرک على الصحیحین : ج 1 ص 709 ح 1934 عن ابن عمر نحوه .
4- .تحف العقول : ص 12 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 65 ح 5 .
5- .الأمالى للصدوق : ص 603 ح 837 عن إبراهیم بن محمّد عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 287 ح 11 .

6 / 7 هنگام ستایش مردم

المعجم الأوسط به نقل از رافع بن خدیج : پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی برنمی خاست ، مگر آن که می گفت: «پاکا تو ای خدا و ستایش ، تو را ! از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم» . سپس می فرمود: «این ، کفّاره چیزی (گناه و خطاهایی) است که در مجلس می گذرد» .

سنن الترمذی به نقل از ابن عمر : برای پیامبر خدا در یک مجلس ، صد بار شمرده می شد که پیش از آن که برخیزد ، می گفت : «خدایا ! مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر که تو ، توبه پذیرِ آمرزگاری» .

منیه المرید :[روایت شده است که] پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از سخن گفتن ، فارغ می شد و می خواست از جای خود برخیزد ، می گفت : «بار خدایا ! هر آن گناهی را که به خطا یا عمدا مرتکب شدیم، و هر آنچه را در نهان یا آشکار از ما سر زده است و تو از ما بِدان داناتری، بیامرز، که پس و پیش کردن امور ، در دست توست . معبودی جز تو نیست.

ر . ک : ج 1 ص 201 (مهم ترین اوقات یاد خدا/ هنگام برخاستن).

6 / 7هنگام ستایش مردمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی ! هر گاه در پیشِ رویت از تو ستایش شد، بگو: «بار خدایا ! مرا از آنچه [مردم]می پندارند ، بهتر قرار ده، و آنچه را نمی دانند ، بر من بیامرز، و بدانچه می گویند ، مرا مؤاخذه مفرما» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : عیسی بن مریم علیه السلام به یحیی بن زکریا علیه السلام گفت: «اگر در باره تو چیزی گفته شد که در تو هست ، بدان که گناهی به تو یادآوری شده است . پس برای آن ، از خدا آمرزش بخواه، و اگر در باره تو چیزی گفته شد که در تو نیست ، بدان که ثوابی بی رنج [و زحمت] برایت نوشته شده است.

.

الإمام علىّ عليه السلام مِن خُطبَتِهِ فى وَصفِ المُتَّقينَ : إن زُكِّىَ أحَدُهُم خافَ مِمّا يَقولونَ ، ويَستَغفِرُ اللّهَ مِمّا لا يَعلَمونَ ، وقالَ : أنَا أعلَمُ بِنَفسى مِن غَيرى ، ورَبّى أعلَمُ مِنّى بِنَفسى ، اللّهُمَّ لا تُؤاخِذنى بِما يَقولونَ ، وَاجعَلنى خَيرا مِمّا يَظُنّونَ ، وَاغفِر لى ما لا يَعلَمونَ ، فَإِنَّکَ عَلّامُ الغُيوبِ ، وساتِرُ العُيوبِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى وَصفِ المُؤمِنِ : إن زُكِّىَ خافَ مِمّا يَقولونَ ، ويَستَغفِرُ اللّهَ لِما لا يَعلَمونَ ، لا يَغُرُّهُ قَولُ مَن جَهِلَهُ ، ويَخافُ إحصاءَ ما عَمِلَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام يَقولُ فى سُجودِهِ : اللّهُمَّ إنَّ ظَنَّ النّاسِ بى حَسَنٌ فَاغفِر لى ما لا يَعلَمونَ ، ولا تُؤاخِذنى بِما يَقولونَ ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ . (3)

6 / 8الحَسَدُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا حَسَدتَ فَاستَغفِرِ اللّهَ . (4)

.

1- .الأمالى للصدوق : ص 668 ح 897 ، صفات الشيعه : ص 98 ح 35 كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، نهج البلاغه : الخطبه 193 ، تحف العقول : ص 160 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 91 كلّها نحوه وليس فيها «ويستغفر اللّه ممّا لا يعلمون» ، بحار الأنوار : ج 67 ص 343 ح 51 .
2- .الكافى : ج 2 ص 231 ح 3 ، الأمالى للصدوق : ص 582 ح 802 كلاهما أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 67 ص 291 ح 14 .
3- .قرب الإسناد : ص 8 ح 23 عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 228 ح 48 .
4- .المعجم الكبير : ج 3 ص 228 ح 3227 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 357 كلاهما عن حارثه بن النعمان .

ص: 147

6 / 8 حسادت

امام علی علیه السلام از خطبه ایشان در وصف پرهیزگاران : اگر یکی از آنان ، ستوده شود ، از آنچه [در ستایش او]می گویند ، می ترسد و برای آنچه [از عیب و گناه او]نمی دانند ، از خدا آمرزش می طلبد و می گوید: «من ، خویشتن را بهتر از دیگران می شناسم و پروردگارم ، مرا بهتر از خودم می شناسد . بار خدایا! به آنچه می گویند ، مرا مؤاخذه مفرما، و مرا بهتر از آن بدار که آنان می پندارند، و آنچه را از من نمی دانند ، بر من بیامرز ، که تو دانای نهان ها و پوشاننده عیب هایی» .

امام زین العابدین علیه السلام در وصف مؤمن : اگر ستوده شود ، از آنچه می گویند ، می ترسد و از آنچه نمی دانند ، به پیشگاه خدا آمرزش می طلبد . سخن کسی که او را نشناخته [می ستاید] ، فریبش نمی دهد و از ثبت کردارهای خود ، بیمناک است.

امام صادق علیه السلام :پدرم [امام کاظم علیه السلام] در سجودش می گفت: «بار خدایا! مردم به من ، گمان نیک می بَرَند. پس آنچه را [از گناهان من] نمی دانند ، بر من بیامرز ، و مرا به آنچه [از خوبی در باره من] می گویند ، مؤاخذه مفرما، که تو دانای نهان هایی» .

6 / 8حسادتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه حسادت ورزیدی ، از خدا آمرزش بخواه.

.

6 / 9الِلِتِقاءُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذَا التَقَى المُسلِمانِ فَتَصافَحا ، وحَمِدَا اللّهَ عز و جلوَاستَغفَراهُ ، غَفَرَ لَهُما . (1)

6 / 10الوَداعُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذَا التَقَيتُم فَتَلاقَوا بِالتَّسليمِ وَالتَّصافُحِ ، وإذا تَفَرَّقتُم فَتَفَرَّقوا بِالِاستِغفارِ . (2)

6 / 11الخُروجُ إلَى السَّفَررسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، إنَّهُ لَيسَ مِن أحَدٍ يَركَبُ ما أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ ، ثُمَّ يَقرَأُ آيَةَ السُّخرَهِ (3) ، ثُمَّ يَقولُ : «أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ وأتوبُ إلَيهِ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى ، فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» إلّا قالَ السَّيِّدُ الكَريمُ : يا مَلائِكَتى ، عَبدى يَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ غَيرى ، اِشهَدوا أنّى قَد غَفَرتُ لَهُ ذُنوبَهُ . (4)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 354 ح 5211 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 160 ح 13569 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 285 ح 1669 كلّها عن البراء بن عازب ، كنز العمّال : ج 9 ص 130 ح 25343 .
2- .الكافى : ج 2 ص 181 ح 11 ، الأمالى للطوسى : ص 215 ح 374 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 345 ح 1104 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 20 ح 4 .
3- .آيه السُّخرَه هى : «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَالأَْرْضَ...» (الأعراف : 54 56) . ولكنّ المراد هنا من آيه السُّخرَه هى : «سُبْحَنَ الَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ...» (الزخرف : 13 و14) .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 273 ح 2419 ، المحاسن : ج 2 ص 92 ح 1242 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 528 ح 1837 ، الأمالى للصدوق :ص 597 ح 824 وفيه «آيه الكرسى» بدل «آيه السخره» و كلّها عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 76 ص 294 ح 21 .

6 / 9 به هم رسیدن

6 / 10 خداحافظی

6 / 11 بیرون رفتن برای سفر

6 / 9به هم رسیدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه دو مسلمان به هم می رسند ، با هم دست بدهند و خداوند عز و جل را ستایش گویند و از او آمرزش بطلبند ، خدا آن دو را می آمرزد.

6 / 10خداحافظیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه به یکدیگر بر خوردید ، با سلام کردن و دست دادن برخورد کنید، و چون از هم جدا شدید ، با آمرزش خواهی کردن ، جدا شوید.

6 / 11بیرون رفتن برای سفرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! هیچ کس نیست که بر مَرکبی که خدا به او بخشیده است ، سوار شود، سپس آیه تسخیر (1) را بخواند، آن گاه بگوید: «از خدایی که معبودی جز او زنده پاینده نیست ، آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می برم. بار خدایا! گناهان مرا بیامرز ، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد» ، جز این که آن آقای بزرگوار می فرماید: «ای فرشتگان من! بنده ام می داند که گناهان را کسی جز من نمی آمرزد. گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم» .

.

1- .آیه تسخیر ، این آیه است : «پروردگار شما ، اللّه است که آسمان ها و زمین را آفرید.. .» (اعراف : آیه 54 56). امّا در این جا مراد از آیه تسخیر ، این آیه است: «منزّه است آن که این [مرکوب] را رام ما ساخت ، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم...» (زخرف : آیه 13 و 14) .

السنن الكبرى عن أنس :لَم يُرِد رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله سَفَرا إلّا قالَ حينَ يَنهَضُ مِن جُلوسِهِ : «اللّهُمَّ ، بِکَ انتَشَرتُ ، وإلَيکَ تَوَجَّهتُ ... اللّهُمَّ زَوِّدنِی التَّقوی ، وَاغفِر لی ذَنبی ، ووَجِّهنی إلَی الخَيرِ حَيثُ ما تَوَجَّهتُ» ثُمَّ يَخرُجُ . (1)

الأمالی للطوسی عن علیّ بن ربيعه الأسدی :رَكِبَ عَلِيٌّ بنُ أبی طالِبٍ عليه السلام ، فَلَمّا وَضَعَ رِجلَهُ فِی الرِّكابِ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ» ، ... ثُمَّ سَبَّحَ اللّهَ ثَلاثا ، وحَمَّدَ اللّهَ ثَلاثا ، وكَبَّرَ اللّهَ ثَلاثا . ثُمَّ قالَ : «رَبِّ اغفِر لی فَإنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» ، ثُمَّ قالَ : فَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله هذا وأنَا رَديفُهُ . (2)

.

1- .السنن الكبرى : ج 5 ص 410 ح 10306 ، مسند أبی يعلی : ج 3 ص 182 ح 2762 ، كنز العمّال : ج 6 ص 737 ح 17636 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 526 ح 1832 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 250 ح 46 .
2- .الأمالی للطوسی : ص 515 ح 1126 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 295 ح 23 ، السنن الكبرى للنسائی : ج 5 ص 247 ح 8799 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 208 ح 753 ، صحيح ابن حبّان : ج 6 ص 415 ح 2698 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 9 ص 194 ح 25640 .

السنن الکبری به نقل از اَنَس : پیامبر خدا ، هیچ گاه آهنگ سفری نکرد ، مگر این که چون از جایش بلند می شد ، می گفت: «بار خدایا! به نام و یاری تو سفر می کنم، و به سوی تو روی می آوردم... بار خدایا! ره توشه ام را پرهیزگاری قرار ده، و گناهانم را بیامرز، و به هر سوی که رفتم ، مرا در جهت خیر قرار ده...» . سپس بیرون می رفت.

الأمالی ، طوسی به نقل از علی بن ربیعه اسدی : علی بن ابی طالب علیه السلام بر مَرکب نشست . چون پایش را در رکاب نهاد ، گفت: «به نام خدا»... سپس ، سه بار خدا را تسبیح گفت و سه بار حمد گفت و سه بار تکبیر. آن گاه گفت: «پروردگارا! مرا بیامرز ، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد». سپس فرمود: «من در ترک پیامبر خدا نشسته بودم که ایشان ، این گونه عمل کرد» .

.

الفَصلُ السّابِعُ : ما ينبغى فيه الاستغفار من العبادات7 / 1الوُضوءُرسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَقولُ عِندَ فَراغِهِ مِن وُضوئِهِ : «سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا أنتَ ، أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ ، اللّهُمَّ اجعَلنى مِنَ التَّوّابينَ وَاجعَلنى مِنَ المُتَطَهِّرينَ ، وَاغفِر لى إنَّکَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ» إلّا کُتِبَت فى رِقٍّ ثُمَّ خُتِمَ عَلَيها ، ثُمَّ وُضِعَت تَحتَ العَرشِ ، حَتّى تُدفَعَ إلَيهِ بِخاتَمِها يَومَ القِيامَهِ . (1)

7 / 2الخُروجُ إلَى الصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن خَرَجَ مِن بَيتِهِ إلَى الصَّلاهِ فَقالَ : «اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحَقِّ السّائِلينَ عَلَيکَ ، وأسأَلُکَ بِحَقِّ مَمشاىَ هذا ، فَإنّى لَم أخرُج أشَرا ولا بَطَرا ، ولا رِياءً ولا سُمعَهً ، وخَرَجتُ اتِّقاءَ سَخَطِکَ ، وَابتِغاءَ مَرضاتِکَ ، فَأسأَلُکَ أن تُعيذَنى مِنَ النّارِ ، وأن تَغفِرَ لى ذُنوبى ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ» أقبَلَ اللّهُ عَلَيهِ بِوَجهِهِ ، وَاستَغفَرَ لَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَکٍ . (2)

.

1- .مسند زيد : ص 78 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 105 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 80 ص 327 ح 13 ؛ السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 25 ح 9909 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 753 ح 2072 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 577 ح 2612 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 256 ح 778 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 42 ح 11156 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 29 ح 3 ، مسند ابن الجعد : ص 299 ح 2031 والثلاثه الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 396 ح 41535 .

فصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد

1 / 7 وضو

2 / 7 بیرون رفتن برای نماز

فصل هفتم: عبادت هایی که سزاوار است در آنها طلب آمرزش کرد7 / 1وضوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مسلمانی نیست که وضو بگیرد و چون وضویش را تمام کرد ، بگوید: «پاکا تو ای خدا و ستایش ، تو را ! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست . از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت، توبه می آورم. بار خدایا ! مرا از توبه گران و از پاکیزگان ، قرار ده، و مرا بیامرز . به راستی که تو بر هر چیزی توانایی» ، جز آن که این دعا ، در نازک پوستی نوشته می شود ، سپس بر آن مُهر زده شده ، در زیر عرش نهاده می شود تا آن که در روز قیامت ، آن را همچنان مُهر شده به او می دهند.

7 / 2بیرون رفتن برای نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از خانه اش برای نماز گزاردن [در مسجد] خارج شود و بگوید: «بار خدایا ! به حقّ درخواست کنندگان از تو ، از تو می خواهم، و به حقّ این رفتنم ، از تو درخواست می کنم؛ زیرا که من ، از سرِ غرور و سرمستی یا خودنمایی و شهرت طلبی بیرون نیامده ام ؛ بلکه برای حفظ خود از خشم و ناخشنودی تو و طلب خشنودی ات بیرون آمده ام . پس از تو درخواست می کنم که مرا از آتش [دوزخ] در پناه خود بداری و گناهانم را بیامرزی، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد»، خداوند به او رو می کند و هفتاد هزار فرشته ، برایش آمرزش می طلبند.

.

7 / 3دُخولُ المَسجِدِ وَالخُروجُ مِنهُالمعجم الأوسط عن ابن عمر :عَلَّمَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ إذا دَخَلَ المَسجِدَ ، أن يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ويَقولَ : اللّهُمَّ اغفِر لَنا ذُنوبَنا ، وَافتَح لَنا أبوابَ رَحمَتِکَ . (1)

فاطمه عليهاالسلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَقولُ : «بِاسمِ اللّهِ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ رَحمَتِکَ . وإذا خَرَجَ قالَ : «بِاسمِ اللّهِ ، وَالسَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى ، وَافتَح لى أبوابَ فَضلِکَ» . (2)

7 / 4اِفتِتاحُ الصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِاُمِّ رافِعٍ لَمّا قالَت لَهُ : دُلَّنى عَلى عَمَلٍ يَأجُرُنِىَ اللّهُ عز و جلعَلَيهِ : يا اُمَّ رافِعٍ ، إذا قُمتِ إلَى الصَّلاهِ فَسَبِّحِى اللّهَ عَشرا ، وهَلِّليهِ عَشرا ، وَاحمَديهِ عَشرا ، وكَبِّريهِ عَشرا ، وَاستَغفِريهِ عَشرا . فَإِنَّکِ إذا سَبَّحتِ عَشرا ، قالَ : هذا لى . وإذا هَلَّلتِ ، قالَ : هذا لى ، وإذا حَمِدتِ ، قالَ : هذا لى . وإذا كَبَّرتِ ، قالَ : هذا لى . وإذَا استَغفَرتِ ، قالَ : قَد غَفَرتُ لَکِ . (3)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 358 ح 6612 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 373 ح 3 و ج 7 ص 124 ح 3 كلاهما عن النعمان بن سعد عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 660 ح 20789 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 253 ح 771 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 128 ح 314 نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 159 ح 26479 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 373 ح 1 ، كنز العمّال : ج 7 ص 61 ح 17962 ؛ الأمالى للطوسى : ص 401 ح 894 نحوه وكلّها عن عبد اللّه بن الحسن عن اُمّه فاطمه بنت الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 22 ح 11 .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 42 ح 107 عن اُمّ رافع ، المعجم الكبير : ج 24 ص 302 ح 766 ، الدعاء للطبرانى : ص 492 ح 1731 كلاهما عن سلمى اُمّ بنى أبى رافع نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 531 ح 20113 .

7 / 3 وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

7 / 4 آغاز کردن نماز

7 / 3وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آنالمعجم الأوسط به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا ، به حسن بن علی علیهماالسلامآموخت که هر گاه وارد مسجد شد ، بر پیامبر درود بفرستد و بگوید : «بار خدایا! گناهان ما را بیامرز و درهای رحمتت را بر ما بگشای» .

فاطمه علیهاالسلام :پیامبر خدا ، هر گاه وارد مسجد می شد ، می گفت: «به نام خدا . درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای رحمتت را برایم بگشا.. .» ، و هرگاه خارج می شد ، می گفت: «به نام خدا. درود بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای فضل خود را برایم بگشای».

7 / 4آغاز کردن نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امّ رافع که به ایشان گفت : مرا به عملی راه نمایی فرما که خداوند عز و جل برای آن به من مزد دهد : ای امّ رافع! هرگاه برای نماز ایستادی ، ده بار سبحان اللّه بگو، ده بار لا إله إلّا اللّه ، ده بار الحمد للّه ، ده بار اللّه أکبر ، و ده بار استغفر اللّه زیرا چون ده بار تسبیح بگویی، خداوند می فرماید: «این ، از آنِ من است. چون لا إله إلّا اللّه بگویی، می فرماید: این ، از آنِ من است . چون ستایش بگویی، می فرماید: این ، از آنِ من است . چون تکبیر بگویی، می فرماید: این ، از آنِ من است ، و چون آمرزش بطلبی، می فرماید: تو را آمرزیدم » .

.

عنه صلى الله عليه و آله لِبُرَيدَة : يا بُرَيدَهُ ، إذا كانَ حينَ تَفتَتِحُ الصَّلاةَ فَقُل : سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ ، لا إلهَ إلّا أنتَ ، ظَلَمتُ نَفسی فَاغفِر لی ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ . (1)

الإمام علیّ علیه السلام :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إذَا استَفتَحَ الصَّلاةَ قالَ : لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ ، ظَلَمتُ نَفسی وعَمِلتُ سوءً ، فَاغفِر لی ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ . (2)

7 / 5أثناءُ الصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يُنسِيَنَّکَ (3) الاِستِغفارَ فی صَلاةٍ فَإِنَّها مَمحاةٌ لِلخَطايا بِرَحمَةِ اللّهِ تَعالى. (4)

مسند ابن حنبل عن زاذان عن رجل من أصحاب النبیّ صلى الله عليه و آله من الأنصار :أنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فی صَلاةٍ وهُوَ يَقولُ : «رَبِّ اغفِر لی» قالَ شُعبَهُ : أو قالَ : اللّهُمَّ اغفِر لی «وتُب عَلَيَّ ، إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ» مِئَةَ مَرَّةٍ . (5)

.

1- .مجمع الزوائد : ج 2 ص 321 ح 2801 نقلاً عن البزّار عن بريده .
2- .السنن الكبرى : ج 2 ص 50 ح 2346 عن الحارث ، المصنّف لابن أبی شيبه : ج 1 ص 263 ح 19 من دون إسنادٍ إلى النبیّ صلى الله عليه و آله نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 99 ح 22079 .
3- .فی المصدر : «لا تنسيّنک» ، وما أثبتناه من كنز العمّال . أی لا ينسيّنک الشيطان الاستغفار .
4- .الفردوس : ج 5 ص 378 ح 8486 ، كنز العمّال : ج 2 ص 686 ح 5079 نقلاً عن أبی نعيم وكليهما عن أبی المنذر الجهنی .
5- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 52 ح 23210 ، السنن الكبرى للنسائی : ج 6 ص 31 ح 9932 نحوه .

7 / 5 در میان نماز

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بُرَیده : ای بُرَیده ! هرگاه نماز را آغاز کردی ، بگو: «پاکا تو ای خدا و ستایش توراست ! هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . معبودی جز تو نیست . من بر خویشتن ، ستم کردم . پس مرا بیامرز ، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد.

امام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه نماز را آغاز می کرد ، می گفت: معبودی جز تو نیست . منزّهی تو ! من بر خود ، ستم نمودم و بد کردم . پس مرا بیامرز ، که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد.

7 / 5در میان نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زنهار [شیطان] آمرزش خواهی در نماز را از یادت نبرد؛ زیرا که آمرزش خواهی در نماز، به لطف خداوند متعال، گناهان را پاک می کند.

مسند ابن حنبل به نقل از زاذان ، از مردی انصاری که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است : [وی] از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که در نمازی صد بار می گفته است : «ای خداوند من ! مرا بیامرز . (شعبه می گوید: یا گفت : بار خدایا ! مرا بیامرز) و توبه ام را بپذیر که تو ، توبه پذیرِ مهربانی».

.

تهذيب الأحكام عن عبيد بن زراره :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرَّكعَتَينِ الأَخيرَتَينِ مِنَ الظُّهرِ . قالَ : تُسَبِّحُ وتُحَمِّدُ اللّهَ وتَستَغفِرُ لِذَنبِکَ ، وإن شِئتَ فاتِحَةَ الكِتابِ ، فَإِنَّها تَحميدٌ ودُعاءٌ . (1)

7 / 6فِى السَّجدَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ وهُوَ ساجِدٌ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «رَبِّ اغفِر لى» لَم يَرفَع رَأسَهُ حَتّى يَغفِرَ لَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ إذا وَضَعَ وَجهَهُ لِلسُّجودِ : اللّهُمَّ مَغفِرَتُکَ أوسَعُ مِن ذُنوبى ، ورَحمَتُکَ أرجى عِندى مِن عَمَلى ، فَاغفِر لى ذُنوبى يا حَىُّ لا يَموتُ . (3)

الأمالى للصدوق عن الأصبغ بن نباته :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ فى سُجودِهِ : أُناجيکَ يا سَيِّدى كَما يُناجِى العَبدُ الذَّليلُ مَولاهُ ، وأطلُبُ إلَيکَ طَلَبَ مَن يَعلَمُ أنَّکَ تُعطى ولا يَنقُصُ مِمّا عِندَکَ شَىءٌ ، وأستَغفِرُکَ استِغفارَ مَن يَعلَمُ أنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ ، وأتَوَكَّلُ عَلَيکَ تَوَكُّلَ مَن يَعلَمُ أنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 98 ح 368 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 90 .
2- .كنز العمّال : ج 7 ص 465 ح 19808 نقلاً عن أبى عبد اللّه بن مخلد الدورى العطّار فى جزئه ، والدّيلمى عن أبى سعيد .
3- .بحار الأنوار : ج 86 ص 218 ح 33 نقلاً عن خطّ الشهيد عن الجعفريّات عن عبد اللّه بن سنان .
4- .الأمالى للصدوق : ص 327 ح 385 ، المزار الكبير : ص 260 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 227 ح 47 .

7 / 6 در سجده

تهذیب الأحکام به نقل از عبید بن زُراره : از امام صادق علیه السلام در باره دو رکعت آخر نماز ظهر پرسیدم . فرمود: «خدا را تسبیح و ستایش می گویی و از گناهانت ، آمرزش می خواهی، و اگر هم خواستی ، فاتحه الکتاب را می خوانی؛ زیرا آن نیز ستایش و دعاست» .

7 / 6در سجدهپیامبرخدا صلی الله علیه و آله :هر کس در سجده ، سه بار بگوید: «پروردگارا ! مرا بیامرز» ، سرش را [از سجده]برنداشته ، خدا او را می آمرزد.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، هرگاه صورتش را برای سجده می نهاد، می گفت: «بار خدایا ! آمرزش تو ، از گناهان من گسترده تر است، و به رحمت تو امیدوارترم تا به عمل خویش . پس گناهان مرا بیامرز ، ای زنده نامیرا !» .

الأمالی ، صدوق به نقل از اصبغ بن نُباته : امیر مؤمنان ، در سجده اش می گفت: «آقای من ! با تو آهسته سخن می گویم ، آن گونه که بنده خوار با خواجه اش می گوید . از تو تقاضا می کنم ، همچون تقاضای کسی که می داند تو عطا می کنی و از آنچه نزد توست ، هیچ کاسته نمی شود . از تو آمرزش می خواهم ، همچون آمرزش خواهیِ کسی که می داند گناهان را فقط تو می آمرزی و بس . بر تو توکّل می کنم ، همچون توکّل کردن کسی که می داند تو بر هر چیزی توانایی» .

.

الإمام الكاظم عليه السلام فى سُجودِهِ : يا مَن عَلا فَلا شَىءَ فَوقَهُ ، يا مَن دَنا فَلا شَىءَ دونَهُ ، اغفِر لى ولِأصحابى . (1)

7 / 7بَينَ السَّجدَتَينِالإمام الصادق عليه السلام عِندَ القُعودِ مِنَ السُّجودِ : أستَغفِرُ اللّهَ رَبّى وأتوبُ إلَيهِ . (2)

سنن أبى داوود عن ابن عبّاس :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَقولُ بَينَ السَّجدَتَينِ : اللّهُمَّ اغفِر لى وَارحَمنى ، وعافِنى وَاهدِنى وَارزُقنى . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا رَفَعتَ رَأسَكَ فَقُل بَينَ السَّجدَتَينِ : اللّهُمَّ اغفِر لى ، وَارحَمنى ، وأجِرنى وَادفَع عَنّى ، إنّى لِما أنزَلتَ إلَىَّ مِن خَيرٍ فَقيرٌ ، تَبارَكَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ . (4)

7 / 8القُنوتُكتاب من لا يحضره الفقيه :سَأَلَ الحَلَبِىُّ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ القُنوتِ ، فيهِ قَولٌ مَعلومٌ ؟ فَقالَ : أثنِ عَلى رَبِّكَ ، وصَلِّ عَلى نَبِيِّكَ ، وَاستَغفِر لِذَنبِكَ . (5)

.

1- .التوحيد : ص 67 ح 21 عن إبراهيم بن عبد الحميد ، بحار الأنوار : ج 86 ص 229 ح 50 .
2- .الكافى : ج 3 ص 312 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 82 ح 301 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 302 ح 915 ، الأمالى للصدوق : ص 499 ح 684 كلّها عن حمّاد بن عيسى ، بحار الأنوار : ج 84 ص 186 ح 1 .
3- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 224 ح 850 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 76 ح 284 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 290 ح 898 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 676 ح 2897 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 176 ح 2751 عن سليمان التميمى عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 128 ح 22228 .
4- .الكافى : ج 3 ص 321 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 79 ح 295 كلاهما عن الحلبى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 313 ح 929 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 137 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 316 ح 933 ، وسائل الشيعه : ج 4 ص 908 ح 4 .

7 / 7 میان دو سجده

7 / 8 هنگام قنوت

امام کاظم علیه السلام در سجده اش : ای آن که بالا است و بالاتر از او ، هیچ نیست، ای آن که نزدیک است و نزدیکتر از او ، چیزی نیست! مرا و یارانم را بیامرز.

7 / 7میان دو سجدهامام صادق علیه السلام هنگام نشستن بعد از سجده : از پروردگارم خدا آمرزش می طلبم و به درگاهش ، توبه می برم.

سنن أبی داوود به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا ، مابین دو سجده می گفت: «بار خدایا! مرا بیامرز و به من ، رحم کن و عافیتم بخش و هدایتم فرما و روزی ام ده» .

امام صادق علیه السلام :هرگاه سرت را [از سجده] برداشتی، میان دو سجده بگو: «بار خدایا! مرا بیامرز، و بر من ، رحم آور و پناهم ده و از من ، حمایت کن که من به هر خیری بر من بفرستی ، نیازمندم . بزرگ و خجسته است خدایی که پروردگارِ جهانیان است».

7 / 8هنگام قنوتکتاب من لا یحضره الفقیه :حلبی از امام صادق علیه السلام در باره قنوت پرسید و گفت: آیا ذکرِ معیّنی دارد؟ فرمود: «پروردگارت را ثنا گو و بر پیامبرت درود فرست و از گناهانت ، آمرزش بخواه» .

.

السنن الكبرى عن عبد الرحمن بن سويد الكاهلى :كَأَنّى أسمَعُ عَلِيّا عليه السلام فِى الفَجرِ حينَ قَنَتَ، وهُوَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنّا نَستَعينُکَ ونَستَغفِرُکَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :يُجزِئُکَ فِى القُنوتِ : اللّهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا ، وعافِنا وَاعفُ عَنّا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، إنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (2)

7 / 9عَقيبَ الصَّلَواتِالسنن الكبرى للنسائى عن زاذان :حَدَّثَنى رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ قالَ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ فى دُبُرِ الصَّلاهِ : «اللّهُمَّ اغفِر لى ، وتُب عَلَىَّ ، إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الغَفورُ» حَتّى بَلَغَ مِئَهَ مَرَّهٍ . (3)

صحيح مسلم عن ثوبان :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذَا انصَرَفَ مِن صَلاتِهِ استَغفَرَ ثَلاثا ، وقالَ : اللّهُمَّ أنتَ السَّلامُ ، ومِنکَ السَّلامُ ، تَبارَکتَ ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ . (4)

.

1- .السنن الكبرى : ج 2 ص 291 ح 3116 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 213 ح 3 و ج 7 ص 115 ح 4 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 79 ح 21973 ؛ المزار للشهيد الأوّل : ص 276 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 452 ح 27 .
2- .الكافى : ج 3 ص 340 ح 12 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 87 ح 322 كلاهما عن سعد بن أبى خلف ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 400 ح 1189 عن أبى بكر بن أبى سمال ، بحار الأنوار : ج 85 ص 207 .
3- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 31 ح 9931 و ح 9934 نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 39 ح 15 ، كنز العمّال : ج 2 ص 645 ح 4980 .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 414 ح 135 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 98 ح 300 ، سنن النسائى : ج 3 ص 68 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 300 ح 928 ، كنز العمّال : ج 7 ص 48 ح 17889 .

7 / 9 در پيِ نمازها

السنن الکبری به نقل از عبد الرحمان بن سوید کاهلی : گویا هم اکنون صدای علی علیه السلام را می شنوم که در دعای قنوت نماز صبح می گوید: «بار خدایا ! از تو یاری می جوییم و از تو آمرزش می خواهیم» .

امام صادق علیه السلام :در دعای قنوت ، این دعا تو را کفایت می کند: «بار خدایا ! مرا بیامرز و بر ما رحم آور و ما را عافیت بخش و در دنیا و آخرت ، از ما درگذر ، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی» .

7 / 9در پيِ نمازهاالسنن الکبری ، نسائی به نقل از زاذان : مردی از انصار برایم گفت: از پیامبر خدا شنیدم که در پيِ نماز می گوید: «بار خدایا ! مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر ، که تو توبه پذیر و آمرزگاری» تا به صد مرتبه رسید.

صحیح مسلم به نقل از ثوبان : پیامبر خدا ، هرگاه نمازش را به پایان می رساند ، سه بار آمرزش می طلبید و می گفت: «تویی سلام، و از توست سلام . بزرگی تو ، ای خداوند شکوه و ارج !

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استَغفَرَ اللّهَ بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّةً ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ سَبعينَ سَنَةً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ فى كُلِّ يَومٍ مَرَّةً واحِدَةً : «أستَغفِرُ اللّهِ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ ، الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، ذُوالجَلالِ وَالإكرامِ ، وأسأَلُهُ أن يَتوبَ عَلَىَّ تَوبَهَ عَبدٍ ذَليلٍ ، خاضِعٍ فَقيرٍ بائِسٍ مِسكينٍ مُستَكينٍ مُستَجيرٍ ، لا يَملِكُ لِنَفسِهِ نَفعا ولا ضَرّا ، وَلا مَوتا ولا حَياهً ولا نُشورا» . أمَرَ اللّهُ تَعالَى المَلَكَينِ بِتَخريقِ صَحيفَتِهِ كائِنَهً ما كانَت . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : يا رَسولَ اللّهِ ، عَلِّمنى عَمَلاً لا يُحالُ بَينَهُ وبَينَ الجَنَّهِ ؟ قالَ : لا تَغضَب ، ولا تَسأَلِ النّاسَ شَيئا ، وَارضَ لِلنّاسِ ما تَرضى لِنَفسِكَ . فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، زِدنى . قالَ : إذا صَلَّيتَ العَصرَ فَاستَغفِرِ اللّهَ سَبعا وسَبعينَ مَرَّةً ؛ تَحُطَّ عَنكَ عَمَلَ سَبعٍ وسَبعينَ سَنَةً . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنِ استَغفَرَ اللّهَ عز و جل بَعدَ العَصرِ سَبعينَ مَرَّةً ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذلِكَ اليَومَ سَبعَمِئَهِ ذَنبٍ ، فَإن لَم يَكُن لَهُ فَلِأَبيهِ ، فَإن لَم يَكُن لِأَبيهِ فَلِأُمِّهِ ، فَإن لَم يَكُن لِأُمِّهِ فَلِأَخيهِ ، فَإن لَم يَكُن لِأَخيهِ فَلِأُختِهِ ، فَإن لَم يَكُن لِأُختِهِ فَلِلأَقرَبِ فَالأَقرَبِ . (4)

.

1- .جامع الأخبار : ص 147 ح 327 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 79 ح 5 .
2- .فلاح السائل : ص 355 ح 239 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 75 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 91 ص 339 ح 25 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 508 ح 1110 عن محمّد بن فضيل الصيرفى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 123 ح 26 .
4- .الأمالى للصدوق : ص 327 ح 386 عن سفيان بن خالد ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 89 ح 2248 ، فلاح السائل : ص 351 ح 235 وليس فيه ذيله من «فإن لم يكن له ...» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 78 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بعد از نماز عصر ، هفتاد بار آمرزش بخواهد ، خداوند ، گناهان هفتاد سال او را می آمرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هر روز بعد از نماز عصر ، یک بار بگوید: «آمرزش می طلبم از خدایی که معبودی نیست ، جز او زنده جاویدان ، مهرگسترِ مهربان، خداوند شکوه و ارج . از او می خواهم که توبه مرا بپذیرد ؛ توبه بنده خوارِ خاکسارِ نادارِ بینوای مستمند بیچاره پناه خواهی را که اختیار هیچ سود و زیانی ، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را برای خود ندارد»، خداوند متعال ، به دو فرشته [ی متوکّل او] دستور دهد که کارنامه او را، هر چه می خواهد باشد [و هر اندازه آکَنده از گناه باشد]، پاره کنند.

امام علی علیه السلام :مردی به پیامبرخدا گفت : ای پیامبر! به من عملی را بیاموز که هیچ چیز میان آن و بهشت ، نتواند مانع شود. فرمود: «خشمگین مشو، از مردم چیزی مخواه، و برای مردم آن بپسند که برای خویش می پسندی» . گفت : باز هم بگو ، ای پیامبر خدا! فرمود: «نماز عصر را که خواندی ، هفتاد و هفت بار از خدا آمرزش بخواه ، گناه هفتاد و هفت سال از تو می ریزد» .

امام صادق علیه السلام :هر کس بعد از نماز عصر ، هفتاد بار از خداوند عز و جل آمرزش بخواهد ، خداوندْ در آن روز ، هفتصد گناه او را می آمرزد، و اگر خودش این اندازه گناه نداشته باشد، از گناهان پدرش می آمرزد، و اگر پدرش گناهی نداشت ، از [گناه]مادرش می آمرزد، و اگر مادرش نداشت ، از [گناه] برادرش می آمرزد، و اگر برادرش نداشت ، از [گناه] خواهرش می آمرزد و اگر خواهرش گناهی نداشت ، از خویشانش، به ترتیب نزدیک تری به او می آمرزد.

.

7 / 10عَقيبَ التَّسبيحِالكتاب«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابَا» 2 . (1)

راجع : الأعراف : 143 والأنبياء : 87.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ :«سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» إلّا کُتِبَت کَما قالَها ، ثُمَّ عُلِّقَت بِالعَرشِ ، لا يَمحوها ذَنبٌ عَمِلَهُ صاحِبُها حَتّى يَلقَى اللّهَ ، وهِيَ مَختومَةٌ کَما قالَها . (2)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن مسعود :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله کانَ مِمّا يُکثِرُ أن يَقولَ : «سُبحانَکَ رَبَّنا وبِحَمدِکَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى» . قالَ : فَلَمّا نَزَلَت : «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّهِ وَ الْفَتْحُ» (3) قالَ : «سُبحانَکَ رَبَّنا وبِحَمدِکَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ، إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ» . (4)

.

1- .النصر : 3 .
2- .المعجم الكبير : ج 12 ص 135 ح 12799 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 1 ص 482 ح 2108 .
3- .النصر : 1 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 43 ح 3719 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 681 ح 1849 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 109 ح 5208 كلاهما نحوه ، مسند الطيالسى : ص 45 ح 339 ، كنز العمّال : ج 2 ص 560 ح 4728 .

7 / 10در پی تسبیح گفتنقرآن«پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی، و از او آمرزش بخواه ، که او توبه پذیر است» . 1

ر . ک : اعراف: آیه 143 و انبیا : آیه 87 .

حدیثپیامبرخدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید: «پاکا خدا و ستایش ، او را ! از خدا آمرزش می خواهم و به سوی او ، توبه می برم»، این جمله اش عینا نوشته و بر عرش ، آویخته می شود . هیچ گناهی که گوینده اش مرتکب شود ، آن را از بین نمی برد تا آن که خدا را دیدار کند، و آن نوشته ، همچنان سر به مُهر باشد.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن مسعود : از جمله اذکاری که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار می گفت، این بود: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستاش ، تو را. بار خدایا ! مرا بیامرز». و چون «اذا جاء نصراللّه و الفتح» نازل شد، می گفت: «پاکا تو ای پروردگار ما و ستایش ، تو را. بار خدایا ! مرا بیامرز، که تو توبه پذیرِ مهربانی».

.

صحيح البخارى عن عائشه :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يُكثِرُ أن يَقولَ فى رُكوعِهِ وسُجودِهِ : «سُبحانَکَ اللّهُمَّ رَبَّنا وبِحَمدِکَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى» ، يَتَأوَّلُ القُرآنَ . (1)

صحيح مسلم عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُكثِرُ مِن قَولِ «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» . قالَت : فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أراکَ تُكثِرُ مِن قَولِ «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ ؟» . فَقالَ : خَبَّرَنى رَبّى أنّى سَأرى عَلامَةً فى اُمَّتى ، فَإذا رَأيتُها أكثَرتُ مِن قَولِ : سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ ، فَقَد رَأيتُها : «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» فَتحُ مَكَّهَ ، «وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابَا» (2) . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ ثَلاثا : «سُبحانَ رَبِّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ رَبّى وأتوبُ إلَيهِ» قَرَعَتِ العَرشَ كَما تَقرَعُ السِّلسِلَهُ الطَّشتَ (4) . (5)

.

1- .صحيح البخارى : ج 1 ص 282 ح 784 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 350 ح 217 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 232 ح 877 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 287 ح 889 ، سنن النسائى : ج 2 ص 190 ، كنز العمّال : ج 8 ص 226 ح 22670 .
2- .النصر : 1 3 .
3- .صحيح مسلم : ج 1 ص 351 ح 220 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 277 ح 24120 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 3 ص 807 ح 1442 ، تفسير الطبرى : ج 15 الجزء 30 ص 334 والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 561 ح 4731 وراجع مجمع البيان : ج 10 ص 844 .
4- .الطّست : من آنيه الصُّفر ، وحكى بالشين المعجمه وهى الطشت ، وهى الأصل (تاج العروس : ج 3 ص 90 «طست») .
5- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 75 ح 202 عن إبراهيم بن عمر ، بحار الأنوار : ج 93 ص 282 ح 27 .

صحیح البخاری به نقل از عایشه : پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش بسیار می گفت: «پاکا تو ای خدا ، ای پروردگار ما و ستایش ، تو را ! بار خدایا ! مرا بیامرز»، قرآن را تفسیر و تأویل می کرد. (1)

صحیح مسلم به نقل از عایشه : پیامبر خدا ، جمله «پاکا خدا و ستایش ، او را ! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش ، توبه می کنم» را بسیار می گفت. من گفتم: ای پیامبر خدا ! می بینم که جمله «پاکا خدا و ستایش ، او را ! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاه او توبه می کنم» را بسیار می گویی . فرمود: «پروردگارم به من خبر داد که به زودی ، علامتی را در امّتم خواهم دید و هرگاه آن را دیدم، جمله «پاکا خدا و ستایش ، او را ! از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می برم» را بسیار گویم، و من ، آن را دیدم: «هرگاه یاری خدا و فتح ، فرا رسد» ، یعنی فتح مکّه . «و مردم را دیدی که گروه گروه ، به دین خدا درمی آیند . پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه ، که او توبه پذیر است» .

امام صادق علیه السلام :هر کس سه مرتبه بگوید: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش ، او را ! از پروردگارم اللّه آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم» ، این جمله ، عرش را به صدا در می آورد ، همچنان که با کوبیدن زنجیر بر تَشت ، از آن صدا بر می خیزد.

.

1- .یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله با این ذکر، در واقع، به این فرمان خدا عمل می کرد که به او فرمود: «فسبّح بحمد ربّک و استغفره...» و مضمون آن را به نمایش گذارد .

الكافى عن هلقام بن أبى هلقام :أتَيتُ أبا إبراهيمَ عليه السلام فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ، عَلِّمنى دُعاءً جامِعا لِلدُّنيا وَالآخِرَهِ وأوجِز . فَقالَ : قُل فى دُبُرِ الفَجرِ إلى أن تَطلُعَ الشَّمسُ : سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :الكَلِماتُ الَّتى تَلَقّاهُنَّ آدَمُ مِن رَبِّهِ فَتابَ عَلَيهِ (2) وهَدى ، قالَ : سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ إنّى عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى إنَّکَ خَيرُ الغافِرينَ ، اللّهُمَّ إنَّهُ لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ ، إنّى عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى ، فَاغفِر لى إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (3)

عنه عليه السلام :مَن سَبَّحَ تَسبيحَ الزَّهراءِ عليهاالسلام ثُمَّ استَغفَرَ غُفِرَ لَهُ ، وهِىَ مِئَهٌ بِاللِّسانِ ، وألفٌ فِى الميزانِ ، وتَطرُدُ الشَّيطانَ ، وتُرضِى الرَّحمنَ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 550 ح 12 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 328 ح 962 ، المقنعه : ص 137 ، عدّه الداعى : ص 251 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 131 ح 7 .
2- .إشاره للآيه 37 من سوره البقره : «فَتَلَقَّى ءَادَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» .
3- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 41 ح 25 عن محمّد بن مسلم ، الكافى : ج 8 ص 304 ح 472 عن كثير بن كلثمه عن أحدهما عليهماالسلام ، مجمع البيان : ج 1 ص 200 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 44 عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 192 ح 21 .
4- .ثواب الأعمال : ص 196 ح 2 عن محمّد بن مسلم ، جامع الأخبار : ص 143 ح 307 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 332 ح 10 .

الکافی به نقل از هَلقام بن ابی هَلقام : خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم و گفتم : فدایت شوم! به من دعایی کوتاه بیاموز که در برگیرنده [خیر] دنیا و آخرت باشد. فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو: پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را! از خدا آمرزش می خواهم و از فضل او می طلبم » .

امام باقر علیه السلام :آن سخنانی که آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد و [به سبب آنها]خدا ، توبه اش را پذیرفت و هدایتش کرد، اینهاست : «پاکا تو ای خدا و ستایش ، تو راست! من ، بد کردم و بر خویش ، ستم نمودم . پس مرا بیامرز ، که تو بهترینِ آمرزندگانی. بار خدایا! معبودی جز تو نیست . پاکی تو و ستایش، تو راست . من ، بد کردم و بر خویش ، ستم نمودم . پس مرا بیامرز که تو آمرزگاری مهربانی» .

امام باقر علیه السلام :هر کس تسبیحات زهرا علیهاالسلام را بگوید ، سپس طلبِ آمرزش کند ، آمرزیده می شود. این تسبیحات ، صد بار گفته می شود ؛ امّا در میزان [اعمال] ، هزار به شمار می آید و شیطان را می راند و خدای مهربان را خشنود می سازد.

.

7 / 11الحَجُّ وَالعُمرَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحُجّاجُ وَالعُمّارُ وَفدُ اللّهِ ، إن دَعَوهُ أجابَهُم ، وإنِ استَغفَروهُ غَفَرَ لَهُم . (1)

7 / 12صَلاةُ الاِستِسقاءِالمعجم الكبير عن الشفاء بنت خلف :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله استَسقى يَومَ الجُمُعَهِ فِى المَسجِدِ ، ورَفَعَ يَدَيهِ وقالَ : «اِستَغفِروا رَبَّكُم إنَّهُ كانَ غَفّارا» وحَوَّلَ رِداءَهُ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ صاحَت (3) بِلادُنا ، وَاغبَرَّت أرضُنا ، وهامَت دَوابُّنا ، اللّهُمَّ مُنزِلَ البَرَكاتِ مِن أماكِنِها ، وناشِرَ الرَّحمَهِ مِن مَعادِنِها بِالغَيثِ المُغيثِ ، أنتَ المُستَغفَرُ لِلآثامِ ، فَنَستَغفِرُکَ لِلجَمّاتِ (4) مِن ذُنوبنا ، ونَتوبُ إلَيکَ مِن عَظيمِ خَطايانا ، اللّهُمَّ أرسِلِ السَّماءَ عَلَينا مِدرارا ... . (5)

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهِ صَلاهِ الاِستِسقاءِ : يا مُعطِىَ الخَيراتِ مِن أماثِلِها ، ومُرسِلَ البَرَكاتِ مِن مَعادِنِها ، مِنکَ الغَيثُ المُغيثُ ، وأنتَ الغِياثُ المُستَغاثُ ، ونَحنُ الخاطِئونَ وأهلُ الذُّنوبِ ، وأنتَ المُستَغفَرُ الغَفّارُ ، نَستَغفِرُکَ لِلجَهالاتِ مِن ذُنوبِنا ، ونَتوبُ إلَيکَ مِن عَوامِّ خَطايانا ... . (6)

.

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 966 ح 2892 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 430 ح 10388 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 247 ح 6311 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 5 ص 15 ح 11843 .
2- .المعجم الكبير : ج 24 ص 312 ح 787 .
3- .لعلّ الصواب : «انصاحت» ، قال الجرزى : وفى حديث الاستسقاء : «اللّهمّ انصاحت جبالنا» أى تشقّقت وجفّت لعدم المطر . يقال : صاحَهُ يصرحُهُ فهو مُنصاح ؛ إذا شقّهُ ، وصَوَّحَ النباتُ ؛ إذا يبس وانشقّ (النهايه : ج 3 ص 58 «صوح») .
4- .الجمُّ : الكثيرُ ، والجمّات جمع جَمَّه (مجمع البحرين : ج 1 ص 318 «جمم») .
5- .كنز العمّال : ج 7 ص 834 ح 21600 نقلاً عن الخطّابى فى غريب الحديث وابن عساكر عن ابن عبّاس .
6- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 153 ح 328 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 532 ح 1501 و ص 537 ح 1504 عن الإمام الحسين عليه السلام ،

قرب الإسناد : ص 157 ح 576 عن أبى البخترى وهب بن وهب القرشى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليهم السلام وكلّها نحوه ، مصباح المتهجّد : ص 528 ح 611 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 294 ح 2 .

7 / 11 حج و عمره

7 / 12 نماز باران

7 / 11حج و عمرهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حاجیان و عمره گزاران ، میهمان خدا هستند. اگر او را بخوانند ، پاسخشان می دهد، و اگر از او آمرزش بخواهند ، آنان را می آمرزد.

7 / 12نماز بارانالمعجم الکبیر به نقل از شفاء دختر خلف : پیامبر صلی الله علیه و آله روز جمعه ، در مسجد ، نماز باران خواند و دستانش را [به آسمان] بلند کرد و گفت: «از پروردگارتان ، آمرزش بطلبید که او بسی آمرزنده است»، و عبایش را وارونه ساخت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! آبادی های ما خشک شدند، و زمین های ما از گیاه و علف ، تهی شدند ، و چارپایانمان ، تلف شدند. بار خدایا! ای فرو فرستنده برکت ها از جایگاه هایشان، و ای پخش کننده رحمت از معادن آنها با بارانِ یاری دهنده! تویی آن که برای گناهان ، از او آمرزش می خواهند . پس ما برای انبوه گناهانمان ، از تو آمرزش می خواهیم و از خطاهای بزرگمان ، به درگاهت توبه می آوریم. بار خدایا! آسمان را بر ما پیاپی فرو باران... .

امام علی علیه السلام در خطبه نماز باران : ای دهنده خیرات از بهترین راه های آن، و ای فرستنده برکت ها از معادن آن! باران کمک کننده ، از جانب توست، و تویی آن کمک رسانی که از او کمک می خواهند، و ما خطاکار و اهل گناهانیم. تویی آمرزنده ای که از او آمرزش می خواهند . برای گناهانی که از روی نادانی مرتکب گشته ایم ، از تو آمرزش می طلبیم، و از عموم خطاهایمان به درگاه تو ، توبه می آوریم... .

.

راجع : المصباح للكفعمى : ص 548 والبلد الأمين : ص 166 .

7 / 13زِيارَةُ قَبرِ النَّبِيِّالكتاب«وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» . (1)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :قَدِمَ عَلَينا أعرابِىٌّ بَعدَما دَفَنّا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِثَلاثَةِ أيّامٍ ، فَرَمى بِنَفسِهِ عَلى قَبرِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وحَثا عَلى رَأسِهِ مِن تُرابِهِ ؛ فَقالَ : قُلتَ يا رَسولَ اللّهِ فَسَمِعنا قَولَکَ ، وَوعَيتَ عَنِ اللّهِ فَوَعَينا عَنکَ ، وكانَ فيما أنزَلَ اللّهُ عَلَيکَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ» الآيَةَ ، وقَد ظَلَمتُ نَفسى ، وجِئتُکَ تَستَغفِرُ لى . فَنودِىَ مِنَ القَبرِ : إنَّهُ قَد غُفِرَ لَکَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام مِمّا أمَرَ بِهِ أن يُقالَ عِندَ قَبرِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» ، وإنّى أتَيتُ نَبِيَّکَ مُستَغفِرا تائِبا مِن ذُنوبى ، وإنّى أتَوَجَّهُ بِکَ إلَى اللّهِ رَبّى ورَبِّکَ لِيَغفِرَ لى ذُنوبى . (3)

.

1- .النساء : 64 .
2- .تفسير القرطبى : ج 5 ص 265 عن أبى صادق ، كنز العمّال : ج 2 ص 386 ح 4322 ؛ المزار للشهيد الأوّل : ص 3 عن السّمعانى .
3- .الكافى : ج 4 ص 551 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 6 ح 8 ، كامل الزيارات : ص 50 ح 27 نحوه وكلّها عن معاويه بن عمّار ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 567 ، مصباح المتهجّد : ص 710 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 150 ح 17 .

7 / 13 زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

ر . ک: المصباح ، کفعمی : ص 548، البلد الأمین : ص 166.

7 / 13زیارت قبر پیامبرقرآن«ما هیچ پیامبری را نفرستادیم ، مگر برای آن که به فرمان خدا فرمانش برَند. اگر آنان ، آن گاه که بر خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر ، برایشان آمرزش می خواست ، خداوند را توبه پذیری مهربان می یافتند» .

حدیثامام علی علیه السلام :سه روز پس از آن که پیامبر خدا را به خاک سپردیم، بادیه نشینی نزد ما [در مدینه]آمد و خودش را روی قبر پیامبر خدا انداخت و از خاک آن ، بر سر خود ریخت و گفت: ای پیامبر خدا! تو گفتی و ما گفته تو را شنیدیم. تو از خدا گرفتی و ما از تو گرفتیم. از چیزهایی که خدا بر تو فرو فرستاد ، این است: «و اگر آن گاه که به خود ، ستم کردند...» ، و من به خود ، ستم کرده ام و نزد تو آمده ام تا که برایم طلبِ آمرزش کنی. در این هنگام از قبر صدایی آمد که: «آمرزیده شدی».

امام صادق علیه السلام از چیزهایی که فرمود در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده شود : بار خدایا! تو فرموده ای: «اگر آنها آن گاه که به خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان آمرزش می طلبید، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» ، و من ، نزد پیامبرت آمده ام و از گناهان خویش ، آمرزش می خواهم و توبه می کنم . من به واسطه تو ، به خدا که پروردگار من و توست ، رو می آورم تا گناهان مرا بیامرزد» .

.

7 / 14طَوافُ البَيتِكنز العمّال عن عبد الأعلى التميمى :قالَت خَديجَهُ بِنتُ خُوَيلِدٍ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أقولُ وأنَا أطوفُ بِالبَيتِ ؟ قالَ : قولى : اللّهُمَّ اغفِر لى ذُنوبى وخَطاياىَ ، وعَمدى وإسرافى فى أمرى ، إنَّکَ إن لا تَغفِر لى تُهلِکنى . (1)

7 / 15الإفاضَهُ من عَرَفاتٍ إلَى المَشعَرِالكتاب«ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (2)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام :إذا غَرَبَتِ الشَّمسُ فَأَفِض مَعَ النّاسِ وعَلَيکَ السَّکينَهُ وَالوَقارُ ، وأفِض بِالاِستِغفارِ، فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : «ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (3)

.

1- .كنز العمّال : ج 5 ص 57 ح 12033 نقلاً عن شعب الإيمان عن عبد الأعلى التميمى .
2- .البقره : 199 .
3- .الكافى : ج 4 ص 467 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 187 ح 623 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 543 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 321 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 269 ح 15 .

7 / 14 طواف خانه خدا

7 / 15 کوچیدن از عرفات به مشعر

7 / 14طواف خانه خداکنز العمّال به نقل از عبد الأعلی تمیمی : خدیجه دختر خُوَیلِد گفت : ای پیامبر خدا! هنگامی که طواف خانه خدا می کنم ، چه بگویم؟ فرمود: «بگو: بار خدایا! گناهان و خطاهای مرا و بدی هایی را که به عمد از من ، سر زده است ، و زیاده روی ام در کارم را بیامرز، که اگر تو مرا نیامرزی ، مرا هلاک کرده ای (/گناهان و... مرا به هلاکت می افکنند) » .

7 / 15کوچیدن از عرفات به مشعرقرآن«پس از همان جا که مردم روانه می شوند ، شما نیز روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید ، که خدا آمرزگاری مهربان است» .

حدیثامام صادق علیه السلام :چون خورشید ، غروب کرد ، با مردم روانه شو و آرامش و وقار داشته باش، و با آمرزش خواهی روانه شو؛ زیرا خداوند عز و جل می فرماید: «سپس، از همان جا که مردمان روانه می شوند ، روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید ، که خدا آمرزگاری مهربان است» .

.

7 / 16الإفاضَةُ مِنَ المَشعَرِ إلى مِنىًالإمام الصادق عليه السلام فى ذِكرِ الإفاضَهِ مِنَ المَشعَرِ : كانَ أهلُ الجاهِلِيَّهِ يَقولونَ : أشرِق ثَبيرُ يَعنونَ الشَّمسَ كَيما نُغيرَ . (1) وإنَّما أفاضَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عَليهِ و آله خِلافَ أهلِ الجاهِلِيَّهِ ، كانوا يُفيضونَ بِإيجافِ الخَيلِ وإيضاعِ الإبِلِ ، فَأفاضَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله خِلافَ ذلِکَ ؛ بِالسَّكينَهِ وَالوَقارِ وَالدَّعَهِ ، فَأفِض بِذِكرِ اللّهِ وَالاِستِغفارِ ، وحَرِّک بِهِ لِسانَکَ . (2)

.

1- .فى المصدر : «تغير» ، والصواب ما أثبتناه كما فى علل الشرائع .
2- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 192 ح 637 ، علل الشرائع : ص 444 ح 1 نحوه وكلاهما عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 99 ص 267 ح 5 .

7 / 16 کوچیدن از مشعر به مِنا

7 / 16کوچیدن از مشعر به مِناامام صادق علیه السلام در بیان کوچیدن از مشعر : مردم جاهلیت می گفتند: «طلوع کن ، ای ثَبیر (یعنی خورشید) تا [به سوی مِنا و قربانگاه]بشتابیم» ؛ امّا پیامبر خدا ، بر خلاف [شیوه] مردم جاهلیت ، ره سپار می شد. آنها با دوانیدن اسب ها و شتاباندن شترها [به سرعت]حرکت می کردند ، و پیامبر خدا ، بر خلاف این شیوه، با آرامش و وقار و طمأنینه ، ره سپار می شد. پس تو نیز با یاد کردن از خدا و آمرزش خواهی، روانه شو و پیوسته ، این اذکار را بر زبان جاری کن.

.

الفَصلُ الثّامِنُ : الاستغفار للآخرين8 / 1مَن يَنبَغِى الاِستِغفارُ لَهُأ الوالِدانِالكتاب«رَبَّنَا اغْفِرْ لِى وَ لِوَ لِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» . (1)

«رَّبِّ اغْفِرْ لِى وَ لِوَ لِدَىَّ وَ لِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ» . (2)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستِغفارُ الوَلَدِ لِأَبيهِ مِن بَعدِ المَوتِ مِنَ البِرِّ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الرَّجُلَ لَتُرفَعُ دَرَجَتُهُ فِى الجَنَّهِ فَيَقولُ : أنّى هذا ؟ فَيُقالُ : بِاستِغفارِ وَلَدِکَ لَکَ . (4)

.

1- .إبراهيم : 41 .
2- .نوح : 28 .
3- .كنز العمّال : ج 16 ص 463 ح 45449 نقلاً عن ابن النجّار عن أبى أُسيد مالک بن زراره .
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1207 ح 3660 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 584 ح 10615 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 261 ح 5 كلاهما نحوه و ج 7 ص 120 ح 3 كلّها عن أبى هريره .

فصل هشتم: آمرزش خواهی برای دیگران

8 / 1 کسانی که باید برایشان ، آمرزش خواست

الف پدر و مادر

فصل هشتم: آمرزش خواهی برای دیگران8 / 1کسانی که باید برایشان ، آمرزش خواستالف پدر و مادرقرآن«ای پروردگار ما! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز» .

«ای پروردگار من! مرا ، و پدر و مادرم را ، و هر مؤمنی را که به سرایم درآید ، و مردان و زنان باایمان را بیامرز» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آمرزش خواهی فرزند برای پدرش پس از مرگ او ، از [مصادیق]نیکی [به والدین]است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر درجه شخص در بهشت افزوده می شود و او می گوید: این ، از کجا آمد؟ به او گفته می شود: «از آمرزش خواهی فرزندت برای تو».

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الرَّجُلَ يَموتُ والِداهُ أو أحَدُهُما ، وإنَّهُ لَعاقٌّ لَهُما ، فَلا يَزالُ يَدعو لَهُما ، ويَستَغفِرُ لَهُما ، حَتّى يَكتُبَهُ اللّهُ بَرّا . (1)

المعجم الكبير عن أبى كاهل :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : . . . اِعلَمَنَّ يا أبا كاهِلٍ ؛ أنَّهُ مَن بَرَّ والِدَيهِ حَيّا ومَيِّتا كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أن يُرضِيَهُ يَومَ القِيامَهِ . قالَ : قُلتُ : كَيفَ يَبَرُّ والِدَيهِ إذا كانا مَيِّتَينِ ؟ قالَ : بِرُّهُما أن يَستَغفِرَ لِوالِدَيهِ ، ولا يَسُبَّ والِدَى أحَدٍ فَيَسُبَّ والِدَيهِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ العَبدَ لَيَكونُ بارّا بِوالِدَيهِ فى حَياتِهِما ، ثُمَّ يَموتانِ فَلا يَقضى عَنهُما دُيونَهُما ، ولا يَستَغفِرُ لَهُما ، فَيَكتُبُهُ اللّهُ عاقّا . وإنَّهُ لَيَكونُ عاقّا لَهُما فى حَياتِهِما ، غَيرَ بارٍّ بِهِما ، فَإذا ماتا قَضى دَينَهُما وَاستَغفَرَ لَهُما ، فَيَكتُبُهُ اللّهُ عز و جل بارّا . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :ميراثُ اللّهِ مِن عَبدِهِ المُؤمِنِ ، الوَلَدُ الصّالِحُ يَستَغفِرُ لَهُ . (4)

ب المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُالكتاب«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» . (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 16 ص 477 ح 45534 نقلاً عن ابن عساكر عن أنس .
2- .المعجم الكبير : ج 18 ص 362 ح 928 .
3- .الكافى : ج 2 ص 163 ح 21 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 33 ح 87 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 74 ص 81 ح 84 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 481 ح 4689 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 471 ح 1610 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 90 ح 2 .
5- .محمّد : 19 .

ب مردان و زنان مؤمن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان، پدر و مادرش یا یکی از آن دو می میرد و او نسبت به آنان ، نافرمان و بدرفتار بوده است ؛ ولی پیوسته ، برایشان دعا می کند و آمرزش می طلبد تا آن که خداوند ، او را نیکوکار می نویسد.

المعجم الکبیر به نقل از ابو کاهل : پیامبر خدا به من فرمود : «... بدان ای ابو کاهل که هر کس به پدر و مادرش، زنده باشند یا مُرده، نیکی کند ، بر خداست که در روز قیامت ، او را خشنود سازد. من گفتم : چگونه به پدر و مادرش که مُرده اند ، نیکی کند؟ فرمود: «نیکی کردن به آنها به این است که برای پدر و مادرش ، طلبِ آمرزش کند، و [نیز] به پدر و مادر کسی ناسزا نگوید تا او به پدر و مادرش ناسزا گوید».

امام باقر علیه السلام :بنده ، در زمان حیات پدر و مادرش ، با آنان خوش رفتار است ؛ امّا چون می میرند ، نه دیون آن دو را می پردازد و نه برایشان آمرزش می طلبد . پس خداوند ، او را بدرفتار و نافرمان می نویسد، و [برعکس]در زمان حیاتشان ، نسبت به آن دو نافرمان و بدرفتار است و به آنان ، نیکی نمی کند ؛ ولی چون از دنیا رفتند ، دَین آنها را ادا می کند و برایشان ، آمرزش می طلبد . پس خداوند عز و جل او را نیکوکار [به والدین]می نویسد.

امام صادق علیه السلام :میراث خدا از بنده مؤمنش، فرزند شایسته ای است که برای او آمرزش می طلبد.

ب مردان و زنان مؤمنقرآن«پس بدان که معبودی جز خدا نیست ، و برای گناهت و برای مردان و زنان باایمان ، طلب آمرزش کن ، و خدا ، فرجام و مآل شما را می داند» .

.

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِاِءخْوَ نِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِءيمَنِ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن استَغفَرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ حَسَنَةً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ أو مُؤمِنَهٍ مَضى مِن أوَّلِ الدَّهرِ ، أو هُوَ آتٍ إلى يَومِ القِيامَهِ ، إلّا وهُم شُفَعآءُ لِمَن يَقولُ فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ . وإنَّ العَبدَ لَيُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ يَومَ القِيامَهِ فَيُسحَبُ ، فَيَقولُ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ : يا رَبَّنا هذَا الَّذى كانَ يَدعو لَنا فَشَفِّعنا فيهِ ، فَيُشَفِّعُهُمُ اللّهُ فيهِ فَيَنجو . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يَكُن عِندَهُ مالٌ يَتَصَدَّقُ بِهِ ، فَلْيَستَغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، فَإِنَّها صَدَقَهٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن استَغفَرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ كُلَّ يَومٍ سَبعا وعِشرينَ مَرَّهً ، كانَ مِنَ الَّذينَ يُستَجابُ لَهُم ، ويُرزَقُ بِهِم أهلُ الأَرضِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ كُلَّ يَومٍ خَمسا وعِشرينَ مَرَّهً : «اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ» كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ مُؤمِنٍ مَضى ، وكُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ بَقِىَ إلى يَومِ القِيامَهِ حَسَنَهً ، ومَحا عَنهُ سَيِّئَهً ، ورَفَعَ لَهُ دَرَجَهً . (6)

.

1- .الحشر : 10 .
2- .مسند الشاميّين : ج 3 ص 234 ح 2155 عن عباده بن الصامت ، كنز العمّال : ج 1 ص 475 ح 2067 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 541 ح 724 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 194 ح 4 عن محمّد بن حمّاد الحارثى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، روضه الواعظين : ص 359 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 385 ح 10 .

4- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 128 ح 2693 ، الدعاء للطبرانى : ص 519 ح 1849 كلاهما عن أبى هريره .
5- .كنز العمّال : ج 1 ص 476 ح 2068 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء .
6- .ثواب الأعمال : ص 194 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 424 ح 949 ، الأمالى للصدوق : ص 462 ح 617 كلّها عن عبد اللّه بن سنان ، روضه الواعظين : ص 358 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 386 ح 14 .

«ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند ، بیامرز» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای مردان و زنان مؤمن ، آمرزش بخواهد ، خداوندْ به ازای هر مرد و زن مؤمنی ، یک کار نیک برایش می نویسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مرد یا زن مؤمنی که از اوّل روزگار بوده یا تا روز قیامت خواهد آمد ، برای کسی که در دعایش بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز»، شفاعت خواهند کرد. در روز قیامت، فرمان داده می شود که فلان بنده را به سوی آتش ببرند و او را کِشانْ کِشان می برند . در این هنگام ، مردان و زنان مؤمن می گویند: «پروردگارا! این ، کسی است که برای ما دعا می کرد . پس شفاعت مارا در باره او بپذیر» ، و خداوند ، شفاعت آنان را در حقّ او می پذیرد و او نجات می یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مالی ندارد که صدقه بدهد، برای مردان و زنان ، آمرزش بخواهد؛ زیرا این کار، خود، صدقه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزی بیست و هفت بار برای مؤمنین و مؤمنان ، طلب آمرزش کند ، از کسانی است که دعایشان مستجاب می گردد و به سبب آنان ، زمینیان ، روزی داده می شوند.

امام صادق علیه السلام :هر کس روزی بیست و پنج مرتبه بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان را بیامرز» ، خداوند ، به عدد هر مرد مؤمنی که درگذشته است، و به شمارِ هر مرد و زن مؤمنی که تا روز قیامت می آید ، یک کار نیک برایش می نویسد و یک گناه ، از او پاک کند و یک درجه او را بالا می برد» .

.

عنه عليه السلام :إذا قالَ الرَّجُلُ : «اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ ، الأَحياءِ مِنهُم وجَميعِ الأَمواتِ» رَدَّ اللّهُ عَلَيهِ بِعَدَدِ مَن مَضى ومَن بَقِىَ مِن كُلِّ إنسانٍ دَعوَةً . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يَدعو لِأَخيهِ بِظَهرِ الغَيبِ فَيَقولُ : «اللّهُمَّ ، أخى فُلانٌ فَاغفِر لَهُ» إلّا قالَتِ المَلائِكَهُ : آمينَ ، ولَكَ بِمِثلٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :يَنبَغى لِلإِمامِ الَّذى يَخطُبُ النّاسَ يَومَ الجُمُعَهِ أن ... يُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وعَلى أئِمَّهِ المُسلِمينَ ، ويَستَغفِرَ لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ . (3)

ج المُذنِبُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَلزَمُ الحَقُّ لِأُمَّتى فى أربَعٍ : يُحِبّونَ التّائِبَ ، ويَرحَمونَ الضَّعيفَ ، ويُعينونَ المُحسِنَ ، ويَستَغفِرونَ لِلمُذنِبِ . (4)

المعجم الأوسط عن ابن عمر :كُنّا نُمسِكُ عَنِ الاِستِغفارِ لِأَهلِ الكَبائِرِ ، حَتّى سَمِعنا نَبِيَّنا صلى الله عليه و آله يَقولُ : إنِّى ادَّخَرتُ شَفاعَتى لِأَهلِ الكَبائِرِ مِن اُمَّتى يَومَ القِيامَهِ ، فَأَمسَكنا عَن كَثيرٍ مِمّا كانَ فى أنفُسِنا ، ورَجَونا لَهُم . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن اطَّلَعَ مِن مُؤمِنٍ عَلى ذَنبٍ أو سَيِّئَهٍ ، فَأَفشى ذلِكَ عَلَيهِ ولَم يَكتُمها ، ولَم يَستَغفِرِ اللّهَ لَهُ ، كانَ عِندَ اللّهِ كَعامِلِها ، وعَلَيهِ وِزرُ ذلِكَ الَّذى أفشاهُ عَلَيهِ ، وكانَ مَغفورا لِعامِلِها ، وكانَ عِقابُهُ ما أفشى عَلَيهِ فِى الدُّنيا ، مَستورٌ عَلَيهِ فِى الآخِرَهِ ، ثُمَّ يَجِدُ اللّهَ أكرَمَ مِن أن يُثَنِّىَ عَلَيهِ عِقابا فِى الآخِرَهِ . (6)

.

1- .فلاح السائل : ص 110 ح 50 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 391 ح 24 .
2- .تاريخ دمشق : ج 25 ص 126 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 2 ص 110 ح 3386 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء .

3- .الكافى : ج 3 ص 421 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 243 ح 655 كلاهما عن سماعه ، وسائل الشيعه : ج 5 ص 38 ح 9532 .
4- .الخصال : ص 239 ح 88 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 263 ح 780 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 384 ح 7 .
5- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 106 ح 5942 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 290 نحوه .
6- .الاختصاص : ص 32 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 216 ح 16 .

ج گنهکار

امام صادق علیه السلام :هرگاه شخصی بگوید: «بار خدایا! مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، زندگانشان و همه مُردگانشان را بیامرز» ، خداوندْ به شمارِ هر انسانی که درگذشته و هر انسانی که باقی است ، یک دعا به او برمی گردانَد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مسلمانی نیست که پشتِ سر برادرش برای او دعا کند و بگوید: «بار خدایا! برادرم فلانی را بیامرز» ، مگر آن که فرشتگان می گویند: «آمین! و تو را نیز چنان باد!».

امام صادق علیه السلام :شایسته است امامی که در روز جمعه برای مردم ، خطبه [ی نماز]می خواند... بر محمّد و بر پیشوایان مسلمانان ، درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن ، طلب آمرزش کند.

ج گنهکارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در باره چهار گروه ، وظایفی بر عهده امّت من است: توبه کننده را دوست بدارند، به ناتوان [و فقیر]رحم کنند، به نیکوکارْ کمک رسانند، و برای گنهکارْ آمرزش بخواهند.

المعجم الأوسط به نقل از ابن عمر : ما از آمرزش خواهی برای مرتکبان گناهانِ کبیره ، خودداری می کردیم تا آن که شنیدیم پیامبرمان صلی الله علیه و آله می فرماید: «من شفاعتم را برای مرتکبانِ گناهانِ کبیره از امّتم در روز قیامت ، اندوخته ام . لذا بسیاری از چیزهایی را که در دل های ما بود ، کنار نهادیم، و به [آمرزش] آنان ، امیدوار شدیم» .

امام صادق علیه السلام :هر کس بر گناهی یا بدی ای از مؤمنی مطّلع شود و آن را فاش سازد و پوشیده اش ندارد و برای او از خدا طلب آمرزش نکند، در نزد خدا ، چون کننده آن گناه یا بدی است، و گناه چیزی که فاش ساخته است ، بر گردن اوست و آن مؤمن ، آمرزیده می شود، و کیفرش ، همان فاش شدن [و بی آبرو شدن او]در دنیاست، و در آخرت ، بر او پوشیده می شود، و خداوند را بزرگوارتر از آن می یابد که دوباره ، در آخرت هم او را کیفر دهد.

.

د المُغتابُبالإمام الصادق عليه السلام :سُئِلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : ما كَفّارَةُ الاِغتِيابِ ؟ قالَ : تَستَغفِرُ اللّهَ لِمَنِ اغتَبتَهُ كُلَّما ذَكَرتَهُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَفّارَةُ الاِغتِيابِ أن تَستَغفِرَ لِمَنِ اغتَبتَهُ . (2)

ه المُحتَضَرُ وَالمَيِّتُمسند ابن حنبل عن أبى سعيد الخدرى :لَمّا قَدِمَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله كُنّا نُؤذِنُهُ (3) لِمَن حَضَرَ مِن مَوتانا ، فَيَأتيهِ قَبلَ أن يَموتَ ، فَيَحضُرُهُ ويَستَغفِرُ لَهُ ويَنتَظِرُ مَوتَهُ . قالَ : فَكانَ ذلِكَ رُبَّما حَبَسَهُ الحَبسَ الطَّويلَ ، فَشَقَّ عَلَيهِ ، قالَ : فَقُلنا : إنَّهُ أرفَقُ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أَلّا نُؤذِنَهُ بِالمَيِّتِ حَتّى يَموتَ ، قالَ : فَكُنّا إذا ماتَ مِنّا المَيِّتُ آذَنّاهُ بِهِ ، فَجاءَ فى أهلِهِ فَاستَغفَرَ لَهُ ، وصَلّى عَلَيهِ ، ثُمَّ إن بَدا لَهُ أن يَشهَدَهُ انتَظَرَ شُهودَهُ ، وإن بَدا لَهُ أن يَنصَرِفَ انصَرَفَ . قالَ : فَكُنّا عَلى ذلِكَ طَبَقَةً اُخرى ، قالَ فَقُلنا : إنَّهُ أرفَقُ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن نَحمِلَ مَوتانا إلى بَيتِهِ ، ولا نُشخِصَهُ ولا نُعَنّيهِ . قالَ : فَفَعَلنا ذلِكَ فَكانَ الأمرُ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 357 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 377 ح 4327 كلاهما عن حفص بن عمر ، بحار الأنوار : ج 75 ص 241 ح 4 .
2- .الأمالى للمفيد : ص 172 ح 7 ، الأمالى للطوسى : ص 192 ح 325 كلاهما عن أنس ، بحار الأنوار : ج 75 ص 253 ح 29 ؛ تاريخ بغداد : ج 7 ص 303 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 593 ح 8063 .
3- .آذنتهُ إيذانا : أعلمته (المصباح المنير : ص 10 «أذن») .
4- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 132 ح 11628 ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 275 ح 3006 نحوه .

د غیبت شونده:
ه شخصِ در حال مرگ و مُرده

د غیبت شونده:امام صادق علیه السلام :از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: کفّاره غیبت کردن چیست؟ فرمود: «این که هر زمان به یاد شخصی که از او غیبت کرده ای ، افتادی، از خداوند برایش طلب آمرزش کنی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کفّاره غیبت ، این است که برای شخصی که از او غیبت کرده ای ، طلب آمرزش کنی.

ه شخصِ در حال مرگ و مُردهمسند ابن حنبل به نقل از ابوسعید خُدری : زمانی کَه پیامبر خدا [به مدینه]آمد ، هرگاه کسی از ما مرگش فرا می رسید ، به اطّلاع ایشان می رساندیم و ایشان ، پیش از این که آن شخص از دنیا برود، می آمد و بر بالین او حاضر می شد و برایش طلب آمرزش می کرد و منتظر می ماند تا از دنیا برود. امّا این کار ، گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را مدّتی طولانی نگه می داشت و ایشان ، به زحمت می افتاد. لذا به خاطر رعایت حال پیامبر صلی الله علیه و آله گفتیم که بهتر است به ایشان اطّلاع ندهیم تا زمانی که محتضر از دنیا برود. بنا بر این، طرف که از دنیا می رفت ، آن را به اطّلاع ایشان می رساندیم و پیامبر صلی الله علیه و آله به نزد خانواده او می آمد و برای درگذشته ، طلب آمرزش می کرد و بر او نماز می خواند. سپس اگر صلاح می دید که در تشییع او شرکت کند ، منتظر تشییعش می ماند ؛ و گرنه می رفت. مدّتی هم بر این روال گذشت . سپس گفتیم که بهتر است برای رعایت حال پیامبر خدا، ما مُرده هایمان را به خانه پیامبر ببریم و ایشان را به خانه شخص مُرده نکشانیم و باعث زحمت پیامبر خدا نشویم. این کار را کردیم و از آن پس ، چنین مرسوم شد.

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَا المَيِّتُ فى قَبرِهِ إلّا يُشبِهُ الغَريقَ المُتَغَوِّثَ (1) ، يَنتَظِرُ دَعوَةً مِن أبٍ أو اُمٍّ أو وَلَدٍ أو صَديقٍ ثِقَهٍ ، فَإذا لَحِقَتهُ كانَت أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الدُّنيا وما فيها . وإنَّ اللّهَ عز و جل لَيُدخِلُ عَلى أهلِ القُبورِ مِن دُعاءِ أهلِ الوُدِّ أمثالَ الجِبالِ ، وإنَّ هَدِيَّةَ الأحياءِ لِلأمواتِ الاِستِغفارُ لَهُم ، وَالصَّدَقَةُ عَنهُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أوَّلَ ما يُبَشَّرُ بِهِ المُؤمِنُ أن يُقالَ لَهُ : قَدِمتَ خَيرَ مَقدَمٍ ، قَد غَفَرَ اللّهُ لِمَن شَيَّعَكَ ، وَاستَجابَ لِمَنِ استَغفَرَ لَكَ ، وقَبِلَ مِمَّن شَهِدَ لَكَ . (3)

سنن أبى داوود عن عثمان بن عفّان :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إذا فَرَغَ مِن دَفنِ المَيِّتِ ، وَقَفَ عَلَيهِ فَقالَ : اِستَغفِروا لِأخيكُم وسَلوا لَهُ بِالتَّثبيتِ ؛ فَإنَّهُ الآنَ يُسألُ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما صَلّى ثَلاثَةُ صُفوفٍ مِنَ المُسلِمينَ عَلى رَجُلٍ مُسلِمٍ ، يَستَغفِرونَ لَهُ ، إلّا أوجَبَ (5) . (6)

عنه صلى الله عليه و آله إنَّهُ كانَ يَخرُجُ إلَى البَقيعِ لَيلاً ، فَيَقولُ : السَّلامُ عَلَيكُم دارَ قَومٍ مُؤمِنينَ ! وآتاكُم ما توعَدونَ غَدا مُؤَجَّلونَ ، وإنّا إن شاءَ اللّهُ بِكُم لاحِقونَ ، اَللّهُمَّ اغفِر لِأهلِ بَقيعِ الغَرقَدِ . (7)

.

1- .الهوبُ : البُعد . ويُقال : تركته فى هوبٍ دابرٍ ، أى : بحيث لا يُدرى أين هو (تاج العروس : ج 2 ص 498 «هوب») .
2- .الفردوس : ج 4 ص 103 ح 6323 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 15 ص 694 ح 42783 .
3- .فلاح السائل : ص 169 ح 81 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 51 ح 41 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 361 ح 313 عن الطيّب المبارک نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 596 ح 42355 .
4- .سنن أبى داوود : ج 3 ص 215 ح 3221 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 93 ح 7064 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 135 ، كنز العمّال : ج 7 ص 158 ح 18514 .

5- .يقال : أوجَبَ الرَّجُلُ إذا فَعَلَ فعلاً وجبت له به الجنّه أو النار (النهايه : ج 5 ص 153 «وجب») .
6- .السنن الكبرى : ج 4 ص 48 ح 6905 ، تاريخ دمشق : ج 56 ص 511 ح 11896 كلاهما عن مالک بن هبيره ، كنز العمّال : ج 15 ص 588 ح 42308 وراجع مسند أبى يعلى : ج 6 ص 206 ح 6796 .
7- .صحيح مسلم : ج 2 ص 669 ح 102 ، سنن النسائى : ج 4 ص 94 ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 444 ح 3172 كلاهما نحوه ، السنن الكبرى : ج 4 ص 132 ح 7210 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 15 ص 648 ح 42562 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مُرده در گور خود ، به سانِ شخص غرق شده و دور افتاده است. چشم به راه دعایی از جانب پدر یا مادر یا فرزند یا یک دوست صمیمی است . هرگاه چنین دعایی به او برسد ، برایش از دنیا و آنچه در دنیاست ، دوست داشتنی تر است. خداوند عز و جل، بر اثر دعای عزیزان و دوستان، [بخشش ها و ثواب هایی] به اندازه کوه ها بر اهل قبور وارد می کند، و هدیه زندگان به مُردگان ، آمرزش خواهی برای آنان و صدقه دادن از جانب ایشان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین بشارتی که به مؤمن داده می شود ، این است که به او گفته می شود: «خوش آمدی! خداوند ، تشییع کنندگان تو را آمرزید و دعای کسانی را که برایت طلب آمرزش کردند ، مستجاب فرمود و شهادت کسانی را که برایت شهادت دادند ، پذیرفت» .

سنن أبی داوود به نقل از عثمان بن عفّان : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از خاک سپاری میّت آسوده می شد، بر قبر او می ایستاد و می فرمود: «برای برادرتان ، طلب آمرزش کنید و [از خدا] برایش پایداری بخواهید؛ زیرا هم اکنون ، از او سؤال می شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر هیچ مرد مسلمانی ، سه ردیف از مسلمانان نماز نخواندند و برایش آمرزش نطلبیدند ، مگر آن که مستوجب آمرزش شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبانه به [قبرستان] بقیع می رفت و می فرمود : درود بر شما ، ای خانه مردمانی مؤمن! آنچه به شما وعده داده شده است ، فردای قیامت به شما داده خواهد شد، و ما نیز، به خواست خدا، به شما خواهیم پیوست. بار خدایا! اهل بقیع غَرقد را بیامرز.

.

الإمام علیّ علیه السلام وقَد مَرَّ بِبَعضِ القُبورِ عِندَ مُنصَرَفِهِ مِن صِفّینَ : السَّلامُ عَلَیکُم یا أهلَ الدِّیارِ مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُسلِمینَ ، أنتُم لَنا سَلَفٌ فارِطٌ (1) ، ونَحنُ لَکُم تَبَعٌ عَمّا قَلیلٍ لاحِقٌ . اللّهُمَّ اغفِر لَنا ولَهُم ، وتَجاوَز بِعَفوِکَ عَنّا وعَنهُم . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ المَیِّتَ لَیَفرَحُ بِالتَّرَحُّمِ عَلَیهِ ، وَالاِستِغفارِ لَهُ ، کَما یَفرَحُ الحَیُّ بِالهَدِیَّهِ تُهدی إلَیهِ . (3)

8 / 2مَن لا یَنبَغِی الاِستِغفارُ لَهُأ المُشرِکُ وَالکافِرُالکتاب«مَا کَانَ لِلنَّبِیِّ وَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ أَن یَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِکِینَ وَلَوْ کَانُواْ أُوْلِی قُرْبَی مِن بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَبُ الْجَحِیمِ * وَ مَا کَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَ هِیمَ لِأَبِیهِ إِلَا عَن مَّوْعِدَهٍ وَعَدَهَا إِیَّاهُ فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَ هِیمَ لَأَوَّ هٌ حَلِیمٌ» . (4)

.

1- .یُقال : فَرَطَ یفرُط فهو فارِطٌ ، إذا تقدّم وسبق القوم (النهایه : ج 3 ص 434 «فرط») .
2- .المعجم الکبیر : ج 4 ص 56 ح 3618 ، اُسد الغابه : ج 2 ص 149 کلاهما عن زید بن وهب ، شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 256 ح 14 ؛ وقعه صفّین : ص 531 عن عبد الرحمن بن جندب ، بحار الأنوار : ج 82 ص 179 ح 24 .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 183 ح 544 عن عمر بن یزید ، عوالی اللآلی : ج 2 ص 53 ح 142 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 62 ح 1 .
4- .التوبه : 113 و 114 .

8 / 2 کسانی که نباید برایشان آمرزش خواست

الف - مشرک و کافر

امام علی علیه السلام در گذر از گورستانی به هنگام بازگشت از حنین فرمود : درود بر شما ، ای مؤمنان و ای مسلمانانی که در این خانه ها خفته اید ! شما پیش گام و پیشرو ما هستید و ما نیز به زودی ، در پی شما به شما خواهیم پیوست. بار خدایا ! ما و ایشان را بیامرز و با بخشایش خود ، از ما و ایشان درگذر.

امام صادق علیه السلام :میّت ، از طلب رحمت و آمرزش برای او خوش حال می شود ، همچنان که زنده ، از دریافت هدیه خوش حال می گردد .

8 / 2کسانی که نباید برایشان آمرزش خواستالف - مشرک و کافرقرآن«بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند ، سزاوار نیست برای مشرکان پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخ اند ، طلب آمرزش کنند ، هر چند خویشاوند [آنان]باشند. و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش ، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود؛ ولی هنگامی که برای او روشن شد که وی ، دشمن خداست، از او بیزاری جست. راستی که ابراهیم ، دلسوزی بردبار بود» .

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أُوحِىَ إلَىَّ كَلِماتٌ فَدَخَلنَ فى أُذُنى ، ووَقَرنَ فى قَلبى : أُمِرتُ أَلّا أستَغفِرَ لِمَن ماتَ مُشرِكا ، ومَن أعطى فَضلَ مالِهِ فَهُوَ خَيرٌ لَهُ ، ومَن أمسَكَ فَهُوَ شَرٌّ لَهُ ، ولا يَلومُ اللّهُ عَلى كَفافٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :سَمِعتُ رَجُلاً يَستَغفِرُ لِأَبَوَيهِ وهُما مُشرِكانِ ، فَقُلتُ لَهُ : أتَستَغفِرُ لِأَبَوَيكَ وهُما مُشرِكانِ ؟ فَقالَ : أوَ لَيسَ استَغفَرَ إبراهيمُ لِأَبيهِ ؟ وهُوَ مُشرِكٌ ، فَذَكَرتُ ذلِكَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، فَنَزَلَت : «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ» (2) . (3)

تفسير العيّاشى عن أبى إسحاق الهمدانى ، عن رجل :صَلّى رَجُلٌ إلى جَنبى فَاستَغفَرَ لِأَبَوَيهِ وكانا ماتا فِى الجاهِلِيَّةِ ، فَقُلتُ : تَستَغفِرُ لِأَبَوَيكَ وقَد ماتا فِى الجاهِلِيَّةِ ؟ فَقالَ : قَدِ استَغفَرَ إبراهيمُ لِأبيهِ ! فَلَم أدرِ ما أرُدُّ عَلَيهِ . فَذَكَرتُ ذلِكَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، فَأنزَلَ اللّهُ «وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَ هِيمَ لِأَبِيهِ إِلَا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (4) ، قالَ : لَمّا ماتَ تَبَيَّنَ أنَّهُ عَدُوٌّ للّهِ ، فَلَم يَستَغفِر لَهُ . (5)

تفسير العيّاشى عن إبراهيم بن أبى البلاد ، عن بعض أصحابه :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما يَقولُ النّاسُ فى قَولِ اللّهِ : «وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَ هِيمَ لِأَبِيهِ إِلَا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ» ؟ قُلتُ : يَقولونَ : إنَّ إبراهيمَ وَعَدَ أباهُ لِيَستَغفِرَ لَهُ . قالَ : لَيسَ هُوَ هكَذا ، إنَّ إبراهيمَ وَعَدَهُ أن يُسلِمَ فَاستَغفَرَ لَهُ ، «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» . (6)

.

1- .تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 11 ص 43 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 161 كلاهما عن قتاده ، كنز العمّال : ج 6 ص 383 ح 16165 .
2- .التوبه : 113 .
3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 281 ح 3101 ، سنن النسائى : ج 4 ص 91 وفيه «ما كان استغفار إبراهيم...» بدل «ما كان للنبىّ والذين ...» ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 276 ح 1085 و ص 212 ح 771 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 365 ح 3289 كلّها عن أبى الخليل ، كنز العمّال : ج 2 ص 421 ح 4399 .
4- .التوبه : 114 .

5- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 114 ح 148 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 390 ح 9 .
6- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 114 ح 146 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 88 ح 14 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چند سخن به من وحی شد که از گوشم گذشتند و در دلم نشستند: فرمان یافتم تا برای آن که مشرک می میرد ، آمرزش نخواهم، و [دیگر آن که:] هر کس فزونیِ دارایی خویش را ببخشد ، این به سود اوست، و هر کس نگه دارد ، این به زیان اوست، و خدا برای اندازه کفایت ، سرزنش نمی کند.

امام علی علیه السلام :شنیدم که مردی برای پدر و مادر مشرکش آمرزش می طلبد . به او گفتم : برای پدر و مادرِ مشرک خود ، آمرزش می خواهی؟ گفت: مگر نه این است که ابراهیم علیه السلام برای پدرش آمرزش طلبید ، در حالی که او مشرک بود؟ من ، این موضوع را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم . پس این آیه نازل شد: «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند ، سزاوار نیست که برای مشرکان ، آمرزش بخواهند» .

تفسیر العیّاشی به نقل از ابو اسحاق هَمْدانی ، از مردی : مردی در کنار من نماز می خواند. او برای پدر و مادرش که در جاهلیت مُرده بودند طلب آمرزش کرد. گفتم: برای پدر و مادرت که در جاهلیت مُرده اند ، آمرزش می خواهی؟ گفت: ابراهیم علیه السلام [هم] برای پدرش آمرزش خواست . من ندانستم چه جوابی به او دهم . این را برای پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم . پس خداوند ، این آیه را فرو فرستاد: «و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش ، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود ؛ ولی وقتی برایش روشن شد او دشمن خداست ، از وی بیزاری جست» . [امام علیه السلام] فرمود: «یعنی وقتی مُرد ، روشن شد که او دشمن خداست و دیگر ، برایش آمرزش نخواست» .

تفسیر العیّاشی به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد، از یکی از یارانش : امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم ، در باره این سخن خداوند: «و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش ، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود» ، چه می گویند؟». گفت : می گویند که ابراهیم علیه السلام به پدرش وعده داده بود که برایش طلب آمرزش کند. امام علیه السلام فرمود: «چنین نیست؛ بلکه ابراهیم علیه السلام به او وعده داد که [اگر] مسلمان (موحّد) شود ، برایش طلب آمرزش کند ؛ «ولی چون برایش معلوم شد او دشمن خداست ، از وی بیزاری جست...» » .

.

قرب الإسناد عن علىّ بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن رَجُلٍ مُسلِمٍ وأبَواهُ كافِرانِ ، هَل يَصلُحُ أن يَستَغفِرَ لَهُما فِى الصَّلاهِ ؟ قالَ : إن كانَ فَارَقَهُما وهُوَ صَغيرٌ لا يَدرى أسلَما أم لا ؟ فَلا بَأسَ ، وإن عَرَفَ كُفرَهُما فَلا يَستَغفِر لَهُما ، وإن لَم يَعرِف فَليَدعُ لَهُما . (1)

ب المُنافِقُالكِتاب« وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُم مُّسْتَكْبِرُونَ * سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ» . (2)

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَ لِکَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ» . (3)

الحديثالإمام الرضا عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى قالَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله : «إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» فَاستَغفَرَ لَهُم مِئَهَ مَرَّهٍ لِيَغفِرَ لَهُم ، فَأنزَلَ اللّهُ : «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» ، وقالَ : «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» (4) ، فَلَم يَستَغفِر لَهُم بَعدَ ذلِکَ ، ولَم يَقُم عَلى قَبرِ أحَدٍ مِنهُم . (5)

.

1- .قرب الإسناد : ص 286 ح 1131 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 67 ح 38 .
2- .المنافقون : 5 و 6 .
3- .التوبه : 80 .
4- .التوبه : 84 .
5- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 100 ح 92 عن العبّاس بن هلال ، بحار الأنوار : ج 75 ص 390 ح 8 .

ب منافق

قرب الإسناد به نقل از على بن جعفر، برادر امام كاظم عليه السلام : از امام كاظم عليه السلام در باره مرد مسلمانى كه پدر و مادرش كافرند، پرسيدم و گفتم: آيا درست است كه او در نماز ، براى آنها طلب آمرزش كند؟ فرمود: «اگر در كودكى آنها را از دست داده است و نمى داند كه اسلام آورده بودند يا نه، عيبى ندارد، و اگر مى داند كافر بوده اند ، برايشان طلب آمرزش نكند، ولى اگر نمى داند، برايشان دعا كند» .

ب منافققرآن«و هرگاه به ايشان گفته شود كه بياييد تا پيامبر خدا ، براى شما آمرزش خواهى كند، سرهاى خود را بر مى گردانند و آنان را مى بينى كه تكبّركنان ، روى بر مى تابند. براى آنان ، يكسان است: چه برايشان ، آمرزش بخواهى و چه برايشان آمرزش نخواهى . خدا ، هرگز بر ايشان نخواهد بخشود . خدا ، گروه فاسقان را راه نمايى نمى كند» .

«برايشان آمرزش بخواهى يا برايشان آمرزش نخواهى [فرقى نمى كند] . اگر هفتاد بار هم برايشان آمرزش بخواهى، خداوند ، هرگز آنان را نمى آمرزد . اين ، بدان سبب است كه به خدا و پيامبر او كافر شدند ، و خدا ، گروه فاسقان را هدايت نمى كند» .

حديثامام رضا عليه السلام :خداوند متعال به محمّد صلى الله عليه و آله فرمود: «اگر هفتاد بار هم برايشان آمرزش بخواهى ، خداوند، هرگز آنان را نخواهد آمرزيد» . پس پيامبر صلى الله عليه و آله صد مرتبه برايشان طلب آمرزش كرد تا [خداوند] ايشان را بيامرزد ؛ ولى خدا اين آيه را فرو فرستاد: «براى آنان ، يكسان است . چه برايشان ، آمرزش بخواهى و چه برايشان آمرزش نخواهى، خداوند، هرگز آنان را نمى آمرزد» و فرمود: «و بر هر يک از آنان كه بميرد ، هرگز نماز مخوان، و بر سرِ قبرش نَايست» . از آن پس، پيامبر صلى الله عليه و آله برايشان طلب آمرزش نكرد و بر سرِ قبر هيچ يک از آنان هم نايستاد.

.

8 / 3مَن يَنبَغى طَلَبُ الاِستِغفارِ مِنهُ أ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آلهالكتاب«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِحَرمَلَةَ بنِ زَيدٍ وقَد عَرَضَ عَلَى النَّبِىِّ أن يَدُلَّهُ عَلَى المُنافِقينَ مِن قَومِهِ : لا ، مَن جاءَنا كَما جِئتَنا استَغفَرنا لَهُ كَمَا استَغفَرنا لَکَ ، ومَن أصَرَّ عَلى ذَنبِهِ فَاللّهُ أولى بِهِ ، ولا تَخرِق عَلى أحَدٍ سِترا . (2)

كنز العمّال عن يزيد بن الأسود :إنَّ أحَدَ الرَّجُلَينِ اللَّذَينِ صَلَّيا فى رِحالِهما قالَ لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : يا رَسولَ اللّهِ ، استَغفِرِ اللّهَ لى . قالَ صلى الله عليه و آله : غَفَرَ اللّهُ لَکَ ! قالَ : وأخَذَ بِيَدِهِ فَوَضَعَها فى صَدرِى ، فَوَجَدتُ بَردَها فى ظَهرى ، قالَ : ما شَمَمتُ ريحا قَطُّ أطيَبَ مِن يَدِهِ ، ولَقَد كانَت أبرَدَ مِنَ الثَّلجِ . (3)

.

1- .النساء : 64 .
2- .المعجم الكبير : ج 4 ص 6 ح 3475 ، اُسد الغابه : ج 1 ص 715 كلاهما عن ابن عمر ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 143 ، تاريخ دمشق : ج 67 ص 23 ح 13481 و ص 97 ح 13511 والثلاثه الأخيره عن أبى الدرداء نحوه ، كنز العمّال : ج 4 ص 246 ح 10372 .
3- .كنز العمّال : ج 12 ص 381 ح 35403 نقلاً عن بقى بن مخلد .

8 / 3 کسانی که باید از آنان ، درخواست آمرزش خواهی کرد

الف پیامبر صلی الله علیه و آله

8 / 3کسانی که باید از آنان ، درخواست آمرزش خواهی کردالف پیامبر صلی الله علیه و آلهقرآن«و اگر زمانی که به خویشتن ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا ، طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برایشان طلب آمرزش می کرد، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حرمله بن یزید که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد منافقانِ قومش را به ایشان معرّفی کند : نه . هر کس، همچنان که تو نزد ما آمدی ، نزد ما بیاید، همان گونه که برای تو طلب آمرزش کردم ، برای او نیز طلب آمرزش می کنیم، و هر کس بر گناه خویش ، پای فشارد ، خدا خود، بهتر می داند با او چه کند، و تو نسبت به هیچ کس ، پرده دری مکن.

کنز العمّال به نقل از یزید بن اَسوَد : یکی از آن دو مردی که در خانه اش نماز خوانده بود، (1) به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! برایم از خداوند ، آمرزش بخواه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا تو را بیامرزد !». سپس ، دستش را بر سینه ام نهاد و خُنَکی آن را در پشتم احساس کردم. هرگز بویی خوش تر از بوی دست ایشان ، استشمام نکرده بودم، و دستش خُنَک تر از یخ بود.

.

1- .در نماز جماعت حاضر نشده بود.

راجع : نهج الدعاء : (الفصل الرابع / الباب الرابع : من دعا له النبىّ صلى الله عليه و آله) .

بِ الأَبُالكتاب«قَالُواْ يَأَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (1)

الحديثعلل الشرائع عن إسماعيل بن الفضل الهاشمى :قُلتُ لِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام : أخبرنى عَن يَعقوبَ عليه السلام لَمّا قالَ لَهُ بَنوهُ : «يَأَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى» فَأَخَّرَ الاِستِغفارَ لَهُم ! ويوسُفَ عليه السلام لَمّا قالوا لَهُ : «تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَطِئِينَ * قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّ حِمِينَ» (2) ! قالَ : لِأَنَّ قَلبَ الشّابِّ أرَقُّ مِن قَلبِ الشَّيخِ ، وكانَت جِنايَةُ وُلدِ يَعقوبَ عَلى يوسُفَ ، وجِنايَتُهُم عَلى يَعقوبَ إنَّما كانَت بِجِنايَتِهِم عَلى يوسُفَ ، فَبادَرَ يوسُفُ إلَى العَفوِ عَن حَقِّهِ ، وأخَّرَ يَعقوبُ العَفوَ لِأَنَّ عَفوَهُ إنَّما كانَ عَن حَقِّ غَيرِهِ ، فَأَخَّرَهُم إلَى السَّحَرِ لَيلَةَ الجُمُعَهِ . (3)

.

1- .يوسف : 97 و 98 .
2- .يوسف : 91 و 92 .
3- .علل الشرائع : ص 54 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 12 ص 280 ح 57 .

ب پدر

ر . ک : نهج الدعاء : (فصل چهارم / باب چهارم : کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان دعا کرد) .

ب پدرقرآن«[برادران یوسف] گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم». [یعقوب] گفت: «به زودی ، از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم ، که او آمرزگار و مهربان است» .

حدیثعلل الشرائع به نقل از اسماعیل بن فضل هاشمی : به امام صادق علیه السلام گفتم: بفرما که چرا وقتی پسران یعقوب علیه السلام به او گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه ، که ما خطاکار بودیم، [یعقوب]گفت: به زودی ، از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست» و آمرزش خواهی برای آنان را به تأخیر افکند؛ ولی یوسف علیه السلام وقتی برادرانش به او گفتند: «به خدا سوگند که خدا ، تو را بر ما برتری داده است و ما خطاکار بودیم ، گفت: امروز ، بر شما سرزنشی نیست . خدا ، شما را می آمرزد و او مهربان ترینِ مهربانان است» ؟ فرمود: «چون دل جوان ، نازک تر از دل پیران است، و [ثانیا] جنایت فرزندان یعقوب علیه السلام [در اصل] بر یوسف علیه السلام بود و جنایتشان به یعقوب علیه السلام از آن رو بود که به یوسف علیه السلام جنایت کردند. بنا بر این، یوسف علیه السلام بی درنگ ، از حقّ خود گذشت کرد؛ ولی یعقوب علیه السلام بخشودن را به تأخیر افکند ، چون بخشودن او، در حقیقت، گذشت کردن از حقّ غیر خود بود. لذا [آمرزش خواهی برای] آنان را تا سحر گاه شب جمعه به تأخیر افکند.

.

ج المُؤمِنُ التَّقِىُّ الخَفِيُّالإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ المُؤمِنينَ : المُؤمِنونَ هُمُ الَّذينَ عَرَفوا ما أمامَهُم ، فَذَبَلَت شِفاهُم ، وغَشِيَت عُيونُهُم ، وشَحَبَت ألوانُهُم ، حَتّى عُرِفَت فى وُجوهِهِم غَبرَةُ الخاشِعينَ . فَهُم عِبادُ اللّهِ الَّذينَ مَشَوا عَلَى الأَرضِ هَونا ، وَاتَّخَذوها بِساطا ، وتُرابَها فِراشا ، فَرَفَضُوا الدُّنيا ، وأقبَلوا عَلَى الآخِرَهِ ، عَلى مِنهاجِ المَسيحِ بنِ مَريَمَ ، إن شَهِدوا لَم يُعرَفوا ، وإن غابوا لَم يُفتَقَدوا ، وإن مَرِضوا لَم يُعادوا ، صُوّامُ الهَواجِرِ (1) ، قُوّامُ الدَّياجِرِ (2) يَضمَحِلُّ عِندَهم كُلُّ فِتنَهٍ ، ويَنجَلى عَنهُم كُلُّ شُبهَهٍ ، أُولئِکَ أصحابى ، فَاطلُبوهُم فى أطرافِ الأَرَضينَ ، فَإِن لَقيتُم مِنهُم أحَدا فَاسأَلوهُ أن يَستَغفِرَ لَكُم . (3)

د الحاجُّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا لَقيتَ الحاجَّ فَسَلِّم عَلَيهِ ، وصافِحهُ ، ومُرهُ أن يَستَغفِرَ لَکَ قَبلَ أن يَدخُلَ بَيتَهُ ؛ فَإِنَّهُ مَغفورٌ لَهُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل لَيَغفِرُ لِلحاجِّ ولِأَهلِ بَيتِ الحاجِّ ، ولِعَشيرَهِ الحاجِّ ، ولِمَن يَستَغفِرُ لَهُ الحاجُّ ، بَقِيَّهَ ذِيالحِجَّهِ ، وَالمُحَرَّمِ ، وصَفَرٍ ، وشَهرِ رَبيعِ الأَوَّلِ ، وعَشرٍ مِن رَبيعِ الآخَرِ . (5)

.

1- .الهاجره : هى نصف النهار ، وإنّما تكون فى القيظ ، وهى قبل الظهر بقليل أو بعدها بقليل (لسان العرب : ج 5 ص 255 «هجر») .
2- .الديجور : الظلام ، ووصفوا به الليل فقالوا : ليل ديجور ، ويقال : أقبل الليل بدياجره (تاج العروس : ج 6 ص 394 «دجر») .
3- .بحار الأنوار : ج 78 ص 25 ح 90 نقلاً عن مطالب السؤول : ص 53 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 351 ح 5371 و ص 482 ح 6120 كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 5 ص 10 ح 11823 .
5- .ثواب الأعمال : ص 70 ح 1 عن السكونى ، بحار الأنوار : ج 99 ص 21 ح 81 .

ج مؤمن پرهیزگار گم نام
د حاجی

ج مؤمن پرهیزگار گم نامامام علی علیه السلام در توصیف مؤمنان : مؤمنان ، آنان اند که آنچه را ، [از زندگی اُخروی]فرا پیش آنهاست ، شناختند و در نتیجه، لبانشان [از کثرت روزه داری]خشکید و چشمانشان [از شدّت گریه] سفید شد و رنگ رخسارشان پرید، آن سان که گرد و غبار خاکساران ، بر چهره هایشان پیداست. آنان ، همان بندگان خدایند که در زمین ، آرام [و بی تکبّر] راه می روند، آن را فرش خود ساخته اند و خاکش را بستر خویش. دنیا را فرو نهاده اند و به آخرت ، رو آورده اند، به شیوه مسیح پسر مریم علیه السلام . اگر [در جمع]حاضر باشند ، شناخته نمی شوند، و اگر غایب باشند ، کسی جویای آنان نمی شود ، و اگر بیمار شوند ، کسی به عیادتشان نمی رود. روزهای داغ را به روزه داری می گذرانند و شب های تار را به عبادت. فتنه ها در برابر آنان ، از هم فرو می پاشد، و شُبهات ، از آنان برکنار می مانَد. اینان اند یاران من ! ایشان را در گوشه و کنار جهان بجویید، و اگر یکی از ایشان را دیدار کردید ، از او بخواهید که برایتان ، طلب آمرزش کند.

د حاجیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه به حاجی [هنگام آمدن از حج] برخوردی ، بر او سلام کن و با او دست بده و از وی بخواه تا پیش از آن که به خانه اش وارد شود ، برایت طلب آمرزش کند؛ زیرا او آمرزیده است.

امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل حاجی و خانواده حاجی و عشیره حاجی و کسی را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، در بقیه ماه ذی حجّه و محرّم و صفر و ربیع اوّل و ده روز از ربیع ثانی ، مورد آمرزش قرار می دهد.

.

8 / 4مَن يَستَغفِرُ لَهُ النَّبِىُّ وأهلُ بَيتِهأ المُسلِمونَالكتاب«فَبِمَا رَحْمَهٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّواْ مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» . (1)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذَا كَانُواْ مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُواْ حَتَّى يَسْتَئذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَئذِنُونَکَ أُوْلَئِکَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَئذَنُوکَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (2)

«يَأَيُّهَا النَّبِىُّ إِذَا جَاءَکَ الْمُؤْمِنَتُ يُبَايِعْنَکَ عَلَى أَن لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئا وَ لَا يَسْرِقْنَ وَ لَا يَزْنِينَ وَ لَا يَقْتُلْنَ أَوْلَدَهُنَّ وَ لَا يَأْتِينَ بِبُهْتَنٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَکَ فِى مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» . (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن خُطبَهٍ لَهُ : أستَغفِرُ اللّهَ تَعالى لى ولَكُم . (4)

.

1- .آل عمران : 159 .
2- .النور : 62 .
3- .الممتحنه : 12 .
4- .الأمالى للمفيد : ص 347 ح 2 ، بشاره المصطفى : ص 65 و ص 111 ، الفضائل : ص 7 كلّها عن جابر الجُعفى عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 38 ص 114 ح 51 .

8 / 4 کسانی که پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او برایشان طلب آمرزش کرده اند

الف مسلمانان

8 / 4کسانی که پیامبر و اهل بیت او برایشان طلب آمرزش کرده اندالف مسلمانانقرآن«پس به [برکت] رحمتی که از جانب خدا بود ، تو با آنان نرم خو شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس ، از آنان درگذر و برایشان ، آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان ، رایزنی کن و چون تصمیم گرفتی ، بر خدا توکّل کن که خدا ، توکّل کنندگان را دوست می دارد» .

«مؤمنان، در حقیقت، کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند و زمانی که با او بر سر کاری اجتماع می کنند، تا از وی کسب اجازه نکنند، نمی روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می کنند ، آنان اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. پس چون برای برخی کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی ، اجازه ده و برایشان ، آمرزش بخواه ، که خدا آمرزنده مهربان است» .

«ای پیامبر! چون زنان باایمان ، نزد تو بیایند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زِنا نکنند و فرزندان خود را نکُشند، و بچّه های حرام زاده ای را که پس انداخته اند ، با بهتان [و حیله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک ، از تو نافرمانی نکنند ، با آنان بیعت کن و از خدا ، برایشان آمرزش بخواه، که خداوند ، آمرزنده و مهربان است» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنرانی ایشان : از خداوند متعال ، برای خودم و برای شما آمرزش می طلبم.

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اغفِر لى ولِاُمَّتى ، اللّهُمَّ اغفِر لى ولِاُمَّتى ، أستَغفِرُ اللّهَ لى ولَكُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله لِأَصحابِهِ : حَياتى خَيرٌ لَكُم ، تُحَدِّثونَ ونُحَدِّثُ لَكُم ، ومَماتى خَيرٌ لَكُم ، تُعرَضُ عَلَىَّ أعمالُكُم ، فَإن رَأَيتُ حَسَنا جَميلاً حَمِدتُ اللّهَ عَلى ذلِكَ ، وإن رَأَيتُ غَيرَ ذلِكَ استَغفَرتُ اللّهَ لَكُم . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فى نِهايَهِ خُطبَهٍ : أستَغفِرُ اللّهَ لى ولَكُم . (3)

الإمام الهادى عليه السلام فى آخِرِ خُطبَهٍ لَهُ : أستَغفِرُ اللّهَ لى ولَكُم ، ولِجَميعِ المُسلِمينَ . (4)

ب شيعَهُ الإمامِ عَلِىٍّ عليه السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ مَثَّلَ لى اُمَّتى فِى الطّينِ ، وعَلَّمَنى أسماءَهُم كَما عَلَّمَ آدَمَ الأَسماءَ كُلَّها ، فَمَرَّ بى أصحابُ الرّاياتِ ، فَاستَغفَرتُ لِعَلِىٍّ وشيعَتِهِ . (5)

ج المُؤَذِّنُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمامُ ضامِنٌ ، وَالمُؤَذِّنُ مُؤتَمَنٌ ، اللّهُمَّ أرشِدِ الأَئِمَّهَ ، وَاغفِر لِلمُؤَذِّنينَ. (6)

.

1- .تفسير القمّى : ج 1 ص 291 ، الاختصاص : ص 343 ، بحار الأنوار : ج 21 ص 212 ح 2 ؛ تاريخ دمشق : ج 51 ص 241 ح 10874 عن عقبه بن عامر الجهنى ، كنز العمّال : ج 15 ص 930 ح 43595 .
2- .بصائر الدرجات : ص 444 ح 4 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 444 ح 3 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 551 ح 7 ؛ الطبقات الكبرى : ج 2 ص 194 عن بكر بن عبد اللّه نحوه ، كنز العمّال : ج 11 ص 407 ح 31903 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 197 ، الخصال : ص 187 ح 257 ، كمال الدين : ص 291 كلاهما عن كميل بن زياد ، التوحيد : ص 34 ح 1 عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 38 ص 94 ح 10 .
4- .الكافى : ج 5 ص 373 ح 6 عن عبد العظيم بن عبد اللّه .

5- .الكافى : ج 1 ص 443 ح 15 عن محمّد الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 649 ح 1347 ، الأمالى للمفيد : ص 126 ح 4 كلاهما عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى و ص 89 ح 5 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، فضائل الشيعه : ص 68 ح 27 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 135 ح 132 .
6- .سنن أبى داوود : ج 1 ص 143 ح 517 ، سنن الترمذى : ج 1 ص 402 ح 207 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 12 ح 7172 و ص 127 ح 7823 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 632 ح 2022 و 2021 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 589 ح 20391 .

ب پیروان امام علی علیه السلام
ج مؤذّن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! مرا و امّتم را بیامرز. بار خدایا! مرا و امّتم و را بیامرز. از خداوند ، برای خودم و شما آمرزش می طلبم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش : [هم] زندگی من برای شما خیر [و برکت]است، [چون]با یکدیگر، گفتگو می کنیم [و از سخنان من ، بهره مند می شوید] و [هم]مرگ من برای شما خیر و [برکت]است؛ [زیرا]اعمال شما بر من عرضه می شود. اگر کردار نیکو و زیبایی دیدم ، خداوند را بر آن ، ستایش می گویم ، و اگر جز آن دیدم ، برایتان از خدا آمرزش می طلبم.

امام علی علیه السلام در پایان سخنرانی ای : از خداوند برای خودم و شما ، آمرزش می طلبم.

امام هادی علیه السلام در پایان یکی از سخنرانی هایش : از خداوند ، برای خودم و شما و برای همه مسلمانان ، طلب آمرزش می کنم.

ب پیروان امام علی علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، امّت مرا در گِل (عالم طینت) برایم مجسّم ساخت و نام های ایشان را به من آموخت، همچنان که به آدم علیه السلام همه نام ها را آموخت. آن گاه ، پرچمداران از برابرم گذشتند و من ، برای علی و پیروانش آمرزش خواستم.

ج مؤذّنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیش نماز ، ضامن [قرائت] است و مؤذّن ، مورد اعتماد است. بار خدایا! امامان [جماعت]را راه نمایی فرما و مؤذّنان را بیامرز.

.

د الحاجُّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اغفِر لِلحاجِّ ، ولِمَنِ استَغفَرَ لَهُ الحاجُّ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَومَ الحُدَيبِيَهِ : «اللّهُمَّ اغفِر لِلمُحَلِّقينَ» مَرَّتَينِ . قيلَ : ولِلمُقَصِّرينَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : «ولِلمُقَصِّرينَ» . (2)

ه زُوّارُ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ فاطِمَهَ بِنتَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله تَحضُرُ لِزُوّارِ قَبرِ ابنِهَا الحُسَينِ عليه السلام ، فَتَستَغفِرُ لَهُم ذُنوبَهُم . (3)

8 / 5مَن يَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَهُأ مَن فِى الأَرضِ مِنَ المُؤمِنينَالكتاب«تَكَادُ السَّمَوَ تُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَئِكَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» . (4)

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْ ءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَ اتَّبَعُواْ سَبِيلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» . (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 5 ص 139 ح 12383 نقلاً عن ابن زنجويه عن مجاهد .
2- .تهذيب الأحكام : ج 5 ص 243 ح 822 عن حريز ؛ مسند ابن حنبل : ج 2 ص 273 ح 4897 عن ابن عمر و ج 4 ص 41 ح 11149 عن أبى سعيد الخدرى ، الطبقات الكبرى : ج 2 ص 104 عن مالک بن ربيعه والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 5 ص 237 ح 12739 .
3- .كامل الزيارات : ص 231 ح 343 عن داوود بن كثير ، بحار الأنوار : ج 101 ص 55 ح 14 .
4- .الشورى : 5 .
5- .غافر : 7 .

د حاجی
ه زائران قبر حسین علیه السلام

8 / 5 کسانی که فرشتگان ، برایشان آمرزش می خواهند

الف مؤمنان در زمین

د حاجیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! حاجی و آن کس را که حاجی برایش طلب آمرزش کند، بیامرز.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، در روز حدیبیه ، دوبار گفت : «بار خدایا! سرْ تراشیدگان را بیامرز» . گفته شد : کوتاه کنندگان مو چه ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «و کوتاه کنندگان مو را [نیز بیامرز]».

ه زائران قبر حسین علیه السلاممام صادق علیه السلام :فاطمه دختر محمّد صلی الله علیه و آله نزد زائران قبر فرزندش حسین علیه السلام حاضر می شود و برای گناهانشان ، طلب آمرزش می کند.

8 / 5کسانی که فرشتگان ، برایشان آمرزش می خواهندالف مؤمنان در زمینقرآن«چیزی نمانده که آسمان ها از فرازشان بشکافند ، در حالی که فرشتگان خداوند ، کارشان را به پاکی می ستایند و برای کسانی که در زمین هستند ، آمرزش می طلبند. آگاه باش که خدا ، آمرزگار و مهربان است» .

«کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آن اند ، پروردگارشان را به پاکی می ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند ، طلب آمرزش می کنند . پروردگارا! دست و دانش تو ، بر هر چیزی احاطه دارد . کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ، ببخش و آنها را از عذاب آتش ، نگه دار» .

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أخبَرَنى جَبرَئيلُ عليه السلام عَنِ رَبّى أنَّهُ قالَ : ما أمَرتُ أحَدا مِن مَلائِكَتى أن يَستَغفِروا لِأَحَدٍ مِن خَلقى ، إلَا استَجَبتُ لَهُم فيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَقَد صَلَّتِ المَلائِكَهُ عَلَىَّ وعَلى عَلِىِّ بنِ أبى طالِبٍ سَبعَ سِنينَ ، وذلِكَ أنَّهُ لَم يُؤمِن بى ذَكَرٌ قَبلَهُ ، وذلِكَ قَولُ اللّهِ : «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِرَبِّهِمْ» (2) «وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ» (3) . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :لَقَد مَكَثَتِ المَلائِكَهُ سِنينَ لا تَستَغفِرُ إلّا لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ولى . وفينا نَزَلَت : «وَالْمَلَئِكَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» «وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَ امَنُواْ رَبَّنَا إلى قَولِهِ : الْحَكِيمُ» (5) . (6)

.

1- .المحاسن : ج 1 ص 149 ح 214 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 253 ح 26 وراجع الكافى : ج 4 ص 64 ح 11 وكتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 76 ح 1778 وفضائل الأشهر الثلاثه : ص 121 ح 123.

2- .غافر : 7 . ونصّ الآيه : «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ...» .

3- .الشورى : 5 . ونصّ الآيه : «... وَالْمَلَئِكَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ ...» . تعليق : يحتمل أنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله ذكر الآيتين ودمج بينهما لبيان المناسبه ، ويحتمل أيضا أنّه وقع خلط من النساخ ، وهو الأقرب .

4- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 16 ، شرح الأخبار : ج 2 ص 409 ح 755 نحوه وكلاهما عن أبى أيّوب الأنصارى ، وراجع الفصول المختاره : ص 262 وكنز الفوائد : ج 1 ص 272 وبحار الأنوار : ج 38 ص 204 ح 1 .

5- .غافر : 7 و 8 وانظر التعليق المذكور فى هامش الحديث السابق .

6- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 16 عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 527 ح 2 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 38 ص 204 ح 1 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگارم به من خبر داد که فرمود: «هیچ یک از فرشتگانم را فرمان ندادم که برای کسی از آفریدگانم آمرزش بخواهد ، مگر این که آمرزش خواهی آنان را در باره او پذیرفتم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان ، مدّت هفت سال بر من و بر علی بن ابی طالب ، درود فرستادند؛ زیرا او نخستین مردی بود که به من ، ایمان آورد، و این است گفته خداوند: «کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آن اند ، پروردگارشان را به پاکی می ستایند» «و برای کسانی که در زمین اند ، طلب آمرزش می کنند» .

امام علی علیه السلام :فرشتگان ، چند سالی فقط برای پیامبر خدا و من ، طلب آمرزش می کردند، و این آیات ، در باره ما نازل شد: «و فرشتگان ، پروردگارشان را به پاکی می ستایند» «و برای کسانی که ایمان آورده اند، آمرزش می طلبند [و می گویند]: ای پروردگارما!» تا فرموده او «فرزانه» .

.

تفسيرِ القمّى عن حمّاد عن الإمام الصادق عليه السلام :أنَّهُ سُئِلَ : هَلِ المَلائِكَهُ أكثَرُ ، أم بَنو آدَمَ ؟ فَقالَ : وَالَّذِى نَفسى بِيَدِهِ ، لَعَدَدُ مَلائِكَهِ اللّهِ فِى السَّماواتِ أكثَرُ مِن عَدَدِ التُّرابِ فِى الأَرضِ ، وما فِى السَّماءِ مَوضِعُ قَدَمٍ إلّا وفيها مَلَكٌ يُسَبِّحُهُ ويُقَدِّسُهُ ، ولا فِى الأَرضِ شَجَرَهٌ ولا مَدَرٌ إلّا وفيها مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِها ، يَأتِى اللّهَ كُلَّ يَومٍ بِعَمَلِها ، وَاللّهُ أعلَمُ بِها . وما مِنهُم أحَدٌ إلّا ويَتَقَرَّبُ كُلَّ يَومٍ إلَى اللّهِ بِوِلايَتِنا أهلَ البَيتِ ، ويَستَغفِرُ لِمُحِبّينا ، ويَلعَنُ أعداءَنا ، ويَسأَلُ اللّهَ أن يُرسِلَ عَلَيهِمُ العَذابَ إرسالاً . (1)

ب طالِبُ العِلمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ طالِبَ العِلمِ تَبسُطُ لَهُ المَلائِكَهُ أجنِحَتَها ، وتَستَغفِرُ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن خَرَجَ مِن بَيتِهِ يَطلُبُ عِلما ، شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :طالِبُ العِلمِ تَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَهُ ، وتَدعو لَهُ (4) فِى السَّماءِ وَالأَرضِ . (5)

ج المُؤَذِّنُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا وإنَّ المُؤَذِّنَ إذا قالَ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ» صَلّى عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ ، وكانَ يَومَ القِيامَهِ فى ظِلِّ العَرشِ ، حَتّى يَفرُغَ اللّهُ مِن حِسابِ الخَلائِقِ . (6)

.

1- .تفسير القمّى : ج 2 ص 255 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 528 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 210 ح 7 .
2- .كنز العمّال : ج 10 ص 146 ح 28745 نقلاً عن البزّار عن عائشه .
3- .الأمالى للطوسى : ص 182 ح 306 نقلاً عن أبى قلابه .
4- .فى بحار الأنوار : «يدعو له مَن . . .» .
5- .الإرشاد : ج 1 ص 231 عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 2 ص 44 ح 12 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 17 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 518 ح 707 وفيه «تسعون ألف» وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 318 ح

2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 343 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 130 ح 22 .

ب دانشجو
ج مؤذّن

تفسیر القمّی به نقل از حمّاد : از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: آیا فرشتگان بیشترند یا آدمیان؟ فرمود: «سوگند به آن که جانم دردست اوست، شمارِ فرشتگان خدا در آسمان ها ، بیشتر از شمارِ خاک ها در زمین است . در آسمان ، هیچ جای پایی نیست ، مگر این که در آن ، فرشته ای مشغول تسبیح و تقدیس خداست، و در زمین ، هیچ بوته ای و کلوخی نیست ، مگر این که فرشته ای بر آن گماشته شده است و هر روز ، کار آن را نزد خدا می برد، و البته خدا، خود، به [کارِ] آن داناتر است . هیچ یک از فرشتگان نیست ، مگر این که هر روز ، با توسّل به ولایت ما خاندان ، خود را به خدا نزدیک می سازد و برای دوستداران ما ، آمرزش می خواهد و بر دشمنانمان ، لعنت می فرستد و از خدا درخواست می کند که بر آنان ، دمادم ، عذاب بفرستد.

ب دانشجوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان ، بال های خود را برای طالب علم ، می گسترانند و برای او آمرزش می طلبند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در جستجوی دانشی از خانه خویش بیرون رود ، هفتاد هزار فرشته ، او را مشایعت می کنند و برایش آمرزش می طلبند .

امام علی علیه السلام :برای طالب علم، فرشتگانْ آمرزش می طلبند و در آسمان و زمین ، برایش دعا می کنند.

ج مؤذّنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که مؤذّن ، هرگاه بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» ، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند و برایش آمرزش می خواهند و روز قیامت ، در سایه عرش باشد تا آن که خداوند ، حسابرسی مردمان را به پایان بَرَد.

.

عنه صلى الله عليه و آله فى فَضلِ مُؤَذِّنِ المَسجِدِ : إذا أذَّنَ المُؤَذِّنُ فَقالَ : «أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ» اكتَنَفَهُ أربَعونَ ألفَ ألفِ مَلَكٍ ، كُلُّهُم يُصَلّونَ عَلَيهِ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ ، وكانَ فى ظِلِّ اللّهِ حَتّى يَفرُغَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ المَلائِكَةَ إذا سَمِعُوا الأَذانَ مِن أهلِ الأَرضِ قالوا : هذِهِ أصواتُ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِتَوحيدِ اللّهِ عز و جل ، ويَستَغفِرونَ لِاُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله حَتّى يَفرُغوا مِن تِلكَ الصَّلاهِ . (2)

د خادِمُ المَسجِدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أسرَجَ فى مَسجِدٍ مِن مَساجِدِ اللّهِ سِراجا ، لَم تَزَلِ المَلائِكَهُ وحَمَلَهُ العَرشِ يَستَغفِرونَ لَهُ ، مادامَ فِى المَسجِدِ ضَوءٌ مِن ذلِكَ السِّراجِ . (3)

ه مَن شَهِدَ شَهرَ رَمَضانَ مِنَ المُسلِمينَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ ، أمَرَ اللّهُ حَمَلَهَ العَرشِ أن يَكُفّوا عَنِ التَّسبيحِ ، ويَستَغفِروا لِاُمَّهِ مُحَمَّدٍ وَالمُؤمِنينَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله مِن خُطبَهٍ لَهُ فى بَيانِ فَضلِ اللَّيلَهِ الاُولى مِن شَهرِ رَمَضانَ : مَن شَهِدَ رَمَضانَ استَغفَرَ لَهُ كُلَّ يَومٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، مِن صَلاهِ الغَداهِ إلى أن تَوارى بِالحِجابِ (5) . (6)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 343 ح 1 عن أبى هريره وابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 84 ص 123 ح 10 .
2- .الكافى : ج 3 ص 307 ح 31 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 58 ح 206 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 286 ح 884 عن الإمام الباقر عليه السلام .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 261 ح 733 ، ثواب الأعمال : ص 49 ح 1 كلاهما عن أنس ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 237 ح 716 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 15 ح 94 .
4- .كنز العمّال : ج 8 ص 479 ح 23716 نقلاً عن الديلمى عن الإمام علىّ عليه السلام .

5- .قوله تعالى : «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص : 32) أى استترت بالليل ، يعنى الشمس (مجمع البحرين : ج 3 ص 1928 «ورى») .
6- .فضائل الأوقات للبيهقى : ص 40 ح 60 ، شعب الإيمان : ج 3 ص 314 ح 3635 وفيه «مِن شهر رمضان» بدل «من شهد رمضان» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 8 ص 470 ح 23706 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : ص 133 ح 141 عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، بحار الأنوار : ج 96 ص 345 ح 8 .

د خادم مسجد
ه هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضیلت مؤذّن مسجد : هرگاه مؤذّن ، اذان دهد و بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست» ، چهل هزار هزار فرشته ، او را در میان می گیرند ، و بر او درود می فرستند و برایش طلب آمرزش می کنند و [روز قیامت] در سایه خدا باشد تا [آن که از حسابرسی] فارغ شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان ، هرگاه بانک اذان را از مردم زمین بشنوند ، می گویند: «اینها بانگ های امّت محمّد صلی الله علیه و آله در توحید خداوند عز و جل است. و برای امّت محمّد صلی الله علیه و آله آمرزش می طلبند تا آن گاه که از آن نماز ، فراغت یابند.

د خادم مسجدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفروزد ، تا زمانی که پرتوی از آن چراغ در مسجد است ، فرشتگان و حاملان عرش ، پیوسته برایش طلب آمرزش می کنند.

ه هر مسلمانی که ماه رمضان را درک کندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون ماه رمضان فرا رسد، خداوند به حاملان عرش دستور می دهد که از تسبیح گویی ، باز ایستند و به آمرزش خواهی برای امّت محمّد و مؤمنان بپردازند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سخنرانی ایشان در بیان فضیلت شب اوّل ماه رمضان : هر کس به ماه رمضان وارد شود، هر روز ، هفتاد هزار فرشته، از نماز صبح تا غروب آفتاب، برایش آمرزش می خواهند.

.

و الصّائِمُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن صائِمٍ يَحضُرُ قَوما يَطعَمونَ إلّا سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ ، وكانَت صَلاهُ المَلائِكَهِ عَلَيهِ ، وكانَت صَلاتُهُمُ استِغفارا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ صائِما سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ ، وأضاءَت لَهُ السَّماواتُ نورا ، وَاستَغفَرَ لَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِى السَّماءِ ، فَإِن سَبَّحَ أو هَلَّلَ تَلَقّاها سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، يَكتُبونَها إلى أن تَوارَت بِالحِجابِ . (2)

زِ المُصَلّيرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أجابَ داعِىَ اللّهِ استَغفَرَت لَهُ المَلائِكَهُ، ويَدخُلُ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ. (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَزالُ العَبدُ فى صَلاهٍ ما كانَ فى مُصَلّاهُ يَنتَظِرُ الصَّلاهَ ، وتَقولُ المَلائِكَهُ : «اللّهُمَّ اغفِر لَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ » ، حَتّى يَنصَرِفَ أو يُحدِثَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ إذا جَلَسَ فى مُصَلّاهُ بَعدَ الصَّلاهِ ، صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ ، وصَلاتُهُم عَلَيهِ : اللّهُمَّ اغفِر لَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ . وإن جَلَسَ يَنتَظِرُ الصَّلاهَ صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ ، وصَلاتُهُم عَلَيهِ : اللّهُمَّ اغفِر لَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ . (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 87 ح 1805 ، ثواب الأعمال : ص 77 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 683 ح 936 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 96 ص 247 ح 4 .
2- .كنز العمّال : ج 15 ص 911 ح 43574 نقلاً عن وهب بن وهب أبى البخترى عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن جدّه ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 368 ح 7749 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 26 كلاهما عن عائشه نحوه .
3- .جامع الأخبار : ص 173 ح 414 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 155 ح 49 .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 459 ح 274 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 128 ح 471 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 392 ح 9385 كلّها عن أبى هريره و ج

4 ص 190 ح 11907 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 7 ص 324 ح 19084 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 303 ح 1218 ، شعب الإيمان : ج 3 ص 86 ح 2961 كلاهما عن أبى عبد الرحمن عن الإمام علىّ عليه السلام ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 440 ح 9 نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 322 ح 19072 .

و روزه دار
ز نمازگزار

و روزه دارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ روزه داری نیست که در جمع گروهی در حال خوردن غذا حاضر شود ، مگر این که اعضایش برای او تسبیح [خدا] می گویند و درود [و دعای] فرشتگان ، نثار او می شود، و درود آنها هم طلبِ آمرزش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روز خود را با روزه آغاز کند ، اعضایش برای او تسبیح می گویند و آسمان ها برایش نورافشان می شوند و همه فرشتگان آسمان ، برایش طلب آمرزش می کنند. اگر «سبحان اللّه » یا «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، هفتاد هزار فرشته ، آنها را می گیرند و [طلب آمرزش] می نویسند، تا آن گاه که غروب شود.

ز نمازگزارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به ندای دعوت کننده خدا (مؤذّن) پاسخ دهد [و نماز بگزارد] ، فرشتگانْ برایش آمرزش می طلبند و بدون حسابرسی وارد بهشت می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ، تا زمانی که در نمازگاهش منتظر نماز باشد ، در حال نماز است و فرشتگان می گویند: «بار خدایا! او را بیامرز، بار خدایا! بر او رحمت آور» تا آن که نمازگاهش را ترک کند یا حَدَثی از او سر بزند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ، هرگاه بعد از نماز در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می فرستند و درودشان بر او: «بار خدایا! او را بیامرز . بار خدایا! بر او رحمت آور» است . اگر هم منتظر نماز بنشیند ، باز فرشتگان بر او درود می فرستند، و درودشان بر او «بار خدایا! او را بیامرز ؛ بار خدایا! بر او رحمت آور» است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلَّى الفَجرَ ثُمَّ جَلَسَ فى مُصَلّاهُ ، صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ . وصَلاتُهُم عَلَيهِ : اللّهُمَّ اغفِر لَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلَّى الفَجرَ فى جَماعَهٍ ، وقَعَدَ فى مُصَلّاهُ ، وقَرَأَ ثَلاثَ آياتٍ مِن أوَّلِ سورَهِ الأنعامِ ، وَكَّلَ اللّهُ بِهِ سَبعينَ مَلَكا ، يُسَبِّحونَ اللّهَ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ألا ومَن مَشى إلى مَسجِدٍ يَطلُبُ فيهِ الجَماعَهَ ، كانَ لَهُ بِكُلِّ خُطوَهٍ سَبعونَ ألفَ حَسَنَهٍ ، ويُرفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجاتِ مِثلُ ذلِكَ . فَإن ماتَ وهُوَ عَلى ذلِكَ ، وَكَّلَ اللّهُ عز و جل بِهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ ، يَعودونَهُ فى قَبرِهِ ، ويُبَشِّرونَهُ ويُؤنِسونَهُ فى وَحدَتِهِ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ حَتّى يُبعَثَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أحَدَكُم إذا دَخَلَ المَسجِدَ كانَ فى صَلاهٍ ما كانَتِ الصَّلاهُ تَحبِسُهُ ، وَالمَلائِكَهُ يُصَلّونَ عَلى أحَدِكُم ما دامَ فى مَجلِسِهِ الَّذى صَلّى فيهِ ، يَقولونَ : «اللّهُمَّ اغفِرلَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ ، اللّهُمَّ تُب عَلَيهِ» ، ما لَم يُحدِث فيهِ ، ما لَم يُؤذِ فيهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ألا أدُلُّكُم عَلى ما يُكَفِّرُ اللّهُ بِهِ الخَطايا ، ويَزيدُ بِهِ فِى الحَسَناتِ ؟! ... إسباغُ الوُضوءِ عَلَى المَكارِهِ ، وكَثرَهُ الخُطى إلى هذِهِ المَساجِدِ ، وَانتِظارُ الصَّلاهِ بَعدَ الصَّلاهِ . ما مِنكُم مِن رَجُلٍ يَخرُجُ مِن بَيتِهِ مُتَطَهِّراً ، فَيُصَلّى مَعَ المُسلِمينَ الصَّلاهَ ، ثُمَّ يَجلِسُ فِى المَسجِدِ (5) يَنتَظِرُ الصَّلاهَ الأُخرى ، [إلّا] (6) أنَّ المَلائِكَهَ تَقولُ : اللّهُمَّ اغفِر لَهُ ، اللّهُمَّ ارحَمهُ . (7)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 309 ح 1250 عن أبى عبد الرحمن السلمى عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 2 ص 153 ح 3550 .
2- .كنز العمّال : ج 2 ص 144 ح 3516 نقلاً عن الديلمى عن ابن مسعود .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 17 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 517 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 317 ح 2655 عن الإمام الصادق

عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 88 ص 8 ح 11 .
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 262 ح 799 ، سنن أبی داوود : ج 1 ص 153 ح 559 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 57 ح 7434 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 1 ص 440 ح 8 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 7 ص 553 ح 20217 .
5- .فی المصدر : «المجلس» ، والتصویب من کنز العمّال .
6- .ما بین المعقوفین لم یرد فی المصدر ، وأثبتناه من کنز العمّال .
7- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 7 ح 10994 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 305 ح 689 نحوه ، السنن الکبری : ج 2 ص 25 ح 2265 کلّها عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 15 ص 836 ح 43325 ؛ الأمالی للصدوق : ص 400 ح 516 عن أبی سعید الخدری ، روضه الواعظین : ص 366 ، بحار الأنوار : ج 88 ص 7 ح 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بعد از خواندن نماز صبح ، در جانمازش بنشیند، فرشتگان بر او درود می فرستند ، و درودشان بر او: «بار خدایا ! او را بیامرز ؛ بار خدایا ! بر او رحمت آور» است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نماز صبح را با جماعت بگزارد و [سپس] در جانمازش بنشیند و سه آیه آغازین سوره انعام را بخواند، خداوند ، هفتاد فرشته بر او می گمارد که خدا را تسبیح گویند و تا روز قیامت ، برای او طلب آمرزش کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که هر کس برای شرکت در نماز جماعت ، ره سپار مسجدی شود ، برای هر قدمی ، او را هفتاد هزار ثواب باشد، و همین اندازه ، درجه اش بالا می رود. و اگر در این حال بمیرد، خداوند عز و جل هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که در قبرش به دیدار او بروند و پیوسته بشارتش بدهند و همدم تنهایی او باشند و برایش ، آمرزش می طلبند تا آن گاه که برانگیخته شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما هر گاه وارد مسجد شود تا زمانی که نمازْ او را نگه داشته باشد (1) ، در حال نماز است ، و هر یک از شما تا زمانی که در مکانی که در آن نماز خوانده ، نشسته باشد ، فرشتگان بر او درود می فرستند، می گویند: «بار خدایا ! او را بیامرز . بار خدایا ! او را رحمت کن . بار خدایا ! توبه اش را بپذیر» تا زمانی که در آن [مسجد] ، حَدَثی از او سر نزند، تا زمانی که در آن [مسجد] ، آزاری نرساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که خداوند به سبب آن ، گناهان را می پوشاند و بر نیکی ها می افزاید؟ !... گرفتن وضوی کامل در شرایط سخت، آمد و شد بسیار به این مسجدها، و نشستن به انتظار نماز ، پس از نماز. هیچ مردی از شما نیست که با وضو از خانه اش بیرون رود و با مسلمانان ، نماز بگزارد، سپس در مسجد به انتظار نماز بعد بنشیند ، مگر آن که فرشتگان می گویند: «بار خدایا ! او را بیامرز . خدایا ! بر او رحم آور».

.

1- .یعنی نماز او را در مسجد ، نگه داشته است و به خاطر نماز ، مسجد را ترک نکرده و منتظر فرا رسیدن وقت نماز است.

عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ : يا أبا ذَرٍّ ، إنَّ رَبَّکَ عز و جليُباهِى المَلائِکَةَ بِثَلاثَةِ نَفَرٍ : رَجُلٍ يُصبِحُ فِى الأَرضِ فَردا ، فَيُؤَذِّنُ ثُمَّ يُصَلّى ، فَيَقولُ رَبُّکَ لِلمَلائِکَةِ : اُنظُروا إلى عَبدى ، يُصَلّى وَلا يَراهُ أحَدٌ غَيرى ، فَيَنزِلُ سَبعونَ أَلفَ مَلَکٍ يُصَلّونَ وَراءَهُ ، ويَستَغفِرونَ لَهُ إلَى الغَدِ مِن ذلِکَ اليَومِ ... (1) .

ح المُصَلّى عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ عليهم السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ فى کِتابٍ ، لَم تَزَلِ المَلائِکَةُ تَستَغفِرُ لَهُ مادامَ اسمى فى ذلِکَ الکِتابِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :الصَّدَقَةُ لَيلَةَ الجُمُعَهِ ويَومَها بِأَلفٍ ، وَالصَّلاةُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ لَيلَةَ الجُمُعَهِ بِألفٍ مِنَ الحَسَناتِ ، ويَحُطُّ اللّهُ فيها ألفا مِنَ السَّيِّئاتِ ، ويَرفَعُ فيها ألفا مِنَ الدَّرَجاتِ . وإنَّ المُصَلّىَ عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ فى لَيلَهِ الجُمُعَهِ يَزهَرُ نورُهُ فِى السَّماواتِ إلى يَومِ السّاعَهِ ، وإنَّ مَلائِکَةَ اللّهِ عز و جل فِى السَّماواتِ لَيَستَغفِرونَ لَهُ ، ويَستَغفِرُ لَهُ المَلَکُ المُوَکَّلُ بِقَبرِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلى أن تَقومَ السّاعَهُ . (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 534 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 372 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، عدّه الداعى : ص 144 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 84 ص 116 ح 13 .
2- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 232 ح 1835 ، تاريخ دمشق : ج 6 ص 81 ح 1423 كلاهما عن أبى هريره و ص 35 ح 385 عن محمّد بن جبير عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «من صلّى على رسول اللّه صلى الله عليه و آله ...» ، تفسير القرطبى : ج 14 ص 235 ، كنز العمّال : ج 1 ص 507 ح 2243 ؛ منيه المريد : ص 347 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 71 ح 65 .
3- .المقنعه : ص 156 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 151 وفيه ذيله من «إنّ المصلّى» ، روضه الواعظين : ص 365 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 464 ح 35 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 314 ح 21 .

ح درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارشش به ابو ذر : ای ابو ذر! پروردگار عز و جل تو به سه نفر ، بر فرشتگان می نازد: مردی که در جایی تنها باشد و خود ، اذان گوید سپس نماز بخواند. پروردگارت به فرشتگان می فرماید: «ببینید بنده ام را . با آن که کسی او را نمی بیند، نماز می خواند» . سپس هفتاد هزار فرشته فرود می آیند و پشتِ سرش نماز می خوانند و تا فردای آن روز ، برایش آمرزش خواهند... .

ح درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او علیهم السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در نوشته ای بر من درود گوید ، تا زمانی که نام من در آن نوشته است ، فرشتگان ، پیوسته برایش آمرزش می طلبند.

امام صادق علیه السلام :صدقه دادن در شب و روز جمعه ، برابر با هزار کار نیک است، و درود فرستادن بر محمّد و خاندان او در شب جمعه ، برابر با هزار کار نیک است و در آن شب ، خداوند ، هزار گناه [از درود فرستنده]می زُداید و هزار درجه [او را] بالا می برد. نور درود فرستنده بر پیامبر و خاندان او در شب جمعه، تا روز قیامت در آسمان ها می درخشد و فرشتگان خدای عز و جل برایش طلب آمرزش می کنند، و فرشته گماشته شده بر قبر پیامبر خدا ، تا قیامِ قیامت ، برایش آمرزش می طلبد.

.

ط زائِرُ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :مَن زارَ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام عارِفا بِحَقِّهِ ، غَيرَ مُتَجَبِّرٍ ولا مُتَكَبِّرٍ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ أجرَ مِئَهِ أَلفِ شَهيدٍ ... وَاستَقبَلَتهُ المَلائِكَهُ ، فَإِذَا انصَرَفَ شَيَّعَتهُ إلى مَنزِلِهِ ، فَإِن مَرِضَ عادوهُ ، وإن ماتَ تَبِعوهُ بِالاِستِغفارِ إلى قَبرِهِ . (1)

ى زائِرُ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ وَكَّلَ بِالحُسَينِ عليه السلام مَلَكا فى أربَعَهِ آلافِ مَلَكٍ يَبكونَهُ ، ويَستَغفِرونَ لِزُوّارِهِ ، ويَدعونَ اللّهَ لَهُم . (2)

عنه عليه السلام :وَكَّلَ اللّهُ بِقَبرِ الحُسَينِ عليه السلام أربَعَهَ آلافِ مَلَكٍ ، شُعثٍ غُبرٍ يَبكونَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، فَمَن زارَهُ عارِفا بِحَقِّهِ شَيَّعوهُ حَتّى يُبلِغوهُ مَأمَنَهُ ، وإن مَرِضَ عادوهُ ، غُدوَهً وعَشِيَّهً ، وإن ماتَ شَهِدوا جِنازَتَهُ ، وَاستَغفَروا لَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ . (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 214 ح 372 ، بشاره المصطفى : ص 109 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، كشف الغمّه : ج 2 ص 21 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 176 ح 9 .
2- .كامل الزيارات : ص 176 ح 238 عن مالک الجهنى ، بحار الأنوار : ج 101 ص 57 ح 24 .
3- .الكافى : ج 4 ص 581 ح 6 ، ثواب الأعمال : ص 113 ح 17 ، الأمالى للصدوق : ص 206 ح 224 كلّها عن هارون بن خارجه و ص 64 ح 28 عن هارون بن حمزه الغنوى ، كامل الزيارات : ص 176 ح 15 عن محمّد بن مروان نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 63 ح 44 .

ط زائر امیر مؤمنان علیه السلام
ی زایر امام حسین علیه السلام

ط زائر امیر مؤمنان علیه السلامامام صادق علیه السلام :هر کس، با شناخت حقّ امیر مؤمنان و به دور از غرور و تکبّر، او را زیارت کند ، خداوند ، برایش مزد صد هزار شهید می نویسد... و فرشتگان ، به استقبال او می روند ، و چون بازگردد ، او را تا خانه اش بدرقه کنند ، و اگر بیمار شود به عیادتش می روند، و چون بمیرد ، آمرزش خواهان ، او را تا گورش تشییع می کنند.

ی زایر امام حسین علیه السلامامام صادق علیه السلام :خداوند ، فرشته ای را با چهار هزار فرشته بر [آرامگاه] حسین علیه السلام گماشته است که بر او می گِریند و برای زائرانش آمرزش می طلبند و برایشان ، دعا می کنند.

امام صادق علیه السلام :خداوند ، چهار هزار فرشته ژولیده و غبار گرفته بر قبر حسین علیه السلام گماشته است که تا روز قیامت ، بر او می گِریند. پس هر که با معرفت حقّ او به زیارتش برود، [در مراجعتْ] آن فرشتگان ، او را تا سرپناهش بدرقه می کنند، و اگر بیمار شود ، صبح و شب به عیادتش می روند، و چون از دنیا برود ، در تشییع جنازه اش حاضر می شوند و تا روز قیامت ، برایش آمرزش می طلبند.

.

ک ذاکِرُ أمرِ الإمامَهالأمالی للطوسی عن معتب مولی الإمام الصادق علیه السلام ، قالَ :سَمِعتُهُ یَقولُ لِداوود بنِ سِرحانَ : یا داوودُ ، أبلِغ مَوالِیَّ عَنِّی السَّلامَ وأنّی أقولُ : رَحِمَ اللّهُ عَبداً اجتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذاکَرا أمرَنا ، فَإِنَّ ثالِثَهُما مَلَکٌ یَستَغفِرُ لَهُما ومَا اجتَمَعَ اثنانِ عَلی ذِکرِنا ، إلّا باهَی اللّهُ تَعالی بِهِمَا المَلائِکَهَ . فَإِذَا اجتَمَعتُم فَاشتَغِلوا بِالذِّکرِ ، فَإِنَّ فِی اجتِماعِکُم ومُذاکَرَتِکُم إحیاءَنا ، وخَیرُ النّاسِ مِن بَعدِنا مَن ذاکَرَ بِأمرِنا ، ودَعا إلی ذِکرِنا . (1)

ل شیعَهُ عَلِیٍّ علیه السلام ومُحِبّیهرسول اللّه صلی الله علیه و آله :یا عَلِیُّ ، إنَّ الجَنَّهَ مُشتاقَهٌ إلَیکَ وإلی شیعَتِکَ ، وإنَّ مَلائِکَهَ العَرشِ المُقَرَّبینَ یَفرَحونَ بِقُدومِهِم ، وَالمَلائِکَهُ تَستَغفِرُ لَهُم . یا عَلِیُّ ، شیعَتُکَ الَّذینَ یَخافونَ اللّهَ فِی السِّرِّ وَالعَلانِیَهِ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :ألا ومَن أحَبَّ عَلِیّا استَغفَرَت لَهُ المَلائِکَهُ ، وفُتِحَت لَهُ أبوابُ الجَنَّهِ الثَّمانِیَهُ ، یَدخُلُها مِن أیِّ بابٍ شاءَ بِغَیرِ حِسابٍ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام لِقَومٍ مِن شیعَتِهِ : إنَّ للّهِ عز و جلمَلائِکَهً یَستَغفِرونَ لَکُم ، حَتّی تَتَساقَطَ ذُنوبُکُم ؛ کَما یَتَساقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ فی یَومِ ریحٍ ، وذلِکَ قَولُ اللّهِ تَعالی : «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ ءَامَنُواْ» (4) هُم شیعَتُنا ، وهِیَ وَاللّهِ لَهُم . (5)

.

1- .الأمالی للطوسی : ص 224 ح 390 ، بشاره المصطفی : ص 110 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 200 ح 8 .
2- .بحار الأنوار : ج 68 ص 41 ح 85 نقلاً عن ریاض الجنان لفضل اللّه بن محمود الفارسی عن الإمام الصادق علیه السلام وراجع بشاره المصطفی : ص 181 وبحار الأنوار : ج 68 ص 46 ح 91 .
3- .فضائل الشیعه : ص 46 ح 1 ، مائه منقبه : ص 88 ، بشاره المصطفی : ص 37 ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 863 ح 1 کلّها عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج 68 ص 124 ح 53 .
4- .غافر : 7 .

5- .تفسير فرات : ص 377 ح 506 عن سليمان الأعمش ، بحار الأنوار : ج 68 ص 97 ح 4 .

ک یاد کنندگان از موضوع امامت
ل پیروان و دوستداران علی علیه السلام

ک یاد کنندگان از موضوع امامتالأمالی ، طوسی به نقل از معتّب غلام امام صادق علیه السلام : شنیدم که امام [صادق علیه السلام] به داوود بن سِرحان می فرماید: «ای داوود! از جانب من به پیروانم سلام برسان و [بگو که] من می گویم: رحمت خدا بر آن بنده ای که با دیگری گِرد آید و از موضوع ما (امامت) یاد کنند؛ زیرا سومین آنها فرشته ای است که برایشان آمرزش می طلبد، و هیچ گاه دو نفر برای یاد کردن از ما گِرد هم نیامدند ، مگر آن که خداوند متعال به آن دو ، بر فرشتگان مباهات کرد. پس هرگاه گِرد هم آمدید ، به یاد کردن [از ما] بپردازید؛ زیرا در گردهمایی شما و گفتگویتان ، زنده داشتن ماست، و بهترین مردم پس از ما ، کسی است که از موضوع ما یاد کند و دیگران را به یاد و نام ما بخواند.

ل پیروان و دوستداران علی علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! بهشت ، مشتاق تو و پیروان توست ، و عرشیان مقرّب [درگاه الهی] ، از آمدن آنها شادمان می شوند، و فرشتگان ، برایشان آمرزش می طلبند. ای علی! پیروان تو آنان اند که در نهان و آشکار ، از خدا می ترسند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! هر که علی را دوست داشته باشد ، فرشتگان ، برایش آمرزش می طلبند و هفت درِ بهشت ، به روی او باز می شود، و از هر دری که خواهد، بدون حسابرسی، به آن وارد می شود .

امام صادق علیه السلام به گروهی از پیروانش : خداوند عز و جل فرشتگانی دارد که برای شما آمرزش می طلبند تا جایی که گناهانتان، همچون ریزش برگ درختان در روز توفانی، فرو می ریزد . این سخن خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن اند ، پروردگارشان را به پاکی می ستایند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند ، آمرزش می طلبند» . اینان ، پیروان ما هستند . به خدا سوگند ، این ، در باره آنهاست!

.

م قاضي حاجَهِ المُؤمِنِالإمام الصادق عليه السلام :تَنافَسوا فِى المَعروفِ لِاءِخوانِكُم ، وكونوا مِن أهلِهِ ، فَإِنَّ لِلجَنَّهِ بابا يُقالُ لَهُ : «المَعروفُ» ، لا يَدخُلُهُ إلّا مَن اصطَنَعَ المَعروفَ فِى الحَياهِ الدُّنيا . فَإِنَّ العَبدَ لَيَمشى فى حاجَهِ أخيهِ المُؤمِنِ ، فَيُوَكِّلُ اللّهُ عز و جل بِهِ مَلَكَينِ : واحِدا عَن يَمينِهِ ، وآخَرَ عَن شِمالِهِ ، يَستَغفِرانِ لَهُ رَبَّهُ ، ويَدعُوانِ بِقَضاءِ حاجَتِهِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كَسا أحَدا مِن فُقَراءِ المُسلِمينَ ثَوبا مِن عُرى ، أو أعانَهُ بِشَىءٍ مِمّا يَقوتُهُ مِن مَعيشَتِهِ ، وَكَّلَ اللّهُ عز و جل بِهِ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ مِنَ المَلائِكَهِ ، يَستَغفِرونَ (2) لِكُلِّ ذَنبٍ عَمِلَهُ ، إلى أن يُنفَخَ فِى الصُّورِ . (3)

كنز العمّال عن أنس :لَقِىَ اُبَىُّ بنُ كَعبِ البَراءَ بنَ مالِكٍ ، فَقالَ : يا أخى ما تَشتَهى ؟ قالَ : سَويقا وتَمرا ، فَجاءَ فَأَكَلَ حَتّى شَبِعَ ، فَذَكَرَ البَراءُ بنُ مالِكٍ ذلِكَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : اِعلَم يا بَراءُ ، أنَّ المَرءَ إذا فَعَلَ ذلِكَ بِأخيهِ لِوَجهِ اللّهِ ، لا يُريدُ بِذلِكَ جَزاءً ولا شُكورا ، بَعَثَ اللّهُ إلى مَنزِلِهِ عَشَرَهً مِنَ المَلائِكَهِ يُقَدِّسونَ اللّهَ ويُهَلِّلونَهُ ويُكَبِّرونَهُ ويَستَغفِرونَ لَهُ حَولاً ، فَإذا كانَ الحَولُ ، كُتِبَ لَهُ مِثلُ عِبادَهِ أولئِكَ المَلائِكَهِ ، وحَقَّ عَلَى اللّهِ أن يُطعِمَهُم مِن طَيِّباتِ الجَنَّهِ ، فى جَنَّهِ الخُلدِ ومُلكٍ لا يَبيدُ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 195 ح 10 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 74 ص 328 ح 99 .
2- .فى المصدر : «تستغفرون» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .الكافى : ج 2 ص 205 ح 3 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 204 ح 2 عن عبد اللّه بن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «سبعه آلاف» بدل «سبعين ألف» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 380 ح 84 .
4- .كنز العمّال : ج 9 ص 269 ح 25977 نقلاً عن أبى نعيم و ص 249 ح 25883 نقلاً عن حليه الأولياء وليس فيه صدره إلى «ذلك لرسول اللّه صلى الله عليه و آله » .

م برآورنده نیاز مؤمن

م برآورنده نیاز مؤمن امام صادق علیه السلام :در نیکی کردن به برادرانتان ، با یکدیگر رقابت کنید و اهل نیکوکاری باشید؛ زیرا بهشت را دری است که به آن «نیکی (معروف)» می گویند و تنها کسی از آن وارد شود که در زندگی دنیا ، نیکی کرده باشد. بنده ای که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمنش گام بر می دارد، خداوند عز و جل دو فرشته بر او می گمارد: یکی را در سمت راست او و دیگری را در سمت چپ او، که از پروردگارش برای او آمرزش می طلبند و برای برآورده شدن حاجتش دعا می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مسلمان نیازمندی را از برهنگی بپوشاند، یا به معیشت او کمکی کند، خداوند عز و جل هفتاد هزار فرشته از فرشتگان بر او می گمارد که تا زمانی که در صور دمیده شود ، برای هر گناهی که می کند ، [از خداوند]آمرزش بخواهند.

کنز العمّال به نقل از اَنَس : اُبیّ بن کعب به بَراء بن مالک برخورد. گفت: چه میل داری، برادر؟ گفت: سَویق و خرما. آمد و خورد تا سیر شد. بَراء بن مالک ، این ماجرا را به پیامبر خدا گفت . ایشان فرمود: «بدان ای براء که انسان ، هرگاه این کار را برای برادرش به خاطر خدا انجام دهد و پاداش و سپاسی از او انتظار نداشته باشد، خداوند ، ده فرشته به خانه او می فرستد تا به مدّت یک سال ، خدا را به پاکی و یگانگی و بزرگی بستایند و برایش طلب آمرزش کنند، و پس از یک سال ، به اندازه عبادت آن فرشتگان ، برای او نوشته می شود، و بر خداست که از خوردنی های پاک بهشت، در بهشت جاویدان و مُلکی ابدی، به آنان بخورانَد.

.

ن مُدخِلُ السُّرورِ عَلى أهلِ بَيتِهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أدخَلَ عَلى أهلِ بَيتِهِ سُرورا ، خَلَقَ اللّهُ مِن ذلِكَ السُّرورِ خَلقا يَستَغفِرُ لَهُ إلى يومِ القِيامَهِ . (1)

س عائِدُ المَريضِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عادَ مَريضا مَشى فى خِرافِ (2) الجَنَّهِ ، فَإذا جَلَسَ عِندَهُ استَنقَعَ فِى الرَّحمَهِ ، فَإذا خَرَجَ مِن عِندِهِ وُكِّلَ بِهِ سَبعونَ أَلفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ ذلِكَ اليَومَ . (3)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن نافع :عادَ أبو موسَى الأَشعَرِىُّ الحَسَنَ بنَ عَلِىٍّ عليه السلام فَقالَ لَهُ عَلِىٌّ عليه السلام : أعائِدا جِئتَ أم زائِرا ؟ فَقالَ أبو موسى : بَل جِئتُ عائِدا . فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن عادَ مَريضا بَكَرا (4) ؛ شَيَّعَهُ سَبعونَ أَلفَ مَلَكٍ كُلُّهُم يَستَغفِرُ لَهُ حَتّى يُمسِىَ ، وكانَ لَهُ خَريفٌ (5) فِى الجَنَّهِ . وإن عادَهُ مَساءً ؛ شَيَّعَهُ سَبعونَ أَلفَ مَلَكٍ ، كُلُّهُم يَستَغفِرُ لَهُ حَتّى يُصبِحَ ، وكانَ لَهُ خَريفٌ فِى الجَنَّهِ . (6)

الإمام الباقر عليه السلام :أيُّما مُؤمِنٍ عادَ مُؤمِنا خاضَ فِى الرَّحمَهِ خَوضا ، فَإذا جَلَسَ غَمَرَتهُ الرَّحمَهُ ، فَإذَا انصَرَفَ وَكَّلَ اللّهُ بِهِ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ ، ويَستَرحِمونَ عَلَيهِ . (7)

.

1- .كنز العمّال : ج 16 ص 379 ح 44995 نقلاً عن أبى الشيخ عن جابر .
2- .فى خِرافِ الجنّه وخِرافتها : أى فى اجتناء ثمرها ؛ أى إنّ العائد فيما يجوز من الثواب ، كأنّه على نخل الجنّه يخترف ثمارها (النهايه : ج 2 ص 24 «خرف») .
3- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 292 ح 1166 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 532 ح 9175 نحوه وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 9 ص 101 ح 25177 .
4- .كلُّ من أسرع إلى شىء فقد بكّر إليه ، وأوّل كلّ شىء باكورته (النهايه : ج 1 ص 148 «بكر») .
5- .خريف : أى مسافه تقطع ما بين الخريف إلى الخريف (النهايه : ج 2 ص 24 «خرف») .

6- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 256 ح 975 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 501 ح س1294 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 534 ح 6585 ؛ الأمالى للطوسى : ص 403 ح 901 من دون إسنادٍ إلى رسول اللّه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 81 ص 215 ح 8 .
7- .الكافى : ج 3 ص 120 ح 3 عن أبى حمزه .

ن کسی که خانواده اش را شاد کند
س عیادت کننده از بیمار

ن کسی که خانواده اش را شاد کندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به خانواده اش شادی برساند ، خداوند ، از آن شادی مخلوقی می آفریند که تا روز قیامت ، برایش آمرزش بخواهد.

س عیادت کننده از بیمارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به عیادت بیماری برود ، در نخلستان پُربار بهشت ، گام برداشته است، و اگر نزد او بنشیند ، در رحمت نشسته است، و چون از نزد او برود ، هفتاد هزار فرشته بر او گماشته می شوند که آن روز را برایش آمرزش بطلبند.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن نافع : ابوموسی اشعری ، به عیادت حسن بن علی علیه السلام رفت . علی علیه السلام به او فرمود: «برای عیادت آمده ای یا برای دیدن؟». ابوموسی گفت : برای عیادت آمده ام. علی علیه السلام فرمود: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هر کس صبحگاه ، به عیادت بیماری برود ، هفتاد هزار فرشته ، او را مشایعت می کنند و همگی تا شب برایش آمرزش می طلبند و برایش بُستانی (/نخلستانی) در بهشت باشد، و اگر شب هنگام به عیادتش برود ، باز هم هفتاد هزار فرشته ، بدرقه اش می کنند و همگی تا صبح ، برایش آمرزش می طلبند و او را بستانی در بهشت باشد » .

امام باقر علیه السلام :هر مؤمنی به عیادت مؤمنی برود ، وارد رحمت می شود، و چون [در کنار او] بنشیند، رحمت ، او را فرو می پوشاند، و چون برود ، خداوند ، هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که برایش آمرزش و رحمت می طلبند.

.

الإمام الصادق عليه السلام :أيُّما مُؤمِنٍ عادَ مُؤمِنا فِى اللّهِ عز و جل فى مَرَضِهِ ، وَكَّلَ اللّهُ بِهِ مَلَكا مِنَ العُوّادِ يَعودُهُ فى قَبرِهِ ، ويَستَغفِرُ لَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ . (1)

ع مُشَيِّعُ جِنازَهِ المُؤمِنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن شَيَّعَ جِنازَهً فَلَهُ بِكُلِّ خُطوَهٍ حَتّى يَرجِعَ إلى مَنزِلِهِ مِئَهُ أَلفِ أَلفِ حَسَنَهٍ ، ويُمحى عَنهُ مِئَهُ أَلفِ أَلفِ سَيِّئَهٍ ، ويُرفَعُ لَهُ مِئَهُ أَلفِ أَلفِ دَرَجَهٍ ، فَإِن صَلّى عَلَيها شَيَّعَهُ فى جِنازَتِهِ مِئَهُ أَلفِ كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ حَتّى يَرجِعَ ، فَإِن شَهِدَ دَفنَها وَكَّلَ اللّهُ بِهِ أَلفَ مَلَكٍ كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ ، حَتّى يُبعَثَ مِن قَبرِهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن شَيَّعَ جِنازَهَ مُؤمِنٍ حَتّى يُدفَنَ فى قَبرِهِ ، وَكَّلَ اللّهُ عز و جل بِهِ سَبعينَ مَلَكا مِنَ المُشَيِّعينَ ، يُشَيِّعونَهُ ويَستَغفِرونَ لَهُ إذا خَرَجَ مِن قَبرِهِ إلَى المَوقِفِ . (3)

ف قارِئُ القُرآنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قَرَأَ هذِهِ الآيَهَ عِندَ مَنامِهِ : «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَىَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَ حِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُواْ لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَلِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ أَحَدَا» (4) سَطَعَ لَهُ نورٌ إلَى المَسجِدِ الحَرامِ ، حَشوُ ذلِكَ النّورِ مَلائِكَهٌ يَستَغفِرونَ لَهُ حَتّى يُصبِحَ . (5)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 120 ح 4 .
2- .ثواب الأعمال : ص 345 ح 1 عن أبى هريره وابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 81 ص 384 ح 44 .
3- .الكافى : ج 3 ص 173 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 162 ح 455 ، الأمالى للصدوق : ص 286 ح 317 عن داوود بن كثير الرقّى ، روضه الواعظين : ص 535 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 257 ح 1 .
4- .الكهف : 110 .
5- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 175 ح 699 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 470 ح 1355 ، فلاح السائل : ص 489 ح 338 ، عدّه الداعى : ص 282 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 282 ح 3 .

ع تشییع کننده جنازه مؤمن
ف قرائت کننده قرآن

امام صادق علیه السلام :هر مؤمنی به خاطر خداوند عز و جل از مؤمنِ بیماری عیادت کند ، خداوند ، فرشته ای از فرشتگانِ عیادت کننده ، بر اَو می گمارد که در قبرش به عیادت او برود و تا روز قیامت ، برایش آمرزش بطلبد.

ع تشییع کننده جنازه مؤمنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس جنازه ای را تشییع کند ، برای هر گامش تا زمانی که به خانه اش برگردد صد هزار هزار ثواب باشد، و صد هزار هزار گناه ، از او زُدوده می شود، و صد هزار هزار درجه او را بالا می برند، و اگر بر آن [مُرده] نماز بخواند ، صد هزار [فرشته] در تشییع جنازه او شرکت می کنند و همگی ، تا زمانی که برگردد، برایش طلب آمرزش می کنند، و اگر شاهد دفن او باشد ، خداوند ، هزار فرشته بر او می گمارد که همگی تا آن گاه که از قبرش برانگیخته شود ، برایش آمرزش بطلبند .

امام صادق علیه السلام :هر کس جنازه مؤمنی را تشییع کند تا آن گاه که او را به خاک سپارند، خداوند عز و جل هفتاد فرشته از فرشتگانی که کارشان تشییع است، بر او می گمارد که تا هنگامی که از قبرش به سوی موقف خارج می شود ، او را مشایعت کنند و برایش آمرزش بطلبند.

ف قرائت کننده قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در هنگام خوابیدن ، این آیه را بخواند: «بگو: من، در حقیقت، بشری مانند شما هستم که به من ، وحی می شود . معبود شما ، معبودی یگانه است. پس هر که به دیدار پروردگارش امید دارد ، باید که کار شایسته کند و در پرستش پروردگارش ، اَحَدی را شریک نگرداند» ، برایش نوری تا مسجد الحرام تابیدن می گیرد که درون آن نور ، فرشتگانی هستند که تا صبح ، برایش طلب آمرزش می کنند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَرَأَ «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ وَالْمَلَئِكَهُ وَأُوْلُواْ الْعِلْمِ قَائِمَا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (1) عِندَ مَنامِهِ ، خَلَقَ اللّهُ لَهُ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ يَستَغفِرونَ لَهُ إِلَى يَومِ القِيامَهِ . (2)

ص ذاكِرُ اللّهِ عِندَ النَّومِالإمام علىّ عليه السلام :إذا أرادَ أَحَدُكُمُ النَّومَ فَليَضَع يَدَهُ اليُمنى تَحتَ خَدِّهِ الأَيمَنِ ، وَليَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، وَضَعتُ جَنبى للّهِ (3) ، عَلى مِلَّهِ إبراهيمَ ، ودينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وولايَهِ مَنِ افتَرَضَ اللّهُ طاعَتَهُ ، ما شاءَ اللّهُ كانَ ، وما لَم يَشَأ لَم يَكُن . فَمَن قالَ ذلِكَ عِندَ مَنامِهِ ، حُفِظَ مِنَ اللِّصِّ ، وَالمُغيرِ (4) ، وَالهَدمِ ، وَاستَغفَرَت لَهُ المَلائِكَهُ . (5)

ق مَن باتَ مُتَطَهِّرارسول اللّه صلى الله عليه و آله :طَهِّروا هذِهِ الأَجسادَ طَهَّرَكُمُ اللّهُ ، فَإِنَّهُ لَيسَ عَبدٌ يَبيتُ طاهِرا إلّا باتَ مَعَهُ مَلَكٌ فى شِعارِهِ (6) ، لا يَنقَلِبُ ساعَهً مِنَ اللَّيلِ إلّا قالَ : اللّهُمَّ اغفِر لِعَبدِكَ ، فَإِنَّهُ باتَ طاهِرا . (7)

.

1- .آل عمران : 18 .
2- .تفسير القرطبى : ج 4 ص 42 ؛ مجمع البيان : ج 2 ص 717 وفيه «ألف خلق» بدل «ألف ملک» وكلاهما عن أنس ، بحار الأنوار : ج 87 ص 179 ح 8 نقلاً عن البلد الأمين .
3- .فى المصدر : «اللّه » ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .المغير : اسمُ فاعل من أغار إذا نهبَ ، وفيه «من دَخَلَ إلى طعام لم يُدعَ إليه ، دخلَ سارقا وخرج مُغيرا» شبّه دخوله عليهم بدخول السّارق ، وخروجه بمن أغار على قوم ونهبهم (النهايه : ج 3 ص 394 «غور») .
5- .الخصال : ص 631 ح 10 عن محمّد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 120 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 45 ح 2105 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 191 ح 1 .
6- .الشعار : الثّوب الذى يلى الجسد ، لأنّه يلى شعره (النهايه : ج 2 ص 480 «شعر») .
7- .المعجم الكبير : ج 12 ص 341 ح 13620 و ص 342 ح 13621 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 328 ح 1051 نحوه ، مسند الشاميّين : ج 3 ص

402 ح 2552 كلّها عن ابن عمر ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 204 ح 5087 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 9 ص 277 ح 26003 .

ص یاد کننده از خدا در هنگام خوابیدن
ق کسی که شب را پاک و با وضو به سر برد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در هنگام خوابش آیه «خدا که همواره به عدلْ قیام دارد ، گواهی می دهد که جز او معبودی نیست، و فرشتگان و دانشوران [نیز گواهی می دهند که:] جز او که توانا و حکیم است ، هیچ معبودی نیست» را بخواند ، خداوند ، هفتاد هزار فرشته برایش خلق می کند که تا روز قیامت ، برای او آمرزش بطلبند.

ص یاد کننده از خدا در هنگام خوابیدنامام علی علیه السلام :هرگاه یکی از شما خواست بخوابد ، دست راست خود را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید: «به نام خدا . پهلویم را [بر زمین] گذاشتم برای خدا، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمّد صلی الله علیه و آله و پیروی از کسی هستم که خداوند ، اطاعت از او را واجب فرموده است. آنچه خدا خواهد ، همان می شود، و آنچه او نخواهد ، نمی شود» . هر کس این را در هنگام خوابیدن بگوید ، از دزد و غارتگر و رفتنِ زیر آوار ، محفوظ می مانَد و فرشتگان ، برایش آمرزش می طلبند.

ق کسی که شب را پاک و با وضو به سر بردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این بدن ها را پاک گردانید ، خدا ، شما را پاک می گرداند؛ زیرا هیچ بنده ای نیست که شب را پاک به سر ببرد ، مگر آن که فرشته ای در زیر پوشش با او باشد و هر ساعتی از شب ، غلتی بخورد ، آن فرشته می گوید: «بار خدایا! بنده ات را بیامرز؛ زیرا او امشب ، در پاکی به سر می برد».

.

ر مَن أكَلَ الحَلالَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ الحَلالَ ، قامَ عَلى رَأسِهِ مَلَكٌ يَستَغفِرُ لَهُ حَتّى يَفرُغَ مِن أكلِهِ . (1)

ش مَن قَلَّمَ أظافيرَهُ يَومَ الجُمُعَهِ و ...رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قَلَّمَ أظافيرَهُ يَومَ الجُمُعَهِ ، وأخَذَ مِن شارِبِهِ ، وَاستاكَ ، وأفرَغَ عَلى رَأسِهِ مِنَ الماءِ حينَ يَروحُ إلَى (2) الجُمُعَهِ ، شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، كُلُّهُم يَستَغفِرونَ لَهُ ، ويَشفَعونَ لَهُ . (3)

8 / 6مَن يَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَيءٍأ طالِبُ العِلمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ طالِبَ العِلمِ لَيَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَيءٍ ، حَتّى حيتانُ البَحرِ ، وهَوامُّ الأَرضِ ، وسِباعُ البَرِّ وأنعامُهُ ؛ فَاطلُبُوا العِلمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَينَكُم وبَينَ اللّهِ عز و جل . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَلَكَ طَريقا يَطلُبُ فيهِ عِلما ، سَلَكَ اللّهُ بِهِ طَريقا إلَى الجَنَّهِ ، وإنَّ المَلائِكَهَ لَتَضَعُ أجنِحَتَها لِطالِبِ العِلمِ رِضا بِهِ ، وإنَّهُ يَستَغفِرُ لِطالِبِ العِلمِ مَن فِى السَّماءِ ومَن فِى الأَرضِ حَتَّى الحوتُ فِى البَحرِ . (5)

.

1- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1028 و ص 413 ح 1396 عن أنس وفيه «الخلّ» بدل «الحلال» ، الدعوات : ص 24 ح 35 ، روضه الواعظين : ص 501 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 314 ح 6 .
2- .فى المصدر : «يروح الجمعه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .جامع الأخبار : ص 334 ح 939 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 124 ح 13 .
4- .الأمالى للمفيد : ص 29 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 521 ح 1148 كلاهما عن محمّد بن جعفر عن ف أبيه الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 172 ح 25 .
5- .الكافى : ج 1 ص 34 ح 1 عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 159 ح 1 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ سنن أبى داوود :

ج 3 ص 317 ح 3641 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 48 ح 2682 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 10 ص 146 ح 28746 .

ر کسی که حلال بخورد
ش کسی که در روز جمعه ، ناخن هایش را بگیرد و . . .

8 / 6 کسانی که همه موجودات ، برایشان آمرزش می طلبند

الف جوینده دانش

ر کسی که حلال بخوردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از حلال بخورد ، فرشته ای بالای سر او می ایستد و برایش آمرزش می خواهد تا آن گاه که از خوردن ، دست کشد.

ش کسی که در روز جمعه ، ناخن هایش را بگیرد و . . .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که در روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، سبیلش را کوتاه کند، مسواک بزند ، و زمانی که به نماز جمعه می رود ، آب بر سرش بریزد ، هفتاد هزار فرشته ، او را بدرقه می کنند و همگی برایش آمرزش می طلبند و شفاعت می کنند.

8 / 6کسانی که همه موجودات ، برایشان آمرزش می طلبندالف جوینده دانشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همه موجودات، حتّی ماهیان دریا و خزندگان زمین و دَدان و دام ها، برای جوینده دانش ، آمرزش می طلبند . پس دانش بجویید، زیرا دانش ، رشته پیوند میان شما و خدای عز و جل است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس راهی را در جستجوی دانشی بپیماید ، خداوند ، او را در راهی به سوی بهشت می برَد . فرشتگان ، بال های خود را با خشنودی برای جوینده دانش ، می گسترند، و اهل آسمان و زمین، حتّی ماهیان دریا، برای جوینده دانش ، آمرزش می طلبند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ أن يَنظُرَ إلى عُتَقاءِ اللّهِ مِنَ النّارِ ، فَليَنظُر إلَى المُتَعَلِّمينَ ، فَوَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، ما مِن مُتَعَلِّمٍ يَختَلِفُ إلى بابِ العالِمِ ، إلّا كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ عِبادَةَ سَنَةٍ ، وبَنَى اللّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ مَدينَةً فِى الجَنَّهِ ، ويَمشى عَلَى الأَرضِ وهِىَ تَستَغفِرُ لَهُ ، ويُمسى ويُصبِحُ مَغفورا لَهُ ، وشَهِدَتِ المَلائِكَهُ أنَّهُم عُتَقاءُ اللّهِ مِنَ النّارِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : وَاعلَم أنَّ طالِبَ العِلمِ يَستَغفِرُ لَهُ مَن فِى السَّماواتِ وَالأَرضِ ، حَتَّى الطَّيرُ فى جَوِّ السَّماءِ ، وَالحوتُ فِى البَحرِ . (2)

ب العالِمُ العامِلُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صاحِبُ العِلمِ يَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ شَىءٍ ، حَتَّى الحوتُ فِى البَحرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :العُلَماءُ وَرَثَهُ الأَنبِياءِ ، يُحِبُّهُم أهلُ السَّماءِ ، ويَستَغفِرُ لَهُمُ الحيتانُ فِى البَحرِ إذا ماتوا ، إلى يَومِ القِيامَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :عُلَماءُ هذِهِ الاُمَّهِ رَجُلانِ : رَجُلٌ آتاهُ اللّهُ عِلما ، فَبَذَلَهُ لِلنّاسِ ولَم يَأخُذ عَلَيهِ طَمَعا (5) ، ولَم يَشتَرِ بِهِ ثَمَنا ، فَذلِكَ تَستَغفِرُ لَهُ حيتانُ البَحرِ ، ودَوابُّ البَرِّ ، وَالطَّيرُ فى جَوِّ السَّماءِ ، ويَقدَمُ عَلَى اللّهِ سَيِّدا شَريفا ، حَتّى يُرافِقَ المُرسَلينَ . ورَجُلٌ آتاهُ اللّهُ عِلما فَبَخِلَ بِهِ عَن عِبادِ اللّهِ ، وأخَذَ عَلَيهِ طَمَعا ، وَاشتَرى بِهِ ثَمَنا ، فَذاكَ يُلجَمُ يَومَ القِيامَهِ بِلِجامٍ مِن نارٍ ، ويُنادى مُنادٍ : هذَا الَّذى آتاهُ اللّهُ عِلما فَبَخِلَ بِهِ عَن عِبادِ اللّهِ ، وأخَذَ عَلَيهِ طَمَعا ، وَاشتَرى بِهِ ثَمَنا ، وكَذلِكَ حَتّى يُفرَغَ مِنَ الحِسابِ . (6)

.

1- .منيه المريد : ص 100 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 184 ح 95 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 387 ح 5834 ، بصائر الدرجات : ص 4 ح 3 عن عبد الرحمن بن الحجّاج عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 173ح 30 ، كنز العمّال : ج 10 ص 131 ح 28653 عن ابن عبد البرّ عن أنس .
3- .كنز العمّال : ج 10 ص 145 ح 28737 نقلاً عن وكيع عن أنس .

4- .تفسير القرطبى : ج 4 ص 41 عن البراء ، كنز العمّال : ج 10 ص 135 ح 28679 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس .
5- .الطَّمَعُ : رزق الجُند ، جمع : أطماع . يقال : أخذ الجند أطماعَهم أى أرزاقَهم (تاج العروس : ج 11 ص 327 «طمع») .
6- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 171 ح 7187 عن ابن عبّاس ، إحياء علوم الدين : ج 1 ص 92 ، كنز العمّال : ج 10 ص 206 ح 29090 ؛ روضه الواعظين : ص 15 ، منيه المريد : ص 136 وفيه «طعما» بدل «طمعا» فى المواضع الثلاثه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 54 ح 25 وراجع جامع بيان العلم وفضله : ج 1 ص 38 .

ب عالمی که به علم خویش ، عمل کند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دوست دارد آزاد کرده شدگانِ خدا از آتش را ببیند ، به علم آموزان بنگرد. سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ علم آموزی نیست که به خانه عالم آمد و شد کند ، مگر آن که خداوند برای هر قدمش عبادت یک سال را می نویسد و برای هر قدمش ، شهری در بهشت برای او می سازد و زمینی که بر آن راه می رود ، برایش آمرزش می طلبد، و روز را در حالی به شب می رساند و شب را به روز که آمرزیده است ، و فرشتگان ، گواهی می دهند که اینان ، آزاد شدگان خدا از آتش اند.

امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش محمّد بن حنفیه : بدان که برای جوینده دانش ، هر موجودی که در آسمان ها و زمین است، حتّی پرندگان آسمان و ماهیان دریا، طلبِ آمرزش می کنند.

ب عالمی که به علم خویش ، عمل کندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر موجودی ، حتّی ماهی دریا ، برای دانشمند ، (1) آمرزش می طلبد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانشمندان [دینی] وارثان پیامبران اند . آسمانیان ، آنان را دوست دارند و هرگاه بمیرند، ماهیان دریا تا روز قیامت ، برایشان آمرزش می طلبند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانشمندان این امّت ، دو دسته اند: یکی مردی که خداوند ، به او دانشی داده است و او ، آن را به مردم می بخشد و برای آن ، مزدی نمی ستانَد و آن را به بهایی نمی فروشد. برای چنین عالمی ، ماهیان دریا و چارپایانِ خشکی و مرغان آسمان ، آمرزش می طلبند، و با آقایی و بزرگواری ، بر خداوند وارد می شود تا آن که با پیامبران مُرسَل ، همنشین می گردد. و دوم ، مردی است که خداوند ، به او دانشی داده است و او ، آن را از بندگان خدا دریغ می کند و برای آن ، مزد می گیرد و آن را به بها می فروشد. بر چنین کسی در روز قیامت ، لگامی از آتش زده می شود و آواز دهنده ای ، آواز می دهد که: این ، کسی است که خدا به او دانشی بخشید و او ، آن را از بندگان خدا ، دریغ ورزید و برای [آموختن]آن، مزد ستاند و آن را به پول فروخت، و پیوسته چنین می گوید تا آن گاه که حسابرسی او به پایان برسد.

.

1- .با عنایت به روایات دیگر ، مقصود از این روایت پس از آن ، عالِم عامل است ، نه مطلقِ عالم .

ج مُعَلِّمُ الخَيرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ مُعَلِّمَ الخَيرِ يَستَغفِرُ لَهُ دَوابُّ الأَرضِ ، وحيتانُ البَحرِ ، وكُلُّ ذى روحٍ فِى الهَواءِ ، وجَميعُ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ . (1)

د المُؤَذِّنُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَغفِرُ اللّهُ لِلمُؤَذِّنِ مُنتَهى أذانِهِ ، ويَستَغفِرُ لَهُ كُلُّ رَطبٍ ويابِسٍ سَمِعَ صَوتَهُ . (2)

ه مَن صامَ ثَلاثَةَ عَشَرَ يَوما مِن شَعبانَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ ثَلاثَةَ عَشَرَ يَوما مِن شَعبانَ ، استَغفَرَت لَهُ مَلائِكَهُ سَبعِ سَماواتٍ ، ومَن صامَ أربَعَهَ عَشَرَ يَوما مِن شَعبانَ ، أُلهِمَتِ الدَّوابُّ وَالسِّباعُ حَتَّى الحيتانُ فِى البُحورِ أن يَستَغفِروا لَهُ . (3)

.

1- .بصائر الدرجات : ص 3 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 4 ح 5 عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 159 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 214 ح 6219 عن جابر نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 145 ح 28739 .

2- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 500 ح 6210 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 7 ص 687 ح 20926 .

3- .ثواب الأعمال : ص 87 ح 16 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 47 ح 24 ، الأمالى للصدوق : ص 76 ح 43 ، روضه الواعظين : ص 443 كلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 97 ص 69 ح 7 .

ج آموزگار خوبی ها
د مؤذّن
ه کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد

ج آموزگار خوبی هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای آموزگار خوبی ها، جانوران زمین و ماهیان دریا و هر جانداری در هوا، و همه اهل آسمان و زمین ، آمرزش می طلبند.

د مؤذّنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، مؤذّن را به مقدارِ بلندی صدای اذانش می آمرزد (1) و هرتَر و خشکی که صدای او را بشنود ، برایش آمرزش می طلبد.

ه کسی که سیزده روز از ماه شعبان را روزه بگیردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس سیزده روز از شعبان را روزه بگیرد ، فرشتگان هفت آسمان ، برایش آمرزش می طلبند، و هر کس چهارده روز از شعبان را روزه بگیرد ، به چارپایان و درندگان و حتّی ماهیان دریاها ، الهام می شود که برای او آمرزش بطلبند.

.

1- .احتمال دارد به این معنا باشد که هر مقدار صدای اذان مؤذّن بلندتر باشد ، آمرزش بیشتری شامل حال او می شود .

الفَصلُ التّاسِعُ : الاستغفارات المأثوره9 / 1الاِستِغفاراتُ المَأثورَهُ عَنِ النَّبِيِّرسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اغفِر لى ذَنبى كُلَّهُ ، دِقَّهُ وجِلَّهُ (1) ، وأوَّلَهُ وآخِرَهُ ، وعَلانِيَتَهُ وسِرَّهُ . (2)

سنن النسائى عن عائشه :فَقَدتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَظَنَنتُ أنَّهُ أتى بَعضَ جَواريهِ ، فَطَلَبتُهُ ، فَإِذا هُوَ ساجِدٌ يَقولُ : رَبِّ اغفِر لى ما أسرَرتُ وما أعلَنتُ . (3)

مسند ابن حنبل عن عمران بن حصين :كانَ عامَّهُ دُعاءِ نَبِيِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ اغفِر لى ما أخطَأتُ وما تَعَمَّدتُ ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ ، وما جَهِلتُ وما عَلِمتُ (4) . (5)

.

1- .دِقَّهُ وَجِلُّهُ : قليله وكثيره (الصحاح : ج 4 ص 1475 «دقق») .
2- .صحيح مسلم : ج 1 ص 350 ح 216 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 395 ح 969 ، صحيح ابن حبّان : ج 5 ص 258 ح 1931 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 335 ح 672 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 210 ح 3805 .
3- .سنن النسائى : ج 2 ص 220 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 482 ح 25194 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 343 ح 807 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 34 ح 7 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 226 ح 22669 .
4- .فى المصدر : «وما تعمّدت» ، والتصويب من كنز العمّال .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 214 ح 19945 ، المعجم الكبير : ج 18 ص 121 ح 242 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 337 ح 1479 ، كنز العمّال : ج 2 ص 687 ح 5083 .

فصل نهم: آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

9 / 1 آمرزش خواهی های پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل نهم: آمرزش خواهی های رسیده از پیامبر و اهل بیت9 / 1آمرزش خواهی های پیامبرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! همه گناهان مرا، از ریز و درشت ، و اوّل و آخر ، و آشکار و پنهانش، بیامرز.

سنن النسائی به نقل از عایشه : یک بار متوجّه شدم پیامبر خدا نیست . گمان بردم نزد یکی از کنیزانش رفته است . در جستجوی ایشان برآمدم . دیدم به سجده افتاده است و می گوید: «خداوندا! هر خطایی را که در نهان یا آشکار ، از من سر زده است ، بر من ببخشای» .

مسند ابن حنبل به نقل از عمران بن حصین : دعای پیامبر خدا ، معمولاً این بود: «بار خدایا! هر آن گناهی را که به خطا یا به عمد ، در نهان یا آشکار، و ندانسته یا دانسته از من سر زده است، بیامرز» .

.

الإمام الجواد عليه السلام :كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَقولُ إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ : اللّهُمَّ اغفِر لى ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ ، وإسرافى عَلى نَفسى ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّى ... . وأسأَلُکَ يا رَبِّ قَلبا سَليما ، ولِسانا صادِقا ، وأستَغفِرُکَ لِما تَعلَمُ ، وأسأَلُکَ خَيرَ ما تَعلَمُ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما تَعلَمُ ، فَإِنَّکَ تَعلَمُ ولا نَعلَمُ ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ . (1)

صحيح البخارى عن أبى موسى الأشعرىّ عن النبىّ صلى الله عليه و آله مِمّا كانَ يَدعو بِهِ صلى الله عليه و آله : رَبِّ اغفِر لى خَطيئَتى وجَهلى ، وإسرافى فى أمرى كُلِّهِ ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّى . اللّهُمَّ اغفِر لى خَطاياىَ وعَمدى وجَهلى ، وهَزلى (2) ، وكُلُّ ذلِکَ عِندى . اللّهُمَّ اغفِر لى ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ ، أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ ، وأنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (3)

مسند ابن حنبل ِعن أبى أُمامه الباهلى :خَرَجَ عَلَينا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ... فَكَأَنَّا اشتَهَينا أن يَدعُوَ اللّهَ لَنا ، فَقالَ : «اللّهُمَّ اغفِر لَنا وَارحَمنا ، وَارضَ عَنّا وتَقَبَّل مِنّا ، وأدخِلنَا الجَنَّةَ ونَجِّنا مِنَ النّارِ ، وأصلِح لَنا شَأنَنا كُلَّهُ» ، فَكَأَنَّا اشتَهَينا أن يَزيدَنا ، فَقالَ : قَد جَمَعتُ لَكُمُ الأَمرَ . (4)

الإمام الحسن عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَدعو بِهذَا الدُّعاءِ بَينَ كُلِّ رَكعَتَينِ مِن صَلاهِ الزَّوالِ ، الرَّكعَتانِ الاُولَيانِ (5) : اللّهُمَّ ... لَکَ عِندى طَلِباتٌ مِن ذُنوبٍ أنَا بِها مُرتَهَنٌ ، وقَد أوقَرَت (6) ظَهرى وأوبَقَتنى (7) ، وإلّا تَرحَمنى وتَغفِر لى أكُن مِنَ الخاسِرينَ . اللّهُمَّ اعتَمَدتُکَ فيها تائِبا إلَيکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى ذُنوبى كُلَّها ، قَديمَها وحَديثَها ، سِرَّها وعَلانِيَتَها ، خَطَأَها وعَمدَها ، صَغيرَها وكَبيرَها ، وكُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ وأنَا مُذنِبُهُ ، مَغفِرَةً عَزما جَزما لا تُغادِرُ ذَنبا واحِدا ، ولا أكتَسِبُ بَعدَها مُحَرَّما أبَدا ، وَاقبَل مِنّى اليَسيرَ مِن طاعَتِکَ ، وتَجاوَز لى عَنِ الكَثيرِ مِن مَعصِيَتِکَ ، يا عَظيمُ ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذَّنبَ العَظيمَ إلَا العَظيمُ ... . (8)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 548 ح 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 327 ح 960 كلاهما عن محمّد بن الفرج ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 31 ح 2069 من دون إسنادٍ إلى الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 2 ح

2 ؛ مسند ابن حنبل : ج 6 ص 76 ح 17113 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 688 ح 1872 كلاهما عن شدّاد بن أوس عنه صلى الله عليه و آله وفيهما ذيله من «وأسألک يا ربّ ...» نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 237 ح 2913 .
2- .فى مُهَج الدعوات : «... وهزلى وجدّى» ، وهو الأنسب .
3- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2350 ح 6035 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2087 ح 70 ، الأدب المفرد : ص 205 ح 688 ، كنز العمّال : ج 2 ص 177 ح 3620 ؛ مُهَج الدعوات : ص 169 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 394 ح 32 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 278 ح 22243 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1261 ح 3836 نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 55 ح 2 ، الدعاء للطبرانى : ص 425 ح 1442 ، تاريخ دمشق : ج 24 ص 66 ح 5162 ، كنز العمّال : ج 2 ص 621 ح 4911 .
5- .فى المصدر : «الأولتان» ، والصواب ما أثبتناه .
6- .الوِقرُ : الحِملُ الثقيل ، وقيل : هو الثقل يحمل على ظهر أو رأس (تاج العروس : ج 7 ص 596 «وقر») .
7- .أوبَقَهُ : حبسه ، أو أوبقه : أهلكه (تاج العروس : ج 13 ص 472 «وبق») .
8- .فلاح السائل : ص 253 ح 154 عن فاطمه بنت الإمام الحسن عليه السلام ، المقنعه : ص 429 نحوه ، مصباح المتهجّد : ص 40 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 64 ح 19 .

امام جواد علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه نمازش را تمام می کرد، می گفت: «بار خدایا ! هر گناهی را که از پیش تاکنون، و در نهان و آشکار مرتکب شده ام، و هر ستمی را که بر خویشتن کرده ام، و هر خطایی را که تو بدان از من داناتری... بیامرز. خداوندا ! دلی سالم و زبانی راستگو از تو درخواست دارم، و برای آنچه تو خود می دانی ، از تو آمرزش می خواهم، و خوبی آنچه را می دانی ، از تو درخواست می کنم، و از شرّ آنچه می دانی ، به تو پناه می برم ؛ زیرا تو می دانی و ما نمی دانیم، و تو دانای نهان هایی» .

صحیح البخاری به نقل از ابو موسی اشعری : از دعاهای همیشگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این بود : ای پروردگار من ! خطا و نادانی مرا و زیاده روی ام در همه کارهایم را، و آنچه را که تو از من ، بدان داناتری، بر من بیامرز. بار خدایا ! هر گناهی را که به خطا یا به عمد ، یا از سر نادانی یا شوخی از من سر زده است و همگی نزد توست، بر من بیامرز. بار خدایا ! هر گناهی را که از پیش تاکنون، یا در نهان و آشکار ، انجام داده ام ، بر من بیامرز، که پس و پیش کردن امور ، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو اُمامه باهِلی : پیامبر خدا به سوی ما بیرون آمد... گویا دلمان خواست که برایمان دعایی کند . ایشان گفت: «بار خدایا ! ما را بیامرز و بر ما رحم آور و از ما خشنود باش و از ما بپذیر و ما را به بهشت ، در آور و از آتش ، نجاتمان ده و همه کارهای ما را اصلاح فرما...». دلمان خواست که بیشتر دعا کند . ایشان فرمود : «دعایی جامع ، برایتان کردم».

امام حسن علیه السلام :پیامبر خدا ، بین هر دو رکعت از نماز ظهر، دو رکعت اوّل، این دعا را می خواند : «بار خدایا !... تو را از من ، مطالبات [و بازخواست هایی]است ، به سبب گناهانی که مرتکب گشته ام و اکنون ، در بند آنها هستم ؛ گناهانی که کمرم را خم نموده اند و مرا به خواری و نابودی کشانده اند. و اگر تو بر من رحم نکنی و مرا نیامرزی ، از زیانکاران خواهم بود. بار خدایا ! در این گناهان ، تکیه و امیدم به توست و به درگاه تو ، باز آمده ام. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و همه گناهان مرا ، از قدیم و جدیدش ، و پنهان و آشکارش ، و خطا و عمدش ، و کوچک و

بزرگش، و هر گناهی را که مرتکب شده ام و مقصّرش من هستم، بیامرز . آمرزش قطعی و حتمی ، به طوری که حتّی یک گناه هم بر جای نگذاری و از آن پس ، من نیز هرگز حرامی را به جای نیاورم. طاعتِ اندکم را از من ، بپذیر و از نافرمانی های بسیارم درگذر ای بزرگ که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نمی بخشد... ».

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ لِما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ ، وما أسرَرتُ وما أعلَنتُ ، إنَّکَ أنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ ، وأنتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . (1)

9 / 2الاِستِغفاراتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ مِن کَلِماتٍ کانَ یَدعو بِهاالإمام علیّ علیه السلام :اللّهُمَّ اغفِر لی ما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّی ، فَإن عُدتُ فَعُد عَلَیَّ بِالمَغفِرَهِ . اللّهُمَّ اغفِر لی ما وَأیتُ (2) مِن نَفسی ولَم تَجِد لَهُ وَفاءً عِندی . اللّهُمَّ اغفِر لی ما تَقَرَّبتُ بِهِ إلَیکَ بِلِسانی ثُمَّ خالَفَهُ قَلبی . اللّهُمَّ اغفِر لی رَمَزاتِ (3) الألحاظِ ، وسَقَطاتِ الألفاظِ ، وشَهَواتِ الجَنانِ ، وهَفَواتِ اللِّسانِ . (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 124 ح 19506 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 692 ح 1883 کلاهما عن أبی موسی الأشعری ، کنز العمّال : ج 2 ص 208 ح 3791 ؛ العدد القویّه : ص 101 ، الإقبال : ج 2 ص 221 کلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام نحوه .
2- .الوَأیُ : الوَعدُ الذی یوثِّقُه الرجُل علی نفسه ، ویعزم الوفاء به (النهایه : ج 5 ص 144 «وأی») .
3- .الرَّمزُ : الإشاره والإیماء بالشفتین والحاجب (الصحاح : ج 3 ص 880 «رمز») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 78 ، المصباح للکفعمی : ص 402 وفیه «سهوات» بدل «شهوات» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 229 ح 3 ؛ المناقب للخوارزمی : ص 376 وفیه ذیله من «اللّهمّ اغفر لی رمزات» .

الف پاره ای از دعاهای ایشان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! برای هر گناهی که از پیش تاکنون، و هر آنچه در نهان یا آشکار انجام داده ام ، از تو آمرزش می خواهم، که پس و پیش کردن امور ، در دست توست و تو بر هر چیزی توانایی.

9 / 2آمرزش خواهی امام علیالف پاره ای از دعاهای ایشانامام علی علیه السلام :بار خدایا! آنچه را [از گناهان و خطاهایم] که تو بدانها از من داناتری، بر من بیامرز، و اگر تکرارشان کردم ، تو هم آمرزشت را بر من ، تکرار کن. بار خدایا! آنچه را با خود عهد کردم ، امّا نسبت به آن ، وفایی از من ندیدی ، بر من بیامرز. بار خدایا! هر آنچه را که به زبان برای تقرّب به تو انجام دادم ، ولی در دلم خلاف آن می گذشت ، بر من بیامرز. بار خدایا! اشاره های چشم و ابرو [برای تمسخر و آزار دیگران]، و گفتارهای بیهوده و خواهش ها و آرزوهای دل و لغزش های زبان را بر من ، بیامرز.

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أنتَ رَبّي وأنَا عَبدُکَ ، آمَنتُ بِکَ مُخلِصا لَکَ عَلى عَهدِکَ ووَعدِکَ مَا استَطَعتُ ، أتوبُ إلَیکَ مِن سوءِ عَمَلى ، وأستَغفِرُکَ لِذُنوبِى الّتى لا یَغفِرُها غَیرُکَ ... . (1)

ب مِن استِغفارِهِ فِى السَّحَرِالإمام علیّ علیه السلام مِمّا کانَ یَدعو بِهِ فى سَحَرِ کُلِّ لَیلَهٍ بِعَقِبِ رَکعَتَیِ الفَجرِ : اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ جَرى بِهِ عِلمُکَ فِىَّ وعَلَىَّ إلى آخِرِ عُمُرى ، بِجَمیعِ ذُنوبى لِأَوَّلِها وآخِرِها ، وعَمدِها وخَطَئِها ، وقَلیلِها وکَثیرِها ، ودَقیقِها وجَلیلِها ، وقَدیمِها وحَدیثِها ، وسِرِّها وعَلانِیَتِها ، وجَمیعِ ما أنَا مُذنِبُهُ ، وأتوبُ إلَیکَ . وأسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَغفِرَ لى جَمیعَ ما أحصَیتَ مِن مَظالِمِ العِبادِ قِبَلى ، فَإِنَّ لِعِبادِکَ عَلَىَّ حُقوقا أنَا مُرتَهَنٌ بِها ، تَغفِرُها لى کَیفَ شِئتَ ، وأنّى شِئتَ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (2)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 153 وفى أوّله «الدعاء المفضّل على كلّ دعاء لأمير المؤمنين عليه السلام ، وكان يدعو به أمير المؤمنين والباقر والصادق عليهم السلام » ، الإقبال : ج 1 ص 271 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 402 ح 34 .
2- .المصباح للكفعمى : ص 91 ، البلد الأمين : ص 46 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 325 ح 14 .

ب برخی از آمرزش خواهی های ایشان در سحرگاهان

امام علی علیه السلام :خدایا ! تو پروردگار منی و من ، بنده تو هستم . به تو ایمان دارم و تا توان دارم ، بر پیمان و وعده تو ، صمیمانه وفادار می مانم. از کردار بدم ، به درگاهت توبه می آورم و به خاطر گناهانم ، از تو آمرزش می طلبم ؛ گناهانی که آنها را جز تو ، کسی نمی آمرزد... .

ب برخی از آمرزش خواهی های ایشان در سحرگاهانامام علی علیه السلام از دعاهای همیشگی ایشان در سحرگاه هر شب ، پس از دو رکعت نماز صبح : بار خدایا ! برای هر گناهی که علم تو ، آن را در من و بر من تا پایان عمرم جاری ساخت، از تو آمرزش می خواهم، برای همه گناهانم، از آغاز و انجام آن ، و عمد و خطایش ، و اندک و بسیارش ، و ریز و درشتش ، و قدیم و جدیدش ، و پنهان و پیدایش، و هر آن گناهی که من ، مقصّرش بوده ام، و به درگاه تو ، توبه می کنم. و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و تمام مظالم بندگان را که بر گردن من است و تو آنها را شماره کرده ای ، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگانت را بر من ، حقوقی است که من ، ضامن آنها هستم . اینها را بیامرزی ، آن گونه که خواهی و هر زمان که خواهی، ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُهُ فى سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ وبَعدَ رَكعَتَيِ الفَجرِ : اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِمّا تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ ، وأستَغفِرُکَ لِما أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنى فيهِ ما لَيسَ لَکَ ، وأستَغفِرُکَ لِلنِّعَمِ الَّتى مَنَنتَ بِها عَلَىَّ فَقَويتُ بِها عَلى معاصيکَ ، أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ ، عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، لِكُلِّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ ، ولِكُلِّ مَعصِيَةٍ ارتَكَبتُها . اللّهُمَّ ارزُقنى عَقلاً كامِلاً ، وعَزما ثاقِبا (1) ، ولُبّا (2) راجِحا ، وقَلباً زَكِيّا (3) ، وعِلما كَثيرا ، وأدَبا بارِعا ، وَاجعَل ذلِکَ كُلَّهُ لى ، ولا تَجعَلهُ عَلَىَّ ، بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (4)

البلد الأمين :كانَ عَلِىٌّ عليه السلام يَستَغفِرُ سَبعينَ مَرَّةً فى سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ بِعَقِبِ رَكعَتَيِ الفَجرِ : [1.] اللّهُمَّ إنّى اُثنى عَلَيکَ بِمَعونَتِکَ عَلى ما نِلتُ بِهِ الثَّناءَ عَلَيکَ ، واُقِرُّ لَکَ عَلى نَفسى بِما أنتَ أهلُهُ ، وَالمُستَوجِبُ لَهُ فى قَدرِ فَسادِ نِيَّتى وضَعفِ يَقينى . اللّهُمَّ نِعمَ الإلهُ أنتَ ، ونِعمَ الرَّبُّ أنتَ ، وبِئسَ المَربوبُ أنَا ، ونِعمَ المَولى أنتَ ، وبِئسَ العَبدُ أنَا ، ونِعمَ المالِکُ أنتَ ، وبِئسَ المَملوکُ أنَا ، فَكَم قَد أذنَبتُ فَعَفَوتَ عَن ذَنبى ، وكَم قَد أجرَمتُ فَصَفَحتَ عَن جُرمى ، وكَم قَد أخطَأتُ فَلَم تُؤاخِذنى ، وكَم قَد تَعَمَّدتُ فَتَجاوَزتَ عَنّى ، وكَم قَد عَثَرتُ فَأقَلتَنى عَثرَتى ولَم تَأخُذنى عَلى غِرَّتى ، فَأنَا الظّالِمُ لِنَفسى ، المُقِرُّ بِذَنبى ، المُعتَرِفُ بِخَطيئَتى ، فَيا غافِرَ الذَّنوبِ أستَغفِرُکَ لِذَنبى ، وأستَقيلُکَ لِعَثرَتى ، فَأحسِن إجابَتى ، فَإنَّکَ أهلُ الإجابَةِ ، وأهلُ التَّقوى ، وأهلُ المَغفِرَةِ . [2.] اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ لِكُلِّ ذَنبٍ قَوِىَ بَدَنى عَلَيهِ بِعافِيَتِکَ ، أو نالَتهُ قُدرَتى بِفَضلِ نِعمَتِکَ ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدى بِتَوسِعَهِ رِزقِکَ ، أوِ احتَجَبتُ فيهِ مِنَ النّاسِ بِسِترِکَ ، أوِ اتَّكَلتُ فيهِ عِندَ خَوفى مِنهُ عَلى أناتِکَ ، ووَثِقتُ مِن سَطوَتِکَ عَلَىَّ فيهِ بِحِلمِکَ ، وعَوَّلتُ فيهِ عَلى كَرَمِ عَفوِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [3.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَدعو إلى غَضَبِکَ ، أو يُدنى مِن سَخَطِکَ ، أو يَميلُ بى إلى ما نَهَيتَنى عَنهُ ، أو يَنأى بى (5) عَمّا دَعَوتَنى إلَيهِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [4.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِكُلِّ ذَنبٍ استَمَلتُ إلَيهِ أحَدا مِن خَلقِکَ بِغَوايَتى ، أو خَدَعتُهُ بِحيلَتى ، فَعَلَّمتُهُ مِنهُ ما جَهِلَ ، وعَمَّيتُ عَلَيهِ مِنهُ ما عَلِمَ ، ولَقيتُکَ غَدا بِأوزارى وأوزارٍ مَعَ أوزارى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [5.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِكُلِّ ذَنبٍ يَدعو إلَى الغَىِّ (6) ، ويُضِلُّ عَنِ الرُّشدِ ، ويُقِلُّ الرِّزقَ ، ويَمحَقُ التِّلدَ (7) ، ويُخمِلُ الذِّكرَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [6.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِكُلِّ ذَنبٍ أتعَبتُ فيهِ جَوارِحى فى لَيلى

ونَهارى ، وقَدِ استَتَرتُ مِن عِبادِکَ بِسِترى ، ولا سِترَ إلّا ما سَتَرتَنى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [7.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ رَصَدَنى فيهِ أعدائى لِهَتکى ، فَصَرَفتَ کَيدَهُم عَنّى ، ولَم تُعِنهُم عَلى فَضيحَتى ، کَأنّى لَکَ وَلِىٌّ ، فَنَصَرتَنى ، وإلى مَتى يا رَبِّ أعصِى فَتُمهِلُنى ، وطالَما عَصَيتُکَ فَلَم تُؤاخِذنى ، وسَألتُکَ عَلى سوءِ فِعلى فَأعطَيتَنى ، فَأىُّ شُکرٍ يَقومُ عِندَکَ بِنِعمَهٍ مِن نِعَمِکَ عَلَىَّ ! فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [8.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ قَدَّمتُ إلَيکَ فيهِ تَوبَتى ، ثُمَّ واجَهتُ بِتَکَرُّمِ قَسَمى بِکَ (8) ، وأشهَدتُ عَلى نَفسى بِذلِکَ أولِياءَکَ مِن عِبادِکَ أنّى غَيرُ عائِدٍ إلى مَعصِيَتِکَ ، فَلَمّا قَصَدَنى بِکَيدِهِ الشَّيطانُ ، ومالَ بى إلَيهِ (9) الخِذلانُ ، ودَعَتنى نَفسى إلَى العِصيانِ ، استَتَرتُ حَياءً مِن عِبادِکَ ، جُرأهً مِنّى عَلَيکَ ، وأنَا أعلَمُ أنَّهُ لا يَکُنُّنى مِنکَ سِترٌ ولا بابٌ ، ولا يَحجُبُ نَظَرَکَ إلَىَّ حِجابٌ ، فَخالَفتُکَ فِى المَعصِيَهِ إلى ما نَهَيتَنى عَنهُ ، ثُمَّ کَشَفتَ السِّترَ عَنّى ، وساوَيتُ أولِياءَکَ کَأنّى لَم أزَل لَکَ طائِعا ، وإلى أمرِکَ مُسارِعا ، ومِن وَعيدِکَ فازِعا ، فَلَبَّستُ عَلى عِبادِکَ ، ولا يَعرِفُ بِسيرَتى غَيرُکَ ، فَلَم تَسِمنى بِغَيرِ سِمَتِهِم ، بَل أسبَغتَ عَلَىَّ مِثلَ نِعَمِهِم ، ثُمَّ فَضَّلتَنى فى ذلِکَ عَلَيهِم ، کَأنّى عِندَکَ فى دَرَجَتِهِم ، وما ذلِکَ إلّا بِحِلمِکَ وفَضلِ نِعمَتِکَ ، فَلَکَ الحَمدُ مَولاىَ ، فَأسأ لُکَ يا اللّهُ کَما سَتَرتَهُ عَلَىَّ فِى الدُّنيا ، أن تَفضَحَنى بِهِ فِى القِيامَهِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . [9.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ سَهِرتُ لَهُ لَيلى فِى التَّأنّى لِإِتيانِهِ ، وَالتَّخَلُّصِ إلى وُجودِهِ ، حَتّى إذا أصبَحتُ تَخَطَّأتُ إلَيکَ بِحِليَهِ الصّالِحينَ ، وأنَا مُضمِرٌ خِلافَ رِضاکَ يا رَبَّ العالَمينَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [10.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ ظَلَمتُ بِسَبَبِهِ وَلِيّا مِن أولِيائِکَ ، أو نَصَرتُ بِهِ عَدُوّا مِن أعدائِکَ ، أو تَکَلَّمتُ فيهِ بِغَيرِ مَحَبَّتِکَ ، أو نَهَضتُ فيهِ إلى غَيرِ طاعَتِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [11.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ نَهَيتَنى عَنهُ فَخالَفتُکَ إلَيهِ ، أو حَذَّرتَنى إيّاهُ فَأقَمتُ عَلَيهِ ، أو قَبَّحتَهُ لى فَزَيَّنتُهُ لِنَفسى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [12.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ نَسيتُهُ فَأحصَيتَهُ ، وتَهاوَنتُ بِهِ فَأثبَتَّهُ ، وجاهَرتُکَ (10) فيهِ فَستَرتَهُ عَلَىَّ ، ولَو تُبتُ إلَيکَ مِنهُ لَغَفَرتَهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [13.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ تَوَقَّعتُ فيهِ قَبلَ انقِضائِهِ تَعجيلَ العُقوبَهِ ، فَأمهَلتَنى وأدلَيتَ عَلَىَّ سِترا ، فَلَم آلُ (11) فى هَتکِهِ عَنّى جَهدا ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [14.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يَصرِفُ عَنّى رَحمَتَکَ ، أو يُحِلُّ بى نَقِمَتَکَ ، أو يَحرِمُنى کَرامَتَکَ ، أو يُزيلُ عَنّى نِعمَتَکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [15.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يورِثُ الفَناءَ ، أو يُحِلُّ البَلاءَ ، أو يُشمِتُ الأعداءَ ، أو يَکشِفُ الغِطاءَ ، أو يَحبِسُ قَطرَ

السَّماءِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [16.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ عَيَّرتُ بِهِ أحَدا مِن خَلقِکَ ، أو قَبَّحتُهُ مِن فِعلِ أحَدٍ مِن بَرِيَّتِکَ ، ثُمَّ تَقَحَّمتُ عَلَيهِ وَانتَهَکتُهُ ، جُرأَةً مِنّى عَلى مَعصِيَتِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [17.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ، وأقدَمتُ عَلى فِعلِهِ ، فَاستَحيَيتُ مِنکَ وأنَا عَلَيهِ ، ورَهِبتُکَ وأنَا فيهِ ، ثُمَّ استَقَلتُکَ مِنهُ وعُدتُ إلَيهِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [18.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ تَوَّرَکَ عَلَىَّ (12) ، ووَجَبَ فى فِعلى بِسَبَبِ عَهدٍ عاهَدتُکَ عَلَيهِ ، أو عَقدٍ عَقَدتُهُ لَکَ ، أو ذِمَّةٍ آلَيتُ بِها مِن أجلِکَ لِأَحَدٍ مِن خَلقِکَ ، ثُمَّ نَقَضتُ ذلِکَ مِن غَيرِ ضَرورَةٍ لِرَغبَتى فيهِ ، بَلِ استَزَلَّنى عَنِ الوَفاءِ بِهِ البَطَرُ (13) ، وَاستَحطَّنى عَن رِعايَتِهِ الأَشَرُ (14) ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [19.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ لَحِقَنى بِسَبَبِ نِعمَةٍ أنعَمتَ بِها عَلَىَّ ، فَقَويتُ بِها عَلى مَعصِيَتِکَ ، وخالَفتُ بِها أمرَکَ ، وقَدِمتُ بِها عَلى وَعيدِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [20.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ قَدَّمتُ فيهِ شَهوَتى عَلى طاعَتِکَ ، وآثَرتُ فيهِ مَحَبَّتى عَلى أمرِکَ ، وأرضَيتُ نَفسى فيهِ بِسَخَطِکَ ، إذ رَهَّبتَنى مِنهُ بِنَهيِکَ ، وقَدَّمتَ إلَىَّ فيهِ بِإعذارِکَ ، وَاحتَجَجتَ عَلَىَّ فيهِ بِوَعيدِکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [21.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ عَلِمتُهُ مِن نَفسى ، أو نَسيتُهُ أو ذَکَرتُهُ ، أو تَعَمَّدتُهُ أو أخطَأتُ ، فيما لا أشُکُّ أنَّکَ سائِلى عَنهُ ، وأنَّ نَفسى بِهِ مُرتَهَنَةٌ لَدَيکَ ، وإن کُنتُ قَد نَسيتُهُ وغَفَلتُ عَنهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [22.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ واجَهتُکَ بِهِ ، وقَد أيقَنتُ أنَّکَ تَرانى عَلَيهِ ، وأغفِلتُ أن أتوبَ إلَيکَ مِنهُ ، وأنسيتُ أن أستَغفِرَکَ لَهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [23.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ دَخَلتُ فيهِ بِحُسنِ ظَنّى بِکَ ألّا تُعَذِّبَنى عَلَيهِ ، ورَجَوتُکَ لِمَغفِرَتِهِ فَأقدَمتُ عَلَيهِ ، وقَد عَوَّلَت نَفسى عَلى مَعرِفَتى بِکَرَمِکَ ، ألّا تَفضَحَنى بَعدَ أن سَتَرتَهُ عَلَىَّ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [24.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ استَوجَبتُ مِنکَ بِهِ رَدَّ الدُّعاءِ ، وحِرمانَ الإجابَةِ ، وخَيبَةَ الطَّمَعِ ، وَانفِساخَ الرَّجاءِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [25.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يُعقِبُ الحَسرَةَ ، ويورِثُ النَّدامَةَ ، ويَحبِسُ الرِّزقَ ، ويَرُدُّ الدُّعاءَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [26.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يورِثُ الأَسقامَ وَالفَناءَ ، ويوجِبُ النِّقَمَ وَالبَلاءَ ، ويَکونُ فِى القِيامَهِ حَسرَةً ونَدامَةً ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لى يا خَيرَ الغافِرينَ . [27.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ مَدَحتُهُ بِلِسانى ، أو أضمَرَهُ جَنانى ، أو هَشَّت (15) إلَيهِ نَفسى ، أو أتَيتُهُ بِفَعالى ، أو کَتَبتُهُ بِيَدى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [28.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ خَلَوتُ بِهِ فی لَیلٍ أو نَهارٍ ، وأرخَیتَ عَلَیَّ فیهِ الأَستارَ ، حَیثُ لا یَرانی إلّا أنتَ یا جَبّارُ ، فَارتابَت فیهِ نَفسی ، ومَیَّزتُ بَینَ تَرکِهِ لِخَوفِکَ وَانتِهاکِهِ لِحُسنِ الظَّنِّ بِکَ ، فَسَوَّلَت لی نَفسِیَ الإقدامَ عَلَیهِ ، فَواقَعتُهُ وأنَا عارِفٌ بِمَعصِیَتی فیهِ لَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [29.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ استَقلَلتُهُ أوِ استَکثَرتُهُ ، أوِ استَعظَمتُهُ أوِ استَصغَرتُهُ ، أو وَرَّطَنی جَهلی فیهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [30.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ مالَأتُ (16) فیهِ عَلی أحَدٍ مِن خَلقِکَ ، أو أسَأتُ بِسَبَبِهِ إلی أحَدٍ مِن بَرِیَّتِکَ ، أو زَیَّنتُهُ لی نَفسی ، أو أشَرتُ بِهِ إلی غَیری ، أو دَلَلتُ عَلَیهِ سِوایَ ، أو أصرَرتُ عَلَیهِ بِعَمدی ، أو أقَمتُ عَلَیهِ بِجَهلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [31.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ خُنتُ فیهِ أمانَتی ، أو بَخَستُ بِفِعلِهِ نَفسی ، أو أخطَأتُ بِهِ عَلی بَدَنی ، أو آثَرتُ فیهِ شَهَواتی ، أو قَدَّمتُ فیهِ لَذّاتی ، أو سَعَیتُ فیهِ لِغَیری ، أوِ استَغوَیتُ إلَیهِ مَن تابَعَنی ، أو کاثَرتُ فیهِ مَن مَنَعَنی ، أو قَهَرتُ عَلَیهِ مَن غالَبَنی ، أو غَلَبتُ عَلَیهِ بِحیلَتی ، أوِ استَزَلَّنی إلَیهِ مَیلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [32.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ استَعَنتُ عَلَیهِ بِحیلَهٍ تُدنی مِن غَضَبِکَ ، أوِ استَظهَرتُ بِنَیلِهِ عَلی أهلِ طاعَتِکَ ، أوِ استَمَلتُ بِهِ أحَدا إلی مَعصِیَتِکَ ، أو راءَیتُ فیهِ عِبادَکَ ، أو لَبَّستُ عَلَیهِم بِفِعالی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [33.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ کَتَبتَهُ عَلَیَّ بِسَبَبِ عُجبٍ کانَ مِنّی بِنَفسی ، أو رِیاءٍ ، أو سُمعَهٍ ، أو خُیَلاءَ ، أو فَرَحٍ ، أو حِقدٍ ، أو مَرَحٍ ، أو أشَرٍ ، أو بَطَرٍ ، أو حَمِیَّهٍ ، أو عَصَبِیَّهٍ ، أو رِضا ، أو سَخَطٍ ، أو سَخاءٍ ، أو شُحٍّ ، أو ظُلمٍ ، أو خِیانَهٍ ، أو سَرِقَهٍ ، أو کَذِبٍ ، أو نَمیمَهٍ ، أو لَهوٍ ، أو لَعِبٍ ، أو نَوعٍ مِمَّا یُکتَسَبُ بِمِثلِهِ الذُّنوبُ ، ویَکونُ فی اجتِراحِهِ العَطَبُ (17) ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [34.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ سَبَقَ فی عِلمِکَ أنّی فاعِلُهُ ، بِقُدرَتِکَ الَّتی قَدَرتَ بِها عَلی کُلِّ شَیءٍ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [35.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ رَهِبتُ فیهِ سِواکَ ، أو عادَیتُ فیهِ أولِیاءَکَ ، أوِ والَیتُ فیهِ أعداءَکَ ، أو خَذَلتُ فیهِ أحِبّاءَکَ ، أو تَعَرَّضتُ فیهِ لِشَیءٍ مِن غَضَبِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [36.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَیکَ مِنهُ ، ثُمَّ عُدتُ فیهِ ، ونَقَضتُ العَهدَ فیما بَینی وبَینَکَ جُرأهً مِنّی عَلَیکَ ، لِمَعرِفَتی بِکَرَمِکَ وعَفوِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [37.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أدنانی مِن عَذابِکَ ، أوِ نَآنی (18) عَن ثَوابِکَ ، أو حَجَبَ عَنّی رَحمَتَکَ ، أو کَدَّرَ عَلَیَّ نِعمَتَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [38.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ

لِكُلِّ ذَنبٍ حَلَلتُ بِهِ عَقدا شَدَدتَهُ ، أو حَرَمتُ بِهِ نَفسی خَيرا وَعَدتَنی بِهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [39.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ ارتَکَبتُهُ بِشُمولِ عافِيَتِکَ ، أو تَمَکَّنتُ مِنهُ بِفَضلِ نِعمَتِکَ ، أو قَوِيتُ عَلَيهِ بِسابِغِ رِزقِکَ ، أو خَيرٍ أَرَدتُ بِهِ وَجهَکَ ، فَخالَطَنی فيهِ وشارَکَ فِعلی ما لا يَخلُصُ لَکَ ، أو وَجَبَ عَلَیَّ ما أَرَدتُ بِهِ سِواکَ ، فَکَثيرٌ ما يَکونُ کَذلِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [40.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ دَعَتنِی الرُّخصَهُ فَحَلَّلتُهُ لِنَفسی ، وهُوَ فيما عِندَکَ مُحَرَّمٌ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [41.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ خَفِیَ عَن خَلقِکَ ، ولَم يَعزُب عَنکَ ، فَاستَقَلتُکَ مِنهُ فَأَقَلتَنی ، ثُمَّ عُدتُ فيهِ فَستَرتَهُ عَلَیَّ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [42.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ خَطَوتُ إلَيهِ بِرِجلی ، أو مَدَدتُ إلَيهِ يَدی ، أو تَأَمَّلَهُ بَصری ، أو أصغَيتُ إلَيهِ بِسَمعی ، أو نَطَقَ بِهِ لِسانی ، أو أنفَقتُ فيهِ ما رَزَقتَنی ، ثُمَّ استَرزَقتُکَ عَلی عِصيانی فَرَزَقتَنی ، ثُمَّ استَعَنتُ بِرِزقِکَ عَلی مَعصِيَتِکَ فَستَرتَ عَلَیَّ ، ثُمَّ سَأَلتُکَ الزِّيادَهَ فَلَم تُخَيِّبنی ، وجاهَرتُکَ فيهِ فَلَم تَفضَحنی ، فَلا أزالُ مُصِرّا عَلی مَعصِيَتِکَ ، ولا تَزالُ عائِدا عَلَیَّ بِحِلمِکَ ومَغفِرَتِکَ ، يا أکرَمَ الأکرَمينَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [43.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يوجِبُ عَلَیَّ صَغيرُهُ أليمَ عَذابِکَ ، ويُحِلُّ بی کَبيرُهُ شَديدَ عِقابِکَ ، وفی إتيانِهِ تَعجيلُ نَقِمَتِکَ ، وفِی الإصرارِ عَلَيهِ زَوالُ نِعمَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [44.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ لَم يَطَّلِع عَلَيهِ أحَدٌ سِواکَ ، ولا عَلِمَهُ أحَدٌ غَيرُکَ ، ولا يُنجينی مِنهُ إلّا حِلمُکَ ، ولا يَسَعُهُ إلّا عَفوُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [45.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يُزيلُ النِّعَمَ ، أو يُحِلُّ النِّقَمَ ، أو يُعَجِّلُ العَدَمَ ، أو يُکثِرُ النَّدَمَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [46.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ يَمحَقُ الحَسَناتِ ، ويُضاعِفُ السَّيِّئاتِ ، ويُعَجِّلُ النَّقِماتِ ، ويُغضِبُکَ يا رَبَّ السَّماواتِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [47.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أنتَ أحَقُّ بِمَعرِفَتِهِ إذ کُنتَ أولی بِسُترَتِهِ ، فَإِنَّکَ أهلُ التَّقوی وأهلُ المَغفِرَهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [48.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ تَجَهَّمتُ (19) فيهِ وَلِيّا مِن أولِيائِکَ ، مُساعَدَهً فيهِ لِأَعدائِکَ ، أو مَيلاً مَعَ أهلِ مَعصِيَتِکَ عَلی أهلِ طاعَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [49.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أَلبَسَنی کِبرَهً (20) ، وَانهماکی فيهِ ذِلَّهً ، أو آيَسَنی مِن وُجودِ رَحمَتِکَ ، أو قَصَّرَ بی اليَأسُ عَنِ الرُّجوعِ إلی طاعَتِکَ ، لِمَعرِفَتی بِعَظيمِ جُرمی وسوءِ ظَنّی بِنَفسی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی يا خَيرَ الغافِرينَ . [50.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أوردَنِی الهَلَکَهَ لَولا

رَحمَتُکَ ، وأحَلّنی دارَ البَوارِ لَولا تَغَمُّدُکَ ، وسَلَکَ بی سَبیلَ الغَیِّ لَولا رُشدُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [51.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أَلهانی عَمّا هَدَیتَنی إلَیهِ ، أو أَمَرتَنی بِهِ أو نَهَیتَنی عَنهُ ، أو دَلَلتَنی عَلَیهِ فیما فیهِ الحَظُّ لی لِبُلوغِ رِضاکَ ، وإیثارِ مَحَبَّتِکَ ، وَالقُربِ مِنکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [52.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یَرُدُّ عَنکَ دُعائی ، أو یَقطَعُ مِنکَ رَجائی ، أو یُطیلُ فی سَخَطِکَ عَنائی ، أو یُقَصِّرُ عِندَکَ أمَلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [53.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یُمیتُ القَلبَ ، ویُشعِلُ الکَربَ (21) ، ویُرضِی الشَّیطانَ ، ویُسخِطُ الرَّحمنَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [54.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یُعقِبُ الیَأسَ مِن رَحمَتِکَ ، وَالقُنوطَ مِن مَغفِرَتِکَ ، وَالحِرمانَ مِن سَعَهِ ما عِندَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [55.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ مَقَتُّ نَفسی عَلَیهِ إجلالاً لَکَ ، فَأظهَرتُ لَکَ التَّوبَهَ فَقَبِلتَ ، وسَأَلتُکَ العَفوَ فَعَفَوتَ ، ثُمَّ مالَ بِیَ الهَوی إلی مُعاوَدَتِهِ طَمَعا فی سَعَهِ رَحمَتِکَ وکَریمِ عَفوِکَ ، ناسِیا لِوَعیدِکَ ، راجِیا لِجَمیلِ وَعدِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [56.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یورِثُ سَوادَ الوُجوهِ ، یَومَ تَبیَضُّ وُجوهُ أولیائِکَ وتَسوَدُّ وُجوهُ أعدائِکَ ، إذ أقبَلَ «بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَلَوَمُونَ» (22) ، فَقیلَ لَهُم : «لَا تَخْتَصِمُواْ لَدَیَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَیْکُم بِالْوَعِیدِ» (23) فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [57.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یَدعو إلَی الکُفرِ ، ویُطیلُ الفِکرَ ، ویورِثَ الفَقرَ ، ویَجلِبُ العُسرَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [58.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یُدنِی الآجالَ ، ویَقطَعُ الآمالَ ، ویَبتُرُ الأعمارَ ، فُهتُ بِهِ أو صَمَتُّ عَنهُ ، حَیاءً مِنکَ عِندَ ذِکرِهِ ، أو أکَنَنتُهُ فی صَدری ، أو عَلِمتَهُ مِنّی ، فَإِنَّکَ تَعلَمُ السِّرَّ وأخفی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [59.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یَکونُ فِی اجتِراحِهِ قَطعُ الرِّزقِ ، ورَدُّ الدُّعاءِ ، وتَواتُرُ البَلاءِ ، ووُرودُ الهُمومِ ، وتَضاعُفُ الغُمومِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [60.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یُبَغِّضُنی إلی عِبادِکَ ، ویُنَفِّرُ عَنّی أولِیاءَکَ ، أو یوحِشُ مِنّی أهلَ طاعَتِکَ ، لِوَحشَهِ المَعاصی ، ورُکوبِ الحَوبِ (24) ، وکَآبَهِ الذُّنوبِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [61.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ دَلَّستُ بِهِ مِنّی ما أظهَرتَهُ ، أو کَشَفتُ عَنّی بِهِ ما سَتَرتَهُ ، أو قَبَّحتُ بِهِ مِنّی ما زَیَّنتَهُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [62.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ لا یُنالُ بِهِ عَهدُکَ ، ولا یُؤمَنُ مَعَهُ غَضَبُکَ ، ولا تَنزِلُ مَعَهُ رَحمَتُکَ ، ولا تَدومُ مَعَهُ نِعمَتُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [63.] اللّهُمَّ

وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ استَخفَیتُ لَهُ ضَوءَ النَّهارِ مِن عِبادِکَ ، وبارَزتُ بِهِ فی ظُلَمِهِ اللَّیلِ جُرأةً مِنّی عَلَیکَ ، عَلی أنّی أعلَمُ أنَّ السِّرَّ عِندَکَ عَلانِیَهٌ ، وأنَّ الخَفِیَّهَ عِندَکَ بارِزَهٌ ، وأنَّهُ لَن یَمنَعَنی مِنکَ مانِعٌ ، ولا یَنفَعُنی (25) عِندَکَ نافِعٌ ، مِن مالٍ وبَنینَ ، إلّا أن أتَیتُکَ بِقَلبٍ سَلیمٍ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [64.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یورِثُ النِّسیانَ لِذِکرِکَ ، ویُعقِبُ الغَفلَهَ عَن تَحذیرِکَ ، أو یُمادی فِی الأمنِ مِن مَکرِکَ ، أو یُطمِعُ فی طَلَبِ الرِّزقِ مِن عِندِ غَیرِکَ ، أو یُؤیِسُ مِن خَیرِ ما عِندَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [65.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ لَحِقَنی بِسَبَبِ عَتبی عَلَیکَ فِی احتِباسِ الرِّزقِ عَنّی ، وإعراضی عَنکَ ومَیلی إلی عِبادِکَ بِالاِستِکانَهِ (26) لَهُم وَالتَّضَرُّعِ إلَیهِم ، وقَد أسمَعتَنی قَولَکَ فی مُحکَمِ کِتابِکَ «فَمَا اسْتَکَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا یَتَضَرَّعُونَ» (27) ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [66.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ لَزِمَنی بِسَبَبِ کُربَهٍ استَعَنتُ عِندَها بِغَیرِکَ ، أو استَبدَدتُ بِأحَدٍ فیها دونَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [67.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ حَمَلَنی عَلَی الخَوفِ مِن غَیرِکَ ، أو دَعانی إلَی التَّواضُعِ لِأحَدٍ مِن خَلقِکَ ، أو اَستَمالَنی إلَیهِ الطَّمَعُ فیما عِندَهُ ، أو زَیَّنَ لی طاعَتَهُ فی مَعصِیَتِکَ استِجرارا لِما فی یَدِهِ ، وأنَا أعلَمُ بِحاجَتی إلَیکَ ، لا غِنی لی عَنکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [68.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ مَدَحتُهُ بِلِسانی ، أو هَشَّت إلَیهِ نَفسی ، أو حَسَّنتُهُ بِفَعالی ، أو حَنَنتُ عَلَیهِ بِمَقالی ، وهُوَ عِندَکَ قَبیحٌ تُعَذِّبُنی عَلَیهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [69.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ مَثَّلَتهُ فِیَّ نَفسِی استِقلالاً لَهُ ، وصَوَّرَت لِی استِصغارَهُ ، وهَوَّنَت عَلَیَّ الاِستِخفافَ بِهِ حَتّی أورَطَتنی (28) فیهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِرهُ لی یا خَیرَ الغافِرینَ . [70.] اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ جَری بِهِ عِلمُکَ ، فِیَّ وعَلَیَّ إلی آخِرِ عُمُری بِجَمیعِ ذُنوبی لِأوَّلِها وآخِرِها ، وعَمدِها وخَطَئِها ، وقَلیلِها وکَثیرِها ، ودَقیقِها وجَلیلِها ، وقَدیمِها وحَدیثِها ، وسِرِّها وعَلانِیَتِها ، وجَمیعِ ما أنَا مُذنِبُهُ ، وأتوبُ إلَیکَ ، وأسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَغفِرَ لی جَمیعَ ما أحصَیتَ مِن مَظالِمِ العِبادِ قِبَلی ، فَإنَّ لِعِبادِکَ عَلَیَّ حُقوقا أنَا مُرتَهَنٌ بِها ، تَغفِرُها لی کَیفَ شِئتَ وأنّی شِئتَ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (29)

.

1- .الثَّاقِبُ : المُضیء (تاج العروس : ج 1 ص 339 «ثقب») .
2- .اللُّبُّ : العقل (الصحاح : ج 1 ص 216 «لبب») .

3- .فی المصدر : «ذکیا» ، والتصویب من بحار الأنوار .
4- .المصباح للکفعمی : ص 92 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 325 ح 14 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 197 نحوه ولیس فیه ذیله من «أستغفر اللّه الذی» .
5- .ینآنی : یُبعِدنی (اُنظر : لسان العرب : ج 15 ص 300 «نأی») . وفی بحار الأنوار : «ینأی بی» .
6- .الغَیُّ : الضلال والانهماک فی الباطل (النهایه : ج 3 ص 397 «غوا») .
7- .النَّلْدُ والتُّلْدُ : ما وُلد عندک من مالک أو نُتج (لسان العرب : ج 3 ص 99 «تلد») . وفی بحار الأنوار : «یمحو البرکه» بدل «یمحق التلد» .
8- .«بتکرّم قسمی بک» أی بتنزّهی عن الذنب مقرونا بقسمی وحلفی بک ، یقال : تکرَّم عنه أی تنزَّه أو بإظهار الکرم والجود من الناس وتکلُّفهما بترک الذنب مقرونا بالقسم ، یقال : تکرَّم أی تکلَّف الکرم أو بتکلّف إظهار کرامه الاسم عنده حیث حلف به ، ولا یبعد أن یکون : «یتکرَّر» بالراءین (بحار الأنوار : ج 87 ص 336) .
9- .«مال إلیه» أی إلی الشیطان أو العصیان ، والأوّل أظهر . والخذلان أی خذلانک وسلبک التوفیق منی (بحار الأنوار : ج 87 ص 336) .
10- .فی بحار الأنوار : «جاهرت به» بدل «جاهرتک فیه» .
11- .ما ألوتُ جهدا ، أی لم أدع جهدا ، وما ألوتُ الشیء : ما ترکتهُ (تاج العروس : ج 19 ص 164 «ألو») .
12- .«ثوَّرک علیّ» أی هیَّجک وأغضبک ، ولعلّ الأظهر : تورَّک . قال الفیروزآبادی : «تورَّک بالمکان : أقام ، وعلی الأمر : قدر ، وورَّکه توریکا : أوجبه ، والذنب علیه : حمله» (بحار الأنوار : ج 87 ص 336) .
13- .البَطَرُ : الطغیان عند النعمه وطول الغِنی (النهایه : ج 1 ص 135 «بطر») .
14- .الأشرُ : البَطَرُ ، وقیل : أشدّ البطر (النهایه : ج 1 ص 51 «أشر») .
15- .هَشَّ لهذا الأمر : إذا فرح به واستبشر (النهایه : ج 5 ص 264 «هشش») .
16- .مالأت : ساعدت أو عاونت (اُنظر تاج العروس : ج 1 ص 253 «ملأ») .
17- .العَطَبُ : الهلاک (النهایه : ج 3 ص 256 «عطب») .
18- .نآنی : أبعدنی (اُنظر : لسان العرب : ج 15 ص 300 «نأی») .
19- .یتجهَّمُنی : أی یلقانی بالغلظه والوجه الکریه (النهایه : ج 1 ص 323 «جهم») .
20- .الکِبْرَهُ : کَالکِبْرِ ، التأنیث للمبالغه (لسان العرب : ج 5 ص 129 «کبر») .
21- .الکَرْبُ : الحُزنُ والغمّ الذی یأخذ بالنفس (تاج العروس : ج 2 ص 366 «کرب») .

22- .القلم : 30 .
23- .ق : 28 .
24- .الحَوبُ : الإثم وتُفتح الحاء وتُضمّ (النهايه : ج 1 ص 455 «حوب») .
25- .فى المصدر : «يسعنى» ، وما فى المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
26- .استكانَ : خَضَعَ وذلّ (تاج العروس : ج 18 ص 289 «سكن») .
27- .المؤمنون : 76 .
28- .وَرَطَ : إذا وقع فى بليّه يعسر المخرج منها (النهايه : ج 5 ص 174 «ورط») .
29- .البلد الأمين : ص 38 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 326 ح 16 .

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در سحرگاه هر شب ، پس از نماز صبح : بار خدایا ! برای آنچه از آن توبه کردم ، امّا دگر باره انجامش دادم، از تو آمرزش می خواهم. برای آنچه قصدم از آن ، رضایت تو بود ؛ امّا غیر تو با آن آمیخته شد ، از تو آمرزش می خواهم. برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی ؛ امّا از آن ، در معاصی تو کمک گرفتم . از تو آمرزش می خواهم ، از خدایی که معبودی نیست ، جز او زنده جاویدان و دانای نهان و آشکار و مهرگسترِ مهربان، برای هر گناهی که انجام دادم و برای هر نافرمانی ای که مرتکب شدم ، آمرزش می خواهم. بار خدایا ! مرا خِردی کامل و تصمیمی روشن و اندیشه ای وزین و دلی پاک و دانشی بسیار و ادبی سرآمد ، روزی فرما، و این همه را به سود من قرار ده و بر زیانم مدار، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان.

البلد الأمین امام علی علیه السلام در سحرگاهان هر شب، پس از نماز صبح، هفتاد بار ، آمرزش می طلبید : [1 .] بار خدایا ! تو را ثنا می گویم ، با آن ثنایی که به کمک خود تو ، بدان دست یافته ام و در پیشگاه تو ، علیه خود اعتراف می کنم به چیزی که تو ، سزاوار آن هستی و مستوجب آنی ، به اندازه نیّت تباه و یقین ضعیفم. بار خدایا ! چه نیکو معبودی هستی تو ! چه نیکو سَروَری هستی تو ، و چه بدْ غلامی هستم من ! چه نیکو سروری هستی تو ، و چه بد بنده ای هستم من ! چه نیکو مالکی هستی تو . و چه بدْ مملوکی هستم من؛ زیرا، چه بسیار گناهانی که کردم و تو ، گناهانم را بخشیدی، و چه بسیار جرم ها که کردم و تو از جرمم در گذشتی، و چه بسیار اشتباهاتی که از من ، سرزد و تو ، مؤاخذه ام نکردی، و چه بسیار نافرمانی ها که به عمد ، مرتکب شدم و تو ، از من گذشت کردی، و چه بسیار لغزش ها که داشتم و تو ، از لغزش هایم چشم پوشیدی و غافلگیرم نساختی ! پس، این منم که بر خویشتن ، ستم کردم . به گناه خویش ، اقرار دارم و به خطاهای خود ، معترفم. اینک ای آمرزنده گناهان ، برای گناهانم از تو آمرزش می طلبم و برای لغزش هایم ، از تو پوزش می خواهم . پس، نیکو اجابتم فرما که تو ، اهل اجابت کردن و شایسته پرهیزگاری و اهل آمرزشی. [2 .] بار خدایا ! من ، از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که بدنم، در سایه عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت، یا توانایی ام به لطف نعمت تو، به آن رسید، یا دستم را به سبب گشایش روزی تو، به سوی آن دراز کردم، یا بر اثر پرده پوشی تو، مردم ، از آن گناه من ، آگاه نشدند، یا آن گاه که از آن ترسیدم ، بر شکیبایی تو تکیه کردم، و بردباری

تو ، به من اطمینان داد که برای آن گناه ، بر من یورش نمی آوری و به عفو کریمانه تو ، پشت گرم بودم . پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و این گناهانم را بر من ، بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [3 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که باعث خشم تو شود، یا به ناخشنودی تو نزدیک سازد، یا مرا به آنچه از آن نهی ام کردی ، متمایل گرداند، یا مرا از آنچه بدان فرایم خوانده ای ، دور کند. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [4 .] بار خدایا ! و از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با اغواگری خود ، فردی از آفریدگانت را به آن کشاندم، یا با حیله گری خود ، او را فریفتم و از آن گناه ، چیزهایی را هم که او نمی دانست ، به او یاد دادم، یا چیزهایی را که در باره آن می دانست ، چشمانش را بر آنها بستم، و فردا[ی قیامت] با بار گناهان خودم و دیگران ، به دیدار تو بیایم. پس، بر محمّد و خاندان او درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز ، ای بهترین آمرزندگان ! [5 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که به گم راهی کشانَد و از راه راست ، به در بَرَد و روزی را بکاهد و برکت از مال و دام ببرد و گم نامی آورد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [6 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که شب و روز ، اعضای بدنم را در آن ، خسته کردم و خود را با پوشش خویش ، از بندگان تو پوشاندم، و در حقیقت ، این پوشش [و ستّاریت]تو بود که مرا پوشانْد [و در میان مردم ، رسوایم نساخت]. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و چنین گناهی را بر من بیامرز، ای بهترینِ آفرینندگان ! [7 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که دشمنانم در آن ، به کمین من نشستند تا رسوایم کنند ؛ ولی تو نیرنگ آنان را از من ، دور ساختی و بر رسوا نمودنم ، کمکشان نکردی ، [چنان که] گویی من ، دوست تو هستم و یاری ام کردی. تا کی ای پروردگار ، من تو را نافرمانی کنم و تو مهلتم دهی. بارها تو را نافرمانی کردم و تو ، مرا مؤاخذه نکردی و با همه بدکرداری ام از تو خواستم و تو ، عطایم کردی. پس، کدام شکر است که از عهده نعمتی از نعمت های تو به من بر آید؟ ! پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و چنین گناهانی را بر من بیامرز ، ای بهترین آمرزندگان ! [8 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که از آن ، به درگاه تو توبه آوردم و سوگند خوردم که از آن ، دوری کنم و دوستان از بندگان تو را هم در این باره ، گواه گرفتم که دیگر ، از تو نافرمانی نخواهم کرد ؛ امّا چون شیطان ، با نیرنگ خویش به سراغ من آمد و بی توفیقی هم مرا به سوی او متمایل ساخت و نفسم به نافرمانی فرایم خواند، در پس پرده به گناه پرداختم که از بندگانت شرم کردم ؛ لیکن بر تو

گستاخی نمودَم، در حالی که می دانم هیچ پرده ای و هیچ دری ، مرا از تو نمی پوشانَد، و هیچ حجابی نمی تواند مانع دیدن من به وسیله تو شود؛ لیکن من از تو نافرمانی کردم و به آنچه مرا از آن نهی کرده بودی ، روی آوردم، و با این حال، آن گاه که پرده را از من کنار زدی ، خودم را با دوستانت برابر دیدم ، چنان که گویی همواره فرمان بُردار تو بوده ام و پیوسته ، در انجام دادن فرمان تو می شتافته ام و از تهدیدات تو ، بیمناک بوده ام. از این رو، بر بندگانت پوشیده ماندم و غیر از تو ، کسی سیرت مرا نمی شناسد؛ زیرا مرا با نشانی غیر از نشان آنان ، نشاندار نساختی [و نشان نافرمانی و گنهکاری بر من ننهادی که در نتیجه ، از بقیه متمایز شوم] ؛ بلکه مرا نیز همچون آنان ، غرق در نعمت ها ساختی، و حتّی در این باره ، بر آنان برتری ام دادی . گویی من در نزد تو ، هم درجه ایشانم. و این نیست ، جز بر اثر بردباری تو و به لطف بنده نوازی ات. پس، تو را ستایش ، ای سرور من ! از تو درخواست می کنم ای خدا تا همچنان که در دنیا بر من پرده پوشی کردی ، در قیامت نیز رسوایم نگردانی، ای مهربان ترینِ مهربانان ! [9 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که شبِ خویش را با حوصله بیدار ماندم تا آن گناه را انجام دهم و بدان ، دست زنم، و چون صبح کردم ، در جامه خوبان ، به سوی تو آمدم، در حالی که خلاف رضایت تو را در دل می پروراندم، ای پروردگار جهانیان ! پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و چنین گناه مرا بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [10 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که به سبب آن ، بر دوستی از دوستانت ستم کردم، یا به دشمنی از دشمنانت یاری رساندم، یا در آن به غیرِ دوستی تو سخن گفتم، یا به غیر طاعت تو پرداختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و این گناه مرا بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [11 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که مرا از آن ، نهی کردی و من در آن ، از تو سرپیچی کردم، یا مرا از آن بر حذر داشتی و من به آن پرداختم، یا آن را در نظرم زشت داشتی ؛ لیکن من ، آن را برای خود ، زیبا جلوه دادم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و این گناه را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [12 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که من ، آن را فراموش کرده ام و تو ، شماره اش کرده ای و من ، آن را کوچک شمردم و تو ، یادداشتش کردی و من ، در آن با تو پرده دری کردم و تو ، پرده پوشی کردی و اگر از آن به درگاه تو توبه آورده بودم ، بی گمان ، آن را می آمرزیدی . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان ! [13 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که انتظار داشتم [حتّی] پیش از به پایان رسیدنش، کیفردهی، امّا تو مهلتم دادی و بر من ، پرده پوشی کردی و من ، در پرده

دری ، از هیچ کوششی مضایقه نکردم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [14 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که رحمت تو را از من ، باز می دارد، یا خشم تو را بر من ، فرود می آورد، یا مرا از کرامت تو ، محروم می سازد، یا نعمتت را از من ، زایل می گرداند . پس، بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [15 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که نیستی بر جای نهد، یا بلا فرود آورد، یا دشمنان را شاد سازد، یا پرده را کنار زند، یا بارشِ آسمان را بند آورد . پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [16 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که مخلوقی از مخلوقاتت را برای آن ، سرزنش کرده ام، یا سر زدن آن را از یکی از آفریدگانت ، زشت شمرده ام، و با این حال من، از روی دلیری بر نافرمانی تو، گستاخانه ، بر آن اقدام کردم و مرتکبش شدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [17 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که از آن به درگاه تو ، توبه آوردم ؛ گناهی که بر انجام دادن آن ، دلیر شده بودم و با این که از تو شرم داشتم ، به آن کار پرداختم و در عین آن که از تو بیم داشتم ، مشغول آن گناه شدم . سپس در باره آن از تو پوزش خواستم ؛ لیکن دوباره به آن روی آوردم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان! [18 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که تو را بر من برانگیخت، و برای هر وظیفه ای که به سبب پیمانی که با تو بستم، یا قراری که با تو نهادم، یا پیمانی که به خاطر تو با یکی از مخلوقاتت بر عهده گرفتم ، بر من واجب آمد ؛ امّا بی هیچ ضرورتی، بلکه به دلخواه ، آن را نقض کردم و سرمستی ، مرا از پایبندی به آن ، لغزاند و سرخوشی [از نعمت] ، مرا از ایستادن بر سرِ آن ، به زیر کشاند. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [19 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که به سبب نعمتی که به من ارزانی داشتی ، دچارش شدم و به برکت آن نعمت ، بر نافرمانی تو ، توانا گشتم و بر اثر آن ، از فرمان تو سر پیچیدم و به واسطه آن ، گرفتار تهدید تو (کیفر و عذاب) شدم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [20 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که در آن ، هوس خویش را بر طاعت تو ، مقدّم داشتم و دلخواه خود را بر فرمان تو ، برگزیدم و با به خشم آوردن تو ، خویشتن را خشنود ساختم؛ زیرا تو با نهی خود ، مرا از آن [گناه] ترساندی و پیشاپیش ، برای من عذر آوردی و با

تهدید [به عذاب و مجازات] خود ، حجّتت را بر من تمام کردی . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [21 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که از خویش می دانم، فراموشش کرده باشم یا به یادش داشته باشم، به عمد انجامش داده باشم یا به خطا، و شک ندارم که تو ، در باره آن ، از من بازخواست خواهی کرد و به سبب آن ، جانم گروگان توست، اگر چه من ، آن را از یاد برده و از آن ، غافل شده باشم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز، ای بهترینِ آمرزندگان ! [22 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در برابر تو انجامش دادم و یقین داشتم که تو ، مرا با آن می بینی، امّا غفلت کردم که از آن ، به درگاه تو توبه کنم و فراموش کردم که برایش ، از تو آمرزش بخواهم . پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [23 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که وارد آن شدم ، زیرا به تو گمان نیک داشتم که برای آن ، عذابم نمی کنی و به آمرزش آن ، به تو امیدوار بودم . از این رو ، به آن اقدام کردم و به شناختم از بزرگواری تو ، تکیه کردم که چون آن را بر من پوشانده ای ، دیگر رسوایم نمی کنی. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [24 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن ، از جانب تو مستوجب ردّ دعا و محرومیت از اجابت و قطع آرزو و گسیختن رشته امید گشتم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [25 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی می آورد و روزی را بند می آورد و دعا را رد می کند . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [26 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که بیماری ها و مرگ را بر جای می گذارد و موجب کیفرها و بلا می شود و در قیامت ، مایه افسوس و پشیمانی است. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [27 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با زبانم آن را ستوده ام یا آن را در دل ، پرورده ام یا جانم به آن ، شادمان گشته است یا آن را در کردارم آورده ام، یا با دستم نوشته ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [28 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در شب یا روز ، با آن تنها شدم و در زمانی که تو پرده ها را بر روی من ، فرو افکندی ، آن سان که مرا ، جز تو کسی نمی دید ، ای جبّار ! پس، نفسم در انجام دادن آن ، دچار دودلی شد و

ماندم که از بیم تو ، آن را واگذارم یا بر اثر خوش گمانی ام به تو، انجامش دهم . نفسم مرا به انجام دادن آن ، وسوسه کرد و من هم انجامش دادم ، در حالی که می دانستم با آن کار ، تو را نافرمانی کرده ام. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [29 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم ، برای هر آن گناهی که آن را اندک شمردم یا بسیار، بزرگ دانستم یا کوچک، یا نادانی ام مرا گرفتار آن کرد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [30 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن ، ضدّ فردی از مخلوقاتت ، کمک کردم یا به سبب آن ، به یکی از آفریدگانت بدی نمودم یا نفسم آن را در نظرم زیبا نمود، یا آن را به دیگری توصیه کردم یا دیگری را به آن ، راه نمایی کردم، یا آگاهانه بر آن ، پای فشردم، یا ندانسته بر آن ، اصرار ورزیدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [31 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن ، به امانتم خیانت ورزیدم یا با انجام دادن آن ، خودم را حقیر ساختم یا با آن ، بر بدنم تعدّی کردم یا در آن ، هوس هایم را برگزیدم یا لذّت هایم را مقدّم داشتم یا در آن ، برای غیر خودم کوشیدم یا پیروانم را به آن ، اغوا کردم، یا علی رغم کسی که مرا منع کرد ، بیشتر آن را انجام دادم، یا کسی را که با من ستیزه کرد ، بر آن مجبور ساختم یا با حیله ام ، بر آن چیره آمدم یا گرایشم ، مرا به جانب آن لغزاند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [32 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با حیله ای که به خشم تو نزدیک می گرداند ، بر انجام دادن آن کمک گرفتم، یا با رسیدن به آن ، بر اهل طاعت تو چیرگی یافتم یا به سبب آن ، کسی را به نافرمانی تو متمایل ساختم یا در آن ، با بندگان تو دورویی نمودم یا با کردار خود ، آنان را اغفال کردم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و آن را بر من بیامرز ای بهترین آمرزندگان. [35 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب خودپسندی من ، یا ریاکاری یا شهرت طلبی یا تکبّر یا سرخوشی یا کینه توزی یا شنگولی یا سرمستی یا گستاخی یا ننگ داشتن [بی جا]تعصّب [بی جا] یا خوش حالی یا ناراحتی یا گشاده دستی [بی جا] یا بخل یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یا سخن چینی یا سرگرمی یا بازی یا هر نوع دیگری که باعث کسب گناه می شود و در ارتکاب آن ، هلاکت است ، برایم نوشتی . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [34 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که پیش تر در علم تو گذشته بود که من ، با قدرت تو که به سبب آن بر هر چیزی توانایی، آن را انجام خواهم داد. پس بر

محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [35 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن ، از غیر تو ترسیدم یا با دوستان تو دشمنی ورزیدم یا با دشمنان تو دوستی نمودم یا در آن ، دوستانت را تنها گذاشتم، یا خود را در معرض چیزی از خشم تو قرار دادم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آمرزندگان ! [36 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم ، برای هر آن گناهی که از آن ، به درگاهت توبه کردم . سپس به آن ، باز گشتم و پیمانی را که میان من و تو بود، گستاخانه شکستم ، چون کَرَم و عفو تو را می شناختم . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [37 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به عذاب تو ، نزدیک کرد یا از پاداش تو ، دور ساخت یا رحمتت را از من ، باز داشت یا نعمتت را بر من ، مکدّر ساخت. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [38 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با آن ، گِرِهی [و قراری] را که بسته بودم ، باز کردم، یا خودم را از خیری که وعده اَش را به من داده بودی ، محروم ساختم . پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [39 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب برخورداری از عافیت تو، آن را مرتکب شدم، یا به لطف نعمت تو ، بر آن توانا گشتم یا در سایه روزی فراوان تو، از پسِ آن برآمدم، و [آمرزش می خواهم]برای هر کار نیکی که قصدم از آن ، رضای تو بود ، امّا ناخالصی به نیّت و کردارم راه یافت یا ناچار شدم به نیّت غیر تو ، کاری کنم که بسیاری اوقات ، چنین می شود . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [40 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که رخصت ، مرا بدان فرا خواند و آن را برای خودم ، روا شمردم، در حالی که [در واقع] نزد تو حرام بوده است . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [41 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که از خلق تو پنهان است ، ولی از نظر تو دور نمانده و من ، برایش از تو پوزش خواستم و تو ، مرا بخشیدی . پس بدان بازگشتم و تو ، باز آن را بر من پوشاندی . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [42 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که گامم را به سوی آن برداشتم یا دستم را به سوی آن ، دراز کردم یا چشمم به آن نگریست یا با گوشم به آن ، گوش دادم یا زبانم به آن ، گویا شد یا آنچه را تو روزی من کرده بودی ، در راه آن ، خرج کردم . سپس از

تو ، روزی خواستم و تو، با وجود نافرمانی ام، روزی ام دادی و من ، باز از روزی تو در نافرمانی تو ، کمک گرفتم و تو بر من ، پرده پوشی کردی. سپس از تو [روزیِ] بیشتر خواستم و تو ، محرومم نکردی و آن گناه را در برابر تو ، انجام دادم و تو ، رسوایم نساختی و من ، پیوسته بر نافرمانی تو ، پای می فشارم و تو ، پیوسته ، بردباری و آمرزشت را شامل حال من می کنی، ای کریم ترینِ کریمان! پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیآمرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [43 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که کوچک آن ، مرا مستوجب عذاب دردناک تو می کند و بزرگش ، عذاب سخت تو را بر من ، روا می سازد و به جا آوردنش ، کیفر تو را شتاب می بخشد و ادامه دادن به آن ، نعمت ها را به زوال می آورد . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [44 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که تنها ، تو شاهد آن بوده ای و تنها تو ، آن را می دانی و تنها بردباری تو ، مرا از آن می رهانَد و فقط عفو تو ، آن را در بر می گیرد . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [45 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که نعمت ها را می برَد، یا کیفرها[ی الهی] را می آورد، یا به نابودی و مرگ ، شتاب می بخشد، یا پشیمانی می افزاید. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [46 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که کارهای نیک را از بین می برد و کارهای بد را دو چندان می کند و به کیفرها شتاب می بخشد و تو را ای صاحب آسمان ها در خشم می کند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان . [47 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که تو به دانستن آن ، سزاوارتری ، چون به پوشاندن آن ، سزاوارتر بوده ای، که تو اهل پروا و اهل آمرزشی. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [48 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در آن ، با دوستی از دوستانت ، چهره درهم کشیدم، تا به دشمنان تو ، کمک کرده باشم ، یا با اهل نافرمانی تو ، در برابر فرمان بُرداران از تو ، همراهی کرده باشم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان! [49 .] بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که جامه تکبّر بر من پوشاند و غرق شدنم در آن ، مرا به خواری کشاند یا از وجود رحمت تو ، نومیدم ساخت یا چنان نومید شدم که از بازگشت به فرمان تو ، دست شستم، که می دانستم جرمم بسی بزرگ است و به خود ، گمان بد داشتم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود

فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [50 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که اگر نبود رحمت تو، مرا به هلاکت در افکنده بود و اگر لطف تو نبود ، مرا به سرای نابودی درآورده بود و اگر راهنمایی تو نبود ، مرا به کج راهه و گم راهی برده بود. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [51 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به خود ، وا داشت از آنچه بدان، راه نمایی ام کردی یا به آن ، فرمانم دادی یا از آن ، نهی فرمودی یا به آن ، دلالتم کردی و موجب می شد به خشنودی تو دست یابم و محبّت تو را برگزینم و به تو نزدیک شوم، باز داشت . پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [52 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که دعای مرا از درگاه تو ، پس می زند و امیدم را از تو ، قطع می کند یا رنج و عذاب ناشی از خشم تو را در من ، به درازا می کشاند یا آرزوی مرا به تو ، کوتاه می سازد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان. [53 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم ، برای هر آن گناهی که دل را می میرانَد و اندوه را بر می افروزد و شیطان را خشنود می سازد و خدای مهربان را ناخشنود می گرداند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [54 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که یأس از رحمت تو و نومیدی از آمرزشت و محرومیت از پاداش ها و نعمت های بی کرانی را که نزد توست ، در پی دارد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [55 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به احترام تو، نفسم را از آن متنفّر ساختم و در پیشگاهت ، اظهار توبه کردم و تو پذیرفتی، و از تو بخشش خواستم و تو هم بخشیدی، امّا سپس، هوسم مرا به سوی تکرار آن کشانْد ، از آن رو که به رحمتِ عالمگیر و عفو کریمانه تو ، طمع بستم و تهدیدات تو را فراموش کردم و به وعده های خوش تو ، امیدوار بودم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترین آمرزندگان ! [56 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که روسیاهی می آورد در آن روزی که دوستانت ، روسفید می شوند و دشمنانت ، سیه روی، آن گاه که: «بعضی شان ، رو به بعضی دیگر آورند و یکدیگر را به نکوهش می گیرند» و به آنها گفته شود که: «در پیشگاه من ، با یکدیگر ستیزه گری مکنید، که از پیش ، به شما هشدار داده بودم» . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [57 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به کفر می خواند و فکر [و

خیالات] را به درازا می کشاند و فقر بر جای می گذارد و سختی می آورد. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [58 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که اَجَل را نزدیک، امید را قطع و عمر را کوتاه می کند، خواه آن را به زبان آورده باشم یا به خاطر شرم از تو، از ذکر آن ، خودداری ورزیده باشم، یا در سینه ام نهفته اش داشته باشم و یا تو ، آن را می دانی؛ چرا که تو ، هر چیز نهان و نهان تر را می دانی. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [59 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در ارتکاب آن ، قطع شدن روزی و رد شدن دعا و پیاپی آمدن بلا و هجوم آوردن اندوه ها و چند برابر شدن غم هاست . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [60 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا نزد بندگانت ، منفور می سازد و دوستانت را از من ، می رمانَد یا اهل طاعتت را از من ، می گریزاند ؛ زیرا از نافرمانی ها و بدکرداری، و افسردگی [ناشی از] گناهان گریزان اند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [61 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب آن ، آنچه را تو از من آشکار ساخته بودی ، پوشاندم، یا آنچه را تو از من پوشانده بودی ، به سبب آن ، آشکار ساختم، یا آنچه را تو در من زیبا ساخته بودی ، من با [ارتکاب] آن گناه ، زشتش ساختم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [62 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با وجود آن ، به عهد [با] تو وفا نمی شود و از خشم تو ، ایمنی نیست و رحمت تو ، فرود نمی آید و نعمتت ، پایدار نمی ماند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [63 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که در روشنایی روز ، انجامش ندادم تا از بندگانت بپوشانم و در تاریکی شب ، به جایش آوردم و این ، گستاخی ای بود از جانب من به تو، با آن که می دانم نهان ، در نزد تو آشکار است و پنهان ، در نزد تو پیداست و هیچ چیزی نمی تواند مانع من از تو شود و هیچ چیز، از مال و فرزند، در پیشگاه تو به کار من نمی آید، جز دل پاک و سالمی که به نزد تو آورم . پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [64 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که فراموشیِ یاد تو را به بار می آورد و غفلت از هشدار تو را در پی دارد یا [شخص را] دچار احساس ایمنی از عذاب تو می گردانَد، یا امید به طلب روزی از نزد غیر تو را ایجاد می کند یا از خیری که نزد توست ، نومید می

سازد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [65 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب اعتراضم به تو ، در بازداشتن روزی از من و روی گردانی ام از تو و روی آوردن به بندگانت و خواری و زاری نمودن در برابر آنها [برای به دست آوردن روزی بیشتر]، گریبانگیرم شد، در حالی که تو ، گفته ات را در کتاب استواری به گوش من رساندی که: «نسبت به پروردگارشان ، خواری نکردند و به زاری در نیامدند» . پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [66 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به سبب کمک گرفتن از غیر تو ، در گرفتاری ها یا مدد جُستن از جز تو در آنها، مرتکب شدم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [67 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که مرا به ترس از غیر تو ، وا داشت یا به فروتنی در برابر مخلوقی از مخلوقاتت خواند یا طمع به داشته های او ، مرا به جانب او کشاند یا برای بیرون کشیدن آنچه در دست اوست، فرمانبَری از او را، با آن که نافرمانی تو بود، در نظرم نیکو نمود، در حالی که می دانم من ، به تو محتاجم و هرگز از تو ، بی نیاز نیستم. پس، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [68 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به زبانم ، آن را ستودم یا جانم به آن ، شاد شد یا با کردارم ، آن را تحسین کردم یا با گفتارم ، به آن ترغیب نمودم، در حالی که آن گناه ، نزد تو زشت است و مرا بر آن ، عذاب می کنی. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [69 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که نفسم ، آن را در نظرم اندک آورد و برایم کوچک جلوه داد و سبُک شمردن آن را بر من ، آسان نمود تا آن که مرا در ورطه آن افکند. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و آن را بر من بیامرز ، ای بهترینِ آمرزندگان ! [70 .] بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که علم تو ، آن را در من و بر من تا آخر عمرم جاری ساخت، برای همه گناهانم، از اوّل تا به آخرِ آنها، عمد و غیر عمدش، اندک و بسیارش، ریز و درشتش، قدیم و جدیدش، پنهان و آشکارش، و برای همه گناهانی که من ، مرتکب آنها شدم [از تو آمرزش می خواهم] و به درگاهت توبه می کنم، و از تو مسئلت دارم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و همه حقّ و حقوقی را که بندگان بر گردن من دارند و تو آنها را بر شمردی ، بر من بیامرزی؛ زیرا بندگانت را بر من ، حقوقی است که [به جا نیاوردم و ادا ننمودم و] گروگان آنها هستم . همه

اینها را بر من بیامرز ، هر گونه که خود می خواهی و هر زمان که می خواهی، ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

ص: 250

. .

ص: 251

. .

ص: 252

. .

ص: 253

. .

ص: 254

. .

ص: 255

. .

ص: 256

. .

ص: 257

. .

ص: 258

. .

ص: 259

. .

ص: 260

. .

ص: 261

..

ص: 262

..

ص: 263

. .

ص: 264

..

ص: 265

..

ص: 266

..

ص: 267

..

ص: 268

..

ص: 269

. .

ص: 270

. .

ص: 271

..

ص: 272

. .

ص: 273

. .

ص: 274

. .

ص: 275

. .

ج مِن استِغفارِهِ فی قُنوتِ الوَترِبحار الأنوار عن مصباح الکفعمی والبلد الأمین والاختیار لابن باقی :یُستَحَبُّ أن یَقولَ فی قُنوتِ الوَترِ ما کانَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام یَقولُ فِی الاِستِغفارِ : اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ المُحکَمِ المُنزَلِ عَلی نَبِیِّکَ المُرسَلِ ، وقَولُکَ الحَقُّ : «کَانُواْ قَلِیلاً مِّنَ الَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ * وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» (1) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «ثُمَّ أَفِیضُواْ مِنْ حَیْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ» (2) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «الصَّبِرِینَ وَالصَّدِقِینَ وَالْقَنِتِینَ وَالْمُنفِقِینَ وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحَارِ» (3) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَالَّذِینَ إِذَا فَعَلُواْ فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَکَرُواْ اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ یُصِرُّواْ عَلَی مَا فَعَلُواْ وَهُمْ یَعْلَمُونَ» (4) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ» (5) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِیمًا» (6) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَمَن یَعْمَلْ سُوءًا أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِیمًا» (7) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «أَفَلَا یَتُوبُونَ إِلَی اللَّهِ وَیَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ» (8) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَمَا کَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» (9) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِینَ مَرَّةً فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (10) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَمَا کَانَ لِلنَّبِیِّ وَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ أَن یَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِکِینَ وَلَوْ کَانُواْ أُوْلِی قُرْبَی مِن بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَبُ الْجَحِیمِ» (11) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ مَا کَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَ هِیمَ لِأَبِیهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِیَّاهُ» (12) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ أَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُم مَّتَعًا حَسَنًا إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی وَ یُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ» (13) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُّجِیبٌ» (14) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ إِنَّ رَبِّی رَحِیمٌ وَدُودٌ» (15) وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُم

مِّدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ» (16) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ اسْتَغْفِرِى لِذَنبِکِ إِنَّکِ کُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (17) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «يَأَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَطِئِينَ» (18) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (19) وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ مَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُواْ إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَ يَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ» (20) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «سَلَمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّى إِنَّهُ كَانَ بِى حَفِيًّا» (21) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «فَأَذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (22) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَاتَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (23) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ» (24) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ» (25) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِىِّ وَ الْإِبْكَارِ» (26) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «فَاسْتَقِيمُواْ إِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ» (27) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَالْمَلَئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (28) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» (29) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَ لُنَا وَ أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا» (30) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «حَتَّى تُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَا قَوْلَ إِبْرَ هِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَىْ ءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (31) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (32) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُم مُّسْتَكْبِرُونَ» (33) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (34) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (35) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَیتَ : «وَ مَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ

أعْظَمَ أجْرًا وَ اسْتَغْفِرُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِيمً» (36) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . وقُلتَ تَبارَکتَ وتَعالَيتَ : «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابَا» (37) ، وأنَا أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . (38)

.

1- .الذاريات : 17 و 18 .
2- .البقره : 199 .
3- .آل عمران : 17 .
4- .آل عمران : 135 .
5- .آل عمران : 159 .
6- .النساء : 64 .
7- .النساء : 110 .
8- .المائده : 74 .
9- .الأنفال : 33 .
10- .التوبه : 80 .
11- .التوبه : 113 .
12- .التوبه : 114 .
13- .هود : 3 .
14- .هود : 61 .
15- .هود : 90 .
16- .هود : 52 .
17- .يوسف : 29 .
18- .يوسف : 97 .
19- .يوسف : 98 .
20- .الكهف : 55 .
21- .مريم : 47 .
22- .النور : 62 .
23- .النمل : 46 .
24- .ص : 24 .
25- .غافر : 7 .
26- .غافر : 55 .
27- .فصّلت : 6 .
28- .الشورى : 5 .
29- .محمّد : 19 .

30- .الفتح : 11 .
31- .الممتحنه : 4 .
32- .الممتحنه : 12 .
33- .المنافقون : 5 .
34- .المنافقون : 6 .
35- .نوح : 10 .
36- .المزّمّل : 20 .
37- .النصر : 3 .
38- .بحار الأنوار : ج 87 ص 282 ح 75 ، البلد الأمين : ص 36 ، المصباح للكفعمى : ص 87 وفيهما «يستحبّ أن يستغفر اللّه تعالى فى سحر كلّ ليله ، ثمّ قل ما كان أمير المؤمنين علىّ عليه السلام يقوله فى الاستغفار» .

ج از آمرزش خواهی های ایشان در قنوت نماز وَتْر

ج از آمرزش خواهی های ایشان در قنوت نماز وَتْربحار الأنوار به نقل از المصباح کفعمی و بلد الأمین و الإختیار ابن باقی : مستحبّ است در قنوت نماز وَتْر ، آن چیزی گفته شود که امیر مؤمنان ، در طلب آمرزش می گفت: «بار خدایا! تو در کتاب استوار خود که بر پیامبر مُرسلت فرو فرستاده شده است ، گفته ای، و گفته تو درست است که: «اندکی از شب را می خوابند و در سحرگاهان ، آمرزش می خواهند» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می آورم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «سپس از آن جا که مردم می کوچند، بکوچید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزگاری مهربان است» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «شکیبایان و راستگویان و فرمان بُرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهانِ در سحرگاهان» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و آنان که هرگاه کار زشتی (فحشا) کنند یا به خویشتن ستم ورزند ، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان ، آمرزش بخواهند و جز خدا ، کیست که گناهان را بیامرزد. و بر آنچه انجام دادند ، دانسته پای نفشردند» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای، ای بلندمرتبه متعالی، که: «از آنان ، درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها ، با ایشان ، رایزنی کن و چون تصمیم گرفتی ، بر خدا توکّل نما که خداوند ، توکّل کنندگان را دوست می دارد» و من از تو، آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «اگر آن گاه که به خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا ، آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برایشان آمرزش می طلبید ، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» و من از تو ، آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و هر کس بدی کند یا به خود ستم نماید ، سپس از خدا آمرزش خواهد ، خدا را آمرزگاری مهربان می یابد» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «چرا به درگاه خدا ، توبه نمی کنند و از وی ، آمرزش نمی خواهند ، در حالی که خدا ، آمرزنده مهربان است؟...» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و تا آنان ، آمرزش می

طلبند، خدا ، عذاب کننده ایشان ، نخواهد بود» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برای آنان ، آمرزش خواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [فرقی نمی کند] . اگر هفتاد بار هم آمرزش بخواهی ، خدا ، هرگز ایشان را نمی آمرزد» ، و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند ، سزاوار نیست برای مشرکان پس از آن که برایشان آشکار گردید که آنان ، اهل دوزخ اند ، آمرزش خواهند، هر چند خویشاوند [آنان]باشند» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش ، جز برای وعده ای که به او داده بود، نبود» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید . سپس به سوی او توبه برید تا این که شما را با بهره مندی نیکویی تا سر رسیدی معیّن ، بهره مند سازد و به هر شایسته نعمتی ، از کَرَم خود ، عطا کند» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلند مرتبه متعالی که: «او شما را از زمین ، پدید آورد و شما را در آن ، استقرار داد . پس ، از او آمرزش خواهید . سپس به سوی او توبه برید که پروردگار من ، نزدیک و اجابت کننده است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آمرزش خواهید . سپس به سوی او توبه برید که پروردگار من ، مهربان و صمیمی است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان ، آمرزش بخواهید . سپس به سوی او توبه برید تا از آسمان ، بر شما بارانِ فراوان فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید ، و تبهکارانه ، روی بر مگردانید» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برای گناهت آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بودی» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و [از زبان فرزندان یعقوب] گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پدرجان! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم...» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «به زودی ، برای شما از پروردگارم آمرزش می خواهم که او آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و چیزی مانع مردم نشد از این که وقتی هدایت به سویشان آمد ، ایمان بیاورند و از پروردگارشان ، آمرزش بخواهند» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای، ای بلندمرتبه

متعالی که: «درود بر تو باد! به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم که او همواره با من ، پُرمهر بوده است» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس، به هر که از ایشان خواهی ، اجازه بده و برایش از خدا ، آمرزش بخواه که خدا ، آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «ای مردم من! چرا پیش از [جُستن] نیکی ، شتابزده ، خواهان بدی هستید؟ چرا از خدا آمرزش نمی خواهید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرید» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و داوود دانست که ما، در حقیقت، او را آزمایش کرده ایم . پس ، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «کسانی که عرش را حمل می کنند و آنها که پیرامون آن اند ، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی هم که ایمان آورده اند، آمرزش می طلبند» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس، شکیبا باش که وعده خدا ، راست است و برای گناهت ، آمرزش بخواه . پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی در شامگاهان و بامدادان» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس مستقیما به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و فرشتگان ، پروردگارشان را تسبیح و ستایش می گویند و برای کسانی که در زمین اند ، آمرزش می خواهند . بدانید که خداوند ، آمرزگار و مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «بدان که معبودی جز خدا نیست و برای گناهت ، آمرزش بخواه و [نیز]برای مردان و زنان مؤمن . و خدا ، فرجام و مآل شما را می داند» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «بر جای ماندگانِ بادیه نشین ، به زودی به تو خواهند گفت: اموال ما و کسانمان ، ما را گرفتار کردند . پس برایمان آمرزش بخواه» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید، جز در سخن ابراهیم [که] به [نا]پدر[ی] خود [گفت:] حتما برای تو ، آمرزش خواهم خواست با آن که در برابر خدا ، اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو باز گشتیم و فرجام ، به سوی توست» و من از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ،

توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «و در کار نیک ، از تو نافرمانی نکنند، با آنان (زنان) بیعت کن و برایشان آمرزش بخواه که خدا ، آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «هرگاه به ایشان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا ، برایتان آمرزش بخواهد»، سرهای خود را بر می گردانند و آنان را می بینی که تکبّرکنان ، روی بر می گردانند» ، و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «برایشان یکسان است که برای آنان ، آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی . هرگز ، خدا آنها را نمی بخشد» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسی آمرزنده است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «هر آن خوبی که برای خود پیش فرستید ، آن را نزد خدا ، بهتر و با پاداشی بیشتر ، خواهید یافت . و از خدا آمرزش بخواهید که خدا ، آمرزگاری مهربان است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. و گفته ای ای بلندمرتبه متعالی که: «پس پروردگارت را تسبیح و ستایش گوی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است» و من ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت ، توبه می کنم. (1)

.

1- .در المصباح للکفعمی (ص 87) آمده است: مستحب است که در سحر هر شب ، از خدای بزرگ آمرزش بخواهی و سپس آنچه را امیر مؤمنان علی علیه السلام در استغفار می گفت، بگویی.

ص: 278

. .

ص: 279

. .

ص: 280

. .

ص: 281

. .

ص: 282

. .

ص: 283

. .

ص: 284

..

ص: 285

. .

ص: 286

. .

ص: 287

. .

د مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِالإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّى ما كانَ صالِحا ، وأصلِح مِنّى ما كانَ فاسِدا . اللّهُمَّ لا تُسَلِّطنى عَلى فَسادِ ما أصلَحتَ مِنّى ، وأصلِح لى ما أفسَدتُهُ مِن نَفسى . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِىَ عَلَيهِ بَدَنى بِعافِيَتِکَ ، ونالَتهُ يَدى بِفَضلِ نِعمَتِکَ ، وبَسَطتُ إلَيهِ يَدى بِسَعَهِ رِزقِکَ ، وَاحتَجَبتُ فيهِ عَنِ النّاسِ بِسِترِکَ ، وَاتَّكَلتُ فيهِ عَلى كَريمِ عَفوِکَ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ، ونَدِمتُ عَلى فِعلِهِ ، وَاستَحيَيتُ مِنکَ وأنَا عَلَيهِ ، ورَهِبتُکَ وأنَا فيهِ ، راجَعتُهُ وعُدتُ إلَيهِ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ عَلِمتُهُ أو جَهِلتُهُ ، ذَكَرتُهُ أو نَسيتُهُ ، أخطَأتُهُ أو تَعَمَّدتُهُ ، هُوَ مِمّا لا أشُكُّ أنَّ نَفسى مُرتَهَنَهٌ بِهِ ، وإن كُنتُ نَسيتُهُ وغَفَلتُ عَنهُ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ جَنَيتُهُ عَلَىَّ بِيَدى ، وآثَرتُ فيهِ شَهوَتى ، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيرى ، أوِ استَغوَيتُ فيهِ مَن تابَعَنى ، أو كابَرتُ فيهِ مَن مَنَعَنى ، أو قَهَرتُهُ بِجَهلى ، أو لَطُفتُ فيهِ بِحيلَهِ غَيرى ، أوِ استَزَلَّنى إلَيهِ مَيلى وهَوايَ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ شَىءٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنى فيهِ ما لَيسَ لَکَ (1) ، وشارَكَنى فيهِ ما لَم يَخلُص لَکَ ، وأستَغفِرُکَ بِما عَقَدتُهُ عَلى نَفسى ، ثُمَّ خالَفَهُ هَوايَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأعتِقنى مِنَ النّارِ ، وجُد عَلَىَّ بِفَضلِکَ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِوَجهِکَ الكَريمِ الباقِى الدّائِمِ الَّذى أشرَقَت بِنورِهِ السَّماواتُ وَالأرضُ ،وكُشِفَت بِهِ ظُلُماتُ البَرِّ وَالبَحرِ ، ودُبِّرَت بِهِ اُمورُ الجِنِّ وَالإنسِ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُصلِحَ شَأنى بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (2)

.

1- .بيان : «فخالطنى فيه ما ليس لک» أى نيّه لا ترضاها ، أو لا ترجع إليک كما إذا كان الغرض الجنّه أو الخلاص من النار ، فإنّهما يرجعان إليه تعالى أو بدعه لا توافق أمرک ورضاک ، وكذا الفقره التى تليها (بحار الأنوار : ج 86 ص 102) .

2- .فلاح السائل : ص 419 ح 289 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 101 ح 7 ؛ كنز العمّال : ج 2 ص 258 ح 3966 نقلاً عن كتاب الفرج بعد الشدّه للتنوخى نحوه .

د از دعای ایشان بعد از نماز مغرب

د از دعای ایشان بعد از نماز مغربامام علی علیه السلام :بار خدایا ! آنچه از [اعمال] من ، نیک بوده است ، بپذیر و آنچه را تباه بوده است ، اصلاح فرما. بار خدایا ! مرا بر تباه کردن آنچه تو از من اصلاح کرده ای ، توانایی مده و آنچه را من خود ، تباهش کرده ام ، تو برایم اصلاح فرما . بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که بدن من، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا گشت و دستانم، به فضل نعمت تو، به آن رسید و در سایه گشایش روزی تو ، به آن دست یازیدم و با پرده پوشی تو ، مردم از آن گناه من ، آگاه نشدند و در [ارتکاب] آن ، به گذشت بزرگوارانه تو تکیه کردم. بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که از آن ، به پیشگاه تو توبه کردم و از انجام دادن آن ، پشیمان گشتم و در حالی که آن را انجام می دادم ، از تو شرم می کردم و با آن که آن را به جا می آوردم ، از تو می ترسیدم، به آن باز گشتم و دوباره انجامش دادم. بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که به آن ، آگاهی داشتم یا نداشتم، به یادش داشتم یا فراموشش کرده بودم، به خطا انجام دادم یا به عمد ، مرتکبش شدم . شک ندارم که جانم، اسیر و گروگان چنین گناهی است، اگر چه آن را فراموش کرده یا از آن ، غافل شده بودم. بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن گناهی که با آن به دست خودم، بر خویش ستم کردم و در آن ، هوسم را برگزیدم، یا در آن ، برای غیر خودم کوشیدم یا با آن ، کسانی را که از من دنباله روی کردند ، به گم راهی کشاندم یا با کسی که مرا از آن بازداشت ، خیره سری کردم یا با نادانی خود ، او را شکست دادم یا با حیله گری ، دیگری را به آن وا داشتم یا گرایش و هوای نفسم ، مرا به سوی آن ، لغزانْد. بار خدایا ! از تو آمرزش می خواهم برای هر آن چیزی که قصدم از آن ، تو بودی ؛ امّا آنچه برای تو نیست ، با آن آمیخته شد (1) و آنچه خالص برای تو نبود ، در آن [عمل] شریک من شد. و از تو آمرزش می خواهم برای هر آنچه بر عهده گرفتم، سپس هوای نفسم ، مرا به خلاف آن ، وا داشت. بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا از آتش ، آزاد گردان و فضل خود را بر من ، ارزانی دار . بار خدایا ! به روی [ذات] گرامی مانای پاینده ات که با نور آن ، آسمان ها و زمین ، روشن شد و تاریکی های خشکی و دریا ، برطرف شد و کارهای جنّ و انس ، اداره شد، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد ،

درود فرستی و کار مرا به سامان آوری ، به حقّ رحمتت ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

1- .«آنچه برای تو نیست با آن ، آمیخته شد» ، یعنی نیّتی که تو آن را نمی پسندی یا به تو باز نمی گردد یا چنان که هر گاه غرض رسیدن به بهشت یا رهایی از آتش باشد؛ زیرا این دو ، در نهایت ، به خدا بر می گردند، یا به معنای بدعتی است که با فرمان و رضایت تو ، سازگاری نداشته باشد . جمله بعد هم به همین معناست.

ه مِن دُعائِهِ إذا حَزَبَهُ أمرٌالإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا حَزَبَهُ (1) أمرٌ خَلا فى بَيتٍ ويَقولُ : يا كهيعص ، يا نورُ يا قُدّوسُ ، يا حَىُّ يا اللّهُ يا رَحمنُ ورَدَّدَها ثَلاثا اغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُحِلُّ النِّقَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَحبِسُ القِسَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَهتِكُ العِصَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُنزِلُ البَلاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُديلُ الأَعداءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُمسِكُ غَيثَ السَّماءِ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُظلِمُ الهَواءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَكشِفُ الغِطاءَ . (2)

.

1- .حَزَبَهُ أمر : أى إذا نزل به مُهمّ أو أصابه غمٌّ (النهايه : ج 1 ص 377 «حزب») .

2- .الفرج بعد الشدّه لابن أبى الدنيا : ص 47 ح 68 عن الحارث العكلى ، كنز العمّال : ج 2 ص 656 ح 4999 ؛ المجتنى : ص 61 عن الإمام الحسن عليه السلام نحوه .

ه از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدن

ه از دعای ایشان در هنگام گرفتار سختی و اندوهی شدنامام علی علیه السلام هرگاه دشواری و گرفتاری ای برایش پیش می آمد ، در اتاقی خلوت می کرد و می گفت : ای کاف هاء یاء عین صاد، ای روشنایی، ای پاک، ای زنده، ای خدا ، ای مهرگستر! (و این کلمات را سه بار می گفت) بر من ، بیامرز گناهانی را که خشم و کیفرها[ی تو] را فرود می آورند. بر من بیامرز گناهانی را که نعمت ها را می برند. بر من بیامرز گناهانی را که پشیمانی بر جای می گذارند. بر من بیامرز گناهانی را که بهره ها[ی تو]را [از من] باز می دارند. بر من بیامرز گناهانی را که پرده ها را می دَرَند. بر من بیامرز گناهانی را که بلا ، نازل می کنند . بر من بیامرز گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می بخشند . بر من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره می گردانند . بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می کنند. بر من بیامرز گناهانی را که دعا را بر می گردانند . بر من بیامرز گناهانی را که باران ، آسمان را بند می آورند . بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می کنند . بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می زنند [و رسوایی به بار می آورند].

.

9 / 3الاِستِغفاراتُ المَأثورَةُ عَن فاطِمَةَ الزَّهراءِفاطمه عليهاالسلام فِى الدُّعاءِ عَقيبَ العَصرِ : أنتَ الرَّبُّ الجَوادُ بِالمَغفِرَهِ ، تَجِدُ مَن تُعَذِّبُ غَيرى ولا أجِدُ مَن يَغفِرُ لى غَيرَکَ ، وأنتَ غَنِىٌّ عَن عَذابى وأنَا فَقيرٌ إلى رَحمَتِکَ ... . اللّهُمَّ إنّى أستَهديکَ لِاِرشادِ أمرى ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ نَفسى . اللّهُمَّ عَمِلتُ سوءا وظَلَمتُ نَفسى ، فَاغفِر لى إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ ... . اللّهُمَّ إلى رَحمَتِکَ رَفَعتُ بَصَرى ، وإلى جودِکَ بَسَطتُ کَفّى ، فَلا تَحرِمنى وأنَا أسأَلُکَ ، فَلا تُعَذِّبنى وأنَا أستَغفِرُکَ ، اللّهُمَّ فَاغفِر لى فَإِنَّکَ بى عالِمٌ ، ولا تُعَذِّبنى فَإِنَّکَ عَلَىَّ قادِرٌ ، بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

عنها عليهاالسلام فى دُعائِها عَقيبَ صَلاهِ المَغرِبِ : رَبِّ أستَجيرُکَ مِنَ النّارِ فَأَجِرنى ، رَبِّ أعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَأَعِذنى ، رَبِّ أفزَعُ إلَيکَ مِنَ النّارِ فَأبعِدنى ، رَبِّ أستَرحِمُکَ مَکروبا فَارحَمنى ، رَبِّ أستَغفِرُکَ لِما جَهِلتُ فَاغفِر لى . (2)

9 / 4الاِستِغفاراتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ زَينِ العابِدينَ عليه السلامالإمام زين العابدين عليه السلام فِى المُناجاهِ المَعروفَهِ بِمُناجاهِ الذّاکِرينَ : إلهى ... أستَغفِرُکَ مِن کُلِّ لَذَّهٍ بِغَيرِ ذِکرِکَ ، ومِن کُلِّ راحَهٍ بِغَيرِ اُنسِکَ ، ومِن کُلِّ سُرورٍ بِغَيرِ قُربِکَ ، ومِن کُلِّ شُغُلٍ بِغَيرِ طاعَتِکَ . (3)

.

1- .فلاح السائل : ص 358 ح 241 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 86 ح 11 .
2- .فلاح السائل : ص 422 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 104 ح 8 .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

9 / 3 آمرزش خواهی های فاطمه زهرا علیهاالسلام
9 / 4 آمرزش خواهی های امام زین العابدین علیه السلام

9 / 3آمرزش خواهی های فاطمه زهرافاطمه علیهاالسلام در دعای پس از نماز عصر : تو پروردگاری هستی که آمرزش می بخشی، تو جز من ، کسی را می یابی که عذاب کنی ؛ لیکن من ، غیر از تو کسی را نمی یابم که مرا بیامرزد . تو را به عذاب کردن من ، نیازی نیست، در حالی که من به رحمت تو نیازمندم... . بار خدایا ! از تو می خواهم که مرا در کارهایم ارشاد و راه نمایی کنی و از شرّ نفسم به تو پناه می برم. بار خدایا ! بد کردم و بر خویشتن ، ستم ورزیدم . پس مرا بیامرز که گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد ... . بار خدایا ! به رحمت تو ، چشم دوخته ام و به سوی بخشش تو ، دست گشوده ام. پس مرا که از تو گدایی می کنم ، محروم مگردان، و مرا که از تو آمرزش می طلبم ، عذاب مکن. بار خدایا ! مرا بیامرز که تو به حال من ، دانایی و مرا عذاب مکن که تو بر من ، توانایی، به حقّ مهرت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز مغرب : پروردگارا ! در برابر آتش دوزخ ، از تو حمایت می جویم . پس حمایتم فرما. پروردگارا ! از آتش به تو پناه می برم . پس پناهم ده. پروردگارا ! از آتش به سوی تو می گریزم . پس مرا [از آن] ، دور نگه دار. پروردگارا ! من ، غم زده رنجور ، از تو رحم می خواهم . پس، به من رحم کن . پروردگارا ! برای نادانی هایی که از من سر زده است ، از تو آمرزش می خواهم . پس مرا بیامرز.

9 / 4آمرزش خواهی های امام زین العابدینامام زین العابدین علیه السلام در مناجات معروف به «مناجات ذاکران» : معبود من !... از هر لذّتی که از غیر یاد تو باشد و از هر آرامشی که از غیر انس با تو باشد و از هر شادمانی ای که از غیر نزدیک شدن به تو باشد و از هر سرگرمی ای به غیر طاعت تو، از تو آمرزش می طلبم.

.

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ إنَّ الاِستِغفارَ لَکَ مَعَ الإصرارِ عَلَى الذَّنبِ لُؤمٌ ، وإنَّ تَرکِیَ الاِستِغفارَ مَعَ عِلمى بِسَعَهِ رَحمَتِکَ عَجزٌ ، فَکَم تَتَحَبَّبُ إلَیَّ وأنتَ الغَنِیُّ عَنّى ، وکَم أتَبَغَّضُ إلَیکَ وأنَا الفَقیرُ إلَیکَ ، فَیا مَن إذا تَوَعَّدَ عَفا ، وإذا وَعَدَ وَفى ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَافعَل بى أولَى الأمرَینِ بِکَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنَّ استِغفارى إیّاکَ وأنَا مُصِرٌّ عَلى ما نَهَیتَ قِلَّهُ حَیاءٍ ، وتَرکِیَ الاِستِغفارَ مَعَ عِلمى بِسَعَهِ حِلمِکَ (2) تَضییعٌ لِحَقِّ الرَّجاءِ . اللّهُمَّ إنَّ ذُنوبِى تُؤیِسُنى أن أرجُوَکَ ، وإنَّ عِلمى بِسَعَهِ رَحمَتِکَ یُؤمِنُنى أن أخشاکَ . فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وحَقِّق رَجائى لَکَ ، وکَذِّب خَوفى مِنکَ ، وکُن لى عِندَ أحسَنِ ظَنّى بِکَ ، یا أکرَمَ الأکرَمینَ ، وأیِّدنى بِالعِصمَهِ ، وأنطِق لِسانى بِالحِکمَهِ ، وَاجعَلنى مِمَّن یَندَمُ عَلى ما ضَیَّعَهُ فى أمسِهِ ... . (3)

9 / 5الاِستِغفاراتُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ علیه السلامالإمام الصادق علیه السلام :یا نورُ یا قُدّوسُ ، یا أوَّلَ الأوَّلینَ ویا آخِرَ الآخِرینَ ، یا رَحمنُ یا رَحیمُ ، اغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُغَیِّرُ النِّعَمَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُحِلُّ النِّقَمَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تَهتِکُ العِصَمَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُنزِلُ البَلاءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُدیلُ (4) الأعداءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تُظلِمُ الهَواءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تَکشِفُ الغِطاءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعاءَ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ غَیثَ السَّماءِ . (5)

.

1- .نزهه الناظر : ص 94 ح 30 ، کشف الغمّه : ج 1 ص 44 ، مصباح المتهجّد : ص 566 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 25 ص 238 ح 21 .
2- .فى المصباح للکفعمى : «بسعه رحمتک» .
3- .البلد الأمین : ص 46 ، المصباح للکفعمى : ص 91 ، مصباح الزائر : ص 229 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 285 ح 77 .
4- .الإداله : الغَلَبهُ (النهایه : ج 2 ص 141 «دول») .
5- .الکافى : ج 2 ص 589 ح 29 عن یعقوب بن شعیب ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 95 ح 257 نحوه ومن دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق علیه السلام .

9 / 5 آمرزش خواهی های امام صادق علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ایشان : بار خدایا! آمرزش خواستن از تو و ادامه دادن به گناه ، از فرومایگی است و وا نهادن آمرزش خواهی توسّط من ، با آن که می دانم رحمت تو گسترده است ، کاهلی است ؛ چه دوستی ها و ابراز محبّت ها که تو با من می کنی ، در حالی که از من ، بی نیازی! و چه دشمنی ها که من با تو می کنم ، در حالی که من به تو نیازمندم! پس ، ای کسی که هرگاه تهدید کند ، در می گذرد و هرگاه وعده دهد ، به جا می آورد، بر محمّد ، درود فرست و آن کاری را که زیبنده توست ، با من بکن.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! آمرزش خواهی من از تو ، در عین حال، ادامه دادنم به آنچه از آن نهی کرده ای، بی حیایی است و وا نهادن آمرزش خواهیِ من با آن که می دانم بردباری تو گسترده است ، پایمال کردن حقّ امید است. بار خدایا! [از یک سو] گناهانم مرا از امیدوارشدن به تو ، نومید می گرداند و [از سوی دیگر]علم من به گستردگی رحمتت ، ترسیدن از تو را از دلم می برَد. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا به خودت امیدوار گردان و ترس مرا از خودت ، بیجا بدار و برایم چنان باش که بهترین گمانم به توست، ای کریم ترینِ کریمان! مرا در پناه صیانت خود ، قرار ده و زبانم را به حکمت ، گویا ساز و از آنان قرارم ده که از آنچه در دیروزشان تضییع کرده اند ، پشیمان اند.

9 / 5آمرزش خواهی های امام صادقامام صادق علیه السلام :ای روشنایی، ای پاک، ای نخستین نخستینیان ، و ای واپسینِ واپسینیان، ای مهرگستر ، ای مهربان! بر من بیامرز گناهانی را که نعمت ها را می برَند، بر من بیامرز گناهانی را که عذاب ها را فرود می آورند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده ها را می دَرَند! بر من بیامرز گناهانی را که بلا نازل می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره و پیروز می گردانند! بر من بیامرز گناهانی را که مرگ [و نیستی] را شتاب می بخشند! بر من بیامرز گناهانی را که امید را قطع می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که هوا را تیره و تار می کنند! بر من بیامرز گناهانی را که پرده را کنار می زنند! بر من بیامرز گناهانی را که دعا را [از درگاه تو]بر می گردانند! و بر من بیامرز گناهانی را که باران آسمان را بند می آورند!

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنَّ مَغفِرَتَکَ أوسَعُ مِن ذُنوبی ، ورَحمَتَکَ أرجی عِندی مِن عَمَلی ، فَاغفِر لی ، یا حَیُّ ومَن لا تَموتُ . (1)

عنه عليه السلام مِمّا کانَ یَقولُ فی سُجودِهِ : سَجَدَ وَجهِیَ البالی لِوَجهِکَ الباقِی الدّائِمِ العَظیمِ ، سَجَدَ وَجهِیَ الذَّلیلُ لِوَجهِکَ العَزیزِ ، سَجَدَ وَجهِیَ الفَقیرُ لِوَجهِ رَبِّیَ الغَنِیِّ الکَریمِ العَلِیِّ العَظیمِ ، رَبِّ أستَغفِرُکَ مِمّا کانَ ، وأستَغفِرُکَ مِمّا یَکونُ . (2)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لی مَغفِرَهً عَزما جَزما لا تُغادِرُ لی ذَنبا ولا خَطیئَهً ولا إثما . اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ مِن کُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَیکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فیهِ ، وأستَغفِرُکَ لِما أعطَیتُکَ مِن نَفسی ولَم أفِ لَکَ بِهِ ، وأستَغفِرُکَ لِما أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَهُ ما لَیسَ لَکَ . فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لی یا رَبِّ ولِوالِدَیَّ وما وَلَدا وما وَلَدتُ وما تَوالَدوا مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ ، الأحیاءِ مِنهُم وَالأمواتِ ، ولِإِخوانِنَا الَّذینَ سَبَقونا بِالإِیمانِ ، ولا تَجعَل فی قُلوبِنا غِلّاً لِلَّذینَ آمَنوا ، رَبَّنا إنَّکَ رَؤوفٌ رَحیمٌ . (3)

.

1- .الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : ص 141 ، مصباح المتهجّد : ص 173 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 229 ح 51 .
2- .الکافی : ج 3 ص 327 ح 21 ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 99 ح 259 عن إدریس بن عبد اللّه ، مصباح المتهجّد : ص 577 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 234 ح 58 .
3- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 70 ح 2172 ، مصباح المتهجّد : ص 219 ، البلد الأمین : ص 54 کلّها عن معاویه بن عمّار وفی الأخیرین من دون إسنادٍ إلی الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 164 ح 43 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! آمرزش تو ، گسترده تر از گناهان من است و امید من به رحمت تو ، بیشتر از امیدم به کردار خویش است . پس مرا بیامرز، ای زنده، ای کسی که هرگز نمی میرد!

امام صادق علیه السلام از دعاهایی که در سجودش می گفت : روی پوسنده [و نابود شونده] من ، برای روی [ذات]جاویدان و پاینده و بزرگ تو به خاک افتاده است. روی خوار من ، برای روی ارجمند تو به خاک افتاده است. روی نیازمند من ، برای روی پروردگار بی نیاز و بزرگوار و والا و بزرگ من ، به خاک افتاده است. پروردگارا! از آنچه (خطا و گناهی) که از من سر زده است و از آنچه از من سر خواهد زد ، از تو آمرزش می خواهم.

امام صادق علیه السلام از دعاهای ایشان بعد از نماز صبح : بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا بیامرز ؛ آمرزشی قاطع و حتمی که هیچ گناه و خطا و جرمی را بر جای نگذارد (/نگذاری) . بار خدایا! برای هر گناهی که از آن توبه کرده ام و دگر باره انجامش داده ام ، از تو آمرزش می خواهم. برای هر پیمانی که با تو بستم و بدان وفا نکردم ، از تو آمرزش می خواهم و برای هر آن کاری که خواستم برای تو انجامش دهم ، امّا آنچه برای تو نیست (نیّت غیر خدایی) با آن آمیخت ، از تو آمرزش می خواهم. پس بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا ای پروردگار من و پدر و مادرم را و فرزندان آنها و فرزندان مرا ، و مردان و زنان مؤمنی را که فرزندان آنها و من به دنیا آورده اند ، از زنده و مُرده شان ، بیامرز و [نیز بیامرز] برادران مؤمن پیشین ما را، و در دل های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده اند ، کینه ای مگذار، ای پروردگار ما! به راستی که تو رئوف و مهربانی.

.

عنه عليه السلام فى دُعاءِ يَومِ عَرَفَةَ : ... صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى ذُنوبِىَ الَّتى نَظَرَت إلَيها عَيناىَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى ذُنوبِىَ الَّتى نَطَقَ بِها لِسانى . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى ذُنوبِىَ الَّتِى اكتَسَبَتها يَدى ، وَاغفِر لى ذُنوبِىَ الَّتى باشَرَها جِلدى ، وَاغفِرِ اللّهُمَّ ذُنوبِىَ الَّتى احتَطَبتُ بِها عَلى بَدَنى ، وَاغفِرِ اللّهُمَّ ذُنوبِىَ الَّتى قَدَّمَتها يَداىَ ، وَاغفِرِ اللّهُمَّ ذُنوبِىَ الَّتى أحصاها كِتابُکَ ، وَاغفِرِ اللّهُمَّ ذُنوبِىَ الَّتى سَتَرتُها مِنَ المَخلوقينَ ولَم أستُرها مِنکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى ذُنوبى أوَّلَها وآخِرَها ، صَغيرَها وكَبيرَها ، دَقيقَها وجَليلَها ، ما أعرِفُ مِنها وما لا أعرِفُ . مَولاىَ عَظُمَت ذُنوبى وجَلَّت ، وهِىَ صَغيرَةٌ فى جَنبِ عَفوِکَ ، فَاعفُ عَنّى فَقَد قَيَّدَتنى ، وَاشتَهَرَت عُيوبى ، وغَرَقَتنى خَطاياىَ ، وأسلَمَتنى نَفسى إلَيکَ ، بَعدَما لَم أجِد مَلجَأً ولا مَنجا مِنکَ إلّا إلَيکَ . مَولاىَ استَوجَبتُ أن أكونَ لِعُقوبَتِکَ غَرَضا ، ولِنَقِمَتِکَ مُستَحِقّا . إلهى قَد غُيِّرَ عَقلى فِيما وَجِلتُ مِن مُباشَرَهِ عِصيانِکَ ، وبَقيتُ حَيرانا مُتَعَلِّقا بِعَمودِ عَفوِکَ ، فَأقِلنى يا مَولاىَ وإلهى بِالاِعتِرافِ ، فَها أنَا ذا بَينَ يَدَيکَ عَبدٌ ذَليلٌ خاضِعٌ صاغِرٌ داخِرٌ (1) راغِمٌ ، إن تَرحَمنى فَقَديما شَمِلَنى عَفوُکَ ، وألبَستَنى عافِيَتُکَ ، وإن تُعَذِّبنى فَإنّى لِذلِکَ أهلٌ ، وهُوَ مِنکَ يا رَبِّ عَدلٌ ... . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِىَ عَلَيهِ بَدَنى بِعافِيَتِکَ ، أو نالَتهُ قُدرَتى بِفَضلِ نِعمَتِکَ ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدى بِسابِغِ رِزقِکَ ، أوِ اتَّكَلتُ عِندَ خَوفى مِنهُ عَلى أناتِکَ ، أو وَثِقتُ فيهِ بِحَولِکَ ، أو عَوَّلتُ فيهِ عَلى كَريمِ عَفوِکَ ، اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ خُنتُ فيهِ أمانَتى ، أو نَحَّستُ بِفِعلِهِ نَفسى ، أوِ احتَطَبتُ بِهِ عَلى بَدَنى ، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذَّتى ، أو آثَرتُ فيهِ شَهَواتى ، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيرِى ، أوِ استَغوَيتُ فيهِ مَن تَبِعَنى ، أو غَلَبتُ عَلَيهِ بِفَضلِ حيلَتى ، أوِ احتَلتُ عَلَيکَ فيهِ مَولاىَ ، فَلَم تَغلِبنى عَلى فِعلى ، إذ كُنتَ كارِهاً لِمَعصِيَتى ، لكِن سَبَقَ عِلمُکَ فى فِعلى ، فَحَلُمتَ عَنّى ، لَم تُدخِلنى يا رَبِّ فيهِ جَبرا، ولَم تَحمِلنى عَلَيهِ قَهرا ، ولَم تَظلِمنى فيهِ شَيئا . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن غَمَرَتهُ مَساغِبُ الإِساءَهِ ، فَأيقَنَ مِن إلهِهِ بِالمُجازاهِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن تَهَوَّرَ تَهَوُّرا فِى الغَياهِبِ (2) ، وتَداحَصَ (3) لِلشِّقوَهِ فِى أوداءِ (4) المَذاهِبِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن أورَطَهُ الإِفراطُ فى مَآثِمِهِ ، وأوثَقَهُ الاِرتِباکُ فى لُجَجِ جَرائِمِهِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن أنافَ (5) عَلَى المَهالِکِ بِمَا اجتَرَمَ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن أوحَدَتهُ المَنِيَّهُ فى حُفرَتِهِ ، فَأوحَشَ بِمَا اقتَرَفَ مِن ذَنبٍ استَكفَفَ ، فَاستَرحَمَ هُنالِکَ رَبَّهُ وَاستَعطَفَ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن لَم يَتَزَوَّد لِبُعدِ سَفَرِهِ زادا ، ولَم يُعِدَّ لِمَظاعِنِ تَرحالِهِ إعدادا . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن شَسَعَت (6) شُقَّتُهُ ، وقَلَّت عُدَّتُهُ ، فَغَشِيَتهُ هُنالِکَ كُربَتُهُ .

أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن خالَطَ كَسبَهُ التَّدالَسَ (7) ، وقَرَنَ بِأعمالِهِ التَّباخُسَ . (8) أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن لا يَعلَمُ عَلى أىِّ مَنزِلَتِهِ هاجِمٌ ، أفِى النّارِ يُصلى ، أم فِى الجَنَّهِ ناعِمٌ يَحيا . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن غَرِقَ فى لُجَجِ المَآثِمِ ، وتَقَلَّبَ فى أظاليلِ مَقتِ المَحارِمِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن عَنَدَ عَن لَوائِحِ حَقِّ المَنهَجِ ، وسَلَكَ سَوادِفَ (9) سُبُلِ المُرتَتَجِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن لَم يُهمِل شُكرى ، ولَم يَضرِبِ عَنهُ صَفحا . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن لَم يُنجِهِ المَفَرُّ مِن مُعاناهِ ضَنكِ المُنقَلَبِ ، ولَم يُجِرهُ المَهرَبُ مِن أهاويلِ عِب ءِ المَكسَبِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن تَمَرَّدَ فى طُغيانِهِ عُدُوّا ، وبارَزَهُ بِالخَطيئَهِ عُتُوّا . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن أحصى عَلَيهِ كُرورَ لَوافِظِ ألسِنَتِهِ ، وزِنَهَ مَخانِقِ (10) الجَنَّهِ . أستَغفِرُ اللّهَ استِغفارَ مَن لا يَرجو سِواهُ . أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لَا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ مِمّا أحصاهُ العُقولُ ، وَالقَلبُ الجَهولُ ، وَاقتَرَفَتهُ الجَوارِحُ الخاطِئَهُ ، وَاكتَسَبَتهُ اليَدُ الباغِيَهُ . أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ بِمِقدارِ ومِقياسِ ومِكيالِ ومَبلَغِ ما أحصى وعَدِدِ ما خَلَقَ وما فَلَقَ ، وذَرَأ وبَرَأ وأنشَأ وصَوَّرَ ودَوَّنَ . وأستَغفِرُ اللّهَ أضعافَ ذلِكَ ، وأضعافا مُضاعَفَهً ، وأمثالاً مُمَثَّلَهً ، حَتّى أبلُغَ رِضَا اللّهِ وأفوزَ بِعَفوهِ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانى لِدينِهِ الَّذى لا يَقبَلُ عَمَلاً إلّا بِهِ ، ولا يَغفِرُ ذَنبا إلّا لِأَهلِهِ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَنى مُسلِما لَهُ ولِرَسولِهِ صلى الله عليه و آله فيما أمَرَ بِهِ ونَهى عَنهُ (11) .

.

1- .الداخِرُ : الذليل المُهان (النهايه : ج 2 ص 107 «دخر») .
2- .الغَيهَبُ : الظلام (النهايه : ج 3 ص 398 «غهب») .
3- .الدَّحض : الزَّلَقُ (لسان العرب : ج 7 ص 148 «دحض») .
4- .الوَدَأ : الهلاک (لسان العرب : ج 1 ص 192 «ودأ») .
5- .أناف على الشىء : أشرف (لسان العرب : ج 9 ص 342 «نوف») .
6- .شاسعُ الدار : أى بعيدها (النهايه : ج 2 ص 472 «شسع») .
7- .التدليس : إخفاء العيب (النهايه : ج 2 ص 130 «دلس») .
8- .البَخس : النقص والظلم . وتباخَسوا : تَغابَنوا (القاموس المحيط : ج 2 ص 199 «بخس») .
9- .السُدفهُ : الظلمه (النهايه : ج 2 ص 355 «سدف») .
10- .المَخْنَقَه : القِلاده ، يقال : فى جيدها مخنقه (تاج العروس : ج 13 ص 129 «خنق») .
11- .الإقبال : ج 2 ص 141 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 256 .

امام صادق علیه السلام در دعای روز عرفه : ... بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با چشمانم مرتکب آنها شده ام ، بیامرز. بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان را که زبانم مرتکب آنها شده است ، بیامرز! بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن گناهان مرا که با دستانم مرتکب آنها شده ام ، بیامرز، و گناهانی را که پوستم آنها را لمس کرده است ، بر من بیامرز! بار خدایا! آن گناهان مرا که آنها را [هیمه وار] بر پشت خود بار کرده ام ، بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که دستانم پیش فرستاده اند ، بر من بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که نوشته تو ، آنها را آمار کرده است ، بر من بیامرز. بار خدایا! آن گناهان مرا که تو از مردمان پوشاندی و من آنها را از تو نپوشاندم ، بر من بیامرز. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و گناهان مرا، از اوّل تا به آخر ، و کوچک و بزرگ ، و ریز و درشت، چه آنهایی را که می دانم و چه آنهایی را که نمی دانم، بر من بیامرز. سَروَر من! گناهان من ، بزرگ و سترگ اند ؛ لیکن در کنار گذشت و بخشایش تو خُردند . پس مرا ببخش که گناهان ، مرا در بند کشیده اند و عیب هایم ، برملا گشته اند و خطاهایم ، مرا غرق در خود ساخته اند و نفسم ، مرا تسلیم تو کرده است ، پس از آن که پناهی و نجاتی از [خشم و عذاب] تو ، جز به خود تو نیافتم. سَروَر من! من ، مستوجب آنم که هدف کیفر تو و مستحقّ خشم تو باشم. معبود من! ترس از پرداختن به نافرمانی تو ، خِرد مرا دگرگون ساخته است و سرگشته ، به ستون عفو تو چنگ زده ام . پس ای سَروَر و ای معبود من با این اعترافم ، از من درگذر. اینک من ، در پیشگاه تو ، بنده ای خوار و خاکسار و زبون و ناچیز و بی اختیارم. اگر بر من رحم آوری [تازگی ندارد ؛ زیرا] از دیرباز ، عفو تو شامل حال من بوده است و جامه عافیتت را بر من پوشانده ای، و اگر عذابم کنی، من ، سزاوار آنم و این عذاب ای پروردگار من از جانب تو ، عین عدالت است... . بارخدایا! از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که بدنم، به لطف عافیت بخشی تو، بر آن توانا شد، یا توانم، به برکت نعمت تو، به آن رسید، یا دستانم، در سایه روزی سرشار تو، به آن دراز شد، یا آن گاه که از آن ترسیدم به بردباری تو تکیه کردم [و مرتکب آن گناه شدم]، یا به نیروی تو (دگرگون سازی تو) اعتماد کردم، یا به عفو کریمانه تو تکیه نمودم . بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که در آن به امانت خود ، خیانت کردم، یا با انجام دادن آن ، بر خویشتن ستم نمودم یا آن را بر پشت خود جمع کردم، یا در آن ، لذّت خود را مقدّم داشتم، یا هوس خویش را ترجیح دادم، یا در آن برای غیر خود کوشیدم، یا با آن ،

کسی را که پیرو من بود ، به گم راهی کشاندم، یا با چاره گری ام ، بر آن چیره آمدم، یا در آن ، با تو از درِ حیله گری درآمدم ای آقای من در حالی که تو ، مرا بر کردارم مجبور نساختی؛ زیرا نافرمانیِ مرا ناخوش می داشتی، امّا پیش تر ، تو از کرده من آگاه بودی و با این حال ، در باره من ، بردباری ورزیدی، و مرا ای پروردگار من به اجبار ، در آن [گناه] درنیاوردی، و به زور ، بر آن وادارم نکردی، و از این بابت ، کمترین ستمی در حقّ من روا نداشتی [بلکه با اختیار خودم به خویشتن ستم کردم]. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که حرص و وَلَع به بدی کردن ، او را فرا گرفته و یقین یافته که معبودش ، او را مجازات خواهد کرد. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که در تاریکی ها فرو رفته و در بیراههای هلاکتبار ، فرو لغزیده است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که زیاده روی در گناهانش ، او را در ورطه نابودی افکنده و فرو رفتن در اعماق جرم هایش ، او را در بند کشیده است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که به سبب بزهکاری هایش در آستانه هلاکتگاه ها قرار گرفته است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که مرگ ، او را در گورش به دستِ تنهایی سپرده و بر اثر گناهانی که مرتکب شده است ، وحشتزده است و در آن هنگام ، از پروردگارش طلب رحم و عطوفت می کند. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که برای سفر دور و دراز خود ، توشه ای برنداشته و برای مسیرهای سفرش ، ساز و برگی فراهم نیاورده است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که راهش دور، و ساز و برگش ، اندک است و غم و اندوه ، او را فرا گرفته است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که فریبکاری و تقلّب را در کسب و کارش آمیخته و زیانکاری را با اعمالش ، همراه ساخته است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که نمی داند در کدام منزلگاهش وارد می شود : آیا در آتش ، فرو می افتد یا در بهشت ، آسوده زندگی خواهد کرد؟ از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که در گرداب های گناهان ، فرو رفته و در میان امواج نفرت انگیز حرام ها ، دست و پا می زند. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که از جاده روشن حق ، بیرون رفته و راه های تنگ و تاریک را پیموده است. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که سپاس گزاری از مرا ، فرو نگذاشت و از آن ، روی برنتافت . از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که گریختن ، او را از رنج سختی [و تنگی]بازگشتگاه ، نجات نداد و فرار کردن ، او را از بارهای وحشتناک دستاوردها[ی اعمالش] پناه نداد. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که دشمنانه ، در

برابر او عَلَم شورش افراشت و سرکشانه ، َ با گناه به مبارزه با او برخاست. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که [خدا]سخنانی را که پیاپی از زبان های او بیرون آمده ، شمارَه کرده و وزن گلوبندهای بهشت را در حساب دارد. از خدا آمرزش می خواهم ، چونان آمرزش خواهیِ کسی که به غیر او امید ندارد؛ از خدایی که جز او زنده جاویدان نیست ، آمرزش می خواهم از آنچه خِردها و دل نادان ، آن را ضبط کرده اند و اندام های خطاکار ، مرتکبشان شده اند و دست تجاوزگر ، کسب کرده است. از خدایی که معبودی جز او نیست ، آمرزش می خواهم ، به اندازه و میزان و پیمانه و قدرِ آنچه شمارش کرده است، و به شمارِ آنچه آفریده و شکافته و پدید آورده و ایجاد کرده و صورت بخشیده و تدوین کرده است. از خدا آمرزش می خواهم ، چند برابر اینها، و چندین و چند برابر اینها، و هزاران بار بیشتر از اینها، تا آن که به رضایت خدا دست یابم و عفو او را به دست آورم. ستایش ، خدایی را که مرا به دین خود ، راه نمایی کرد ، همان دینی که هیچ عملی را جز با آن نمی پذیرد، و هیچ گناهی را جز از کسی که پیرو آن است ، نمی آمرزد. ستایش ، خدایی را که مرا تسلیم اوامر و نواهی خودش و پیامبرش قرار داد.

.

ص: 300

. .

. .

ص: 302

. .

. .

9 / 6الاِستِغفاراتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الكاظِمِ عليه السلامالإمام الكاظم عليه السلام مِن دُعائِهِ فى عَمَلِ أوَّلِ لَيلَةٍ مِن رَجَبٍ وهُوَ ساجِدٌ بَعدَ فَراغِهِ مِن صَلاهِ اللَّيلِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الأئِمَّهِ يَنابيعِ الحِكمَهِ ، واُولِى النِّعمَهِ ، ومَعادِنِ العِصمَهِ ، وَاعصِمنى بِهِم مِن كُلِّ سوءٍ ، ولا تَأخُذنى عَلى غِرَّهٍ ولا غَفلَهٍ ، ولا تَجعَل عَواقِبَ أعمالى حَسرَهً ، وَارضَ عَنّى فَإنَّ مَغفِرَتَکَ لِلظّالِمينَ وأنَا مِنَ الظّالِمينَ ، اللّهُمَّ اغفِر لى ما لا يَضُرُّکَ ، وأعطِنى ما لا يَنقُصُکَ ، فَإنَّکَ الوَسيعُ رَحمَتُهُ ، البَديعُ حِكمَتُهُ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ اغفِر لى كُلَّ ذَنبٍ يَحبِسُ رِزقى ، ويَحجُبُ مَسأَلَتى ، أو يَقصُرُ بى عَن بُلوغِ مَسأَلَتى ، أو يَصُدُّ بِوَجهِکَ الكَريمِ عَنّى . اللّهُمَّ اغفِر لى وَارزُقنى وَارحَمنى وَاجبُرنى وعافِنى وَاعفُ عَنّى ، وَارفَعنى وَاهدِنى وَانصُرنى ، وألقِ فى قَلبِى الصَّبرَ وَالنَّصرَ ، يا مالِکَ المُلکِ ، فَإنَّهُ لا يَملِکُ ذلِکَ غَيرُکَ ... . (2)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 799 ح 859 ، الإقبال : ج 3 ص 187 كلاهما عن علىّ بن حديد ، بحار الأنوار : ج 98 ص 381 ح 2 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 502 ح 583 ، البلد الأمين : ص 88 ، المصباح للكفعمى : ص 139 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 135 ح 3 .

9 / 6آمرزش خواهی های امام کاظمامام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در اعمال نخستین شب ماه رجب و در سجده پس از اقامه نماز شب : بار خدایا! بر محمّد و خاندان او، [یعنی] امامان ، چشمه های حکمت و صاحبان نعمت و معدن های عصمت، درود فرست و به حقّ خاندان آنان ، مرا از هر بدی و گزندی نگه دار، و بی خبر و غافلگیر ، بر من متاز، و عاقبت کارهایم را مایه دریغ و افسوس من ، قرار مده و از من خشنود باش، که آمرزش تو برای ستمکاران [بر خویش] است و من هم از ستمکارانم. بار خدایا! مرا بیامرز ، که آمرزیدن من ، به تو زیانی نمی رساند ، و به من عطا کن ، که عطا کردن ، از تو چیزی نمی کاهد؛ زیرا تو کسی هستی که رحمتش بی انتهاست و حکمتش نو [و بی مانند] است.

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا! بر من بیامرز هر گناهی را که روزی مرا باز می دارد ، و مانعِ [اجابت] درخواست من می شود، یا مرا از رسیدن به درخواستم باز می دارد، یا روی بزرگوار تو را از من ، بر می گرداند. بار خدایا! مرا بیامرز و به من روزی ده . بر من رحم آور و احوال مرا اصلاح گردان و به من ، عافیت بخش و از من ، درگذر و مرا رفعت بخش و هدایتم کن و یاری ام ده و شکیبایی و پیروزی را در دلم بیفکن، ای مالک مُلک هستی که این همه ، در اختیار کسی جز تو نیست !...

.

9 / 7اِستِغفارُ الخِضرِکنز العمّال عن ابن عمر :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله کَثیرا ما یَقولُ لَنا : مَعاشِرَ أصحابی ، ما یَمنَعُکُم أن تُکَفِّروا ذُنوبَکُم بِکَلِماتٍ یَسیرَهٍ ؟ قالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، وما هِیَ ؟ قالَ : تَقولونَ مَقالَهَ أخِی الخِضرِ . قُلنا : یا رَسولَ اللّهِ : ما کانَ یَقولُ ؟ قالَ : کانَ یَقولُ : اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ لِما تُبتُ إلَیکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فیهِ ، وأستَغفِرُکَ لِما أعطَیتُکَ مِن نَفسی ثُمَّ لَم اُوفِ لَکَ بِهِ ، وأستَغفِرُکَ لِلنِّعَمِ الَّتی أنعَمتَ بِها عَلَیَّ فَتَقَوَّیتُ بِها عَلی مَعاصیکَ ، وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ خَیرٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنی فیهِ ما لَیسَ لَکَ ، اللّهُمَّ لا تُخزِنی فَإنَّکَ بی عالِمٌ ، ولا تُعَذِّبنی فَإنَّکَ عَلَیَّ قادِرٌ . (1)

9 / 8سَیِّدُ الاِستِغفارِصحیح البخاری عن شدّاد بن أوس عن النبیّ صلی الله علیه و آله :سَیِّدُ الاِستِغفارِ أن تَقولَ : اللّهُمَّ أنتَ رَبّی لا إلهَ إلّا أنتَ ، خَلَقتَنی وأنَا عَبدُکَ وأنَا عَلی عَهدِکَ ووَعدِکَ مَا استَطَعتُ ، أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما صَنَعتُ ، أبوءُ لَکَ بِنِعمَتِکَ عَلَیَّ ، وأبوءُ لَکَ بِذَنبی ، فَاغفِر لی فَإنَّهُ لا یَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ . قالَ : ومَن قالَها مِنَ النَّهارِ موقِنا بِها فَماتَ مِن یَومِهِ قَبلَ أن یُمسِیَ فَهُوَ مِن أهلِ الجَنَّهِ ، ومَن قالَها مِنَ اللَّیلِ وهُوَ موقِنٌ بِها فَماتَ قَبلَ أن یُصبِحَ فَهُوَ مِن أهلِ الجَنَّهِ . (2)

.

1- .کنز العمّال : ج 2 ص 700 ح 5126 نقلاً عن الدیلمی .
2- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2324 ح 5947 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 467 ح 3393 ، سنن النسائی : ج 8 ص 279 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 75 ح 17110 ، صحیح ابن حبّان : ج 3 ص 213 ح 933 کلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 1 ص 478 ح 2087 .

9 / 7 آمرزش خواهی خضر علیه السلام
9 / 8 سَرور آمرزش خواهی ها

9 / 7آمرزش خواهی خضرکنز العمّال به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا ، بارها به ما می فرمود : «ای یاران من! چرا گناهانتان را با کلماتی اندک ، از بین نمی برید؟» می گفتند : آن کلمات چیست ، ای پیامبر خدا؟ می فرمود: «گفته برادرم خضر علیه السلام را بگویید». می گفتیم : او چه می گفت ، ای پیامبر خدا؟ می فرمود: «می گفت : بار خدایا! برای هر آن بدی [و گناهی] که از آن توبه کردم ، سپس بدان بازگشتم ، از تو آمرزش می خواهم. برای هر وعده ای که به تو دادم و به آن عمل نکردم ، از تو آمرزش می خواهم. برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی و من از آنها در نافرمانی تو کمک گرفتم ، از تو آمرزش می خواهم. برای هر کار نیکی که قصدم از آن تو بودی ، سپس به آنچه برای تو نبود ، آمیخته شد ، از تو آمرزش می خواهم. بار خدایا! مرا خوار و سر شکسته مکن؛ زیرا تو به [منویّات و اعمال] من دانایی، و مرا عذاب مکن؛ زیرا تو بر من ، توانایی ».

9 / 8سَرور آمرزش خواهی هاصحیح البخاری به نقل از شداد بن اوس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سَرور آمرزش خواهی، این است که بگویی: بار خدایا! تو پروردگار منی . معبودی جز تو نیست . تو مرا آفریده ای و من ، تا بتوانم بر پیمان و وعده ام با تو وفادار می مانم. از شرّ آنچه به جا آورده ام ، به تو پناه می برم. به لطف نعمت های تو بر من ، به پیشگاهت اعتراف می کنم و به گناهانم معترفم . پس مرا بیامرز ، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد ». [سپس] فرمود : «هر کس در هنگام روز ، این جملات را با یقین به آنها بگوید و آن روز ، پیش از آن که شب فرا رسد ، بمیرد ، اهل بهشت است و هر کس در هنگام شب و با یقین به این جملات ، آنها را بگوید و آن شب، پیش از آن که صبح شود ، از دنیا برود اهل بهشت است» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِر مِن قَولِ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، ولا إلهَ إلَا اللّهُ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ، فَإِنَّها سَيِّدُ الاِستِغفارِ ، وإنَّها مَمحاهٌ لِلخَطايا أحسَبُهُ قالَ : موجِبَهٌ لِلجَنَّهِ . (1)

9 / 9النَّوادِرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ اللَّيلَهِ العِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ : أستَغفِرُ اللّهَ مِمّا مَضى مِن ذُنوبى فَأُنسيتُها وهِىَ مُثبَتَهٌ عَلَىَّ يُحصيها عَلَىَّ الكِرامُ الكاتِبونَ يَعلَمونَ ما أفعَلُ ، وأستَغفِرُ اللّهَ مِن موبِقاتِ الذُّنوبِ ، وأستَغفِرُهُ مِن مُفظِعاتِ (2) الذُّنوبِ ، وأستَغفِرُهُ مِمّا فَرَضَ عَلَىَّ فَتَوانَيتُ ، وأستَغفِرُهُ مِن نِسيانِ الشَّىءِ الَّذى باعَدَنى مِن رَبّى . وأستَغفِرُهُ مِنَ الزَّلّاتِ (3) وَالضَّلالاتِ ومِمّا كَسَبَت يَداىَ ، وأُؤمِنُ بِهِ وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ كَثيرا ، وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَعفُوَ عَنّى وتَغفِرَ لى ما سَلَفَ مِن ذُنوبى ، وَاستَجِب يا سَيِّدى دُعائى ، فَإِنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (4)

صحيح البخارى عن أبى بكر :أنَّهُ قالَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : عَلِّمنى دُعاءً أدعو بِهِ فى صَلاتى . قالَ [صلى الله عليه و آله] : قُل : اللّهُمَّ إنّى ظَلَمتُ نَفسى ظُلما كَثيرا ولا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ ، فَاغفِر لى مَغفِرَهً مِن عِندِکَ ، وَارحَمنى إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (5)

.

1- .مجمع الزوائد : ج 10 ص 100 ح 16842 نقلاً عن البزّار عن أبى المنذر الجهنى .
2- .فُظِعَ الأمر فهو فَظيع : أى شديد شنيع جاوز المقدار (الصحاح : ج 3 ص 1259 «فظع») .
3- .الزَلَلَ : الخطأ والذنب (النهايه : ج 2 ص 310 «زلل») .
4- .الإقبال : ج 1 ص 353 ، البلد الأمين : ص 198 نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 51 و ص 78 ح 2 .
5- .صحيح البخارى : ج 1 ص 287 ح 799 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2078 ح 48 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 543 ح 3531 ، سنن النسائى : ج 3 ص 53 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1261 ح 3835 ، كنز العمّال : ج 2 ص 199 ح 3739 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این گفتار را بسیار بگو که : «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و لا حول و لا قوّه إلّا باللّه ؛ پاکا خدا، و ستایش ، خدای را ! معبودی جز خدا نیست . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا ؛ زیرا این گفتار ، سَرور آمرزش خواهی و از بین بَرَنده گناهان است». و گمانم فرمود: «و بهشت را [بر شخص ،] واجب می گردانَد» .

9 / 9گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای شب بیستم ماه رمضان : برای گناهان گذشته ام که از یادشان برده ام ، ولی برایم ثبت شده اند و آن نویسندگان گرامی ، هر چه انجام دهم ، می دانند و آنها را به حساب من نوشته اند، از خدا آمرزش می خواهم. برای گناهان نابود کننده ، از خدا آمرزش می خواهم. برای گناهان بس نفرت انگیز و زشت ، از او آمرزش می خواهم. برای آنچه بر من واجب ساخت و در به جا آوردن آن ، سستی کردم ، از او آمرزش می خواهم . برای فراموش کردن چیزهایی که مرا از پروردگارم دور کرده اند ، از او آمرزش می خواهم. از لغزش ها و گم راهی ها و گناهانی که انجام داده ام ، از او آمرزش می خواهم، و به او ایمان دارم و بسیار بر او توکّل می کنم و از او آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم، آمرزش می خواهم. بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و مرا ببخش، و گناهان گذشته ام را بیامرز، و دعایم را ای سَرور من مستجاب فرما، که تو بی گمان، توبه پذیر و مهربانی.

صحیح البخاری در باره ابو بکر : او (ابوبکر) به پیامبر خدا گفت : مرا دعایی بیاموز تا با آن در نمازم دعا کنم. فرمود: «بگو: بار خدایا ! من به خود بسی ستم کردم، و تنها تویی که آمرزنده گناهانی . پس با آمرزشی از نزد خود ، مرا بیامرز و به من رحم کن ، که به راستی تو آمرزگار و مهربانی » .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اغفِر لى ذَنبى وخَطَئى وعَمدى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ فى كُلِّ يَومٍ مَرَّهً واحِدَهً : «أستَغفِرُ اللّهَ الَّذى لا إلهَ إلّا هُوَ الحَىُّ القَيّومُ ، الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ ، وأسأَلُهُ أن يَتوبَ عَلَىَّ تَوبَهَ عَبدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ فَقيرٍ ، بائِسٍ مِسكينٍ مُستَكينٍ مُستَجيرٍ ، لا يَملِكُ لِنَفسِهِ نَفعا ولا ضَرّاً ولا مَوتا ولا حَياهً ولا نُشورا» أمَرَ اللّهُ تَعالَى المَلَكَينِ بِتَخريقِ صَحيفَتِهِ كائِنَهً ما كانَت . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :مِن أحَبِّ الكَلامِ إلَى اللّهِ عز و جل أن يَقولَ العَبدُ وهُوَ ساجِدٌ : رَبِّ ظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى . (3)

عنه عليه السلام :مِن كَلِماتٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ أن يَقولَهُنَّ العَبدُ (4) : اللّهُمَّ لا إلهَ إلّا أنتَ ، اللّهُمَّ لا أعبُدُ إلّا إيّاکَ ، اللّهُمَّ لا اُشرِکُ بِکَ شَيئا ، اللّهُمَّ إنّى قَد ظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى ذُنوبى ، إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ إلّا أنتَ . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 489 ح 16269 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 183 ح 901 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 53 ح 8369 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 62 ح 5 ، الدعاء للطبرانى : ص 412 ح 1392 كلّها عن عثمان بن أبى العاص ، كنز العمّال : ج 2 ص 205 ح 3772 .
2- .فلاح السائل : ص 355 ح 239 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، عدّه الداعى : ص 251 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مصباح المتهجّد : ص 75 ، البلد الأمين : ص 20 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام فيهما صدره وذيله ، المصباح للكفعمى : ص 548 وفيه «أفضل القنوت ما روى عن النبىّ صلى الله عليه و آله وهو ...» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 82 ح 9 .
3- .الدعاء للطبرانى : ص 195 ح 608 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 155 ح 2877 كلاهما عن زرّ بن حبيش ، كنز العمّال : ج 2 ص 676 ح 5048 ؛ بحار الأنوار : ج 86 ص 217 ح 33 نقلاً من خطّ الشهيد .
4- .فى الزهد وكنز العمّال : «ما مِن كلماتٍ أحبّ إلى اللّه من أن يقول : . . .» .

5- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 84 ح 5 ، الزهد لهنّاد : ج 2 ص 463 ح 925 كلاهما عن ربعى بن خَراش ، كنز العمّال : ج 2 ص 678 ح 5053 ؛ الإقبال : ج 1 ص 326 عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج 98 ص 131 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! گناه مرا و هر آن بدی ای که به خطا یا به عمد از من سر زده است، بر من بیامرز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هر روز بعد از نماز عصر ، صد مرتبه بگوید: «از خدایی که معبودی نیست ، جز او زنده جاویدان، مهرگسترِ مهربان، خداوندگار شُکوه و ارج، آمرزش می خواهم و از او درخواست می کنم که توبه مرا بپذیرد ؛ توبه بنده خوار و خاکسارِ نادار بینوای مستمندِ بیچاره و پناه خواهی که برای خود ، اختیار هیچ سود و زیان ، و مرگ و زندگی و رستاخیزی را ندارد» ، خداوند متعال به دو فرشته[ی گماشته شده بر او] می فرماید که نامه [اعمال]او را پاره کنند، هر چه باشد.

امام علی علیه السلام :از محبوب ترین سخنان نزد خداوند عز و جل این است که بنده ، در حال سجده بگوید: «پروردگارا! به خودم ستم کردم . مرا بیامرز» .

امام علی علیه السلام :از جملاتی که در نزد خدا محبوب ترند ، این است که بنده بگوید: «بار خدایا! معبودی جز تو نیست. بار خدایا! جز تو را نمی پرستم. بار خدایا! چیزی را شریک تو قرار نداده ام. بار خدایا! به خود ستم کرده ام . پس گناهانم را بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد».

.

عنه عليه السلام مِن دُعاءِ الأَمانِ : ... اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ فی مُحکَمِ کِتابِکَ النّاطِقِ ، عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ الصّادِقِ ، صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ : «فَمَا اسْتَکَانُواْ لِرَبِّهِمْ وَ مَا یَتَضَرَّعُونَ» (1) ، فَها أنَا یا رَبِّ مُستَکینٌ مُتَضَرِّعٌ إلَیکَ ، عائِذٌ بِکَ ، مُتَوَکِّلٌ عَلَیکَ ، وقُلتَ یا سَیِّدی ومَولایَ : «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِیمًا» (2) ، وأنَا یا سَیِّدی أستَغفِرُکَ وأتوبُ وأبوءُ بِذَنبی ، وأعتَرِفُ بِخَطیئَتی ، وأستَقیلُکَ عَثرَتی ، فَهَب لی ما أنتَ بِهِ خَبیرٌ . وقُلتَ جَلَّ ثَناؤُکَ وتَقَدَّسَت أسماؤُکَ : «یَعِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُواْ عَلَی أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» (3) ، فَلَبَّیکَ اللّهُمَّ لَبَّیکَ وسَعدَیکَ ، وَالخَیرُ فی یَدَیکَ . أنَا یا سَیِّدِی المُسرِفُ عَلی نَفسی ، قَد وَقَفتُ مَوقِفَ الأَذِلّاءِ المُذنِبینَ العاصینَ المُتَجَرِّئینَ عَلَیکَ ، المُستَخِفّینَ بِوَعدِکَ ووَعیدِکَ ، اللّاهینَ عَن طاعَتِکَ وطاعَهِ رَسولِکَ ، فَأیَّ جُرأَهٍ اجتَرَأتُ عَلَیکَ ! وأیَّ تَغَرُّرٍ غَرَرتُ بِنَفسی ! فَأنَا المُقِرُّ بِذَنبی ، المُرتَهَنُ بِعَمَلی ، المُتَحَیِّرُ عَن قَصدی ، المُتَهَوِّرُ فی خَطیئَتی ، الغَریقُ فی بُحورِ ذُنوبی ، المُنقَطِعُ بی ، لا أجِدُ لِذُنوبی غافِرا ، ولا لِتَوبَتی قابِلاً ، ولا لِنِدائی سامِعا ، ولا لِعَثرَتی مُقیلاً ، ولا لِعَورَتی ساتِرا ، ولا لِدُعائی مُجیبا غَیرَکَ یا سَیِّدی ، فَلا تَحرِمنی ما جُدتَ بِهِ عَلی مَن أسرَفَ عَلی نَفسِهِ وعَصاکَ ثُمَّ تَرَضّاکَ ، ولا تُهلِکنی إن عُذتُ بِکَ ولُذتُ وأنَختُ بِفِنائِکَ وَاستَجَرتُ بِکَ . إن دَعَوتُکَ یا مَولایَ فَبِذلِکَ أمَرتَنی وأنتَ ضَمِنتَ لی ، وإن سَأَلتُکَ فَأعطِنی ، وإن طَلَبتُ مِنکَ فَلا تَحرِمنی ، إلهی ، اغفِر لی وتُب عَلَیَّ وَارضَ عَنّی ، وإن لَم تَرضَ عَنّی فَاعفُ عَنّی ، فَقَد لا یَرضَی المَولی عَن عَبدِهِ ثُمَّ یَعفو عَنهُ ، لَیسَ تُشبِهُ مَسأَلَتی مَسأَلَهَ السُّؤّالِ ؛ لِأَنَّ السّائِلَ إذا سَأَلَ ورُدَّ ومُنِعَ امتَنَعَ ورَجَعَ ، وأنَا أسأَلُکَ وأُلِحُّ عَلَیکَ بِکَرَمِکَ وجودِکَ وجَنابِکَ مِن رَدِّ سائِلٍ مُستَعطٍ ، یَتَعَرَّضُ لِمَعروفِکَ ، ویَلتَمِسُ صَدَقَتَکَ ، ویُنیخُ بِفِنائِکَ ، ویَطرُقُ بابَکَ . وعِزَّتِکَ وجَلالِکَ یا سَیِّدی ، لَو طَبَّقَت ذُنوبی بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ وخَرَقَتِ النُّجومَ ، وبَلَغَت أسفَلَ الثَّری ، وجاوَزَتِ الأَرَضینَ السّابِعَهَ السُّفلی ، وأوقَت عَلَی الرَّملِ وَالحَصی ، ما رَدَّنِی الیَأسُ عَن تَوَقُّعِ غُفرانِکَ ، ولا صَرَفَنِی القُنوطُ عَنِ انتِظارِ رِضوانِکَ . إلهی وسَیِّدی دَلَلتَنی عَلی سُؤالِ الجَنَّهِ ، وعَرَّفتَنی فیهَا الوَسیلَهَ إلَیکَ ، وأنَا أتَوَسَّلُ إلَیکَ بِتِلکَ الوَسیلَهِ مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِم أجمَعینَ . أفَتَدُلُّ عَلی خَیرِکَ ونَوالِکَ السُّؤّالَ ثُمَّ تَمنَعُهُم ، وأنتَ الکَریمُ المَحمودُ فی کُلِّ الأَفعالِ ! کَلّا وعِزَّتِکَ یا مَولایَ ، إنَّکَ أکرَمُ مِن ذلِکَ وأوسَعُ فَضلاً . اللّهُمَّ اغفِر لی وَارحَمنی ، وَارضَ عَنّی وتُب عَلَیَّ ، وَاعصِمنی وَاعفُ عَنّی ، وسَدِّدنی ووَفِّق لی وخِر لی ، وَاجعَل لی ذِمَّتَکَ ولا تُعَذِّبنی ... . (4)

.

1- .المؤمنون : 76 .
2- .النساء : 64 .
3- .الزمر : 53 .
4- .مصباح الزائر : ص 94 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 422 .

امام علی علیه السلام از دعای امان : ... بار خدایا! تو در کتاب استوارِ گویایت ، از زبان پیامبر راستگویت که درودهای تو بر او و خاندانش باد ، فرموده ای: «نسبت به پروردگارشان ، فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند» . اینک من ای پروردگارم ، فروتنانه به تو زاری می کنم، به تو پناه آورده ام، بر تو توکّل کرده ام. و فرموده ای ای آقا و سَرور من : «اگر آن گاه که به خود ستم کردند ، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر ، برایش آمرزش می طلبید ، بی گمان ، خدا را توبه پذیری مهربان می یافتند» ، و من ای آقای من ، از تو آمرزش می خواهم و از گناهانم ، توبه و بازگشت می کنم، و به خطاهایم اعتراف دارم، و از لغزشم پوزش می طلبم . پس بر من ببخش آنچه را که تو خود ، از آن آگاهی. و فرموده ای ای آن که ستایشت بزرگ و نام هایت مقدّس است : «ای بندگان من که بر خویشتن ، زیاده روی روا داشته اید! از رحمت خداوند ، نومید نشوید . خداوند، همه گناهان را می آمرزد ، که او آمرزگار و مهربان است» . به چشم ای خداوند به چشم! اطاعت می شود [نومید نمی شوم] . خوبی، همه در دست توست . سَرورا! من بر خویشتن ، زیاده روی روا داشتم. اینک ، چونان زبونانِ گنهکار نافرمان گستاخ بر تو همانان که به نویدها و تهدیدهای تو اعتنا نکردند و به اطاعت از تو و اطاعت از پیامبرت بی توجّهی نمودند ، ایستاده ام . چه گستاخی ها که بر تو نمودم ، و چه فریب ها که خود را دادم! اینک به گناه خویش معترفم، در گرو کردار خویشم، از راه درست خود ، منحرف گشته ام، در خطاهای خویش ، فرو رفته ام، در دریاهای گناهانم ، غرقه گشته ام، از پا فتاده ام (/تکیه گاهی جز تو ندارم). آقای من! جز تو کسی را نمی یابم که گناهانم را بیامرزد، توبه ام را بپذیرد، آوازم را بشنود، از لغزشم در گُذرد (/ دست من افتاده را بگیرد) ، عیب هایم را بپوشانَد و دعایم را اجابت کند. پس مرا از آنچه به کسی که بر خویشتنْ زیاده روی روا داشت و تو را نافرمانی کرد و سپس خشنودی تو را به دست آورد، جود و بخشش کرده ای ، محروم مگردان و مرا که به تو پناه آورده ام و به تو متوسّل گشته ام و به آستان تو بار افکنده ام و از تو حمایت خواسته ام ، به هلاکت میفکن. سَرورا! تو را می خوانم که تو خود ، مرا بدان فرمان داده ای و [اجابتم را] برای من ، ضمانت کرده ای. از تو می خواهم ، پس عطایم فرما. از تو تقاضا می کنم ، پس محرومم مگردان. مرا بیامرز و توبه ام را بپذیرد و از من ، خشنود شو ، و اگر خشنود هم نمی شوی ، [لااقل] مرا عفو فرما؛ چه گاه سَرور از بنده اش خشنود نمی شود ؛ لیکن او را عفو می کند. خواهش من ، به خواهش گدایان نمی مانَد؛ زیرا

گدا ، هرگاه درخواستی کند و دست رد به سینه او زده شود و از دَهِش به او خودداری گردد ، دست بر می دارد و در پیِ کار خویش می رود، امّا من از تو درخواست می کنم و پای می فِشُرم که تو کریم و بخشنده ای ، و از ساحت تو به دور است که گدای حاجتمندی را که دست به سوی احسان تو دراز کرده و صدقه تو را می طلبد و به درگاه تو بار افکنده و درِ خانه تو را می کوبد، رد کنی. به عزّت و جلالت سوگند سرورم که اگر گناهان من ، میان آسمان و زمین را پُر کنند و از ستارگان درگذرند و [یا]به زیر زمین برسند و از زمین های هفتگانه زیرین بگذرند و از شن ها و ریگ ها افزون شوند ، از چشمداشتِ آمرزش تو ، مأیوس نمی شوم و از انتظارِ خشنودی تو ، نومید نمی گردم. معبودا و سرورا ! تو خود ، مرا به بهشت خواهی ره نمون شدی و وسیله رسیدن به آن را به من معرّفی کردی، و اینک ، من با آن وسیله، یعنی محمّد و خاندان او که درود خدا بر همه آنان باد ، به تو متوسّل می شوم . مگر می شود تو درخواست کنندگان را به احسان و دَهِش خود ، راهنمایی کنی و آن گاه ، آنها را از ایشان ، دریغ داری، در حالی که کریمی و در همه کارها[یت] ستوده ای؟ ! نه . به عزّتت سوگند ای سَرور من ، تو کریم تری و فضل و بخشش تو گسترده تر از این است. بار خدایا ! مرا بیامرز و بر من ، رحم آور، و از من ، خشنود شو و توبه ام را بپذیر، و مرا مصون بدار و از من ، درگذر، و به راه راستم ببر و توفیقم ده و برای من ، انتخاب کن، و مرا در زنهار خود بدار و عذابم مکن... .

.

ص: 314

..

ص: 315

. .

الإمام الباقر عليه السلام مِن دُعاءٍ كانَ عليه السلام يُسَمّيهِ الجامِعَ : اللّهُمَّ ما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ ، وما أغفَلتُ وما تَعَمَّدتُ ، وما تَوانَيتُ وما أعلَنتُ وما أسرَرتُ ، فَاغفِرهُ لى يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ بِأَنَّ لَکَ الحَمدَ لا إلهَ إلّا أنتَ ، المَنّانُ بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ذُو الجَلالِ وَالإِكرام ، إنّى سائِلٌ فَقيرٌ ، وخائِفٌ مُستَجيرٌ ، وتائِبٌ مُستَغفِرٌ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لى ذُنوبى كُلَّها ، قَديمَها وحَديثَها ، وكُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ ، اللّهُمَّ لا تُجهِد بَلائى ، ولا تُشمِت بى أعدائى ، فَإِنَّهُ لا دافِعَ ولا مانِعَ إلّا أنتَ . (2)

الكافى عن علىّ بن رئاب عن الإمام الكاظم عليه السلام :اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلَ (3) دُخولِ السَّنَهِ وذَكَرَ أنَّهُ مَن دَعا بِهِ مُحتَسِبا لَم تُصِبهُ فى تِلکَ السَّنَهِ فِتنَهٌ ولا آفَهٌ يُضَرُّ بِها دينُهُ وبَدَنُهُ ، ووَقاهُ اللّهُ عَزَّ ذِكرُهُ شَرَّ ما يَأتى بِهِ تِلکَ السَّنَهَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى دانَ (4) لَهُ كُلُّ شَىءٍ ، وبِرَحمَتِکَ الَّتى وَسِعَت كُلَّ شَىءٍ ، وبِعِزَّتِکَ الَّتى قَهَرتَ بِها كُلَّ شَىءٍ ، وبِعَظَمَتِکَ الَّتى تَواضَعَ لَها كُلُّ شَىءٍ ، وبِقُوَّتِکَ الَّتى خَضَعَ لَها كُلُّ شَىءٍ ، وبِجَبَروتِکَ الَّتى غَلَبَت كُلَّ شَىءٍ ، وبِعِلمِکَ الَّذى أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ ، يا نورُ يا قُدّوسُ (5) ، يا أوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ ويا باقى بَعدَ كُلِّ شَىءٍ ، يا اللّهُ يا رَحمنُ يا اللّهُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُنزِلُ النِّقَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُديلُ الأَعداءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى يُستَحَقُّ بِها نُزولُ البَلاءِ (6) ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَكشِفُ الغِطاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وَاغفِر لى الذُّنوبَ الَّتى تَهتِكُ العِصَمَ ... . (7)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 589 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 77 ح 234 ، مُهَج الدعوات : ص 218 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، الإقبال : ج 1 ص 108 عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجّد : ص 550 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 270 ح 3 .

2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 89 ح 248 عن بريد بن معاويه العجلى ، مصباح المتهجّد : ص 565 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 327 عن أحدهما عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 132 .
3- .مستقبل : هو إمّا بكسر الباء أو بالفتح ، وعلى التقديرين فهو مبنى على أنّ السنه الشرعيّه أوّلها شهر رمضان (مرآه العقول : ج 16 ص 219) . وراجع : شهر اللّه فى الكتاب والسنّه : (المدخل / خصائص شهر رمضان وبركاته / أوّل السنه) .
4- .دان : ذلّ وأطاع (القاموس المحيط : ج 4 ص 225 «دان») .
5- .القدّوس : الطاهر المنزّه عن العيوب (النهايه : ج 4 ص 23 «قدس») .
6- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه والإقبال : «واغفر لى الذنوب التى تنزل البلاء» .
7- .الكافى : ج 4 ص 72 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 106 ح 266 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 102 ح 1848 ، المقنعه : ص 320 ، الإقبال : ج 1 ص 115 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 341 ح 2 .

امام باقر علیه السلام از دعایی که آن را «دعای جامع» می نامید : بار خدایا ! هر آن گناهی را که از پیش تاکنون مرتکب گشته ام، و هر آنچه را از سرِ غفلت یا به عمد ، از من سر زده است، و هر آن سستی ای که کرده ام، و هر آن گناهی را که در آشکار یا نهان به جا آورده ام، بر من بیامرز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :بار خدایا ! از تو می خواهم . تویی که ستایش ، از آنِ توست . معبودی جز تو نیست . نعمت بخشی و پدیدآورنده آسمان ها و زمین، و خداوندگار شُکوه و ارج . من ، گدایی درویش، ترسان و پناه خواه و توبه گر و آمرزش خواهم. بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و همه گناهان مرا از قدیم و جدید، و هر جرمی را که مرتکب شده ام، بر من بیامرز. بار خدایا ! بلا [و گرفتاری ها]ی مرا سخت [و طاقت فرسا] مساز، و دشمن شادم مگردان، که دفاع کننده و بازدارنده ای جز تو نیست.

الکافی به نقل از علی بن رئاب : امام کاظم علیه السلام فرمود : «در ماه رمضان، آغازین ماه سال، (1) این دعا را بخوان». و فرمود : «هر کس با خلوص نیّت ، این دعا را بخواند ، در آن سال به فتنه و گزندی که به دین و جسم او صدمه برسد ، دچار نخواهد شد و خداوند عز و جل او را از شرّ حوادث آن سال ، حفظ خواهد کرد . [بگو :] بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به نام تو که همه چیز در برابرش خاضع است، و به رحمت تو که همه چیز را در بر گرفته است، و به عزّت تو که با آن ، همه چیز را مقهور خود ساخته ای ، و به عظمت تو که همه چیز در برابرش فروتن است، و به نیروی تو که همه چیز در برابرش تسلیم است، و به جبروت و قدرت تو که همه چیز را مغلوب کرده است ، و به علم تو که بر همه چیز ، احاطه دارد، ای روشنایی، ای پاک [از هر عیب]، ای آن که هیچ چیز نبود و تو بودی، و ای آن که همه چیز ، نابود می شود و تو می مانی ! ای خدا، ای مهرگستر ، ای خدا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و آن گناهانم را که نعمت ها را می بَرَند ، بر من بیامرز . آن گناهانم را که کیفرها[ی تو] را فرود می آورند ، بر من بیامرز . آن گناهانم را که امید را قطع می کنند ، بر من بیامرز . آن گناهانم را که دشمنان را چیره می سازند ، بر من بیامرز . آن گناهانم را که دعا را بر می گردانند ، بر من بیامرز . آن گناهانم را که به سبب آنها ، فرود آمدن بلا سزاوار می شود ، بر من بیامرز . آن گناهانم را

که باران آسمان را بند می آورند، بر من بیامرز . آن گناهانی را که پرده دری می کنند ، بر من بیامرز . آن گناهانی را که مرگ و نابودی را شتاب می بخشند ، بر من بیامرز . آن گناهانی را که پشیمانی می آورند ، بر من بیامرز . آن گناهانی را که پرده ها را می دَرَند ، بر من بیامرز... » .

.

1- .سال قمری بنا به قولی با ماه رمضان آغاز می شود.

ص: 318

..

. .

ص: 320

. .

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم السلام

اشاره

بخش دهم: صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبرانشامل:درآمدفصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آلهفصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و تشویق به آنفصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلامفصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم السلامفصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

.

ص: 322

. .

درآمد

واژه شناسی «صَلاه»

درآمدواژه شناسی «صَلاه»برخی از واژه شناسان برای مادّه «صلو / صلی» دو معنا ذکر کرده اند : یکی آتش و مشابه آن ، و دیگری نوعی عبادت . ابن فارس ، در این باره می گوید : مادّه «صلی (صاد و لام و حرف معتل)» ، دو اصل معنایی دارد : یکی آتش و مانند آن چون تب و گرما ، و دیگری از جنس عبادت است . در معنای اوّل گفته می شود : «صَلَیتُ العود بالنار (چوب را با آتش سوزاندم)» ... معنای دوم ، صَلات به معنای دعا کردن است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد ، اجابت کند . اگر روزه نداشت ، از آن غذا بخورد و اگر روزه داشت برایشان دعای خیر و برکت کند» ... صَلات شرعی ، عبارت است : از رکوع و سجود و دیگر حدود و ارکان نماز . صلات از جانب خدا ، به معنای رحمت است ... . (1) راغب نیز در تبیین معنای دعا می گوید : بسیاری از اهل لغت گفته اند: «صلاه» به معنای دعا و برکت خواستن برای کسی و تمجید است . گفته می شود : «صلّیتُ علیه» ، یعنی : برایش دعا

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 3 ص 300 .

کردم و او را به پاکی ستودم . [پیامبر خدا] صلی الله علیه و آله فرمود : «إذا دُعِیَ أحَدُکُم إلی طَعامٍ فَلیُجِب و إن کانَ صائِماً فَلیُصَلِّ ؛ هر گاه یکی از شما به غذایی دعوت شد بپذیرد و اگر روزه داشت برای دعوت کننده ، دعا کند» . جدر قرآن آمده است :ج «وَ صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلَوتَکَ سَکَنٌ لَّهُمْ؛ (1) بر ایشان درود فرست که درود فرستادن تو، مایه آرامش آنان است» و «یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَیْهِ؛ (2) بر پیامر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید [شما نیز] بر او درود فرستید» صلوات پیامبر و خدا بر مسلمانان ، در حقیقت ، تزکیه آنهاست ، و می فرماید : «أُوْلَئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَوَ تٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ؛ (3) آنان [کسانی هستند] که درودها و رحمت از خدایشان بر ایشان باد» . صلوات فرشتگان و مردم ، به معنای دعا کردن و آمرزش خواستن است . خداوند متعال می فرماید : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ؛ (4) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند» . صَلات ، به معنای آن عبادت مخصوص (نماز) ، در اصل به معنای دعاست ، و نماز را صلات گفته اند از باب نام گذاری شی ء به اسم جزئی از آن . صلات (نماز) ، از عباداتی است که در همه شرایع آسمانی وجود داشته است ، هر چند شکل آن در هر شریعتی ، متفاوت با شریعت دیگر بوده است . لذا فرمود : «إِنَّ الصَّلَوهَ کَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتَبًا مَّوْقُوتًا؛ 5 نماز بر مؤمنان، در اوقات معیّن، مقرّرشده بود» . بعضی گفته اند: «صلوه» در اصل از «صلی» گرفته شده است و معنای «صلّی الرجل» ، این است که شخص با این عبادت ، «صُلی» را که به معنای آتش برافروخته الهی است ، از خود ، دفع کرده است . بنای «صلّی (دور کردن آتش از

.

1- .توبه : آیه 103 .
2- .احزاب: آیه 56 .
3- .بقره : آیه 157 .
4- .نساء: آیه 103 .

صلاه ، در قرآن و حدیث

1 . معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله

خود)» مانند «مرّض» است که به معنای برطرف کردن بیماری است . (1) بر این اساس ، مقصود از صلوات (درود) فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار ، دعا کردن برای آنهاست .

صلاه ، در قرآن و حدیثبررسی مواردی از قرآن و حدیث که کلمه «صلاه» در آنها به کار رفته ، نشان می دهد که معنای جامع این واژه ، توجّه توأم با ستایش و اظهار تعظیم و تکریم است . علّامه سیّد محمّد حسین طباطبایی رحمه الله در این باره می گوید : معنای جامع کلمه «صلاه» آن گونه که از موارد کاربرد آن استفاده می شود ، انعطاف است . پس این معنا برحسب اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می شود ، فرق می کند . به همین جهت گفته شده است : «صلاه» از جانب خدا به معنای رحمت است ، و از جانب فرشتگان به معنای طلب آمرزش و از جانب مردم به معنای دعا کردن ؛ لیکن صلاتی که در قرآن به خدا نسبت داده شده ، به معنای رحمت خاص بر مؤمنان است که سعادت آخرت و رستگاری ابدی ، بر آن مترتّب است . به همین جهت ، جخداوندج در تعلیل صلوات فرستادن خود بر آنان می فرماید : «لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَى النُّورِ ؛ (2) تا شما را از تاریکی ها به سوی روشنایی ببرد و خدا نسبت به مؤمنان مهربان است» . (3) پیش از ملاحظه احادیث این بخش ، چند نکته قابل توجّه است :

1 . معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آلهبر پایه آنچه در تبیین معنای «صلاه» ذکر شد ، معنای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، اظهار

.

1- .مفردات ألفاظ القرآن : ص 490 .
2- .احزاب : آیه 43 .
3- .المیزان فی تفسیر القرآن : ج 16 ص 329 .

2 . پیام سیاسیِ درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله

محبّت به پیامبر صلی الله علیه و آله و تعظیم و تکریم ایشان است . از این رو ، آنچه در احادیث در تفسیر صلوات بر ایشان آمده است (مانند : رحمت ، (1) ستایش ، (2) دعا ، (3) پاک دانستن پیامبر صلی الله علیه و آله از کاستی ها و آفات ، (4) و وفا نمودن به پیمان الهی در پذیرفتن نبوّت ایشان (5)) در واقع ، مصادیق معنای جامع صلوات بر پیامبر خداست .

2 . پیام سیاسیِ درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آلهبا اندکی تأمّل در تأکید و تشویق قرآن و احادیث اسلامی به درود فرستادن بر پیامبر خدا ، بویژه در احادیثی که در باره کیفیت و ادب صلوات بر ایشان وارد شده و بر ضمیمه کردن اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام فرستادن صلوات تأکید دارند ، روشن می گردد که این ذکر مبارک ، افزون بر بُعد اعتقادی و معنوی ، دارای بُعد سیاسی و حکومتی است ، بدین گونه که تداوم اظهار محبّت حقیقی اُمّت اسلامی به پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار ، زمینه تداوم حاکمیت اسلام به رهبری خاندان رسالت را در جامعه فراهم می سازد . از این رو ، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله تنها یک عبادت نیست ؛ بلکه یک شعار سیاسی نیز هست و به همین جهت در حدیث نبوی ، بر بلند کردن صدا در گفتن این ذکر (همانند همه شعارهای سیاسی) تأکید شده است : اِرفَعوا أصواتَکُم بِالصَّلاهِ عَلَیَّ ؛ فَإِنَّها تَذهَبُ بِالنِّفاقِ . 6 صدایتان را به صلوات بر من بلند کنید ؛ چرا که نفاق را از بین می برد .

.

1- .ر . ک : ص 329 ح 2934 و 2935 .
2- .ر . ک : ص 331 ح 2936 .
3- .ر . ک : ص 331 ح 2937 .
4- .ر . ک : ص 331 ح 2938 .
5- .ر . ک : ص 371 ح 3016 .

3 . حکمت درود فرستادن بر همه انبیا علیهم السلام

4 . مهم ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله

این سخن ، بدان معناست که شخص منافق نمی تواند همیشه این شعار سیاسی را بلند تکرار کند ؛ چرا که تکرار این شعار به صورت آشکارا و بلند ، سبب می گردد بیماری نفاق به تدریج علاج شود و انسان به ایمان حقیقی دست یابد .

3 . حکمت درود فرستادن بر همه انبیا علیهم السلامدرود فرستادن بر پیامبران سلف ، هر چند پیام سیاسیِ درود فرستادن بر خاتم انبیا و خاندان او را ندارد ، متضمّن پیام اعتقادی و اجتماعی مهمّی است ؛ زیرا احترام به همه انبیا ، نشانه عقیده مند بودن مسلمانان به صداقت آنان و زمینه ساز نزدیک شدن هر چه بیشتر پیروان ادیان به یکدیگر است .

4 . مهم ترین برکات درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آلهدر فصل چهارم ، آثار و برکات فراوانی برای صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است ، مانند : آمرزش گناهان ، عافیت (آسایش) ، اجابت دعا ، درمان بیماری نفاق ، کفایت امور مادّی و معنوی و . . . ؛ لیکن به نظر می رسد که مهم ترین اثر این ذکر پُربرکت ، درود فرستادن خداوند متعال و سلام دادن پیامبر ختمی مرتبت بر صلوات فرستنده است که در واقع ، باید گفت سایر برکات صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ریشه در همین اثر دارد .

.

الفَصلُ الأَوَّلُ : تفسير الصّلاه على النّبيّالكتاب«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» . (1)

الحديثمعانى الأخبار عن أبى حمزه :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز وجل : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» فَقالَ : الصَّلاهُ مِنَ اللّهِ عز و جلرَحمَهٌ ، ومِنَ المَلائِكَهِ تَزكِيَهٌ ، ومِنَ النّاسِ دُعاءٌ . وأمّا قَولُهُ عز و جل : «وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» فَإِنَّهُ يَعنِى التَّسليمَ لَهُ فيما وَرَدَ عَنهُ . (2)

ثواب الأعمال عن ابن المغيره عن أبى الحسن عليه السلام وقَد سُئِلَ عَن مَعنى صَلاهِ اللّهِ وصَلاهِ مَلائِكَتِهِ وصَلاهِ المُؤمِنينَ : صَلاهُ اللّهِ رَحمَهٌ مِنَ اللّهِ (3) ، وصَلاهُ مَلائِكَتِهِ تَزكِيَهٌ مِنهُم لَهُ ، وصَلاهُ المُؤمِنينَ دُعاءٌ مِنهُم لَهُ . (4)

.

1- .الأحزاب : 56 .
2- .معانى الأخبار : ص 368 ح 1 ، الاعتقادات : ص 25 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 55 ح 27 .
3- .فى جامع الأخبار : «رحمه من اللّه له» .
4- .ثواب الأعمال : ص 187 ح 1 عن ابن المغيره ، جامع الأخبار : ص 159 ح 381 عن أبى المغيره ، بحار الأنوار : ج 86 ص 95 ح 3 وج 94 ص 58 ح 38 .

فصل یکم: تفسیر صلوات بر پیامبرقرآن«خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز]بر او درود فرستید و درودی کامل گویید» .

حدیثمعانی الأخبار به نقل از ابو حمزه : از امام صادق علیه السلام در باره این فرموده خداوند عز و جل پرسیدم که: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گویید» . فرمود: «درود ، از جانب خدا رحمت است و از جانب فرشتگان ، تزکیه (1) و از جانب مردم ، دعا». و فرمود: «درودی کامل گویید» ، یعنی به آنچه می گوید ، گردن نهید.

ثواب الأعمال به نقل از ابن مغیره : ابوالحسن علیه السلام ، (2) در پاسخ به پرسش از معنای درود خدا و درود فرشتگانش و درود مؤمنان : درود خدا ، رحمت از جانب خداست . درود فرشتگانش ، تزکیه آنها نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است و درود مؤمنان ، دعای آنها برای اوست.

.

1- .تزکیه: تأیید و تصدیق کردن کسی ؛ گواهی دادن به حقّانیت و اعتبار کسی ؛ امین و درست کردار خواندن کسی.
2- .منظور از ابوالحسن علیه السلام در این جا امام کاظم یا امام رضا علیهماالسلام است .

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ تَعالى : «إنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَاالَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» : أثنوا عَلَيهِ وسَلِّموا لَهُ . (1)

جمال الأُسبوع عن عبد الرحمن بن كثير :سَأَلتُهُ (2) عَن قَولِ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى : «إنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» ، فَقالَ : صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ تَزكِيَتُهُ لَهُ فِى السَّماءِ . قُلتُ : ما مَعنى تَزكِيَهِ اللّهِ إيّاهُ ؟ قال : زَكّاهُ بِأَن بَرَّأَهُ مِن كُلِّ نَقصٍ وآفَهٍ يَلزَمُ مَخلوقا . قُلتُ : فَصَلاهُ المُؤمِنينَ؟ قالَ : يُبَرِّؤونَهُ ويُعَرِّفونَهُ بِأَنَّ اللّهَ قَد بَرَّأَهُ مِن كُلِّ نَقصٍ هُوَ فِى المَخلوقينَ ، مِنَ الآفاتِ الَّتى تُصيبُهُم فى بُنيَهِ خَلقِهِم ، فَمَن عَرَّفَهُ ووَصَفَهُ بِغَيرِ ذلِكَ فَما صَلّى عَلَيهِ . قُلتُ : فَكَيفَ نَقولُ نَحنُ إذا صَلَّينا عَلَيهِم؟ قالَ : تَقولونَ : اللّهُمَّ إنّا نُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما أَمَرتَنا بِهِ ، وكَما صَلَّيتَ أَنتَ عَلَيه ، فَكَذلِكَ صَلاتُنا عَلَيهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن صَلّى عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله ، فَمَعناهُ : إنّى أَنَا عَلَى الميثاقِ وَالوَفاءِ الَّذى قَبِلتُ حينَ قَولِهِ : «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُواْ بَلَى» (4) . (5)

.

1- .المحاسن : ج 2 ص 53 ح 1156 .
2- .هكذا جاءت مضمره .
3- .جمال الأُسبوع : ص 155 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 71 ح 66 .
4- .آل عمران : 172 .
5- .معانى الأخبار : ص 115 ح 1 عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عليه السلام ، فلاح السائل : ص 226 ح 126 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 159 كلاهما عن زيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 54 ح 25 .

امام صادق علیه السلام در باره سخن خدای متعال که: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! [شما نیز] بر او درود فرستید و درودی کامل گویید» : [یعنی] او را بستایید و در برابرش تسلیم باشید.

جمال الأُسبوع به نقل از عبد الرحمان بن کثیر : از امام علیه السلام (1) در باره این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و درودی کامل گویید» . فرمود : درود فرستادن خدا بر او ، تزکیه او در آسمان است». گفتم : تزکیه خدا از او ، به چه معناست؟ فرمود: «تأیید می کند که او را از هر کاستی و آسیبی که لازمه مخلوق است ، مبرّا داشته است» . گفتم : درود فرستادن مؤمنان ، چه؟ فرمود: «او را تبرئه کرده ، چنین معرّفی می کنند که خداوند ، وی را از هر نقصی که خاصّ [دیگر] مخلوقات [انسانی]است، یعنی از آفت هایی [و امراضی] که به ساختمان بدنشان می رسد ، مبرّا کرده است . پس هر که او را به غیر از این ، وصف و معرّفی کند ، بر او درود نفرستاده است» . گفتم : پس هرگاه بر ایشان درود می فرستیم، چگونه بگوییم؟ فرمود: «می گویید: بار خدایا! ما بر پیامبرت محمّد و بر خاندان محمّد ، درود می فرستیم، همان گونه که تو ما را بدان ، فرمان داده ای، و همان سان که تو خود ، بر او درود فرستاده ای . چنین است درود فرستادن ما بر او» .

امام صادق علیه السلام :هر که بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد ، معنایش این است که: من ، بر آن پیمان و وفایی که پذیرفتم، هستم ؛ آن گاه که [خداوند] فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا ...» .

.

1- .منظور در اینجا امام صادق علیه السلام است .

الفَصلُ الثّانى : فضل الصّلاه على النّبىّ وآله والحثّ عليها2 / 1قيمَهُ الصَّلاهِ عَلَى النَّبىِّ وآلِهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يَلقَى اللّهَ غَدا راضِيا فَليُكثِرِ الصَّلاهَ عَلَىَّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أولَى النّاسِ بى فى يَومِ القِيامَهِ أكثَرُهُم عَلَىَّ صَلاهً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :صَلاتُكُم عَلَىَّ مُجَوِّزَهٌ لِدُعائِكُم ، ومَرضاهٌ لِرَبِّكُم ، وزَكاهٌ لِأَبدانِكُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن دُعاءٍ إلّا بَينَهُ وبَينَ السَّماءِ حِجابٌ حَتّى يُصَلِّىَ عَلَى النَّبِىِّ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ ، فَإِذا فَعَلَ ذلِكَ خُرِقَ ذلِكَ الحِجابُ ودَخَلَ الدُّعاءُ ، فَإِذا لَم يَفعَل ذلِكَ رَجَعَ الدُّعاءُ . (4)

.

1- .كنزالعمّال : ج 1 ص 504 ح 2229 نقلاً عن الديلمى عن عائشه .
2- .سنن الترمذى : ج 2 ص 354 ح 484 ، التاريخ الكبير : ج 5 ص 177 الرقم 559 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 88 ح 2240 ، جامع الأخبار : ص 153 ح 346 عن عبد اللّه بن مسعود .
3- .الجعفريّات : ص 215 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جمال الاُسبوع : ص 159 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص 156 ح 366 وفيهما «لأعمالكم» بدل «لأبدانكم» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 وص 68 ح 56 ؛ فردوس الأخبار : ج 2 ص 546 ح 3554 .
4- .بشاره المصطفى : ص 236 عن الحرث عن الإمام علىّ عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 156 ح 367 نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 258 ح 7 ؛ الفردوس : ج 4 ص 47 ح 6148 عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيه «وعلى آل محمّد» ، كنزالعمّال : ج 2 ص 88 ح 3270 .

2 / 1 ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام

فصل دوم: فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و تشویق به آن2 / 1ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان اوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دوست دارد که فردا[ی قیامت] ، خدای را در حالی دیدار کند که از او خشنود است، بر من بسیار درود بفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نزدیک ترینِ مردم به من در روز رستاخیز ، کسی است که بیشتر بر من درود فرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درود فرستادن شما بر من ، مجوّز [پذیرفته شدن] دعای شما و مایه خشنودی پروردگارتان و زکات بدن های شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ دعایی نیست ، مگر این که میان آن و آسمان (درگاه خداوند) ، پرده ای است ، تا آن گاه که بر پیامبر و بر خاندان پیامبر ، درود فرستاده شود . چون این کار صورت گیرد ، آن پرده می شکافد و دعا [به درگاه خداوندْ]داخل می شود، و اگر این کار نشود ، دعا برمی گردد.

.

المصنّف لعبد الرزاق عن يعقوب بن زيد التيمى :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أتانى آتٍ مِن رَبّى فَقالَ : لا يُصَلّى عَلَيکَ عَبدٌ صَلاةً إلّا صَلّى اللّهُ عَلَيهِ عَشرا . فَقالَ رَجلٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، ألا أجعَلُ نِصفَ دُعائى لَکَ؟ قالَ : إن شِئتَ . قالَ : ألا أجعَلُ کُلَّ دُعائى لَکَ؟ قالَ : إذا يَکفِيَکَ اللّهُ هَمَّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)

الکافى عن أبى بصير :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما مَعنى : أجعَلُ صَلَواتى کُلَّها لَکَ؟ فَقالَ : يُقَدِّمُهُ بَينَ يَدَى کُلِّ حاجَهٍ، فَلا يَسأَلُ اللّهَ عز و جل شَيئا حَتّى يَبدَأَ بِالنَّبىِّ صلى الله عليه و آله فَيُصَلّىَ عَلَيهِ ثُمَّ يَسأَلَ اللّهَ حَوائِجَهُ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَقِيَنى جَبرائيلُ عليه السلام فَبَشَّرَنى ، قالَ : إنَّ اللّهَ عز و جليَقولُ : مَن صَلّى عَلَيکَ صَلَّيتُ عَلَيهِ ، ومَن سَلَّمَ عَلَيکَ سَلَّمتُ عَلَيهِ ، فَسَجَدتُ لِذلِکَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ النَّبىِّ صلى الله عليه و آله سَمِعَهُ النَّبىُّ ورُفِعَت دَعوَتُهُ . (4)

عنه عليه السلام :صَلّوا عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَقبَلُ دُعاءَکُم عِندَ ذِکرِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ودُعائِکُم لَهُ وحِفظِکُم إيّاهُ صلى الله عليه و آله . (5)

.

1- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 215 ح 3114 ، فضل الصلاه على النبىّ صلى الله عليه و آله : ص 28 ح 13 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 456 كلاهما نحوه .
2- .الكافى : ج 2 ص 492 ح 4 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2038 عن أبى بصير وابن الحكم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 .
3- .جامع الأخبار : ص 157 ح 371 ، تيسير المطالب : ص 353 عن عبد الرحمن بن عوف ، بحار الأنوار : ج 94 ص 65 ح 52 .
4- .الخصال : ص 630 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّه الداعى : ص 152 نحوه ، بحار الأنوار

: ج 94 ص 50 ح 14 .
5- .الخصال : ص 613 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 103 وفيه «ورعايتكم له» بدل «ودعائكم له ...» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 309 ح 7 وج 94 ص 50 ح 14 .

المصنَّف ، عبد الرزّاق به نقل از یعقوب بن زید تَیمی : پیامبر خدا فرمود: «یکی از جانب پروردگارم نزد من آمد و گفت: هر بنده ای بر تو درود فرستد ، خداوند ، ده بار بر او درود می فرستد » . مردی گفت : ای پیامبر خدا ! آیا نصف دعایم را به شما اختصاص ندهم؟ فرمود: «هر طور مایلی» . گفت : آیا همه دعایم را به شما اختصاص ندهم؟ فرمود: «در این صورت، خداوند ، تو را از دغدغه دنیا و آخرت ، خلاص می کند» .

الکافی به نقل از ابو بصیر : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای جمله «همه درودهایم را به شما اختصاص می دهم» چیست؟ فرمود: «یعنی او را پیشاپیش هر حاجت خود قرار دهد ، و هر چه از خداوند عز و جل درخواست می کند ، نخست از پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کند و بر او درود بفرستد و سپس حاجت های خود را از خدا بخواهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام به دیدار من آمد و مرا مژده داد و گفت: خدای عز و جلمی فرماید: «هر که بر تو درود بفرستد ، من بر او درود می فرستم، و هر که بر تو سلام فرستد ، من بر او سلام می فرستم» و من به شکرانه آن ، سجده کردم.

امام علی علیه السلام :هر کس بر پیامبر ، محمّد صلی الله علیه و آله ، درود فرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می شنود و دعایش [به درگاه خداوند] بالا برده می شود.

امام علی علیه السلام :بر محمّد و خاندان محمّد ، درود بفرستید؛ چرا که در هنگام بردن نام محمّد صلی الله علیه و آله و دعا کردن شما برای او و پاسداشتتان از او، خداوند عز و جلدعایتان را می پذیرد.

.

عنه عليه السلام :إذا قَرَأتُم : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ» فَصَلّوا عَلَيهِ ؛ فِى الصَّلَاهِ كُنتُم أو فى غَيرِها . (1)

عنه عليه السلام :بِالشَّهادَتَينِ تَدخُلونَ الجَنَّهَ ، وبِالصَّلَاهِ تَنالونَ الرَّحمَهَ ، أكثِروا مِنَ الصَّلَاهِ عَلى نَبِيِّكُم «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» . (2)

عنه عليه السلام لِيَهودِىٍّ قالَ لَهُ : إنَّ آدَمَ عليه السلام أسجَدَ اللّهُ المَلائِكَهَ لَهُ ، فَهَل فَضلٌ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِمِثلِ ذلِكَ؟ : قَد كانَ ذلِكَ ، ولَئِن أسجَدَ اللّهُ عز و جلَ لِادَمَ مَلائِكَتَهُ ، فَإِنَّ ذلِكَ لِما أودَعَ اللّهُ عز و جلصُلبَهُ مِنَ الأَنوارِ وَالشَّرَفِ ، إذ كانَ هُوَ الوِعاءُ ، ولَم يَكُن سُجودُهُم عِبادَهً لَهُ ، وإنَّما كانَ سُجودُهُم طاعَهً لِأَمرِ اللّهِ وتَكرِمَهً وتَحِيَّهً ، مِثلَ السَّلامِ مِنَ الإِنسانِ عَلَى الإِنسانِ ، وَاعتِرافا لِادَمَ بِالفَضيلَهِ . ولَقَد أعطى مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله أفضَلَ مِن ذلِكَ؛ وهُوَ أنَّ اللّهَ تَعالى صَلّى عَلَيهِ وأمَرَ مَلائِكَتَهُ أن يُصَلّوا عَلَيهِ ، وأمَرَ جَميعَ خَلقِهِ بِالصَّلاهِ عَلَيهِ إلى يَومِ القِيامَهِ ، فَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» فَلا يُصَلّى عَلَيهِ فى حَياتِهِ أحَدٌ وبَعدَ وَفاتِهِ إلّا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ بِذلِكَ عَشرا ، وأعطاهُ مِنَ الحَسَناتِ عَشرا بِكُلِّ صَلاهٍ صَلّى عَلَيهِ ، ولا أحَدٌ يُصَلّى عَلَيهِ بَعدَ وَفاتِهِ إلّا وهُوَ يَعلَمُ بِذلِكَ ، ويَرُدُّ عَلَى المُصَلّى وَالمُسَلِّمِ مِثلَ ذلِكَ ، إنَّ اللّهَ تَعالى جَعَلَ دُعاءَ أُمَّتِهِ فيما يَسأَلونَ رَبَّهُم جَلَّ ثَناؤُهُ مَرفوعا مِن إجابَتِهِ ، حَتّى يُصَلّوا فيهِ عَلَيهِ صلى الله عليه و آله ، فَهذا أكبَرُ وأعظَمُ مِمّا أعطَى اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى لِادَمَ عليه السلام . (3)

.

1- .الخصال : ص 629 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 119 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 19 ح 9 .
2- .التوحيد : ص 73 ح 27 ، الأمالى للصدوق : ص 399 ح 515 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 8 ص 19 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام وفيه «بالشهاده» ، تحف العقول : ص 92 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 48 ح 3 .

3- .إرشاد القلوب : ص 408 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 69 ح 59 وج 16 ص 343 ح 33 .

امام علی علیه السلام :هر گاه «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند» را خواندید ، بر او درود فرستید، در نماز بودید یا غیر نماز.

امام علی علیه السلام :با شهادتین ، به بهشت می روید و با صلوات (/ نماز) ، به رحمت [خداوند] نایل می شوید . بر پیامبرتان بسیار درود بفرستید . «خدا و فرشتگان او بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ! [شما نیز]بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید» .

امام علی علیه السلام به مردی یهودی که به ایشان گفت: خداوند برای آدم علیه السلام فرشتگان را به سجده وا داشت. آیا برای محمّد صلی الله علیه و آله چنین امتیازی هست؟ : چنین است. اگر خداوند عز و جل فرشتگانش را به سجده در برابر آدم وا داشت، به خاطر انوار و شرافتی بود که خداوند عز و جل در پشت او نهاد؛ زیرا او ظرف بود . و سجده فرشتگان برای پرستش آدم نبود ؛ بلکه سجده شان، در واقع، اطاعت از فرمان خدا و [نوعی]احترام و درود فرستادن، همانند سلام گویی انسان بر انسان بود و اعتراف به برتری آدم بود. خداوند ، برتر از این را به محمّد صلی الله علیه و آله عطا فرمود و آن ، این است که خدای متعال، خود بر او درود فرستاد و به فرشتگانش فرمود که بر او درود بفرستند و همه آفریدگانش را نیز دستور داد که تا روز قیامت بر او درود بفرستند . او که نقّاش بزرگ است فرمود: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ! [شما نیز]بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید» . پس، هر که بر او ، چه در زمان حیاتش و چه پس از وفاتش، درود فرستد ، خداوند ده بار بر او درود می فرستد و برای هر درودی که فرستاده است ، ده حسنه عطایش می کند. و هر که بعد از وفات ایشان بر او درود فرستد ، او درود وی را می فهمد و جواب درود فرستنده و سلام گوینده را به همان سان می دهد. خدای متعال ، دعای امّت او را برای آنچه از پروردگارشان عز و جل می خواهند ، از اجابتْ دور نگه می دارد تا آن که در آن دعا بر او درود بفرستند و این ، بزرگ تر و مهم تر از آن چیزی است که خدای تبارک و تعالی به آدم علیه السلام عطا فرمود.

.

جمال الاُسبوع عن أبی عبد اللّه البرقی یرفعه :قالَ رَجُلٌ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ، أخبِرنی عَن قَولِ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی وما وَصَفَ مِنَ المَلائِکَهِ :«یُسَبِّحُونَ الَّیْلَ وَ النَّهَارَ لَا یَفْتُرُونَ» (1) ثُمَّ قالَ : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَیْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِیمًا» ، کَیفَ لا یَفتُرونَ وهُم یُصَلّون عَلَی النَّبیِّ صلی الله علیه و آله ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی لَمّا خَلَقَ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله أمَرَ المَلائِکَهَ فَقالَ : أنقِصوا مِن ذِکری بِمِقدارِ الصَّلاهِ عَلی مُحَمَّدٍ ، [فَقَولُ الرَّجُلِ : صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ] (2) فِی الصَّلاهِ مِثلُ قَولِهِ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلَا اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :أفضَلُ الدُّعاءِ الصَّلاهُ عَلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله . (4)

عنه علیه السلام :مَن ذَکَرَ اللّهَ کُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ ، ومَن ذَکَرَ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کُتِبَت لَهُ عَشرُ حَسَناتٍ ؛ لِأَنَّ اللّهَ تَعالی قَرَنَ رَسولَهُ بِنَفسِهِ . (5)

الکافی عن عبد السلام بن نعیم :قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إنّی دَخَلتُ البَیتَ ولَم یَحضُرنی شَیءٌ مِنَ الدُّعاءِ إلَا الصَّلاهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . فَقالَ : أما إنَّهُ لَم یَخرُج أحَدٌ بِأفضَلَ مِمّا خَرَجتَ بِهِ . (6)

.

1- .الأنبیاء : 20 .
2- .مابین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار .
3- .جمال الاُسبوع : ص 156 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 71 ح 66 .
4- .جامع الأحادیث للقمّی : ص 186 عن الإمام الرضا علیه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : ص 345 عن العالم علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 296 ح 23 وص 322 ح 35 .
5- .علل الشرائع : ص 579 ح 7 عن عبد الحمید ، بحار الأنوار : ج 94 ص 54 ح 24 .
6- .الکافی : ج 2 ص 494 ح 17 ، ثواب الأعمال : ص 186 ح 2 ، عدّه الداعی : ص 150 عن عبد اللّه بن نعیم ، بحار الأنوار : ج 99 ص 369 ح 5

وج 94 ص 57 ح 34 .

جمال الاُسبوع به نقل از ابو عبد اللّه برقی، در حدیثی که سند آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : قربانت گردم ! مرا از این سخن خدای تبارک و تعالی و آنچه در باره فرشتگان فرموده است ، آگاه فرما که : «شب و روز ، بی وقفه ، تسبیح می گویند» و سپس [در جایی دیگر]فرموده است: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ، درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ! [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلامی کامل بگویید» . چگونه از تسبیح ، باز نمی ایستند ، در حالی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می فرستند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای تبارک و تعالی چون محمّد صلی الله علیه و آله را آفرید ، به فرشتگان فرمود: به اندازه درود فرستادن بر محمّد ، از ذکر من بکاهید . [بنا بر این، این گفته آدمی: درود خدا بر محمّد باد] در نماز ، همسنگ این است که بگوید : پاکا خدا و ستایش ، خدای را ! معبودی جز خدا نیست . خدا بزرگ تر است».

امام صادق علیه السلام :برترین دعا، درود فرستادن بر پیامبر خداست.

امام صادق علیه السلام :هر که یاد خدا کند ، ده نیکی برایش نوشته می شود، و هر که یاد پیامبر خدا کند ، [نیز]ده نیکی برایش نوشته می شود؛ چرا که خدای متعال پیامبرش را در کنار خودش قرار داده است.

الکافی به نقل از عبد السلام بن نعیم : به امام صادق علیه السلام گفتم : من به خانه (کعبه) در آمدم ؛ امّا هیچ دعایی جز درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد ، به یادم نیامد. فرمود: «بدان که هیچ کس با چیزی (و پاداشی) برتر از آنچه تو با آن بیرون آمدی ، بیرون نیامده است».

.

تهذيب الأحكام عن أبى بصير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : اُصَلّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وأنَا ساجِدٌ؟ فَقالَ : نَعَم ، هُوَ مِثلُ سُبحانَ اللّهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (1)

الكافى عن عبد اللّه بن سليمان :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَذكُرُ النَّبىَّ صلى الله عليه و آله وهُوَ فِى الصَّلاةِ المَكتوبَةِ إمّا راكِعا وإمّا ساجِدا ، فَيُصَلّى عَلَيهِ وهُوَ عَلى تِلكَ الحالِ؟ فَقالَ : نَعَم ، إنَّ الصَّلاةَ عَلى نَبِيِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله كَهَيئَةِ التَّكبيرِ وَالتَّسبيحِ ، وهِىَ عَشرُ حَسَناتٍ ، يَبتَدِرُها ثَمانِيَةَ عَشَرَ مَلَكا أيُّهُم يُبَلِّغُها إيّاهُ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام :أفضَلُ الدُّعاءِ الصَّلاةُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِم ، ثُمَّ الدُّعاءُ لِلإِخوانِ ، ثُمَّ الدُّعاءُ لِنَفسِكَ فيما أحبَبتَ . (3)

الكافى عن عبيد اللّه بن عبد اللّه :دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام فَقالَ لى : ما مَعنى قَولِهِ : «وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّى» (4) ؟ قُلتُ : كُلَّما ذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ قامَ فَصَلّى . فَقالَ لى : لَقَد كَلَّفَ اللّهُ عز و جل هذا شَطَطا (5) ! فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ فَكَيفَ هُوَ؟ فَقالَ : كُلَّما ذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ . (6)

.

1- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 314 ح 1279 .
2- .الكافى : ج 3 ص 322 ح 5 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 299 ح 1206 عن عبد اللّه بن سنان .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 238 ح 2577 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 345 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 322 ح 35 وص 296 ح 23 .
4- .الأعلى : 15 .
5- .كَلَّفتَنى شَطَطا : أى أمرا شاقّا (مجمع البحرين : ج 2 ص 952 «شطط») .
6- .الكافى : ج 2 ص 494 ح 18 .

تهذیب الأحکام به نقل از ابو بصیر : به امام صادق علیه السلام گفتم : در حال سجده، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستم؟ فرمود: «آری . آن ، همانند سبحان اللّه و اللّه أکبر است» .

الکافی به نقل از عبد اللّه بن سلیمان : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: انسان در حال گزاردن نماز واجب، در رکوع یا سجود، نام پیامبر صلی الله علیه و آله را می برد . آیا در آن حال ، بر او درود بفرستد؟ فرمود: «آری . درود فرستادن بر پیامبر خدا ، همانند گفتن اللّه أکبر و سبحان اللّه است و ده ثواب دارد و هجده فرشته به سوی آن ثواب ها می شتابند تا هر یک زودتر از دیگری آنها را به او برسانند» .

امام کاظم علیه السلام :بهترین دعا، درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد است که درود خدا بر ایشان باد . سپس دعا کردن برای برادران و آن گاه دعا کردن برای خودت در باره آنچه دوست داری.

الکافی به نقل از عبید اللّه بن عبداللّه : بر امام رضا علیه السلام در آمدم . به من فرمود: «معنای این سخن خداوند: «و نام پروردگارش را برد و نماز گزارد» چیست؟». گفتم : یعنی هر زمان که نام پروردگارش را بُرد ، برخیزد و نماز بگزارد. به من فرمود: «پس خداوند ، تکلیف فراتر از توان کرده است !». گفتم : قربانت گردم ! پس معنایش چیست؟ فرمود: «یعنی هرگاه نام پروردگارش را برد ، بر محمّد و خاندان او درود رستد».

.

الإمام الرضا عليه السلام :الصَّلاةُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ تَعدِلُ عِندَ اللّهِ عز و جلالتَّسبيحَ وَالتَّهليلَ وَالتَّكبيرَ. (1)

الإمام الهادى عليه السلام :إنَّمَا اتَّخَذَ اللّهُ عز و جل إبراهيمَ خَليلاً لِكَثرَةِ صَلاتِهِ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم . (2)

راجع : ص 372 (بركات الصلاه على رسول اللّه وأهل بيته) .

2 / 2قيمَةُ الصَّلاهِ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ يَومَ الجُمُعَهِ ولَيلَتَهارسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِروا عَلَىَّ الصَّلاهَ يَومَ الجُمُعَهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِرُوا الصَّلاهَ عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ ولَيلَهَ الجُمُعَهِ ؛ فَمَن صَلّى عَلَىَّ صَلاهً صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ عَشرا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِنَ الصَّلاهِ عَلَىَّ فى يَومِ الجُمُعَهِ ولَيلَهِ الجُمُعَهِ ؛ فَمَن فَعَلَ ذلِكَ كُنتُ لَهُ شَهيدا وشافِعا يَومَ القِيامَهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا عَلَىَّ مِنَ الصَّلاهِ فى كُلِّ يَومِ جُمُعَهٍ ؛ فَإنَّ صَلاهَ اُمَّتى تُعرَضُ عَلَىَّ فى كُلِّ يَومِ جُمُعَهٍ ، فَمَن كانَ أكثَرَهُم عَلَىَّ صَلاهً كانَ أقرَبَهُم مِنّى مَنزِلَهً . (6)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 294 ح 52 ، الأمالى للصدوق : ص 132 ح 124 كلاهما عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، روضه الواعظين : ص 353 ، جامع الأخبار : ص 155 ح 359 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 47 ح 2 .
2- .علل الشرائع : ص 34 ح 3 عن عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى ، بحار الأنوار : ج 12 ص 4 ح 9 .
3- .عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 135 ح 379 ، مسند الشاميّين : ج 4 ص 18 ح 26 كلاهما عن أنس ، فضل الصلاه على النبىّ صلى الله عليه و آله للجهضمى : ص 40 عن الحسن ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 3 ص 205 ح 5338 وفيه «عن أبى عمران الجونى قال : بلغنى أنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله كان يقول ...» .

4- .السنن الكبرى : ج 3 ص 353 ح 5994 ، فضائل الأوقات للبيهقى : ص 136 ح 321 كلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 494 ح 2179 .
5- .كنزالعمّال : ج 1 ص 489 ح 2142 ، الجامع الصغير : ج 1 ص 209 ح 1405 كلاهما نقلاً عن البيهقى فى شُعب الإيمان عن أنس .
6- .السنن الكبرى : ج 3 ص 353 ح 5995 عن أبى أُمامه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 488 ح 2141 ؛ بحار الأنوار : ج 89 ص 358 نقلاً عن الرساله للشهيد الثانى .

2 / 2 ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در روز و شب جمعه

امام رضا علیه السلام :درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد، در نزد خداوند ، همسنگ گفتنِ «سبحان اللّه » و گفتن «لا إله إلّا اللّه » و گفتن «اللّه أكبر» است.

امام هادی علیه السلام :خداوند عز و جل به این دلیل ، ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد که بر محمّد و خاندان او که درودهای خدا بر ایشان باد زیاد درود می فرستاد.

ر . ک : ص 373 (برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او).

2 / 2ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز و شب جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هر کس بر من یک درود بفرستد ، خداوند ، ده درود بر او می فرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز و شب جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید، که هر کس چنین کند ، در روز قیامت ، گواه و شفیع او می شوم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روزهای جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درودهای امّتم ، در هر روز جمعه به من ارائه می شود . پس هر کس بیشتر بر من درود فرستد ، مقامش به من نزدیک تر است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن أفضَلِ أيّامِكُم يَومَ الجُمُعَهِ ؛ فَأَكثِروا عَلَىَّ مِنَ الصَّلاهِ فيهِ ، فَإِنَّ صَلاتَكُم مَعروضَهٌ عَلَىَّ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أكثِروا مِنَ الصَّلاهِ عَلىَّ يَومَ الجُمُعَهِ ؛ فَإِنَّهُ يَومٌ تُضاعَفُ فيهِ الأَعمالُ ، وَاسأَلُوا اللّهَ تَعالى لِىَ الدَّرَجَهَ الوَسيلَهَ (2) مِنَ الجَنَّهِ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَا الدَّرَجَهُ الوَسيلَهُ مِنَ الجَنَّهِ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : هِىَ أعلى دَرَجَهٍ فِى الجَنَّهِ لايَنالُها إلّا نَبِىٌّ ، وأَرجو أن أكونَ أنَا هُوَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ إيمانا وَاحتِسابا ، اِستَأنَفَ العَمَلَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ مِئَهَ مَرَّهٍ ، جاءَ يَومَ القِيامَهِ ومَعَهُ نورٌ لَو قُسِّمَ ذلِكَ النُّورُ بَينَ الخَلقِ كُلِّهِم لَوَسِعَهُم . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ مِئَهَ مَرَّهٍ ، قَضَى اللّهُ لَهُ سِتّينَ حاجَهً ؛ ثَلاثونَ مِنها لِلدُّنيا ، وثَلاثونَ لِلآخِرَهِ . (6)

.

1- .سنن أبى داوود : ج 2 ص 88 ح 1531 وج 1 ص 275 ح 1047 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 524 ح 1636 ، سنن النسائى : ج 3 ص 91 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 191 ح 910 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 353 ح 5993 كلّها عن أوس بن أوس .
2- .فى جامع الأخبار : «الدرجه والوسيله» .
3- .مسند زيد : ص 156 ، جامع الأخبار : ص 157 ح 370 وراجع دعائم الإسلام : ج 1 ص 179 وبحار الأنوار : ج 94 ص 65 ح 52 .
4- .المحاسن : ج 1 ص 132 ح 161 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام .
5- .حليه الأولياء : ج 8 ص 47 عن محمّد بن عجلان عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، كنزالعمّال : ج 1 ص 507 ح 2240 .

6- .ثواب الأعمال : ص 187 ح 1 عن محمّد بن الفضيل عن الإمام الرضا عليه السلام ، المصباح للكفعمى : ص 421 بهامشه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 351 ح 28 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یکی از بافضیلت ترین روزهای شما روز جمعه است . پس در این روز ، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا درود شما به من عرضه می شود.

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا جمعه روزی است که در آن ، اعمال ، دو چندان محاسبه می شوند. از خداوند بزرگ برای من درجه وسیله را در بهشت ، مسئلت کنید» . گفته شد: ای پیامبر خدا! درجه «وسیله» در بهشت چیست؟ فرمود: «آن ، بالاترین درجه بهشت است و جز پیامبر ، کسی به آن مقام نمی رسد و امیدوارم که من ، آن پیامبر باشم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در روز جمعه ، از روی ایمان و برای رضای خدا، بر من درود فرستد، کار را از نو آغاز کرده است. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در روز جمعه ، صد مرتبه بر من درود فرستد، روز قیامت با چنان نوری بیاید که اگر آن نور در میان همه خلایق تقسیم شود ، همگان را جوابگو خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در روز جمعه صد بار بر من درود فرستد ، خداوند ، شصت حاجت او را برمی آورد : سی حاجت دنیوی و سی حاجت اُخروی.

.

1- .کنایه از این که تمام گناهانش آمرزیده شده است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ ، كانَت شَفاعَهً لَهُ عِندى يَومَ القِيامَهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ مِنَ السُّنَّهِ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ فى كُلِّ يَومِ جُمُعَهٍ ألفَ مَرَّهٍ ، وفى سائِرِ الأَيّامِ مِئَهَ مَرَّهٍ . (2)

عنه عليه السلام لِعُمَرَ بنِ يَزيدٍ : يا عُمَرُ ، إنَّهُ إذا كانَ لَيلَهُ الجُمُعَهِ نَزَلَ مِنَ السَّماءِ مَلائِكَهٌ بِعَدَدِ الذَّرِّ ، فى أيديهِم أقلامُ الذَّهَبِ وقَراطيسُ الفِضَّهِ ، لا يَكتُبونَ (3) إلى لَيلَهِ السَّبتِ إلَا الصَّلاهَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، فَأكثِر مِنها . (4)

2 / 3قيمَهُ الصَّلاهِ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ عِندَ الدُّعاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَجعَلونى كَقَدَحِ الرّاكِبِ 5 ؛ فَإِنَّ الرّاكِبَ يَملَأُ قَدَحَهُ فَيَشرَبُهُ إذا شاءَ . اِجعَلونى فى أوَّلِ الدُّعاءِ وفى آخِرِهِ وفى وَسَطِهِ . (5)

.

1- .كنزالعمّال : ج 1 ص 506 ح 2239 نقلاً عن الديلمى عن عائشه .
2- .الكافى : ج 3 ص 416 ح 13 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 4 ح 9 ، جمال الأُسبوع : ص 124 كلّها عن عمربن يزيد ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 158 نحوه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 315 ح 24 .
3- .فى الكافى : «لا تكتبون» ، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأُخرى .
4- .الكافى : ج 3 ص 416 ح 13 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 4 ح 9 ، جمال الأُسبوع : ص 123 كلّها عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج 89 ص 314 ح 24 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 424 ح 1251 والخصال : ص 393 ح 95 .
5- .الكافى : ج 2 ص 492 ح 5 عن ابن القدّاح ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 19 ح 2039 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 ؛ المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 216 ح 3117 ، شُعب الإيمان : ج 2 ص 216 ح 1578 كلاهما عن جابر نحوه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 509 ح 2253 .

2 / 3 ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در هنگام دعا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در روز جمعه ، بر من درود بفرستد، در روز قیامت ، آن درود ، شفیع او در نزد من خواهد بود (/به واسطه آن ، شفاعتش خواهم کرد) .

امام صادق علیه السلام :از سنّت است که در هر روز جمعه ، هزار مرتبه و در دیگر روزها ، صد مرتبه بر محمّد و اهل بیت او درود بفرستی.

امام صادق علیه السلام به عمر بن یزید : ای عمر! چون شب جمعه می شود ، به شمار مورچگان از آسمان ، فرشته فرود می آید و در دستانشان خامه های زرّین و کاغذهای سیمین است و تا شب شنبه ، جز درود بر محمّد و خاندان محمّد که درود خدا به او و بر ایشان باد ، چیزی را نمی نویسند . پس فراوان درود بفرست .

2 / 3ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او در هنگام دعاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرا به سانِ پیاله سواره قرار ندهید (1) که هرگاه می خواهد [و تشنه می شود] ، پیالَه اش را پُر می کند و می نوشد؛ [بلکه] مرا در آغاز دعا و در پایان و در میان آن ، جای دهید.

.

1- .یعنی برای یاد کردن من ، اهمّیت قائل شوید ، نه این که هر گاه دلتان خواست ، به گمان این که یاد من اهمّیتی ندارد، از من یاد کنید .

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّعاءُ مَحجوبٌ عَنِ اللّهِ حَتّى يُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كُلُّ دُعاءٍ يُدعَى اللّهُ عز و جل بِهِ مَحجوبٌ عَنِ السَّماءِ ، حَتّى يُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (2)

عنه عليه السلام :مَن كانَت لَهُ إلَى اللّهِ عز و جل حاجَةٌ فَليَبدَأ بِالصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، ثُمَّ يَسأَلُ حاجَتَهُ ، ثُمَّ يَختِمُ بِالصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل أكرَمُ مِن أن يَقبَلَ الطَّرَفَينِ ويَدَعَ الوَسَطَ ، إذا كانَتِ الصَّلاهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ لا تُحجَبُ عَنهُ . (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاک :كانَ [الرِّضا] عليه السلام يَبدَأُ فى دُعائِهِ بِالصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، ويُكثِرُ مِن ذلِکَ فِى الصَّلاهِ وغَيرِها . (4)

راجع : ص 332 (قيمه الصلاه على النبىّ وآله) .

2 / 4قيمَهُ الصَّلاهِ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ فِى الكِتابَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ فى كِتابِهِ ، لَم تَزَلِ المَلائِكَهُ تُصَلّى عَلَيهِ مادامَ اسمى فى ذلِکَ الكِتابِ . (5)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 2 ص 216 ح 1576 عن الحارث ، كنزالعمّال : ج 2 ص 78 ح 3215 نقلاً عن أبى الشيخ وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ؛ عوالى اللآلى : ج 2 ص 223 ح 31 وفيه «كلّ دعاء» بدل «الدعاء» .
2- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 10 عن صفوان الجمّال ، ثواب الأعمال : ص 186 ح 3 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 88 ح 2238 كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيهما «يدعى اللّه عز و جل به» ، بحار الأنوار : ج 27 ص 260 ح 15 ؛ المعجم الأوسط : ج 1 ص 220 ح 721 ، شُعب الإيمان : ج 2 ص 216 ح 1575 كلاهما عن الحارث وعاصم بن ضمره عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيهما «يدعى اللّه عز و جل به» ، كنزالعمّال : ج 2 ص 269 ح 3988 .

3- .الكافى : ج 2 ص 494 ح 16 عن ابن جمهور عن أبيه عن رجاله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 19 ح 2040 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 .
4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 182 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 94 ح 7 .
5- .تاريخ دمشق : ج 6 ص 80 ح 1422 عن أبى هريره ، تفسير القرطبى : ج 14 ص 235 ؛ جامع الأخبار : ص 157 ح 373 عن أبى هريره .

2 / 4 ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام در نوشتار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا به درگاه خدا نمی رسد ، تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام :هر دعایی به درگاه خدای عز و جل از رفتن به آسمان ، ممنوع است تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام :هر کس به خداوند عز و جل حاجتی داشت ، نخست بر محمّد و خاندان او درود فرستد، سپس حاجت خود را بخواهد و در پایان ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستد؛ زیرا خدای عز و جل کریم تر از آن است که دو سوی [دعا]را بپذیرد و میان [آن] را وا نهد ؛ چرا که درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد ، از درگاه خداوند ، منع نمی شود.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک : امام رضا علیه السلام دعایش را با درود فرستادن بر محمّد و خاندان او آغاز می کرد و در نماز و غیر نماز ، فراوان درود می فرستاد.

ر . ک : ص 333 (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او) .

2 / 4ارزش صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او در نوشتارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در نوشته اش بر من درود فرستد، تا زمانی که نام من در آن نوشته باشد ، فرشتگان بر او درود می فرستند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ فى كِتابٍ ، لَم تَزَلِ المَلائِكَهُ تَستَغفِرُ لَهُ مادامَ اسمى فى ذلِكَ الكِتابِ . (1)

2 / 5بُلوغُ صَلاهِ المُؤمِنينَ إلَى النَّبِيِّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلّوا عَلَىَّ وسَلِّموا ؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم وسَلامَكُم يَبلُغُنى أينَما كُنتُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :حَيثُما كُنتُم فَصَلّوا عَلَىَّ ؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم تَبلُغُنى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ عِندَ قَبرى سَمِعتُهُ ، ومَن صَلّى عَلَىَّ نائِيا اُبلِغتُهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ مَلائِكَهً سَيّاحينَ فِى الأَرضِ ، يُبَلِّغونى مِن اُمَّتِى السَّلامَ . (5)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 232 ح 1835 عن أبى هريره ، ربيع الأبرار : ج 2 ص 248 ، كنزالعمّال : ج 1 ص 507 ح 2243 ؛ منيه المريد : ص 347 .

2- .مسند أبى يعلى : ج 6 ص 171 ح 6728 عن العلاء بن عبد الرحمن عن الإمام الحسن عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 1 ص 498 ح 2199 نقلاً عن الحكيم عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ كنزالفوائد : ج 2 ص 152 عن الأشجّ عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 83 ص 324 ح 24 .

3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 297 ح 8812 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 3 ص 82 ح 2729 عن الحسن بن الإمام الحسن بن علىّ بن أبى طالب عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ كنزالفوائد : ج 2 ص 152 عن الأشجّ عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

4- .شُعب الإيمان : ج 2 ص 218 ح 1583 ، تاريخ بغداد : ج 3 ص 292 كلاهما عن أبى هريره ؛ الفصول المختاره : ص 130 وفيه «من سلّم» بدل «من صلّى» ؛ الأمالى للطوسى : ص 167 ح 279 نحوه ، بحار الأنوار : ج 100 ص 182 ح 4 .

5- .سنن النسائی : ج 3 ص 43 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 169 ح 4320 وص 146 ح 4210 ، سنن الدارمی : ج 2 ص 773 ح 2672 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 456 ح 3576 ، شُعب الإیمان : ج 2 ص 218 ح 1582 ؛ الأمالی للصدوق : ص 389 ح 501 کلّها عن عبد اللّه بن مسعود .

2 / 5 رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در نوشته ای بر من درود فرستد ، تا آن گاه که نام من در آن نوشته است ، فرشتگان ، پیوسته برایش آمرزش می طلبند.

2 / 5رسیدن صلوات مؤمنان به پیامبرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر من درود و سلام بفرستید ؛ زیرا درود و سلام شما ، هر کجا که باشید ، به من می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر جا که بودید ، بر من درود بفرستید؛ چون درود شما به من می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در کنار قبرم بر من درود بفرستد ، آن را می شنوم و هر کس از دور بر من درود فرستد ، درودش به اطّلاع من رسانده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، فرشتگانی دارد که در زمین می گردند و سلام امّتم را به من می رسانند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا عَلَىَّ الصَّلاةَ فى يَومِ الجُمُعَهِ ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ أحَدٌ يُصَلّى عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ إلّا عُرِضَت عَلَىَّ صَلاتُهُ . (1)

سنن ابن ماجه عن أبى الدرداء :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَىَّ يَومَ الجُمُعَهِ ؛ فَإِنَّهُ مَشهودٌ تَشهَدُهُ المَلائِكَهُ ، وإنَّ أحدا لَن يُصَلِّىَ عَلَىَّ إلّا عُرِضَت عَلَىَّ صَلاتُهُ حَتّى يَفرُغَ مِنها . قُلتُ : وبَعدَ المَوتِ؟ قالَ : وبَعدَ المَوتِ ، إنَّ اللّهَ حَرَّمَ عَلَى الأرضِ أن تَأكُلَ أجسادَ الأنبِياءِ ، فَنَبِىُّ اللّهِ حَىٌّ يُرزَقُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :صَلّوا إلى جانِبِ قَبرِ النَّبىِّ صلى الله عليه و آله ، وإن كانَت صَلاهُ المُؤمِنينَ تَبلُغُهُ أينَما كانوا . (3)

عنه عليه السلام :مَن صَلّى عَلَى النَّبىِّ وآلِهِ مِئَهَ مَرَّهٍ فى كُلِّ يَومٍ ، أسداها (4) سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يُبَلِّغُها إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَبلَ صاحِبِهِ . (5)

راجع : ص 342 (قيمه الصلاه عليه وعلى آله يوم الجمعه وليلتها) .

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 457 ح 3577 عن أبى مسعود الأنصارى ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 399 ح 6 عن الحسن وفيه «فإنّها معروضه علىَّ» بدل «فإنّه ليس ...» ، فضل الصلاه على النبىّ صلى الله عليه و آله للجهضمى : ص 40 عن الحسن وفيه «فإنّها تعرض علىَّ» ، كنزالعمّال : ج 1 ص 494 ح 2178 وص 506 ح 2235 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 524 ح 1637 ، البدايه والنهايه : ج 5 ص 276 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 708 .
3- .الكافى : ج 4 ص 553 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 7 ح 11 كلاهما عن معاويه بن وهب ، الأُصول الستّه عشر : ص 83 عن ذريح المحاربى ، بحار الأنوار : ج 100 ص 156 ح 30 .
4- .السَّدْوُ : مدّ اليد نحو الشىء (لسان العرب : ج 14 ص 374 «سدا») .
5- .جامع الأخبار : ص 155 ح 353 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 94 ص 63 ح 52 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا هیچ کس نیست که در روز جمعه بر من صلوات بفرستد ، مگر آن که درودش به من رسانده می شود.

سنن ابن ماجه به نقل از ابودرداء : پیامبر خدا فرمود: «در روز جمعه ، فراوان بر من درود بفرستید؛ زیرا در روز جمعه ، فرشتگان ، همه جا حاضر می شوند، و هر کس بر من درود فرستد ، درودش به من ابلاغ می شود ، تا آن گاه که از درود فرستادن ، فارغ شود» . من گفتم : حتّی بعد از مرگ؟ فرمود: «حتّی بعد از مرگ ؛ [چون] خداوند ، زمین را ممنوع کرده است که جسدهای پیامبران را بخورد. پس، پیامبر خدا زنده است و روزی می خورد» .

امام صادق علیه السلام :در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، درود بفرستید، هر چند که درود مؤمنان ، هر کجا که باشند ، به ایشان می رسد.

امام صادق علیه السلام :هر کس در هر روز ، صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او درود بفرستد ، هفتاد هزار فرشته دست هایشان را به سوی آن صلوات ها دراز می کنند تا هر یک ، زودتر از دیگری ، آنها را به پیامبر خدا برسانند.

ر . ک : ص 343 (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه) .

.

2 / 6ذَمُّ تَركِ الصَّلاهِ عِندَ ذِكرِ النَّبِيِّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ البَخيلَ كُلَّ البَخيلِ الَّذى إذا ذُكِرتُ عِندَهُ لَم يُصَلِّ عَلَىَّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :كَفى بِهِ شُحّا أن اُذكَرَ عِندَهُ ثُمَّ لا يُصَلّى عَلَىَّ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مِنَ الجَفاءِ أن اُذكَرَ عِندَ الرَّجُلِ فَلا يُصَلّى عَلَىَّ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله فى حَديثٍ يَذكُرُ فيهِ أبخَلَ النّاسِ و . . . وأجفَى النّاسِ : وأمّا أجفَى النّاسِ ، فَرَجُلٌ ذُكِرتُ بَينَ يَدَيهِ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ ، دَخَلَ النّارَ فَأبعَدَهُ اللّهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :نادانى جِبريلُ مِن تِلقاءِ العَرشِ ، فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، الرَّحمنُ عز و جل يَقولُ لَکَ : مَن ذُكِرتَ بَينَ يَدَيهِ فَلَم يُصَلِّ عَلَيکَ دَخَلَ النّارَ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :رَغِمَ أنفُ رَجُلٍ ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ . (7)

.

1- .الإرشاد : ج 2 ص 169 ، معانى الأخبار : ص 246 ح 9 ؛ سنن الترمذى : ج 5 ص 551 ح 3546 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 429 ح 1736 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 734 ح 2015 كلّها عن عبد اللّه بن علىّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .
2- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 399 ح 7 عن الحسن .
3- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 217 ح 3121 عن محمّد بن علىّ .
4- .عدّه الداعى : ص 34 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 237 ، إرشاد القلوب : ص 80 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 257 ح 55 .
5- .الكافى : ج 2 ص 495 ح 19 ، الأمالى للصدوق : ص 676 ح 918 ، المحاسن : ج 1 ص 179 ح 280 كلّها عن محمّد بن هارون ، ثواب الأعمال : ص 246 ح 1 عن محمّد بن مروان وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام

عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 355 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 74 ح 62 ؛ صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 188 ح 907 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 2 ص 243 ح 2022 عن جابر وكلاهما نحوه .
6- .الفردوس : ج 4 ص 281 ح 6831 عن عبد اللّه بن جراد .
7- .سنن الترمذى : ج 5 ص 550 ح 3545 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 61 ح 7455 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 734 ح 2016 كلّها عن أبى هريره ؛ جامع الأحاديث للقمّى : ص 83 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 86 ح 100 نقلاً عن كتاب الإمامه والتبصره .

2 / 6نکوهش صلوات نفرستادن در هنگام برده شدن نام پیامبرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخیل واقعی ، کسی است که هرگاه نام من در نزد او برده شود ، بر من درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بُخل شخص ، همین بس که نام من در نزد او برده شود و بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بی مهری [به من] است که نزد کسی نام من برده شود و او بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن ، بخیل ترینِ مردم و... و بی مهرترینِ آنان را معرفی می کند : و بی مهرترینِ مردم ، مردی است که در حضور او نام من برده شود و او بر من ، درود نفرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نام من در نزد او برده شود و بر من درود نفرستد، به آتش می رود و خدا او را [از رحمت خود] دور می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام از برابر عرش به من بانگ داد که: ای محمّد! خدای مهرگستر به تو می فرماید: «کسی که نام تو در حضورش برده شود و بر تو درود نفرستد ، به دوزخ می رود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوار باد آن که نام من در نزدش برده شود و بر من ، درود نفرستد!

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ذُكِرتُ عُندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ ، أخطَأَ طَريقَ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَنَسِىَ الصَّلاهَ عَلَىَّ ، خُطِئَ بِهِ طَريقَ الجَنَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلىُّ ، مَن نَسِىَ الصَّلاهَ عَلَىَّ فَقَد أخطَأَ طَريقَ الجَنَّهِ . (3)

2 / 7لا صَلاهَ لِمَن لَم يُصَلِّ عَلَى النَّبىِّ وآلِهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا صَلاهَ لِمَن لا يُصَلّى عَلَى النَّبىِّ صلى اللهَ عليه و آله . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى صَلاهً لَم يُصَلِّ فيها عَلَىَّ ولا عَلى أهلِ بَيتى ، لَم تُقبَل مِنهُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن صَلّى ولَم يُصَلِّ عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله وتَرَكَ ذلِكَ مُتَعَمِّدا ، فَلا صَلاهَ لَهُ . (6)

.

1- .جامع الأخبار : ص 157 ح 368 ، الجعفريّات : ص 215 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله .
2- .الكافى : ج 2 ص 495 ح 19 عن محمّد بن هارون وح20 عن أبى بصير ، ثواب الأعمال : ص 246 ح 1 عن محمّد بن مروان وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 60 ح 44 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 373 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 145 ح 236 عن بشر بن سالم البجلى ومحمّد بن عمران الذهلى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ سنن ابن ماجه : ج 1 ص 294 ح 908 ، المعجم الكبير : ج 12 ص 139 ح 12819 كلاهما عن ابن عبّاس ، السنن الكبرى : ج 9 ص 481 ح 19177 عن أبى هريره وليس فى الثلاثه الأخيره «يا علىّ» .

4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 140 ح 400 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 402 ح 992 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 529 ح 3967 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 121 ح 5699 كلّها عن سهل بن سعد الساعدى ؛ عوالى اللآلى : ج 2 ص 222 ح 30 .
5- .سنن الدارقطنى : ج 1 ص 355 ح 6 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن أبى مسعود الأنصارى ، عوالى اللآلى : ج 2 ص 40 ح 101 عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام عن ابن مسعود الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 85 ص 279 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 159 ح 625 وج 4 ص 108 ح 314 ، الاستبصار : ج 1 ص 343 ح 1292 كلّها عن زراره ، روضه الواعظين : ص 392 ، عوالى اللآلى : ج 2 ص 38 ح 95 عن أبى بصير .

2 / 7 پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام صلوات نفرستد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که نام من در حضورش برده شود و بر من درود نفرستد ، از راه بهشتْ دور افتاده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نام من در نزدش برده شود و او درود فرستادن بر من را فراموش کند، از راه بهشت ، به بیراهه رفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! هر کس درود فرستادن بر من را فراموش کند ، راه بهشت را گم کرده است.

2 / 7پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او صلوات نفرستدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نماز کسی که [در آن] بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستد ، نماز نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که نماز بخواند و در آن ، بر من و اهل بیتم درود نفرستد ، نمازش پذیرفته نمی شود.

امام صادق علیه السلام :کسی که نماز بخواند و [در آن] بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستد و این کار را عمدا نکند، نمازش نماز نیست.

.

عنه علیه السلام :إذا صَلّی أحَدُکُم ولَم یَذکُرِ النَّبیَّ وآلَهُ صلی الله علیه و آله فی صَلاتِهِ ، یُسلَکُ بِصَلاتِهِ غَیرَ سَبیلِ الجَنَّهِ . (1)

الصواعق المحرقه عن الشافعی : یا أهلَ بَیتِ رَسولِ اللّهِحُبُّکُمُ فَرضٌ مِنَ اللّهِ فِی القُرآنِ أنزَلَهُ کَفاکُم مِن عَظیمِ القَدرِ أنَّکُمُ مَن لَم یُصَلِّ عَلَیکُم لا صَلاهَ لَهُ . (2)

.

1- .الکافی : ج 2 ص 495 ح 19 ، الأمالی للصدوق : ص 676 ح 917 ، المحاسن : ج 1 ص 179 ح 280 کلّها عن محمّد بن هارون ، ثواب الأعمال : ص 246 ح 1 عن محمّد بن مروان ، روضه الواعظین : ص 355 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 280 ح 1 .
2- .الصواعق المحرقه : ص 148 ، نور الأبصار : ص 127 .

ص: 359

امام صادق علیه السلام :هر گاه یکی از شما نماز بخواند و در نمازش از پیامبر و خاندان او یاد نکند ، نمازش به سبب آن به راه غیر بهشت ، برده می شود.

الصواعق المُحرِقه به نقل از شافعی : ای خاندان پیامبر خدا! دوست داشتن شما از جانب خدا در قرآنی که فرو فرستاده ، واجب گشته است. در بزرگی مقام و منزلت شما ، همین بس که هر کس بر شما درود نفرستد ، نمازش نماز نیست .

.

الفَصلُ الثّالِثُ : أدب الصّلاه على رسول اللّه3 / 1ضَمُّ آلِ النَّبِيِّ إلَيهِ فِى الصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلّوا عَلَىَّ وَاجتَهِدوا فِى الدُّعاءِ ، وقولوا : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (1)

صحيح البخارى عن كعب بن عجره :قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أمَّا السَّلامُ عَلَيكَ فَقَد عَرَفناهُ ، فَكَيفَ الصَّلاهُ ؟ قالَ : قولوا : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلى آلِ إبراهيمَ ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ ، اللّهُمَّ بارِك عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلى آلِ إبراهيمَ ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . (2)

.

1- .السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 19 ح 9881 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 423 ح 1714 نحوه وكلاهما عن زيد بن خارجه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 492 ح 2169 .
2- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1802 ح 4519 وج 3 ص 1233 ح 3190 وج 5 ص 2338 ح 5996 كلاهما نحوه ، صحيح مسلم : ج 1 ص 305 ح 66 و 65 عن بشير بن سعد ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 257 ح 976 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 352 ح 483 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 293 ح 904 ، سنن النسائى : ج 3 ص 47 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 329 ح 1316 و 1317 عن أبى مسعود الأنصارى ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 320 ح 18127 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 275 ح 3994 .

3 / 1 ضمیمه کردن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبر در صلوات

فصل سوم: آداب صلوات فرستادن بر پیامبر خدا3 / 1ضمیمه کردن خاندان پیامبر به پیامبر در صلواتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر من درود بفرستید و در دعا کردن بکوشید، و بگویید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست».

صحیح البخاری به نقل از کعب بن عُجره : [به پیامبر خدا] گفته شد: ای پیامبر خدا! سلام کردن بر شما را می دانیم ؛ درود فرستادن ، چگونه است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد ، درود فرست ، همچنان که بر خاندان ابراهیم ، درود فرستادی، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمّد و به خاندان محمّد برکت ده ، همچنان که به خاندان ابراهیم برکت دادی، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری » .

.

صحيح البخارى عن أبى سعيد الخدرىّ :قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، هذَا السَّلامُ عَلَيكَ ، فَكَيفَ نُصَلّى عَلَيكَ؟ قالَ : قولوا : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ . (1)

صحيح البخارى عن عبد الرحمن بن أبى ليلى :لَقِيَنى كَعبُ بنُ عُجرَةَ فَقالَ : ألا اُهدى لَکَ هَدِيَّةً سَمِعتُها مِنَ النَّبيِّ صلى الله عليه و آله ؟ فَقُلتُ : بَلى ، فَأهدِها لى . فَقالَ : سَألنا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ الصَّلاةُ عَلَيكُم أهلَ البَيتِ ، فَإنَّ اللّهَ قَد عَلَّمَنا كَيفَ نُسَلِّمُ عَلَيكُم ؟ قالَ : قولوا : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ بارِک عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَما بارَكتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . (2)

معانى الأخبار عن أبى حمزه :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام . . . فَقُلتُ لَهُ : فَكَيفَ نُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ؟ قالَ : تَقولونَ : صَلَواتُ اللّهِ وصَلَواتُ مَلائِكَتِهِ وأنبِيائِهِ ورُسُلِهِ وجَميعِ خَلقِهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ . قالَ : فَقُلتُ : فَما ثَوابُ مَن صَلّى عَلَى النَّبيِّ وآلِهِ بِهذِهِ الصَّلاةِ؟ قالَ : الخُروجُ مِنَ الذُّنوبِ وَاللّهِ كَهَيئَتِهِ يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (3)

.

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2339 ح 5997 وج 4 ص 1802 ح 4520 وفيه «التسليم» بدل «السلام عليک» ، صحيح مسلم : ج 1 ص 305 ح 65 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 330 ح 1317 كلاهما عن بشير بن سعد ، سنن النسائى : ج 3 ص 49 والثلاثه الأخيره نحوه .
2- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1233 ح 3190 وج 4 ص 1802 ح 4519 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 305 ح 66 ، سنن أبى داوود : ج 1 ص 257 ح 976 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 352 ح 483 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 293 ح 904 كلّها نحوه ؛ روضه الواعظين : ص 353 نحوه وراجع تحف العقول : ص 433 .
3- .معانى الأخبار : ص 368 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 55 ح 27 .

صحیح البخاری به نقل از ابوسعید خُدری : گفتم : ای پیامبر خدا! در سلام کردن به شما می گوییم: «السلام علیک» . چگونه بر شما درود بفرستیم؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات محمّد ، درود فرست ، چنان که بر ابراهیم ، درود فرستادی، و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده ، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم ، برکت دادی ».

صحیح البخاری به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی : کعب بن عُجره به من برخورد و گفت: آیا هدیه ای تو را ارمغان نکنم که آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم؟ گفتم: چرا، ارمغانم کن. گفت: از پیامبر خدا سؤال کردیم و گفتیم: ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما خاندان ، چگونه است ، که سلام کردن بر شما را خداوند به ما آموخته است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد ، درود فرست ، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! به محمّد و خاندان محمّد برکت ده ، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم ، برکت دادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری» .

معانی الأخبار به نقل از ابوحمزه : از امام صادق علیه السلام پرسیدم ... و گفتم : چه سان بر محمّد و خاندان او درود بفرستیم؟ فرمود: «می گویید: درود خدا و درود فرشتگان او و پیامبران و فرستادگان او و همه آفریدگانش بر محمّد و خاندان محمّد باد، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد! » . گفتم : پاداش کسی که با این درود ، بر پیامبر و خاندانش درود فرستد، چیست؟ فرمود: «پاک شدن از گناهان به خدا سوگند ، درستْ همانند روزی که مادرش او را زایید» .

.

قرب الإسناد عن بكر بن محمّدٍ :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ وقالَ بَعضُ أصحابِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ ، فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لا ، ولكِن : كَأفضَلِ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ لِأميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : ألا اُبَشِّرُكَ؟ قالَ : بَلى ، بِأبى أنتَ واُمّى! فَإنَّكَ لَم تَزَل مُبَشِّرا بِكُلِّ خَيرٍ . فَقالَ : أخبَرَنى جَبرَئيلُ آنِفا بِالعَجَبِ! فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : ومَا الَّذى أخبَرَكَ يا رَسولَ اللّهِ؟ فَقالَ : أخبَرَنى أنَّ الرَّجُلَ مِن اُمَّتى إذا صَلّى عَلَىَّ ، وأتبَعَ بِالصَّلاةِ عَلى أهلِ بَيتى ، فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ وصَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ سَبعينَ صَلاةً . . . فَإذا صَلّى عَلَىَّ ، ولَم يُتبِع بِالصَّلاةِ عَلى أهلِ بَيتى ، كانَ بَينَها وبَينَ السَّماءِ سَبعونَ حِجابا ، ويَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : «لا لَبَّيكَ ولا سَعدَيكَ ، يا مَلائِكَتى ، لا تُصعِدوا دُعاءَهُ إلّا أن يُلحِقَ بِالنَّبىِّ عِترَتَهُ» ، فَلا يَزالُ مَحجوبا حَتّى يُلحِقَ بى أهلَ بَيتى . (3)

.

1- .قال الشيخ الحرّ العاملى رحمه الله بعد نقل هذه الروايه : المراد من هذه الأحاديث بيان أفضل الكيفيّات ، وهو ظاهر (وسائل الشيعه : ج 4 ص 1214 ح 4) .
2- .قرب الإسناد : ص 40 ح 130 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 49 ح 10 .
3- .ثواب الأعمال : ص 188 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 676 ح 916 ، جمال الاُسبوع : ص 157 كلّها عن عبد اللّه بن سنان ، روضه الواعظين : ص 354 ، جامع الأخبار : ص 160 ح 383 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 56 ح 30 .

قرب الإسناد به نقل از بکر بن محمّد : از امام صادق علیه السلام شنیدم که وقتی یکی از یارانش گفت: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، چونان درودی که بر ابراهیم فرستادی، فرمود: «نه؛ بلکه بگو: چونان برترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی و برکتی که به او و آنها دادی، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری » . (1)

امام صادق علیه السلام :روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا تو را نویدی ندهم؟». گفت : چرا، پدر و مادرم به فدایت! شما همیشه نوید به خوبی می دهی. فرمود: «چند لحظه پیش ، جبرئیل به من خبر شگفتی داد» . امیر مؤمنان گفت : چه خبری به شما داد ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «به من خبر داد که هر گاه فردی از امّتم بر من درود فرستد و در پی آن ، بر خاندانم درود فرستد، درهای آسمان برایش گشوده می شوند و فرشتگان ، هفتاد درود بر او می فرستند... . و هر گاه بر من درود فرستد و به دنبال آن بر خاندانم درود نفرستد ، میان درود او و آسمان ، هفتاد پرده قرار می گیرد و خداوند عز و جل فرماید: نه، هرگز، ای فرشتگان من! دعای او را بالا نیاورید ، مگر آن که عترت پیامبر را نیز به او ملحق کند . پس همچنان درودش در پرده است ، تا آن گاه که خاندانم را به من ضمیمه کند» .

.

1- .شیخ حرّ عاملی، بعد از نقل این روایت می گوید: مراد از این احادیث، چنان که پیداست، بیان برترین کیفیت درود فرستادن است (وسائل الشیعه : ج 4 ص 1214 ح 24).

الإمام الحسن عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ لَمّا عَزَمَ عَلَى الصُّلحِ : وفَرَضَ اللّهُ عز و جلالصَّلاةَ عَلى نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله عَلى كافَّهِ المُؤمِنينَ فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ الصَّلاةُ عَلَيكَ؟ فَقالَ : «قولوا : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» ، فَحَقٌّ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ أن يُصَلّىَ عَلَينا مَعَ الصَّلاهِ عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله فَريضَةً واجِبَةً . (1)

مسند زيد عن أبى خالد :عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ زَيدُ بنُ عَلىٍّ ، وقالَ زَيدُ بنُ عَلىٍّ : عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ عَلىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام ، وقالَ عَلىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ الحُسَينُ بنُ عَلىٍّ عليه السلام ، وقالَ الحُسَينُ بنُ عَلىٍّ عليه السلام : عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ أميرُ المُؤمِنينَ عَلىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام ، وقالَ عَلىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام : عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : عَدَّهُنَّ فى يَدَىَّ جِبريلُ عليه السلام ، وقالَ جِبريلُ عليه السلام : هكَذا نَزَلتُ بِهِنَّ مِن عِندِ رَبِّ العِزَّهِ عز و جل : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . وبارِك عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . وتَرَحَّم عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَرَحَّمتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . وتَحَنَّن عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَحَنَّنتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . وسَلِّم عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلى إبراهيمَ وعَلى آلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . قالَ أبو خالِدٍ : عَدَّهُنَّ بِأصابِعِ الكَفِّ مَضمومَةً ، واحِدَةً واحِدَةً مَعَ الإبهامِ . (2)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 564 ح 1174 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 141 ح 5 .

2- .مسند زيد : ص 429 ، تيسير المطالب : ص 353 ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 348 ح 6058 نقلاً عن مجموعه الشهيد الأوّل .

امام حسن علیه السلام از سخنرانی آن حضرت آن گاه که تصمیم به صلح گرفت : خداوند عز و جل درود فرستادن بر پیامبرش صلی الله علیه و آله را بر همه مؤمنان ، واجب گردانید. مؤمنان گفتند : ای پیامبر خدا! درود فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست » . بنا بر این ، وظیفه هر مسلمانی است که در کنار درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، بر ما نیز درود فرستد و این ، یک تکلیف واجب است.

مسند زید به نقل از ابو خالد : زید بن علی با دستان من بر شمرد و گفت: [پدرم]امام زین العابدین علیه السلام با دستان من برشمرد و فرمود: «حسین بن علی علیه السلام با دستان من برشمرد و فرمود: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام با دستان من برشمرد و فرمود: پیامبر خدا با دستان من برشمرد و فرمود: جبرئیل با دستان من برشمرد و گفت: این گونه اینها را از نزد پروردگار عزّت فرود آوردم: بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد درود فرست ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، درود فرستادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده ، آن سان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم ، برکت دادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمّد و بر خاندان محمّد رحم آور ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، رحم آوردی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری . و بر محمّد و بر خاندان محمّد مهر وَرز ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، مهر ورزیدی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری. و بر محمّد و بر خاندان محمّد درود فرست ، آن سان که بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم ، درود فرستادی ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری ». او این [دعاها] را با انگشتان دست ، در حالی که آنها را به هم چسبانیده بود، یکی یکی به همراه انگشت شستش، برشمرد.

.

3 / 2النَّهىُ عَنِ الصَّلاهِ البَتراءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تُصَلّوا عَلَىَّ صَلاهً مَبتورَهً إذا صَلَّيتُم عَلَىَّ ، بَل صَلّوا عَلى أهلِ بَيتى ، ولا تَقطَعوهُم مِنّى ؛ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ ونَسَبٍ مُنقَطِعٌ يَومَ القِيامَهِ إلّا سَبَبى ونَسَبى . (1)

الإمام الرضا عليه السلام :حَدَّثَنى أبى عَن جَدِّهِ عليهماالسلام أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : . . . مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَصَلّى عَلَىَّ ولَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ يُصَلّى عَلَيكَ ولَم يُغفَر لَهُ؟ فَقالَ صلى الله عليه و آله : إنَّ العَبدَ إذا صَلّى عَلَىَّ ولَم يُصَلِّ عَلى آلى ، لُفَّت تِلكَ الصَّلاهُ وضُرِبَ بِها وَجهُهُ ، وإذا صَلّى عَلَىَّ وعَلى آلى غُفِرَ لَهُ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ ولَم يُصَلِّ عَلى آلى لَم يَجِد ريحَ الجَنَّهِ ، وإنَّ ريحَها لَيوجَدُ مِن مَسيرَهِ خَمسِمِئَهِ عامٍ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :سَمِعَ أبى رَجُلاً مُتَعَلِّقا بِالبَيتِ ، وهُوَ يَقولُ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ . فَقالَ لَهُ أبى : يا عَبدَ اللّهِ لا تَبتُرها ، لا تَظلِمنا حَقَّنا ، قُل : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ . (4)

راجع : ص 356 (لا صلاه لمن لم يصلّ على النبى وآله) .

.

1- .بحار الأنوار : ج 5 ص 209 ح 48 وج 93 ص 14 كلاهما نقلاً عن تفسير النعمانى عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 115 ح 109 عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، بحار الأنوار : ج 97 ص 81 ح 47 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 267 ح 291 عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 354 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 186 ح 150 .
4- .الكافى : ج 2 ص 495 ح 21 ، عدّه الداعى : ص 149 كلاهما عن ابن القدّاح .

3 / 2 نهی از صلوات فرستادن به طور ناقص

3 / 2نهی از صلوات فرستادن به طور ناقصپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بر من درود فرستادید ، درود ناقص نفرستید ؛ بلکه بر خاندانم نیز درود بفرستید و آنان را از من نبُرید ؛ چرا که در روز قیامت ، هر گونه پیوند خویشاوندی قطع می شود ، جز پیوند خویشاوندی من.

امام رضا علیه السلام :پدرم از جدّش علیه السلام برایم باز گفت که پیامبر خدا فرمود : «... هر کس نام من در نزدش برده شود و بر من ، درود فرستد ، امّا آمرزیده نشود ، خدایش دور گرداند!». گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه ممکن است بر شما درود بفرستد ؛ امّا آمرزیده نشود؟ فرمود: «بنده ، هر گاه بر من درود بفرستد و بر خاندانم صلوات نفرستد ، آن درود ، مچاله و به صورت او زده می شود، و هر گاه بر من و بر خاندانم درود فرستد ، آمرزیده می شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر من درود بفرستد و بر خاندانم درود نفرستد ، بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد استشمام نمی کند.

امام صادق علیه السلام :پدرم از مردی که به خانه (کعبه) آویخته بود ، شنید که می گوید: بار خدایا! بر محمّد ، درود فرست. پدرم به او فرمود: «ای بنده خدا! صلواتت را ناقص مکن و در حقّ ما ستم روا مدار (/حقّ ما را تباه مگردان) . بگو: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست » .

ر . ک : ص 357 (پذیرفته نشدن نماز کسی که بر پیامبر و خاندان او صلوات نفرستد) .

.

3 / 3رَفعُ الصَّوتِ بِالصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِرفَعوا أصواتَكُم بِالصَّلاهِ عَلَىَّ ؛ فَإِنَّها تَذهَبُ بِالنِّفاقِ . (1)

راجع : ص 388 (برکات الصلاه علی رسول اللّه وأهل بیته / ذهاب النفاق) .

.

1- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 13 ، ثواب الأعمال : ص 190 ح 1 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 88 ح 2243 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 59 ح 41 .

3 / 3 صلوات فرستادن با صدای بلند

3 / 3صلوات فرستادن با صدای بلندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صداهایتان را به درود بر من بلند کنید؛ زیرا این کار ، نفاق را از بین می برد.

ر . ک : ص 389 (برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او / زدوده شدن نفاق) .

.

الفَصلُ الرّابِعُ : برکات الصّلاه علی رسول اللّه وأهل بیته4 / 1صَلَواتُ اللّهِ عَلَی المُصَلّیرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن صَلّی عَلَیَّ صَلاةً ، صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ بِها عَشرا . (1)

سنن النسائی عن أبی طلحه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله جَاءَ ذاتَ یَومٍ وَالبُشری فی وَجهِهِ ، فَقُلنا : إنّا لَنَرَی البُشری فی وَجهِکَ ! فَقالَ : إنَّهُ أتانِی المَلَکُ فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، إنَّ رَبَّکَ یَقولُ : أما یُرضیکَ أنَّهُ لا یُصَلّی عَلَیکَ أحَدٌ إلّا صَلَّیتُ عَلَیهِ عَشرا ، ولا یُسَلِّمُ عَلَیکَ أحَدٌ إلّا سَلَّمتُ عَلَیهِ عَشرا؟ (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ أعطی مَلَکا مِنَ المَلائِکَهِ أسماءَ الخَلائِقِ کُلِّهِم وأسماءَ آبائِهِم ، فَهُوَ قائِمٌ عَلی قَبری إذا مِتُّ إلی یَومِ القِیامَهِ ، فَلَیسَ أحَدٌ یُصَلّی عَلَیَّ صَلاةً إلّا قالَ : یا مُحَمَّدُ ! صَلّی عَلَیکَ فُلانُ بنُ فُلانٍ بِکَذا وکَذا ، وإنَّ رَبّی کَفَلَ لی أن یُصَلِّیَ عَلی ذلِکَ العَبدِ بِکُلِّ واحِدَهٍ عَشرا . (3)

.

1- .صحیح مسلم : ج 1 ص 288 ح 11 ، سنن أبی داوود : ج 1 ص 144 ح 523 ، سنن النسائی : ج 2 ص 25 کلّها عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 206 ح 11998 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 735 ح 2018 کلاهما عن أنس ، کنزالعمّال : ج 7 ص 700 ح 20998 .
2- .سنن النسائی : ج 3 ص 44 ، سنن الدارمی : ج 2 ص 773 ح 2671 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 511 ح 16363 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 456 ح 3575 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 2 ص 398 ح 1 ، کنزالعمّال : ج 1 ص 503 ح 2222 وراجع الصراط المستقیم : ج 3 ص 201 ح 31 وعوالی اللآلی : ج 1 ص 239 ح 157 .
3- .جمال الأسبوع : ص 161 عن عمّار بن یاسر ، بحار الأنوار : ج 94 ص 68 ح 56 وراجع مسند البزّار : ج 4 ص 254 ح 1425 .

فصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

4 / 1 درود فرستادن خدا بر فرستنده صلوات

فصل چهارم: برکت های صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و اهل بیت او4 / 1درود فرستادن خدا بر فرستنده صلواتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر من یک درود بفرستد ، خداوند در برابر آن ، ده درود بر او می فرستد.

سنن النسائی به نقل از ابو طلحه : روزی پیامبر خدا با چهره ای نویدبخش آمد. گفتیم : در چهره شما نوید می بینیم ! فرمود: «فرشته نزد من آمد و گفت: ای محمّد ! پروردگارت می فرماید: آیا این ، خشنودت نمی سازد که هر کس بر تو درود فرستد ، من ده درود بر او می فرستم و هر کس بر تو درود بگوید ، من ده درود بر او می گویم؟ » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به فرشته ای از فرشتگان ، نام های همه آدمیان و نام های پدرانشان را داد و هر گاه من مُردم ، آن فرشته تا روز قیامت بر سر قبرم می ایستد، و هر کس بر من درودی فرستد، فرشته می گوید: «ای محمّد ! فلان پسر فلان ، چندین و چند درود بر تو فرستاد» و پروردگارم به من ضمانت داده است که به ازای هر یک ، ده درود بر آن بنده بفرستد.

.

مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن عوف :خَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَتَوَجَّهَ نَحوَ صَدَقَتِهِ ، فَدَخَلَ فَاستَقبَلَ القِبلَةَ ، فَخَرَّ ساجِدا ، فَأَطالَ السُّجودَ حَتّى ظَنَنتُ أنَّ اللّهَ عز و جلقَبَضَ نَفسَهُ فيها ، فَدَنَوتُ مِنهُ فَجَلَستُ ، فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : مَن هذا؟ قُلتُ : عَبدُ الرَّحمنِ . قالَ : ما شَأنُکَ؟ قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، سَجَدتَ سَجدَةً خَشيتُ أن يَكونَ اللّهُ عز و جل قَد قَبَضَ نَفسَکَ فيها ! فَقالَ : إنَّ جَبرَئيلَ عليه السلام أتانى فَبَشَّرَنى ، فَقالَ : إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : مَن صَلّى عَلَيکَ صَلَّيتُ عَلَيهِ ، ومَن سَلَّمَ عَلَيکَ سَلَّمتُ عَلَيهِ . فَسَجَدتُ للّهِ عز و جل شُكرا . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما صَلّى عَلَىَّ عَبدٌ مِن اُمَّتى صَلاةً صادِقا بِها فى قَلبِ نَفسِهِ ، إلّا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ بِها عَشرَ صَلَواتٍ ، وكَتَبَ لَهُ بِها عَشرَ حَسَناتٍ ، ورَفَعَ لَهُ بِها عَشرَ دَرَجاتٍ ، ومَحا عَنهُ بِها عَشرَ سَيِّئاتٍ . (2)

4 / 2سَلامُ النَّبِيِّالإمام الباقر عليه السلام :إنَّ مَلَكا مِنَ المَلائِكَهِ سَأَلَ اللّهَ أن يُعطِيَهُ سَمعَ العِبادِ ، فَأعطاهُ اللّهُ ، فَذلِکَ المَلَکُ قائِمٌ حَتّى تَقومَ السّاعَهُ لَيسَ أحَدٌ مِنَ المُؤمِنينَ يَقولُ : صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ وسَلَّمَ ، إلّا قالَ المَلَکُ : وعَلَيکَ السَّلامُ ، ثُمَّ يَقولُ المَلَکُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ فُلانا يُقرِئُکَ السَّلامَ ، فَيَقولُ رَسولُ اللّهِ : وعَلَيهِ السَّلامُ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 407 ح 1664 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 518 ح 3936 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 735 ح 2019 وفيه ذيله ، كنزالعمّال : ج 1 ص 502 ح 2220 .
2- .المعجم الكبير : ج 22 ص 196 ح 513 عن أبى برده ، كنزالعمّال : ج 1 ص 503 ح 2223 ؛ روضه الواعظين : ص 354 وراجع سنن النسائى : ج 3 ص 50 ومسند ابن حنبل : ج 5 ص 509 ح 16352 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 678 ح 1437 عن جابر ، عدّه الداعى : ص 152 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 83 كلاهما عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 70 ح61 .

4 / 2 درود پیامبر صلی الله علیه و آله

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الرحمان بن عوف : پیامبر خدا بیرون شد و به سوی صدقه اش (زکاتش) رفت و به آن در آمد و رو به قبله کرد و به سجده افتاد و سجده اش را چندان به درازا کشانید که گمان بردم خداوند عز و جل او را قبض روح کرده است. نزدیک ایشان رفتم و نشستم . سرش را برداشت و فرمود: «کیستی؟». گفتم : عبد الرحمان . فرمود: «چه می خواهی؟». گفتم : ای پیامبرخدا! چنان سجده ای کردید که ترسیدم خداوند عز و جل جان شما را در آن حال گرفته باشد! فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مژده ام داد و گفت: خداوند عز و جل می فرماید: هر کس بر تو درود فرستد ، من بر او درود می فرستم و هر کس بر تو سلام فرستد ، من بر او سلام می فرستم . از این رو، برای خداوند عز و جل سجده شکر گزاردم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای از امّتم بر من درود فرستد و در درون جانش به آن باور داشته باشد ، خداوند در برابر آن ، ده صلوات بر او می فرستد و به ازای آن ، ده کار نیک برایش می نویسد و به واسطه آن ، او را ده درجه بالا می برد و ده گناه از او می زداید.

4 / 2درود پیامبر صلی الله علیه و آلهامام باقر علیه السلام :فرشته ای از فرشتگان از خداوند درخواست کرد که گوش [و شنوایی] بندگان را به او بدهد و خداوند ، آن را به او داد. آن فرشته تا قیام قیامت ، همچنان ایستاده است و هر مؤمنی بگوید: «درود و سلام خدا بر او (پیامبر) و خاندانش باد»، فرشته می گوید: «و بر تو سلام!» و فرشته سپس می گوید: «ای پیامبر خدا! فلانی به تو سلام می فرستد» و پیامبر خدا می فرماید: «سلام بر او!»

.

4 / 3صَلَواتُ المَلائِكَهِ وجَميعِ الخَلقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ ومَلائِكَتُهُ ، ومَن شاءَ فَليُقِلَّ ومَن شاءَ فَليُكثِر . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يُصَلّى عَلَىَّ إلّا صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ ما صَلّى عَلَىَّ ، فَليُقِلَّ العَبدُ مِن ذلِكَ أو لِيُكثِر . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا ذُكِرَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فَأَكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَيهِ ؛ فَإِنَّهُ مَن صَلّى عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله صَلاةً واحِدَةً صَلَّى اللّهُ عَلَيه أَلفَ صَلاةٍ فى ألفِ صَفٍّ مِنَ المَلائِكَهِ ، ولَم يَبقَ شَىءٌ مِمّا خَلَقَهُ اللّهُ إلّا صَلّى عَلَى العَبدِ لِصَلاهِ اللّهِ عَلَيهِ وصَلاهِ مَلائِكَتِهِ ، فَمَن لَم يَرغَب فى هذا فَهُوَ جاهِلٌ مَغرورٌ قَد بَرِئَ اللّهُ مِنهُ ورَسولُهُ وأهلُ بَيتِهِ . (3)

عنه عليه السلام لِإِسحاقَ بنِ فَرّوخ : مَن صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَشرا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ ومَلائِكَتُهُ مِئَهَ مَرَّهٍ ، ومَن صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ مِئَهَ مَرَّهٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ ومَلائِكَتُهُ ألفا ، أما تَسمَعُ قَولَ اللّهِ عز و جل : «هُوَ الَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَ مَلَئِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (4) ؟ (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 492 ح 7 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 294 ح 907 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 325 ح 15689 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 2 ص 398 ح 2 نحوه وكلّها عن عامر بن ربيعه ، كنزالعمّال : ج 1 ص 503 ح 2224 وص 499 ح 2201 .
3- .الكافى : ج 2 ص 492 ح 6 ، ثواب الأعمال : ص 185 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 87 ح 2236 ، جمال الاُسبوع : ص 156 كلّها عن أبى بصير ، جامع الأخبار : ص 158 ح 375 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 30 ح 11 .
4- .الأحزاب : 43 .
5- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 14 عن إسحاق بن فرّوخ مولى آل طلحه .

4 / 3درود فرستادن فرشتگان و همه خلایقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر من درود بفرستد ، خدا و فرشتگانش بر او درود می فرستند . حال، هر که می خواهد ، اندک بگوید و هر که می خواهد ، بسیار بگوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مسلمانی بر من درود بفرستد ، تا زمانی که بر من درود می فرستد ، فرشتگان بر او درود می فرستند . حال، بنده خواه اندک بگوید ، خواه بسیار.

امام صادق علیه السلام :هر گاه نام پیامبر صلی الله علیه و آله برده شد ، بر او فراوان درود فرستید ؛ زیرا هر کس یک درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد ، خداوند هزار درود در هزار صف از فرشتگان بر او می فرستد، و به سبب درود فرستادن خدا و فرشتگانش بر او، هر موجودی که خدا آفریده است نیز بر او درود می فرستد. پس، هر که به چنین چیزی راغب نباشد ، نادانی فریب خورده[ی شیطان] است و خدا و پیامبرش و اهل بیت او ، از وی بیزارند.

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن فَرّوخ : هر کس بر محمّد و خاندان محمّد ده درود بفرستد ، خداوند و فرشتگانش صد درود بر او می فرستند و هر کس بر محمّد و خاندان محمّد ، صد بار درود بفرستد ، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او درود می فرستند. مگر نشنیده ای این سخن خدای عز و جل را که: «او و فرشتگانش بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکی ها به روشنایی برد و خدا به مؤمنان ، مهربان است» ؟

.

4 / 4غُفرانُ الذُّنوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ كُلَّ يَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، وكُلَّ لَيلَةٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، حُبّا بى وشَوقا إلَىَّ ، كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أن يَغفِرَ لَهُ ذُنوبَهُ تِلكَ اللَّيلَةَ وذلِكَ اليَومَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا الصَّلاةَ عَلَىَّ ؛ فَإِنَّ صَلاتَكُم عَلَىَّ مَغفِرَةٌ لِذُنوبِكُم ، وَاطلُبوا لِىَ الدَّرَجَةَ وَالوَسيلَةَ ؛ فَإِنَّ وَسيلَتَى عِندَ رَبّى شَفاعَةٌ لَكُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أحَدٍ مِن اُمَّتى يَذكُرُنى ثُمَّ صَلّى عَلَىَّ إلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ وإن كانَ (3) أكثَرَ مِن رَملِ عالِجٍ (4) . (5)

الإمام الحسن عليه السلام :قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، أرَأَيتَ قَولَ اللّهِ عز و جل : «إنَّ اللّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ» (6) ؟ قالَ : إنَّ هذا لَمِنَ المَكتومِ ، ولَولَا أنَّكُم سَأَلتُمونى عَنهُ ما أخبَرتُكُم . إنَّ اللّهَ عز و جل وَكَّلَ بى مَلَكَينِ ، لا اُذكَرُ عِندَ عَبدٍ مُسلِمٍ فَيُصَلّىَ عَلَىَّ ، إلّا قالَ ذاناكَ المَلَكانِ : غَفَرَ اللّهُ لَكَ ، وقالَ اللّهُ ومَلَائِكَتُهُ جَوابا لِذَينِكَ المَلَكَينِ : آمينَ . (7)

.

1- .المعجم الكبير : ج 18 ص 362 ح 928 عن أبى كاهل ؛ الدعوات : ص 86 ح 226 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 70 ح 63 .
2- .تاريخ دمشق : ج 61 ص 381 ح 22661 عن أبى صالح عن الإمام الحسن عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 1 ص 489 ح 2143 .
3- .فى إرشاد القلوب : «كانت» .
4- .عالِج : رمال معروفه بالباديه (لسان العرب : ج 2 ص 327 «علج») .
5- .جامع الأخبار : ص 155 ح 355 عن أنس ، إرشاد القلوب : ص 190 وفيه «مثل» بدل «أكثر من» .
6- .الأحزاب : 56 .
7- .المعجم الكبير : ج 3 ص 89 ح 2753 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 465 كلاهما عن اُمّ أنيس ، تفسير القرطبى : ج 14 ص 233 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 35 ح 3027 ؛ عوالى اللآلى : ج 2 ص 38 ح 97 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 87 ح 6 نقلاً عن الدرّ المنثور عن الإمام الحسين عليه السلام .

4 / 4آمرزش گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از روی محبّت و شوق به من، هر روز ، سه مرتبه و هر شب ، سه مرتبه بر من درود فرستد ، بر خداست که گناهان آن شب و آن روز او را بیامرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر من ، فراوان درود بفرستید ؛ زیرا درود فرستادن شما بر من ، مایه آمرزش گناهان شماست، و برای من [از خداوند،] درجه و وسیله درخواست کنید؛ زیرا وسیله من در نزد پروردگارم، شفاعت کردن برای شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر فردی از امّت من که نام مرا ببرد و آن گاه بر من درود بفرستد ، بی گمان ، خداوند ، گناهانش را می آمرزد، اگرچه بیشتر از ریگ های ریگزار عالج (1) باشد.

امام حسن علیه السلام :گفتند : ای پیامبر خدا! معنای این سخن خدای عز و جل چیست: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر، درود می فرستند» ؟ فرمود: «این ، از نهفتنی هاست و اگر نبود که در باره آن از من سؤال کردید ، هیچ گاه به شما خبر نمی دادم. خدای عز و جل دو فرشته برای من گماشته است که هر گاه نزد بنده مسلمانی نام من برده شود و او بر من ، درود فرستد ، آن دو فرشته می گویند: خدایت بیامرزد! و خدا و فرشتگانش در جواب آن دو فرشته می گویند: آمین » .

.

1- .عالج ، ریگزاری است در حجاز .

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : ألا اُبَشِّرُکَ؟ قالَ : بَلى بِأبى أنتَ واُمّى ، فَإنَّکَ لَم تَزَل مُبَشِّرا بِکُلِّ خَيرٍ . فَقالَ : أخبَرَنى جَبرائيلُ آنِفا بِالعَجَبِ . فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : ومَا الَّذى أخبَرَکَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : أخبَرَنى أنَّ الرَّجُلَ مِن اُمَّتى إذا صَلّى عَلَىَّ وأتبَعَ بِالصَّلاهِ عَلى أهلِ بَيتى ، فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ وصَلَّت عَلَيهِ المَلائِکَهُ سَبعينَ صَلاهً ، وإنَّهُ لَمُذنِبٌ وخَطّاءٌ (1) ، ثُمَّ تَحاتُّ عَنهُ الذُّنوبُ کَما يَتَحاتُّ الوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ ، ويَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى : لَبَّيکَ عَبدى وسَعدَيکَ ، يا مَلائِکَتى أنتُم تُصَلّونَ عَلَيهِ سَبعينَ صَلاهً وأنَا اُصَلّى عَلَيهِ سَبعَمِئَهِ صَلاهٍ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الصَّلاهُ عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله أمحَقُ (3) لِلخَطايا مِنَ الماءِ لِلنّارِ ، وَالسَّلامُ عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله أفضَلُ مِن عِتقِ رِقابٍ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام :مَن لَم يَقدِرِ عَلى ما يُکَفِّرُ بِهِ ذُنوبَهُ ، فَليُکثِر مِنَ الصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ؛ فَإنَّها تَهدِمُ الذُّنوبَ هَدما . (5)

.

1- .فى المصدر : «وإنّه للذنب حطّا» ، وهو تصحيف ظاهر ، وقد صحّحناه طبقا لما فى جمال الاُسبوع ، وفى الأمالى للصدوق : «وإن كان مذنبا خَطّاءً» .
2- .ثواب الأعمال : ص 188 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 675 ح 916 ، جمال الاُسبوع : ص 157 كلّها عن عبد اللّه بن سنان ، جامع الأخبار : ص 160 ح 383 ، روضه الواعظين : ص 354 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 56 ح 30 .
3- .المَحْق : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج 4 ص 303 «محق») .
4- .ثواب الأعمال : ص 185 ح 1 عن عاصم بن ضمره ، جامع الأخبار : ص 158 ح 374 وفيه «وآله» بعد «النبىّ» فى كلا الموضعين ، بحار الأنوار : ج 94 ص 57 ح 33 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 294 ح 52 ، الأمالى للصدوق : ص 131 ح 123 كلاهما عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، تنبيه الخواطر : ج

2 ص 156 ، جامع الأخبار : ص 154 ح 350 ، روضه الواعظين : ص 353 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 47 ح 2 وص 63 ح 52 .

امام صادق علیه السلام :روزی پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: «آیا خبر خوشی به تو ندهم؟». [امیر مؤمنان] گفت : چرا، پدر و مادرم به فدایت ؛ چون شما همیشه خبر خوش می دهی! فرمود: «چند لحظه پیش ، جبرئیل خبر شگفتی به من داد» . امیر مؤمنان گفت : چه خبری به شما داد ، ای پیامبر خدا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به من خبر داد که هر گاه مردی از امّتم بر من درود فرستد و در پی آن بر خاندانم درود فرستد ، درهای آسمان برایش گشوده می شوند و فرشتگان ، هفتاد درود بر او می فرستند، با آن که گنهکار و خطاکار است . سپس گناهانش همچون برگ درخت از او فرو می ریزند و خدای تبارک و تعالی می فرماید: بله بنده ام، بله! ای فرشتگان من! شما هفتاد درود بر او می فرستید و من هفتصد درود بر وی می فرستم » .

امام علی علیه السلام :درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله گناهان را زودتر نابود می کند تا آب آتش را، و سلام کردن بر پیامبر صلی الله علیه و آله فضیلتش بیشتر از آزاد کردن بنده است.

امام رضا علیه السلام :هر کس توانایی دادن کفّاره برای گناهانش را نداشت، بر محمّد و خاندان او فراوان صلوات بفرستد ؛ زیرا درود ، گناهان را به کلّی از بین می برد.

.

4 / 5العافِيَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ مَرَّةً ، فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ بابا مِنَ العافِيَهِ . (1)

4 / 6زَكاهُ المُصَلّيرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلّوا عَلىَّ فَإِنَّها زَكاهٌ لَكُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أيُّما رَجُلٍ مُسلِمٍ لَم يَكُن عِندَهُ صَدَقَهٌ ، فَليَقُل فى دُعائِهِ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَرَسولِكَ ، وصَلِّ عَلَى المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ» ؛ فَإِنَّها لَهُ زَكاهٌ . (3)

4 / 7إجابَهُ الدُّعاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلاتُكُم عَلَىَّ إجابَهٌ لِدُعائِكُم ، وزَكاهٌ لِأَعمالِكُم . (4)

.

1- .جامع الأخبار : ص 153 ح 344 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 63 ح 52 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 292 ح 8778 ، المصنّف لابن أبي شيبه : ج 2 ص 399 ح 10 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 48 ح 6383 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 492 ح 2167 .
3- .الأدب المفرد : ص 192 ح 640 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 144 ح 7175 ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 185 ح 903 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 4 ص 5 ح 9202 .
4- .الأمالى للطوسى : ص 215 ح 376 عن محمّد بن مروان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 54 ح 22 .

4 / 5 آسایش

4 / 6 رشد یافتن فرستنده صلوات

4 / 7 پذیرفته شدن دعا

4 / 5آسایشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک صلوات بر من بفرستد ، خداوند یک در از عافیت (آسایش) را برایش می گشاید.

4 / 6رشد یافتن فرستنده صلواتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر من صلوات بفرستید ؛ زیرا صلوات ، مایه رشد شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مرد مسلمانی که صدقه [و زکات برای دادن] نداشت، در دعایش بگوید: «بار خدایا ! بر بنده و فرستاده ات ، محمّد ، درود فرست و بر مردان و زنان مؤمن، و بر مردان و زنان مسلمان ، درود فرست» ؛ زیرا این برای او ، زکات (/مایه رشد) است.

4 / 7پذیرفته شدن دعاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درود فرستادن شما بر من ، سبب اجابت دعا می شود و زکاتِ (/مایه رشدِ) اعمالتان است.

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن قالَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» قَضَى اللّهُ حاجَتَهُ . (1)

مستدرک الوسائل عن تفسير أبي الفتوح الرازى :عَن أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أنَّهُ قالَ : لا تَدعُ بِدُعاءٍ إلّا أن تَقولَ فى أوَّلِهِ : «صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافعَل بى كَذا وكَذا» . وكانَ عليه السلام يَفعَلُ كَذلِكَ ، فَقيلَ لَهُ فى ذلِكَ ، فَقالَ : الدُّعاءُ مَعَ الصَّلاةِ مَقرونٌ بِالإجابَةِ ، وَاللّهُ تَعالى يَستَحى أن يَسأَلَ عَنهُ العَبدُ حاجَتَينِ يُجيبُ إحداهُما ويَرُدُّ الاُخرى . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن دَعا ولَم يَذكُرِ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله رَفرَفَ الدُّعاءُ عَلى رَأسِهِ ، فَإذا ذَكَرَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله رُفِعَ الدُّعاءُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَزالُ الدُّعاءُ مَحجوبا حَتّى يُصَلّى عَلَىَّ وعَلى أهلِ بَيتى . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :لا يَزالُ الدُّعاءُ مَحجوبا حَتّى يُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (5)

عنه عليه السلام :إذا دَعا أحَدُكُم فَليَبدَأ بِالصَّلاةِ عَلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، ويَقولُ : اِفعَل بى كَذا وكَذا؛ فَإنَّ العَبدَ إذا قالَ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ» اِستَجابَ لَهُ ، فَإذا قالَ : «اِفعَل بى كَذا وكَذا» كانَ أجوَدَ مِن أن يَرُدَّ بَعضا ويَستَجيبَ بَعضا . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 227 ح 5754 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
2- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 227 ح 5756 .
3- .الكافى : ج 2 ص 491 ح 2 عن السكونى ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2036 ، الجعفريّات : ص 216 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، جمال الاُسبوع : ص 160 عن السكونى عن الإمام

الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّه الداعى : ص 154 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 وج 94 ص 68 ح 56 .
4- .كفايه الأثر : ص 39 ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 118 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 94 ص 66 ح 53 .
5- .الكافى : ج 2 ص 491 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 662 ح 1379 وزاد فيه «عن السماء» بعد «محجوبا» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2035 ، عدّه الداعى : ص 153 كلّها عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 16 .
6- .جمال الأُسبوع : ص 160 عن عبدالملک بن عتبه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 68 ح 56 .

امام علی علیه السلام :هر کس سه بار بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست» ، خداوند، حاجتش را برآورده می سازد.

مستدرک الوسائل به نقل از تفسیر ابو الفتوح رازی : از امیر مؤمنان روایت شده است که فرمود: «هیچ دعایی مکن ، مگر آن که در آغازش بگویی: بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و با من ، چنین و چنان کن ». خودِ ایشان هم چنین می کرد. علّت را از ایشان ، جویا شدند . فرمود : «دعای همراه با صلوات ، اجابت می شود . خداوند متعال شرم می کند از این که بنده ، دو حاجت از او بخواهد و او یکی را بپذیرد و دیگری را رد کند» .

امام صادق علیه السلام :هر کس دعا کند و از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نکند، آن دعا بر فراز سر او [مانند پرنده ای] می چرخد، و چون از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کند (صلوات بفرستد)، دعا بالا می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا همچنان در حجاب است ، تا آن گاه که بر من و بر اهل بیت من ، درود فرستاده شود [که در این هنگام ، حجاب کنار می رود و دعا به درگاه الهی می رود] .

امام صادق علیه السلام :دعا پیوسته در حجاب است ، تا آن گاه که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام :هر گاه یکی از شما دعا کرد، نخست بر محمّد صلی الله علیه و آله درود بفرستد و آن گاه بگوید: «فلان و فلان حاجتم را بر آور»؛ زیرا بنده چون بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان او درود فرست» ، دعایش مستجاب می شود و چون بگوید: «فلان و فلان حاجت مرا بر آور» ، خداوند ، بخشاینده تر از آن است که قسمتی [از حاجت او] را رد کند و قسمتی را بپذیرد.

.

4 / 8قَضاءُ الحاجَهالإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «يا رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، قُضِيَت لَهُ مِئَهُ حاجَهٍ ؛ ثَلاثونَ لِلدُّنيا وَالباقى لِلآخِرَهِ . (1)

عنه عليه السلام :مَن صَلّى عَلَى النَّبىِّ وآلِ النَّبِىِّ عليهم السلام مَرَّهً واحِدَهً بِنِيَّهٍ وإخلاصٍ مِن قَلبِهِ ، قَضَى اللّهُ سُبحانَهُ لَهُ مِئَهَ حاجَهٍ ؛ مِنها ثَلاثونَ لِلدُّنيا وسَبعونَ لِلآخِرَهِ . (2)

4 / 9كِفايَهُ أمرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِالكافى عن مرازم :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنَّ رَجُلاً أتى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى جَعَلتُ ثُلُثَ صَلَواتى لَکَ ، فَقالَ لَهُ خَيرا . فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى جَعَلتُ نِصفَ صَلَواتى لَکَ ، فَقالَ لَهُ : ذاکَ أفضَلُ . فَقالَ : إنّى جَعَلتُ کُلَّ صَلَواتى لَکَ ، فَقالَ : إذا يَکفِيَکَ اللّهُ عز و جل ما أهَمَّکَ مِن أمرِ دُنياکَ وآخِرَتِکَ . فَقالَ لَهُ رَجُلٌ :ِ أصلَحَکَ اللّهُ ، کَيفَ يَجعَلُ صَلاتَهُ لَهُ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لا يَسأَلُ اللّهَ عز و جل شَيئا إلّا بَدَأَ بِالصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : أجعَلُ نِصفَ صَلَواتى لَکَ؟ قالَ : نَعَم . ثُمَّ قالَ : أجعَلُ صَلَواتى کُلَّها لَکَ؟ قالَ : نَعَم . فَلَمّا مَضى قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : کُفِىَ هَمَّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 9 ، ثواب الأعمال : ص 190 ح 1 كلاهما عن معاويه بن عمّار ، جامع الأخبار : ص 161 ح 385 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 59 ح 40 .
2- .الدعوات : ص 89 ح 225 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 70 ح 63 .
3- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 12 وص 491 ح 3 عن محمّد بن مسلم نحوه ، ثواب الأعمال : ص 188 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 60 ح 42 .
4- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 11 عن أبى بكر الحضرمى عمّن سمعه .

4 / 8 بر آورده شدن حاجت

4 / 9 کارسازی در دنیا و آخرت

4 / 8بر آورده شدن حاجتامام صادق علیه السلام :هر کس صد بار بگوید: «خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست» ، صد حاجت او برآورده می شود : سی حاجت برای دنیا و بقیّه برای آخرت.

امام صادق علیه السلام :هر کس با نیّت و اخلاص قلبی، یک بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد ، خداوند پاک ، صد حاجت برای او برمی آورد : سی حاجت از آنها برای دنیا و هفتاد تا برای آخرت.

4 / 9کارسازی در دنیا و آخرتالکافی به نقل از مُرازم : امام صادق علیه السلام فرمود : «مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا! من یک سوم دعاهایم را به شما اختصاص دادم. [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: نیکوست . گفت : ای پیامبر خدا! نصف دعایم را به شما اختصاص دادم. فرمود: این ، نیکوتر است . گفت : همه دعاهایم را به شما اختصاص دادم. فرمود: در این صورت، خداوند عز و جل در دنیا و آخرت برایت کارسازی می کند » . مردی به امام صادق علیه السلام گفت : به سلامت باشید! چگونه کسی دعاهایش را به ایشان ، اختصاص می دهد؟ فرمود: «[این گونه که] هر حاجتی از خداوند عز و جل خواست ، نخست بر محمّد و خاندان او درود بفرستد» .

امام صادق علیه السلام :مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت : نصف دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «آری» . دوباره گفت : همه دعاهایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «آری» . چون آن مرد رفت، پیامبر خدا فرمود: «دنیا و آخرتش تضمین شد» .

.

مسند ابن حنبل عن أُبیّ بن کعب :قالَ رَجُلٌ : یا رَسولَ اللّهِ ، أرَأَیتَ إن جَعَلتُ صَلاتی کُلَّها عَلَیکَ؟ قالَ : إذا یَکفِیَکَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی ما أهَمَّکَ مِن دُنیاکَ وآخِرَتِکَ . (1)

سنن الترمذی عن أُبیّ بن کعب :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا ذَهَبَ ثُلُثَا اللَّیلِ قامَ فَقالَ : یا أیُّها النّاسُ! اُذکُرُوا اللّهَ ، اُذکُرُوا اللّهَ ، جاءَتِ الرّاجِفَهُ تَتبَعُهَا الرّادِفَهُ ، جاءَ المَوتُ بِما فیهِ ، جاءَ المَوتُ بِما فیهِ . قالَ اُبَیٌّ : قُلتُ : یا رَسولَ اللّهِ ، إنّی اُکثِرُ الصَّلاهَ عَلَیکَ ، فَکَم أجعَلُ لَکَ مِن صَلاتی؟ فَقالَ : ما شِئتَ ، قالَ : قُلتُ : الرُّبعَ؟ قالَ : ما شِئتَ ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ . قُلتُ : النِّصفَ؟ قالَ : ما شِئتَ ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَیرٌلَکَ . قالَ : قُلتُ : فَالثُّلُثَین؟ قالَ : ما شِئتَ ، فَإن زِدتَ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ . قُلتُ : أجعَلُ لَکَ صَلاتی کُلَّها؟ قالَ : إذا تُکفی هَمَّکَ ، ویُغفَرَ لَکَ ذَنبُکَ . (2)

راجع : ص 334 ح 2943 و 2944 .

4 / 10ذَهابُ النِّفاقِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :الصَّلاهُ عَلَیَّ وعَلی أهلِ بَیتی تَذهَبُ بِالنِّفاقِ . (3)

راجع : ص 370 (أدب الصلاه علی رسول اللّه / رفع الصوت بالصلاه) .

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 50 ح 21300 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 2 ص 399 ح 12 ، المعجم الکبیر : ج 4 ص 35 ح 3574 عن حبّان بن منقذ نحوه ، کنزالعمّال : ج 2 ص 278 ح 4001 .
2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 636 ح 2457 ، المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 89 ح 170 وفیه «ربع» بدل «ثلثا» ، کنزالعمّال : ج 2 ص 276 ح 3997 .
3- .الکافی : ج 2 ص 492 ح 8 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام .

4 / 10 زدوده شدن نفاق

مسند ابن حنبل به نقل از اُبَیّ بن کعب : مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا اجازه می دهید همه دعایم را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: «در این صورت، خداوند تبارک و تعالی در دنیا و آخرت ، برایت کارسازی می کند» .

سنن الترمذی به نقل از اُبَیّ بن کعب : دو سوم شب که می گذشت، پیامبر خدا بر می خاست و می فرمود: «ای مردم! خدا را یاد کنید، خدا را یاد کنید[و برای نماز و نیایش برخیزید] که لرزنده آمده است و از پی آن ، لرزه ای دگر خواهد آمد! مرگ با همه پیامدهایش در راه است . مرگ با همه پیامدهایش در راه است !» . گفتم : ای پیامبر خدا! من فراوان بر شما درود می فرستم. چه قدر از دعایم را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: «هر چه خواستی». گفتم : یک چهارم؟ فرمود: هر چه خواستی ؛ امّا اگر بیشتر باشد ، برایت بهتر است». گفتم : نصف؟ فرمود: «هر چه خواستی ؛ ولی اگر بیشتر باشد ، برای تو بهتر است». گفتم : دو سوم؟ فرمود: «هر چه خواستی ؛ امّا اگر بیشتر باشد ، برای تو بهتر است» . گفتم : همه دعایم را به شما اختصاص بدهم؟ فرمود: «در این صورت ، به مراد خود می رسی و گناهانت آمرزیده می شوند».

ر . ک : ص 335 ح 2943 و 2944 .

4 / 10زدوده شدن نفاقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درود فرستادن بر من و بر خانواده ام ، نفاق را می برَد.

ر . ک : ص 371 (صلوات فرستادن با صدای بلند) .

.

4 / 11نورُ يَومِ القِيامَةِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :زَيِّنوا مَجالِسَكُم بِالصَّلَواتِ عَلَىَّ ؛ فَإِنَّ صَلَواتِكُم عَلَىَّ نورٌ لَكُم يَومَ القِيامَةِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّلاةُ عَلَىَّ نُورٌ عَلَى الصِّراطِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِرُوا الصَّلاةَ عَلَىَّ ؛ فَإِنَّ الصَّلاةَ عَلَىَّ نورٌ فِى القَبرِ ، ونورٌ عَلَى الصِّراطِ ، ونورٌ فِى الجَنَّةِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ مَرَّةً ؛ خَلَقَ اللّهُ تَعالى يَومَ القِيامَةِ عَلى رَأسِهِ نورا ، وعَلى يَمينِهِ نورا ، وعَلى شِمالِهِ نورا ، ومِن فَوقِهِ نورا ، ومِن تَحتِهِ نورا ، وفى جَميعِ أعضائِهِ نورا . (4)

4 / 12النَّجاةُ مِن أهوالِ القِيامَةِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ أنجاكُم يَومَ القِيامَةِ مِن أهوالِها ومَواطِنِها ، أكثَرُكُم عَلَىَّ صَلاةً فى دارِ الدُّنيا . (5)

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 291 ح 3330 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 9 ص 141 ح 25415 .
2- .جامع الأخبار : ص 156 ح 363 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 ؛ الفردوس : ج 2 ص 408 ح 3814 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 490 ح 2149 نقلاً عن الدارقطنى فى الأفراد .
3- .الدعوات : ص 216 ح 581 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 64 ح 8 .
4- .جامع الأخبار : ص 155 ح 360 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 .
5- .الفردوس : ج 5 ص 277 ح 8175 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 504 ح 2228 .

ص: 391

4 / 11 روشنایی روز رستاخیز

4 / 12 رهایی از هراس هایِ رستاخیز

4 / 11روشنایی روز رستاخیزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مجلس های خود را با درود فرستادن بر من ، زینت بخشید ؛ زیرا درودهای شما بر من ، در روز رستاخیز ، برای شما نور [و روشنایی] است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درود فرستادن بر من ، نوری بر روی صراط است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فراوان بر من درود بفرستید ؛ زیرا درود فرستادن بر من ، نوری در قبر ، و نوری بر صراط، و نوری در بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک درود بر من بفرستد ، خداوندِ بزرگ در روز رستاخیز ، یک نور بر فراز سرش و یک نور در سمت راستش و یک نور در سمت چپش و یک نور در بالایش و یک نور در پایین پایش و نوری هم در همه اندام هایش می آفریند .

4 / 12رهایی از هراس هایِ رستاخیزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان ، ای مردم ! رهنده ترینِ شما در روز رستاخیز از هراس ها و ایستگاه های آن ، کسی است که در سرای دنیا بیشتر بر من درود بفرستد.

.

4 / 13ثِقلُ الميزانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى فَضائِلِ شَهرِ رَمَضانَ : مَن أكثَرَ فيهِ مِنَ الصَّلاهِ عَلَىَّ ، ثَقَّلَ اللّهُ ميزانَهُ يوَمَ تَخِفُّ المَوازينُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أنَا عِندَ المِيزانِ يَومَ القِيامَهِ ، فَمَن ثَقُلَت سَيِّئاتُهُ عَلى حَسَناتِهِ جِئتُ بِالصَّلاهِ عَلَىَّ حَتّى اُثقِلَ بِها حَسَناتِهِ . (2)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :ما فِى الميزانِ شَىءٌ أثقَلُ مِنَ الصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وإنَّ الرَّجُلَ لَتوضَعُ أعمالُهُ فِى الميزانِ فَتَميلُ بِهِ ، فَيُخرِجُ صلى الله عليه و آله الصَّلاهَ عَلَيهِ فَيَضَعُها فى ميزانِهِ فَيُرَجِّحُ بِهِ . (3)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :أثقَلُ ما يوضَعُ فِى الميزانِ يَومَ القِيامَهِ الصَّلاهُ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ . (4)

4 / 14شَفاعَهُ النَّبِيِّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ حين يُصبِحُ عَشرا ، وحينَ يُمسى عَشرا ؛ أدرَكَتهُ شَفاعتى يَومَ القِيامَهِ . (5)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 296 ح 53 ، الأمالى للصدوق : ص 155 ح 149 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 78 ح 61 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمى : ص 836 ، روضه الواعظين : ص 379 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 357 ح 25 .
2- .ثواب الأعمال : ص 186 ح 1 عن أبى البخترى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المقنع : ص 297 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 87 ح 2237 ، جامع الأخبار : ص 158 ح 376 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 7 ص 304 ح 72 .
3- .الكافى : ج 2 ص 494 ح 15 ، عدّه الداعى : ص 152 كلاهما عن محمّد بن مسلم .
4- .قرب الإسناد : ص 14 ح 45 عن إبراهيم بن عبد الحميد ، بحار الأنوار : ج 94 ص 49 ح 9 .
5- .كنزالعمّال : ج 1 ص 491 ح 2164 نقلاً عن الطبرانى عن أبى الدرداء .

4 / 13 سنگین کردن ترازوی اعمال

4 / 14 شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

4 / 13سنگین کردن ترازوی اعمالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضایل ماه رمضان : هر کس در این ماه ، زیاد بر من درود فرستد ، خداوند ، در آن روزی که ترازوها سبُک اند، ترازوی او را سنگین می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، من کنار ترازو هستم. هر کس بدی هایش بر خوبی هایش سنگینی کند ، درودی را که بر من فرستاده است ، می آورم و با آن، [کفه] خوبی هایش را سنگین می گردانم.

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :در ترازو[ی اعمال] ، عملی سنگین تر از درود فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد وجود ندارد. آدمی ، اعمالش در ترازو نهاده می شود و سبک است . پیامبر صلی الله علیه و آله درودهای او را بیرون می آورد و در ترازویش می گذارد و به سبب آن ، سنگین می شود.

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :سنگین ترین چیزی که روز قیامت در ترازو نهاده می شود ، درود فرستادن بر محمّد و بر اهل بیت اوست.

4 / 14شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس صبحگاهان ، ده درود و شامگاهان نیز ده درود بر من بفرستد، روز قیامت شفاعتم به او می رسد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وقالَ : «اللّهُمَّ أنزِلهُ المَقعَدَ المُقَرَّبَ عِندَکَ يَومَ القِيامَهِ» وَجَبَت لَهُ شَفاعَتى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَکتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ ، وتَرَحَّم عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ كَما تَرَحَّمتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ » شَهِدتُ لَهُ يَومَ القِيامَهِ بِالشَّهادَهِ ، وشَفَعتُ لَهُ . (2)

4 / 15دُخولُ الجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى عَلَىَّ فى يَومٍ ألفَ مَرَّهٍ ، لَم يَمُت حَتّى يَرى مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :جاءَنى جَبرائيلُ عليه السلام وقالَ : إنَّهُ لا يُصَلّى عَلَيکَ أحَدٌ إلّا ويُصَلّى عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَکٍ ، ومَن صَلّى عَلَيهِ سَبعونَ ألفَ مَلَکٍ كانَ مِن أهلِ الجَنَّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كلامِهِ الصَّلاهَ عَلَىَّ وعَلى عَلِىٍّ ، دَخَلَ الجَنَّهَ . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 46 ح 16988 ، مسند البزّار : ج 6 ص 299 ح 2315 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 26 ح 4480 و 4481 كلّها عن رُوَيفع بن ثابت ، كنزالعمّال : ج 1 ص 497 ح 2189 .
2- .الأدب المفرد : ص 192 ح 641 عن أبى هريره ؛ بحار الأنوار : ج 94 ص 87 ح 6 .
3- .الترغيب والترهيب : ج 2 ص 501 ح 22 نقلاً عن أبى حفص بن شاهين عن أنس .
4- .جامع الأخبار : ص 156 ح 364 عن عبد الرحمن بن عوف ، بحار الأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 64 ح 273 عن الحسن بن عبد اللّه بن محمّد بن العبّاس الرازى التميمى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام .

4 / 15 رفتن به بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر محمّد ، درود فرستد و بگوید: «بار خدایا! در روز رستاخیز ، او را در جایگاه نزدیک خودت بنشان» ، شفاعتم برای او واجب می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید: «بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد ، درود فرست ، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی، و به محمّد و خاندان محمّد برکت ده ، چنان که به ابراهیم و خاندان ابراهیم ، برکت دادی، و بر محمّد و خاندان محمّد رحم کن ، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، رحم کردی» ، روز قیامت ، به شهادت دادن او ، شهادت می دهم و برایش شفاعت می کنم .

4 / 15رفتن به بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزی هزار بار بر من درود فرستد ، نمی میرد تا آن که جایگاه خود در بهشت را می بیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: هر کس بر تو درود فرستد ، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند، و کسی که هفتاد هزار فرشته بر او درود بفرستند ، اهل بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پایان سخنش ، درود بر من و بر علی باشد ، به بهشت می رود.

.

الفَصلُ الخامِسُ : الصّلاه على الأنبياءرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلّوا عَلى أنبِياءِ اللّهِ ورُسُلِهِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ بَعَثَهُم كَما بَعَثَنى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا صَلَّيتُم عَلَى المُرسَلينَ فَصَلّوا عَلَىَّ مَعَهُم ؛ فَإِنّى رَسولٌ مِن رَبِّ العالَمينَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابٍ كَتَبَهُ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : ونَسأَ لُهُ أن يُصَلِّىَ عَنّا عَلى نَبِيِّنا صلى الله عليه و آله وعَلى أهلِ بَيتِهِ وعَلى أنبِياءِ اللّهِ ورُسُلِهِ ، بِصَلاهِ جَميعِ مَن صَلّى عَلَيهِ مِن خَلقِهِ . (3)

عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ، وعَلى أنبِيائِكَ ورُسُلِكَ أجمَعينَ . (4)

فاطمه عليهاالسلام مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وعَلى جَميعِ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ ، وعَلَى المَلائِكَهِ أجمَعينَ . (5)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 1 ص 148 ح 131 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 216 ح 3118 وليس فيه «كما بعثنى» وكلاهما عن أبى هريره ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 381 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 492 ح 2170 .
2- .كنزالعمّال : ج 1 ص 507 ح 2244 نقلاً عن الديلمى عن أنس .
3- .تحف العقول : ص 72 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 220 ح 2 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 83 ح 239 عن علىّ بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسين عليه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 109 ، الإقبال : ج 1 ص 321 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 128 .
5- .فلاح السائل : ص 314 ح 212 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 68 ح 4 .

فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبران علیهم السلام

فصل پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبرانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر پیامبران و فرستادگان خدا درود بفرستید؛ زیرا آنها هم مانند من ، فرستاده خدا هستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بر فرستادگان خدا درود فرستادید ، همراه با آن بر من نیز درود بفرستید؛ زیرا من هم فرستاده پروردگار جهانیان هستم.

امام علی علیه السلام در نامه ای که به فرزندش حسن علیه السلام نوشت : و از او [خدا] می خواهیم که از جانب ما بر پیامبرمان صلی الله علیه و آله و بر اهل بیت او و بر پیامبران و فرستادگانش درود فرستد، با صلوات همه کسانی از آفریدگانش که بر او درود فرستاده اند.

امام علی علیه السلام در دعا : بار خدایا! بر فرشتگان مقرّبت، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی ، درود فرست.

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان بعد از نماز ظهر : بار خدایا! بر خاتم پیامبران ، محمّد، و بر همه پیامبران و فرستادگان و بر تمامی فرشتگان ، درود فرست.

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وصَلِّ عَلى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ، وأنبِيائِكَ وَالصِّدّيقينَ ، وأُولِى العَزمِ مِنَ المُرسَلينَ ، الَّذينَ اُوذوا فى جَنبِكَ ، وجاهَدوا فيكَ حَقَّ جِهادِكَ ، وقاموا بِأمرِكَ ووَحَّدوكَ وعَبَدوكَ حَتّى أتاهُمُ اليَقينُ . (1)

عنه عليه السلام فِى القُنوتِ : اللّهُمَّ أنتَ المُبينُ البائِنُ ، وأنتَ المَكينُ الماكِنُ المُمَكَّنُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى آدَمَ بَديعِ فِطرَتِكَ ، ورُكنِ حُجَّتِكَ ، ولِسانِ قُدرَتِكَ ، وَالخَليفَةِ فى بَسيطَتِكَ ، وأوَّلِ مُجتَبىً لِلنُّبُوَّةِ بِرَحمَتِكَ ، وساجِفِ (2) شَعرِ رَأسِهِ تَذَلُّلاً لَكَ فى حَرَمِكَ لِعِزَّتِكَ ، ومُنشَأِ مِنَ التُّرابِ نَطَقَ إعرابا بِوَحدانِيَّتِكَ ، وعَبدٍ لَكَ أنشَأتَهُ لِاُمَّتِكَ ، ومُستَعيذٍ بِكَ مِن مَسِّ عُقوبَتِكَ . وصَلِّ عَلى ابنِهِ الخالِصِ مِن صَفوَتِكَ ، وَالفاحِصِ عَن مَعرِفَتِكَ ، وَالغائِصِ المَأمونِ عَن مَكنونِ سَريرَتِكَ ، بِما أولَيتَهُ مِن نِعَمِكَ ومَعونَتِكَ ، وعَلى مَن بَينَهُما مِنَ النَّبِيِّينَ وَالمُرسَلينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ . (3)

عنه عليه السلام فِى الصَّلاةِ عَلى آدَمَ عليه السلام : اللّهُمَّ وآدَمُ (4) بَديعُ فِطرَتِكَ ، وأوَّلُ مُعتَرِفٍ مِنَ الطّينِ بِرُبوبِيَّتِكَ ، وبِكرُ (5) حُجَجِكَ عَلى عِبادِكَ وبَرِيَّتِكَ ، وَالدَّليلُ عَلَى الاِستِجارَةِ بِعَفوِكَ ، وَالنّاهِجُ سُبُلَ تَوبَتِكَ ، وَالوَسيلَةُ بَينَ الخَلقِ وبَينَ مَعرِفَتِكَ ، وَالَّذى لَقَّنتَهُ (6) ما رَضيتَ بِهِ عَنهُ بِمَنِّكَ عَلَيهِ ورَحمَتِكَ لَهُ ، وَالمُنيبُ الَّذى لَم يُصِرَّ عَلى مَعصِيَتِكَ ، وسابِقُ المُتَذَلِّلينَ بِخَلقِ رَأسِهِ فى حَرَمِكَ ، وَالمُتَوَسِّلُ بَعدَ المَعصِيَةِ بِالطّاعَةِ إلى عَفوِكَ ، وأبُو الأنبِياءِ الَّذين اُوذوا فى إجابَتِكَ ، وأكثَرُ ساكِنى سُكّانِ الأَرضِ سَعيا [و]نَشاطا فى طاعَتِكَ ، فَصَلِّ أنتَ عَلَيهِ يا رَحمنُ ومَلائِكَتُكَ وساكِنو سَماواتِكَ وأرضِكَ ، كَما عَظَّمَ حُرُماتِكَ ، ودَلَّنا عَلى سَبيلِ مَرضاتِكَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (7)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 136 ح 220 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 241 ح 50 .

2- .سَحَفَ رأسه : أى حَلَقَهُ (الصحاح : ج 4 ص 1372 «سحف») .

3- .مُهَج الدعوات : ص 70 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 215 ح 1 .

4- .فى المصدر : «اللّهمّ وصَلِّ على آدَمَ...» ، والتصويب من بقيّه المصادر .

5- .البِكْر : أوّل كلّ شىء (القاموس المحيط : ج 1 ص 376 «بكر») .

6- .فى المصدر : «لقَّيته» ، والتصويب من بعض النسخ .

7- .البلد الأمين : ص 443 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 292 وجاء فى أوّله «يناسب أن يتلى عند ضريح آدم عليه السلام أو بعد الصلاه لزيارته الدعاء المرويّ عن سيّد الساجدين صلوات اللّه عليه المشتمل على الصلاه عليه صلّى اللّه عليه ، وهو ممّا أُلحق ببعض نسخ الصحيفه» ؛ ينابيع الموّده : ج 3 ص 427 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و بر فرشتگان مقرّبت، و بر پیامبرانت و گروندگان راستین، و بر فرستادگان اولو العزم همانان که از بهر تو آزارها دیدند، و در راه تو ، چنان که باید ، جهاد کردند، و فرمان تو را بر پا داشتند و تو را به یگانگی شناختند و تا لحظه مرگ ، تو را بندگی نمودند درود فرست .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای قنوت : بار خدایا! تو پیدایی و هویدا، و تو توانایی و نیرومند و نیروبخش. بار خدایا! بر آدم، این آفریده شگفت انگیزت، و ستون حجّتت ، و زبان قدرتت ، و جانشین [تو] در زمینت، و نخستین کسی که از سر لطف و رحمتت برای پیامبری برگزیدی، و نخستین کسی که برای اظهار خواری برای تو و عزّت تو ، در حَرَمت ، موی سرش را تراشید، و نخستین کسی که از خاک ، پدید آمد و زبان به یکتایی تو گشود، و نخستین بنده ات که برای امّتت ایجادش کردی، و نخستین کسی که از گرفتار آمدن به کیفر تو به تو پناه بُرد ، درود فرست . و بر فرزندش [محمّد] ، این برگزیده خالص تو و جستجوگر معرفت تو، و غوّاص امینِ ذات نهان تو با لطف و یاری تو که ارزانی اش داشتی درود فرست ، و نیز بر پیامبران و فرستادگان و راست باوران و گواهان و درستکارانی که میان آن دو [از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله] بوده اند ، درود فرست .

امام زین العابدین علیه السلام در درود فرستادن بر آدم علیه السلام : بار خدایا! آدم ، پدیده شگفت آفرینش توست، و نخستین موجود خاکی ای که به پروردگاری تو اعتراف نمود، و آغازین حجّت تو بر بندگان و آفریدگانت، و نشان دهنده راه پناه بردن به بخشایش تو، و پیماینده راه های توبه تو، و وسیله میان خلق و شناخت تو؛ همو که از سر لطف و مِهرت بر او، آنچه را که به واسطه آن از او خشنود گشتی ، به وی تلقین و الهام فرمودی ؛ توبه گری که بر نافرمانی از تو پای نفشرد ؛ نخستین کسی که با تراشیدن سرش در حرم تو [در پیشگاهت] خواری نمود ؛ نخستین کسی که پس از نافرمانی، به وسیله فرمان برداری ، به دامن بخشایش تو چنگ زد ؛ پدر پیامبرانی که در راه اجابت تو آزارها دیدند ؛ همو که بیش از همه ساکنان زمین ، در طاعت تو کوشید و تلاش کرد. پس تو ای مهرگستر و فرشتگانت و ساکنان آسمان هایت و زمینت ، بر او درود فرستید، که او حرمت های تو

را بزرگ داشت و ما را به راه های خشنودی تو ره نمون شد، ای مهربان ترینِ مهربانان ! (1)

.

1- .در آغاز این درود ، آمده است: «مناسب است که در نزد آرامگاه آدم علیه السلام یا بعد از نماز زیارت ، او دعایی را که از امام زین العابدین و سیّد الساجدین صلوات اللّه علیه روایت شد و مشتمل بر درود بر آن بزرگوار است، خوانده شود . این دعا ، به برخی نسخه های صحیفه سجّادیه الحاق شده است.

الأمالى للطوسى عن معاويه بن عمّار :ذَكَرتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ الصّادِقِ عليه السلام بَعضَ الأنبِياءِفَصَلَّيتُ عَلَيهِ ، فَقالَ : إذا ذُكِرَ أحَدٌ مِنَ الأنبِياءِ فَابدَأ بِالصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ ثُمَّ عَلَيهِ ، صَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وعَلى جَميعِ الأنبِياءِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ اُمِّ داوودَ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى أبينا آدَمَ بَديعِ (2) فِطرَتِكَ ، الَّذى كَرَّمتَهُ بِسُجودِ مَلائِكَتِكَ وأبَحتَهُ جَنَّتَكَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى اُمِّنا حَوّاءَ المُطَهَّرَهِ مِنَ الرِّجسِ ، المُصَفّاهِ مِنَ الدَّنَسِ ، المُفَضَّلَهِ مِنَ الإنسِ ، المُتَرَدِّدَهِ بَينَ مَحالِّ القُدسِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى هابيلَ ، وشَيثٍ ، وإدريسَ ، ونوحٍ ، وهودٍ ، وصالِحٍ ، وإبراهيمَ ، وإسماعيلَ ، وإسحاقَ ، ويَعقوبَ ، ويوسُفَ ، وَالأسباطِ ، ولوطٍ ، وشُعَيبٍ ، وأيّوبَ ، وموسى ، وهارونَ ، ويوشَعَ ، وميشا ، وَالخِضرِ ، وذِى القَرنَينِ ، ويونُسَ ، وإلياسَ ، واليَسَعِ ، وذِى الكِفلِ ، وطالوتَ ، وداوودَ ، وسُلَيمانَ ، وزَكَرِيّا ، وشَعيا ، ويَحيى ، وتورَخَ ، ومَتّى ، وأرمِيا ، وحَيقوقَ ، ودانِيالَ ، وعُزيرٍ ، وعِيسى ، وشَمعونَ ، وجِرجيسَ ، وَالحَوارِيّينَ ، وَالأتباعِ ، وخالِدٍ ، وحَنظَلَه ، ولُقمانَ . (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 424 ح 951 ، الأمالى للصدوق : ص 463 ح 619 ، روضه الواعظين : ص 353 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 48 ح 5 .
2- .البديع : المبتدَع . بَدَعَ الشىء : أنشأه وبدأه (لسان العرب : ج 8 ص 6 «بدع») .
3- .الإقبال : ج 3 ص 244 ، مصباح المتهجّد : ص 808 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 11 ص 59 ح 65 .

الأمالی ، طوسی به نقل از معاویه بن عمّار : در محضر امام صادق علیه السلام از پیامبری یاد کردم و بر او درود فرستادم . ایشان فرمود: «هر گاه از یکی از پیامبران یاد شد ، نخست بر محمّد ، درود بفرست و سپس بر او درود خدا بر محمّد و خاندان او و بر همه پیامبران باد !» .

امام صادق علیه السلام در دعای اُمّ داوود : بار خدایا ! بر پدرمان آدم ، این پدیده شگفت آفرینش، همو که به سجده فرشتگانت گرامی اش داشتی و بهشتت را بر او روا ساختی، درود فرست . بار خدایا ! بر مادرمان ، حوّای پاک از آلودگی، پالوده از پلیدی، برگزیده از انسان، رفت و آمد کننده در میان جایگاه های قدسی ، درود فرست. بار خدایا ! بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایّوب و موسی و هارون و یوشَع و میشا و خِضر و ذو القرنین و یونس و الیاس و یَسَع و ذو الکِفل و طالوت و داوود و سلیمان و زکریّا و شَعیا و یحیی و تورَخ و مَتّی و اَرمیا و حیقوق و دانیال و عُزَیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریان و پیروان و خالد و حنظله و لقمان درود فرست.

.

عنه عليه السلام فيما يُقالُ عِندَ الاُسطُوانَهِ الخامِسَهِ مِن مَسجِدِ الكوفَهِ :السَّلامُ عَلى أبينا آدَمَ واُمِّنا حَوّاءَ ، السَّلامُ عَلى هابيلَ المَقتولِ ظُلما وعُدوانا عَلى مَواهِبِ اللّهِ ورِضوانِهِ ، السَّلامُ عَلى شَيثٍ صَفوَهِ اللّهِ المُختارِ الأمينِ وعَلَى الصَّفوَهِ الصّادقينَ مِن ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ أوَّلِهِم وآخِرِهِم ، السَّلامُ عَلى إبراهيمَ وإسماعيلَ وإسحاقَ ويَعقوبَ وعَلى ذُرِّيَّتِهِمُ المُختارينَ ، السَّلامُ عَلى موسى كَليمِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلى عيسى روحِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَى المُصطَفَينِ عَلَى العالَمينَ ، السَّلامُ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ وذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، السَّلامُ عَلَيكَ فِى الأوَّلينَ وَالآخِرينَ ، السَّلامُ عَلى فاطِمَهَ الزَّهراءِ ، السَّلامُ عَلى الرَّقيبِ الشّاهِدِ عَلَى الاُمَمِ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاكتُبنى عِندَكَ مِنَ المَقبولينَ ، وَاجعَلنى مِنَ الفائِزينَ المُطمَئِنّينَ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ . (1)

الإمام الرضا عليه السلام :السَّلامُ عَلى أبَوَيَّ آدَمَ ونوحٍ ، السَّلامُ عَلى أبَوَيَّ إبراهيمَ وإسماعيلَ ، السَّلامُ عَلى أبَوَيَّ مُحَمَّدٍ وعَلِيٍّ ، السَّلامُ عَلى عِبادِ اللّهِ الصّالِحينَ . (2)

.

1- .المزار للشهيد الأوّل : ص 238 ، المزار الكبير : ص 167 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 388 ح 11 .
2- .كشف الغمّه : ج 3 ص 55 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 171 ؛ مطالب السؤول : ص 86 .

امام صادق علیه السلام از زیارتی که در کنار پنجمین ستونِ (1) مسجد کوفه خوانده می شود : درود بر پدرمان آدم و مادرمان حوّا ! درود بر هابیل که از روی ستم و تجاوز به دَهِش های خدا و خشنودی او [نسبت به وی]کشته شد ! درود بر شیث ، برگزیده خالص و امین خدا و بر برگزیدگان راستین از نسل پاک او، از اوّلین تا آخرین آنها ! درود بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر تبار برگزیده آنان ! درود بر موسی ، هم سخن خدا ! درود بر عیسی ، روح خدا ! درود بر محمّد ، دوست و محبوب خدا ! درود بر برگزیدگان بر جهانیان ! درود بر امیر مؤمنان و فرزندان پاک و پاکیزه او، و رحمت و برکات خدا [بر ایشان]! درود بر تو ، در میان پیشینیان و پسینیان ! درود بر فاطمه زهرا ! درود بر ناظر و گواه بر امّت ها از بهر خدای پروردگار جهانیان ! بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا در نزد خود ، از پذیرفته شدگان ، رقم زن و مرا از رستگارانِ آسوده جان، همانان که آنان را نه ترسی می رسد و نه اندوهگین می شوند ، قرار ده.

امام رضا علیه السلام :درود بر پدرانم ، آدم و نوح ! درود بر پدرانم ، ابراهیم و اسماعیل ! درود بر پدرانم ، محمّد و علی ! درود بر بندگان شایسته خدا !

.

1- .پنجمین ستون ، جایگاهی است که خداوند به آدم علیه السلام توفیق توبه عطا فرمود.

الفَصلُ السّادِسُ : الصّلوات المأثوره عَن رسول اللّه وأهل بيته6 / 1الصَّلَواتُ المَأثورَهُ عَنِ النَّبيِّمسند ابن حنبل عن اُمّ سلمه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليهِ و آله قالَ لِفاطِمَهَ عليهاالسلام : اِيتينى بِزَوجِكِ وَابنَيكِ ، فَجاءَت بِهِم ، فَألقى عَلَيهِم كِساءً فَدَكِيّا ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيهِم ، ثُمَّ قالَ : اللّهُمَّ إنَّ هؤُلاءِ آلُ مُحَمَّدٍ ، فَاجعَل صَلَواتِکَ وبَرَكاتِکَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ ، إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . (1)

البلد الأمين :دُعاءُ التَّهليلِ مَرويٌّ عَنِ النَّبىِّ صلى الله عليه و آله : بَسمِل وقُل : لا إلهَ إلَا اللّهُ ثَلاثا . . . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ثَلاثا بِعَدَدِ ما صَلّى عَلَيهِ المُصَلّونَ . (2)

راجع : ص 501 (أدب الصّلاه على رسول اللّه / ضمّ آل النبىّ إليه فى الصلاه) .

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 228 ح 26808 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 53 ح 2664 وج 23 ص 336 ح 779 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 203 ح 3182 ، ذخائر العقبى : ص 56 ، كنزالعمّال : ج 13 ص 645 ح 27629 ؛ العمده : ص 33 ح 13 ، بحار الأنوار : ج 25 ص 242 ح 23 .
2- .البلد الأمين : ص 374 .

فصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

6 / 1 صلوات های رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل ششم: صلوات های رسیده از پیشوایان بر پیامبر خدا و اهل بیت او6 / 1صلوات های رسیده از پیامبرمسند ابن حنبل به نقل از اُمّ سلمه : پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیهاالسلام فرمود: «شوهرت و دو پسرت را نزد من بیاور». او آنان را آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله جامه ای فَدَکی بر روی آنان افکند . سپس دست خود را بر ایشان نهاد ، آن گاه فرمود : «بار خدایا! اینان ، خاندان (آل) محمّدند . پس درودها و برکت هایت را بر محمّد و بر خاندان محمّد قرار ده، که تو ستودنی و بزرگواری» .

البلد الأمین :دعای هنگام «لا إله إلّا اللّه » گفتن که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [چنین است] : بگو : «بسم اللّه » و بگو: «لا إله إلّا اللّه ؛ معبودی جز خدا نیست» (سه مرتبه) .... بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست (سه مرتبه). به آن شمار که درود فرستندگان بر او درود فرستاده اند.

ر . ک : ج 2 ص 501 (آداب درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله / ضمیمه کردن خاندان پیامبر به ایشان در درود) .

.

6 / 2الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلىٍّ بنِ أبى طالِبٍالإمام علىّ عليه السلام فى دُعائِهِ لِلنَّبىِّ صلى الله عليه و آله : اَللّهُمَّ اقسِم لَهُ مَقسَما مِن عَدلِکَ ، وَاجزِهِ مُضَعَّفاتِ الخَيرِ مِن فَضلِکَ . اللّهُمَّ أعلِ عَلى بِناءِ البانينَ بِناءَهُ ، وأكرِم لَدَيکَ نُزُلَهُ ، وشَرِّف عِندَکَ مَنزِلَهُ ، وآتِهِ الوَسيلَةَ وأعطِهِ السَّناءَ وَالفَضيلَةَ ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِ غَيرَ خَزايا وَلا نادِمينَ ، ولا ناكِبينَ (1) ولا ناكِثينَ (2) ، ولا ضالّينَ ولا مُضِلّينَ ولا مَفتونينَ . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ داحِيَ المَدحُوّاتِ (4) ، وداعِمَ المَسموكاتِ (5) ، وجابِلَ (6) القُلوبِ عَلى فِطرَتِها ؛ شَقِيِّها وسَعيدِها ، اِجعَل شَرائِفَ صَلَواتِکَ ونَوامِيَ بَرَكاتِکَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ، الخاتِمِ لِما سَبَقَ ، وَالفاتِحِ لِمَا انغَلَقَ (7) ، وَالمُعلِنِ الحَقَّ بِالحَقِّ ، وَالدّافِعِ جَيشاتِ (8) الأباطيلِ ، وَالدّامِغِ صَولاتِ الأضاليلِ كَما حُمِّلَ ، فَاضطَلَعَ قائِما بِأمرِکَ ، مُستَوفِزا (9) فى مَرضاتِکَ ، غَيرَ ناكِلٍ عَن قُدُمٍ ، ولا واهٍ فى عَزمٍ ، واعِيا لِوَحيِکَ ، حافِظا لِعَهدِکَ ، ماضِيا عَلى نَفاذِ أمرِکَ ، حَتّى أورى قَبَسَ القابِسِ (10) ، وأضاءَ الطَّريقَ لِلخابِطِ (11) ، وهُدِيَت بِهِ القُلوبُ بَعدَ خَوضاتِ الفِتَنِ وَالآثامِ ، وأقامَ بِموضِحاتِ الأعلامِ ونَيِّراتِ الأحكامِ . فَهُوَ أمينُکَ المَأمونُ ، وخازِنُ عِلمِکَ المَخزونِ ، وشَهيدُکَ (12) يَومَ الدّينِ ، وبَعيثُکَ (13) بِالحَقِّ ، ورَسولُکَ إلَى الخَلقِ . اللّهُمَّ افسَح لَهُ مَفسَحا فى ظِلِّکَ ، وَاجزِهِ مُضاعَفاتِ الخَيرِ مِن فَضلِکَ ، اللّهُمَّ وأعلِ عَلى بِناءِ البانينَ بِناءَهُ ، وأكرِم لَدَيکَ مَنزِلَتَهُ ، وأتمِم لَهُ نورَهُ ، وَاجزِهِ مِن ابتِعاثِکَ لَهُ مَقبولَ الشَّهادَةِ ، ومَرضِيَّ المَقالَةِ ، ذا مَنطِقٍ عَدلٍ ، وخُطبَةٍ فَصلٍ . اللّهُمَّ اجمَع بَينَنا وبَينَهُ فى بَردِ العَيشِ ،وقَرارِ النِّعمَةِ ، ومُنَى الشَّهَواتِ ، وأهواءِ اللَّذّاتِ ، ورَخاءِ الدَّعَةِ ، ومُنتَهَى الطُّمَأنينَةِ ، وتُحَفِ الكَرامَةِ . (14)

.

1- .نَكَبَ عن الطريق : عَدَلَ (الصحاح : ج 1 ص 228 «نكب») .
2- .النَّكْث : نَقض العهد (النهايه : ج 5 ص 114 «نكث») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 106 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 381 ح 93 .
4- .الدَّحْو : البسط ، والمَدحوّات : الأرضين ؛ أى بسط ووسّع الأرضين (النهايه : ج 2 ص 106 «دحا») .
5- .المسْمُوكات : السماوات السبع (النهايه : ج 2 ص 403 «سمک») .

6- .جَبَلَهُم اللّه تعالى : خَلَقَهُم . وجَبَلَه على الشىء : طَبَعَهُ (القاموس المحيط : ج 3 ص 345 «جبل») .
7- .الفاتح لما انغلق : أى فتحَ ما انغلق واُبهم على الناس من مسائل الدين والتوحيد والشرائع (بحار الأنوار : ج 16 ص 378) .
8- .جَيَشَات : جمع جيشه ، وهى المرّه من جَاشَ ؛ إذا ارتفع (النهايه : ج 1 ص 324 «جيش») .
9- .الوَفز : العَجَله (الصحاح : ج 3 ص 901 «وفز») .
10- .قال ابن الأثير : ومنه حديث علىٍّ عليه السلام : «حتّى أورى قَبَسا لِقابس» ؛ أى أظهَر نورا من الحقّ لطالبه . والقابِس : طالِب النار ، وهو فاعل من قَبَس (النهايه : ج 4 ص 4 «قبس») .
11- .الخَبْط : المشى على غير الطريق (مجمع البحرين : ج 1 ص 491 «خبط») .
12- .شهيدک يوم الدين : أى شاهدک على اُمّته يوم القيامه (النهايه : ج 2 ص 513 «شهد») .
13- .بعيثُک : أى مبعوثک الذى بعثته إلى الخلق ، فهو فعيل بمعنى مفعول (النهايه : ج 1 ص 138 «بعث») .
14- .نهج البلاغه : الخطبه 72 ، الغارات : ج 1 ص 159 نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 83 ح 3 وح 4 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 82 ح 3 ، شرح نهج البلاغه : ج 19 ص 135 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 270 ح 3989 نقلاً عن المعجم الأوسط وأبى نعيم فى عوالى سعيد بن منصور وكلاهما عن سلامه الكندى وكلّها نحوه .

6 / 2صلوات های رسیده از امام علیامام علی علیه السلام در دعایش برای پیامبر صلی الله علیه و آله : بار خدایا ! از عدل خویش برای او بهره ای [بزرگ]قرار ده، و از بخشایشت ، چندْ چندان ، نیکی پاداشش ده. بار خدایا ! بنای [دین] او را بر بنای بناکنندگان (ادیان پیشین) ، بلندی بخش، و از او در نزد خویش ، به گرمی پذیرایی فرما، و منزلت او را بزرگ دار ، و وسیله (بالاترین درجه بهشت) و بلندی و برتری عطا فرما ، و ما را در گروه او محشور کن ، در حالی که نه سرافکنده باشیم، نه پشیمان، نه منحرف، نه پیمان شکن، نه گم راه، نه گم راه کننده، و نه فریب خورده [و گناه آلود].

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! ای گستراننده گسترده ها (زمین های هفتگانه) و ای نگه دارنده افراشته ها (هفت آسمان) ، و ای آفریننده دل ها بر سرشتشان : شوربخت و نیک بخت ! درودهای ارزنده ات را و برکت های فزاینده ات را بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات ، قرار ده ؛ همو که پایان بخش [شرایع] پیشین است و گشاینده بسته ها و آشکار کننده حق با حق، و دفع کننده خروش های باطل، و فرو کوبنده یورش های گم راهی ، آن گونه که [مسئولیتش] بر دوش او نهاده شد و قدرتمندانه ، به فرمان تو برخاست (/فرمان تو را اجرا کرد) و در راه خشنودی تو شتافت، بی آن که گامی به پس رود، یا در عزم او سستی راه یابد ؛ بلکه وحی تو را فرا گرفت و پیمانِ تو را پاس داشت و فرمان تو را به کار بست تا آن که برای جوینده شعله آتش [معرفت] ، شعله افروخت، و برای آن که در بیراهه می رفت ، راه را روشن نمود، و دل های فرو رفته در گمراهی ها و گناهان ، به واسطه او هدایت شدند و آن بزرگوار ، نشانه های روشنگر و احکام نورانی را بر پا داشت. پس او امانتدارِ مورد اعتماد توست و گنجینه دار گنج دانش تو، گواه تو در روز جزا ، فرستاده بر حقّ تو، و پیک تو به سوی مردمان است . بار خدایا ! برای او در سایه ات ، جایی فراخ بگشا و از بخشایشت ، دو چندان ، نیکی پاداشش ده . بار خدایا ! بنای [شریعتِ] او را بر بنای [دیگر] بنیان گذاران (پیامبران) ، بلندی بخش، و مقام او را در نزد خویش ، پُر ارج دار، و نورش را کامل گردان ، و پاداش برانگیخته شدنش به رسالت را پذیرفته شدن گواهی، و پسندیدگی گفتار او سخن درست و حکم قطعی

قرار ده. بار خدایا! ما را با او در زندگانیِ خوش، و نعمت جاویدان، و خواهش های مطلوب، و لذّت های خواستنی، و رهاییِ بسیار، و آرامش بیکران، و ارمغان های کرامت ، گِرد هم بیاور .

.

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ونَبِیِّکَ صَلاةً نامِیَةً زاکِیَةً ، تَرفَعُ بِها دَرَجَتَهُ وتُبَیِّنُ بِها فَضلَهُ . وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، کَما صَلَّیتَ وبارَکتَ وتَرَحَّمتَ عَلى إبراهیمَ وآلِ إبراهیمَ ، إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ . (1)

عنه علیه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ، وأعطِهِ الیَومَ أفضَلَ الوَسائِلِ، وأشرَفَ العَطاءِ وأعظَمَ الحِباءِ وَالمَنازِلِ ، وأسعَدَ الجُدودِ وأقَرَّ الأعیُنِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذینَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم ، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهیرا . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذینَ ألهَمتَهُم عِلمَکَ ، وَاستَحفَظتَهُم کُتُبَکَ، وَاستَرعَیتَهُم عِبادَکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وحَبیبِکَ وخَلیلِکَ ، وسَیِّدِ الأَوَّلینَ وَالآخِرینَ مِنَ الأنبِیاءِ وَالمُرسَلینَ وَالخَلقِ أجمَعینَ ، وعَلى آلِهِ الطَّیِّبینَ الَّذینَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم ، وأوجَبتَ عَلَینا حَقَّهُم ومَوَدَّتَهُم . (2)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 432 ح 1263 ، مصباح المتهجّد : ص 383 عن زید بن وهب ، بحار الأنوار : ج 89 ص 239 ح 68 .
2- .البلد الأمین : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 140 ح 7 .

امام علی علیه السلام :بار خدایا! بر بنده و فرستاده و پیامبرت محمّد ، درود فرست ؛ درودی بالنده و فزاینده و پاک که با آن ، درجه اش را بالا بری و برتری اش را آشکارا سازی. بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد ، برکت ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی و برکت دادی و مهر آوردی، که تو ستوده خصال و بزرگواری.

امام علی علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات، درود فرست و امروز ، برترین وسیله ها و باارزش ترین دَهِش و بزرگ ترین ارمغان و جایگاه ها، و خوش ترین بخت ها، و روشن ترین چشم ها (شادترین دل ها) را عطایش فرما. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ؛ همانان که به فرمان بُرداری از ایشان ، فرمان دادی، و آلودگی را از ایشان برده ، پاکِ پاکشان گردانیدی. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ؛ همانان که دانش خود را در اختیارشان نهادی و آنان را نگهبان کتاب هایت و سرپرست بندگانت قرار دادی. بار خدایا! بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و عزیزت و دوستت و سَرور اوّلین و آخرین آدمیان از پیامبران و فرستادگان و همه خلق، و بر خاندان پاک او، همانان که بر فرمان بُرداری از ایشان فرمان داده، حقّ آنان و دوستی شان را بر ما واجب ساختی، درود فرست.

.

عنه عليه السلام فِي الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّما ذَكَرَهُ الذّاكِرونَ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّما غَفَلَ عَن ذِكرِهِ الغافِلونَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ كَلِماتِکَ وعَدَدَ مَعلَوماتِکَ ، صَلاةً لا نِهايَةَ لَها ولا غايَةَ لِأَمَدِها . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ فَبِدَرَجَتِکَ الرَّفيعَهِ ومَحَلَّتِکَ المَنيعَهِ ، وفَضلِکَ البالِغِ وسَبيلِکَ الواسِعِ ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كما دانَ لَکَ ودَعا إلى عِبادَتِکَ ، وأوفى بِعُهودِکَ وأنفَذَ أحكامَکَ وَاتَّبَعَ أعلامَکَ (2) ، عَبدِکَ ونَبِيِّکَ ، وأمينِکَ عَلى عَهدِکَ إلى عِبادِکَ ، القائِمِ بِأحكامِکَ ، ومُؤَيِّدِ مَن أطاعَکَ ، وقاطِعِ عُذرِ مَن عَصاکَ . اللّهُمَّ فَاجعَل مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله أجزَلَ مَن جَعَلتَ لَهُ نَصيبا مِن رَحمَتِکَ ، وأنضَرَ مَن أشرَقَ وَجهُهُ بِسِجالِ (3) عَطِيَّتِکَ ، وأقرَبَ الأَنبِياءِ زُلفَةً (4) يَومَ القِيامَهِ عِندَکَ ، وأوفَرَهُم حَظّا مِن رِضوانِکَ ، وأكثَرَهُم صُفوفَ اُمَّهٍ فى جِنانِکَ ، كَما لَم يَسجُد لِلأَحجارِ ولَم يَعتَكِف لِلأَشجارِ ، ولَم يَستَحِلَّ السَّباءَ (5) ولَم يَشرَبِ الدِّماءَ . (6)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 348 ح 996 .
2- .أعلامَک : أى آثارک وشرائعک وطرائقک الظاهره (ملاذ الأخيار : ج 5 ص 230) .
3- .السِّجال : جمع السَّجْل ؛ وهو الدلو إذا مُلِئَ ماءً ، وذكره لأنّ غسل الوجه بالماء يوجب النضاره [الحسن والبهاء] (بحار الأنوار : ج 2 ص 344) .
4- .الزُّلفه : المنزله (القاموس المحيط : ج 3 ص 149 «زلف») .
5- .السِّباء : الخمر (القاموس المحيط : ج 1 ص 17 «سبأ») .
6- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 151 ح 328 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 528 ح 1501 وفيه «السابغ» بدل «البالغ» ، مصباح المتهجّد : ص 527 ح 611 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 293 ح 2 .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، هر آن زمان که یادکنندگانْ یادش کنند، و بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، هر آن زمان که غافلان از یادش غفلت ورزند. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، به شمارِ کلماتت و به عدد معلوماتت ؛ درودی که مدّت آن را پایانی و انجامی نباشد.

امام علی علیه السلام :بار خدایا! به حقّ پایگاه بلندت و جایگاه دست نایافتنی ات و بخشایش فراگیرت و راه پهناورت، از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی، که او تو را فرمان بُرد ، و به پرستش تو فرا خواند ، و به پیمان هایت وفا کرد، و فرمان هایت را روان ساخت ، و نشانه هایت را دنبال کرد ؛ بر بنده ات و پیامبرت و امین تو در رساندن پیامت به بندگانت، بر پا دارنده احکامت، و پشتیبان هر آن که از تو فرمان برَد، و گیرنده عذر [و بهانه] از کسی که تو را نافرمانی کرد. پس ای خداوند محمّد صلی الله علیه و آله را برخوردارترینِ کسانی قرار ده که از رحمت خود ، بهره مندشان ساخته ای، و شادمان ترین کسی که از دَهِش سرشار تو ، چهره اش شگفته است و در روز قیامت ، او را از همه پیامبران به خود ، نزدیک تر گردان، و بهره مندترینشان از خشنودی ات قرار ده، و صفوف امّتش را در پیشگاهت از صنوف امّت های آنان ، افزونتر گردان ؛ زیرا او برای سنگی (بُتی) سجده نکرد و درختی را نپرستید و میخوارگی را روا نشمُرد و خونی نیاشامید.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى طَيِّبِ المُرسَلينَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ ، المُنتَجَبِ الفاتِقِ الرّاتِقِ . (1) اللّهُمَّ فَخُصَّ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله بِالذِّكرِ المَحمودِ وَالحَوضِ المَوعودِ ، اللّهُمَّ آتِ مُحَمَّدا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ الوَسيلَةَ وَالرِّفعَةَ والفَضيلَةَ ، وَاجعَل فِى المُصطَفَينَ مَحَبَّتَهُ ، وفِى العِلِّيّينَ دَرَجَتَهُ ، وفِى المُقَرَّبينَ كَرامَتَهُ . اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ مِن كُلِّ كَرامَةٍ أفضَلَ تِلکَ الكَرامَةِ ، ومِن كُلِّ نَعيمٍ أوسَعَ ذلِکَ النَّعيمِ ، ومِن كُلِّ عَطاءٍ أجزَلَ ذلِکَ العَطاءِ ، ومِن كُلِّ يُسرٍ أنضَرَ (2) ذلِکَ اليُسرِ ، ومِن كُلِّ قِسمٍ أوفَرَ ذلِکَ القِسمِ ، حَتّى لا يَكونَ أحَدٌ مِن خَلقِکَ أقرَبَ مِنهُ مَجلِسا ، ولا أرفَعَ مِنهُ عِندَکَ ذِكرا ومَنزِلَةً ، ولا أعظَمَ عَلَيکَ حَقّا ، ولا أقرَبَ وَسيلَةً مِن مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ ، إمامِ الخَيرِ وقائِدِهِ وَالدّاعى إلَيهِ ، وَالبَرَكَهِ عَلى جَميعِ العِبادِ وَالبِلادِ ، ورَحمَهٍ لِلعالَمينَ . اللّهُمَّ اجمَع بَينَنا وبَينَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ فى بَردِ العَيشِ ، وتَروُّحِ (3) الرَّوحِ (4) ، وقَرارِ النِّعمَهِ ، وشَهوَهِ الأنفُسِ ، ومُنَى الشَّهَواتِ ، ونِعَمِ اللَّذّاتِ ، ورَجاءِ الفَضيلَهِ ، وشُهودِ الطُّمَأنينَهِ ، وسُؤدَدِ (5) الكَرامَهِ ، وقُرَّهِ العَينِ ، ونَضرَهِ النَّعيمِ ، وبَهجَهٍ لا تُشبِهُ بَهَجاتِ الدُّنيا ، نَشهَدُ أنَّهُ قَد بَلَّغَ الرِّسالَهَ ، وأدَّى النَّصيحَهَ ، وَاجتَهَدَ لِلاُمَّهِ ، واُوذِىَ فى جَنبِکَ ، وجاهَدَ فى سَبيلِکَ ، وعَبَدَکَ حَتّى أتاهُ اليَقينُ ، فَصَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ الطَّيِّبينَ . اللّهُمَّ رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ ، ورَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ ، ورَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله عَنَّا السَّلامَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مَلائِكَتِکَ المُقَرَّبينَ ، وعَلى أنبِيائِکَ ورُسُلِکَ أجمَعينَ ، وصَلِّ اللّهُمَّ عَلَى الحَفَظَهِ الكِرامِ الكاتِبينَ ، وعَلى أهلِ طاعَتِکَ مِن أهلِ السَّماواتِ السَّبعِ وأهلِ الأَرَضينَ السَّبعِ مِنَ المُؤمِنينَ أجمَعينَ . (6)

.

1- .الفاتق الراتق : يعنى فاتِق الجور وممزّقه ، وراتق الخلل الذى وقع فى الدِّين . والكلام استعاره (مجمع البحرين : ج 3 ص 1359 «فتق») .
2- .فى الإقبال : «أيسر» بدل «أنضر» .
3- .فى الإقبال ومصباح المتهجّد : «برد» بدل «تروّح» .
4- .الرَّوحُ : بَرد نسيم الريح (لسان العرب : ج 2 ص 457 «روح») .
5- .السُّؤْدَدُ : المجد والشرف (تاج العروس : ج 5 ص 32 «سود») .
6- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 83 ح 239 عن علىّ بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه ، الإقبال : ج 1 ص 320 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ،

مصباح المتهجّد : ص 557 ح 651 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 127 ح 3 ؛ العقد الفريد : ج 3 ص 126 نحوه .

امام علی علیه السلام :ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر خوب ترین پیامبران، محمّد بن عبد اللّه ، آن برگزیده و رتق و فتق کننده امور . بار خدایا ! یاد پسندیده و حوضی را که [تشنگان] بر آن وارد می شوند ، بر محمّد ویژه گردان . بار خدایا ! به محمّد که درودهای تو بر او و خاندانش باد ، وسیله (بالاترین درجه بهشت) و بلندی و برتری ارزانی دار و او را در میان برگزیدگان ، محبوب گردان و با بلندپایگان ، هم درجه و در میان مقرّبان ، گرامی [و ارجمند]. بار خدایا ! به محمّد که درودهای تو بر او و خاندانش باد ، از هر کرامتی ، برترین آن را عطا فرما، و از هر نعمتی ، گسترده ترین آن را، و از هر دَهِشی ، فراوان ترین آن را، و از هر آسایشی ، با طراوت ترین آن را، و از هر بهره ای ، بیشترین آن را، چندان که هیچ یک از آفریدگانت ، نزدیک تر از او به تو نباشد، و نه نام و جایگاهش در نزد تو بلندتر، و نه حقّش بر تو بیشتر، نه واسطه اش کوتاه تر از محمّد که درودهای تو بر او و خاندانش باد این پیشوا و جلودار خوبی ها و دعوت کننده به آنها ، و برکت برای همه بندگان و سرزمین ها، و رحمت برای جهانیان. بار خدایا ! ما را در خُنَکای زندگی، و نسیم رحمت، و جایگاه نعمت ، و خواسته جان ها، و خواسته های مطلوب ، و نعمت های لذّتبخش ، و امید برتری ، و رسیدن به آرامش و آقایی کرامت و روشنایی چشم (شادمانی و خوشی) و خرّمی نعمت ها ، و زیبایی و درخشندگی ای که شبیه زیبایی ها و درخشندگی های دنیا نیست ، با محمّد که درودهای تو بر او و خاندانش باد گرد آور. گواهی می دهیم که او پیام [تو] را رساند و راه نمایی و خیرخواهی نمود، و برای امّت کوشید، و از برای تو آزار دید، و در راه تو جهاد کرد، و تو را پرستید تا آن گاه که از سرای دنیا کوچید. پس درود خدا بر او و خاندان پاکش باد ! بار خدایا ! ای پروردگار سرزمین حرام (مکّه) ، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار حلّ و حرام ! از جانب ما به روان محمّد، درود رسان. بار خدایا ! بر فرشتگان مقرّبت ، و بر پیامبران و فرستادگانت، همگی ، درود فرست . بار خدایا ! بر گرامی نگهبانان نویسنده (/فرشتگان حافظ و نویسنده اعمال بندگان)، و بر تمامی فرمان بُردارانت از اهل آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه، درود فرست.

.

عنه عليه السلام :فَصَلِّ عَلى خِيَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وصِفوَتِکَ مِن بَرِيَّتِکَ وأمينِکَ عَلى وَحيِکَ بِأفضَلِ الصَّلَواتِ ، وبارِک عَلَيهِ بِأفضَلِ البَرَکاتِ ، بِما بَلَّغَ عَنکَ مِنَ الرِّسالاتِ وصَدَعَ بِأمرِکَ ودَعا إلَيکَ ، وأفصَحَ بِالدَّلائِلِ عَلَيکَ بِالحَقِّ المُبينِ حَتّى أتاهُ اليَقينُ ، صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ فِى الأوَّلينَ ، وصَلَّى اللّهُ عَلَيهِ فِى الآخِرينَ ، وعَلى آلِهِ وأهلِ بَيتِهِ الطّاهرينَ ، وَاخلُفهُ فيهِم بِأحسنِ ما خَلَفتَ بِهِ أحَدا مِنَ المُرسَلينَ بِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . . . فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ وصِلهَا اللّهُمَّ بِدَوامٍ وَابدَأها بِتَمامٍ ، إنَّکَ واسِعُ الحِباءِ (1) کَريمُ العَطاءِ . (2)

.

1- .حَبَوتُ الرجلَ حِباءً : أعطيتُه الشىء بغير عِوَض (المصباح المنير : ص 120 «حبا») .
2- .مُهَج الدعوات : ص 155 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 404 ح 34 .

امام علی علیه السلام :بر منتخب خود از میان آفریدگانت، و برگزیده ات از میان مردمانت ، و امین تو بر وحی ات ، برترین درودها را بفرست ، و افزون ترین برکت ها را ارزانی اش بدار، به پاداش پیام هایی که از جانب تو رساند، و فرمان تو را اجرا کرد و به سوی تو فرا خواند، و نشانه های وجود تو را به درستی و آشکارا نشان داد تا آن گاه که یقین (مرگ) به سراغش آمد. درود خدا بر او در میان پیشینیان، و درود خدا بر او در میان پسینیان، و بر خاندان و خانواده پاک او باد! [بار خدایا!] برای او در میان خاندانش جانشینی کن، بهتر از هر جانشینی که برای یکی از فرستادگانت کرده ای ، ای مهربان ترینِ مهربانان! بر محمّد و اهل بیت محمّد ، درود فرست و آن را ای خداوند ، پیوسته برقرار بدار، و به کمال و تمام ، آغازش کن، که بخشش تو گسترده و دَهِشَت ، کریمانه است.

.

6 / 3الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَن فاطِمَةَ الزَّهراءِفاطمه عليهاالسلام مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ العَصرِ : اللّهُمَّ ذَا الرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، وَالصَّلاهِ النّافِعَهِ الرّافِعَهِ ، صَلِّ عَلى أكرَمِ خَلقِكَ عَلَيكَ ، وأحَبِّهِم إلَيكَ ، وأوجَههِم لَدَيكَ ؛ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ، المَخصوصِ بِفَضائِلِ الرَّسائِلِ ، أشرَفَ وأكرَمَ وأرفَعَ وأعظَمَ وأكمَلَ ما صَلَّيتَ عَلى مُبَلِّغٍ عَنكَ ومُؤتَمَنٍ عَلى وَحيِكَ . اللّهُمَّ كَما سَدَدتَ بِهِ العَمى وفَتَحتَ بِهِ الهُدى ، فَاجعَل مَناهِجَ سُبُلِهِ لَنا سُنَنا ، وحُجَجَ بُرهانِهِ لَنا سَبَبا ، نَأتَمُّ بِهِ إلَى القُدومِ عَلَيكَ . . . اللّهُمَّ وَاجعَل صَلَواتِكَ وبَرَكاتِكَ ومَنّكَ ومَغفِرَتَكَ ورَحمَتَكَ ورِضوانَكَ وفَضلَكَ وسَلامَتَكَ وذِكرَكَ ونورَكَ وشَرَفَكَ ونِعمَتَكَ وخِيَرَتَكَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا الوَسيلَهَ العُظمى ، وكَريمَ جَزائِكَ فِى العُقبى ، حَتّى تُشَرِّفَهُ يَومَ القِيامَهِ يا إلهَ الهُدى . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ وعَلى جَميعِ مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ ، سَلامٌ عَلى جَبرَئيلَ وميكائيلَ وإسرافيلَ وحَمَلَهِ العَرشِ ومَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ والكِرامِ الكاتِبينَ وَالكَرّوبِيّينَ (1) ، وسَلامٌ عَلى مَلائِكَتِكَ أجمَعينَ ، وسَلامٌ عَلى أبينا آدَمَ وعَلى اُمِّنا حَوّاءَ ، وسَلامٌ عَلَى النَّبِيّينَ أجمَعينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ ، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ أجمَعينَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (2)

عنها عليهاالسلام مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وعَلى جَميعِ الأنبِياءِ وَالمُرسَلينَ وعَلَى المَلائِكَهِ أجمَعينَ ، وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ، وعَلى أئِمَّهِ الهُدى أجمَعينَ ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما هَدَيتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما رَحِمتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما عَزَّزتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما فَضَّلتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما شَرَّفتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما بَصَّرتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحمَّدٍ كَما أنقَذتَنا بِهِ مِن شَفا حُفرَهٍ مِنَ النّارِ . اللّهُمَّ بَيِّض وَجهَهُ ، وأعلِ كَعبَهُ (3) وأفلِج حُجَّتَهُ (4) ، وأتمِم نورَهُ ، وثَقِّل ميزانَهُ ، وعَظِّم بُرهانَهُ ، وَافسَح لَهُ حَتّى يَرضى ، وبَلِّغهُ الدَّرَجَهَ وَالوَسيلَهَ مِنَ الجَنَّهِ ، وَابعَثهُ المَقامَ المَحمودَ الَّذى وَعَدتَهُ ، وَاجعَلهُ أفضَلَ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ عِندَكَ مَنزِلَهً ووَسيلَهً ، وَاقصُص بِنا أثَرَهُ ، وَاسقِنا بِكَأسِهِ ، وأوِردنا حَوضَهُ ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِ ، وتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِهِ ، وَاسلُك بِنا سَبيلَهُ ، وَاستَعمِلنا بِسُنَّتِهِ ، غَيرَ خَزايا ولا نادِمينَ ولا شاكّينَ ولا مُبَدِّلينَ . (5)

.

1- .الكَرُوبيّون : هم ساده الملائكه ، والمقرّبون منهم (مجمع البحرين : ج 3 ص 1560 «كرب») .
2- .فلاح السائل : ص 360 ح 241 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 87 ح 11 .
3- .وأعل كعبَه : هو دعاء له بالشرف والعلو . والأصل فيه كعب القناه ؛ وهو أنبوبها ، وما بين كلّ عقدتين منها كَعْبٌ . وكلّ شىء علا وارتفع فهو كَعْب (النهايه : ج 4 ص 179 «كعب») .
4- .الفَلْج : الظَّفَر والفَوز (الصحاح : ج 1 ص 335 «فلج») .
5- .فلاح السائل : ص 314 ح 212 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 68 ح 4 .

6 / 3صلوات های رسیده از فاطمه زهرافاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز عصر : بار خدایا ! ای صاحب رحمتِ گسترده، و درود سودمند رفعت بخش، ارجمندترین و گرامی ترین و بلند مرتبه ترین و بزرگ ترین و کامل ترین درودی را که بر پیامبری از پیامبرانت ، و امینی از اُمنای وحی ات فرستاده ای ؛ گرامی ترین و محبوب ترین و معتبرترین آفریده ات در نزدت، محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و برگزیده برای [ابلاغ] پیام های ارزنده ات، بفرست. بار خدایا ! همچنان که به وسیله او گم راههها به راستی و راه راست را گشودی، راه های روشن او را رسم و راه ما، و دلایل آشکار او را دستاویزمان قرار ده تا برای وارد شدن بر تو ، از او پیروی کنیم... . بار خدایا ! درودها و برکت هایت را ، و احسان و آمرزش و مِهر و خشنودی و فزونی و سلامتت را ، و یادت را ، و روشنایی و بزرگی و نعمت و خوبی هایت را بر محمّد و بر خاندان محمّد ، قرار ده، چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی و برکتشان دادی و مورد مهر خود ، قرارشان دادی، که به راستی تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا ! بزرگ ترین وسیله را و پاداش های کریمانه ات را در آخرت ، به محمّد عطا فرما تا در روز رستاخیز ، او را شرافت بخشی، ای خدای هدایت ! بار خدایا ! بر محمّد و بر خاندان محمّد و بر همه فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت ، درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگان مقرّبت و نویسندگان گرامی [اعمال] و کرّوبیان ! (1) سلام بر همه فرشتگانت ! سلام بر پدرمان آدم و بر مادرمان حوّا ! سلام بر پیامبران ، همگی ، و تصدیق کنندگان [پیامبران] و گواهان (/شهیدان) و نیکان ! درود بر همه فرستادگان و ستایش ، خدای را که پروردگارِ جهانیان است.

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز ظهر : بار خدایا ! بر محمّد ، خاتم پیامبران ، و بر همه پیامبران و فرستادگان ، و بر همه فرشتگان ، و بر خاندان نیک و پاک او، بر همه پیشوایان هدایت ، درود فرست . آمین ، ای پروردگارِ جهانیان ! بار خدایا ! بر محمّد درود فرست که به واسطه او ما را راه نمایی فرمودی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او بر ما مهرورزیدی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را عزّت بخشیدی.

بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را برتری دادی. بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را شرافت دادی . بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را بینایی و بینش بخشیدی . بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را از لبه مَغاکی از آتش رهانیدی. بار خدایا ! او را رو سپید گردان، و مقام و آوازه اش را بلند بخش، و حجّتش را پیروز دار، و روشنایی اش را کامل ساز ، و ترازویش را سنگین کن، و برهانش را بزرگ گردان ، و چندان گشایش عطایش فرما تا راضی شود، و او را در بهشت ، به درجه و وسیله (عالی ترین مقام) برسان . به مقام پسندیده ای که او را وعده داده ای ، برسان، و او را با منزلت ترین و بلندپایه ترینِ پیامبران و فرستادگان در نزد خودت قرار ده، و ما را دنباله رو او گردان، و از جام او به ما بنوشان و بر حوض [کوثر] او ، واردمان ساز، و در گروه او محشورمان فرما، و ما را بر دین او بمیران، و رهرو راه او و عمل کننده به سنّتش، قرارمان ده، و مگذار که خوار و پشیمان و دودل و تغییر دهنده[ی دین او]شویم.

.

1- .کروبیان سرور فرشتگان و مقرّبان آنها هستند .

عنها عليهاالسلام مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً يَشهَدُ الأَوَّلونَ مَعَ الأَبرارِ ، وسَيِّدِ المُتَّقينَ وخاتَمِ النَّبِيّينَ ، وقائِدِ الخَيرِ ومِفتاحِ الرَّحمَهِ . اللّهُمَّ رَبَّ البَيتِ الحَرامِ وَالشَّهرِ الحَرامِ ، ورَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ، ورَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّهَ وَالسَّلامَ ، سَلامٌ عَلَيکَ يا رَسولَ اللّهِ ، سَلامٌ عَلَيکَ يا أمينَ اللّهِ ، سَلامٌ عَلَيکَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيکَ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، فَهُوَ كَما وَصَفتَهُ بِالمُؤمِنينَ رَؤوفٌ رَحيمٌ ، اللّهُمَّ أعطِهِ ما سَأَلَکَ وأفضَلَ ما سُئِلتَ لَهُ وأفضَلَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . (1)

.

1- .فلاح السائل : ص 424 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 104 ح 8 .

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان بعد از نماز مغرب : بار خدایا! بر محمّد و بر خاندان محمّد ، درود فرست؛ درودی که نخستینان ، همراه با نیکان و سَرور پرهیزگاران و خاتم پیامبران و پیشرو خوبی و کلید رحمت ، شاهد آن باشند. بار خدایا! ای پروردگار خانه حرام و ماه حرام، و ای پروردگار مشعرالحرام، و ای پروردگار رُکن و مقام، و ای پروردگار حلّ و حرام! از جانب ما به روح محمّد ، تحیّت و درود برسان . سلام بر تو ، ای فرستاده خدا! سلام بر تو ، ای امین خدا! سلام بر تو ، ای محمّد بن عبداللّه ! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ زیرا او همچنان که تو [ای خدا] وصفش کرده ای ، نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است. بار خدایا! آنچه را از تو خواسته و برترین چیزی را که از تو برای او درخواست شده ، و برترین چیزی را که تا روز قیامت از تو برایت درخواست خواهد شد ، به او عطا فرما. آمین ، ای پروردگار جهانیان!

.

عنها عليهاالسلام مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ : صَلَّى اللّهُ عَلَى البَشيرِ النَّذيرِ ، وَالسِّراجِ المُنيرِ ، وعَلى جَميعِ المَلائِكَهِ وَالنَّبِيّينَ . اللّهُمَّ داحِيَ المَدحُوّاتِ ، وبارِئَ المَسموكاتِ ، وجَبّالَ القُلوبِ عَلى فِطرَتِها ؛ شَقِيِّها وسَعيدِها ، اِجعَل شَرائِفَ صَلَواتِکَ ، ونَوامِيَ بَرَکاتِکَ ، ورَأفَهَ تَحِيَّتِکَ ، عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وأمينِکَ عَلى وَحيِکَ ، القائِمِ بِحُجَّتِکَ ، وَالذّابِّ عَن حَرَمِکَ ، وَالصّادِعِ بِأمرِکَ ، وَالمُشَيِّدِ بِآياتِکَ ، وَالموفى لِنَذرِکَ . اللّهُمَّ فَأعطِهِ بِکُلِّ فَضيلَهٍ مِن فَضائِلِهِ ، ونَقيبَهٍ مِن مَناقِبِهِ ، وحالٍ مِن أحوالِهِ ، ومَنزِلَهٍ مِن مَنازِلِهِ رَأيتَ مُحَمَّدا لَکَ فيها ناصِرا ، وعَلى کُلِّ مَکروهِ بَلائِکَ صابِرا ، ولِمَن عاداکَ مُعادِيا ، ولِمَن والاکَ مُوالِيا ، وعَمّا کَرِهتَ نائِيا ، وإلى ما أحبَبتَ داعِيا فَضائِلَ مِن جَزائِکَ ، وخَصائِصَ مِن عَطائِکَ وحِبائِک ، تُسنى (1) بِها أمرَهُ ، وتُعلى بِها دَرَجَتَهُ ، مَعَ القُوّامِ بِقِسطِکَ وَالذّابّينَ عَن حَرَمِکَ ، حَتّى لا يَبقى سَناءٌ ولا بَهاءٌ ولا رَحمَهٌ ولا کَرامَهٌ إلّا خَصَصتَ مُحَمَّدا بِذلِکَ ، وآتَيتَهُ مِنهُ الذُّرى (2) ، وبَلَّغتَهُ المَقاماتِ العُلى ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . (3)

.

1- .أسناه : رفَعَه وأعلاه (الصحاح : ج 6 ص 2384 «سنا») .
2- .ذُرى الشىء : أعاليه (الصحاح : ج 6 ص 2345 «ذرا») .
3- .فلاح السائل : ص 443 ح 303 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 116 ح 2 .

فاطمه علیهاالسلام از دعای ایشان پس از نماز عشا : درود خدا بر نویددهنده هشداردِه و چراغ تابان ، و بر همه فرشتگان و پیامبران! بار خدایا، ای گستراننده زمین ها و آفریننده آسمان ها و سرشتنده دل ها بر خوشبختی و شوربختی! درودهای ارزنده و برکت های بالنده و درود مهرآمیزت را بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و امین وحی ات، بر پا دارنده حجّتت، و دفاع کننده از حرم [و حریم]ات، و اجرا کننده فرمانت، و معمار نشانه هایت، و عمل کننده به نذرت قرار ده. بار خدایا! برای هر فضیلتی از فضیلت هایش و هر خوبی ای از خوبی هایش، و هر حالی از احوالش ، و هر منزلتی از منزلت هایش که دیدن محمّد در آنها تو را یاری می کند، و بر هر بلای ناخوشایند تو شکیباست، و با دشمن تو ، دشمنی می ورزد و با دوست تو ، دوستی می کند ، و از آنچه تو خوشی نداری ، دوری می کند، و به آنچه تو دوست داری ، فرا می خواند ، از پاداش های برترت و دَهِش ها و بخشش های ویژه ات ، ارزانی اش دار؛ پاداش ها و دَهِش ها و بخشش هایی که با آنها ، مقام او را والا گردانی و درجه اش را بالا بری، همراه با بر پا دارندگان عدالتت و دفاع کنندگان از حریمت، تا جایی که هیچ والایی و تابناکی و رحمت و کرامتی نمانَد ، مگر آن که آنها را به محمّد ، اختصاص دهی، و بالاترین مرتبه شان را به او دهی، و به مقامات بلندش برسانی . آمین ، ای پروردگار جهانیان!

.

6 / 4الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ المُجتَبىالإمام الحسن عليه السلام مِن دُعاءٍ لَهُ فى قُنوتِهِ :أسأَلُکَ بِمُغَيَّباتِ عِلمِکَ فى بَواطِنِ أسرارِ سَرائِرِ المُسِرّينَ إلَيکَ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً يَسبِقُ بِها مَنِ اجتَهَدَ مِنَ المُتَقَدِّمينَ ، ويَتَجاوَزُ (1) فيها مَن يَجتَهِدُ مِنَ المُتَأخِّرينَ . (2)

6 / 5الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحُسَينِ سَيِّدِ الشُّهَداءِالإمام الحسين عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ عَرَفَةَ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ونَبِيِّکَ ، وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ أجمَعينَ . . . اللّهُمَّ إنّا نَتَوَجَّهُ إلَيکَ فى هذِهِ العَشِيَّهِ الَّتى شَرَّفتَها وعَظَّمتَها بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّکَ ورَسولِکَ وخِيَرَتِکَ وأمينِکَ عَلى وَحيِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى البَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ المُنيرِ ، الَّذى أنعَمتَ بِهِ عَلَى المُسلِمينَ وجَعَلتَهُ رَحمَةً لِلعالَمينَ . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَما مُحَمَّدٌ أهلُ ذلِکَ يا عَظيمُ ، فَصَلِّ عَلَيهِ وعَلى آلِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبينَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ أجمَعينَ . (3)

6 / 6الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ زَينِ العابِدينَالإمام زين العابدين عليه السلام :الحَمدُ للّهِ الَّذى مَنَّ عَلَينا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله دونَ الاُمَمِ الماضِيَهِ وَالقُرونِ السّالِفَهِ ، بِقُدرَتِهِ الَّتى لا تَعجِزُ عَن شىءٍ وإن عَظُمَ ، ولا يَفوتُها شَىءٌ وإن لَطُفَ (4) ، فَخَتَمَ بِنا عَلى جَميعِ مَنِ ذَرَأ ، وجَعَلَنا شُهداءَ عَلى مَن جَحَدَ ، وكَثَّرَنا بِمَنِّهِ عَلى مَن قَلَّ . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ أمينِکَ عَلى وَحيِکَ ، ونَجيبِکَ مِن خَلقِکَ ، وصَفِيِّکَ مِن عِبادِکَ ، إمامِ الرَّحمَهِ ، وقائِدِ الخَيرِ ، ومِفتاحِ البَرَکَهِ ، كَما نَصَبَ لِأمرِکَ نَفسَهُ ، وعَرَّضَ فيکَ لِلمَكروهِ بَدَنَهُ ، وكاشَفَ فِى الدُّعاءِ إلَيکَ حامَّتَهُ (5) ، وحارَبَ فى رِضاکَ اُسرَتَهُ ، وقَطَعَ فى إحياءِ دينِکَ رَحِمَهُ ، وأقصَى الأَدنَينَ عَلى جُحودِهِم ، وقَرَّبَ الأَقصَينَ عَلَى استِجابَتِهِم لَکَ ، ووالى فيکَ الأَبعَدينَ ، وعادى فيکَ الأَقرَبينَ ، وأدأَبَ (6) نَفسَهُ فى تَبليغِ رِسالَتِکَ ، وأتعَبَها بِالدُّعاءِ إلى مِلَّتِکَ ، وشَغَلَها بِالنُّصحِ لِأَهلِ دَعوَتِکَ ، وهاجَرَ إلى بِلادِ الغُربَهِ ومَحَلِّ النَّأىِ (7) عَن مَوطِنِ رَحلِهِ ومَوضِعِ رِحلِهِ ، ومَسقَطِ رَأسِهِ ومَأنَسِ نَفسِهِ ، إرادةً مِنهُ لِإِعزازِ دينِکَ ، وَاستِنصارا عَلى أهلِ الكُفرِ بِکَ ، حَتَّى استَتَبَّ لَهُ ما حاوَلَ فى أعدائِکَ ، وَاستَتَمَّ لَهُ ما دَبَّرَ فى أولِيائِکَ ، فَنَهَدَ (8) إلَيهِم مُستَفتِحا بِعَونِکَ ، ومُتَقَوِّيا عَلى ضَعفِهِ بِنَصرِکَ ، فَغَزاهُم فى عُقرِ دِيارِهِم ، وهَجَمَ عَلَيهِم فى بُحبوحَهِ (9) قَرارِهِم ، حَتّى ظَهَرَ أمرُکَ وعَلَت كَلِمَتُکَ ولَو كَرِهَ المُشرِكونَ . اللّهُمَّ فَارفَعهُ بِما كَدَحَ فيکَ إلَى الدَّرَجَهِ العُليا مِن جَنَّتِکَ ، حَتّى لا يُساوى فى مَنزِلَهٍ ولا يُكافَأُ فى مَرتَبَهٍ ، ولا يُوازِيَهُ لَدَيکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ ولا نَبِىٌّ مُرسَلٌ ،

وعَرِّفهُ فى أهلِهِ الطّاهِرينَ وأَمَّتِهِ المُؤمِنينَ مِن حُسنِ الشَّفاعَهِ أجَلّ ما وَعَدتَهُ ، يا نافِذَ العِدَهِ ، يا وافِىَ القَولِ ، يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ بِأضعافِها مِنَ الحَسَناتِ ، إنَّکَ ذُو الفَضلِ العَظيمِ . (10)

.

1- .فى بحار الأنوار : « . . . صلاةً نسبق بها . . . ونتجاوز فيها . . . » ، وهو الأنسب .
2- .مُهَج الدعوات : ص 68 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 213 ح 1 .
3- .الإقبال : ج 2 ص 85 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 223 ح 3 .
4- .لَطُفَ : صَغُرَ ودَقّ (القاموس المحيط : ج 3 ص 195 «لطف») .
5- .الحامّه : الخاصّه . وحامّه الرجل : أقرباؤه (الصحاح : ج 5 ص 1907 «حمم») .
6- .أدْأَبَ الرجل الدابّه : أتعبها ، دأب : جدّ وتعب (تاج العروس : ج 1 ص 476 «دأب») .
7- .النَّأىُ : البُعد (لسان العرب : ج 15 ص 300 «نأى») .
8- .نَهَدَ : نهض (النهايه : ج 5 ص 134 «نهد») .
9- .البُحبُوحه : وسط المَحلّه ، وبُحبُوحَهُ الدار : وسطها (لسان العرب : ج 2 ص 407 «بحح») .
10- .الصحيفه السجّاديّه : ص 25 الدعاء 2 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 186 عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيه «فختم بنا على جميع ... بمنّه على ما قلّ» .

6 / 4 صلوات رسیده از امام مجتبی علیه السلام

6 / 5 صلوات رسیده از امام حسین علیه السلام

6 / 6 صلوات های رسیده از امام زین العابدین علیه السلام

6 / 4صلوات رسیده از امام مجتبیامام حسن علیه السلام از دعای ایشان در قنوتش : از تو درخواست می کنم به حقّ علم غیبت از اعماق رازهای درون نجواکنندگان با تو، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی ؛ درودی که با آن بر کوشندگان پیشین ، پیشی گیرد و در آن ، از کوشندگان آینده هم بگذرد.

6 / 5صلوات رسیده از امام حسینامام حسین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه : بار خدایا ! بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت، و بر خاندان وارسته و پاک او، همگی شان، درود فرست ... . بار خدایا ! در این شامگاهی که آن را ارج و بزرگی بخشیدی ، به محمّد پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده ات و امین تو بر وحی ات، به درگاه تو رو می کنم. بار خدایا ! بر آن نوید بخشِ هشدار دهنده و آن چراغ تابان که نعمت وجود او را به مسلمانان ، ارزانی داشتی و برای جهانیان ، رحمت قرار دادی ، درود فرست. بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست که محمّد ، سزاوار آن است، ای بزرگ ! بر او و بر خاندان برگزیده و وارسته و پاک او، همگی شان، درود فرست.

6 / 6صلوات های رسیده از امام زین العابدینامام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدای را که با توانایی اش که از هیچ چیز و هیچ کاری هر چند بزرگ ، در نمی ماند ، و هیچ چیزی ، هر چند خُرد ، از آن نمی رَهد . پیامبرش محمّد صلی الله علیه و آله را به ما ، نه امت های گذشته و نسل های پیشین، بخشید، و ما را [امّت] خاتم همه آفریدگانش قرار داد، و گواهان بر منکران، و به لطف خویش ، ما را بر همگان ، فزونی بخشید. بار خدایا ! بر محمّد ، آن امین وحی ات و مخلوق برگزیده ات و بنده خالصت، پیشوای مهر و پیشاهنگ نیکی، و کلید برکت ، درود فرست که او همه توان و تلاش خود را در راه فرمان تو به کار گرفت، و به خاطر تو ، تن خویش را

آماج هرگونه آزار ساخت و در راه دعوت به سوی تو ، با بستگانش در افتاد، و از برای خشنودی تو با خاندانش جنگید و برای زنده داشتن دین تو ، از ارحامش بُرید، و نزدیکان را چون [تو را]انکار می کردند ، از خود دور ساخت، و دوران [و بیگانگان] را از آن رو که به دعوت تو پاسخ دادند ، به خویش نزدیک داشت، و به خاطر تو ، با بیگانگانْ دوستی کرد و با نزدیکانْ دشمنی ورزید . در رساندن پیام تو ، خویشتن را به رنج افکند، و در فراخوانی به آیین تو ، خود را خسته کرد، و به راه نمایی پذیرندگان دعوتت پرداخت، و برای تقویت دین تو و پیروز شدن بر کفرورزانِ به تو ، به دیار غربت و جایگاه دور از خانه و کاشانه و زادگاهش و سرزمینی که با آن اُنس گرفته بود، هجرت کرد تا آن که کوشش های او در برابر دشمنانت ، بر وفق مراد او شد، و اندیشه هایش در باره دوستانت به بار نشست . پس با کمک خواستن از تو و نیرو طلبیدن از یاری تو به سبب ناتوانی اش، به سوی دشمنانت حرکت کرد و در عمق خانه هایشان ، بر آنها تاخت و در قلب سرزمینشان ، بر آنها یورش بُرد تا آن که علی رغم خواست مشرکان ، فرمانت آشکار شد و دینت چیره گشت. بار خدایا! پس او را به پاداش رنجی که در راه تو کشید، به بالاترین درجه بهشتت بر آور، تا هیچ کس در منزلت ، با او برابری نکند و به مرتبه او نرسد، و هیچ فرشته مقرّب و پیامبر مُرسلی در نزد تو ، همتراز او نباشد، و حُسن شفاعت او را در حقّ خاندان پاک و امّت خداباورش ، بیش از آنچه وعده اش داده ای ، به او نشان بده، ای عمل کننده به وعده ، ای وفا کننده به قول، ای تبدیل کننده بدی ها [و گناهان] به چندین برابرشان از خوبی! راستی که تو ، صاحب بخشش بزرگی.

.

ص: 424

. .

ص: 425

. .

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ اجعَل أكمَلَ صَلَواتِکَ وأشرَفَها ، وأجمَلَ تَحِيّاتِکَ وألطَفَها ، وأشمَلَ بَرَکاتِکَ وأعطَفَها ، وأجَلَّ هِباتِکَ وأرأفَها عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ ، وأکرَمِ الاُمِّيّينَ ، وعَلى أهلِ بَيتِهِ الأصفِياءِ الطّاهِرينَ ، وعِترَتِهِ النُّجَباءِ المُختارينَ ، وشيعَتِهِ الأوفِياءِ المُوازِرينَ ، مِن أنصارِهِ وَالمُهاجِرينَ ، وأدخِلنا فى شَفاعَتِهِ يَومَ الدّينِ ، مَعَ مَن دَخَلَ فى زُمرَتِهِ مِنَ المُوَحِّدينَ ، يا أکرَمَ الأکرَمينَ ، ويا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وآلِ مُحَمَّدٍ ، صَلاةً عالِيَةً عَلَى الصَّلَواتِ ، مُشرِفَةً فَوقَ التَّحِيّاتِ ، صَلاةً لا يَنتَهى أمَدُها ولا يَنقَطِعُ عَدَدُها ، کَأتَمِّ ما مَضى مِن صَلَواتِکَ عَلى أحَدٍ مِن أولِيائِکَ ، إنَّکَ المَنّانُ (2) الحَميدُ ، المُبدِئُ المُعيدُ ، الفَعّالُ لِما تُريدُ . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ کَما بَلَّغَ رِسالَتَکَ ، وصَدَعَ بِأمرِکَ ، ونَصَحَ لِعِبادِکَ ، اللّهُمَّ اجعَل نَبِيَّنا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ يَومَ القِيامَهِ أقرَبَ النَّبِيّينَ مِنکَ مَجلِسا ، وأمکَنَهُم مِنکَ شَفاعَةً ، وأجَلَّهُم عِندَکَ قَدرا ، وأوجَهَهُم عِندَکَ جاها . اللّهُمَّ صَلَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وشَرِّف بُنيانَهُ ، وعَظِّم بُرهانَهُ ، وثَقِّل ميزانَهُ ، وتَقَبَّل شَفاعَتَهُ ، وقَرِّب وَسيلَتَهُ ، وبَيِّض وَجهَهُ ، وأتِمَّ نورَهُ ، وَارفَع دَرَجَتَهُ ، وأحيِنا عَلى سُنَّتِهِ ، وتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِهِ ، وخُذ بِنا مِنهاجَهُ ، وَاسلُک بِنا سَبيلَهُ ، وَاجعَلنا مِن أهلِ طاعَتِهِ ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِ ، وأوردنا حَوضَهُ ، وَاسقِنا بِکَأسِهِ . وصَلِّ اللّهُمَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، صَلاةً تُبَلِّغُهُ بِها أفضَلَ ما يَأمُلُ مِن خَيرِکَ وفَضلِکَ وکَرامَتِکَ ، إنَّکَ ذو رَحمَهٍ واسعَهٍ وفَضلٍ کَريمٍ . اللّهُمَّ اجزِهِ بِما بَلَّغَ مِن رِسالاتِکَ ، وأدّى مِن آياتِکَ ، ونَصَحَ لِعِبادِکَ ، وجاهَدَ فى سَبيلِکَ ، أفضَلَ ما جَزَيتَ أحَدا مِن مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبينَ ، وأنبِيائِکَ المُرسَلينَ المُصطَفَينَ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . (4)

.

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 160 ح 22 نقلاً عن کتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا .
2- .المَنّانُ : هو الذى يبدأ بالنوال قبل السؤال (مجمع البحرين : ج 1 ص 468 «منن») .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 115 الدعاء 27 .

4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 161 الدعاء 42 ، مصباح المتهجّد : ص 522 ح 603 ، الإقبال : ج 1 ص 453 عن محمّد بن عبد اللّه بن المطّلب الشيبانى بإسناده ، المصباح للكفعمى : ص 621 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! کامل ترین و پُرارج ترین درودهایت، و زیباترین و خوش ترین تحیّت ها و فراگیرترین و مهرآمیزترین برکت هایت، و بزرگ ترین و با رأفت ترین دَهِشهایت را برای محمّد ، خاتم پیامبران و گرامی ترینِ درس ناخواندگان، و بر خانواده ناب و پاک او ، و عترت برگزیده و منتخب او، و پیروان وفادار و پشتیبان او از مهاجر و انصار، قرار ده، و در روز رستاخیز ، ما را نیز همانند دیگر یکتاپرستانِ گروه او ، از شفاعتش برخوردار گردان، ای بزرگوارترینِ بزرگوران، و ای مهربان ترینِ مهربانان!

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات و بر خاندان محمّد ، درود فرست ؛ درودی بلندتر از همه درودها و بالاتر از همه درودها ؛ درودی که نه زمانش به سر آید ، و نه شمارَش به پایان رسد ؛ درودی چون کامل ترین درودی که در گذشته بر یکی از دوستانت فرستاده ای، که به راستی ، تو بسیار بخشنده و ستودنی و آغاز کننده[ی آفرینش] و باز گرداننده ای، و آنچه خواهی ، انجام می دهی.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات ، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و فرمان تو را اجرا کرد، و برای بندگانتْ خیرخواهی نمود. بار خدایا! در روز رستاخیز ، پیامبر ما را که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد ، از همه پیامبران به خودت نزدیک تر دار، و شفاعتش را پذیرفته تر، و قدر و منزلتش را بزرگ تر، وجاهتش را بیشتر بدار . بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و بنای او را بلند گردان ، و بُرهانش را بزرگ دار ، و ترازویش را سنگین کن، و شفاعتش را بپذیر، و درجه اش را [به خود] نزدیک کن، و او را روسپید ساز، و نورش را کامل گردان، و درجه اش را بالا ببر، و ما را بر روش او زنده دار، و بر آیین او بمیران . ما را در راه او بدار، و در مسیر او بِبَر ، و از فرمان بُردارانش قرار ده، و در گروه او محشورمان فرما، و ما را بر حوض او وارد ساز، و از جام او سیرابمان گردان. بار خدایا! بر محمّد و خاندان او ، درود فرست، درودی که با آن ، او را به برترین نیکی و بخشش و کرامتت که امید آن را داشت ، برسانی . به راستی که تو دارای رحمتِ گسترده و بخششِ بزرگواران هستی. بار خدایا! به پاس آن که پیام هایت را رسانید، و آیاتت را ابلاغ کرد، و بندگانت را راه نمایی فرمود، و در راه تو کوشش کرد، او را پاداش ده، بهترین پاداشی را که به یکی از فرشتگان

مقرّبت و پیامبران مُرسل و برگزیده ات داده ای. سلام و مهر و نیکی های افزون خداوند ، بر او و بر خاندان نیک و پاک او باد !

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ المُصطَفى ، وعَلى عَلِيٍّ المُرتَضى ، وفاطِمَةَ الزَّهراءِ ، وخَديجَةَ الكُبرى ، وَالحَسَنِ المُجتَبى ، وَالحُسَينِ الشَّهيدِ بِكَربَلاءَ ، وعَلى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ زَينِ العابِدينَ ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ الباقِرِ ، وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ ، وموسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِ ، وعَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ ، وعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ ، وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ العَسكَرِيِّ ، وَالحُجَّهِ القائِمِ المَهدِيِّ ابنِ الحَسَنِ ، الإمامِ المُنتَظَرِ ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم أجمَعينَ . اللّهُمَّ والِ مَن والاهُم ، وعادِ مَن عاداهُم ، وَانصُر مَن نَصَرَهُم ، وَاخذُل مَن خَذَلَهُم ، وَالعَن مَن ظَلَمَهُم ، وعَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَانصُر شيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وأهلِك أعداءَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنى رُؤيَةَ قائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنى مِن أتباعِهِ وأشياعِهِ ، وَالرّاضينَ بِفِعلِهِ ، بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنا وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى أنبِيائِكَ المُرسَلينَ ، وَصَلِّ عَلَيهِ وَآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى عِبادِكَ الصالِحينَ ، وَأفضَلَ مِن ذلِكَ يا رَبَّ العالَمينَ ، صَلاةً تَبلُغُنا بَرَكَتُها ، وَيَنالُنا نَفعُها ، وَيُستَجابُ لَها دُعاؤُنا ، إنَّكَ أكرَمُ مَن رُغِبَ إلَيهِ ، وَأكفى مَن تُوُكِّلَ عَلَيهِ ، وَأعطى مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ ، وَأنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (2)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 29 وص 281 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 265 ح 1 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 179 الدعاء 45 ، مصباح المتهجّد : ص 647 ح 718 ، الإقبال : ج 1 ص 429 كلاهما نحوه ، المزار الكبير : ص 627 ، البلد الأمين : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 176 ح 1 .

امام زین العابدین علیه السلام :درود فرست بر محمّد مصطفی ، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبرا و حسن مجتبی و حسینْ شهید کربلا، و بر علی بن الحسین زین العابدین و محمّد بن علی باقر و جعفر بن محمّد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا و محمّد بن علی تقی، و علی بن محمّد نقی، و حسن بن علی عسکری و حجّت قائم مهدی بن الحسن، امام منتظر که درودهای خدا بر همه ایشان باد . بار خدایا ! آن را که دوستشان بدارد ، دوست بدار، و آن را که دشمنشان دارد ، دشمن بدار، و آن را که یاری شان دهد ، یاری ده، و آن را که تنهایشان بگذارد ، تنها و [بی یار] گذار ، و آن را که بر ایشان ستم کند ، نفرین فرما، و هر چه زودتر خاندان محمّد را در گشایش قرار ده، و پیروان خاندان محمّد را یاری بخش، و دشمنان خاندان محمّد را نابود کن ، و دیدن قائم خاندان محمّد را روزی ام فرما، و مرا از پیروان و شیعیانش، و رضایتمندان از کردار او قرار ده، به حقّ مهربانی ات ، ای مهربان ترین مهربانان !

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا ! بر پیامبر ما محمّد و خاندان او ، درود فرست ، چونان که بر فرشتگان مقرّبت ، درود فرستادی . بر او و خاندانش درود فرست ، چونان که بر پیامبران مُرسلت درود فرستادی . بر او و خاندانش درود فرست ، چونان که بر بندگان شایسته ات درود فرستادی، و برتر از آن [درودها] ای پروردگار جهانیان، چنان درودی که برکتش به ما برسد و سودش دست ما را نیز بگیرد و به واسطه آن ، دعای ما پذیرفته شود . به راستی که تو کریم ترین کسی هستی که از او تقاضا می کنند، و کار سازترین کسی هستی که بر او توکّل کنند ، و دهنده ترین کسی هستی که از فضل او درخواست می کنند ، و تو بر هر چیزی توانایی.

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ ، کَصَلَواتِکَ وبَرَکاتِکَ وتَحِيّاتِکَ عَلى أصفِيائِکَ إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ ، وعَجِّلِ الفَرَجَ وَالرَّوحَ وَالنُّصرَةَ وَالتَّمکينَ وَالتَّأييدَ لَهُم . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا زالَتِ الشَّمسُ صَلّى ودَعا ، ثُمَّ صَلّى عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ فَقالَ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ ، ومَوضِعِ الرِّسالَةِ ، ومُختَلَفِ المَلائِکَةِ ، ومَعدِنِ العِلمِ ، وأهلِ بَيتِ الوَحيِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، الفُلکِ الجارِيَةِ فِى اللُّجَجِ (2) الغامِرَةِ (3) ، يَأمَنُ مَن رَکِبَها ويَغرَقُ مَن تَرَکَها ، المُتَقَدِّمُ لَهُم مارِقٌ (4) ، وَالمُتَأخِّرُ عَنهُم زاهِقٌ ، وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، الکَهفِ الحَصينِ ، وغِياثِ المُضطَرّينَ ، ومَلجَإِ الهارِبينَ ، ومَنجَى الخائِفينَ ، وعِصمَةِ المُعتَصِمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، صَلاةً کَثيرةً تَکونُ لَهُم رِضىً ولِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ أداءً وقَضاءً ، بِحَولٍ مِنکَ وقُوَّةٍ يا رَبَّ العالَمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذينَ أوجَبتَ حَقَّهُم ومَوَدَّتَهُم وفَرَضتَ طاعَتَهُم ووَلايَتَهُم . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعمُر قَلبى بِطاعَتِکَ ولا تُخزِهِ بِمَعصِيَتِکَ ، وَارزُقنى مُواساةَ مَن قَتَّرتَ عَلَيهِ مِن رِزقِکَ مِمّا وَسَّعتَ عَلَىَّ مِن فَضلِکَ . الحَمدُ للّهِ عَلى کُلِّ نِعمَةٍ ، وأستَغفِرُ اللّهَ مِن کُلِّ ذَنبٍ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ مِن کُلِّ هَولٍ (5) . (6)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 206 الدعاء 48 .
2- .اِلتجّ البحر : تلاطمت أمواجه (النهايه : ج 4 ص 233 «لجج») .
3- .غَمَرَ الماءُ : کَثُر . وغَمَره الماءُ : غطّاه (القاموس المحيط : ج 2 ص 104 «غمر») .
4- .المَارِقُ : الخارج عن الدين (مجمع البحرين : ج 3 ص 1689 «مرق») .
5- .هالَهُ الشىء : أفزعه (الصحاح : ج 5 ص 1855 «هول») .
6- .مصباح المتهجّد : ص 361 ح 485 ، جمال الأُسبوع : ص 250 ، الإقبال : ج 3 ص 300 عن العبّاس بن مجاهد عن أبيه نحوه وفيه «کان علىّ بن الحسين عليهماالسلاميدعو عند کلّ زوال من أيّام شعبان ، وفى ليله النصف منه ، ويصلّى على النبى صلى الله عليه و آله بهذه الصلوات ...» ، بحار الأنوار : ج 90 ص 19 ح 3 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست به راستی که تو ستودنی و بزرگواری ، همچون درودها و برکت ها و تحیّت هایت بر برگزیدگانت ابراهیم و خاندان ابراهیم. و هر چه زودتر در کار آنان ، گشایش و شادمانی و یاری و قدرت و تأیید ، عطا فرما.

امام صادق علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام چون خورشید زوال می یافت ، نماز می خواند و دعا می کرد . سپس بر پیامبر و خاندانش درود می فرستاد و می فرمود : «بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست؛ همانان که درخت نبوّت ، و جایگاه رسالت ، و محلّ آمد و شدِ فرشتگان، و معدن دانش ، و اهل بیت وحی هستند . بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست؛ همانان که [به سان] کشتی روان در آب های انبوه و خروشان اند که هر کس در آن بنشیند ایمن باشد و هر کس آن را وا گذارد ، غرق می شود. آن که از ایشان پیشی گیرد ، از دین خارج می شود ، و آن که از ایشان وا پس مانَد ، نابود می شود، و آن که همراه ایشان باشد ، به مقصد می رسد . بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست؛ همانان که پناهگاه استوارند، و یاریگر درماندگان ، و پناه گریختگان، و نجاتبخش بیمناکان، و حامی پناه جویان اند. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ؛ درود بسیار که پسندِ آنان باشد، و حقّ محمّد و خاندان محمّد را به جا آورد و بپردازد ، به نیرو و توانت ، ای پروردگار جهانیان! بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست؛ همانان که حقّ آنان و دوستی شان را واجب ساختی، و فرمانبَری از آنان و ولایتشان را لازم شمردی. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و دلم را به طاعتت ، آباد گردان، و آن را با نافرمانی از تو ، خوار و رسوا مکن، و توفیقم ده تا از رزقی که به فضل خویش بر من وسعت داده ای ، به کسی که روزی ات را بر او تنگ داشته ای ، کمک رسانم. خدای را بر هر نعمتی ستایش می گویم، و از هر گناهی از خدا آمرزش می طلبم، و در برابر هر [ترس و]هراسی ، جز از نیرو و توان خداوند ، کمک نمی توان گرفت.

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ إذا ذُكِرَ الأَبرارُ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ مَا اختَلَفَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ ، صَلاةً لا يَنقَطِعُ مَدَدُها ولا يُحصى عَدَدُها ، صَلاةً تَشحَنُ الهَواءَ ، وتَملَأُ الأَرضَ وَالسَّماءَ . صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ حَتّى يَرضى ، وصَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ بَعدَ الرِّضا ، صَلاةً لا حَدَّ لَها ولا مُنتَهى ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ فى كُلِّ وَقتٍ وكُلِّ أوانٍ وعَلى كُلِّ حالٍ ، عَدَدَ ما صَلَّيتَ عَلى مَن صَلَّيتَ عَلَيهِ ، وأضعافَ ذلِکَ كُلِّهِ بِالأَضعافِ الَّتى لا يُحصيها غَيرُکَ ، إنَّکَ فَعّالٌ لِما تُريدُ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَما هَدَيتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ كَمَا استَنقَذتَنا بِهِ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تَشفَعُ لَنا يَومَ القِيامَهِ ويَومَ الفاقَهِ إلَيکَ ، إنَّکَ عَلى كُلِ شَىءٍ قَديرٌ ، وهُوَ عَلَيکَ يَسيرٌ . (3)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 134 الدعاء 32 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 170 الدعاء 44 .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 128 الدعاء 31 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! هر آن گاه که از نیکان یاد شود ، بر محمّد و خاندان او درود بفرست . تا شب و روز در گردش است ، بر محمّد و خاندان او درود بفرست ؛ درودی بی پایان و بی شمار ؛ درودی که فضا را آکَنده سازد و زمین و آسمان را پُر کند. درود خدا بر او تا آن که خشنود شود . درود خدا بر او و خاندانش ، پس از خشنودی ؛ درودی بی کران و بی پایان، ای مهربان ترینِ مهربان!

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، در هر گاه و هر آن و هر حال، به شمار درودهایی که بر هر کس فرستاده ای، و [بلکه] چندین برابر همه آنها ؛ چندین برابری که جز خودِ تو ، کسی از عهده شمارش آنها برنمی آید ، که به راستی تو آنچه خواهی ، انجام می دهی.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، که ما را به واسطه او هدایت کردی. بر محمّد و خاندان او درود فرست که به واسطه او ، ما را نجات بخشیدی . بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ چنان درودی که در روز رستاخیز و روز نیازمندی ما به تو ، ما را شفاعت کند، که به راستی تو بر هر کاری توانایی، و آن برای تو آسان است.

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ أكثَرَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن خَلقِكَ ، وآتِهِ عَنّا أفضَلَ ما آتَيتَ أحَدا مِن عِبادِكَ ، وَاجزِهِ عَنّا أفضَلَ وأكرَمَ ما جَزَيتَ أحَدا مِن أنبِيائِكَ عَن اُمَّتِهِ ، إنَّكَ أنتَ المَنّانُ بِالجَسيمِ ، الغافِرِ لِلعَظيمِ ، وأنتَ أرحَمُ مِن كُلِّ رَحيمٍ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الأخيارِ الأنجَبينَ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، كَأفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن خَلقِكَ قَبلَهُ ، وأنتَ مُصَلٍّ عَلى أحَدٍ بَعدَهُ ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً ، وقِنا بِرَحمَتِكَ عَذابَ النّارِ . (2)

عنه عليه السلام :صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً دائِمَةً نامِيَةً ، لَا انقِطاعَ لِأَبَدِها ولا مُنتَهى لِأَمَدِها ، وَاجعَل ذلِكَ عَونا لى وسَبَبا لِنَجاحِ طَلِبَتى ، إنَّكَ واسِعٌ كَريمٌ ، ومِن حاجَتى يا رَبِّ كَذا وكَذا . (3)

عنه عليه السلام :رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ المُصطَفَى المُكَرَّمِ المُقَرَّبِ أفضَلَ صَلَواتِكَ ، وبارِك عَلَيهِ أتَمَّ بَرَكاتِكَ ، وتَرَحَّم عَلَيهِ أمتَعَ رَحَماتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً زاكِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ أزكى مِنها ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً نامِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ أنمى مِنها ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً راضِيَةً لا تَكونُ صَلاةٌ فَوقَها . رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، صَلاةً تُرضيهِ وتَزيدُ عَلى رِضاهُ ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً تُرضيكَ وتَزيدُ عَلى رِضاكَ ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً تُرضيكَ وتَزيدُ عَلى رِضاكَ لَهُ ، وصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً لا تَرضى لَهُ إلّا بِها ، ولاتَرى غَيرَهُ لَها أهلاً . رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تُجاوِزُ رِضوانَكَ ، ويَتَّصِلُ اتِّصالُها بِبَقائِكَ ، ولا يَنفَدُ كَما لا تَنفَدُ كَلِماتُكَ . رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تَنتَظِمُ صَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وأهلِ طاعَتِكَ ، وتَشتَمِلُ عَلى صَلَواتِ عِبادِكَ مِن جِنِّكَ وإنسِكَ وأهلِ إجابَتِكَ ، وتَجتَمِعُ عَلى صَلاهِ كُلِّ مَن ذَرَأتَ وبَرَأتَ مِن أصنافِ خَلقِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ صَلاةً تُحيطُ بِكُلِّ صَلاهٍ سالِفَهٍ ومُستَأنَفَهٍ ، وصَلِّ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ صَلاةً مَرضِيَّةً لَكَ ولِمَن دونَكَ ، وتُنشِئُ مَعَ ذلِكَ صَلاةً تُضاعِفُ مَعَها تِلكَ الصَّلَواتِ عِندَها ، وتَزيدُها عَلى كُرورِ الأيّامِ زِيادَةً في تَضاعيفَ لا يَعُدُّها غَيرُكَ . رَبِّ صَلِّ عَلى أطائِبِ أهلِ بَيتِهِ الَّذينَ اختَرتَهُم لِأمرِكَ ، وجَعَلتَهُم خَزَنَةَ عِلمِكَ ، وحَفَظَةَ دينِكَ ، وخُلَفاءَكَ فى أرضِكَ ، وحُجَجَكَ عَلى عِبادِكَ ، وطَهَّرتَهُم مِنَ الرِّجسِ وَالدَّنَسِ تَطهيرا بِإرادَتِكَ ، وجَعَلتَهُمُ الوَسيلَةَ إلَيكَ ، وَالمَسلَكَ إلى جَنَّتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تُجزِلُ لَهُم بِها مِن نِحَلِكَ (4) وكَرامَتِكَ ، وتُكمِلُ لَهُمُ الأشياءَ

مِن عَطاياكَ ونَوافِلِكَ (5) ، وتُوَفِّرُ عَلَيهِمُ الحَظّ مِن عَوائِدِكَ وفَوائِدِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وعَلَيهِم صَلاةً لا أمَدَ فى أوَّلِها ، ولا غايَةَ لِأمَدِها ، ولا نِهايَةَ لِاخِرِها . رَبِّ صَلِّ عَلَيهِم زِنَةَ عَرشِكَ وما دونَهُ ، ومِل ءَ سَماواتِكَ وما فَوقَهُنَّ ، وعَدَدَ أرَضيكَ وما تَحتَهُنَّ وما بَينَهُنَّ ، صَلاةً تُقَرِّبُهُم مِنكَ زُلفى ، وتَكونُ لَكَ ولَهُم رِضىً ، ومُتَّصِلَةً بِنَظائِرِهِنَّ أبَدا . اللّهُمَّ إنَّكَ أيَّدتَ دينَكَ فى كُلِّ أوانٍ ، بِإمامٍ أقَمتَهُ عَلَما لِعِبادِكَ ، ومَنارا فى بِلادِكَ ، بَعدَ أن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِكَ ، وجَعَلتَهُ الذَّريعَةَ إلى رِضوانِكَ ، وَافتَرَضتَ طاعَتَهُ ، وحَذَّرتَ مَعصِيَتَهُ ، وأمَرتَ بِامتِثالِ أوامِرِهِ ، وَالاِنتِهاءِ عِندَ نَهيِهِ ، وألّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ ، ولا يَتَأخَّرَ عَنهُ مُتَأخِّرٌ ، فَهُوَ عِصمَةُ اللّائِذينَ ، وكَهفُ المُؤمِنينَ ، وعُروَةُ المُتَمَسِّكينَ ، وبَهاءُ العالَمينَ . اللّهُمَّ فَأوزِع (6) لِوَلِيِّكَ شُكرَ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَيهِ ، وأوزِعنا مِثلَهُ فيهِ ، وآتِهِ مِن لَدُنكَ سُلطانا نَصيرا ، وَافتَح لَهُ فَتحا يَسيرا ، وأعِنهُ بِرُكنِكَ الأعَزِّ ، وَاشدُد أزرَهُ ، وقَوِّ عَضُدَهُ ، وراعِهِ بِعَينِكَ ، وَاحمِهِ بِحِفظِكَ ، وَانصُرهُ بِمَلائِكَتِكَ ، وَأمِدِدهُ بِجُندِكَ الأغلَبِ ، وأقِم بِهِ كِتابَكَ وحُدودَكَ وشَرائِعَكَ وسُنَنَ رَسولِكَ صَلَواتُكَ اللّهُمَّ عَلَيهِ وآلِهِ ، وأحيِ بِهِ ما أماتَهُ الظّالِمونَ مِن مَعالِمِ دينِكَ ، وَاجلُ بِهِ صَدَأَ الجَورِ عَن طَريقَتِكَ ، وأبِن بِهِ الضَّرّاءَ مِن سَبيلِكَ ، وأزِل بِهِ النّاكِبينَ عَن صِراطِكَ ، وَامحَق بِهِ بُغاةَ قَصدِكَ عِوَجا ، وألِن جانِبَهُ لِأولِيائِكَ ، وَابسُط يَدَهُ عَلى أعدائِكَ ، وهَب لَنا رَأفَتَهُ ورَحمَتَهُ وتَعَطُّفَهُ وتَحَنُّنَهُ ، وَاجعَلنا لَهُ سامِعينَ مُطيعينَ ، وفى رِضاهُ ساعينَ ، وإلى نُصرَتِهِ وَالمُدافَعَةِ عَنهُ مُكنِفينَ (7) ، وإلَيكَ وإلى رَسولِكَ صَلَواتُكَ اللّهُمَّ عَلَيهِ وآلِهِ بِذلِكَ مُتَقَرِّبينَ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى أولِيائِهِمُ المُعتَرِفينَ بِمَقامِهِم ، المُتَّبِعينَ مَنهَجَهُم ، المُقتَفينَ آثارَهُم ، المُستَمسِكينَ بِعُروَتِهِم ، المُتَمَسِّكينَ بِوِلايَتِهِم ، المُؤتَمّينَ بِإمامَتِهِم ، المُسَلِّمينَ لِأمرِهِم ، المُجتَهِدينَ فى طاعَتِهِم ، المُنتَظِرينَ أيّامَهُم ، المادّينَ إلَيهِم أعيُنَهُم ، [وَاحفَظهُم بِ] (8) الصَّلَواتِ المُبارَكاتِ الزّاكِياتِ النّامِياتِ الغادِياتِ الرّائِحاتِ ، وسَلِّم عَلَيهِم وعَلى أرواحِهِم ، وَاجمَع عَلَى التَّقوى أمرَهُم ، وأصلِح لَهُم شُؤونَهُم ، وتُب عَلَيهِم إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ وخَيرُ الغافِرينَ ، وَاجعَلنا مَعَهُم فى دارِ السَّلامِ بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (9)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 42 الدعاء 6 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 87 الدعاء 20 .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 59 الدعاء 13 .
4- .النِّحْلَه : العَطيّه (لسان العرب : ج 11 ص 650 «نحل») .
5- .النوافل : العطايا والفواضل (لسان العرب : ج 11 ص 672 «نفل») .
6- .أوزعنى : أى ألهمنى وأولعنى (النهايه : ج 5 ص 181 «وزع») .

7- .كَنَفَهُ : صانَهُ وحَفِظَه وحاطَه وأعانه ، كأكنَفَهُ (القاموس المحيط : ج 3 ص 192 «كنف») .
8- .ما بين المعقوفين أثبتناه من الإقبال .
9- .الصحيفه السجّاديّه : ص 189 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 90 ، المصباح للكفعمى : ص 889 .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست ، افزون ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت فرستاده ای ، و از جانب ما به او عطا فرما، بهترین چیزی را که به کسی از بندگانت عطا کرده ای، و از جانب ما پاداشش ده ، برترین و ارجمندترین پاداشی را که به یکی از پیامبرانت از جانب امّتش داده ای، که به راستی تو بخشنده نعمت های سِتُرگی، آمرزنده [گناهان]بزرگی، و تو مهربان تر از هر مهربانی. پس بر محمّد و خاندان خوب و پاک و نیک و والای او درود فرست.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، چون برترین درودی که پیش از او بر آفریده ای از آفریدگانت فرستاده ای و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی، و به رحمت خود ، ما را از عذاب آتش ، نگه دار.

امام زین العابدین علیه السلام :بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی پاینده و بالنده و ابدی و پایان ناپذیر، و آن را کمک و سببی برای رسیدن به مطلوبم قرار ده ، که به راستی ، تو گشایش بخش و بزرگواری . از جمله حاجت های من ای پروردگار ، این و آن است.

امام زین العابدین علیه السلام :ای پروردگار من! برترین درودهایت را بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده و پسندیده و گرامی و مقرّب [در نزد تو] است ، بفرست و کامل ترین برکت هایت را به او ده، و لذّتبخش ترین (پر بهره ترین) رحمت هایت را ارزانی اش دار. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی پاک که پاک تر از آن ، درودی نباشد . بر او درود فرست ؛ درودی بالنده که بالنده تر از آن ، درودی نباشد . بر او درود فرست ؛ درودی خشنودساز که بالاتر از آن ، درودی نباشد. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی که او را خشنود و خشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که تو را خشنود و خشنودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که تو را از او خشنود و خشودتر سازد . بر او درود فرست ؛ درودی که جز آن را برای او نپسندی و جز او ، کسی دیگر را شایسته آن نبینی. پروردگار من! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی که از خشنودی ات در گذرد و به جاودانگی تو بپیوندد و همچون کلماتت ، پایان ناپذیر باشد. پروردگار من! بر محمّد و خاندانش درود

فرست ؛ درودی که درودهای فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و فرمان بُردارانت را به رشته خود کِشد، و [همه] درودهای بندگانت، از جنّ و انس و پذیرندگانت را در برگیرد، و درود هر آن کس را که آفریده ای و پدید آورده ای، از هرگونه مخلوقت، در خود گِرد آور . پروردگار من ! بر او و خاندانش درود فرست ؛ درودی که همه درودهای گذشته و جدید را در میان گیرد . بر او و خاندانش درود فرست ؛ درودی که پسند تو و جز تو باشد، و همراهش درودی پدید آوری که با آن، آن درودها[ی پیشین]را چند برابر گردانی و با گردش ایّام ، چندین و چند برابرشان بیفزایی ، که جز تو ، کسی نمی تواند آنها را بشمارد. پروردگار من ! بر پاک ترین خاندانش درود فرست که آنان را برای کار [و دین] خود برگزیدی و خزانه داران دانشت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت های خویش بر بندگانت قرارشان دادی، و به خواست خود ، آنان را از پلیدی و آلودگی به کلّی پاک گردانیدی، و وسیله ای به سوی خودت و راهی برای رسیدن به بهشتت قرارشان دادی. پروردگار من ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی که به سبب آن ، پیشکش ها و ارجداشتت را برای ایشان ، فراوان گردانی، و دَهِش ها و بخشش هایت را به آنان ، کامل سازی، و بهره شان را از سودها و فوایدت ، بسیار کنی. پروردگار من ! بر او و بر ایشان درود فرست ؛ درودی که آغازش را نقطه ای و عمرش را سرآمدی و آخرش را پایانی نباشد. پروردگار من ! بر ایشان درود فرست ، به وزن عرشت و آنچه زیر آن است، و به حجم آسمان هایت و آنچه بالای آنهاست ، و به شمار زمین هایت و آنچه زیر آنها و ما بین آنهاست ؛ درودی که آنان را به تو نزدیک گردانَد، تو و ایشان را پسند آید، و تا ابد به همانندهای آن درودها پیوسته باشد. بار خدایا ! تو در هر زمان ، دینت را به وسیله پیشوایی کمک رساندی که او را نشانه ای برای بندگانت و چراغِ فروزانی در شهرهایت قرار دادی ، پس از آن که رشته اش را به رشته خودت پیوستی، و او را دستاویزی به سوی خشنودی ات گردانیدی و اطاعتش را واجب ساختی، و از سرکشی در برابرش بر حذر داشتی، و به اجرای اوامرش و خودداری از انجام دادن نهی هایش ، فرمان دادی، و این که هیچ کس نباید بر او پیشی گیرد (به دستور او باید به هر کاری اقدام کند) یا از او پس مانَد (نباید خلاف دستورش رفتار کند) . پس او نگهبان پناه جویان، و پناه مؤمنان ، و دستاویز چنگ زنندگان ، و روشناییِ جهانیان است . بار خدایا ! پس ولی [و پیشوایان دین] خود را سپاس گزار نعمت هایی که به او ارزانی داشته ای ، قرار ده، و ما را نیز سپاس گزار نعمت وجود او بدار (/ ما را نیز در نعمتی که به ما بخشیده ای ، سپاس گزار قرار ده) ، و از جانب خود ، به او قدرتی (/حجّتی) یاریگر عطا فرما، و برایش فتحی آسانْ فراهم آر، و به نیرومندترین تکیه گاهت ، او را کمک کن، و پشتش را قوی دار، و بازویش

را پُرتوان ساز، و از او مراقبت فرما، و با نگهداشت خود ، حمایتش کن، و با فرشتگانت ، یاری اش ده، و با ظفرمندترین سربازانت ، او را مدد رسان ، و به واسطه او کتابت و احکامت و قوانینت و سنّت های پیامبرت را که درودهای تو ، ای خداوند ، بر او و خاندانش باد ، بر پا بدار، به وسیله او تعالیم دینت را که ستمگران میرانده اند ، زنده گردان، به واسطه او ، زنگارِ کج روی در راهت را بزُدای، به واسطه او سختی (/کوری) را از مسیرت کنار زن، به واسطه او منحرفان از خطّت را نابود کن ، به وسیله او ، آنان را که خواهان کژی در راه راست تو هستند ، از میان بردار، او را نسبت به دوستانت ، نرم خو گردان ، و دستش را بر دشمنانت بگشای، و رأفت و مهربانی و عطوفت و دلسوزی اش را به ما ببخش ، و ما را حرف شنو و فرمان بُردار او و کوشا در جهت جلب رضایت او، و آماده یاری دادن و دفاع از او قرار ده و بدین ترتیب، ما را به خودت و پیامبرت که درودهای تو ، ای خدا ، بر او و خاندانش باد ، نزدیک گردان. بار خدایا! بر دوستان ایشان که به مقام آنان اعتراف دارند، و راهشان را می پویند، و از پی آنان می روند، و به دستاویز ایشانْ چنگ می زنند، و به رشته ولایتشان آویخته اند، و آنان را به پیشوایی خود گرفته اند و به فرمان آنان ، گردن نهاده اند، و در فرمانبری از آنانْ کوشایند، و چشم به راه دولت آنان هستند، و چشمانشان به سوی آنانْ دوخته شده است، درود فرست، [و آنان را محافظت فرما] با درودهای خجسته و فزاینده و بالنده و شبانه روزی، و بر آنان و بر جان هایشان ، درود فرست، و آنان را بر پایه پرهیزگاری فراهم آور، و امورشان را سامان ده، و توبه آنان را بپذیر ، که تو توبه پذیری مهربان و بهترینِ آمرزندگانی، و ما را در سرای بی گزند (بهشت) با آنان قرار ده، به حقّ مهربانی ات ، ای مهربان ترینِ مهربانان!

.

ص: 436

. .

ص: 437

. .

ص: 438

. .

ص: 439

. .

عنه عليه السلام :أشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا نَبِيُّهُ المُرسَلُ ، ووَلِيُّهُ المُفَضَّلُ ، وشَهيدُهُ المُستَعدَلُ ، المُؤَيَّدُ بِالنّورِ المُضىءِ ، وَالمُسَدَّدُ بِالأَمرِ المَرضِىِّ ، بَعَثَهُ بِالأَوامِرِ الشّافِيَهِ ، وَالزَّواجِرِ النّاهِيَهِ ، وَالدَّلائِلِ الهادِيَهِ ، الَّتى أوضَحَ بُرهانَها ، وشَرَحَ بُنيانَها ، فى كِتابٍ مُهَيمِنٍ عَلى كُلِّ كِتابٍ ، جامِعٍ لِكُلِّ رُشدٍ وصَوابٍ ، فيهِ نَبَأُ القُرونِ ، وتَفصيلُ الشُّؤونِ ، وفَرضُ الصَّلاهِ وَالصِّيامِ ، وَالفَرقُ بَينَ الحَلالِ وَالحَرامِ فَدَعا إلى خَيرِ سَبيلٍ ، وشَفى مِن هُيامِ الغَليلِ ، حَتّى عَلَا الحَقُّ وظَهَرَ ، وزَهَقَ الباطِلُ وَانحَسَرَ ، صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ، صَلاهً دائِمَهً مُمَهَّدَهً لا تَنقَضى لَها مُدَّهٌ ، ولا يَنحَصِرُ لَها عِدَّهٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ما جَرَتِ النُّجومُ فِى الأَبراجِ ، وتَلاطَمَتِ (1) البُحورُ بِالأَمواجِ ، ومَا ادلَهَمَّ (2) لَيلٌ داجٍ ، وأشرَقَ نَهارٌ ذُو ابتِلاجٍ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ ما تَعاقَبَتِ الأَيّامُ ، وتَناوَبَتِ الأَعوامُ ، وما خَطَرَتِ الأَوهامُ ، وتَدَبَّرَتِ الأَفهامُ ، وما بَقِىَ الأَنامُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ الأَنبياءِ ، وآلِهِ البَرَرَهِ الأَتقِياءِ ، وعَلى عِترَتِهِ النُّجَباءِ ، صَلاهً مَعروفَهً بِالتَّمامِ وَالنَّماءِ ، وباقِيَهً بِلا فَناءٍ وَانقِضاءٍ . (3)

.

1- .فى المصدر : «طلاطمه» ، والتصويب من الصحيفه السجّاديّه الجامعه : ص 438 .
2- .ادلَهَمَّ الظلام : كثُف (القاموس المحيط : ج 4 ص 113 «دلهم») .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 154 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين من مؤلّفات بعض قدمائنا .

امام زین العابدین علیه السلام :گواهی می دهم که محمّد ، پیامبر فرستاده شده اوست، و برترین دوست و ولیّ او، و گواه عادل اوست . با نور تابناک ، تأیید شده و با دستور پسندیده ، راه نمایی شده است . [خداوند] او را با فرمان های شفابخش و نهی های باز دارنده و دلیل های راه نما فرستاد ، و برهان آنها را روشن نمود و ساختمانشان را تشریح کرد، در کتابی که حاکم (/نگهبان) بر هر کتابی است و در بردارنده هرگونه درستی و صوابی خبر نسلها [ی پیشین]و تفصیل امور، و وجوب نماز و روزه، و فرق میان حلال و حرام در آن آمده است. او به بهترین راه ، فرا خوانْد، و عطش سوزان تشنگان را فرو نشانْد، تا آن که حق ، برآمد و نمایان شد و باطل ، نابود و ناپدید گشت. درود خدا بر او و خاندانش باد، درودی پاینده و آماده که مدّتش به سر نمی آید و به شماره ای محدود نمی شود. بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، تا هر آن گاه که ستارگان در برج ها روان اند، و دریاها به موج ، خروشان، و تا هر آن گاه که شبی تار در کار است و روزی روشن می تابد! بر او و خاندانش درود فرست تا زمانی که روزها و سال ها از پیِ هم می آیند، و تا هر آن گاه که اوهام ، خطور می کنند و اندیشه ها می اندیشند، و مردمان به سر می برند. بار خدایا! بر محمّد ، خاتم پیامبران ، و بر خاندان پاک و پرهیزگار او، و بر دودمان والاتبارش درود فرست؛ درودی با وصفِ کمال و بالندگی و ماندگار و به دور از نیستی و پایان پذیری.

.

6 / 7الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ مُحَمَّدِ بنِ عَلىٍّ الباقِرِالإمام الباقر عليه السلام :يا اللّهُ الَّذى لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً كَثيرَةً طَيِّبَةً مُبارَكَةً ، اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ جَميعَ الخَيرِ كُلِّهِ ، وَاصرِف عَن مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ جَميعَ الشَّرِّ كُلِّهِ . (1)

عنه عليه السلام :إذا صَلَّيتَ العَصرَ يَومَ الجُمُعَهِ فَقُل : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الأَوصِياءِ المَرضِيّينَ بِأفضَلِ صَلَواتِكَ ، وبارِك عَلَيهِم بِأفضَلِ بَرَكاتِكَ ، وعَلَيهِمُ السَّلامُ وعَلى أَرواحِهِم وأَجسادِهِم ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ» . مَن قالَها فى دُبُرِ العَصرِ كَتَبَ اللّهُ لَهُ مِئَةَ أَلفِ حَسَنَهٍ ، ومَحا عَنهُ مِئَةَ أَلفِ سَيِّئَهٍ ، وقَضى لَهُ مِئَةَ أَلفِ حاجَهٍ ، ورَفَعَ لَهُ بِها مِئَةَ أَلفِ دَرَجَهٍ . (2)

6 / 8الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِالإمام الصادق عليه السلام :إذا صَلَّيتَ العَصرَ يَومَ الجُمُعَهِ فَقُل : «اللّهُمَّ اجعَل صَلَواتِكَ وصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وأَنبِيائِكَ ورُسُلِكَ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبىِّ الأُمِّىِّ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وعَلَيهِمُ السَّلامُ ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ» مِئَةَ مَرَّهٍ . (3)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 365 ح 491 ، جمال الأُسبوع : ص 256 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 89 ص 250 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 19 ح 68 ، ثواب الأعمال : ص 60 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 440 ح 986 ، الأمالى للصدوق : ص 484 ح 656 ، جمال الأُسبوع : ص 275 ح 4 كلّها عن ناجيه ، مستطرفات السرائر : ص 60 ح 30 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 92 ح 5 وج 86 ص 79 ح 4 .
3- .جمال الأُسبوع : ص 278 ح 9 عن زيد الشحّام وص 277 ح 8 عن حفص بن أبى البخترى نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 91 ح 4 .

6 / 7 صلوات های رسیده از امام باقر علیه السلام

6 / 8 صلوات های رسیده از امام صادق علیه السلام

6 / 7صلوات های رسیده از امام باقرامام باقر علیه السلام :ای خدایی که هیچ چیز چون او نیست ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ؛ درودی بسیار و پاک و بابرکت . بار خدایا ! هر چه خوبی است، سراسر، به محمّد و خاندان محمّد ، عطا فرما، و هر چه بدی است ، سراسر، از محمّد و خاندان محمّد ، دور دار.

امام باقر علیه السلام :هر گاه نماز عصر روز جمعه را خواندی ، بگو: «بار خدایا ! برترین درودهایت را بر محمّد و خاندان محمّد، این اوصیای پسندیده، بفرست و برترین برکت هایت را به آنان ، ارزانی دار. درود و رحمت خدا و برکات او بر آنان و بر جان ها و تن های آنان باد !» . هر کس بعد از نماز عصر ، این دعا را بگوید ، خداوند ، صدهزار ثواب برایش می نویسد، و صد هزار گناه از او پاک کند، و صدهزار حاجت ، از او برآورده سازد، و صدهزار درجه او را بالا می برد.

6 / 8صلوات های رسیده از امام صادقامام صادق علیه السلام :چون نماز عصر روز جمعه را خواندی ، صد مرتبه بگو: «بار خدایا ! درودهای خودت و درودهای فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت را بر محمّد اُمّی و بر خانواده او بفرست . درود و رحمت خدا و برکات او بر ایشان باد !».

.

عنه عليه السلام :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ أو بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : «اللّهُمَّ اجعَل صَلَواتِکَ وصَلَواتِ مَلائِکَتِکَ ورُسُلِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ» لَم یُکتَب عَلَیهِ ذَنبٌ سَنَهً . (1)

عنه عليه السلام :مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ وبَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَجِّل فَرَجَهُم» لَم یَمُت حَتّی یُدرِکَ القائِمَ . (2)

عنه عليه السلام فی فَضلِ الصَّلاهِ عَلَی النَّبیِّ وآلِهِ علیهم السلام بَعدَ فَریضَهِ العَصرِ یَومَ الجُمُعَهِ : إذا کان یَومُ القِیامَهِ بَعَثَ اللّهُ تَعالَی الأیّامَ ، ویَبعَثُ الجُمُعَهَ أمامَها . . . فَتَقِفُ عَلی بابِ الجَنَّهِ وَالأیّامُ خَلفَها ، فَیَشفَعُ لِکُلِّ مَن أکثَرَ الصَّلاهَ فیها عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام . . . تَقولُ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَجِّل فَرَجَهُم» مِئَهَ مَرَّهٍ . (3)

عنه عليه السلام :مَن صَلّی عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ عَلَیهِ وعَلَیهِمُ السَّلامُ حینَ یُصَلِّی العَصرَ یَومَ الجُمُعَهِ قَبلَ أن یَنفَتِلَ مِن صَلاتِهِ (4) عَشرَ مَرّاتٍ ، یَقولُ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الأوصِیاءِ المَرضِیّینَ بِأفضَلِ صَلَواتِکَ ، وبارِک عَلَیهِم بِأفضَلِ بَرَکاتِکَ ، وعَلَیهِ وعَلَیهِمُ السَّلامُ وعَلی أرواحِهِم وأجسادِهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ» صَلَّت عَلَیهِ المَلائِکَهُ مِن تِلکَ الجُمُعَهِ إلَی الجُمُعَهِ المُقبِلَهِ فی تِلکَ السّاعَهِ . (5)

عنه عليه السلام :الصَّلاهُ عَلَی النَّبیِّ صلی الله علیه و آله بَعدَ العَصرِ یَومَ الجُمُعَهِ تَقولُ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وبارِک عَلی مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَم مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، وَارفَع مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، الَّذینَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهیرا . (6)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 368 ح 497 ، جمال الأُسبوع : ص 261 ، المصباح للکفعمی : ص 557 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 331 ح 4 .
2- .مصباح المتهجّد : ص 368 ح 498 ، جمال الأُسبوع : ص 261 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 77 ح 11 .
3- .جمال الأُسبوع : ص 277 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 90 ص 91 ح 4 .

4- .انفَتَلَ فلان عن صلاته : انصرف (لسان العرب : ج 11 ص 514 «فتل»)
.
5- .جمال الأُسبوع : ص 274 ح 1 عن أبى إسماعيل الصيقل ، بحار الأنوار : ج 90 ص 90 ح 4 .
6- .جمال الأُسبوع : ص 275 ح 3 عن عمر بن يزيد ، مصباح المتهجّد : ص 386 ح 513 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 90 ح 4 .

امام صادق علیه السلام :هر کس بعد از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا ! درودهای خودت و درودهای فرشتگانت و فرستادگانت را بر محمّد و خاندان محمّد بفرست» ، تا یک سال برایش گناهی نوشته نمی شود.

امام صادق علیه السلام :هر کس بعد از نماز صبح و پس از نماز ظهر بگوید: «بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و دولت آنان را شتاب بخش» ، نمی میرد تا قائم را دریابد.

امام صادق علیه السلام : در ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او ، پس از نماز عصر روز جمعه : چون روز رستاخیز شود ، خدای متعال ، روزها را زنده می گرداند، و جمعه را پیشاپیش آنها می فرستد... و او بر درِ بهشت می ایستد و دیگر روزها ، در پسِ او. برای هر کس که در آن ، بیشتر بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستاده است ، شفاعت می کند. [پس بعد از نماز عصر جمعه] صد مرتبه می گویی: «بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و در فرج آنان ، تعجیل فرما».

امام صادق علیه السلام :هر کس چون نماز عصر روز جمعه راخواند ، پیش از آن که از حالت نمازش روی گردان شود ، ده بار بگوید: «بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد، این اوصیای پسندیده [ی خداوند] ، برترین درودهایت را بفرست و برترین برکت هایت را نثار آنان کن . درود و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان و بر جان ها و تن هایشان باد !» ، فرشتگان ، از آن جمعه تا جمعه آینده ، در همان ساعت بر او درود می فرستند.

امام صادق علیه السلام :درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز عصر روز جمعه چنین است که می گویی: «بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد ، برکت ده، و به محمّد و خاندان محمّد ، رحمت آور، و محمّد و خاندان محمّد را، همانان که پلیدی را از ایشان بُردی و پاکِ پاک شان کردی، بلندی بخش» .

.

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَم مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، کَما صَلَّيتَ ورَحِمتَ وبارَکتَ عَلى إبراهِيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الأَوصِياءِ وَالسُّعَداءِ وَالشُّهَداء وأئِمَّهِ الهُدى ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الأَبدالِ (1) وَالأَوتادِ ، وَالسُّيّاحِ وَالعُبّادِ ، وَالمُخلِصينَ وَالزُّهّادِ ، وأهلِ الجِدِّ وَالاِجتِهادِ ، وَاخصُص مُحَمَّدا وأهلَ بَيتِهِ بِأفضَلِ صَلَواتِکَ ، وأجزَلِ کَراماتِکَ ، وبَلِّغ روحَهُ وجَسَدَهُ مِنّى تَحِيَّةً وسَلاما ، وزِدهُ فَضلاً وشَرَفا وإکراما ، حَتّى تُبَلِّغَهُ أعلى دَرَجاتِ أهلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ وَالأفاضِلِ المُقَرَّبينَ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى مَن سَمَّيتُ ومَن لَم أُسَمِّ مِن مَلائِکَتِکَ وأنبِيائِکَ ورُسُلِکَ وأهلِ طاعَتِکَ ، وأوصِل صَلَواتى إلَيهِم وإلى أرواحِهِم ، وَاجعَلهُم إخوانى فيکَ وأعوانى عَلى دُعائِکَ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأدخِلنى فى کُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأخرِجنى مِن کُلِّ سُوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ وسَلَّمَ کَثيرا . (3)

.

1- .الأبدال : قوم بهم يقيم اللّه الأرض ... لا يموت أحدهم إلّا قام مكانه آخر من سائر الناس (القاموس المحيط : ج 3 ص 333 «بدل») .
2- .الإقبال : ج 3 ص 244 ، مصباح المتهجّد : ص 809 ح 872 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 48 وج 98 ص 401 ح 1 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 72 ح 230 ، الإقبال : ج 1 ص 85 ، مصباح المتهجّد : ص 543 ح 630 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 362 ح 1 .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و به محمّد و خاندان محمّد ، رحمت آور، و به محمّد و خاندان محمّد ، برکت ده، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم ، درود فرستادی و رحمت آوردی و برکت دادی، به راستی که تو ستودنی و بزرگواری. بار خدایا! بر جانشینان و نیک بختان و گواهان و پیشوایان هدایت ، درود فرست. بار خدایا! بر اَبدال (1) و اَوتاد (2) و سائحان (3) و عابدان و مُخلصان و زاهدان و اهل کوشش و تلاش [در عمل و طاعت] ، درود فرست، و برترین درودهایت و بیشترین کرامت هایت را به محمّد و اهل بیت او اختصاص ده، و از جانب من ، به جان و جسم او تحیّت و درود فرست، و بر برتری و بزرگی و بزرگداشت او بیفزای ، چندان که او را به بالاترین درجه بزرگانِ از پیامبران و فرستادگان و برترین مقرّبان [درگاهت] برسانی. بار خدایا! بر فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و اهل طاعتت، چه آن که نام بردم و چه آن که نام نبردم، درود فرست، و درودهای مرا به آنان و به روان هایشان برسان، و ایشان را برادران من در راه خودت و کمک کنندگان به من در دعا به درگاه خود ، قرار ده.

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست، و هر آن خوبی ای که محمّد و خاندان محمّد را به آن در آوردی، مرا نیز به آن در آور، و هر آن بدی ای که محمّد و خاندان محمّد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد ، بیرون بردی ، مرا نیز از آن بیرون بِبَر. درود فراوان و رحمت و برکات خدا بر او و برایشان باد!

.

1- .ابدال ، جماعتی هستند که خداوند به برکت وجود آنان ، زمین را نگه داشته است .. . و هر یک از آنها بمیرد ، دیگری جای او را بگیرد .
2- .اوتاد ، در اصل به معنای میخ هاست و در اصطلاح ، گروهی از اولیاء اللّه هستند که به منزله ارکان عالم اند.
3- .سائحان در اصل گردشگران هستند ولی طبق نظر مفسران در قرآن وحدیث به معنای روزه داران می باشد.

جمال الأُسبوع عن حريز :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ، کَیفَ الصَّلاةُ عَلَى النَّبیِّ صلى الله علیه و آله ؟ . . . فَقالَ لى : إنَّکَ لَحافِظٌ یا حَریزُ ، فَقُل کَما أقولُ لَکَ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الَّذینَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهیرا . . . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الَّذینَ ألهَمتَهُم عِلمَکَ وَاستَحفَظتَهُم کِتابَکَ وَاستَرعَیتَهُم عِبادَکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الَّذینَ أمَرتَ بِطاعَتِهِم وأوجَبتَ حُبَّهُم ومَوَدَّتَهُم . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الَّذینَ جَعَلتَهُم وُلاةَ أمرِکَ بَعدَ نَبِیِّکَ صَلَّى اللّهُ عَلَیهِ وعَلى أهلِ بَیتِهِ . (1)

تهذیب الأحکام عن عبید اللّه الحلبى :قالَ (2) فى قُنوتِ الجُمُعَهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أئِمَّهِ المُسلِمینَ ، اللّهُمَّ اجعَلنى مِمَّن خَلَقتَهُ لِدینِکَ ، ومِمَّن خَلَقتَهُ لِجَنَّتِکَ . قُلتُ : اُسَمِّى الأئِمَّهَ؟ قالَ : سَمِّهِم جُملَهً . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ البَشیرِ النَّذیرِ ، السِّراجِ المُنیرِ ، الطُّهرِ الطّاهِرِ ، الخَیِّرِ الفاضِلِ ، خاتَمِ أنبِیائِکَ ، وسَیِّدِ أصفِیائِکَ ، وخالِصِ أخِلّائِکَ ، ذِى الوَجهِ الجَمیلِ ، وَالشَّرَفِ الأصیلِ ، وَالمِنبَرِ النَّبیلِ ، وَالمَقامِ المَحمودِ ، وَالمَنهَلِ المَشهودِ ، وَالحَوضِ المَوروِدِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ کَما بَلَّغَ رِسالَتَکَ ، وجاهَدَ فى سَبیلِکَ ، ونَصَحَ لِاُمَّتِهِ ، وعَبَدَکَ حَتّى أتاهُ الیَقینُ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطّاهِرینَ الأخیارِ ، الأتقِیاءِ الأبرارِ ، الَّذینَ انتَجَبتَهُم لِدینِکَ ، وَاصطَفَیتَهُم مِن خَلقِکَ ، وَائتَمَنتَهُم عَلى وَحیِکَ ، وجَعَلتَهُم خُزّانَ عِلمِکَ ، وتَراجِمَهَ وَحیِکَ ، وأعلامَ نورِکَ ، وحَفَظَهَ سِرِّکَ ، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهیرا . اللّهُمَّ انفَعنا بِحُبِّهِم ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِم وتَحتَ لِوائِهِم ، ولا تُفَرِّق بَینَنا وبَینَهُم ، وَاجعَلنى بِهِم عِندَکَ وَجیها فِى الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، ومِنَ المُقَرَّبینَ الَّذینَ لا خَوفٌ عَلَیهِم ولا هُم یَحزَنونَ . (4)

.

1- .جمال الأُسبوع : ص 158 ، الإقبال : ج 2 ص 174 نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 67 ح 55 .
2- .کذا جاء مضمرا ، والحلبى من کبار أصحاب الإمام الصادق علیه السلام .
3- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 18 ح 63 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 103 ح 172 ، فلاح السائل : ص 424 ح 291 ، المصباح للکفعمى : ص 58 کلّها عن معاویه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86

ص 108 ح 9 .

جمال الاُسبوع به نقل از حریز : به امام صادق علیه السلام گفتم : فدایت شوم! درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه است؟ به من فرمود: «تو حافظه ای نیکوداری ، ای حریز! پس آن گونه بگو که برایت می گویم . [بگو:] بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که پلیدی را از ایشان بُردی و کاملاً پاکشان گردانیدی ، درود فرست... . بار خدایا! بر محمّد و خانواده او که دانش خود را به ایشان الهام فرمودی و نگهداری از کتابت و سرپرستی بندگانت را به آنان سپردی ، درود فرست، بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که به فرمانبری از آنان ، فرمان دادی و محبّت و دوستی ایشان را واجب ساختی ، درود فرست. بار خدایا! بر محمّد و اهل بیت او که آنان را اولیای امر خود پس از پیامبرت درود خدا بر او و بر خانواده اش قرار دادی ، درود فرست» .

تهذیب الأحکام به نقل از عبید اللّه حلبی (1) : [امام علیه السلام] در دعای قنوت نماز جمعه گفت: «بار خدایا! بر محمّد و بر امامان مسلمانان ، درود فرست. بار خدایا! مرا از کسانی قرار ده که برای دین خود آفریدی، و از آنان که برای بهشتت ، خلق کردی» . گفتم : نام امامان را ببرم؟ فرمود: «به طور کلّی از آنها نام ببر». (2)

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! درود فرست بر محمّد، آن بشارتگر هشداردهنده، چراغ تابان، پاک و پاکیزه، نیکوکار برجسته، خاتم پیامبرانت و آقای برگزیدگانت، و ناب ترینِ دوستانت، صاحب روی زیبا، و بزرگی اصیل، و جایگاه والا و شریف، و مقام پسندیده و چشمه همگانی، و حوضی که [برای سیراب شدن]بر آن در آیند. بار خدایا! بر محمّد ، درود فرست که او پیام تو را رسانید، و در راه تو کوشید، و امّتش را راه نمایی کرد، و تازنده بود ، تو را پرستید. بر محمّد و خاندان پاک و نیک و پرهیزگار و نیکوکار او درود فرست ؛ همانان که ایشان را برای دین خود پسندیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و وحی خود را نزد آنان ، به امانت نهادی، و خزانه داران دانشت و مترجمان وحی ات، و نشانه های نورت و نگهداران رازت قرارشان دادی و آلودگی را از ایشان بُردی و پاکِ پاکشان ساختی. بار خدایا! ما را از دوستی آنان ، سودمند دار، و در گروه آنان و زیر پرچم ایشان ، محشورمان فرما. ما را از آنان ، جدا مساز، و مرا به واسطه آنان ، نزد خودت در دنیا و آخرت ، آبرومند و از نزدیکانی گردان که بیمی برایشان نیست و اندوهگین نمی شوند.

.

1- .حلبی از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام بوده است.
2- .یعنی: بگو: امامان ؛ همه امامان.

عنه عليه السلام :إذا أرَدتَ أن تَخرُجَ مِن مَكَّةَ وتَأتِيَ أهلَكَ فَوَدِّعِ البَيتَ . . . وَاحمَدِ اللّهَ وأثنِ عَلَيهِ ، وصَلِّ عَلَى النَّبيِّ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قُل : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ، ونَبِيِّكَ وأمينِكَ ، وحَبيبِكَ ونَجِيِّكَ (1) وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، اللّهُمَّ كَما بَلَّغَ رِسالاتِكَ ، وجاهَدَ فى سَبيلِكَ ، وصَدَعَ بِأمرِكَ ، وأُوذِيَ فى جَنبِكَ ، وعَبَدَكَ حَتّى أتاهُ اليَقينُ . . . . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وصَفِيِّكَ ونَجِيِّكَ ودَليلِكَ ، وَالدّاعي إلى سَبيلِكَ ، وعَلى أميرِ المُؤمِنينَ وَلِيِّكَ وخَليفَتِكَ مِن بَعدِ رَسولِكَ ، وعَلى أوصِيائِهِمَا المُستَحفَظينَ دينَكَ ، المُستَودَعينَ حَقَّكَ ، وَالمُستَرعَينَ خَلقَكَ ، وعَلَيهِم أجمَعينَ السَّلامُ ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ سامِكَ المَسموكاتِ ، وداحِيَ المَدحُوّاتِ ، خالِقَ الأرضِ وَالسَّماواتِ ، أخَذتَ عَلَينا عَهدَكَ وَاعتَرَفنا بِنُبُوَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وأقرَرنا بِولايَهِ عَليِّ بنِ أبى طالبٍ عليه السلام فَسَمِعنا وأطَعنا ، وأمَرتَنا بِالصَّلاهِ عَلَيهِم فَعَلِمنا أنَّ ذلِكَ حَقٌّ فَاتَّبَعناهُ . اللّهُمَّ إنّى أُشهِدُكَ وأُشهِدُ مُحَمَّدا وعَلِيّا وَالثَّمانِيَهَ حَمَلَهَ العَرشِ ، وَالأربَعَهَ الأملاكَ خَزَنَهَ عِلمِكَ ، أنَّ فَرضَ صَلاتى لِوَجهِكَ ، ونَوافلى وزَكاتى وما طابَ لى مِن قَولٍ وعَمَلٍ عِندَكَ فَعَلى محمّدٍ وآلِ محمّدٍ . وأسأَلُكَ اللّهُمَّ أن توصِلَنى بِهِم وتُقَرِّبَنى بِهِم لَدَيكَ ، كما أمَرتَنى بِالصَّلاهِ عَلَيهِ ، وأُشهِدُكَ أنّى مُسَلِّمٌ لَهُ ولِأهلِ بَيتِهِ عليهم السلام ، غَيرَ مُستَنكِفٍ ولا مُستَكبِرٍ ، فَزَكِّنا بِصَلاتِكَ وصَلاهِ مَلائِكَتِكَ، إنَّهُ فى وَعدِكَ وقَولِكَ : «هُوَ الَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَ مَلَئِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَمٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا» (4) فَأزلِفنا (5) بِتَحِيَّتِكَ وسَلامِكَ ، وَامنُن عَلَينا بِأجرٍ كَريمٍ مِن رَحمَتِكَ ، وَاخصُصنا مِن مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِأفضَلِ صَلَواتِكَ ، «وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ» (6) ، وزَكِّنا بِصَلاتِهِ وصَلَواتِ أهلِ بَيتِهِ ، فَاجعَل ما آتَيتَنا مِن عِلمِهِم ومَعرِفَتِهِم مُستَقَرّا عِندَكَ ، مَشفوعا لا مُستَودَعا يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (7)

.

1- .فى تهذيب الأحكام : «ونجيبك» .
2- .الكافى : ج 4 ص 530 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 280 ح 957 كلاهما عن معاويه بن عمّار .

3- .الإقبال : ج 1 ص 234 عن علىّ بن ميمون الصائغ أبى الأكراد ، بحار الأنوار : ج 98 ص 7 ح 2 وج 92 ص 208 ح 4 .
4- .الأحزاب : 43 و 44 .
5- .أزلفَ الشىءَ : قرّبه . والزُّلفى : القربى والدرجه والمَنزله (لسان العرب : ج 9 ص 138 «زلف») .
6- .التوبه : 103 .
7- .جمال الاُسبوع : ص 158 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 94 ص 66 ح 54 .

امام صادق علیه السلام :هرگاه خواستی از مکّه خارج شوی و نزد خانواده ات بروی، با خانه [ی کعبه] بدرود گوی... و خدای را بستای و ثنایش گوی و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست . سپس بگو: «بار خدایا! بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و امانتدارت و محبوبت و هم رازت و برگزیده ات ، از میان آفریدگانت ، درود فرست بار خدایا ، زیرا او پیام های تو را رسانید، و در راه تو سخت کوشید، و فرمان تو را به کار بست ، و برای تو آزار دید، و تازنده بود ، تو را پرستید... .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد ، پیامبرت و برگزیده ات و هم رازت و راه نمایت و دعوتگر به راهت ، درود فرست، و هم بر امیر مؤمنان ، ولیّ تو و جانشینت بعد از پیامبرت ، و بر جانشینان آنان که نگهبانان دینت قرارشان داده ای و حقّت را به دست آنان سپرده ای و به سرپرستی خلقت گماشته ای که درود و رحمت و برکات خدا بر همه ایشان باد! .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا، ای بر افرازنده آسمان های بلند، و گستراننده زمین های پهناور، ای آفریننده زمین و آسمان ها! تو از ما پیمان ستاندی و ما به پیامبری محمّد صلی الله علیه و آله اعتراف کردیم، و به ولایت علی بن ابی طالب اقرار نمودیم، و شنیدیم و فرمان بُردیم . به ما فرمودی که بر ایشان ، درود فرستیم و ما دانستیم که این ، حقّ است و پیروی اش کردیم. بار خدایا! تو را گواه می گیرم، و محمّد و علی و هشت [فرشته] بردارنده عرش، و چهار فرشته خزانه دار دانش تو را هم گواه می گیرم که نمازهای واجب و مستحبّم ، و زکاتم و هر گفتار و کردار خوبی که نزد تو دارم ، [همه] از آن محمّد و خاندان محمّد باشد . از تو می خواهم ای خداوند ، که مرا به آنان ، بپیوندی و به واسطه ایشان ، در نزد خویش ، مقربّم داری، همچنان که مرا به درود فرستادن بر او فرمان دادی. تو را گواه می گیرم که من ، تسلیم او و اهل بیتش هستم ، بی هیچ سرپیچی و گردنکشی. پس با درود فرستادن خودت و درود فرستادن فرشتگانت [برما]ما را پاک گردان که این خود ، در وعده و گفتار توست: «اوست کسی که با فرشتگان خود ، بر شما درود می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی روشنایی بر آورد و نسبت به مؤمنان ، همواره مهربان است . درودشان ، روزی که دیدار کنند ، سلام خواهد بود و برای آنان ، پاداشی نیکو آماده کرده است» . پس با درود و سلام خود ، ما را به مقام قُرب رسان ، و پاداشی نیکو از رحمتت به ما ارزانی دار، و برترین

درودهایت را توسّط محمّد صلی الله علیه و آله به ما عطا فرما [چرا که خودت به ایشان فرموده ای:] «و بر ایشان ، درود فرست که درود فرستادن تو ، مایه آرامش آنان است» . و با درود (دعای) او و درودهای اهل بیتش ، ما را پاک گردان و آنچه از دانش و شناخت ایشان به ما داده ای ، نزد خودت ثابت و استوار و شفاعت شده ، و نه عاریتی، نگه دار ، ای مهربان ترینِ مهربانان!

.

عنه عليه السلام :تَقولُ وأنتَ عَلى بابِ المَسجِدِ [الحَرام] : ... اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَم مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، عَبدِکَ ورَسولِکَ ، وعَلى إبراهيمَ خَليلِکَ ، وعَلى أنبِيائِکَ ورُسُلِکَ وسَلِّم عَلَيهِم ، وسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . (1)

.

1- .الكافى : ج 4 ص 402 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 100 ح 328 كلاهما عن أبى بصير .

امام صادق علیه السلام :زمانی که بر درگاه مسجد [الحرام] قرار گرفتی ، می گویی: «... بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست . به محمّد و خاندان محمّد ، برکت ده . بر محمّد و خاندان محمّد ، رحمت آور، همچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود فرستادی و برکت دادی و رحمت آوردی ، که به راستی ، تو ستوده و بزرگی. بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات محمّد و خاندان محمّد، و بر دوستت ابراهیم، و بر پیامبرانت و فرستادگانت درود و سلام فرست . درود بر فرستادگان، و ستایش ، خدای را پروردگار جهانیان.

.

عنه عليه السلام :الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وعَلى آلِهِ الطّاهِرينَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِى اللَّيلِ إذا يَغشى ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِى النَّهارِ إذا تَجَلّى ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِى الآخِرَهِ وَالأُولى ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ما لاحَ الجَديدانِ (1) ، ومَا اطَّرَدَ الخافِقانِ (2) ، وما حَدَا الحادِيانِ (3) ، وما عَسعَسَ لَيلٌ (4) وَادلَهَمَّ ظَلامٌ ، وما تَنَفَّسَ صُبحٌ وما أضاءَ فَجرٌ . (5)

عنه عليه السلام :صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ الَّذى صَدَعَ بِأَمرِكَ ، وبالَغَ فى إظهارِ دينِكَ ، وأكَّدَ مِيثاقَكَ ، ونَصَحَ لِعِبادِكَ ، وبَذَلَ جُهدَهُ فى مَرضاتِكَ ، اللّهُمَّ شَرِّف بُنيانَهُ ، وعَظِّم بُرهانَهُ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى وُلاهِ الأَمرِ بَعدَ نَبِيِّكَ ، تَراجِمَهِ وَحيِكَ ، وخُزّانِ عِلمِكَ ، وأُمَنائِكَ فى بِلادِكَ ، الَّذينَ أمَرتَ بِمَوَدَّتِهِم ، وفَرَضتَ طاعَتَهُم عَلى بَرِيَّتِكَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيهِم صَلاةً دائِمَةً باقِيَةً . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلَى السُّيّاحِ وَالعُبّادِ ، وأهلِ الجِدِّ وَالاِجتِهادِ . (6)

.

1- .الجديدان : الليل والنهار (القاموس المحيط : ج 1 ص 281 «جدد») .
2- .الخافقان : طرفا السماء والأرض ، وقيل : المغرب والمشرق (النهايه : ج 2 ص 56 «خفق») .
3- .الحاديان : هما الليل والنهار ، كأنّهما يحدوان بالناس للسير إلى قبورهم (مجمع البحرين : ج 1 ص 376 «حدا») .
4- .عسعس الليل : أقبل ظلامه أو أدبر (القاموس المحيط : ج 2 ص 231 «عسس») .
5- .مصباح المتهجّد : ص 75 ح 124 ، فلاح السائل : ص 362 ح 242 ، المصباح للكفعمى : ص 52 كلّها عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 88 ح 12 .
6- .الإقبال : ج 2 ص 150 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 263 .

امام صادق علیه السلام :ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمّد ، خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او باد! بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست در شب ، آن گاه که پرده افکند ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست در روز ، آن گاه که روشن شود. بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست در آخرت و دنیا . بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست تا زمانی که دو نوشونده (شب و روز) ، پدیدار شوند و طلوع و غروبی در پیِ هم آید، و دو ساربان ، حُدی (آواز) می خوانند ، (1) و تا آن گاه که شبی فرا رسد و تاریکی ، فرو پوشانَد و تا آن گاه که صبحی بر دمَد و سپیده ای روشن شود .

امام صادق علیه السلام :بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات ، درود فرست ؛ همو که فرمان تو را اجرا کرد ، و در آشکار [و پیروز گردانیدن] دین تو ، نهایت کوشش خود را به کار بُرد ، و پیمان تو را استوار ساخت ، و برای بندگانت ، خیرخواهی نمود ، و همه نیروی خود را در راه خشنودی تو صرف کرد ، بار خدایا! بنای او را بلند گردان ، و بُرهانش را عظمت بخش . بار خدایا! بر اولیای امرِ پس از پیامبرت ، و بیان کنندگان وحی ات ، و خزانه داران دانشت ، و اُمنای تو در شهرهایت ، درود فرست ؛ همانان که به دوستی شان فرمان دادی و اطاعت از آنان را بر آفریدگانت واجب ساختی . بار خدایا! بر ایشان درود فرست ؛ درودی پاینده و ماندگار . بار خدایا! بر زاهدان و عابدان و اهل کوشش و تلاش [در عبادت]هم درود فرست .

.

1- .مقصود از دو ساربان ، شب و روز است که به ساربان تشبیه شده اند که کاروان آدمیان را به سوی گورهایشان پیش می برند، چنان که ساربان برای شتاب دادن به حرکت قافله اشتران ، برایشان آواز (حُدی) می خوانند .

عنه عليه السلام :يا أسمَعَ السّامِعينَ ، ويا أبصَرَ النّاظِرينَ ، ويا أسرَعَ الحاسِبينَ ، (و) يا أجوَدَ الأجوَدينَ ، ويا أكرَمَ الأكرَمينَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأفضَلِ وأجزَلِ وأوفى وأحسَنِ وأجمَلِ وأكرَمِ وأطهَرِ وأزكى وأنوَرِ وأعلى وأبهى وأسنى وأنمى وأدوَمِ وأعَمِّ وأبقى ما صَلَّيتَ وبارَكتَ ومَنَنتَ وسَلَّمتَ وتَرَحَّمتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ امنُن عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنتَ عَلى موسى وهارونَ ، وسَلِّم عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلى نوحٍ فِى العالَمينَ ، اللّهُمَّ وأورِد عَلَيهِ مِن ذُرِّيَّتِهِ وأزواجِهِ وأهلِ بَيتِهِ وأصحابِهِ وأتباعِهِ مَن تَقَرُّ بِهِ عَينُهُ ، وَاجعَلنا مِنهُم ومِمَّن تَسقيهِ بِكَأسِهِ وتورِدُهُ حَوضَهُ ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِ وَاجعَلنا تَحتَ لِوائِهِ ، وأدخِلنا فى كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأخرِجنا مِن كُلِّ سوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، ولا تُفَرِّق بَينَنا وبَينَ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ طَرفَةَ عَينٍ أبدَا ، ولا أقَلَّ مِن ذلِكَ ولا أكثَرَ . (1)

عنه عليه السلام :يُستَحَبُّ أن يُصَلّى عَلَى النَّبىِّ صلى الله عليه و آله بَعدَ العَصرِ يَومَ الجُمُعَهِ بِهذِهِ الصَّلاهِ : اللّهُمَّ إنَّ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله كَما وَصَفتَهُ فى كِتابِكَ حَيثُ تَقولُ : «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (2) ، فَأشهَدُ أنَّهُ كَذلِكَ ، وأنَّكَ لَم تَأمُر بِالصَّلاهِ عَلَيهِ إلّا بَعدَ أن صَلَّيتَ عَلَيهِ أنتَ ومَلائِكَتُكَ ، وأنزَلتَ فى مُحكَمِ قُرآنِكَ : «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» (3) لا لِحاجَهٍ إلى صَلاهِ أحَدٍ مِنَ المَخلوقينَ بَعدَ صَلاتِكَ عَلَيهِ ، ولا إلى تَزكِيَتِهِم إيّاهُ بَعدَ تَزكِيَتِكَ ، بَلِ الخَلقُ جَميعا هُمُ المُحتاجونَ إلى ذلِكَ ؛ لِأنَّكَ جَعَلتَهُ بابَكَ الَّذى لا تَقبَلُ لِمَن أتاكَ إلّا مِنهُ ، وجَعَلتَ الصَّلاهَ عَلَيهِ قُربَهً مِنكَ ووَسيلَهً إلَيكَ وزُلفَهً عِندَكَ ، ودَلَلتَ المُؤمِنينَ عَلَيهِ ، وأمَرتَهُم بِالصَّلاهِ عَلَيهِ لِيَزدادوا بِها اُثرَهً (4) لَدَيكَ وكَرامَهً عَلَيكَ ، ووَكَّلتَ بِالمُصَلّينَ عَلَيهِ مَلائِكَتَكَ يُصَلّونَ عَلَيهِ ويُبَلِّغونَهُ صَلاتَهُم وتَسليمَهُم . . . اللّهُمَّ إنّى أبدَأُ بِالشَّهادَهِ لَهُ ثُمَّ بِالصَّلاهِ عَلَيهِ ، وإن كُنتُ لا أبلُغُ مِن ذلِكَ رِضى نَفسى ، ولا يُعَبِّرُهُ لِسانى عَن ضَميرى . . . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ ونَبِيِّكَ ووَلِيِّكَ ونَجِيِّكَ وصَفِيِّكَ وصَفوَتِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، الَّذِى انتَجَبتَهُ لِرِسالاتِكَ ، وَاستَخلَصتَهُ لِدينِكَ ، وَاستَرعَيتَهُ عِبادَكَ ، وَائتَمَنتَهُ عَلى وَحيِكَ ، عَلَمِ الهُدى ، وبابِ التُّقى وَالنُّهى ، وَالعُروَهِ الوُثقى فيما بَينَكَ وبَينَ خَلقِكَ ، الشّاهِدِ لَهُمُ المُهَيمِنِ عَلَيهِم ، أشرَفَ وأفضَلَ وأزكى وأطهَرَ وأنمى وأطيَبَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن خَلقِكَ ، وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ ، وأصفِيائِكَ وَالمُخلِصينَ مِن عِبادِكَ . اللّهُمَّ وَاجعَل صَلَواتِكَ وغُفراتَكَ ورِضوانَكَ

ومُعافاتَکَ وکَرامَتَکَ ورَحمَتَکَ ومَنَّکَ وفَضلَکَ وسَلامَکَ وشَرَفَکَ وإعظامَکَ وتَبجیلَکَ ، وصَلَواتِ مَلائِکَتِکَ ورُسُلِکَ وأنبِیائِکَ وَالأَوصِیاءِ وَالشُّهَداءِ وَالصِّدّیقینَ وعِبادِکَ الصّالِحینَ وحَسُنَ أُولئِکَ رَفیقا ، وأهلِ السَّماواتِ وَالأَرَضینَ وما بَینَهُما وما فَوقَهُما وما تَحتَهُما ، وما بَینَ الخافِقینَ وما بَینَ الهَواءِ وَالشَّمسِ وَالقَمَرِ وَالنُّجومِ وَالجِبالِ وَالشَّجَرِ وَالدَّوابِّ ، وما سَبَّحَ لَکَ فِی البَرِّ وَالبَحرِ وفِی الظُّلَمَهِ وَالضِّیاءِ بِالغُدُوِّ وَالآصالِ وفی آناءِ اللَّیلِ وأطرافِ النَّهارِ وساعاتِهِ ، عَلی مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ سَیِّدِ المُرسَلینَ ، وخاتَمِ النَّبِیّینَ ، وإمامِ المُتَّقینَ ، ومَولَی المُؤمِنینَ ، ووَلِیِّ المُسلِمینَ ، وقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلینَ (5) ، ورَسولِ رَبِّ العالَمینَ إلَی الجِنِّ وَالإنسِ وَالأعجَمینَ (6) ، وَالشّاهِدِ البَشیرِ الأَمینِ ، النَّذیرِ الدّاعی إلَیکَ بِإذنِکَ السِّراجِ المُنیرِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الأَوَّلینَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الآخِرینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ یَومَ الدّینِ ؛ یَومَ یَقومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمینَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما هَدَیتَنا بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَمَا استَنقَذتَنا بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَمَا أنعَشتَنا (7) بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أحیَیتَنا بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما شَرَّفتَنا بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أعزَزتَنا بِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما فَضَّلتَنا بِهِ . . . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأعطِهِ مِنَ الوَسیلَهِ وَالفَضیلَهِ وَالشَّرَفِ وَالکَرامَهِ ما یَغبِطُهُ (8) بِهِ المَلائِکَهُ المُقَرَّبونَ ، وَالنَّبِیّونَ وَالمُرسَلونَ ، وَالخَلقُ أجمَعونَ . . . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَم مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، کَأفضَلِ ما صَلَّیتَ ورَحِمتَ وبارَکتَ عَلی إبراهیمَ وآلِ إبراهیمَ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ . اللّهُمَّ وَامنُنعَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، کَأفضَلِ ما مَنَنتَ عَلی موسی وهارونَ . اللّهُمَّ وسَلِّم عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، کَأفضَلِ ما سَلَّمتَ عَلی نوحٍ فِی العالَمینَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَلی أئِمَّهِ المُسلِمینَ ، الأَوَّلینَ مِنهُم وَالآخِرینَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَلی إمامِ المُسلِمینَ ، وَاحفَظهُ مِن بَینِ یَدَیهِ ومِن خَلفِهِ وعَن یَمینِهِ وعَن شِمالِهِ ومِن فَوقِهِ ومِن تَحتِهِ ، وَافتَح لَهُ فَتحا یَسیرا ، وَانصُرهُ نَصرا عَزیزا ، وَاجعَل لَهُ مِن لَدُنکَ سُلطانا نَصیرا ، اللّهُمَّ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وأهلِک أعداءَهُم مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ وذُرِّیَّتِهِ وأزواجِهِ الطَّیِّبینَ الأَخیارِ ، الطّاهِرینَ المُطَهَّرینَ ، الهُداهِ المَهدِیّینَ ، غَیرِ الضّالّینَ ولَا المُضِلّینَ ، الَّذینَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهیرا . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الأَوَّلینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الآخِرینَ ، وصَلِّ عَلَیهِم فِی المَلَإِ الأَعلی ، وصَلِّ عَلَیهِم أبَدَ الآبِدینَ ، صَلاهً لا مُنتَهی لَها ولا أمَدَ دونَ رِضاکَ ، آمینَ آمینَ رَبَّ العالَمینَ . . . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الوُلاهِ السّادَهِ الکُفاهِ (9) ، الکُهولِ (10) الکِرامِ ، القادَهِ القَماقِمِ (11) الضَّخامِ ، اللَّیوثِ الأَبطالِ ، عِصمَهً لِمَن اعتَصَمَ بِهِم ، وإجارَهً لِمَنِ استَجارَ بِهِم ، وَالکَهفِ الحَصینِ ، وَالفُلکِ الجارِیَهِ فِی اللُّجَجِ الغامِرَهِ ، الرّاغِبُ عَنهُم مارِقٌ

، وَالمُتَأخِّرُ عَنهُم زَاهِقٌ ، وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ ، رَماحِکَ فی أرضِکَ ، وصَلِّ عَلَی عِبادِکَ فی أرضِکَ الَّذین أنقَذتَ بِهِم مِنَ الهَلَکَهِ وأنَرتَ بِهِم مِنَ الظُّلَمَهِ ، شَجَرَهِ النُّبُوَّهِ ومَوضِعِ الرِّسالَهِ ومُختَلَفِ المَلائِکَهِ ومَعدِنِ العِلمِ ، صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وعَلَیهِم أجمَعینَ ، آمینَ آمینَ رَبَّ العالَمینَ . (12)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 63 ح 101 ، فلاح السائل : ص 319 ح 215 ، المصباح للکفعمی : ص 45 کلّها عن معاویه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 70 ح 5 .
2- .التوبه : 128 .
3- .الأحزاب : 56 .
4- .الأُثرَهُ والمأثَرَهُ والمَأثُرَهُ : المَکرُمَهُ لأنّها تُؤثَرُ أی تُذْکَرُ ویَأثُرُها قَرنٌ عن قَرنٍ یَتَحَدَّثونَ بها ، وفی المحکم : المکرمه المُتَوارَثَهُ (لسان العرب : ج 4 ص 7 «أثر») .
5- .الغُرّ المُحَجَّلون : أی بیض مواضع الوضوء من الأیدی والوَجه والأقدام ، استعار أثر الوضوء فی ف الوجه والیدین والرجلین للإنسان من البیاض الذی یکون فی وجه الفرس ویدیه ورجلیه (النهایه : ج 1 ص 346 «حجل») .
6- .یرید بالأعجمین الذین لا یفصحون ، لا العجم الذین هم خلاف العرب ؛ لأنّ العجم من الإنس ، والأعجمی : الذی لا یفصح سواء کان من العرب أو العجم لآفه فی لسانه لا یتبیّن کلامه (بحار الأنوار : ج 90 ص 88) .
7- .نَعَشَه اللّه ُ : رَفَعه ، کأنعَشَه (القاموس المحیط : ج 2 ص 290 «نعش») .
8- .یقال : غَبَطتُ الرجلَ أغبِطه غَبطا ، إذا اشتهیت أن یکون لک مثل ما لَه ، وأن یدوم علیه ما هو فیه (النهایه : ج 3 ص 339 «غبط») .
9- .رجلٌ کَفیٌّ : أی کافٍ (لسان العرب : ج 15 ص 227 «کفی») . وقال العلّامه المجلسی قدس سره : الکُفاه : جمع الکفیّ ؛ وهو الذی یکفیک الشرور والآفات ، وفی بعض النسخ : «الکُماه» ؛ وهو جمع الکَمِیّ ؛ وهو الشجاع (بحار الأنوار : ج 90 ص 89) .
10- .الکَهْل : الحلیم العاقل (النهایه : ج 4 ص 213 «کهل») .
11- .القَمقام : السیّد . والقَمقام : العدد الکثیر ، ویقال : سیّدٌ قمقامٌ لکثره خیره (الصحاح : ج 5 ص 2015 «قمم») .
12- .مصباح المتهجّد : ص 387 ح 517 ، البلد الأمین : ص 72 ، جمال الأُسبوع : ص 288 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 43 ح 26 نقلاً عن أصل قدیم

من مؤلّف قدماء الأصحاب نحوه وكلاهما عن مهران بن جعفر بن محمّد ، وج 90 ص 82 ح 3 .

امام صادق علیه السلام :ای شنواترینِ شنوندگان ، ای بیناترینِ بینندگان ، ای سریع ترینِ حسابگران ، ای بخشنده ترینِ بخشندگان ، و ای بزرگوارترینِ بزرگواران! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، همانند برترین و بیشترین و کامل ترین و نیکوترین و زیباترین و کریمانه ترین و پاک ترین و ناب ترین و نورانی ترین و والاترین و درخشان ترین و شکوهمندترین و بالنده ترین و پاینده ترین و فراگیرترین و ماندگارترین درود و برکت و لطف و درود و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی ، که به راستی تو ، ستوده و بزرگواری . بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد ، منّت نِه ، چنان که بر موسی و هارون ، منّت نهادی ، و بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، چنان که بر نوح در میان جهانیان ، درود فرستادی . بار خدایا! از فرزندان او و همسرانش و خانواده اش و یارانش و پیروانش ، کسانی را بر [حوض کوثر] او در آور که دیدگانش بدانها روشن شود ، و ما را از ایشان و از کسانی قرار ده که با جام او سیرابشان می کنی و بر حوض او وارد می کنی . ما را در گروه او محشور فرما و زیر پرچم او در آور ، و ما را در هر آن خوبی ای که محمّد و خاندان محمّد را به آن داخل کردی ، داخل کن ، و از هر بدی ای که محمّد و خاندان محمّد را از آن بیرون بردی ، بیرونمان ببر ، و هرگز ما را از محمّد و خاندان محمّد ، چشم بر هم زدنی و نه کمتر و بیشتر از آن ، جدا مکن .

امام صادق علیه السلام :مستحبّ است که بعد از نماز عصر روز جمعه ، با این صلوات ، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاده شود : «بار خدایا! محمّد صلی الله علیه و آله چنان است که تو ، خود ، در کتابت او را وصف کرده ای ، آن جا که فرمایی : «برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید . به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان ، دلسوز و مهربان است» . من ، گواهی دهم که او چنین است ، و تو به درود فرستادن بر او فرمان ندادی ، مگر پس از آن که تو خود و فرشتگانت ، بر او درود فرستادید ، و در قرآن محکمت ، فرو فرستادی که : «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود فرستید و درودی کامل گویید» ، نه این که با وجود درود فرستادن تو بر او ، به درود فرستادن اَحَدی از مخلوقات ، نیاز باشد ، و با وجود ستایش تو از او ، به ستایش آنان از او حاجتی باشد ؛ بلکه این جمله خلایق اند که به این کار (درود فرستادن بر او) نیاز دارند ؛ زیرا تو ، او (پیامبر) را درگاه خود قرار دادی ، به طوری که جز آن کس را که از

این در در آید ، نپذیری ، و درود فرستادن بر او را مایه نزدیک شدن به خودت و وسیله ای به سویت ، و منزلتی در نزدت قراردادی ، و مؤمنان را بدان راه نمایی کردی ، و به درود فرستادن بر او فرمانشان دادی تا بدان وسیله ، بر ارجمندی و شرافت خویش در پیشگاه تو بیفزایند ، و فرشتگانت را بر درود فرستندگان بر او گماشتی که بر او درود فرستند و درودها و سلام های آنان را به او برسانند ... . بار خدایا ! من ، نخست به [نبوّت و حقّانیّت] او گواهی می دهم . سپس بر او درود می فرستم ، اگر چه با این کار ، هنوز به رضایت خاطر نمی رسم و زبانم [چنان که باید] ، گویای دروغ نیست ... . بار خدایا ! بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و دوستت و هم رازت و برگزیده ات و بهترینت و منتخب تو از میان آفریدگانت ، درود فرست ؛ همو که برای [ابلاغ] پیام هایت برگزیدی ، و برای دینت گزینش کردی ، و سرپرستی بندگانت را به او سپردی ، و امین وحی خود قرارش دادی ؛ آن نشانی راه ، و در پرهیزگاری و خِردمندی ، و استوارترین دستگیره رشته میان تو و آفریدگانت ، گواه آنان و نگهبان ایشان ؛ بهترین و برترین و ناب ترین و پاک ترین و بالنده ترین و خوش ترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و برگزیدگانت و بندگان مخلصت فرستاده ای . بار خدایا ! درودها و آمرزش و خشنودی و عافیت و کرامت و رحمت و لطف و فضل و سلام و ارج و بزرگداشت و گرامیداشتت را ، و درودهای فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانت و جانشینان [پیامبران] و گواهی دهندگان و تصدیق کنندگان و بندگان شایسته ات که نیکوْ رفیقانی هستند ، و اهل آسمان ها و زمین ها و هر آنچه میان آنها و بالای آنها و زیر آنهاست ، و آنچه میان مشرق و مغرب و میان هوا و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان اند ، و آنچه را در خشکی و آب و در تاریکی و روشنایی ، هر بام و شام و در ساعات شب و اوقات روز ، تو را تسبیح می گویند . [درود همه اینان را] بر محمّد بن عبداللّه قرار ده ، او که سَرور فرستادگان ، و خاتم پیامبران ، و پیشوای پرهیزگاران ، و آقای مؤمنان ، و حامی و سرپرست مسلمانان ، و پیشرو بی همتایان ، و فرستاده پروردگار جهانیان به سوی جنّ و اِنس و بی زبانان ، و گواه و بشارتگر و امین و هشدار دهنده و دعوت کننده به سوی تو با اجازه تو ، و چراغ تابان بود . بار خدایا ! در میان نخستینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست . بار خدایا ! در میان پسینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، در روز جزا روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند ، بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست . بار خدایا ! بر محمّد درود فرست که به واسطه او ، ما را هدایت کردی . بار خدایا ! بر محمّد ، درود فرست که به واسطه او ، ما را نجات بخشیدی . بار خدایا ! بر محمّد درود فرست که به وسیله او ، ما را رفعت بخشیدی . بار

خدایا ! بر محمّد درود فرست که به واسطه او ما را زنده ساختی . بار خدایا ! بر محمّد ، درود فرست که به واسطه او ، ما را بزرگی بخشیدی . بار خدایا ! بر محمّد ، درود فرست که به واسطه او ما را عزّت دادی . بار خدایا ! بر محمّد ، درود فرست که به واسطه او ما را برتری عطا کردی ... . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، و به او چنان وسیله (منزلت والا) و برتری و بزرگی و ارجمندی عطا فرما که فرشتگان مقرّب و پیامبران و فرستادگان و همه خلایق ، بر او غبطه بخورند ... . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، و بر محمّد و خاندان محمّد ، رحمت آور ، همچون برترین درود و رحمت و برکتی که نثار ابراهیم و خاندان ابراهیم کردی ، که به راستی ، تو ستوده و بزرگواری . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، منّت نِه ، همچون برترین منّتی که بر موسی و هارون نهادی . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست ، همچون برترین درودی که بر نوح در میان جهانیان فرستادی» . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد و بر امامان مسلمانان ، نخستین و واپسین آنان ، درود فرست . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد و بر امام مسلمانان درود فرست ، و او را از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپ و از بالا و از پایین [از شش جهت] ، نگهداری کن و برایش فتحی آسان فراهم آور و به نصرتی نیرومند ، یاری اش ده و از نزد خود ، برایش تسلّطی یاری بخش قرار ده . بار خدایا ! به فرج [دولت]خاندان محمّد ، شتاب ببخش و دشمنان آنان را ، از جنّ و انس ، نابود کن . بار خدایا ! بر محمّد و اهل بیت او و ذریّه و همسرانش درود فرست ، که خوب و نیک و پاک و مطهّر و هدایتگر و هدایتْ شده اند ، نه گم راه و نه گم راه کننده ، همانان که پلیدی را از ایشان بردی و پاکِ پاکشان نمودی . بار خدایا ! در میان نخستینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست . در میان پسینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست . در جمع آسمانیان ، بر آنان درود فرست . تا همیشه همیشه ، بر آنان درود فرست ؛ درودی که نهایت و پایانی جز رضایت تو نداشته باشد . آمین ، آمین ، ای پروردگار جهانیان ! بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ این خاندانِ فرمان فرما ، آقا ، کفایت کننده ، دانا ، بزرگوار ، پیشوا ، مِهتر ، بزرگ ، شیر دل ، پهلوان ، نگهدار کسی که به آنان پناه برَد ، حامی کسی که از آنان امان بخواهد ، غار مستحکم ، کشتی روان در آب های ژرف و متلاطم ؛ همانان که هر کس از ایشان روی گرداند ، از دین خارج گشته است و هر که از آنان واپس ماند ، نابود می شود و کسی که همراه ایشان باشد ، به مقصد می رسد ؛ همانان که نیزه های تو در زمین تو هستند . درود فرست بر آن بندگان خود در زمینت که به واسطه آنان ، [دیگر بندگانت را] از هلاکت رهانیدی و به نور وجود آنان ، تاریکی را زدودی ؛ همانان که درخت نبوّت ، جایگاه رسالت ، محلّ

آمد و شد فرشتگان ، و کان دانش اند . درود خدا بر او و بر ایشان ، همگی ! آمین ، آمین ، ای پروردگار جهانیان .

.

ص: 458

. .

ص: 459

. .

ص: 460

..

ص: 461

..

ص: 462

..

. .

6 / 9الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإِمامِ موسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِالإمام الكاظم عليه السلام:مَن قالَ فى دُبُرِ صَلاهِ الصُّبحِ وصَلاهِ المَغرِبِ قَبلَ أن يَثنِيَ (1) رِجلَيهِ أو يُكَلِّمَ أحَدا : « «إِنَّ اللّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبىِّ وذُرِّيَّتِهِ» قَضَى اللّهُ لَهُ مِئَهَ حاجَهٍ ؛ سَبعونَ فِى الدُّنيا وثَلاثونَ فِى الآخِرهِ . (2)

.

1- .أراد قبل أن يَصرِف رجلَه عن حالته التى عليها فى التشهّد (النهايه : ج 1 ص 226 «ثنى») .
2- .ثواب الأعمال : ص 187 ح 1 عن ابن المغيره ، جامع الأخبار : ص 159 ح 381 عن أبى المغيره ، فلاح السائل : ص 408 ح 278 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 95 ح 3 وص 97 ح 5 .

6 / 9 صلوات های رسیده از امام کاظم علیه السلام

6 / 9صلوات های رسیده از امام کاظمامام کاظم علیه السلام :هر کس در پیِ نماز صبح و نماز مغرب ، پیش از آن که پاهایش را از حالت تشهّد خارج سازد یا با کسی حرفی بزند ، بگوید : « «خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ! شما نیز بر او درود فرستید و سلامی کامل دهید» . بار خدایا ! بر محمّد پیامبر و نسل او درود فرست» ، خداوند صد حاجت او را بر می آورد ؛ هفتاد در دنیا و سی در آخرت .

.

عنه عليه السلام :مِن سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الصَّلاهِ عَلَی النَّبیِّ وآلِهِ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الأَوَّلینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی الآخِرینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی المَلَأِ الأَعلی ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِی المُرسَلینَ . اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ الوَسیلَهَ وَالشَّرَفَ وَالفَضیلَهَ وَالدَّرَجَهَ الکَبیرَهَ ، اللّهُمَّ إنّی آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ولَم أرَهُ ، فَلا تَحرِمنی یَومَ القِیامَهِ رُؤیَتَهُ ، وَارزُقنی صُحبَتَهُ ، وتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ ، وَاسقِنی مِن حَوضِهِ مَشرَبا رَوِیّا سائِغا هَنیئا لا أظمَأُ بَعدَهُ أبَدا ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . اللّهُمَّ کَما آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ولَم أرَهُ فَعَرِّفنی فِی الجِنانِ وَجهَهُ ، اللّهُمَّ بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّهً کَثیرَهً وسَلاما» . فَإنَّ مَن صَلّی عَلَی النَّبیِّ صلی الله علیه و آله بِهذِهِ الصَّلَواتِ هُدِمَت ذُنوبُهُ ، ومُحِیَت خَطایاهُ ، ودامَ سُرورُهُ ، وَاستُجیبَ دُعاؤُهُ ، واُعطِیَ أمَلَهُ ، وبُسِطَ لَهُ فی رِزقِهِ ، واُعینَ عَلی عَدُوِّهِ ، وهُیِّئَ لَهُ سَبَبُ أنواعِ الخَیرِ ، ویُجعَلُ مِن رُفَقاءِ نَبِیِّهِ فِی الجِنانِ الأَعلی . یَقولُهُنَّ ثَلاثَ مَرّاتٍ غُدوَهً ، وثَلاثَ مَرّاتٍ عَشِیَّهً . (1)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 187 ح 1 عن ابن المغیره ، جامع الأخبار : ص 159 ح 381 عن أبی المغیره ، المصباح للکفعمی : ص 559 عن الإمام الصادق علیه السلام وفی صدره «من أراد أن یسرّ محمّدا وآله فی الصلاه علیهم فلیقل : اللّهمّ یا أجود من أعطی ، ویا خیر من سئل ، ویا أرحم من استرحم ، اللّهمّ صلّ ...» ولیس فیه من «فإنّ من صلّی علی النبیّ صلی الله علیه و آله ...» ، بحار الأنوار : ج 86 ص 96 ح 3 وج 94 ص 85 ح 5 .

امام کاظم علیه السلام :از اسرار خاندان محمّد در درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او [، در این جملات نهفته است] : «بار خدایا! در میان پیشینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست . در میان پسینیان ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست! در میان جمع برین (عالم بالا و نزد فرشتگان) ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، و در میان فرستادگان [الهی] ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست . بار خدایا! به محمّد و خاندان محمّد ، مقام والای قرب و بلندْ پایگی و برتری و درجه بزرگ عطا فرما . بار خدایا! من در حالی به محمّد صلی الله علیه و آله ایمان آورده ام که او را ندیده ام ، پس در روز رستاخیز ، مرا از دیدن او محروم مگردان و همراهی با او را روزی ام کن . مرا بر آیین او بمیران ، و از حوض او به من بنوشان ؛ نوشی شاداب و لذیذ و گوارا که پس از آن ، هرگز تشنه نشوم . به راستی که تو بر هر چیز توانایی . بار خدایا! من در حالی به محمّد صلی الله علیه و آله ایمان آورده ام که او را ندیده ام ، پس در باغ های بهشت ، رخسار او را به من بنمایان . بارخدایا! از جانب من ، تحیّت و درود بسیار ، به روان محمّد برسان» . هر کس با این صلوات ها ، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد ، گناهانش در هم فرو می ریزد ، خطاهایش پاک می شود ، شادمانی اش ماندنی می شود ، دعایش مستجاب می گردد ، آرزویش برآورده می شود ، در روزی اش گشایش داده می شود ، در برابر دشمنش کمک می شود ، اسباب هر گونه خیر و خوبی ، برایش فراهم می گردد و در بهشت های برین ، از همدمان پیامبرش قرار داده می شود . این صلوات ها را سه بار در صبح و سه بار در هنگام شب می گوید .

.

عنه عليه السلام :يا مَن لا تَخفى عَلَيهِ اللُّغاتُ ، ولا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الأَصواتُ . . . أسأَ لُکَ بِغِناکَ عَن خَلقِکَ ، وبِحاجَتِهِم إلَیکَ ، وبِفَقرِهِم وفاقَتِهِم إلَیکَ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ خِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وأهلِ بَیتِهِ الطَّیِّبینَ الأَئِمَّهِ الرّاشِدینَ . . . أسأَ لُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ونَبِیِّکَ ، وخاصَّتِکَ وخالِصَتِکَ وصَفِیِّکَ وخِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وأمینِکَ عَلی وَحیِکَ ومَوضِعِ سِرِّکَ ، ورَسولِکَ الَّذی أرسَلتَهُ إلی عِبادِکَ وجَعَلتَهُ رَحمَهً لِلعالَمینَ ونورا استَضاءَ بِهِ المُؤمِنونَ؛ فَبَشَّرَ بِالجَزیلِ مِن ثَوابِکَ ، وأنذَرَ بِالأَلیمِ مِن عِقابِکَ . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَیهِ بِکُلِّ فَضیلَهٍ مِن فَضائِلِهِ ، وبِکُلِّ مَنقَبَهٍ مِن مَناقِبِهِ ، وبِکُلِّ حالٍ مِن حالاتِهِ ، وبِکُلِّ مَوقِفٍ مِن مَواقِفِهِ صَلاهً تُکَرِّمُ بِها وَجهَهُ ، وأعطِهِ الدَّرَجَهَ وَالوَسیلَهَ وَالرِّفعَهَ وَالفَضیلَهَ . اللّهُمَّ شَرِّف فِی القِیامَهِ مَقامَهُ ، وعَظِّم بُنیانَهُ ، وأعلِ دَرَجَتَهُ ، وتَقَبَّل شَفاعَتَهُ فی اُمَّتِهِ ، وأعطِهِ سُؤلَهُ ، وَارفَعهُ فِی الفَضیلَهِ إلی غایَتِها . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی أهلِ بَیتِهِ أئِمَّهِ الهُدی ومَصابیحِ الدُّجی ، واُمَنائِکَ فی خَلقِکَ وأصفِیائِکَ مِن عِبادِکَ ، وحُجَجِکَ فی أرضِکَ ومَنارِکَ فی بِلادِکَ ، الصّابِرینَ عَلی بَلائِکَ ، الطّالِبینَ رِضاکَ الموفینَ بِوَعدِکَ ، غَیرَ شاکّینَ فیکَ ولا جاحِدینَ عِبادَتَکَ ، وأولِیائِکَ وسَلائِلِ أولِیائِکَ ، وخُزّانِ عِلمِکَ الَّذینَ جَعَلتَهُم مَفاتیحَ الهُدی ونورَ مَصابیحِ الدُّجی؛ صَلَواتُکَ عَلَیهِم ورَحمَتُکَ ورِضوانُکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَلی مَنارِکَ فی عِبادِکَ الدّاعی إلَیکَ بِإذنِکَ، القائِمِ بِأمرِکَ المُؤَدّی عَنِ رَسولِکَ عَلَیهِ وآلِهِ السَّلامُ . اللّهُمَّ إذا أظهَرتَهُ فَأَنجِز لَهُ ما وَعَدتَهُ ، وسُق إلَیهِ أصحابَهُ ، وَانصُرهُ وقَوِّ ناصِریهِ ، وبَلِّغهُ أفضَلَ أمَلِهِ ، وأعطِهِ سُؤلَهُ، وجَدِّد بِهِ عَن مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ بَعدَ الذُّلِّ الَّذی قَد نَزَلَ بِهِم بَعدَ نَبِیِّکَ؛ فَصاروا مَقتولینَ مَطرودینَ مُشَرَّدینَ خائِفینَ غَیرَ آمِنینَ ، لَقوا فی جَنبِکَ ابتِغاءَ مَرضاتِکَ وطاعَتِکَ الأذی وَالتَّکذیبَ ، فَصَبَروا عَلی ما أصابَهُم فیکَ ، راضینَ بِذلِکَ مُسَلِّمینَ لَکَ فی جَمیعِ ما وَرَدَ عَلَیهِم وما یَرِدُ عَلَیهِم . اللّهُمَّ عَجِّل فَرَجَ قائِمِهِم بِأمرِکَ ، وَانصُرهُ وَانصُر بِهِ دینَکَ الَّذی غُیِّرَ وبُدِّلَ ، وجَدِّد بِهِ مَا امتُحی مِنهُ وبُدِّلَ بَعدَ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی جَمیعِ الأَنبِیاءِ وَالمُرسَلینَ؛ الَّذین بَلَّغوا عَنکَ الهُدی وَاعتَقَدوا لَکَ المَواثیقَ بِالطّاعَهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَیهِم وعَلی أرواحِهِم وأجسادِهِم ، وَالسَّلامُ عَلَیهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ ، وأولِی العَزمِ مِن أنبِیائِکَ المُرسَلینَ ، وعِبادِکَ الصّالِحینَ أجمَعینَ . (1)

.

1- .جمال الأُسبوع : ص 183 عن الحسن بن القاسم العبّاسی ، مصباح المتهجّد : ص 306 310 ح 417 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 91 ص 195 ح 3 .

امام کاظم علیه السلام :ای کسی که زبان ها بر او پوشیده نیست و در تشخیص صداها ، دچار اشتباه نمی شود! ... به [حقّ] بی نیازی ات از آفریدگانت و نیازمندی آنان به تو ، و به فقیری و تنگ دستی آنان نزد تو ، از تو می خواهم که بر محمّد ، این برگزیده تو از میان آفریدگانت ، و بر خاندان پاک او ، این پیشوایان ره یافته ، درود فرستی ... از تو می خواهم که بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و پیغامبرت و بنده خاصّ و خالصت و دوست صمیمی ات و برگزیده تو از میان خلقت ، و امین تو بر وحی ات و محرم رازت ، و فرستاده تو که او را به سوی بندگانت فرستادی و او را رحمتی برای جهانیان قرار دادی و نوری برای مؤمنان که از روشنایی اش استفاده می کنند ، و او [مردمان را]به پاداش فراوان تو بشارت داد و از کیفر دردناکت بیم داد . بار خدایا! پس به ازای هر فضیلتی از فضایلش و برای هر منقبتی از مناقبش و هر حالی از حالاتش و هر موضعی از مواضعش ، بر او درود فرست ؛ چنان درودی که با آن ، او را سرفراز کنی و به او درجه و مقام والای قرب و بلندی و برتری عطا فرمایی . بار خدایا! در رستاخیز ، مقامش را بلند گردان ، بنایش را شکوهمند بدار ، درجه اش را بالا ببر ، شفاعتش را در حقّ امّتش بپذیر ، خواسته اش را بر آور ، و او را تا نهایت برتری ، بالا ببر. بار خدایا! درود فرست بر اهل بیت او ، این پیشوایانِ راهِ راست و چراغ های تاریکی ها و اُمنای تو در میان خلقت و برگزیدگان تو از میان بندگانت و حجّت های تو در زمینت و نشانه های تو در شهرهایت ، آنان که شکیبا بر بلای تو و جوینده خشنودیِ تو و وفاکننده به وعده تو هستند ، در تو تردید ندارند و منکر بندگیِ [خود در برابر] تو نیستند ، دوستان تو و فرزندان دوستان توینند ، و خزانه داران دانش تو هستند ؛ همانان که کلیدهای هدایت و روشناییِ چراغ های تاریکی ها قرارشان دادی . درودهای تو و رحمت و خشنودی تو ، بر ایشان باد . بار خدایا! درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد ، و بر آن که نشانه ات در میان بندگانت و با اجازه تو ، به سوی تو فرا می خوانَد و فرمان تو را برپا می دارد و از جانب پیامبرت که بر او و خاندانش درود باد انجام وظیفه می کند . بار خدایا! هر گاه آشکارش نمودی ، وعده ای را که به او داده ای ، تحقّق بخش و یارانش را به سوی او روان کن ، او را یاری ده و یارانش را نیرو بخش ، او را به بزرگ ترین آرزویش برسان و خواسته اش را به او عطا کن و به واسطه او ، محمّد و خاندانش را که پس از پیامبرت به خواری افتادند و کشته و رانده و آواره شدند و در ترس و نا امنی به سر می بردند و به خاطر خشنودی و طاعت تو ، آزارها دیدند و تکذیب شدند ، ولی آنان

بر آنچه در راه تو به آنان رسید ، شکیبایی ورزیدند و بدان راضی بودند و در تمام رنج و گزندهایی که به آنان رسید و می رسد ، تسلیم [حکم] تو بودند دوباره نیرو و عزّت بخش . بار خدایا! به ظهور قائم آنان که بر پا دارنده فرمان توست شتاب بخش و او را یاری ده و به واسطه او ، دینت را که در آن تغییر و تحوّل داده اند ، یاری کن و به واسطه او ، هر بخشی از دینت را که پس از پیامبرت صلی الله علیه و آله محو یا جای گزین شده است ، از نو احیا کن . بار خدایا! بر همه پیامبران و فرستادگان که از جانب تو هدایت کردند و با تو پیمان طاعت بستند ، درود فرست . بار خدایا! بر ایشان و بر جان و جسم ایشان درود فرست ؛ درود بر آنان باد و رحمت و برکات خدا . بار خدایا! بر محمّد و بر فرشتگان مقرّبت و بر آن پیامبران فرستاده ات که اولوالعزم بوده اند و بربندگان شایسته ات ، همگی ، درود فرست .

.

6 / 10الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلىِّ بنِ موسَى الرِّضاالإمام الرضا عليه السلام :أشهَدُ أن لا إلهَ إلاَ اللّهُ وحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، شَهادَةً اُخَلِّصُها لَهُ وأدَّخِرُها عِندَهُ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النُّبُوَّهِ وخَيرِ البَرِيَّهِ ، وعَلى آلِهِ آلِ الرَّحمَهِ وشَجَرَهِ النِّعمَهِ ومَعدِنِ الرِّسالَهِ ومُختَلَفِ المَلائِکَهِ . (1)

.

1- .الکافى : ج 5 ص 373 ح 7 عن معاويه بن حکيم ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 449 ح 1541 وفيه «أئمّه الرحمه ومعادن الحکمه» بدل «آل الرحمه ...» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 264 ح 4 .

6 / 10 صلوات های رسیده از امام رضا علیه السلام

6 / 10صلوات های رسیده از امام رضاامام رضا علیه السلام :گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز ؛ گواهی ای که آن را از سرِ اخلاص می گویم و نزد تو اندوخته اش می کنم . و درودهای خدا بر محمّدَ ، خاتم پیامبران و بهترینِ مردمان و بر خاندان او که خاندان رحمت و درخت نعمت و مهد رسالتَ و محلّ آمد و شد فرشتگان اند .

.

قرب الإسناد عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر عن الإمام الرضا عليه السلام ، قالَ :قُلتُ لَهُ : كَيفَ الصَّلاةُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى دُبُرِ المَكتوبَهِ ، وكَيفَ السَّلامُ عَلَيهِ ؟ فَقالَ عليه السلام : تَقولُ : السَّلامُ عَلَيكَ يا رَسولَ اللّهِ ورَحمهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيكَ يا خِيَرَهَ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيكَ يا حَبيبَ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيكَ يا صَفوَهَ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيكَ يا أمينَ اللّهِ ، أشهَدُ أنَّكَ رَسولُ اللّهِ ، وأشهَدُ أنَّكَ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللّهِ ، وأشهَدُ أنَّكَ قَد نَصَحتَ لِاُمَّتِكَ ، وجاهَدتَ فى سَبيلِ رَبِّكَ ، وعَبَدتَهُ حَتّى أتاكَ اليَقينُ ، فَجَزاكَ اللّهُ يا رَسولَ اللّهِ أفضَلَ ما جَزى نَبِيّا عَن اُمَّتِهِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ . (1)

6 / 11الصَّلاةُ المَأثورَهُ عَنِ الإمامِ مُحَمَّدِ بنِ عَلىٍّ الجَوادِالإمام الجواد عليه السلام :الحَمدُ للّهِ مُتِمِّ النِّعَمِ بِرَحمَتِهِ ، وَالهادى إلى شُكرِهِ بِمَنِّهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ خَيرِ خَلقِهِ ؛ الَّذى جَمَعَ فيهِ مِنَ الفَضلِ ما فَرَّقَهُ فِى الرُّسُلِ قَبلَهُ ، وجَعَلَ تُراثَهُ إلى مَن خَصَّهُ بِخِلافَتِهِ وسَلَّمَ تَسليما . (2)

.

1- .قرب الإسناد : ص 382 ح 1344 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 24 ح 25 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 398 ح 4399 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 448 ح 1540 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 264 ح 3 .

6 / 11 صلوات رسیده از امام جواد علیه السلام

قرب الاسناد به نقل از احمد بن محمّد بن ابی نصر : به امام رضا علیه السلام گفتم : درود فرستادن و سلام دادن بر پیامبر خدا پس از نماز واجب ، چگونه است؟ فرمود : می گویی : «درود بر تو ، ای فرستاده خدا! و رحمت و برکات خدا بر تو باد . درود بر تو ، ای محمّد بن عبداللّه . درود بر تو ، ای برگزیده خدا . درود بر تو ، ای محبوب خدا . درود بر تو ، ای دُردانه خدا . درود بر تو ، ای امین خدا! گواهی می دهم که تو فرستاده خدا هستی . گواهی می دهم که تو محمّد بن عبداللّه ای . گواهی می دهم که تو برای امّتت خیرخواهی کردی و درراه پروردگارت جهاد نمودی و سخت کوشیدی و تا زنده بودی ، او را پرستش و بندگی کردی . پس خداوند به تو ای فرستاده خدا! برترین پاداشی را دهد که به پیامبری از جانب امّتش داده است . بار خدایا! برترین درودی را که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی ، بر محمّد و خاندان محمّد بفرست ، که تو ستوده و بزرگواری» .

6 / 11صلوات رسیده از امام جوادامام جواد علیه السلام :سپاس و ستایش ، خدای را که به رحمت خویش ، نعمت ها را [بر بنده اش] تمام می کند و به لطف خویش ، به سپاس گزاری اش ره نمون می شود ، و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمّد که هر فضیلتی را که در پیامبرانِ پیش از او پراکنده بود ، در وجود او یک جا فراهم آورد و میراث او را به کسی داد که جانشینی اش را به او بخشید ، و درود فراوان بر او باد .

.

6 / 12الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ عَلىِّ بنِ مُحَمَّدٍ الهاديالإمام الهادى عليه السلام :اللّهُمَّ وإنَّ أوَّلَ ما أسأَلُکَ مِن حاجَتى ، وأطلُبُ إلَيکَ مِن رَغبَتى ، وأتَوَسَّلُ إلَيکَ بِهِ بَينَ يَدَى مَسأَلَتى ، وأتَقَرَّبُ بِهِ إلَيکَ بَينَ يَدَى طَلِبَتى ، الصَّلاةُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأسأَلُکَ أن تُصَلّىَ عَلَيهِ وعَلَيهِم کَأفضَلِ ما أمَرتَ أن يُصَلّى عَلَيهِم ، وکَأفضَلِ ما سَأَلَکَ أحَدٌ مِن خَلقِکَ ، وکَما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ ولَهُم إلى يَومِ القِيامَهِ . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِم بِعَدَدِ مَن صَلّى ، وبِعَدَدِ مَن لَم يُصَلِّ عَلَيهِم ، وبِعَدَدِ مَن لا يُصَلّى عَلَيهِم ، صَلاةً دائِمَةً تَصِلُها بِالوَسيلَهِ وَالرِّفعَهِ وَالفَضيلَهِ ، وصَلِّ عَلى جَميعِ أنبِيائِکَ ورُسُلِکَ وعِبادِکَ الصّالِحينَ ، وصَلِّ اللّهُمَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وسَلِّم عَلَيهِم تَسليما . اللّهُمَّ ومِن جودِکَ وکَرَمِکَ أنَّکَ لا تُخَيِّبُ مَن طَلَبَ إلَيکَ وسأَلَکَ ورَغِبَ فيما عِندَکَ ، وتُبغِضُ مَن لَم يَسأَلکَ ، ولَيسَ أحَدٌ کَذلِکَ غَيرُکَ ، وطَمَعى يا رَبِّ فى رَحمَتِکَ ومَغفِرَتِکَ وثِقَتى بِإحسانِکَ وفَضلِکَ حَدانى عَلى دُعائِکَ وَالرَّغبَهِ إلَيکَ وإنزالِ حاجَتى بِکَ ، وقَد قَدَّمتُ أمامَ مَسأَلَتى التَّوَجُّهَ بِنَبِيِّکَ الَّذى جاءَ بِالحَقِّ وَالصِّدقِ مِن عِندِکَ ، ونورِکَ وصِراطِکَ المُستَقيمِ ؛ الَّذى هَدَيتَ بِهِ العِبادَ ، وأحيَيتَ بِنورِهِ البِلادَ، وخَصَصتَهُ بِالکَرامَهِ وأکرَمتَهُ بِالشَّهادَهِ ، وبَعَثتَهُ عَلى حينِ فَترَهٍ مِنَ الرُّسُلِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ . اللّهُمَّ وإنّى مُؤمِنٌ بِسِرِّهِ وعَلانِيَتِهِ ، وسِرِّ أهلِ بَيتِهِ الَّذين أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيرا وعَلانِيَتِهِم ، اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ولا تَقطَع بَينى وبَينَهُم فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَاجعَل عَمَلى بِهِم مُتَقَبَّلاً . (1)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 344 ح 453 ، جمال الأُسبوع : ص 211 کلاهما عن يعقوب بن يزيد الکاتب الأنبارى ، بحار الأنوار : ج 90 ص 50 ح 12 .

6 / 12 صلوات های رسیده از امام هادی علیه السلام

6 / 12صلوات های رسیده از امام هادیامام هادی علیه السلام :بار خدایا! نخستین حاجتی که از تو می خواهم و نخستین امیدی که به تو دارم و پیش از بیان خواسته ام ، به آن توسّل می جویم و آن را وسیله تقرّبم به درگاهت قرار می دهم ، درود بر محمّد و خاندان اوست . از تو می خواهم بر او و بر ایشان درود فرستی ، برترین درودی که دستور داده ای بر آنان فرستاده شود و برترین درودی که [تاکنون] آفریده ای از آفریدگانت از تو خواسته است و تا روز قیامت از تو برای او و برای آنان خواسته خواهد شد. بار خدایا! بر آنان درود فرست ، به شمار کسانی که درود فرستاده اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نفرستاده اند و به شمار کسانی که بر ایشان درود نمی فرستند ؛ درودی همیشگی که آن را به مقام قرب به خداوند و بلندی و برتری ، وصل کنی . همچنین بر همه پیامبران و فرستادگان و بندگان شایسته ات درود فرست و خدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست و سلام شان گوی . بار خدایا! از بخشندگی و بزرگواری توست که هر که را از تو درخواست کرد و آنچه را نزد توست [از ثواب و پاداش و کرامت] آرزو کرد ، ناکام نمی گردانی ، و آن را که از تو درخواست نکند ، دشمن می داری ، و جز تو ، کسی چنین نیست . ای پروردگار من! طمع من به رحمت و آمرزش تو و اعتمادم به نیکی و لطف تو ، مرا وا داشت که تو را بخوانم و از تو درخواست کنم و نیازم را به نزد تو آورم . پیش از بیان درخواستم ، به پیامبرت توجه نمودم ؛ همو که از جانب تو ، حق و راستی و نیز روشنایی و راه راستِ تو را آورد ؛ همو که به واسطه اش بندگان را هدایت کردی ، و با فروغ او ، سرزمین ها را زندگی بخشیدی ، و به او کرامت عطا کردی و به شهادت ، (1) مفتخرش ساختی ، و پس از مدّت ها که پیامبری نیامده بود ، او را فرستادی . درود خدا بر او و بر خاندانش باد! بار خدایا ! من به نهان و آشکار او ، و به نهان خاندانش همانان که پلیدی را از ایشان بردی و یکباره پاکشان گردانیدی و به آشکار آنان ، ایمان دارم . بار خدایا! پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و در دنیا و آخرت ، میان من و آنان جدایی مینداز و به برکت وجود ایشان ، عمل مرا پذیرفتنی دار .

.

1- .شاید به معنای «شهود و اطّلاع از عالم غیب» باشد ، یا «گواهی دادن خداوند بر حقّانیت و نبوّت ایشان» .

عنه عليه السلام فِى الزِّيارَهِ الجامِعَهِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، کَما شَهِدَ اللّهُ لِنَفسِهِ وشَهِدَت لَهُ مَلائِکَتُهُ وأُولُو العِلمِ مِن خَلقِهِ ، لا إلهَ إلّا هُوَ العَزيزُ الحَکيمُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ المُنتَجَبُ ورَسولُهُ المُرتَضى ، أرسَلَهُ بِالهُدى ودينِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ کُلِّهِ ولَو کَرِهَ المُشرِکونَ . اللّهُمَّ اجعَل أفضَلَ صَلَواتِکَ وأکمَلَها ، وأنمى بَرَکاتِکَ وأعَمَّها ، وأزکى تَحِيّاتِکَ وأتَمَّها عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ونَبِيِّکَ ونَجِيِّکَ ووَلِيِّکَ ورَضِيِّکَ وصَفِيِّکَ وخِيَرَتِکَ وخاصَّتِکَ وخالِصَتِکَ ، وأمينِکَ الشّاهِدِ لَکَ وَالدّالِّ عَلَيکَ ، وَالصّادِعِ بِأمرِکَ وَالنّاصِحِ لَکَ ، وَالمُجاهِدِ فى سَبيلِکَ وَالذّابِّ عَن دينِکَ ، وَالموضِحِ لِبَراهينِکَ وَالمَهدِيِّ إلى طاعَتِکَ ، وَالمُرشِدِ إلى مَرضاتِکَ وَالواعى لِوَحيِکَ ، وَالحافِظِ لِعَهدِکَ وَالماضى عَلى إنفاذِ أمرِکَ ، المُؤَيَّدِ بِالنّورِ المُضىءِ ، وَالمُسَدَّدِ بِالأَمرِ المَرضِيِّ ، المَعصومِ مِن کُلِّ خَطَأٍ وزَلَلٍ ، المُنَزَّهِ مِن کُلِّ دَنَسٍ وخَطَلٍ (1) ، وَالمَبعوثِ بِخَيرِ الأَديانِ وَالمِلَلِ ، مُقَوِّمِ المَيلِ والعِوَجِ ، ومُقيمِ البَيِّناتِ وَالحُجَجِ ، المَخصوصِ بِظُهورِ الفَلَجِ (2) وإيضاحِ المَنهَجِ ، المُظهِرِ مِن تَوحيدِکَ مَا استَتَرَ ، وَالمُحيى مِن عِبادَتِکَ ما دَثَرَ (3) ، وَالخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالفاتِحِ لِمَا انغَلَقَ ، المُجتَبى مِن خَلائِقِکَ وَالمُعتامِ (4) لِکَشفِ حَقائِقِکَ ، وَالموضَحِهِ بِهِ أشراطُ الهُدى ، وَالمَجلُوِّ بِهِ غِربيبُ (5) العَمى ، دافِعِ جَيَشانِ الأباطيلِ ، ودامِغِ (6) صَولاتِ الأَضاليلِ ، المُختارِ مِن طينَهِ الکَرَمِ وسُلالَهِ المَجدِ الأَقدَمِ ، ومَغرِسِ الفَخارِ المُعرِقِ (7) ، وفَرعِ العُلَا المُثمِرِ المورِقِ ، المُنتَجَبِ مِن شَجَرَهِ الأَصفِياءِ ومِشکاهِ الضِّياءِ وذُؤابَهِ (8) العَلياءِ وسُرَّهِ البَطحاءِ (9) ، بَعيثِکَ بِالحَقِّ وبُرهانِکَ عَلى جَميعِ الخَلقِ ، خاتِمِ أنبِيائِکَ وحُجَّتِکَ البالِغَهِ فى أرضِکَ وسَمائِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيهِ صَلاةً يَنغَمِرُ فى جَنبِ انتِفاعِهِ بِها قَدرُ الانتِفاعِ ، ويَجوزُ (10) مِن بَرَکَهِ التَّعَلُّقِ بِسَبَبِها ما يَفوقُ قَدرَ المُتَعَلِّقينَ بِسَبَبِهِ ، وزِدهُ بَعدَ ذلِکَ مِنَ الإکرامِ وَالإجلالِ ما يَتَقاصَرُ عَنهُ فَسيحُ الآمالِ ، حَتّى يَعلُوَ مِن کَرَمِکَ أعلى مَحالِّ المَراتِبِ ، ويَرقى مِن نِعَمِکَ أسنى مَنازِلِ المَواهِبِ ، وخُذ لَهُ اللّهُمَّ بِحَقِّهِ وواجِبِهِ مِن ظالِميهِ وظالِمِى الصَّفوَهِ مِن أقارِبِهِ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى وَلِيِّکَ ودَيّانِ دينِکَ ، وَالقائِمِ بِالقِسطِ مِن بَعدِ نَبِيِّکَ ، عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ أميرِ المُؤمِنينَ وإمامِ المُتَّقينَ ، وسَيِّدِ الوَصِيّينَ ويَعسوبِ (11) الدّينِ ، وقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلينَ ، قِبلَهِ العارِفينَ وعَلَمِ المُهتَدينَ ، وعُروَتِکَ الوُثقى وحَبلِکَ المَتينِ ، وخَليفَهِ رَسولِکَ عَلَى النّاسِ أجمَعينَ ، ووَصِيِّهِ فِى الدُّنيا وَالدّينِ ، الصِّدّيقِ الأَکبَرِ فِى الأَنامِ ، وَالفاروقِ الأَزهَرِ بَينَ الحَلالِ وَالحَرامِ ، ناصِرِ الإسلامِ ومُکَسِّرِ الأَصنامِ ، مُعِزِّ الدّينِ وحامِيهِ ، وواقِى الرَّسولِ وکافيهِ ، المَخصوصِ بِمُؤاخاتِهِ يَومَ الإخاءِ ، ومَن هُوَ مِنهُ بِمَنزِلَهِ هارونَ مِن موسى ،

خامِسِ أصحابِ الكِساءِ ، وبَعلِ سَيِّدَهِ النِّساءِ ، المُؤثِرِ بِالقوتِ بَعدَ ضُرِّ الطّوى (12) ، وَالمَشكورِ سَعيُهُ فى «هَل أتى» ، مِصباحِ الهُدى ومَأوَى التُّقى ، ومَحَلِّ الحِجى (13) وطَودِ (14) النُّهى (15) ، الدّاعى إلَى المَحَجَّهِ العُظمى ، وَالظّاعِنِ (16) إلَى الغايَهِ القُصوى ، وَالسّامى إلَى المَجدِ وَالعُلى ، وَالعالِمِ بِالتَّأويلِ وَالذِّكرى ، الَّذى أخدَمتَهُ خَواصَّ مَلائِكَتِکَ بِالطّاسِ وَالمِنديلِ حَتّى تَوَضَّأ ، ورَدَدتَ عَلَيهِ الشَّمسَ بَعدَ دُنُوِّ غُروبِها حَتّى أدّى فى أوَّلِ الوَقتِ لَکَ فَرضا ، وأطعَمتَهُ مِن طَعامِ أهلِ الجَنَّهِ حينَ مَنَحَ المِقدادَ قَرضا ، وباهَيتَ بِهِ خَواصَّ مَلائِکَتِکَ إذ شَرى نَفسَهُ اَبتِغاءَ مَرضاتِکَ لِتَرضى ، وجَعَلتَ وَلايَتَهُ إحدى فَرائِضِکَ فَالشَّقِىُّ مَن أقَرَّ بِبَعضٍ وأنكَرَ بَعضا . عُنصُرِ الأبرارِ ومَعدِنِ الفَخارِ وقَسيمِ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، صاحِبِ الأعرافِ وأبِى الأئِمَّهِ الأشرافِ ، المَظلومِ المُغتَصَبِ وَالصّابِرِ المُحتَسِبِ ، وَالمَوتورِ (17) فى نَفسِهِ وعِترَتِهِ ، المَقصودِ فى رَهطِهِ (18) وأعِزَّتِهِ ، صَلاةً لَا انقِطاعَ لِمَزيدِها ولَا اتِّضاعَ لِمَشيدِها . اللّهُمَّ ألبِسهُ حُلَلَ الإنعامِ ، وتَوِّجهُ تاجَ الإكرامِ ، وَارفَعهُ إلى أعلى مَرتَبَهٍ ومَقامٍ ، حَتّى يَلحَقَ نَبِيَّکَ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ السَّلامُ ، وَاحكُم لَهُ اللّهُمَّ عَلى ظالِميهِ ، إنَّکَ العَدلُ فيما تَقضيهِ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلَى الطّاهِرَهِ البَتولِ ، الزَّهراءِ ابنَهِ الرَّسولِ ، اُمِّ الأئِمَّهِ الهادينَ ، وسَيِّدَهِ نِساءِ العالَمينَ ، وارِثَهِ خَيرِ الأنبِياءِ ، وقَرينَهِ خَيرِ الأوصِياءِ ، القادِمَهِ عَلَيکَ مُتَأَلِّمَهً مِن مُصابِها بِأبيها ، مُتَظَلِّمَهً مِمّا حَلَّ بِها مِن غاصِبيها ، ساخِطَهً عَلى اُمَّهٍ لَم تَرعَ حَقَّکَ فى نُصرَتِها ، بِدَليلِ دَفنِها لَيلاً فى حُفرَتِها ، المُغتَصَبَهِ حَقُّها ، المُغَصَّصَهِ بِريقِها ، صَلاةً لا غايَهَ لِأمَدِها ، ولا نِهايَهَ لِمَدَدِها ، ولَا انقِضاءَ لِعَدَدِها . اللّهُمَّ فَتَكَفَّل لَها عَن مَكارِهِ (19) دارِ الفَناءِ فى دارِ البَقاءِ بِأنفَسِ الأعواضِ ، وأنِلها مِمَّن عانَدَها نِهايَهَ الآمالِ وغايَهَ الأغراضِ ، حَتّى لا يَبقى لَها وَلىٌّ ساخِطٌ لِسَخَطِها إلّا وهُوَ راضٍ ، إنَّکَ أعَزُّ مَن أجابَ المَظلومينَ وأعدَلُ قاضٍ ، اللّهُمَّ ألحِقها فِى الإكرامِ بِبَعلِها وأبيها وخُذ لَهَا الحَقَّ مِن ظالِميها . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلَى الأئِمَّهِ الرّاشِدينَ ، وَالقادَهِ الهادينَ ، وَالسّادَهِ المَعصومينَ ، الأتقِياءِ الأبرارِ ، مَأوَى السَّكينَهِ وَالوَقارِ ، وخُزّانِ العِلمِ ومُنتَهَى الحِلمِ وَالفَخارِ ، وساسَهِ العِبادِ ، وأركانِ البِلادِ ، وأدِلَّهِ الرَّشادِ ، الأبِبّاءِ (20) الأمجادِ ، العُلَماءِ بِشَرعِکَ الزُّهّادِ ، مَصابيحِ الظُّلَمِ ، ويَنابيعِ الحِكَمِ ، وأولِياءِ النِّعَمِ ، وعِصَمِ الاُمَمِ ، قُرَناءِ التَّنزيلِ وآياتِهِ ، واُمَناءِ التَّأويلِ ووُلاتِهِ ، وتَراجِمَهِ الوَحيِ ودَلالاتِهِ . أئِمَّهِ الهُدى ، ومَنارِ الدُّجى ، وأعلامِ التُّقى ، وكُهوفِ الوَرى ، وحَفَظَهِ الإسلامِ ، وحُجَجِکَ عَلى جَميعِ الأنامِ : الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ وسِبطَى نَبِيِّ الرَّحمَهِ ، وعَلِىِّ بنِ الحُسَينِ السَّجّادِ زَينِ العابِدينَ ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ باقِرِ عِلمِ الدّينِ ، وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الأمينِ ، وموسَى بنِ جَعفَرٍ الكاظِمِ الحَليمِ ، وعَلِىِّ بنِ موسَى الرِّضا الوَفِىِّ ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ البَرِّ التَّقِىِّ ، وعَلِىِّ بنِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ الزَّكِىِّ ، وَالحَسَنِ بنِ عَلِىٍّ الهادِى الرَّضِىِّ ، وَالحُجَّهِ بنِ الحَسَنِ صاحِبِ العَصرِ وَالزَّمَن ، وَصِىِّ الأوصِياءِ وبَقِيَّهِ الأنبِياءِ ، المُستَتِرِ عَن خَلقِکَ وَالمُؤَمَّلِ لِإظهارِ

حَقِّکَ ، المَهدِیِّ المُنتَظَرِوَالقائِمِ الّذی بِهِ تَنتَصِرُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَیهِمَ أجمَعینَ صَلاةً باقِیَةً فِی العالَمینَ ، تُبَلِّغُهُم (21) بِها أفضَلَ مَحَلِّ المُکَرَّمینَ ، اللّهُمَّ ألحِقهُم فِی الإِکرامِ بِجَدِّهِم وأبیهِم ، وخُذ لَهُمُ الحَقَّ مِن ظالِمیهِم إلی أن قالَ : اللّهُمَّ فَکما وَفَّقتَنی لِلإیمانِ بِنَبِیِّکَ وَالتَّصدیقِ لِدَعوَتِهِ ، ومَنَنتَ عَلَیَّ بِطاعَتِهِ وَاتِّباعِ مِلَّتِهِ ، وهَدَیتَنی إلی مَعرِفَتِهِ ومَعرِفَهِ الأَئِمَّهِ مِن ذُرِّیَّتِهِ ، وأکمَلتَ بِمَعرِفَتِهِمُ الإیمانَ ، وقَبِلتَ بِوَلایَتِهِم وطاعَتِهِمُ الأعمالَ ، وَاستَعبَدتَ بِالصَّلاهِ عَلَیهِم عِبادَکَ ، وجَعَلتَهُم مِفتاحا لِلدُّعاءِ وسَبَبا لِلإِجابَهِ ، فَصَلِّ عَلَیهِم أجمَعینَ ، وَاجعَلنی بِهِم عِندَکَ وَجیها فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ومِنَ المُقَرَّبینَ . (22)

.

1- .الخَطَل : المنطق الفاسد (النهایه : ج 2 ص 50 «خطل») .
2- .الفَلجُ : الظَفَرُ والفوز (الصحاح : ج 1 ص 335 «فلج») .
3- .دَثَرَ : قَدمَ ودَرَس وعفا (تاج العروس : ج 6 ص 392 «دثر») .
4- .المعتام : المختار (مجمع البحرین : ج 2 ص 1300 «عیم») .
5- .الغربیب : الشدید السواد (الصحاح : ج 1 ص 192 «غرب») . أی المکشوف به ظلَم الظلام (بحار الأنوار : ج 29 ص 598) .
6- .فی بحار الأنوار : «. . . . دافع جیشات الأباطیل ودافع صولات . . .» ، وهو الأنسب .
7- .أعرق الرجل : صار عریقا ، وهو الذی له عِرقٌ فی الکَرَم. وأعرَقَ الشجرُ : امتدّت عروقه فی الأرض (تاج العروس : ج 13 ص 328 «عرق») .
8- .الذؤابه : وهی الشعر المضفور من شعر ، وذؤابه الجبل : أعلاه . ثمّ استعیر للعزّ والشرف (النهایه : ج 2 ص 151 «ذأب»)
9- .قوله : «وسرّه البطحاء» أی أشرف من نشأ ببطحاء مکّه ؛ فإنّ السرّه فی وسط الإنسان ، وخیر الاُمور أوسطها (بحار الأنوار : ج 102 ص 186) .
10- .فی بحار الأنوار : «ویحوز» بدل «ویجوز» .
11- .الیعسوب : السیّد والرئیس والمقدّم . وأصله : فحل النحل (النهایه : ج 3 ص 234 «عسب») .
12- .طَوَی یطوی فهو طاوٍ : أی خالی البطن جائع لم یأکل (النهایه : ج 3 ص 146 «طوا») .
13- .الحِجَی : العَقْل (المصباح المنیر : ص 123 «حجا») .
14- .الطَّوْد : الجبل العظیم (الصحاح : ج 2 ص 502 «طود») .
15- .النُّهی : العقول والألباب ؛ سمّیت بذلک لأنّها تنهی صاحبَها عن القبیح (النهایه : ج 5 ص 139 «نها») .
16- .ظعن : ذهب وسار (لسان العرب : ج 13 ص 270 «ظعن») .

17- .المَوتُور : أى صاحب الوِتْر ، الطالب بالثأر (النهايه : ج 5 ص 148 «وتر») .
18- .المقصود فى رهطه : أى الذى يقصده الناس لكشف مشكلاتهم من بين رهطه ، أو يقصده رهطه . ولعلّه تصحيف المقهور (بحار الأنوار : ج 102 ص 186) .
19- .فى المصدر : «مكان» ، والتصويب من بحار الأنوار .
20- .اللّبيب : العاقل ، الجمع ألبّاء (القاموس المحيط : ج 1 ص 127 «لبب») .
21- .فى المصدر : «تبلغ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
22- .مصباح الزائر : ص 476 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 178 .

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه : به نام خدای مهرگستر مهربان . گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی انباز است ، همچنان که خدا خود در حقّ خویش گواهی داده است ، و فرشتگانش و آفریدگانِ دانشمندش در حقّ او گواهی داده اند . معبودی جز او که نیرومند و استوار است نیست . گواهی می دهم که محمّد ، بنده برگزیده و فرستاده پسندیده اوست . او را با راه راست و دینِ درست فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند ، هر چند مشرکان ، خوش نداشته باشند . بار خدایا ! برترین و کامل ترین درودهایت ، و گسترده ترین و فراگیرترینِ آنها ، و افزون ترین و تام ترین سلام هایت را بر آقای ما ، محمّد قرار ده ؛ همو که بنده و فرستاده و پیامبر و همراز و دوست و پسند تو و دُردانه و برگزیده و بنده خاص و ناب تو ، و امانتدار تو و گواه و راه نمای به توست ؛ همو که فرمان تو را به کار بست و برای تو خیرخواهی و راه نمایی کرد ، و در راه تو و دفاع از دین تو ، جهاد [و تلاش] نمود ؛ او که بیان کننده برهان های تو و هدایت شده به طاعت تو ، و ارشاد کننده به موجبات خشنودی تو ، و دریافت کننده وحی تو ، و نگهدار پیمان تو ، و پیگیر در اجرای فرمان تو ، تأییدشده به نور تابان ، و راه نمایی (/تقویت) شده با امر پسندیده بود ؛ کسی که مصون از هر خطا و لغزش ، و پاک از هر آلودگی و ژاژخایی ، و فرستاده شده با بهترین دین ها و آیین ها ، و راست کننده انحراف و کژی ، و اقامه کننده دلیل های و حجّت ها بود ؛ همو که مخصوص شده به ظهور پیروزی [حق] و روشن ساختن راه بود و آشکار کننده آنچه از توحیدِ تو پنهان شده بود ، و زنده کننده آنچه از عبادت تو کهنه شده بود ، و پایان دهنده گذشته ، و گشاینده بسته ها ، و برگزیده از میان آفریدگانت و انتخاب شده برای مکشوف ساختن حقایقت بود ؛ کسی که به واسطه او نشانه های راه هدایت ، پیدا شد و تاریکیِ کوری [و گم راهی ها] زدوده گشت ، و فرو نشاننده جوششهای باطل ها ، و سرکوب کننده یورش های گم راهی ها بود ؛ او که برگزیده از سرشتِ بزرگواری و تبار بزرگیِ دیرین ، و نهالستان افتخاراتِ ریشه دار ، و شاخه پر بار و برگِ رفعت ، و گلچین شده از درختِ برگزیدگان و چراغدان تابان و کاکُلِ سرافرازی و کانون بَطحا (/وادی مکّه) بود ؛ همان که فرستاده بر حقّ تو ، و برهان تو بر همه خلق ، پایان بخش پیامبرانت و حجّت رسای تو در زمین و آسمانت بود . بار خدایا ! بر او درودی فرست که هیچ کس به مانند او از چنان درودی بهره مند نشده باشد ، و برکت چنگ آویختن به رشته آن ، از اندازه چنگ زنندگان به آن ، فراتر رود ، و پس از آن بر گرامیداشت و بزرگداشت او ،

چندان بیفزای که در پهنه آرزوها هم نگنجد ، تا آن که به کَرَم تو ، به بالاترین رتبه ها دست یابد ، و به لطف تو تا بلندترین جایگاه های بخشش فراز آید . بار خدایا ! حقّ و وظیفه او را از کسانی که به او و به بهترین نزدیکانش ستم کردند ، بستان . بار خدایا ! بر دوستت و داور و فرمان روا در دینت ، و برپا دارنده برابری و داد بعد از پیامبرت ، بر علی بن ابی طالب ، امیر مؤمنان و پیشوای پرواپیشگان ، مِهتر اوصیا و پیشوای دین ، رهبر بی همانندان ، قبله عارفان و نشان رهجویان ، دستگیره استوار و رشته محکم تو ، جانشین پیامبر تو در میان همه مردمان ، وصیّ او در دنیا و دین ، بزرگ ترین تصدیق کننده[ی حق] در عالم و روشن ترین جداکننده میان حلال و حرام ، یاور اسلام و در هم شکننده بت ها ، تقویت کننده و حامی دین ، حافظ و جان فدای پیامبر درود فرست ؛ همان که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز برادرخواندگی ، او را به برادری خویش برگزید ، و همان که برای او چونان هارون برای موسی بود ؛ پنجمینِ یاران کسا و شوهر سرور بانوان ؛ کسی که با وجود گرسنگیِ شدید خویش ، خوراکش را ایثار کرد ، و کسی که در سوره «هل اتی» از کار او قدردانی شده است ؛ چراغ راه و مهد پروا ، و جایگاه خِرَد و کوه بلند خردمندی ؛ دعوت کننده به سوی بزرگ ترین مقصد (/راه) ، و حرکت کننده به جانب نهایی ترین هدف ، و بالا رونده به سوی بزرگی و بلندی ، و دانا به معنا و باطن [قرآن] ؛ کسی که فرشتگان مخصوصت را با کاسه و حوله به خدمتش فرستادی تا وضو گرفت ، و خورشید را که نزدیک غروبش بود ، برایش برگرداندی تا نمازش را اوّل وقت برایت بگزارد ، و آن گاه که به مقداد ، وام بخشید ، از خوراک بهشتیان به او خوراندی ، و آن گاه که جانش را در طبق اخلاص نهاد تا تو خشنود شوی ، به وجود او بر فرشتگان مخصوصت نازیدی ، و ولایت (/دوستی) او را یکی از واجباتت قرار دادی و بدبخت ، کسی که به پاره ای اقرار کند و پاره ای دیگر را انکار نماید ! ؛ ریشه خوبان و کان افتخارات و تقسیم کننده بهشت و دوزخ ، صاحب اَعراف (1) و پدر امامان بزرگوار ؛ آن ستم دیده ای که حقّش غصب شد و برای خدا شکیبایی ورزید ؛ آن خونخواه انتقام ناگرفته خویش و خاندانش ؛ آن که در میان خویشان و عزیزانش مقصود بود (2) ؛ درودی که افزایش آن ، پایان نپذیرد و بلندیِ آن فرود نمی گیرد . بار خدایا ! جامه های انعام خویش را بر او بپوشان ، و تاج گرامیداشت را بر سرش نِه ، و او را به بالاترین مرتبه و مقام برسان تا آن که به پیامبرت که بر او و بر خاندانش درود باد برسد ، و ای خداوند در برابر ستمگران بر او ، به سود وی حکم دِه ، که تو در حکمی که می دهی ، دادگری . بار خدایا ! بر آن بانوی پاکِ بریده از دنیا و نورانی ، دخت پیامبر ، مام پیشوایان هدایتگر و سَرور بانوان عالم ، وارث بهترینِ پیامبران ، و همسر بهترین اوصیا درود فرست ؛ همان که در حالی بر تو

وارد شد که از مصیبت پدرَش دردمند بود و دادخواه از آنچه غصب کنندگان حقّش بر سر او آورده بودند و ناخرسند از امّتی که وظیفه الهی خود را در یاری دادنش به جا نیاوردند و دلیلش هم این است که شبانه به خاک سپرده شد و حقّش غصب شد ، و از غصّه دق کرد درودی که زمان آن را پایانی و مدّتش را نهایتی و شمارش را به سر آمدنی نباشد . بار خدایا ! به جای ناملایماتی که درسرای نابودی کشید ، بهترین عوض ها را در سرای جاودانگی به او عطا فرما ، و او را در باره کسانی که با او کینه توزی کردند ، به نهایت آرزوها و غایت خواسته هایش برسان ، تا آن که هر دوستدار او که بر اثر خشم او ، در خشم بوده ، خشنود شود ، که به راستی ، تو قوی ترین کسی هستی که به دادِ ستم دیدگان رسیده ای ، و دادگرترینِ داورانی . بار خدایا ! او را نیز در گرامیداشت ، به پایه شوهرش و پدرش برسان و حقّ او را از ستمگران بر او ، بستان . بار خدایا ! بر امامان ره یافته و راهبران هدایتگر و مِهتران مصون از خطا ، پرواپیشگان نیکوکار ، مهد آرامش و وقار ، خزانه داران علم و نهایت بردباری (/ خردمندی) و افتخار ، مربّیان بندگان و ارکان سرزمین ها و راه نمایان راه ، خردمندان بزرگمنش ، عالمان به شریعت تو و زهدپیشگان ، چراغ های تاریکی ها و چشمه های فرزانگی ها و صاحبان نعمت ها و پناه امّت ها ، همگِنان قرآن و آیات آن ، و امینان و فرمان روایان تأویل [و معانی باطنیِ] آن ، و مترجمان وحی و دلالت های آن ، پیشوایان راه راست و چراغ خانه های تاریکی ها و نشانه های پروا و پناهگاه های مردمان ، و نگهبانان اسلام و حجّت های تو بر همه آدمیان : حسن و حسین ، سَروران جوانان بهشتی و نوادگان پیامبر رحمت ، و علی بن الحسین ، سجّاد زین العابدین ، و محمّد بن علی ، شکافنده علم دین ، و جعفر بن محمّد ، آن راستگوی درستکار ، و موسی بن جعفر ، آن فرو خورنده خشم و بردبار ، و علی بن موسی ، آن خشنود وفادار ، و محمّد بن علی ، آن نیکوکار پرهیزگار ، و علی بن محمّد ، آن برگزیده پاک ، و حسن بن علی ، آن هدایتگر پسندیده ، و حجّه بن الحسن ، امام روزگار و زمان ، جانشین جانشینان و یادگار پیامبران ، آن که از خلق تو نهان است و برای پیروز گردانیدن حقّ تو ، بدو امید بسته شده است ، آن مهدی منتظَر و آن قیام کننده ای که به واسطه او انتقام خواهی کشید ، درود فرست . بار خدایا ! بر ایشان ، سراسر ، درود فرست ؛ درودی که در میان جهانیان ، باقی بماند و با آن ، آنان را به برترین جایگاه گرامیان برسانی . بار خدایا ! ایشان را در گرامیداشت ، به مرتبه جدّشان و پدرشان برسان و حقّ آنان را از ستمگرانشان بستان ... . بار خدایا ! تو که به من توفیق ایمان آوردن به پیامبرت و تصدیق دعوتش را دادی ، و نعمت فرمانبری از او و پیروی از دینش را ارزانی ام داشتی ، و به شناخت او و شناخت امامان از نسل او ره نمونم شدی ، و شناخت آنان را شرط کمال

ایمان قرار دادَی ، و پذیرش اعمال را منوط به ولایت و اطاعت از آنان دانستی ، و بندگانت را به درود فرستادن بر ایشان فرمان دادی ، و آنان را سرآغاز دعا و سبب اجابت نهادی ، بر همه ایشان درود فرست و به واسطه آنان ، مرا در دنیا و آخرت نزد خودت باآبرو و از نزدیکان [درگاهت]قرار ده .

.

1- .اعراف ، مکانی است میان بهشت و جهنّم .
2- .یعنی کسی که مردم برای حلّ مشکلات خود ، از میان خویشاوندانش ، به او مراجعه می کنند ، یا خویشاوندانش به او رجوع می کنند . شاید کلمه «مقصود» ، تصحیف شده «مقهور» باشد .

ص: 478

. .

ص: 479

. .

ص: 480

. .

ص: 481

. .

ص: 482

. .

ص: 483

. .

6 / 13الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ الحَسَنِ بنِ عَلىٍّ العَسكَرِيِّالإمام العسكرى عليه السلام :صَلَّى اَللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِهِ ورَسولِهِ وخِيَرَتِهِ مِن خَلقِهِ ، وذَريعَهِ المُؤمِنينَ إلى رَحمَتِهِ وآلِهِ الطّاهِرينَ وُلاهِ أمرِهِ . (1)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 85 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 228 .

6 / 13 صلوات های رسیده از امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

6 / 13صلوات های رسیده از امام حسن عسکریامام عسکری علیه السلام :درود خدا بر محمّد ، بنده و فرستاده و برگزیده او از میان آفریدگانش ، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت او ، و [درود] بر خاندان پاک او که اولیای امرِ اویند !

.

مصباح المتهجّد عن أبی محمّد عبد اللّه بن محمّد العابد :سَأَلتُ مَولایَ أبا مُحَمَّدٍ الحَسَنَ بنَ عَلیٍّ علیه السلام فی مَنزِلِهِ بِ«سُرَّ مَن رَأی» سَنَةَ خَمسٍ وخَمسینَ ومِئَتَینِ أن یُملِیَ عَلَیَّ مِنَ الصَّلاهِ عَلَی النَّبیِّ وأوصِیائِهِ عَلَیهِ وعَلَیهِمُ السَّلامُ ، وأحضَرتُ مَعِیَ قِرطاسا کَثیرا ، فَأملی عَلَیَّ لَفظا مِن غَیرِ کِتابٍ :

أ الصَّلاهُ عَلَی النَّبیِّ صلی الله علیه و آلهاللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما حَمَلَ وَحیَکَ وبَلَّغَ رِسالاتِکَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أَحَلَّ حَلالَکَ وحَرَّمَ حَرامَکَ وعَلَّمَ کِتابَکَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أقامَ الصَّلاهَ وآتَی الزَّکاهَ ودَعا إلی دینِکَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما صَدَّقَ بِوَعدِکَ وأشفَقَ مِن وَعیدِکَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما غَفَرتَ بِهِ الذُّنوبَ وسَتَرتَ بِهِ العُیوبَ وفَرَّجتَ بِهِ الکُروبَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما دَفَعتَ بِهِ الشَّقاءَ وکَشَفتَ بِهِ الغَمّاءَ (1) وأَجَبتَ بِهِ الدُّعاءَ ونَجَّیتَ بِهِ مِنَ البَلاءِ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما رَحِمتَ بِهِ العِبادَ وأَحیَیتَ بِهِ البِلادَ وقَصَمتَ بِهِ الجَبابِرَهَ وأهلَکتَ بِهِ الفَراعِنَهَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أضعَفتَ بِهِ الأَموالَ وأحرَزتَ (2) بِهِ مِنَ الأَهوالِ وکَسَّرتَ بِهِ الأَصنامَ ورَحِمتَ بِهِ الأَنامَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما بَعَثتَهُ بِخَیرِ الأَدیانِ ، وأعزَزتَ بِهِ الإِیمانَ ، وتَبَّرتَ (3) بِهِ الأَوثانَ ، وعَظَّمتَ بِهِ البَیتَ الحَرامَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الطّاهِرینَ الأَخیارِ وسَلِّم تَسلیما .

.

1- .فی بحار الأنوار : «العماء» بدل «الغمّاء» .
2- .فی جمال الأُسبوع وبحار الأنوار : «وحذّرت» بدل «وأحرزت» .
3- .تَبّرَهُ : أی کَسَرَهُ وأهلکه (النهایه : ج 1 ص 179 «تبر») .

الف صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله

مصباح المتهجّد به نقل از ابو محمّد عبد اللّه بن محمّد عابد : در سال دویست و پنجاه و پنج ، از آقایم ابومحمّد حسن بن علی علیهماالسلام ، در منزل ایشان در سامرّا تقاضا کردم که درود فرستادن بر پیامبر و اوصیای ایشان را که درود بر او و بر ایشان باد به من املا بفرماید ، و مقدار زیادی کاغذ هم با خودم آورده بودم . ایشان بدون آن که از روی کتاب و نوشته ای بخواند ، به من ، چنین املا کرد :

الف صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله«بار خدایا! بر محمّد درود فرست ، که او حامل وحی تو بود و پیام های تو را [به خلق] رساند . بر محمّد درود فرست که او حلال تو را حلال و حرام تو را حرام گردانید و کتاب تو را تعلیم داد . بر محمّد درود فرست ، که نماز گزارد و زکات پرداخت و به دین تو فرا خواند . بر محمّد درود فرست ، که وعده تو را راست شمرد و از تهدید تو بیم داشت . بر محمّد درود فرست ، که به واسطه او ، گناهان [بندگانت] را آمرزیدی و عیب ها و بدی ها را پوشاندی و رنج و اندوه ها را زدودی . بر محمّد درود فرست که به برکت وجود او ، بدبختی را دفع کردی و غم را برطرف ساختی و دعاها[ی بندگان] را اجابت فرمودی و از بلاها رهانیدی . بر محمّد درود فرست ، که به واسطه او ، بر بندگان ، رحمت آوردی و آبادی ها را زنده گردانیدی و پادشاهان را در هم شکستی و فرعونان را نابود کردی . بر محمّد درود فرست ، که به واسطه او ، دارایی ها را افزون ساختی و [مردمان را]از هراس ها نگه داشتی و به واسطه او بت ها را شکستی و به مردم ، مِهر ورزیدی . بر محمّد درود فرست ، که او را با بهترین دین ها فرستادی و ایمان را تقویت کردی و بت ها را از میان بردی و بیت الحرام را بزرگ داشتی . بر محمّد و خانواده پاک و نیک او ، درود و سلام کامل فرست» .

.

ب الصَّلاهُ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ عَلىٍّ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ عَلىّ بنِ أبى طالِبٍ ، أخى نَبِيِّکَ ووَصِيِّهِ ووَلِيِّهِ وصَفِيِّهِ ووَزيرِهِ ، ومُستَودَعِ عِلمِهِ ومَوضِعِ سِرِّهِ وبابِ حِكمَتِهِ ، وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعى إلى شَريعَتِهِ ، وخَليفَتِهِ فى أُمَّتِهِ ومُفَرِّجِ الكَربِ عَن وَجهِهِ ، قاصِمِ الكَفَرَهِ ومُرغِمِ الفَجَرَهِ ، الَّذى جَعَلتَهُ مِن نَبِيِّکَ بِمَنزِلَهِ هارونَ مِن موسى . اللّهُمَّ والِ مَن والاهُ ، وعادِ مَن عاداهُ ، وَانصُر مَن نَصَرَهُ ، وَاخذُل مَن خَذَلَهُ ، وَالعَن مَن نَصَبَ لَهُ مِنَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أوصِياءِ أنبِيائِکَ يا رَبَّ العالَمينَ .

ج الصَّلاهُ عَلَى السَّيِّدَهِ فاطِمَهَ عليهاالسلاماللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدّيقَهِ فاطِمَهَ الزَّكِيَّهِ ، حَبيبَهِ حَبيبِکَ ونَبِيِّکَ ، وأُمِّ أحِبّائِکَ وأصفِيائِکَ ، الَّتِى انتَجَبتَها وفَضَّلتَها وَاختَرتَها عَلى نِساءِ العالَمينَ . اللّهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّن ظَلَمَها وَاستَخَفَّ بِحَقِّها ، وكُنِ الثّائِرَ اللّهُمَّ بِدَمِ أولادِها . اللّهُمَّ وكَما جَعَلتَها أُمَّ أئِمَّهِ الهُدى ، وحَليلَهَ صاحِبِ اللِّواءِ ، وَالكَريمَهَ عِندَ المَلَأِ الأعلى ، فَصَلِّ عَلَيها وعَلى أُمِّها خَديجَهَ الكُبرى ، صَلاهً تُكَرِّمُ بِها وَجهَ أبيها مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وتُقِرُّ بِها أعيُنَ ذُرِّيَّتِها ، وأبلِغهُم عَنّى فى هذِهِ السّاعَهِ أفضَلَ التَّحِيَّهِ وَالسَّلامِ .

د الصَّلاهُ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ عليهماالسلاماللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ عَبدَيکَ ووَلِيَّيکَ وَابنَى رَسولِکَ وسِبطَيِ الرَّحمَهِ وسَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ ، أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أولادِ النَّبِيّينَ وَالمُرسَلينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ ابنِ سَيِّدِ النَّبِيّينَ ووَصِيِّ أميرِ المُؤمِنينَ ، السَّلامُ عَلَيکَ يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيکَ يَابنَ سَيِّدِ الوَصِيّينَ ، أشهَدُ أنَّکَ يَابنَ أميرِ المُؤمِنينَ أمينُ اللّهِ وابنُ أمينِهِ ، عِشتَ مَظلوما ومَضَيتَ شَهيدا ، وأشهَدُ أنَّکَ الإمامُ الزَّكِيُّ الهادِى المَهدِيُّ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيهِ وبَلِّغ روحَهُ وجَسَدَهُ عَنّى فى هذِهِ السّاعَهِ أفضَلَ التَّحِيَّهِ وَالسَّلامِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ المَظلومِ الشَّهيدِ ، قَتيلِ الكَفَرَهِ وطَريحِ الفَجَرَهِ ، السَّلامُ عَلَيکَ يا أبا عَبدِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيکَ يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، السَّلامُ عَلَيکَ يَابنَ أميرِ المُؤمِنينَ ، أشهَدُ موقِنا أنَّکَ أمينُ اللّهِ وابنُ أمينِهِ ، قُتِلتَ مَظلوما ومَضَيتَ شَهيدا ، وأشهَدُ أنَّ اللّهَ تَعالَى الطّالِبُ بِثارِکَ ، ومُنجِزُ ما وَعَدَکَ مِنَ النَّصرِ وَالتَّأييدِ فى هَلاكِ عَدُوِّکَ وإظهارِ دَعوَتِکَ ، وأشهَدُ أنَّکَ وَفَيتَ بِعَهدِ اللّهِ ، وجاهَدتَ فى سَبيلِ اللّهِ ، وعَبَدتَ اللّهَ مُخلِصا حَتّى أتاکَ اليَقينُ ، لَعَنَ اللّهُ أُمَّهً قَتَلَتکَ ، ولَعَنَ اللّهُ أُمَّهً خَذَلَتکَ ، ولَعَنَ اللّهُ أُمَّهً أسَّتَ (1) عَلَيکَ ، وأبرَأُ إلَى اللّهِ تَعالى مِمَّن أكذَبَکَ وَاستَخَفَّ بِحَقِّکَ وَاستَحَلَّ دَمَکَ ، بِأبى أنتَ وأُمّى يا أبا عَبدِ اللّهِ ، لَعَنَ

اللّهُ قاتِلَکَ ، ولَعَنَ اللّهُ خاذِلَکَ ، ولَعَنَ اللّهُ مَن سَمِعَ واعِيَتَکَ (2) فَلَم يُجِبکَ ولَم يَنصُرکَ ، ولَعَنَ اللّهُ مَن سَبى نِساءَکَ ، أنَا إلَى اللّهِ مِنهُم بَرىءٌ ومِمَّن والاهُم ومالَأَهُم (3) وأعانَهُم عَلَيهِ ، أشهَدُ أنَّکَ وَالأَئِمَّةَ مِن وُلدِکَ كَلِمَةُ التَّقوى وبابُ الهُدى وَالعُروَةُ الوُثقى وَالحُجَّةُ عَلى أهلِ الدُّنيا ، وأشهَدُ أنّى بِکُم مُؤمِنٌ وبِمَنزِلَتِکُم موقِنٌ ، ولَکُم تابِعٌ بِذاتِ نَفسى وشَرائِعِ دينى وخَواتيمِ عَمَلى ومُنقَلَبى فى دُنياىَ وآخِرَتى .

.

1- .التأليب : التحريض والإفساد. وألّب بينهم : أفسد . وهم عليه ألبٌ واحد : أى مجتمعون عليه بالظلم والعداوه (تاج العروس : ج 1 ص 306 «ألب») .
2- .الواعيه : الصراخ والصوت (القاموس المحيط : ج 4 ص 400 «وعى») .
3- .مالأهُ على الأمر : ساعدَهُ وشايعه أى أعانه وقوّاه . يقال للقوم إذا تتابعوا برأيهم على أمر : قد تمالؤوا عليه (تاج العروس : ج 1 ص 253 «ملأ») .

ب صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام
ج صلوات بر فاطمه زهرا علیهاالسلام
د صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهماالسلام

ب صلوات بر امیر مؤمنان علی علیه السلام«بار خدایا! بر امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب ، برادر پیامبرت و وصی و یار و دوست خالص و دستیار او ، و مخزن علم و سپردگاه راز و دَرِ [شهرِ] حکمت او ، و بیان کننده حجّت او و دعوت کننده به شریعت او ، و جانشین او در میان امّتش و زداینده غم از چهره او ، و در هم شکننده کافران و به تسلیم کشاننده کجروان ، همو که او را برای پیامبرت به منزله هارون برای موسی قرار دادی ، درود فرست . بار خدایا! هر که را دوستش می دارد ، دوست بدار و هر که را دشمنش می دارد ، دشمن بدار ، و هر که را یاری اش می کند ، یاری کن و هر که را وا می گذاردش ، وا گذار ، و کسانی را که با او به دشمنی برمی خیزند ، از اوّلین تا آخرین آدمیان ، لعنت فرما ، و برترین درودی را که بر یکی از اوصیای پیامبرانت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، ای پروردگار جهانیان!» .

ج صلوات بر فاطمه زهرا علیهاالسلام«بار خدایا! بر بانوی راستین و پارسا و وارسته ، دوست داشتنی نزد دوست و پیامبرت ، مادر عزیزان و دوستان برگزیده ات ، همو که او را برگزیدی و بر زنان عالم ، برتری و امتیازش دادی ، درود فرست . بار خدایا! تو خود ، حقّ او را از کسانی که به وی ستم کردند و حق [و حرمتش] را سبُک شمردند ، بستان و تو خود ای خداوند انتقام خون فرزندانش را بگیر . بار خدایا! تو که او را مام پیشوایان هدایت ، و همسر پرچمدار [حق] ، و گرامی در نزد فرشتگان عالم بالا قرار دادی ، بر او و بر مادرش خدیجه کبری درود فرست ؛ درودی که با آن ، پدرش را عزیز داری و دیدگان فرزندانش را روشن گردانی ، و در این لحظه از جانب من ، برترین تحیّت و درود را به آن بزرگواران نیز برسان» .

د صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهماالسلام«بار خدایا! بر حسن و حسین ، این دو بنده ات و دو دوستت و فرزندان فرستاده ات و نوادگان [پیامبر]رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت ، درود فرست ؛ برترین درودی که بر فرزندی از فرزندان پیامبران و فرستادگانت فرستاده ای . بار خدایا! بر حسن ، فرزند مِهتر پیامبران و وصیّ امیر مؤمنان ، درود فرست . درود بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا! درود بر تو ، ای فرزند مهتر اوصیا!

گواهی می دهم که تو ای فرزند امیر مؤمنان امین خدا و فرزند امین خدا هستی ، مظلومانه زیستی و شهید از دنیا رفتی . گواهی می دهم که تو پیشوای پاک و هدایتگر و هدایت شده ای . بار خدایا ! بر او درود فرست و در این لحظه از جانب من ، برترین درود و سلام را به جان و تن او برسان . بار خدایا ! بر حسین بن علی ، آن ستم دیده شهید که با شمشیر کافران به قتل رسید و به دست منحرفان بر خاک فتاده شد ، درود فرست . درود بر تو ، ای ابا عبد اللّه ! درود بر تو ، ای فرزند پیامبر خدا ! درود بر تو ، ای فرزند امیر مؤمنان ! از سر یقین ، گواهی می دهم که تو امین خدا و فرزند امین خدا هستی . به ستم ، کشته شدی و شهید از دنیا رفتی . گواهی می دهم که خدای متعال خونخواه توست و وعده یاری و پشتیبانی ای را که در باره نابودی دشمنانت و آشکار ساختن دعوتت به تو داده بود ، تحقّق بخشید . گواهی می دهم که تو به پیمانت با خدا وفا کردی و در راه خدا کوشیدی و تا زنده بودی ، خدا را با اخلاص پرستیدی . لعنت خدا بر آن مردمی که تو را کشتند ! لعنت خدا بر مردمی که از یاری رساندن به تو ، خودداری ورزیدند ، و لعنت خدا بر مردمی که علیه تو دست به تحریک زدند ! من به پیشگاه خدا اعلام برائت می کنم از کسی که تو را تکذیب کرد و حق [و حرمتت] را سبک شمرد و [ریختن] خونت را روا دانست . پدر و مادرم به فدایت ، ای ابا عبداللّه ! خدا لعنت کند قاتل تو را ! خدا لعنت کند وا گذارنده تو را ! خدا لعنت کند کسی را که فریاد تو را شنید ؛ ولی آن را پاسخ نداد و یاری ات نرساند ، و خدا لعنت کند کسانی را که زنان [اهل بیتِ]تو را به اسیری بردند ! من از آنان و از هر آن کس که یاری و پیروی شان کرد و در این کارها به کمک آنان شتافت ، در پیشگاه خدا اعلام بیزاری می کنم . گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندان تو ، مظهر پروا و دروازه راه (/هدایت) و دستگیره استوار و حجّت بر مردمان دنیا هستید ، و گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به مقام شما یقین دارم ، و در درون جانم و در احکام دینم و خاتمه های کارم و بازگشتم در دنیا و آخرتم ، پیرو شما هستم» .

.

ص: 490

. .

ص: 491

. .

ه الصَّلاهُ عَلى عَلىّ بنِ الحُسَينِ سَيِّدِ العابِدينَ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلىّ بنِ الحُسَينِ سَيِّدِ العابِدينَ ، الَّذِى استَخلَصتَهُ لِنَفسِکَ وجَعَلتَ مِنهُ أئِمَّهَ الهُدى الَّذينَ يَهدونَ بِالحَقِّ وبِهِ يَعدِلونَ (1) ، الَّذِى اختَرتَهُ لِنَفسِکَ وطَهَّرتَهُ مِنَ الرِّجسِ وَاصطَفَيتَهُ وجَعَلتَهُ هادِيا مَهدِيّا . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن ذُرِّيَّهِ أنبِيائِکَ ، حَتّى يَبلُغَ بِهِ ما تَقَرُّ بِهِ عَينُهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، إنَّکَ عَزيزٌ حَكيمٌ .

و الصَّلاهُ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلىٍّ باقِرِ العِلمِ وإمامِ الهُدى ، وقائِدِ أهلِ التَّقوى ، وُالمُنتَجَبِ (2) مِن عِبادِکَ . اللّهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ عَلَما لِعِبادِکَ ، ومَنارا لِبِلادِکَ ، ومَستَودَعا لِحِكمَتِکَ ، ومُترجِما لِوَحيِکَ ، وأمَرتَ بِطاعَتِهِ وحَذَّرتَ عَن مَعصِيَتِهِ ، فَصَلِّ عَلَيهِ يا رَبِّ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن ذُرِّيَّهِ أنبِيائِکَ وأصفِيائِکَ ورُسُلِکَ وأُمَنائِکَ ، يا رَبَّ العالَمينَ .

ز الصَّلاهُ عَلى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ ، خازِنِ العِلمِ ، الدّاعى إلَيکَ بِالحَقِّ ، النّورِ المُبينِ . اللّهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ مَعدِنَ كَلامِکَ ووَحيِکَ ، وخازِنَ عِلمِکَ ولِسانَ تَوحيدِکَ ، ووَلِيَّ أمرِکَ ومُستَحفِظَ دينِکَ ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أصفِيائِکَ وحُجَجِکَ ، إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ .

.

1- .وبه يعدلون : أى وبالحقّ يحكمون ويعدلون فى حكمهم (بحار الأنوار : ج 13 ص 172) .
2- .المُنْتَجَبُ : المُختار من كلّ شىء ، وقد انتجب فلانٌ فلانا : إذا استخلصه واصطفاه اختيارا على غيره (لسان العرب : ج 1 ص 748 «نجب») .

ه صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام
و درود بر امام باقر علیه السلام
ز صلوات بر امام صادق علیه السلام

ه صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام«بار خدایا! بر علی بن الحسین ، سالار عبادت پیشگان ، درود فرست ؛ همان که او را برای خود برگزیدی ، و پیشوایان هدایتگر را که به حق هدایت می کنند و به حق حکم می کنند ، از نسل او قرار دادی ؛ همان که او را برای خودت انتخاب کردی و از آلودگی پاکش ساختی و او را خالص گردانیدی و هدایتگری هدایت شده قرارش دادی . بار خدایا! پس برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبرانت فرستاده ای ، بر او بفرست تا با آن به مرتبه ای برسد که در دنیا و آخرت ، دیده اش روشن [و دلش شاد] گردد ، که به راستی ، تو نیرومند و دانایی» .

و درود بر امام باقر علیه السلام«بار خدایا! بر محمّد بن علی ، آن شکافنده دانش و پیشوای هدایت و رهبر تقواپیشگان و برگزیده از میان بندگانت ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را نشانه راه بندگانت و مناره شهرهایت و سپردگاه حکمتت و مترجم وحیَت قرار دادی و به اطاعت از او فرمان دادی و از نافرمانی اش بر حذر داشتی ، پس ای پروردگار من برترین درودی را که بر یکی از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و فرستادگان و امینانت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، ای پروردگار جهانیان!» .

ز صلوات بر امام صادق علیه السلام«بار خدایا! بر جعفر بن محمّد صادق ، آن خزانه دار دانش و دعوت کننده به سوی تو با حق ، و آن نور روشنگر ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را کان سخن و وحیت ، و خزانه دار علمت و زبان توحیدت ، و ولیّ امرت و نگهبان دینت قرار دادی ، برترین درودی را که به یکی از دوستان خالصت و حجّت هایت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، که به راستی ، تو ستودنی و بزرگواری» .

.

ح الصَّلاهُ عَلى موسَى بنِ جَعفَرٍ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى الأَمينِ المُؤتَمَنِ موسَى بنِ جَعفَرٍ ، البَرِّ الوَفِيِّ ، الطّاهِرِ الزَّكِيِّ ، النّورِ المُبينِ ، المُجتَهِدِ المُحتَسِبِ الصّابِرِ عَلَى الأَذى فيكَ . اللّهُمَّ وكَما بَلَّغَ عَن آبائِهِ مَا استودِعَ مِن أمرِكَ ونَهيِكَ ، وحَمَلَ عَلَى المَحَجَّهِ (1) ، وكابَدَ (2) أهلَ العِزَّهِ (3) وَالشِّدَّهِ فيما كانَ يَلقى مِن جُهّالِ قَومِهِ ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ وأكمَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِمَّن أطاعَكَ ونَصَحَ لِعِبادِكَ ، إنَّكَ غَفورٌ رَحيمٌ .

ط الصَّلاهُ عَلى عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا ، الَّذِى ارتَضَيتَهُ ورَضِيتَ بِهِ مَن شِئتَ مِن خَلقِكَ . اللّهُمَّ وكَما جَعَلتَهُ حُجَّهً عَلى خَلقِكَ ، وقائِما بِأمرِكَ ، وناصِرا لِدينِكَ ، وشاهِدا عَلى عِبادِكَ ، وكَما نَصَحَ لَهُم فِى السِّرِّ وَالعَلانِيَهِ ، ودَعا إلى سَبيلِكَ بِالحِكمَهِ وَالمَوعِظَهِ الحَسَنَهِ ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أولِيائِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، إنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ .

.

1- .المَحَجّه : جادَّه الطريق (الصحاح : ج 1 ص 304 «حجج») .
2- .كابدتُ الأمرَ : إذا قاسَيت شدّته (الصحاح : ج 2 ص 530 «كبد») .
3- .فى جمال الأُسبوع : «الغِرّه» بدل «العِزّه» .

ح صلوات بر امام کاظم علیه السلام
ط صلوات بر امام رضا علیه السلام

ح صلوات بر امام کاظم علیه السلام«بار خدایا! بر امانتدار مورد اعتماد ، موسی بن جعفر ، آن نیکوکار وفادار (/تمام عیار) ، پاکِ وارسته ، نور آشکار و آن که از بهر تو کوشید و بر آزارهایی که در راه تو دید ، شکیب ورزید ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که اوامر و نواهی تو را که از پدرانش به او سپرده شده بود ، [به مردم] ابلاغ کرد و همگان را به راه روشن وا داشت و از نادانان قدرتمند و زورمند قومش رنج ها دید ، پس ای پروردگار من برترین و کامل ترین درودی را که بر یکی از آنان که از تو اطاعت کرده و بندگانت را ارشاد کرده اند ، فرستادی ، بر او نیز بفرست ، که تو آمرزگاری و مهربانی» .

ط صلوات بر امام رضا علیه السلام«بار خدایا! بر علی بن موسی الرضا که از او خشنود گشتی و به امامت او برای هر کس از خَلقت که خواستی ، رضایت دادی ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را حجّت بر بندگانت و برپا دارنده فرمانت و یاور دینت و گواه بر بندگانت قرار دادی ، و از آن روی که او در نهان و آشکار ، خیرخواهی آنان کرد و با حکمت و اندرز نیکو ، به راه تو دعوت کرد ، پس ، برترین درودی را که بر یکی از دوستانت و بهترین آفریدگانت فرستادی ، بر او بفرست ، که به راستی ، تو بخشنده ای بزرگواری» .

.

ى الصَّلاهُ عَلى مُحَمّدِ بنِ عَلىِّ بنِ موسى عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلىِّ بنِ موسى ، عَلَمِ التُّقى ، ونورِ الهُدى ، ومَعدِنِ الوَفاءِ ، وفَرعِ الأَزكِياءِ ، وخَليفَهِ الأَوصِياءِ ، وأمينِكَ عَلى وَحيِكَ . اللّهُمَّ وكَما هَدَيتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ ، وَاستَنقَذتَ بِهِ مِنَ الحَيرَهِ (1) ، وأرشَدتَ بِهِ مَنِ اهتَدى ، وزَكَّيتَ مَن تَزَكّى ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أولِيائِكَ ، إنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ .

ک الصَّلاهُ عَلى عَلىِّ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلىِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَصِىِّ الأَوصِياءِ ، وإمامِ الأَتقِياءِ ، وخَلَفِ أئِمَّهِ الدّينِ ، وَالحُجَّهِ عَلَى الخَلائِقِ أجمَعينَ . اللّهُمَّ كَما جَعَلتَهُ نورا يَستَضىءُ بِهِ المُؤمِنونَ ، فَبَشَّرَ بِالجَزيلِ مِن ثَوابِكَ ، وأنذَرَ بِالأَليمِ مِن عِقابِكَ ، وحَذَّرَ بَأسَكَ وذَكَّرَ بِأيّامِكَ (2) ، وأحَلَّ حَلالَكَ وحَرَّمَ حَرامَكَ ، وبَيَّنَ شَرائِعَكَ وفَرائِضَكَ ، وحَضَّ (3) عَلى عِبادَتِكَ ، وأمَرَ بِطاعَتِكَ ونَهى عَن مَعصِيَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيهِ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أولِيائِكَ وذُرِّيَّهِ أنبِيائِكَ ، يا إلهَ العالَمينَ . قالَ أبو مُحَمَّدٍ اليَمَنِىُّ : فَلَمَّا انتَهَيتُ إلَى الصَّلاهِ عَلَيهِ أمسَكَ ، فَقُلتُ لَهُ في ذلِكَ فَقالَ : لَولا أنَّهُ دينٌ أمَرَنَا اللّهُ تَعالى أن نَفعَلَهُ (4) ونُؤَدِّيَهُ إلى أهلِهِ لَأحبَبتُ الإِمساكَ ، ولكِنَّهُ الدّينُ ، أكتُب :

.

1- .فى جمال الأُسبوع : «الجهاله» بدل «الحيره» .
2- .فى جمال الأُسبوع وبحار الأنوار : «بآياتک» بدل «بأيّامک» .
3- .الحَضّ على الشىء : الحَثّ على الشىء (النهايه : ج 1 ص 400 «حضض») .
4- .فى جمال الأُسبوع وبحار الأنوار : «نبلّغه» بدل «نفعله» .

ی صلوات بر امام جواد علیه السلام
ک صلوات بر امام هادی علیه السلام

ی صلوات بر امام جواد علیه السلام«بار خدایا! بر محمّد بن علی بن موسی ، آن نشانه پروا و نور هدایت و معدن وفا و شاخه پاکان و جانشین اوصیا و امین تو بر وحیت ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که به واسطه او [مردمان را] از گم راهی به راه آوردی و از سرگردانی نجات بخشیدی و هدایتجویان را ارشاد کردی و طالبانِ پاکی را پاک ساختی ، پس ، برترین درودی را که بر یکی از اولیایت فرستاده ای ، بر او بفرست ، که به راستی ، تو قدرتمند و دانایی» .

ک صلوات بر امام هادی علیه السلامبار خدایا! بر علی بن محمّد ، آن وصیّ اوصیا و پیشوای تقواپیشگان و جانشین (/زاده) پیشوایان دین ، و حجّت بر همه آفریدگان ، درود فرست . بار خدایا! از آن روی که او را نوری قرار دادی که مؤمنان از آن پرتو گیرند ، و او به پاداش شایان تو مُژده داد و از کیفر دردناک تو بیم داد ، و از خشم تو بر حذر داشت و روزهای (/نشانه های) تو را یادآور شد ، و حلال تو را حلال و حرامت را حرام شمرد ، و احکام و واجباتت را بیان کرد ، و به عبادتت تشویق نمود ، و به فرمان برداری از تو فرمان داد و از نافرمانی ات باز داشت ، پس برترین درودی را که بر یکی از اولیایت و فرزندان پیامبرانت فرستاده ای ، بر او بفرست ، ای معبود جهانیان!» . چون نوبت صلوات بر خود ایشان (امام عسکری) رسید ، ادامه نداد . من بر ادامه آن اصرار ورزیدم . فرمود : «اگر نبود که این [بیان صلوات ها] از دین است و خداوند متعال به ما فرمان داده است که آن را به اهلش برسانیم ، دوست داشتم که دیگر ادامه ندهم ؛ امّا این ، از دین است . بنویس :

.

ل الصَّلاهُ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلىِّ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلىِّ بنِ مُحَمَّدٍ ، البَرِّ التَّقِىِّ ، الصّادِقِ الوَفِىِّ ، النّورِ المُضىءِ ، خازِنِ عِلمِکَ ، وَالمُذَکِّرِ بِتَوحيدِکَ ، ووَلِىِّ أمرِکَ ، وخَلَفِ أئِمَّهِ الدّينِ الهادُاهِ الرّاشِدينَ ، وَالحُجَّهِ عَلَى أهلِ الدُّنيا ، فَصَلِّ عَلَيهِ يا رَبِّ أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِن أصفِيائِکَ وحُجَجِکَ وأولادِ رُسُلِکَ يا إلهَ العالَمينَ .

م الصَّلاهُ عَلى وِلىِّ الأَمرِ المُنتَظَرِ عليه السلامااللّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّکَ وَابنِ أولِيائِکَ ، الَّذينَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وأوجَبتَ حَقَّهُم وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيرا . اللّهُمَّ انتَصِر بِهِ لِدينِکَ ، وَانصُر بِهِ أولِياءَکَ وأولِياءَهُ وشيعَتَهُ وأنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم . اللّهُمَّ أعِذهُ مِن شَرِّ کُلِّ باغٍ وطاغٍ ، ومِن شَرِّ جَميعِ خَلقِکَ ، وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ ، وَاحرُسهُ وَامنَعهُ أن يوصَلَ إلَيهِ بِسوءٍ ، وَاحفَظ فيهِ رَسولَکَ وآلَ رَسولِکَ ، وأظهِر بِهِ العَدلَ ، وأيِّدهُ بِالنَّصرِ ، وَانصُر ناصِريهِ ، وَاخذُل خاذِليهِ ، وَاقصِم بِهِ جَبابِرَهَ الكَفَرَهِ ، وَاقتُل بِهِ الكُفّارَ وَالمُنافِقينَ وجَميعَ المُلحِدينَ حَيثُ كانوا وأينَ كانوا مِن مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها وبَرِّها وبَحرِها ، وَاملَأ بِهِ الأَرضَ عَدلاً ، وأظهِر بِهِ دينَ نَبِيِّکَ عَلَيهِ وآلِهِ السَّلامُ ، وَاجعَلنى اللّهُمَّ مِن أنصارِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وشيعَتِهِ ، وأرِنى فى آلِ مُحَمَّدٍ ما يَأمُلونَ ، وفى عَدُوِّهِم ما يَحذَرونَ ، إلهَ الحَقِّ آمينَ . (1)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص 399 ، جمال الاُسبوع : ص 296 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 73 ح 1 .

ل صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام
م صلوات بر ولیّ امر منتظَر علیه السلام

ل صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلامبار خدایا ! بر حسن بن علی بن محمّد ، این نیکوکار پرهیزگار ، و راستگوی وفادار ، و نور تابان و خزانه دار دانش تو و یادآور توحید تو و ولیّ امر تو ، و یادگار پیشوایان هدایتگر و ره یافته دین ، و حجّت [تو] بر مردم دنیا ، درود فرست و ای پروردگار من برترین درودی را که بر یکی از برگزیدگانت و حجّت هایت و فرزندان فرستادگانت فرستاده ای ، بر او نیز بفرست ، ای معبود جهانیان !» .

م صلوات بر ولیّ امر منتظَر علیه السلام«بار خدایا ! بر ولیّ خود و فرزند اولیای خود ، درود فرست ؛ همانان که اطاعت از آنان را فریضه شمردی و حقّ آنان را واجب دانستی و پلیدی را از ایشان بردی و پاکِ پاکشان گردانیدی . بار خدایا ! به واسطه او دینت را یاری رسان و به وسیله او دوستان خود و دوستان او و پیروان و طرفدارانش را نصرت بخش و ما را نیز در زمره ایشان قرار ده . بار خدایا ! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی و از گزند همه خَلقت در پناه خویش بدار ، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش محافظتش فرما ، و از این که به او بدی رسد ، حراست و نگهداری اش کن ، و پیامبر و خاندان پیامبرت را در وجود او نگه دار ، و به واسطه او ، عدالت را آشکار گردان ، و او را یاری رسان ، و یاورانش را یاری ده ، و فروگذارندگانش را فرو گذار ، و به واسطه او ، فرمان روایانِ کفر را در هم کوب ، و کافران و منافقان و همه بی دینان را هر که باشند و در هر کجای زمین ، از شرق و غرب و خشکی و آب ، که باشند به قتل رسان ، و به واسطه او ، زمین را از دادگری آکنده ساز ، و دین پیامبرت را که بر او و خاندانش درود باد آشکار و پیروزگردان ، و مرا ای خدا از طرفداران و یاران و پیروان و شیعیان او بدار ، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمّد به آرزوهایشان و شاهد آنچه دشمنان آنان از آن می ترسیدند [یعنی نابودی شان]قرار ده . آمین ، ای معبود راستین !» .

.

6 / 14الصَّلَواتُ المَأثورَةُ عَنِ الإِمامِ المَهدِيِّمصباح المتهجّد :دُعاءٌ آخَرُ مَروِيٌّ عَن صاحِبِ الزَّمانِ عليه السلام ، خَرَجَ إلى أبِي الحَسَنِ الصَّرّابِ الأَصفَهانِيِّ بِمَكَّةَ ، بِإِسنادٍ لَم نَذكُرهُ اختِصارا ، نُسخَتُهُ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ المُرسَلينَ ، وخاتَمِ النَّبِيّينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ ، المُنتَجَبِ فِي الميثاقِ ، المُصطَفى فِي الظِّلالِ ، المُطَهَّرِ مِن كُلِّ آفَةٍ ، البَرِيءِ مِن كُلِّ عَيبٍ ، المُؤَمَّلِ لِلنَّجاحِ ، المُرتَجى لِلشَّفاعَةِ ، المُفَوَّضِ إلَيهِ دينُ اللّهِ . اللّهُمَّ شَرِّف بُنيانَهُ ، وعَظِّم بُرهانَهُ ، وأفلِجِ حُجَّتَهُ ، وَارفَع دَرَجَتَهُ ، وأضِئ نورَهُ ، وبَيِّض وَجهَهُ ، وأعطِهِ الفَضلَ وَالفَضيلَةَ ، وَالوَسيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ ، وَابعَثهُ مَقاما مَحمودا يَغبِطُهُ بِهِ الأَوَّلونَ وَالآخِرونَ . وصَلِّ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلينَ ، وسَيِّدِ الوَصِيّينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلَى الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى موسَى بنِ جَعفَرٍ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى عَلِيِّ بنِ مُوسى إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلى عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينِ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . وصَلِّ عَلَى الخَلَفِ الهادِي المَهدِيِّ إمامِ المُؤمِنينَ ، ووارِثِ المُرسَلينَ ، وحُجَّةِ رَبِّ العالَمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الأَئِمَّةِ الهادِينَ [المَهدِيّينَ] (1) ، العُلَماءِ الصّادِقينَ ، [الأَوصِياءِ المَرضِيّينَ] (2) ، الأَبرارِ المُتَّقينَ ، دَعائِمِ دينِكَ ، وأركانِ تَوحيدِكَ ، وتَراجِمَةِ (3) وَحيِكَ ، وحُجَجِكَ عَلى خَلقِكَ ، وخُلَفائِكَ فى أرضِكَ ، الَّذينَ اختَرتَهُم لِنَفسِكَ ، وَاصطَفَيتَهُم عَلى عِبادِكَ ، وَارتَضَيتَهُم لِدينِكَ ، وخَصَصتَهُم بِمَعرِفَتِكَ ، وجَلَّلتَهُم بِكَرامَتِكَ ، وغَشَّيتَهُم بِرَحمَتِكَ ، ورَبَّيتَهُم بِنِعمَتِكَ ، وغَذَّيتَهُم بِحِكمَتِكَ ، وألبَستَهُم نورَكَ ، ورَفَعتَهُم فى مَلَكوتِكَ ، وحَفَفتَهُم بِمَلائِكَتِكَ وشَرَّفتَهُم بِنَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلَيهِم صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثيرَةً دائِمَةً طَيِّبَةً ، لا يُحيطُ بِها إلّا أنتَ ، ولا يَسَعُها إلّا عِلمُكَ ، ولا يُحصيها أحَدٌ غَيرُكَ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى وَلِيِّكَ المُحيى سُنَّتَكَ ، القائِمِ بِأَمرِكَ ، الدّاعى إلَيكَ ، الدَّليلِ عَلَيكَ ، حُجَّتِكَ عَلى خَلقِكَ ،

وخَليفَتِكَ فى أرضِكَ ، وشاهِدِكَ عَلى عِبادِكَ . اللّهُمَّ أعِزَّ نَصرَهُ ، ومُدَّ فى عُمرِهِ ، وزَيِّنِ الأَرضَ بِطولِ بَقائِهِ . اللّهُمَّ اكفِهِ بَغيَ الحاسِدينَ ، وأعِذهُ مِن شَرِّ الكائِدينَ ، وَازجُر (4) عَنهُ إرادَةَ الظّالِمينَ ، وخَلِّصهُ مِن أيدِى الجَبّارينَ . اللّهُمَّ أعطِهِ فى نَفسِهِ وذُرِّيَّتِهِ وشيعَتِهِ ورَعِيَّتِهِ وخاصَّتِهِ وعامَّتِهِ وعَدُوِّهِ وجَميعِ أهلِ الدُّنيا ما تُقِرُّ بِهِ عَينَهُ ، وتَسُرُّ بِهِ نَفسَهُ ، وبَلِّغهُ أفضَلَ ما أمَّلَهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . اللّهُمَّ جَدِّد بِهِ مَا امتَحى مِن دينِكَ ، وأحيِ به ما بُدِّلَ مِن كِتابِكَ ، وأظهِر بِهِ ما غُيِّرَ مِن حُكمِكَ ، حَتّى يَعودَ دينُكَ بِهِ وعَلى يَدَيهِ غَضّا جَديدا خالِصا مُخلَصا ، لا شَكَّ فيهِ ولا شُبهَةَ مَعَهُ ، ولا باطِلَ عِندَهُ ولا بِدعَةَ لَدَيهِ . اللّهُمَّ نَوِّر بِنورِهِ كُلَّ ظُلمَةٍ ، وهُدَّ بِرُكنِهِ كُلَّ بِدعَةٍ ، وَاهدِم بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلالَةٍ ، وَاقصِم بِهِ كُلَّ جَبّارٍ ، وأخمِد بِسَيفِهِ كُلَّ نارٍ ، وأهلِك بِعَدلِهِ كُلَّ جَورٍ ، وأجرِ حُكمَهُ عَلى كُلِّ حُكمٍ ، وأذِلَّ بِسُلطانِهِ كُلَّ سُلطانٍ . اللّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَن ناواهُ (5) ، وأهلِك كُلَّ مَن عاداهُ ، وَامكُر بِمَن كادَهُ ، وَاستَأصِل مَن جَحَدَهُ حَقَّهُ ، وَاستَهانَ بِأَمرِهِ ، وسَعى فى إطفاءِ نورِهِ وأرادَ إخمادَ ذِكرِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ المُصطَفى ، وعَلِيٍّ المُرتَضى ، وفاطِمَةَ الزَّهراءِ ، وَالحَسَنِ الرِّضا ، وَالحُسَينِ المُصَفّى ، وجَميعِ الأَوصِياءِ ، مَصابيحِ الدُّجى ، وأعلامِ الهُدى ، ومَنارِ التُّقى ، وَالعُروَهِ الوُثقى ، وَالحَبلِ المَتينِ ، وَالصِّراطِ المُستَقيمِ ، وصَلِّ عَلى وَليِّكَ ، ووُلاهِ عَهدِكَ ، وَالأَئِمَّهِ مِن وُلدِهِ ، ومُدَّ فى أعمارِهِم ، وزِد فى آجالِهِم ، وبَلِّغهُم أقصى آمالِهِم دينا ودُنيا وآخِرَهً ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (6)

.

1- .أثبتنا ما بين المعقوفين من الغيبه للطوسى وبحار الأنوار .
2- .أثبتنا ما بين المعقوفين من دلائل الإمامه .
3- .تَراجِمه وَحْيک : هى جمع تَرْجُمان ؛ وهو المترجم المفسِّر للِّسان ، يقال : ترجم فلانٌ كلامَه : بيّنه وأوضحَه (مجمع البحرين : ج 1 ص 222 «ترجم») .
4- .فى الغيبه للطوسى ودلائل الإمامه : «وادحر» بدل «وازجر» .
5- .ناوأهُ : فاخره وعاداه (القاموس المحيط : ج 1 ص 31 «ناء») .
6- .مصباح المتهجّد : ص 406 ح 534 ، الغيبه للطوسى : ص 277 ح 238 ، دلائل الإمامه : ص 549 ح 524 ، جمال الأسبوع : ص 304 ، البلد الأمين : ص 79 ، بحار الأنوار : ج 52 ص 20 ح 14 وج 94 ص 81 ح 2 .

6 / 14صلوات های رسیده از امام مهدیمصباح المتهجّد :این ، دعای دیگری است که از امام زمان علیه السلام روایت شده و از ناحیه ایشان برای ابو الحسن ضرّاب اصفهانی در مکّه فرستاده شده است ، و ما به جهت رعایت اختصار ، اسناد آن را ذکر نمی کنیم . متن دعا ، چنین است : «به نام خداوند مهرگستر مهربان . بار خدایا! درود فرست بر محمّد ، سالار فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست ؛ آن که در همان گاه پیمان ستانی (عهد آلست) برگزیده شد ، و در [عالم]سایه ها [مثال]گلچین شد ؛ همو که از هر آفتی پاک ، و از هر عیبی مبرّاست ، و امید رهایی [از دوزخ]است ، و چشم شفاعت به او دوخته شده ، و [اختیار]دین خدا به او سپرده شده است . بار خدایا! بنای [دین] او را بلند، و برهانش را بزرگ ، و حجّتش را آشکار گردان ، و درجه اش را بالا ببر ، و نورش را تابان ، و رویش را سپید کن ، و برتری و فضیلت و مقام قرب به خداوند و درجه رفیع به او عطا فرما ، و در چنان جایگاه ستودنی ای برانگیزش که همگان در آن بر او غبطه خورند . و بر امیر مؤمنان ، و وارث فرستادگان [الهی] ، و رهبر سرافرازان ، و سالار جانشینان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسن بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسین بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن الحسین ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر محمّد بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر جعفر بن محمّد ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر موسی بن جعفر ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن موسی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر محمّد بن علی ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر علی بن محمّد ، پیشوای مؤمنان ، و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر حسن بن علی ، پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . و بر یادگار هدایتگر هدایت شده ،

پیشوای مؤمنان ،و وارث فرستادگان ، و حجّت پروردگار جهانیان ، درود فرست . بار خدایا ! بر محمّد و اهل بیت او ، این پیشوایان هدایتگر [هدایت شده] ، و دانشمندان راستگو و راستین [، و جانشینان پسندیده] ، و نیکوکاران پرهیزگار ، و ستون های دینت ، و ارکان توحیدت ، و مترجمان وحیت ، و حجّت های تو بر خَلقت ، و یادگاران تو در زمینت ، درود فرست ؛ همانان که آنان را برای خویش برگزیدی ، و آنان را بر بندگانت برتری دادی ، و آنان را برای دینت پسندیدی ، و شناختت را به آنان بخشیدی (/ اختصاص دادی) و خلعت گرامیداشتت را بر آنان پوشاندی ، و پرده رحمتت را بر ایشان افکندی ، و آنان را به نعمت خود پروردی ، و با حکمتت تغذیه شان کردی ، و آنان را در نور خود پوشاندی ، و در ملکوت خویش بالایشان بردی ، و آنان را در احاطه فرشتگانت قرار دادی ، و به وجود پیامبرت که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد شرافتشان بخشیدی . بار خدایا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست ؛ درودی فزاینده و بالنده و فراوان و پاینده و پاک ، که جز تو کسی بر آن احاطه نداشته باشد ، و در علم کسی جز تو نگنجد ، و کسی جز تو از عهده شمارش آن بر نیاید . بار خدایا ! و بر ولیّ خود ، آن زنده کننده [آیین و] روش تو ، و برپا دارنده فرمانت ، و فراخواننده به سوی تو ، و راه نما به تو ، و حجّت تو بر خَلقت ، و جانشین تو در زمینت ، و گواه تو بر بندگانت ، درود فرست . بار خدایا ! او را نصرتی نیرومند عطا کن ، و عمرش را دراز گردان ، و زمین را به طول عمر او زینت بخش . بار خدایا ! او را از حسد حسودان نگه دار ، و از شرّ توطئه گران ، در پناه خویش بدار ، و بدسگالی ستمگران را از او دفع کن ، و از دست خودکامگان ، نجاتش ده . بار خدایا ! در باره خودش و فرزندانش و شیعیانش و رعیّتش و خاصّگانش و عموم مردمانش و دشمنانش و همه مردم دنیا به او آن عطا فرما که با آن ، دیده او را روشن گردانی ، و دل و جانش را شاد سازی ، و او را به برترین آرمان و آرزویش در دنیا و آخرت برسان ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی . بار خدایا ! به واسطه او آنچه از دینت محو شده است ، نو گردان ، و آنچه از کتابت دگرگون شده است ، دوباره زنده کن ، و آنچه از احکامت تغییر داده شده است ، آشکار ساز تا آن که دین تو به وسیله او و با دستان او ، دگرباره تازه و نو و ناب و پیراسته گردد و هیچ شک و شبهه ای در آن نماند ، و در آن ، هیچ باطل و بدعتی وجود نداشته باشد . بار خدایا ! به نور او ، هر تاریکی را روشن گردان ، و با قدرت او ، هر بدعتی را از میان بردار ، و به نیروی او ، هر گم راهی ای را در هم شکن ، و به وسیله او ، هر زورگویی را در هم کوب ، و با شمشیر او ، هر آتشی را خاموش گردان ، و با دادگری او ، هر بیدادی را نابود کن ، و فرمان او را بر هر فرمانی حاکم گردان ، و با سلطنت او ، هر سلطانی (/سلطنتی) را خوار کن . بار خدایا ! هر آن کس را که با او می

ستیزد ، خوار گردان ، و هر آن کس را که با او دشمنی می ورزد ، نابود کن ، و با هر کس که با او نیرنگ می زند ، نیرنگ زن ، و هر آن کس را که حقّ او را انکار می کند و فرمان او را خوار می دارد و در خاموش کردن نور او می کوشد و می خواهد نام و یاد او را خاموش کند ، ریشه کن فرما . بار خدایا ! بر محمّد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن رضا و حسین مصفّا و همه اوصیا ، این چراغ های تاریکی ها و نشانه های راه و مناره های پروا و دستگیره استوار و رشته محکم و راه راست ، درود فرست ، و بر ولّی خود و اولیای عهدت و امامان از نسل او ، درود فرست ، و زندگی شان را دراز گردان ، و بر عمرهایشان بیفزای ، و به نهایت آرزوهایشان در دین و دنیا و آخرت برسان ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی» .

.

ص: 502

. .

ص: 503

. .

ص: 504

. .

ص: 505

. .

الإمام المهدىّ عليه السلام :أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ خِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، فَصَلِّ عَلَیهِم بِأفضَلِ صَلَواتِکَ وصَلِّ عَلی جَمیعِ النَّبیّینَ وَالمُرسَلینَ الَّذینَ بَلَّغوا عَنکَ الهُدی ، وأعقَدوا لَکَ المَواثیقَ بِالطّاعَهِ ، وصَلِّ عَلی عِبادِکَ الصّالِحینَ . (1)

الإقبال عن أبی عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السکونی :سَأَلتُ أبا بَکرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِیَّ أن یُخرِجَ إلَیَّ أدعِیَهَ شَهرِ رَمَضانَ الَّتی کانَ عَمُّهُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عُثمانَ بنِ السَّعیدِ العَمرِیُّ یَدعو بِها ، فَأخرَجَ إلَیَّ دَفتَرا مُجَلَّدا بِأَحمَرَ ، فَنَسَختُ مِنهُ أدعِیَهً کَثیرَهً ، وکانَ مِن جُملَتِها : وتَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَإِنَّ الدُّعاءَ فی هذَا الشَّهرِ تَسمَعُهُ المَلائِکَهُ وتَستَغفِرُ لِصاحِبِهِ ، وهُوَ : اللّهُمَّ إنّی أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِکَ وأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّکَ . . . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وأمینِکَ وصَفِیِّکَ وحَبیبِکَ وخِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وحافِظِ سِرِّکَ ومُبَلِّغِ رِسالاتِکَ ، أفضَلَ وأحسَنَ وأجمَلَ وأکمَلَ وأزکی وأنمی وأطیَبَ وأطهَرَ وأسنی وأکثَرَ ما صَلَّیتَ وبارَکتَ وتَرَحَّمتَ وتَحَنَّنتَ وسَلَّمتَ علی أحَدٍ مِن عِبادِکَ وأنبِیائِکَ ورُسُلِکَ وصَفوَتِکَ وأهلِ الکَرامَهِ عَلَیکَ مِن خَلقِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَلیٍّ أمیرِ المُؤمِنینَ ووَصِیِّ رَسولِ رَبِّ العالَمینَ ، عَبدِکَ ووَلِیِّکَ وأخی رَسولِکَ وحُجَّتِکَ عَلی خَلقِکَ وآیَتِکَ الکُبری وَالنَّبَأِ العَظیمِ . (2) وصَلِّ عَلی الصِّدّیقَهِ الطّاهِرَهِ فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِساءِ العالَمینَ . وصَلِّ عَلی سِبطَیِ الرَّحمَهِ وإمامَیِ الهُدَی الحَسَنِ وَالحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ . وصَلِّ عَلی أئِمَّهِ المُسلِمینَ : عَلیِّ بنِ الحُسَینِ ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلیٍّ ، وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ ، وموسَی بنِ جَعفَرٍ ، وعَلیِّ بنِ موسی ، ومُحَمَّدِ بنِ عَلیٍّ ، وعَلیِّ بنِ مُحَمَّدٍ ، وَالحَسَنِ بنِ عَلیٍّ ، وَالخَلَفِ المَهدِیِّ (3) ، حُجَجِکَ عَلی عِبادِکَ وأُمَنائِکَ فی بِلادِکَ ، صَلاهً کَثیرَهً دائِمَهً . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلی وَلِیِّ أمرِکَ القائِمِ المُؤَمَّلِ ، وَالعَدلِ المُنتَظَرِ ، وحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ ، وأیِّدهُ بِروحِ القُدُسِ یا رَبَّ العالَمینَ . (4)

.

1- .مُهَج الدعوات : ص 92 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 235 ح 1 .
2- .فی مصباح المتهجّد وتهذیب الأحکام والبلد الأمین لایوجد قوله : «عبدک ووليّک ... العظیم» .

3- .فی مصباح المتهجّد وتهذیب الأحکام لایوجد قوله : «علیّ بن الحسین ... المهدیّ» .
4- .الإقبال : ج 1 ص 138 ، مصباح المتهجّد : ص 578 ح 690 ، تهذیب الأحکام : ج 3 ص 108 کلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 24 ص 166 ح 14 .

امام مهدی علیه السلام :از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد ، این برگزیدگان تو از میان بر همه آفریدگانت ، درود فرستی . پس برترین درودهایت را بر ایشان بفرست ، و بر همه پیامبران و فرستادگان که از جانب تو به هدایت پرداختند و برایت [از مردم] پیمان بر طاعت گرفتند ، درود فرست ، و بر بندگان شایسته ات نیز درود فرست .

الإقبال به نقل از ابو عمرو ، محمّد بن محمّد بن نصر سَکونی : از ابوبکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری ، آنها را می خوانده است ، در اختیار من بگذارد . او دفتری با جلد قرمز به من داد و من دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم ، از جمله این را : این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی ؛ زیرا فرشتگان ، دعا در این ماه را می شنوند و برای دعا کننده آمرزش می طلبند ، و دعا این است : «بار خدایا ! ثناگویی را با ستایش تو آغاز می کنم ، و تویی که به لطف خویش ، به راه درست ره نمون می شوی ... . بار خدایا ! بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و امینت و دوست صمیمی ات و محبوبت و برگزیده تو از میان خَلقت و نگهبان رازت و رساننده پیام هایت [به مردم] ، برترین و نیکوترین و زیباترین و کامل ترین و فزاینده ترین و بالنده ترین و خوش ترین و پاک ترین و عالی ترین و بیشترین درودی را بفرست که بر یکی از بندگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و دوستان صمیمی ات و آن کس از خَلقت که در نزد تو گرامی و ارجمند است ، فرستاده ای و به او برکت داده ای و رحم آورده ای و مهر ورزیده ای و درود فرستاده ای . بار خدایا ! بر علی ، امیر مؤمنان و وصیّ فرستاده پروردگار جهانیان ، آن بنده تو و ولّی تو و برادر پیامبر تو و حجّت تو بر خَلقت و بزرگ ترین آیت تو و آن خبر بزرگ ، درود فرست . و بر آن بانوی راستین ایمان و پاک ، فاطمه ، بانوی زنان عالم ، درود فرست . و بر دو نوه [پیامبر]رحمت ، و دو پیشوای هدایت ، حسن و حسین ، آقای جوانان بهشتی ، درود فرست . و بر پیشوایان مسلمانان : علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و جانشین [او] مهدی ، این حجّت های تو بر بندگانت و معتمدان تو در شهرهایت ، درود فرست ؛ درودی بسیار و پایدار . بار خدایا ! بر ولیّ امر خود که همگان آرزوی ظهور او را دارند و در انتظار عدالت اویند درود

فرست و او را در احاطه فرشتگان مقرّب خود قرار ده ، و با روح القدس ، پشتیبانی اش فرما ، ای پروردگار جهانیان !

.

ص: 508

. .

ص: 509

. .

الاحتجاج عن محمّد بن عبد اللّه بن جعفر الحميرى مِن تَوقيعٍ خَرَجَ مِنَ النّاحِيَهِ المُقَدَّسَهِ بَعدَ الزِّيارَهِ المَعروفَهِ بِزِيارَهِ آلِ ياسينَ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ (1) حُجَّتِکَ فى أرضِکَ ، وخَليفَتِکَ فى بِلادِکَ ، وَالدّاعى إلى سَبيلِکَ ، وَالقائِمِ بِقِسطِکَ ، وَالثّائِرِ بِأمرِکَ ، وَلِيِّ المُؤمِنينَ ، وبَوارِ الكافِرينَ ، ومُجَلِّى الظُّلَمَهِ ، ومُنيرِ الحَقِّ ، وَالسّاطِعِ بِالحِكمَهِ وَالصِّدقِ ، وكَلِمَتِکَ التّامَّهِ فى أرضِکَ ، المُرتَقِبِ الخائِفِ ، وَالوَلِيِّ النّاصِحِ ، سَفينَهِ النَّجاهِ ، وعَلَمِ الهُدى ، ونورِ أبصارِ الوَرى ، وخَيرِ مَن تَقَمَّصَ وَارتَدى ، ومُجَلِّى العَمى ، اَلَّذى يَملَأُ الأرضَ عَدلاً وقِسطا كَما مُلِئَت ظُلما وجَورا ، إنَّکَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّکَ وابنِ أولِيائِکَ ، الَّذينَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وأوجَبتَ حَقَّهُم ، وأذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيرا . اللّهُمَّ انصُر[هُ] وَانتَصِر بِهِ [لِدينِکَ ، وَانصُر بِهِ] (2) أولِياءَکَ وأولِياءَهُ وشيعَتَهُ وأنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم . اللّهُمَّ أعِذهُ مِن شَرِّ كُلِّ باغٍ وطاغٍ ، ومِن شَرِّ جَميعِ خَلقِکَ ، وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ ، وَاحرُسهُ وَامنَعهُ مِن أن يوصَلَ إلَيهِ بِسوءٍ ، وَاحفَظ فيهِ رَسولَکَ وآلَ رسولِکَ ، وأظهِر بِهِ العَدلَ ، وأيِّدهُ بِالنَّصرِ ، وَانصُر ناصِريهِ ، وَاخذُل خاذِليهِ ، وَاقصِم بِهِ جَبابِرَهَ الكَفَرَهِ (3) ، وَاقتُل بِهِ الكُفّارَ وَالمُنافِقينَ وجَميعَ المُلحِدينَ حَيثُ كانوا فى مَشارِقِ الأرضِ ومَغارِبِها ، بَرِّها وبَحرِها ، وَامْلَأ بِهِ الأرضَ عَدلاً وأظهِر بِهِ دينَ نَبِيِّکَ ، وَاجعَلنى اللّهُمَّ مِن أنصارِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وشيعَتِهِ ، وأرِنى فى آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ما يَأمُلونَ ، وفى عَدُوِّهِم ما يَحذَرونَ ، إلهَ الحَقِّ آمينَ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (4)

.

1- .فى بعض نسخ المصدر الخطّيه : «اللّهمّ صلّ على م ح م د ابن الحسن المنتظر ...» .
2- .أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .
3- .فى بعض نسخ المصدر الخطّيّه وبحار الأنوار : «جبابره الكفر» .
4- .الاحتجاج : ج 2 ص 591 ح 358 ، بحار الأنوار : ج 53 ص 171 ح 5 وج 102 ص 81 ح 1 وراجع مصباح الزائر : ص 430 والمزار الكبير : ص 566 . 573

الاحتجاج به نقل از محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری ، از توقیعی که پس از زیارت معروف به «زیارت آل یاسین» از ناحیه مقدّسه صادر شد : بار خدایا ! بر محمّد ، این حجّت تو در زمینت ، و جانشین تو در سرزمینت ، و دعوت کننده به راه تو ، و برپادارنده عدالت تو ، و خونخواه (/قیام کننده) به فرمان تو ، و سرپرست مؤمنان ، و نابود کننده کافران ، و زداینده تاریکی ها ، و روشن کننده حق ، و برافروزنده [چراغ]حکمت و راستی ، و کلمه تامّ تو در زمینت ، آن نگران بیمناک ، و دوست خیرخواه ، و کشتی نجات ، و نشان هدایت ، و نور دیدگان مردم ، و بهترین کسی که پیراهن و ردا بر تن کرده است ، و برطرف کننده کوری ، همان که زمینِ آکنده از ستم و بیداد را پُر از عدالت و داد می کند ، درود فرست ، که به راستی ، تو بر هر چیز ، توانایی . بار خدایا ! بر ولیّ ات و فرزند اولیایت ، همانان که اطاعت از ایشان را فریضه قرار دادی و حقّشان را واجب گردانیدی و پلیدی را از ایشان بردی و پاک پاکشان ساختی ، درود فرست . بار خدایا ! او را یاری ده ، و به وسیله او [دینت را] یاری رسان و به وسیله او دوستانت و دوستان و شیعیان و هواداران او را [یاری رسان] ، و ما را در زمره ایشان قرار ده . بار خدایا ! او را از گزند هر ستمگر و سرکشی ، و از گزند همه آفریدگانت ، در پناه خویش دار ، و از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپش او را محافظت فرما ، و از این که به او بدی و آسیبی رسد ، پاسداری و نگهداری اش کن ، و در وجود او ، پیامبر و خاندان پیامبرت را نگه دار ، و به واسطه او ، عدالت را آشکار گردان ، و با نصرت خویش مددش رسان ، و یاوران او را یاری رسان ، و وا گذارندگانش را وا گذار ، و به وسیله او ، سردمداران کافران را نابود کن ، و کافران و منافقان و همه بی دینان را در هر کجای زمین ، شرق و غرب و خشکی و دریای آن ، که باشند به قتل رسان ، و به واسطه او ، زمین را از عدالت ، آکنده ساز ، و دین پیامبرت را آشکار (چیره) گردان ، و مرا ای خداوند در زمره یاران و کمککاران و پیروان و شیعیان او در آور ، و مرا شاهد رسیدن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله به آرزوهایشان ، و آنچه دشمنانشان از آن بیمناکند قرار ده . آمین ، ای معبود راستین ، ای پروردگار شُکوه و ارج ، ای مهربان ترینِ مهربانان !» .

.

ص: 512

..

ص: 513

..

ص: 514

..

ص: 515

. .

ص: 516

..

ص: 517

..

ص: 518

..

ص: 519

..

ص: 520

. .

ص: 521

..

ص: 522

. .

ص: 523

. .

ص: 524

. .

ص: 525

. .

ص: 526

. .

ص: 527

. .

ص: 528

. .

ص: 529

. .

ص: 530

. .

ص: 531

. .

ص: 532

. .

ص: 533

. .

ص: 534

. .

ص: 535

. .

ص: 536

. .

ص: 537

. .

ص: 538

. .

ص: 539

. .

ص: 540

. .

ص: 541

. .

ص: 542

. .

ص: 543

. .

ص: 544

. .

ص: 545

. .

ص: 546

. .

ص: 547

..

ص: 548

. .

ص: 549

. .

ص: 550

. .

ص: 551

..

ص: 552

. .

ص: 553

. .

. .

ص: 555

. .

ص: 556

. .

ص: 557

..

ص: 558

. .

ص: 559

. .

ص: 560

..

..

ص: 562

..

. .

ص: 564

..

ص: 565

. .

ص: 566

..

ص: 567

..

ص: 568

..

ص: 569

..

ص: 570

. .

ص: 571

..

ص: 572

. .

ص: 573

. .

ص: 574

..

ص: 575

. .

..

فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ1 . الآداب ، أحمد بن حسين البيهقى (م 458 ق) ، تعليق : أبو عبد اللّه السعيد المندوه ، بيروت :المؤسّسه الثقافيه ، 1408 ق/ 1998 م . 2 . إثبات الوصيّه للإمام على بن أبى طالب عليه السلام ، [المنسوب إلى] على بن الحسين المسعودى(م 346 ق) ، بيروت : دار الأضواء ، 1409 ق ، دوم . 3 . الاحتجاج على أهل اللجاج ، أحمد بن على الطَبَرسى (م 620 ق) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمّد هادى به ، تهران : دار الاُسوه ، 1413 ق ، اوّل . 4 . إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل ، نور اللّه بن السيّد شريف الشوشترى (القاضى التسترى)(م 1019 ق) ، با تصحيح و تعليق : السيّد شهاب الدين المرعشى ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى ، 1411 ق ، اوّل. 5 . إحياء علوم الدين ، محمّد بن محمّد الغزّالى (م 505 ق) ، بيروت : دار الهادى ، 1412 ق ، اوّل. 6 . الاءخبار الطِوال ، أحمد بن داوود الدينَوَرى (م 282 ق) ، تحقيق : عبد المنعم عامر ، قم : الشريفالرضى ، 1409 ق ، اوّل. 7 . الاختصاص ، [المنسوب إلى] محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد)(م 413 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، چهارم . 8 . اختيار معرفه الرجال (رجال الكشّى) ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ،تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1404 ق ، اوّل. 9 . أدب الإملاء و الاستملاء ، عبد الكريم بن محمّد السمعانى (م 562 ق) ، بيروت : دار الكتبالعلميه ، 1401 ق ، اوّل.

.

10 . الاءدب المفرد ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م 256 ق) ، تحقيق : محمّد بن عبد القادر عطا ،بيروت : دار الكتب العلميّه . 11 . الاءذكار النوويه ، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف النَّوَوى (م 671 ق) ، بيروت : دار الفكر . 12 . إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد الديلمى (م 711 ق) ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، 1398 ق ،چهارم . 13 . الاءرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخالمفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل . 14 . أسباب نزول القرآن ، على بن أحمد الواحدى النيسابورى (م 468 ق) ، تحقيق : كمال بِسيونيزُغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 15 . الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ،تحقيق : حسن الموسوى الخرسان ، تهران : دار الكتب الإسلاميّه ، اوّل . 16 . أسد الغابه فى معرفه الصحابه ، على بن أبى الكرم محمّد الشيبانى (ابن الأثير الجَزَرى)(م 630 ق) ، تحقيق : على محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميّه 1415ق ، اوّل. 17 . الاءسماء و الصفات ، أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى ، تحقيق : عبد اللّه بن محمّد الراشدى ،جدّه : مكتبه السوادى . . الاءشعثيّات = الجعفريات . 18 . الاءصابه فى تمييز الصحابه ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقيق : عادلأحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوّض ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1415 ق ، اوّل. 19 . إصلاح المنطق ، يعقوب بن إسحاق بن السِّكّيت (م 244 ق) ، شرح و تحقيق : أحمد محمّد شاكر ،عبد السلام محمّد هارون ، قاهره : دار المعارف ، 1349 ه . ق 1970 م . 20 . الأُصول السّتّه عشر ، نخبه من الرواه ، قم : دار الشبسترى ، 1405 ق ، دوم . 21 . الاعتقادات ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : عاصمعبد السيّد ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل. 22 . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، الحسن بن محمّد الديلمى (م 711 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آلالبيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام .

.

23 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (م 548 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آلالبيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1417 ق ، اوّل. 24 . الاءقبال بالأعمال الحسنه فى ما يعمل مرّه فى السنه : على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس)(م 664 ق) ، تحقيق : السيّدجواد القيّومى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1414 ق ، اوّل. 25 . الزهد ، عبد اللّه بن المبارک الحنظلى المروزى (ابن المبارک) (م 181 ق) ، تحقيق : حبيبالرحمان الأعظمى ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 26 . الاءمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسّسه البعثه ،قم : مؤسّسه البعثه ، 1407 ق ، اوّل. 27 . الاءمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : مؤسّسه البعثه ، قم :دار الثقافه ، 1414 ق ، اوّل. 28 . الاءمالى ، حسين بن إسماعيل المَحاملى (م 330 ق) تحقيق : إبراهيم إبراهيم القيس ، اُردن : المكتبهالإسلاميه ، 1412 ق/ 1991 م . 29 . الاءمالى ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق :حسين اُستاد ولى وعلى أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1404 ق ، دوم . 30 . الاءمالى (الأمالى الخميسيّه) ، يحيى بن الحسين الشجرى (م 499 ق) ، بيروت : عالم الكتب ،1403 ق ، سوم. 31 . الاءمان من أخطار الأسفار و الأزمان ، على بن موسى الحلى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ،تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام . 32 . الاءولياء ، عبد اللّه بن محمّد القُرَشى (ابن أبى الدنيا) (م 281 ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونيزغلول ، بيروت : مؤسّسه الكتب الثقافيه ، 1413 ق/ 1993 م . 33 . اهل بيت در قرآن و حديث ، محمّد محمدى رى شهرى ، ترجمه : حميدرضا شيخى و حميدرضاآژير ، قم : دار الحديث ، 1379ش ، اوّل . 34 . أهل البيت فى آيه التطهير ، السيّد جعفر مرتضى العاملى ، بيروت : دار الأمير للثقافه والعلوم ، 1413 ق ، اوّل. 35 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلاّمه المجلسى) (م 1111 ق) ، بيروت : مؤسّسه الوفاء ، 1403 ق ، دوم .

.

36 . البدایه و النهایه ، إسماعیل بن عمر الدمشقی (ابن کثیر) (م 774 ق) ، تحقیق : مکتبه المعارف ، بیروت : مکتبه المعارف . 37 . البرهان فی تفسیر القرآن (تفسیر البرهان) ، السیّدهاشم بن سلیمان البحرانی (م 1107 ق) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، 1415ق ، اوّل. 38 . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی ، محمّد بن محمّد الطبری (م 525 ق) ، نجف : المطبعه الحیدریّه ، 1383 ق ، دوم . 39 . بصائر الدرجات ، محمّد بن الحسن الصفّار القمّی (ابن فرّوخ) (م 290 ق) ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، 1404 ق ، اوّل. 40 . البلد الأمین و الدرع الحصین ، إبراهیم بن علی الحارثی العاملی (الکفعمی) (م 905 ق) . 41 . تاج العروس من جواهر القاموس ، السیّد محمّد المرتضی بن محمّد الحسینی الزَّبیدی (م 1205 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، 1414 ق ، اوّل. 42 . تاریخ أصبهان ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانی (أبو نعیم) (م 430 ق) ، تحقیق : سیّد کسروی حسن ، بیروت : دار الکتب العلمیّه . 43 . تاریخ الطبری (تاریخ الأُمم و الملوک) ، محمّد بن جریر الطبری (م 310 ق) ، تحقیق : محمّد أبو الفضل إبراهیم ، مصر : دار المعارف . 44 . التاریخ الکبیر ، محمّد بن إسماعیل البخاری (م 256 ق) ، بیروت : دار الفکر . 45 . تاریخ المدینه المنوّره ، عمر بن شَبَّه النَّمیری البصری (م 262 ق) ، تحقیق : فهیم محمّد شلتوت ، بیروت : دار التراث ، 1410 ق ، اوّل. 46 . تاریخ بغداد أو مدینه السلام ، أحمد بن علی الخطیب البغدادی (م 463 ق) ، مدینه : المکتبه السلفیّه . 47 . تاریخ دمشق ، علی بن الحسن بن هبه اللّه الدمشقی (ابن عساکر) (م 571 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، 1415 ق ، اوّل . 48 . تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره (کنز جامع الفوائد) ، السیّدعلی الغروی الحسینی الإسترآبادی (م 940 ق) ، تحقیق : مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، 1407 ق ، اوّل. 49 . التحصین ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، قم : مؤسّسه دار الکتاب ، 1413 ق .

.

50 . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، الحسن بن على الحرّانى (ابن شُعبه) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1404 ق ، دوم . 51 . تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأُمّه فى خصائص الأئمّه عليهم السلام) ، يوسف بن فُرُغلى (سبط ابن الجوزى) (م 654 ق) ، مقدمه : السيّد محمّد صادق بحر العلوم ، تهران : مكتبه نينوى الحديثه . 52 . ترجمه و شرح غرر الحكم و درر الكلم ، آقا جمال خوانسارى ، تحقيق : مير جلال الدين محدّث اُرمَوى ، تهران : دانشگاه تهران ، 1360 ش ، سوم . 53 . الترغيب و الترهيب من الحديث الشريف، عبدالعظيم بن عبد القوى المنذرى الشامى (م 656 . ق) ، تحقيق : مصطفى محمّد عماره ، بيروت : دار إحياء التراث ، 1388 ق ، سوم . 54 . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، إسماعيل بن عمر البُصروى الدمشقى (م 774 ق) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور و محمّد إبراهيم البنّا ، قاهره : دار الشعب . . تفسير ابوالفتوح رازى = روض الجنان و روح الجنان . . تفسير البرهان = البرهان فى تفسير القرآن . 55 . تفسير البيضاوى ، عبد اللّه بن عمر البيضاوى (م 685 ق) ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، 1410 ق/ 1990 م . 56 . تفسير الثعلبى (الجواهر الحسان فى تفسير القرآن) ، عبد الرحمان بن محمّد الثعالبى ، تحقيق : على محمّد معوّض و عادل أحمد عبد الموجود و عبد الفتاح أبو سنه ، بيروت : دار إحياء التراث و مؤسّسه التاريخ العربى ، 1418 ق/ 1997 م . . تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آى القرآن . 57 . تفسير العيّاشى ، محمّد بن مسعود السلمى السمرقندى (العيّاشى) (م 320 ق) ، تحقيق : السيّدهاشم الرسولى المحلاّتى ، تهران : المكتبه العلميّه ، 1380 ق ، اوّل . . تفسير الفخر الرازى = التفسير الكبير و مفاتيح الغيب . . تفسير القرآن العظيم = تفسير ابن كثير . . تفسير القرطبى = الجامع لأحكام القرآن . 58 . تفسير القمّى ، على بن إبراهيم القمّى (م 307 ق) ، به كوشش : السيّد الطيّب الموسوى الجزائرى ، نجف : مطبعه النجف الأشرف . 59 . التفسير الكبير و مفاتيح الغيب (تفسير الفخر الرازى) ، محمّد بن عمر الرازى (الفخر الرازى) (م 604 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1410 ق ، اوّل .

.

60 . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1409ق ، اوّل. . تفسير الميزان = الميزان فى تفسير القرآن . 61 . تفسير فرات الكوفى ، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق 4 ق) ، به كوشش : محمّد الكاظم ، تهران : وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى ، 1410 ق ، اوّل. . تفسير مجمع البيان = مجمع البيان . . تفسير نور الثّقلين = نور الثقلين . 62 . تلخيص الحبير ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (ت 852 ه . ق) ، بيروت : دار المعرفه . 63 . التمحيص ، محمّد بن همّام الإسكافى (ابن همّام) (م 336 ق) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام . 64 . التمهيد لما فى الموطّأ من المعانى و الأسانيد ، يوسف بن عبد اللّه القُرطُبى (ابن عبد البرّ) (م 463 ق) ، تحقيق : مصطفى العلوى و محمّد عبد الكبير البكرى ، جدّه : مكتبه السوادى ، 1387 ق . 65 . تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، ورّام بن أبى فراس الحمدان (م 605 ق) ، بيروت : دار التعارف و دار صعب . 66 . تنبيه الغافلين ، نصر بن محمّد السمرقندى (م 372 ق) ، تحقيق : يوسف على بديوى ، بيروت : دار ابن كثير ، 1413 ق ، اوّل. 67 . التوحيد ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : السيّدهاشم الحسينى الطهرانى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1398 ق ، اوّل. 68 . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، بيروت : دار التعارف ، 1401 ق ، اوّل. 69 . تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمان المزّى (م 742 ق) ، تحقيق : بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، 1409 ق ، اوّل. 70 . تيسير المطالب فى أمالى الإمام أبى طالب ، يحيى بن الحسين الزيدى اليمانى (الإمام أبوطالب) (م 384 ق) ، گردآورى : أحمد بن سعد الدين المسورى (ق 5 ق) ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، 1395 ق ، اوّل.

.

71 . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، تهران : مكتبه الصدوق . 72 . جامع الأحاديث ، جعفر بن أحمد القمّى (ابن الرازى) (ق 4 ق) ، تحقيق : السيّد محمّد الحسينى النيسابورى ، مشهد : مؤسّسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضويّه المقدّسه ، 1413 ق ، اوّل. 73 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أصول الدين ، محمّد بن محمّد الشعيرى السبزوارى (ق 7 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1414 ق ، اوّل. 74 . جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير الطبرى) ، محمّد بن جرير الطبرى (م 310ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1408ق ، اوّل. 75 . الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1401 ق ، اوّل. 76 . الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى) ، محمّد بن أحمد الأنصارى (م 671ق) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمان المرعشلى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1405ق ، دوم . 77 . الجامع لأخلاق الراوى ، أحمد بن على الخطيب البغدادى (م 463 ق) ، تصحيح: محمّد عجاج الخطيب ، بيروت : مؤسّسه الرساله . 78 . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفى (ق 4 ق) ، تهران : مكتبه نينوى (چاپ شده به همراه : قرب الإسناد) . 79 . جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : السيّد جواد القيّومى ، قم : مؤسّسه الآفاق ، 1371 ش ، اوّل. 80 . الجمل و النصره لسيّد العتره فى حرب البصره ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : السيّد على مير شريفى ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل. 81 . جوامع الجامع ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (م 548 ق) ، تهران: مؤسّسه الطبع والنشر التابعه لجامعه طهران ، 1371 ش . . الجواهر الحسان فى تفسير القرآن = تفسير الثعلبى . 82 . جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام ، محمّد حسن النجفى الإصفهانى (م 1266 ق) ، بيروت : مؤسّسه المرتضى العالميه .

.

83 . جواهر المطالب فى مناقب الإمام على بن أبى طالب عليه السلام (المناقب لإبن الدمشقى) ، محمّد بن أحمد الباعونى (م 871 ق) ، تحقيق : محمّد باقر المحمودى ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلاميّه ، 1415 ق ، اوّل. 84 . جهش ها ، محمّدرضا حكيمى ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامى ، 1366ش . 85 . الحاوى للفتاوى فى الفقه و علوم القرآن و الحديث و الأُصول و العقائد و التصوّف و النحو و غيرها ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى . 86 . الحدائق الناضره فى أحكام العتره الطاهره ، يوسف بن أحمد البحرانى (م 1186 ق) ، تحقيق : محمّدتقى الإيروانى ، نجف : دار الكتب الإسلاميه ، 1377 ق . 87 . حليه الأولياء و طبقات الأصفياء ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (أبو نعيم) (م 430 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1387 ق ، دوم . 88 . حياه الحيوان الكبرى ، محمّد بن موسى الدَّميرى (م 808 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى. 89 . الخرائج و الجرائح ، سعيد بن هبه اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1409 ق ، اوّل . 90 . الخصال ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، چهارم . 91 . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1414 ق ، اوّل. 92 . الدروع الواقيه ، على بن موسى الحلى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1414 ق ، اوّل. 93 . دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم ، محمّد بن سلامه (القاضى القضاعى) (م 454 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1401 ق ، اوّل. 94 . دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام ، النعمان بن محمّد التميمى المغربى (القاضى أبو حنيفه) (م 363 ق) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، مصر : دار المعارف ، 1389 ق ، سوم . 95 . الدعاء ، سليمان بن أحمد الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1413 ق ، اوّل.

.

96 . الدعوات ، سعید بن هبه اللّه الراوندی (قطب الدین الراوندی) (م 573 ق) ، تحقیق : مؤسّسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدی علیه السلام ، 1407 ق ، اوّل. 97 . دلائل الإمامه ، محمّد بن جریر الطبری الإمامی (ق 5 ق) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، قم : مؤسّسه البعثه . 98 . دلائل النبوّه ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانی (أبو نعیم) (م 430 ق) تحقیق : محمّد روّاس قلعجی و عبد البرّ عبّاس ، بیروت : دار النفائس ، 1406 ق ، دوم . 99 . ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ، أحمد بن عبد اللّه الطبری (م 693 ق) ، تحقیق : أکرم البوشی ، جدّه : مکتبه الصحابه ، 1415 ق ، اوّل . 100 . ذم الدنیا ، عبد اللّه بن محمّد القُرَشی (ابن أبی الدنیا) (م 281 ق) ، تحقیق : محمّد السعید بسیونی زغلول ، بیروت : مؤسّسه الکتب الثقافیه ، 1413 ق/ 1993م . 101 . ربیع الأبرار و نصوص الأخبار ، محمود بن عمر الزمخشری (م 538 ق) ، تحقیق : سلیم النعیمی ، قم : منشورات الشریف الرضی ، 1410 ق ، اوّل. . رجال الکشّی = اختیار معرفه الرجال . 102 . روض الجنان و روح الجنان (تفسیر ابو الفتوح رازی) ، حسین بن علی رازی (ق 6 ق) ، مشهد : آستان قدس رضوی ، 1371 ش ، اوّل. 103 . روضه المتّقین ، محمّد تقی المجلسی (م 1070ق) ، تصحیح : السیّدحسین الموسوی الکرمانی و علی پناه الإشتهاردی ، تهران : بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور . 104 . روضه الواعظین ، محمّد بن الحسن الفتّال النیسابوری (م 508 ق) ، تحقیق : حسین الأعلمی ، بیروت : مؤسّسه الأعلمی ، 1406 ق ، اوّل . 105 . ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیّد الساجدین ، السیّد علی خان الحسینی المدنی الشیرازی (م 1120ق) ، تصحیح : السیّد محسن الحسینی الأمینی ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامی . 106 . الزهد ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) (م 241 ق) ، بیروت : دار الکتب العلمیه . 107 . الزهد ، حسین بن سعید الکوفی الأهوازی (ق 3 ق) ، قم : المطبعه العلمیه . 108 . سنن ابن ماجه ، محمّد بن یزید القزوینی (ابن ماجه) (م 275 ق) ، تحقیق : محمّد فؤاد عبد الباقی ، بیروت : دار إحیاء التراث ، 1395 ق ، اوّل. 109 . سنن أبی داوود ، سلیمان بن أشعث السجستانی الأزدی (م 275 ق) ، تحقیق : محمّد محیی الدین عبد الحمید ، بیروت : دار إحیاء السنّه النبویّه .

.

110 . سُنَنِ التِّرمِذی (الجامع الصحیح) ، محمّد بن عیسی الترمذی (أبو عیسی) (م 279 ق) ، تحقیق : أحمد محمّد شاکر ، بیروت : دار إحیاء التراث . 111 . سنن الدارقطنی ، علی بن عمر البغدادی (الدارقطنی) (م 285 ق) ، تحقیق : أبو الطیّب محمّد آبادی ، بیروت : عالم الکتب ، 1406 ق ، چهارم . 112 . سنن الدارمی ، عبد اللّه بن عبد الرحمان الدارمی (م 255 ق) ، تحقیق : مصطفی دیب البغا ، بیروت : دار القلم ، 1412 ق ، اوّل. 113 . السنن الکبری ، أحمد بن الحسین البیهقی (م 458 ق) ، تحقیق : محمّد عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، 1414 ق ، اوّل. 114 . السنن الکبری ، أحمد بن شعیب النسائی (م 303 ق) ، تحقیق : عبد الغفار سلیمان البنداری ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، 1411 ق ، اوّل. 115 . سنن النسائی ، أحمد بن شعیب النسائی (م 303 ق) ، بیروت : دار المعرفه ، 1414ق ، سوم . 116 . السنّه ، أحمد بن عمرو الشیبانی (ابن أبی عاصم) (م 278 ق) ، بیروت : المکتب الإسلامی ، 1413 ق ، سوم . 117 . سیر أعلام النبلاء ، محمّد بن أحمد الذهبی (م 748 ق) ، تحقیق : شُعیب الأرنؤوط ، بیروت : مؤسّسه الرساله ، 1414 ق ، دهم . 118 . السیره النبویّه ، عبد الملک بن هشام الحمیری (ابن هشام) (م 218 ق) ، تحقیق : مصطفی السقّا و إبراهیم الأبیاری ، قم : مکتبه المصطفی ، 1355 ق ، اوّل. 119 . شرح الأخبار فی فضائل الأئمّه الأطهار ، النعمان بن محمّد المصری (القاضی أبو حنیفه) (م 363 ق) ، تحقیق: السید محمّد الحسینی الجلالی ، قم: مؤسّسه النشر الإسلامی ، 1412 ق ، اوّل . 120 . شرح الأسماء الحسنی ، هادی بن مهدی سبزواری (ملاّ هادی) (م 1289 ق) ، قم : مکتبه بصیرتی ، 1267 ق ، اوّل. 121 . شرح نهج البلاغه ، عبد الحمید بن محمّد المعتزلی (إبن أبی الحدید) (م 656 ق) ، تحقیق : محمّد أبوالفضل إبراهیم ، بیروت : دار إحیاء التراث ، 1387 ق ، دوم . 122 . شرح نهج البلاغه ، میثم بن علی البحرانی (ابن میثم) (م 689ق) ، بیروت : دار الآثار للنشر ، 1402ق . 123 . شُعب الإیمان ، أحمد بن الحسین البیهقی (م 458 ق) ، تحقیق : محمّد السعید بسیونی زغلول ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، 1410 ق ، اوّل.

.

124 . الشفا بتعريف حقوق المصطفى ، عيّاض بن موسى اليحصبى (القاضى عياض) (م 544 ق) ، بيروت : دارالكتب العلميه . 125 . الشكر ، عبد اللّه بن محمّد القرشى (ابن أبى الدنيا) (م 281 ق) ، تحقيق : طارق الطنطاوى ، قاهره : مكتبه القرآن . 126 . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ، عبيد اللّه بن عبد اللّه النيسابورى (الحاكم الحَسَكانى) (ق 5 ق) ، تحقيق : محمّد باقر المحمودى ، تهران : مؤسّسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى ، 1411 ق ، اوّل . 127 . الصحاح (تاج اللغه وصحاح العربيّه) ، إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (م 398 ق) ، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، بيروت : دار العلم للملايين ، 1410 ق ، چهارم . 128 . صحيح ابن حبّان بترتيب ابن بلبان ، محمّد بن احمد بن حبّان (م 354ق) ، ترتيب : على بن بلبان الفارسى (م 739 ق) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، 1414 ق ، دوم . 129 . صحيح ابن خزيمه ، محمّد بن إسحاق السلمى النيسابورى (ابن خزيمه) (م 311 ق) ، تحقيق : محمّد مصطفى الأعظمى ، بيروت : المكتب الإسلامى ، 1412 ق ، سوم . 130 . صحيح البخارى ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م 256 ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، 1410 ق ، چهارم . 131 . صحيح مسلم ، مسلم بن الحجّاج القشيرى النيسابورى (م 261 ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، قاهره : دار الحديث ، 1412 ق ، اوّل. 132 . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، [المنسوب إلى] الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1408 ق ، اوّل. 133 . الصحيفه السجّاديّه ، [المنسوب إلى] الإمام على بن الحسين عليه السلام ، تصحيح : على أنصاريان ، دمشق : المستشاريه الثقافيه للجمهوريّه الإسلاميّه الإيرانيّه ، 1405 ق . 134 . الصراط المستقيم إلى مستحقّى التقديم ، على بن يونس النباطى البياضى (م 877 ق) ، به كوشش : محمّد باقر البهبودى ، تهران : المكتبه المرتضويّه ، 1384 ق ، اوّل. 135 . صفات الشيعه ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام . 136 . صفه الصفوه ، عبد الرحمان بن على (ابن الجوزى) (م 597 ق) ، تحقيق : عبد السلام محمّد هارون ، بيروت : دار الفكر ، 1413 ق ، اوّل.

.

137 . الصواعق المحرقه فى الردّ على أهل البدع و الزندقه ، أحمد بن حجر الهيثمى الكوفى (م 974 ق) ، به كوشش : عبد الوهّاب عبد اللطيف ، مصر : مكتبه القاهره ، 1385 ق ، دوم . 138 . طبّ الأئمّه عليهم السلام ، ابنا بسطام النيسابوريان ، تحقيق: محسن عقيل ، بيروت: دار المحجه البيضاء و دار الرسول الأكرم . 139 . طبّ النبى صلى الله عليه و آله ، جعفر بن محمّد المستغفرى (أبو العبّاس) (5 5 ق) ، بيروت : مؤسّسه أهل البيت عليهم السلام . 140 . الطبقات الكبرى ، محمّد بن سعد (كاتب الواقدى) (م 230 ق) ، بيروت : دار صادر . 141 . العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه ، الحسن بن يوسف الحلّى (العلاّمه) (م 726 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى ، 1408 ق ، اوّل. 142 . عدّه الداعى و نجاح الساعى ، أحمد بن محمّد الحلّى الأسدى (ابن فهد) (م 841 ق) ، تحقيق : أحمد الموحّدى ، تهران : مكتبه وجدانى . 143 . العزله ، حمد بن محمّد الخطّابى البستى (م 388 ق) ، تحقيق : عبد الغفار بندارى ، بيروت : دار الكتب العلميه . . العسل المصفّى فى تهذيب زين الفتى = زين الفتى . 144 . العقد الفريد ، أحمد بن محمّد الأندلسى (ابن عبد ربّه) (م 328 ق) ، تحقيق : أحمد الزين و إبراهيم الأبيارى ، بيروت : دار الأندلس ، 1408 ق ، اوّل. 145 . علل الشرائع ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث ، 1408 ق ، اوّل. . العمده = عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار . 146 . عمده عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار (العمده) ، يحيى بن الحسن الأسدى الحلّى (ابن البِطْريق) (م 600 ق) ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1407 ق ، اوّل. 147 . عمل اليوم و الليله ، أحمد بن شعيب النسائى (م 303 ق) ، تحقيق : فاروق حماده ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، 1407 ق ، سوم . 148 . عمل اليوم و الليله ، أحمد بن محمّد الدينورى (م 464 ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : مؤسّسه الكتب الثقافيّه ، 1408 ق ، اوّل. 149 . عوالى اللآّلى العزيزيّه فى الأحاديث الدينيّه ، محمّد بن على الأحسائى (ابن أبى جمهور) (م 940 ق) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، قم : مطبعه سيّد الشهداء عليه السلام ، 1403 ق ، اوّل.

.

150 . العين ، خليل بن أحمد الفراهيدى (م 175 ق) ، تحقيق : مهدى المخزومى ، قم : دار الهجره ، 1409 ق ، اوّل. 151 . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الحسينى اللاجوردى ، تهران : جهان . 152 . عيون الحكم و المواعظ ، على بن محمّد الليثى الواسطى (ق 6 ق) ، تحقيق : حسين الحسنى البيرجندى ، قم : دار الحديث ، 1376 ش ، اوّل. 153 . الغارات ، إبراهيم بن محمّد الثقفى (ابن هلال) (م 283 ق) ، تحقيق : مير جلال الدين المحدّث الاُرموى ، تهران : انجمن آثار ملّى ، 1395 ق ، اوّل. 154 . الغدير فى الكتاب و السنّه و الأدب ، عبد الحسين بن أحمد الأمينى (م 1390 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1387 ق ، سوم . . غرر الحكم و درر الكلم ، عبدالواحد الآمِدى التميمى (م 550 ق) = ترجمه و شرح غرر الحكم . 155 . الغيبه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : عباد اللّه الطهرانى وعلى أحمد ناصح ، قم : مؤسّسه المعارف الإسلاميّه ، 1411 ق ، اوّل. 156 . فتح الأبواب ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1409 ق ، اوّل. 157 . الفرج بعد الشدّه ، على بن محمّد التنوخى (م 384 ق) ، بيروت : مؤسّسه النعمان ، 1410 ق ، اوّل. 158 . الفردوس بمأثور الخطاب ، شيرويه بن شهردار الديلمى الهمدانى (م 509 ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1406 ق ، اوّل. 159 . فرهنگ فارسى ، محمّد معين (م 1350ش) ، تهران : اميركبير ، 1371ش . 160 . الفصول المختاره من العيون و المحاسن ، السيّد على بن الحسين الموسوى (الشريف المرتضى) (م 436 ق) ، قم : المؤتمر العالمى بمناسبه ذكرى ألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل. 161 . الفضائل ، شاذان بن جبرئيل القمّى (م 660 ق) ، نجف : المطبعه الحيدريّه ، 1338 ق . 162 . فضائل الأشهر الثلاثه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، قم : مطبعه الآداب، 1396 ق ، اوّل . 163 . فضائل الأوقات ، أحمد بن حسين البيهقى (م 458 ق) ، تحقيق : عدنان عبد الرحمان مجيد القيسى ، مكّه : مكتبه المناره ، 1410ق/ 1990 م .

.

164 . فضائل الشيعه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1410 ق ، اوّل. 165 . فضائل الصحابه ، أحمد بن محمّد بن حنبل (ابن حنبل) (م 241 ق) ، تحقيق : وصى اللّه بن محمّد عبّاس ، مكّه : جامعه اُم القرى ، 1403 ق ، اوّل. 166 . فضائل القرآن ، قاسم بن سلام (م 224 ق) ، تحقيق: مروان العطيه و محسن ضرابه و وفاء تقى الدين ، دمشق : دار ابن كثير ، 1415 ق/ 1995 م . 167 . فضل الصلاه على النبى ، إسماعيل بن إسحاق (م 282 ق) ، تحقيق : ناصر الدين الآلبانى . 168 . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام . . الفقيه = كتاب من لايحضره الفقيه . 169 . الفقيه و المتفقّه ، احمد بن على الخطيب البغدادى (م 463 ق) ، تحقيق: الأنصارى ، بيروت: دار الكتب العلميه . 170 . فلاح السائل ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : غلامحسين مجيدى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1419 ق ، اوّل. 171 . فيض القدير ، محمّد عبد الرؤوف المناوى (ق 10 ق) ، بيروت : دار الفكر . 172 . القاموس المحيط ، محمّد بن يعقوب الفيروز آبادى (م 817 ق) ، بيروت : دار الفكر . 173 . قرب الإسناد ، عبد اللّه بن جعفر الحِمْيرى القمّى (م بعد از 304 ق) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل. 174 . قصص الأنبياء ، سعيد بن هبه اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّه التابع لمؤسّسه الآستانه الرضويّه ، 1409 ق ، اوّل. 175 . الكافى ، محمّد بن يعقوب الكلينى الرازى (ت 329 ه . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، تهران : دار الكتب الإسلاميه ، 1389 ق ، دوم . 176 . كامل الزيارات ، جعفر بن محمّد (ابن قولويه) (م 367 ق) ، تحقيق : جواد القيّومى ، قم : نشر الفقاهه ، 1417 ق ، اوّل. 177 . الكامل فى التاريخ ، على بن محمّد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م 630 ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1408 ق ، اوّل.

.

178 . كتاب من لايحضره الفقيه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، دوم . 179 . الكشّاف ، محمود بن عمر الزمخشرى (م 538 ق) ، بيروت : دار المعرفه . 180 . كشف الخفاء و الألباس عمّا اشتهر من الأحاديث على ألسنه الناس ، إسماعيل بن محمّد العجلونى الجراحى (م 1162 ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه 1408 ق . 181 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربلى (م 687 ق) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولى المحلاّتى ، بيروت : دار الكتاب ، 1401 ق ، اوّل. 182 . كشف المحجّه لثمره المُهْجه ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : محمّد الحسّون ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1412 ق ، اوّل. 183 . الكشف و البيان ، أحمد بن محمّد الثعلبى (م 427 ق) ، تحقيق : أبو محمّد بن عاشور ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1422 ق/ 2002 م . 184 . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، على بن محمّد الخزّاز القمّى (ق 4 ق) ، تحقيق : السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، قم : بيدار ، 1401 ق . 185 . كمال الدين و تمام النعمه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1405 ق ، اوّل. 186 . كنز العمّال فى سنن الأقوال و الأفعال ، على المتّقى بن حسام الدين الهندى (م 975 ق) ، تصحيح : صفوه السقّا ، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، 1397 ق ، اوّل. 187 . كنز الفوائد ، محمّد بن على الكراجكى الطرابلسى (م 449 ق) ، به كوشش : عبد اللّه نعمه ، قم : دار الذخائر ، 1410 ق ، اوّل. . كنز جامع الفوائد = تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره . 188 . لسان العرب ، محمّدبن مكرَّم المصرى الأنصارى (ابن منظور) (م 711 ق) ، بيروت : دار صادر ، 1410 ق ، اوّل. 189 . لسان الميزان ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، مؤسّسه الأعلمى ، 1406 ق ، سوم . 190 . لغت نامه ، على اكبر دهخدا و ديگران ، تهران : دانشگاه تهران ، 1373 ش . 191 . مائه كلمه للإمام أميرالمؤمنين على ، عمرو بن بحر الكنانى (الجاحظ) (م 255 ق) ، تحقيق : رياض مصطفى العبداللّه ، دمشق : دارالحكمه ، 1416 ق .

.

192 . مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين على بن أبى طالب و الأئمّه من ولده عليهم السلام ، محمّد بن أحمد القمّى (ابن شاذان) (ق 5 ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : أنصاريان . 193 . المبسوط فى فقه الإماميّه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : محمّد على الكشفى ، تهران : المكتبه المرتضويّه ، 1387 ق ، سوم . 194 . مثير الأحزان ، محمّد بن جعفر الحلى (ابن الحلّى) (م 645 ق) ، قم : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام . 195 . المجازات النبويّه ، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق) ، تحقيق وشرح : طه محمّد الزينى ، قم : مكتبه بصيرتى . 196 . المجتنى من الدعاء المجتبى ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : صفاء الدين البصرى ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّه ، 1413 ق . 197 . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحى (م 1085 ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، تهران : مكتبه نشر الثقافه الإسلاميّه ، 1408 ق ، دوم . 198 . مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، الفضل بن الحسن الطَبْرِسى (أمين الإسلام) (م 548 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلاّتى والسيّد فضل اللّه اليزدى الطباطبائى ، بيروت : دار المعرفه ، 1408 ق ، دوم . 199 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى (م 807 ق) ، تحقيق : عبد اللّه محمّد درويش ، بيروت : دار الفكر ، 1412 ق ، اوّل. . مجموعه ورّام = تنبيه الخواطر و نزهه النواظر . 200 . محاسبه النفس ، عبد اللّه بن محمّد القُرَشى (ابن أبى الدنيا) (م 308 ق) ، تحقيق : مجدى السيّد إبراهيم ، القاهره : مكتبه القرآن . 201 . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقى القمّى (م 280 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل. 202 . المحبّه فى الكتاب والسنّه ، محمّد الرَّيشَهرى ، بمساعده : محمّد التقديرى ، بيروت : دار الحديث ، 1421 ق ، اوّل . 203 . المحجّه البيضاء فى تهذيب الإحياء ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م 1091 ق) ، با حاشيه : على أكبر الغفّارى ، قم : جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه ، 1383 ق .

.

204 . مختلف الشیعه فی أحکام الشریعه ، حسن بن یوسف الحلّی (م 726 ق) ، تهران : مکتبه نینوی الحدیثه ، 1323 ق . 205 . مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلاّمه المجلسی) (م 1111 ق) ، تحقیق : السیّد هاشم الرسولی المحلاّتی ، تهران : دار الکتب الإسلامیّه ، 1370 ش ، سوم . 206 . المراسیل ، سلیمان بن الأشعث السجستانی (م 275 ق) ، تحقیق: عبد العزیز عزّ الدین السیروان ، بیروت: دار القلم ، 1406 ق . 207 . مروج الذهب و معادن الجوهر ، علی بن الحسین المسعودی (م 346 ق) ، تحقیق : محمّد محیی الدین عبد الحمید ، قاهره : مطبعه السعاده ، 1384 ق ، چهارم . 208 . المزار ، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م 413 ق) ، تحقیق : محمّد باقر الأبطحی ، قم : المؤتمر العالمی لألفیّه الشیخ المفید ، 1413 ق ، اوّل. 209 . المزار ، محمّد بن مکّی العاملی (الشهید الأوّل) (م 786 ق) ، تحقیق : مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدی علیه السلام ، 1410 ق . 210 . المزار الکبیر ، محمّد بن جعفر المشهدی (ق 6 ق) ، تحقیق : السیّدجواد القیّومی الإصفهانی ، قم : قیّوم ، 1419 ق ، اوّل 211 . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، میرزا حسین النوری الطَّبَرسی (م 1320 ق) ، قم : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، 1407 ق ، اوّل. 212 . المستدرک علی الصحیحین ، محمّد بن عبد اللّه الحاکم النیسابوری (م 405 ق) ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، 1411 ق ، اوّل. . مستطرفات السرائر = النوادر . 213 . مسکّن الفؤاد ، زین الدین بن علیّ الجبعی العاملی (الشهید الثانی) (م 965 ق) ، تحقیق: مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم: مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، 1412 ق ، دوم . 214 . المسند ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) (م 241 ق) ، تحقیق : عبد اللّه محمّد الدرویش ، بیروت : دار الفکر ، 1414 ق ، دوم . 215 . مسند ابن جعد ، علی بن الجعد الجوهری (م 230 ق) ، بیروت : مؤسّسه ناور ، 1410ق . 216 . مسند أبی داوود الطیالسی (مسند الطیالسی) ، سلیمان بن داوود البصری (أبو داوود الطیالسی) (م 204 ق) ، بیروت : دار المعرفه .

.

217 . مسند أبی یعلی الموصلی ، أحمد بن علی التمیمی الموصلی (أبو یَعلی) (م 307 ق) ، تحقیق : إرشاد الحقّ الأثری ، جدّه : دار القبله ، 1408 ق ، اوّل. 218 . مسند إسحاق بن راهویه، إسحاق بن إبراهیم الحنظلی المروزی (ابن راهویه) (م 238 ق)، تحقیق : عبد الغفور عبد الحق حسین البلوشی ، مدینه : مکتبه الإیمان ، 1412 ق ، اوّل . 219 . مسند الإمام زید(مسند زید) ، [المنسوب إلی] زید بن علی بن الحسین علیهماالسلام (م 122 ق) ، بیروت : منشورات دار مکتبه الحیاه ، 1966 م ، اوّل. 220 . مسند البزّار (البحر الزخّار) ، أحمد بن عمرو العتکی البزّار (م 292 ق) ، تحقیق : محفوظ الرحمان زین اللّه ، بیروت : مؤسّسه علوم القرآن ، 1409 ق ، اوّل. 221 . مسند الحمیدی ، عبد اللّه بن الزبیر الحمیدی (م 219 ق) ، تحقیق : حبیب الرحمان الأعظمی ، مدینه : المکتبه السلفیّه . 222 . مسند الرویانی ، محمّد بن هارون الرویانی (م 307 ق) ، تحقیق : أیمن علی أبویمانی ، مصر : مؤسّسه قرطبه ، 1416 ق ، اوّل. 223 . مسند الشافعی ، محمّد بن إدریس الشافعی (م 204 ق) ، بیروت : دار الکتب العلمیه . 224 . مسند الشامیین ، سلیمان بن احمد الطبرانی (م 360 ق) ، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی ، بیروت: مؤسّسه الرساله . 225 . مسند الشهاب ، محمّد بن سلامه (القاضی القضاعی) (م 454 ق) ، بیروت : مؤسّسه الرساله . 226 . مسند أبی حنیفه ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانی (أبو نُعیم) (م 430 ق) ، قاهره: مکتبه الآداب ، 1981 م . 227 . مسند أبی یعلی ، أحمد بن علی التمیمی الموصلی (أبو یعلی) (م 307 ق) ، دمشق : دار المأمون للتراث ، 1410 ق/ 1989 م . 228 . مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمیر المؤمنین علیه السلام ، رجب البُرسی (ق 8 ق) ، قم : منشورات الشریف الرضی ، 1415 ق ، اوّل. 229 . مشاهیر علماء الأمصار ، محمّد بن حِبّان البُستی (م 354 ق) ، تحقیق : رزوق علی إبراهیم ، بیروت : دار الوفاء ، 1411 ق ، اوّل. 230 . مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، علی بن الحسن الطَّبْرِسی (ق 7 ق) ، تحقیق : مهدی هوشمند ، قم : دار الحدیث ، 1418 ق ، اوّل.

.

231 . مشکاه المصابیح ، محمّد بن عبد اللّه العمری الخطیب التبریزی (ق 8 ق) ، تحقیق: محمّد ناصر الدین الآلبانی ، دمشق: المکتب الإسلامی . 232 . مصباح الزائر ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقیق : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، 1417 ق ، اوّل. 233 . مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه ، [المنسوب إلی] الإمام الصادق علیه السلام ، شرح : عبد الرزّاق گیلانی ، (م 1089 ق) ، تصحیح : جلال الدین محدّث اُرموی ، تهران : صدوق ، 1407 ق ، سوم. 234 . مصباح المتهجّد ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق) ، تحقیق : علی أصغر مروارید ، بیروت : مؤسّسه فقه الشیعه ، 1411 ق ، اوّل. 235 . المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی ، أحمد بن محمّد الفیّومی (م 770 ق) ، قم : مؤسّسه دار الهجره ، 1414 ق ، دوم . 236 . المصباح فی الأدعیه و الصلوات و الزیارات ، إبراهیم بن علی الحارثی العاملی (الکفعمی) (م 900 ق) ، قم : الشریف الرضی . 237 . المصنَّف ، عبد الرزّاق بن همّام الصنعانی (م 211 ق) ، تحقیق : حبیب الرحمان الأعظمی ، بیروت : منشورات المجلس العلمی . 238 . المصنَّف فی الأحادیث و الآثار ، عبد اللّه بن محمّد العبسی الکوفی (ابن أبی شیبه) (م 235 ق) ، تحقیق : سعید محمّد اللحّام ، بیروت : دار الفکر . 239 . مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول ، محمّد بن طلحه النصیبی الشافعی (م 652 ق) ، تحقیق : ماجد أحمد العطیّه ، بیروت : مؤسّسه اُم القری ، 1420ق . 240 . المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه ، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقیق : حبیب الرحمان الأعظمی ، بیروت : دار المعرفه ، 1414 ق ، اوّل. 241 . معانی الأخبار ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامی ، 1361 ش ، اوّل. 242 . المعجم الأوسط ، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م 360 ق) ، تحقیق : طارق بن عوض اللّه وعبد الحسن بن إبراهیم الحسینی ، قاهره : دار الحرمین ، 1415 ق . 243 . معجم البلدان ، یاقوت بن عبد اللّه الحَمَوی الرومی(م 626 ق) ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی ، 1399 ق ، اوّل.

.

244 . معجم السفر ، احمد بن محمّد السلفى (م 573 ق) ، شرح: عبد اللّه عمر البارودى ، بيروت: دار الفكر ، 1414 ق . 245 . المعجم الصغير ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : محمّد عثمان ، بيروت : دار الفكر ، 1401 ق ، دوم . 246 . معجم الفروق اللغويّه، حسين بن عبد اللّه العسكرى (أبو هلال) (ق 4 ق) ، تحقيق : مؤسّسه النشر الإسلامى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1412 ق. 247 . المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1404 ق ، دوم . 248 . المعجم الوسيط ، مجمع اللغه العربيه في القاهره ، تهران : ناصر خسرو (افست) . 249 . معجم مقاييس اللغه ، أحمد بن فارس الرازى (م 395 ق) ، تحقيق : عبدالسلام محمّد هارون ، مصر : شركه مكتبه مصطفى البابى و أولاده . 250 . معدن الجواهر و رياضه الخواطر ، محمّد بن على الكراجِكى (م 449 ق) ، تحقيق: السيّد أحمد الحسينى ، تهران: المكتبه المرتضويه ، 1394 ق ، دوم . 251 . المغازى ، محمّد بن عمر بن واقد (الواقدى) (م 207 ق) ، تحقيق : مارسدن جونس ، بيروت : عالم الكتب ، 1404 ق ، سوم . 252 . المغنى ، عبد اللّه بن أحمد الدمشقى (ابن قدامه) (م 620 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى . 253 . المغنى عن حمل الأسفار ، عبد الرحيم بن الحسين العراقى (م 806 ق) ، تحقيق: أشرف بن عبد المقصود ، رياض: مكتبه دار طبريه ، 1415 ق . 254 . مفتاح الفلاح فى عمل اليوم واللّيله ، محمّد بن حسين العاملى (الشيخ البهائى) (م 1030 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1415 ق . 255 . مفردات ألفاظ القرآن ، حسين بن محمّد الراغب الإصفهانى (م 502 ق) ، تحقيق : صفوان عدنان داوودى ، بيروت : دار القلم ، 1412 ق ، اوّل. 256 . المقنعه ، محمّد بن محمّد بن النعمان العُكْبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : مؤسّسه النشر الإسلامى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1410 ق ، دوم . 257 . مكائد الشيطان ، عبد اللّه بن محمّد القُرَشى (ابن أبى الدنيا) (م 308 ق) ، قاهره : مكتبه القرآن . 258 . مكارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (أمين الإسلام) (م 548 ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، اوّل.

.

259 . ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (م 1111 ق) تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى النجفى ، 1406 ق ، اوّل. 260 . الملهوف على قتلى الطفوف ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : فارس تبريزيان ، تهران : دار الأُسوه ، 1414 ق ، اوّل. 261 . مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهرآشوب) ، محمّد بن على المازندرانى (ابن شهرآشوب) (م 588 ق) ، قم : المطبعه العلميّه . 262 . مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفى) ، محمّد بن سليمان الكوفى القاضى (م 300 ق) ، تحقيق : محمّد باقر المحمودى ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلاميّه ، 1412 ق ، اوّل . 263 . المناقب (المناقب للخوارزمى) ، الموفّق بن أحمد المكّى الخوارزمى (م 568 ق) تحقيق : مالک المحمودى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، دوم . 264 . مناقب على بن أبى طالب عليه السلام (المناقب لابن المغازلى) ، على بن محمّد الواسطى الشافعى (ابن المغازلى) (م 483 ق) ، به كوشش : محمّد باقر البهبودى ، تهران : المكتبه الإسلاميّه ، 1402 ق ، دوم . . المناقب لابن الدمشقى = جواهر المطالب فى مناقب الإمام على بن أبى طالب عليه السلام . . المناقب لابن شهرآشوب = مناقب آل أبى طالب . . المناقب للكوفى = مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام . 265 . مناقب مرتضوى ، محمّد صالح بن عبد اللّه حسنى ترمذى (م 1060 ق) ، تحقيق : كورش منصورى ، تهران : روزنه ، 1380ش . 266 . المنتخب من مسند عبد بن حُمَيد ، عبد بن حُمَيد (م 249 ق) ، تحقيق : السيّد صبحى البدرى السامرائى ومحمود محمّد خليل الصعيدى ، قاهره : مكتبه السنّه ، 1408 ق ، اوّل. 267 . المنتقى من أخبار المصطفى ، عبد السلام بن تيميّه الحرّانى (م 652 ق) تصحيح : محمّد حامد الفقى ، بيروت : دار المعرفه . 268 . المنجد فى اللغه ، لويس معلوف ، بيروت : دار المشرق ، 1973 م ، بيست و يكم . 269 . منيه المريد ، زين الدين على العاملى (الشهيد الثانى) (م 965 ق) قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1415ق . 270 . موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبّان ، على بن أبى بكر الهيثمى (م 807 ق) ، تحقيق : عبد الرزّاق حمزه ، بيروت : دار الكتب العلميّه .

.

271 . موسوعه الإمام على عليه السلام فى الكتاب والسنّه والتاريخ ، محمّد الرَّيشَهرى و آخرون، قم و بيروت : دار الحديث ، 1422 ق ، اوّل . 272 . موسوعه العقائد الإسلاميه ، محمّد الرّيشهرى ، قم : دار الحديث ، 1425 ق ، اوّل. 273 . الموطّأ ، مالک بن أنس (م 158 ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1406 ق ، اوّل. 274 . مهج الدعوات و منهج العبادات ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، 1414 ق ، اوّل. 275 . المهذّب ، عبد العزيز بن البرّاج الطرابلسى (م 481 ق) ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين ، 1406ق . 276 . الميزان فى تفسير القرآن (تفسير الميزان) ، السيّد محمّد حسين الطباطبائى (م 1404 ق) ، قم : إسماعيليان ، 1394ق ، سوم . 277 . نثر الدرّ ، منصور بن الحسين الآبى (أبو سعيد الوزير) (م 421 ق) ، تحقيق : محمّد على قرنه ، مصر : الهيئه المصريه العامه ، 1981 م ، اوّل . 278 . نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ، الحسين بن محمّد الحلوانى (ق 5 ق) تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1408 ق ، اوّل. 279 . النوادر ، أحمد بن محمّد الأشعرى القمى (م 280 ق)، تحقيق: مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم: مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1408 ق . 280 . النوادر ، فضل اللّه بن على الحسينى الراوندى (م 571 ق) ، تحقيق : سعيدرضا على عسكرى ، قم : دار الحديث ، 1377ش ، اوّل. 281 . نوادر الأُصول فى معرفه أحاديث الرسول ، محمّد بن على بن سوره الترمذى (م 320 ق) ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت: دار الكتب العلميّه ، 1413 ق ، اوّل . 282 . النوادر (مستطرفات السرائر) ، محمّد بن أحمد الحلّى (ابن ادريس) (م 598 ق) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1408 ق ، اوّل . 283 . نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبى المختار صلى الله عليه و آله ، مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجى (م 1298 ق) ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1398 ق ، اوّل. 284 . نور الثقلين (تفسير نور الثقلين) ، على بن جعمه العروسى الحويزى (م 1112 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلاّتى ، قم : إسماعيليان ، 1412ق ، چهارم .

.

285 . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر ، مبارک بن محمّد الجَزَری (ابن الأثیر) (م 606 ق) ، تحقیق : طاهر أحمد الزاوی ، قم : إسماعیلیان ، 1367 ش ، چهارم . 286 . النهایه فی مجرّد الفقه و الفتاوی ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق) ، بیروت : دار الکتاب العربی ، 1390 ق . 287 . وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی (م 1104 ق) ، تحقیق : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام ، 1409 ق ، اوّل. 288 . وقعه صفّین ، نصر بن مزاحم المنقری (م 212 ق) ، تحقیق : عبد السلام محمّد هارون ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، 1382 ق ، دوم . 289 . الهدایه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، قم و تهران : مؤسّسه المطبوعات الدینیه و المکتبه الإسلامیه ، 1337 ق . 290 . ینابیع المودّه لذوی القربی ، سلیمان بن إبراهیم القُندوزی الحنفی (م 1294 ق) ، تحقیق : علی جمال أشرف الحسینی ، تهران : دار الأُسوه ، 1416 ق ، اوّل.

.

ص: 600

. .

فهرست تفصیلی

.

ص: 602

. .

ص: 603

. .

ص: 604

. .

ص: 605

. .

ص: 606

. .

ص: 607

. .

ص: 608

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109